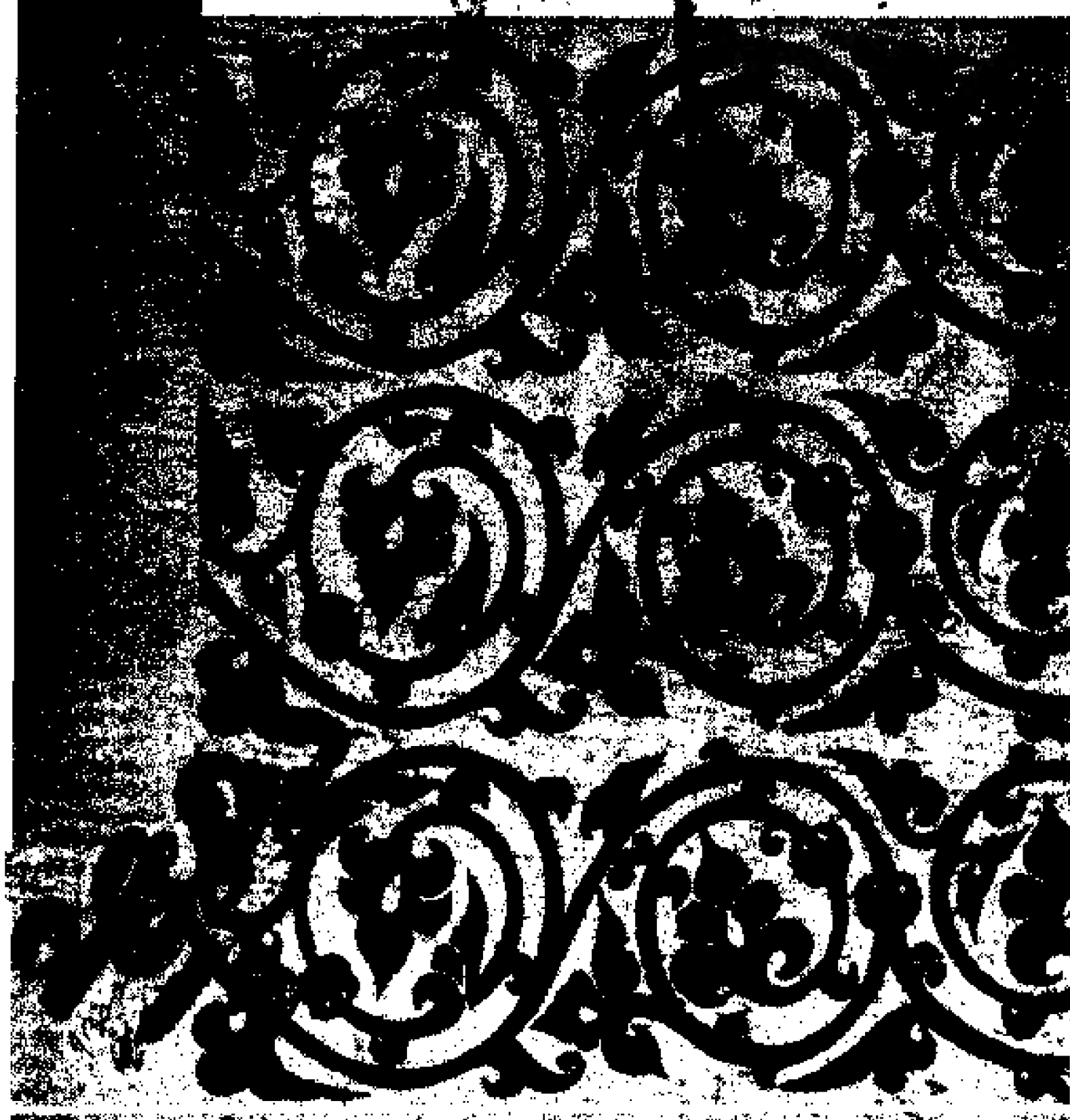


# تایخ نظم و شعر در ایران و در زمان فارسی

تألیف: دکتر محمد علی آلای شیرازی  
۸۹/۵











## دیباچه

در ۱۳۱۱ نخستین قسمت یادداشت‌های من به‌شنوان «تاریخچه مختصری از ادبیات ایران» در سالنامه پارس منتشر شد و پس از آن در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ و ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ دنباله آن تا قسمتی از قرن دهم انتشار یافت. پس از آنکه سالنامه پارس تعطیل شد در صدد برآدم در آن یادداشت‌های چاپ‌شده تجدید نظر کنم و بتکمیل آنها بپردازم و این کتاب بدین گونه فراهم شد. نام آنرا «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی» گذاشتم تا معلوم شود درین کتاب آنچه از آثار این زبان در ایران و آسیای مرکزی و افغانستان و هندوستان و قفقاز و خاک عثمانی (ترکیه) فراهم شده است تاجایی که آگاهی داشته‌ام گرد آورده‌ام و چون ممکن نبود در یک مجلد آنرا بزمان حاضر برسانم ناچار در پایان قرن دهم درنگ کردم. نمیدانم ناتوانی جان‌فرسای که چند پست گرفتار آنم مرا مهال خواهد داد دنباله کار را بگیرم و باین روزگاری که در آنیم برسانم یا نه؟ در هر حال گویا این کتاب نمونه‌ای برای دیگران شده باشد که اگر من کامیاب نشدم بپایان برسانم ایشان دنباله کار را بگیرند و حق این موضوع بسیار وسیع و بسیار دلنشین را ادا کنند. چون دامت این کار بسیار وسیع بود و مطالبی که درین زمینه هست پراکنده در گوشه و کنار مانده است گاهی شده است که در یک جا مطلب ناقص مانده و در جای دیگر آنرا تکمیل کرده‌ام و در مناسبی که نخست بآنها رجوع کرده‌ام مطالب نادرستی بوده است که سپس در جای دیگر اصلاح کرده‌ام. برخی از سراینندگان و نویسندگان در پایان یک قرن و در آغاز قرن بعد زیسته‌اند و بهمین جهت ذکرشان در هر دو قرن رفته است و فهرست‌های پایان کتاب رفع این دشواری را خواهد کرد. تا پایان قرن نهم کتابهایی که درباره شاعران داریم بسیار محدود است و آنچه بر آن کتابها افزوده می‌شود ذکر است که با اشعارشان در سینه‌ها و مجموعه‌ها و جنگها مانده است و چون اطلاعی از ایشان نیست درباره این دسته از سراینندگان تنها بذكر نامشان قناعت کرده‌ام. اما از قرن دهم ببعد کتابهای فراوان در احوال و اشعار سراینندگان به ما رسیده است و درباره همه ایشان بیش و کم آگاهی داریم. بهمین جهت هر چه درباره گوینده‌ای بدست آمده است در جای خود درج می‌نماید یا در تکمله‌ها آورده‌ام.

پیدا است که مقصود ازین کتاب تنها شرح حال و آثار گویندگان و نویسندگان است و ناچار جای آن نبود که نمونه‌ای از اشعار هر سراینده‌ای را ضبط کنم. برای این مقصود کتاب بسیار مفصلی که شامل اشعار ایشانست فراهم کرده‌ام که بیش از یازده مجلد خواهد شد و نمی‌دانم با انتشار آن تا هستم کامیاب خواهم شد یا پس از من کسی بدین کار همت خواهد گذاشت.

درباره هر نویسنده‌ای کوشیده‌ام فهرست کامل از مؤلفات وی فراهم سازم و ناچار فهرست آثار بسیاری از ایشان که بدو زبان فارسی و تازی تألیف کرده‌اند شامل کتابهای هر دو زبانست. بیم آن دارم نه رنجوری و فرسودگی دیگر مرا ازین گونه بهره جویی‌هایی که در هم نشینی با خوانندگان گرامی دارم باز دارد و شاید این سخنان باز پسین پیامهای شورانگیز من بپیشگاه ایشان باشد و بهر حال درخواست دارم هر لغزش و خطایی که درین صحایف ببینند کریمانه مرا از آگاهی بدان سپاسگزار کنند.

شهر یورماه ۱۳۴۳

فید نفیسی



## آغاز سخن

بسیار دشوار است کسی بتواند برای آثاری که از نظم و نثر فارسی درین هزار و صد و ائصالی که از آن میگذرد در جهان مانده است حدی معین کند. با همه کوششی که در متن این کتاب و تکمله پایان آن کردم که فهرستی از سرایندگان و نویسندگان و آثار این زبان گرد آوردم باز در پایان کار متوجه شدم که برخی از نکات فروگذار شده با ناز و بدست آمده است. ارقامی که در حلالین پس از نامها گذاشته شده صحیفه یا صحایفی را که باید مطلب بر آن افزوده شود می رساند :

**قرن دوم :** میر سید علی همدانی در کتاب اسرار و حی این رباعی را که بابوسمید ابوالخیر نیز نسبت داده اند بنام فضیل عیاض ضبط کرده است :

با فاقه و فقر هم نشینم کردی      بی خویش و تیار و بی قرینم کردی  
این مرتبه مقربان در تست      آخر بچه خدمت این چنینم کردی ؟

مراد از فضیل عیاض ابوعلی فضیل بن عیاض فندی خراسانی معاصر هارون الرشید در گذشته در ۱۸۷ است که در جوانی جزو عیاران و راهزنان در میان آبیورد و سرخس بوده و در مکه در گذشته و از اصحاب امام جعفر صادق بوده و کتابی بنام مصباح الشریعه از او مانده است. نزدیک است که این رباعی از او باشد و از سخنان قرن دوم نیست.

**قرن سوم :** کتاب کوچکی بنثر از آثار متصوفه بدست است که در آغاز هر مطلبی نوشته شده است و خواجه امام حداد، گفت و پیدا است مراد از امام حداد عارف مشهور ابو حفص عمرو بن سلمه حداد از مردم روستاهای نیشابور است که او را از پیشوایان علامتیان و مرشد ابو عثمان حیری و شاه شجاع کرمانی و معاصر احمد خضریه و بایزید بسطامی و شاگرد عبداللّه مهدی یاد ردی دانسته اند و نوشته اند که سفر حج کرده و در ۲۶۴ یا ۲۶۵ یا ۲۶۷ در گذشته است و چنان می نماید که ۲۶۴ درست تر باشد. روشن نش این کتاب بزبان ابو حفص حداد و پایان قرن سوم نزدیک نیست و بنثر قرن هفتم می ماند و ممکن است که اصل آن بزبان تازی از ابو حفص حداد بوده و آنرا در قرن هفتم ترجمه کرده باشند.

**قرن چهارم :** قیر ابوعلی دقاق (۲۴) اینک در یک کیلومتری مغرب شهر نسای جدید در جمهوری ترکمنستان در آبادی که بآن «باقر» میگویند معروف است.

قیر ابوسمید ابوالخیر (۲۴) در شهر کوچک میهنه یا مهنه در جمهوری ترکمنستان معروف است که در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شرقی عشق آباد و در جنوب ترکمنستان نزدیک مرز ایران و در میان آبیورد یا باورد و سرخس واقع شده است. اینک مردم محل بآن شهر «مانده» و مزار ابوسمید را «مانه بابا» میگویند و ساختمان کهنه ای دارد و این شهر میهنه جزو بخش فقهیه است و اینکه برخی مزار وی را در مهنه خراسان دانسته اند درست نیست.

زادگاه ابوالریحان بیرونی (۳۰) شهر بیرون شهر کوچکیست که اکنون در ازبکستان شوروی در سرزمین خوارزم در شمال شرقی اورگنج در سمت راست مجرای جیحون واقعست و نایبتر رود فاصله بسیار دارد.

**قرن پنجم :** محمد عبده کاتب (۳۵) دبیر بقران از پادشاهان سلسله خانی یا آل افراسیاب بوده است.

ابو حفص خوزی (۶۵) که نام وی را بخط ابوحفص عبداللّه بن یقظان خوزی نوشته اند از خاندان معروف آل بنجیر از سادات حسینی فارس بوده که چون نخست در روستای بنجیر در سه فرسنگی مشرق گاوکان در ناحیه کر بال فارس می زیسته اند بدین نام معروف شده اند. پدرش عبداللّه بن-

یقظان ایلدچی خوزی از مشایخ بوده و وی در ۲۸۷ ولادت یافته و نخست پدر او را تربیت کرده و پس از مرگ او از اصحاب ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن حنن مقاریضی و پس از مرگ او از اصحاب ابو حیان علی بن محمد توحیدی پنداری شده و با وی بهیچ رفته و دختر او را بزنی گرفته و اجازه ارشاد یافته است. مردی دانشمند و از مشاهیر متصوفه زمان خود بوده و کراماتی بوی نسبت داده اند و سفرهایی کرده و بدیدار ابوسعید ابوالخیر و ابو عبد الله علی بن محمد بن عبد الله با کوی معروف بمبا با کوهی رسیده و در ۸۵ سالگی در ۴۷۲ در گذشته و کتابی بنام کنوز القلوب و رموز انیوب در علوم ضریبه داشته و چند قطعه شعر فارسی از او مانده است.

کتاب تحفة الملوك (۷۲) تألیف علی بن ابی حفص بن فقیه محمود اصفهانیست. از شاعران قرن پنجم: عضدی مشکانی که منظومه‌ای داشته است بنام اهر استودن. از نویسندگان قرن پنجم: ۱) ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گزینی مؤلف زین الاخبار در تاریخ عمومی از آغاز تا پادشاهی عبدالرشید بن مسعود غزنوی (۴۴۱-۴۴۴). ۲) ابوجعفر محمد بن ایوب حاسب طبری از بزرگان علمای ریاضی و نجوم مؤلف کتابهای چند بفارسی و عربی از آن جمله رساله شش فصل در اسطرلاب که بنام ملک شاه سلجوقی در ۴۵۳ تألیف کرده و شمار نامه در حساب و رساله استخراج یا استخراجات.

**قرن ششم:** از شاعران ۱) طیان بنی کرمانی که بجز طیان مرغزی معروف بطیان ژازخای شاعر قرن پنجم بوده و چند قطعه شعر از او مانده است. ۲) مظفری مداح اسپهبد اسپهبدان شهر نوش ملک ماژدران. ۳) حسام فسی از شاعران مداح رکن الدین طغاج خان از پادشاهان خانی یا آل افراسیاب در سمرقند.

از نویسندگان قرن ششم: ۱) خواجه ابویقوب یوسف بن ایوب همدانی از بزرگان مشایخ طریقه خواجهگان که تاریخ ولادتش را بر خی ۴۴۰ و بر خی ۴۹۲ نوشته اند و تاریخ دوم درستست. وی در ماوراءالنهر میزیسته و خلیفه ابوعلی فارمدی طوسی بوده و عارف مشهور عبدالحق خجندیانی خلیفه وی بوده است و رساله‌ای در مقامات وی بنام رساله صاحبیه نوشته است و او در پایان زندگی که از بخارا بیرون رفته در راه در روزینجشنبه ۸ محرم ۵۳۵ در مرو در گذشته و اینک مزارش در محل معروف ببیرام علی در ۳۰ کیلومتری مرو کنونی در جمهوری ترکمنستان بنام خواجه یوسف زیارتگاهست. وی شرحی بر منازل السائرین عبد الله انصاری نوشته است.

۲) شهاب الدین یا مؤید الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد منشی نسوی زیدری از مردم خرنندز از توابع زیدرو نسا و از دبیران دربار جلال الدین خوارزمشاه بوده و تا ۶۲۸ در سفرها و لشکر کشیها با وی همراه بوده و سیرت جلال الدین مینکبری و نفثة المصدور ازوست و در صحیفه ۹۴ لقب وی استباها نورالدین نوشته شده است.

۳) نورالدین منشی پسر تاج الدین علی بن ابوالمعالی کریم الشرق از دبیران دربار جلال الدین مینکبری و از مردم کدکن در ناحیه رخ از توابع نیشابور و زاوه که اکنون جزو ناحیه تربت حیدریست. پدرش وزیر غیاث الدین پیر شاه خوارزمشاهی در کرمان بوده و در ۶۱۸ یا آن شهر رفته و در اواخر ۶۲۴ یا اوایل ۶۲۵ در آنجا بدست براق حاجب کشته شده است. وی نیز در آن شهر از منشیان دستگاه غیاث الدین بوده و سپس بدربار جلال الدین رفته و با او سفرهای چند باذربایجان و بیلقان واران و تفلیس کرده و شعر را استادانه میسروده و کتابی بنام وسائل السایل و دلایل الفضایل شامل مکاتبات خود نوشته و نیز ترسلی داشته است.

۴) مؤید الدین یا مؤید الدین علی بن احمد کاتب بدیع تابیك جوینی از دبیران معروف دربار سنجر و خالجد شمس الدین صاحب دیوان و عظام ملک جوینی بوده است. از جوانی در مرو سکنی گرفته و از معدود حاکمان انوری و از اعیان دربار بشمار میرفته و در زیحجه ۵۴۸ در گذشته است. وی مؤلف کتابیست بنام عتبة الکته که شامل منشآت اوست و بدستور ناصر الدین ابوالفتح طاهر بن فخر الملک مظفر بن نظام الملک وزیر سنجر گرد آورده است.

(۵) شهریار بن بهمنیار فارسی مؤلف کتاب تجارب شهریار در صنعت که تقریباً ترجمه سرالاسرار تألیف محمد بن زکریا رازیست .

(۶) ابوجعفر احمد بن علی بن ابوجعفر محمد بن صالح بیهقی معروف ببوجعفر یا جعفر از بزرگان ادبای زمان خود و استاد در ادب تازی بوده و در ۵۴۴ در گذشته و مؤلف کتابیست در لغت تازی بفارسی بنام تاج المصادر .

(۷) دیگر از کتابهای قرن ششم کتابیست در مقامات امیر کلال از بزرگان مشایخ طریقه خواجگان که مؤلف آن معلوم نیست .

**قرن هفتم :** (۱) نام خانقاه علاءالدوله سمنانی (۱۴۸ و ۷۳۳) را در صوفی آباد سکاکیه نوشته اند و گفته اند در ۱۶ سال که در آنجا بوده ۴۰ ربیع و ۱۳۰ خلوت متفرقه داشته و ۷۷ سال و دو ماه و چهار روز در جهان زیسته و در کنار قبر عمادالدین عبدالوهاب وی را بخاک سپرده اند . و دیگر از مؤلفات اوست قواطع السواطع و شرح رساله ذوالاعتبار و صحیح السنن .

(۲) سعدی (۱۶۷) ضیاءالدین برنی در تاریخ فیروز شاهی (چاپ کلکته ۱۸۶۲ ص ۶۸) که در ۷۵۸ تألیف کرده است درباره خان شهید پسر مهتر غیاث الدین بلبن (۶۶۴-۶۸۵) پادشاه معروف هند که حکمران ملتان بوده و در ۶۸۴ کشته شده است چنین می نویسد : «خان شهید از وفور دانشی که داشت دو کورت از ملتان در طلب شیخ سعدی قاصداً و حامداً کسان و خرج در شیراز فرستاد و شیخ را در ملتان طلب کرد و خواست که بجهت او در ملتان خانقاه سازد و در آن خانقاه دهها وقف کند . خواجه سعدی از ضعف پیری نتوانست آمد و هر دو کورت یکان سفینه غزل بخط خود بر خان فرستاد و هذرتیامدن خود در قلم آورد . مولوی احمدعلی در کتاب «قصر عارفان» که در ۱۲۹۱ تألیف کرده (در مجله اورینتل کالج میکزین چاپ چاپ لاهور شماره اگست ۱۹۶۵ ص ۳۲۹ چاپ شده) چنین آورد است : «خان شهید پسر کلان وی (غیاث الدین بلبن) که امارت ملتان داشت بسی قدردان صاحب جوهر و اهل هنر بود . حضرت امیر خسرو با وی رفاقت داشت . سعدی شیرازی را چند بار از ملتان نقود و اجناس لایق بطریق تنایف فرستاده ، استدعای قدوم رنجگی کرد . حضرت شیخ عنبر ضعف و پیری در تحریر آورد و تعزیف حضرت خسرو نگاشت و از تصانیف خود کتاب گلستان و بوستان و کریمیا و دیوان غزلیات و جمیع هزلیات بطور تحف فرستاد ، که در هند از وقت وی قبول خاص و عام یافت و نام نامی حضرت شیخ فروغ عالی گرفت . شیخ آذری در جواهر الانوار می آورد که حضرت شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بدیدن امیر خسرو در هند آمد ، الا از دیگر کتب ذکر این حال یافت نمی شود . پیدا است که این واقعه مربوط بسالهای پیش از ۶۸۴ و کشته شدن خان شهید بوده است .

(۳) سیف الدین باخرزی (۱۷۴-۱۷۵ و ۷۴۳) در فتح آباد بیرون شهر بخارا میزیسته و بهمین جهت بشیخ فتح آباد معروف شده بود . اینک مزار وی در نه کیلومتری شمال بخارا در همان روستاست که بمناسبت لقب وی که شیخ العالم بوده نام آن کالخورا هم شیخ العالم گذاشته اند . دیگر از آثار وی رساله عشق را باید دانست .

(۴) ناصر یا ناصری (۱۷۷) سراینده فتوت نامه ناصری سیواسی از شاعران آسیای صغیر بوده و بجز فتوت نامه که در ۶۸۹ بیابان رسانده مشنوی دیگری بنام کتاب الاشراف در ۶۹۹ بیابان رسانده است .

چندتن از شاعران قرن هفتم تنها نامشان و برخی از اشعارشان در سفینه ای که محمد بن یغور نام در آغاز قرن هشتم تدوین کرده آمده است بدین گونه : ابوالفتوح ، الفضل الدین ، اوجده ، طالقانی ، برهان الاسلام ، برهان الدین سمرقندی ، بهاء الدین بلخی ، حکیم جبایی ، جمال الدین فتونی ، جمال الدین سمرقندی عروسی ، جمال الدین شائقی ، جمال الدین قرشی ، حسام الدین تبیره ،

حمیدالدین ، حمیدسیمکش ، رشیدالدین ، زین‌الدین قدسی ، سراج‌الدین سیستانی ، سعدرضی ، سعیدالدین متطیب سمرقندی ، سعیدبابی ، سعیدنچاراوشی ، سیداحسیکتی ، شاه کریم سمرقندی ، شرف‌الدین ختلی ، شمس‌انوری ، ظهیرالدین ابونصر سگزی ، خواجدهیده ، علاءالدین زرگر ، علاءالدین شاه ، علاءزیارت ، علوی‌نسوی ، سیدعمادالدین ، خواص‌گنبدی ، فخرالدین جامدی ، فخرالدین خالدی ، فخرعالم ، محمد شمال ، محیی‌دهستانی ، مسعود وراق ، امام منصور کریمی ، نصرالله‌فزنوی ، نصیرالدین ادیب ، نظام‌الدین جندی ، نظام‌الدین دریندی ، نظام‌الدین کاتب ، ورتیجی .

از نویسندگان قرن هفتم : ۱) قاضی محمود بن عمر بن محمود بن منصور سگزی ربیعجی مؤلف کتاب مذهب الاسماع در لغت تازی بقارسی .

۲) عبدالله بن علی مؤلف سعادت‌نامه یا رساله‌الملکیه در صنعت انشا که در ۷۰۶ بنام سعدالدین ابن تاج‌الدین علی ساوجی تألیف کرده است .

**قرن هشتم :** شمس‌الدین محمد بن فخرالدین هندو شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخبجوانی (۱۸۴ و ۷۵۲) کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب را در ۷۶۱ پایان رسانده است .

شاه نعمه‌الله ولی (۱۸۷-۱۹۰ و ۷۵۳) اصل وی را از قهستان خراسان و رحلتش را در ۸۰ سالگی در سال ۸۲۷ نوشته‌اند و این مطلب درست نیست . کتابی بنام روح‌نامه نیز از ویست . فصیح‌الدین بن عبدالکریم نظامی (۲۶۲) مؤلف شرح اربعین محیی‌الدین ابوزکریا یحیی‌نوی .

میرسید شریف گرگانی (۱۹۰ و ۷۵۳) رحلت وی را در ۸۱۴ در ۷۶ سالگی نیز نوشته‌اند . میرسیدعلی همدانی (۱۹۵ و ۷۵۳) نام پدرش را شهاب‌الدین محمد بن یوسف بن شریف بن محمد بن جعفر بن عبدالزاهد بن حسین الاضر بن امام زین‌العابدین نوشته‌اند . از مریدان شرف‌الدین محمود بن عبدالله مرقی بوده و رحلت او را در ۱۶ ذیحجه ۷۸۴ نیز ضبط کرده‌اند . در شعر علایی تخلص می‌کرده و مؤلفات دیگری بدین گونه است : شرح اسماعالله ، اسراروحی ، چهل حدیث وجواهر عقود وایمان ، اسرار النقطه ، رساله اعتقادیه ، رساله همدانیه ، رساله درویشیه ، رساله حل‌مشکل ، رساله مشیبیه ، رساله بهرامشاهیه ، رساله حقیقت‌ایمان ، رساله منامیه ، رساله داودیه ، رساله موجلکیه ، رساله حق‌الیقین ، رساله در باب علمای دین ، رساله صفت الفقراء ، مکتوبات ، غزلیات .

بهاء‌الدین نقشبند (۱۹۲ و ۷۶۶ و ۲۲۰) قبر وی در همان روستای قصر عارفان که مسکن وی در بیرون شهر بخارا بوده زیارتگاه و از ساختمانهای معروف اطراف بخارا است و اکنون در ۱۲ کیلومتری شهر واقع شده و آن بخش را بخش بهاء‌الدین می‌نامند و از توابع شهر کاگان بشمار می‌رود و تازادگاه وی که خانقاه او در آنجا بوده و هنوز بهمان نام قصر عارفان معروفست در ۷ کیلومتر مسافت دارد .

خواجوا کرمانی (۲۰۰) نوشته‌اند که با علاءالدوله سمنائی ملاقات کرده و مرگش را در ۷۴۲ نیز نوشته‌اند و این درست نیست .

ابن‌یمین فریومدی (۲۰۱) وی را مداح امیر محمود سرپداری دانسته‌اند و رحلتش را در ۷۴۵ نیز ضبط کرده‌اند و گفته‌اند در فریومد در کنار پدرش وی را بخاک سپرده‌اند . سلمان ساوجی (۲۰۲) رحلت وی را در ۷۴۹ و ۷۷۷ نیز ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند در بغداد در گذشته و این نکات درست نیست و نیز گفته‌اند بیش از ۸۰ سال زیسته است .

حافظ شیرازی (۲۰۵-۲۰۶ و ۷۶۱-۷۶۲) در کتابخانه فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان در تاشکند نسخه‌ای از خمسة خسرو دهلوی شماره ۲۱۷۹ هست که به کتاب آن بخط حافظست : اسکندرنامه که در ۲۴ صفر ۷۵۶ و هشت بهشت که در دوشنبه ۱۶ ربیع‌الآخر ۷۵۶ و خسرو شیرین که در ۱۳ جمادی‌الاولی ۷۵۶ پایان رسانده و همه‌جا «محمد بن محمد بن محمد المقلب بشمس»

الحافظ الشیرازی» رقم کرده است و بخط پخته خوب نوشته است. نوشته‌اند که شمس‌الدین محمد بخاری معروف بمحمد معمایی که در دستگاه بایربن بایستغی منصب صدارت داشته ساختمان‌ی بر سر خاک وی کرده است.

لطف‌الله نیشابوری (۲۱۰ و ۷۶۳) در گذشتی را در ۷۸۴ نوشته‌اند و درست نیست. کمال‌الدین خجندی (۲۱۰-۳۱۱) نوشته‌اند چهارده سال در شهر سرای‌ماند و تاریخ مرگش را در ۷۹۳ نوشته‌اند و گفته‌اند در سرخاب مدفون شد.

محمد پارسا (۲۲۱) کتاب فصل الخطاب را در ۸۱۲ بیایان رسانده و رساله کشفیه ازوست. **قرن نهم:** کمال‌الدین حسین خوارزمی (۲۴۲-۲۴۳) لقب پدرش رازین‌الدین نوشته‌اند. شرف‌الدین علی بن‌دی (۲۴۸-۲۴۹ و ۷۷۵) نام کتاب وی را در ارثماطیقی کنزالمراد نیز نوشته‌اند.

الغریبک (۲۴۹-۲۵۰) روز تولدش را یکشنبه ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند ساختمان مدرسه وی در سمرقند در ۸۲۸ و ساختمان رصدخانه در ۸۳۲ بیایان رسید و زیج خود را در ۸۵۳ بانجام رسانده است و تاریخ کشته شدنش را در ۸ رمضان بدست عباس نام که از خدمت گزاران پسرش عبداللطیف بوده است نیز ضبط کرده‌اند.

کمال‌الدین عبدالرزاق (۲۵۰-۲۵۱) رحلتش را در جمادی‌الاولی ۸۸۴ هم نوشته‌اند و این درست نمی‌نماید.

ابونصر پارسا (۲۸۱) در ذیقعدة ۸۶۵ در گذشته و کتابی بنام تحقیقات دارد. قاسم افوار (۲۹۱-۲۹۲ و ۷۸۶) رحلت وی را در اوایل ربیع‌الاول ۸۳۷ دانسته‌اند و او را از مردم سرخاب شمرده‌اند.

عصمت بخاری (۲۹۶) در گذشتی را در ۸۴۰ نوشته‌اند و تصریح کرده‌اند که در بخارا مدفون شده است.

طالب‌جاجرمی (۳۰۱) نوشته‌اند از شاگردان آذری بوده است. سید عمادالدین نسیمی (۳۳۵ و ۷۸۹) برخی وی را از مردم حلب دانسته‌اند و این درست نیست.

سعدالدین کاشغری (۷۸۴) رحلت وی را در هرات در روز چهارشنبه ۷ جمادی‌الآخره ۸۵۹ و یا ۸۶۰ نیز ضبط کرده‌اند.

عبدالقهار سمرقندی (۳۲۹) لقبش را شرف‌الدین هم نوشته‌اند. بایسنقر (۸۹۷-۷۹۸) ولادتش را در ۷۹۹ هم نوشته‌اند و تصریح کرده‌اند که در باغ سفید هرات در گذشته است.

جمال‌الدین عطاءالله مشهدی (۳۳۴) از شاعران و وزیران دربار سلطان حسین بایقرا نیز بوده است. نوشته‌اند در زمان شیبانی کاری نپذیرفت. رحلت وی را در روز یکشنبه دوم ربیع‌الاول ۹۵۷ در هرات نوشته‌اند و این درست نمی‌نماید. نیز نوشته‌اند که در مزار شیخ علی صوفی‌اورا بخاک سپرده‌اند.

شمس‌الدین محمد اتدجانی معروف بمیر میرهنه (۳۲۷) رحلتش را در هرات در ربیع‌الاول ۸۹۸ نیز نوشته‌اند.

میر حسین معمایی (۲۹۲-۲۹۳) نیشابوری بوده و در گذشت وی را در شعبان ۹۰۴ هم نوشته‌اند.

سلطان محمد بدخشانی (۳۰۶) بدخشی تخلص می‌کرده است. معین‌الدین بن شرف‌الدین محمد فراهی (۲۴۲) بهروی نیز معروف بوده و وفات وی را در ۹۰۹ هم ضبط کرده‌اند.

حسامی قراکولی (۳۱۸) از مردم خیوه ساکن قراکول و از مریدان صییدالله احرار بوده

و مرگ وی را در ربیع الاول ۹۱۱ قمری نوشته‌اند.

عبد الغفور لاری (۲۵۵) آنچه بر شرح کافیّه نوشته حاشیه‌ایست که بر شرح جامی نوشته است و رحلت وی را در یکشنبه ۵ شعبان ۹۰۲ هم ضبط کرده‌اند.

ریاضی‌زاوی (۳۴۴) در زمان سلطان حسین بایقرا قاضی‌زاوه بوده و پس از آن وارد دربار شاه اسمعیل شده و شاه نظم فتوحات خود را از او خواسته و وی بدین کار آغاز کرده اما ناتمام مانده و در ۹۲۹ درگذشته است.

شهاب‌الدین عبدالله بن شمس‌الدین مروارید کرمانی (۲۵۹) از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان بدیع‌الزمان میرزا منصب صدارت داشته و سپس پشاه اسمعیل پیوسته و تاریخ سلطنت و راجع بنام تاریخ شاهنشاهی بنظم آورده و خسرو و شیرین نیز نبوده است.

بنایی هروی (۳۱۰) پدرش استاد محمد سنن معمار ثام داشته و تاریخ کشته شدنش را ۹۲۲ هم نوشته‌اند.

آصفی هروی (۳۰۸) جدش ملا عبدالعلی از وزرای تیمور و پدرش وزیر ابوسعید خان بن سلطان محمد بن میرانشاه بوده و نوشته‌اند ۷۰ سال عمر کرده و رحلتش را در دوم ماه برات ۹۲۳ هم ضبط کرده‌اند.

شاعران دیگر قرن نهم: ۱) مولانا محمد زاهد از شاعران پایان قرن هشتم و آغاز این قرن (۲۰) محمد قندهاری که رساله‌ای در معما بنام بایسنخ نوشته است (۳۰) قاضی خواجه خرد سمرقندی (۴۰) محمد بن عبدالغفار و صالی قزوینی پدر قاضی احمد مؤلف نگارستان.

نویسندگان دیگر قرن نهم: ۱) خواجه احمد مستوفی مؤلف تاریخ‌گزیده که بجز تاریخ‌گزیده تألیف حمدالله مستوفیست (۲) جمال‌الدین علی بن حسین بن علی بن مهنا داودی حسنی کرمانی، جدش مهنا سیر کسی بوده که نام او را عتبة الاصغر یا عقبه یا عنیسه و یا عنیه نوشته‌اند و بهمین جهت باین عنیسه یا ابن عقبه و یا ابن عنیه معروف شده ولی ابن عنیه درست‌ترست. وی از شاگردان علی بن محمد مصوفی نسابه و ابونصر بن عبدالله بخاری نسابه بوده و در کرمان در ۸۲۷ یا در ۷ صفر ۸۲۸ درگذشته و مؤلف چندین کتاب بتازی و فارسی در انساب است از آن جمله عمدة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب بحر بی که در ۸۱۴ بنام تیمور بیایان رسانیده و بحر الانساب فارسی و الفصول الثریه فی اصول البریه ی فارسی و تحفة الجالیة فی انساب الطالبیه ی فارسی (۳) حسین بن حسن بن محمد حسینی حنفی دیاربکری آمدی متخلص بشریف درگذشته در حدود ۹۲۰. که شاهنامه فردوسی را در مصر ببحر هزج بنام قانصوه غوری از ممالیک در قاهره بشر کی ترجمه کرده و نسخه‌اصل که بخط اوست تاریخ دوم ذیحجه ۹۱۶ را دارد (۴) ابوبکر طهرانی اصفهانی مؤلف کتاب دیار بکریه در تاریخ اوزون حسن آق-قویونلو که در ۸۷۵ بیان رسانیده و گمان نمی‌رود همان ابوبکر طهرانی مؤلف جهان آرا برای شاه طهماسب باشد (۸۴۲) که در ۹۳۰ یعنی ۵۵ سال پیش از آن تألیف کرده است.

**قرن دهم:** فغانی (۳۱۵) در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات بود و پس از مرگ وی بمراق آمد و در پایان زندگی با شاه اسمعیل بخراسان رفت و در باورد ساکن شد و در آنجا مرد. حافظ تائیش (۴۸۸) نخست نخلی و سپس گرامی تخلص کرده است.

مولانا ابتری (۵۴۲ و ۸۳۳) مردی دانشمند و عاشق‌پیشه بود، چندی در هرات زیسته و در زمان عبیدالله خان در بخارا بوده و در ۹۵۳ درگذشته است.

قاضی اختیارالدین حسن (۲۷۸) رحلتش را در ۹۲۷ هم نوشته‌اند.

ظهوری تبریزی (۵۲۵) ظاهراً ملا نیاز نام داشته و در تته می‌زیسته است.



هلالی جغتایی (۴۰۹) تاریخ کشته شدنش را ۹۳۶ هم نوشته‌اند و گفته‌اند قاتل وی سیف‌الله نام داشته است .

شهاب‌العمایی (۳۴۵) مؤلف چندین رساله در معما بوده و در ۹۴۳ در گذشته است .  
عصام‌الدین ابراهیم بن عرب‌شاه اسفراینی (۶۲۳) از بزرگان علمای هرات در زمان سلطان حسین بایقرا بوده و پس از استیلاي ازبکان بخارا رفت و عبیدالله خان وی را بسیار گرامی داشت و در آنجا بتدریس مشغول شد و برای رباعی که عبیدالله خان سروده بود ۶۵۶ معنی نوشت و در ۹۴۳ درگذشت . وی مؤلفات چند دارد از آن جمله حاشیه بر تفسیر بیضاوی و حاشیه بر شرح جامی و حاشیه بر شرح شمسیه .

احمد بن جلال‌الدین کاشانی (۴۰۰-۴۰۱) پدرش معروف بن خواجگی و این خانواده از مردم کاشان از توابع اندکان بوده‌اند و وی از مریدان مولانا قاضی و او مرید عبیدالله احرار و خود از مشایخ معروف تصوف ماوراءالنهر بوده و او را مخدوم اعظم خطاب می‌کرده‌اند . تاریخ رحلت وی را ۹۵۶ هم نوشته‌اند و مؤلفات دیگری بدین گونه است : تنبیه الغافلین ، رساله بقائیه ، نصیحة السالکین ، رساله فنائیه ، رساله شیبیه ، شرح آیات ، بیان سلسله ، چهارگانه ، بطیخیه .  
شیدای بلخی (۶۲۶ شماره ۹۷۸) در ۹۴۲ در گذشته است .

خواجه کلان پخته سمرقندی (۵۹۰) کتابدار ابدال سلطان بن عبداللطیف خان ازبک بوده است .

ارسلان مشهدی (۴۱۹ و ۶۲۳) از مردم زیارتگاه در خراسان بود و عبدالؤمن خان ازبک او را ببلخ برد و پس از چندی بحدیث رفت و در بازگشت در دربار اکبر در هند ماند و ظاهر آنکه ۹۸۰ زنده بوده است .

زین‌الدین ابوبکر علی‌تایبادی (۲۲۱ و ۷۶۶) بجزوی دیگری از مشایخ تصوف بنام ملازین الدین ابوبکر تایبادی ساکن ماوراءالنهر بوده که در ۹۹۴ در گذشته و برخی این دورا بایکدیگر اشتباه کرده‌اند .

مشفقی (۵۶۸-۵۶۹ و ۷۳۶) در حکمت و هیئت و فن قرعه و حساب نیز دست داشته و پس از مرگ سلطان سعیدخان بخارا رفته و در آنجا در مزار شیخ جلال مدفون شده است و دیگر از آثار اوست مثنوی حسن و دل .

میرعلی‌کاتب (۶۲۱-۶۲۲) در هرات متولد شده و در مشهد پرورش یافته و در خط از شاگردان زین‌الدین محمدکاتب بوده است . در ۹۲۵ ب ماوراءالنهر رفت و در ۹۵۳ در بخارا درگذشت و در مزار سیف‌الدین باخرزی مدفون شد .

شاه‌طاهر دکنی (۳۶۷-۳۶۸ و ۸۰۲-۸۰۵) وفاتش را در ۹۵۳ هم نوشته‌اند .  
خواجه عبدالشهید (۷۸۲) نوشته‌اند که در ۹۵۴ در گذشته است اما درست نیست زیرا که در ۹۸۴ از سفر هند ب سمرقند بازگشته است .

نیازی بخاری (۵۵۶ و ۸۳۵) نام پدرش سید محمد بوده است .

ملا محمد امین مفتی (۶۳۳) کتابی بنام امینیه نوشته است .

محووی هروی (۳۴۷) بمحووی عطار معروف بوده است .

دیگر از نویسندگان قرن دهم: ۱) محمد قزوینی مؤلف در بند نامه در تاریخ در بند و داغستان که بترکی هم ترجمه شده است . ۲) ملا عصمت‌الله سمرقندی پسر مهتر مولانا محمود بن مولانا نعمت‌الله از بازماندگان خواجه عارف ریوگری بخاری عارف مشهور و از دانشمندان نامی زمان خود بود . در سمرقند دانش آموخت و در حکمت و ریاضی استاد بود و در زمان عبیدالله خان ازبک بر همه دانشمندان برتری داشت . مردی پرهیزگار و دین‌دار بود و طلاب بوی بسیار محقق بودند . در ضمن شاعر زبردستی بود و غزل را نیکو می‌سرود و در سال ۱۰۰۰ درگذشت . مؤلفات بسیار دارد از آن جمله : نجات‌القاری در قرائت قرآن ، سؤال و جواب ، مسئله غریبه ، رساله راسته ،

## آغاز سخن

رساله حسینیة در آداب طهارت ، رساله در تحقیق سلسله جهنیه ، حاشیه بر شرح ملا تا بیست فعل ، حاشیه بر شرح عقاید از عذاب قبر تا آخر ( ۳ ) حسن چلبی ظریفی در گذشته در ۱۰۱۲ از اصحاب شیخ ابراهیم گلشنی در گذشته در قاهره در ۹۰۴ مؤلف کشف الاسرار و مطلع الانوار در شرح مشنوی که پیش از ۹۸۳ تألیف کرده است ( ۴ ) عزالدین بن علی سرخسی مؤلف قوافی نامه شامل فهرست کلمات بترتیب حرف آخر شامل دو قسمت عربی و فارسی که پیش از ۹۴۷ تألیف کرده است ( ۵ ) درویش ادریس بن یوسف مؤلف شرح مشکلات گلستان سعدی شرح اشعار و جمله های عربی و فارسی و ترجمه لغات بترتیب حروف آخر ( ۶ ) جمال الدین عزیزان از مشایخ تصوف قرن نهم و دهم ماوراءالنهر مؤلف کتاب المحامات در مقامات مرشد خود شیخ خداداد در گذشته در ۹۰۹ و مدفون در روستای عزیزه در دوفرسنگی سمرقند ( ۷ ) شاه وجیه الدین بن نصر الله هندی از متصوفه هند مؤلف حقیقه المحمدیه ( ۸ ) محیی الدین بن بدر الدین اناری از اخترشناسان مؤلف جامع القرانات .

چند شاعر دیگر قرن دهم ( ۱ ) خواجه هاشم دیوان بیکی سمرقند ، پدرانیش از وزیران بودند و جدش وزیر محمد خان شیبانی بوده است ، چندی در هرات می زیست و در آنجا آبادی بسیار کرد و در زمان عبداللہ سلطان دفتر دار سمرقند و در زمان عبداللہ خان دیوان بیکی آن شهر و در زمان عبدالؤمن خان دفتر دار و در زمان باقی محمد خان وزیر دیوان بود ( ۲ ) مؤمن منشی کتابدار و منشی دربار عبداللہ خان و سپس مشرف دربار باقی محمد خان و از امیران دربار ولی محمد خان بود ( ۳ ) قاضی پاینده ضامن از مردم ضامن از توابع سمرقند و مردی دانشمند بود . در زمان ابدال سلطان قاضی ضامن شد . مدتی هم مصاحب عبدالؤمن خان بود و پس از مرگ او ببلخ رفت و در آنجا در ۱۰۰۸ درگذشت . مؤلف چند کتاب بوده است از آن جمله رساله ای در عروض و قافیه و صنعت شعر و شاعر توانایی بوده است ( ۴ ) بابا صادق خلوایی از مردم سمرقند ساکن کابل ، محمد حکیم میرزا پسر همایون حکمران کابل در گذشته در ذیحجه ۹۷۳ در شعر شاگردی بوده و در ۹۹۴ پس از حج به سمرقند بازگشته است ( ۵ ) مولانا کمال الدین ابوالخیر بلخی متخلص به عاشق در حکمرانی کستن قرای از بک در بلخ می زیست و در ۹۵۷ درگذشت و در هزار احمد خضویه مدفون شد و شاعر استادی بود ( ۶ ) ملا حضوری بخاری در بخارا از شاگردان ملا مصطفی رومی از دانشمندان معروف ماوراءالنهر و در علوم شرعی از حدیث و تفسیر دست داشته و در ۹۶۶ رحلت کرده و وی بجز حضوری قلمی بوده است ( ۷ ) میرزا قاسم دیوان بیکی : نخست منشی دربار سلطان سعید خان بوده و سپس در زمان عبداللہ خان دیوان بیکی سمرقند شده است ( ۸ ) میر حاج از شاعران قرن دهم و یازدهم ماوراءالنهر بجز قطب الدین میر حاج انسی چنابدی شاعر قرن نهم بوده است ( ۹ ) مولانا دوست میرک سمرقندی از دانشمندان قرن دهم و یازدهم و قصیده سرا بوده است ( ۱۰ ) باقی درزی تا اوایل قرن یازدهم زنده بوده است ( ۱۱ ) مولانا جلال قاسم در زمان محمد یار سلطان قاضی عسکر بوده است ( ۱۲ ) مولانا کبک از مریدان خواجه کی کاشانی بوده است ( ۱۳ ) فتحی بن سید ابراهیم اندکانی معروف بتاشکنندی ( ۱۴ ) میر محمد امین منشی از شاعران دربار عبیدالله خان ( ۱۵ ) مولانا محمد صادق مفتی شهر گرمینه معاصر عبیدالله خان ( ۱۶ ) قاضی پاینده رامیتنی ( ۱۷ ) مولانا صالح واحد امین ( ۱۸ ) والی بیک یمغورچی ( ۱۹ ) مولانا حب الله ( ۲۰ ) شفای مهدی ( ۲۱ ) مولانا درویش مفتی ( ۲۲ ) میرزا باقی بن میر علی کاتب ( ۲۳ ) میر خرد خالیدی ( ۲۴ ) قاضی عزالدین کسبی بخاری ( ۲۵ ) میر - حیدر محمد کابلی از شاعران دربار همایون ( ۲۶ ) مولانا قاسم کاتبی از شاعران ماوراءالنهر ( ۲۷ ) دوستی مروزی ساکن گجرات ( ۲۸ ) خواجه قاسم مذاقی از شاعران سند ( ۲۹ ) قائمی کابلی که او نیز درسند می زیسته است ( ۳۰ ) میر نظام الدین محمد قاضی از شاعران ماوراءالنهر ( ۳۱ ) صدر الدین بن امیر سیف الدین در ماوراءالنهر ( ۳۲ ) ملا درویش دیوانه در ماوراءالنهر ( ۳۳ ) مولانا صادق از شاعران همان سرزمین ( ۳۴ ) مولانا میخچه گر نیز از ماوراءالنهر ( ۳۵ ) سیدان نیز از همان سرزمین .



زبان اوستا و خط زند - ادبیات ایران تاحدی که اطلاعات بدستست دوره‌ای نزدیک بدو هزار و ششصد سال را دربرمیگیرد. درین مدت چهار زبان عمده در ایران متداول بوده و بهر چهار زبان آثار مانده است: زبان اوستا: پارسی باستان، پهلوی، زبان دری یا فارسی امروز. قدیمترین زبانی که از آن آثاری مانده زبان اوستاست و ظاهراً این زبان در دوره‌ای معمول نژاد ایرانی بوده که هنوز پدران ما بایران امروز نیامده بودند. در باب ناحیه‌ای که نژاد ایرانی پیش از آمدن بایران امروز در آن زندگی کرده است اختلاف بسیارست و عقیده بهتر آنست که در شمال و جنوب جبال هندو کوش بوده اند و از آنجا در سه وهله مختلف بایران امروز آمده‌اند: یکبار در سه هزار و سیصد سال پیش و بار دیگر در دو هزار و هفتصد سال پیش و بار سوم در ۲۶۷۰ سال پیش. زبان پدران ما در آن زمانیکه هنوز بایران نیامده بودند زبانی بوده است که چون کتاب اوستا بان نوشته شده آنرا زبان اوستا نام گذاشته‌اند. این کتاب که امروز فقط پانزده نسل یعنی پانزده قسمت از ۲۱ قسمت آن باقی مانده و آنهم فقط دونسک کامل دارد و از قسمتهای دیگر آن مقداری از میان رفته کتاب مقدس دین زرتشت پیادبرست که از ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ سال پیش ازین بوده است و این نسخه امروز اوستا را در میان قرن اول پیش از میلاد و قرن ششم بعد از میلاد نسخه کرده‌اند و در ضمن معلومست که تمام قسمتهای موجود اوستا را در یک زمان ننوشته‌اند و در زمانهای مختلف برشته تحریر آمده زیرا سبک انشائولغات آن از حیث قدمت باهم اختلاف دارد. این کتاب تا قرن اول پیش از میلاد نوشته نشده بود و فقط آنرا در حفظ میداشتند و تنها در قرن اول پیش از میلاد بنوشتن آن شروع کردند و این کار فقط در زمان اردشیر بابکان و پسرش شاپور اول انجام گرفت و بعد در زمان شاپور ذوالاکتاف مؤبد بزرگ ایران «آذر پدمارسپند» برای نوشتن این کتاب از خط پهلوی خط مقطع منفصلی با





زبان اشکانیان نیز در ایران معمول بوده است. گذشته از کتیبه‌ها سکه‌های هخامنشیان نیز باین خط و زبانست. چنان می‌نماید که ماده‌ها زبان مخصوصی نداشتند و اگر داشته بوده باشند بزبان پارسی بسیار نزدیک بوده است.

### زبان و خط پهلوی - در زمان تسلط یونانیان و مقدونیان بایران زبان پارسی

باستان از دربار ایران بر افتاد و زبان و خط یونانی رسماً در ایران معمول شد و بعد که اشکانیان پیادشاهی رسیدند مدت‌های مدید ایشان هم خط و زبان یونانی را معمول میداشتند و درین میان پارسی باستان فراموش شد و فقط از زمان فرهاد چهارم بعد در سکه‌های اشکانی خط و زبانی دیده میشود که آنرا خط و زبان پهلوی می‌نامند. زبان پهلوی همان پارسی باستانست که نوشته و در نتیجه آسان تر و بعضی‌ها نزدیکتر گشته است. گفته‌اند باین زبان اشکانیان در میان خود تکلم میکردند ولی فقط در اواخر سلطنت خود آنرا رسمی کرده‌اند. زبان پهلوی تا آخرین روز سلطنت ساسانیان یگانه زبان رسمی و عمومی ایران بوده است، منتهی در دوره ساسانی بواسطه آمیزش با مللی که در مغرب ایران بزبان آرامی متکلم بوده‌اند بعضی کلمات از زبان آرامی بحالت خاصی در زبان پهلوی وارد شده و بهمین جهت گفته‌اند زبان پهلوی دو قسمست: پهلوی اشکانی که زبان خالصست و لغات یگانه ندارد و پهلوی ساسانی که کلمات آرامی در آن داخل شده؛ این کلمات آرامی در پهلوی ساسانی بحالت مخصوصی که در هیچ زبان دیگر نظیر ندارد وارد بوده است باین معنی که بعضی الفاظ را با آرامی مینوشتند ولی در موقع خواندن بواسطه ترجمه‌ای که در ذهن خود میکردند کلمه ایرانی آنرا بزبان می‌آوردند و شماره این کلمات هر چه بعصر ما نزدیکتر میشود افزون میگردد. این کلمات را «هوزوارنی» مینامند و چون زبان آرامی بزبان عرب بسیار نزدیکست و واج کلمات عربی را در زبان فارسی نباید نتیجه تسلط عرب بر ایران دانست و همانطور که کلمات پهلوی نوشته و بجای آن الفاظ فارسی امروز آمده است همانطور هم کلمات آرامی را نو کرده و بجای آن الفاظ عربی گذاشته‌اند، منتهی بمرور زمان عدّه کلمات عربی متداول در زبان فارسی خیلی پیش از عدّه کلمات آرامی متداول در زبان پهلوی گشته است. عقیده‌ای که تا کنون اظهار کرده‌اند که زبان پهلوی یگانه زبان دوره اشکانی

و ساسانی بوده درست نیست. از دوره اشکانیان بعد زبان دیگری در ایران پیدا شده که همان زبان فارسی ادبی امروز باشد که بمرور زمان تکامل یافته و باین صورت در آمده است. نام این زبان همیشه زبان دری بوده است. زبان دری کلمات هوزوارش نداشته و زبان مشرق ایران بوده و زبان پهلوی که هوزوارش داشته در مغرب ایران معمول بوده است.

در زمان اشکانیان زبان پهلوی و دری را بخط آرامی سریانی نوشته‌اند و این خط عیناً تا واسط ساسانیان معمول بوده است، سپس خط آرامی را که مقطع و منفصل بوده است کم کم بهم متصل کرده‌اند و در نتیجه این اتصال خط دیگری پیدا شده که آنرا خط پهلوی نامیده‌اند. در ابتدا این خط جدید را فقط برای نوشتن کتابها بکار میبردند و بعد بتدریج کتیبه‌ها را هم بآن خط نوشته‌اند. خط پهلوی یکی از مشکلترین خطوط عالم است زیرا که اغلب دو حرف متصل بیک حرف منفصل شبیه میشود و برای خواندن این خط لازمست که انسان هر کلمه‌ای را بداند و بقرینه بخواند.

از زبان پهلوی، گذشته از کتیبه‌ها و سکه‌های اشکانی و ساسانی، يك عده کتب نیز در دست است و این زبان تا مدت‌های مدید پس از فتح ایران بدست اعراب در میان ایرانیان متداول بوده و هنوز عده کثیری از زبانهای ولایتی و محلی ایران شباهت تامی بماصل پهلوی خود دارند و اشعاری که در ایران بلهجه‌های ولایتی سروده‌اند و در کتب ادبیات ایران باسم «پهلویات» معروفست همه فروغی از زبان پهلویست.

بعضی از کتب پهلوی که امروز در میانست در دوره اسلامی ایران تألیف شده و معلومست که گذشته از زرتشتیانی که از ایران هجرت کرده‌اند بعضی ایرانیانی که در ایران مانده و مسلمان بوده‌اند تا مدت‌های مدید و حتی تا قرن ششم هجری این خط و زبان را میدانسته‌اند و باین زبان تألیفات میکرده‌اند. زبان پهلوی يك عده کثیر کتب و رسائل داشته است که بعضی از آنها عیناً باقی مانده و بعضی دیگر را بعربی یا فارسی ترجمه کرده‌اند و اصل آنها از میان رفته است و از بعضی دیگر فقط اسامی بما

شعر در دوره ساسانی نیز نخست مانند شعر اوستا هجایی بوده و از جمله آثار منظوم زبان پهلوی یکی کتیبه شاپور اول در حاجی آباد است و دیگر مناظره منظومی با اسم «درخت آسوریک» که مناظره ایست در میان نخل و بز و از آثار زبان دراست و دیگر منظومه یادگار زویران بزبان دری و بعضی از سرودهای مانوی که آنها نیز بزبان دراست. بعضی از اوزان شعر پهلوی با اوزان عرب نیز تطبیق میشود و هنوز همان اوزان متداول است، منتهی چون بعروض عربی درمی آید و قابل تقطیع با فاعیل است تصور کرده اند که ما آن اوزان را از اعراب گرفته ایم. بدین گونه در دوره ساسانیان هم شعر هجایی در ایران معمول بوده است و هم شعر عروضی.

از حیث نشر زبان پهلوی منتهای شباهت را بفارسی قرن چهارم و پنجم دارد و در هر کتاب پهلوی اگر کلمات را تجدید کنیم و بجای آنها الفاظ نوینی از زبان امروز بگذاریم عیناً اثر فصیح بسبک قدیم بدست می آید. کتب مزبور را بدو دسته بزرگ میتوان تقسیم کرد: نخست کتب مذهبی که در احکام دین زردشت و تاویل و تفسیر و غیره نوشته شده، دوم کتب غیر مذهبی که در میان آنها کتب سیاست و اخلاق و کتابهای علمی و ادبی از قبیل داستانها و قصص و غیره بوده و حتی کتابهایی در باب قواعد شطرنج و سواری و تیراندازی و آیین جهاننداری و غیره بوده است. از جمله کتب موجود بزبان پلوی کتابهای بسیار مهم و محتوی مطالب بسیار مفید در تاریخ و عقاید قدیم اجداد ماست از قبیل کتاب «دین کرت» و «بوندیشن» و «دانستان دینیک» و «آرتای ویراف نامک» و «کار نامک» از تخشیر پاپکان و «یاتکار زویران» و «دانستان ریدک» و «خسر و کواتان» و «شترنگ نامک» و غیره. از کتابهایی که فقط ترجمه آنها بما رسیده نخست کتاب «خوتای نامک» است که با اسم «سیر الملوک» و «خدای نامه» و «شاهنامه» ترجمهای بسیار بنظم و نشر عربی و فارسی داشته و از آنها فقط منظومه معروف فردوسی باقی مانده است. دیگر کتاب کلیله و دمنه که اصل آنرا از هندوستان در زمان انوشیروان بایران آورده اند و بزبان پهلوی ترجمه کرده اند و ترجمهای فارسی و عربی که امروز بدست ماست از روی همان ترجمه پهلویست.

در ادبیات پهلوی یکی از ارکان بنیاد مهم داستان سرایی و افسانه پردازی

بوده است و این ذوق افسانه سازی که در میان اغلب از شعرای بزرگ ایران همواره بوده است دنباله همان ذوق ادبای ایران در زمان ساسانیست و حتی بعضی از داستانهای معروف ما از قبیل « واقع و عذرا » و « ویس و رامین » و « اسکندرنامه » و « بوداسف و بلوهر » و « سلامان و ابسال » و « شیرین و فرهاد » و « خسرو و شیرین » و « بهرام نامه » و تمام داستانهایی که از حکایات کوچک شاهنامه تولید شده مانند « گرشاسب نامه » و « بهمن نامه » و « رستم نامه » و « سام نامه » و « شهریار نامه » و « جهانگیر نامه » و « فرامرزنامه » و « برزونه نامه » و « بهرام نامه » و « بختیار نامه » و غیره یا مستقیماً در زبان پهلوی نوشته شده بود و یا اینکه از یونانی و سریانی و غیره پهلوی ترجمه کرده بودند و از پهلوی بزبان فارسی در آمده است و حتی کتاب « الف لیلة و لیلة » و داستانهایی که از آن بیرون آمده از قبیل داستان سند باد در اصل بزبان پهلوی بوده است و الف لیلة ترجمه و تهذیب کتابیست که در اصل پهلوی « هزار افسانه » نام داشته و مترجم آن را بزبان عرب در آورده و بعضی اسامی اشخاص و اماکن را با سامی عرب یا اماکن جدید تبدیل کرده است .

در زمان ساسانیان علوم و فنون نیز در ایران در منتهای کمال بوده است و تمام علوم متداول در آن زمان را پادشاهان ساسانی بایران آورده بودند ، مخصوصاً طب در ایران ترقی کامل داشت و طب یونانی را با طب هندی علمای ایران تألیف کرده بودند و حتی شاگردان ایشان تا قرن چهارم هجری در ایران بوده اند و همواره طبای بزرگ ممالک اسلام تا قرن چهارم یهود یا نصاری ایران بوده اند و در نجوم نیز ایرانیان کمال معرفت را داشته اند و منجمین بزرگ ایرانی در قرون اول هجری شاگردان همان منجمین پیش از اسلام بوده اند . حکمت یونانی نیز بشوسط علمای آسیای صغیر بایران آمده بود و در زمان ساسانیان تمام علوم که بزبان سریانی در مغرب آسیا متداول بود بایران راه یافت و در مراکز علمی ایران که بیشتر در خوزستان و فارس بود رواج عمده گرفت و حتی بعضی از معلمین رأساً بزبان سریانی تدریس میکردند و علمای ایران بیشتر بزبان سریانی را میدانستند و سرانجام زمان علم و زبان دوم ایران شده بود . همه سقراط ، ارسطو ، افلاطون ،



بمتهای کمال رسیده بود و آنهم تألیفی از موسیقی یونان و موسیقی هندی بود و استادان بزرگ مانند بارید و نکیسا و بامشاد و رامتین و سرکش یا سرکب در ایران بوده‌اند و موسیقی امروز ما با اندک تصرفی همان موسیقی زمان ساسانیست. روی هم رفته تمام علوم و فنون متداول در آن زمان مانند طب و نجوم و حکمت و ریاضیات و موسیقی و عرفان و تاریخ و جغرافیا و هیئت و چوگان بازی و تیراندازی و فنون جنگی و سواری و مملکت داری و تعییهٔ اسلحه و بیطاری و پرورش حیوانات و شطرنج و غیره در ایران معمول بوده و کتب در آن می برداختند و تدریس می کردند. بهمین جهت در زمانی که اعراب پس از استقرار با اسلام بخیال افتادند علوم متداول را بزبان خود جلب کنند بزرگترین سهم عاید ایرانیان شد و بهجز چند کتاب معدود که مردم آسیای غربی بزبان عرب ترجمه کرده اند تمام کتب علمی و ادبی که در آن دوره بزبان عرب ترجمه شده مستقیماً بتوسط ایرانیان بوده است که هنوز وارث علوم نیاگان خود بوده‌اند و علوم اسلام فی الحقیقه جز علوم ایرانی نیست که نخست ایرانیان آنرا بزبان عرب در آورده‌اند و سپس ایرانیان دیگر بتکمیل آن کوشیده‌اند. بهمین جهت زبان پهلوی و تمدن ساسانی در ادبیات و تمدن عرب منتهای نفوذ را داشته است.

نخستین ناحیه از ایران را که اعراب متصرف شدند ناحیهٔ بحرین بود که در سال هشتم هجرت بدست اعراب افتاد و آخرین ناحیه از نواحی ماوراء النهر در سال ۵۳ هجری بتصرف اعراب درآمد ولی باز تمام ایران ایشان را مسلم نشده بود، چنانکه مدتهای مدید تا اواسط قرن دوم هجری بعضی از نواحی ایران مانند آذربایجان و طبرستان و گیلان و ماوراء النهر از پیروی تازیان سومی پیچیدند و درین میان گاهی آشکار عصیان می کردند و از دادن خراج و پذیرفتن عمال عرب شانه تهی می کردند و زمانی در پرده عمال تازی را بر مینداختند و خود را از فشار حکومت بیگانه خارج می کردند ولی بزرگترین سیاستی که برای رهایی از قید بیگانگان پیش گرفتند

نهیضت های مذهبی بود و از اواسط قرن دوم تا اوایل قرن چهارم که سلسله های ایرانی در اکناف ایران تأسیس شد و فشار بیگانه را بر انداخت چندین مذهب مختلف در نقاط متعدد ایران بتوسط ایرانیان بوجود آمد که گاهی اساس آن هتکی بر نفاق و تفرقه در میان مسلمانان و افتراق عقیده ایرانیان با سایر مسلمین بود تا بدینوسیله ایران از سلطه بیگانه رها شود و «شعریه» با اصطلاح آن زمان جز ایرانیان نبوده اند و گاهی هم رجعت بسوی عقاید زردشتی و احیای ایران قدیم اساس نهیضتی را تشکیل میداد چنانکه در مدت صد و پنجاه سال نظیر نهیضت های ابو مسلم خراسانی در اوایل قرن دوم و بهافرید در همان زمان و ظهور غالیان و سنبلاد در خراسان و جهیم بن صفوان در ترمد و اسحق ترک در ماوراءالنهر و روندیه در عراق و جمعیت «اسب نوبتی» و ظهور «استادسیس» در هرات و بادغیس و سیستان و نهیضت مقنع و سپیدجامگان در ماوراءالنهر در سال ۱۵۹ و ظهور بابک خرم دین و اصحاب او با اسم «سرخ علم» در سال ۲۰۱ و پیروان او مانند «مازیار» و «افشین» و ظهور عبدالله بن کرام در خراسان و تأسیس مذهب کرامیه در اوایل قرن سوم و نهیضت قرمطیان در خوزستان و بحرین در همان زمان و اصحاب صاحب الزنج در سال ۲۵۵ در همان نواحی و زیدی شدن تمام مردم ظبرستان در سال ۲۵۱ و آغاز کار فرقه ای از صوفیه بتوسط حسین بن منصور حلاج در اواخر قرن سوم و نهیضت های دیگر شبیه باین همه برای آن بوده است که ایرانیان می کوشیده اند از فشار حکومت عرب خود را رها کنند و بهمین جهت مدت نزدیک بسیصد سال کشمکش دایمی در میان ایرانیان مغلوب و تازیان غالب در سراسر ایران در میان بوده و بهینچ وجه مجال نبوده است که مردم ایران بکارهای علمی و ادبی پردازند و بهمین جهت درین مدت سیصد و چند سال ایران از شاعر و نویسنده بزبان خود تهی مانده است و از طرف دیگر زبان فارسی که در نتیجه آمیزش زبان پهلوی و زبان دری با کلمات عربی بوجود آمده است هنوز کاملاً بصورت امروز ساخته نشده بود و در حال کمون بود زیرا از یک طرف زبان پهلوی را از دربار و مراکز دیوانی دور کرده بودند و از طرف دیگر ایرانیان تن بآن نمیدادند که حتی برای بیان احساسات خود زبان عرب را بکار برند و زبان ایرانی مخصوص بخود میخواستند و این زبان هم البته همسانست بمز و زمان ساخته شود و زبان دری

کنونی بدین گونه فراهم شد. پس ناچار آثاری که پیش از پدید آمدن زبان کنونی فراهم شده چون دیگر کهنه و نامفهوم بوده از میان رفته است و نیز بخطوطی بوده که بعد ها فراموش شده و قهراً متروک گشته است. لامحاله درین مدت نزدیک بسیصد سال جمعی کثیر ادبا و مولفین در ایران بوده اند که بهمان زبان عرب آثار از خود گذاشته اند باین معنی که از واسطه قرن دوم بعد اعراب و مخصوصاً خلفا احتیاج خود را بعلوم و معارف احساس کردند و چون از خود علمی نداشتند در آن زمان دولت بیشتر وارث علم نبود؛ نخست ایرانیان بودند که علوم قبطیان و کلدانیان و آسوریان و یونانیان و هندوان را فرا گرفته بودند و تمام علوم قدیم را اخذ کرده یا بزبان پهلوی و یا بزبان سریانی که در آن زمان زبان علمی آسیا بود ثبت کرده بودند. دوم مردم آسیای صغیر بودند که علوم یونانی از اسکندریه بایشان ارث رسیده بود و آنرا یا بزبان سریانی و یا بزبان یونانی حفظ کرده بودند. بهمین جهت نخست خلفای دمشق و سپس خلفای بغداد در زمانی که بنقل علوم بزبان عرب پرداختند باین دولت حاجت یافتند و در نتیجه عده کثیر از دانشمندان ایران که بیشتر آنها در مذهب یهود یا نصاری باقیمانده بودند و عده ای دین اسلام را پذیرفته و یکی چند نفر بهمان مذهب زرتشتی نیاگان خود مانده بودند و زبان عرب را میدانستند بنقل علوم و معارف و ادبیات از زبانهای قدیم چه پهلوی و چه یونانی و چه سریانی بزبان عرب مشغول شدند و ازین حیث شهرت یافتند؛ حتی عده ای کثیر از ایشان بعدی در زبان عرب استاد شده بودند که بنظم و نشر فصیح عربی نیز مشهور گشتند و از آن پس همواره علوم و معارف اعراب بدست ایرانیان بوده است و تمام بزرگان زبان عرب بجز عده قلیل چه از علمای صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و عروض و لغت و غیره و چه اطبا و حکما و متجمین و علمای ریاضی و طبیعی و چه مورخین و دبیران و شعرای معروف ایرانی بوده اند. بدرجه ای که اگر ایرانیان نبودند معارف عرب صد یک این معارف موجود نبود و حتی ایرانیان قرائت قرآن و تفسیر و فقه و تفسیر و احادیث را که میبایست مختص اعراب باشد ترتیب داده اند و اغلب روایات و جامعین اشعار جاهلیت عرب ایرانیان بوده اند، بطوریکه در تاریخ ادبیات عرب از هر ده اسم بلاشك شش هفت اسم از ایرانیانست. بدین جهت

درین مدت میصد سال اگر بزبان فارسی اثری از ادبای ایران نیست لااقل بزبان عرب آثار بسیار هست که جبران آنرا میکند .

قرن سوم - قرن سوم آغاز جلوه ادبیات فارسیست و آنهم بدین جهتست که سلسله های پادشاهان ایرانی بالاستقلال در بعضی از نقاط ایران پادشاهی کرده اند . ابوطیب طاهر بن حسین بن مصعب ملقب بذوالیمینین در سال ۲۰۰ حکمران خراسان شد و اولاد او تا سال ۲۵۳ در خراسان حکمرانی کردند و ایرانی بودند، صفاریان در سال ۲۵۳ در خراسان اساس سلطنتی گذاشتند که بعد سامانیان در ۲۷۹ و آل زیار در ۳۱۶ و آل بویه در ۳۲۲ از آن تبعیت کردند یعنی در بارهایی ترتیب دادند که دوباره تمدن ایرانی در آن پدیدار شد، مخصوصاً صفاریان و سامانیان در جزو سایر تعصب های ایرانی تعصب زبان نیز داشتند و آل طاهر هم تا درجه ای زبان فارسی دری را ترویج کرده اند و آل زیار و آل بویه چون بدر بار خلافت نزدیک تر بودند و از هر حیث با خلفای بغداد رقابت میکردند سیاست ایشان اقتضا میکرد که زبان عرب را از دست ندهند و بدبیران و شعرای زبان عرب پیش از خلفا وقع بگذارند تا اسباب سلطنت ایشان از حیث نظم و نشر زبان عرب کامل تر از خلفای بغداد باشد و در ضمن زبان قلمرو ایشان زبان پهلوی بوده که ادبیات آن در دوره بعد از اسلام در سراسر ایران انتشار نیافته است ولی بالعکس صفاریان و آل سامان چون دور تر بودند بدین رقابت حاجت نداشتند و زبان سرزمین ایشان زبان دری بود و با کمال آزادی زبان فارسی را ترویج میکردند و أحياناً از زبان عرب نیز اذ بودند . بدین جهت پیدا شدن ادبیات فارسی مرهون مساعی صفاریان و مخصوصاً سامانیان نیست . شعر فارسی که بمانسبیده در اوایل قرن سوم پیدا شده است، پیش از آن شعری بزبان امروز قایل شده اند و اشعاری بنام ایشان ثبت کرده اند که از کلمات آنها کاملاً پیدا است که در قرون بعد ساخته شده مثلاً اولین شاعر این زبان را ابو حفص بن حکیم بن احوص سغدی دانسته اند که گویند در قرون اول هجری بوده و حال آنکه قطعاً در قرون چهارم میزیسته و معاصر رودکی بوده است . پس از او عباس مروزی را ذکر کرده اند که در مدح مأمون در او آخر قرن دوم شعر فارسی گفته است و حال آنکه زبان و تالیفات آن اشعار مسلم میسازد که در قرون بعد سروده شده و بیشتر با شعر قرن ششم

شبهت . باسم شقیق بلخی عارف معروف همان زمان هم که در ۱۷۴ کشته شده اشعاری ذکر کرده اند و نیز باسم بایزید بسطامی عارف مشهور که يك قرن بعد از آن بوده و در ۲۶۱ رحلت کرده است نیز بعضی اشعار ضبط کرده اند و آن اشعار هم پیداست که در قرون بعد سروده شده است. قدیم ترین شاعری که از و اثری مانده حنظله بادغیسی است که ظاهراً در سال ۲۱۹ در گذشته و دیوان اشعار داشته است، ولی اینک از شعر او جز پنج بیت چیزی بدست نیست و ظاهراً او اول کسیست که در خراسان بزبان فارسی امروز شعر گفته است. در سیستان اول کسیکه شعر باین زبان شعر گفته محمد بن وصیف سکزیست که در سال ۲۵۳ در مدح یعقوب بن لیث صفاری شعر گفته و او تا سال ۲۹۶ هم زنده بوده و بعد از او در همان سال ۲۵۴ باسم کرد و محمد بن مخلد سکزی شعر گفتن باین زبان شروع کرده اند؛ در بیهق نخستین کسیکه شعر فارسی گفته محمد بن سعید بیقهی بوده است که او هم در قرن سوم بوده. در آذربایجان محمد بن بعیت بن جلیس که در سال ۲۳۵ رحلت کرده اول شعر فارسی را گفته است و در عراق ابوالاشعث قمی که در همین زمانها میزیسته اول شعر فارسی را در قم سروده است ولی از اشعار این سه تن اخیر چیزی تا کنون بدست نیامده است. اندکی پس از آن در قم شاعری بوده است موسوم بجعفر بن محمد بن علی العطار که در شعر شهرتی بسیار داشته و حتی از رودکی ویرا در شاعری بزرگتر میدانسته اند ولی از شعر او هم چیزی بدست نیست.

از طرف دیگر در سیستان در دربار صفاریان شعرای دیگری هم بوده اند: یکی فیروز مشرقی است که در سال ۲۸۱ رحلت کرده و از اشعار او هشت بیت در دست است، دیگر ابوسلیک گرگانی که در دربار عمرو بن لیث صفار (۲۶۵-۲۸۹) بوده است و از اشعار او ده بیت در میان هست. در همین زمانها شاعری دیگر در خراسان بوده است باسم مسعودی مروزی که داستانهای قدیم ایران یعنی شاهنامه را نظم کرده بود و آن منظومه وی بدرجه ای شهرت داشت که ایرانیان همه آنرا میخواندند و بدان فخر میکردند و برای آن تصاویر ساخته بودند، همچنانکه درین زمان برای شاهنامه فردوسی معمول است و از آن منظومه فقط سه بیت باوژان مختلف مانده است. این چند تن شاعر که در قرن سوم بوده اند بمنزله مهندس شعر فارسی میباشند که بعد از ایشان

تا هزار سال همواره در ایران درمتهای کمال مانده است ولی البته مانند آغاز کاری هنوز بدرجه کمال نرسیده بود و درجه کمال آن در قرن چهارمست. از نشر فارسی قرن سوم جز بعضی جملهای پراکنده که در کتب عربی مانده چیزی بدست نیست بهمین جهت نمیتوان دانست که نشر فارسی درین زمان چه حال داشته است.

### ۹ = نظم

**قرن چهارم:** در قرن چهارم شعر فارسی باوج کمال و فصاحت رسید و مقدمه دوره درخشنده قرن پنجم و ششم که منتهای بلندی و رواج نظم و نشر فارسیست در قرن چهارم فراهم آمد. گذشته از بازماندگان صفاریان که در قرن چهارم هنوز در سیستان بوده اند و پیروی از سامانیان میکردند امرای آل سامان نیز که بر خراسان و ماوراءالنهر و گرگان و قسمتی از عراق و کرمان فرمانروایی داشته اند در ترویج زبان فارسی از هیچ فروگذار نکرده اند و در حقیقت ادبیات فارسی در سایه پرورش آل سامان بمیان آمده است. از شعرای دربار صفاریان در سیستان فقط صانع بلخی درین دوره معروفست که معاصر بارودکی بوده و بهجز يك رباعی چیزی از اشعار او بدست نیست، اما شعرای دربار سامانیان عده بسیار بوده اند مخصوصاً در دربار نصر بن احمد (۳۳۱-۳۰۱) که ملجاء تمام دانشمندان عصر بوده و این پادشاه کریم دانش پرور یکی از بزرگترین مروجین زبان فارسی بوده است. از شعرایی که در دوره اول سامانیان یعنی پیش از نصر بن احمد پدید آمده اند ابوالمثل بخارایی و ابوالمؤید رونقی بخارایی و سپهری بخارایی و معروف تراهمه ابوالمؤید بلخی بوده است که ظاهراً مؤیدی تخلص نمیکرده و شاعر و دیر بسیار بزرگ بوده چنانکه گویا داستان یوسف و زلیخا را نظم کرده بود و در نشر دو کتاب داشته است یکی شامل داستانهای قدیم ایران مانند شهرنامه که مخصوصاً قسمتی از آن شامل داستانهای مربوط بکورشاسب منتهای اعتبار را داشته است و از میان رفته و دیگر کنایی در عجایب بلدان که نسخه آن اکنون موجودست و آنرا بنام نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) ترتیب داده و ازین قرار تا اواخر قرن چهارم زنده مانده است. ازین شعرا از هر يك چند بیت پراکنده مانده است.

اما شعرای دربار نصر بن احمد شماره ایشان بسیار بوده و آنچه بما رسیده است بدین قرار است : معروف تر و بزرگتر از همه ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی بود که در قریه پنج رودك یارودك از توابع سمرقند بوجود آمد و از آغاز جوانی در شعر و موسیقی معروف شد و مدت های مدید معروف ترین حکیم و ادیب عصر خویش بود و بهندس شعر فارسیست ، زیرا که تمام شعرای بزرگ ایران پیروی بوده اند و او را باستانی مسلم داشته اند . در شعر منتهای قدرت را داشته و يك میلیون و سیصد هزار شعر سروده است و پنج منظومه مثنوی داشته از آن جمله کلیله و دمنه و داستانهای سندباد را نظم کرده بود و شعری در نهایت تأثیر بود و بهمین جهت یکی از متنفذ ترین رجال زمان خویش شمرده میشد و در اواخر عمر او را نابینا کردند و در سال ۳۲۹ رحلت کرد و در همان قریه موالد خویش وی را دفن کردند و مزار او تا مدت های مدید پس از و زیارتگاه ایرانیان بود و اخیراً در همان جا استخوانهای وی را یافته اند . بعد از رودکی شعرای دیگر آن زمان بدین قرار بوده اند : ابو طیب مصعبی صاحب دیوان رسالت احمد بن اسمعیل و یکی از وزرای نصر بن احمد - ابو العباس ربیع بن خثعمی بخارایی که تا ۳۳۱ هم زنده بود - خبازی نیشابوری که در ۳۴۲ رحلت کرد - ابو حفص حکیم ابن احوص سغدی که گذشته از شاعری در موسیقی قدرتی تمام داشت و در سال ۳۰۰ در بغداد آلتی اختراع کرد باسم شهرود که پس از وی دیگر کسی نتوانست آنرا بنوازد و کتابی در لغت فارسی تألیف کرده بود که درین فن قدیم ترین کتاب بوده است - ابو عبدالله فرالوی که از شعرای بزرگ زمان خویش بود - ابوشکور بلخی که او نیز شاعر بسیار بزرگی بود و چهار مثنوی نظم کرده بود که یکی از آنها در سال ۳۳۶ تمام شده و آفرین نامه نام داشت - ابو الحسن شهید بن حسین و راق بلخی از مشاهیر حکما و خطاطین و شعرای عصر خویش بود و در حکمت درجه ای داشت که با محمد بن زکریای رازی حکیم و دانشمند معروف آن زمان معارضه میکرد و درین فن تألیفات بسیار داشت و در سال ۳۲۵ رحلت کرده است - ابو الحسن محمد مرادی بخارایی که در شعر فارسی و عربی استاد بود و پیش از رودکی رحلت کرد - طخاری که از مردم طخارستان<sup>۱</sup> بود و از شعرا و جزو دویست نمانده است - رابعه قزداري دختر کعب بن العرب معروف

بیشتر کعب که نخستین زنیست که بزبان فارسی شعر ازو مانده و در شعر فارسی نهایت قدرت داشته - ایرانشاه بن ابوالخیر که دامستانهای قدیم ایران را که در باب بهمن بوده است نظم کرده بود، ولی جز يك بيت از آن مانده است - ابوالعلاء ششتري که وی نیز شاعر معروف عصر خویش بشمار میرفت - ابواسحق جوینباری که وی نیز از شعرای معروف بود -

در دوره پس از نصر بن احمد یعنی از ۳۳۱ تا ۳۸۹ که متجاوز از پنجاه سال دیگر سامانیان سلطنت کرده اند شعرای دیگر نیز بوده اند که از ایشان نیز بجز ایات پراکنده مانده است بدین قرار: ابوزرعه معمري گرگانی - امیر ابوالحسن اغاجی که از شاهزادگان سامانی بود - ترکی کشی ایلاقی - ابوالحسن لوکری غزوانی معروف بلوکری چنگ زن که در شعر و موسیقی کامل بوده است - ابوطاهر خسروانی از معروف ترین شعرای قرن چهارم که در ۳۴۲ درگذشته - ابو عبدالله معروفی بلخی که شعر بسیار داشته است - ابو عبدالله نوایحی مروزی که از فضایی درجه اول عصر خود بود - ابوشعیب هروی که وی نیز از مشاهیر شعرا بوده است - ابو عمرو زجاجی نیشابوری که در ۳۴۸ رحلت کرده - ابوطیب سرخسی - استغنائی نیشابوری؛ در میان امرای آل سامان امیر ابو ابراهیم اسمعیل ابن نوح ملقب بمنتصر که در سال ۳۸۹ بسلطنت رسید ولی در همان سال اسیر شد و در ۳۹۵ در بیابان مرو بقتل رسید نیز بزبان فارسی شاعر بوده است و نیز ابوعلی سیمجور از امرای دربار سامانی که در سال ۳۸۷ در حبس قلعه گردیز کشته شد و همچنین ماکان ابن کاکی از امرای معروف سامانیان و آل زیار بزبان فارسی شعر گفته اند .

از طرف دیگر در همین اوان در چغانیان امرای شاعر پرورده بوده اند بدین معنی که در سال ۳۲۱ نصر بن احمد سامانی سیه سالاری خراسان و حکمرانی چغانیان را بابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج چغانی داد و پس از وی - ابن وی تا سال ۳۷۷ با استقلال در آن دیار حکمرانی کردند و چون تربیت یافته و مانوس بآداب دربار سامانیان بودند بمخدومین خود تاسی کردند و زبان فارسی را در دیار خود رواج دادند و شعرایی چند در چغانیان در دربار ایشان زیسته اند از آن جمله منچیک ترمذی و فرخی سیستانی شعرای معروف قرن پنجم بوده اند که آغاز دوره شاعری خود را در چغانیان گذرانیده اند



دیگتن از امرای این سلسله ابوالمظفر طاهر بن فضل که در ۳۷۲ رحلت کرده خود بزبان فارسی شاعر بوده است ، از شعرای دربار چغانیان معروف ترا همه ابوعلی محمد ابن احمد دقیقی بلخی بود که یکی از بزرگترین شعرای ایرانست و پس از رودکی بزرگترین شاعر این قرن بشمار میرود ، دقیقی بنظم داستانهای قدیم ایران و تدوین شاهنامه شروع کرده بود که در سال ۳۴۱ کشته شد و از منظومه وی جز ۱۰۵ بیت که فردوسی در داستان گشتاسب و ازجاسب در شاهنامه خود نقل کرده دیگر چیزی بدست نیست و از سایر اشعار وی هم اندکی مانده است ، دیگر از شعرای چغانیان بدیع بلخی بوده که از شعرا و نیز اندکی مانده است.

در دربار پادشاهان آل زیار هم چندتن شاعر بوده اند بدینقرار : مخلصی گرگانی - دیلمی قزوینی - قمری گرگانی - خسروی سرخسی که یکی از معروفترین شعرای قرن چهارم و بزرگترین شاعر دربار آل زیار بود - ابالیث گرگانی که در شعر لیث تخلص میکرده است - ادیب طبری - کفایی گنجه ای - کوسه فالی - پور کله و ازین سه نفر شعر نمانده است - شمس المعالی قابوس بن وشمگیر معروفترین پادشاه آل زیار که در سال ۴۰۳ کشته شد نیز بزبان فارسی شعر میگفته است .

در دربار آل بویه نیز شعرای بسیار بوده اند از آن جمله بوده است بختیاری اهوازی که گویا پس از ابوالمؤید بلخی و پیش از امانی داستان یوسف و زلیخا را در سال ۳۸۰ در جوانی نظم کرده است ولی از آن چیزی نمانده - دیگر منصور منطقی رازی که معروفترین شاعر دربار آل بویه بود و از شاگردان بدیع الزمان همدانی و در شعر فارسی و عربی منتهای شهرت داشت و از مختصان صاحب بن عباد بود و در شعر منطقی و منصور تخلص کرده است - بندار رازی که او نیز از مشاهیر عصر خویش و از بزرگان شعرای آل بویه بود و در سال ۴۰۱ رحلت کرد و کتابی در لغت باسم منتخب الفرس داشته است و هم بزبان دری و هم بزبان پهلوی در شعر بسیار ماهر بوده است - ابوعبدالله جنیدی که او هم در شعر فارسی و عربی معروف عصر خود بوده است - حکیم میسری شاعر صاحب منظومه ای در طب باسم دانش نامه یاطب منصوری که ظاهراً مطالب کتاب المنصوری تألیف محمد بن زکریای رازی را نظم کرده

و آنرا از سال ۳۵۸ تا ۳۷۰ در سن ۴۶ سالگی سروده است و باسم حسنویه بن حسین حکمران کردستان ازجانب آل بویه پرداخته است و نسخه آن در دست است.

در قرن چهارم يك عده شعرای دیگر هم بوده اند که از علما و عرفای مشهور آن عصرند و بهیچ يك از دربارهای پادشاهان منسوب نبوده اند از آن جمله ابونصر فارابی حکیم معروف که یکی از بزرگترین حکمای شرق بوده و در ماه رجب ۳۳۹ بسن هشتاد سالگی در حلب رحلت کرد و صاحب مؤلفات بسیار است بزبان عرب و مخصوصاً در حکمت و موسیقی بزرگترین مرد ایران بوده است و شعر فارسی نیز بوی نسبت داده اند - دیگر شیخ ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی عارف مشهور آن زمان که در ۳۷۱ رحلت کرده است - امام ابوالقاسم بن بشر بن محمد بن یاسین از عرفای بزرگ مهنه که در ۳۸۰ درگذشت - ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر مهنه‌ای یکی از معروفترین عرفای ایران که صاحب مقامات معروفست و در شب جمعه چهارم شعبان سال ۴۰۴ در مهنه رحلت کرده است و عده کثیر رباعیات فارسی با خواص و آثار معروف بوی نسبت میدهند - طاهر عربان همدانی صاحب دوبیتی‌های معروف بزبان پهلوی که از محترمین زهاد عصر خویش بوده و در سال ۴۱۰ در همدان در گذشته و در بیرون شهر همدان مدفونست - شیخ ابوالحسن خرقانی متوفی در سال ۴۲۵ که ری نیز از مشاهیر عرفای زمان خویش بوده و بوی نیز شعر فارسی نسبت داده اند - از ابوبکر واعظ سرخسی که از اصحاب ابوسعید ابوالخیر بوده و تا سال ۴۰۴ حیوة داشته است نیز دوبیت شعر فارسی مانده است - از ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالکریم قصاب آملی که از بزرگان مشایخ و اسطوره‌ها قرن چهارم بوده نیز اشعار فارسی روایت کرده اند. از شیخ ابوالهیثم احمد بن حسن گرگانی که از حکما و پزشکان معروف قرن چهارم بوده نیز قصیده جالبی در حکمت مانده است و نیز ابوعلی حسن بن محمد دقاق نیشابوری از بزرگان مشایخ صوفیه که در ذی‌عقده ۴۰۵ در گذشته شعر فارسی می گفته است.

در قرن چهارم دوتن شاعر دیگر نیز بوده اند که معلوم نیست در کدام ناحیه زیسته اند یکی بشاد مرغزیست صاحب قصیده ای معروف که پیداست شاعری در

کمال قدرت بوده است و دیگر طیان مرغزی که شاعری هزال بوده و ظاهراً شعر بسیار داشته است.

در همین زمان ها يك عده بسیار شعرای دیگر بوده اند که فقط اسامی ایشان و چند بیت پراکنده از اشعار آنها در فرهنگ ها بشاهد لغات مهجور و مشکل مانده است که هر چند بعضی زندگی ایشان اشاره ای نشده ولی چون در کتب مؤلف در اوایل قرن پنجم اسمی از ایشان هست معلوم میشود که در قرن چهارم بوده اند و چون اطلاعات وافی در باب ایشان نیست نمیتوان معلوم کرد که بکدام يك از دربار های ایران اختصاص داشته اند و فهرست اسامی ایشان بدین قرار است : اشناسی یا اشامی - جویباری - جلاب بخاری - حکاک مرغزی - خجسته سرخسی - خفاف - اسمعیل رشیدی - زرین کتاب - شاکر بخاری - شهره آفاق - صفاری مرغزی - طاهر فضل - عبدالله عارضی یا عارض - ابوعلی الیاس - علی قرط اندکانی - غواص - قریع الدهر - مظفری - یوسف عروضی - احمد جامی - ملک احمد برهات - کیا حسینی قزوینی - ابومعید خطیری - سرودی - شاهسار - ابوشریف - ابو عاصم - عرتامی - حکیم غمناک - ابوالقاسم مهرانی - قصار امی - لمعانی عباسی - محمودی - مرصعی - مرواریدی - مشکور - مشفق بلخی - نجاد - شناس - ابوالحسن - ابوالخطیر گوزگانی - ابوالقاسم مؤدب - ابوعلی چاچی - ابونصر مرغزی - ابهری - سرجیس - پندو - چرخ - حصری - خباز قاینی - دفایه - طاهر خسروی - غیائی - فاخر - قایل - قریع الفرس - عیوقی - فریدالدهر - قریحی - کشفی - کمال عزیزی - مجیر غیائی - محمد عبدالمحمد بن عثمان - مظفری - معاشری - میزبانی بخاری - ابوالجوهر - ابوالحر - ابوالعباس اهامی - ابوالعباس بخارایی - ابوالعباس عباسی - ابوالعباس عنبر - ابوالعبیر عنبر - ابوذر - ابورافع - ابوعبدالله ادیب - ابومنصور - بارانی - برقی - بنانی - پروین خاتون - پسررامی - پیروزی - حمزه عروضی - رافعی نیشابوری - سلمان - سهیلی - شمعی - صانع فضلی - صیدلانی - ضمیری - ظهردین جدید .

چند شاعر دیگر هم بوده اند که قسمتی از عمر ایشان در اواخر قرن چهارم و قسمتی دیگر در اوایل قرن پنجم گذشته و واسطه میان این دو قرن بوده اند بهمین جهت ایشان را هم از شعرای قرن چهارم و هم از شعرای قرن پنجم میتوان شمرد بدین قرار: ابو منصور عماد مروزی که از شعرای اواخر سامانیان بوده و تا زمان سلطان محمود غزنوی در اوایل قرن پنجم هم زیسته و شاعری معروف و نیکو سخن بوده است.

کسانی مروزی که در روز چهارشنبه بیست و هفتم شوال ۳۴۱ متولد شده و تا پنجاه سال بعد از آن یعنی تا ۳۹۱ هم حتماً زنده بوده و یکی از مشاهیر شعرای ایران و حکمای عصر خویش بشمار است و شعر بسیار داشته و از بزرگان طریقه اسمعیلی بوده و ناصر خسرو زمان وی را درک کرده است - منجیک ترمذی که نخست از شعرای دربار چغانیان بوده و پس از برچیده شدن بساط پادشاهی آن خاندان در سال ۳۷۲ ظاهراً بسیستان رفته و از آنجا بدربار سلطان محمود غزنوی پیوسته است و در سلك شعرای وی درآمده - ابونصر احمد بن منصور اسدی طوسی پدر علی بن احمد اسدی صاحب فرهنگ و منظومه گرشاسب نامه که در سال ۴۲۵ در گذشته است او را استاد فردوسی در شعر شمرده اند ولی این گفته بسیار سست می نماید - غضایری رازی که از بزرگان شعرای زمان خود بود و نخست در سلك شعرای آل بویه درری میزیست و سپس جزو مداحان سلطان محمود غزنوی شد و از ری مدایح برای او میفرستاد و بهمین جهت مورد بغض و معارضة عنصری ملك الشعرای معروف دربار سلطان محمود واقع شد و ظاهراً عنصری دیوان او را شست و وی یکی از ارکان شعر فارسی در عصر خویش بشمار میرفت و در سال ۴۲۶ رحلت کرد - فرخی سیستانی یکی از بزرگترین شعرای شیرین سخن ایران و یکی از معاریف شعر فارسی که او هم مانند منجیک در دربار چغانیان بود و پس از برچیده شدن آن بساط بدربار محمود غزنوی رفت و با کمال احتشام در آن دربار میزیست و در سال ۴۲۹ در گذشت.

## ۶- نشر

نخستین اثری که از نشر فارسی تا جایی که ما اطلاع داریم باقی مانده از اوایل قرن چهارمست. پیش از آن تنها نشانه‌ای که به ما رسیده فقط یکی چندجمله است که مؤلفین ایرانی یا عرب در کتابهایی که بزبان تازی نوشته‌اند نقل کرده‌اند. چیزی که درین میان مسلمست اینست که حتماً در قرن دوم نشر فارسی بوده است زیرا که «بهافرید» پسر «ماه فروردین» که پیش از خلافت بنی‌العباس (در سال ۱۳۲) در خراسان دینی تازه آورده بود و از مردم حوالی نیشابور بود پیروان خود را هفت‌نماز بزبان فارسی مقرر داشت و برای این هفت نماز کتابی بزبان فارسی تألیف کرده بود. بعد از آن یکی از اطباء و مترجمین قرن دوم «منکه» نام یکی از کتب هندی را که باسم «کتاب شاتاق» در نجوم بوده، از هندی بزبان فارسی ترجمه کرده است و ابو خاتم بلخی در میان سالهای ۱۷۰ و ۱۷۷ آن کتاب را برای یحیی برمکی بخط فارسی نوشته است. ازین دو کتاب ظاهراً اثری باقی نمانده و نیز از کتبی که بزبان ما در قرن سوم تألیف کرده‌اند چیزی بدست نیست ولی تا جایی که اطلاع داریم در قرن چهارم در نتیجه تشویقات فوق العاده پادشاهان سامانی کتب بسیار بزبان فارسی تألیف شده است از آنجمله کتابی در لغت فارسی باسم «تاج المصادر» بابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی شاعر بزرگ ایران (متوفی در ۳۲۹) نسبت داده اند که در آن شکست ولی در همان زمان ابو حفص حکیم بن احوص سغدی کتابی در لغت فارسی تألیف کرده است که تا قرن یازدهم نیز فرهنگ نویسان آن را در دست داشته‌اند.

اما کتبی که بشر قرن چهارم اینک در دستست بدین قرار است: قدیم ترین نشر فارسی مدون که هنوز در میانست از سال ۳۴۶ هجریست و آن مقدمه ایست که بشر برای شاهنامه‌ها یعنی مجموعه‌های تاریخ ایران پیش از اسلام که در آن زمان بشر فارسی می‌نوشته‌اند ترتیب داده‌اند و نویسنده آن معلوم نیست ولی پس از آنکه

فردوسی این داستانها را نظم کرده همان مقدمه قدیم را در صدر منظومه فردوسی قرار داده اند و سپس مطالب دیگر در احوال فردوسی بر آن افزوده اند و این مقدمه بهرمان ابومنصور محمد بن عبد الرزاق طوسی حکمران طوس بتوسط چند تن از زرتشتیان ایران نوشته شده است و تا سال ۸۲۹ که بایسنقر میرزا از شاهزادگان آل تیمور دستور داده است مقدمه دیگری بر شاهنامه بنویسند (و این همان مقدمه ایست که در نسخه های متداول این زمان هست) این دیباچه ابومنصوری همواره در صدر شاهنامه معمول بود و هنوز در بعضی نسخ خطی قدیم متداول است و دو مقدمه دیگر هم پس از آن و پیش از دیباچه بایسنقری نوشته اند. پس از آن ابوالقاسم عیسی بن علی که پدرش علی بن عیسی بن داود الجراح وزیر مقتدر خلیفه عباسی بود و در سال ۳۳۴ رحلت کرد کتابی در لغت فارسی نوشته است که اینک بدست نیست.

در همین زمانها ابوالمؤید بلخی شاعر معروف دربار سامانیان بزبان فارسی تألیفات کرده است و از جمله مؤلفات او شاهنامه ای بوده است بشر فارسی که پیش از سال ۳۵۲ که ترجمه طبری تمام شده آنرا تألیف کرده بود و نیز ذکری از کتاب گرشاسب نامه او هست که معلوم نیست همین شاهنامه است یا کتابی دیگر بوده و فعلا تنها کتابی که از مؤلفات او باقیست کتاب کوچکیست در عجایب بلدان که در میان سنوات ۳۶۶ و ۳۸۷ آنرا پرداخته است.

بعد از آن کتاب دیگری که در دستت کتابیست با اسم «کشف المحجوب» در عقاید اسمعیلیه که در حدود سال ۳۴۰ یا پس از آن بتوسط ابو یعقوب سکزی تألیف شده و اینک موجود است ولی چنان می نماید که این روایت فارسی ترجمه ای باشد که در قرن بعد ناصر خسرو از آن کرده است.

سپس در زمان نوح بن نصر پادشاه سامانی (۳۳۱ - ۳۴۳) تفسیر کبیر تألیف

محمد بن جریر بن یزید طبری را که از معروف ترین کتب این فنست بهرمان این پادشاه بزبان فارسی ترجمه کرده اند ولی مترجم آن بتحقیق معلوم نیست و آن کتاب

نیز موجود است.

کتابی دیگر از همین مؤلف در همان اوان ترجمه شده و آن تاریخ طبرستان که ظاهراً در سال ۳۵۲ ابوعلی محمد بن محمد بن عبیدالله بلعینی وزیر که شاعر نیز بوده است ترجمه کرده و از بهترین کتب متداول نشر فارسیست .

کتاب دیگری بهمین دوره نسبت می دهند که « کتاب الاثیه عن حقایق الادویه » تألیف ابو منصور موفق بن علی هروی در مفردات طبست و یگانه نسخه ای که از آن موجودست بخط علی بن احمد اسدی طوسی شاعر معروف ایران در ماه شوال ۴۴۷ نوشته شده و ظاهراً قدیم ترین نوشته ایست که بخط فارسی موجودست ولی مسلم نیست که این کتاب در همین زمان تألیف شده باشد .

سه کتاب دیگری که درین زمان تألیف شده یکی کتاب بسیار جامع و بزرگست در طب بنام « هدایة المتعلمین » که ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخارایی در میان سالهای ۳۵۰ و ۳۶۵ تألیف کرده است ، دیگر کتابیست در عقاید از حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی فقیه معروف که در روز عاشورای سال ۳۴۳ در سمرقند در گذشته است ، دیگر شرحیست که ابوالبراهیم اسمعیل ابن محمد بن عبدالله بن احمد بن سهل بن ارجح آملی بخارایی مستملی مذکر مسری متوفی در ۴۳۴ بر کتاب معروف « التعرف لمذهب التصوف » تألیف استاد خود ابوبکر محمد بن ابواسحق محمد بن ابراهیم بن یعقوب کلاباذی بخاری عارف مشهور در گذشته در ۳۸۰ در پایان قرن چهارم تألیف کرده است .

پس از آن کتاب دیگری که تألیف شد ، کتابیست باسم « کتاب البارع » در احکام نجوم تألیف ابونصر حسین بن علی قمی که در سال ۳۶۷ تألیف کرده است .

در سال ۳۶۹ نوح بن منصور پادشاه سامانی بخواجه عمید ابوالفوارس قناوژی فرمان داده است که کتاب « سند باد نامه » را از زبان پهلوی بزبان فارسی ترجمه کند و آن ترجمه تا قرن ششم موجود بوده زیرا که ازرقی هروی شاعر بزرگ آن زمان آن کتاب را نظم کرده است و بهاء الدین محمد بن علی بن محمد بن عمر ظهیری

کاتب سمرقندی در همان قرن ترجمه قنآور را تهذیب کرده و بانشای تازه تر در آورده است. داستان سبید باد یا سندباد نامه مجموع حکایات است که مانند کلیله و دمنه در زمان ساسانیان از هندوستان بایران آورده و بزبان پهلوی ترجمه کرده اند و از آنجا بزبان فارسی در آمده است.

پس از آن کتاب دیگری که مانده کتابیست باسم «حدود العالم من المشرق الی المغرب» که در سال ۳۸۲ تألیف شده ولی نام مؤلف آن معلوم نیست.

در همین اواخر قرن چهارم مؤلف دیگری بوده است باسم محمود وراق که در سال ۴۵۰ تاریخ بسیار مبسوطی تمام کرده و از آغاز تاریخ تا سال ۴۰۹ وقایع را در آن ضبط آورده و آن کتاب از میان رفته ولی ابوالفضل بیهقی مورخ معروف قرن پنجم از آن ذکر کرده و تا زمان او معمول بوده است. این محمود وراق ظاهراً شعر فارسی هم میگفته ولی او را با محمود بن حسن وراق شاعر عرب که در حدود سال ۲۳ رحلت کرده است اشتباه کرده اند. در همان اوان دیر بسیار بزرگی در دربار غزنویان بوده باسم ابونصر احمد بن عبدالصمد مشکان که صاحب دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود بود و در سال ۴۳۱ رحلت کرد. این نویسنده بزرگ استاد ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی صاحب تاریخ معروف بوده و بیهقی آنچه از دهان او راجع بمشاهدات ایام عمروی شنیده است در کتابی باسم «مقامات ابونصر مشکان» ضبط کرده بود که تا قرن نهم نیز متداول بود و ظاهراً از میان رفته است و از آثار این ابونصر آنچه مانده بعضی مکاتیب و رسایست که بیهقی در تاریخ خود بمناسبت ضبط کرده است.

نیز در همان زمان دانشمند بزرگ ابوالریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی که در سال ۴۳۰ در گذشته است بشر فارسی تألیفات کرده و دو کتاب باین زبان نوشته است یکی باسم «المساهر فی اخبار خوارزم» در تاریخ دیار خویش که از میان رفته و فقط بیهقی بعضی مطالب آنرا در تاریخ خود نقل کرده است و دیگر کتابیست در علم نجوم باسم «کتاب التفهیم فی صناعة التنجیم» که هم آنرا عربی و هم بفارسی نوشته است.



عالم بزرگ دیگری که در همین زمان میزیست پیشوای علمای جهان شیخ الرئيس ابو علی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سیناست که در سال ۴۲۸ رحلت کرده است. این دانشمند بزرگ رانیز چهار کتاب بزبان فارسیست که هر چهار بدستست: نخست رساله ایست که در شناختن نبض فرمان علاء الدوله کاکویه پادشاه معروف آل بویه (۳۹۸ - ۴۲۳) نوشته ، دوم رساله ای در ماهیت نفس که از مؤلفات خود که سابقاً بزبان عربی نوشته بود فرمان علاء الدوله کاکویه ابو جعفر محمد بن دشمن زیار (۳۹۸ - ۴۲۳) بفارسی ترجمه کرده است ، سوم کتاب بسیار جلیل القدری باسم «دانش نامه علایی» که فرمان همین پادشاه در دو قسمت نوشته: قسمت اول در منطق و قسمت دوم در حکمت و خلاصه بسیار مهمیست از تحقیقات معروف این بزرگترین دانشمند ایرانی در منطق و حکمت که درین دو علم قول او همواره حجتست . قسمت دوم را که خود مجال نکرده است بنویسد شاگرد معروف وی ابو عبید گوزگانی از مؤلفات دیگری که بتألیف ترجمه کرده است . چهارم کتاب کوچکیست باسم «ظفر نامه» که از آثار جوانی اوست و ترجمه فارسی نصایح انوشیروانست .

بجز این چهار کتاب چند کتاب دیگر بزبان فارسی بابن سینا نسبت داده اند که در انتساب آنها تردیدست و عبارتست از معراج نامه، رساله در مبدأ و معاد ، تشریح الاعضاء یا رساله حقایق وجود ، حکمة الموت ، حل المشکلات یا حل مشکلات معینیة ، رساله فی ذکر اثبات المبدأ و المعاد ، رساله تسلسل علل و مسببات یا رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب مسببات ، رساله جر ثقیل یا جراثقال ، رساله جودیه ، شرح کتاب النفس ارسطو ، قراضه فی الطبیعیات ، کتاب المعاد و یا رساله المعاد ، کنوز المعزمین ، رساله فی ذکر اثبات المعاد ، رساله نبوت ، علم پیشین و برین ، شرح رساله الطیر ، منطق فارسی ، رساله عدل شاهی ، معیار العقول .

اینست آنچه از کتب ثر فارسی از چهار قرن اول هجرت تا امروز باقی مانده یا اثر آن در کتب بما رسیده است و البته ممکنست کتب دیگری باشد که مسود این اوراق را از آن آگاهی ترسیده است .

در قرن پنجم ادبیات ایران نسبت به قرن چهارم ترقی محسوسی کرد. عموماً این ترقی را فقط نتیجهٔ ادب پروری و شاعر نوازی پادشاهان غزنوی و مخصوصاً بزرگترین شهریار این سلسله یعنی الدوله محمود بن ناصرالدین سبکتگین میدانند ولی نباید جهت ترقی را منحصر باین دانست، اگر چه هنر پروری این پادشاه در پیدایش دانشمندان و ادبا بسیار مؤثر بوده است و مخصوصاً ثروت بی‌حسابی که از هندوستان باخویش آورده و بخشش‌های شاهانهٔ او در حق برخی از شعرای دربار خویش در رواج ادبیات فارسی بسیار سودمند بوده است ولی بیشتر جهت اصلی و سبب واقعی ترقی ادب فارسی درین قرن آنست که در زمان سامانیان و در قرن چهارم پایهٔ ادبیات بر پی استوار و در کن حصینی نهاده شده بود و چنان این کاخ را از پی محکم ساخته بودند که قطعاً می‌بایست در قرون بعد با وج کمال برسد و کسانی مانند رودکی و دقیقی چنان احساسات سرشار و چنان شوری تولید کرده بودند که حتماً می‌بایست از میان فرزندان ایشان فردوسی و فرخی و عنصری بیرون آید، ادبیات همواره تابع احساسات و مقتضیات محیطست. در زمان سامانیان در خراسان و ماوراءالنهر احساسات ایران دوستی و ذوق استقلال ذاتی و رهایی از قید عرب بمنتهای کمال خود رسیده بود و قهراً در میان آن احساسات شور انگیز ادبیات ایرانی خالص می‌بایست باقصری غایت برسد. معذک اگر پادشاهان غزنوی و آن نوازشهای ایشان از ادبای ایران نبود شاید نظم و نثر فارسی بدین درجه از ترقی نمی‌رسید. سبب عمدهٔ تشویق غزنویان از ادبیات اینست که در دورهٔ سامانیان این کار از مهم‌ترین وظایف دربارشاهی شده بود و شعر از لوازم سلطنت و جزو شکوه و جلال تاج و تخت بشمار رفت و غزنویان که از هر حیث مقلد تمدن سامانی بودند دانسته یا نادانسته و خواهی نخواهی همان رسوم درباری را دنبال کردند. و انگهی برای کشورستانی حاجت به تحریک احساسات مردم ایران داشتند و شعر بهترین وسیلهٔ این تحریک بود. البتگین غلام ترک سامانیان از جانب عبدالملک بن نوح سامانی (۳۴۳ - ۳۵۰) حاکم خراسان

بود و در سال ۳۵۰ که این پادشاه سامانی در گذشت بر شهر غزنین استیلا یافت و قسمتی از جنوب شرقی خراسان را بر خود مطیع کرد و پس از شانزده سال حکمرانی مستقل در سال ۳۶۶ مرد و داماد او ناصرالدین سبکتگین که او هم غلام زرخرید ترک بود جانشین وی شد و سلسله غزنویان را تأسیس کرد که پایتخت ایشان در غزنی یا غزنین و یا غزنه بود و بتدریج تمام خراسان و ماوراءالنهر و گرگان و قسمتی معظم از عراق و کرمان را متصرف شدند و مملکتی که تقریباً سه برابر قلمرو سامانیان بود در ایران تأسیس کردند و تقریباً تمام قسمت غربی هندوستان و اراضی مواحل سند و پنجاب را تا ساحل رود گنگ گرفتند و تا سال ۵۸۳ یعنی مدت دویست و هفده سال چندی در ایران و مدت زمانی در مغرب و شمال غربی هندوستان سلطنت کرده اند.

ناصرالدین سبکتگین از حیث عدل و مروت و مردمی یکی از بهترین رجال تاریخ ایران بود و چون تربیت یافته دربار سامانیان بود بهمان سیاست ایرانی و هنرپردی ایشان عادت داشت و چون خود را وارث مستقیم سامانیان میدانست آداب دربار ایشان را از دست نداد و در نتیجه ادبیات نیز مورد توجه وی و فرزندان او بود و پس از مرگ او در سال ۳۸۷ پسرش اسمعیل پیادشاهی رسید ولی پسر دیگر محمود پس از اندک زد و خوردی او را خلع کرد و خود جانشین پدر شد. این پسر نیز بعضی از خصال پدر را از او برده بود از آن جمله احترام بدانشمندان و ادب بود و در ضمن در طریقه حنفی اشعری تعصب بسیار داشت. در مدت سی و چهار سال که از ۳۸۷ تا ۴۲۱ پادشاهی کرد آنچه لازمه پرورش شعرا و نویسندگان دانشمندان دستگاه خود بود دریغ نکرد و مخصوصاً پس از ۴۱۰ که پای او به هندوستان باز شد و هر سال غنائم بسیار از هند میآورد شعرای دربار خویش را از آن غنائم سهم می بخشید و اغلب ایشان از توانگران زمان خود شدند. بهمین جهت هر ادیب و شاعر و دانشمندی که در آن زمان در هر نقطه از ایران بود یگانه آرزویی که برای نیک بختی خود می پخت این بود که بدربار این پادشاه راه یابد و از آن بخشندگیهای شاهانه او سهم بگیرد. از محمود گذشته رجال دربار وی مخصوصاً

برادر کوچک تر او امیر ابوعقوب یوسف عضدالدوله و پسرانش امیر ابو احمد محمد و امیر جلال الدوله مسعود و وزیر نامی او شمس الکفایت ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی و خواجه ابوالقاسم کثیر ندیم او و ابوبکر حصیری و ابوبکر قهستانی و ابوسهل حمدوی<sup>۱</sup> بزرگان دربار وی ادبا و شعرای زمانه را بسیار مینواختند و از آن مخدوم خود سرمشق میگرفتند. چون دربار محمود برجیده شد اکثر آن دانش پروران در دربار پسرش مسعود باقی ماندند و همان آداب و سنن مملکت داری برقرار ماند. امرای مشرق ایران در آن زمان که دست نشاندگان و پرورش یافتگان دربار غزنوی بودند و از جانب ایشان به حکومت نواحی خراسان و ماوراءالنهر و بلاد هندوستان مامور میشدند بمخدومین خود تاسی میکردند و در جلب شعرا و دانشمندان مایل بودند و بعد که دست غزنویان از سلطنت مشرق ایران کوتاه شد و بهمان ممالک فتح کرده در هندوستان قناعت کردند این رسوم و آداب را با خود بهند بردند و تا سال ۵۸۳ که خسرو ملک آخرین پادشاه غزنوی در هند سلطنت میکرد پرورش شعرا و فضلا یکی از آداب کشور داری و جهانپناهی غزنویان بود و از زمان ناصرالدین سبکتگین تا عهد خسرو ملک هرگز دربار غزنوی از شاعر و ادیب خالی نماند و اکثر شعرا و علمای مشهور قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم ایران یا مستقیماً نعمت پرورده یکی از شهریاران غزنوی بودند و یا تنعم یافته از امرای وابسته بایشان. اوج ادبیات در دربار محمود غزنوی بود چنانکه در شماره شعرای عصر او از چهارصد نیز تجاوز کرده اند و البته این رقم مبالغت آمیز برای رساندن فرط توجه او نسبت بعلم و ادب خود نمونه ایست.

۱- شعرای غزنویان- قدیم ترین شاعری که در قرن پنجم میتوان اسم برد ابوالحسن اوزمزدیست که بهمین اسم در فرهنگ ها اشعاری از وثبت آمده و ظاهراً از شعرای اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بشمار میرفته است. در همین زمانها حکیمی بوده است که با اسم ناصر هرزدی ما بیژن آبادی نام از وثبت شده و از حکما و شعرای

زمان خود بوده و نسب او بنامانیان میرسیده است ، احتمال میرود که همین ابوالحسن اورمزدی باشد و شاید در نسب وی نیز خطا کرده باشند و از مردم ماسور آباد از توابع گرگان بوده باشد . پس از ابوالفرج سکزی معروف بن سیمجوری بوده که ابوعلى سیمجور امیر معروف آن زمان و فرزندان ویرا مدح میگفته و او را استاد عنصری دانسته اند و او نیز در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم زندگی کرده است و از شعرا و هم اندکی باقی مانده است . اما شعراى دربار محمود بجز سیزده شاعر بزرگ که پس ازین ذکر خواهم کرد عده اى نیز شعراى درجه دوم بوده اند که اسامى ایشان با بعضى از اشعار آنها بما رسیده بدین قرار : امینى بلخى ، امیر ابوالمظفر ابراهیم ، بدرى - غزنوى ، بهروز طبرى ، حقورى یا حقورى هروى که معنى وقرائت این اسم معلوم نیست و بهر دو شکل ضبط کرده اند و احتمال مى رود حقورى مرکب از کلمه «حق» و پساوند «ور» بمعنی حق دار باشد ، عطاردى خراسانى ، عبدالله بن محمد بلخى فرخارى ، محمد بن عثمان کاتب ، کوكبى مروزی ، مظفر پنجدهی ، محسن فراهی ، معنوی - بخارایی ، هلیله که معنى اسم او وقرائت آن نیز معلوم نیست .

از سلطان محمود و وزیر او احمد بن حسن نیز شعر فارسی نقل کرده اند .

اما شعراى بزرگ این دوره که هر يك از ایشان فراخور ذكرى جداگانه اند بدین قرارند .

۱- **ابوالحسن بهرامى سرخسى** که بزرگزاده بود و در سال ۵۰۰ رحلت کرد و از مشاهیر شعراى زمان خود بشمار میرفت و سه رساله در عروض و قوافى باسم او نوشته اند که ظاهراً هر سه از میان رفته است : رساله خجسته یا خجسته ناصری و یا خجسته نامه در عروض ، رساله غایة العروضین یا غایة العروضین و سوم رساله کنز القافیه ، از شعرا و جز اندکی نمانده و از همین اندك استادی او پیدا است .

۲- **محمد بن محمود بدایعى بلخى** که گویند اشعار مصنوع میسروده ولى ازین قسم اشعار او چیزی در میان نیست و مهمترین اثرى که از او مانده نظمىست که ببحر متقارب از پندهاى افوشیروان کرده ، در حدود دویست بیت ، که اصل آن بزبان پهلوى

بوده است و ترجمه‌ای بنثر از آن باین سینه نسبت می‌دهند با اسم ظفر نامه .

۳- **ابو محمد محمود بن عمر جوهری زرگر هروی** که ظاهراً در اوایل عمر

گوهر فروش بوده و تازمان فرخزاد بن مسعود بن محمود غزنوی (۴۴۴-۴۵۶) نیز حیات داشته و از اشعار او نیز اندکی مانده است .

۴- **زینبی علوی محمودی خراسانی** که اسم او را زینتی نیز ثبت کرده‌اند و از

بزرگان شعرای دربار محمود و پسرش مسعود بود و مخصوصاً سلطان مسعود صلات-  
گران بوی داده است، چنانکه يك بار يك پیل و هزار هزار درم و بار دیگر يك پیل و پنجاه  
هزار درم بوی بخشیده است، از شعرا و نیز بعضی ایات مانده است .

۵- **عبدالعزیز بن منصور عمجدی مروزی** از شعرای نامدار دربار محمود و

از اقران عنصری و فرخی بود و در اغلب سفرها در رکاب محمود رفته است، چنانکه در  
فتح سوهنات قصیده‌ای سروده و صد هزار درم صلت گرفته و سپس در دربار مسعود نیز  
زندگی کرده و در سال ۴۳۲ در گذشته است، دیوان شعر او نزدیک سه هزار بیت بوده  
ولی اینك در دست نیست .

۶- **محمد بن علی غضایری رازی** ساکن شهر ری بود و در سال ۴۲۶ رحلت

کرد. در اوایل بدربار بهاءالدوله دیلمی (۳۷۹-۴۰۳) بستگی داشت و از نجبای دیار  
خود بشمار میرفت، چنانکه او را کیا غضایری می‌خواندند . بعد که محمود اصفهان و  
ری را گرفت خود را بدربار غزنویان پیوست و از ری مدایح با اسم محمود بغزنی  
می‌فرستاد تا وقتی که قصیده‌ای در یکی از فتوح محمود در هندوستان سروده بود و  
هزار درم صله گرفت و قصیده دیگر در شکر گزاری گفت و در آن قصیده معروف محمود  
را مخاطب ساخته و گفته است دیگر بس است که حوصله صلات ترا ندارم و همین  
باعث شد که عنصری ملك الشعراى دربار بر و خشم گرفت و جواب سخت بوی داد و  
دیوان شعر او را شست و آرمیان برد و اینك جز دو قصیده و چند بیت دیگر چیزی از و  
نمانده است .

۷- **سید الشعراء لبیبی خراسانی** معروف بلیبی ادیب از بزرگان و معاریف

شعراى عصر خود بود و از مختصان امير ابو يعقوب يوسف عضد الدوله برادر محمود بشمار مى رفت. شعرا و در زمان هاى قدیم بسيار رايج بود ولى درين زمان جز يك قصيده و بعضى اينات چيزى از او نمانده است.

۸ - ابوسعید احمد بن محمد منشوری سمرقندی از شعراى مقتدر و معروف عصر خود بود و در صنعت تلون يعنى شعری که بر دو وزن يا زياده خوانده شود مختصرى ساخته بود که خود شيدى شاعر آنرا شرح کرده بود ولى اينك آن از ميان رفته و از ساير اشعار وى جز ايناتى چند نمانده است.

۹ - ابوالحسن على بن محمد ترمذى معروف بمنجيك يا منجيك چنگ زن از بزرگان شعراى قرن پنجم بشمار است، اصل وى از دهى بوده با اسم منجيك در مشرق ترمذ و بهمين جهة باين اسم معروف شد. در آغاز عمر شاعر دربار امير ابوالمظفر طاهر بن فضل چغانى امير معروف چغانيان بود که در سال ۳۷۷ رحلت کرده است و پيش از وى دقيقى و فرخى هر دو در آن دربار بوده اند، پس از مرگ اين امير بدربار سيستان رفته و بخدمت ابوالمظفر احمد و پسر او طاهر بن احمد پذيرفته شد و سپس بدربار غزنويان شده است. منجيك شاعرى بذله گوى و فصيح بود، مخصوصاً در هجو قدرت بسيار داشت و در موسيقى و زدن چنگ استاد کامل بود، از شعرا و نيزاندى مانده است.

۱۰ - حكيم مجدالدین ابوالحسن اسحق كساينى هر روزى روز چهار شنبه ۲۷ شوال ۳۶۱ متولد شد و تا پنجاه سال بعد حتماً زنده بوده و مدح سلطان محمود غزنوى نيز گفته است، بهمين جهة بايد او را از شعراى اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم شمرد، وى در زمان خود از مشاهير حکما و شعراى ايران بود و در شعر در هر قسم مضمونى مهارت داشته چنانکه هم بسبك رودكى قصايد شاعرانه سروده و بشعر رودكى بسيار معتقد بوده و هم قصايد حکيمانه بلند داشته و ناصر خسرو و مروى قباديانى شاعر بزرگ قرن چهارم که زمان وى را درک کرده است درين قسمت از بسبك وى پيروى کرده و چون او را بزرگى ياد مى کند احتمال مى رود اسمعيلی بوده باشد. دهنوان وى شامل سه هزار بيت بوده است که از ميان رفته و فقط نزديك بدويست بيت

او بما رسیده که از آن جمله اشعار بسیار بلند قصیده است.

۱۱ - ابونصر احمد بن منصور اسدی طوسی که در سال ۴۲۵ رحلت کرده است گویند از شاهیر شعرای زمان خود بود و پسرش علی بن احمد نیز از شعرای بزرگ است که در او اسط قرون پنجم می زیسته است، این ابونصر احمد اسدی را استاد فردوسی دانسته اند و حتی نوشته اند که سلطان محمود نظم شهنامه را از وی خواست و او پیروی را عذر آورد و باین کار پرداخت ولی چون وی معاصر فردوسی و تقریباً با او هم سن بوده است بعید است که این حکایت اساسی داشته باشد و چون از شعرا و چیزی نمانده است محل و عصر زندگی او بدرستی معلوم نیست همین قدر بقراین میتوان دانست که از شعرای خراسان بوده و او را از نژاد ساسانیان شمرده اند، چهار قصیده مناظره را که از پسرش هست بخط از او دانسته اند و از شعر او چیزی باقی نمانده است.

۱۲ - ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی که در سال ۴۳۱ در گذشته یکی از بزرگترین شعرای زمان خود و از شاهیر گویندگان زبان فارسیست. در دربار محمود مقام ملك الشعراء داشت و قصاید بسیار بلند در مدح این پادشاه سروده است و بمنتهای شوکت و جلال رسید، چنانکه تمام شعرای بزرگ ایران که پس از او آمده اند بوی حسد برده اند و عنصری را مظلومات بسیار بوده که از آن فقط قسمتی از دیوان اشعار وی شامل نزدیک سه هزار بیت باقیست و چند مثنوی نظم کرده بود: سرخ بت و خنک بت، عین الحیوة یا نهر و عین، شاد بهر، و امق و عذرا که اصل آن افسانه یونانیست و بزبان پهلوی ترجمه شده بود و ازین مثنویات بعضی ابیات پراکنده در فرهنگها باقی مانده است.

۱۳ - ابوالحسن علی بن جوالوغ فرخی سیستانی که در سال ۴۲۹ رحلت کرده نیز از بزرگان شعرای ایرانست. نخست از وطن خود سیستان بچغانیان رفته و بدربار امیر ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی پیوسته و سپس از آنجا بغزنی رفته و در ملك شعرای دربار سلطان محمود در آمده است و ظاهراً از شعرای دیگر محبوب تر بود و با وی بجنک و سفر میرفت، چنانکه در سفرهای هندوستان اغلب در رکاب این پادشاه بوده است و امرا و عمال بزرگ دربار را با وی روابط بسیار بوده و با برادر و



پسران پادشاه پیوستگی داشته و ایشان را مدح میگفته است. گذشته از شاعری در موسیقی نیز دست داشته و کتابی در صنایع شعر با اسم ترجمان البلاغه باونسبت داده اند که ازو نیست و از محمد بن عمر را دریا نیست، چنانکه پس از بن خواهد آمد. دیوان شعرا که امروز در میانست نزدیک بده هزار بیت میشود.

۱۴ - ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی بزرگترین شاعر ایران، در نام و نسب او اختلاف بسیارست و معتبرتر از همه آنست که ثبت کرده ام. در قریه با از اقرای ناحیه طبران در خاک طوس در حوالی سال ۳۲۳ متولد شد و پدران او از نجیبای قدیم ایران بودند و در سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ رحلت کرد و نزدیک نود سال عمر یافت. این مرد بزرگ که بی اغراق یکی از بزرگترین رجال تاریخ ایرانست بهیچ درباری پیوستگی نداشت و اینکه معمولاً او را از شعراى دربار محمود غزنوی میشمارند ظلم فاحشست که در حق وی روا میدارند، زیرا که در نظم شاهنامه بهیچوجه توقع صله از کسی نداشته و مطلقاً محمود غزنوی در نظر او نبوده است، بلکه فقط بذوق طبیعى ایرانی و از راه تعصب نژادى خواسته است داستانهای تاریخی نیاگان خود را زنده نگاهدارد و پیرایه نظم بر آن ببخشد و فقط پس از اتمام این کار چون محمود غزنوی پیرو دش شعرا و ادبا معروف شده بود در صدد بر آمده است که توجه وی را نسبت بمنظومه خود جلب کند و نسخه سومی ازین منظومه ترتیب داده و بنام او پرداخته است. درین صورت شأن او اجل از آنست که ویرا در سلك شعراى دربار بشمارند. این مرد بزرگ دهقان زاده یعنی بزرگ زاده اصیل ایرانی بود که در شهر طوس املاکی از پدران داشت و از محصول آن املاک زندگی میکرد و تمام عمر خود را باین کار بزرگ یعنی نظم شاهنامه وقف کرد و تمام دارایی خویش را باین کار مصروف داشت. از سال ۳۷۷ در پی یافتن نسخه شاهنامه بود که اصل آنرا در زمان سامانیان بزبان پهلوی با اسم «خدای نامه» تدوین کرده بودند و پیش ازو بنظم و نشر عربی و فارسی ترجمه شده بود و چندین شاعر ایرانی بنظم آن شروع کرده ولی هیچیک پایان نرسانده بودند و وی پس از مدتها کوشش و سفر برای بدست آوردن نسخه این کتاب عاقبت ترجمه آنرا بشر فارسی بدست

آورد که آن ترجمه را در سال ۳۴۶ بفرمان ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی حکمران طوس و سپهسالار خراسان کرده بودند و او از روی همان ترجمه بنظم شهنامه شروع کرد و این واقعه سالها پیش از جلوس محمود غزنوی بتخت سلطنت خراسان بود تا اینکه در حدود سال ۳۸۴ نسخه اول منظومه خود را که خلاصه‌ای از آن کتاب بود تمام کرد و بعد در سال ۴۰۰ نسخه دیگری از شهنامه را پایان رسانیده، یعنی نسبت بنسخه اول و دوم چیزهایی بر آن افزوده است و سپس در صدد بر آورده است که توجه سلطان محمود غزنوی را نسبت بمنظومه خود جلب کند و بهمین جهت پس از سال ۴۰۲ نسخه چهارمی ازین کتاب ترتیب داده و بعضی ابیات در مدح سلطان محمود بر آن افزوده و امیدوار بوده است که سلطان محمود در پاداش این خدمت ویرا اجری ببخشد و معاش بازمانده عمر او را فراهم سازد، زیرا که درین میان املاک وی از میان رفته و تهیدست شده بود ولی سعایت بدخواهان و اینکه فردوسی شیعه و محمود حنفی اشعری متعصب بود سبب شد که محمود از وعده‌ای که ظاهراً درین باب کرده بود برگشت و انتظار فردوسی را بر نیآورد و بهمین جهت شاعر بزرگ ما در اواخر عمر خویش تهیدست و پریشان و نومید زندگی تلخ ناگواری داشت و در همین زمان نومیدی و ناکامی نسخه دیگری از شهنامه ترتیب داده است که آخرین آثار دوره زندگی شریف اوست و شکوه از نامآزگاری ایام را در آن نسخه وارد کرده است. آن همه داستان‌هایی که در باب وی نقل کرده‌اند از قبیل اقامت در دربار محمود و مشاعره با شعراى غزنین و فرار کردن و تبدیل یافتن صله محمود از شست هزار دینار پینجاه هزار درهم و غیره تمام افسانه و جعل است و حقیقت مسلم ندارد. قطعیت که فردوسی را درین اقدام محرك دیگر جز تعصب نژادی و شورایرانی نبوده است. از شاهنامه فردوسی نسخهای بسیار در دست هست که شماره ابیات آنها تفاوت دارد. معمول ترا همه چهار نسخه است که یکی ۴۸ هزار و دیگری ۵۲ هزار و سومى ۵۵ هزار و چهارمى ۶۱ هزار بیت دارد ولی نسخه‌هایی که بیش از ۵۲ هزار دارد شامل اشعاریست که از دیگران بآن الحاق کرده‌اند و بیشتر از گرشاسب‌نامه اسدی اشعاری در شاهنامه داخل کرده‌اند. نزدیک بصد بیت هم اشعار مختلف شامل قطعات کوچک

و بزرگى بفردوسى نسبت مى دهند که در انتساب آنها تردیدست . يك مثنوى يوسف و زليخا نیز بفردوسى نسبت داده و گفته اند که در ۳۸۶ تمام کرده است اما چنانکه پس ازین خواهد آمد این مثنوى از امانى خراسانى از شاعران دوره سلجوقیست . گذشته ازین شعرا که در زمان محمود یانزدیک بزمان وی رحلت کرده اند يك عده شعراى دیگر هم بوده اند که در زمان محمود زیسته اند ولی در ایام سلطنت جانشینان وی در گذشته اند . اولاد محمود نیز شاعر پرور و خردگستر بوده اند و از فرزندان وی مخصوصاً پسرش محمد پیر و زش شعر از غبت داشته و شعر فارسی را می پسندیده است . از و نیز بعضى اشعار روایت کرده اند . معروف ترین شعراىی که پس از محمود هم زنده بوده اند بدین قرارند :

۱- قصارامى که از اسم و نسب و احوال او اطلاعى نیست و احتمال مى رود نام وی مرکب از دو جزء «قصار» بمعنی گذر و «امى» بمعنی کتابت نیاموخته باشد و از شعر او چند بیت در فرهنگها مانده است .

۲- ناصر بغوی که ظاهراً از اعلامای لغت در زمان خود بوده و از اشعار او جز يك رباعی نمانده است و درست تر آنست که نام وی ناصر بغوی بوده است و بغوی منسوب به غشور از شهرهای خراسان در میان هرات و مروالروست .

۳- امیر ابو الفتح عبدالکریم بن احمد حاتمى هروى که از امرای دربار غزنویان بود . نخست کاتب سلطان محمود و سپس صاحب برید شهر هری شد و کاتب و خوشنویس معروف عصر بود و بفارسی و عربی اشعار نیکو سروده است ولی از شعر فارسی او جز اندکی نمانده است .

۴- ابو منصور قسیم بن ابراهیم قاینی ملقب بیزرعى مهر که از اعیان دربار مسعود بود و او نیز بهر دو زبان شعر خوب مى گفته ولی از شعر فارسی او جز چند بیت بما نرسیده است .

۵- ابو الفضل مسرور بن محمد طالقانی معروف به مسرور خراسانى که از و نیز چند بیت مانده است .

۶ - امام مسعود رازی که از شعرا و علمای معروف خراسان بوده و در مذهب تشیع تعصب می ورزید و وی تا زمان مسعود زنده بود و در روز شنبه ۲۷ ذی الحجه سال ۴۳۰ که سلطان مسعود بجهن مهرگان نشست و شعرا اشعاری در مدح او خواندند بسبب دو بیت شغری که مسعود رازی در حق او سروده بود وی نپسندید او را بحبس هندوستان فرستاد و از اشعار او اندکی بدست ما رسیده است .

۷ - ابو عبد الله روزبه بن عبد الله نکهتی که تخلص او را نکته نیز ضبط کرده اند ولی روایت اول صحیح تر می نماید . نکهتی تا زمان سلطان ابراهیم غزنوی هم زنده بوده و از شعرای بزرگ زمان خویش بشمار می رفته ولی از شعرا و جز اندکی نمانده است .

۸ - ابوالنجم احمد بن عوض بن احمد منوچهری دامغانی که از بزرگترین شعرای ایران بشمار می رود ، از مردم دامغان و در آغاز کار شاعر دربار فلک المعالی منوچهر بن قابوس بود و در همان زمان که مسعود غزنوی از جانب پدر در ری و اصفهان حکمرانی داشت در یکی از سفرها او را از گریان برای خدمت خود خواند و بعد در سفری که در جمادی الاولی سال ۴۲۶ بطبرستان کرد او را از ساری با خود بغزنین برد و تا زمان مرگ خود در غزنی بود و در ۴۳۲ در غزنی رحلت کرد . قسمتی از دیوان اشعار وی که شامل اشعار بلند مخصوصاً در اوصاف طبیعت است نزدیک به چهار هزار بیت در دست است .

۹ - ابوالفرج بن مسعود رونی از مردم روم از توابع سیستان بود و چون مدتی در لاهور زندگی کرده ب لاهوری نیز معروف شده است . ابتدای شاعری او در زمان مودود بن مسعود بود ولی بیشتر اختصاص بساطان ابراهیم غزنوی دارد و در سال ۴۶۹ که سلطان ابراهیم پسر خود جلال الدوله مسعود را به هندوستان فرستاد با وی بهند رفت و درین سفر با مسعود سعد سلمان معاشر شد و مدتها با یکدیگر محشور بوده اند و در سال ۵۱۰ رحلت کرد . دیوان اشعار وی که شامل قصاید بسیار متین و پر مغنیست در حدود چهار هزار بیت موجود است .

۱۰ - خواجه عمید ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب رازی معروف بناكوك و عمید عطاء و عطاء یعقوب ، پندران وی همه از بزرگان محردین عصر خود بوده اند و ثروتی بسیار داشته اند و او نیز دیر زبردست و شاعر توانا بود و مدت ها در دربار غزنویان مقام مهم داشت تا اینکه سلطان ابراهیم او را از شغل خود عزل کرد و بهندوستان بمحبس فرستاد و بیش از هشت سال در لاهور در زندان بود تا در ۴۷۱ در گذشت و بیش از ۸۰ سال عمر کرده بود ، از شعرا و اندکی مانده است .

۱۱ - حکیم راشدی نیز از شعراي دربار سلطان ابراهیم بود و تا زمان مسعود بن ابراهیم زندگانی می کرد و در غزنین از معاریف شعر ابو د ولی از شعرا و جزیک دوییت باقی نمانده است .

۱۲ - جمال الدین ناصر بن شمس غزنوی معروف بکافرك غزنوی یا کافرك غزنین از شعراي زمان سلطان ابراهیم بود و در هزل و هیجا مهارت کامل داشت ولی از شعرا و هم جز اندکی بدست ما نیست .

۱۳ - امیر مسعود بن سعد بن سلمان اصل وی از همدان بود ولی پدران او در لاهور نشو نما کرده اند و او نیز در لاهور متولد شده و قسمت اعظم عمر خود را چه بحکمرانی و چه در حبس در هندوستان گذرانده است . وی در زمان سلطان ابراهیم غزنوی بر شد رسیده و تا زمان بهرام شاه بن مسعود از عمال دربار غزنویان بوده است ، در اوایل عمر از لاهور بغزنی رفته و از آنجا بمصاحبت سیف الدوله ابوالقاسم محمود بن ابراهیم بهندوستان رفته و در جنگهای آن زمان در رکاب این پادشاه زاده بوده است ولی در سال ۴۷۲ بسطان ابراهیم خبر دادند که پسرش محمود در صدد دست بعراق نزد ملک شاه سلجوقی رود و او بر پسر خود خشم گرفت و او را با جمله امرای دربارش که از آن جمله مسعود سعد بود زندانی کرد و در ورجیرستان در قلعه سو و قلعه دهك و سه سال دیگر در قلعه نای محبوس بوده است و بعد آزاد شد و بر سر املاك پدر بهندوستان رفت و در ۴۹۲ بحکومت چالندرا از ایالات هندوستان منصوب شد ولی بزودی او را عزل کردند و بار دیگر بحبس فرستادند و هشت نه سال در حصار مرنج در سیستان بسر برد تا اینکه در حوالی سال

۵۰۰ آزاد شد و ازین قرار يك نيمه از عمر خود را در زندان گذرانده و پس از رهایی از حبس بغزنين رفت و از مشاغل ديوان کنار جست و در آنجا بسال ۵۱۵ رحلت کرد. مسعود سعد یکی از بزرگترین شعرای ایرانست که در فصاحت و تأثیر کلام کمتر کسی پیاپی وی رسیده و مخصوصاً قصاید بسیاری در زندان سروده که در اوج روانی و بلندبست و در هر خواننده‌ای اثر میکند. در زبان فارسی و عربی و هندی شاعر توانا بوده و دیوان فارسی او متجاوز از ده هزار بیت میشود که سنایی غزنوی آنرا در زندگی وی جمع کرده است.

۱۴ - قاضی ابوحنیفه اسکافی مروزی غزنوی از علمای نامی عصر خود بود و در غزنين میزیست و در زمان سلطان ابراهیم غزنوی شهرت کرد و از او اسط قرن پنجم تا اوایل قرن ششم زندگی میکرده، در شعر فارسی مهارت داشته و چهار قصیده او که نماینده قدرت وی در شعر فارسیست در تاریخ بیهقی ضبط شده و بعضی اشعار پراکنده و قطعات از او مانده که روی هم رفته نزدیک دویست بیت می شود.

۱۵ - عیوقی نیز از شاعران این دره است که از احوال وی چیزی بهمان رسیده و تنها اثری که از او باقیست داستان ورقه و گلشاه ببحر متقاربست که بنام محمود غزنوی پایان رسانیده و اسدی نیز در فرهنگ خود اشعاری از آن نقل کرده است. این داستان را که ظاهراً از داستانهای ایران قدیمست وی از زبان تازی گرفته و شرح معاشقات ورقه دختر همام از قبیله بنی شیبه در شام با پسر عمش گلشاه پسر هلالست که از کودکی با يك دیگر خو گرفته اند. داستان ورقه و گلشاه از داستانهای معروف ادب فارسیست و شاعران زبان ترکی جغتایی و ترکی عثمانی نیز آنرا از فارسی گرفته اند. شاعر دیگری که معلوم نیست که بوده و در کدام زمان می زیسته همین داستان را بوزن خسرو و شیرین نظامی بشعر فارسی در آورده که سابقاً رواج بسیار داشته و در آن این عاشق و معشوق را از مردم بنی شیبان در زمان پیامبر دانسته است.

۱۶- شيخ عميد نظام الدين يامجد الدين ابوالفتح على بن محمد بستى مغربى  
اديب معروف زبان تازى كه از شاهپير عصر خود بود . نخست از ديران در بار نوح بن  
منصور سامانى (۳۶۶-۳۸۷) بود و چندی نيز در ديار اميران بست بوده و سپس چندی  
وزارت سبكشكن را داشته و پس از آن در ديار محمود نيز پايگاه بلند يافته و  
سرانجام در ماه شوال ۴۳۰ در بغداد درگذشت . ابوالفتح بستى از بزرگان شاعران  
زبان عرب بشمار مى رود و ديوان اشعار تازى او معروفست و چند رساله در انشاي نوشته  
است از آن جمله كتاب «عادات السادات و سادات العادات» و در شعر فارسى نيز دست  
داشته و چند بيت از و مانده است .

۱۷- ايرانشاه بن ابوالخير از شاعران تواناي اين دوره بوده و مثنوى ببحر  
مقارب شامل داستانهاى مربوط بيهمن بنام بيهمن نامه سروده است كه تنها يك بيت از  
آن باقى مانده است .

۱۸- ابو منصور عبدالرشيد بن احمد بن ابويوسف هروى معروف بابو منصور  
با يوسف كه از شاهپير دانشمندان هرات بوده است .

۱۹- ابو محمد عبدالله بن محمد بلخى معروف بروده از صدور خراسان كه  
بيشتر در سرودن ابیات مفرد تخصص داشته است .

از محمود غزنوى و پسرانش محمد و مسعود و وزير معروف او ابوالقاسم احمد بن  
حسن ميمندى نيز اشعار فارسى روايت كرده اند .

۴- شعراى آل زيار- پس از قوت گرفتن غزنويان خاندان آل زيار در گرگان  
تقريباً منقرض شدند و قلمرو ايشان درميان پادشاهان غزنوى و آل بويه متنازع بود  
و گاهى بدست پادشاهان غزنوى و گاهى بدست سلاطين آل بويه مى افتاد . بيهمن جهت  
شعراى بسيار در ديار آل زيار در قرن پنجم نبوده اند و اگر هم يكي چند تن مانند  
غضائرى رازى و منوچهرى دامغانى و لامعى گرگانى بوده اند . در ديار غزنويان و  
سلجوقيان پيوسته شده اند . يكي از آخرين امراى آل زيار كه در ادبيات مقام رفيع  
دارد امير عنصرالمعالى كيكافوس بن اسكندر بن قابوس است كه داماد سلطان محمود

غزنوی بود ولی چون نوبت پادشاهی بوی رسید قلمرو او را آل بویه گرفتند و فقط غزنویان تا درجه‌ای از حمایت می کردند. عاقبت با ابوالسوار حکمران گنجه واران بجنگ گرجستان رفت و در آن جنگ زخم برداشت و پس از چندی مرد. این پادشاه در ادبیات فارسی مقام رفیع دارد و در نظم و نثر مهارت کامل داشته و کتاب قابوس نامه که در سال ۴۷۵ تمام شده و پس ازین ذکر آن خواهد آمد تالیف اوست و در شعر نیز قدرتی داشته و در آن کتاب بعضی اشعار خود را چه بفارسی و چه بزبان طبری آورده است و دیگر چیزی از گفته او بدست نیست. شاعری که بدربار وی اختصاص داشته فصیحی گر گانیست که هفت سال در ملازمت او بسر برده و مثنوی و امق و عذرا را نظم کرده ولی پس از انقراض این خاندان از نظم آن فارغ شده و آنرا باوزان مختلف سروده است و اینک تنها سه بیت از اشعار آن باوزان مختلف باقیست.

لامعی گر گانی شاعر معروف دربار سلجوقیان نیز که پس ازین ذکر او خواهد آمد در آغاز کار از شعرای آل زیار بوده است و فخرالدین اسعد فخری گر گانی نیز همین حال را داشته است.

۳- شعرای آذربایجان واران- در سال ۱۸۳ هارون الرشید یزید بن مزید شیبانی را حکمرانی آذربایجان و شروان و دربند داد و اولاد وی گاهی با استقلال و زمانی از طرف بنی العباس تا ۴۴۰ در آن نواحی حکمرانی کردند و حکمرانی ایشان تا درجه‌ای عنوان سلطنت داشت.

از طرف دیگر هاشم بن سراقه حکمران دربند در سال ۲۵۵ دعوی استقلال کرد و تا سال ۴۵۷ اولاد او با اسم بنی هاشم در دربند حکومت داشتند. از یک طرف هم در سال ۳۴۰ که سالار محمد امیر آذربایجان محبوس شد پیروان وی هر یک بنحیال پادشاهی افتادند و از آن جمله محمد بن شداد بود که تمام ناحیه اران یعنی نخجوان و دمیر قابو و گنجه و تفلیس را گرفت و سلسله شدادیان را تأسیس کرد که تا سال ۴۶۸ بر آن نواحی مسلط بودند. طایفه دیگر با اسم بنی مسافر یا بنی سالار در طارم و آذربایجان از سال ۳۰۳ تا سال ۴۲۰ حکومت داشته‌اند و مؤسس این سلسله سالار محمد بن



مسافر دیلمی بود . در گیلان و سواحل جنوب غربی بحر خزر نیز سه سلسلهٔ ایرانی حکومت داشته‌اند: یکی سلسلهٔ جستانیان که مؤسس آن مرزبان بن جستان در ۲۸۹ مستقل شد و تا سال ۳۰۷ فرزندان او حکمرانی داشتند ، دیگر سلسلهٔ کنگریان بود که محمد بن مسافر در سال ۳۰۷ تاسیس کرد و تا ۴۵۴ در سلطنت بودند ، سوم سلسلهٔ سالاریان که سالار مرزبان در ۳۰۳ تاسیس کرد و تا ۳۷۱ باقی بود . این سه سلسله اغلب بعضی از نواحی آذربایجان را بدست داشتند ، بهمین جهت از اواخر قرن دوم تسلط عرب بر آذربایجان رو بزوال رفت و تعصب عربی در آن نواحی رو بضعف گذاشت و مخصوصاً چون جستانیان و کنگریان و سالاریان که هر سه سلسله ایرانی و دیلمی بودند بر آذربایجان مسلط شدند تعصب ایرانی از دیلمستان و گیلان با آذربایجان و از آن رفت و بهمین جهت در نیمهٔ اول قرن پنجم زبان فارسی در شمال غربی ایران رواج عمده یافت و امرای این ناحیه بترویج ادبیات فارسی پرداختند . در سال ۴۴۰ سلجوقیان بر آذربایجان مسلط شدند و حکمرانان این سرزمین را دست‌نشاندهٔ خود کردند . سلجوقیان در خراسان بفرمانروایی آغاز کرده و کار گزاران دربار خود را از مردم خراسان و دانشمندان این سرزمین برگزیده بودند ، بهمین جهت از نخست بزبان دری که زبان خراسان بود انس گرفتند و آنرا زبان دربار خود کردند و بهر جای از ایران که زبان آن زبان پهلوی بود رفتند آنرا با خود بردند ، از آن جمله در آذربایجان نیز که زبان عامهٔ مردم آن پهلوی بود زبان دری را انتشار دادند بهمین سبب از نیمهٔ قرن پنجم زبان دری در آذربایجان رواج کامل یافت و درین دوره شعر فارسی در دربار امرای آذربایجان پسندیده بود و چندتن شاعر بزرگ در آن دیار بوده‌اند بدین قرار :

۱- ابونصر علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی پسر اسدی شاعر که پیش ازین ذکر او رفت ، این پسر نیز اسدی تخلص میکرده ، آثاری که از وی مانده یکی نسخه‌ای از کتاب الانبیه عن حقایق الادویه است که در ماه شوال ۴۴۷ بخط خود نوشته ، دیگر مثنوی گر شاسب نامه ببهر هتقارب بتقلید شاهنامه است که پس از

منظومه فردوسی بهترین نمونه ازین سبک شعر فارسیست و از ۴۵۶ تا ۴۵۸ بنظم آن مشغول بوده و آنرا بفرمان امیر ابودلف کرکری امیر اران از سلسله شیبانیان که مدتی در دربار وی بوده است و بتشویق وزیر او محمد بن اسماعیل نظم کرده و در حدود چهار هزار بیتست . سوم کتابی در لغت فارسی که پس از فرهنگ ابوحقص سعیدی قدیم‌ترین کتاب لغت زبان ماست و آنرا برای شاگرد خود اردشیر بن دیلمسپار نجمی شاعر تالیف کرده و باسم لغت فرس یا فرهنگ اسدی معروفست .

۲- ابو منصور قطران بن منصور از دی ارموی تبریزی که اصلاً از مردم ارمیه (ارمیه) بود و از بزرگان شعرای درجه دوم ایرانست و در سال ۴۶۵ رحلت کرده ، بیشتر اوقات در تبریز بود و شاعر دربار امرای سلسله و هسودانیان آذربایجان بشمار میرفت که در طارم و سمیران و تبریز و مراغه حکومت داشتند و پنج تن از امرای این سلسله را مدح گفته است ولی معروف‌ترین ممدوح او ابونصر محمد بن مسعود بن ممالانست که بابو نصر ممالان معروف شده ، ناصر خسرو شاعر و حکیم معروف این زمان وی را در سال ۴۳۸ در تبریز دیده است . قطران مخترع سبک مخصوصیست در شعر فارسی که سراسر آن مصنوع و مسجع و مرصع می‌باشد و پس از وی دو شاعر بزرگ ایران در قرن ششم رشید و طواط و عبدالواسع جبلی غرjestانی ازو تقلید کرده‌اند . دیوان اشعار قطران شامل نزدیک هفت هزار بیت در دستست و بهجز آن منظومه ای باسم کوش نامه دارد که از حکایات قدیم ایرانست مانند شهنامه فردوسی و نیز مثنوی و امق و عذرا و کتابی در لغت باسم تفاسیر باو نسبت داده اند که اینک بدست نیست . بعضی از بهترین اشعار قطران در ایران بخطا باسم رودکی معروف شده زیرا که اسم ممدوح قطران ابونصر ممالان را با اسم ممدوح عمده رودکی نصر بن احمد سامانی اشتباه کرده‌اند .

۳- دیباجی سمرقندی نیز از شعرایست که درین زمان در آذربایجان بوده است ، از احوال وی اطلاع کامل نیست و از شعر او نیز جز قصیده‌ای که در مدح امیر فضلون آخرین پادشاه سلسله هسودانیان سروده چیزی نمانده است .

۴- شعراى دربار سلجوقيان - در سال ۴۲۹ طغرل بيك سلجوقى كه از نژاد ترك بود بر مسعود بن محمود غزنوى خروج كرد و بر بعضى از نواحى خراسان استيلا يافت و خود را پادشاه مستقل خواند و سلسه بزرگى تشكيل داد كه مردان معروف در تاريخ ايران پرورده و وسيع ترين قلمرو تاريخ ايران را پس از هخامنشيان و ساسانيان داشته است. همچنانكه غزنويان تربيت شدگان دربار سامانى و بهمين جهت مانوس بادييات فارسى بودند سلجوقيان نيز با آداب دربار غزنوى انس گرفته بودند و چون بسلطنت رسيدند تمدن و ادبيات ايران را جزو آيين پادشاهى خود قرار دادند و پس از غزنويان بزرگترين خدمت را بزيبان فارسى کرده اند زيرا كه همواره دربار ايشان مملو از شعرا و نويسندگان بزرگ بوده است و وزراى معروف ايشان مخصوصاً عميد الملك ابو نصر منصور بن محمد كندرى و نظام الملك ابو على حسن بن على بن احمد بن اسحق طوسى كه مؤسس واقعى سلطنت بزرگ سلجوقى بشمار ميروند اديب پرور و شاعر نواز بوده اند. از سال ۴۲۹ تا سال ۴۹۸ چهار تن پادشاه سلجوقى در ايران سلطنت کرده اند: طغرل، آلپ ارسلان، ملكشاه و بركيارق و سه نفر اول ايشان از بزرگترين رجال تاريخ ايران بوده اند و از سرحد هندوستان تا سواحل دريائى روم را در تصرف خود داشتند. در نيمه دوم قرن پنجم عده كثير از شعرا در دربار پادشاهان سلجوقى در شهرهاى مختلف خراسان و عراق زندگى کرده اند، از بعضى از آنها مانند نسيمى و فرخى گرگانى و شجاعى نسوى و در فيروز فخرى و حقيقى و جعفر همدانى و امير عبدالله قرشى و احمد بديهى فقط اسمى مانده و شعرا ايشان بمانده است. بعضى امراى آل سلجوق نيز خود بزيبان فارسى شعر گفته اند مانند جلال الدين ملكشاه سومين پادشاه اين سلسله و برادر او طغانشاه بن آلپ ارسلان كه در زمان پدر حكمرانى خراسان داشت و در هرات حكومت ميكرد و پسر او محمد بن ملكشاه و امير حسام الدين بختيار بن زنگى بيهوى سلجوقى كه از خواص بيهو ملك حسام الدين حسن بن على طغانخان پادشاه مرغينان و كاشان در ماوراء النهر بود و بمناسبت نام او بيهوى تخلص مى كرد و شاعرى زبردست بوده است و از شعرا و چند قطعه و قصيده باقىست. از نظام الملك قوام الدين ابو على حسن بن على بن احمد بن اسحق طوسى وزير معروف آلپ ارسلان و ملكشاه

وعمیدالملک ابونصر کندی وزیر نیز شعر فارسی نقل کرده‌اند. عموماً پادشاهان این سلسله در پرورش شعرا می‌کوشیده‌اند و مخصوصاً طغان‌شاه بن آل‌اسلان شعرای بسیار را گرد خویش جمع کرده بود و از نوازش ایشان دریغ نمی‌کرد، ملک‌شاه نیز نسبت بشعرا رغبت مخصوصی نشان می‌داد.

اما شعرای که در قرن پنجم در دربار سلجوقیان بوده‌اند و از ایشان آثاری مانده بدین قرارند: صفی‌الدین یزدی از شعرای طغان‌شاه که از چند بیت مانده، کافی خراسانی معروف بکافک که او نیز در دربار طغان‌شاه بوده و از او نیز چند بیت مانده است، افیر علی یوزی تکین که از احوال وی اطلاعی نیست و از شعرا و دوبیت به ما رسیده، ابونصر احمد بن ابراهیم طالقانی از مردم طالقان خراسان که از شعرای دربار ملک‌شاه و از خواص نظام‌الملک بود و از شعر او چند بیت باقیست شعرای بزرگ این دوره بدین قرار بوده‌اند:

#### ۱- ابوالحسن بن محمد بن اسمعیل لامعی گرگانی دهستانی که از مردم بکر-

آباد محله‌ای از شهر گرگان بود و در ماه رمضان سال ۳۹۲ یا ۳۹۳ متولد شد و تا شصت و چند سال پس از آن یعنی تا زمان سلطنت الباسلان نیز زنده بود. وی از حیث زمان نخستین شاعر دربار سلجوقیانست و یکی از بزرگان شعرای درجه دوم ایران بشمار میرود. در زمان خود شهرت بسیار داشت و تمام شعرای عصر بوی اقتدام میکردند مخصوصاً معزی نیشابوری بزرگترین شاعر سلجوقیان همواره پیرو او بوده است و سبک وی را در شعر تکمیل کرده، دیوان لامعی در زمانهای قدیم بسیار مطلوب بود زیرا که در انسجام و تشبیهات طبیعی و اوصاف بهار و خزان و غزل استاد بود، اینک دیوان وی بدست نیست و از شعر او فقط نزدیک هزار و پانصد بیت باقی مانده است. لامعی بیشتر اختصاص داشته است بخدمت خواجه عمیدالملک ابونصر کندی وزیر معروف و پس از مرگ او مدتی نیز مداح خواجه نظام‌الملک بوده است، می‌نویسند در جوانی از گرگان بخراسان رفت و در ملک شاگردان حجة الاسلام محمد غزالی در آمد ولی این نکته مشکوک می‌نماید.

۲- **جمالی مهریجردی** نیز از شعرای این زمان و معاصر بالامعی و برهانی بود ولی از احوال وی چیزی معلوم نیست و او را منظومه‌ای باسم بهمن نامه در داستانهای قدیم ایران بوده که اینک در میان نیست و بعضی ابیات آن در فرهنگها باقی مانده و از اشعار دیگر او هم چیزی بدست نیست ولی از همین مختصر پیداست که شاعر قادری بوده است.

۳- **امیر عبدالملک محمد برهانی نیشابوری** پدر معزی نیشابوری شاعر معروفست، اصلاً از مردم نسابود ولی در نیشابور زندگی میکرد و در سلك شعرای دربار جلال‌الدین ملک‌شاه بود و چندان تقرب داشت که در سفرها با وی بود. عاقبت در سفری که در رکاب این پادشاه بقزوین رفته بود در سن ۵۶ سالگی در اوایل سلطنت ملک‌شاه در آن شهر درگذشت. از احوال وی بیش ازین اطلاعی نیست و از شعر او جز يك قصیده مانده ولی در عصر خود از شعرای معروف بشمار میرفت.

۴- **ابوالمعالی نجاس اصفهانی** از اعیان دربار سلجوقی بود. چندی در خدمت آل‌بدرسلان میزیست و سپس عارض سپاه ملک‌شاه شد و در دربار بر کیارق و محمد بن ملک‌شاه نیز همین مقام را داشت و چون میان این دو برادر اختلاف افتاد به‌جمله فرار کرد و حکمران آن دیار او را محترم داشت و از آنجا به مصر نزد المستنصر بالله خلیفه فاطمی رفت و مالی گزاف باورسید و پس از آن چندی در حبس بود و چون رهایی یافت باردیگر بدربار بر کیارق رفت و در ضمن از خواص دادیك بن حبش بن آلتوتاق امیر خراسان بود که شعرای زمان را بسیار مینواخت و لامعی نیز او را مدح گفته است. عاقبت در سال ۵۱۲ رحلت کرد. وی از شعرای معروف عصر خود بوده و از شعر او جز چند قطعه چیزی بمانده است.

۵- **فیخرالدین اسعد فخری طبرستانی** در اواخر عمر خود در سلك شعرای سلجوقیان درآمد و در سال ۴۴۲ رحلت کرد. نخست در گرگان می‌زیست و سپس از شعرای دربار طغرل و ملک‌شاه بود و در عراق و ری زندگی میکرد و از معاريف شعرای عصر خود بود. از اشعار دیگر او سه قطعه بیشتر باقی مانده ولی منظومه و پس و راین از آثار او باقیست که یکی از شیواترین داستانهای عاشقانه شعرای ایرانست و

اشعار آن در نهایت سادگی و روانی سروده شده ، این منظومه را در اصفهان بنام خواجه عمید ابوالفتح مظفر بن محمد نیشابوری حکمران اصفهان در حدود سال ۴۴۶ تمام کرده و آنرا از اصفهان بهمدان نزد وی فرستاده است . این منظومه را از زبان پهلوی بفارسی آورده و ازین قرار وی پهلوی میدانسته و بعضی از مؤلفین بخطا این مثنوی را بنظامی گنجوی و نظامی عروضی نسبت داده اند. این مثنوی شامل نزدیک هشت هزار بیت است .

۶- ملك عماد زوزنى وودبارى از شعراى دربار طغانشاه بود و ازینقرار تا اوایل قرن ششم نیز زنده بوده و باعلی باخرزى شاعر معروف این زمان که ذکر او خواهد آمد مشاعره داشته است ، بیش ازین از احوال او اطلاعی نیست و از شعر او جز دو قصیده بدست نیست .

۷- ابوالعشایر ظفر بن محمد بن عبدالله کافی همدانی معروف بکافی ظفر همدانی از شعراى دربار ملکشاه بود که تا زمان سلطنت سنجر هم در اوایل قرن ششم زنده مانده . از بزرگان زمان خود بود و شعر عربی و فارسی را خوب می سرود . از احوال او جزین اطلاعی نیست و از شعرش جز سه قصیده و چند قطعه چیزی بمانده است .

۸- عبدالحمید عبهری غزنوی از شعراى دربار اباسلان و ملکشاه بود و تا اوایل قرن ششم نیز زندگی کرده از اشعار وی هم جز یک قصیده و چند قطعه در دست نیست .

۹- رئیس شهید ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن ابی طیب باخرزی معروف بر رئیس علی حسن از بزرگان ادبای این قرن بود ، در جوانی کاتب طغرل بیك بود و در ری در جشن مهرگان قصیده ای در مدح او خواند و از همان روز بدربار او را می یافت و سپس در دربار ملکشاه میزیست ولی بمیل خود از خدمت دربار بیرون رفت و داخل درسلک عرفان شد و در همان اوان در سال ۴۶۷ در مجلس نوش خواری بدست والی ابخاز که در اسارت سلجوقیان بود کشته شد . وی در نظم و نثر فارسی و عربی مهارت بسیار داشته و در هر دو زبان دیوان شعر داشته است ولی دیوان فارسی او از میان

رفته و در شعر فارسی مجموعه‌ای از رباعیات بسیار او را بوده است با اسم طرب‌خانه که ظاهراً آنهم در میان نیست و دیگر از آثار وی کتاب دمیة القصر و عسرة اهل العصر است که شامل احوال و اشعار شعرای ایران است که در آن عصر بزبان عرب شعر گفته‌اند و از کتب معروف ادبیات عرب بشمار میرود، اما از شعر فارسی او جز يك قصیده و چند قطعه چیزی بدست نیست.

۱۰- عبدالرحمن عیاضی سرخسی از شعرای اوایل و اواسط قرن پنجم بوده و در آخر عمر در ملك شعرای دربار سلجوقیان در آمده و در دربار الپ ارسلان و طغرل و ملک‌شاه بوده، از احوال او جزین اطلاعی نیست و از شعر او بیش از چند قطعه بمانده است.

۱۱- شرف‌الزمان ابوالمحاسن زین‌الدین ابوبکر جعفر بن اسماعیل ازرقی هروی یکی از بزرگان شعرای اواخر قرن پنجم و از معاریف شعرای ایران بود، در شهر هرات سکنی داشت و پدرش ادیب اسماعیل وراق هروی از معاریف فضایی آن شهر بود و از مریدان خواجه عبدالله انصاری بشمار میرفت، مدتهای مدید شاعر دربار طغان‌شاه بن الپ ارسلان حکمران خراسان بود و سپس بکرمان رفت و در دربار ایران‌شاه ابن قاورد نخستین پادشاه سلسله سلجوقیان کرمان میزیست و در سال ۵۲۶ یا ۵۲۷ رحلت کرد. ازرقی مخصوصاً در تشبیهات بدیع و اوصاف طبیعت در میان شعرای ایران مقام ارجمندی دارد، دیوان اشعار وی شامل نزدیک دو هزار و ششصد بیت در دست است و دیگر از آثار وی داستان سندیباد یا سندیبادنامه است که نظم کرده بود و آن مجموعه ایست از حکایات قدیم ایران همانند الیف لیل و لیل که ظاهراً از هندوستان بایران آورده‌اند و بزبان پهلوی ترجمه کرده بودند و دیگر کتاب الفیه و شلفیه بوده است که برای طغان‌شاه پرداخته بود ولی این هر دو کتاب درین زمان باقی نیست.

۱۲- امانی خراسانی نیز از شاعران دربار سلجوقیان بوده که در خراسان می‌زیسته و از احوال او اطلاعی نیست جز آنکه داستان یوسف و زلیخا را بنام شمس‌الدوله طغان‌شاه بن ارسلان برای شکرگزاری از وی که او را از زندان رها کرده بود سروده

است و این منظومه را بخط با فردوسی نسبت داده و بنام او چند بار چاپ کرده اند. درین منظومه گفته است که پیش از آن اشعار دیگری نیز سروده اما پیزی از آن نمانده است یوسف وزلیخا راپس از سال ۴۷۶ پایان رسانیده است.

۱۳ - کمال الملك اديب ابو جعفر محمد بن احمد مختار زوزنی معروف بادیب زوزنی یا اديب مختار، از بزرگان ادبای این دوره و از عمال نامی دربار سلجوقیان بود. در شوال ۴۷۶ که ملکشاه سعایت نظام الملك ریاست دیوان انشا و اشراف خود را از کمال الدوله ابورضا فضل الله بن محمد زوزنی گرفت و پسر او معین الملك ابوالمحاسن سیدالروسا محمد را که از محمد و حان معزی بود کور کرد ریاست دیوان را نخست بمؤید الملك ابوبکر عیید الله پسر نظام الملك سپرد و اندکی پس از آن این کار را بادیب مختار رجوع کرد و او را کمال الملك لقب داد و بیش ازین از احوال وی اطلاع نیست. وی با بزرگان ادبای زمان خود محشور بوده و ایشان او را ستوده اند و خود شاعر توانایی بوده و يك قطعه از اشعار او مانده است.

۱۴ - خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی از حکما و دانشمندان معروف اسمعیلیه بوده و درباره وی اطلاع کامل بهمانرسیده است و تنها اثری که از او مانده قصیده ایست در حکمت بتعبیر اسمعیلیه که ناصر خسرو آنرا بنام «جامع الحکمتین» و یکی از شاگردان وی که محمد بن سرخ نیشابوری نام داشته هر دو بقاری شرح کرده اند و ازین قصیده پیدا است که حکیمی دانشمند و شاعری توانا بوده است.

۱۵ - فیلسوف اديب ابوالعباس ثو کری از دانشمندان نامی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم و از شاگردان بهمنیار بن مرزبان اعجمی آذربایجانی حکیم معروف در گذشته در ۴۵۸ بوده است که وی از شاگردان معروف ابن سینا بوده، از مردم روستای لو کر از توابع شهر مرو بوده و بهر دو زبان فارسی و عربی شعر می گفته و دیوانی داشته است که اینک در میان نیست. وی از خاندانی اصیل و از بزرگان روزگار خود بشمار می رفته و نوشته اند که حکمت راوی در خر اسان انتشار داده و بسیاری از حکیمان خر اسان شاگرد او بوده اند از آن جمله حکیم اسعد میهنی و قطب الزمان محمد بن



ابوطاهر طیبسی مروزی و حسن بن قطان مروزی و قاضی عبدالرزاق ترکی و افضل الدین غیلانی بوده اند و مولفات چند داشته مانند «بیان الحق بضمان الصدق» در منطق و حکمت و برخی رسایل و تعلیقات و در ضمن در نجوم از دانشمندان نامی بشمار می رفته چنانکه در ۴۲۷ با امام عمر خیام و ابوالمظفر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی مأمور زیج و تاریخ جلالی ملکشاهی شده است. از اشعار او قصیده‌ای مانده است بعنوان «اسرار الحکمه» شامل پنج قسمت در منطق و طبیعی و ریاضی و الهی و اخلاق که خود شرحی بفارسی بر آن نوشته است.

۱۶ - حقیقی که از شاعران دربار طغانشاه بن آلپ ارسلان بوده است.

۱۷ - ابونصر احمد بن ابراهیم طالقانی خراسانی که از مداحان خاص نظام‌الملک بوده است.

۱۸ - ناصر جعفری نسوی از شاعران اواخر قرن پنجم و مداح ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵) بوده و ظاهراً تا اواسط قرن ششم زیسته است.



در قرن پنجم چند تن شاعر دیگر بوده اند که از اشعارشان اندکی باقی مانده است و از برخی ازیشان در فرهنگها اشعاری ضبط کرده اند و معلوم نیست یکدام یا که در بارهای این قرن پیوستگی داشته اند و نامهای ایشان بدین گونه است: ابالیث طبرستانی - گرگانی - ابوالحسن بستی - ابوالحسن عراقی - ابوالحسن علی بن عبدالحمید بن علی دایه بیهقی - ابوالحسن یزدانی - ابوالفتح عبدالکریم بن احمد هروی - ابوالفضل بیهقی (بعجز مورخ معروف این دوره) - ابوالمظفر عبدالجبار بن حسن یا حسین جمعی - ابوالمعالی قومسی - سید ابوطالب بن جمال الساده ذواللسانین سیدالرئیس العالم ابوالحسن محمد بن علی بن ابوعلی احمد بن ابوالحسن محمد بن ابومنصور الزبارة علوی حسینی بیهقی - امیر ابوعبدالله قرشی - خواجه ابوعلی سرخسی - ابونصر جوهری - امیر رئیس ابونصر هبة الله بن حسین بن احمد بن حسین الداریج بیهقی - خواجه احمد جموی - احمد واتگر - بارع فضلوی هروی - جعفر همدانی - حامدی - خواجه

حسین الداری - حسین ایلاقی - دهقان خوژی - دیلمی - ذوقی - ربیعی - زجاجی - شیخ سعید عبادیهقی - صایغ رازی - امیر سید ضیاءالدین محمد بن زین المعالی ابوالحسن علی بن حسین بن مظفر بن حسن بییهقی - خواجه شیخ العالم علی بن محمد شجاعی - فرخاری - کیا حسینی قزوینی - ابوشریف احمد بن علی مخلصی گرگانی که تخلص وی را بخط مجلدی هم نوشته اند - محمودی - مکی پنجمیری - موقری - نجاتی - هزل بستی - یوسف مامری .

۵- علما و عرفا - گذشته از شعراىی که در دربارهای مختلف ایران زیسته اند و ذکر ایشان گذشت در قرن پنجم عده ای از دانشمندان و عرفا نیز بوده اند که بزبان فارسی شعر گفته اند و بهیچ درباری اختصاص نداشته اند معارف ایشان بدین قرارند .

۱- بدیع الزمان ابو عبد الله حسین بن ابراهیم بن احمد ادیب نطنزی ملقب بذواللسانین یا ذوالبیانین از ادبای معروف عصر خویش بود، اصلاً از مردم نطنز بود ولی در کوچه از رویه در محله حومان اصفهان زندگی میکرد و تمام عمر خویش را با آموزگاری و درس و بحث گذرانده است و از مردم سنت و دوستدار ایشان بود و در دوزبان فارسی و عربی ادیب معروف بود بهمین جهت او را ذوالبیانین و ذواللسانین لقب داده اند و عاقبت در ماه محرم سال ۴۹۷ در اصفهان رحلت کرد و چند تألیف مهم از او مانده است یکی کتاب الخلاص در ادب و دیگری دستور اللغة و کتاب المرقاة که هر دو در لغت عربی بقادسی است ، در شعر فارسی نیز دستی داشته و مخصوصاً اشعار مصنوع میسروده ولی از شعر او جز چند قطعه چیزی بمانده است .

۲- شیخ ابوذر بوزجانی از معارف مشایخ خراسان بود که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم زندگی میکرد و معاصر سبکتگین و محمود غزنوی بود ، از احوال وی بیش ازین اطلاعی نیست و از شعر فارسی او جز دو بیت نمانده است .

۳- شیخ ابو حفص عبد الله بن یقظان خوری وی نیز از مشاهیر مشایخ خراسان بود و با ابوسعید ابوالخیر معاشرت داشت و سفر بسیار کرده بود عاقبت در سال ۴۷۲ بسن هفتاد با هفتاد و پنج در گذشت و ازو نیز دو بیت شعر فارسی

هائده است .

#### ۴- شیخ ابوالحسن علی بن جعفر خرقانی بسطامی معروف بشیخ خرقان

از مردم خرقان نزدیک بسطام بود و از معارف و شایخ ایرانست، بیشتر اوقات خویش را در مولد خود گذرانده و در طریقت شاگرد شیخ ابوالعباس آملی معروف بقصار بود و در شب سه شنبه عاشورای سال ۴۲۵ در خرقان در گذشت و هم آنجا مدفون شد و اکنون مزار او در همان موضع نزدیک بسطام زیارتگاهست، بعضی رباعیات فارسی باو نسبت می دهند و کتابی بفارسی در مناقب او بنام نورالعلوم نوشته اند .

۵- شیخ ابو عبدالله علی بن محمد بن عبدالله بن عیدالله شیرازی معروف بابا کویا بن باکویا بن باکویه، وی نیز از مشایخ این قرن بود و در شیراز ولادت یافت و در جوانی در سلك مریدان شیخ ابو عبدالله خفیف شیرازی عارف مشهور قرن چهارم در آمد و سپس بصره رفت و از آنجا بنیشابور سفر کرد و با استاد امام قشیری عارف معروف زمان و ابو سعید ابو الخیر پیوست، سپس بنهاوند رفت و از آنجا بشیراز رجعت کرد و در بیرون شهر شیراز در دامنۀ کوهی که خانقاه او بود در آنروا میزیست و در همان جا در سال ۴۴۲ در گذشت و در آن محل مدفون شد که امروز باسم بابا کوهی در خارج شهر شیراز گردش گاه و زیارتگاهست. وی بواسطه اقامت در همان کوه شمال شیراز باسم کوهی معروف شده و دیوان شعر فارسی که نزدیک دو هزار بیت شعرست بوی نسبت میدهند ولی درین اسناد تردیدست .

#### ۶- شیخ الاسلام خواجه ابواسمعیل عبدالله بن محمد انصاری هروی معروف

بعبدالله انصاری و پیر هرات از اولاد مت انصاری بود که در زمان خلافت عثمان باحنف بن قیس بهرات رفت و پدران وی همه در هرات بوده اند و او غروب جمعه ۲ شعبان ۳۷۶ در قهندز هرات متولد شد و از کودکی جوهر ذهن بسیار بر او میداد چنانکه در مکتب شعر عربی بدیهه میگفت و از نوادر عصر خود بود و در آن زمان کسی را یاری برابری با وی نبود و بیش از صد هزار شعر عربی در حفظ داشت و در حدیث و کلام و فقه بزرگترین مرد زمان خود بود و در قوه بیان نیز نادره زمان بشمار میرفت چنانکه در مواضع او همواره عده

کثیری حاضر بودند و ازارکان مذهب حنبلی بشمارست و در ضمن مایل بتصوف بود. بیشتر اوقات خود را در هرات گذرانده و در ضمن سفرهایی کرده است، عاقبت بسن ۱۰۵ سالگی در سال ۴۸۱ در هرات رحلت کرد و مراد او امر و زبیرانگاه است. عبد الله انصاری یکی از بزرگان ادبیات و تصوف ایرانست و در زبان فارسی و عربی و زبان هروی قدیم تسلط بسیار داشته و بیش از شصت هزار شعر عربی سروده است که اینک از میان رفته و چند کتاب عربی بسیار فصیح از او مانده یکی منازل السائرین در عرفان و سلوک، دیگر انوار التحقيق، سوم رحل الرسول، چهارم رساله اربعین، در زبان هروی قدیم شرح احوال عرفای مقدم بر خود را در منبر در ضمن مجلس وعظ گفته است و مریدان وی نوشته و بنام طبقات الصوفیه جمع کرده اند و آنرا عبد الرحمن جامی شاعر و عارف معروف قرن نهم بزبان فارسی ترجمه کرده و احوال عرفای بعد از او را بآن افزوده و باسم نفحات الانس معروفست. در زبان فارسی رسایل بسیار بنثر بسیار فصیح باسجع و ترصیع تألیف کرده که معروفترین آنها مناجات نامه اوست و دیگر رساله واردات، کنز السالکین، الهی نامه، دل و جان، قلندر نامه، محبت نامه، هفت حصار، تفسیر فارسی، نصایح خطاب بنظام الملك، مقامات یا مقولات، گنج نامه و در اسناد برخی از آنها بوی تردیدست. عبد القادر رهاوی کتابی در مناقب وی بنام «المادح والممدوح» بزبان تازی نوشته است. از اشعار فارسی او بعضی غزلیات و مقطعات و رباعیات بدستست که خود در رسایل خویش ثبت کرده است.

۷ - حمید الدین ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی شاعر و حکیم و نویسنده معروف این قرن در ماه ذی قعدة ۳۹۴ در قبادیان متولد شد و خواندگان او در شهر بلخ می زیسته اند. او هم ظاهراً جوانی خود را در بلخ گذرانده و سپس در سلك عمال چغریك سلجوقی وارد شده و مدتی از دبیران وی بوده تا اینکه در ماه جمادی الاخره ۴۳۷ در جو زجانان خوابی دید و همان خواب او را بسفر برانگیخت و بعزم حج از خراسان حرکت کرد و هفت سال در سفر بود و در جمادی الاخره سال ۴۴۴ بخراسان برگشت. درین سفر چهار بار حج کرد و در نواحی شمال شرقی و مغرب و جنوب غربی

و مرکز ایران و اردنستان و آسیای صغیر و حلب و طرابلس شام و سوریه و فلسطین و جزیره العرب و مصر و قبروان و نوبه و سودان سفر کرد و سه سال در مصر مقیم بود و در قاهره در دربار خلفای فاطمى مصر راه یافت و مذهب اسماعیلی را پذیرفت و بدعوت از جانب ایشان مأمور شد و عنوان و لقب حجت بخود داد و در بازگشت بایران بنای دعوت مذهب اسماعیلی را گذاشت و چون او را دنبال کردند مجبور شد بیدخشان برود و مدتهای مدید در غاری در اقصای بدخشان با اسم یمگان منزوی زندگی میکرد و طریقه خویش را در آن ناحیه رواج داد تا اینکه در همان غار در سال ۴۸۱ در گذشت و همانجا مدفون شد. ناصر خسرو از بزرگان نظم و نثر فارسیست و در زبان عربی و فارسی تسلط بسیار داشته، دیوان فارسی و عربی او در زمان وی معروف بوده ولی دیوان عربی وی بما نرسیده است، در زبان فارسی مؤلفات بسیار دارد از آن جمله دیوان اشعار وی که شامل نزدیک دوازده هزار شعر است، دیگر مثنوی روشنائی نامه که در سال ۴۳۷ تمام کرده و نزدیک ششصد بیت است، مثنوی سعادت نامه که بوی نسبت میدهند و سیصد بیت میشود، جامع الحکمتین در شرح قصیده ابوالهیثم جرجانی که ذکرش پیش ازین گذشت و نخست آنرا بشکل رساله ای در پاسخ نوذریک سؤالی که در حکمت و منطق از او کرده اند در سال ۴۲۲ جواب نوشته است، رساله بستان العقول یا بستان العقل که ظاهر ادرمیان نیست، سفر نامه که شامل سوانح همان سفر سابق الذکر است که از ۴۳۷ تا ۴۴۴ کشیده است، زاد المسافرین در حکمت که در ۴۵۳ تألیف کرده، وجه دین در ذکر عقاید مذهب اسماعیلیه، رساله آفاق نامه در تصوف، کتاب خوان الاخوان، گشایش و رهایش و ظاهر ا کتاب کشف المحجوب ابویعقوب سکری راوی بقاری ترجمه کرده است. بجزین آثاری که از او بدستست بعضی تألیفات دیگر هم بنام وی نوشته اند که تا کنون اثری از آنها ظاهر نشده بدین قرار: اکسیر اعظم در منطق و حکمت، قانون اعظم در علوم غریبه، کتاب المستوفی در فقه، دستور اعظم، تفسیر قرآن بنابر عقاید اسماعیلیه، رساله ای در علم یونان، کتابی در سحریات، کتاب کنز الحقایق، رساله ای هم با اسم سرگذشت ناصر خسرو و بقاری بوی نسبت داده اند که در اسناد آن بنابر خسرو اشکال بسیار در میانست و گویند که نخست آنرا با اسم

رسالة الندامة الى زاد القیامة عبری نوشته است و بعد آنرا بفارسی ترجمه کرده اند و این رساله را جعل کرده اند .

۸- نصره الدین یا غیاث الدین ابو الفتح یا ابو حفص عمر بن ابراهیم خیام یا خیامی نیشابوری از بزرگترین علمای ایران و یکی از مشاهیر قرن پنجم بود، در میان سالهای ۴۶۰ و ۴۶۷ متولد شده بیشتر عمر خویش را در نیشابور که مولد وی بوده است گذرانده و گاهی بسایر بلاد سفر کرده از آن جمله گاهی در بلخ و زمانی در اصفهان و بغداد بوده و ظاهراً سفری هم به حج رفته است و عاقبت در حوالی ۵۱۷ در نیشابور در خلت کرده و مزار او اینک در اطراف آن شهر در جوار امزاده محمد معروق باقیست . عمر خیام در اغلب علوم متداول عصر خود مخصوصاً در ریاضیات و نجوم و حکمت مسلط بوده است، در ماه رمضان سال ۴۶۸ بدستپاری میمون بن نجیب راسطی و امام ابوالمظفر اسفزاری و حکیم ابو العباس لوکری و عبدالرحمن خازنی فرمان ملکشاه اصلاحی در تقویم ایران کرده است که تقویم جلالی از آن اصلاح بوجود آمد . عمر خیام در ریاضیات نیز معروف عصر خود بود و در حکمت معاصران رأی او را می پر سیده اند . ازین دانشمند بزرگ کتاب بسیار مهمی بزبان عربی در جبر و مقابله مانده و گذشته از آن رسایل کوچک بفارسی و عربی در مسایل حکمت و ریاضی از آثار او بمانده است که روی هم رفته عبارت از سیزده رساله کوچک است: رساله ای در شرح مشکلات اقلیدس عبری، رساله ای در طبیعیات، رساله فارسی در کلیات وجود که برای فخر الملک بن مؤید الملک نوشته، رساله در کون و تکلیف عبری، رساله در تعیین مقدار طلا و نقره در اجسام ساخته شده عبری، رساله لوازم الامکنه، رساله در بیان زیج ملکشاهی، ترجمه فارسی خطبه ابن سینا در توحید، رساله در حل بعضی از مسایل جبر و مقابله عبری، رساله وجود عبری، رساله در جواب سه سؤالی که عبری در حکمت از او کرده اند، رساله ضیاء العقلى عبری در حکمت، نود و دو نامه بفارسی . عمر خیام در نظم و شعر عربی و فارسی تسلط کامل داشته و از شعرا و نویسندگان بزرگ عصر خویش بشمار می رفته است . از شعر عربی او بعضی قطعات باقیست و در شعر فارسی رباعیات بسیار شیوا

مى سروده است ولى عذبه اى كثير رباعيات از شاعران ديگر را بخطا با و نسبت داده اند و نزديك هزار و پانصد رباعى بنام وي معروف شده كه از اين ميان آنچه متعلق باوست شايد از سيصد تجاوز نكند.

۹ - امام الحرمین ضياء الدين ابوالمعالي عبدالملك بن عبدالله بن يوسف

جوینی از بزرگان علمای شافعی ایران و پدرش نیز از بزرگان این طریقه بود. در ۱۸ محرم ۴۱۹ در بشتینکان دهی نزديك نیشابور ولادت یافت و پیش از آنکه بیست سالگی برسد پس از مرگ پدر جانشین او شد. از پیروان طریقه اشعری بود و چون عمیدالملک کندی وزیر و داشت اشعریان را تکفیر کنند وی با امام ابوالقاسم قشیری عارف و فقیه معروف از خراسان هجرت کرد و بیغداد و از آنجا در ۴۵ هجری از رفت و بیشتر در مکه و مدینه بود و بهمین جهت با امام الحرمین لقب دادند و پس از چهار سال که نظام الملک بوزارت رسید و اشعریان آزادی یافتند بخراسان باز گشت و ساکن نیشابور شد و نظام الملک مدرسه نظامیه نیشابور را برای تدریس او ساخت. در پایان زندگی که بیمار شده بود بدهی که در آنجا زاده بود رفت و در آنجا در ۲۵ ربیع الثانی ۴۷۸ در گذشت. امام الحرمین مؤلفات بسیار داشته باندازه ای که كثرت تألیف او را کرامتی می دانسته اند و معروف ترین مؤلفات وی کتاب البرهان فی اصول الفقه و کتاب الورقات فی اصول الفقه و کتاب نهایة المطلب فی درایة المذهب و کتاب الاسالیب فی الخلاف الغیابی و غیاث الخلق فی اتباع الحق و غیاث الامم فی الثبات الظلم و کتاب الارشادست و در بیت فارسی نیز از او روایت کرده اند.

۱۰ - ابوسعید فضل الله بن ابی الخیر محمد بن احمد میهنی معروف بابویه

سعید ابوالخیر یکی از بزرگترین مشایخ تصوف ایران، در شهر كوچك میهنه در دشت خاوران در اول محرم ۳۵۷ ولادت یافت و پدرش نیز از متصوفه بود. نخست در زادگاه خویش دانش آموخت و سپس به مرو رفت و پس از ده سال که در آنجا شاگردی استادان معروف را کرد بسرخیس رفت و در آنجا مجذوب شد و در حلقه مریدان ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی از خلائای ابونصر سراج عارف معروف در آمد و در باز گشت

بمیهنه هفت سال ریاضت کشید و باز نزد ابوالفضل سرخسی رفت و باشاره او عازم نیشابور شد و از پیروان ابوعبدالرحمن سلمی عارف مشهور گشت و پس از آنکه خرقه ارشاد ازو گرفت بشهر خود باز گشت و بار دیگر مدتی ریاضت کشید و خاتقاهی ترتیب داد و جمع بسیاری بدو گرویدند و در شهر خود بسیار نفوذ یافت و پس از مرگ ابوالفضل سرخسی بشهر آمل در کنار جیحون رفت و بخدمت ابوالعباس قصار آملی عارف مشهور رسید و در آنجا کار وی باندازه ای بالا گرفت که او را تکفیر کردند و بمحمود غزنوی ازوشکوه بردند و او کار را بدانشمندان نیشابور باز گذاشت و سرانجام بمیهنه برگشت و در آنجا در شب جمعه چهارم شعبان ۴۴۰ در ۸۳ سالگی درگذشت. ابوسعید از مردان بسیار بزرگ ایران بوده و در میان مشایخ تصوف شهرت بسیار دارد و دو کتاب مستقل در احوال وی نوشته اند: یکی اسرارالتوحید فی مقامات ابی السعید تألیف نواده اش محمد بن المنور بن ابی سعید بن ابی طاهر بن ابی سعید بن ابی الخیر، دیگر رساله حالات و سخنان شیخ ابوسعید تألیف نواده دیگرش ابو روح لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر سعید بن ابی سعید. از زمانهای قدیم مقداری اشعار و مخصوصاً رباعیات بسیار فصیح و شیرین بنام او معروفست که برای برخی از آنها خواصی قایل شده اند و بیش از ۷۰۰ رباعی بنام او معروفست و می توان وی را مؤسس شعر فارسی در طریقه تصوف دانست.

امیر عین الدوله شمس الاعالی ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث امیر بدخشان که ناصر خسرو کتاب جامع الحکمتین را بنام وی نوشته نیز شعر فارسی سروده است.

#### ۴ = شعر

در قرن پنجم بهمان اندازه که شعر فارسی ترقی کرد شرفی باوج کمال رسید. پیش از آن در قرن چهارم مؤلفان بیشتر آثار خویش را بزبان تازی می پرداختند و در قرن پنجم علمای ایران هر دو زبان را اختیار کردند و بهمین جهت شماره کتابهایی که در علوم مختلف درین قرن بزبان فارسی تألیف شده نسبت بقرن پیش تقریباً چهار برابرست، با آنکه چون این دوره بما نزدیک ترست از آن بیشتر کتاب بما رسیده است. گذشته از



عارفان نامی مانند عبدالله انصاری و علمای بزرگ چون عمر خیام و ناصر خسرو که ذکر ایشان گذشت عدد دیگری نیز بوده اند که کتابهای علمی ایشان به ما رسیده است. از ادیبان معروف آن زمان نیز برخی کتابهای تاریخ و ادب مانده است. بزرگترین شر نویسان قرن پنجم بدین گونه اند:

۱ - عبدالرحمن خازنسی که از معاصران عمر خیام بود و در سال ۴۶۸ در اصلاح تقویم شرکت کرد و کتابی بنام زیج سنجری باسم سلطان سنجر نوشته است.

۲ - شهردان بن ابی الخیر رازی ساکن گرگان و استرآباد، در نجوم شاگرد ابوالحسن علی بن احمد نسوی بود و از علمای ریاضی و نجوم بشمار می رفت. دو تألیف مهم از او مانده است: یکی روضة المنجمین که در ۴۶۶ برای حکیم علی بن ابراهیم کرمانی نوشته و دیگر نزهت نامه عالی در کلیات علوم علوی و سفلی که پس از ۴۷۷ برای علاء الدوله ابو کالیجار گرشاسب کاکویه تألیف کرده است و دیگر کتاب البدایع. چنانکه گذشت در همین زمان شاعری بوده است که بزبان فارسی حکایات قدیم ایران را نظم کرده و ایرانشاه بن ابی الخیر نام داشته و تنها يك شعر از بهمن نامه او به ما رسیده است و احتمال قوی می رود که برادر وی بوده باشد.

۳ - ابونصر محمد بن محمد قاینی معروف بمناح، از ادبای معروف عصر خود بود و شعر عربی را نیکو می سرود و در حکمت نیز دست داشت و از آثار وی کتابی مانده است بنام قراضه طبیعیات در برخی از مسایل حکمت که بفارسی فصیح تألیف کرده است.

۴ - امام ابوالمعالی محمد بن عبیدالله علوی غزنوی از اولاد امام چهارم بود و در شهر غزنین می زیست و کتاب بیان الادیان را که درباره مذاهب مختلفست در سال ۴۸۵ تمام کرده و در دربار مسعود بن ابراهیم غزنوی زندگی می کرده و این کتاب قدیم ترین کتابیست که بزبان فارسی درباره مذاهب به ما رسیده است.

۵ - احمد بن منصور خجندی که کتاب تکملة اللطایف تألیف ابو محمد عبدالعزیز بن عثمان جسی را در قرن پنجم بنام قصص الانبیا بفارسی ترجمه کرده است.

۶- اسحق بن منصور بن خلف نیشابوری مؤلف کتاب دیگری بنام قصص الانبیاء که او نیز در قرن پنجم بوده است.

۷- محمد بن حسن دیندوژی که کتاب قصص الانبیاء تألیف ابوالحسن احمد بن عیبدالله یا محمد بن عبدالله کسائی را در همین قرن بنام نفایس المعرایس بفارسی ترجمه کرده است.

۸- ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی معروف ترین نویسنده این عصر و یکی از بزرگان مورخان ایران. در سال ۳۸۵ در ناحیه بیهق نزدیک سبزوار امر و زمتولد شده و تقریباً همه زندگی خویش را در دربار محمود غزنوی و فرزندان وی تا زمان فرخزاد بن مسعود گذرانده است و از ذیران دیوان رسالت غزنویان بود و نزد استادش ابونصر مشکان تقرب بسیار داشت و در انشای فارسی و عربی و خط از معارف عصر خود بوده است. در سال ۴۱۲ در ۲۷ سالگی وارد خدمت دربار غزنوی شد و پس از مرگ ابونصر مشکان مدتی هم زیر دست ابوسهل زوزنی بهمان سمت خدمت کرد و در سال ۴۳۱ هنگامی که سلجوقیان بر مسعود غزنوی در جنگ دندانقان چیره شدند جانش بنظر افتاد و خادمی او را نجات داد. درین مدت در سفرهایی که محمود و مسعود کرده اند بیشتر همراه بوده است و در سال ۴۴۴ که طغرل یاغی بر عبدالرشید چیره شد وی را با دیگران از درباریان غزنوی زندانی کرد و یک سال در زندان ماند و در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوان کناره گرفت و سرانجام در ۴۷۰ درگذشت. ابوالفضل بیهقی مؤلف کتاب بسیار بزرگی بوده است شامل بیست و یاسی مجلد از آغاز سلطنت سبکتگین مؤسس این سلسله تا زمان سلطان ابراهیم یعنی از سال ۳۶۶ تا سال ۴۷۰ که زنده بوده است و وقایع صد و چهار سال را در آن ضبط کرده بود که سی و نه سال آنرا خود شاهد بوده و بازمانده را از کسانی که با وی معاصر بوده اند شنیده است. قسمت های مختلف این کتاب هر يك اسمی داشته است: قسمت اول بنام تاریخ ناصری یا طبقات ناصری در تاریخ سبکتگین، قسمت دوم بنام طبقات محمودی یا مقامات محمودی در تاریخ محمود، قسمت سوم بنام طبقات مسعودی

یا تاریخ مسعودی در تاریخ مسعود و معلوم نیست قسمت های پس از آن چه نام داشته است. مجموع این مجلدات را بنام جامع التواریخ یا جامع فی تاریخ آل سبکتگین یا تاریخ آل سبکتگین می نامیده اند. تنها قسمتی کوچک ازین کتاب که اندکی از مجلد پنجم و مجلدات ششم و هفتم و هشتم و نهم و قسمتی از مجلد دهم آنست و شامل طبقات مسعودیست بهمارسیده است که درین زمان بنام تاریخ بیهقی معروفست و ظاهراً برخی از اوراق آن از میان رفته و در بعضی جاها مطالب دنبال يك دیگر نیست و چنان می نماید که آنچه بهمارسیده یادداشت هایی بوده که مجال نگرده است در آنها دست ببرد و با این همه در اوج فصاحت و در رأس کتابهای شرفادسیست و پیدا است که مورخی بسیار راستگو و امین بوده است. ابوالفضل بیهقی را بجزین کتاب بزرگ کتاب دیگری بوده است بنام مقامات ابونصر مشکان که آنچه از زبان استاد خود در وقایع دوره غزنویان شنیده بود در آن ضبط کرده است و نسخه آن تا قرن نهم در میان بوده و اینک تنها برخی از قسمت های آن در کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات تألیف محمد عوفی و کتاب آثار الوزراء تألیف سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی از مورخان قرن نهم باقی مانده است.

۹ - ابواسحق علی بن ابوعلی عثمان جلابی هجویری غزنوی که در سال ۴۶۴ در شهر لاهور هندوستان رحلت کرده از عارفان نامی عصر خود بود و مؤلف کتاب بسیار جالیست در تصوف بنام کشف المحجوب و کتاب البیان لاهل العیان.

۱۰ - قاضی ابوعبدالله حمید بن احمد بن حسین زوزنی از ادبای بسیار معروف زبان تازی در عصر خود بوده و در ۴۸۶ در گذشته است و شرح معروفی بمعلقات سبع معروف ترین اشعار تازی در زمان جاهلیت نوشته است و نیز کتاب المصادر در لغت تازی بفارسی از و مانده است.

۱۱ - امیر عنصر المعالی مولی امیر المؤمنین کیکاوس بن اسکندر بن قابوس چنانکه پیش ازین گذشت هفتمین پادشاه از سلسله آل زیار بوده و از ۴۲۰ تا ۴۷۵ زنده بوده است. وی مؤلف کتاب بسیار فصیح شیواییست بنام نصیحت نامه و معروف بقابوس نامه که برای پسرش گیلاشاه نوشته و آنرا در سال ۴۷۵ چنانکه رسائیده است

و در شعر فارسی و زبان طبری نیز دست داشته است .

## ۱۲ - ابوعلی حسن بن علی بن اسحق نظام الملک طوسی وزیر معروف الپ

ارسلان و ملکشاه ، در سال ۴۱۰ در طوس بجهان آمد و در ماه رمضان ۴۸۵ نزدیک نهاوند بدست یکی از فداییان اسمعیلی کشته شد و در اصفهان وی را بخاک سپردند . وی یکی از بزرگترین مردان سیاسی تاریخ ایرانست و در تدبیر وزارت و جهاننداری و نیکوکاری و زیردست نوازی و دانش پروری از نوادر روزگار بوده است . در سال ۴۸۴ ملکشاه از وزیران و کارگزاران خود که نظام الملک و شرف الملک و تاج الملک و مجد الملک پیشوایان ایشان بودند خواست کتابی در آیین سلطنت و جهاننداری بنویسند و هر یک چیزی نوشتند ، از آن جمله نظام الملک کتابی نوشت که بنام کتاب - السياسة یا سیاست نامه و یا سیر الملوک و یا سیر خواجه نظام الملک معروفست و پس از کشته شدن وی محمد نامی که مامور کتابخانه پادشاه بوده نسخه آنرا مرتب کرده و یکی از بهترین نمونه های شرفصیح و شیوای زبان فارسیست و فوائد تاریخی بسیار نیز در بر دارد . کتاب دیگری هم بنام وصایای نظام الملک با نسبت داده اند که پیدا است در قرن نهم نوشته شده است .

## ۱۳ - حجة الاسلام زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی

طوسی یکی از بزرگترین دانشمندان اسلام ، در سال ۴۵۰ در قرية غزال از خاک طوس بجهان آمد و صبح در شنبه ۱۴ جمادی الاخره سال ۵۰۵ در خانقاه خویش درگذشت . این مرد بسیار بزرگ یکی از مفاخر ایران و یکی از بزرگان اسلامست . در طریقه شافعی پیشوای فقیهان عصر خویش بود و در مقامات علمی و سیاسی محترم ترین و ناماورترین دانشمندان روزگار بشمار می رفت . نخست در شریعت بسیار متعصب و با حکمت و تصوف مخالف بود و در پایان زندگی مجذوب طریقت شد و خانقاهی در طوس فراهم کرد و در آنجا روی از جهان در کشید . بارها در دشواریهایی که در میان خلفای بنی العباس و پادشاهان سلجوقی روی داده وی میانجی شده است و همه عمر خویش را بمجاهدت در ترویج اسلام بسر برده و مدتها در ایران و عراق و شام و حجاز و فلسطین و اسکندریه و قاهره

بتبلیغ و تدریس و ارشاد پرداخته و سفر کرده است و چندی نیز در مدرسه نظامیه بغداد تدریس کرده است . سرانجام در بیت المقدس عهد کرد که از خدمت پادشاهان و وزیران روی بتابد و بعزالت بنشیند و با آنکه ملک‌شاه و نظام‌الملک کمال دوستی را با شخص وی داشته‌اند دعوت ایشان را نپذیرفت و بخراسان بازگشت و در شهر طوس در همان مولد خویش در قریه طابران خانقاهی ساخت و از سال ۴۸۹ تا دم مرگ یعنی شانزده سال بعبادت و ارشاد مردم می‌کوشید و با فرزندان و مریدان و شاگردان خویش که شمارة ایشان از صد و پنجاه تن افزون بود زندگی می‌کرد . این مرد بزرگ که یکی از بزرگان جهانست در میان این همه سفرهای دور و دراز که از خراسان تا افریقا کرده است و تقریباً در همه قلمرو اسلام در آن روزگار گشته است و دقیقه‌ای از تبلیغ و ارشاد مردم غافل ننشسته در ضمن تالیفات بسیار کرده است که برخی از آنها از مهم‌ترین مولفات عالم اسلامست . شمارة کتابها و رسالهایی را که تألیف کرده ۹۹۹ دانسته‌اند و اگر هم این رقم مبالغه‌آمیز باشد باز عده بسیار از کتب و رسایل او عبری و فارسی به‌مارسیده است و از آن جمله بیش از شصت مجلد کتاب مهم بزبان تازیست که معروف‌ترین آنها بدین گونه است : احیاء علوم الدین ، اخلاق الانوار ، آفات اللسان ، اثبات النظر ، الاملاء علی مشکل الاحیاء یا الاجوبة المسکنه عن الاسئلة المبیهمه ، الاقتصاد فی الاعتقاد ، اساس القیاس ، الجوامع العوام عن علم الکلام ، الانیس فی الوحده ، الامالی ، اسرار معاملات الدین ، اسرار انوار الالهیه ، آداب الصوفیه ، اخلاق الابرار که گویا همان اخلاق الانوار سابق‌الذکر باشد ، اختلاف الابرار و النجاة من الاشرار ، اسرار علم الدین که شاید همان اسرار معاملات الدین باشد ، اسرار اتباع السنه ، الاشراف فی مسائل الخلاف ، اسرار الحج که بفارسی نوشته و بعدها عبری ترجمه کرده‌اند ، الاجوبة الغزالیه فی المسائل الاخریه ، بدایة الهدایه ، البسیط ، بیان القوانین ، بدایع الصنائع ، تنبیه الغافلین ، تلیس ابلیس یا تدلیس ابلیس ، تنزیه القرآن عن المطاعن ، تهافت الفلاسفه ، تعلیقه ، تعصین الادله ، تفسیر القرآن ، التفرقه بین الاسلام و الزندقه ، جواهر القرآن ، جامع-الحقائق ، حجة الحق ، حقیقة الروح ، حقائق العلوم لاهل المفهوم ، حقیقة القولین ،

الحكمة في مخلوقات الله ، خواص القرآن ، خلاصة التصانيف ، الدرّة الفاخرة في كشف علوم الآخرة ، الدرّج ، الذريعة إلى مكارم الشريعة ، رسالة الاقطاب ، رياضة النفس ، الرسالة الوعظية ، رسالة الطير ، روضة الطالبين وعمدة السالكين ، الرد على من طغى يا الرد على من طعن ، الرسالة القدسية ، الزهد الفاتح ، زاد الآخرة ، السر المصون ، شرح دایرة علی بن ابی طالب بنام نخبه الاسماء ، شفاء الغلیل فی بیان مسئلة التعلیل ، عقيدة المصباح ، عقيدة اهل السنة ، عجائب صنع الله ، عنقود المختصر ، الغاية القصوى ، غور الدور ، غاية الفور في مسائل الدور ، الفتاوى ، فضائل القرآن ، فاتحة العلوم ، فضائح الاباحيه ، الفكرة والعبره ، فیصل التفرقة بین الاسلام والزندقة ، فواتح السور ، الفرق بین الصالح وغير الصالح ، فضائح الباطنية ، القانون الكلى ، قانون الرسول ، القرية الى الله ، القسطاس المستقيم ، القول الجميل في الرد على من غير الانجيل ، القواعد العشرة ، كيمياء السعادة ، كشف علوم الآخرة ، كسر الشهوتين ، كنز العدة ، الكشف والتبيين في غرور الخلق اجمعين ، اللباب ، المنتحل ، المستصفى ، المنحول ، مقاصد الفلاسفة ، المنقذ من الضلال ، معيار العلم ، المرشد الامين الى موعظة اليقين ، الماخذ ، المبادئ و الغايات ، مكاشفة القلوب ، المظنون به على اهل ، مسلم السالطين ، منهاج المسترشدين ، معراج السالكين ، محاك ، النظر ، معيار النظر ، مشكوة الانوار ، منازل العارفين ، المستظهرى ، مواهم الباطنية ، ميزان العمل ، المقصد الاسنى في شرح اسماء الله الحسنى ، المنهج الاعلى ، معارج القدس ، منهاج العارفين ، الممكنون ، المعارف العقلية والحكمة الالهيه ، منهاج العابدين الى جنة رب العالمين ، مدخل السلوك الى منازل الملوك ، مفصل الخلاف ، نوادر الاخبار ، نور الشمعة ، الوجيز ، الوسيط ، الوقف و الابتداء ، ياقوت التاويل في تفسير التنزيل ، هداية المريد في شراء العبيد ، پنج كتاب ديگر نیز بغزالي نسبت داده اند که از نيست و عبارتست از السر المكتوم في اسرار التجوم وتحسين المظنون و النفخ و التسويه و المظنون به على غير اهل و سر العالمين و كشف ما في الدارين . بجزين كتابهاى كه بزبان تازى نوشته است آنچه بزبان پارسى از دهمانده بدین قرارست : اسرار الحج و تلبیس ابلیس كه ذكر آنها گذشت ، كيمياء معاديت كه مهم ترين كتاب اوفارسيست و كتاب معروف احياء علوم الدين

خود را در آن خلاصه کرده است و این کتاب را الفضل الدین کاشانی حکیم معروف قرن هفتم بنام چهار عنوان مختصر کرده است، نصیحة الملوك یا نصایح الملوك که پس از تالیف سیاست نامه یا سیر الملوك نظام الملک ظاهر برای محمد بن ملک شاه در پایان زندگی خود نوشته است و یکی از شاگردان وی آنرا بنام التبر المسبوك فی نصایح الملوك عربی ترجمه کرده است، رساله ای دارد در رد بر جلاله، نصیحت نامه که در پاسخ یکی از شاگردان خود نوشته است، اسرار المكنونه که آن نیز بفارسیست. بجزین چند کتاب مستقل برخی مکاتیب فارسی از او مانده است که در کمال فصاحت و قدرت نوشته و خطاب بمعاصران او مانند پسران نظام الملک و پسران ملک شاه است و از آن جمله مکتوب بزرگبخت که بمحمد بن ملک شاه نوشته و بنام پند نامه در طهران چاپ کرده اند. مجموعه مکاتیب فارسی او را برادرش احمد پس از مرگ وی در مجلدی بنام فضایل الانام فی مکاتیب حجة الاسلام گرد آورده است. امام غزالی در فقه و تفسیر و کلام و حکمت و تصوف بنابر اصول طریقه شافعی مؤلفات بسیار مهم دارد. در نظم و نثر عربی و فارسی منتهای قدرت را داشته است. بیشتر مؤلفات از بزبان تازیست و از شعر عربی او بعضی مقطعات مانده و برخی اشعار فارسی نیز باونسبت داده اند. اما در نشر فارسی یکی از زبردست ترین نویسندگانست و سرآمد همه دانشمندانست که باین زبان سخن رانده اند.

#### ۱۴ - امام ابو الفتوح احمد بن محمد غزالی برادر کبیر حجة الاسلام غزالی

بود که چند سال پس از وی در همان حوالی شهر طوس بجهان آمد و از بزرگان عارفان عصر خود بشمار می رفت و همه عمر خویش را بعزالت و ارشاد گذراند و سرانجام در قزوین بسال ۵۱۷ یا ۵۲۰ در گذشت و در همان شهر مدفون شد. وی مؤلف کتاب بسیار شیرین شیواییست بمذاق تصوف بنام کتاب السوانح فی معانی العشق که برای ضیاء الدین عین القضاة همدانی عارف مشهور مرید خود نوشته است و نیز مکتوب مفصلی که رساله ای جداگانه است بنام تازیانه سلوک بهمان شیوه بوی نوشته است که از بهترین آثار تصوفست. این عارف شهیر در شعر فارسی نیز استاد بوده و برخی از رباعیات خود را در رسایل خویش آورده است.

۱۵ - ابو نصر احمد بن محمد بن نصر قباوی که در سال ۵۲۳ کتاب تاریخ بخارا را که ابو بکر محمد بن جعفر نرشی در سال ۳۳۲ برای نوح بن نصر سامانی نوشته است از عربی به فارسی بسیار فصیح ترجمه کرده و از شاعرهای زبان ماست. این کتاب را در سال ۵۷۰ محمد بن زفر بن عمر خلاصه کرده و اینک همان خلاصه در دست است.

۱۶ - محمد بن علی بن مالک بن ابو نصر حقایقی از منجمان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و زیجی بنام زیج یمنی بنام بهرامشاه غزنوی نوشته و خود در آن تصریح کرده است که : « ابتدای زیج از روز شنبه غره محرم سال بر پانصد و یازده از هجرت کردم ».

۱۷ - محمد بن عمر رادویانی از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتاب بسیار جالیست در بدیع و معسنات کلام بنام ترجمان البلاغه که بخط آنرا از فرخی سیستانی شاعر معروف می دانستند و رشید و طواط تقریباً همه آنرا در کتاب حقائق السحر خود جای داد است و چون بگانه نسخه ای که ازین کتاب هست ابو الهیجا اردشیر بن دیلم سپارنجمی قطبی شاعر در اواخر رمضان ۵۰۷ پایان رسانیده و وی همان شاگردی طوسیست که فرهنگ خود را برای او نوشته و درین کتاب ذکر می از شاعرانی که پس از قرن پنجم بوده اند نیست مسلمست که مؤلف آن در نیمه دوم قرن پنجم زیسته است.

۱۸ - ابو حاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری از دانشمندان معروف این روزگار بوده و در اصلاح تقویم با عمر خیام شرکت کرده و در مسایل مختلف علمی به فارسی و عربی مؤلفاتی از او مانده است از آن جمله رساله آثار علوی یا کائنات جو که برای فخر الملک بن نظام الملک نوشته و کتاب میزان الحکمه و اختصار اصول اقلیدس و رساله الشبکه که به فارسی برای برکیارق سلجوقی نوشته و منتخب کتاب الحیل.

۱۹ - استاد مختص ابو الحسن علی بن احمد نسوی - از بزرگان علمای زمان خود و از شاگردان ابن سینا و استاد شهرمدان بن ابی الخیر بود در شهرری در سال ۳۹۳ ولادت یافته و در حدود ۴۹۳ در گذشته است. بیشتر اختصاص داشته است



بدر بار آل بویه و در رشته‌های مختلف علمی مؤلفات چند داشته است که برخی از آنها باقیست از آن جمله الزیج الفاخر - المقنع فی الحساب الهندی - کتاب مرتضوی یا اختصار صور الکواکب ابو الحسین عبدالرحمن بن عمر صوفی - کتاب التجرید فی اصول الهندسه - رسالة فی المدخل الی علم المنطق - مقالة فی عمل دائرة نسبتها الی دائرة مفروضه - تفسیر کتاب المأخوذات فی اصول الهندسه - کتاب الاشباع در شرح قضیه منالوس - رساله در استخراج ضمیر - صلاح نامه علایی بفارسی - بازنامه بفارسی .

۲۰ - ابوطاهر حسن بن علی بن موسی طوسی از جزئیات احوال او اطلاعی نیست و چهار کتاب بنشر فارسی بسیار شیوا جامع دانستنیهای ایرانی از ومانده است یکی اسکندرنامه و دیگر داراب نامه و سوم قهرمان نامه و چهارم داستان قران - الحبشی و از روش انشای او پیداست که در نیمه دوم قرن پنجم می‌زیسته است . در برخی از نسخها نسبت او را بطرسوس می‌نوشته اند اما پیداست که وی در خراسان می‌زیسته و این حکایات را در آن ناحیه فراهم کرده است و ظاهرأ در کتابت طوسی را بطرسوس تبدیل کرده‌اند .

گذشته ازین کتابهایی که نویسندگان آنها در قرن پنجم زیسته‌اند و در آن زمان نوشته یا ترجمه کرده اند چند کتاب دیگر به ما رسیده است که نام مترجم و نویسندگان آنها معلوم نیست اما از قراین پیداست که در قرن پنجم فراهم شده است . یکی ترجمه فارسی صور الاقالیم یا مسالك الممالك تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد اصطخری فارسی معروف بکرخسیت که اصل آن در قرن چهارم تألیف شده و کتابست در جغرافیا که بفارسی بسیار روان با انشای قرن پنجم ترجمه کرده‌اند .

کتاب دیگری که در همین قرن تألیف شده است شکارنامه خسرو است و تفصیل آن بدین گونه است که ملک‌شاه سلجوقی بکتابهای بازنامه و پرورش مرغان شکاری رغبت بسیار داشته است . وقتی بنظام الملك فرمان داد که آگاهان ازین فن را در دربار او گرد آورد تا کتابی درین فن پیدا کنند و وی آنچه کتاب درین فن بود گرد آورد و آگاهان آن زمان را مانند ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری از نیشابور

و ابوالملك سهیل بلخی را از بلخ و ابوالعباس بن فضل را از ترمذ و عبدالله بن خالد را از مرو و تاشاه را از هرات و علی بن عبدالله را از خوارزم و حاجی بیك را از روم و خواجه زکی را از عراق عرب و افضل الدین را از فارس و خواجه محمدی را از تبریز و اسمعیل اثال را از سیستان و سرباد را از هندوستان و تالش ترك را از تركستان و خواجه زنگی را از اصفهان و عبدالعزیز را از مصر و فنوس را از مغرب (مراکش) خواند و ایشان از میان خود ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری را برگزیدند که آگاه تر از همه بود و چون او را آزمودند و برتری وی آشکار شد پادشاه ولایتی را باقطاع بوی داد و هزار دینار در سرخ مرسوم او کرد و اسب و خلعت داد و دیگران را نیز هریك چیزی بخشید و فرمان داد محمد بن قلیچ نظامی آنچه این استادان درباره پرورش مرغان شکاری بگویند بنویسد و محمد بن قلیچ بازنامه ای پرداخت و این کتاب را که بنام شکارنامه خسرو است همان ابوالجوارح علی بن محمد نیشابوری گردآورده و نسخه آن در دست است.

کتاب دیگری هم باین قرن نسبت داده اند و آن کتابیست بنام تبصرة العوام در فرق اسلام و اثبات مذهب شیعه که آن را بسید مرتضی علم الهدی پیشوای معروف تشیع که در سال ۴۳۶ در گذشته است منسوب کرده اند ولی مسلمست که ازو نیست و از سید مرتضی داعی رازیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زیسته است.

کتاب دیگری نیز بدست بنام مجموعه سلطانی در مسائل فقه و عبادات طریقه حنفی که بدستور محمود غزنوی نوشته اند اما مؤلف آن معلوم نیست. کتاب دیگری بفارسی بسیار شیوا در پند و اندرز بنام تحفة الملوك از همین دوره در دست است که مؤلف آن معلوم نیست.

## قرن ششم

در قرن ششم در ادبیات ایران نسبت به قرن پنجم اندک تنزلی راه یافته است و آن ازین سبب بود که مردان بزرگی که در آغاز سلسله‌ای پیدامی‌شوند درین عصر نبودند و ناچار آن تشویق و ترویجی که از ادیبان و عالمان ایران میشد از میان رفت و چون دانش خریداری نداشت مردم کمتر بدان روی آوردند. با این همه در حد خود قرن ششم نیز یکی از دوره‌های بزرگ ادبیات ایران است زیرا که شاگردان دانشمندان و ادیبان نامی قرن پنجم درین زمان نیز بوده‌اند و مخصوصاً در رشته تصوف چون مشایخ بزرگ درین عصر زیسته‌اند ادبیات ایران ازین حیث بر دوره‌های دیگر برتری دارد. شاعران بزرگ در قرن ششم بسیار بوده‌اند، زیرا که پادشاهان سلجوقی هم چنان درین دوره از پرورش شاعران خودداری نمی‌کردند. برخی سلسله‌های دیگر که در ایران پادشاهی رسیده‌اند مانند سلسله خوارزمشاهان که در سال ۴۹۱ بدست قطب‌الدین محمد خوارزمشاه تأسیس شد و در سال ۶۲۸ در فتنه مغول منقرض گشت و سلسله اتابکان آذربایجان که در حوالی ۵۵۲ بدست اتابک ایلدگز تأسیس یافت و در ۶۲۲ منقرض شد و سلسله اتابکان فارس که در ۵۴۳ اتابک سنقر بن مودود آنرا تأسیس کرد و در ۶۶۴ منقرض شد و سلسله سلاطین غور معروف بملوک الجبال که در ۵۴۵ بدست علاءالدین حسین جهانسوز تأسیس یافته و در حدود ۶۰۲ منقرض شده است و سلسله اتابکان لرستان که در ۵۵۰ اتابک ابوطاهر محمد بن علی آنرا تأسیس کرده و در ۷۴۰ منقرض شده است هر یک در حد خود در پرورش ادیبان کوتاهی نکرده‌اند. برخی خاندانهای تاریخی ایران مانند آل صاعد که در عراق ریاست خنفیان را داشته‌اند و خجندیان که پیشرو شافعیان عراق بوده‌اند و بازماندگان نظام الملک طوسی در دربار سلجوقیان مخصوصاً در ترویج ادبیات کوشیده‌اند. اما در ضمن سراسر قرن ششم دوره انقلاب و زرد و خوردهای فراوان بوده است، زیرا که سلجوقیان ضعیف شده بودند و کارگزاران ترک ایشان در هر ناحیه‌ای حکومت مستقلی ترتیب داده و دائماً با مخدومان خجود یا با همسایگان خویش در زد و خورد بوده‌اند. از سوی دیگر تخم فتنه و فساد

که اسمعیلیه در ایران پاشیده و تعصب ایرانی بسیار سختی در برابر تازیان و ترکان داشته اند امن و آسایش را از مردم گرفته بود و هر کسی که با ایشان همدست نمی شد در خطر نابود شدن بود. بهمین جهت آن آسودگی و آرامشی که برای ادیبان لازمست در برخی از نواحی ایران نبود و گذشته از فتنه اسمعیلیه جنگ در میان شافعیان و حنفیان در ایران و مخصوصاً در نواحی مرکزی و گاهی نیز اختلاف در میان شیعه و اهل سنت روی می داد و گاهی کشتارهای خونین پیش می آمد و از دوسوی آسایش بهم می خورد. سرانجام همین فسادها و ناانوانی های روحانی و اختلافها بود که در آغاز قرن هفتم پای مغول را بایران باز کرد و آنچه نمی بایست بشود شد.

۱- نظم - شعر فارسی در قرن ششم رواج تمام داشته است و شماره شاعران بزرگ نسبت بسرایندگان قرن پنجم چند برابرست. شاعران قرن چهارم و پنجم و چندتن از سرایندگان قرن ششم را که معاریف ایشان سوزنی و عمیق و انوری و صابر ترمذی و معزی و سید حسن غزنوی و مختاری و ازرقی و رشید الدین وطواط و عبدالواسع جبلی و سنایی و دیگران باشند شعرای خراسان یا ترکستان نامیده اند و همه شاعران بزرگ دیگر را، که درین قرن زیسته اند، شعرای عراق نامیده اند و تفاوتی در میان سبک ایشان هست. بزرگترین شاعران عراق در قرن ششم خاقانی و نظامی و جمال الدین عبدالرزاق و پسرش کمال الدین اسمعیل و ظهیر الدین فاریابی و مجیر الدین یلقانی و سیف الدین اسفرنگ و شرف الدین شفروه و شمس الدین طبسی و مجد الدین همگرو رفیع الدین لنبانی و اثیر الدین اخسیکتی و نجیب الدین جرفادقانی و امامی هروی و فرید الدین احوّل و بدر الدین جاجرمی بوده اند. تفاوت عمده ای که در میان سبک شاعران خراسان و عراق هست اینست که شاعران خراسان صنایع شعری چه لفظی و چه معنوی چندان پای بست نبوده و شعر را بسیار ساده و طبیعی و درخور فهم هر شنونده ای میسروده اند و عراق و مبالغه در شعر ایشان بسیار کمترست و مضامین دور از فهم خواننده در آن وارد نمی کردند و عبارت دیگر شعر ایشان طراوت و شکفتگی و تازگی مخصوص بخود را دارد و دارای همان روش رئالپسم شاعران دوره سامانی و غزنویست. بالعکس.

شاعران عراق صنایع و پیرایه‌های بسیار شعر خود را می‌داده‌اند. برخی از ایشان درین هنر نمایی چندان مبالغه نکرده‌اند مانند جمال‌الدین عبدالرزاق و برخی دیگر که اکثریت نزدیک باتفاق باشند در صنایع بدیع زیاده روی کرده و روی هم رفته روش ناتوالیسم را بکار برده‌اند.

بهین جهت است که اگر شاعران قرون گذشته را نسبت بزمان و مکانی که در آن می‌زیسته‌اند تقسیم کنیم درین قرن باید شاعران را نخست بناحیه‌ای که در آن زیسته‌اند قسمت کرد و سپس هر ناحیه را بدربارهای مختلف تقسیم کرد و بدین گونه سه قسمت بزرگ فراهم میشود:

شعراى خراسان، شعراى آذربایجان و شعراى عراق و البته عدد کثیر عارفانی را که درین زمان می‌زیسته‌اند باید دسته جداگانه دانست و ایشان پیرو روش سمبولیسم مخصوص تصوف ایران بوده‌اند.

۱) شعراى خراسان و ماوراءالنهر و هندوستان - در قرن ششم با زماندگان سلسله غزنوی تا سال ۵۸۳ در قسمتی از افغانستان امروز که در آن زمان جزو خراسان بود و در شمال غربی هندوستان هنوز پادشاهی داشتند و عبادت نیاگان خویش در پرورش شاعران کوتاهی نمی‌کردند. از سوی دیگر سلسله غوریان معروف بملوک الجبال در قسمت دیگر از جنوب غربی افغانستان امروز و در سیستان سلطنت کرده‌اند و ایشان نیز شاعر پروری را از غزنویان آموخته بودند. خوارزمشاهان نیز بر قسمت دیگر از خراسان یعنی ناحیه خوارزم حکمرانی کرده‌اند و پس از ضعف سلجوقیان تا حدود عراق پیش رفته‌اند. سلجوقیان نیز بنوبت خود برخی از نواحی خراسان را در دست داشته‌اند و در ماوراءالنهر سلسله خانیان یا آل خاقان یا آل افراسیاب که از نواد ترک بوده‌اند حکمرانی داشته‌اند اما زبان فارسی را دوست می‌داشتند و شاعران بسیار در دربار ایشان بوده‌اند.

۲- شعراى دربار غزنویان - در قرن ششم دربار غزنوی آن شکوه و جلالی را که در زمان محمود داشت از دست داده بود و آن دستگاه بزرگ شاعران معروف چون

عنصری و فرخی و عسجدی و منجیک و لیبی و منوچهری و مسعود سعد سلمان و ابوالفرج  
رونی برچیده شده بود. اما باز چندتن شاعر نامی در دربار ایشان بوده‌اند و معروف-  
ترین یادشاهی که در پرورش شاعران کوشیده بهرامشاه بن مسعود است که از ۵۱۲ تا  
۵۴۸ حکمرانی کرده و از زمان او آثار مهم ادبی بما رسیده است.

۱- **مجدالدین ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی** - بزرگترین شاعر است  
که درین زمان در قلمرو غزنویان زیسته است. در سال ۴۳۷ در غزنین ولادت یافت و  
در زمان ابراهیم بن مسعود و بهرامشاه بن مسعود در غزنی می زیست و نخست شاعر دربار  
ایشان بود و سپس روی از جهان بر تافت و گوشه نشین و عارف شد و باز میانده عمر را  
بسرودن اشعاری در زهد و تصوف بسربرد و سرانجام در بامداد یکشنبه ۱۱ شعبان ۵۲۵  
در همان شهر در گذشته و مزار او اکنون در آنجا معروفست. سنایی یکی از بزرگترین  
شاعران ایران و معروفترین شاعر تصوف و قانونگذار این فنست. گذشته از دیوان  
اشعارش که شامل نزدیک سیزده هزار بیت قصیده و غزل و قطعه و رباعیست هفت  
مثنوی از او مانده است: ۱) حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه که مهمترین اثر منظوم  
در تصوف ایرانست و آنرا قرآن تصوف دانسته‌اند و آخرین اثر اوست که در ۵۲۵ پایان  
رسانیده است و بنام الهی نامه و فخری نامه نیز معروفست. هنگامی که این مثنوی  
پایان رسید در خراسان بر آن خرده گرفتند و سنایی نسخه‌ای از آن بی‌غداد فرستاد و  
دانشمندان آن شهر گواهی دادند که مدلول آن کاملاً موافق شریعتست. منتخبی ازین  
مثنوی شامل هزار بیت ترتیب داده‌اند بنام لطیفة العرفان. ۲) سیر العباد الی المعاد که  
مثنوی کوچکیست در تصوف ۳) طریق التحقیق که آن نیز مثنوی کوچکی در تصوفست  
و در برخی از نسخه‌ها تاریخ ۵۲۸ را دارد ولی درین تردیدست. ۴) کارنامه بالغ که آن  
نیز مثنوی کوچکی و از آثار جوانی اوست. این چهار مثنوی همه بیک وزنست. ۵)  
عشق نامه، ۶) عقل نامه، ۷) زاد السالکین. یک مثنوی دیگر بنام بهروز و بهرام نیز  
بوی نسبت داده‌اند اما آنچه بنام سنایی انتشار دارد قسمتیست از مثنوی بهرام و بهروز  
یا باغ ازم از کمال الدین شیرعلی هروی شاعر قرن نهم که نخست حالتی تخلص میکرده

است و بمناسبتك شهادت تخلص دى با تخلص سنایی بسنایی منسوب شده است . از متناهی مكاتیبى چند بزبان فارسى مانده است كه توانایی وى را كه در نشر نیز مسلم مى كند .

۴- سراج الدین عثمان بن محمد مختارى غزنوى - در آغاز زندگى از شاعران دربار غزنویان بود و سپس نزد پادشاهان سلجوقى كرمان با آل قاورد رفت و بهمین جهت هم جزو شعراى غزنویان باید بشمار آید و هم جزو شعراى سلجوقیان . در آغاز مداح ارسلان بن مسعود و برادرش بهرامشاه غزنوى بوده و سپس ارسلانشاه بن كرمانشاه سلجوقى را مدح گفته است و مدتی نیز مداح ارسلانخان محمد بن سلیمان از ملوك خانیة ماوراءالنهر بوده و سرانجام در ۵۳۴ یا ۵۴۴ یا ۵۵۴ در گذشته است . مختارى در تشبیهات بدیع و صنایع لفظی و معنوی یكى از بهترین شاعران این دوره است و بهمین جهت اشعار او را سبك خاصیت كه تقلید از آن بسیار دشوار است و دیوان او شامل پنج هزار بیت اینك در دست است . مثنوى بزرگى بنام شهریارنامه شامل داستانهای قدیم ایران بنام مسعود بن ابراهیم غزنوى نیز سروده كه سه سال مشغول نظم آن بوده است و كتابى را كه بنشر بوده نظم کرده است .

۵- سید اشرف الدین حسن بن محمد ناصر حسینی غزنوى از خاندانهای محترم و معروف غزنین بود . وى نیز مانند مختارى هم از شاعران غزنویان و هم از شاعران سلجوقیان بوده است . اوایل عمر را در دربار بهرامشاه گذرانیده و سپس جزو شاعران دربار سنجر (۵۱۱-۵۵۲) و مسعود بن محمد سلجوقى (۵۲۹-۵۴۷) شده و سفرهای متعدد كرده و بحج نیز رفته است و گذشته از شاعرى از دانشمندان معروف زمان خود بوده و در غزنین موعظه مى كرده است و پادشاهان زمانه همه وى را بزرگ مى داشتند و سرانجام در ۵۵۷ در غزنین در گذشته است و مزار او در غزنین معروف است . سید حسن غزنوى یكى از بزرگترین سرایندگان آیندوره است و شعرش در فصاحت و بلندی مقام از جمند دارد و دیوان وى نزدیک پنج هزار بیت دارد و بجز آن مولفان دیگر داشته است كه در میان

۴- ابو بکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی از شاعران دربار بهرامشاه بود و پس از آن نزد خواجه شاهران رفت و قطب الدین محمد و علاء الدین اتسز را مدح گفته و از شعر او اندکی باقی مانده است.

۵- ابوالمعالی نصیر الدین نصر الله بن محمد بن عبد الحمید منشی شیرازی مترجم معروف کلیله و دمنه به فارسی که ذکر او پس ازین خواهد آمد، در دربار بهرامشاه بوده و شعر فارسی نیز گفته است.

۶- جمال الدین ابوبکر بن ساعد خسروی بخارایی، مدتی در غزنین مداح نجسرو ملک آخرین پادشاه غزنوی (۵۵۵ - ۵۸۳) بوده و بیشتر در هندوستان می زیسته و از ونیز چندیتی به ما رسیده است.

۷- شهاب الدین شاه علی ابورجاء غزنوی، از شاعران دربار بهرامشاه بود و تا زمان آخرین پادشاهان غزنوی نیز می زیست و در ۵۹۷ درگذشت، از ونیز چندیتی باقی مانده است.

۸- فضل بن بخارایی، از مردم بخارا بوده و نخست در ماوراءالنهر می زیسته و در جوانی همدرس محمد عوفی مولف لباب الالباب بوده و کتاب جامع الصغیر را از برداشته است و چون دانش وی را قدر ندانستند بشاعری افتاد و از بخارا بهند رفت و مداح ناصر الدین قباچه بود که از ۶۰۱ تا ۶۲۴ در مولتان و سند فرمانرداری کرده است و در زمان تألیف لباب الالباب در حدود ۶۱۸ زنده بوده و بدین گونه از شاعران اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است و از شعر او نیز اندکی باقیست.

۹- ازین شاعران بزرگ که بگذریم در دربار غزنویان در قرن ششم شاعران درجه دوم بشمار می آیند و نامهای ایشان بدین گونه است: ابونصر محمد بن اسحق قایینی - جمال الدین محمد بن علی سراجی خراسانی - محمد بن عثمان عتبی کاتب - یمنی غزنوی - امیر تقة الدین یوسف بن محمد دربندی، جمال الدین ابوالمعاسن یوسف بن نصر کاتب - قوام الملك نظام الدین ابونصر هبة الله فارسی وزیر (در گذشته در ۵۰۹ یا ۵۱۲)، قایینی و راقی، سید شمس الدین محمد مبارکشاه بن الاعز سکزی - سدید الدین علی بن عمر



معزى غزنوى ، ابوبديل مجدالدین احمد بن محمد سجاوندی از علمای معروف زمان خود (در گذشته در حدود ۵۰۶) ، شهاب الدین محمد بن ابورشید بن محتاج رئیس (در گذشته در ۵۹۸) ، جمال الدین محمد بن ناصر حسینی غزنوى برادر مهتر سید حسن غزنوى ، على بن محمد ترمذی ، فرزدق یمینی ، شهاب الدین صاحب استیفایی ، مجدالدین ابن الرشید غزنوى ، ابوسعید گرگانی پسر مسعود سعد سلمان ، تبع الدین مسعود نوکی غزنوى ، خفاف ، خورشیدی ، حمید الدین مسعود بن سعد شالی کوٹ ، حمیدی لاهوری ، احمد بن محمد المیم لاهوری ، واولی که نام وی را دیولی نیز نوشته اند و معنی وضبط آن معلوم نیست ، بهاء الدین على بن ابوبکر احمد جامجی ، ظهیر الدین نصیر سگزى ، شمس الدین رضی نیشابوری ، سراج الدین محمد بن منهاج الدین عثمان بن ابراهیم بن عبدالخالق گوزگانی لاهوری ، خطیر الدین محمد بن عبدالملک گرگانی ، حمید الدین على بن محمود محمودی ، حمید الدین قهندزی ، بهاء الدین محمد واشی فرغانی ، ابوجعفر عمر بن اسحق واشی لاهوری ، ابوالعباس امامی و ازهریک ازیشان چند بیتى بما رسیده است . دو شاعر دیگر نیز درین دوره بودند اند که نام ایشان بما رسیده اما از شعرشان چیزی بدست نیست : یکی ابومسلم نشاری و دیگری احمد خلفست .

بیشتر ازین شاعرانی که نام بردم در دربار غزنویان در هند زندگی کرده اند و بهمین جهت جزو شاعران هند نیز باید بشمار آیند . گذشته از غزنویان امرای دیگر هند نیز در شاعر پروری کوشیده اند و معروف ترین ایشان درین زمینه ملک تاج الدین تمرانشاهست که از جانب غیاث الدین محمد بن سام غوری (۵۵۸ - ۵۹۹) حکمرانی تمران از ولایات غور در دره های کوه اشک را داشته است و خود شعر فارسی می گفته و یکی از کنیزان وی که بنام دختر کاشغری معروف بوده است نیز بزبان فارسی شعر گفته است . گذشته ازین شاعران چند تن سراینده دیگر در هندوستان زیسته اند بدین قرار : طرطری ، قادری ، جمال الدین دکنی ، تاج الدین زیری فارسی .

یکی از معروف ترین شاعران فارسی زبان ساکن هندوستان فخر الملک عمید الدینست که بخطاب برخی وی را از شاعران این دوره دانسته اند و چنانکه پس ازین بجای خود خواهد آمد وی در قرن هفتم زیسته است .

۲- شعراي دربار سلجوقيان - سلجوقيان در قرن ششم هجري در كمال قدرت پادشاهي كردند و تقريباً همه ايران امر در بدست ايشان بود ، اما چيزي نگذشت كه درميان شاهزادگان اين سلسله دو گانگي افتاد و زير دستانشان هريك نيز گرفتند و قاهر و ايشان تجزيه شد . بهمين جهت آن عظمتي كه در زمان طغرل بيك و البارسلان و ملكشاه داشتند در قرن ششم باقي نماند . با اين همه در پرورش شاعران كوتهاي نكردند و مخصوصاً سنجر بن ملكشاه كه از برادران ديگر مدتي توانا تر بود و برادرانش ناصر الدين محمود ( ۴۸۵-۴۸۷ ) و ركن الدين ابوالمظفر بركياري ( ۴۸۷-۴۹۸ ) و غياث الدين ابوشجاع محمد ( ۴۹۸-۵۱۱ ) درين زمينه بسيار كوشيده اند . برخي از پادشاهان اين سلسله خود بزبان فارسي شعري گفته اند مانند معز الدين و ناصر الدين ابوالحارث احمد سنجر بن ملكشاه ( ۵۱۱-۵۵۲ ) و محمد بن ملكشاه و پسر او سليمان بن محمد ( ۵۵۵-۵۵۶ ) و آخرين پادشاه اين خاندان طغرل بن ارسلان ( ۵۷۱-۵۹۰ ) . در سال ۴۷۰ سلیمان بن قلمش سلجوقی در آسیای صغیر سلسله ای تأسیس کرد که پای تخت آن در شهر قونیه بود و بنام سلجوقیان روم در تاریخ معروفند و تا سال ۷۰۰ در حکمرانی بوده اند . پادشاهان این سلسله چون بآداب ایرانی در ایران پرورش یافته بودند زبان فارسی را دوست می داشتند و مخصوصاً در فتنه مغول که دیارشان آسوده بود گروهی از بزرگان ایران از آن فتنه بایشان پناه بردند و شمس الدین تبریزی و مولانا جلال الدین بلخی و نجم الدین رازی عارفان معروف آن زمان اذین گروهند و کتاب راحة الصدور که پس اذین ذکر آن خواهد آمد در دربار ايشان نوشته شده و حتي يكي از پادشاهان اين سلسله عزالدین کیکاووس که از ۶۰۷ تا ۶۱۶ پادشاهی کرده است بزبان فارسي شعري گفته است . بهمين جهات سلسله سلجوقيان را يكي از بزرگ ترين مشوقان ادب فارسي در قرن ششم بايد دانست و شاعراني كه به جز مختاري و سيد حسن غزنوي از ايشان پرورش یافته اند بدین گونه اند :

۱- اوحداالدین علی بن وحیدالدین محمد بن اسحق انوری ایبوردی یکی از معروف ترین شاعران قرن ششم بود و برخي وی را از بزرگترین سرایندگان زبان

فارسی دانسته اند. در شهر ایپورد یا باورد در خاک خاوران که اینک جزو جمهوری شوروی ترکمنستان است در اوایل قرن ششم ولادت یافته است و جوانی بخود را در آنجا گذرانده و از علوم متداول زمان بهره کافی یافته و سپس بشهر بلخ رفته و قسمت عمده از زندگی خود را در آن شهر گذرانده و در ضمن سفرهایی بسرخس و مرو و خوارزم و اطراف دشت خاوران کرده و سفری نیز بعراق رفته است. در زمان خویش بشهرت بسیار رسیده بود و معاصرانش بوی احترام می کرده اند و از بدبازی ها و مهاجرات وی حساب می برده اند و با همه امرای زمان خود و بزرگان آن عصر از وزیران و کازکزاران دیوان و دانشمندان روابط داشته و چندی در دربار سنجر در مرو بوده و گویا با وی سفرهایی کرده است. مهمترین مدد و جان وی پس از سنجر علاءالدوله اتسخوار از شاه و خاقان کمال الدین محمود بن بغراخان از پادشاهان سلسله خانیه یا آل خاقان و قطب الدین مودود شاه بن زنگی بن آق سنقر از اتابیکان موصل و غیاث الدین محمد بن سام غوری و علاءالدوله گرشاسب بن فرامرزین کاکویه اتابیک یزد و برخی از حکمرانان بلخ بوده اند ولی ممدوح عمده او رئیس مجدد الدین ابوالحسن علی بن محمد عمرانی سرخسی و ناصر الدین ابو الفتح طاهر بن مظفر وزیر از بازماندگان نظام الملک و نظام الملک صدر الدین محمد از همان خانواده و نظام الملک ابوعلی حسن بن طاهر از همان خاندان و سید ابوطالب بن نعمه از سادات خراسان و ضیاء الدین و نظام الدین مودود بن احمد عصمی از بزرگان خراسان بوده اند. سرانجام در همان شهر بلخ در گذشته و وی را در جنب مزار احمد خضر و به عارف مشهور بخاک سپرده اند. تاریخ رحلت وی را در سالهای ۵۴۰ و ۵۴۴ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۹ و ۵۵۱ و ۵۵۶ و ۵۶۵ و ۵۷۴ و ۵۸۰ و ۵۸۵ و ۵۸۷ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۷ نوشته اند ولی درست تر از همه سال ۵۸۵ است. انوری یکی از بردست ترین شاعران زبان فارسیست و کلمات را هر گونه که خواسته است گردانده و هر معنی که خواسته از آن بیرون آورده است. در ضمن شعر او پر از اصطلاحات و اشارات بمسایل علمی دقیق و حکمتست و بهمین جهت منه شرح بر بعضی از اشعار وی نوشته اند یکی شرح داود بن محمد علوی شاد یا بادی و دیگر شرح ابوالحسن فرأهانی حسینی که هر دو در قرن یازدهم در هندوستان نوشته اند و دیگر شرح محمد بن

عبدالرزاق ذنبلی که در قرن گذشته نوشته است. او را در شعر پیز و روتش ابوالفرج روتی دانسته اند ولی وی را سبک خاصیت که بدیگران نمی ماند و در مدح و هجاء و معارف و حکم در هرفنی مهارت داشته است. دیوان اشعار وی شامل چهارده هزار و هفتصد و چند بیت است. ترجمه ای از اشارات ابن سینا و شرحی بران بنام البشارات فی شرح الاشارات و کتابی در نجوم یا نسبت داده اند که تا کنون اثری از آن دیده نشده است.

## ۲- امام بذیع الزمان سید عبدالواسع بن عبدالجماع بن عمر بن ربیع جبلی

سلطانی غرجستانی، از نجیب زادگان محترم عصر خویش بوده و زندگی وی در هرات و اطراف آن گذشته است و مداح سلطان سنجر و محمد بن ملکشاه و اتابیک یوسف شاه از اتابیکان لرستان و تاج الدین ابوالفضل نصر بن خلف پادشاه سیستان و ارسلانشاه بن کرمانشاه از سلجوقیان کرمان بوده و گویا از دور ایشان را مدح کرده و بیشتر اختصاص داشته است بمدح معین الدین ابوالمعالی عبدالصمد از وزیران سنجر و بهمین جهت باید او را از شاعران دربار سلجوقیان شمرد. شاعران روزگار همواره وی را بزرگ داشته اند و در سال ۵۵۵ در گذشته است. عبدالواسع که در شعر جبلی تخلص می کرده از مشاهیر شاعران قرن ششم ایرانست و مخصوصاً در کلام مصنوع و سرودن قصاید مرصع و مسجع زبردست بوده است و بیشتر اشعار وی بهمین سبکست و این همان روشیست که پیش از و قطران ارموی در آذربایجان پیش گرفته و در عصر وی رشیدالدین و طواط بلخی و گاهی عثمان مختاری ازان پیروی کرده اند. وی شعرتازی را نیز نیکو می سروده و منشی زبردستی بوده و از منشآت او چیزی باقیست. دیوان اشعار وی شامل شش هزار بیت بما رسیده است.

## ۳- عمادالدین عمادی شهریار - اصل وی از شهر یاری بود ولی چون اوایل

عمر را در خراسان و مخصوصاً در غزنین گذرانده بمعادی غزنوی نیز معروف شده است. وی از شاعران معروف دربار سلجوقیان بوده و بیشتر اختصاص داشته است بمداحی سلطان طغرل بن محمد معروف بطغرل دوم و باوی در عراق می زیسته و پیش از ان مداح قطب الملوك عمادالدوله سیف الدین فرامر زین فخرالدوله رستم بن حسامالدوله شهریار -

ابن قارن بوده و نوشته اند که تخلص وی از نام این پادشاه آمده است مگر آنکه از لقب خود عمادالدین گرفته باشد. سرانجام در شهریار نزدیک طهران در ۵۹۳ در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده اند. عمادى یکی از بهترین شاعران قرن ششم ایران بوده و سبك بسیار جالبی دارد که در آن معانی دقیق را با سخنان دلنشین بهم آمیخته است و کنایات و استعارات بسیار بکار برده و بهمین سبب در زمان خود از مشاهیر شعرا بوده است و شاعران دیگر بوی حرمت می گذاشته اند. دیوان اشعارش نزدیک دو هزار و پانصد بیت در دست است.

۴- امیر الشعراء ابو بکر محمد بن عبدالملك معزى نیشابوری - پسر برهانی شاعر معروف قرن پنجم بوده و بزرگترین شاعر دربار سلجوقیان بشمار است و مدت مدیدی پادشاهان بزرگ سلجوقی ملکشاه و سنجر و وزیرای ایشانرا مدح گفته است. پدرش در آغاز پادشاهی ملکشاه در قزوین در گذشته و وی را بملکشاه سپرده است، اما ملکشاه بدو توجهی نمی کرد تا اینکه پس از مدتی امیر علاءالدوله علی بی فرامرز از امیران یزد که در دربار وی بود او را نزد ملکشاه مقرب کرد و از آن پس تا زمانی که مرد وی همیشه در دربار با منتهای جلال می زیست و یکی از متمولترین مردم روزگار شد چنانکه وی را درین زمینه تالی عنصری دانسته اند و از امیران آن دربار بشمار می رفت. پس از مرگ ملکشاه بخدمت پسرش سنجر پیوست و تا زنده بود با وی بود و در پایان زندگی که با سنجر باصفهان رفته بود در شکارگاه که سنجر تیری انداخت آن تیر بخطا بسینه معزى رسید و در سینه او ماند و مدتی بهمین حال می زیست تا آنکه در ۵۴۲ در گذشت. معزى یکی از بزرگترین شاعران ایران است و شعر او در منتهی درجه روانی و سادگی و شیرینیست و ازین حیث بر همه شاعران قرن ششم جز صابر نرمدی برتری دارد. مخصوصاً در اوصاف طبیعت و غزل سرایی مهارت تامی داشته و در مدح و مرثیه بیان مؤثر و کلام فصیح دارد. دیوان اشعار وی تقریباً شامل نوزده هزار بیت و یکی از مفیدترین کتابهاست که درباره امیران و وزیران و بزرگان دربار سلجوقی مانده و دریابست از هر گونه اطلاعات که مخصوصاً در تاریخ سودمند است.

۵- شهاب‌الدین صابر بن اسماعیل ترمذی - معروف به ادیب صابر، گویند پدرش ادیب اسماعیل و ذاق هروی معاصر فردوسی بوده است ولی این درست در نمی آید زیرا که میبایست نزدیک صد و بیست سال پیش از مرگ وی زیسته باشد. وی نیز از بزرگان شاعران قرن ششم بوده و در زمان خویش همه همکارانش بدو احترام می کرده اند. قسمت عمده عمر خود را در نیشابور گذرانده و جزو خاصان دستگاه مجدالدین ابوجعفر علی بن حسین قدامة موسوی رئیس خراسان بوده که از بزرگان منتقد زمان خویش بشمار میرفته است و او را صدر شرق و رئیس خراسان می گفتند و بوسیله او با سنجر روابط داشته و او را مدح می گفته است. در پایان زندگی بخوارزم رفته و چندی در آن دیار مانده و قصاید در مدح علاءالدوله اتسز خوارزمشاه سروده است و در همان دیار سال ۵۴۷ در نتیجه رقابتی که در میان اتسز و سنجر بوده وی را کشته اند. صابر ترمذی یکی از بزرگترین شاعران ایرانست و سخن او در فصاحت و شیرینی و لطافت در منتهای خوبیست. از شاعران خراسان کسی نزدیکتر از ویر و ش فرخی و سهل و مستنعم شعر نگفته و پیدا است که خود نیز همیشه در پی آن بوده است که مانند فرخی سخن بگویند. دیوانش شامل شش هزار بیت در دستست.

۶- فریدالدین کاتب نسوی خراسانی - معروف به فرید کاتب از دبیران دربار سنجر بوده و با انوری رقابت داشته و در زمان مسعود بن محمد سلجوقی تا ۵۸۲ نیز زنده بوده است و از معارف عصر خود بشمار میرفته اما از شعرا و جز چند بیت نمانده است.

۷- امیر شرف الشعراء بدرالدین قوامی رازی - از شاعران شیعه نیمه اول قرن ششم ساکن شهر ری بوده و درین شهر ناوایی می کرده و از مختصان قوام الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی طغرای از وزرای سلجوقیان بوده و ظاهراً تخلص خود را از لقب او گرفته است و نیز مدایحی بنام شرف الدین محمد نقیب النقبای ری (۵۰۴-۵۶۶) و قاضی حسن استرآبادی متوفی در ۵۴۱ و امیر عبادی دانشمند معروف متوفی در ۵۴۷ دارد و از شاعران درجه دوم این زمان بشمار می رود و دیوان او شامل نزدیک سه هزار بیت در دستست و با عمادی شهریار شاعر معروف زمان خود رابطه داشته است.

۸- مهستى گنجوى - معروفترين زنيست كه بزبان فارسى شعر گفته است. زوجه امير احمد گنجوى معروف باین خطيب گنجه از شاعران آن زمان بوده و در دربار سنجر ميزيسته است و ظاهر آن ديوان زمان بوده زيرا كه در برخى از كتابهاى قديم نام وي را مهستى ديگر ضبط کرده اند. بيش ازین از جزييات احوال وي اطلاعى نيست و همين قدر از آثارش پيدا است كه زن بسيار با ذوق و زبان آورو گستاخى بوده و در بديعه گويى دمستى داشته و تخصص او سرودن رباعيات در باره پيشه و ران و صنعت گران بوده است كه اغلب بهزل و مزاح و گاهى با كلمات ركيك ادا کرده و نزديك دو سست رباعى و چند قطعه از و مانده است. ظاهرأ صد سال پس از وي كتابى بشرفارسى بنام «داستان امير احمد و مهستى» نوشته اند كه آنرا بخطى بنظامى گنجوى نسبت داده اند و آن داستان مفصليست از معاشقات و مناظرات و لطايفى كه مهستى و شوهرش با يكديگر داشته اند و همه رباعيات مهستى را در آن جاداده و براى هر يك شرحى نوشته اند و چنان وانمود کرده اند كه اين رباعيات را مهستى در پاسخ شوهر و ديگران سروده است و همه كسانى كه ذكرشان درين كتاب رفته در پاسخ او رباعيات ديگرى گفته اند كه از شاعران مختلف زبان فارسى تا قرن

۹- كمال الدين عميد كمال كمالى بخاراىي - از شاعران معروف زمان خود بوده و معاصرانش وي را بزرگ مى داشته اند و در دربار سلطان سنجر ميزيسته و از شعر او چندين بيتى بمارسيده است.

۱۰- ابوالمفاخر منجيك فاخر رازى از شاعران دربار محمد بن ملكشاه و پسرش مسعود بوده و در شهر رى ميزيسته است و از وقصيده معروفى مانده است در مدح امام هاشم كه در تشبيهات و صنايع معنوى و استعارات يكي از بهترين قصايد زبان فارسى است و شرحها بر آن نوشته اند از آن جمله شرحى از عبداللطيف شروانى معروف بافلاطون بنام «حل ما ينحل» كه در ۹۶۷ نوشته است.

۱۱- امير شمس الدين محمد بن مؤيد حدادى بغدادى معروف بشمس خاله، از مردم بغدادك خوارزم و از اميران دربار سلجوقيان بوده، ظاهرأ برادر مجدالدين

بغدادی عارف مشهور این قرن و بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی مؤلف کتاب التوسل -  
 الی التوسل بوده زیرا که مجدالدین ابوسعید شرف بن مؤید بن محمد بن ابوالفتح و  
 بهاءالدین محمد بن مؤید نام داشته و نام پدر هر سه مؤید و از مردم بغداد که خوارزم بوده اند، منتهی  
 نام شمس الدین و بهاءالدین هر دو را محمد ضبط کرده اند و دور می نماید که دو برادر  
 هر دو یک نام داشته باشند و ظاهراً در نام شمس الدین یا بهاءالدین اشتباه کرده اند. وی  
 از امیران دربار سلجوقی و از بزرگان دستگاه سنجر بوده و در ضمن شاعری مشهور و  
 در فن خود زبردست بوده و حدادی تخلص می کرده و از شعر او چند قصیده مانده است.

۱۲- شمائی دهستانی، نیز از معاصران سنجر و از شاعران معروف عصر خود بوده  
 و با شاعران بزرگ آن زمان مهاجرات داشته است و نیز مداح تاج الملوك نصره الدین از  
 ملوك طبرستان بوده و از شعر او اندکی باقیست.

۱۳- محمود بن علی سمایی مروزی، مدتی در ماوراءالنهر زیسته و با سوزنی  
 مهاجرات بسیار داشته و مدتی نیز در دربار سنجر بوده است و از شاعران نامی زمان خود  
 بشمار می رفته و از شعر او نیز اندکی بمانده است.

۱۴- فخرالدین خالد بن ربیع مکی طولانی هروی، از دانشمندان قرن  
 ششم بود و از شاعران معروف دربار محمد بن ملکشاه و برادرش سنجر بشمار می رفت و  
 با شاعران مشهور عصر خود روابط داشت اما از شعر او اندکی باقی مانده است.

۱۵- روحی و لوالجی نیز از شاعران ناماور عصر خود بود و در هجادمستی  
 داشت و سفرهای بسیار کرده و از شاعران دربار سلجوقی بوده است و از او نیز چند شعر  
 مانده است.

۱۶- جوهری زرگر بخارایی، از شاعران دربار سلیمان بن محمد سلجوقی و  
 شاعر بسیار توانایی بود و در زمان خود شهرت بسیار داشت و از شعر او تنها دو  
 قصیده باقیست.

۱۷- دهخدا ابوالمعالی رازی نیز از شاعران دربار سلجوقیان بود و بمداحی  
 مسعود بن محمد سلجوقی اختصاص داشت و در شهر ری می زیست و در ۵۴۱ درگذشت،



از شعرا و نیز جز چند قصیده باقی نیست .

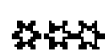
۱۸- سید مهین الدین اشرف سمرقندی از مشاهیر شاعران و دانشمندان قرن ششم بود. نخست در سمرقند از مداحان پیغمبر ملک بود و با وی از خراسان به عراق آمد و مدت مدیدی در اصفهان ماند و با شاعران این دیار روابط بسیار داشت و در همین زمان در سلك شاعران دربار از سالان بن طغرل سلجوقی در آمد و در پایان زندگی به سمرقند باز گشت و در آنجا بسال ۵۹۵ در گذشت. سید اشرف از شاعران خوب قرن ششم بوده و در اقسام مختلف شعر مهارت کامل داشته و دیوان وی شامل دوهزار بیت در دست است .

۱۹- قاضی حمید الدین ابوبکر عمر بن محمود محمودی بلخی در گذشته در ۵۵۹ مؤلف مقامات حمیدی که در اواخر جمادی الاخره ۵۵۱ پایان رسانیده است و ذکرش پس ازین خواهد آمد ، گذشته از مهارتی که در شعر داشته در شعر نیز توانا بوده است و برخی از اشعار خود را در کتاب مقامات خویش آورده و با شاعران زمان و بیشتر از همه با انوری مربوط بوده است .

۲۰- اثیر الدین فتوحی مروزی ، از سخن سرايان معروف دربار سنجر بوده و با گویندگان عصر خود روابط بسیار داشته و ایشان وی را محترم شعرده اند اما با انوری رقابت و گاهی دشمنی داشته است ، از شعرا و نیز اندکی به ما رسیده است .

۲۱- موفق الدین ابوطاهر خاتونی ، از بزرگان ادبا و شعراي زمان خود بود و در دربار محمد بن ملک شاه سلجوقی می زیست و ظاهر اشیه بوده و در نظم و نثر فارسی و تازی استاد بوده است. نخست در سلك دبیران زمان ملک شاه بود و سپس منشی و مستوفی مخصوص دیوان گوهر خاتون زن محمد ملک شاه شد و بهمین جهت به خاتونی معروف گشت و تا زمان مسعود بن محمد نیز زنده بوده است و کتابخانه معتبری داشته که بر جامع ساره وقف کرده و در طاق رواقی که نظیر نداشته جای داده است و در ۶۱۷ که مغولان شهر ساره را گرفتند آن کتابخانه را سوختند . وی از بزرگان ادیبان زمان خود بوده و کتابی تالیف کرده بود بنام مناقب الشعراء که گویا قدیم ترین تذکره شاعران ایران بوده و

اينك از ميان رفته است و يگانه اثرى كه از باقىست رساله ايسـت بزبان تـسازى بنام «تـزوير الوزير الخزير» كه در مـثالب و لعن نصير الملـك بن مويـد الملـك بن نظام الملـك نوشته است و عبارتست از نفرين هاىي مقطع بشـكل آيات قرآنى و جمل قصار كه بـتمام حروف تهجى از الف تا يا نوشته است و تسلط وى را در زبان تازى مى رساند .



بعـزى چـند شاعر بزرگ و معروف در بار سلاجوقيان در قرن ششم شاعران ديگرى ازىـن خاندان پرورش يافته اند كه نامهاى ايشان بدىـن گونه است : ابوالبركات مجد الدين بيهقى ، جمال الدين ابوبكر خال ترمذى ، احمد بن منوچهر شـنـت كله كه لقب وى را بخطا بمنوچهرى دامغانى شاعر معروف قرن چهارم نسبت داده اند ، اختيار الدين على بن ابونصر روزبه شيبانى ، اسمعيل بن ابراهيم غزنوى معروف بزرريس ، امير احمد ابن خطيب گنجه شـوهر مهـستى ، اصـيل الدين روحانى ، افضل الدين كرماني ، افضل الدين حسن بن - احمد باقى ، مجد الدين احمد بديهى سجاوندى ، بديع الدين تركوسكزى ، ابوالحسن على بهرامى سرخسى ، اثايبك منتجب الدين بديع كاتب جوينى كه جز و نشر نويسان ذكر وى خواهد آمد ، تاج الدين سرخسى آبى ، تاج الدين راوندى خال محمد بن على راوندى مولف راحة الصدور ، تاج الدين اسمعيل باخرزى ، جلال مـادر اءالنهرى ، چاووش غورى ، حسن بن على شهابى ، دفيـع مروزى ، ديبـحانـى طوسى ، زين الدين راوندى خال محمد ابن على راوندى مولف راحة الصدور ، سديد الدين بيهقى ، سعد الدين كافى بخاراىى ، سنجرى خراسانى ، زين الدين سعيد طابسى ، شهاب الدين ابوالحسن طلحة مروزى ، ظهير الدين نيشابورى مولف سلاجوق نامه كه ذكر وى خواهد آمد ، ابوالفضل عثمان بن احمد هروى معروف بحاجى هريوه ، علاء الملـك شرف الدين ميرك ، غزالى مروزى ، فقيهى مروزى ، فخر الدين محمد بن محمود بن احمد نيشابورى ، كافى بن ابوالفرج روى پسر ابوالفرح شاعر معروف قرن پنجم ، كمال الدين مزدقانى ، كوهسازى طبرى ، شمس الدين لاغرى ، مظفر جمعى گنابادى ، نصير الدين ابوالقاسم محمود بن مظفر بن ابى توبه وزير ،

عزالدين اصفهانی، محیی‌الدین محمد بن یحیی نیشابوری دانشمند معروف که در ۵۵۰ در فتنه غز کشته شد، رفیع‌الدین مرزبان فارسی، فخرالدین مسعود بن بهمن کرمانی، محمد بن علی راوندی مؤلف راحة الصدور که ذکرش خواهد آمد، فخرالدین مسعودی مروزی، مؤیدالملک ابوبکر بن نظام الملک طوسی وزیر، معین‌الدین سراجی بلخی، ناصر جعفری نسوی، قاضی هجیم آملی، کوشککی قاینی، معین‌الملک حسن بن علی کاتب معروف بمعین‌الملک اصم، افضل‌الدین ابوحامد کرمانی مؤلف عقدالعلی که ذکر او نیز خواهد آمد. ازهریک ازین شاعران بیش و کم اشعاری مانده است. دو شاعر دیگر درین زمان بوده اند یکی نظامی اثیری و دیگر نظامی منیری که ازیشان شعری باقی نیست. زنی دیگر بوده است بجز مهستی بنام عایشه مقریة سمرقندی که شعرا خوب می گفته و ظاهراً در دربار سلجوقیان بوده است.

۳ - شعرای دربار ملوک غور - دربار پادشاهان غور یا ملوک الجبال نیز شاعران بزرگ پرورده است. از میان پادشاهان این سلسله علاءالدین حسین ملقب بجهان سوز و معروف بملک الجبال که از ۵۴۴ تا ۵۵۶ پادشاهی کرده است شعر فارسی را خوب می گفته و در پرورش شاعران می کوشیده است. امیران دیگر این خاندان هم چون وی بوده اند و بهمین جهت شاعرانی که ازیشان نعمت دیده اند بسیارند و بزرگان ایشان بدین گونه اند:

۱ - شرف‌الدین فریدالزمان احمد بن ایزدیار کافی معروف بفرد کافی، صاحب دیوان انشای محمد بن سام و از دبیران بزرگ عصر خود بود و در انشای فارسی و عربی مهارت داشت، در شعر فارسی نیز کاملاً توانا بود اما از اشعار او اندکی مانده است.

۲ - فخرالدین مبارکشاه بن حسین سرورودی معروف بفخر مدبر از نویسندگان و شاعران معروف قرن ششم بود و بوزارت سلطان علاءالدین و پسرش سیف‌الدین و سلطان غیاث‌الدین و شهاب‌الدین رسیده و بیشتر عمر خود را در دربار سیف‌الدین ملک الجبال گذراند و در شوال ۶۰۲ در گذشت. وی را کتابیست که بنشر بسیار فصیح در تاریخ هندوستان نوشته و بنام تاریخ فخرالدین مبارکشاه معروفست و اطلاعات جالبی درباره

طوائف ترك دارد. كتاب ديگرى هم بنام آداب الحرب والشجاعة نوشته كه از كتابهاى مهم زبان فارسىست و منظومه اى ببحر متقارب در تاريخ پادشاهان غور سروده و از اشعار ديگر وى چندينى بما رسيده است .

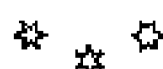
۳ - نظام الدين احمد بن عمر بن ابوالحسن على مكى نظامى عروضى سمرقندى مولف معروف مجمع النوادر كه بنام چهارمقاله معروف شده است. در آغاز زندگى مداح علاء الدين تكش خوارزمشاه بوده و سپس بدربار پادشاهان غور پيوسته و شاعر مخصوص قطب الدين محمد بن عزالدین حسين ملك الجبال بوده و در شعر و انشا و طب و نجوم دست داشته و چهارمقاله را در حدود ۵۵۰ تأليف كرده است . چند مثنوى نيز داشته كه از ميان رفته است و از اشعار او اندكى باقىست .

۴ - سيد ظهير الدين يحيى سرخسى ، نخست صاحب ديوان انشاى غياث الدين ابوالفتح بن سيف الدين بوده و سپس بهندوستان رفته و با تاج الدين تمرانشاه محشور شده است و شاعر توانايى بوده اما از اشعار او چندينى باقىست .

۵ - ابو نصر بدر الدين محمود بن ابو بكر بن حسين بن جعفر فراهى ، مولف نصاب الصبيان ، از بزرگان دانشمندان اين زمان بود و در دربار بهرامشاه بن تاج الدين حرب پادشاه سيستان كه با پادشاهان غور پيوستگى داشته مى زيست و كتاب نصاب الصبيان را كه در آن معانى كلمات عربى را بنظم آورده بفرمان نظام الملك حسن وزير بهرامشاه پايان رسانيده و جامع صغير شيبانى را در ۶۱۲ نظم كرده اما از اشعارش بجز نصاب الصبيان چيزى باقى نيست . بر نصاب الصبيان شروح بسيار نوشته اند كه معروف ترين آنها بدین گونه است : شرح علامه ميرسيد شريف گرگانى دانشمند مشهور قرن هشتم (۷۴۰-۸۱۶) ، شرح نظام بن كمال بن جمال بن حسام هروى معروف بابن حسام در قرن نهم ، شرح قاضى محمد بن فصيح بن محمد بن محمد كريم الدين دشت بياضى ، شرح محمد حسين بن محمد رضا طالقانى ، شرح محمد بن جلال بن سليمان قمستانى ، شرح على اكبر بن حاج ميرزا محمد جعفر متطبب لغوى يزدى بنام درة الثمينه كه در ذى الحجة ۱۲۹۲ ق . پايان رسانيده ، شرح عباس بن محمد رضا قمى بنام درة البتيمه فى تتمات درة الثمينه كه تكميله اى بر شرح سابق الذكر است و در ۱۳۱۶ ق . پايان

رمانیده است .

۶ - جمال الدین محمد بن نصیر ، شاعر و دبیر زبردست بود و از مختصان غیاث الدین محمد بن سام بشمار می رفت و چندی وزیر او بود و رسالهٔ مجلس آرای شهابی از مولفات او بوده است ، در شعر نیز قدرتی داشته ولی از گفتهٔ وی جز چند بیت چیزی نمانده است .



شاعران دیگری که در دربار پادشاهان غور بوده اند بدین قرارند : لطیف الدین زکی کاشغری معروف بزکی مراغی ، بهاء الدین عبدالکریم کریمی سمرقندی که در سیستان می زیسته ، شرف الدین محمد بن عمر فرقدی خراسانی ، شمس الدین محمد عجیبی گوزگانی ، ضیاء الدین عبدالرافع بن ابوالفتح هروی که نخست در دیار غزنویان بوده و پس از انقراض پادهی ایشان نزد پادشاهان غور رفته و رسالهٔ منظومهٔ جلالیه در تفسیر نوروزیه را نوشته است ، شمس الدین محمد بن نصیر سکزی که در سیستان در دربار تاج الدین یلدوز می زیسته و از پیوستگان پادشاهان غور بوده و کتابی نوشته است بنام مجمع البحرین ، شرف الدین احمد بن محمد فراهی از مختصان تاج الدین حرب ملك سیستان بود و مثنوی کارنامه را نظم کرده است ، ناصر الدین عثمان بن حرب سکزی پسر ملك تاج الدین حرب . ازهریک ازین سخن سرایان بیتی چند باقی مانده است و دو شاعر دیگر در دربار پادشاهان غور بوده اند یکی بنام علی صوفی و دیگری بنام ابوالقاسم رفیعی که ازیشان چیزی نمانده است .

۴ - شاعران دربار خوارزمشاهان - در میان خاندانهای که در قرن ششم در ایران پادشاهی کرده اند کمتر خاندانیست که مانند خوارزمشاهان با آنکه از نزدیکان بوده اند بادیات ایران خدمت کرده باشد و ازین حیث با سامانیان و غزنویان برابری می کنند . در بارهای ایشان همیشه پناه گاه ادیبان و دانشمندان بزرگ ایران بوده است و کتابهای بسیار بنام ایشان پرداخته اند . شش تن از پادشاهان و شاهزادگان این سلسله خود بزبان فارسی شعر گفته اند : علاء الدین اتسز (۵۲۱-۵۵۱) ، سلطان شاه بن ایل ارسلان (۵۶۸-۵۸۹) ، علاء الدین تکش (۵۸۹-۵۹۶) ، پسرش تاج الدین علیشاه ،

قطب الدین محمد بن تکش (۵۹۶-۶۱۷)، جلال الدین خوارزمشاه (۶۱۷-۶۲۸)، دانشمندان بزرگ مانند زمخشری و سید اسمعیل گرگانی، مؤلف ذخیره خوارزمشاهی که در دربار ایشان زیسته‌اند بسیارند و شاعران نامدار که ازین خاندان پرورشها یافته‌اند نیز فراوان بوده‌اند :

۱- رشیدالدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری بلخی کاتب معروف بوطواط، بزرگترین ادیب ایرانیست که ازین خانواده بهره‌مند شده است. در بلخ ولادت یافت و جوانی را در فرا گرفتن ادبیات در آن شهر گذراند و سپس بخدمت علاءالدین اتسز برگزیده شد و سی سال در دربار او صاحب دیوان انشای وی بود و در زمان خویش در نظم و شعر عربی و فارسی به‌منتهی درجه شهرت رسید و همه دانشمندان روزگار وی را احترام می‌کردند و حتی خاقانی از راه دور مدایحی بنام وی سروده است و سرانجام در ۵۷۳ در خوارزم در گذشت و بیش از نود سال زیست. رشید و طواط یکی از بزرگان ادب ایرانست و در نظم و شعر فارسی و عربی مهارت تام داشته است. در شعر فارسی روش وی همان سبک قطران و عبدالواسع جبالست و صنایع لفظی را بسیار مراعات کرده و قصاید وی همه مصنوع و مسجع و مرصعست، منتهی شعر او روان تر از اشعار دیگرانست. دیوان وی شامل هشت هزار بیت در دستست و نیز دیوان اشعار عربی از وی مانده است. در زبان فارسی آنچه از وی مانده یکی کتاب حدائق السحر فی دقایق الشعرست که بیشتر مطالب آنرا از کتاب ترجمان البلاغه تألیف محمد بن عمر رادویانی گرفته است و دیگر مجموعه منشآت فارسی اوست. دیگر از مؤلفات وی کتابیست بنام عقود الجواهر و نجوم الزواهر که در آن صد کلمه از هریک از خلفای راشدین گرد آورده و آنها را بمقطعات فارسی ترجمه کرده و برای هر قسمتی نامی جداگانه گذاشته است باین ترتیب: تحفة الصدیق الی الصدیق من کلام ابی بکر الصدیق در کلمات ابوبکر، فصل الخطاب فی کلام عمر بن الخطاب در کلمات عمر، انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان در کلمات عثمان، مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب که بنام نشر اللئالی فی کلام امیر المؤمنین علی و صد کلمه علی بن ابی طالب نیز معروفست. کتاب کوچکی نیز شامل ترجمه لغات عربی بفارسی بنام

نقود الزواهر و عقود الجواهر نوشته است . مؤلفات ديگر وى بدین گونه است: غرائب الکلم فى رغايب الحکم ، عقود اللثالی و سعود الالبالی ، هنية المتکلمين و غنية المتعلمين ، غرر الاقوال و درر الامثال ، الکلم الناصحه و الحکم الصالحه ، مفاتيح الکام و مصابيح الظلم ، جواهر القلايد و زواهر الفرايد ، الفوائد العلائیه ، رساله در تصنیفات ، ابحار الافکار فى الرسائل و الاشعار ، رسائل عربی که مجموعه منشآت اربابین زبانست .

۲ - سيف الدين اعرج اسفرتنگى معروف بـ سيف اسفرنگ ، اصل وى از شهر اسفرتنگ در ماوراء النهر بود و در سال ۴۸۱ ولادت يافت و در آغاز زندگى در ماوراء النهر مى زیست و سپس در زمان ایل ارسلان خوارزمشاه بخوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهان مرتبه بلند يافت و پیش از آن مدتی هم در دربار سنجر بوده است . سرانجام در پایان زندگى بـ ماوراء النهر بازگشت و در بخارا در ۵۶۶ در ۸۵ سالگی درگذشت و در همان جا مدفون شد . سيف اسفرتنگ را در فارسی روش خاصیت که در زمان وى بسیار جالب بوده است و همه شاعران عراق بدان سبك سخن گفته اند و كاملاً جنبه ناتورالیسم دارد بدین معنی که بیشتر در پی مضامین باریك و خیال بافی بوده اند و در پی کلام فصیح نگشته اند و اغراق و مبالغه بسیار در شعر خود آورده اند . بهمین جهت وى در روزگار خود بسیار معروف بوده است و جمع کثیری از سخن گویان آن زمان از وى پیروی کرده اند . دیوان اشعار وى شامل هشت هزار بیت دردستست .

۳ - قاضی شمس الدین محمد بن عبدالکریم طبسی ، آخرین شاعر بزرگ این خاندانست . وى قاضی زاده طبس بود و در هرات سکنی داشت و سپس ببخارا رفت و از آنجا بخراسان بازگشت و بخدمت صدرالدین نظام الملک وزیر جلال الدین خوارزمشاه پیوست و پیش از آن مدتی هم مداح علاءالدین تکش بوده است و سرانجام در ۶۲۶ در هرات درگذشت و در پایان زندگى قاضی هرات بود . وى نیز از شاعران بزرگ این قرن بوده و بهمان روش شاعران عراق و آذربایجان اما روان تر از ایشان شعر مى گفته و در میان اشعار وى و ظهیر الدین فاریابی شباهتی هست ، تنهائى از نظمیر فاریابی کمتر گرد مبالغه و معانی دقیق گشته است . دیوان وى شامل سه هزار بیت دردستست .

۴ - نورالدین محمد بن احمد بن علی بن محمد زیدری یا خرنندری نسوی منشی، صاحب دیوان انشای جلال الدین خوارزمشاه بود و در همه سفرهای وی از آغاز فتنه مغول تا نابود شدن وی در ۶۲۸ با او همراه بوده است و در کتابهای خویش شرح این سرگردانیها را نوشته است. از وی دو کتاب مانده است یکی بنام نفثة المصدور بزبان فارسی و دیگری بنام سیرة جلال الدین منکبرنی بتازی که آنرا آقای محمدعلی ناصح اخیراً بفارسی ترجمه کرده است. در هر دو کتاب با نهایت استادی و با انشای مصنوع فصیح این وقایع را شرح داده و پیدا است که در هر دو زبان منشی زبردست بوده و در شعر فارسی نیز توانایی داشته و برخی اشعار از او مانده است.

۵ - بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی خوارزمی، از شهر بغدادك خوارزم و برادر کبوتر مجدالدین بغدادی عارف مشهور این قرن بوده و شاید برادر شمس الدین محمد بن مؤید بغدادی معروف بشمس خاله سابق الذکر نیز بسوده باشد. وی منشی دربار علاء الدین تکش و سلطان محمد بن تکش بود و در ۵۸۲ از سوی تکش نزد منگلی بیک رفت و وی او را زندانی کرد و تا ۵۸۵ سه سال در زندان بود و پس از آن رهایی یافت و دوباره بدربار خوارزمشاه پیوست و سرانجام در اواخر قرن ششم درگذشت. بهاء الدین محمد از دبیران زبردست زمان خود بود و دو کتاب فصیح بنثر از او مانده است یکی بنام «رسالة الحبسیه» که در زندان منگلی بیک نوشته و دیگری بنام «النوسل الی الترسل» که یکی از بهترین کتابها در انشاست و در شعر نیز مهارت داشته و برخی از اشعار او مانده است.



گذشته ازین شاعران نامدار که در دربار خوارزمشاهان بوده اند چند تن سراینده دیگر هم بوده اند مانند:

بدیع الزمان ترکوبدیعی سکزی، سعدالدین مسعود دولتیار بخارایی، مجدالدین باهسری نسوی، ضیاء الدین بلخی، ضیاء الدین شاعر دربار محمد بن تکش، شمس بخارایی، شمس الدین محمد جوینی جد صاحب دیوان جوینی و عظاملك، شرف الدین پنجدهی، سراجی اسفراینی، سراج الدین عارفك بخارایی، علاء الملك



ضياءالدين ابوبكر احمد جامجى ، يوسف عروضى ، نجيبالدين ابوبكر خطاط  
ترمذى ، نجمالدين حسن كرماني ، نظامالدين احمد كاتب جامى ، مهذبالدين منصور بن  
على اسفزارى ، مجدالدين عيوقى ، محمد بن بديع نسوى ، ملقبابادى ، مجدالدين -  
نسوى ، شمسالدين محمد كاتب بلخى ، كمالالدين كوتاهپاي ترمذى ، قوامى خوافى ،  
سراجالدين قمرى آملی ، قوامالملک خراسانى ، فریدالدين محمود بن بشار هروى ،  
مجدالدين فهيمى بخاراىى ، فریدالدين على منجم سكرى ، فخرالدين محمد زندخانى  
سرخسى ، عجبى خجندى ، فخرالدين بن عزالدين فرید مشرف ممالك خراسان ، فخرالدين  
خطاط هروى ، علاءالدين مسعود بن محمد بن على اندخودى ، عزيزالدين رافعى  
اسفراينى ، عمادالدين مؤيد بن احمد كاتب اسفراينى ، ضياءالدين محمد بن ابونصر بن  
ابوشهيد غزنوى ، ضياءالدين عمر بن محمد بسطامى ، ضياءالدين محمود كابلی ،  
ضياءالدين سكرى ، صفىالدين بستى ، صدرالدين عمر بن محمد خرم آبادى ، صدرالدين  
ملك السادات نيشابورى ، مجدالدين ابوالشجرى صندلى غزنوى ، شمسالدين محمد  
منوكه نسوى ، شهابالدين محمد بن همام ، شهابالدين محمد بن الصائغ غزنوى ،  
قاضى شمسالدين محمد بن محمود زابى ، شمسالدين محمد بن علاءالدين مسعود بن  
محمد بن على اندخودى ، شمسى دهستانى ، شهربارى خراسانى ، شمس حاسبى ، شمسالدين  
حاجى بچه بستى ، شمسالدين محمود بلخى ، سعدالدين خليفه ، سيفالدين دير ، سراجالدين  
علاء بلخى ، بديع الزمان على بن احمد سيفى نيشابورى ، زينالدين صاعد خبوشانى ،  
زينالدين ابوعلى وافر سكرى ، حميدالدين دهستانى ، حميدى اختيارى ، حميدالدين  
احمد بن حسين مستوفى كشانى ، سيد كمالالدين حسين حسنى حاجب غزنوى ، علاءالدين  
حارثى مروزى ، جمالالدين عباسى ، تاجالفضلاى نسوى ، تاجالدين جاجرمى ، تاجالدين  
سمرقندى ، برهانالدين اردلانى ، بدرالدين بن نورالدين هروى ، برهانالدين  
ابوسعيد محمد بن فخرالدين عبدالعزيز كوفى بخاراىى ، بهاءالدين محمد بن على جوینى  
جد چهارم شمسالدين صاحب ديوان ، اوحدالدين گرگانى ، يصادرگانى ، اصیلالدين  
نجيب سمرقندى ، اشرفى سمرقندى ، جلالالدين محمد ازهرى هروى ، فلكالدين  
ابراهيم سامانى ازبازماندگان آل سامان ، ابوبكر بن محمد ذاعظى بلخى ، ابوعلى بن

حسین مروزی ، رفیع الدین نیشابوری ، عزیزی مستملی ، خواجه هلال قایمی که از هر يك از ایشان برخی اشعار مانده است .

۵- شعراي ماوراءالنهر - سلسله خانیه ماوراءالنهر که ایشان را بنام خاقانیان و آل خاقان و ایلک خانیه و آل افراسیاب نیز می خوانند پس از انقراض سامانیان بر ماوراءالنهر دست یافتند و از حدود ۳۸۰ تا ۶۰۹ در آن دیار حکمرانی کردند و بای تختشان شهر سمرقند بود . چون وارت دیار سامانیان شدند همان تمدن ایرانی سامانیان در قلمرو ایشان باقی ماند و بهمین جهت بزبان فارسی مأنوس بودند و شاعران را در دیار خود گرامی میداشتند . حتی دوتن از پادشاهان این خاندان بزبان فارسی شعر گفته اند : یکی جلال الدین ابراهیم بن حسین قلیج طمغاج خان و دیگری پسرش نصر الدین عثمان بن ابراهیم بن حسین قلیج از سلان خاقان که در حوالی ۵۸۲ ولادت یافته و در ۶۰۹ خوارزمشاهان وی را کشته اند . دیگری از پادشاهان این سلسله خاقان کمال الدین محمود که دست نشاندۀ سنجر بوده بشعر فارسی دلبستگی بسیار داشته و شاعران بزرگ مانند انوری و رشید و طواط او را بسیار مدح کرده اند . این پادشاهان از نژاد ترک آن شرقی بوده اند و تاریخشان درست معلوم نیست و بسیار آشفته است . بهمین جهت دوازده شاعرانی که ستایشگر ایشان بوده اند برای تاریخ ایران اهمیت بسیار دارد و ممکنست بسیاری مطالب تازه بر آن بیفزایند . در زمان ایشان در دیار سمرقند همواره شاعران بزرگ زیسته اند و نیز جمعی از سرایندگان درجه دوم بایشان پیوستگی داشته اند :

۹) شهاب الدین عمیق بخارایی - شاعر دربار خضر خان بن طمغاج خان ابراهیم بن نصر بود که در ۴۷۴ بیادشاهی رسیده و بر همه شاعران زمان خویش مقدم بود و بسیار متهمول و محتشم شده بود و در زمانی که مهملک خاتون دختر سنجر زن محمود بن محمد بن ملکشاه در حدود سال ۵۲۲ در گذشت سنجر از وی مرثیه خواست و وی مرثیه ای سرود که چند بیت از آن باقیست . سرانجام در پایان زندگی که عمر بسیار کرده بود نابینا شد و در ۵۴۳ در گذشت . عمیق یکی از شاعران بزرگ خراسانست و در زمان خویش منتهای شهرت را داشته و بجاه و جلال رسیده بود و شعر را در کمال بلندی و

روانی و لطافت میسروده و سبکی داشته است نزدیک بسبک عنصری و مسعود سعد سلمان. دیوان وی گویند شامل هفت هزار بیت بوده است ولی اینک تنها نزدیک هزار بیت از او باقیست و گویند یوسف وزلیخایی سروده بود که بدو بحر خوانده میشد و آنهم از میان رفته است.

(۴) ابو محمد عبدالله بن محمد رشیدی سمرقندی - از شاعران معاصر عمیق و از سرایندگان دربار خضرخان بود و با عمیق رقابت داشت و با مسعود سعد سلمان مربوط بود و در زمان خویش از بزرگان شعرا بشمار میرفت و در فن شعر چند کتاب نوشته است از آن جمله زینت نامه که ظاهراً مثنوی ببحر متقارب بوده است و اینک از اشعار او تنها چند بیت باقیست.

(۴) سدیدالدین یانورالدین و یا جمال الدین محمد بن یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی بخارایی - از بزرگان دانشمندان ایران در قرن ششم بود. جدش از معاریف علمای زمان خود بشمار میرفت. وی در بخارا ولادت یافت و پس از فراغت از تحصیل در سال ۶۰۰ از ماوراءالنهر هجرت کرد و در بسیاری از نواحی ایران و هند مانند سمرقند و خوارزم و مرو و نیشابور و هرات و اسفزار و اسفراین و سیستان و فراه و غزنین و لاهور و دهلی سفر کرد و با دانشمندان معاصر خود محشور شد. پیش از آن صاحب دیوان انشای قلیچ ارسلان خاقان نصره الدین عثمان بن ابراهیم بود و سرانجام در آغاز فتنه مغول به هندوستان رفت و در بلاد سند به دربار سلطان ناصر الدین قباچه و سلطان شمس الدین التمش راه یافت و پس از آن تا پایان زندگی در هندوستان بود و تا سال ۶۲۵ هم می زیست. عوفی نویسنده بزرگی و مردی دانشمند و واعظی چیره بوده است و مؤلفات معروفی بربان فارسی در هند فراهم کرده یکی کتاب لباب الالباب که قدیم ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانست که در حدود ۶۱۸ بیابان رسانیده و دیگر کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات که یکی از بهترین و سودمندترین کتابهای نشر فارسیست و بسا مطالب تاریخی مهم در آن هست و دیگر کتاب فرج بعد الشده تالیف قاضی ابوعلی المحسن بن علی بن محمد بن داود تنوخی متوفی در ۳۸۴ را بقاری ترجمه کرده و برخی از حکایات آنرا در جوامع

الحکایات نیز آورده است اما بازمانده آن از میان رفته است. در نشر فارسی نویسنده توانایی بوده و از اشعار وی نیز قطعاتی مانده که خود در دو کتاب خویشتن آورده است.

(۴) شمس الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان سوزانی سمرقندی - یکی از بزرگان شاعران ایران بود. نسبش به سلمان فارسی میرسید و در قریه کلاش سمرقند ولادت یافت و در بخارا دانش آموخت و همه زندگی را در نخب و سمرقند و بخارا گذرانیده است و بشغل سوزن‌گری میپرداخته و بهمین جهت سوزنی تخصص کرده است. از بزرگان شعرای دربار خاندان خانیه بشمار میرود و چندتن از شاهان این سلسله را مدح گفته است: شمس‌الملک علی بن حسین، علاءالدین محمد بن سلیمان، جلال‌الدین قدرطغان خان، ادراسلان خان بن محمد بن سلیمان، ولی بیشتر اختصاص داشته است به دربار رکن‌الدین مسعود بن حسن قلج طمغاج خان و در ضمن با سعدالملک فخرالدین مسعود بن اسعد بن محمود و نظام‌الدین محمد بن علی آل میران از وزیران این سلسله رابطه داشته است و مدایح بسیار در حق چندتن از بزرگان خاندان آل‌مازه یا آل برهان که روسای حنفیان ماوراءالنهر بوده و در بخارا اقامت داشته‌اند سروده است و ازین خانواده مخصوصاً حسام‌الدین عمر بن عبدالعزیز بن ماز و پسر وی شمس‌الدین محمد بن عمرو و سیف‌الدین پسر شمس‌الدین مزبور را مدح کرده است و نیز از دور مدایحی برای اتسز خوارزمشاه و سنجر میفرستاده است و در هجا و هزل بسیار توانا بوده و درین فن مبالغه می‌کرده چنانکه اهاجی بسیار درباره معاصران خود و مخصوصاً شاعران آن زمان سروده است، اما در پایان زندگی که پیری رسیده بود ازین کار توبه کرده و قصایدی در معارف و حکم و پشیمانی از کارهای گذشته خود سروده است. سرانجام در ۸۰ سالگی در ۵۶۹ در سمرقند در گذشت و وی را در آنجا بخاک سپردند. سوزنی معروف‌ترین و زبردست‌ترین شاعر هزل‌زبان فارسیست و در هجا و هزل منتهای توانایی را داشته است. در ضمن در مدایح و غزلیات نیز شاعر توانایی بوده و سخن را فصیح و بلند میسروده است. بزبان ترکی شرقی آشنا بوده و نخستین شاعرینست که الفاظ ترکی در شعر فارسی آورده است و در ضمن کلمات بسیار از زبانهای ماوراءالنهر

در سخنان خود وارد کرده است بهمين جهت شعر او دشواریست و نسخهای دیوان وی که نزدیک یازده هزار شعر دارد غلط بسیار دارد .

۵) **رضی الدین ابو جعفر محمد نیشابوری** - از شاعران زبردست این دوره است . آغاز عمر را در بلخ بکسب دانش گذرانیده و چند نوبت به حج رفته و مدتی در نیشابور بوده ولی بیشتر در ماوراءالنهر می زیسته و از شاگردان شرف الدین محمد بن مسعود مسعودی مروزی بخاری حنفی دانشمند این زمان بوده است و امام فخر الدین رازی در سفری که در ۵۸۲ بماوراءالنهر کرده در بخارا وی را دیده است . وی بیشتر مداح قلج طمغاج خان ابراهیم بن حسین و پسرش نصره الدین قلج ارسلان خان عثمان مقتول در ۶۰۹ بوده و چندی نیز در دیار ارسلان شاه بن طغرل سلجوقی بوده است . در پایان زندگی بگوشه نشینی و زهد پرداخته و در ۵۹۸ در گذشته است . وی نیز از شاعران بزرگ این دوره است و شعر را فصیح و روان و پر مغز با معانی دقیق می گفته و دیوانش شامل نزدیک سه هزار بیت در دست است . کتابی نیز بفارسی بنام «مکارم الاخلاق» که بنام مجیر الدین نجم بن محمد دهستانی نوشته و از کتابهای فصیح درین رشته است از و مانده است .

۶) **حمید الدین محمود جوهری مستوفی** - از کارگزاران بزرگ این خاندان در ماوراءالنهر بوده و با سوزنی معاشرت داشته است و در شعر فارسی توانا بوده اما از اشعار او تنها چند بیت به ما رسیده است .



شاعران دیگری که درین دوره در دربار ملوک خانیة ماوراءالنهر بوده اند بدین گونه اند :

شرف الدین ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی جد محمد عوفی ، دهقان علی شطرنجی سمرقندی ، شهاب الدین احمد بن مؤید شهابی نسفی سمرقندی ، روحی شامستانی ، تاج الدین مسعود بن احمد بن عبدالعزیز بن مازة بخارایی از خاندان معروف آل برهان یا آل مازة ، پسر وی تاج الدین عمر بن مسعود و نظام الدین محمد پسر تاج الدین عمر که وی نیز مانند پدر خود از روسای حنفیان ماوراءالنهر بوده است ، شهاب الدین

شهابى غزال خجندى ، فریدالدین جاجرمی ، مجدالدین محمد پاییزی نسوی ، نظام الدین محمد بن تاج الدین مسعود بخارایی ، سعدالدین بخاری سمرقندی ، مؤیدالدین نسفی ، مجد الدین محمد بن عدنان سرخکتی خال محمد عوفی که طبیب حاذقی بوده و کتابی بنام تاریخ ترکستان داشته است ، قطب الدین سرخسی ، علاءالدین اوزجندی ، بهاء الدین محمد بن علی بن محمد ظهیری سمرقندی مؤلف سندباد نامه و اعراض السیاسة فی اعراض الریاسة و سمع الظهیر فی جمع الظهیر ، ظهیر الدین ولی نسوی ، صفی الدین عراقی ، ضیاء الدین دوغ آبادی ، شهاب الدین محمد نسفی ، شرف الدین محمد بن ابوبکر نسفی حسام الامه ، شمس الدین ولوالجی ، شمس الدین محمد بن علی کاشانی ، شمس الدین منصور بن محمد اوزجندی صدر الشریعه ، شمس الدین داعی حسینی نسفی ، شمس الدین باقلانی بلخی ، سعد الدین اسعد بن شهاب بخارایی ، رشید الدین محمد بن محمود بن مسعود اسفزاری ، رکن الدین مسعود بن محمد امامزاده ، روحی سمرقندی ، شمس الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی مرو رودی ، حمید الدین بخارایی ، جنتی بیای نخشبی ماوراءالنهری که ازهریک ازیشان چند بیتى بما رسیده است .

عده دیگر شاعرانی در همین زمان در ماوراءالنهر بوده اند که ازیشان شعری بما نرسیده است و نامهای ایشان بدین گونه است : پسر اسفراینی ، پسر درغوش ، پسر تیشه ، سفندی ، علی سپهری ، علی بانیدی ، گلابی ، لؤلؤی ، نجیبی فرغانی ، نجار ساغرجی ، پسر خم خانه ، مالیح سرپلی بخارایی ، مسعود یا قوتی جولاهه ، جمالنی ، نظامی سامانی نیشابوری ، دهقان عمید کاسی ، قوامی ، جـ وهری ، مقبل الدین ، حنایی ، نشاطی .

۲ - شعراى عراق و آذربایجان - در قرن ششم بیشتر شاعران بزرگ و نامی در عراق و آذربایجان زیسته اند و روش مخصوصی درین دوره در میان ایشان پدیدار شده است که آنرا سبک شعراى عراق نامیده اند و واسطه میان سبک خراسان و سبک شعراى هندوستانست بدین معنی که شعر فارسی نخست از سبک خراسانی بسبک عراقی بدل شده و از سبک عراقی بسبک هندی رفته است و پایه سبک هندی و بیشتر از خصوصیات آن نخست در گفتار برخی از شاعران عراق مخصوصاً کمال الدین اسمعیل

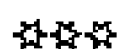
اصفهانى و كمال الدين خجندى و فخرالدين عراقى و شمس الدين حافظ گذاشته شده و اين روش را بايد سبك ناتوراليسم ايران دانست . درين روش شاعران بيشتر بمعانى دقيق و موشكافى پرداخته اند و تشبيهات نوين بكار برده اند .

(۱) شعراى عراق و فارس - شهرى و شهر اصفهان در زمان سلجوقيان در قرن ششم بمنتهى وسعت و آبادانى خود رسيد و دانشمندان بزرگ درين دوره كز ايران گرد آمدند . پادشاهان سلجوقى كه درين نواحى فرمانروايى داشتند پيرورش دانشمندان و اديبان رغبت مى كردند و خاندانهاى ديگر كه درين دو شهر رياست داشته اند مخصوصاً خاندان صاعديان پيشواى حنفيان و خاندان خجنديان پيشواى شافعيان در اصفهان از تربيت دانشمندان كوتاهى نكرده اند . در فارس اتايسكان سلغرى نيز در حد خود از هر گونه دستياري كوتاهى نوردزيده اند . اين سلسله در سال ۵۴۳ بدست اتايسك مظفرالدين سنقر بن مودود سلغرى تاسيس شد و تا سال ۶۶۴ در فارس باستقلال حكمرانى كرد . از پادشاهان اين خاندان اتايسك مظفرالدين سنقر بن مودود (۵۴۳-۵۵۶) و اتايسك ابوشجاع سعد بن زنگي (۵۹۹-۶۲۸) خود بزبان فارسى شعر سروده اند و گروهى از شاعران ازیشان برخوردار شده اند . بهمين جهاتست كه در قرن ششم در عراق و فارس شاعران بزرگ بوده اند ، بدين گونه :

(۱) جمال الدين ابو محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانى معروف بجمال الدين عبدالرزاق بزرگ ترين شاعر عراق در قرن ششم بود . در اصفهان ولادت يافت و همه عمر خویش را در آن شهر گذراند و از جوانى بسخن سرايى آغاز كرد و از شاعران مخصوص خاندان صاعديان بود و در كنالدين ابوالعلاء سعد بن مسعود را مدح مى گفته و در ضمن مديحى بنام ملك مازندران حسام الدين اردشير بن حسن (۶۰۲-۵۶۷) سروده است و اين مديح را از دور بنام اومى ساخته و مى فرستاده است و نيز ملكشاه بن محمود و سليمان شاه بن محمد و ارسلان شاه بن طغرل بن ارسلان پادشاهان سلجوقى را مدح گفته است و سرانجام در اصفهان در ۵۸۰ در گذشت . جمال الدين يكي از شاعران بزرگ ايرانست و قصايد فرا دارد كه بر روش خاصى كه هم سبك عنصرى و هم سبك مسعود سعد بن سلمان در آن پديدارست سروده و مخصوصاً قصايد بسيار بلند در

نصایح و معارف دارد و دیوان وی شامل هشت هزار بیت بدست است .

(۲) شرف الدین عبدالمؤمن محمد بن فضل الله بن هبة الله بن محمد بن هبة الله بن حمزه شفروه اصفهانی، از خاندان بسیار معروفی از مردم اصفهان بوده که همه بمناسبت نام جدشان بشفروه معروف بوده اند و این کلمه مرکب از دو جزء است و جزء دوم آن از «به» گرفته شده مانند روزبه و خرداذبه و دادبه و نظایر آن، از خاندان وی مردان دانشمند بسیار برخاسته اند که در اصفهان و قزوین و شیراز معروف بوده اند و تا قرن هفتم زیسته اند. وی از بزرگان ادبای روزگار خویش بوده و در زبان فارسی و عربی دست داشته است . نخست مدح پادشاهان سلجوقی گفته و پس از انقراض این خاندان بمداحی اتابیکان آذربایجان پرداخته است چنانکه مدایحی بنام ارسلان بن طغرل و طغرل ابن ارسلان و اتابک جهان پهلوان و پسرش قزل ارسلان دارد و در ضمن واعظی معروف و ادیبی مشهور بوده است از جمله مؤلفات وی بزبان تازی کنایست ادبی و معروف بنام «اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب» که بسیاق کتاب معروف «اطواق الذهب فی المواعظ و الخطب» تألیف جلال الله ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر زمخشری خوارزمی معتزلی (۴۶۷-۵۳۸) نوشته است و این کتاب که بزبان منشیانه فصیح نوشته شده قدرت وی را درین زبان مسلم می کند و دیوان اشعار وی شامل هشت هزار بیت باقیست .



ازین دو شاعر بزرگ که بگذریم در قرن ششم در عراق و فارس شاعران دیگر بوده اند بدین گونه : مجدالدین ابوالمجد عبد اللطیف بن هبة الله بن شفروه اصفهانی و عزالدین شفروه از همان خانواده شرف الدین شفروه و ظهیر الدین عبدالله شفروه پسر عم او، زندگی شیرازی، جمال الدین علوی کازرونی، امیر سناء الدین ارقم فارسی، قاضی فخرالدین دمراچی، کمال الدین زیاده نیرانی، علاء الدین خواری، جمال الدین محمود خجندی و صدر الدین عبد اللطیف بن محمد بن ثابت خجندی مقتول در ۵۲۳ که هر دو از طایفه معروف خجندیان و پیشوایان شافعیان اصفهان بوده اند، شرف الدین فضل الله قزوینی مؤلف تاریخ منجم که ذکرش خواهد آمد، رضی الدین خشاب، یافعی شافعی، بدرالدین فارسی، بدرالدین کرمانی، حمید الدین کازرونی، جمال نقاش اصفهانی



که برخى وی را با جمال الدین عبدالرزاق اشتباه کرده اند، جمال الدین ابهرى قزوینى، جلال الدین فضل الله خوارى و ازهرى که ازیشان آیاتى مانده است. دانشمند معروف این زمان اثیر الدین مفضل بن عمر ابهرى که مؤلفات معروف بفارسی و عربی دارد و ذکرش خواهد آمد نیز بزبان فارسى شعر گفته است.

۲- شعراى آذربایجان - در قرن ششم عدّه کثیر شاعران بزرگ در آذربایجان زیسته اند و بیشتر بزرگان سرایندگان ایران درین ناحیه بوده اند. اتابیک ایلدگز که از غلامان مسعود سلجوقی بود حکمران آذربایجان شد و پس از چند سال استقلال یافت و چون در ۵۶۸ مرد پادشاهی آن دیار را برای فرزندان خود گذاشت و ایشان از ناتوانی سلجوقیان بهره مند شدند و برخى از نواحی را که جزو قلمرو آل سلجوق بود گرفتند و تا سال ۶۲۲ فرمانروایی داشتند و چون دربار ایشان با آداب دربار سلجوقی تشکیل یافته بود در ترویج زبان فارسى کوتاهی نکردند و بهمین سبب بیشتر شاعران معروف قرن ششم ایران چه در آذربایجان و چه در عراق ازیشان بهره مند شده اند بدین گونه :

۱- ابو بدیل افضل الدین ابراهیم بن ابوالحسن علی بن عثمان خاقانی شروانى، یکی از معروفترین شاعران درجه دوم ایرانست. در شهر شروان در حدود ۵۲۵ متولد شد و پدرش چهار و مادرش از ترسایان نستوری بود که مسلمانان با سارت آورده بودند. پس از مرگ پدر چندی از دسترنج مادر می زیست و عمش کافی الدین عمر بن عثمان ازو نگاهداری می کرد و بکسب دانش می پرداخت. در همان زمان بشاگردی ابوالعلاى گنجوى آغاز کرد و بشاعری پرداخت و نخست حقایقى تخلص کرد. در همین اوان بدر بار خاقان منوچهر شروانشاه که در حدود ۵۵۰ پادشاهی می کرده است راه یافت و در سلطنتش - گر آن دربار او پذیرفته شد و بهمین جهت خاقانى تخلص کرد. پس از مرگ وی نزد پسرش ابوالمظفر جلال الدین اخستان ماند و درین زمان دوبار بحج رفت و چون بار سوم اندیشه حج کرد و اخستان اجازه نمیداد از شروان گریخت، اما کسان خاقان وی را گرفتند و بند کردند و مدتی در زندان بود تا آنکه بشعاعی سیفر روم رهایی یافت.

پس از آن از خدمت ممدوح خود کناره گرفت و بسفر حجاز رفت. وقتی نیز آهنگری و اصفهان و خراسان داشت اما بآنجا نرفته است. سرانجام در ۵۸۲ در تبریز درگذشت و در مقبرة الشعرا در محلة سرخاب وی را بخاک سپردند. خاقانی یکی از دانشمندان زمان خویش بوده و بهمین جهت در شعر خود بمطالب علمی رایج آن زمان را بسیار آورده و ناچار شعری از آن روانی و سادگی گفتار معاصرانش دور شده و فهم آن بر کسانی که از آن مطالب آگاه نباشند دشوار است. اما هر جا که کرد فضایل و معلومات نگشته و نخواسته است دعوی دانش بکند سخن روان و در منتهای فصاحت و شیوایی سروده است. وی در زمان خویش بسیار معروف بوده چنانکه بارشیدالدین و طواط شاعر معروف در بار خوارزمشاهان مشاعره داشته است. دیوان وی شامل بیست هزار بیت دردست است و گاهی اشعاری بزبان تازی هم گفته است. بجز آن مثنوی معروفی دارد بنام تحفة الخواطر و زبدة الضمایر معروف بتحفة العراقین که پس از بازگشت از سفر حج در شروان در حدود سال ۵۵۰ در شش مقاله سروده و خود دو مقدمه بنشر بر آن نوشته و شامل سه هزار بیت است و در هندوستان چند شرح بر آن نوشته اند یکی شرح مولوی ابوالحسن، دیگر شرح مولوی کریم الدین، سوم شرح مولوی عبدالباری و چهارم شرح میر محمد اسمعیل خان ابجدی ملك الشعراي دربار والجاهی مدراس. برخی مکاتیب فارسی نیز از خاقانی مانده است و نیز شرحی بر قصاید و مقطعات او نوشته اند.

۲ - نظام الدین الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجوی، یکی از معروفترین شاعران زبان فارسیست و برخی وی را از ترازا اول دانسته اند. در شهر گنجه در سرزمین ایران که اکنون از شهرهای آذربایجان شورویست و بکیرف آباد معروف شده است در حدود سال ۵۴۰ ولادت یافته و ظاهراً همه زندگی خود را در آن شهر گذرانده و تنها گاهی با طراف سفرهای کوتاه کرده است. اینکه برخی خاندان وی را از توابع قم و از روستای «تا» نزدیک تفرش دانسته اند درست نیست. شاید سفری به حج کرده باشد و روابطی که با پادشاهان عصر خود داشته از دور بوده است. در اواسط زندگی بنظم مثنوی آغاز کرده است و بیش از ۴۵ سال مشغول نظم پنج مثنوی معروف

## شعراى قرن ششم تاريخ نظم و نثر در ايران و در زبان فارسي پهل

خود بوده که پس از مرگ وی آنها را در مجلدی گرد آورده و بنام *خمسه* یا *پنج گنج* انتشار داده اند بدین گونه که در ۵۵۲ مخزن الاسرار را بنام *ملك فخر الدين بهرام شاه* حکمران اردنجان در ۲۴۰۰ بیت پایان رسانیده است. در ۵۷۶ بنظم *خسرو شیرین* آغاز کرده است نخست آنرا بخواش طغرل بن ارسلان سلجوقی آغاز کرده و چون درین ضمن وی در گذشته بود می خواسته است بنام *اتايك نصر الدين ابوبكر محمد* پایان برساند و چون وی نیز در گذشته است پس از ۵۸۷ که آنرا پایان رسانیده بنام *قزل* ارسلان کرده است و این منظومه دارای ۷۷۰۰ بیت است. پس از آن لیلی و مجنون را در سال ۵۸۴ شامل ۵۱۰۰ بیت بنام *خاقان ابوالمظفر اخستان شروانشاه* و پسرش *محمد* پایان رسانیده است. سپس بهرام نامه یا هفت گنبد یا هفت پیکر را بنام *علاء الدین کرب* ارسلان آقسنقری چهار ساعت از روز رفته چهاردهم رمضان ۵۹۳ در ۵۶۰۰ بیت تمام کرده است. سپس بنظم اسکندر نامه شامل دو قسمت بنام *شرف نامه* و *اقبال نامه* آغاز کرده است. *شرف نامه* یا *عقب نامه* را که در هندوستان بنام *اسکندر نامه* بری معروف شده است در ۵۹۷ بنام *جهان پهلوان نصره الدین مسعود بن اخستان* پایان رسیده است. *اقبال نامه* نامه رانیز پس از آن بنام همان پادشاه پایان رسانیده و تاریخ اتمام آن معلوم نیست و در هندوستان بنام *سکندر نامه* بحری معروف شده است. در *شرف نامه* ذکرى از پادشاهی که عزالدین لقب داشته نیز هست و او را عزالدین مسعود *اتايك* موصل دانسته اند و نیز برخی نصره الدین ممدوح نظامی را درین کتاب نصره الدین ابوبکر پیشکین *اتايك* آذربایجان گفته اند. *شرف نامه* روی هم رفته ۷۱۰۰ بیت و *اقبال نامه* ۳۷۰۰ بیت دارد و مجموع اشعار نظامی در *خمسه نزدیک* ۳۱۶۰۰ بیت است. برخی ویس و رامین *فخر الدین اسعد* گرگانی را که ذکرش گذشت بخط بنظامی نسبت داده اند و نیز داستان *امیر احمد و مهستی* را که در آغاز قرن هفتم نوشته شده است بخط ازو دانسته اند. در تاریخ رحلت نظامی اختلاف بسیار است و در ۵۷۶ و ۵۹۲ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۲ و ۶۰۶ نوشته اند و برخی پس از آن گفته اند اما آنچه درست ترمی نماید سال ۵۹۸ است که اندکی پس از اتمام نظم *اقبال نامه* در گذشته است و

قرآینی هست که پس از مرگ خاقانی رحلت کرده باشد. مزار وی در بیرون شهر گنجه هنوز باقیست و از زمانهای قدیم معروف بوده است. دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات وی نیز شامل ۱۶۰۰ بیت است در دست است. نظامی در شعر از بزرگان ایران بشمارست و در فن خود که نظم داستانهای مختلف از روی روایات است که پیش از او ترتیب داده اند برگروه بسیاری از شاعران ایران و هندوستان که از وی پیروی کرده اند برتری مسلم دارد، منتهی گاهی ترکیبات و تلفیقاتی در سخن خود آورده که مخصوص باوست و سخن سرایان پیش از وی بکار نبرده اند. در قصاید و غزلیات نیز سبک خاص بخود دارد که گاهی آمیخته بنصایح و معارفست و پیدا است که مردی دانشمند بوده است. در مخزن الاسرار خواسته است پیروی از شاعران متصوف پیش از خود بکند اما در آثار دیگر که پس از آن سروده دست ازین کار کشیده است.

۳- نجم الدین ابوالنظام محمد فلکی شروانی، در شهر شماخی در ناحیه شروان ولادت یافته و معاصر با خاقانی و نظامی بوده و با خاقانی روابط داشته است. همه عمر خویش را در دیار خود گذرانیده و بیشتر مداح ابوالهیجا شروانشاه منوچهر بن فریدون یکی از معدود حان خاقانی بوده و نیز در زمانی که گرجیان بر آن ناحیه دست یافته بودند مدایحی بنام طاهر ملکه گرجستان (۵۸۰ - ۶۱۳) و دیمتری پسر داود مؤسس سلسله بقراتیان سروده است. سرانجام در سال ۵۷۷ در شماخی در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده اند. فلکی در علم نجوم دست داشته و بهمین جهت فلکی تخلص کرده و از بزرگان شاعران آذربایجان بوده و روش خاصی در شعر داشته است که معانی دقیق در آن بسیار بکار برده است. دیوان وی شامل سه هزار بیت باقیست.

۴- ظهیر الدین ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی، اصلاً از مردم فاریاب نیشابور بود و در جوانی با آذربایجان رفت و بدربار اتابکان آن سرزمین پیوست و همه عمر خود را در آنجا گذرانید و اتابک ایلام گز و محمد جهان پهلوان را مدح گفته و در ضمن سفری باصفهان کرده و با آذربایجان باز گشته و سرانجام در تبریز در ۵۹۸ در گذشته و در مقبره الشعراي سرخاب مدفون شده است. وی کاعلاً بسبک شاعران عراق و با اصول ناتو الیسم سخن می گفته و این روش در سخنان وی آشکارتر از دیگران است و معنایی

دقيق ومبالغات شاعرانه را گاهي بعد کمال رسانيده است. ديوان او شامل هفت هزار بيت در دست است.

۵ - **اثير الدين اخسيکتی تورانی**، از مردم شهر اخسيکت در سرزمين فرغانه بود. در آغاز زندگي بقمستان رفت ومدتی مداح پادشاهان آن ديار بود. سپس بدربار سلجوقيان در عراق راه يافت ومداح ارسلان بن طغرل سلجوقي شد و در ضمن از امير سيد فخر الدين علاء الدوله عربشاه رئيس همدان که خواهرش فاطمه همسر ارسلان بن طغرل بوده مدح گفته است و سپس باذربايجان رفت و ستايشگر اتايک ايلدگز و قزل ارسلان شد و سرانجام در خلخال درگذشت. در گذشت وی را در سالهای ۵۶۳ و ۵۷۷ و ۵۷۹ و ۵۸۰ نوشته اند و اين گفته اخير رجهان دارد. اثير از ميان شاعران عراق بيش از همه درين روش مبالغه کرده و بهمين جهت شعروى دشوارتر از ديگران شده و معاني دقيق در گفته او بيشتر است. ديوان وی شامل ۶۵۰۰ بيت باقیست.

۶ - **مجير الدين بيلقانی** از مردم بيلقان شهری در جنوب شرقی شهر شوشی کنونی در سرزمين اران بوده که اينک ويرانه‌ای از آن بنام «بيلقان ميلار» در آذربايجان شوروی باقیست. در آغاز زندگي بشروان رفته ومداح شروانشاهان بوده است. سپس مدتی از شاعران دربار ارسلان بن طغرل سلجوقي بوده وعاقبت باتاييکان آذربايجان پيوسته و اتايک جهان پهلوان و قزل ارسلان و ابوبکر بن محمد را مدح گفته است و چندی از سوي ایشان در اصفهان جزو کار گزاران ديوان بوده وبا شاعران اصفهان مهاجرات داشته و سرانجام بتيريز بازگشته و در آنجا بسال ۵۹۴ درگذشته و در مقبره الشعرا مدفون شده است. مجير بيلقانی در عصر خود در شاعری منتهای شهرت را داشته و کاملترين نمونه سبک شعراي عراق از زمانده است. بهمين جهت مضامين او از مضامين ظهير فاريابی دقيق تر و مضامين اثير اخسيکتی نزديکتر از ديگران است. ديوانش شامل پنج هزار بيت در دست است.

۷ - **نظام الدين ابوالعلاي گنجوی**، قديم ترين شاعر آذربايجان در قرن ششم واستاد خاقانی بوده اما ميان وی و خاقانی کدورتی روی داده است. در زمان ابوالهيجه منوچهر شروانشاه بر شعراي ديگر برتری داشت و خاقانی راوی بدربار شروانشاهان

راه داده است و شاعران آذربایجان همه از او درس سخن پیروی کرده اند و از اشعار او اندکی به ما رسیده است .

۸ - **فخرالدین قوامی مطرزی گنجوی** که برخی وی را به خطایر ادرنظامی دانسته و نیز با قوامی رازی که ذکرش گذشت اشتباه کرده و گفته اند ناثوا بوده است . از شاعران دربار اتایک قزل ارسلان بوده و در سرودن اشعار مصنوع بیشتر مهارت داشته و قصیده مصنوع او بهترین اشعار است که بدین روش سروده شده و آنرا برشید و طواط نیز نسبت داده اند اما بعید است که از رشید و طواط بوده باشد و به جز آن از اشعار وی اندکی مانده است .

۹ - **امیرالدین مسعود مهندس نخبجویانی** ، از شاعران و منجمان این دوره است که از احوال وی جزین اطلاعی نیست که در قران ستارگان در سال ۵۸۲ در دربار محمد بن ایلدگزمی زیسته و از شعرا و جزیک رباعی که در همین واقعه سروده چیزی به دست نیست .

گذشته ازین شاعران معروف چندتن شاعر دیگر در آذربایجان درین زمان زیسته اند بدین گونه : منیشی گنجوی ، محمد خلیل ، کمال الدین مراغی ، عزالدین شروانی ، خطیب گنجه که ظاهراً پدر همان امیر احمد ابن خطیب گنجوی بوده است ، اقطع الدین بیلقانی و ازهریک ازیشان چند بیتی مانده است .

۳ - **عرفا و علما** قرق ششم ایران بکثرت عرفا و مشایخ بزرگ در تاریخ ایران امتیاز خاصی دارد و مشایخ بسیاری درین زمان می زیسته اند که بنظم و نشر آثار بزرگ از خود گذاشته اند ، چندتن از علمای معروف این قرن نیز بزبان فارسی شعر گفته اند :

۱ - **شیخ الاسلام ابو نصر احمد بن ابوالحسن نامقی جامی معروف باحمد** ژنده پیل یا احمد جام از بزرگان مشایخ ایران بود و در سال ۴۴۱ در قریه نامق یا نامه از توابع جام ولادت یافت و در سن بیست و دو سالگی در کسوت تصوف در آمد و بارشاد مردم پرداخت و جمع کثیری از مردم روزگار را بطریقه خود هدایت کرد بهمین

جهت از بزرگترین مشایخ ایران بشمارست و مقام بسیار رفیعی دارد. عاقبت در سال ۵۳۶ بسن ۹۵ سالگی در همان دیار خود رحلت کرده و مزار وی هم اکنون در همان ناحیه که امروز باسم تربت خوانند می شود برپاست و زیارتگاهست و بهمین جهت آن محل را تربت شیخ جسام می خوانند. احمد جسام در نظم و نثر پارسی مهارت کامل داشته و چند تألیف از وی مانده است یکی رساله سراج السایرین که در سال ۵۰۳ تألیف کرده و دیوان شعری شامل سه هزار بیت بدستست و دو مثنوی از او باقیست یکی باسم محبت نامه و دیگری باسم سوز و گداز و دیگر از مؤلفات اوست: اعتقادات، انیس المذنبین، انیس التائبین، بحار الحقیقة، تذکیرات، روضة المذنبین که در ۵۲۶ بنام سنجری نوشته است، رساله سمرقندیه، زهدیات، فتوح الروح، کنوز الحکمه، مفتاح النجاة و ابوالمکارم بن علاء الملک از باز ماندگانش کتابی در مناقب او باسم خلاصة المناقب نوشته و سدیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی کتاب دیگری در مقامات وی نوشته است و بهاءالدین جامی از باز ماندگان وی ساکن شیراز مقامات او را نظم کرده است.

۲ - ابو محمد روز بهان بن ابی نصر بقلی فسوی شیرازی معروف بشطاح و یاشطاح فارس از مردم فسای فارس و از بزرگان عرفای عصر خود بود و در شهر شیراز نفوذ بسیار داشت و در جامع عتیق آن شهر وعظ می کرد و در ضمن سفرهای بسیار کرده است و عاقبت در نیمه محرم ۶۰۶ در شیراز در گذشت و قبرش هم اکنون زیارتگاهست. روز بهان در نظم و نثر فارسی توانایی بسیار داشته، از شعر او اندکی باقیست ولی چند کتاب بفارسی و عربی از تألیفات او مانده است از آن جمله لطایف الیان در تفسیر، مشرب الارواح، منطلق الاسرار، تفسیر عرایس بعربی، کتاب الانوار فی کشف الاسرار، صفوالمشارب فی العشق، رساله شطیحات بفارسی و عربی، کتاب قدسیه که هر یک از آنها در حد خود از کتابهای مهم تصوفست.

۳ شمس الدین محمد بن طغان کرمانی از بزرگان عرفای قرن ششم خراسان بود و در هرات در خانقاه سلطانی معتکف بود و پیشوای صوفیان عصر بشمار می رفت و کتب چند در فن خود تألیف کرده و منظومه ای در تصوف سروده است و از شعر او چیزی اندکی باقی نمانده است.

(۴) شهاب الدین ابوالفتح یحیی بن حبیش بن امیرك سهروردی معروف بشهاب الدین مقتول و شیخ اشراق یکی از بزرگترین علمای قرن ششم بود، در سهرورد از توابع زنجان ولادت یافت و در پی دانش سفرهای بسیار کرد و در علوم ادب و صرف و نحو و اشتقاق و لغت و منطق و معانی و بیان و کلام و تصوف و حکمت یگانه روزگار خود بود، پس از سفرهای بسیار در شهر حلب اقامت کرد و بترویج عقاید خاص خود پرداخت بهمین جهت مردم شهر دوسته شدند و گروهی باختلاف برخاستند و عاقبت دشمنان او چیره شدند و وی را در سال ۵۸۷ هـ کشتند و درین زمان در عنفوان جوانی بود. شهاب الدین مقتول مبتکر حکمت اشراق در فلسفه است و این طریقه را وی بنیان نهاده و اولین کسیست که در میان حکمت یونان و تصوف ایران تألیف کرده است و بهمین جهت در عصر خویش مخالف بسیار داشت ولی بعدها طریقه وی در میان دانشمندان اسلام رواج تام گرفت، وی را بزبان عرب تألیفات بسیاریست که از معتبرترین کتب حکمت بشمار می رود مانند حکمت اشراق و هیاکل النور و مظاهر حیات و تلویحات و شرح اشارات و اعتقاد الحکماء و الواح العمادیه و بارقات الالهیه و کتاب البروج و بوستان القلوب و کتاب البصیره و تنقیحات در اصول و دعوات الکو اکب و رمز الوحی و صندوق العمل و طوراق الانوار و رساله العشق و الغریبه الغریبه و لمحات و لوامع الانوار و کتاب المعارج و کتاب المقامات و النعمات السماویه و النفعات فی الاصول الکلیه در تصوف و غیره، در زبان فارسی نیز قدرت بسیار داشته و در نظم و نثر توانا بوده و چند رساله در حکمت و تصوف بفارسی نوشته: مبدأ و معاد، آواز پر جبرئیل، صغیر سیمرغ، هیاکل فارسیه، یزدان شناخت و از شعر فارسی او اندکی بما رسیده

(۵) عبدالخالق بن عبدالجلیل غجدوانی از مردم غجدوان دهی در شش فرسنگی بخارا و از مشایخ بزرگ سلسله نقشبندیه بود و پدرش عبدالجلیل امام از دانشمندان ساکن ملاحظیه روم و از اولاد مالک بن انس بود و بمادرهاء النهر رفت و وی در ملاحظیه بیجهان آمد و بپدر بدانجا رفت و از خلفای چهارگانه خواجه ابویعقوب یوسف بن ایوب همدانی بشمار می رفت، همواره در دیار خود زیسته و در آنجا بسال ۶۱۷ در گذشته است و در



نظم و نثر فارسی مهارت داشته و بعضی کتب در تصوف و در طریقه خود تألیف کرده از آن جمله است رساله صاحبیه که در مقامات مرشد خود ابو یعقوب یوسف همدانی نوشته و رساله طریقت و از شعرا و چند بیت مانده است و کتابی بفارسی در مقامات او نوشته اند .

(۶) ضیاء الدین ابوالفضایل عبداللہ بن محمد میا نجفی همدانی ملقب بعین القضاة از بزرگان عرفای قرن ششم بود . اصلاً از مردم میانج آذربایجان بوده ولی همواره در همدان زیسته است و در زمانی که احمد غزالی در همدان بود بوی ارادت و در دیده و در سلك عرفا در آمده است و عمر خویش را بقضاوت و تدریس می گذرانده تا اینکه وی را بکفر متهم کردند و قوام الدین ابوالقاسم بن ناصر الدین حسن بن مظفر درگزینی وزیر سلطان سنجر فرمان داد تا وی را پوست کنند و بر در مدرسه ای که در همدان در آنجا درس میگفت آویختند ، این واقعه در سال ۵۳۳ روی داد . عین القضاة را تالیفات چند در تصوف بزبان فارسیست از آن جمله کتاب زبدة الحقایق معروف بتمهیدات و کتاب لوايح و کتاب تبیینات و یزدان شناخت و رساله جمالی در میان نسبت انبیا و قرآن و مکاتیب یا مکتوبات که همه را بفارسی فصیح و استادانه نوشته و احمد غزالی رساله سوانح فی معانی العشق و تازیانه سلوک را بخواش وی پرداخته است و در شعر فارسی و عربی نیز دست داشته است و بعضی از رباعیات از وی مانده که عده ای از آن ها را در کتاب زبدة الحقایق خود نقل کرده است . از مؤلفات او بزبان تازیست : شکوی الغریب عن الاوطان الى علماء البلدان ، قرى العاشی الى معرفة العوران و الاعاشی ، المتقلد من التصریف ، امالى الاشتیاق فی لیالى الفراق ، منیة المحسوب فی عمل حساب الهندسی ، غایة البعث عن معنی البعث فی النبوه و ما یعلق بها ، صولة البازل الامون علی ابن اللبون ، نزهة العشاق و نهضة المشتاق ، المدخل الى العربیه و ریاضت علومها الادبیة ، تفسیر حقائق القرآن .

(۷) عزیز الدین بن محمد نسفی نیز از بزرگان عرفای قرن ششم ایران و مرید سعد الدین حموی بوده و در زمان جلال الدین خوارزمشاه و در فتنه مغول نیز زیسته است و از سپاهیان مغول از خراسان و ماوراءالنهر بفارس گریخت و در ابرقوه ساکن شد و در

آن جا بسال ۶۱۶ رحلت کرد و او را نیز بزبان فارسى فصیح مؤلفات چندست از آن جمله منازل السائرین و مقصد اقصی و کشف الحقایق و اصول و فروع و رساله‌ای در ترقی روح انسانی و رساله‌مبدأ و معاد که خلاصه‌ای از آن باسم زبدة الحقایق پرداخته است و درین کتابها منتهای قدرت خود را در نشر فارسى ظاهر کرده و بعضی اشعار خود را آورده است .

(۸) امام فخرالدین ابو عبدالله عمر بن حسین قرشی بکری رازی معروف بامام فخر رازی و ابن خطیب و ملقب بامام المشککین، اصل وی از طبرستان بود و در شهری در ۲۵ رمضان ۵۴۴ متولد شد و خاندان وی همه از دانشمندان زمانه بوده‌اند. نخست نزد پدر خود بتحصیل علوم پرداخت و پس از مرگ او نزد مجدالدین گیلانی که از حکمای معروف عصر بود شاگردی کرد و با وی سفری بمراغه رفت و چون بمراق بازگشت از معارف دانشمندان عصر خود شد و پادشاهان خوارزمشاهی بوی حرمت بسیار کردند و او را نزد خود خواندند و مدتی مدید در خراسان و خوارزم اقامت کرد و چندی نیز در ماوراءالنهر بود و مجموعه مناظراتی را که در ۵۸۲ در بخارا کرده خود در کتابی گرد آورده است و بعضی از مؤلفات خود در خوارزم بنام پادشاهان این سلسله پرداخته است و در سال ۵۹۵ که در هرات اقامت داشت با کرامیه هرات مخالف و زید و فتنه شدیدی در هرات برپا شد و بیشتر در دربار سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه زیسته است تا اینکه عاقبت در هرات روز دوشنبه عید فطر سال ۶۰۶ بسن ۶۲ سالگی رحلت کرد و در کوهی نزدیک قریه مزداخان از قرای هرات مدفون شد و مزار وی اکنون هم در آن ناحیه معروف و زیارتگاه است . امام رازی از بزرگان علمای ایرانست و در عصر خویش بمنتهی درجه شهرت بود و در تمام علوم متداول زمان دست داشته و تالیفات مهم در هر فنی کرده است ، مؤلفات وی بزبان عربی هریک در حد خود معروفترین کتاب فنیست از آنجمله سرالمکتوم فی مخاطبة النجوم ، شرح اشارات ، محصل افکار المتقدمین والمتأخرین ، رساله فی کیفیة حدوث الحروف ، رساله فی کیفیة المعاد ، رساله فی بیان ان النفوس هل هی متحدة فی الماهیة والحقیقه ، مفاتیح الغیب معروف بتفسیر کبیر ، کتاب المحصول ، اختیارات سماویه ، کتاب الهندسه ، مصادرات اقلیدس ، کتاب

فى الرمل ، احكام الاحكام ، مباحث العماديه فى مطالب العماديه ، مباحث المشرقيه ، مطالب العالميه ، معالم فى الاصول ، معالم فى الكلام ، تفسير فاتحه ، تهذيب الدلائل ، حدايق الانوار فى حقايق الاسرار ، خمسين فى احوال الدين ، رساله الكامله ، تحصيل الحق فى الكلام ، لواضع اليينات ، محصل فى اصول الفقه ، احكام العالميه فى اعلام السماويه ، رساله فى الاخلاق نهايه العقول ، منطق الكبير ، برهان فى قرائة القرآن ، بحر الانساب ، اسرار التنزيل ، نموذج العلوم ، اساس التقديس ، المحصول فى علم الاصول ، الاربعين فى اصول الدين ، نهايه الايجاز ، نهايه العقول ، القضاء والقدر ، الخلق والبعث ، القراسه ، البيان و البرهان ، الملخص فى الحكمة ، المسائل الخمسون ، رساله النفس ، رساله النبوات ، شرح سقط الزند ، مناقب الامام شافعى ، شرح اسماء الله الحسنی ، لباب الاشارات ، گزشتہ اذین کتابها و رسائل معروف که عربی پرداخته بزبان فارسى نیز مؤلفات بسيار دارد ، از آن جمله : اختيارات العالميه فى احكام السماويه ، تعجيز الفلاسفه ، جامع العلوم معروف بستينى ، لطايف غياثى ترجمه اسرار التنزيل . امام فخر رازى در شعر فارسى نیز استاد بوده و بعضى از مقطعات و رباعيات او بما رسیده است .

۹) فریدالدین بن جمال الدین سلمان دهلوی معروف بشکر گنج یا گنج شکر از معارف عرفای قرن ششم بود و از مشایخ بزرگ سلسله چشتیه بشمارست و از مریدان خواجه قطب الدین بختیار کاکی بود که سلسله ایشان بابراهم ادهم منبیه و ندد . وی از نژاد فرخ شاه کابلی بوده و در قصه کهنتر بوال نزدیک مولتان ولادت یافته و از آنجا با قطب الدین بختیار دهلوی رفت و از آن پس در دهلوی میزیست تا در روز شنبه ۵ محرم سال ۶۰۸ در پنجاب رحلت کرد و همانجا مدفون شد و شیخ نظام الدین اولیا از مریدان وی بوده است ، فریدالدین شکر گنج شعراى فارسى را نیکومى سروده و بعضى رباعيات از و باقیست و نیز کتابى بنام راحة القلوب دارد .

۱۰) ابو حامد فریدالدین محمد بن ابی بکر ابراهیم بن مصطفی بن شعبان عطار نیشابورى از بزرگان عرفای ایران بود ، نسبت وی بابو ذرغفاری می رسد و بقول ضعیفی در ۶ شعبان ۵۱۳ در قرية کدکن از توابع نیشابور متولد شده و بیشتر عمر خود را در شهر نیشابور گذرانده و بعطاری و دوا فروشى و طبابت مشغول بوده است . گویند

در اوایل عمر چندی در شهر مشهد زندگی کرده و سپس مرقد هر دو ازده امام را زیارت کرده و مدتی در مکه معتكف بوده و کوفه وری و خراسان و سواحل جیحون و سیحون را سیاحت کرده و از راه چین و ختا بترکستان و هندوستان رفته و عاقبت بنیشابور باز گشته و تا آخر عمر در آنجا مقیم بوده است و در او آخر عمر منزوی بوده و اوقات را بجمع آثار عرفا و تألیف و نظم اشعار می گذرانده است، در باب رحلت وی اختلاف بسیار است و یازده قول مختلف در کتابها میتوان یافت: ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۷، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۳۳ بر کتیبه ای که درین زمان بر سر قبر وی در نیشابور باقیست و در زمان سلطان حسین بایقرا بفرمان علی شیر نوایی ساخته شده تاریخ رحلت وی را ۵۸۶ نوشته اند و ظاهراً این قول معتبرترین اقوال نیست و گویا درست ترین تاریخ ۱۰ جمادی الاولی ۶۱۸ باشد، عطارد را بزبان فارسی آثار بسیار است و بعضی آثار نیز بنام وی شهرت دارد که تردیدست ازو باشد، در نشر فارسی کتاب تذکرة الاولیاء از وی مانده که یکی از سلیس ترین کتابهای فارسی و بهترین نمونه سبک انشای عرفای ایران در قرن ششمست، اما در نظم گویند نزدیک بدویست هزار شعر سروده است، دیوان قصاید و غزلیات شامل ده هزار و صد بیت، مجموعه رباعیات او با اسم مختار نامه و خود در مقدمه ای که بنثر بر آن نوشته میگوید که شش هزار بیت رباعی سروده بود و خود نزدیک هزار بیت آنرا شسته و از میان برده و باز مانده را درین کتاب که شامل نوزده بابست تدوین کرده، مثنوی جواهر الذات شامل دو هزار بیت، مثنوی مظهر العجایب شامل چهار هزار بیت که از ۵۸۴ تا ۵۸۵ مشغول نظم آن بوده، مثنوی وصلت نامه، مثنوی بلبل نامه یا گل و بلبل شامل هزار بیت، مثنوی مصیبت نامه شامل هشت هزار بیت، مثنوی الهی نامه شامل هفت هزار بیت، اسرار نامه شامل دو هزار بیت، منطق الطیر شامل شش هزار بیت که بعد از ظهر سه شنبه بیستم ذی حجه ۵۷۳ تمام کرده است، خسرو و گل یا گل و خسرو و یا خسرو نامه شامل هفت هزار بیت، اشتر نامه شامل هزار بیت، معراج نامه شامل هزار بیت، جواهر نامه، شرح القلب، وصیت نامه، پند نامه شامل هزار بیت، هیلاج نامه، خیاط نامه، بیسر نامه شامل سیصد بیت، حیدر نامه یا حیدری نامه، لسان الغیب شامل سه هزار بیت، هفت وادی که قسمتی از منطق الطیر است، سیاه نامه،

جواب نامه ، پسر نامه ، لیلی و معجون ، محمود و ایاز ، مفتاح الفتوح ، کنز الاسرار ، صدپند ، گل و هرمز . کتابی هم بنشر باسم اخوان الصفا جزو مؤلفات او اسم بردمانند ، اما اذین میان قطعیت که مفتاح الفتوح و کنز الاسرار از عطارد نیست و در بعضی دیگر نیز شکست و آنچه قطاً ازوست دیوان و رباعیات و منطق الطیر و اسرار نامه و مصیبت نامه و الهی نامه و خسرو نامه است و نیز فتوت نامه منظوم کوچکی دارد .

(۱۱) مجدالدین ابوسعید شرف بن موید بن ابوالفتح بن غالب خوارزمی بغدادی از مردم بغدادك خوارزم بود و بهمین جهة بغدادی معروف شده است . وی نیز از بزرگان عرفای قرن ششم ایران بود . در ۵۴۴ ولادت یافت و از شاگردان مشهور نجمالدین کبری بشمار میرفت و با وی در خوارزم میزیست و گذشته از مقام تصوف مردی دانشمند و طیب ماهری بود و مدتی در دربار پادشاهان خوارزمشاهی زندگی کرده و برادرش بهاءالدین بغدادی کاتب تکش خوارزمشاه بوده و وی عاقبت شیخ الشیوخ خوارزم شد و چون در میان وی و یکی از سرداران ترك سلطان محمد خوارزمشاه که زن وی لیلی نام از مریدان شیخ بود دشمنی روی داد سلطان محمد بوی اجازه داد او را بسبب تهمتی که بشیخ زده بودند بکشد این واقعه در سلخ جمادی الآخره ۶۰۷ روی داد و وی را در خوارزم بفدك سپردند و اینك مزانش نزدیک تربت نجمالدین کبری معروفست مجدالدین بغدادی در شعر فارسی دستی داشته و اشعار عارفانه را نیکو می سروده و بعضی از غزلیات و رباعیات او بما رسیده است و نیز برخی مکاتیب بفارسی و رساله سفر بفارسی از او مانده است .

(۱۲) نجمالدین ابوالجناح احمد بن عمر خیوقی خوارزمی از مردم خیوه خوارزم بود و چون در مباحثه بر همه کس غالب میشد او را طامة الکبری لقب داده بودند بهمین جهة بشیخ نجمالدین کبری معروف شده است و او را ولی تراش هم لقب داده بودند . وی بزرگترین عارف قرن ششم ایران بود و در زمان خویش منتهای حشمت و احترام را داشت و عده ای کثیر از بزرگان مشایخ ایران چون مجدالدین بغدادی و نجمالدین دایه رازی و سیفالدین باخرزی و سعدالدین حموی و رضی الدین علی لالا غزنوی و نورالدین عبدالرحمن اسفراینی و جمال الدین گیلی و بابا کمال جندی از

شاگردان و جانشینان وی بوده‌اند. عاقبت در فتنه مغول در زمانی که خوارزم بدست مغولان افتاد در سال ۶۱۸ کشته شد و در گرگانج خوارزم وی را بخاک سپردند. از نجم‌الدین کبری بعضی رسایل بزبان عربی در تصوف مانده است از آن جمله فوائج الجلال و فوائج الجلال و رسالة الهائم و اصول العشرة و رسالة فی السلوک و رسالة الطريق یا اقرب الطرق الی الله و طول المع تنویر و لومة الدائم و هداية الطالبین و تفسیر در ۱۲ مجلد عربی و آداب المریدین و سکینه الصالحین و وصول الی الله و ده قاعده بفارسی و در شعر فارسی نیز توانایی داشته و بعضی رباعیات عارفانه بلند از وی به‌سازیده است. عبدالغفور لازمی از عرفای نامی قرن نهم رساله وی را در بیان طریق شطارد بفارسی شرح کرده است.

(۱۳) سعدالدین محمد بن مؤید بن ابی بکر بن ابی الحسن بن محمد بن حمویه حموی از عرفای بزرگ قرن ششم ایران و از شاگردان درجه اول نجم‌الدین کبری و از مردم جوین بود و در آنجا بسال ۵۸۶ ولادت یافت، مدتی در خوارزم نزد نجم‌الدین کبری می‌زیست و از آن پس بآسیای صغیر رفت و در حلب و قونیه توقف کرد و با صدرالدین قونیوی و محیی‌الدین ابن‌العربی محشور بوده است و در عصر خویش از بزرگان مشایخ بشمار میرفته و پس از آنکه مدتی در سوریه در جبل قاسیون در مشق منزوی می‌زیست در اواخر عمر بخراسان باز گشت و در بحر آباد جوین اقامت گزید و در آنجا روز جمعه دهم ذی‌قعدة سال ۶۵۰ بسن ۶۳ سالگی رحلت کرد و همانجا مدفون شد. وی نیز در شعر فارسی زبردست بوده و رباعیات شیوا دارد و در تصوف کتابهای سکینه الصالحین و سجنجل الارواح و کتاب‌المحسوب یا محبوب الاولیا و یا محبوب المحبین و مطلوب الواصلین را نوشته است که در آنها سخنان مرموز بکار برده است

۲ = قتی

نثر فارسی در قرن ششم از حیث اسلوب و کنایات و استعارات و مفردات و مرکبات تقریباً دنباله نشر قرن پنجم بوده است. درین دوره یگانه روش تازه‌ای که در نثر فارسی معمول شده و در دوره‌های بعد نیز برخی از نویسندگان از آن پیروی کرده‌اند آنست که در نثریش از حد لزوم مفردات و مرکبات زبان تازی را بکار برده‌اند و بآیات و

احادیث و کلمات قصار و جمله‌ها و اشعار زبان عرب استشهاد کرده‌اند و کامل‌ترین نمونه آن درین دوره چنانکه پس ازین خواهد آمد در آثار احمد بن حامد کرمانی و زیدری و نصرالله بن عبدالحمید منشی شیرازی باقی مانده است. نویسندگان بزرگ این دوره بدین گونه‌اند:

(۱) ابو بکر عتیق بن محمد سور آبادی هروی از دانشمندان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و یگانه اثری که از او باقیست تفسیر است از قرآن که بنام البارسلان سلجوقی پرداخته است.

(۲) محمد بن حسین هروی نیز از دانشمندان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم بوده و یگانه اثری که از او باقیست کتابیست در تاریخ برمکیان یا براهکه بشر فارسی بسیار خوب و ظاهر آنرا از کتابی که ابوالقاسم بن غسان بزبان تازی نوشته بود ترجمه کرده است و از روش انشای او پیداست که درین زمان می‌زیسته است.

(۳) ابوالمعانی یا ابوالحسن محمد بن عبیدالله غزنوی از خاندان علویان خراسان بود و پدرانش بیشتر در بلخ می‌زیسته و نقابت خراسان را داشته‌اند و وی در پایان قرن پنجم و اوایل قرن ششم زندگی می‌کرده و در سال ۴۸۵ کتابی درباره مذاهب و ادیان بنام بیان الادیان نوشته است که قدیم‌ترین کتاب در ملل و نحل بزبان فارسیست که بمانده است.

(۴) ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی، از بزرگان علمای عصر خود بوده و در فنون مختلف دست داشته و در ۴۷۱ درگذشته است. وی مؤلفات چند بزبان فارسی و عربی دارد از جمله تألیفات او بزبان تازی التبصیر فی الدین و تمیز الفرقه الناجیه عن الفرق الهالکین و کتاب الاوسط در ملل و نحل و تفسیری از قرآن بزبان فارسیست، نام وی را گاهی شهفور هم نوشته‌اند که مخفف شاهفور یا شاهپور باشد.

(۵) ابوالمعالی نصیرالدین نصرالله بن محمد بن عبدالحمید مشرف شیرازی غزنوی از بزرگان ادبای این قرن بوده و در غزنین در دربار پادشاهان غزنوی می‌زیسته و سمت مشرف داشته است و در پایان زندگی از وزرای خسرو ملک بوده است. نخست در زمان عبدالرشید بن مسعود غزنوی بترجمه کتاب معروف کلیله و دمنه از ترجمه عربی

عبدالله بن المقفع آغاز کرده و در حدود سال ۵۳۹ در زمان بهرامشاه آنرا پایان رسانیده و بهمین جهت بکلیه و دمنه بهرامشاهی معروف شده است. وی ظاهراً در پایان زندگی گرفتار شده و در زندان او را کشته‌اند و بزبان فارسی نیز شعر می‌گفته است.

۶) محمد بن غازی ملطیوی، از مردم ملطیه در آسیای صغیر و از ادبای معاصر ساجوقیان روم در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است. از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتاب روضة العقول است که شامل داستانهای بتقلید کلیله و دمنه و مرزبان نامه است و بزبان فارسی فصیح نوشته است.

۷) قاضی حمیدالدین ابوبکر بن عمر بن محمود بن محمودی بلخی، از مشاهیر زمان خود و ادبای معروف آن عصر و قاضی شهر بلخ و مردم تنفذی بوده و با انوری مناسبات بسیار داشته و انوری کراراً او را مدح کرده و در سال ۵۵۹ در همان شهر بلخ در گذشته است و مؤلف کتاب بسیار معروفیست بنام مقامات و معروف بمقامات حمیدی که بتقلید از مقامات بدیع الزمان همدانی و مقامات حریری نوشته و در اواخر جمادی الاخره ۵۵۱ پایان رسانیده است و از کتابهای معروف ادبی زبان فارسیست.

۸) افضل الدین یا حمیدالدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی از بزرگان ادبای زمان خود بوده و در کرمان می‌زیسته و چندی نیز در خراسان بوده است و از تاریخ نویسان بزرگ زبان فارسی بشمار می‌رود و سه کتاب در تاریخ کرمان نوشته است یکی عقد العلی فی موقف الاعلی در تاریخ ملک دینار از فرمانروایان کرمان که در صفر ۵۸۴ پایان رسانیده، و دیگر بدایع الزمان فی وقایع کرمان که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ در آن ضبط کرده و اصل کتاب از میان رفته اما محمد بن ابراهیم نامی که معلوم نیست کیست در قرن یازدهم همه مطالب آنرا بزبان ساده تر در کتابی بنام تاریخ ساجقه کرمان ضبط کرده است و نیز تاریخ نویسان قرن هفتم و هشتم و نهم که آنرا بدست داشته‌اند قسمت‌هایی از آنرا عیناً نقل کرده‌اند و پس از آن کتاب دیگری پرداخته است بنام المضاف الی بدایع الزمان فی وقایع کرمان که شامل حوادث از ۶۰۲ تا ۶۱۲ است و بدین گونه تا اوایل قرن هفتم نیز زیسته است.

۹) شرف الدین انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی، از بزرگان تاریخ ایران



درین دوره بود. در کاشان در ۴۵۹ ولادت یافت و نخست چندی از ۵۱۷ وزارت محمود سلجوقی را کرد و سپس وزیر محمود شده و پس از آن از ۵۲۶ تا ۵۲۸ وزارت مسترشد بالله خلیفه عباسی رسید و معاصرانش وی را بزرگ میدانستند و شعرای زمان مخصوصاً بزبان تازی وی را بسیار ستوده اند و سرانجام در ماه رمضان ۵۳۲ در گذشت و تحریری کتاب معروف مقامات خود را بدعوت وی نوشته است انوشیروان بن خالد از وزیران بسیار دانشمند ایران بوده و در نظم و نثر فارسی و تازی استاد بشمار می رفته و کتابی بزبان فارسی داشته است بنام نفثة المصدور و فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور که عمادالدین ابوعبدالله محمد بن صفی الدین ابوالفرج محمد بن نفیس الدین ابوالرجاء کاتب اصفهانی معروف بابن اخی العزیز یا عماد کاتب متولد در ۵۱۹ و متوفی در ۵۹۷ آنرا بنام نصرة الفترة وعصرة الفطرة بزبان تازی ترجمه کرده و سپس قوام الدین فتح بن علی بن محمد بنداری از ادبای نیمه اول قرن هفتم ایران آنرا بنام زبدة النصره و نخبة العصره تلخیص کرده است. انوشیروان بن خالد کتابخانه مهمی در کاشان دایر کرده بود که تا سال ۶۷۴ باقی بود.

(۱۰) **ظهیر الدین نیشابوری**، از شاعران و مورخان این زمان بوده و تنها اثری که از او باقیست کتاب سلجوقنامه است که در حدود ۵۸۲ تألیف کرده و برخی از مولفانی که پس از او بوده اند آنرا تهذیب کرده و در کتابهای تاریخ خود آورده اند و نیز راوندی در راحة الصدور مطالب آنرا مکرر کرده است.

(۱۱) **نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همت راوندی** از مورخان این دوره است که از خاندان فضل و دانش بوده است. نخست در اصفهان زیسته و سپس در عراق و همدان بوده و سرانجام بدربار سلجوقیان روم رفته و در آنجا در سال ۵۹۹ کتاب معروف راحة الصدور و آية السرور را در دربار غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قاج ارسال سلجوقی و بنام وی بیابان رسانیده است که از کتابهای روان زبان فارسیست و در ضمن بزبان فارسی شعر گفته است.

(۱۲) **نظام الدین یا نجم الدین ابوالحسن احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی** سمرقندی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده که در فنون مختلف دست داشته است و سپس

بدر بار پادشاهان غور رفته و بیشتر بخدمت حسام الدین ابوعلی اختصاص داشته و چهل و پنج سال در خدمت این خاندان زیسته و در ضمن سفرهایی در خراسان کرده و بادانشمندان زمان خود مربوط بوده و از ۵۰۴ تا ۵۴۷ درین نواحی سفرهای متعدد کرده و در حدود سال ۵۵۰ کتاب جالب معروفی نوشته است بنام مجمع النوادر که چون شامل چهارمقاله در صفت دبیری و شاعری و نجوم و طبست بچهار مقاله معروف شده و از یکی کتابهای معروف و ممتاز و فصیح زبان فارسیست و در شعر فارسی نیز دست داشته است.

(۱۳) ابونصر احمد بن نصر قباوی از ادبای ماوراءالنهر و شاید ساکن بخارا بوده است و از جزئیات احوالش آگاهی نیست جز آنکه در ۵۲۳ کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشی در ۳۳۲ بنام نوح بن نصر سامانی نوشته بود وی بفارسی بسیار خوب ترجمه کرده و اینک تلخیصی از آن که محمد بن زفر بن عمر کرده و ذکرش پس ازین خواهد آمد در دست هست.

(۱۴) محمد بن زفر بن عمر از ادبای ماوراءالنهر بوده و ظاهراً در شهر بخارا می زیسته و از احوال وی اطلاعی نیست جز اینکه کتاب تاریخ بخارا را که ابوبکر محمد بن جعفر نرشی در ۳۳۲ بنام نوح بن نصر سامانی بزبان تازی نوشته و ابونصر احمد بن محمد بن نصر قباوی در ۵۲۳ بفارسی ترجمه کرده وی در ۵۷۰ تلخیص کرده است و این کتاب از کتابهای جالب و فصیح فارسی ازین دوره است.

(۱۵) بهاء الدین محمد بن مؤید بغدادی برادر مجدالدین بغدادی عارف مشهور این دوره است که ذکرش گذشت. در دربار خوارزمشاهان و بیشتر منشی علاءالدین تکش بوده و تا ۵۸۸ زیسته است و از دبیران معروف و زبردست زمان خود بوده و مجموعه منشآت وی بنام التوسل الی الترسل یا رسالات بهایی در دستست.

(۱۶) اسحق بن ابراهیم بن ابوالرشید از نویسندگان نیست که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زیسته و مؤلف کتابیست در حکایات بفارسی فصیح و روان بنام فرائد السلوک فی فضایل الملوک که در ۶۱ تألیف کرده است.

(۱۷) محمد بن محمد بن محمد زنگی بخاری، از احوال وی نیز اطلاعی

نیست و کتابی ازو بدستست در حکایات بنام نزهة العاشقین که ازروش انشای آن پیداست در قرن ششم یا اوایل قرن هفتم نوشته است . .

( ۱۸ ) بهاء الدین محمد بن حسین بن احمد خطیبی بکری بلخی معروف ببهاءالدین ولد پدر مولانا جلال الدین از مردم بلخ بود و نسبش بابوبکر خلیفه می رسید و مادرش از خاندان خوارزمشاهان بود ، از دانشمندان و مخصوصاً واعظان معروف عصر خود بشمار می رفت و مدتی در خوارزم می زیست و بواسطه اختلافی که با سلطان محمد خوارزمشاه پیدا کرد در ۶۱۰ از آن سرزمین هجرت کرد. در راه در نیشابور با فرید الدین عطار دیدار کرد و درین سفر بیخداد و پس از گذاردن حج با سیای صغیر رفت و در شهرهای مختلف آن دیار مانند لارنده و ملاطیه و قونیه اقامت کرد و از ۶۱۷ بعد در قونیه زیسته است و در آنجا در روز آدینه ۱۸ ربیع الثانی ۶۲۸ در گذشت . بهاءالدین ولد واعظ بسیار زبردست زمان خود بوده و سخن را فصیح و بایغ می گفته و مجموعه مواعظ او را بنام معارف یا کتاب المعارف جمع کرده اند .

( ۱۹ ) کمال الدین محمد بن جمال الدین ابو الروح لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر میهنی ، نواده ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور قرن پنجم بوده و در حدود ۵۴۰ کتابی در مقامات و مناقب جد خود نوشته که بنام حالات و سخنان شیخ ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر میهنی در دستست

( ۲۰ ) محمد بن منصور بن ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر ، نواده دیگر آن عارف شهیر بوده است و وی نیز کتاب دیگری در مقامات و مناقب جد خود بنام اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید در حدود ۵۷۴ تألیف کرده است که از شاهکارهای زبان فارسیست .

( ۲۱ ) فخر الدین مبارکشاه محمد بن حسن بن محمد بن منصور بن سعید ابن ابوالفرج مروودی معروف بفخر مدبر نسبش بچهارده پشت بابوبکر خلیفه می رسید ، از بزرگان وزرا و ادبای عصر خود بود و در دربار پادشاهان غور

مانند علاء الدین و پسرش سیف الدین و غیاث الدین و شهاب الدین بیایگاه بلند رسیده بود و در فصاحت و نظم و نشر و کرم و سخاوت در زمان خویش نامبردار بود. سرانجام در شوال ۶۰۲ در گذشت و در نظم و نشر فارسی آثاری داشته از آن جمله یک مثنوی بیحرمتقارب در تاریخ سلاطین غور و دو کتاب بنشر از او مانده است یکی آداب الحرب و الشجاعة که در آن فوائد تاریخی بسیارست و نیز کتابی در شجره خاندان خود دارد بنام شجره انساب که مقدمه آن دارای مطالب تاریخی جالبست و بنام تاریخ فخرالدین مبارکشاه چاپ شده و گویند آنرا در ۶۰۳ پایان رسانیده و این البته درست نیست زیرا چنانکه گذشت در ۶۰۲ در گذشته است و شاید در همان سال وفات تألیف کرده باشد.

(۲۲) نجم الدین ابو حفص عمر بن محمد بن احمد بن اسمعیل بن محمد بن علی بن اقمان نسفی سمرقندی معروف بمفتی الثقلین از بزرگان علمای ماوراءالنهر ساکن سمرقند بوده در ۶۱۱ ظاهراً در شهر نسف یا نخشب ولادت یافته و در ۵۳۷ در سمرقند در گذشته است. وی از فقهای معروف حنفی در زمان خود بود و مولفاتی درین زمینه دارد از آن جمله منظومه‌ای در پانصد بیت و ده باب در اختلاف بین ائمه سنت و نیز رساله‌ای بفارسی در بیان اعتقادات اهل سنت و جماعت از او مانده است که در ماه رجب ۵۳۵ که سنجر بسمرقند رفته است از او خواسته‌اند و وی آنرا در کمال سلاست و فصاحت نوشته است و نیز کتاب القند فی مین علماء سمرقند ازوست که بفارسی نوشته است.

(۲۳) علی بن عبدالله بن معاذ حلیمی بخاری، از حکما و عرفای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و یگانه اثری که از او بدستست کتابیست در اخلاق و معارف و تصوف بنام بحر المعانی و صفو الایمانی که در حدود ۶۰۱ پایان رسانیده و در آن نظم و نشر فارسی بسیار جالب بکاربرده

(۲۴) قاضی محمد بن محمد بن نصر واکتی، از دانشمندان ماوراءالنهر بوده و از احوالش جزین خبری نیست که کتابی بسیار جالب و در کمال فصاحت و دارای

مطالب تاریخی مهم در معارف و سلوک و تصوف بنام زادالمقویین نوشته و از روش انشای آن کاملاً پیداست که در همین عصر می زیسته است .

( ۲۵ ) امام ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین بیهقی معروف بابن فندق نسبش بخزیمه بن ثابت ذوالشهادتین از یاران پیغمبر می رسید و از خاندان دانش بود، در بیوت در ناحیه سبزوار روز شنبه ۲۷ شعبان ۴۹۳ ولادت یافت و از دانشمندان جامع زمان خود بود که در علوم مختلف دست داشت و بزبان فارسی و تازی مؤلفات بسیار داشته است و در ۵۶۵ در گذشته است .

مؤلفات وی بزبان تازی بدین قرار است : مشارب التجارب و غوارب الغرائب در تاریخ زمان خود از سال ۴۱۰ تا ۵۶۰ که ذیلیست بر کتاب معروف تجارب الامم تألیف ابوعلی مسکویه ، اسئلة القرآن مع الاجوبه ، اعجاز القرآن ، الافاده فی کلمة الشهادة ، المختصر من الفرائض ، الفرائض بالمجدول ، اصول الفقه ، قرائن آیات القرآن ، معارج نهج البلاغه که یکی از قدیم ترین شروح برین کتابست ، نهج الرشاد فی الاصول ، کنز المحیج فی الاصول ، حلاء صداء الشک فی الاصول ، ایضاح البراهین فی الاصول ، الافاده فی اثبات الحشر و الاعاده ، تحفة الساده ، التحریر فی التذکیر ، الموقیعه فی منکر الشریعه ، تنبیه العلماء علی تمویه المشتبهین ، ازاهیر الریاض المریعه و تفسیر الفاظ المحاوره و الشریعه ، کتاب اشعار ، درر السحاب و درر السحاب فی الرسائل ، ملح البلاغه ، البلاغه الخفیه ، طرائق الوسائل الی حدائق الرسائل ، رسائل المتفرقه ، عقود اللئالی ، غرد الامثال و درر الاقوال ، الانتصار من الاشرار ، الاعتبار بالاقبال و الادبار ، وشاح دمية القصر که ذیلیست بر کتاب دمية القصر باخرزی در احوال و اشعار شاعران زبان عرب معاصر وی ، درة الوشاح تمة کتاب الوشاح ، اسرار الاعتذار ، شرح مشکلات المقامات الحریری ، کتاب العروض ، ازهار اشجار الاشعار ، آداب السفر ، مجامع الامثال و بدائع الاقوال ، ذخائر الحکم ، شرح الموجز المعجز ، اسرار الحکم ، عرائس النفائس ، اطعمة المرضى ، المعالجات الاعتباریه ، کتاب السموم ، کتاب فی الحساب ، خلاصة الزیجد ، اسامی الادویه و خواصها و منافعها

معروف بتفاسیر العقاقیر ، جوامع الاحکام ، امثلة الاعمال النجومیه ، موامرات الاعمال النجومیه ، غرر الاقیسه ، معرفة ذات الحلق والکرة والاصطرلاب ، احکام القرانات ، ربیع العادفین ، رباحین العقول ، الاراحة عن شدائد المساحة ، المشتهر فی نقض المعبر دررد بر کتاب المعبر ابو البرکات بغدادی حکیم معروف ، بساتین الانس و دساتین الحدس فی براهین النفس ، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجاة کتاب معروف ابن سینا ، کتاب الامانات فی شرح الاشارات شرح کتاب دیگر ابن سینا ، رقیات التشبیہات علی خفایا المختلطات بالجداول ، شرح رسالة الطیر رسالة معروف ابن سینا ، شرح الحماسة ، الرسالة العطارة فی مدح بنی الزناره ، تعلیقات فصول بقراط ، شرح شعر البحتری و ابی تمام ، شرح شهاب الاخبار ، تمة صوان الحکمه که ذیلست بر کتاب صوان الحکمه ابو سلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سکزی در احوال حکمای قدیم و اسلام و ابن کتاب را ناصر الدین بن عمدة الملک منتجب الدین منشی یزدی مورخ معروف قرن هشتم بنام درة الاخبار و لمعة الانوار بفارسی ترجمه کرده است . از مولفات او بزبان فارسی کتاب الرسائل و عقود المضاحک و نصایح الکبراء و حصص الاصفیا فی قصص الانبیاء علی طریق البلاغ و کتاب جوامع احکام النجوم و کتاب معروف تاریخ بیهق که در ۵۶۳ تألیف کرده است و شرح نهج البلاغة و معارج نهج البلاغة نام دارد ، کتاب دیگری از او باقیست بنام لباب الانساب .

( ۲۶ ) سید زین الدین ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسینی **میر عجمانی** یکی از معروف ترین پزشکان ایران در سال ۴۳۴ ولادت یافت و بیشتر زندگی خود را در دربار خوارزمشاهان گذرانیده و از زمان قطب الدین محمد تازمان اتسز طبیب دربار این خاندان بوده و ریاست بیمارستان خوارزم را داشته و سرانجام در ۵۳۱ درگذشته است . وی نخست کتاب بسیار جالبی بنام ذخیره خوارزمشاهی شامل همه مباحث طب بزبان فارسی بسیار فصیح در سال ۵۰۴ نوشته است و سپس خلاصه ای از آن بعنوان اغراض الطیبه و مباحث العلایه بنام اتسز و وزیرش مجدالدین ابو محمد صاحب بن محمد بخاری ترتیب داده و پس از آن کتابی که باز

مختص ترست بنام خفی علایی یا الخفیة العلایة پرداخته است .

۲۷) نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل بن ابوالحسین بن ابوالفضل قزوینی رازی از دانشمندان شیعه ساکن شهری بوده و در رد کتابی که يك تن از اهل سنت بنام بعض فضائح الروافض در رد بر شیعه نوشته بود کتاب بسیار جالبی بزبان فارسی بسیار روان پس از سال ۵۵۶ بنام کتاب النقض یا بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض نوشته است که فواید بسیار دربردارد.

۲۸) شرف‌الدین محمد بن مسعود مسعودی مروزی بخاری حنفی ، از دانشمندان معروف مسافران النهر درین دوره و ساکن بخارا و استاد رضی‌الدین نیشابوری شاعر معروف بوده است و از بزرگان علمای ریاضی و طبیعی و نجوم در زمان خود بشمار می‌رفته و کتابهای چند درین فنون نوشته است از آن جمله کتاب الکفایه فی علم الهیئه بزبان تازی که خود آنرا بنام جهان دانش بفارسی ترجمه کرده و در ۵۴۹ م. پایان رسانیده و نیز رساله‌ای بفارسی در آثار علوی دارد و شرحی بر خطبه غراء ابن سینا بزبان تازی و کتاب الہادی فی الفروع و کتاب المباحث والشکوئ .

۲۹) ظهیرالدین ابوالمحمد محمد بن مسعود بن زکی غزنوی ، وی نیز از دانشمندان نامی این عصر بوده و در نجوم دست داشته و کتابی بفارسی بنام کفایة -  
التعلیم فی صناعة التنجیم نوشته که از ۵۴۰ تا ۵۴۲ مشغول تألیف آن بوده و شرف بر سر وی  
متوفی در ۶۳۶ آنرا بنام مفاتیح النجوم و مصابیح العلوم تلخیص کرده است .

(۲۰) ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمد نیشابوری ، از متصوفه قرن ششم  
خراسان بوده و پس از سال ۵۵۰ رساله قشیریّه تألیف ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن  
قشیری عارف مشهور در گذشته در ۴۶۵ را که از معروف ترین کتابهای تصوفست ترجمه  
روان و دقیقی کرده است . این کتاب را نخست یکی از شاگردان مؤلف که ابوعلی بن  
احمد عثمانی نام داشته ترجمه کرده بود و چون ترجمه وی دقیق نبود وی باین کار  
همت گماشته است .

(۳۱) ابن الهیثمی، از دانشمندان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم در فارس.

بوده که از احوال وی اطلاعی نیست و یگانه اثری که از وهست کتاب فارس نامه است که در دستگاه رکن الدوله خمارتگین والی فارس از جانب محمد بن ملک شاه سلجوقی که مستوفی دیوان او بوده پیش از سال ۵۱۱ تألیف کرده است .

(۳۲) امام محیی السنه ابو محمد حسین بن مسعود قراء بغوی از مردم بغشور در میان مرو و هرات و از بزرگان فقههای خراسان بوده و در ۵۱۶ در گذشته است . وی مؤلفات چند در تفسیر و حدیث و فقه دارد از آن جمله تفسیر معالم التنزیل و کتابی در فقه بفارسی نوشته است بنام الکفایه فی فروع الشافعیه یا کفایة فی الفقه که از کتابهای رایج فقه شافعی بزبان فارسیست .

(۳۳) ابو الفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد شهرستانی شافعی اشعری ، از بزرگان حکمای متکلم زمان خود بود در ۴۶۷ ولادت یافت و از مردم شهرستان نزدیک نسا بود ، مدتی ساکن خوارزم و بغداد بود و در پایان زندگی در خراسان میزیست و چندی در دربار سنجر بود تا آنکه بزادگاه خود بازگشت و در آنجا پس از ۵۴۸ در گذشت . وی چند کتاب مهم بزبان تازی نوشته است یکی کتاب الملل والنحل که افضل الدین بن صدرالدین ترکه اصفهانی بفارسی ترجمه کرده و در ۸۴۳ پایان رسانیده است ، دگر کتاب المصارعه و این هر دو کتاب را بنام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات ترمذ تألیف کرده و دیگر تلخیص - الاقسام لمذاهب الانام فی علم الکلام ، کتاب العیون والانهار ، کتاب المناهج والآیات یا المناهج والبیان ویا المناهج والبینات ، کتاب الارشاد الی عقائد العباد ، دقائق الاوهام ، کتاب المبدأ والمعاد ، شرح سورة یوسف ، کتاب الاقطار فی الاصول ، غایة المرام فی علم الکلام ، قصة موسی والخضر ، اسرار العباد ، تاریخ الحكماء ، نهاية الاقدام فی علم الکلام ، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار در تفسیر ، رساله در علم واجب الوجود . از جمله آثار وی که بزبان فارسی مانده مجلس وعظیست که در خوارزم کرده است .

(۳۴) جلال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد رازی ، از دانشمندان بزرگ شیعه ساکن ری بوده و نسبش ببیدیل بن و رقاء خضاعی از صحابه می رسد و خانواده اش در نیشابور و بیهق و ری سکونت داشته اند و خود در ری از واعظان



معروف بوده و درین شهر در گذشته و مقبره‌اش اکنون در بقعه امامزاده حمزه در شاهزاده عبدالعظیم معروفست. وی مؤلفات چند داشته است از آن جمله شرح الشهاب شرح شهاب الاخبار ابو عبدالله محمد قضاعی و رساله یوحنا در رد مذاهب اربعه و رساله حسنیه در امامت و معروف ترین کتاب او تفسیر بزرگبخت بزرگان فارسی بنام روض الجنان و روح الجنان که مهم ترین کتابیست که درین رشته بفارسی نوشته‌اند و این کتاب را در میان سالهای ۵۱۰ و ۵۵۶ تألیف کرده است.

(۳۵) ابوعلی حسن بن علی قطان مروزی، از حکما و پزشکان معروف زمان خود بوده است. پدرانش از مردم بخارا بوده‌اند و وی در ۴۶۵ در مرو ولادت یافته و همواره در آن شهر می‌زیسته و کتابخانه بزرگی داشته که در ۵۳۶ لشکریان اتسر خوارزمشاه غارت کرده‌اند و سرانجام در ماه رجب ۵۴۸ که ترکان غز بر خراسان استیلا یافتند بدست ایشان اسیر شد و چندان در دهانش خاک ریختند که هلاک گشت. وی بزبان تازی و فارسی مؤلفات چند داشته از آن جمله کتابی در عروض فارسی و دیگر مشجر نسب ابی طالب و کتاب الدوحه در انساب و رسائلی در طب و معروف ترین اثر او کتاب کیمیا شناخت در علم هیئتست که در میان سالهای ۴۹۸ و ۵۰۰ تألیف کرده است.

(۳۶) ابوحاتم مظفر اسفزاری، از بزرگان علمای ریاضی و نجوم در زمان خود بود و در تنظیم تقویم جلالی با عمر خیام و دانشمندان دیگر همکاری کرده و میزان ازشمیدس را که برای تمیز غش و عیار فلزاتست برای سلطان سنجر ساخته اما سعادت خازن خزانه‌دار سنجر از بیم آنکه خیانت وی در خزانه سلطان آشکار شود آنرا خرد کرد و ابوحاتم از شدت تأثر درین واقعه در گذشت و پیش از سال ۵۱۵ در گذشته است. وی مؤلفات بسیار در ریاضی و آثار علوی و جبر افعال و علم حیل و حرکات ستارگان داشته و آنچه از او مانده اختصار اصول اقلیدس بتازی و رساله آثار علوی یا کائنات جو بفارسی و دیگر رساله‌الشبکه بفارسیست. رساله کائنات جو را برای فخرالملک پسر نظام الملک نوشته که در محرم سال ۵۰۰ بدست فداییان اسمعیلی کشته شده است و رساله‌الشبکه در باره گوهرهاییست که صورت آنها متشبه باشد و آنرا برای برکیارق

پسر ملک‌شاه سلجوقی نوشته است .

(۳۷) ابوسعید محمد بن محمد غانمی هروی نیز از دانشمندان مسلم زمان خود بوده و در هرات می‌زیسته و در علوم طبیعی و ریاضی دست داشته و مؤلفات چند داشته است یکی کتاب الالوان یا هوان الالوان و دیگر قراضة طبیعیات بفارسی که بشکل سؤال و جواب در مسایل طبیعی نوشته و بخط آنرا باین سینا نسبت داده‌اند .

(۳۸) شرف‌الدین ابوالفضل حبیش بن ابراهیم متطبب تفریسی ، از بزرگان دانشمندان این دوره بود و در علوم مختلف زبردست بوده است و در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌زیسته و در ۶۲۹ درگذشته است . وی را مؤلفات چندست بفارسی و تازی و از آن جمله کتاب کامل التعبير بفارسی که برای قلج ارسلان بن مسعود از سلجوقیان روم ( ۵۵۱ - ۵۸۴ ) نوشته است و رایج‌ترین کتاب درین زمینه است و دیگر از مؤلفات اوست : بیان الطب بفارسی ، ملحة دانیال یا اصول الملاحم بفارسی ، کتاب القوافی بفارسی ، کفایة الطب بتازی ، بیان الصناعات در حیل و صنایع ، بیان التصریف بتازی ، قانون الادب در لغت عربی بفارسی ، بیان النجوم بفارسی و چند رساله دیگر .

(۳۹) بهاء‌الدین یا ظهیرالدین محمد بن علی بن محمد بن حسن ظهیری کاتب سمرقندی ، از بزرگان ادبای ماوراءالنهر و از وزیران خاندان خاتیه یا آل افراسیاب و مدتی صاحب دیوان رکن‌الدین قلج طمغاچ خان بن مسعود بن حسین از پادشاهان این سلسله بوده است و چند کتاب جالب نوشته است یکی اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة در آداب سلطنت که پس از ۵۵۲ نوشته است و دیگر سمع الظهیر فی جمع الظهیر و سندباد نامه که بنام همان قلج طمغاچ خان پرداخته است . این کتاب که از داستانهای معروفست ظاهراً از هند بایران آمده و در زمان ساسانیان به بلوی ترجمه شده و رودکی آنرا بنظم آورده است سپس در ۳۳۹ به فرمان نوح بن نصر سامانی ( ۳۳۱-۳۴۳ ) خواجه عمید ابوالفوارس فناووزی آنرا بزبان دری نقل کرده و سرانجام ظهیرالدین آنرا تهذیب کرده است .

(۴۰) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعدمنشی جرفاقدانی ، از ادبای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و در دربار جمال‌الدین الغباریک آبی ابه

از اتابکان لرستان می زیسته و در ۶۰۳ کتاب یمینی در تاریخ سبکتگین و محمود غزنوی تألیف ابونصر عتبی را بنام ابوالقاسم علی بن حسن وزیر بفارسی ترجمه کرده است .  
 (۴۱) بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کتاب ، معروف باین اسفندیار از ادبای طبرستان در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و در دربار پادشاهان آل باوند می زیسته است . پیش از سال ۶۰۶ سفری ببغداد کرده بود و چون درین سال نصیرالدوله شمس الملوک رستم بن اردشیر باوندی کشته شد و مردم طبرستان بساطان محمد خوارزمشاه پیوستند از بغداد بری آمد و در کتابخانه مدرسه شهنشاه غازی رستم بن علی بن شهریار کتابی را که ابوالحسن بن محمد یزدادی بزبان تازی در قسمتی از تاریخ طبرستان نوشته بود بفارسی ترجمه کرد و آنرا اساس کار خود قرار داد که کتابی در تاریخ طبرستان بفارسی بنویسد . در همین هنگام نامه ای از پدرش رسید و او را بطبرستان خواند و وی بآمل رفت و چندی در دستگاه پادشاهان طبرستان بود و سپس بخوارزم رفت و چندی در آنجا ماند و پس از پنج سال اقامت در آن دیار در بازار صحافان مجموعه ای بدستش افتاد که ترجمه ای از نامه تنسر مؤبدان مؤبد زمان اردشیر بابکان بگشنسب شاه پادشاه طبرستان در آن بود که عبدالله بن المقفع آنرا بزبان تازی ترجمه کرده بود ، آنرا نیز بفارسی ترجمه کرد و مقدمه تاریخ طبرستان خود قرار داد و بدین گونه کتاب خود را در حدود سال ۶۱۳ پیاپیان رسانیده است که یکی از مهم ترین کتابهای تاریخ ایرانست . بیش ازین از احوال و آثار وی اطلاعی نیست .

(۴۲) شمس الدین محمد بن قیس رازی ، از ادبای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است . از مردم ری بود و مدتی در خراسان و خوارزم و ماوراءالنهر می زیست و چندی در بخارا و مرو بود و در فتنه مغول از آنجا بعراق آمد و مدتی در دستگاه سلطان محمد خوارزمشاه و در جنگها همراه وی بود و سرانجام در حدود سال ۶۲۳ بفارس رفت و بخدمت اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹ - ۶۲۸) پیوست و از ندیمان او شد و پس از مرگ وی همین سمت را در دربار پسرش اتابک ابوبکر داشت و دیگر از احوال وی اطلاعی نیست . وی در فنون ادب مؤلفات چند داشته است

از آن جمله کتاب الکافی فی العروضین والقوافی در عروض و قوافی فارسی و عربی ، دیگر حدائق المعجم و معروف ترین کتاب او کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم است که در ۶۱۴ در خراسان بتألیف آن آغاز کرده و در حدود ۶۳۰ در فارس پایان رسانیده است . اصل این کتاب نخست بزبان تازی بوده و سپس آنچه را که درباره عروض و قوافی و بدیع فارسی بوده بدین گونه که اکنون در دست است استخراج کرده است و مهم ترین کتاب درین زمینه بشمار می رود .

(۴۳) سید صفی الدین مرثضی بن داعی بن قاسم حسنی رازی ، از علمای شیعه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده و از احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه کتابی در ملل و نحل بفارسی تألیف کرده است که معروف ترین کتاب درین زمینه است بنام تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام یا تبصرة العوام فی تفضیل مذاهب الملتین که آنرا بخط برخی بابو الفتوح رازی دانشمند معروف که ذکرش گذشت و برخی بسید شریف علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسین معروف بسید مرثضی عالم معروف شیعه (۳۵۵-۴۳۶) نسبت داده اند .

(۴۴) زین الدین عمر بن سهلان ساوجی ، از بزرگان حکمای ایران بوده است از جزئیات احوالش جزین اطلاعی نیست که نخست قاضی شهر ساره بود و سپس بنیشابور رفته و مدتی در آن شهر می زیسته و نسخهای کتاب شفای ابن سینا را بخط خود می نوشته و هر نسخه را صد دینار می فروخته و ازین راه زندگی می کرده است و کتابخانه ای معروف در شهر ساره داشته که پس از مرگش برای سوکواری و سوختن در بجزین از احوالش اطلاعی نیست و پیدا است که پیش از سال ۵۶۵ که ابوالحسن بیهقی تلمه صوان الحکمه را نوشته در گذشته است . وی را در فنون مختلف حکمت و منطق و ریاضیات و نجوم بفارسی و عربی مؤلفات چند است از آن جمله کتاب البصائر النصیره در منطق که از معروف ترین کتابهای این فن است و برای نصیر الدین ابوالقاسم محمود بن مظفر بن عبدالملک بن ابی توبه مروزی خوارزمی نوشته که در ۴۶۶ ولادت یافته و از ۵۲۱ تا ۵۲۶ وزیر سنجر بوده است ، دیگر شرح رساله طیر ابن سینا بفارسی ، تبصرة در منطق بفارسی ، رساله نقیض مطلقه یا رساله فی تحقیق نقیض الوجود بفارسی ،

رساله در منطق بفارسی ، التوطئه ، الرسالة السنجریه فی الکائنات العنصریه بفارسی که برای سنجرنوشته است ، کتابی در حساب و مؤلفات دیگری هم داشته است که پس از مرگش سوزانده اند .

(۴۵) محیی الدین ابومحمد عبدالقادر بن ابوصالح عبدالله جنگی دوست بن ابوعبدالله بن یحیی الزاهد بن داود بن موسی بن عبدالله بن موسی الجن بن عبدالله المحض بن حسن المثنی بن حسن بن علی بن ابوطالب جیلی گیلانی ، از بزرگان عرفای ایران ، در ده نیف در خاک گیلان در رمضان ۴۷۰ ولادت یافت و در ۱۸ سالگی برای کسب دانش به بغداد رفت و علوم متداول زمان را از دانشمندان معروف آن شهر فرا گرفت و در بغداد ساکن شد و از واعظان معروف آن شهر و در ضمن وارد حلقه تصوف شد و فرقه مخصوصی را تاسیس کرد که بمناسبت نام وی بطریقه قادری معروفست و هنوز در عراق و ترکیه و سوریه و شمال آفریقا و هند و پاکستان و افغانستان پیروان بسیار دارد و مریدانش وی را « غوث اعظم » لقب داده اند . سرانجام در بغداد در ۱۱ ربیع الثانی ۵۶۱ در گذشت و قبرش از زیارتگاه های معروف بغدادست و اوقاف بسیار دارد و متولیان اوقاف آن بنام جیلی و جیلانی معروفند . وی در عصر خود شهرت و نفوذ بسیار داشته و جمعی کثیر پیرو طریقه او بوده اند و فرزندان متعدد داشته که بازماندگان ایشان تا مدتهای دراز در تاریخ معروفند . وی مؤلفات بسیار دارد از آن جمله است : الغنیه لطالب طریق - الحق ، الفتح الربانی ، فتوح الغیب ، حزب بشائر الخیرات ، جلاء المخاطر ، المواهب - الرحمانیه و الفتوح الربانیه فی مراتب اخلاق السنیة و المقامات العرفانیة ، بواقیت الحکم ، القیوضات الربانیه فی اورداد القادریه ، مجموعه مکاتیب و مواعظ او بفارسی نیز در دستست و دیوان اشعار فارسی او نزدیک هزار بیت غزل باقی مانده است . در مناقب و مقامات وی کتابهای بسیار بفارسی و عربی نوشته اند و تاکنون درباره هیچ یک از مشایخ تصوف تا این اندازه کتاب نوشته نشده ، آنچه بفارسیست عبارتست از کتاب حجة البیضا فی رداهل الطغی تألیف محمد مرید محیی الدین حنفی قادری نقشبندی پشاورى و کتاب ذهاب الصواب تألیف علی قادری و کتاب نسایم یا نسائم القادریه یا نسائم الغوثیه که مؤلف آن معلوم نیست و تفریح المخاطر فی مناقب عبدالقادر تألیف محمد صادق

قادری شهابی صدری که عبدالقادر بن محیی‌الدین اربلی قادری عربی ترجمه کرده و آنچه بزبان تازیست بدین گونه است: *قللند الجواهر* تألیف محمد بن یحیی تادفی حنبلی، *بهجة الاسرار* و *معدن الانوار* تألیف نورالدین ابوالحسن علی بن یوسف بن جریر لخمی شطنوفی شافعی متولد در ۶۴۴ و متوفی در ذی‌الحجۃ ۷۱۳، *روضۃ الناظر* تألیف فیروز آبادی، *غیبة الناظر* تألیف شهاب‌الدین احمد ابن حجر عسقلانی، *انوار الناظر* تألیف ابوبکر عبدالله بن نصر بکری بغدادی، *انتهی المفاخر فی مناقب عبدالقادر* تألیف همان مؤلف، *درر الجواهر* تألیف سراج‌الدین عمر بن علی معروف بابن‌الملقن، *نزهة الخاطر* فی ترجمه سیدی‌الشریف عبدالقادر تألیف ملاعلی بن سلطان محمد قاری متوفی در ۱۰۱۶، در *المفاخر* تألیف عبدالقادر یمنی، *نزهة الناظر* تألیف علی بن عبداللطیف بغدادی، *الشرف الباهر* و *مناقب الشیخ عبدالقادر* هر دو تألیف امام قطب‌الدین موسی متوفی در ۷۲۶، *روض البساتین فی اخبار مولانا السید عبدالقادر* تألیف محمد الامین تونسلی، *انهار المفاخر* تألیف محمد غوث‌الدین شافعی مدراسی، *الروض الظاهر فی مناقب عبدالقادر* تألیف ابوالعباس احمد قسطلانی. گذشته ازین کتابهای فارسی و عربی محمد علی عینی نیز کتابی بزبان فرانسه نوشته است. کتاب *فتوح الغیب* وی را شیخ عبدالحق محدث دهلوی از دانشمندان معروف هند فارسی ترجمه کرده است. *طریقه قادری* با همه رواجی که در خارج از ایران در همه کشورهای اسلام داشته در ایران به جز کردستان چندان رایج نشده است و سبب آن درست معلوم نیست.



بجزین کتابهای مهم بزبان فارسی که درین دوره تألیف شده سه کتاب بسیار جالب نیز درین زمان نوشته شده است: نخست ترجمه کتاب *الفتوح* ابو محمد احمد بن اعثم کوفی متوفی در ۳۱۴ است که در تاریخ خلفای راشدین و فتوح ایشان نوشته شده است. این کتاب را نخست مؤید‌الملک قوام‌الدین وزیر در ۵۹۶ که در تایباد خراسان بود به محمد بن احمد بن ابوبکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر ضی‌الکتاب دستور داده است به فارسی ترجمه کند و چون وی قسمتی را از آن ترجمه کرده در گذشته است و پس از مرگ او

محمد بن احمد بن ابی بکر مابیزنابادی ترجمه آن را پایان رسانیده و از بهترین کتابهای نثر فارسیست.

دیگر کتابیست بنام مجمل التواریخ و القصص که مؤلف آن معلوم نیست و در سال ۵۲۰ نوشته شده است و کتاب بسیار سودمند است در تاریخ عمومی تا زمان مؤلف که بزبان بسیار فصیح و روان نوشته شده و همین قدر معلومست که مؤلف وی از مردم همدان بوده است.

دیگر داستان سمک عیارست که فرامرزبن خداداد بن عبدالله کاتب ارجسانی حکایات آنرا جمع کرده و از زبان ابوالقاسم نامی گرد آورده و همه داستانهای آن ایرانیست و پهلوان عمده آن سمک عیار نام دارد و این داستانها را فرامرزبن خداداد از صدقه بن ابوالقاسم شیرازی نقل کرده است و در روز سه شنبه چهارم جمادی الاخره ۵۸۵ بگرد آوردن و نوشتن آن آغاز کرده است و از بهترین نمونههای نثر فارسی روان در قرن

در قرن هفتم یکی از ناگوارترین حوادثی که ممکنست برای ملتی پیش آید ملت ایران را روی داد و آن فتنه مغول بود که در سال ۶۱۶ ظاهر شد. سپاه چنگیز خان در غره ذبیحجه ۶۱۶ شهر بخارا را قتل و غارت کرد و این نخستین شهری بود که از قلمرو ایران بدست سپاهیان خونخواه نامردم مغول افتاد. سلطان جلال الدین منکبرنی خوارزمشاه که تا سال ۶۲۸ هم زنده بود یارای برابری با سپاه مغول نداشت و همواره در جنگ و گریز بود و درین جنگها لشکریان چنگیز بتدریج تمام شهرهای خراسان و عراق را بظاڪ و خون کشیدند و سپاهی که حداقل آنرا هشتصد هزار دانسته اند از بخارا تا همدان را میدان ترکتازی و قتل عام قرار دادند و چندان مصایب در ایران روی داد که در تاریخ هیچ ملتی نظیر آن نیست. این گیرودار تا سال ۶۳۲ یعنی مدت شانزده سال کشید و درین مدت مردم دیار ما دقیقه ای آسایش و امان نداشتند. جمعی کثیر که کمترین شماره آنرا يك میلیون و ششصد و ده هزار

نوشته‌اند در خانه‌های خود بی‌گناه کشته شدند و شاید عده دیگر بهمین اندازه در میدانهای جنگ جان سپرده باشند و شهرهای بزرگ ایران که بیشتر آنها سابقه ششصد سال تمدن داشتند مانند بخارا و سمرقند و ترمذ و بلخ و غزنین و هرات و مرو و طوس و دامغان و ری و قم و قزوین و زنجان و همدان و مراغه و نیشابور و اصفهان با خاک و خون یکسان شدند و حتی در بعضی شهرها مانند نیشابور زنان و کودکان را هم کشتند. پس از آن تا سال ۶۵۰ بازمغول در ایران بکشتار و کشورگیری سرگرم بود و فقط درین سال هولاکو خان پادشاه مغول که خواست در ایران پادشاهی کند و بعمال ایرانی محتاج بود امن و آسایشی درین مملکت برقرار کرد و بهمین جهت مدت نزدیک پنجاه سال از اوایل قرن هفتم درین دار و گیر هولناک سپری شد و این حوادث رمق از مردم ایران گرفته بود، بهمین جهت ادبیات ایران تا مدتها در ضعف و انقراض بود، چه عده کثیری از دانشمندان ایران درین میان کشته شدند و آنان نیز که جان بدر بردند بخارج از ایران یعنی به هندوستان و آسیای صغیر که قلمرو سلاجوقیان روم بود پناه بردند و ایران از مرد تهی شد. مخصوصاً ضرر بزرگی که متوجه ایران گشت این بود که در مدت چهارصد سال که از تمدن اسلامی ایران گذشته بود علوم و ادبیات باوج کمال خود رسیده بود و اگر وقفه پیش نمی‌آمد قطعاً بجای بالانتر میرسید چنانکه یکی از چند تن از ادبا و علمای ایران که به هندوستان و آسیای صغیر گریختند چنان اساسی گذاشتند که مدت هفتصد سال در هندوستان در دربارهای سلاطین مسلمان مخصوصاً در دربار پادشاهان بابری و در قلمرو عثمانی در دربار پادشاهان آل عثمان باقی ماند و حتی در زمانهایی که در ایران ضعف و فتوری پدیدار می‌گشت در آن ممالک جبران می‌شد. دوره ترقی ادبیات در ایران از اواسط قرن هفتم دوباره آشکار شد و سبب آن بود که جانشینان هولاکو برای کشوربانی بایرانیان محتاج بودند و اندکی بعد در ماه محرم ۶۸۱ که تگودار بجای پدرش ابقاخان پادشاه شد با اسم سلطان احمد مذهب اسلام را پذیرفت و عنصر ایرانی بر عنصر مغول غلبه یافت و از آن ببعد مغولانی که در ایران بودند از حیث آداب و رسوم و تمدن ایرانی



شدند. این تغییر مهم بواسطه مساعی خواجه نصیرالدین محمد طوسی ندیم هولاکو-  
خان و خاندان جوینیان مخصوصاً شمس الدین محمد صاحب دیوان جوینی وزیر ابقاخان  
حادث شد. بهمین جهت است که در نیمه اول قرن هفتم ضعفی در ادبیات پدیدار  
است و بالعکس در نیمه دوم این قرن دوباره دوره تجدد و عظمتی ظاهر می شود و ادبا  
و علمایی که درین دوره دوم زندگی کرده اند چون مجدد علوم و ادبیات و محیی رسوم  
قدیم بوده اند مقام بسیار شامخی در ایران دارند.

### نثر فارسی در

نژاد مغول همواره بتاریخ اهمیت بسیار می داده و چون مغولان پادشاهی  
ایران رسیدند تاریخ نویسان را تشویق بسیار کردند و در زمان ایشان یکی از  
شریف ترین مشاغل شغل مورخ بود، بهمین جهت کتاب بسیار بنثر فارسی در تاریخ تألیف  
کردند و چون لازمه تاریخ نویسی سبک روان بی پیرایه است سبک نثر نویسی که در  
اواخر قرن ششم اندک اندک پیچیده و مغلق شده بود و رو بفساد میرفت دوباره روان  
و ساده شد و نشر به مراتب بیش از نظم ترقی کرد. نویسندگان بزرگ ایران درین دوره  
بدین قرار بودند:

(۱) ابو عمرو منهاج الدین عثمان بن سراج الدین محمد بن منهاج الدین  
عثمان بن ابراهیم بن عبد الخالق جوزجانی، متولد در ۵۸۹ و متوفی در ۶۹۸ نخست  
در غور ساکن بوده و در ۶۲۲ و ۶۲۳ بسفارت سیستان و سپس به هندوستان رفته است،  
مؤلف کتاب بسیار فصیح معتبر است باسم «طبقات ناصری» که در ۶۵۸ تمام کرده و شامل  
تاریخ هندوستان است از قدیم ترین زمان تا سلطنت ناصرالدین محمود شاه از پادشاهان  
غوری هند.

(۲) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد هندی جرفادقانی، مؤلف ترجمه کتاب  
تاریخ یمینی ابونصر محمد بن عبد الجبار عتبی که تاریخ غزنویانست و برای سلطان  
محمود غزنوی نوشته شده و وی آنرا بنام شمس الدوله غازی بیک ایدقمش از اتابکان  
لرستان و بدستور وزیر او ابوالقاسم علی بن حسن بن محمد بن ابوحنیفه تمام کرده است.

(۳) **خواجہ عظاملك علاء الدین بن بهاء الدین محمد بن شمس الدین محمد جوینی**، برادر كوچك‌تر شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی. خاندان وی یکی از معروفترین خاندان‌های و ذرا و ادبای ایرانست و پدران و برادر و برادر زادگان او در وزارت و دبیری و ادبیات معروفند. خود در سال ۶۲۳ متولد شد و در بیست و سه سالگی که پدر و برادرش از عمال دربار جلال‌الدین خوارزمشاه بودند وارد خدمت دربار شد و بعد از آنکه برادرش بخدمت هولاکو خان وارد شد وی نیز جزو عمار دربار مغول درآمد و در دربار ابقاخان و تگودار احمد و ارغون خان مقام رفیع داشت، درین ضمن در سال ۶۵۷ که شهر بغداد جزو قلمرو مغول شد حکمرانی ایالت بغداد را بوی سپردند ولی چون تگودار احمد پیادشاهی رسید و میان وی و ارغون خان تقار بود و خاندان جوینی بارغون خان بستگی داشت در سال ۶۸۱ عظاملك از حکمرانی بغداد عزل شد و پس از مدتی زندگی در آنرا در روز یکشنبه چهار ذیحجه همان سال در آن وفات یافت. عظاملك جوینی از بزرگان مورخین نویسندگان ایرانست و در نشر فارسی متنه‌ای قدرت را داشته فقط در استعمال کلمات و جمل و ترکیبات عربی گاهی افراط کرده است. تاریخ جهان‌گشای که به جهان‌گشای جوینی معروفست مهمترین تألیف اوست که از ۶۵۰ تا ۶۵۸ طول کشیده و شامل سه مجلد است: مجلد اول در تاریخ چنگیزخان و فرزندان او تا کیوک خان، مجلد دوم در تاریخ خوارزمشاهان و مجلد سوم در تاریخ اسمعیلیان الموت، گذشته از آن مؤلف رساله‌ایست باسم تسلیة الاخوان که در اواخر عمر خویش و در شرح مصایب خود نوشته است.

(۴) **بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب**، از مردم طبرستان بود و کتاب تاریخ طبرستان تألیف اوست که شامل وقایع این ناحیه از ایران تا سال ۱۱۳ است که در آن سال پایان رسیده و گذشته از آنکه قدیم‌ترین کتاب در تاریخ طبرستان است که باقی مانده انشای بسیار فصیح دارد و فقط اندکی در کثرت استعمال لغت عرب افراط کرده است.

۵) خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، پدرش از مردم ساه بود و در طوس اقامت داشت و وی در شهر طوس روز شنبه یازدهم جمادی الاولی ۶۰۷ ولادت یافت و در جوانی بواسطه حوادث خراسان بقمستان رفت و بدر بار ملک ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور معروف بمحتشم حکمران قمستان پذیرفته شد و در آنجا کتاب اخلاق ناصری و رساله سیر و سلوک را بنام او پرداخت و سپس چندی در قمستان بزندان افتاد و چون ملک ناصرالدین نزد علاءالدین محمد یادشاه اسمعیلیه الموت رفت او را بهمان حال با خود برد و وی تا انقراض این سلسله در ۶۵۵ در محبس الموت بود و چون هولاکو خان این سلسله را منقرض کرد خواجه را بخدمت خود اختصاص داد و پس از آنکه مراغه را پایتخت خود قرار داد رصدخانه‌ای در آنجا ساخت و کتابخانه‌ای ترتیب داد و تمام کتابهایی را که سپاهیان مغول از هرجا آورده بودند و شماره آنها از چهارصد هزار هم بیشتر نوشته‌اند در آنجا جمع کرد و این مؤسسه علمی بزرگ را بخواجه سپرد و جمعی از علماء را بخدمت او گماشت و وظیفه بریشان مقرر کرد و وی هم چنان مشغول تألیف و تدریس بود تا اینکه در سفری که ببغداد کرده بود روز دوشنبه ۱۸ ذیحجه ۶۷۲ در ۶۵ سالگی رحلت کرد و وی را در کاظمین بخاک سپردند. خواجه نصیرالدین یکی از بزرگان علمای اسلام و یکی از مشاهیر ایرانست. در زمان خویش معروفترین علمای دوران بود و در ریاضیات و حکمت و نجوم و سلوک و تصوف و کلام یکی از معتبرترین علمای اسلامست. مؤلفات او بفارسی و عربی در علوم مختلف بیش از صد و شصت جلد کتاب معروفست و از جمله بعضی کتب عربی او در منتهی درجه شهرتست مانند تحریر اقلیدس، تحریر معسطی، تحریر الکرة لمانالاوس، تحریر کتاب الاکثرنا و ذوسیوس، تحریر کتاب الماخوذات، تحریر کتاب المعطیات، تحریر کتاب الکرة المتحرکه، تحریر معرفة مساحة اشکال البسیطة و الکرویة، تحریر کتاب الیل و النهار یا کتاب الایام و الالیالی، تحریر کتاب المناظر، تحریر کتاب جرمی الثیرین و بعدیهما، تحریر طلوع و غروب، تحریر مطالع، تحریر کتاب المقررات، تحریر کتاب ظاهرات الفلک، تحریر کوه و استوانه، تحریر

کتاب المساکن ، الاسطوانات ، المخروطات ، احوال خطوط منحنیه ، کشف القناع عن اسرار شکل القطاع ، تریع الدایره ، رساله فی انعطاف الشعاع وانعکاسه ، تسطیح الکره والمطالع ، رد بر مصادره اقلیدس ، رساله الشافیه عن الشک فی الخطوط المتوازیه ، جامع الحساب بالتخت والتراب ، رساله در علم مثلث ، رساله در حساب جبر و مقابله ، زیاده الادراک فی هیئة الافلاک ، تذکره نصیریہ ، تجرید منطق ، تجرید العقاید در کلام ، حل مشکلات الاشارات ، قواعد العقاید ، مصارع المصارع ، تلخیص المحصل یا نقداً المحصل تهذیب محصل افکار المتقدين والمتاخرين امام فخر رازی ، تعديل المعیار فی نقد تنزیل الافکار ، بقاء النفس بعد فناء الجسد ، رساله در صدور خلق از حضرت حق ، اثبات جوهر مفارق یا اثبات العقل ، رساله الی نجم الکاتبی فی اثبات واجب الوجود ، شرح رساله العلم ، مفاوضات ، مؤاخذات ، جواب امثله شمس الدین محمد کیشی ، اسئله النصیریہ ، جواب امثله محیی الدین عباسی ، مسائل سبعه ، جواب اسئله وردت من الروم ، جواب امثله سید رکن الدین استرآبادی ، جواب امثله نجم الدین دیران ، فوائد ثمانیه ، آداب المتعلمین ، مقولات عشر ، ربط الحوادث بالقديم ، اثبات العقل الفعال ، رساله الاعتقادیه ، حواشی علی کلیات القانون ، فوائد ، تجرید فی الهندسه ، اختیارات مسیر القمر ، کتاب البارخ فی التقویم ، مختصر کراة ارشمیدس ، تحصیل فی علم النجوم ، تقویم العلائی ، نہایة الادراک فی درایة الافلاک ، رساله النصیریہ ، رساله المقنعه ، رساله فی اصول الدین ، رساله فی اصول العقائد ، رساله فی مہیة العلم والعالم والمعلوم ، رساله المنتخبه فی معالم حقیقة النفس و ما یصل بذلک ، اقسام الحکمه ، سریة الاثر فی انجاح المقاصد و کشف الملمات ، رساله فی العلل والمعلولات ، اثبات اللوح المحفوظ ، نقطة القدسیہ ، آداب البحث ، اثبات الفرقة الناجیہ ، رساله فی احکام الکشف ، شرح اصول کافی ، کتاب المساطیر ، شرح التہافت . گذشتہ اذین رسایل کوچک بسیار و مکاتیبی کہ در پاسخ دانشمندان زمان خود نوشتہ از بدستشست . در نظم و نثر فارسی مہارت بسیار داشتہ و از جمله کتابهای معروف او بفارسی اخلاق ناصری در اخلاق و اوصاف

الاشراف در اخلاق و سلوك و معيار الاشعار در عروض و قوافی و تنسوق نامه ایلخانی و تذکره آغاز و انجام و رساله سیر و سلوك و رساله هفت باب بابا سیدنا و مطلوب المومنین هر دو در عقاید اسمعیلیه و فصول نصیریّه و رساله در نعمت‌ها و خوشی‌ها و لذتها و جوامع گیتی نما و ترجمه ادب الصغیر ابن المقفع و ترجمه مسالك و ممالك و رساله خلق اعمال و رساله تولا و تبرا به مشرب تعلیمیان و روضة التسلیم یا کتاب التصورات و رساله در نفی اثبات و شرح مرموز الحکمه و رساله در اشارت بمکان و زمان آخرت و روضة القلوب و رساله تحفه در معرفت نفس و ترجمه زبدة الحقایق عین القضاة و منظومه اختیارات مسیر القمر و رساله در تقویم و حرکات افلاک و صد باب در معرفت اسطرلاب و اثبات واجب و رساله در احکام دوازده خانه رمل و نصیحت نامه و خلافت نامه و ترجمه کتاب اخلاق ناصرالدین محتشم و رساله در حساب و رساله معینیّه در هیئت و شرح معینیّه و حل مشکلات رساله معینیّه و زبدة الهیئه و منظومه مدخل در علم نجوم و ترجمه صور الکواکب عبد الرحمن صوفی و شرح ثمره بطلمیوس و زیج ایلخانی و رساله در بیان صبح کاذب و رساله در تحقیق قوس و قزح و رساله در موجودات و اقسام آن و جواب مسئله اثیرالدین ابهری و رساله فتح بغداد و رساله در رمل و رساله در جبر و اختیار و جوامع جهان نما و ادب الوجیز و بیست باب اسطرلاب و رساله رمل و تذکره نصیریّه و رساله در هیئت معروف بفارسی هیئت و معرفت تقویم و سی فصل و مدخل نجوم و اساس الاقتباس در منطقست و نیز کتابی در اخلاق باسم مکارم الاخلاق بوی نسبت میدهند که از ویست.

۶) قاضی القضاة نصیرالدین یا ناصرالدین ابوالخیر یا ابوسعید عبدالله بن عمر ریضاوی، قاضی شیراز که در تبریز بسال ۶۸۵ رحلت کرده از بزرگان علمای این زمان بود. پدرش عماد الدین ابوالقاسم عمر در سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی قاضی القضاة فارس بود و پس از این منصب پیسرش رسید و وی پس از مدتها اقامت در شیراز در اواخر عمر در تبریز زندگی میکرد و مؤلفات معروف بزبان عرب دارد که از آن جمله است تفسیر مشهوری. در زبان فارسی هم کتابی تالیف کرده

است باسم نظام التواریخ که فهرست مختصری از تاریخ ایران از آغاز تاریخ تا زمان اوست و در سال ۶۷۴ تمام کرده است .

(۷) شمس الدین محمد بن قیس رازی ، از مردم ری بود و مدتها در ماوراء النهر و خوارزم و خراسان می زیست و در سال ۶۱۴ که آوازه هجوم مغول در خراسان برخاست با سلطان علاء الدین محمد بن تکش خوارزمشاه بعراق آمد و تا سال ۶۱۷ که این پادشاه از لشکریان مغول می گریخت از همراهان وی بود و پس از آن در حدود ۶۲۳ از عراق بفارس رفت و بدربار اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹ - ۶۲۸) راه یافت و ندیم آن پادشاه شد و پس از آن در دربار پسرش ابوبکر بن سعد نیز بود و وی مؤلف کتاب معروف المعجم فی معاییر اشعار العجم است که معروف ترین کتاب عروض وقوافی و محسنات شعر فارسیست و نخست در ۶۱۴ در شهر مرو طرح این کتاب را ریخته و در وقایع سال ۶۱۷ از میان رفته و پس از مدتی اوراق آن بتوسط دوستایان کوه پایهای عراق بدست وی بازگشته و سپس در فارس در حدود سال ۶۳۰ آنرا تمام کرده است و نیز سه کتاب دیگر داشته است باسم المعرب فی معاییر اشعار العرب و الکافی فی العروضین و القوافی و کتاب حقائق المعجم .

(۸) سعد الدین وراوینی از مردم آذربایجان بود و در اواخر دوره خوارزمشاهان زندگی می کرد و با سلطان جلال الدین خوارزمشاه معاصر بود . یگانه اثری که از وی مانده کتاب مرزبان نامه است . این کتاب را مرزبان بن رستم بن شروین باوندی از ملوک طبرستان بزبان طبری نوشته بود و وی بنام خواجه ابوالقاسم ریب الدین هارون بن علی بن ظفر دندان وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز از اتابکان آذربایجان که جزو ملازمان وی بوده است ترجمه کرده و از کتابهای معروف زبان فارسیست ولی از حیث وفور استعمال لغات عرب ثقیل شده است .

(۹) نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهوراسدی رازی معروف بنجم الدین دایه از مردم ری بود و در جوانی بخوارزم رفت و در سلك مریدان و شاگردان نجم الدین کبری در آمد و هم چنان در خوارزم بود تا در ۶۱۸ در فتنه مغول

استاد وی کشته شد و او از آن دیار فرار کرد و عزم وطن خود داشت ولی لشکر مغول در پی اومی آمد تا چهار بهمدان رفت و از آنجا از راه اردبیل با آسیای صغیر رفت. نخست در شهر قیصریه و سپس در شهر ملطیه وارد شد و در آنجا به خدمت شهاب الدین سهروردی رسید و بوسیله او در حمایت ابوالفتح کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان روم در آمد و در شهر قونیه پایتخت او ساکن شد و در آنجا با صدرالدین قونیوی و جلال الدین بلخی معاشر بود و عاقبت پس از ۳۶ سال توقف در آن دیار در سال ۶۵۴ در بغداد رحلت کرد و در بیرون شهر بغداد در مزار شیخ سری و جنید بغدادی او را بخاک سپردند. وی از بزرگان نویسندگان متصوفه ایران در قرن هفتم بود و در شعر فارسی نیز دست داشت. معروفترین کتاب او در تصوف فارسی مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد است که روز دوشنبه اول رجب ۶۲۰ در شهر سیواس تمام کرده و کتابیست در منتهای فصاحت و در اوج اهمیت. دیگر از مؤلفات او بحر الحقایق و المعانیست در تفسیر بزبان عربی و رساله عشق و عقل بغارسی و منارات السائرین الی حضرة الله و مقامات الطائرين بالله.

(۱۰) شهاب الدین ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بگری سهروردی متولد در سهرورد زنجان در ماه رجب ۵۳۹ از بزرگان مشایخ متصوفه ایران بود و از شاگردان و مریدان عم خویش نجیب الدین سهروردی بشمار می رفت. از وطن خود ببغداد رفت و اکثر عمر خود را در بغداد و آسیای صغیر گذراند و در آنجا سر سلسله عرفا بود و مجالس ذکر و وعظ داشت و بصحبت عبدالقادر گیلانی عارف مشهور آن زمان رسید و ریاضات بسیار داشت و چندی نیز در شهر ملطیه متوقف بود و سپس شیخ الاسلام بغداد شد و خلیفه ناصر الدین الله یک بار او را بسفارت نزد علاء الدین کیقباد سلجوقی و بار دیگر نزد سلطان محمد خوارزمشاه فرستاد و مدتی هم در عبادان و در مکه اقامت داشته و دو تن از بزرگان شعرای ایران کمال الدین اسمعیل اصفهانی و سعدی بوی ارادت داشته اند و در سال ۶۳۲ بسن ۹۳ سالگی در بغداد رحلت کرد و مرقد او هم اکنون در محله وردیه بغداد زیارتگاه است. شهاب الدین سهروردی پیشوای سلسله ای از عرفای ایرانست که بنام سهروردیه معروف شده اند و در نظم و نثر عربی و فارسی توانایی بسیار داشته و

از جمله کتب معروف او عوارف المعارفست که در مفر مکه نوشته و عزالدین محمود بن علی کاشانی در ۷۳۵ بنام مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه بفارسی ترجمه و شرح کرده است و دیگر رشف النصاب الایمانیه فی کشف الفضایح الیونانیه که معین الدین معلم یزدی در قرن هشتم بفارسی ترجمه کرده است و اعلام النقی و اعلام الهدی و بهجة الاسرار فی مناقب الفوئیه ، رسالة السیر والطیر ، رسالة فی السلوک ، الرحیق المختوم لذوی العقول والفهوم ، بغیة البیان فی تفسیر القرآن .

( ۱۱ ) خواجه رشید الدین محمد فضل الله بن ابی الخیر عمادالدوله بن موفق الدوله علی همدانی اجداد وی از یهود همدان بودند و وی در همدان بسال ۶۴۵ متولد شد و در آغاز کار بطبابت مشغول بود تا اینکه طبیب ابقاخان شد و پس از آن بوزارت ادغون خان و بوزارت غازان و الجایتو محمد خربنده رسید ولی در زمان پادشاهی ابوسعید بهادر وزیر اوتاج الدین علیشاه در حق وی سعایت کرد که خواجه رشیدالدین محمد خربنده را مسموم کرده است و باین جرم وی را گرفتند و دارایی او را توقیف کردند و در تبریز بسال ۷۱۸ کشتند . رشیدالدین فضل الله یکی از بزرگان علما و وزرای نیکوکار ایران بود و گذشته از فضل بسیار و منتهای قدرت در زبان پارسی بمنتهی درجه دانش دوست بود و اموال هنگفت خود را صرف خیرات و آبادانی و استنساخ کتاب و بنای مدرسه و مسجد و مریضخانه و کتابخانه کرده بود و بدرجه ای موقوفات داشته که مجموعه وقف نامها و رقبات او خود کتاب قطور است و در تبریز یک محله تمام ساخته بود بامم ربع رشیدی که تمام آنرا وقف کرده بود و از جمله کتابخانه بسیار بزرگ نفیسی بود و در نشر فارسی یکی از بزرگترین ادبای ایرانست و در نشر عربی نیز دست داشته است . مؤلفات عمده وی بدین قرار است : جامع التواریخ شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۷۰۳ که در سال ۷۰۰ با مرغازان خان شروع کرده و در سال ۷۱۰ از آن فارغ شده و در تدوین این کتاب چندتن از مورخین ایران شرکت داشته اند از آن جمله تاریخ چین و مغولستان را از روی اسناد چینی و مغولی نوشته و پیش از آن در زبان فارسی نظیر نداشته است . جامع التصانیف شامل نظامات و قوانین و



یاساهای مغول در ایران ، لطایف الحقایق در اخلاق و معارف و حکم ، سلطانیه در حکمت الهی ، مفتاح التفاسیر ، رساله توضیحات در اخلاق ، الاحیاء و الانار ، بیان الحقایق ، مکاتبات رشیدی شامل مکاتیب او ، مجمع التواریخ که مجموعه ایست از همه متون تاریخ فارسی تا زمان او و در میان هر یک که رابطه گسیخته شده ذیلی که خود نوشته قرار داده است .

( ۱۲ ) **فخرالدین ابوسلیمان داود بن ابوالفضل محمد بناکتی** از مردم بناکت یا فناکت بود که امر و زبانشکند معروفست و از مشاهیر شعر او نویسندگان دربار غازان خان بود و در ۷۰۱ هـ **ملك الشعراء** لقب گرفت و برادرش نظام الدین علی بناکتی از عرفای معروف زمان بود و وی مؤلف تاریخ معروفیست با اسم **روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب** شامل تاریخ تمام عالم از زمان خلقت تا عصر مؤلف که آنرا در سال ۷۱۷ تمام کرده و خلاصه ایست از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله که با تکلفات منشیانه نوشته است .

( ۱۳ ) **شمس الدین احمد افلاکی** از شاگردان شیخ جلال الدین عارف نوده جلال الدین محمد بلخی بود و مؤلف کتابیست با اسم **مناقب العارفين** در احوال جلال الدین بلخی و فرزندان و جانشینان وی و مشایخ این طریقه که بطریقه مولوی معروفست و در سال ۷۱۸ بتألیف آن شروع کرده و تا سال ۷۴۲ مشغول بوده و از حیث مطالب و روانی انشاء کتاب بسیار جالب توجهیست .

( ۱۴ ) **شهاب الدین عبدالله بن فضل الله شیرازی** ملقب ب**وصاف الحضرة** از مستوفیان دربار پادشاهان مغول و از مختصان خواجه رشیدالدین فضل الله بود و پس از گذشته شدن این وزیر پسرش غیاث الدین محمد پیوستگی داشت و در ۷۱۹ درگذشت ، مؤلف کتاب مشهوریست با اسم **تجزیة الامصار و ترجیة الاعصار** معروف بتاریخ و صاف که شامل وقایع سلطنت مغول از ۶۵۶ تا ۷۱۲ است و با تکلفات منشیانه بسیار نوشته ، بعدی که از سیاق زبان فارسی بسیار دورست و در نوع خود در میان کتابهایی که در آن بکثرت لغات عرب مقید شده اند منحصر مانده است ولی در نشر فارسی قدرت وی ازین

کتاب ظاهر می شود و وی در نظم فارسی و عربی نیز توانا بوده است .

(۱۵) **حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی** از خاندان معروف مستوفیان قزوین و جد او امین الدین احمد پس از آنکه مدتی در سلك مستوفیان بود در طریقه تصوف وارد شد و در فتنه مغول کشته شد و برادرش زین الدین محمد در وزارت خواجہ رشید الدین فضل الله نایب دیوان وزارت بود و خود نیز در سلك مستوفیان دربار می زیست . حمدالله مستوفی از جمله شعرا و نویسندگان زبردست زمان خود بود و از تالیفات او یکی تاریخ گزیده است که خلاصه ایست از تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ و آنرا از روی جامع التواریخ رشیدی پرداخته است . دیگر نزهة القلوب در طبیعیات و جغرافیا و در عجایب بلدان که در ۷۴۵ مشغول تألیف آن بوده و مهمترین کتاب جغرافیا در زبان فارسیست . سوم ظفر نامه که منظومه ایست ببحر متقارب و در آن وقایع ایران را پس از استیلای عرب تا زمان خود نظم کرده و دنباله شاهنامه فردوسی قرار داده است و شامل ۷۵ هزار شعر است دیگر تاریخ قزوین که آنرا نیز بانشای بسیار روان نوشته است .

(۱۶) **شرف الدین ابوالفضل فضل الله راجی حسینی قزوینی** در دبار اتابک نصره الدین احمد بن یوسف شاه (۶۴۹ - ۷۲۷) از اتابکان لرستان می زیسته و کتاب معروفی پرداخته است باسم کتاب المعجم فی آثار ملوک المعجم که شامل احوال بعضی از پادشاهان پیش از اسلام ایرانست و آن نیز بواسطه وفود کلمات عربی از سیاق عادی زبان فارسی دور افتاده است .

(۱۷) **سید مرتضی بن داعی حسنی رازی ملقب بعلم الهدی** از علمای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده و از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و وی دو کتاب بنشر فارسی بسیار فصیح و منسجم پرداخته است یکی باسم تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام که در رد مذاهب مختلف و اثبات مذهب شیعه است و قدیم ترین کتاب فارسیست که بحث مذاهب مختلف در آن رفته ، دیگر ترجمه فارسی انساب نامه در ترجمه احوال ائمه که اصل آنرا در سال ۶۵۳ سید ابوتراب نامی بسایران آورده و وی ترجمه کرده است .

(۱۸) افضل الدین محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن خوزۀ مرّقی کاشانی معروف بیابا افضل از بزرگان علما و عرفای قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشته و دانشمندان عصر همه وی را تکریم می کردند و همواره در مولد خود ساکن بود و زمان را به درس و بحث و تألیف می گذراند. رحلت او را باختلاف در ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ نوشته اند ولی ۶۲۰ درست تر می نماید وی مؤلف یک عده بسیار رسایل فارسیست، در تصوف و سلوک و حکمت، که در مثنوی فصاحت و شیوایی نوشته و در زبان فارسی منشی بسیار زبردستی بوده است و در شعر فارسی و نشر عربی نیز توانا بوده و در حکمت و منطق و کلام و تصوف و اخلاق معروف ترین کس در زمان خود بوده است، رسایل عمده وی بدین قرار است، المفید للمستفید، ساز و پیرایۀ شاهان برمایه، منهاج المبین در منطق، مدارج الکمال، عرض نامه، جواهر دان نامه، راه انجام نامه، مبادی موجودات، رسالۀ نفس ارسطو، رسالۀ تفاحۀ ارسطو و رسالۀ زجر النفس یا نبیوع الحیوة و ادیس که هر سه را ترجمه کرده است، رسالۀ سوال و جواب، رسالۀ چهار عنوان، شرح فصوص الحکم، آیات الصنعہ بعربی، مجموعه رباعیات و یک عده مکاتیب و تقریرات.

(۱۹) نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همه راوندی خاندان وی از خانوادہ های علمای عراق بودند و وی در راوند کاشان ولادت یافت و پس از قحطی سال ۵۷۰ که در اصفهان روی داد بعزم تحصیل سفرهای چند در اصفهان و همدان و شهرهای عراق کرد و از سال ۵۷۷ در دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و سپس بخدمت سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوقی مخصوص شد و بتعلیم پسران وی مأمور گشت و بیشتر ازین ایام را در همدان گذرانیده و پس از انقراض سلجوقیان ایران بروم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان پذیرفته شد. وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ سلجوقیان با اسم راحة الصدور و آية السرور که در سال ۵۹۹ تألیف کرده و یکی از بهترین کتب نشر فارسیست و در نهایت فصاحت و روانی نوشته است و در ضمن شعر فارسی را نیکو می گفته است.

(۲۰) **خواجه فقیه زاهد شیخ الاسلام ابو نصر طاهر بن محمد خانقاهی مغربی سرخسی** از مشایخ متصوفه اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران و از دعاظ و ائمه زمان خود بوده و از احوال وی جزئیاتی بدست نیست. وی مولف کتابیست بنشر فارسی بسیار فصیح باسم «گزیده» در تصوف که در منتهی درجه سلاست نوشته و این کتاب بزبان ترکی هم ترجمه شده است. دیگر از مؤلفات اوست کتاب خلاصه السلوک و کتاب هادی و کتاب تحفه.

(۲۱) **عمادالدین زکریا بن محمود مکفونی قزوینی**، از مردم قزوین بود. نسبش بامام انس بن مالک می رسید و در جوانی بدمشق رفت و پس از تحصیل بعراق آمد و در ۶۵۰ قاضی حله شد و در ۶۵۲ قاضی واسط شد و تا آخر عمر درین مقام بود. و چندی هم در بغداد می زیست و در آنجا در ۶۸۲ رحلت کرد. وی از ادبای عالی مقام زمان خود بود و در شرع عربی و فارسی دست داشت و مؤلفات معروف گذاشته است از آن جمله تاریخ قاهره و کتاب آثار البلاد و اخبار العباد در جغرافیا و عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات که ظاهراً این هر دو کتاب را خود بفارسی ترجمه کرده و ترجمه فارسی آن در نهایت فصاحت و روانیست.

(۲۲) **جمال الدین ابوالفضل محمد بن عمر الخالد قرشی**، از دانشمندان ایرانی مقیم کاشغر و پسرش حافظ بلاساعون در ماوراء سیحون بود و مؤلف ترجمه فارسی صحاح اللغة جوهریست که آنرا باسم الصراح من الصحاح در شب سه شنبه ۱۶ صفر ۶۸۱ تمام کرده و بعد ذیلی عربی بر آن کتاب نوشته است باسم ملحقات صراح که مطالب تاریخی مهم در آن بسیارست.

(۲۳) **صفی الدین عبدالقوام ارموی**، از فضایی اورمیه و از خوشنویسان و علمای معروف موسیقی در زمان خود بود، در ۶۳۱ ولادت یافت و در جوانی ببغداد رفته و در مدرسه مستنصریه تحصیل کرده و در ادبیات و تاریخ و موسیقی و خط معروف شده و عود را در کمال خوبی می زده است و در دستگاه مستعصم خلیفه منزلتی یافت و کاتب و مغنی و ندیم او شد و پس از فتح بغداد در ۶۵۷ بخدمت خاندان جوینی اختصاص یافت و از جانب

ایشان کاتب انشاء دیوان بغداد شد ولی پس از برچیده شدن این خاندان چنان تهی دست شد که در برابر میصد دینار قرض محبوس شد و در آن حبس در ۱۸ صفر ۶۹۳ در گذشت و هشتاد سال عمر کرده بود. وی را مؤلفات چند است از آن جمله رساله شرفیه در موسیقی که بنام شرف الدین هارون پسر صاحب دیوان جوینی پرداخته و بفارسی و عربی نوشته و بهترین رساله موسیقی قدیم ایران است و دیگر کتاب ادوار که عهد القادر مراغی در پایان قرن هشتم شرحی بر آن نوشته و شکر الله احمد اوغلی بترکی ترجمه کرده و نیز صفی الدین دوساز تازه اختراع کرده است یکی بنام «مغنی» و دیگری بنام «نزه».

( ۲۴ ) قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود بن مصالح گازرونی شیرازی ، معروف بعلاءه در ماه صفر ۶۳۴ در شیراز متولد شد و عم و پدرش طبیب بودند و وی نزد ایشان طب را آموخت و در نجوم نیز دست یافت و از جمله کسانی بود که در رصدخانه مراغه باخواججه نصیر الدین دستیاری می کردند و سپس بروم رفت و مدتی قاضی سیواس و ملطیه بود و از آنجا بشام رفت و در قونیه با صدر الدین قونیوی و جلال الدین بلخی معشور شد و در سلك تصوف در آمد و سپس بتبریز آمد و از خاصان پادشاهان مغول شد و در آنجا بسال ۷۱۰ در گذشت و در محله چرنداب مدفون شد . وی از علمای بزرگ قرن هفتم بود و در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و کلام و موسیقی و هنرهای دیگر کامل بود و در ظرافت طبع معروفست ، او را خال سعدی شاعر معروف ایران دانسته اند اما گویا این نسبت درست نباشد. در نشر و نظم پارسی و عربی مهارت بسیار داشته و کتب بسیار او در زبان عرب معروفست از کتابهای او زبان تازی نهاده الادراک فی درایة الافلاک ، التحفة الشاهیه ، شرح حکمة الاشراق ، مفتاح المفتاح ، التحفة السعدیه ، شرح مختصر الاصول ابن حاجب ، فتح المنان فی تفسیر القرآن ، حاشیه بر الکشاف عن حقایق التنزیل زمخشری ، رساله فی بیان الحاجة الی الطب و آداب الاطبا و وصایاهم ، حاشیه بر حکمة العین نجم الدین دبیران و از جمله کتابهای معروف او بفارسی درة التاج لغرة الدباج است که کتابیست در تمام علوم و معروف

بانیان ملاقطب که برای اسحق وند امیره دهاج از امرای مغرب گیلان که در قومن حکمرانی داشته است نوشته و دیگر از مولفات فارسی او تحفة شاهی و نهاية الادراک است که هر دو در علم هیئت باشد و نیز کتاب زیج سلطانی را بوی نسبت داده اند .

(۲۵) رکن الدین ابوالمکارم علاءالدوله احمد بن شرف الدین محمد بن

احمد بن محمد بیابانکی سمنانی ، از عرفای نامی ایران بود در ۶۵۹ متولد شد و در جوانی جزو عمال دیوان بود و پس از آن حج رفت و در ۶۸۷ در سلك عرفا درآمد و از ۷۲۰ بعد در خانقاهی که خود بنام صوفی آباد نزدیک سمنان ساخته بود منزوی شد و در شب جمعه ماه رجب ۷۳۶ در گذشت . علاءالدوله سمنانی مولف يك سلسله رسالات بسیار فصیح شیرین در تصوف بزبان فارسیست و در نظم فارسی نیز دست داشته ، از جمله رسایل اوست : رسالة التصوف فی آداب الخلوة ، سرالبال فی اطوار سلوک اهل الحال ( تألیف در ۷۰۱ ) ، سلوة العاشقین و سکنه المشتاقین ، ذکر خفی المستجلب لاجر الوفی ، کتاب الفلاح ، مصابیح الجنان ، مکاشفات ، عروة لاهل خلوة و جلوه ( تألیف در صوفی آباد در محرم ۷۲۱ ) ، مقالات ، موارد الشوارد ، فصول الاصول یا فصول فی الاصول معروف بلا بدمنه ، فواید العقاید ( تألیف در رجب ۶۹۹ ) ، مدارج المعارج فی الوارد الطارد بشبهه الامارد معروف بالمدارج و المعارج ، نجم القران فی تاویلات القرآن ، عروة الوثقی ، الفتح المبین لاهل الیقین ، فرحة العالمین و فرجة الکاملین ، رسالة فی الفتوة . امیر اقبال سیستانی از اصحاب وی رساله ای در احوال و مناقب او نوشته است .

( ۲۶ ) ملک الشعراء شمس الدین بن فخرالدین فخری اصفهانی معروف

بشمس فخری از شعرا و ادبای معروف قرن هفتم بود و در جوانی از ۷۱۳ بعد در دربار اتابک نصرة الدین احمد اتابک لرستان می زیست سپس بخدمت خواجه غیاث الدین محمد پسر رشیدالدین فضل الله رسید و از آن پس بخدمت شیخ ابواسحق اینجو درآمد و پدرش فخرالدین نیز از شعرای معروف عصر خود بوده است . شمس الدین فخری مؤلف چند کتابست از آن جمله معیار نصرتی در فن عروض و قوافی که

در ۷۱۳ در ارستان تمام کرده و دیگر قصیده مصنوع معروفی باسم مخزن البحور و مجمع الصنایع که در ۷۳۲ در رقم در مدح خواجه غیاث الدین سروده و دیگر معیار جمالی و مفتاح ابواسحق شامل عروض و قافیه و بدیع و لغت که در ۷۴۵ باسم ابواسحق اینجو در فارس تمام کرده است و وی در عروض و قوافی و لغت و محسنات کلام در عصر خویش معروف بوده است.

(۲۷) ناصرالدین عمدة الملك منتجب الدین یزدی منشی رئیس دیوان رسایل و انشای صفوة الدین پادشاه خاتون (۶۰۱-۶۹۴) از سلسله قراختایی کرمان بود و پدرش در ۶۵۰ از یزد بکرمان رفت و بدربار این سلسله راه یافت و وی اندکی بعد بکرمان رفت و در جزو عمال آن دربار شد و در جوانی در ۶۹۳ رئیس دیوان انشای رسالت شد و در کرمان اقامت داشت، وی مؤلف کتاب معروفیست در تاریخ قراختاییان کرمان باسم سمط العلی للحضرة العلیا که بتقلید عقد العلی نوشته و کتاب منشایانه قصیده‌یست که در ۷۱۶ تمام کرده است و نیز کتاب تنمۀ صوان الحکمة ابوالحسن بیهمقی را بنام درة الاخبار و لمعة الانوار ترجمه و تکمیل کرده است و کتابی در احوال و ذرا بنام نسائم الاسحار دارد.

(۲۸) شهاب الدین ابوسعید کرمانی، از مورخین و نویسندگان قرن هفتم کرمانست از احوال وی اطلاعی نیست و تنها اثری که از او مانده کتابیست باسم تاریخ شاهی در تاریخ قراختاییان کرمان.

(۲۹) امیر ناصر الدین حسین بن مجد الدین محمد آرجمان جعفری رغدی معروف بابن بی بی پدرش از سادات کور سرخ گرگان و مادرش بی بی منجمه دختر کمال الدین سمنانی رئیس شافعیۀ نیشابور بود و بهمین جهت بابن بی بی معروف شد و از جانب مادر از نژاد محمد بن یحیی عالم مشهور خراسان بود که در فتنه غز در قرن ششم در خراسان کشته شد و مادرش در ستاره شناسی معروف بود بهمین جهت در دستگاه جلال الدین خوارزمشاه قریب داشت و در سفرها با وی همراه بود و پس از کشته شدن این پادشاه این خانواده بدمشق رفت و علاء الدین کیقباد پادشاه سلجوقی روم ایشان را بقونیه نزد خود خواند، شوهرش کاتب حضور شاه و انشاء دیوان شد و پسر نیز در همان دربار مقام مهمی یافت و در آن دربار مقیم بود. ابن بی بی مؤلف کتابیست باسم الاوامر الملانیة

فی امور العلامیة که از ۶۸۱ تا ۶۸۴ بتألیف آن پرداخته و انشای بسیار فصیح منشیانه دارد و خلاصه‌ای از آن در دستت بنام سلجوقنامه که معلوم نیست از کیست.

(۳۰) صدرالدین محمد بن اسحق قولیوی، از عرفای بزرگ قرن هفتم ایران بود که در شهر قونیه زندگی میکرد و جمع کثیری از معارف عرفای ایران در سلك شاگردان و مریدان وی بوده‌اند و در ۶۷۳ در گذشته است و مؤلف کتابهای معروفی است در تصوف بزبان عربی و فارسی از آن جمله اعجازالبیان فی تفسیرام القرآن یا فی کشف بعض اسرار القرآن، تائیل السورة المباركة الفاتحة، شرح الاحادیث الاربعینیه، شرح اسماء الله الحسنی، الرسالة الهادیة، النصوص فی تحقیق الطور المخصوص یا النصوص فی بحر التحقيق وجواهر الفصوص، مراتب التقوی، النفحات الالهية القدسیه، شعب الامام، مفتاح الغیب، الرسالة المفصحة عن منتهی الافکار و سبب اختلاف الامم، الرسالة المرشدیه فی احکام صفات الالهیه، لطایف الاعلام فی اشارات اهل الالهام، نفثة المصدور و تحفة المشکور، النفحات الربانیة یا النفحات الرحمانیة و ثمرات التجلیات الاختصاصیه، دعاء التوحید، شرح حدیث، جامع الاصول در حدیث، کشف استار جواهر الحکم المستخرجة المورثة من جوامع الکلم در شرح حدیث الاربعین، کشف السر وفکوک فی مستندات حکم النصوص و از جمله کتب فارسی او تبصرة المبتدی و تذكرة المنتهی است.

(۳۱) اسمعیل بن محمد تبریزی، از حکمای قرن هفتم ایران بود و در دربار اتابیک یوسف شاه بن البارسلان ارغون از اتابیکان لرستان می‌زیست و از عمال این دربار و همواره با وی همراه بود و در زبان فارسی کتبی چند در حکمت پرداخته است از آن جمله حیوة النفس و رسالة نصیریہ.

(۳۲) قاضی سراج الدین ابوالثنایا محمود بن ابی بکر ارموی، از علمای معروف آذربایجان بود که در ۵۹۴ ولادت یافت و بآسیای صغیر رفت و در قونیه مقیم شد و در دربار عزالدین کیکاوس بن کیخسرو بن کبچباد از سلجوقیان روم می‌زیست و در آن دیار در ۶۸۲ درگذشت و مؤلفات چند از و مانده است از آن جمله



مطالع الانوار در منطق و لطایف الحکمه در حکمت بفارسی که در ۶۵۵ تألیف کرده است .

(۳۳) ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد گاشانی ، از مورخان معروف قرن هفتم بود و از جمله کسانی بود که در تدوین جامع التواریخ با خواجه رشیدالدین فضل الله مساعدت میکرد و سپس خود کتاب مستقلی در تاریخ نوشت با اسم زبدة التواریخ که نخست کتاب کوچک تری شامل تاریخ سال بسال از پیشدادیان تا انقراض خلافت بنی العباس نوشته و سپس کتاب مفصلی در سال ۷۰۰ تمام کرده و وقایع تاریخ عالم را تا عصر خود رسانیده و یکی از مجلدات آنرا تاریخ الجایتو سلطان محمد خربنده نامیده است .

(۳۴) ابونصر محمد قطان غزنوی ، یکی از نویسندگان و علمای زبردست اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران بوده ولی از احوال وی اطلاعی نیست و تنها کتابی از بدست در احوال پیغمبران بشرفارسی بسیار روان و فصیح با اسم سراج-القلوب که در منتهای استادی نوشته است .

(۳۵) محمد بن علی بن حمید بن ابی بکر کوفی ، از نویسندگان بزرگ هفتم هندوستان بود و کتاب منهاج المسالك تألیف محمد بن قاسم ثقفی را که بزبان عرب نوشته شده و شامل تاریخ چین بن سیالایچ و فتح سند بدست اعرابست با اسم چین نامه یا تاریخ هند و یا فتح نامه در زمان معزالدین محمد بن سام و ناصرالدین قباچه فرمان عین الملک فخرالدین حسین بن ابی بکر اشعری وزیر بفارسی بسیار شیوا ترجمه کرده است .

(۳۶) بدرالدین نخشی رومی ، از دیران در بادسلجوقیان روم در قونیه بوده و مولف کتاب بسیار خویش در صنعت انشا با اسم الترمسل الی التوسل که در اول ذی حجه ۶۸۴ تدوین کرده است .

(۳۷) نصیر الدین محمد بن ابراهیم بن عبدالله سجستانی ساعتی هیکلی سیواسی ، معروف بر مال و معزم از علمای ایران بود که در روم اقامت داشت و در

هندسه و علوم غریبه و ریاضیات بسیار ماهر بود و چند تألیف درین باب پرداخته است: یکی کتاب دقایق الحقایق در علوم خفیه که در آق سرا در سال ۶۷۰ تمام کرده و دیگر هونس العوارف منظومه در معراج و معجزات و غرایب که در قیصریه به سال ۶۷۱ با اسم غیاث الدین کیخسرو دوم (۶۶۶-۶۸۲) از سلجوقیان روم با تمام رسانیده و در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته است.

(۳۸) حسن نظامی نیشابوری، از منشیان زبردست خراسان بود، در اوایل عمر بغزنین و سپس به هندوستان رفت و در دهلی در دربار پادشاهان هند مقیم شد و بخدمت قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتتمش رسید و کتاب تاج المآثر را که در تاریخ این پادشاهان و از ۵۸۷ تا ۶۱۴ است در سال ۶۰۲ شروع کرد. این کتاب نیز از جمله کتابهاییست که در وفور کلمات عربی معروفست.

(۳۹) محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن ابراهیم دنیسری، نیز از منشیان و علمای مقیم روم بوده و مواف کتابیست با اسم نوادر التبادر در تمام علوم که در ۶۶۹ تمام کرده است.

(۴۰) شرف الدین محمد بن مسعود بن محمد مسعودی، مولف کتاب الکفایة فی علم النبیة که در ۶۴۳ بتألیف آن شروع کرده و در ۶۷۲ با تمام رسانده و سپس آنرا خود بفارسی با اسم جهان دانش ترجمه کرده است.

(۴۱) حسن بن محمد نیشابوری قمی معروف بنظام، صاحب کشف الحقایق در شرح زیج ایلخانی خواجه نصیر الدین طوسی از جمله علمای نجوم قرن هفتم

(۴۲) محمد بن ابی عبدالله سنجر کمالی معروف بسیف منجم بایزدوی، مقیم شیرازی نیز از منجمین این عصر بود و در سال ۷۰۲ زیج اشرفی را تألیف کرده است.

(۴۳) محمد بن منصور، از دانشمندان زمان غازان خان (۶۹۴-۷۰۳) بود و کتابی در معرفت جواهر با اسم جواهر نامه پرداخته است.

( ۴۴ ) محمدالدین سعید بن محمد بن احمد فرغانی ، معروف بسعید فرغانی متوفی در ۶۹۱ از جمله عرفای این زمان بود و شرحی بفارسی بر قصیده تائیه ابن الفارض نوشته است

( ۴۵ ) نجم الدین صابن الاسلام محمود بن صابن الدین الیاس بن سترباریک شیرازی ، از اطباء نامی این زمان بود و کتاب غیاثیه در طب از مؤلفات اوست .

( ۴۶ ) شمس الدین محمد بن علی وابکنوی ، از مردم وابکنه در سه فرسنگی بخارا و از بزرگان منجمین این زمان بود . چهل سال کواکب را رصد کرد و مدتی مقیم یزد بود و سفرهای بسیار کرد و تا اوایل قرن هشتم زنده بود ، از جمله مؤلفات او زیج سلطانیهست که در ۶۹۴ تألیف کرده و دیگر زیج قطبی .

( ۴۷ ) حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری استرآبادی از علمای شیعه این قرن بوده و از احوالش جزین خبری نیست که در ۶۷۵ کتاب کامل بهایی را در عقاید شیعه بفارسی بنام شمس الدین صاحب دیوان جوینی و پسرش بهاء الدین تألیف کرده و مؤلفات دیگری ازین قرار است : تحفه ابرار و هدیة اخبار بفارسی ، مناقب الطاهرین ، منهج در عبادات ، اربعین معروف بربعین بهایی ، نقض معالم فخر الدین رازی .

( ۴۸ ) شهاب الدین ابو عبد الله فضل الله بن تاج الدین ابوسعید بن حسین بن یوسف توران پشته از بزرگان دانشمندان و فقهای قرن هفتم و از مردم توران پشت قریه ای از توابع یزد و ساکن شیراز بوده و در پایان زندگی بخواهش قتلغ ترکان خاتون قراخستایی بکرمان رفته و در ۶۶۱ در آنجا در گذشته است و بازماندگان وی تا مدتی در آن شهر بوده اند . وی از بزرگان علمای شافعی ایران بوده و کتابهای چند نوشته است از آن جمله شرحی بر مصابیح السنه تألیف امام حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی متوفی در ۵۱۶ و نیز کتابی بفارسی در اعتقادات بنام اتایک ابوبکر بن سعد بن زنگی و پسرش سعد در ولیعهدی وی بنام المعتمد فی المعتقد نوشته که بتحفه مظفری و تحفه سلغری نیز معروفست و مولوی اختر محمد خان رامپوری حنفی قادری نقشبندی مجددی آنرا بزبان اردو ترجمه کرده و وی شاعر توانایی هم بوده است .

( ۴۹ ) معین الدین حسن بن غیاث الدین حسن حسینی سگزی چشتم از بزرگان مشایخ

طریقه چشتی در هندوستان بوده در ۵۳۷ در سیستان ولادت یافته و در جوانی از مریدان شیخ عثمان هارونی شده و نخست بسمرقند و بخارا و سپس بخراسان و در بازگشت در قصبه هارون از توابع سبزوار از اصحاب شیخ عثمان هارونی شده و پس از بیست سال مصاحبت با او و سفرهای بسیار و دیدار با معینی الدین عبدالقادر گیلانی در گیلان و چندتن از مشایخ معروف آن عصر از بلخ بالا و در رفته و از آنجا بدهلی و از آنجا بشهر اجمیر رفته و در آنجا ساکن شده و بهمین جهت باجمیری معروف شده است و طریقه چشتی را در هند رواج داده و جمعی از هندوان نیز با او گرویده اند و سرانجام در همان شهر در روز دوشنبه ششم رجب ۶۲۳ یا سوم ذی الحجه آن سال در گذشته و قول اول معتبر ترست و مرقد وی تاکنون در اجمیر زیارتگاهست. معین الدین سکزی یا سجزی که نسبت وی را اغلب بخطا منجری نوشته اند از بزرگان صوفیه زمان خود بوده و در باره وی کرامات بسیار آورده و کتابهای چند نوشته اند از آن جمله کتاب دلیل العارفين در ملفوظات او تألیف قطب الدین بختیار کاکی اوشی عارف مشهور هند که از اصحاب وی بوده و کتاب وقایع شاه معین الدین چشتی تألیف بابو لال هندو و کتاب معین الاولیا تألیف قاضی سید امام الدین خان اجمیری و کتاب موتس الارواح تألیف جهان آرا بیگم دختر شاه جهان تألیف در ۱۰۴۹. معین الدین نیز بزبان فارسی مؤلفات دارد از آن جمله کتاب فواید الفوائد در مناقب و ملفوظات نظام الدین اولیا و کتاب دیگری در همین زمینه بنام فواید الفواید که نیز باو نسبت داده اند و تردیدست از او باشد و چنان می نماید که از علاء الدین حسن سکزیست و دیگر رساله ای در تصوف و رساله ای در طریقه شطار و کتاب منح المعانی. کتابی شامل هزار و صد بیت غزل بنام او در هندوستان رواج دارد اما این اشعار از وی نیست و از معین الدین هروی شاعر قرن نهمست که معین مسکین تخلص می کرده است.

۵۰ ( صدر الشریعه عبیدالله بن معهود بن قاج الشریعه برهان الدین محمود بن صدرالد الشریعه احمد بن جمال الدین ابو المکارم عبیدالله محبوبی بخارایی از خاندان بسیار معروف از رؤسای حنفیان بخارا بود و جدش تاج الشریعه و پدر جدش

صدر الشریعه از مشاهیر فقهای این فرقه بودند و بهمین جهت وی بصدر الشریعه اصغر معروف بود . وی نیز مانند پدران خود در فقه و اصول و حدیث و نحو و لغت و ادب و منطق دست داشت و نزد معروف ترین دانشمندان خاندان خود و بزرگان آن عصر دانش آموخته بود و در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم در بخارا می زیست و در آنجا در ۷۴۲ در گذشت و در مقبره خانوادگی در شرع آباد بخارا مدفون شد و نیاگان و فرزندان وی همه در آنجا مدفونند . وی را در فنون شرعی بزبان فارسی و تازی مؤلفات چندست از آن جمله شرح کتاب الوقایه از مؤلفات جدش تاج الشریعه و مختصر همان کتاب بنام النقایه و کتاب التفتیح فی الاصول و شرحی بر آن بنام التوضیح و مقدمات الاربعه و تعدیل العلوم و کتاب الشروط و کتاب المعاضد و کتاب الوشاح و مختصر وقایه الروایه فی مسائل الهدایه بفارسی و برین کتاب اخیر سه شرح بفارسی نوشته شده یکی شرح مختصر و قایه معروف بترجمه مختصر گورمیری از جلال الدین محمود بن ابوبکر سمرقندی معروف بگورمیری و دیگر شرح فارسی مختصری که بنورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف نسبت داده اند و شرح وقایه معروف بشهر ملا صالح که معلوم نیست مؤلف آن در کدام زمان بوده است .

( ۵۱ ) مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی از فقهای حنفی ماوراءالنهر بوده و مؤلف کتابیست در فقه و عبادات طریقه حنفی معروف بصلوة مسعودی که از روش انشای آن پیداست در قرن هفتم می زیسته است .

( ۵۲ ) امام زین الصالحین ابوالقاسم بن حسین ، از احوال وی اطلاعی نیست و پیداست که از پیشوایان حنفیه شاید در ماوراءالنهر بوده است و یگانه اثری که از او هست ترجمه فارسی مختصر القدوری در فروع حنفیه تألیف امام ابوالحسن احمد بن محمد قدوری بغدادی حنفی متوفی در ۴۲۸ است که بنام قدوری فارسی معروفست و از روش انشای آن پیداست که مترجم در قرن هفتم زیسته است .

( ۵۳ ) فریدالدین مسعود بن جمال الدین سلیمان بن شعیب بن محمود بن یوسف ابن شهاب الدین فرخ شاه کابلی ابن فخرالدین محمود بن سلیمان بن مسعود بن عبدالله واعظ الاصفهانی ابوالفتح واعظ الاکبر بن اسحق بن ناصر بن عبدالله بن

عمر بن خطاب معروف بفریدالدین شکر گنج یا گنج شکر که در هندوستان بیشتر بنام بابا فرید معروفست. از بزرگان مشایخ طریقه چشتی در هندوستان بود. پدرش که وی را برخی خواهرزاده محمود غزنوی دانسته‌اند در زمان شهاب‌الدین غوری از کابل بهند رفته وی در ۵۶۹ یا ۵۷۱ در قصبه کهووال از توابع ملتان ولادت یافته و جوانی را در ملتان گذرانیده و بخدمت شیخ بهاء الدین زکریا ملتانی رسیده و ارشاد از وی یافته و سپس در حلقه مریدان قطب الدین بختیار کاکی عارف مشهور در آمده و وی در دم مرگ او را از شهر هانسی نزد خود خوانده و وی را جانشین خود کرده است و از آن پس در قصبه اجودهن یا بک بتن نزدیک دیبالپور از توابع ملتان ساکن شده و در همان جادر ۵ محرم ۶۶۴ در ۹۶ سالگی در گذشته و مرقد او هنوز در آنجا زیارتگاهست و در همه سال در آن بسته است تنها در روزه محرم که روز درگذشت اوست در آن را باز می‌کنند و جمعی کثیر از آن در زیارت خاک او می‌روند و آن در تنگ را «بهشتی دروازه» می‌گویند و عقیده دارند هر که از آن بگذرد بهشت می‌رود. درباره وی کرامات بسیار آورده‌اند از آن جمله گفته‌اند روزی که نزد مرشد خود قطب الدین بختیار می‌رفت گرسنه بود و در راه ناتوان شد و خاکی بر دهان گذاشت و آن خاک در دهانش بشکر تبدیل شد و بهمین جهت مرشد وی او را گنج شکر یا شکر گنج لقب داده است. در مقامات وی کتابهای چند بفارسی نوشته‌اند از آن جمله راحة القلوب در ملفوظات وی از نظام الدین اولیا عارف مشهور و اسرار الاولیا در مناقب او از بدرالدین اسحق بن علی دهلوی و جواهر فریدی تألیف علی اصغر چشتی. وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و برخی اشعار فارسی از او مانده و کتابی نیز از او باقیست بنام فواید السالکین که در ملفوظات مرشد خود قطب الدین بختیار کاکی نوشته است.

درین دوره دو کتاب مهم دیگر نیز بفارسی تألیف شده: یکی تاریخ سیستان است که ظاهراً اصل آن عربی بوده و در اوایل قرن پنجم در آغاز دوره سلجوقیان آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند و سپس در نیمه دوم قرن هفتم مولف دیگری حوادث سیستان را باختصار از اوایل قرن پنجم تا زمان خود بر آن افزوده و آنرا بنام ملک نصیرالدین

پادشاه سیستان و پسران او رکن‌الدین محمود و نصر‌الدین در میان سنوات ۶۷۵ - ۶۹۵ تکمیل کرده است.

کتاب دوم ترجمه فارسی کتاب الفتوح از احمد بن اعثم کوفیست که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم یکی از وزرای خوارزمشاهان مؤید الملک قوام‌الدین، منشی و شاعر معروف آن زمان رضی‌الدین سیدالکتاب امیرالشعراء محمد بن احمد بن ابی‌بکر بن احمد مستوفی زاوی ملقب بر رضی‌الکاتب را بترجمه آن مأمور کرده ولی او را مرگ در رسیده و ناتمام مانده است و بازمانده آنرا بفرمان همان وزیر محمد بن احمد بن ابی‌بکر مایژنابادی بانجام رسانده است و این ترجمه در نهایت فصاحتست.

در قرن هفتم تغییر اساسی در شعر فارسی پدیدار شد، اساساً سبک عراقی که در اواخر قرن ششم رواج کامل یافته بود و بواسطه برجیده شدن سلسله‌های پادشاهان ایرانی در خراسان متروک ماند و فکر تصوف که در دو قرن گذشته در میان خواص ایران رواج یافته، بود در نتیجه سختی‌ها و بدبختی‌های تسلط مغول بیش از پیش تعمیم یافت و در شعر کاملاً ریشه گرفت و از سوی دیگر روز بروز از شماره پادشاهان و امرایی که شعرا را بخود جلب میکردند و مدایح ایشان را می‌خریدند کاسته می‌شد و چون شاعر مدوحی نمی‌یافت که حق او را بگزارد و مدایح او را صلت بخشد بغزل سرایی بیشتر می‌پرداخت و برای دل‌داری و آزادی خود جز تصوف راه‌گزینی نداشت. بهمین جهت اکثریت شعرای بزرگ قرن هفتم غزل عارفانه سروده‌اند و کسانی که هنوز بسبک عراقی قصیده‌سرایی می‌کردند با پادشاهان و امرای جزء بودند که در پیرامون استیلائی مغول باقی مانده و بودند بمحض آنکه ایشان از میان می‌رفتند و نابود میشدند دیگر کسی جای ایشان را نمی‌گرفت. در نتیجه نهضت خاصی در شعر ایران در قرن هفتم دیده می‌شود و سبک مسمولیسم درین دوره غلبه دارد. شعرای بزرگ ایران در قرن هفتم بدین قرار بودند:

(۱) کمال‌الدین ابوالفضل اسمعیل اصفهانی پسر جمال‌الدین عبدالرزاق شاعر

معروف قرن ششم بود. وی از بزرگان شعرای قرن هفتم بشمارست، تمام عمر خویش را در مولد خود گذرانده و مانند پدر مداح آخرین پادشاهان خوارزمشاهی و بزرگان خانواده صاعدیان بود که پیشوایان مذهب حنفی در اصفهان بودند و در آخر عمر شاهد وقایع ناگوار اصفهان بود یعنی جنگهای خوارزمشاهان با مغول و استیلای مغول بر اصفهان در ۶۳۳ و زرد و خوردهای شافعیان و حنفیان اصفهان در همان سال و کشتار مهیبی که در نتیجه آن روی داد. پس ازین واقعه کمال الدین اسمعیل در گوشه ای منزوی ماند و اندکی بعد در دوم جمادی الاولی ۶۳۵ در انزوار رحلت کرد و سبب مرگ وی را چنین نوشته اند که بر حسب اتفاق بدست مغولی کشته شد. کمال الدین اسمعیل از شعرای بزرگ ایرانست و در جز و سخن سرایان درجه دوم بشمارست. در قصیده و غزل قادر بوده و پیشوای غزل سرایان عراق در قرن هفتم شمرده می شود. دیوان وی شامل هفت هزار بیتست. در اشعار خود مضامین دقیق و تازه بسیار آورده است و بهمین جهت او را «خلاق المعانی» لقب داده اند و سبک شعرای عراق را وی باوج کمال رسانده و رساله ای ادبی بزبان تازی بنام رسالة القوس نوشته است.

(۲) اثیرالدین عبدالله اومانی از مردم اومان نزدیک همدان بود و وی را از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی شمرده اند. وی اختصاص داشته است بمدح اتابک مظفرالدین ازبک و سلیمان شاه بن پرچم ایوایی پیشوای یکی از خاندانهای کرد و بهمین جهت بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانده و بسال ۶۶۵ درگذشته است. اثیرالدین اومانی نیز از بزرگان شعرای قرن هفتم بود و سبک شعرای عراق قصیده سرایی می کرد و معانی دقیق در اشعار خود بسیار می آورد و بهمین جهت در زمان خویش بسیار معروف بود، دیوان وی شامل پنج هزار بیتست و در میان آن اشعار مخصوصاً قطعات اخلاقی بسیار خوب دارد و درین سبک کاملاً استاد بوده است.

(۳) جلال الدین محمد بن بهاء الدین محمد بن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی معروف بمولوی رومی یا ملای روم یکی از بزرگترین عرفای اسلام و از بزرگترین شعرای درجه اول ایران بشمارست. خانواده وی از خاندانهای محترم بلخ



بود و نسب ایشان بابوبکر خلیفه میرسید و پدرش از سوی مادر دخترزاده سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و بهمین جهت بهاءالدین ولد معروف بود. وی در سال ۶۰۴ در بلخ ولادت یافت. چون پدرش از بزرگان مشایخ عصر بود و سلطان محمد خوارزمشاه با این سلسله لطفی نداشت بهمین جهت بهاءالدین در سال ۶۰۹ با خانواده خود خراسان را ترک کرد و از راه بغداد بمکه رفت و از آنجا در الجزیره ساکن شد و پس از نه سال اقامت در ملاطیه سلطان علاءالدین کیتباد سلجوقی که عارف مشرب بود او را بیایتنخت خود شهرقونیه دعوت کرد و این خاندان در آنجا مقیم شد. هنگام هجرت از خراسان جلالالدین پنجساله بود و پدرش در سال ۶۲۸ در قونیه رحلت کرد و وی پس از مرگ پدر مدتی در خدمت سید برهانالدین ترمذی که از شاگردان پدرش بود و در ۶۲۹ بآن شهر آمده بود شاگردی کرد و تا سال ۶۴۵ که شمسالدین تبریزی رحلت کرد جزو مریدان و شاگردان او بود و سپس خود جزو پیشوایان طریقت شد و طریقه‌ای فراهم ساخت که پس از وی انتشار یافت و با اسم طریقه مولویه معروف شد و خانقاهی در شهر قونیه برپا کرد و در آنجا بارشاد مردم پرداخت و آن خانقاه کم کم بدستگاه عظیمی بدل شد و معظم ترین اساس تصوف بشمار رفت و از آن پس تا این زمان آن خانقاه و آن سلسله در قونیه باقیست و در تمام ممالک شرق پیروان بسیار دارد و وی همواره با مریدان خود می زیست تا اینکه در پنجم جمادی الاخره سال ۶۷۲ رحلت کرد. جلالالدین بلخی یکی از بزرگترین شعرای ایران و یکی از مردان عالی مقام جهانست و در میان شعرای ایران شهرت وی پهای شهرت فردوسی و سعدی و عمر خیام و حافظ می رسد و از اقربان ایشان بشمار می رود و آثار وی بپسای از زبانهای مختلف ترجمه شده، این عارف بزرگ در وسعت نظر و بلندی فکر و بیان ساده و دقت در خصال انسانی یکی از بزرگان دنیاست و شاعری دون مقام اوست و یکی از بلندترین مقامات را در ارشاد فرزند آدمی دارد و وی را باید در شمار اولیا دانست. سرودن شعر تاحدی تفنن و تفریح و یک نوع لفافه‌ای برای ادای مقاصد عالی او بوده و این کار را وسیله تفهیم قرار داده است. اشعار وی بدو قسمت منقسم میشود نخست

منظومه معروف اوست که از معروفترین کتابهای زبان فارسیست و آنرا مثنوی معنوی نام نهاده است. این کتاب که صحیحترین و معتبرترین نسخهای آن شامل ۲۵۶۳۲ بیت است بخش دفتر منقسم شده و آن را بعضی باسم صیقل الارواح نیز نامیده اند. دفاتر شش گانه آن همه بیک سیاق و مجموعه ای از افکار عرفانی و اخلاقی و سیر و سلوک است که در ضمن آیات و احکام و حکایات و امثال بسیار در آن آورده است و آنرا بخواهدش یکی از شاگردان خود حسن بن محمد بن اخی ترک معروف بحسام الدین چلبی که در ۶۸۳ رحلت کرده است نظم کرده و وی هنگامی که شوری و وجدی داشته چون بسیار مجذوب سنایی و عطار بوده است بهمان وزن و سیاق منظومات ایشان اشعاری با کمال ذبردستی بدیبه می سروده است و حسام الدین آنها را می نوشته. نظم دفتر اول در ۶۶۲ تمام شده و درین موقع بواسطه فوت زوجه حسام الدین ناتمام مانده و سپس در ۶۶۴ دنباله آنرا گرفته و پس از آن بقیه را سروده است. قسمت دوم اشعار او مجموعه بسیار قطور است شامل نزدیک صد هزار بیت غزلیات و رباعیات بسیار که در موارد مختلف عمر خود سروده و در پایان اغلب آن غزلیات نام شمس الدین تبریزی را برده و بهمین جهت بکلیات شمس تبریزی و با کلیات شمس معروفست و گاهی در غزلیات خاموش و خموش تخلص کرده است و در میان آن همه اشعار که با کمال سهولت می سروده است غزلیات بسیار رقیق و شیوا هست که از بهترین اشعار زبان فارسی بشمار تواند آمد.

جلال الدین بلخی پسری داشته است باسم بهاء الدین احمد معروف بساطان ولد که نام وی در جای خود خواهد آمد و جانشین پدر شد و سلسله ارشاد وی را ادامه داده است و از عرفای معروف قرن هشتم بوده و او مطالبی را که در مشافهات از پدر خود شنیده است در کتابی گرد آورده و «قیه مافیه» نام نهاده است و نیز منظومه ای بهمان وزن و سیاق مثنوی بدست هست که باسم دفتر هفتم مثنوی معروف شده و باز نسبت میدهند اما از نیست. دیگر از آثار مولانا مجموعه مکاتیب او و مجالس سبعه شامل مواعظ اوست.

۴) ملک الشعراء پوریهای جامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم بود، در

اوایل عمر در خراسان می زیست و خاندان وی در ولایت حجام منصب قضا داشتند و وی از مداحان خواجه وجیه الدین زنگی بن خواجه طاهر فریومدی هستوفی خراسان بود و در زمانی که ارغون خان حکمران خراسان بود او را با ممدوح وی بتبریز برد و در آنجا پوربها را با شعرای آذربایجان که مختصان صاحب دیوان جوینی بودند ملاقات و مشاعره روی داد و وی در سلك ایشان داخل شد و تا آخر عمر در آذربایجان می زیست و در اواخر قرن هفتم در گذشت. پوربهای جمعی در قصیده سرایی زیر دست بود و دیوان اشعار او در دست نخستین کسیست که کلمات و اصطلاحات مغولی را در شعر خود آورده است.

۵) **ملك الشعراء بهاء الدین احمد بن محمود قانع طوسی**، نخست در خراسان می زیست و در سال ۶۱۷ از فتنه مغول گریخت و از راه دریا به عدن و مدینه و مکه رفت و سپس به بغداد آمد و بیاد روم رفت و در دربار سلطان علاء الدین کیقباد سلجوقی وارد شد و ملك الشعراء او شد و سپس در دربار جانشینان وی غیاث الدین کیخسرو و عزالدین کیکاووس همین مقام را داشت و نزدیک چهل سال درین مقام باقی بود و در اواخر قرن هفتم در گذشت. قانع نیز در قصیده سرایی مهارت تام داشته و ازو هم جز بعضی اشعار نمانده است با آنکه مدت چهل سال شعر می گفته و وقایع پادشاهان سلجوقی روم را نظم می کرده و کتابی باسم سلجوقنامه در تقلید شاهنامه نظم کرده بود که شامل ۳۰ مجلد و ۳۰۰ هزار شعر بود و گذشته از آن کتاب کلیده و دمنه را هم نظم کرده بود ولی از آن همه چیزی بجز کلیده و دمنه بدست نیست.

۶) **رضی الدین ابو عبد الله محمد بن عثمان امامی هروی** از دانشمندان هرات بود و پادشاهان آل کرت را مدح می گفت و سپس بکرمان رفت و مدتی پادشاهان و امرای آن دیار را مدح می گفت و بعد باصفهان آمد و بازمانده عمر خود را در اصفهان گذراند و چون در زبان و ادبیات عرب مهارت بسیار داشت در زمان خویش بسیار معروف شد و حتی بعضی از معاصرین وی را بر سعدی ترجیح دادند و وی در اصفهان در ۱۷ محرم ۶۸۶ در قصبه لنجان رحلت کرد. امامی از شعرای درجه دوم قرن هفتم ایران بود و در قصیده سرایی بسبك عراقی مهارت داشت. دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت

بدست است و در زبان عرب نیز مؤلفات دارد از آن جمله است شرحی که بر قصیده باغیه ذوالرمله شاعر معروف عرب نوشته است .

(۷) مجدالدین همگر یزدی شیرازی از بزرگ زادگان یزد بود ولی چون بیشتر در شیرازی زیسته است بشیرازی معروف شده و خود نسب خویش را بسامانیان میرساند ، مدتی در اصفهان می زیسته و سپس بفارس رفته و در خدمت اتابکان سلغری فارس زیسته و پس از انقراض این خاندان باصفهان بازگشته و از مداحان بهاءالدین محمد پسر شمس الدین صاحب دیوان حکمران اصفهان بوده است . در زمانی که در فارس بوده مدتی جزو مداحان اتابک سعدبن ابی بکر بن سعدبن زنگی ممدوح معروف سعدی بوده و خود می گوید که سمت وزارت ادرا داشته است و عاقبت در اصفهان در ۶۸۶ رحلت کرده است . مجد همگر در غزل و قصیده مهارت تام داشته و از بزرگان خوشنویسان و شعرای قرن هفتم بوده است . دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیت است و در آن میان اشعار لطیف بسیار دارد .

(۸) بدرالدین جاجرمی نیز از شعرای معروف قرن هفتم بود و بسبب عراقی قصاید می سرود و همواره در اصفهان می زیست و در اواخر عمر در سلك مداحان بهاءالدین محمد جوینی درآمد و بهمین جهة شمس الدین صاحب دیوان راهم مدح گفته است و وی نیز در ۶۸۶ در اصفهان در گذشته ، دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیت است و منظومه ای در اختلافات سروده است .

(۹) خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد جوینی صاحب دیوان از خانواده معروف جوینیان بود که رجال بسیار از ایشان در اواخر قرن ششم و در قرن هفتم چه در دولت خوارزم شاهان و چه در دولت مغول مقامات مهم داشته اند و همه دبیر و مستوفی و وزیر بوده اند و وی برادر ارشد عظاملك جوینیست . پدرش بهاء الدین محمد در سال ۶۳۰ صاحب دیوان خراسان شد و در ۶۴۱ از جانب امیر ارغون نایب آورد آذربایجان و گرجستان و دروم گشت و پسرش شمس الدین از جوانی در دربار مغول بود و از اعمال هولاکوخان بشمار می رفت و پس از فتح بغداد در سال ۶۵۷ حکمران

آن ناحیه شد و در ۶۶۱ بوزارت هولاکوزسید و پس از مرگ هولاکو در زمان ابقاخان درین مقام باقی بود تا آنکه در میان وی و مجدالملک یزدی که از بر آوردگان او بود نقاری در گرفت و مجدالملک بنای سعایت را گذاشت و خاندان جوینیان را بخیانت متهم کرد و ابقاخان به رین خانواده بد گمان شد . به همین جهت نخست عظاملک را از حکمرانی بغداد عزل کرد و درین میان ابقاخان مرد و برادرش تگودار احمد بجای او نشست و او با صاحب دیوان چندان سخت نگرفت تا آنکه از غون خان جانشین او شد و درین زمان صاحب دیوان فرار کرده بود و در اصفهان می زیست و میخواست به هندوستان بگریزد و چون پا بند خانواده خود بود مصمم شد نزد از غون رود و دل او را نرم سازد و با آنکه از غون بخوش رویی او را پذیرفت پس از چندی فرمان داد که او را محاکمه کنند و قرار شد که جریمه دهد و لای مبلغی که از فروش املاک خود فراهم ساخته بود پسندیده نیفتاد و از غون حکم کشتن او را صادر کرد و وی را عصر دو شنبه ۴ شعبان ۶۸۳ در نزدیک اهر در آذربایجان کشتند و هر کس را که از خانواده او یافتند نابود کردند . شمس الدین صاحب دیوان جوینی یکی از بزرگان تاریخ ایرانست و از حیث تدبیر و کاردانی و مروت و بزرگواری و زیر دست پروری و سخا و دانش گستری و لطف عام مقامی نظیر مقام نظام الملک طوسی دارد و از مردان بزرگ این دیار بشمار تواند آمد . در ادبیات قرن هفتم مقام بسیار رفیعی دارد زیرا که نویسندگان و شعرای بزرگ این دوره از نعم وی برخوردار شده اند و همه از وصلات گران گرفته در حق وی مدح های غرا گفته اند . شمس الدین خود در نظم و نثر فارسی مهارت کامل داشته ، بعضی از منشآت و مکاتیب او باقیست که قدرت وی را در انشای فارسی مسلم می کند و بعضی غزلیات و قصاید و قطعات که از او مانده ثابت میکند که از شعرای زبردست زمان خود بوده است .

(۱۰) فخر الدین ابراهیم بن یزید مهر بن عبدالغفار جو اقی همدانی متخلص بهراقی یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از بزرگان عرفای این دیارست . در سال ۶۱۰ در روستای کمیجان یا کمیجان در ناحیه اعلم یا المر در میان

همدان و اراک که در ۸۶ کیلومتری هر دو شهر است ولادت یافته است. در جوانی بسن ۱۷ سالگی شور تصوف درو پدید آمد و به همراهی چند تن از درویشان از همدان در حدود سال ۶۲۷ هجری هندوستان کرد و در مولتان جزو شاگردان شیخ بهاء الدین زکریا مولتانی عارف معروف قرن ششم جای گرفت و بیست و دو سال در خدمت او ماند و دختر او را نکاح کرد و پس از مرگ وی جانشین او شد ولی چون مریدان دیگر زیر بار او نرفتند از هندوستان بیرون آمد و بمکه و مدینه رفت و از آنجا به بلاد روم افتاد و در شهر قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و کتاب فصوص الحکم محیی الدین ابن العربی را که معروف ترین کتاب تصوف در آن زمان بود نزد وی درس خواند و در آن دیار معروف شد تا بعدی که معین الدین پروانه حکمران آن دیار مجذوب وی گشت و برای او در شهر توقات خانقاهی ساخت ولی پس از مرگ معین الدین وی از روم هجرت کرد و به شام و مصر رفت و شیخ الشیوخ مصر شد و سپس در هشتم ذی قعدة سال ۶۸۸ در دمشق رحلت کرد و در صالحیه نزدیک قبر محیی الدین ابن العربی مدفون شد. فخرالدین عراقی یکی از شعرایست که غزل عارفانه را بسیار لطیف و طرب انگیز و سوزناک سروده است و شعر او وجود و شور خاصی دارد و در مثنوی درجه زیبایی غزل عارفانه است. دیوان قصاید و غزلیات او شامل چهار هزار و هشتصد بیت بدست است و بجز آن منظومه ای بر وزن حدیقه سنایی باسم عشاق نامه یا ده نامه برای شمس الدین صاحب دیوان سروده است. در تشریفاتی کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است باسم لمعات که در نهایت شور و لطف نوشته و انشای عاشقانه بسیار لطیفی دارد و آنرا پس از درس خواندن نزد صدرالدین قونیوی نوشته و با استاد خود نموده و از او اجازت انتشار گرفته است و این کتاب از اجله مؤلفات متصوفه در زبان فارسیست و شرح متعدد بر آن نوشته اند از آن جمله است شرحی که عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم باسم اشعة اللمعات در ۸۸۹ بر آن پرداخته است و شرح شاه نعمه الله ولی و شرح صابن الدین علی ترکیه اصفهانی متوفی در ۸۳۵ بنام «الضوء» و شرح شیخ یار علی شیرازی بنام اللمعات فی شرح اللامعات و شرح خاوری و شرح برهان الدین ختلائی متوفی در ۸۹۳ و شرح درویش علی بن یوسف کوکهری در آغاز قرن نهم، عراقی

رساله‌ای نیز در اصطلاحات تصوف تألیف کرده است. عراقی از دختر بهاء الدین زکریا پسری داشته است با اسم کبیر الدین .

### (۱۱) ضیاء الدین محمود بن جلال الدین مسعود خجندی معروف بفارسی

از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود. اصلاً از مردم خجند بود و پدرش در زمان قطب الدین محمد تکش خوارزمشاه از خجند بخوارزم رفت و در دربار خوارزمشاهان بمقام عالی رسید تا بعدی که در زمان غیاث الدین بیرامشاه وزیر خراسان شد و پسر درین سفرها با وی همراه بود و چون پدر در فتنه مغول کشته شد ضیاء الدین جانشین پدر گشت و بوزارت خراسان رسید ولی پس از چندی از کار وزارت کناره گرفت و چندی نزد امام فخر رازی تحصیل علوم می کرد و سپس در جمع متصوفه داخل شد و از مریدان نجم الدین کبری گشت و نیز گفته اند که از مریدان ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی بود و عاقبت در هرات ساکن شد و در آنجا بسال ۶۲۲ در گذشت. ضیاء الدین فارسی مردی دانشمند بوده و مؤلفات بسیار در تصوف و اصول و کلام داشته است. از آن جمله شرحی بر محصول امام فخر رازی نوشته است. شعر فارسی را نیز نیکو می سروده است و قصاید بسبک عراقی بسیار گفته و از شعرای معروف زمان خود بوده و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدستست.

### (۱۲) رفیع الدین مسعود لنبانی، از مردم لنبان نزدیک اصفهان بود و همواره

در آن دیار زندگی میکرد، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه عمرش طولانی نشده و در زمان خود در میان شعرای عراق بسیار معروف بوده است و در اصفهان در سال ۶۳۰ در گذشته و همانجا مدفون شده است. وی نیز از شعرای معروف سبک عراقیست و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیتست که در آن میان اشعار لطیف و مضامین تازه بسیار دارد.

### (۱۳) نجیب الدین جرفادقانی، در جوانی ببغداد رفت و در فتنه مغول مدتی

در قلعه و شاق مقیم بود و امرای آن دیار را مدح میکرد و چون رکن الدین غورسانجی برادر جلال الدین خوارزمشاه عراق و کرمان را گرفت و عمادالملک ساوجی وزیر او

شد بواسطه روابطی که نجیب‌الدین با این وزیر داشت با او باصفهان رفت و نزد آن پادشاه قریبی یافت و جزو عمال دربار او در عراق شد و معروفست که درین موقع چون بدان منصب رسید پادشاه خلعت و جایزه نقد بوی داد و او از بلندی همت که داشت آن زر را از مجلس سلطان که بیرون می آمد بتنگیستان داد و چون سلطان رکن الدین از عراق بری و فیروزکوه رفت و با سپاه مغول جنگ کرد و کشته شد نجیب‌الدین از کار خویش استعفا جست و بوطن خویش رفت و در آنجا بود تا در آنجا سال ۶۶۵ در گذشت. نجیب‌الدین جرفادقانی یکی از بهترین شعرای سبک عراقی در قرن هفتم بوده و مضامین بسیار بدیع در الفاظ رقیق دارد. دیوان اشعار وی شامل چهار هزار بیت قصیده بدستست و مثنوی بشر و هند نیز ازوست که در همان قلعه و شاق سروده است.

(۱۴) فرید الدین احوال اصفهانی، اصل وی از اسفراین بود ولی چون مدتی در اصفهان زندگی کرد باصفهانی معروف شد، در جوانی از خراسان به هندوستان و سپس بفارس رفت و بدربار اتابکان فارس در آمد و مدتی مداح سعد بن ابی بکر بن سعد زنگی بود و در ضمن بنظام الدین وزیر وی پیوستگی داشت و در میان وی و شعرای عراق و فارس که در آن زمان بودند رقابت افتاد و درین رقابت هر کدام قصیده‌ای نزد صدر الشریعه بخاری فرستادند و او امیر رکن الدین میر آب را که از ادبای معروف زمان بود با امتحان ایشان گماشت و درین امتحان برتری فریدالدین ثابت شد و سپس وی از شیراز باصفهان رفت و تا آخر عمر در اصفهان مقیم بود و در اوایل قرن هفتم در اصفهان رحلت کرد و بعضی هم مرگ وی را در بخارا نوشته‌اند. فریدالدین احوال نیز از شعرای معروف قرن هفتم ایرانست که بسبک عراقی قصاید نیکو می سروده ولی بیش از دیگران بصنایع لفظی و محسنات کلام دل بستگی داشته و بهمین جهت اشعار وی بسبک قطران و رشید وطواط و عبدالواسع جبلی نزدیک ترست و در عروض و قافیه و صنایع شعری مهارت تام داشته است. دیوان اشعار وی شامل سه هزار و یانصد بیت بدستست.



( ۱۵ ) مصلح‌الدین ابو محمد عبدالله بن مشرف بن مصلح بن مشرف سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۵ و ۶۰۶ هجری در شیراز متولد شده و پیش از استیلای مغول بعزم تحصیل ببغداد رفته و در مدرسه نظامیه علوم متداول زمان خود را درك کرده و از استادان معروف آن زمان مانند شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف ابن قزاق و علی معروف بسبط ابن الجوزی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی بهره‌مند شده است و در اثر این تعلیمات عارف پیشه شده و پس از فراغت از تحصیل سفرهای چند در دربار اسلام کرده و ظاهراً باقصی نقاط آسیای غربی رفته است و پس از مدتی مدیدی بشیراز بازگشته و در دربار اتابکان فارس منزلتی یافته و بانایک سعد بن ابی بکر بن سعد بن زنگی در ولیمهدی او منتسب شده و تخلص خود را ازو گرفته و ظاهراً از همین زمان دوره شاعری او شروع شده است این اتابک سعد پس از مرگ پدر که در ۶۵۸ اتفاق افتاد بجای او نشست ولی درازده روز بیشتر درین مقام نبود و چون هنگام مرگ پدر در شیراز نبود و در تفرش قم سکونت داشت موقعی که عازم بود در راه رحلت کرد ولی چون در زمان پدر اختیار کارها بدست او بود سعدی در همین دوره مداح او بوده است و ابن شاهزاده در پرورش شعر او ادباً بسیار شایق بود و جمعی کثیر از بزرگان ادبای ایران از وی متنعم شده‌اند. پس از برچیده شدن دستگاه اتابکان فارس و استیلای مغول بر آن دیار سعدی در سلك مداحان خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان و برادرش عطاءملك جوینی درآمد و پس از مصایبی که برای این خانواده رخ داد دیگر سعدی بمدوح دیگری اقبال نکرد و بازمانده عمر خود را در پیری در خانقاهی که در شیراز داشته است بانزو گذراند و قسمت اعظم از غزلیات خود را درین مدت سروده است. عاقبت در شیراز در شب سه‌شنبه ۲۷ ذی‌الحجه سال ۶۹۱ در حالی که بیش از هشتاد سال از عمر وی گذشته بود رحلت کرد و در همان محل اقامت خود مدفون شد. سعدی بی‌شک بزرگترین شاعر ایران و یکی از بزرگترین شعرای جهان است، تا کنون هیچ کس در زبان فارسی بر روانی و لطف و سادگی و شیوایی و انسجام و فصاحت و فریبندگی الفاظ او شعر نگفته است و بهمین جهت غزلهای او در زبان فارسی بی‌نظیر است و چون منتهای سادگی و روانی را در ساده‌ترین احساسات

طبیعی بکار برده بهر زبانی که ترجمه شود از زیبایی آن کاسته نمی گردد و بهمین سبب در تمام عالم معروف شده و در سلك بزرگان فرزندان آدمی در آمده است. در نظم و نثر و اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه و مثنوی و مدح و معاشقه و حکمت و نصیحت در منتهی درجه قادر بوده و سبك انشای او نیز در نثر فارسی همواره در هر طبقه ایران مطلوب بوده و نمونه بهترین نثر شمرده شده است. کلیات نظم و نثر او شامل چندین رساله و کتاب مستقل است: غزلیات او که بهترین نمونه سبك شعر اوست و در نهایت لطف و شیوایی سروده شده است شامل چهار کتاب است: ۱ - غزلیات قدیم، طیبات، بدایع، خواتیم و هر قسمتی شامل غزلیات يك دوره از عمر اوست. ۲ - بوستان یا سعدی نامه منظومه ایست ببحر متقارب تقریباً شامل دو هزار بیت که در ۶۵۵ بنام ابوبکر بن سعد نظم کرده و شامل حکایات و ابواب چند در معارف و اخلاق و حکم و سیر و سلوك و امثال است و از جمله معروفترین کتاب های نظم فارسیست. ۳ - گلستان که معروفترین کتاب نثر فارسیست و در سال ۶۵۶ بنام همان اتابك تمام کرده و معروف تر از آنست که بحد وصف در آید. ۴ - قصاید فارسی و عربی و ترجیعات و ترکیبات و مقطعات و ابیات پراکنده (مفردات) و رباعیات که هر يك قسمت جداگانه است. ۵ - رسایل مختلف نثر شامل: مجالس پنج گانه، سؤال صاحب دیوان، رسایل عقل و عشق، رساله نصیحت ملوك، مضحکات و میزان در صرف افعال عرب و در ضمن دیباچه ای بر کلیات خود نوشته که انهم رساله جداگانه است. ۶ - منظومات مختلف شامل: مثنوی کریم، سرانی، ملمعات، صاحبیه. کلیات سعدی از نظم و نثر تقریباً شامل نه هزار بیت است که علی بن احمد بن ابی بکر معروف بیستون در سال ۷۲۰ جمع کرده است.

(۱۶) **خواجه همام الدین تبریزی** از مشاهیر شعرای آذربایجان و یکی از بهترین غزل سرایان قرن هفتم ایران بود و با خاندان جوینیان پیوستگی تام داشت و همواره در تبریزی زیست و در آن شهر ولادت یافته و در سال ۷۱۴ در همانجا در گذشته است. دیوان غزلیات او که اشعار بسیار روان دل انگیز در میان آن هست شامل نزدیک دو هزار بیت است و مثنوی صحبت نامه نیز ازوست که بنام خواجه شرف الدین هارون

پسر صاحب دیوان جوینی سروده است.

(۱۷) امیر رکن الدین حسین بن عالم بن ابوالحسن حسینی هروی غوری  
فخر السادات معروف بامیر حسینی یا حسینی سادات از مردم شهر غزنیو یا گزیو در  
کوهستان غور بود. از بزرگان عرفا و شعرا و نویسندگان قرن هفتم ایران بشمارست  
و بیشتر ایام خود را در شهر هرات می گذراند و بارشاد مردم می پرداخت و محله ای که  
وی در آن ساکن بوده هنوز در هرات بنام محله میر حسینی سادات معروفست و از  
پیروان بهاء الدین زکریای ملتانی و شهاب الدین سهروردی بود و در ۷۱۸ در هرات  
رحلت کرد. در تشر کتاب بسیار معروفی در تصوف تألیف کرده است باسم نزهة الارواح  
که در ۷۱۱ تمام کرده و دیگر نزهة المجالس که در ۷۲۱ پایان رسانیده و دیگر  
روح الارواح و دیگر مصراط المستقیم و در نظم چند مثنوی او بدستست یکی زاد المسافرین  
و دیگری کنز الرموز که از جمله بهترین منظومات عرفای ایرانست.

(۱۸) سعد الدین یا نجم الدین محمود بن عبدالکریم شبستری متولد در ۶۸۷  
از مردم شبستر آذربایجان و از بزرگان مشایخ آن دیار بود و از علمای نامدار تبریز  
بشمار میرفت و اوقات خویش را در درس و بحث می گذراند و در سال ۷۲۰ در تبریز  
رحلت کرد. شیخ شبستری مؤلف مثنوی معروفیست باسم گلشن راز که شرح بسیار بر  
آن نوشته اند و از آن جمله شرح کمال الدین حسین اردبیلی متخلص باللهی در قرن  
دهم و شرح شاه داعی الی الله شیرازی بنام نسایم گلشن و شرح محمد بن یحیی بن علی  
لاهیجی تألیف در ۸۷۷ و شرح مظفر الدین علی شیرازی و شرح ادریس بن حسام الدین  
بدلیسی مورخ معروف قرن دهم ترکیه و شرح شیخ بابا نعمة الله بن محمود نخجوانی  
و شرح حاج محمد ابراهیم بن محمد علی شریعت مدار سبزواری خراسانی و نیز شرحی  
بعید الرحمن جامی نسبت داده اند که تردیدست ازو باشد و این منظومه را بزبانهای  
انگلیسی و آلمانی ترجمه کرده اند و از معروفترین کتابهای عرفای ایرانست و در ماه شوال  
۷۱۷ امیر حسینی هروی سؤالاتی از وی بنظم کرده و او جواب آنها را بنظم سروده و  
این مثنوی را ترتیب داده است. بجز آن دو مثنوی دیگری باسم شاهد نامه و دیگر

باسم سعادت نامه سروده است و خود تصریح می کند که شاعر نبوده و این وسیله را برای اظهار مطالب خویش پیش گرفته است. در تشریح رسایل چند در تصوف تألیف کرده از آن جمله است حق الیقین و مرآت المحققین.

(۱۹) سعدالدین نزاری قهستانی از غزل سرایان معروف قرن هفتم ایران بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و از اسمعیلیان قهستان بود بهمین جهت در دیار خود منزوی می زیست و در قاین و بیرجند اقامت داشت و تخلص خود را از نام نزار بن مستنصر خلیفه اسمعیلی مصر گرفته بود که از ائمه اسمعیله ایران بشمار میرفت. وی در سال ۷۲۰ رحلت کرد. نزاری غزل را روان و لطیف می سروده و دیوان وی شامل نزدیک هفت هزار بیت بدست است و نیز دو منظومه دستور نامه و سفر نامه را سروده است.

(۲۰) امیر خسرو بن امیر سیف الدین محمود دهلوی پدرش لاجین نام از ترکان ختایی ترکستان بود و در استیلائی مغول از بلخ به هندوستان فرار کرد و در خدمت سلطان شمس الدین التتمش در آمد و بامیر سیف الدین محمود شمس معروف شد و خسرو پسرش در سال ۶۵۱ در دهلی ولادت یافت و پس از مرگ پدر که در سال ۶۵۸ روی داد بسر پرستی خالش تربیت یافت و از آغاز جوانی در حمایت پادشاهان دهلی در آمد و مداح پنج تن ازیشان شد که نخستین ایشان معز الدین کیتباد (۶۸۶-۶۸۹) و آخرین ایشان سلطان محمد بن تغلق (۷۲۵-۷۳۰) بود و در همان سال جلوس این پادشاه در ربیع الاول ۷۲۵ در دهلی رحلت کرد و در بقعه نظام الدین اولیا مدفون شد. خسرو دهلوی بزرگترین شاعر ایرانی هندوستان است و بهمین جهت او را سعدی هندوستان لقب داده اند. در اقسام مختلف شعر مانند مدح و غزل و مثنوی مهارت داشته ولی شاهکار او بیشتر غزل عارفانه است که الفاظ رقیق و معانی دقیق را با فکر تصوف آمیخته است و در تصوف پیرو عارف مشهور هندوستان نظام الدین اولیا بود. کلیات وی از حیث نظم و نثر دارای چندین مجلد کتابهای جالب توجه است. بدین قرار: ۱- تحفة الصغر شامل غزلیات و قصاید آغاز عمر او، ۲- وسط الحیوة شامل اشعار او اوسط عمر، ۳- غرة الکمال شامل اشعار او آخر عمر وی، ۴- بقية نقيه شامل اشعار پیری او، ۵- نهاية الکمال شامل اشعار

آخر عمروی ۶ - مطلع الانوار در برابر معزن الاسرار نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،  
 ۷ - شیرین و خسرو در برابر منظومه خسرو و شیرین نظامی که در ۶۹۸ تمام کرده ،  
 ۸ - لیلی و معجون در برابر منظومه نظامی که در همان سال تمام شده است ، ۹ - آینه  
 سکندری در برابر اسکندر نامه نظامی که در ۶۹۹ تمام کرده ، ۱۰ - هشت بهشت  
 در برابر هفت پیکر نظامی که در ۷۰۱ بانجام رسانده ، ۱۱ - قرآن السعدین بوژن معزن -  
 الاسرار در شرح ملاقات معزالدین کیقباد و برادرش ناصرالدین بغراخان شاه بنگاله  
 در ۶۸۸ ، ۱۲ - مثنوی نه سپهر ، نه وزن مختلف ، ۱۳ - مثنوی مفتاح الفتوح بوژن خسرو و شیرین  
 در فتوح جلال الدین فیروز شاه از ۶۸۹ تا ۶۹۰ ، ۱۴ - منظومه خضرخان و دولرانی یا عشقیه  
 در شرح معاشقات این دو تن که معاصر وی بوده اند ، ۱۵ - تغلق نامه در فتوحات  
 غیاث الدین تغلق شاه . مؤلفات وی در نشر عبارتست از : ۱ - خزاین الفتوح در تاریخ سلطان  
 علاء الدین محمد خلجی (۶۹۵ - ۷۱۵) که با اسم تاریخ علائی نیز معروفست و تقلید است  
 از تاج المآثر حسن نظامی ، ۲ - رسایل الاعجاز یا اعجاز خسروی در فن انشاء . ۳ - افضل -  
 الفوائد مجموعه ملفوظات نظام الدین اولیا . ازین قرار ختمه نظامی را جواب گفته و  
 مثنویات پنج گانه آنرا که نزدیک هیجده هزار بیتست در سه سال نظم کرده و از همین  
 پیدا است که طبع او تا چه حد روان بوده است و نزدیک صد هزار شعر از وی باقی مانده  
 و گذشته از شعر و عرفان و انشاء در موسیقی هم مهارت داشته و نیز از نخستین کسانیست  
 که بزبان هندی شعر گفته است .

( ۲۱ ) خواجه نجم الدین حسن بن علی سجزی دهلوی معروف بحسن  
 دهلوی از شاگردان و مصاحبین امیر خسرو دهلوی بود و از شعرا و عرفای معروف قرن  
 هفتم هندوستان بشمارست . مدتی در دربار سلطان محمد بن غیاث الدین بلبن و مدتی نیز  
 از مداحان علاء الدین محمد خلجی بود و در ضمن جزو مریدان شیخ نظام الدین اولیاء  
 بشمار میرفت و امالی و تعلیمات مرشد و استاد خود را جمع میکرد و در سال ۷۲۷ یا  
 ۷۳۱ در دولت آباد هندوستان و در دربار محمد بن تغلق شاه در گذشت . خواجه  
 حسن دهلوی از بهترین شعرای فارسی زبان هندوستانست و غزل عارفانه را نیکومی

سروده ، بهمین جهة او را نظیر حافظ در هندوستان دانسته‌اند و دیوان وی شامل نزدیک نه هزار بیت غزل و محتوی در دست است .

(۲۲) سید سراج الدین سراجی سکزی از شعرای معروف قرن هفتم هندوستان بود نخست در سیستان مقیم بوده و در دربار پادشاهان آل خلف می زیسته و ملک نصر قد الدین ابوالخطاب خسرو شاه بن بهرام شاه را مدح می گفته است و پس از کشته شدن وی و بروز فتنه مغول از سیستان گریخته و به ربستان بمکه و بمدینه رفته است و از آنجا به هندوستان افتاده و بدربار شمس الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳ شعبان) راه یافته و جزو مداحان وزیر وی نظام الملک قوام الدین محمد بن محمد جنیدی شده است . دیوان وی شامل پنج هزار بیت موجود است و وی در سبک قصیده خراستانی استاد کاملی بوده است و یکی از آخرین شعرا نیست که بدین سبک سخن گفته‌اند .

(۲۳) قاضی نظام الدین محمود قمری اصفهانی متخلص بقمر معروف بن نظام اصفهانی یا قاضی نظام الدین از شعرای معروف عراق در قرن هفتم بوده است و در اصفهان می زیسته و مدتی هم مداح اتابیک ابوبکر بن سعد زنگی بوده است و از مختصان خاندان خجندیان اصفهان بشمار می رفته و قصیده را بسبک عراقی با الفاظ رقیق و معانی دقیق خوب می گفته است و از جمله در سرودن اشعار ملمع دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیت بدست است .

(۲۴) قاضی رکن الدین دعوی دار قمی از شعرای نامی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود . نخست در قم می زیست و از مداحان جسام الدوله اردشیر بن حسن ملک الجبال به اوندی ( ۵۶۷ - ۶۰۲ ) بود و پس از انقراض این سلسله از خدمت این خاندان منفک شد و ظاهراً تا اوایل قرن هفتم نیز می زیست و در تبریز در گذشت . در نظم و شرفارسی مهارت داشته و قصیده را بسبک شعرای عراق نیکو می سروده و از اشعار او جز اندکی نمانده است .

( ۲۵ ) زراتشت بهرام بن پروو از زرتشتیان مقیم هندوستان بوده و از احوال وی اطلاع چندانی نیست . در سال ۶۴۷ روایاتی را که در میان زرتشتیان راجع به زندگی

زرتشت پیامبر معروف ایران متداول بوده است باسم زرتشت نامه به بحر متقارب نظم کرده و اشعار بسیار بلند در آن میانه است که مقام وی را در شاعری مسلم می دارد و نیز کتاب ارادی ویرافنامه را که از متون معروف پهلویست بنظم آورده است .

(۲۶) اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری از حکمای معروف و علمای نامی قرن هفتم بود. نخست در عراق و اصفهان می زیست و از شاگردان امام فخر رازی بود و در استیلاي مغول از ایران گریخت و در بلاد روم ساکن شد و در آنجا بتعلیم و تألیف می پرداخت و عاقبت در ۶۶۰ رحلت کرد . اثیرالدین ابهری در منطق و ریاضیات و نجوم و حکمت مؤلفات معروف دارد از آن جمله است کتاب ایسا غوجی در منطق و هدایة الحکمه در منطق و طبیعیات و الهیات که شرح متعدد بر آن نوشته اند و در ضمن شعر فارسی را نیکو می سروده و در اوایل عمر با جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی مشاعره می کرده است ولی از شعر او چیزی بدست نیست .

(۲۷) اوحدالدین حامد بن ابی الفخر کرمانی از عرفای مشهور قرن هفتم بود و بیشتر از ایام عمر خویش را در سفر گذرانده چنانکه مدتی از جوانی خود را در اربل گذرانیده و آنجا معتقدان بسیار داشته و سپس چندی در دمشق و مدتی در بغداد بوده و جمعی کثیر از عرفای معروف آن زمان خدمت وی را درك کرده اند و وی از مریدان شیخ رکن الدین سجاسی بوده و با محیی الدین ابن العربی و شمس الدین تبریزی معاشرت داشته و فخرالدین عراقی و اوحدی مراغی و سید حسینی از شاگردان وی بوده اند و در سال ۶۳۲ پیشوایی صوفیان بغداد در رباط مرزبانیه منصوب شد و در سال ۶۳۵ یا ۶۳۶ رحلت کرد . اوحدالدین کرمانی در شعر فارسی بمسلک عرفا بسیار توانا بوده و رباعیات وی در تصوف بسیار معروفست که بسیاری از آنها باسم عمر خیام معروف شده و نیز مثنوی مصباح الارواح را سروده است که یکی از بهترین منظومات عرفای ایران بشمار می آید و شامل ۱۱۸۰ بیتست .

(۲۸) امیر بهاء الدین مرغینانی از وزرا و منشیان و شعرای معروف قرن هفتم بود . از سوی پدر از خاندان شیخ الاسلام فرغانه و از سوی مادر از فرزندان طغان خان

حکمران فرغانه بود و نخست از مداحان قطب‌الدین انوشنگین خوارزمشاه بود و تا زمان ارغون خان نیز زنده ماند و عمیدالملک حبش وی را بخدمت پسر خود بیسو گماشت و وزارت بوی داد و عاقبت در سال ۶۴۹ حبش بروی بدگمان شد و او را کشت. بهاء‌الدین مرغینانی از شعرای معروف عصر خود بوده است ولی از شعر او جز اندکی باقی نمانده است.

(۲۹) سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی ذوالفقار شروانی از شعرای معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بود. در اوایل عمر معاصر خاقانی و فلکی و جمال‌الدین عبدالرزاق بود و در آذربایجان می‌زیست و سپس جزو مداحان اتابک یوسف شاه از اتابکان لرستان شد و بوسیله خواجه محمد تستری وزیر بدان در بار راه یافت و گویند در ۶۷۹ در تبریز رحلت کرد و در مقبره الشعرای سرخاب مدفون شد. اما چون قصیده‌ای در مدح سیور غنمش در ۶۸۳ سروده است پیدا است که تا این زمان زنده بوده و شاید در ۶۸۹ در گذشته باشد. سید ذوالفقار از بزرگان شعرای این عصر بود و در فن خویش مهارت و شهرت تام داشت و مخصوصاً در ساختن اشعار مصنوع بسیار زبردست بود و از جمله قصاید مصنوع اوست قصیده‌ای با اسم «مفاتیح الکلام فی مدایح الکرام» که معروفست و در شعر ذوالفقار تخلص می‌کرد و دیوان وی شامل نه هزار بیت بدستست.

(۳۰) ملک‌رضی‌الدین بابای قزوینی از امرای محتشم قرن هفتم بسوده و بخاندان جوینیان اختصاص داشته است و باتکای ایشان به حکمرانی اربل و مسوول رسیده و از بزرگان شمس‌الدین صاحب‌دیوان بوده است و وی را مدح می‌گفته و در شعر فارسی مهارتی کامل داشته و از شعرای نامی زمان خود بشمار می‌رفته است ولی از اشعار او جز چند قصیده چیزی بدست نیست.

(۳۱) شیخ سیف‌الدین ابوالمعالی سعید بن مظفر فامندی باخرزی ملقب بشیخ‌العالم و معروف بسیف‌الدین صوفی متولد در ۵۸۶ از بزرگان مشایخ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران و از شاگردان نجم‌الدین کبری بوده و پس از شهادت وی در



فتنه مغول از خوارزم به اوراق النهر رفته و باز مانده عمر خود را در آن دیار گذرانده و از بزرگان عرفای خراسان بشمار می رفته و در بخارا در شب یکشنبه ۲۴ ذی القعدة ۶۵۹ رحلت کرده است. وی در شعر فارسی نیز زبردست بوده و رباعیات معروفی سروده است که بعضی از آنها باقیست و رساله‌ای در عشق نوشته است.

(۳۲) سعدالدین سعید هر وی از شعرای معروف دربار مغول و نخست مداح خواجه عزالدین ظاهر فریومدی و وزیر خراسان بوده و سپس بدربار مغول را می یافته و مداح غازیان خان و الجایتو بوده و تا سال ۷۱۶ که الجایتو در گذشته نیز زنده بوده است و در ضمن بنخواجه رشیدالدین فضل الله وزیر اختصاص داشته و زمانی در اصفهان زیسته و هم اتایک نصرالدین احمد از اتایکان لرستان را مدح گفته است و در ۷۶۶ در گذشته و قصایدی بسبک شعرای عراق در منتهای خوبی می سروده ولی دیوان وی بدست نیست و از اشعار او چند قصیده مانده است.

(۳۳) شهابالدین بن جمال الدین بداونی معروف بشهاب مهمره از مردم بداون در هندوستان بوده و از شعرای بسیار معروف آن دیار بشمار می رفته و شاعر دربار رکن الدین فیروز بن شمس الدین التتمش معروف بفیروزشاه (۶۳۳ - ۶۳۴) بوده است و در دربار این سلسله در دهلی زندگی می کرده و در شعر شهاب تخلص می کرده و قصیده را بسبک شعرای خراسان نیکو می سروده ولی از اشعار او جز اندکی نمانده است.

(۳۴) خواجه حکیم عمده الملك یا فخر الملك عمید الدین لوبکی از مردم قصبه لوبک از توابع سنام در هندوستان بوده و در سال ۶۰۱ ولادت یافته و تا سن ۶۰ سالگی نیز زنده بوده یعنی تا ۶۶۱ هم زیسته است و برخی رحلت او را در سال ۶۸۳ آورده اند و در زمان سلطان نصیرالدین محمد بن بلبن معروف بخان شهید و مشهور بقا آن ملک شغل مشرفی داشته است و پس از آن چندی در بند افتاده و نیز مداح ناصرالدین محمود شاه (۶۴۴ - ۶۶۴) از سلاطین دهلی بوده است و عاقبت در همان ناحیه سنام در گذشت و همانجا مدفون شد. وی نیز از شعرای بسیار معروف هندوستان بود و اشعار وی را در فرهنگها بشاهد لغات بسیار آورده اند و قصیده را بسبک شعرای آذربایجان نیکو می سروده و در شعر عمید تخلص می کرد ولی دیوان وی نمانده و

بعضی از قصاید او بدست است .

(۳۵) ناصرالدین بجهای معروف بناصر شیرازی از غزل سرایان معروف قرن هفتم و از معاصرین سعدی بود. اصل وی از بجه بود که قصبه‌ای بود از تعلقات رامجرد در میان فارس و اصفهان باشد ولی بیشتر در شیرازی زیست و از احوال وی جزین چیزی بدست نیست . غزل عاشقانه را بسبک شعرای عراق و فارس در منتهای خوبی می سروده و درین فن بسیار شهرت داشته است ولی از غزلیات او جز اندکی چیزی نمانده است .

(۳۶) فخری غواصی از شعرای هندوستان درین زمان بوده ولی از زندگی او چیزی معلوم نیست بجز آنکه در دربار علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۶) می زیسته و فرهنگ نامه را بنام وی نظم کرده است .

(۳۷) لطیف الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد کلامی اصفهانی از شاعران این شهر و ساکن محله دردشت بوده و از مداحان پادشاهان و بزرگان دربار مغول بشمار می رفته، از احوال وی جزین اطلاعی نیست که کتابی شامل منتخب اشعار فارسی بنام مونس الاحرار فی دقایق الاشعار گرد آورده که در روز پنجشنبه اول ربیع الآخر ۷۰۲ پیایان رسانیده و برخی اشعار خود را در آن آورده است و این کتاب را بعدها محمد بن بدر جاجر می بهمین اسم بنام خود کرده و اشعار وی را از آن حذف کرده و برخی از سخنان خود را در آن جای داده است .

(۳۸) جمال الدین خلیل شروانی از شاعران آذربایجان درین دوره بوده و تنها اثری که ازوست مجموعه ایست از رباعیات بعنوان نزهة المجالس که بنام شروانشاه علاءالدین فربرز (۶۲۲ - ۶۴۹) گرد آورده و برخی از اشعار خود را نیز در آن جای داده است .

(۳۹) نجم الدین ابوبکر محمد بن مودود ظاهری معروف بنجم الدین زرکوب از بزرگان عرفای قرن هفتم آذربایجان بود و از دانشمندان بزرگ شهر تبریز بشمار می رفت و از مریدان سعدالدین حموی بود و در ۶۴۰ که سعدالدین تبریز رفته و نه ماه

در آن شهر مانده وی را مجذوب خود کرده است و خواجه رشید الدین فضل الله وزیر معروف باو بسیار احترام می کرده است. سرانجام در ۱۵ رجب ۷۱۲ درگذشته و مرقد وی در گورستان کجیل تبریز تا مدت ها معروف بوده است. نجم الدین زرکوب از شاعران متصوف زیر دست زمان خود بوده و اشعار صوفیانه را بسیار شیوا می سروده که برخی از آنها بدستست و در تصوف مؤلفاتی داشته است از آن جمله رساله ای در بیان فتوت بفارسی بنام کتاب الفتوه.

(۴۰) ناصر نیز از شاعران قرن هفتم بوده و تنها اثری که از وهست فتوت نامه منظوم هست تقریباً در ۷۰۰ بیت بر وزن شیرین و فرهاد وحشی که در ۶۸۹ پایان رسانیده است و شاید وی همان ناصر بجه ای سابق الذکر باشد.



در قرن هفتم چند تن شاعر در آذربایجان و اران بوده اند که در تذکره ها و کتابهای رایج ذکری از ایشان نیست و تنها جمال الدین خلیل شروانی در کتاب نزهة المجالس سابق الذکر برخی رباعیات از ایشان نقل کرده است و نامهای ایشان بدین قرار است: ابن طلحه، ابوالفضل تبریزی، قاضی ابوالماجد، افضل اسفراینی، الیاس گنجه، الیاس میدانی، بانجیب عمر، بختیار شروانی، بدر تفلیسی، بدر قوامی، بدر مجرمی، بدیع یلقانی، برادر یحیی، برهان الدین حسین، شیخ برهان الدین گنجه، بهاء شروانی، بهاء لاغری، سرافضل، سرحافظ، ابوالبقا، ابوشرف، پسر سلسله گنجه، سرقاضی دربند، سرقاضی قزوین، تاج الدین اشنوی، تاج الدین بخاری، تاج جیلانی، تاج زنگانی، تاج خالطی، تاج صالح، تاج قراسی قزوینی، تاج کاشی، تفلیسی شروانی، قاضی جمال الدین، جمال الملک، جمال بخاری، جمال چاچ، جمال حاجی شروانی، جمال خجندی، جمال خوبی، جمال سرخسی، جمال سقا، جمال عصفوری، جمال عمر، جمال غزنوی، حاجی جمال گنجه، جمال مجددی، جمال محمد، جمال محوی، جمال ملکشاه، جنید گنجه، جهان گشته، حدیثی، شیخ حسین سقا، حسین هزارمرد، حمید پسر رشید گنجه، حمید تبریزی، خطیر

ابو زید ، خطیر جربادقانی ، خلیل خراسانی ، خوافی ، راصد زنگانی ، رشید بیلقانی ،  
 رشید خواری ، رشید شروانی ، رشید گنجی ، رشید بروی ، امام رضی ، رضی گنجی ،  
 رکن پسر قاضی ، رکن خوبی ، ریسی ، زاهد ، زکی اکاف ، زکی کاشغری ، ساوی ،  
 موفق السراج ، سراج اسد آبادی ، سعد عد گنجی ، سعد سمرقندی ، سعد صفار ، سعد  
 گنجی ، سعید شروانی ، سعید گیلانی ، سلیمان شاه ایده ، سماوی ، سید اجل ، سید  
 بخاری ، سید شیرازی ، سید غزنوی ، سید قزوینی ، سیف الدین هارون تفلیسی ،  
 سیفی ، شرف الدین مرتضی ، شرف اعرج ، شرف بیلقانی ، شرف جربادقانی ، شرف  
 ساوی ، شرف صالح ، شرف محمد ، شرف مراغی ، شروانشاه ، شمس اسعد گنجی ،  
 قاضی شمس الدین اقطاع ، شمس الدین الیاس میدانی ، شمس الدین مسعود ، شمس  
 الدین هروی ، شمس اهری ، شمس عمر گنجی ، شمس نجاشی ، شهاب اسفرائینی ،  
 شهاب خواری ، شهاب دفتر خوان ، شهاب سرخسی ، شهاب کاغذی ، شهاب مؤید ، شهریار  
 روزنی ، شیخ کرمانی ، صالح بیلقانی ، صانعی ، صابن مراغی ، صدر الشریعہ ، صدر خجندی ،  
 صدر زنگانی ، صدر کرمانی ، صدر لر بختیاری ، صدر مہذب الدین ، صفی بیلقانی ،  
 صفی جربادقانی ، صفی شروانی ، ظہیر الدین راصد ، ظہیر خواجہ ، ظہیر طوسی ، عبدالرحمن ،  
 عبدالعزیز گنجی ، عبدالله قسری ، شیخ عبده ، عثمان مراغہ ، عزافہانی ، عزالدین شہری ،  
 عزالدین شروانی ، عزیز شہرود ، عزیز الدین شروانی ، عزیز بوالبقا ، عزیز علی شروانی ،  
 عزیز کمال ، عضدی ، ملک علاء الدین ، علاء الدین خواری ، علاء الدین کہود جامہ ،  
 علی بن الحسین ، علی حسن ، علی شروانی ، علیشیر خراسانی ، عماد الشرف ، عماد  
 بورضی ، عماد دبیر ، عماد شروانی ، عماد فارسی ، عماد گنجی ، عماد محمود ، امیر عمر  
 گنجی ، عیانی گنجی ، ملک فخر الدین ، فخر الدین ابوبکر ابهری ، فخر الدین مستوفی ،  
 فخر عبد المجید ، فخر غودی ، فخر قتلغ ، فخر گنجی ، فخر مراغہ ، فخر نقاش ، فخر  
 هروی ، فرید خوارزمی ، فرید دبیر ، قاضی تفلیسی ، قاضی مراغہ ، قراچہ ، قطب  
 اهری ، کریم طوسی ، کریم نیشابوری ، قاضی کمال ، کمال ابن العزیز ، کمال اسعد  
 زیاد ، کمال الاسلام خجندی ، کمال الدین ابو عمر ابهری ، کمال تفلیسی ، کمال کامیار ،

کمال کمال ، کمال کنعانی ، قاضی کمال مراغه ، لطیف تخلصی ، لؤلؤ سمرقندی ،  
مالو قزوینی (۴) ، قاضی مجد الدین بابکر ، مجد تاییدی ، مجد زندگی ، مجد طالع ،  
مجد طایی ، مجد علوی ، مجد گیلانی ، محفوظ جرفادقانی ، محمد اردبیلی ، محمد  
طیب اردبیلی ، سلطان محمد معین ، سید محمود ، مختصر گنجه ، سید مرتضی ، شرف ،  
مظفر تبریزی ، معین الدین بختیار ، معین طنطرائی ، مقرب باکو ، موفق الدین سراج ،  
موفق عبدالجلیل ، مهذب شروانی ، مهذب کرخی ، مهذب نیشابوری ، ناصر ، قاضی  
نجم ، نجم الدین حمید سیمگر ، نجم الدین عبدالعزیز ، نجم طرفی (۵) ، نجم گنجه ،  
نجیب ترمذی ، نصیر گنجه ، نظامی بخساری ، نفیس شروانی ، نورید والی ، یحیی  
تبریزی ، پمین سبط اصفهانی ، فقیه یوسف . در میان ایشان اشعار هفت زن نیز  
هست بدین گونه : دختر حکیم کاو ، دختر خطیب گنجه ، دختر سالار ، دختر مستی ،  
دختر سنجستانی ، رضیه گنجه ، فاضله سمرقندی .



گذشته از شعرای معروف این قرن که ذکر ایشان گذشت در قرن هفتم يك عده  
کثیر شعرای دیگر نیز بوده اند . در میان سلسله های جزء که در ایران شهر یاری داشته اند  
شعر فارسی رواج بسیار داشته و حتی بعضی از امرای ایرانی در آن زمان شعر می سروده اند  
از آن جمله در سلسله آل کورت که پادشاهان سیستان بوده اند چند تن از امرای در شعر  
فارسی معروف بوده اند و از هر يك از ایشان اشعاری مانده است بدین قرار : ملك  
شمس الدین محمد بن ابی بکر کورت ( ۶۴۳ - ۶۷۶ ) ، غیاث الدین محمد بن فخر الدین  
( ۷۰۶ - ۷۲۹ ) ، فخر الدین علی بن رکن الدین ( ۷۰۵ - ۷۰۶ ) و علاء الدین و فخر الدین محمد  
کورت از شاهزادگان این سلسله . از بیکان فارس نیز بشعر فارسی شوق مفرط داشته اند  
و گذشته از آنکه شعرای بسیار را پرورش داده اند خود نیز شعر می سروده اند و از چند  
تن از ایشان اشعاری مانده است از آن جمله از سلجوق شاه بن سلغر ( ۶۶۱ - ۶۶۲ ) و از  
سلغر شاه بن سعد بن زندگی برادر اتایک ابوبکر . از ملوک شبانکاره ملك مظفر الدین  
محمد بن مبارز ( ۶۲۴ - ۶۵۸ ) نیز شعر فارسی سروده است . از پادشاهان قراختایی کرمان

نیز از صفوة الدين يادشاه خاتون (۶۰۱ - ۶۹۴) هم شعر فارسی مانده است . امیرای دیگر در پرورش شعر جدی کرده‌اند از آن جمله اسپهبدشاه نصره‌الدین کبودجابه امیر کرگان که در ۶۸۹ کشته شده است و شهاب‌الدین سلیمان شاه بن پرچم ایوایی از امیرای کرد ، از وزرای این زمان نیز به جز کسانی که ذکر ایشان گذشت مجدالملک بن صفی‌الملک ابوالمکارم یزدی وزیر ابقاخان مقتول در چهارشنبه ۸ جمادی الاولی ۶۸۳ و خواجه شرف‌الدین هارون جوینی پسر شمس‌الدین صاصبدیوان امیر بغداد مقتول در جمادی‌الآخره ۶۸۵ شعر فارسی سروده‌اند .

اما شعرای درجه دوم قرن هفتم که از احوال بیشتر ایشان اطلاع درستی نیست و از هر يك چندیت مانده است بدین قرارند : حکیم ابوبکر بن محمد واعظی بلخی ، امام‌الدین ابوالقاسم بن ابوسعید رافعی قزوینی (متوفی در ۶۳۳) ، شاه‌زین‌العباد یازین - العابدین عابد بیرمی لاری معروف بشاه زنده ، مظهر گجراتی معروف بمظهر هندی ، رضی‌الدین علی‌الای غزنوی (متوفی در ۶۴۲) ، نجیب‌الدین ابوسعید علی بن بزغش شیرازی (متوفی در شعبان ۶۲۸) ، اصیل‌الدین زوزنی ، ابن موفق قمی ، فخرالدین بن معین معروف بابن معین ، ابن زنگی شیرازی ، افتخار‌الدین دامغانی ، شاه‌فرد اشهری نیشابوری (متوفی در ۶۴۵) ، ابوالمحاسن (متوفی در ۶۳۵) ، منوچهر بن شرف‌شاه معروف بابن شرف‌شاه ، ابونصر مهنه ، مسعود بن نصرتی معروف بابن نصرتی ، ابن علاء ، ابن خیام ، جلال‌الدین بن حسام سرخسی معروف بابن حسام ، زین‌العابدین علی فقیه معروف بابن فقیه ، ابن عطار شیرازی ، نجیشی از وزرای فارس ، قاضی بهاء‌الدین زنجانی ، بدیع‌الدین شیرازی ، بدیع‌الدین فارسی ، خواجه بدرالدین دامغانی ، بهاء‌الدین خجندی ، بهاء‌الدین یزدی ، بدیع‌کرمانی ، بدیع‌طوسی ، شیخ‌عزالدین اسفراینی معروف بیورحسن ، تاج‌الدین ابوالقاسم ، تاج‌الدین بخاری ، مجدالدین ترمذی ، تاج‌الدین کرمانی ، تاج‌الدین زکی ، جلال‌الدین محمودشاه ، سیدجلال‌الدین جعفری ، جمال‌الدین اشهری ، جلال‌الدین شاه‌هروی ، جمال‌الدین سمرقندی ، جلال تبریزی ، جمال‌الدین بی‌بصر ، جلال‌الدین دهستانی ، جمالی سمرقندی ، جمال‌الدین

همدانی ، جمال‌الدین منشی ، جلال‌الدین اسکندر ، حاجی احمد بخاری ، سید حسن  
نیشابوری ، حمید‌الدین کازرونی ، امیر حسن ترکمیر ، حدادی ، خلیل شیرازی ،  
امام خالد ، خرمشاه کرمانی ، خازن ، امیر خسرو شاه هروی ، شرف‌الدین خضر یزدی ،  
امیر رکن‌الدین میر آب ، رفیقی ، رفیع‌الدین ابهری ، رکن‌الدین قباھی ، رکنی ،  
زیری ، زین‌الدین لسانی ، زوزنی ، سنایی رواسی ، سعد‌الدین ساوجی ، سعد‌الدین  
احمد عزیز ، سیف‌الدین هروی ، سعد سعید نیشابوری ، سعد‌الدین وراق ، سیف -  
السین سمرقندی ، سعد‌الدین خلیفه ، سردوز ، سراج‌الدین حسن شیرازی ،  
سدید‌الدین اعور کرماج ، سعد‌الدین محمد بن مؤید بن حسن بن محمد بن  
حمویه حموی جوینی (متوفی در عید اضحی ۶۵۰) ، سلیمان شاه بن تیمور ملک ، سعد‌الدین  
نطنزی ، شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی ، شمس‌الدین عبدالکریم ابرقوهی ، شمس‌الدین  
محمد خوجانی ، شمس اوحدی ، شهاب‌الدین خجندی ، شمس‌الدین سمرقندی ،  
صابری ، صدر‌الدین ابهری ، صدر نظامی یا صدر نظام ، عبدالقادر نایینی پارسای ،  
عبدالرحمن حموی ، عزالدین علوی ، اوحد‌الدین عبدالله بن ضیاء‌الدین مسعود بلیانی  
کازرونی ( متوفی در ۶۷۳ یا ۶۸۳ ) ، قطب‌الدین عتیقی ، صدر علی شمس الکرجی ،  
عزالدین بابویه ، عماد‌الدین یوسف لرفضلوی ، عباد دامغانی ، عبدالکافی ، عده تبریزی ،  
عماد‌الدین اکرم ، امیر عزالدین یحیی ، خواجه عالم سمرقندی ، عزیز‌الدین ، عماد‌الدین  
حروفی ، فخر‌الدین قلانسی ، فخر‌الدین گیلانی ، فتح بلخی ، فصیح‌الدین ، قساری ،  
قاضی عثمان ماکی قزوینی ، قمصری ، قطبی ، قتلوبغا ، کمال‌الدین زنجانلی ،  
کمال‌الدین ابرقوهی ، گسیل خراط ، گیتی شاه ، محمود منور ، خواجه مؤید مهنه ،  
منبری ، شرف‌الدین ملکی ، خواجه معین‌الدین حسن سکیزی معروف به چشتی ،  
مجیر‌الدین دامغانی ، محمود خطاط ، مرشد‌الدین قاضی ، مجد‌الدین طبیب کاشی ،  
مطلعی ، موفق‌الدین یحیی ، نجم‌الدین منجم ، ناصر کاشانی ، ناصحی ، نظام‌الدین یحیی ،  
نجم‌الدین کاتب ، نظام‌الدین ، خواجه نصیر ادیب ، ناصر‌الدین عین‌الملک ، نور‌الدین  
هسپتامي ، سیف‌الدین هندو ، خواجه غاز‌الدین هندو ، یحیی فیروز آبادی ، یزدی .

در قرن هشتم ادبیات ایران نسبت بقرون گذشته و مخصوصاً نسبت بقرن هفتم اندکی تنزل کرد و سبب آن بود که در اواسط این قرن قدرت پادشاهان مغول ایران تضعیف یافت و سلسله های جزء که بیشتر ضعیف بودند از تجزیه ممالک ایشان فراهم آمد و انقلاب حوادث دوباره آسایش را از مردم سلب کرد و وزرای مقتدر که در قرن پیش می زیستند و مردم را در علم و ادب تشویق میکردند درین قرن بوجود نیامدند، تنها خاندانهای بزرگی که در پرورش علما و ادبای ایران درین زمان کوشیدند نخست خاندان آل مظفر در یزد و فارس و دوم خاندان جالیر در بغداد و عراق عرب بودند، معذک درین دوره نیز نویسندگان و شعرای بزرگ در ایران بسیار بوده اند.

### ۱ - نویسندگان بزرگ

در قرن هشتم نویسندگان بزرگ ایران همان اسلوب و سبک نویسندگان قرن هفتم را دنبال کرده اند و هم سبک روان فصیح و سیلس مورخین دوره گذشته و هم سبک مغلق بعضی از نویسندگان که در کثرت استعمال لغت عرب مبالغه می کرده اند هر دو رواج داشته است. فقط تفاوت محسوسی که درین دوره دیده میشود اینست که عرفان و تصوف از آن رواج و تداولی که در قرن گذشته داشت افتاده و بهمین جهت آثار بسیار بنثر فارسی از عرفای ایران درین دوره پدیدار نشده است. نویسندگان بزرگ این قرن بدین قرار بوده اند:

۱) محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای از نویسندگان بسیار زبردست قرن هشتم بود و درانشای فصیح روان بسبک نویسندگان بزرگ قرن پنجم و ششم کمتر در ایران نظیر داشت و در ضمن از شعرای زمان محسوب می شد و از مداحان خواجه غیاث الدین بسره رشید الدین فضل الله بود و در حدود ۶۹۷ در یکی از محال شبانکاره ولادت یافت و تمام عمر خود را در نویسندگی و شاعری گذراند و در سال ۷۳۳ بتألیف تاریخ عمومی پرداخت و آنرا در سال ۷۳۵ با تمام رسانید و بخواجه غیاث الدین تقدیم کرد که از نظر ابوسعید آخرین پادشاه مغول بگذراند ولی پیش از آنکه این کتاب بنظر او برسد



در گذشت و این کتاب در همان اوان در ضمن غارت محله ربع رشیدی بتریز از میان رفت و شبانکاره‌ای یار دیگر کتاب خود را از نو تألیف کرد و آنرا مجمع الانساب نامید و در سال ۷۳۵ با تمام رسانید. نخست کتاب کوچکی ترتیب داد و سپس آنرا تکمیل کرد و هر دو نسخه آن بدستست و کتابیست در منتهای حسن انشاء و انسجام، شامل تاریخ عالم از آغاز تا آخر پادشاهی ابوسعید که در ضمن تاریخ بعضی از سلسله‌های جزء را دارد که در کتب دیگر نیست.

(۲) **معین الدین آوی جوینی** از عرفا و نویسندگان قرن هشتم بود که تا اواخر این قرن هم می‌زیست و از شاگردان سعدالدین یوسف بن ابراهیم حموی جوینی عارف مشهور بود و در زمان خود شهرت بسیار داشت و از او دو کتاب معروف مانده است یکی نگارستان که یکی از نخستین تقلیدهای نگارستان سعدیست و آنرا در هفت باب بسال ۷۳۵ تمام کرده است و اگر چه از حیث انشاء پیای سعدی نمی‌رسد ولی دارای فواید تاریخی بسیارست و دیگر کتاب احسن القصص که در شرح سوره یوسف و داستان یوسف و زلیخا نوشته است.

(۳) **شمس الدین محمد بن محمود آملی** از علمای شیعه و از مدرّسین مدرسه سلطانیه در زمان الحایتو بود و پیوسته با علمای تسنن در معارضه بود از آن جمله بسا قاضی عضدالدین ایجی و تا اواخر قرن هشتم هم زنده بود و سفرهای بسیار کرد و در ضمن چون در زبان فارسی و عربی مهارت داشت بهر دو زبان تألیفات کرده است، از جمله مؤلفات مشهور او در زبان عرب شرح کلیات قانون ابن سیناست که در ۷۵۳ تمام کرده و شرحی بر مختصر الاصول ابن حاجب که قاضی عضدالدین ایجی بمذاق اهل تسنن شرح کرده بود و وی بمذاق شیعه شرح نوشته و در آن عقاید قاضی عضدالدین را رد کرده است. در فارسی تألیف بسیار معروفی دارد باسم نفایس الفنون فی عرایس العیون که شامل تمام علوم متداول و معروف آن زمانست و در سال ۷۳۶ شروع کرده و بعد از ۷۴۲ با تمام رسانیده و بنام شاه شیخ ابواسحق اینجو پیرداخته است.

(۴) هندو شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی گیلانی نخبجویانی از نویسندگان زبردست قرن هشتم و از منشیان دربار مغول بود و در زمان وزارت صاحب دیوان جوینی وی و برادرش امیر سیف الدین محمود از عمال دیوان بودند و از آنجمله هندو شاه در ۶۷۴ بنیابت از جانب برادر حکومت کاشان داشت و در اواخر عمر پدر بار نصر الدین احمد بن یوسف شاه بن شمس الدین البارغون بن نصر الدین هزاراسب (متوفی در ۷۳۰ یا ۷۳۳) از اتایکان لرستان رفته و کتاب منیه الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء معروف بالفخری تألیف صفی الدین محمد بن علی العلوی ابن الطقطقی را باسم تجارب السلف در سال ۷۲۴ ترجمه کرده است و ازین قرار تا اواسط قرن هشتم زنده بوده و این کتاب او یکی از بهترین نمونه های نثر فصیح منشیان قرن هشتم و از بهترین کتابهای فارسیست.

(۵) محمد بن هندو شاه منشی نخبجوان معروف بشمس منشی پسر هندو شاه سابق الذکر بود و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله بوی پیوستگی داشته و سپس در دربار سلطان معز الدین اویس بهادر خان ایلخانی (۷۵۷ - ۷۷۷) راه یافته است و وی مانند پدر منشی زبردست بوده است و دو کتاب معروف از او مانده یکی صحاح العجم در لغت فارسی که باسم خواجه غیاث الدین تمام کرده و دیگر دستور الکاتب فی تعیین المراتب در فن انشاء و وظائف منشیان که بنا بر دستور غیاث الدین آغاز کرده ولی در عهد سلطان اویس پایان رسانیده است.

(۶) معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی از علمای حدیث و از معارف زمان امیر مبارز الدین محمد و پسرش شاه شجاع آل مظفر بود. پدرش از عمال شیخ ابواسحق و وی از شاگردان عضد الدین عبدالرحمن بود و در سال ۷۵۵ امیر مبارز الدین محمد او را به مدرسی در السیاده میبرد گماشت و چنان در دولت این خاندان معزز بود که شاه شجاع در درس او حاضر می شد و گاهی نیز مأموریت دیوانی یافته چنانکه در ۷۶۰ واسطه میان شاه شجاع و برادرش شاه محمود شد و ایشان را صلح داد و در ۷۸۹ رحلت یافت و در مسجدی که خود در بزد ساخته بود مدفون شد. وی مؤلف کتابیست باسم مواهب الهیه در تاریخ آل مظفر که در سال ۷۵۷ چند جزء آنرا

قریب داده و نزدیک اصفهان بر امیر مبارزالدین و شاه شجاع خوانده و سپس آنرا در سال ۷۶۶ یک سال پس از فوت مبارزالدین تمام کرده است. این کتاب در نهایت استادی نوشته شده ولی از فرط تکلف و کثرت استعمال لغت عرب بسیار ثقیل افتاده است و درین نوع یکی از کتب بر جسته است و بهمین جهت در سال ۸۲۳ محمود گیتی یا کتبی آن را ساده کرده و دنباله و قایع را تا انقراض سلسله آل مظفر بر آن افزوده است. دیگر از آثار وی ترجمه فارسی دشف النصائح الایمانیه فی کشف الفضائح الیونانیة شهاب الدین سهروردیست.

(۷) ضیاءالدین نخشبی از نویسندگان و حکیمان عارف مشرب قرن هشتم بود که در هندوستان در شهر بداون می زیست و روزگار را بزه و عبادت می گذراند و بسال ۷۵۱ در گذشت و درین میان در دربار پادشاهان خلجی هندوستان و مخصوصاً مبارکشاه خلجی (۷۱۷ - ۷۲۱) راه داشته است. وی مؤلف یک سلسله کتابهای نظم و نثر فارسیست که اغلب آنها معروفست: طوطی نامه که از زبان سنسکریت در سال ۷۳۰ بفارسی نقل کرده و آن کتاب را پس از وی محمد غدیری تهذیب کرده است و از کتابهای معروف قصص بزبان فارسیست که بزبانهای اروپایی ترجمه شده است. دیگر از مؤلفات اوسلك السلوك، جزئیات و کلیات، عشرة مبشره، داستان معصوم شاه معروف بگلریز و لذت النساء است. وی شعر فارسی نیز می گفته و در کتابهای خود اغلب اشعار خویش را آورده است و در شعر نخشبی یا ضیاء نخشبی تخلص کرده است.

(۸) ضیاءالدین بن مؤیدالملک رجب برنی از مورخین و نویسندگان زبر دست هندوستانست که او را بیهقی هندوستان نامیده اند. وی در سال ۶۸۴ ولادت یافته و از مریدان نظام الدین اولیا و معاشرین خسرو دهلوی و حسن دهلوی بود و در دستگاه سلطان محمد از پادشاهان تغلقی هند (۷۲۵ - ۷۵۲) می زیست و سپس بدربارجلال الدین فیروزشاه (۷۵۲ - ۷۹۰) رامیافت. از وی سه کتاب مانده است: یکی تاریخ فیروز شاهی که در ۷۵۸ تألیف کرده و وقایع سال ۶۴۴ بعد رادر آن آورده و از مشهورات

پدرش و پدر مادرش حسام‌الدین نقل کرده است و دیگر اخبار برمکیان که از کتاب عربی ابوالقاسم محمد طایفی ترجمه کرد است. دیگر فتوحات فیروز شاهی که پس از تألیف تاریخ فیروزشاهی بانجام رسانیده است.

(۹) **شمس‌الدین بن سراج الدین بن عقیف الدین معروف بشمس سراج عقیف** وی نیز از مورخین و نویسندگان زبر دست در بار فیروز شاه سابق الذکر بود تاریخ فیروز شاهی او که پس از تاریخ ضیاء الدین برنسی تألیف یافته در سال ۸۰۱ قمری تمام شده

(۱۰) **درویش توکلی بن اسمعیل بن حاجی توکلی اردبیلی معروف بابین بزاز** از نویسندگان زبردست این قرن بود و در حلقهٔ مریدان صدرالدین موسی پسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی عارف مشهور این قرن میزیست که از ۷۳۵ تا ۷۹۴ زیسته و جانشین پدر بوده است و بهمین جهت کتابی در احوال صفی‌الدین اردبیلی باسم اسس المواقب السنیة فی مناقب الصفویة معروف بصفوة الصفا نوشته که علاوه بر احوال شیخ صفی‌الدین مطالب بسیار مفید در طرز زندگی مردم اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم آذربایجان در آن هست و با انشای بسیار فصیح بسبک نویسندگان قرون پیش نوشته است و در زمان شاه طهماسب اول صفوی ابوالفتح حسینی آن کتاب را اصلاح کرده و نسخهٔ جدیدی از آن منتشر ساخته است.

(۱۱) **حسین بن اسعد دهستانی الویری** از نویسندگان زبر دست خراسان بود و کتاب فرج بعد الشدة الضیقه تألیف ابوالحسن علی بن محمد مدائنی را بنام عزالدین بن طاهر زنکی قریومدی که از جانب ارغون خان در خراسان و مازندران نیابت داشته است بفارسی بسیار روان و شیوا ترجمه کرده است.

(۱۲) **فیخرالدین ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیزر زکوب شیرازی ملقب بمعین** از نویسندگان مقتدر قرن هشتم بود و در زمان شاه شیخ ابو اسحق اینجور در شیراز میزیست و پس از سفر حج در سال ۷۴۴ کتابی در ذکر مشاهد شیراز و بزرگان این شهر پرداخته است باسم شیرازنامه که از حیث وقایع تاریخی چندان دقیق و معتبر

نیست و مأخوذ از اسناد سست ولی از حیث انشاء در نهایت خوبیست و وی کتاب دیگری داشته است در وقایع سلطنت ابو اسحق اینجو در دو مجلد که از میان رفته است.

(۱۳) **اولاء الله آملی** از علمای مازندران بود که در زمان ابوالمعالی فخرالدوله شاه غازی بن زیار بن کیخسرو استندار ملک مازندران میزیست و با این پادشاه روابط داشت بهمین جهت بفرمان وی کتابی پرداخته است باسم تاریخ رویان که تا وقایع سال ۸۰۵ را در بردارد و گذشته از آنکه مطالب تاریخی تازه در آن بسیارست بانشای بسیار متین و فصیح نوشته شده است.

(۱۴) **محمد بن محمد بن عبدالله بن نظام حمینی یزدی وزیر** از منشیان دانشمند این زمان بوده و مؤلف کتابیست باسم العراضه فی حکایات السلجوقیه در تاریخ سلجوقیان که مطالب آن را از کتابهای دیگر برداشته و حتی ذکری از مآخذ خود نکرده است و در ضمن انشای آن بواسطه کثرت استعمال لغات عرب و تکلف بيمورد بسیار ثقیلست و در عداد همان کتابهایست که از سیاق زبان فارسی خارجست.

(۱۵) **شرف الدین حسن بن محمد رامی تبریزی** از شعرای معروف اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود. در اوایل عمر در مراغه بخدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسیده و سپس تا زمان سلطان اویس بهادرخان ایلخانی (۷۵۷ - ۷۷۶) نیز زنده بود و بدو پیوستگی داشته و بنام وی دو کتاب تألیف کرده است یکی کتابی که در منتهای شهرتست باسم انیس العشاق در تشبیهات شعرای ایران که کتاب بسیار شیواییست و دیگر حدایق الحقایق در شرح حدایق السحر رشیدالدین وطواط.

(۱۶) **سید نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن کمال الدین یحیی کوه بنانی کرمانی معروف بشاه ولی** موسس مشهور سلسله نعمت اللهی، یکی از بزرگترین عرفای ایران و بزرگترین متصوف قرن هشتم بود. پدرانش در شهر حلب ساکن بودند و پدرش بکیج و مکران آمد و بواسطه وصلت که با امرای شبانکاره کرد در کوه بنان کرمان متوقف شد و شاه ولی در آنجا روز پنجشنبه ۲۲ رجب ۷۳۱

متولد شد و در جوانی نزد يك شيخ ركن الدين شیرازی و شيخ شمس الدين مکی و سيد جلال الدين خوارزمی و قاضی عضدالدين ادبیات و کلام و حکمت الهی و فقه را دریافت و سپس در سلك تصوف درآمد و بطریقه قادری داخل شد و پس از آن سفرهای بسیار بمصر و دیار مغرب و مکه و مدینه و بلخ و ماوراءالنهر کرد و بکوه بنان بازآمد و سپس بکرمان رفت و در قصه ماهان چندی مقیم شد و خانقاهی در آنجا ترتیب داد و سپس سفری بشیراز کرد و باز بخانقاه کوه بنان بازگشت و در آنجا در روز پنجشنبه بیست و دوم رجب ۸۳۴ در سن صد و سه سالگی در گذشت و در آنجا مدفون شد و اينك مرقنوی زیارتگاه معروف است . شاه نعمه الله ولی یکی از مردان نامی و نادر ایران بود و در زمان خویش نفوذ عجیبی داشت و شهرت وی سراسر ممالك اسلام را فرا گرفته بود و کرامات بسیاری از وی نقل کرده اند و مقام وی تا کنون کمتر کسی رادست داده است . در نظم و نثر فارسی آثار وی بحدیست که از طاقت مردم دیگر خارج است . دیوان اشعار وی که قصاید و غزلیات و اقسام مختلف شعر بمذاق اهل تصوفست حاوی نزد يك یازده هزار بیتست و رسایل عنیده بفارسی و عربی در طریقه تصوف و سیر و سلوک و اخلاق و معارف و حکم نوشته است که معروفترین آنها بدین قرار است : رساله اصطلاحات ، رساله قل هو الله احد ، مکاشفات ، تعریفات ، آداب خلوت ، مراتب ، برزخ ، حروب مقطعات قرآنی ، رساله در بودن حقیقت انسان مظهر الهی ، تحقیقات موسوم بلطایف التصوف ، رساله ذوق ، رساله هاء ، رساله دیگر در ذوق ، شرح سؤال کامل از حقیقت ، مراتب و جون ، عینیه ، رساله وجود ، رساله نصیحت سيد برهان الدين خليل الله ( پسر خود ) ، رساله نصیحت سيد نور الله ( پسر سيد خليل الله ) ، رساله نصیحت خلیفه و پادشاه عصر ، رساله نکات ، رساله نسبت خرقه خود و معنی اعیان ، رساله در توکل و بعضی تحقیقات ، رساله معنی هستی و نیستی ، رساله در بیان نفس ، رساله نور و مراتب آن ، رساله در بیان حقیقت مثال و خیال مقیده و کیفیت مراتب و مقامات رویا و درجات خلق در ادراك علوم و معانی ، رساله نفس و نکات ، ذوقیات ، فیوضات ، مجمع الاسرار ، مجموع اللطایف یا مجمع اللطایف ، سلب اوصاف ، رساله فی کلام الحق للمخلق والفرق بین الوحي والالهام

والحدیث القدسی ، هدایت ، رساله معنی الفقر فخری و کذا الفقران یکون کفراً الهامات ،  
 سر اسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، رساله بیان اقطاب ، رساله انعام ، رساله حروف  
 و روح ، اصطلاحات صوفیه ، سلوک ، نوریه ، محبت نامه ، نصیحت نامه ، نصیحت نامه  
 دیگر ، تحقیق المراتب الالهیه ، خلوت ، خلیفه ، آفاق و انفس ، بیان خوش ، مفتاح الابواب ،  
 رساله بیان علم توحید ، اسماء کوئی ، شرح اصطلاحات و سیط شیخ کمال المله و الدین  
 بطریق ابجد ، رساله احویه ، رساله بیان حروف ، رساله حروف اصلیه ، رساله تفصیل  
 اوایل سور ، رساله در بیان عدد حروف ، رساله عیون ، رساله نفح روح آدم ، رساله  
 معرفت روح ، رساله تجلیات ، رساله البیان ، رساله روح ، شرح لمعات ، رساله بشارت  
 نامه ، رساله معرفت ، رساله نفسیه ، رساله اشارات بحسب الحروف ، رساله منشآت ،  
 رساله تفسیر الله نور السموات ، رساله نکات ، رساله سؤال و جواب ، رساله سند خرقه و  
 سؤال و جواب سلطان سکندر ، رساله سؤال و جواب امام علی حکیم ترمذی ، رساله در  
 بیان اسرار کلمه و صلوة و حج و غیره ، رساله جواب سؤال از اسم اعظم و غیره ، رساله  
 حبیبیه ، تحقیق الایمان ، رساله اسلامیه ، رساله حورائیه ، رساله حورائیه دیگر ، رساله  
 حورائیه ابو سعید ابوالخیر ، شرح فصوص ، رساله واردات ، تفسیر سورة اخلاص ، رساله  
 در بیان حقیقت انه هو الاول والاخر بعربی ، رساله در بیان تجلی بعربی ، شرح اسماء  
 الله الحسنی بعربی ، نسبت خرقه احمد شاه بهمنی ، رساله مناقب بعربی ، رساله  
 کشف الاسرار ، رساله جمنایه ، رساله برازخ ، رساله کمیلیه ، رساله اشرف الاسماء ، رساله  
 بیان کلمه طیبه ، رساله بیان مذاهب در خلق افعال ، رساله بلوغات ، رساله توکل ،  
 رساله در کلمه سبحان الله ، رساله اشراط قیامت ، رساله در بیان سجدهات قرآن ،  
 رساله المشهوریه فی التصور و المتصور ، رساله نکات ، رساله نکات دیگر ، رساله نکات  
 عشر ، الرساله الشریفة النوریه ، رساله مکشفه ، رساله مراتب رندیه ، رساله مراتب ، رساله  
 مراتب دیگر ، لوایح ، رساله تحقیقات ، رساله رموزات ، رساله جامع اللطایف ، رساله  
 مراتب فقر ، رساله الحقایق ، رساله بیان قلوب انسان . در نظم و نشر فارسی شاه نعمه الله  
 ولی بیان بسیار ساده و فریبنده و روان داشته است . در مناقب شاه ولی کتابهای چند

بفارسی نوشته‌اند بدین گونه: کتابی از عبدالعزیز بن شیرملك بن محمد واعظی که بنام علاءالدین احمدشاه دوم از سلسله بهمنی دکن (۸۳۰-۸۶۲) درهند نوشته‌است، کتاب دیگری تألیف سدیدالدین نصرالله بن برهان‌الدین خلیل‌الله طائوسی ابرقوهی که در ۹۰۶ بدستورنواده‌اش نعمه‌الله ثانی نوشته‌است، کتاب دیگری بنام تذکره تألیف عبدالرزاق ابن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی که پس از ۹۱۱ در کرمان بدستور نعمه‌الله ثانی نوشته‌است، کتاب دیگری بنام سوانح الایام فی مشاهدات العوام یا سلسله‌العارفین تألیف صنع الله نعمه‌اللهی که پس از ۱۰۶۶ تألیف کرده‌است. محمد مفیدمستوفی یزدی در کتابی که بنام جامع مفیدی در تاریخ یزد نوشته شده است شرح حال مفصلی از شاه ولی ازروی همان کتاب صنع الله نعمت‌اللهی ترتیب داده است.

(۱۷) نجم‌الدین محمود بن صاین الدین الیاس طبیب شیرازی از بزرگان دانشمندان شیراز در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از خاندان معروفی بوده که دانشمندان و مخصوصاً پزشکان معروف از آن برخاسته‌اند و وی مورد توجه خاص خواجه رشیدالدین وزیر معروف بوده و در طب و فقه دست داشته و ریاست بیمارستان دروازه سلم شیراز با او بوده است که بیمارستان اتابکی نیز معروف بوده و خواجه رشیدالدین آنرا تعمیر کرده و ریاست آنرا بوی داده بود. تاریخ‌رحلات وی را برخی در ۶۹۰ نوشته‌اند ولی پیدااست که پس از آن تا اوایل قرن هشتم تا ۷۲۰ یا ۷۳۰ زیسته است و قبر او در محله باغ نوشیراز معروفست. وی شعر فارسی را نیکو می‌سروده و بزبان فارسی و تازی مؤلفات بسیار داشته است از آن جمله: الحاوی فی علم التداوی بعربی، غیاثیه در طب بفارسی، مختصر در طب، لطایف الرشیدیة یا الرشیدیة، تحفة الحكماء، کتاب التشریح یا الرسالة التشریحیه، کتاب الاغذیه والاشربه، رسالة الثلجیه، اسرار النکاح، شرح الفصول البقراط، رسالة فی الباه.

(۱۸) سید شریف‌الدین علی بن محمد حسینی حنفی مگرکانی معروف بمیرسید شریف از معارف علمای قرن هشتم بود. در قصبه طاقو نزدیک استرآباد در ۷۴۰ ولادت یافت و بعزم تحصیل بمصر رفت و در قاهره اخذ علم کرد و پس از بازگشت بایران شاه



شجاع وی را در شیراز بمدرسی گماشت و ده سال درین مقام باقی بود تا اینکه امیر تیمور گورکان در سال ۷۸۹ شیراز را گرفت و وی را مجبور کرد بسمرقند رود و تاهرگ تیمور در سال ۸۰۷ وی در سمرقند بود و دوباره بشیراز برگشت و در آنجا بسال ۸۱۶ رحلت کرد. وی را در اکثر از علوم متداول زمان تألیفات مهم و مشهورست که بزبان عربی و فارسی پرداخته و از آن جمله است: عوامل در نحو عربی، اصول المنطقیه، شرح تحریر القواعد خواجه نصیر الدین طوسی، کتاب التعریفات یا تعریفات العلوم و تحدیدات الرسوم، مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم، تحقیق الکیات، مراتب الموجودات، رساله فی قواعد البحث، تقسیم العلوم، شرح مختصر الاصول عضدی، شرح مفتاح العلوم سکاکی، ظفر الامانی فی مختصر الجرجانی، فن اصول الحدیث، تحریری از کتاب معروف ایساغوجی در منطق، فال السیر، ترجمان فی لغات الفهر آن از عربی بفارسی، حاشیه بر آداب البحث عضد الدین ایجی، حاشیه بر حکمة العین، شرح کافیة ابن حاجب بفارسی، شرح فرائض سراجیة سجاوندی، شرح تصور و تصدیق شمسیه، شرح تصریف عزی، حاشیه بر مطول تفتازانی، حاشیه بر شرح کافیة رضی الدین استرآبادی، حاشیه بر تفسیر کشف زمخشری، شرح مواقف عضد الدین ایجی، حاشیه بر شرح تجرید، رساله در اصول دین، حاشیه بر شرح مطالع و از جمله مؤلفات اوبفارسی دو کتابست در منطق یکی باسم کبری و دیگری باسم صغری و دیگر رساله‌ای در صرف افعال تازی معروف بصرف میرود دیگر فن المعما و اصوله و تصاریفه. بزبان فارسی شعرا نیز نیکو می‌سروده است.

۱۹) عبدالجلیل بن نظام الدین یحیی بن عبدالجلیل بن محمد بن عبدالباقی یزدی از منشیان معروف زمان آل مظفر بوده و در زمان شاه شجاع ابوالفوارس (متوفی در ۷۸۶) میزیسته و مؤلف کتاب بسیار روان فصیحست باسم تواریخ آل برمک که پدرش بتألیف آن شروع کرده و ناتمام گذاشته بود و وی بیابان رسانده و در ماد محرم ۷۶۲ تمام کرده و باسم شاه شجاع پرداخته است.

۲۰) بهاء الدین محمد بن محمد بخاری نقشبند مؤسس طریقه نقشبندیه در تصوف

از عرفای بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بود و در زمان خویش شهرت بسیار و توجه عام داشت در سال ۷۲۸ در بخارا متولد شد و در دوم یا سوم ربیع الاول ۷۹۱ در آن شهر در گذشت و تمام عمر خود را در مولد خویش گذراند و در ضمن تألیفات بزبان فارسی بسیار شیوا کرده است از آن جمله رساله ایست در تصوف باسم رساله قدسیه . در مناقب بهاء الدین نقشبند چند کتاب بفارسی نوشته اند : یکی رساله قدسیه تألیف ابوالفتح محمد بن محمد ابن محمود حافظی بخاری معروف بمحمد یار سا از مشایخ طریقه نقشبندی که بدستور علاءالدین محمد بن محمد بخاری معروف بعطار پیشوای معروف این طریقه نوشته است ، دیگر کتاب انیس الطالبین و عدة السالکین تألیف همان خواجه محمد یار سا ، دیگر کتابی بهمان اسم انیس الطالبین و عدة السالکین تألیف صلاح بن مبارک بخاری ، دیگر رساله بهائیه تألیف ابوالقاسم بن محمد بن المسعود ، دیگر کتابی تألیف ابوالمحسن محمد باقر بن محمد و دیگر کتابی که پس ازین ذکر آن خواهد آمد که آن هم انیس الطالبین نام دارد ، دیگر جامع المقامات تألیف ابوالبقاء ابن عالی که در محرم ۷۲۶ ۱۰ بیایان رسانیده است .

(۲۱) **خواجه حسام الدین یوسف حافظ بخاری** از شاگردان بهاء الدین نقشبند و از مریدان نامی او بود و مؤلف کتابیست در احوال استاد و مرشد خود باسم انیس الطالبین که یکی از بهترین کتابهای طریقه نقشبندیه است .

(۲۱) **عزالدین محمود بن علی کاشانی نظنری** متوفی در ۷۳۵ وی نیز از عرفای قرن هشتم بوده و کتاب معروف عوارف المعارف تألیف شهاب الدین سهروردی را که از کتابهای مشهور تصوفست بفارسی بسیار فصیح باسم صباح الهدایه و مفتاح الکفایه ترجمه کرده است و نیز شرحی بتازی بر قصیده نائیة ابن الفارض شاعر معروف مصری دارد بنام کشف وجوه الغر لمعانی نظم الدر .

(۲۲) **شمس الدین ابراهیم** نیز از عرفای این زمان بود و در ابرقوه از توابع یزد منصب محتسبی داشت و کتابی در تصوف با انشای فصیح شیوا باسم مجمع البحرین تألیف کرده است

( ۲۴ ) **زین الدین علی بن حسین انصاری معروف بحاج زین الدین عطار**  
از اولاد عبدالله انصاری بود و در سال ۷۳۰ در شیراز ولادت یافت و از اطبای نامی آن عصر  
بود و در دربار شاه شجاع آل مظفر می زیست و کتاب معروفی در مفردات طب پرداخته  
است باسم اختیارات بدیعی که در سال ۷۶۷ باسم عصمة الدین بدیع الجمال تألیف کرده  
و سپس در ۷۷۰ روایت دومی از آن انتشار داده است .

( ۲۵ ) **عزیز بن اردشیر استرآبادی بغدادی** در استرآباد متولد شده و قسمت  
اعظم عمر خود را در بغداد گذرانده و از منشیان زبردست زمان خود بوده و در نظم و نثر  
فارسی و عربی مهارت داشته است و مدتی هم در آذربایجان بوده است چنانکه در سال ۷۸۷  
که نختامیش خان از راه دربند با آذربایجان آمد و تبریز را گرفت وی درین واقعه حاضر  
بوده و سپس در فتح تبریز بدست امیر تیمور و فرار سلطان احمد بن اویس جلایر از آنجا  
به بغداد رفت و هفت سال عزلت و گوشه نشینی اختیار کرد و در همین زمان به خدمت قاضی  
برهان الدین ابوالفتح بن سلطان برهان الدین احمد بن محمد سیواسی پادشاه قیصریه  
رسیده است که از مادر از سلجوقیان روم بوده و از دست تشاندگان سلطان احمد جلایر  
بشمار می رفته و وی بهمین مناسبت بدربار سلطان احمد جلایر راه یافته و برهان الدین  
می خواست او را نزد خود ببرد و سلطان احمد نکذاشت و چون می خواست از بغداد برود  
سلطان احمد او را تحت الحفظ نگاه میداشت تا اینکه به حمله از آن دربار گریخت و نزد  
برهان الدین رفت و پس از آنکه برهان الدین در ۲۸ شوال ۸۰۰ کشته شد وی بمصر فرار  
کرد و مدتی در قاهره بود تا آنجا از بام اقتاد و مرد . عزیز بن اردشیر مؤلف کتابیست  
باسم بزم و رزم و معروف بتاریخ قاضی برهان الدین سیواسی که منشیانه نوشته است ولی  
بواسطه کثرت استعمال لغت عرب مغلق شده و از حد طبیبعی زبان فارسی دور افتاده است .

( ۲۶ ) **منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس** از اطبای معروف قرن  
هشتم و از خاندان معروفی از پزشکان آن شهر و نواده برادر نجم الدین محمود بن  
الیاس سابق الذکر بود و زبان فارسی تألیفات دارد از جمله کتابیست باسم تشریح البدن  
که برای میرزا ضیاء الدین بن محمد بهادر پسر دوم میرزا جهانگیر مقتول در ۸۰۹ نوشته

و مؤلفات دیگر او تشریح منصوری و کفایت مجاهدیه یا کفایت منصوریست .

( ۲۷ ) محمد بن علی الناموس خواری از منشیان معروف زمان خود بوده نخست

در خراسان در خدمت جلال الدین ابویزیدزنگی بن طاهر فریوه‌مدی می‌زیسته و سپس جزو منشیان دربار الجایتو بوده است و مؤلف کتابیست در صنعت انشاء باسم جلالیه که برای جلال الدین ابویزید نوشته است .

( ۲۸ ) منوچهر ملقب بیدیع تبریزی از شاگردان کمال خجندی شاعر معروف

این زمان بود و در ضمن تجارت می‌پرداخت و در سال ۷۹۴ بایندرش برای تجارت بروم سفر کرد و پس از مرگ پدر باردیبل و از آنجا بیزد رفت و از منشیان و شاعران آن عصر بشمار میرفت . مثنوی محبت نامه موسوم بانیس العارفین را سروده است و نیز کتابی تألیف کرده باسم الاحیاء فی حل المعما که در یزد تمام کرده است .

( ۲۹ ) امیر بن خضر هالی قرمانی مولوی از علمای زمانه بود که در استانبول

توقف داشت و کتابی تألیف کرده است باسم کنز التحف در موسیقی که در سال ۷۵۶ تمام کرده و آنرا باسم سید غیاث الدین حسینی علوی پرداخته است .

( ۳۰ ) قاضی بدر محمد دهلوی ملقب بدهاروال از ادبا و شعرای هندوستان

بوده و در دربار قدرخان دلاور خان از شاهان غوری هندوستان می‌زیسته است و در شعر شاگرد قاضی برهان الدین و در لغت شاگرد شیخ زاده عاشق بوده و مؤلف کتاب مشهوریست در لغت فارسی باسم ادات الفضلاء که در ۸۲۲ تمام کرده و بنام قدرخان مزبور پرداخته است

( ۳۱ ) حسین بن محمد بن عبد الرضا حسینی علوی از منشیان قرن هشتم عراق

بوده و برای کسب معاش باصفهان رفته است و در مدارس شهر منزل داشت و روزگار را بسختی می‌گذراند و برای توسل بامیر محمد پسر رشید الدین فضل الله وزیر در حدود سال ۷۳۰ کتاب محاسن اصفهان تألیف مفضل بن سعد بن حسین ما فروخی را که در قرن پنجم تألیف شده بود بفارسی بسیار روان فصیح ترجمه کرده است .

( ۳۲ ) زین الدین محمود بن محمد هروی از علمای خراسان و ماوراءالنهر

بوده و در زمان شاه شجاع آل مظفر در قندهار می زیسته است و درین زمان شرحی بر منطق سید شریف کرگانی تألیف کرده است .

( ۳۳ ) **امیر سید علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد حسینی همدانی معروف به علی ثانی** نسبش بامام چهارم میر سیده ، از معاریف عرفای این زمان بود در همدان در ۷۱۳ ولادت یافت و پس از سفرهای چند به هندوستان رفت و در ۷۸۱ در کشمیر مقیم شد و نفوذ بسیار در دربار سلطان قطب الدین بن علاء الدین (متوفی در ۷۸۶) در ختلان بهم رساند و بشاه همدان معروف شد و خاتقاه معروفی در علاء الدین پوره در کشمیر ساخت و پسرش سید محمد که پس از او در کشمیر بوده است در ۱۷ ربیع الاول ۷۹۷ آنرا وقف کرده و وقف نامه آنرا سلطان سکندر شاه پسر قطب الدین سابق الذکر تصدیق کرده است . و پس از مرگ آن پادشاه در ختلان بسال ۷۸۶ در گذشت و از شاگردان شرف الدین محمود بن عبدالله فرغانی و تقی الدین علی دوستانی و علاء الدولة سمنانی بود و در نظم و نشر فارسی دست داشت : رسایل متعدد در اخلاق و سلوک و عرفان تألیف کرده است از آن جمله ذخیره الملوك در اخلاق و سیاست ، مرآة التائبین ، رساله اورادیه ، اربعین ، رساله ذکریه ، اصطلاحات صوفیه ، مشارب الانواق در شرح قصیده میمیه ابن الفارض بفارسی ، رساله در علم قیافه ، رساله چهل مقام ، رساله عقبات ، رساله آداب سفره ، رساله فتوت یافتوت نامه ، واردات غیبیه ، کتاب عقلیه ، سیر الطالبین ، رساله در وجود . میر سید علی شعر فارسی را نیز نیکو می سروده و غزلیاتی از او بدست است .

( ۳۴ ) **ابو محمد سیستانی** از فضلاء سیستان بود و در آن دیار میزیست و در دربار ملک قطب الدین محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده (۸۰۶ - ۸۲۲) از پادشاهان سیستان اقامت داشت و تاریخ سیستان را که به عربی بوده درین زمان بفارسی ترجمه کرده است .

( ۳۵ ) **قطب الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر گیلانی** از عرفای معروف عراق بود و در ۸۲۶ رحلت کرد و نزدیک بیست رساله در تصوف تألیف کرده است از آن جمله است ناموس اعظم و انسان الکامل .

( ۳۶ ) **نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی** از بزرگان مشایخ

بوده و در زمان شاه شجاع آل مظفر در قندهار می زیسته است و درین زمان شرحی بر منطق سید شریف کرگانی تألیف کرده است .

( ۳۳ ) **امیر سید علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد حسینی همدانی معروف به علی ثانی** نسبش بامام چهارم میر سیده ، از معاریف عرفای این زمان بود در همدان در ۷۱۳ ولادت یافت و پس از سفرهای چند به هندوستان رفت و در ۷۸۱ در کشمیر مقیم شد و نفوذ بسیار در دربار سلطان قطب الدین بن علاء الدین (متوفی در ۷۸۶) در ختلان بهم رساند و بشاه همدان معروف شد و خاتقاه معروفی در علاء الدین پوره در کشمیر ساخت و پسرش سید محمد که پس از او در کشمیر بوده است در ۱۷ ربیع الاول ۷۹۷ آنرا وقف کرده و وقف نامه آنرا سلطان سکندر شاه پسر قطب الدین سابق الذکر تصدیق کرده است . و پس از مرگ آن پادشاه در ختلان بسال ۷۸۶ در گذشت و از شاگردان شرف الدین محمود بن عبدالله فرغانی و تقی الدین علی دوستانی و علاء الدولة سمنانی بود و در نظم و نشر فارسی دست داشت : رسایل متعدد در اخلاق و سلوک و عرفان تألیف کرده است از آن جمله ذخیره الملوك در اخلاق و سیاست ، مرآة التائبین ، رساله اورادیه ، اربعین ، رساله ذکریه ، اصطلاحات صوفیه ، مشارب الانواق در شرح قصیده میمیه ابن الفارض بفارسی ، رساله در علم قیافه ، رساله چهل مقام ، رساله عقبات ، رساله آداب سفره ، رساله فتوت یافتوت نامه ، واردات غیبیه ، کتاب عقلیه ، سیر الطالبین ، رساله در وجود . میر سید علی شعر فارسی را نیز نیکو می سروده و غزلیاتی از او بدست است .

( ۳۴ ) **ابو محمد سیستانی** از فضلاء سیستان بود و در آن دیار میزیست و در دربار ملک قطب الدین محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده (۸۰۶ - ۸۲۲) از پادشاهان سیستان اقامت داشت و تاریخ سیستان را که به عربی بوده درین زمان بفارسی ترجمه کرده است .

( ۳۵ ) **قطب الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر گیلانی** از عرفای معروف عراق بود و در ۸۲۶ رحلت کرد و نزدیک بیست رساله در تصوف تألیف کرده است از آن جمله است ناموس اعظم و انسان الکامل .

( ۳۶ ) **نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی** از بزرگان مشایخ

طریقه چشتی در هندوستان و از معاریف خلفای نظام الدین اولیا بود و در زمان خود مریدان بسیار داشت و کراماتی از او روایت کرده اند ، سرانجام در شب آدینه ۱۳ رمضان ۷۵۷ در دهلی در گذشت و در آن شهر مدفون شد و اینک مرقدوی از زیارتگاه های معروف آن شهر است . وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و برخی از اشعار از او مانده و از مؤلفات وی بنثر رساله صایف السلوکست که بفارسی فصیح و روان نوشته است .

( ۳۷ ) سید صدر الدین ابوالفتح محمد بن یوسف حمینی چشتی دهلوی معروف بسید محمد گیسو شراز خواجه بنده نوار یاسید غریب نواز، معروف ترین خلیفه نصیر الدین چراغ دهلی و از بزرگان مشایخ طریقه چشتی در هندوستان بود و در زمان خود شهرت و اعتبار بسیار داشت ، در ۷۲۰ در دهلی ولادت یافت و پس از صد و پنج سال در آن شهر در ۸۲۵ در گذشت . سید محمد گیسو دراز از دانشمندان بسیار پر کار هندوستان بوده است و در نظم و نثر فارسی استاد بوده و کتابهای فراوان در تصوف بفارسی و عربی از او مانده است از آن جمله: شرح زبدة الحقایق عین القضاة همدانی معروف بشرح تمهیدات، شرح رساله فشریه که در ۸۰۷ بپایان رسانیده است، شرح و ترجمه آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی که در ۸۱۳ با تمام رسانیده ، مکاتیب یا مکتوبات ، حظایر القدس معروف بر رساله عشق حقیقی ، جواهر العشاق معروف بشرح رساله غوث اعظم، تفسیر سورة فاتحه بفارسی، برهان العاشقین معروف بقصه چهار برادر و مشهور بشکار نامه ، استقامت الشریعت بطریق الحقیقت ، رساله در مسئله رؤیت باری تعالی عز اسمه و کرامات اولیا، حدایق الانس، وجود العاشقین معروف بر رساله عشقید، رساله توحید خواص، رساله مراقبه ، رساله از کار چشتیه ، شرح بیت حضرت امیر خسرو دهلوی علیه الرحمه، شرح فقه الاکبر ابوحنیفه ، برهان العاشقین . بر رساله برهان العاشقین او هفت شرح مختلف نوشته اند، شرح اوژو دوم که مولف آنها معلوم نیست و شرح دوم قائم است، شرح سوم از ابوصالح ، محمد معروف بشیخ حسن محمد چشتی ، شرح چهارم از میر سید عبد الواحد بلگرامی ، شرح پنجم از میر سید محمد کامپوی، شرح ششم از محمد رفیع الدین محدث دهلوی، شرح هفتم از میرزا القاسم علی بیگ حیدر آبادی متخلص بانسکر. دیوان

اشعار فارسی وی نیز در دست است. پسرش سید حسین معروف بسید محمد اکبر حسینی یا سیدیری که کتاب العقاید و تبصرة الاصطلاحات الصوفیه را بفارسی تالیف کرده کتابی در مقام وظائف پدرش نوشته است بنام جوامع الکلام.

(۳۸) **شهاب الدین مسعود سیرجانی**، از عارفان کرمان درین دوره بوده و کتابی در تصوف بنثر فارسی نوشته است بنام مرآة العارفين.

(۳۹) **شاه شرف الدین ابوعلی بن سالار فخر الدین بن سالار حسن بن سالار عزیز بن ابوبکر غازی بن فارس بن عبدالرحمن بن عبد الرحیم بن محمد دانك بن ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن نعمان پانی پتی معروف بابوعلی قلندر** از بزرگان شاخ طریقه چشتی هند و پدرش مردی عارف و مادرش بی بی حافظه جمال زن پرهیزگاری بود. در شهر پانی پت در ۶۵۲ ولادت یافت و در آنجا می زیست و پیرو طریقه قطب الدین بختیار کاکی و نظام الدین اولیاء بود و پس از چندی بیرون شهر درجایی که اکنون معروف به «باکھولی» است رفت و در آنجا در ۱۳ رمضان ۷۲۴ در گذشت و اینك قبرش در همان جایارنگاه است. وی در نظم و نثر پارسی استاد بوده و مؤلفات چند در تصوف دارد از آن جمله رساله معروف بحکم نامه شیخ شرف الدین و مجموعه مکاتیبی که بمريد خود اختیار الدین نوشته و دیوان غزلیات شامل ۶۰۰ بیت که در آن شرف تخلص کرده است و مجموعه رباعیات و يك مثنوی شامل ۱۲۰۰ بیت بتقلید از مثنوی مولانا و مثنوی دیگر بهمان وزن شامل ۲۳۸ بیت و مثنوی سومی بهمان وزن شامل ۳۶۲ بیت.

(۴۰) **محمد بن احمد بن محمد صوفی سمرقندی** ساکن شیراز از دانشمندان این زمان بوده و از احوالش جزین اطلاعی نیست که کتاب معروف ربیع الابرار و مختار الاخیار تالیف زمخشری را در شیراز بنام شاه شجاع آل مظفر بفارسی فصیح ترجمه کرده

(۴۱) **ثقة الدین ابی نصر عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی هروی** مولف تاریخ هرات که از احوال وی اطلاعی نیست.

(۴۲) **سیف الدین بن محمد بن یعقوب سیفی هروی** متولد در ۶۸۱ از شاعران



و دبیران توانای زمان خود بوده و در شعر سیفی تخلص می کرده و تنها اثری که ازو باقیست کتاب معروفیست در تاریخ آل کرت که بنام تاریخ نامه هرات نیز معروفست و در حدود ۷۲۱ آنرا بیایان رسانیده است.

(۴۳) عیسی بن هفین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد شیرازی از احوال او چیزی معلوم نیست جز آنکه کتاب شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار درمشاهد شیراز قالیف پدر خود را بنام هزار مزار بفارسی ترجمه کرده است.

در قرن هشتم شعر نسبت بدوره گذشته بهمان علی که ذکر شد اندکی تنزل یافت و باین همه عده کثیری از شعرای فارسی زبان چه در ایران و چه در هندوستان میزیسته اند و درین ضمن خاندانهای پادشاهان جزء که در نقاط مختلف سلطنت داشتند و از تجزیه دولت مغول فراهم آمدند در ترویج شعر فارسی همت گماشته اند چنانکه ابوسعید بهادر خان آخرین پادشاه مغول ایران (۷۱۶-۷۳۶) شعر فارسی می گفته است. خاندان جلایر نیز که در مغرب ایران سلطنت داشتند در پرورش شعر فارسی بسیار کوشیده اند و جمعی کثیر از شاعران بزرگ قرن هشتم ازیشان متنعم شده اند و دو تن از پادشاهان این سلسله مانند سلطان اويس (۷۵۷-۷۷۶) و سلطان احمد (۷۸۴-۸۱۳) نیز شعر فارسی گفته اند.

پادشاهان آل مظفر نیز درین راه کوشش بسیار کرده اند و از جمله ایشان عمادالدین احمد بن مبارزالدین (۷۶۰-۷۹۵) و شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۶) و برادرش ابویزید بزبان فارسی شعر سروده اند و از امیر ابواسحق اینجو نیز شعر فارسی مانده است. در ضمن شعر فارسی در هندوستان رواج کامل داشته و از میان پادشاهان آن دیار محمد تغلق شاه خلجی (۷۲۴-۷۵۲) شعر فارسی می گفته و شعرا را بسیار مینواخته است. در همین اوان زبان فارسی در قلمرو مملکت عثمانی رواج کامل یافت و از آن پس تا اواخر قرن سیزدهم بسیار متداول بود و پادشاهان آل عثمان اغلب شعر فارسی گفته اند، از آن جمله در قرن

هشتم ایلدیرم با یزیدخان عثمانیست (۷۹۲-۸۰۵) که شعر فارسی سروده است. از امرای جزء نیز ملک ضیاءالدین کابلی که از جانب پادشاهان مغل امارت داشته باین زبان شعر گفته است. اما شعرای بزرگ قرن هشتم بدینقرارند:

۱) بهاءالدین احمد معروف بساطان واد یا ابن عارف رومی پسر جلال الدین محمد بلخی مولوی عارف مشهور بود که همواره با پدر خود زیسته و پس از مرگ وی در همان خانقاه قویه جانشین پدر شده و از مشایخ طریقه مولوی بوده و در شهر لارنده در ۲۵ ربیع الثانی سال ۶۲۳ ولادت یافته و در قونیّه در روز شنبه دهم رجب ۷۱۲ در گذشته است و وی نیز در نظم و نثر فارسی قدرتی داشته و مجالس و تقریرات و مشافهات پدر را در کتابی باسم فیه ما فیه جمع کرده است و کتابی خود در تصوف نوشته که بنام معارف سلطان ولد معروفست و نیز دفتر هفتم مثنوی را بخط باو نسبت میدهند و از منظومات اوسه مثنوی مانده است یکی باسم رباب نامه در دو مجلد و دیگری باسم ولد نامه که در ۶۹۰ بیابان رسانیده و دیوان اشعار وی شامل سیزده هزار بیت نیز در دست است که در آن ولد تخلص کرده است.

۲) رکن الدین یا اوحداالدین بن میر حسین اوحدی مراغی اصفهانی از مردم مراغه بود و گاهی در اصفهان اقامت داشت، از عرفا و شعرای معروف این قرن بود و از مریدان شاگردان اوحداالدین کرمانی بود و گویند بهمین جهت اوحدی تخلص کرده است و در اواخر عمر دو باره بآذربایجان برگشته و با خواجه وجیه الدین یوسف از فرزندان خواجه نصیرالدین طوسی مربوط بوده و بیشتر اختصاص داشته است بخدمت غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله وزیر و عاقبت در مراغه در نیمه شعبان ۷۳۸ در گذشته است. اوحدی مراغی را غزلیات عارفانه بسیار روان و شورانگیز هست و دیوان او شامل پنج هزار بیتست و مثنوی باسم ده نامه و ادره ۷۰۵ بنام همان وجیه الدین و مثنوی باسم جام جم را که بسیار معروفست در سال ۷۳۳ تمام کرده و بنام خواجه غیاث الدین پرداخته است.

۳) کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی بن محمود مسترشدی کرمانی

**متخلص به خواجو** یکی از بزرگترین شعرای غزل سرای ایران و یکی از معارف کویندگان قرن هشتم بود. در کرمان شب یکشنبه ۲۰ ذیحجه ۶۸۹ ولادت یافت و از بزرگ زادگان کرمان بود و در جوانی بنای شاعری گذاشت و از همان اوان معروف شد و سفرهایی به شام و بیت المقدس و حجاز و عراق کرد و در آغاز شاعری به مداحی ابوسعید بهادرخان پرداخت و سپس جزو شعرای دربار شیخ اویس بن شیخ حسن ایلکان درآمد و سپس از مداحان شیخ ابواسحق اینجو شد و پس از آن بدربار امیر مبارزالدین محمد بن مظفر (۷۴۱-۷۶۵) پیوستگی یافت و درین میان جمعی کثیر از امرا و وزرای بزرگ را که بدین دربارها مربوط بوده اند مدح گفته است و در ضمن مسلك تصوف داشته و از شاگردان علاءالدوله سمنانی و امین الدین کازرونی بوده و عاقبت در شیراز بسال ۷۶۳ رحلت کرده و در آنجا در تنگ الله اکبر مدفون شده است. خواجو در نظم و نثر فارسی قدرت بسیار داشته و در نثر دو رساله از او مانده است. در نظم نزدیک بیست هزار شعر گفته است و کلیات نظم او شامل سه دیوان فصاید و مقطعات و غزلیات و غیره است که در سه مرحله از عمر خود تدوین کرده و شش مثنوی که از ۷۳۲ تا ۷۴۶ بنظم آنها مشغول بوده بدین قرار: ۱ - هما و همایون که در ۷۳۲ تمام کرده، ۲ - گل و نوروز که در ۷۴۲ با تمام رسیده، ۳ - روضه الانوار که در ۷۴۳ بپایان رسیده، ۴ - کمال نامه که در ۷۴۴ تمام شده، ۵ - کهر نامه یا گوهر نامه که در ۷۴۶ با تمام رسانیده است، ۶ - سام نامه که دو روایت مختلف از آن موجود است و آنرا به خواجو نسبت میدهند. خواجو گرمانی در غزل و مثنوی بزم و رزم و معاشقات استاد کامل بوده و درین دو فن او را باستانی مسلم میدارند. در غزل سبکی خاص دارد که حد وسط میان سبک سعدی و حافظ است و معاشقات را با تصوف آمیخته و الفاظ روان و معانی طبیعی بسیار دارد؛ در مثنوی سبک نظامی را دنبال کرده و در بسیاری از موارد از او روان تر سروده است. خواجو خود منتخبی از اشعار خود در ۲۸ باب برای امیر مبارز الدین ابوالمظفر محمد بن مظفر بنام مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب گرد آورده است.

۴ - **امیر محمود بن امیر یمین الدین طغرائی فریق مدی معروف بابن یمین** خاندان وی از مردم فریومند از ولایت جوین و پدرش امیر یمین الدین اصلائرك از نژاد

بود و در زمان سلطان محمد خربنده الجایتو باین نواحی آمد و در آنجا مقیم شد و در آنجا سال ۷۲۴ در گذشت و پسرش ابن یمن در همان ناحیه ولادت یافت و تمام عمر خود را در همان دیار میگذراند و از عایدات املاک پدری خود معاش میکرد و مردی قانع و گوشه نشین بود و از دور مدایحی برای امرای خراسان و هرات و پادشاهان سربداری و کرت و طغا تیموریان میفرستاد و در زمان خویش بشاعری شهرت بسیار یافته بود و اقسام مختلف شعر از قصیده مدیحه و غزلیات و مقطعات میسرود و درین میان در تاریخ ۱۳ صفر ۷۴۳ در قته ای که در آن نواحی روی داد دیوان وی بغارت رفت و پس از آن اشعاری را که سروده بود بار دیگر تدوین کرد و در هشتم جمادی الاخره ۷۶۹ در همان اقامتگاه خود در گذشت و آنجا مدفون شد. شهرت عمده ابن یمن در شعر فارسی بواسطه مقطعات کوچکیست که در مسایل اخلاقی با کمال سادگی و روانی سروده و در شعر فارسی بی نظیرست و کلیات اشعار او آنچه تا کنون به ما رسیده شامل نزدیک ده هزار بیت اقسام مختلف شعرست.

۵ - **خواجه نظام الدین عیدالله زاکانی قزوینی** از خاندان زاکانیان قزوین بود که از خانوادهای قدیم این شهر بشمار میرفت و مردان بزرگ از آن برخاسته اند و نژاد ایشان اصلاً عرب بوده است و وی در قزوین ساکن بوده و از علمای معروف زمان خود بشمار میرفته و زمانی نیز وزارت یافته است و درین ضمن سفری چند کرده و ببغداد رفته و مدتی در شیراز در پناه شیخ ابواسحق اینجو زیسته و در ضمن مدح سلطان اویس جلایر و شاه شجاع آل مظفر گفته و عاقبت سال ۷۷۱ یا ۷۷۲ در گذشته است. عید زاکانی در نظم و نثر فارسی در کمال قدرت بوده دیوان وی شامل قصاید و مقطعات تقریباً حاوی دو هزار بیتست و بجز آن مثنوی عشاق نامه را در ۵۷۱ سروده است که شامل ۵۰۰ بیت باشد و منظومه معروف موش و گربه نیز از دست ورسایل متعدد نثر فارسی بسیار شیوا دارد از آن جمله فال نامه، اخلاق الاشراف که در ۷۴۰ تمام کرده، ده فصل یاتعریفات، رساله دلگشا، صد یند که در ۷۵۰ نوشته، ریش نامه، تعریفات ملاد و پیازه.

عبید زاکانی در میان نویسندگان قرن هشتم مقام بسیار رفیعی دارد و آن اینست که نخست زبان فارسی را در نهایت شیرینی و لطف و انسجام ادا کرده و گذشته از آن در برابر خشکی ها

وسالوسی‌های پیشوایان مذهب‌ی زمان خود قیام کرده و در تمام رسایل خویش بنظم و نثر دورویی و ظاهر پرستی ایشان را با کمال دلیری بمیان آورده‌است.

۶ - **خواجه عمادالدین فقیه کرمانی معروف به عماد فقیه** از معاریف غزلسرایان عارف پیشه قرن هشتم بود و در کرمان میزیست و خانقاهی داشت و مردم زمان بسیار بوی معتقد بودند و پادشاهان آل مظفر امیر مبارزالدین محمد و شاه شجاع نسبت بوی احترام بسیار میکرده‌اند و عاقبت در کرمان بسال ۷۲۳ رحلت کرده است. کلیات عماد فقیه شامل شانزده هزار بیت از غزل و مثنویست و در غزل سبکی شبیه بسبک حافظ دارد و اشعار بسیار بلند میان آنها هست و مثنویهای متعدد سروده است از آن جمله محبت نامه بیدلان که در ۷۲۲ تمام کرده است و مونس الابرار که در ۷۶۶ پایان رسیده و صفانامه اتمام در ۷۷۶ و صحبت نامه اتمام در ۷۳۱ و محبت نامه در ۷۳۲ و طریقت نامه اتمام در ۷۱۶ و ده نامه وفایده الاخلاص.

۷ - **خواجه جمال‌الدین سلمان بن علاءالدین محمد ساوجی** از مردم ساوه و پدرش از مستوفیان دیوان مغول بود و وی در شهر ساوه ولادت یافت و در جوانی بنای شاعری گذاشت و در سبک مداحان خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین وزیر در آمد و پس از برچیده شدن اساس سلطنت مغول بدر بار پادشاهان جلایری در آمد و مداح مخصوص امیر شیخ حسن ایلکان و زوجه‌اش دلشاد خاتون شد و در بغداد پایتخت ایشان اقامت ورزید و از حدود ۷۴۰ تادم مرگ مداح ابن خاندان بود و سلطان اویس و سلطان حسین را نیز مدح گفته‌است و مدتی نیز مداح شاه شجاع بوده و از ۷۷۷ بعد که وی تبریز را گرفته است با او مربوط شده و در اواخر عمر آنرا اختیار کرده و در ساوه گوشه نشین شد و آنجا در ۱۲ صفر ۷۷۸ در گذشت. سلمان ساوجی از شعرای مقتدر قرن هشتم بود و در انواع مختلف شعر مهارت کامل داشت مخصوصاً در مدیحه که آخرین شاعر بزرگ این سبک بشمار میرود و در غزل نیز سبکی شبیه بسبک حافظ داشته است و در مثنوی عاشقانه نیز مهارت داشته و دو مثنوی سروده است یکی جمشید و خورشید بسبک خسرو و شیرین نظامی که در ۷۶۳ با اسم سلطان اویس تمام کرده و دیگر فراقنامه بیحرمتقارب

که در ۷۷۰ بنام همان پادشاه تمام کرده است و کلیات اشعار او شامل نزدیک ده هزار

۸ - **خواجه شمس الدین حاجی محمد عصار تبریزی** از شعرای دربار

شیخ اویس جلایر بود و در ضمن بمدح امرای دیگر میپرداخت و در عصر خویش بسیار معروف بود. عاقبت از مدیحه سرایی دلسرده شد و باثروا پرداخت و در آن حال مثنوی مهر و مشتری را در دهم شوال ۷۷۸ در ۵۶۰ بیت نظم کرده است که یکی از بهترین منظومات بزمی و عاشقانه زبان فارسیست و عاقبت در سال ۷۹۲ رحلت کرده است. دیوان غزلیات او نیز در دست است که در آن محمد تخلص کرده است و نیز چندین کتاب در عروض و قافیه نوشته و از آن جمله رساله‌ای بنام وافی فی تعداد القوافی.

۹ - **روح الدین عطار** از شعرای قرن هشتم بوده و در عراق میزیسته و باسید

جلال الدین عضد یزدی معاصر بوده و در سلك شعرای آل مظفر بشمار میرفته ولی از احوال وی اطلاعی نیست و دیوان اشعار وی شامل نزدیک دو هزار بیت غزل بدست است که در آن روح عطار تخلص کرده است و بعضی غزلیات بسیار شورانگیز دارد.

۱۰ - **سید جلال الدین بن سید عضد یزدی معروف بجلال عضد** از شعرای

معروف دربار آل مظفر بود، پدرش سید عضد وزارت امیر مبارز الدین محمد بن مظفر (۷۴۱ - ۷۶۵) داشت و وی در یزد ولادت یافت و از کودکی مورد توجه پادشاهان این سلسله واقع شد و همواره بدیشان پیوستگی داشت ولی طبع وی بمدایح مایل نبود و تمام هنر شاعری خود را در غزل سرایی بکار میبرد و غزلیات بسیار روان منسجم ازو مانده است و دیوان وی شامل نزدیک چهار هزار بیت موجود است.

۱۱ - **بدر الدین چاچی** از مردم شهر چاچ ترکستان بوده ولی در هندوستان

در شهر دهلی میزیسته و شاعر مخصوص دربار غیاث الدین محمد بن تغلقشاه معروف بالغ خان سلطان محمد جوان بن تغلقشاه بود که از ربیع الاول ۷۲۵ تا ۲۱ محرم ۷۵۲ سلطنت کرده و بدر چاچی همواره در دربار وی زیسته است و قصاید و مقطعات بسبک شعرای آذربایجان میسروده و آخرین شاعر بزرگ است که بدین سبک سخن سروده است و

دیوان وی شامل نزدیک دو هزار بیت موجود است و شاهنامه ای بنام الغ خان سروده که نزدیک سی هزار بیت دارد. در لغز و کنایات و استعارات استاد بوده است و بهمین جهت اشعار وی دشواریهایی دارد و حواشی و شروح متعدد بر آن نوشته‌اند از آن جمله شرحی از محمد عثمان قیس پسر حافظ غلام شاه خان بن محمد شرف الدین خان افغانی بنام نسخه عثمان خان که در ۱۲۶۴ در دو مجلد بزرگ پایان رسانده است. بدرالدین چاچی در شعر گاهی بدر چاچی تخلص کرده است.

۱۲ - محمد بن بدر جاجرمی پسر بدر جاجرمی شاعر معروف قرن هفتم است که در اصفهان و عراق تا اواسط قرن هشتم می‌زیسته و خود نیز شاعر بوده و جامع کتابیست باسم مونس الاحرار فی دقایق الاشعار که حاوی بهترین اشعار یک عده کثیر از شعرای بزرگ ایرانست تا زمان مؤلف و آنرا در ماه رمضان ۷۴۱ تمام کرده ولی چنانکه گذشت (ص ۱۷۶) آنرا از کتابی بهمین اسم تألیف لطیف الدین احمد بن محمد ابن احمد بن محمد کلامی اصفهانی که در ۷۰۲ گرد آورده گرفته و در آن اندک تصرف کرده و در ضمن بعضی از اشعار خود را در آن آورده است.

۱۳ - ابو اسحق خلاج شیرازی معروف یسحق اطعمه از شعرای معروف اواخر قرن هشتم بود و در شیراز می‌زیست و ظاهراً تا اوایل قرن نهم نیز در حیوة بوده است و دو سال ۸۳۰ رحلت کرده و قبر او در شیراز معروفست. در عصر خویش شهرت بسیار داشته ولی از جزئیات زندگی او چیزی بهما نرسیده است. جز آنکه مورد توجه اسکندر بن عمر شیخ تیموری بود و وی مبتکر سبك خاصیت در شعر فارسی که همه جا اسامی غذاها و خوراك‌ها را در میان آورده و بسیاری از غزلیات و قصاید شعرای سلف یا معاصر خود را جواب گفته و تقلید کرده است و این سبك را پس از او احمد اطعمه در قرن نهم و اشتهای اصفهانی در قرن سیزدهم و میرزا تقی خان دانش از معاصرین در دیوان حکیم سوری تقلید کرده‌اند و دیوان ابو اسحق که شامل نزدیک سه هزار بیت نظم و نثر و اقسام مختلف شعر بهمین سیاقست باسم دیوان اطعمه شهرت دارد و معروفست و فواید عمده آن آنست که بسیاری از اسامی غذاها را نگاه داشته است و يك مثنوی



در همین زمینه بنام کنز الاشتها و نیز مناظره اطعمه ای بشردارد .

۱۴ - **خواجه شمس الدین محمد بن بهاء الدین حافظ شیرازی** معروف ترین شاعر قرن هشتم و یکی از چهارتن از بزرگترین شعرای ایران که معروف جهان شده اند پدران وی بشیراز هجرت کرده اند و وی در آن شهر ولادت یافته و در جوانی از مدارس و مجالس درس علمای زمان خود بهره مند شده و حافظ قرآن گردیده است به همین جهت در شعر حافظ تخلص کرده و از زمره شاگردان قوام الدین عبدالله (متوفی در ۷۷۲) عالم معروف آن زمان بوده است . نخست در سلك مداحان ابو اسحق اینجو درآمده و سپس پیادشاهان آل مظفر پیوسته و شاه شجاع و شاه منصور از امرای این خاندان را مدح گفته است و درین ضمن با پادشاهان ایلکانی جلایر که در مغرب ایران سلطنت داشته اند و شعرارا بسیار مینواخته اند از دورروابطی داشته و سلطان احمد بن شیخ اویسی (۷۸۴ - ۸۱۳) را مدایح مینگفته است و عاقبت در شیراز بسال ۷۹۱ رحلت کرده و در آنجا مدفون شده است . حافظ در زمان زندگی خود از حاجی قوام الدین حسن شیرازی کلاتر شهر شیراز (متوفی در ۷۵۵) بیش از دیگران متنعّم شده به همین جهت اغلب از وی یاد کرده است و با این همه مدایحی که در حق این مدوحین دارد بجز يك دو بیت نیست که در ضمن سخنان خود آورده است و وی را جزو شاعران مداح نمیتوان شمرد بلکه ظاهراً تمام عمر خود را در گوشه نشینی و عزلت گذرانده و در حیات خویش شهرت عظیمی داشته است . در زبان فارسی نظیر غزلیات حافظ که جامع بین اشعار عاشقانه و افکار عارفانه ایرانست نیست به همین جهت یکی از بزرگترین شعرای جهان شمرده میشود و از حیث نظم در لطف تر کتب و تالیف و در بنی نیازی در فکر و استقلال در اندیشه بمنتهای اوج شاعری رسیده است . دیوان اشعار وی را که محمد گلندام یکی از معاصرین و همدرسان زمان کودکی او جمع کرده است باید در رأس کتابهای زبان فارسی قرار داد و به همین جهت همواره مورد اقبال عظیم از جانب تمام طبقات مردم ایران بوده است و آن شامل نزدیک چهار هزار بیتست و بر آن شرحهای چند نوشته اند از آن جمله : شرح محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی بنام شرح یوسفی یزبان اردو در ۱۳۰۷



مفتاح الكنوز علی حافظ الرموز از قطب الدین قندهاری ، بدرالشروح از بدرالدین اکبر آبادی ، شرح مشکلات دیوان حافظ از پیر مراد متخلص بمشفق ، شرح دیوان حافظ از افضل الله آبادی ، بحر الفراسة الالفاظی شرح دیوان حافظ از عبیدالله خویشکی چشتی متخلص بعبدی . زبان ترکی نیز سه شرح بر آن نوشته اند : شرح مصطفی بن شعبان سروری در گذشته در ۹۶۹ ، شرح شمعی در گذشته در حدود سال ۱۰۰۰ ، شرح سودی بسنوی متوفی در حدود ۱۰۰۰ . دیوان حافظ یا منتخبات آنرا بیرخی از زبانهای اروپایی مانند فرانسه و آلمانی و انگلیسی و روسی و لهستانی و نیز ترکی و عربی ترجمه کرده اند .

( ۱۵ ) سراج الدین قهری قزوینی از شعرای معروف قرن هشتم بود و در دربار سلطان ابوسعید میزیست و با عبیدزاکانی و سلمان ساوجی مشاعره و معارضه داشته و در ۷۳۵ در گذشته است و دیوان اشعاروی که بیشتر قصاید و غزلیات بسبک شعرای عراقست شامل نزدیک دو هزار بیتست .

( ۱۶ ) جمال الدین محمد بن حسام هروی معروف بابن حسام اصلاً از مردم خواف بود و در هرات سکنی داشت و از شاعران مخصوص ملک شمس الدین کرت و فرزندان وی بود و ظاهراً در اواخر عمر در کرمان زیسته است و در عصر خویش در شاعری شهرت بسیار داشت و وی بجز جلال الدین بن حسام معروف بابن حسام سرخسیست که از شعرای قرن هفتم بوده و ذکر او گذشت و نیز بجز محمد بن حسام الدین مشهور بابن حسام قهستانیست که از شعرای معروف قرن نهم بوده و دیوان مدایح او معروفست و این ابن حسام خوافی هروی در سال ۷۳۷ در گذشته و بجز بعضی غزلیات از اشعار او چیزی نمانده است و غزل را بسیار نیک میسروده و درین فن معروف بوده و در غزل ابن حسام و محمد نخاس میکرده است .

( ۱۸ ) صدرالدین بن خطیب پوشنگی معروف بابن خطیب و متخلص بریمعی از شعرای نامی قرن هشتم بود و مشهورترین شاعر سلسله آل کرت بشمار میرفت و در دربار ایشان در هرات میزیست . پدرش خطیب پوشنگ قصبه ای نزدیک هرات بود و خود در دربار

ملك فخرالدین بن ركن الدین بن شمس الدین آل كرت میزیسته كه از ۶۹۵ تا ۷۴۰ شعبان ۷۰۶ حكمران هرات بوده و بدانشمندان و شعرا توجهی داشت و خود شعر فارسی میگفت و نزدیک چهل شاعر نامی در دربار او بودند و از آن جمله ربیعی بود و هفده سال در دربار این پادشاه بمداخی او مانده است و سپس در سال ۷۰۲ بحبس افتاد و سبب آن بود كه وی از خواص انمای پادشاه بود و ماهی هزار دینار از خزانه او میگرفت و چون مردی عیاش بود هر چه مییافت صرف نوش خواری میکرد و باز زیاده بر آن میخواست و چون ملك فخرالدین بشرب بنگ عادت داشت بسیار میشد كه میان ایشان بسبب اختلاف مشرب مناقشه میشد و در نتیجه ربیعی از ملك فخرالدین بد گمان شد و بقیهستان رفت و در سلك ملازمان شاه علی بن ملك نصیرالدین سیستانی از آل خلف در آمد و روزی در مجلس شراب از فخرالدین بد گویی كرد، شاه علی ازو رنجید و باو دوست دینار داد و ویرا از دربار خود راند و گفت كه مردی حق ناشناسست و مدتی در دربار فخرالدین بوده و ازو بد گویی میکنی باشد كه با من نیز چنین كند. ربیعی از قهستان بنیشابور رفت و از آنجا عازم عراق شد. فخرالدین از ترس اینكه مبادا ربیعی نزد دیگران ازو بد گویی كند نامه ای باو نوشت و او را بخود خواند و ربیعی چون اطمینان نداشت جوابی منطوم نوشت و دعوت او را رد كرد، فخرالدین بخط خود امان نامه ای باو فرستاد و ربیعی بهرات برگشت و او را با احترام پذیرفتند ولی پس از چندی باز در مجلس شراب ربیعی با یاران خود بنای لاف زدن گذاشت و ازیشان بیعت گرفت كه بمملكت گیری بپردازند و چون بامداد این خبر بفخرالدین رسید هفتاد كس ازیشان را دستگیر كردند و همه منكر شدند جز ربیعی كه اقرار كرد و ملك فخرالدین بعضی ازیشان را كشت و مثله كرد و ربیعی را بحبس افكند و هر چه وی عذر خواهی كرد بجایی نرسید و در قلعه خیصار در حبس ماند تا مرد و تاریخ رحلت او را در ۷۰۲ و در ۷۴۰ نوشته اند و ظاهراً قول اول معتبر ترست. ربیعی شاعر توانایی بوده و بفرمان ملك فخرالدین منظومه ای ببحر متقارب بسبك فردوسی باسم كرت نامه در تاریخ آل كرت سروده است و نیز در حبس قلعه خیصار منظومه ای باسم كا رنامه سروده است و قصاید

بسیار در مدح این پادشاه داشته است ولی اینک از اشعار وی جز بعضی آیات چیزی بدست نیست .

۱۸ - شیخ امین الدین کازرونی از عرفای معروف قرن هشتم فارس بود و در شیراز در زمان شاه شجاع میزیست و منصب شیخ الاسلامی فارس داشت و جمعی کثیر از بزرگان آن زمان مانند خواجه کرمانی و حافظ شیرازی بوی ارادت داشته اند و در سال ۷۴۵ در گذشت . وی شعر فارسی را نیکو میسروده است ولی از اشعار او اندکی باقیست .

۱۹ - خواجه عمیدالملک رکن الدین صاین هروی معروف برکن جهان یا رکن صاین از قاضی زادگان سمنان بود ولی مدتی در هرات میزیست و منصب پیش نمازی طغا تیمور خان را داشت و نزد او مقرب بود و طغا تیمور پیش او درس میخواند ولی بسبب بدکویی که از وی کرده بود رکن صاین را بزرندان افکند و وی پس از رهایی از آن بند بدربار آل مظفر شتافت و از مختصان امیر مبارزالدین شد و در سلك وزرا درآمد و سپس در زمانی که شاه شجاع و شاه محمود بکشتن پدرشان امیر مبارزالدین قیام کردند وی در آن واقعه زخم برداشت و شفا یافت و ملازم شاه شجاع شد و با وی یزد رفت و در همانجا رحلت کرد و فوت او را در سال ۷۶۵ نوشته اند . رکن صاین از معاریف شعرای آل مظفر بود و غزل را بسیار نیکو میسرود و دیوان وی شامل نزدیک سه هزار بیت بدستست و وی در انشا نیز دست داشته و منشآت او معروف بوده است .

۴۰ - مظفر هروی اصلاً از مردم خواف و از قریه خضروان بود ولی در هرات میزیست و معاصر با ملک معزالدین حسین کرت بود و ویرا مدح میگفت و مردی بسیار مغرور و متکبر بود و خود را از شاعران دیگر از همه برتر میدانست چنانکه دیگران را قابل سخن خود نمی شمرد و هنگام مرگ دیوان اشعار خود را در آب انداخت و می گفت پس از من هیچکس قدر سخن مرا نخواهد دانست و نسبت باین جهان و اسباب آن بی اعتنا بود و بی تکلف میزیست و جامه چر کین میپوشید و چون او را منع میکردند

میگفت بزیبایی معنی نگرید و با آنکه صلت های وافر میگرفت در آرایش ظاهر نمی کوشید و عاقبت در سال ۷۶۷ در گذشت. مظفر هروی یکی از شعرای قادر زمان خویش بوده و قصیده مدیحه را بسبک شعرای عراق بسیار نیکو می سروده است چنانکه او را خاقانی دوم لقب داده بودند ولی از اشعار وی جز اندکی نمانده است.

**۴۱ - حسن متکلم کاشانی یا نیشابوری** از شعرای معروف خاندان کرت بود و خود نسبت خویش را بسامانیان میرسانده و شاعر دربار ملک معزالدین حسین و ملک غیاث الدین پیر علی آخرین پادشاهان این سلسله و در شاعری شاگرد مظفر هروی بوده و در شعر عربی و فارسی دست داشته است و رساله ای در صنایع شعر باسم ملک غیاث الدین تألیف کرده بود و عاقبت در سال ۷۷۱ در گذشت. حسن متکلم در شعر فارسی بسیار قادر بوده و سبکی شبیه بسبک منوچهری داشته است ولی از اشعار او جز اندکی باقی نمانده است.

**۴۲ - میر گرمائی** از معارف غزل سرايان قرن هشتم و از مشاهیر شعرای کرمان بود و در زمان سلطان اویس جلایر میزیست و در زمان خود شهرت بسیار داشت، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست و دیوان او شامل نزدیک هشت هزار بیت بدستست و غزل عارفانه بسبک عماد فقیه و عراقی را در نهایت خوبی سروده و ازین حیث یکی از بهترین شعرای ایرانست و دوشنوی بنام مجمع اللطایف در ۷۳۲ و درج اللئالی در ۷۲۶ سروده است.

**۴۳ - شاه ناصر یادرویش ناصر بخاری** نیز از معارف شعرای این عصر بود و در سبک درویشان میزیست و سفر بسیار میکرد و قناعت پیشه بود و گاهی مدیحه باسم سلطان اویس جلایر می سرود و در سال ۷۷۳ رحلت کرد. ناصر بخاری قصیده و غزل را بسبک شعرای عراق نیکو می سروده است کلیات او شامل چهار هزار بیت در دستست و بجز قصیده و غزل يك دوشنوی بنام هدایت نامه بیجر متقارب سروده است.

**۴۴ - شمس الدین محمود شیرین مغربی** از معارف شعرا و عرفای اواخر قرن هشتم بود. مولد وی نایین بود و سفری بدیار مغرب کرده ولی ظاهراً بیشتر ایام

خود را در قبریز گذرانده و بهمین جهت بتبریزی معروف شده است. در تصوف از شاگردان شیخ اسمیل سیسی سمنانی بوده و عاقبت در ۸۰۸ یا ۸۰۹ در سن ۶۰ سالگی در گذشته و بعضی مرقده وی را در محله سرخاب تبریز و بعضی در اصطهبانات فارس دانسته‌اند. مغربی غزل را بسبک مخصوص عرفای ایران در منتهای روانی می سروده و دو ترجیع بند بسیار معروف در توحید دارد که بسیاری ازو تقلید کرده‌اند. دیوان وی نزدیک دو هزار بیت غزلست که در آن میان غزلیات بسیار شورانگیز دارد.

۴۵ - **لطف‌الله نیشابوری** از شعرای معروف اواخر قرن هشتم بود و تمام عمر خود را در نیشابور گذرانده و در آنجا مدایحی بنام امیر تیمور گورکان سروده و بیشتر اختصاص داشته است بمداحی پسر وی امیرانشاه میرزا و در ضمن مردی زاهد و گوشه نشین بود و در قناعت میزیست و در اواخر عمر از نیشابور بقریه اسفیرس رفت که درین زمان بقدمگاه معروفست و در آنجا بسال ۸۱۰ یا ۸۱۶ در گذشت و همانجا مدفون شد. لطف‌الله نیشابوری در اقسام مختلف شعر مخصوصاً در قصاید و مدایح بسیار مهارت داشته و قصاید بسیار در نعت‌ائمه سروده است و دیوان وی نزدیک چهار هزار بیت بدستست.

۴۶ - **تاج‌الدین علی بن محمد معروف بتاج‌حلاوی** نیز از شعرای نامی قرن هشتم بود و در زمان خویش شهرت بسیار داشت و مؤلف کتابیست در محسنات کلام و فن شاعری باسم دقایق الشعر که از جمله کتابهای معتبر و مفید این فنست.

۴۷ - **حسن** نیز از شعرای قرن هشتم بوده و از احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه منظومه‌ای ساخته است باسم بحر الصنایع در محسنات کلام و در فنون شاعری که در ۷۳۱ سروده و هرچند شعر آن سستست و پیدااست که در شاعری مهارت نداشته از حیث مطلب کتاب او جالب توجهست.

۴۸ - **کمال‌الدین مسعود خجندی** از عرفا و شعرای بسیار معروف قرن هشتم بود و در خجند ولادت یافت و در جوانی بعزم حج از دیار خود بیرون رفت و در بازگشت ازین سفر بتبریز رسید و در آنجا اقامت کرد و جمعی کثیر شاگردان و

مریدان کرد او را گرفتند و چون تغمش خان پادشاه در بند تبریز را گرفت وی را گرفتار کرد و فرمان زن خان بدشت قبیحاق بردند و در شهر سرای چهار سال از ۷۸۷ تا ۷۹۰ نگاهداشتند و در آنجا وی را مریدان بسیار فراهم آمدند و درین سفر وی را با عبیدالله شاشی عارف معروف صحبت رویداد و پس از چهار سال باز بتبریز برگشت و چون همواره با پادشاهان جلایر روابط داشت این بار سلطان حسین بن اویس جلایر برای او در تبریز خانقاهی ساخت و موقوفاتی برای خاتمه او بر قرار کرد و پس از آن تا زمان تیمور گورکان هم زنده بود و با پسر وی امیرانشاه میرزا روابط داشت و عاقبت در تبریز سال ۷۹۲ یا ۸۰۳ رحلت کرده است و در باغی که زاویه او در آنجا بوده وی را بخاک سپرده اند و تاریخ دوم معتبر تر است. کمال خجندی غزل عارفانه را در نهایت روانی و خوبی میسر داده و ازین حیث یکی از بهترین شعرای ایران است. دیوانش شامل نزدیک هشت هزار بیت موجود است.

**۴۹ - ابن نضوح شیرازی معروف بفارسی از بزرگ زادگان فارس بود و در زمان سلطان ابوسعید بهادر میزیست و با خواجه غیاث الدین محمد وزیر پسر رشید الدین فضل الله روابط داشت و در ۷۳۷ در گذشت. ابن نضوح شاعر توانایی بوده و دو مثنوی دارد یکی باسم ده نامه که بنام غیاث الدین محمد سروده و دیگر باسم محبت نامه ولی اینک از اشعار او جز چند بیتی باقی نیست.**

**۵۰ - صفی الدین ابوالفتح اسحق بن امین الدین جبرئیل موسوی اردبیلی**  
عارف بسیار مشهور قرن هشتم وجد پادشاهان صفوی بود. نسب وی را بامام موسی کاظم میرسانند. وی در سال ۶۵۰ ولادت یافته و بجز چند سفری که بفارس و گیلان کرده است همواره در قریه کلخوران نزدیک اردبیل اقامت داشته و در آذربایجان و موقان و اران مریدان بسیار داشته است و در زمان خود نفوذ عظیمی داشته است و خواجهرشید الدین وزیر در حق وی رعایت بسیار می کرده است و هر سال مبالغی هنگفت برای او میفرستاده است. شیخ صفی الدین نخست در اردبیل دانش آموخت و چون از دانشمندان آن شهر بی نیاز شد در پی پیروی میگشت که او را ارشاد کند و چون شنید که شیخ نجیب الدین بزرگ

شیرازی در شیراز حلقهٔ تصوف دارد آهنگ شیراز کرد و چون بآنجا رسید شیخ نجیب الدین در ۶۷۸ در گذشته بود و چندی در حلقهٔ مریدان شیخ رکن الدین بیضاوی و امیر عبدالله که از مشایخ معروف آن زمان بودند درآمد و امیر عبدالله او را بشیخ تاج الدین ابراهیم بن روشن امیر بن بابک بن شیخ بندهار کردی سنجانی گیلانی معروف بشیخ زاهد گیلانی عارف مشهور آن زمان که در گیلان میزیست هدایت کرد و شیخ صفی الدین چهار سال در پی شیخ زاهد میگذشت تا اینکه در روستای حلیه کران در ناحیهٔ خابلی در گیلان باورسید و تا زمان مرگ شیخ زاهد بیست و پنج سال در حلقهٔ مریدان او بود و داماد او شد و پس از مرگ او در همان طریق جانشین وی شد و درین زمان گاهی در لاهیجان و گاهی در اردبیل زیسته است. در پایان زندگی بجای رفت و پیش از رفتن پسرش صدرالدین را بجای خود گذاشت و در بازگشت ازین سفر بیمار شد و پس از دوازده روز بیماری در روز دوشنبهٔ دوازدهم محرم ۷۳۵ در اردبیل در ۸۵ سالگی در گذشت و فرزندان او مخصوصاً پادشاهان صفوی بر سر خاک او بنای بسیار باشکوهی ساختند که اینک ببقعهٔ شیخ صفی الدین معروفست و از بناهای تاریخی باشکوه ایران بشمار میرود. شیخ صفی الدین زنی داشت بنام بی بی فاطمه که دختر شیخ زاهد بود و ازو سه پسر داشت محیی الدین که در سال ۷۲۴ پیش از پدر در گذشت و صدر الدین موسی که در ۷۹۴ در گذشت و جانشین پدر شد و پسر سومش ابوسعید نام داشت و زن دیگری داشت که دختر اخی سلیمان کلخورانی بود و ازو دو پسر داشت علاء الدین و شرف الدین و دختری که بشیخ شمس الدین پسر شیخ زاهد داد. شیخ صدر الدین پسر دوم شیخ صفی الدین بنای خاندان صفویست که بمناسبت لقب جد خود نام خاندان خویش را صفوی گذاشته اند. صفی الدین مؤسس طریقه ایست در تصوف که بنام صفوی معروفست و چون پیروان او کلاه سرخ دوازده تری بر سرخ میگذاشتند آنها را بزبان ترکی «قرل باش» یعنی سر سرخ مینامیدند و صفویه چون بیاری ایشان پادشاهی رسیدند همان کلاه را تاج سلطنت کردند. شیخ صفی الدین بزبان فارسی شعر میگفته و از اشعار او چند بیتی باقی مانده است.

(۳۱) مولانا حسن کاشی از شعرای نامی سدهٔ هشتم و مرد دانشمندی بود. پدران

از مردم کاشان بوده اند و وی در شهر آمل بجهان آمده و در آنجا پرورش یافته است و سفری بحج و زیارت بقاع مشرق که عراق رفته و در پایان زندگی در شهر سلطانیه میزیسته و در آنجا در آغاز سده هشتم در گذشته است. اختصاصی که اشعار وی دارد اینست که بیشتر آنها را در ستایش ائمه سروده و وی یکی از نخستین شعرای فارسی زبانست که اشعاری در مدایح ائمه گفته اند و از آن جمله هفت بند معروف است که از معروف ترین اشعار در این زمینه است و ابن حسام هروی و نظام استرآبادی و محتشم کاشانی پیرو سبک او بوده اند.

### ۳۲- مولانا جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس طبیب خوابی شیرازی

برادر زاده نجم الدین محمود سابق الذکر (ص ۱۹۰) و از دانشمندان نامی و شعرای معروف فارس در سده هشتم بود. اصلاً از مردم خواب بوده و در شیراز در زمان پادشاهان آل مظفر حکیم و طبیب معروفی بشمار میرفته و شاعری زبردست بوده و مخصوصاً با شاه شجاع آل مظفر مناسبات داشته و در ۷۵۴ سفری بمصر کرده است. منظومه گل و نوروز را در سال ۷۳۴ پیایان رسانده و آن منظومه در آن زمان چنان شهرت کرده بود که گویند نسیمی نیشابوری که خوشنویس بوده است در یکماه بیست نسخه از آن نوشته است و وی غزل را مخصوصاً خوب میگفته و در غزل گاهی طبیب و بیشتر جلال تخلص میکرد و دیوان غزلیات او شامل سه هزار و دوست بیت بدست است و شعر تازی نیز بهیچ سروده است.

### ۳۳- شیخ کجج تبریزی از معارف دانشمندان و شعرای قرن هشتم در آذربایجان

بوده و در زمان شیخ جمال الدین ابوالحسن اویس جالابر (۷۵۷ - ۷۷۶) و پسرش جلال الدین حسنین (۷۷۶ - ۷۸۴) شیخ الاسلام تبریز بوده است و مردی بسیار محترم بشمار می رفته و خانقاه معروفی داشته و تا زمان امیر تیمور کورکان بازماندگان او در تبریز همان مقام زاده داشته اند و وی غزل را خوب میگفته و اشعار وی در زمان او شهرت بسیار داشته است.

### ۳۴- ابوالاحمد عماد الدین عبد الملك بن عصام بن ابوبکر بن محمد بن

عبد الرحیم بن ابوبکر بن علی صاحب الهدایه معروف بخواجه عبد الملك سمرقندی از بزرگان علمای سمرقند و از خاندان معروفی بود که همه در سمرقند از



دانشمندان نامی بوده‌اند و وی شیخ الاسلام سمرقند بوده و تا زمان امیر تیمور گورکان درین مقام بوده است و بازماندگان او تا قرن نهم از بزرگان سمرقند بوده‌اند و وی دانشمند کاملی بوده و در ماه شعبان ۷۸۲ به سفارت از سمرقند به فارس رفته و چندی در شیراز مانده است و شعر تازی و پارسی را خوب می‌گفته و در شعر عصامی تخلص می‌کرده و بساطی سمرقندی شاعر معروف از شاگردان او بوده است .

۳۵- سید شاه فضل الله نعیمی تبریزی از بزرگان مشایخ صوفیه و شعرای اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و از جمله مریدان امیر حسینی عارف مشهور به شمار میرفته و دانشمند کاملی بوده و شعر عارفانه را بسیار خوب می‌گفته از آن جمله ترجیع بند معروفی از او مانده است .

۳۶- شمس الدین تبریزی نیز از عرفای نامی قرن هشتم بوده و وی را با شمس الدین تبریزی عارف مشهور قرن هفتم که مرشد جلال الدین مولوی بوده اشتباه کرده‌اند و این شمس الدین تبریزی اشعار عارفانه خوب دارد از آن جمله ترجیع بندی که معروفست و منظومه‌ای بنام مرغوب القلوب که در ۷۵۷ نظم کرده است .

۳۷- حاجی ناصر الدین حسین بن هبة الله بن حسین خطیب معروف بناصر خطیب شفعوی از دانشمندان و شعرای معروف شیراز در نیمه دوم قرن هشتم بوده و تا ۷۸۲ زنده بوده است و شعر فارسی را خوب می‌گفته و در ضمن ملحماتی بزبان پارسی و تازی و لهجه شیرازی می‌گفته است .

۳۸- جلال الدین فریدون بن عکاشه نیز از نویسندگان و شعرای نامی همان زمان بوده و مداح جلال الدین مسعود شاه و شیخ ابواسحق اینجو بوده و مخصوصاً دیر زبردست بشمار میرفته و در ساختن قصاید مصنوع و موشح دست داشته از آن جمله دو قصیده دارد یکی بنام ربیعیه و دیگری بنام رحیقیه که مقدمه ای منشیانه بنثر بر آنها نوشته است و شعر تازی و پارسی را خوب می‌گفته و در شعر عکاشه تخلص می‌کرده است .

۳۹- خواجه جلال الدین نعمان بن محمود بن اصیل از وزراء و ادبای نامی فارس در همان زمان بوده و در شیراز میزیسته و تا ۷۸۲ زنده بوده و شعر فارسی خوب

میگفته است .

۴۰- جمال الدین حاجی منشی نیز از ادبای شیراز بوده که تا ۷۸۲ زنده بوده و شعر فارسی را بسیار خوب میگفته است و کتابی نوشته است بنام غرایب الاخبار و نوادر الآثار .

۴۱- ابو اسحق فخر و فاضل که او نیز از شاعران و ادیبان نامی شیراز بوده و تا ۷۸۲ میزیسته و شعر فارسی را خوب میگفته است .

۴۲- سید عزالدین مظهر بن عبدالله بن علی حسینی نخست از شاعران آذربایجان و مداح شیخ اویس جلایر بوده و سپس بفارس رفته و از شعرای بسیار معروف فارس و از مداحان خاص شاه شجاع بوده و تا ۷۸۲ در آن جا میزیسته است و سپس به هندوستان رفته و از شاعران دربار تاج الدین فیروز شاه بهمنی بوده و در ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشته و دیوان اشعار او بدست است و غزل و قصیده را خوب میگفته است .

۴۳- نظام الدین حسن حسینی آملی که او نیز از شعرای نامی فارس در همان زمان بوده و تا ۷۸۲ در شیراز میزیسته است و غزل را بسیار خوب میگفته و حسن نخلص میکرده است .

۴۴- نجم الدین محمود مذهب نیز از شعرای نامی فارس در همان دوره بوده و تا ۷۸۲ در شیراز زندگی میکرده و انواع شعر را خوب میگفته است .

۴۵- شیخ الاسلام حاج معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن اسعد بن مظفر بن محمد بن مظفر بن روز بهان بن طاهر واعظ عمری ربی قرشی شیرازی که لقب او را بخط صدرالدین و نجم الدین و نام و نسبش را نیز بخط محمود بن محمد جنید ضبط کرده اند از بزرگان دانشمندان فارس و خطیب جامع عتیق شیراز بوده و خاندان وی همه دانشمندان معروف آن سرزمین بوده اند و وی سفری باصفهان کرده و پس از ۸۰۰ در گذشته و مؤلف کتاب بسیار معروفیست بزبان تازی بنام شد الاوزار فی خط الاوزار عن زوار المزار در مشاهده شیراز که بنام هزار مزار معروفست و پسرش عیسی آنرا بنام ملتمس الاحباء بفارسی ترجمه کرده و شاعری صوفی

مشرّب شیرین سخن یا ذوق بوده و غزلیات شیوایی گفته که بغزلیات حافظ تا اندازه‌ای شبیه‌ست و دیوان او شامل نهمصد بیت بدست‌ست. پسر دیگر وی دکن الدین یحیی کتاب سیرت ابو عبدالله بن خفیف را بفارسی ترجمه کرده است.

۴۶ - شمس الدین محمد بن علی کاشانی از شعرای نامی اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در حدود ۷۳۰ در گذشته و وی منظومه‌ای در تاریخ مغول سروده که در زمان الجایتو (۷۰۳ - ۷۱۶) پایان رسانده و نیز تاریخ غازان خان را بنظم آورده است و دیوان اشعار او هم بدست‌ست.

۴۷ - ناصر الدین خسرو اصفهانی معروف بناصر خسرو از شعرای صوفی مشرب قرن هشتم بوده و در ۷۳۱ در گذشته است و از جمله اشعار او ترجیع بند معروف‌ست و او را برخی با ناصر خسرو قبادیانی حکیم و شاعر معروف قرن پنجم اشتباه کرده‌اند.

۴۸ - جهان ملک خاتون دختر جلال الدین مسعود شاه اینجو حکمران فارس که از ۷۳۶ تا ۷۴۰ پادشاهی کرده و در ۱۹ رمضان ۷۴۳ کشته شده است. مادرش سلطان بخت دختر دشتق خواجه پسر امیر چوپان و خواهر دلشاد خاتون بوده است و خود همسر خواجه امین الدین جهرمی ندیم شاه شیخ ابواسحق اینجو بوده است. معاصر مغیث الدین احمد جلایر (۷۸۴ - ۸۱۳) و از زنان معروف قرن هشتم بوده که شعر فارسی را بسیار خوب می‌گفته و دیوان او شامل چهارده هزار بیت بدست‌ست و جهان تخلص می‌کرده است.

۴۹ - محمد یوسف گدا که او نیز از شعرای نامی قرن هشتم بوده و دیوان اشعاری داشته و از آن جمله قصیده‌راییه ایست بنام تحفة النصایح که در روز آدینه ۱۰ ربیع الاول ۷۹۵ تمام کرده است.

۵۰ - علی شاعر که کتاب اشرف التواریخ قاضی عضدالدین ایجی را بنام زبدة التواریخ فی ترجمة اشرف التواریخ بفارسی ترجمه کرده و بیش ازین از احوال او اطلاعی نیست.

۵۱ - ابن عماد شیرازی از معارف شعرای فارس بوده که در ۸۰۰ در گذشته اصل وی از خراسان بوده ولی در شیراز می‌زیسته و بیشتر در مناقب ائمه شعر میگفته و غزل را هم خوب میسروده است و از آثار او دو مثنوی هم مانده است یکی بنام ده نامه که یکی از بهترین آثار ادبی قرن هشتم است و در ربیع الاول ۷۶۸ بپایان رسانده و دیگر بنام روضة المحبین که آنهم مثنوی شیواییست و آنرا در ۷۹۴ در ۷۶۰ بیت تمام کرده است.

۵۲ - امام فخرالدین یحیی بن معین شیرازی معروف بابن معین از ادبا و شعرای اواسط قرن هشتم فارس بوده و از ۷۴۱ تا ۷۸۲ آثار او هست و وی غزل را بسیار خوب میگفته و ابن معین تخلص میکرده است.

۵۳ - شاه رکن الدین محمود سنجانی خوافی معروف بشاه سنجان خوافی از بزرگان عرفای قرن هشتم ایران از سلسله چشتی بوده و از مشایخ نامی آن طریقه بشمار میرفته و خلیفه مودود چشتی بوده و چندی در چشت زیسته و در ۷۹۷ در گذشته است و وی شعر عارفانه مخصوصاً رباعی را خوب میگفته و بعضی رباعیات بنام او مانده است.

۵۴ - سید محمود بن علی حسنی گلمستانه از ادبای نامی قرن هشتم بوده و مؤلف کتابیست بنام انیس الوحده و جلیس الخلوه که در آداب و اخلاق نوشته و از کتابهای سودمند زبان فارسیست و در آنجا برخی از اشعار فارسی و تازی خود را آورده و پیدا است که شعر فارسی و تازی را خوب گفته است و در شعر محمود تخلص میکرده است.

۵۵ - حکیم یا حکیمی ترمذی از شعرای صوفی مشرب اواخر قرن هشتم و از پیروان شاه نعمه الله ولی بوده و غزل و ترجیع بند عارفانه را نیکو میگفته و دیوان اشعار او بخط پسرش علی بن حکیم ترمذی که در ۸۳۶ نوشته بدست است.

۵۶ - جلال الدین عتیقی تبریزی پسر قطب الدین عتیقی تبریزی از شعرای قرن هفتم بوده است و وی در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم می‌زیسته و با خواجه رشید الدین فضل الله وزیر مناسباتی داشته و او هم مانند پدر عتیقی تخلص میکرده و

از اشعار او اندکی مانده است .

### ۵۷- شیخ نظام الدین محمد بن علی بن دانیال دهلوی معروف بشیخ نظام اولیا

از بزرگان عرفای قرن هشتم در هندوستان بوده و مردم آن دیار او را سلطان المشایخ میخواندند . جدش خواجه علی بخاری و جد مادریش خواجه عرب نام داشته اند و هر دو از بزرگان زمان خود بوده اند و با یکدیگر از ماوراءالنهر به هندوستان رفته اند و در سرزمین بداون از مضافات سنبهل مسکن گرفته اند و در آنجا با یکدیگر وصلت کرده اند و باز ماندگانشان در هند میزیسته اند و نظام الدین در بداون در سال ۶۳۶ ولادت یافته و نسبش بدوازده پشت با امام هشتم میرسیده و سپس بدهللی رفت و در خردسالی پدرش در گذشت و شیخ فریدالدین دهلوی معروف بشکر گنج عارف نامی هندوستان که از خویشاوندان او بود وی را پرورش داد و از دوازده سالگی در خدمت او بود و چنان پرورش یافت که در ۲۰ سالگی معروف بود و در آن زمان از دهللی با جودهن که از توابع دهللی و مسکن شیخ فریدالدین بود رفت و پس از چندی که اجازه ارشاد گرفت بدهللی بازگشت و همچنان در آن شهر در محله غیاث پور میزیست و مریدان بسیار داشت و مردی بسیار پرهیزکار بود و درباره او کرامات بسیار نوشته اند و سرانجام عصر چهارشنبه ۱۸ ربیع الاول ۷۲۵ در ۹۴ سالگی در دهللی در گذشت و در مقبره شیخ فریدالدین شکر گنج که از بقاع متبرک معروف دهلیست او را بنجا که سپردند و مزار او تا کنون زیارتگاهست و روزهای چهارشنبه مردم بزیارت وی میروند ، شیخ نظام الدین از بزرگان مشایخ طریقه چشتیست که از معروف ترین طریقه های تصوف در هندوستان بوده است و مولانا علاءالدین دهللی قاری سجزی دهلوی ملفوظات وی را بنام « فواید الفواد » در کتابی گرد آورده و دیگری از شاگردان او بیانات وی را که از ۶۸۹ تا ۶۹۰ کرده بنام راحة المحبین جمع کرده و وی شعر فارسی را بروش عرفا بسیار خوب میگفته است و کتابی بنام راحة القلوب در مناقب مرشد خود فریدالدین نوشته است .

### ۵۸- زین الدین محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن شعبان عطار همدانی

اصلاً از مردم زنجان و از شعرای درجه دوم قرن هشتم بوده که در اواخر قرن هفتم

و اوایل قرن هشتم میزیسته است و چندان در شعر دست نداشته و در ۷۲۷ کشته شده است و ازو چهار مثنوی مانده است یکی مثنوی معروف بترجمة الاحادیث یا مواعظ که نزدیک دو هزار بیت دارد و احادیث نبوی را در آن ترجمه کرده و در ۶۹۹ تمام کرده است و دیگر کنزالحقایق که نزدیک ۸۰۰ بیت دارد و دیگر مفتاح الفتوح که نزدیک ۱۲۰۰ بیت دارد و آن را در ۱۵ ذی حجه ۶۸۸ پایان رسانده است و آن نخستین اثر او در شاعریست و پیش از آن شعری نگفته است و دیگر کنزالاسرار که آنهم مثنوی کوچکیست و آنرا در ۶۹۰ یا ۶۹۹ پایان رسانده و این عطار همدانی را با فریدالدین عطار نیشابوری شاعر متصوف معروف اشتباه کرده اند.

۵۹ - **خواجه معین الدین محمد بن شمس الدین مظهر بن شهاب الدین اسمعیل بن قطب الدین محمد بن شمس الدین مظهر بن معین الدین ابو نصر احمد جامی** نسبش پینج پشت بشیخ الاسلام احمد جامی میرسد و مادرش دختر ملک شمس الدین محمد که پسر ملک شمس الدین ابوبکر کرت از پادشاهان آل کرت بود و خود از بزرگان خراسان بشمار میرفت و با خال خود ملک غیاث الدین محمد کرت بهجج و حجاز رفت و در جام در ۷۸۳ در گذشت و او را در مقبره شیخ احمد جام بخاک سپردند. معین الدین از ادبا و شعرای نامی زمان خود بشمار میرفت و در نظم و نثر فارسی دست داشت و از اشعار او اندکی مانده است. خواجه معین الدین سه پسر داشت که مهتر آنها ضیاء الدین یوسف و مادرش دختر ملک غیاث الدین محمد کرت بود و از شاگردان تفتازانی بشمار میرفت و دانشمند کاملی بود و در ۷۹۷ در تبریز در گذشت و جنازه او را بهجام بردند و نزدیک پدرش بخاک سپردند.

۶۰ - **محمد مولا کاخکی** از دانشمندان نامی آذربایجان بود و در علوم منقول و معقول و نظم و نثر و جد و هزل از بزرگان زمان خود و از ندیمان میرزا میرانشاه گورکان بود و چون در ۸۰۲ امیر تیمور فرمان داد که ندیمان وی را بکشند او را هم در آن واقعه بدار کشیدند و وی شعر فارسی را نیکو میگفته و از اشعار او اندکی مانده است.

۶۱- **خواجه علی را میثنی معروف بخواجه عزیزان** از مردم رامیشتن قصبه ای در دو فرسنگی بخارا بوده و از بزرگان مشایخ طریقه نقشبندی بشمار میرفته و در رامیشتن بیافندگی روزگار میگذرانده و در پایان زندگی بخوارزم رفته و در آنجا در ۲۸ ذیقعده ۷۲۱ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و ازودو پسر ماند که یکی محمد و دیگری ابراهیم نام داشت و محمد چهل روز پس از مرگ پدر در گذشت و ابراهیم جانشین او شد. علی رامیشتی شعر فارسی را نیکو میسروده و بعضی رباعیات عارفانه از او مانده و رساله ای در طریقه تصوف و کتاب دیگری بنام محبوبه العارفین نوشته است.

۶۲- **خواجه بهاء الدین محمد بن محمد بن سید جلال الدین بن سید برهان الدین بن سید عبدالله بن سید زین العابدین بخاری معروف بنقشبند** که ذکر او در نشر قرن هشتم (ص ۱۹۱ - ۱۹۲) نیز آمده است: نسبش بسیزده پشت بامام حسن عسکری می رسد و در بخارا در ۷۴۸ ولادت یافته و از بزرگان مشایخ تصوف ایران و معروف ترین عرفای طریقه نقشبندیست و این طریقه بنام او معروف شده و وی خلیفه میر سید کلال بوده و در کودکی خواجه بابا محمد سماسی او را بفرزندی برداشته و پرورده است و نیز از مریدان عبدالخالق غجدوانی و خواجه قشم و خلیل انا ترکی بوده و در بخارا میزیسته و دوسفر بحج رفته است و پیشه او و پدرانش کمخاب بافی و نقش کردن آن بوده و بهمین جهت بنقشبند معروف شده است و سر انجام در روستای قصر عارفان در يك فرسنگی بخارا که مولد او بوده است در سوم ربیع الاول ۷۹۱ در گذشته و در همانجا مدفون شده. بهاء الدین نقشبند شعر فارسی را خوب میگفته و از اشعار او چند بیتی مانده است.

۶۳- **خواجه ابو الفتح محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری معروف بخواجه محمد پارسا** از بزرگان عرفای سده هشتم ایران و از مشایخ نامی طریقه نقشبندی و از خلفای خواجه بهاء الدین نقشبند بوده و از بهاء الدین نقشبند پارسا لقب یافته است و مردی بسیار دانشمند و پارسا و پرهیزگار بوده و مخصوصاً در حدیث دست داشته

و کرامات بسیار باو نسبت داده اند و نخست در بخارا میزیسته و دو بار به حج رفته و سفر اول با خواجه بهاء الدین نقشبند رفته و سفر دوم در سال ۸۲۲ از راه نسف و بلخ و هرات رفته است و چون بمکه رسیده بیمار سخت شده چنانکه او را در عماری گذاشته و طواف داده اند و چون بمدینه رفته در روز چهارشنبه ۲۳ ذی حجه ۸۲۲ در آنجا در گذشته است و رو بروی قبر عباس او را بخاک سپرده اند و از وی پرسی مانده است بنام ابونصر پارسا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه و جانشین پدر بوده است. خواجه محمد پارسا مؤلفات چند دارد از آن جمله کتاب معروفی بنام فصل الخطاب که در محاضرات و سلوک و تصوف بفارسی و تازی نوشته و رساله محبوبیه و رساله قدسیه در مناقب مرشد خود بهاء الدین و کتاب انیس الطالبین و عدة السالکین در همین زمینه نیز از اوست و گاهی شعر فارسی می گفته و بعضی از اشعار از وی مانده است.

۶۴ - زین الدین ابوبکر علی تایبادی از بزرگان عرفای قرن هشتم و از شاگردان نظام الدین هروی و شیخ احمد جامی بوده و در تایباد خراسان که اکنون بطبیات معروفست میزیست و در علوم ظاهری شاگرد نظام الدین هروی بوده و در تصوف بر طریقه اویسی میرفت و امیر تیمور گورگان در حمله بهرات در تایباد بدیدن او رفت و نصایحی بتیمور داده که معروفست و سر انجام در همان تایباد در نیم روز آدینه سالخ محرم ۷۹۱ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و مزار او هم اکنون زیارتگاه معروفست. ابوبکر تایبادی گاهی شعر فارسی گفته و از اشعار او اندکی مانده است.

۶۵ - مکتبی خراسانی از شاعران درجه دوم قرن هشتم بوده که بخط او را با مکتبی شیرازی شاعر معروف قرن نهم اشتباه کرده اند و وی صاحب منظومه ایست بنام کلمات عالیة غرا که در ترجمه احادیث سروده و آنرا بنام ملک علی سربسرداری (۷۶۶-۷۷۸) پایان رسانده و از آن منظومه پیدا است که شاعر زبر دستی بوده است.

۶۶ - عبدالحمید رایمائی از مردم دهی بنام رایگان در ناحیه قزوین بود و در زمان ابقا خان (۶۶۳ - ۶۸۰) می زیست و تا اوایل قرن هشتم نیز زنده بوده است و از مختصان ملک افتخار الدین قزوینی بشمار می رفته و بزبان پهلوی قزوین برخی اشعار



ازومانده است .

۶۷ - **امیرکای قزوینی** نیز از شاعران همین دوره بوده و او نیز اشعاری به همین

زبان سروده است .

۶۸ - **اویانج زنجانی** نیز از شاعران همین دوران بود و اشعاری به زبان پهلوی

زبان ازو باقیست .

۶۹ - **خواجه بهاءالدین زنجانی** هم از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن

هشتم و مداح خواجه شمس الدین صاحب دیوان جوینی بوده است .

۷۰ - **بهاءالدین ساوجی** از شاعران قصیده سرای همین دوره بوده است .

۷۱ - **جمال الدین رستق القطنی** از مردم محله رستق القطن قزوین و معاصر

ابقا خان و از شاعران معروف روزگار خود بوده و از اشعار او اندکی مانده است .

۷۲ - **جولاهه ابهری** نیز از شاعران این دوره است که به زبان پهلوی زنجانی

اشعاری ازو در دستست .

۷۳ - **سید جمال الدین کاشانی** نیز از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن

هشتم بوده و ترجیع بندی ازو مانده است که باستقبال ترجیع بندی سعدی سروده است .

۷۴ - **رفیع الدین بکرانی** از مردم ابهر بوده و در کرمان در اواخر قرن هفتم

و اوایل قرن هشتم می زیسته و به زبان تازی و فارسی شعری گفته و برخی از اشعار او

مانده است .

۷۵ - **دکن الدین بکرانی** نیز از مردم ابهر بوده و در همین زمان می زیسته

و دیوانی داشته است و اینک اندکی از اشعار او باقیست .

۷۶ - **سعد الدین بن بهاءالدین معروف بسعد بهایی یا سعدالدین بهایی** یا

**سعد بهاء** معاصر الجانیو بوده و تا اوایل قرن هشتم نیز زیسته و از شاعران معروف عصر خود

بوده و اینک اندکی از اشعار او باقیست .

۷۷ - **سید سراج الدین سکزی متخلص براجی** از شاعران زبردست قرن

هشتم و بیشتر مداح ناصرالدین محمود شاه دوم ( ۷۹۵ - ۷۹۷ ) از پادشاهان

سلسله تغلی هندوستان و وزیر او نظام الملک نظام الدین ابوسعید محمد چندی و بزرگان دربار وی بوده و قصیده را بسبک فائورالیم شعرای عراق بسیار خوب می گفته و دیوان قصاید وی شامل نزدیک ۵۶۰۰ بیت در دست است .

۷۸ - سید مطهر گره از شاعران معروف قرن هشتم هند و از مردم شهر گره در شمال هند بود و چندی در گجرات و بیشتر در دهلی می زیست . در ۷۱۶ ولادت یافت و در ۷۹۱ در گذشت . از شاعران دربار فیروز شاه بن ملک رجب از سلسله تغلی هند بود که در ۲۲ محرم ۷۵۲ سلطنت رسیده و در ۱۸ رمضان ۷۹۰ در گذشته است . وی در ضمن از مریدان نصیر الدین محمود اودهی معروف بچراغ دهلی عارف مشهور این زمان هند بود که در ۱۸ رمضان ۷۵۷ در گذشته است و قصیده را بسبک فائورالیم عراقی با کنایات و استعارات فراوان نیکو سروده است و تشبیهات عالی و معانی دقیق دارد و دیوانش شامل پنج هزار بیت بدست است .

۷۹ - فخر الدین فتح الله قزوینی برادر حمد الله مستوفی مورخ معروف و در شعر استاد بوده و از روش اوحدی مراغی پیروی می کرده است .

۸۰ - عزالدین کرچی از خاندان کرچی قزوین و از شاعران نامی زمان خود بوده و از اشعار او اندکی باقیست .

۸۱ - عزالدین همدانی نیز از شاعران این دوره بوده است و برخی اشعار او بزبان پهلوی همدان به ما رسیده است .

۸۲ - عماد الدین فضلویه معروف بهماکثر از شاعران معاصر ابقاخان بوده که تا اوایل قرن هشتم زیسته است و از مختصان صاحب دیوان جوینی بشمار می رفته است .

۸۳ - قاضی عثمان ماکی قزوینی از مداحان خواجه فخر الدین مستوفی پسر عم حمد الله مستوفی بوده و شعر را روان می گفته و چون عم زاده اش رضی الدین در باره او تطاول کرده بود کتابی بنام رضی نامه در پنج هزار بیت درین زمینه ترتیب داده است و از شاعری مال بسیار فراهم کرده بود چنانکه سی چهل هزار دینار بار رسیده بود .

۸۴ - ملک عماد الدین اسمعیل بخاری نیز از شاعران نامی این دوره بوده

و در زمان ابو سعید بهادرخان (۷۱۶ - ۷۳۶) در سلطانیه در گذشته است و از اشعار او چند بیت باقیست .

۸۵ - زین الدین فاختر کاشانی مداح نجیب زادگان قزوین بود و کتابی بعنوان نصایح الاولاد نوشته و در شعر نیز استاد بوده است .

۸۶ - قنادهی نیز از شاعران این دوره بوده است .

۸۷ - ابوالفرج احمد بن محمد کافی کرجی از مداحان مجدالدین عمادالدوله همدانی بوده و برخی اشعار او بزبان پهلوی شهر کرج باقی مانده است .

۸۸ - کمال الدین زنجانی از مداحان خواجه صدرالدین احمد خالیدی صاحب دیوان بوده است .

۸۹ - نجم الدین معروف بکرگس نیز از شاعران مدیحه سرای این دوره بوده و از شعر او اندکی مانده است .

۹۰ - محمود کوتوال از شاعران خراسان درین دوره بوده است .

۹۱ - ملک محمود تبریزی پسر ملک مظفرالدین نیز از شاعران این دوره بوده که اندکی از شعر او باقیست .

۹۲ - فردوس مطربه از زنان شاعران این دوره بوده و از اشعارش اندکی باقیست .

۹۳ - بنت النجاریه نیز از زنان شاعران این دوره بوده و اندکی از اشعار او بما رسیده است .

۹۴ - شمس الدین بن ناصر الدین شیرازی معروف بشمس پسر ناصر از شاعران این دوره و غزل سرای توانایی بوده و بیشتر بزبان پهلوی شیراز شعر می گفته و درین زبان شمس پسر ناصر یعنی شمس پسر ناصر تخلص می کرده است و مقداری از اشعار او باین زبان در دست است .

۹۵ - پور فریدون از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم و از کردان فارس بوده و برخی دوبیتی ها بزبان پهلوی فارس ازو بما رسیده است .

۹۶ - سید شرفشاه گیلانی ، عصر زندگی او درست معلوم نیست اما از قراین

پیداست که از شاعران اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم بوده و مقداری دوبیتی بزبان کیلک ازو باقیست که سرمشق شاعران دیگر بوده و آنها را با آهنگی خاص می خوانند و آن آهنگ را شرفشاهی می گویند .

۹۷ - عصامی از شاعران این دوره در هندوستان و از خانواده معتبری بوده ، جدش فخرالملک عصامی از بغداد بهندرفته و وی در دهلی می زیسته و در ۷۱۱ در آنجا ولادت یافته و شاعر دربار محمد شاه بن تغلق بوده و در ۲۷ رمضان ۷۵۰ شروع بنظم شرح جنگهای وی بنام فتوح السلاطین ببحر متقارب کرده و در ۶ ربیع الاول ۷۵۱ بیایان رسانیده و شامل نزدیک دوازده هزار شعرست که استادی او را مسلم می کند .

\*\*\*

گذشته ازین شعرای درجه اول و دوم در قرن هشتم يك عده شعرای دیگر هم بوده اند که فهرست آنها بدین قرارست : غیبی شیرازی که شعر عارفانه گفته ، بهاء الدین حاجی ، صافی که در ۷۶۷ در گذشته ، ملک عمادالدین رزونی ، نسیمی نیشابوری که از شاعران و خوشنویسان بوده ، سید حسن اخلاطی از متصوفه ، خواجه شمال بخاری از عرفا ، سید ابوالمظفر از عرفا ، شرف الدین مقبل ، نظام الدین مرزوقی ، ابو علی فالی ، رکن الدین ابهری ، سعدالدین نصیر ، حاج محمود کرمانی متخلص بمحمود ، شاه سیف الدین ، کمال الدین کاشی ، نجمی ، امیر صفادار ، بدر الدین دامغانی ، صدرالدین قیروانی ، عمادالدین بکرانی ، امین الدین تبریزی ، محمد جوهری ، ملک الشعراء تاج الدین بهاء که بیشتر هزلیات سروده است ، ملا رکن الدین دعوی دار قمی ، سیف الدین اعرج که مداح ملک ابوبکر علی وزیر بوده ، سراج الدین ، ملک الشعراء شرف الدین تبریزی که مداح ملک سید عزالدین عبدالعزیز شیخ الجبال بوده ، نورالدین عبدالرحمن که او نیز مداح او بوده است ، ملک الشعراء صابن الدین شیرازی ، قاضی عمر ، برهان الدین بزاز که مداح ابوالمظفر اقل قمیش بوده ، عبدالمجید تبریزی ، کمال الدین کوتام یا کوته پای ، شمس الدین درود ، صدرالدین علی کی ، نجم الدین ، مجید الدین ایگی ، عزیز مشکی که نام او را بخط اعزیز مستملی هم ضبط کرده اند ،

علی ، درویش فرهاد ، قاضی کریم الدین سیستانی ، کریم ، محمد قبایی ، محب ، محمد  
چرخگر هروی ، منوچهر ، مجید ، مجدالدین کرچی قزوینی ، مبارزالدین ، صوفی ،  
صفی عالی ، صاحبی ، شهابالدین بن کمال الدین معنای معروف ، شهابالدین کمال  
یا شهاب کمال ، شمس الدین صابن محمود قاضی ، شمس الدین کاشی ، شمس کافی ،  
میرسراج الدین بردی سیستانی ، حافظ سعد ، سعد الدین بن شرف الدین  
متخلص بسعد وسعد شرف ، رضی الدین مؤید بن صالح ، حیدر ، ملک الشعراء جمال الدین  
کاشانی که بیشتر هزلیات می گفته ، بدیع ، بنده ، جمال ، زین الدین علی فقیه معروف  
و متخلص با بن فقیه ، آغا ، ابن جلال ، احمد حجازی ، احمد موسوی ، ملک افتخار  
الدین قزوینی ، اشرف گلستانی ، امین الدین کا کا متخلص بنوری ، قاضی صیرفی هندی ،  
جمشید خان ترکستانی ، رشید خان جغتایی متوفی در ۷۷۱ ، فتح ، امیر یمین الدین  
طغرای پدر ابن یمین متوفی در ۷۲۴ ، شهاب الدین مهره ، ابو العلا حسینی ، امیر  
اختیارالدین حسن سمرقندی که از مریدان شاه نعمت الله ولی بوده و اختیار تخلص می  
کرده است ، روح الامین امین الدین دادا که در شعر امین و روح الامین تخلص کرده  
است ، حاجی تبریزی ، حالی ، حیرانی ، رواس ، روحانی ، زکی مراغی ، سعد الهی  
سعد وراق ، سلطانی ، سهیلی ، شرف ، شمس الدین شرفشاه ، شمس الدین گلستانی ،  
شمس ساوجی ، شمسی اصفهانی ، شهاب الدین بلیانی ، شیخ زاده لاهیجی ، صدر الدین  
علی فخری شوشتری ، ظریفی ، عطایی ، علاء علوی تبریزی ، عنایت ، عوض ، قاضی عیسی ،  
فخرالدین رئیس محمود ، فخرالدین هندو شاه .

قرن نهم آخرین دوره مهم ادبیات ایرانست و تردیدی نیست که پس از آن  
دوره ای باین درجه از اهمیت تا کنون در تاریخ ایران بیش نیامده است و پس از آن  
ادب ایران دوره تنزل و انحطاط را مرتباً پیموده و اگر دوره های تجدید و احیایی  
هم پیش آمده باشد دوره های کوتاه بوده و نشده است دوره وسیعی را در بر بگیرد .  
گذشته از آن قرن نهم از حیث کثرت شعرا و نویسندگان و جنبش های ادبی

کوناگون یکی از مهمترین دوره‌های ادبی ایرانست و اگر هم در برخی از رشته‌های ادب انحطاط و زوالی پیش آمده باشد آن انحطاط نتیجه مستقیم ضعف و فتور است که در دوره پیش یعنی در قرن هشتم مقدمات آن فراهم آمده و رفته رفته نیرو گرفته و در قرن نهم نتیجه آن آشکار شده است. در هر حال تردید بردار نیست که قرن نهم از حیث بسیاری شعرا و نویسندگان، چه در ایران و چه در خارج از ایران، میزبانه‌اند یکی از پرترین و غنی‌ترین ادوار تاریخی ایران بشمار می‌رود و حتی با دو قرن دیگر که ازین حیث امتیاز دارند یعنی با قرن ششم و قرن هفتم نیز برابری میکند. اگر شماره نویسندگان و سرایندگان زبان فارسی را بدقت احصاء کنیم قطعاً يك نيمه آن سهم قرن ششم و هفتم و نهم و نيمه دیگر و بلکه کمتر سهم قرون دیگر خواهد بود. شاید سبب عمده این ثروت ادبی قرن نهم این باشد که درین دوره حوادث سخت و انقلابات شدید که سبب از میان رفتن آثار ادبی و سلب توجه مردم از ادبیات و برهم زدن آسایشی که لازمه پدید آوردن ادبیانست می‌شده درین قرن رخ نداده است و مردم در نتیجه آسایش و امنیت بضبط و نگاهداری آثار ادبی بیشتر همت کرده باشند.

در سراسر این قرن خاندان تیموری در نواحی فارسی زبان ایران و خارج از ایران پادشاهی می‌کرده‌اند. اگر کشور گشایی و خون ریزیهای تیمور بر ایران گران و ناهموار بوده است و دوره نیره پر از بیداد و ستمی را در تاریخ فراهم کرده کفاره آن نتیجه ادبی بسیار مهمیست که کشور ما از دوره حکمرانی فرزندان او برده است. دربار تیمور نیز مانند دربار ایلخانان مغول بآیین ایرانی فراهم شده بوه و کارها را کار گزاران ایرانی بدست داشتند.

تاجار فرزندان و بازمائدگان این مرد خونخوار بیداد گر نیز زیر دست آموزگاران و راهنمایان ایرانی بآیین ایرانی پرورده شده‌اند و بهمین جهت که انس کامل و حتی شور و ذوق نسبت بادیات و علوم ایران و زبان فارسی و حتی هنرهای مخصوص نژاد ایرانی داشته‌اند و نکته بسیار مهم اینجاست که همه صنایع دوره صفوی

که مشهور جهان شده و در قرن دهم و یازدهم شاهکارهای جاودان فراهم ساخته چه معماری و کاشی سازی و نقاشی و چه صنایع دستی مانند بافندگی و صنایع فلزات و تذهیب و جلدسازی و نقاشی کتابها و کاغذگری و خوشنویسی همه دنباله مستقیم صنایع دوره تیموریست و راد طبیعی رشد و کمال خود را سپرده تا بزمان شاه عباس بزرگ و آن جلال و شکوه صنعتی مخصوص رسیده است.

برای نمونه همین کافیست در نظر بیاورید که نقاشی و تذهیب و خوش نویسی مخصوصاً در خط نسخ تعلیق که در بادی نظر بینندگان را بیاد زمان شاه عباس میندازد محکم ترین پایه‌های آن در دوره تیموری در شهر هرات که یکی از پایتخت‌های این خاندان بوده است گذاشته شده و همه نقاشان و خوشنویسان دوره‌های بعد شاگردان مستقیم و تربیت شدگان استادان هرات بوده‌اند و نیز تا اواخر دوره صفویه بهترین کاغذها را در شهر سمرقند که آن هم پایتخت دیگر امرای این خاندان بوده است میساخته‌اند چنانکه کاغذهای خوب را هنوز در دوره صفویه کاغذ سمرقندی می‌گفتند و یا در شهر بخوند می‌ساختند و کاغذ خوقندی نیز معروف بود و دو خط ایرانی یعنی خط نسخ تعلیق و شکسته که در دوره صفویه باوج ترقی رسید نیز در دوره تیموری یا بمرحله کمال گذاشته است.

در ادبیات فارسی کلیاتی که در قرن نهم باید در نظر داشت اینست که درین دوره در شعر روح تصوفی که در قرن هشتم روز بروز بیشتر راه کمال می‌پیمود همچنان تا اندازه‌ای برقرار بود و شماره شاعران صوفی مشرب بسیارست. از طرف دیگر معما نیز که در قرن هشتم جسته جسته در آثار شعرا دیده میشود درین قرن به منتهای رواج خود رسیده است و بسیاری از شعرای این دوره بوده‌اند که بیجز معما چیزی نگفته‌اند و اشعارشان منحصر بمعما بوده و بیشتر آنها را بلقب «معماپی» میخوانده‌اند و این نوع از شعر همچنان تا قرن دهم رواج داشته است. فن دیگری که باز درین دوره در شعر ترقی کرده سرودن ماده تاریخها یعنی اشعار است که از شعر دن حروف آنها بحساب ابجد تاریخ بدست می‌آید و این فن هم در قرن پیش اندک اندک در شعر پدیدار شده است و پیش از آن در

قرون پیشین اعداد را در شعر میآوردند. دیگر از خصایص آن دوره اینست که روز بروز از شماره سرایندگانی که قصاید بروش متقدمین در مدایح میسروده‌اند کاسته میشد و بر شماره غزل سرایان میفزود بدین معنی که سبک ناتورالیزم کمتر رواج داشت و معمولیسم را کم کم بامپرسیونیسم بدل می کردند چنانکه بسیاری از شعرای آن دوره جز غزل و اشعار عاشقانه چیزی نگفته‌اند و آن نیز دنباله همان سیر طبیعیست که شعر فارسی در قرن هشتم پیدا کرده بود و درین قرن رو بکمال رفت. امتیاز دیگر شعر آن دوره اینست که مدایح ائمه اثنی عشر در ضمن قصاید مخصوص روز بروز بیشتر دیده میشود و این مضمون جدید که در آثار برخی از شعرای قرن هشتم آغاز شده درین دوره بیشتر ترقی کرده و چندتن شاعری که اشعارشان منحصرأ در مناقب ائمه بوده است درین قرن دیده میشوند ولی البته در قرن دهم که دین شیعه دین عمومی اکثریت مردم ایران شده است این نوع از شعر ترقی کامل کرده است. دیگر از خصایص عمده شعر فارسی درین دوره اینست که آن روح مناعت و عزت نفس و خویشتن داری که در اشعار دوره های پیشین مخصوصاً قرن چهارم و پنجم و ششم کاملاً رواج داشته و در قرن هفتم بواسطه زبونی و خواری که از غلبه ییکانگان پیش آمده در ارکان آن شکستی وارد شده و در قرن هشتم نیز بیشتر رخنه در آن راه یافته بود درین قرن باز سست تر و ضعیفتر گشته است و شاعر ذلت و سرشکستگی و افکندگی خویش را در شعر بزبان میآورد چنانکه از قرن هفتم جسته جسته برخی از شعرا خویشتن را سبک دلداد و خاك راه او میخواندند و این روح عاجز و زبونی درین قرن تقریباً روح عمومی شده و باوج رواج خود رسیده است.

دیگر از خصایص شعر فارسی در قرن نهم اینست که روح تقلید و پیروی از سبک شعرای بزرگ که در نتیجه ناتوانی سرایندگان از پدید آوردن سبکهای خاص بخود در قرن هشتم رواج گرفته بود و مخصوصاً مقلدان سبک سعدی و نظامی در آن زمان روز افزون بودند درین دوره نیز شدیدتر شده و از آن جمله کسانی که از سبک نظامی پیروی کرده و بتقلید او مثنویاتی سروده‌اند هر روز بیشتر میشده‌اند و این که در قرون



بعد نیز این روش در شعر فارسی دوام دارد و غالباً مستقیم ادبیات قرن نهمست در قس این دوره نیز خصایص و امتیازات چند دیده میشود: نخست آنکه دامنه علوم ریاضی در نتیجه تشویق و قدردانی چند تن از شاهزادگان تیموری که خود عشق به علوم داشته‌اند در قرن نهم بسط کامل یافته و چون آن‌دک اندک ایران استقلال علمی و ادبی خاصی بخود گرفت و رابطه آن با کشورهای تازی زبان گسیخته شد بتدریج از شماره کتابهای علمی که بزبان تازی در ایران نوشته میشد کاسته شد و بجای آن زبان فارسی را برای مؤلفات علمی بکار بردند و این خاصیت مخصوص قرن نهمست زیرا که در قرن دهم که مذهب شیعه در ایران رواج کامل یافت باز برای تعلیمات دینی زبان تازی را بر زبان فارسی ترجیح دادند و سبب عمده این بود که مؤسسان بزرگ نهضت شیعه در ایران در آغاز دوره صفوی کسانی بودند که از بحرین و لحسا و نواحی دیگر خلیج فارس و یا از جبل عامل و سرزمین های شیعه خیز سوریه و شام بایران میآمدند و چون زبان فارسی را نمیدانستند ناچار بزبان تازی تألیف میکردند و این روش تا پایان دوره صفویه باقیماند. بهمین جهت قرن نهم امتیاز خاصی که در ادبیات فارسی دارد اینست که هر روز از شماره کتابهایی که بزبان تازی نوشته میشد کاسته میگشت و بر شماره کتابهای فارسی میفزود و مخصوصاً در علوم دقیقه مانند ریاضیات و نجوم و طب شماره کتابهایی که بزبان فارسی نوشته شده از همه ادوار دیگر بیشترست. درین دوره همه اقبال و توجهی که از قرن هفتم بعد در تاریخ نویسی مخصوصاً بزبان فارسی پیدا شده بود و از یاد کارهای استیلای مغول بر ایرانست دوام داشت و بازماندگان تیمور نیز مانند ایلخانان مغول توجهی داشتند که تاریخ نویسان را بضبط وقایع زمان خود بزبان فارسی وادار کنند و بهمین جهت شماره کتابهای تاریخ که درین دوره بزبان فارسی نوشته شده یکی از مشروح ترین فصول تاریخ ادبیات را فراهم میکند.

درین قرن امتیاز خاص دیگری که در تاریخ نویسی دیده میشود اینست که توجه مخصوصی بتألیف یا ترجمه کتابهایی در تاریخ پیامبران یا سیرت رسول و یا احوال و مناقب ائمه داشته‌اند و این نیز فصل مشروحی از تاریخ ادبیات آن دوره است. در نتیجه

همین اوضاع توجه خاصی نیز در ترجمه کتابهای نویسندگان قدیم از زبان تازی به زبان فارسی در میان بوده است و در بسیاری از رشته‌ها کتب معروف و معتبر را به زبان فارسی نقل کرده‌اند و این توجه در اواخر دوره صفویه در دربار اصفهان دو باره پدیدار گشت و در آن زمان نیز کتابهای بسیار به فارسی ترجمه شده و در قرن دهم همین توجه در دربار پادشاهان تیموری در هندوستان در میان بوده است.

نردیدی نیست که یکی از اسباب عمده پیشرفت ادبیات درین دوره اقبال نام و توجه خاصیت که پادشاهان و شاهزادگان تیموری، که در نواحی مختلف سرزمینهای فارسی زبان پادشاهی یا حکمرانی داشته‌اند، نسبت به ادب ایران نشان داده‌اند. برخی از تاریخ نویسان متعلق و از آن جمله علیشیر نوایی در مجالس النفایس تیمور را نیز صاحب ذوق ادبی و قوه شناسایی شعر فارسی شمرده‌اند و دیگران حتی وی را متمایل به تصوف و از پیروان طریقه ابوبکر تایبادی عارف معروف آن زمان دانسته‌اند. اگر ازین مبالغتهای گزاف آمیز بگذریم نردیدی نیست که فرزندان و یازماندگان او، که بمراتب بهتر از و پرورش یافته و یش از و درس خوانده بودند، قطعاً ذوق ادبی یا لافل دوستداری ادبیات را داشته‌اند. معروفترین پادشاهان و شاهزادگان این سلسله که با ادبیات ایران خدمت کرده‌اند ازین قراوند: عمر شیخ بن تیمور (۷۵۵-۸۰۷) که شوق مفرطی نسبت به شعر فارسی داشته. شاهرخ (۸۰۷-۸۶۳) که از میان پسران تیموریش از همه با ادبیات دلچسپ‌تر داشت و مخصوصاً شیفته تاریخ بود و بسیاری از تاریخ نویسان را بنوشتن کتابهای سودمند گماشته است. سلطان خلیل بن میرانشاه (۸۰۷-۸۱۷) که وی هم شیفته ادبیات بوده و خود نیز شعر میگفته است. ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ (۸۱۲-۸۳۸) که شاهزاده بسیار با ذوق کریم بزرگوار هنرمند دانش دوستی بوده و مخصوصاً در زمانی که در مرکز ایران و لرستان و فارس حکمرانی داشته در ترقی ادبیات و ساختن بناهای مهم بسیار کوشیده و حتی برخی از بناهای مهم زمان او کتیبه‌هایی داشته که بخط بسیار زیبایی خود نوشته است. بایسنقر بن شاهرخ (۸۱۷-۸۳۶) که یکی از معروفترین خوشنویسهای خط نسخ ایران است و خط او نهایت امتیاز و شیوایی را دارد و شعر را هم خوب میگفته است. علاءالدوله الغریک بن

شاهرخ (۸۵۰ - ۸۵۳) که یکی از بزرگترین دانشمندان ریاضی و نجوم ایران بشمار میرود و همه دانشمندان معروف این دوفن را در دستگاه خود گرد آورده بود و در سمرقند در ۸۲۴ رصدخانه بسیار با شکوهی فراهم کرده و زیج معروفی ترتیب داده که آخرین زیج نجومی معتبر ایران بشمار است و خود کتاب بسیار مشهوری درباره زیج نوشته و شعر را نیز خوب میگفته است. رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیك (۸۵۳ - ۸۵۴) که او هم در شعر فارسی دست داشته است. ابوالقاسم بابر بن بایسنغر (۸۵۳ - ۸۶۱) که در شعر دوستی و شعر شناسی بر همه شاهزادگان تیموری برتری داشته و خود نیز شعر را خوب می سروده است. ابوسعید بن محمد بن میران شاه (۸۵۵ - ۸۷۵) که او هم در شعر فارسی دست داشته است. ابوالغازی سلطان حسین بن بایقرا (۸۶۳ - ۹۱۲) که بزرگترین محرك ترقی ادبیات درین قرن بشمار میرود و در ضمن عشق مفراطی بترقی صنایع مخصوصاً نقاشی و نذهیب و خط داشته است و در باروی درهرات یکی از مهمترین دربارهای ایران است و بسیاری از شعرای نامی قرن نهم در دربار او گرد آمده بودند و خود نیز شعر را خوب میگفته و دیوانی از اشعار فارسی و ترکی از و مانده که در آن حسینی تخلص کرده است و گذشته از آن کتابی بفارسی شیرین بنام «مجالس العشاق» باو نسبت داده اند که در ۹۰۹ و ۹۰۸ نوشته شده و چون مؤلف این کتاب مقید بوده است برای هر يك از بزرگانی که شرح حال آنها را نوشته معاشقاتی قایل شود از حیث مطالب تاریخی این کتاب اعتباری ندارد. بدیع الزمان میرزا پسروی (۹۱۲ - ۹۱۳) نیز شعر فارسی را خوب میگفته است. گذشته ازین شاهزادگان درجه اول که در نواجی مختلف ممالك فارسی زبان پادشاهی یا حکمرانی کرده اند چند تن از شاهزادگان درجه دوم این خاندان هم که حکمرانی مستقل نکرده اند شعر را خوب میگفته اند: ابوبکر میرزا، اسکندر میرزا، سید احمد میرزا، سلطان احمد میرزا، بایقرا میرزا، کیجیک میرزا، شاه غریب میرزا، فریدون میرزا، سلطان محمود میرزا، سلطان مسعود میرزا، محمد مؤمن میرزا، همایون میرزا، بایسنغر میرزا بن سلطان محمود میرزا، سلیمان شاه میرزا بن یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ.

دیگر از خصایص ادبیات دربار تیموریان اینست که چون در میان ایشان زبان ترکی

جغتایی نیز رواج داشته و ظاهراً زبان خانوادگی که در میان خود سخن میرانده‌اند. ترکی جغتایی بوده است درین دوره ادبیات ترکی جغتایی در ایران فراهم شده و پیش از آن سابقه نداشته است. گذشته از آنکه شاهزادگان تیموری هر يك که بزبان فارسی شعر می‌گفته‌اند بزبان ترکی هم اشعار می‌سروده‌اند و علیشیر نوایی که از امرای قاضی دربار سلطان حسین با بقرا بوده معروفترین و بهترین شاعر زبان ترکی جغتاییست بسیاری از شعرای ایندوره حتی کسانی که ترکی زبان اصلی و خانوادگی شان نبوده است نیز بزبان ترکی اشعاری سروده‌اند. زبان ترکی جغتایی ظاهر از زبان خانوادگی و طبیعی و مأنوس شخص تیمور بوده است حتی کتابی باین زبان بخود تیمور نسبت داده‌اند که بنام «تروک تیموری» یا «توزوک تیموری» معروف شده است و کلمه «تروک» (بنام اول) یا «توزوک» در زبان ترکی جغتایی تقریباً نظیر کلمه «یاسا» یا «یاسه» مغولی و بمعنی آیین کشوردار است و چنانکه در دوره ساسانیان معمول بوده است پادشاهان پادداشتهایی در رسوم جهانبانی خود پرداخته‌اند یا اینکه بآنها نسبت می‌دادند و آنها را آیین نامه می‌نامیدند پادشاهان مغول و ترک نیز آیینی بنام «یاسا» یا «تروک» از خود می‌گذاشته‌اند.

در باره این کتاب «تروک تیموری» که وانمود کرده‌اند بیانات خود نیه‌ورست در میان محققان عقاید مختلف رواج دارد و برخی معتقدند که اصل آنرا بزبان ترکی جغتایی در زمان تیمور فراهم کرده‌اند یا اینکه گفتار او را نوشته‌اند و یا اینکه جمع کرده‌اند. این کتاب بزبان فارسی هم ترجمه شده و ترجمه آن بهمان نام اصلی یا بنام «ملفوظات تیمور» یا «واقعات تیمور» و یا «ملفوظات صاحب‌فران» رواج دارد و در باب این کتاب افسانه‌ای هم هست و آن اینست که نسخه ترکی جغتایی آنرا در عربستان بدست آورده‌اند.

در هر صورت ترجمه فارسی آن که اکنون رایجست ترجمه ایست که میر ابوطالب حسینی خراسانی در سال ۱۰۴۷ در هندوستان کرده است. کتاب دیگری بنام «منکوک و سچالات تیموری» بدست است که در ۸۰۶ نوشته شده و در ۱۰۱۱ در شهر

بلخ در فتح شاه عباس صفوی بدست آمده است. در هر حال زبان ترکی نجف‌تایی را بازماندگان تیمور به هندوستان هم برده‌اند و ظهیرالدین بابر نیز یادداشتهای خود را بهمین زبان نوشته و آن کتاب معروف «بابر نامه» است و سپس تا چند پشت در میان فرزندان او هم این زبان رواج داشته است.

دیگر از اسباب رواج ادبیات ایران در قرن نهم اینست که پادشاهان سلسله قراقوینلو تا ۸۷۳ در شمال غربی ایران و مخصوصاً در آذربایجان هنوز حکمرانی داشته‌اند و برخی از پادشاهان این سلسله مخصوصاً اسکندر بن یوسف (۸۲۳-۸۴۱) و بیشتر مظفرالدین جهان‌شاه بن یوسف (۸۴۱-۸۶۶) و پیر بداق بن یوسف (۸۶۶-۸۷۲) در انتشار ادبیات کوشیده‌اند. سلسله بایندری یا آق قوینلو نیز تا ۹۰۸ در همان نواحی حکمرانی کرده و بدست شاه اسمعیل صفوی منقرض شده است و چند تن از پادشاهان این سلسله هم مانند خلیل بن اوزون حسن (۸۸۳-۸۸۴) و مخصوصاً سلطان یعقوب بن اوزون حسن (۸۸۴-۸۹۶) که دربار وی نیز از مراکز مهم رواج ادبیات بوده است و بایسنقر بن یعقوب (۸۹۶-۸۹۷) و سلطان مراد بن یعقوب (۹۰۳-۹۰۸) در ترویج ادبیات کوشیده‌اند. سلطان یعقوب خود شعر فارسی را خوب میگفت و نسبت به شعر توجه بسیار داشت چنانکه حتی شعرای خراسان که از دربار حسین بایقرا و دستگاه علیشیر نومید میشدند بآذربایجان نزد او میرفتند و وی آنها را از صلات خویش برخوردار میکرد.

در هندوستان نیز درین دوره ادبیات فارسی مانند قرن هشتم رواج داشته و برخی از خاندانهای شاهی هند در رواج آن میکوشیدند و پاره‌ای از پادشاهان و امیران آن سرزمین هم بزبان فارسی شعر گفته‌اند چنانکه شاه نظام نیای خاندان نظام شاهی که در احمد نگر پادشاهی داشته‌اند و شهر احمد آباد را ساخته‌اند بزبان فارسی خوب شعر میگفته و سپهری تخلص میکرد است و یکی از دانش‌دوست‌ترین پادشاهان هندوستان تاج الدین فیروز شاه هشتمین پادشاه سلسله بهمنی که در ناحیه کلبر که پادشاهی میکرد و از سال ۸۰۰ تا ۱۵ شوال ۸۲۵ در سلطنت بوده است شعر فارسی را خوب

میگفته و ادبیات این زبان توجه بسیار داشته و چندین کتاب بزبان فارسی بنام او نوشته اند.

خصایص عمده شعر فارسی در قرن نهم اینست که سادگی و روانی را که در قرن هفتم و هشتم داشته از دست نداده ولی بتدریج صنایع معنوی و تشبیهات تازه و کنایات و استعارات نوین روز بروز بیشتر در آن راه یافته است و مقدمات سبک خاصی که در قرن دهم و یازدهم باوج ترقی خود رسید و بنام سبک هندی معروف شد که همان امپرسیونیسم باشد درین قرن فراهم آمده است و چندتن از شعرای نامی قرن نهم مانند فغانی و کاتبی و اهلی شیرازی مؤسسان حقیقی سبک هندی بوده اند و نیز افکار عاشقانه رقیق و بیان سوزناک مؤثر در میان غزل سرایان و حتی مثنوی گوینان این دوره مخصوصاً در آثار هلالی جغتایی و شاهی سبزواری و فتاحی نیشابوری و همایون اسفرائینی و عصمت بخاری و بساطی سمرقندی و مکتبی شیرازی بسیار دیده میشود. از طرف دیگر غزل عارفانه نیز درین دوره بسیار گفته شده و شاعران توانایی درین زمینه چون قاسم انوار و جمالی اردستانی معروف بپیر جمالی و داعی شیرازی معروف بشاه داعی و شمس مغربی بوده اند. در نشر نیز قرن نهم اختصاصی که دارد اینست که نشر پر تکلف که در آن در استعمال کلمات و ترکیبات تازه زیاده روی میکردند و در قرن هشتم بسیار متداول بوده درین قرن متروک شده ولی در عروض در استعارات و کنایات در نشر هم راه افراط و مبالغه را پیموده اند و حتی برخی از تاریخ نویسان در شرح وقایع تاریخی این روش ناپسند را بکار برده اند و اینکه در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم این اصول تقریباً همیشه در نشر فارسی حکم فرما بوده یادگار نا مطلوبیست که ازین قرن در ادبیات فارسی مانده است.

نویسندگان معروفی که در قرن نهم میزیسته اند و آثاری ازیشان مانده است

بدین قرارند:

### ۱ - نشر

۱ - محمد بن فضل الله موسوی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی بنام اصح

التواریخ که وقایع را از آغاز آفرینش جهان بروش مورخان قدیم تا زمان تیمور

نوشته است .

۲ - عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوهی مؤلف نهایة المسؤل فی درایة .

الرسول که ترجمه ایست از کتابی در سیرة رسول تألیف سعدالدین محمد بن مسعود بن محمد کازرونی و آنرا بنام ابوالشرف محمد نامی از اعیان زمان خود بیابان رسانده است .

۳ - بهاءالدین کازرونی مؤلف کتاب دیگری در سیرة رسول که ترجمه ایست

از کتاب ذروة الاولیای فی سیرة المصطفی و برای امیر علاءالدین پیر علی نوشته است .

۴ - سلام الله بن علی بکری مؤلف کتاب دیگری در همان زمینه بنام تحفة السلاویه

فی الجواهر الاسلامیه که در ۸۶۳ بدرخواست بزرگان عراق بیابان رسانده و از روی کتاب تعریف تألیف شمس الدین جزری و کتابهای دیگر نوشته است .

۵ - تاج سلمانی که از مورخان نامی زمان خود بوده و در جمادی الاخره ۸۱۳

شاهرخ او را مأمور کرده است ظفر تامه نظام شامی را بیابان رساند و او ذیلی بر آن کتاب نوشته شامل وقایع از محرم سال ۸۰۲ تا ۸۱۲ در تاریخ سلطنت نیمه و شاهرخ و الغ بیک .

۶ - شیخ تاج الدین محمد بن محمد بن ابراهیم کازرونی ملقب بحاج

هراسی از عرفای قرن نهم فارس بوده و مؤلف کتابیست بنام بحر السعاده در اخلاق و سلوک و عبادات که در شعبان ۹۰۱ بیابان رسانده است .

۷ - مولی افضل الدین عبدالعزیز بن محمد مدعو بافضل شیرازی

که مؤلف کتابیست بنام دستور الزائرین در مزارات شیراز و مطالب آنرا از کتاب معروف شدالازار تألیف جنید شیرازی گرفته است .

۸ - یحیی بن احمد بن عبدالله سیهرندی مؤلف تاریخ مبارکشاهی در تاریخ

پادشاهان هندو سلاطین دهلی از زمان معزالدین محمد بن سام غوری و وقایع سال ۵۶۹ تا زمان معزالدین ابوالفتح مبارکشاه ( ۸۲۴ - ۸۳۸ ) دومین پادشاه از سلسله سیدهای دهلی و این کتاب را در حدود سال ۸۳۸ تألیف کرده است .

۹ - خسرو بن عابد ابرقوهی معروف بابن مهین از تاریخ نویسندگان زمان نیمه و

وسلطان محمد بهادرخان بوده و مؤلف کتابیست بنام فردوس التواریخ که در ۸۰۸ بیابان رسانده است و سپس در ۸۱۵ که در فارس در دستگاه اسکندر بن عمر شیخ بوده آنرا تکمیل کرده است و وی در ضمن شاعر بوده و آثار دیگری داشته از آن جمله منظومه هادی الاسرار و طب منظوم و فرس فاعله منظوم و کتابی بنظم و نثر بنام شامل و کامل و کتابی در اخلاق و تیمور نامه در تاریخ فتح اصفهان و کتابی در ضوابط طب و موسرنامه در هزل و منظومه ای بنام ده دیوان.

۱۰- احمد بن محمود مدعو بمعین الفقراء و معروف بملازاده از خاندان مشایخ بخارا بود که بخاندان شارستانی معروف بوده اند و نوۀ دختری مولانا رکن الدین عبدالرحیم بن احمد شارستانی و خواهر زادۀ مولانا جمال الدین محمد بن عبدالرحیم شارستانی بوده که از مشایخ معروف بخارا بشمار میرفته اند و وی مؤلف کتابیست در مشاهد بخارا که بنام «رسالۀ ملازاده» معروفست.

۱۱- جعفر بن محمد حسینی مؤلف کتابی در تاریخ عمومی تا وقایع سال ۸۱۷ که در ۸۲۰ آنرا تألیف کرده است.

۱۲- شهاب الدین عبدالله بن زین الدین لطف الله بن عبدالرشید بهدادنی خوافی هروی معروف بحافظ ابروی یکی از بزرگترین مورخان ایران و یکی از معروف ترین تاریخ نویسان قرن نهم بود و در هرات ولادت یافت و در همدان دانش آموخت و در لشکر کشی های تیمور همراه او بود و سپس وارد دربار شاهزادگان تیموری شد و مخصوصاً از مقربان شاهرخ بود و نخست تاریخ وی را تا سال ۸۱۶ نوشته و در ۸۱۷ شاهرخ وی را مامور کرد که کتابهایی در تاریخ و جغرافیای ایران بنویسد و وی آن کتاب را در دو مجلد یکی در باب فارس و دیگر در باب خراسان پرداخته و در ۸۲۰ بیابان رسانده است و پس از آن همه اوقات وی صرف تحقیقات تاریخی شده و یک سلسله کتابهای مهم از خود گذاشته است و سرانجام در ماه شوال ۸۳۴ در گذشته است حافظ ابرو نخست از جانب شاهرخ مامور شده است کتابهای کاملی در تاریخ از آغاز خلقت تا زمان خود پردازد و وی کتابهای معتبری را که پیش از او نوشته بودند در نظر گرفته



و نواقص آنها را از خود نوشته بدین گونه که نخست ترجمه تاریخ طبری از ابوعلی بلعمی را گذاشته و سپس ترجمه یمینی و تاریخ بیهقی و سلجوقنامه و پس از آن جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل الله و سپس ظفرنامه تألیف نظام الدین شامی را جا داده و برای تکمیل این مجموعه این کتابها را خود تألیف کرده است: ذیل تاریخ طبری از معتدر قاضی قاضی آل کورت - تاریخ طغا تیمور - تاریخ امیر ولی بن شاه علی هندو - تاریخ سربداران - تاریخ امیر ارغون شاه ذیل جامع التواریخ رشیدی تا وقایع سال ۷۰۶ - تاریخ آل مظفر ذیل ظفرنامه نظام شامی اتمام در ۸۱۴ - تاریخ شهرخ تا وقایع سال ۸۱۹ و این سلسله کتابها روی هم رفته بنام مجموعه حافظ ابرو معروفست و شامل تاریخ جهان از آغاز آفریش تا سال ۸۱۹ است. پس از آن حافظ ابرو در صدد برآمد که کتاب جامعی که شامل همه این اطلاعات باشد خود بنویسد که آنرا در چهار مجلد بیابان رسانده و تا وقایع سال ۸۳۰ رسیده و آن بنام مجمع التواریخ یا زبدة التواریخ معروفست و قسم اول آنرا در محرم ۸۲۹ و مجلد چهارم آنرا در زمان بایسنغر بیابان رسانده و بهمین جهت آنرا زبدة التواریخ بایسنغری نام گذاشته است.

۱۳ - محمد بن فضل الله موسوی خراسانی مؤلف تاریخ خیرات یا اصح -

التواریخ که از آغاز تاریخ تا وقایع سال ۸۵۰ را نوشته است.

۱۴ - محمد بهامد خانی از مورخان هندوستان مؤلف تاریخ محمدی که از

آغاز تا وقایع سال ۸۴۲ را شاملست.

۱۵ - فصیح الدین احمد بن محمد فصیح خوافی در هرات در جمادی الاولی

۷۷۷ ولادت یافت و از کار گزاران دربار شاهرخ و بایسنغر بود و در ۸۴۵ که پیش از آن مدتها در سرکار بود و در دیوان استیفا خدمت میکرد بواسطه رنجشی که کوهرشاد آغا ملکه معروف و بانی مدرسه کوهرشاد مشهد ازو پیدا کرده بود معزول شد و دیگر از احوال وی اطلاعی نیست وی مؤلف کتاب بسیار سودمند است در تاریخ که وقایع را سال بسال از آغاز هجرت تا سال ۸۴۵ نوشته و مجمل فصیحی نام گذاشته و در ضمن شاعر بوده و فصیح تخلص میکرد و اسب

### ۱۶ - حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج الدین یزدی معروف بابن شهاب

وی از شعرا و متجمان و تاریخ نویسان زبر دست زمان خود بوده و منظومه‌ای در تاریخ سلجوقیان بنام غیاث الدین ابوالمظفر محمد بن بایسنقر بن شاهرخ سروده و کنایی بنام جامع التواریخ حسنی نوشته که از آغاز تاریخ تا وقایع محرم سال ۸۵۵ را در بردارد و آنرا نیز بنام پادشاه مزبور نوشته است.

### ۱۷ - شکرالله بن امام شهاب الدین احمد بن امام زین الدین زکی رومی

از تاریخ نویسان معروف خاك عثمانی و از مردم آناتولی بود و در دربار پادشاهان آل عثمان میزیست و مقام مهم داشت چنانکه از جانب سلطان مراد دوم بسفارت بدربارجهانشاه قراقوینلو آمد و سپس سلطان محمد فاتح نیز وی را بسیار محترم داشته است و در استانبول در ۸۹۴ در گذشته است. وی مؤلف کتابیست بنام بهجة التواریخ که شامل وقایع از آغاز تا سال ۸۵۵ است و در ۸۵۱ بتألیف آن آغاز کرده و در ۸۶۱ پایان رسانده است و وی مؤلف دو کتاب دیگر است: انیس العارفین و منهج الرشاد در حکمت.

### ۱۸ - سید محمد بن امیر برهان الدین خاندوشاه بن شاه کمال الدین محمود

بلخی معروف بمیر خواند یا میر خوند از خانواده‌ای از سادات معروف ماوراءالنهر بوده که از خاندان خاوندسید اجل بخاری بودند و نسبشان بزید بن علی بن حسین میر سیده است. پدرش سید برهان الدین خاوندشاه از بخارا ببلخ هجرت کرد و در آنجا در گذشت و میر خواند در آن شهر در سال ۸۳۷ ولادت یافت و در جوانی بهرات رفت و علیشیر نوایی در تربیت او کوشید و وی را بسیار عزیز میداشت و در خانقاه خلاصیه که آن امیر در هرات بر نهر جبل ساخته بود سکونت داشت و همانجا در دوم ذی‌قعدة ۹۰۳ در ۶۶ سالگی در گذشت. میر خوند نیز یکی از مشاهیر تاریخ نویسان قرن نهم ایرانست و مؤلف کتاب بسیار معروف و رایجیست بنام روضة الصفا فی سيرة الانبياء والملوك والخلفاء که بنام علیشیر نوشته و تاریخ جهان را از آغاز خلافت تا زمان خود رسانده است و چون مجلد هفتم آن که تاریخ سلطان حسین بایقرا و فرزندان او باشد بواسطه مرگ او ناتمام مانده است نوه اش خوند میر آنرا پایان رسانده و تا وقایع

سال ۹۲۹ را بر آن افزوده و خاتمه‌ای نیز در عجایب روی زمین و جغرافیا بر آن ضمیمه کرده است و سپس رضا قلی خان هدایت ادیب معروف قرن گذشته سه مجلد دیگر در تاریخ بعد از تیموریان تا زمان خود بر آن افزوده و روضة الصفاى ناصری را ترتیب داده است

### ۱۹ - خواجه غیاث الدین بن همام الدین بن جلال الدین بن برهان الدین

محمد شیرازی معروف بخوند میر یا خواند میر هروی پدرش چندین سال وزیر سلطان محمود پادشاه سمرقند عم ظهیر الدین بابر بود و چون در هرات میزیست دختر میر خوند را گرفت و ازین زن خوند میر در حدود سال ۸۸۰ در هرات ولادت یافت و بیشتر از عمر خود را در آن شهر گذراند و در جوانی بدربار سلطان حسین بایقرا وارد شد و بهمین جهت از نزدیکان بدیع الزمان میرزا پسر وی و علیشیر نوایی بزرگترین امیر دربار او بود و چون بیشتر بخدمت بدیع الزمان میرزا اختصاص داشته با او سفرهایی کرده و در سال ۹۰۲ او را بمأموریت بقندهار فرستادند و نتوانست باین سفر برود و پس از آن که سلسله تیموریان منقرض شد وی همچنان در هرات بود و تا ۹۱۶ در آن شهر بوده است و سپس در ۹۲۰ در غرجهستان بوده و در ۹۳۳ باردیگر در هرات بوده ولی بواسطه پریشانی اوضاع خراسان از ایران هجرت کرد و در ۱۰ جمادی الاخره ۹۳۴ به هندوستان رفت و در روز شنبه چهارم محرم ۹۳۵ در شهر اکره وارد دربار بابر شد و در همان سال سفری با او بینگاله و سواحل رود گنگک کرده و پس از مرگ بابر در ۹۳۷ بدربار پسرش همایون راه یافت و سرانجام در اواخر سال ۹۴۲ در گذشت و بنا بر وصیتی که کرده بود او را در دهلی در جنب مزار نظام الدین اولیا بنحاک سپردند. خوند میر از تاریخ نویسان بسیار معروف و پرکار دوره تیموری بوده و آثار وی بواسطه روانی و سادگی که دارد رواج بسیار یافته است. گذشته از خاتمه روضة الصفا که پس از مرگ جد مادری خود میر خوند نوشته کتابهای چندتالیف کرده ازین قرار: خلاصة الاخبار فی احوال الاخیار تاریخ مختصر جهان از آغاز خلقت تا سال ۹۰۴ که در سال ۹۰۵ بنام علیشیر پایان رسانده. دستورالوزراء که شامل شرح

حال چند تن از وزرای پیش از اسلام و وزرای دوره اسلامیست و در ۹۰۶ آنرا بیایان رسانده و در ۹۱۴ دو باره آنرا تکمیل کرده است. مکارم الاخلاق در اخلاق و آداب و تفصیل اشعار و مؤلفات و تعداد آثار امیر علیشیر. مآثر الملوك در سخنان پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان که آنرا نیز بنام علیشیر نوشته است. حبیب السیر فی اخبار افراد البشر که مانند روضة الصفا تاریخ عمومی جهان از آغاز خلقت و یکی از رایجترین کتابهای تاریخی بزبان فارسیست و در ۹۲۷ بتألیف آن آغاز کرده و در ۹۳۰ بیایان رسانده است ولی هنگامی که در هندوستان بوده دوباره در آن نظر کرده و مطالبی بر آن افزوده و این کتاب را نخست برای خواجه حبیب الله ساوجی وزیر دوزمش خان حکمران هرات نوشته است. آثار الملوك والانبیاء که خلاصه ای از حبیب السیر است و در ۹۳۱ بیایان رسانده است. قانون همایون یا همایون نامه که در مناقب همایون پادشاه هندوستان پس از ۹۳۷ نوشته است. دیگر از مؤلفات او کتابیست باسم نامه نامی که مجموعه منشآت دیوانی اوست. خوند میرپسری داشته است بنام میر محمود که او هم مورخ بوده و گویند ایران میزیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب که در سال ۹۵۰ یعنی ۱۵ سال پس از مرگ پدر نوشته است.

۲۰ - **سلطان احمد بن خاوندشاه حسینی** که ظاهراً برادر میر خوند بوده و فرمان سلطان ابوالفتح بدیع الزمان تیموری کتابی در تاریخ نیمور بنام ظفره به پرداخته که خلاصه ای از ظفر نامه شرف الدین علی یزدیست.

۲۱ - **محمد بن حسین بن لطف الله** از مورخین هندوستان در دربار سلطان محمود دوم بهمنی (۸۸۷ - ۹۲۴) بوده و مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود بنام صفوة الاخبار تا وقایع سال ۸۸۷ و خاتمه آنرا که در تاریخ سلسله بهمنیست سراج التواریخ نام گذاشته است.

۲۲ - **عبدالکریم بن محمد نمیدهی** نیز از تاریخ نویسان هندوستانست. نخست در جنوب ایران بوده و سپس به هند رفته و از ۸۷۸ در آن سرزمین زیسته و کتابی نوشته است در تاریخ عمومی بنام طبقات محمود شاهی تا وقایع سال ۹۰۵ که برای محمود شاه

دوم بهمنی نوشته است .

۲۳ - ملك القضاء فيض الله بن زين العابدين بن حمام بنبانی ملقب بصدر جهان که از معروفترین مورخان هندوستان بشمار میرود و مؤلف کتابیست بنام خلاصة الحکایات و تاریخی که از آغاز آفرینش تا زمان محمود شاه بن احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه نوشته و بتاریخ صدر جهان معروفست و وی در دکن میزیسته و در ۹۰۷ از جانب محمود شاه گجراتی (۸۶۳ - ۹۱۷) بمحمد آباد بسفارت رفته و از معارف زمان خود بوده است .

۲۴ - مهین الدین بن شرف الدین حاج محمد فراهی از بزرگان دانشمندان هرات بود و در سال ۹۰۰ بجای عمش نظام الدین محمد قاضی آن شهر شد ولی بیش از يك سال در آن مقام نماند و در سال ۹۱۰ یا ۹۱۶ در گذشت . وی از دانشمندان و وعاظ معروف زمان خود بوده و همه عمر را در راه دانش و فقه و حدیث بکار برده و هر آینه در مسجد بزرگ هرات درس حکمت میداده و مؤلفات بسیار داشته از آن جمله بحر الدرر در تفسیر و روضة الواعظین و معارج النبوه فی مدارج القتوه در تاریخ رسول که در ربیع الاول سال ۸۹۱ پیایان رسانده است و نیز کتابی بنام تاریخ موسوی در احوال موسی پیمبر در ۹۰۴ نوشته است و کتاب معروفی دارد بنام احسن القصص در قصه یوسف و زلیخا که از روی روایات قرآن نوشته است و مؤلفات دیگر او بحر الدرر در تفسیر و معارج النبوه و شرایف الاوقات و قصص التنزیل و مجالس مرتبه در تذکیر و حقایق الحقایق فی کشف اسرار الدقایق در تفسیر و تفسیر سورة فاتحه و روضة الواعظین است و وی شعر نیز میگفته و در شعر معینی و معین و معین مسکین تخلص میکرده است و اشعاری در مناقب ائمه میسروده است .

۲۵ - شیخ امام کمال الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کبروی از بزرگان عرفای قرن نهم، ظاهر اصولی از کاشان اما راء النهر بوده و در خوارزم میزیسته است و از مریدان خاص خواجه ابوالوفای خوارزمی عارف مشهور آن زمان بوده و نسب وی بنجم الدین کبری عارف مشهور قرن ششم می رسیده و بهمین جهة بکبروی یا کبرایی

معروف بوده و در ۸۴۰ در فتنه ازبکان در خوارزم کشته شده است. وی از معارف دانشمندان و واعظ و شعرای زمان خود بوده و مؤلفات بسیار دارد از آن جمله کتابی بنام مقصد الاقصی فی ترجمه المستقصی که ترجمه از کتاب مستقصی در سیرت رسول تألیف ابوالکرم عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن علی حجتی فردوسی اندر سفانیست که از دانشمندان قرن ششم بوده و وی در ترجمه کتاب مطالب بسیار بر آن افزوده و آنرا در حدود ۸۳۴ پایان رسانده است و دیگر از مؤلفات اوست دو شرح مثنوی مولوی که یکی را بنام جواهر الاسرار و زواهر الانوار از ۸۳۵ تا ۸۳۹ و دیگری را بنام کنوز الحقایق فی رموز الدقایق نوشته و مخصوصاً مقدمه جواهر الاسرار در تعریف تصوف بسیار معروفست و نیز قصیده برده را شرح کرده و کتابی بنام ينبوع الاسرار فی نصاب الابرار نوشته و دیوان قصاید و غزلیات او باقیست که بخط آنرا بحسین بن منصور حلاج نسبت داده و بنام او چاپ کرده اند.

## ۲۶ - محیی الدین عبدالعزیز معروف بمحیی حصاری مؤلف کتابی در سیرت

رسولست بنام سیرة النبی که در ۸۲۱ تألیف کرده است.

## ۲۷ - سید محمد بن نصیرالدین جعفر حمینی مکی از مشایخ معروف

هندوستان و خلیفه نصیرالدین محمود چراغ دهلی متوفی در ۷۵۷ عارف مشهور آن زمان بود و وی در ۸۹۱ در گذشته و مؤلف کتابهای چندست از آن جمله بحر المعانی در تصوف که در ۸۲۴ پایان رسانده و رساله در بیان روح و رساله پنج نکات و کتاب بحر الانساب در تاریخ خلفا و ائمه.

## ۲۸ - امیر سید اصیل الدین ابوالمفاخر عبدالله بن عبدالرحمن بن عبداللطیف

حمینی دشتکی شیرازی شافعی هروی معروف باصیل الدین واعظ از خاندان بسیار معروف سادات دشتکی شیراز، از شیراز بهرات رفت و در آن شهر ساکن شد و بهمین جهة بهروی نیز معروفست. وی از بزرگان دانشمندان قرن نهم بوده و در همه علوم زمان خود دست داشته و واعظ معروفی بوده و هفتده ای یکبار در مدرسه گوهر شاد آغادر خیابان هرات وعظ می کرده است و ابوسعید وی را از شیراز بهرات برده است و در آنجا در ۱۷

ربیع الثانی ۸۸۳ در گذشته و نزدیک مدرسه کوهر شاد آغا مدفون شده و وی مؤلف کتابهایی در فنون مختلف از آن جمله : رساله مزارات شیراز - کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی - کتاب المجتبی من کتاب المجتبی فی سیرة المصطفی که خلاصه‌ای از همان کتاب سابق الذکرت و در ۸۳۰ برای جمال الدین ابراهیم معروف بابی کالیجار وزیر پایان رسانده - درج الدر و درج الغرر فی بیان میلاد سیدالبشر که خلاصه دیگری از آن کتابست و در ۶۸۰ پرداخته است - ترجمه فارسی عمدة الحض بنام غرقة الحض در ادعیه و اوراد که مجلد نخست آنرا در هرات در ۸۳۷ پایان رسانده - معراج الاعمال در اوراد و عبادات - مقصد الاقبال السلطانیة و مرصد الاعمال الخاقانیة در مزارات هرات که در ۸۴۶ تألیف کرده است .

## ۲۹ - جمال الدین فضل الله احمد اردستانی معروف پیر جمالی یا جمالی

از عرفای بسیار مشهور و بسیار پرکار قرن نهم بود و مؤسس طریقه معروفیست در تصوف که بنام او بطریقه پیر جمالیه معروف بوده و در ۸۷۹ در گذشته است . پیر جمالی کتابهای بسیار بنظم و شرفارسی پرداخته : بیان الحقایق فی احوال سید المرسلین یا حقایق احوال المصطفی که مثنوی بزرگ است شامل هفت منظومه : ۱ - مصباح الارواح که در ۸۶۸ پایان رسانده ۲ - احکام المحبین ۳ - نهاية الحکمه ۴ - بداية المحبه ۵ - هداية المعرفة ۶ - فتح الابواب که در آخر جمادی الاخره ۸۷۳ پایان رسانده ۷ - شرح الواصلین که در ۸۷۶ تمام کرده است . مؤلفات دیگر او ازین قرارست : منظومه شرح الكنوز و کشف الرموز که در ۸۶۴ پایان رسانده شامل سه قسم و قسم سوم آن بنام روح القدس - مرآت الافراد مجموعه ۹ رساله کوچک او - منظومه روح القدس - تنبيه الغفلین نظم و نشر - منظومه محبوب الصدیقین دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و غبره - مصباح الارواح که در ۸۶۸ پایان رسانده است - شرح الواصلین - منظومه مهر قلوب - قدرت نامه - نصره نامه - فرصت نامه - مرآت الحبيب - رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل التحقيق افضل الدین کاشانی - منظومه مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز - کنز الدقایق و میزان الحقایق - کشف الارواح یا یوسف وزلیخا در تفسیر سوره یوسف .

مدح الفقر - معلومات اسرار القلوب و مفهومات انوار القلوب - فتح الابواب و حقیقة الاداب  
در تصوف - مکاتیب .

۳۰ - امیر سید جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی دشتکی شیرازی  
نیشابوری که او نیز از سادات خاندان معروف دشتکی شیراز بوده و از شیراز بهرات  
رفته و چندی در نیشابور بوده و شاگرد امیر اصیل الدین سابق الذکر بوده و در مدرسه  
سلطانیه هرات در زمان سلطان حسین میرزا وعظ میکرده و از واعظان مشهور آن زمان  
بوده است و در ۹۲۶ در گذشته و وی کتابهای چند تألیف کرده است از آن جمله  
روضة الاحباب فی سیرة النبی والار والاصحاب که از ۸۸۸ تا ۹۰۳ بدرخواست علیشیر نوشته  
و نیز کتاب تحفة الاحباء فی مناقب آل عبا و کتاب ریاض السیر ازوست .

۳۱ - احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرآبادی مؤلف کتاب آثار  
احمدی در سیرة رسول که مختصری از روضة الاحباب سابق الذکر است و در حدود سال ۹۰۰  
تألیف کرده است .

۳۲ - محمد بن ابی زید بن عرب شاه بن ابی زید حسینی علوی ورامینی  
مؤلف احسن الکبار فی معرفة ائمة الاطهار در تاریخ ائمه که در ۸۳۷ تألیف کرده است .  
۳۳ - شهاب الدین بن شمس الدین عمر دولت آبادی متوفی در حدود ۸۴۹  
مؤلف کتاب مناقب السادات .

۳۴ - نجیب الدین محمد بن محمود ایجی که در اواسط قرن نهم میزیسته  
و کتابی در سیرة رسول و خلفا نوشته است .

۳۵ - مهین الدین یا کمال الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی هروی واعظ  
معروف به ملاحسین کاشفی یکی از معروفترین دانشمندان قرن نهم و مؤلفان زبان  
فارسیست . در شهر سبزوار در ناحیه بیهق ولادت یافت و خاندان او همه از مردم بیهق  
بودند و وی نخست در شهر سبزوار میزیست و بوعظ و تذکیر مشغول بود و چون بانگی  
خوش و گیرنده و گفتاری فریبنده و حافظه سرشار و دانش بسیار داشت در فن خود معروف  
شد و مجالس ذکر و موعظه او بسیاری از مردم را بخود جلب میکرد . پس از چندی از



سبزوار عازم سفر شد و بنیشابور و از آنجا بمشهد رفت و در سال ۸۶۰ که در مشهد بود شبی سعدالدین کاشغری عارف مشهور را که در هرات میزیست بخواب دید که او را بخود میخواند و چون در پی او گشت و کاروانی از هرات رسید و پرسید معلوم شد که در همان زمان در روز چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ در گذشته است و کاشفی بهرات رفت و در سر خاک سعدالدین کاشغری بدیدار جامی شاعر و نویسنده معروف آن زمان رسید و برانهمایی جامی در سلك طریقه نقشبندی درآمد. همچنان در هرات بذكر و موعظه مشغول بود و با شاهزادگان تیموری مخصوصاً سلطان حسین میرزا و علیشیر مربوط شد و بدعوت ایشان کتابهای چند نوشته است ولی بیشتر با ابوالمحسن میرزا پسر سلطان حسین مربوط بوده و برخی از کتابهای خود را برای او نوشته و بدینگونه چندین سال در شهر هرات زیسته و هر بامداد آدینه در دارالسیاده سلطانی و پس از نماز آدینه در جامع علیشیر و هر سه شنبه در مدرسه سلطانی و هر چهارشنبه در سرخاک خواجه ابوالولید احمد و غط میکرده و چندی نیز در حظیره سلطان احمد میرزا مجلس و غط داشته است و سرانجام در سال ۹۱۰ در هرات در گذشته است. کاشفی دانشمند بسیار پرکاری بود و چون در فنون مختلف دست داشته در بسیاری از آنها کتابهایی نوشته و در زبان فارسی و قازی دست داشته و نویسنده و شاعر خوبی بوده و در شعر کاشفی نخلص میکرده است. مؤلفات عمده او ازین قرار است: جواهر التفسیر لتحفة الامیر که برای علیشیر نوشته و مجلد نخست آنرا ناسوره آل عمران در ۸۹۰ بیابان رسانده و در ۸۹۲ بتألیف مجلد دوم آغاز کرده ولی بیابان نرسانده است. جامع السنین در تفسیر سوره یوسف بتازی در شصت فصل - مختصر الجواهر در تفسیر فارسی که خلاصه ای از همان جواهر التفسیر است - مواهب علیه در تفسیر بفارسی که بنام تفسیر حسینی معروف است و آنرا نیز برای علیشیر پرداخته و در غره محرم ۸۹۷ بتألیف آن آغاز کرده و در دوم شوال ۸۹۹ بیابان رسانده و روضه الشهداء که معروفترین کتاب فارسی در واقعه کربلاست و چون مدتهای مدید آن را بر سر منبر میخواندند اصطلاح «روضه خوان» و «روضه خوانی» از نام همین کتاب آمده و آنرا در سال ۹۰۸ بنام میرزا مرشدالدین عبدالله نوه دختری

سلطان حسین میرزا نوشته شرح مثنوی که آنرا در هرات بیابان رسانده - لباب معنوی  
 فی انتخاب مثنوی - لب لباب مثنوی که انتخاب دیگری از مثنوی مولویست و روز شنبه  
 آخر ماه صیام ۸۷۵ بیابان رسانده است - اخلاق المحسنین معروف باخلاق محسنی که  
 یکی از رایج ترین کتابهای اوست و بنام ابوالحسن میرزا در سال ۹۰۰ بیابان رسانده -  
 مخزن الانشاء که برای سلطان حسین و علیشیر در جمعه ۹ ذیحجه ۹۰۷ بیابان  
 رسانده است - صحیفه شاهی که کتاب دیگریست در انشاء و آنرا بجدول نوشته و در  
 جمادی الاخره ۹۰۷ برای ابوالحسن میرزا بیابان رسانده - انوار سهیلی که تهنیتی  
 از کلیده و دمنه است و بنام شیخ احمد سهیلی از امرا و شعرای دربار سلطان حسین  
 نوشته است و آن نیز از مؤلفات معروف اوست - اسرار قاسمی در سحر و طلسمات و کیمیا  
 که در ۹۰۷ نوشته و پسرش فخرالدین علی آنرا خلاصه کرده است - لوابح القمر در  
 احکام ماه که در ۸۷۸ بنام شمس الدین محمد بیابان رسانده - میامن المشتري در احکام  
 مشتري - سواطع المريخ در احکام مریخ - لوامع الشمس در احکام خورشید - مناهج الزهره  
 در احکام زهره - منایح عطارد در احکام عطارد - مواهب الزحل در احکام زحل که در ۹۱۰  
 بیابان رسیده است - مرصد الانسی فی استخراج اسماء الله الحسنى - رساله العلویه که  
 برای شیخ نصیر الدین عبیدالله نقشبندی نوشته - تحفة العلیه - رساله در علم اعداد -  
 بدایع الافکار فی صنایع الاشعار در بیان اقسام صناعات شعری و بدیع - رساله در اوراد  
 و ادعیه - رساله حاقمیه در حکایات راجع بحاتم طایی که بنام سلطان حسین میرزا در  
 ۸۹۱ بیابان رسانده است - رساله العلیه فی احادیث النبویه شامل چهل حدیث - اختیارات  
 نجوم - فیض النوال فی بیان الزوال - مفاتیح الکنوز در کیمیا شامل بدست رساله از حکما -  
 میامن الاکتساب فی قواعد الاحساب - آینه سکندری در حساب - مرآت الصفا فی  
 صفات المصطفی - فتوت نامه سلطانی در آیین فتوت - تحفة الصلوة در ادعیه روزانه که  
 در رمضان ۹۰۹ بیابان رسانده است - مالا بدمنه فی المذهب - مناهج الولا به در شرح  
 خطب نهج البلاغه - کاشفی پسری داشته است بنام فخرالدین علی متخلص بصفی و دختر  
 خواجه اکبر معروف بخواجه کلان پسر سعدالدین کاشغری را در سال ۹۰۴ پدرش برای

او گرفته و دختر دیگر زن جامی بوده و فخرالدین علی نیز مانند پدر در هرات میزیسته و از پیروان طریقه نقشبندی بوده و در ۹۳۹ در گذشت و او گذشته از تلخیص کتاب اسرار قاسمی پدرش مؤلفانی دارد از آن جمله رشحات عین الحیوة که در احوال مشایخ نقشبندیه نوشته و در ۹۰۹ پایان رسانده و لطایف الطوائف در حکایات که در ۹۳۹ تألیف کرده و حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن و نیز مثنوی محمود و ایازی سروده است .

۳۶ - ابو الحسن طبری مؤلف مفاتیح العجم در تاریخ پیش از اسلام ایران که بفرمان علیشیر نوشته است .

۳۷ - شرف الدین علی بن شمس الدین علی یزدی که از تاریخ نویسان مشهور این قرن بشمار میرود و از مشاهیر علمای زمان خود بوده پس از آنکه در نزد مقامات مختلف داشته در دربار شاهرخ و مخصوصاً در دستگاه پسرش ابراهیم سلطان مقام مهمی یافته است و پس از مرگ ابراهیم سلطان در ۷۳۸ مداح خاص یونس خان از خوانین مغول بوده است و سپس در سال ۸۴۶ که میرزا سلطان محمد حکمران عراق عجم شد او را از یزد بقم نزد خود خواند و سمت ندیمی خود را باو داد و چون در سال ۸۵۰ بنای سرکشی را گذاشت شاهرخ نسبت باو بدگمان بود و می پنداشت که وی محرک آن سرکشی شده و چون در جگ دستگیر شد و شاهرخ میخواست او را بکشد میرزا عبداللطیف پسر الخ بیك از وی شفاعت کرد و او را باخود بسمرقند برد و چون سلطان محمد پس از مرگ شاهرخ بر خراسان استیلا یافت در سال ۸۵۳ وی را رخصت داد که یزد باز گردد و وی در رفت ساکن شد و در آنجا بسال ۸۵۸ در گذشت و در مدرسه شرفیه که از بناهای او بود نزدیک مسجد جامع محله میرچماق در جنب مزار پدرش وی را بخاک سپردند . شرف الدین از دانشمندان متبحر زمان خود بوده و در بسیاری از فنون متداول زمان دست داشته و مؤلفات چند از او مانده است که مهمترین و رایج ترین آنها ظفرنامه تیموریست و آنرا در سال ۸۲۸ در شیراز بنابر دستور ابراهیم سلطان در زمانی که در دستگاه او بوده پایان رسانده و چهار سال مشغول تألیف آن بوده و اطلاعات

خود را از ظفر نامه نظام شامی و مطالبی که روزنامه چیان زمان تیمور گرد آورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامعترین کتابهای تاریخ تیمورست رایجترین کتاب درین زمینه بشمار میرود. چندی پس از تألیف این کتاب مقدمه‌ای در شرح قبایل ترك و مغول و باصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که بتاریخ جهانگیریه یا مقدمه ظفر نامه معروف شده و بجز آن وی را مؤلفات دیگرست ازین قرار: حلل مطرز در فن معما و لغز که در کتاب دیگری آنرا خلاصه کرده و منتخبی از آن فراهم کرده است. شرح قصیده برده شرف الدین بوصیری - تحفة الفقیر و هدیة الحقیر مجموعه از اشعار فارسی و عربی - کنه الامر ادنی علم الوفق و الاعداد در اریتماطیقی - رساله حساب عقد انامل - حقایق التهلیل مقدمه بر دیوان حافظ - کتاب اسطرلاب - منشآت - شرف الدین علی در شعر فارسی نیز دست داشته و شرف تخلص میکرده و دیوان اشعار او باقیست و نیز منظومه‌ای بیحس متقارب در فتوحات تیمور سروده که بتیمور نامه معروفست.

#### ۴۸ - محمد طراغای ملقب بالغ بیك پسر شاهرخ شاه معروف تیموری

در ۱۹ جمادی الاولی ۷۹۶ در سلطانیه ولادت یافت و در ۸۱۲ حکمرانی سمرقند را باودادند و در ۲۵ ذیحجه ۸۵۰ پس از مرگ پدر جانشین او شد و در ۱۰ رمضان ۸۵۳ پسرش عبداللطیف او را کشت و بجای وی بسطانت نشست. الغ بیك نه تنها یکی از فاضلترین پادشاهان سلسله تیمورست بلکه یکی از دانشمندترین کسانیست که در ایران پیادشاهی رسیده‌اند و در فنون مختلف زمان خود احاطه داشته مخصوصاً در تاریخ و ریاضیات و نجوم تسلط داشته است و بهمین جهت از پرورش دانشمندان و فراهم آوردن وسایل ترقیات علمی هیچ دریغ نمیکرده و دانشمندان بزرگ زمان همه ازو متنعم میشده‌اند و مهمترین کاری که در راه دانش کرده اینست که در سال ۸۴۱ در شمال شرقی سمرقند رصدخانه‌ای ساخت و همه علمای نجوم را در آنجا گرد آورد و زیج جدیدی که بنام زیج الغ بیك معروفست بدستاری غیاث الدین جمشید کاشانی و صلاح الدین موسی معروف بقاضی زاده رومی متوفی در ۸۱۵ ساکن سمرقند و زین الدین سا

علاءالدین علی بن محمد قوشچی معروف بمالاعلی قوشچی و معین الدین کاشانی خواهر زاده غیاث الدین جمشید که او را برای همین کار از کاشان خواسته بود و جلال الدین اسطرلابی ترتیب دادند و خود کتابی در باره این زیج نوشته که بزنج الغ بیگ معروفست و رایج ترین کتاب این فن بشمار میرود و بهمین جهت زیج او را کاملترین زیجها می دانند و دیگر از تألیفات او کتابیست بنام «الوس اربعة چنگیزی» در وصف طوایف مغول و نیز کتاب شجرة الترك که آن را بعضی بعبدالمقتدر متوفی در ۸۳۱ نسبت میدهند و ازو هم می دانند.

۴۹ - غیاث الدین علی بن جمال الاسلام یزدی مؤلف روزنامه غزوات هندوستان که خود در سفرهند با تیمور همراه بوده و این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته است.

#### ۴۰ - نظام الدین عبدالواسع شامی یا شنب غازانی معروف بنظام شامی

اصلا از مردم محله شام غازان یا شنب غازان تبریز بوده و در جوانی ببغداد رفته و در آنجا کتاب سلوان المطاع فی عدوان الاتباع تألیف فخر الدین ابوهاشم محمد بن محمد بن ظفر طغرایبی را که در حکایات بنام ریاض الملوك برای سلطان اویس جلایر ترجمه کرده است و نیز داستان بوداسف و بلوهر را از عربی بنام سلطان احمد جلایر ترجمه کرده است. در سال ۷۹۵ بدست لشکریان تیمور در آن شهر اسیر شده و از آن پس در دربار تیمور بوده است چنانکه در ۸۰۳ با او در حلب بوده و تیمور در سال ۸۰۴ او را مأمور کرد کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و وی کتاب ظفر نامه را از روی اطلاعات رسمی که در آن زمان باو میرسیده است نوشته و تا وقایع سال ۸۰۶ را در آن کتاب آورده است و در ضمن شاعر هم بوده است و اشعار خود را در ظفر نامه نقل کرده است.

#### ۴۱ - جمال الدین عبدالرزاق بن جمال الدین اسحق سمرقندی نیز از تاریخ

نویسان نامی قرن نهم بشمار میرود. در سال ۸۱۶ در هرات ولادت یافت پدرش بحکم وراثت قاضی عسکر و شیخ الاسلام سپاه شاهرخ بود و وی نیز در ۸۴۱ بدربار شاهرخ راه

یافت و در همان سال در ۲۵ سالگی جانشین پدر شد و در ۸۴۵ شاهرخ او را بجتوب هندوستان فرستاد و بدربار پادشاه بیجانگر رفت و در ۸۴۸ باز گشت و تفصیل این سفر را خود در مجلد دوم مطلع السعدین نوشته است و سپس در ۸۵۰ سفارت دیگری بکیلان رفت و بعد از مرگ شاهرخ جزو مختصان جانشینان او میرزا عبداللطیف و میرزا عبدالله و میرزا ابوالقاسم بابر و میرزا ابو سعید بود ولی در سال ۸۶۷ از خدمت دربار کناره گرفت و در سلك صوفیان در خانقاه شاهرخ در هرات معتکف گشت و در ۸۷۶ ابو سعید ریاست آن خانقاه را باو داد و سرانجام در ۸۸۷ در آنجا در گذشت. کمال الدین عبدالرزاق مؤلف کتاب معروفست بنام مطلع السعدین و مجمع البحرین در تاریخ نیموریان که از وقایع سال ۷۰۰ تا ۸۷۵ را در آن ضبط کرده است و در ۸۸۰ آنرا پایان رسانده است. این کتاب شامل دو مجلد است که مجلد اول از ولادت ابو سعید بهادر تا جلوس سلطان خلیل در سمرقند و مجلد دوم از جلوس ابوالغازی سلطان حسین را دربر دارد.

۴۲ - امین الدین ابوالخیر فضل الله بن روز بهان بن فضل الله خنجی اصفهانی شیرازی ملقب با مین و معروف بخواجه ملا یا خواجه مولانا نخست از پیوستگان دربار آق قوینلو و سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز میزیست و چون شاه اسمعیل اصفهان را گرفت جان خویش را در خطر میدید بکاشان و از آنجا بماوراءالنهر گریخت و در ۹۱۸ در سمرقند بود و دیگر از احوال وی اطلاع نیست و ظاهراً پس از ۹۲۱ در ماوراءالنهر در گذشت است. وی مؤلف کتابهای چند است از آن جمله: تاریخ عالم آرای امینی در تاریخ خاندان آق قوینلو که از زمان سلطان یعقوب بن حسن بیک (متوفی در ۸۹۶) بتألیف آن آغاز کرده و در زمان بایسنغر (متوفی در ۸۹۷) پایان رسانده است - بدیع الزمان فی قصة حی بن یقطان که در ۸۹۲ بنام سلطان یعقوب بایندری نوشته - ابطال نهج الباطل و افعال کشف العاطل معروف بابطال الباطل که رد بر کتاب نهج الحق و کشف الصدق تألیف علامه حلی است و قاضی نورالله شوشتری کتاب احقاق الحقایق خود را در اثبات حقیقت شیعه و رد بر

کتاب وی که رد بر شیعه است نوشته و این کتاب را در ۹۰۹ در کاشان بزبان تازی نوشته است - شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی - سلوک الملوك که در سمرقند در ۹۱۸ بنام ابوالغازی عیدالله خان ازبک آغاز کرده و در ۹۲۰ بیابان رسانده است - شرح قصیده برده شرف الدین یوصیری که در ۹۲۱ نوشته است - مهمان نامه بخارا شامل تاریخ سلسله شیبانی و جنگ آنها با ازبکان و مخصوصاً لشکرکشی سوم شیبانی خان بر ازبکان که در شوال ۹۱۴ در بخارا آغاز کرده و در جمادی الاولی ۹۱۵ در هرات بیابان رسانده است .

۴۳ - معین الدین محمد زمیجی اسفزاری هروی از متشیان معروف زمان خود بود . در ۸۷۳ بهرات رفت و در دربار سلطان حسین بایقرا بمقامات مهم نایل گشت چنانکه نشان شاهی را که مهر رسمی دربار سلطنت بود باو سپردند و بیشتر باقوام الدین نظام الملک خوایی وزیر معروف که در پرورش دانشمندان اختصاص داشت مربوط بوده و در ۹۰۳ در گذشته است . معین الدین مؤلف چند کتاب جالب توجه است از آن جمله رساله ای در انشاء و قوانین که در ۸۷۳ نوشته و در آن مکانیسی را که از جانب سلطان حسین نوشته است ثبت کرده و دیگر از مؤلفات او کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات است که در ۸۹۷ بنام سلطان حسین میرزا تألیف کرده و شامل ۲۶ فصل است و در ضمن شاعر بوده و شعر را تا اندازه ای خوب می گفته است .

۴۴ - سید ظہیر الدین بن نصیر الدین مرعشی حنفی قوام الدین از مورخان معروف قرن نهم در حدود ۸۱۵ ولادت یافته و در دربار سلطان محمد کیای دوم در کارهای دیوانی و لشکری وارد بوده و مشاغل مختلف داشته است و سپس در دربار جانشین وی کار کیا میرزا علی (۸۸۱ - ۹۰۹) نیز بوده است و در حدود ۸۹۴ در گذشته و دو کتاب بسیار جالب توجه از او مانده است یکی تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تا وقایع سال ۸۸۱ و دیگر تاریخ گیلان و دیلمستان تا وقایع سال ۸۹۴ .

۴۵ - علی بن شمس الدین بن حاجی حسن لاهیجی مؤلف تاریخ خای شامل وقایع تاریخ گیلان که بنام سلطان احمدخان معروف بخان احمدخان پادشاه معروف

گیلان نوشته و در محرم ۹۲۱ آغاز کرده و دو صفر ۹۲۲ پایان رسانده و شامل وقایع از ۸۸۰ تا ۹۲۰ است.

۴۶ - جعفر بن حسین بن حسن جعفری یزدی از مورخان دوره شاهرخ (۸۱۲-۸۵۳) بوده است و دو کتاب نوشته یکی تاریخ کبیر از آغاز خلقت تا وقایع ۸۴۰ و دیگر تاریخ یزد که بنام شاهرخ پایان رسانده است.

۴۷ - احمد بن حسین بن علی کاتب یزدی که او نیز از مورخان یزد بوده و کتابی بنام تاریخ جدید نوشته که باسم میرزا جهانشاه قزوینلو (۸۳۲-۸۵۲) بتألیف آن آغاز کرد و در ۸۶۱ پایان رسانده است.

۴۸ - زین الدین محمود بن عبدالجلیل و اصفی از دانشمندان خراسان بوده و سفری از خراسان بماوراءالنهر کرده و در زمان عبیدالله خان شیانی در ۹۱۶ در سمرقند و در ۹۱۸ در بخارا بوده و در ۹۳۷ در گذشته و مؤلف کتاب بسیار گران بهایست بنام بدایع الوقایع که مشاهدات خود را در سمرقند و بخارا و تاشکند نوشته و اطلاعات بسیار سودمند درباره میرزا الغ بیک و علشیر نوایی دارد.

۴۹ - محمد امین بن حاج خلیل قونیوی مؤلف کتابی در تاریخ پادشاهان آل عثمان که بفرمان سلطان محمد دوم عثمانی (۸۵۵ - ۸۸۶) نوشته است و از تاریخ سلاجقه روم آغاز کرده است.

۵۰ - علی بن ملوک منشی که او نیز از تاریخ نویسان خاک عثمانی بوده و مؤلف کتابیست بنام ظفر نامه در تاریخ فتوحات سلطان محمد دوم.

۵۱ - کمال الدین یا حکیم الدین ادریس بن حسام الدین علی بدلیسی معروفترین مورخ قرن نهم خاک عثمانی از منشیان دربار سلطان یعقوب آق قوینلو متوفی در ۸۹۵ بوده و در ۸۹۰ نامه‌ای از جانب این پادشاه بپایزید دوم پادشاه عثمانی نوشت و چون پایزید انشاء وی را پسندیده بود پس از برچیده شدن سلطنت آق قوینلو از ترس اینکه مبادا بدست شاه اسمعیل بیفتد نزد پایزید رفت و وی او را گرامی شمرد و در دربار عثمانی مقام مهم داشت و در دستگاه پایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) و سلطان سلیم



اول (۹۱۸ - ۹۲۶) معزز بود، چنانکه در جنگ با شاه اسمعیل فرمانده سپاهیان کرد لشکر عثمانی بود و در جنگهای مصر نیز حاضر بود و در ۹۲۱ بمأموریت بکردستان آمد و سرانجام در ذیحجه ۹۲۶ درگذشت و در استانبول در محله ایوب نزدیک مسجد زینب خانون او را بخاک سپردند و قبرش اکنون بنام «ادریس کوشکو» معروفست. وی از دانشمندان مسلط زمان خود بوده و در فنون مختلف دست داشته و بزبان تازی و پارسی در رشته های مختلف تألیف کرده از آن جمله: رسالة فی الطاعون و جواز الفرار عنه - شرح گلشن راز - تفسیری که بنام بایزید نوشته - منشآت - هشت بهشت شامل تاریخ هشت قرن از نخستین پادشاهان آل عثمان تا وقایع سال ۹۰۸ در سلطنت بایزید دوم که بنام صفات الثمانیه نیز معروفست و رایج ترین کتاب فارسی در احوال پادشاهان عثمانیست - سلیم نامه در تاریخ سلطنت سلطان سلیم اول از ۹۱۸ تا ۹۲۶.

۵۲ - عبدالکبیر بن اویس بن محمد، متخلص بلطیفی معروف بقاضی زاده.

از شاعران و تاریخ نویسان معروف خاند عثمانی بوده و در سفر مصر در قاهره سال ۹۳۰ در گذشته است و وی کتاب معروف و فیات الاعیان تألیف ابن خلکان را بنام سلطان سلیم اول (۹۱۸ - ۹۲۶) در دو مجلد بفارسی ترجمه کرده و مجلد نخست آنرا در ۹۲۶ و مجلد دوم را در ۹۲۸ در استانبول بیابان رسانده است و نیز مؤلف کتابیست بنام غزوات سلطان سلیم شامل تاریخ فتح مصر که در آن سفر همراه بوده و بفرمان امیر صدرالدین محمد و از روی اسنادی که در آن جنگ تهیه کرده اند نوشته است.

۵۳ - شهاب الدین دولت آبادی از تاریخ نویسان قرن نهم هندوستان بوده و در

۸۴۹ در گذشته است و وی مؤلف کتابیست در تاریخ مدینه که از کتاب خلاصة الوفا فی اخبار دارالمصطفی تألیف نورالدین علی بن عبدالله سمهودی ترجمه کرده است.

۵۴ - امیر محمد بن امیر مبارز از امرای سیستان و جد مادری مؤلف احیاء الملوك

در تاریخ سیستانست که با نظام الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان (۸۴۲ - ۸۸۵) معاصر بوده و کتابی در تاریخ سیستان نوشته است.

۵۵ - یوسف بن احمد بن محمد بن عثمان که در زمان محمود شاه اول بایقرا

پادشاه گجرات (۸۸۹-۸۹۵) کتاب وفيات الاعيان تأليف ابن خلکان را بنام منظر الانسان في ترجمة وفيات الاعيان ترجمه کرده است.

۵۶ - کمال الدین ابوالغازی حسین بن منصور بن بایقرا ابن عمر شیخ بن تیمور پادشاه معروف سلسله تیموری که در ۸۴۲ ولادت یافته و از ۸۶۳ تا ۹۱۲ در خراسان پادشاهی کرده و بیشتر بنام سلطان حسین بایقرا یا ابوالغازی سلطان حسین معروفست و یکی از معروفترین پادشاهان دانش پرور ایران بوده اورا برخی مؤلف کتابی دانسته اند بنام مجالس العشاق که در شرح احوال بزرگانی که عاشق بوده اند نوشته و چون ملتزم بوده است که بجز احوال عشاق را ننویسد البته کتاب او اعتبار تاریخی ندارد و آنرا در میان سالهای ۸۰۹ و ۹۰۹ تألیف کرده است. این کتاب را بکمال الدین حسین کازر گاهی که از ادبای آن زمان و از دست پروردگان علیشیر بوده نیز نسبت داده اند و سلطان حسین در شعر فارسی و ترکی نیز دست داشته و حسینی تخلص میکرد و دیوان فارسی و ترکی او بدستست.

۵۷ - امیر دولت شاه بن علاءالدوله بختی شاه غازی سمرقندی پدرش علاءالدوله اسفراینی و پسر عمش فیروزیك از امرای معروف دربار تیموری بوده اند و خود نیز از نجیب زادگان خراسان و از پیوستگان علیشیر بشمار میرفته است و در ضمن مرد زاهدی بوده و وی مؤلف کتاب بسیار رایجیست بنام تذکرة الشعراء و معروف بتذکرة دولت شاهی که در شرح احوال شعرا از آغاز شعر فارسی تا زمان خود نوشته و در سال ۸۹۲ بیابان رسانده است که در آن زمان نزدیک ۵۰ سال داشته است و این کتاب هر چند که شهرت بسیار دارد اما در باره شعرايي که بیش از زمان او پیش از قرن نهم بوده اند مطالب آن اغلب اعتبار ندارد.

۵۸ - بدیع الدین عبدالغفور لاری از دانشمندان و عرفای زمان خود و مشهورترین شاگردان جامی بوده و درهرات در ۹۱۲ درگذشته و نزدیک قبر جامی او را بخاک سپرده اند و وی درعلوم زمان خود دست داشته و شرحها و حواشی چند بر کافیه تألیف ابن حاجب در نحو زبان نازی نوشته که تا تمام مانده است و معروفترین تألیف او

حاشیه ایست که بدرخواست ضیاءالدین یوسف پسر جامی بر تفحات الانس نوشته و بمنزله ذیل و متمم آن کتابست و دیگر از مؤلفات اوست شرح رساله نجم الدین کبری در بیان طریقه شطار .

۵۹ - حافظ محمد بن علی قوشچی پسر ملاعلی قوشچی دانشمند معروف قرن نهم که وی نیز در همان قرن می زیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ آل چنگیز و تاریخ ختای که همان کتاب مجدالدین محمد بن عدنان مورخ قرن ششم را بزبان ترکی ترجمه کرده است .

۶۰ - محمد شیخ هروی مؤلف رساله ای در تفال دیوان حافظ .

۶۱ - نجم الدین طارمی که از اعیان دولت میرزا میرانشاه بن تیمور بوده و در انشاء تسلط داشته و بفرمان آن پادشاه کامل التواریخ تألیف ابن الاثیر را بفارسی ترجمه کرده است .

۶۲ - ابوطاهر بن علی بن حسن بن موسی طر سوسی که ظاهراً در خاک عثمانی میزیسته و کتابی بتر فارسی بنام داراب نامه نوشتند که شامل داستانهای قدیم ایران ددباره دارا بست .

۶۳ - عیسی بن جنید شیرازی پسر معین الدین ابوالقاسم جنید شاعر و مولف معروف قرن هشتم بوده و در نیمه اول قرن نهم میزیسته و کتاب شدالازار یا هزار مزار و یا کتاب المزارات پدرش را که درباب مزارات شیرازست بفارسی بنام ملتسم الاحیاء ترجمه کرده است .

۶۴ - سیف الدین بن حاجی بن نظام عقیلی از نویسندگان خوب قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست بنام آثار الوزراء که در شرح حال وزرای اسلام در حدود سال ۸۷۵ برای نظام الملک قوام الدین خوافی وزیر معروف سلطان حسین میرزا نوشته است .

۶۵ - محمد بن حاج کامران استرآبادی مؤلف کتابی در نسب سادات بنام جامع الامثال که برای مظفرالدین ابوالغازی شمس الدین بن کمال الدین محمد (۹۸۷-۹۰۵) از بلوک رستم دارمازندران نوشته است .

۶۶ - محمود گیتی نیز از مورخین این قرن بوده و در سال ۸۲۳ کتاب مواهب الهیه معین الدین یزدی را که در تاریخ آل مظفر است و در قرن هشتم نوشته شده خلاصه و تهذیب کرده و دنباله وقایع خاندان آل مظفر را تا پایان سلطنت ایشان نوشته و ذیلی بر تاریخ کزیده حمدالله مستوفی قرار داده است.

۶۷ - حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی که در سال های ۸۰۵ و ۸۰۶ کتاب تاریخ قم را که در ۳۷۸ حسن بن محمد بن حسن قمی بتازی تألیف کرده است بنام خواجه فخرالدین ابراهیم بن عمادالدین محمود بن شمس الدین محمد بن علی صفی وزیر ترجمه کرده است.

۶۸ - عبدالرزاق بن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی که در سال ۹۱۱ کتابی در احوال شاه نعمه الله ولی بنام تذکره نوشته است.

۶۹ - محمد بن داود بن محمد بن محمود شادیا بادی که ظاهراً از ادبای قرن نهم بوده و کتابی در شرح فصاید خاقانی تألیف کرده است.

۷۰ - محرابی کرمانی که از شعرای قرن نهم بوده و کتابی بنام تذکره الاولیاء در مشاهد کرمان تألیف کرده است و در حدود سال ۹۳۹ آنرا نوشته و ازین قرار در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم در کرمان میزیسته است و در آن کتاب برخی از اشعار خود را آورده است.

۷۱ - یاراحمد بن حسین رشیدی تبریزی که از ادبای قرن نهم بوده و در سال ۸۶۷ رباعیات عمر خیام را در کتابی بنام طربخانه در ده فصل جمع کرده و مقدمه ای بنثر بر آن نوشته و حکایاتی را که درباره عمر خیام رواج داشته است در آن کتاب آورده

۷۲ - فاضل هروی مؤلف کتاب ارشاد الزراعه در علم زراعت که در سال ۹۲۱ تألیف کرده است.

۷۳ - قاضی خان بدر محمد دهلوی ملقب بدهاروال که از ادبای هندوستان بوده و کتابی در لغت فارسی بنام ادات الفضلا نوشته که در ۸۲۲ بیابان رسیده است.

۷۴ - قوام‌الدین ابراهیم فاروخی که وی نیز از لغت نویسان قرن نهم هندوستان بوده است و کتابی در لغت فارسی بنام شرف نامه احمد منیری یا فرهنگ ابراهیمی نوشته که در محرم ۸۷۸ بیابان رسانده است و چون وی از مریدان شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری ساکن دهلی و پیشوای معروف طریقه چشتی متوفی در ۸۷۲ بوده است این کتاب را بنام مرشد خود شرف نامه احمد منیری نامیده و در زمان باریک شاه ابوالمظفر پادشاه بنکاله (۸۶۴-۸۷۹) میزیسته است .

۷۵ - محمود بن ضیاء الدین محمد متخلص به محمود که وی نیز از لغت نویسان هندوستان بوده و کتابی در لغت فارسی بنام تحفة السعاده یا فرهنگ اسکندری باسم سلطان سکندر نوشته و در دهم صفر ۹۱۶ بیابان رسانده است .

۷۶ - قاضی لطف‌الله بن ابویوسف حلیمی از لغت نویسان معروف خـاک عثمانی و وی را تألیفات چندست از آن جمله کتاب القاسمیه یا فرهنگ حلیمی معروف بلغت حلیمی که ترکی بفارسیست و بحر الغرایب بنظم و نثر در لغت فارسی و عروض و قافیه و بدیع که قاسمیه خلاصه ای از آنست و نثار الملك شرح بحر الغرایب بنام یازید بن سلطان محمد (۸۸۶-۹۱۸) نوشته و در ۸۷۲ بیابان رسانده است و وی در زبان فارسی شعر نیز می گفته و حلیمی تخلص می کرده است .

۷۷ - خطیب رستم مولوی از صوفیان ساکن قونیه از طریقه مولوی و از لغت نویسان خاک عثمانی بوده و شاعر نیز بوده است و از جمله مؤلفات اوست کتاب وسیلة المقاصد در لغت ترکی بفارسی که برای مولوی زادگان قونیه در ۹۰۴ تألیف کرده و نیز خلاصه ای در صرف و نحو فارسی بشعر ترکی نظم کرده است .

۷۸ - أبو العلاء عبدالمؤمن جاروتی مشهور بصفی که وی نیز از فرهنگ نویسان خاک عثمانی درین زمان بوده و مؤلف کتابیست بنام مجموعة الفرس در لغت فارسی .

۷۹ - شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری معروف باحمد منیری ساکن دهلی از مشایخ معروف قرن نهم هندوستان و پیشوای طریقه چشتیه در زمان

خود بود و در ۸۷۲ در گذشت و وی مکاتب بسیار بزبان فارسی بسیار سلیس و فصیح بمزیدان و اصحاب خود نوشته و در دو مجموعه آنها را گرد آورده اند که هر يك شامل صد مکتوبست و بمکاتیب احمد منیری معروفست و درین مکاتیب بسیاری از مسائل تصوف را بیان کرده است.

#### ۸۰ - خواجه عمادالدین محمود بن شیخ محمد کیلانی معروف بمحمود قنوان

یا غوان که بیشتر بلقب خواجه جهان معروف بود یکی از مشاهیر نویسندگان و ادبای قرن نهم بشمار میرفته ، پدرانش از مردم کیلان و از وزرای آن سرزمین بوده اند و وی تا ۴۳ سالگی سفر بسیار کرده و سپس بدربار علاءالدین احمد دوم پادشاه بهمنی دکن متوفی در ۸۶۲ رفت و در سال ۸۶۰ پادشاه مزبور او را بجنکی فرستاد و در ۸۶۲ هـ مایون شاه منصب و کیلی باو داد و پس از آن نظام شاه (۸۶۵ - ۸۶۷) او را وزارت داد و تا زمان محمدشاه بهمنی در مقام وزارت بود و محمد شاه وی را خواجه جهان لقب داد ولی در ۸۸۶ او را گشت . خواجه محمود از مشاهیر زمان خود بوده و ثروت بسیار و دارایی هنگفت داشته و مرد بسیار بخشنده ای بوده چنانکه از هندوستان صلوات گران برای دانشمندان ایران و خاك عثمانی میفرستاده و بهمین جهت در عصر خویش در همه کشور های اسلامی منتهای شهرت را داشته است و در ضمن دبیر بسیار توانا و پرکاری بوده و کتابهای چند در صنعت انشاء نوشته که همه معروف و رایجست از آنجمله ریاض الانشاء که بمنشآت خواجه جهان معروفست و کتاب مناظر الانشاء که معروفترین کتاب اوست و کتاب دیگری دارد بنام قواعد الانشاء .

#### ۸۱ - خواجه شهاب الدین عبداللہ بن خواجه شمس الدین مروارید

کرمانی متخلص ببیانی معروف بعبدالله مروارید زیرا که پدرش زمانی مروارید بسیار درشت گران بهایی برای یکی از پادشاهان تیموری هدیه برده است . پدرش از کارگزاران بزرگ دربار تیموری بود و وی نیز در دربار سلطان حسین بایقرا بمقامات بزرگ رسید تا اینکه بوزارت برگزیده شد و چنان مقرب بود که در همه جنگها همراه بود و پس از مرگ سلطان حسین در ۹۱۲ از کارهای دولتی اعراض کرد و گوشه

نشین شد ولی باصرار شاه اسمعیل وزارت او را پذیرفت و درین زمان بنوشتن تاریخ سلطنت او آغاز کرد و چون آن را بیایان رساند در سال ۹۲۲ بیماری آبله در گذشت. عبدالله مروارید یکی از معروفترین نویسندگان دوره تیموریست و مخصوصاً در انشای دیوانی شهرت بسیار داشته و خط را بسیار خوب مینوشته و از خوشنویسان معروف بوده و چنان در خط تسلط داشته است که با دست چپ هم خوش نویسی می کرده و در موسیقی نیز دست داشته و در زمان خود قانون را بهتر از همه کس می زده است و وی را بجز تاریخ شاه اسمعیل بنام تاریخ شاهی مؤلفات چندست از آن جمله مونس الاحباب مجموعه ای از اشعار و منشآت او که معروفست و نیز کتاب معروف ترسل که سابقاً در دبستان کبودکان خطوط مختلف و نامه نویسی را از آن می آموختند و بسیار رایج بود نیز از مؤلفات اوست.

۸۲ - احمد بن علی بن احمد مؤلف کنز اللطائف در انشاء که در دهم ربیع الثانی ۸۹۸ بیایان رسانده است.

۸۳ - شجاع شیرازی که از بنی اعمام شاه شیخ ابو اسحق اینجو پادشاه معروف فارس بوده و در سال ۸۳۰ کتابی در حکمت عملی یعنی اخلاق و سیاست و تدبیر منزل بتقلید قابوس نامه و سیاست نامه بنام «انیس الناس فی الاخلاق» بنام مغیث - الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاه رخ بیایان رسانده و از شاگردان میر سید شریف کرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده است.

۸۴ - محمد بن عبد الخالق بن معروف مؤلف کنز اللغة یا کنز اللغات در لغت عربی بفارسی که بنام سلطان محمد کیا بن ناصر کیا از پادشاهان گیلان (۸۵۱-۸۸۳) و پسرش کار کیا میرزا علی (مقتول در ۹۱۱) بیایان رسانده است و یکی از رایج ترین کتابهای لغت فارسیست.

۸۵ - شهاب الدین محمد علی بن جمال الاسلام ملقب بشهاب منشی مؤلف همایون نامه در انشای فارسی که بنام خواجه غیاث الدین پیر احمد وزیر نوشته است.

- ۸۶ - سلیمان بن مظفر حسینی منشی مؤلف شجرة السینیه لشجرة الیقینیه در خواص حرف سین که بنام عایشیر نوشته است .
- ۸۷ - علی درویش بن عثمان شاشی که از عرفای ماوراءالنهر بوده و مؤلف مفتاح التوحید خلاصه مثنوی مولویست .
- ۸۸ - قطب الدین عبدالله بن محیی بن محمود شیرازی جهرمی انصاری خزر جی سعدی معروف بعبدالله قطب یا قطب محیی از عرفای نیمه دوم قرن نهم و مقیم شیراز بوده و پس از سال ۹۱۰ در گذشته و مجموعه بزرگی از مکاتیب از و مانده که باصحاب خود در مسایل مختلف تصوف نوشته و در نسخهای کامل شماره آنها به ۷۸۳ میرسد و بنام مکاتیب عبدالله قطب معروفست .
- ۸۹ - علی بن عماد الدین استر ابادی معروف بابن عماد مؤلف رساله منظومه در مخارج حروف که در ۸۰۹ تألیف کرده است .
- ۹۰ - محمد بن محمود بن علی سبط ناصر الدین سمرقندی مؤلف رساله در اختلاف ابی بکر بن عباس و حفص در قرائت و رساله دیگر در قرائت عاصم که شاعر نیز بوده و منظومه ای در تجوید ساخته است .
- ۹۱ - محمد بن میرزا علی که کتاب مصباح کفعمی را در ۸۹۵ بنام مونس العابدین ترجمه کرده و بترجمه نیک بختیه نیز معروفست .
- ۹۲ - غیاث الدین علی عمران بن غیاث الدین علی بن علی بن علی امیران حسینی اصفهانی ساکن بدخشان که در سال ۸۷۹ کتابی شامل همه علوم زمان بنام دانش نامه جهان تألیف کرده است .
- ۹۳ - ابوالحسن صاعد بن علی عمرگانی متوفی در ۸۸۱ که کتابی در جغرافیا بنام مسائلک ممالک یا عجایب البلدان پس از مرگ شاهرخ ( متوفی در ۸۵۰ ) تألیف کرده است .
- ۹۴ - خواجه عبدالقادر بن غنی حافظ مراغی معروف بعبدالقادر گوینده مشهور ترین علمای موسیقی قرن نهم بود و آواز را بسیار خوب میخواند و بهمین جهة



بگوینده معروف شده و برخی از سازهارا بسیار خوب میزد و در ضمن از خوشنویسان معروف زمان خود بوده است. نخست در دربار سلطان احمد جلایری (مقتول در ۸۱۳) بوده و سپس بدربار تیموریان رفته و چندی در دستگاه تیمور و میرانشاه و شاهرخ و بایسنغر بوده است و چندین کتاب بسیار سودمند در موسیقی نوشته از آن جمله : جامع الالحان که در ۸۱۶ پایان رسیده و بنام شاهرخ نوشته و مقاصد الالحان که در ۸۲۱ پایان رسیده و خلاصه ای از کتاب جامع الالحانست و بنام بایسنغر نوشته و کنز الالحان و زبدة الادوار در شرح رساله ادوار تألیف صفی الدین ارموی و فواید عشره .

۹۵ - رستم بن سالار بن محمد بن سالار مؤلف خلاصه الادوار فی مطالب الاحرار که در ۸۵۸ تألیف کرده است .

۹۶ - محمد منصور مؤلف کوهر نامه سلطانی در معرفت اجسام معدنی که بنام سلطان حسن بهادرخان معروف باوزون حسن ( ۸۷۱ - ۸۸۳ ) تألیف کرده است .

۹۷ - فتح بن احمد بن محمود شهرستانی سبزواری مؤلف تحفة الائمة العلیه فی الحکمة العملیه .

۹۸ - وحیدالدین ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن احمد معروف به میرجان اسفر غابادی مؤلف حدائق الدقایق در تصوف و در شرح سخنان مرشد خود جلال الدین محمود و کتاب روضة الاصحاب در احوال خلفای اربعه . وی نخست در ۹۰۷ در بغداد بوده و سپس بخراسان باز گشته و این کتاب دوم را در آنجا در ۹۴۴ تألیف کرده است .

۹۹ - عبدالله بن عبدالحی بن علی حسینی اسحاقی مؤلف عین الشفاء یا عجلة سماعیه در تصوف .

۱۰۰ - حسین بن اسمعیل قاسمی حسینی مؤلف شرحی بر گلشن راز .

۱۰۱ - امیر جعفر طغرائی مؤلف انیس العارفين در تصوف که بعدها آنرا برای علی پاشا وزیر پادشاهان آل عثمان خود بشرکی ترجمه کرده است .

۱۰۲ - عبدالعزیز ابهری متوفی در حدود ۸۹۵ مؤلف شرح مصابیح السنة امام

بغوی بنام منهاج المشكاة که در ۸۹۱ بنام امیر علیشیر تألیف کرده است .

۱۰۳ - مولی شمس الدین محمد تبادکانی طوسی که از صوفیه معروف خراسان

بوده و در ۸۹۱ در گذشته و مؤلف ریحیست بر منازل السائرین عبدالله انصاری بنام تسنیم المغربین فی شرح منازل السائرین .

۱۰۴ - مولانا عبدالکریم که تا حدود ۹۰۰ زنده بوده و حاشیه‌ای بفارسی

بر شرح حکمة الاشراق تألیف علامه قطب الدین شیرازی نوشته است .

۱۰۵ - ابوالقاسم لیشی مؤلف شرح فارسی بر رسالة فی الوضع تألیف عضدالدین

ایبجی که در ۸۸۸ پایان رسانده است .

۱۰۶ - شیخ ابراهیم بن حسین تنوری سیواسی متوفی در ۸۸۷ که از صوفیه

خاک عثمانی بوده و کتابی در تصوف بنام گلزار نامه نوشته است .

۱۰۷ - یار علی شیرازی که شرحی بر کتاب لمعات فخرالدین عراقی بنام

اللمعات نوشته است .

۱۰۸ - عبدالغفار بن اسحق مؤلف رساله‌ای در حوادث طبیعی .

۱۰۹ - هبة الله حسینی معروف بشاه میر مؤلف کتاب آداب سلطنت که

از ۸۸۳ تا ۸۹۸ مشغول تألیف آن بوده است .

۱۱۰ - خواجه محمد موسی ده بیدی متوفی در ۸۰۵ از مشایخ طریقه نقشبندی

بوده و مؤلف رساله فی طریقه النقشبندیه و کتاب نوادر المعارفست .

۱۱۱ - محمد جامی بن محمد بن شیخ محمد جامی که در حدود سال ۸۳۵

در زمان شاه رخ کتابی بنام ریاض الصالحین تألیف کرده و آن مجموعه‌ای از همه علوم متداول آن زمانست .

۱۱۲ - خواجه ناصرالدین عبیدالله سمرقندی معروف بعبدالله احرار

یکی از بزرگترین مشایخ نقشبندیه در قرن نهم بوده و در بارگاه کرامات بسیار آورده‌اند و در روستای کماگران یا کوماگران نزدیکی شهر سمرقند می‌زیست و در آنجا در ۸۹۵ در گذشت و قبرش هم اکنون در سمرقند زیارتگاهست و مولانا محمد قاضی که از اصحاب

او بوده کتابی در مناقب وی بنام سلسلة العارفين و تذكرة الصديقين نوشته است و وی را در تصوف تألیفات بسیارست از آن جمله کتاب تحفة الاحرار که از کتابهای معروف فن بشمار میرود و دو رساله در تصوف و رساله والديه و رساله حورائیه شرح رباعی ابوسعید ابوالخیر و رساله کلیات .

۱۱۳ - نظام نامی که داستان بوداسف و بلوهر را در ۸۱۰ بنام سلطان احمد جلایر بفارسی ترجمه کرده است .

۱۱۴ - اویس بن غیاث الدین محمد رستمذاری مؤلف گنجینه راز .

۱۱۵ - علی بن ابی سعید کهجی که از عرفای آن زمان بوده و در ۸۷۷ کتابی در احوال مشایخ صوفیه بنام «تذكرة المشایخ» تألیف کرده است .

۱۱۶ - محمد بن نصیر الدین جعفر حسینی مکی که از عرفای سلسله چشتیه بوده و کتابی در تصوف بطریقه خود بنام «بحر المعانی» نوشته که در ۸۲۴ و ۸۲۵ آنرا تألیف کرده است .

۱۱۷ - شیخ زین الدین ابوبکر خوافی از بزرگترین مشایخ و عرفای نامی ایران در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم و از پیشروان طریقه سهروردی و مرید شیخ نورالدین عبدالرحمن قریشی مصری بوده و مرد دانشمند و عارف پارسایی بشمار میرفت و در پایان زندگی حال جذبه ای دروید آمد و همواره خاموش بود و سرانجام در سال ۸۳۳ یا ۸۳۴ و یا شب یکشنبه دوم شوال ۸۳۸ بطاعون در گذشت و نخست او را در قصبه بالین بخاک سپردند سپس جنازه او را بدروش آباد بردند و پس از آن نزدیک عید گاه هرات بخاک سپردند و خواجه غیاث الدین پیر احمد خوافی عمارت عالی بر سر خاک او ساخت . وی شعر فارسی را خوب می گفته و نیز مؤلفاتی در تصوف بزبان فارسی و تازی دارد و از آن جمله کتابی بنام نهج الرشاد .

۱۱۸ - یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد غزنوی چرخي معروف

بی‌عقوب چرخي نقشبندی از اصحاب بهاء الدین نقشبند و از پیشوایان معروف سلسله نقشبندیه بوده در دهی بنام چرخ نزدیک غزنین ولادت یافت و چندی در شیراز ساکن

بود و سرانجام در حصار شادمان در ۸۵۱ در گذشت و عبیدالله احرار عارف مشهور این قرن خلیفه و جانشین او بوده است وی را در زبان فارسی تألیفات چندست از آن جمله تفسیری که بنام تفسیر یعقوب چرخ می‌معروفست و در ۸۵۱ بیابان رسانیده و رساله انسیه در تصوف و کتاب روایح و شرح رباعیات .

۱۱۹ - شهاب الدین بن شمس الدین عمر زاولی دولت آبادی از مردم

دولت آباد دکن بود و در جوانی در دهلی زیسته و در آنجا دانش آموخته است . سپس در زمان استیلای امیر تیمور به هندوستان از دهلی بجنوبور رفت و در دربار ابراهیم شاه شرقی (۸۴۴ - ۸۴۹) اعتبار یافت و قاضی آن دیار شد و سپس بمقام ملك العلماء رسید و در حدود ۸۴۹ در گذشت . وی را بزبان قازی و پارسی مؤلفات چندست از آن جمله حواشی بر کافیه بنام الارشاد و شرح اصول بزودی و بحر مواج در تفسیر فارسی که بنام همان پادشاه نوشته است .

۱۲۰ - جلال الدین محمد بن عبدالدین اسعد دوانی کازرونی معروف

بعلامه دوانی یکی از بزرگان علمای ایران و معروفترین دانشمندان قرن نهم بشمار میرفته و چون آخرین کسیست از بزرگان علمای این کشور که جامع همه علوم زمان خود بوده شهرت و امتیاز خاص دارد . پدرش قاضی دوان قصبه‌ای نزدیک کازرون بود وی در آنجا بسال ۸۳۰ ولادت یافت و نخست نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود بشیراز رفت و در مدرسه مولانا محیی الدین گوشه کنار و مولا حسن شاه بقال معلومات خود را تکمیل کرد و نیز از شاگردان مولانا همای الدین گلباری مؤلف شرح طوابع بوده و در حدیث از شاگردان شیخ صفی الدین الچپی بوده است . در جوانی چندی وزیر یوسف بن جهان‌شاه شاهزاده قرا قوینلو بوده است و سپس در مدرسه بیگم که بعدها بنام دارالایام معروف شده است تدریس کرده و سالها مدرس آن مدرسه بوده و در ضمن سفرهایی بگیلان و کاشان و بین النهرین کرده و چون پادشاهان آق قوینلو فارس را گرفتند قاضی فارس شد و مخصوصاً احمد پادشاه وی را بسیار گرامی میداشت و سلطان محمد آل عثمان برای او هدایا و تحف می‌فرستاد و چون قاسم بیگ پرناک

بر فارس استیلا داشت بواسطه دشمنی که در میان او و احمد پادشاه بوده او را در بند افکند و مال بسیار از او گرفت و سر انجام از بند رها شد و در ۹۰۵ بالاروجرون رفت و چون ابوالفتح بیک بایندر شیراز را گرفت از آنجا بکازرون رفت و در راه در پل آبگینه باردوی ابوالفتح بیک رسید و او بوی احترام بسیار کرد و پس از چند روز در ماه رجب ۹۰۸ سالگی باسهاال در گذشت و جنازه او را بدوان بردند و در جوار شیخ علی دوانی بنحاک سپردند و اکنون قبر او در دوان معروف و زیارتگاه است. تاریخ رحلت او را بخط ۹۰۷ و ۹۰۹ و ۹۲۰ هم نوشته اند ولی قطعاً در ۹۰۸ در گذشته است. علامه دوانی در همه علوم زمان خود دست داشته و در بسیاری مؤلفات در میان بزرگان ایران امتیاز دارد و شعر فارسی را نیز خوب می گفته و در نثر فارسی قدرت کامل داشته و یک سلسله کتاب و رساله بزبان فارسی و تازی در علوم مختلف نوشته که فهرست آنها بترتیب حروف هجا ازین قرار است: اثبات الواجب قدیم، اثبات الواجب جدید که در کیلان نوشته، انموذج العلوم یا موضوعات العلوم که در ده علم برای سلطان محمود نوشته است، بستان القلوب، تفسیر سورة التوحید، والاخلاص، تفسیر سورة قل یا ایها الکافرون که در ۹۰۵ در بند جرون پایان رسانده، تفسیر آیه یا بنی آدم خنوا زینکم عنه، تفسیر اسماء الحسنی، تعلیقه علی الانوار لعمل الابرار اردبیلی، تفسیر قلاقل (جمع قل زیرا که سورة الکافرون والاخلاص والمعوذین را شرح کرده و این سه سوره را باهم قلاقل میگویند)، تعریف العلم، حاشیه بر شرح تجرید ملا علی قوشچی، حاشیه قدیم تجرید الکلام، حاشیه جدید تجرید الکلام، حاشیه اجد تجرید الکلام، حاشیه مطالع در منطق بر حاشیه میرسید شریف کرگانی، حاشیه شمسیه منطق دبیران، حاشیه انوار شافیه، حاشیه بر اشارات، حاشیه بر تهذیب منطق، حاشیه بر شرح عضد الدین ایجی بر منتهی السوال والامل ابن حاجب، حکمة العین، حواشی بر شرح آداب از شمس الدین محمد بن اشرف حسنی سمرقندی تألیف کمال الدین مسعود شروانی، حاشیه بر شرح تجرید، رساله در معنی عدالت بفارسی، رساله دیوان مظالم بفارسی، رساله عرض یا عرض نامه بفارسی، رساله در بعضی از سوانح وقت بفارسی معروف بصیحه و صدا، رساله در اثبات تکلم خدا،

رساله فی معنی قوله انا النقطة تحت الباء، ردبر رساله در تحقیق محکوم علیه بودن حرف از ابواسحق قاضی شبانکاره، رساله فی اعتراضات عشره در تعریف مختار بعلم از خطیب زاده و جواب آن از دوانی، رساله فی افعال العباد در جواب سؤالات سعدالدین محمد استرآبادی که در سفر کاشان نوشته، رساله افعال الله سبحانه و تعالی که در ۹۰۳ تألیف کرده رساله فی ایمان فرعون، رساله فی التشبیحات الواقعه فی دعاء الصلوة، رساله جبر و اختیار، رساله التهللیه در شرح لا اله الا الله که بنام اوزون حسن (۸۷۱-۸۸۳) نوشته، رساله المحوراء والزوراء که در ۸۷۲ بیابان رسانده، رساله فی مسئله خلق الاعمال که به خواش سعدالدین محمد استرآبادی در سفر کاشان نوشته، رساله العشریه که با مولی ابن المؤید نام برای سلطان بایزید آل عثمان فرستاده است، رساله فی علم النفس، رساله فی مسائل الفنون، رساله قلمیه، رساله در تعریف کلام موافق عضدالدین ایجی، رساله الزوراء که در روضه امیر المؤمنین علی (ع) یکروز سر یا ایستاده و نوشته است، سواد العین، شرح هیا کل النور در حکمت اشراق، شرح بر زوراء، شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی، شرح رساله فی جوهر المفارق نصیرالدین طوسی، شرح عقاید العضدیه بفارسی که در ربیع الاول ۹۰۵ در جرون نوشته و آخرین تألیف اوست، شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی، شرح کلمتی الشهاده، شرح دیباچه طوابع الانوار بیضاوی، شرح قصیده الثائیه فی احوال النفس از ابوعلی بغدادی، شرح رباعیات، شرح غزلی از حافظ، شرح بیتی از حافظ، شرح بیتی از گلشن راز، طبقات الجلالیه شامل حواشی شرح جدید تجرید و حاشیه شرح مطالع و چند رساله در جوابهای میر صدرالدین شیرازی که در میان شان ردوبدل شده، العشر الجلالیه رد بر میر غیاث الدین منصور بن محمد شیرازی در مجموعه الرسائل، لوامع الاشراق فی الحکمة العملية والمنزلیة والمدنیة فی مکارم الاخلاق که برای نصره الدین حسن بیک (۸۷۱-۸۸۲) نوشته و بنام اخلاق جلالی معروفست و رایجترین کتاب فارسی او و در ضمن یکی از معروفترین کتابهای اخلاق بزبان فارسیست.

۱۲۱ - قاضی میر حسین بن معین الدین حسینی ترمذی میبدی متخلص

بمنطقه معروف بقاضی میبدی مشهورترین شاگردان علامه دوانی و یکی از علمای

قاسمی قرن نهم ایران بوده و در جوانی در شیراز به تحصیل دانش اقامت داشته و سپس بمبید تردريك يزد ولادتگاه خود بازگشته و در آنجا منصب قضاوت یافته و سپس قاضی يزد شده و در ضمن متصدی اوقاف آن شهر بوده و سرانجام در سال ۹۰۹ شاه اسمعیل بواسطه اختلاف عقیده دینی که با او داشت وی را کشت و اینکه برخی رحلت او را در ۸۲۰ یا ۹۱۰ نوشته‌اند درست نیست. قاضی میبیدی گذشته از اینکه شعر فارسی را خوب می‌گفته در نشر فارسی نیز نویسنده زبردستی بوده و يك عده مؤلفات معروف بفارسی و عربی دارد، معروف ترین تالیف او شرحیست که بر دیوان امام علی بن ابی طالب (ع) نوشته و شرح دیوان حضرت امیر معروفست و در ماه صفر ۸۹۰ بیابان رسانده است و دیباچه مفصلی بمذاق صوفیه بر آن نوشته که گاهی آنرا جداگانه نوشته‌اند و بنام «فوائج» نامیده‌اند. کتاب معروف دیگر او شرحیست بتازی بر هدایه اثیریه که از کتابهای بسیار رایجست و دیگر از مؤلفات اوست: حاشیه شمسیه در منطق، شرح حکمة العین، حاشیه بر طوابع در کلام، رساله در فن غریب معما، شرح کافیة فی النحو ابن حاجب بنام مرضی الرضی، شرح گلشن راز بفارسی، جام کیتی نماد حکمت بفارسی که در حلب بنام سلطان سلیمان آل عثمان (۹۲۶ - ۹۷۴) تالیف کرده است، معنیات، منشآت.

۱۲۲ - عبدالمؤمن بن صفی الدین بن عزیز الدین بن محیی الدین بن نعمت که نسبش بقاموس و شمگیر کرکائی پادشاه معروف آل زیار میرسیده از موسیقی دانان قرن نهم بود و کتابی در موسیقی تالیف کرده است بنام «بهجة الارواح».

۱۲۳ - علامه غیاث الدین جمشید بن مسعود بن محمود طبیب کاشانی یکی از معروفترین علمای ریاضی قرن نهم بوده و در ۸۲۹ مسطرهای برای مساحات و مهندسی اختراع کرده است و الغ بیك رصدخانه سمرقند را که ساخت و جمعی از علمای ریاضی را بآنجا جلب کرد وی را نیز بآنجا برد و در ۸۴۱ در تالیف زیج الغ بیك شرکت کرد ولی در همین اثنا در گذشت و اینکه برخی رحلت او را در سال ۸۳۲ نوشته‌اند یا اشتباه رفته‌اند. غیاث الدین جمشید بزبان تازی و فارسی مؤلفات بسیار در علوم

ریاضی دارد از آن جمله است : مفتاح الحساب که برای الغ بیک تألیف کرده ، رساله در ساختن اسطرلاب ، زیج ، تلخیص المفتاح که مختصری از همان مفتاح الحساب است ، رساله در ابعاد و اجرام سماوی ، رساله استخراج جیب یک درجه ، زیج خاقانی ، سلم السماء فی اشکال ما وقع للمنجمین فی الابعاد والاجرام ، تذهة الحقایق در تقویم کواکب .  
 ۱۲۴ - یعقوب بن محمد بن علی طاوس که از علمای ریاضی قرن نهم بوده و کتابی بنام کته المراد فی وفق الاعداد تألیف کرده و سپس رساله حساب خود را به فارسی از آن استنباط کرده است .

۱۲۵ - فصیح الدین بن عبدالکریم نظامی متوفی در ۹۱۹ نیز از علمای ریاضی این قرن و از نزدیکان سلطان حسین بایقرا و علشیر بود و چندین شرح بر کتب ریاضی و هیئت نوشته و از آن جمله است قطع الانوار ، شرح بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی که بنام امیر علشیر تألیف کرده است و رساله در اسطرلاب .

۱۲۶ - مولانا زین الدین یا علاء الدین علی بن محمد قوشچی معروف به ملاعلی قوشچی از بزرگان علمای هیئت و ریاضی قرن نهم و یکی از معروفترین علمای ریاضی ایران بوده است . پدرش از درباریان الغ بیک بوده و وی نیز از جوانی در خدمت وی بسیار مقرب بوده چنانکه او را پسر خطاب می کرده است و در دربار او منصب قوشچی داشته و بهمین جهت به ملاعلی قوشچی معروف شده و در ریاضیات شاگرد صلاح الدین موسی معروف به قاضی زاده رومی عالم معروف ریاضی آن زمان بوده است و از سمرقند برای تحصیل دانش بکرمان رفت و شرح تجرید خواجه نصیر را درین سفر تألیف کرده است و چون بسمرقند باز گشت الغ بیک او را مامور رصدخانه آن شهر که در ۸۲۳ ساخته بودند کرد و درین زمان در حرکات قمر تحقیقاتی کرده است و پس از کشته شدن عبداللطیف از سمرقند بتهریز رفت و نزد سلطان حسین آق قویونلو مقرب یافت و از جانب او مأووریت بدربار سلطان محمد فاتح بخاک عثمانی رفت و در آنجا رساله هیئت خود را تألیف کرده و در ۸۷۹ در شهر استانبول در گذشته است و اینکه برخی رحلت او را در ۸۹۷ نوشته اند درست نیست . ملاعلی قوشچی یک عده کتب و رسایل در ریاضیات



و حکمت و غیره تألیف کرده که مهمترین آنها بدین گونه است :

رساله در حساب ، رساله در هیئت معروف بفارسی هیئت ، شرح تجرید العقاید  
خواجه نصیرالدین طوسی که در کرمان بنام ابو سعید تألیف کرده ، رساله فی حل اشکال  
القمر که در بازگشت از کرمان بمرقند برای الغ بیک هدیه برده است ، رساله ما  
انقلت من عبارات مطول ، رساله المحمدیه فی الحساب که بتوسط رسول سلطان محمد  
فاتح از تبریز برای او فرستاده ، رساله فی موضوعات العلوم ، تعلیقه بر رساله الوضع  
قاضی عضدالدین ایجی ، سلم السماء شرح زیج الغ بیک که معروفترین تألیف اوست ،  
شرح شافیه ابن الحاجب بفارسی ، عنقود الزواهر فی نظم الجواهر در تصریف ، رساله  
فتحیه یا مقتضیه بتازی در هیئت که در جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فاتح  
تألیف کرده است ، قانون نامه چین و ختا که در سفری که از جانب الغ بیک بختای  
رفته مشاهدات خود را نوشته است ، شرح کافیه فی النحو ابن حاجب بفارسی ، محبوب  
الحمایل فی کشف المسایل ، مسرة القلوب فی دفع الکروب در هیئت.

۱۲۷ - نظام الدین عبدالقادر بن حسن رویانی لاهیجی از علمای ریاضی و

هیئت و از شاگردان ملاعلی قوشچی بود و جد اول زیج الغ بیکی را بطول لاهیجان  
تحويل کرده و نخست در گیلان می زیسته و سپس بدربار سلطان حسین بایقرا رفته  
و از آن پس در هرات معلم مدرسه شاه بوده و همانجا در ۹۲۵ در گذشته است . وی  
مؤلف چند کتاب در ریاضی و هیئت و نجومست از آن جمله : تحفه نظامیه در حساب که  
بنام نظام الدین سلطان یحیی کیا در حدود ۸۷۰ تألیف کرده ، زیج ملخص میرزایی  
که در ۸۷۹ بنام سلطان میرزا علی از پادشاهان گیلان ترتیب داده و آنرا  
ملخص میرزایی نام گذاشته و سپس این زیج را در حدود ۸۹۱ بیابان رسانده است .

۱۲۸ - حسین بن محمد زیدی حسینی از منجمان جنوب ایران بوده و مؤلف

کتابیست بنام دستور المنجمین که بنام نصره الدین ساغر شاه بن تورانشاه از ملوک هرمز  
که از حدود ۸۴۰ تا ۹۲۷ پادشاهی کرده بیابان رسانده است .

۱۲۹ - احمد بن حیدر بن محمد شیرازی مؤلف رساله در اسطرلاب که در

۸۶۷ تالیف کرده است .

۱۳۰ - محمد علی حسینی مؤلف قواعد العمل در حساب .

۱۳۱ - سید رکن الدین بن شرف الدین حسین حسینی آملی نیز از علمای ریاضی

و منجمان این قرن بوده و در روز پنجشنبه ۲۲ ذی حجه ۸۰۰ ولادت یافته و در سال ۸۴۲ در شیراز بوده و سپس بدربار سلطان حسین بایقرا بهرات رفته و کتابهای چند در ریاضیات و هیئت نوشته از آن جمله : پنجاه باب سلطانی در اسطرلاب که درهرات در ۶ ربیع الاول ۸۶۰ پایان رسانیده و زیج جامع سعیدی در تنقیح زیج ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی که در ۸۶۰ بنام ابو سعید گورکان پایان رسانیده است .

۱۳۲ - شمس المعالی محمد کیاگرگانی مؤلف رساله در رفع شبهه مماس

شدن زحل بکره ثوابت و مفتاح بیست باب اسطرلاب خواجه نصیرالدین طوسی که در ۸۱۷ تالیف کرده است .

۱۳۳ - بدر ظهیری مؤلف شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی که در ۸۲۴

تالیف کرده و حواشی بر اقلیدس .

۱۳۴ - عماد الدین بن جمال الدین بخاری از علمای ریاضی معاصر الخ بیك

بوده و کتابی در تسهیل قمر تالیف کرده است .

۱۳۵ - نظام الدین بن حبیب الله حسینی مؤلف شرح بیست باب خواجه نصیرالدین

طوسی در اسطرلاب که در ۸۷۳ تالیف کرده است .

۱۳۶ - حسین خطابی منجم و قطب که در نجوم و طب و حساب دست داشته

و مؤلف کتابیست بنام تحفة الحساب که در ذی قعدة ۸۹۵ بنام سلطان با یزید بن سلطان محمد فاتح پایان رسانده است .

۱۳۷ - مولانا محمود بن محمد معروف بمیرم که مؤلف کتابیست بنام دستور

العمل فی تصحیح الجدول و آن شرحیست بر زیج الخ بیك که در رجب ۹۰۴ بنام سلطان با یزید پایان رسانده است .

۱۳۸ - محمود بن محمد بن قوام اردستانی مؤلف غیاثیه در هیئت که برای

غیاث‌الدین سیداحمد هروی تالیف کرده است .

۱۳۹ - محمد بن سلیمان بر سوی معروف با قازاده از علمای ریاضی خاڪ

عثمانی بوده و مولف شرحیست بر بیست باب خواجه نصیرالدین طوسی که بنام سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) نوشته است .

۱۴۰ - علاء کرمانی که وی نیز از علمای ریاضی خاڪ عثمانی بوده و رساله‌ای

در تصنیع اسطرلاب بنام همان سلطان با یزید تالیف کرده است .

۱۴۱ - محمود بن قوام قاضی و الشتانی معروف بمحمود هروی

مولف کتابی در هندسه بنام فواید جمالی که برای سلطان جمال الدین حسین نوشته و آن ترجمه‌ایست از رساله عربی شمس الدین سید حکیم سمر قندی بنام اشکال - التاسیس که در ۵۹۳ تالیف شده و نیز رساله الغیایه را تالیف کرده و در حدود ۸۶۲ می زیسته است .

۱۴۲ - علی بن احمد قاضی شوشتری که فالنامه یا قرعه‌نامه منسوب بامام علی

ابن موسی الرضا را ترجمه کرده است .

۱۴۳ - ابن معین مولف فردوس التواریخ که در ۸۰۸ تالیف کرده است .

۱۴۴ - ابوالمحاسن حسین بن حسن گرغانی از علمای شیعه اواخر قرن نهم و

اوایل قرن دهم بوده و مولف تفسیریست بفارسی بنام جلاء الازهان که یکی از معروفترین کتابهای تفسیر بزبان فارسیست .

۱۴۵ - سیده‌مین الدین محمد بن عبدالله بن محمد ایچی حسنی حسینی صفوی

که در ۸۳۲ در ایچ فارس متولد شده و در حدود ۹۰۵ در گذشته و دو کتاب بفارسی از او مانده است یکی شعب الایمان در اخبار و دیگری جامع البیان فی تفسیر القرآن .

۱۴۶ - فتح‌الله بن احمد بن محمود شهرستانی مولف تحفة الائمة العلیه فی

الحکمة العملية .

۱۴۷ - خواجه محمد موسی ده‌بیدی نقشبندی از مشایخ طریقه نقشبندی

بوده و در ۸۰۵ در گذشته و تالیفات چند در تصوف دارد از آن جمله رساله فی بیان طریقه النقشبندیه و نوادر المعارف .

۱۴۸ - **امیر جعفر طغرایی** که از متصوفه خاك عثمانی بوده و مولف کتابیست در تصوف بنام انیس العارفین که بخواهش علی پاشا از وزرای پادشاهان آل عثمان نوشته و خود آنرا بشرکی ترجمه کرده است .

۱۴۹ - **جمال الدین محمد بن محمود شهرستانی** مولف رساله‌ای در منطق .

۱۵۰ - **قوام الدین یوسف بن حسن حسینی رومی معروف بقاضی زاده** از دانشمندان مقیم خاك عثمانی که پس از ۹۰۰ در گذشته است و مولف کتابیست بنام احکام السلاطین .

۱۵۱ - **مولی شکر الله بن احمد** که وی نیز در خاك عثمانی مقیم بوده و در ۸۶۴ در گذشته و مؤلف کتابیست بنام منهج الرشاد که بنام سلطان محمد فاتح بیابان رسانده است .

۱۵۲ - **امام عماد الدین ابوالمظفر بن ظهیر الدین محمد اسفراینی ملقب بشاهنور** متوفی در ۸۷۱ مولف تاج التراجیم فی تفسیر القرآن للاعاجم .

۱۵۳ - **میر شمس الدین محمد بن شریف حسینی کرمکانی** پسر میرزا سید شریف کرمکانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده و در ۷۰۴ ولادت یافته و در شیرازی زیسته و در ۸۱۶ یا ۸۳۶ در گذشته و ظاهراً درست‌ترین تاریخ رحلت او ۸۳۶ است . وی از علمای نامی زمان خود بوده و در همه علوم متداول زمان دست داشته و کتابهای چند در فنون مختلف بزبان‌های تازی و پارسی نوشته است از جمله دو رساله پدرش را در منطق که بکبری و صغری معروفست بنام دره و غره بفارسی ترجمه کرده و دیگر از مولفات اوست: شرح هدایه اثیریّه ، حاشیه بر شرح قدیم تجرید ، شرح ارشاد الهادی تفتازانی که در ۸۲۳ در شیراز تالیف کرده ، شرح فواید الغیایه قاضی عضد الدین ابجی در معانی و بیان .

۱۵۴ - **عبد الرزاق بن عبد الکریم بن عبد الرزاق طیب کرمانی**

مولف کتاب شفاء الاسقام در طب که بنام علیشیر تالیف کرده است .

۱۵۵ - **محمود بن محمد دلشاد شروانی** اصلاً از مردم آذربایجان بوده و بخاك

عثمانی رفته و در آنجا ساکن شده و در طب و معانیات دست داشته و کتاب مختصری

در طب نوشته و نیز کتابی بنام کمال نامه که در ۸۴۱ بیابان رسانده و کتاب دیگری بنام کی در جواهر بنام تحفه مرادی که برای سلطان مراد آل عثمان بیابان رسانده است .

۱۵۶ - غیاث الدین محمد بن علاء الدین هبة الله سبزواری معروف بغیاث طبیب مولف قوانین العلاج در طب که در ربیع الاول ۸۷۱ بیابان رسانیده و سپس خلاصه‌ای از آن بنام زبدة قوانین العلاج پرداخته است .

۱۵۷ - نظام متشهی نیز از پزشکان قرن نهم بوده و کتابی در طب بنام گنج اسرار باسم مجیر الدین ابوالمعالی محمد بن معتز بن معشوش طاهر در ۸۲۶ تالیف کرده و رساله‌ای در حسن زنان نوشته است .

۱۵۸ - غیاث الدین بن محمد متطبب اصفهانی از پزشکان مقیم خاك عثمانی مولف مرآت الصحة که بنام سلطان با یزید دوم آل عثمان در ۸۹۶ تالیف کرده است .

۱۵۹ - بهاء الدین بن میر قاسم نوربخشی رازی که لقب او را برخی بهاءالدوله نوشته اندولی ظاهراً بهاء الدین درست ترست و چنان می‌نماید که وی پسر سید شاه قاسم نوربخشی پسر سید محمد نوربخش مؤسس معروف طریقه نوربخشی در تصوف بوده باشد که خلیفه و جانشین پدر بوده و در طریقت لقب فیض بخش را اختیار کرده و در سال ۸۸۱ در گذشته است و میر بهاء الدین مولف کتابیست در طب بنام خلاصه التجارب که در طرشت نزدیک ری (همان قصبه‌ای که در مغرب طهران بنام درشت معروفست) در سال ۹۰۷ تالیف کرده است .

۱۶۰ - خواجه صابن الدین علی تر که اصفهانی از مشاهیر حکمای صوفی مشرب قرن نهم بوده نخست در اصفهان می‌زیسته و بتدریس و تألیف می‌پرداخته و سپس قاضی یزد شده و در آن زمان بدخواهانش از برخی مطالبی که در تألیفات خود آورده است باو تهمت بد دینی زدند و بهمین جهت شاهرخ وی را بهرات خواند و علمای هرات نیز او را تکفیر کردند بجز رکن الدین داود خوافی موافق حاشیه بر شمسیه متعلق که

از شرکت درین کار بخود داری کرد ووی از ناچاری منکر گفتار خود شد و سرانجام در هرات در ۴ ذیحجه ۸۳۰ یا ۸۳۵ در گذشت و بازماندگان او که جزو علمای معروف بوده اند پس از وی تا قرن یازدهم در اصفهان می زیسته و بیشتر منصب قضاوت آن شهر را داشته اند. وی را بزبان فارسی در علوم مختلف و مخصوصاً در حکمت و تصوف مولفات بسیار است از آن جمله شرح فصوص الحکم و کتاب مفاحص و رساله اسرار الصلوة و شرح قصیده ابن الفارض وضوء اللامعات در شرح لامعات و اطوار صوفیه یا اطوار ثلاثه و منظومات صاینیه و رساله نقطه و جواب مکتوب امیر رضا.

۱۶۱ - صدرالدین امینی هروی از مورخان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از شعرای نامی زمان خود بشمار میرفته و مؤلف کتابیست در تاریخ اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی که بنام «فتوحات امینی هروی» معروفست و ظاهراً آثار قانع سال ۹۱۶ را دربردارد.

۱۶۲ - نظام بن کمال بن جمال بن حسام هروی نوۀ جمال الدین محمد بن حسام هروی معروف با بن حسام شاعر معروف قرن هشتم بوده ووی نیز با بن حسام شهرت داشته است و مؤلف شرحیست بر نصاب الصبیان منظومۀ معروف ابونصر فراهی در لغت تازی پیارسی.

۱۶۳ - محمد بن جلال بن سلیمان قهستانی که وی نیز شرحی بر نصاب الصبیان نوشته و ظاهراً در قرن نهم می زیسته است.

۱۶۴ - عبدالکریم محمد بن فصیح بن محمد دشت بیاضی که او نیز شرح دیگری بر نصاب الصبیان نوشته و ظاهراً وی هم در قرن نهم می زیسته است.

۱۶۵ - حسن بن محمد شاه فناری از خاندان معروفی از دانشمندان خاندان عثمانی بوده و چون جدش از مردم «فنار» محله یونانیان استانبول بوده است. خانواده اش باین نام معروف شده اند و چندتن از دانشمندان معروف دربار عثمانی ازین خاندان بوده اند از آن جمله جدش شمس الدین محمد بن حمزه فناری متوفی در ۸۳۴ و پدرش محمد شاه ابن شمس الدین فناری متوفی در ۸۴۹ و برادرش زین الدین محمد بن محمد شاه و پسر

علاء الدین علی بن یوسف بن شمس الدین و دو پسر او محیی الدین محمد بن علی بن یوسف بن شمس الدین و محیی الدین پیر محمد بن علاء الدین علی فناری ازین خانواده معروفند و وی بنام حسن چلبی نیز معروف بوده زیرا که از پیروان طریقه مولوی در استانبول بشمار میرفت و وی مردی دانشمند و پارسا بود و همه عمر خود را وقف دانش و عبادت کرده است و از شدت پارسایی جامه خشن می پوشیده و بر چهارپایان نمی نشسته و با تهی دستان و صوفیان نشست و برخاست داشته و نخست در شهر ادرنه ساکن و مدرس مدرسه حلبیه آن شهر بوده و برای تحصیل دانش از سلطان محمد دوم بتوسط پسر عمش مولی علی فناری که قاضی عسکر بوده اجازه گرفته و بمصر رفته است و سلطان محمد دوم او را دوست نمی داشت زیرا که حواشی کتاب التلویح خود را بنام پسر سلطان محمد با یزید نوشته بود و پس از سفر مصر بحج رفت و دوباره بخاک عثمانی باز گشت و در مراجعت سلطان محمد برو برسر لطف آمد و نخست تولیت مدرسه ازبیک و سپس تولیت یکی از مدارس هشت گانه استانبول را باو داد و وی در یکی از حجره های آن مدرسه منزل داشت و همواره بمسجد می رفت و تاج بر سر می گذاشت و ردای خود را بر سر میکشید و سپس سلطان با یزید دوم چون بسلطنت رسید هر روز هشتاد درهم برو مقرر داشت و وی بشهر برو سه رفت و در آنجا ساکن شد ولی در همین میان در ۸۸۶ در گذشت . وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در علوم متداول آن زمان دست داشته و بزبان پارسی و تازی تالیف می کرده است از آن جمله حاشیه بر موطول و حاشیه بر تنقیح الاصول صدر الشریعه و حاشیه بر شرح موافق سید شریف کرکائی و حواشی بر تلویح نفتازانی و کتابی در مسایل روایت و کلام بزبان فارسی بنام «المطالب العالیه» از او مانده است .

۱۶۶ - حکیم شاه محمد بن حاج مبارکشاه کریم بن مبارک محمد قزوینی

معروف بحکیم شاه محمد از مشاهیر دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و نخست در شیراز می زیسته و از شاگردان علامه درانی بوده است و چون بدانش پزشکی وارد شد در علم طب دست داشته و سپس بمکه رفته و مدتی در آنجا مجاور بوده و

چون مولی ابن المؤید که از علمای معروف دربار بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) پادشاه عثمانی بوده است نزد آن پادشاه از وی تحسین کرده پادشاه مزبور وی را از مکه باستانبول خواسته و پزشک دربار خود کرده و روزی صد و بیست درهم برای او مقرر کرده است و ازین قرار پیش از سال ۹۱۸ از مکه باستانبول رفته و بهمین جهت از علمای زمان سلطان بایزید بشمار میرفته و در زمان سلطان سلیمان (۹۲۹ - ۹۷۴) در گذشته است. حاج خلیفه رحلت او را يك جا در حدود ۹۰۲ و جای دیگر در ۹۶۶ نوشته است و این هر دو تاریخ نادرست است زیرا که ۹۰۲ شش سال پیش از مرگ استادش علامه دوانیست و این ممکن نیست و ۹۶۶ هم ۵۸ سال پس از مرگ دوانیست و این نیز بسیار دور می نماید که شاگردی ۵۸ پس از مرگ استاد خود زنده مانده باشد و خود در ترجمه مجالس النفایس تصریح می کند که در ۹۲۴ در رکاب سلطان سلیم در مصر بوده و آن ترجمه را در سال ۹۲۷ پایان رسانده است و ازین قرار می بایست در اوایل قرن دهم و پس از ۹۲۷ در گذشته باشد. حکیم شاه محمد در همه علوم زمان خود دست داشته و بدو زبان تازی و فارسی تالیف می کرده از جمله مؤلفات اوست: تفسیر سورة النحل تا آخر قرآن، ربط السور والایات، حواشی بر تهافت مولی خواجه زاده، حواشی بر شرح العقاید العضدیة دوانی، شرح ایساغوجی، شرح کافیة، شرح الموجز فی الطب، حاشیه بر شرح العقاید نسفی، ترجمه حیوة الحیوان کمال الدین محمد بن موسی ابن عیسی دمیری متوفی در ۸۰۸ بنام حیوة الانسان که برای سلطان سلیمان ترجمه کرده است، ترجمه مجالس النفایس علشیر نوایی که اصل آن تذکره شعرای فارسی زبان قرن نهم بزبان ترکیست و در ۸۹۶ تالیف شده و وی در ۹۲۷ و ۹۲۸ آن را ترجمه کرده و بر اصل کتاب شرح حال شعرای فارسی زبان پیش از علشیر و شعرای معاصر خود را که در ایران و در دربار سلطان یعقوب در آذربایجان و در خاک عثمانی می زیسته اند افزوده است.

۱۶۷- سلطان محمد فخری بن امیری هروی که او نیز در اوایل قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و از ادبای خراسان بوده و همان کتاب مجالس النفایس را در زمان شاه اسمعیل



(۹۰۷ تا ۹۳۰) و حکمرانی خراسان سام میرزا که درمش خان ازجانب او نیابت داشته است بنام میرزا حبیب الله وزیر خراسان ترجمه کرده و آن ترجمه را «اطایف قاعه» نام گذاشته و برخی مطالب از آن جمله مجلس نهم را از خود بر اصل کتاب افزوده است. دیگر از مؤلفات اوست جواهر العجایب در احوال شاعرات زبان فارسی که در سند بنام عیسی ترخان تألیف کرده است و تحفة الحبيب که مجموعه غزلیات است که شاعران از بلك دیگر استقبال کرده اند و بنام خوانچه حبیب الله وزیر خراسان پرداخته و دیگر بوستان خیال که فقط شامل مطلعهای غزلیات ایشانست و تا زمان شاه طهماسب نیز زیسته و چند مثنوی و دیوان غزلیات از او مانده است.

۱۶۸ - نجم الدین طارمی از ادبای دربار سلطان حسین بایقرا بوده و کتاب

کامل التاریخ تألیف ابن الاثیر مورخ معروف زبان تازی را بنام او ترجمه کرده است.

۱۶۹ - قاضی اختیارالدین حسن بن غیاث الدین حسینی تربتی معروف

بقاضی اختیار از دانشمندان نامی زمان خود و قاضی هرات بود و پدرش نیز سمت

قضاوت داشت. در جوانی از زاوه بهرات رفت و در آنجا دانش آموخت و در اندک زمانی

ترقی کرد و بقتوی پرداخت و در ضمن در انشا و شعر و معما دست داشت و در پایان

سلطنت سلطان حسین بایقرا نخست قاضی هرات شد و سپس بمنصب وزارت او رسید

و از فقهای نامی زمان خود و از دوستان بابر میرزا و آموزگار او بود و سپس در زمان

استیلای محمد خانی شیبانی در مقام قضاوت باقی ماند و پس از کشته شدن وی بر او که

وطنش بود باز گشت و به کشاورزی می پرداخت تا اینکه در آغاز سال ۹۲۸ بپیماری

سوء القویه در گذشت و در قصبه تربت در مقبره خانوادگی مدفون شد و وی بزبان فارسی

و تازی مؤلفات چند دارد از آن جمله کتاب اقتباسات و مختار الاختیار و اساس الاقتباس

در حدیث و امثال و حکم که در ۸۹۲ تألیف کرده و مقامات حسینی و اخلاق همایون که

در ۹۱۲ بیان رسانده و رسایل دیگر در فقه و تعجید.

۱۷۰ - شاه نظام الدین محمد خاموش متوفی در ۸۶۰ از مشایخ معروف سلسله

نقشبندی در ماوراء النهر و مرشد خواجه عبيدالله احرار و مؤلف كتاب مرآت الايمان بوده است .

۱۷۱ - شهاب الدين ابوالعباس ياشمس الدين ابو محمد احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهيم بن عربشاه دمشقي حنفي عجمي معروف بابن عربشاه يا عجمي از بزرگان دانشمندان قرن نهم اصلاً ايراني بوده و در ۷۹۱ در دمشق ولادت يافته و در ۸۰۳ که امير تيمور دمشق را گرفت و گروهی از مردم آنجا را بايران آورد وی را با خانوادهاش بسمرقند برد و در آنجا نزد سيد محمد گرگاني سمرقندی و محمد بخاري و جزري و ديگران دانش آموخت و زبان فارسي و ترکي و مغولي را ياد گرفت و در ۸۱۱ از راه ختاي بمغولستان رفت و از شرامي حديث آموخت و سپس بخوارزم و از آنجا بدشت وسراي و حاجي طرخان رفت و در ۸۱۴ در حاجي طرخان بود و از آنجا از راه قریم بآدرنه در خاک عثمانی رفت و یکی از مقربان سلطان محمد بن بايزيد شد و چند کتاب فارسي و تازی را برای او بترکی ترجمه کرد و متصدي مکاتبات سلطان بزبان تازی و ترکی و فارسي و مغولي بود . سپس در ۸۲۴ بحلب و در ۸۲۵ بدمشق رفت و آنجا از ابو عبدالله محمد بخاري که از دوستانش بود حديث فرا گرفت . در ۸۳۲ بسفر حج و در ۸۴۰ بقاهره رفت و مخصوصاً با ابوالحسن ابن تغريبردي رفت و آمد داشت در خانقاه صلاحيه در قاهره در ۸۵۴ در گذشت . ابن عربشاه بزبان ترکی و فارسي و تازی مؤلفات چند دارد که معروف ترين آنها کتاب عجایب المقدور فی نوائب تيمور يا فی اخبار تيمورست که مرتضی نظمی زاده بغدادی در ۱۱۱۱ بترکی ترجمه کرده و شامل فتوحات تيمور و جانشینان اوست و اغلب مقاصد سلطنت او را با حقیقتی تام شرح داده و در ضمن اطلاعات گران بهایی در باره سمرقند و دانشمندان آن دارد و دیگر از مؤلفات اوست فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء که در صفر ۸۵۲ تمام کرده و شامل ده فصل مانند کتاب کلیله و دمنه است و از مرزبان نامه تقلید کرده است ، دیگر کتاب التألیف الطاهر فی شیم الملك الظاهر ابی سعید جقمق و ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب و ترجمه ترکی جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفي که بفرمان سلطان مراد

در زمانی که آموزگار او بود ترجمه کرده است ، ترجمهٔ نازم زبان نامه ، ترجمهٔ ترکی تفسیر ابواللیث سمرقندی ، ترجمهٔ ترکی تعبیر دینوری ، ترجمهٔ ترکی منظوم تعبیر قادری ، جلوة الامداح الجمالیة فی حلتی العروض العربیة قصیده شامل ۱۸۳ بیت ، خطاب الذهاب الناقب و جواب الشهاب الثاقب ، مرآة الادب فی المعانی والبیان در حدود هزار بیت ، غرة السیر فی دولة الترك والتتر ، العقد الفرید فی علم التوحید منظومه ، عنقود النصیحه . دوپسروی حسن بن احمد و تاج الدین یا شهاب الدین ابوالفضل عبدالوهاب متوفی در ۹۰۱ هـ که آن دونیز یابن عربشاه معروف بوده اند هم از دانشمندان نامی قرن نهم بشمار میروند .

۱۷۲ - افضل الدین عبدالعزیز بن محمد شیرازی مؤلف کتابیست در مزارات شیراز بنام دستور الزائرین که مطالب آنرا از کتاب شد الازار معروف بهزار مزار تألیف جنید شیرازی مؤلف مشهور قرن هشتم گرفته است .

۱۷۳ - خواجه جلال الدین محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری

معروف بخواجه محمد پارسا از اصحاب درجهٔ اول خواجه بهاء الدین نقشبند و از اولاد عبدالله بن جعفر طیار و پیشوای نقشبندیه و از مشاهیر عرفای این سلسله بود و در بخارا مسکن داشت و از رجال محترم زمان خود بشمار میرفت در محرم ۸۲۲ عازم حج شد و چون از رود جیحون گذشت بهر شهر و قصبه که میرسید سادات و علما و دانشمندان مقدم او را کرامی می شمردند و پس از رسیدن بمسکه گرفتار بیماری سخت شد چنانکه در عماری طواف کردو بهمان حال بمدینه رفت و در راه یکی از اصحاب خود را خواست و گفت بنویسد که ظهر روز شنبه ۱۹ ذیحجه ۸۲۲ در موقع خروج از مسکه که با مرکب می رفتم در میان خواب و بیداری جنید را دیدم که مرا گفت زیارت تو پذیرفته است و من انجام روز چهارشنبه ۲۳ آن ماه بمدینه رسید و روز پنجشنبه در گذشت و شمس الدین فناری و اهل قافله بر او نماز گزاردند و شب جمعه او را در بخوار مزار عباس بنخاک سپردند . خواجه محمد پارسا مؤلف کتب و رسائل بسیار در تصوف بزبان فارسی و تازیست که معروفترین و مهمترین آنها کتاب «فصل

الخطاب بوصول الاحباب که فارسی و عربی نوشته و در آن مطالبی برخلاف عقیده فرقه شیعه است و بهمین جهت کلمه فصل الخطابی را تاریخ رحلت او دانسته اند و دیگر از مؤلفات اوست رساله قدسیه در مناقب و کلمات بهاءالدین نقشبند که بدستور علاءالدین محمد بن محمد بخاری معروف بمطار پیشوای معروف نقشبندیه نوشته و تفسیر فارسی والفصول الستة در حدیث و مسالك العارفين در مناقب نقشبندیه و طریقه آنها و نیز کتاب عقاید حکیم ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید مغرقندی دانشمند قرن چهارم را که ذکر آن گذشت (ص ۲۹) تهذیب کرده است. وی پسری داشته است بنام خواجه حافظ الدین ابونصر یار سا که او هم از مشایخ معروف نقشبندیه است و نجاشین پدر شد و در ۸۶۵ در گذشت و در بلخ او را بخاک سپردند.

۱۷۴ - شیخ محمد مغربی از عرفای قرن نهم بوده و ظاهراً از پیروان طریقه نقشبندی بشمار میرفته و مؤلف رساله ایست در تصوف بنام جهان نما.

۱۷۵ - سید اسحق حروفی از پیروان طریقه حروفی بوده و مؤلف کتابیست بنام محرم نامه که در روز چهارشنبه ۲۱ ربیع الاول ۸۲۸ پایان رسانده است.

۱۷۶ - خواجه عبدالله کاشغری ندایی از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رسایل چند در تصوف نوشته است از آن جمله: فقرات، رساله حقیقه، منظومه، مناجات.

۱۷۷ - محمود بن محمد قاضی زاده که از منجمان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۹۳۱ در گذشته و بجز موسی بن محمد بن محمود معروف بقاضی زاده رومی منجم معروف قرن نهم و عبدالکبیر بن اویس قاضی زاده و قوام الدین یوسف بن حسن قاضی زاده بوده است و مؤلف کتابیست در شرح زیج الخ بیک بنام دستور العمل که در ۹۰۴ تألیف کرده است و نیز رساله ای در ربیع مجیب نوشته است.

۱۷۸ - تاج الدین محمود اشنوی از مشایخ نقشبندی قرن نهم بوده و در رساله در تصوف از موانع است یکی بنام غایة الامکان فی درایة امکان و دیگری بنام تاج نامه.

۱۷۹ - غیاث الدین سهزوری از پزشکان قرن نهم بوده و کتابی در قرا بادین تألیف کرده است.

۱۸۰ - محمد بن یوسف طبیب هروی از مشاهیر پزشکان قرن نهم ایران بوده و در هرات میزیسته است و در پایان زندگی با ظهیرالدین بابر به هندوستان رفته و رساله غرایب و عجایب هندوستان را در آنجا تألیف کرده است و نیز کتابی در لغات و اصطلاحات طبیبی دارد بنام جواهر اللغه یا بحر الجواهر که نخست آنرا بنام جلال الدین ملک دینار از امرای زمان خود تألیف کرده و سپس روایت دیگری از آن انتشار داده است.

۱۸۱ - یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی پسر محمد بن یوسف سابق الذکر بوده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته است و بابر به هندوستان رفته و در بار ظهیرالدین بابر و همایون میزیسته و شعر نیز میگفته و یوسفی تخلص میکرده و بیشتر مطالب طب را بشعر در آورده است و بهمین جهت آثار وی بسیار معروف شده و در قدیم مردم آنرا حفظ میکرده اند و از جمله آثار وی بزبان فارسیست: فواید الاخیار که در ۹۱۳ تألیف کرده، نصیده در حفظ الصحه که در ۹۳۷ نظم کرده، ریاض الادویه که در ۹۴۶ تألیف کرده است، علاج الامراض، جامع الفوائد، طب یوسفی.

۱۸۲ - محمد بن شیخ هروی از ادبای قرن نهم ساکن هرات بوده و رساله ای در تنفال دیوان حافظ نوشته است.

۱۸۳ - نعمة الله بن محمود نخب جوانی معروف بیابا نعمة الله از معارف عرفای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بود و در پایان زندگی بخاک تورکیه رفت و در آق شهر ساکن شده و بهمین جهت به «علوان آق شهری» معروف شده و در آنجا در ۹۲۰ در گذشته و بزبان فارسی و تازی مؤلفات چند دارد از آن جمله تفسیری بنام فوائح الالهیه و مفاتیح الغیبیه الموضحة للمکالم القرآنیة والحکم الفرقانیة که در ۹۰۲ پایان رسانده و حاشیه بر انوار التنزیل و اسرار التأویل تفسیر بیضاوی که در حدود سال ۹۰۰ تألیف کرده و شرح ممزوجی بر گلشن راز و رساله ای در وجود و هدایة الاخوان در تصوف.

۱۸۴ - اوحید الدین عبد الله حمینی بلیانی کازرونی از اولاد اوحید الدین عبد الله بلیانی کازرونی عارف مشهور قرن هفتم بوده و همان لقب و نام جدش را داشته و بهمین جهت ویرا با جدش اشتباه کرده اند و او در قرن نهم میزیسته و در حدود سال ۹۰۰

در گذشته است و چند کتاب در علوم خفیه نوشته است از آنجمله ریاض الطالبین و مفتاح الکنوز در عمل .

۱۸۵- نظام الدین عبدالعلی بن محمد بن حسین بیرجندی از مشاهیر علمای ریاضی و منجمین اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ایران بوده و در ۹۱۱ در گذشته و ویرا در فنون مختلف زبان ، تازی و پارسی تألیقات بسیارست از آن جمله شرح تذکرة النصیریه ، شرح فواید البهائیه در حساب از عماد الدین بغدادی که در اواخر ذیحجه ۸۹۱ بپایان رسانیده است ، شرح منار الانوار حافظ الدین نسفی که بنام عبیدالله خان ازبک تألیف کرده است ، شرح آداب عضد الدین ایچی ، بیست باب در تقویم ، مسالك و ممالك فارسی که ظاهراً در ماه رجب ۹۰۹ بپایان رسانیده است .

۱۸۶- محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در ۸۸۵ از مریدان خواجه عبیدالله احرار شده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین را در مقامات وی نوشته است .

۱۸۷- طاهر الدین محمد بن شمس الدین ابراهیم بمی از مشایخ کرمان بوده و کتابی در مقامات پدرش که وی نیز از اولیای آن دیار بوده است در پایان قرن هشتم و آغاز قرن نهم تألیف کرده و کتاب دیگری داشته است بنام بم نامه در تاریخ بم .

۱۸۸- شمس الدین بن محمود بن علی چهارمی نیز از مشایخ این زمان بوده و کتابی در مقامات طاهر الدین محمد سابق الذکر در میان سالهای ۸۷۰ و ۸۸۰ تألیف کرده است . وی نخست از مریدان شاه نعمت الله ولی بوده و پس از آن در سالك پیروان طاهر الدین در آمده است .

۱۸۹- رکن الدین یحیی بن معین الدین جنید شیرازی از متصوفه فارس بوده و در قرن نهم کتاب سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف شیرازی عارف مشهور را که ابوالحسن دیلمی بتازی نوشته بود بفارسی روان و فصیح ترجمه کرده است .

۱۹۰- ابوبکر قطبی اهری از مورخان این دوره است که تاریخ شیخ او پس را در حدود ۸۶۰ تألیف کرده است .

۱۹۱ - معین الدین لطیفی مؤلف منتخب التواریخ معینی در تاریخ ملوک و شیخان و هرمز و کرمان و یزد و لرستان و ایماخانان مغول تا بازماندگان تیمور که در سالهای ۸۱۶ و ۸۱۷ تألیف کرده است .

۱۹۲ - نجم الدین طارمی از عرفای قرن نهم بوده و در ۸۱۱ تذکره احوال ابو عبد الله محمد بن صدیق بن محمد کججانی یا کججی عارف مشهور متوفی در ۶۷۷ را که از مردم کججیان یا کجج از توابع مهران رود تبریز بوده است و یکی از اصحاب وی قانع الدین حسن بن حمزه شیرازی پلاسی در همان قرن تألیف کرده بود بفارسی بسیار خوب ترجمه کرده است .

۱۹۳ - میر کمال الدین حسین بن مولانا شهاب الدین اسمعیل طبیبی حمازرگاهی هروی از متصوفه قرن نهم بوده و برخی رسائل در تصوف و شرح منازل السائرین عبدالله انصاری را تألیف کرده و چنانکه گذشت ( ص ۲۳۲ و ۲۵۵ ) کتاب معروف مجالس العشاق را که در ۹۰۸ و ۹۰۹ تألیف شده است و برخی بسطاطان حسین بایقراسبت داده اند ازو می دانند .

۱۹۴ - برهان الدین عبدالله ختلائی از مشاهیر عارفان قرن نهم بوده و در ۸۹۳ در گذشته و چند کتاب در تصوف نوشته است از آن جمله کشف الحجاب و شرح لمعات فخر الدین عراقی .

۱۹۵ - درویش علی بن یوسف کوکهری نیز از عارفان این زمان بوده و کتابی در تصوف بنام زبدة الطریق در ۸۰۵ بیابان رسائیده و نیز شرحی بر لمعات نوشته

۱۹۶ - خاوری نام نیز شرحی بر لمعات عراقی نوشته و ظاهراً وی نیز در قرن نهم میزیسته است .

۱۹۷ - صلاح بن مبارک بخاری مؤلف انیس الطالبین و عدة السالکین در مقامات بهاء الدین نقشبند .

۱۹۸ - ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی که وی نیز در ۸۰۴ کتابی در

مقامات بهاء‌الدین نقشیند بیایان رسانیده است.

۱۹۹ - **فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی متخلص بصفی پسر ملا حسین کاشفی** دانشمند معروف بوده و چنانکه گذشت (ص ۲۴۷ - ۲۴۸) در هرات می‌زیسته و از بیروان طریقه نقشبندی بوده و در ۹۳۹ در گذشته است و کتاب اسرار فاسمی پدرش را تلخیص کرده و بجز آن کتاب رشحات عین‌الحیات را در احوال مشایخ طریقه نقشبندی در ۹۰۹ بیایان رسانیده و کتاب لطایف الطوائف را در حکایات در ۹۳۹ نوشته و کتاب حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن نیز از وصیت و دیوان غزلیات و مثنوی محمود و ایاز ازو مانده است.

۲۰۰ - **اشرف بن شرف مذکر فاروقی** مؤلف دانشنامه قدرخان در لغت فارسی که در ۸۰۷ در بخارا تألیف کرده است.

۲۰۱ - **شاه قلی میر آخور سلطان حسین بایقرا** که فرس نامه ای بنشر بنام عبیدالله خان ازبک تألیف کرده است.

۲۰۲ - **علی بن عبد‌العالام کاتب** از دانشمندان ماوراءالنهر بوده و در بخارا در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم کتاب معروف مسالك الممالك یا اشکال‌العالم تألیف ابو عبیدالله احمد بن محمد بن نصر جیهانی وزیر معروف سامانیان را در زمان علی خواجه حکمران بخارا بفارسی بسیار فصیح ترجمه کرده است.

## ۴ - شاعران

چنانکه پیش ازین نیز اشاره رفت قرن نهم ایران بدلایلی که گفته شد از حیث وفور شاعران فارسی زبان امتیاز دارد و بزرگان شعرای این زمان ازینشرازند :

۱ - **عمادالدین یا نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد جامی** بزرگترین دانشمند و شاعر ایران در قرن نهم بود. پدرش از مردم محله دشت اصفهان بود و نسبش از یکسو بامام محمد شبانی و از سوی دیگر بشیخ الاسلام احمد ژنده پیل جامی عارف مشهور قرن پنجم میرسید. خانواده اش در خرچرد جام ساکن شده بودند و وی در ۳۳ شعبان ۸۱۷ در آنجا ولادت یافت و در جوانی که



پدرش از جام بهرات رفت با وی در آن شهر ساکن شد و در همان زمان بشاعری آغاز کرد و چندی دشتی تخلص میکرد و هم در همان زمان که بتحصیل علوم متد اول زمان مشغول بود مجذوب طریقه تصوف شد و در حلقه مریدان سعدالدین محمد کاشغری عارف مشهور و جانشین بهاءالدین نقشبند متوفی در ۸۶۰ در آمد و در ضمن نحو و صرف و منطق و حکمت مشایخی و حکمت اشراق و طبیعیات و ریاضیات و فقه و اصول و حدیث و قرائت و تفسیر و تصوف را فرا گرفت و درین زمان در مدرسه نظامیه هرات ساکن بود و نزد معروفترین دانشمندان زمان تحصیل علم کرد چنانکه مختصر تلخیص و شرح مفتاح و مطول و حاشیه آنها را از مولا نا جنید اصولی فرا گرفته و سپس بدرس خواجه علی سمرقندی از شاگردان سید شریف کرکانی و شهابالدین محمد جاجرمی از شاگردان سعدالدین تفتازانی رفت و پس از آن بسمرقند رفته و در دروس قاضی زاده رومی و فتح الله تبریزی که در دستگاه الغ بیک صدارت داشته است و ملا علی قوشچی حاضر شده است و پس از آن بهرات باز گشته و پس از مرگ سعدالدین کاشغری در حلقه مریدان خواجه ناصرالدین عبیدالله معروف بخواجه احرار در آمده و درین میان یک سفر بعرو و سفر دیگری در ۸۷۰ بسمرقند و سفر دیگری در ۸۸۴ بسمرقند و فاراب و تاشکند و سفری در ۸۷۷ به حجاز و حج از راه خراسان و همدان و کردستان و بغداد و کربلا و نجف و مدینه و مکه و دمشق و حلب و تبریز کرده و این سفر از اواسط ربیع الاول ۸۷۷ آغاز شده و چند ماه کشیده است . جامی در جوانی که بشاعری آغاز کرده درین فن معروف شده و نخست میرزا ابوالقاسم بایرو پس از آن میرزا سلطان ابو سعید بوی توجه کرده اند و سپس مورد توجه خاص ابوالغازی سلطان حسین بایقرا و امیر معروف دربار وی علیشیر نوایی قرار گرفته و در بازمانده عمر خود در دربار سلطان حسین بسیار معزز و محترم بوده است و در ضمن شهرت وی در نواحی دیگر کشورهای اسلامی پیچیده و بااوزون حسن آق قوینلو و سلطان یعقوب و سلطان محمد فاتح پادشاه معروف عثمانی و سلطان بایزید دوم رابطه داشته است و درین میان همه اوقات او مستغرق در کسب دانش و تحقیق و تألیف بوده و مردی وارسته و دارای عزت نفس

و استغنا بشمار میرفته و زندگی بسیار ساده میکرده و در نیکو خواهی و ذوق و خوش طبعی و ظرافت و گشاده رویی و کرم در زمان خویش مشهور بوده است و در میان شاعران و دانشمندان زمانه از همه مشهورتر بوده و سرانجام در هرات روز هجدهم محرم ۸۹۸ در ۸۱ سالگی در گذشته است و در همان شهر در کنار مزار سعدالدین کاشغری او را بخاک سپردند و قبرش امروز معروف بتخت مزار است. عبدالرحمن جامی نه تنها یکی از بزرگان شعرای ایران بشمار است بلکه او را خاتم شعرای ایران دانسته اند زیرا که پس از و شاعری بدان بزرگی نیامده است. آثار وی در شهر نخست سبعة اوست که شامل هفت مثنویست و خود آنرا «هفت اوردنگ» نامیده است؛ (۱) سلسلة الذهب که دفتر اول آنرا در میان سالهای ۸۷۳ و ۸۷۷ نظم کرده و دفتر دوم را در ۸۹۰ پایان رسانده و دفتر سوم را پس از آن نظم کرده است، (۲) سلامان و اقبال که در ۸۸۵ نظم کرده، (۳) تحفة الاحرار که در ۸۸۶ پایان رسیده، (۴) سیحة الابرار که در ۸۸۷ پایان رسیده، (۵) یوسف و زلیخا که در ۸۸۸ تمام کرده است، (۶) لیلی و معجون که در ۸۸۹ پایان رسانده است، (۷) خردنامه اسکندری که ظاهراً در حدود ۸۹۰ پایان رسانده است. قسمت دوم از اشعار وی دیوان قصاید و غزلیات اوست که سه نوبت آنها را جمع کرده و هر يك را نامی جداگانه گذاشته است؛ (۱) فاتحة الشباب که در ۸۸۴ تدوین کرده است، (۲) واسطة العقد که در ۸۹۴ جمع کرده (۳۰) خاتمة الحیوة که در ۸۹۶ دو سال پیش از مرگ خود تدوین کرده است. گذشته ازین ده کتاب که مجموعه اشعار اوست در رشته های مختلف بزبان پارسی و تازی کتابها و رسایل بسیاری گذاشته است که فهرست آنها بترتیب حروف هجا بدین گونه است؛ (۱) اربعین، (۲) ارشادیه که برای سلطان محمد فاتح فرستاده است، (۳) اشعة المعات در شرح لمعات عراقی اتمام در ۸۸۶، (۴) اعتقادنامه، (۵) بهارستان تقلید گلستان که در ۸۹۲ برای پسرش ضیاءالدین یوسف تألیف کرده است، (۶) تاریخ صوفیان و تحقیق مذهب آنان، (۷) تاریخ هرات، (۸) تجنیس اللغات یا رسالة تجنیس خط منظوم، (۹) ترجمه چهل حدیث یا ترجمه اربعین حدیث اتمام در ۸۶۶، (۱۰) تفسیر که ناقم نامده است، (۱۱) تفسیر

سورة فاتحه (۱۲) الحاشية القدسية بر کلمات قدسية بهاء الدين نقشبندي (۱۳) جليلة الحلل در معما اتمام در ۸۵۶ (۱۴) درة الفاخرة در تحقيق مذهب صوفيه و حکما و متکلمين (۱۵) ديوان رسايل (۱۶) ذکر طريقه صوفيان بطريق خواجگان (۱۷) رساله ارکان الحج اتمام در روز پنجشنبه ۲۲ شعبان ۸۷۲ در بغداد (۱۸) رساله في الاهليت (۱۹) رساله في التصوف و اهلها و تحقيق مذهبهم (۲۰) رساله في السلسلة النقشبندية (۲۱) رساله في الوجود (۲۲) رساله في تحقيق الوجود (۲۳) رساله تحقيق مذهب صوفی و متکلم و حکيم (۲۴) رساله تهليليه (۲۵) رساله شرايط ذکر (۲۶) رساله صرف (۲۷) رساله عروض (۲۸) رساله عروه (۲۹) رساله قوافي يا رساله در فن قافيه (۳۰) رساله لا اله الا الله (۳۱) رساله معماي صغير (۳۲) رساله معماي كبير (۳۳) رساله معماي متوسط (۳۴) رساله منطق (۳۵) رساله منظومه (۳۶) رساله موسيقي (۳۷) رساله نور بخش در بيان حقيقت و طريقت معجاز (۳۸) رساله وجود و موجود (۳۹) رساله وحدت وجود (۴۰) سبحة في النصاب و الحكم که براي سلطان حسين بايقرا تأليف کرده (۴۱) سخنان خواجه پارسا (۴۲) سؤا و جواب هندوستان (۴۳) شرح ابیات اول مثنوی معروف بر رساله النائيہ يا نبي فامه (۴۴) شرح بيت قران السعدین خسرو دهلوی (۴۵) شرح بيتین از مثنوی مولوی (۴۶) شرح حال عرفا (۴۷) شرح حديث ابي ذر العقبلي (۴۸) شرح حديث اربعين (۴۹) شرح رباعيات (۵۰) شرح رباعيات وحدت وجود (۵۱) شرح رساله الوضع عضد الدين (۵۲) شرح قصص الحكم ابن العربي اتمام در ۸۹۶ (۵۳) شرح قصيده برده منظوم (۵۴) شرح قصيده عطار (۵۵) شرح مائه عامل (۵۶) شرح مثنوی (۵۷) شرح مخزن الاسرار (۵۸) شرح معميات مير حسين معمايي (۵۹) شرح مفاتيح الغيب صدر الدين قونيوي منظوم و منشور (۶۰) شرح نقايه مختصر الوقايه صدر الشريعه حنفي بفارسي (۶۱) شواهد النبوه لتقوية يقين اهل الفتوه اتمام در ۸۸۵ (۶۲) صد کلمه علمي بن ابيطالب با ترجمه فارسي (۶۳) فوائد الضيائيه شرح کافيه في النحو از ابن حاجب که به شرح جامعي معروفست و در روز شنبه ۱۱ رمضان ۸۹۷ براي پسرش ضياء الدين يوسف پيايان رسانده است (۶۴) کلمتي الشهاده (۶۵) کل و نوروز (۶۶) لوايح شرح قصيده ميميه

ابن الفارض اتمام در صفر ۸۷۵ (۶۷۰) نوایح اتمام در حدود ۸۷۲ (۶۸۰) معنیات (۶۹۰)  
 مفتاح الغیب در تفسیر (۷۰۰) مناسک حج منظوم (۷۱۰) مناقب جلال الدین رومی (۷۲۰)  
 مناقب شیخ الاسلام عبدالله انصاری (۷۳۰) منشآت (۷۴۰) منظومه معما معروف بر سالة  
 اصغر معما (۷۵۰) نظم الدرر شرح قصیده نائیة ابن الفارض (۷۶۰) نفحات الانس من حضرات  
 القدس تهذیب و تکمیل کتاب طبقات الصوفیة عبدالله انصاری بزبان هروی در احوال  
 مشایخ عرفا که بنام علیشیر نوایی در ۸۸۳ به پایان رسانده است (۷۷۰) نقد النصوص فی شرح  
 نقش الفصوص اتمام در ۸۶۳. جامی بنا بر رسمی که در میان شاعران قرن نهم رواج داشته  
 برخی از قصاید خود را نام گذاشته است چنانکه قصیده قافیه نون و شین (شینیه) را  
 که استقبال از قصیده معروف خاقانی کرده و ۳۰ بیتست «جلاء الروح» نام گذاشته  
 است. آثار جامی در خارج از ایران نیز رواج یافته است چنانکه برخی از مثنویات  
 او از آن جمله سالمان و اقبال و یوسف و زلیخا و تحفة الاحرار و لوایح و رباعیات او  
 بزبانهای اروپایی و مخصوصاً فرانسه و انگلیسی ترجمه شده است.

۲ - محمد بن احمد بن محمد جامی برادر مهتر نورالدین عبدالرحمن جامی  
 بوده و از دانشمندان زمان خود بشمار میرفته و در علوم ظاهر دست داشته از آن جمله  
 در علم ادوار و موسیقی کامل بوده و شعر را نیکو میسروده و پیش از برادر کهتر خود  
 جامی در گذشته چنانکه جامی در باره او مرثیت گفته است.

۳ - میر نظام الدین علیشیر بن میر غیاث الدین گجکنه معروف با میر علیشیر  
 نوایی معروفترین رجال قرن نهم و بزرگترین امیر دربار سلطان حسین بایقرا بود.  
 اجدادش از مخصوصان میرزا عمر شیخ بن تیمور بودند. وی در ۸۴۴ در هرات ولادت  
 یافت و در کودکی با پدرش سفری بیزد رفت و پس از آن در جوانی چندی در مشهد  
 اقامت داشت و ملازم میرزا سلطان بابر بود و از همان زمان با سلطان حسین بایقرا  
 مربوط شد. پس از مرگ بابر که سلطان حسین از مشهد بمر و رفت وی نیز با او همراه  
 شد و در مرو با او همدرس بود و سپس در زمان سلطان ابو سعید بهرات رفت و چندی  
 از ملازمان سلطان ابو سعید بود و سپس از خراسان بماوراء النهر رفت و چندی در

خانقاه خواجه فضل الله ابولیتی در سلك مریدان او بود و در ضمن بتکمیل دانش می کوشید و گاهی با امیر درویش محمد ترخان و امیر احمد حاجی که حکمرانان هاوراءالنهر بودند آمیزش داشت و پس از مدتی بخراسان بازگشت و پس از آن در زمانی که سلطان احمد میرزا پس از استیلای سلطان حسین بر خراسان از آنجا بصرقند رفت ویرا با خود برد و چون سلطان حسین میرزا در حکمرانی مستقر شد وی از امیر حاجی اجازه گرفت و بهرات بازگشت و در دربار سلطان حسین بواسطه روابطی که از جوانی با او داشت کارش بالا گرفت و کم کم بر همه امرا مقدم شد و سرانجام هنگامی که سلطان حسین از استرآباد باز میگشت و وی باستقبال رفته بود در راه چون سلطان حسین رسید حال ضعف درو پیداشد و در همان شب سکنه کرد و پس از چند روز در روز یکشنبه ۱۱ جمادی الاخره ۹۰۶ در هرات در گذشت و ویرا در عید گاه هرات در گنبدی در شمال مسجد جامع دفن کردند و مزار او هنوز در آن شهر معروف است. علیشیر از مردان بزرگ تاریخ ایرانست و گذشته از توجه بسیاری که نسبت بادبیات داشته و یدشرفت فوق العاده ادبیات قرن نهم همین ارست مرد بسیار افتاده خوشروی نیکوکار مهربان دانش دوست کریم و زیر دست نواز بوده و کمتر کسی در تاریخ ایران باندازه او خیرات کرده است، چنانکه ۳۷۰ بقعه را تعمیر کرده و ۹۰ رباط ساخته و از جمله آثار خیر وی که هنوز در ایران باقیست ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی و مزار شیخ فریدالدین عطار در نیشابور و آب نهر خیابان در مشهد و رباط سنگ بست و رباط دیز آباد و سد آجری روستای طرق و بقعه قاسم انوار در روستای لنگر در خرگرد جام و برخی ساختمانهای دیگرست. علیشیر در زبان ترکی جغتایی و فارسی نویسنده و شاعر زبردستی بوده و مقام مهمی که دارد اینست که مؤسس شعر جغتاییست و بهمین جهة معروفترین شاعر ازبکستان شوروی بشمار میرود و آثار او طلیعه ادبیات زبان ازبکست. در زبان جغتایی نوایی و در زبان فارسی فانی تخلص می کرده، اشعار وی در زبان جغتایی شامل خمسة ایست بنام خمسة المتحیرین که بتقلید از خمسة نظامی سروده و شامل پنج مثنویست: حیوة الابرار در برابر مخزن الاسرار،

فرهاد و شیرین ، لیلی و مجنون ، سبعة سیاره در برابر هفت گنبد ، سد سکندری در برابر سکندر نامه ، غزلیات و قصاید خود را در چهار دیوان که هر يك مجموعه اشعار يك قسمت از عمر اوست گرد آورده بدین ترتیب : غرایب الصغر ، نوادر الشباب ، بدایع الوسط ، فواید الکبر ، بجزین یکمده دیگر مؤلفات بنظم و نثر پارسی و ترکی دارد که فهرست آنها بتریب حروف هجا ازین قرار است : اربعین منظوم ، تاریخ انبیا بترکی ، تاریخ ملوک عجم ، تحفة الملوک ، حالات پهلوان محمد ابوسعید ، حالات سید حسن اردشیر ، دیوان فارسی ، رساله معمای نود و نه بنام حضرت رسالت ، رساله معنیات فی اسماء الحسنی ، سراج المسلمین ، سیر الملوک ، عروض ترکی یا رساله عروضیه ، قصه شیخ صنعان ، لسان الطیر مشوی ترجمه منطلق الطیر عطار ، لغات ترکی بفارسی ، مجالس النفایس تذکره شعرای معاصر وی که در ۸۹۶ بزبان ترکی تألیف کرده و سه بار بفارسی ترجمه شده است : یکبار در هرات بنام لطایف نامه بتوسط سلطان محمد بن محمد امیری هروی متخلص بفخری که در حدود ۹۲۸ ترجمه شده ، بار دوم در استانبول بتوسط شاه محمد بن حاج مبارکشاه محمد قزوینی معروف بحکیم شاه محمد طبیب که از ۹۲۷ تا ۹۲۹ مشغول ترجمه آن بوده ، بار سوم در خراسان بتوسط شاه علی بن عبدالعلی در اوایل قرن یازدهم ، محاکمة اللغتين در ترجیح زبان ترکی بفارسی که در ۹۰۵ بیابان رسانده است ، محبوب القلوب در اخلاق و غیره ، معنیات فارسی ، مفردات در فن معما ، مناجات نامه ، منشآت ترکی ، منشآت فارسی ، میزان الاوزان بترکی ، نسائم المحبه ترجمه ترکی نفعات الانس جامی ، نظم الجواهر بترکی ، بجزین کتابها قصاید خود را در سال ۹۰۲ در عجم و عدای بنام سته ضروریه جمع کرده و خوانند میر مؤلف حبیب السیر کتاب مستغنی در احوال و مناقب او بنام «مکرم - الاخلاق» تألیف کرده که اخیراً بزبان ترکی ترجمه کرده اند .

۴ - سید معین الدین علی بن نصیر الدین هارون بن ابوالقاسم حمینی تبریزی معروف بقاسم انوار یا شاه قاسم انوار یکی از مشاهیر شعرای صوفی مشرب ایران و یکی از بزرگان قرن نهم بود ، در سراب نزدیک تبریز در ۷۵۷ ولادت یافت و جوانی را در

تبریز گذراند و بهمین جهت تبریزی معروف شد و در همان شهر دانش آموخت و در آغاز جوانی بطریقهٔ تصوف درآمد و از مریدان شیخ صدرالدین موسی اردبیلی نوادهٔ شیخ صفی‌الدین عارف مشهور قرن هفتم و جد صفویه بوده و سپس سفری بمکه رفت و وارد در طریقهٔ اوحدالدین کرمانی و صدرالدین علی یمینی شد و در بازگشت از حج نخست بمکیلان و از آنجا بخراسان رفت و در هرات ساکن شد و در زمان تیمور و پسرش شاهرخ مریدان بسیار بهم زد و کارش بالا گرفت چنانکه شاهرخ در زمان سلطنت بدیدن او میرفت و سفری ببلخ و سمرقند کرد و باز بهرات برگشت ، پس از چندی بایستغیر حیرزا باو تهمت زد و خواست ویرا بیازد و او بسمرقند رفت و بالغ بیک پناه برد و پس از چندی بخراسان بازگشت و در خرگرد یاخر جرد نزدیک جام در همان روستایی که مولد جامی بوده است ساکن شد و همانجا در ۸۳۷ در گذشت .

قاسم انوار که در شعر قاسم و قاسمی تخلص می کرده از بزرگان عرفای ایران و مردی بسیار دلیر و بیبالش بوده و بهمین جهت گروهی از همعصرانش ویرا کافر می دانسته‌اند و میگفتند مریدان خود را از عبادت منع میکرده‌است و مسلکی اشتراکی و اباحی داشته و برخی هم ویرا پیرو طریقهٔ حروفی دانسته‌اند و خود نیز گاهی باسرار حروف در آثار خویش اشاره کرده است . در هر صورت وی اصلا پیرو طریقهٔ تصوف بوده و با خاندان صفوی خویشی داشته است و در زبان فارسی شاعر زبردستی بوده و گاهی بزبان ترکی و کیلک هم شعر می گفته‌است و گذشته از دیوان غزلیات وی که معروفست بنظم و نثر آثار دیگری داشته از آن جمله است : مثنوی توجه فاعه یا واقعهٔ هرات که در ۷۷۹ پایان رسیده‌است ، انیس العاشقین ، رسالهٔ وجود ، مکاتیب ، سؤال و جواب ، رسالهٔ الامانه که در ۷۷۹ پایان رسیده است ، انیس العاشقین .

۵ - میر حسین بن محمد حسینی نیشابوری شیرازی معروف بمیر حسین معماپی

معروفترین شاعر معماگوی قرن نهم بود ، در نیشابور ولادت یافت و در جوانی برای تحصیل دانش بهرات رفت و در آنجا در مدرسهٔ اخلاصیه ساکن شد و علم آموخت و مردی نهی دست و پریشان روزگار بود و در هیچ کار کامیاب نشد و با اینهمه بسیار

درستکار بود و جامی و علیشیر نوایی او را محترم می شمردند و همه وقت خود را در سرودن معما بکار می برد و سرانجام در ذی قعدة ۹۰۴ بیماری اسهال در گذشت و در گنبد مدرسه اخلاصیه او را بخاک سپردند. میر حسین چندین رساله در فن معما تألیف کرده است از آن جمله رساله ای بنام علیشیر، رساله دیگر بنام محمد مؤمن میرزا و رساله اولی را ضیاءالدین اردوبادی متخلص بشفیع و عبد الوهاب صابونی و جامی و سیفی بخاری شرح کرده اند.

۶ - سیفی عروضی بخاری از شاعران نامی قرن نهم بود. در بخارا ولادت یافت و در جوانی بهرات رفت و از ملازمان علیشیر و مقربان دربار ساطع الحسین بود، پس از چندی به بخارا برگشت و در آنجا لایق بایسنغر میرزا پسر دوم محمود میرزا حکمران بخارا شد و چون وی در ۱۸ سالگی در سال ۹۰۰ حکمران سمرقند شد با او به سمرقند رفت و پس از گشته شدن بایسنغر میرزا در ۹۰۵ بدست امیر خسرو میرزا وی به بخارا برگشت و در آنجا سال ۹۰۹ در گذشت. سیفی در زمان خود تسلط در عروض معروف بوده و در ضمن مردی عجیب و میخوار و عربده جو بشمار میرفته و با اینهمه مردی دانشمند بوده و در مثنوی و اشعار اخلاقی و اشعاری در وصف پيشه‌وران نیز دست داشته و آثاری چند از او مانده از آن جمله رساله در معما، رساله در عروض، دیوان در اصطلاحات اهل صنایع و حرف، شرح معانیات میر حسین معمای دیوان قصاید و غزلیات.

۷ - شیخ جمال الدین علی حمزة بن علی ملک هاشمی آذری طوسی بهمنی اسفراینی مروزی یکی از معارف شعرای این قرن بود. پدرش از اعیان ناحیه اسفراین بود و نسبش از يك سو بخاندان سرداران و از سوی دیگر بساحمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی صاحب الدعوه می رسید و بهمن جهت بمروزی و هاشمی معروف شده بود و چون چندی در طوس زیسته است او را طوسی هم گفته اند. در اسفراین در ماه آذر سال ۷۸۴ ولادت یافت و بهمن جهت آذری تخلص می کرد. در جوانی به شاعری آغاز کرد و بخدمت مداح شاه رخ و ملک اشمرای دربار او بود. در همان موقع وارد طریقه



تصوف شد و نخست از مریدان شیخ محیی‌الدین غزالی طوسی بود و نزد او حدیث و حکمت آموخت و با اوسفری بحج رفت و در بازگشت ازین سفر شیخ وی در ۸۳۰ در حاب در گذشت و وی در حلقه مریدان شاه نعمه الله ولی وارد شد و با او هم سفری دیگر بحج رفت و از آنجا از راه حجاز به هندوستان رفت و در دربار احمد شاه ولی بهمنی پادشاه کلبر که ودکن اعتبار یافت و برای نظم بهمن نامه يك لك يعنى صد هزار و یاده هزار تنگه باو بخشید ولی چون نخواست در برابر او خم شود از خدمت او چشم پوشید و بایران باز آمد و پس از آنکه چندی در دربار محمد بایسنغر بود از کارهای دنیوی اعراض کرد و در اسفراین کوشدای گرفت و سی سال عبادت کرد و درین موقع همه بزرگان زمان باو احترام میکردند چنانکه میرزا بایسنغر در زمانی که بحکمرانی عراق میرفت و از اسفراین میگذاشت بخانه او رفت و برای سیاستگزاری از پندهایی که باو داده بود يك کیسه زر پیش او گذاشت و آورد کرد و سرانجام در اسفراین بسال ۸۶۶ در ۸۲ سالگی در گذشت و همه دارایی خود را وقف قبر خویش کرد، و قبرش تا مدتی در آنجا زیارتگاه بود و از اوقاف وی طلاب در آنجا درس میخواندند و غذا میخوردند. آذری شاعر زبر دستی بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشت. دیوان قصاید و غزلیاتش نزدیک سی هزار شعر دارد و بجز آن مثنوی بهمن نامه را در سفر هند در دربار پادشاهان بهمنی در تاریخ این خاندان سروده و نیز مثنوی امامیه ازوست و در سفر حج کتاب معی الصفار را برای راهنمایی زوار نوشته و تاریخ کعبه را در محوطه کعبه تألیف کرده است و دیگر از مؤلفات اوست: طغرای همایون، غرایب الدنيا و عجایب الاعلا که قسمت دوم عجایب المخلوقات قزوینی را ترجمه منظوم کرده و بنام عجایب الغرایب نیز معروفست، مثنوی ثمرات، جواهر الاسرار در اسرار حروف که در ۸۴۰ پایان رسانده است، مفاتیح الاسرار در تصوف.

۸ - مولانا حسن شاه هروی معروف بحسن شاه هزال نیز از شاعران نامی

قرن نهم بوده و در هرات میزیسته و سالها در مدرسه کوهرشاد بیکم و اخلاصیه و مدرسه عباسیه درس میگفته و در جوانی ملازم میرزا سلطان محمد بوده است و از زمان شاهرخ

تا زمان سلطان حسین بایقرا در شمار شعرای نامی بوده است و در زمان سلطان حسین قدیمترین شاعر خراسان بشمار میرفته است و همه بزرگان زمان خود را مدح و مرثیه گفته است و در ضمن شاعر هزالی بوده و بیش از صد سال عمر کرده و سرانجام در ۹۰۵ در گذشته است و گذشته از شاعری در حکمت نیز دست داشته و شرحی بر کتاب حکمة العین نوشته است .

۹ - **شهاب الدین علی ترشیزی متخلص بطوطی** نیز از شاعران نامی قرن نهم در زمان ابوالقاسم بابر میرزا بوده و از پزشکان معروف زمان خود بشمار میرفته و در هرات میزیسته و در همانجا در ۸۶۷ در گذشته است و وی قصیده را خوب میگفته و مردی ظریف و خوش منظر بوده است .

۱۰ - **لطیفی هروی** نیز از شاعران نامی این قرن بوده و پس از کسب دانش وارد حلقه تصوف شده و از مریدان شیخ شهاب الدین خیابانی بوده و مردم نیز بوی اعتقاد داشتند چنانکه علیشیر نوایی گوید که برای وی فاتحه ای خوانده است و همه فتوحاتی که بر او فراهم شده از آن فاتحه بوده است و در شاعری نیز جزو مشاهیر عصر بود چنانکه در دم مرگ مطلع غزلی ساخته که مجال نکرده است بیایان رساند و جامی آنرا تمام کرده است و سرانجام در ۹۹۹ سالگی پیش از ۸۹۶ که تاریخ تألیف مجالس الانفایس امیر علیشیرست در گذشته و در خانه ای که در ده کنار بیرون شهر هرات داشته است بخاکش سپرده اند . وی در زبان ترکی یکی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در شعر فارسی نیز دست داشته چنانکه همه قصاید مشکل استادان پیش را جواب گفته و ظفرنامه شرف الدین علی یزدی را نظم کرده و ده هزار شعر گفته ولی پاک نویسنده نکرده و ظاهراً از میان رفته است .

۱۱ - **مولانا سراج الدین بساطی سمرقندی** نیز از شاعران نامی قرن نهم بوده و در سمرقند معاصر سلطان خلیل بن امیرانشاه گورکان و نخست حصیر باف بوده و بهمین جهت در آغاز حصیری تخلص میکرده است و خواجه عصمت الله بخاری شاعر معروف چون او را دید گفت حصیری قابل بساط بزرگان نیست و او را تخلص بساطی داد و وی

در شعر پیر و سبک عصمة بوده و سبک کمال خجندی را افکار میکرده است و شبنی مغنیان در مجلس سلطان خلیل مطلعی از غزلیات او را خواندند و سلطان خلیل را خوش آمد و در پی او فرستاد و هزار دینار باو بخشید.

۱۲ - **خواجه قخرالدین عصمت‌الله بن مسعود بخاری** نیز از شاعران نامی و از خاندان معروف بوده و نسبت به جعفر بن ابیطالب میرسیده و از اعقاب خواجه حافظ کلان بوده و خواجه مسعود پدرش در بخارا احترام بسیار داشته و وی در شاعری معروف شده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و مرد دانشمندی بوده و تاریخ و ریاضیات را خوب میدانست و نخست مداح نصیرالدین سلطان خلیل بود و بهمین جهت نصیری تخلص میکرد و سلطان خلیل هم ویرا بسیار محترم میشد و همیشه همشین او بوده است تا بجاییکه بدخواهان میپنداشته‌اند که نسبت به سلطان خلیل نظری داشته و سلطان در شعر شاگرد او بوده است و وی در زمان شاهرخ از شعرای نامی بوده است و در زمان الغ بیک از شاعری چشم پوشید و الغ بیک اصرار کرد تا چند قصیده بمدح او گفت و وی پس از آن شاعری توبه کرد و همواره مجلس او مجمع شعرا و دانشمندان بود مانند بساطی سمرقندی و خیالی بخاری و برندق و خواجه رستم خوریانی و طاهر ابیوردی و پس انجام در زمان الغ بیک در ۸۲۹ در گذشت و در شعر پیر و سبک خسرو دهاوی بوده دیوانش بیست هزار شعر دارد و قصاید او در مدح سلطان خلیل و سلطان ابراهیم و لغ بیکست.

۱۳ - **شیخ جمال الدین ابواسحق احمد حلاج شیرازی** معروف بشیخ اطعمه یا بسحق اطعمه و یا احمد اطعمه از بزرگان شعرای زمان و از معاریف شیراز بوده و همیشه با بزرگان شهر حشر داشته و از ندیمان اسکندر بن عمر شیخ کورکان بوده و ظاهراً پیشه او حلاجی بوده چنانکه گویند چندی نزد میرزا اسکندر رفت و پس از چند روز که نزد او رفت پرسید درین چند روز کجا بودی گفت بگروز حلاجی میکنم و سه روز پنبه از ریش بر می‌چینم و وی ریش بسیار درازی داشته و سر انجام در ۸۳۰ یا ۸۳۷ در گذشته است و مزار او اینک در تکیه چهل تنان شیراز معروفست.

مسحوق اطعمه مبتکر سبکیست در شعر فارسی که گفتار شعرای پیشین را تغییر داده و در آنها اسامی خوراکیها و طعامها را آورده است و بنظم و نشر نیز لطایفی درین زمینه دارد و مجموعه آثار وی درین زمینه شامل دیوان اطعمه و مناظره الاطعمه اوست.

۱۴ - **مولانا بهاء الدین برندق بخاری متخلص بندیهی** نیز از مشاهیر شعرای زمان خود و مردی خوش طبع و هزل بوده و اقسام دیگر شعر را هم خوب می گفته و مداح و تربیت یافته بایقرا بن عمر شیخ بن تیمور بوده و در بخارا و سمرقند با اوزبسته و سپس با وی بخراسان و عراق آمده و زبان تند داشته و مردم از زبان او هراسان بوده اند و در زمانی که بایقرا در بلخ پیادشاهی نشست در صله مدحی که گفته بود دستور داد پانصد دینار باو بدهند و پروانچی دو بست دینار نوشت و وی قطعه ای هزل آمیز گفت و میرزا بایقرا خندید و هزار دینار دیگر باو داد.

۱۵ - **خواجه نظام الدین رستم خوریانی** نیز از شعرای نامی و از مردم خوریان روستایی در خاک بسطام و مردی خوش طبع بود و عملداری می کرد و آنچه از عملداری بدست می آورد شب بخوش گذرانی صرف می کرد و در زمانی که خواجه حافظ رازی وزیر عمر بن امیرانشاه بن تیمور بود پیشکار آن وزیر بود و وی عمل دهستان را باو سپرد و او با ببری در آنجا عیاشی میکرد و در قصیده و غزل دست داشته و دیوان او معروف بوده و در ۸۳۴ در گذشته است.

۱۶ - **مولانا بدر شروانی** از مشاهیر شعرای آذربایجان بوده و در شروان می زیسته و معروفترین شاعر دیار خود بوده است و در زمانی که کاتبی بشروان رفته است با او مشاعر کرده و برخی در شاعری او را از کاتبی بالاتر می دانسته اند.

۱۷ - **مولانا علی دردزد استرآبادی** نیز از شعرای نامی آن زمان بوده و در ساری و آمل و کیلانت شهرت بسیار داشته است و در طاعون سال ۸۴۰ زن او در گذشته و او را مرثیت گفته و ازینجا پیدا است که تا آن زمان زنده بوده

۱۸ - **پهلوان شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری** ترشیزی یکی

از معروفترین شعرای زمان خود بود و در دوستای طرق و راوش در میان خاك ترشیز و خاك نیشابور ولادت یافته و بهمین جهت هم بترشیزی و هم بنیشابوری معروف بوده است و نخست بنیشابور رفته و شاگرد سیمی نیشابوری شاعر و خوشنویس معروف آن زمان بوده است و چون در خطاطی ترقی کرد تخلص خود را کاتبی گذاشت و چون در خط و شاعری زود ترقی کرده سیمی برورشك می برد و وی بهمان جهت بهرات رفت و قصیده‌ای بر دینف فر کس در مدح بایسنقر بسبك کمال الدین اسمعیل سرود و پس از چندی از آنجا باستراباد و کیلان و آذربایجان و شروان رفت و قصیده‌ای بر دینف گل در مدح شیخ ابراهیم پادشاه شروان گفت و ده هزار دینار شروانی صلت گرفت و وی آن پول را در کارونسرای شماخی در یکماه خرج کرد و بشاعران و ظریفان و درویشان بخشید چنانکه چند روز بعد بیک من آرد محتاج بود و سرانجام از آنجا باذربایجان رفت و قصیده‌ای در ستایش اسکندر بن فرا یوسف گفت و چون قدر شعرش را شناخت قطعه‌ای در هجای او گفت و از تبریز باصفهان رفت و در حلقه مریدان صابن الدین تر که در آمد و کتابهای تصوف را پیش او خواند و پس از آن روی از جهان در کشید و اجازت گرفت و بکیلان رفت و از آنجا بطبرستان و استرآباد رفت و چندی در آن جا ماند و با دانشمندان شهر مشهور بود و در آن زمان باستقبال خمسة نظامی آغاز کرد و مرگ او را هجال نداد که بیایان رساند و در وبای عام سال ۸۳۹ در آن شهر در گذشت و در بقعه نه گوران او را بخاك سپردند. کاتبی از بزرگان شعرای زمان خود بوده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و گذشته از دیوان او که سه هزار بیت دارد آثار دیگر او بدین گونه است: گلشن ابرار در برابر مخزن الاسرار، مجمع البحرین یا ناظر و منظور، ده باب بتقلید بوستان سعدی، سی نامه یا محب و محبوب، دلبای، بهرام و گلندام، مثنوی حسن و عشق، ده نامه، حسن و گل، تجنیسات یا یا ده باب تجنیسات، کاتبی در ضمن ورزشکار هم بوده و بهمین جهت بیهلوان معروف بوده است.

خود بود و مردی محترم بشمار می رفت و با آندری مشاعره و مناظره داشت و بیشتر مداح محمد نجوکی میرزا بود و سفری با او بقندهار رفته و ساکن هرات بوده و مخصوصاً در قصیده سرایی دست داشته است.

۲۰ - مولانا سیمي نیشابوری نیز از شعرای نامی قرن نهم بود و از خوشنویسان مشهور زمان خود بشمار میرفت و در هر شش قلم دست داشت و در انشاء و ترسل و شعر و معما و نقاشی و ساختن کاغذ و مرکب و تذهیب نیز استاد بود و در ضمن مکتب دار و ادیب بود و نخست در نیشابور میزیست و سپس بمشهد رفت و چند تن از خوشنویسان زمان از آن جمله کاتبی شاعر معروف و مولانا عبدالحی خوشنویس از شاگردان وی بودند و وی از اقسام شعر تنها مطلع غزل و معما میگفت و در زمان میرزا علاءالدوله در مشهد در يك شبانروز سه هزار بیت گفت و بخط خوش نوشت و درین مدت در میان معرکه ای بود که مردم گرد آمده و دهل و نقاره میزدند و درین ضمن حتی بقضای حاجت برخاست و این ابیات شامل سه حکایت بوده و در میان آنها ابیات مصنوع هم بوده است و نیز در باره او نوشته اند که در شبانروز دوازده من طعام و میوه میخورد.

۲۱ - مولانا محمد یحیی بن سیبک فتاحی نیشابوری نیز از بزرگان شعرای این زمان بود و مردی دانشمند بشمار میرفت و در بیشتر از علوم دست داشت و در زمان شاهرخ از مشاهیر عصر خود بود و مخصوصاً در شعر و خط معروف بود و در ضمن مردی قانع و از ملازمت مردم گریزان بود و سرانجام در ۸۵۲ در گذشته است و وی بنظم و نشر آثار چند دارد از آن جمله: تعبیر نامه منظوم، منظومه دستور عشاق معروف بحسن و دل که در ۸۴۰ پایان رسانده، شبستان نکات و گلستان لغات که در ۸۴۳ تألیف کرده است، کتاب اسراری و خماری شامل اشعاری در اسامی اغذیه که از شعرای سلف تضمین کرده، شبستان خیال نظم و نثر، انشاء المصنوعه، روضه بوستان، خماریات، رساله البسه، اسرار نامه، و بجزین چند دهنامه نظم کرده و دیوان اشعار او نیز بدست است.

۲۲ - کمال الدین حمین بن غیاث الدین محمد شیرازی فارسی معروف بکمال غیاث یا ابن غیاث یا ابن غیاث الدین از شعرای نامی فارس در قرن نهم بوده

و بقصه خوان معروف بوده است و با ابراهیم سلطان تیموری معاصر بوده و مردی خوش سخن و لطیف منظر بود و در شهر شیراز در میدان سعادت در وقت نماز دیگر بساط میفکند و بسخن کوبی و مناقب خوانی مشغول میشد و ادویه میفروخت و از کتاب جاماسب نامه و احکام سخن میگفت و مردم باو معتقد بودند و هر روز ازین رهگذر مبلغی در آمد داشت و در ضمن از ورزشکاران و کشتی گیران زمان خود بود و در مناقب ائمه قصاید غرا میسروده است ولی با اینهمه تعصب نمیورزید و در ضمن مردی صوفی مشرب بود و اشعار عارفانه ازو مانده است و سرانجام در ۸۴۸ در گذشته و آنچه ازو مانده برخی غزلیات و قصایدیست که در مناقب ائمه و بمشرب عرفا سروده است و نیز منظومه‌ای بنام تشریح البدن گفته و ازینجا پیدااست که طبیب ماهر نیز بوده است.

۲۳ - مولانا بدخشی از جمله شعرای نامی ماوراءالنهر در قرن نهم بوده و در زمان الغ بیک در شهر سمرقند میزیسته است و پادشاه و بزرگان زمان او را در شاعری بر دیگران مقدم میشمردند و قصاید غرا در مدح الغ بیک سروده است و دیوان وی در ماوراءالنهر معروف بوده است.

۲۴ - مولانا احمد بن موسی خیالی بخاری نیز از شعرای نامی ماوراءالنهر و معاصر الغ بیک بود و چندی هم در هرات زیسته است و در شعر از شاگردان عصمت بخاری بشمار میرفته است و غزل را نیکو میسروده و دیوان غزلیات او در دو هزار بیت بدستست و نیز حاشیه‌ای بر تجرید الکلام نوشته و در ۸۷۰ در گذشته است.

۲۵ - مولانا سودایی ایبوردی معروف بیابا سودایی از مردم ایبورد در خاک خاوران بوده و بهمین جهت در آغاز خاوری تخلص میکرده و در ایبورد دهی داشته بنام سنگان و همیشه در آنجا میزیسته است و مردی عارف مشرب و وارسته بود و با شاهرخ و با یسنغر معاصر بود و اشعاری در مدح ایشان سروده است و در نزد هر دو محترم بوده و عاقبت در همان روستای سنگان در ۸۵۳ در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و درین موقع سن او بیش از ۸۰ بود. وی از شاعران صوفی مشرب بود و قصیده و غزل را خوب میگفت و مخصوصاً غزل او همه جا با افکار عارفانه آمیخته است و اشعاری هم در

مناقب ائمه سروده است .

۲۶ - مولانا طالب جاجرمی نیز از معارف شعرای قرن نهم و از کدخدازادگان

جاجرم بود و در جوانی بفارس رفت و در شیراز شهرت یافت و بدستگاه عبدالله بن ابراهیم سلطان پیوست و مثنوی کوی و چوگان را بنام او سروده و از وصله و نوازش یافت و وی در شاعری شاگرد آذدی و مردی شیرین سخن و معاش بود و صلاتی را که میگرفت باندک زمان از دست میداد و سی سال در شیراز ماند و در ۸۵۴ در گذشت و نزدیک مزار حافظ در مصلی او را بخاک سپردند و بجز مثنوی کوی و چوگان دیوان غزلیات او نیز معروفست .

۲۷ - امیر آق ملک بن جمال الدین فیروز کوهی شاهی سبزواری

یکی از بهترین غزل سرایان قرن نهم بود . اجدادش از امیران سریداری بودند و وی خواهر زاده خواجه علی مؤید از امرای این سلسله بوده و در زمان شاهرخ میرزا که این سلسله منقرض شد وی بخدمت بایسنغر میرزا پیوست و املاکش را که در انقراض سریداریان ضبط کرده بودند بوی پس دادند و ندیم خاص بایسنغر شد و با او بهرات رفت و در همان میان پس از چندی از خدمت وی اعراض کرد و بگوشه نشینی رفت و از حاصل مختصر ملکی که در سبزوارد داشت زندگی میکرد و در همانجا روزگار میگذراند و در زمان خود بسیار محترم بود و نیز مردی هنرمند بود چنانکه خوشنویس و نقاش زبردست بود و در موسیقی هم دست داشت و عود را خوب میزد و در معاشرت نیز معروف بود . سرانجام در زمان بابر میرزا که برای نقاشی کوشک گل افشان او را باسترآباد برده بودند در آنجا بسال ۸۵۷ در گذشت و سن او بیش از ۷۰ بود و جنازه او را از استرآباد بسبزواری بردند و در بیرون شهر در خانقاهی که سر راه نیشابور پنداشت ساخته بودند و مرقدشان در آنجا بود بخاک سپردند . امیر شاهی یکی از بزرگترین غزل سرایان قرن نهم ایران بود و غزلیات عاشقانه بسیار خوب سروده است و دیوان غزلیات او نزدیک به هزار بیتست که خود از ۱۲ هزار شعر خویش انتخاب کرده است .

۲۸ - مولانا تاج الدین حسن بن علی سلیمی تونی سبزواری نیز از مشاهیر

شعرای قرن نهم بوده و مردی سلیم و نیکو نهاد بشمار میرفته و شاعری زبردست بوده و



در مدح ائمه قصاید غرا سروده است و مخصوصاً ولایت نامهای او معروفست و وی از مردم تون و ساکن سبزوار بوده و در آغاز کار عمل داری میکرد و روزی برائی بیجا بر بیوه زنی بنوشت، آن زن نزد او رفت و گفت: این برات تا موجه بحکم که بر من نوشته‌ای؟ گفت: بحکم سید فخرالدین وزیر، گفت: اگر روز رستاخیز دامت بکیرم و تو گویی که بحکم سید فخرالدین ظلم کرده‌ام خدا از تومی پذیرد؟ این سخن دردی در نهاد او افکند و قلم و دوات را زیر سنگ گذاشت و شکست و توبه کرد که گرد حرام خواری و عمل داری نکرد و از آن پس جزو صالحان و درویشان بود و بحج و زیارت اماکن مقدس رفت و سرانجام هنگامی که عازم مشهد بود در ولایت جهان وارغیان در ۸۵۴ در گذشت و جسد او را بسبزوار بردند و در آنجا بخاک سپردند. سلیمی شاعر توانایی بوده و برخی قصاید او باقی مانده از آن جمله قصیده‌ایست که در راه مشهد در ۲۷ رجب ۸۴۷ سروده است و بتقلید قصیده حسن کاشیست.

### ۲۹ - محمد بن حسام الدین خوافی قهستانی معروف بابن حسام از معاریف

شاعران قرن نهم و مردی بسیار زاهد از مردم قهستان بوده و در قصبه خوسف در قهستان میزیسته و دهقانی میکرده و از آن راه گذران خود را اداره میکرده است و هر روز که بکشت زار میرفته از بامداد تا شام اشعاری را که می سروده بردسته بیل می نوشته و در ضمن از اصحاب صدرالدین محمد رواسی بوده و سرانجام در ربیع الآخر ۸۷۵ در همان قصبه در گذشته و اینک قبر او در روستای خوسف در قاین در کنار رودی و در میان دشت با صفایی معروفست. وی را دیوان قصایدیست در ستایش ائمه که در آن استادی او آشکارست و نیز مثنوی خاوران نامه را بیحرف متقارب در شرح غزوات علی بن ابیطالب سروده و در ۸۳۵ پایان رسانده و بنام خاورنامه نیز معروفست و شعر عربی را نیز نیکو میسروده است.

### ۳۰ - مولانا محمود عارفی هروی نیز از شاعران نامی قرن نهم بوده و در

حدود سال ۷۹۱ ولادت یافته است و مدایح پادشاهان و امرای زمان خود را بسیار گفته اما بیشتر اختصاص داشته است بمدح خواجه پیر احمد بن اسحق و از شاعران نامی زمان شاعر رخ بوده و در ضمن مردی عابد و یارسا بوده و بهمین جهت سلمان ثانی معروف

بوده است و در ضمن در طریقه حنفی تعصب داشته و در هرات بسال ۸۵۳ در گذشته است عارفی شاعر زبردستی بوده و در غزل و مثنوی مهارت داشته و گذشته از دیوان غزلیات آثار دیگری از او مانده است از آن جمله کوی و چو کان یا حالنامه که در ۸۴۲ پیایز و سائده و شامل ۸۰۰ بیت است که ۱۵ روزه سروده است ، منظومه‌ای در فقه حنفی شامل مالا بد مذهب امام ابوحنیفه ، ده نامه بنام خواجه پیر احمد بن اسحق .

۳۱ - **مولانا جنونی اند خودی** نیز از شعرای نامی زمان خود و اصلاً از مرد اند خود بوده ولی در هرات میزیسته است و از مردان ظریف و خوش طبع زمان خود بشمار میرفته و امرای زمان و مردم روزگار با او اقبالی داشته‌اند و مخصوصاً امیر غیاث الدین سلطان حسین بن فیروز شاه بدو معتقد بوده و وی بهزل بیشتر مایل بوده و با حافظ تربتی مهاجرات رکیک داشته و غزل را هم نیکو میسروده است .

۳۲ - **مولانا ضیاء الدین یوسف امیری بدخشالی** نیز از شعرای نامی زمان خود در ماوراء النهر و معاصر شاهرخ بوده و همواره بعزت میزیسته و امرای و ارکان دولت او را محترم میداشته‌اند و قصاید غرا در مدح شاهرخ و فرزندان او از آن جمله بایسنغر سروده است ولی تخصص او در شعر ترکی بوده و پیش از ۸۹۶ که زمان تألیف مجالس النقایس باشد در بدخشان در گذشته و در ارهنگک و سر در خاک بدخشان او را بخاک سپردند .

۳۳ - **خواجه فخر الدین اوحید مستوفی سبزواری** از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و مخصوصاً در احکام نجوم و شعر و خط و استیفا و انشا و طب و تاریخ معروف بود و از اعیان سبزوار بود و خاندان او که بخاندان مستوفیان معروف بودند از مشاهیر آن شهر بشمار میرفتند و با این همه مردی درویش مسلک بود و با ظریفان معاشرت داشت و اوقات را بمباحث علمی میگذراند و هزار مجلد کتاب عربی و فارسی گرد آورده و آنها را بخط خود اصلاح کرده بود و امرای اطراف برای او هدایایی میفرستادند و او همه آنها را با مردم صرف میکرد و همیشه خانه او مجتمع دانشمندان بود و سرانجام در ۸۱ سالگی بسال ۸۶۸ در گذشت و چون مجرد بود از وی فرزند نماند ، اما مولانا غیاث الدین محمد سبزواری که از دانشمندان زمان و از خویشاوندان وی بود در خانه او

همان زندگی را دنبال کرد. خواجه اوحد شاعر زبردستی بوده و در سرودن قصیده دست داشته و قصاید غرا در مدایح ائمه گفته است و در ضمن از شعرای مداح سلطان حسین بایقرا و میر علیشیر بشمار میرفته است.

۳۴ - **امیر امین الدین نزلابادی** نیز از شعرای قرن نهم و از مردم نزلاباد در خاک بیلق و مردی ظریف و خوش طبع بود و در شاعری با خواجه علی شهاب و کاتبی رقابت داشت و در قصیده و غزل و مخصوصاً مثنوی زبردست بود و چند مثنوی سروده است از آن جمله شمع و پروانه بنام مصباح القلوب و عقل و عشق بنام سلوة الطالبین و مثنوی فتح و فتوح و در شعر امین تخلص میکرده است.

۳۵ - **درویش قاسمی تونی** هم از شاعران نامی این قرن و شاعری شیرین سخن و وارسته بوده و همیشه در سفر بود و گرد مناصب می‌گشت و در بند شهرت نبود و در تون میزیست و غزل را نیکو میسروده است.

۳۶ - **صاحب شریفی بلخی** نیز از شاعران نامی زمان خود بوده و مردی دانشمند بشمار میرفت و در موسیقی و طب و جز آن دست داشت و در زمان سلطان ابوسعید میزیست و مداح پادشاهان بدخشان و سادات نرمن و از آنجمله امیر سید علی اکبر ترمذی بود و شریفی تخلص میکرد و قصیده و غزل را نیکو می‌گفت و در ۸۶۰ در گذشت.

۳۷ - **خواجه منصور قرا بوقه طوسی** از شاعران نامی زمان خود و مردی خوش طبع بود و غزل را نیکو می‌گفت و در زمان شاهرخ ملازم علاءالدوله بود و از جانب او بعمل داری و لایات بزرگ میرفت و از اعیان طوس بود و همیشه از شاعران و ظریفان نگهداری می‌کرد و در ضمن مردی بدسرشت بود و پس از مرگ شاهرخ صاحب دیوان امیر محمد خدایداد شد و اختیار بسیار بهمزد. پس از چندی امیر محمد خدایداد بر و خشم آورد و او را در بند افکند و مصادره کرد و وی در زندان بیمار شد و روبه مرگ رفت و در دم مرگ بی‌بی برای امیر محمد فرستاد و وی بر سر بالین او رفت و عذر خواست اما فردای آنروز در سال ۸۵۴ در گذشت و وی در غزل دست داشت.

۳۸ - **مولانا عبدالله طوسی** نیز از شاعران غزل‌سرای معروف این زمان بوده

و در زمان بابر سلطان مشهور شد و آن پادشاه او را می نواخت و پس از مرگ او با آذربایجان و از آنجا عراق آمد و امیر جهان شاه و پیر بوداق از او دستگیری کردند و مدنی مدبدرین نواحی بود و از آنجا بشیر از رفت و سرانجام در آن شهر در زمان سلطان حسین بایقرا بسال ۸۶۹ در گذشت و عمر او بعد رسیده بود . طوسی از غزل سرایان نامی زمان خود بوده و در غزلیات خود امثال بسیار بکار میبرد به همین جهت شعرش بسیار پسندیده بوده است و در ضمن مردی خوش طبع و خوش معاشرت بوده و بجز نثر چیزی دیگر نمی گفته و دیوان غزلیات او شامل هزار بیت بخط یکبار در بمبئی و بار دیگر در طهران بنام خواجه نصیرالدین طوسی چاپ شده است .

۳۹ - **امیر شرف الدین رضا سبزواری** از مردم سبزواری و از خاندان معروف سادات عریضی بود و در زمان سربداریان و مخصوصاً در زمان حکمرانی خواجه علی مؤید پدران او وزارت داشته اند و خود در زمان شاهرخ در سبزواری مأموریت دیوانی داشته و بر همه کس مقدم بوده است و پس از آن بهرات رفت و در زمان وزارت خواجه غیاث الدین پیر احمد وزیر سلطان حسین بایقرا تقصیری کرد و چندی در بند ماند و سرانجام در زمان حکمرانی امیر بابا حسن قوچین که موکلان او مبلغی از وی مطالبه میکردند بر دست آنها در ۸۵۶ کشته شد . شرف الدین رضا شاعر توانایی بوده و غزل را نیکو میسروده است .

۴۰ - **حافظ حلوائی** نیز از معاریف شعرای زمان شاهرخ بوده و غزل را نیکو میسروده و حافظ حلوائی تخلص میکرده است .

۴۱ - **مولا ناقبری نیشابوری** نیز از شاعران نامی این قرن و مردی عامی بوده اما در شاعری دست داشته و قصیده را نیکو میسروده است و قصاید بزرگان شعر را استقبال میکرده و مداح سلطان بابر بوده و در پایان زندگی چندی در مشهد و چندی هم در هرات ساکن بوده و پیش از تألیف مجالس النقایس یعنی پیش از ۸۹۶ در گذشته و در نیشابور او را بخاک سپردند .

۴۲ - **مولا نا ظاهر بخاری معروف بشیخ زاده** هم از شاعران نامی این زمان

بوده و در زمان سلطان بابر بهرات رفته و با دانشمندان آن شهر محشور شده و مردی خوش طبع بوده و شعر و مخصوصاً غزل را نیکو میسروده چنانکه وقتی غزلی گفته بود که بسیار پسندیده افتاد و بیشتر شاعران آن را استقبال کردند و سرانجام در ۸۶۹ در گذشته است.

۴۳- **طاهری ابوردی** نیز از شعرای نامی خراسان در قرن نهم و در زمان سلطان بایسنغر بوده و غزل را نیکو میسروده است.

۴۴- **مولانا ولی قلندر هم** از شاعران نامی خراسان درین زمان و از جمله شاعران دستگاه محمد بایسنغر و بابر میرزا بوده و در زمانی که پیر بدایغ میرزا بهرات رفته و شاعرانی چند را با خود بشیراز برده است وی نیز با ایشان همراه بوده و سرانجام پیش از تألیف مجالس النقایس یعنی پیش از ۸۹۶ در شیراز در گذشته و در همانجا مدفون شده است. میر علیشیر در مجالس النقایس گوید خیره و دلیر و بی حیا بود و شعرش بیدی شهرت داشت و شاعر غزل سرای بوده و در شعر ولی تخلص میکرده است.

۴۵- **امیر یار بیک سیفی** از امرای بزرگ دربار شاهرخ بوده که تا زمان سلطان حسین میزیسته و جدش امیر جهان ملک از امرای نامی دربار تیمور بوده است و تا زمان شاهرخ از امرای بزرگ بشمار میرفت و وی در زمان شاهرخ امارت موروثی یافت و در زمان بابر سلطان دست از کار دیوانی شست و گوشه گیر شد و همیشه با دانشمندان معاشر بود و سرانجام در ۸۷۰ در گذشت و شاعری توانا بود و غزل را نیکو میسرود و سیفی تخلص میکرد.

۴۶- **خواجہ محمود برسه نیشابوری** نیز از شاعران نامی خراسان بوده و در زمان علاء الدوله میرزا در نیشابور میزیست و سپس به مشهد رفت و گویند مردی خود پسند بود و به همین جهت شعرای زمان از وی رنجیده بودند و او را هجا می گفتند و ناچار از خراسان به بدخشان رفت و سلطان محمد بدخشانی که مردی دانش دوست و از شاعری با خبر بود او را نواخت و از صلاتی که با و داد مالدار شد و بیازرگانی پرداخت چندانکه در زمان سلطان ابوسعید در باغ زانغان هرات جشنی ترتیب داده بود و شعرا مدایحی برو میخواندند. او هم قصیده ای ساخته بود که پسندیده افتاد و سرانجام در ۸۷۲ در گذشت.

وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و ده نامه بنام علاءالدوله میرزا سروده که در آن صنایع شعری بکار برده است .

۴۷- **امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی جغتایی معروف بشیخ سهیلی**  
 یا شیخ بیک از معاریف رجال قرن نهم و پس از میرعلیشیر نوایی معروف ترین و محترم ترین امرای دربار سلطان حسین بایقرا درهرات بود و خاندان وی محترم ترین خانواده اوس جغتای بشمار میرفته و مخصوصاً در زمان شاهرخ کارهای مهم داشته اند و وی در جوانی از اعیان دربار سلطان ابوسعید بود و در شاعری در نزد آذری شاگردی کرده و از آذری خواسته است که وی را تخلص بدهد و آذری کتابی بدست داشته و با آن تغال کرده و در آغاز صحیفه سهیل آمده و بهمین جهة سهیلی تخلص کرده است و وی در دو زبان ترکی و پارسی غزل را نیکو می گفته و در هر دو زبان دیوان غزلیات دارد و در ضمن مردی افتاده و متواضع و درویش دوست و دانش پرور بوده و دانشمندان زمان از او بهره مند میشدند و حسین کاشفی کتاب معروف انوار سهیلی را بنام او پرداخته است و سرانجام در ۹۰۷ در گذشته است .

۴۸- **خواجه افضل الدین محمود بن ضیاء الدین محمد کرمانی از بزرگان**  
 وزرای قرن نهم بشمار می رفت . پدر و نیا کانش از بزرگان کرمان بودند و وی در زمان سلطان ابوسعید با خواجه برهان عبدالحمید وزیر وصلت کرد و با او بسر برد و بوسیله وی در دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و چون لیاقت وی پدیدار شد مستوفی دیوان شد و سرانجام در ۸۷۸ بوزارت رسید و علیشیر نوایی از و پشتیبانی میکرد . سپس در ۸۹۲ که خواجه مجدالدین محمد در مرو بوزارت رسید و وی هراسان شد بیهانه وصول مالیات باستر اباد نزد علیشیر رفت و علیشیر بوسیله خواجه غیاث الدین محمد دهمدار پیغام داد و از و شفاعت کرد ولی مؤثر نیفتاد و مجدالدین در صدد کشتن او بود و سلطان حسین حکمی صادر کرد و ویرا از استر اباد خواست و افضل الدین راه عراق و آذربایجان را پیش گرفت و سلطان یعقوب بیک بوی مهربانی کرد و وی چندی در تبریز ماند و سپس عازم حج شد و سلطان یعقوب امارت حج را با و داد و در ۸۹۳ بحج رفت و آنچه از اموال

خود از خراسان همراه برداشته و سلطان یعقوب باو داده بود همه را درین سفر خرج کرد و در بازگشت از حج باز چند سال در عراق ماند تا اینکه در ۹۰۳ شنبه که سلطان حسین و میرعلیشیر یاد از وی می‌کنند و باوجود دشمنانی که داشت آهنگ هرات کرد و سرعت خود را بدان شهر رسانید و یکروز باعداد درباغ جهان آرای پدیدار شد و سلطان حسین و علیشیر شاد شدند اما نظام المملک خوافی وزیر باز قصد جان او داشت و علیشیر همچنان از حمایت می‌کرد تا اینکه نظام المملک معزول شد و وی دوباره بوزارت رسید و پس از چندی باز بر مقام او افزوده شد و لقب اشرف دیوان را باو دادند و پس از آن جزو امرای دیوان شد و برادران و نزدیکانش نیز بمنصب امارت رسیدند از آن جمله پسرش ضیاء الدین محمد که همنام و لقب جدش بود در دستگاه میرزا مظفر حسین که پسر مهتر سلطان حسین بود رتبه امارت یافت و افضل الدین خود چندی با امیر مبارز الدین محمد که از امرای بزرگ دربار بود سازش داشت اما سرانجام در میانشان اختلاف افتاد ولی او هم چنان در مقام خود ثابت بود و کارش بدرجه‌ای رسید که چون مدرسه و خانقاهی در بیرون دروازه عراق در خارج شهر هرات ساخته بود و روزی که پایان رسید سلطان حسین و پسرانش میرزا بدیع الزمان و میرزا مظفر حسین و بزرگان شهر بدعوت او بدانجا رفتند و وی در آن روز نه تن از بزرگان شهر را بتدریس آن مدرسه گماشت و پس از آن يك بار هم سلطان حسین را بخانه خویش دعوت کرد و وی هم پذیرفت اما پیش از آنکه آن دعوت صورت بگیرد بیمار شد و در ۱۴ رجب ۹۱۰ از آن بیماری درگذشت و بدیع الزمان میرزا و مظفر حسین میرزا و همه بزرگان شهر در جنازه او حاضر شدند و وی را در گازرگاه هرات نزدیک تربت خواجه عبدالله انصاری در مدرسه‌ای که خود ساخته بود بخاک سپردند و پس از مرگش هر چه داشت ضبط دیوان شد. خواجه افضل الدین مرد نیکوکار دانش پروری بود و همیشه در کسب دانش و پرورش دانشمندان کوشید و در هرات مسجد جامع و مدرسه و خانقاه ساخته است و در شعر نیز دست داشته و قصاید نیکو میسروده و در غزل نیز توانا بوده است.

۴۹ - خواجه آصف آصفی هروی شیرازی از مشاهیر شاعران این قرن

بود. پدرش خواجه نعیم الدین نعمه الله بن علاء الدین قهستانی هروی وزیر سلطان ابوسعید و جدش مشرف خزانۀ پادشاهان تیموری و مردی نیکو کار و نیکو خواه بود و وی از بزرگان زادگان محترم هرات و دربار سلطان حسین بشمار مبرفت و سلطان حسین و علیشیروی را محترم میداشتند و در ضمن از شاگردان و مریدان جامی بود و چندی هم در شیراز مانده به همین جهة بشیرازی هم معروفست و سرانجام در هرات در ۱۶ شعبان ۹۲۱ در گذشت. آصفی از شاعران زبردست زمان خود بود و قصیده و غزل و مثنوی را نیکو میسروده است و گذشته از دیوان قصاید و غزلیاتش که معروفست منظومه‌ای بتقلید مخزن الاسرار نظامی سروده است

- ۵۰ - امیر حسین جلایر از امیرزادگان و شعرای نامی دربار سلطان حسین بایقرا بود. پدرش امیر مبارزالدین علی بیك جلایر نیز از امیران معروف سلسه جلایر از الوس جغتای بود و در زمان ابوالقاسم بابر رتبه امارت داشت و در زمان ابوسعید با هم ترقی بیشتر کرد و نیز در دستگاه یادگار محمد میرزا صاحب اختیار بود ولی وی پیرامون کارهای خانوادگی نگشته و مردی وارسته و صوفی مشرب بود و در ضمن مردی دانشمند بشمار میرفته و در شاعری دست داشته و قصیده و غزل را نیکو میسروده و قصایدی در مدح سلطان حسین بایقرا گفته و در قصیده سرایی در زمان خود بر دیگران مقدم بوده است و سلطان حسین بیاس این مدایح حکمرانی برخی از ولایات را باو داد و وی در فرامین دربار مهر میزد و منصب پروانه و نایب گرفت و در شعر طفیلی تخلص میکرد.
- ۵۱ - ابوعلی حسین بن حسن مراغی متخلص باشرف معروف بدرویش اشرف از شاعران پرکار قرن نهم و معاصر بایسنغر و پسرش سلطان محمد بوده و ظاهراً در آذربایجان میزیسته است و سرانجام در ۸۵۴ در گذشته است و وی کتابهای متعدد بنظم فارسی پرداخته است از آن جمله دیوان قصاید و غزلیات وی شامل چهار مجلدست:
- ۱ - عنوان الشباب ، ۲ - خیر الامور ، ۳ - باقیات الصالحات ، ۴ - مجددات التجلیات و گذشته از آن چندین مثنوی سروده است : ۱ - ترجمه منظوم صد کلامه علی بن ابی طالب ، ۲ - منهج الابرار در برابر مخزن الاسرار که در ۸۳۲ پایان رسانده ، ۳ - شیرین و خسرو



انام در ۸۳۶ ، ۴ - لیلی و معجون انام در ۸۴۲ ، ۵ - هفت او رنگ بنام عشق نامه ،  
۶ - باسکندر نامه یا ظفر نامه انام در ۸۴۸ .

۵۲ - عزیز الله زاهدی متخلص بعزیز نیز از شاعران این قرن بود و منظومه ای در معاشقات سروده است که در ۸۱۰ پایان رسانده و خود در مقدمه آن گوید که بهرات رفته است و این منظومه شامل هزار بیت است که در همه آنها تجنیس نام و ایهام و صنایع دیگر را رعایت کرده و همه ابیات را ذوقافیتین سروده است .

۵۳ - کمال الدین شیرعلی بنایی هروی از شاعران نامی این زمان است . پسر معماری از مردم هرات بود و بهمین جهت بنایی تخلص میکرد . در جوانی جزو شاعران دستگاه علیشیر نوایی در آمده بود و گویند علیشیر بر وی رشک میبرد و چون هزال بود و مردم را بزبان هروی هجوم میکرده علیشیر از ورنجیده و وی بدر بار سلطان یعقوب آق قوینلو رفته و پس از چندی بهرات باز گشته و با علیشیر آشتی کرده ، اما چندی نگذشته است که باز میانه ایشان بهم خورده و این بار بماوراء النهر رفته و در سمرقند نزد سلطان علی میرزا بن سلطان احمد میرزا بن سلطان ابوسعید رفته و قصیده ای بزبان مروزی بنام مجمع الغرایب در مدح او گفته و نزد وی مقرب شده و در آن دیار مانده است و زمانی هم مداح محمود سلطان بود و سپس که شیبک خان بسمرقند استیلا یافته او را زندانی کرده و پس از کشتن شیبک خان در خدمت تیمور سلطان پسر او بود و در زمان استیلای محمد خان شیبانی منصب ملک الشعرا یی دربار او را یافته و بهمین جهت سرانجام در ۹۱۸ که بهرات باز گشته بود در زمانی که امیر نجم ثانی فرمان شاه اسمعیل صفوی قرشی را قتل عام کرد او هم در آن میان کشته شد . بنایی از شاعران زبردست زمان خود بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشته و نخست حالی تخلص میکرده و در آن موقع دیوان حافظ را استقبال کرده است و اینک دیوان قصاید و غزلیات او شامل شش هزار بیت بدست است و جز آن مثنوی باغ ارم یا بهرام و بهروز را بنام سلطان یعقوب در سفر آذربایجان که هنوز حالی تخلص میکرده سروده است و مثنوی دیگری بنام شیبانی نامه سروده است شامل فتوحات و مناقب محمد خان شیبانی و در پایان عمر

بموسیقی پرداخته و آهنگ ساز زبردستی شده است و نیز مشرب تصوف داشته و خوشنویس هم بوده است .

۵۴ - سید نظام الدین محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی معروف بداعی الی الله یا شاه داعی و متخلص بداعی از بزرگان عرفای قرن نهم بود . در ۸۱۵ ولادت یافت و در جوانی بطریقه تصوف وارد شد و از پیروان معروف طریقه نعمه اللهی و از اصحاب شاه ولی بود و سفرهای چند کرد و سرانجام در ۸۶۹ در شیراز در گذشت و قبرش هم اکنون زیارتگاه است . وی مؤلف عدّه کثیری کتابها و رسائل بنظم و نثر فارسیست و از آن جمله است : مثنوی شاهد که در ۸۶۵ نظم کرده ، کلمات باقیه ، دیباجه جمال و کمال ، ترجمه رساله محیی الدین ، رساله او رادناج نامه ، شرح برخی از اشعار عطار بنام اصطلاحات در البحار فی معنی بیت العطار ، مثنوی چهل صباح ، مثنوی کنج روان ، مثنوی چهار چشمه زندگانی ، عشق نامه ، نسایم گلشن شرح گلشن راز ، کلیات قصاید و غزلیات که در ۸۶۰ جمع کرده است ، رساله خیرالزاد ، محاضر السیر فی احوال خیرالبشر نظم و نثر ، بیان عیان فی الحقایق ، جواهرالکنوز در شرح رباعیات سعدالدین حموی ، نظام و سرانجام ، رساله الفراید فی نقل العقاید ، اشاره الثقال ، ترجمه الاخبار العلویه ، مرآت العلویه ، مرآت الوجود ، چهارمطلب لطایف راه روشن ، شرح مثنوی ، اسوة الکسوه ، تحریر الوجود المطلق ، تحفة المشتاق ، رساله شجریه ، التلویحات الحرمیه ، رساله اصطلاحات ، رساله اوراد ، رساله قللهانیه ، ثمره الحبیب ، جواهرالکنوز ، مثنوی چهار چمن ، رضائیه ، سلوة القلوب ، طراز الایاله ، قلب و روح ، کشف المراتب ، کمیلیه ، لمعه ، مثنوی مرشد الرموز ، مثنوی مشاهد ، معرفة النفس ، رساله ولایه و کلیات اشعار او باشش مثنوی شامل پنجاه هزار بیت است .

۵۵ - امیر هما یون اسفراینی متخلص بهمایون از غزل سرایان معروف قرن نهم بود . نخست در خراسان می زیست و سپس بآذربایجان رفت و در تبریز مداح قاضی عیسی و سلطان یعقوب بود و پس از مرگ سلطان یعقوب بکاشان رفت و در آنجا بسال ۹۰۲ در

گذشت . همایون از غزل سرایان زبردست قرن نهم بود و غزل را شیرین و سوزناک می گفت و دیوان غزلیات او در حدود دوهزار بیت است .

#### ۵۶ - فضل الله جمالی دهلوی از معارف شعرای متصوف هندوستان و از اصحاب

شیخ سماء الله دهلوی عارف متوفی در ۹۰۱ بود و خود در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیست و سفرهای بسیار کرد از آن جمله در هرات بدیدار جامی نایل شد و شرح این سفرها را در سفرنامه خود ثبت کرده است و در ضمن از مشایخ بزرگ زمان خود بشمار میرفته و در ۹۲۲ یا ۹۲۵ در گذشته و قبرش در جنوب شرقی قطب منار نزدیک دهلوی هم اکنون زیارتگاه است و وی گذشته از سفرنامه آثار دیگر دارد از آن جمله : مثنوی بیان حقایق احوال سید المرسلین شامل دو قسمت : قسمت اول بنام مصباح الارواح و قسمت دوم بنام شرح الواصلین که در ۸۶۸ مشغول نظم آن بوده است و مرآت المعانی بوزن مثنوی .

#### ۵۷ - مکتبی شیرازی از مشاهیر شعرای مثنوی سرای ایران بشمار میرود .

از جزییات احوال وی اطلاع کامل نیست و همینقدر نوشته اند که در شیراز مکتب داری میکرده است ، اما آنچه از مقدمه لیلی و مجنون او برمیآید اینست که سفری به هندوستان کرده و در بازگشت از راه دریای فارس به ربستان و نجد رفته و در آنجا مرقه لیلی و مجنون را دیده و مصمم شده که این مثنوی را بسراید و در ضمن عزم داشته است مثنویهای دیگر نظامی را هم تقلید کند و لیلی و مجنون را در ۸۹۵ بیابان رسانده است و در مقدمه آن مدح خود را شاه قاسم بن منصور نام برده است و اینک مزار وی را در مسجد بردی در نزدیکی شیراز میدانند که کتیبه ای در آنجا بنام مظفرالدین ابونصر سلطان حسن بهادرست که تاریخ ۸۷۵ دارد . مکتبی ظاهراً غزلیاتی هم داشته که برخی از ابیات آنرا در تذکره ها ضبط کرده اند اما لیلی و مجنون او که یکی از بهترین منظومه های عاشقانه زبان فارسیست و ۳۱۶۰ بیت دارد معروفست و رحلت ویرا بسال ۹۰۰ یا ۹۱۶ نوشته اند .

#### ۵۸ - مانی کاسه گر مازندرانی مشهدی نیز از شعرای نامی این زمان بوده

و پدرش کارخانه کاسه گری داشت و وی از مردم مازندران بوده ولی در مشهد و هرات

میزبسته است و از مداحان محمد حسن میرزا پسر سلطان حسین بایقرا و در خدمت او بوده و سرانجام در هرات در ۹۱۳ بدست ازبکان کشته شده و دیوان وی که در آن غزلهای لیکو بسیارست اینک بدستست .

۵۹ - مولانا نظام الدین استرابادی از معاريف شاعران قرن نهم بود که تا اوایل قرن دهم نیز میزیست و از ناماوران استراباد بود . در جوانی کسب دانش کرد و بسرودن معما آغاز کرده بود و بهمین جهة بنظام الدین معمای معروف بود و در پایان عمر بواسطه تعصبی که داشت دست از آن کار کشید و جز اشعاری که در مدح ائمه میگفت چیزی نمیسرود و سرانجام در ۹۲۱ در گذشت . وی که در شعر نظام تخلص کرده شاعر زبردستی بود و مخصوصاً قصاید و ترجیعات او شامل چهار هزار بیت در مدایح ائمه امتیاز خاصی دارد و اغلب آنها بسیار معروفست و گذشته از آن مثنوی بلقیس و سلیمان هم سروده است .

۶۰ - مولانا ریاضی ساوجی مهولاتی تربتی از شاعران نامی قرن نهم و از مردم زاو و مهولات بوده که درین زمان بربت حیدری معروفست و نخست فضای آن سرزمین را داشته و بواسطه شکایت کلاتران آن دیار معزول شده و پس از آن بشاعری پرداخته و مدتی نیز در ساوه میزیسته و بهمین جهة ساوجی هم معروف بوده است و سپس در هرات ساکن شده و از شعرای نامی دربار ابوالغازی سلطان حسین بوده و با اشاره وی فتوحات او را نظم کرده و چون در ۹۱۷ شاه اسمعیل صفوی خراسان را گرفت وی «امیر المؤمنین حیدر علی بن ابی طالب» را تاریخ آن واقعه یافت و نزد شاه اسمعیل مغرب شد و فتوحات وی را هم نظم کرد و سرانجام در ۹۲۱ در گذشت . میر علیشیر در مجالس النقایس گوید مردی مبدل الاحوال بود و کارهایی منافق قضا میکرد ، بهمین جهة معزول شد و در بند و مصادره افتاد و بسیار رنج دید و هر چه کرد نتوانست بکار خود باز گردد و در معزولی گاهی وعظ میکرد و بر سر منبر شعر خود را میخواند و از وجد و حال میگرفت و وی بیش از ۸۰ سال عمر کرده است و در غزل سرایی شاعر زبردستی بشمار میرود .

۶۱ - مولانا کمال الدین عبدالواعظ نظامی باخرزی از منشیان معروف دربار سلطان حسین بایقرا بود . پدرش جمال الدین مطهر باخرزی نیز از دانشمندان

زمان خود بشمار میرفت و وی در انشا و ترسل مهارت کامل داشت و از پیوستگان خواجه مجدالدین محمد وزیر بود. در آغاز پادشاهی سلطان حسین بتألیف تاریخ سلطنت او آغاز کرد اما چون تشبیهات و استعارات بسیار آورده بود سلطان حسین تألیف او را نپسندید و آن کار را بدیگران سپرد و سپس وی جزو خاصان دستگاه خواجه نظام الملک خوافی وزیر درآمده و خواجه کمال الدین حسین و خواجه رشید الدین عبدالملک پسران نظام الملک در انشا و ترسل شاگردان او بوده اند و وی ترسلی بنام ایشان تألیف کرده است و در ضمن شعر را نیکو می گفته و قصاید خوب سروده و نیز در هجاء دست داشته است. میرعلیشیر در مجالس النقایس میگوید بغایت سبک روح بود و خواند میرگوید از شنیدن سخنان مزاح آمیز زود متغیر میشد.

۶۲- مولانا عبداللہ ہاتفی جامی از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اواخر

قرن دهم و خواهر زاده نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف بود. در قصبة خرجرد نجام ولادت یافته و همانجا چهارباغی ساخته و در آنجا ساکن شد و مردی گوشه نشین و پارسا بود. میرعلیشیر در مجالس النقایس گوید در خدمت جامی بوده و اگرچه در جوانی فاسق و پریشان بود مرد پخته ای شد. ازینقرار مدتی در هرات در کنف تربیت جامی زیسته است و سرانجام در ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از تصرف خراسان بعراق باز میگشته و از خرجرد می گذشته برای زیارت قبر شاه قاسم انوار در آنجا درنگ کرده و در ضمن گردش بآن باغ رسیده و در رابسته دیده و از شاخ درختی که سر از باغ بیرون کرده بود وارد باغ شده و هاتفی آگاہ گشته و باستقبال او رفته و شاه پس از دلجویی بخانه او رفته و از ماحضری که داشته خورده است و ازو شعر خواسته و وی دیوان خود را بناو نموده و شاه اسمعیل شعر او را پسندیده و بنظم فتوحات خود مأمور کرده و وی هزار بیت سروده و عمرش وفا نکرده و در محرم ۹۲۷ در گذشته است و وی را در همان باغ بخاک سپرده اند. هاتفی از شاعران زبردست زمان خود بود و در قصیده و غزل و مثنوی دست داشت و بجز دیوان قصاید و غزلیات تقلید از خمسة نظامی کرده و پنج مثنوی گفته است: نمرنامه در فتوحات نیمور معروف بظفرنامه تیموری در برابر

اسکندر نامه نظامی که از روی ظفر نامه شرف الدین علی یزدی نظم کرده است ، هفت منظر در برابر هفت پیکر ، لیلی و مجنون ، شیرین و خسرو بنام میر علیشیر نوایی ، فتوحات شاهی در غزوات شاه اسمعیل معروف با اسمعیل نامه یا شاهنامه هانفی .

۶۳ - **ارجاسب اسدی طهرانی رازی** از مشاهیر شعرای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . پدرانش رئیس و کدخدای طهران بوده اند که در آن زمان قصبه ای از توابع ری بود و وی در جوانی برای کسب دانش بشیراز رفته و در زمرة شاگردان مولانا جلال الدین دوانی در آمده و علوم زمانه را فرا گرفته و بیشتر در طب دست داشته و پزشک حاذقی بوده و درین زمان نام خود را مسعود گذاشته و با بیشتر از ارکان دولت شاه اسمعیل صفوی مربوط بود و در پایان زندگی در طهران ساکن شد و در آنجا باغی ساخت و آنرا «باغ امید» نامید و بر سر همین باغ در میان وی و شیاه قوام الدین نور بخش پیشوای نور بخشیان نزاع در گرفت و در ۹۲۹ شام قوام الدین بایندر اولاد را با جمعی شبانه بر سر او فرستاد و چند زخم باو زدند و اواز آن زخمها در گذشت و در طرشت طهران او را بخاک سپردند . امیدی در قصیده و غزل دست داشته و درین دو فن از شاعران زبردست قرن نهم بشمار میرفته است و دیوان او باقیست .

۶۴ - **بابا فغانی شیرازی** نیز از مشاهیر شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . نخست در شیراز میزیست و بکار دگری اشتغال داشت و پس از چندی بآذربایجان بدر بار سلطان یعقوب رفت و کارش بالا گرفت و چون مردی صوفی مشرب بود او را بابای شعر الخطاب میکردند ، اما شرابخوار و بد مست بود و همیشه در میخانه ها بسر میبرد . پس از مرگ سلطان یعقوب در زمان شاه اسمعیل بن خراسان رفت و در شهر ایبورد ساکن شد و حکمران دیار هر روز يك من شراب و یکمن گوشت باو میداد و سرانجام کارش بجایی رسید که میخواران شرابخانه ها او را در پی کار خود باین سو و آن سو میفرستادند و با او هزل میکردند و ری از ناچاری تحمل میکرد تا آنکه بمشهد رفت و در آنجا بسال ۹۲۵ در گذشت . فغانی از شاعران زبردست زمان خود بود و قصیده و مخصوصاً غزل را بسیار خوب میگفته و در غزل سبك خاصی دارد که برقت الفاظ و شور انگیزی معانی

معروفست و قصاید وی در مناقب ائمه است و دیوان او شامل پنج هزار بیتست .

۶۵ - **خواجه مسعود قمی** از شعرای نامی زمان خود و از اعیان قم بود و منصب قضا داشته و بهمین جهت بقاضی مسعود نیز معروف بوده است و در زمان سلطان حسین بهرات رفته و از ملازمان میر علی شیر نوایی شد و چون شاعر زبردستی بود و مثنوی را نیکو میساخت سلطان حسین از وی خواست که تاریخ سلطنتش را بنظم آورد و وی منظومه‌ای سروده است که عدد اشعار آنرا باختلاف دو هزار و دوازده هزار ضبط کرده‌اند و نیز منظومه یوسف و زلیخا و مناظره شمس و قمر و تیغ و قلم را سروده است و سرانجام در هرات پیش از تألیف مجالس النفایس یعنی سال ۸۹۶ در گذشته است و وی گذشته از مثنوی در غزل هم دست داشته و شاعر زبردستی بوده است .

۶۶ - **درویش دهکی** هم از شاعران نامی این زمان و اصلاً از مردم دهک یکی از محلات شهر قزوین بود و نخست در قزوین جولاهی میکرد و در ضمن شعر میگفته و چون بشاعری معروف شده است سلطان یعقوب او را بآذربایجان نزد خود خوانده و در مجلس وی مطلعی خوانده است که بسیار پسندیده شده و از آن پس روز بروز بر پایه اش افزوده میشد تا اینکه از شعرای محترم شد . وی در غزل استاد بود و درین فن معروفست .

۶۷ - **اهلی ترشیزی خراسانی** نامش یوسف بن محمد بن شهاب و از مردم ترشیز بود و در جوانی بشاعری آغاز کرد و نخست از مداحان شاهرخ بوده و تا زمان سلطان حسین نیز میزیسته و درین زمان عاشق فریدون میرزا شده است . در باره عشق او داستائنها ساخته اند از آن جمله گویند از شدت عشق موی خود را گذاشته بود و دیوانه‌وار میزیست و پس از انقراض سلسله تیموریان تبریز رفت و چون در کمانداری بسیار زبردست بود جوانان تبریز پیش او مشق کمان کشی میکردند و سر انجام از شدت پیری گوشه گیر شد و هم در آن شهر در گذشت . اهل ترشیزی که قسمتی از پایان عمر او با آغاز عمر اهل شیرازی شاعر معروف قرن دهم مقارن بوده و بهمین جهت گاهی با یکدیگر مشبه شده اند از غزل سرایان توانای قرن نهم بوده و گذشته

از آن در جوانی منظومه‌ای بنام تحفة السلطان فی مناقب النعمان بنام شاهرخ سروده است که ترجمه و نظم کتاب المواهب الشریفه فی مناقب ابی حنیفه تألیف امام ابو الحسن بیهقی دانشمند معروف قرن ششمست و آن را در شوال ۸۳۹ پایان رسانده است و دیوان غزلیاتش شامل پنج هزار بیتست

۶۸ - الف ابدال بلخی اصفهانی نیز از شاعران معروف زمان و اصلاً از مردم بلخ بوده اما چون مدتی در اصفهان زیسته باصفهانی هم معروف شده است. نخست مطبعی تخلص می کرده اما پس از چندی بنام خود ابدال تخلص کرده و وی در آغاز کار در دربار سلطان یعقوب در آذربایجان می زیسته و چون مردی شیرین سخن بوده ظرایف او با سلطان یعقوب معروف شده است و پس از مرگ سلطان یعقوب باصفهان رفته و در زمانی که شاه اسمعیل اصفهان را گرفته است یکی از خدمتگزاران شاه اسمعیل که حبشی بود و او را کرزالدین می گفتند او را گرفته و زر از وی خواسته و هرچه وی را می زده است او در پاسخ می گفته که «الف چیزی ندارد» و چون این لطیفه را برای شاه اسمعیل گفتند و او را نزد خود خوانده و شاه اسمعیل لطایف و اشعار او را پسندیده و وی را وظیفه بر قرار کرده و ازین قرار تا اوایل قرن دهم می زیسته است و شاعری توانا بوده و مخصوصاً در هزل و هجا دست داشته است.

۶۹ - مالی شیرازی نیز از شاعران معروف این زمان بوده و نخست برزگری می کرده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده است و درین فن معروف شده و پس از آن در زی سپاهیان وارد شده و در زمان شاه اسمعیل بمراغ عالی رسیده ولی بسعایت امیر نجم زرگر در آذربایجان کشته شده و در قبریز او را بخاک سپردند و وی در غزل سرایی شاعر زبردستی بوده و غزل عارفانه را بسیار خوب می سروده است.

۷۰ - حیدر کلیچه پز هروی نیز از شاعران معروف اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود. در اوایل در هرات کلیچه پزی می کرده و پس از آن بشاعری پرداخته ولی عامی بوده و بیشتر معنی سخنان خود را نمی فهمیده است و در ضمن درویش مسلک بوده و گاهی برای تجارت به هندوستان میرفته است و قصیده و غزل می سروده



اما در غزل بیشتر دست داشته و دیوانش نزدیک ده هزار بیت می‌شده است .

۷۱ - **ضیایی اردوبادی** از مشاهیر شعرای آذربایجان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در جوانی بخراسان رفته و از ملازمان دستگاه میرعلیشیر شده و در ۹۲۷ در گذشته و شاعر زبر دستی بوده و در قصیده و مخصوصاً در لغز دست داشته

۷۲ - **درویش حسامی قراکولی خوارزمی** نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و اصلاً از مردم خوارزم بوده اما در قراکول از توابع بخارا می‌زیسته و مردی درویش مشرب و وارسته بوده و در ۹۲۲ در گذشته و در آن زمان از بهترین شعرائی ماوراءالنهر بود و غزل را نیکو می‌گفته است .

۷۳ - **مهدی استرابادی** نیز از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و برادر نظام الدین استرابادی شاعر معروف آن زمان و مرد بسیار فاضل و درویش مشرب و وارسته بوده و در ۹۲۵ در گذشته و شاعر غزلسرای زبر دستی بوده و در شعر مهدی تخلص می‌کرده است .

۷۴ - **محیی لاری** از دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از شاگردان علامه دوانی بود و گذشته از علوم دیگر در عروض و فنون شعر هم دست داشته و مخصوصاً غزل را نیکو میسروده و پیروی از سبک فغانی می‌کرده است .

۷۵ - **مجوی بسطامی** از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در هرات در دستگاه خواجه عبدالله مروارید می‌زیسته و غزل را نیکو می‌گفته است .

۷۶ - **میرمسیاه روی** نیز از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی نیکو مشرب و درویش مسلک بوده و در ضمن نوشتن خوار و خوش گذران بوده است و سرانجام بماوراءالنهر رفت و همانجا در گذشت و وی نیز از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده است .

۷۷ - **پیر کیا سیدعلاء الدین محمد بن محمد بن عبدالله موسوی معروف بسید**

محمد نوربخش از معاریف مشایخ تصوف ایران و از بزرگان رجال قرن نهم بشمار است و نسبش بهفده واسطه با امام موسی کاظم می‌رسید. در طریقت از اصحاب خواجه اسحق ختلائی بوده است و وی از خلفای میرسید علی همدانی بشمار می‌رفته و خواجه اسحق او را نوربخش لقب داده بود و وی طریقه جدیدی در تصوف فراهم ساخت که بمناسبت لقب او بطریقه «نوربخشیه» معروف شد. پدرش از وطن خود بقاین رفته بود و وی در آنجا در ۷۹۵ ولادت یافت و جوانی را در ختلان گذراند و پس از فوت شاهرخ از آن دیار بمشهد و سپس بری آمد و در شهر یار سنا کن شد و قریه سولقان را آباد کرد و در آنجا خانقاهی ساخت و مریدانش در همانجا بندو گرد آمدند و در روز پنجشنبه ۱۴ ربیع الاول ۸۶۹ در هفتاد و سه سالگی در گذشت و او را در باغ خود دفن کردند و پس از وی پسرش شاه قاسم فیض بخش و شمس الدین محمد بن یحیی که پس ازین ذکر او خواهد آمد جانشین او و پیشوای آن طریقه شدند. سید نوربخش یک سلسله کتابهای شیوا بنظم و نشر فارسی گذاشته است از آن جمله: شجره مشایخ، رساله در سلوک، رساله انوار، منظومه نجم الهدی، منظومه کشف الحقیقه فی بیان عوالم الکثرة والوحده، منظومه واردات، معاش السالکین، نور بخشیه. محمد بن حاج محمد سمرقندی که از اصحاب او بود کتابی در مناقب وی نوشته است.

۷۸ - شمس الدین محمد بن یحیی بن علی لاهیجی همیلانی نوربخشی متخلص باسیری که پیش ازین ذکر او رفت از بزرگان مشایخ طریقه نوربخشیه بود. نخست در ری جزو اصحاب سید محمد نوربخش می‌زیسته و پس از مرگ او بشیراز رفته و در آنجا بطریقه خود ارشاد کرده و پیشوای نوربخشیان فارس شده و در شیراز خانقاه مجملی بنام «نوریه» داشته است و سرانجام در ۹۱۲ در شیراز در گذشته است و در تصوف مولفات معتبر دارد و از آن جمله کتاب معروف مفاتیح الاعجاز شرح گلشن راز است که معروفترین و رایج ترین شرح این کتاب بشمار می‌رود و آنرا در روز دوشنبه ۱۹ ذی حجه ۸۷۷ پیاپی آن رسانده است و دیگر از آثار اوست منظومه اسرار الشهود، دیوان غزلیات و قصاید، معاش السالکین.

۷۹ - مولانا نظام الدین محمود دین امیر احمد قاری یزدی از شاعران زبردست قرن نهم بوده و در شیراز عیسی‌پسته و وی مبتکر سبک مخصوصی در شعرست که تقلید از سبک بسحق اطعمه است منتهی وی در شعر نام لباسها و پارچه‌ها را آورده و بهمین جهت دیوان خود را دیوان البسه نام نهاده است .

۸۰ - عطار تونی نیز از شعرای قرن نهم بوده و ظاهراً فریدالدین محمد بن ابراهیم نام داشته و در نیشابور متولد شده و بهمین جهت آثار فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری شاعر معروف قرن ششم و قرن هفتم را بخود می بسته است و وی پیرو طریقه شیعه و ظاهراً ساکن نون و مشهد بوده و سفری هم بحج رفته است و هر چند که در شعر مهارت کامل نداشته چندین مثنوی سروده است که همه آنها را بنام عطار نیشابوری منتشر کرده اند و آثار وی ازین قرار است : ترجمه الاحادیث یا مواعظ ، اشترنامه ، بلبل نامه ، بیسرنامه ، جواهرالذات ، خیاط نامه ، سی فصل ، لسان الغیب ، مظهر المعجایب ، حلاج نامه ، وصلت نامه ، کنز الحقایق ، گل و هرمز ، معراج نامه .

۸۱ - حافظ علاف شیرازی از شاعران متصوف قرن نهم شیراز بوده و در زمان ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری تذکرة الاولیای عطار را بنام ولی نامه بنظم در آورده و شش سال مشغول نظم آن بوده و آنرا در ۶۴ هزار بیت در ۸۲۱ در جامع عتیق شیراز پایان رسانده و اینکار را در نتیجه الهامی که باو شده آغاز کرده و ابراهیم سلطان هم در اثنای کار او را تشویق کرده است .

۸۲ - شهاب الدین امیر سید عبدالله برزش آبادی مشهدی از مشایخ تصوف قرن نهم و از مریدان خواجه اسحق ختلانی و از پیشوایان سلسله ذهبی بود و رشیدالدین محمد بید آوازی خلیفه و جانشین وی بود . وی مؤلف رساله کمالیه است و غزل را هم نیکو میسروده و عبدالله تخلص میکرده و دیوان غزلیات او در دستست .

۸۳ - شیخ رشیدالدین محمد بید آوازی چنانکه گذشت از خلفای شهاب الدین عبدالله سابق الذکر و از مشایخ طریقه ذهبی بود و او هم غزل را نیکو میسروده و رشید تخلص میکرده و دیوانش در دستست .

۸۴ - مولانا جلال‌الدین محمد آگهی قاینی از شاعران نامی قرن نهم و از معاصران سلطان حسین بایقرا و از جانب پدر نبیره مولانا جلال‌الدین محمد قاینی از علمای مشهور آترمان و از جانب مادر از بازماندگان شیخ زین‌الدین خوافی بوده است. در جوانی ملازم شاه فریب میرزا بوده و پس از چندی این شاهزاده او را از خدمت معاف کرده و چندی در خراسان سرگردان بود و چون شاه اسمعیل خراسان را گرفت وی بهرات رفت و آنجا ساکن شد و چون کسی با توجهی نکرد در ۹۲۶ قصیده شهر آشوبی ساخت و در آن از همه حکام و امرا و سادات و علما و اشراف و اعیان شهر بدگفت و چون آن اشعار را بامیر خان والی خراسان رساندند بسعایت بدخواهان دستور داد دست و زیاتش را ببرند و در همان سال ۹۲۶ در کفشت. وی در بیشتر از علوم دست داشته، مخصوصاً در شعر ماهر و از استادان شعر بسبک قدیم بوده و درجد و هزل مهارت داشته و دیوانش در دست است.

۸۵ - خواجه ابوالوفا خوارزمی از بزرگان مشایخ قرن نهم بوده و در خوارزم میزیسته و در علوم ظاهری و باطنی و حتی در علوم غریبه و موسیقی هم دست داشته و از آغاز جوانی در طریقه تصوف سیر کرده است و سرانجام در خوارزم بسال ۸۳۵ در گذشته و همانجا مدفون شده است. وی چند رساله در تصوف و رساله ای در موسیقی تألیف کرده و برخی از رباعیات و ترجیعات از او مانده است.

۸۶ - سید قطب‌الدین میر حاج گنابادی متخلص بانسی از فرزندان زادگان شاه نعمه‌الله ولی بود و در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات میزیست و مردی گوشه‌نشین و منزوی بود و میرعلیشیر نوایی و جامی باو احترام میکرده و بدیدن وی میرفته‌اند و سرانجام در همان شهر در گذشت. وی شاعر نوایی بوده و در غزل و قصیده دست داشته و مخصوصاً قصاید فراوان در نعت ائمه شیعه سروده است.

۸۷ - محبوب‌علی حکیمی طبعی از مریدان سید نسیمی عارف و شاعر معروف قرن نهم بوده و وی نیز صوفی مشرب و شاعر زبردست بوده و غزل را نیکو میسروده است و در ۸۸۱ در طبرس در گذشته است.

۸۸ - بابا علی‌شاه ملقب بابدال نیز از عرفای نامی آثرمان بود و ذره‌رات میزیسته و با جامی معاشرت داشته و شعر عارفانه را نیکو میسروده و در ضمن مردی وارسته و شوریده بوده است.

۸۹ - شیخ زاده فدایی لاهیجی پسر اسیری لاهیجی سابق الذکر است و وی نیز مانند پدر از مشایخ تصوف بوده و تا اوایل قرن دهم و پس از انقراض سلسله تیموری زنده بود و چندی جزو ملازمان شاه اسمعیل صفوی بوده است و برسالت بدر بار محمدخان شیبانی رفته و سرانجام گوشه نشین شده و در شیراز اتروا گزیده و همانجا در ۹۲۷ در گذشته است. فدایی از شاعران نامی زمان خود بوده و غزل عارفانه را خوب می‌گفته و دیوان او رایجست.

۹۰ - شیخ عماد الدین فضل‌الله بن علاء الدین علی برزش آبادی طوسی نیز از بزرگان مشایخ تصوف قرن نهم و از خلفای حاج شیخ محمد خبوشانی بوده و از مشایخ سلسله نور بخشی بشمار میرفته و بدو واسطه سید محمد نور بخش رسید، زیرا که شیخ محمد خبوشانی مرید شیخ محمد لاهیجی و از مرید سید محمد نور بخش بوده است و سرانجام در ۹۱۴ در فتنه ازبکان در مشهد کشته شد. است و ویرا در تصوف مؤلفات چندست از آن جمله شرحی بر لوايح جامی نوشته و شعر را هم نیکو میسروده است.

۹۱ - میر قوام الدین نصرالله قوامی خوانی نیز از مشایخ عرفای زمان شاهرخ بوده و در ۷۳۴ ولادت یافته است. نخست در کارهای دیوانی بوده و روزی که بر پیرزنی ستم کرده بود پیرزن بالحن عتاب آمیز بوی گفت: از خدا شرم نمیکنی که بر چون من عجز و ستم میرانی؟ وی ازین سخن آشفته شد و قلم و دوات خود را در زیر سنگ شکست و بحلقه تصوف در آمد و از آن پس در اتروا میزیست تا اینکه در ۸۳۰ در گذشت و کتابی در تصوف بنام جنون المجانین نوشته و شعر را نیز خوب میسروده است.

۹۲ - خواجه مؤید مهنوی از بازماندگان ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور قرن پنجم بوده و در همان سرزمین میهنه که خالک پدراش بوده است میزیسته و از مشایخ

معروف زمان خود بوده و در ضمن واعظ زبن دستی بشمار میرفته و در زمان خویش بسیار محترم بوده و در اواسط قرن نهم در گذشته و در همان گنبد جدش او را بخاک سپرده‌اند و وی نیز از شاعران توانای زمان خود بوده است .

۹۳ - **خواجه ناصرالدین ابو نصر مهنوی** از فرزندان خواجه مؤید سابق الذکر و مانند پدر از بزرگان مشایخ خراسان بوده و سرانجام در فتنه شیعه و سنی در پایان قرن نهم در گذشته و او هم از شاعران عارف مشرب آن زمان بوده است .

۹۴ - **امیر سید احمد لاله** از عرفای سلسله زهبی و از خلفای امیر سید شهاب‌الدین عبدالله برزش آبادی و شاعر بوده است .

۹۵ - **سید افضل بن سید نظام‌الدین سلطانعلی موسوی هروی** نیز از مشایخ تصوف و مردمی یار سا بود و چون برای مردم استخاره کرده و خواب میدیده به «میر خواب بین» معروف بوده است و سلطان حسین بایقرا بوی اعتقاد بسیار داشت ، بهمین جهت کارش بالا گرفت و در ۹۲۱ در گذشت و از شاعران نامی زمان خود بود .

۹۶ - **انوری هروی** از شاعران نامی زمان خود بود و تا پایان قرن نهم در هرات میزیسته است .

۹۷ - **درویش بابا علی خوشمردان سبزواری** نیز از عارفان مشهور زمان خود بوده و بیشتر در سبزواری میزیسته و شاعر توانایی بوده است .

۹۸ - **مولانا یوسف بدیعی اندجانی** از شاعران نامی زمان خود بوده و در آغاز جوانی بسمرقند رفته و کسب دانش کرده و در ضمن شاگرد صفایی سمرقندی شاعر بود و سپس در هرات زیسته است و سرانجام در هرات مانده و در آنجا بسال ۸۹۷ در گذشته است . بدیعی از شاعران زبردست زمان خود بوده و رساله‌ای در معما تألیف کرده است .

۹۹ - **مولانا برهان‌الدین عطاءالله رازی هروی** نیز از شاعران زبردست زمان خود بوده و دانشمند کاملی بشمار میرفته و مدتی مدید در مدرسه میرزا سلطان ابوسعید و خانقاه میر علیشیر در هرات تدریس میکرده و سرانجام در ماه رمضان ۹۰۲

در گذشته است و وی نیز از شاعران توانای زمان خود بوده و رساله‌ای در معما بنام جواهر الاسماء تألیف کرده است .

۱۰۰ - **امیر برهان‌الدین عطاءالله نیشابوری** وی نیز از دانشمندان زمان خود بوده و از نیشابور بهرات رفته و سالها در مدرسه اخلاصیه هرات تدریس میکرد و در پایان زندگی کور شد و از هرات بمشهد رفت و در آنجا در اواسط شوال ۹۰۹ در گذشت . وی نیز در عروض و صنایع شعر و معما دست داشته و رساله‌ای در قافیه و صنایع شعری نوشته است .

۱۰۱ - **عطاءالله بن محمود بن حسین مشهدی متخلص به عطایی** از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از مختصان میرعلیشیر نوایی بشمار می رفته و مداح مخصوص او بوده و مؤلف کتابهای بسیار در صناعت شعرست از آن جمله کتاب بدایع الصنایع که بنام علیشیر تألیف کرده و شامل فن عروض و قوافی و محسنات کلامست و در ۸۹۴ بتألیف آن آغاز کرده و در دهم جمادی الاخره ۸۹۸ پایان رسانیده و دیگر کتاب تکمیل الصناعه در معانی و اقسام شعر و محسنات کلام و معما و عروض و قافیه که پس از کتاب سابق الذکر تألیف کرده و دیگر رساله‌ای در قافیه که فصل آخر کتاب تکمیل الصناعه را بعدها خود باین رساله تبدیل کرده و بنام میرعلیشیر پایان رسانده، دیگر کتاب منتخب الصناعه و رساله دیگر در قافیه که از مقطع کتاب منتخب الصناعه استخراج کرده است ، رساله‌ای در فن شعر و قوافی ، کامل الصناعه در فن شعر ، تکملة الصنایع که در ۹۲۵ با تمام رسانده است .

۱۰۲ - **خواجه علاءالدین علی باخرزی متخلص بصانعی** از اشراف باخرز بود و خود را از خانواده برمکیان میدانست و در ضمن مردی کریم و لطیف طبع بود و در آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا وزیر او شد ، اما چون با زیر دستان بد رفتاری میکرد و وزرای دیگر از ورنجیده بودند مورد خشم واقع شد و شش سال در بند ماند و سرانجام در اوایل محرم ۸۹۱ او را در چهارسوی هرات بخلق کشیدند . صانعی با همه متمکریها مردی بسیار دانشمند و شاعری توانا بوده است .

۱۰۳ - **سالك الدين محمد حموی یزیدی** از اولاد سعدالدین حمویه عارف مشهور قرن هفتم بوده و پدراش در یزد ساکن شده‌اند و وی در آنجا پیش از ظهر شب ۲۱ رمضان ۸۴۷ ولادت یافته و مانند اجداد خود از مشایخ تصوف بوده و سفرهایی بخراسان و کرمان و مشهد و قزوین و شیراز و طبس و اصفهان کرده و تا ۹۱۵ زنده بوده است و دیگر پس از آن اثری از وی نیست و وی اشعاری عارفانه میسروده است.

۱۰۴ - **کاشف الدین ابوالمحامد محمد حموی یزیدی** پسر سالك الدين سابق الذکر و مانند پدر از مشایخ تصوف یزد بوده و در سال ۹۱۰ کشته شده است، اما سبب کشته شدنش پیدا نیست و او هم مانند پدر اشعاری صوفیانه میسروده است.

۱۰۵ - **اظام الدین ابوالکرامه اسحق حموی** وی نیز از همان خاندان سعدالدین حمویه و از مشایخ قرن نهم و پدر سالك الدين محمد سابق الذکر بوده و در صفر ۸۵۲ در گذشته و او هم ساکن یزد بود و اشعاری عارفانه میسروده است و از مریدان فریدالدین ابو سعید عبدالباقی بن علی بن عبدالحق از اولاد عبدالله انصاری بوده که در آغاز قرن نهم در یزد میزیسته است.

۱۰۶ - **سید شریف معنایی** از مشاهیر شعرای معما ساز قرن نهم بوده و در دربار پادشاهان آل عثمان میزیسته و تا اوایل قرن دهم نیز زنده بوده است و مؤلف کتابهای بسیار در فن معماست از آنجمله کتاب «افکار الشریف» که در ۹۰۶ بنام بایزید دوم پادشاه عثمانی پایان رسانده و «الفیه الشریف» که در ۹۰۸ پایان رسانده و «مجمع القواعد» و «رسالة شریفیه» در معما که منظومه است و «تحفة الشریف» و «ایهام الشریف».

۱۰۷ - **میر مختوم نیشابوری مدنی** از مشاهیر عرفای خراسان و جدش از مردم مدینه بوده و در خراسان ساکن شده و وی در نیشابور به جهان آمده و در همانجا ساکن بوده است و چون شاه قاسم انوار را از هرات راندند ویرا هم از نیشابور بیرون کردند و وی در ۸۳۰ یا ۸۶۲ در گذشته و از شاعران نامی زمان خود بوده و دیوان او رواج کامل داشته است.

۱۰۸ - **حافظ تاج الدین حسن استرآبادی صفایی دامغانی** صدر الحفاظ



از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته و در ضمن شاعر هم بوده است.

۱۰۹ - شاه تاج الدین حسن داعی از عرفای قرن نهم و از اصحاب شاه نعمه اللؤلؤی بوده و در ضمن شعر فارسی را نیکو میسروده است.

۱۱۰ - سید جعفر نوربخش پسر مهتر سید محمد نوربخش عارف مشهور بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا بهرات رفته و سلطان حسین بوی احترام بسیار کرده و رجال دربار او مستمری کران در باره او برقرار کرده اند ولی وی بواسطه علم و همت بدان راضی نشده و بهرستان رفته است و در ضمن شاعر توانایی بوده است.

۱۱۱ - حافظ علی غوریانی پسر نورالدین محمد غوریانی خود و پدرش از شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا بوده اند و وی چند سال صدارت و استادی ابو تراب میرزا شاهزاده تیمور را داشته است و خوشنویس بوده و در شعر دست داشته است.

۱۱۲ - مولانا حسنعلی روغن گر هروی نیز از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا بوده و در هرات ولادت یافته و از مداحان میر محمد یوسف بوده است.

۱۱۳ - مولانا شهاب الدین احمد حقیری هروی نیز از شاعران نامی دربار سلطان حسین بوده و پس از انقراض سلسله تیموریان بمداحی میرزا حبیب الله وزیر خراسان پرداخته و در معما نیز دست داشته و رساله ای در توضیح قواعد معما نوشته است.

۱۱۴ - درویش صفایی کرمانی از شاعران صوفی مشرب زمان بوده و شعر را روان میسروده است.

۱۱۵ - درویش زلالتی کرمانی پسر صفایی سابق الذکر، وی نیز از شاعران قرن نهم بوده و اشعار عارفانه میسروده است.

۱۱۶ - زلالتی هروی از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا بوده وی و پدرش هر دو درویش مشرب بوده اند و قصیده و غزل را نیکو میسروده و در ضمن مردی بسیار قانع بوده است.

۱۱۷ - نظام الدین سلطانعلی مشهدی از خوشنویسان معروف قرن نهم و یکی

از مشاهیر خطاطان نسخ تعلیق بشمار میرود و در خط شاگرد اظهر تبریزی متوفی در ۸۵۰ هجری بوده و اظهر شاگرد جعفر تبریزی و وی شاگرد میرعلی تبریزی واضع خط نسخ تعلیق بوده است. وی شاگردان بسیار داشته که خوشنویسان معروف زمان خود بوده‌اند و در زمان خود معروفترین خطاط بود بهمین جهت او را «قبلة الكتاب» لقب داده بودند و مردی وارسته و بسیار نیکو سیرت و خوشرو بود و در دستگاه سلطانحسین بایقرا احترام بسیار داشت و در ۹۱۹ یا دهم ربیع الاول ۹۲۶ در مشهد در گذشت و وی در شعر نیز دست داشته است.

۱۱۸ - شرف معنایی نیز از معما سازان زبردست قرن نهم بوده و بزبان پارسی و تازی معما میسروده و مجموعه معنیات او باقیست.

۱۱۹ - شرف الدین حاج محمد فراهی پدر معین الدین فراهی دانشمند و مورخ معروف این قرن است که شرح حالش پیش ازین آورده شده و وی نیز از دانشمندان شهر هرات بوده و شعر فارسی را خوب میسروده است.

۱۲۰ - شریف شیرازی از دانشمندان صوفی مشرب قرن نهم و ساکن شیراز و از شاگردان امیر محمد پسر میرزا سید شریف کرکانی بوده و کتابی در معاد بمشرب تصوف بنام «بیان الواقع» بنام زین الدین شیخ علی وزیر نوشته و شعر هم می گفته است.

۱۲۱ - سید شمس الدین محمد اندجانی معروف بمیر سر برهنه از اعیان

زمان سلطانحسین بایقرا بوده و از جوانی جامه قلندران پوشیده و گاهی سر برهنه در کوی و برزن می گشته است و در ضمن از دانشمندان زمان خود و مردی شیرین سخن و هزالی بود. نخست در ترکستان میزیست و سپس بهرات رفت و در دربار سلطانحسین نخست منصب شیخی و تولیت مزار شیخ لقمان پرنده را یافت که از بقاع متبرک هرات بود و بیست سال تولیت آن بقعه را داشت و به سعادت بدخواهان عزل شد و چون پنداشت که میر علیشیر نوایی در عزل او دست اندرکار بوده است با میر علیشیر کدورتی بهم زد، اما چندی بعد دو باره بامیر علیشیر دوست شد و منصب صدارت را باو دادند و پس از چندی از آن مقام استعفا داد و گوشه نشین شد و سرانجام در ۸۹۸ در گذشت. وی شاعر

زبردستی بوده<sup>۱</sup> -

۱۲۲ - **شمس الدین محمد تبادگانی** از عرفای نامی قرن نهم ساکن هرات و از خلفای شیخ زین الدین خوافی بود و از پارسایان معروف زمان خود بشمار میرفت و مریدان بسیار داشت و در ۸۹۱ در گذشت و پس از مرگش میرعلیشیر در سر قبر وی خانقاهی ساخت که حمیدالدین پسرش و مریدان وی در آنجا عبادت میکردند و تا ۹۱۷ که حمیدالدین زنده بود آن خانقاه رونق داشت. شمس الدین محمد تبادگانی از عرفای دانشمند بوده و بنظم و نثر آثار عمده داشته است و از آنجمله قصیده برده را مخمس کرده و شرحی بر منازل السائرین عبدالله انصاری نوشته و شعر فارسی را هم نیکو میسروده است.

۱۲۳ - **شمس الدین محمد عرب** نیز از عارفان نامی آن زمان بوده و با آنکه درویش مشرب بوده ریاست طلب هم بوده است و چون میرزا ابوالقاسم بابر بوی مهری نداشته مردم را بسوی میرزا علاءالدوله جلب میکرد تا اینکه در ۸۶۰ سید عبدالله نامی در شیوة سپاهیان به راه آمد و با وی بهمراهی میرزا علاءالدوله یار شد و بابر وی را گرفت و به سیستان فرستاد و آنجا در غربت در گذشت. وی نیز در شعر فارسی دست داشته است.

۱۲۴ - **مولانا محمد عالم سمرقندی** از شعرای نامی قرن نهم و از علمای سمرقند بوده و در دربار الخ بیک مقام رفیعی داشته و از مدرسان معروف زمان خود بوده و چون دلیر شد و با الخ بیک گستاخانه سخن میگفت الخ بیک او را از سمرقند اخراج کرد و وی بهرات رفت و در دربار سلطان حسین بایقرا احترام داشت تا اینکه در هرات در گذشت. وی در غزل است داشته و از غزل سرایان نامی زمان خود **شیخ ابیرفته** و دیوان غزلیات او رایج بوده است.

۱۲۵ - **بابا علی شاه هروی** از مشایخ معروف قرن نهم بود و از زمان شاهرخ تا زمان سلطان حسین در هرات میزیست و خوارق عادات ازو نقل میکردند و کارهای شگفت باو نسبت داده اند و در ضمن شعر فارسی را نیکو میسروده است.

۱۲۶ - **مولانا عبدالصمد مشهدی** از خوشنویسان معروف قرن نهم ساکن

هرات بوده و بیشتر خطوط را نیکو مینوشته و شعر را خوب میسروده است .

۱۲۷ - مولانا شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی برادر مهتر کمال‌الدین

عبدالرزاق مؤلف مطلع‌السعدین بوده و وی نیز از دانشمندان نامی زمان خود بشمار میرفته و از علمای زمان میرزا شاهرخ و سلطان ابوسعید بوده و در ۸۴۴ هجری با شیخ بهاء‌الدین عمر و سعدالدین کاشغری و شمس‌الدین محمداسد و خواجه زین‌الدین جامی و قطب‌الدین ظهیری و تاج‌الدین حسن و سعدالدین فرخ و شهاب‌الدین اسمعیل حصاری که همه از بزرگان علمای خراسان بوده‌اند به حج رفته و سرانجام در رجب ۸۶۹ هجری در هرات درگذشت و او را در مزار شیخ بهاء‌الدین عمر بخاک سپردند . وی نیز از شاعران زبردست زمان خود بوده است .

۱۲۸ - برهان‌الدین عبدالله ختالانی از مشاهیر عرفای قرن نهم بوده و در ۸۹۳ هجری

در گذشته و در تصوف مؤلفات چند دارد از آن جمله کشف‌الحجاب و شرحی که بلامعات فخرالدین عراقی نوشته و در ضمن شعر فارسی را نیکو میگفته است .

۱۲۹ - قاضی عبدالوهاب مشهدی از دانشمندان قرن نهم و معاصر بامیرزا

ابوالقاسم بابر بوده و در نظم و نثر فارسی مهارت داشته است .

۱۳۰ - مولانا علاء‌شاهی از بزرگان دانشمندان سمرقند در زمان الخ بیك

بوده و گذشته از احاطه‌ای که در علوم متداول زمان خود داشته در شعر و معما نیز استاد بوده است .

۱۳۱ - سید علی واعظ قاینی از واعظان معروف خراسان و دانشمندان زمان

خود بوده و در سال ۸۰۳ که سلطان‌الحسین بایقرا در آغاز پادشاهی خواست در خطبه نام ائمه را بیاورد ویرا که شیعی بود باینکار مأمور کرد ، اما سنیان هرات هجوم کردند و او را از منبر پایین کشیدند و بوی اهانت بسیار کردند . در هر صورت وی از معاریف شاعران زمان خود بوده و قصایدی در نعت ائمه شیعه میسروده است .

۱۳۲ - مولانا سعدالدین بن حاجی عیان متخلص بهیانی نیز از شاعران

معروف زمان خود بوده و غزل را نیکو میسروده است .

۱۳۳- میر اسلام غزالی بلخی از اولاد امام محمد غزالی و از مشاهیر شاعران قرن نهم بوده و در طب و حکمت دست داشته و در قصیده سرایی ماهر بوده و در زمان امرای هزاراسبی در بلخ میزیسته و پس از آن در گذشته است.

۱۳۴- سید امیر غیاث الدین محمد بن عزیز الدین یوسف سیاهی حسینی رازی هروی از بزرگان رجال قرن نهم و اصلی وی از مردم شکر آب ری بود و پدرش در زمان سلطان حسین ازری بهرات رفت. وی در آنجا نشو و نما یافت و نزد بزرگان علمای آن شهر کسب دانش کرد و در دربار سلطان حسین ترقی کرد، تا بجایی که بمقام صدارت و امارت رسید و مردی دانشمند و خوش طبع بود و در ضمن در طریقه تشیع تعصب داشت و سرانجام در روز چهارشنبه ۸ رجب ۹۲۷ بدست امیرخان حکمران خراسان کشته شد و در شعر فارسی مهارتی داشت و اسائی ویرا بسیار مدح گفته است.

۱۳۵- مولانا فصیح الدین صاحب دارا استرآبادی از معارف علمای استرآباد و ولایت کبود جامه بود و در فنون مختلف دست داشت و در فن شطرنج چه حاضر و چه غایب معروف زمان بود و در نظم قصیده و موعظ نیز ماهر بود و از هم نشینان نزدیک میر علیشیر و چندی داروغه کتابخانه سلطان حسین بایقرا بود و سرانجام در ۹۱۷ در استرآباد در گذشت.

۱۳۶- خواجه جلال الدین فضل الله ابو الیثی از اولاد فقیه ابواللیث سمرقندی دانشمند معروف قرن چهارم مؤلف تنبیه الغافلین و بستان العارفین بوده و در موارد النهر میزیسته و از دانشمندان نامی زمان الخ بیک بشمار میرفته و همواره بدرس و بحث مشغول بوده و در سمرقند خاتمه داشته و گاهی هم شعر و موعظ می گفته است.

۱۳۷- سید کاظمی از شاعران نامی زمان سلطان حسین بایقرا و مردی لطیف طبع بوده و شیوه سپاهی داشته و از آغاز پادشاهی سلطان حسین در دربار او بوده و چندی از جانب او نزد خواجه عماد الدین محمود کاوان معروف بخواجه جهان بگلبرگه هندوستان بسفارت رفته و در بازگشت ازین سفر از راه دریا در شیراز اقامتلا در گذشته و وی در قصیده سرایی بسبک سودایی استاد بود

۱۳۸ - کمال الدین شاه حسین گامی اوبهی نیز از شاعران نامی دربار

سلطان حسین و از مردم اوبه نزدیک هرات بوده و مولانا محمد بدخشی شاعر معروف آن زمان ویرا از خردی تربیت کرده و در کسب دانش سفری بعراق آمد و دوباره بهرات باز گشت و در پایان زندگی در همان قصبه اوبه از زراعت معاش میکرده و گوشه نشین بوده است و در اقسام شعر و معادست داشته است.

۱۳۹ - کمال الدین نصر الله بن خلیل الله ابرقوهی از شاعران صوفی مشرب

قرن نهم و از اصحاب شاه نعمه الله ولی بوده و شعر را نیکو میسروده است.

۱۴۰ - امیر کمال الدین حسین ابیوردی از سادات خراسان و ادبای نامی زمان

خود بود و در جوانی از ابیورد بهرات رفت و به کسب دانش پرداخت و کیچک میرزا او را بمصاحبت خود برگزید و چون وی بحج رفت با او رفت، اما پس از رفتن آن شاهزاده پشیمان شد و از پی او روان گشت و باو نرسید و از آن پس روابط ایشان قطع شد و از حج که باز گشت در تبریز جزو ملازمان سلطان یعقوب درآمد و چند سال در آذربایجان بود و سپس بخراسان باز گشت و جزو ملازمان میر علیشیر شد و وی بسفارت بدربار سلطان یعقوب فرستادش و در آن سفر بواسطه دروغی که گفته بود از نظر علیشیر افتاد و در پایان سلطنت سلطان حسین با او بیایح رفت و بدیع الزمان میرزا منصب شیخی آستانه شاهی را باو داد و در ۹۰۸ هجری رسیده و در همان سال که بدیع الزمان میرزا در هرات بود از آن شغل استعفا کرد و با بیورد رفت و در آنرا میزیست تا اینکه در ۹۱۴ هجری محمدخان شیبانی او را برسالت بدربار شاه اسمعیل فرستاد و شاه اسمعیل باو مهربانی کرد و در بازگشت ازین سفر باز در ابیورد ساکن شد تا آنکه در آنجا بسال ۹۲۰ در گذشت، وی از شاعران زبردست زمان خود هم بوده است.

۱۴۱ - امیر کمال الدین حسین بن شهاب الدین اسمعیل طبسی خواهرزاده

امیر رفیع الدین حسین و مادرش از سادات نیشابور بود و خود از دانشمندان زمانه بشمار میرفت و در جفر دست داشت و نیز در تصوف دانشمند کامل بشمار میرفت و در زمان سلطان یعقوب در راه کسب دانش از طبسی بعراق و آذربایجان رفت و سلطان یعقوب با وی

مهربانی بسیار کرد و فریة بیابانك را که صد هزار دینار عایدی داشت بسپور غال باوداد و وی بواسطه مناعت طبع نپذیرفت و بخراسان باز گشت و در حلقه تصوف وارد شد و از مریدان جامی بود و بهرات رفت و سلطانحسین بایقرا تولیت موقوفات مزار عبدالله انصاری را باوداد و در ۹۰۴ منصب صدارت یافت و با اینهمه مردی صوفی مشرب و گوشه نشین بود و طریقه ملامتیه را داشت و مردی خوش طبع و دانشمند بود و مؤلفات چند دارد از آنجمله شرحی بر منازل السائرین عبدالله انصاری نوشته و رسایل دیگر در تصوف دارد و کتاب مجالس العشاق نیز از مؤلفات اوست که بخط آنرا بسلطانحسین بایقرا نسبت داده اند و در شعر فارسی نیز استاد بوده است.

۱۴۲ - **کمال الدین مسعود شروانی** از دانشمندان نامی زمان واصلش از شروان بود و برای کسب دانش بهرات رفت و سالها در مدرسه گوهر شاد آغا و مدرسه اخلاصیه میرعلیشیر تدریس میکرد و در کلام و منطق و حکمت از دانشمندان زمان خود و از شاگردان جامی بود و هر روز بیش از صد تن در درس او حاضر می شدند و پس از چندی تدریس مدرسه گوهر شاد را ترك کرد و در مدرسه غیاثیه بتدریس پرداخت و او را اعلم علمای خراسان می دانستند و در آن روز که در مدرسه غیاثیه بتدریس آغاز کرد میرعلیشیر نوایی و همه سادات و علمای هرات در درس او حاضر شدند و سرانجام در ۹۰۵ در گذشت و در مزار پیر سیصد ساله او را بخاک سپردند. کمال الدین مسعود را در فنون مختلف مؤلفات بسیار است از آن جمله حاشیه بر شرح طوابع و حاشیه بر شرح مواقف و حاشیه بر شرح حکمة العین و رسایل دیگر و در ضمن شعر فارسی را هم نیکو می سروده است.

۱۴۳ - **شیخ کمال تربتی** از معارف شعرای قرن نهم در خراسان بود و پدرش حافظ نام داشت و طبابت میکرد و وی در تربت و مشهد میزیست و مردی خوش طبع بود و غزلهای حافظ را تخمیس میکرد و سرانجام بزیارت حج رفت و در بازگشت از آن سفر در اواخر قرن نهم در تربت در گذشت. وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً در معما دست داشته است.

۱۴۴ - **سید کمال کجکولی** نیز از شاعران معروف قرن نهم بوده و در بلخ

می زیسته و سفر بسیار کرده بود و معروف بود که پانصد هزار شعر گفته بود و از آن جمله قصیده‌ای بوده است که هزار بیت مصنوع از آن بیرون می‌آمده و صوفی مشرب و از مریدان ابونصر پارسا بوده و در پایان قرن نهم در گذشته و بیش از ۹۰ سال عمر کرده است و او را در جوار میر سرخ در بلخ بخاک سپرده‌اند.

۱۴۵ - **کمال‌الدین محمود رفیقی مشهدی** از شاعران نامی خراسان بوده و مردی خوش طبع و خوشنویس بشمار میرفته است.

۱۴۶ - **مجنون مشهدی** نیز از شاعران نامی این قرن و پسر کمال‌الدین محمود رفیقی بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا میزیسته و مردی درویش مشرب بشمار میرفته و غزل و قصیده را روان میسروده و خوشنویس هم بوده است.

۱۴۷ - **مولانا محمد بدخشی** از شاعران نامی دربار سلطان حسین بایقرا و از نزدیکان بابر بوده و سی سال در ملازمت میر علیشیر گذرانده و شاعری زبردست بوده و بیشتر بمعما رغبت داشته و کمال‌الدین شاه حسین کامی او بهی از خردی شاگرد او بوده و چندین رساله در معما تألیف کرده است.

۱۴۸ - **مولانا محمد طالب هروی** نیز از شاعران نامی دربار سلطان حسین بود و سالها ملازم سلطان بدیع‌الزمان میرزا بوده و منصب حدارت او را داشته و چون از خدمت او دست کشید بدستگاه ظهیرالدین محمد بابر رفت و نزد او مقرب بود تا اینکه در ۹۱۸ که در میان وی و عبیدالله خان در ماوراءالنهر جنگ در گرفت در آن جنگ کشته شد. وی رساله‌ای در معما نوشته و از اقسام شعر بمعما بیشتر مایل بوده است.

۱۴۹ - **مولا شمس‌الدین محمد بخاری معروف بمولانا محمد معنایی** هم از شاعران معروف این زمان و مردی خوش طبع و شوخ و پیرو طریقه سنت بوده و بزرگان زمان او را محترم میداشته‌اند و در زمان ابوالقاسم بابر صدر معظم شد و سپس در مجلس پادشاهان دیگر او آن جمله میرزا ابوسعید هم جای داشت و در زمان اعتبار در شیراز بر سر خاک حافظ گنبدی ساخت و بابر میرزا را در آنجا ضیافت کرد و با میر علیشیر نوایی هم رفت و آمد داشته و سرانجام با سلطان محمد میرزا معروف



بکیجیک میرزاخواهرزاده سلطانحسین بحج رفت و در بازگشت ازین سفر در گذشت .  
وی نیز بیشتر بمعما مایل بوده است .

۱۵۰ - **میر مرتاض هروی** از بزرگان سادات و علمای هرات بود و از خردی بکسب دانش پرداخته و در بیشتر علوم دست داشت و روز و شب بمطالعه میپرداخت و عبادت و ریاضت میکرد و بهمین جهت بمیر مرتاض معروف شده بود ، اما در بحث لجوج بود و در شطرنج نیز اصرار بسیار داشت و بهمین جهت مردم از بحث و شطرنج بازی با او گریزان بودند و خوشنویس هم بود و در حکمت و ریاضی کاملاً استیلا داشت و در زمان شاه سلطان حسین مدرس مدرسه اخلاصیه هرات بود و در زمان استیلای محمدخان شیبانی در مدرسه سلطانی مدرس شد و بار دوم که شاه اسمعیل بهرات رفت بواسطه تعصبی که در تشن داشت بقندهار گریخت و همانجا در گذشت . وی در شعر نیز مسلط بوده

۱۵۱ - **مقصود تیرگر هروی** نیز از شاعران معروف هرات بود امامانگدست و نامراد زیسته و روزگار را بکسب میگذرانده و از اقسام شعر رباعی بیشتر مایل بوده است .

۱۵۲ - **خواجه منصور بتکچی** نیز از شاعران نامی هرات و اصلاً از طایفه بتکچی گرگان بوده است و مدت مدیدی در دربار سلطانحسین بایقرا مأمور برسیدن مهم دادخواهان بوده است که از مناصب مهم آن زمان بوده و در ضمن غزل را خوب میسروده است .

۱۵۳ - **خواجه منصور مشهدی** از شاعران همین زمان بوده و مدتی در خدمت امیر خدای داد بسر برده است و سرانجام او را مصادره کرده و بپند افکنده اند و در همان حال در گذشته است و وی غزل را نیکو میسروده است .

۱۵۴ - **درویش منصور سبزواری** از شاعران نامی هرات و مردی پرهیزگار بشمار می رفته و ریاضت میکشیده و روزه بسیار میگرفته و در تصوف از اصحاب حافظ علی جامی و سنی مذهب بوده است و در عروض و صنایع شعری دست داشته و درین فن

شاگرد مولانا یحیی سبک فتاحی نیشابوری بوده و میر علیشیر عروض را از وی یاد گرفته است و در علم عروض دو رساله تألیف کرده و قصیده مصنوع سلمان ساوجی را جواب گفته و شاعری توانا بوده است.

۱۵۵ - **خواجه مؤید دیوانه** از متصوفه قرن نهم و از بازماندگان ابو سعید

ابوالخیر عارف مشهور بود ولی مردی پریشان فکر بود و دعوی پادشاهی داشت و خراسان را در میان مریدان خود تقسیم کرده بود و بهمین جهت بدیوانه معروف شده بود و در زمانی که در میان سلطان حسین بایقرا و سلطان ابو سعید میرزا اختلاف افتاد شعری بحمايت ابو سعید گفته بود که سلطان حسین بر خورد و دستور داد در ۸۶۸ او را نهانی کشتند و وی در شعر فارسی استاد بوده است.

۱۵۶ - **مولانا فرگی ابهری** از شاعران نامی قرن نهم و از مردم ابهر بوده

و در جوانی بسرو رفته است بهمین جهت بمروزی هم معروف شده است و وی از شیخزادگان ابهر بوده و پدرانش در آنجا بسیار محترم بوده اند. در جوانی شرارتی داشته اما بزودی وارسته و شکسته شده چنانکه بیشتر مشغول نماز و روزه بوده است و پس از برجیده شدن سلطنت تیموریان باخواجه حبیب الله ساوجی هروی وزیر خراسان مربوط شده و از معارف غزل سرایان زمان خود بوده است.

۱۵۷ - **مولانا آیتی هروی** نیز از شاعران نامی این زمان بوده و در هرات

میزسته و نخست در کسی تخلص میکرده و سپس تخلص خود را آیتی گذاشته است و معاصرینش باو نسبت داده اند که هر جا مضمون باریکی در شعر دیگران می یافتند فوراً آنرا نظم میکرده و در هر صورت وی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و دیوان غزلیات او در دست است و بزبان ترکی هم شعر می گفته است.

۱۵۸ - **ابو سعید نسیمی حسینی شیرازی** یکی از معروفترین شاعران اوایل

قرن نهم و از سادات بسیار محترم و از متصوفه فارس بود و در شیراز میزیست و در عقاید خویش بسیار بی پروا بود و گویند کلمات خلاف ظاهر می گفت تا اینکه متشرعین شهر بکشتن او فتوی دادند و در سال ۸۳۷ ویرا بدار کشیدند و سپس از دار فرود آوردند

و پوست کنند و این واقعه بسیار معروفست و در ادبیات ایران عنوان مفصل دارد. نسیمی از شاعران نامی زمان خود بوده و بسیاری از شاعران زمانه شاگرد او بوده یا بسبب او رفته‌اند و خود غزل عارفانه را بسیار خوب میسروده و در زبان ترکی نیز شاعر توانایی بوده و دیوان او شامل دوهزار بیت معروفست.

۱۵۹- **نظام بن رضی نقاش** از شاعران هنرمند زمان خود بوده و خوشنویس و شاعر و منشی و مذهب و نقاش و صحافزبردستی بوده و مخصوصاً در نظم و نثر توانا بوده است و اثری که از او باقیست نسخه‌ای از تاج المآثر حسن نظامی در تاریخ هندوستانست که بخط خود برای غیاث الدین عزت نام از وزیر زادگان قرن نهم نوشته و روز دوشنبه سیزدهم رجب ۸۲۸. بپایان رسانده و در خانمه آن رسالتی منشیانه نوشته و اشعار خود را آورده و تصریح کرده است که خط و انشاء و تذهیب همه ازوست و در آغاز آن نسخه دو مجلس نقاشی خوب هم ساخته است.

۱۶۰- **حاج نورالدین محمد کازرونی صوفی متخلص بنوری** از شاعران صوفی مشرب و پرکار زمان خود بوده و آثار بسیار از او مانده است از آنجمله مجموعه رباعیات و منظومه‌ای بنام مولود نامه در سیرت رسول و غزوات و مراحل عمری که تقریباً سی هزار بیتست و آنرا در نیمه شب لیلة البرات ماه شعبان سال ۸۸۷ بپایان رسانده است و مثنوی دیگر در شرح معجزات رسول از روایت ابن مسعود شامل نزدیک ۱۵۰۰ بیت و مثنوی دیگر در فضیلت صلوات شامل نزدیک دو هزار بیت و منظومه دیگر در مولود رسول که در ۸۸۵ بنام سلطان یعقوب بپایان رسانده است.

۱۶۱- **خواجه یوسف برهان حاجی** از بازماندگان شیخ الاسلام احمد جام و از عرفای معروف قرن نهم بوده و در شعر و موسیقی دست داشته و برای اشعار خود آهنگ‌های موسیقی میساخته است و بیشتر از استادان زمان در موسیقی شاگرد او بوده‌اند و از آنجمله میر علیشیر نوایی هم موسیقی را از او فرا گرفته است و در جام می نریسته و همانجا در گذشته و در جوار جدش احمد جام او را بخاک سپرده‌اند و از جمله آثار او ترسیعست که شامل منشآت نویسندگان پیش از او بوده است.

۱۶۲ - **مولانا شهیدی قمی** از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و در

جوانی مردی آشفته روزگار بود و دوبار از عراق بخراسان رفته و چندی در هرات مادره و بخدمت جامی رسیده است و حکیم شاه محمد قزوینی با او بسیار معاشر بوده و در سفری که از قزوین میگذشته یکسال در آنجا مانده و پادشاه کیلان سلطان میرزا اعلی هم در آن سال در قزوین بوده است و بسیار از نقد بشهیدی میداد و شهیدی بواسطه مناعت طبعی که داشت آن زررها را در کیسه نمیکذاشت و در گوشه خانه میریخت و هر کس از اصحاب او که احتیاج داشت از آن برمیکرفت و خرج میکرد و پس از آن مدتی در آذربایجان در دربار سلطان یعقوب بوده و سمت ملک الشعراپی در دربار او داشته است و پس از مرگ او به هندوستان رفته و در کجرات میزیسته و در دربار اسمعیل عادلشاه محترم بوده و نزدیک صد سال عمر کرده است و سرانجام در ۹۳۵ یا ۹۳۶ در گذشته و او را در سرکنج کجرات بتخاک سپرده اند. شهیدی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و دیوان او رایجست.

۱۶۳ - **گلخنی قمی یا تفرشی** خواهرزاده شهیدی و از مردم تفرش بوده منتهی

در قم میزیسته و مردی زنده و هزال بوده چنانکه گویند روزی سلطان حسین بایقرا در بیماری بر تخت روان نشسته بود و میگذشت و در راه گلخنی را دید و حالش را پرسید گفت: « بحمدالله با دو پای روان سر میکنم ». در زمانی که سلطان حسین میرزا در مستی محمد مؤمن میرزا را کشت و همه مردم هرات را ازینکار بد آمد و ی قطعه ای در هجو سلطان حسین گفت و چون از خشم او بیم داشت از هرات گریخت و سرانجام در سال ۹۰۰ در جنگهایی که در میان تیموریان و ازبکان در گرفته بود کشته شد. وی نیز از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و از شاعران نامی قرن نهم بشمار میرفته است.

۱۶۴ - **محمود بن پیرگرد بن امیر شروانی** ظاهراً از شاعران قلمرو آل

عثمان بوده و منظومه ای در مواعظ بنام کیمیاء القلوب سروده که در غرة ربیع الاول ۸۹۲ بمایان رسیده است.

۱۶۵ - **لطیف شاعر** مؤلف منظومه ای در امور دینی و اصول شعرو عروض بنام

لطایف فی الاصولین که برای ارشاد پسرش سروده است .

۱۶۶- کاشفی از شاعران مقیم خاك عثمانی که منظومه‌ای بنام غزاقامه روم در تاریخ جنگ سلطان مراد دوم ( ۸۲۴- ۸۵۵ ) با دول اروپا یعنی جنگ معروف وارنه در ۸۴۸ بفرمان ابوالفضل احمد بن ولی الدین پاشا سروده است .

۱۶۷- مولانا زمان آملی پسر مولانا محمد آملی بود که او نیز از شاعران قرن نهم بشمار میرفت و وی نخست وفایی تخلص می‌کرد و چون شاعر دیگر امیر احمد جامی وفایی در آزمان بود و وی نیز سلطان بدیع الزمان میرزا بستگی داشت او را واداشتند تخلص خود را تغییر بدهد . وی از مشاهیر غزل سرایان زمان خود بود .

۱۶۸- میر علی حسینی هروی خطاط از خوشنویسان معروف اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود و در هرات میزیست و در ۹۳۵ که عبیدالله خان از بك هرات را گرفت او را ببخارا فرستاد و وی در همانجا بود تا در گذشت . رحلت او را باختلاف در ۹۲۵ و ۹۴۰ ضبط کرده‌اند و ظاهراً تاریخ دوم درستست و در شعر استاد بوده است .

۱۶۹- کمال الدین بهزاد هروی نقاش معروف که از زمان سلطان حسین بایقرا تا زمان شاه اسمعیل مشغول کار بوده و چه در زمان خویش و چه پس از آن در فن خود اولین کس بوده است . مدت‌ها در هرات در کتابخانه سلطان حسین بایقرا کار می‌کرده و پس از بر چیده شدن سلطنت تیموریان شاه اسمعیل در ۹۲۸ او را نزد خود برده و ریاست کتابخانه خود را بار داده است و او در خط و شعر نیز دست داشته است .

۱۷۰- ملا محمد ادایی شیرازی که نام او را بهاء الدین علی هم ضبط کرده‌اند ، وی از شاعران نامی قرن نهم بوده و سفر بسیار کرده و با دانشمندان زمان خود معاشرت بسیار و حافظه‌ساز داشته است و خوشنویس معروف زمان خود بود و نسخه‌های بسیار از شاهنامه و خمسه نظامی و خمسه امیر خسرو و دیوان کمال الدین اسمعیل و غیره نوشته بود و سرانجام بخاك فر کیه رفت و در استانبول ساکن شد و در دربار سلطان سلیم اول و سلطان سلیمان محترم بود و از مداحان سلطان مصطفی پسر سلیمان و محمد صفلی پاشا وزیر اعظم بشمار میرفت و سر انجام در طاعون سال ۹۲۸ در استانبول در

گذشت . ادایی شاعر پرکاری بوده و در اقسام مختلف شعر مخصوصاً غزل و مثنوی دست داشته و دیوان وی رایجست و از جمله آثار او منظومه سلیم نامه در تاریخ سلطنت سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) است که ببحر متقارب سروده است .

۱۷۱ - محمد بن ولی بن رضی الدین معروف بکاتب افقروی نیز از شاعران خاگ عثمانی بوده و منظومه‌ای بنام کاتبیه در لغت سروده است که در ۸۵۱ در مغنیسا باشاره سلطان محمد بن مراد آل عثمان در پانصد بیت پایان رسانده است .

۱۷۲ - مولانا آهی مشهوری از غزل سرایان معروف قرن نهم بوده و در اواخر دوره سلطان حسین بایقرا در هرات میزیسته و خمسه‌ای سروده است .

۱۷۳ - عیشی شیرازی در زمان خود معروف بکل عیشی بوده زیرا که کچل بوده است و از شاعران معروف شیراز و مردی خوش طبع و شیرین سخن بوده و بیشتر مردم را هجو می‌گفته است و اهاجی او معروف بوده و در مثنوی نیز دست داشته است و مثنوی عشرت نامه را بنام سلطان خلیل تیموری (۸۰۷-۸۱۲) سروده است .

۱۷۴ - مولانا ریاضی تربتی از مردم زاوه و مهولات و از شاعران نامی زمان خود بوده است و مردی متلون المزاج بود و مدتی در مولد خود منصب قضا داشته و پس از چندی او را معزول و مصادره کرده‌اند و از آن پس دیگر کاری با و نسپرده‌اند و در ۸۸۴ در گذشته است و بجز دیوان غزلیاتی که از و مانده تاریخ کوچکی بنام « انتخاب تواریخ » تا وقایع سال ۸۱۳ نوشته است . وی در ضمن واعظ هم بوده و گاهی بر سر منبر اشعار خود را می خوانده است .

۱۷۵ - مولانا ریاضی سمرقندی از شاعران نامی ماوراء النهر بود و گویند بد خوی و خود فروش بوده است و در جوانی در آغاز قرن نهم در سمرقند در گذشته است .

۱۷۶ - شیخ عبدالله شبستری از فرزندان شیخ محمود شبستری عارف مشهور قرن هشتم و صاحب گلشن راز بود و وی از دانشمندان زمان خود بشمار میرفت و مخصوصاً در ریاضی دست داشت و ساکن ماوراء النهر بود ولی در ۹۲۶ بخاگ عثمانی رفت و سلطان سلیم وی را اعزاز بسیار کرد و هر روز سی آقچه باو میداد و هر دو یا سه ماه پنج هزار

آقچه برای او میفرستاد و درین سفر مثنوی شمع و پروانه را بنام آن پادشاه سرود و نیز رساله‌ای در معما نوشت که از همه مثالهای آن نام آن پادشاه بیرون می‌آید.

۱۷۷ - مولانا شمس الدین بردعی متخلص بجمدی و معروف بملازاده و

بردعی زاده از بزرگان شعرای فارسی زبان خاك عثمانی و از فرزندان مولانا محمد بردعی مؤلف حاشیه بر ایسا غوجی بوده و وی نیز در علوم متداول زمان دست داشته و حواشی چند بر تفسیر بیضاوی و شرح هدایه و آداب البحت مسعودی نوشته و در ۹۲۷ از خراسان بخاك عثمانی رفته و سلطان سلیم وی را گرامی شمرد و استادی غلامان خاص خود را باو داد و وی در شعر فارسی استاد بود و سلطان سلیم در مقابل قصیده مصنوع او سیصد اشرفی و يك پوستین سمور و هشتاد آقچه عثمانی علوفه هر روزه باو داده است.

۱۷۸ - مولانا فرخی نیز از شاعران نامی خاك عثمانی و مقیم استانبول بوده و از سادات دانشمند بشمار میرفته است و در اقسام شعر مخصوصاً قصیده مهارت بسیار داشته و از مداحان سلطان سلیم بوده است.

۱۷۹ - سید محمد بن عبدالباقی معروف به میرزا مخدوم از اولاد میرسید

شریف کرگانی که از سادات محترم زمان خود بود، در نیشابور ولادت یافت و در جوانی برای کسب دانش بهرات رفت و سپس جزو مریدان شاه قاسم انوار در آمد و ریاضت بسیار کشید و از مشاهیر صوفیه زمان خود شد و تا اوایل قرن دهم نیز میزیست و وی در غزل عارفانه استاد بوده است.

۱۸۰ - امیر پازواری از سخن سرایان مازندران بوده که جزئیات احوال و

عصر زندگی او درست معلوم نیست و بیشتر احتمال می رود که در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته باشد و مجموعه‌ای از اشعار وی بزبان طبری یا مازندرانی در دست است.

۱۸۱ - بی نشان تخلص زنیست که از جزئیات احوال وی چیزی بدست نیست

و تنها نسخه‌ای از دیوان غزلیات او شامل هزار و پانصد بیت مانده است که در آن بی نشان تخلص کرده و چنان می نماید که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته و ظاهراً از مرده فارس بوده است.

۱۸۲ - حکیم یا حکیمی ترمذی از اصحاب شاه نعمت‌الله ولی بوده و با وی مکاتبه داشته و شاه ولی رساله‌ای خطاب باو نوشته و نسخه‌ای از اشعار وی بخط پسرش علی بن حکیم ترمذی باقیست که در ظهر پنجشنبه غره محرم ۸۳۶ بیابان رسانیده است.

۱۸۳ - اردشیر بن حسن معاذی تبریزی از اولاد معاذ بن جبل بوده و بهمین جهت معاذی تخلص می کرده و در اواخر هشتم و اوایل قرن نهم زیسته و مداح شروانشاهان امیر هوشنگ بن کارس بن کیقباد (۷۷۴-۷۸۴) و امیر شیخ ابراهیم بن سلطان محمد ابن کیقباد (۷۸۰-۸۲۰) بوده و چهل سال مداحی این خاندان را کرده و در آذربایجان واران و گیلان می زیسته است و سپس مداح امیر میرانشاه بن تیمور شده و نیز ستایشگر حکمرانان لاهیجان و گیلان امیر سید رضی الدین و امیر سید رضا کیا متوفی در ۸۲۹ یا ۸۳۰ بوده است. در جوانی معاصر کمال خجندی و سلمان ساوجی و حاج محمدنصار تبریزی و بدیع تبریزی بوده و پیروی از سبک سلمان ساوجی می کرده است و دیوان وی شامل پنج هزار بیت قصاید و غزلیات مانده است.

۱۸۴ - اسیری نیز طاهراً از سرایندکان قرن نهم بوده و شرحی بر گلشن راز ترتیب داده بدین گونه که پس از چند بیت از اشعار محمود شبستری اشعار دیگری از بزرگان شعرای صوفیه در همان زمینه و برای توضیح مطالب گلشن راز آورده و در پایان کتاب قطعه ای سروده که در آن اسیری تخلص کرده است.

۱۸۵ - کمال الدین جعفر خطاط تبریزی از خوشنویسان بانی قرن نهم و رئیس کتابخانه بایسنغر بوده و برای وی کتابت می کرده است و در همه خطوط و بردست بوده و خط نسخ تعلیق را بهتر از همه معاصران خود می نوشته است و مولانا شهاب الدین عبدالله آشپز و مولانا شیخ محمود خوشنویسان معروف آن زمان شاگرد او بوده اند و در ضمن شاعر توانایی بوده و قصیده را خوب می گفته و جعفر تخلص می کرده است.

۱۸۶ - مولانا زاهدی نیز از خوشنویسان کتابخانه بایسنغر و از شاعران آن آن دوره بوده است.

۱۸۷ - مولانا جلال کرمانی هم از خوشنویسان همان کتابخانه بوده و شعر را



نیکو می سروده است .

۱۸۸ - امیر جلال الدین یوسف متخلص به میری نیز از خوشنویسان دستگاه

بایسنغر و از شاعران توانای این دوره بوده است .

۱۸۹ - مولانا لطفی نیز از خطاطان همان کتابخانه و شاعر توانایی بشمار

می رفته است .

۱۹۰ - مولانا ولی هم از خوشنویسان دستگاه بایسنغر و از شاعران این دوره

بوده است .

۱۹۱ - مولانا واحدی نیز از خوشنویسان و شاعران همان کتابخانه بوده است .

۱۹۲ - مولانا منشی هم در سلك خوشنویسان و شاعران دستگاه بایسنغر می

زیسته است .

۱۹۳ - مولانا زین الدین هم خوشنویس و شاعر کتابخانه بایسنغر بوده است .

۱۹۴ - مولانا محمد جرعه نیز شاعر و خوشنویس همان دستگاه بشمار می رفته است .



بجزین ۱۹۴ تن شاعر نامی قرن نهم که ذکرشان گذشت عدد کثیر شاعران دیگر

هم درین قرن زیسته اند و فهرست اسامی آنها بدین قرار است : آتشی شیرازی ، آرزویی ،

آفاق بیک جالیر ، آفتی مشهدی ، برهان الدین ابراهیم بن جلال الدین احمد بن

محمد مدنی خجندی متوفی در ۸۵۱ ، ابراهیم سلماسی ، ابراهیم سیستانی ، سلطانی

ابراهیم صدر ، ابراهیم قانونی ، شمس الدین معروف بابن حسام متوفی در ۸۷۵ ، ابن

عماد شیرازی متوفی در ۸۳۸ ، ابن لعلی شاه بدخشان ، ابواسحق مهنوی ، ابوالبرکات

نراقی متوفی در ۹۱۳ ، ابوالبرکات سمرقندی ، میرزا ابوالبقا پسر سلطان حسین ، حاج

ابوالحسن ترک ، ابوالخیر سمرقندی ، ابوالقاسم خوافی ، ابوالقاسم مهنوی ، ابوالمعالی

خوافی ، ابوالنصر مهنوی ، شیخ ابوالواجد ، میرزا ابوبکر بن جوکی شاه مقتول در ۸۵۲ ،

میرزا ابوبکر بن سلطان ابوسعید متوفی در ۸۸۵ ، ابوسعید مهنوی ، ابوطالب

بدخشانی ، ابوطاهر مهنوی ، انایی بلخی ، قطب الدین احمد جامی ، احمد

حاجی بیك كاشغری ، احمد سراج سبزواری ، نظام الدین احمد شیرین کار ،  
 رشیدالدین احمد کازرونی ، سید احمد میرزا ، حافظ احمد هروی ، میر اختیارالدین  
 متوفی در ۸۹۷ ، ادایی بخاری ، ارشد شیرازی ، ارشد کازرونی متوفی در ۹۲۰ ، میرارغون  
 هروی ، میراسدالله ، اسمعیل شام غازانی ، اسمی هروی ، اسیری هروی ، میرزا اصغر  
 مشهدی ، اصیلی مشهدی ، سراج الدین اصیلی هروی ، ظاهر خطاط ، افسری هروی ،  
 امیرافضل ، الغ بیك میرزا ، الهی ، امان الله قهستانی ، امانی شیرازی ، امیرجان انسی  
 متوفی در ۹۲۳ ، امیری ، صدرالدین امینی متوفی در ۹۱۸ ، امینی هروی ، انصافی ،  
 انوری بخاری ، انوری بلخی ، انیسی خوارزمی ، انیسی کاتب ، انیسی هروی ، ایبازی  
 هروی ، خواجه ایوب سمرقندی ، باباجان هروی ، باطنی بلخی ، بدر ، بدرالدین شیرازی ،  
 برهان الدین هروی ، برهان جامی ، بز می خراسانی ، بسمچی هروی ، بصیری عجمی ، بقایی  
 خوارزمی ، بقایی سمرقندی ، بقایی هروی ، بالائی بخاری ، بنایی هروی ، بوعلی هروی ،  
 مولانا بهاء ، خواجه بهاء الدین ، بهشتی حصاری ، بهشتی هروی ، بیاضی استرآبادی ،  
 بیاضی حصاری ، پیخودی سمرقندی ، بیدای لنک ، بیك قلی ، یرقوی شیرازی متوفی  
 در ۹۲۸ ، پناهی خراسانی ، پهلوان کاتب ، پیامی مروزی ، پیامی هروی ، پیر بداق بن  
 جهانشاه متوفی در ۸۲۲ ، پیر خموش ، تابعی هروی ، ترخانی اندخودی ، تسلیمی هروی ،  
 جادویی بلخی ، جانی جوزجانی ، جدیدی ، جر می بخاری ، بابا جزوی عراقی متوفی  
 در ۹۲۵ ، جعفر تبریزی ، جلال الدین مشهدی ، جلال الدین هروی ، جمالی ، جمشید معمایی ،  
 جمشید منجم هروی ، جنتی خراسانی ، جوهری سمرقندی ، چاکری هروی ، حاجی سفدی ،  
 مولانا حاجی مشهدی ، مولانا حاجی هروی ، حافظ حكاك کرمانی ، حافظ میر سینانی ،  
 حافظی کرمانی ، حاکمی خوافی ، مولانا حبیب ، میر حبیب الله ، حبیب الله قیزی ، حبیب  
 کاتب ، حریری ، حریمی سمرقندی ، حزینی استرآبادی ، حسن قاری ، حسابی جنابدی ،  
 حسامی قهستانی ، امیر حسن استرآبادی ، حسن طهسی ، حسنعلی جلایر ، حسنعلی  
 هروی ، کمال الدین حسین ، حسین اردستانی ، امیر حسین اردشیر ، میرزا شاه حسین  
 اصفهانی متوفی در ۹۲۹ ، حسین باوردی ، حسین کیرنگی ، حسین معمایی ، میرك

حسین هروی ، حقیری هروی ، حقیری همدانی ، جهان‌شاه حقیقی ، سید حکیمی سمرقندی ، حلوائی سمرقندی ، حمدی ، حمید الدین تبادکانی ، حمید کل ، حمید هروی ، حیدر تونیانی ، میر حیدر مجذوب ، حیرانی ، حیرتی تونس ، حیرتی سمرقندی ، خانمی هروی کوسوی ، خاصی هروی ، خاککی ، خالدی هروی ، خاوری سمرقندی ، سلطان حسین ختمی ، خرمنی هروی ، خزان سمرقندی ، امیر خسرو ، خواجه خسرو سمرقندی ، خسروی هروی متوفی در ۸۷۹ ، خضالی هروی ، خضر شاه استرآبادی ، خضری ، خلف تبریزی ، خلایق بخاری ، خلایق هروی ، خلوتی ، خلیلی صاحب تحفة العشاق که در غرة جمادی الاولی ۸۸۰ باقیمام رسیده است ، سید خنجر جیجکتو ، ملاخواجه خیابانی ، خواجه خواند ابواللیثی ، خواجه کلان هروی ، داعی استرآبادی ، داعی سرخسی ، درویش بیک ، درویش روغن‌سگر ، درویش سرخسی ، مولانا درویش مشهدی ، امیر قاسم دلنداری ، دوائی دوست اسفزاری ، دوست حسین ، میر دوست طارمی جغتایی ، مولانا دوست هروی ، دولتشاه ، حسین دیوانه ، دیوانه بلخی ، دیوانه نیشابوری ، شیخ عبدالله دیوانه هروی ، ذاتی هروی ، ذهنی کابلی ، رازی بغدادی ، رحیمی ، یاز محمد رخنه ، امیر رستم علی رشدی کازرونی متوفی در ۹۲۰ ، رشید کازرونی ، رضایی سبزواری متوفی در ۸۵۶ ، رفقی ، میر علی دوست رفیقی هروی ، روحانی ، زوی بخاری ، روحی بازاری ، رهایی ماوراءالنهری ، ریاضی زاوی ، ریاضی سمرقندی متوفی در ۸۸۴ ، رئیس شاختی ، زاری هروی ، زاهدی ، زکریا کججی ، زلالی هروی ، زمانی آملی ، زیبایی هروی ، زیرکی هروی ، زین الدین صادق ، زین الدین صاعد ، زین الدین علی ، زین الدین کلاه‌شیرازی متوفی در ۸۷۲ ، زین کیسه دوز ، زینی سبزواری ، ساغری هروی ، ساقی نخشبی ، ساقی هروی ، ساکنی سمرقندی ، سالمی عراقی ، سامانی بخاری ، سامی دامغانی ، سایللی اسفراینی ، سایللی خراسانی ، سایللی عراقی ، سایللی قرشی ، میر بیغمورچی سپاهی ، سپهری هندوستانی ، سدید طبیب قزوینی ، سدید طبیب گیلانی ، سروری بیرجندی ، سروری خراسانی ، سری ترشیزی ، سری هروی ، حافظ سعد ، مولانا سعد ، سعدالله ، حافظ سعد کل متوفی در ۸۶۸ ، سعدی اردبیلی ، سعدی مشهدی ، نور سعید بیک خوارزمی ، سعید کابلی ، میر سعید

هروی ، سکاکی سمرقندی ، سلام الله کاشی ، سلامی خراسانی ، سلامی هروی ، سلطان  
 خلیل ، سلطانعلی اوبهی ، سلطانعلی قاینی ، سلطانعلی هروی ، سلطان محمد خندان ،  
 سلطان محمد هروی ، سلطان محمود بتکچی ، سلطان محمود میرزا ، امیر سلطان ولی ،  
 سلیمان ترکمان ، سلیمانی هروی ، باباسمایی متوفی در ۹۲۳ ، سوادی هروی ، سوسنی  
 هروی ، عبدالوهاب سہابی ، سید زاده منشی ، میرسید کابلی ، سیری هروی ، سیفی  
 خراسانی ، ثانی کاشانی متوفی در ۹۲۴ ، شاه شبلی ، شاه علی بن سلیمان کجبال ، شاه  
 قلی ایغور ، شاہک هروی ، ملاشاہ محمد ، شاه محمد قورچی ، شاه محمد هروی ، شاه  
 محمود جان ، شاه محمود طهرانی ، شاه ولد بیگ ، درویش علی شجاع ، شراری استرآبادی ،  
 حافظ شربتی ، شربتی هروی ، شرف خیابانی ، امیر سید شریف ، شریفی شیرازی ،  
 شریفی مشهدی ، محمد علی شفایی ، امیر حسین شفیع معمازی متوفی در ۹۰۴ ، شکر الله  
 شروانی ، شکری هروی ، شمس الدین محمد حروفی ، شمس بدخشانی ، شوریدہ هروی ،  
 شوقی جیبجک تونی ، شوقی هروی ، مولانا شہاب ، شہاب مدون ، شہاب معمازی ، شہاب  
 هروی ، شہودی متوفی در ۹۲۷ ، شیخ زاده انصاری ، شیخ زاده پورانی ، شیخی طیبی ،  
 شیرعلی هروی ، شیر ، شیونی قلندر ، صابر ، صابری ، صاحب استرآبادی ، صاحب  
 بلخی ، صاحب کبودجامہ ، صادقی قاینی ، صافی توزپوش ، صافی کوه صافی ، محمد  
 صالح ، صالح خراسانی ، علاءالدین علی صناعی ، قوام الدین علی صابنی متوفی در ۸۳۰ ،  
 صبحی اوبهی ، صبری خوارزمی ، صبوخی شیرازی ، میر حیدر صبوخی ، صدایی ،  
 صدر ابهری ، صدرالدین رواسی ، مولانا صدر دیوانہ ، صدر کاتب هروی ، صدقی هروی ،  
 صفاتی هروی ، صفایی خراسانی ، صفایی سمرقندی متوفی در ۸۴۰ ، صفی الدین بن مسیح الدین  
 فوشنگی متوفی در ۸۵۳ ، صفی بیہقی ، درویش صوفی ، مولانا صوفی اردستانی ، صوفی  
 استرآبادی ، صیرفی ، ضعیفی لنگک ، ضمیری ہمدانی ، ضیاء تبریزی ، ضیاء هروی ،  
 ضیایی ، محمد طالب ، طالبی سمرقندی ، طالعی سمرقندی متوفی در ۸۵۸ ، طالعی مشهدی ،  
 خواجہ طاہر محمد ، طاہری استرآبادی متوفی در ۹۲۹ ، طاہری هروی ، طایری  
 استرآبادی ، طایری زیارتگاھی ، طفیلی حصاری ، ظریفی تونی ، عادل ختلانی ، عارف

بلوچ ، عارف فرکتی ، عاشقی هروی ، قاسم عاصم ، عاصمی هروی ، عاکفی ، عالم هروی ،  
 میر عبدالباقی کرمانی ، عبد الجلیل ، عبدالحق استرآبادی ، عبدالحق هروی ، عبد الرزاق  
 هروی ، عبد الصمد بدخشانی ، عبد الصمد مشهدی ، عبد الغفار تاشکندی ، عبد القهار  
 هروی ، ملا عبد الکریم نیشابوری ، سلطان عبد الله بخاری ، درویش عبد الله ترخان ،  
 عبد الله چشمه مالان ، عبد الله شطاری ، عبد الله قزوینی ، عبد الله کیلانی ، مولانا عبد المؤمن ،  
 عبد الواسع هروی ، عبد الوهاب اسفراینی ، عبد الوهاب سمرقندی ، عبدی نیشابوری ،  
 عبید الله خان شیپانی ، عبیدی خراسانی ، عزیز کابلی ، عشرتی هروی ، میر عشقی ، عطایی  
 متوفی در ۹۲۵ ، علاء الملک سبزواری ، علمی خراسانی ، مظہر الدین علی ، حافظ علی ،  
 میر علی اصغر سمرقندی ، علی بخاری ، علی ترشیزی ، حافظ علی جامی ، علی خان میرزا ،  
 حاج علی خراسانی ، میرزا علی خلیج ، خواجہ علی خوشنویس ، بابا علی شادآبادال هروی ،  
 مولانا علی کلوی شوری بخاری ، شرف الدین علی مخدوم متوفی در ۸۵۸ ، میر علی هروی ،  
 سید عماد الدین عراقی ، عماد رازی ، عماد کاتب ، عماد لاری ، عماد موسوی مشهدی ،  
 عماد یزدی ، مرشد الدین عمری ، شاه عنایت الله ، عیانی استرآبادی ، میر عیانی شیرازی ،  
 قاضی عیسی ، مسیح الدین عیسی ساوجی متوفی در ۸۹۶ ، عیسی شیرازی صاحب عشرت نامه ،  
 غباری اسفراینی ، غباری هروی ، غریب سبزواری ، غرقی ، غضنفری ، امیر مقصود غلام ،  
 غمزه بخاری ، غیاث الدین صباغ ، غیاث الدین علی ، غیاث الدین مشهدی ، غیاث الدین  
 محمد نیشابوری ، غیاث الدین محمد هروی ، غیاث بلخی ، فارغی هروی ، فانی بخاری ،  
 فانی هروی ، معین الدین فتح الله ، فتح الله شیرازی ، فتح الله کاتب ، مولانا فتح الله  
 هروی ، فتحی اندجانی ، مولانا فخر ، فخر الدین هروی ، فخر خلخالی ، فدایی  
 تبریزی ، فراقی جوینی ، فروغی نیشابوری ، فرهادی ماوراء النهری ، فسونی ، فشاری ،  
 فصیح الدین ، فصیحی رونی ، فصیحی صاحب واقع و عذرا ، فضل الله شیرازی ، فضل الله  
 کرمانی ، فضلی هروی ، فقیری هروی ، امیر کمال الدین حسین فنایی ، فیضی تربتی ،  
 فیضی کار دگر ، فیضی هروی ، قابلی ترشیزی ، قاسم جنابدی ، میرزا قاسم ولدی ، میرزا  
 قاسم هروی ، قاسمی اصفهانی ، قاضی زاده ، قایمی ، قبولی ترشیزی ، قبولی رستم‌داری ،

قبولی قندزی ، قبولی هروی ، قدسی هروی ، قدیمی هروی ، سید قراضه شیرازی ،  
قرشی سمرقندی ، قطب الدین اصفهانی ، سید قطب سمرقندی ، قطبی هروی ، فلاشی  
هروی ، قل محمد شبرغانی ، میر قلندر ، قوسی اسفراینی ، قوسی هروی ، شاه حسین  
کامی ، کاهی ، کلان معمای ، کمال تربتی ، کمال کوه صافی ، کوثری بخاری متوفی در  
۸۸۰ ، کوثری هروی ، کوچک بیگ ، کور لطیف ، کوکبی بخاری ، کوکبی مشهدی ،  
کدایی هروی ، گلشنی ، لسانی شیرازی ، لطفی ناشکندی ، لطفی مشهدی ، شمس الدین  
محمد لطیفی ، لطیفی هروی ، لعلی شاه بدخشان ، لقایی خراسانی ، لقایی سمرقندی ،  
مانی تربتی ، مولانا مثالی ، مجدالدین کاشی ، مجرمی هروی ، میر شمس الدین محمد  
مجلسی متوفی در ۹۲۷ ، مجلسی هروی ، مجنونی بلخی ، محبی ، محرمی استرآبادی ،  
محرمی هروی ، کمال الدین محمد ، محمد آملی ، پهلوان محمد ابو سعید ، قاضی محمد  
امامی ، محمد امین بلخی ، محمد بن احمد نیشابوری ، شیخ محمد تبریزی ، محمد جعفر  
کوکلتاش ، محمد خراسانی ، مولانا درویش محمد خراسانی ، محمد علی تبریزی ،  
مولانا محمد علی هروی ، حاجی محمد فوطه سمرقندی ، خواجه محمد کتف اندجانی ،  
محمد مجاهد خراسانی ، محمد مذهب کرمانی ، محمد مؤمن میرزا ، میر محمد میر یوسف ،  
محمد نایینی ، محمد نعمت آبادی ، ملا حاج محمد هروی ، محمد همام ، امیر محمد  
یوسف ، جمال الدین محمود ، محمود پرلاس ، محمود تربتی ، محمود زنگی ، محمود  
سبزواری ، محمود کاتب هروی ، محمود کاخکی قهستانی ، محمود لنگرودی ، محمود  
مشکی تبریزی ، محنتی هروی ، محوی خراسانی ، محوی هروی متوفی در ۹۲۸ ،  
مولانا محیی الدین ، محیی خوشنویس ، محیی شروانی ، محیی نیشابوری ، مدیحی هروی ،  
خواجه مسعود ، مسعود ترکمان ، خواجه رکن الدین مسعود ترکه ، مسعودی هروی ،  
مسلمی اسفراینی ، مسیب هروی ، مسیحی فوشنجی ، مشتری استرآبادی ، مشربی مشهدی ،  
مشرقی ، مشهدی ، مشرقی هروی ، سید مظهر ، خواجه مظفر معمار ، مظهری ، معزالدین  
خوافی ، معزی ، معزی لنگه ، معین شیرازی ، معینی شیرازی ، میر مفلسی مشهدی ، مقصود  
کازرونی ، مقصود هروی ، مقیم کازرونی ، میرزا مقیم کیخسروی ، مقیمی بخاری ، مقیمی

فرشیزی ، مقیمی هروی ، ملک باخرزی ، منصور جرجانی ، موالی ، خواجه موسی هروی ،  
 مؤمن سمرقندی ، میر دلال ، میر زاپیک ، میر سبزواری ، میرک تبریزی ، میرک شیرازی ،  
 خواجه میرک هروی ، میرمسیاه ، میلی حصاری ، نادری بخاری ، نادری مروزی ، نازکی  
 خراسانی ، نازنینی سبزواری ، ناصرالدین سمرقندی ، ناظری مشهدی ، نامی سبزواری ،  
 محمدعلی جلایرثاری ، نجاتی متوفی در ۹۱۴ ، نجم الدین اسکویی ، نجم الدین برکباف ،  
 نجم الدین ساوجی ، خواجه نجمی ، نجمی شروانی ، نجمی مشهدی ، نجومی هروی ،  
 فدایی نیشابوری ، فرگسی مروزی ، فرگسی هروی ، قدیمی فرخاری ، نسیمی هروی ،  
 نصیبی کیلانی متوفی در ۸۸۶ ، امیر نصیبی نوربخشی متوفی در ۹۱۴ ، نصیر لنگی  
 نیشابوری ، نظام الدین اردبیلی ، نظام الدین خراسانی ، نظام بدرنیشابوری ، نظام هروی ،  
 نظامی خراسانی ، نظیر الدین هروی ، نظیری ، بابا نعمة الله ، سید فضل الله نعیمی ،  
 نقیبی هروی ، نوابی خراسانی ، نورالدین راغی ، نورالله خراسانی ، نورالله ساوجی ،  
 نور هروی ، نوری دندانی هروی ، نوری مشهدی ، نوری هروی ، محمد یوسف نیازی ،  
 نیکی اصفهانی ، واحدی هروی ، زین الدین محمود و اصفی ، واصلی ، وافی هروی ، والهی  
 سمرقندی ، والهی هروی ، وحدتی هروی ، وحیدی قمی ، وداعی بلخی ، وصالی کاشانی ،  
 وصفی سمرقندی ، وصفی هروی ، وصلی هروی ، وصلی سمرقندی ، وفایی ، شاه حسین  
 ولی ، ولی قلندر ، ویسی سمرقندی ، ویسی هروی ، خواجه هاشم بخاری ، هاشم هروی ،  
 سید هاشمی ، هاشمی بخاری ، میر هاشمی شاه جهانگیر ، هاشمی هروی ، هجری اندجانی ،  
 هجری جامی ، هرانی هروی ، هفت رنگی خراسانی ، هلاکی هروی متوفی در حدود  
 ۹۰۰ ، همام الدین گلناری ، میر همایون ، همایون میرزا ، همایی سمرقندی ، همایی  
 عراقی ، همدمی مشهدی ، هوایی مشهدی ، هوشی خراسانی ، حافظ یاری ، یاری  
 استرابادی ، یاری شیرازی ، یاری هروی ، یحیی سیستانی ، شیخ نجم یعقوبی ، یقینی  
 هروی ، یوسف شاه کاتب ، یوسف مروزی ، یوسفی خراسانی .



گذشته ازین ۸۹۵ شاعر بزرگ و کوچک در میان گویندگان قرن نهم چند

زن دیگر هم بوده اند که شعر فارسی را نیکو می سروده اند مانند آتونی و آقا بیگم و بیچا منجمه خواهر مولانا علاء الدین کرمانی که در هرات میزیسته و یکی سلطان مشهدی و روزبه و لاله خاتون و مغول خانم همسر محترم خان سیستانی و مادر محمد رحیم سلطان که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و آفاق دختر میر علی جلایر و خواهر امیر حسن جلایر و همسر امیر درویش علی کتابدار برادر امیر علیشیر که در بلخ میزیسته و نهانی خواهر خواجه افضل کرمانی وزیر سلطان حسین و بی بی عصمتی که از مردم خواف و زن برادر حاجی شاعر بوده و بیدلی همسر شیخ عبدالله دیوانه هروی و نهانی شیرازی و فخر النساء که نسایی تخلص داشته و از خاندان سادات زاوه بود و خاتزاده تربتی خواهر وی که هردو دختران امیر یادگار بوده اند و شاه ملک معروف بسید بیگم که از خاندان سادات کرگان و دختر سید حسن کار کیا بوده و ملکا تخلص میکرده و بی بی آرزو سمرقندی و ضعیفی و حیات که زن بقایی هروی بوده و لی قطعه از همه معروف تر و شیرین سخن تر شاعره معروف مهری بوده که در زمان شاه رخ میزیسته و از نزدیکان گوهرشاد بیگم شاهزاده مشهور و زن خواجه عبدالعزیز حکیم و از زنان زیبای زمان خود و بسیار شیرین سخن بوده و دیوان وی که غزلیات و رباعیات بسیار لطیف در آن هست مانده است و یکی از زنانیست که بهتر از دیگران بزبان فارسی شعر گفته است.

### ن دهم

در قرن دهم مهم ترین واقعه تاریخ جدید ایران روی داده که نه تنها جریان تاریخ را دگرگونه کرده بلکه اندیشه ایرانیان را نیز برای دیگری برده است. در روز رمضان سال ۹۰۲ هجری قمری که از سلطان حیدر پسر سلطان جنید و از حلیمه دختر اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو (متوفی در ۸۸۳) در ۲۵ رجب ۸۹۲ به جهان آمد، و درین زمان شانزده سال و یک ماه و هفت روز از زندگی او میگذشت در تبریز بر تخت پادشاهی نشست و یکسال بعد یعنی در ۹۰۸ خود را بنام «شاه اسمعیل» خواند. این شاه هفده ساله نسبت به پنج پشت بشیخ صفی الدین اسحق اردبیلی (۶۵۰ - ۱۲ محرم



(۷۳۵) پیشوای معروف صوفیه آذربایجان میرسید که بنا بر نسب نامه رسمی سلسله صفوی که در اعتبار آن تردیدست بیست و هشت با امام موسی کاظم میرسیده است. سلطان حیدر که از خواجه بیکم خواهر اوزون حسن زاده بود در ۸۹۸ هنگامیکه پسر سومش اسمعیل شش ساله بود در گذشت و پس از مرگ او اداره مریدان خاندان و ریاست سلسله تصوفی که بمناسبت نام مؤسس آن بطریقه صفوی معروف بود پی در پی پسر نخستینش علی و پس از آن پسر دوم ابراهیم و سپس پسر سوم اسمعیل رسید و او نیز مانند پدران خود در اردبیل میزیست و اندک اندک جمعی از مریدان خاندان خود را مسلح کرد و برای امتیاز از سپاهیان دیگر کلاه سرخ بر سرشان گذاشت و بهمین جهت به « قزل باش » یعنی « سرخ سر » معروف شدند و بدستگیری ایشان از نانوایی آخرین پادشاه آق قویونلو سلطان محمد پسر یوسف که پسر دایی او بود و از ۹۰۶ پیادشاهی آذربایجان نشسته بود بهره مند شد و نخست برخی از نواحی آذربایجان را گرفت و پس از چندی که دختر شیخ ابراهیم شروانشاه را بزنی گرفت بر نیرویش افزوده شد و بدین گونه توانست بر بزرگترین قسمت ایران استیلا جوید و دوباره ایران را از ملوک الطوائف رهایی دهد و حکم رانی واحدی فراهم سازد. پدران شاه اسمعیل همه شافعی بودند و او نیز درین طریقه بجهان آمده بود اما چون از شش سالگی تا چهارده سالگی هشت سال در دربار کار کیا میرزا علی پادشاه کیلان (۸۸۳-۹۱۰) میزیست و باو پناه برده بود و وی شیعه بسیار تند روی بود همینکه بساطت رسید دین شیعه را اعلان کرد و در انتشار آن از هیچگونه سختی و خونریزی خودداری نداشت. با آنکه جانشیان او شیعه بودند شاه اسمعیل دوم که از ۲۷ جمادی الاولی ۹۸۴ تا ۳ ذی الحجه ۹۸۵ پادشاهی کرد چون درنبریز نزدست امیرسید ابوالفتح محمد بن عبدالباقی شریفی شیرازی معروف بمیرزا مخدوم نواده میر سید شریف کرگانی که از علمای معروف حنفی بود تربیت شده بود همینکه پیادشاهی رسید و او را وزارت داد بدستگیری او طریقه سنت را اختیار کرد و چون فتنه‌ای روی نمود ناچار پس از اندکی وزیر را عزل کرد و خود بطریقه شیعه بازگشت. بهر حال شاه اسمعیل اول برای پیشرفت عقیده

خود خوئریزی بسیار کرده و درین میان جمعی از ادبا و علمای نامی ایران که پیرو این عقیده نبوده‌اند کشته شده‌اند و عده کثیری از ایشان از ترس جان خود از ایران گریخته‌اند، چنانکه دانشمندان خراسان بماوراء النهر و هندوستان رفته و دانشمندان آذربایجان بخاک عثمانی پناه برده و حتی عده کثیر از دانشمندان فارس و کرمان و خوزستان بحرستان رفته‌اند و بهمین جهت در قرن دهم بعد از بسیار دانشمندان ایرانی نژاد برمیخوریم که درین کشورها بوده و در همانجا در گذشته‌اند. شاه اسمعیل در سال ۹۰۸ آذربایجان را از سلطان مراد آخرین پادشاه آق‌قویونلو گرفت و مرکز ادبی مهمی که در قرن نهم در آن سرزمین و مخصوصاً در دربار سلطان یعقوب فراهم شده بود بهم خورد و همه ادبا و هنرمندانی که در آن ناحیه بودند بخاک عثمانی پناه بردند و ادبیات فارسی در آن سرزمین رواج فوق‌العاده یافت، چنانکه زبان فارسی زبان علمی و ادبی دربار عثمانی شد و گاهی هم مکاتبات رسمی را بزبان فارسی می‌نوشتند و شگفت اینست که شاه اسمعیل خود بزبان ترکی شعر می‌گفت و خطایی تخلص میکرد و نامه‌هایی را که بیادشاهان آل عثمان مینوشت بزبان ترکی بود اما پادشاهان آل عثمان مخصوصاً سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) و پسرش سلطان سلیمان دوم (۹۲۶-۹۷۴) بفارسی باو جواب میدادند و بزبان فارسی شعر می‌گفتند و ناچار عده کثیر از دانشمندان دربارشان بزبان فارسی تألیف کرده و شعر گفته‌اند و نفوذ این زبان در دربار عثمانی تا سیصد سال یعنی تا اواخر قرن سیزدهم باقی بود. از طرف دیگر ظهیرالدین بابر شاهزاده معروف تیموری در ۱۵ شعبان ۹۳۲ بتخت سلطنت هندوستان نشست و سلسله مقتدری درین کشور فراهم کرد که نزدیک سیصد و پنجاه سال در آنجا فرمانروایی داشت. بابر خود در ایران بآیین ایرانی پرورش یافته و با آنکه زبان مادریش ترکی جغتایی (زبان امروز ازبکستان) بود بزبان فارسی که از کودکی بآن خو گرفته بود دلبستگی داشت و زبان رسمی دربارش تا استیلای انگلیسها بهند زبان فارسی بود و بهمین جهت فارسی که از قرن پنجم و از زمان محمود غزنوی بهندوستان رفته بود بر رونق خود افزود و ازین بعد تا زمانی که آخرین پادشاه بابر سراج‌الدین ابوالمظفر بهادر شاه دوم تا

۱۳ شعبان ۱۲۷۴ در آن کشور پهناور پادشاهی میکرد زبان رسمی بود و در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم و قسمتی از قرن سیزدهم هموار معده نویسندگان و شاعران فارسی زبان که در هند میر بستند بیش از شماره کسانی بود که در ایران بودند و نه تنها دانشمندان و شاعران برای اینکه زندگی مرفه بدست آورند بهند میرفتند و در آنجا بثروت سرشاری میرسیدند و یا در پایان زندگی بایران باز میگشتند و یا در همانجا بخاک سپرده میشدند، بلکه مسلمانان و حتی هندوان بت پرست آن سرزمین هم مقصود علمی و ادبی خود را بزبان فارسی ادا میکردند و مخصوصاً در قرن دهم در دربار دوتن از جانشینان مستقیم ظهیرالدین بابر یعنی ناصرالدین جهانگیر (۹۳۷-۹۶۳) و پسر او جلال الدین ابوالفتح اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴) ادبیات فارسی بمنتهای رونق و رواج رسید و بمراتب انتشار آن در هند بیش از ایران بود. در ایران پادشاهان صفوی توجهی بادیات نداشتند زیرا که همه کوشش آنها متوجه انتشار طریقه شیعه و پیشرفت سیاست مذهبی و بستن سدی استوار در برابر استیلای ازبکان سنی ماوراءالنهر و عثمانیان سنی آسیای صغیر و فراهم کردن تعصب و کینه مذهبی بسیار شدید و دامن زدن آتش اختلاف بود و برای این کار تنها احتیاج بادیات عامیانه ای داشتند که در میان مردم زیر دست و خرده پا فراهم کنند مانند نوحه و تعزیه و امثال آن و گاهی شاعرانی را که درباره شهدای کربلا مرثی میسرودند تشویق میکردند و در انتشار علوم نیز توجهی نداشتند و تنها بنشر معارف شیعه همت میگماشتند و چون برای این کار در ایران که اکثریت مردم آن پیش از پادشاهی ایشان سنی بودند شماره لازم دانشمندان نمی یافتند ناچار عده کثیری از پیشوایان شیعه کشور های قازی زبان مانند بحرین و لحساء و جبل عامل و نواحی دیگر دمشق و سوریه را بایران آوردند و ایشانرا باین کار گماشتند و آنها هم فارسی زبان نبودند و تعلیمات خود را بزبان قازی میدادند و نتیجه این شد که زبان قازی که پس از برافتادن خلافت بغداد در اواسط قرن هفتم در ایران روز بروز ضعیف تر شده و آن استیلایی که بعنوان زبان علمی در نتیجه قدرت خلفای بغداد پیدا کرده بود از میان رفته و اندک اندک زبان فارسی در احتیاجات علمی جای آنرا گرفته بود بدست یاری این پیشوایان قازی که

از کشورهای بیگانه آمده بودند دوباره زبان علمی و دینی ایران شد و باز بنای تألیف را  
 بزبان تازی گذاشتند و این اوضاع تقریباً تا اواخر سلطنت صفویه تا اوایل قرن دوازدهم  
 باقی بود و شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) نخستین پادشاه صفوی بود که بترویج زبان  
 فارسی همت گذاشت و دانشمندان زمان خود را واداشت برخی کتابها را از زبان تازی  
 ترجمه کنند. در قرن دهم یگانه مرکزی که برای جلوۀ زبان فارسی در ایران مانده  
 بود سرزمین گیلان بود که در قسمتی از آن امرای سلسله اسمحاقی پادشاهی کرده‌اند  
 و آخرین امیر این خاندان محمد امین بن جمشید تا ۹۹۹ حکمرانی ضعیفی داشته  
 است و در قسمتی دیگر سلسله سادات کیایی که از ۷۷۰ بنای پادشاهی را گذاشته  
 بودند هنوز حکمرانی داشتند و آخرینشان خان احمد خان معروف نخست از ۹۴۳  
 تا ۹۷۵ و بار دیگر از ۹۸۵ تا ۱۰۰۱ پادشاهی داشته است. بیشتر از شاعران فارسی  
 زبان که در قرن دهم در ایران پدید آمده و در ایران مانده و بهند نرفته‌اند پرورش  
 یافته در بارهای امرای گیلان بوده‌اند. در نورو کجور مازندران نیز دو خانواده از امرای  
 با دوسپانی که از سال ۴۰ هجری پیادشاهی آغاز کرده بودند پس از نهصد سال هنوز  
 قدرتی داشته‌اند و در نور اویس پسر بیستون در حدود ۹۵۶ و در کجور ملک محمد بن  
 جهانگیر تا حدود ۹۶۳ حکمران مستقل بوده‌اند، اما این هر دو خانواده دست نشاندۀ  
 شاه طهماسب بوده و استقلال کامل نداشته‌اند و بهمین جهت در ادبیات زمان خود کاملاً  
 مؤثر نبوده‌اند. در قرن دهم در هندوستان اساس سبک مخصوصی در شعر گذاشته شد  
 که بنام سبک هندی معروف شده است و این سبک از روش خاص شاعران سمبوا و سیم قرن هشتم  
 مخصوصاً کمال خجندی و حافظ بیرون آمده و شاعران در استعمال کنایات و استعارات  
 و معانی دقیق و نازک هندی و اشاره بامثال و اصطلاحات خاص بیش از اندازه زیاده‌روی  
 کرده‌اند چنانکه فهم بسیاری از اشعارشان برای کسانی که با اینگونه مطالب آشنا  
 باینگونه از شعر مانوس نباشند دشوارست و چون بیشتر شاعرانی که بدین روش امپرسو و نیم  
 سخن گفته‌اند در هندوستان میزیسته‌اند این روش بسبک هندی معروف شده است. ضمینی  
 که در شعر قرن دهم بیشتر بکار رفته در تغزل است و معما که در قرن پیش منتهای رواج را

داست رفته رفته متروک شده و چون شاعران دیگر ممد و حانی در پیش خویش نداشته‌اند که ایشانرا بمدح تحریک کنند بخودی خود قصیده سرایی و مدایح از میان رفته و تنها در میان شاعران معدودی که در دربار صفویه میزیسته‌اند سرودن مدایح ائمه و بیشتر مرثی شهادت کربلا معمول بوده است و در هندوستان همچنان سرودن مثنویهای عاشقانه و تقلید از خمسه نظامی مانند قرن پیش رواج داشته است. اما در نثر بیشتر در ایران و کمتر در هندوستان سبک پر تکلف و پر استعاره و کنایه‌ای که در قرن نهم ابتکار کرده بودند روز بروز بیشتر رواج و توسعه یافته است و مخصوصاً در دربار صفویه یگانه سبک معمولی نثر فارسی شده و به منتهای مبالغه و غلو درین روش گوشیده‌اند.

### ۱ - نثر

نویسندگان بزرگ قرن دهم بدین گونه بوده‌اند :

#### ۱ - قاضی احمد بن محمد بن عبدالغفار قزوینی غفاری یکی از بزرگان

تاریخ نویسان زمان خود بوده و در ضمن از اعیان دربار صفویه بشمار میرفته و برادرش قاضی دی بود و در پایان زندگی بحج رفته و در بازگشت ازین سفر در ۹۷۵ در هندوستان در گذشته است و وی مؤلف دو کتاب مهم در تاریخست نخست نگارستان که شامل قصص تاریخست و در ۹۵۹ تألیف کرده است و دیگر کتابی بنام « نسخ جهان آرا » که شامل فصول مستقل در تاریخ سلسله‌های مختلفست که در دوره اسلامی سلطنت کرده‌اند و در ۹۷۲ بنام شاه طهماسب بیایان رسانده است.

#### ۲ - امیر یحیی بن عبداللطیف حسینی سیفی قزوینی از سادات محتشم قزوین

و از رجال دربار صفویه بوده و در ذی القعدة ۸۸۵ ولادت یافت و چون از پیشوایان اهل سنت قزوین بود مورد خشم شاه طهماسب اول قرار گرفت و در اصفهان محبوس شد و در همان حال در رجب ۹۶۲ در ۷۷ سالگی در گذشت. وی مؤلف دو کتاب مختصر در تاریخ عمومست یکی بنام لب التواریخ که در ۹۴۸ بنام بهرام میوزا پسر چهارم شاه اسمعیل اول نوشته و دیگر بنام مختصر التواریخ که در ۹۶۲ بنام شاه طهماسب همان کتاب سابق را اندکی مفصل‌تر کرده است.

### ۳ - امیر حسن نواده امیر سلطان روم و معروف بحسن بیك روملووی

نیز از تاریخ نویسان نامی قرن دهم بشمارست. از رجال دربار صفویه بوده و در ۹۳۸ در قم ولادت یافته و در ۹۴۸ در جنگ دزفول در رکاب شاه طهماسب بوده و در ۹۵۳ بگرستان و جنگ کردان اردلان رفته و سپس سفرهایی بشیراز و قزوین کرده و مؤلف کتابیست بنام احسن التواریخ که وقایع را سال بسال در آن ضبط کرده است و ظاهراً نتوانسته است مجلدات اول آنرا تألیف کند و تنها مجلد ۱ و ۱۲ آنرا بیابان رسانده که مجلد ۱۱ آن شامل وقایع قرن نهم از ۸۰۲ بعد و مجلد ۱۲ شامل قرن دهم تا سال ۹۸۵ است و ظاهراً درین سال در گذشته و کتاب او ناتمام مانده است.

### ۴ - مسعود بن عثمان کوهستانی از تاریخ نویسان ساکن ماوراءالنهر بوده

و در دربار ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان ازبک (۹۴۷-۹۵۹) میزیسته و بفرمان این پادشاه کتابی در تاریخ سلسله شیبانیان یا ازبکان ماوراءالنهر آغاز کرده که تنها شامل تاریخ سلطنت ابوالخیر خان بن دولت شیخ (۸۳۲-۹۰۵) مؤسس این سلسله است و بهمین جهت به «تاریخ ابوالخیر خانی» معروفست.

### ۵ - ابراهیم بن جریر نیز از تاریخ نویسان این زمان بوده و در دربار همایون

پادشاه معروف بابر هندوستان (۹۳۷-۹۶۳) میزیسته و مؤلف کتابیست در تاریخ همایونی که از ۹۳۵ بتألیف آن آغاز کرده و بوقایع سال ۹۵۸ منتهی میشود.

### ۶ - خورشاه بن قباد حمینی عراقی از تاریخ نویسان دربار برهان نظامشاه

دکنی پادشاه هندوستان بوده که از ۹۱۴ تا ۹۶۱ در احمدنکر پادشاهی کرد. سب و در ۹۵۲ از جانب او سفارت بدربار شاه طهماسب در قزوین آمده و بهمین جهت به «ایلچی نظامشاه» معروف شده است و در بازگشت ازین سفر در ۲۵ ذی القعدة ۹۷۲ در گلکنده در گذشت. وی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود که بنام «تاریخ ایلچی نظامشاه» معروفست.

### ۷ - مصلح الدین محمد بن صلاح بن جلال بن کمال بن محمد انصاری سعدی

عبادی شافعی لاری از بزرگان علمای قرن دهم بود و در شیراز نخست شاگرد

میر غیاث‌الدین منصور بن صدرالدین شیرازی متوفی در ۹۴۸ یا ۹۴۹ و میر کمال‌الدین حسین بن محمد بن فخرالدین علی لاری و سپس مدتی شاگرد علامه جلال‌الدین دوانی دانشمند معروف بوده و سپس چند سالی در هندوستان در دربار همایون زیسته و پس از مرگ این پادشاه در سال ۹۶۳ بسفر حج و از آنجا باستانبول رفته و با ابوسعود مفتی معروف آن زمان دوست شده و پس از چندی بآمد رفته و اسکندرپاشا حکمران آن شهر در ۹۶۷ تولیت مدرسه خسروپاشا را که بهترین مدرسه آن شهر بوده باو داده و سرانجام در شهر آمد در ذی‌الحجه ۹۷۹ در گذشته است. مصلح‌الدین لاری در همه علوم زمان خود دست داشته و بزبان فارسی و نازی در فتون مختلف تألیف کرده از آن جمله شرح رساله زوراء تألیف استاد خود جلال‌الدین دوانی را به پایان رسانده و دیگر از مؤلفات اوست شرح رساله هیئت ملا علی قوشچی بفارسی و حاشیه بر شرح میبندی بر هدایة‌الحکمة اثرالدین ابهری و مرآت الادوار فی مرقاة الاخبار که کتابیست در تاریخ عمومی و بنام سلطان سلیم بن سلیمان آل عثمان و در موقع ورود باستانبول برای محمدپاشای وزیر در ۹۷۴ نوشته است و شرح اربعین نووی و شرح ارشاد فی الفروع الشافعیه و تعلیقه بر تفسیر بیضاری و حاشیه بر مطول و حاشیه بر تهذیب المنطق و کلام فقاهانی و شرح شمائل النبی امام ترمذی که در ۹۴۹ به پایان رسانیده و سپس شرح دیگری بر آن کتاب بفارسی نوشته است و حاشیه بر طوابع الانوار بیضاوی و شرح فرائض سجاوندی و شرح کافیة ابن الحاجب و تعلیقات بر مواقف عضدالدین ایبکی.

۸ - منشی بوداق قزوینی که از مورخین دربار شاه اسمعیل دوم بوده و کتابی در تاریخ عمومی بنام جواهر الاخبار تألیف کرده است که سال ۹۸۴ منتهی میشود.

۹ - ملا احمد بن نصرالله دیلمی تتوی که یسر قاضی شهرتته و از دانشمندان دربار جلال‌الدین اکبر بود و در ۲۲ سالگی از شهرتته خارج شد و در کسب دانش و تحصیل طب و حکمت بمشهد و یزد و شیراز و قزوین آمد و مدتی هم در دربار شاه طهماسب بود و پس از مرگ شاه طهماسب در ۹۸۴ بمکه رفت و از آنجا در ۹۸۹ بدربار اکبر رفت و در ۹۹۳ اکبر او را مأمور کرد کتابی در تاریخ عمومی از آغاز دوره

اسلامی بنویسد و وقایع را سال بسال در آن ضبط کند و وی بدان کار شروع کرد و چون در ۹۹۶ در لاهور کشته شد آن کتاب ناتمام مانده بود و اکبر میرزا قوام‌الدین جعفر بیگ ملقب باصف خان را که از شاعران و سرداران دربارش بود مأمور کرد که این کتاب را پایان رساند و چند تن دیگر از دانشمندان دربار درین کار شرکت کردند مانند نفیس خان و شاه فتح‌الله متوفی در ۹۹۷ و حکیم همام متوفی در ۱۰۰۴ و حکیم علی متوفی در ۱۰۱۸ و حاج ابراهیم سرهندی متوفی در ۹۹۴ و میرزا نظام‌الدین احمد مؤلف طبقات اکبر شاهی و عبدالقادر بدایونی مؤلف منتخب التواریخ و این کتاب چون در سال ۱۰۰۰ پایان رسید آنرا «تاریخ الفی» نام گذاشتند و مبدأ تاریخ آن را از سال رحلت رسول اکرم گرفته‌اند.

۱۰ - **میر محمد شریف و قوچی حسینی نیشابوری** از سادات محترم نیشابور بود و در ۹۹۸ وارد دربار جلال‌الدین اکبر شد و در ۱۰۰۲ در هندوستان در گذشت و وی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی بنام مجمع الاخبار که تا وقایع سال ۱۰۰۰ را در آن ضبط کرده است.

۱۱ - **محمد طاهر هیزاری پسر خواجه عماد الدین حسن** از اعیان دربار اکبر در هندوستان بوده و در ۹۸۸ اکبر حکمرانی یکی از نواحی هند را باو داده است و برادر پسرش خواجگی سلطان احمد از شاعران دربار بوده و در ۹۸۷ بازا کبر مأموریت دیگر باو رجوع کرده و در ۱۰۱۳ با گره و برهان پور فرستاده است و در ۱۰۱۵ با سلطان خرم که بعدها بنام شاه جهان به سلطنت رسیده از اگره بدربار جهانگیر بلاهور رفته است و دیگر در باره او اطلاعی نیست. وی از تاریخ نویسان نامی زمان خود بشمارست و کتابی در تاریخ عمومی بنام روضة الطاهرین تألیف کرده که تا وقایع ۱۰۱۴ در آن ثبت شده است.

۱۲ - **حسن بیگ بن محمد بیگ خاکی شیرازی** نیز از تاریخ نویسان دربار اکبر و یکی از خاندان‌های نجیب شیراز بوده که به هندوستان رفته‌اند و در ۱۰۰۷ منصب بخشی کجرات باو تعلق گرفته و سپس در ۱۰۱۹ جهانگیر ریاست دیوان صوبه بهار را



باو داده و سر انجام در صفر ۱۰۲۲ در پتنه در گذشته و وی مؤلف کتابیست بنام منتخب التواریخ یا احسن التواریخ در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۱۰۲۱ را در آن ضبط کرده است.

۱۳ - نظام سیاقی از تاریخ نویسان زمان شاه عباس اول بوده و در ۱۰۰۷ کتابی شامل دوازده سال اول سلطنت او بنام فتوحات همایون نوشته است.

۱۴ - امیر محمود بن امیر خوند میر پسر خوند میر مؤلف معروف حبیب السیر بوده و ظاهراً در هرات میزیسته و وی مؤلف کتابیست در تاریخ شاه اسمعیل و شاه طهماسب که در ۹۵۲ بیابان رسانده است.

۱۵ - محمود بن هدایت الله افوشه ای نطنزی از ادبای پر کار زمان خود بوده و در نظم و نثر پارسی دست داشته و مؤلف کتابیست در تاریخ صفویه بنام نقاوة الانار فی ذکر الاخیار که در ۹۹۸ بتألیف آن آغاز کرده و تا وقایع سال ۱۰۰۶ را در آن آورده است و از آن کتاب پیداست که در ۹۳۸ ولادت یافته و پنج دیوان داشته و دو دیوان غزلیات بنام «مجازیه» و «غایة المجاز» و یک دیوان مدایح ائمه بنام «حاصل الجنات» و دو دیوان مدایح پادشاهان بنام «اضطراریه» و «برائة القلم» و در شیراز میزیسته است.

۱۶ - سید نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی بکری متخلص بنامی از تاریخ نویسان و شاعران معروف زمان خود بوده و در ۷ رمضان ۹۴۴ در هندوستان در بقعه بکر که اینک بنام سکر قدیم معروفست ولادت یافته است. پدرانش از سادات ترمذ بوده اند و در قندهار میزیسته و تولیت مقبره بابا شیر قلندر را داشته اند و پدرش بهند رفته است و چون خانواده وی در دربار احترامی یافته بود او نیز از مردان محترم زمان خود بوده و پس از آنکه در موطن خود تحصیل کرده بکجرات رفته و در ۹۹۸ با خواجه نظام الدین احمد بخشی بدربار اکبر براهور رفته و چون پدرش شیخ الاسلام بوده است در دربار اکبر احترام یافته و بیست سال در دربار وی بوده است و مناصب مختلف باو داده اند تا اینکه در ۱۰۰۳ بمنصب دوصد و پنجاهی رسیده و سپس سفری بقندهار کرده و در ۱۰۰۸ با اکبر بجنک اسیر گره بدکن رفته

و درین سفر کتیبیه های متعدد بدست خود در شرح فتوحات اکبر بر سنگ کنده است و سپس در ۱۰۱۰ بسفارت ایران مأمور شده و بدربار شاه عباس بزرگ آمده و در ۱۰۱۳ ازین سفر بازگشته و پس از آنکه چندی هم در دربار جهانگیر مقاماتی داشته است درروز آدینه ۶ ذی الحجه ۱۰۱۹ در شهر سکر در گذشته است. میر معصوم نامی از دانشمندان پرکار زمان خود بوده و در فنون مختلف تألیف کرده از آن جمله کتاب «طب نامی» و «مفردات معصومی» و کتابی در تاریخ سند معروف به «تاریخ معصومی» که در حدود ۱۰۰۹ تألیف کرده است و دیوان اشعار او نیز بدست است.

۱۷ - سید علی بن عزیزالله طباطبایی حسنی در جوانی از عراق به هندوستان رفته و از تاریخ نویسان زبردست در دربار محمد قلی قطب شاه (۹۸۹-۱۰۲۰) از سلسله قطب شاهیان گلکنده دکن بوده است و مؤلف کتابیست در تاریخ پادشاهان گلبرگه و دکن بنام «برهان مآثر» که در سال ۱۰۰۰ هجری پایان رسانده است.

۱۸ - خواجه نظام الدین احمد بن محمد مقیم هروی از باز ماندگان عبدالله انصاری عارف مشهور و از معروف ترین تاریخ نویسان هند در قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در دربار اکبر نخست منصب بخشی کجرات داشته و سپس در سال بیست و نهم سلطنت او بخشی کل هندوستان شده و سرانجام در ۲۳ صفر ۱۰۰۳ در ۴۵ سالگی در گذشته است و وی مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی هند بنام طبقات اکبری یا طبقات اکبر شاهی که در ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ تألیف کرده است.

۱۹ - عبدالقادر بن ملوکشاه بن حامد بدایونی متخلص بقادری وی نیز از تاریخ نویسان معروف هندوستان بشمارست و در ۱۷ ربیع الثانی ۹۴۷ در توده ولادت یافته و نخست در سنبهلی اقامت داشته و از شاگردان شیخ حاتم سنبهلی از دانشمندان هند بوده و در ۹۲۶ بیساور و سپس با گره رفته و در ۹۶۹ در طریقه تصوف شیخ مبارک ناکوری در آمده و سپس در خدمت حسین خان جاگیردار پشیالی داخل شده و پس از آن در ماه صفر ۹۸۲ در دربار اکبر منصب امامت بار داده اند و چون تحمل اوضاع دربار برودشوار بوده از آن کار دست کشیده اما در سال ۹۸۷ دوباره بسمت منشی بدربار

بازگشته و در ضمن منصب‌هزاری باوداده‌اند و مأمور ترجمه کتابهای زبان سنسکریت و تألیف کتابهای دیگر شده ، اما از عهده ترجمه کتاب اثر واودا بر نیامده و درین ضمن با مورخان دیگر دربار مأمورات تمام تاریخ الفی شده است . در تاریخ رحلت اواختلاف است ، برخی در ۱۰۰۴ و برخی در ۱۰۰۶ و برخی هم در ۱۰۲۴ ضبط کرده‌اند . عبدالقادر بدائونی از دانشمندان پرکار زمان خود بوده و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله کتاب الاحادیث که ترجمه احادیث نبویست و در ۹۷۸ بیابان رسانده و در ۹۸۶ نسخه‌ای از آن را بنام اکبر کرده است و نامه خرد افزا که ترجمه‌ای از کتاب « سینک هاسن تبیسی » از زبان سنسکریتست و در ۹۸۲ بفرمان اکبر مأمور ترجمه آن شده و در ۹۸۹ بیابان رسانده و در سال ۱۰۰۳ در آن نظر کرده و رزم نامه که ترجمه مه‌بهار نه‌است و در ۹۹۰ بیابان رسیده و ترجمه کتاب راماین یا راماینا که در ۹۹۲ بفرمان اکبر بدان آغاز کرده و در ۹۹۷ بیابان رسانده است و نجات‌الرشید که کتابیست در تصوف و اخلاق و در ۹۹۹ تمام شده و ترجمه تاریخ کشمیر که در ۹۹۹ بفرمان اکبر کتاب معروف « راجه ترنگینی » را ترجمه کرده است و دیگر ترجمه معجم البلدان یا قوت‌حموی که در ۹۹۹ بدان آغاز کرده و دیگر انتخاب جامع رشیدی که در سال ۱۰۰۰ مأمور شده است جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله مورخ معروف قرن هفتم را مختصر کند و دیگر کتاب بحر الاسماء که شامل برخی از داستانهای هندیست و در ۱۰۰۳ ترجمه کرده است . امام‌هم‌ترین کتاب او کتابیست در تاریخ عمومی هندوستان بنام منتخب التواریخ معروف بشاریخ بدائونی که از آغاز سلطنت غزنویان شروع کرده و بوقایع سال ۱۰۰۴ منتهی می‌شود .

۲۰ - شیخ رزق‌الله بن سعد الله دهلوی متخلص به مشتاقی از ادبای نامی زمان خود و برادر زاده عبدالحق دهلوی بوده است و در ۸۹۷ ولادت یافته و در طریقه تصوف سیر می‌کرده و مرید چند تن از مشایخ زمان خود بوده و سر انجام در ۲۰ ربیع‌الاول ۹۸۹ در گذشته است . وی بزبان هندی و فارسی شعر می‌گفته و مؤلف کتابیست در تاریخ پادشاهان دهلی بنام واقعات مشتاقی .

۲۱ - عباس خان بن شیخ علی سروانی از رجال دربار اکبر و از مختصات خان خانان امیر معروف دربار او بوده و در حدود ۹۸۷ کتابی در تاریخ پادشاهان دهلی بنام تحفه اکبرشاهی نوشته که بنام تاریخ شیرشاهی نیز معروفست .

۲۲ - شیخ زین الدین وفایی خوافی از شاعران دربار ظهیرالدین بابر بوده و در ۹۴۰ در گذشته و در آگره مدفون شده و وی کتاب با برنامه را که خاطرات ظهیرالدین بابر پادشاه معروف متوفی در ۶ جمادی الاولی ۹۳۷ است و اصل آن بزبان ترکی جغتاییست بفارسی ترجمه کرده است و با برنامه شامل وقایع ۸۹۹ تا ۹۳۶ است .

۲۳-۲۴ - میرزا پاینده حسن غزنوی نیز از ادبای هندوستان بوده و او هم به همراهی محمدقلی مغول حصارى در ۹۹۴ بدستور بهروزخان حکمران جوناگره ترجمه دیگری از با برنامه کرده است .

۲۵ - قهرمان میرزا عبدالرحیم خان خان خانان پسر پیرام خان خان خانان از امرای بسیار معروف هندست . پدرش نیز از امرای معروف و پسر سیف علی بیگ بود و نسبش بچهار یا پنج پشت بعلى شکر ترکمان می رسید که از ترکمانان بهارلو بود و در همدان املاک بسیار داشت و پسر یا پسرزاده او بنام شیرعلی یا پیرعلی از عمال جهانشاه قراقوینلو بوده است و پس از انقراض این سلسله نخست بخراسان و سپس بکابل و از آنجا بشیراز رفته و در آنجا کشته شده و پسرش جان علی بیگ در بدخشان اقامت کرده و از عمال دربار بابر شده است و پسرش سیفعلی جانشین پدر کشته است و از آن پس این خانواده در دربار مغول بمقامهای مهم رسیده اند چنانکه پیرام خان در دربار بابر و همایون و اکبر کارهای عمده کرده و باعث شده که اکبر را بسلطنت اختیار کرده اند و بهمین جهت بوزارت اورسیده و سرانجام در جمادی الاولی ۹۶۸ در کجرات بدست مردی افغانی کشته شده و چون شیعه بوده است جنازه او را بمشهد آورده و در آنجا بخاک سپرده اند . وی بفارسی شعر میگفته اما پسرش میرزا عبدالرحیم خان از دختر جمال خان موانی در ۱۴ صفر ۹۴۶ ولادت یافته و دختر دیگر جمال خان زن همایون بوده است و از جوانی در دربار هند مقام بلندی داشته ، چنانکه در ربیع

الثانی ۹۸۱ در یکی از جنگها جسارت فوق العاده بخرج داده و در ۹۸۴ حکمرانی کجرات و در ۹۸۸ منصب میرعرض باو داده اند و در ۳ محرم ۹۹۲ باز در جنگ دیگری شجاعت فوق العاده بخرج داده و بهمین جهة خان خافان لقب گرفته است و سپس در ۹۹۹ حکمران ملتان و پس از آن مأمورد کن شده و نزدیک سی سال در آنجا مأموریت داشته است و سرانجام در ۱۰۳۶ در گذشته است. عبدالرحیم خان در زبانهای تازی و پارسی و ترکی و هندی دست داشته و بهر چهار زبان شعر می گفته و رحیمی تخلص می کرده و دیوان اشعار او بدست است و برخلاف پدر سنی بوده است و در نشر نیز دست داشته است و کتاب بابرنامه راوی نیز در ۹۹۲ و ۹۹۸ ترجمه کرده که اینک بنام نزوک بابری یا فتوحات بابری یا واقعات بابری نیز معروفست.

۲۶ - میرزا بر خوردار بن محمود تر کمان فراهی از نویسندگان زبردست

دوره صفویه بوده و در فراء و مرو و هرات و مشهد و اصفهان می زیسته است و منشی زبردستی بشمار می رفته و منشآت او در زمان وی معروف و رایج بوده و گذشته از آن کتاب دیگری در اخلاق و سلوک بنام محفل آرا و بامحسوب القلوب نوشته که چون در آن داستان یاقوت شاه و شمسه وزیر و قهقهه وزیر را جای داده است بنام شمسه و قهقهه نیز معروفست و در ۹۳۷ کتابی در تاریخ از آغاز تا زمان خود بنام احسن السیر بفرمان شاه اسمعیل اول نوشته

۲۷ - مهتر جوهر آفتابه چی - از دربانان همایون پادشاه هند بوده و در حوالی

۹۶۰ در دربار مقام مهمی داشته و آفتابه چی پادشاه بوده سپس در ۹۶۲ تحصیلدار مالیه هیبت پور شده و بعد خزانه چی پنجاب و مولتان بوده و خطرات همایون را بفرمان وی کرد آورده و کتابی بنام تذکره الوقعات یا تاریخ همایون شاهی و یا تاریخ همایون فراهم کرده که در ۹۹۵ سی و دو سال پس از مرگ همایون بیابان رسانیده و الیهاد فیضی سر هندی پسر اسدالعلما علیشیر مؤلف تاریخ اکبری در مسودات او اصلاحات کرده و فهرست آنرا ترتیب داده است.

۲۸ - با یزید بیات - نیز از مورخان هندوستان و برادرش شاه بردی بیات از عمال

دربار بوده و وی در خدمت میرزا کامران برادر همایون میزیسته در ۹۵۲ و ۹۵۳ در کابل و قندهار بوده است و در ۹۹۹ کتابی در تاریخ سلطنت همایون بنام تاریخ همایون تألیف کرده که در سال ۱۰۰۰ آنرا تکمیل کرده است و شامل وقایع ۹۴۹ تا ۹۹۹ است.

۲۹ - گلبدن بیگم دختر ظهیر الدین بابر و مادرش دلدار بیگم نام داشت و همسر خضر خواجه جغتای امیر الامرای دربار همایون بود و در ۹۳۷ که پدرش در گذشت هشت سال داشت و در ۹۸۲ سفر حج رفت و سرانجام در ۶ ذی الحجه ۱۰۱۱ در ۸۲ سالگی در گذشت. وی مؤلف کتابیست که در آن خاطرات برادرش همایون را بنابر آنچه او گفته گرد آورده و باسم همایون نامه یا احوال همایون یادشاه معروفست.

۳۰ - شیخ ابوالفیض بن مبارک ناسوری متخلص بفیضی از بزرگان نویسندگان و شاعران قرن دهم بشمارست. پدرش شیخ مبارک ازادبا و عرفای نامی زمان خود بود و وی در ۹۵۴ در اکبره ولادت یافت و از جوانی وارد دربار جلال الدین اکبر پادشاه معروف هندوستان و در ۹۸۷ مربی شاهزاده مراد پسر دوم اکبر شد و سپس مربی هر سه پادشاه یعنی سلطان سلیم و شاه مراد و شاهزاده دانیال بود و در زمانی که اکبر در صدد تحقیق مذاهب مختلف و اعلان مذهب جدید بنام «توحید الهی» یا «دین الهی» بر آمدنجمتی از هیجده تن از دانشمندان دربار خود فراهم ساخت که فیضی و برادرش ابوالفضل از اعضای آن انجمن بوده اند. سپس در سال ۹۹۹ از جانب وی بسفارت بدکن رفته و سال بعد باز گشته و درین میان پس از مرگ غزالی مشهدی بسمت ملک الشعرائی دربار ارتقا یافته و سرانجام در ۱۰ صفر ۱۰۰۴ بپیماری تنک نفس در گذشته است. ابوالفیض که بیشتر فیضی تخلص میکرده و تنها در اواخر عمر تخلص خود را تغییر داده و یکی دو ماه تخلص «فیاضی» را پذیرفته از بزرگان شعرای فارسی زبان هند بوده و در غزل سبک هندی از استادان درجه اول بشمارست و در زبان نازی و سنسکریت نیز دست داشته و مرد بسیار مهربان و زبردست نواز و در دوستی راسخ و پایدار بود. اما معاصرینش او را دارای فکر آزاد و عقیده سست دانسته اند و حتی برخی گفته اند که وی سبب شده است که جلال الدین اکبر دست از مسلمانی شسته و دین جدید وضع کرده است. در ادبیات

هند وی یکی از پرکارترین و با ذوق ترین ادیبان زمان خود بوده و بجز منشآت و دیوان قصاید و غزلیات که از وی مانده در نظم پیروی از خمسة نظامی کرده و مراکز ادوار را در برابر مخزن الاسرار و سلیمان و بلقیس را در برابر خسرو و شیرین و داستان نل و دمن را که از داستانهای هندیست در ۹۹۳ در برابر لیلی و میجنون و هفت کشور را در برابر هفت پیکر و اکبر نامه را در برابر اسکندرنامه سروده است ولی برخی ازین کتابها نائمام مانده و عمرش وفا نکرده است و برخی از آنها نامرتب بوده و پس از مرگ او ترتیب داده اند. در قنون دیگر مانند معما و عروض و قافیه و تاریخ و لغت و طب و تفسیر و خط نیز دست داشته و در آن رشته ها نیز رسایلی تألیف کرده و نوشته اند که صد و یک کتاب از او مانده است و از آن جمله ظفرنامه احمد آباد که منظومه ایست در فتح احمد آباد بدست جلال الدین اکبر و محمد حسین میرزا سپهسالار او و ترجمه لیلاوتی که کتاب حسابیست بزبان سنسکریٹ و ترجمه مهابهارته کتاب معروف سنسکریٹ و تفسیر بی نقطه قرآن بنام «سواطع الالهام» که در ۱۰۰۲ بیابان رسانیده است.

۳۱- ابوالفضل بن مبارک متخلص بعلامی برادر کهنر فیضی بود و در ۶ محرم ۹۵۷ در اکره ولادت یافت. کودکی و جوانی را در شهر اکره گذراند و در آنجا کسب دانش کرد. از پنج سالگی بمکتب رفت و در ۱۵ سالگی در علوم زمان خود احاطه یافت و از شاگردان خطیب ابوالفضل کازرونی از دانشمندان زمان بود و پس از آن مدت ۱۰ سال بآموزگاری کودکان مشغول بود. سرانجام در سال ۹۸۱ وارد دربار اکبر شد و چون برادرش فیضی پیش از او وارد دربار شده بود او را بپادشاه معرفی کرد و رساله های را که در شرح آیة الکرسی نوشته و بنام وی تألیف کرده بود باو تقدیم کرد. وی نیز مانند برادر خود در تهیه «توحید الهی» یا «دین الهی» دست داشت و او را مانند برادرش درین کار متهم کرده اند و سرانجام در ۹۹۳ بمنصب هزاری رسید و در ۹۹۴ نیابت حکومت دهلی را باو دادند. در سال ۱۰۰۰ منصب دوهزاری را و در سال ۱۰۰۷ منصب چهارهزاری باو دادند و در ۱۰۰۸ بمأموریت دکن فرستاده شد و در آن مأموریت قلعه عظیم گره را متصرف شد و درین سفر پسرش شیخ عبدالرحمن افضل خان دستیار عمده او بود و چون

از دیر باز در میان وی و شاهزاده سلیم که بعدها بعنوان جهانگیر بیادشاهی رسید دشمنی بود و سلیم وسیله رفتن این سفر را فراهم کرده بود که شاید در آن میان نابود شود و نقشه او بجایی نرسید و بزودی فاتحانه بدربار باز میگشت و سیله فراهم ساخت که در راه در نزدیکی سبزوار او را کشتند و سرش را بالله آباد نزد سلیم فرستادند و این واقعه در ۱۰۱۱ ربيع الاول اتفاق افتاد و سرانجام سر بی تنش را در اقتری در ناحیه گوالیور بخاک سپردند و اینک قبر او در آنجا معروفست. ابوالفضل علامی از نویسندگان زبردست و پرکار قرن دهم بود و مانند برادرش در زبان تازی و پارسی و سنسکریت دست داشته و مخصوصاً در انشای فارسی در زمان خود معروف بود و بیشتر احکام و فرامین و نامه‌ها را در دربار اکبر گاهی بفارسی روان و ساده وی مینوشته است و در فنون مختلف نیز مؤلفات بسیار دارد از آن جمله تفسیر آیه الکرسی و تفسیر سورة الفتح و کتاب اکبر نامه که مفصل‌ترین و معتبرترین تاریخ سلطنت جلال الدین اکبر است و در ۱۰۰۴ پیایان رسانده و سپس وقایع را تا سال ۱۰۱۰ بر آن افزوده است و مجلد سوم آنرا که شرح مملکت داری و سازمان کشورهای هندوستان در زمان اکبر است آیین اکبری نام گذاشته و نیز داستان‌های پید پای یاپیل پای یعنی کتاب کليلة و دمنه را از زبان سنسکریت بنام عیار دانش در ۹۹۶ ترجمه کرده و در ترجمه مها بهارته در ۹۹۵ و تألیف تاریخ الفی نیز شرکت کرده است و منشآت او در دو قسمت یکی بعنوان مکاتبات علامی که عبدالصمد بن افضل بن محمد از ۱۰۱۱ تا ۱۰۱۵ جمع کرده و دیگر بعنوان انشای ابوالفضل یا مکاتبات ابوالفضل معروفست و کتابی در لغت بنام مجموع اللغات و رساله‌ای بی نقطه در اخلاق بنام موارد الکلم و کتابی در تصوف بنام جلال الدین اکبر بنام تحفه فتحیه یا اکبر نامه و نیز کتاب حیوة الحیوان تألیف کمال الدین ابوالبقاء محمد بن موسی بن عیسی بن علی دمیری مصری شافعی (۷۴۲-۸۰۸) مؤلف معروف تازی را بفارسی ترجمه کرده است و نیز ترجمه راماین را بخط باونسبت داده‌اند. وی در شعر فارسی هم دست داشته و غزل و قصیده و مثنوی را نیکو میسروده و علامی تخلص میکرده است.

۳۲ - محمد عارف قندهاری از مختصان پیرام خان خانان سردار معروف



دربار همایون و اکبر و از تاریخ نویسان هندوستان بوده و چندی در کجرات میزیسته و سپس بسفر حج رفته و در بازگشت در ۹۸۵ در بهار ساکن شده و در آنجا در سال ۹۸۷ کتابی در تاریخ اکبر تا وقایع همان سال نوشته که بنام تاریخ اکبری یا تاریخ محمد عارف قندهاری معروفست .

۳۳- **الهدادین اسدالعلماء علی شیر سرهندي متخلص بفیضی** پیراز دانشمندان پرکار هندوستان بوده و در دربار اکبر میزیسته و از مریدان بخشی الملک شیخ فرید بخاری از مشایخ زمان خود بود و کتاب های چند تألیف کرده است . از آن جمله کتابی در لغت فارسی بنام مدارالافاضل که در ۱۰۰۱ بیابان رسانده و نیز در تاریخ همایونشاهی تألیف جوهر مهتر آفتابچی تجدید نظر کرده و خود کتابی در تاریخ اکبر بنام اکبرنامه نوشته که تا وقایع سال ۱۰۱۰ را در آن آورده است .

۳۴- **ادراکی بیکری تتوی** از طایفه ارغون و از شاعران هند بود و گذشته از اینکه منظومه ای بنام شنیرنامه در ۱۰۱۰ بیابان رسانده کتابی هم باسم بیکرنامه در شرح احوال خان زمان امیر قاسم خان بن امیر سید قاسم بیکر از امرای هند که در دربار اکبر منصب ترخانی داشته در ۱۰۱۷ تألیف کرده است .

۳۵- **سید محمد طاهر بن سید حسین تتوی متخلص بنیمانی وی** نیز از شاعران و تاریخ نویسان هندوستان بوده و از عمال دستگاه میرزاغازی بیگ متخلص بوقاری بوده که در دربار اکبر منصب ترخانی داشته و کتابی در تاریخ ناحیه فته در سرزمین سند بنام تاریخ طاهری نوشته که تا وقایع سال ۱۰۱۸ را در آن ثبت کرده است .

۳۶- **میر ابوتراب ولی پسر شاه قطب الدین شکرالله مهر وف بشاه ابوتراب عریضی حسینی سلامی شیرازی** از سادات محترم زمان خود بود و جدش در ۸۹۸ از شیراز به هند رفته و در آنجا مقیم شده بود و وی در ۹۷۴ در کجرات در دستگاه چنگیزخان والی آن سرزمین وارد خدمت شده و از ۹۷۵ تا ۹۸۰ در وقایع مهم آن ناحیه دست اندر کار بوده و سپس وارد دربار اکبر شده است و در ۹۸۵ اکبر منصب میر حاج باور داده و در

۹۸۸ ازو اجازه گرفته و بکجرات باز گشته و در ۹۹۲ که اعتماد خان حاکم کجرات شده باو منصب «امین صوبه» داده است و سرانجام در ۱۳ جمادی الاولی ۱۰۰۳ در گذشته و وی مؤلف کتاب تاریخ کجرات است که وقایع آن ناحیه را از زمان بهادرشاه از ۹۳۲ تا زمان مظفرشاه سوم در ۹۹۲ در آن کتاب ضبط کرده است .

### ۳۲ - شاه ظاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی دکنی از معارف

رجال هندوستان در قرن دهم بود ، نسبش بخلفای اسمعیلی میرسید که خود را با اسمعیل بن جعفر الصادق نسبت میدادند و وی از خانواده معروف به «خواندیه» بود و نخست در کاشان میزیست و در آنجا کسب دانش کرده و از شاگردان شمس الدین محمد خفری دانشمند معروف آن زمان بود و پس از آنکه شاه اسمعیل بیادشاهی رسید بوی نزدیک شد و شاه اسمعیل باو احترام بسیار میکرد و بر سادات دیگری که در دربارش بودند برتری میداد . اما چون میر جمال الدین حیدر استرآبادی که در دربار شاه اسمعیل نفوذ بسیار داشت او را ببد دینی متهم کرد و از نظر شاه انداخت ، شاه اسمعیل در صدد آزار او بود و میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل که بواسطه تمایل بتصوف که در عقیده با او مشترک بود ویرا ازین خطر آگاه کرد و او در ۹۲۶ با خانواده خود از کاشان آهنگ هندوستان کرد و در جزیره جرون بکشتی نشست و پس از یک هفته بنمدر مصطفی آباد معروف بداهول کوه رسید و چون این خبر بشاه اسمعیل رسید چند سوار در پی او فرستاد که او را باز گردانند ، اما سواران باو نرسیدند و پس از چندی شاه اسمعیل از بدخواهی نسبت باو پیشیمان شد و وی از راه بیجاپور بگلبرگه رفته و در آنجا ساکن شده بود و هر چه شاه اسمعیل او را بیازگشت دعوت کرد نپذیرفت و شاه طهماسب هم که باسلطنت رسید ازو دلجوئی کرد و خواست بایران بر گرداندش و او رضا نداد و پس از چندی توقف در گلبرگه خیال سفر حج کرد و چون بقصبة پرنده رسید دوستانش ویرا از آن سفر منع کردند و همانجا ماند و پس از چندی باحمد نگر و از آنجا بدکن رفت و در دکن ساکن شد و بهمین جهة بشاه ظاهر دکنی معروف شد و در دکن کارش بسیار بالا گرفت و نخست برهان نظام شاه پادشاه دکن و کالت خود را باو داد و پس از چندی

باندازه ای درو نفوذ یافت که در ۹۲۸ آن پادشاه را به طریقه اثنی عشری دعوت کرد؛ با وجود اینکه برخی او را اسمعیلی میدانند و گویند سبب نفوذ او در دربار این بود که عبدالقادر پسر نظامشاه بیمار شده و بدعای او و نذری که بگفته او برای ائمه شیعه کرده بودند شفا یافته بود و چون نظامشاه دین شیعه را پذیرفت امرای دربارش از آنجمله نصیرالملک که در سنن تعصب داشت بمخالفت او برخاستند و نظامشاه هم نصیرالملک را کور کرد و مخالفان را بدینگونه آرام ساخت و شاه طاهر هم در نتیجه بحث و استدلال مخالفان خود را قانع کرد و تفصیل مباحثات و مناظرات او با پیشوایان اهل سنت در دکن معروفست و در کتابهای آن زمان بتفصیل آورده اند و از آثرمان شهر احمدنگر مرکز عمده طریقه شیعه در هندوستان شده و جمع کثیری از علمای شیعه از شهرهای ایران و هندوستان بدانجا رفته اند و شاه طاهر سرانجام در احمدنگر در ۹۵۲ در گذشته است. وی از بزرگان دانشمندان و ادیبان قرن دهم بوده و گذشته از آنکه در شعر فارسی دست داشته و قصیده را بسیار خوب میسروده در فنون مختلف هم مؤلفات دارد. از آنجمله حاشیه بر تفسیر بیضاوی و شرح تهذیب اصول و حاشیه بر الهیات شفا و رساله در معنی و شرح باب حادی عشر در کلام و شرح رساله جعفریه در فقه و رساله فارسی در احوال معاد و رساله انموذج العلوم و رساله در انشاء و فتحنامه که در فتح شولاپور بدست برهان نظامشاه نوشته است و مجموعه منشآت او هم بنام انشاء یا منشآت شاه طاهر معروفست.

### ۳۸ - رفیع الدین ابراهیم بن نورالدین توفیق شیرازی نیز از تاریخ

نویسان ساکن هندوستان بود و در ۹۴۷ در شیراز ولادت یافته و در جوانی برای بازرگانی به هندوستان رفته و در ۹۶۷ در دهلی بدربار علی عادلشاه راه یافته و بمنصب خوانسالاری او رسیده و سپس منشی دربار او شده و پس از مرگ او در دربار برادر زاده اش ابراهیم عادلشاه نیز مقام بلند داشته و پس از چندی که افضل خان از اعیان دربار مغضوب و محبوس شد او را هم بزرندان فرستادند و سرانجام در ۱۰۰۵ در موقعی که حاکم شهر بیجاپور بوده بسفارت باحمد نگر رفته است و در پایان زندگی در ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸ بتألیف کتابی بنام تذکر الملوك در تاریخ سلسله عادلشاهیان بیجاپور مشغول بوده و وقایع را تا

آغاز سال ۱۰۲۰ در آن کرد آورده است .

۳۹ - ملا شاه محمد شاه آبادی نیز از تاریخ نویسان هند درین دوره بوده و در ۹۹۸ کتاب معروف تاریخ کشمیر را که « راجه نارانگی » یا « رازه ترنگ » و یا « راجه نارانگینی » نام دارد و منظومه ایست بزبان سنسکریت بفرمان جلال الدین اکبر ترجمه کرده و در ۹۹۹ عبدالقادر دریداونی آنرا اختصار و تهذیب کرده است .

۴۰ - عبدالله مورخ هم از تاریخ نویسان هندوستان در قرن دهم بوده و مؤلف کتابیست بنام تاریخ داودی در تاریخ سلسله لودیها ( ۸۵۵ - ۹۳۰ ) و سلسله سوریها ( ۹۴۶ - ۹۸۸ ) که در سلطنت جهانگیر ( ۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ) در آغاز قرن یازدهم تألیف کرده است .

۴۱ - عبدالحق بن سیف الدین بن سعد الله ترك دهلوی بخاری صوفی محدث متخلص بحقی نیز از دانشمندان و متصوفه و تاریخ نویسان مشهور همان زمان هند بوده، در ۹۵۸ در دهلی متولد شده و در جوانی ادبیات پارسی و نازی را فرا گرفته ، در ۹۸۵ در سلك مریدان شیخ موسی بن حامد حسنی اچمی قادری صوفی وارد شده ، در ۹۹۵ به حج رفته و در بازگشت در احمدآباد کجرات ساکن شده و در ۹۹۶ بار دیگر به حج رفته و مدتی در مکه و مدینه مانده و در ۹۹۹ به هند بازگشته و روز دوشنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۰۵۲ در دهلی در گذشته است . وی مؤلف کتابهای سیار بفارسی و نازی در فنون مختلف از آن جمله : لمعات التنقیح فی شرح مشکات المصابیح ، قلب الالیف ، اسماء الرجاز و الرواة المذکورین فی شرح المشكاة ، جامع البرکات فی منتخب شرح المشكاة ، مدارج النبوه و مراقب الفتوه در سیرت رسول بفارسی ، مطلع الانوار البهیة فی الحلیة الجلیلة النبویه ، ذکر اجازات الحدیث فی القدیمة والحديث ، اسماء الاساندة ، فصول الخطب لنیل اعالی الرتب ، تنبیه العارف بما وقع فی العوارف در تصوف ، طریق الافاده فی شرح سفر السعادة فیروزآبادی بنام طریق القویم شرح صراط المستقیم ، جذب القلوب الی دیار المحبوب تاریخ مدینه بفارسی ، احوال ائمة اثنی عشر تلخیص از فصل الخطاب ، زبدة الآثار منتخب بهجة الاسرار در مناقب عبدالقادر کیلانی ، مفتاح الفتوح لفتح ابواب

النصوص شرح فتوح الغيب عبدالقادر كيلاني ، انوار الجليليه في احوال المشايخ الشاذليه ، زاد المتقين في سلوك اليقين در مقامات مشايخ تصوف ، اخبار الاخيار في احوال الابرار من اهل هذه الديار در احوال مشايخ صوفيه هند بفارسي ، ذكر الملوك في اخبار سلاطين الهند ، تحقيق الاشارة الى تعميم البشاره ، جمع الاحاديث الاربعين في ابواب علوم الدين ، ترجمة الاحاديث الاربعين في نصيحة الملوك و السلاطين ، مطلب الاعلى في شرح اسماء الله الحسنى و صفاته العلى ، ترغيب اهل السعادات على تكثير الصلاة على سيد الكائنات ، الاجوبة الاثنا عشر في توجيه الصلاة على سيد البشر ، توجيهات التشبيه الواقع في الصلوات على النبى ، تحقيق مائت بالسنة من الامال من ابام السنه ، رسالة النورية السلطانية في بيان قواعد السلطنة و احكامها و اركانها و اسبابها و آلائها كه برائ نور الدين جهات كبر نوشته است ، آداب الصالحين تلخيص احياء علوم الدين غزالى ، مرج البحرين الجمع بين الطريقين در جمع شريعت و طريقت ، تكميل الايمان و تقوية الايقان بفارسي ، تحصيل التعرف في معرفة الفقه و النصوص ، توصيل المرید الى المراد بين احكام الاحزاب و الاوراد ، تسلية المصاب لنيل الاجر و الثواب فى الصبر ، شرح الصدر بتفسير آية النور ، در الفريد فى بيان قواعد التجريد ، بناء المرفوع فى ترصيص مباحث الموضوع در منطق ، درة البهيه فى اختصار الرسالة الشمسية در منطق ، شرح الشمسية ، حاشية الفوائد الضيائية و اتباع الهوى الصبائية ، افكار الصافية فى ترجمة كتاب الكافية ، منظومة فى آداب المطالعة و المناظره ، نكات العشق و المحبة فى تطيب قلوب الاحبه ، نكات الحق المحقيقه من باب معارف الطريقه ، صحيفة الموده ارجوزة فى المكاتبات الى اعزته و احبابه ، منتخب مثنوى معنوى ، حسن الاشعار فى جمع الاشعار ، ارسال المكائيب و الفضائل الى ارباب الكمال و الفضائل ، فتح المنان فى تايد مذهب النعمان در فقه و حديث ، ترجمة زبدة الآثار المنتخب من بهجة الاسرار كه بفارسي دار اشكوه از عربى بفارسي ترجمه كرده است ، رسالة فى اقسام الحديث ، رسالة فى ليلة البراءة ، رسالة فى اسرار الصلوة ، رسالة فى عقد الاثام ، رسالة فى آداب اللباس ، رسالة فى الرد على بعض اقوال الشيخ احمد بن عبد الاحد سرهندي ، رسالة فى مبحث الوجود ، رسالة فى الوظائف ، رسالة

وصایا، شرح غنیة الطالبین و نیز و مؤلف کتابیست در تاریخ عمومی هندوستان بنام تاریخ حق که در ۱۰۰۵ بیابان رسانده است.

۴۲- **فخرالدین علی بن حسن زواری** از دانشمندان نامی زمان شاه طهماسب اول و یکی از نخستین کسانیست که در طریقه شیعه کتابهایی بزبان فارسی تألیف کرده و یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود بشمار میرود و از شاگردان محقق کرکی و شیخ علی بن عبدالعالی و سید غیاث الدین جمشید زواری و سید امیر عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی و استاد ملا فتح الله کاشانی مفسر معروف و متمایل بتصوف بوده و در اصفهان میزیسته و آنچه از مؤلفات او به ما رسیده بدینگونه است: ترجمه الخواص در تفسیر قرآن که بتفسیر زواری معروفست و در ۹۴۶ بیابان رسانیده، شرح نهج البلاغه بفارسی بنام روضة الابرار که در اواخر شوال ۹۴۷ بیابان رسانده، ترجمه کشف الغمة بهاءالدین علی بن عیسی اربلی متوفی در ۶۹۲ بنام ترجمه المناقب که در ۹۳۸ بنام امیر قوام الدین محمد بیابان رسانیده، ترجمه مکارم الاخلاق تألیف رضی الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی بنام مکارم الکرام، ترجمه عدة الداعی احمد بن فهد حلی بنام مفتاح النجاح، ترجمه کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج تألیف ابو منصور علی بن ابوطالب طبرسی بنام کشف الاحتجاج که بهرمان شاه طهماسب بیابان رسانیده، ترجمه اعتقادات شیخ صدوق بنام وسیلة النجات، مجمع الهدی در تاریخ انبیاء بفارسی، لوامع الانوار الی معرفة الائمة الاطهار بفارسی که از کتاب احسن الکبار فی مناقب ائمة الاطهار تألیف محمد بن علی بن ابی زید دورامینی بنام شاه طهماسب تلخیص کرده و برخی مطالب بر آن افزوده است، تحفة الدعوات در اعمال سال و غیره بفارسی، ترجمه تفسیر امام حسن عسکری که نیز بنام شاه طهماسب بیابان رسانیده، مرآة الصفا بفارسی در زیارت اهل بیت، ترجمه کتاب طرایف فی معرفة مذهب الطوائف رضی الدین علی بن طاوس حسینی بنام طراوة المطایف فی ترجمه کتاب الطرایف، ترجمه کتاب امان الاخطار تألیف علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد طایوس حسینی بنام نشر الامان فی الامصار و الاوطان.

۴۳- **فتحی حسینی** نیز از تاریخ نویسان همین زمان بوده و کتابی در سیرت

رسول بنام زادالآخرة تألیف کرده است .

#### ۴۴ - سید عبدالاول بن علی الدین بن حسن حسینی زیدپوری از دانشمندان

هند و از یکی از خاندان های محترم دکن بود و در زیدپور نزدیک جوئیپور میزیست و بدعوت پیرام خان خان خاندان بدهلی رفت و در آنجا ساکن شد و در ۹۶۸ در آنجا در گذشت . وی در نظم و نثر فارسی دست داشته و مؤلف کتابهای چند در فنون مختلف و از آن جمله کتاب فیض باری در شرح صحیح بخاریست و کتابی در سیرت رسول دارد بنام سیر نبوی یا منتخب کتاب سفر السعاده که ظاهراً از کتاب سفر السعاده مجدالدین فیروز آبادی انتخاب و ترجمه کرده است .

#### ۴۵ - شیخ یعقوب بن خواجه حسن گنایبی عاصمی کشمیری متخلص بصرفی

از مشاهیر صوفیه حنفی قرن دهم بود و در نهمصد و هشت ولادت یافت و در هرات از شاگردان ملا محمد شاگرد عبدالرحمن جامی بود و او بوی « جامی ثانی » لقب داد و پس از آن بعبادت و ریاضت پرداخت و نخست بامیر سید علی همدانی ارادت میورزید و سپس در حلقه اصحاب شیخ کمال الدین حسینی خوارزمی در آمد و برای درك خدمت او از کشتن بسمرقند رفت و بیرون دروازه شهر در خانقاه او اقامت کرد و پس از چندی که در خدمت او بود اجازه ارشاد و خلعت بوی داد و او را مأمور کشمیر کرد و پس از چندی که مردم را ارشاد میکرد دوباره بدیدار مرشد خود بسمرقند و از آنجا با او حج رفت و در بازگشت از آن سفر در مشهد بدیدار شاه اسمعیل رسید که در آن موقع در کشتن اهل سنت مبالغه میکرد و در برابر خوارق عادت که شاه از او دید بد و معتقد شد و او ویرا از کشتن مردم منع کرد و از آنجا بیغداد رفت و ابن حجر جبهه ابو حنیفه کوفی را با و داد و در آنجا با شیخ سلیم فتح پوری چشتی دیدار کرد و وارد طریقه چشتی شد و پس از سفرهای چند بکشمیر بازگشت و در واقعه فتح کشمیر بدست جلال الدین اکبر بیاری آن پادشاه برخاست و چون یعقوب خان چک حکمران کشمیر شیعه منعصب بود باردیگر عازم حج شد و پس از یکسال بازگشت و سرانجام در شب پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة ۱۰۰۳ پس از نماز عشا در گذشت . یعقوب صرفی در نظم و نثر فارسی از بزرگترین صوفیه هندوستان بوده ، در

شعر گذشته از دیوان غزلیات و مجموعه رباعیات و وامق و عذرا و لیلی و معجون تتبع  
 خمسة نظامی کرده و منظومه‌ای شامل فتوحات رسول بنام مغازی النبی سروده و در نثر  
 شرحی بر صحیح بخاری و کتابی در تفسیر و سلک الاخبار و مقامات مرشد و کتابی در مناسک  
 حج و حاشیه بر توضیح و تلویح و تفسیر دو جزء آخر قرآن و روایح شرع و رساله اذکار از و  
 مانده است .

۴۶ - عقیف الدین بن نور الدین کاشانی نیز از تاریخ نویسان این قرن بوده  
 و کتابی بنام مطالع الانوار در سیرت رسول و تاریخ خلفای راشدین و بنی امیه نوشته است .  
 ۴۷ - وحید الدین ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن احمد اسفر غابادی  
 معروف به میر جان از مشایخ صوفیه قرن دهم و از اصحاب شیخ جلال الدین محمود از  
 مشایخ خراسان بوده و در ۹۰۷ در بغداد بوده و سپس بخراسان باز گشته و در آنجا در سال  
 ۹۴۴ کتابی در احوال خلفای اربعه بنام روضة الاصحاب تألیف کرده و نیز کتابی بنام  
 حقایق الحقایق در شرح سخنان شیخ جلال الدین محمود مرشد خود نوشته است .

۴۸ - ابوذر سلمان بن احمد شریف قالی از تاریخ نویسان شیعه ساکن  
 هندوستان بوده و در دربار برهان نظام شاه دردکن میزیسته و مدتها در صدد بوده است که  
 کتابی در مناقب مختار بن ابوعبیده ثقفی بنویسد تا اینکه کتابی بزبان تازی درین زمینه  
 بدست او افتاده و در سال ۹۴۶ آنرا بنام مختار نامه بفارسی ترجمه کرده است .

۴۹ - نصیر الدین محمد بن عبدالکریم انصاری از دانشمندان شیعه در قرن  
 دهم بوده و کتاب مکارم الاخلاق تألیف رضی الدین ابونصر حسین بن ابوعلی فضل بن حسین  
 طبرسی را بفرمان شاه طهماسب اول بنام محاسن الاداب ترجمه کرده است .

۵۰ - میر ابو الفتح بن محمد بن ابی سعید شریفی حسینی معروف بتاج سعیدی  
 نیز از دانشمندان شیعه همین دوره بوده و در ۹۵۰ در گذشته است . از دانشمندان نامی زمان  
 خود و از شاگردان موسی بن محمد قاضی زاده رومی بوده ، تا زمان شاه طهماسب هم  
 زیسته است و مؤلفات چند از و مانده از آن جمله کتاب صفوة الصفا تألیف این بزرگوار  
 که در شرح حال صفی الدین اردبیلی جد صفویه است تهذیب کرده و بنام شاه طهماسب



اول بیابان رسانده و تفسیری بنام تفسیر شاهی و حاشیه‌ای بر حاشیه ملاجلال الدین دوانی در ۹۲۷ و حاشیه بر شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی نوشته و نیز رساله اعتقادیه یا اعتقادات صدوق ابن بابویه را بفارسی ترجمه کرده است .

۵۱ - ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی معروفترین کسیست که بزبان فارسی در طریقه شیعه تفسیر نوشته و از شاگردان درجه اول فخرالدین علی زواری سابق الذکر بوده و وی نیز مانند استاد خود مفسر بوده و برخی از کتابها را از زبان تازی ترجمه کرده است و در زمان شاه طهماسب میزیسته اما در تاریخ رحلت او اختلافست و در ۹۷۸ و ۹۸۸ و ۹۹۷ ضبط کرده‌اند و در کاشان مدفونست و این داستان در باره او رواج دارد که وقتی سگته برو عارض شده و او را مرده پنداشته و دفن کرده‌اند و چون بانگی از قبر او برخاسته او را از خاک بیرون آورده‌اند و تا مدت‌ها زنده بوده و تفسیر خود را پس ازین واقعه و درین مدت تألیف کرده است . در هر صورت وی مؤلف دو کتاب در تفسیر بمذاق شیعه است یکی بنام منهج الصادقین فی الزام المخالفین که تفسیر بزرگ اوست و بعدها آنرا بنام خلاصه المنهج مختصر کرده است ، دیگر از مؤلفات او شرحیست بفارسی بر نهج البلاغه بنام تنبیه الغافلین و تذکره العارفین که در ۹۵۵ بیابان رسانده است و دیگر ترجمه قواعد الاحکام تألیف علامه حسن بن یوسف بن مطهر حلی و دیگر ترجمه‌ای از قرآن و تفسیری بزبان تازی که در ۹۷۷ بیابان رسانیده است و نیز کتاب کشف الاحتجاج را که ترجمه فارسی کتاب الاحتجاج علی اهل اللجاج تألیف ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی و از کتابهای معروف شیعه و منصوب باستادش فخرالدین علی زواری هم هست برخی باونسبت داده‌اند .

۵۲ - میر فخرالدین محمد بن حسین حسینی سماکی استرآبادی از معارف پیشوایان شیعه زمان شاه طهماسب اول و نخست شیخ الاسلام سبزواری بوده و سپس بدربار شاه طهماسب راه یافته و بمنصب صدارت رسیده و بزبان تازی و پارسی مؤلفات چند دارد از تألیفات معروف او بزبان تازی حواشی بر شرح هدایة الحکمة قضی میر حسین میبیدی و حواشی بر شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی از دوانی و حواشی بر شرح تاجرید الاعتقاد

نصیرالدین طوسی از ملاعلی قوشچیست که در ۹۵۲ بنام شاه طهماسب پیاپیان رسانده و از مؤلفات فارسی او تفسیر آیه‌الکرسیست .

۵۳ - جلال‌الدین محمد بن محمود تهائیری چشتی از مشایخ معروف طریقه چشتی هندوستان و خلیفه عبدالقدوس بن اسمعیل کانگوی بوده و در زمان جلال‌الدین اکبر میزیسته و در ۹۸۹ در تهائیر در گذشته و مؤلف کتابیست در تفسیر سوره‌والطین بزبان فارسی .

۵۴ - نورالدین محمد واعظ از دانشمندان مقیم ماوراءالنهر بوده و در زمان ابوالغازی عبدالله بهادرخان پادشاه شیانی میزیسته که از ۹۴۶ تا ۹۹۱ پادشاهی کرده است و تفسیری بر آیه‌الکرسی بزبان فارسی بنام او نوشته است .

۵۵ - امیر غیاث‌الدین منصور بن امیر صدرالدین محمد شیرازی دشتکی معروفترین و جامع‌ترین علمای زمان شاه طهماسب بود و بهمین جهت او را ثالث معلمین می‌گفتند و از خاندان معروفی از دانشمندان شیراز بود . در ۸۶۶ ولادت یافت و نخست در شیراز بود ، شاه اسمعیل او را مأمور تعمیر رصدخانه مراغه کرد که در آن زمان یکسره ویران شده بود و وی از شیراز به مراغه رفت و این کار را انجام داد و سپس شاه طهماسب در آغاز سلطنت خود که صدارت را بامیر جلال‌الدین محمد استرآبادی داده بود او را بدربار خود خواند که در صدارت با وی شرکت کند و چون در ضمن مباحثاتی که با یکدیگر میکردند امیر جلال‌الدین مطایبه میکرد باو برخورد و بشیراز برگشت تا اینکه در ۹۳۶ باردیگر در کار صدارت شریک شد و دو سال و اندی درین مقام بود و چون شیخ علی کرکی از عراق بایران آمد با امیر غیاث‌الدین بسیار مربوط شد و قرار گذاشتند که شیخ علی شرح تجرید قوشچی را نزد امیر غیاث‌الدین بخواند و او هم کتاب قواعد را از شیخ علی فرا بگیرد . امیر غیاث‌الدین گفت اینمقتله شما درس بخوانید و هفته دیگر نوبت من خواهد رسید و چون شیخ علی یکدرس خواند و هفته دیگر نوبت بامیر غیاث‌الدین رسید تمارض کرد و درس نخواند و چون امیر غیاث‌الدین وسواس بسیار سخت داشت و نمیگذاشت دستش بدست کسی برسد و بهر کس میرسید

ازو می پرسید بیمار شده است یا نه و جایی ازو درد گرفته است یا نه و اگر کسی می گفت فلان جای من وقتی درد گرفته است دیگر با اوس سخن نمیگفت و با هر کس که مصافحه میکرد دست را از آستین بیرون نمیاورد و با آستین مصافحه میکرد بهمین دلایل میانه اش با شیخ علی بهم خورد. بار دوم که شیخ علی از عراق بایران آمد و میر غیاث الدین منصب صدارت داشت چون معروف بود که میر غیاث الدین مقید بشرع نیست در میانشان دشمنی در گرفت تا اینکه سر انجام روزی در مجلس شاه طهماسب در میانشان بحث بجای بد کشید و شاه امیر غیاث الدین را عزل کرد و پس از چند روز که در اردوی او بود بشیراز رفت و چندی پس از آن در شب شنبه ششم جمادی الاولی ۹۴۸ در میان دو عشا در گذشت. امیر غیاث الدین از دانشمندان پرکار زمان خود بوده و بفارسی و تازی در فنون مختلف تألیفاتی ازومانده، از آنجمله است حاشیه بر شرح حکمة العین، محاکمات میان صدرالدین محمد صدرالعلماء (پدرش) و جلال الدین دوانی در حواشی شرح تجرید، محاکمات میان آن دو در حواشی شرح مطالع، محاکمات ایضاً در حواشی شرح عضدی، حاشیه بر حاشیه دوانی بر اوایل شمس، معیار الافکار، حاشیه بر تفسیر کشاف، رساله در صنعت تسطیح اسطرلاب، رسالة فی الکمالات الالهیه، شرح طوابع الانوار، حاشیه بر شرح هندی بر کافیه فی النحو ابن حاجب، حجة الکلام رد بر غزالی، شرح هیا کل النور، تعدیل المیزان خلاصه منطق شفاء، حاشیه بر اشارات، اثبات واجب، اخلاق منصوری، کفایه منصوری در صفات محاکمات، حاشیه بر رسالة زوراء، حاشیه بر تجرید، تفسیر سورة هل اتی، مرآت الحقایق، رساله در هیئت، لوامع در هیئت، ریاض رضوان، آمال الایمان در علم کلام، دلیل الهدی در کلام، جام جهان نادر اخلاق.

#### ۵۶ - سلطان محمد فخری بن محمد امیر امیری هروی از شاعران

نامی قرن دهم و پدرش نیز از شعرای معروف قرن نهم بوده و وی نخست در هراة میزیسته و سپس به هندوستان رفته و بازمانده عمر خود را در آنجا گذرانده و مؤلف چندین کتاب ادبی بسیار سودمند بزبان فارسیست از آنجمله روضة السلاطین در اشعار امرا و پادشاهان

که بنام ابوالفتح شاه حسین غازی پادشاه بهنگاله متوفی در ۹۲۵ تألیف کرده، جواهرالعجایب که تذکره زنان شاعره است و بنام جلال‌الدین محمد اکبر پرداخته و تحفة الحبيب که مجموعه‌ای از غزلیات است که شاعران با استقبال یکدیگر سروده‌اند و در ۹۲۹ تألیف کرده است و نیز کتاب بوستان خیال را که شامل مطلع غزل‌های زبان فارسیست و مؤلف آن بککش قلی ابدال نام داشته و در ۹۱۱ بیابان رسانده است باو نسبت داده‌اند. فخری شاعر زبردستی بوده و غزل را خوب می‌گفته و نخست در هرات در دستگاه کریم‌الدین خواجه حبیب‌الله ساوجی وزیر سام میرزا صفوی و حکمران خراسان از جانب صفویه بوده و تا زمان شاه طهماسب در خراسان میزیسته و در پایان زندگانی به حج رفته و از آنجا عازم هندوستان شده و در سند مورد توجه عیسی‌نرخان از امرای هندوستان گشته و پس از چندی که در سند مانده چون جلال‌الدین اکبر پادشاهی رسیده قصیده‌ای در تهنیت جلوس او گفته و کتاب جواهرالعجایب را برای او نوشته است. دیگر از تألیفات او ترجمه تذکره مجالس النقایس امیر علیشیرنوازیست که اصل آن در ۸۹۶ بر زبان ترکی جغتایی نوشته و وی بنام لطایف نامه در زمانی که سام میرزا پسر شاه اسمعیل حکمران خراسان بوده و در مش خان شاملو از امرای قزلباش پیشکار او و خواجه حبیب‌الله وزیر او بوده‌اند این ترجمه را در ۹۲۸ با انجام رسانده است و چون تا جلوس جلال‌الدین اکبر زنده بود پیدا است که تا ۹۶۳ هم زیسته است و از آن پس دیگر از او خبری نیست.

۵۷ - سام میرزا صفوی متخلص به سامی پسر دوم شاه اسمعیل و برادر کهنتر شاه طهماسب بود و روز سه شنبه ۲۱ شعبان ۹۲۳ ولادت یافت و در زمان پدر و برادر نخست حکمران کیلان بود و سپس در ۹۲۸ حکمران خراسان شد و در مش خان از امرای قزلباش و کریم‌الدین میرزا حبیب‌الله ساوجی که از رجال بزرگ دربار بودند به پیشکاری و وزارت او مأمور شدند و پایتخت او هرات بود. اما پس از چندی در ۹۳۰ پس از مرگ پدرش معزول شد و بر شاه طهماسب طغیان کرد و در جنگی که کرد در قندهار شکست خورد و از آنجا بطبیس کیلکی رفت و شاه طهماسب بخط خود باو نامه نوشت و بدست قراسلطان شاملو حاکم طبیس نزد او فرستاد و او را امان داد و نزد خود

خواند و چون بدر بار رسید شاه طهماسب او را بحرم برد و نوازش کرد و دستور داد که سی تن از قورچیان ملازم او باشند و همیشه در اردو باشد و از مطبخ شاهی و بیوثات سلطنت خوراک و پوشاکش را بدهند و وی نزدیک دوازده سال بدینگونه میزیست تا وقتی که برادر کهنرش القاص میرزا در ۹۵۵ طغیان کرد و بخاک عثمانی گریخت. در ۹۵۶ از شاه طهماسب درخواست کرد که از التزام رکاب معذورش بدارد و اجازه گوشه نشینی بدهد و شاه طهماسب در آنسال تولیت بقعه شیخ صفی الدین و حکمرانی اردبیل را باو داد و وی دوازده سال در اردبیل باینکار سرگرم بود و گروهی از ادبا و دانشمندان را گرد آورده بود و با آنها میزیست و سرانجام در ۹۶۱ که برای پسر خود رستم میرزا در ۱۶ سالگی زن گرفته و جشن بسیار با شکوهی برپا کرده بود و یکی از دختران شیخ اوندکان را برای او گرفته بود در همان حال ویس از زفاف آن جوان بیمار شد و از آن بیماری در گذشت و چون وصیت کرده بود نعش او را بمشهد ببرند و در محل معروف بقتلگاه بخاک سپارند و آن زمین را از پولی که از مزد کتابت قرآن بدست آورده بود بخرند و وقف کنند پدر بوصیت او عمل کرد و تختی و محجری بر سر خاکش ساخت و در ۹۶۵ از شاه طهماسب اجازه گرفت بر سر خاک پسر رود و با سوندوک بیک قورچی باشی افشار که به راه دنیال شاهزاده اسمعیل میرزا پسر شاه طهماسب میرفت بدر بار شاه و از آنجا بمشهد رفت و نزدیک یکماه در آنجا مهمان ابو الفتح سلطان ابراهیم میرزا برادر زاده اش حکمران خراسان در مشهد بود و سپس بدر بار شاه طهماسب برگشت و پیش از آنکه بدر بار برسد یکروز شاه طهماسب گفت ظاهراً سام میرزا از من با امام رضا شکوه کرده و امشب یکی از ائمه را بخواب دیدم که میگفت سام میرزا از تو شکایت دارد و بهمین جهت چون بقزوین رسید دوباره او را باز دبیل روانه کرد و باز چندی دیگر در اردبیل میزیست تا اینکه در ۹۶۵ باردیگر طغیان کرد و چون این بار هم شکست خورد و دستگیر شد او را در قلعه قهقهه زندانی کردند و شش سال در حبس بود تا اینکه سرانجام در ۹۷۵ در گذشت. سام میرزا از شاهزادگان با نوق و دانشمند صفوی بوده و مخصوصاً در پرورش دانشمندان و هنرمندان مقام رفیعی دارد و گذشته از آنکه خود شاعر زبردست

بوده کتابی بنام تحفه سامی در احوال بزرگان ادبا و دانشمندان و هنرمندان زمان خود پرداخته که در اردیبهشت در ۹۵۷ از تألیف آن فارغ شده است.

۵۸- میر تقی الدین محمد بن شرف الدین علی حسینی کاشانی متخلص بدگری

در کاشان در حدود ۹۴۶ ولادت یافته و نخست در ایران میزیسته و از ادبای معروف زمان خود بوده و سفرهای چند در کشور خود کرده و سپس به هندوستان رفته و بازمانده عمر را در آنجا گذرانده و در ۹۷۹ بتألیف کتاب بسیار بزرگی در تذکره شعرای متقدمین و معاصرین خود درشش مجلد بزرگ آغاز کرده و در ۱۰۱۶ بنام خلاصه الاشعار و زبدة الافکار آنرا بیابان رسانیده است و در باره شعرای متقدم مقید بوده است برای هر يك داستان معاشقه‌ای بیاورد و بهمین جهت برای همه معاشقائی جعل کرده و بدینگونه داستان و افسانه‌ها را با تاریخ و حقیقت آمیخته است، اما منتهی‌بخت بسیار جامعی از شاعران در کتاب خود آورده و ازین جا پیدا است که کتاب بسیار داشته و تحقیق بسیار کرده و از قسمت شعرای متقدمین آن شیخ علینقی کمره‌ای شاعر دانشمند معروف قرن یازدهم انتخابی کرده یعنی حقایق تاریخی و منتخبات اشعار آنها را بیرون کشیده و از افسانه جدا کرده است و با اینهمه این کتاب یکی از سودمندترین کتابهای ادبیات فارسیست.

۵۹- تقی الدین محمد بن معین الدین بن سعد الدین محمد حسینی ابوحدی دقاقی

بلیانی اصفهانی نسبش بشش پشت باوحدالدین عبداللّه بن مسعود بن محمد بن علی بن احمد بن عمر بن اسمعیل بن ابوعالی دقاق می‌رسیده است. در عصر چهارشنبه دوم محرم ۹۷۳ متولد شده و از مختصان و تربیت شدگان شاه طهماسب اول بوده و در دربار شاه اسمعیل دوم و شاه محمدخدا بنده هم مقامی داشته و سپس در زمان شاه عباس اول در اواخر عمر خود در آغاز قرن یازدهم به هندوستان رفته و ظاهراً در همانجا مانده و در گذشته است و در سال ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ در آن سرزمین تذکره‌ای که ظاهراً تلخیص و تقلیدی از همان خلاصه الاشعار سابق الذکر است بنام عرفات العاشقین تألیف کرده که آن نیز کتاب جامع و بسیار سودمند است. سپس انتخابی از آن بنام کعبه عرفان و انتخاب دیگری بنام انتخاب کعبه عرفان کرده است. وی شاعر بسیار پرکاری بوده و مجموعه‌های متعدد از اشعار

خود تدوین کرده است بدین گونه: هفت مثنوی یعقوب و یوسف، ساقی نامه بنام نشاء بی خمار، کعبه دیدار، سفینه السکینه، کعبه الحرمین، لوح محفوظ، قلم قدرت، دیوان قصاید و غزلیات، دیوان قصاید، تبصرة العارفين، دیوان غزل بنام تذکرة العاشقين، دیوان ترکیبات و ترجیعات، دیوان مقطعات و مطایبات و اهاجی، دیوان عین الحیات، دیوان امید آباد در جواب اشعار امیدی، دیوان آدمیت، دیوان غزل بنام بهرام دستان، دیوان قندمکرر، دیوان جواهر زواهر، دیوان دررغرر، کتاب نشر سرمة سلیمانی، کافیه الفافیه، مفتاح مفاتیح، عینیه، جفر اوحید و دیوان وحشی را هم او کرده آورده است.

۶۰ - محمد حیدر بن محمد حسین گورکان معروف بمیرزا حیدر دوغان

پدرش محمد حسین گورکان از امرای تیموری و حاکم تاشکند بود که در ۹۱۴ درگذشت و وی در ۹۰۵ ولادت یافت و از جانب محمود بن محمد حیدر گورکان آخرین امیر کاشغر در خدمت پسر عمش سلطان سعید خان بود که از ۹۲۰ تا ۹۳۹ در کاشغر پادشاهی کرده است و پس از مرگ او به بدخشان و لاهور رفت و کامران میرزا پسر بابر او را در دستگاه خود پذیرفت تا اینکه سرانجام در تبت و کشمیر استقلال یافت و از ۹۵۲ بحکمرانی آغاز کرد و در ۹۵۸ کسانش بر او شوریدند و او را کشتند و وی مؤلف کتابیست بنام تاریخ رشیدی در تاریخ پادشاهان چنه و کاشغر از زمان تغلق تیمور خان تا حوادث سال ۹۵۲.

۶۱ - نورالدین محمد بن عبدالله بن پیر حسین بن شمس الدین قزوینی

از عرفای نقشبندی قرن دهم بوده و مؤلف کتابیست بنام سلسله نامه خواجگان نقشبند که در ۹۷۸ تألیف کرده است.

۶۲ - قاضی سید نورالله بن سید شریف الدین بن جمال الدین بن نورالله بن

شمس الدین محمد شاه حسینی مرعشی شوشتری معروف بقاضی نورالله از بزرگان علمای شیعه قرن دهم و دختر زاده سید شریف علامه کرکانی بود و اجدادش همه شیعه بوده اند و پدرش از پیشوایان شیعه و از شاگردان شیخ ابراهیم قطیفی بوده و وی

ظاهراً در جوانی به هندوستان رفته و پیشوای شیعه آن سرزمین شده و در ۹۹۶ جلال‌الدین اکبر او را قاضی شهر لاهور کرده و چون کتاب احقاق الحق را نوشته و در آن نسبت باهل سنت بدگویی کرده بود مردم بدو خشمگین شده بودند و در ضمن جهانگیر پادشاه هندوستان هم حکم قتل او را داده بود بهمین جهت مردم بروحمله بردند و در راه او را گرفتند و کشتند و بدن او را پاره پاره کردند و بوضع فجیعی از جهان رفت و بهمین جهت در میان شیعه بشهید سوم یا شهید ثالث معروف شد و بدینگونه در سال ۱۰۱۹ از جهان رفت و قبر او در شهر اکره هنوز زیارتگاه است. قاضی نورالله یکی از معروفترین مؤلفان شیعه است و بزبان تازی و پارسی کتابهای چند نوشته و معروفترین آنها کتاب مجالس المؤمنین است که در ۹۹۳ بتألیف آن شروع کرده و در سال ۱۰۱۳ پایان رسانده و کتابیست در احوال معارف شیعه در هر حرفه که بوده‌اند و چون درین کتاب مبالغه بسیار کرده و کسانی را که شیعه نبوده‌اند شیعه قلم داده او را شیعه تراش لقب داده‌اند. دیگر از مؤلفات او کتاب احقاق الحق است در اثبات حقایق شیعه و نخست علامه حلی کتابی در همین زمینه بنام نهج الحق نوشته و روز بهان خنجمی اصفهانی مؤلف معروف قرن نهم که تعصب بسیار بر ضد شیعه داشته بر آن ردی بنام ابطال الباطل نوشته و قاضی نورالله احقاق الحق را در رد بر روز بهان نوشته است و دیگر از مؤلفات اوست عشرة الکامله در ده مسئله مشکل، عقاید الامامیه، رساله در تحقیق آیه الغار که در سال ۱۰۰۰ تألیف کرده، رساله فی تحریم صلوة الجمعة، صوارم المهرقه رد بر کتاب صواعق المحرقة ابن حجر هیثمی مکی، مصائب النواصب که در رجب ۹۹۵ پایان رسانده و محمد تقی حسینی در زمان شاه عباس اول بفارسی ترجمه کرده، رساله فی نجاسة ماء القلیل بالملاقات، حاشیه بر شرح مختصر العسجدی، مجموعه ای مانند کشکول، حل العقول رد بر اشاعره، حاشیه بر تهذیب الاحکام بنام تذهیب الاکمام، حاشیه بر حاشیه بخاری بر تفسیر بیضاوی، کشف الموار.

۶۳ - امیر شرف‌الدین خان بن شمس‌الدین بدلیسی از امرای نامی کرد در

قرن دهم بود و هنگامی که پدرش در کرهرود قم در عزلت میزیست در ۹۴۹ ولادت یافت



و از آغاز در دربار صفویه مقرب شد و شاه طهماسب او را در قصر خود بزرگ کرد و پرورش داد و چون در ۹۷۵ در جنگ کیلان خدمات مهمی کرده بود حکمرانی سروان قفقاز و ریاست طوایف کرد را باو داد و چون شاه اسمعیل دوم به سلطنت رسید او را خلع کرد و وی هم از صفویه روی گردانید و بدربار سلطان مراد سوم آل عثمان رفت و سلطان مراد در سال ۹۸۶ امارت و حکمرانی بدلیس را باو داده و وی در حکمرانی خود در سال ۱۰۰۵ کتابی بنام شرف نامه در دو قسمت تألیف کرده که قسمت اول آن تاریخ طوایف کرد و قسمت دوم تاریخ زمان اوست از آغاز جلوس صفویه تا روز تألیف کتاب .

#### ۶۴ - ظهیرالدین کبیر بن اوایس بن محمد لطیفی اردبیلی معروف

بقاضی زاده از دانشمندان ساکن خاگ عثمانی بوده و در زمان سلطان سلیم آل عثمان میزیسته و نخست ساکن تبریز بوده و در زمانی که سلطان سلیم آذربایجان را گرفته در مراجعت او را با خود از تبریز بخاگ عثمانی برده و روزی هشتاد درهم وظیفه برای او مقرر داشته و سرانجام در ۹۳۰ در مصر با احمد پاشا وزیر کشته شده است . وی مردی دانشمند و ادیب و شاعر و خوشنویس بود و کتاب وفیات الاعیان ابن خلکان را بفارسی ترجمه کرده و از ۹۱۸ تا ۹۲۶ مشغول ترجمه آن بوده است .

#### ۶۵ - امین احمد رازی از ادبای نامی قرن دهم و پدرش خواجه میرزا احمد

در زمان شاه طهماسب کلاتر شهر ری بود . وی درین شهر ولادت یافت و چون پسر عمش خواجه غیاث الدین بهندوستان رفته و از رجال دربار جلال الدین اکبر شده بود وی نیز بهندوستان رفت و براهنمایی پسر عم خود که پسر خواجه شریف وزیر خراسان و اصفهان و بزد متوفی در ۹۸۴ بود بدان دربار راه یافت و سرانجام غیاث الدین اعتمادالدوله لقب گرفت و وزیر جهانگیر شد و دخترش بعقد جهانگیر درآمد که همان نور جهان بیگم ملکه معروف هندوستان باشد و وی هم در آن دربار ترقی کرد و مؤلف کتاب معروفیست بنام هفت اقلیم که جغرافیای زمان خود را نوشته و در ذیل هر شهر یا ناحیه ای احوال بزرگان علما و شاعران آن ناحیه را تألیف کرده و شش سال مشغول نوشتن آن بود و سرانجام در ۱۰۰۲ بمیان رسانده است .

- ۶۶ - اسکندر بن محمد ملقب به پنجهو اکبر از تاریخ نویسان هندوستان و از دوستان نزدیک جهانگیر بود و در خدمت میرزا عزیز کو که خان اعظم حکمران گجرات میزیست و مؤلف کتابیست در تاریخ گجرات بنام مرآت سکندری یا تاریخ سکندری که شامل وقایع آن سرزمین از زمان مظفر شاه اول تا مظفر شاه دوم در سال هزار هجریست و آنرا در ۱۰۲۰ بیابان رسانیده است.
- ۶۷ - مولانا حسین کره‌ای قزوینی تبریزی ساکن دمشق که در ۹۷۵ کتابی در مشاهد تبریز بنام روضات الجنان و جنات الجنان تألیف کرده است.
- ۶۸ - محمد بن برهان معروف به محمد قاضی از مشایخ نقشبندی قرن دهم بوده و در ۹۱۰ کتابی در مناقب این سلسله بنام سلسله العارفین نوشته است.
- ۶۹ - عبدالستار بن قاسم از دانشمندان هندوستان و معاصر با جلال الدین اکبر بود و مؤلف کتابیست بنام تذکرة الحكماء.
- ۷۰ - میرزا علاءالدوله بن یحیی صیفی حسینی قزوینی پسر امیر یحیی بن عبداللطیف سابق الذکر مورخ معروف این زمان و خود نیز از تاریخ نویسان قرن دهم بشمار میرفته و مؤلف کتابیست بنام نفایس المائر در احوال شعرا که در ۹۷۳ بتألیف آن شروع کرد و تا وقایع جمادی الاولی ۹۷۹ را در آن آورده و نیز شاعر توانایی بوده و کامی تخلص می کرده است.
- ۷۱ - علی بن شمس الدین بن حاجی حسینی لاهیجی نیز از تاریخ نویسان قرن دهم بوده و مؤلف کتابیست در تاریخ کیلان و سلسله کیایی کیلان که برای خان احمد خان آخرین پادشاه این سلسله که یک بار از ۹۴۳ تا ۹۷۵ و بار دیگر از ۹۸۵ تا ۱۰۰۱ پادشاهی کرده نوشته است و بهمین جهة تاریخ خانی نام گذاشته و در نیمه مجرم ۹۲۱ بتألیف آن شروع کرده و در نیمه صفر ۹۲۲ بیابان رسانده است.
- ۷۲ - مجدالدین خوافی از ادیبان ساکن هندوستان بود و فرمان جلال الدین اکبر کتابی بتقلید گلستان بنام خارستان در ۱۶ باب نوشته و ظاهر آروضة خلد تألیف مجد خوافی را که در ۷۳۳ نوشته بنام خود کرده است.
- ۷۳ - فخرالدین علی بن حسین واعظ هروی متخلص بصفتی پسر ملا حسین

کاشفی مؤلف معروف قرن دهم و داماد خواجه اکبر معروف بخواجه کلان پسر سعدالدین کاشغری پیشوای معروف نقشبندیان بود که دختر دیگرش زن عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرن نهم بوده است و فخرالدین علی در ۹۰۴ این دختر را گرفته است. وی از مشایخ نقشبندی هرات بوده و در ۹۳۷ که از یکان آن شهر را محاصر کرده اند و عبیدالله خان شهر را گرفته و سپس شاه طهماسب هرات را متصرف شده و سام میرزا را بحکممرانی آن شهر گماشته است وی یکسال در زندان بوده و پس از رهایی نزد سلطان محمد پادشاه غرجستان رفته است و سرانجام در ۹۳۹ در بیرون هرات در گذشته و پیکر او را بشهر برده و در آنجا بخاک سپرده اند. فخرالدین علی یک سلسله کتابهای جالب بزبان فارسی تألیف کرده از آن جمله رشحات عین الحیوة در احوال مشایخ نقشبندی که در ۹۰۹ بیابان رسانده، لطایف الطوائف در قصص و حکایات که در ۹۳۹ در دربار سلطان محمد پادشاه غرجستان تألیف کرده، حرز الامان من فتن الزمان در خواص و منافع حروف و اسرار قرآن در ۱۲ باب، داستان حاتم طایی و نیز محمود و ایازی سروده و اسرار قاسمی تألیف پدرش را خلاصه کرده است.

#### ۷۴ - نظام الدین عبدالعلی بن محمد حسین بیرجندی از بزرگان علمای

ریاضیات و هیئت و نجوم قرن دهم بود و با این همه از احوال او اطلاع درستی نیست و همینقدر پیدا است که در ۹۱۱ یا ۹۳۴ در گذشته و وی مؤلف یک عده کتاب و رساله در فن خود بزبان نازی و پارسیست از آن جمله رساله ابعاد و اجرام که در ۹۳۰ تألیف کرده، رساله در هیئت، بیست باب تقویم، شرح بیست باب اسطرلاب خواجه نصیرالدین طوسی که در ۸۹۳ تمام کرده است، رساله تشریح در پرکار، رساله در ابعاد و اجرام و عجایب بلاد، شرح زیج جدید سلطانی که در ۹۲۹ بیابان رسیده است، شرح تذکره النصیری در هیئت تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که در ربیع الاول ۹۱۳ بیابان رسانیده، شرح تحریر مجسطی که در ۹۳۱ تمام کرده است، شرح زیج الغ بیک که در ۹۱۹ بیابان رسیده است، شرح نقایه مختصر الوقایه از صدر الشریعه عبیدالله بن مسعود حنفی، چهار رساله در فواصل کواکب، رساله در تقویم که در ۸۸۳ بیابان رسانیده،

شرح مشکلات چغمینی ، کتاب مسالك و ممالك فارسی که ظاهراً در رجب ۹۰۹  
پایان رسانیده است ، شرح فواید البهائیه در حساب از عماد الدین بغدادی اتمام در  
اواخر ذیحجه ۸۹۱ ، شرح منار الانوار حافظ الدین تسفی که بنام عبیدالله خان ازبك  
تألیف کرده است ، شرح آداب عضدالدین ایجی .

#### ۷۵ - زین العابدین علی شیرازی نیشابوری متخلص بعدی و نویدی

از نویسندگان و شاعران معروف قرن دهم بوده و در ۹۸۸ در گذشته و در نظم و نثر  
فارسی آناری ازو مانده از آن جمله کتابی در تاریخ زمان خود بنام تکملة الاخبار که در ۹۷۸  
برای پری جان خانم دختر شاه طهماسب اول نوشته و در شعر نیز دست داشته و به تخلص  
عبدی سبعة ای قریب داده بنام هفت اختر که یکی از منظومات آن خزاین ملکوت  
و دیگر از منظومات آن بوستان خیال نام دارد و خمسه ای که یکی از منظومات آن  
جوهر فرد و دیگری بنام دفتر دررست و نیز کتاب طرب نامه و کتاب شب تار ازو  
مانده است .

#### ۷۶ - شمس الدین محمد بن احمد خفری از دانشمندان نامی قرن دهم و از

شاگردان امیر صدرالدین محمد دشتکی بوده ، نخست در شیراز و سپس در کاشان میزیسته  
و همانجا در ۲۸ صفر ۹۴۲ در گذشته و در آن شهر مدفون شده و از دانشمندان نامی  
زمان خود در حکمت و ریاضیات و هیئت و نجوم بوده و بفارسی و تازی مؤلفات چند دارد  
از آن جمله منتهی الادراك فی مدارك الافلاك در هیئت که در ۹۱۰ پایان رسیده ، تکلمه  
فی شرح التذکره شرح تذکره الهیة خواجه نصیرالدین طوسی که به تذکره خفری  
معروفست و در روز دو شنبه ۴ محرم ۹۳۲ تمام کرده و بر آن حواشی متعدد نوشته اند  
از جمله حواشی ملا عبدالعلی بیرجندی سابق الذکر و حواشی ملا مظفر کنابادی  
و حواشی ملا باقر یزدی ، رساله در حل مالا ینحل ، حاشیه بر الهیات شرح تجرید ،  
حاشیه بر اوایل شرح تجرید ، سواد المعین ، رساله اثبات واجب ، رساله در علم رمل ،  
حواشی بر اوایل شرح حکمة العین و شاه طاهر دکنی سابق الذکر از شاگردان او  
بوده است .

۷۷ - **تقی الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی** از دانشمندان نامی شیراز و از شاگردان غیاث الدین منصور دشتکی و شیعه بوده و در شیراز میزیسته و در فنون مختلف مخصوصاً ریاضیات دست داشته و بزبان فارسی و قازی درین رشته ها مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله صحیفه النور فی الحکمه ، طلیعة العلوم بزبان قازی که خود آنرا در رساله دیگری در ۹۷۹ مختصر کرده است ، حل التوفیم که در حدود ۹۷۱ تألیف کرده ، رساله در اسطرلاب ، طالع مسائل در جواب سؤالاتی راجع باسطرلاب ، طالع نامه ، منتخب حل التوفیم که از کتاب سابق الذکر خود انتخاب کرده و در ضمن بزبان فارسی شعر می گفته است .

۷۸ - **خان احمد خان گیلانی** دهمین و آخرین پادشاه سلسله کیایی و پسر سلطان حسن دوم نهمین پادشاه این سلسله و متوفی در ۹۴۳ بوده . جد نهم وی سید علی کیا پسر امیر کیا ملاطی حسنی در ۷۷۰ این سلسله را تأسیس کرده است و وی در ۹۴۳ پس از مرگ پدر بجای او نشست و نخست در ۹۶۴ بنای مخالفت با صفویه را گذاشت . پس از آن چندی پادشاه طهماسب صفوی مساعد بود اما در رمضان ۹۷۵ با او بنای مخالفت را گذاشت و سبب این بود که شاه طهماسب انتظار داشت بار او باط خانوادگی که در میان صفویه و این خاندان بوده است هنگامی که در قزوین پای تخت خود بوده وی نزدیک او برود و چون او از شاه طهماسب اطمینان نداشت نزد او نرفت و در ۹۷۴ شاه طهماسب حسینقلی بیگ یساول قور شاملو را نزد او فرستاد که فرستادگان شاه طهماسب را که نزد مظفر سلطان پادشاه بیه پس گیلان و اولاد او رفته بودند بر گردانند و میخواست درین کار او را امتحان کند و وی این کار را نکرد و حتی پسرش را بلاهیجان فرستاد که در آنجا سیاهی کرد آورد و چون پسرش بیمار شد و در گذشت خود بآنجا رفت و در بیه پس و ناحیه کسگر بجمع آوری سپاه پرداخت . شاه طهماسب کور حسن یساول را نزد او فرستاد که وی را منصرف کند نپذیرفت و باز کور شاهقلی روملو را فرستاد و فایده نکرد و شاه طهماسب در خشم شد و امیر سامان را با لشکری بکسگر فرستاد که وی را از آنجا برانند و احمدخان هم سعید سپهسالار خود را بجنک فرستاد و امیر سامان شکست خورد و با همراهانش کشته شد و شاه طهماسب سید صدرالدین خان

صفوی و بایندر خان طالش را با لشکری برشت فرستاد ایشان کیارستم فرمانده لشکر احمدخان را گرفتند و بدربار شاه طهماسب فرستادند و پس از آن مدتی در میان خان احمد خان و شاه طهماسب جنگ بود و خان احمد خان نامهای گستاخانه باو مینوشت و سرانجام شاه طهماسب باو وعده کرد که حکمرانی هر يك از ولایات عراق و فارس و کرمان را که بخواهد باو خواهد داد بشرط آنکه از کیلان برود و وی پیهانه اینکه کیلان ملك موروث اوست گرفت و شاه طهماسب عده بسیاری را برای دفع او بکیلان فرستاد و پس از زردخوردهای طولانی در لاهیجان شکست خورد و از آنجا باشکور و جنگلهای کیلان با هجده سوار گریخت و شاه طهماسب کسانی را فرستاد که او را دستگیر کنند و چون زمستان سخت شده بود و راه فرار نداشت سرانجام روز سه شنبه ۲۲ جمادی الاخره ۹۷۵ با هجده سوار در سخت سر هنگام بر آمدن آفتاب در خواب دستگیر شد و روز سه شنبه ۶ رجب او را بدربار شاه طهماسب بقره بن آوردند و نزدیک سه ماه در بالاخانه دربار زندانی بود تا اینکه او را بقلعه قهقهه در ناحیه یافت در سرزمین قراجه داغ بردند و نزدیک نه سال در آنجا گرفتار بود و چون شاه طهماسب در ۹۸۴ در گذشت و شاه اسمعیل دوم بجای او نشست و برا عفو کرد و دوباره در ۹۸۵ حکمرانی کیلان را که در نمدت با پسرش محمودخان بود باو داد و وی بار دوم از ۹۸۵ تا ۱۰۰۱ در آن دیار حکمرانی کرد و سرانجام در ۱۰۰۱ بار دیگر میانه وی با پادشاهان صفویه بهم خورد و بر شاه عباس قیام کرد و چون نتوانست مقاومت کند از ایران گریخت و بدربار عثمانی پناه برد و چون سلاطین عثمانی با او یاری نکردند که دوباره بتاج تخت خود برسد بعراق عرب آمد و در نجف ساکن شد و در ۱۰۰۵ بیغداد آمد که بایران نزدیک شود و سرانجام در آنجا در گذشت و تاریخ رحلت او درست معلوم نیست و بیشتر احتمال میرود که در ۱۰۲۰ در گذشته باشد. خان احمدخان نه تنها از پادشاهان دانش دوست و ادب پرور زمان خود بوده و در ترویج و تشویق دانشمندان و ادیبان توجه خاصی داشته است بلکه خود نویسنده و شاعر زبردستی بوده و مخصوصاً قصیده را بسیار خوب میگفته و احمد نخلص می کرده و در نامه نویسی در قرن دهم معروف بوده و

منشآت و از کتابهای مشهور این قرن بشمار رفته است .

۷۹ - **علی اکبر خطایی** از دانشمندان قرن دهم بوده و نخست برای بازرگانی بچین رفته و بهمین جهت بخطایی معروف شده و پس از آنکه با قافله‌ای از مسلمانان بچین رفته با اجازه دربار چین در شهر پکن ساکن شده و پس از چندی باستانبول بازگشته و در ۹۲۲ مشغول تألیف کتابی در اوضاع شمال چین بنام خطای نامه شده و امیدوار بوده است که چون این کتاب را بپایان رساند بسلطان سلیم آل عثمان تقدیم کند تا او را تشویق کند که بچین لشکر بکشد و آنجا را بگیرد و مردم آن سرزمین را مسلمان بکند ولی در ضمن تألیف کتاب سلطان سلیم مرده و وی کتاب را بسلطان سلیمان تقدیم کرده و ازین قرار این کتاب را پس از ۹۲۶ که سلیمان بتخت نشسته تألیف کرده است .

۸۰ - **ملا محمود بن محمد قاضی زاده رومی معروف به مریم چلبی** از دانشمندان نامی قرن دهم خاك عثمانی و از جانب پدر نواده قاضی زاده دانشمند معروف قرن نهم و از جانب مادر نواده ملا علی قوشچی دانشمند معروف دیگر همان زمان بوده و وی نخست در رصدخانه سمرقند کار کرده و پس از آن بخاك عثمانی رفته است . در آنجا در ذی القعدة ۹۳۲ در گذشته است . وی در فنون مختلف ریاضی و هیئت دست داشته و درین زمینه کتابهای چند بتازی و فارسی نوشته ، از آن جمله دستور العمل و تصحیح الجداول در شرح زیج الخ بیك که بنام سلطان بایزید خان بن محمد خان در رجب ۹۰۴ بپایان رسانده ، رساله در ربع المقنطرت که بنام همان پادشاه تألیف کرده ، الربع المجیب باز بنام آن پادشاه و رساله در حساب .

۸۱ - **شمس الدین یا بدر الدین احمد بن محمود معروف بقاضی زاده مفتی** وی نیز از دانشمندان قرن دهم خاك عثمانی بوده و در ۹۸۸ یا ۹۹۸ در گذشته است و ظاهراً پسر قاضی زاده سابق الذکر بوده است و کتابهای چند در فنون مختلف بزبان تازی و پارسی تألیف کرده از آن جمله حاشیه بر تجرید الکلام ، حاشیه بر شرح وقایع الروایة برهان الشریعه .

## ۸۲ - حبیب الله باغنوی شیرازی معروف بمیرزاچان از بزرگان دانشمندان

ایران در قرن دهم بود و در محله باغ نود شیراز میزیست بهمین جهت بیباغنوی معروف شده است . وی شاگرد جمال الدین محمود از دانشمندان زمان خود و از شاگردان معروف علامه جلال الدین دوانی بوده و خود در همه علوم زمان و مخصوصاً در حکمت و منطق دست داشته و یکی از آخرین حکمای بزرگ ایران بشمارست و در ضمن پیرو طریقه اشعربان و شافعی متعصب بوده و در کلام و اصول نیز دست داشته و بسیار شیفته دانش بوده است ، چنانکه در باره او نوشته اند که بسیار شده است از آغاز شب تا باهداد بیدار مانده و بقرائت کتاب یا تألیف مشغول بوده و برای حوایج طبیعی بر نمیخاسته است و بهمین جهت بیمار سخت و مثانه وی مجروح شده است و سرانجام در ۹۹۴ در شیراز در گذشت . علامه میرزاچان در فنون مختلف بزبان تازی و فارسی مؤلفات دارد که برخی از آنها بسیار معروفست و از آن جمله است : تعلیقات بر شرح مختصر العضدی ، حاشیه بر شرح و حاشیه قدیم تجرید الکلام ، حاشیه بر شرح مطالع ، حاشیه بر حاشیه شرح مطالع ، حاشیه بر اثبات الواجب دوانی که در نیمه ذی الحجه ۹۸۳ بیابان رسانیده ، حاشیه بر محاکمات قطب الدین شیرازی بر شرح اشارات ، حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیر الدین طوسی ، انموذج الفتون ، حاشیه بر مطول ، حاشیه بر شرح حکمة العین میرک بخاری ، حاشیه بر مطالع الانوار سراج الدین ارموی ، حاشیه بر شرح عضد الدین ایبجی بر منتهی السؤل والامل ابن حاجب ، حاشیه بر شرح مواقف .

## ۸۳ - محمود بن عثمان بن علی نقاش لامعی برسوی از بزرگان شاعران

خاک عثمانی و از مشاهیر زمان خود بوده و جدش از مردم شهر بروسه بوده و در زمانیکه امیر نیمور گورکان بدانجا رفته ویرا که خردسال بوده با خود بماوراءالنهر برده است و وی در آنجا نقاشی را از نقاشان معروف ایرانی دوره نیموری یاد گرفته و در بازگشت بخاک عثمانی این صنعت را در آنجا رواج داده و نخستین کسی بوده است که زین اسب را نقاشی کرده و لامعی از عمال مهم دربار عثمانی و حافظ دفتر در دیوان سلطنت بوده و در ضمن مایل بتصوف و از مریدان سید احمد بخاری بوده و از دربار سلطنت روزی



۳۵۰ درهم وظیفه میگردانید و در شهر بروسه ساکن بوده و سرانجام در همان شهر در سال ۹۳۹ در گذشته است. لامعی از شاعران زبردست روزگار خود بوده و در زبان ترکی و فارسی شعر را نیکو میسروده و کتابهای چند بفارسی و ترکی تألیف کرده و بسیاری از کتابهای مهم زبان فارسی را بترکی ترجمه کرده و از آنجمله چند کتاب مهم جامی را و مؤلفات عمده او بدینقرار است: ترجمه ترکی حسن و دل فتاحی نیشابوری، ترجمه سلیمان و اقبال جامی، ترجمه شواهد النبوة جامی، ترجمه نفحات الانس جامی بنام فتوح المشاهدين لترويح قلوب المجاهدين، شرح دیباجة گلستان سعدی، ترجمه ویرس ورامین، گوی و چوکان منظوم فارسی، وامق و عذرای منظوم ترکی، شرف الانسان ترجمه رساله بیست و دوم اخوان الصفا، معنی اسماء الحسنی، ترجمه صد معمای میر حسن نیشابوری، مفتاح النجاة فی خواص السور والایات، منشآت، عبرت نما، مجموعه اللطایف باللطایف نامه، مناظره بهار و شتا، مناظره نفس و روح، دیوان قصاید و غزلیات شامل ده هزار شعر، منظومه اثر انگیز بروسه، ترجمه وامق و عذرای عنصری، فرهادنامه، هفت پیکر ترجمه هفت منظر هائقی، منظومه شمع و پروانه ترجمه ازاهری شیرازی، مقتل حضرت امام حسین منظوم، منقبت یا مناقب اویس قرنی منظوم، لامعی در انتشار ادبیات فارسی در خاک عثمانی بسیار مؤثر بوده و ازین حیث خدمت مهمی بایران کرده و مخصوصاً ترجمه وامق و عذرای عنصری که اصل آن از میان رفته اهمیت بسیار دارد. وی در شعر بسبک جامی بسیار معتقد بوده و از وی پیروی میکرده و بهمین جهت او را «جامی روم» لقب داده بودند و مانند جامی پیرو طریقه نقشبندی بوده است.

۸۴ - ابن الشیخ شبستری از معارف دانشمندان قرن دهم بوده که نخست در

آذربایجان میزیسته و سپس بخاک عثمانی رفته و سلطان سلیم روزی سی درهم وظیفه برای او معین کرده زیرا که در جلوس قصیده‌ای فارسی در مدح او درشت بیت سروده بود که از مصرع اول هر بیت آن تاریخ جلوس وی برمیآمد و از مصرع دوم آن تاریخ فتح جزیره رودس. وی مرد خوش سیمای بلند قد بسیار خوشرو و مهربانی بوده و در جوانی در گذشته و بزبان پارسی و تازی و ترکی تألیفات دارد، از آن جمله حواشی بر حاشیه

شرح تجرید میر سید شریف و حواشی بر حاشیه شرح مطالع میر سید شریف و رساله در معنی  
بفارسی که از همه شواهد آن نام سلطان سلیم استخراج میشود .

#### ۸۵ - مولانا محیی الدین محمد بن عبدالاول عبدی قزوینی تبریزی

از خاندان دانشمندانی بوده که نخست در قزوین سکونت داشته‌اند و سپس به تبریز رفته‌اند  
و پدرش قاضی حنفیان آذربایجان بوده و خود در خردسالی در تبریز به خدمت جلال الدین  
دوانی رسیده و نخست شاگرد پدرش بوده ، سپس در حیوة پدر بخاک عثمانی رفته و بر اهنمایی  
ابن المؤید که از دانشمندان خاک عثمانی بوده و مانند وی از آذربایجان مهاجرت کرده  
و با او سابقه قدیم داشته است بدربار سلطان بایزید راه یافته و وی نخست منصب مدرسی  
و سپس منصب قضا باو داده و سپس تولیت مدرسه مصطفی پاشای وزیر در کبکویزه  
و پس از آن تولیت مدرسه مغنیسارا باو رجوع کرده‌اند و سپس مدرس در استانبول  
و بعد از آن قاضی حلب و قاضی دمشق و قاضی استانبول شده و پس از آن عزل شده  
و روزی صد درهم وظیفه برای او معین کرده‌اند و سرانجام در ۹۶۶ در گذشته است . وی  
از دانشمندان کامل زمان خود بوده و در ادبیات عربی و شرعیات و مخصوصاً در انشای  
عربی و فارسی و ترکی دست داشته و در آوردن محسنات لفظی بیشتر اهتمام میکرده  
و همه خطوط را بسیار خوب مینوشته است و مؤلفات چند بفارسی و تازی داشته‌است  
از آن جمله رساله فی قطع الید که در ذی القعدة ۹۵۰ برای ابراهیم پاشای وزیر تمام کرده  
و حاشیه بر فرایض سجاوندی که در شعبان ۹۵۷ بپایان رسیده و حواشی بر امور عامه  
موافق عضدالدین ایجی که در رجب ۹۵۴ بپایان رسانده است .

#### ۸۶ - مولانا ابوالحسن بن احمد ایوردی معروف بدانشمند از معارف

علمای قرن دهم و پدرش نیز از ادبا و شاعران آن زمان بود و وی در همه علوم زمان خود  
و مخصوصاً در ریاضیات دست داشت و معروفست که هجده مسئله در ریاضی از زمانهای  
قدیم مانده بود که کسی نمیتوانست حل بکند و خواجه نصیر الدین طوسی تنها شش  
مسئله از آنها را حل کرده بود و وی آن دوازده مسئله را هم حل کرد و درین زمینه  
رساله‌ای بنام حل لاینحل نوشته است و چنان با هوش و زودرس بود که در ۱۴ سالگی

شرح تجرید را با حواشی آن و در ۲۵ سالگی مجسطی را درس میگفت و حافظه اش چنان بود که هر کتاب را یکبار میخواند عبارات آنرا هرگز از یاد نمیبرد و نیز نوشته اند در پایان زندگی که مشغول بتصحیح کتابهای رجال و حدیث بود کتاب تهذیب را که هفتاد هزار بیت کتابت دارد از آغاز تا انجام بخط خود نوشت و همه احادیث و اسناد آنرا بیاد داشت و میتوانست از حفظ بنویسد. وی بیشتر در کاشان در مصاحبت خان میرزا پسر معصوم بیگ که از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان داشت میزیست و خان میرزا پیش او درس میخواند و سرانجام روز یکشنبه ۲۳ رمضان ۹۶۹ در گذشت و او را در اردبیل بخاک سپردند. مولانا ابوالحسن در الهیات و کلام و حکمت و ریاضیات استاد مسلم زمان خود بوده و درین فنون تألیفات بفارسی و نازی دارد از آنجمله کتاب حسنا در حکمت طبیعی و کتاب مشارق و مرآت الافلاک در حکمت ریاضی و حاشیه بر شمسیه و حاشیه تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی در منطق و رساله اثبات واجب بفارسی و اثبات واجب عربی و روضة الجنان در حکمت و شرح فرائض و در ضمن شعر فارسی را خوب میگفته است.

#### ۸۷ - مصلح الدین مصطفی بن شعبان متخلص بسروری از ادبای نامی

خاک عثمانی و از مشاهیر زمان خود بود. در کلیپولی ولادت یافت و پدرش در آن شهر تجارت با آموزگاری میکرد و پس از اینکه تحصیلات خود را بپایان رساند در ۹۴۴ در استانبول بمعاونت یکی از قضات منصوب شد و سپس مدرس مدرسه قاسم پاشا که تازه ساخته بودند گردید اما سال بعد ازین کار استعفا داد و بدعوت قاسم پاشا در خانقاه نقشبندیان بتدوین و شرح مثنوی مولانا جلال الدین بلخی پرداخت و در ۹۵۰ او را مأمور تربیت و آموزگاری سلطان مصطفی پسر سلطان سلیم کردند و چون در ۹۶۰ وی را کشتند او هم گوشه نشینی را پیش گرفت و سرانجام در ۷ جمادی الاولی ۹۶۹ در ۷۲ سالگی در استانبول در گذشت و در پشت مسجد کوچکی که خود در محله قاسم پاشا ساخته بود او را بخاک سپردند و بوصیت او نسخه های خطی همه مؤلفات او را در آن مسجد گذاشته بودند ولی اینک آن محل از میان رفته است. سروری که در زبان ترکی و فارسی شاعر

زبردستی و یکی از بزرگترین «روحان زبان و ادبیات فارسی در خاک عثمانی بوده و ازین حیث خدمت بسیار برجسته‌ای بادیات ایران کرده و خود زبان فارسی را بسیار خوب میدانسته و باین زبان هم مؤلفاتی ازومانده و مهم‌ترین تألیفات او ازین قرارست :

شرح بوستان سعدی بفارسی ، شرح دیوان حافظ بترکی که در ۹۶۸ پیایان رسانیده ، شرح مثنوی بفارسی ، شرح «مراح الارواح از احمد بن علی بن مسعود در صرف نازی ، ترجمه ترکی ذخیره الملوك میرسید علی همدانی ، ترجمه رساله چوب چینی علاءالدین نورالله بترکی ، شرح رساله معمای جامی بترکی که در ۹۴۱ پیایان رسانیده ، شرح رساله میر حسین معمای بترکی ، شرح رساله معمای علی کر بترکی ، شرح شبستان خیال فتاحی ایشابوری ، شرح گلستان سعدی بتازی که برای سلطان مصطفی دراواخر ربیع الاول ۹۵۷ دراماسیه پیایان رسانده است ، بحرالمعارف درعروض وقوافی که در ۹۵۶ برای سلطان مصطفی تألیف کرده ، مختصر عجایب المخلوقات قزوینی ، شرح ایسا غوجی اثیرالدین مفضل ابهری .

۸۸ - علامه سید حسن حمینی **خلخاللی** از دانشمندان نامی قرن دهم ایران و از شاگردان میرزا جان شیرازی و جمعی دیگر از دانشمندان زمان بوده و عبدالکریم بن سلیمان بن عبدالوهاب کورانی از شاگردان او بوده است و در ۱۰۱۴ در گذشته و ازو مؤلفات چند بفارسی و تازی در رشته‌های مختلف مانده از آنجمله : رساله اثبات الواجب وحاشیه بر حاشیه عصام بر تفسیر بیضاوی و رساله فی مبدء الاول و صفاته وحاشیه عقاید عضدیه ایجی وحاشیه بر نهذیب المنطق و الکلام تفتازانی .

۸۹ - علامه کمال الدین حسین بن عبدالحق ابهری اردبیلی هم از دانشمندان معروف قرن دهم و از شاگردان جلال الدین دوانی بوده و در ۹۴۰ یا ۹۵۰ در گذشته و در علوم مختلف زمان خود دست داشته و مؤلفات چند بزبان تازی و پارسی ازو مانده است از آنجمله : حاشیه بر تجرید الکلام و شرح رساله اثبات واجب دوانی و حاشیه بر شرح عضدالدین ایجی بر منتهی السؤل والامل ابن حاجب و تعلیقه بر حاشیه سید شریف بر همان کتاب .

## ۹۰ - مولانا نورالدین ابوالحسن علی بن سلطان محمد قاری هروی

معروف بملا علی قاری یکی از مشهورترین دانشمندان قرن دهم ایران بود و در زمان خود شهرت و احترام بسیار داشت، در هرات ولادت یافت و مدتی در آن شهر سکونت داشت و بیشتر بقرائت قرآن روزگار میگذراند و ظاهراً چون قاری حنفی متعصب و درین زمینه معروف بوده هنگامیکه صفویه بر هرات مستولی شده‌اند و جانش در خطر بوده است بحجاز مهاجرت کرده و تا پایان زندگی در مکه میزیسته و در آنجا از ابوالحسن وسید زکریا حسینی و شهاب‌الدین احمد بن حجر هیثمی و شیخ احمد مصری شاگرد قاضی زکریا و شیخ عبدالله سندی و علامه قطب‌الدین مکی که همه از دانشمندان معروف زمان بوده‌اند علم آموخته و سرانجام در مکه در شوال ۱۰۱۴ در گذشته و در معلاة اودا بخاک سپرده‌اند و چون خبر مرگ او بمصر رسیده علمای مصر در جامع الازهر برونمایی گزاردند که بیش از چهار هزار تن در آن حاضر بوده‌اند. ملا علی قاری یکی از آخرین علمای بزرگ ایران و جامع همه علوم زمان خود بوده و بزبان تازی و پارسی تألیفات بسیار در فنون مختلف دارد از آن جمله: شرح مشکوة بنام مرقاة المفاتیح لمشكاة المصابیح که اصل مشکاة المصابیح از ولی‌الدین محمد بن عبدالله خطیب تبریزیست و آن شرحیست بر کتاب المصابیح تألیف ابو محمد حسین بن مسعود فراء بغوی، شرح شمایل، الناموس تلخیص قاموس اللغة فیروز آبادی، انوار الجنیه فی اسماء الحنفیه، شرح ثلاثیات بخاری، تذهة الخاطر الفائر فی ترجمة السيد الشریف شیخ عبدالقادر، رسالة فی ارسال الید فی الصلوة، رسالة فی جواب شیخ محمد مکین، شرح فقه الاکبر ابو حنیفه، شرح الشفا الموضوع لبيان شرف المصطفی، کتابی در تفسیر، الحظ الاوفی بالحج الاکبر، شفاء السالك فی ارسال مالک، شرح عقيلة اتراب القوائد فی اسنى المقاصد رانی بنام الهیات السنية العالية علی ایات الشاطبية الرائية فی الرسم، فتح الرحمن بفضایل شعبان، رد بر فصوص الحکم ابن العربی، فوام الصوام للقیام بالصیام، القول السدید فی خلف الوعد، شرح شرح نخبة الفکر فی مصطلح اهل الاثر ابن حجر بنام مصطلحات اهل الاثر علی شرح نخبة الفکر، شرح نقایه مختصر الوقایة صدر الشریعه بنام فتح العنايه شرح کتاب النقایه، شرح قصیده

يقول المبد في الكلام از سراج الدين على بن عثمان اوشي فرغانى حنفى ، مبین المعین فی شرح الاربعین ، شرح حصن الحصین من کلام سید المرسلین در ادعیه از شمس‌الدین جزری بنام الحرز الیمین ملخص الحصین که در نیمه دوم جمادی‌الآخره ۸۰۰۸ پیایان رسانده است . ملا علی قاری در طریقه حنفی تعصب بسیار داشته و در کتابهای خود بر همه فرق و مخصوصاً بر شافعیان ایرادهای بسیار گرفته و بهمین جهة در میان فرق دیگر مخالف بسیار داشته است .

۹۱ - محمد بن میر علی برکلی حنفی از دانشمندان نامی قرن دهم خاندان عثمانی و اصلاً ایرانی بوده و ظاهراً چون حنفی بوده از ترس کشتار صفویه بآن سرزمین رفته، از جزئیات احوالش اطلاعی نیست جز آنکه در ۸۱۹ یا ۸۲۲ در گذشته است و وی مؤلف کتابهای بسیار بزبان تازی و پارسیست که در فنون مختلف نوشته و ازینجا پیداست که در همه علوم زمان دست داشته و مؤلفات عمده او بدینقرار است : تعلیقه بر اصلاح الوقایه فی الفروع ابن کمال پاشا ، اظهار الاسرار در نحو ، انقاذ الهالكین که در ذی‌الحجه ۹۶۷ تألیف کرده ، ایقاظ النائمین که در اواسط شوال ۹۷۲ پیایان رسانیده ، رساله فی عدم جواز اخذ الاجرة للقراءة وعدم جواز وقف النقود ، جلاء القلوب که در ذی‌الحجه ۹۷۱ پیایان رسیده ، صحاح عجمیه بفارسی ، فرائض و شرح آن ، کفاية المبتدی در صرف ، شرح حاشیه بر لب الالباب فی علم الاعراب ، شرح مختصر الکافیة از بیضاوی معروف بامتحان الاذکیاء ، شرح الوقایة برهان الشریعه .

۹۲ - عادل بن علی از ادبای قرن دهم بوده و عسادلای تخلص میکرده و مؤلف کتابیست بنام عنوان الحکم در ترجمه و تفسیر و شرح قصیده نویه ابو الفتح بستی بفارسی .

۹۳ - ابو محمد با یزید بن عنایت الله بسطامی از دانشمندان متبحر قرن دهم بوده و در مشهد میزیسته و صوفی مشرب بوده است و بهمین جهة برخی رسایل بمذاق عرفا و برخی کتابهای فقهی نوشته است ، از آنجمله تحفة المرضیة للحضرة الرضویه در تسلیم که بر رساله تسلیم معروفست و در اواخر رجب ۹۷۹ پیایان رسانیده و رساله ای در قضا و قدر و نیز رساله فی اوقات الصلوة الخمس بتازی آروست .

- ۹۴ - ملک محمد بن سلطان حسین اصفهانی از علمای ریاضی این دوره بوده و رساله‌ای در جبر و مقابله بفارسی و نیز شرح بهشتی را بزبان نازی تألیف کرده است .
- ۹۵ - قطب‌الدین عبدالله بن محیی بن محمود انصاری خزرچی مهدی شیرازی چهره‌می معروف بعبدالله قطب متوفی در ۹۱۰ از مشایخ معروف صوفیه فارس بوده و مریدان بسیار داشته و مجموعه مکانیه‌ی ازومانده است که در پاسخ مریدان خود نوشته و مسائل تصوف را شرح داده است .
- ۹۶ - عطاءالله بن حسام واعظ هروی از واعظ‌شیعه ساکن هرات بوده و مؤلف کتابیست بنام روضة المجاهدین یا مختارنامه در شرح انتقام‌هایی که مختار بن ابی عبیده ثقفی از قاتلان حسین بن علی گرفته است و در ۹۸۱ در هرات تألیف کرده و این کتاب وقتی بسیار رایج بوده است .
- ۹۷ - شیخ عزالدین بن جعفر بن شمس الدین آملی که کتاب معروف نهج البلاغه را بفارسی ترجمه کرده و در جمادی‌الاولی ۹۷۲ پایان رسانیده است و نیز کتابی دارد بنام لمعه در نکاح دایم و متعه .
- ۹۸ - احمد بن محمد معروف بمقدس اردبیلی از پیشوایان معروف شیعه در قرن دهم بوده و در رجب ۹۹۳ در گذشته و مؤلف کتابهای بسیار بزبان فارسیست از آنجمله: حقیقة الشیعه ، رساله فی طهارة الخمر ، رساله حجیه در اعمال حج ، مجمع الفایده والبرهان در شرح ارشادالاذهان ، زبدة البیان فی شرح آیات احکام القرآن ، شرح الهیات تجرید ، تعلیقات بر شرح مختصر عضدی ، تعلیقات بر خراجیه شیخ علی . وی همیشه ساکن نجف بوده و شاه عباس مکرر او را بایران دعوت کرده و پذیرفته است و در زمان خود بزه و تقدس معروف بوده است .
- ۹۹ - محمد بن داود بن محمد بن محمود شادی آبادی از ادبای ایرانی ساکن هندوستان بوده و شرحی بر مشکلات دیوان انوری بنام سلطان نصیرالدین خلجی (۹۰۶-۹۱۶) پادشاه هندوستان نوشته که معروفست و نیز شرحی بر قصاید خاقانی دارد .
- ۱۰۰ - عبدالوهاب بن محمد حسینی معنوی معنوی متخلص بغنائی

مؤلف شرحی بر مشکلات دیوان خاقانی که برای پسر خود صدرالدین محمد تألیف کرده است.

۱۰۱ - یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی که مؤلف کتابیست بنام طربخانه و مجموعه ای از رباعیات عمر خیامست و در ضمن برای برخی از آنها شرحی نوشته و شرح حالی از عمر خیام در آن کتاب آورده است.

۱۰۲ - معین الدین ابو محمد محمود بن محمد دهداد شیرازی متخلص بعیانی از دانشمندان اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در ۱۰۱۶ در شیراز در گذشته و مؤلفات بسیار در فنون مختلف زبان فارسی پرداخته است از آن جمله: مفتاح الاستخراج در جفر، زبدۃ الالواح در جفر، ایجاز مفاتیح الاعجاز در شرح کلمش راز، رساله در بیان شرف و فضیلت انسان، رساله در خصوصیات ملکات انسانی، رساله در ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی، رساله در توحید، نفایس الارقام، کواکب الثواقب، اشراق النیرین، در تبیین، رساله در نسبت میان افراد، الف الانسانیة، دقایق الحقایق، رساله در تصوف، کنز الرموز، مفاتیح المعالیک.

۱۰۳ - یار علی بن عبدالله تبریزی از ادبای ایندوره بوده و مؤلف کتابیست منشیایه بنام ریاض الافکار در توصیف خزان و بهار که در ۹۲۶ بیابان رسانیده است.

۱۰۴ - نواب عضد الدوله جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن اینجو از خانواده‌ای از علویان شیراز بوده که ظاهراً نسب خود را بشیخ ابواسحق اینجو پادشاه معروف فارس در قرن هشتم میرسانده است. وی نخست در خدمت اعرای دکن بوده و سپس بدربار جلال الدین اکبر رفته و بفرماندهی ۹۰۰ تن مأمور شده و ۸۵۲۰۰ روپیه حقوق میگرفته است و در ۱۰۱۳ واسطه شد که عادلشاه دختر خود را بشاهزاده دانیال بدهد و پس از آن حکمران بهار شد و در ۱۰۲۷ عضد الدوله لقب گرفت و سرانجام در آگره در ۱۰۳۵ در گذشت و وی مؤلف کتابیست در لغت فارسی بنام فرهنگ جهانگیری که بنام جهانگیر نوشته است.

۱۰۵ - محمد قاسم بن حاج محمد سروری کاشانی نخست در اصفهان میزیسته



وسپس به هندوستان رفته و در ۱۰۳۶ در زمان شاه جهان در لاهور بوده و از آنجا بسفر حج رفته و در راه در گذشته است. وی نخست در ۱۰۰۸ کتابی در لغت فارسی بنام شاه عباس تألیف کرده که بنام فرهنگ سروری معروفست و سپس در ۱۰۲۸ آنرا تکمیل کرده و مجمع الفرس نام گذاشته است.

۱۰۶ - ابوالفضل منشی شیرازی از ادبای ساکن خاگ عثمانی بوده و مؤلفات بسیار دارد از آنجمله دستور السلطنه در اخلاق که بنام سلطان سلیمان آل عثمان متوفی در ۹۷۴ نوشته ، اخلاق شمسیه ، رساله در شرح کلمه توحید ، ضیاء الفلوب ، حرز الامان ، رساله در عقاید ، غرایب الانشاء ، تحفة الاحباب ، دستور الوزاره ، بدایع السحر فی صنایع الشعر ، منهج المحققین ، رساله شرفیه ، مرآت الرجال در عام فراست .

۱۰۷ - سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی از دانشمندان ماوراءالنهر بوده در ۹۴۲ ولادت یافته و در ۱۰۰۶ در گذشته مؤلف کتابیست در غرایب بنام مجمع الغرایب که باسم عبدالله خان بن اسکندر خان شیبائی پادشاه سمرقند و بخارا و پیر محمد خان پادشاه بلخ نوشته است .

۱۰۸ - خلیل بن ابراهیم مؤلف مفتاح کنوز ارباب قلم در ریاضیات که بنام سلطان محمد بن مراد بن محمد آل عثمان نوشته است .

۱۰۹ - سلطانعلی خراسانی جنابدی طبیب از پزشکان معروف زمان خود بوده و چهل سال در خراسان و ماوراءالنهر مخصوصاً در سمرقند در دربار ابوالمنصور کوچ کانچی خان معروف بکچوم خان که پس از ۱۶ سال سلطنت در ۹۳۶ در گذشته طبابت کرده است و نیز مدتی در دربار ابوالغازی سلطان ابوسعید بهادر خان پسر منصور کوچ کانچی خان بوده که از ۹۳۶ تا ۹۳۹ پادشاهی کرده است و وی مؤلف چند کتاب بفارسی در علم پزشکیست از آنجمله دستورالعلاج که در ۹۳۳ بنام ابوالمنظر محمود شاه از پادشاهان همان خاندان نوشته و رساله علاجیه و رساله دیگر در طب که بنام مقدمه دستورالعلاج باسم ابوالغازی سابق الذکر تألیف کرده است .

۱۱۰ - یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی معروف بیوسفی از پزشکان

نامی هندوستان و معاصر با بابر و همایون بوده و کتابهای بسیار در طب بزبان فارسی نوشته و مخصوصاً فنون طبی را بنظم فارسی در آورده از جمله مؤلفات اوست: جامع الفوائد، شرح منظومه‌ای در طب بنام علاج الامراض که آن منظومه هم ازوست، قصیده در حفظ صحت که در ۹۳۷ بنام ظهیرالدین بابر بیایان رسانیده است، ریاض الادویه که در ۹۴۶ برای همایون نوشته است، دلایل النبض، دلایل البول که در ۹۴۲ تألیف کرده، جواهر اللغه در لغات طبی که در ۹۲۴ بیایان رسانده است، منظومه فراید، منظومه بحر متقارب.

۱۱۱ - عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی از پزشکان نامی زمان خود بود و در کودکی زیر دست پدرش که او هم طبیب حاذقی بود پرورش یافت. مدتی طبیب امیر عبدالله خان استاجلو حاکم شروان بود و سپس بدربار شاه طهماسب رفت و سپس بیست سال درهند میزیست و مؤلف کتابهای چند در طب بزبان فارسیست از آنجمله: رساله در طریق خوردن چوب چینی و فواید آن، مرکبات الشاهیه که بنام شاه طهماسب نوشته است، رساله در خواص و طبایع و منافع چوب چینی، رساله بیخ چینی که در ۹۵۴ بیایان رسانیده، رساله در مرض معروف بآتشک، رساله در سموم، افیونیه، سته ضروریه طبیه که بنام شاه قلی خان بن حمزه سلطان استاجلو در زمان شاه عباس نوشته است.

۱۱۲ - محمد باقر بن عمادالدین محمود سابق الذکر وی نیز از اطبای نامی قرن دهم بوده و در دربار شاه عباس میزیسته و در ۱۰۱۱ با او بچنگ عثمانی بقریز و نخجوان و ایروان رفته و در محاصره ایروان شاه عباس کتابی در کحالی از خواسته ووی تألیف کرده و از روی کتابهایی که همراه داشته نوشته و نیز کتابی در مرهم‌ها و معاجین پرداخته و رساله‌ای در طب دارد.

۱۱۲ - مظفر بن محمد حسینی شفایی اصفهانی معروف بحکیم شفایی از شاعران و پزشکان نامی زمان خود بوده و اصلاً از مردم کاشان بوده است ولی در اصفهان میزیسته و در آنجا بسال ۹۶۳ در گذشته و کتابهای چند در طب نوشته از آنجمله کتابی در قرابادین.

۱۱۴ - شاه بهاءالدوله حسن بن میر قوام‌الدین قاسم بن محمد نوربخش

رازی از احفاد سید محمد نوربخش پیشوای طریقه معروف نوربخشیه و خود از مشایخ این سلسله بوده و در شهر ری میزیسته و در طب دست داشته بهمین جهت کتابی درین فن بنام خلاصۃ التجارب نوشته که در ۹۰۸ بیایان رسانیده و نیز کتابی بنام هدیه الخیر دارد.

۱۱۵ - منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه الیاس شیرازی نیز از پزشکان نامی این قرنست و مؤلف کتابهای چندست در پزشکی از آن جمله شرح منصوری و کفایه مجاهدیه یا کفایه منصوری.

۱۱۶ - محمود بن الیاس شیرازی نیز از پزشکان این دوره و ظاهراً از همان خانواده بوده و رساله در طب و غیاثیه و تحفة الحکما را نوشته است.

۱۱۷ - محمد بن علی نو انداکی از ادبای ماوراءالنهر بوده و شرحی بر رساله معمای امیر حسین نیشابوری بنام ابوالغازی عبدالعزیز بهادرخان پادشاه سلسله شیبانی در بخارا (۹۴۷ - ۹۵۷) نوشته است.

۱۱۸ - کمال‌الدین محمود بن علی بن عماد‌الدین غجدوانی از متصوفه ماوراءالنهر و از مریدان کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین حسین بن برهان‌الدین قلج‌انجدانی متولد در خوارزم عارف مشهور قرن نهم بوده است که ذکرش گذشت. در ذی‌القعدة ۹۲۳ در صدد بر آمده است کتابی در مقامات مرشد خود تألیف بکند، در ۹۳۹ بتألیف آن آغاز کرده و در دهم رجب ۹۵۰ آنرا بنام مفتاح الطالبین در فیه قصص مسافر از توابع قصبة غجدوان در خاک بخارا بیایان رسانیده و در ۹۷۳ خلاصه‌ای از آن بنام جادة العاشقین ترتیب داده است.

۱۱۹ - سید احمد بن سید جلال‌الدین بن سید جمال‌الدین بن سید برهان‌الدین خواجهم بن میر دیوانه بن سید برهان‌الدین قلج بن سید کمال‌الدین بن سید جلال‌الدین بن شاه حسین بن شاه حسن بن سید محمد بن سید احمد بن عبدالله بن عبدالله الافضل بن عبدالله بن طائب بن امام علی بن موسی الرضا معروف بخواجگی احمد و مخدوم اعظام در کاشان فرغانه ولادت یافته و از بزرگان مشایخ نقشبندی ماوراءالنهر در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و عبیدالله خان شیبانی (۹۴۰ - ۹۴۶) بوی ارادت می‌ورزیده و در عصر خویش شهرت بسیار داشته و در وقت

چاشت روز شنبه بیست و یکم محرم ۹۴۹ در گذشته است . کتابهای چند در مقامات وی نوشته اند یکی بنام مقامات حضرت مخدوم اعظم که مؤلف آن معلوم نیست و دیگری بنام انیس الطالبین از قاسم بن محمد صفایی کاتب و دیگری بنام جامع المقامات که نوهاش ابوالبقا بن خواجه بهاءالدین بن مخدوم اعظم نوشته و در محرم ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸ بتألیف آن آغاز کرده و این کتاب را پس از مؤلفات مولانا دوست و حافظ ابراهیم و ملا قاسم کاتب سابق الذکر نوشته است . سید احمد کاشانی در تصوف رسایل بسیار بزبان فارسی نوشته است از آن جمله: اسرار النکاح، رساله سماعیه، رساله وجود، آداب السالکین، رساله النصیحه، رساله در شرح الفقر سواد الوجه فی الدارین، رساله در شرح اذقال ربك للملائكة انی جاعل فی الارض خلیفه، شرح الولد سراپیه، نفحات السالکین، رساله الذکر با رساله بیان ذکر، رساله در شرح کل مولود یولد علی الفطره، رساله بیان سلسله خواجگان، بیان چهار کلمه، سلسله الصدیقین، رساله در شرح الدنيا مزرعة الاخره، رساله در شرح کنت کنزاً مخفياً فاحییت ان اعرف، معراج العاشقین، رساله در تعریف کلمه صوفی، واقعة الحقایق، زبدة السالکین، گل و نوروز، آداب الصدیقین، گنج نامه، رساله در شرح یا آدم اسکن وزوجک فی الجنة، رساله بابا آدم، رساله در تعریف عشق، رساله در شرح رباعی «احول نیم ای دوست یکی دو بینم»، رساله بکائیه، مرآة الصفا، رساله در بیان احوال علما و امرا، مرشد السالکین، تنبیه العلماء.

۱۲۰ - قاسم بن محمد صفایی کاتب از صوفیان ماوراءالنهر و از مریدان احمد بن سید جلال الدین سابق الذکر بوده و چنانکه گذشت کتابی در مناقب وی بنام انیس الطالبین نوشته است .

۱۲۱ - مقصود علی هروی از ادبای ایرانی ساکن هندوستان بوده و در سال ۱۰۱۱ کتاب نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکماء المتقدمین والمتأخرین معروف بتاریخ الحکما تألیف شمس الدین محمد بن محمود شهر زوری را تحت اللفظ ترجمه کرده است .

۱۲۲ - حمید بن علی المشتهر بالشکافی کتاب بدایع الافکار فی صنایع الاشعار

را برای شجاع‌الدین امیر حسین یکی از امرای قرن دهم تألیف کرده و در ۶ محرم ۹۱۲  
بیابان رسانده است .

۱۲۳ - نورالدین علی بن حسام‌الدین بن قاضی عبدالملک بن قاضی خان

قرشی معروف بشیخ متقی متولد در ۸۸۵ در برهانپور و متوفی در شب سه شنبه وقت سحر  
دوم جمادی‌الاولی ۹۷۵ از مشایخ صوفیه هندوستان بود و رسائل بسیار به فارسی و عربی در  
تصوف نوشته است از آن جمله : التوکل علی الرزاق المختار فی ترک التدبیر والاختیار ،  
الجواهر الثمینه ، خلاصة الاوراد للمريد والمراد ، التوسل فی الیقین والتوکل ، پانزده  
مکتوب شیخ عبدالقادر جیلانی ، النصیح الوافی للقلب الشافی ، العبارة الفصیحة فی الوعظ  
والنصیحة ، المقصد الاسنی فی شرح اسماء الله الحسنی ، البرهان الجلی فی معرفة الولی ،  
سلوک الرجال ، الباقیات الصالحات فیما یغنی عن البنین و یغنی عن البنات ، تنبیه الاحبه  
فی علامات المحبه ، الرتبة الفاخره فی سلطنة الدنيا والاخره ، اجر الثقیل فی سلوک المعیل ،  
سلوک الغزاة ، تدارک النعم والمطایا فی الصبر والشکر علی الفقر والبلايا ، کفاية اهل الیقین  
فی طریق المتوکلین ، معرفة اهل الدنيا ، البرهان الاقوی فی شرف التقوی ، تبیین الرافه  
فیما لله من ضیافه ، نعم المعیار والمقیاس بمعرفة مراتب الناس ، رساله علامات مهدی  
موعود ، الکبریت الاحمر فی الکیمیاة الاکبر لمن ایقن بالقضاء والقدر ، العنوان فی  
سلوک النساء ، هداية ربی عند فقد المربری ، سلوک الطریق اذا فقد الرفیق ، النصیحة التامه  
للخاصة والعامه ، التحذیر عن الوقوع فی الهلکة والبلیه لمن شرع فی علم الحقایق بلاهلیه ،  
غایة الکمال فی بیان افضل الاعمال ، رساله در ارشاد زنان و دست بیعت ایشان ، عجالة الناسک  
فی انتخاب المناسک ، رساله تحریم حشیشه ، التجربة الوافی للحبر الصافی .

۱۲۴ - محمد حسین بن احمد شاهی ساکن مشهد ظاهراً از دانشمندان قرن

دهم بوده و کتاب حیوة الحیوان دمیری را به فارسی ترجمه کرده است .

۱۲۵ - محمد صالح بن بدرالدین بن محمد جرزوانی ساکن هرات مؤلف

شرح وقایه یا شرح مختصر وقایه بر کتاب وقایة الروایه فی مسائل الهدایه تألیف امام  
برهان الشریعه محمود بن صدر الشریعه اول عبیدالله محبوبی حنفی که برای نوه دختری

خود صدر الشریعہ ثانی نوشته است و این شرح معروف بشرح ملا صالح است که در هرات در ۹۳۷ تمام کرده است .

۱۲۶ - عبدالکریم منجم بلخی مؤلف تسهیل التقاویم که در حدود ۹۹۱ بنام امامقلی خان والی بخارا نوشته است .

۱۲۷ - زین العابدین بن علی بن عبدالمؤمن عبدی مؤلف کتاب صریح الملک در شرح املاک و رقبات و عمارات و ابنیة بقعة شیخ صفی الدین اردبیلی که بفرمان شاه طهماسب در ۹۷۵ پایان رسانیده است .

۱۲۸ - محمد عارف نقایی از شاعران بدخشان در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۹۹۶ بتألیف کتابی در تذکره شاعران فارسی زبان تا زمان خود در اندکان آغاز کرده و سپس که به هندوستان رفته آنرا بنام مجمع الفضل در زمان جلال الدین محمد اکبر پایان رسانیده است .

۱۲۹ - نقیب الاشراف خواجه بهاء الدین سید حسن بخاری متخلص بنشاری از شاعران ماوراءالنهر بوده و در ۹۸۳ کتابی در تذکره شعرای فارسی زبان تا عصر خود بنام مذکر احیاء تألیف کرده است و محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص بملیح در ۱۰۹۳ ذیلی بر آن نوشته است بنام مذکر الاصحاب .

۱۳۰ - ملک محمد بن سلطان حسین مؤلف شرح رساله فارسی مولانا علی قوشچی در حساب شامل جبر و مقابله و حساب .

۱۳۱ - شاه جلال الدین شیرازی از عرفای قرن دهم بوده در زمان سلطان سکندر که به حج رفته بود به هندوستان رفته و در آنجا مشغول مولانا جلال الدین را درس می گفته و در ۹۴۴ در گذشته و شرحی بر گلشن راز نوشته است .

۱۳۲ - عبداللطیف شروانی معروف بافلاطون مؤلف رساله ایست بنام حل مالاینحل در شرح قصیده معروف ابوالمفاخر رازی شاعر قرن ششم در مناقب امام هشتم که مولف بخط آنرا از امام فخرالدین رازی دانسته است .

۱۳۳ - محمد صالح بن امیر عبدالله بن امیر عبدالرحمن بن شیخ خلیل الله

افزودنی بدخشی از ادبای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و رساله‌ای در احوال اکابر بلخ بنام عبدالؤمن خان ازبک پادشاه سلسله شیبانی ماوراءالنهر (۱۰۰۶ - ۱۰۰۷) نوشته است.

۱۳۴ - حسن بن روزبهان شیرازی مؤلف کتابیست در اخلاق بنام اخلاق شمسیه که آنرا در اصفهان برای یک تن از وزرا نوشته و چون پس از اخلاق محسنی ملاحسین کاشفی تألیف کرده پیدا است که در قرن دهم بوده است و درین کتاب می‌گوید که در سال ۹۲۴ رساله فرست امام فخر رازی را ترجمه کرده و مطالبی بر آن افزوده و آنرا مرآة الانسان نام داده است.

۱۳۵ - حسین وفایی از لغت نویسان هندوستان درین دوره است و کتابی در لغت فارسی در ۹۳۳ تألیف کرده که بنام فرهنگ حسین وفایی معروف است.

۱۳۶ - حافظ اویسی دیگری از لغت نویسان هند درین دوره است و در سال ۹۳۷ کتاب تحفة الاحباب را در لغت فارسی پایان رسانیده است.

۱۳۷ - قطب العالم عبدالقدوس بن اسمعیل بن صفی الدین حنفی گنکوهی

از متصوفه هندو از مریدان و خلفای شیخ محمد بن عارف بن احمد عبدالحق رودولوی بوده است. نخست در رودولوی می‌زیسته و در ۸۹۶ در زمان سلطان سکندر لودی بشاه آباد نزدیک دهلی رفته است. در ۹۳۲ هنگامی که بابر سلطان ابراهیم پسر سکندر لودی را در شاه آباد شکست داده وی بگنکوه رفته و در ۹۴۴ یا ۹۴۵ در گذشته است. وی را در تصوف بزبان فارسی مؤلفات چندست از آن جمله: نور الهدی، قرۃ العیون، رشد نامه یا رساله رشدیة، مجموعه مکاتبات معروف بمکتوبات عبدالقدوس یا مکتوبات قدوسیه، لطائف قدوسیه، انوار العیون فی اسرار المکنون در مقامات احمد عبدالحق رودولوی.

۱۳۸ - حامد بن فضل الله جمالی کنبو دهلوی معروف بدرویش جمالی یا

شیخ جمالی و یا ملاجمالی از مشاهیر عرفای هند در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از پیروان طریقه چشتی بود؛ نام وی را برخی فضل الله دانسته و برخی فضل الله را نام پدر



وی دانسته اند. نویسنده و شاعر زیر دستی بوده، نخست جلالی تخلص می کرد و در ۹۰۱ مرشدش سماء الدین بوی تخلص جمالی داده است. سفرهای دراز بدیار مغرب و یمن و فلسطین و روم و سوریه و عراق و آذربایجان و گیلان و مازندران و خراسان کرده و از آنجا بدلهلی بازگشته و در هرات با عبدالرحمن جامی دیدار کرده و شرح این سفرها را در سفرنامه خود آورده است. نخست در نزد سلطان سکندر لودی مقرب بوده و سپس بابر و همایون نیز وی را بزرگ می داشته اند و سرانجام در ۱۰ ذی قعدة ۹۴۲ در دهلی در گذشته و قبرش در جنوب شرقی قطب منار در دهلی هم اکنون زیارتگاه است. وی از شاعران معروف زمان خود بوده و دیوان قصاید و غزلیاتش شامل نه هزار بیت در دست است. بجز آن يك مثنوی دارد بنام بیان حقایق احوال سید المرسلین شامل دو قسمت: قسمت اول بنام مصباح الارواح و قسمت دوم بنام شرح الواصلین که در ۸۶۸ مشغول نظم آن بوده است. منظومه دیگری دارد بوزن مثنوی مولانا جلال الدین بنام مرآت المعانی و مثنوی دیگری بنام مهر و ماه، دیگر از آثار وی کتاب سیر العارفین در احوال مشایخ چشتیست که در سلطنت همایون پایان رسانده و احوال چهارده تن از مشایخ طریقه خود را از معین الدین سکزی ناسماء الدین مرشد خود در آن گرد آورده است.

۱۳۹ - حسین بن شیخ صابر هندی از عرفای هند درین دوره بوده است و در ۱۰۱۱ ترجمه ملخصی از کتاب قلائد الجواهر فی مناقب الشیخ عبدالقادر تألیف محمد بن یحیی بن یوسف ربیع نادفی حلبی حنبلی متولد در ۸۹۹ و متوفی در شعبان ۹۶۳ در حلب را بهمان نام قلائد الجواهر کرده است که از کتابهای رایج در مقامات عبدالقادر گیلانیست.

۱۴۰ - ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی مؤلف کتابیست در مناقب مشایخ تشبندی از بهاء الدین نقشبند ثابید الله احرار که در ۹۴۷ تألیف کرده است.

۱۴۱ - شمس الدین ابوالفتح محمد بن اسحق ولی الله بن شمس الدین محمد قادری ملتانی از صوفیه قادری همین دوره در هند بوده و کتابی بنام مخازن القادریه در مناقب عبدالقادر گیلانی نوشته است.



۱۴۲ - حسین حافظ قزوینی کربلایی در سال ۹۷۵ در شهر دمشق کتاب

مفصل و بسیار سودمندی در مزارات تبریز بنام روضات الجنان و جنات الجنان تألیف کرده که شامل شرح احوال بزرگان است که در تبریز مدفون بوده‌اند و کسانی که با ایشان مناسبات داشته‌اند و خود از متصوفه طریقه عبداللہیہ علویہ علاء دولویہ کبرویہ و مرید سید احمد حسینی حسینی موسوی باب الابوابی (در بندی) معروف بوده است .

۱۴۳ - نورالدین محمد بن حسین بن عبداللہ بن پیر حسین بن شمس الدین

قزوینی - مؤلف سلسله نامه خواجگان نقشبند که در ۹۷۸ تألیف کرده است .

۱۴۴ - بابا داود خاکی کشمیری سهروردی از شاعران و نویسندگان

متصوف این دوره در هند از مریدان شیخ حمزہ کشمیری در ملتان بوده و در ۹۹۴ در گذشته و برخی آثار بنظم و نشر فارسی از او مانده است از آن جمله منظومہ ورد المریدین در مناقب مرشد خود ، دستور السالکین که شرحیست بر آن منظومہ ، قصیدہ جلالیہ ، رسالۃ الغسلیہ .

۱۴۵ - خواجہ اسحق قاری وی نیز از مریدان شیخ حمزہ کشمیری سابق

الذکر بوده و کتابی در مناقب وی بنام حلیۃ العارفین در ۹۸۰ نوشته است .

۱۴۶ - من اللہ بن علی اللہ محمد حسینی مؤلف خوارقات یا تبصیرات

الخوارقات و یا تبصیرات الخوارق کیسو دراز حسینی کتابی در کرامات سید محمد کیسو دراز عارف مشهور هند متوفی در ۸۲۵ و بازماندگان و خلفای وی که در ۹۸۱ پایان رسانده است .

۱۴۷ - حسین بن میر حسین حسینی سرخسی مؤلف کتاب سعدیہ در مناقب خواجہ

محمد اسلام جویمباری از مشایخ طریقه جویمباری ماوراء النہر کہ معاصر با عبید اللہ خان (۹۴۰ - ۹۴۶) و عبداللہ خان (۹۴۶ - ۹۴۷) پادشاهان شیبانی بوده و خواجہ سعد از مشایخ همان طریقه و این کتاب را در ۹۸۴ نوشته است .

۱۴۸ - سید مرشد درویش یسوی از صوفیان طریقه احمد یسوی عارف

مشهور ترک متوفی در ۵۶۲ بوده و در ماوراء النہر و سوریه و مصر و مدینہ و ایران و آسیای

صغیر سفرهای بسیار کرده و بنظم و نثر فارسی آثاری در تصوف پرداخته است از آن جمله کتاب تسلی القلوب در شرح سه بیت اول مثنوی مولانا جلال الدین که بنام مبارزالدین شروان گرای پسر ابوالمظفر محمد گرای خان بن دولت گرای خان پادشاه قریم (کریمه) (۹۸۵ - ۹۹۲) نوشته است و دیگر از آثار اوست مثنوی حجة الابرار که در ۹۹۶ در استانبول در مقامات مشایخ طریقه یسوی بنام سلطان مراد بن سلیم آل عثمان (۹۸۲ - ۱۰۰۳) پایان رسانیده است.



گذشته ازین کتابهایی که مؤلفان آنها معروفند در قرن دهم چند کتاب دیگر بزبان فارسی نوشته شده است که مؤلفان آنها معروف نیستند، از آن جمله: شرح فارسی مختصر وقایه که بر وقایة الروایة فی مسائل الهدایه از کتابهای معروف حنفیان نوشته‌اند و آن تألیف امام برهان الشریعه محمود بن صدر الشریعه اول عبیدالله محبوبی حنفیست که برای نواده دختری خود صدر الشریعه ثانی تألیف کرده است. این شرح فارسی مختصر وقایه بنام عبیدالله خان شیبانی پادشاه ازبک (۹۴۰ - ۹۴۶) نوشته شده است و آنرا بخط دره‌اند بنام عبدالرحمن جامی دانشمند معروف قرن نهم چاپ کرده‌اند. دیگر کتاب بیان احوال حضرت مولانا محمد قاضی در مقامات محمد بن برهان الدین سمرقندی معروف بمولانا محمد قاضی. دیگر رساله در احوال حضرت کمال الدین خوارزمی در مقامات کمال الدین حسین خوارزمی سابق الذکر متوفی در ۹۵۸ که از پیروان طریقه امیر سید علی همدانی بوده و این رساله را در ۹۷۲ تألیف کرده‌اند. دیگر کتابی بنام روضة الاولیا شامل احوال انبیا و خلفای راشدین و مشایخ صوفیه که در اواخر قرن دهم در حدود ۹۷۹ نوشته شده است.

از روزهای اول قرن دهم یعنی از سال ۹۰۷ پادشاهان صفوی در ایران بحکمرانی آغاز کرده‌اند و تقریباً تا سیصدسال پس از آن واقعه یگانه پادشاهان ایران بوده‌اند. صفویه میکوشیدند فرق مذهبی را که قرنهای پیش ازیشان در ایران بوده است از میان

ببرند و پیداست مردمی که چند قرن بعد پایدی خو گرفته‌اند و آن عقاید ناچار در ادبیاتشان راه باز کرده‌است پس از آنکه خواهی نخواهی تغییر عقیده بدهند ادبیاتشان بیش از همه چیز متأثر میشود و این یکی از دلایل تنزل ادبیات ایران درین چهارصد و پنجاه سال اخیر است و میتوان گفت زندگی ایرانیان در مدت هفتصد سال سنن و نوامیس خاصی در ادبیات ایران آورده بود که ایرانیان بدان خو گرفته بودند و مخصوصاً شعر فارسی در میان همین سنن پدید آمده بود و این تغییر ناگهانی سبب شد که دنباله فکر سرایندگان ایران گسیخته گشت و آنچه را که از پدرانشان بدیشان رسیده بود از دست دادند. تصوف اندک اندک از قرب پنجم بیعت شروع کرده بود شعر ایران را بکلی بخود منحصر کند، چنانکه بسیاری از شاعران هم بودند که خود نمیدانستند صوفی‌اند ولی عیناً بیان صوفیان داشتند و افکار صوفیان را ادامیکردند. صفویه با آنکه خود صوفی زاده بودند و بیاری مریدان اجداد خود صفی‌الدین اردبیلی و صدرالدین موسی و سلطان خواجه علی و سلطان ابراهیم شیخ‌شاه و سلطان جنید و سلطان حیدر که شافعی بوده‌اند پیادشاهی رسیده‌اند معلوم نیست چرا طریقه نیاکان خود را رها کرده و شیعه متشرع شده‌اند و حتی در آغاز کار که اختلاف در میان حیدریان یعنی پیروان طریقه قطب‌الدین حیدر زاوی متوفی در ۶۱۸ و نعمتیان یعنی مریدان نورالدین نعمه‌الله ولی متوفی در ۸۳۴ در گرفته ازین دو فرقه تصوف نعمتیان را ترجیح داده و از آنها پشتیبانی کرده‌اند و بعدها با این خانواده هم وصلت کرده‌اند. ناچار آن اصولی که در شعر ایران پیش از صفویه سنت شده بود از میان رفت و پادشاهان صفوی که بیشتر سرگرم سیاست مذهبی و اقتصادی و نظامی بودند با ادبیات توجه و عنایتی نداشتند و اگر در قرن دهم شاعرانی بوده‌اند همه از پادشاهان و امیران و اعیان هندوستان بهره مند شده‌اند. تنها در آغاز قرن دهم هنوز چند شاعر بزرگ و آنهم بیشتر در خراسان بوده‌اند که دست پرورده زمان تیموریان بودند و از پرورشی که ازیشان و مخصوصاً از دربار سلطان حسین بایقرا در هرات برده بودند هنوز دست از سخن سرایی بر نداشته و دنباله کار خویش را رها نکرده بودند. بهمین جهت است که شعر فارسی در قرن دهم نسبت بقرنهای گذشته و حتی

قرن نهم راه تنزل پیموده است و بهمین جهت هر چه بیایان قرن دهم نزدیک میشویم بازهم از شماره شاعران بزرگتر کاسته میشود. شاعران نامی قرن دهم بدینگونه اند:

۱ - مولانا نورالدین هلالی جغتایی از بزرگان شعرای اواخر قرن نهم و

اوایل قرن دهم بود. پدراش از بزرگان جغتای بوده اند و وی در استرآباد بجهان آمده و در جوانی بهرات رفته و در سلك شعرای دستگاه سلطان حسین بایقرا و علیشیرنوایی درآمده و همچنان در هرات مانده و پس از برجیده شدن دستگاه سلطان بایقرا هم در هرات بوده است تا اینکه در سال ۹۳۷ که عبیدالله خان از بک شهر هرات را محاصره کرده بود وی اشعاری توهین آمیز درباره اش سروده بود اما چون در ۹۳۹ عبیدالله خان آن شهر را گرفت وی پشیمان شد و قصیده ای در مدح عبیدالله خان سرود و نزد او رفت که بر وی بخواند و چون عبیدالله خان مرد بد کینه ای بود او را عفو نکرد و در همان مجلس دستور داد او را یاره یاره کنند و از بکان در مجلس وی را شکنجه بسیار دادند و سپس بیرون کشیدند و با سرو صورت خون آلود بچهارسوق هرات بردند و بدینگونه کشتند و با آنکه در میان شیعه معروف بوده که اوسنیست عبیدالله خان بتهمت شیعه بودن وی را کشته است. هلالی در غزل عاشقانه شورانگیز بسیار توانا بوده و یکی از بهترین غزل سرایان زبان فارسی بشمار میرود و ۲۸۰۰ بیت غزل دارد و سه مثنوی سروده است یکی لیلی و مجنون و دیگر صفات العاشقین شامل ۱۲۰۰ بیت و دیگر شاه و درویش شاه و گدا شامل ۱۳۰۰ بیت که آنها نیز از شاهکارهای شاعران این دوره است.

۲ - امیر ابو عبدالله محمد هاشم شاه کرمانی پسر میر محمد مؤمن عرشی

معروف بشاه جهان و شاه جهانگیر و متخلص بهاشمی از عرفای بسیار مشهور اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است. در ۸۷۳ ولادت یافته و از جانب پدر نسبش بچهار پشت بشاه قاسم انوار عارف مشهور قرن نهم و از طرف مادر نیز نسبش بشاه نعمه الله ولی میرسیده است. پس از آنکه مدنها در کرمان ساکن بوده و از مشایخ معروف آن شهر بشمار میرفته سفری به هندوستان کرده و مدتی در دهلی بترویج طریقه خود مشغول بوده است و از ۹۳۵ چندی هم در سرزمین سندوبه کرمانده و میرزا شاه حسن نواده امیر ذوالنون ارغون که

از بزرگان آن دیار بود بوی احترام بسیار کرد اما سرانجام که خواست در سال ۹۳۸ بکرمان باز گردد چون بسرزمین کیچ و مکران رسید در ۹۴۶ راهزنان وی را کشتند و آنچه داشت غارت کردند. شاه جهانگیر هاشمی از معاریف شعرای متصوف زمان خود بوده و قصاید و غزلیات بسیار در زمینه تصوف سروده است و نیز مثنوی مظهر الآثار را بتقلید مخزن الاسرار نظامی در ۱۴۰۰ بیت سروده که از بهترین آثار عرفای قرن دهمست و در شهر تنه از ۹۳۸ تا ۹۴۰ مشغول نظم آن بوده است.

۳ - میرزا محمد قاسم گونا بادی متخلص بقاسمی پسر میرسید از سادات گناباد و از مشاهیر شعرای قرن دهم بود. نخست در جوانی شاگرد هانفی شاعر معروف بوده، سپس در آغاز قرن دهم از مالازمان شاه اسمعیل شد و مدتی از شاعران دربار او بشمار میرفته است و سرانجام از دربار شاه طهماسب نزد سلطان محمود خان والی دیار بکر رفته و ظاهراً در آنجا مانده و همانجا روزگارش سپری شده است و چنان مینماید منظومه‌ای که در شرح فتوحات شاه طهماسب ببحر متقارب سروده مورد توجه آن پادشاه واقع نشده و بدین جهت با اعتراض از دربار وی رفته است. قاسمی همه توجه خود را صرف سرودن مثنویاتی کرده و آنچه از وی مانده نخست لیلی و مجنون و پس از آن منظومه‌ایست ببحر متقارب بنام شاهرخ نامه و منظومه دیگری بهمان وزن در شرح فتوحات شاه اسمعیل که بشاهنامه قاسمی و شاهنامه شاه اسمعیل معروفست و در ۹۴۰ در حدود ۴۰۰ بیت پایان رسانیده و منظومه دیگری در شرح فتوحات شاه طهماسب که در حدود ۹۶۷ پایان رسیده و منظومه دیگری باز بهمان وزن که در شرح فتوحات سلطان محمود والی دیار بکر از طوایف گردان مکر کومی حکا سروده است.

۴ - جنونی بدخشی معمای از معاریف شعرای دربار همایون پادشاه هندوستان بوده و بیشتر بسرودن قصاید مصنوع توجه داشته است چنانکه قصیده معروفی درسی و هشت بیت بمدح آن پادشاه سروده و صنایعی در آن بکار برده که ذوالفقار شروانی و سلمان ساوجی در قصاید معروف خود از آن غفلت کرده‌اند و حتی معما و اظهار مضمیر و تاریخ در آن بکار برده است و این قصیده را در فتح بدخشان در سال ۹۲۷ برای همایون پادشاه

سروده و ازین جا پیدا است که از آن زمان وارد دستگاه وی شده است .

۵ - **شیخ زین الدین خوافی متخلص بوفایی** نیز از شاعران معروف دربار هندوستان بوده و نخست با ظهیر الدین بابر بداجا رفته و در دربار وی مقام صدارت داشته است و دراکره شهر معروف هند مسجدی ساخته و در آن سوی آب چون هم مدرسه‌ای بنا کرده و در شعر مخصوصاً بدیهه سرایی و معما بسیار زبردست بوده و منشی قابلی بشمار میرفته و در ضمن تاریخی در شرح فتوحات بابر در هند نوشته و تا زمان همایون هم زنده بوده و سرانجام در ناحیه چنهار در سال ۹۴۰ در گذشته و در مدرسه‌ای که دراکره ساخته بود وی را بخاک سپرده‌اند .

۶ - **مولانا دردی سمرقندی** نیز از شاعران نامی دربار همایون بوده و در قصیده و غزل دست داشته و معمارا هم نیکو میسروده است و سرانجام در سال ۹۶۶ در گذشته است .

۷ - **شیخ ابوالواجد فارغی شیرازی** نیز از شاعران آیندوره است که در جوانی از فارس به هندوستان رفته و از شاعران دربار همایون شده است و در ضمن مرد بسیار گوشه گیر و صوفی مشربی بوده و از شیرین زبانان عصر خود بشمار میرفته و با شیخ زین الدین خوافی متخلص بوفایی سابق‌الذکر با هم به هندوستان رفته و در آغاز کار هر دو تنگدست بوده‌اند و وی نیز در همان سال ۹۴۰ در گذشته و در همان خانقاهی که در مسجد شیخ زین الدین دراکره بوده است او را نیز بخاک سپرده‌اند .

۸ - **جاهی بخارایی** با لقب یتیمان معروف بوده زیرا که پدرش از اعیان شهر بخارا بوده و در آنجا منصب مهمی داشته است که مردم بخارا یتیمان میگویند و نخست در کابل جزو ملازمان بابر شده و با وی به هند رفته و از شاعران معروف دربار او شده اما شاعری بسیار هجو و بد زبان بوده از آن جمله وقتی ترکیب بندی در هجو شاه محمدخان شاپور از اعیان دربار بابر سروده بود که چون برای بابر خواند صله خوبی باو داد و سرانجام در ۹۵۶ غلامی که داشت زهری در خوراکش ریخت و او را کشت .

۹ - **حیدر تونی** نیز از شاعران این دوره و در دربار همایون بوده ، گذشته از شاعری در موسیقی بسیار زبردست بوده و آواز را خوب میخوانده و مدتهای مدید در

هندوستان زیسته است و مخصوصاً پرده نازهای در پنجگاه ساخته بود که در آن زمان معروف بوده و تا آخر قرن دهم در دربار هندوستان میزیسته است.

۱۰ - **خواجه ایوب بن خواجه ابوالبرکات** از بزرگان زادگان ماوراءالنهر

بوده و با این همه خود و پدرش بی بی قیدی معروف بوده اند و وی مدتی در کابل بود و سپس به هندوستان رفته و همایون در باره او توجه بسیار داشت و از بی مایل بصحبت او بوده یکی از زنان حرم خود را بعقد او در آورده بود ولی با این همه وی دست از بی قیدی برنداشت و همچنان میزیست تا اینکه روزی در مجلس پادشاه بی ادبی کرد و چون همایون در خشم شد از او اجازه حج گرفت و دیگر نتوانست بدربار همایون باز گردد و مدتی در احمدآباد و چندی در دکن بود و در آنجا نظامشاه باو مهربانی بسیار کرد ولی با او نیز نساخت و روزگار را بهمین پریشانی بیان رساند - خواجه ایوب با این همه شاعر توانایی بوده و غزل را نیکو میسروده و گاهی ایوب و گاهی هم عراقی تخلص میکرده است.

۱۱ - **مولانا سجایی استرآبادی نجفی** از مشاهیر شعرای قرن دهم ایران

بوده ، پدرانش از مردم استرآباد بوده اند ، وی در شوشتر ولادت یافت و در جوانی بنجف رفته است و بهمین جهت با استرآبادی و نجفی هر دو معروفست و گاهی نامش را شیخ سجایی هم ضبط کرده اند . وی مردی متشرع و متقی بوده و چهل سال در نجف زیسته است و از فقیهان زمان خود بشمار میرفته و اوقات را در مجاورت مرقد امام بی بحث و درس می گذرانده و در ضمن از سخنانش بر می آید که مردی صوفی مشرب بوده است و پیداست که در قرآن بسیار دست داشته زیرا که در اغلب از رباعیات خود اشاراتی بمطالب قرآن دارد و سرانجام در ۱۰۱۰ در نجف در گذشته است . وی شاعر توانایی بوده ، دیوان غزلیاتش شامل ۲۸۰۰ بیت در دستست ولی رباعیاتش بیشتر معروفست و مجموعه رباعیات او شامل بیست هزار رباعیست و درباره او نوشته اند که وقتی بکنار آبی رسیده و پای او در آب فرو رفته است و با خود گفته این بواسطه تعلقت و چون مرا بهیچ چیز بجز شعر تعلق نیست باید آنرا هم بشویم و همانجا نسخه دیوان خود را در آب انداخته و آنچه اینک ازو مانده است

پس از آن تاریخ سروده است . در میان رباعیات او اشعار بسیار معروفی هست که برخی از آنها را باهام عمر خیام هم نسبت داده‌اند .

۱۲ - ملازمانی یزدی از شاعران ساکن اصفهان بوده و در زمان شاه عباس صفوی میزیسته و از آنچه در باره او نوشته‌اند پیداست که بشاعری خود بسیار مغرور بوده چنانکه عقیده داشته که روح نظامی درو حلول کرده است و بقاعده تناسخ خود را نظامی می‌دانسته و نیز گفته‌اند که وقتی سراسر غزلیات حافظ را استقبال کرده و در مقابل هر غزل او غزلی سروده بود و نسخه‌ای از آن نزد شاه عباس فرستاد و نامه‌ای نوشت که در عصر شما کار من بجایی رسید که جواب حافظ را داده‌ام و معروفست که شاه عباس در بالای آن نسخه بخط خود نوشت «مولانا درین معامله جواب خدا را چه خواهی داد ؟» . تاریخ رحلت او را هم ۱۰۱۷ و هم ۱۰۲۱ ضبط کرده‌اند و اینکه از اشعار او آنچه مانده برخی غزلیاتست و برخی اشعار بوزن لیلی و مجنون ازومانده و پیداست که لیلی و مجنون نظامی را تقلید کرده و غزل را نسبت به نعی گفته است .

۱۳ - مولانا وجه الدین نسف آقاشانی تگلو از شاعران معروف دربار شاه عباس صفوی بوده و در اصفهان به خدمت او رسیده و از آن بعد در بیشتر سفرها با وی همراه بود چنانکه در سال ۱۰۰۰ در قزوین در مجلسی که سفیران روم و ازبک در دربار حاضر بودند شاه عباس برای اینکه تعصب خود را در دین شیعه بآنها نشان دهد دستور داد در حضور ایشان قصیده‌ای را که در مناقب علی بن ابی طالب سروده بود بخواند و چون پایان رسید دستور داد ترازو آوردند و او را در یک کفه ترازو گذاشتند و در کفه دیگر آن قدر زر رایج ریختند تا با او برابر شد و این زر را باو بخشید . در پایان زندگی از دربار رفته و در مشهد گوشه نشین شده و از دربار سالی بیست تومان وظیفه در باره اش مقرر کرده بودند و بهمین حال در سال ۱۰۲۳ در گذشت .

۱۴ - آقا رضی اصفهانی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و سفری هم به هندوستان رفته و پس از بازگشت از آن سفر در ۱۰۲۴ در اصفهان در گذشته است .

۱۵ - زکی همدانی نیز از غزل سرایان معروف اصفهان درین زمان بوده و



با شکوهی شاعر معروف آن زمان در حوزة درس میرزا ابراهیم همدانی حکیم معروف آن عصر که در ۱۰۲۶ در گذشته درس حکمت می خوانده است و سرانجام در همان شهر در گذشته و در تاریخ رحلت او اختلاف است هم در ۱۰۲۵ و هم در ۱۰۳۰ ضبط کرده اند و در هر صورت از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم اصفهان بوده است .

۱۶ - **ابو تراب فرقتی جوشقانی** وی نیز از شاعران نامی این زمان بوده و در کاشان نشو و نما یافته و از شاعران دربار شاه عباس شده است و سرانجام در ۱۰۲۶ در گذشته و در غزل استاد بوده است .

۱۷ - **سید محمد حسین لاهیجی متخلص بفغفور** از دانشمندان زمان خود بوده مدتها در ایران می زیسته و پس از چندی به هندوستان رفته و در پایان زندگی ملازم شاهزاده پرویز پسر جهانگیر پادشاه معروف هند شده و سرانجام در الله آباد سال ۱۰۲۸ در گذشته است . وی مرد بسیار دانشمندی بوده و در طب و شاعری و خوشنویسی معروف بوده و شعر را نیکو میسروده ، تا در ایران بوده رسمی تخلص میکرده و چون بهند رفته فغفور تخلص کرده و در غزل استاد بوده است .

۱۸ - **مولانا غزالی مهدی** از شاعران نامی قرن دهم بوده نخست در ایران می زیست و در دربار شاه طهماسب بود و در سال ۹۵۸ خواجه امیر بیك کججی وزیر خراسان که از میر صدرالدین محمد پدر میر غیاث الدین منصور شیرازی تسخیر کواکب و مخصوصاً آفتاب را یاد گرفته بود در شیراز باین کاربرد اخت و چون شاه طهماسب در خشم شد و فرمان داد او را در صندوقی بکنند و دستهایش را از سوراخی که در صندوق کرده بودند بیرون بیاورند و بند بردستش بزنند تا نتواند با انگشتان خود سحر بکند درین موقع غزالی در اردوی شاه طهماسب بود و شاه او را نزد وی فرستاد که اشعاری در سرزنش وی بگوید پس از آن که بتهمت بد مذهبی خواسته اند او را آزار دهند به هندوستان رفته و نخست درد کن و سپس چندی نزد خان زمان ازاعیان هند بوده و پس از کشته شدن او با گره و بدر بار جلال الدین اکبر رفته و در دستگاه وی بمقام ملك الشعرا پی رسیده است و ممدوحان او صلات کران باومی داده اند چنانکه خان زمان وقتی که او

را نزد خود خوانده هزار رویه خرجی برایش فرستاده است و سرانجام در شب جمعه ۲۷ رجب ۹۸۰ بفجاء در احمدآباد در گذشته و اکبر فرمان داده است پیکرش را در سرکنج در مقبره پادشاهان و مشایخ بخاک سپردد. غزالی از شاعران زبردست زمان خود بوده و مردی عارف مشرب بشمار میرفته و نزدیک پنجاه هزار شعر گفته است از آن جمله مثنویاتی سروده و یکی از آنها را نقش بدیع نام گذاشته و برخی شماره اشعارش را تا صد هزار هم نوشته اند.

### ۱۹- سید نجم الدین ابوالقاسم محمد میانکالی معروف بملاقاسم کاهی کابلی

نیز از شاعران نامی دربار اکبر بوده و او را قاسم میانکالی کابلی می گفته اند، در جوانی در هرات بوده و در آنجا بخدمت جامی رسیده در حلقه تصوف وارد شده و در دوره بابر و بایان نخست از ۹۳۵ تا ۹۵۶ و بار دوم از ۹۶۱ تا ۹۸۸ به هندوستان رفته و در آن گره از شاعران معروف دربار اکبر بوده است و در موسیقی مهارت بسیار داشته و آوازه ها و پرده های متعدد ساخته بود و در تفسیر و هیئت و کلام و تصوف و معما و تاریخ نیز مرد داناتی بوده و در ضمن مردی وارسته و بی قید بوده چنانکه او را برخی ملحد و زندیق دانسته اند و هر چه داشته با قلندران می خورده و حتی از معاشرت با سگان هم پرهیز نمی کرده است و در ادبیات مرد منصفی بوده چنانکه نوشته اند اگر با و ایراد می کردند که مضامین اشعار و از دیگرانست میگفت من ملتزم نشده ام که همه از من باشد و هر چه را نمی خواهید بتراشید. در سال ۹۷۴ که اکبر بکجرات رفته بود در اردوی او معروف شد که قاسم کاهی مرده است و غزالی که در اردو بود قطعه ای در تاریخ مرگ او گفت اما بعد معلوم شد که این خبر درست نبوده و ازین قرار چندی پس از ۹۷۴ هم زنده بوده و در آن گره در ۲ ربیع الثانی ۹۸۸ در گذشته است و نوشته اند که صد و بیست سال عمر کرده است. کاهی از شاعران زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل و مثنوی را خوب میگفته دیوانش شامل ۱۷۰۰ بیتست و منظومه ای در بحر متقارب بتقلید بوستان سعدی گفته که گل افشان نام گذاشته و گویند در آن مثنوی همه جاقوافی سعدی را مکرر کرده است و نیز منظومه ای در معما بوزن حدیقه سروده و برای هر قسم از معما مثالی بهمان وزن از خود آورده و آنرا در ۹۶۴ بیان

رسانده است .

۲۰- **خواجه حمین مروزی**، در جوانی مدنی در کابل بوده و از آنجا به پندرفته است و در اکره نخست از شاعران دربار همایون بوده و سپس از سرایندگان محترم دربار جلال الدین اکبر شده و از خاندان محترم و وزیر زاده بود و نسبش به *علاءالدوله* سمنانی میرسیده و در جوانی معقول را نزد *ملاعصام الدین ابراهیم* وفقه را نزد ابن حجر مفتی عربستان فرا گرفته بود و ازین قرار در جوانی در سرزمین عربستان زیسته است. در دربار اکبر مقام بلندی داشت و بیشتر تخصص او قصاید مدح بود و مخصوصاً در سرودن داده تاریخ مهارتی داشت چنانکه قصیده‌ای ساخته است که از هر بیت آن نام سلطان سلیم و تاریخ ولادت او که ۹۶۰ باشد بیرون می‌آید و قصیده دیگری دارد که از هر بیت نام شاه مراد و تاریخ ولادت او ۹۸۴ بیرون می‌آید و نیز قصیده‌ای سروده که از هر مصرع اول آن جلوس اکبر و ۹۶۳ و از هر مصرع دوم آن ۹۷۷ تاریخ تولد سلیم بیرون می‌آید و گذشته از شعر در صنعت انشاء و فنون ادب دست داشته سرانجام در سال ۹۷۹ از اکبر اجازه گرفت و بکابل رفت، در آنجا میرزا محمد حکیم باو احترام بسیار کرد اما بواسطه آنکه در مجلس اوهدا یابی را که از هند آورده بود *یک یک* می‌گفت نام و بهای آنها را می‌نوشتند بر میرزا محمد حکیم گران آمد و از مجلس برخاست و رفت و کسانی که آن هدایا را غارت کردند و وی هم اندکی پس از آن واقعه در کابل در گذشت. **خواجه حسین** از قصیده سرایان خوب این دوره بوده است .

۲۱- **خواجه حسین مهدی متخلص بشنایی**، در آغاز زندگی مدنی در ایران می‌زیسته و در همان زمان شهرت شاعریش به پند رسیده بود سرانجام از مشهد به هندوستان رفت و در *سلک* شاعران دربار اکبر در اکره درآمد، اما کارش آنچنان که انتظار میرفت بالا نرفت و در غیاب وی قدرش را بیشتر میدانستند و با آنکه قصیده را بسیار خوب می‌گفته و یکی از توانا ترین قصیده سرایان زمان خود بوده نوشته‌اند که معلومات کافی نداشته است و بهمین جهت در اشعار او معانی عالی و نصایح و معارف نبوده است دیوانش که بیشتر شامل قصاید است دوهزار بیت دارد و مثنویات را هم خوب می‌سروده

وازان جمله ساقی نامه معروفی دارد.

۲۲ - سید جمال الدین محمد عرفی شیرازی، از بزرگترین شاعران قرن دهم

بود؛ نام پدرش را خواجه بلوسا کن مجله کوچه سختویه در شیراز دانسته‌اند. در شیراز ولادت یافت و قسمتی از زندگی را در آنجا گذراند و تا سال ۹۸۹ در وطن بود و سپس از آنجا بیندر جرون و از آنجا در ۹۹۰ بدکن رفت و از آنجا عازم فتح پور شد و در آنجا با فیضی شاعر معروف آشنا گشت و چون گمنام بود فیضی او را در خانه خود نگاه داشت و منتهای مهربانی را درباره اش کرد و بوسیله او با مسیح الدین حکیم ابوالفتح که از دانشمندان معروف بود آشنا شد و پس از مرگ او بخدمت عبدالرحیم خان خانان سپهسالار معروف هندوستان پیوست و چندی با او در حیدرآباد بود و سپس بدربار جلال الدین اکبر رفت و تعلق خاطری نسبت بشاهزاده سلیم معروف بجهانگیر پسر پادشاه یافت و سرانجام در ۹۹۹ در گذشت و درباره مرگش اختلافست بعضی نوشته‌اند باسهال رفت و برخی گفته‌اند بواسطه همان روابطی که با شاهزاده سلیم داشت زهرش دادند و بدینگونه در لاهور در گذشت و همانجا او را بخاک سپردند و پس از چندی که درویشی می‌خواست جسد دیگری را که در کنار مرقد عرفی بود از خاک دریاورد و بنجف ببرد اشتباهاً جسد او را بنجف برد و در آنجا بخاک سپرد و این واقعه در سال ۱۱۹۴ یعنی ۱۹۵ سال پس از مرگش روی داده و گفته‌اند که مرقد او در نجف معروف بوده است. عرفی یکی از معروفترین شاعران قرن دهم و یکی از مبتکران سبک معروف بسبک هندیست و بهمین جهت دیوان اشعار وی همواره در ایران و هندوستان و ترکیه رواج فوق‌العاده داشته و عدم کثیری از شعرای سبک هندی از قصاید و غزلیاتش تقلید کرده‌اند و قطب الدین نامی از مؤلفان هندویشی بر قصاید او نوشته است و نزدیک پنج هزار بیت قصیده و غزل دارد و در ضمن مشغول تقلید خمسة نظامی شده اما مرگ مجالش نداده و تنها پنج مثنوی ناتمام یکی بتقلید مخزن الاسرار بنام مجمع البکار و دیگری فرهاد و شیرین بتقلید خسرو و شیرین از ومانده است و نیز ساقی نامه ای دارد و روی هم رفته مثنویاتش شامل دوهزار بیتست ولی درین سبک شعر او در درجه دومست و غزلیات وی قطعاً بر سایر اقسام شعرش ترجیح دارد. نوشته‌اند

که مردی خودخواه بود و بشعر خود اعتقاد بسیار داشت و دیگران را چه از پیشینیان و چه از معاصران با قدر و قیمت نمی دانست .

۲۳ - مولانا شیرازی لاهوری ، اصلاً از شیخ زادگان پنجاب و از دهی بود بنام کوکروال در پنجاب و پدرش از جماعت ساجیان بود که قبیله‌ای معروف بودند و مادرش سیدزاده بود و پدرش ملایحیی نام هم شاعر بوده و غزل را خوب می گفته است و وی چندی در سیالکوٹ میزیسته و سپس بدریار اکبر رفته است و بیشتر مداح شمس الدین محمد خان آنکه ملقب به خان اعظم و پسر او میرزا عزیز کوکلتاش بوده که او نیز خان اعظم لقب گرفته و هر دو از اعیان معروف هند بوده‌اند و کتابی در مدح این پسر و پدر بنام جهان افروز پرداخته که نزدیک سه هزار بیت مقطعات منظوم دارد و در انواع شعر دست داشته و طبعش بسیار روان بوده چنانکه خود دعوی میکرده است که شبی سی غزل میسروده ولی مهارت عمده او در قطعه و قصیده و بیشتر اشعار شکایت آمیز بوده است و زمانی هم او را بترجمه کتاب معروف مهابهارته از زبان سنسکریت مأمور کرده‌اند و سرانجام در کوهستان یوسف زئی در ۹۹۴ در گذشته است .

۲۴ - مولانا قیدی شیرازی از شاعران نامی این قرن بوده ، نخست در ایران می زیسته و بامید اینکه از شاه طهماسب تشویقی ببیند از شیراز به قزوین رفت اما چون مأیوس شد آهنگ سفر حج کرد و پس از ادای حج به هندوستان رفت نخست در دربار پادشاهان دکن بود و پس از آن جزو شاعران دربار اکبر شد و از ملازمان نزدیک او بود چنانکه با او سفری بکابل رفت اما روزی که در مجلس وی از ناراحتی مردم شکایت کرد از نظر افتاد و دیگر کرد خدمت دربار نگشت و بقناعت می گذرانید تا اینکه به فتح پور سیکری رفت و در آنجا گرفتار بواسیر شد و مرد شایعی بعنوان طبابت رگم‌های بواسیرش را برید و بدان علت جان سپرد . قیدی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده است .

۲۵ - مولانا یادگار حائلی اگروهی پسر و الهی از شاعران نامی هندوستان اصلاً از طایفه جغتای و از سپاهیان دربار جلال الدین اکبر بوده و خود را از بازماندگان

سلطان سنجر می دانسته و از غزل سرایان خوب زمان خود بشمار میرفته و پسری داشته است محمد حسین نام که بقایای تخلص می کرده و او هم شاعر بوده اما در حال جنون پدر خود را از هر داده و کشته است.

۲۶ - **قاسم مهدی متخلص با رسلان**، نیز از شاعران نامی دربار اکبر در آگره بوده و خود را از بازماندگان ارسلان جاذب از عمال معروف دربار محمود غزنوی می دانسته و بهمین جهت ارسلان تخلص می کرده و وی از مردم طوس بوده و در ماوراءالنهر نشو و نما یافته و سپس به هند رفته و در آنجا بشاعری پرداخته است و در ضمن خوشنویس بوده و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشته و در فن تاریخ ماهر بوده و نیز مردی خوش مشرب بشمار میرفته است و سرانجام در ۹۵۵ که با پادشاه بلاهور رفته بود در آنجا در گذشت. ارسلان در اقسام شعر خصوصاً در غزل و ماده تاریخ ماهر بوده است.

۲۷ - **شیخ رهایی خوافی**، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور بوده و به هندوستان رفته و در سلك شاعران دربار اکبر در آگره می زیسته است و مردی صوفی مشرب بوده و خمسة نظامی را تقلید کرده و غزل را نیکو می سروده است.

۲۸ - **میر سلطان بایزید هروی متخلص بدوری** از هنرمندان معروف دربار اکبر در آگره و از خوشنویسان درجه اول خط نسخ تعلیق در هندوستان بشمار می رفته و کاتب الملك لقب داشته و ظاهراً در جوانی از هرات به هندوستان رفته است و در پایان زندگی سفری به حج رفته و از غزل سرایان زبردست زمان خود بشمار می رفته است.

۲۹ - **سید محمد جامه باف متخلص بفکری** از معاریف شاعران قرن دهم بوده نسبت او را هم از مشهد و هم از هرات و هم از تربت دانسته اند و برخی تصریح کرده اند که از بزرگان سادات مشهد بوده، در هر صورت در آغاز جوانی در مشهد ساکن بوده است و در پایان زندگی در سال ۹۶۹ به هندوستان رفته و در دربار اکبر نعمت فراوان یافته و سرانجام در سفر جونپور در سال ۹۷۳ در گذشته است. وی در شعر تنهایی رباعی مایل بوده و جز رباعی چیزی از او نمانده و بهمین جهت معاصرانش هم او را میر رباعی لقب داده بودند و در باره اش نوشته اند که صورت و خلقت او را ترکیبی خاص بوده است و از آنچه يك تن

از شعر او گفته معلوم میشود مردی لاغر و زرد چهره و بسیار بلند بالا بوده و چشمان درشت داشته است .

۳۰ - میر حیدر معمای کاشانی متخلص برفیعی ، وی نیز از شاعرانیست که يك قسمت از عمر خود را در ایران و قسمت دیگر را در هند گذرانده و چون در اشعار وی مرثیه ای برای شاه طهماسب هست که در ۹۸۲ سروده و ذکر وی از وقایع ۹۸۵ هم هست پیدا است که پس از بن تاریخ بهند رفته است و در دربار جلال الدین اکبر در آگره از شاعران معروف بشمار میرفته و در شعر تنها در فن معما و تاریخ دست داشته و بهمین جهت با و معمای می گفته اند . سرانجام در پایان زندگی با خواجه حبیب الله از اعیان هند که از کجرات بلاهور آمده بود همسفر شد که بایران برگردد و اموال بسیار که در مدت اقامت در هند بدست آورده بود با خود برداشت و بکشتی نشست و عازم ایران شد اما نزدیک سواحل کیج و مکران کشتی شکست و هر چه داشت بتاراج رفت و بدین حال در گذشت . میر سنجر کاشانی از شاعران نامی همین زمان پسر او بوده است .

۳۱ - میر سنجر کاشانی پسر میر حیدر معمای کاشانی سابق الذکر متخلص برفیعی است وی ظاهراً با پدر بهند رفته و پس از بازگشت او در همانجا مانده است زیرا که از شاعران دربار جلال الدین اکبر بشمار میرفته و قصاید بسیار در مدح وی و پسرانش سروده است و حتی امیران دربارش را مدح گفته است و با میرزا جانی والی سرزمین تنه نیز مربوط بوده و میرزا غازی راهم مدح گفته است و در پایان سلطنت اکبر از دربار او بر زمین بیجاپور رفت و از شاعران دربار ابراهیم عادل شاه شد و نخستین بار که نزد عادل شاه رفت خلعت خاص و انگشتری زمرد بسیار گرانبها باو داد و پس از آنکه مدتی در دربار وی بود نامه ای از شاه عباس رسید و او را بایران احضار کرد و پیش از آنکه بایران باز گردد در سال ۱۰۲۱ در همان سرزمین بیجاپور در گذشت . میر سنجر برخلاف پدر در اقسام مختلف شعر دست داشته و مخصوصاً قصیده و غزل را نیکو می سروده و یکی از بهترین شاعران این سبک در قرن دهم بشمار میرود . دیوان قصاید و غزلیاتش شامل چهار هزار بیتست و ساقی نامه ای بنام خم خانه دارد شامل ۴۰۰ بیت و مثنوی دیگر بر وزن خسرو و شیرین

شامل ۶۰۰ بیت .

۳۲ - **میرزا محمد قلی تگلو میلی** هروی بیشتر بنام میرزا قلی معروف بوده از معاریف شاعران قرن دهم بشمار میرفته و اصلاً از نژاد ترك بوده است چنان می نماید که در آغاز زندگی در تبریز و عراق و یزد و شیراز زیسته است زیرا که گاهی وی را تبریزی یا عراقی یا یزدی یا شیرازی دانسته اند و چون مدایحی بنام ابراهیم خان ابن محمد بیک بن امیر علاءالملک بن جهان شاه پادشاه لار که در ۹۴۸ سلطنت رسیده است دارد پیدا است که چندی هم در دربار وی بوده و نوشته اند که مدتی هم در مشهد زیسته و در آنجا تربیت یافته است. در آغاز کار در دستگاه سلطان محمد خدا بنده و سلطان ابراهیم میرزا بوده و سرانجام در ۹۷۹ به هندوستان رفته و مدتی در خدمت نورنگ خان از اعیان هند بوده و قصاید فراوان در مدح او سروده است و در همین زمان در سلك شاعران دربار اکبر بوده است و سرانجام نورنگ خان بر او بدگمان شد و دستور داد زهر در خوراکش کردند و بدین گونه از جهان رفت . چنان می نماید که پس از مرگ پیکراو را به مشهد آورده و در آنجا بنحاک سپرده اند زیرا که قبرش در مشهد است و بر سنگ قبرش تاریخ رحلت او را ۹۸۵ نوشته اند . میلی در قصیده و غزل از شاعران زبردست زمان خود بوده و مخصوصاً در غزل بیان رقت انگیز و سوزناك دارد .

۳۳ - **ملا طریقی ساوچی** از شاعران درجه دوم دربار اکبر در هندوستان بوده و در باره اش نوشته اند که پیر فاسق و مسخره ای بوده و بزور بی حیایی کارش از پیش می رفته است و سرانجام به حج رفته است و در همان سفر در گذشته و وی از غزل سرا بیان زمان خود بوده است .

۳۴ - **ملا مشفق بخاری** اصلاً از مردم مرو بوده و چندی در بخارا زیسته و سپس به هندوستان رفته و در جزو شعرای دربار اکبر بوده است و پس از چندی بدیار خود باز گشته و بار دیگر سفری به هند کرده و باز بر گشته است و وی در جلد و هزل شاعری استاد بوده و در قصیده دست داشته است .

۳۵ - **ملا صبوچی کابلی** از نژاد جغتای و از شاعران دربار جلال الدین اکبر



بوده و مدت‌های مدید در دربار وی زیسته است و می‌نویسند مردی بسیار بی‌قید و لاابالی بوده است و در ۹۷۲ یا ۹۷۳ در آگره در گذشته و در همانجا ساکن بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

۳۶ - میر محمود منشی متخلص بمحوی از شاعران نامی دربار اکبر و از منشیان زبردست زمان بوده و نزدیک ۲۵ سال منشی ممالک هندوستان بوده است و دخترش زن نقیب خان از اعیان آن سرزمین بوده و نخست در کجرات بخدمت میرزاخان خانان رسیده و بدین وسیله بدربار راه یافته بود و سفری هم بحجاز رفته و در غزل استاد بشمار میرفته است.

۳۷ - مغیث محوی همدانی وی نیز محوی تخلص می‌کرده و از شاعران نامی دربار اکبر و مردی مجرد بوده و چنان می‌نماید که از ایران به هندوستان رفته و در غزل سرایی دست داشته است.

۳۸ - ملا لطفی منجم از دانشمندان و منجمان معروف زمان خود بود و از شاعران دربار اکبر بشمار می‌رفت و چندی هم با میرزا نظام‌الدین احمد در کجرات بوده و بسعی او دارایی بسیار بهم زده و سفر دریا کرده است و مردی خوش معاشرت بود و اشعار متقدمین را بسیار بیاد داشت چنانکه نوشته‌اند که شبی هزار بیت بمناسبت می‌توانست بخواند و بدیهه را خوب می‌گفت و مقلدی هم می‌کرد و در ضمن در غزل سرایی دست داشت.

۳۹ - روغنی، نیز از شاعران این دوره بوده و در دربار اکبر می‌زیسته، نوشته‌اند مسخره پیشه‌ای بی‌حیا بوده و هزل او بیش از جدش بوده و سرانجام در ۹۸۰ که با اردوی شاهی بکجرات می‌رفت در پای قلعه ابوگره در گذشت و همانجا بخاکش سپردند و دیوان وی سه هزار بیت می‌شده است.

۴۰ - نویدی نیشابوری، از شاعران دربار اکبر بوده و معلومات متوسطی داشته و در ۹۷۳ که بحج میرفته در راه شهر اجین در خالك مالوه در گذشته و وی از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است.

#### ۴۱ - ملا محمد رضا بن خواجه عبدالله اصفهانی متخلص بشکبلی

از بازماندگان خواجه عبدالله امامی عارف و از اولاد خواجه امین الدین حسن معاصر حافظ بوده و در ۹۶۴ در اصفهان ولادت یافت و در اصفهان و شیراز کسب دانش کرده و سپس با کشتی به هندوستان رفته و در بندر چپول پیاده شده و از آنجا آهنگ خدمت خان خانان را کرده که در آن زمان در گجرات بوده است و چون وی بگجرات رسید خان خانان با کره رفته بود، او نیز با کره رفت و بخدمت خان خانان پیوست با او بسند و دکن رفت و در ۱۰۰۶ از خدمت خان خانان روی در کشید و بشهر سرویج در خاک مالوا رفت و در آنجا سخت بیمار شد و نذر کرد اگر شفا یابد بزیارت حرمین برود و چون شفا یافت در ۱۰۱۲ باین سفر رفت و پس از سه سال از راه سورت برگشت و در برهانپور با خان خانان مصادف شد و بار دیگر بخدمت او پیوست و در ۱۰۱۸ از خدمت وی کناره جست و خان خانان سیورغالی در حقش برقرار کرد و صدارت دهلی را از جهانگیر برای او خواست و مدتی در دهلی میزیست تا اینکه در ۱۰۲۳ در آن شهر در گذشت، شکبلی از شعرای معروف زمان خود و مردی دانشمند و نیک خو بوده و در شعر هم استاد بوده است و ساقی نامه‌ای برای خان خانان سروده و ده هزار روپیه صلۀ آن را گرفته است.

#### ۴۲ - میر فارغی شیرازی از سادات شیراز و برادر شاه فتح الله شیرازی از اعیان

دربار اکبر بوده قسمتی از عمر خود را در شیراز گذرانده و يك بار که به هندوستان رفته بیرم خان خان خانان با او گفته است که چون فارغی تخلص شیخ ابوالواجد خوابی شاعر معروفست و من باو معتقدم بهتر اینست که تخلص را فائقی بگذاری و وی نا درهند بود چنان می کرد و چون بایران باز گشت همان تخلص سابق را بکاربرد و بار دیگر سفری به هند کرد و این بار در هندوستان در گذشت و پسرش میر تقی که در هیئت و نجوم دست داشت جانشین عم خود شاه فتح الله شد و پسردیگری بنام میر شریف داشت که او هم مردی دانشمند و وارسته بود و بجز این دو برادر و عمشان شاه فتح الله افراد دیگر این خاندان همه شیعه متعصب بوده اند و وی در غزل استاد بوده است.

#### ۴۳ - یولقلی بيك انیسی شاملو نام او را برخی علیقلی بيك هم ضبط کرده اند

وی از تر کماغان بوده و نخست در هرات در خدمت علی نقی خان از اعیان آن سرزمین می زیسته و پس از کشته شدن وی بهند فرار کرده است و مدت‌ها جزو دستگاه خان خانان بوده و در ضمن جزو شاعران دربار جلال‌الدین اکبر هم بوده است و سرانجام در شهر برهانپور هند در ۱۰۱۳ یا ۱۰۱۵ در گذشت. انیسی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در غزل و مثنوی دست داشته و بنظم محمود و ایاز آغاز کرده بود که عمرش وفا نکرد ولی آنچه اوساخته معروفست و از شاهکارهای شاعران قرن دهم بشمار می رود.

۴۴ - **پادشاه قلی متخلص بجندی پسر شاه قلی خان نارنجی** از کردان حوالی بغداد بوده و در جوانی بهند رفته و در دربار جلال‌الدین اکبر احترامی بهم رسانیده و در ضمن شاعر خوبی بوده و غزل را نیکو می سروده است.

۴۵ - **امیر نید علی مصور تبریزی متخلص بجندایی پسر میر منصور** از نقاشان هنرمند ساکن هندوستان بود و در جوانی از تبریز بدانجا رفت و در دربار جلال‌الدین اکبر کارش بالا گرفت و مردی بسیار هنرمند بود چنانکه نوشته‌اند قصه امیر حمزه را در شانزده جلد مصور پایان رسانیده بود که هر جلدی يك صندوق و هر ورقى يك ذرع در يك ذرع می شد و در هر صفحه صورتی ساخته بود و در ضمن غزل سرای مقتدری بوده است.

۴۶ - **ملاقدری شیرازی**، نخست از شاعران مقیم شیراز بود و در جوانی بسوداگری بهند رفت و چندی در هندوستان ماند و از شاعران دربار اکبر بود و چندی درد کن اقامت داشت و در پایان این سفر که بایران برمی گشت در دریا غرق شد و از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است.

۴۷ - **تشبیهی کاشانی**، از شاعران مقیم ایران بوده و سه سفر بهندوستان رفته و چندی در دربار اکبر مانده و نوشته‌اند که از پیروان طریقه بساخوانی یا بسخوانی و از اصحاب محمود بساخوانی بوده و مردم را بدان طریقه دعوت می کرده است و دعوی اجتهاد داشته و بایوالفضل بن مبارک متوسل شد و قصیده‌ای که در مدح اکبر ساخته بود بوسیله او پیداشاه رسانید و درین قصیده از اکبر خواسته بود تقلیدیان را براندازد تا حق

بهر کز خود باز گردد و توحید خالص بماند و رساله‌ای هم بنام شیخ ابوالفضل نوشته بود و در آن عقاید اهل نطق و حروف را شرح داده بود ولی در ضمن مرد مجرد بی قیدی بوده و در شعر دست داشته و گذشته از غزل مثنوی ذره و خورشید را سروده است .

۴۸ - میر محمد شریف و قوعی نیشابوری از خویشان شهاب‌الدین احمدخان از اعیان دربار اکبر بوده و او را کافر میدانسته‌اند و می گفته‌اند گاهی خود را جزو بسخوانیان و گاهی جزو صبا حیان معرفی میکرده است ولی جزو هیچ يك نبود و بادوار و قناسخ عقیده داشت و با این همه قصاید در مناقب ائمه می گفته و در خط و انشاء بسیار ماهر بود و در کتابهای تاریخ زبان نازی دست داشت و سرانجام در سال ۱۰۰۲ در گذشت و کتابهای نفیس داشت که بعد از مرگش باقی ماند .

۴۹ - نورالدین قراری گیلانی برادر کهتر حکیم ابوالفتح و حکیم همای از معارف دانشمندان دربار اکبر بود و فضایل بسیار داشت از آن جمله خوشنویس و شاعر زبردست بود و بوسیله برادرانش بدربار اکبر راه یافت اما پس از چندی او را بینگاله فرستادند و در آنجا در گذشت . او هم از غزل سرایان خوب این دوده بوده است .

۵۰ - ملا غیرتی شیرازی ، از شاعران ساکن ایران بوده و سفری هم به هند رفته و چندی در دربار اکبر مانده و باز بایران بازگشته و در جوانی از پهلوانان زمان خود بوده و در کمان کشی و تیراندازی مهارت کامل داشته و در بازگشت از هند چندی در کاشان مانده و گرفتار عشق یکی از بزرگ زادگان آن شهر شده و چون تحمل نداشته بشیر از رفته و در آنجا در گذشته است .

۵۱ - ملا حیات‌ی گیلانی از شاعرانیست که در جوانی از ایران به هندوستان رفته و بوسیله حکیم ابوالفتح در دربار اکبر راه یافته و با آنکه چندان در علوم دست نداشته در شعر ماهر بوده است و مردی بسیار راست و درست و منصف بوده و غزل را خوب می سروده است .

۵۲ - میر خسروی گنابادی ، خواهرزاده میرزا قاسم گنابادی بوده و چون در قاین ولادت یافته بود برخی او را قاینی دانسته‌اند و وی از شاعران معروف و مقرب دستگاه جلال‌الدین اکبر بوده و از سفر حجاز به هندوستان رفته و بیشتر ملازم پسر بزرگ

اکبر بوده و او نیز از غزل سرایان خوب این دوره بشمار میرفته است .

۵۳ - **ملا فهمی طهرانی رازی** ، از شاعرانیست که ساکن ایران بوده و سفری بهند رفته و چندی در دربار اکبر مانده و بایران باز گشته و غزل را نیکومی سروده است .

۵۴ - **ملا سهمی بخاری** ، پدرش تیر گربود و وی نیز این شغل را اختیار کرد و بهمین جهت سهمی تخلص میکرد و از شاعران دربار اکبر بود و نخست از پیوستگان میرزا عزیز کو که از اعیان آن دربار و چندی نیز در دستگاه خان اعظم بود و مردی متعصب بود و غزل را خوب می گفت .

۵۵ - **میر حزنی اصفهانی** ، از شاعران مقیم ایران بوده است و در پایان زندگی عازم هندوستان شده ولی بدربار اکبر نرسیده در راه در گذشته است و او هم از غزل سرایان زبردست این دوره است .

۵۶ - **مولانا مظهري کشمیری** ، از مشاهیر شعرای قرن دهم هندوستان بود و در جوانی که سرگرم عیش و عشرت بود بایران آمد و پس از آنکه چندی در ایران گردش و سفر میکرد بهند باز گشت و بکشمیر رفت و در جزو شاعران دربار اکبر وارد شد و چون آن پادشاه کشمیر را گرفت منصب امیر البحری را که از مناصب مهم بود باو داد و پس از چندی معزول شد و هم چنان در کشمیر می زیست و او هم از غزل سرایان زبردست این دوره بوده است .

۵۷ - **شیخ حسین صوفی دهلوی متخلص بچشتی** از متصوفه هندوستان و از پیروان طریقه چشتی بوده و بهمین جهت چشتی تخلص میکرده و از مریدان شیخ سلیم چشتی از صوفیه معروف زمان خود بوده و در خانقاه فتح پور سیکری میزیسته و مؤلفات چند داشته از آن جمله منظومه دل و جان را بتقلید حسن و جان فتاحی شاعر معروف پرداخته و بجز آن اشعار فراوان سروده است .

۵۸ - **درویش بهرام سقا** از نژاد ترك و از قوم بیات بوده و ادعا داشته است که بصحبت خضر رسیده بود و بهمین جهت سقایى میکرد و ازین راه گذران میکرد و لباس صوفیان میپوشید و پس از چندی که در دربار اکبر بود بسرندیب رفت و آنجا

در گذشت و او نیز غزل را نیکو میسروده است .

۵۹ - حاج مولانا حیدری تبریزی ؛ از شاعران نامی آذربایجان و شاگرد لسانی و شریف تبریزی شاعران معروف این زمان بود و دو سفر به هندوستان رفته و مدتی در سلك شاعران دربار اکبر بوده است و از شاعران زیر دست زمان خود بوده و دیوان وی نزدیک چهارده هزار بیت میشده و در برابر کتاب « سهو اللسان » که استاد وی شریف تبریزی در نکوهش از لسانی استاد دیگری پرداخته وی کتابی بعنوان « لسان الغیب » نوشته است .

۶۰ - محمد صالح دیوانه کابلی متخلص بفارغی پدرش بمالای کتابدار معروف و کتابدار پادشاهان بابر بود و وی از خردی در دستگاه جلال الدین اکبر پرورش یافت و بیشتر در کابل میزیست و از دربار هندو وظیفه می گرفت و مردی وارسته و سوخته بود و کارهای دیوانه وار میکرد بهمین جهت بدیوانه معروف شده بود، چنانکه مدنی قرار گذاشته بود تا پنج شش طبق خوراك در دریا یا چشمه یا حوضی برای خضر نمیریخت خود چیزی نمیخورد و یکی از ملازمان او که قاسم هندی نام داشت و شاعر و پسر فیلبانی بود همیشه او را فریب میداد و آن طعامها را که بر میداشت بیرون میبرد و باو باش که مانند وی بودند میداد تا بخورند و چون بر میگشت و محمد صالح ازو میپرسید خواجه یعنی خضر را دیدی ؟ میگفت دیدم و آن طعام را بشوق و ذوق خورد و قرا دعا کرد و ازین گونه دروغها باو میگفت و این دیوانه باور میکرد . در هر صورت وی شاعری غزل سرای و درین روش استاد بوده است .

۶۱ - مولانا محمد هاشم ؛ برادرزاده مولانا شاه محمد انسی از شاعران نامی این دوره و از خدمتگزاران بیرم خان خان خانان بوده و در جزو شاعران دربار اکبر بشمار میرفته گاهی سمایی و گاهی وافق تخلص میکرده و در پایان زندگی هاشم تخلص کرده است و خان خانان بشعرا و بسیار معتقد بود چنانکه در برابر يك غزلش يك لك تنگه بار داده و در شهر لاهور در ۹۷۲ در گذشت و غزل را خوب میگفت .

۶۲ - هاشم قصه خوان متخلص بمحترم ؛ وی نیز از شاعران غزل سرای

دربار اکبر بوده و بخدمت خان خاتان میرزا خان اختصاص داشته است .

۶۳ - ملا بقایی ؛ از شاعران ایران بوده که در جوانی بهند رفته و مدتی درد کن بوده و با ملك قمی شاعر معروف با هم میزیسته‌اند و از آنجا بکجرات رفته و در خدمت میرزا نظام‌الدین احمد بوده و در آن زمان مشغولی تخلص میکرده و چون میرزا نظام‌الدین این تخلص را نمی پسندیده او را بقایی تخلص داده است و پس از چندی که ملازم خان خاتان بوده از وی جدا شده و مدتی در اکبره و مدتی در لاهور میزیسته و شاعر خوش ذوق با حالی بوده و ژندگی مرقه داشته است .

۶۴ - ملا غنی امینی ؛ نیز از غزل سرایان خوب دربار اکبر بوده و مدتی در کجرات در خدمت میرزا نظام‌الدین احمد بوده و خوفی تخلص میکرد، میرزا نظام‌الدین تخلص او را هم تغییر داد و امینی تخلص داد و سپس ملازم پسر مهتر جلال‌الدین اکبر شده و از شاعران جوان دربار اکبر بوده است .

۶۵ - شریف سرمدی اصفهانی ؛ از غزل سرایان دربار اکبر بود، چندی منصب چو کی نویسی داشت و سپس با شریف آملی مأمور خدمتی در بنگاله شد. نخست فیضی تخلص میکرد و چون در حضور پادشاه باشیخ ابوالفیض فیضی شاعر معروف معارضه افتاد تخلص خود را تغییر داد .

۶۶ - شریف متخلص بفارسی ؛ پسر خواجه عبدالصمد شیرین قلم مصور از خوشنویسان معروف دربار اکبر بود و وی نیز مانند پدر در نقاشی و خط مهارت داشت و تربیت شده بود و بهمین جهت اکبر باو مهربانی میکرد و وی در هنرهای مختلف دست داشت چنانکه گویند پدرش در يك طرف يك دانه خشخاش سوره اخلاص را تماماً و در طرف دیگر چیزی بهمان اندازه نوشته بود و وی در يك دانه خشخاش هشت سوراخ باریك کرده و از هر سوراخی تازی گذرانده و در دانه برنجی صورت سواری مسلح و جلوداری در پیش او ساخته بود و حتی تیرو سپر و چوکان آنرا نقش کرده بود و در غزل نیز توانا بوده است .

۶۷ - تقی‌الدین محمد ششتری ؛ از دانشمندان ایران بوده که بهندوستان

رفته و در دربار جلال‌الدین اکبر میزیسته و در علوم عقلی و نقلی دست داشته و در نظم و نثر ماهر بوده و از منشیان دربار بشمار میرفته است .

۶۸ - میر غازی رازی متخلص باسیری ، برخی نام وی را میر قاضی نوشته‌اند و پیدا است که درست نیست از شاعران ساکن ایران بوده که سفری به هند رفته و مدتی جزو سپاهیان دربار اکبر بوده و مردی دانشمند بشمار میرفته و چند سال شاگرد حکیم الملک از دانشمندان آن دیار بوده و چون سرانجام آب و هوای هند با اوس سازگار نبوده است بایران بازگشته و در شهری رحلت کرده است .

۶۹ - حاج ملا محمد حسین نظیری نیشابوری ؛ یکی از معروف ترین غزل‌سرایان دربار اکبر و شاعران قرن دهم هندوستان بود . در جوانی از نیشابور به هندوستان رفت و قصاید غرا در مدح خان خانان گفت و صلوات گرانمایه گرفت و بدین وسیله بدربار اکبر راه یافت و در آنجا نیز محترم بود . هنگامی که در دستگاه خان خانان بود شاعر دیگری هم بود که او هم نظیری تخلص میکرد و چون هیچیک حاضر نمی‌شدند تخلص خود را تغییر دهند سرانجام قرار گذاشتند نظیری نیشابوری که مالدارست هزار روپیه بدهد و آن دیگری نظیر تخلص کند و بهمین کوته رفتار کردند . در اواخر عمر بسفر حج رفت و در بازگشت ازین سفر در احمدآباد در خاک کجرات ساکن شد و مردی درویش مشرب و صوفی منش و وارسته بود و در پایان زندگی اشعار صوفیانه می‌گفت و درین زمان زبان نازی را آموخت و شیخ محمد سندوی متخلص به غوثی مؤلف کتاب گلزار ابرار استاد او بود و در ده دوازده سال بازمانده عمر که در احمدآباد بود علوم دینی و تفسیر و حدیث را فرا گرفت و استاد او درین فن مولانا حسین جوهری بود و سرانجام در ۱۰۲۳ در احمدآباد در گذشت و در تاج پوره احمدآباد جسدش را بخاک سپردند و بنایی بر سر خاکش ساختند که زیارتگاه شد . نظیری از معاریف شاعران غزل سرای سبک هندیست و سخن شورانگیز پر مغز فراوان دارد و دیوان وی شامل ۶۰۰۰ بیت است .

۷۰ - محمد حسین بقایی اهرهی پسر مولانا یادگار حالتی سابق الذکر است و از شاعران دربار اکبر بوده و چنانکه گذشت مبتلا به جنون شده و پدر خود را زهر داده



و کشته است و او رامجاذات کرده‌اند و با این همه در غزل استاد بوده است .

۷۱ - **وفایی اصفهانی** از شاعرانیست که از ایران به هندوستان رفته و در دربار اکبر رام یافته و بیشتر بخدمت زین خان کو که اختصاص داشته و چندی در کشمیر بوده و سپس بلاهور رفته است و در آغاز مجرد میزیست و سپس علایقی بهم زد و از غزل سرایان خوب این دوره است .

۷۲ - **فنائی جغتایی** از نجیب زادگان دربار اکبر بوده و سفر بسیار کرده و به حج رفته است و نخست از سپاهیان بوده و پس از چندی معزول شده و مدعی بوده است که در شمشیر و شعر و شطرنج کسی از او برتر نیست و مدتی در بند بود و چون رهایی یافت دیوانه شد و دیگر کسی از او خبری نیافت و وی نیز از غزل سرایان زبردست زمان بوده است .

۷۳ - **ملاخره زرگر متخلص بفنائی** وی نیز از غزل سرایان دربار اکبر و در آغاز از نوکران میرزا عسکری بوده است .

۷۴ - **میر عزیزالله عزیزی سیفی حسنی قزوینی** از خانواده معروف سادات سیفی حسنی قزوین بود و به هندوستان رفته در دربار پادشاهان هند بمقاماتی رسیده بود . چندی منصب دیوان سعادت داشت و چون کروریان در دربار استیلا پیدا کردند وی مأمور مالیات ناحیه سنبهل شد و چندی نیز منصب دیوان صدارت را داشت و سرانجام برای پس دادن حساب او را بحبس و شکنجه کشیدند و چند سال در زندان ماند و هر چه داشت از او گرفتند و بهمان حال در گذشت . وی از مردم دانشمند زمان خود بوده و در فن سیاق و انشاء مهارت داشته و علوم غریبه را هم میدانسته و در شعر نیز استاد بوده و از روش شعرای قرن نهم پیروی میکرده و منظومات چند سروده است از آن جمله گل و مل و وجه القناعه و منظومه رمل و صحیفه العشاق و شهر آشوب ، دیوان غزلیات هم داشته است .

۷۵ - **میر شریف امامی اصفهانی هروی** نخست در اصفهان می زیسته و از آنجا بهرات و سپس با بابریان به هندوستان رفته و بهمین جهت با اصفهانی و هروی معروف شده و مدتها نیز در کابل زیسته است و از شاعران نامی دربار جلال الدین اکبر بوده

و بیست سال در هندوستان مجرد زیسته و غزل را نیکو می سروده است .

۷۶ - ملا غریبی **حصاری بخاری** از شاعران ماوراءالنهرست که به هندوستان

رفته و در جوانی از مریدان و اصحاب حسین خوارزمی صوفی معروف قرن نهم بوده و درین زمان کسب دانش می کرده و سپس دوبار به هندوستان رفته و از شاعران دربار اکبر شده و در ۹۶۶ در شهر اکره در جوار مدرسه شیخ فرید در گذشته و در همانجا مدفون شده است و از غزل سرایان خوب این دوره بشمار می رود .

۷۷ - ملا بابا **طالب اصفهانی** از اصفهان بهند رفته و هشت سال در کشمیر

اقامت داشته، نخست قلندر منش بوده و سپس وارد خدمت دربار جلال الدین اکبر شده و اکبر او را از کشمیر ب سفارت نزد حاکم تبت خرد علی رای فرستاد و در بازگشت ازین سفر رساله ای در غرایب و نوا در آن سرزمین نوشت که نسخه آنرا بابو الفضل علامی داد و وی هم در اکبر فامه گنجانید و گذشته ازین در غزل سرایی هم استاد بوده است .

۷۸ - **میراشکی قمی** از سادات طباطبایی بوده و در جوانی از ایران بقندهار و

و از آنجا بهند رفته و مدتی از شاعران دربار جلال الدین اکبر بوده و سرانجام در اکره در گذشته و دردم مرگی مجموعه اشعارش را که ده هزار بیت می شده بمیر جدایی ترمذی سپرده است که منظم کند، وی هم آنچه شعر جالب در آن بوده بنام خود کرده و بازمانده را بآب انداخته است و اشعار او شامل دو دیوان غزل و یک دیوان قصاید و یک دیوان اهاجی بوده و در شعر از روش آصفی شاعر معروف قرن نهم پیروی می کرده است .

۷۹ - **امیر بیک پیروی ساوجی** نیز از شاعران است که از ایران بهندوستان

رفته و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در نقاشی استاد بوده است و منظومه ای بنام «صورت و معنی» سروده و در غزل نیز زبردست بوده است .

۸۰ - **جعفر بیک قزوینی ملقب باصف خان** برادر زاده میرزا غیاث الدین

علی از اعیان دربار اکبر بوده و خود نیز در آن دربار منصب میر بخشی یافته و سپس داخل در جرگه بخشیان عظام شده و مردی دانشمند و باذوق و بذله گوی و شیرین سخن بود و در بتکچی گری دست داشته و نا اعمش زنده بود بواسطه آنکه مردم ازو دل خوش

نداشتند ترقی نکرد و پس از مرگ وی به مقام بلند رسید و در شعر بر بسیاری از معاصران خود ترجیح داشته است .

۸۱ - **شیخ ساقی جزایری** از نژاد نازی و پسر شیخ ابراهیم جزایری از پیشوایان شیعه مشهد بود و وی در آن شهر ولادت یافت و سفری به هند کرد و چندی در دکن و چندی در بنگاله اقامت داشت و جزو شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و غزل را نیکو می گفت .

۸۲ - **محمد میرک صالحی هروی** نسب خود را بنظام الملائک طوسی میرسانده و چندی به هندوستان رفته و از شاعران و منشیان دربار اکبر بوده و سپس بوطن خود باز گشته است و در شعر و انشا دست داشته و جزو شاعران دربار اکبر بشمار می رفت و خط را خوب می نوشته و مردی دانشمند بوده است .

۸۳ - **صرفی ساوجی** از شاعرانیست که از ایران به هند رفته و چندی در کجرا ب با خواجه نظام الدین احمد بوده و سپس ب لاهور رفته و در آنجا درزی درویشان زندگی می کرده است و در زمانی که فیضی شاعر معروف را از دربار اکبر مأمور دکن کرده اند وی هم جزو شاعران دربار اکبر بوده، با او رفته و در آنجا در گذشته است و مردی درویش مسلک و مجرد بوده و قصیده و غزل را نیکو میسروده است .

۸۴ - **سید محمد عتایی نجفی** از ایرانیان ساکن نجف بود و مدتی در ایران زیسته و شاگرد میر حضوری قمی شاعر معروف آن زمان بوده و سپس به هندوستان رفته و نخست در دربار علی عادل شاه پادشاه دکن وارد شده و پس از مرگ وی جانشینانش با او مهربان بوده اند، اما پس از چندی در الله آباد بدربار اکبر رفته و درباره اش گفته اند که شاه فتح الله را درد دکن هجو کرده و وی منکر بود در اشعارش گشتند و اهاجی بسیار یافتند و او را از فتح پور سیکری بگو الیار بردند و در قلعه گوالیار که از قلاع استوار هند بوده وی را در حبس افکندند و هر چه در زندان اشعاری سروده کارگر نیفتاده و ده سال در بند مانده است و سرانجام بشفاعت شاه زادگان او را آزاد کرده و هزار روپیه خرج سفر بوی داده اند که بحج رود اما چون پول را از قلیج خان گرفت و از آن قلعه بیرون آمد در راه از بند سورات فرار کرد و دوباره بدکن رفت و بخدمت

برهان الملك وزیر پیوست و با وی در احمدنگر ساکن بود و تا پایان زندگی در آنجا میزیست. وی مردی تندخوی و بد زبان بوده و هجو بسیار می‌گفته اما در دوزبان تازی و پارسی شاعر توانا بوده و در انشا و خط نیز دست داشته است و در زبان فارسی غزل را مخصوصاً خوب می‌گفته است.

#### ۸۵ - امیر علاءالدوله بن یحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی حسنی متخلص

بگامی از خانواده معروف سادات سیفی قزوینی و پسر امیر یحیی قزوینی مورخ معروف قرن نهم مؤلف لب التواریخ و مختصر التواریخ است که در رجب ۹۶۲ در گذشته و وی پس از مشکلاتی که بواسطه سنی بودن برای خانواده اش در قزوین پیش آمد به هندوستان گریخت و در دربار جلال الدین اکبر مورد توجه شد و از شاعران محترم دربار وی بود و سرانجام در ۹۸۲ در گذشت وی در غزل سرایی دست داشته و گذشته از آن مؤلف کتابیست در تذکره شاعران قرن دهم و مخصوصاً شعرای دربار اکبر که از ۹۷۳ تا ۹۸۱ مشغول تدوین آن بوده و نفایس المائر نام گذاشته و عبدالقادر بدایونی در منتخب التواریخ فصل مهمی که در تذکره شعرای دربار اکبر در پایان کتاب دارد از همین تذکره گرفته است.

#### ۸۶ - گامی سبزواری نیز از شاعران قرن دهم بوده که از ایران به هندوستان

رفته و در دربار اکبر میزیسته و در غزل دست داشته است.

#### ۸۷ - ملا ملک قمی در جوانی بشاعری آغاز کرده و از قم بکاشان رفته و در آنجا

سخن آموخته است و سپس چندی در قزوین مشغول کسب کمال بود و سرانجام در رمضان ۹۸۷ آهنگ هندوستان کرد و نخست وارد دکن شد و مرتضی نظام‌شاه دیوانه حکمران احمدنگر و پس از او برهان‌شاه باو احسان بسیار کردند و در بیجاپور مدتی در دربار برهان نظام‌شاه و ابراهیم عادل‌شاه میزیست و از ایشان احسان بسیار دید و در آنجا با ظهوری ترشیزی شاعر معروف مربوط شد و دختر خود را بوی داد و در تألیف کتاب نورس که ظهوری بنام عادل‌شاه بیابان رسانیده دست داشته است و فیضی در سفری که از جانب اکبر بدربار برهان‌شاه با احمدنگر رفته در آنجا ملک و ظهوری را دیده و با هر دو دوستی بهم

زده است و در دربار عادلشاه حرمت بسیار داشته و او را ملك الکلام می گفتند و مردی بسیار متواضع و درویش مشرب بوده چنانکه نوشته اند کمتر میشده که چشمش از اشك خالی بوده باشد و در ضمن مرد دانشمندی بوده و سرانجام در دکن سال ۱۰۲۴ در گذشته است. ملك قمی از شاعران معروف این دوره هندوستان بوده و بسبك سخن سرایان قرن نهم شعر میگفته و شاعران زمان بشعر او بسیار معتقد بوده اند چنانکه فیضی در سفر احمدنگر نسخه دیوان ویرا با خود بدربار اکبر برده و بسیار پسندیده افتاده است.

۸۸ - **ملانوعی خوبشانی** اصلاً از مردم خوبشان یا خوجان یعنی قوچان امروز بوده و خود را از بازماندگان شیخ حاجی محمد خوبشانی عارف معروف میدانست و چون مدتی در مشهد میزیسته بمشهدی معروف شده و از آنجا به هندوستان بدربار اکبر رفته، نخست در دستگاه شاهزاده دانیال معروف بشاهزاده خرد پسر اکبر بوده است و سپس وارد دستگاه خان خاتان سپهسالار شده و مدایح بسیار در باره او گفت و صلوات فراوان از او گرفت، چنانکه يك باره هزار روپیه نقد و خلعت و يك فيل و يك اسب عراقی باو داد و سپس از شاعران دربار جهانگیر شد و سرانجام در برهان پور در ۱۰۱۹ در گذشت. وی مردی شوخ و درغزل و مثنوی استاد بود و گذشته از دیوان غزلیات مثنوی و امق و عنذرا و مثنوی سوزناکی بنام «سوز و گداز» شامل دوهزار بیت دارد و شرح آن اینست که جوان هندویی شب زفاف سقف بازار بر سرش فرود آمده و مرده و عروس جوان زیبایش را هرچه پند داده اند نپذیرفته و خود را باشوهر خویش بعبادت هندوان سوخته است.

۸۹ - **وحشی بافقی** از معروفترین شاعران قرن دهم و اصلاً از مردم بافق بود که در میان یزدو کرمان و افع شده و گاهی تابع حکومت یزدو گاهی از آنجمله در زمان وحشی تابع حکومت کرمان بوده بهمین جهت وحشی را برخی از تذکره نویسان از مردم یزدو برخی هم از مردم کرمان دانسته اند. از اشعار وی پیداست که سفرهایی به عراق و کاشان کرده اما بیشتر در یزد ساکن بوده است و چون مزار او نیز درین شهرست پیداست که در آنجا در گذشته است. از جزئیات احوال وی اطلاع درستی نیست و در اشعار او مدایحی بنام شاه طهماسب اول و برخی از رجال دربار وی مانند عبدالله خان اعتماد الدوله صدر

اعظم و نواب محمد ولی سلطان حکمران کرمان و میر غیاث الدین محمد معروف بمیر  
میران حکمران یزد از باز ماندگان شاه نعمه الله ولی دیده میشود. از آنچه تذکره  
نویسان درباره او آورده اند معلوم میشود مرد عاشق پیشه ای بوده و سرانجام در سال ۹۹۱  
در یزد رحلت کرده و همانجا ویرا بخاک سپرده اند و در زمانهای اخیر بر سر خاک او بنایی  
ساخته اند. وحشی یکی از بهترین شاعران قرن دهم ایران است و سخن را بسیار عاشقانه  
و سوزناک می سروده و در غزل و مثنوی مهارت بسیار داشته و به همین جهت سبک خاصی ابتکار  
کرده و پس از وی بسیاری از شاعران از آن تقلید کرده اند اما هیچیک بیای او نرسیده اند.  
بجز دیوان قصاید و غزلیات و ترجیعات و ترکیبات و مسمطات و مقطعات و رباعیات شامل  
۱۵۰۰ بیت سه مثنوی نیز از او مانده است: نخست خلد برین بروزن مخزن الاسرار نظامی  
در ۵۰۰ بیت، دوم ناظر و منظور بروزن خسرو شیرین نظامی شامل ۷۰۰ بیت که در ۹۶۶  
بیایان رسیده و سوم شیرین و فرهاد در ۸۰۰ بیت بهمان وزن که شاهکار او بشمار میرود  
و یکی از بهترین مثنویات عاشقانه زبان فارسیست اما مجال نکرده است آنرا بیایان برساند  
و چون ناتمام بوده است وصال شیرازی شاعر معروف قرن سیزدهم در سال ۱۲۶۵ قمری  
آنرا بیایان رسانده است.

۹۰ - ملا حسین یزدی متخلص بمؤمن از شاعران نامی قرن دهم بوده که تا اوایل  
قرن یازدهم هم زیسته است و از فقهای مشهور زمان خود بشمار میرفته و در یزد میزیسته  
و از شاگردان نامی میرزا جان شیرازی دانشمند معروف قرن دهم بوده است و دویسر  
داشته که هر دو از دانشمندان معروف زمان خود در یزد بوده اند: نخست میرزا ابوالحسن  
که در جوانی در گذشت و دیگر میرزا ابوالهادی که در زمان شاه صفی بهند رفته و بدر  
بار شاه جهان شهاب الدین محمد پذیرفته شده و از مهر بانی دیده و سپس بحیدر آباد بدر  
بار عبدالله قطب شاه رفته و از مهر بانی دیده و پس از چندی در ۱۰۲۸ در آنجا در گذشته  
و امیر محمد سعید میر حمله جنازه ویرا بنجف فرستاده و او پسری داشته میرزا محمد صفی  
نام که از سوی مادر از خاندان امیر معز الدین محمد شیخ الاسلام یزد بوده و در یزد میزیسته  
است. ملا حسین در میان شاعران زمان خود بیشتر بنام ملا مؤمن حسین معروف بوده  
و شاعر توانایی بشمار میرفته اما جز رباعی چیزی نسروده است.

### ۹۱- مولانا وجیه‌الدین عبداللہ لسانی شیرازی نیز از معاریف شعرای زمان

خود بوده، پدرش میر محمد مشک فروش شیرازی بوده و وی در جوانی ببغداد و از آنجا تبریز رفته و در زمان حکمرانی امیر نجم ثانی در تبریز متوطن شده، بهمین جهت برخی از تذکره نویسان او را تبریزی دانسته‌اند. درباره وی نوشته‌اند که در پیری مبتلای به عشق شد و چون معشوق مبالغه‌گرافی از وی خواست قصیده‌ای در مدح امیر نجم ثانی سرود و هنگامی که امیر در گرمابه بودند از او رفت و قصیده را بروی خواند و امیر جایزه‌ای گران باو بخشید و وی آن زر را برداشت و نزد معشوق رفت و معشوق وی که این جوان مردی را دیدر زرا از او نگرفت. تذکره نویسان گویند مردی پارسا و قانع و شوریده بوده است و در ۹۴۱ در تبریز در گذشت. دیوان اشعار وی نزدیک دوازده هزار بیت دارد و در اشعارش پست و بلند بسیارست، برخی نوشته‌اند شریف تبریزی شاعر که از شاگردان وی بود با او غرض داشت و پس از مرگش مجموعه‌ای از اشعار سست بنام او انتشار داد و آنرا «سهو اللسان» نام گذاشت و وانمود کرد که این مجموعه را از سخنان سنت او گرد آورده است. لسانی مبتکر سبک تازه‌ایست در شعر و آن اینست که مجموعه‌ای از رباعیات در وصف شهر تبریز و وصف عشق و دل و ساقی و پیشه‌وران شهر دارد که «شهر آشوب» نام گذاشته و چندن از شاعرانی که پس از و آمده‌اند از و تقلید کرده‌اند.

### ۹۲- محمد بن سلیمان بغدادی متخلص بفضولی از نخستین شعرای زبان

ترکی آذربایجانی که در ضمن شاعر زیر دستی بزبان فارسی هم بوده است؛ اصلاً کرد بوده ولی در بغداد میزیسته و زبان ترکی و فارسی را هم خوب میدانسته است. در ۹۴۶ که ابراهیم یاشا وزیر اعظم سلطان سلیمان آل عثمان بغداد را گرفته قسایدی در مدح سلطان و وزیر وی سروده و در پاداش آن مستمری درباره او برقرار کرده‌اند و سرانجام از بیماری طاعون در ۹۶۸ یا ۹۷۰ در گذشته است. فضولی در شعر ترکی آذربایجانی اهمیت بسیار دارد و پس از شاه اسمعیل اول صفوی که خطایی تخلص می‌کرده و نخستین شاعر این زبانست وی بر دیگران تقدم دارد و بهمین جهت ترکان عثمانی که ویرانگرترین شاعر زبان خود میدانند با تأروی اهمیت بسیار میدهند. وی در شعر ترکی تقریباً همه جا

مضامین و حتی کنایات و استعارات و تلفیقات شعرای ایرانرا ترجمه کرده و غزلیات وی عیناً تقلید از غزلیات فارسیست و نیز در ۹۴۲ لیلی و مجنونی ترکی سروده که کاملاً مطابق با لیلی و مجنون نظامیست. گذشته از دیوان غزلیات و لیلی و مجنون مثنوی دیگری بنام «بنگ و باده» ساخته و بنام شاه اسمعیل اول پیاپی رسائیده است و کتاب معروف روضة الشهداء تألیف ملاحسین کاشفی را بزبان ترکی بنام «حديقة السعداء» ترجمه کرده است و نیز رساله‌ای بنام «شکایت نامه» بزبان ترکی خطاب بسلطان سلیمان نوشته و در آن از پرداختن نشدن مستعمری که درباره‌ی وی برقرار کرده بود شکوه کرده است. در زبان فارسی نیز غزلیات و اشعار متفرقه سروده است و ساقی نامه‌ای هم شامل ۳۳۰ بیت دارد و نیز رساله‌ای شاعرانه با افکار صوفیه بنام لطایف المعارف یا مرآت الحق نوشته که مناظره‌ایست در میان روح و عشق و بنام «سفرنامه روح» نیز معروفست و نیز منظومه‌ای بنام «صحت و مرض» و رساله‌ای بعنوان «رند و زاهد» دارد.

### ۹۳ - بابا فغانی شیرازی از بزرگترین شاعران غزل سرای قرن دهم بوده

نخست در شیراز میزیسته و نزد برادرش کارد گری میکرده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده و نخست سکاکی تخلص میکرده است اما پس از اندک مدتی فغانی تخلص کرده و مدتی در شیراز برندی و می خوار کی روزگار گذرانده و در حدود سی سالگی از شیراز بیرون رفته، نخست چندی در هرات زیسته و با جامی و شاعران آن زمان محشور شده و چون اقبالی باو نکرده‌اند از خراسان عازم آذربایجان شد و بیش از آن چندی هم در مشهد و نواحی دیگر خراسان مانند نسا و ابیورد ساکن بوده‌است. در آذربایجان سلطان یعقوب آق قویونلو که پادشاه ادب پروری بود او را بر کشید و بر شاعران دیگری که در دربارش بودند ترجیح داد و در جنگها نیز ویرا با خود میبرد چنانکه در یکی از جنگها نسخه دیوانش بغارت رفت. اما فغانی هم چنان شوریده و لا اقبالی بود و بجاء و جلال پایست نمیشد تا اینکه سلطان یعقوب در ۸۹۶ در گذشت و چون جانشینان وی دیگر بشعر توجهی نداشتند فغانی پس از آنکه تقریباً ۱۷ سال در تبریز مانده بود بشیراز برگشت و پس از چندی باز بخراسان رجعت کرد و در مشهد ساکن شد و در



آنجا از زندگی و باده کساری توبه کرد اما در پایان زندگی مفلوج شد و پس از چندی در سال ۹۲۲ یا ۹۲۵ در مشهد در گذشت. فغانی در اقسام مختلف شعر دست داشته است. قصاید فراوان در مدح ائمه اثنی عشر و مخصوصاً امام هشتم سروده ولی مهارت او بیشتر در غزلست و غزل را رندانه و عاشقانه و بسیار سوزناک و روان میسروده و وحشی بافقی غزل سرای معروف سبک خود را از روش خاص وی اقتباس کرده است<sup>۱</sup> دیوانش شامل چهار هزار بیتست.

۹۴ - **سلطان محمد فخری هروی** پسر امیر محمد متخلص بامیری نیز از

شاعران نامی قرن دهم بوده و پدرش هم از شعرای معروف قرن نهم بشمار میرفته است. بیشتر درهرات میزیسته و مداح کریم الدین خواجه حبیب الله ساوجی وزیر سام میرزا صفوی در حکومت خراسان بوده است که خوند میر نیز حبیب السیر را بنام او تألیف کرده است و از مشاهیر وزرای زمان شاه اسمعیل و مردی ادب پرور بوده است. در پایان زندگی در زمان شاه طهماسب بحج رفت و در بازگشت از حج عازم هندوستان شد و در سرزمین سند مورد توجه عیسی نرخان از امرای آن سرزمین واقع شد و درین میان جلال الدین محمد اکبر پادشاه معروف هند بساطت نشست و وی قصیده‌ای در تهنیت او سروده و کتاب جواهر العجایب را در تذکره زنان شاعره بنام وی تألیف کرده است و ظاهر آدره‌مین اوان در گذشته و دیگر اثری از وی نیست. فخری هروی بجز جواهر العجایب دو کتاب دیگر هم تألیف کرده: نخست کتاب مجالس التفاضل علی شیرنواپی را که تذکره شاعران معاصر اوست و در ۸۹۶ بترکی جغتایی تألیف کرده بنام لطایف نامه بفارسی ترجمه کرده و این کتاب را در زمان شاه اسمعیل و هنگامی که پسرش سام میرزا حکمران خراسان و درمش خان شاملو از امرای قزلباش پیشکار او و خواجه کریم الدین حبیب الله ساوجی وزیر خراسان بوده بنام این خواجه ترجمه کرده و در ۹۲۸ از ترجمه آن فارغ شده است. کتاب دیگری که از آثار او باقیست مجموعه‌ایست از غزلیاتی که شاعران باستقبال یکدیگر سروده‌اند و آنرا «تحفة الحبیب» نام نهاده و در ۹۲۹ بیابان رسانیده است. کتاب جواهر العجایب را هم در ۹۶۳ در سال جلوس جلال الدین اکبر بنام «ماه» که ظاهر آهمسر این پادشاه بوده بیابان رسانیده و ازین قرار

تا ۹۶۳ زنده بوده است. برخی از تذکره نویسان کتاب «بوستان خیال» را که شامل مطلع های غزلیانیست که باستقبال یکدیگر سروده اند بوی نسبت میدهند اما این کتاب از «بکتابش قلی ابدال» است و در ۹۰۱ پایان رسانیده است. در شعر نیز در مثنوی و غزل دست داشته و دیوان وی شامل چهار هزار بیتست.

۹۵ - عارف ایچی از مردم ایچ یا ایک از توابع دارا بگرد فارس بود و پس از سفرهای بسیار در هندوستان ساکن شده و از غزلسرایان معروف و زبردست قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده است.

۹۶ - قاضی شرف جهان قزوینی از رجال بزرگ دربار شاه طهماسب و از دانشمندان و ادیبان نامی قرن دهم ایران بود. پدرش قاضی جهان نیز از معاریف زمان خود و قاضی قزوین و از خاندان قاضی سیف الدین حسینی قزوینی بود و این خانواده پشت در پشت مدتها قاضی قزوین بودم اند. قاضی جهان پدرش صبح پنجشنبه ۱۲ محرم ۸۸۸ در قزوین ولادت یافت و پس از ۸۲ سال زندگی غروب جمعه ۱۷ ذی الحجه ۹۶۰ شب عید غدیر در زنجان در گذشت و وی دو پسر داشت نخست میرزا شرف جهان و سپس میرزا عبدالباقی که در جوانی در گذشت. میرزا شرف جهان روز چهارشنبه ۲۸ ربیع الثانی ۹۱۲ در قزوین متولد شد و در جوانی کسب دانش کرد و از شاگردان خواجه جلال الدین محمود شیرازی شاگرد علامه جلال الدین دوانی بود و مدتها در سفر و حضر با این دانشمند معروف معاشر بوده و همه دانشمندان معروف آن زمان مانند مولانا ابوالحسن بن احمد باوردی عالم معروف بفضل او گواهی داده اند و در خط و انشاء نیز دست داشته و برورش خواجه عبدالحی منشی معروف آن زمان چیزی نمی نوشته است. پس از مرگ پدرش در ۹۶۰ قاضی قزوین شد و در آن زمان قزوین پایتخت صفویه بود و به همین جهة وی از رجال دربار صفوی بود و پس از آنکه نه سال درین مقام مهم بود عاقبت در روز یکشنبه ۱۷ ذی القعدة ۹۶۹ هنگام چاشت در ۵۷ سالگی در روستای درس در کوهپایه قزوین در گذشت و جنازه اش را بشهر بردند و در مزار شاهزاده حسین بخاک سپردند. میرزا شرف جهان که شرف نخلص میکرد از شاعران زبردست زمان خود بشمار میرفته

وقصیده و غزل را نیکو میسروده است .

۹۷ - درویش محمد دهکی معروف بدرویش دهکی از مردم محله دهک

قزوین بود و نخست در قزوین جولاهگی میکرد و مدتی نیز خشت می پخت و سرانجام در زمان سلطان حسین بایقرا بهرات رفت و مدتی در دربار اومیزیست و با علیشیر نوایی ، جامی محشور بود و پس از برچیده شدن آن دستگاه مدتها نیز در اوایل قرن دهم زند بوده و از شاعران غزلسرای زبردست زمان خود بشمار میرفته است .

۹۸ - مولانا محمد اهلی شیرازی نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل

قرن دهم بود . در جوانی از شیراز بهرات رفت و چندی در دربار سلطان حسین بایقرا بود و قصیده مصنوعی در مدح علیشیر نوایی سروده که معروفست و پس از برچیده شدن آن دستگاه بآذربایجان نزد سلطان یعقوب آق قویونلو رفت و قصیده مصنوعی دومی در مدح او سروده و مثنوی شمع و پروانه را در ۸۹۴ بنام وی ساخته است و پس از جلوس شاه اسمعیل بدربار وی پیوسته و قصیده مصنوعی سومی بستایش وی گفته و مثنوی سحر حلال را بنا ، وی بیایان رسانیده و در دربار شاه اسمعیل احترام بسیار داشته و بر شاعران دیگر مقدم بوده است و با این همه مردی فقیر مشرب و گوشه نشین بود و پس از مرگ شاه اسمعیل بشیراز بازگشت و در آن شهر منزوی بود تا اینکه در آنجا بسال ۹۳۳ یا ۹۴۲ در گذشت و این تاریخ دوم درست ترست و در کنار مزار حافظ او را بخاک سپردند و مرقد او ، اکنون در آنجا معروفست . اهلی شیرازی در غزل و مثنوی دست داشته و دیوان و قصاید غزلیات وی شامل شش هزار بیت و مثنوی شمع و پروانه او در ۵۰۰ بیت از آثار جالب شاعران قرن دهمست و سحر حلال وی در ۲۵۰ بیت مثنوی مصنوعیست با اشعار پر تصنع و ذوق بحرین و ذوق افیمین .

۹۹ - اهلی ترشیزی نیز از شاعران نامی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود .

او هم در جوانی مدتی در هرات و در دربار سلطان حسین بایقرا میزیسته ، بهمین جهت برخی او را اهلی هروی و برخی هم اهلی خراسانی دانسته اند . از احوال وی اطلاع درستی نیست جز اینکه گویند مردی عاشق پیشه بود ، چنانکه در خراسان بواسطه دل بستگی بفریدون حسین میرزا شاهزاده نیموری از پا درآمد و مجنون آسا و ژولیده موی میگشت

تا اینکه شاهزاده او را نزد خود خواند و سرانجام پس از برچیده شدن دستگاه تیموریان او هم بتبریتز بندر بار سلطان یعقوب رفت و چون در کمانداری زبردست بود کارش بالا گرفت و در آنجا بسال ۹۳۴ در گذشت. اهلی ترشیزی غزل سرای زبردستی بوده و ۳۵۰۰ بیت غزلیات سوزناك و شورانگیز دارد و همیشه اشعار ویرا بر شعر اهلی شیرازی ترجیح داده اند.

۱۰۰ - **ارجاسپ امیدی رازی** از بزرگان شعرای قرن دهم ایران بود و از

شاگردان معروف علامه دوانی بشمار می رفت و در طهران میزیست اما چون مردی حکیم بود با صوفیه نور بخشی که در آن زمان در شهر ری و اطراف نفوذ بسیار داشتند در افتاد و پیشوای ایشان شاه قوام الدین بن شاه شمس الدین بن شاه قاسم نور بخشی مریدان خود را تحریک کرد و ویرا در ۹۲۵ یا ۹۲۹ کشتند و این واقعه بر مخالفان این طریقه بسیار گران آمد چنانکه شاه طهماسب اول چون در جمادی الاخره ۹۴۳ در طهران بود هنگامی که زیارت امامزاده عبدالعظیم می رفت مردم از شاه قوام الدین و ستمهای فراوانی که کرده بود بوی شکوه بردند و وی فرمان داد گرفتارش کردند و بمجلس وی بردند و قاضی محمد ورامینی که از بزرگان ری بود در آن مجلس با او خطاب کرد و گناهانش را يك يك گفت و لشکر گرد آوردن و قلعه ساختن او را برای جنگ با صفویه فاش کرد و کسانی را که بکشتن آنها فرمان داده بود يك يك نام برد و چون بامیدی شاعر رسید وی منکر شد اما شاه طهماسب باو پرخاش کرد که چرا ویرا کشتی و املاکش را بردی و او را بزندان فرستاد و شب که دوباره او را بمجلس شاه آوردند باز بدادخواهی از کشته شدن امیدی بروخشم راند و دستور داد مشعل افروخته را زیر ریش او نگاهدارند و ریشش را بسوزند. امیدی از شاعران توانای قرن دهم بوده و مخصوصاً در قصیده دست داشته و ساقی نامه ای هم سروده و دیوان وی شامل ۱۵۰۰ بیت است.

۱۰۱ - **هلا احمد ایوردی** از مشاهیر حکما و دانشمندان قرن دهم بود در جوانی از خراسان بماوراء النهر رفت و در حلقه متصوفه بخارا وارد شد و برداشش خویش افزود، سپس بعراق آمد و در کاشان اقامت گزید و بتدریس حکمت پرداخت اما چون امیر جمال الدین استرابادی بوزارت نشست بسعایت بدخواهان و طیفه ویرا برید و وی

چیزی نگفت و بقناعت روز کار میگذرانید تا اینکه روزی بازرگانی کیسه زری نزد او برد و گفت این زر را نذر امام اول کرده بودم و سه شبست که در خواب بمن میگوید چون وظیفه ملا احمد را قطع کرده اند نزد او ببر، اما درین میان امیر جمال الدین استرآبادی وزیر شاه طهماسب بواسطه دشمنی که با او داشت چون دید که قطع وظیفه بر او گران نیامده است و برا بکار زشتی متهم کرد و کس فرستاد او را برای عقوبت بیاورد و وی پیش از آنکه آن مأمور برسد در گذشته بود. ازین قرار وی بعد از سال ۹۳۰ رحلت کرده است. ملا احمد گذشته از آنکه مردی حکیم و دانشمند بوده در شعر نیز دست داشته و از شاعران زبردست زمان خود بشمار میرفته و پسری داشته بنام ابوالحسن ابیوردی که او هم از حکیمان و شاعران معروف این زمان بوده است.

۱۰۲ - ملا ابوالحسن دانشمند ابیوردی چنانکه گذشت پسر ملا احمد سابق الذکر و از مشاهیر حکما و شاعران قرن دهم بوده و مخصوصاً در ریاضیات مهارت بسیار داشته چنانکه گویند از زمان قدیم هیچکس نکتہ در علم ریاضی مانده بود که هیچکس نگشوده بود و تنها شش نکتہ از آنرا خواجه نصیر الدین طوسی حل کرده بود و وی دوازده نکتہ دیگر آنرا گشود و باندازه ای فربه نداشت که در ۱۴ سالگی شرح تجرید را که از متون مشکل حکمتست با حواشی آن درس می گفت و در ۲۵ سالگی کتاب مجسطی را درس گفته است و چنان حافظه نیرومند داشت که هر کتاب را یکبار می خواند عبارات آنرا هرگز فراموش نمی کرد و خود گفته است که اگر نسخهای کتابی از میان برود عبارات آنرا چنان از بر بخوانم که خلاقی پدیدار نشود و نیز آورده اند که حافظه او باندازه ای بود که در پایان زندگی که مشغول تصحیح کتابهای رجال و حدیث بود کتاب تهذیب در حدیث را که هفتاد هزار بیتست از آغاز تا انجام بخط خود نوشته بود و همه احادیث و اسناد آنرا بیاد داشت و میتوانست بی آنکه باصل کتاب رجوع بکند بنویسد. بالینهمه مردی خوش مشرب و عاشق بیشه بود و در کاشان بیشتر در مصاحبت خان میرزا پسر معصوم بیك که از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان را داشت میزیست و خان میرزا پیش او درس میخواند و سرانجام روز یکشنبه ۲۳ رمضان ۹۶۶ در گذشت و جنازه او را بار دیل

بردند و آنجا بخاک سپردند. ملا ابوالحسن در علوم مختلف دست داشت و در همه رشته‌ها مؤلفات دارد از آنجمله «حل مالا ینحل» در حل دوازده مسئله ریاضی که پیش ازین بدان اشاره رفت و کتاب «حسنا» در حکمت طبیعی و «مشارق» و «مرآت الافلاک» در حکمت ریاضی و حاشیه بر شمسیه و بر تهذیب در منطق و رساله اثبات واجب بفارسی و اثبات واجب به عربی و «روضة الجنان» در حکمت و شرح فرائض و در شعر فارسی نیز استاد بوده و غزل را مؤثر و رقت انگیز می‌سروده است.

۱۰۳- مولانا کمال الدین محتشم کاشانی پسر خواجه میر احمد متوفی در ۹۶۲ از اعیان زادگان کاشان و اصلاً از مردم نراق و یکی از معروفترین شاعران قرن دهم ایران بوده و در زمان خود شهرت بسیار داشته و چون در تشیع معروف بوده پادشاهان صفوی و مخصوصاً شاه طهماسب بوی احترام بسیار می‌کرده‌اند و شاعران زمانه نیز او را بسیار محترم می‌داشته‌اند و از مشاهیر زمان خود بوده و همواره در کاشان می‌زیسته است، با این همه از جزئیات احوال او اطلاع کامل در دست نیست و از مدایحی که در دیوان اوست پیداست که مداح شاه اسمعیل و شاه طهماسب و شاه محمد خداپسند و سلطان حمزه میرزا پسر شاه طهماسب و پیری جان خانم دختر وی بوده و در ضمن مدایحی در باره محمد شاه پادشاه دکن و مرفضی نظام شاه بحری پادشاه دکن و جلال الدین محمد اکبر و یوسف عادل شاه پادشاهان هند دارد ولی چون بهندرت رفته است پیداست که از دور ایشان را مدح کرده و این مدایح را برایشان فرستاده است. پادشاهان صفوی و وظیفه‌ای در باره وی برقرار کرده بودند و بهمین جهت زندگی مجللی داشت و شاعران زمانه همه باو احترام بسیار می‌کردند و وزیر ملک الشعرا خطاب می‌کردند و سرانجام در ربیع الاول ۹۹۶ در گذشت و مزار او در کاشان معروفست. محتشم در قصیده و غزل و مرثیه و تاریخ سازی از شاعران زبردست زمان خود بوده و درین انواع مختلف اشعار بسیار دارد که از دوازده هزار بیشترست، مخصوصاً در مدایح ائمه سخنان بسیار دارد و مآده تاریخ او در زمان وی بسیار پسندیده بوده است و دوازده بندی که در مرثیه شهیدان کربلا سروده معروفترین اشعار درین زمینه است و درین فن او را بر همه ترجیح داده‌اند. وی در شاعری شاگرد

مولانا صدقی استرآبادی بوده اما از استاد خویش بسیار پیشتر رفته است. آثار وی را پس از مرگش پنا بروصیت اوتقی الدین محمد حسینی کاشانی که از شاگردانش بوده تدوین کرده و مقدمه‌ای بر آن نوشته و مجموعه آثار وی را در پنج کتاب شعر و دو کتاب نظم و نثر گرد آورده است بدین گونه: شبیه شامل اشعار پیری، شبیه شامل اشعار جوانی، صبائیه شامل اشعار کودکی، جلالیه نظم و نثر، نقل عشاق نظم و نثر، ضروریات شامل ماده تاریخها، معنیات، جلالیه و نقل عشاق دو کتاب است که در شوریدگی درباره دو تن از معشوقان خود پرداخته و شامل نثر شاعرانه پر کنایت و استعارت و غزلیات است که درباره آن دو تن سروده است. وی با شاعران عصر خویش مانند حیرتی و تاجری و میرحالی کیلانی و مولانا مجاهد الدین خوانساری و امیر شمس الدین محمد کرمانی از سادات صدور زمانه و میرزا سلمان جابری اصفهانی از اعیان دولت صفویه و مولانا فصیح سلمانی و ضمیری اصفهانی و میر معز الدین محمد خوشنویس و عشقی کاشانی و حامدی و میر حیدر حسین معمای و نعمتی و ملا حسینی و حیرتی روابط نزدیک داشته و با آنها مشاعره کرده است و از آنجمله مولانا مظفر الدین حسرتی از شاگردان او بوده که نزدیک ده سال مصاحب او و بهترین شاگردش بوده است و پس از مرگ وی عده کثیر از شاعران ایران و مخصوصاً عراق و اصفهان و برامرثیت گفته‌اند.

۱۰۴ - **زین العابدین علی** اصلاً از مردم شیراز بوده و در جوانی بنیشابور رفته و در آنجا ساکن شده و بهمین جهت هم بشیرازی و هم بنیشابوری معروف شده است و نخست نویدی و سپس عیدی تخلص کرده است. از جزییات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه در ۹۸۸ در گذشته و شاعر بسیار پرکاری بوده و آثار بسیار از او مانده از آنجمله مثنوی بوستان جنان که در ۲ ربیع الاول ۹۶۱ بیابان رسانیده و سبعة‌ای نیز دارد بنام خزاین ملکوت که در شعبان ۹۶۸ بیابان رسانده و شامل هفت منظومه است: صحیفه لاریب، لوح مسطور، بحر مسجود، منشور شاهی، مروج الاوراق، مهیج الاشواق، نهاية الاعجاز.

۱۰۵ - **بدرالدین بن عبدالسلام بن ابراهیم حمین کشمیری** از شاعران

پرکار هندوستان بوده و تا پایان قرن دهم هم زنده بوده است و کتابهای فراوان بنظم فارسی ازو باقی مانده از آنجمله دیوان غزلیات وی که در ۹۸۸ تدوین کرده است ، اسکندرنامه معروف بقصه ذوالقرنین ، شمع دل افروز بر وزن خسرو و شیرین نظامی انعام در ۹۷۶ ، معراج الکاملین انعام در ۹۸۱ ، روضة الجمال انعام در ۹۸۳ ، سراج الصالحین انعام در ۹۸۶ ، بحر الاوزان انعام در ۹۸۸ ، مجمع الاشعار تقلید از مخزن الاسرار نظامی ، مائیم سرای تقلید از منطق الطیر عطار ، زهره و خورشید بر وزن حدیقه الحقیقه سنایی ، مطالع الفجر بر وزن سبحة الابرار جامی ، لیلی و مجنون ، رسل نامه بتقلید از بوستان سعدی .

۱۰۶ - **مولانا مانی شیرازی** از شاعران نامی قرن دهم ایران بوده ، در اوایل عمر از فارس باصفهان رفته ونخست زرگری میکرده و از همت بلندی که داشت بدین کارن ساخت و بسپاهی گری پرداخت و در آن کار ترقی کرد تا اینکه بدرجه امیری رسید ولی از آن کار هم دست کشید و بشوریدگی و عاشقی گرایید و در پایان عمر بملازمت شاه اسمعیل اول مشغول بود تا اینکه بدست میرنجم زرگر معروف بنجم ثانی که از اعیان دربار صفوی بود بشیری کشته شد و در تاریخ این واقعه اختلافست و برخی در ۹۱۳ و برخی دیگر در ۹۲۷ ضبط کرده اند و ظاهراً تاریخ اول درست ترست . مانی شیرازی از غزلسرایان خوب قرن دهم بوده و اشعار بلند و شورانگیز بسیار دارد .

۱۰۷ - **مولانا نورالدین محمد ظهوری** ترشیزی از معاریف شاعران مقیم هندوستان در قرن دهم و یازدهم بوده ، در جوانی سفرهایی در عراق و فارس کرد و از آنجا بهند رفت و در دکن وارد دربار ابراهیم عادلشاه شد و در آنجا دختر ملا ملک قمی شاعر معروف را گرفت و در دکن ساکن شد و در دربار ابراهیم عادلشاه نعمت فراوان یافت و بیشتر آثار خود را بنام او پرداخته است و سرانجام در دکن در ۱۰۲۵ در گذشته است . ظهوری در نظم و نثر فارسی دست داشته و آثار فراوانی در هر دو فن دارد در نظم گذشته از دیوان غزلیات شامل ده هزار بیت ساقی نامه او در ۴۵۰۰ بیت معروف و از بهترین منظومات درین فنست - در نثر سبک مصنوع پر کنایه و استعاره دارد و آثار مهم او درین زمینه خوان



خلیل و گلزار ابراهیم و سه نشر و پنج رقعه او معروفست .

۱۰۸ - میر نظام دست غیب شیرازی از شاعران نامی اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و همواره در شیراز میزیسته ، از جزئیات احوال وی اطلاعی نیست جز آنکه در ۳۰ سالگی بسال ۱۰۲۹ در گذشته و در حافظیه شیراز در جوار خواجه حافظ شیرازی او را بخاک سپرده اند . وی از غزل سرايان زبردست زمان خود بوده و ۳۰۰۰ بیت غزلیات شورانگیز شیوا دارد .

۱۰۹ - مولانا نظام الدین استرآبادی وی بجز نظام استرآبادی شاعر معروف قرن نهمست که اشعار او منحصر بمدایح ائمه اثنی عشری و یکی از معروفترین شاعران این سبکست زیرا که اشعار وی تنها شامل مدایح امرای دربار سلطان حسین بایقرا مانند علیشیرنواپی و مظفر حسین میرزا و سیف الدین مظفر بتکچی و عمر معدی کرب سلطان و غیاث الدین علی بتکچی و امیر جمال الدین محمد شیرنگی و امیر شاه حسین اصفهانی و امیر یوسف علی کوکلتاش و سید زین العابدین صادق و مرآئی علیشیرنواپی و امیر بابا و خواجه مجدالدین ابوعلی و خواجه شمس الدین محمد بتکچی و غیره است و نسخه‌ای که از دیوان او در دست است تاریخ ۹۹۴ دارد و پیش از آن تاریخ در گذشته است . اشعار وی منحصر بقصاید و مقطعات و مرثیست و شعر را روان و شیوا میگفته است .

۱۱۰ - ضمیری اصفهانی از شاعران زبردست و معروف اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و رمال بوده و بهمین جهة شاه عباس اول تخلص ضمیری را بساوداده بود . مدتی شاگرد میر غیاث الدین منصور بوده و همواره در دربار شاه عباس زیسته و رمال باشی دربار شده و شاعری توانا و از مشاهیر زمان خود و مورد توجه خاص شاه عباس بوده است و شعر بسیار داشته که نزدیک به صد هزار میرسیده چنانکه دیوان بسیاری از شعرای بزرگ را جواب گفته بود و در همان زمان وی شاعر دیگری هم بوده است ضمیری همدانی که نباید با وی اشتباه کرد و این ضمیری اصفهانی غزل را مخصوصاً خوب میگفته است .

۱۱۱ - ابوالخیر محمد بن محمد فارسی از دانشمندان قرن دهم بوده و در ضمن از شاعران آن زمان بشمار می‌رفته و کتاب مختصری در اصطلاحات و تعریف علوم بزبان

تازی بنام طلیعة العلوم نوشته و در نیمه اول این قرن میزیسته است.

۱۱۲ - **مهرزا ابوطالب طباطبایی کاشانی** پسر امیر رفیع الدین حیدر معمایی شاعر معروف این زمان بوده و خود از سرایندگان معروف کاشان در نیمه دوم قرن دهم بشمار می رفته است.

۱۱۳ - **قاضی احمد سیستانی** از شاعران معروف سیستان بوده و چون در آن زمان قاضی احمد دیگری هم بوده است برای امتیاز از دیگری ویرا قاضی لاغر می گفته اند و وی از شاعران نامی زمان ملک سلطان محمود پادشاه سیستان و معاصر شاه اسماعیل بوده و در سیستان مسند قضاوت داشته و پسرش قاضی جلال نیز از شاعران معروف آن زمان بوده است. وی برادری داشته است بنام نصیر که ذکرش خواهد آمد.

۱۱۴ - **میرزا ابراهیم ادهم کاشانی** از شاعران معروف کاشان در قرن دهم بوده، در پایان زندگي پس از مدتی سیاحت بهرینز رفت و در آنجا بسال ۹۶۹ کشته شد و بیشتر اشعار وی رباعیست.

۱۱۵ - **ارشاد گازرونی** از شاعران معروف شیراز و اصلا از مردم گازرون بوده و غزل را بسیار خوب میسروده است.

۱۱۶ - **خلیفه اسدالله اصفهانی** از خاندانی معروف از سادات اصفهان بوده و از رجال معروف دربار شاه طهماسب بشمار می رفته است. نخست در اصفهان میزیست و در آنجا کسب دانش کرد و سپس بدربار صفویه راه یافت و سرانجام بمنصب خلافت دربار رسید که از مناصب مهم آن عصر بود و دریایان زندگي تولیت آستان رضوی را باو دادند و بهمین جهت چندی در مشهد بود و از بیشتر دانشمندان مشهد در علوم نقلی و عقلی برتری داشت و در ضمن مردی پارسا و پرهیزگار بود و بهمین جهت شیخ الاسلامی مشهد را هم باو دادند و ده سال که ساکن مشهد بود در منزل معروف بیالین گاه سکنی داشت و چون در مالکیت آنجا تردید داشت هرگز در آنجا نماز نگزارد و همواره در بقعه هزار نماز میکرد و نیز بواسطه احتیاط و پرهیزی که داشت از آب قنات سناباد که در صحن جاریست وضو و غسل نکرد و هرگز از طعامی که در آستانه می پختند نخورد و معاش او از محصول

ملکی بود که در اصفهان داشت و برایش میفرستادند و نیز مردی بسیار نیکو سیرت و خوش روی بوده و در ضمن کارهای دیگر مرتباً درس میگفت و حفظ او باندازه‌ای نیرومند بود که همه کتائبهای درسی متداول را از برداشت و خود گفته است وقتی در کاشان بامولانا محمد ابیوردی دانشمند معروف زمان خود مبحث علت و معلول را مباحثه می کرده، اتفاقاً نسخه‌ای که در آن بحث می کردند کم شده و وی همه مندرجات آنرا از آغاز تا انجام از بر نوشته است و چون با نسخه دیگر مقابله کردند چیزی از میان نیفتاده بود و سر انجام در میان شست و هفتاد سالگی در ۹۶۸ در مشهد در گذشت و در مدفنی که در پایین پای خود ساخته بود بخاکش سپرده‌اند و در ضمن شاعری توانا بوده است.

۱۱۲- امیر معین الدین اشرف شیرازی معروف بمیرزا مخدوم و متخلص باشرف پسر امیر سید شریف بساقی شیرازی متخلص بشریفی بسوده و بهمین جهت بمیرزا مخدوم شریفی مشهور شده بود و از مشاهیر دانشمندان و مدرسان نیمه دوم قرن دهم فارس بوده و در زمان شاه طهماسب در شیراز بتدریس مشغول بوده و در زمان شاه اسمعیل دوم حشمت و جلالی تمام یافت و چون کارهای این پادشاه رو باختلال رفت از دربار وی در قزوین بی‌غداد رفت و چهار روزه خود را بی‌غداد رساند و بواسطه شهرت علمی فوق‌العاده‌ای که داشت در خاک عثمانی اقبال عظیمی باو کردند و قاضی عسکر دربار عثمانی شد ولی پس از چندی از آن کار کناره گرفت و بحج رفت و سالها در مکه بود و منصب قاضی القضاة مکه را داشت و سر انجام در آنجا در گذشت. وی در ضمن شاعری زبردست بوده است.

۱۱۸- خواجه افضل الدین محمد تر که معروف بافضل تر که از دانشمندان معروف قرن دهم بود و در زمان شاه طهماسب و شاه اسمعیل دوم و شاه محمد خداداده می زیست و از خاندان مشهوری بود که بنام خاندان تر که معروف بوده‌اند و در اصفهان می زیسته‌اند و بیشتر از دویست سال در ایران شهرت داشته‌اند و چون جدشان از مردم خجند تر کستان بوده و از آنجا بایران آمده و ترك زبان بوده باین

نام معروف شده اند. نخستین کسی که ازین خاندان معروفست خواجه صدرالدین ابو حامد محمد تر که است که معاصر با غازان خان و سلطان محمد خربنده و خواجه رشیدالدین فضل الله مورخ معروف قرن هفتم بوده و با او مکاتبه داشته و خواجه در حدود ۷۱۲ نامه ای باو نوشته و پسرزاده اش صابن الدین علی بن محمد بن محمد که کتاب قواعد التوحید جد خود را بنام تمهید الفوائد شرح کرده در مقدمه آن می گوید جد من ابو حامد مشتهرتر که مولفات بسیار دارد مانند رساله در وجود مطلق و حکمت المنیعه و حکمت الرشیدی و کتاب الاعتماد الکبیر و قواعد التوحید و از علمای عصر خویش بود ویس از مدتی وارد سلتک عرفا شد و در عرفان هم تالیفات مهم کرد و پیدا است که کتاب حکمت الرشیدی را بنام خواجه رشیدالدین فضل الله نوشته و او دوپسر داشته است یکی خواجه ضیاء الدین محمد و دیگر خواجه افضل الدین محمد معروف بافضل الدین صدر تر که که از دانشمندان زمان خود بود و در خانه پدری و در محله نیماروت یا نیما رود در اصفهان می زیست و در اوایل سال ۸۵۰ سلطان محمد میرزا پسر شاهرخ گورکان که از پدر حکمرانی قم و ری داشت برای کشور ستانی باصفهان رفت و درین میان سعادت بیک پسر امیر خواند شاه که فرمان حکمرانی اصفهان از دستگاه شاهرخ بنامش رسیده بود چون خبر آمدن سلطان محمد میرزا را شنید گریخت و با سیدعلی گلباری که از روسای شهر بود از راه رودشتین آهنگ هرات کرد و چون خبر سلطان محمد میرزا رسید بدنبال او رفت و او را با سید علی گرفت و بشهر آورد و سیدعلی را کشت و سعادت بیک را چوب زد و در قفس کرد و در قلعه شهر آویخت و مردم را بخود خواند و شاه علاءالدین محمد نقیب را در کار دخالت داد و نیز با لشکری بسوی شیراز رفت و چون این خبر بشاهرخ رسید متوجه عراق شد و سلطان محمد میرزا سوی لرستان رفت و شاهرخ باصفهان رسید و گروهی از روسای شهر را که با سلطان محمد میرزا همدست می دانست گرفت و با خود بساوه برد و از آن جمله قاضی امین الدین فضل الله و خواجه افضل الدین محمد تر که و شاه علاءالدین محمد و مولانا عبدالرحمن برادرزاده قاضی امین الدین و خواجه امیر احمد چوبان

بودند که هر يك را بيكي از دروازه‌های ساره بحلق آویخت و برخی مانند خواجه محمود حیدر و شاه قوام‌الدین نقیب و شاه نظام گلستانه از هر يك جستند و این واقعه بر شاه‌رخ شوم بود چنانکه گویند پس از هشتاد روز در گذشت و نیز گفته‌اند دو بار ریسمان خواجه افضل پاره شد و فریاد می‌کرد بشاه‌رخ بگویند این عقوبت برای ما لحظه‌ای بیش نیست اما پنجاه ساله نام نيك خود را ضایع مکن و گویند دست‌کوه‌ر- شاد بیگم زوجه‌اش درین کار بوده است و بدین گونه خواجه افضل‌الدین محمد در اواسط رمضان ۸۵۰ که این واقعه اتفاق افتاده کشته شده است و اثری که از و مانده ترجمه کتاب ملل و نحل تألیف ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹-۵۴۸) است بنام تنقیح الادله و العمل فی ترجمه کتاب الملل و النحل و در روز یکشنبه ۱۳ رجب ۸۴۳ در اصفهان پایان رسانیده است و جنازه او را از سازه باصفهان بردند و در محل معروف به «درب آستان» بخاک سپردند. خواجه ضیاء‌الدین محمد دو پسر داشت یکی خواجه جمال‌الدین و دیگر خواجه حبیب‌الله که در راه مکه کشته شده است و از دو پسر مانده است: افضل‌الدین محمد و ضیاء‌الدین علی. ضیاء‌الدین علی بن محمد بن صدرالدین محمد پسری داشته است بنام صاین‌الدین علی بن محمد بن تر که که از بزرگان و متصوفان زمان خود بوده و در همه علوم زمان مخصوصاً حکمت و فقه و تصوف و کلام و علم نقطه و حروف و اعداد و جفر دست داشته و در هر يك از آن‌ها چیزی نوشته، وی را تیمور گورکان پس از فتح اصفهان با برادرانش جبراً بسمرقند برده و پس از آن که بدان شهر رسیده اند برادر مهترش را بقضای سمرقند گماشته و صاین‌الدین خود سفری بحج رفته و مدتی در شام و مصر و حجاز بسر برده و در آنجا بخدمت صوفیه رسیده و چون بعراق باز گشته خبر مرگ تیمور را شنیده و باصفهان رفته و حلقه درسی فراهم ساخته و در حدود ۸۰۸ و ۸۰۹ که پیر محمد پسر شاه‌رخ حکمران فارس شد او را با خود از اصفهان بشیراز برد و پس از کشته شدن پیر محمد که مقام او بمیرزا اسکندر رسید صاین‌الدین وارد دستگاه او شد و پس از آنکه میرزا اسکندر طغیان کرد و گرفتار شد و شاه‌رخ فارس و اصفهان را گرفت وی نزد او شد، اما هم

چنان بدخواهان در پیش شاهرخ از و سعایت می کردند و وی برای برائت خود بخراسان رفت و مورد نظر شاهرخ قرار گرفت و قضای یزد را باو داد ولی بدخواهان همچنان او را رها نمی کردند و مشرب تصوف او را سبب تهمت قرار داده بودند و وی برای تبرئه خود دو رساله نوشت که هر دو نفثة المصدور نام دارد و در آنها می گوید که در جوانی پیرو تصوف بوده و اینک از آن عقیده بازگشته است و چنان می نماید که شاهرخ وی را بهرات خوانده و او این دو رساله را درهرات نوشته باشد و سپس در ۸۲۹ رساله ای در اعتقاد نوشته و درین میان احمد بن نامی بر در مسجد جامع هرات کاردی بشاهرخ زد که کارگر نشد و صوفیان را درین کار متهم کردند و از آنجمله شاه قاسم انوار شاعر عارف مشهور و صابن الدین علی را هم متهم کردند، چنان که بامدادی که صابن الدین نشسته و با شاگردانش کتاب صحیح بخاری را می خواند خبر رسید که ایلچی آمده و او را بحضور شاه می خواند و هر کس را که در آن خانه بود گرفتند و خانه را مهر کردند و وی را در قلعه شهر ببند افکندند و همه اسناد املاکش را گرفتند. پس از چند روز گرفتاری آزادش کردند و سرانجام در ۸۳۶ درگذشت. صابن الدین علی مولفات بسیار دارد از آن جمله تمهید القواعد، کتابی در علم حروف، مناظره عقل و عشق که در محرم ۸۰۸ به پایان رسانیده، رساله ای در اصرار صلوٰه که در روز پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۰ تمام شده، شرح لمعات فخرالدین عراقی بنام ضوء اللمعات که در ۸۱۵ با تمام رسانیده، رساله در تحقیق انا نقطه التي تحت الباء، رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن، شرح فصوص الحکم، شرح گلشن راز، رساله در شق القمر، کتاب مفاحص، رساله در اسرار الصلوٰه، شرح قصیده نائیه ابن الفارض. خواجه جمال الدین یسری داشته بنام خواجه علاء الدین و ظاهرا این خواجه افضل الدین محمد ترک که دوم و ضیاء الدین علی که او هم در قرن دهم می زیسته پسران خواجه حبیب الله ترک که اصفهانی بوده اند که در زمان شاه طهماسب قاضی اصفهان بوده و پس از مرگ او قضاوت پسرش افضل الدین محمد رسیده و وی مدتی قاضی عسکر در بار صفویه هم بوده و در زمان شاه طهماسب متصدی شرعیات شد و پس از مرگ شاه طهماسب ناظر و کلید دار و خادم

باشی و مدرس آستان رضوی شد و در ۹۹۱ که پادشاه محمد خدا بنده از هرات بقزوین می رفت در راه در امامزاده عبدالعظیم ری بیمار شد و در منزل اندرمان در اوایل ذی الحجه آن سال در گذشت و پیکرش را بامامزاده عبدالعظیم بردند و در آنجا بخاک سپردند و وی و برادرش ضیاء الدین علی هر دو شاعران زبردست بوده اند .

۱۱۹- **خواجه ضیاء الدین علی** تر که چنانکه گذشت برادر خواجه افضل الدین محمد تر که سابق الذکر و از خاندان معروف تر که در اصفهان بود و وی نیز چون برادرش شاعر توانایی بوده است .

۱۲۰- **علاءالفتی** از شاعران قرن دهم هندوستان در دربار جلال الدین اکبر بوده و بخدمت زین خان کو که از امرای دربار وی اختصاص داشته و وی بجزالفتی یزدیست که در همان زمان در هند می زیسته است .

۱۲۱- **الفتی یزدی** چنانکه گذشت وی بجزالفتی سابق الذکرست و نخست در نزد می زیسته و سپس به هندوستان رفته و بخدمت خان زمان که از رجال بزرگی دربار هند بوده پیوسته است و در ریاضی مهارت کامل داشته و شاعری غزل سرای توانا بوده و در برابر يك بيت از ممدوح خود هزار رویه هندی صلت گرفته است .

۱۲۲- **الفتی عراقی** وی نیز بجز دو الفتی سابق الذکرست و او هم در همان زمان در هندوستان می زیسته و از شعرای دستگاه میرزا یوسف خان از بزرگان هند و ساکن کشمیر بوده و شهر آشوبی درباره کشمیر سروده است .

۱۲۳- **قلج خان الفتی** وی نیز از شاعران قرن دهم هندوستان و از طایفه ترکان بجائی قربانی بوده و در علوم مختلف و حکمت دست داشته و داخل امرای پنج هزاری دربار هند بوده و مردی پاکدین بشمار می رفته و چندی منصب جملة الملکی داشته و سپس منصب دارایی کابل را باو داده اند و شاعر غزل سرای توانایی بوده است .

۱۲۴- **الناصر میرزا صفوی** از شاهزادگان معروف صفوی و از پسران شاه اسمعیل اول بود . بر برادرش شاه طهماسب در سال ۹۵۴ قیام کرد و از ایران گریخت و نزد سلطان سلیمان عثمانی رفت و او را بجنگ با ایران برانگیخت و بالشکریان عثمانی

بایران آمد و آذربایجان را متصرف شدند و اصفهان را هم گرفتند، اما درین میان القاص میرزا باسر کردگان لشکر آل عثمان بهم زد و ازیشان جدا شد و برادرش پیوست و شاه طهماسب هم او را بمشهد فرستاد و ساکن آن شهر شد تا اینکه در ۹۸۴ در آن شهر درگذشت. وی از شاعران خوب این زمان بشمار می رفته و غزل را نیکو می سروده است.

۱۲۵- **میر امانی بابل** معروف بمنحجه از سادات کابل و از شعرای مقیم هندوستان بوده و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در ۹۸۱ در جونپور از اسب افتاده و در گذشته است. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوانی فراهم کرده است.

۱۲۶- **میر شریف امانی اصفهانی** وی نیز از شاعران نامی قرن دهم بوده و از اصفهان بهند رفته و بیست سال در سرزمین هند زیسته و مجرد بوده و غزل را نیکو می سروده است.

۱۲۷- **انسی قندهاری** از شاعران نامی قرن دهم هندوستان بوده و با بابر از قندهار بهند رفت و نخست سمت واقعه نویسی داشته و پس از مرگ بابر در دربار جانشینان وی نیز بمقامات مهم رسیده و در ۹۷۳ در لاهور در گذشته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۱۲۸- **اوجی کشمیری** نیز از غزل سرایان خوب قرن دهم هندوستان بوده است.

۱۲۹- **نصیر سیستانی** از غزل سرایان زبردست قرن دهم بوده و در چهار سالگی کور شده بود و برادر قاضی احمد سابق الذکر بود.

۱۳۰- **محمد سعید خان ازبک ملقب بیهادر خان** پسر سلطان حیدر بیک ازبک و برادر کبیر علی خان ملقب بخان زمان و متخلص بسلطان بود و از امرای دربار نصیر الدین محمد همایون پادشاه هند بود و در ۹۷۵ طغیان کرد و در آن واقعه کشته شد و جزییات احوال وی در شرح حال برادرش خواهد آمد. وی نیز مانند برادرش شعر زبردست بوده است.

۱۳۱- **علیق خان ازبک ملقب بخان زمان و متخلص بسلطان** چنانکه گذشت



پسر سلطان حیدربك و از امرای دربار همایون بود و در اواخر قرن دهم در هند می زیست. پدرش در جنگ جام با طاعت قزلباش در آمد و امارت یافت و در زمانی که همایون از سفر عراق و ایران بر می گشت این دو برادر ملتزم او شدند و با وی بقندهار رفتند و در جنگها شجاعت بسیار کردند، مخصوصاً در جنگ هیمود، پس از آن جنگ همایون حکمرانی ولایت سنبهل را بایشان داد و در آنجا با افغانها جنگهای چند کردند و فیروز شدند و تا سرزمین بهارپیش رفتند و بیاس این خدمات همایون حکمرانی جونپور را بایشان داد ولی پس از چندی در افغانستان طغیان کردند و همایون بدفع ایشان رفت، اما خان زمان مادر خود را بشفاعت نزد پادشاه فرستاد و ازو زنجار گرفت و پس از چندی باردیگر طغیان کردند و این بار همایون عازم جانیپور شد و در ۹۷۰ در سکر اول از توابع الله آباد که اینك معروف بفتح پورست بر هر دو برادر دست یافت و در ۹۷۵ ایشان را کشت. علیقلی خان نیز مانند برادرش شعر فارسی می گفته است.

### ۱۳۲ - بدیع الزمان میرزا صفوی پسر سوم بهرام میرزا برادر کبیر شاه

طهماسب و پسر زاده شاه اسمعیل بود؛ در ۹۶۵ شاه طهماسب حکمرانی قندهار را برادر مهترش سلطان حسین میرزا و حکمرانی سیستان را بوی داد و او را بآن سرزمین فرستاد و تیمورخان استاجلو را که از اعیان دربارش بود پیشکاری وی مقرر کرد و وی آنجا بود تا اینکه شاه اسمعیل دوم سلطنت رسید و بشیمورخان مزبور فرمان داد که وی و پسر خردسالش بهرام میرزا را کشت و بدین گونه در ۹۸۴ کشته شد. این شاهزاده مردی دانش دوست و ادب پرور بود و خود شعر را نیکو میسروده است.

### ۱۳۳ - بهرام میرزا صفوی پسر شاه اسمعیل اول و برادر کبیر شاه طهماسب

و پدر بدیع الزمان میرزا سابق الذکر بود. از جانب برادر حکمرانی همدان داشت و در ۹۵۴ که الفاص میرزا بر شاه طهماسب طغیان کرد وی با او یاری نکرد و نسبت بشاه طهماسب وفادار بود؛ اما سال بعد در ۹۵۵ در جوانی در گذشت و ازو سه پسر ماند: سلطان حسین میرزا سابق الذکر که شاه طهماسب در ۹۶۵ حکمرانی قندهار را باو داد و ابراهیم میرزا که داماد شاه طهماسب بود و بدیع الزمان میرزای سابق الذکر، بهرام

میرزا از خوشنویسان و شاعران بانوق معروف زمان خود بوده است.

۱۳۴ - **امیر محمد صالح جغتایی** از امیر زادگان نامی دستگاه سلطان

حسین بایقرا و پسر امیر نور سعد و از بازماندگان امیر شاه ملک بوده که از امیران دربار تیمور بشمار می رفت و خود در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و مردی دانشمند و دانش پرور بوده و غزل را نیکو می سروده و در ۹۴۱ در گذشته است.

۱۳۵ - **نواب محمد بیرام خان یا بیرام خان و یا بیرامعلی خان بهارلو**

ملقب بخان خانان از معروفترین رجال قرن دهم هندوستان در دربار همایون و جلال الدین اکبر بوده، پدرش یوسف علی بیگ بن یاربیک بن پیرقلی بیگ بن علیشکر بهارلو و خاندان وی از خانواده های مجتشم قرن نهم بوده اند. علیشکر بیگ حکمرانی همدان و دینور و کردستان و تواضع را داشت و نام آبادی علی شکر از نام اوست که اکنون بخطا «الیشتر» یا «الشتر» هم می نویسند. وی از بازماندگان بهارلو از امرای قراقویمه لو بود؛ پیرقلی پسر علیشکر در زمان حسن یا شا بحصار شادمان رفت و چندی در خدمت سلطان محمود میرزا ماند و پس از آن در شیراز باوالی فارس در افتاد و منبزم شد و امرای سلطان حسین میرزا او را کشتند. پدرش یاربیک در زمان شاه اسمعیل اول با پسر خود یوسف قلی بیگ از عراق بیدخشان و از آنجا بقندز رفت و در خدمت امیر خسرو شاه بود. پس از مرگ او بخدمت ظهیرالدین بابر پادشاه معروف هند پیوست. بیرام خان در بدخشان ولادت یافت و پس از پدر ببلخ رفت و در آن شهر کسب دانش کرد و در ۱۶ سالگی وارد خدمت نصیرالدین محمد همایون پادشاه بایری هند شد و در آن دربار ترقی کرد و بمصاحبت پادشاه رسید. در زمانی که همایون متوجه هند شد او در گجرات بود و پس از دو سال که در سختی و عسارت گذرانید بدربار همایون راه یافت و با او بایران آمد و شاه طهماسب در آن سفر لقب خانی و طبل و عالم که از مناصب مهم دربار صفویه بود باو داد و در بازگشت ازین سفر او را بحکمرانی فندهار فرستاد و چون بهند بازگشت سپهسالاری قشون هندوستان را باو دادند و در جنگهای ماجواره و فتح سپرند شجاعت های فراوان کرد و بهمین جهت همایون بر عزت او افزود و او را فرزند خطاب می کرد و خان خانان

لقب داد و وکیل سلطنت او شد و در اواخر آن دولت وی را خان بابا خطاب می کردند. پس از جلوس جلال الدین محمد اکبر تا پنج سال که آن پادشاه جوان بود کارهای سلطنت هند همه بدست او بود تا اینکه در ۲۰ جمادی اولی ۹۶۷ تقاری در میان او و شاه روی داد و وی از اکره پایتخت اکبر بدلی رفت و شهاب الله خان او را در قلعه ای متوقف نگاه داشت ولی چون لشکریان شوریدند و در دهلی ازدحام کردند وی را وادار کردند از آنجا برود و او آنچه همراه داشت بتوسط حسین بیگ ذوالقدر بدربار فرستاد و از راه ماکو بسوی کجرات رفت که در آنجا بحج برود؛ اما فسخ عزیمت کرد و بعزم جنگ بدامن کوه لاهور رفت و در آن جنگ شکست خورد و بانزدیکان خود گریخت و بکوه لاهور پناه برد. جلال الدین محمد اکبر او را امان داد و چند تن را در پی او فرستاد و اجازت داد که بحج برود و چون در راه بنهر واله در خاک کجرات رسید بر کشتی نشسته بود و بر روی نهري بنام سهرنگ گردش می کرد که مبارک خان توخالی که پدرش را بیرام خان در یکی از جنگها کشته بود بانتمقام بر سر او تاخت و بختجراورا در سال ۹۸۶ کشت بیرام خان از معروفترین رجال تاریخ هندوستانست و مورخان هند بنام خان اعظم و خان خانان در بزرگداشت وی سخن بسیار رانده اند. گذشته از مردی و دلادری بسیار دانش دوست و هنر پرور بوده و شاعران زمانه را تشویق فراوان کرده و شیعه معتقدی نبوده و هر کس از خراسان به هندوستان می رفته رعایت بسیار از وی کرده و بیشتر شاعران و هنرمندانی که در قرن دهم از ایران به هند رفته اند برای بهره جویی از او بوده است و همیشه هدایا و نذرهای بسیار گران بها برای آستان رضوی می فرستاده، در شعر فارسی نیز دست داشته و بیرم تخلص می کرده و دیوانی شامل ۸۰۰ بیت از او مانده است. وی پسری داشته بنام عبدالرحیم خان معروف بعبدالرحیم میرزا خان و یا میرزا عبدالرحیم خان و یا میرزا خان که در موقع کشته شدن پدر چهار ساله بوده ولی بسیاری از صفات بزرگ پدرش با وراثت رسیده بود و در سپهسالاری هند جانشین پدر شد و او را خان خانان لقب دادند و از مشاهیر قرن یازدهم هندست و او هم شعر خوب می گفته و رحیم تخلص می کرده است و ذکرش پیش ازین (ص ۳۶۱-۳۶۲) گذشت.

۱۳۶ - مولانا بیکسی سجاوندی از مردم سجاوند از توابع شهر اوگر در خالک غزنین بوده و بهمین جهت بغزنوی هم معروفست. نخست در کابل در خدمت میرزا محمد حکیم می زیسته و سپس بحج و از آنجا به هندوستان رفته است و برخی از کتب احادیث مانند مشکوٰۃ و شمایل النبی را پیش میر مرتضی شریفی درس خوانده و چون پیرشده بود عازم وطن خودشده، اما در راه در پسرشاور در سال ۹۷۳ در گذشت. وی از از شاعران توانای زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۱۳۷ - مولانا بیکسی شوشتری وی نیز از شاعران قرن دهم بوده و از دیار خود بهرات رفته و سی سال در آنجا ساکن بوده است و با شاعران آن سرزمین محشور بود. سرانجام مبتلا بجنون شد و در آن حال در گذشت و وی از غزل سرایان خوب زمان خود بوده است.

۱۳۸ - صادق بیک افشار تبریزی متخصص بصادقی از معارف هنرمندان و شاعران قرن دهم و از نجیب زادگان ایل خدا بندلو بود. پدرانش در آغاز سلطنت شاه اسمعیل اول از سرزمین شام بآذربایجان و عراق آمدند و وی در ۹۴۰ در تبریز در نزدیکی محله ورجو یا ویجویه ولادت یافت و در ۲۰ سالگی پدرش کشته شد و امیرخان موصالوی حکمران همدان وی را از قلندری خارج کرد و بخدمت خود پذیرفت و مدتی نیز در خدمت بدرخان و اسکندر خان افشار بود و در زمان شاه اسمعیل دوم وارد خدمت کتابخانه صفویه شد و شاه عباس اول منصب کتابداری را بآو داد، بهمین جهت بصادقی کتابدار معروف شده است. از تذکره مجمع البخاوص او معلوم میشود که سفرهای بسیار از آن جمله بحلب و یزد و کابلان و لاهیجان و بغداد و عسبات و ابرقوه و استرآباد و همدان کرده است و چون در دستگاه صفویه بوده ناچار در قزوین و اصفهان هم مدتی زیسته است و تا اوایل قرن یازدهم زنده بوده و از مشاهیر شاعران و نقاشان زمان بشمار می رفته و در نظم و نثر فارسی و ترکی جغتایی دست داشته و در ۱۰۱۰ مجموعه ای از مؤلفات خود ترتیب داده که شامل منظومه ای در نقاشی در بحر خسرو و شرین بنام قانون الصور و مجموعه ای از قصاید حمد و نعت و منقبت بنام زبدة الکلام و مثنوی فتحنامه عباس نامدار شامل فتوحات

شاه عباس معروف بچنگ نامه در بحر متقارب و مقالات و حکایات بتقلید بوستان سعدی و مخزن الاسرار نظامی و مثنوی سعد و سعید ببحر خسرو شیرین و دیوان غزلیات فارسی و ترکی و منشآت فارسی و ترکی و تذکره الشعراء شامل رباعیات که بنام شاعران متقدم و متأخر و معاصر خود نظم کرده و حظیات بتقلید رساله لذات معینی استرآبادی باشد .

معروف ترین اثر او تذکره مجمع الخواص در شرح احوال شاعران معاصر اوست که بزبان ترکی بختایی نوشته و آقای دکتر عبدالرسول خیام پور استاد دانشگاه تبریز اخیراً بفارسی ترجمه و چاپ کرده است . صادق نقاش و طراح زبردستی بوده و از بهترین شاگردان مظفر علی پسر مولانا حیدر علی نقاش معروف آن زمان خواهرزاده بهزاد بشمار می رود و نمونهایی که از نقاشیها و صورت سازیهای او مانده است مهارت کامل او را می رساند .

۱۳۹ - میرزا محمد ولی دشت بیاضی متخلص بولی از مردم دشت بیاض در خاک فاین و از شاعران نامی قرن دهم بود . در زمان شاه اسمعیل اول با خواهرزاده ای که از سادات نجیب مولدوی بود بدر بار آمد و مدتها در آن دستگاه در قزوین با شاعران معروف آن زمان مانند ضمیری اصفهانی و محمد قلی مبللی و وحشی بافقی و خواهره حسین ثنائی مشهدی و مجتشم کاشانی محصور بود و نیز چندی در سیستان زیست تا اینکه در زمان شاه طهماسب بخراسان رفت و آنجا ماند و در همان جادر سال ۹۹۹ در زمانی که یتیم سلطان از بک بر خراسان تاخت چون وی شیعه بود کشتندش و می نویسند که سبب کشتن وی را ازو پرسیدند گفت چون از من آزرده شده بود مبادا مرا هجومی گفت و کسی از مردم خراسان که حاضر بود گفت کدام هجو بالان ازین که چنین کسی را بکشی و وی گوینده این سخن را نیز کشت . ولی از شاعران نامی زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان او باقیست .

۱۴۰ - ملک طیفور انجدانی متخلص بملک از شاعران نامی معاصر شاه طهماسب بود و از دیار خود بقزوین رفت و در مدارس آن شهر سکنی داشت و مردی عاشق پیشه و عیاش بود و با این همه استغنائی کامل داشت و در تنگدستی می زیست و بنان جوین می ساخت و پس از چندی از آنجا بکاشان رفت . داعی انجدانی برادر او بوده و وی غزل را

خوب می گفته است. ظاهراً این دو برادر اسمعیلی بوده اند.

۱۴۱- مولانا داعی انجدانی برادر ملک طیفور سابق الذکر و ظاهراً او هم اسمعیلی بوده و او نیز مانند برادر مردی قانع و درویش مشرب بوده و گاهی در کاشان زیسته و شاعر توانایی بوده است.

۱۴۲- میر و الهی قمی از سادات قم و از شاعران معاصر پادشاه طهماسب و مردی عاشق پیشه بود، دلباخته جوانی از طایفه شاملوشده بود و کسان جوان می خواستند بکشندش و چون برو دست یافتند تنها گوش و بینی او را بریدند. در ضمن هجو بسیار می گفته و مردم از هجای او بسیار رنجیده بودند و غزل را نیکو می سروده و از روش شریف قزوینی و قاضی نور اصفهانی پیروی می کرده. دیوانش شامل شش هزار بیت بوده و در موسیقی نیز دست داشته است.

۱۴۳- مولانا فهمی کاشانی از شاعران معروف کاشان بود و پس از محتشم او را بر دیگران برتر می شمردند و کرباس فروشی می کرد و سفری هم بعثبات کرده است. در اقسام مختلف شعر دست داشته و غزل را هم نیکو می سروده است.

۱۴۴- فهمی هرموزی از مردم جزیره هرمز یا هرموز بوده و در قرن دهم میزیسته و رباعی را نیکو می سروده است.

۱۴۵- مولانا حاتم کاشانی از شاعران معروف کاشان و مردی بسیار سبز چهره و کندم کون بوده بهمین جهة ظرفای کاشان همه جا در حضور او سخن از هندوستان می گفتند و او می رنجید. روزی که چاقشور سیاهی پوشیده بود یکی از ظریفان برو بگذشت و گفت مگر مولانا پاچه تنبان را ورمالیده است و وی تا ۹۹۶ سال مرگ محتشم زنده بوده و او را مرثیه گفته و در اقسام دیگر شعر مخصوصاً غزل هم دست داشته است. پدرش سمسار بوده و وی نیز بدین کار می پرداخته است.

۱۴۶- میر عزیز الله حضوری قمی از سادات محترم قم بود و سالها در عثبات درس خوانده و مردی متقی بود و پس از مدتی سکونت در نجف بایران باز گشت و چندی در قزوین زیست و شاه طهماسب با او معاشرت داشت و تا مرگ شاه طهماسب و جلوس شاه

اسمعیل دوم در قزوین بود و در آنجا احترام بسیار داشت و از پیران محترم بود و سرانجام دوباره بنجف باز گشت و در آنجا در اواخر سال ۱۰۰۰ در گذشت. وی از شاعران زبردست بوده و غزل را خوب می گفته و دیوانش سه هزار بیت می شده است.

**۱۴۷- میروز بهان صبری اردستانی** از سادات اردستان بود ولی در اصفهان می زیست و بهمین جهت باصفهانی معروفست و در زمان شاه طهماسب امام مسجد جامع اصفهان بود و در موسیقی و شطرنج مهارت داشت و در شعر نیز استاد بود و نخست فارس تخلص می کرد و سپس صبری تخلص کرد و در زمان خود شهرت بسیار داشت تا اندازه ای که او را شاهی ثانی می گفتند، دیوان او در دستست.

**۱۴۸- میرزا سلیمان حسابی نطنزی اصفهانی** از نجیب زادگان نطنز بود اما در اصفهان سکونت داشت و بهمین جهت بیشتر باصفهانی معروف بوده و مردی دانشمند و هنرمند و عارف مشرب بود. مخصوصاً در موسیقی مهارت کامل داشته و ترانه ها و تصنیف های او بر سر زبانها بوده است. از نزدیکان محمد قاسم مستوفی از اعیان دربار شاه طهماسب و در زمان وی جوان بوده و در قزوین می زیسته و عاشق پیشه بوده و پس از مرگ شاه طهماسب نیز زنده مانده زیرا که قطعه ای در تاریخ رحلت او سروده است و در غزل شاعر زبردستی بشمار می رفته است.

**۱۴۹- قاضی نورالدین محمد نوری اصفهانی** از مردم اندانان از روستای براهان اصفهان و نخست در اصفهان طلبه بود، سپس بقزوین رفت و مدتی شاگردخواجه افضل الدین ترکه و میر فخرالدین سماکی بود و در زمان شاه طهماسب از ملازمان مسیب خان بن محمد خان نکلو بود و سپس منصب قضاوت باو دادند و تنها در اواخر عمر بشاعری شهرت کرد و در سال ۱۰۰۰ در گذشت. قاضی نور از شاعران زبردست زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان مختصری از او مانده است.

**۱۵۰- مولانا هلاکی همدانی** از شاعران معروف معاصر شاه طهماسب و مردی امی بود بهمین جهت هر شعری که می گفت در کوی و بازار بهر که می رسید ازو التماس می کرد که آنرا بنویسد. پیش از سلطنت شاه اسمعیل دوم قصیده ای در ستایش

وی گفته بود و اتفاقاً همان روزها وی بساطنت رسید و بهمین جهت دوازده هزار تومان صله باوداد و شاعران دیگر که این خبر را شنیدند قصاید بسیار در مدح او گفتند و چیزی بایشان نرسید. وی بیشتر در خدمت سلطان حسین میرزا و مردی درویش مشرب بوده و اقسام مختلف شعر را نیکو می سروده است .

۱۵۱ - **مولانا فروغی عطار قزوینی** از شاعران زبردست قزوین در زمان شاه طهماسب بوده و در انواع مختلف شعر دست داشته است .

۱۵۲ - **مولانا طبخی قزوینی** نیز از شاعران نامی قزوین در زمان شاه طهماسب بوده و دکان آشپزی داشته و دیوان همایون اسفراینی را جواب می گفته و غزل رانیکو می سروده است .

۱۵۳ - **سلطان فقرای قزوینی** نیز از شاعران نامی قزوین در زمان شاه طهماسب بود. نخست صراف می کرد و مردی درویش مشرب بود . سفری بهند رفت و در بازگشت وارد دربار شاه طهماسب شد و مورد توجه او گشت و چون خواست در مشهد سکنی گیرد شاه طهماسب برای او در آنجا وظیفه ای برقرار کرد و بدانجا رفت و همانجا در گذشت. وی در شعر پیروی از سبک حافظ می کرده و دیوان خواجه را جواب می گفته و در غزل سرایی مهارتی داشته است .

۱۵۴ - **کاکای قزوینی** نیز از شاعران معاصر شاه طهماسب بوده و در قزوین میزیسته، مردی سیه چرده و خوش قیافه بوده و بطوافی و بقالی روزگار می گذرانده و در سال ۹۸۰ هـ در گذشت و غزل را نیکو می سروده است .

۱۵۵ - **مولانا شرمی قزوینی** نیز از شاعران قزوین در زمان شاه طهماسب بوده و در آن شهر خیاطی می کرده و پدرش هم خیاط بوده است و غزل را بروش حافظ صابونی می سروده و شاعر زبردستی بوده است .

۱۵۶ - **میرزا سلمان جابری اصفهانی** پسر میرزا علی جابری از نجیب زادگان اصفهان و از خاندانی بود که نسبت خود را بجابر بن عبدالله انصاری می رساندند. پدرش چند سال وزیر ابراهیم خان ذوالقدر حکمران فارس بود و وی جوانی را در شیراز گذراند



و در آنجا کسب دانش کرد و وارد خدمات دربار شاه طهماسب شد و نخست در زیر دست میرزا عطاء الله وزیر آذربایجان کار می کرد و وقتی که از جانب او بدربارشاه طهماسب رفت مورد توجه شاه واقع شد و پس از گرفتاری آقا جمال کرمانی نظارت بیوتات خاصه را که با او بود بوی دادند و از نزدیکان شاه طهماسب شد و تamerk آن پادشاه بر سر این کار بود و چون شاه اسمعیل دوم به سلطنت رسید از و پشتیبانی بسیار کرد و شاه اسمعیل باندازه ای نسبت باو مهربان بود که دستور داد برای هیچ کس از وزرا بر نخیزد و پس از مرگ شاه اسمعیل در زمان شاه محمد خدا بنده وزیر و اعتماد الدوله شد و به عالی ترین مقامات رسید و دختر خود را بشاه داد و پسر مهترش میرزا عبدالله پیشکار عباس میرزا ولیعهد و پسر دوشمیرزا نظام نیز اعیان دربار بود ولی در میان او و امرای ترک دربار و سرکردگان قزلباش رقابت سخت بود و قلی بیگ قورچی باشی و شاه رخ خان مهر دار و محمد خان ترکمان مخصوصاً با او دشمن بودند. سرانجام در سال ۹۸۸ شاه محمد را برانگیخت که بسوی هرات بتازد و باوی بدانجا رفت و چون غوریان را گرفتند غروری درو پدید آمد و با اعیان دربار بدرفتاری می کرد و چون ایشان می ترسیدند که سرانجام بر آنها غالب شود با یکدیگر همدست شدند و در پی فرصت مناسب می گشتند که روزی برای گردش بگازرگاه هرات مصمم شد و اسباب جشن و سرور را با جمعی از مطربان و ندیمان بدانجا فرستاد که در آن جشن با او شرکت کنند. دشمنانش پسران و برادران و برادرزادگان خود را برانگیختند که آنجا بروند و وی را بکشند و روز دیگر که میرزا سلمان براه افتاده ای که سر کرده آنها یوسف خان پسر قورچی باشی و ولی جان خان پسر محمد خان و خلیل سلطان برادر زاده شاه رخ خان بودند از راه دیگر رهسپار شدند و کسی که ازین کار خبر داشت او را آگاه کرد و وی شتابان بشهر هرات بازگشت و آن جوانان که آنجا رسیدند و او را ندیدند. کسانی را روانه کردند که اگر در راه ببینند بکشندش. وی نزد شاه رفت و او را خبر داد و او هم امر را خواست و سبب پرسید، ایشان نخست منکر شدند و خود را بری کردند، اما درین میان گروهی از لشکریان در مدرسه میرزا در هرات گرد آمده و شورش و فوغا کردند و عزل او را

خواستند و کس نزد شاه فرستادند و امیرانی که در مجلس حاضر بودند نیز تأیید کردند. میرزا سلمان که کار را سخت دید راضی شد هر چه دارد بدهد تا آسوده‌اش بگذارند. شاه هم رضا داد تا فردا دربارش تصمیمی بگیرد. روز دیگر وی را در خانه قورچی‌باشی زندانی کردند و اموالش را گرفتند و میرزا عبدالله و میرزا نظام پسرانش را هم بند کردند و چند روز دیگر هم او را نگاه داشتند و سرانجام طهماسب قلی بیك موصلو یوزباشی نخستین زخم را باوزد و دیگران او را از پای در آوردند و بدین گونه در ۹۸۸ کشته شد و جسدش را که مدتی در راه افتاده بود بدرخواست علما بمشهد بردند و در آستانه رضوی بخاک سپردند و باصرار امر را شاه دخترش را طلاق داد و اموالش را بایشان بخشید. وی مرد بسیار کارآمد و دانشمند و با ذوق بوده ولی با زبردستان و مخصوصاً ترکان قزلباش بد رفتاری می کرده و در ضمن هنرهای دیگر شاعر زبردستی بوده و مخصوصاً در بدیهه سرایی با اندازه‌ای دست داشته که جواب نامه‌های ارباب حاجت را بنظم می داده است.

۱۵۷ - میر شمس الدین خبیبی متخلص بفهمی از سادات محترم و دانشمند خبیب کرمان (شهداد امروز) و از مشاهیر علمای قرن دهم بود و گذشته از علوم شرعی در ریاضیات و هیئت و رمل و نجوم و ادبیات هم دست داشت و در زمان شاه طهماسب منصب صدارت یافت و تا پایان عمر درین مقام بود و با اندازه‌ای محترم بود که شاه طهماسب در مسایل شرعی کاملاً بدستور او می رفت و در ضمن مرد بسیار بخشنده‌ای بود چنانکه در دوسه سال منصب صدارت خود نزدیک صد هزار تومان آن وقت زرقه و خاگ فیروزه‌ای را که از عواید اوقاف و نذرهای شاه طهماسب باورسیده بود و خمس معادن فیروزه را که در خزانه داشت بسادات و دانشمندان و طلاب بخشید و سرانجام در ۹۳۳ که شاه محمد خدا بنده مشغول محاصره تبریز در برابر ترکان عثمانی بود و او را با خود برده بود در آنجا بیماری سوء الغنیه در گذشت. وی شاعر زبردستی بوده و فهمی تخلص می کرده است.

۱۵۸ - فروغی تبریزی از شاعران درجه دوم قرن دهم و شیعه بوده و سفری بعبات کرد و غزل را نیکو می سروده است.

۱۵۹ - میر علی حسینی هروی معروف بمیر علی سلطانی یا کاتب السلطانی

و کاتب السلطان از معروف ترین خوشنویسان خط نسخ تعلیق بود. نخست در هرات شاگرد زین الدین محمود خوشنویس و سپس در مشهد شاگرد سلطانعلی مشهدی بوده، اما از هر دو در فن خط پیش افتاده در جوانی در دستگاه سلطان حسین بایقرا بوده و کاتب السلطان لقب گرفته، سپس عبیدالله خان ازبک که هرات را گرفته در ۹۳۵ هجری او را ببخارا برده و آنجا مانده و ظاهر آذر ۹۶۰ در همانجا در گذشته و در فتح آباد ببخارا بخاکش سپرده اند. وی گذشته از خط در انشا و شعر و معما نیز دست داشته و منظومه‌ای در خط بعنوان «مداد الخطوط» نوشته و مردی عارف مشرب بوده از شاگردان معروف او محمود بن اسحق سیاهشانی شهابی و میرسید احمد مشهدی بوده اند.

۱۶۰ - ضیاء الدین میرم کرمانی متخلص بضیایی از شعرای معروف قرن

دهم بوده، در زمان سلطان حسین بایقرا در هرات سکونت داشت و پدرش خواجه علاء الدین برادر مهتر خواجه افضل الدین محمد کرمانی بود و سالها وزارت پادشاهان را داشت و از جانب مادر برادر امیر سلطان ابراهیم امینی هروی شاعر معروف این زمان بوده و در پایان زندگی بدربارشاه اسمعیل راه یافته است و مردی لطیف طبع و با هوش و خرده بین بوده و در علم سیاق و شعر دست داشته و تا اواسط قرن دهم زنده بوده است.

۱۶۱ - مولانا خلیل الله منجم کاشانی از دانشمندان و شاعران خوش طبع قرن

دهم بوده و در دربار شاه طهماسب می زیسته است.

۱۶۲ - خواجه امیر یک مهردار از رجال محترم دربار شاه طهماسب بوده

و سرانجام در زمانی که غازی خان حکمران هرات بود وی سمت وزارت آن شهر را داشت و در جنگهایی که صفویه با عبیدالله خان ازبک می کردند دست اندرکار و بسیار مؤثر بوده و در ضمن شاعری توانا بشمار می رفته است.

۱۶۳ - الاسطان محمد ساقی استرآبادی از شاعران نامی قرن دهم و از

دانشمندان زمان خود بوده و بجز دیوان قصاید و غزلیاتی که از او مانده شرحی بر مطالع نوشته و در ماه رجب ۹۵۲ در گذشته است.

۱۶۴ - شریف تبریزی از شاعران نامی قرن دهم بوده و در اقسام مختلف شعر

دست داشته و در ۹۵۵ در گذشته و دیوان قصاید و غزلیاتی از او مانده است .

۱۶۵ - **مولانا ولی حیرتی کاشانی** نیز از شاعران نامی قرن دهم و اصلاً از

مردم مرو بوده ولی بیشتر در کاشان می زیسته و بهمین جهت بکاشانی معروف شده و از شاعران متعصب در تشیع بوده است. مدتی هم در قزوین در دربار شاه طهماسب بوده و در سیروسلوک نیز شهرت داشته و سرانجام در کاشان روز چهارشنبه ۱۴ صفر ۹۶۱ از بام افتاده و در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و شعر بسیار گفته و چهل هزار بیت قصیده در مدایح ائمه سروده و نیز منظومه بهجة المباهج را در هزار بیت سروده است .

۱۶۶ - **مولانا صیرفی** نیز از شاعران قرن دهم ایران و در دربار شاه طهماسب

بوده و در سفرها نیز با وی همراهی می کرده، چنانکه در سفر ۹۶۴ در آذربایجان با او بوده است .

۱۶۷ - **حکیم پرتوی شیرازی** از دانشمندان نامی قرن دهم و با علامه جلال الدین

محمد روانی معاصر بوده و علامه وی را بسیار می ستوده و مردی وارسته و صوفی مشرب بوده و سرانجام در ۹۲۸ در گذشته و در جوار مرقد شیخ سعدی بخاکش سپرده اند. وی شاعری توانا بوده و در غزل و مثنوی دست داشته و ساقی نامه ای هم از او مانده است .

۱۶۸ - **میرزا جعفر یکتا قزوینی ملقب باصف خان** برادرزاده میرزا غیاث الدین

علی آصف خان میربخشی و خود نیز بخشی و از رجال محتشم دربار جلال الدین اکبر در هندوستان بوده و تا اواخر قرن دهم در شهر آگره پای تخت آن پادشاه می زیسته و شعر فارسی را نیکو می سروده و جعفر تخلص می کرده و مرد دانشمندی بوده است .

۱۶۹ - **قاضی جلال سیستانی** پسر قاضی احمد سیستانی که او نیز از شاعران

نامی قرن دهم بوده و این پدر و پسر در زمان ملک سلطان محمود پادشاه سیستان می زیسته اند و معاصر شاه اسمعیل اول بوده اند و هر دو شعر را خوب می گفته اند .

۱۷۰ - **شیخ جمالی دهلوی** از بزرگان شاه جهان آباد یعنی دهلوی و از مشاهیر

صوفیه قرن دهم هندوستان بوده و کشف و کراماتی بوی نسبت داده اند و مردی وارسته بوده چنانکه بسنگی و پوست نخستی بسنده کرده بوده و در طریقت مرید خال خویش

وی را با مولانا ادهم منشی در بوریا پیچید و پس از چند روز بوریا را آتش زدند و بدین گونه او را کشتند. وی شاعری فحل بوده است.

۱۸۳ - **شاهدی مولوی** از صوفیه قرن دهم و ظاهر از مشایخ طریقه مولوی بوده و منظومه‌ای دارد بنام گلشن توحید که در ۹۳۷ بیایان رسانیده و ۳۰۴۰ بیت دارد و پیش از آن ۶۰۰ بیت از مثنوی مولانا جلال الدین را انتخاب کرده که در میان مردم رواج بسیار یافته بود و چون آن ابیات پراکنده بوده و مطالب آن ارتباطی بهم نداشته بر آن شده است که ابیات را بهم پیوسته کند لهذا در میان هر دو بیت پنج بیت از خود سروده و بدین گونه معنی هر دو بیت را بهم ربط داده و مفردات هر مجلدی از مثنوی را جداگانه ثبت کرده است و این مثنوی گلشن توحید را در شش فصل بیایان رسانیده است.

۱۸۴ - **مولانا شرف الدین علی باقی** از مردم قصبه باقی در میان یزد و کرمان بوده و بهمین جهت گاهی او را از شاعران یزد و گاهی هم از شاعران کرمان دانسته‌اند. نخست در شیراز می‌زیسته و در آنجا کسب دانش کرده و در دربار شاه طهماسب محترم بوده و کوشش گران بوده است و سرانجام در ۸۰ سالگی در ۹۷۸ در قزوین در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و در قصیده و غزل دست داشته و قصاید بسیار در مدح شاه طهماسب سروده است و از بازماندگان شرف الدین علی یزدی مورخ معروف قرن نهم و مؤلف ظفرنامه

۱۸۵ - **خواجگی شرف شیرازی** از شاعران قرن دهم هند بوده و تا اوایل قرن یازدهم زنده بوده است و از ندیمان امرای دکن بوده و در نظم و نثر دست داشته و غزل را نیکو می‌سروده است.

۱۸۶ - **امیر سید شریف باقی شیرازی متخلص بشریفی** پسر امیر سید شریف ثانی بوده که دخترزاده میر سید شریف الدین کرگانی دانشمند معروف قرن هشتم بوده است و این خاندان در اواسط قرن نهم از کرگان بشیراز و عراق رفته‌اند و وی در شیراز ولادت یافته و در زمان شاه طهماسب نخست بوزارت عراق رسید و سپس کلاتری

شیراز را باو دادند ولی میانه‌اش با ابراهیم خان والی فارس بهم خورد و وی را از کلاشری خلع کردند و وزارت بلوک دارا بچرد را باو دادند و پس از چندی وزیر شاه طهماسب شد و ابراهیم خان را عزل کردند و زندان افکند و خود نیز بزودی در گذشت. وی از مردان نامور دربار شاه طهماسب بوده و مرد بسیار بخشنده‌ای بشمار می‌رفته و ازو دو پسر مانده یکی امیر معین‌الدین اشرف معروف بمیرزا مخدوم و متخلص باشرف که از علما و مدرسان معروف زمان خود بود و دیگر میرزا امیر که در زمان شاه محمد خدا بنده چندی در قلعه استخر زندانی بود و در موقع فرار بسوی ری در راه در گذشت. امیر سید شریف خود شاعری توانا بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

۱۸۷ - شوقی یزدی از شاعران توانای قرن دهم و مردی خوش گوی بوده و خط نسخ تعلیق را نیکو می‌نوشته و در انشاء دست داشته و بهمین جهت مدتی منشی سام میرزا صفوی بوده است و در شعر نیز مهارت داشته و قصیده را بهتر می‌سروده و غزل هم می‌گفته است.

۱۸۸ - میرزا ابوالقاسم شوکتی دهلوی پسر شیخ محمود ملقب بمیرزا کامران و از شاهزادگان بایری هند بود و در دربار همایون پادشاه احترام داشت اما در جوانی در قلعه کوالیار هند در گذشت و وی غزل‌سرای ماهر و بوده است.

۱۸۹ - امیر صافی بهی از امرای قرن دهم کرمان و از مردم بم و عم زاده امیر فاضلی بهی بوده که نام وی را فاضلی هم ضبط کرده‌اند و احتمال می‌رود که عم زاده خویش را کشته باشد و وی در خراسان می‌زیسته و از نژاد ترك بوده و شعر را نیکو می‌سروده است.

۱۹۰ - امیر فاضلی بهی که در برخی از نسخها نام وی را فاضلی هم ضبط کرده‌اند، وی نیز از امرای قرن دهم بم و ظاهراً از نژاد ترك و ساکن خراسان بوده و در سال ۱۰۰۱ در میان وی و عم زاده‌اش که ظاهراً همان امیر صافی سابق الذکر باشد بر سر مال نزاعی در گرفته و وی در آن نزاع کشته شده است و او مردی نیکو سیرت بوده و شعر را نیکو می‌سروده است.

۱۹۱ - **شیخ یعقوب صرفی کشمیری** از مشایخ معروف صوفیه هندوستان و خلیفه شیخ حسین خوارزمی پیشوای معروف طریقه نقشبندی بوده و سفر بسیار کرده و بسیاری از مشایخ آن زمان را دیده بود و از ایشان رخصت هدایت گرفته و مریدان بسیار در همه جا و مخصوصاً در کشمیر داشت و در اکره خانقاه او در زمان جلال الدین محمد اکبر رونق بسیار داشت و همایون پادشاه و اکبر بوی بسیار احترام می کردند و سرانجام در ۱۲ ذی القعدة ۱۰۴۳ در گذشت و تاریخ رحلت وی را « شیخ امم » یافته اند . وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در شعر مهارت کامل داشته و خمسه ای ساخته و رسایل چند در معما نوشته و رباعیات و شرح رباعیات در تصوف دارد و نیز تفسیری بزبان فارسی نوشته است و در غزل هم دست داشته است .

۱۹۲ - **مولانا عالمی دارا بگردی** از شعرای معروف قرن دهم فارس بوده و در شیراز می زیست و همانجا در ۹۷۵ در گذشت . وی مردی خوش صحبت بوده و غزل را شورانگیز و عاشقانه می سروده است .

۱۹۳ - **مولانا عبدی ابرقوهی** از مردم ابرقوه در میان یزد و شیراز و از شاعران زبردست قرن دهم بوده است و غزل را شیرین و شورانگیز می گفته است .

۱۹۴ - **عبدی کنابدی** نیز از شاعران قرن دهم و از مردم کنابد یا گناباد و یا گون آباد خراسان بوده و در برخی از کتابها بخطا تخلص وی را عهدی ضبط کرده و اصل او را از توران دانسته اند . وی با سلطان ابراهیم میرزا شاهزاده معروف صفوی متخلص بجاهی بسیار مربوط بوده و از شاعران متعصب در طریقه تشیع بشمار می رفته و بیشتر اشعارش در مدح ائمه شیعه است و در ضمن غزل و مثنوی هم می گفته و تا آخر قرن دهم زنده بوده است .

۱۹۵ - **عشرتی یزدی** نیز از شاعران غزل سرای ماهر قرن دهم بوده است .

۱۹۶ - **مولانا عشقی کاشانی** از سخنوران نامی این قرن و از شاگردان میر مقبول قمی بوده و در کاشان می زیست و مردی درویش و پارسا بود و در ۹۶۰ در گذشت و او هم غزل سرای زبردستی بوده است .

۱۹۷ - قاضی عطاءالله ورامینی رازی برادر قاضی محمد رازی و از قضاة

نامی زمان شاه طهماسب اول بود و در دربار وی در قزوین می زیسته و تا اواخر قرن دهم زنده بود و شاعر توانایی بشمار می رفته است.

۱۹۸ - عبدی رازی یا عهدی شیرازی زیرا که در کتابهای مختلف تخلص

و نسبت او را بهر دو شکل نوشته اند ، از شاعران قرن دهم ساکن هند بوده و در اقسام غزل و قصیده دست داشته ، مدتی در کجرات بامیرزا نظام الدین احمد می زیسته و چون بدهلی رفته است پس از عزل قاضی محمد که شیعه متعصبی بوده در سال هزار هجری حکیم عین الملک در لاهور در صدد برآمدن است وی را بجای او بگمارد اما نتوانسته است پیش ببرد .

۱۹۹ - عبدی بیك شیرازی وی شاعر دیگر است بجز عبدی یا عهدی سابق الذکر

واو هم در قرن دهم ظاهراً در هند می زیسته و در ترسل و سیاق دست داشته و پیشه اش نویسندگی بوده و در فراغت شعر می گفته ، دوبار تبع خمسة نظامی کرده است و دیوانش بیش از ده هزار بیت میشده است .

۲۰۰ - شاه طهماسب اول ، پسر مهتر شاه اسمعیل اول و دومین پادشاه سلسله

صفوی . در ۹۱۹ ولادت یافت و در ۹۳۰ در ده سالگی پس از مرگ پدر به سلطنت رسید . تا بسن بلوغ نرسیده بود دستخوش امرای قزلباش بود اما چون بالغ شد کفایت و کاردانی خود را نشان داد و از تسلط ایشان بیرون آمد . در آغاز پادشاهی وی ازبکان بشمال شرقی ایران تاخته و تا تربت شیخ جام در خراسان آمده بودند . شاه طهماسب در ۹۳۴ ایشان را در آنجا شکست داد و وادار کرد به سرزمین خود باز گردند . در ۹۳۶ ذوالفقار سر کرده ترکانان موصل و بیاری طوایف کلهر قیام کرده و عراق را بترکان عثمانی تسلیم کرده بود به همین جهت شاه طهماسب بی بغداد لشکر کشید و هنگامی بآنجا رسید که ذوالفقار را برادرانش کشته بودند و این فتنه فرو خفته بود . پس از آن چون باریگر ازبکان بقلمرو ایران تاخته و هجده ماه بود شهر هرات را گرفته بودند شاه طهماسب بدانجا تاخت و چون نزدیک هرات رسید ازبکان آن شهر را رها کردند . در ۹۴۰ لشکر بایان



عثمانی بین النهرین و آذربایجان را گرفتند و وارد تبریز شدند و سلطان سلیمان آل عثمان با لشکریان خود به سلطانیه رسید و از آنجا از راه کوهستان عازم جنوب شد که بغداد را بگیرد و چهار سال بعد شروان را هم تصرف کرد. در سراسر این مدت لشکریان ایران در حال دفاع بودند. در ۹۴۸ همایون پسر ظهیرالدین بابر پادشاه تیموری هندوستان که پس از مرگ پدر جانشین وی شده و مخالفانش او را از سلطنت بازداشته بودند بایران پناه آورد. شاه طهماسب پذیرایی بسیار گرمی از او کرد و اصراری داشت که وی بطریقه شیعه بگردد و سرانجام لشکریانی بیاری او گماشت و او به هندوستان بازگشت و تاج و تخت را بدین وسیله بدست آورد. در ۹۵۴ الفاص میرزا برادرش بتحریر ترکان عثمانی قیام کرد و لشکریان عثمانی که بیاری وی آمده بودند آذربایجان و اصفهان را گرفتند اما چون میانه الفاص میوزا با ترکان عثمانی بهم خورد ازین کار نتیجه ای نگرفت و گرفتار شد و بقتل رسید. در ۹۶۱ شاه طهماسب با پادشاهان آل عثمان متار که ای برقرار کرد و سال بعد عهدنامه صلح باعضا رسید. سپس با یزید پسر سلطان سلیمان آل عثمان که بر پدر قیام کرده بود در ۹۶۳ بایران پناه آورد و پس از دو سال گفتگو در میان دربار عثمانی و دربار ایران شاه طهماسب در برابر چهارصد هزار سکه زر وی را گشت با آنکه سبب گشتن او را فراهم کرد. در پایان سلطنت شاه طهماسب باردیگر در ۹۷۹ از بکان بخراسان تاختند و شاه طهماسب ایشان را عقب نشاند ولی در نتیجه این لشکر کشی قحطی سخت و بس از آن طاعون روی داد. در ۹۸۴ مادر حیدر نام سر کرده طوایف استاجلو شاه طهماسب را زهر داد و پس از پنجاه و دو سال و نیم پادشاهی او را گشت. شاه طهماسب بیش از پادشاهان دیگر خاندان خود در ادبیات فارسی اسام گذاشته است. شعر فارسی را تا اندازه ای خوب می گفت و عادل تخلص می کرد. کتابی در خاطرات و شرح زندگی خود تا حوادث سال ۹۶۹ که با یزید را تسلیم ترکان عثمانی کرده نوشته است که بنام تذکره شاه طهماسب معروفست و یکی از بهترین اسناد برای تاریخ دوره پادشاهی اوست.

۲۰۱ - شاه اسمعیل دوم پسر چهارم و جانشین شاه طهماسب اول و سومین پادشاه

ساسة صفوی . در ۱۵ صفر ۹۸۴ که پدرش هلاک شد نخست طوایف ترکان استاجاوه و خواوه سلطنت حیدر میرزا برادر وی بودند ولی پری خان خانم خواهرش که با وی مخالف بود پناه گاه وی را در حرم سلطنتی در قزوین بدشمنانش نشان داد و ایشان وی را گرفتند و کشتند و بدین گونه جنگ در میان دو دسته در گرفت . شاه طهماسب چون اسمعیل را بی رحم و بیداد گر می دانست او را بجانشینی خود برگزیده بود و نوزده سال و نیم بود که در قلعه قهقهه زندانی بود و سران قزلباش مجلسی تشکیل دادند و سلطنت او را ی دادند و وی را از آن زندان آوردند و روز چهار شنبه ۲۷ جمادی الاولی ۹۸۴ در قزوین بتخت نشاندند . وی مرد بسیار لثیمی بود و هدایایی را که برای جلوس او آوردند همه را در صندوقها پنهان کرد و پاداشی به دیه آوردند کان نداد و حتی از دیدار مادر پیر خود که بی قعه شاهزاده عبدالعظیم نزدیک طهران پناه آورده بود خود داری کرد . در ۹۸۵ بیهانه همدستی درویشانی که از خاک عثمانی آمده بودند شاهزادگان خاندان خود را کشت و چون در جوانی بتحریرک امیر سید ابوالفتح محمد بن عبدالباقی شریفی شیرازی معروف بمیرزا مخدوم نواده میر سید شریف گرگانی که از علمای معروف حنفی بود طریقه حنفی را پذیرفته بود همین که بیادشاهی رسید و او را بوزارت برگزید بدستیاری او طریقه سنت را برگزید و مردم را از بدگویی بخلفای راشدین منع کرد و چون فتنه ای روی داد از آن کار برگشت و آن وزیر را عزل کرد و سرانجام در ۳ ذی الحجه ۹۸۵ در قزوین در گذشت و بیش از دو سال و چند روز پادشاهی نکرد . سبب مرگ وی این بود که شب مقدار کثیری معجون مخلوط با تریاک که بآن حب فلونیامی گفتند و مخلوطی از تریاک و بنگ و مواد مخدر دیگر بود و پری خان خانم خواهرش بدستیاری سران قزلباش آنرا بزهر آلوده بود خورد و از آن مسموم شد . شاه اسمعیل نیز مانند پدر در شعر فارسی دست داشته و عادلانی تخلص می کرده است .

۲۰۲ - شاه محمد خدا بنده پسر مهتر شاه طهماسب بود ، در ۹۳۸ ولادت یافت ، مادرش از طایفه موصلوی ترکان و معروف بسلاطنام بود و شاه اسمعیل دوم از یک مادر بود . هنگامی که برادر کبوترش شاه اسمعیل دوم سلطنت رسید و شاهزادگان خاندان

خود را کشت می خواست وی و عباس میرزا پسرش را که بنام شاه عباس اول سلطنت رسید نیز بکشد ولی چون شاه محمد نزد مادرشان بسیار گرامی بود از کشتن او چشم پوشید و او را در شیراز نگاه داشت تا با کسی رفت و آمد نداشته باشد. پس از چندی در صدد کشتن هردو برآمد اما خود مسموم شد و از میان رفت. پس از مرگ شاه اسمعیل هم چنان برای برگزیدن جانشین او در میان سران سپاه اختلاف بود و چون شاه محمد کور بود او را سزاوار پادشاهی نمی دانستند و سرانجام پس از گفتگوها بشیراز فرستادند و او را بقزوین آوردند و در همان سال ۹۸۵ سلطنت بر داشتند و چون پری خان خاتم با پادشاهی او همدستان شده بود قرار برین شد که اسم پادشاهی با او باشد اما کارها را خواهرش انجام بدهد. همسرش خیرالنساء بیگم معروف بمهد علیا مادر شاه عباس که از حیل گریهای پری خان خاتم نگران بود سبب شد وی را بدستور شاه بخانه خلیل خان افشار که در زمان شاه طهماسب سرپرست او بود بردند و در آنجا در شب نهم ذالحجه ۹۸۵ در سن سی سالگی وی را خفه کردند و شاه محمد چون کور بود پارشکسته و فرسوده شده بود اختیار کارها را بهمسرش باز گذاشت و حمزه میرزا پسر مهتر خود را بنیابت سلطنت برگزید. در زمان وی يك سلسله جنگهای با پادشاهان آل عثمان در گرفت و لشکریان عثمانی در ۲۶ صفر ۹۸۶ بایران تاختند و این جنگها تا پایان سلطنت شاه محمد کشید. درین میان بدرفتاری مهد علیا با سران قزلباش ایشان را خشمگین کرد و بهانه آنیکه با عادل گرای خان تاتار پادشاه قریم رابطه دارد در روز یکشنبه اول جمادی الاخره ۹۸۷ بحرم پادشاهی تاختند و مهد علیا را کشتند. پس ازین واقعه کار شاه محمد پریشان شد و پی در پی انقلابهایی روی می داد. سرانجام امرای خراسان برو برخاستند و در ۹۸۹ شاه عباس را در خراسان بپادشاهی برگزیدند. شاه محمد پس از برگزینی از سلطنت چندی کوشید که دوباره تاج و تخت را بدست بیاورد اما پیش نبرد و سرانجام شاه عباس بادستیاران خود در روز دهم ذی القعدة ۹۹۶ قزوین پای تخت پدران خود را گرفت و دیگر مانعی در برابر او نماند و در مجلس تاج گذاری پدرش را در کنار تخت نگاه داشتند. از آن پس در آنروز می زیست. اینک در سال ۱۰۰۴ در سلطنت پسرش شاه عباس در گذشت. در سبب اینک

چراوی بلقب خدا بنده معروف شده است در میان تاریخ نویسان اختلاف است. برخی گفته اند که از کودکی این لقب را باو داده اند و برخی دیگر گفته اند که چون کور شد بیشتر بعبادت می پرداخت و این لقب از آنجا است. شاه محمد مردی بلند طبع و بخشنده و نیکو رفتار و دانشمند بوده و در شعر نیز دست داشته و فهمی تخلص می کرده است.

**۲۰۳ - نصیرالدین همایون پادشاه** پسر مهتر ظهیرالدین بابر مؤسس سلسله بایری یا تیموری هندوستان و دومین پادشاه این خاندان بود. در قلعه کابل در ۱۵ ذی القعدة ۹۱۳ بجهان آمد. مادرش ماهم بیگم نام داشت که از خانواده ای از دانشمندان ایران بود و با سلطان حسین بایقرا پادشاه معروف تیموری ایران خویشاوندی داشت. در کودکی و جوانی در راه کسب دانش کوشیده و مخصوصا بر ریاضیات دلبستگی فراوان داشت اما مردی سست رای بود و با فیون عادت کرده بود. در زمان پدر در تسخیر گجرات دلاوری خود را نشان داده بود، پس از آن نتوانست از عهده برادران خود بر آید و خویشتن داری کند. چون پدرش در گذشت در ۹ جمادی الاولی ۹۳۷ پادشاهی باو رسید و تادم محرم ۹۴۷ که از شیر شاه سوری شکست خورد درین مقام بود. پس گرفتار مخالفت برادرانش میرزا سلیمان و میرزا کامران شد و پس از آنکه کامران را شکست داد و کور کرد بینگاله رفت و چندی روزگار را آنجا بیطالت گذارند و چون باردیگر از شیر شاه سوری شکست خورد در ۹۴۸ بایران پناه آورد. مدتی از مهمان نوازی و مهر بانی شاه طهماسب صفوی برخوردار شد تا اینکه بیاری او به هندوستان برگشت و در ۴ رمضان ۹۶۲ باردیگر پادشاهی نشست و این کامیابی را مدیون شاه طهماسب بود. در ضمن بیرام خان خان خاتان سپهسالارش که مردی بسیار کاردان بود و شرح حالش گذشت در کار او بسیار مؤثر شد و در ۹۶۲ که سکندر سوری آخرین مدعی سلطنت خود را شکست داد بر تخت استوار شد. سرانجام در روز ۱۴ ربیع الاول ۹۶۳ در دهلی از بام کتابخانه خود افتاد و در گذشت. همایون از پادشاهان بسیار دانش دوست و ادب پرور هندوستان بود و پسرش جلال الدین اکبر را نیز از خردی باین دو خصالت خوری داده است. درباره ی یکی از جالب ترین در بارهای جهان برای پناه دادن بدانشمندان و سخنوران بوده است و خود بدو زبان ترکی و فارسی شعر

می گفت و خواهرش گل بدن بیگم کتابی بعنوان همایون نامه بفرمان وی در شرح زندگی او نوشته است .

۲۰۴- میرزا کامران پسر دوم ظهیرالدین بابر و برادر کبوتر همایون پادشاه بود . در حدود سال ۹۱۵ در کابل ولادت یافت . مادرش گلرخ بیگم نام داشت . از برادرش همایون با هوش تر و کارآمدتر اما بی رحم و بدخوی بود . پس از مرگ پدر مدعی سلطنت برادر شد و مدت ها با او در زد و خورد بود و در ۹۵۰ رسماً ادعای سلطنت کرد و سرانجام گرفتار شد و در ۹۶۰ او را کور کردند و ناچار دست از دعاوی خود برداشت . در ۹۶۱ بزیارت حج رفت و در ذی الحجه ۹۶۴ در عربستان در گذشت . درین سفر واقعه بسیار جالبی که برای او روی داده اینست که همسرش چپچک بیگم ارغون دختر شاه حسن پادشاه سند که در ۹۵۳ بعقد وی درآمده بود اصرار داشت بکشتی که او را به حج می برد بنشیند و با او برود . پدرش وی را ازین سفر منع کرد و وی گفت که پدر وی را در زمانی که کامران مرد توانایی بوده است بزنی اوداده و اینک که ناتوانست نمی تواند ازو دست بشوید و سرانجام با او همسفر شد و چندماه پس از مرگ شوهر در شهر مکه در گذشت . میرزا کامران در زندگی پدر حکمران قندهار بود و چون برادرش همایون بتخت نشست حکمرانی پنجاب را باور داد . هنگامی که همایون در ایران می زیست وی با برادرش میرزا عسکری بر افغانستان که در آن زمان جزو قلمرو بابریان بود استیلا داشتند و در بن زمان وی در ترویج ادبیات فارسی در افغانستان کوتاهی نکرده است . خود نیز شاعر زبردستی بود و اقسام مختلف شعر فارسی را نیکو می سرود و دبستگی بسیار بشعر فارسی داشت و محمود بن اسحاق شهابی را که از خوشنویسان زبردست خط نسخ تعلیق درهند بود گماشته بود کتابهای ادبی فارسی را بخط بسیارخوش برای وی بنویسد . مجموعه اشعار فارسی او شامل نزدیک ۱۵۰ بیت باقیست . پسرش میرزا ابوالقاسم نیز شاعر توانایی بوده است .

۲۰۵- سلطان سلیم آل عثمان که ترکان باو باور لقب داده بودند و در زبان ترکی بمعنی سخت گیر و سنگین دلست . پسر بایزید دوم و نهمین پادشاه این خاندان

بود. در ۸۷۲ یا ۸۷۵ ولادت یافت. در زمان پدرش حکمرانی طرابوزان را داشت و پدر او برادرش احمد را بجانشینی خود برگزیده بود و سلیم که در میان لشکریان بیشتر نفوذ داشت در آرزوی سلطنت بود. به همین جهت بنای نافرمانی نسبت به پدر را گذاشت و جنگ در میان ایشان در گرفت و پس از چندی پدرش از زود خورد با او چشم پوشید. چون باردیگر بنای سرکشی را گذاشت در جنگ با لشکریان پدر شکست خورد و بقریم گریخت و بمنکلی گرای خان حکمران آن شبه جزیره پناه برد که پدرزنش بود. درین میان سپاهیانی که هواخواه وی بودند پدرش را در ۸ صفر ۹۱۸ خلع کرده بودند و وی را بسلطنت برداشتند و پدرش يك ماه بعد در گذشت. سلطان سلیم در سال اول سلطنت برادران و برادرزادگان را که بیم از ایشان داشت کشت. سپس روابط دوستانه با جمهوری و نیز دولتهای مجارستان و روسیه برقرار کرد و در صدد بود که در آسیا پیشرفت کند و تواناترین رقیب او شاه اسمعیل صفوی بود که هنگام اختلاف وی با برادرش احمد پشیمانی از احمد کرده بود. اختلاف شیعه و سنی را بهانه کرد و بنای کشتار شیعیانی را که در خاک عثمانی بودند گذاشت و تاریخ نویسان ترك نوشته اند که چهل هزار تن از ایشان را کشت و مسموم کرد. سپس در تاریخ ۲۳ محرم ۹۲۰ از شهر ادرنه با عده ای از لشکریان خود براه افتاد و يك ماه بعد همه آنها را درینکی شهر جمع کرد و درین میان اعلان جنگی بشاه اسمعیل داده بود که معروفست و نامهای نوین آمیز چندم نوشته است، تا جایی که شاه اسمعیل ناچار شده بود گاهی آورندگان آن نامها را بکشد. از سوی دیگر عبیدالله خان از بك را که او هم سنی حنفی و دشمن صفویه بود تحریك کرده بود که از مشرق بخراسان بتازد. بدین گونه سلطان سلیم از راه قونیه و قیصریه و سیواس بسرخند ایران نزدیک می شد و بحریه عثمانی برای رساندن آذوقه خود را بطرابوزان رساند. در ارزجان لشکریان وی از دشواری این سفر و خستگی راه زمزمه نافرمانی آغاز کردند و سلیم ایشان را بحیله آرام کرد تا اینکه بدشت چالدران در میان ارومیه و تبریز رسیدند و در آنجا در روز دوم رجب ۹۲۰ جنگ در گرفت. لشکریان ایران بواسطه برتری توپخانه سپاه عثمانی شکست سختی خوردند و شاه اسمعیل از میدان جنگ

گریخت و حرم او که مادر و همسرش نیز در میان ایشان بودند اسیر شد. سلیم روز ۱۵ رجب وارد تبریز شد و روز ۲۳ پس از آنکه شهر را یکسره تاراج کرده و ثروت سرشاری از هر چه بردایی بود بدست آورده و حتی جمعی کثیر از هنرمندان و پیشه‌وران را بزور وادار به همراهی خود و عده بسیاری را اسیر کرده بود از آن شهر رفت که زمستان را در سرزمین قرا باغ در آن سوی رود ارس بگذراند ولی ینکی چریان که لشکریان وی بودند وی را ناگزیر کردند با ناتولی برگردد و از راه قارص و بیبرت با ماسیه رفت و زمستان را در آنجا ماند و چون ینکی چریان باز در اندیشه سرکشی بودند و از تنگی آزرده می‌نابیدند ایشان را باستانبول فرستاد. سپس در سال ۹۲۱ قسمت شرقی ناتولی و کردستان را تصرف کرد. درین میان اختلافی با سلطان مصر بهم زد و در صدد تهیه بحریه‌ای برای حمله بمصر برآمد و در ۹۲۲ جنگ در میان ایشان در گرفت. درین جنگ مصریان شکست خوردند و مصر بدست عثمانیان افتاد. پس ازین پیروزی که از بسیاری از کشورهای جهان فرستادگانی بتبریک بدرباروی رفتند برکات شریف مکه نیز پسر دوازده ساله خود محمد را بدرباروی فرستاد و تن بدست نشانده کی وی درداد و بدین گونه نواحی مکه و مدینه نیز در ۹۲۳ جزو قلمرو آل عثمان شد. پیشرفت‌های سلیم در آسیا و آفریقا دول اروپا را نیز از وی نگران کرده بود و پاپ لئون دهم دولتهای اتریش و انگلستان و فرانسه را تحریک کرد که در برابر ترکان عثمانی متحد شوند اما تا سلیم زنده بود دست بکاری نزدند. در ۹۲۶ سلیم از آدرنه باستانبول رفته بود و بحریه نیرومندی آماده کرده بود که جزیره رودس را تصرف کند اما ناگهانی در ۷ شوال آن سال در گذشت. درین هنگام در راه استانبول بآدرنه بود و چندی پیش زخمی در پیکر او پیدا شده بود که بآن شیرینجه می‌گفتند و نوعی از سرطان می‌دانستند و آن زخم در راه او را از پا در آورد. مرگ وی را نا هنگامی که جانشین وی سلطان سلیمان از استانبول برسد پنهان کردند و پیکرش را بر روی تپه‌ای در شمال غربی استانبول بخاک سپردند و پسرش سلیمان بر روی خاک او مسجدی بنام وی ساخت که در محرم ۹۲۹ ساختمان آن بیایان رسید. سلطان سلیم مرد کافی توانا و در ضمن چنانکه با و لقب داده اند سخت گیر

وسنگین دل و بی باک بوده است . درباره وی بسیار بحث کرده اند و ترکان عثمانی وی را از قهرمانان ملی خود شمرده اند . از نظر ادبی یکی از بزرگترین مردان خانواده آل عثمانست مخصوصاً زبان فارسی را خوب می دانسته و غزلیات فارسی او تا اندازه ای جالب توجه است و بزبان ترکی تنها يك بيت از او روایت کرده اند . در شعر فارسی سلیم و سلیمی تخلص می کرده و دیوان غزلیاتش شامل نزدیک دوهزار بیت دردست است .

۲۰۶ - سلطان سلیمان آل عثمان ، معروف بسلیمان اول یا سلیمان دوم زیرا که برخی از تاریخ نویسان سلیمان پسر یا یزید اول عم وی را که دعوی سلطنت داشته است پادشاهی پذیرفته اند و برخی دیگر پادشاهی او را رسمیت نداده اند ، بهمین جهت دهمین یا یازدهمین پادشاه این خاندان بشمار می رود . ترکان عثمانی وی را قانونی سلطان سلیمان لقب داده اند و از نظر کشورداری و رعیت پروری او را بزرگترین پادشاه آل عثمان می دانند . پسر سلطان سلیم سابق الذکر بود ، در سال ۹۰۰ ولادت یافت و مادرش عایشه سلطان دختر منکلی گرای خان پادشاه قریم بود که بزبایی شهرت داشت . در سلطنت پدر حکمرانی مغنیا را داشت که کار بسیار مهمی نبود و هشت روز پس از مرگ پدرش که در ۷ شوال ۹۲۶ در گذشته بود با سلطنت نشست . از يك سوی مرد بسیار آرام و دادگری بوده و از سوی دیگر شوری در کشور ستانی داشته ، با اندازه ای که سیزده جنگ بزرگ ، ده جنگ در اروپا و سه جنگ در آسیا کرده و در زمان وی قلمرو آل عثمان وسیع تر شده است . نخستین جنگ وی جنگ بلگراد است که بالشکریان مجارستان در ۹۲۷ کرد . در سال بعد جزیره رودس را گرفت . در ۹۳۲ باردیگر باروپا تاخت و لشکر یان مجارستان را شکست داد و لوی پادشاه معروف مجارستان درین جنگ کشته شد و ترکان شهر بود پای تاخت مجارستان را گرفتند . پس از آن باز در بوسنه و دالماسی و سلاونی جنگهای دیگر کرد که منتهی بمحاصره معروف شهر وین شد . در ۹۳۸ بالشکریان اسپانیا و آفریش جنگ کرد . جنگ ششم وی جنگ او با ایران است زیرا که ترکان عثمانی مدعی فرمانروایی بر بتلیس و بغداد بودند . سلیمان وزیر اعظم خود ابراهیم پاشا را مامور جنگ با ایران کرد . وی در محرم ۹۴۱ وارد تبریز شد و سلطان خود دو ماه بعد باین شهر آمد . لشکر یان



عثمانی از تبریز از راه همدان رهسپار بغداد شدند و شاه طهماسب نتوانست در برابر ایشان ایستادگی کند و چون لشکریان ایران از عهده دفاع آن شهر بر نیامدند ابراهیم پاشا شهر را گرفت و چند روز پس از آن سلیمان با جاه و جلال در تاربخ ۲۳ جمادی الاولی ۹۴۱ وارد شهر شد. چهار ماه در آنجا ماند و دستور داد ساختمانهای بر سر خاک ابوحنیفه بکنند و سفرهای زیارتگاه های نجف و کوفه و کربلا کرد. چون از سوی دیگر لشکریان ایران برخی نواحی را که ترکان تصرف کرده بودند پس گرفته بودند سلیمان از راه اربل و مراغه خود را به تبریز رساند. شاه طهماسب هم چنان می کوشید با وی روبرو نشود و به همین جهت عثمانیان آذربایجان و عراق را تصرف کردند و تنها هنگامی که قسمتی از لشکریان عثمانی بر می گشتند در وان جنگی در گرفت و پس از آن دیگر زو خوردی روی نداد. در ۹۴۳ بر سر جزیره کورفو جنگ با دولت ونیز در گرفت. سال دیگر ترکان سرزمین مولداوی را تصرف کردند. در ۹۴۸ و ۹۵۰ سلیمان دو جنگ دیگر با دولت مجارستان کرد. پس از آن در ۹۵۵ جنگ دوم با ایران در گرفت و محرك این جنگ القاصر میرزا برادر شاه طهماسب بود که بخاک عثمانی گریخته بود. سلیمان از ارزروم وارد تبریز شد و شاه طهماسب با او برابری نکرد. اما چون لشکریان ایران بر حداث عثمانی تاخته بودند ترکان ناچار شدند تا دیار بکر عقب نشینی کنند. سلیمان زمستان را در حلب ماند و سال بعد را در آراش گذراند ولی احمد پاشا وزیر اعظم او برخی از نواحی کرjestان را گرفت. پس از آن باز سلیمان يك سلسله جنگهایی در ترانسیلوانی با دولت مجارستان و دولت اتریش کرد. در جنگ سوم ایران که در ۹۶۰ روی داد سلیمان خود وارد شد و رستم پاشا سر عسکر خود را امامور این کار کرد. در این میان رستم پاشا باو خبر داد که یکی چربان بتحر يك پسرش مصطفی حکمران اماسیه اندیشه سرکشی دارند و ناچار در ۱۸ رمضان ۹۶۰ با پسرش سلیم رهسپار شد و در راه مصطفی را کشت. در ۹۶۱ جنگ با ایران بمنتهای شدت رسید. ترکان نخست شهرهای نخجوان و ایروان و قراباغ را در آن سوی رود ارس ویران کردند. در ماه ذی القعدة ۹۶۱ نمایندگان دو کشور در ارزروم برای صلح گرد آمدند اما عهدنامه صلح تنها در دهم رجب ۹۶۲ در شهر اماسیه امضا شد و این نخستین عهدنامه صلح بود که در

میان ایران و عثمانی با مضار سید . جنگ سیزدهم و آخرین جنگ سلیمان با اتریش در ۹۷۴ روی داد اما سلیمان در میدان جنگ در شب ۲۱ صفر ۹۷۴ در گذشت و برای اینکه لشکریانش نافرمانی نکنند مرك وی را تا سه هفته پنهان کردند تا پسرش سلطان سلیم برسد و رشته کار هارا بدست بگیرد و سپس پیکرش را با ستانبول بردند و در مسجد سلیمانیه بخاک سپردند . سلیمان مرد بسیار پر کار و کار آمدی بوده است و یکی از توانا ترین پادشاهان حاندان خود بشمار می رود و حتی برخی او را بزرگترین مرد این خانواده می دانند . با آنکه مرد جنگ جویی بود و درین زمینه افراط می کرده است هشت نسخه قرآن بخط او یافته اند که بر سر خاکش گذاشته اند و در اشعار خود گرازانعصب دینی نشان داده است . بشکار نیز بسیار مایل بوده و بجاه و جلال درباری بسیار اهمیت می داده است و جشن های بسیار مجالل برای ختنه سوران پسران خود و زناشویی خواهران خویش برپا می کرده است از آن جمله جشن معروفیست که بمناسبت نکاح خرم سلطان معشوقه خود گرفته است که در جوانی در جمادی الاخره ۹۶۵ در گذشت و نفوز بسیار حتی در کار های دیوانی داشت . سلیمان قوانینی را که برای اداره کردن کشور نیاکان وی وضع کرده بودند تکمیل کرد و مجموعه ای بعنوان قانون نامه فراهم آورد و بهمین جهت وی را بیشتر پس از مرگش قانونی لقب دادند . این قوانین بیشتر شامل مقررات نظامی و امتیازات فرماندهان سپاه و مالکیت و مقررات شهربانی و کیفرهای خلاف کاریها و نظایر آنها بود و مقررات وی تا اندازه ای مساعد بحال اتباع غیر مسلمان خاك عثمانی بوده است ولی پیداست که شهرت فوق العاده وی در میان ترکان بیشتر بواسطه کامیابی های او در میدانهای جنگ و کشورستانی های اوست که همه گونه امتیاز حتی قانون گذاری را برای او فراهم کرده است . در جهان ادب وجود او بی اثر نبوده و نه تنها خود شعر می گفته و محبتی تخلص می کرده و شعر فارسی او نیز تا اندازه ای جالبست بلکه از تشویق ادیبان نیز خودداری نکرده است و بهمین جهت بنام وی کتابهای بسیار نوشته اند و قصاید بسیار سروده و حتی چندین شاهنامه شامل فتوحات او باقی گذاشته اند . در ضمن در ساختمان بناهای مهم نیز بیش از دیگران همت گذاشته است .

۲۰۷ - شاه اسمعیل اول - نخستین پادشاه و مؤسس سلسله صفویه پسر شیخ حیدر بن

شیخ جنید بن شیخ ابراهیم معروف بشیخ شاه بن خواجه علی بن صدر الدین موسی بن صفی الدین اسحق اردبیلی پیشوای معروف صوفیه متولد در ۶۵۰ و متوفی در روز دوشنبه ۱۲ محرم ۷۳۵ که بنا بر اسناد رسمی این خانواده نسبش بیست پشت یا بیست و پنج پشت با امام موسی کاظم میرسیده است . مادرش حلیمه خاتون دختر اوزن حسن پادشاه معروف آق قویونلو در گذشته در ۸۸۳ بوده و وی در ۲۵ رجب ۸۹۲ به جهان آمد . دو برادر مهتر بنام علی و ابراهیم داشت که پس از مرگ پدرش شیخ حیدر در ۸۹۸ پی در پی جانشین پدر در مسند ارشاد طریقه صفوی شدند و چون ایشان در گذشتند مسند ارشاد بوی رسید . در کودکی چندی با دو برادر مهتر خود بدستور سلطان یعقوب پسر اوزن حسن که نمی خواست خواهر زادگان خود را بکشد در استخر فارس یادر جزیرهای در دریاچه وان زندانی بود و پس از مرگ سلطان یعقوب آزاد شد و باردیل بخانه نیاکان خود رفت . چون دشمنان خاندانش در پی کشتن او بودند مریدان خاندانش او را پنهانی برشت و از آنجا به لاهیجان بردند و کار کیا میرزا علی (۸۸۳ - ۹۱۰) پادشاه سلسله حسینی کیا بیان کیلان که با این خانواده بستگی داشت وی را چند سال در دربار خود پناه داده چون شیخ صفی الدین در طریقه تصوف جانشین شیخ ابراهیم زاهد کیلانی شده بود پیروان طریقه شیخ زاهد نیز از مریدان این خانواده بودند و پشتیبانی از ایشان کردند . پس از مرگ اوزن حسن ترکان ساکن آذربایجان و موقان واران که بهفت طایفه استاجلو و شاملو و تکللو و بهارلو و ذوالقدر و قاجار و افشار تقسیم می شدند و مریدان این خانواده بودند از ایشان پشتیبانی کردند و شاه اسمعیل که از کیلان با آذربایجان رفت هفت هزار تن از ایشان را با خود یار کرد و سپاهی فراهم ساخت که چون دستار سرخ بر سر می گذاشتند بنام « قزل باش » خوانده میشدند و چون هنگام اقامت در کیلان در دستگاه خاندان کار کیا که شیعه بودند بمذهب شیعه گرویده بود این مذهب را در میان ایشان انتشار داد . بدین وسیله در ۹۰۸ شروان و آذربایجان و عراق عجم را گرفت

و خود را شاه خواند و سلسله صفوی را بدین گونه تشکیل داد. سپس نواحی دیگر شمال شرقی ایران را هم بر قلمرو خود افزود و در ۹۱۴ در مشرق تا هرات و در مغرب تا دیار بکر و بغداد را فرمان گزار خود کرده و مذهب شیعه را در همه این نواحی انتشار داده بود. بهمین جهت پادشاهان ماوراءالنهر که حنفی بودند و سلاطین آل عثمان که دست نشاندگان شان نیز بیشتر پیرو طریقه حنفی بودند سخت هراسان شدند. نخست جنگی در میان ابوالفتح محمد شیبانی بن شاه بوداق معروف بشیبانی خان (۹۰۵-۹۱۶) دومین پادشاه سلسله شیبانی از ازبکان ماوراءالنهر در ۹۱۶ در گرفت و شیبانی خان در آن جنگ کشته شد و شاه اسمعیل بر سراسر خراسان استیلا یافت و قندهار ناحیه خوارزم برای ازبکان باقی ماند که در شهر خیوه فرمانروایی داشتند. پس از آن شاه اسمعیل متوجه مغرب شد زیرا که پادشاهان آل عثمان بنای تجاوز را بآذربایجان گذاشته بودند و چنانکه پیش ازین درباره سلطان سلیم گفته شد (ص ۴۷۲) در روز دوم رجب ۹۲۰ جنگی بالشکریان سلطان سلیم در دشت چالدران در میان ارومیه و تبریز در گرفت و سوار نظام ایران از پیاده نظام عثمانی که توپخانه مجهزی داشت شکست سخت خورد. تاج تخت و خانواده شاه اسمعیل که در میدان جنگ با او بود بدست لشکریان عثمانی افتاد و خود بامعدودی از سپاهیان خویش گریخت. سپاهیان ترك شهر تبریز پای تخت وی را گرفتند و بین النهرین و مغرب ارمنستان که تابع ایران بود تا موصل بدست ترکان افتاد. با این همه شاه اسمعیل گرجستان را گرفت. و از آنجا رابطه ای با برخی از پادشاهان اروپا برقرار کرد تا بیاری ایشان از ترکان عثمانی انتقام بگیرد. در نتیجه گفتگوهای در سال ۹۲۳ پاپ لئون دهم (۱۵۱۳ - ۱۵۲۱ = ۹۱۹ - ۹۲۷) و یا مکسیمیلیان Maximilien اول امپراتور آلمان و اتریش (۱۴۹۳ - ۱۵۱۹ = ۸۹۹ - ۹۲۵) بر آن شدند که با شاه اسمعیل باری کنند و بر قلمرو عثمانی بتازند و کینه دیرینه را از ترکان عثمانی بستانند. سپس شارل پنجم معروف بشارل کن Charles - Quint پادشاه اسپانیا و امپراتور آلمان و اتریش (۱۵۱۶ - ۱۵۵۸ = ۹۲۲ - ۹۶۶) همین اندیشه

را داشت اما چون در آن زمان راه در میان اروپا و ایران بسیار دراز و دشوار بود این کار بسر انجام نرسید و نامه‌ای که شاه اسمعیل بشارل کن درین زمینه نوشته بود نشش سال در راه مانده بود. شاه اسمعیل بجز جنگ‌هایی که در شرق و غرب ایران با همسایگان خود کرده است جنگ‌های متعدد در نواحی مختلف ایران با مخالفان خود در باکو و شرور و یزد و ابرقوه و سمنان و خوار و فیروزکوه و عراق عرب و دیار بکرو کاشان و خراسان و قندهار و بلخ و شیراز و کازرون و استرآباد و همدان و بغداد و خالاط (یا اخلاط) و بتلیس و ارجیش و هویزه و دزفول و شوشتر و لرستان و قصر زرفارس و شروان کرده است و تقریباً همه دوران سلطنت خود را در میدان‌های جنگ گذرانده است. سرانجام در روز دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ هنگامی که در اردبیل بود در ۳۸ سالگی پس از ۲۴ سال پادشاهی در گذشت و پیکرش را در بقعه جدش شیخ صفی‌الدین بخاک سپردند. از وی چهار پسر ماند: شاه طهماسب که جانشین او شد، القاص میرزا، سام میرزا، بهرام میرزا و پنج دختر: خانیش خانم، پری خان خانم، مهین بانو سلطانم، فرنگیس خانم و زینب خانم. شاه اسمعیل قطعاً از پهلوانان بزرگی تاریخ ایران بشمارست و ملوک الطوائفی را که پیش از او در هر گوشه از ایران بحکمرانی پرداخته بودند و گروه بسیار سرکشان آن روز کار را برانداخت و شاهنشاهی بزرگی در ایران تشکیل داد که پس از شاهنشاهی ساسانیان بزرگترین دولت ایران بوده است و بهمین جهت جانشینان وی تا ۲۴۹ سال پس از آغاز پادشاهی او توانستند در ایران فرمان‌روایی کنند. وی در زبان ترکی غربی معروف بشرکی آذربایجانی شاعر توانایی بوده و در شعر ترکی «خطایی» «تخلص می کرده و یکی از نخستین کسانیست که باین زبان شعر گفته‌اند و دیوان اشعار وی یکی از مهم‌ترین آثار ادبی این زبانست. گاهی هم بزبان فارسی شعر گفته و چند بیت از او باقیست.

۲۰۸ - نائک - معروف بیابانانک یا گورونانک، که گورو بمعنی پیشواست،

مؤسس مذهب سیخها در هند و سیخ بمعنی آموزنده و پیروست. در ۸۷۴ از طایفه ختری در شهر تلودی شهر کوچکی نزدیک لاهور ولادت یافت که اینک بمناسبت نام وی نانکانه

خوانده میشود. از آغاز جوانی افکار مخصوص بخود داشت و مجذوب بنظر می آمد و چندان دانا نبود. از هر گونه کادی بزار بود و پدرش بدشواری توانست وی را وادار کند بساططان پور که اینك درس زمین کیور تاله است برود و در دستگاه نواب دولت خان لودی حکمران آن ناحیه بکاری مشغول شود. نواب وی را بپیشکاری خانه خود گماشت و چند سال این کار را بخوبی انجام داد و مخدومش را خرسند کرد. هنگامی که بیکار بود بچنگل می رفت و در آنجا بمراقبت می پرداخت. پیروان وی معتقدند که دریکی ازین مراقبه ها کشف وشهودی باو دست داد و با خدا روبرو شد و مامور شد رسالت خود را بجهانیان اعلام کند و بگوید «تنها يك خداست که نام او راستست و آفرید کارست و از قوس و کینه بیگانه است. جاودانیست و تزاده است و هستی او ازوست و بزرگ و پر از مهرست». از آن پس از خدمت نواب کناره گرفت و در سی سالگی با ابلاغ رسالت خود پرداخت. سفرهای چند کرد و بهمه جای هند رفت و مخصوصاً بعبادتگاه های هندوان و مسلمانان می رفت. همه جا بابیشوایان هندو و مسلمان گفتگو کرد و گفت که افکار و آیین و مراسم ایشان باطلست و مردم را بایشان و از خود گذشتگی دعوت می کرد و درست رفتاری و راست گویی را ترویج می کرد. پیروانش گفته اند که در ایران نیز سفر کرد و بمکه و بغداد هم رفته است و در ایران و افغانستان عبادتگاه هایی مخصوصاً در بوشهر و کابل فراهم ساخته است. برخی از تاریخ نویسان مسلمان هند گفته اند که شرایع اسلام را از سید حسن نامی فرا گرفته است ولی درین نکته تردیدست و در هر صورت زبان فارسی می دانسته است. در ده سال پایان زندگی خود در روستایی بنام کرتاپور که یکی از پیروان بسیار متهول او برای وی در کنار رودراوی آباد کرده بود می زیست و مذهب خود را در میان بسیاری از مردم که بدیدار وی می رفتند تبلیغ می کرد. سرانجام در سال ۹۴۶ در همان روستا در گذشت. پیروان بسیار و دوپسر گذاشت که یکی از ایشان بنام «سری چند» طریقه اوداسی را که یکی از طریقه های این مذهبست تأسیس کرده است. نانك اندکی پیش از مرگ خود «انگد» نام را که از اصحاب نزدیک وی بود بجهانشینی برگزید. پیروان او اینك بهفت طریقه

منقسمند و جایگاه اصلی ایشان سرزمین پنجاب و مراکز عمده ایشان شهرهای امرسر ولودیانه و قیزوز پورست و در نواحی دیگر مانند پشیاله و ناهبه و جنید و فرید کوت و بزم هستند. رویهمرفته نزدیک چهارمیلیون می‌شوند. در کتابهای مذهبی ایشان بعضی از فصول و حکایات بزبان فارسی نوشته شده که بخط گورموخی از خطوط هندی می‌نویسند و بهمین جهت توجهی نسبت بزبان فارسی دارند. نانك خود بزبان فارسی شعر می‌گفته و دیوان اشعار وی که بیشتر آنها مثنویانست نزدیک هزار بیت در بر دارد.

۲۰۹. ابوالغازی عبیدالله خان اوزبك یا ازبك، پسر محمود سلطان بن شاه بوداغ سلطان بن ابوالخیر خان بن دولت شیخ اغلق بن ابراهیم بن پولاد بن منگوتیمور بن بداکول بن جوجی بغا بن بهادر بن شیبان بن جوجی بن چنگیز و پنجمین پادشاه سلسله شیبایی ماوراءالنهر بود. نسبش بسیزده پشت پیچنگیز می‌رسید. این سلسله را جددومش ابولخیر در ۸۳۲ در سمرقند تأسیس کرد و در نواحی بخارا و سمرقند و بانج حکمرانی کردند و سرانجام در ۱۰۰۹ بدست خاندان جانبیان استراخان منقرض شدند. بیشتر از امیران این خاندان که از همان نژاد از بکان امروز بوده‌اند در طریقه حنفی تعصب شدید داشتند و با پادشاهان صفوی که شیعه بودند سخت دشمن بودند بهمین جهت بارها که نیرو یافته‌اند بر شمال شرقی ایران تاخته‌اند و با صفویه جنگهای سخت کرده‌اند. وی نخست در ۹۱۸ حکمران بخارا شد و در لشکر کشیهای خاندان خود با ایران شریك بود از آن جمله در ۹۳۰ و ۹۳۱ تا ۹۴۰ که پس از مرگ مظفرالدین ابوسعید کوچونجو بن ابوالخیر عم پندرش بیادشاهی با استقلال رسید چندین بار با شاه اسمعیل و شاه طهماسب جنگ کرد و از ۹۴۰ تا ۹۴۶ نیز در دشمنی با ایران پایدار بود و سرانجام در ۹۴۶ پس از بیماری سخت در بخارا در گذشت. عبیدالله خان در تاریخ ایران یادگارهای تلخ گذاشته و خونریزیهای وی هنگام تسلط بر نواحی ماوراءالنهر و خراسان معروفست. این که در زبان فارسی کلمه ازبك برای مردم بی رحم و شریر مثل شده از همان دوران تاخت و تازهای او در خراسانست. با این همه مرد خوش ذوقی بوده و زبان فارسی را که در آن زمان هنوز زبان اکثریت

مردم ماوراء النهر بوده خوب می دانسته و در انواع شعر دست داشته و شعر فارسی او تا اندازه ای خوبست .

۲۱۰- ابوالغازی عبدالله خان از بك ، معروف بعبدالله خان دوم یازدهمین پادشاه سلسله شیبانی پسر اسکندر خان بن جانی بك بن خواجه محمد بن ابوالخیر خان و معروف ترین و تواناترین پادشاه این سلسله . در ۹۴۰ در آفرین کنت در ناحیه میان کال که جزیره ای در میان دوشعبه از رود ذرافشانست ولادت یافت. پسرانش مردان متوسطی بودند و جدش جانی بك در ۹۱۸ هنگامی که این خانواده ماوراء النهر را در میان خود قسمت کردند حکمرانی کرهینه را یافت. عبدالله خان در ۹۵۸ وارد کاشغر شد زیرا که نوروز احمد خان حکمران تاشکند و عبداللطیف خان حکمران سمرقند بر قلمرو پدرش ناخفته بودند و پدرش از رود جیحون گذشته و از برابر ایشان گریخته بود . وی بجای پدر وارد جنگ شد و ایشان را شکست داد . در ۹۵۹ از طرف مغرب سرزمین بخارا و از طرف جنوب غربی بناحیه قرشی و شهر سبز تاخت و کاری از پیش برد. در ۹۶۳ حتی مجبور شد قلمرو پدران خود را ترك کند و شهر میمنه پناه ببرد. در ذیقعد همان سال دشمن توانای وی نوروز احمد خان سر کرده ازبکان که از ۹۵۹ تاشکند را تصرف کرده بود در گذشت . عبدالله خان فوراً کرهینه و شهر سبز را گرفت و در ماه رجب ۹۶۴ بخارا را متصرف شد و آن شهر را پایتخت خود کرد . در آنجا عم خود پیر محمد خان را خلع کرد و در شعبان ۹۶۸ واداشت پدرش اسکندر خان را که مرد توانایی بود بر کردگی ازبکان نصب کنند و خود کارها را بدست گرفت. در ۹۹۱ پسر از مرگ پدر رسماً بیادشاهی نشست . پیش از آن پس از زد و خوردهای بسیار با کسانی که در خانواده اش مخالف او بودند در ۹۸۱ بالغ او در ربیع الثانی ۹۸۶ سمرقند را و در ۹۹۰ تاشکند و ناحیه شمال رود سیحون را گرفته بود و در ۹۹۱ فرغانه را متصرف شد . در ضمن در نیمه اول سال ۹۹۰ بدشت الغ طاغ لشکر کشید. در ۹۹۶ مردم سرزمین تاشکند بر او شوریدند و وی ایشان را سرکوبی کرد . در جنوب شرقی سرزمین بدخشان را گرفت و بسوی مشرق تباخت و در خراسان و گیلان و سرنجام در ۱۰۰۲ و ۱۰۰۴ دوبار در خوارزم



ناخت و تاز کرد. سپس بتر کستان شرقی لشکر کشید و بجز قتل و غارت در نواحی کاشغر و یار کند نتیجه ای نگرفت. در سالهای آخر زندگی مشغول زد و خورد با پسر یگانه اش عبدالؤمن خان بود که در پایان سال ۹۹۰ از جانب پدر حکمرانی بلخ را یافته بود. پسرش می خواست هم چنانکه پدر در زمان پدر خود اسکندر صاحب اختیار بوده است وی نیز مختار باشد و عبدالله خان تن در نمی داد. سرانجام شفاعت علمای ماوراءالنهر سبب شد که پدر و پسر صلح کردند. در ضمن چادر نشیتان از يك اختلاف میان پدر و پسر را غنیمت شمرده و قیام کرده بودند و سرزمین تاشکند و سمرقند را گرفته و لشکریان عبدالله خان را شکست داده بودند. عاقبت در ۴ رجب ۱۰۰۶ عبدالله خان در ضمن لشکر کشی در شهر سمرقند در گذشت و پسرش عبدالؤمن را که بجای او نشسته بود شش ماه بعد در باریابش کشتند. پس از مرگ وی خوارزم و قسمتی از خراسان را که این خاندان گرفته بودند از دست دادند و در ۱۰۰۹ سلسله جانیان استراخان پیر محمد دوم پسر سلیمان که جانشین عبدالؤمن شده بود شکست دادند و قلمرو این سلسله را گرفتند و این خاندان منقرض شد. عبدالله بزرگترین پادشاه این سلسله بود؛ مردی کاردان و کشور دار بود و اصلاحات فراوان کرد از آن جمله پول را که تنزل کرده بود اصلاح کرد و سکه تازه زد و وضع اقتصاد را درست کرد و پلها و کاروانسراهای چند ساخت و کاریهایی کند و بهمین جهت هنوز در آن نواحی هر بنای مهمی را یا بوی و یا بامیر تیمور گور کن نسبت می دهند. کتاب مخصوصی بزبان فارسی درباره قسمتی از تاریخ سلطنت او تا سال ۹۹۶ تالیف حافظ تانیش از نویسندگان از يك فارسی زبان بنام شرفنامه شاهی نوشته شده که بیشتر بنام عبدالله نامه معروفست. خود نیز در زبان فارسی دست داشته و بترکی و فارسی شعر می گفته و «عوض غازی» تخلص می کرده و شعر فارسی او تا اندازه ای خوبست.

۲۱۱ - حافظ تانیش از يك، چنانکه گذشت از تاریخ نویسان فارسی زبان در

ماوراءالنهر بوده و مؤلف کتابیست بنام شرفنامه شاهی در تاریخ سلطنت عبدالله خان سابق الذکر تا وقایع سال ۹۹۶ که بیشتر بنام عبدالله نامه معروفست و بزبان فارسی روان

نوشته است

۲۱۲- برهان نظامشاه ، دومین پادشاه سلسله نظامشاهیان دکن که در احمد نگر در جنوب هندوستان پادشاهی کرده اند . وی پس از پدرش مؤسس این سلسله ملک احمد بحری پسر نظام الملک بحری که در ۸۹۶ این سلسله را تأسیس کرد در ۹۱۴ بتخت نشست و از همه پادشاهان هند بیشتر با ایران رابطه داشت به همین جهت در سال ۹۴۴ بر اهنمایی شاه طاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی چنانکه پیش ازین گذشت ( ص ۳۶۷ - ۳۶۸ ) بمذهب شیعه گروید و تاچندی مذهب رسمی در باروی بود . برخی از بزرگان دربارش با وی مخالفت کردند و در صدد برآمدند برادرش جاجی را بجای وی سلطنت بنشانند و از عهده برنیامدند . برادرش ناحیه برار گریخت و چون علاءالدین عمادشاه از سلسله عمادشاهیان در برار ناحیه پطری را که زادگاه نیاکان وی بوده هنگامی که هنوز برهن بودند در تصرف داشت وی میخواست باو واگذار کند باوی جنگی کرد و آن ناحیه را گرفت . سپس در صدد برآمد ناحیه شالپور را که در میان پادشاهان احمدنگر و پادشاه بیجاپور متنازع بود تصرف کند و برای اینکار با د سواشیواریه ، پادشاه هندوی ناحیه و بیجیانگر متحد شد و بدین گونه پادشاه هندو ناحیه رایچوردو آب را گرفت و وی هم قلعه شالپور را تصرف شد . سرانجام در ۹۶۱ در گذشت و پسرش حسین نظامشاه بجای او نشست . برهان نظامشاه توجه خاصی بزبان فارسی داشته و یکی از مهمترین عوامل انتشار این زبان در ناحیه دکن بوده است . خود نیز در شعر فارسی دست داشته و سپهری تخلص می کرده است .

۲۱۳- شاه جمشید خان اسحاقی ، چهارمین پادشاه سلسله اسحاقی گیلان پسر سلطان محمود خان بن مظفر . امیر دیباج مظفر سلطان این سلسله در ۹۲۳ تأسیس کرد و تا ۱۰۲۸ حکمرانی کردند . وی در روز پنجشنبه ۱۷ ربیع الاول ۹۷۵ جانشین پدر شد و درین سال پس از خلع کار کیا احمد پادشاه شاه طهماسب حکمرانی قلمرو وی را نیز باو داد و در ۹۹۱ کشته شد . برخی از تذکره نویسان درباره وی بخطا گرفته اند و او را جمشیدخان ترکستانی نامیده اند . وی نیز شاعر توانایی بوده و غزل را خوب می سروده

است . در رشت خلیل زرگر از شاعران معاصر وی منظومه‌ای درباره‌ی وی بنام جمشید نامه سروده است .

۲۱۴- غازی گرای خان دوم ، پانزدهمین پادشاه سلسله گرایان قرم ( کریمه )

پسر دولت گرای خان اول که بواسطه دلاوری و جنگ جویی او را « بورا » لقب داده بودند که در ترکی بمعنی توفائست . پس از دو برادر خود محمد گرای و اسلام گرای بیادشاهی رسید . پیش از پادشاهی از دست نشاندگان پادشاهان عثمانی بود و در جنگ با ایران شرکت کرد و اسیر شد و هفت سال در قلعه معروف فقهه زندانی بود تا آنکه آزاد شد و از آنجا باستانبول رفت و جلب توجه سلطان مراد سوم آل عثمان را کرد و باین وسیله در ۹۹۶ بیادشاهی رسید و بهمین عنوان در ۹۹۹ برای تصرف مسکولشکر کشید و درین جنگ از روسها شکست خورد و زخمی شد . سال بعد برادرش فتح گرای را که ولیعهد بود بار دیگر بجنگ روسها فرستاد و درین جنگ روسها عده کثیر از لشکریان را اسیر کردند . پس از آن در لشکر کشی پادشاهان عثمانی به مجارستان شرکت کرد . در ۱۰۰۵ مورد خشم سلطان محمد سوم آل عثمان قرار گرفت و او را خلع کردند و فتح گرای برادرش را حکمرانی دادند . وی بشهر سینوپ ( سینوپ یا سنوب ) در عثمانی رفت و از سلطان دیجویی کرد و فرمان حکومت قرم را ازو گرفت و چون بسوزمین خود بازگشت با آسانی بار دیگر بر تخت نشست و برادرش را کشت . درین زمان از ناتوانی سلطان محمد سوم برخوردار شد و بیش از پیش استقلال یافت و در اندیشه آن بود سلطنت خود را استقلال کامل بدهد و در خاندان خود موروث کند . درین میان در شوال ۱۰۱۶ در گذشته و پسرش تقتمش بجای او نشست اما پادشاهان عثمانی او را برسمیت نشناختند و فرمانروایی را برادر غازی گرای یعنی سلامت گرای دادند . غازی گرای یکی از معروفترین پادشاهان این سلسله است . چندی پایتخت خود را از شهر باغچه سرای بشهر « کوزلو » برد . در ضمن پادشاهی باذوق و هنرمند بود و در موسیقی دست داشت و چند ساز را خوب می‌زد . در زمانی که در ایران بود فارسی را خوب یاد گرفته بود و بزبان فارسی شعر می‌گفت و برخی اشعار خوب از مانده است .

۲۱۵ - محمدی خان کرد، دهمین فرمانروا از سلسله سوم اتابیکان لرستان یا بنو خورشید که بانابیکان لر کوچک معروف بوده‌اند و ایشان را هم کردوهم لر نوشته‌اند و از ۷۱۶ در لرستان فرمانروایی داشته و پایتختشان شهر خرم آباد بوده است و سرانجام بمقهور صفویه شده‌اند. تا سال ۸۱۰ تاریخ این خاندان تا اندازه‌ای روشنست و از آن پس دیگر اطلاع درستی نیست. محمدی خان یا محمد بیگ کرد یا لر پسر جهانگیر بن رستم بود و پس از برادر خود رستم بن جهانگیر بحکمرانی رسیده‌است. تاریخ آغاز و انجام حکمرانی او درست معلوم نیست و بیشتر دست نشاندۀ صفویه بوده است. پدرش جهانگیر را در سال ۹۴۹ فرمان شاه طهماسب کشتند و پس ازو نخست رستم و سپس محمدی بیگ بحکمرانی رسیدند و چون از پادشاهان صفوی هراسان بود پس از مرگ شاه اسمعیل دوم از ایران بخاک عثمانی رفت و بسلاطین مراد سوم آل عثمان پناه برد و گویا در خاک عثمانی ماند و با ایران بازنگشت و از آن پس دیگر آگاهی ازو در کتابها نمانده است. وی غزل را نیکو می‌سروده و برخی از اشعار او مانده است.

۲۱۶ - سلطان ابراهیم میرزا صفوی، پسر بهرام میرزا پسر شاه اسمعیل اول و برادر زاده شاه طهماسب و داماد او بود. شاه طهماسب حکمرانی خراسان را باو داده بوده و پس از مرگ وی که در سرسلطنت در میان شاهزادگان صفوی اختلاف در گرفت وی از کسانی بود که شاه اسمعیل دوم را یاری کرد و در قزوین ساکن بود و درین زمان ایشک آقاسی باشی دربار شاه طهماسب بود. شاه اسمعیل برای اینکه برادرش سلطان حسین میرزا حکمران قندهار بود و می‌نرسید اگر با او بدرفتاری بکند برادرش در خراسان زحمت فراهم کند ظاهراً با او خوشرفتاری می‌کرد و سمت مهرداری خود را باو داد. اما بزودی ازو برگشت و در آغاز سلطنت خود در ۹۸۴ که فرمان داد شش تن از شاهزادگان خاندان خود را که در قزوین بودند بکشند چر کهسان که مأمور این کار شده بودند بخانه وی ریختند و او را از کنار زش بیرون کشیدند و طناب انداختند. و بدین گونه از جهان رفت. سلطان ابراهیم میرزا یکی از هنرمندترین و دانائترین شاهزادگان این سلسله بود. گذشته از آنکه شعر را خوب می‌گفت و جاهی

تخلص می کرد خط نسخ تعلیق را بسیار خوب می نوشت و نقاش زبردستی بود و در موسیقی شاگرد مولانا قاسم قانونی موسیقی دان معروف آن زمان بود و چند ساز را خوب می زد و نیز در نجاری و ساز تراشی و خاتم بندی زبردست بود. دستگاه وی پناهگاه جمعی کثیر از ادیبان و هنرمندان بود و کتابخانه بسیار مجللی از آثار خوشنویسان و نقاشان معروف فراهم کرده و چینی خانه ای شامل بهترین ظرفهای چینی و نفایس فراوان داشت. زنی که از کشته شدن وی بسیار متأثر شده بود برای اینکه نفایس وی بدست شاه اسمعیل نیفتد کتابها و نقاشیهای او را در آب انداخت و چینی ها را شکست و نفایس دیگر او را آتش زد و خود در همان ماه که شوهرش را کشته بودند از شدت تأثر در گذشت.

۲۱۷ - **سلطان حسن میرزا صفوی**، فرزند ارشد سلطان محمد خدا بنده و برادر مهتر شاه عباس، مادرش دختر میر عبدالعظیم سیفی حسینی از امرای کیلان و خود داماد قاضی جهان بود. در ۹۶۶ ولادت یافت. عمش شاه طهماسب در کودکی او را از هرات خواست و چندی پیش خود در قزوین نگاه داشت و پس از چندی حکمرانی نصف مازندران را باو داد و میرک دیو را که از طایفه دیو سالاران مازندران بود بوکالت و پیشکاری او مأمور کرد. چون میرک از سلطان حسن میرزا و کار گزاران او فرمان برداری نمی کرد بی اطلاع شاه طهماسب او را کشت و طایفه دیو سالاران مازندران قیام کردند. شاه طهماسب خشمگین شد و باو گفتند که سلطان حسن این کار را بتحریرک میر عزیزخان یسر میر عبدالله خان خال خود کرده است. شاه فرستاد و همه کاغذهای او را بدر بار آوردند و چون برو مسلم شد میر عزیز را زندانی کرد و بقلعه اصطخر فرستاد. پس از مرگ شاه طهماسب چون سلطانم مادر شاه اسمعیل دوم که جدّه او بود این شاهزاده جوان را بسیار دوست می داشت با امید آنکه جدّه اش پشتیبان او خواهد شد بی دستور شاه اسمعیل از مازندران بیرون آمد که بدر بار برود. چون بتهران رسید شاه اسمعیل خبر شد و اجازه نداد بقزوین برود ولی چون پدرش سلطان محمد خدا بنده و یکی از برادرانش در شیراز در میان طایفه ذوالقدر و برادر دیگرش در هرات در میان طایفه استاجلو نفوذ بسیار می داشتند و می ترسید که اگر باو آسیبی برساند دوچار

دشواری شود نزد او فرستاد و پیغام داد که مادرم در قم هست و من عیال مشغول تهیه آتم که او را با احترام نزد خود بیاورم ، چون ازین کار فارغ شدم تراهم نزد خود خواهم آورد و چون وضع خوشی نداری اکنون در طهران بمان ، اما در آوردن مادر و احضار او بهانه می آورد ، تا اینکه درصدد برآمد طریقه اهل سنت را مذهب درباری خود بکند و بدخواهان باو گفتند قزلباشان شیعه که ازین کار رنجیده اند در صددند سلطان حسن را بیادشاهی برسانند . شاه اسمعیل هم مسیب خان شرف الدین اعلی تکلو را که خواهر زاده سلطانم مادرش و خاله زاده او و سلطان حسن بود مأمور کرد بطهران بیاید و او را بکشد . وی باین کار تن در نمی داد و دست بدست می کرد تا اینکه بشاه اسمعیل خبر رسید که سلطان حسن از طهران بیرون آمده و بتائی راه می پیماید و بکرج ساوجبلاغ رسیده است . کوسه علیقلی و امرای ترکمان را با چهل پنجاه تن از قورچیان خود فرستاد که هر بیست و دو تن ازیشان سرطاب را بدست بگیرند و او را بدین گونه خفه کنند . مسیب خان که در راه بود ازین کار خشنود شد و باز گشت . آن گروه بطهران رسیدند و درخانه ای را که سلطان حسن در آن بود قفل کردند که از آنجا نگریزد . سلطان حسن ترکش و کمان خود را برداشت و بر روی پام رفت و مصمم بود تا می تواند پایداری کند . کوسه علیقلی خدعه کر و او را فریب داد و گفت آمده ایم ترا ببریم و قرآنی بدست گرفت و بدروغ سوگند خورد . سلطان حسن اعتماد کرد و با ایشان رو برو شد و ایشان گردش را گرفتند و طناب بگردنش بستند و او را خفه کردند و بدین گونه وی در پایان سلطنت شاه اسمعیل دوم در همان سال ۹۸۴ که بسیاری از شاهزادگان صفوی بفرمان شاه اسمعیل کشته شدند ازین جهان رفت . این شاهزاده از جوانان دلیر و زیبا و کریم و بخشنده و بزرگوار خاندان خود بوده و شعر را نیکو می سروده است.

۲۱۸ - سلطان مصطفی میرزا صفوی ، پسر پنجم شاه طهماسب اول از مادر گرجی در ۹۶۴ ولادت یافت . از کودکی در میان امرای استاجلو بزرگ شده بود . در جوانی در جنگ باخان احمدخان پادشاه کیلان پدرش وی را با امیرخان ترکمان و فوج خلیفه مهرداد و نظر سلطان استاجلو لله وی بناحیه بیه پیش کیلان فرستاد و

سلطان زیاد اغلی حاکم کسگر و میرزا کامران کوهدمی و احمد سلطان بیه پسی وکیل جمشیدخان را از کیلان مأمور کرد که با ایشان همدست شوند و در کن السلطنه معصوم بیگ صفوی را هم از قزوین مأمور آن جنگ کرد. پس از آنکه نظر سلطان استاجلو لله او مرد پدرش حسین بیگ پسر حسن بیگ یوزباشی را که از ارکان دولتش بود پیشکاری او گذاشت. از میان برادرانش که نه تن بودند با برادر دوم سلطان حیدر میرزا دلپستگی کامل داشت. بهمین جهت پس از مرگ پدر که درباره جانشینی او اختلاف در گرفت وی طرفدار سلطنت سلطان حیدر بود و با سلطنت برادر اول شاه اسمعیل دوم مخالف بود. پس از کشته شدن سلطان حیدر وی از قزوین بجایگاه ایل بیات رفت. شاه اسمعیل بواسطه نفوذی که وی در میان طوایف استاجلو داشت نخست در کشتن وی تردید داشت و سرانجام دستور داد حاجی اویس سلطان بیات او را بگیرد و بقزوین ببرد و پیره محمدخان استاجلو بسیار دقت و قبض بگیرد و او چند روز در خانه پیره محمدخان در انتظار مرگ بود و عبادت می کرد و چون امرای استاجلو صلاح خود را در کشتن وی می دانستند شبی بنخوابگاه او رفتند و او را خفه کردند و بیکر او را با بیکر سلطان سلیمان میرزا برادر مهترش که پسر چهارم بود و در همان روز کشته بودند در بقعه امامزاده حسین در قزوین بخاک سپردند. بدین گونه وی در سال ۹۸۴ با شاهزادگان دیگر خانواده اش کشته شد. پیاداش این خدمت دختر پیره محمدخان را که نامزد شاه اسمعیل بود در همان روزها بعقد شاه در آوردند. پس از چندی دختر سلطان مصطفی میرزا بهمسری شاه عباس درآمد. این شاهزاده جوان هوشیار و زیبا و از شاهزادگان کارآمد و هنرمند خاندان صفوی بوده و غزل را خوب می گفته است.

۲۱۹- مسیب خان تکلو، پسر محمد خان شرف الدین اغلو تکلو که لله شاه محمد خدا بنده پیش از سلطنت و حکمران هرات بود. در ضمن خواهرزاده سلطانم دختر موسی سلطان موصلوی تر کمان زن شاه طهماسب و خاله زاده شاه اسمعیل دوم و شاه محمد خدا بنده بود و از بزرگان دربار شاه اسمعیل دوم و شاه محمد بشمار می رفت. پس از مرگ شاه طهماسب از موافقین سلطنت شاه اسمعیل بود و بهمین جهت شاه اسمعیل

حکمرانی ری را باو داد اما در کشتن شاه اسمعیل با امرای دربار وی همدست شد و چون شاه محمد به سلطنت رسید وی را در حکمرانی ری نگاه داشت و تا پایان سلطنت وی درین سمت بود و در ضمن سمت ریش سفیدی او یماق تکلو را باو دادند . درین میان در جنگهای آذربایجان با پادشاهان عثمانی و عادل گرای خان تاتار شرکت مؤثر کرد و در جنگ صاین قلعه با حمزه میرزا پسر شاه محمد خدا بنده اسیر شد و حمزه میرزا او را عفو کرد ولی با مخالفان وی در کشتن او همدست شد و تا ۹۹۲ حکمران ری بود . در ضمن مردی هنرمند و ادب پرور بود و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و در موسیقی دست داشت و تصنیف هایی ساخته بود که معروف بود . در شعر فارسی نیز دست داشته است .

۲۲۰- مرادخان فنگاری ، پسر تیمور خان یا نمرخان حکمران سیستان در زمان شاه طهماسب و الله بدیع الزمان میرزا ، از امرای استاجلو و از اعیان دربار شاه طهماسب بود که در پایان سلطنت وی را به جنگ ملک جهانگیر رستم داری پسر ملک سلطان محمد حکمران کجور و رستم دار فرستاد و وی قلعه کجور را چهار ماه محاصره کرد . درین میان شاه طهماسب مرد و او پس از کشته شدن سلطان حیدر میرزا از کجور بلاهیجان نزد پیره محمد خان استاجلو رفت و دست از محاصره قلعه کجور برداشت . چون شاه اسمعیل دوم به پادشاهی رسید می ترسید که وی با سلطنت او مخالفت کند و هواخواه پادشاهی برادرش امامقلی میرزا گردد . علی خان بیك تر کمان داروغه دفترخانه خود را نزد پیره محمد خان فرستاد و باو دستور داد که مرادخان را کور کند تا نتواند کاری از پیش ببرد . مرادخان از مردان نامی روزگار خود و سر کرده طبقة سلطان حیدریان در دربار صفویه بوده و شعر را نیکو می سروده و فنگاری تخلص می کرده است .

۲۲۱- محمد امین سلطان تر کمان ، از امرای تر کمان دربار صفویه و از خانواده مادری شاه اسمعیل دوم بود و مردی دلیر و بخشنده بشمار می رفت و تا زمان شاه عباس اول می زیست و شعر ترکی و فارسی را خوب می گفت .

۲۲۲- شاهویردی چمدان اوغلی متخلص بغیوری ، از امرای ترک دربار



صفویه در زمان شاه طهماسب و شاه عباس اول و مردی صوفی مشرب بود و غزل را نیکو می‌سرود .

۲۲۳- محمد پاشا، پسر اسکندر پاشا روملی بودند حکمران یمن از جانب پادشاهان آل عثمان که در ۹۳۰ بدین سمت برگزیده شده است . از مردان با ذوق و دانشمند زمان خود بود و ترکی و عربی و فارسی را بسیار خوب می‌دانست و بهر سه زبان شعر می‌گفت .

۲۲۴- محمد بیك مذاقی یا مذاقی، از کارگزاران دربار شاه محمد خدا بنده و نواده قراجه سلطان تکلو بود . در سال ۹۸۸ که خدا بنده در آذربایجان و قفقاز با ترکان عثمانی در جنگ بود مرشد قلی خان استاجلو که در خراسان بود برخی از سران را از خود رنجانیده بود از آن جمله شاه قلی سلطان قازنچه اوغلی استاجلو از آنجا رهسپار لشکرگاه شاه شده بود در راه در خاک ورامین این محمد بیك که سر کرده جماعت تکلو ملازمان مسیب خان شرف الدین اغلی سابق الذکر بود با سیصد سوار برو و کسان او تاخت و جنگ در میانشان در گرفت و محمد بیك شکست خورد و خدا بنده فرمان داد طایفه تکلورا که در ناحیه ری بودند سر کوبی کنند امام مسیب خان این کار را مصلحت ندید . چندی نیز حکومت کیلان را داشت و در آن ناحیه چهارصد پانصد تن از قزلباشان را بدست مردم کیلان بکشتن داد و جزین دیگر از احوال وی اطلاعی نیست . وی شعر فارسی را خوب می‌سروده و ظاهراً مذاقی تخلص می‌کرده است .

۲۲۵- مهدیقلی خان قادیور قایی معروف بقادیور قالی، از سرکردگان قزلباش در زمان شاه محمد خدا بنده و شاه عباس و در میان قزلباشان به « سولایغ » معروف بود و در زمان شاه عباس درجه امیری یافت و سفر بسیار کرده بود و شعر فارسی را خوب می‌گفت .

۲۲۶- پهلوان بیك قمری ، از مردم طایفه قمری و از سران سپاه صفویه در زمان شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده بود و در خراسان دلاوریهای بسیار کرد و بهمین جهت در زمان خدا بنده بدرجه امیری رسید و در موسیقی و شعر دست داشت .

۲۲۷- محمد بك امانی ، ازترکان بایبورت درشمال شرقی آسیای صغیر بود و مردی پرهیزکار بشمار می رفت . در دستگاه صفویه وارد خدمت شد و حکمرانی یزد یافت و بیشتر بترکی شعر می گفت و امانی تخلص می کرد .

۲۲۸- رستم بك ، معروف بکوسه رستم نیز از کازکزاران دستگاه محمد خدا بنده و شاه عباس بود و حکمرانی ناحیه هزارجریب را یافت و مردی دلیر و بخشنده بود و بیشتر بترکی شعر می گفت .

۲۲۹- جمالی بن حسن شوشتری ، از شاعران اوایل دوره صفویه تا زمان شاه اسمعیل دوم بوده ، از احوال او جزین اطلاعی نیست که در ۹۹۴ منظومه ای شامل تاریخ صفویه بنام فتوح العجم پایان رسانیده است .

۲۳۰- میرزا مخدوم شیرازی ، پسر میر عبدالباقی و نواده میر شمس الدین محمد پسر میرسید شریف شیرازی و دختر زاده قاضی جهان شیرازی وزیر . از سادات سیفی حسینی قزوین بود و نسبش بمیرسید شریف کرگانی دانشمند معروف می رسید . نامش میرزا محمد علی و بمیرزا مخدوم معروف بوده است . در جوانی وارد دربار شاه طهماسب شد و در ۹۸۴ وزیر او شد و چون از پیشوایان اهل سنت بود و شاه طهماسب در طریقه شیعه تعصب بسیار داشت کار مهمی باو رجوع نمی کرد . اما چون در قزوین همسایه پری خان خانم دختر شاه طهماسب بود باو نزدیک شد . پس از مرگ شاه طهماسب که بر سر جانشینی وی اختلاف در گرفت وی با پری خان خانم همدست و از خواهران سلطنت شاه اسمعیل دوم شد . بهمین جهت شاه اسمعیل يك نیمه از کار های صدارت خود را باو داد و چون در پادشاه نفوذ فوق العاده یافت وی را تحريك کرد که از طریقه شیعه برگردد و بتسلی بگردد . وی را وادار کرد درین راه بکوشد و شاه می خواست دختر خود را باو بدهد . نیز شاه اسمعیل را برانگیخت شاهزادگان صفوی را بکشد تا در پادشاهی و در خاندان خود رقیب نداشته باشد و شاهزادگان سران قزلباش را بمخالفت او برنیزنکیزند . در ضمن چندتن از سران قزلباش را هم بدین بهانه کشتند . پس ازین واقعه بزرگان کشور و سران لشکر نامه ای بشاه نوشتند که اگر بتاج و تخت

خود دلبستگی دارد باید میرزا مخدوم را بکشد و این نامه را در خوابگاه وی انداختند. شاه اسمعیل چون دید که در خوابگاه وی نیز رخنه کرده‌اند و از مخالفان خود در آنجا هم در امان نیست ناچار بهمان بهانه سنی بودن میرزا مخدوم را عزل کرد و بزرندان افکند و از آن پس دیگر از مذهب تسنن هواداری نکرد. وی همچنان در زندان بود که شاه اسمعیل را کشتند و او بدستیاری پری خان خانم که همچنان پشتیبان وی بود در قفسه‌ای که پس از کشته شدن شاه روی داده بودند پنهانی از زندان در سال ۹۸۵ گریخت و بخاک عثمانی پناه برد. نخست بیماری درویش پاشا حکمران دیاربکر و سعدالدین معلم سلطان مراد سوم قاضی القضاة دیاربکر شد و سپس قاضی طرابلس شام بود و سپس یاسه‌تانبول رفت و در ۹۸۹ قاضی بغداد شد و پس از آن قاضی مکه شد و سه سال در آنجا بود و در ضمن نقیب الاشراف بود. سپس قاضی عسکر آناتولی و بعد از آن قاضی عسکر روملی شد و بار دیگر بمکه رفت و همچنان در دستگاه پادشاهان آل عثمان بود تا در مکه در ۹۹۵ درگذشت. میرزا مخدوم از دانشمندان زبردست زمان خود بوده و در حدیث و تفسیر دست داشته و بسیار زبان آور و بذله گوی بوده و از واعظان زبردست زمان خود بشمار می‌رفته و سالها در قزوین در مسجد حیدریه نزدیک خانه خود وعظ می‌کرده و جمع کثیری در مجالس وعظ او گرد می‌آمدند. شعر فارسی و مخصوصاً غزل را خوب می‌گفته و شرف تخلص می‌کرده است و در ۹۸۷ کتاب التوافض فی رد علی الروافض را در رد بر شیعه نوشته است.

۲۳۱- میر راستی تبریزی، از کار گزاران نامی دربار شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده و محتسب ممالک بحر و سه بوده و از سادات محترم بشمار می‌رفته است. پسرش میرجعفر محتسب الممالک که جانشین او شده نیز از مردان محترم بوده است. این خانواده از سادات طبایعی حسینی بوده‌اند و با سادات عبدالوها بیه خویشاوندی داشته‌اند. پسرش تا پایان زندگی همان منصب را داشت و در آغاز سلطنت شاه عباس درگذشت. میر راستی از شاعران زبردست این دوره بوده و شعر را روان و فصیح می‌سروده است.

۲۳۲- خواجه حبیب الله ترک، از مردان نامی خاندان معروف ترک بود و بیشتر در اصفهان می‌زیست و چنانکه پیش ازین گذشت (ص ۴۵۱) در زمان شاه طهماسب

قاضی اصفهان بود ویس ازمرگه او قضاوت آن شهر پسرش افضل الدین محمد (مذکور درص ۴۴۸-۴۵۲) رسید و پسرانش خواجه افضل الدین محمد ترکه دوم و خواجه ضیاء الدین علی هر دو از شاعران زبردست و از مشاهیر این روزگار بوده اند. خواجه حبیب الله نیز شاعر توانایی بوده و بیشتر رباعی می گفته است.

۲۳۳- میرزا محمد منشی اردوبادی، از مردم اردوباد آذربایجان و مردی آراسته بود. نخست در دربار شاه طهماسب بود و شاه اسمعیل دوم چون پادشاهی رسید درباره او توجه بسیار داشت و سرانجام شاه عباس بسببی او را کشت. وی نیز از شاعران توانای این روزگار بوده است.

۲۳۴- مهر علی اکبر مشهدی، پسر میرهادی محتسب الممالک دربار صفویه و مردی دلیر و بخشنده بود، چنانکه سالی بیش از صد تن وظیفه خوار او بودند و از سرایندگان زبردست زمان خود بود و قصیده را خوب می گفت.

۲۳۵- قاضی عبدالله رازی، پسر قاضی محمد از معاریف ری و خود و پدرش قاضی این شهر بودند و نزد شاه محمد خدا بنده بسیار مقرب بود و اغلب با وی شوخی می کرد. در موسیقی دست داشت و تصنیف هایی استادانه ساخته بود و در شعر نیز استاد بود. ۲۳۶- میر محمد هاشم متخلص بهر دمی، از سادات مشهد بود و مدتها در آستان رضوی سمت منشی گری داشت و مدتی نیز در هرات در دستگاه علیقلی خان شاملو بوده و در ۹۹۷ با او کشته شد و شاعر خوش طبع شیرین سخن بشمار می رفت.

۲۳۷- مولانا کامی لاهیجانی، از دانشمندان و شاعران نامی کیلان در روزگار خود و مردی دانشمند بود و از منشیان دربار خان احمد خان بشمار می رفت و خوش طبع بود و غزل را نیکو می سرود.

۲۳۸- قاضی عطاء الله رازی، برادر قاضی محمد و عم قاضی عبدالله رازی سابق الذکر و وی نیز از قاضیان شهر ری بود و از خاندان محترمی بشمار می رفت و مانند برادر زاده اش نزد شاه محمد خدا بنده مقرب بود و مردی خوش طبع و نیکو سخن بود. ۲۳۹- ملا حسین یزدی متخلص به مؤمن، از معاریف شعرای قرن دهم و از

شاگردان میرزا جان شیرازی دانشمند معروف بود . پدرش در دفتر خانه شاه نعمت الله باقی کتابدار بود و وی از مشاهیر دانشمندان یزد بشمار میرفت و مردی صوفی مشرب بود و روزگار را بتدریس و تعلیم میگذراند و در سال ۱۰۱۰ در یزد در گذشت . وی شاعر توانایی بوده و رباعیات بسیار سروده است و بیشتر بمولانا مؤمن حسین معروف بود زیرا که مؤمن تخلص می کرد .

۴۴۰ - سیف الدین محمود اصفهانی متخلص برجایی ، از بزرگ زادگان اصفهان و در دفتر خانه شاه محمد خدا بنده کاتب رسمی بود و از شاعران توانای روزگار خود بشمار می رفت و بیشتر قصیده سرا بود .

۴۴۱ - مولانا محمد شرقی متخلص بنیازی ، پیشکار شاه نعمت الله یزدی معروف بباقی نواده شاه نعمت الله ولی و ساکن یزد بود و از غزل سرایان خوب این دوره بشمار میرفت .

۴۴۲ - احمد بیک مشرف ، از فرزندان خواجه سیف الملوك طهرانی معروف باقاسیف الملوك از اعیان دربار صفویه و از کار گزاران دستگاه شاه محمد خدا بنده و از نویسندگان آن دربار و مردی دانشمند بود و شاعر توانا بشمار میرفت .

۴۴۳ - طهماسب قلی بیک متخلص بهرشی ، ساکن شهر یزد و از کار گزاران دستگاه شاه خلیل الله پسر میر میران کاکلتاش نواده شاه نعمت الله ولی در یزد بود و مردی شاعر پیشه و خوش گذران بشمار میرفت و غزل را نیکو می سرود .

۴۴۴ - خان میرزا ، پسر معصوم بیک صفوی ، خود و پدرش از اعیان دربار صفویه در زمان شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده بودند و در هیئت و معما دست داشت و از شاعران پر کار زمان خود بشمار میرفت و غزل را خوب می گفت و چندی از جانب شاه طهماسب حکمرانی کاشان داشت .

۴۴۵ - قاسم بیک قسمی ، پسر عباس سلطان افشار از امرای دربار شاه طهماسب و از امیرزادگان کرمان بود و مرد کریم و بخشنده و دانش پرور بشمار میرفت و در ضمن عاشق پیشه بود و بدست خواجه زاده اش کشته شد و بارحشی بافتی شاعر معروف بسیار

معاشرت داشته و غزل برای زبردستی بوده است .

۴۴۶ - سلطان محمود خان ، پسر امیر خان کلابی از امرای ترکمان دربار صفویه و خود معاصر شاه طهماسب و شاه محمد خدا بنده و مردی بی باک و بی پروا بوده و غزل را خوب می گفته است .

۴۴۷ - علی خان میرزا ، برادر کهنتر مرادخان فکاری سابق الذکر از بزرگ زادگان دربار صفویه و مردی خوش گذران و قانع بوده و سفری هم بگیلان رفته است . بزبان فارسی و ترکی از هر گونه شعر می گفته و صادق تخلص می کرده است .

۴۴۸ - مراد بیگ ، پسر شاهقلی سلطان حکمران کرمان و از نجیب زادگان این دوره بود و در نتیجه پیشامدهای بدی که بروی رخ داده بود از خدمت دیوان کناره گرفته و بقاشق تراشی روزگار می گذراند . در محاصره سبزوار بدست حمزه میرزا خلفاوغلی نامی او را کشت . وی شعر را خوب می گفته و رباعیانی از و مانده است .

۴۴۹ - محمد مؤمن بیگ ، برادر محمد امین سلطان ترکمان و او نیز از بزرگ زادگان دربار صفویه بود و در ضمن مردی دلیر و بخشنده بشمار می آمد و بفارسی و ترکی اشعار فراوان داشته است .

۴۵۰ - یادگار بیگ ، پسر حسن سلطان و از بزرگ زادگان و مردی مذهب بود و از کار دست کشیده حج رفت و غزل را نیکو می سروده است .

۴۵۱ - میرزا نظام الملک ، پسر میرزا سلمان جابری اصفهانی سابق الذکر و مردی خوش نفس و بخشنده بود و او نیز غزل را خوب می گفته است .

۴۵۲ - میرزا ابراهیم ، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی و از بزرگ زادگان بوده و مردی خوش خوی بشمار می رفته و غزل را خوب می گفته است .

۴۵۳ - امیر نورالله شوشتری ، پسر برادر کهنتر امیر اسدالله صدر از اعیان دربار صفوی و شاعر زبردستی در غزل سرایی بوده است .

۴۵۴ - عباس بیگ ، پسر فرخزاد بیگ ترکمان و از بزرگ زادگان دربار صفویه بوده و شاعر توانایی بشمار میرفته و غزل را نیکو می سروده است .

۴۵۵ - محمد صالح بيك ، پسر مقصود بيك وزيري و مرد خوش اندامي بوده و غزل را خوب مي گفته است .

۴۵۶ - قاسم بيك هجري ، پسر اژدها سلطان افشار بوده و هجري تخلص مي کرده و تر كيپ بند مسدسي سروده كه معروف بوده است و نيز غزل را خوب مي سروده است .

۴۵۷ - محمد بيك خليفه الخلفايي ، پسر مهتر مير رفيع الدين محمد خليفه معروف بتخليفه سلطان بن مير شجاع الدين محمود اصفهائي از وزراي شاه عباس بود ، مردی افتاده و آرام بشمار ميرفت و در نقاشي استاد بود و خط نسخ تعليمق را بسيار خوب مي نوشت و طنبور و پنج تار را هم خوب مي زد . در ضمن مردی دلاور و بخشنده بود و شعر را خوب مي گفت و برخی رباعيات از و مانده است .

۴۵۸ - مير صنعتي نيشابوري ، از سادات نيشابور و مردی درویش مشرب و مرتاض بود و از دانشمندان مسلم بشمار ميرفت و گروهی از شاگردان او بوده اند . نوشته اند با آنكه نود سال داشت سه سال سربالين نگذاشت . در تبريز دلداده شاگرد عطاري شد و از خانه خود تا جايگاه او كه يك ميل راه بود در رفت و آمد بود . در علاقه بندي و گل دوزی استاد بود و كاغذهاي رنگ و افشان را بسيار خوب مي ساخت و نيز در شستن سرنج و سفيداب و لاجورد زبردست بود و غزل را بسيار خوب مي سرود .

۴۵۹ - مير محمد مؤمن استرآبادي ، خواهر زاده مير فضل الدين سماكي از دانشمندان مشهور آن زمان بود و خود نيز مردی دانا و معلم سلطان حيدر ميرزا بود و شاعر توانايی در غزل بشمار ميرفت .

۴۶۰ - مير سليم رازی ، پسر قاضي محمد رازی و برادر زاده قاضي عطاء الله وراميني رازی سابق الذکر بوده است . پدرش از قضاة معروف بشمار مي رفت . مردی نيكو فطرت و لاابالي بوده و در موسيقي و شعر دست داشته و شعر شناس زبردستی بوده است .

۴۶۱ - مير ابو تراب علوي ، در شهر همدان بطبابت مي پرداخت . در آغاز زندگي

بامولانا حیرتی هروی معاشر بود. روزی در کنار رود «بوله کناره» که شست و شوی می کرده حیرتی موقع را غنیمت شمرده و همه اشعاری را که وی در مدت عمر گفته بود در آب انداخته و هرچه اومی کوشد نمیتواند آن اوراق را از آب بگیرد. در هر حال از شاعران درجه دوم زمان خود بوده است.

۲۶۲- میر محمد کسکنی، از بزرگان سبزوار و مردی دلاور بوده و تاجحدود ۹۱۱ می زیسته است و اقسام شعر مخصوصاً غزل را خوب می گفته است.

۲۶۳- میر حیدر کرهرودی، پسر علاءالدین منصور از رجال نامی دربار صفویه بوده، خوش نویس و غزلسرای خوبی بوده است.

۲۶۴- میر حیدر کاشی، مردی کوتاه قد و خرد اندام بوده و در شاعری مخصوصاً در معما دست داشته است.

۲۶۵- میر قربی، مردی درویش مشرب بوده و مدتی در ابرقوه زیسته است و در آنجا دلدادۀ مقصود نامی شده است و غزل و معما را خوب می گفته است.

۲۶۶- میر منهی، از سادات زواره اردستان و در شعر شاگرد حاتم کاشانی بوده است و مردی بلندپرواز بشمار میرفته و غزل را خوب می سروده است.

۲۶۷- میر حزمی تبریزی، بعطاری روزگار میگذرانده و او نیز غزل می سروده است.

۲۶۸- میر بزمی همدانی، پسر میرزا ابوتراب علوی سابق الذکر و مرد خوشرویی بوده و غزل را خوب می گفته است.

۲۶۹- میر ابوتراب محروم رازی، برادر قاضی غازی اسیری رازی سابق الذکر بوده و در علوم ظاهری دست داشت و مردی لا ابالی بود. غزل را خوب می گفت.

۲۷۰- میر حزینی یزدی، بازرگان بود و مردی امین و باذوق بشمار می رفت و غزل را خوب می سرود.

۲۷۱- میرزا صادق اردوبادی، مردی دانایی بوده است. در زمان شاه طهماسب بمشهد رفت و چون سادات آن شهر را هجو کرد او را از آنجا بیرون کردند.



و سپس بهند رفت و در دکن ساکن شد. از اشعار وی برخی رباعیات مانده است.

**۴۷۳ - میر ابراهیم دردی**، از مردم «سرکان» در ناحیه تویسرکان از توابع همدان و مردی بسیار مذهب بوده. در جوانی برای کسب دانش بهمدان رفت و در فن شعر و نقاشی ماهر شد و سپس بکرمان رفت و در بقعه شاه نعمه الله ولی گوشه نشین شد و غزل سرای زبردستی بود.

**۴۷۴ - میر قربی لاهیجانی**، در اقسام خطوط ماهر بود و مخصوصاً در خط غبار دست داشت و از اقسام شعر معما و غزل را خوب می گفت.

**۴۷۵ - میر فریبی سمنانی**، از خاندان قاضی سمنان بود و مرد دانشمندی بشمار می رفت و در موسیقی دست داشت و غزل را نیکو می سرود.

**۴۷۶ - میرزا خلیل**، برادر میر ابراهیم قاضی زاده همدان بود که سرآمد دانشمندان زمان خود بشمار میرفت و وی از لشکریان و مردی دلیر بود. سرانجام آهنگ هندوستان کرد و در راه درگذشت و غزل را خوب می گفت.

**۴۷۷ - میر شاه مرتضی**، از مردم ارتیمان از توابع همدان و دانشمند بود و لایالی و رباعیاتی از او مانده است.

**۴۷۸ - میر معزالدین کاشانی**، مردی خوش روی و خوش طبع بود و نسخ تعلیق را خوب می نوشت و غزل را نیکو می سرود.

**۴۷۹ - میر امینی استرآبادی**، از ناحیه «استرآباد و ستاق» و مردی عارف پیشه و غزل سرا بوده است.

**۴۸۰ - میر یحیی خیاط**، از مردم قم و مردی نیک نفس و شاعری غزل سرا بوده است.

**۴۸۱ - میر جعفری**، در تبریز موزه دوزی می کرد و همت عالی داشت و غزل و رباعی می سرود.

**۴۸۲ - میر نجفی**، از سادات صحیح النسب یزد و مردی متواضع بود. سفرهایی چند به هندوستان کرده و باز بایران بازگشته است و غزل را خوب می گفته است.



۲۸۲- میر ابوالبقای ، از مردم تفرش و مردی مذهب بود و شوخ طبع و غزل

را خوب می سرود .

۲۸۳- میر قدسی ، نیز از مردم تفرش و غزل سرای زبردستی بوده

۲۸۴- میر صدرالدین محمد ، پسر میر شاه میر وزیر کرمان و مردی مذهب

و دلیر و بخشنده بود و غزل و رباعی می سروده است .

۲۸۵- محمود بیگ سالم ، از بزرگان طایفه ترکمان پسر ابوالفتح بیگ از

بزرگان تبریز و از بازماندگان مظفرالدین جهان شاه بن یوسف قراقویونلو بود . مرد

بسیار آرام و مذهب بود و از شاعران نامی زمان خود بشمار میرفت و در سرودن مثنوی

دست داشت و یوسف وزلیخا را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده است و نیز داستان لیلی

و مجنون را نظم کرده است و گذشته از آن مثنوی مهر و وفا بوزن مخزن الاسرار و دیگر

شاهنامه شاه طهماسب و دیوانش بیش از هشت هزار شعر دارد .

۲۸۶- حسن بن شکر اوغلی متخلص بمقیم ، از بزرگان زادگان تبریز ، از

سوی پدر نبیره علیشکر بیگ معروف از سران ایل بهارلو بود و از سوی مادر نسبش

به جهان شاه قراقویونلو می رسیده است . در شعر و خوشنویسی و موسیقی دستی داشته و در

زمان جلال الدین محمد اکبر به بندرفت و بفرمان عبدالرحیم خان خانان مامور گردید

شد و در همانجا در آغاز قرن یازدهم در گذشت . وی غزل رانیکو می سروده و دیوانش

شامل هزار بیت بوده است .

۲۸۷- مولا ناشانی تکلو ، از اوباق تکلو ساکن مشهد بوده و گاهی در ری

و گاهی در همدان زیسته است و از شاعران معروف دربار شاه عباس اول بشمار می رفته و

شیعه متعصبی بوده است ، چنانکه این بیت معروف را در حق امام اول سروده بود :

اگر ساغر کشد دشمن و گر دوست

بطاق ابروی مردانه اوست

و شاه عباس چنان این شعر را پسندید که دستور داد هم وزن اوسکه طلا یا بقول دیگر

سکه نقره باو دادند . در پایان زندگي بمشهد برگشت و در آنجا در سال ۱۰۲۳ در گذشت .

شانی از شاعران توانای روزگار خود بوده و در اقسام مختلف شعر از قصیده و غزل و قطعه دست داشته است .

۴۸۸ - امامقلی بیک قسونی ، از طایفه استاجلو و مردی محبوب و فروتن بوده و شعر خود را برای کسی نمی خوانده است و با این همه غزل را خوب می گفته است .

۴۸۹ - امیرخان بیک ، از خوشنویسان اسکندر خان بکیشلو از اعیان دربار صفویه بوده و خود مردی وارسته و صوفی مشرب بسوده و در ضمن دلاوری و سخاوت داشته است و سر انجام در یزد در گذشت و در همانجا وی را بخاک سپردند و در غزل سرایی استاد بوده است .

۴۹۰ - پیری بیک دوکر ، از تر کمانان بوده و مردی مذهب بشمار می رفته و در موسیقی دست داشته و ترانه های بسیار ساخته است و در شعر فارسی و ترکی استاد بوده است .

۴۹۱ - کلبی ذوالقدر ، از طایفه معروف ذوالقدر بوده و در پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم می زیسته و غزل را خوب می سروده است .

۴۹۲ - قاسم بیک رغمی ، برادرزن علیقلی خان بیکلربیکی معروف هرات بوده و او نیز در پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم می زیسته و غزل را خوب می گفته است .

۴۹۳ - مقصودعلی شکیبی ، ساکن تبریز بوده و پیشه زرکشی داشته است و در زمان خود بشاعری معروف بوده است . در زمان شاه طهماسب بقزوین رفته و در آنجا غزلی باستقبال غزل حسن دهلوی سروده و خواجه سعید کیلانی از درباریان دویست مقال زیبا و جایزه داده است . می نویسند چون تخلص خود را شکیبی گذاشت پدرش از آن ناراضی بود و می گفت من نام آدمی زادگان را باور داده ام و او نام « کر به » را اختیار کرده است و مقصود او این بوده است که در ترکی جغتایی کر به را « بیشیک » می گویند و بیشیکی را قرینه شکیبی آورده است . مردی خوش سلیقه و خوش طبع بود و در پایان زندگی بهر یزید گشت و در همان جا در سال ۹۷۱ وفات یافت و پیکرش را در گورستان

معروف سرخاب بخاك سپردند و اینکه برخی نوشته‌اند که در شیراز در گذشته است درست نیست .

**۲۹۴ - خوش طبع بالی ،** از طایفه نکلو و از لشکریان بوده و در استرآباد که با لشکریان بدرخان از سرداران معروف صفویه رفته بود در جنگ کشته شده و رباعی را خوب می گفته است .

**۲۹۵ - مشربی تکلو ،** از خانواده نجبای نکلو بوده و مردی لاابالی بشمار می رفته و دلیر و بخشنده بوده و گاهی در زمره لشکریان بوده است و در غزل دست داشته است .

**۲۹۶ - میر محمد ایواغلی ،** از مردم ایواغلی یا ایواغلی از توابع شهر خوی بوده و از قورچیان سلطان حمزه میرزا پسر شاه طهماسب و خوشنویس بوده است و اشعار فارسی و ترکی را خوب می گفته و در ضمن مرد دانایی بشمار می رفته و مذهب بوده است و در تذهیب نیز دست داشته و اشعار خود را با طلا و لاجورد تذهیب می کرده است .

**۲۹۷ - امیر بیک امیری ،** از طوایف افشار بوده و امیری تخلص می کرده و مردی بیک نفس بشمار می رفته و غزل را خوب می گفته است .

**۲۹۸ - دردی افشار ،** از طوایف افشار و در روزگار خود از شاعران معروف آذربایجان بشمار می رفته است و غزل می سروده است .

**۲۹۹ - پیرقلی بیک استاجلو ،** از خویشاوندان یوسف بیک استاجلو از اعیان دربار صفویه و در زمان شاه طهماسب لاه و مریدی سلطان حسین میرزا پسر بهرام میرزا سابق - الذکر حاکم قندهار و پسر شاه اسمعیل شد و مرد متهولی بود و شعر فارسی و ترکی را خوب می گفت و دیوان او در دست بوده است .

**۳۰۰ - تنهایی بیک ،** از مردم ارسبار آذربایجان که ظاهراً تنهایی تخلص می کرده است . مرد خوش روی شیرین زبانی بوده و ترکی و فارسی شعر می گفته است .

**۳۰۱ - میرزا قاسم جنابدی ،** از مردم جنابد یا جناباد همان کتاباد و کون آباد امروز خراسان بوده است . در شعر قاسمی تخلص می کرده و نام وی محمد

قاسم بن عبدالله بود و در جناب متولد شده ، از بازماندگان امیرسید جنابدی بوده و نسبش بشاه قاسم انوارمی رسیده است . پدراناش کلاتر جنابد بوده اند و وی ازین مقام دست کشیده و این منصب را برادر خود باز گذاشته است و مردی ظریف و بخشنده و صوفی مشرب بود و املاک خود را که دوهزار تومان در آن زمان ارزش داشته وقف آستان رضوی کرده و برادرش امیر ابوالفتح نیز مردی وارسته بوده است . خود نیز مردی دانشمند و از شاگردان غیاث الدین منصور دشتکی دانشمند معروف بوده است . شاه اسمعیل وی را محترم می داشت و نزد شاه طهماسب نیز مقرب بود و سرانجام در ۹۸۲ در گذشت . قاسمی از شاعران نامی و زبردست آن روزگار بوده و مخصوصاً در مثنوی قادر بوده است از آن جمله شهنشاه نامه در باره شاه طهماسب که شامل نه هزار بیتست در دو دفتر که اولی را در ۹۴۰ و دومی را در ۹۵۰ پایان رسانده است ، دیگر مثنوی لیلی و مجنون که آنرا نیز بنام شاه طهماسب در ۲۵۴۰ بیت در ۹۷۸ تمام کرده دیگر مثنوی کارنامه است که آنرا نیز بنام شاه طهماسب در ۹۴۷ نظم کرده و ۱۵۰۰ بیت دارد ، دیگر مثنوی خسرو و شیرین که بنام سام میرزا پسر شاه اسمعیل در ۳۰۰۰ بیت در ۹۵۰ پایان رسانیده است .

#### ۳۰۲ - ولی دشت بیاضی ، از نجیب زادگان دشت بیاض در خاک قاین و از

شاعران معروف عصر خود بود . چندی در قزوین در دربار شاه طهماسب بسود و سپس بخراسان بازگشت و بنیم سلطان اوزبك چون وی شیعه بود در صدد آزارش برآمد و سرانجام او را کشت . تاریخ کشته شدنش را ۹۹۹ نوشته اند . وی از شاعران بسیار زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل را خوب می گفته و دیوانش در دستست .

#### ۳۰۳ - مولانا نزاری تبریزی ، از شاعران معروف آذربایجان بود . در جوانی

بخراسان رفت و سپس بقزوین آمد و بیست سال در آن شهر در دربار صفویه بود و محترم می زیست . سپس با امیر تقی الدین محمد نبیره امیر جمال الدین محمد صدر بکاشان رفت . وی را با غازی احمد غفاری با آنجا برد و در کاشان در میان او و محتشم زنجشی روی داد و یکدیگر را هجو کردند . نزاری غزل سرای زبردستی بوده و بروش فغانی و امیرشاهی غزل می سروده و دیوان او در دست بوده است .

**۴۰۴ - شجاع کاشانی**، از مردم متوسط کاشان نیا نبوده و بهمین جهت بشجاع کور معروف بوده است و در ضمن آنکه مرد دانشمندی بوده لاابالی هم بوده است و غزل را نیکو می سروده است .

**۴۰۵ - ملا عزالدین علینقی بن شیخ ابوالعلاء هاشم طغایی کمره ای** فراهانی شیرازی اصفهانی ، معروف بشیخ علینقی کمره ای ، از بزرگان علمای زمان خود بود در ۹۵۳ ولادت یافت و در کاشان و در شیراز و اصفهان از بزرگان دانشمندان عصر خود از آن جمله از شیخ بهایی عاملی دانش آموخت و چندی قاضی شیراز بود و سپس شیخ الاسلام اصفهان شد و پادشاهان صفوی وی را بسیار محترم می داشتند . تاریخ در گذشت وی را در ۱۰۶۰ نوشته اند و اگر در ۹۵۳ ولادت یافته باشد صد و هفت سال عمر کرده است ولی چنان می نماید که یکی ازین دو تاریخ درست نیست . وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و قصیده و غزل را بسیار خوب می گفته و دیوان او اکنون در دستست . قسمت متقدمین خلاصه الاشعار و زبدة الافکار تألیف نفی الدین محمد ابن شرف الدین علی حسینی کاشانی متخلص بذکری را تلخیص کرده و حشو و زوائد آنرا انداخته و بدین گونه تذکره ای از شعرای متقدم فراهم کرده و ظاهراً در جمادی الاولی ۱۰۳۳ بپایان رسانیده است .

**۴۰۶ - مولانا طوفی تبریزی** ، از شاعران نامی روزگار خود بوده و نخست سراجی می کرده و سپس بزرگتری پرداخته و در پی کیمیا گری رفته و همه دارایی خود را بر سر این کار از دست داده است . در قصیده و غزل دست داشته و دیوانی ترتیب داده و نیز تذکره ای از شاعران نوشته و رساله ای در فن کیمیا گری هم داشته است و در غزل پیروی از ضمیری اصفهانی می کرده است .

**۴۰۷ - فصیحی تبریزی** ، از شاعران مشهور زمان شاه طهماسب بوده و در تبریز به کمه بندی روزگار می گذراند و میرزا شرف جهان سیفی درباره او توجه بسیار داشت و فصیحی از مصاحبان او بود و در پایان زندگی بتبریز برگشت و در ۹۵۶ در آن شهر در گذشت . دیوان قصاید و غزلیات او دوهزار بیت می شده است .

**۴۰۸ - قاضی احمد قفقاری سبزواری ، خواهرزاده امیر حسین کر بلائی و**

از دزباریان شاه طهماسب بوده و در ضمن مردی دانشمند بشمار می رفته و مدتی در قزوین می زیسته و غزل را خوب می سروده است .

**۴۰۹ - فکری اردو بادی ، از شاعران آذربایجان و مردی وارسته بوده و غزل**

را خوب می گفته است .

**۴۱۰ - ملکی بیک سرکانی ، از شعرای توی سرکان و مردی دانشمند و وارسته**

و برهیز کار و غزل سرای زبردستی بوده است .

**۴۱۱ - حیرانی همدانی ، از مردم شهر قم بوده و چندی در کاشان دل داده**

جوانی بوده و قاضی شهر او را از آنجا رانده است و چون در همدان می زیسته به همدانی معروف شده است . از شاعران زبردست بوده و گفته اند حافظه اش چندان بود که صد هزار بیت بیاد داشت و نخست از ندهای سلطان یعقوب در آذربایجان بوده و در ۹۰۳ در گذشته است . در اقسام مختلف شعر دست داشته و مثنوی بهرام و ناهیده و مناظره آسمان و زمین و مناظره سیخ و مرغ و مناظره شمع و پروانه های سروده است و قصیده های درهجو قاضی محمد کاشانی سروده که بسیار معروف بوده است .

**۴۱۲ - ضمیری همدانی ، پسر حیرانی سابق الذکر ، در همدان ولادت یافته**

و بیشتر در تبریز در دستگاه بهرام میرزا می زیسته و در قصیده ای که باقتضای امیدی رازی در مدح آن شاهزاده سروده بود در بیت نامناسب آورده بود و بهرام میرزا بر آشت و دستور داد او را تخته کلاه کردند و رویش را بسیاهی اندودند و در سراسر شهر تبریز گردانند . سرانجام بهمدان باز گشت و در آن شهر در گذشت و پیکرش را در آستانه امامزاده اسمعیل در آن شهر بخاک سپردند . وی قصیده و غزل می سروده و شعر او متوسط است .

**۴۱۳ - حافظ صابونی قزوینی ، از شاعران معروف پایان قرن نهم و اوایل قرن**

دهم بوده و در پیری بسیار پر نشاط بوده است . بیشتر بلهجه قزوینی شعر می گفته و قصیده ای در مدح خان احمد خان کیلانی بهفت لهجه ساخته بود که معروف شده بود و در اقسام شعر دست داشته و برخی از شعرای آن زمان از روش وی پیروی کرده اند .

**۴۱۴ - مولانا سایل نهاوندی** ، اصلاً از مردم آه از توابع دماوند بوده ولی در نهاوند می زیسته که در آن زمان از توابع همدان بوده و بهمین جهت بهمدانی نیز معروف شده است و در جوانی بهمدان رفته است و در پایان عمر بیماری دماغی مبتلا شده و در ۹۴۰ در گذشته است . مردی دانشمند و منشی و شاعر توانایی بوده و غزل را خوب می گفته است .

**۴۱۵ - غزالی چنگ مشهدی** ، وی بجز غزالی مشهدی شاعر معروف این دوره است که ذکرش گذشت و بیشتر در هندوستان می زیسته است . اصلاً از مردم هرات بوده و چندی در مشهد می زیسته و در جوانی عاشق پیشه بوده است و چون کارش بالا گرفت بعراق آمد و با مادر خود بخانه بزرگان دربار رفت و آمد می کرد و چون تخلص وی با تخلص غزالی مشهدی شاعر معروف یکسان بود قرار گذاشتند که اگر غزل خوب بسازد همان تخلص را نگاه دارد و وی غزالی شیوا گفت .

**۴۱۶ - زین الدین مسعود نیکی اصفهانی** ، پسر علی حلاج از شاعران نامی زمان خود و مردی درویش مشرب و کم سخن و مهذب بود و روزگار را بیازارگانی می گذراند و نزد شاه طهماسب محترم بود و مقرری برای او برقرار کرده بود . دیوان خود را بر کاغذ سلطانی بخط جلی نوشته بود و بدان میاهات می کرد . ترکیب بند مسدسی سروده بود که کودکان در مکتب از هر می کردند و غزل را خوب می گفت .

**۴۱۷ - قاضی عبدالله یقینی لاهیجانی** ، عم قاضی یحیی از شاعران این دوره که ذکرش پس ازین خواهد آمد و خواهرزاده شیخ احمد لاهیجی از دانشمندان این دوره و خود نیز مرد دانا و صوفی مشرب بوده و از پیروان طریقه نوربخشی بشمار می رفته و غزل و رباعی عارفانه را خوب می گفته است .

**۴۱۸ - مولانا یحیی گیلانی** ، یا قاضی یحیی لاهیجانی ، برادرزاده قاضی عبدالله یقینی سابق الذکر و مردی دانشمند بوده و از مشایخ نوربخشیه لاهیجان بشمار می رفته است . چندی در کاشان اقامت داشته و از آنجا بدهلی رفته و در بازگشت ازین سفر در کاشان در ۹۵۳ در گذشته و غزل سرایی استاد بوده است .



**۴۱۹ - عبدی جنابدی** ، از شاعران خراسان و مردم جنابد بوده و در مصاحبت ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا صفوی متخلص بجاهی می زیسته و در سرودن مثنوی زبردست بوده است .

**۴۲۰ - مولانا یمینی سمنانی** ، تخلص وی را گاهی بخطا « یمنی » نوشته اند، پیشه شمشیرگری داشته و در سمنان می زیسته است و مردی خوش طبع و خوش سلیقه بشمار می رفته و غزل را نیکو می سروده است .

**۴۲۱ - خواجه غیاث الدین نقشبند شیرازی**، معروف بغیاث شیرازی. وی را از بازماندگان سعدی دانسته اند و در فنون مختلف مانند نقشبندی و شعر بافی زبردست بوده و هنر او خواستار بسیار داشته و در چابکی و کمان گیری نیز استاد بوده و مورد مهربانی نیز بشمار می رفته و بسیار بخشنده بوده و نیز عابد و شب زنده دار بوده است و تا زمان شاه عباس اول می زیسته و گاهی هم ساکن یزد بوده است . طبع بسیار روانی داشته چنانکه گاهی صد بیت بدیعه پی در پی می گفته و کسی متوجه نمی شده که بدیعه سرایی می کند و در غزل سرایی ماهر بوده است .

**۴۲۲ - حسن نیک عجری تبریزی** ، از سرایندگان نامی زمان خود در تبریز و مردی بسیار بلند قد بوده و با صبوری و وقوعی شاعران زمان خود معاشرت داشته و مردی شیرین زبان بوده و غزل را بسبک فغانی خوب می سروده است .

**۴۲۳ - مولانا کمالی سبزواری** ، معروف بکمالی افصح ، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و در دربار شاه عباس جلوه ای داشته و عباس نامه منظوم را در شرح فتوحات وی سروده و در غزل نیز دست داشته و در ۱۰۲۰ در گذشته است .

**۴۲۴ - مولانا حدادی تبریزی** ، وی از شاعران این دوره است که نگری از وی در تذکره ها نیست ، تنها درباره یسرش وقوعی که نگرش پس ازین خواهد آمد باو اشاره کرده اند .

**۴۲۵ - مولانا محمد شریف وقوعی تبریزی** ، پسر حدادی سابق الذکر و از

شعرای معروف آذربایجان بوده و مردی مذهب و تیزهوش بشمار می‌رفته و سفرهای چند کرده از آن جمله بعثیات رفته است و در آنجا در ۱۰۱۸ در گذشته و همانجا مدفون شده است . وی از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می‌رفته است .

**۴۴۶ - غازی قلندر** ، ساکن سمنان بوده و غزل را نیکومی سروده و بیش از این از احوالش آگاهی نیست .

**۴۴۷ - مظهری کشمیری** ، از شاعران هند بوده و مدتی در کشمیر مقامات دیوانی داشته و سفری بایران کرده و شاه عباس او را محترم داشته و در بازگشت در دربار جلال‌الدین محمد اکبر نیز تقریبی یافته و سمت میربحری باو داده‌اند و سرانجام در ۱۰۱۷ یا ۱۰۲۶ در گذشته و از بهترین شاعران غزل سرای هند بوده است .

**۴۴۸ - مولانا نسبتی مشهدی** ، مردی خوش خوی و تنگ‌دست و بخشنده بود . از زادگاه خود بآذربایجان رفت و مدتی در اردبیل زیست و در همان جا در گذشت و مدفون شد و غزل را خوب می‌گفت .

**۴۴۹ - فریبی طهرانی** ، خواجه شاپور پسر خواجگی و برادرزاده میرزا محمد شریف هجری پدر اعتمادالدوله جهانگیری از اعیان هندوستان و از بازماندگان امیدیه رازی شاعر معروف بوده است . در شعر گاهی بنام خود شاپور و گاهی فریبی تخلص کرده است و مرد کم سخنی بوده و سرانجام در ۱۰۴۸ در گذشته و در قصیده و غزل استاد بوده و دیوان وی در دست است .

**۴۴۰ - خواجه محمد شریف هجری طهرانی** - برادر زاده امیدیه رازی شاعر معروف و پدر اعتمادالدوله جهانگیری از اعیان دربار جهانگیر در هند و جدنور جهان بیگم ملکه معروف هندوستان بوده است . مدتی وزارت خراسان و نزد اصفهان را داشته است و از اعیان دربار شاه طهماسب بوده است . پسرش میرزا غیاث بیگ اعتماد - الدوله پدر نور جهان بهندوستان رفته و وزیر نورالدین محمد جهانگیر شده و از آن پس بازماندگانش در هندوستان بوده‌اند . سلامی و کلامی دو برادر که هر دو مداح او بوده‌اند قصایدی در مدح او سروده‌اند و سرانجام در ۹۸۰ یا ۹۸۴ در گذشته است . غزل را خوب می‌

گفته و دیوانش شامل پنج هزار بیت است .

**۴۳۱- سلامی اصفهانی** ، برادر کلامی که پس ازین ذکرش خواهد آمد ، از شعرای زمان شاه طهماسب و قاضی اردوبازار بوده و بخوردن افیون عادت داشته و هنگامی که خواجده محمد شریف هجری سابق الذکر وزیر اصفهان بوده قصاید در مدح او سروده و غزل هم می ساخته است .

**۴۳۲- کلامی اصفهانی** ، برادر سلامی سابق الذکر و از شاعران همان دوره بوده و مانند برادرش هنگامی که میرزا محمد شریف هجری وزیر اصفهان بوده قصایدی در مدح او سروده و غزل هم می گفته است .

**۴۳۳- محمود بیك بن عبدالله فسونی تبریزی** ، نخست ساکن تبریز و از اعضای دفتری بوده و در علم سیاق مهارت کامل داشته و مردی مذهب بوده است . از سال ۹۹۸ درین فن و خوش نویسی و اختر شناسی و شاعری معروف شده و شوهر خواهر چلبی بیك علامه بوده است . در زمان جلال الدین محمد اکبر بهندوستان رفته و خان خافان وی را محترم شمرده و بیاری او جزو منجمین دربار شده و سپس بمقام مستوفی- الممالکی رسیده و سپس دیوان بیوتات شاهزاده پرویز را باو سپردند و در ۱۰۲۷ در الله آباد در گذشته است . وی رساله ای در علم حساب نوشته و نیز فرهنگی بزبان پارسی بنام مفتاح المعانی تألیف کرده است .

**۴۳۴- حکیم شرف الدین حسن بن حکیم ملای اصفهانی متخلص بشفایی** ، از دانشمندان بسیار معروف زمان خود بوده و معروف ترین پزشک دربار صفویه در اصفهان بشمار میرفته است . علم طب را از پدرش حکیم ملا و برادرش حکیم نصیر فرا گرفته و در فزون دیگر نیز دست داشته و مرد خوش طبع شیرین زبانی بوده و شاعر توانایی- بشمار می رفته است . در حدود سال ۹۶۶ در اصفهان ولادت یافته است . بر در مسجد جامع اصفهان مطب داشته و بمعالجه می پرداخته است . در نزد شاه عباس بسیار مقرب بوده چنانکه نوشته اند که روزی در راه بشاه عباس برخورد و شاه خواسته است با احترام او از اسب پیاده شود وی مانع شده است اما همه امرایی که در رکاب شاه بوده اند پیاده

شده‌اند تا او بگذرد. چون هجو بسیار می‌سروده است میر محمد باقر داماد حکیم معروف گفته است که شاعری فضیلت‌آور پوشانیده است، اما در پایان زندگی از مهاجرات توبه کرده است. در رمضان ۱۰۳۷ پس ۷۱ سالگی در اصفهان در گذشت. شفاعی از شاعران زبردست و پیر کار روزگار خود بوده و کلیات اشعارش در حدود پانزده هزار بیتست شامل قصاید و غزلیات و ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندهای متعدد و مقطعات و رباعیات و شهر آشوب و سه مثنوی دیده‌بیدار در برابر مخزن‌الاسرار و مهر و محبت در برابر خسرو شیرین نظامی و تمکدان حقیقت بر وزن حدیقه الحقیقه سنایی و فرمان شاه عباس مثنوی حیدر تلمبه را از ترکی ترجمه کرده است و نیز کتابی در قرا با دین نوشته که از بهترین کتابها درین زمینه است.

**۴۳۵ - مولانا شجاع الدین غصنفر قمی**، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در زمان سلطان حسین بایقرا بشاعری آغاز کرد و بیشتر در کاشان می‌زیست و غزل را خوب می‌گفت.

**۴۳۶ - مولانا غصنفری کله جاری یا گاجاری**، از مردم کله جار تردیک کاشان و از شاعران معروف کاشان بوده و با محتشم شاعر مشهور رابطه داشته است چنانکه پس از مرگ محتشم او را مرثیه گفته و در ضمن غزل را نیز خوب می‌سروده است. در پایان زندگی نابینا شده بود و با این همه دست از تدریس و تعلیم برنداشت.

**۴۳۷ - ظهوری شیرازی**، از شاگردان وحشی بافقی بوده و در غزل دست داشته و بیش ازین از احوالش آگاهی نیست.

**۴۳۸ - مولانا امیر مالک دیلمی**، برخی اصل وی را از تبریز و برخی از قزوین دانسته‌اند. مردی بسیار دیندار و خوش روی بوده، در اقسام خط مخصوصاً در خط نسخ تعلیق استاد بوده و از دانشمندان بشمار می‌رفته و در موسیقی نیز دست داشته است و غزل را نیز نیکو می‌سروده است.

**۴۳۹ - نذری کاشانی**، از طایفه شاملو و مردی تندخوی بوده چنانکه وقتی با حسن بیک عجزی سابق‌الذکر نزاع کرده حسن بیک عجزی سر او را شکافته است

وغزل را خوب میگفته است .

۴۴۰ - مقصود خرده فروش کاشانی ، مردی دانشمند و خوش طبع و برادر

باقر خرده فروش بوده و در علم سیاق دست داشته ، شاگرد میرحیدر معمای و مصاحب میرغیاث الدین منصور بوده و غزل سرا بوده است و در ۹۸۳ در گذشته است .

۴۴۱ - ملا باقر خرده فروش یا خرده یی کاشانی ، برادر مقصود خرده فروش

سابق الذکر ، ظاهراً این دو برادر ازدهی از توابع کاشان بنام خرده بوده اند و این کلمه را بخرده فروش تحریف کرده اند . مرد متمولی بوده و مرید محمود نامی از متصوفه خرده بوده که او را متهم بالحداد کردند و فتوی بقتل او دادند و چون فرمان شاه عباس او را کشتند می خواستند ملا باقر را هم بکشند و وی فتوایی از فقهای خراسان در بی گناهی خویش گرفت و از کشته شدن نجات یافت . وی نیز غزل را نیکو می سروده است .

۴۴۲ - مولانا نامی اردو بادی ، برخی نخلص او را بخط ناجی ضبط کرده اند .

فخست ساکن تبریز بوده و سپس بهند رفته و در آنجا در گذشته است . در شعر تسلط داشته و از قصیده معروف «شتر گربه» کاتبی نیشابوری تقلید کرده و کلمه «پشه» را هم بر آن افزوده است و غزل نیز می سروده است .

۴۴۳ - مولانا خواری تبریزی ، از شاگردان لسانی و از شاعران دوره شاه

طهماسب بود . اصلش از هرات بود و در تبریز می زیست . مردی خوش گذران و عیار پیشه بوده و خط نسخ تعلیق خفی را بسیار خوب می نوشته و در ۹۷۴ در گذشته و غزل سرای بوده است .

۴۴۴ - مولانا صحیفی شیرازی ، از بازماندگان صوفی خلیل یکی از امرای

ذوالقدر بوده ، شیعه متعصبی بوده و از خوشنویسان بشمار می رفته و کتابخانه بسیار خوبی در سه تمان مسجد جامع اصفهان تزیین داده بود و مردی عاشق پیشه بود و بیشتر در اصفهان می زیست و چون خط ثلث و کتیبه را خوب می نوشت بیشتر کتیبه های مساجد و الواح قبور بخط او بوده است و در ذیل آنها نام خود را می نوشته است . بیش از هشتاد

سال عمر کرد و چون پسرش ابوعلی در هند در گذشت از شدت تأثر از جهان رفت و در سال ۱۰۲۲ در گذشت. در دو زبان ترکی و فارسی شعر را خوب می گفته و بیشتر سخنانش در مدح ائمه شیعه بوده است.

۴۴۵ - ذوالفقارخان جعفری ساوجی ، مردی مذهب و قانع بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و مخصوصاً در غزل استاد بوده و با صرفی ساوجی شاعر معروف این زمان خویشاوند بوده و نسب هر دو به سلمان ساوجی می رسیده است.

۴۴۶ - اقدسی مشهدی ، از شاعران نامی زمان خود بوده ، در سبزوار ولادت یافته و از آنجا به مشهد رفته و بیشتر در مشهد می زیسته و به همین جهت با اقدسی مشهدی معروف شده است . سفری بزیارت کربلا و نجف رفته و از آنجا از راه بصره و شیراز و کاشان بقزوین رسیده و در دربار شاه عباس اول بوی احترام بسیار کرده اند و مورد توجه شاه شده است اما در جوانی در ۲۶ سالگی در سال ۱۰۰۲ در گذشته و همانجا مدفون شده است . اقدسی از شاعران توانای زمان خود بوده و در قصیده و غزل استاد بوده و ساقی نامه ای نیز سروده و در تشیع متعصب و در ضمن صوفی مشرب بوده است و با شاعران زمان خود از جمله جنونی قندهاری و شفایی اصفهانی مشاعر و مهاجره داشته است .

۴۴۷ - مولانا وحشی جوشقانی کاشانی ، از شاعران معروف زمان خود و شاگرد محترم کاشانی بود و در ۹۹۹ بشیر از رفت و با ابوتراب بیک فرقتی دوستی بهم زد و از آنجا به هند رفت و مدتی در سرزمین دکن در شهر کلکنده در هندوستان می زیست و سر انجام در آنجا در سال ۱۰۱۳ در گذشت و در غزل سرایی استاد بوده

۴۴۸ - ابوتراب بیک فرقتی جوشقانی ، پسر خواجه زین الدین علی بیک

انجدانی ، از مردم نواحی انجدان یا انگدان در میان قوم کاشان ، پدرش وزیر کاشان بود و وی در قزوین ولادت یافت و جوانی را در کاشان گذراند و سپس بدربار شاه عباس رفت و وزیر مقصود بیک ناظر بیوتات شد و در رکاب شاه عباس بشیر از رفت . مردی

دانشمند و شاعری توانا بود اما در پایان زندگی بافیون معتاد شده بود و کمتر شعر می گفت و سر انجام در شب جمعه چهارم شعبان ۱۰۲۵ در گذشت . وی از غزل سرایان خوب این دوره بوده و دیوان وی شامل دوهزار بیت باقیست که میرزا عبدالکریم کاشانی نامی بر آن مقدمه ای نوشته است .

۴۴۹ - محمد قاسم کسری کاشانی ، معروف بکسری گربه ، از بازماندگان اهلی خراسانی شاعر معروف قرن نهم بوده و در کاشان می زیسته و غزل متوسط می گفته است .

۴۵۰ - غریبی کاشانی ، در کیلان می زیسته و ملک الشعراى دربار خان احمد خان بوده و در غزل پیروی از روش لسانی کرده است .

۴۵۱ - مولانا معین الدین استرآبای متخلص بمعینی ، از دانشمندان معروف زمان خود بوده ، از مردم استرآباد بود و در مشهد می زیست . در ۹۷۶ با معصوم بیك وکیل مطلق دربار شاه طهماسب که با سیصد سوار و پیام صالح بدربار سلطان سلیم آل عثمان فرستاده شده بود رهسپار استانبول شد و از آنجا عازم حج گشت ، در راه در میان معصوم بیك و امیرالحاج عثمانی اختلاف افتاد و جنسك در گرفت و معصوم بیك و جمعی از همراهانش کشته شدند . وی و میرجعفر برادر میرحیدر معمایى از راه بیابان گریختند و بکشتی نشستند که به هندوستان بروند و در راه کشتی غرق شد و ایشان هلاک شدند . مولانا معین در ضمن آنکه مردی دانشمند بود هزال نیز بوده است و رساله ای درین زمینه بنام رساله لذات نوشته است که بر سالة لذت هم معروفست و بیشتر رباعیات از او مانده و در دربار پادشاهان صفوی محترم بوده است .

۴۵۲ - خواجه غیاث الدین محمد بزمی استرآبای ، که تخلص وی را بخط برقی هم ضبط کرده اند ، از نجیبای استرآباد و مردی مذهب بوده ، در اواسط قرن دهم در جنگ با افغانان کشته شده و غزل و رباعی را خوب می سروده است .

۴۵۳ - ملا محمد علی قسمتی استرآبادی ، از ملازمان میرزا بیك فندرسکی پسر میرضیاء الدین از اعیان استرآباد بوده ، به هندوستان رفته و در سر زمین دکن

ساکن شده و غزل و رباعی و مثنوی را خوب می سروده و مثنوی و امق و عنذرا گفته است.

**۳۵۴ - مختلصی سبز واری**، از غزل سرایان خوب این دوره بوده است و جزین

از احوالش اطلاعی نیست .

**۳۵۵ - مولانا عیانی هروی**، بیشتر در ری می زیسته و بهمین جهت برای

معروف بوده است و از ایل تکلو بوده و ظاهراً در شهر ری در «جماعت خانه» کسی بنام

حیدر چرخ می بوده است . خمره ای در برابر خمره نظامی سروده و نیز غزل می گفته

است .

**۳۵۶ - حشمتی رشتی**، بیشتر بحشمتی کیلانی معروف بوده و مردی لا ابالی

و شاعر پیشه و تنگ دست بوده و غزل را خوب می گفته است .

**۳۵۷ - رامی اردوبادی**، از شاگردان خوب وحشی بافقی بوده و ازین جا

پیدا است که از مردم آذربایجان بوده اما در عراق می زیسته و این تخلص را از وحشی

گرفته و غزل سرای خوبی بوده است .

**۳۵۸ - مولانا عبدالغفور لاهیجی**، از مردم لاهیجان بوده و در کیلان می زیسته

و مردی سپاهی و از سران لشکریان پادشاهان کیلان بوده و مردی خوش خوی بشمار

می رفته و در موسیقی تصنیف های فراوان ساخته و در غزل استاد بوده و بیشتر در رشت

می زیسته است .

**۳۵۹ - مولانا رحیمی لاهیجی**، وی نیز از شاعران کیلان بوده و در لاهیجان

می زیسته و مرد نپکی بشمار می رفته و بزرگشی روزگار می گذرانده و غزل را خوب

می گفته است .

**۳۶۰ - هجره ی اردبیلی**، از شاعران تنگ دست این دوره بوده و مردی ظریف

بوده و غزل را خوب می سروده است و تخلص وی را گاهی بخطا محرمی نوشته اند .

**۳۶۱ - مولانا کلبعلی راغب تبریزی**، راغب تخلص می کرده و از دانشمندان نامی

تبریز بوده و بترکی و فارسی شعر را بسیار خوب می گفته و مرد شیرین زبانی بوده

است . بعد از قتل عام تبریز نزد خان احمدخان بکیلان رفت و چون انتظاری که ازو



داشت بر آورده نشد قصیده‌ای در هجو او گفت و سرانجام بعثیات رفت و در ۱۰۰۲ در آنجا در گذشت .

**۴۶۲ - کلبعلی تبریزی** ، شاعر دیگری در همین دوره بوده که او نیز از دانشمندان بوده است و در زمان جلال‌الدین اکبر به هند رفته و دیگر از احوال او آگاهی نیست و رباعیات از او مانده است .

**۴۶۳ - شیخ کمال‌الدین ابوالفضل تبریزی معروف بچلبی بیک علامی** ، از بزرگ‌زادگان تبریز بود و پدرش میرزا علی بیک در زمان شاه طهماسب کلاثر آن شهر بود و مرد مذهب دادگری بشمار میرفت . پس از چندی از آن کار دست کشید و آهنگ هندوستان کرد و در قندهار فرزندان بهرام میرزا صفوی باو احترام کردند و در آنجا ماند . چلبی بیک در آغاز در تبریز دانش آموخت و برای تکمیل علم بشیراز رفت و از شاگردان خوب میرزا جان شیرازی دانشمند معروف شد و حاشیه تجرید را پیش او خواند و چون استادش وی را بسیار می ستود شاگردان دیگر برورش شک بردند و او را پیاده کساری متهم کردند و وی از آنجا بفرزین رفت و با دانشمندان این شهر محشور شد و کتاب شفا و کتاب اشارات را خواند و از شاعران نامی زمان خود شد و در شطرنج بازی حریف نداشت . چون آوازه شهرت او بجلال‌الدین اکبر رسید او را به هندوستان دعوت کرد و وی به هند رفت و در دربار آن پادشاه بسیار جاوه کرد و قصاید غرا در ستایش وی گفت و سرانجام از او اجازه بازگشت بایران خواست و در ۱۰۰۱ ببلهور رفت و در راه در شهر لاهور در گذشت . تاریخ رحلت وی را باختلاف در ۱۰۰۱ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۴ نوشته‌اند . وی از دانشمندان نامی زمان خود بوده و بهمین جهت بعلامی معروف شده است . در شعر در آغاز شیدا تخلص می کرده و سپس فارغ تخلص کرده است و در اقسام شعر استاد بوده و کتابی بنام ردالقبوه نوشته است و نیز از شاگردان خواجه افضل‌الدین ترکه اصفهانی دانشمند معروف آن زمان بوده است .

**۴۶۴ - خلیل زورگر رشتی** ، در رشت صراف می کرد و از شاعران دربار شاه جمشیدخان اسحاقی پادشاه سابق الذکر کیلان بود و مثنوی جمشیدنامه را بفرمان

وی سروده و از شاعران درجه دوم بوده است .

**۳۶۵ - قامتی گیلانی** ، مردی بسیار بلند قد بوده و بهمین جهت قامتی تخلص می کرده و در گیلان می زیسته و غزل سرا بوده است .

**۳۶۶ - مولانا مشکی اصفهانی** ، مردی سیاه چرده بوده و بهمین سبب مشکی تخلص می کرده و در درگاه مسجد جامع اصفهان بعنوان پنج فروشی تفرج گاهی تریب داده بود و غزل را خوب می گفت .

**۳۶۷ - مولانا غنی لاهیجی** ، از بزرگ زادگان شهر لاهیجان بوده و با این همه بمسکری روزگاری گذرانده و از ملازمان خان احمد خان هم بوده و غزل و رباعی می سروده است .

**۳۶۸ - مولانا عنایت لاهیجی** ، وی نیز از غزلسرایان آن سرزمین و مردی تنگ دست بوده و در لاهیجان بهله یعنی دستکش پوستی برای شکارافکنان می دوخته و ازین راه گذران می کرده است .

**۳۶۹ - مولانا تذهیبی اصفهانی** ، مردی نیک خو و شیرین سخن و بذله گوی بوده و در تذهیب و جدول کشی و افشان و کاغذ الوان و ابری سازی بسیار هنرمند بوده است و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

**۳۷۰ - حیاتی کاشانی** ، از شاعران نامی روزگار خود بود . در آغاز به شغل سقایی می پرداخت و بهمین جهت سقایی تخلص می کرد . بطریقه نقطویان گروید و دلداده صراف پسری شد و با اواز کاشان بقزوین رفت و در آنجا نیز با نقطویان محشور بود . تا آنکه گروهی از نقطویان را با چند مجلد از کتابهای ایشان گرفتند و نزد شاه طهماسب بردند و وی دستور داد ایشان را زندانی کنند و وی دوسال در زندان ماند و چون رهایی یافت بشیراز رفت و مدتی در آنجا ماند و در سال ۹۸۶ بکاشان بازگشت و از طریق نقطوی توبه کرد و برگشت و از کاشان به هند رفت و در دکن فرود آمد و در شهر احمدنکر می زیست که آوازه او بگوش جهانگیر رسید و او را بدربار خود خواند . حیاتی بدانجا رفت و مقرب شد و در ۱۰۱۹ نسخه ای از مثنوی تغلق نامه خسرو دهلوی نزد جهانگیر

بردند که بسیار پسندید و چون يك مبحث از آن كم شده بود دستور داد شاعران دربارش آن قسمت را بسرایند و هر که بهتر بسراید باو پاداش بدهد . نظم حیاتی پسندیده تر افتاد و دستور داد حیاتی را بزرسرح و سفید بسنجند و بوزن او بوی بدهند و شش خریطه در کفۀ تر از و گذاشتند که هر خریطه هزار اشرفی و روپیه داشت . حیاتی از شاعران توانای عصر خود بوده و در اقسام شعر دست داشته است . در همان زمان شاعر دیگری بنام حیاتی گیلانی بوده است و گاهی این دو را با هم اشتباه کرده اند .

**۴۷۱ - وجهی سنجاری ،** ظاهراً از مردم سنجار از شهرهای جزیره نزدیک موصل بوده و مرد دانشمندی بشمار می رفته و غزل عارفانه را خوب می گفته است .

**۴۷۲ - مولانا مشربی قمی ،** از غزلسرایان این دوره تا زمان شاه عباس اول در اصفهان میزیسته و غزل را خوب می گفته است .

**۴۷۳ - همتی اصفهانی ،** مردی تنگ دست و مذهب بوده و در اصفهان از کارگزاران دفتر خانۀ یوسف خان افشار از اعیان دربار صفویه بوده و غزل را نیکو می سروده است .

**۴۷۴ - مولانا مایلی اردبیلی ،** مرد دانشمندی بوده و در موسیقی دست داشته و طنبورونی را خوب می نواخته و از کارگزاران اعیان شیخاوند بوده و غزل را خوب می سروده است .

**۴۷۵ - عتیقی شروانی ،** در شماخی تولد یافته و سفری ببغداد کرده و از قلندران بکتاشی بوده و ترکی و فارسی غزل را خوب می گفته است .

**۴۷۶ - سرودی خوانساری قمی ،** بخوانند کی روز کار می گذرانده ، نخست ایمنی تخلص می کرده و سپس بهمین جهت تخلص خود را تغییر داده و از استادان موسیقی زمان خود بوده و غزل را نیکو می سروده است .

**۴۷۷ - خلف فراش ،** از فراشان دربار شاه محمد خدا بنده و بی سواد بوده و بهمین جهت اشعاری را که می سروده از ونمی دانسته اند و غزل را بوده است .

**۴۷۸ - مولانا سوزی اصفهانی ،** از مردان نیک زمان خود بشمار می رفته و در

غزلسرایی شاعری توانا بوده است .

**۳۷۹- مولانا کلامی اصفهانی**، مرد مذهب‌بی بوده و سفری بایر قوه رفته و بیشتر رباعی می‌سروده است . وی برادر سلامی اصفهانی بوده که ذکرش پس ازین خواهد آمد و نوشته‌اند که این هر دو برادر مردمان بخیل و حریصی بوده‌اند .

**۳۸۰- سلامی اصفهانی** ، برادر کلامی سابق الذکر ، قابض اردو بازار بوده و در خوردن افیون افراط می‌کرده و او را مانند برادر بخیل می‌دانسته‌اند و غزل را خوب می‌سروده است .

**۳۸۱- میرزا بیک سپهری زوارجی یا زواره‌ای** ، از مردم زواره و برادر خواجه امین‌الدین معروف بخواجه امینا ملقب بخواجه جهان وزیر جلال‌الدین محمد اکبر شاه بوده و بهمین جهت به هندوستان رفته و در آنجا در ۹۷۹ در گذشته است . وی مردی دانشمند بشمار می‌رفته و در نجوم و ریاضیات دست‌داشته و غزل را خوب می‌سروده و دیوانش ده هزار بیت می‌شده است .

**۳۸۲- مولانا فضایی همدانی** ، مردی عاشق پیشه و عارف مشرب بوده و از شاگردان ملا روحی هروی و ملا کامی سبزواری بود و چندی در عراق می‌زیست و از استادان صادقی افشار بوده و بیک مثنوی بحر رمل سروده است .

**۳۸۳- مولانا قاسم صیرفی همدانی**، در همدان بصرافی روزگاری گذراند و بهمین جهت صیرفی تخلص می‌کرد . مردی شجاع و در کمان گیری استاد بود و پیروی از امیرشاهی و کاتبی قرشیزی می‌کرد و اشعار خود را با طمطراق می‌خواند و غزل‌سرای بود .

**۳۸۴- مولانا هوشی سنغری دینوری** ، از مردم سنغر در روستای دینور بود . در همدان می‌زیست و مکتب داری می‌کرد و مرد دانشمندی بشمار می‌رفت و در معما دست داشت . صوفی مشرب و پیرو طریقهٔ نسنب بود . در هجو زبردست بود و قصیده‌ای بترکی در هجو قرابیک زوالقدر گفته بود که معروف شده بود و بترکی و فارسی غزل را خوب می‌سرود .

۳۸۵ - ملا محمد رضا رضایی مشهدی ، نخست کفش دار آستانه رضوی

بود. در قدرت قزلباش بهرات رفت و چندی در آنجامی زیست و در حدود سال ۹۸۸ به هندوستان رفت و غزل را خوب می گفت .

۳۸۶ - مولانا غیاث الدین معروف بغیاث یا غیاثی استرآبادی ، سفرهای

بسیار کرده بود و در استرآباد می زیست و مردی شیرین زبان و مهربان بود و اقسام مختلف شعر را نیکو می گفت .

۳۸۷ - یتیمی هروی ، در مدرسه میرزا در هرات ساکن بوده و با مردم معاشرت

نمی کرده ولی مردی شیرین سخن بوده و غزل را خوب می سروده است .

۳۸۸ - حکیم عمادالدین یارک طیب قزوینی ، از مردم قزوین بوده و در

هرات می زیسته و مردی افتاده و فروتن بوده و غزل می سروده است .

۳۸۹ - خواجه آقا میرهمدانی ، از بزرگ زادگان همدان و مردی وفادار و

مهربان بود و در ضمن نویسنده خوبی بشمار می رفت و از اقسام شعر بیشتر رباعی می گفت بهمین جهت به خواجه رباعی معروف شده بود .

۳۹۰ - مولانا اسیری تربتی ، از شاعران زمان شاه طهماسب بود . مردی

تنگ دست و درویش مشرب و بسیار قانع بوده و مثنوی و امق و غزلی سروده و غزل نیز می گفته است .

۳۹۱ - خواجه عبدالعزیز نقاش ، از کارگران کتابخانه شاه محمد خدا بنده

در قزوین و در تصویر نقاشی استاد و شاگرد به زاد نقاش معروف بوده است . میرزا محمد

پسر خواجه قباح جراح وی را با يك دوتن از نقاشان دستگاه صفویه بر می دارد و عازم

هندوستان می شود . در راه مهر شاه محمد خدا بنده را تقلید کرده و يك برات صد تومانی

می سازند . هنگامی که چهار دانگ و دو دانگ این پول را دریافت می دارند قورچی و

میعاد در بار آگاه می شود و خواجه عبدالعزیز را با مولانا علی اصغر صورت گیر میکنند

و بدر بار می برند . هنگامی که شاه می خواسته است ایشان را عفو بکند خواجه قباح

سراسیمه از اندرون شاهی بیرون می آید و می گوید دستور داده اند که گوش و بینی

خواجه عبدالعزیز و مولانا علی اصغر را ببرند و بی درنگ ایشان را بدینگونه سیاست می کنند . خواجه عبدالعزیز از بس در نقاشی استاد بود بینی مصنوعی برای خود ساخته بود . وی شاعری غزل سرای بوده است .

**۳۹۴- مولانا مظفر علی نقاش تربتی** ، از مردم تربت و پسر مولانا خیدر علی و خواهرزاده بهزاد نقاش معروف و خود از نقاشان زبردست بوده و صادقی افشار در نقاشی شاگرد او بوده است . مرد بسیار هنرمندی بود چندان که شاه محمد خدا بنده کارهای او را بر کارهای بهزاد ترجیح می داده است . در ضمن خوشنویس ماهری بود چندان که خط مولانا میر علی و خط مولانا سلطان علی خوشنویسان معروف را چنان خوب تقلید می کرد که کسی تشخیص نمی داد و باو اجازه داده بودند که نقاش شاهی امضا بکند و شطرنج صغیر و کبیر را حاضرانه و غایبانه بسیار خوب بازی می کرد . در قزوین در گذشت و پیکرش را در قبرستان شاهزاده حسین بخاک سپردند و غزل سرای بود .

**۳۹۴- استاد حسن مذهب بغدادی** ، پسر استاد قوام الدین مذهب بغدادی و پسر و پدر از هنرمندان معروف ابن فن بوده اند . مردی کوتاه قد و با این همه شریر بود و حتی مهر شاه اسمعیل اول او را تقلید کرد و رسوا شد . صادقی بیك افشار در مجمع الخواص شرارتهای وی را ضبط کرده است . با اینهمه شعر را خوب می سروده و رباعی ازو مانده است .

**۳۹۴- غزالی تبریزی** ، مردی رند و لاابالی بود و بنحاسی و ابریشم فروشی روزگار می گذراند و چون زشت روی بود او را میمون شعرا می گفتند و غزل سرای بود .

**۳۹۵- حسنی اصفهانی** ، از معر که گبران معروف زمان خود بود و غزل را خوب می گفت .

**۳۹۶- حکیم ظهوری تبریزی** ، مرد مذهب و دانشمندی بوده و ظاهراً بهندوستان رفته و غزل سرای بوده است .

**۳۹۷- حکیم بدیعی تبریزی** ، از دانشمندان و پزشکان معروف تبریز بوده و با مظفر علی نقاش که ذکرش پیش ازین گذشت دوستی داشته است . مردی فاضل و

خوش طبع و خوش مشرب بوده است . بترکی و فارسی شعر می گفته و غزلهای خوب دارد .  
حیدر تیریزی وی را هجو کرده و دیوان غزلیات او باقیست . منظومه مثلثات لغت را  
برخی ازو دانسته اند .

۴۹۸- مولانا ابوالهادی قزوینی ، خواهرزاده مالک دیلمی از خوشنویسان  
معروف آن زمان بوده و وی نیز خوش نویس و خوش طبع بود و در موسیقی بسیار دست  
داشت و در مقام حسینی آوازی ساخته بود که رواج بسیار یافت . در قزوین در گذشت  
و پیکرش را در گورستان شاهزاده حسین بخاک سپردند و غزل را خوب می گفت .

۴۹۹- میر محمد باقر طوسی متخلص باقر ، خواهرزاده خواجه سین ثنایی  
مشهدی شاعر معروف این دوره بوده و چون ثنایی در هندوستان می زیسته و در آنجا  
کارش بالا گرفته بود وی نیز بدانجا رفته است و بیش ازین از احوالش آگاهی نیست و  
شاعری غزل سرا بوده است .

۴۰۰- مولانا حزین گونا بادی ، از غزل سرایان خوب این دوره بوده و از  
بازرگانان بشمار می رفته و تخلص او را گاهی بخطا حزنی نوشته اند .

۴۰۱- شیخ احمد خلخالی ، وی نیز از غزل سرایان خوب این دوره بوده است  
و از دانشمندان بشمار می رفته و گویا همیشه در شهر خود زیسته است .

۴۰۲- فصیحی یزدی ، روزگار را با بزرگانی می گذرانده و غزل سرا بوده است .

۴۰۳- محمد آهین غباری هروی ، اردانشمندان زمان خود بوده و در انشا و  
علم هیئت دست داشته و غزل را خوب می سروده است .

۴۰۴- مولانا شاه محمود رهی مشهدی ، نقاش بوده و در مشهد می زیسته و  
رباعیاتی ازو مانده است .

۴۰۵- ابراهیم بیک شیرازی در نویسندگی استاد بوده و ازو هم رباعیات مانده است .

۴۰۶- مقصدی ساوجبی ، از پزشکان شهر ساوه و برادر مهتر عهدی بوده است  
که ذکرش پس ازین خواهد آمد و غزل را خوب می سروده است .

۴۰۷- عهدی ساوجبی ، برادر کهنتر مقصدی سابق الذکر و از شاعران دوره شاه

طهماسب بوده و غزل سرایی می کرده است .

۴۰۸- شیخ رباعی مشهدی ، از شاعران نامی زمان خود بوده و چون همیشه

رباعی می سروده بشیخ رباعی معروف شده بود . مردی درویش و ریاضت کش بود و مورد توجه سلطان ابراهیم میرزا صفوی بود . ظاهراً در زمان جلال الدین محمد اکبر سفری بهند کرده است .

۴۰۹- مولانا خادمی قزوینی ، در قزوین بسرقراشی روزگار می گذرانده و

مردی تنگ دست بوده و معاصر کسبی شاعر این دوره بوده و از رباعیات مانده است .

۴۱۰- کسبی قزوینی ، از شاعران این دوره است که تنها درین مورد که خادمی

سابق الذکر درباره عشق او با کور کن اوغلی شعر گفته است نام او را برده اند و ازین جا پیداست که در همین دوره در قزوین می زیسته است .

۴۱۱- صیقلی بروجردی ، ساکن بروجرد بوده که در آن زمان از نواب

همدان بشمار می رفته و با کاردگری روزگار می گذرانده است . جوانی شکفته و در دوستی با وفا بوده و بزبان لرستان اشعار بسیار سروده که در آن زمان معروف بوده است .

۴۱۲- افجی درگزینی ، از نجیب زادگان درگزین و مردی خوش طبع و

خوش معاشرت بود و غزل را خوب می گفت .

۴۱۳- مولانا محمد امین مشهدی ، در مشهد بطبابت روزگار می گذرانده و

مردی مذهب بشمار می رفته و در معاصرودن دست داشته است و رباعی نیز از او مانده است .

۴۱۴- مولانا شعوری نیشابوری ، بیشتر در مشهد می زیسته و مردی خوش طبع

بشمار می رفته و غزل را خوب می گفته است .

۴۱۵- مولانا صیرفی تبریزی ، معروف بصیرفی کور از نجیب زادگان

آذربایجان بوده و در تبریز نزدیک میدان کشتی گاه دکان صراف می داشته و يك چشمش

عیب داشت بهمین جهت باو صیرفی کور می گفتند . شاعران دردگان او گرد می آمدند

و مشاعره می کردند و بهمین جهت پیشوای شاعران آن شهر شده بود و از جمله شاعران

معاشر با وی میرصنعی تبریزی و مولانا فانی و مولانا معروف بوده اند و در شعر پیروی از



روش آصفی می کرده و بیشتر بر ریاضت و عبادت می پرداخته است و شعر او را معاصرانش بسیار می پسندیده اند .

۴۱۶- میرصنعی تبریزی ، از شاعران این دوره تبریز بوده و تنها در موردی که پیش ازین گذشت ذکرش آمده است .

۴۱۷- مولانا فانی تبریزی ، از محترمان تبریز بوده و بیشتر با جوانان ساده محشور بوده و تمول بسیار داشته چنانکه يك بار هزار تومان بر رئیس میریوسف اصفهانی يك جا قرض داده بود و درین میان وی مرد و چون این خبر بفانی رسید او هم جان سپرد . نزدیک هزار بیت غزل سروده و از روش درویش دهکی پیروی می کرده است .

۴۱۸- مولانا معروف تبریزی ، در تبریز بر مالی روزگار می گذرانده و غزل سرا بوده است .

۴۱۹- بیانی تبریزی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده ، در آغاز پیشه زرکشی داشته و سپس بکاغذ بری و نقاشی پرداخته و غزل سرا بوده است .

۴۲۰- امانی همدانی ، مردی تنگ دست بوده و بگل کاری روزگار می گذرانده و غزل می سروده است .

۴۲۱- ملك سلطان محمد قمی متخلص بسلطان ، پسر رئیس شهاب الدین معروف بشهاب الدین معمای قمی و مرد خوش طبع بوده و غزل و رباعی را خوب می سروده است .

۴۲۲- قاضی حسن توایی ، از مردم فریه توی (تویسرکان) بوده که در آن زمان جزو توابع همدان بوده است و مردی خوش طبع و خوش صحبت بوده و فضایل بسیار داشته و عاشق پیشه بوده است و ازو رباعیات مانده است .

۴۲۳- مولانا اسدجانی همدانی ، از همدان بوده و جانی تخلص می کرده و بسیار خوش روی و مهربان بوده و اقسام خط را خوب می نوشته و غزل و معما را خوب می گفته است .

۴۲۴- ملاحسنعلی سوزی ساوجی ، از مردم ساوه بوده اما در زمان شاه طهماسب در اصفهان می زیسته و بهمین جهت باصفهانی معروف شده بود و از کتابت روزگار

می گذرانده و شاعر پیشه و نابینا بوده است . در آغاز جفاکش تخلص می کرد و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و گویند تا سی هزار بیت شعر گفته و غزلیهای خوب سروده و در سال ۱۰۰۲ یا ۱۰۱۴ در اصفهان در گذشته و تخلص او را گاهی بخطا سوایی ضبط کرده اند.

۴۲۵- **بیدلی همدانی** ، مردی درویش و تنگدست و قانع و نویسنده صباغ خانه بوده و گاهی هم غزل را خوب می سروده است.

۴۲۶- **مولانا کمتری شیرازی** ، مردی تنگدست بوده و بکفش دوزی روزگار می گذرانده و غزل را یکومی گفته است .

۴۲۷- **مولانا انیس همدانی** ، مردی پاک طینت و دیندار و خوش طبع بوده و در همدان پیشه خطیبی داشته و مرد باذوقی بشمار می رفته است .

۴۲۸- **مولانا پناهی همدانی** ، پس خواجه میرمبیک کلاتر همدان بوده و از خاندان نجیبی بشمار می رفته و خانواده اش دانش پرور و هنر دوست بوده اند و لسانی شاعر معروف ازین خانواده احسان دیده است، وی غزل سرای زبردستی بوده است.

۴۲۹- **روحی انارجانی** ، از شاعران نیمه دوم قرن دهم آذربایجان و ساکن تبریز بوده و مؤلف رساله ایست در عقاید و رسوم مردم تبریز که بر سائله روحی انارجانی معروفست و نمونه هایی از زبان پهلوی مردم تبریز را در آن دوره با برخی از اشعار خود ضبط کرده است و چون در مقدمه آن نامی از سلطان محمد خدا بنده و پسرش ابوال مظفر سلطان امیر حمزه میرزا برده که در ۲۲ ذی الحجه ۹۹۴ کشته شده و وی از آغاز سال ۹۹۲ تا رمضان ۹۹۳ در تبریز بوده پیدا است که این رساله را در همین مدت نوشته است.

۴۳۰- **روحی حنکاک تبریزی** ، نیز از شاعران این دوره بوده و ممکنست همان روحی انارجانی سابق الذکر بوده باشد و غزل سرا بوده است.

۴۳۱- **مولانا میرک داعی اصفهانی** ، پسر ضمیری اصفهانی از شاعران مشهور این دوره و مردی مذهب و بی قید و مانع پدروارسته بود و غزل را خوب می گفت .

۴۳۲- **میرزا محمد امنی تبریزی** ، مردی مذهب و بظاهر خود مقید بود و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفت و دیوان غزلیانش گرد آمده بود ، تخلص

وی را برخی بخط امین ضبط کرده اند.

۴۳۳- صلاح الدین صر فی ساوجی، معروف بصر فی ژولیده وی، مردی وارسته و درویش مشرب و بی قید بود و در پایان زندگی به هندوستان رفت. چندی در کجرات بود و از آنجا بالاهور رفت و در ۹۹۹ با فیضی شاعر معروف بدکن رفت و در آنجا در گذشت. وی از غزل سرایان توانای این زمان بوده است.

۴۳۴- مولانا سلامی اردبیلی، وزیر پسر صدرالدین خان معصوم بیک و بظاهر خود مقید بوده و با حزینی کیلانی و صادقی کتابدار محشور بوده و غزل می سروده است.

۴۳۵- مولانا کوثری اردبیلی، مردی درویش مشرب و از طریقه نقطوی و از پیروان محمود پسیخانی و مؤسس این طریقه بود که در میان شاعران این دوره پیروان چند داشته است مانند تشبیهی کاشانی و فیهیمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو که در پایان قرن دهم ایشان را تکفیر کردند و برخی از ایشان را کشتند از آن جمله درویش یوسف ترکش دوز معروف به احمد که در سال ۱۰۰۰ که شاه عباس از قران ستارگان یمنناک بود ظاهراً نام سلطنت را در فروین رو گذاشت و چون قران گذشت او را کشتند. وی از سران نقطویان بود و او را جانشین و خلیفه محمود می دانستند و مریدان بسیار داشت و غزل را نیکو می گفت.

۴۳۶- مولانا عهدی بغدادی، چندی هم در ایران زیسته و در غزل سرایی دست داشته است.

۴۳۷- صبحی ساوجی، از درویشان ریاضت کش و تنگدست زمان خود بوده و باقیون عادت داشته و هر روز یک مثقال از آن بکار می برده و در غزل دست داشته است.

۴۳۸- یحیی خان طالب کیلانی، از مشاهیر کیلان در زمان خود و وزیر خان احمد خان پادشاه معروف کیلان بود و معروف ترین شاعر آن سرزمین در زمان خود به شمار می رفت و دیوانش رواج داشت و غزل را خوب می گفت.

۴۳۹- مولانا فروغی قزوینی، نخست در فروین عطاری می کرده و سپس به هند

رفته و باثرونی بازگشته و در همان شهر دکان جواهر فروشی باز کرده است. در ضمن رفتار متضادی داشته و در غزل سرایی استاد بوده است.

۴۴۰- **سدید طبیب گیلانی**، پسر نعمت طبیب معروف بسدید کیلک، مردی تنگدست و دانشمند و شاعری در غزل استاد بوده است.

۴۴۱- **میر عزیز کمانچه‌ای یا کمانچه کش**، از خانواده‌ای از استادان موسیقی زمان خود بوده و استاد زیتون موسیقی‌دان معروف آن عصر برادر کهنتر وی بوده است. مردی تنومند بود و ساز بسیار خوب می‌زد و تصنیف‌های بسیار ساخته بود و مرد دانشمندی بشمار می‌رفت و از هیئت و نجوم آگاه بود و مدتی در دستگاه امیرخان توکمان از امیران آن عهد بود و پس از چندی که آهنگ سفر اصفهان داشت در حادثه عجیبی راهزنان وی را کشتند. در غزل سرایی نیز استاد بوده است.

۴۴۲- **جتونی قندهاری قالی‌پوش**، مردی درویش مشرب و قلندرپیشه بود و مؤی سر را رها کرده و گلیم بردوش می‌کشید و بهمین جهت بقالی‌پوش معروف شده بود و خود را از خاندان قدیم می‌دانست و دعوی کیمیاگری داشت و عده‌ای باو معتقد بودند و هلاکی همدانی گفته است که در جوانی نیز در قندهار بدین گونه می‌زیسته است. پس از سفری بایران دوباره بشهر خود بازگشت و در غزل سرایی استاد بود.

۴۴۳- **مولانا حقیری تبریزی**، از معاریف شعرای زمان خود بشمار می‌رفت و در نواحی مختلف ایران سفر کرده. از آن جمله بمشهد و کاشان رفته و در آنجا بامحتشم و شاعران دیگران محصور بوده و مردی پارسا و عابد بود و در ۸۱۹ هـ از کاشان بخراسان رفت و از راه قزوین بتبریز برگشت و در ۹۹۴ هـ که لشکریان عثمانی وارد تبریز شدند وی بدست ایشان کشته شد. حقیری که برخی بخط انخلص وی را فقیری ضبط کرده‌اند از غزل سرایان زبردست زمان خود بشمار می‌رفته و دیوان غزلیاتش بیش از شش هزار بیت می‌شده و در تبریز بموینه دوزی روزگاری گذرانده است.

۴۴۴- **حسن مخلصی بینسی**، از مردم بینیس از روستاهای آذربایجان بوده و کارش منحصر بنوشتن و دوختن قبا‌ی فتح برای سپاهیان بوده از آن جمله وقتی قبا‌ی فتح

برای میرزا محمد وزیر آذربایجان دوخته است و در اقسام شعر از آن جمله در غزل دست داشته است.

**۴۴۵- وفایی گور اصفهانی** ، پسر مولانا ضمیرفی و خواهرزاده نیکی اصفهانی و بجز وفایی دیگر است که ذکرش پیش ازین (ص ۴۳۰) رفت و وی نیز غزل سرای بوده است.

**۴۴۶- خواجه نصیرالدین معروف بنصیرای همدانی** ، پسر خواجه مسعود ابن خواجه حسن بیک بروجردی و از خاندان معروفی بود که حکمرانی بروجرد داشته اند و پس از عزل ساکن همدان شده و بهمدانی معروف شده اند. وی سرانجام با امید کامیابی به هندوستان رفت و مدتی در دربار جلال الدین محمد اکبر بود و سپس بدربار قطب شاه حکمران دکن رفت و بیش ازین از حواش اطلاعی نیست. وی از شاعران و نویسندگان زبردست روزگار خود بوده ، غزل را خوب می سروده و منشآت وی نیز بعنوان منشآت نصیرای همدانی از آثار ادبی معروف آن زمان بشمار می رفته است.

**۴۴۷- مولانا حزینی گیلانی** ، از شعرای شیعه و در بن زمینه معروف بود و قصاید فراوان در مدح امام اول سروده است .

**۴۴۸- فسونی** ، ظاهراً وی بجز محمود بیک بن عبدالله فسوی تبریزی از غزل سرایان این دوره بوده است که ذکرش پیش ازین (ص ۵۱۴) رفت و او هم غزل را استادانه می گفته است.

**۴۴۹- عبدی بیک شراری همدانی** ، برادر کهنتر مولانا رشکی و خواهرزاده هلاکی بوده است که ملازم سلطان حسین میرزا پسر بهرام میرزا صفوی بود . در ۹۶۴ در همدان ولادت یافت و نیاکان وی از شکرآغلی و ترکمان بوده اند . از جوانی بزهد و عبادت پرداخته و مرد بسیار مذهبی بوده و هفت بار از ایران به هند سفر کرده و بدکن نیز رفته است و هر نوبت یکی از بزرگان آن سرزمین مانند ابوالفضل بن مبارک و خان خانان عبدالرحیم خان بوی نیکی کرده اند از آن جمله در ۱۰۲۴ از دکن با گره رفته و از آنجا بایران بازگشته است . قصاید فراوان در مدح خان خانان سروده و از هند سفری بحج نیز رفته است دیگر سفریست که در ۹۹۸ به هند رفته و مولانا شکیبی اصفهانی او را بخان

بخانان معرفی کرده و در ۱۰۰۱ از و اجازه بازگشت بایران گرفته است و رویهمرفته ظاهراً آخرین سفروی در ۱۰۲۵ روی داده که در اجمیر بوده است. وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً در غزل دست داشته و دیوانش شامل سه هزار بیت بوده است.

۴۵۰- قاضی اعرجی مراغی ، از دانشمندان مراغه و مردی لنگ بوده و به همین جهت بقاضی لنگ معروف شده بود و اعرجی تخلص می کرد و ظاهراً در آن شهر منصب قضاوت داشته است و بیشتر بترکی شعر می گفته و غزل سرا بوده و مردی بی قید و آزاد مشرب بشمار می رفته است.

۴۵۱- سیری استرآبادی ، در استرآباد پیشه سمبده چی داشت و سالی یکبار برای دریافت پروانه کار خود و شکایت از دیوانیان بدر بارصفویه می رفت و چون شیعه متعصبی بود شاه محمد خدا بنده نسبت باومهربان بود و به همین جهت مردم استرآباد هم باو احترام می کردند و در غزل سرایبی مهارت داشت.

۴۵۲- تابعی دماوندی ، از بزرگ زادگان دیار خود و مردی مذهب بود و از جوانی بشاعری معروف شد و غزل را خوب می سرود.

۴۵۳- صنعتی مشهدی ، در مشهد بقالب تراشی روزگار می گذراند و در غزل ماهر بود .

۴۵۴- فرقی هروی ، مرد مذهب دانشمندی بود و از پزشکان بشمار می رفت و غزل را نیکو می سرود.

۴۵۵- مولانا نثری گیلانی ، از قصه سرایان زبردست زمان خود بشمار می رفت و مردی سست عقیده بود و گویا به همین جهت بنسبت پسر مختار سلطان شرف الدین گشته شد و غزل را خوب می گفت.

۴۵۶- دواپی سبزواری ، از غزل سرایان این دوره و مردی افتاده بوده و ظاهراً پزشک بوده و به همین جهت دواپی تخلص می کرده است .

۴۵۷- حافظ حاجی بیک قزوینی ، بملاحاجی بیک نیز معروف بوده و درکاشان می زیسته و تا زمان شاه عباس زنده بوده و از معاصران وحشی و محتشم و شجاع و غضنفر و

شاعر غزل سرا بوده است.

۴۵۸- مولانا شمسی بغدادی ، از مردم بغداد و شیعه متعصبی بوده و اشعار بسیار گفته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۴۵۹- گرمی بروجردی ، از مردم بروجرد بوده که در آن زمان از توابع همدان بشمار می رفته و مردی شوخ و خوش معاشرت بوده و غزل می سروده است.

۴۶۰- زلالی گیلانی ، نیز از غزل سرايان این دوره و مرد نیکی بوده و دیگر درباره او آگاهی نیست.

۴۶۱- رفیعی یزدی ، مردی بی فید و لاابالی و قمار باز و در شعر شاگرد میرصفی بوده و خود را شاعر توانایی می دانسته و غزل سرا بوده است.

۴۶۲- مولانا غباری یزدی ، مرد خوش صحبت و ظریفی بوده و خط غبار را خوب می نوشته و گویا بهمین جهت غباری تخلص می کرده و در غزل دست داشته است.

۴۶۳- میرمحمد یوسف خلقی ، اصلاً از سادات و از مردم شکراب ری بوده و پدرش امیر معزالدین یوسف در زمان سلطان حسین میرزا بهرات رفته و وی در آنجا نشو و نما یافته و بهمین جهت بطهرانی و هروی و خراسانی و مشهدی معروف شد. زیرا که مدتی هم در مشهد بوده است در هرات کسب دانش کرده و بهرانب علمی رسیده و در زمان شاه اسمعیل در خراسان بمنصب صدارت و امارت رسیده است و سرانجام بدستور امیرخان حاکم خراسان برخی از مفسدان در روز چهارشنبه ماه رجب سال ۹۲۷وی را کشته اند و دردم مرگ شعری درین زمینه برای امیرخان فرستاده است . وی شاعر توانایی بوده و غزل را خوب می سروده است.

۴۶۴- محمدحسین زینتی مشهدی ، مردی مذهب و در بنایی و معماری در عصر خود برتری داشته و مردی افتاده و درویش مشرب بوده و اقسام شعر مخصوصاً ماده تاریخ را خوب می گفته است.

۴۶۵- میرزا محمدامین ، کلانترزاده قصبه توی درخاک نویسرکان بوده که در آن زمان از توابع همدان بشمار می رفته است . در همان روستای خود می زیسته و مرد

مذهب صاحب جمالی بوده و غزل را خوب می سروده است.

**۴۶۶- مظفریك رنگرز کرمانی** ، مردی آراسته بشمار می رفته و غزل و رباعی را استادانه می گفته است.

**۴۶۷- ابوالوفای قلندر کرمانی** ، از صوفیه طریقه شاه نعمت الله ولی در کرمان و غزل سرا بوده است .

**۴۶۸- مولانا حاجی هردمی کاشانی** ، مردی مذهب و عاشق پیشه بوده و غزل خوب می گفته است.

**۴۶۹- مولانا مجدی همدانی** ، از مردم همدان بوده اما در خراسان نشوونما یافته و مردی دانشمند بشمار می رفته و شاعر مسلک بوده و غزل می سروده است.

**۴۷۰- نازکی نهاوندی** ، طبع بسیار روانی داشته و در بدیعه سرایی استاد بوده و شست و يك كتاب نوشته است که ظاهراً همه آنها منظوم بوده است.

**۴۷۱- مولانا وجهی اصفهانی** ، مردی دانشمند و صوفی مشرب بوده، و از اقسام شعر بیشتر رباعی مایل بوده است.

**۴۷۲- مولانا حامدی**، گويا از مردم قزوین و بسیار بلند پرواز بوده چنانکه شعر خسرو دهلوی را پست تر از اشعار خود می دانسته و غزل می سروده است .

**۴۷۳- قاضی وافى تبریزی**، از نجیب زادگان این شهر بوده و از کودکی بکسب دانش آغاز کرده و در علوم مختلف سرآمد شده و در همان زمان بشاعری آغاز کرده و درین فن شهرت بسیار یافته و اشعارش در آذربایجان و عراق منتشر شده است . در پایان زندگی از علاقه و کدخدایی دست کشیده و بعیش و عشرت پرداخته و در خانه خود در حوالی سال ۹۹۲ بدست جوانی کشته شد و غزل را نیکو می سروده است.

**۴۷۴- جسمی همدانی** ، از شاگردان مولانا کمال الدین هلاکی همدانی و از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بود که تا ۱۰۲۴ زنده بود . در همدان دکان ابریشم فروشی داشت ولی سرمایه اش از دست رفت و زندگی آشفته ای پیش گرفت و بسیار لالابالی و بی قید شد. غزل را نیکو می سروده و دیوانش نزدیک سی هزار بیت داشته است.

**۴۷۵- خوفي همدانی** ، مردی تنگدست بوده و بشمشیرگری روزگار می -



گذرانده و غزل را خوب می گفته است.

۴۷۶. **باذلی ساوجی** ، پسر مولانا امیری ، مرد مذهب افتاده ای بوده و از خوش نویسان معروف زمان خود بشعار می رفته و نسخ تعلیق را خوب می نوشته و غزل را نیز نیکو می سروده است .

۴۷۷. **بیگمی شیرازی** ، از شاعران نامی زمان خود در شیراز بوده و هنگامی که غزالی مشهدی بشیراز رفته وی در آن شهر بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .  
۴۷۸. **علی فراش حریفی ساوجی** ، مردی عاشق پیشه بوده و در جوانی مبتلای عشق جوانی ترك شده و ملازم نرکان شده بود . در پایان زندگی خدمت گزار یکی از امرای دربار شاه طهماسب شد و با آنکه زبانش را بریدند باز سخن می گفت . رحلت وی را باختلاف در ۹۶۷ و ۹۷۱ و ۹۹۱ ضبط کرده اند و غزل را خوب می سروده است .

۴۷۹. **محمود بیک ظریفی ساوجی** ، نام وی را ظاهراً بخطا محمد و تخلص وی را ظریفی ضبط کرده اند . از شاعران نامی زمان شاه طهماسب بود و سپس بهند رفت و در دربار جلال الدین محمد اکبر راه یافت و چون مردی بی باک بود بسیاری از شاعران را در آن دربار جای داد و در پایان زندگی عازم حج شد و در راه در گذشت . وی نیز غزل را خوب می گفته است .

۴۸۰. **عارضی قمی** ، از شاعران اواخر قرن دهم بوده و تا سال ۱۰۰۰ می زیسته و مردی شاعر پیشه و بی قید و در دربار صفویه بوده و در غزل دست داشته است .

۴۸۱. **خضری قزوینی** ، مردی دردمند بوده و غزل را شورانگیز و سوزناک می سروده و مجرد می زیسته است .

۴۸۲. **غباری گیلانی** ، از کمانداری روزگار می گذرانده و در موسیقی دست داشته و ساز را خوب می زده و در ضمن خوش نویس بوده و خط غبار را خوب می نوشته و به همین جهت غباری تخلص کرد و در غزل هم استاد بوده است .

۴۸۳. **رضایی کاشانی** ، روزگار را بکتابت می گذرانده و مردی نکته سنج و عاشق پیشه بود و در ضمن قاری بود . در ۹۸۰ یا ۹۹۵ از وطن بخراسان رفت و در فتنه عبدالله

خان از يك كشته شد و غزل را بسيار خوب می سروده است . گویا ناز پنج كشته شدن وی ۹۹۵ درست تر باشد .

۴۸۴- میر حسین شهودی ، اصلاً از مردم سبزوار بوده و چندی در اصفهان زیسته و بهمین جهت بخراسانی و اصفهانی معروف شده است. در رمل بسیار استاد بوده و گویند بیشتر احکام وی در رمل درست در می آمده. عمر را به عشق بازی گذرانیده و بیش از هفتاد سال زیسته و مرد دانشمند خوش مشربی بوده و غزل و رباعی می سروده و از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده است .

۴۸۵- مولانا فراقی طالقانی ، حافظ قرآن بوده و آواز خوش داشته و در موسیقی و غزل رایی هم استاد بوده است.

۴۸۶- ملا محمد صوفی مازندرانی ، از معاریف شعرای اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بود. در آمل بجهان آمد و در جوانی بنای جهانگردی را گذاشت . نخست بشیر از رفت و چندی در فارس ماند و بزرگوارون رفت و بصحبت شیخ ابوالقاسم کازرونی که از مشایخ معروف آن زمان بود رسید و سپس بمکه رفت و پانزده سال در آنجا می زیست و هر سال بزیارت مرقد پیامبر می رفت و دوباره بمکه بازمی گشت. پس از سفرهای دیگر سرانجام به هندوستان رفت و در نواحی مختلف هند نیز سفر کرد و میر سید جلال الدین صدر متخلص برضایی که از بزرگان احمدآباد کجرات بود و در زمان شاه جهان منصب شش هزاری و صدارت دهلی را داشت و در ۱۰۵۷ در گذشت وی را نزد خود خواند و از و دانش آموخت. درین میان در سال ۱۰۲۴ سفری باجمیر کرده و بزیارت خاک معین الدین حسن سکزی اجمیری عارف مشهور نایل شده است. درین سفر ملا عبدالنبی فخر الزمائی قزوینی مؤلف تذکره می خانه او را در اجمیر دیده و بار دیگر در ۱۰۲۵ سفری باجمیر کرده است. تقی الدین اوحدی وی را در احمدآباد دیده است و در آنجا با نظیری نیشابوری شاعر معروف معاشرت داشته و سرانجام از ورنجیده و در ۱۰۲۵ که نظیری در گذشته بتشییع جنازه وی نرفته است . سیف خان صوبه دار کجرات نیز از معتقدان او بوده است و سرانجام ظاهراً در همان احمدآباد کجرات در ۱۰۳۵ در گذشته است. ملا محمد صوفی مرد بسیار وارسته

قانع پرهیزگار و صوفی مشرب بوده و در اقسام شعر دست داشته و نزدیک چهار هزار بیت شعر از او مانده است از آن جمله ساقی نامه‌ای که از شاهکارهای اوست . در احمد آباد تذکره‌ای از شاعران فارسی زبان بنام بت‌خانه نوشته که یکی از بهترین مؤلفات درین زمینه است و عبداللطیف بن عبدالله عباسی که از ادیبان معروف هند در قرن یازدهم بوده پس از مرگ وی مقدمه‌ای بر آن نوشته و چون وی از مردم احمد آباد بوده پیدا است که ملا محمد صوفی این کتاب را در آن شهر بیابان رسانیده و به جال نکرده است مرتب بکند و ملا عبداللطیف این کار را کرده است و می گوید که در تألیف این کتاب با وی همکاری داشته است. در اصل کتاب تنها شامل منتخبات اشعار بوده و تراجم شعر را ملا عبداللطیف بر آن افزوده است . ملا محمد صوفی مرد آزاد روشی بوده و به همین جهت برخی از معاصرانش وی را کافر می دانسته اند. میرزا غازی ترخان حکمران قندهار هنگامی که وی در احمد آباد بوده است او را بقندهار دعوت کرده روی در نامه‌ای که نوشته پیری و ناتوانی را بهانه کرده و دعوت او را نپذیرفته است .

**۴۸۷- شیخ عبدالسلام پیاهی** ، ظاهراً پدران وی از مردم جبل عامل بوده اند و خود در کرمان زیسته است ، زیرا که وی را هم کرمانی و هم جبل عاملی دانسته اند. از ایران به هند رفته و در دربار پادشاهان نظام شاهی دکن در احمدنگر درجه امارت یافته و در جنگ کشته شده و مرد دانشمندی بوده و غزل و رباعی را خوب می سروده است.

**۴۸۸- میر حسین قدسی ابطلجی کربلایی سبزواری**، پدرش از مردم کربلا بود و سبزواری و در آنجا ماند و وی در سبزواری ولادت یافت و به همین جهت بکر بلایی و سبزواری معروف بوده است . از سبزواری بهرات رفت و در دستگاه محمد خان حکمران آن شهر مقرب شد. نجیب زاده‌ای آراسته و مردم مذهب پرهیزگاری بوده و غزل را خوب می گفته است .

**۴۸۹- سامری تبریزی** ، پسر حاج مولانا حیدری تبریزی سابق الذکر ، ظاهراً با پدر به هندوستان رفته و در آنجا تجارت می کرده و مورد توجه خان خانان بوده و غزل سرا بوده است.

۴۹۰- نادری ترشیزی، از غزل سرایان این دوره بوده و از احوالش اطلاعی نیست.

ظاهراً سفری به هندوستان کرده است.

۴۹۱- مولانا ملک احمد دخی اصفهانی، پسر ملک مقصود علی مالک قریه

ویر کویای اصفهان و خواهر زاده شیخ ابوالقاسم امری شیرازی از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بوده و تا ۱۰۲۵ هجری زیسته است. در زمان جلال الدین محمد اکبر از اصفهان به هند رفته و در دربار جزو احدیان شاهی که یکی از مناصب آن زمان بوده وارد شده و معاصر شریف سرمدی بوده و از رباعیاتی مانده است.

۴۹۲- غیوری حصاری، از شاعران دربار جلال الدین محمد اکبر در هندوستان

بوده و جزین از احوال او اطلاعی نیست و غزل سرای بوده است.

۴۹۳- قاسم قاسمی مازندرانی، ظاهراً نامش قاسم بوده و قاسمی تخلص می کرده

و به همین جهت بهر دوشکلی ضبط کرده اند، از شاعران دربار جلال الدین محمد اکبر در هند و غزل سرای بوده است.

۴۹۴- خواجه جان رهی نیشابوری، نیز از شاعران آن دربار و مردی مذهب

بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست و در غزل سرایی استاد بوده است.

۴۹۵- مالکی همدانی، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و ظاهراً

ساکن هند و در دربار جلال الدین محمد اکبر بوده و در ۱۰۴۰ در گذشته و غزل می سروده

۴۹۶- صافی اصفهانی، از سادات اصفهان و از غزل سرایان این دوره بوده است

و جزین از احوالش خبری نیست.

۴۹۷- میر سید علاء الدین اودهی، از مشایخ تصوف هندوستان در قرن دهم بوده

و کرامات بسیار بوی نسبت داده اند و مریدان فراوان داشته و در ضمن شاعر زبردستی بوده و غزلیات و ترجیع بندی از او مانده است.

۴۹۸- شیخ عبدالواحد بلگرامی، وی نیز از مشایخ معروف هند در قرن دهم و

از مردم بلگرام در سرزمین قنوج بوده و مردی دانشمند و صاحب کرامات بوده است و در

موسیقی نیز دست داشته و غزل فارسی را استادانه می گفته و در تصوف مؤلفات چند داشته است از آن جمله شرحی بر نزهة الارواح و چند رساله در اصطلاحات صوفیه و کتاب سنابل.

**۴۹۹- شیخ گدایی دهلوی کنبو**، پسر شیخ جمالی شاعر مشهور و از دانشمندان زمان خود در هند بود و چون بیرام خان خان خاآن دوستی داشته صدارت هند را باو داده اند و چند سال درین مقام بود و شاعر توانائی بود و غزل را به فارسی خوب می گفت و در موسیقی نیز دست داشت و چندی در دهلی می زیست و سرانجام در ۹۷۶ در گذشت.

**۵۰۰- شیخ ابوالمعالی**، از مشایخ تصوف هندوستان در قرن دهم بوده است. در احوالش نوشته اند که برادر زاده و داماد و جانشین میان شیخ داود بوده و گویا مراد شیخ داود کرمانی چونی دال از مشایخ این دوره است که از مشایخ طریقه قادری هند بوده و در ۹۸۲ در گذشته است. شیخ ابوالمعالی در ۹۶۱ به جهان آمده و در اقسام مختلف شعر فارسی دست داشته است.

**۵۰۱- بابا داود خاکی کشمیری**، از مشایخ معروف طریقه سهروردی در هند بوده و در کشمیر می زیسته است. از خردی دانش آموخته و پس از فراغت از تحصیل به جنوب شیخ مخدوم حمزه مرشد خود شده و به عبادت پرداخته و منزوی بوده است و نیز از سید احمد کرمانی و مولانا شیخ محمد مخدوم قادری و میر سید اسمعیل شامی قادری خرقه گرفته است و چون قاضی موسی قاضی کشمیر را بدستور پادشاه کشمیر کشتند وی از ماندن در کشمیر بیزارش و گفت تا وقتی که این مرد بیدادگر زنده است بآنجا بر نخواهد گشت و از کشمیر به ملتان و آنجا رفت و پس از چندی که لشکریان جلال الدین اکبر بفرماندهی قاسم خان میر بحری کشمیر را گرفتند با ایشان بدیار خود باز گشت و همان سال یعنی ۹۹۴ در گذشت و در اسلام آباد پیکرش را بخاک سپردند و پس از چندی مریدانش پیکر او را از اسلام آباد بشهر بردند و در حظیره مرشدش دفن کردند. بابا داود خاکی که ظاهراً خاکی تخلص می کرده مرد دانشمند و شاعر توانائی بوده و از جمله مؤلفات او کتاب ورد المریدین و شرح آن معروف بدستور السالکین و رساله عالیه است و قصیده معروفی داشته است بنام قصیده جلالیه.

**۵۰۳- ملك محمود پيارو كجراتي** ، از دانشمندان قرن دهم هند بوده و از بازماندگان پادشاهان كجرات بشمار می رفته و پدرش ملك پيارو نام داشته و وی نزد جلال الدین محمد اکبر بسیار مقرب بود و تولیت بقعه معین الدین سکنی چشتی را باو داده بود و از مریدان مخدوم شاه عالم بخاری بشمار می رفت و بیشتر در احمدآباد در جوار اوسی زیست و چندی هم ساکن اجمیر و فتح پور بوده و در شعر فارسی در غزل سرایی دست داشته

**۵۰۴- صدر جهان پھانی** ، از دانشمندان قرن دهم هند و از مردم پھانی دهی از توابع قنوج و از سادات و مردی دانشمند بوده و از اعیان دربار بایران بشمار می رفته است. چندین سال مفتی ممالک هند بوده و همراه حکیم همام بسمت سفارت بماوراءالنهر رفته و در بازگشت منصب صدارت را باو دادند و غزل فارسی را خوب می سروده است.

**۵۰۴- حکیم سیف الملوك دماوندی متخلص بشجاعی** ، از پزشکان حاذق زمان خود بود و از ایران بهند رفته در آنجا می زیست و بیرام خان خان خانان وی را گرامی می داشت و چون اتفاقاً بعیادت هر کس می رفت آن بیمار می مرد او را سیف الحکما لقب داده بودند و پس از چندی از هند بایران بازگشت و شاعری توانا بود و مخصوصاً در هجا دست داشته و مهاجرات معروف ازومانده است.

**۵۰۵- حکیم عین الملک دواپی شیرازی** ، از جانب مادر از فرزندان علامه دوائی حکیم معروف و از پزشکان حاذق هند در قرن دهم بوده و مرد بسیار دانشمند مذهب بی شمار می رفته و چندی در لاهور بوده و سرانجام در شهر هندیه در پایان قرن دهم در گذشته و در غزل سرایی استاد بوده است.

**۵۰۶- حکیم ابو الفتح گیلانی** ، پسر ملا عبدالرزاق از پزشکان معروف هندوستان و از مشاهیر دربار جلال الدین اکبر بود و نزد پادشاه چندان مقرب بود که دیگران همه بروحسد می بردند و در باره اش نوشته اند که مرد بی دینی بود و همیشه بزرگان نیش میزد و در ضمن در شعر دست داشت و برادر کهنش حکیم همام نیز با او در هند می زیسته است و این دو برادر ظاهرأ هر دو در جوانی از ایران بهند رفته و هر دو در پایان قرن دهم در گذشته اند

و نیز برادر دیگری داشته‌اند بنام قراری کیلانی که او هم در هند می‌زیسته است.

**۵۰۷- آتشی قندهاری** ، از شاعران دربار ظهیرالدین بابر در هند بوده و با او از افغانستان بهند رفته و واقعه نویسی دربار بوده است و پس از آن مناصب مهم یافته است و در ۹۷۳ در لاهور در گذشت و غزل را خوب می‌گفت.

**۵۰۸- اشرفی خان میرمنشی** ، از سادات حسینی مشهدی بود و هر هفت قلم را بسیار خوب می‌نوشت و از امرای دربار بابر یان در هند بوده و غزل و رباعی را خوب می‌سروده است .

**۵۰۹- ابتری بدخشی** ، از مردم بدخشان بوده ولی در هند می‌زیسته و مردی صوفی مشرب بوده و فتوحات المکیه و فصوص الحکم را درس می‌داده و چون درباره ایمان فرعون بحث می‌کرده او را وکیل فرعون لقب داده بودند و شاعری غزل سرای بوده است.

**۵۱۰- باقر کولابی** ، از سرایندگان قرن دهم هند بوده و ظاهراً از ماوراءالنهر بدانجا رفته و مدتی در هند می‌زیسته تا در ضمن حوادث قیام معصوم کابلی کشته شده و غزل را خوب می‌گفته است.

**۵۱۱- بیاضی اگرهی** ، از شاعران قرن دهم بوده و مردی وارسته بشمار می‌رفته و معاصر قاسم کاهی و غزالی مشهدی بوده و غزل و رباعی می‌سروده است.

**۵۱۲- ملانورالدین محمد ترخان سفید و فی متخلص بنوری** ، چون چندی حکمرانی سفیدون در ناحیه سر هند هندوستان با او بود سفیدونی معروف شده بود. مردی دانشمند بوده و در ریاضیات و حکمت و نجوم دست داشته و از درباریان محترم بود و خطاب ترخانی با او داده بودند و مردی کریم و بخشنده و خوش روی بود. یکبار در میدان چوگان بازی فتح پور فیلی با و آسیبی رساند و چندی دردمند بود. در حکمرانی خود نهری از آب چون برای آبیاری مسافت پنجاه گروه تا کرناال و از آن بالا تر ساخت که مردم و کشاورزان از آن بسیار بهره بردند و چون بنام شاهزاده سلطان سلیم ساخته بود و جوی و نهر را بزبان هندی «نی» می‌گویند آنرا شیخونی نام گذاشت که در ضمن ماده تاریخ کندن آن نهر یعنی سال ۹۶۶ می‌شود. در سال ۹۸۹ که جلال الدین محمد اکبر بجننگ حکیم میرزا رفت

وی از پنجاب بی اجازه برگشت و بهمین جهت مورد خشم قرار گرفت تا باز گشت از آن سفر در فتح پور تا چند سال مورد مؤاخذه بود و درین حال در سال ۹۹۴ که اکبر بانی می رفت او را متولی مقبره پدر خود کرد و بدلهی فرستاد و همانجا در گذشت. وی از شاعران زبردست زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوانی از او مانده است.

**۵۱۳- شیخ محمد کنبو**، از شاعران دربار جلال الدین محمد اکبر در هند بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است و به جزین از احوالش اطلاعی نیست.

**۵۱۴- تروی بیک خان روده**، از شاعران ماوراءالنهر ساکن هندوستان و از امرای جغتایی یا چغتیه و در دستگاه میرزایان الغ میرزا بوده و تا ۹۸۲ که وی قلعه بهروج را گرفته زنده بوده است و دیگر خبری از او نیست.

**۵۱۵- محمد منوهر توسنی**، پسر لون کون راجه سانبهر بوده که چون اسلام آورده نام خود را محمد منوهر گذاشته و نام وی در هندی منوهر بوده و سپس لقب میرزا منوهر باو داده اند و غزل را نیکو می سروده است.

**۵۱۶- تذروی ابهری**، خواهرزاده مولانا کسی ابهری سابق الذکر بوده است. ظاهراً نخست از ایران بخاک عثمانی رفته و سپس در دوره فرمانروایی سیرام خان خانانان از آنجا بهند رفته و نزد او مقرب شده و در جنگ دامن کوه بدست خان اعظم آنکه خان اسیر شده و پس از چندی آزادی یافته و سرانجام در ۹۷۵ شبی بدست دزدان کشته شده و در خانه ای که در آگره برای خود ساخته بود او را بخاک سپرده اند. تذروی شاعر توانایی بوده و لطف طبع داشته و غزل و مثنوی را خوب می گفته است. در زمانی که گرفتار آنکه خان بوده یک مثنوی بوزن خسرو و شیرین بنام حسن یوسف برای یوسف محمد خان پسر خان اعظم آنکه خان سروده و نیزه نامه ای در برابرده نامه ابن عماد گفته است.

**۵۱۷- علی اکبر ثانی خان هروی**، از امرای دربار هند بوده و مردی کارآمد و دانشمند بشمار می رفته و در باره اش نوشته اند که رسائل ملحدانه نوشته و موافق علم نقطه جلال الدین اکبر و خود را آن معبود منتظری می دانسته که در ۹۹۰ می بایست ظهور کند. ازین قرار پیرو مذهب نقطوی بوده است و نوشته اند در آخر عمر ظاهراً از شعر نوبه کرده



بود و دیوان غزلیات از و مانده و رساله‌ای نیز در تصوف بنظم آورده است.

**۵۱۸- جمیلی کاپی وال**، پسر شیخ جلال خلیفه شیخ محمد غوث از مشایخ تصوف هند بود. برادرزاده ترش شیخ فضیل در زبان عرب بسیار ماهر بوده و قصاید غرا باین زبان گفته و توقیع ثرو نظم بزبان تازی بر تفسیر شیخ فیضی نوشته است و هر دو برادر بسیار سیه چرده و از مردم لاهور بوده‌اند و چندی در دربار هند زیسته‌اند. جمیلی شاعر توانایی بوده و گاهی اشعار مضحك می‌سروده و بیشتر غزل و رباعی گفته است.

**۵۱۹- جعفر هروی**، از شاعران ساکن هند و میر بخشی آنکه خان و از مداحان میرزا عزیز کو که بوده و غزل و معما را خوب می‌گفته است.

**۵۲۰- حیایی گجراتی**، از شاعران ساکن گجرات در دستگاه میرزا نظام الدین احمد بوده و غزل می‌سروده است. نام وی در طبقات اکبری (ج ۲ ص ۵۱۳) بخطا ملاحظاتی یا جائی یا خانی یا جائی (۱) چاپ شده است.

**۵۲۱- والهی اگروی**، پدر حالتی اگروی شاعر این دوره و غزل‌سرای بوده و جزین از حوالتش آگهی نیست.

**۵۲۲- آنکه خان خان اعظم**، میر شمس الدین محمد غزنوی از رجال معروف دربار بابر یان در هند و شوهر ماهم دایه جلال الدین اکبر بوده است. در شکست جوسا از شیر شاه که همایون پادشاه در رود گنگ افتاده بود چیزی نمانده بود غرق بشود وی که از همراهانش بود او را از آن خطر نجات داد و بهمین جهت بسیاره قرب شد و بمقامات عالی رسید و در دربار جلال الدین محمد اکبر هم چنان کارهای مهم داشت و وکیل مطلق بود تا آنکه بتحریرك شهاب الدین احمد خان و منعم خان خان خانان بدست ادهم خان در ۱۲ رمضان ۹۶۹ کشته شد و پیکرش را در جوار نظام الدین اولیا بخاک سپردند. وی شاعر زبردستی بوده و غزل را خوب می‌سروده است.

**۵۲۳- یوسف محمد خان**، پسر خان اعظم آنکه خان سابق الذکر بوده و بیشتر رباعی می‌گفته است. چنانکه گذشت تذکری ابهری مثنوی حسن یوسف را بنام او سروده

**۵۴۴- خنجر يك جغتایی یاچفته** ، از امرای جغتایی یاچفته ماوراءالنهر و از خویشان تردی بیک خان روده سابق الذکر بوده که در هند در دربار جلال الدین اکبر می زیسته و در فنون جنگی و خوشنویسی و شعر و معما و اسطرلاب و نجوم و وفق امتداد مشهور بوده و مصنفات درین رشتهها دارد و در موسیقی ایرانی و هندی نیز استاد ماهر بود و هنگامی که خان زمان و بهادر خان قیام کردند وی با ایشان همدست شد و بسوی بنگال رفت و در همان جا فرمان یافت. وی شاعری توانا بوده و دیوانی از او مانده و مثنوی و غزل را خوب می سروده و خنجر تخلص می کرده است.

**۵۴۵- خواجه ابراهیم حسین احمدی بلوطی** ، از بزرگان زادگان شهر بلوط در هند و از خویشان نزدیک شیخ عبدالرحمن لاهوری بلوطی از مشایخ معروف زمان خود بوده است. وی نیز صوفی مشرب و خوش نویس زبردست و در خط شاگرد میردوری سابق الذکر بوده و در ماه صفر ۱۰۰۲ در جوانی در گذشته است.

**۵۴۶- دائهی نیشابوری** ، از مردم دانه یکی از روستاهای نیشابور بود و بهمین جهت بدائهی معروف شده بود. در آغاز در زادگاه خود کشاورزی می کرد و سرانجام به هند رفت و بیشتر بهمان زبان روستایی خود شعر می گفت و بزبان ادبی نیز غزل می سرود و بیش ازین از احوال او آگاهی نیست. تخلص وی را والهی نیز نوشته اند و چنان می نماید که یکی تحریف دیگر است.

**۵۴۷- زین خان کوکه** ، از امیران نامدار دربار جلال الدین محمد اکبر در هند بود و در نوآختن سازهای هندی و دف رقیب نداشت و بسیاری از شعرای زمان از او برخوردار شده و متنعم شده اند. و خود نیز گاهی غزل می سروده است.

**۵۴۸- سلطان محمد سلطان سبکی** ، از مردم سبک یا سبک از روستاهای قندهار بوده و به هندوستان رفته و چون بزبان هندی چلیپاسه را سبکی می گویند وی را سبکی می نامیده اند. مردی قلندر و آزادمنش بود. علیقلی خان از بیک خان زمان سیستانی از امرای دربار جلال الدین محمد اکبر که ذکرش پیش ازین گذشت و او نیز سلطان تخلص می کرد معاصروی بود و وی قصیده ای در ستایش او گفت، او هزار روپیه و خلعت برایش فرستاد

و پیغام داد که از آن تخلص چشم پیوشد. وی آن جایزه را رد کرد و گفت سلطان محمد نامیست که پدر بمن داده است و نمی توانم آنرا تغییر بدهم و چند سال پیش از شما باین تخلص شعر گفته ام. خان زمان باو گفت که اگر ازین تخلص نگذری ترا زیر پای پیل می اندازم و دستور داد فیلی برای این کار آوردند تا او را بترساند. وی گفت زهی سعادت که من درین راه شهید شوم. سرانجام مولانا علاءالدین لاری که آخوند خان زمان بود قرار برین گذاشت از دیوان جامی غزلی را باید اختیار کرد اگر وی بدیهه جواب داد باید از سراو گذشت. از دیوان جامی بتفأل این غزل آمد :

دل خطت را رقم صنع الهی دانست      بر سر سادۀ رخان حجت شاهی دانست  
وی بالبداهه غزلی گفت باین مطلع :

هر که دل را صدف سر الهی دانست      قیمت گوهر خود را بکماهی دانست  
خان زمان را خوش آمد و بر صله خود افزود و وی صلاح را در آن دید که دیگر در آنجا نماند و از آنجا بیداون رفت و سپس دهسپار دکن شد و در سالی که چهار پادشاه دکن همدست شدند و سرزمین بیجانگر را گرفتند و بت خانه معروف آنجا را ویران کردند سلطان محمد که با ایشان بود غنیمت بسیار یافت و دیگر جزین از احوال وی اطلاعی نیست. سلطان محمد شاعر توانایی بوده و در غزل سرایی مهارت داشته است.

**۵۲۹- قاضی سیری سجاوندی غزنوی**، نبیره خان اعظم کوکه اکبری و از مردم سجاوند نزدیک غزنین بوده بهمین جهت بسجاوندی و غزنوی معروف بوده و قاضی پرهیز کار و مردی دانشمند بود. بعد از سفر عتبات و حج به هندوستان نزد خان اعظم رفت و در ۹۷۹ درگذشت. وی شاعری توانا بوده و در عروض و قوافی و معما زبردست بوده است و غزل و رباعی را نیکومی سروده است.

**۵۳۰- سیاقی دهلوی**، از ملازمان بیرام خان خانانان بود و در سیاق و حساب مهارت داشت بهمین جهت سیاقی تخلص می کرد و برخی بخطا تخلص او را سیاقی ضبط کرده اند. وقتی بیرام خان هفت هزار رویه نذر آستان رضوی کرد و باو داد بمشهد ببرد و خرج بکند و درین سفر بدستور شاه طهماسب گرفتار و زندانی شد و پس از چندی رهایی

یافت و سرانجام در ۹۷۴ در گذشت و شاعری غزلسرای بود.

**۵۴۱- خدادوست سپاهی انجدانی**، نبیره خواجه کلان بیك از بزرگان اندجان بود و شاعر توانایی بشمار می رفت. در ۹۷۸ یا ۹۷۹ در گذشته و رباعیات از او مانده است.

**۵۴۲- سید شاهی متخلص بسیدی**، از سادات گرمسیر هندوستان و ساکن کالیپی بوده و مردی صوفی مشرب و خوش طبع و خوش معاشرت بود و از مریدان شیخ اسلام چشتی بشمار می رفت. چندی در دربار می زیست و سپس بمصاحبت امرایر داخت و سرانجام در کابل در دستگاه قلیچ محمدخان بود و غزل را خوب می سرود.

**۵۴۳- شاه ابوالمعالی**، از شاعران خوش طبع صوفی مشرب هندوستان در زمان جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۴۴- شعوری تربتی**، از شاعران این دوره بوده که در عهد جلال الدین محمد اکبر از هندوستان بایران رفته و غزلسرای بوده است.

**۵۴۵- ملاصادق حلوائی سمرقندی**، از مشاهیر دانشمندان ماوراءالنهر بوده و چندین سفر به هندوستان رفته و بار آخر در ۹۷۸ از راه هند به حج رفت و در بازگشت میرزا محمد حکیم او را در کابل نگاه داشت و بتدریس گماشت و پس از چندی بزادگاه خود رفت و بسیار محترم و در غزلسرای استاد بود.

**۵۴۶- صادقی قندهاری**، اصلاً از مردم هرات بوده و چون بیشتر در قندهار می زیسته بقندهاری معروف شده و مدتی در هندوستان زیسته و ظاهراً در همان جا در گذشته و غزل و رباعی از او مانده است.

**۵۴۷- صبوری همدانی**، از شاعرانیست که ظاهراً نخست در ایران می زیسته و سپس به هند رفته و در دستگاه خان زمان می زیسته و با او اسیر شده و ظاهراً در هندوستان در گذشته و غزل می سروده است.

**۵۴۸- صالح دیوانه**، مردی مجنون بوده و بهمین جهت بدیوانه معروف شده و چندی در دربار جلال الدین اکبر می زیسته است و پس از چندی او را از دربار رانده اند و

بکابل رفته و بهند باز گشته و بار دیگر رخصت گرفته و بکابل رفته است و چنان می نماید که اصلاً از مردم افغانستان بوده است. درباره اش نوشته اند که جلال الدین اکبر او را غافل خطاب می کرد و هر روز خوراکی های لذیذ بنام خضر پیامبر بکشاردریا می فرستاد و پیرندگان یا قلندران آنها را می خوردند و خود را مقبول و وکیل خضر می دانست و غزل سرای بود.

**۵۳۹- ملا علی طارمی محدث**، چنان می نماید که از دانشمندان ایران و از طارم بوده بهمین جهت طارمی تخلص می کرده یا اینکه بنسبت طارمی معروف بوده است. در زمان جلال الدین محمد اکبر بهندوستان رفته و در ۹۸۲ ظاهراً در آنجا در گذشته و از دانشمندان ممتاز زمان خود بوده و در عربستان علم حدیث را فرا گرفته بود و بسیار پرهیزکار بود و برادرش ملا صادق نیز از دانشمندان معروف بوده است و وی غزل را خوب می گفته است.

**۵۴۰- طالعی یزدی**، چنان می نماید که در جوانی از ایران بهند رفته و در شهر اکره بصحافی روزگاری گذرانده و خط نسخ تعلیق را بسیار خوب می نوشته و در غزل نیز دست داشته است.

**۵۴۱- طفلی فتح پوری**، پسر ملا درویش فتح پوری و برادرزاده ملا صالح مدرس خانقاه فتح پور و از خاندان علم بوده است. خود نیز کسب دانش کرده بود و شاعر توانایی بشمار می رفت و در دستگاه شاهزاده بزرگ می زیست و این تخلص را از ویافته بود و در اقسام شعر دست داشت.

**۵۴۲- ملا عالم عارف کابلی**، مردی بسیار شیرین سخن و بذله گوی بوده و در هند می زیسته و از دانشمندان بوده و کتابهای چند نوشته از آن جمله شرح مقاصد و تجدید در مقابل شرح تجرید و دو حاشیه بر مطول و کتابی در احوال مشایخ هند بعنوان فوائح الولایه. از جمله درباریان جلال الدین محمد اکبر بود و چون دید که شیخ ابوالفضل علامی وقاضی خان و دیگران از ملایی بامیری رسیده اند گفت داخل سپاهیان می شوم. اکبر پذیرفت اما چون کارهای شکفت میگرد چندان ترقی نکرد. چون زادگاه وی

روستای گل بهار از توابع کابل بود نخست بهاری تخلص می کرد و چون بهاری بیشتر نام کنیزان بود چندی ربیعی تخلص کرد و سرانجام عارف تخلص کرد و در برابر سلسله الذهب جامی مثنوی بنام صلیصلة الجرس سروده و غزل نیز می گفته است.

**۵۴۳- میر عبدالحی مهدی،** از دانشمندان ایران بوده که در جوانی به هند رفته و وی و برادرش میر عبدالله قانونی که ظاهراً موسیقی دان بوده از ندیمان خاص نصیرالدین همایون بوده اند و وی چندی منصب صدارت داشته است و هر دو برادر مردمان پرهیزگاری بوده اند و خط بابری را که ظهیرالدین بابر اختراع کرده بود و قرآنی بآن نوشته و بمکه فرستاده بود و کمتر کسی می دانست او خوب می خواند و در شعر نیز استاد بود.

**۵۴۴- عیدی لاهوری،** در جوانی بشاعری آغاز کرد و حکیم ابوالفتح که اشعار وی را می پسندید او را بدربار جلال الدین محمد اکبر برد و غزل سرای بود.

**۵۴۵- عشقی خان ترك،** از پیرزادگان ترك بود که در هند در دربار اکبر می زیست و در علم سیاق دست داشت و چندی میر بخشی دربار بود. دیوانی از قصاید و غزلیات ترتیب داده و يك مثنوی مانند مثنوی خنجر بيك سروده است. پسرش رحمن قلی سلطان در سرودن ماده تاریخ استاد بوده است.

**۵۴۶- میر مرتضی علمي،** از سادات دوغلباد در هند و از امرای معتبر دستگاه خان زمان بود و چندی حکمرانی بداون را داشت و مردی فاضل و خوش طبع بشمار می رفت و غزل سرای بود.

**۵۴۷- میرزا عزیز گو که یا گوگلتاش ملقب باعظم خان یا خان اعظم،** پسر شمس الدین محمد اتکه غزنوی از امرای بزرگ هند در دربار جلال الدین محمد اکبر و حکمران گجرات بود. مردی بود دانشمند و دانش پرور و ازین حیث بر معاصران خود برتری داشت و در ضمن مرد بلند همتی بود و باغ جهان آرا را در اکره ساخت و در ۱۰۰۱ سفری به حج رفت و نجمال و بخشش بسیار درین سفر بکار برد و معروف شد و در ۱۰۳۴ در گجرات در گذشت در ضمن شاعری توانا بود و غزل و رباعی از او مانده است.

**۵۴۸- عنایت الله کاتب شیرازی،** از شاعران و خوشنویسان ایران بوده که در هند

در دربار اکبر می زیسته و در کتابخانه وی سمت کتابداری داشته و طبع روان او در غزل سرایی جلوه می کرده است.

**۵۴۵- میر محمد خان کلان غزنوی**، از اعیان دربار اکبر و مردی دانش دوست و شاعر پرور بود. ظاهراً در اصل از مردم غزنین بوده و به همین جهت غزنوی تخلص می کرده یا بدین نسبت معروف بوده است. چندی حکمران سنبل یا سنبله بود و برخی از شاعران زمان از آن جمله امانی مداح او بوده اند و وی اشعار سرایندگان بزرگ را طرح می کرده که شاعران از آنها استقبال کنند و خود نیز غزل را بیکو می سروده است.

**۵۵۰- میان جمال خان ناصحی بداولی**، پسر میان منکن بداولی از شعرای جوان عهد جلال الدین اکبر بوده و از کارگزاران دستگاه میر محمد خان کلان غزنوی بشمار می رفته است. در روز عید قربان سال ۹۷۷ که در نماز گاه سنبل قبض می زده است در همان حال بی هوش شده و جان سپرده است. وی در غزل دست داشته است.

**۵۵۱- قاسم علی خان غباری افرهی**، پسر حیدر بقال از اعیان دربار جلال الدین اکبر بود که نوشته اند از خاندان پست بود و پدرش در اکره دکان بقالی داشته و میوه و معجون می فروخته و خود نسب خویشش را بقریش می رسانده است. نخست در مجلس اکبر خوانندگی می کرد و پس از چندی ترقی کرد و منصب خلافت گرفت و در سال ۱۰۰۰ یا ۱۰۰۱ در گذشت. نوشته اند که چندان دانا نبوده و غزل می سروده است.

**۵۵۲- فهمی سمرقندی**، پسر نادری سمرقندی از شاعران ماوراءالنهر بوده که سفری به هند رفته و بزادگاه خود باز گشته و در معما و غزل استاد بوده است.

**۵۵۳- نادری سمرقندی**، پدر فهمی سابق الذکر از دانشمندان زمان خود و شاعری توانا بوده و دلدادۀ کسی بنام نظام شده و اشعاری در ستایش وی سروده و سپس از ناسازگاریها دلگیر شده و به هند رفته و قصاید غرا در مدح همایون سروده و پیش آن پادشاه مقرب شده و سرانجام در هندوستان در ۹۶۶ در گذشته و قصیده و غزل را بیکو می سروده است.

**۵۵۴- فسونی یزدی**، از سادات یزد بوده که ظاهراً در جوانی به مغرب هندوستان بر زمین تنه رفته و از آنجا بدربار اکبر راه یافته و قصه خوان بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۵۵- فیروزه کابلی**، خانه زاد میرزا محمد حکیم از پزشکان هند و اصلاً از طایفه لنگاه بوده و در یکی از جنگ‌ها بدست مردی سپاهی اسیر شده و از آنجا وارد دربار جلال‌الدین محمد اکبر شده و خط و سواد داشته و در موسیقی نیز تا اندازه‌ای استاد بوده و طنبور می‌زده و از پتنه به همراهی قاضی خان بدخشی در جوئیپور وارد خدمت دربار شده و مدعی بوده است که اکثر دیوانهای متقدمین و متأخرین را جواب گفته و غزل‌سرای بوده است.

**۵۵۶- فهمی استرآبادی**، از شاعران مستعد دربار اکبر بوده و ظاهراً در جوانی از ایران بهند رفته و در دهلی می‌زیسته و غزل و رباعی از او مانده است.

**۵۵۷- قوسی**، از شاعران قرن دهم هند بود و در خدمت خان کلان می‌زیست و در تراشیدن خلال و شانه و چیزهای چوبی مانند داشت و خوش خط بود و غزل خوب می‌گفت.

**۵۵۸- قندی**، از شاعران ماوراءالنهر بوده که بهند رفته و در زمان بیرام خان با گره رفته است و مردی دانشمند بوده و غزل را خوب می‌سروده است.

**۵۵۹- افضل خان کلاهی**، در فنون ادب دست داشته و از دکن به شمال هند رفته و چندی بکارهای شرعی می‌رسید و چون میرزا مقیم و میر حبش را بفتوای ملا عبداللّه لاهوری بهتیمت شیعه بودن و رافضی بودن کشتند وی پر خاش کرد و بدکن باز گشت و در آنجا فرمان یافت. وی غزل را خوب می‌سروده است.

**۵۶۰- کلامی جغتایی**، اصلاً از طوایف چغتای بود و در سند می‌زیست و بانیازی شاعر همیشه اختلاف داشت و از بکر به شمال هند رفت و چندی در آن گره بود و غزل را پرورش شاعران ماوراءالنهر می‌گفت.

**۵۶۱- کامی قمی**، در جوانی از ایران بهند رفته و باز گشته و جزین از احوالش اطلاعی نیست و غزل را خوب می‌گفته است.

**۵۶۲- نقابی استرآبادی**، از شعرای ایران ساکن هندوستان و مردی مهذب و دانا بوده و چندی در دستگاه خان زمان‌روز کار می‌گذرانیده و غزل را خوب می‌سروده است.



**۵۶۳- پیرزاده لوائی سبزواری**، وی نیز از شاعران ایرانی مقیم هند و مدتی در دربار جلال‌الدین محمد اکبر بوده و در ۹۹۵ در لاهور که قندبادی و زبیده دیواری را بر سر وی ویران کرده و از آن صدمه در گذشته و غزل را خوب می‌گفته است.

**۵۶۴- میرزا اعلیٰ بیک اعلیٰ بدخشی**، پسر شاه قلی سلطان بدخشی و از نجبای بدخشان بوده و در هندوستان می‌زیسته و حسن صورت و سیرت داشته و بسیار مہذب بوده است. چندی درد کن‌زیسته و ملازمت شاهزاده سلطان مراد می‌کرده و از دربار جلال‌الدین محمد اکبر او را بلاهوردعوت کرده‌اند. مردی دانشمند بوده و در قاریخ و سیر دست داشت و غزل را نیکو می‌سرود.

**۵۶۵- لطفی منجم**، مردی دانشمند و ندیم پیشه بوده و شعر بسیار بیاد داشت چنانکه می‌توانست شبی هزار بیت بتقریب بخواند و تقلید خوب می‌کرد. چندی با میرزا نظام‌الدین احمد در کجرات می‌زیست و مولی بهم زد و از هندرفت و دیگر درباره اش اطلاعی نیست. غزل را خوب می‌گفته است و مردی شیرین سخن بوده و در نجوم دست داشته است.

**۵۶۶- میر مرتضی شریقی شیرازی**، نبیره میر سید شریف کرگانی دانشمند معروف و خود از دانشوران نامی قرن دهم بوده و در علوم مختلف مخصوصاً در ریاضیات و اقسام حکمت و منطق و کلام دست داشته است. در آغاز از شیراز به حج رفته و از ابن حجر دانشمند معروف علم حدیث را فرا گرفته و از آنجا بدکن و از دکن با کره رفته و بازمانده عمر را در هند گذرانده و مشغول تدریس بوده است تا آنکه در ۹۷۴ در گذشت. پیکرش را نصرت در جوار امیر خسرو دهلوی بخاک سپردند و پس از چندی بازماندگانش استخوانهایش را بمشهد بردند. وی گاه گاهی اشعار خوب می‌سروده است.

**۵۶۷- میر محسن رضوی مشهدی**، از دانشمندان ایرانی مقیم هند و از کارگزاران محترم دربار جلال‌الدین محمد اکبر بوده و غزل و معمارا خوب می‌گفته است.

**۵۶۸- قاسم خان موجی بدخشی**، از امرای نامی در بار هما یون در هندوستان بوده و در پایان زندگی ترک سپاهی‌گری کرد و منزوی شد و در اکره در ۹۷۹ در گذشت. شاعر توانایی بوده و دو مثنوی یوسف و زلیخا و ایلی و همچون سروده و غزل نیز می‌گفته است.

**۵۶۹- میرزاده علی خان**، پسر محترم بیك و از امرای نامی دربار همايون بود و مردی مذهب بشمار می‌رفت. در ۹۹۶ که یعقوب پسر یوسف خان کشمیری در کشمیر بر محمد قاسم خان میر بحر شبیخون زد در جنگ مغلوبه گشته شد. وی نیز غزل سرا بوده است.

**۵۷۰- معزی هروی**، از سادات طباطبایی و ساکن هندوستان و در کودکی با کامران میرزا هم سبق بوده و نزدیک پنجاه سال در هندوستان زیسته و در ۹۸۲ در آنجا در گذشته و غزل را نیکومی سروده است.

**۵۷۱- مرادی استرآبادی**، از سادات استرآباد بود و به هندوستان رفت و در ۹۷۹ در آنجا در گذشت و غزل را خوب می‌گفت.

**۵۷۲- مدامی بدخشی**، از شاعران بدخشان بود که بهندرفت و چندی در ملازمت میرزا عزیز کو که بود و بیش ازین از احوالش اطلاعی نیست و غزل سرا بوده است.

**۵۷۳- ملا مقصود قزوینی**، پسر ملا فضل الله متخلص بفضلی از سرایندگان ایرانی ساکن هند بوده و ظاهراً با پدر خود بآن سرزمین رفته و ستایشگر قاضی یحیی قزوینی جد نقیب خان از اعیان دربار اکبر بوده و در اکره در ۹۷۷ در گذشت و قصیده و غزل می‌سرود.

**۵۷۴- ملا فضل الله فضلی قزوینی**، پدر ملا مقصود سابق الذکر و از شاعران ایرانی ساکن هند و مردی مذهب و محترم بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۵۷۵- محنتی حصاری**، از مردم ماوراءالنهر ساکن هندوستان و مردی دانشمند بود و در مدرسه دهلی تدریس می‌کرد و مورد توجه اکبر قرار گرفت و تنهای محنتی را باو داد و منصب قضای سرهند را بوی واکذار کرد و در همانجا در گذشت و غزل سرای بود.

**۵۷۶- موسوی مشهدی**، از شاعران ایرانی مقیم هندوستان در زمان اکبر بود و غزل می‌سرود.

**۵۷۷- خواجه معظم**، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل و خال جلال الدین محمداکبر پادشاه بابر می‌هند بود و بهمین جهت در دربار اومی زیست. گرفتار جنون شد و زن خود را بی گناه کشت و بهمین جهت اکبر در ۹۷۱ فرمان بکشتن اوداد. وی غزل را

خوب می گفت.

**۵۷۸- موزون اگری** ، پسر شیخ پیرا گره که از هندوان بود و هر هفت خط را بسیار خوب می نوشت و گاهی در پشاور بود و پسرش نیز مردی هنرمند و خوش نویس بود و شاعر نج صغیر و کبیر را خوب بازی می کرد و در معما نیز دست داشت و غزل را خوب می گفت.

**۵۷۹- محمد یوسف کابلی** در جوانی از کابل به هندوستان رفت و خوشنویس و در خط شاگرد اشرف خان میرمنشی بود و در جوانی در ۹۸ در محاصره قلعه سورت در گجرات جان سپرد و غزل را خوب می گفت.

**۵۸۰- منظری سمرقندی** ، از شاعران زبردست ماوراءالنهر بوده که به هندوستان رفته و ملازم بیرام خان خان خانان شده و در صدد برآمده است شاهنامه ای شامل فتوحات وی بسراید و چند داستان از آنرا بیابان رسانیده از آن جمله جنگ با اسکندر سوری و شرح شجاعت های محمد حسین خان بوده و در پتیالی این اشعار را بنظر بیرام خان رساند و وی در آن اصلاحات کرد و شرح واقعه را از آغاز تا انجام برای وی گفت و در یک شب آن سیصد چهارصد بیت را اصلاح کرد و وی فردای آن روز آن اشعار را در مجلس خواند و صله کرانی یافت و ظاهر آن منظومه را بیابان رسانیده و غزل را نیکو می سروده است.

**۵۸۱- مدامی همدانی** ، از شاعران ایرانی ساکن هند بوده و در آنجا بحیدری شهرت داشته و قصاید خوب در مدح میر محمد خان کلان از اعیان هند سروده است و در باره اش نوشته اند که بدخوی بوده و همیشه با مردم اختلاف داشته و ازین حیث در آزار بوده و قصیده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۸۲- مقیمی سبزواری** ، چنان می نماید که نامش محمد مقیم بوده باشد زیرا که در شعر گاهی مقیم و گاهی مقیمی تخلص کرده است و مردی افتاده و صوفی مشرب بود و باخان اعظم اکبری خویشاوندی داشت و در دستگاه او بود و پس از فتح گجرات بایران باز گشت.

**۵۸۳- میر رکن الدین زیارتگاهی** ، پسر قاضی ابوالمعالی و مردی مذهب و صوفی

مشرّب بوده و در هندوستان می زیسته و در جوانی در لاهور بیماری بواسیر در گذشته و غزل را خوب می گفته است. برادری معصوم نام داشته که شاعر بوده و پس ازین ذکر او خواهد آمد

**۵۸۴ - محوی**، از سرایندگان ایران بوده که به هند رفته و از ملازمان خان خانان پسر بیرام خان بوده و سفری بحج کرده و بجزین از احوالش اطلاعی نیست. در رباعی نظیر نداشته و رباعیاتی از او مانده است.

**۵۸۵ - شیخ محمد دهلوی**، از بزرگ زادگان هند و مردی بسیار دانشمند بوده و چندی در قصبه باری در هند می زیسته و از معاصران جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۵۸۶ - نویدی تربتی**، از شاعران ایرانی ساکن هند و ملازم بیرام خان خان خانان بوده و ترجیع بندی در هجو کچک بیک که بخشی دستگاه بیرام خان بوده سروده است که بسیار معروف شده بود و بنظم و نثر وی را هجو کرده بود و واحدالعین بود و در انواع نعر دست داشت و دیوانی ترتیب داده است.

**۵۸۷ - مولانا علی احمد نشانی دهلوی**، پسر مولانا حسین نقشی دهلوی، پدر پسر هر دو در حکاک و مهر کنی استاد زبردست بوده اند و بهمین جهت پدر نقشی و پسر نشانی تخلص کرده است و پدرش استاد شاهزاده بزرگ بود. وی چنان در فن خود ماهر بود که کارهای او در ایران و ماوراءالنهر نیز خریدار داشت. در ضمن مردی مهذب و دانا بود و در بار اکبر مقام مهمی داشت و در همه خطها استاد بود و در انشاء و املا نیز زبردست بشمار می رفت. در اقسام مختلف شعر از غزل و قطعه و ماده تاریخ و مثنوی و قصیده استاد بوده است.

**۵۸۸ - مولانا حسین نقشی دهلوی**، پدر نشانی سابق الذکر و مانند پسر حکاک مهر کن زبردست بوده و از عرفای زمان به شمار می رفته و در ۱۴ جمادی الآخره ۹۸۸ در گذشته غزل را خوب می گفته است.

**۵۸۹ - نهانی آفرهی**، از شاعران هند ساکن آگره بوده و پسری جعفر نام داشته که در کشمیر مقامی یافته و از ملازمان میر بحری بوده و وی غزل می سروده است.

۵۹۰- نجاشی فیلالی ، از شاعران ایرانی بوده که بهندرفته و در همانجا در گذشته است و بیشتر غزل و معما می سروده است.

۵۹۱- ملا نویدی ، از شاعرانیست که از جوانی ملازم خان خانان بوده و غزل می سروده و جزین از حالش آگاهی نیست.

۵۹۲- نیازی بخارایی ، مردی دانشمند بوده و در شعر و عروض و معما و تاریخ دست داشته و درین زمینه ها تألیفات داشته است. اما چنان که درباره اش نوشته اند مرد بد زبان و ناسازگاری بوده و در مجلس همایون که او را بدانجا برده بودند بایبکسی و میر عبدالحمید و خواجه حسین مروزی که در آن مجلس بوده اند در افتاده و سبب این که از ماوراءالنهر بهندرفته این بوده که در مقطع غزلی بجامی می احترامی کرده بود و سرانجام در تهمه در گذشت و در غزل سرایی ماهر بود.

۵۹۳- میر محمد شریف نوایی کر بلایی ، برادر میر قدسی کر بلایی بوده و بهند رفته و در دربار جلال الدین محمدا کبر وارد شده و بزودی در همان سرزمین در گذشته و غزل را خوب می سروده است.

۵۹۴- نظمی تبریزی ، از شاعران ایران بوده که در هند می زیسته و جواهر فروش بوده و دیوانی ترتیب داده و غزل را خوب می گفته است.

۵۹۵- وداعی هروی، از هرات بهندرفت و در همانجا در گذشته و مرد دانشمندی بود و غزل می گفت.

۵۹۶- ابن علی واقعی هروی یا وائقی، وی نیز از هرات بهندرفته و از ملازمان خلیفه زمان بوده و غزل را خوب می سروده است.

۵۹۷- میر عبدالله وصفی، خوشنویس بسیار توانا و از شاگردان شاه غیاث و مولانا راقمی خوشنویسان معروف بوده و هر هفت خط را خوب می نوشته و از سوی مبادر از خوشاندان میرزا نظام الدین احمد بوده و غزل را خوب می گفته است.

۵۹۸- وصلی عراقی، از شاعران ایران بوده و مؤلفان هندی نوشته اند از ولایت عراق یعنی از ایران بوده است و در کشتی گیری توانا بوده، بحج رفت و از راه دریا بهند

رفت و کشتی گرفتار توفان شد و همسفران وی غرق شدند و او نجات یافت و درد کن بدربار  
قطب‌شاه دکنی راه یافت و یکی از کشتی گیران را مغلوب کرد و بروحسد بردند و زهری  
در کامش کردند و در ۹۷۷ در گذشت. وی غزل را نیکو می‌سروده است.

۵۹۹- میر واعظ وقوفی هروی، اصلاً از مردم بدخشان بود و ازهرات بهند  
رفت و واعظ بسیارزبردستی بود و غزل را استادانه می‌گفت.

۶۰۰- میرزا برخوردار همدی، معروف بخان عالم پسر همدیك از امرای  
معروف دربار همایون و مردی مذهب بود و دیوانی ترتیب داده بود و غزل را خوب  
می‌گفت.

۶۰۱- هجری جامی، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل بود، از ایران  
بهندوستان رفت و مردی بسیار ستوده و مذهب بود و غزل را خوب می‌گفت و دیوان وی شامل  
پنج هزار بیت بوده است.

۶۰۲- محمد مؤمن لنگ، از ملازمان خان خانان بوده و غزل را نیکو می‌سروده

۶۰۳- ایقایی، تنها جایی که ذکر ازوهست در طبقات اکبر است (ج ۲ ص ۴۹۳)  
و در آنجا نام وی «انقاما» چاپ شده و چون این کلمه معنی ندارد ممکنست که در اصل  
ایقایی بوده و چنین تحریف کرده باشند. در هر صورت از شاعران دستگاه زین‌خان کو که  
بوده و غزل می‌سروده است.

۶۰۴- میرزا حسن، از جوانی بشاعری آغاز کرده و در تاریخ دست داشته و از غزل  
سرایان دوره جلال‌الدین محمد اکبر در هند بوده است.

۶۰۵- سید محمد نجفی، بهندوستان رفته و در آنجا ساکن شده و بواسطه  
ناهمواری دوسال در قلعه کوالیر یا کوالیار در هند زندانی بوده و سرانجام اکبروی را  
بخشیده و آزاد شده و غزل را خوب می‌گفته است.

۶۰۶- ملاهاشم قندهاری، از ملازمان خان خانان و از غزل سرایان ساکن  
هند بوده است.

**۶۰۷- خواجه هجری** ، مردی دانشمند بوده و بیشتر ملازمت میرزا هندال را داشته و در پایان زندگی بدربارا کبرراه یافته و دیوانی تریب داده و غزل و رباعی را خوب می گفته است.

**۶۰۸- ملانیازی سمرقندی** ، از شاعران ساکن هندوستان در دربار اکبر بوده و بیشتر در هند می زیسته و در فنون شعر استاد بوده و مؤلفاتی درین زمینه دارد و غزل درایکو می سروده است.

**۶۰۹- شیخ حسن چشتی دهلوی** ، از مریدان شیخ سلیم پیشوای چشتیان هند و خود نیز از مشایخ بود و شعر را تا اندازه ای خوب می گفت. نام وی را چنانکه گذشت شیخ حسن صوفی دهلوی هم ضبط کرده اند.

**۶۱۰- ملا دوست محمد حالی سبزواری**، از شاعران نیمه اول قرن دهم خراسان بوده و مردی آراسته و وارسته و قانع بشمار می رفته تا جایی که چیزی از کسی نمی پذیرفت و مورد توجه سلطان حسین بایقرا بود و از مداحان میرغیاث الدین محمد معروف بمیر محمد یوسف بود و درهرات می زیست و در آنجا در ۹۳۹ در گذشت. وی از قصیده سرایان زبردست این دوده بشمار می رفت و تخلص وی را گاهی بخطا جانی ضبط کرده اند و نسبت وی را اسفرائینی هم نوشته اند.

**۶۱۱- ملا وافقی** ، از شاعران هند و مدتی ملازم معصوم پسر خواجه معین خان بود و غزل می سرود.

**۶۱۲- محمد رضا**، مردی دانشمند بود و علم نجوم میدانست و در جوانی از ملازمان خان خانان بود و از غزل سرایان هند بشمار می رود.

**۶۱۳- میر معصوم زیارتگاهی** ، پسر قاضی ابوالمعالی و برادر میر کن الدین زیارتگاهی سابق الذکر بوده و او نیز مانند برادر غزل سرا بوده است .

**۶۱۴- ملا پیروز** ، از غزل سرایان هند بوده و بیشتر در ملازمت نورنگ خان از اعیان دربار اکبر می زیسته است .

**۶۱۵- قراری** ، ظاهراً وی بجز قراری گیلانی سابق الذکر و شاگرد ملا قاسم گاهی

بوده و غزل و رباعی را خوب می گفته است.

**۶۱۶- والهی دانهی** ، از مردم دانه در خراسان بوده و چنانکه پیش ازین گذشت

تخلص می را دانهی نیز نوشته اند و چنان می نماید که یکی ازین دو کلمه تحریف دیگری باشد. در هر حال از شاعران ساکن هند بوده است.

**۶۱۷- امیر سلطان جلال الدین قرغانی** ، از سادات صحیح النسب فرغانه بوده

و پدرانش در سرزمین مرغینان پشت در پشت مقام شیخ الاسلامی داشته اند و وی نیز این پایگاه را داشته و از زمان عمر شیخ میرزا این مقام در خاندان وی بوده است و وی مرده باذوق مذهبیه بوده و اقسام مختلف شعر می سروده و تا ۹۳۵ زنده بوده است.

**۶۱۸- مولانا میر مرغینانی** ، از دانشمندان فرغانه بوده و چندی منصب شیخ-

الاسلامی مرغینان را داشته و غزل را خوب می سروده است.

**۶۱۹- زین الدین محمود بن عبد الجلیل واصفی تاشکندی هروی**، در تاشکند

ولادت و نشو و نما یافته و ظاهراً در جوانی بهرات رفته است و از جامی شاعر بزرگ بهره مند شده و چنانکه خود گفته است در ۹۱۳ در دربار محمد شیبانی خان چندین از شاعران مانند مولانا بنایی و خواجه آصفی و محمد بدخشی و ریاضی و نوایی و امامی و هلالی و اهلی و فضلای و دیگران گرد آمده بودند و از شعر کاتبی سخن می گفتند و شعری ازو را که در آن تیغ و آب را با هم آورده خواندند و گفتند محالست که کسی بتواند این دو کلمه را در شعر جمع کند. وی پنج غزل به پنج وزن و قافیه سروده که در هر بیتی تیغ و آب را آورده و آنها را خمسة متحیره نام گذاشته است. پس از چندی که در هرات مانده ظاهراً بواسطه این که سنی متعصب بوده و از پیشرفت صفویه در آن سرزمین بیم داشته در حدود سال ۹۱۸ از هرات بیرون آمده و با وراة النهر باز گشته و از ملازمان دستگاه پادشاهان ازبک شده و با ایشان سفرهای متعدد در آن نواحی کرده و بیشتر ساکن تاشکند بوده و قصاید مصنوع بسیار در ستایش پادشاهان این سلسله گفته و کتابی بنام بدایع الوقایع پرداخته که سر گذشتها و مشاهدات و مسموعات خود را در آن یادداشت کرده و از سال ۹۱۸ تا ظهر روز پنجشنبه ۲۲ رمضان ۹۵۸ که تاریخ مرگش فریدون محمد را در تاشکند در پایان این کتاب یادداشت



کرده مشغول آن بوده است و درین صورت تاریخ مرگ وی که در ۹۳۱ نوشته‌اند درست نیست و بدین گونه پس از ۹۵۸ از جهان رفته است چنانکه تاریخ وفات زیرکی را که غلام وی بوده و پس ازین شرح حالش خواهد آمد ۹۸۲ نوشته‌اند و ممکن نیست که وی ۵۰ سال پس از مرگ خداوند خود زیسته باشد و اصفی نویسنده و شاعر پرکار توانایی بوده و ثرا را ساده و بی‌پیرایه و گاهی با اصطلاحات محلی خاص می‌نوشته و در شعر بیشتر بقصاید و غزلیات مصنوع متمایل بوده و قصاید بسیاری را که در ستایش پادشاهان از بک ماوراءالنهر سروده در کتاب بدایع الوقایع آورده است.

**۶۴۰- زیرکی تاشکندی**، غلام مولانا و اصفی سابق الذکر بوده و طبع سرشاری داشته و پس از آزادی از غلامی ظاهراً در ۹۳۱ از تاشکند به بخارا رفته و دانش آموخته و با بزرگان آن شهر مأیوس شده و دلدادۀ جوانی شده و خود را با و فروخته و دو سال زر خرید او او بوده و چون خداوندش دانسته که مرد دانای هنرمند است وی را آزاد کرده و سپس وی از اورگنج به بخارا و از آنجا به بلخ رفته و بشاهزاده میرزا ابراهیم بن سلیمان پادشاه بن خان میرزا از بازماندگان تیمور که اسیر پیر محمد خان بن جانی بیک سلطان شده و در بلخ بوده پیوسته است. چون عبدالله خان بن سکندر خان بن جانی بیک سلطان شهر بلخ را گرفته زیرکی از درون قلعه بیرون آمده و قصیده‌ای در ستایش وی سروده و پانصد تنگۀ خانی جایزه گرفته و چند روزی پس از آن در ۹۸۲ در گذشته است.

**۶۴۱- مولانا جانی بخارایی**، پسر نیم‌بانی بوده و در آغاز همان پیشۀ پدر را داشته و چون وی کسب دانش کرده از آن کار دست کشیده و بشاعری پرداخته و درین فن ترقی بسیار کرده و در زمان ظهیرالدین محمد بابر بکابل رفته و در آن شهر در دربار بابر کارش بالا گرفته و با اعیان آن دربار آشنا شده و در زمان همایون در ۹۵۵ در گذشته است. وی از استادان غزل در عصر خود بوده است.

**۶۴۲- خواجه رحیمی خواجه زاده کابلی**، در جوانی از کابل به سمرقند رفته و در آنجا کسب دانش کرده و چون در هوش و فراست بر همه برتری داشته و بسیار بلند همت و بی‌نیاز بوده و با مردم رفت و آمد نداشته مورد رشک و حسد اقران خود قرار گرفته و

ارویی درکامش کرده‌اند که فکر وی را پریشان کرده یا آنکه بعزت کثرت مطالعه و خیال پردازی گرفتار این بیماری شده است و سرانجام با همین بیماری بکابل بازگشته در ۹۵۴ در آنجا در گذشته است. وی نیز از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده است.

**۶۲۳- مولانا زاده فکری تاشکندی**، پسر مولانا عبدالغفار از اعیان تاشکند بوده که در ماوراءالنهر معروف و از دانشمندان بوده است. وی نیز مرد دانشمندی بوده نوشته‌اند تا شرح مواقف را نخوانده بود علم او تراوش نمی‌کرده و پس از آن ترقی کرده و از دانشمندان زمان خود برتری یافته و در ضمن غزل را استادانه می‌سروده است.

**۶۲۴- غزالی سمرقندی**، مردی دانشمند و از غزلسرایان خوب ماوراءالنهر درین دوره بوده و بجزین دیگر از احوالش اطلاعی نیست.

**۶۲۵- امیر فریدون کرمانی**، از سادات کرمان و از غزلسرایان زبردست این دوره بوده است.

**۶۲۶- مولانا نامی تبریزی هروی**، اصلاً از مردم تبریز بوده و چون در هرات می‌زیسته به هروی معروف شده و از حوادث بهرات پناه برده بود و در فنون مختلف شعر و بیشتر در غزل استاد بوده است.

**۶۲۷- مولانا حریمی کرمانی هروی**، اصلاً از مردم هرات بوده و ظاهراً در کرمان می‌زیسته و از اقران امیر فریدون سابق الذکر بوده و وی نیز در غزل سرایی زبردست بوده است.

**۶۲۸- مولانا قاسم ضیایی بخارایی**، مردی وارسته و قانع و گوشه نشین بوده و بسیار مذهب و ستوده بشمار می‌رفت و در نظر مردم بسیار محترم بوده و غزلهای شورانگیز عاشقانه می‌سروده است.

**۶۲۹- نادری بیک هروی سمرقندی**، از مردم هرات بوده که در ماوراءالنهر نشو و نما یافته و بسمرقندی معروف شده و مردی دردمند و هنرپیشه بوده و در آغاز پیشه پیکر داشته اما پس از چندی از آن کار دست کشیده و پس از کسب دانش در جزو دانشمندان درآمده و در ۹۵۶ در گذشته و غزل را نیکو می‌سروده است.

۶۳۰- مولانا بی قیدی، از شاعران ماوراءالنهر و مردی لاابالایی و ندیم پیشه

بود، گاهی خود را بصورت قلندران می آراسته و گاهی در استغنا می زیسته و غزل را خوب می سروده است.

۶۳۱- آگهی خراسانی، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و

درهرات می زیسته و در زمان سلطان حسین بایقرا در سلك منشیان دربار بوده و مهر ارکان دولت را ساخته بود و او را عفو کردند تا آنکه مولانا احمد طبسی معروف باحمد انون هنگامی که از دربار شاه اسمعیل بهرات رفت پیش اعیان آن شهر شکایت کرد که آگهی ایشان را هجو کرده است. چون این تهمت ثابت شد دست و زبان وی را بریدند. نوشته اند که خود گفته است که پس ازین واقعه شبی آستان امام هشتم را بخواب دیدم و هنگامی که از دست و زبانش خون میرفته کسی با هیبت باو گفته است این آستان مرا ببوس. وی گفته است چگونه ببوسم که از خون آستان آلوده می شود، آن کس باز بخشم گفته است ببوس و چون بوسیده است فوراً از خواب بیدار شده و دیده است که خون دست و زبان وی ایستاده است. نوشته اند که پس از آن واقعه زبان وی از پیش گویا تر شده و روان تر سخن می گفته و بادست چپ خطی می نوشت که از خط دست راست بهتر بود و پس از واقعه دست و زبان بریدن چهار سال در جهان ماند تا آنکه در ۹۳۲ در گذشت. بیشتر بدان می ماند که شیعه بوده باشد و درین دوره که سنیان و شیعیان هرات با يك دیگر سخت دشمن بوده اند وی شاید بدان جهت که از سنیان بدگویی می کرده بدین عاقبت و خیم گرفتار شده باشد. درباره اش نوشته اند که بخوردن شراب میل مفرط داشت و مردی خبیث بوده و او را درهرات بخاک سپردند. وی شاعر زبردستی بوده و در اقسام شعر مخصوصاً در قصیده دست داشته و قصیده ای در برابر قصیده دریای ابرار خسرو دهلوی درباره شهر هرات سروده است.

۶۳۲- مولانا شهودی مروزی، ساکن هرات بوده و در جوانی در مزارات شهر

می گشته و بی وضو یا بر زمین نمی گذاشته و چون سنش از پنجاه گذشت با لوندان و می کساران معاشر شد و در پایان زندگی که در سمرقند بود دلدادۀ جوانی شد.

چون بآن جوان گفتند که او را در عشق بیازماید روزی که بر بام بلندی نشسته بود و شهودی از راه رسید و نشست باو گفت خود را از بام فرو افکن . وی برخاست و بلب بام رسید و در پاسخ آن جوان که گفت چرا خود را نیفکندی گفت عشق ما تا همین جا بود و در پایان زندگی نتوانست در ماوراءالنهر بماند و بهرات برگشت و آنجا در گذشت . وی مردی شوخ و نااندازه ای مقلد بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۶۴۳- مولانا رهایی هروی** ، پدراش از ماوراءالنهر بوده اند و در نتیجه حوادث از آنجا به روان رفته اند و وی در جوانی دلداده سلطان خلیل شروانی شده و پس از چندی که وی بکهولت رسیده او بهرات رفته و با پسران سلطان حسین بایقرا آمیزش بهم زده ولی هر چند خواسته اند وی را بملازمت اختیار کنند و وزارت یکی از شاهزادگان را باو بدهند نپذیرفته است . وی در اقسام شعر استاد بوده و طبع روانی داشته است .

**۶۴۴- مولانا قطب سمنگانی** ، از مردم سمنگان از توابع ایلوخ در ناحیه اندکان و مردم هذب خردمند و روش مشربی بوده ، هنگامی که ظهیرالدین بابر بر آن ناحیه استیلا یافته بود بدر باروی راه یافت .

**۶۴۵- مولانا خزانی هروی** ، از مردم هرات بوده و در بلخ نشو و نما یافته و در آغاز زندگی مردی بی قید و پریشان روزگار بوده و در پایان زندگی گوشه نشین شده و غزل خوب می گفته است .

**۶۴۶- شاه حسین گاهی هروی** ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ۸۶۳ ولادت یافته و پدراش از اعیان هرات بوده اند . در جوانی بکسب دانش پرداخته و در پیری استغفار کرده و بتصوف گرویده است و در ۹۴۰ در ۷۷ سالگی در گذشته و چون خاندان وی از مردم اوبه از توابع هرات بوده اند وی را در آنجا بنحاک سپردم اند . وی در فنون شعر و معما دست داشته و غزل را استادانه می سروده است .

**۶۴۷- مولانا اصلی هروزی** ، در جوانی بکسب دانش مشغول شده ، پس از چندی دست از آن کار کشیده و دروش قلندران را پیش گرفته ، در منتهای استغنا زیسته و مورد احترام مردم شده و از مریدان شیخ حاج محمد قوچانی عارف مشهور آن زمان شده

وزمستان و تابستان زیارت مزارها می رفته و بجایان خوراک می داده است . در پایان زندگی بماوراءالنهر رفته و با بزرگان تصوف و دانشمندان آن دیار دیدار کرده و بیشتر بملازم مولا محمدامین زاهد پیشوای صوفیه بوده است . سپس از بلخ بهرات رفته و پس از آن در قزوین باشاه ظهیر ماسب ملاقات کرده و شاه از وی خواسته است از شعر خود بخواند و وی غزلی خوانده که پسندیده افتاده است . در آن مجلس شاه خلعت گران بها و زر بسیار باو بخشیده و وی از کثرت استغنا که داشته تنهادوسکه شاهی برداشته و بیش از آن نخواسته است . از ایران بهند رفته و ملازم نصیرالدین محمد همایون شده و مورد توجه وی قرار گرفته و پس از سفر حجاز و حج بماوراءالنهر برگشته و در آنجا از جهان رفته است . وی در غزل سرایی از شاعران زبردست ماوراءالنهر بوده است .

**۶۳۸- فغانی قراکولی**، از مردم قراکول از توابع بخارا بوده و در بدیهه سرایی شهرت بسیار داشته و مردی تیز زبان بوده و از رفت و آمد با مردم پرهیز می کرده و خود را در شاعری بر دیگران مقدم می دانسته و شعر دیگران نمی راپسندیده و غزل را عاشقانه می سروده است .

**۶۳۹- مولانا فصیحی شیرازی**، از غزل سرایان زبردست این دوره بود و مردم بوی بسیار معتقد بوده اند .

**۶۴۰- مولانا خوشی تاشکندی**، در زمان نوروز احمدخان در تاشکند مقام وزارت داشته و در معزولی گوشه نشین شده و با مردم رفت و آمد نداشت و غزل را خوب می گفت .

**۶۴۱- انسی کرمانی**، از اعیان کرمان و مردی بخشنده و مہذب بوده و غزل را خوب می سروده است .

**۶۴۲- شیخ عابد خیر آبادی**، از مردم خیر آباد از توابع بخارا بوده و مردی بسیار مہذب و درویش نهاد بشمار می رفته و از دانشمندان بوده و او را بسیار محترم می داشته اند و گاهی دهه و اربعین بر ریاضت می پرداخته و در مجالس سماع غزلیات شورانگیز می سروده است .

**۶۴۳- خواجه کلان مجروحی ماوراءالنهری**، از شاعران ماوراءالنهر و در

جراحی زبردست بوده و بیشتر ازین راه گذران داشته و غزل را خوب می گفته است .

**۷۴۴- مولانا ترابی حصاری**، پدرانش از مردم هاوراءالنهر بوده اند و بهندوستان رفته اند و وی دربر کنه سکری متولد شده و در هندوستان می زیسته و بزبان هندی و فارسی شعر می گفته و غزل فارسی او امتیاز دارد .

**۷۴۵- قادری بخارایی**، مردی نیز هوش و چرب زبان و جراف بسوده و بهمین جهت معاشرانش وی را «بابای بدلا» لقب داده بودند و غزل را خوب می سروده است.

**۷۴۶- شیخ عمادالدین فضل الله والهی برزش آبادی**، پسر خواجه علاءالدین علی بن خواجه کمال الدین نعمه الله برزش آبادی طوسی، پدرش از اعیان خراسان بوده، وی در ۱۶ سالگی در اواسط ذی قعدة ۸۹۷ در سلك مریدان شیخ حاجی محمد قوچانی یا خبوشانی عارف مشهور درآمده و بزودی اجازه ارشاد از وی یافته و کراماتی برای او قایل شده اند از آن جمله گفته اند اطوار سبعه را در دوازده روز طی کرده و نیز نوشته اند در خانقاه خود در هرات هر روز با اصحاب خود مانند جوانان خاك پلك بازی می کرده و مردم شهر از شیخ الاسلام هرات خواسته اند برود و او را ازین کار منع کنند و وی با گروهی نزد او رفته در حالی که بهمان بازی سرگرم بوده است و چون از آمدن ایشان آگاه شده بخانقاه رفته و بر سجاده خود نشسته و اصحاب نیز هریک در جای خویش قرار گرفته اند. شیخ الاسلام پیش از آنکه نزد وی برود محتاج بغسل شده بود و غسل نکرده بدانجا رفته بود. چون از در خانقاه وارد شد و سلام کرد وی در جواب گفته است: عليك من بكسی باد که از حدث پاک باشد. شیخ الاسلام این کرامت را ازودیده و از پیش او رفته است و مخالفان وی مجاب شده اند. چنانکه گذشت در اواسط ذی قعدة ۸۹۷ در مهنه اجازه ارشاد یافته است. سرانجام شاه بیك خان در حوالی چهل دختران در ۹۱۴ وی را کشته است و پیکرش را در آستانه مشهد بخاك سپرده اند. وی نیز غزل را استادانه می گفته است.

**۷۴۷- مولانا هجری بخارایی**، از قنون شعر کاملاً آگاه بوده و مردی مذهب و ندیم شیوه و شیرین سخن و همیشه دلدادۀ معشوقان خود بوده و در غزل سرایی استاد بوده .

**۶۴۸- مولانا عبدالعلی** حاصلی خیر آبادی، در ظاهر مردی گریه منظر و ناپسند بوده ولی بسیار دانشمند و در نزد معاصران خود محترم بوده و در ضمن حرکات عجیب از وی سر می زده، در خوارزم نشو و نما یافته و همان جا در گذشته و غزل را خوب می گفته

**۶۴۹- شاه حبیب شیرازی**، در جوانی پس از کسب دانش به هند رفته و در آنجا معذب و مرتاضان هندی گشته و بسر و روی خود خاک می مالیده و با ایشان می زیسته تا اینکه بد کن رفته و نزد والی آن سرزمین مقرب شده ولی بزودی از اعتبار افتاده و از مردم کناره گرفته و در شهر انکر که از پای تخت های دکن بوده است منزوی بوده، به همین جهت بد کنی معروف بوده و از معاصران شاه طاهر و بیشتر مداح نصیرالدین محمد همایون بوده و قصاید خوب در ستایش وی سروده است.

**۶۵۰- مولانا ایوبی کر بلایی**، مردی دانشمند و مذهب بوده و غزل را خوب می سروده است.

**۶۵۱- میرزا صادق ترکمان**، از امیرزادگان الوس ترکمان بوده و در خوشنویسی و معما در زمان خود معروف ولی در ضمن متکبر بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۶۵۲- مولانا باقی کره بخارایی**، مرد دانشمندی بوده، پس از چندی با برادرش مولانا پاینده به هندوستان رفته و در دربار جلال الدین محمد اکبر کارشان بالا گرفته و پس از آن بسرزمین کجرات رفته و ملازم میرزا شرف الدین حسین بن خواجه معین الدین احراری شده اند. وی در آن زمان از اکبر روی بر گردانده و با میرزا محمد حسین و برادرش که از اولاد سلطان حسین بهادر بوده اند طغیان کرده و کجرات را گرفته بود. این دو برادر را بسیار گرامی داشته است. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۶۵۳- مولانا پاینده بخارایی**، وی نیز مانند برادرش مولانا باقی کره دانشمند بود و با او به هند رفته و در دربار اکبر و پس از آن در دستگاه میرزا شرف الدین حسین سابق- الذکر گرامی بوده و او هم در اقسام مختلف شعر استاد بوده است.

**۶۵۴- طفیلی حصاری** ، از مردم حصارشادمان بوده اما بطالقانی معروف شده بود. شاید بدان جهت که مدنی در طائقان ماوراءالنهر زیسته است. نوشته‌اند که شاعری پردعوی بوده و در هر حال غزل را خوب می‌گفته است.

**۶۵۵- میرزا بیاضی جغتایی** ، از اعیان الوس جغتای و معاصر قاسم گاهی و شاگرد غزالی مشهدی بوده و بیشتر غزل را بروش جامی می‌سروده و رباعی نیز گفته است.

**۶۵۶- عرب طویلی بلخی** ، در هند نشو و نما یافته و شاگرد قاسم گاهی بوده و در سرعت فهم معروف بوده و از و رباعی مانده است.

**۶۵۷- مولانا وقاری حصاری**، از شاعران ماوراءالنهر بود که در زمان نصیرالدین محمد همایون بهند رفته و قصاید غرا در مدح آن پادشاه سروده ، اما نتوانسته است با و بدهد و از و متنعم بشود و بهمین جهت از هند رفته است.

**۶۵۸- مولانا لطفی بلخی** ، مردی دانشمند بوده و خود را بسیار دانا و زیرک می‌دانسته و همیشه در پی آن بوده که لطیفه‌ای بگوید و ساکن هند و قصیده‌سرای بوده است.

**۶۵۹- مولانا وصفی هروی** ، از شاگردان هلالی جغتایی و مردی مذهب و نیز فهم بوده و غزل را خوب می‌سروده است.

**۶۶۰- مولانا ماتهی میانکالی** ، اصل وی از میانکال ماوراءالنهر بوده و در هرات نشو و نما یافته و مردی ندیم شیوه و شیرین حرکات بوده و در ۹۷۳ در هرات در گذشته و پیکرش را در مزار عبدالله انصاری بخاک سپرده‌اند و غزل را خوب می‌گفته

**۶۶۱- مولانا قدری ماوراءالنهری** ، از شاعران ماوراءالنهر و حافظ قرآن و بسیار خوش آواز بوده اما همواره فکر پیریشان داشته و غزل سرا بوده است.

**۶۶۲- مولانا ناطقی مازندرانی** ، مردی دانشمند و سخندان بوده و در قزوین نشو و نما یافته و غزل را بسیار روان می‌سروده است.

**۶۶۳- مولانا وحیدی قمی** ، در شروان می‌زیسته و با حیرتی تونی سابق الذکر نزاع داشته و یکدیگر را هجو کرده‌اند و در سفری که بشیریز رفته شهر آشوبی برای آن



شهر سروده و در ۹۴۲ در شروان در گذشته . وی درسرودن مثنوی و غزل استاد بوده است .  
**۶۶۴- مولانا ساعدی خاچی** ، از مردم قصبه خاچ از توابع سیرام نزدیک  
 ترکستان بوده اما خود را هروی می دانسته و تا اندازه ای دانشمند بوده و غزل را روان  
 می گفته

**۶۶۵- مولانا عبدالرحمن مشفق بخارایی** ، اصلاً از مردم مرو بوده و در جوانی  
 بخارا رفته و کسب دانش در آنجا کرده و علوم دینی را فرا گرفته ، اما به شاعری پرداخته  
 و درین فن شاگرد مولانا کتوکبی بوده است . در سلطنت برهان خان بن عبدالرحیم سلطان  
 معروف شد و در ۹۶۵ که عبدالله خان بن اسکندر خان بن جانی بیگ سلطان بخارا را محاصره  
 کرده وی که از نزدیکان محرم دستگاه برهان خان بوده از وی روی بر گردانده و ملازم  
 عبدالله خان شده و درین میان برهان خان کشته شده است . پس از فتح بخارا وی ب سمرقند  
 رفت و ملازم سعیدخان شد و وی او را گرامی داشت و سمت کتابداری خود را باو داد و  
 تا وی زنده بود در آن سمت بود . در ۹۸۱ که سلطان سعیدخان در گذشت و برادر کهنش  
 جوانمرد علی خان والی سمرقند شد مشفق در دستگاه وی نیز بود و همان منصب را داشت .  
 در ۹۸۵ در میان فرزندان جوانمرد علی خان یعنی ابوالخیر خان و مظفر خان جنگ در گرفت .  
 ابوالخیر خان که پسر مهتر بود پناه ببیدالله خان برد و با لشکریان وی سمرقند را فتح  
 کرد و جوانمرد علی خان را گرفتند و بقلعه نوقار فرستادند و عبدالله خان حکمرانی سمرقند  
 را با ابوالخیر و برادرانش داد و خود متوجه تاشکند و ترکستان شد و چون تاشکند را  
 گرفت بدرویش خان که سابقاً والی آنجا بود واگذار کرد و خود باز گشت و در حدود  
 شاهرخیه که رسید فرمان داد ابوالخیر خان و برادرانش را بکشند و عبدالله سلطان و  
 اسپندیار سلطان جشنی آراستند و بدین گونه در ۹۸۶ ایشان را کشتند و قبرشان در شاهرخیه  
 است . دوستوم نام قورچی سر ابوالخیر خان را برید . پس ازین واقعه مشفق نتوانست در  
 سمرقند بماند و بهند رفت و در ۹۸۷ ب لاهور رسید . گذارش ب چهارباغ اقتاد میرزا علمجن  
 که از امیرزادگان هند بود از وی پذیرایی کرد . درین هنگام جلال الدین محمد اکبر در  
 فتح پور بود و خبر آمدن مشفق را باور دادند اما بدخواهان گفتند که وی در هجا دست دارد

و اگر بیاید همه را هجو خواهد کرد . بدین گونه وی بدان دربار راه نیافت . اما اکبر جوایزی برای او فرستاد و اجازه رفتن باو داد و او در ماوراءالنهر در ۹۸۸ قصیده‌ای غرا در مدح عبدالله خان گفت و از ملازمان دربار او شد و روزی سه تنگه خانی و وظیفه برای او مقرر کردند و قید کردند هر قصیده‌ای که بگوید پانصد مثقال زر صله بگیرد و سمت ملک الشعرا بی دربار را باو دادند . سرانجام در ۹۹۵ در بخارا در گذشت . وی شاعری توانا بوده و در همه اقسام شعر دست داشته مخصوصاً در هجا توانا بوده و برخی از معاصران خود مانند فانی و نکویی و دانشی را هجو کرده و نیز هزلیات فراوان دارد . سه دیوان قصاید و غزلیات خود را که بیش از پنجاه هزار بیت دارد چند بار املا کرده و دانشمندان عصر نوشته‌اند . خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشت و معما را خوب می‌سرود . دیوان خود را در زمان جوانی در مدح علی خان جمع کرده و مثنوی گلستان ارم را که بروش نظامی سروده در همان زمان بپایان رسانیده و در علم عروض و قوافی نیز دست داشت . قصاید وی بیشتر بمدح عبدالؤمن خان و عبدالله خان و مظفر سلطان و جوانمرد خان و سلطان ابوسید خان و قاسم شیخ از مشایخ صوفیه در سمرقند است .

**۶۶۶- خواجه محمد هاشم** ، از بزرگان مشایخ ماوراءالنهر و پسر خواجه ابوالفیض بود که او نیز از مشایخ بشمار می‌رفت و چهار پسر داشت : اول خواجه محمد یحیی ، دوم خواجه محمد هاشم ، سوم خواجه فیضی ، چهارم خواجه غریب و هر چهار دانشمند و پیشوای مردم بودند . خواجه محمد هاشم از مریدان خواجه عبدالشهید از بازماندگان خواجه عبیدالله احرار بود و در هندوستان در خانقاه وی ریاضت‌های بسیار کشیده بود و علوم دینی و کتابهای متداول را فرا گرفته بود و چون خواجه عبدالشهید در ۹۸۳ از هند بسمرقند بازگشت و وی نیز با او بود شاترده روز پس از ورود در گذشت و پس از چندی در خواب باو اشارت کرد که طالبان را دعوت کند . وی اقدام نکرد و سه شب پی در پی در خواب مأسور شد و چون در پاسخ اظهار عجز کرده بود روح خواجه باو گفته بود ای محمد هاشم گفته ما را قبول نمی‌کنی . آخر بضرب سیلی قبول خواهی کرد . چون از خواب بیدار شد در پشت سر خود بصورت سیلی چیزی بر آمده دید و تا سه روز وی را آزار بسیار

می داد. بر سر خاک خواجه عبدالشهید رفت و بدعوت طالبان پرداخت و در همان روز آن ورم  
قر کید اما تا سه ماه بستری بود و در بستر مردم را دعوت می کرد. ازین گونه کرامات  
درباره وی نوشته اند. وی در ضمن شاعری توانایی بوده و غزل را نیکو می سروده است.

**۶۶۷- مولانا قدسی سنگ زوری**، از مردم سنگ زور از توابع حصارشاهمان

بوده و در آغاز جوانی بمصاحبت جامی پیوسته و شاگردی وی را کرده و در ضمن به کسب  
علوم دینی پرداخته و هنگامی که بشاعری آغاز کرده جامی وی را تشویق کرده و بک  
سیر نبات مصری باو داده است. در پایان زندگی به حج رفته و در بازگشت ازین سفر در  
وطن خود بزراعت مشغول شده و بیش از صد سال عمر کرده و در ۹۹۳ در گذشته است.  
وی از غزلسرایان زبردست زمان خود بوده و بروش جامی شعر می گفته بهمین جهت  
معاصرانش وی را جامی ثانی گفته اند.

**۶۶۸- نویدی کلنگ**، ظاهرأ از مردم بلخ بوده و در ماوراءالنهر می زیسته و مدتی

در سمرقند بوده است، در لطافت طبع و شیرین زبانی در عصر خود بسیار معروف بوده و بهمین  
جهت همه کس حتی پادشاهان خواستار صحبت وی بودند. در شهر شاگرد شهاب معجایی  
بوده و نخست روز کار را بپی قیدی می گذرانده و چون در باصره اش نقصی پیدا شد از آن  
کارهای ناپسند توبه کرد و درسك مریدان مولانا محمد امین زاهد از مشایخ معروف در آمد  
و از مسکرات استغفار کرد و در خانقاه وی جای گرفت ولی گاه گاه بنك می خورد و  
درویشان ازین کار او بشیخ شکوه کردند. شیخ باو گفت بویی از شما ظاهر می شود، در  
بیرون خانقاه خانه ایست که درویشان در آنجا نیستند بآنجا بروید. وی فوراً برخاست و  
گفت: درین خانقاه کسی که از روی بویی می آمد و بی کیفیت نبود ما بودیم و ما هم رفتیم.  
گویند در جوانی که هنوز توبه نکرده بود در سمرقند در بین الطافین جوان معر که گیری  
هنگامه برپا کرده بود و مردم بسیار گرد آمده بودند. وی در پشت جوانی ایستاده بود  
و باو توجه داشت یکی از دانشمندان او را دید و شراخگری آورد و در کفش وی انداخت و فوق  
او را اعلام کرد. چون وی کفش خود را پوشید پایش سوخت و در بدیهه بیاران خود گفت:  
دست و پا سوختن را واقعه آن بود که دست آن یاری که آتش آورده بود نیز سوخته بود. در

سال ۹۵۱ از سمرقند بخارا رفت و دلدادۀ جوان بازرگانی شد و چون آن جوان به حجاز می‌رفت وی نیز با او راهی شد و چون بقزوین رسید بیمار شد و هنگامی که قافله آنکس رفتن داشت وی نامه‌ای بشاه طهماسب نوشت و چون شاه از حال او آگاه شد قافله را از رفتن بازداشت و پزشکی بمعالجهٔ او فرستاد و چون بهبود یافت او را بخود خواند و خلعت فاخر و زر بسیار بخشید و وی از آن زرها تنها دوسکۀ شاهی برداشت و اجازهٔ رفتن گرفت و چون بمکه رسید طواف نکرد و چون ازو پرسیدند که چرا طواف نکردی و حج بجا نیاوردی گفت من بنیت طواف حج بیرون نیامده بودم بسبب عاشقی و گرفتاری آمدم. چون بماوراءالنهر بر گشت پس از دوسال باردیگر بحج رفت و در بازگشت در هند ماند و با نصیرالدین محمد همایون دیدار کرد و بماوراءالنهر بازگشت، دردم مردن یاران ببالین وی رفته بودند و ازو پرسیدند که پس از مرگ او را در کجا بخاک سپارند؟ گفت بهر چه دانید مرده‌ای بگور ببرد. باز پرسیدند که در نه پای مرشد بخاک سپاریم؟ گفت چه می‌کنید در نه یا نگذارید و بدین گونه در ۹۷۰ در گذشت و قبرش در بازارچهٔ بلخ در حظیرهای بوده در مشرق مزار مولانا محمد امین زاهد و درخت سروی نزدیک قبر او بوده و پس از مرگش نظری نام مردی از طایفهٔ دوزان که بوی معتقد بود اشعار او را بترتیب نوشته بود و چون چندان سوادى نداشت و جلد نکرده بود اوراق را این سو و آن سو می‌انداخت و ناچیز می‌شد و بدین گونه اشعار وی از میان رفت و اندکی باقی ماند. وی از غزل سرایان توانای عصر خود بوده است.

**۶۶۹- محرمی بخارایی**، دد آغاز کسب دانش کرده و بیشتر کتب را فرا گرفته اما آنچه خوانده فراموش کرده و مردی بسیار خوش خوی و شیرین زبان و از معاصران مشفق بوده و با وی تعصب داشته و او هم هزل بوده و هزل بسیار گفته و در ضمن غزل را نیکو می‌سروده است.

**۶۷۰- مولانا فتح‌الله فتجی هروی**، از شاعران هرات و معاصر مشفق و درویش بهرام سقا بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و جزین درباره‌اش اطلاعی نیست.

**۶۷۱- سلطان سعیدخان کوهکن شیبانی**، پسر ابوسعیدخان بن کوچکونجی یا

کوچک و بیجو خان بن ابوالخیر خان از سلسله شیبانی ماوراءالنهر متخلص بکوهکن، پس از مرگ پدرش در ۹۴۰ در سمرقند بتخت نشست و خطبه و سکه را بنام خود کرد. در ۹۵۹ نوروز احمدخان بن سنجوق بن ابوالخیر خان از تاشکند و ترکستان بالشکر انبوه آمد و سمرقند را گرفت و وی را بقرانغوطاق در سرزمین کاشغر فرستاد و مدتی در آنجا حیران بود. گفته اند خضر وی را راهنمایی کرد و نیز گفته اند شیخ حسین خوارزمی عارف مشهور راهنمای وی شده است. در هر صورت از آنجا بیار کند نزد محمد رشیدخان حکمران آن سرزمین رفت و چون خبر مرگ نوروز احمدخان در ۹۶۳ باورسید از محمد رشیدخان یاری خواست. وی با اویازی کرد و در ۹۷۵ باردیگر بسمر قند رفت و بیادشاهی نشست تا آنکه در ۹۷۹ درگذشت. وی پادشاهی صوفی مشرب بوده و از مریدان شیخ حسین خوارزمی بشمار می رفته و شعر ترکی و فارسی می گفته و غزل فارسی او تا اندازه ای جالب بوده است.

**۹۷۴- جوانمرد علی خان شیبانی متخلص بدیری،** نیز پسر ابوسعید خان سابق الذکر و ظاهراً پسر کهنتر بوده و پس از مرگ برادرش در ۹۷۹ در سمرقند خطبه و سکه را بنام خود کرد و هفت سال و سه ماه و چهارده روز تا ۹۸۶ در حکمرانی بود تا آنکه در میان فرزندانش ابوالخیر خان و مظفر خان اختلاف افتاد و وی طرفداری از مظفر کرد و با ابوالخیر پسر مهمتر جنگ کرد و ابوالخیر یارای برابری نداشت. عبدالله خان بن اسکندر خان پسر عم خود پناه برد و با لشکریان وی سمرقند را محاصره کرد و در نهم ربیع الاول ۹۸۶ سمرقند را گرفت و پدر خود جوانمرد علی خان را بقلعه نوقار فرستاد و بدین گونه عبدالله خان حکمرانی سمرقند را با ابوالخیر خان و اگذار کرد و خود بتاشکند رفت و در همان زمان در همان قلعه نوقار جوانمرد علی خان را کشتند. وی مردی باذوق بوده و ترکی و فارسی شعر می گفته و در فارسی معما و غزل را خوب می سروده است.

**۹۷۴- ابوالخیر سلطان شیبانی متخلص بیزمی،** پسر جوانمرد علی خان سابق الذکر، چنانکه پیش ازین اشاره رفت در نهم ربیع الاول ۹۸۶ بیاری عبدالله خان سمرقند را از پدر و برادر خود گرفت و درین زمان بسیار جوان بود. در ۹۷۴ با معدودی از

لشکریان از رباط خواجه سمرقند آهنگ شهر کش معروف بشهر سبز کرد و با سائی آنجا را گرفت . اما خسروسلطان حکمران آن شهر از قرشی پروناخت و قلعه را محاصره کرد و نتوانست آنرا بگیرد . ناچار بقرشی باز گشت و بار دیگر تاخت و این بار شهر را گرفت و باوی نیکی کرد و گذاشت بسمرقند برود و وی خود را زحمت بدانجا رسانید و هنوز يك ماه ازین واقعه نگذشته بود که ابوالخیر بابا خان را با پادشاهان تاشکند و سلطان سعید خان و برادران با خود یار کرد و با سپاه فراوان شهر سبز را محاصره کرد و در سال ۹۷۵ آن شهر را گرفت و خسروسلطان را کشت . پس از آن باز در میان فرمانروایان سمرقند و تاشکند و عبدالله خان که همه از خاندان شیبانی بودند اختلاف افتاد و عبدالله خان سمرقند را گرفت و بابوالخیر سلطان و برادرانش داد و خود بتاشکند رفت و درویش خان را در آنجا بتخت نشاند و باز گشت و چون بنواحی شاهرخیه رسید بعبادالله سلطان پسر خسروسلطان دستور داد ابوالخیر سلطان را بکشد و بدین گونه وی بدست دوستم نامی که سرش را برید در ۹۸۶ کشته شد و پیکرش را در شاهرخیه بخاک سپردند . وی نیز شعر ترکی و فارسی گفته و در شعر فارسی در غزل و معما دست داشته است .

**۹۷۴- مظفر سلطان شیبانی** ، پسر کهتر جوانمرد علی خان و برادر ابوالخیر سلطان سابق الذکر ، پس از کشته شدن برادرش ابوالخیر سلطان در ۹۸۶ با برادران خود بدشت قبیچاق رفت و سپاهیان بسیار با خود برد و در ۹۸۷ بخون خواهی برادر با بوزه خور سلطان بن محمد سلطان که ذکرش پس ازین خواهد آمد و برادران کوچکتر از خود تاخت و سمرقند را گرفت و شانزده روز در سمرقند حکمرانی کرد . چون لشکریان عبدالله خان از خانقاه اور گنج باز گشته اندوی با و حمله برد و وی از سمرقند بجانب ترکستان رفت و بار دوم که عبدالله خان در نواحی تاشکند مشغول محاصره طاهر سلطان و عبدالغفار سلطان بود در ۹۸۹ بار دیگر بسمرقند تاخت و آنجا را گرفت و نوزده روز در آن شهر فرمانروایی کرد و چون اسفندیار سلطان با سپاهیان بسیار بسمرقند تاخت وی از شهر بیرون رفت و بجانب دز زک رفت و در نواحی دز زک با اسفندیار سلطان جنگ کرد و بسمرقند باز گشت و ظاهراً در ۹۹۰ در قبادیان حصار گرفتار لشکریان اوزبك خان شد

و کشته شد . وی مردی شجاع و بخشنده بوده و در اقسام شعر مهارت داشته است .

**۶۷۵- بوزه خور سلطان شیبانی** ، پسر محمد سلطان بن ابوسعید خان و محمد

سلطان پسر سوم ابوسعید خان بود . چنانکه گذشت در ۹۸۶ پس از کشته شدن ابوالخیر سلطان با مظفر سلطان و شاهزادگان دیگر بترکستان و دشت قبیچاق رفت و چند بار با ایشان بسمرقند تاخت و با لشکریان عبدالله خان در افتاد و نتیجه‌ای نگرفت تا آنکه در ۹۹۲ بدست شاهم نام قورچی در قلعه سیرام کشته شد و پیکرش را در سیرام بخالد سپردند . وی نیز غزل می‌سروده است .

**۶۷۶- میرزا ابراهیم بن سلیمان شاه تیموری متخلص بوفایی** ، جدش خان

میرزا بن سلطان محمود بن سلطان ابوسعید کورگانی از شاهزادگان تیموری بوده که در نواحی مختلف ماوراءالنهر حکمرانی داشته‌اند . وی ظاهراً در بدخشان فرمانروایی داشته و در ۹۶۷ در صدد برآمدن است بلخ را بگیرد و با لشکریان خود بدانجا تاخته و با پیر محمد خان بن بجانی بیک سلطان حکمران بلخ جنگ کرده و بدست لشکریان اوزبک افتاده و در ۹۶۷ کوراک نامی از ازبکان وی را کشته است . وی مردی بلند همت و دلیر و خوش طبع و دانش دوست و شعر شناس بوده و شعر ترکی و فارسی می‌سروده و از شعر فارسی اورباغیات مانده است .

**۶۷۷- خواجه یونس ختایی (خطایی)** ، اصلاً از مردم سرزمین ختای بوده و

در سمرقند بجهان آمده و در آنجا نشو و نما یافته و نیاکان وی مردمی محتشم و ازبازرگانان مالدار بوده‌اند . وی با پادشاهان و فرمانروایان و اشراف و دانشمندان روزگار خود معاشر و نزد ایشان گرامی بوده و غزل را نیکو می‌سروده و ظاهراً ختایی تخلص می‌کرده است .

**۶۷۸- مولانا مسیحی بلخی** ، از معاصران نویدی کلنگ بلخی و از شاعران

ماوراءالنهر بوده است . مردی بسیار افتاده و درویش و کم‌آزار بشمار می‌رفته و مولانا ابوالخیر وی را «فاضل معنوی» می‌گفته و عزیز می‌داشته است . در شعر شاگرد مولانا کوکبی و مولانا ابوالخیر بوده و در ۹۷۶ که بیش از هشتاد سال داشته در گذشته و پیکرش

را در محلی معروف به «خواجه روشنایی» در بلخ به خاک سپردند و از غزل سرایان زبردست این زمان بوده است.

**۶۷۹- مولانا فکری سمرقندی**، در ۹۱۱ ولادت یافته و از معاصران مشفق و

مردی درویش مشرب و بی آزار بوده و در تیزفهمی معروف بود و در ضمن مردی فقیر و در سلوک آزموده بود اما چون بگو کنار عادت کرد از افکار دقیق بازماند و در پایان زندگی شعر وی بسیار تنزل کرده بود و در ضمن مرد قانعی بشمار می رفت و در سال ۹۹۸ در ۸۷ سالگی در گذشت و از استادان غزل روزگار خود بود.

**۶۸۰- خواجه جان سمرقندی**، معروف به خواجه جان جهود زیرا که بینی

بسیار بزرگ داشت. مرد هنرمندی بود و خطوط را بسیار خوب می نوشت و منشی توانایی بود و در علم رقوم و میاق نیز زبردست بود. در زمان سلطان سعیدخان چندی وزیر سمرقند بود اما بزودی معزول شد و بواسطه جرمی که کرده بود وی را زندانی کردند و بکند کشیدند و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۶۸۱- مولانا فضل بنوشادی**، از شاعران معروف بلخ و از معاصران مشفق

بوده و بابت دیگر مشاعر و مطایبه داشته اند و وی کل نیمورتاش برادر مشفق را بیحرطویل هجو کرده و آن اشعار بسیار معروف شده بود و در ضمن غزل سرای ماهری بوده و بترکی نیز شعر می سروده است.

**۶۸۲- میرفهمی بدخشی**، از مردم بدخشان بوده اما در سمرقند نشو و نما یافته

و نیاگانش از سادات محتشم بدخشان بوده اند و خود مرد دانشمندی بود. در زمان سلطان سعیدخان سمرقند رفت و در آن شهر وی را بسیار گرامی داشتند. روزی در خانه میرمخدوم پدر شیخ حسین خوارزمی عارف مشهور گروهی از دانشمندان گرد آمده بودند وی و مشفق هم در آن جمع بودند و چون مشفق از اشعار وی خواسته او دیوان خود را از بغل بیرون آورده و پیش او انداخته و گفته که دیوان من اینست. بهمین جهت مردم از اشعار او اقبالی نکرده اند و وی زبان بهجا گشوده و اشعار رکیک بسیار گفته و سرانجام از ماوراءالنهر به هندوستان رفته و از ما زمان دستگاه منعم خان شده اما بزودی در جگر که



هزالان درآمده و بخواری در آن دیار در گذشته و غزل را نیز نیکو می سروده است .  
**۶۸۳- مولانا نورالدین عهدی قراکولی** ، از مردم قراکول از توابع بخارا و از شاعران معاصر حاضری و دیگران بوده و در معما و عروض و قافیه و فنون دیگر دست داشته و در سرعت فهم معروف بوده و در ضمن مردی بسیار وجیه و شیرین سخن و ظریف بوده است . در زمان اسفندیار سلطان شهر سبز رفت و قصیده‌ای در ستایش وی گفت و صلت خوبی گرفت و بدیار خود باز گشت و اندک مدتی پس از آن در ۹۸۹ در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر ماهر بوده است .

**۶۸۴- مولانا والهی بلخی** ، از معاصران مسیحی و از دانشمندان نامی بلخ بوده و مردی سالك و خوش خوی و شیرین سخن بشمار می رفته و خود را شاگرد مولانا و اصلی می دانست و در پیری بشاعری آغاز کرد و با نویدی کلنگ تعصب می ورزید و نویدی اشعار وی را نمی پسندید . نشو و نما ی وی در بلخ در روزگار پیر محمد خان بوده و در ۹۷۷ در گذشته و دیوان اشعار خود را خود ترتیب داده بود .

**۶۸۵- نقیب الاشراف خواجه سید بهاء الدین حسین بخاری متخلص** بنشاری ، از مشاهیر سادات و بزرگان ماوراءالنهر در زمان خود بوده و وی راه فخر السادات می گفتند . از خاندان محترم بود . نسب پدرش بسید اتا از پیشوایان معروف تصوف ماوراءالنهر می رسید و از جانب مادر از بازماندگان خواجه بهاء الدین نقشبند عارف مشهور بود . در علوم ظاهر و باطن بسیار کوشیده بود و پادشاهان و فرمانروایان و بزرگان وی را بسیار محترم می شمردند و مرد بسیار مهربانی بود و سرانجام در ۱۰۰۵ در گذشت و در مزار خواجه بهاء الدین نقشبند وی را بخاک سپردند . وی گذشته از آنکه غزل را نیکو می سروده و با مشفق مشاعره داشته در ۹۸۳ کتابی در تذکره شاعران فارسی زبان تازمان خود بنام مذکر احباب تألیف کرده که مخصوصاً درباره شاعران ماوراءالنهر اهمیت بسیار دارد و محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص بمایح در ۱۰۹۳ بنام مذکر الاصحاب ذیلی بر آن نوشته است . از آثار ادبی او که مشهور شده شصت و هشت و چهار در چهار خواجه عبدالله بخاری را تتبع کرده است .

**۶۸۶- میر دیوانه محنتی بخارایی**، از سادات صحیح‌النسب بخارا بود و در

محلی بنام ساجمون از توابع بخارا ولادت یافت. از مریدان خواجه ابواسحق جویباری از مشایخ ماوراءالنهر بوده و بامشقتی مطایبه بسیار می‌کرده و قصیده و قطعه و رباعی و مثنوی بسیار درین زمینه سروده که در آن زمان بسیار معروف شده است و گاهی هم دیگران اشعاری درین زمینه می‌سروده و باو می‌پسته‌اند. در زمان عبدالله خان نشوونما یافته و قصاید غرادرستایش وی سروده و نوازش و انعام وافر یافته است و سرانجام در ۹۹۲ در گذشت و دیوان قصاید و غزلیات خویش را خود ترتیب داده بود.

**۶۸۷- مولانا حقیری بخارایی**، از کشاورزان بخارا و از معاصران میردیوانه

متخلص بمحنتی و مردی بسیار درویش‌نهاد و کم‌آزار و صاحب‌دل بود و کم‌معاشرت داشت و از مردم گریزان بوده و قصیده را بروش و اصلی خوب می‌سروده است.

**۶۸۸- مولانا جنونی حصاری**، از مردم حصار ماوراءالنهر بوده و در جوانی

بکسب دانش می‌پرداخت. پس از چندی بشاعری آغاز کرد و افکار پسندیده داشت و مردی بسیار شیرین سخن و ظریف طبع بود. در زمان محمد هاشم سلطان در سرزمین حصار بسپاهی گری روزگاری گذراند و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است.

**۶۸۹- مولانا شهرتی ورغزی تاشکندی**، از مردم ورغز در روستای آهنگران

از توابع تاشکند بود. در جوانی بکسب دانش پرداخت و زیارت حرمین رفت و از مریدان مولانا لطف‌الله جوینی که از خلفای مولانا خواجگی کاشانی بود شد و مدتی مدینه از ملازمان او بود و ریاضت و مجاهدت بسیار کشید و نیز بملازمت مولانا محمد معروف بخواجه کلان خواجه پسر مولانا خواجگی نایل شد و چندی مقام ارشاد داشت و در سال ۱۰۱۰ در پایان زندگی بسفر حجاز رفت و در شام در گذشت و پیکرش را بتاشکند بردند و در کوه میدان نزدیک مزار شیخ حسین خوارزمی بخاک سپردند. وی از غزل‌سرایان زبردست روزگار خود بوده است.

**۶۹۰- شاه فنایی بدخشی**، از اعیان بدخشان و مردی مستغنی بوده و شاهانه

رفتار می‌کرده و بسیار خودپسند بوده و غزل خوب می‌سروده است.

**۶۹۱- قلیچ محمد خان بلخی**، از مردم محدث ده‌شیخ شهر بلخ و از اعیان آنجا و مردی دانشمند و مدرس بود. در جوانی از بلخ به هندوستان رفت و وارد سپاه جلال‌الدین اکبر شد و بمنصب پنج‌هزاری باعلم و تقاره رسید و از امرای بزرگ شد و شاهزاده دانیال پسر شاه دختر او را گرفت و در ضمن شاعر توانایی بوده و غزل می‌سروده است.

**۶۹۲- میرزا جعفر قزوینی**، از خاندان محتمشی بوده و در فتنه‌ای که منتهی بجلوس شاه‌عباس شد از ایران به هند رفت و وارد دربار جلال‌الدین اکبر شد. نخست منصب بخشی احدیان باو دادند و سپس با عنوان آصف جاهی وزیر اکبر شد و بمنصب پنج‌هزاری باعلم و تقاره رسید. مردی دانشمند بود و غزل و رباعی و مثنوی را استادانه می‌سرود و نیز داستان خسرو شیرین را نظم کرده است.

**۶۹۳- شریف کاشانی**، از بزرگواران کاشان بود و به هند رفت و در دربار اکبر جزو طبقه امرا شد و مردی سخن‌سنج و ظریف بود و غزل را خوب می‌گفت.

**۶۹۴- میرزا قاسم شوکتی**، از اعیان طایفه جغتای بود و در هند در ملازمت میرزا کامران می‌زیست و نزد او بسیار مقرب بود و از غزل‌سرایان این دوره بوده است.

**۶۹۵- مولانا عبداللطیف مسجایی اوراٹپه‌ای**، از مردم مجلی بنام مسجای در اوراٹپه و از شاعران ماوراءالنهر و مردی دانشمند و مدرس بود و نیز غزل سرا بوده است.

**۶۹۶- مولانا رعدی اوراٹپه‌ای**، وی نیز از شاعران ماوراءالنهر بوده و در کاشغر زیاده می‌زیسته و به همین جهت بکاشغری معروف شده بود و از دانشمندان و در شعر شاگرد مولانا واصفی بود و در اقسام شعر دست داشت و هشت در هشت خواجہ عمصت‌الله بخاری را جواب گفته و قصاید غرا در ستایش قریش خان از امرای کاشغر سروده و منصب ملک‌الشعرایی دربار وی را یافته و نیز هشت در هشت دیگری در ستایش وی سروده است. هنگامی که در تاشکند می‌زیسته بواسطه دلدادگی نسبت بمعشوقی بامولانا عبداللطیف مسجایی سابق‌الذکر رقابت بهم زده و چون نتوانسته است در آنجا بماند باندجان رفته و اشعاری در هجو عبداللطیف سروده و بکاشغر رفته است و در قصیده و غزل دست داشته

و بشر کی و فارسی شمر می گفته است .

**۶۹۷- مولانا خلقی بلخی** ، در شعر شاگرد واصلی بوده و پدرانش طباطبائی بوده‌اند و وی نیز همین پیشه را داشته و غزل می‌سروده است .

**۶۹۸- قاسم کوه بر صبری**، اصلاً از مردم خیرآباد از توابع شهر سبزماوراءالنهر بوده است . در جوانی بکسب دانش پرداخت و در نتیجه دلدادگی با جمعی دشمنی بهم رساند و چون نتوانست در وطن بماند بهند رفت و در دربار جلال‌الدین اکبر ترقی کرد و از امر او لقب خانی گرفت و سرانجام در بنگاله در گذشت . داستان خسرو و شیرین را بنام اکبر نظم کرده است .

**۶۹۹- نالی سمرقندی** ، مرد زیبارویی بود و در جوانی در ۹۸ در گذشت و غزل را نیکو می‌گفت .

**۷۰۰- میرزا بیک هروی**، اصل وی از هرات بوده و در بخارا ولادت یافته و پدرانش از وزیران بوده‌اند و وی نیز در زمان عبدالعزیز خان وزیر بخارا شده و در انشا و عالم سیاق دست داشته و خطوط را خوب می‌نوشته و تا ۹۲۷ که قطعه‌ای در تاریخ ولادت اسفندیار بن سلطان خسرو بن سلطان یار محمد بن جانی بیک سلطان از شاهزادگان ازبک سروده زنده بود، است و ازین قرار اقسام مختلف شعر می‌سروده است .

**۷۰۱- مولانا قاضی تربتی** ، از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

**۷۰۲- غباری نیشابوری** ، مردی بسیار دانشمند و از غزل سرایان خوب زمان خود بوده و جزین آگاهی درباره‌اش نیست .

**۷۰۳- غباری هوی‌تاب عراقی** ، پدرانش هوی‌تاب بوده‌اند و او هم همین پیشه را داشته و در غزل سرایی استاد بوده است .

**۷۰۴- خلقی قلندر بلخی**، وی بجز خلقی بلخی سابق الذکر است و در شعر شاگرد واصلی مروزی بوده و مانند قلندران می‌زیسته و شاعر توانایی بوده است . در آغاز سی سال در بسیاری از کشورها سفر کرده و بحج رفته و سرانجام در نجف ساکن شده و در آنجا در

۹۸۳ در گذشته و غزل سرا بوده است .

۷۰۵- قاسم ارسلان بخارایی ، وی ظاهراً بجز قاسم ارسلان مشهدی سابق- الذکرست . از مردم بخارا بوده ، نخست طالب علم بود و پس از چندی در سلك سپاهیان جای گرفت و سرانجام از بخارا بهندرفت و در دربار جلال الدین اکبر وارد شد و در هند در گذشت . وی در اقسام شعر دست داشته و هزلیات و غزلیات از او مانده است .

۷۰۶- دوستی بدخشی ، از مردم بدخشان بوده اما در حصار می زیسته و ساکن ماوراءالنهر بوده و در شعر از شاگردان قدسی بشمار می رفته و غزل سرا بوده است .

۷۰۷- حیرانی لیشا پوری ، مردی عابد بوده و همیشه بر ریاضت روزگاری گذرانده و در شعر شاگرد امیدی بوده و غزل می سروده است .

۷۰۸- زایری تربتی ، از معاصران ولی دشت بیاضی و از غزل سرایان زبردست خراسان بوده است .

۷۰۹- میرزا حسایی تبریزی ، پسر مهتر قاضی جهان تبریزی و برادر شرف تبریزی بوده که ن کرش پس ازین خواهد آمد و نسبش بامام دوم حسن بن علی می رسیده و از خاندان محتشمی بوده و در اقسام مختلف شعر از آن جمله در معما و غزل دست داشته است .

۷۱۰- میرزا شرف تبریزی ، برادر کهنتر میرزا حسایی و پسر قاضی جهان تبریزی سابق الذکر بوده و در همت و بخشندگی و دلاوری معروف و در ضمن کر بوده و چندی در دربار شاه طهماسب زیسته و در اقسام مختلف شعر از آن جمله در غزل استاد بوده است .

۷۱۱- مولانا صیفی تبریزی ، در حدت فهم و سرعت طبع معروف و غزل سرا بوده است .

۷۱۲- علی هروی کاشانی متخلص بنقی ، از مردم هرات اما بکاشانی معروف و مردی دانشمند بوده و غزل را خوب می سروده است .

۷۱۳- مولانا صالح مشهدی ، مردی دانشمند اما بسیار خودپسند بوده و غزل

می سروده است

۷۱۴- میرزا طاهر موسوی مشهدی، نسبش باعام علی بن موسی الرضا می رسیده و بهمین جهت موسوی تخلص می کرده و غزل می سروده و ظاهر آوی بجز موسوی مشهدی سابق الذکر

۷۱۵- شجاع تبریزی، مردی نیز فهم و تند گفتار بوده و در سلك سپاهیان در ایران می زیسته و غزل را نیکو می سروده و دیوانش در آذربایجان شهرت داشته است .

۷۱۶- نویدی نیشابوری، ظاهر آوی بجز نویدی نیشابوری دیگر است که در هند می زیسته و او در ایران در زمان شاه طهماسب بشاعری آغاز کرده و مردی صاحب طبع سلیم و هوشمند بوده و در زمان خود شهرت بسیار داشته و بیشتر مثنوی می سروده و دو مثنوی نظم کرده است یکی در داستان خسرو شیرین و دیگر بتقلید از حدیقه الحقیقه سنایی .

۷۱۷- مولانا باقی مشهدی، مردی بسیار شیرین سخن و مذهب و فاضل بوده و غزل را خوب می گفته است .

۷۱۸- خواجه طبعی سمرقندی، مردی مذهب و بسیار خوش خوی و شیرین زبان و زود فهم بوده و غزل را استادانه می سروده است .

۷۱۹- حزینی، ظاهر آ از شاعران ماوراءالنهر و بجز حزینی استرآبادی و حزینی کونا بادی و حزینی کیلانی و حزینی یزدی و غزل سرا بوده است .

۷۲۰- مولانا میر خرد میانکالی، از مردم میانکال ماوراءالنهر و مردی مذهب و معروف بوده و قبول عام داشته و در بخارا هنگامی که کسب دانش می کرده دل داده کسی شده و درین زمینه اشعاری سروده و سرانجام به حج رفته و در مکه ساکن شده و در همان جا در گذشته است .

۷۲۱- شاهقلی خلخال، از اعیان اولوس ترکمان و ظاهر آ از مردم ماوراءالنهر و نیز فهم و دارای طبعی تند بوده و غزل می سروده است .

۷۲۲- سپهری هروی، غزل را شور انگیز می گفته و جزین در باره اش

## آگاهی :-

۷۲۳- واقفی هروی ، نوشته‌اند مردی خودپسند و متکبر و ملحد بوده ولی مشرب بلند داشته و بسیار شیرین سخن بوده و غزل می‌سروده است .

۷۲۴- قاضی نوری هروی ، از اعیان هرات و چندی قاضی آن شهر و مردی شیرین سخن بوده و در زمان شاه اسمعیل معروف شده و از ملازمان مقرب او بوده و قصاید بسیار در ستایش وی سروده است .

۷۲۵- مولانا یحیی کیلانی ، ظاهر آ بجز مولانا یحیی کیلانی یا قاضی یحیی لاهیجانی سابق الذکر است ، از اعیان زادگان کیلان بوده و در هرات نشوونما یافته و پس از مدتی از هرات بکیلان رفته و غزل را نیکو می‌سروده است .

۷۲۶- اسکندر هروی ، از اعیان هرات بوده و پدرانش بسیار محترم بوده‌اند اما در تبریز نشو و نما یافته و منشی و خوشنویس زبردست بوده و غزل را خوب می‌گفته است .

۷۲۷- رضایی کابلی ، از مردان محتشم زمان خود و مردی مذهب و شیرین سخن و در ضمن معتاد بمسکرات و عاشق پیشه بوده و غزل را استادانه می‌سروده است .

۷۲۸- امیر محمد تقی خراسانی ، از سادات صحیح النسب و مردی مذهب و درویش مشرب و شیرین سخن بوده و رباعیات از او مانده است .

۷۲۹- محمد نمکین هروی ، در هرات نشوونما یافته و مردی بسیار دانشمند بوده و در سرودن رباعی بر اقران خود برتری داشته است .

۷۳۰- قدری سبزواری ، مردی شیرین سخن و از دوستان اسکندر هروی بوده و در هرات با وی می‌زیسته ، پس از چندی بر سر عشق جوانی با هم دشمن شده‌اند و غزل را خوب می‌گفته است .

۷۳۱- مولانا حالتی طرفائی ، از مردم طرفان از توابع یار کند بوده اما در یار کند نشو و نما یافته و در شعر شاگرد رعدی اورانپه‌ای سابق الذکر و غزل سرا بوده است .

**۷۴۲- مولانا لیکي کابلی ،** در زمان فرمانروایی میرزا ابراهیم پیدخشان رفته و در آنجا نشوونما یافته و در اقسام شعر و بیشتر در غزل دست داشته و در شعرها کرد جانی نیم بان بوده است .

**۷۴۳- مولانا غیوری حصاری ،** ظاهراً بجز غیوری حصاری دیگرست که ذکرش پیش ازین گذشت. در زمان حکمرانی محمد حکیم میرزا در کابل نشوونما و دانش یافته و از مقر بان حکمران سابق الذکر و تزداد و گستاخ و از سپاهیان بوده و چند بار در جنگها کارهای نمایان کرده و با بزرگان روزگار معاشر بوده و روی زشت داشته و در جوانی که هنوز بیچهل سالگی نرسیده بود در سال ۹۹۹ در گذشت و غزل را خوب می سروده است.

**۷۴۴- فقیری بخارایی ،** از معاصران مشفق شاعر معروف و مردی افتاده و درویش مشرب بود و همیشه بازاهدان و درویشان رفت و آمد داشت و از کشاورزی روزگار می گذرانید و در ضمن با بزرگان عصر آشنا بود و با مشفق مطایبه بسیار کرده و در ۹۸۰ در گذشت و غزل می سرود .

**۷۴۵- مولانا یتیمی تبریزی ،** ظاهراً وی همان یتیمی هرویست که سابقاً ذکر مختصری از او رفته است. اصل وی از تبریز بوده اما در هرات نشوونما یافته و مردی بسیار دانشمند بوده و پس از فتح هرات بدست صفویه ببلخ رفته و در آنجا ساکن شده اما پس از اندک زمانی هنگامی که سنش از هشتاد گذشته بود در ۹۹۵ در بلخ در گذشت و همانجا مدفون شد و شاعری زبردست در غزل سرایی بوده است .

**۷۴۶- میرزا شاه بیک لنگر حصاری ،** از شاعران ماوراءالنهر و از اولوس اعیان ازبکان بود . نخست در ملازمت محمد هاشم سلطان تقرب یافت و از امرای دستگاه او بود . سپس از آن کار کناره گرفت و گوشه نشین شد و بفارسی و ترکی شعر می گفته است.

**۷۴۷- شیخ علاءالدوله خوارزمی ،** از فرزندان شیخ حسین خوارزمی عارف مشهور و هردی مذهب و دانشمند و درویش مشرب و وارسته بود و نیز فهم و غزل سرای توانایی بود .

**۷۴۸- میرابوالخیررامی هروی ،** از سادات صاحب النسب و اصلاً از مردم هرات



بود اما در سمرقند ولادت یافته و غزل را خوب می‌سروده است .

۷۳۹- میرزا محمد امین ازبك، از امرای ازبك و از اولوس قوشچی بود و پدرانش

مردمان محتشم بودند . وی نیز در دربار پادشاهان ازبك مقام مهم داشت و در تاریخ و معما و انشا دست داشت و در شجاعت و همت نیز معروف بود . در پایان زندگی به هندوستان بدربار جلال‌الدین اکبر رفت و در آنجا کارش نگرفت تا آنکه در ۹۸۳ در هند در گذشت و ازو معنیات مانده است .

۷۴۰- خواجه میرک خوارزمی ، از فرزندان شیخ حسین خوارزمی عارف

معروف و مردی بسیار دانشمند بود و در فنون مختلف دست داشت و غزل را خوب می‌گفت .

۷۴۱- مولانا بیغمی ترمذی ، شاعری زبردست و شعر شناس بود و غزل را

نیکو می‌سرود .

۷۴۲- بدخشی قالدانی ، از مردم تالقان بدخشان بود و در اقسام مختلف شعر

مخصوصاً در غزل و غزل ماهر بود .

۷۴۳- مولانا مهجوری سمرقندی، از شاعران شیرین سخن و غزل سرایان استاد

زمان خود بوده است .

۷۴۴- قاضی سعید ایسکی باغی ، از مردم ایسکی باغ در ناحیه خزار در ماوراءالنهر

و قاضی آن ناحیه بوده و مردی دانشمند بشمار می‌رفته و مرید شیخ خردکاشانی از مشایخ صوفیه آن ناحیه بوده و سعید تخصص می‌کرده و در ۱۰۰۲ در گذشته و دیوان غزلیات داشته است .

۷۴۵- مولانا واهی سجاوندی ، از مردم سجاوند از توابع غزنین بوده و در

خردسالی بفرغانه رفته و در مرغینان ساکن شده و در آنجا نشو و نما یافته و دانش آموخته و از مریدان مولانا درویش محمد مرغینانی از خلفای مولانا اطف الله جوینی از مشایخ تصوف شده که وی مرید مولانا خواجگی و وی مرید مولانا محمد قاضی و او مرید خواجه عبیدالله احرار بوده است . واهی خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشت و از کتابت گذران می‌کرد و از معاصران مولانا محمد شریف اندجانی بوده و غزل را خوب می‌گفت .

**۷۴۶-** محمدشیرخان فرقتی تولکی ، از او اوس تولکی و از ترکان بدخشان و از ملازمان میرزا شاهرخ بن میرزا ابراهیم و از اعیان زمان خود بوده و مدتی حکمران کامرد بود تا آنکه لشکریان عبدالله خان بدخشان را گرفتند و وی بدست ایشان گرفتار شد و پس از چندی رهایی یافت و در ۹۹۲ هجری رفت و در راه در گذشت . وی نیز غزل سرا بوده .

**۷۴۷-** میررستم سمرقندی ، پسر خواجه نظام الملک از اعیان آن دیار بود و مدتی در دستگاه سلطان سعیدخان در سمرقند منصب انشاد داشت و چون وی در گذشت و جوانمرد علی خان والی سمرقند شد از سمرقند بیخ رفت و بوزارت خواجه جان پارسا رسید و پس از مرگ وی بهند رفت و مدتی در آن دیار سرگردان بود تا آنکه در ۱۰۰۵ در سرزمین مالوه در گذشت . وی خوش نویس و منشی زبردست بود و غزل را نیکو می سرود و رستم تخلص می کرد و دیوانی داشته است .

**۷۴۸-** میربدیع قاضی هروی ، پسر قاضی اختیار هروی و از مشاهیر آن شهر بوده است . پس از ظهور صفویه از هرات به اورد و آن شهر رفته و برادرش میرمحمد شفیع مدتی قاضی شهر سبز بوده و پس از مرگ وی این مقام را باو داده اند . در طب و حکمت دست داشت و مانند پدر در جمع مال حریص بود و بامساک معروف شده بود . کتاب اقتباسات مختار الا برار را تألیف کرده و در پایان زندگی یک مثنوی شامل پنج هزار بیت بعنوان عدن و حور سروده و غزل نیز می گفته است .

**۷۴۹-** غازی قلندر هروی ، ظاهر آوی به جز غازی قلندر دیگر است که ذکرش پیش ازین گذشت . وی نهخت با مردم رفت و آمد داشت و در پایان زندگی قلندرانسه می زیست و گوشه نشین بود و از معاصران وحشی بود و غزل می سروده است .

**۷۵۰-** مجوی بخارایی ، از معاصران میردیوانه مخنتی ساجمونی بوده و نوشته اند که بسیار پر طمع و کد اطماع بوده و همواره منتظر آن بود که کسی بمیرد و برای او تاریخ یا مرثیه بسراید و بهمین جهت در بخارا شاعران از آشنایی با وی خودداری می کردند و تا سال ۹۸۵ زنده بود و اقسام شعر می سروده است .

**۷۵۱- میرزا قاسم ساغر جی متخلص بمنشی و انشایی ، پسر خواجه محمد صالح ساغر جی و از خاندان محترم بود و در انشا و سیاق ماهر بود. در زمان عبداللطیف خان و سلطان سعید خان چندی وزیر سمرقند بود و چندی هم از منشیان دربار بود. بسیار متمول بود و فرزندان فراوان داشت. نزد عبدالله خان و پادشاهان دیگر این خاندان مقرب بود. پس از مرگ پدرش منشی سلطان سعید خان شد و پس از مرگ وی ملازم جوانمرد علی خان و منشی دستگاه او گشت و در نه‌م ربیع الاول ۹۸۶ که عبدالله خان والی سمرقند شد قصیده‌غزایی در ستایش او گفت و با هدایای نفیس نزد وی برد و از او برخوردار شد. برادرش میرزا مومن نیز مقرب دستگاه عبدالله خان بود. پس از آنکه چندی ملازم عبدالله خان بود بوزارت سیونج محمد سلطان رسید و تازنده بود وزارت ساغر جی را داشت. خوش‌نویس نیز بود و در شعر شاگرد مشفق بوده ، نخست منشی تخلص می‌کرده و سپس انشایی تخلص کرده است و در اقسام شعر دست داشته و انواع موشح و مشجر و مظهر و اظهار و مضمر می‌سروده و در تاریخ سرودن نیز زبردست بوده و قطعانی که در تاریخ می‌سروده معروف شده است و بفارسی و ترکی نیز قصیده و غزل را نیز نیکو می‌گفته و دیوان قصاید و غزلیات خود را گرد آورده و داستان خسرو و شیرین نیز سروده و در ۱۰۰۵ در گذشته است.**

**۷۵۲- یادگار دیک ترکمان ، از اولوس ترکمان و غزل‌سرای بوده است و جزین از احوالش آگاهی نیست .**

**۷۵۳- مولانا میرزا جان رومی شیرازی ، بجز حبیب‌الله با غنوی معروف بمیرزا جان شیرازی دانشمند معروف سابق الذکر است . وی نیز مردی دانشمند بوده و در علوم زمان خود دست داشته و چون در طریقه سنت تعصب داشته در پایان زندگی در آغاز دوره صفوی از ایران به اورا االنهر بدربار عبدالله خان رفته و وی و اعیان دربارش مخصوصاً امیر قلی بابا کوکلتاش با وی بسیار مهربانی کرده‌اند و در مدرسه خان که در سرخیابان در شهر بخارا بود بتدریس پرداخته و شاگردان بسیار داشته و سرانجام در ۹۹۸ در بخارا در گذشته و غزل را خوب می‌گفته و رومی تخلص می‌کرده است .**

**۷۵۴- میرزا جوجك**، از نرکان اولوس پيرك و مردی دانشمند و در سرودن معما استاد بوده و نیز منشی زبردستی بشمار می رفته و از مختصان خسروسلطان بوده و پس از مرگ وی گوشه نشین شده و در شهر سبزسکونت گرفته و در آنجا در ۹۹۴ در گذشته و رساله‌ای در معما تألیف کرده است.

**۷۵۵- مولانا خاکی بلخی**، از معاصران نویدی بوده و بیست سال باوی هم خانه و از مریدان مولانا محمد امین زاهد از مشایخ آن زمان و حافظ قرآن بوده و بمکتب داری روزگار می گذرانده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و مردی درویش مشرب بود. چندی خاکی تخلص می کرد و سپس سروشی تخلص کرده است. چند مثنوی آینه و طوطی، گل و بلبل، قاصد و مقصود، اسکندرنامه، ذره و آفتاب، شمع و پروانه و بعضی رسایل در فقه نوشته و چهار دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و مقطعات خود را ترتیب داده است.

**۷۵۶- شیخ الشیوخ آقا ابن یمین شبرغانی**، از مردم شبرغان از توابع بلخ بوده است. در جوانی کسب دانش کرده و سپس وارد حلقه تصوف و مرید مولانا خردکاشانی شده و ریاضت و مجاهدت بسیار داشته و پس از مرگ مرشد خود جانشین وی شده و خوارق عادات بوی نسبت می داده اند و بسیار محترم بوده و مریدان فراوان داشته و پادشاهان و امیران او را محترم می داشته اند و در ۱۰۰۵ در گذشت و در شبرغان مدفون شد. وی غزل را خوب می گفته و ابن یمین تخلص می کرده است.

**۷۵۷- مولانا صادق سمرقنای**، پدرش در سمرقند حلواگر بود و وی دانش آموخت و از دانشمندان نامی زمان خود شد و مدتی در کابل معلم محمد حکیم میرزا بود و وی را بسیار محترم می شمردند. پس از مرگ وی بماوراءالنهر بازگشت و در سمرقند بدربار عبدالله خان راه یافت و احترام بسیار یافت و بتدریس در طاقاعالی مدرسه الغ بیك مشغول شد و نیز بتدریس مدرسه شاه بیك خان را باو دادند و در ۱۰۰۵ در گذشت. وی در اقسام مختلف شعر از آن جمله در غزل و معما دست داشته و دیوان خود را ترتیب داده است.

**۷۵۸- حافظ ابراهیم بخارایی**، از کودکی حافظ قرآن شده و درین فن معروف

بوده و سپس خطیب مسجد جامع بزرگ بخارا شده و در دربار عبدالله خان محترم بوده و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی شده است. پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحق جویمباری بوده و ریاضت و مجاهدت داشته و با آنکه سنش از هشتاد گذشته بود قرآن را بسیار خوب می خواند و فرزندان فراوان داشت و در ۱۰۰۴ در گذشت. وی در فصیده و غزل و رباعی و قطعه و تاریخ استاد بوده و يك مثنوی در طریقه سلسله خواجگان سروده و سه دیوان ترتیب داده است.

۷۵۹- عرضی بخارایی، مردی پیشه ورتا اندازه ای دانشمند بود و در زمان عبدالله خان متهم شد و آلت وی را بریدند و بهمان جهت در ۹۷۹ در گذشت و در شعر استاد بوده است.

۷۶۰- غلامی، از شاعران ماوراءالنهر و مردی بسیار دانشمند بود و غزل را خوب می گفت.

۷۶۱- سالم يك ترکمان، از ترکمانان ایران بوده و پس از چندی از خراسان به هند رفته و از احدیان دربار جلال الدین محمد اکبر شده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و از آن جمله غزل می سروده و شاهنامه ای شامل فتوحات شاه عباس سروده است.

۷۶۲- نوروز صفایی سمرقندی، در جوانی مرد زیبا رویی بود و بخوردن کوکنار و افیون عادت کرد و غزل را نیکو می سرود.

۷۶۳- حزنی هروی، عراقی نیز معروف بوده و برخی بخطای وی را از شاگردان ولایت بیاضی دانسته اند و در غزل سرایی استاد بوده است.

۷۶۴- سگ لوند مهدی، نام وی را بهمین صورت ضبط کرده اند و در غزلی که از او مانده لوند تخلص کرده و نوشته اند بسیار خوش طبع بود اما بسیار بلند مشرب و آزاده بود و بهیچ مذهبی توجه نداشت و غزل می سرود.

۷۶۵- میرزا ذوالفقار بخارایی، پسر بابای میرک ترکستانی بوده اما در بخارا ولادت یافته و دانش آموخته و از دانشمندان نامی زمان خود شده و در ۹۹۷ عبدالله خان تدریس طاق اعلائی مدرسه الغریک را در سمرقند با و رجوع کرده و در ۹۹۸ در گذشت.

و غزل را خوب می گفت .

۷۶۶- ادهمی ، از شاعران ماوراءالنهر و دارای حدت طبع و سرعت فهم بوده و غزل می سروده است .

۷۶۷- مولانا زلفی بلخی ، از مردم گذرد و آبه بلخ و مردی دانشمند بوده و غزل می گفته است .

۷۶۸- مولانا دوری بلخی ، عمر خود را در سوداگری می گذراند و در شعر شاگرد ابوالخیرانک بود و از معاصران مسیحی بلخی بشمار می رفت و همواره در بلخ می زیست و غزل را خوب می گفت .

۷۶۹- خاصی هروی ، اصلاً از مردم هرات بود اما در تاشکند نشو و نما یافت و از فنون شعر بسیار آگاه بود و غزل را نیکو می سرود .

۷۷۰- طرزی یزدی ، در جوانی بسیار زیباروی و مردی مذهب بود و بواسطه خوردن گوشت کنگار دگرگون شد . چندی سوداگری می کرد و ازین کار دست کشید و بساحت پرداخت و در غزل سرایی استاد بود .

۷۷۱- عربی قندزی ، از قندز از توابع بدخشان بود و غزل خوب می گفت .

۷۷۲- مولانا ناظری بخارایی ، مردی دانشمند بود ، در آغاز با مردم بی باک هم نشین بود و سپس از معاشرت با ایشان دست کشید و با اعیان شهر معاشر شد و در پیروی در علم سیاق مهارت یافت و در دستگاه عبدالله خان رقی کرد و از وزرای او شد و سپس وزارت چهره در گاه عبدالله خان رسید و تا زنده بود این مقام را داشت و از معاصران مشفق بود و غزل را خوب می گفت .

۷۷۳- میر جمال الدین خادمی هروی ، اصلاً از مردم هرات بود اما در بلخ نشو و نما یافت و خود را از خویشاوندان جامی شاعر معروف می دانست و از مریدان مولانا محمد امین زاهد و داماد وی بود . شاهنامه ای در فتوحات عبدالله خان بنام عبدالله نامه سروده و صله وافر یافته و در غزل سرایی نیز ماهر بوده است .

۷۷۴- مولانا مظفری بدخشانی ، از مردم محلی بنام خندان از توابع دره یون

بدخشان و از قاضی زادگان آن سرزمین و مردی دانشمند بود و در سخن گفتن بسیار تند و سخت گوی بود و غزل را خوب می گفت .

**۷۷۵- مولانا صالح مخلصی بدخشانی**، در جوانی برای کسب دانش از بدخشان به ماوراءالنهر رفته و از دانشمندان نامی زمان خود شده و بتدریس پرداخته و در پایان زندگي بهج رفته و غزل را استادانه می سروده است .

**۷۷۶- صدقی بدخشانی** ، شاگرد مطلق سابق الذکر و مرد متکبری بود و غزل می سرود .

**۷۷۷- شیخ بابای طبیب فرغانی** ، از مردم کند بادام از توابع فرغانه و مردی دانشمند و حکیم و طبیب حاذق بوده و در معما دست داشته و عاشق پیشه بوده است .

**۷۷۸- مولانا تنجاهی کابلی** ، پیشه وری روزگار می گذرانده و تا اندازه ای دانشمند بوده و غزل را خوب می سروده است .

**۷۷۹- مولانا نکویی بخارایی** ، از معاصران قاضی و در علم سیاق استاد بوده و در زمان عبدالله خان منصب دیوان چهره داشت و با مشفق مطایبه می کرد و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است .

**۷۸۰- خواجه کلان پخته سمرقندی**، از مردم ناحیه شاد و اردر بخش کمان کران از توابع سمرقند بود و بکشاورزی روزگار می گذرانده . چون در پایان نام وی کلمه «پخته» را آورده اند که در زبان تاجیکان بمعنی پنبه است احتمال می رود که پنبه کار بوده باشد . در هر صورت مرد دانشمندی بوده و حدیث طبع و سرعت فهم داشته و در زمان سلطان سعید خان چندی قاضی فلغز از توابع سمرقند بوده و پس از آن عزل شده و مقام او را به حافظ مسجایی داده اند و در ۹۸۸ از سمرقند سفری بشهر سبز کرده و قصیده ای در مدح سلطان اسفندیار گفته و صله کران گرفته و بسمرقند باز گشته و غزل نیز می سروده است .

**۷۸۱- خواجه حامد تاشکندی** ، از اعیان تاشکند و مردی بسیار خوش فهم و شیرین سخن و خوش رفتار و از دانشمندان بوده و غزلیات را استادانه می سروده است .

**۷۸۲- مولانا ابوالحی قتیلی سمرقندی**، از ناحیه سرپل سمرقند و از دانشمندان

زمان خود بوده و بحدت طبع و سرعت فهم و سخندانی و خوش خویی معروف شده بود .  
سرانجام مدرس مدرسه شاه بیک خان شد و شاگردان بسیار داشت و در ضمن غزل سرای  
توانایی بود .

**۷۸۳- میرزا شریف شریفی سمرقندی** ، پسر خواجه زینل بوده که در دربار  
پادشاهان ازبک سمت دیوانی داشته است . پدرش از مردم هرات ساکن سمرقند بوده و  
وی در سمرقند بجهان آمده و پدرش در ۹۷۲ وزیر سمرقند شده است . وی مردی گوشه نشین  
و درویش مشرب بوده و در زمان عبدالله خان مستوفی ولایت سمرقند شده و در جوانی در  
هرات در گذشته است . در علم سیاق و انشا و معما و غزل دست داشته و خوش نویس هم  
بوده است .

**۷۸۴- میرحسین کفری هروی** ، از سادات صحیح النسب هرات بوده اما در  
نربت ولادت یافته و مرد دانشمندی بشمار می رفته و سپس بهند رفته و در دستگاه شاهزاده  
دانیال وارد شده و از معاصران نوعی خوشانی بوده و غزل و رباعی را نیکو می سروده است .  
**۷۸۵- عیداله بیک تاشکندی** ، پدرش از تاشکند بهند رفته و وی در آنجا بجهان  
آمده و نزد عبدالرحیم خان خان خانان مقرب بوده و در حدت طبع و سرعت فهم معروف  
بود اما بسیار متکبر و خودپسند بود و بهمین جهت دانشمندان زمان بار «دختر انوری»  
می گفتند و سرانجام در حدود سال ۱۰۰۰ در سرزمین برادر خاك دکن از جهان رفته و در  
غزل و رباعی استاد بوده است .

**۷۸۶- حاجی بابا اسمی بخارایی** ، از بخارا بهند رفته و در سلك سپاهیان وارد  
شده و مردی خوش طبع و نیز فهم بوده است . چندی در ملازمت میرزا کوچک علی بلخی  
حکمرانی و سرداری پرکنه مندلکوه در ناحیه چتور را داشته و در سال ۱۰۰۰ هندوان آن  
پرکنه بر سر وی ریخته و او را کشته اند و در همان پرکنه او را بخاك سپرده اند و غزل  
را خوب می گفته است .

**۷۸۷- میرزا قاسم مرجان سمرقندی** ، از اعیان آن شهر و مردی دانشمند بوده  
و از مدرسان دانا بشمار می رفته و محترم بوده است . از سمرقند بشهر سبز بدربارا بوالخیر



سلطان رفته و معميات ازومانده است .

**۷۸۸- مولانا بابای صبری میانکالی ،** از شاعران ماوراءالنهر و مردی دانشمند

بوده و بر است طبعی و نیز فهمی شهرت داشته و در سلك سپاهیان می زیسته و سپس از مالازمان از يك خان شده و منصب شیخ الاسلامی یافته و در غزل روش خاصی داشته و دیوانی ترتیب داده است .

**۷۸۹- وداعی حصاری ،** از مردم حصار ماوراءالنهر بوده و در هند نشو و نما یافته

و مردی درویش مشرب بوده و پس از آنکه در هند رنج بسیار دیده بماوراءالنهر و از آنجا بکابل رفته و از آنجا بحجاز رفته و درین سفر در گذشته و در عروض و قافیه و معما و اقسام شعر استاد بوده است .

**۷۹۰- شهدی بدخشانی ،** از ترکان چادر نشین آن سرزمین و در شعر استاد

بود و غزل را خوب می گفت .

**۷۹۱- قاضی محنتی و عیشی میانکالی ،** از مردم میانکال بود اما در سمرقند

دانش آموخت و بیشتر در هند می زیست و در دربار جلال الدین اکبر بسیار محترم بود و قضاوت قصبه سر هند را باو دادند و در ۱۰۰۲ در سر هند در گذشت و در آنجا مدفون شد . نخست محنتی تخلص می کرد و بیشتر اشعار خود را باین تخلص سروده و در پایان زندگي جلال الدین اکبر تخلص عیشی را باو داده و باین تخلص کمتر شعر گفته است و دیوان غزلیات خود را ترتیب داده است .

**۷۹۲- مولانا باقی بخارایی ،** پدرش در زیگر بود و خود دانش آموخت و درین

رشته نامور شد و مدرس مدرسه عبدالله خان در بخارا شد که در محله سرخیابان بود و در اقسام مختلف شعر دست داشت .

**۷۹۳- مولانا صابری تاشکندی ،** وی نیز از دانشمندان و از فقهای زمان خود بود

و بر احکام فقهای دیگر ذیل نوشته و در زمان درویش خان در تاشکند با مولانا جمله در افتاد و اهاجی بسیار در باره وی گفت و سپس از تاشکند بمرقند رفت و از مفتیان آن شهر شد و اقسام مختلف شعر از آن جمله غزل را نیکو می سروده است .

**۷۹۴- آدمی و گدایی سمرقندی** ، از جامعه باقی روزگار می گذراند و خط و سواد و طبع موزون داشت و از شاگردان مشفق بود و نخست گدایی تخلص می کرد و مشفقی تخلص آدمی را بار داد و در شاعری ترقی بسیار کرد و در پایان عمر از سمرقند بعزم سفر حجاز بهند رفت و در سورت بندر کجرات در سال ۹۹۷ در گذشت و غزل را بسیار خوب می گفت .

**۷۹۵- مولانا نیازی مثالی بدخشی** ، پسر مولانا وصالی بدخشی بود و نخست در بدخشان می زیست و در انقلابات آن سرزمین بهند و بدر بار جلال الدین اکبر رفت و در سلك سپاهیان جای گرفت و چون از وی جریمه ای سرزد مدتی گرفتار بود و آهنگ حج کرد اما مدتی در هند بی سروسامان بود و در دکن می گشت تا آنکه در سال ۱۰۱۰ بآن سفر رفت و در همان جا در گذشت . وی شاعری زبردست بود و پیروی از شاعران سلف می کرده و در معما و عروض و قافیه استاد بوده و غزل را نیکو می سرود و مثالی تخلص می کرد.

**۷۹۶- مولانا وصالی بدخشی** ، پدر نیازی مثالی سابق الذکر و از شاعران زبردست پرخیال بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

**۷۹۷- مولانا ریاضی و صولی بدخشی** ، پسر وصالی سابق الذکر و برادر نیازی مثالی سابق الذکر بود و و صولی تخلص می کرد و مرد بسیار کم سخنی بود و تا ۱۰۱۳ زنده بوده است .

**۷۹۸- میرزا باقی انجمی بخارایی** ، پسر میرخلیفه و از اولوس شیرین بود و از دانشمندان بشمار می رفت و در شعر شاگرد مشفقی بوده و عارف مشرب و شیرین سخن بود . در آغاز پس از مرگ پدر از سپاهیان دربار عبدالله خان شد و چون جریمه ای از او بوجود آمد مردود شد و ملازمت شاهزاده اسفندیار سلطان را برگزید و نزد او ترقی کرد و قصاید غرا در مدح او گفت و بزودی از آنجا نیز رانده شد و از اندجان بکاشغر رفت و چندی آنجا بود و باز بماوراءالنهر برگشت و از آنجا بهند بدر بار جلال الدین محمد اکبر رفت و مقرب شد و روزی يك اشرفی وظیفه برایش معین کردند و جزو اعیان دربار شد و با اکبر بدکن رفت و در محاصره قلعه ای که پای تخت پادشاه خاندیش بود با سپاه مبتلا

شد و چون بکو کنار عادت کرده بود بیماری وی درمان پذیر نشد و از آن کبر اجازه گرفت و با گریه رفت و چون بکنار آب تریده در سرحد هند در ناحیه مالوه رسید در ۱۰۰۸ در گذشت و در همانجا بخاک رفت و در غزل استاد بود.

**۷۹۹- میرک وصالی بلخی**، از مردم طغای بوغیه از ناحیه شهر آستانه از توابع بلخ و از خاندان سادات معروف بسادات معین بود، طبع سلیم و سرعت فهم داشت و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت. در زمان پیر محمد خان بن جانی بیک سلطان قاضی آستانه علی بن ابی طالب یعنی مزار شریف امروز را هجو کرد و مهاجرات او معروف شد و چون عبدالله خان فرمانروای بلخ شد قصاید بسیار در مدح او گفت و انعام و افریافت و باعیان دستگاه او پیوست و تا سال ۹۸۰ زنده بود. در آغاز در شعر شاگرد نویدی کلنگ و سپس شاگرد مشفقی بوده و غزل را نیز نیکو می سروده است.

**۸۰۰- مولانا نقدی حصاری**، از ترکان چادر نشین حصار بوده و در زمان فقیر سلطان وزیر او شده و سپس بسمرقند رفته و در سلك سپاهیان جوانمرد علی خان وارد شده و در انشا و سیاق دست داشته و در شعر شاگرد مشفقی بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۰۱- فدایی بلخی**، اصلاً از مردم بلخ بوده و در کابل نشو و نما یافته و مردی دانشمند و شاگرد قاسم گاهی بوده و غزل را نیکو می سروده است.

**۸۰۲- میر محکم حصاری**، از سادات صحیح النسب حصار ماوراءالنهر و مردی مجذوب و شاعری توانا بوده و در شعر شاگردی قدسی را کرده و غزل می سروده است.

**۸۰۳- مولانا شرحی جامی**، از مردم جام بوده اما در ماوراءالنهر نشو و نما یافته و در آغاز دوره صفویه از خراسان در زمان عبدالله خان بآنجا رفته و کارش در آنجا نگرفته و در ۹۹۵ از سمرقند بفرغانه رفت و در دستگاه سلطان اسفندیار بوسیله محمد عارف لقابی اندکانی راه یافت و پس از یک سال اجازه گرفته و بکاشغر رفته و در دستگاه امرای آن سرزمین مقرب شده و پس از چندی با جمعی اتفاق کرده و بر سر زمین تبت ناخته و در سرما از یاماند و معلول شده و ناچار در آنجا مانده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۸۰۴- مولانا فانی بخارایی** ، مردی دانشمند بوده و در جوانی منظور مولانا حاضری اشتر لب شاعر شده و در ۹۹۷ از بخارا باندجان رفت و در آنجا کارش گرفت و بکاشغر رفت. در شعر شاگرد حاضری بوده و بیشتر با شاعران معاصر درمی افتاده و در اقسام شعر دست داشته و غزل را نیکو می سروده است .

**۸۰۵- مولانا صالح ندایی بخارایی** ، در شعر شاگرد مشفق و مردی دانشمند بود و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت. در تذهیب و جدول سازی و معما استاد بود و مبحث « تنازع الفعلان » و صرف هوایی و داستان خسرو شیرین را بنام خواجه حسن خالدار سروده بود و بکابل رفت و از نو نوازش بسیار یافت و بیشتر در کابل می زیست . پس از مرگ محمد حکیم میرزا بدخشان رفت و اکابر و اشراف آن سرزمین و میرزا شاه رخ بوی احترام گذاشتند. چون عبدالله خان بدخشان را گرفت قصیده ای در مدح امیر بابا کو کلتاش سرود و دو بیت تنگه خانی صله گرفت و چندی در بلخ بود و از آنجا بهند رفت و در پایان زندگی که سنش از پنجاه گذشته بود از راه سورت به حج رفت و درین سفر در ۱۰۱۱ در گذشت . در جوانی بسیار بی باک بود و چون از مریدان خلیفه صدرالدین از خلفای مولانا محمد امین زاهد شد دست از بی باکی برداشت و ازو اجازه ارشاد گرفت .

**۸۰۶- میرچوچک علمی سرپلی** ، از مردم سرپل از توابع بلخ و از سادات نجیب آن ناحیه و برادر میرباهر بوده که پس ازین ذکر ازو خواهد آمد و مردی دانشمند بود و میرزا تنکری بردی بلخی که پس ازین ذکرش خواهد آمد شعر او را نمی پسندیده و غزل و رباعی می سروده است .

**۸۰۷- میرزا تنکری بردی بلخی** ، از کار گزاران دستگاه عبدالمومن خان بوده و چون بغضب وی گرفتار شده بینی او را بریده اند و جزین از احوالش اطلاعی نیست و ازو رباعی مانده است .

**۸۰۸- میرباهر سرپلی** ، چنانکه گذشت برادر میرچوچک سابق الذکر بوده و از دانشمندان بشمار می رفته و غزل می سروده است .

**۸۰۹- مولانا امیری یار گندی** ، از اولوس مغول و از معاصران رعدی بوده ،

در سال ۹۹۷ از جانب والی یار کند بدر بار عبدالله خان باموراءالنهر رفته و پس از دو سال بکاشغر بازگشته و اندک مدتی بعد از آن نایبنا شده و بهمان بیماری در ۱۰۱۳ در گذشته است.

**۸۱۰- میر دوستی سمرقندی**، از خاندانی از سادات معروف آن شهر و مرد دانشمند و درویش مشرب و شاگرد مشفق بوده و نوشته‌اند که بسیار بی‌انصاف بوده است و در ۱۰۱۰ به حج و در ۱۰۱۲ به هند رفت و از آنجا باموراءالنهر بازگشت و بسمرقند رجعت کرد و غزل و رباعی را نیکو می‌سروده است.

**۸۱۱- قاضی پاینده شتل‌کینی بخارایی**، از دانشمندان و از شاگردان مولانا باقی‌درزی بود. پس از آنکه عبدالله خان خراسان را گرفت منصب غزای غوریان را باو داد و پس از چندی به هند رفت و دو سال در آنجا ماند و در ۱۰۰۸ به حج رفت و به هندوستان بازگشت و در قصبه پاتری در ناحیه برار در سرزمین دکن از ملازمان شیرخواجه سیدانای فرمانروای آن ناحیه شد و پس از چندی در ۱۵ شعبان ۱۰۱۰ در همان جا در گذشت و نزدیک قلعه مغرب آن قصبه وی را بخاک سپردند و اقسام مختلف شعر می‌سروده است.

**۸۱۲- میر اشرف رموزی سمرقندی**، از سادات و دانشمندان آن شهر بود و در علم رموز بسیار ماهر بود و در سلك پیشنمازان و معرکه گیران بود و گاهی سقایی می‌کرد و اشعار بسیار از برداشت و در معما و موشح و تاریخ و قافیه و عروض دست داشت. اما در پایان زنده‌گی در نتیجه خیالات بسیار خفلی در دماغ وی راه یافت و دیوان خود را می‌نوشت و بمردم تحفه می‌داد و التماس زرمی کرد و تا ۹۹۴ که امیر قل با باکو کلش وارد سمرقند شد زنده بود.

**۸۱۳- مولانا نجمی کشمیری**، از شاگردان مولانا قاسم‌گاهی و مردی مجذوب و دیوانه‌وش و بی‌قید بود و بینک عادت کرده بود و با این همه خوش‌مشراب بود و حکایات شیرین بیاد داشت و در ۹۸۸ از کشمیر باموراءالنهر رفت و در شهر سبزساکن شد و هفت ماه در آنجا ماند و قصیده‌غزایی در مدح عبدالله خان سرود و در شهر قرشی نزد او برد و خلعت فاخر و نوازش بسیار یافت و دو مست‌نکه‌خانی صله گرفت و گاهی در یک شب پنجاه بیت می‌سرود.

۸۱۴- دیوانه بیاضی بلخی ، مردی مجذوب بود و غزل می سرود و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۸۱۵- مولانا رحیمی هروی ، اصل وی ازهرات بود و در سمرقند نشو و نما یافت و چون بینی بزرگ داشت او را رحیمی جهود می گفتند . مردی دانشمند و شاکرد مشفق بود و همیشه با اکابر و اشراف هم نشین بود . از سمرقند آهنگ سفر هندی کرد و چون بقصبه ده نو در سرزمین حصار رسید یا محمد سلطان بن رستم سلطان فرمانروای آن ناحیه وی را از آن سفر بازداشت و کتابداری خود را باو داد و از مقریان او شد و با او بمیانکال رفت و در آنجا در ۹۹۸ در گذشت . وی در اقسام مختلف شعر و مخصوصاً غزل استاد بوده است .

۸۱۶- محرومی ، از شاعران ماوراءالنهر بوده و غزل را خوب می گفت و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۸۱۷- فاضل منشی کابلی ، مردی دانشمند بوده و در سیاق و انشا زبردست بشمار می رفت و خطوط و مخصوصاً خط تعلیق را خوب می نوشت . در دستگاه محمد حکیم میرزا سمت منشی داشت و پس از مرگ وی بدر بارجلال الدین محمد اکبر رفت و مقام واقعه نویسی دربار را باو دادند و غزل را خوب می گفت .

۸۱۸- بیاضی سمرقندی ، از شاگردان مشفقی بود و مضامین غریب می گفت و در پایان زندگی حواس او مختل شده و پیریشان می گفت و غزل سرا بوده است .

۸۱۹- خواجه توائک باقی گرامی سمرقندی ، از اعیان آن شهر و مردی دانشمند بود و در انشا و علم سیاق و خطوط مختلف دست داشت و مخصوصاً نسخ تعلیق و تعلیق و ثلث را خوب می نوشت و در مهر کنی و زرگری و علاقه بندی و کوفت گری و خاتم بندی دست داشت . مدتی از ملازمان محمد هاشم سلطان فرمانروای حصار و از مقریان او بود و چون وی بدست عبدالله خان کشته شد کارش پیریشانی کشید و پس از چندی از ملازمان شاهزاده سلطان اسفندیار شد و چندی در فرغانه سمت وزارت او را داشت و چندی هم وزارت مرغینان را یافت و هنگامی که سلطان اسفندیار در جنگ با اقوام قرقیز فتح کرد با او

بشهر اوش رفت و ازو رخصت گرفت و با صوفی عوض باندجان رفت و در اقسام مختلف شعر دست داشت .

۸۴۰- میرزا محمود سیاقی هروی ، پسر خواجه کمال الدین حسین هروی و پدرش از مشاهیر متصوفه زمان خود و از سادات صحیح النسب هرات بود . در انشا و سیاق و خطوط مختلف دست داشت . پدرش در آغاز کار چندی وزیر سیونج محمد سلطان بود و پس از مرگ او وزیر خسرو سلطان شد و درین زمان که در شهر سبز می زیست در نیم روز که هوا بسیار گرم بود و از خانه بیرون آمد دید که مردی بر در سرای او نشسته است . ازو پرسید از کجایی و بچه کار آمده ای و چرا این جا نشسته ای ؟ گفت عمرم از هشتاد گذشته و نیروی کار در من نمانده و مرا باین جا حواله زرداده اند تا از شر شریکان خود رهایی یابم . وی گفته است بنشین تا من بدرون خانه بروم و احوال ترا بخواجه بگویم و ترا از رنج شریکانت رها کنم . بدرون خانه رفته و پروانه آزادی بنام وی نوشته و مهر کرده و درهم پیچیده و با اندک مایه زر باوداده و آن شخص در باره اش دعای خیر کرده است . چند روز بعد تغییر در حال وی رخ داده و ترك وزارت کرده و در حلقه مریدان شیخ حسین خوارزمی وارد شده و خود می گفته است که چون بخاتقاه وی رفتم و وارد طریقه کبروی شدم هر روز مرا حال دگرگون می شد و چون چند روز گذشت دیدم بیشتر شبها در خانقاه چراغ نیست و صوفیان در تاریکی بسر می برند . بردلم گذشت که مردی باین بزرگی بچراغ نیازمند است . چون این خیال مکرر شد وی بدان پی برد و مرا خواست و در حضور من آب دهان خود را بر خاک انداخت و غلوله ای ترتیب داد و در کاغذ سرخی پیچید و ریسمان بر آن بست و بمن داد که بسمرقند ببر و بفالان خواجه جوهری بتمای که بهای آن چیست . با آنکه دیدم آن غلوله از گداز بود بسمرقند بردم و بآن جوهری که گفته بود نشان دادم . وی ریسمان را کشود دیدم که یاقوت گران بهایی در آن میان هست . آن مرد جوهری بهای آنرا گفت و من توانستم خودداری کنم . آن کاغذ را ازو گرفتم و از حال رفتم . سپس از سمرقند تا تکاب هندوان که از توابع شهر سبزست و وی در آنجا بود دیوانه وار رفتم و چون پایش را بوسیدم آن یاقوت را باو دادم و آنچه جوهری گفته بود مکرر کردم .

تسمی کرد و یاقوت را از کاغذ بیرون آورد و انگشتان خود را بر آن مالید و دوباره خاک شد و بر زمین ریخت . سپس مرا نزد یک خواند و گفت : ای خواجه کمال الدین حسین ، اگر ما بتو اهیم همه سنگهای صحرا را جواهر می کنیم ، اما شیوه درویشان این نیست . سرانجام شیخ حسین خوارزمی در میتن کلان که از توابع هندوان در ناحیه شهر سبزست که با آنجا رفته بود خانقاهی ساخت و خواجه کمال الدین حسین را در آنجا بر مسند ارشاد نشاند و چون در ۹۷۱ در گذشت و وی را در همان ناحیه میتن در برابر آن خانقاه بنحاک سپردند خواجه از وزارت دست کشید و پسر مهتر خود میرزا حسن را بجای خود نشاند و وی سی سال وزیر خسرو سلطان و پسرش اسفندیار سلطان بود و او نیز در پایان زندگی وزارت را برادرش میرزا محمود سپرد و وی تا اسفندیار سلطان زنده بود در فرمانروایت او را داشت و در خط و انشا و معما و عروض و قافیه دست داشت و مردی بسیار خوش خوی بود و در اقسام شعر تسلط داشت و تا سال ۹۷۹ که اسفندیار سلطان از طاعون در گذشت وی زنده بوده و اقسام مختلف شعر را خوب می گفته است .

**۸۴۱- مولانا فرخشاه منشی هروی ،** اصلاً از مردم هرات بوده و در سمرقند بجهان آمده و خود را از فرزندان شاه شجاع کرمانی می دانست . پدرش میرزا حسن در علاقه بندی و بند باقی استاد بود و وی دانشمند بود و در خط و انشا و معما دست داشت و علم سیاق را می دانست و نسخ تعلیق را خوب می نوشت . چندی در دستگاه ابوالخیر سلطان سمت منشی داشت و چون وی در ۹۸۷ در گذشت از ملازمان سلطان اسفندیار شد و کم کم اختلال حواس یافت و در اشعار وی نیز این اختلال ظاهر شد . اما پیش از آن که منشی تخلص می کرد غزل را خوب می گفت .

**۸۴۲- میر ابوالمفاخر شاه محمد حبیبی بکری مکی ،** پسر کمال الدین اسمعیل بن غیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحی بکری مکی بود . نصیر الدین عبدالحی از مکه بعراق عجم آمد و در زنجان ساکن شد و غیاث الدین پس از مرگ پدر بهند رفت و کمال الدین اسمعیل در آنجا تولد یافت و میر شاه محمد در شاه آباد از توابع دهلی بجهان آمد و نسب این خاندان بابو بکر صدیق و از طرف دیگر بامام جعفر صادق



ی. بی. وی از شاگردان وجیه‌الدین علوی کجهرانی و شیخ علیم‌الله و شیخ مبارک پدر ابوالفضل علامی و فیضی بوده و بهمین جهت از آغاز با ایشان معاشرت داشته و در ضمن غزل‌سرایی زبردستی بوده و حسبی تخلص می‌کرده است.

**۸۴۳- مولانا کمالی شیرغانی**، از ترکان صحرانشین شیرغان از توابع بلخ بود. نوشته‌اند که بسیار خودپسند بود و از بلخ به هند رفت اما کارش در آنجا نگرفت و چون در صدد بازگشت به ماوراءالنهر شد بینج هزارروپیه نیازمند بود و چون اعیان‌هند که وی را می‌شناختند خواستند در میان خود این مبلغ را فراهم کنند و بوی بدهند نپذیرفت و تمی‌دست به ماوراءالنهر بازگشت و در آنجا نیز مردم با وی آمیزش نداشتند و چندی در سمرقند بود. وی در اقسام مختلف شعر از آن جمله در غزل و معما دست داشته است.

**۸۴۴- نظر شهر سبزی**، از مردم شهر سبز ماوراءالنهر بوده‌اند و اندک سواد داشت و با ستغنا می‌زیست. سرانجام از ماوراءالنهر به هند رفت و در آنجا سامانی نیافت و در ۱۰۰۹ در گذشت و اقسام مختلف شعر سروده است.

**۸۴۵- مولانا محزونی سمرقندی**، از شاگردان مشفق بوده و در عروض و قافیه دست داشته و مرد دانشمندی بشمار می‌رفته و بحدت طبع و سرعت فهم معروف بود. از ماوراءالنهر بهزم سفر حج به هند رفت و چون با ستغنا می‌زیست در آنجا با کسی ملاقات نکرد و در هند ماند و چندی حکمرانی قصبه باران از توابع رای تنبور را باو دادند و سرانجام در آنجا در ۲۸ رجب ۱۰۰۵ با ستسقا در گذشت و در همان قصبه در کنار تالابی که در جنوب آنجاست وی را بنخاک سپردند. دیوان خود را ترتیب داده بود و شامل دوهزار بیت بود و غزل را خوب می‌گفت.

**۸۴۶- مولانا دخیلی گیلانی**، در گیلان دانش آموخت و از آنجا به هند رفت و در حدت طبع و سرعت فهم نیز ممتاز بود. نخست در سلك احدیان دربار جلال‌الدین محمداکبر وارد شد و سپس از احدی گری بمنصب داری ارتقا یافت و مردی بسیار خوش‌خوی و شیرین‌سخن بود و در تاریخ مهارت داشت و غزل را نیکو می‌سروده و در ۱۰۰۳ چندی در لاهور زیسته است.

**۸۲۷- درویش علی ابن چنگی هروی**، پسر میرزا علی چنگی از موسیقی دانان معروف زمان خود بود و در میان کال بخارا ولادت یافت و دانش آموخت و بیشتر سازها مانند چنگ و غچک و قانون و دوتار و روح افزا را خوب می نواخت و در علم ادوار و موسیقی و نقاره بسیار دست داشت و درین علم کتابهای چند نوشت و آهنگهای چند ساخته است مانند «پیشرو» و «عمل» و «صوت» و «مخمس» و «نقش باس» که استادان فن همه پستندیده بودند و در فنون دیگر مانند سراجی و طراحی نیز استاد بوده است. در آغاز از ملازمان دستگاه عبدالله خان بود و در پایان زندگی بدبار سلطان اسفندیار رفت و نزد او تقرب بسیار یافت و در شعر ابن چنگی تخلص می کرد و غزل را خوب می گفت.

**۸۲۸- عمری سمرقندی**، از شاگردان آدمی و مردی دانشمند بود و در بندبافی و علاقه بندی استاد بود و در ۹۹۵ در تاشکند بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۲۹- عوض محمد خان رفعتی قبادیانی**، اصل وی از قبادیان بوده و در بلخ می زیسته و در جوانی کسب دانش کرده و از بلخ به بدخشان رفته و در شهر قندز نیز دانش آموخته و مورد توجه شاهزاده شاهرخ شده و لقب خانی باو داده است. در حدت طبع و سرعت فهم امتیاز داشته و مردی خوش خوی و شیرین سخن بوده و رفعتی تخلص می کرده و در غزل استاد بوده است.

**۸۳۰- مولانا باقی مهدی**، ظاهراً وی بجز باقی مهدی سابق الذکر است. از ایران بهند رفته و در سلك ملازمان میرزا عزیز کو که معروف به خان اعظم جای گرفته و شاگرد ضمیری اصفهانی بوده و ازو رباعیات مانده است.

**۸۳۱- مولانا مدحی بدخشانی**، مردی دانشمند بوده و بسیار درویش مشرب و کم آزار به شمار می رفته اما به خوردن مسکر میل بسیار داشت و در پایان زندگی از بدخشان بهند و از آنجا به حج رفت و در بازگشت در کجرات ماند و بی سرو سامان می گشت تا در گذشت و غزل می سروده است.

**۸۳۳- نور محمد اخگری اندجانی**، از مردم اندجان بوده اما در هند ولادت یافته و مردی دانشمند بوده و در آغاز در شاعری شاگرد قاضی عیشی بوده و سپس از ملازمان

ابوالفضل علامی شده و غزل را نیکومی سروده است.

**۸۴۳- مولانا خواجه محمد ارباب درویشی** ، از مردم دوریست. از توابع مرغینان بوده است. نخست بکسب دانش پرداخته و پس از چندی مقدم و پیشوای بزرگان مرغینان شده و سی سال روزگار را در اربابی گذرانده و طبع مستقیم داشته و تا ۹۹۹ زنده بوده و از مقطعات تاریخ مانده است.

**۸۴۴- ملا عبوری گندمدانی** ، از مردم گندمدان از توابع مرغینان و شاگرد باقی انجمنی از شاعران ماوراءالنهر بود و مردی دانشمند بشمار می رفت و در عروض و قوافی و معما دست داشت و شعر را خوب می خواند. نوشته اند بسیار خودپسند بود و غزل را روان می سرود.

**۸۴۵- مولانا فیضی بلخی** ، اصلاً از مردم بلخ بود و در مشهد نشو و نما یافته و در بیشتر از علوم مانند صرف و نحو و عروض و قوافی و معما دست داشت و اقسام شعر را خوب می گفت و دیوانی شامل قصاید و غزلیات و مقطعات و رباعیات و تاریخها ترتیب داده و نیز يك مثنوی سروده است. در جوانی بهند رفت و در آنجا کارش نگرفت.

**۸۴۶- عشقی سوخی فرغانی** ، از مردم سوخ در ناحیه آب شیرین در خاک فرغانه و پدرش از بزرگان آن سرزمین بود. وی مردی دانشمند بشمار می رفت و نوشته اند در خیانت در میان اقران ممتاز بود و در شعر شاگرد مولانا صالح بدخشی بوده و اقسام مختلف شعر می سروده و ازو رباعیات مانده است.

**۸۴۷- دیوانه قیامت عراقی** ، نام وی بهمین صورت آمده و از شاعران ایران و از معاصران طرزی یزدی و فرقی یزدی بوده و بهمین جهت احتمال می رود از مردم یزد بوده باشد. مردی بسیار فهیم و خوش طبع بوده و عمر خود را بسیاحت گذرانده و از ایران بهند رفته و با امیران و بزرگان آن سرزمین روابطی بهم زده و در نوا ریخ و شاهنامه بسیار آگاه بوده و ازو رباعیات مانده است.

**۸۴۸- دیوانه شهدی غولنگانی** ، از مردم غولنگان از توابع مرغینان و بستایی زاده و مردی مجذوب و درویش نهاد بود و با بزرگان سرزمین خود رفت و آمد داشت و خود را شاگرد مولانا واهبی می دانست و غزل می سرود.

**۸۴۹- قاضی ابوالفیض آنی کولی**، پسر قاضی عبدالعزیز کولی از مردم کول در هندوستان بود. پدرش از فرزندان قاضی قطب الدین کاشانیست که نسبش بابوبکر صدیق می‌رسید. وی شاگرد مولانا عبدالصمد از علما و عرفای آن زمان هندوستان بوده که نحوی تخلص می‌کرده است و خود بسیاهی گری روی آورد و از سپاهیان شاهزاده دانیال شد و از مریدان میرشاه محمود حسبی سابق الذکر بود و غزل را خوب می‌گفت و آنی تخلص می‌کرد.

**۸۴۰- مولانا عبدالصمد نحوی**، از دانشمندان و عارفان نیمه اول قرن دهم هندوستان بوده و چنانکه گذشت نحوی تخلص می‌کرده و قاضی ابوالفیض آنی سابق الذکر از شاگردان وی بوده و ازین قرار مرد دانشمندی بشمار می‌رفته و شاگردان بسیار داشته است.

**۸۴۱- میرهاشم قندهاری**، وی ظاهراً بجز ملاهاشم قندهاری سابق الذکرست. اصلاً از مردم قندهار بوده و در لاهور ولادت یافته و در عالم نجوم بسیار ماهر بوده و در دربار جلال الدین محمد اکبر تقرب بسیار داشته و شاعری زبردست بوده و در قصیده سرایی استاد شمار می‌رفته

**۸۴۲- میر فروغی اندخودی**، از سادات اندخود از توابع بلخ و مردی دانشمند بود. از ماوراءالنهر به هند رفت و با بزرگان آنجا محشور شد و در اقسام شعر تسلط داشت. روز چهارشنبه ۱۹ ذی‌قعدة ۱۰۱۹ در شاه‌پیر از روستای ماندل در سرزمین چتور درگذشت.

**۸۴۳- عیانی کابلی**، مردی دانشمند بوده و در حدیث طبع و سرعت فهم شهرت داشت و به هندوستان رفت و در جنگ سهیل خان فرمانده لشکر عادل‌شاه با عبدالرحیم خان خان خانان بزخم کویان در ۱۰۰۵ کشته شد و غزل را خوب می‌سرود.

**۸۴۴- خواجه محمد قاسم وقاری بدخشانی**، از اعیان ناحیه کشم بدخشان و مردی مذهب بود و در نجوم دست داشت و غزل سرا بوده و پدرش صدیق که ذکرش پس ازین خواهد آمد نیز شاعر بوده است.

**۸۴۵- خواجه صدیق صدیقی و هدایت کشمی بدخشانی**، پسر خواجه محمد


قاسم وقاری سابق الذکر و در قصیده و غزل استاد بوده و گاهی هدایت و گاهی صدیق تخلص کرده است . مردی دانشمند بوده و چندی در هندوستان در سلك سپاهیان زیسته است .

**۸۴۶- محمد ایوب ایوب تاشکندی** ، مردی زیباروی و از اهل صلوٰة و تکبیر بوده و در ریسمان بازی مهارت داشته و کارهای شگرف می کرده و پس از چندی از آن کار دست کشید و بکسب دانش پرداخت و در شعر شاگرد نقابی اندکانی بوده و در غزل ایوب تخلص می کرده است .

**۸۴۷- ظهیر سمرقندی** ، پدرش قصاب بود و وی کسب دانش کرده بود و پس از چندی شغل پدر را پیش گرفت و حدیث فهم و سرعت طبع داشت و خوش خوی و شیرین زبان و در شعر شاگرد مشفق بود و غزل می سرود .

**۸۴۸- عبداللطیف خان شیبانی** ، پسر کوچک و نجی خان بن ابوالخیر خان بن دولت شیخ بن ابراهیم بن پولاد بن منکو نیمور بن بداکول بن جوجی بوغان بن بهادر بن شیبان بن جوجی بن چنگیز هفتمین پادشاه از سلسلهٔ ازبکان ماوراءالنهر معروف بشیبانی . در سال ۹۴۷ در سمرقند پس از برادرش عبدالله خان بتخت نشست و در ضمن آنکه پادشاه جباری بود تا اندازه ای دانشمند بود و در بعضی از علوم دست داشت و از آن جمله در تاریخ و در علم نجوم و با دانشمندان مهربانی می کرد و در سمرقند آبادانی بسیار کرده و سرانجام در ۹۵۹ در گذشته و گاه گاهی بفارسی و ترکی شعر می گفته اما شعر ترکی او بیشترست .

**۸۴۹- ابوالمظفر رستم بهادر خان شیبانی** ، پسر جانی بیك سلطان بن خواجه عوام سلطان بن ابوالخیر خان از همان خاندان ، مدتی حکمران بلخ بوده است . جزئیات حوالش را ضبط نکرده اند و همین قدر نوشته اند که مردی درویش مشرب و از مریدان نمس الدین معروف بشمس خلف از مشایخ ماوراءالنهر بوده و نیز از مریدان شیخ عزیزان یگری از مشایخ آن دیار بشمار می رفته که در سرزمین سغد می زیسته و او مرید شیخ خدایداخر سنکی مرید شیخ جمال الدین مرید شیخ خادم مرید شیخ مودود مرید شیخ

علی مرید آل انا مرید صدر انا مرید زندگی انا مرید حکیم انا مرید خواجه احمد یسنوی  بوده است و سرانجام در ۵۴۰ سالگی در جنگ نصف زخمی برداشته و از همان جراحات در گذشته است. وی گذشته از آنکه مرد مذهب و خوش رفتاری بوده در فنون جنگی از دلاوران نامی زمان خود بشمار می رفته و شعر فارسی و ترکی را خوب می گفته و در شعر رستم تخلص می کرده است.

۸۵۰- شمس الدین معروف بشمس خلف، از مشایخ نیمه اول قرن دهم ماوراءالنهر بوده، از جزئیات احوالش اطلاعی نیست و غزل را خوب می گفته و در شعر شمس خلف تخلص می کرده است.

۸۵۱- ابوالغازی عبدالعزیز خان عزیزی شیبانی، پسر عبدالله خان ششمین پادشاه این سلسله بود. در ۹۱۶ ولادت یافت و در ۹۴۷ از جانب پدر حکمران بخارا شد و در آنجا دعوی پادشاهی داشت و با خاندان خود بیشتر در زد و خورد بود و سرانجام در روز چهارشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۹۵۷ در بخارا در گذشت و در کنار مرقد بهاءالدین نقشبند او را بخاک سپردند. نوشته اند که مردی درویش مشرب و از مریدان شیخ جلال عارف مرید مولانا محمد روحی مرید عبدالرحمن جامی بوده و کسب دانش کرده و خط نسخ را نیکو می نوشت و از همه افراد خاندان خود شعر فارسی را بهتر می گفت و غزل می سرود و عزیزی تخلص می کرد و نیز از شاگردان ناصرالدین محمد بن قوام الدین عبدالله هروی از اصحاب جامی بوده است.

۸۵۲- شیخ جلال عارف، از مشایخ تصوف نیمه اول قرن دهم هرات و از مریدان مولانا محمد روحی مرید عبدالرحمن جامی عارف و شاعر معروف بود. از جزئیات احوالش اطلاعی نیست بجز آنکه مرد مذهب شیرین سخن و وارسته ای بود و در تصوف دست قوی داشت و سرانجام که سنش از هفتاد گذشته بود در هرات در گذشت و وی را در خیابان هرات خاك سپردند. وی رباعی عارفانه را خوب می گفته است.

۸۵۳- ظهیر الدین محمد بابر پادشاه، مؤسس سلسله بابری هندوستان، پسر بهتر عمر شیخ میرزا، نواده میرانشاه پسر تیمور کورکن، مادرش قتلغ نکار از بازماندگان

جنگهای پسر دوم چنگیز بود. در ۸۸۷ ولادت یافت و در دوازده سالگی در پنجم رمضان ۸۹۹ در فرغانه بجای پدر نشست. در ۹۰۳ سمرقند را گرفت و بیش از صد روز نتوانست آنجا بماند، از آنجا بخوقند و سپس بمرغینان رفت و در ذیقعده ۹۰۴ اندیجان را گرفت و هنگامی که شیبانی خان ازبك در ۹۰۶ سمرقند را گرفت همه این نواحی از دستش رفت. سپس بی مقدمه بار دیگر سمرقند را گشود و در جنگ بزرگی که با شیبانی خان در سرپل کرد باز این نواحی را از دست داد و نزد عمش بتاشکندرفت. چون شاهزادگان خاندانش مزاحم وی بودند مصمم شد از هندو کش بگذرد و در ۹۰۹ شهر کابل را محاصره کرد و آنرا گرفت و از آنجا آهنگ هندوستان کرد. نخستین حمله او منتهی بتاخت و تاز در سواحل رود سند و زردخورد با طوایف افغان بود. چون از بکان از خراسان رفته بودند میخواست زمستان را در آنجا بگذراند اما چون مردم کابل بروقیام کرده بودند در صدد شد از هندو کش بگذرد و چون برف بسیاری در آنجا باریده بود بزحمت فراوان در ۹۱۲ از آنجا گذشت. پس از چندی خود را دست نشاندۀ شاه اسمعیل صفوی کرد و بیاری او از بکان را که پس از مرگ شیبانی خان ضعیف شده بودند شکست داد و بخارا و سمرقند را گرفت. اما سال بعد که لشکریان شاه اسمعیل که از ویاری می کردند بایران باز گشتند بار دیگر از بکان برو تاختند و نخست در بخارا و سپس در غجدوان شکست خورد و ناگزیر شد در ۹۲۰ بکابل باز گردد. ازین پس مصمم شد دیگر از راه شمال به هندوستان نTAزد و در ۹۲۸ قندهار را گرفت. ابراهیم لودی سلطان دهلی که با افغانان در برابر وی همدست بود با او در افتاد و بابر در ۹۳۰ شهر لاهور را گرفت و در جنگ پانی پت در روز آدینه ۸ رجب ۹۳۲ همه متصرفات ابراهیم لودی را گرفت و وی درین جنگ کشته شده بود. سپس آکره را پای تخت خود کرد و باز مدتی گرفتار زردخورد با سر کرده راجپوت رن سنگ فرمانده چیتور و افغانان قاضی جوی پور پادشاه بشکاله بود. سرانجام در ۶ جمادی اول ۹۳۷ در آکره در گذشت و چون دلبستگی مفرط بشهر کابل داشت پیکرش را با آنجا بردند و بخاک سپردند و امروز کوروی در باغی که از گردشگاه های معروف شهر کابلست مورد توجه مردم آن شهرست. بابر مرد بسیار دلیری بود و کارهای بسیار شگفت کرده است

چنانکه باردوم با ۲۴۰ تن سمرقند را گرفته و عبور وی در زمستان از هندوکش نیز از کارهای شگرفت. کتابی شامل شرح زندگی خود بنام بایرنامه بتر کی جغتایی که زبان خانواده اش بوده نوشته است و عبدالرحیم خان خان خانان در ۹۹۷ و ۹۹۸ آنرا بفارسی ترجمه کرده است و بنام تزوک بابری یا فتوحات بابری و واقعات بابری نیز معروفست و ازین کتاب پیدا است که مردی مطلع و کنج کار بوده و در برخی از فنون دست داشته است. این کتاب بزبان انگلیسی و فرانسه نیز ترجمه شده است. شعر فارسی و ترکی را نیز خوب می گفته و يك مثنوی بزبان ترکی جغتایی بنام مبین و دیوان اشعار ترکی و فارسی ازو مانده است. در رساله مبین برخی از مسایل فقهی را به میان آورده و نیز رساله ای در عروض

**۸۵۴- میرزا محمد عسکری**، پسر دوم ظهیرالدین بابر و برادر مهتر همایون دومین پادشاه این سلسله بود. در زمان پدرش حا کم قندهار بود و پس از مرگ او بابر ادرش همایون در افتاد و هنگامی که همایون بایران آمد تا از شاه طهماسب یاری بخواهد ادعای پادشاهی داشت و میرزا کامران برادر کبوترش که آخرین پسر بابر بود نیز با او همدست بود. چون همایون به هند برگشت و تاج و تخت را بدست آورد وی بقندهار گریخت و همایون آهنگ او را کرد و چون بناحیه بگردد رسید او امان خواست و گرفتار شد و همایون می خواست وی را از میان ببرد اما او را عفو کرد و حکمرانی کابل را باو داد. پس از چندی باز در آنجا قیام کرد و بار دیگر گرفتار شد و چندی در زندان بود تا آنکه از آنجا گریخت و ببلخ رفت و از آنجا آهنگ حج کرد و در بیابان میان شام و مکه در ۹۶۱ در گذشت. وی در زبان فارسی دست داشته و غزل را نیکو می سروده و عسکری تخلص می کرده است.

**۸۵۵- ابو نصر میرزا محمد همدانی**، پسر اول بابر و برادر مهتر همایون بود. در ۸۷۹ ولادت یافت. پس از مرگ پدر وی نیز مدعی سلطنت بود و با برادران دیگر درین ادعا شرکت داشت و چون همایون بیاری شاه طهماسب پادشاهی رسید وی نیز مغلوب شد و همایون وی را عفو کرد و در جنگ با افغانان میوات با او همراه بود. درین



جنگ که افغانان با میرزا کامران برادر دیگر همدست شده بودند در شب بخونی که زدند در ۲۱ ذی قعدة ۹۵۸ در محلی بنام چرباز کشته شد. وی نیز در شعر فارسی دست داشته و غزل و رباعی می سروده است.

**۸۵۶- میرزا سلیمان پادشاه تیموری**، پسر یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ بن ابوسعید بن الغ بیک از شاهزادگان تیموری، از احوالش چندان آگاهی نیست. همینقدر نوشته اند که از بازماندگان میرخاموش از مشایخ تصوف ماوراءالنهر و از پیروان طریقه چشتی بوده و در آغاز جوانی در هند وارد این طریقه شده و چنان می نماید که در جوانی در هندوستان می زیسته است و نوشته اند که گاهی يك روز تمام در حال جذبه بوده و هنگام نماز مشتمل می شد و پس از آن بحال طبیعی بر می گشت و بابر که از بنی اعمام وی بوده حکمرانی بدخشان را باو داده و در جنگی که کرده پسرش ابراهیم میرزا کشته شده و تا ۹۷۴ زنده بوده است و جزین از احوال وی آگاهی نیست و غزل را خوب می گفته است.

**۸۵۷- میرزا ابوالقاسم بابر**، پسر میرزا کامران و پسرزاده بابر و از شاهزادگان دانشمند و زیباروی این خانواده بود و بواسطه اختلافی که پدرش با همایون داشت مدتی در قلعه گوالیار زندانی بود و جزین از احوال وی اطلاعی نیست و غزل را استادانه می سروده است.

**۸۵۸- مولانا کمال الدین ابراهیم شیروانی**، از دانشمندان نامی ماوراءالنهر بوده و مدتی در بخارا تدریس کرده و از آنجا بمرقند رفته و به بخارا باز گشته و شاگردانش از دانشمندان نامی شده اند و در پیروی بحفظ قرآن پرداخته و غزل را نیکو می سروده است.

**۸۵۹- خواجه محمد حیدر افضلی بخارایی**، صدر و معلم عبدالله خان و از دانشمندان معروف و مردی مذهب بود و مخصوصاً در هیئت دست داشت و رساله ای در شرح رساله علامه قوشچی در تفصیل فوس اللیل و فوس النهار نوشته است و در اقسام شعر ماهر بوده و شبش با یوبکر صدیق می رسیده است.

**۸۶۰- مولانا شوقی بخارایی**، از شاعران دانشمند مشهور زمان خود و نیز فهم بود و اقسام شعر مخصوصاً مَعما را خوب می گفت و پس از مرگ در بخارا مدفون شد.

**۸۶۱- خواجه والهی بخارایی** ، وی نیز از سرایندگان معروف بوده و غزل را بسبک آصفی می سروده است.

**۸۶۲- مولانا مجلسی بخارایی** ، در اقسام شعر مهارت داشته و قصیده و غزل را نیکو می سروده است. وی قصیده ای در ستایش بابر ساخته بود و چون برای وی خواند بسیار پسندید و می خواست هفت هزار تنگه باو صله بدهد. وی برای اینکه بیشتر جلب توجه بابر را بکند رباعی را که میر محمد صالح شاعر دیگر در هجو مفتی سروده بود بخود بست و برای بابر خواند. بابر در خشم شد و می خواست او را بکشد. چون شفاعت کردند گفت هفت هزار تنگه صله این قصیده معین کرده بودم و آنرا خون بهای وی قرار دادم.

**۸۶۳- مولانا روحی طبیب بخارایی** ، مردی دانشمند و از پزشکان حاذق بوده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۶۴- مولانا میرشادی بخارایی** ، از مردم روستای جویبار بخارا و شاعری زبردست بوده و کتاب سیر النبی را شعر در آورده و قصیده را نیز خوب می سروده است.

**۸۶۵- مولانا قبولی بخارایی** ، مردی شیرین سخن و از ندیمان شیبانی خان بوده است. در جوانی در پی هوی و هوس بحصار رفت و در آنجا باو اقبال فراوان کردند و بازنی که الانخ نام داشته و در شاعری زبردست بوده مشاعره کرده است.

**۸۶۶- مولانا قاسم ساکنی بخارایی** ، معاصرانش بوی غمزه لقب داده بودند. مردی آزادمنش و درویش مشرب بود و از کتابت روزگار می گذرانده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۶۷- مولانا جاهی بخارایی** ، از بازماندگان حاجی نوکلی از مشایخ ماوراءالنهر و خود مرید شیخ شاه از بزرگان صوفیه بوده و سفری بحج رفته و در بازگشت در بخارا ساکن شده و غزل سرا بوده است.

**۸۶۸- دیوانه حسامی خیوقی** ، از مردم خیوه و ساکن بخارا بوده و از قلندران بی قید بشمار می رفته است. نوشته اند در سفر حج یکی از فرمانروایان خواسته است که

دیوانه چیزی ازو بنخواهد . وی گفت مرا بیچیز تو حاجت نیست ، حکم کن که مگسان بر من نشینند . آن حاکم گفت که مگس حکم مرا نمی پذیرد . گفت کسی که مگس حکم او را نشنود بکسان چه می تواند بدهد ؟ در اقسام شعر از قصیده و غزل استاد بوده و قصاید در مدح خلفای راشدین می گفته و در قرا کول مدفون شده است .

۸۶۹- مولانا صادق ختایی (خطایی) ، از مردم ختا بوده و اسلام آورده و بزودی در علوم دینی از دانشمندان شده و بزبان عربی و فارسی و ترکی شعر می گفته و غزل می سروده است .

۸۷۰- مولانا کشیری بخارایی ، پیشه وی نجاری بوده و درین فن مهارت داشته است . در نود سالگی در گذشته و در روستای دیمن مدفون شده و غزل می گفته است .

۸۷۱- مولانا قدسی بخارایی ، مردی بی فید بوده و بهمین جهت شاعران زمان با او مطایبه می کرده و او را می آزرده اند و شعر متوسط می گفته است .

۸۷۲- حسین علاءالدینی بخارایی ، از تاجران معتبر آن شهر بوده و بایادشاهان دادوستد داشته است . از آن جمله وقتی چهار هزار تنگه از عبدالله خان طلب کار بود و برای مطالبه آن یک رباعی سروده که عبدالله خان را از آن خوش آمد و طلب او را پرداخته و هزار تنگه با و صله داده است .

۸۷۳- مولانا مایلی سراج بخارایی ، در سراجی بسیار ماهر بوده و زینتهایی را که وی می ساخته همه جا می برد و اند و بیسی رسید و غزل را استادانه می سروده است .

۸۷۴- شیخ حاج محمد خبوشانی ، از بزرگان مشایخ ساکن ماوراءالنهر بوده و پیشوای کبرویان و فرقه ذهبی در زمان خود بشمار می رفته و خوارق عادات ازو روایت کرده اند و او را از مشایخ طریقه نوربخشی نیز دانسته اند . از جزئیات احوالش اطلاع درست نداریم و بیشتر در خوارزم می زیسته و در شهر وزیر خوارزم مدفون شده است . سلسله طریقت وی بچهار واسطه بمیر سید علی همدانی می رسیده و سی و هفت تن از مشایخ معروف خلفای وی بوده اند از آن جمله شیخ عمادالدین فضل الله بن علاءالدین علی برزش آبادی طوسی و دیگر مولانا محمدزاهد که سالها در بلخ زیسته و خلیفه صدرالدین هروی ساکن

بلخ و شیخ نورالدین محمد خوافی و نبیره وی شیخ عبداللطیف نیز از مشایخ معروف زمان خود بوده است. وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و غزل را نیکومی سروده و حاجی تخلص می کرده است.

**۸۷۵- میر ابوالوفای سمرقندی هندی،** از سادات سمرقند بوده و پس از چندی از اعیان آن شهر رنجیده و بهند رفته و همایون بوی احترام بسیار کرده و بهمین جهت بهندی معروف شده است. سپس با همایون بر زمین سند رفته و هنگامی که در کشتی بوده در حمله ای که کرده اند تیری باو خورده و جان سپرده است. پیکرش را بسمرقند برده اند و در کنار خواجه عبیدالله احرار بخاک سپرده اند. وی در شعر فارسی نیز دست داشته است.

**۸۷۶- خواجه ضیاءالدین یوسف جامی،** پسر مولانا عبدالرحمن جامی شاعر معروف که تا اوایل قرن دهم می زیسته است. وی مردی مهذب و زیباروی بوده و پدرش او را بسیار دوست می داشته و دو کتاب خود یعنی بهارستان و قواید الضیائیه را بنام وی نوشته است. در کودکی بیمار شده و نوشته اند بواسطه کرامت خواجه عبیدالله احرار شفا یافته است. پس از مرگ پدرش پادشاهان ماوراءالنهر بوی بسیار احترام می کرده اند و وی مرد بسیار کریم و بخشنده ای بوده و در ضمن غزل را خوب می گفته است.

**۸۷۷- شیخ بایزید پورانی،** از بزرگان هرات و از خاندان معروفی بود و پدرانش از مشایخ نامور بوده اند. هفت خط را خوب می نوشت و از خراسان بر زمین سند رفت و در آنجا کارش بالا گرفت و ثروت بسیار بدست آورد و بسیار محترم شد و در همان جا در گذشت و مدفون شد. وی از غزل سرایان زبردست زمان خود بوده است.

**۸۷۸- شاهزاده طیب هاشمی،** از شاعران نامی هرات و از سادات آن شهر و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفته و با خواجه هاشم صدیقی که او هم هاشمی تخلص می کرده مناقشه داشته است.

**۸۷۹- خواجه محمدعلی ظهوری،** از شاعران ماوراءالنهر و از بازماندگان شیخ خاوند ظهور از مشایخ آن سرزمین بوده و در ضمن با خواجه عبیدالله احرار عارف

مشهور خویشاوندی داشته و خود نیز صوفی مشرب بوده و غزل می سروده است.

**۸۸۰- خواجه ابوالبرکات ایوب فریقی شهرسبزی**، از بزرگان این شهر بوده،

در جوانی بهرات رفته و مردی بی قید بشمار می رفته و در ضمن خوش طبع و بیشتر هزل بوده است. از جانب پادشاه خواجه بسفارت بگجرات رفته و در آنجا روزگار را بعشرت می گذرانیده تا اینکه پس از فتح گجرات گرفتار شده و او را در قفس کرده اند و پس از چندی رهایی یافته و غزل را خوب می گفته و گاهی فریقی و گاهی ایوب تخلص می کرده است.

**۸۸۱- مولانا زاده عبدالغفار تاشکندی**، مدتی منصب قضا داشته و پس از

چندی که او را عزل کرده اند گوشه نشین شده و فرایض را بشعر در آورده و غزل را نیز خوب می سروده است.

**۸۸۲- بابا عین الملک**، از مشایخ معروف ماوراءالنهر و مردی مجذوب بوده و

مردم بوی بسیار معتقد بوده اند و رباعیات از او مانده است.

**۸۸۳- مولانا محمدعلی کاشانی**، از مشایخ تصوف کاشان در سرزمین فرغانه و

از اصحاب ملا خواجگی از پیشوایان معروف آن سرزمین بوده و مرد دانشمندی بشمار می رفته و در کاشان مدفون شده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۸۴- مولانا حمیدالدین شاشی**، مردی دانشمند و درویش مسلک و لطیف طبع

بوده و در ناسکند در گذشته و همانجا مدفون شده و غزل را شورانگیز می سروده است.

**۸۸۵- قاضی سعدی شهرسبزی**، مدتی در آن شهر منصب قضا داشته و پس از

معزولی در آن شهر گوشه نشین شده و غزل را خوب می سروده است.

**۸۸۶- خواجه کلان بیک**، از مردم اندجان و از امرای معتبر ماوراءالنهر بوده

و سپس به هندوستان رفته و از آنجا بحکمرانی غزنین مأمور شده و مدتی هم در کابل می زیسته است و هنگامی که کامران پادشاه قندهار را محاصره کرده در آنجا بوده و شعر ترکی و فارسی را خوب می گفته

**۸۸۷- رئیس شهاب الدین معمای قمی**، از بازماندگان ابوبکر صدیق بوده

ومردی دانشمند و در دربار همایون مقرب بوده و در انشا و شعر مخصوصاً معما زبردست بوده است و قواعد معما را بنظم و نثر تدوین کرده و قصاید خوب نیز می سروده است و پسرش ملک سلطان محمد قمی متخلص بسطغان که ذکرش گذشت نیز شاعر خوبی بوده است.

**۸۸۸- مولانا قاضی اندجانی**، از دانشمندان معروف زمان خود و نزد پادشاهان عصر مقرب بوده و سرانجام بهند رفته و در آنجا در گذشته و مدفون شده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۸۹- همایون عراقی**، ظاهر آوی بجز همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم بوده و در ماوراءالنهر می زیسته و غزل را خوب می گفته است.

**۸۹۰- مولانا قاضی برهان الدین گرمینی**، از بزرگان شهر گرمینه در ماوراءالنهر و از دانشمندان معروف بوده و مدتی منصب قضا داشته و در همان شهر در گذشته و مدفون شده و شعر فارسی و ترکی می سروده است.

**۸۹۱- امیر ناطقی**، از سادات ماوراءالنهر و مردی مجرب و وارسته و قانع بوده و روزگار را بکسب علم می گذرانده و سرانجام وارد طریقه تصوف خواجگان و مرید مولانا خواجگی شده و غزل را خوب می گفته است.

**۸۹۲- میر گیسو**، وی نیز از سادات ماوراءالنهر بوده و در غزل دست داشته است. **۸۹۳- حافظ میراثی حفظی**، از دانشمندان ماوراءالنهر، در دربار عبیدالله خان سمت امامت داشته و قرائت سبعه را بسیار خوب می دانسته و خط کنایه را خوب می نوشته و در جنگ جام کشته شد و غزل را خوب می سروده و حفظی متخلص می کرده است.

**۸۹۴- مولانا صالح صالحی ماوراءالنهری**، از مردان مذهب زمان خود بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

**۸۹۵- مولانا کمال الدین فیضی خیابانی**، از مردم خیابان هرات و از شاعران معروف زمان خود بود و در معقول و منقول دست داشت و از شاگردان مولانا عبدالغفور لاری و از مریدان مولانا شمس الدین روجی از مردم قریه روج هرات بوده و غزل را نیکو

می سروده<sup>۱</sup>

۸۹۶- مولانا طالعی تیرنگر ، ظاهر آ درهرات می زیسته و در تیر گری استاد و در موسیقی زبردست بوده و غزل را خوب می گفته است .

۸۹۷- درویش حمامی سمرقندی ، از مریدان شیخ خواجگی بوده و متخلص را نیکو می گفته و شعر را خوب می خوانده است .

۸۹۸- شیخ جمال هندی ، از مشایخ هندو تزد پادشاهان محترم بوده و کراماتی باو نسبت می دادند و غزل را خوب می گفته است .

۸۹۹- مولانا نصیبی اندجانی ، مردی مجرد و وارسته و دانشمند بود و بسال خوردگی رسیده و غزل را نیکو می سروده است .

۹۰۰- دیوانه نیشابوری ، از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و ظاهر آ درهرات می زیسته و از غزل سرایان معروف زمان خود بوده است .

۹۰۱- مولانا احمدی خراسانی ، ساکن هرات و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است . نوشته اند مردی بسیار خوار بوده و سرانجام بامتلادر گذشته و در اقسام شعر ماهر بوده است .

۹۰۲- مولانا فردی تربتی ، درهرات می زیسته و مرد دانشمندی بوده و در اقسام مختلف شعر دست داشته و تا ۹۲۸ زنده بوده است .

۹۰۳- حافظ کمال تربتی ، پسر حافظ طبیب تربتی و ساکن هرات بوده و پزشک حاذقی بشمار می رفته و در مطایبه دست داشته و مقطعات شیوا می سروده است .

۹۰۴- مولانا نویدی تونی ، بنقادی معروف بوده و سفر بسیار کرده بود و کشتی داشت و با آن در دریاها سیر می کرد و غزل را خوب می گفت .

۹۰۵- میرزا ابراهیم اندجانی ، از امیران دربار ظهیرالدین بابر بود و نخست اعتباری داشته و پس از آنکه از اعتبار افتاده بهرات رفته و شعر فارسی و ترکی می سروده است .

۹۰۶- مولانا ناجی کرمانی ، از خویشاوندان خواجه عبدالله مروارید وزیر

معروف بوده و در هرات می زیسته و در موسیقی دست داشته و سپس باذربایجان رفته و هنگامی که لشکریان عثمانی با آنجا رفته اند وی را با خود بخاک عثمانی برده اند و غزل را خوب می گفته است .

۹۰۷- کمال الدین قاسم ضیایی ، مردی درویش مشرب بوده و غزل را پر شور و رقت انگیز می گفته است .

۹۰۸- میرزا هندو ، از امیرزادگان ازبک و از درباریان عبداللہ خان بود و غزل را خوب می سروده است .

۹۰۹- میرزا قاتل ، پسر امیر تولوم از ترکان ماوراءالنہر بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۹۱۰- میرزا نمدی ، پسر توغی خان از ترکان ماوراءالنہر بوده و غزل می گفته است .

۹۱۱- میرم سیاه ، از مردم خراسان و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در هرات می زیسته و غزل را خوب می گفته و بیشتر مایل بهجا بوده است .

۹۱۲- مولانا محمد جامی ، برادر مولانا عبدالرحمن جامی شاعر معروف بوده و پیش از مرگ برادر در جوانی در گذشته و غزل را خوب می سروده است .

۹۱۳- شیخ ابوالواجد فارغی خوافی ، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور بوده و در هرات می زیسته و چندین دربار ظہیرالدین بابر مقرب بوده و غزل را خوب می گفته است .

۹۱۴- زین الدین خوافی معروف بشیخ زین ، از بازماندگان شیخ زین الدین خوافی عارف مشهور و ظاهراً نواده او بوده و مردی دانشمند و مہذب بشمار می رفته و طبع سلیم داشته و در دربار ظہیرالدین بابر می زیسته و هفته ای دو شب شب معراج و شب قدر درس می داده و در هندوستان خائے بسیار زیبایی ساخته بود .

۹۱۵- نورالدین محمد میرک ، پسر قاضی برهان الدین محمد صدره روی بود . پس از مرگ پدر صدر الصدور سلطان حسین بایقرا شد و منصب قضا یافت و در دورہ شیبانیان



بایشان پیوست و در اختلاف میان شیعه و سنی درهرات در پیست و یکسالگی کشته شد .  
بحدت فهم و فراست معروف بوده و لغز و معما را خوب می گفت .

۹۱۶- شاه قیام الدین ، در طرشت (درشت) ری می زیسته و از سادات نوربخشی  
بوده و در اقامتگاه خود آبادی بسیار کرده بود و در پایان زندگی بتبیریز رفته و در آنجا  
بفرمان حکمران شهر کشته شده و غزل را نیکو می سروده است .

۹۱۷- شاه عادل لاری ، از خاندان پادشاهان لار بوده که نسب خود را بگرکین  
میلاد و پسرش ایرج می رسانده اند و ظاهراً نام درست وی انوشیروان بن محمد شاه بن هارون  
ابن علاء الملک بن جهان شاه بن قطب الدین بن مبارز الدین بن گرکین شاه علاء الملک بن  
سیف الدین یا کالیجار بن علاء الملک بن قطب الدین محمد بن یا کالیجار بن قطب الدین مؤید  
ملقب بیاغوی بوده است که تا زمان صفویه در لارستان استقلال داشته اند و نواده اش  
ابراهیم خان بن میرزا نورالدین هر خان بن ابراهیم خان بن عادل معروف بابراهیم خان ثانی  
تا زمان شاه عباس استقلال داشته و در جنگی با شاه عباس بدست الله وردی خان حاکم فارس امیر  
شده و حکمرانی این خاندان بیایان رسیده و این ابراهیم خان ثانی نیز شاعر بوده است .  
ابراهیم خان پسر محمد بیگ بن امیر علاء الملک بن جهان شاه در ۹۴۸ به سلطنت رسیده  
است . ظاهراً شاه عادل جانشین او بوده و نوشته اند که در زمان وی قاضی شهر بزن دهقانی  
دل سپرده بود و بفرمان وی زن را از دهقان گرفته و بقاضی سپرده اند و دهقان که ازین  
پیش آمد دلگیر شده مدتی سر بیابان گذاشته بود تا اینکه روزی وی از مسجد جامع  
بیرون می آمد و دهقان کاردی بگلوی او کشید و وی را کشت و تاریخ کشته شدن او را  
در ۹۵۰ ضبط کرده اند . وی مردی خوش طبع و شجاع و چابک سوار و کماندار و تیراندازی  
زبردست بود و خاندان ایشان را خانواده هزار ساله می دانسته اند . غزل را خوب می گفت  
و عادل تخلص می کرده است . برخی لارستان فارس را با جزیره لار اشتباه کرده اند و این  
خانواده را پادشاهان آن جزیره دانسته اند . قطب الدین مؤید مؤسس این سلسله در حدود  
۵۹۴ به حکمرانی آغاز کرده و برخی آخرین کس ازین خانواده را ابراهیم خان دانسته اند  
که در ۹۴۸ به حکمرانی آغاز کرده و در ۹۷۳ شاه طهماسب وی را خلع کرده

۹۱۸- مظفر برلاس ، از امرای ترك خراسان بوده و صورت خوش و سیرت نیکو داشته و با شاعران بسیار مهربان بوده و جز بن از احوالش اطلاعی نیست و غزل را خوب می گفته است .

۹۱۹- امیر حیدر تورکمان ، از خویشاوندان علیشیر نوایی و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی مذهب و درویش مشرب بشمار می رفته و بزبان فارسی و ترکی شعر می گفته و بیش از ده هزار بیت غزل و مثنویاتی در مقابل خمسة نظامی ترکی شامل سی هزار بیت سروده است و در زبان فارسی نیز استاد بوده و قصیده ای در استقبال قصیده دریای ابرار خسرو دهلوی گفته و غزل و رباعی نیز می سروده است .

۹۲۰- علی بیك ، از درباریان سلطان حسین بایقرا در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و غزل را خوب می سروده است .

۹۲۱- محرم کوکه ، از کوکلتاشان همدم کامران پادشاه بوده و وی نیز غزل را خوب می گفته است .

۹۲۲- میرزا الغ بیك ، پسر امیر صالح و در دربار شیبانی خان اعتبار بسیار داشته و حکومت شهر نسا را باو داده بود و در شعر فارسی و ترکی دست داشت .

۹۲۳- سیدشاه کسبی ، از مردم روستایی بنام کسبی در ماوراءالنهر بوده و او نیز شعر فارسی و ترکی را خوب می سروده است .

۹۲۴- ملازاده لاهیجانی ، از اشراف لاهیجان و از خانواده علم و مردی دانشمند بوده و بیشتر در معما سرودن استاد بوده است .

۹۲۵- مولانا نجم الدین کوکبی ، از موسیقی دانان زبردست زمان خود بوده و رساله ای در موسیقی بنام عبدالله خان نوشته و تألیف و ایقاع را در آن شرح داده و ابعاد و اجناس دوازده مقام را بیان کرده که از ضرب طبقه اولی که هفت باشد در طبقه ثانی که سیزده است حاصل می شود و شش آواز نظم کرده و در ضمن آواز خوش داشته و هنگامی که از راه هرات بیخارا باز می گشته در راه مشهد کشته شده و غزل را نیز نیکو می سروده است .

۹۲۶- مولانا سنگی ، از مردم فرغانه و در غزل سرایی استاد بوده است .

۹۲۷- مولانا هجری بلخی ، برادر قاضی بلخ بوده و در اقسام شعر دست داشته است .

۹۲۸- مولانا هجری مروزی ، مردی درویش مشرب بوده و بهندوستان هجرت کرده و از آنجا بآذربایجان رفته و در تبریز در گذشته و در پشته سرخاب مدفون شده و غزل را خوب می گفته است .

۹۲۹- مولانا شوقی اندخویی ، وی نیز در غزل سرایی زبردست بوده است .

۹۳۰- عبدالوهاب ، از شاعران ماوراءالنهر و غزل سرا بوده است .

۹۳۱- مولانا واقعی مروزی ، بیشتر بترکی شعر می گفته و شعر فارسی هم سروده است .

۹۳۲- شیخ صفی الدین صفی نوربخش ، از سادات شهرری و از صوفیه طریقه نوربخشی بوده و شعر بسیار داشته و دیوان خود را تریب داده بود و غزل را خوب می گفت .

۹۳۳- مولانا مجدی ترمذی ، مردی مجذوب و وارسته بود و اقسام شعر سروده است .

۹۳۴- مولانا طالبی ، از شاعران ماوراءالنهر و درویش مشرب و غزل سرا بوده است .

۹۳۵- قاضی رضایی هروی ، درهرات کسب دانش کرده و مدتی قاضی خوارزم بوده و در زمان خود بغزل سرایی معروف بوده است .

۹۳۶- شوخی کفشدوز ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۹۳۷- خواجه جلال الدین هاشمی بخارایی ، از بزرگان بخارا و نوء خواجه حافظ الدین هاشمی کبیر شیخ الاسلام آن شهر بوده که پشت در پشت این منصب را داشته اند . وی از ادبای معروف زمان خود بوده و با جامی مکاتبه و مشاعره داشته و در بخارا در گذشته و در نیه بغرابگرد در کنار جدش مدفون شده و غزل را خوب می سروده است .

۹۳۸- مولانا محمد امین زاهد، از مشایخ بخارا و مردی وارسته بود و بیشتر بمطالعه علوم دینی می پرداخت و از آغاز گوشه نشین بود و سرانجام که عیدالله خان باو معتقد شد با او روابطی بهم زد و چون در گذشت در جوار خواجه بهاءالدین نقشبندی را بخاک سپردند و غزل را خوب می گفته است.

۹۳۹- مولانا شمس الدین محمد قهستانی، ساکن بخارا و از دانشمندان محیط و معروف بوده و مخصوصاً در فقه استاد بوده است. پیوسته بتدریس و تألیف مشغول بوده و روایات عجیب بیاد داشت و با دانشمندان روزگار مجادله و مباحثه می کرد و در مزار خواجه بهاءالدین نقشبند مدفون شده و منظومه مقدمه الصلوة را سروده است.

۹۴۰- میر سید ثیاب هروی، از سادات معروف و بسیار متنفذ هرات بود و در شهر آبادی بسیار کرده و باغها و کارمزارها و کشتزارهای فراوان آباد کرده است. در آغاز دوره صفویه از آنجا ببخارا و بدربار عیدالله خان رفت و بسیار مقرب شد و برای او نیز باغی ترتیب داد و هر گونه درخت در آن کاشت و مردی نیکو کار و بخشنده بود و چون در گذشت در خیابان بخارا پیکرش را در جوار خواجه ملا اصفهانی بخاک سپردند و در باغیات ازو مانده است.

۹۴۱- خواجه منصور ناصری مهنه، از بازماتدگان عارف مشهور ابوسعید ابوالخیر بود و طبع سلیم و ذهن مستقیم داشت. مدتها شیخ الاسلام مهنه بود و غزل را خوب می گفت و ناصری تخلص می کرد.

۹۴۲- میر شیخ پورانی، پسر شیخ نورالدین پورانی هروی و از دانشمندان محیط زمان خود بوده و در رشته های مختلف تألیف کرده و منشی زبردست و خوشنویس بود و از آن جمله خط نسخ و ریحان و غبار را خوب می نوشت و ببخارا رفت و در مسجد چهارسوق تدریس می کرد و عمرش از هفتاد گذشته بود که در گذشت و در خیابان بخارا در جوار قبر خواجه ملا اصفهانی مدفون شد. وی شاعر توانایی بوده و غزل را استادانه می سروده است.

۹۴۳- شیخ مؤید مهنه، ظاهر آوی بجز خواجه مؤید مهنوی بوده است که ن کرش

در قرن نهم گذشت و چنان می نماید که نوۀ او و از همان خاندان ابوسعید ابوالخیر بوده و از طرف دیگر نسبش بسادات مشهد می رسیده و در بخارا می زیسته و مرد دانشمندی بوده و در مدرسه سلطان تدریس می کرده و غزل را خوب می گفته است .

۹۴۴- مولانا غیاث الدین بحر آبادی ، از دانشمندان نامی و ساکن بخارا و در حکمت و فلسفه متبحر بود و تألیفاتی درین زمینه داشته و همه اوقات خود را بکارهای علمی می گذرانیده و در بخارا در گذشته و در جوار خواجه بهاء الدین نقشبند مدفون شده و در شعر استاد بوده است .

۹۴۵- خواجه عبدالله مهنه ، از بازماندگان عارف مشهور ابوسعید ابوالخیر بود و پدرش خواجه ابوالفضل مهنه و عمش خواجه ابوالقاسم مهنه نیز از مشاهیر قرن نهم بوده اند و وی در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم ظاهراً در هرات و بخارا می زیسته و ضعف بهر داشته و غزل را خوب می سروده است .

۹۴۶- مولانا محمد مزید طیب ، از پزشکان حاذق و دانشمند بخارا بوده و در بیشتر از علوم دست داشته و مردی قانع و وارسته بشمار می رفت و بیشتر پزشکان زمان شاگرد وی بوده اند ، از آن جمله سید بهاء الدین حسن نقاری بخاری بوده است . در ضمن مردی صوفی مشرب بوده و در اقسام شعر خاصه تاریخ دست داشته و گاهی پیروی از روش مولانا سیفی می کرده و در نود سالگی در گذشته و در جوار مزار شیخ جلال از مشایخ بخارا مدفون شده است .

۹۴۷- مولانا خوش محمد عزیزان ، از مشایخ طریقه جهریه و از مریدان شیخ خداداد پیشوای این طریقه و مردی وارسته بود و ترکان بسیار مریدش بودند . در آغاز برندی معروف بود و پس از چندی وارد حلقه تصوف شد و در روستای عرشی نزدیک بخارا خانقاهی داشت و چون در گذشت وی را در باغ آن خانقاه ب خاک سپردند و غزل را خوب می گفت .

۹۴۸- شیخ عابد ترک ، از مشایخ ترک و از اصحاب مولانا محمد فلغزی بود . نخست کسب دانش می کرد و از آن کار دست کشید و وارد حلقه تصوف شد و نزدیک

هشتاد سال زیست و در غجدوان در گذشت و همان جا مدفون شد و مقطعات خوب می سروده است .

۹۴۹- حافظ کلان قاری ، از حافظان معروف سمرقند و در دربار پادشاهان شیبانی محترم بود و شاگردان بسیار داشت و چندی خطیب دربار بود و در مطایبه دستی داشت و غزل را خوب می گفت و قاری تخلص می کرد و بیش از هشتاد سال عمر کرد .

۹۵۰- سلطان علی اویهی ، از دانشمندان معروف و از سادات صحیح النسب و آخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بود . از مردم اویه از توابع هرات بود و نخست در آن شهر می زیست و ظاهر آدرفته هرات و غلبه صفویه چون سنی بوده بماوراءالنهر رفت و در بخارا زیسته است . از حافظان و خوشنویسان معروف زمان خود بوده و با مولانا سلطانعلی مشهدی ملك الكتاب خوشنویس معروف رقابت داشته و پادشاهان شیبانی او را محترم می داشته اند و از مریدان خواجه عبیدالله احرار بوده و در خانقاه وی در صد و نه سالگی در گذشته و رساله ای در مصافحه نوشته و قطعه و رباعی را خوب می سروده است .

۹۵۱- حافظ میر احمد خطیب ، از حافظان معروف زمان خود و شاگرد حافظ کلان قاری سابق الذکر بود و مردی دانشمند بشمار می رفت و در بیشتر علوم دست داشت ، مخصوصاً در علوم قرآنی مهارت داشت و آثار امام محمد شاطبی را درس می گفت و هر هفته خطبه بلیغی انشا می کرد و بیش از شصت سال زیست و در فتح آباد بخارا در گذشت و همان جا مدفون شد و در اقسام شعر استاد بود .

۹۵۲- میر علی کاتب هروی ، معروف ترین خوشنویس زمان خود بود و از سادات و بنیاد گذاران خط نسخ تعلیق بشمار می رفت . پدرش ذوالکمالین میر محمد باقر نیز از خوشنویسان بوده است و وی شاگرد سلطانعلی بود . نخست در هرات می زیست و شاگردان بسیار در آنجا تربیت کرد . پس از انقراض سلطنت تیموریان و ظهور صفویه چون سنی متعصب بود از هرات بماوراءالنهر رفت و در دربار پادشاهان شیبانی و مخصوصاً عبیدالله خان ترقی بسیار کرد و بمقام وزارت رسید و در ۹۵۱ که سن وی بهشتاد نزدیک شده بود دشمنانش وی را کشتند . وی بجز آنکه مرد هنرمندی بوده و او را ملك الكتاب

لقب داده اند در شعر نیز دست داشته و اقسام مختلف شعر را نیکو می سروده است.

**۹۵۳- مولانا افسری کرمانی**، از مردم کرمان در ماوراءالنهر و مدت درازی از

مقربان عیدالله خان بوده و در اقسام شعر دست داشته و از آن جمله در غزل و معما استاد بوده و در غزل پیروی از شاهی سبزواری می کرده و نزدیک بهشتاد سال زیسته است.

**۹۵۴- مولانا رفیع بخاری**، پسر مهتر مولانا محمد مزید طبیب سابق الذکر

و خود از دانشمندان بوده و در بیشتر از علوم دست داشته و پزشک حاذقی بوده است. در خط نسخ تعلیق شاگرد مولانا سلطانعلی و از خوشنویسان معروف زمان خود بوده و در موسیقی استاد بشمار می رفته و پس از خواجه عبدالله مروارید وی را درین فن از همه برتر می دانسته اند و قانون را خوب می زده و هفتاد سال زیسته و در جوار پدرش مدفون شده و در شعر هم استاد بوده است.

**۹۵۵- مولانا ابوالقاسم حکیم**، پسر مولانا درویش حسین طبیب و برادرزاده

درویش علی طبیب که پزشک علیشیر نوایی بوده است. مردی دانشمند و پزشکی حاذق بود و در فنون دیگر نیز دست داشت. ظاهراً خاندانش از مردم هرات بوده اند و وی در بخارا می زیسته و هفتاد سال عمر کرده و در حوالی نمازگاه بخارا مدفون شده و غزل را خوب می گفته است.

**۹۵۶- مولانا خواجه کمال مجریدی**، از دانشمندان نامی بخارا بوده و در علوم

غریبه نیز دست داشته و غزل را خوب می سروده است.

**۹۵۷- خواجه محمد قناد**، از پزشکان حاذق بخارا و از مریدان خواجه عیدالله

احرار بوده و نزدیک به عمر طبیعی رسیده و غزل را نیکو می گفته است.

**۹۵۸- قاضی محمود**، از دانشمندان بخارا و از شاگردان مولانا ابراهیم شیروانی

بوده و در جوار مزار خواجه بهاءالدین نقشبند مدفون شده و از رباعی مانده است.

**۹۵۹- ملا عینی سروی خوشتری**، از اعیان قریه خوشتری از توابع بخارا

بوده و در مدرسه میرزا کسب دانش کرده و در علوم مختلف دست داشته و از حافظان زیارتگاه بشمار می رفته است. قامت بلند داشته و بهمین جهت سروی تخلص می کرده

و تا ۹۶۲ زنده بوده و غزل و تاریخ می سروده است.

۹۶۰- مولانا حسن کوکبی بخارایی، از دانشمندان و شاعران معروف روزگار خود بود و در موسیقی دست داشت و مؤلفائی داشته است و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم می زیسته و رباعی از او مانده است.

۹۶۱- خواجه نظام الدین عبدالهادی پارسا، پسر خواجه ابونصر ثانی، نسبش به پشت بخواجه محمد پارسا پیشوای معروف نقشبندیان می رسیده. از آغاز جوانی بکسب دانش پرداخت و مدتی قاضی شهر بلخ بود و بیشتر در بخارامی زیست و مورد توجه عبیدالله خان بود. باندك بیماری در گذشت و در جوار جدش خواجه محمد پارسا وی را بخاك سپردند و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۹۶۲- ملا عصام الدین ابراهیم، از دانشمندان معروف زمان خود بود و شاگردان بسیار داشته، از آن جمله خواجه حسین مروزی شاعر معروف بوده است. در بیشتر از علوم مصنفاتی داشته و مخصوصاً در ادبیات عرب استاد و نویسنده زبردستی بوده است. نوشته اند که عبیدالله خان پس از نماز پیشین يك رباعی را که سروده بود برایش فرستاد و وی تا نماز شام يك رساله بزبان تازی درباره آن نوشت و برای يك مصرع آن ۵۶۰ معنی یافت. همه اوقات شبانروزی خود را بتعلیم می گذراند. نخست در هرات می زیست و از آنجا بسمرقند رفت و پس از اندك مدتی در آنجا در گذشت و وی را در جوار مزار عبیدالله احرار بخاك سپردند. از جمله کتابهایی که نوشته تفسیر سوره یوسف بوده و در شعر نیز دست داشته است.

۹۶۳- مولانا صفی الدین مصطفی رومی، از دانشمندان نامی آسیای صغیر در قرن دهم بوده و از اعیان آن سرزمین بشمار می رفته است. پس از کسب دانش در دیار خود بزیرات حرمین رفته و در مکه مدتی در فرجه اعلا تدریس می کرده و مصابیح و تفسیر درس می داده و در ریاضیات و حکمت و اصول و فروع استاد بوده و طبیب حافظی بشمار می رفته و مردی قانع و مهذب بوده است. در پایان زندگی بماوراءالنهر رفته و مدتی در بخارا حدیث درس می داده و مورد توجه دانشمندان شده و شاگردان بسیار داشته



است ، از آن جمله سید بهاءالدین حسن نثاری بوده است و بزبان پارسی و تازی شعر را نیکو می سروده است .

**۹۶۴- مولانا کمال الدین عاشق بخارایی**، وی نیز از دانشمندان مسلم این دوره بوده و در علوم منقول و منقول دست داشته و پادشاهان شیبانی وی را بسیار احترام می کرده اند . طبع لطیف داشت و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت و در شعر استاد بود و قصیده و غزل و رباعی را خوب می گفت و عاشق تخلص می کرد و نوشته اند که چون هلالی جغتایی مثنوی شاه و کدا را بیایان رساند و برای وی خواند برخی ابیات را که در آن حین ارتجالا سرود در آن داخل کرد . در پایان زندگی در بلخ می زیست و در آنجا در ۹۵۸ در گذشت و در جوار مزار احمد خضرویه وی را بخاک سپردند .

**۹۶۵- میر عابد هروی** ، از سادات هرات بود و در آنجا کسب دانش کرده ، بعد از اثناء رفته بود و مردی شیرین سخن بود و پادشاهان شیبانی وی را محترم می داشتند و بر کی و فارسی غزل را نیکو می سرود .

**۹۶۶- خواجه قاسم مودودی** ، از بازماندگان عارف مشهور مودودی چشتی بود و بیشتر اوقات را در سفر می گذراند و مری قانع بود . چندی در بلخ بوده و شاعری زبردست بشمار می رفته و ازو رباعیات مانده است .

**۹۶۷- شیخ مفصل مهنه** ، اصلا از مردم مهنه بود و در مازاءالنهر می زیسته و مردی بسیار خوش مشرب و خوش روی بشمار می رفته و بیشتر اندیشمند بوده و سرانجام در شهر نسف (نخشب) در گذشته و غزل و رباعی را نیکو می سروده است .

**۹۶۸- مولانا کمال الدین میر محمود نجفی** ، از مردم روستای نجفی در ناحیه تبادکان و ارداک از توابع مشهد بوده ، مردی بسیار دانشمند و درویش مشرب بشمار می رفته و در موسیقی دست داشته و از شاگردان ملا عبدالعلی شاگرد علی شاه جامی از استادان موسیقی زمان خود بوده است و همه سازها را می نواشید و عصای سرخمی داشت که يك تار بر آن بسته بود و هرزده نغمه اصلی را که همه نغمات و مقامات منشعب از آنست بسا آن می نواخت و همه ابعاد و اجناس را در آن جمع می کرد و در پایان زندگی در بلخ می زیست

وهمواره بتدریس مشغول بود و در آن شهر از اندک بیعاری در گذشت و غزل را استادانه می گفت .

۹۶۹- شیخ رکن الدین مهنه ، از مردم میهنه بود و در ماوراءالنهر می زیست و نا وقتی که عبدالعزیز خان شیبانی لشکر یلخ کشید در آن سرزمین می زیست و از آنجا به حج رفت و در راه مدینه در گذشت و غزل را خوب می گفت .

۹۷۰- شیخ علاءالدوله خبوشانی ، پسر شیخ حاجی محمد خبوشانی عارف مشهور و خود از مشایخ تصوف و مردی وارسته و مذهب بود و مدتی کسب دانش کرده و مطول را بیاد داشت و در انشا و فنون شعر استاد بود و بیش از هفتاد سال زیست و غزل را نیکو می سرود .

۹۷۱- مولانا محرمی خراسانی ، چندی در ماوراءالنهر می زیست و چون طالب ریاست بود از آنجا به هند رفت و بر سالت بیلخ رفت و با لباس هندی بآنجا رفت و بهند باز گشت و در آنجا رحلت کرد و مردی دانشمند بود و در آغاز بکسب دانش پرداخته و سپس آنرا ترک کرده بود و غزل می گفت .

۹۷۲- مظفر ترک ، از امرای آذربایجان در دربار سلطان یعقوب بود سپس به ماوراءالنهر رفت و مدتی ملازم عبیدالله خان بود و تاقیخ خوارزم و قلعه هزاراسب در دربار وی بود و سپس به هند رفت و در آنجا در گذشت . مردی شیرین سخن و خوش روی بود و در انشا دست داشت و غزل را خوب می سرود .

۹۷۳- کمال الدین تاشکنندی ، ظاهراً از شاعران قرن دهم بوده و از متصوفه زمان خود بشمار می رفته و ازو جزین اطلاعی نیست که مثنوی شمع و پروانه سروده است .

۹۷۴- امیر همایون ، ظاهراً وی بجز همایون اسفراینی شاعر معروف قرن نهم و همایون عراقی سابق الذکر بوده و در ماوراءالنهر می زیسته و در زمان خود بسیار معروف بوده است و مردی وارسته و طبیب حاذق بوده است و در ادبیات عرب و علم نجوم و فنون شعر و معما و عروض دست داشته و غزل و معما را بسیار خوب می گفته است .

۹۷۵- ملا هلالی ماوراءالنهری ، پسر ملا سائل ، بجز هلالی جغتایی شاعر

معروفست. در ماوراءالنهر در دربار شیبانی خان می زیسته و بیشتر در سمرقند بوده و در آنجا در گذشته و مدفون شده و غزل را خوب می گفته است.

**۹۷۶- ملا خاوری سمرقندی**، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در دستگاه عادلشاه سلطان از سلسله شیبانی می زیسته و با وزرای آن زمان مباحثه و مجادله داشته و ایشان را هجومی کرده و چندی در بلخ بوده و در اقسام شعر دست داشته است.

**۹۷۷- مولانا میر حسین بخارایی**، از اعیان بخارا بوده و در تاریخ گفتن مهارت داشته و تا سال ۹۳۶ زنده بوده و در انشا دست داشته و مدتی متولی اوقاف بوده و نزدیک نود سال عمر کرده و اقسام مختلف شعر می سروده است.

**۹۷۸- مولانا شیدای بلخی**، از نزدیکان مولانا قوام الدین بلخی و در علوم نقلی و عقلی استاد بوده و تدریس فقه و تفسیر می کرده و شاگردان بسیار داشته از آن جمله سید بهاء الدین حسن نثاری بخارایی در هیئت و نجوم شاگرد وی بوده و در استخراج تقویم مهارت داشته و در جوانی در گذشته است.

**۹۷۹- مولانا شیدای بلخی**، بجز شیدای سابق الذکر و مقدم بر او بوده، در نظم و نثر فارسی دست داشته و کتابی در تقلید گلستان سعدی نوشته و پیروی از سعدی می کرده و در اقسام مختلف شعر مهارت داشته است. مردی بسیار خوش روی و خندان بوده و با عبدالعزیز خان رابطه داشته و در هجا نیز استاد بوده است.

**۹۸۰- مولانا عبدی بلخی**، در نظم و نثر استاد بوده و در ۹۶۱ در بلخ خانه مجملی ساخته بود و در بلخ در گذشت و همان جا مدفون شد و ترکی و فارسی اقسام مختلف شعر می سروده است.

**۹۸۱- خواجه میرک صدیقی بلخی** شیخ الاسلام، پسر هجر خواجه هاشمی صدیقی شیخ الاسلام بلخ بود. مردی خوش سیم و مذهب بشمار می رفت. در جوانی پس از مرگ پدرش شیخ الاسلام بلخ شد و در چهل سالگی در گذشت و در جوار پدرش مدفون شد. وی شاعر توانایی بوده و اقسام مختلف شعر می سروده از آن جمله قصیده در بسای

ابرار خسو و دهلوی را جواب گفته و بینخارا فرستاده و هیچ يك از شعرای آن دیار از عهده او بر نیامده اند و غزل را نیز بسیار خوب می سروده است.

۹۸۴- **خواجه قاضی فتح الله غجدوانی**، قاضی غجدوان بوده و این منصب از قدیم با پدران و پیاکان وی بوده است. طبع سلیم داشت و مردی فروتن و افتاده بود. در پایان زندگی ترك قضاوت كرد و بدرویشی روزگار می گذرانده و سرگي خود را پیش بینی کرده بود و در غجدوان در گذشت و همان جا مدفون شد. وی غزل را استادانه می سروده است.

۹۸۴- **میر جان محمد جامی ثانی**، از امیرزادگان نیمان بود و صورت و سیرت نیکو داشت و نیز فهم بود و در جوانی در گذشت و غزل می سرود.

۹۸۴- **عبدالواسع نوری**، از اعیان نور بخارا و مردی زیباروی بود و در جوانی در گذشت و در مزار خواجه ابوفیض وی را بخاك سپردند و در غزل سرایی استاد بود.

۹۸۵- **مولانا قضایی هروی**، پسر مولانا بقایی معروف بکمانگر بوده است. بقایی خود گفته است که با مظاهر برلاس بهرات رفته و در دکان کمانگران در حلقه استادان گوشه ای گرفته و کمان خود را در آنجا بسته بود و علیشیرنوايي از آنجا گذشته و وی را دیده و در مجالس المنافیس او را کمانگر دانسته است. قضایی مرد بسیار خوش طبعی بود و مدتی از ملازمان عبیدالله خان بشمار می رفت و شعر فارسی و ترکی را خوب می گفت و در غزل استاد بود و مشغول ناز و نیاز را بوزن حدیقه سروده است. چندی منصب شیخی مزار ترك در بخارا با او بوده و او را بجرم می خواری از آن کار عزل کرده و ساقی شاعر را به جای او گذاشته اند و در بلخ در گذشته و در مقبره خواجه احمد خضویه مدفون شده است.

۹۸۶- **مولانا روحی بخاری**، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی شیرین سخن بود و پیش پادشاهان اعتباری داشت و در جوانی در گذشت و غزل را خوب می گفت.

۹۸۷- **مولانا زینی بخاری**، مردی خوش طبع و نقاشی هنرمند بود و غزل را

نیکو می سرود و در جوانی در گذشت .

۹۸۸- مولانا کلامی بخارایی ، بنساجی روزگار می گذراند و بشطرنج بازی علاقه بسیار داشت و مدنی از کاتبان دیوان بود و در چهار گنبد مدفون شد و غزل را شورانگیز می گفت .

۹۸۹- شیخ عبداللطیف جامی ، از بازماندگان شیخ احمد جام ژنده پیل و از مریدان حاج شیخ محمد خبوشانی بود و مدت مدید مجاهدت و ریاضت داشته و جانشین وی درمند ارشاد شده و از ایران بحج رفته و در راه با سلطان سلیم آل عثمان ملاقات کرده و مورد احترام بسیار او شده و چندی در دربار او زیسته و در بازگشت از سفر حج در از میر در گذشته و در آنجا مدفون شده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۹۹۰- سید معصوم خواجه ، از فرزندان شیخ محمد صادق بن ابوالحسن شیخ بن الیاس شیخ بن محمد شیخ بن خدای قلی شیخ عشقی و از خاندان مشایخ ماوراءالنهر بود . پدرش از دانشمندان معروف بشمار می رفت و مردی پرهیزکار و حافظ قرآن و مفسر و ازائمه بود و سخاوت بسیار داشت و چندی در شهر کش بوده است . پسرش نیز مردی دانشمند بود و بسفر حج که می رفت چندی در بخارا زیست و درین سفر در مکه جان سپرد و شاعر فحلی بود و غزل بسیار خوب می گفت .

۹۹۱- امیر محمد مهدی بن قاضی محمود حسینی ، مردی آراسته و از سادات صحیح النسب و از پیروان طریقه کبروی و دانشمند بود و در مدرسه خواجه کمال الدین در بخارا تدریس می کرد و مرد زیبارویی بود . حسن بانگندی نامی باغراض نفسانی وی را در شب ماه رمضان گشت و شعر را خوب می گفت .

۹۹۲- میر سوداوی ، از سادات ماوراءالنهر و از سرایندگان آن سرزمین و منشی قابلی بود و در بلخ در گذشت و در آنجا مدفون شد و غزل سرا بوده است .

۹۹۳- خواجه محمد وزیر خراسانی ، در ماوراءالنهر می زیست و مدتی ساکن مرو بود و سرانجام گوشه انزوا گزید و غزل را خوب می گفت .

۹۹۴- میرزا قالی ، از شاعران ماوراءالنهر و مردی نیکو سیرت و صورت بوده

و مورد توجه مردم بشمار می‌رفته و دانشمند بوده است. در جوانی در گذشته و غزل می‌سروده است.

۹۹۵- مولانا جامی **ماوراءالنهری**، مردی بی‌قید و لایابالی بوده و مدت مدیدی در هندوستان زیسته و در همانجا در گذشته و رباعیات از او مانده است.

۹۹۶- مولانا عزیزی **ماوراءالنهری**، از شاعران نامی زمان خود بوده و پیوسته درسفر بوده است و درسفر در گذشته و غزل می‌سروده است.

۹۹۷- ملافریبی **ماوراءالنهری**، مردی بی‌قید بوده و در عشق مجازی مبالغه می‌کرده و درسفری که ببلخ می‌رفته در راه دزدان وی را کشته‌اند و غزل سرا بوده است.

۹۹۸- ملا شعوری **بخارایی**، از معاشران سید بهاءالدین حسن نزاری بخاری بوده و آنکه سفر مرو کرده و با آنکه نزاری وی را ازین سفر منع کرده با آنجا رفته و بیمار برگشته و پس از سه روز از آن بیماری در گذشته و در غزل سرایی زبردست بوده است.

۹۹۹- **خواجه نظام‌الدین هاشمی**، پسر **خواجه هاشم صدیقی**، مدنی مدید شیخ الاسلام بخارا بوده است. نوشته‌اند که صفات ناپسندیده داشته و این مقام را چون در خاندانش بوده بوی داده‌اند و غزل می‌سروده است.

۱۰۰۰- **خواجه عبدالعزیز نامی معروف بخواجه خمری**، از خویشاوندان **خواجه نظام‌الدین هاشمی** و **خواجه هاشم صدیقی** سابق الذکر بوده و مدنی در بخارا منصب قضاوت داشته و مرد محترمی بوده است. در ضمن مرد دانشمند و دارای طبع سلیم و ذهن مستقیم بوده و در عروض مهارت داشته و غزل و رباعی را بسیار خوب می‌گفته است.

۱۰۰۱- **شیخ وحیدالدین ابوالحسن محمد بن زین‌الدین حاجی بن احمد اسفر غابادی معروف به میرجان**، که ذکرش پیش ازین در ضمن نشر نویسان این دوره گذشت. ملقب سلسله زینی از طرق تصوف **ماوراءالنهر** بوده و سلسله وی بدین گونه بوده است: **شیخ میرجان**، **شیخ احمد اسفر غابادی**، **شیخ زین‌الدین خوافی**، **شیخ عبدالرحمن عراشی**، **شیخ تاج‌الدین حسن کورانی**، **شیخ محمدود اصفهانی**، **شیخ عبدالصمد بصری**، **شیخ برغش شیرازی**، **شیخ شهاب‌الدین سهروردی**، **شیخ ابوالخیر سهروردی**، **شیخ**

دینوری، شیخ احمد غزالی، شیخ ابوبکر نساج، شیخ ابوالقاسم کرکاتی، شیخ ابوعلی کاتب، شیخ جنید بغدادی، شیخ سری سقطی، شیخ معروف کرخ، شیخ داود طایبی، شیخ حبیب عجمی، شیخ حسن بصری. این طریقه از زمان شهاب الدین سهروردی بطریقه سهروردی معروف شده و از زمان شیخ زین الدین خوافی بطریقه زینی مشهور شده است و از آن پس پیروان آن بیشتر در ماوراءالنهر بوده اند. وی در بیشتر از علوم متداول دست داشته و مردی افتاده و مذهب بوده و از واعظان معروف بشمار می رفته و مریدان بسیار داشته است. در ۹۷۳ یک رباعی معروف شده بود که دختری آنرا سروده است و شرط کرده است هر کس آنرا شرح کند بمقد وی در آید و او در شرح آن رباعی رساله ای نوشت و دیگران هم شرح کردند. بعد معلوم شد که این دختر وجود خارجی نداشته است. وی بجز مؤلفانی که پیش ازین شرحها آنها گذشت در شعر هم دست داشته و انیسی نخلص می کرده است.

۱۰۰۲- مولانا حسین ترکستانی، از دانشمندان جامع معقول و منقول و از شاگردان مولانا عصام الدین ابراهیم بود. مخصوصاً در ادبیات عرب دست داشت. در مدرسه الف بیک درس می داد و تدریس می کرد و شاگردان بسیار داشت. در عروض و موسیقی نیز دست داشت و قصیده و معما را خوب می گفت و از مداحان همایون پادشاه بود.

۱۰۰۳- مولانا کبک ترکستانی، وی نیز از دانشمندان و از مریدان مولانا خواجگی بوده و مرد وارسته ای بشمار می رفته و مریدان بسیار داشته و پسرش محمد طاهر نیز از دانشمندان بود که در ۱۵ صفر ۹۴۴ ولادت یافته و خود در اقسام شعر دست داشته است.

۱۰۰۴- مولانا عبدالصمد تربتی، ساکن ماوراءالنهر بوده و مدتی در تاشکند زیسته و از دانشمندان بوده و تدریس می کرده و حج رفته و در بازگشت باز در تاشکند ساکن شده و سپس بکاشغر رفته و پس از آن در بخارا ساکن شده و در مدرسه حافظ دیوان بتدریس پرداخته و درین سفرها رنج بسیار برده و غزل می سروده است.

۱۰۰۵- مولانا دوست محمد، از دانشمندان جامع منقول و معقول بوده و در

مدرسه میر عرب در بخارا تدریس می کرده و غزل می سروده است .

۱۰۰۶- حافظ ابراهیم کره‌بینی، از مردم کره‌بینه و از حافظان معروف زمان خود بود . در جوانی وارد طریقه خواجگان شد و در مجالس ایشان سماع می کرد و عیدالله خان آواز وی را بسیار می پسندیده و سپس رتبه امامت یافته و پس از آن خطیب دربار شده و غزل را خوب می گفته است .

۱۰۰۷- مولانا جلال الدین قاسم علوی، از سادات علوی ماوراءالنهر . مرد دانشمندی بود و سبب محتسب داشت و در زمان محمد یار سلطان قاضی عسکر شد و تا ۹۲۶ زنده بود و اقسام مختلف شعر می سرود .

۱۰۰۸- مولانا قاسم مفتی، از دانشمندان ماوراءالنهر بود و تا ۹۲۵ می زیسته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

۱۰۰۹- میر محمد منشی، از سادات ماوراءالنهر در زمان عیدالله خان بوده و تا جلوس وی در سال ۹۴۰ زنده بوده و قصیده‌ای درین زمینه سرود است .

۱۰۱۰- مولانا شمس الدین ماوراءالنهری، مردی صالح و از پیشوایان طریقت بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۰۱۱- مولانا نظام قاضی، از قضاة ماوراءالنهر بوده و در قنون شعر مخصوصاً معما دست داشته و شرحی بر رساله معمای میر حسین و رساله‌ای در قواعد معما نوشته و با شاعران زمان خود ملا محمد نویداکی و ملا خواجگی بلخی و ملا جنونی مشاعره

۱۰۱۲- مولانا سرودی، پسر حافظ میراثی حفظی سابق الذکر و واقعه نویس دربار عیدالله خان بود و منشی و خوشنویس زبردست بشمار می رفت و نزد عیدالله خان بسیار مقرب بود . و حاسدان باو گفتند که رفتن وی بجایی که بحرم نزدیک باشد مناسب نیست و وی ازین بدخواهی بسیار آزرده شد و از کار کناره گرفت و بفارسی و ترکی اقسام شعر را خوب می سروده است .

۱۰۱۳- مولانا صفایی کرمانی، وی بجز درویش صفایی کرمانی سابق الذکر است .



از کرمان برای کسب دانش بهرات رفته و در آنجا چینی سازی آموخته و سفر لاط را بهتر از همه کس می یافته و درین دو صنعت معروف شده و سپس بماوراءالنهر رفته و غزل و معما را بسیار خوب می گفته است .

**۱۰۱۴- شیخ زکریا یسوی**، از بازماندگان شیخ احمد یسوی عارف مشهور ترك قرن ششم بوده است. ظاهراً در شهر یسی یا یاسی در جمهوری کازاخستان (قزاقستان) امروز بجهان آمده که نام آنرا درین اواخر تركستان گذاشته اند و در ماوراءالنهر می زیسته و مردی وارسته بوده و پادشاهان باو احترام می کرده اند و بیشتر در سمرقند بوده و غزل می سروده است .

**۱۰۱۵- خواجه فاضل**، پسر مولانا عصمت الله کوفی، از دانشمندان ساکن سمرقند بوده و در دربار ازبکان بمناصب عالی رسیده و نزد پادشاهان محترم بوده و بدخواهان بروی حسد برده اند .

**۱۰۱۶- میرکای بخاری**، پسر حافظ کلان و در دربار محمد سیونج خان منصب صدارت داشته و پس از مرگ وی از تاسازکاری اوضاع بهندوستان رفته و مرد مذهبی بوده و شعر را خوب می گفته است .

**۱۰۱۷- حافظ میرک حالی**، از مردم روستای سمعی ظاهراً از توابع هرات و ساکن بخارا بوده و پدرش از ملازمان و مجرمان جامی شاعر معروف بشمار می رفته و او نیز حافظ قرآن بوده است. وی در علوم متداول هم دست داشته و در حکمت از شاگردان مولانا غیاث الدین بوده و غزل را نیکو می سروده و حالی تخلص می کرده است.

**۱۰۱۸- مولانا صالح مفتی**، از دانشمندان ماوراءالنهر و از پیروان هسداک جبریه بوده و علوم دینی را درس می گفت و اقسام شعر از آن جمله غزل و تاریخ را نیکو می سروده و معاصر با عبیداله خان بوده است .

**۱۰۱۹- میر قهیمی بخارایی**، از سادات بوده و مرد دانشمندی بشمار می رفته و سرانجام بقندهار رفته و در آنجا ساکن شده و غزل را خوب می گفته است.

**۱۰۲۰- امیر دوست محمد حاجی**، پسر امیرخان و از بزرگان امرای سلیمانی

واز ملازمان شیبانی خان بود و پادشاهان بوی بسیار حرمت می گذاشته اند . بحج رفت و در باز کشت باز امارت را باو تکلیف کردند و پذیرفت و غزل را خوب می گفت .

**۱۰۴۱- شیخ محمد طاهر** ، از اولاد خواجه محمد طاهر انصاری و ظاهر آ از بازماندگان عبدالله انصاری بوده است . از هرات بخارا و از آنجا بهند رفته و غزل می سروده است .

**۱۰۴۲- سید محمد باقر** ، پسر شریف عبدالله یمنی مشهور بمیر عرب و از سادات بوده است . خاندانش از مردم حضرموت بوده اند و در آنجا حکمرانی داشته اند . پدرش را ناگه جذبای روی داده و از منصب خود دست شسته و جزو مریدان خواجه عبیدالله احرار شده و بماوراءالنهر رفته است . عبدالله خان پسرش را که خردسال بوده تربیت کرده و وی کسب دانش کرده است و در بخارا بتدریس پرداخته و غزل را نیکو می سروده و یمنی تخلص می کرده است .

**۱۰۴۳- امیر صدرالدین** ، پسر امیر صفی الدین ابوالصفا ، در جوانی نزد پدر خود دانش آموخته و پس از مرگ او از دانشمندان دیگر بهره مند شده و فقه آموخته و سپس بتدریس پرداخته و تفسیر درس می داده و در هر ماه رمضان قرآن را ختم می کرده و مردی بسیار پرهیزگار و یارسانا بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

**۱۰۴۴- سید هادی نقشبندی** ، پسر خواجه محمود نقشبندی بود و نسبش به پنج پشت بهاءالدین نقشبند می رسید ، مرد محشمی بود و خط را خوش می نوشت و در بخارا می زیست و غزل را خوب می گفت و هادی تخلص می کرد .

**۱۰۴۵- سید ابراهیم بخاری** ، وی نیز از بازماندگان خواجه بهاءالدین نقشبند بود و منصب صدارت داشت و مرد دانشمندی بود و غزل را خوب می گفت .

**۱۰۴۶- مولانا محمد امین مفتی** ، از جوانی بکسب دانش پرداخت و هدایه و وقایه و شرح مغنی را آموخت و در بخارا بفتوی آغاز کرد و در علوم دیگر نیز دست داشت و اقسام مختلف شعر را نیکو می گفت .

**۱۰۴۷- عبدالحکیم طیب بخاری** ، پسر سلطان محمود طیب از پزشکان دانشمند

زمان خود بود و وی پزشکی را از پدرش آموخت و پزشك حسافى شد و غزل را نيكو مى سرود .

۱۰۲۸- ميرزا مشهدى، از اخلاف امير على ترخان و باسادات ترمذ خويشاوندى داشت و با منصب ايالت درویش مشرب بود و غزل را خوب مى گفت .

۱۰۲۹- ميرزا احمد سمنانى، از اولاد علاءالدوله سمنانى بود و پندرانى پشت در پشت منصب وزارت داشته اند و خود در بخارامى زيسته و مردم مذهبى بود و خط نسخ تعليق را بسيار خوب مى نوشته و در ۱۷ جمادى الثانى ۹۶۸ نسخه اى از تفحات الانس جامى را پيايان رسانيده است .

۱۰۳۰- مولانا مير مفتى بخارى، از فقهاى معروف زمان خود بود و باسادات عوطقري خويشاوندى داشت و در علوم شرع دست داشت و تا ۹۸۱ زنده بود و اقسام مختلف شعر مى گفت .

۱۰۳۱- خواجه مولانا بخارى، برادر مولانا مير مفتى سابق الذكر و از دانشمندان زمان خود بوده و تا ۹۳۰ زنده بوده و وي نيز اقسام مختلف شعر مى سروده است .

۱۰۳۲- خواجه عبدالسلام بخارى، از وزيرزادگان قديم بوده و در دستگاه عبدالقدوس سلطان شيبانى منصب كتابدارى داشته و اقسام مختلف شعر تر كى و فارسى را خوب مى گفته است .

۱۰۳۳- مولانا حبيب الله بخارى، وي نيز از غزل سرايان زبردست اين دوره بوده است .

۱۰۳۴- شيخ زين الدين وفايى خوافى، ظاهر اوى بجز شيخ زين الدين خوافى معروف بشيخ زينست كه ذكرش گذشت و چنان مى نمايد كه وي نيز مانند او از نوادگان زين الدين خوافى عارف مشهور قرن نهم بوده باشد . در پايان زندگى در هند مى زيسته و در ۹۴۰ گره مدفون شده و در نظم و نثر فارسى دست داشته و قسمتى از بايرنامه را از تر كى جغتايى ب فارسى ترجمه كرده است .

۱۰۳۵- مولانا قاصرى، پسر مولانا عنايت، از شاعران ماوراءالنهر و كاتب

معروف و جلالیت مشهور و از پیروان طریقه کبرویه بوده و نوشته‌اند که واقعات شگفت نقل می‌کرده و از آن جمله روزی گفته است که در مجلس شیخ شانه خضر را در بیداری دیده و سخن او را شنیده است و در سخن گفتن از اعتدال تجاوز می‌کرد و غزل می‌سرود.  
**۱۰۳۶- مولانا محرمی ماوراءالنهری**، مردی دانشمند بوده و بیشتر از کتابت گذران می‌کرده و طبع سلیم و ذهن مستقیم داشته و در مرثیه و غزل سرایی ماهر بوده است.

**۱۰۳۷- مولانا یقینی جویباری**، پسر خواجه میرشاه جویباری و مردی درویش مشرب بود و همیشه با درویشان می‌زیست و اقسام شعر را خوب می‌گفت.

**۱۰۳۸- مولانا نغلی**، وی نیز از شاعران ماوراءالنهر درین دوره بوده و مردی مذهب بشمار می‌رفته و در غزل استاد بوده است.

**۱۰۳۹- نجاتی تاشکندی**، برای کسب دانش ببخارا رفته و وی نیز غزل را خوب می‌گفته است.

**۱۰۴۰- مولانا دانشی بخارایی**، مشك فروش بوده و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می‌رفته است.

**۱۰۴۱- مولانا سروری بخارایی**، وی نیز از سخن‌سرایان معروف عصر خود بوده و غزل را نیکو می‌سروده است.

**۱۰۴۲- مولانا صوفی بخارایی**، در زمان عبیداله خان چندی مؤذن مسجد ارک بخارا بود و سپس از لشکریان شد و مردی خوش آواز بود و غزل را خوب می‌گفت.

**۱۰۴۳- خواجه حسین هروی**، وی بجز میرك حسین هروی سابق الذکر و پسر خواجه میردوست دیوان‌بوده است. مدتی در بخارا کسب‌دانش کرد و خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشت و پادشاهان شییبایی وی را گرامی می‌داشتند. سپس بهند رفت و در دربار همایون مقرب شد و بدرجات عالی رسید و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر نیز مقام بلند داشت و قصیده و غزل را خوب می‌سرود و قصیده‌ای بقافیه الف سروده که در هر بیت عدد از یک تا صد را آورده است.

۱۰۴۴- میرزا باقی، پسر مولانا میرعلی کاتب معروف بوده و مانند پدر از خوشنویسان زمان خود بشمار می رفته و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشته و در دربار عبدالعزیزخان شیبانی می زیسته و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۰۴۵- مولانا قبولی کره‌مینی، از امیرزادگان کره‌ینه بوده و علوم دینی را فرا گرفته بود و مفتی دیار خود بود و غزل می سرود.

۱۰۴۶- میرزا دوست محمد، بجز مولانا دوست محمد سابق الذکر و پسر حافظ قنکر بوده است. صورت و سیرت نیکو داشته و بسیار بخشنده و خوش مشرب بوده و غزل را خوب می گفته است.

۱۰۴۷- میرزا حربی، از فرزندان قاسم کوه بر صبری بوده که ذکرش گذشت. در موسیقی استاد بوده و سازی مرکب از عود و رباب اختراع کرده بود و نغمات دلکش می ساخت و پس از کسب دانش بهج و زیارت حرمین رفت و ببخارا باز گشت و غزل را خوب می سرود و بیشتر در پی مضمون می رفته است.

۱۰۴۸- ملا فیازی، وی از شاعران ماوراءالنهر و بجز مولانا محمدشرقی فیازی و مولانا فیازی منائی بدخشی و فیازی بخارایی و فیازی سمرقندی و فیازی دیگر و پسر مولانا سیدعلی بوده است و در جوانی بهند رفته و غزل را خوب می سروده است.

۱۰۴۹- قاسم ارسلان مشهدی، وی بجز قاسم ارسلان بخارایی سابق الذکر و پسر ارسلان مشهدی و مصاحب درویش روغگری بوده و سفری به ماوراءالنهر رفته و اقسام مختلف شعر می گفته است.

۱۰۵۰- ملا قاسم بخارایی، در جوانی شاگرد سید بهاءالدین حسن نقاری بخارایی بوده و طبع سلیم داشت اما در کسب دانش ترقی نکرد و بکتابت پسر داخت و خوشنویس شد و مردی خوش روی بود. پس از مرگ پدرش زر بسیار باورسید و همه را با عبدالعلی خوش نویس قمار کرد. غزل را بسیار خوب می گفت.

۱۰۵۱- مولانا عزمی بخارایی، وی بجز عزمی ماوراءالنهری سابق الذکر و مردی صالح و درویش مذهب بوده و او نیز غزل می سروده است.

۱۰۵۲- مهر میرزا، نواده میر کلان از مشایخ ماوراءالنهر بوده و بیشتر در سرمد و جندش در بخارا می زیسته و در آنجا بتلقین می پرداخته و مواظبت می کرده و بکار دنیا کمتر می پرداخته و وارسته بوده است و گاهی غزل می گفته است.

۱۰۵۳- خواجه محمد، پسر امین الدین ابوالخیر فضل الله بن روزبهان بن فضل الله خنجی اصفهانی شیرازی معروف بخواجه ملایا خواجه مولانای اصفهانی بوده که ذکرش گذشت. با پدرش بماوراءالنهر رفته و مرد بی قیدی بوده و پدر هرچه وی را بعبادت وادار می کرده پیروی نمی کرده است و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۰۵۴- مولانا یاری خراسانی، ظهراً وی بجزیاری هروی و یاری استرآبادی شیرازی سابق الذکر بوده و از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بشمار می رفته و اشعار بسیار سروده و دیوان خود را مرتب کرده و در غزل استاد بوده است.

۱۰۵۵- خواجه معین الدین، پسر خواجه خاوند محمود بن خواجگی خضر بن خواجه عبیدالله احرار بوده و بیشتر در بخارای زیسته و سپس بهند رفته و مصاحب همایون شده و در بازگشت بماوراءالنهر بکاشغر رفته و پادشاهان آنجا وی را گرامی داشته اند و رشیدخان بوی بسیار مهربانی کرده و غزل را خوب می سروده است.

۱۰۵۶- مولانا قاسم کابلی، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و سفری بماوراءالنهر رفته و در موسیقی استاد بوده و غزل را خوب می گفته و کابلی تخلص می کرده است.

۱۰۵۷- مولانا منصور تبریزی، اصلاً از مردم ساوه بوده و در تبریز زیسته و بهمین جهت بتبریزی معروف بوده است. بهندوستان رفته و بیژم خان خان خانان وی را گرامی داشته و مدنی در بداون زیسته و دیوان خود را ترتیب داده و بیشتر غزل می سروده و شاعر توانایی بوده است.

۱۰۵۸- مولانا سیفی سنّامی، نوشته اند که از مردم شام بوده اما چنین می نماید که شام تحریفی از سنّام در ماوراءالنهر بوده باشد. مردی دانشمند بوده و غزل را خوب می سروده است.

۱۰۵۹- مولانا نهانی ماوراءالنهری، روزگار را بشانه تراشی می گذرانده و

مردی درویش مشرب و نیکو اعتقاد بوده و غزل را خوب می گفته است.

۱۰۶۰- قدسی فرغانگی، از شاعران فرغانه و در غزل سرایی استاد بوده است.

۱۰۶۱- مولانا فروغی سمرقندی، از شاعران معروف زمان خود و از استادان

غزل بوده است.

۱۰۶۲- مولانا بیخودی بلخی، وی نیز از غزل سرایان زبردست بشمار

می رفته است.

۱۰۶۳- مولانا رونقی بدخشانی، او هم از غزل سرایان این دوره بوده است.

۱۰۶۴- قاضی سعید خزازی، از پیروان سلسله عشقیه از طرق تصوف

ماوراءالنهر و مردی دانشمند بوده و بیشتر خاموش می مانده و غزل می سروده است.

۱۰۶۵- ملا نورالدین محمد عهدی، از شاعران ماوراءالنهر بوده و در قصیده

و غزل استاد بوده است.

۱۰۶۶- ملا طاهر قاضی، وی نیز از شاعران آن سرزمین و غزل سرا

بوده است.

۱۰۶۷- مولانا پیر محمد، نیز از غزل سرایان این دوره بوده است.

۱۰۶۸- مولانا شکری، بجز شکری هروی سابق الذکر و از غزل سرایان

ماوراءالنهر بوده است.

۱۰۶۹- مولانا ناظری، وی نیز بجز ناظری بخارایی و ناظری مشهدی بوده

و غزل می سروده است.

۱۰۷۰- خواجه حسن نقشبندی، از بازماندگان خواجه بهاءالدین نقشبند

و مردی مذهب و وارسته بوده و با جاه و جلالی که داشته فروتن بوده است و سفری

بکابل رفته و در آنجا بوی احترام بسیار کرده اند و بیشتر در بخارا می زیسته و غزل را

خوب می گفته است.

۱۰۷۱- میر باقی کاشانی، از سادات کاشان ماوراءالنهر بوده و غزل می سروده است.

۱۰۷۳- محمد شریف صدر اندجانی، از دانشمندان متبحر زمان خود بوده و منصب صدارت داشته و از اعیان دربار شیپانیان بوده و اقسام مختلف شعر را خوب می گفته و وقصیده مصنوع سلمان ساوجی را استقبال کرده است.

۱۰۷۳- مولانا هدایت گیلانی، صورت و سیرت خوش داشته و بازار کانی روزگار می گذرانده و سفری بـ ماوراءالنهر کرده و غزل را خوب می گفته است.

۱۰۷۴- میر بدخشانی، در اقسام مختلف شعر دست داشته است.

۱۰۷۵- مولانا یوسف ختایی (خطایی)، از دانشمندان معروف ماوراءالنهر و در غزل سرایی استاد بوده و یوسف تخلص می کرده است.

۱۰۷۶- مولانا بابای بلخی، در بلخ می زیسته و هم در آنجا مدفون شده و در غزل سرایی استاد بوده است.

۱۰۷۷- عبدالله حلوائی مشهدی، وی نیز غزل سرای بوده است.

۱۰۷۸- غزالی ماوراءالنهری، ظاهراً وی به جز غزالی بلخی و غزالی چنبک مشهدی و غزالی تبریزی و غزالی سمرقندی و غزالی مروزی بوده و غزل می سروده است.

۱۰۷۹- خواجه عبدالوهاب عارف، پسر سلیمان خواجه از مشاهیر مشایخ تصوف ماوراءالنهر بوده و از تربیت شدگان و خاقای پدرش بوده و وی مرید پدر خود خواجه یحیی مرید پدر خود هارون خواجه مرید پدر خود شیخ صدر خواجه مرید پدر خود زنگی انا و او مرید حکیم انا بوده است. زنگی انا پس از مرگ حکیم انا بخوارزم رفته و همسر حکیم انا را که عنبر انا نام داشته و دختر بغراخان از پادشاهان خانیه ماوراءالنهر بوده بزنی گرفته و بازماندگان این خانواده از نسل او بوده اند و بیشترشان در خوارزم زیسته اند و عنبر انا نیز از مرشدان این سلسله بوده و سید انا که خلیفه چهارم زنگی انا بوده از وی اجازه داشته است و خود مرید حکیم انا بوده است. سید انا پسر و مرید تاج خواجه بوده که وی مرید پدر خود عبدالملک خواجه و او مرید پدر خود منصور انا و او مرید پدر خود ارسلان بابا بوده است. طریقه ایشان باحمد یسوی می رسیده است. خواجه عبدالوهاب را پدرش در جوانی بخدمت امیر عبدالله برزش آبادی



هدایت کرده است . سپس در خدمت پدر ریاضت کشیده و از خلفای اوشنه و از مشایخ معروف زمان خود بوده و در ضمن از مریدان مولانا حسین خوارزمی بشمار می رفته و بتدریس مشغول بوده و در هشتاد سالگی در سرزمین نسا در روستای سفرزان در گذشته و در آنجا وی را در کنار پدرش به خاک سپرده اند . وی شعر فارسی و ترکی را خوب می گفته و بفارسی بیشتر غزل سروده و عارف تخلص کرده است .

۱۰۸۰- شیخ علی خواجه شوقی ، فرزند مهتر خواجه عبدالوهاب سابق الذکر و از مشایخ طریقه خاندان خود و از خلفای پدر بوده و از مریدان شیخ حاج محمد خبوشانی نیز بوده و در خانقاه وی ریاضت کشید و اجازه ارشاد از او داشته است . - مردی مهذب و وارسته بود و نوشته اند خرقة رسول از مادرش که از بازماندگان میرجلال الدین کرمانی بود باو رسیده بود و پادشاهان نزد او زیارت آن می رفتند و معلوم نبود که از کدام پارچه دوخته شده است . افراد اولوس صابین خان مرید او بوده اند و او بیشتر در میان ایشان می زیسته است . در ۶۳ سالگی در اوغرجه در گذشته و نوشته اند که چون وی را به خاک سپرده اند و مردم پراکنده شده اند دوسوار سفیدجامه بر سر خاک او آمده و ذکر گفته اند و از قبر وی نیز ذکر شنیده اند و آن دوسوار سفیدپوش گفته اند که از نیاکان او هستند . وی غزل را خوب می گفته و شوقی تخلص می کرده است .

۱۰۸۱- پادشاه خواجه ، پسر خواجه عبدالوهاب عارف و برادر شیخ علی خواجه شوقی سابق الذکر بوده و خود گفته است در کودکی رسول را به خواب دیده که دست خود را بر سینه او سوده و گفته است می خواهی ترا از مشاهیر بکنم ؟ پس از چندی کپک میرزا که در اندیشه تسخیر اولوس صابین خان بوده چون بیشتر مردم آن اولوس از مریدان وی و پدران او بوده اند و وی وسیله تسخیر خواهد بود منصب صدارت را باوداده و در ضمن منصب شیخ الاسلامی و جملة الملکی را باو واگذار کرده است . پس از چندی از منصب شیخ الاسلامی کناره گرفته و بعبادت پرداخته و مولانا خواجگی کاشانی و میرزا شاه نقشبندی از مریدان وی بوده اند و میرزا شاه که در سفر و حضر مصاحب وی بوده گفته است که شبی در بیماری بیش از چهل بار وضو گرفته و پس از هر وضویی دو رکعت

نماز شکر گزارده است. وی در بیشتر از علوم مخصوصاً در فن شعر و انشاد است داشته و نامهایی که بخواند کار روم (سلاطین عثمانی) می نوشتند از انشای او بود و آن نامها را پادشاهان عثمانی در خزانه خود نگاه می داشتند و قصاید مصنوع را خوب می سروده و در مدح عادلشاه قصیده مصنوعی سروده است که بیشتر صنایع مشکل را مانند اظهار مضمر و مقلوب مستوی و معما در آن آورده و بفارسی و ترکی انواع مختلف شعر و مخصوصاً غزل می سرود و دیوان فارسی و ترکی از او مانده و اشعار ترکی خود را برای ظهیرالدین بابر می فرستاده و در غزل خواجه تخلص می کرد و مثنوی مقصد اطوارا در برابر مخزن الاسرار نظامی سروده است. در ۶۷ سالگی در گذشت و در جوار خواجه بهاءالدین نقشبندی را بخاک سپردند.

۱۰۸۴ - باباجان خواجه، پسر شیخ علی خواجه شوقی سابق الذکر و نسوه خواجه عبدالله عارف بود. مرد دانشمند و ارسته و مهدبی بود و وی نیز در میان مریدان خاندان خود در اولوس صابین خان می زیست و تا فتح هرات بدست پادشاهان از بک زنده بود و در پیری در گذشت و در جوار پدرش او را بخاک سپردند و بترکی و فارسی شعر می گفته است.

۱۰۸۴ - میرم خواجه، پسر دیکر شیخ علی خواجه شوقی سابق الذکر بود و وی نیز مردی صالح بشمار می رفت و بیشتر در مصاحبت پدر می زیست و پادشاهان زمانه وی را بزرگ می داشتند. مادرش از بازماندگان سید عثمان خواجه سید اتایی از مشایخ بزرگ آن سرزمین بوده که فرزندان خود را بفجدوان فرستاده بود و وی در جوار خال خود سید ولایت خواجه مدفون شده و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۰۸۴ - عبدالسلام خواجه، پسر پادشاه خواجه سابق الذکر و مردی دانشمند و ملازم پادشاهان بوده و منصب شیخ الاسلامی داشته و بیشتر در دستگاه رستم خان بوده و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۰۸۵ - ولی الله خواجه، پسر میرم خواجه سابق الذکر و مردی سپاهی و در شجاعت و جلالت معروف بوده است. هنگامی که بایکی از امیرزادگان بازی می کرد

کاری بخطا باور سیده و از آن کشته شده و خورشید و اندیش آن امیرزاده را با انتقام کشته اند. وی غزل را خوب می گفته است.

۱۰۸۶ - شاه محمد خواجه، پسر پادشاه خواجه سابق الذکر بوده و از کودکی بکسب دانش پرداخته و دانشمندی کامل و مردی مهذب شده و تا سال ۹۷۴ زنده بوده و غزل را نیکو می سروده است.

۱۰۸۷ - انیسی قندهاری، واقعه نویس دربار ظهیرالدین بابر بوده و در ۹۷۳ در گذشته و غزل را استادانه می گفته است.

۱۰۸۸ - میر سید جابر بردی، از نقاشان معروف دربار همایون بود و نادرالملک لقب داشت و در زمان جلال الدین محمد اکبر به حج رفت و غزل را خوب می گفت.

۱۰۸۹ - میرزا قوام الدین محمد جعفر بیگ مروستی آصف خان، از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در زمان جهانگیر مامور دکن شد و در زمان جلال الدین محمد اکبر برتبه وزارت رسید و در ۹۹۶ که ملا احمد بن نصر الله دیبلی تموی که مأمور تألیف تاریخ الفی بود کشته شد اکبر وی را مأمور کرد که دنباله کار را بگیرد. وی از نویسندگان و شاعران زبردست زمان خود بوده و آصف خان لقب داشته و غزل را خوب می سروده است.

۱۰۹۰ - آتون هروی، همسر ملا بقایی و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده در موسیقی دست داشته و بهند رفته و در دربار همایون بوده است. بیشتر با شوهر خود مشاعره داشته و رباعیانی در جواب یک دیگر سروده اند.

۱۰۹۱ - عزیزالدین سامی قزوینی، از خانواده جلیه قزوین و از غزل سرایان خوب این دوره بوده و در ۹۵۶ در گذشته است.

۱۰۹۲ - میر سید علاء الدین علاء اودی، از مردم خراسان بود و بهند رفت و در سرزمین اوده ساکن شد و بهمین جهت بعلاء الدین اودی معروف شد. از مشایخ معروف زمان خود بود و در موسیقی دست داشت و بیشتر مناجات می کرد و همیشه گرز آهنین با خود می داشت و خوارق عادات بار نسبت داده اند. در نود سالگی شبی دزدان بخانه اش تاختند و وی با همان گرز آهنین دفاع می کرد و تکبیر می گفت تا آنکه بتیرگی از

دزدان در ۹۹۸ کشته شد. وی غزل را نیکو می سروده و ترجیع بند معروفی گفته و علاوه  
تخلص می کرده است.

۱۰۹۳ - قاسم خان غباری اردستانی، ظاهراً وی بجز قاسم علی خان غباری  
اگر می بوده و چنان می نماید که از ایران بهند رفته و از شاعران دربار جلال الدین  
محمد اکبر بوده و غزل می سروده است.

۱۰۹۴ - قاسم قاسمی اردستانی، از سادات اردستان بوده و در اصفهان می زیسته  
و صوفی مشرب و گوشه نشین و دانشمند بوده و در ۹۸۶ یا ۹۸۹ در گذشته است. وی از شاعران  
زبردست زمان خور بوده و غزل و مثنوی را نیکو می سروده و دیوان غزلیات و مثنوی ایس  
العارفین از او باقی مانده و گاهی قاسم و گاهی قاسمی تخلص می کرده است.

۱۰۹۵ - ملا مراد قزوینی، اقسام مختلف شعر و بیشتر هجا سروده و در ۹۴۳  
در گذشته است.

۱۰۹۶ - خواجه هدایت الله رازی ظهرائی، مشرف اصطبل شاه عباس بوده  
است. نوشته اند روزی شاه باو دستور می دهد که قطعه ای بی معنی بر وزن اسکندرنامه  
نظامی بسراید، وی می گوید يك قطعه چه معنی دارد و می تواند خمسه ای بی معنی بسازد  
که در برابر هر بیت آن که بی معنی باشد يك سکه عباسی باو بدهند و در برابر هریتی  
که معنی داشته باشد يك دندان وی را بکنند و در سرش بکوبند. وی در اندك مدتی  
آن خمسه بی معنی را سروده و چون آنرا خوانده اندسه بیت آن معنی داشته و سه  
دندانش را کنده و در سرش فرو برده اند و در برابر هر شعر بی معنی يك عباسی باو جایزه  
داده اند.

۱۰۹۷ - آقامی یزدی، اقسام مختلف شعر و بیشتر غزل و قصیده و هزل می سروده  
و مداح میر میران یزدی بوده و دیوانش نزدیک چهار هزار بیت می شده است.

۱۰۹۸ - مولانا آهی جغتایی هروی، از امرای اولوس جغتای در پایان قرن  
نهم و آغاز قرن دهم و صاحب شاه غریب میرزا پسر سلطان حسین بایقرا بوده و در ۹۲۷  
یا ۹۳۸ در گذشته و از غزل سرایان معروف زمان خود بشمار می رفته است.

۱۰۹۹- حرفی اصفهانی ، خواهر زاده نیکی شاعر - مدنی در مشهد زیسته و سفری بقزوین رفته و هفت بند معروف ملاحسن کاشانی را در آنجا جواب گفته و شاه طهماسب صله گرانی بوی داده و سفری نیز بگیلان کرده و در آنجا درباره مذهب زیدیه بدگویی کرده و زبانش را بریده اند و سرانجام در مشهد در ۹۷۱ در گذشته است . وی مردی دانشمند و هنرمند و در عروض و قافیه استاد بوده و نیز منشی زبردست و خوشنویس بوده و غزل را خوب می سروده است .

۱۱۰۰- ملا تقی الدین محمد حزنی اصفهانی ، مردی دانشمند بسوده و در هرات می زیسته و از آنجا بدربار جلال الدین محمد اکبر رفته و در راه در لاهور در ۹۷۷ در گذشته و غزل را نیکو می گفته است .

۱۱۰۱- خلاصی کاشانی ، از معاصران و صاحبان محتشم و غزل سرا بسوده و دیوانی نزدیک هزار بیت داشته است .

۱۱۰۲- زلالی خوارزمی ، ظاهراً وی بجز زلالی هروی بوده و تا ۹۲۸ در هرات می زیسته و مرد دانشمند و غزل سرا بوده است .

۱۱۰۳- نصیر الدین ساقی قزوینی ، نوشته اند از غزل سرا یان خوب این دوره بشمار می رفته و در ۹۵۰ در گذشته است ولی اشتباه کرده اند و همان عزیز الدین سامی مذکور در شماره ۱۹۰۱ است .

۱۱۰۴- سنجر میرزا بن نعمة الله ، پسر شاه نعمت الله یزدی نواده شاه نعمت الله ولی و مادرش خاتون بیگم دختر شاه طهماسب بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست و غزل را خوب می گفته است .

۱۱۰۵- سمرقندی ، نام وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و نوشته اند زنی بوده است از سمرقند و چنان می نماید که در قرن دهم می زیسته و غزل را نیکو می سروده است .

۱۱۰۶- فاضل بیک سپاهی ، از شاعران هندوستان بوده و با سفیر هند بایران آمده و با صائب تبریزی معاشر بوده و در ۹۷۷ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۱۰۷- میر عبد الواحد حسینی واسطی شاهی بلگرامی ، ظاهراً وی بجز شیخ عبد الواحد بلگرامی سابق الذکر است . از مشایخ تصوف زمان خود بوده و در

۱۰۱۲ در گذشته و غزل را بسیار خوب می گفته است .

۱۱۰۸- شاهی کالپی، از سادات کالپی در هند و از متصوفه مریدان شیخ سلیم چشتی بوده و چندی در دربار جلال الدین محمد اکبر بوده است و پس از آن بدستگاه قلیچ خان ناظم کابل رفته و غزل می سروده است .

۱۱۰۹- شریف خواجگی شیرازی، از شاعران زبر دست دربار جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل می سروده است .

۱۱۱۰- امیر محمد صالح جغتایی کابلی، از شاعران پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم و از احفاد شاه ملک از امرای دربار تیمور بوده و در جوانی معاصر با جامی بوده است و در بخارا در ۹۴۱ در گذشته و غزل را نیکو می گفته است .

۱۱۱۱- صابر اصفهانی، از خویشاوندان میرزا سلیمان جابری وزیر شاه محمد خدا بنده بوده و غزل می سروده است .

۱۱۱۲- شیخ نظام ضمیری بلگرامی، در کودکی پدرش در گذشته و عمش شیخ سلیمان وی را تربیت کرده و از بلگرام بدربار جلال الدین محمد اکبر رفته و امرای دربار وی را گرامی می داشته اند و سرانجام منزوی شد و در روستای سفیدون از توابع دهلی در ۱۰۰۳ در گذشت . وی مرد دانشمندی بوده و غزل را خوب می گفته و دیوان خود را تربیت داده است .

۱۱۱۳، طوسی خراسانی، از غزل سرایان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و تا زمان ظهیر الدین بابر می زیسته و غزل را خوب می گفته و دیوان غزلیات او دو بار بخط بنام خواجه نصیر الدین طوسی چاپ شده است .

۱۱۱۴- شمس الدین محمد علمی لاری، برادر صدر الدین محمد کلامی و ملقب با فضل خان بوده است . نخست قاضی طرشت ری بوده و سپس بزیارت حرمین رفته و از آنجا رهسپار هندوستان شده و بسرزمین بهکر رفته و چندی در دکن زیسته و در ۹۷۵ در گذشته و غزل می سروده است . ظاهراً چون قاضی طرشت بوده می بایست از مردم لار حوالی طهران بوده باشد .

۱۱۱۵ - صدرالدین محمد کلامی لاری دکنی ، برادر شمس الدین محمد علمی سابق الذکر بوده و وی نیز افضل خان لقب داشته و چون وی نیز درد کن می زیسته بد کنی معروف شده است و چنان می نماید که دو برادر یا هم بد کن رفته و در آنجا ساکن شده اند . نامش را برخی بخطا کالائی ضبط کرده اند و نیز کالاهی نوشته اند و متأسفانه در صحیفه ۵۵۱ این اشتباه منعکس شده است . وی در تفسیر و کلام دست داشته و در دهلی نزد جلال الدین محمد اکبر رفته و او بوی افضل خان لقب داده و با مخدوم الملك ملا عبدالله سلطان پوری مناظره کرده و باز بد کن برگشته و در آنجا در ۹۷۷ در گذشته است و این تاریخ را اشتباهاً برخی تاریخ مرگ برادرش دانسته اند . وی نیز غزل سرا بوده است .

۱۱۱۶ - عبدالغنی همدانی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به تجارت بهند رفته و چندی از ملازمان او بوده و غزل می سروده است .

۱۱۱۷ - خواجه محمد رحیم عسکری بدایونی ، از معاصران عبدالقادر بدایونی بوده و در دهلی در ملازمت حکیم عین الملك روزگاری گذرانده و در سهرند منصب فوجداری یافته و بکابل نیز رفته و غزل را خوب می سروده است .

۱۱۱۸ - فطرتی کشمیری ، از شاعران قصیده سرای در بار جلال الدین محمد اکبر بوده و یک بار اکبر برای دوبیت از قصیده ای که در ستایش وی سروده بود دوازده هزار روپیه باوصله داد .

۱۱۱۹ - ملک سعید کامل خلخالی ، از متصوفه زمان خود و مردی وارسته و مذهب بوده و صالیان دراز در شیراز می زیسته و در ۱۰۱۶ در آنجا در گذشته و غزل و رباعی عارفانه را خوب می سروده است .

۱۱۲۰ - گلشنی کاشانی ، از سادات کاشان بوده و در جوانی بهند رفته و در آنجا تروتمند شده و در ۹۷۲ در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۱۲۱ - سلطان محمود شاه بهمنی ، پسر ابوالنصر سلطان محمد دوم و وی پسر سلطان نظام شاه چهاردهمین پادشاه سلسله بهمنی کلبر که در دکن بود . در ماه صفر

۸۸۷ بجای پدر درس ۱۲ سالگی بتخت نشست و در نتیجه کاردانی نظام الملك بحری و قوام الملك و ملک قاسم که از ارکان دربار پدرش بودند پادشاهی اوقوام گرفت. غلامان هندو و ترك را بر کارها مسلط کرد و فتنه‌هایی در کشورش روی داد و امرای دربارش بایک دیگر در افتادند و سرانجام پس از ۳۷ سال پادشاهی در ۴ ذیحجه ۹۲۳ در گذشت. وی پادشاه دانشمندی بود و در طریقه شیعیه تعصب داشت و شعر فارسی می گفت و قرآن را خوب خواند و خط را خوب می نوشت .

۱۱۲۲- عبدالؤمن مؤمن هروی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هرات و بر سر مزار جامی مجاور بوده و غزل می سروده است .

۱۱۲۳- نوعی اصفهانی ، اتو کش بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته و غزل را خوب می سروده و دیوان خود را ترتیب داده است .

۱۱۲۴- بابانصیبی گیلانی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده ، در جوانی بتبریز رفته و فغانی شیرازی اشعار وی را پسندیده و او را بدبار سلطان یعقوب برده و در ۹۴۴ در گذشته و در اقسام مختلف شعر دست داشته است .

۱۱۲۵- ملا کلوج وحید ، نام وی را بهمین شکل ضبط کرده اند و گفته اند از شاعران زمان شاه اسمعیل بوده و غزل می سروده و دیوانش شامل هفت هزار بیت بوده است .

۱۱۲۶- سلطان اسمعیل عادل شاه وفایی ، دومین پادشاه از سلسله عادلشاهی بجا پور ، پسر سلطان یوسف عادل شاه دکنی ، در ۹۱۶ پس از پدر بسلطنت نشست و پادشاهی شجاع و کریم و عادل و دانش دوست بود و با دانشمندان و هنرمندان نیکی بسیار می کرد . در کودکی بیادشاهی رسید و پادشاه کاردان توانایی بود و در بیشتر هنرها مانند نیزگری و نقاشی و خاتم بندی استاد بود و در موسیقی و شاعری نیز دست داشت و در ۱۶ صفر ۹۴۱ در گذشت و غزل را خوب می گفت و وفایی تلخیص می کرد .

۱۱۲۷- امیر شمس الدین محمد هاشمی اصفهانی ، از سادات بود و نخست حرفه کوفتگری داشت ، از ایران بدکن رفته و دربار عادل شاه ترقی کرد و لقب صدر جهان باو دادند و غزل را خوب می سروده است .



۱۱۳۸- امیر نظام الدین هاشمی کاشانی؛ از شاعران معروف دوره شاه طهماسب بوده و چندی در اصفهان زیسته و با کلامی و سلامی مشاعره و مناظره داشته و در ۹۹۱ بدربار شاه محمد خدا بنده رفته و ملک الشغرای دربار او شده و سرانجام در نواحی سمنان در گذشته و غزل را خوب می گفته است.

۱۱۳۹- آیتی اصفهانی؛ مکتب دار بوده و غزل می سروده است.

۱۱۴۰- غضنفر کابلی، ظاهر از شاعران قرن دهم بوده و رباعیات از او مانده است.

۱۱۴۱- میرغیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحی بکری؛ پدر

کمال الدین اسمعیل وجد میر ابوالمفاخر شاه محمد حسبی بکری سابق الذکر بوده و نسبت او را بخطا فکری ضبط کرده اند. وی پس از مرگ پدر که از مکه بعراق عجم و زنجان رفته بود از زنجان به هند رفت و در آنجا ساکن شد. نسبش از یک سوبابوبکر و از سوی دیگر با امام جعفر صادق می رسیده و بهمین جهت نسبت او بکری بوده است و از دانشمندان زمان خود بشمار می رفته و غزل را نیکو می سروده است.

۱۱۴۲- ماهری کشمیری؛ تخلص وی را ماهر هم نوشته اند و از شاعران دوره

جلال الدین محمد اکبر و غزل سرا بوده است.

۱۱۴۳- ملا مذاقی اصفهانی؛ از شاعران معاصر شاه عباس بوده و کرباس

فروشی می کرده و در موسیقی دست داشته و رندانه زندگانی می کرده و از پهلوانان بشمار می رفته و در ۹۸۷ در گذشته و غزل را خوب می گفته است.

۱۱۴۴- ابن علی مروی؛ نام وی را چنین ضبط کرده اند و از ملا زمان جلال

الدین محمد اکبر و غزل سرا بوده است.

۱۱۴۵- ملا محمد امین مستغنی کشمیری؛ پسر ملا علی صیرفی کشمیری؛ در

لاهور ولادت یافت و بیشتر در دکن می زیست و غزل را خوب می گفت.

۱۱۴۶- موالی لاری؛ از دانشمندان فارس و از شاگردان علامه جلال الدین

دوانی بود. نسبتش را برخی بخطا لاهوری نوشته اند. از خوشنویسان زمان خود بود و سفری به هندوستان رفت و در شعر استاد بود و همه دیوان حافظ را از بر داشت و مورد

سرودن هر غزلی را می دانست و خود نیز غزل نیکومی سرود .

۱۱۳۷- خواجه شاه سیدناصرالدین ترمذی ، معروف بن ناصر ترمذی پسر خواجه قطب الدین سرخسی واصل وی از سادات ترمذ بوده و در جوانی در زمان جلال الدین محمداکبر بهند رفته و در دستگاه خان زمان سیستانی صاحب طبیل و علم شده و هنگام طغیان وی با او کشته شده و پیرو طریقه شیعه بوده و به فارسی شعر می گفته است .

۱۱۳۸- مولانا احمد کمانچه ، معروف بامیر قاضی برادر قاضی بیک والی دکن بوده و هر دو برادر از ایران بهند رفته اند . وی در موسیقی استاد بوده و کمانچه را بسیار خوب می زده و به همین جهت با احمد کمانچه معروف شده بود . نخست درد کن می زیست و از آنجا بدربار جلال الدین محمداکبر رفت و پس از چندی بدکن باز گشت . چون برادرش با او ناسازگار بود بایران برگشت و ملازم شاه عباس شد و در ۹۷۲ در گذشت . ازو رباعیات خوب مانده است .

۱۱۳۹- ادایی سمرقندی ، از شاعران ماوراءالنهر بوده که بهند رفته و در آنجا در ۱۰۰۴ در گذشته و در غزل سرایی استاد بوده است .

۱۱۴۰- حاجی اسمعیل قزوینی ، از شاعران معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .

۱۱۴۱- محمد قاسم اسیری ، از درباریان جلال الدین محمداکبر و مورد توجه عبدالرحیم خان خان خانان بوده و در ۱۰۱۰ در گذشته و او نیز غزل سرای بوده است .

۱۱۴۲- اعظم علی خان اعظم ، پسر حسن خان شاملو که از امرای بزرگ دربار شاه طهماسب و وی نیز از بزرگان آن دربار بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۱۴۳- بیغمی نطنزی ، از سادات و از ملازمان حمزه میرزا صفوی بوده و نسبت او را بخطا نظیری ضبط کرده اند . در ۹۹۴ در جنگ با ترکان عثمانی کشته شده و غزل می سروده است .

۱۱۴۴- آدینه قلی بیک تابعی ، از شاعران معاصر و مردی امی بوده اما غزل را خوب می گفته و در ۱۰۱۸ در گذشته است .

۱۱۴۵- جلالی ، ظاهراً از شاعران مقیم هندوستان و معاصر با همایون پادشاه بوده و غزل می سروده است .

۱۱۴۶- محمدشریف جیم مشهدی، در هندوستان در دستگاه میرزا جعفر آصف خان اکبری ترقی بسیار کرده و در زمان شاه جهان رتبه امارت یافته و در جنگ جلم در رکاب وی کشته شده و غزل سرا بوده است .

۱۱۴۷- حامدی قمی ، از شاعران غزل سرای زمان شاه طهماسب بوده است .

۱۱۴۸- حسرتی کاشانی ، از شاگردان محتشم بوده و قصیده و غزل می سروده

۱۱۴۹- قاضی حسن قزوینی ، از شاعران مقیم هند و در زمان جلال الدین محمد اکبر صوبه دار کجرات بوده و غزل می گفته است .

۱۱۵۰- حسینی کاشانی ، از سادات کاشان و خواهرزاده میرحیدر معمای بوده و غزل و رباعی می سروده است .

۱۱۵۱- مولوی حمیدالله حمید اردبیلی ، تا سال ۱۰۰۰ چندی در شیراز زیسته و غزل را خوب می گفته است .

۱۱۵۲- قاسم بیك حیاتی قزلباش ، نوشته اند در عصر شاه طهماسب می زیسته و غزل می سروده و احتمال می رود که مراد قاسم بیك حالتی تر که مان سابق الذکر باشد که نام وی را بدین گونه تحریف کرده باشند .

۱۱۵۳- حیدر تونیایی ، از شاعران و موسیقی دانان هند بوده و در سیوی در سرزمین سند در دامن کوهی در محرم ۹۶۶ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۱۱۵۴- میرزا خاکی شیرازی ، از شاعران زمان شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .

۱۱۵۵- خصالی کاشانی ، از شاگردان محتشم و غزل سرا بوده است .

۱۱۵۶- خواجوزاده کابلی ، نام وی را برخی بهمین شکل نوشته و گفته اند

که از شعرای زمان همایون و جلال‌الدین محمد اکبر بوده و غزل می‌سروده و احتمال می‌رود همان خواجه رحمتی خواجه زاده کابلی سابق الذکر بوده باشد.

۱۱۵۷- داعی سرخسی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم خراسان بوده که تا زمان شاه اسمعیل نیز زیسته و غزل می‌سروده است .

۱۱۵۸- شیخ ذوالنون خیارجی ، از مردم خیارج از توابع قزوین و برادرزاده مولانا ادهم منشی و در طب از شاگردان مولانا علاء الدین احمد بوده و پزشک حاذقی بشمار می‌رفته و در سال از ملازمان سام میرزا بوده و سه رساله یکی در حفظ صحت و دیگری در بحران و سومی در معما بنام وی نوشته و در فتنه طوایف تکلو ناپیدا شده و کسی خبر از وی نیافته و در اقسام شعر استاد بوده است .

۱۱۵۹- رازی اصفهانی ، برادر کبوتر محمد شریف هجری بوده و در زمان شاه طهماسب وزیر اصفهان شده و غزل می‌سروده است .

۱۱۶۰- ثانی خان ، از امرای دربار همایون و اکبر در هند بوده و غزل را خوب می‌گفته است .

۱۱۶۱- میر محمد خان غزنوی ، از امرای دربار اکبر بوده و غزل می‌سروده و شعر خود بسیار معتقد بوده و دیوان بزرگی ترتیب داده و ظاهراً غزنوی تخلص می‌کرده است .

۱۱۶۲- رشیدی ، از شاعران زمان شاه طهماسب بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست و غزل می‌سروده است .

۱۱۶۳- رفیقی آملی ، مردی دانشمند و در معما و تاریخ استاد بوده و غزل نیز می‌سروده است. زیارت حرمین و از آنجا بر زمین دکن رفته و پس از چندی در اکبر آباد ملازم جلال‌الدین محمد اکبر شده است .

۱۱۶۴- رکن‌الدین رازی ، ظاهراً از غزل‌سرایان قرن دهم بوده و از احوالش اطلاعی نیست

۱۱۶۵- محمد قاسم زاری مشهدی ، از دانشمندان زمان به شمار می‌رفته و در سیر

و تاریخ دست داشته و غزل را خوب می سروده و در ۹۷۹ در میدان اصفهان بدست دزدان کشته شده است .

۱۱۶۶- زجری ، از احوالش اطلاعی نیست ، همین قدر نوشته اند معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .

۱۱۶۷- سلطان علی بن محمد مشهدی ، یکی از معروفترین خوشنویسان پایان و شاگرد حافظ حاجی محمد قرن نهم و آغاز قرن دهم کاتب بوده و در هرات می زیسته و بسیاری از خوشنویسان معروف از آن جمله میر علی حسینی هروی شاگرد وی بوده اند و سرانجام در مشهد در دهم ربیع الاول ۹۲۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و در غزل سرائی نیز دست داشته و منظومه ای در خط سروده است .

۱۱۶۸- سمایی کمال ، از احوالش جزین اطلاعی نیست که در ۱۰۰۹ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۱۶۹- سیرایی اکبر آبادی ، از غزل سرائان هند در زمان جلال الدین محمد اکبر بوده است .

۱۱۷۰- سیری ظهرانی ، از احوالش اطلاعی نیست ، همین قدر نوشته اند از خویشان ملا محمد قمی و معاصر با شاه طهماسب بوده و غزل می گفته است .

۱۱۷۱- قاضی محمد شریف شریف ، پسر عبدالصمد خان مصور از نقاشان معروف هند و خود نیز خوشنویس و نقاش زبردست بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر می زیسته و نوشته اند که در هر طرف يك دانه خشخاش يك صورت می ساخته و يك دانه خشخاش را هفت سوراخ می کرده و از هر سوراخ هفت رشته باریك می گذرانیده و بربك دانه بربك سوار مسلح را با سلاح و جلودارش چنان می ساخته که همه بخوبی محسوس بوده و شاعر زبردستی نیز بوده و از وی رباعیات مانده و ظاهراً شریف تخلص می کرده است .

۱۱۷۲- شعوری کاشانی ، از شاگردان محتشم و در تاریخ و غزل استاد بوده و نزدیک شش هزار شعر داشته است .

۱۱۷۳- شوقی یزدی ، ظاهراً وی بجز شوقی یزدی سابق الذکر و از بازماندگان

خواجہ رشید وزیر بوده و بیشتر درہرات می‌زیسته و در ۹۶۳ در آن شهر در گذشتہ و در مزار عبداللہ انصاری مدفون شدہ و ازو رباعیات مانده است .

۱۱۷۴- شوقی تہریزی ، از شاعران دستگاہ سام میرزا صفوی بـودہ و پس از گرفتاری آن شاہزادہ از بیم شاہ طہماسب بہ ہندوستان گریختہ و در دربار ہمایون راہ یافتہ و از آنجا بکابل رفتہ و در اوایل قرن دہم در آنجا در گذشتہ و رباعی ازو مانده است .

۱۱۷۵- شوقی دارابجردی ، وی نیز از شاعران قرن دہم بودہ و غزل می‌سرودہ است .

۱۱۷۶- محمد صادق خان صادق ، از امیران دربار جلال الدین محمد اکبر و غزل سرا بودہ و صادق تخلص می‌کردہ است .

۱۱۷۷- مولانا محمد صادق صادق سمرقندی ، چنان می‌نماید کہ وی بجز مولانا صادق سمرقندی سابق الذکر و از بازماندگان شمس‌الائمہ حلوائی و از شاگردان مولاند احمد جندی و دانشمند بودہ و مرد مہذب بشمار می‌رفته است و سفری بحج رفت و در بازگشت در ہندوستان ماند و مورد توجہ بیرام خان خان خانان شد و در لاہور بتدریس پرہاخٹ و بار دیگر بحج رفت و در بازگشت مأمور تعلیم خان اعظم میرزا عزیز کو کہ شد و سپس از ہند بکابل رفت و تعلیم میرزا محمد حکیم را بعمدہ گرفت و در آنجا کارش بالا گرفت و در پایان زندگی بسمرقند بازگشت و غزل را خوب می‌گفت و صادق تخلص می‌کرد .

۱۱۷۸- صانعی ، از احوالش جزین اطلاعی نیست کہ در صنایع شعری دست داشتہ و معاصر شاہ طہماسب بودہ و غزل می‌سرودہ است .

۱۱۷۹- صبوحی جغتایی ، از شاعران مقیم ہندوستان بودہ و سفری بحج کردہ و می‌خواہدہ نیز بودہ و در ۹۷۳ در گذشتہ و غزل را خوب می‌سرودہ است .

۱۱۸۰- مولانا سلطان محمد صدقی استرآبادی ، ساکن کاشان و در شعر استاد محشم بودہ و از دانشمندان بشمار می‌رفته و در ۹۵۲ در گذشتہ و در اقسام مختلف شعر استاد بودہ است ، نام وی را بخطا صندوی ہم ضبط کردہ اند کہ پیدا است درست نیست .

- ۱۱۸۱- شیخ محمد مصطفی شیرازی ، مردی دانشمند بوده و در علم حساب و سیاق دست داشته و بد کن رفته و در آنجا در ۹۷۴ در گذشته و رباعی از او مانده است .
- ۱۱۸۲- تقی ضمه میر حلوائی ، از شاعران ایران بوده و میر صیدی با او مطایبه داشته و سقری بهند رفته و با نروت بسیار باز گشته و غزل می سروده است .
- ۱۱۸۳- محمد بیك ظریفی فارسی ، از شاعران فارس و معاصر با شاه طهماسب بوده و در زمان جلال الدین اکبر بهند رفته و غزل می ساخته است .
- ۱۱۸۴- عابد اصفهانی ، از احوالش جزین چیزی معلوم نیست که معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .
- ۱۱۸۵- عارف اصفهانی ، وی نیز از غزل سرایان قرن دهم بوده و در اصفهان بیماری فلج در گذشته است .
- ۱۱۸۶- عارف شیرازی ، پسر دایی عرفی شیرازی بوده و جامه درویشان می پوشیده و در اصفهان بقناعت زندگی می کرده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۸۷- ابوالخیر عاشق سمرقندی ، مردی دانشمند و در نزد پادشاهان محترم بوده و در ۹۵۷ در گذشته و رباعی از او مانده است .
- ۱۱۸۸- عرفی که مانگر تبریزی ، در کهانگری و شاعری استاد بوده و ۱۳۰ قصیده در مدح شاه طهماسب سروده و مثنوی گوی و چوکان ساخته است .
- ۱۱۸۹- عزیزی مشهدی کاشانی ، از سادات مشهد بوده و ظاهراً در کاشان می زیسته و رباعی از او مانده است .
- ۱۱۹۰- میر عزیز عزیزی قزوینی ، از سادات قزوین و از مختصان قاضی شرف جهان بود و در شعر از شاگردان درویش دهکی بوده و در ۹۶۹ در گذشته و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۱۹۱- جعفر علی بابا ، نام وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و نوشته اند آموزگار کودکان بوده و در ۱۰۰۲ یا ۱۰۲۰ در گذشته و رباعیات از او مانده است .
- ۱۱۹۲- علی ، نام وی را نیز بهمین گونه ضبط کرده اند و نوشته اند از مردم ایران

و معاصر شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است .

۱۱۹۳- میرزا علی بدخشی ، از مردم بدخشان بوده و در هند از منشیان دربار جلال

الدین محمد اکبر و بیشتر مداح شاهزاده سلیم بوده و قصیده و رباعی می گفته است .

۱۱۹۴- عهده‌ی تورانی ، نوشته‌اند از مردم توران بوده و در کوب آباد بجهان

آمده و از ملزمان سلطان ابراهیم میرزا جاه‌ی صفوی بوده و در مدح ائمه اثنی عشره قصاید غراسروده و غزل نیز می گفته است .

۱۱۹۵- غریبی خراسانی ، در زمان همایون به هندوستان رفته و از ملازمان او

شده و غزل را خوب می سروده است .

۱۱۹۶- غیاث الدین محمد کججی ، برادر امیر بیک مهر دار و از محاسبان دربار

شاه طهماسب و از غزل سرایان بوده است .

۱۱۹۷- وردی جان بیک غیوری کابلی ، پسر علی قلی بیک ذوالقدر و از اعیان

دربار همایون بود و مردی سخنی و شجاع و با ذوق بود و خط غبار را خوب می نوشت . نخست در کابل در دستگاه محمد حکیم میرزا پسر همایون بود و سپس به هندوستان بدربار جلال الدین محمد اکبر رفت و منصب قورباشی یافت و در یکی از جنگها کشته شد و غزل می سرود .

۱۱۹۸- شیخ ابوالوجد فارغی هروی ، پسر شیخ وجیه الدین از مشایخ هرات

و عم زین الدین خوافی بود و باوی از هرات آنهنگ هندوستان کرد و در کابل بدربار همایون راه یافت و چون همایون از شاه محمدخان خسر خود رنجش داشت و وی اشعاری در هجو او سروده بود همایون را خوش آمد و صله و آفری باو داد و بیرام خان خانان نیز وی را گرامی می داشت و در ۹۴۰ هجری در کمره گذشت و وی اقسام شعر را خوب می گفته است .

۱۱۹۹- خواجه احمد فانی شیرازی دهدار ، مغروف باحمد دهدار از

مشاهیر دانشمندان صوفی مشرب زمان خود بود و در معقول و منقول دست داشت و از شاگردان شاه فتح الله شیرازی بود . به هندوستان رفت و در دربار علی عمادشاه کارش بالا گرفت و آن پادشاه را وادار کرد که شاه فتح الله را بدربار خود بخواند و وی زربسیار



فرستاد و او را دعوت کرد . پس از فوت علی عادلشاه شاه فتح الله بدر بار جلال الدین محمد اکبر رفت و خواجه احمد با حمد نگر رفت و در دربار رهان نظامشاه اعتبار بسیار یافت و نظر سلطنت او شد و از مریدان شیخ حسن نجفی شد که در آنجا بود و در زمره شاگردان وی در تصوف بدرجه کمال رسید و در سلطنت نبیره نظامشاه حکومت صوبه برار را باو دادند و پس از مرگ او مجرد و منزوی شد و بسورت رفت و در ۶۹ سالگی در سال ۱۰۱۰ در گذشت . وی مؤلفات فراوان دارد از آن جمله شرح گلشن راز و حواشی بر نفحات الانس و حواشی بر فصل الخطاب و شرح خطبه البیان و دیوان اشعار و غزل و رباعی را خوب می سروده است . ظاهراً ابوه محمد محمود دهدار که از دانشمندان قرن دهم و یازدهم بشمار می رود از همین خانواده بوده است .

۱۲۰۰- **فرج الله** ، از جزییات احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در قرن دهم می زیسته و غزل می سروده است .

۱۲۰۱- **آقا شاه بیگی فنایی** ، از دبیران دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .

۱۲۰۲- **ملا علی اصغر فنایی مشهدی** ، در زمان جلال الدین اکبر به بند رفته و مدتی در آنجا زیسته و بایران باز گشته و غزل و رباعی می سروده است .

۱۲۰۳- **شاه قاسم فرهی قزوینی** ، پسر عزیز الدین سامی سابق الذکر و از طایفه جبلیه قزوین بوده دور ۹۹۹ در گذشته و اقسام شعر می سروده است .

۱۲۰۴- **فیضی تربتی** ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به بند رفته و در بیشتر از شهرهای آن دیار سفر کرده و قصاید بسیار در مدح اکبر سروده و صالات فراوان گرفته و اقسام مختلف شعر می گفته است .

۱۲۰۵- **میر محمد قاسم قاسم رازی** ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به بند رفته و آصف خان وزیر وی را به ملازمت خود برگزیده و پس از چندی بایران باز گشته و غزل می سروده است .

۱۲۰۶- **قاسمی خوافی** ، از شاعران معاصر ولی دشت بیاضی و معارض او بوده ، نخست در هرات می زیسته و از آنجا به سیستان رفته و در فرام در گذشته و از و رباعی مانده است .

۱۴۰۷- قتیلی بخارایی ، از مشاهیر شاعران بخارا در زمان خود بوده و در دستگاه عبدالعزیزخان تقرب داشته و غزل می سروده است .

۱۴۰۸- میر قوام الدین قوامی اصفهانی ، از سادات اصفهان بود و در دربار شاه طهماسب منصب صدارت داشت و پس از ۹۵۰ در گذشت و غزل را خوب می گفت .

۱۴۰۹- میر قوام الدین قوامی شیرازی ، نیز از غزل سرایان زبردست این دوره بشمار می رفته است .

۱۴۱۰- کاتبی یزدی ، در ۹۳۰ ولادت یافته و پس از چندی به هند رفته و در لاهور در ۷۰ سالگی در سال ۱۰۰۰ در گذشته و غزل می سروده و کاتب و کاتبی تخلص می کرده است .

۱۴۱۱- کافی اردوبادی ، از منشیان دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .

۱۴۱۲- کامل کاشانی ، خواهرزاده تقی الدین اوحدی بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۴۱۳- میر حسین کفری تربتی ، از سادات تربت و در خط شکسته استاد بود ، بهند رفت و خان خانان وی را گرامی داشت و در آنجا در ۱۰۱۷ در گذشت و غزل را خوب می سرود .

۱۴۱۴- گلچهره بیکم ، دختر ظهیر الدین بابر بود . برخی نام وی را گلرخ بیکم و گلچهره بیکم هر دو ضبط کرده اند و حال آنکه گلرخ نام مادرش بوده است . وی در ۱۰۰۶ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۴۱۵- حسن بیک لالی همدانی ، در جوانی در ۱۰۰۲ در گذشته و غزل را خوب می گفته است و چنان می نماید که همان حسین بیک لذتی باشد که ذکرش پس ازین می آید .

۱۴۱۶- حسین بیک لذتی همدانی ، وی نیز غزل سرا بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته است و چنان می نماید که همان حسن بیک لالی سابق الذکر باشد .

۱۴۱۷- ماهی خانم تبریزی ، خواهر ملائذاری تبریزی سابق الذکر و از خاندان جلایر بوده و غزل را خوب می سروده است .

۱۴۱۸- مرتضی قلی بیك مجرم شاملو ، پسر سلطان حسن از موسیقی دانان و خوشنویسان زمان خود بود و به هندوستان رفت و در آنجا در سال ۱۰۲۰ در گذشت. غزل را خوب می گفت و تقی الدین اوحدی بوسیلت وی دیوانش را فراهم کرده است .

۱۴۱۹- مجلسی اصفهانی ، از شاگردان محتشم بوده و دلدادۀ کسی شد و در پی او به هندوستان رفت و با او بر زمین دکن رسید و در آغاز قرن یازدهم با معشوق خود بريك روز در گذشت و غزل می سرود .

۱۴۳۰- مجیبی بهبهانی ، از سادات بهبهان و از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

۱۴۳۱- محبعلی ، از دانشمندان هند در زمان جلال الدین محمد اکبر و غزل سرا بوده است .

۱۴۳۲- محمد هاشم محترم سمرقندی ، از شاعران مقیم هندوستان و از ستایشگران جلال الدین محمد اکبر بود و حافظه ای چنان سرشار داشت که کتاب بهابهارت را در اندك مدتی از بر کرد و در اقسام شعر دست داشت .

۱۴۳۳- محسن فانی رازی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هند رفته و در آغاز قرن یازدهم در بنارس در گذشته و مثنوی شیرین و خسرو سروده و رباعیات نیز از او مانده است .

۱۴۳۴- محسن همدانی ، وی نیز در زمان اکبر به هند رفته و در احمد آباد کجرات در گذشته و غزل می سروده است .

۱۴۳۵- محمد حاجی کابلی ، از شاعران مقیم هندوستان و ملازم دربار هما یون وده و غزل می گفته است .

۱۴۳۶- خواجه محمد ، از شاعران زمان شاه طهماسب بوده و همیشه مدایح ائمه نبی عشر را می سروده و در ضمن غزل هم می ساخته است .

۱۴۳۷- ملا محمد رستم داری ، از دانشمندان رستم دارم از ندران و ساکن مشهد در حکمت ریاضی و طبیعی استاد بود و در زمان شاه طهماسب می زیست و رباعی از او مانده است .

- ۱۲۲۸- میرزا محمد شیرازی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .
- ۱۲۲۹- خواجه محمود خطاط ، از خوشنویسان زمان شاه طهماسب و شاگرد میرعلی بوده و خط خفی و جلی را خوب می نوشت و غزل می سروده است .
- ۱۲۳۰- میر حسن سهوی تبریزی ، مرد پارسا و پرهیزگار بود و به حج رفت و در زمان شاه عباس در استیلائی ترکان عثمانی از آذربایجان بکاشان رفت و در ۱۰۰۳ در گذشت . وی خوشنویس بوده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۲۳۱- محمود مرشدی ، برادر سهوی سابق الذکر بوده و در طریقت و شریعت دست داشته و در ۱۰۰۸ در گذشته و رباعیات از او مانده است .
- ۱۲۳۲- محمود گیلانی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هندوستان برای سیاحت رفته و رباعی می سروده است .
- ۱۲۳۳- محوی اصفهانی ، از شاعران زمان شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .
- ۱۲۳۴- شاه محمود مخلص نیشابوری ، از شاعران همان دوره و او هم غزل سرایی می کرده است .
- ۱۲۳۵- مرادی بافقی ، برادر مهتر وحشی بافقی وری و برادرش شاگردان شرف الدین علی بافقی بوده اند و مرادی غزل را خوب می گفته است .
- ۱۲۳۶- مرتضی سمنانی ، از سادات سمنان بوده و در زمان اکبر به هندوستان رفته و غزل می سروده است .
- ۱۲۳۷- مسعود اصفهانی ، نوشته اند که از خویشاوندان ملا نیکی اصفهانی و او هم بنیکی معروف بوده اما پیداست که درست نیست زیرا که نیکی زین الدین مسعود نام داشته و مقصود ازین مسعود اصفهانی هم اوست .
- ۱۲۳۸- ملا نجم الدین مسعود هروی ، از دانشمندان زمان نصیر الدین همایون و ساکن هندوستان بوده و رباعی از او مانده است .
- ۱۲۳۹- شیخ مکرم سنبله ای ، از مردم سنبله نزدیک مراد آباد بود و در زمان جلال الدین محمد اکبر در دهلی می زیست و غزل و رباعی می سرود .

۱۲۴۰- مظفر گونا بادی ، از غزل سرایان زبردست قرن دهم بوده است .

۱۲۴۱- معین الدین دقاقی حسینی بلیانی ، پدر نقی الدین اوحدی مؤلف

عرفات العاشقین و مردی دانشمند و پارسا بود . شاه طهماسب بوی معتقد بود و در مجالس وعظ او حاضر می شد . پس از چندی از قزوین بشیراز و از آنجا به هندوستان رفت و در دکن ساکن شد و در ۹۷۹ در آنجا در گذشت و غزل را خوب می گفت .

۱۲۴۲- ملکی نویسرکانی ، مردی دانشمند بود و از کشاورزی گذران می کرد .

در زمان اکبر به هندوستان رفت و بوسیله فیضی بدر بار راه یافت و منصب بخشی گری بنگاله را باو دادند و پس از چندی دیوان کشمیر شد . در تاریخ در گذشت وی اختلاف است : برخی ۱۰۴۰ و برخی ۱۰۴۱ و برخی ۱۰۰۲ در کربلا نوشته اند و چون وی معاصر با اکبر بوده چنان می نماید که ۱۰۴۰ درست نباشد . نام وی را بخطا برخی ملکی بیک سرکانی ضبط کرده اند و همین اشتباه در صحیفه ۵۱۰ منعکس شده و وی در غزل استیاد بوده است .

۱۲۴۳- ملیحی بافقی ، از غزل سرایان این دوره بشمار می رفته است .

۱۲۴۴- منصور ، از شاعران هند و معاصر با جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل

می سروده و جزین دیگر از احوالش اطلاعی نیست .

۱۲۴۵- رای منوهر ، ظاهراً وی بجز محمد منوهر توسنی سابق الذکر و از

مخصوصان جلال الدین محمد اکبر بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۴۶- حاجی محمد مولوی سیستانی ، از شاعران معاصر ولی دشت بیاضی

بوده و با او مشاعره و مهاجرات داشته و اقسام مختلف شعر می سروده و ظاهراً مولوی تخلص می کرده است .

۱۲۴۷- مؤمن سبزواری ، جزین درباره وی آگاهی نیست که از شاعران قرن

دهم بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۴۸- مونس ، نیز از شاعران این دوره بوده که بسیاحت به هندوستان رفته و

غزل می سروده است .

**۱۳۴۹- میرزا میرك هروی**، پدرش وزیر بدیع الزمان میرزا و خود هروی دانشمند و خوشنویس بوده و در ۹۳۲ کشته شده و در هرات وی را بخاک سپرده‌اند و غزل و رباعی را استادانه می‌سروده است و ظاهراً میرك تخلص می‌کرده و در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم زیسته است.

**۱۳۵۰- آقا میرك نقاش اصفهانی**، از سادات اصفهان و از نقاشان زبردست دربار شاه طهماسب صفوی بوده و بجز امیر روح‌الله هروی معروف بمیرك خوشنویس و مذهب معروف شاگرد مولانا ولی‌الله از سادات کمانگر هرات و کتابدار سلطان حسین بایقرا بوده که تا ۹۳۵ در هرات می‌زیسته است. بدین گونه وی تا اواخر قرن دهم زنده بوده و غزل می‌سروده است.

**۱۳۵۱- ناجی گلشانی**، پسر ملا حسن واعظ گلشانی و ظاهراً از سرایندگان قرن دهم و غزل سرا بوده است.

**۱۳۵۲- محمد ناصر میرزا ناصری تیموری**، از بازماندگان بایسنقر در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و در ۹۰۶ در گذشته و ناصری تخلص می‌کرده و غزل می‌سروده است. برخی وی را ناصر میرزا فرزند عمر شیخ دانسته و بایداد کار ناصر میرزا بن عمر شیخ اشتباه کرده‌اند.

**۱۳۵۳- ناطق دهلوی**، از غزل سرایان زمان جلال‌الدین محمد اکبر بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست.

**۱۳۵۴- تقی نزاری اصفهانی**، پیشه‌وی عساری بوده و در زمان اکبر به هندوستان رفته و پس از چندی که مالدار شده بزادگاه خود باز گشته و غزل می‌سروده است.

**۱۳۵۵- نشاطی دهلوی**، وی نیز از غزل سرایان معاصر اکبر بوده است.

**۱۳۵۶- امیر سید حسین نصیبی نوربخشی یزدی**، معروف بسعدالحق از سادات نوربخشی نطنز در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و در یزد می‌زیسته است. در جوانی برای کسب دانش بشیراز رفته و از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی شده و در آنجا دلدادۀ مغنی پسری محمود نام شده و پس از رحلت دوانی در ۹۰۸ یزد باز گشته

و در ۹۱۴ در آنجا در گذشته و در غزل سرایی استاد بوده است.

**۱۲۵۷- حکیم نظام الدین علی کاشانی**، از اعیان کاشان و از پزشکان

خانیق دربار شاه طهماسب بوده و در سال ۱۰۰۰ در گذشته و رباعیات از او مانده و حکیم رکن الدین مسیح یا مسیحی کاشانی شاعر معروف قرن یازدهم پسر وی بوده است.

**۱۲۵۸- نصیب خان قزوینی**، از بازماندگان دولت شاه سمرقندی مؤلف تذکره

الشعراء و از امرای دربار جلال الدین اکبر بوده و در تاریخ دست داشته و از رباعی مانده و گاهی نام وی را بخط نقیب خان نوشته اند.

**۱۲۵۹- تقی نیازی اصفهانی**، نوشته اند که عصار بوده و در زمان اکبر بهند

رفته و ناکام از آنجا بوطن بازگشته است و پیدا است که مراد همان کسیست که فاعش را تقی نزاری ضبط کرده اند و پیش ازین باو اشاره رفت و این دو نام و تخلص تحریف يك دیگرست.

**۱۲۶۰- نورالدین محمد گیلانی**، برادر حکیم ابوالفتح دانشمند معروف این

زمان بوده و باوی در دهلی می زیسته و غزل می سروده است.

**۱۲۶۱- میر نورالله رازی**، از بزرگ زادگان ری در زمان شاه طهماسب

بوده و در مجاورت بقعه شاه عبدالعظیم می زیسته و غزل سرا بوده است.

**۱۲۶۲- قاضی نورالدین نورالله نوری حسینی مرعشی شوشتری**، پسر

شریف الدین بن شمس الدین و از خاندان معروف دانشمندان شیعه بود و در پایان قرن دهم و اوایل قرن یازدهم می زیست. برای تبلیغ طریقه شیعه بهند رفت و جلال الدین اکبر بوی احترام بسیار کرد و قضاوت شهر لاهور را باو داد. پس از مرگ اکبر بدربار جهانگیر رفت و نوشته اند که جهانگیر چون از مذهبش پرسید تقیه کرد و گفت پیرو طریقه نسنتست. جهانگیر پرسید که اگر قاضی دروغگو باشد حکم شرع درباره او چیست؟ گفت باید او را عزل و تعزیر کرد. جهانگیر فرمان داد او را بتازیانه خاردار بزنند و همان فتوی را که داده بود درباره اش مجری کنند. چون سه ضربه باو زدند بی هوش افتاد و از همان آسیب در سال ۱۰۱۹ در گذشت و پیکرش را در کبرآباد اکره در

بجاوردت باغ قندهاری بخاک سپردند که اکنون زیارتگاهست و شیعه هندوستان بنای  
باشکوهی بر سر خاکش ساخته‌اند. قاضی نورالله در طریقه تشیع تعصب بسیار داشته و  
کتابهای چند درین زمینه نوشته که برخی از آنها بسیار معروفست از آن جمله کتاب  
صوارم المهرقه در اثبات دین شیعه در پاسخ کتاب صواعق المحرقة ابن حجر و کتاب  
احقاق الحق در پاسخ کتاب ابطال الباطل فضل الله بن روزبهان اصفهانی و مصلب النواصب  
و اسامی وضاعی الحدیث و احوالهم و امر المعصمه و انس الوحید فی تفسیر آیه العدل و التوحید  
و الانفعالیه و انموذج العلوم و البحر الغزیر فی تقدیر الماء الکثیر و بیان انواع الحکم و تحفة  
العقول و تحقیق آیه غار و تهذیب الاکمام فی شرح تهذیب الاحکام و تشبیه اقوال اهل  
الخلافت بالشبهات المشهورة عن ابلیس و تفسیر آیه انما المرء کون نجس و تفسیر آیه  
الرؤیا و تفسیر آیه سبع بقرات سمان و تفسیر آیه فمن یرد الله ان یرد الله ان یرد الله ان یرد الله  
الاسلام و جواب شبهات ابلیس و حاشیه اعراض و حاشیه الهیات و حاشیه امامت و شرح  
تجريد قوشچی و حاشیه انموذج العلوم دوانی و حاشیه تحریر اقلیدس و حاشیه تفسیر  
بیضاوی و حاشیه تهذیب الاصول علامه حلی و حاشیه تهذیب المنطق دوانی و حاشیه جواهر  
شرح تجريد قوشچی و حاشیه حاشیه مطول خطابی و حاشیه خلاصة الاقوال علامه حلی  
و حاشیه شرح جامی و حاشیه شرح چغمینی و حاشیه شرح خطبة مواقف و حاشیه شرح  
شمسیه و حاشیه شرح هدایه مبینی و حاشیه قواعد علامه و حاشیه مطول تفنازانی و  
حاشیه معاد شرح تجريد قوشچی و حاشیه مختصر عضدی و حل العقال و خیرات حسان  
و دافعة الشقاق و دفع القدر و رد تصحیح ایمان فرعون و رد الشیطان و رد مقدمات ترجمه  
الصواعق و رد نفی عصمة الانبیاء و رکنیة السجدةین و سبعة سیاره و سحاب المطر و شرح  
اثبات الواجب دوانی و شرح تشریح الافلاک شیخ بهایی و شرح خطبة العضدی قزوینی و شرح  
دعاء الصباح و المساء حضرت امیر و شرح رباعی ابوسعید ابوالخیر و شرح مبعث  
حدوث العالم انموذج دوانی و شرح مختصر عضدی و العشرة الكاملة و العقائد الامامیه و  
غسل الجمعة و کشف العوار و کشکول و کل و سنبل و کوهر شاهوار و لبس الحریر و اللعنه  
فی صلوٰة الجمعة و المسح علی الرجلین و غسلها و موائد الانعام و نجاسة الخمر و النظر السليم



والنور الانور ونور العین و منشآت که بیشتر آنها بزبان تازیست و رساله ای در حرمت نماز جمعه  
در ایام غیبت و رساله در تحقیق آیه نور و کتاب عشره کامله و نهایت الافدام و شرحش دفتر منتهوی  
مولانا جلال الدین . معروف ترین کتاب او بزبان پارسی مجالس المؤمنینست که در آن  
بسیاری از بزرگان را که معلوم نیست شیعه بوده باشند شیعه وانمود کرده است و بهمین جهت  
وی را شیعه تر از لقب داده اند و در ضمن اقسام شعر می سروده و نوری انخلص می کرده و دیوان  
او مانده است .

۱۳۹۳- نوری بیک خان نوری لاهوری ، از غزل سرایان قرن دهم بوده  
و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۱۳۹۴- نویدی ظهرانی رازی ، از غزل سرایان معاصر شاه طهماسب بوده

۱۳۹۵- نویدی گیلانی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده و در زمان اکبر  
بهند رفته است .

۱۳۹۶- نهانی اکبر آبادی ، از زنان شاعره هند و مادر محمدجعفر اکبر آبادی  
از مردم اکبر آباد اکبره بوده که در دربار اکبر منصب میربحری کشمیر را داشته و وی  
نیز غزل می سروده است .

۱۳۹۷- واتقی فیسابوری ، وی نیز از غزل سرایان بوده و چهل سال در نجف  
می زیسته و سرانجام بتبریز رفته و در آنجا در ۹۴۰ در گذشته است .

۱۳۹۸- واحدی ، ظاهراً وی بجز دو واحدی سابق الذکر و گویا از شاعران  
ایرانیان بوده که در زمان اکبر به هند رفته و نا کام از آنجا باز گشته و غزل می سروده است .  
۱۳۹۹- ابن علی واقعی طوسی ، نام وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و  
نوشته اند که از ملازمان جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل می سروده است و بگمانم  
مراد همان ابن علی واتقی یا واقعی هروی سابق الذکر بوده باشد .

۱۳۷۰- وجهی هروی تهرشی ، پدرانش از مردم تهرش بوده اند و خود در هرات  
می زیسته و از آنجا در زمان اکبر به هند رفته و رباعی از او مانده است .

# تایخ نظم و شعر در ایران و در زبان فارسی

نویسنده: استاد محمد تقی

سعدی  
نفسی

تاج

نظم و شعر در ایران و در زبان فارسی

تألیف آیت الله العظمی

جلد دوم



**حق چاپ برای کتابفروشی فروغی محفوظ است**

این کتاب بسمایه کتابفروشی فروغی در یک هزار و پانصد نسخه در اسفندماه ۱۳۴۴ در چاپخانه میهن  
پایان رسیده

## دیباچه

در ۱۳۱۱ نخستین قسمت یادداشت‌های من بعنوان (تاریخچه مختصری از ادبیات ایران) در سالنامه پارس منتشر شد پس از آن در سالهای ۱۳۱۲ - ۱۳۱۳ - و ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ دنباله آن تا قسمتی از قرن دهم انتشار یافت. پس از آنکه سالنامه پارس تعطیل شد در صدبرآمدم در آن یادداشت‌های چاپ شده تجدید نظر کنم و بشکمل آنها بپردازم و این کتاب بدین گونه فراهم شد. نام آنرا (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی) گذاشتم تا معلوم شود درین کتاب آنچه از آثار این زبان در ایران و آسیای مرکزی و افغانستان و هندوستان و قفقاز و خاور عثمانی (ترکیه) فراهم شده است تا جایی که آگاهی داشته‌ام گرد آورده‌ام و چون ممکن نبود در يك مجلد آنرا بزمان حاضر برسانم ناچار در پایان قرن دهم درنگ کردم. نمیدانم تا توانی جان فرسای که چندست گرفتار آنم مرا مجال خواهد داد دنباله کار را بگیرم و باین روزگار که در آنیم برسانم یا نه؛ در هر حال گویا این کتاب نمونه‌ای برای دیگران شده باشد که اگر من کامیاب نشدم بیایان برسانم ایشان دنباله کار را بگیرند و حق این موضوع بسیار وسیع و بسیار دلنشین را ادا کنند. چون دامنۀ این کار بسیار وسیع بود و مطالبی که درین زمینه هست پراکنده در گوشه و کنار مانده است گاهی شده است که در يك جا مطلب ناقص مانده و در جای دیگر آنرا تکمیل کرده‌ام و در مناصبی که نخست بآنها رجوع کرده‌ام مطالب نادرستی بوده است که سپس در جای دیگر اصلاح کرده‌ام. برخی از سراینده‌گان و نویسندگان در پایان يك قرن و در آغاز قرن بعد زیسته اند و بهمین جهت ذکرشان در هر دو قرن رفته است و فهرست‌های پایان کتاب رفع این دشواری را خواهد کرد. تا پایان قرن نهم کتابهایی که درباره شاعران داریم بسیار محدودست و آنچه بر آن کتابها افزوده می‌شود ذکر است که با اشعارشان در سفینه‌ها و مجموعه‌ها و جنگها مانده است و چون اطلاعی ازیشان نیست درباره این دسته از سراینده‌گان تنها بذکر نامشان قناعت کرده‌ام. اما از قرن دهم بعد کتابهای فراوان در احوال و اشعار سراینده‌گان بما رسیده است و درباره همه ایشان بیش و کم آگاهی داریم. بهمین جهت هر چه درباره گوینده‌های بدست آمده است در جای خود در متن یا در تکمله‌ها آورده‌ام.

پیدا است که مقصود ازین کتاب تنها شرح حال و آثار گویندگان و نویسندگان است و ناچار جای آن نبود که نمونه‌ای از اشعار هر سراینده‌ای را ضبط کنم. برای این مقصود کتاب بسیار مفصلی که شامل اشعار ایشانست فراهم کرده‌ام که بیش از یازده مجلد خواهد شد و نمی‌دانم با انتشار آن تا هم کلامیاب خواهیم شد یا پس از من کسی بدین کار حمت خواهد گذاشت.

درباره هر نویسنده‌ای کوشیده‌ام فهرست کامل از مؤلفات وی فراهم سازم و ناچار فهرست آثار بسیاری از ایشان که بدو زبان فارسی و تازی تألیف کرده‌اند شامل کتابهای هر دو زبانست. بیم آن دارم که رنجوری و فرسودگی دیگر مرا از این گونه بهره‌جویی‌هایی که در هم نشینی با خوانندگان گرامی دارم باز دارد و شاید این سخنان باز پسین پیامهای شورانگیز من پیشگاه ایشان باشد و بهر حال درخواست دارم هر لغزش و خطایی که درین صحایف ببینند کریمانه مرا از آگاهی‌بدان سپاسگزار کنند.

اسفند ماه ۱۳۴۴

سید علی نقیسی



۱۳۲۱- قاضی محمد وصالی رازی ، قاضی شهر ری بوده و نوشته‌اند در جوانی دلدادۀ پسر میرزا صادق نام شده و در ۹۳۲ در گذشته و اقسام مختلف شعر می‌گفته است .

۱۳۲۲- وفایی هروی ، از شاگردان ملافصیحی هروی بوده و در زمان اکبر بسیاحت بهند و از آنجا باصفهان رفته و در آنجا در گذشته و ظاهراً در اصفهان می‌زیسته و غزل می‌سروده و گویا بجز دو وفایی دیگرست که ذکرشان پیش ازین آمده است .

۱۳۲۳- میر محمد هادی هادی بروجردی ، نسبت وی را برخی بخطا یزدجردی نوشته‌اند و چون چندی در کاشان زیسته او را کاشانی هم دانسته‌اند. پزشک حافظی بوده و شاه طهماسب احتساب ممالک ایران را باو داد . نخست مریدی عاشق پیشه بود و چون نوبه کرد مأمور تولیت آستان رضوی شد و در آنجا بعبادت پرداخت و در ۹۵۰ در گذشت و غزل را نیکو سعی سروده و هادی تخلص می‌کرد .

۱۳۲۴- هاشمی کاشانی ، وی نیز از غزل سرایان شاه طهماسب و در مشاعره و مناظره هم استاد بوده است .

۱۳۲۵- میرزا مراد همدم کوهک ، برادر رضاعی میرزا کامران پسر چهارم بابر بوده و بهمین جهت باو کوهک و کوکلتاش می‌گفتند که بمعنی برادر رضاعی باشد. از اعیان دربار همایون بوده و غزل را نیکو می‌سروده و همدم تخلص می‌کرده است .

۱۳۲۶- یمنی گرجی ، از درباریان شاه طهماسب و غزل سرا بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۱۳۲۷- میرزا یوسف خان یوسف دهلوی ، از درباریان زمان جلال‌الدین محمد اکبر بوده و رباعی ازومانده است .

۱۳۲۸- خواجه علی آزادی استرآبادی ، از ملازمان فریدون حسین میرزا تیموری درباریان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و در ۹۰۱ در گذشته و رباعی ازومانده است .

۱۳۲۹- آفتی قزوینی ، از منشیان دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است .

۱۳۸۰- اسیر ابدال اصفهانی ، نخست عطاری می‌کرد و سپس وارد حلقه

قلندران شد و بدخواهان نزد شاه اسمعیل ازو سعایت کردند و شاه او را معذور داشت و سرانجام در ۹۳۰ در قلندهار کشته شد یا بر گه طبعی در گذشت و غزل را نیکو می سرود و ظاهراً تخلص وی اسیر بوده است .

۱۲۸۱- امیرسلطان ابراهیم امینی هروی، از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در ۹۴۱ هنگام استیلاي از بکان در آن شهر کشته شد . ظاهراً از کسانیست که در هرات بدستگاه شاه اسمعیل پیوسته و بهمین جهت وی را کشته اند زیرا که کتابی در تاریخ شاه اسمعیل بعنوان فتوحات شاهی نا حوادث سال ۹۱۶ نوشته و نیز ترجمه دیوان علی بن ابی طالب ازوست و مناظره مهر و مکتوب سروده و غزل نیز می گفته است .

۱۲۸۲- ابراهیم میرزا تیموری بدخشی ، پسر میرزا سلیمان پادشاه تیموری سابق الذکر بوده و چون با پدرش در بدخشان می زیسته بدخشی معروف شده است . در ۹۴۱ ولادت یافت و در ۹۶۷ در جنگی که یاری پدر کرده کشته شده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۲۸۳- ابوالفتح جنابندی ، از پزشکان زمان شاه اسمعیل بود و در ۹۳۲ در گذشت و غزل می سرود .

۱۲۸۴- ابوالقاسم اصفهانی ، پسر شیخ شهاب الدین از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده است .

۱۲۸۵- شیخ ابوالقاسم گازرونی ، هندی دانشمند و صوفی مشرب و از شاگردان میرزا جان شیرازی بوده و دیوانی شامل سه هزار بیت ترتیب داده و انواع مختلف شعر می سروده است .

۱۲۸۶- ملا احمد استرآبادی ، از دانشمندان زمان خود و در کاشان مدرس بوده و در ۹۵۲ در گذشته و ساقی نامه گفته است .

۱۲۸۷- احمد نیشابوری ، از شاعران زمان شاه اسمعیل بود و نوشته اند هنگامی که در ایران قحطی سخت روی داده قحطزدگان وی را روده و گوشتش را بریان کرده و خورده اند و غزل سرا بوده است .



۱۲۸۸- اسیر ترك ذوالقدر ، پسر قلیچ خان و از طوایف نوالقدر بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۲۸۹- میرزا اسد بیک اشك قزوینی ، پسر و خان لقب داشت و در زمان جلال الدین محمدا کبر بهند رفت و غزل می گفت .

۱۲۹۰- اصداقا همدانی ، نیز از شاعران این دوره بوده و رباعی از او مانده است .

۱۲۹۱- علیقلی خان اعظم شاملو ، پسر سلطان حسین خان و نواده داورمش خان یکی از سرداران بزرگ دوران صفویه و از خاندان معروف و از سران قزلباشی بود . پدراش از آغاز در دربار صفویه بسیار محترم و مقدر بوده اند . وی نخست در دربار شاه طهماسب در بیشتر جنگها منصب سپهسالاری داشته و مدتها بیکلر بیکی هرات و سپس لاله شامعباس در خراسان شده و بهمین جهت بلله معروف شده بود و در سلطنت شاه عباس ایشیک آقاسی دربار بود و چون دیوان عدالت را تشکیل دادند وی دیوان یکی شد . در پایان زندگی که در خراسان بود چون با مرشدقلی خان استاجلو رقابت داشت برای اینکه وی را گرفتار حریفی زورمندتر از او بکند سفیری پینخارا نزد عبدالله خان ازبک فرستاد و او را بگرفتن خراسان برانگیخت عبدالله خان در آغاز سال ۹۹۶ بخراسان تاخت و علیقلی خان که ازین کار پشیمان شده بود با او در افتاد و عبدالله خان در قلعه هرات وی را محاصره کرد و او تسلیم شد اما بتحریرك عبداله مؤمن خان پسر عبدالله خان در باغ زاغان هرات در او آخر ربیع الاول ۹۹۷ ازبکان او را بخیانت کشتند . علیقلی خان و زنش جان آغا خانم که خواهر محمد زمان سلطان و دختر مراد بیک بایندرتر کمان بوده از آغاز مرهی شاه عباس بوده اند و در وثوق بسیار داشته اند و وی مرد باذوقی بوده و غزل را خوب می گفته و دیوانی شامل دوهزار بیت ترتیب داده و اعظم تخلص می کرده است .

۱۲۹۲- افضل بیک لاهیجی ، از شاعران معاصر همایون و ملازم بیرام خان خان خانان بوده و غزل را خوب می سروده است .

۱۲۹۳- جلال الدین ابوالفتح محمدا کبر بابری تیموری ، سومین پادشاه و یکی از معروفترین پادشاهان سلسله بابری بایموری هند در ۵ رجب ۹۴۹ در اومر کوت

در سرزمین سند ولادت یافت. مادرش حمیده بانو بیگم از بازماندگان احمد جام بنده پیل و پسر سوم همایون بود. پدر مادرش از دانشمندان ایران و از ملازمان شاهزاده هندال پسر بابر و عم وی بود. پس از مرگ همایون در تاریخ دوم ربیع الثانی ۹۶۳ پیادشاهی رسید و در ۹۹۲ که سال سیام سلطنت وی بود این روز را مبدأ تاریخ الهی از روز جلوس وی گرفتند. در قصبه کلاتور از توابع لاهور در پنجاب بتخت نشست و درین زمان چهارده سال داشت. در زمان وی راه پیشرفت در هند باز شده بود و مردم در جستجوی یافتن حقیقت بودند. وی پیشوای این جنبش شد و بهمین جهت او را بزرگترین پادشاه آن روزگار دانسته اند و هر چند که خواندن و نوشتن نمی دانسته در پرورش دانشمندان و هنرمندان و سرپرستی از ادبیات و هنر یکی از بزرگترین مردان تاریخ بشمار می رود زیرا که پدران و خرمشاوندان وی همه مردم دانشمند دانش پرور بوده اند و این خصلت خوی خانوادگی او شده بود و مخصوصاً زتش سلیمه سلطان و عمه اش گلشن بیگم بیش از همه محرك وی درین کار بوده اند. پدرش چون مردمی بود در تربیت وی در کودکی احوال کرد اما چون وی بسن رشد رسید در سلطنت خود در نتیجه معاشرت با دانشمندان جبران این نقص را کرد و مخصوصاً مثل مغرط بدرك حقیقت و مطالعه در ادیان و مذاهب داشت و هر چه درین زمینه فرا گرفته بود از شنیدن گفتار دانشمندان بود. در سلطنت خود جنگهای فراوان کرد و همه جا کامیاب و فیروز شد و بر قلمروی که پدرش همایون برای وی گذاشته بود بسیار افزود. در ماه صفر ۹۶۲ از کابل با پدرش غازم هندی شد و در فتح سهند و شکست سکندر سورلودی شرکت داشت و در دوم شعبان آن سال پدرش آگره و دهلی را گرفت. پس از جلوس بیاری بیرام خان خان خافان بهارلو که سپهسالار وی بود سکندر را در پنجاب شکست داد و سراسر آن ناحیه را متصرف شد. سپس نواحی آگره و دهلی و کابل را نیز فتح کرد. در سال ۱۰۱۴ که از کشور کشایی فارغ شد سراسر هند شمالی را که شامل کابل و کشمیر و بهار و بنگاله و اریسا و قسمتی از سرزمین دکن بود برای سلیم پسر و جانشین خود گذاشت. مقام وی در کشورداری کمتر از مقام او در کشور کشایی نیست. با وجود همه دشواریها در اوضاع اقتصادی کشور خود اصلاحات فراوان کرد و مردم بسیار دادگری بود و همه مردم کشور

خود را برابر می‌دانست و مانع از تعصب و اجحاف مسلمانان در برابر هندوان که اکثریت مردم کشور را فراهم می‌کردند شد و به همین جهت هندوان همواره پشتیبان وی بوده و مسلمانان تندرو وی را کافر می‌دانسته‌اند. به همین سبب در صدر آمد دین تازه‌ای اعلان کند که آنرا «توحید الهی» نام گذاشت تا اساس آن توحید مشترک در میان همه ادیان باشد. برای این کار نمایندگان همه مذاهب را بدربار خود خواند و ایشان هر يك كوشیدند بر تری دین خود را ثابت کنند. می‌خواست خورشید و آتش را که مظهر آن در روی زمین می‌دانست شعار این مذهب قرار دهد و هر گونه مراسم مذهبی را از میان ببرد و تنها بتصفیه باطن امر کند. معلوم نیست این عقیده در خارج از دربار وی تا چه اندازه پیشرفت کرده است و تنها نام هجده تن از درباریان وی را که بدین آیین گرویده‌اند ثبت کرده‌اند که بیشترشان دانشمندان و ادبای دربارش بوده‌اند و از آن جمله عزیزخان کو که از بزرگان دربار وی بوده است. تحریك وی را درین کار و انحراف از اسلام را نتیجه تبلیغات شیخ مبارک نا توری و درپس وی ابوالفضل بن مبارک‌علامی و ابوالفیض فیضی شاعر معروف می‌دانند زنی از طوایف راجپوت گرفت که مادر سلیم پسرش بود و پسرش در نه‌لبلمات برهمنان - کتابهای هندوان پرداخت و دستور ترجمه آنها را بزبان فارسی داد. صوفیه نیز در دربار وی و درین زمینه نفوذ بسیار داشته‌اند و دانشمندان ایرانی که در دربارش فراوان بوده‌اند نیز کوشش بسیار کرده‌اند. نوشته‌اند نسبت بیارسیان و زردشتیان آفتاب پرست هندوستان نیز توجه بسیار داشته است و نیز بقایید طوایف راجپوت که خود را فرزندان آفتاب می‌دانسته‌اند متوجه بوده است. اما شخصاً توجهی که نسبت بمذهب کاتولیک داشته بیش از توجه او درباره ادیان شرق بوده است. ابوالفضل بن مبارک‌علامی مورخ بزرگ دربار وی کتاب خاصی درین زمینه بعنوان «آیین اکبری» شامل اصلاحاتی که وی در سلطنت خود کرده پرداخته است. سرانجام وی در شهر اکبره در ۱۳ جمادی الاخره ۱۰۱۴ در گذشت. جلال‌الدین محمد اکبر قطعاً بیش از هر پادشاه دیگر بادییات فارسی توجه داشته و در زمان وی زبان فارسی باوج ترقی و توسعه خود رسیده و در دربار وی بیش از هر دربار دیگر نویسندگان و شاعران فارسی زبان گرد آمده و از توجه وی و بزرگان

دربارش بهرمند شده‌اند و این توجه تا سالیان دراز در دستگاه بازماندگان وی باقی مانده و سنت دیرین پادشاهان بآری تا آخرین روز پادشاهی ایشان شده است. خود نیز شعر فارسی را تا اندازه‌ای خوب می‌گفته و غزلیاب و رباعیاتی ازو مانده و بنام وی ثبت کرده‌اند.

**۱۳۹۳- الهی قندهاری**، از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و تازمان بابر می‌زیسته و غزل می‌سروده است.

**۱۳۹۵- ملاحسین الهی اردبیلی**، از شاعران همین دوره و نخست از ندیمان علیشیر نوایی در هرات بوده و سپس بدربار شاه اسمعیل راه یافته و ناسج المناقب ائمه اثنی عشر را بنام شاه اسمعیل بیایان رسانیده و در ۹۳۷ در گذشته و اقسام مختلف شعر می‌سروده است.

**۱۳۹۶- القنی بدخشی**، از متصوفه این قرن و مردی دانشمند بوده و مخصوص الحکم و فتوحات مکيه این العربی را درس می‌داده و با دانشمندان عصر خود در اثبات ایمان فرعون مناظره و مباحثه کرده و بهمین جهت او را وکیل فرعون لقب داده بودند و در سال ۱۰۰۷ در گذشته و غزل می‌سروده است.

**۱۳۹۷- امامقلی رازة قاینی**، از هنرمندان زمان خود و معمار زبردستی بوده و بهمین جهت برآزه معروف شده بود که در ترکی بمعنی معمارست و در دستگاه مظفر حسین میرزا تیموری در قندهار می‌زیسته و طرح عمارت باشکوهی را که وی در ازگی قندهار ساخته بود او انداخته است و نوشته‌اند که دلدادۀ فراگونه نامی بوده و در فراق وی دیوانه شده و بهمین حال در گذشته و غزل می‌گفته است.

**۱۳۹۸- قاضی امام‌الدین محمد امامی اصفهانی**، از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده و ظاهراً در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم می‌زیسته است.

**۱۳۹۹- امیر صدرالدین محمد اسکویی**، از مردم اسکو در آذربایجان و از امرای دربار شاه طهماسب بوده و در صرف و نحو و خط تعلیق استاد بشمار می‌رفته و غزل سرا نیز بوده است.

**۱۴۰۰- امیر نظام‌الدین احمد اسکویی**، برادر سوم امیر صدرالدین سابق الذکر

ووی نیز از اعیان دربار شاه طهماسب و متصدی کتابخانه وی بوده است.

۱۳۰۱- مولانا انوار همدانی، در ۹۳۳ در گذشته و از غزل سرایان بوده است.

۱۳۰۲- حیدر بیگ انیس تبریزی، پسر استاد شیخی نویچی تبریزی و از خواص القاص میرزا و اردوستان قاضی محمد بن قاضی مسافر کرد بود که شاه طهماسب وی را مأمور پاسبانی آذربایجان و شهر تبریز کرده بود و چند سال این مأموریت را داشت و سرانجام در ۹۶۴ که شاه طهماسب بتبریز رفت مردم از وشکایت کردند و شاه وی را بقلعه الموت فرستاد و در آنجا زندانی بود تا در ۹۶۵ در گذشت. حیدر بیگ نیز مانند پدر نویچی بوده و در دربار شاه طهماسب همین سمت را داشته و با قاضی محمد گرفتار شده و در زندان در همان اوان در گذشته و غزل می سروده است.

۱۳۰۳- خواجه باقی بالله دهلوی، پسر مولانا قاضی عبدالسلام و از دانشمندان نامی زمان خود و از پیشوایان طریقه نقشبندی بود. در ۹۷۲ در کابل ولادت یافت و از بابا صادق حلوانی دانش آموخت و در جوانی بجهان گردی آغاز کرد و در ایران و عراق سفر کرد و در حلقه مریدان خواجه محمد امکنکی از مشایخ تصوف درآمد و خلیفه او شد و سپس بدهلی رفت و در آنجا ساکن شد و بهمین جهت بدهلوی معروف گشت و در جمادی الاخره ۱۰۱۲ در چهل سالگی در گذشت و رباعی و غزل می سروده است.

۱۳۰۴- میرزا اسمعیل بحثی قزوینی، از شاعران غزل سرای زمان شاه طهماسب بوده و تخلص وی را بخطا یحیی نیز ثبت کرده اند.

۱۳۰۵- ابوالفتح بدیع الزمان میرزا تیموری، پسر سوم سلطان حسین باقرا و زنش دختر ذوالنون از پادشاهان سلسله ارغون درمند بود. در زمان پدر در هرات با نویسندگان و شاعران و هنرمندانی که در آن شهر می زیسته اند احسان بسیار کرده است. چون پدرش در محرم ۹۱۲ در گذشت با برادر مهتر خود مظفر حسین میرزا در سلطنت شریک شد و بزودی از ازبکان شکست خورد و بایران آمد و پناه اسمعیل پناه برد و در دربار شاه اسمعیل می زیست تا آنکه در ۹۲۰ که سلطان سلیم آل عثمان شاه اسمعیل را شکست داد و وارد تبریز شد و وی در تبریز بود او را جزو ملازمان خود کرد و با خود بایستابول

برد و در آنجا در ۹۲۷ بطاعون در گذشت و پیکرش را در قبرستان ابوالیوب انصاری بخاک سپردند. اینکه رحلت وی را در ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۲۰ نوشته اند درست نیست. پسرش محمد زمان میرزا پس از شکست پدر به هندوستان رفت و در ۹۴۶ در جنگ با شیر شاه کشته شد. بدیع الزمان میرزا گذشته از آنکه شعر دوست و ادب پرور بوده خود نیز غزل را خوب می سروده است.

۱۳۰۶- بذلی اصفهانی، از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست.

۱۳۰۷- بساطی شوشتری، از زادگاه خود بمادراءالنهر و بدربار عبدالله خان از يك رفته و سمت منادمت یکی از اعیان آن دربار را یافته و در آنجا در ۹۵۵ در گذشته و اقسام شعر می سروده است.

۱۳۰۸- بسملی کله پز سبزواری، در قزوین دکان کله پزی داشته و بهمین جهت بقزوینی معروف بوده و در ۹۵۵ در گذشته و غزل سرا بوده است.

۱۳۰۹- بهاری اصفهانی، برادر ملا ادایی اصفهانی و از شاعران زمان شاه طهماسب بوده و در ۹۵۰ در گذشته و غزل می سروده است.

۱۳۱۰- بهرام بیک جرفادقانی، از غزل سرایان نیمه اول قرن دهم بوده است.

۱۳۱۱- میر معصوم بیغم کاشانی، پسر میر حیدر معمای کاشانی متخلص بر فیعی و برادر میر سنجر کاشانی بوده است که ذکر هر دو گذشت و با پدر و برادر در اواخر قرن دهم بهند رفته و پس از چندی بایران باز گشته و جزین از احوالش آگاهی نیست. ظاهراً تا اوایل قرن یازدهم می زیسته و غزل را خوب می گفته است.

۱۳۱۲- بیقینی بدخشی، وی نیز غزل سرا بوده و در ۹۵۰ در گذشته است.

۱۳۱۳- پیامی جبل عاملی، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در زمان نظام شاه بهمنی (۸۶۵-۸۶۷) به هندوستان رفته، درد کن زیسته و دارای بسیار بهم زده و غزل می سروده است.

۱۳۱۴- پیری اصفهانی، از صاحبان ضمیری اصفهانی و غزل سرای بوده

و دیوان غزلیات خود را بعنوان سفینه مراد گرد آورده است.

۱۳۱۵- میرزا پیشرو بیك ، از نسق جیان دربار شاه طهماسب بوده و غزل می سروده است.

۱۳۱۶- تاج الدین تاجی کاشانی، مردی دانشمند بود و در سرخس تدریس می کرد و بسیار محترم بود و بهمین جهت باو تاج الرؤسا می گفتند و در ضمن مردی خوش گذران بشمار می رفت و سفری به هند رفت و در آنجا مال بسیار یافت و در ۹۳۵ در گذشت و اقسام مختلف شعر می سرود.

۱۳۱۷- میر تقی الدین محمد هروی ، پسر امیر جمال الدین حیدر هروی که در دستگاه سام میرزا در هرات منصب صدارت داشت. وی به سفر حرمین رفت و در آن سفر در ۹۴۴ در گذشت و غزل سرا بود.

۱۳۱۸- توسنی تبریزی ، در زمان جلال الدین محمدا کبر بهند رفت و غزل می سروده و جزین از احوالش آگاهی نیست.

۱۳۱۹- علی اکبر ثابت هروی از اعیان دربار همایون و اکبر بود و ثابت خان لقب داشت. نوشته اند از بسکه از مردم آزار دیده بود اگر کسی خواستار دیدارش می شد شرط می کرد که در باره اش سخنان بدخواهان و او باش را نپذیرد و در ضمن مرددانشعبدی بود و در ۱۰۱۵ در گذشت و کتابی در صرف نوشته و غزل می سروده است.

۱۳۲۰- جدیدی اصفهانی ، از امیرزادگان تر کمان یوده و در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم تا زمان شاه طهماسب می زیسته و غزل می سروده است.

۱۳۲۱- جذبی اصفهانی، پسر عالی خان از امرای دربار شاه طهماسب و غزل سرا بوده است.

۱۳۲۲- مجنون چپ نویس هروی، ذکری تنها بعنوان چپ نویس در تذکره ها آمده و پیدا است که این کلمه شهرت وی بوده و از خوشنویسان بسیار معروف هرات و معاصر با سام میرزا صفوی بوده و غزل می سروده است و این که باو چپ نویس گفته اند بدین جهتست که هم بادست چپ و هم از چپ بر است می نوشته است.

۱۴۴۳- **حالتی تبریزی**، ظاهراً وی بجز قاسم بیك حالتی تبریزی سابق الذکر

بوده و در سال ۱۰۰۰ در گذشته و غزل می سروده و دیوانش شامل هزاریت بوده است.

۱۴۴۴- **حجایی استرآبادی**، از شاعران قرن دهم و دختر هلالی استرآبادی

شاعر معروف بوده و غزل می سروده و بجزین از احوالش اطلاعی نیست.

۱۴۴۵- **امیر حسن حزنی استرآبادی**، تخلص وی را بخط حزینی هم ضبط کرده اند

وی قاضی شهر هرات و از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و ظاهراً شیعه بوده

است زیرا که عبدالله خان از بک بجرم هواخواهی صفویه وی را در ۹۳۹ هنگام استیلای

بر خراسان کشته و غزل می سروده است.

۱۴۴۶- **میرزا محمد حسین گرمانی**، پسر میرزا ابراهیم و نبیره میر-

شمس الدین از دانشمندان و رجال معروف زمان خود بوده و در یست سالگی از کسب دانش

فارغ شده و پدرش در زمان شاه طهماسب منصب صدارت داشته و وی در جوانی کشته شده

و غزل می سروده است.

۱۴۴۷- **حصاری اکبر آبادی**، از غزل سرايان زمان جلال الدین محمد اکبر

بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست.

۱۴۴۸- **حنجری همدانی**، از ندیمان سام میرزا صفوی و در موسیقی استاد

بوده و آواز را بسیار خوب می خوانده و بهمین جهت حنجری تخلص می کرده و غزل

می سروده است.

۱۴۴۹- **حیدر سبزواری**، در نیر اندازی بسیار زبردست و از ملازمان شاه طهماسب

و غزل سرا بوده است.

۱۴۵۰- **حیدر طهماسبی کاشانی**، نوشته اند که چون شاه طهماسب کلاه

اختراع کرد دستور داد که همه مردم کشور آن کلاه را بپوش گذارند و هنوز آن کلاه

بکاشان نرسیده بود که وی آنرا برای خود درست کرد و بپوش گذاشت و بهمین جهت

اورا مردم طهماسبی لقب دادند و بهمین نسبت معروف شد و چون خبر بشاه طهماسب رسید

اورا نزد خود خواند و انعام و خلعت فاخر باو داد. وی نیز غزل می سروده است.



۱۳۳۱- حیدر کاشانی، وی بجز حیدر طهماسبی و حیدر کاشانی سابق الذکر بوده و نقاش زبردستی بشمار می‌رفته و از وطن خود بهند رفته و در دربار یوسف عادل‌شاه (۹۱۵-۹۱۶) مؤسس سلسله عادل‌شاهی دکن در بیجاپور می‌زیسته و ازین قرار از غزل‌سرایان پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده است.

۱۳۳۲- حیرتی بخارایی، نخست در بخارا می‌زیسته و چون بطریقه شیعه گرویده از قریب جان از بخارا بایران و بدربار شاه طهماسب گریخته است و چون پیش شاه طهماسب مقرب شد شاعران بروحسد بردند و هنگامی که شام دستور داده بود باده نوشی را ترك کنند و می‌خانه را ببندند حیرتی در غزلی این بیت را سروده بود:

از حسد امروز زاهد منع ما از باده کرد

ورنه کی آن نامسلمان را غم فردای مانست

بدخواهان این شعر را برای شاه خواندند و گفتند مقصود وی از زاهد و نامسلمان شاه است. شاه در خشم شد و فرمان داد زبانش را ببرند. وی گفت من از طریقه سنت دست بسته و تشیع در آمدم ام اگر زبانم را ببرند این را از کرامت خلفای ثلثه خواهند دانست و خواهند گفت زبانی که ایشان را لعن و طعن می‌کرد بریده شد. شاه این عذر را پذیرفت و از گناه او در گذشت. حیرتی در غزل استاد زبردستی بوده است.

۱۳۳۳- خلیل عطار کاشانی، از غزل‌سرایان قرن دهم بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست.

۱۳۳۴- خواجه محمد حسین قزوینی، از ملازمان جلال‌الدین محمد اکبر و از غزل‌سرایان بوده است.

۱۳۳۵- محمد رضا دانش‌مهری، از شاعران قرن دهم بوده و رباعی از او مانده است.

۱۳۳۶- آقا بابا درکی جولکی، از مردم جولک روستایی از توابع اهوند بوده و پدرش را شاه اسمعیل وزارت همدان داده بود و وی شیعه متعصب بوده و اقسام شعر می‌سروده است.

۱۳۳۷- ملادرویش حسین شیرازی ، از مذهب ان زبردست زمان خود بوده و در زمان اکبر بهندرفته و رباعی از او مانده است.

۱۳۳۸- شاه دعایی دهلوی ، از متصوفه زمان جلال الدین محمد اکبر بوده و غزل و رباعی می سروده است.

۱۳۳۹- دوائی گیلانی ، در زمان اکبر به هندوستان رفته و بمعرفی خان اعظم کوکلتاش در دربار اقامت یافته و غزل می سروده و از تخلص وی بر می آید که یزشت بوده است.

۱۳۴۰- دولت سمرقندی ، از ترکان قاشقال بوده و در زمان اکبر از ماوراءالنهر به هند رفته و در دربار مرثیه امیری یافته و غزل می سروده است.

۱۳۴۱- ذوقی تونی ، غزل سرا بوده و در ۹۷۵ در گذشته و دیگر درباره اش آگاهی نیست.

۱۳۴۲- رحیم فراش دهلوی در دربار اکبر فراشی می کرده و غزل می سروده است.

۱۳۴۳- رحیمی غزنوی ، وی نیز از غزل سرایان زمان اکبر بوده است.

۱۳۴۴- محمد رشید رشیدی اصفهانی ، از غزل سرایان معاصر شاه طهماسب بوده است.

۱۳۴۵- حکیم شاه رضا فارسی ، در زمان اکبر به هند رفته و در آنجا ترقی کرده و ظاهراً یزشت بوده و رباعی از او مانده است.

۱۳۴۶- رمزی اصفهانی ، مردی دمال و از سادات اصفهان در زمان شاه طهماسب بوده و در قم در گذشته و غزل می سروده است.

۱۳۴۷- قاضی روح الله قزوینی ، برادر قاضی شرف جهان قاضی معروف دربار شاه طهماسب بوده و وی نیز سمت قضاوت داشته و در ۹۴۸ در گذشته و غزل سرا بوده است.

۱۳۴۸- روشنی همدانی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هند رفته و غزل می گفته است.

۱۳۴۹- رهایی سبز واری ، نیز از غزل سرایان قرن دهم بوده است.

۱۳۵۰- زینتی بلیانی ، از دانشمندان بوده و در استرآباد کسب دانش کرده بود

بهمین جهت باسترابادی معروف شده بود و غزل می‌سرود.

۱۳۵۱- زینتی سبزواری، از غزل‌سرایان و از ملازمان محمد ظهیرالدین بابر بوده است.

۱۳۵۲- زین‌خان کوه‌که یا کوه‌کلش، از امیران معروف دربار اکبر و مادرش دایه آن پادشاه و خود هم‌سروی بود و بهمین جهت با کوه‌که و کوه‌کلش می‌گفتند که در زبان ترکی بنام هم‌سیرست و چون بیشتر در اکبرآباد می‌زیست با اکبرآبادی‌معروف شده بود و در آن شهر آبادی بسیار کرده بود که هنوز برخی از آنها باقیست. وی در نواختن سازهای هندی و دف استاد و مرد شعر دوست شاعر پروری بوده و خود غزل و رباعی را خوب می‌ساختمه است.

۱۳۵۳- زین‌الدین محمود اصفهانی، از معاریف حکمای ایران در زمان خود بود و در دوران اکبر بهند رفت و چندی در آنجا ماند و باز گشت و از رباعیات خوب مانده است.

۱۳۵۴- حاج فریدون سابق اصفهانی، از سرایندگان دوره شاه اسمعیل بوده که تا اوایل قرن یازدهم نیز می‌زیسته و در زمان عالمگیر به هندوستان رفته و غزل را خوب می‌گفته است.

۱۳۵۵- محمد قاسم ساحری تونی، از سرایندگان قرن دهم بوده و او نیز غزل می‌سروده است.

۱۳۵۶- میرزا شاه حسین ساقی اصفهانی، نخست میوه فروش و از معماران دستگاه سلطان حسین بایقرا در هرات بوده و وارد دربار شاه اسمعیل شده و ترقی کرده و بمقام وزارت رسیده و چون در مطایبه مبالغه می‌کرد و زرقان دربار از وی می‌رنجیدند یکی از ایشان که شاه قلی بیگ نام داشت بهمین سبب وی را بنخجر گشت و او هم غزل‌سرا بوده است.

۱۳۵۷- سپهری اصفهانی، از غزل‌سرایان زمان شاه طهماسب بوده است.

۱۳۵۸- میرزا ابوطالب سخی کاشانی، پسر میر شرف‌الدین حسین طباطبایی

از مقربان دربار شاه طهماسب بود و در جوانی در گذشت و غزل می سرود.

۱۳۵۹- سعدالدین الآله ، شهرت وی را بهمین گونه ضبط کرده اند و ممکنست که همان کلمه لاله باشد که آلاله نیز آمده است و ظاهراً از شاعران قرن دهم بوده و اقسام مختلف شعر سروده است .

۱۳۶۰- سعیدی بدخشی، از غزل سرایان مقیم هندوستان و از ملازمان پیرام خان خان خانان بوده است .

۱۳۶۱- سیدعلی سبزواری ، نبیره میرشمس الدین محمد کالانتر سبزواری و از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بود.

۱۳۶۲- شیخ سیف الدین دهلوی ، پسر سعدالله ترك دهلوی بخاری و پدر شیخ عبدالحق محدث دهلوی دانشمند معروف که ذکرش گذشت. وی نیز از دانشمندان و عرفای زمان خود بوده و از مریدان شیخ امان الله یابی پشی بشمار می رفته و در نظم و نثر دست داشته و در ۲۷ شعبان ۹۹۰ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۳۶۳- شاه صدر دیلمی ، پسر شاه عنایت الله دیلمی از اعیان زمان خود بوده و در ۹۵۵ در گذشت و غزل می سرود.

۱۳۶۴- ابوالفتح محمد شیبانی خان یا شیبیک خان ازبک ، مؤسس سلسله شیبانی ازبکان ماوراءالنهر، نام وی را شاهی بیک ازبک نیز نوشته اند اما نام وی در حقیقت شاه بنخت بوده و این نامیست که جدش ابوالخیر خان باو داده بود و آنرا بشیبیک تحریف کرده و سپس بشیبانی تبدیل کرده اند و بازماندگان وی را از سلسله شیبانی دانسته اند. پسر شاه بدای خان بود که در ۸۷۳ یونس خان پادشاه مغولستان که بیاری قزاقان بچنگ او آمده بود وی را کشت و سرش را برید. وی در ۸۵۵ ولادت یافت و مادرش آق کوزی بیکم نام داشت. پی در پی چندتن از بزرگان خاندانش یعنی ایغورخان و امیر قراچین بیک و قاسم خان و امیر استرخان در زمان جدش ابوالخیر خان او را تربیت کردند و در صدد برآمد انتقام خون پدرش را بگیرد. نخست بایر که سلطان در افتاد و او را کشت. در جنگ با ایراتیجی پسر جانی بیک در سمران شکست خورد و بیخارا و از آنجا بسمرقند رفت. موسی خان

سر کرده منگیت‌ها حکمرانی قبیچاق را باو وعده کرد ولی از وعده خود برگشت و بهانه آورد که مردم خواستار وی نیستند. سپس در جنگ بایرندق سر کرده قزاقان پیروز شد و از محمود سلطان پسر جانی بیك شکست خورد و عبدالغالب فیروز شاه حکمران خوارزم او را پناه داد. در اختلافی که در میان احمد میرزا فرمانروای مغولستان و محمود سلطان در گرفت با احمد میرزا یاری کرد و در ۸۹۳ از محمود سلطان در جنگ شیر شکست خورد و باو پیوست و وی حکمرانی شهر توکستان را بوی داد و بایر دیگر با بایرندق جنگ کرد و در محاصره شهر اورگنج یا خبوه شکست خورد. مردم سیران برو قیام کردند و محمود برادرش را بجای او نشاندند و او را با قزاقان که شهر را محاصره کرده بودند تسلیم کردند. محمود گریخت و پیرادریوست که شهر یاسی را محاصره کرده بود و مزید نذر خان حاکم آن شهر اسیر شد. مزید که سابقاً باوی هم دست بود پس از آزادی با قزاقان متحد شد. با بایرندق که شهر اترار را محاصره کرده و با محمد تیمور پسر محمود سلطان می جنگید صلح کرد و وصلتی در میانشان منعقد شد. سرانجام شیبانی در سال ۹۰۰ تقریباً سراسر ماوراءالنهر و خراسان را گرفت و در ۹۰۶ پیادشاهی این نواحی رسید. در سال ۹۰۷ یایستغرمیرزا پادشاه تیموری سمرقند ازو در جنگ بایابریاری خواسته بود و وی بیاری آورد اما چون بایر توانا تر ازو بود برگشت و بالشکریان مزدور فراوان آمد و سمرقند را که بایر و سلطان علی برادر یایستغرم در ۹۰۶ تخلیه کرده بودند گرفت. ظاهر آ زهره بیکم مادر سلطان علی باو وعده کرده بود که اگر وی را بهم سری بپذیرد شهر را باو واگذار کند. وی بشهر حمله برد و خواجه یحیی حکمران شهر را با پسرانش کشت و سلطان علی نیز کشته شد. بروایت دیگر سلطان علی باوی حيله کرده و گفته اند در حادثه‌ای از میان رفته است. بایر بیاری مردم شهر بارشادت خاصی دوباره سمرقند را گرفت. مردم آن نواحی قیام کردند و از بکان را کشتند و شیبانی که تنها ناحیه بخارا فرماندار او بود تهیه دید و چند ماه بعد وارد جنگ شد. قراکول و دبوسی را گرفت و در سرپل بایر را شکست سخت داد و سمرقند را محاصره کرد و چون شهر گرفتار سختی شد مردم باو تسلیم شدند و فرار گذاشتند که خانزاده بیکم خواهر بایر بهم سری وی داد. در ۹۰۸ که شیبی با محمود

سلطان پشتیبان خود اختلاف پیدا کرد در نواحی شاهرخیه و تاشکند تاخت و تاز کرد و بیش از رسیدن بابر از آنجا رفت. پس از زد و خوردی با اوراتیپا با سلطان احمد تمبل که بر محمود سلطان قیام کرده بود همدست شد و ی حکمرانی فرغانه را باو داد. لشکریان مخالف از برابر وی گریختند و شیبانی در نزدیکی اخشی ایشان را پراکنده کرد. بابر گریخت اما محمود سلطان و برادرش احمد گرفتار شدند و شیبانی با ایشان خوش رفتاری کرد و تاشکند و شاهرخیه را باو واگذار کردند و سی هزار تن از لشکریان وی وارد سپاه او شدند و در میان دو خانواده چندین وصلت برقرار شد. محمود سلطان که بقلمر و خود باز گشت بزودی در گذشت و گفته اند که شیبانی وی راز هر داده است. در همان سال چند جنگ دیگر در جنوب ماوراءالنهر کرد و خسرو شاه فرمانروای قبیچاق که چند شهر را گرفته بود شکست خورد. بدیع الزمان میرزا تیموری بلخ را محاصره کرده بود، احمد تمبل باند بجان گریخت و چون خواست تسلیم شود برادرش وی را کشتند و مانع از تاراج شدند. خسرو شاه بی آنکه جنگ بکند گریخت و شیرین چهره را گذاشت پس از مقاومت دلیرانه ای در شهر قندز که در آنجا برای بیست سال آژوغه فراهم کرده بودند از پا درآمد. در ۹۱۱ شیبانی با سی هزار تن لشکریانی که از سپاهیان محمود سلطان و مردمان شیرین بودند بخوارزم حمله برد و کوشید در میان فرمانروایان آنجا اختلاف بیندازد. شهر اورگنج را که چین یا حسین صوفی دلیرانه دفاع کرد پس از ده ماه محاصره بخیانت گرفت. خسرو شاه که دیر یاری ایشان رسیده بود با ۷۰۰ تن از همراهان خود کشته شد و حکمرانی خوارزم را بکیچیک بی دادند و شیبانی خویشاوندان خود را در آنجا بکارهای مهم گماشت. در سال بعد قزاقان را شکست داد در آن زمان مرزین قبیچاق بدست دو تن بود یکی برندق که اسماً فرمانروا بود و اورا بسمرقند تبعید کردند و در آنجا هر دو دیگری قاسم بیگ که رسماً حکمرانی داشت. وی باند ازمای بدلاوری معروف بود که چون از بکان خبر رسیدن او را شنیدند هر اسان شدند. در پایان سال ۹۱۲ شیبانی بهرات حمله برد. سلطان حسین بایقرا از پسران خود یاری خواست و بیجز مظفر حسین میرزا همه یاری او آمدند ولی بزودی در گذشت. بابر یاری تیموریان آمده بود

ولی چون اختلافی در میان بود از آنجا رفت. شیبانی از رود جیحون گذشت و ارداند خود شد و شاه منصور بخشی شهر را باو تسلیم کرد و شیبانی با باخاکی و ثوالنون ارغون را شکست داد روی را کشت. تیموریان بهرات گریختند و پس از چند ساعت رفتند و حرم خانه و خزایشان در قلعه اختیارالدین بدست شیبانی افتاد. شیبانی در ۱۱ حرم ۹۱۳ وارد شهر شد و صد هزار تنگه از مردم غرامت گرفت اما با ایشان بدرقاری نکرد. دویا سه هفته بعد وارد کاخ پادشاهی شد. دیوانه وار عاشق خاترا ده خانم زن مظفر حسین میرزا شد و بزور و برخلاف شرع او را بهمسری خود درآورد. لشکریان خود را بهر سو فرستاد و تیموریان را در هر کجا یافتند کشتند. تنها بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین با یقرا توانست بشاه اسمعیل پناه ببرد. پس از آن دو سال دیگر مشغول جنگ با قزاقان بود و ناخست و نازی بکابل کرد و ناصر میرانشاهی را در قندهار محاصره کرد و کاری از پیش نبرد. سپس شاهزادگان دو غلات یعنی سعیدخان جغتایی و محمودخان و شش پسر او و محمد حسین میرزا و دیگران را کشت. این واقعه در ۹۱۴ روی داد. پس از آن خود را پشتیبان اهل سنت معرفی کرد و سال بعد شاه اسمعیل را تهدید کرد که دست از دین شیعه بردارد. چون شاه اسمعیل باین کار تن در نداد و در برابر ناخست و ناز ازبکان ایستادگی کرد برای تحقیر او يك كشكور درویشی فرستاد و باو گفت بهتر اینست که کارپردازان خود را در پیش بگیرد. شاه اسمعیل بعنوان زیارت آستان رضوی رهسپار مشهد شد. در آن زمان شیبانی مشغول زدو خورد با سرکشان فیروز کوه بود. قرقیزان نیز پسرش محمد تیمور را شکست داده بودند و وی بشهر مرو پناه برده بود. در آنجا نامه طغز آ میزور کتایه از شاه اسمعیل باو رسید و او را دعوت کرده بود باوی بروی و شود. سرانجام در کنار رود مرغاب جنگ در گرفت. هفده هزار تن از لشکریان ایران که پلها را شکسته بودند ازبکان را محاصره کردند و نیمی از ایشان در میدان جنگ از پا درآمدند. شیبانی خود زخم برداشته بود و بروستای و برانی پناه برد و در آنجا در گذشت. درباره تاریخ مرگ وی اختلافست و آنچه درست تر بنظر می رسد ۲۹ شعبان ۹۱۵ بوده است. گفته اند که شاه اسمعیل استخوان سرش را زرفشان کرده بود و در آن شراب می خورد و پوست سرش را گاه اندود برای با یزید دوم

سلطان عثمانی و دست راستش را برای آقارستم حکمران مازندران که همیشه در انتظار یابوری او بوده اند فرستاده است. قبروی در مدرسه‌ای که چندماه پیش از مرگش در سمرقند ساخته بود تا بازماندگانش فرمانروایی داشتند زیارتگاه بود. تاریخ نویسان عموماً شیانی را مردی خونخوار و درنده دانسته‌اند و اندیشه‌ای جز کشورستانی نداشته و درین راه از هیچ کاری دریغ نمی‌کرده است. اما چنانکه برخی نوشته‌اند مردی بی سواد و بیابانی نبوده است و تردیدی نیست که زبان تازی و پارسی را خوب می‌دانسته و آثار جالبی ازو بزبان ترکی مانده و خود شعر پارسی می‌سروده است. چندتن از شاعران معروف آن زمان از ان جمله بنایی هروی در دربارش بوده‌اند و ازو برخوردار شده‌اند و با دانشمندان و هنرمندان نیکی کرده و چند مدرسه ساخته است. وی مؤسس سلسله معروف ازبکان یا شیانیان بوده که از ۹۰۵ تا ۱۰۰۷ در نواحی مختلف ماوراءالنهر فرمانروایی داشته‌اند و باعث تسلط ازبکان برین نواحی شده است. از طرف دیگر زبان بسیاری که وی رسانده اینست که محرك عمده اختلاف در میان سنی و شیعه بوده و بیش از همه این آتش را دامن زده است.

**۱۳۶۵- شرف زرد و زتیری**، از شاگردان وحشی بافقی و از غزل سرایان استاد بوده است.

**۱۳۶۶- شریف مهدی همدانی**، نوشته‌اند دعوی مهدویت داشته و بهمین جهت باو شریف مهدی می‌گفته‌اند و نیز بهمین سبب در ۹۵۱ بدست متعصبان کشته شده و غزل می‌سروده است.

**۱۳۶۷- میر مرتضی شریفی**، نبیره میر سید شریف کرکالی دانشمند معروف و مردی دانشمند و شاکرد ابن حجر عسقلانی بوده و از حکمای نامی بشمار می‌رفته و در پایان زندگی بهند رفته و در آنجا سرآمد دانشمندان شده و در ۹۶۴ در آنجا در گذشته و پس از چندی پیکرش را بمشهد بردم‌اند و غزل می‌سروده است.

**۱۳۶۸- شعوری کاشانی**، بجز شعوری کاشانی دیگر سابق الذکر شاگرد محتشم و باوی معاصر بوده و غزل می‌گفته است.



۱۳۶۹- قاضی شمس الدین لاهیجانی ، آموزگار فرزندان شاه طهماسب بوده و بیش از نود سال زیسته و غزل سرا بوده است.

۱۳۷۰- ملا شهاب الدین هروی ، از شاعران پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم بوده و با ظهیر الدین بابر به هندوستان رفته و نزد وی مقرب بوده و در معمارست داشته و در ۹۴۳ در گذشته و غزل ایز می سروده و ظاهراً وی بجز رئیس شهاب الدین قمی معروف بمعنایی سابق الذکر بوده است .

۱۳۷۱- میرزا محمد علی شهودی یزدی ، در زمان جلال الدین محمد اکبر به هند رفته و امرای دربارش وی را بزرگ داشته اند و یک مثنوی بوزن حدیقه بنام عدم نامه سروده است.

۱۳۷۲- شاه ابوالمعالی شهیدی کاشغری ، در دربار همایون بسیار مقرب بوده و پادشاه وی را فرزند خود خطاب می کرده و در زمان اکبر مصدر فتنه و فساد شد و در کابل استیلا یافته و میرزا سلیمان وی را گرفتار کرده و بمحمد حکیم میرزا سپرده و وی او را بفصاح قتل مادر خود در ۹۷۹ کشته است و نسبت وی را برخی بخطا مشهدی نوشته و با شاه ابوالمعالی دیگری که ذکرش پس ازین خواهد آمد اشتباه کرده اند و وی غزل سرا بوده است.

۱۳۷۳- شاه ابوالمعالی مشهدی ، چنانکه پیش ازین گذشت برخی وی را با شاه ابوالمعالی شهیدی کاشغری سابق الذکر اشتباه کرده اند و حال آنکه وی از شاعران ایران در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم و مشرف اصطبل شاه بوده و وی نیز غزل می سروده است.

۱۳۷۴- شیلی سبائکوتی ، در لاهور بشالی کوبی روزگار می گذرانده و باغزالی مشهدی مشاعره داشته و اقسام مختلف شعر گفته است.

۱۳۷۵- استاد صابر عودنواز ، در موسیقی و نواختن عود دست داشته و در زمان شاه طهماسب درین فن معروف بوده و غزل می سروده است.

۱۳۷۶- خواجه جلال الدین محمد صاعدی اصفهانی ، از خاندان معروف

صاعدیان پیشوای شافعیان اصفهان بوده و در ۹۴۲ در گذشته و غزل سرا بوده است.

۱۳۷۷- صباپی ، از مداحان شاه طهماسب بوده و بهند رفته و ستایشگر امرای دربار اکبر شده و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۳۷۸- صباچی هروی ، در زمان اکبر بهند رفته و ملازم بیت الانشای دربار شده و در انشا دست داشته و پس از مدتی بزادگاه خود بازگشته و غزل سرا بوده است.

۱۳۷۹- صبری اصفهانی ، از خویشاوندان ضمیری بوده و نخست فارس تخلص می کرده و عاشق پیشه بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۳۸۰- صدایی کرمانی ، نام وی را صدای کرمانی ضبط کرده اند و چنان می نماید که باید تخلص وی صدایی بوده باشد. در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته و غزل می سروده است.

۱۳۸۱- صفای سهرندی ، از غزل سرایان هند در زمان جلال الدین محمد اکبر بوده است .

۱۳۸۲- صفیا اصفهانی ، مردی درویش مشرب و از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم بود و در زمان اکبر بهند رفت و در دوران جهانگیر کارش بالا گرفت و رباعی از او مانده است.

۱۳۸۳- صفی الدین خراسانی ، پسر ملا حسین کاشفی دانشمند معروف و برادر فخر الدین علی معروف بخطاط و صفی و مرید خواجه ناصر هروی بوده است. چنان می نماید که در لقب وی اشتباه کرده باشند زیرا که فخر الدین علی مؤلف معروف که ذکرش گذشت و پسر ملا حسین کاشفی بوده بصفی معروف بوده است و یا ممکنست مراد همان فخر الدین علی بوده باشد که در باره اش اشتباه کرده اند . در هر صورت غزل و رباعی بنام وی ضبط کرده اند .

۱۳۸۴- صفرقلی بیگ چرخس ، پسر ذوالفقار خان در زمان شاه طهماسب حکمران قندهار بود و در پایان زندگی دیوانه شد و او را کشتند و غزل را خوب می سرود .

۱۳۸۵- حسن بیک صلاي اسفرايني ، بخراساني نيز معروف بوده و چون چندی در کاشان زیسته بکاشانی هم معروف شده و در زمان اکبر بهندوستان رفته و غزل و رباعی می گفته است .

۱۳۸۶- ملاشاه ضیاءالدین گرماني ، در زمان سلطان محمد خداپنده وزیر اصفهان و از اعیان دربار بوده و در ۹۸۸ یوسف خان نامی وی را کشته و از و رباعی مانده است .  
۱۳۸۷- میرزا حسن طالب ترمذی ، از سادات بوده و در زمان اکبر بهند رفت و غزل می سرود .

۱۳۸۸- طاهر تفرشی ، از درباریان شاه عباس بوده و با سفیر ایران بهند رفته و غزل سرا بوده است .

۱۳۸۹- خواجه محمد طاهر طاهر رازی ، پسر امیدی رازی شاعر معروف و غزل سرا بوده و جزین دربارش اطلاعی نیست .

۱۳۹۰- حکیم عنایت الله طبعی اصفهانی ، بحکیم خباز معروف و از پزشکان زمان خود بوده و در ۹۴۴ در گذشته و غزل می سروده است .

۱۳۹۱- میر مظفر طبیبی کاشانی ، وی نیز پزشک بوده و غزل می سروده و در ۹۳۰ در گذشته است .

۱۳۹۲- عاشقی تربتی ، نوشته اند که عاشق پیشه بود و در نود سالگی بسخن سرودن آغاز کرد و با آنکه امی بود شعر خوب می گفت و چنان حواسش در پی شعر گفتن بود که دنبال جنازه برادرش هم در فکر شعر بود و در ۹۴۵ در نر بت در گذشت و غزل می سروده و دیوانش پاترده هزار بیت بوده است .

۱۳۹۳- عبدالباقي قهاوندي ، مردی دانا و خوشنویس بوده و در زمان جلال الدین محمد اکبر بهند رفته و از دوستان عبدالرحیم خان خان خاقان شده و غزل می سروده است .

۱۳۹۴- عبدمناف قمی ، از غزل سرايان ساکن اصفهان بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۱۳۹۵- حکیم عبدی زامینی ، ظاهراً از شاعران ماوراءالنهر بوده و تخلص وی را برخی بخطا عهدی ضبط کرده اند . در زمان اکبر از زامین بهند رفته و حکیم ابوالفتح کیلانی وسیله راه یافتن وی بدربارا کبر شده و چون وی در شعر از روزگار خود می نالیده است شاه را خوش نیامده و وی را از دربار خود رانده و غزل سرا بوده است .

۱۳۹۶- میر عبداللّه عبدی اصفهانی ، پسر میر محمد علی طبعی اصفهانی بوده و مثنوی آدم و هری را بنام شاه طهماسب سروده و غزل سرا نیز بوده است .

۱۳۹۸- مولانا شمس الدین عجیبی گرگانی ، از مداحان سام میرزا صفوی بوده و اقسام مختلف شعر می سروده و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۱۳۹۸- میرزا عرب مشهدی ، از ندیمان حمزه میرزا صفوی و مردی بذله گوی بوده و اقسام شعر می سروده است .

۱۳۹۹- سید عزیز قلندر کاشانی ، مردی هزال و از معاصران شاه طهماسب بوده و زاش نیز شعر می گفته و باهم مشاعره داشته اند .

۱۴۰۰- شیخ عبدالکریم عطایی جونپوری ، برادر شیخ عبدالعزیز و از شعرای دربار اکبر بوده ، نخست «منوی تخلص کرده و غزل و رباعی را خوب می گفته است» .

۱۴۰۱- امیر علی عرب کر بلایی ، برادر امیر حسین کر بلایی و غزل سرا بوده و در ۹۵۴ در گذشته است .

۱۴۰۲- میر عماد الدین شیرازی ، از سادات شیراز بود و در خراسان می زیست و از نزدیکان سلطان حیدر میرزا پسر شاه اسمعیل بود و غزل را خوب می گفت .

۱۴۰۳- قاضی عبدالرزاق عهدی خراسانی ، برخی تخلص وی را عبدی ضبط کرده اند . در زمان اکبر بهندوستان رفته و بتوسط قاضی نورالله شوشتری بدربارا راه یافته و منصب قضای کناییت را باو داده اند و پس از چندی که دلتنگ شده بخراسان باز گشته و غزل سرا بوده است .

۱۴۰۴- میرزا عبدالغنی بیک غنی همدانی ، از مردم اسدآباد همدان بوده و بهند رفته و از دوستان یادگار خان برادر یوسف خان مشهدی بشمار می رفته و چون با وی

بکشمیر رفته هنگامی که او طغیان کرده یاک رباعی در تهنیت او سروده و چون جلال الدین محمد اکبر او را شکست داد بکشتن غنی فرمان داد ، وی در غزل و رباعی استاد بوده است .  
**۱۴۰۵- خواصی خراسانی** یایزدی ، جزین از احوالش آگهی نیست که از غزل سرایان زمان شاه طهماسب بوده است .

**۱۴۰۶- فاضلی علایی** کرهرودی ، قاضی کرهرود بوده که در آن زمان از مضافات قم بشمار می رفته و در ۹۳۶ در گذشته و غزل می سروده است .

**۱۴۰۷- خواجه ایوب فراقی هروی** ، پسر خواجه ابوالبرکات که نسبت وی را بخطا سمرقندی هم نوشته اند ، از بزرگ زادگان دیار خود و مردی دانشمند بشمار می رفت و بهندوستان رفت و در دیار همایون اعتبار یافت اما کرد مناهی می گشت و سرانجام توبه کرد و اجازه رفتن بحج گرفت . از راه دهلی بکجرات رفت و آنجا ماند و سلطان احمد کجراتی و خلیفه ای برایش مقرر کرد و غزل را نیکومی گفته است .

**۱۴۰۸- فریدون خان دهلوی** ، از شعرای زمان همایون در هند و غزل سرا بوده است .

**۱۴۰۹- فضل مولی خان لکهنوی** ، از درباریان مقرب جلال الدین محمد اکبر بود و وحید العصر ممتاز الزمن باو خطاب می کرد و از دوستان قاضی اختر بسود و در گوالیار و کلکته باهم می زیسته اند و در نظر و شردست داشته است .

**۱۴۱۰- شیخ احمد فنایی خلخالی** ، نبیره شیخ ابویزد خلخالی و مردی دانشمند و از شاگردان میرغیاث الدین بوده و در غزل سرایی دست داشته است .

**۱۴۱۱- ملا فیض لاهوری** ، برادر ملا منیر لاهوری و مردی دروش مشرب بود و در ۱۰۰۷ در گذشت و غزل می سرود .

**۱۴۱۲- میر معزالدین محمد فیضی اصفهانی** ، از سادات صحیح النسب و در معقول و منقول متبحر بوده ، شاه اسماعیل منصب صدارت باو داد و در پایان زندگی بمشهد رفت و در آنجا بتدریس پرداخت و در ۹۵۲ عازم حج شد و در راه در بصره در گذشت و پیکرش را بکربلا بردند و در غزل استاد بوده است .

۱۴۱۳- قاضی سنجانی ، عنوان وی را بهمین گونه ضبط کرده‌اند و پیداست که نام او از قلم افتاده و قاضی لقب و اشاره بشغل او بوده و شاید قاضی تخلص کرده باشد. نوشته‌اند که از بازماندگان شاه سنجان عارف مشهور و مردی دانشمند بوده و در نود سالگی دلدادهٔ مغ بیچهای شده و در ۹۶۱ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده و مثنوی منظر الابصار را در برابر مخزن الاسرار ساخته است .

۱۴۱۴- قاضی عبدالله رازی ، پسر قاضی مسعود ، بجز قاضی عبدالله رازی پسر قاضی محمد بوده که ذکرش پیش ازین (ص ۴۹۹) گذشت . در زمان اکبر شاه بهند رفته و ظاهراً نسبت او را بخطا راضی ضبط کرده‌اند و وی غزل و رباعی را استادانه می سروده است .

۱۴۱۵- قدرتی یزدی ، وی نیز در زمان اکبر بهند رفته و زندگانی خوش داشته و در اکبر آباد در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۴۱۶- حکیم قنسی گیلانی ، پزشک بوده و در زمان اکبر بهند رفته و در قاه زیسته و غزل می سروده است .

۱۴۱۷- قنبری نیشابوری ، از شاعران پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و مدتی در هرات زیسته و سرانجام بمشهد رفته و منزوی شده و در همان جا در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۴۱۸- قوسی تبریزی ، مردی دانشمند و از شاگردان آقا حسین خوانساری در اصفهان بوده و در زمان اکبر بهند رفته و از مصاحبان خان اعظم شده و او نیز غزل می سروده است .

۱۴۱۹- قوام الدین عبدالله کامل شیرازی ، وی نیز در زمان اکبر بهند رفته و تمتع یافته و غزل سرا بوده است .

۱۴۲۰- کامله بیگم ، از زنان شاعرهند بوده و در مرثیه فیضی یک رباعی سروده است .

۱۴۲۱- کمال الدین حسین فانی خوارزمی ، وی بجز کمال الدین حسین

خوارزمی عارف مشهور قرن نهم بوده است . ظاهر آن از مردم قصیده قضا در خوارزم یا از کاشان ماوراء النهر بوده که نام آنرا قاسان هم نوشته‌اند و گویا فانی تخلص می کرده است . در خوارزم منصب قاضی داشته و سرودی دانشمند بشمار می رفته و در ۹۵۳ در گذشته و مؤلفات چند دارد از آن جمله شرح شواهد مفتی اللبیب و شواهد مطول و حاشیه شرح تجرید و شرح مطالع و غزل نیز می سروده است .

۱۴۲۲- محبتی حصاری ، از شاعران ماوراءالنهر بوده که در دهلی بطیابت روزگار می گذرانده و جلال الدین اکبر این تخلص را باو داده که برخی محبتی ضبط کرده‌اند و متأسفانه در صحیفه ۵۵۳ نیز باین صورت منعکس شده است . سپس قاضی مهراند شد و در همان جا در گذشت و غزل می سرودست .

۱۴۲۳- میر محمود محوی هندوستانی ، داماد نقیب خان و از زمان همایون تا عصر جلال الدین اکبر منشی الممالک هند بوده و در ۹۸۰ در گذشته و غزلیات و اشعار مصنوع می سروده است .

۱۴۲۴- مشفق کاشانی کرباس فروش ، از غزل سرایان قرن دهم بوده و جزین از احوالش آگاهی نیست .

۱۴۲۵- ناکام بخارایی ، از سادات آن سرزمین و از مقربان امام قلی خان حکمران بخارا بود و رباعی از او مانده است .

۱۴۲۹- ملا افضل نامی طهرانی ، از شاگردان امیدی رازی و غزل سرا بوده و جزین در باره اش آگاهی نیست .

۱۴۳۷- ثناری تونی ، ساکن جناباد یا کتاباد بوده و در ۹۶۸ در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده از آن جمله مثنوی سرو و غنچه را ساخته است .

۱۴۳۸- خواجه عبدی بیک نویدی اصفهانی ، پیشتر ساکن شیراز بوده و بهمین جهت بشیرازی نیز معروف شده بود . از دبیران دربار شاه طهماسب بود و در حساب و سیاق استاد بشمار می رفت و خمسة نظامی را تتبع کرده و از آن جمله مثنوی جام جم را بر وزن خسرو و شیرین سروده است .

۱۴۲۹- میرزا غازی بیک وقاری تنوی ، پسر میرزا جانی پسر میرزا محمد باقی پسر میرزا عیسی ترخان . جدش میرزا محمد باقی حکمرانی مستقلی در سرزمین تته در ناحیه سند فراهم کرد و پدرش میرزا جانی جانشین او شد و عبدالرحیم خان خان خانان را اکبر مامور گرفتن آن ناحیه کرد و میرزا جانی را بدربار اکبر برد و جزو امرای آن دربار شد و حکمرانی تته را باو دادند و از ملازمان اکبر بود تا آنکه پس از فتح آسپر در برهانپور در ۱۰۰۸ در گذشت و پسرش میرزا غازی مامور فرمانروایی سرزمین سند شد و در ضمن در دربار اکبر منصب ترخانی داشت و در زمان جهانگیر گذشته از حکمرانی تته و سند فرمانروایی قندهار را نیز داشت و پنج سال درین سمت بود تا آنکه در ۱۰۲۱ عبداللطیف نام یکی از غلامانش او را زهر داد . وی مردی دانش دوست و هنر پرور و شاعر نواز بوده و چند تن از شاعران از آن جمله طالب آملی و مرشد بروجری ازو برخوردار شده اند و خود نیز غزل و رباعی می سروده است .

۱۴۳۰- هاشمی بخارایی ، شیخ الاسلام بخارا پسر خواجه عصمت الله و نبیره خواجه محمد یار سا عارف مشهور و ظاهرأ بجز خواجه جلال الدین هاشمی بخارایی سابق الله کز بوده و در دربار عبدالله خان ازبک در بخارا تقرب داشته و اقسام شعر می سروده است .  
۱۴۳۱- آثمی تبریزی ، بسوزیگری روزگار می گذرانده و غزل می سروده و جزین دربارش اطلاعی نیست .

۱۴۳۲- ابراهیم تبریزی ، در بیشتر از خطها خوشنویس بوده و در شعر و موسیقی و تذهیب نیز دست داشته و در معما هم استاد بوده است .

۱۴۳۳- ابوالهادی تبریزی ، از غزل سرا یان قرن دهم بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۱۴۳۴- افلاکی تبریزی ، وی نیز غزل سرا بوده و جزین دربارش آگاهی نیست .

۱۴۳۵- کمال الدین حسین الهی اردبیلی ، پسر خواجه شرف الدین عبدالحق از بزرگان دانشمندان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده است . در جوانی از اصحاب



سلطان حیدر صفوی نبیره شیخ صفی الدین اردبیلی بسوده و از جانب وی مامور ارشاد بشیراز شده و در آنجا نزد علامه جلال الدین دوانی و امیر غیاث الدین شیرازی و امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله دانشمندان معروف دانش آموخته و در ۸۹۲ اجازة روایت از دوانی گرفته و سپس مدتی در هرات ندیم علیشیرنوازی و غریب میرزا پسر سلطان حسین بایقرا بوده و پس از مرگ سلطان حسین در ۹۰۲ بمراق و از آنجا باذربایجان بازگشته و در اردبیل در بقعه شیخ صفی الدین تدریس کرده و در ۹۵۰ که بیش از ۷۰ سال داشته در آنجا در گذشته است . وی دانشمندی عارف مشرب بوده و بیش از سی کتاب و رساله بفارسی و تازی و ترکی نوشته از آن جمله شرح اثبات الواجب دوانی و شرح تهذیب الاصول علامه و شرح اشکال التاسیس سمرقندی و حواشی و تعلیقات بر شروح هدایه و مواقف و شروح شمسیه و مطالع و تذکره و چغمینی و رساله بیست باب خواجه نصیر الدین طوسی و تحریر اقلیدس و مهج الدعوات سید بن طاووس را بفارسی ترجمه کرده و بزبان پارسی رساله ای در علم قافیه و بحر کی رساله ای در امامت نوشته و مهم ترین کتابهای او تاج المناقب فی فضایل الائمة و منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه است که هر دو را بنام شاه اسمعیل پرداخته و نیز تفسیر عربی و فارسی بر قرآن نوشته و تفسیر فارسی را در چند مجلد نوشته و تفسیر عربی تنها شامل سوره بقره است و نیز شرحی بر گلشن راز نوشته است . در شعر فارسی نیز دست داشته و غزل و رباعی می سروده و دیوان وی شامل دوهزار بیت شعر بوده است .

۱۴۳۶- میراثی شروانی ، وی نیز ظاهراً از غزل سرایان قرن دهم بوده است.

۱۴۳۷- امامی خلخالی ، در کردآوردن اشعار و سرودن شعر اهتمام بسیار داشته

و رباعی از او مانده است .

۱۴۳۸- خواجه امیر بیک کججی شهردار ، پسر امیر ابراهیم بن امیر زکریا

کججی بوده و خاندانش از مردم کجج با کججان در ناحیه مهرانرود در فرسنگی تبریز بوده اند . سر دفتر او ارچه نوپسان و مستوفیان و مهرداد دربار شاه طهماسب بوده و در حساب و سیاق دست داشته و در علم اعداد و حروف و نسخیر کواکب نیز مدعی بوده است . در آغاز دوسال در بغداد وزیر غازی خان تکلومهردار بود و سپس که غازی خان

لله بهرام میرزا شد با او بهرات رفت و چهار سال از ۹۳۶ تا ۹۳۹ در آنجا بود. سپس مدتی بشرکت خواجه غیاث الدین علی شیرازی وزیر دیوان شاه طهماسب بود. در ۹۵۷ که در آنجا بایجان بود چون شاه آنجا رفت بکفرکارهای نامناسبی که کرده بود او را محزول و محبوس کرد و آقا محمد شروانی را بجای او گذاشت. پس از چندی او را بشیراز فرستاد و چنانکه در شرح حال غزالی مشهدی آمده است در ۹۵۸ که وی از میرصدرالدین محمد پدر میر غیاث الدین منصور شیرازی تسخیر کواکب و مخصوصاً آفتاب را یاد گرفته بود در شیراز باین کاربرد اخت و چون شاه طهماسب خشمگین شد فرمان داد او را در صندوقی کردند و دستهایش را از سوداخی که در صندوق کرده بودند بیرون آوردند و بند بردستش زدند تا تواند با انگشتان خود سحر بکند و درین موقع غزالی در اردوی شاه بوده و شاه وی را نزد او فرستاد که اشعاری در سر زش وی بگوید. سپس که ازین گرفتاریها آزاد شده دستور داده اند چندی در کرمان بماند و پس از آن توایت آستان رضوی و سپس وزارت خراسان را باو داده اند و چون باز بنای ستمگری را گذاشته و برخی کارهای نامناسب از آن جمله پروردن کوساله زرد بر سطح مرتفع و آلودن روی خود بزعفران و جامه زرد پوشیدن پیش گرفته است شاه یکی از فورچیان خود را فرستاده و وی را گرفته نخست در قلعه قهقهه و سپس در قلعه الموت زندانی کرده اند تا آنکه در ۹۸۳ در آن قلعه در گذشته است. وی شاعری توانا بوده و اقسام مختلف شعر سروده است.

۱۴۳۹- میرزا محمد امینی تبریزی، ظاهراً وی بجز میرزا محمد امینی

تبریزی سابق الذکر بوده که تخلص وی را امین هم نوشته اند. در تبریز بزرگتری مشغول بوده و خود را در شعر قرین سعدی و خسرو دهلوی می دانسته و قصیده ردیف آفتاب را جواب گفته اما از عهد بر نیامده و در مطلع آن تزریق روی داده و نتوانسته است اصلاح بکند و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۴۴۰- مولانا ایرج تبریزی، از دانشمندان معروف زمان خود بوده و تا زمان

شاه طهماسب نیز می زیسته و اقسام مختلف شعر می سروده است.

۱۴۴۱- ملا بختی تبریزی، مردی دانشمند بوده و تا ۱۰۱۵ در شیراز می زیسته

و غزل سرا بوده است .

**۱۴۴۲- بزمی اردبیلی**، مردی بازرگن بوده و سفر بسیار کرده و نخست بهند و از آنجا به حج رفته است و سه سال در مکه مانده و از راه دریا به عراق بازگشته و چندی در کاشان مانده و سپس به اردبیل رفته و از آنجا در اندیشه رفتن بخاک عثمانی بوده و وسایل سفر را آماده کرده بود که تخریبش بطمع مالشبی بر سر او ریخته و او را در ۹۸۷ خفه کرده اند و ازو رباعی مانده است .

**۱۴۴۳- مولانا بزمی تبریزی**، مردی مهذب و لطیف طبع بود . سرانجام از تبریز بمحلات رفت و چون فکری محلاتی با او دشمن شده بود او را بکارد هلاک کرد و فکری نیز در اندک مدتی در گذشت . وی در غزل سرایی استاد بوده و دیوان خود را ترتیب داده بوده است .

**۱۴۴۴- فکری محلاتی**، چنانکه پیش ازین گذشت ساکن محلات بوده و در نتیجه دشمنی با برخی تبریزی سابق الذکری را بکارد در آن شهر کشته است و جزین در باره اش آگاهی نیست .

**۱۴۴۵- پناهی تبریزی**، پدرش بسیراب پزی روزگار می گذراند و وی غزل سرای بود و جزین دیگر اطلاعی ازو نیست .

**۱۴۴۶- شاه محمود نیشابوری معروف بزرین قلم**، خواهرزاده و شاگرد عبدی نیشابوری خوشنویس معروف و خود نیز از خوشنویسان نامی این عصر بوده است . در جوانی بدربارشاه طهماسب راه یافته و در کتابخانه شاهی کتابت می کرده و هنگامی که در تبریز بوده در مدرسه ضریه در بالاخانه شمالی آن می زیسته و چون پس از چندی شاه طهماسب دیگر بکتابخانه خود توجهی نداشت وی اجازه گرفت و به مشهد رفت و در مدرسه قدیمگاه نزدیک چهارباغ مجاور شد و بعبادت می پرداخت و بیست سال در آنجا شاگردان را تربیت می کرد و همواره مجرد زیست . تاریخ رحلت وی را ۹۷۲ نوشته اند اما برخی از خطوط که اعضای او را دارد از ۹۷۶ و ۹۸۲ و ۹۸۹ است و در هر صورت نوشته اند که نزدیک ۸۸ سال عمر کرده است . وی گذشته از آنکه از استادان مسلم خط نسخ و علیق

بوده و چند تن از خوشنویسان معروف مانند سلیم لیشابوری و حاج محمد تبریزی و محمد باخرزی و سلطان محمود تربتی و قطب الدین یزدی شاگردان وی بوده اند در شعر نیز دست داشته و اقسام مختلف شعر سروده و تریبیک ۵۰۰ بیت شعر از او مانده است .

۱۴۴۷- میرزا علی بیگلر بیلو ان تبریزی ، از شاعران دستگاہ سام میرزا صفوی و مردی عامی و بیلو ان زمر دستی بوده و غزل می سروده است .

۱۴۴۸- ملایاری یزدی ، در نزد دکاندار و مردی بد زبان بود و با وحشی باقی مهاجرات داشت و وحشی نیز اشعاری در هجو وی سروده است . نوشته اند وقتی بکشتن کسی متهم شده بود و حکم قتل او را داده بودند که فردای آن روز او را بکشند ، وی این مطلع را گفت :

از قتل ما خواهد شدن فردا تماشای دگر

چیزی نماند از عمر ما ، ما بیم و فردای دگر

و همین شعر باعث رهایی او شد و سرانجام در ۹۵۲ در گذشت . وی بیشتر غزل و رباعی می سروده است .

۱۴۴۹- تزریقی اردبیلی ، در شماخی روزگار را بدلالی می گذرانده و در صنعت تزییق در شعر دست داشته و همین جهت تزریقی تخلص می کرده و غزل نیز می سروده است .  
۱۴۵۰- ثباتی اردوبادی ، ظاهراً از شاعران غزل سرای قرن دهم و مردی نیکو سیرت و صورت بوده و در نواریخ دست داشته و در معما نیز استاد بوده است .

۱۴۵۱- جانبی تبریزی ، بگل کاری اشتغال داشته و از شاعران معروف زمان خود بوده و غزل می گفته است .

۱۴۵۲- میرزا جعفر بیگ تبریزی ، پسر ابوالقاسم بیگ و پسر عم حاتم بیگ اعتماد الدوله و از خاندان محتشم بود . نخست وزیر قزوین بود و در حکمرانی نجف قلی خان وزیر ایروان شد و در همان شهر در گذشت غزل را نیکو می سرود .

۱۴۵۳- میر جعفر جعفری تبریزی ، ظاهراً وی بجز میر جعفری سابق الذکر است . از سادات تبریز و مردی خوش طبع و نکته سنج بود و با جنونی قندهاری که مردی ژولیده

موی و سباه چرده بود ، در افتاده و او را هجو کرده و اقسام مختلف شعر می سروده است .  
**۱۴۵۴- خواجه جلال الدین محمد تبریزی ،** از بزرگان دربار صفویه بود و در املا و انشا دست داشت . پس از کشته شدن میرزا شاه حسین اصفهانی در ۹۲۹ وزیر شاه اسمعیل بود و تا پایان زندگي او این سمت را داشت . سپس وزیر شاه طهماسب شد ، اما دیوسلطان که الله شاه طهماسب و وکیل وی بود وسیله گرفتاری او را فراهم کرد و سرانجام در ۹۳۰ پس از چند روز او را از زندان بیرون آوردند و در بوریای پیچیدند و سوختند و پس از وی نظارت دیوان را بقاضی جهان فروینی دادند . وی شاعری غزل سرا بوده است .

**۱۴۵۵- خاندانه خانم جمالی تبریزی ،** دختر امیر یار گار وزنی زیبا و خوش ذوق و از سخن سرايان او آخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و او و خواهرش فخر النساء که نسایی تخلص می کرده هر دو غزل را استادانه می سروده اند . خاندان ایشان را تربتی نیز دانسته اند و ممکنست که تربتی بشیریزی یا برعکس تحریف شده باشد .  
**۱۴۵۶- جیشی ترکمان ،** از مردم آذربایجان و از غرلسرایان زمان شاه اسمعیل بوده است .

**۱۴۵۷- حافظ چرگر فراقی تبریزی ،** از خواشندگان بوده و بهمین جهت باو چرگر می گفته اند که به معنی خنیا گریست . در آواز استاد بوده و در هجا نیز مهارت داشته و مولانا زینی شاعر معاصر خود را هجو کرده و غزل را نیکو می سروده است .  
**۱۴۵۸- حاجی اردبیلی ،** از غزل سرايان این دوره بوده و دیگر درباره اش اطلاعی نیست .

**۱۴۵۹- حاجی تبریزی ،** از دانشمندان زمان خود بوده و برای کسب دانش بشیراز رفته و از شاگردان میرزا جان شیرازی دانشمند معروف در گذشته در ۹۰۷ بوده و غزل را استادانه می گفته است .

**۱۴۶۰- حاصلی تبریزی ،** در تبریز نزره گری روزگار می گذرانده و اقسام

شعر می سروده ا -

۱۴۶۱- حافظ مجلی تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و حافظ قرآن بوده و

آواز خوش داشته و شترغو و قانون را که از سازهای متداول آن زمان بوده خوب میزد و غزل نیز می گفت است .

۱۴۶۲- مولانا حالی آذربایجانی ، از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن

یازدهم بوده و نخست در شاهی چندان شهرتی نداشته است . در سال ۱۰۰۱ هجری بکاشان رفته و اسدخان پسر حکیم ابوالفتح تبریزی معروف به حکیم کوچک که از دانشمندان آن زمان بوده باعث رونق کار او شده و اقسام مختلف شعر می سروده است .

۱۴۶۳- حبیبی برکشادی ، از مردم برکشاد قصبه ای در گوی چای آذربایجان

بوده ، نخست در دربار سلطان یعقوب می زیسته و سپس بدربار شاه اسمعیل رفته و ملک الشعرای دربار او شده و بهزل او را گرز الدین بیک لقب داده بودند . سرانجام در زمان بایزید بخاک عثمانی رفته و در آن جا سیر و سیاحت بسیار کرده و در زمان سلطان سلیم (۹۱۸-۹۲۶) در آنجا در گذشته است . درباره وی نوشته اند که در آغاز کار کوفته گرد تربیت می کرد . روزی سلطان یعقوب او را در چراگاه دید و کسی را نزد او فرستاد که از او پرسش بکند . آن مرد نزد وی آمد و پرسید این بره ها از کیست؟ گفت از کوفته اند . سپس پرسید که بزرگان ده شما که هستند؟ گفت کاروان . گفت آنها را نمی گویم چون کسی وارد ده می شود چه کسانی زودتر پیش مردم می آیند؟ گفت سگان ده . سلطان یعقوب که این حاضر جوابی ها را ازو شنید او را نزد خود برد و تربیت کرد . حبیبی بفارسی و ترکی غزل را استادانه می سروده است .

۱۴۶۴- مولانا قطب الدین شده بافی یزدی ، در یزد بیافتن شده که کلاه ریشه

دار مانند عمامه بوده است روزگار می گذرانیده و اقسام مختلف شعر می سروده و تا سال ۹۹۱ زمان در گذشت و حشی زنده بوده است .

۱۴۶۵- حجاجی اردبیلی ، از غزل سرایان زبردست این دوره بشمار می رفته

است .

۱۴۶۶- حاج محمود حنفی تبریزی ، ظاهراً از شاعران قرن دهم و غزل سرا

بوده است .

۱۳۹۷- مولانا محمدالله اردبیلی ، از دانشمندان وارسته و مذهب زمان خود بوده و در پایان قرن دهم چندی در شیراز زیسته و رباعیات از او مانده است .  
۱۴۹۸- حلیمی اردبیلی ، روزگار را بسیاحت می گذرانده و سرانجام در اصفهان ساکن شده و غزل می سروده است .

۱۴۹۹- حلیمی شروانی ، از شاعران ایرانش که در نیمه اول قرن دهم در سوریه و در ترکیه می زیسته و اقسام مختلف شعر از او مانده و دیوانش در دست است .  
۱۴۷۰- حیرتی تبریزی ، از شاعران درجه دوم روزگار خود بوده و غزل می سروده است .

۱۴۷۱- خاتمی تبریزی ، روزگار را بکتاب فروشی می گذرانده و غزل سرا بوده است .

۱۴۷۲- خان میرزا ، پسر معصوم میرزا از خاندان صفوی بود . پدرش هدایتها در دربار شاه طهماسب سمت وکالت داشت . وی در علوم متداول و مخصوصاً در فقه از دانشمندان بود و غزل نیز می سروده است .

۱۴۷۳- خالصی تبریزی ، مردی زر دوست بوده و در نود سالگی در گذشته و غزل سرا بوده است .

۱۴۷۴- خراسی تبریزی ، مردی دانشمند و حافظ قرآن و بحسن گفتار معروف بوده و غزل می سروده است .

۱۴۷۵- خلقی تبریزی ، از شیخ زادگان النجف و مردی بسیار مذهب بوده و برای کسب دانش بهرات رفته و بابتدیع الزمان میرزا مصاحب شده و رباعی از او مانده است . نام وی را برخی خلف تبریزی ضبط کرده اند و پیدا است که یکی ازین دو تحریف دیگر است .

۱۴۸۱- خلیل تبریزی ، مردی دانشمند بوده و مسجدی در تبریز ساخته بوده و غزل می سروده است .

۱۴۷۷- خلیل نخجوانی ، در آغاز بزرگاری روزگار می گذراند ، سپس در دستگاه ترکان مقام وزارت یافت و پس از آن کلاتر نخجوان شد و در آبادانی آن شهر بسیار کوشید و از وی آثار بسیار در آن شهر مانده است . سرانجام نابینا شد و دوبار وزارت مکه رفت و در معما سرودن استاد بوده است .

۱۴۷۸- خیری تبریزی ، از شاعران درجه دوم زمان خود بوده و غزل می سروده

۱۴۷۹- دیوانه نقاش تبریزی ، از دیلمان دستگاه سلطان یعقوب بوده و غزل را استادانه می سروده است .

۱۴۸۰- زهنی تبریزی ، پدرش سیراب پز بوده و وی غزل را خوب می گفته است .

۱۴۸۱- رحمتی تبریزی ، از خوشنویسان زمان خود بوده و سیاه خط نسخ و ثلث را خوب می نوشته است . چندی در شیراز می زیسته و از آنجا بهند رفته و در اکره در ۱۰۲۵ در گذشته و هفت هشت هزار بیت دیوان از او مانده است .

۱۴۸۲- رفیقی تبریزی ، در شهر خود بمطربی روزگار می گذرانده و آهنگهای موسیقی متعدد ساخته بود ، اما مرد بدخویی بود و غزل نیز می سروده است .

۱۴۸۳- زلالی تبریزی ، مردی نیکو سیرت و صورت و غزل سرای بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۱۴۸۴- زین العابدین میرزا صفوی ، از شاهزادگان این خانواده و در غزل سرایی استاد بوده است .

۱۴۸۵- سموی تبریزی ، ظاهراً از غزل سرایان این دوره بوده و جزین درباره اش اطلاعی نیست .

۱۴۸۶- سیف الدین تبریزی ، از شاعران آغاز قرن دهم و غزل سرای بوده است .

۱۴۸۷- شاه حسین اردوبادی ، از شعرای معروف آذربایجان در پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و از آذربایجان به خراسان رفته و در هرات در مجلس عایشیرنواپی



وارد شده و جلب توجه او را کرده و قصیده و غزل می سروده است .

۱۴۸۸- سید معین الدین محمد شریفی تبریزی ، از خوشنویسان معروف زمان

خود و شاگرد میرعلی هروی در گذشته در ۹۵۱ بوده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۴۸۹- شعوری تبریزی ، در فن سیاق مهارت داشته و از غزل سرایان بوده است .

۱۴۹۰- ملا شمس الدین تبریزی معروف بشمسای صغیر ، از غزل سرایان

نکته سنج زمان خود بوده است .

۱۴۹۱- شمس الدین قواس تبریزی ، نیز از شاعران این دوره بوده و رباعی

از زمانده است .

۱۴۹۲- شمس شروانی ، روزگار را بسراجی می گذرانده و مردی عاشق پیشه

بوده و غزل را خوب می گفته است .

۱۴۹۳- قاضی شهاب مرندی ، نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۴۹۴- خواجه حاتم بیک اعتماد الدوله صافی اردوبادی ، از اعیان دربار

صفویه و عم زاده میرزا کافی اردوبادی بوده است . در آغاز وزیر بکتاش خان حکمران

کرمان بود و چون شاه عباس بکتاش خمان را برانداخت کاردانی وی را پسندید و

استیفای ممالک محروسه را باو داد و پس از عزل میرزا لطفی منصب وزارت را باو دادند

و سرانجام در شب آدینه ششم ربیع الاول ۱۰۱۹ که با آذربایجان رفته بود در پای قلعه دمدم

ارومیه بفجائنه در گذشت و پیکرش را بتبریز و از آنجا به مشهد بردند و در پای مرقد امام

هشتم بخاک سپردند . وی مرد بسیار کاردان و مذهب و دانشمندی بوده و با شاعران زمان

خود روابط نزدیک داشته و شیخ علی نقی کمره ای و میرزا ملک مشرقی شاعران معروف

آن زمان وی را مدح کرده اند و خود نیز گاه گاهی غزل می سروده است .

۱۴۹۵- صافی تبریزی ، مردی قلندر و همیشه سرگرم سیاحت بوده و از

دریوزه گری روزگار می گذرانده و در ضمن مرد قانعی بوده و غزل می سروده است .

۱۴۹۶- میرزا صالح تبریزی ، خود و پدرانش شیخ الاسلام تبریز بوده اند و

مردم شهر بوی و خاندانش احترام بسیار می کرده اند و در ضمن مرد عابدی بوده و شعر

فارسی و ترکی را خوب می گفته و در زمان خود بدین صفت معروف بوده و بفارسی غزل می گفته است .

۱۴۹۷- محمد حسین صبوری تبریزی ، پسر فرایک زرگر و از نقاشان هنرمند زمان خود بوده و مرد بسیار مهربانی بشمار می رفته و در اقسام مختلف شعر استاد بوده است .  
۱۴۹۸- صدر خیابانی تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و حافظ قرآن بوده و در موسیقی نیز دست داشته و قانون و شتر قورا بسیار خوب می زده و غزل را نیز خوب می گفته است .

۱۴۹۹- صفایی تبریزی ، در تبریز نشو و نما یافته و در حدود سال ۹۹۳ که ترکان عثمانی آن شهر را گرفته اند با عده ای از مردم آن شهر بقزوین گریخت و در آنجا در ۱۰۱۶ در گذشت و در همان شهر مدفون شد . وی در فقه استاد بود و در فرائد قرآن نیز دست داشت و خط نسخ را بسیار خوب می نوشت و با این همه هنر از دلاکی پیروز کار می گذراند و دکان وی مرجع دانشمندان بود و بی پاداش خدمت ایشان را می کرد و شبها قرآن می نوشت و هر قرآنی را که تمام می کرد بقاریان و حافظان مستعد می داد . در ضمن شاعر توانایی بود و غزل را استادانه می سرود و دیوان اشعار خود را ترتیب نداده است .

۱۵۰۰- حکیم ابوطالب تبریزی ، از بزرگان زادگان آن شهر بوده و در قزوین نیز شکی روز کار می گذراند و پس از مدتی بتبریز باز گشته و از آنجا بخواک عثمانی رفته و در بازگشت بتبریز در دستگاه جعفریاشا که در استیلائی ترکان عثمانی حکمران تبریز شده بود مقرب شده و در مجلس او از صفویه بد گفته است بهمین جهت در ۱۰۱۵ که شاه عباس تبریز را از ترکان گرفت بدستور وی او را کشتند و وی غزل می سروده است .  
۱۵۰۱- طرزی شبستری ، از غزل سرایان این دوره بوده و جزین در باره اش اطلاع نیست .

۱۵۰۲- طفیلی آذربایجانی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره در آذربایجان و از مملوکان جهان شاه قراقونیلو بوده و بدستار بندی روز کار می گذرانده است .

۱۵۰۴- محمد کاظم ظاهر اردبیلی ، ظاهراً از غزل‌سرایان قرن دهم بوده و  
ببرزگری روزگار می‌گذرانیده‌است .

۱۵۰۴- ظریفی تبریزی ، وی نیز از غزل‌سرایان این دوره بوده و بخرده فروشی  
روزگار می‌گذرانیده‌است .

۱۵۰۵- قاضی عبدالله خویی ، پسر قاضی سعدالله خود و پدرش قاضی خوی و  
سلماس بوده‌اند و وی مرد دانشمندی بوده و در خط تعلیق مهارت داشته و در نظم و نثر  
فارسی و ترکی و عربی استاد بوده ، نخست در دیوان صدارت مثال نویس بود و سپس از  
منشیان دربار شد و نامه‌های ترکی را اومی نوشت و رساله‌ای در واجبات ترکی نوشته‌است .  
در بازگشت سلطان محمد خداپسند و حمزه میرزا از مشهد در حوالی سبزوار در شوال  
۹۹۱ در گذشته است .

۱۵۰۶- درویش عبدی تبریزی ، مرد شوریده‌ای بوده و غزل می‌سروده‌است .

۱۵۰۷- عبدی شروانی ، خوش‌نویس و در شطرنج استاد و صوفی مشرب بوده و غزل  
را بسبک اهل شیرازی استادانه می‌سروده و در حدود سن ۴۰ سالگی در ۹۷۵ در تبریز  
در گذشته است .

۱۵۰۸- ملا ادهم عزلتی خلخالی ، از واعظان معروف زمان خود بوده و باب  
حادی عشر علامه حلی را بنام لوازم الدین بشعر فارسی بدوزن لیلی و مجنون نظامی  
ترجمه و تفسیر کرده‌است .

۱۵۰۹- سلطان محمد عزمی تبریزی ، مردی مقدس و مذهب بوده و قصاید بسیار  
در نعت رسول و خاندان وی سروده‌است و بسیار مالدار بوده و بیشتر به تجارت و سفر می‌گذرانده  
و پیش از سن چهل سالگی در ۱۰۱۰ در گذشته است .

۱۵۱۰- عشقی تبریزی ، روزگار را بکتاب نویسی می‌گذرانده و اقسام مختلف  
شعر و بیشتر معما می‌سروده‌است .

۱۵۱۱- میرزا عنایت تبریزی ، برادر میرزا صالح سابق الذکر شیخ الاسلام  
تبریز و مردی دانشمند بوده و غزل می‌سروده‌است .

۱۵۱۲- حافظ عندلیب تبریزی ، حافظ قرآن و خواننده زبردست بوده و از

اخبار و قصص آگاهی بسیار داشته و غزل را نیکو می گفته است .

۱۵۱۳- عهده‌ی باکویی ، خوشنویس بود و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشت

واز باکو بکابل و سپس بگیلان رفت و مورد توجه خان احمد خان قرار گرفت و در ۹۶۵ در گذشت و غزل می سرود .

۱۵۱۴- عهده‌ی تبریزی ، از شاعران توانای زمان خود بوده و در سرودن اشعار

مصنوع دست داشته و ظاهراً در ماوراءالنهر می زیسته است .

۱۵۱۵- فایقی تبریزی ، نوشته اند مریدی حریص و زر دوست بوده و غزل

می سروده است .

۱۵۱۶- فتحی شروانی ، مریدی درویش و صوفی مشرب بوده و اقسام مختلف

شعر می گفته است .

۱۵۱۷- فدایی تبریزی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و از خواجه

زادگان تبریز بوده و غزل را استادانه می سروده است .

۱۵۱۸- فردی اردبیلی ، مرد مذهبی بوده و از دانشمندان بشمار می رفته و در

اواخر قرن دهم سفری بکاشان کرده و رباعی ازومانده است .

۱۵۱۹- فردی تبریزی ، نخست بهلاقه بندی روزگار می گذرانید و پس از

چندی مجذوب شد و سرودها برهنه می گشت و بشاعری آغاز کرد و غزل می سرود .

۱۵۲۰- فصیحی تبریزی ، در تبریز بشکمه بندی روزگار می گذرانده و در زمان

شاه طهماسب بشاعری معروف و مورد توجه میرزا شرف جهان سیفی شد و سرانجام بشیرین باز گشت و در ۹۵۶ در آنجا در گذشت و غزل می سرود .

۱۵۲۱- فضل خلخالی ، برادر مولانا شیخ احمد و مرد دانشمندی بود و سالها

در مصاحبت میرزا شرف جهان می زیست و در علوم معقول دست داشت و در ۹۵۴ در گذشت

و ییکرش را بقزوین بردند و در کنار مرقده اش بایزید خلخالی بخاک سپردند و وی نیز غزل سرا بوده است .

۱۵۲۲ - امیر قمرالدین محمود اسکویی ، برادر دوم امیر صدرالدین محمد اسکویی سابق الذکر و برادر امیر نظام الدین احمد سابق الذکر و پسر امیر ابوالقاسم اسکویی و مرد دانشمندی بوده و با کیسوان بلند می رقصیده و غزل نیز می سروده است .

۱۵۲۳ - امیر ابوالمجاهد اسکویی ، برادر چهارم امیر صدرالدین محمد و امیر قمرالدین محمود و امیر نظام الدین و پسر امیر ابوالقاسم اسکویی سابق الذکر بوده و نوشته اند مردی متکبر بوده و برادرانش بواسطه وی به ذاب گرفتار شده اند و در چوگان بازی و قیق اندازی زبردست بوده و او نیز غزل می سروده است .

۱۵۲۴ - قرداش تبریزی ، روز کار را به چینی فردشی می گذرانده و مردی خوش صحبت و زبان آور بوده و غزل می سروده است .

۱۵۲۵ - میرزا کافی ، از یازمندان کان خواجه نصیرالدین طوسی بوده و پدرانش در آذربایجان قاضی و حاکم شرح بوده اند ، وی نیز مردی دانشمند خوش نویس بوده و تعلیق و شکسته نسخ تعلیق را خوب می نوشته و پس از عزل خواجه محمدی بیک منشی دربار صفویه شده و رتبه نسیبی نیز داشته و در ۹۶۹ در قزوین در گذشته و در مشهد مدفون شده است . غزلیات بسیار سروده است .

۱۵۲۶ - کلیمی تبریزی پنبه دوز اوغلی ، از شهرت او پیدا است که پسر پنبه دوز و مردی تنگ دست بوده و بفارسی و ترکی غزل می سروده است .

۱۵۲۷ - گرامی تبریزی ، پسر مولانا سموی خوشنویس و برادر رفعتی بوده و سفری به هند رفته و بازگشته و غزل می سروده است .

۱۵۲۸ - شیخ ابراهیم بن محمد بن حاجی ابراهیم بن شهاب الدین گلشنی بردعی ، در ۸۳۰ در شهر بردع یا بردعه تولد یافته و عم وی سیدعلی او را تربیت کرده و از آنجا تبریز رفته و از مریدان دده عمر روشنی از خلفای معروف سیدیحیی شروانی در گذشته در ۸۹۲ شده و تخلص خود را که هبیتی بوده بگلشنی تبدیل کرده و پس از مرگ وی جانشین او شده است . پس از تأسیس سلسله صفویه ظاهراً بواسطه آنکه سنی متعصب بوده بپاقره رفته بوده و در قبه المصطفی بارشاد طریقه گلشنی پرداخته و در مصر و خاک

عثمانی مریدان بسیار بهم زده است . در ۹۲۲ که سلطان سلیم آل عثمان مصر را گرفته بوی احترام بسیار کرده و رو بروی مؤبدیه جایی را باو بخشیده و وی هم از مریدان خود مبالغه گزافی گرفته و در آنجا در ده سال خانقاه مجملی ساخته و شهرت وی سلطان سلیمان رسیده و وی را بخاک عثمانی دعوت کرده و وی که در آن زمان ۱۰۵ سال داشته است بآنجا رفته و در آنجا در سال ۹۴۰ در گذشته است . گلشنی از بزرگان مشایخ تصوف قرن دهم بشمار می رود و طریقه وی هنوز در ترکیه و مصر رواج دارد . در تفسیر و حدیث و کلام و تصوف مردی دانشمند بوده و شعر تازی و پارسی را استادانه می سروده است و دیوان اشعار تازی و پارسی و ترکی او و چند مثنوی ازو مانده است از آن جمله مثنوی معنوی الخفی شامل چهل هزار بیت که در ۹۱۲ بروزن مثنوی مولانا جلال الدین سروده و دوپسر داشته است که ذکرشان پس ازین خواهد آمد .

۱۵۳۹ - شیخ احمد گلشنی زاده خیالی بردعی ، پسر مهتر گلشنی سابق الذکر بوده و پس از مرگ پدر جانشین وی شده و در ۹۷۷ در گذشته و اشعاری ازو مانده است .

۱۵۴۰ - سیدعلی صفوتی بردعی ، پسر کهنر گلشنی و برادر خیالی سابق الذکر بوده است . در ۹۷۷ پس از مرگ برادر جانشین وی شد و در ۱۰۰۵ در گذشت و پس ازو شیخ حسن پسر خیالی برادر زاده اش پیشوای طریقه گلشنی بود . وی نیز شعر فارسی می سروده است .

۱۵۴۱ گلشنی شبستری ، در تبریز بوکالت و نیابت قاضی روزگار می گذرانیده و غزل می گفته است .

۱۵۴۲ - محمد قلی ماهر اردبیلی ، از چادر نشینان سحرای مقان بوده و در اردبیل به عطاری روزگار می گذرانده و دیوان کوچکی شامل غزلیات ازو مانده است .

۱۵۴۳ - متینی تبریزی ، از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۵۴۴ - محمد حنفی تبریزی ، از دانشمندان مسلم زمان خود بوده و ظاهراً در آغاز دوره صفویه چون سنی معتصب بوده از آذربایجان به اوراالنهر هجرت کرده

و در بخارا در گذشته و در بیماری وی، عبدالله خان بیادش رفته و ازو خواسته است درباره فرزندانش بوی وصیتی بکند. وی در رشتهای مختلف مؤلفات چند داشته است از آن جمله حواشی بر مطالع و شرح آداب البحت عضدالدین ایچی بعنوان میزان الادب و وجیزه آداب البحت را درده سطر بیان کرده و شعر فارسی نیز می سروده و در بخارا حصن حصین و شمایل ترمذی و تفسیر بیضاوی را درس می داده است .

۱۵۳۵- محنتی اردبیلی، از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

۱۵۳۶- مسیحی تبریزی، از بازرگانان عیسوی تبریز بوده و رباعی از و

مانده است .

۱۵۳۷- علابیک مشکی تبریزی، بمشك فروشی روزگار می گذرانده و غزل

سرا بوده است

۱۵۳۸- میر محمود مشکی تبریزی، در قصیده و غزل استاد بشمار می-

رفته است .

۱۵۳۹- مقصود بنا تبریزی، پسر عبدالسلام بنا و معمار تبریزی و مردی

قانع و افتاده بوده و قصیده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۵۴۰- میرزا زین العابدین منشی اردوبادی، پسر میرزا عبدالحسین منشی

الممالك دربار صفویه و پسر عم حاتم بیك اعتمادالدوله بوده و شاعر زبردستی بشمار

می رفته و بیشتر غزل می سروده و نیز منظومه ای درباره آمدن جنغال اوغلی باذربایجان

و جنگهای شاه عباس با ترکان عثمانی در ۱۰۱۴ سروده است .

۱۵۴۱- هیللی تبریزی، روزگار را بیکلته و دوزی می گذرانده و درین فن استاد

بوده و غزل می سروده است .

۱۵۴۲- نازکی تبریزی، بتاج دوزی گذران می کرده و غزل سرای

بوده است .

۱۵۴۳- نامی تبریزی، بجز نامی تبریزی هروی سابق الذکر و برادر قوسی

تبریزی بوده و قصاید بسیار سروده و در ضمن غزل هم می سروده است .

- ۱۵۴۴ - نباتی تبریزی ، روزگار را بتقاشی ولاجوردشویی می گذرانده و غزل را خوب می گفته است .
- ۱۵۴۵ - مولانا حیدر نجاتی تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و در خط نسخ تعلیق استاد بوده و غزل می سروده است .
- ۱۵۴۶ - نجمی شروانی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی بی قید و غزل سرای بوده است .
- ۱۵۴۷ - قاضی محمد نصیری اردو بادی ، اقسام مختلف شعر می سروده است .
- ۱۵۴۸ - نوری تبریزی ، برادر قوسی بوده و در تابستان سقایی و در زمستان عسل فروشی می کرده و غزل بسیار گفته است .
- ۱۵۴۹ - وارثی اردبیلی ، از نجیبزادگان و مرد مهابدی بوده و در عراق و خراسان سفر بسیار کرده و در ۹۸۹ با ستراباد رفته و جزین از احوالش اطلاعی نیست . وی در غزل استاد بوده است .
- ۱۵۵۰ - واصلی تبریزی ، بابریشم فروشی روزگار می گذراند و سپس بازارگانی پرداخت و در جوانی در گذشت و غزل می سرود .
- ۱۵۵۱ - سید حسن واعظ فیضی شروانی ، مردی دانشمند و واعظی خوش بیان و در بیشتر از خطوط خوشنویس و در غزل نیز استاده بوده است .
- ۱۵۵۲ - ملا نصرالله واقف خلخالی ، پسر محمد عمر خلخالی و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در حکمت دست داشته و چون شافعی و سنی متعصبی بوده از اصفهان بخاک عثمانی گریخته و مدتی در مدرسهٔ عسرونیه در حلب تدریس کرده و مرد پارسا و افتاده‌ای بوده و در ۹۶۱ در گذشته است . وی حواشی و تعلیقاتی بر رسالهٔ اثبات الواجب علامه دوانی و شرحی بر هدایهٔ میبدی و کتابی بنام مجموعه الحساب نوشته و در ضمن در شعر فارسی استاد بوده و بیشتر اشعار نظامی و مولانا جلال الدین را از بر می خوانده و خود در غزل استاد بوده و دیوان کلانی از او مانده است .
- ۱۵۵۳ - ملا علیقلی واقف خلخالی ، خواهرزادهٔ ملا نصرالله سابق الذکر



بوده و تخلص وی را نیز واقف ضبط کرده اند و اقسام مختلف شعر می سروده و از و نیز دیوانی مانده است .

۱۵۵۴- وحیدی تبریزی ، ساکن قم بوده و بهمین جهت بقمی نیز معروف شده است و با مولانا خیرتی مهاجرات بسیار داشته است . نوشته اند مردی مہذب بوده و عروض و قافیه را خوب می دانسته و رساله ای درین فن نوشته که بمختصر وحیدی معروفست و از رایج ترین کتابهای این فنست و نیز مفتاح البدایع را در لغت فارسی نوشته است . در پایان زندگی بگیلان رفته و در ۹۴۲ در آنجا در گذشته است . وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و شهر انگیزی برای مردم تبریز سروده که معروف بوده است و دیوان اشعار وی مانده است .

۱۵۵۵- سلطان محمد و صالی تبریزی ، مردی دانشمند بوده و خط نسخ تعلیق را خوب می نوشته و در جوانی سفری بکاشان کرده و از آنجا به بندر فته و غزل را نیکو می سروده است .

۱۵۵۶- وفایی اردبیلی ، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۵۵۷- یاری تبریزی ، نوشته اند مردی عامی بوده و روزگار بخرد و فروشی میگذاشته و غزل می سروده است .

۱۵۵۸- یعقوب اردبیلی ، مردی دانشمند بوده و در ضمن آداب سپاهی گری را خوب میدانسته و بچند زبان از ان جمله فارسی و پهلوی آذر بایجان و ترکی شعر میگفته است .

۱۵۵۹- یقینی شروانی ، در شیراز می زیسته و شعر بسیار سروده و غزل سرا بوده است .

۱۵۶۰- خاطری کاشانی ، از متصوفه بوده و پس از سیاحت های بسیار در هندوستان در گذشته و رباعی از و مانده است .

۱۵۶۱- عبداللہ بن حسین بن صالح بن بایزید بن عامر بن دینار طالبی زنجانی ، از شاعران درجه دوم این دوره بوده که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است

۱۵۴۴ - نباتی تبریزی ، روزگار را بتقاشی و لاجوردشویی می گذرانده و غزل را خوب می گفته است .

۱۵۴۵ - مولانا حیدر نجائی تبریزی ، از مردم خیابان تبریز و در خط نسخ تعلیق استاد بوده و غزل می سروده است .

۱۵۴۶ - نجمی شروانی ، از شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و مردی بی قید و غزل سرای بوده است .

۱۵۴۷ - قاضی محمد نصیری اردو بادی ، اقسام مختلف شعر می سروده است .

۱۵۴۸ - نوری تبریزی ، برادر قوسی بوده و در تابستان سقایی و در زمستان عسل فروشی می کرده و غزل بسیار گفته است .

۱۵۴۹ - وارثی اردبیلی ، از نجیب زادگان و مرد مهابدی بوده و در عراق و خراسان سفر بسیار کرده و در ۹۸۹ باستراباد رفته و جزین از احوالش اطلاعی نیست . وی در غزل استاد بوده است .

۱۵۵۰ - واصلی تبریزی ، باهریشم فروشی روزگار می گذراند و سپس بازارگانی پرداخت و در جوانی در گذشت و غزل می سرود .

۱۵۵۱ - سید حسن واعظ فیضی شروانی ، مردی دانشمند و واعظی خوش بیان و در بیشتر از خطوط خوشنویس و در غزل نیز استاده بوده است .

۱۵۵۲ - ملا نصرالله واقف خلخالی ، پسر محمد عمر خلخالی و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در حکمت دست داشته و چون شافعی و سنی متعصبی بوده از اصفهان بخاک عثمانی گریخته و مدتی در مدرسهٔ عصر و نیه در حلب تدریس کرده و مرد پارسا و افتاده ای بوده و در ۹۶۱ در گذشته است . وی حواشی و تعلیقاتی بر رسالهٔ اثبات الواجب علامه دوانی و شرحی بر عهد ایة میبیدی و کتابی بنام مجموعه الحساب نوشته و در ضمن در شعر فارسی استاد بوده و بیشتر اشعار نظامی و مولانا جلال الدین را از بر می خوانده و خود در غزل استاد بوده و دیوان کلانی از او مانده است .

۱۵۵۳ - ملا علیقلی واقف خلخالی ، خواهرزادهٔ ملا نصرالله سابق الذکر

بوده و تخلص وی را نیز واقف ضبط کرده‌اند و اقسام مختلف شعر می‌سروده و از و نیز دیوانی مانده است.

۱۵۵۴- وحیدی تبریزی، ساکن قم بوده و بهمین جهت بقمی نیز معروف شده است و با مولانا خیرتی مهاجرات بسیار داشته است. نوشته‌اند مردی مذهب بوده و عروض و قافیه را خوب می‌دانسته و رساله‌ای درین فن نوشته که بمختصر و وحیدی معروفست و از رایج‌ترین کتابهای این فنست و نیز مفتاح البدایع را در لغت فارسی نوشته است. در پایان زندگی بگیلان رفته و در ۹۴۲ در آنجا درگذشته است. وی در اقسام مختلف شعر دست داشته و شهر انگیزی برای مردم تبریز سروده که معروف بوده است و دیوان اشعار وی مانده است.

۱۵۵۵- سلطان محمد و صالی تبریزی، مردی دانشمند بوده و خط نسخ تعلیق را خوب می‌نوشته و در جوانی سفری بکاشان کرده و از آنجا به بندر رفته و غزل را نیکو می‌سروده است.

۱۵۵۶- وفایی اردبیلی، وی نیز از غزل سرایان این دوره بوده است.

۱۵۵۷- یاری تبریزی، نوشته‌اند مردی عامی بوده و روزگار بخرده و فروشی می‌گذرانده و غزل می‌سروده است.

۱۵۵۸- یعقوب اردبیلی، مردی دانشمند بوده و در ضمن آداب سپاهی گری را خوب میدانسته و بچند زبان از آن جمله فارسی و پهلوی آذربایجان و ترکی شعر میگفته است.

۱۵۵۹- یقینی شروانی، در شیراز می‌زیسته و شعر بسیار سروده و غزل سرا بوده است.

۱۵۶۰- خاطری کاشانی، از متصوفه بوده و پس از سیاحت‌های بسیار در هندوستان در گذشته و رباعی از او مانده است.

۱۵۶۱- عبدالله بن حسین بن صالح بن بایزید بن عامر بن دینار طالبی زنجانی، از شاعران در جلد دوم این دوره بوده که از احوالشان اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است

که در خاک عثمانی میزیسته و در ۹۵۵ دیوان بحر المعادفی ارشاد العباد را که مثنوی بوزن لیلی و مجنون نظامیست بنام سلطان سلیمان عثمانی پایان رسانیده است.

۱۵۶۲ - **خوارزمی** ، نیز از شاعرانیست که نامش را در جایی ضبط نکرده اند

و وی نیز ظاهراً در خاک عثمانی در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میزیسته و پس از سفری بشام در ۹۱۴ مثنوی کوچکی در حدود ۵۰۰ بیت بنام محبت نامه برون شیرین و فرهاد و حسی بترکی و فارسی سروده و بهمان وزن غزلیاتی از خود گنجانیده و تا اندازه ای در شعر توانا بوده است .

۱۵۶۳ - **ابوالقاسم میرزا بابری** ، پسر میرزا کامران پسر درم ظهیرالدین

بابر بود و در ۹۶۴ که پدرش پس از ناکامی از دعوی سلطنت از جهان رفت همایون فرمان داد وی را بکشتند . وی در شعر فارسی استاد بوده است .

۱۵۶۴ - **شاه زین العباد عابد بیرمی** . معروف بشاه زنده از مردم یرم در سر

زمین لار فارس و از دانشمندان و مشایخ محترم و از سادات بوده و کرامات از و نقل کرده اند و کتابی در مقامات وی نوشته اند و غزل را نیکو می سروده و ظاهراً عابد تخلص میکرده است .

۱۵۶۵ - **ابوالمعالی غربتی لاهوری** . ظاهراً از صوفیه معروف قرن دهم

هندوستان بوده و غزل را استادانه می گفته است .

۱۵۶۶ - **غیری کرمانی** ، از طوایف نرک کرمان و مردی صوفی مشرب بوده

و سفر بسیار کرده و سرانجام در ۱۰۱۷ کشته شده و رباعی از و مانده است .

۱۵۶۷ - **قیری بغدادی** ، از احوالش اطلاعی نیست ، همین قدر نوشته اند که

از مشایخ زمان خود بوده و ظاهراً در قرن دهم می زیسته و رباعیات از و مانده است .

۱۵۶۸ - **لولی هندوستانی** ، از احوال وی نیز اطلاعی نیست و چنان می نماید

که در قرن دهم میزیسته و مردی صوفی منش بوده و غزل می سروده است .

۱۵۶۹ - **ملا محمد مرشدی زواره ای** ، وی نیز مردی صوفی مشرب و برادر

مولانا سپهری زوارجی بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته و غزل و رباعی می گفته است .

۱۵۷۰ - نیازی کرمانی ، از احوال اطلاع درستی نیست و همین قدر پیدا است که يك مثنوی بروش مخزن الاسرار نظامی و بهمان وزن سروده و ظاهراً در قرن دهم می زیسته است .

۱۵۷۱ - شیخ نجم الدین یعقوبی ساوجبی ، از کار گزاران دربار سلطان یعقوب و از مردم اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و بواسطه انتساب بسطان یعقوبی تخلص می کرده و عم قاضی مسیح الدین عیسی بوده و از دانشمندان بشمار میرفته و چندی نیز در مقام وزارت بوده و غزل می سروده است .

۱۵۷۲ - یوسف تبیینی ، از مردم سرزمین تبیین در هندوستان و مردی دانشمند و غزل سرای بوده است .

۱۵۷۳ - ابوسعید گالیبی ، از متصوفه هند و مردی مرتاض بوده و در زمان اکبر می زیسته و شعر فارسی می گفته است .

۱۵۷۴ - شیخ ابوالقاسم امری شیرازی ، مردی دانشمند بوده و در علوم غریبه دست داشته و بهمین جهت بطریقه نقطوی گرویده بود و حکم قتل او را صادر کردند اما شاه طهماسب فرمان داد وی را در ۹۳۲ کور کردند و بدان حال می زیست تا آنکه در ۹۹۹ در شیراز عوام وی را کشتند . وی را مولفاتیست از آن جمله رساله ذکر و فکر و جواب مرآة الصفا و با خواجه محمود دهمدار دوستی داشته و اقسام شعر را نیکو می سروده است .

۱۵۷۵ - امیر محمد امین ذوقی کاشانی ، از تر کمانان بوده و در کاشان کسب دانش کرده و در حکمت از شاگردان میرزا جان شیرازی و معاصر شاه طهماسب بوده و پس از مدتی سیاحت منزوی شده و در ۹۶۹ در گیلان در گذشته و غزل می سروده است .

۱۵۷۶ - حکیم شاه رضا شیرازی ، از دانشمندان زمان خود بوده و در زمان جلال الدین اکبر به بندر رفته و در همان جا در گذشته و رباعیات از او مانده است .

۱۵۷۷ - علمی قلندر هندی ، معروف بشاه علمی ظاهراً از متصوفه و غزل

سرایان قرن دهم بوده

۱۵۷۸ - مجد الدین طالع ، از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر نوشته اند که

مردی نکته‌دان بوده و ظاهراً در قرن دهم میزیسته و غزل می‌سروده است .

۱۵۷۹ - وقوعی سمنانی ، مردی دانشمند و مذهب و از شاعران دربار حلال

الدین محمد اکبر بوده و خط شکسته را خوب می‌نوشته و رباعی از او مانده است .

۱۵۸۰ - غریبی بلیانی کازرونی ، از بازماندگان شیخ اوحداالدین عبدالله

کازرونی مؤلف رساله دایره بوده و ظاهراً در قرن دهم میزیسته و مرد دانشمندی بوده و

در علوم غریبه مخصوصاً جغرافیه و اعداد دست داشته و ساقی نامه و دیوان غزل از او مانده است .

۱۵۸۱ - امیر جلال الدین حسن اصفهانی ، از اشراف اصفهان و اعیان دربار

صفویه بوده و در پایان زندگی مدتی صدارت اصفهان را داشت و در حوالی شروان در

۱۰۱۴ در گذشت و اقسام مختلف شعر سروده است .

۱۵۸۲ - کمالی زیمانی . ظاهراً از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

۱۵۸۳ - مبارکشاه خاتمی ، وی نیز ظاهراً از شاعران قرن دهم بوده و رباعی

از او مانده است .

۱۵۸۴ - علامه چلبی بیگ تبریزی ، از اعیان و دانشمندان آن شهر بوده و

در حدود سال ۱۰۰۰ بهند رفته و همان جا در گذشته و غزل می‌سروده است .

۱۵۸۵ - مولانا خزانی شیرازی ، مردی فقیر بوده و در شیراز بمکتب داری

روزگار می‌گذرانده و غزل سرا بوده است .

۱۵۸۶ - نظام الدین علی سیاقی ، از کارگزاران نامی دربار صفویه بوده

است ، نخست مستوفی کوه گیلویه و کازرون بوده و سپس وزارت کل فارس را باو

داده اند و مردی دانشمند بشمار میرفته و در تاریخ و علم سیاقی و موسیقی بر دیگران

برتری داشته و کتاب فتوحات شاهی را نوشته و غزل را نیکو می‌سروده و سیاقی

تخلص می‌کرده است .

۱۵۸۷ - امیرشاهکی اصفهانی ، از اعیان اصفهان بوده و غزل را نیکو می سروده است .

۱۵۸۸ - احمد میرك مشهدی ، برادر محمد میرك صالحی مشهدی و وی نیز شاعر بوده است .

۱۵۸۹ - مولانا ضیاء الدین کاشانی ، در کاشان مدرس بود و حکمت و علوم عقلی درس میداد و غزل و رباعی را نیکو می سرود .

۱۵۹۰ - میرزا ضیاء الدین جابری ، ظاهراً از شاعران قرن دهم اصفهان و غزل سرا بوده است .

۱۵۹۱ - عارف گیلانی - در حدود ۹۷۵ در شیراز می زیسته و او هم غزل می سروده است .

۱۵۹۲ - امیر عبدالغنی تفرشی ، مردی مہذب و با ذوق بوده و چندی در شیراز علوم عقلی آموخته و مدتی هم در همدان بوده و او هم غزل می سروده است .

۱۵۹۳ - قاضی علایی کرهرودی ، از مردم کرهرود قم و منشی و دانشمند بوده و غزل میگفته است .

۱۵۹۴ - قاسم تونی ، نیز از غزل سرایان این دوره بوده است .

۱۵۹۵ - لطفی شیرازی ، در حدود سال ۹۹۰ در اصفهان بوده و رباعی از او مانده است .

۱۵۹۶ - امیر نصیبی ، بجز نصیبی گیلانی و نصیبی اندجانی و نصیبی نوربخشی یزدی و غزل سرا بوده است .

۱۵۹۷ - قاصی نورالدین اندمانی اصفهانی ، اصلاً از مردم اندمان بوده و در قزوین و اصفهان نشو و نمایافته و در علوم عقلی شاگرد افضل الدین محمدثرکه بوده و تا ۹۹۲ زیسته و در اقسام شعر استاد بوده است .

۱۵۹۸ - مولانا همدی جهرمی ، مردی تنگ دست بوده و تا ۹۹۰ می زیسته و رباعی از او مانده است

۱۵۹۹ - یحیی آملی ، ظاهراً از غزل سرایان قرن دهم بوده است .

در همدتی که این کتاب در زیر چاپ بود پیوسته بنکاتی برمی‌خوردم که در گرد آوردن مطالب این کتاب فرو گذار شده بود و اینک آنها را بعنوان تکمله برین کتاب می‌افزایم. در آغاز هر مطلبی ص اشاره بصحیفه و ش اشاره بشماره‌ایست که این مطلب باید بر آن افزوده شود.

ص ۱۸ : درباره عباس مروزی که وی را از شاعران قرن دوم دانسته‌اند و برخی نام او را ابوالعباس ضبط کرده‌اند این نکته را آورده‌اند که اشعاری در مدح مأمون خلیفه عباسی سروده‌است ، چنان می‌نماید که آن قطعه از شاعری در مدح ابوالعباس مأمون خوارزمشاه پادشاه خوارزم بوده باشد که از ۳۹۰ تا ۴۰۷ در خوارزم پادشاهی کرده‌است و آنرا از ابوالعباس در مدح مأمون خلیفه دانسته باشند .

ص ۱۸-۲۰ : درباره شعرای قرن سوم این نکته را باید افزود که تذکره نویسان ذکر از شاعری کرده‌اند بنام محمود وراق هروی و گفته‌اند که معاصر طاهریان و صفاریان بوده و تاریخی نیکو نوشته و کنیز کی داشته زیبا و محمد بن طاهر طالب آن شده با دوهیمیان زر بخانه او رفته و چون دانست که خواجه و کنیزك بیکدیگر دلبستگی دارند از آن کار باز گشته وزرها را بخواجه بخشیدند و بیرون رفته و وی در ۲۲۱ در گذشته است و این اشعار ازوست :

نگارینا ، بنقد جانت ندهم      گرانی در بها ، ارزانت ندهم  
گرفتسم بجان داهان وصلت      نهم جان از کف و داهانت ندهم

درین زمینه اشتباهی کرده‌اند و آن اینست که محمود وراق دیگری بوده‌است بجزوی که ظاهر اُتال و ایل قرن پنجم می‌زیسته و کتابی در تاریخ نوشته که ابوالفضل بیهقی پیروی از او کرده و او وقایع را بسال ۴۰۹ رسانیده و بیهقی از آن پس را نوشته



وازين قرار تا ۴۰۹ زنده بوده است و کسی که معاصر طاهریان و صفاریان بوده است نمی‌توانسته تا ۴۰۹ زنده مانده باشد .

امام محمود و راق شاعر دوره طاهریان، منهاج الدین بن سراج الدین جوزجانی در طبقات ناصری ( چاپ عبدالحی حبیبی ج ۱ ص ۲۳۴ ) درباره محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر پنجمین پادشاه سلسله طاهری که از ۲۴۸ تا ۲۵۹ حکمرانی داشته چنین نوشته است : « سخاوت محمد طاهر عبدالله ، علیه الرحمه : از روایت افاضل چنین روایت می‌کنند که : در نیشابور شخصی بود از افاضل عصر ، که او را محمود و راق گفتندی ، کنیز کی داشت بر بطنی . در غایت لطف بکمال . حدیث جمال آن کنیزك و طبع راست و نظم او بسمع محمد طاهر رسیده بود که : خود غزل می‌گوید و می‌سازد و بر بطن می‌زند . بسبب این اوصاف دل محمد طاهر بوصل او میل کرد و بکرات آن کنیزك را از محمود و راق درخواست کرد ، بپهای تمام و بهیچ وجه میسر نمی‌شد ، که محمود و راق به عشق آن کنیزك گرفتار بود و این کنیزك را « راتبه » نام بود . چون مدتی بر آمد و تمام اموال و ثروت محمود و راق بعشرت و بذل بآن کنیزك راتبه نام صرف شد و هیچ باقی نماند ، محمود و راق بخدمت امیر طاهر کس فرستاد که : عنایت فرمای و بیا ، که کنیزك بتوفروشم . چون این پیغام بمحمد طاهر رسید بغایت شادمانه شد و خرم گشت . بفرمود تما چهارده بدره سیم بیاوردند و بخادم داد و خود برخاست و از راه حرم بخانه محمود آمد و چون بنشست و سیم و زر در نظر محمود و راق افتاد ، محمود و راق چون آن حال مشاهده کرد راتبه را گفت : ای راتبه ، جامه در برپوش و استعداد خدمت امیر کن ، که ترا بوی بفروشم . چون کنیزك آن سخن بشنید گریه بروی مستولی شد ، چنانکه آواز او امیر محمد طاهر شنید . محمود گفت : ای راتبه ، موجب بکا و تضرع چیست ؟ گفت : یا مولای هذا آخر امری و آخر امرك . آخر کار من و تو این بود که در آخر کار مرا از خود جدا کنی ؟ محمود گفت : این همه از عشق تومی کنم . که چون در دست من از مال چیزی باقی نماند ، تا تو آسوده باشی ، ترا بحریم امیر می‌فرستم ، که تا باقی عمر

در راحت گذاری . کنیزك جواب داد: اگر برای من می کنی مکن . قبول کردم .  
باقی عمر برای تو مال ، بکسب آنچه لایق عورات باشد ، از متاع و دامنی بافتن  
حاصل کنم و خود را و ترا بدارم . محمود وراق گفت : اگر چنینست من ترا آزاد  
کردم و بزنی بنورده دینار و نیم مهر عقد کردم . چون محمد طاهر این مذاکره عشق  
وراق و کنیزك راتبه بشنید برخاست و دست بدامن جامه خود زد و گفت :  
هر چهار بنده سیم شما راست و قال : مالکما ان افعلتما ذلك ، فان المال لکما .  
کل این مال شما را بخشیدم ، باقی عمر را در راحت بگذرانید و باز گشت و ذکر  
سجود او باقی ماند...»

چنان می نماید که این مطالب را منهاج الدین بن سراج الدین از زبان تازی  
ترجمه کرده باشد و درباره این محمود وراق شاعر که اشعاری بزبان تازی از او  
مانده است در کتابهای ادب تازی مطالبی نظیر این هست و اشعاری از وضبط کرده اند  
از آن جمله در کتاب الشعر و الشعرای ابن قتیبه (چاپ قاهره ۱۳۶۶-ج ۲ ص ۸۴۴)  
و کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی (چاپ قاهره ۱۳۳۷ ج ۱۴ ص ۱۹۷-۱۹۸) و در طبقات  
الشعراء فی مدح الخلفاء والوزراء تألیف عبدالله بن معتر (چاپ اوقاف گیب  
ص ۱۷۴-۱۷۵). در نهایت الارب نویری (ج ۳ ص ۸۵) در باره او چنین آمده است :  
«محمود الوراق ، هو محمود بن الحسن البغدادی مولی بنی زهره و یکی ابوالحسن» .  
نسبت بغدادی شاید بدان جهت بوده باشد که چندی در بغداد زیسته است و چون  
پای تخت طاهریان و محمد بن طاهر نیشابور بوده و منهاج الدین بن سراج الدین نیز  
تصریح کرده که در نیشابور بوده است باید گفت که ابوالحسن محمود بن حسن  
وراق نیشابوری معاصر محمد بن طاهر بوده است . در طبقات الشعراء تاریخ رحلت  
وی حدود ۲۳۰ نوشته شده و تذکره نویسان فارسی چنانکه گذشت ۲۲۱ ضبط کرده اند  
اما چنانکه گذشت محمد بن طاهر از ۲۴۸ تا ۲۵۹ حکمرانی کرده است و شاید روابط  
وی با محمود وراق پیش از حکمرانی وی در نیشابور بوده باشد . بدین گونه می توان  
گفته تذکره نویسان را درباره ابوالحسن محمود بن حسن وراق نیشابوری در

گذشته در ۲۲۱ که از شاعران دوره طاهریان در آغاز قرن سوم بوده است پذیرفت. از اشعار تازی وی در عقد الفرید و کتابهای جاحظ و کامل مبرد نیز هست.

ص ۲۳: در گذشت بندار رازی را در ۴۳۳ هم ضبط کرده‌اند.

ص ۲۴: درباره ابوالقاسم بشر بن محمد بن یاسین: رحلت وی را در ۳۰۸ یا در ۳۸۱ در نیشابور یا در مهنه نیز ثبت کرده‌اند.

درباره طاهر عریان همدانی باید افزود که کلمات قصاری بزبان تازی بدو منسوبست که شرحی بتازی بر آن بعین القضاة همدانی نسبت داده‌اند و شرح عربی دیگری هست که شارح آن معلوم نیست و ملاسلطانعلی گنابادی نیز دو شرح فارسی و عربی بر آن نوشته است.

ص ۲۵: شاهسار، بگمانم در اصل شاه‌شار بوده باشد و مراد از آن شار ابونصر محمد بن اسد از خاندان فریقونیانست که در ۴۰۵ محمود غزنوی وی را اسیر کرد و در ۴۰۶ در هرات در گذشت و وی بیشتر بلقب خانوادگی خود «شاه‌شار» معروف بوده است.

ص ۲۵: لمعانی عباسی، بگمانم لمغانی بوده است، منسوب بلمغان ناحیه‌ای در میان افغانستان و سرزمین سند، بدین گونه می‌بایست نام درست این شاعر عباسی لمغانی بوده باشد.

ص ۲۶، در پایان مبحث شاعران قرن چهارم این نکات را باید افزود:

در يك نسخه از یوسف وزلیخای منسوب بفردوسی در مقدمه برخی اشعار الحاقی هست که معلوم نیست از کیست و در آن اشعار گفته شده است که پیش از نظم این نسخه‌ای که بفردوسی نسبت داده‌اند ابوالمؤید بلخی و بختیاری اهوازی که در هیچ‌جای دیگر اثری ازو نیست داستان یوسف وزلیخا را بنظم آورده‌اند. این مطلب را برخی باور کرده‌اند و حال آنکه کاملاً نادرست و مجعولست.

در کتابخانه ملی پاریس کتابی هست شامل طب منظوم بنام منصوری که میسری نام شاعر و پزشکی در ۶۶۷ بنظم آن آغاز کرده و در ۶۷۰ پایان رسانیده

و کاتب این نسخه که در ۸۵۲ آنرا نوشته ششصد را چنان نوشته است که سیصد و هفتم خوانده می شود بهمین جهت برخی پنداشته اند که این منظومه از ۳۶۷ تا ۳۷۰ سروده شده و این درست نیست .

دیگر آنچه از آثار نظم فارسی در قرن چهارم باقی مانده است منظومه مولود زردشت از کیکاوس پسر کیخسرو و سردار از مردم شهر ری است که در حدود ۳۶۵ آنرا نظم کرده است و چون نسخهای که از آن بدست آمده بخط زراشت پیرام بن پژدو در قرن هفتم بوده است بخط ازو دانسته و تاریخ نظم آنرا ۶۴۷ پنداشته اند .  
ص ۲۹ : درباره کتاب هدایه المتعلمین باید این نکته را افزود که مؤلف شاگرد ابوالقاسم مقامی و او در طب شاگرد محمد بن زکریای رازی بوده و این کتاب را برای پسرش تألیف کرده است .

ص ۲۹ : درباره کتاب عقاید ، این کتاب بنام سواد الاعظم بزبان تازی از ازا بوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن زید سمرقندی معروف بحکیم سمرقندی در گذشته در عاشورای ۳۴۲ و مدفون در قبرستان چاکر دیزه سمرقند در عقاید حنفیان بوده که بفرمان اسمعیل بن احمد سامانی (۲۷۹-۲۹۵) نوشته و مترجمی که نام آن معلوم نیست در زمان نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۲) بفارسی ترجمه کرده و این ترجمه را خواجه محمد پارسا پیشوای معروف نقشبندیان در ۷۹۵ تهذیب و از نو تحریر کرده و این تهذیب اکنون در دست است .

ص ۲۹ : درباره ابوالبراهیم اسمعیل بن محمد مستملی : در ۱۶ ذیقعدة ۴۳۴ در بخارا در گذشته است .

ص ۳۱ : درباره آثار ابن سینا : رساله حی بن یقظان وی را یکی از شاگردانش بفارسی ترجمه کرده است .

### قرن پنجم

ص ۳۹ ش ۱۴ : فردوسی ، ولادت وی را از ۳۲۳ تا ۳۲۹ حساب کرده اند .  
ص ۴۱ : یوسف وزلیخای منسوب بوی از شاعر دیگری در قرن پنجم است که

در يك نسخه خطی تخلص وی امانی خوانده می شود و در نسخه دیگر شمسی، چنانکه پس ازین خواهد آمد .

ص ۴۴ ش ۱۵ : آنچه درست ترست اینست که عیوقی داستان ورقه و گلشاه را بنام محمود بن محمد بن ملکشاه سلجوقی (۵۱۱-۵۲۵) سروده است .

ص ۴۵ ش ۱۲ : ایران شاه بن ابوالخیر ، احتمال می رود وی برادر شهردان ابن ابوالخیر بوده باشد و چنان می نماید که از بهمن نامه او نسخه ای باقی مانده است .  
ص ۴۸ ش ۱ : اردشیر بن دیلمسپار نجمی شاعر که اسدی فرهنگ خود را برای او نوشته است همان کسیست که یگانه نسخه موجود ترجمان البلاغه تألیف محمد بن عمر را دویانی را در اواخر رمضان ۵۰۷ پایان رسانیده و در آنجا نام خود را ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار نجمی قطبی شاعر نوشته است .

ص ۵۲ ش ۹ : تاریخ کشته شدن ابوالحسن علی بن حسن باخرزی را در ماه ذی قعدة ۴۶۷ ضبط کرده اند .

ص ۵۲ ش ۵ : ابو عبدالله علی بن محمد بن عبدالله باکویه : باکویه نام جدش بوده است . تولد وی در حدود سال ۳۳۶ روی داده و از آثاری که بزبان تازی از او باقی مانده کتاب اخبار الغافلین و رساله بدایة حال الحسین بن منصور الجلاج و نهایته است . در نیشابور با ابوسعید ابوالخیر و در شیراز با ابوعبدالله محمد بن خفیف دیدار کرده است . رحلت وی را در ۴۲۸ هم نوشته اند . این که در شیراز با باکوهی معروف شده و سعدی نیز در بوستان نام وی را چنین آورده است با باکوهی می بایست تحریفی از باکویه بوده باشد .

ص ۵۸ ش ۶ : عبدالله انصاری : ساختمان مقبره وی را در گازر گاه هرات فرمان شاه رخ تیموری در ۸۲۹ آغاز کرده و در ۸۳۰ پایان رسانیده اند . کتاب طبقات الصوفیة وی بنام طبقات المشایخ نیز معروفست . دیگر از آثار وی بزبان فارسی رساله صد میدانست . تفسیر وی را ابوالفضل رشیدالدین میبدی در کتاب کشف الاسرار و عدة الابرار که در ۵۲۰ تألیف کرده جایجا نقل کرده است . کتابهای

دیگری که در مناقب وی نوشته اند کتابیست تألیف ابو عبدالله حسین کتبی از اصحاب او و کتاب المنثور من الحکایات والسؤالات تألیف محمد بن طاهر حافظ متوفی در ۵۰۷ که وی نیز از اصحاب او بوده است . بر کتاب منازل السائرین وی شرح چند نوشته اند از آن جمله مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد و ایاک نستعین تألیف ابو عبدالله محمد بن ابوبکر بن ایوب معروف بابن قیم الجوزیه و شرح کمال الدین حسین بن شهاب الدین اسمعیل طبسی گازر گاهی هروی و شرح ابویعقوب یوسف همدانی بفارسی و شرح کمال الدین عبدالرزاق کاشانی و شرح زین الدین خوافی و شرح عبدالرؤف مناوی و شرح یوسف بن عبدالله کورانی و شرح عفیف الدین سلیمان بن علی تلمسانی و شرح ابراهیم حنبلی و شرح شمس الدین ششتیری و نسیم المقرین تألیف شمس الدین محمد بن طاهر قاضی تهاذکانی و مرآة الناظرین تألیف جمال الدین یوسف بن داود فارسی و شرح سدید الدین ابو محمد عبدالمعطی بن ابوالثنا محمود بن عبدالمعطی لخمی اسکندری و شرح محمود بن حسن بن محمد فرکاوئی قادری .

ص ۶۰ ش ۷ : رساله الندامه الی زاد القیامه را بنام ندامت نامه ظاهر ادر بدخشان بفارسی ترجمه کرده اند و در آن رساله نسب نامه مجعول ناصر بدین گونه است : ناصر بن خسرو بن حارث بن علی بن حسین بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا و لقب او را سید معین الدین نوشته اند .

ص ۶۲ : دیگر از آثار منظوم قرن پنجم یوسف و زلیخا بیست که بخطا بهردوسی نسبت داده اند و در یک نسخه تخلص سراینده آن شمس آمده است و این داستان را از روی کتابی شامل قصه یوسف بنام تاج القصص یا احسن القصص نظم کرده اند که در ۴۶۵ یا ۴۷۵ فراهم شده و ناچار نظم این داستان پس ازین تاریخ بوده است . دیگر بهمن نامه شهردان بن ابوالخیر را باید دانست .

ص ۶۴ ش ۶ : نام درست مؤلف قصص الانبیا ابواسحق ابراهیم بن منصور بن خلف بوده است .

ص ۶۶ ش ۱۳ : کتاب احیاء العلوم امام غزالی راجد الدین ابوالمعالی مؤید ابن محمد جاجرمی معروف بملک مؤید الدین جاجرمی برای شمس الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳) سلطان دهلی بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۷۲ : از کتابهای دیگری که در قرن پنجم تألیف شده :

۱- ابومحمد حسن آذری : مؤلف مختصر در طبقات ملوک در اخبار ملوک عجم و خلفا که مجدول نوشته و در خلافت قائم بامر الله (۴۲۲-۴۵۰) پایان رسانیده است.

۲- ابوروح محمد بن منصور بن ابوعبدالله گرغانی ، مؤلف نورالعیون در کحالی بفارسی که در ۴۸۰ بنام ملکشاه بن محمد سلجوقی پایان رسانیده است. کتاب دیگری که درین دوره فراهم شده ترجمه فارسی تذکرة الکحالیین تألیف علی بن عیسی کحال نصرانی بغدادیست که در حدود سال ۴۰۰ تألیف کرده و مترجمی که نامش معلوم نیست آنرا در قرن پنجم ترجمه کرده است .

### قرن ششم

ص ۸۴ ش ۵ : در گذشت ادیب صابر را در ۵۴۲ نیز ضبط کرده اند.

ص ۸۷ ش ۱۸ : درباره سید معین الدین اشرف باید افزود که وی معین الدین حسن اشرف یا اشرفی نام داشته و از مردم کاشان ماوراء النهر بوده و در سمرقند می زیسته و متصدی کارهای شرعی بوده و برای امتیاز از سید حسن اشرف غزنوی باو اشرف ثانی می گفته اند و مداح پادشاهان سلسله خانی ترکستان از آن جمله الغ قدرخان احمد و محمودخان و علاء الدین پیغو ملک و خسرو ملک بوده است .

ص ۹۰ ش ۳ : نظامی عروضی سمرقندی، رحلت وی را در ۵۱۹ ضبط کرده اند و این درست نیست زیرا که چهار مقاله را پس از آن نوشته است .

ص ۹۳ ش ۲ : سیف الدین اسفرنکی ، در گذشت وی را در ۶۵۲ و محرم ۶۶۰ نوشته اند و این نیز درست نیست .

ص ۱۰۴ ش ۱ : نام گورستانی را که در محله سرخاب تبریز بوده و خاقانی و

دیگران را در آنجا بخاک سپرده اند « حظيرة الشعرا » یا « حظيرة القضاة » هم نوشته اند .

ص ۱۰۶ ش ۴ : ظهیرالدین قاریایی ، در گذشت وی را در ربیع الاول ۵۹۸ ضبط کرده اند و نوشته اند که در حظيرة القضاة در کنار خاقانی وی را بخاک سپرده اند .  
 ص ۱۰۸ ش ۱ : درباره احمد جام زنده پیل ، نسب وی را چنین ضبط کرده اند :  
 ابو نصر احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد بن جریر بن عبدالله بن لیث بجلی ، نسبش جریر بن عبدالله بجلی از صحابۀ رسول می رسیده است . پدرانش برزگر بوده اند و وی در جوانی می بوده است و در نوش خواری و میگساری افراط می کرده و سرانجام در ۲۲ سالگی توبه کرد و وارد حلقۀ تصوف شد و ۱۲ سال در کوه نامق و ۶ سال در کوه پیرز در خاک جام بخلوت نشست و سپس بنای ارشاد را گذاشت . نخست در سرخس و استاد و زور آباد بود و در ضمن سفرهایی بهرات و نیشابور و بوزجان و مرو و باخرز و بسطام کرد و بحج رفت و سرانجام بروستای معد آباد در سرزمین جام رفت و در همان جا در گذشت و در بیرون دروازه معد آباد وی را بخاک سپردند و ساختمانی که بر سر خاکش هست ملك غیاث الدین محمد کرت در ۷۱۹ ساخته است . نخست مرید ابوطاهر کرد بوده و با بزرگان متصوفة زمان خود مانند عبدالله انصاری و خواجه مودود چشتی و امام محمد منصور سرخسی ممدوح سنایی دیدار کرده و با سنجر و رابط نزدیک داشته و نیز از مریدان ابوطاهر پسر ابوسعید ابوالخیر بوده است و ابوطاهر کرد را نیز از مریدان ابوسعید دانسته اند . از مؤلفات او مفتاح النجاة تألیف شده در آخر شعبان ۵۲۲ و سراج السائرین در ۵۰۳ یا ۵۱۳ و بحار الحقیقه در ۵۲۷ و اعتقاد نامه و تذکیرات و فتوح القلوب را باید دانست . فرزندان وی تا قرن نهم در خراسان و هند معروف بوده اند زیرا که از هشت زن ۳۹ پسر و سه دختر پیدا کرد و پس از مرگش چهارده پسرش زنده بودند : رشیدالدین عبدالرشید ، صفی الدین یا اصیل الدین محمود ، جمال الدین ابوالفتح ، قطب الدین محمد ، فخرالدین ابوالحسن ، نجم الدین ابوبکر ، برهان الدین نصر ، ضیاء الدین یوسف ، علاء الدین عبدالرحیم ،



شمس الدین مطهر ، بدرالدین صاعد ، حمید الدین عبدالله ، ظهیر الدین عیسی ، شهاب الدین اسمعیل . در مناقب وی کتابهای متعدد نوشته اند بدین گونه : نور الحقایق تألیف پسرش ظهیر الدین عیسی ، رساله در اثبات بزرگی شیخ احمد جام از کوچکترین پسرش شهاب الدین اسمعیل ، مقامات ژنده پیل از خواجه سدید الدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی از اصحاب وی که در حدود سال ۶۰۰ تألیف کرده است ، خلاصة الحقایق از عماد الدین فاریابی در گذشته در ۶۰۷ که در ۵۹۷ تألیف کرده است ، مقامات تألیف امام رضی الدین علی بن ابراهیم بن الیاس تایبادی ، مقامات تألیف شیخ احمد ترخستانی از اصحاب وی ، مقامات تألیف درویش علی بوزجانی در ۹۲۹ ، مقامات تألیف تاج الدین محمود بوزجانی ، خلاصة المقامات تألیف ابوالمکارم بن علاء الملک از بازماندگان وی تألیف در ۸۴۰ ، منظومه ای از بهاء الدین جامی از بازماندگان وی که ساکن شیراز بوده و در قرن نهم هی زیسته است . کتاب عامیانه ای نیز بنام «سبز پری» باو نسبت داده اند که حتماً ازو نیست و در انتساب اشعاری که در دیوانش هست تردیدست .

ص ۱۰۹ ش ۲ : روزبهان شهاب الدین لقب داشته و در ۵۲۲ ولادت یافته ، مرید شیخ سراج الدین محمود بن خلیفه بوده و سلسله ارشاد وی بابو عبدالله محمد ابن خفیف شیرازی عارف مشهور در گذشته در ۳۳۱ می رسیده است . نخست در فسا رباطی داشته و در آنجا بخدمت تهی دستان می پرداخته و سپس ساکن شیراز شده و بیست سال در آن شهر موعظه می کرده است . شرف الدین ابراهیم بن روزبهان ثانی پسر فخر الدین احمد بن روزبهان بقلی نواده اش کتابی در مناقب وی بنام تحفة العرفان در سال ۷۰۰ نوشته است . از جمله مؤلفات وی تفسیر عرائس که عنوان درست آن را عرائس البیان فی حقایق القرآن باید دانست ، دیگر : مکنون الحدیث ، حقایق الاخبار ، کتاب الموشح فی المذاهب الاربعه ، کتاب العقاید ، کتاب الارشاد ، کتاب المناهج ، لوامع التوحید ، مسالك التوحید ، کشف الاسرار و مکاشفات الانوار ، شرح الحجب و الاستار فی مقامات اهل الانوار یا کتاب الاعانه ، سیر الارواح ، کتاب العرفان فی

خلق الانسان ، رسالة الانس في روح القدس معروف بقديسيه يا رسالة القدس ، غلطات السالكين ، سلوة العاشقين ، تحفة المحبين ، عبه العاشقين ، سلوة القلوب ، ديوان المعارف ، منهج السالكين ، مقاييس السماع و نام كتاب صفوا المشارب في العشق راصفوة مشارب العشق هم نوشته اند . نواده ديگرش عز الدين مسعود بن روزبهان ثاني كه در ۷۵۰ در گذشته نيز از مشايخ بوده است .

ص ۱۰۹ ش ۳ : هشوي مصباح الارواح را كه با وحد الدين كرماني نيز منسوبست برخي از شمس الدين محمد بن طغان بردسيري كرماني يا محمد بن ايل طغان كرماني دانسته اند .

ص ۱۱۰ ش ۴ : تاريخ ورود شهاب الدين سهروردي مقتول را بحلب در ۵۸۷ ضبط کرده اند و حكم كشتن وي را ملك ناصر صلاح الدين يوسف بن ايوب پادشاه معروف ايوبي (۵۶۴ - ۵۸۹) بپايه زندقه داده است .

ص ۱۱۰ ش ۵ : تاريخ در گذشت عبدالخالق غجدواني را در ۵۷۵ نيز ضبط کرده اند و اين درستست . گذشته از رساله صاحبيه كه در مقامات مرشد خود ابو يعقوب يوسف بن ايوب همداني متولد در ۴۴۰ و متوفى در پنجشنبه ۸ محرم ۵۳۵ نوشته سه كتاب ديگر از و مانده است بنام جامع الكلم و مسلك المتقين و وصايا و ابوالخير فضل الله بن روزبهان اصفهاني رساله اي در شرح وصاياي وي نوشته است . ص ۱۱۱ ش ۶ : كنيه عين القضاة را ابوالمعالي نيز ضبط کرده اند و نسب او را چنين آورده اند : عبدالله بن محمد بن علي بن حسن بن علي . در همدان در ۴۹۲ ولادت يافته و درست ترين تاريخ كشته شدنش ۵۲۵ است .

مهم ترين مؤلفات وي زبدة الحقايق بزبان تازي و تمهيدات بزبان پارسيست و بجز آنچه ذكر شده رساله علائيه و شرح كلمات قصار بابا طاهر عريان را بايد در نظر داشت . تمهيدات وي را سيد محمد گيسودراز بفارسي شرح کرده است و شرح كلمات بابا طاهر و لوايح و يزدان شناخت ترديدست از و بوده باشد .

ص ۱۱۱ ش ۷ : عزيز الدين نسفي ، وي حتما در قرن هفتم مي زيسته و تا پايان اين قرن زنده بوده است . نخست در شهر نخشب يا نسف بوده و از آنجا

ببخارا رفته و تارحج ۶۷۱ در بخارا بوده و چون همه کسانش کشته شده‌اند از ماوراءالنهر بخراسان آمده و چندی در اصفهان و شیراز زیسته و از ۶۸۰ بعد در ابرقوه ساکن شده و تا پایان قرن هفتم در آنجا می‌زیسته و پیش از سال ۷۰۰ در آنجا در گذشته است. وی پزشک نیز بوده و در طریقت از اصحاب سعدالدین حموی بشمار می‌رفته و از مؤلفات دیگر وی انسان الکامل شامل ۲۲ رساله است که ظاهراً در ۶۶۰ در بخارا بتألیف آن آغاز کرده و در ۶۸۰ در شیراز پایان رسانیده و دیگر کتاب‌التنزیل و بیان‌التنزیل و کشف‌الصراط را نوشته و برخی از رسایل و کتایبهای خود را بدرخواست سید تاج‌الدین ابرقوهی در کوه ابراهیم ابرقوه پایان رسانده است.

ص ۱۱۲ ش ۸ : دیگر از مؤلفات امام فخرالدین رازی کتاب پراهمین-الهائله است.

ص ۱۱۳ ش ۹ : دیگر از مؤلفات فریدالدین شکرگنج رساله وجودیه را باید دانست.

ص ۱۱۳ ش ۱۰ : فریدالدین عطار را در طریقت از اصحاب شیخ جمال‌الدین محمد بن حسن نغندری طوسی معروف بامام ربانی دانسته‌اند که سلسله او بشیخ شرف‌الدین رواد و ازو بنحال وی شیخ صلاح‌الدین احمد استاد و ازو بشیخ نورالدین منور و ازو بخواجه ابوالفتح طاهر نواده ابوسعید ابوالخیر می‌رسیده است. چنان می‌نماید که مراد از نورالدین منور پدر محمد بن منور بن ابوسعید بن ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر مؤلف اسرارالتوحید بوده باشد.

ص ۱۱۵ ش ۱۱ : درباره مجدالدین بغدادی باید افزود که ولادت وی را در ۲۱ جمادی‌الآخره ۵۵۶ و تاریخ کشته شدنش را در ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۶ هم نوشته‌اند و دیگر از مؤلفات او بزبان تازی کتاب تحفة البرره است.

ص ۱۱۵ ش ۱۲ : درباره نجم‌الدین کبری، نسب وی را احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله و ولادت وی را در ۵۴۰ یا ۵۴۵ ضبط کرده‌اند و از مؤلفات وی

بزبان تازی رساله الفقر و بزبان فارسی رساله السائر و نصيحة الخواص و چهارارکان و آداب المریدین را باید دانست و قواعد عشره یا اصول العشره وی را میر سید علی همدانی عارف مشهور بنام ده قاعده بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۱۱۶ ش ۱۳ : نسب سعدالدین حمویه را چنین هم ضبط کرده اند : سعد الدین محمد بن معین الدین مؤید بن معین الدین ابوبکر عبدالله بن نجم الدین ابوالحسن علی بن جمال السنه معین الدین محمد بن حمویه جوینی .

وی نخست از نجم الدین کبری عارف مشهور اجازه یافته و در خانقاه وی با سیف الدین باخرزی صیغه برادری خوانده و سپس در ۶۱۶ در مسجد اقصی در قبه صخره از دست پسر عم خود شیخ صدرالدین خسرکه پوشیده و سفرهای بسیار کرده است از آن جمله در سال ۶۱۶ حج رفته و با شهاب الدین سهروردی و اوحالدین کرمانی و مجدالدین ابهری همسفر بوده ، در ۶۲۳ بآمل و طبرستان و از آنجا بعراق و دیار بکر و حجاز و شام و مصر رفته و هفده سال درسفر بوده ، سپس در ۶۲۹ از مکه و مدینه بیغداد رفته و در ۶۳۴ بدمشق و در ۶۴۰ بتبریز رفته است و در ۶۴۱ از آمل ببحرآباد جوین که پدرانش از آنجا بوده اند رفته است و در آنجا در گذشته و مدفون شده است . رحلت وی را در ۶۴۹ و ۶۶۵ هم ضبط کرده اند و آن درست نیست . دیگر از آثار وی کتاب قلب المتقلب بزبان تازیست که صلاح الدین حسن بلغاری عارف مشهور در ۶۷۲ آنرا بکرمان برده و در آنجا بفارسی ترجمه کرده اند . کتابی بنام مقاصد السالکین درملفوظات سعدالدین تألیف محمد بن احمد بن محمد هست که ظاهراً از اصحاب وی بوده و درباره او نوشته است .

ص ۱۱۶ بر فهرست شاعران قرن ششم این چند تن را باید افزود .

۱۴ - شاه رکن الدین محمود سنجانی خوافی ، از مردم قریه سنجان در سرزمین خسواف و از بزرگان مشایخ طریقه چشتی و از خلفای مودود چشتی در گذشته در ۵۲۷ بوده است و مرشدش وی را شاه و سلطان خطاب می کرده و

بهمن جهت بشاه سنجان و سلطان سنجان و شیخ سنجان معروف شده بود . مدتی در چشت ساکن بود و سرانجام بزادگاه خود بازگشت و در آنجا در ۵۹۳ یا ۵۹۷ یا ۵۹۹ درگذشت و ۵۹۷ درست تر می نماید . مرقدش در همان ناحیه درروستای بالچ در تربت حیدریه امروز زیارتگاه است . وی در شعر فارسی دست داشته و رباعیاتی چند از او مانده است .

۱۵ - سید حسن عزیزی حسینی ، از شاعران این دوره است و جزین در باره اش اطلاعی نیست که دیوانی داشته و يك مثنوی سی نامه سروده است .

۱۶ - ضیاءالدین ابوالنجیب عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی ، از بزرگان مشایخ قرن ششم و خال شیخ شهاب الدین سهروردی عارف مشهور و مرشدی بوده و نسبش بدوازده پشت بابوبکر می رسیده است . در ۴۹۰ ولادت یافته و از خلفای ابوالفتوح احمد غزالی بوده و بیشتر در بغداد می زیسته و در آنجا در ۵۶۱ یا ۵۶۲ یا ۵۶۳ درگذشته و ظاهراً ۵۶۳ درست تر است . مؤلفات چند داشته که معروف ترین آنها کتاب آداب المریدینست و آنرا سید محمد گیسودراز عارف مشهور هند در ۸۱۳ و شرف الدین احمد بن یحیی منیری عارف هندی ترجمه و شرح کرده اند .

۱۷ - جمال الدین عمیری ، از شاعران ساکن آذربایجان بوده و در سال ۶۰۰ در تبریز درگذشته و وی را در گورستان محله سرخاب بخاك سپرده اند .

۱۸ - معین الدین محمد بن رمضان فقیه زاهد ، از بزرگان تبریز بوده و در ۵۹۲ درگذشته و در گورستان کجیل او را بخاك سپرده اند و رباعی از او مانده است .

۱۹ - فرخی شروانی ، از شاعران دربار شروانشاهان بوده است .

۲۰ - زکی مراغی ، از شاعران دربار معزالدین محمد بن سام غوری (۵۶۹ - ۶۰۲) بوده است .

۲۱ - نرگسی مراغی ، در کاشغر ولادت یافته و از مداحان سنجر بوده است .

۲۲ - صفی الدین محمد اصلهانی ، از دانشمندان و شاعران زمان خود

بشمار می رفته است

۴۳ - حکیم علی بن محمد فتاحی غزنوی ، وی را ترمذی هم دانسته‌اند و او نیز از دانشمندان و شاعران این زمان بوده است .

۴۴ - بهاء‌الدین اوشی ، از شاعران دربار قطب‌الدین ایبک (۵۸۹ - ۶۰۲) در هند بوده است .

۴۵ - شیخ احمد بدیلی ، از بزرگان مشایخ قرن ششم در خراسان بوده و در سبزوار می‌زیسته است . در ۵۶۷ که تکش خوارزمشاه با سلطان‌شاه اختلاف داشت مردم سبزوار وی را بشفاعت نزد سلطان‌شاه فرستادند و چون برخی از مردم با متصوفه مخالف بودند قبری بسوی وی پرتاب کردند و بپاشنه پای او خورد و وی اعتنا نکرد و هم چنان نزد سلطان‌شاه رفت و سلطان‌شاه بوی احترام بسیار کرد و دست از محاصره سبزوار برداشت و او از آنجا بمرورفت و اشعار عارفانه می‌سرود و رباعی از او مانده است .

۴۶ - محمد نسوی ، از دانشمندان نامی زمان خود بوده و خوارزمشاهان و پادشاهان مازندران بوی بسیار احترام می‌کرده‌اند و عمادالدین زنگی ریاست دیوان انشای خود را باو تکلیف کرد و وی پذیرفت و از خدمت او کرانه گرفت و بانزوا پرداخت و وی نیز شاعر بوده است .

۴۷ - عیوقی ، داستان ورقه و گلشاه را ببحر متقارب نظم کرده و او را بخطا معاصر محمود غزنوی دانسته‌اند و حال آنکه این مثنوی را بنام محمود بن محمد بن ملک‌شاه (۵۱۱ - ۵۲۵) نظم کرده است . رجوع کنید بصحیفه ۴۴ .

۴۸ - سعادت پسر مسعود سعد سلمان را نیز از شاعران این دوره باید شمرد .  
۴۹ - سلیمان اینانج بیگ ، از کارگزاران دربار غزنویان بوده و با مسعود سعد سلمان مشاعره داشته و قصیده‌ای که برای مسعود سروده است در دست است .

در باره نویسندگان قرن ششم این مطالب را باید افزود :

ص ۱۱۷ ش ۴ : شاهفور اسفراینی ، وی از نویسندگان قرن پنجم بوده است ، نام و نسب وی را ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی و عمادالدین

ابوالمظفر طاهر بن محمد اسفراینی ملقب بشاهفور نوشته‌اند و از مختصان نظام الملك طوسی بوده و در ۴۷۱ در گذشته است و کتاب تفسیر وی تاج التراجیم فی تفسیر القرآن للاعاجیم نام دارد و بتفسیر طاهری نیز معروفست . ازین جا پیداست که نام وی طاهر و شاهفور یا شهنور معرب شاهپور و شهپور لقب و شهرت او بوده است .  
ص ۱۱۸ ش ۹ : انوشیروان بن خالد در ۵۱۵ وزیر مسعود بن محمد بن ملک‌شاه و در ۵۱۷ وزیر محمد بن محمد شده و از ۵۲۰ بعد بار دیگر وزیر مسعود بن محمد سلجوقی بوده و پس از ده ماه از وزارت استعفا کرده و تاریخ در گذشت وی را در صفر ۵۲۲ نیز نوشته‌اند .

ص ۱۲۱ ش ۲۱ : فخرالدین مبارک‌شاه ، نام و نسب وی فخرالدین مبارک‌شاه محمد بن حسن بن محمد بن منصور بن سعید بن ابوالفرج بن خلیل بن احمد بن ابونصر بن خلف بن احمد بن شعیب بن طلحة بن عبدالله بن عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق مرورودیست . نوشته‌اند مهمانخانه‌ای ساخته بود و وسایل شطرنج بازی و کتابخانه در آنجا فراهم آورده بود و دانشمندان برای خواندن کتاب و بازی شطرنج بآنجا می‌رفتند .

ص ۱۲۳ ش ۲۵ : امام ابوالحسن بیهقی ، بر فهرست مؤلفات وی باید افزود :  
تتمة المواهب الشریفه جامع اصحاب ابی حنیفه و جامع اصحاب الشافعی .  
ص ۱۲۴ ش ۲۶ : سید اسمعیل گرگانی ، مؤلفات دیگر وی طب الملوکی ، یادگار ، کتابی در رد بر فلاسفه ، تدبیر یوم و لیلہ ، وصیت‌نامه ، تذکرة الاشرفیه فی الصناعات الطبیه ، کتاب فی القیاس ، کتاب فی التحلیل ، کتاب المنبه ، زبدة الطب را باید دانست .

ص ۱۲۸ ش ۳۸ : حبیب بن ابراهیم ، دیگر از مؤلفات وی کتاب وجوه قرآن را باید دانست .

ص ۱۳۱ ش ۴۵ : عبدالقادر گیلانی ، تاریخ ولادت وی شب اول رمضان ۴۷۰ است . درباره مزارش نوشته‌اند که در بغداد در درب قبر قبر در داخل سور او را بخاک سپرده‌اند . دیگر از کتابهایی که در مناقب وی نوشته‌اند : تحفه القادریه فی

مناقب حضرت غوثیه محبوبیه تألیف محمدصادق شهابی سعدی قادری و کتاب دیگر بنام تحفة القادریه تألیف ابوالمعالی محمدمتخلص بمسلمی را باید دانست . کتاب فتوح الغیب وی را شیخ ممدوح نام بعنوان غنیة الطالبین بساردو ترجمه کرده است .  
بر فهرست نویسندگان قرن ششم در صحیفه ۱۳۲ این چند تن را باید افزود:  
۴۶ . **ظهیرالدین عیسی** ، پسر سیزدهم احمد جام ژنده پیل در ۵۷۷ کنایی بعنوان سرالبدایع بنام سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری (۵۵۸ - ۵۹۹) پایان رسانیده است .

۴۷ - **محمد بن یوسف ایلاقی** ، از بزرگان دانشمندان قرن ششم و از شاگردان ابوالعباس فضل بن محمد لوکری مؤلف بیان الحق و خود در حکمت و طب و علوم مختلف دست داشته و در فلسفه و طب و ریاضی کتابهای چند نوشته است از آن جمله کتاب اللواحق و دوست نامه و سلطان نامه در حکمت و فصول در پزشکی و در ۵۳۶ در گذشته است .

۴۸ - **فخرالدین محمد بن محمود بن احمد نیشابوری** ، خود و پدرش امام بیان الحق محمود نیشابوری از دانشمندان نامی خراسان بوده اند ، پدرش تفسیر بزرگی در صد دفتر تألیف کرده است و وی در زمان بهرامشاه غزنوی از دانشمندان معروف غزنین بود و در ۵۲۹ که سلطان سنجر بغزنین رفته میانجی گری کرده و در نظم و نثر استاد بوده و دیوان شعری داشته است و دیگر از آثار وی بصائر یمینی یا البصائر فی التفسیر بفارسیست که تاریخ تألیف آنرا ۵۵۲ یا ۵۷۷ نوشته اند و رای آرای یا رای جهان آرای که ترجمه غروسیر بوده است و صحیفه الاقبال در معارضة تیغ و قلم .

۴۹ - **معین الدین محمد بن عبدالخالق میرهنی** ، مؤلف دستور دبیری .

۵۰ - **محمد بن نجیب بکران** ، مؤلف جهان نامه در جغرافیا که در ۶۰۵ بنام محمد خوارزمشاه پایان رسانده است .

۵۱ - **رشیدالدین ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد بن مهریزد میهدی**



یزدی ، مؤلف تفسیر معروف کشف الاسرار و عده الابرار که در ۵۲۰ پایان رسانیده و تفسیر عبدالله انصاری را جا بجا در آن گنجانیده است .

**۵۲ - ابو عبدالله مسعود بن علی بن عمر الصراف**، از شاگردان نورالدین احمد بن محمود بن ابوبکر صابونی بخاری حنفی در گذشته در ۵۸۰ کتاب کشف الغوامض فی احوال الانبیا یا عصمة الانبیا تألیف استاد خود را بنام حصص الاتقیا فی قصص الانبیا بفارسی ترجمه کرده است .

**۵۳ - شمس الدین** ، از دانشمندان آذربایجان و نویسنده و شاعر بوده و کتابی بروش کليلة و دمنه بنام فرائد السلوك برای اتابك ازبك از ۶۰۷ تا ۶۱۰ تألیف کرده است .

**۵۴ - عبدالکافی بن ابوالبركات**، وی از ادیبان خراسان درین زمان بوده و اسکندرنامه‌ای که بشر بسیار شیوا نوشته ازومانده است .

**۵۵ - قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی** ، از بزرگان فقها و ادبای شیعه در زمان خود بوده و ظهر چهارشنبه ۱۴ شوال ۵۷۳ در قم در گذشته و در آنجا وی را بخاک سپرده‌اند و مؤلفات چند بزبان تازی ازومانده است از آن جمله کتاب الجرائح فی معجزات الائمة الاطهار و شرح نهج البلاغه و کتاب الدعوات و ضیاء الشهاب فی شرح الشهاب شرح شهاب الاخبار تألیف قاضی ابو عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون مغربی قضاعی در گذشته در ۵۴ شامل کلمات قصار رسول اکرم و نشرالثالی در شرح کلمات قصار علی بن ابی طالب و نیز شرح صد کلمه آن امام که می نویسد جا حظ تألیف کرده است .

بجزین کتابها که بشر فارسی در قرن ششم فراهم شده است دو کتاب دیگر نیز باقیست : یکی کتابیست بنام بحر الفوائد در انواع علوم که مؤلف آن معلوم نیست و در میان سالهای ۵۳۰ و ۵۵۵ تألیف شده و در زمان مقتفی بالله خلیفه عباسی و محمد بن بزرگ امید اسمعیلی (۵۳۲ - ۵۵۷) نوشته است . دیگر کتابیست در عقاید اسمعیلیه بنام هفت باب سیدنا که آنرا بحسن صباح در گذشته در ۲۶ ربیع

الثانی ۵۱۸ نسبت داده اند اما ازو نیست زیرا که مؤلف خود تصریح می کند که در سال ۱۲۱ ملکشاهی بیایان رسانده است که مطابق با ۵۹۶ یا ۵۹۷ هجری بوده است . از حسن صباح تنها مکاتیب باقی مانده است .

### قرن هفتم

ص ۱۳۵ ش ۱ : منهاج الدین بن سراج الدین جوزجانی از ۶۴۴ بعد در دربار ناصرالدین محمود بن شمس الدین التتمش در دهلی بوده است .  
ص ۱۳۶ ش ۳ : عطا ملک جوینی ، نخست نایب سونجاق از امرای مغول بوده است . پس از عزل از حکمرانی بغداد او را بزندان بردند و بند دو شاخه کردند و در بغداد گردانند و شکنجه کردند تا هر چه دارد ازو بگیرند . تاریخ کشته شدن وی را در شب شبه نیز نوشته اند و سپس در سال ۶۸۸ دو پسر وی مجدالدین و منصور را که بجله رفته بودند ببغداد آوردند و در آنجا کشتند و پیکرشان را بر سر یکی از پلهای آن شهر آویختند .

ص ۱۳۷ ش ۵ : خواجه نصیرالدین طوسی ، تاریخ بنای رصد خانه مراغه را در ۶۵۶ ضبط کرده اند و مؤیدالدین عربی و فخرالدین مراغی و فخرالدین خلایطی و نجم الدین دبیران قزوینی که از دانشمندان نامی آن روزگار بوده اند در آن رصد خانه با خواجه همکاری داشته اند . دیگر از مؤلفات وی اخلاق محتشمی و گشایش نامه و مقاله فی فضائل امیر المومنین علی و رساله در تولد او تبرار باید دانست . از و سه پسر مانده است یکی صدرالدین علی که تا ۶۸۱ زنده بوده و دیگر اصیل الدین که در بغداد در ۷۰۴ در گذشته و سوم وجیه الدین یوسف که در آذربایجان می زیسته است .

ص ۱۳۹ ش ۶ : قاضی ناصرالدین بیضاوی ، تاریخ رحلت وی را در ۶۹۱ نیز ضبط کرده اند و در چرنداب تبریز مدفون شده است . دیگر از مؤلفات وی کتابهای منهاج و مصباح الارواح و طوابع را باید دانست .

ص ۱۴۰ ش ۹ : نجم الدین رازی ، تولد وی را در ۵۷۳ و در گذشتش را در ۶۴۱ نیز ضبط کرده اند .

ص ۱۴۱ ش ۱۰ : شهاب الدین سهروردی ، نسب وی را چنین ضبط کرده اند :  
 ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن سعد بن حسین بن قاسم بن  
 بصیر یا نصر بن قاسم بن محمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن ابوبکر .  
 در سال ۵۵۵ پیغمبر در فتنه و در ۵۶۶ وارد طریقه تصوف شده و در ۵۷۷ خلیفه ناصر لدین الله  
 او را بر سالت نزد سلطان شاه محمود ایل ارسلان خوارزمشاه فرستاده و در ۶۱۶  
 به حج رفته و با سعد الدین حموی و ابو حیدر الدین کرمانی و مجد الدین ابهری که از  
 بزرگان مشایخ آن روزگار بوده اند همسفر بوده است . تاریخ در گذشت وی را  
 چهارشنبه غره محرم یا ماه رجب ۶۳۲ نوشته اند . دیگر از مؤلفات اوست :  
 اسرار العارفین و سیر الطالبین که ابوالخیر محمد بن احمد مراد آبادی فاروقی نقشبندی  
 مجددی در هند بقاری ترجمه کرده است .

ص ۱۴۲ ش ۱۱ : رشید الدین فضل الله ، نام پدرش را ابوالخیر العالی نیز  
 ضبط کرده اند . در ۶۹۸ بوزارت ارغون رسیده و در ۷۱۷ وی را عزل کرده اند و  
 در ۱۷ جمادی الاولی ۷۱۸ وی را در تبریز کشتند و پس از چندی پسرش خواجه  
 عزالدین ابراهیم را نیز در همان سال کشتند . وی پسری داشته است بنام عماد الدین  
 عبدالؤمن که در ۲۷ شعبان ۷۰۳ ولادت یافته و در ۸ شوال ۷۳۴ در سلطانیه در گذشته  
 و در خانه خود در رشیدیه مدفون شده است . پسران دیگرش : غیاث الدین محمد  
 در ۷۲۷ وزیر شده و در ۱۵ رمضان ۷۳۶ وی را با برادر دیگرش پیر سلطان در سه  
 گنبدان مراغه کشته اند . دیگر شرف الدین احمد در گذشته در ۲۱ ربیع اول ۷۳۴  
 و رکن الدین محمود متولد در میدان سلیمان شاه در میان همدان و بغداد در روز  
 دوشنبه ۱۳ جمادی الآخره ۷۰۹ و در گذشته در ۷۴۴ در یزد و مدفون در کرمان  
 و ضیاء الدین عبداللطیف در گذشته در ۷۴۴ و جمال الدین که پسرش کمال الدین حسین  
 در ۲۸ ربیع الال ۷۱۲ در سلطانیه ولادت یافته است .

ص ۱۴۳ ش ۱۲ : فخر الدین بنا کتی ، پدرش تاج الدین ابوالفضل محمد  
 ابن محمد بن داود بنا کتی مؤلف کتاب المیسور در شرح مصابیح و مصباح الضمیر من

صاحح التفسیر تیسیر در گذشته در ۶۷۲ و برادرش سید نظام الدین علی در گذشته در ۶۹۹ هر دو از دانشمندان زمان خود بوده اند .

ص ۱۴۵ ش ۱۸ : افضل الدین کاشانی ، برخی وی را خال خواجه نصیر الدین طوسی دانسته اند و در گذشت وی را در حدود ۶۱۰ ضبط کرده اند . از جمله آثار وی بزبان تازی رساله فی مدارح الوجود و معارج الحدود و مدارج الکمال و آیات المنعه یا مطالب الهیه سبعة را باید دانست . مدارج الکمال را خود نخست بتازی نوشته و سپس بتازی نیز نوشته است .

ص ۱۴۶ ش ۲۱ : زکریا بن محمود قزوینی ، نسب او را ابو یحیی زکریا ابن محمد بن محمود نوشته اند . در ۶۰۰ ولادت یافت و در ۶۳۰ بدمشق رفته و آثار البلاد را نخست در ۶۶۱ پایان رسانیده و در ۶۷۴ روایت دومی از آن انتشار داده و عبدالرشید بن نوری با کوبی خلاصه ای از آن بنام تلخیص الآثار و عجایب الملك القهار ترتیب داده است .

ص ۱۴۶ ش ۲۳ . صفی الدین ارموی ، نام و نسب وی صفی الدین ابوالمفاخر عبدالؤمن بن یوسف بن قاهر ارموی . در ۶۱۳ ولادت یافته است . بر بط را خوب می نواخت و مستعصم خلیفه سالی پنج هزار دینار وظیفه برایش مقرر کرد . پس از فتح بغداد وارد دربار هولا کوشد و وی دو برابر آن وظیفه برایش قرارداد . در خط از شاگردان معروف او شمس الدین سهروردی و علی ستایی و حسن زامر و حسام الدین قتلغ بوغا بوده اند . رساله الشریفه فی النسب المالیه را در ۶۷۴ پایان رسانیده و معروف ترین کتاب موسیقی اوست . بر رساله الادوار فی حل الاوتار او شرح های متعدد نوشته اند و بفارسی ترجمه کرده اند از آن جمله است شرح شهاب الدین صیرفی و شرح لطف الله سهرقندی . دیگر از مؤلفات اوست رساله الايقاع بفارسی که شکر الله بن احمد اوغلی در اوایل قرن نهم بترکی ترجمه کرده است .

ص ۱۴۷ ش ۲۴ : قطب الدین شیرازی ، تاریخ وفاتش را روز یکشنبه ۱۷ رمضان ۷۱۰ نوشته اند و گفته اند که در جوار قاضی ناصر الدین بیضاوی مدفون

شده است .

ص ۱۴۸ ش ۲۵ : علاءالدوله سمنانی ، زادگاه وی در بیابانك كه اکنون در ۱۲ کیلومتری جنوب سمنانست و ایستگاه راه آهن پیش از سمنان در آنجاست ، در نیمه رمضان ۶۸۵ از کار دیوانی روی بر گرداند و بسمنان رفت . در ۶۸۷ رهسپار بغداد شد که بخدمت شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی پیوندد ، در راه در سلطانیه سلطان محمد خدا بنده وی را از دفتن بغداد بازداشت و او بی اجازه ایلخان مغول بسمنان بازگشت و از آنجا اخی شرف الدین نامی را نزد نورالدین اسفراینی روانه کرد و او خرقة ملامع برایش فرستاد . در ۶۸۸ عازم بغداد شد و از آنجا با اجازه نورالدین بحج رفت و در سلح محرم ۶۸۹ با او ببغداد بازگشت و در ۷۰۵ الجایتو محمد خدا بنده با او آغاز خوش رفتاری را گذاشت و در ۷۱۴ وی از ملك غیاث الدین محمد کرت نزد محمد خدا بنده شفاعت کرد و پذیرفته شد و تاریخ رحلت وی را شب جمعه ۲۱ یا ۲۲ رجب ۷۳۶ دانسته اند و حال آنکه ۲۱ و ۲۲ رجب ۷۳۶ سه شنبه و چهارشنبه بوده است . دیگر از مؤلفات او مناظر المحاضر للمناظر الحاضر در مناقب علی بن ابی طالب را باید دانست و کتاب عروه لاهل خلوة و جلوه را در روز سه شنبه ۲۳ محرم ۷۲۱ پایان رسانده است .

ص ۱۴۹ ش ۲۷ . ناصرالدین بن عمدة الملك، پدرش منجب الدین عمدة الملك در ۶۰۵ بشرکت خواجه فخرالدین شرف الملك محمد شاه بن حاجی زوزنی خوانی و خواجه ظافرالدین ظهیر الملك بوزارت قطب الدین محمد پادشاه قراختایی کرمان رسید . پسرش خواجه ظافرالدین نیز از کار گزاران این سلسله بوده و پسر وی نصیرالدین یوسف نیز از کار گزاران دیوان بوده و در ۶۹۴ بفرمان صفوة الدین پادشاه خاتون وی را کشته اند . در گذشت ناصرالدین را در ۵۳۵ وی را مدفون در سرخاب تبریز دانسته اند و این هر دو مطلب نادرستست . نسایم الاسحار من لطایم الاخبار را در ۷۲۵ پایان رسانده است .

ص ۱۵۱ ش ۳۳ . ابوالقاسم کاشانی ، در مقدمه تاریخ الجایتو سلطان می گوید

که در شوال ۷۰۴ خواجه رشیدالدین فضل الله جامع التواریخ را که وی تألیف کرده بود بنام خود بیادشاه عرضه داشته است و این نکته درست نیست زیرا که خواجه رشیدالدین از مؤلفات خود و از آن جمله از جامع التواریخ نسخهای متعدد در همان زمان فراهم کرده و به کشورهای دیگر نزد دانایان فرستاده و در ایران نیز برای دانشمندان زمان خود فرستاده و نسخهای فراوان را برای مساجد و مدارس و کتابخانهها و زیارتگاهها وقف کرده است و چگونه ممکن بوده است تألیف دیگری را تا این اندازه بنام خود بکند و انگهی روش انشای جامع التواریخ با کتابهای دیگری که وی تألیف کرده و کسی مدعی آنها نیست یکسانست و حال آنکه روش آن با روش زبدة التواریخ و تاریخ الجایتو تألیف ابوالقاسم کاشانی تفاوت دارد و درین میان یگانه نکته ای که درستست اینست که وی با خواجه رشیدالدین همکاری کرده است. کتاب دیگری که از او باقیست جواهر العرایس و اطایب التقایس بفارسی در جواهر شناسیست .

ص ۱۵۳ ش ۴۷ : حسن بن علی طبری ، نام و نسب او بدین گونه است :  
عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن حسن طبری مازندرانی  
آملی ، از ۶۵۶ تا ۶۹۶ درباره او اطلاعاتی هست و دیگر از مؤلفات وی کتاب معتقدالامامیه است که ترجمه فارسی ملخص غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع  
تألیف سید شریف طاهر عزالدین ابوالاکرم حمزة بن زهرة حلبی متولد در ۵۱۱ و متوفی در ۵۸۵ در فقه شیعه باشد .

ص ۱۵۴ ش ۵۰ : صدر الشریعه عبیدالله بن محمود ، جدش تاج الشریعه ابو عبیدالله  
عمر در گذشته در کرمان در ۲۱ ربیع الثانی ۶۰۹ و پدر جدش صدر الشریعه  
عبیدالله بن محمود محبوبی بخاری از دانشمندان نامی زمان خود بوده اند و این  
خاندان محبوبیان که بیشتر در بخارا می زیسته اند از معاریف پیشوایان حنفیان در  
ماوراءالنهر بوده اند و پسرش برهان الشریعه محمود در گذشته در کرمان در ۷۳۰  
و پسر دیگرش صدر الشریعه بخاری در گذشته در اواخر جمادی الاخره ۷۴۷ در

بخارا نیز از دانشمندان معروف بوده اند .

ص ۱۵۶ ش ۵۳ : فریدالدین شکر گنج ، راحة القلوب در ملفوظات وی را نظام الدین اولیا در چهارشنبه ۵ رجب ۶۵۵ پایان رسانیده است .  
بر صحیفه ۱۵۶ بعد پس از شماره ۵۳ این چندتن از نویسندگان قرن هفتم را باید افزود :

۵۴- شهاب الدین مسعود سمرجانی ، از متصوفه ساکن هندوستان و از اصحاب قطب الدین بختیار کاکی اوشی عارف مشهور بوده و کتابی در تصوف بنام «آة العارفين» نوشته و شعر عارفانه نیز می سروده و مسعود تخلص می کرده است .

۵۵- اشرف بن محمد اشرف قبايي ، مؤلف رسالة جلالیه در فراست که بنام جلال الدین منکبرلی ( ۶۱۷ - ۶۲۸ ) هنگامی که از ترکستان برمی گشته نوشته است .

۵۶- ابوبکر محمد بن عبدالکریم بن علی بن سعد ، مؤلف کتابی در سیرت ابواسحق ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن فیروز کازرونی عارف مشهور که در ۴۲۶ در گذشته است .

۵۷- امام ضیاء الدین ابومسلم عبدالسلام بن احمد بن محمود کازرونی ، از بزرگان ادیبان و فقیهان ساکن شیراز بوده و در ریاط امینی در آن شهر تدریس می کرده و همواره در شوق بوده و شعر تازی را نیکو می سروده و در ذیحجه ۶۲۶ در گذشته است . وی کتاب اشارات و تشبیهات ابن سینا را بفارسی ترجمه کرده است .  
۵۸- فخر الدین مبارکشاه غوری ، مؤلف رحيق التحقيق .

۵۹- احمد بن احمد بن احمد دماغینی سیواسی ، از مردم دماغین در آسیای صغیر و از دانشمندان روم بوده و مؤلف کتابیست بنام مجمل الافوال فی الحکم و الامثال که در غرة ربيع الاول ۶۹۳ پایان رسانیده است .

۶۰- شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی ، عارف مشهور که مولانا جلال الدین بلخی مجنوب او شده و بیشتر غزلیات خود را بنام وی پایان

رسانیده است. از جزئیات احوالش اطلاعی نیست، همین قدر پیدا است که از پیشوایان بزرگ تصوف در عصر خود در آذربایجان و آسیای صغیر و از خلفای رکن الدین سجاسی و پیرو طریقه ضیاء الدین ابوالنجیب سهروردی بوده است، برخی دیگر وی را مرید شیخ ابوبکر سلمه باف تبریزی و بعضی مرید بابا کمال جندی دانسته‌اند. در هر حال سفر بسیار کرده و همیشه نمد سیاه می‌پوشیده و همه جا در کاروانسرا فرود می‌آمد و در بغداد با اوحد الدین کرمانی و نیز با فخر الدین عراقی دیدار کرده و در ۶۴۲ وارد قونیه شده و در خانه شکرریزان فرود آمده و در آن زمان مولانا جلال الدین که هنوز جوان و طلبه بوده بدیدار وی رسیده و مجذوب او شده است تا آنکه در سال ۶۴۵ شبی که با مولانا خلوت کرده بود کسی باو اشارت کرد و برخاست و بمولانا گفت مرا برای کشن می‌خواهند و چون بیرون رفت هفت تن که در کمین ایستاده بودند با کارد برو حمله بردند و وی چنان نعره زد که آن هفت تن بی‌هوش شدند و یکی ازیشان علاء الدین محمد پسر مولانا بود و چون آن کسان بهوش آمدند از شمس الدین جز چند قطره خون اثری نیافتند و از آن روز دیگر ناپدید شد، در باره ناپدید شدن وی توجیهات دیگر هم کرده‌اند از جمله نوشته‌اند که وی را در چاهی انداخته بودند و سلطان ولد پسر مولانا این واقعه را در خواب دید و پیکرش را نیم شبان از چاه بیرون آوردند و در مدرسه مولانا در قونیه در کنار مزار مولانا بهاء الدین ولد بخاک سپردند. در هر حال زندگی وی بسیار تاریکست چنانکه برخی ناپدید شدن وی را در ۶۴۳ دانسته‌اند و برخی در گذشت وی را در ۶۷۲ ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که در خوی مدفون شده است. در هر صورت وی از بزرگان متصوفه زمان خود بوده و مجموعه تقریرات وی بنام مقالات موجود است که مریدان وی ملفوظات او را جمع کرده‌اند.

۹۱ - سید برهان الدین محقق حسینی ترمذی، از سادات ترمذ و از مشایخ

آن سرزمین و تربیت شده مولانا بهاء الدین ولد بود و در خراسان و ترمذ بسید سردان (رازدان) معروف بود زیرا که بر خاطرهای اشراف داشت و پس از هجرت



بهاء الدین ولد و رفتن او از خراسان بخاک روم وی در ترمذ ماند و همان روز که بهاء الدین ولد در قونیه در گذشت وی از مرگ او آگاه شد و گفت دریغا که استاد و شیخم ازین عالم رحلت کرد و پس از چند روز برای تربیت مولانا جلال - الدین بقونیه رفت و نه سال در مصاحبت مولانا زیست و نخستین مرشد وی بود و درین سفر با شهاب الدین سهروردی در خاک روم دیدار کرد و وی را بزرگ داشت و سرانجام در شهر قیصریه در گذشت و در دارالفتح آن شهر وی را بخاک سپردند و ظاهراً در ۶۳۸ در گذشته و کنایی از و مانده است بنام کتاب معارف .

۶۲ - عبدالرحیم بن محمد شیرازی، مؤلف رساله‌ای در قواعد خط که بنام خواجه غیاث الدین محمد رشیدی نوشته است .

۶۳ - شرف الدین ابراهیم بن روز بهان ثانی، نواده روز بهان بقلی عارف مشهور مؤلف تحفة العرفان در مقامات جدش روز بهان که در حدود سال ۷۰۰ پایان رسانیده است .

۶۴ - ابوحنیفه عبدالکریم بن ابوبکر، مؤلف کتاب مجمع الرباعیات که برای محیی الدین پسر قلج ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرده است .

۶۵ - ابوالمعالی مطهر بلخی، مؤلف کتابی در تصوف بنام حدیقة الحقیقه که در ۶۴۱ پایان رسیده است .

۶۶ - مولانا احمد رومی، از اصحاب مولانا جلال الدین مؤلف دقایق - الحقایق در تصوف و اعمال و فرائض .

۶۷ - محمد بن احمد بن محمد، مؤلف مقاصد السالکین در ملفوظات سعد الدین حموی که مرشد وی بوده است .

۶۸ - عبدالهادی، از دانشمندان دربار ایلخانان مغول بوده و در ۶۹۰ غازان خان وی را بترجمه کتاب منافع الحیوان تألیف ابوسعید عبیدالله بن جبرئیل ابن عبیدالله بن بختیشوع طبیب گماشته است .

۶۹ - قطب الدین ابوالفتح محمد بن شمس الدین ابوالمعالی مطهر بن احمد جام زنده پیل، مؤلف حدیقة الحقیقه در تصوف که در ۶۴۱ و ۶۴۲ تألیف

کرده است .

۷۰ - ابرانشاه بن علی نیشابوری ، درخوزستان می زیسته و مؤلف کتابیست

در احکام قرانات .

۷۱ - ابوعلی حسین بن ابراهیم بن ابوبکر سلماسی ، از دانشمندان

و خوشنویسان ساکن اصفهان بوده و در ۶۲۴ و ۶۲۵ مجموعه ای بخط خوش خود ترتیب داده که شامل رسالة الشرفیه فی تقاسیم العلوم الیقینیه است که خود بنام شرف الدین ابوالحسن علی بن اسمعیل اصفهانی تألیف کرده و دیگر قابوسنامه یا پندنامه عنصرالمعالی کیکاوس و دیگر ترجمه تقویم الصلحه تألیف ابن بطلان بغدادی که برای همان شرف الدین نوشته و دیگر ترجمه رسالة الذهبیه که امام علی بن موسی الرضا بمامون نوشته و برای همان شرف الدین ترجمه کرده است و دیگر ترجمه الرسالة السیاسیه در وصایای بقراط حکیم و حکمای یونانی دیگر که از تازی برای همان شرف الدین ترجمه کرده است و دیگر مختصری در منتخبات امثال و اشعار تازی که او برای همان شرف الدین گرد آورده است .

۷۲ - قاضی حمیدالدین محمد بن عطاءالله محمود ناصوری ،

از بزرگان مشایخ چشتی در هند، اصلش از مردم بخارا بوده و پدرش در زمان سلطان معزالدین سامغوری از بخارا بدلی رفت و در آنجا در گذشت و وی در آن شهر دانش آموخت و در جوانی مجذوب شد . بغداد رفت و از مریدان شهاب الدین سهروردی شد و یک سال بود تا از واجازه ارشاد یافت و در آنجا با قطب الدین بختیار کاکی اوشی معاشر بود و سپس بمدینه رفت و سه سال در آنجا ماند و بحج رفت و سپس بدلی باز گشت و بطریقه چشتی گروید و جانشین معین الدین حسن سکزی شد و در دهلی در دهم ربیع الثانی یا نهم رمضان ۶۷۸ در گذشت . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و شعر را خوب می گفته و کتابهای متعدد نوشته است از آن جمله طوابع شمس در شرح اسماء حسنی و راحة القلوب و عشق نامه .

۷۳ - فریدون بن احمد سپهر - الار ، چهل سال از اصحاب مولانا جلال الدین بود و

پس از در گذشت وی رساله ای در احوال او و مشایخ طریقه اش در میان سالهای ۷۱۹ و ۷۲۹

نوشته که بر سألۀ فریدون بن احمد معروفست .



در قرن هفتم چند کتاب دیگر بثر فارسی تألیف کرده‌اند که مؤلفان آنها معروف نیستند و بدین گونه است :

(۱) بازنامه‌ای باسم دولت‌نامه که در ۶۸۰ در هند بنام جلال‌الدین فیروزشاه خلجی (۶۸۹-۶۹۴) تألیف کرده‌اند .

(۲) ترجمۀ دیگری از احیاء العلوم امام غزالی بجز آنکه در صحیفۀ ۷۱۹ بدان اشاره رفته است و در حدود ۶۲۱ آنرا نیز در هند ترجمه کرده‌اند .

(۳) ترجمۀ دیاتسارون چهار انجیل که در زمان ایلخانان مغول در ایران ترجمه کرده‌اند .

(۴) داستان امیر احمد و مهستی شامل معاشقات و مشاعره و معاشرۀ مهستی گنجوی شاعرۀ معروف قرن ششم باشوهرش امیر احمد پسر خطیب گنجه معروف باین خطیب گنجوی یا پسر خطیب گنجه .

(۵) ترجمۀ فضایل باخ که در ۶۱۰ بزبان تازی نوشته شده و در ۶۲۶ بدستور قاضی فخرالدین ابوبکر نام بفارسی ترجمه کرده‌اند و نام مؤلف و مترجم معلوم نیست .

(۶) جوامع اللغات و لواصع المصطلحات در لغت عربی بفارسی که در ۶۴۱ تألیف شده و مؤلف آن معلوم نیست و بنام امیر اسفیسالار یمین‌الملک فخرالدین الغ بلکا اعظم همایون باریک ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المومنین که ظاهراً از امرای سلجوقیان روم بوده پایان رسیده است .

در بارۀ شاعران قرن هفتم نیز این نکات را باید افزود :

ص ۱۵۷ ش ۱ : کمال‌الدین اسمعیل ، نسب درست وی بدین گونه است :

کمال‌الدین ابوالفضل اسمعیل بن جمال‌الدین ابو محمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی . وی بیشتر ستایشگر مردان نامی خانواده صاعدیان روسای حقیان اصفهان بوده است از آن جمله ابوالعلا صاعد بن محمد بن عبدالرحمن قاضی که

در سال ۶۰۲ وی را در مسجد جامع عتیق اصفهان کشته‌اند و رکن‌الدین ابوالعلا صاعد بن مسعود معروف بصدر جهان و پسرش رکن‌الدین مسعود بن صاعد بن مسعود که او را نیز صدر جهان می‌گفته‌اند. تاریخ درگذشت وی را در ۶۲۶ نیز نوشته‌اند و چنین آورده‌اند که در فتنه جرماغون نویان در اصفهان کشته شده است زیرا که مال بسیار داشته و بطمع مال وی را نابود کرده‌اند و درین زمینه دو روایت هست یکی آنکه در آن فتنه ماجری جویان اصفهان بسیاری از مردم را کشته‌اند و وی نیز در آن میان کشته شده است. روایت دیگر اینست که جرماغون نویان آوازه شهرت وی را شنیده بود و خواستار دیدار او شده بود و هنگام فتنه کسی را نزد وی فرستاد که ازو پاسبانی کند و او را با خود ببرد. چون وی مال بسیار در خانه داشت قبری در خانه ساخته بود و زر و سیم و جواهر آنچه داشت در آنجا گذاشته بود و بهمین جهت نزد جرماغون نویان فرستاده بود کسی نزد وی بفرستد و خانه‌اش را از غارت نگاه دارد تا فتنه فرو نشیند و نزد او برود. وی فرماندهی از لشکر خود را فرستاد که ازو و خانه‌اش پاسبانی کند. چون وارد سرای شد و آن قبر را دید پرسید این قبر درین سرای بدین خوبی چرا ساخته‌اند. گفت بزرگی از نزدیکان من در گذشته وی را درین جا بخاک سپرده‌ام. آن مرد باخود گفت که درین جا باید دفینه‌ای باشد، قبر را شکافت و مالها را که در آنجا بود برداشت و از ترس آنکه کمال‌الدین ماجری را بجرماغون نویان بگوید و مال را ازو بستاند وی را کشت.

ص ۱۵۸ ش ۳: مولانا جلال‌الدین بلخی، تولدوی را در بلخ در ۸ ربیع‌الاول ۶۰۴ ضبط کرده‌اند.

ص ۱۶۱ ش ۴: پوربهای جامی، تاسال ۶۶۶ که زلزله‌ای در نیشابور روی داده و وی قصیده‌ای درین زمینه سروده زنده بوده است.

ص ۱۶۱ ش ۶: امامی هروی، مدتی در یزد زیسته و از ستایشگران شمس‌الدین محمد تازیگوی از کار گزاران دستگاه شمس‌الدین صاحب‌دیوان بوده است.

ص ۱۶۲ ش ۹ : شمس الدین صاحب دیوان جوینی ، جدش خواجه شمس الدین جوینی معروف بخواجه شمس الدین موی دراز و مستوفی دیوان محمد خوارزمشاه و جلال الدین مینکبرلی بوده و نسب ایشان بامام الحرمین عبدالملک جوینی پیشوای معروف شافعیان می رسیده است. پسرانش نخست بهاء الدین محمد حکمران اصفهان که در ۱۷ شعبان ۶۷۸ در آن شهر در گذشته است و وی پسری داشته است بنام علی که در ۶۸۹ بدستور ارغون وی را در اصفهان کشته اند. پسر دیگر هارون که وی را نیز در ۶۸۵ بفرمان ارغون کشته اند و دو پسر دیگر مسعود و فرج الله که هر دو را در ۶۸۹ بدستور ارغون در میدان تبریز کشته اند .

ص ۱۶۴ ش ۱۰ : فخرالدین عراقی ، بهاء الدین زکریا بن محمد بن زکریا ابن ابوبکر بن علی ملتانی مرشد وی که دو دختر او را پی در پی گرفته است در ۵۶۵ ولادت یافته و بعد از ظهر پنجشنبه ۷ صفر ۶۶۴ یا ۶۶۶ در گذشته و از مریدان شهاب الدین سهرودی بوده است . عراقی پس از سفر مکه و مدینه بیغداد هم رفته و از آنجا ببلاد روم رهسپار شده است. کشته شدن معین الدین پروانه را در ۶۷۶ یا محرم ۶۸۶ ضبط کرده اند. پسر بهاء الدین زکریا صدر الدین محمد که در ۶۸۲ در ۶۳ سالگی در گذشته سه پسر داشته است : شمس الدین فضل الله و عماد الدین اسمعیل و رکن الدین ابوالفتح در گذشته در ۷۳۵ در ۸۶ سالگی نیز از مشایخ معروف هند بوده اند. برهان الدین ختلانی شارح کتاب لمعات عراقی عبدالله نام داشته است .

ص ۱۶۵ ش ۱۱ : ضیاء الدین خجندی ، در ۵۷۰ ولادت یافته و در ضمن مداح ملک بیغو بوده و در زمان محمد ایلدگزمکمل کارهای شرع شده و تا ۶۳۷ که در اشعار خود بدان اشاره کرده زنده بوده است .

ص ۱۶۷ ش ۱۵ : سعدی ، تاریخ رحلت وی را ۱۷ ذی حجه ۶۹۱ نیز نوشته اند و مدفن او را در محله کت شیراز ضبط کرده اند .

ص ۱۶۸ ش ۱۶ : همام تبریزی ، در باره سبب مرگش چنین نوشته اند که

در ۲۵ صفر آن سال در ۱۱۶ سالگی در تبریز بگرمابه رفت و بر تخته‌ای که بالای آخور گرم بود نشست و غش کرد و افتاد و چون وی را بیرون آوردند مرده بود .

ص ۱۶۹ ش ۱۲ : حسینی هروی، وفات وی را در ۱۶ شوال ۷۱۸ ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که در محله صرح در مشرقیه سادات مدفون شده است . دیگر از آثار وی سی‌نامه یا عشق‌نامه و قلندر نامه و دیوان قصاید و غزلیات و پنج‌گنج را باید دانست . کنز الرمز را در ۷۱۱ پایان رسانیده و نزهه الارواح وی را در الواحد ابراهیم حسینی بلگرامی شرح کرده است .

ص ۱۶۹ ش ۱۸ : محمود شبستری ، شرح گلشن راز شاه داعی شیرازی بنام نسائم الاسحار نیز خوانده شده است . شرح دیگر از کمال الدین حسین بن شرف الدین عبدالحق اردبیلی متخلص بالهی در گذشته در ۹۵۰ است . شرح شمس الدین محمد بن علی اسیری لاهیجی در گذشته در ۹۱۲ مفاتیح الاعجاز نام دارد و معروفترین شرح این منظومه است . شاه مظفرالدین علی شیرازی شارح دیگر در ۸۸۶ در گذشته است . ادریس بن حسام الدین بدلیسی شارح دیگر در ۹۳۰ وفات یافته است . شارح دیگر شیخ بابا نعمة الله بن محمود نخجوانی در ۹۰۴ در گذشته است . بجز شرحهایی که بر شمرده‌ام چند شرح دیگر بدین منظومه معروف نوشته‌اند بدین گونه: شرح امین الدین تبریزی که از شاگردان شبستری بوده است ، شرح شیخ زاده لاهیجی در گذشته در ۹۲۷ ، شرح صاین الدین علی بن افضل الدین محمد بن صدر الدین ابو حامد محمد ترکه ، شرح شجاع الدین کربالی ساکن تبریز ، شرح شاه نعمت الله ولی در گذشته در ۸۳۴ ، شرح سید یحیی خلوتی شروانی در گذشته در ۸۶۸ ، شرح خواجه معین الدین محمد بن محمود شیرازی معروف بدهدار و متخلص بفانی در گذشته در ۱۱۰۶ ، شرح احمد بن موسی ، شرح عبدالرحیم خلوتی در گذشته در ۸۵۹ ، شرح علامه جلال الدین دوانی متوفی در ۹۰۸ که برخی از ابیات مشکل آنرا شرح کرده است قاضی حسین میبدی دانشمند معروف

در گذشته در ۹۰۹ نیز شرحی بطرز سؤال و جواب بر آن نوشته و شاعری متخلص بشیرازی در ۸۲۹ آنرا بنظم شرح کرده است . ترجمه آلمانی آن با متن فارسی در ۱۲۵۲ نخستین بار در وین چاپ شده است .

ص ۱۷۲ ش ۲۵ : زراتشت بهرام بن پژدو ، چنانکه در صحیفه ۷۱۶ گذشت منظومه زراتشت نامه که بنام وی رواج یافته است ازو نیست و منظومه ایست در مولود زردشت از کیکاوس پسر کیخسرو پسر دارا از مردم شهرری ، که در حدود سال ۳۶۵ آنرا نظم کرده و چون نسخه ای که از آن بدست آمده بخط زراتشت بهرام بن پژدوست که در ۶۴۷ نوشته است ازو دانسته اند و بنام وی انتشار یافته است .

ص ۱۷۳ ش ۲۶ : اثیرالدین ابهری ، دیگر از مؤلفات وی کتاب تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار را باید دانست .

ص ۱۷۳ ش ۲۷ : اوحدالدین کرمانی ، در ۶۱۶ بحج رفته و با شهاب الدین سهروردی و سعدالدین حموی و مجدالدین ابهری همسفر بوده است . وفات وی را در ۳ شعبان ۶۳۴ نیز نوشته اند . مثنوی مصباح الارواح را که برخی ازو دانسته اند بعضی از شمس الدین محمد بن طغان یا شمس الدین محمد بن ایل طغان بردسیری کرمانی دانسته اند . کتابی در مناقب اوحدالدین کرمانی در دست است که مؤلف آن معلوم نیست .

ص ۱۷۴ ش ۳۱ : سیف الدین باخزری ، نام و نسب او را سعید بن مطهر بن سعید بن علی و تولد وی را در شعبان ۵۷۶ نیز نوشته اند . در ۶۱۶ از نجم الدین کبری اجازت یافته و نیز از تاج الدین محمود اشنوی یا اشنبی از مشایخ نامدار هرات خرقه گرفته و فقه و تفسیر و لغت را در هرات آموخته و در حدیث شاگرد شهاب الدین سهروردی بوده است . در ۶۵۸ بحج رفته و در بازگشت که از راه کرمان ببخارا برمی گشته قتلغ ترکان ملکه کرمان بوی احترام بسیار کرده است . در گذشت وی را در ذیقعدة ۶۴۲ در بخارا نیز ضبط کرده اند و این درست نیست زیرا چنانکه گذشت در ۶۵۸ بحج رفته است . بازماندگان وی در بخارا زیسته اند

از آن جمله یکی از پسرانش جلال الدین محمد که در ۶۶۰ در بخارا در گذشته است.



ص ۱۷۷ بر فهرست شاعران قرن هفتم این چند تن را باید افزود :

۴۱- **امیر روحانی بخارایی**، در فتنه مغول از بخارا پهنه رفته و تا ۶۲۴

که شمس الدین التمش قلعه مندو و سرزمین سواک را گرفته در دربار وی و مداح او بوده است .

۴۲- **ملك تاج الدین ریزه**، از دیران نامی زمان خود در هندوستان بوده،

نخست در دربار شمس الدین التمش و در فتح قلعه گوالیار بدست وی او را مدح گفته است و سپس دبیر دربار رکن الدین فیروز شاه بن التمش شده و در ۶۳۳ که وی در دهلی بتخت نشسته قصیده ای در ستایش وی سروده است .

۴۳- **مجدالدین ابونصر احمد بن محمود بن علی نظامی**، از شاعران

قرن هفتم بوده که تا اوایل قرن هشتم نیز می زیسته و نسبش بنظامی گنجوی می رسیده و در کاوی در خاک آذ. بایجان می زیسته و از کار گزاران دیوان ایلخانان مغول بوده است .

۴۴- **صلاح الدین حسن بلغاری نخبجوانی**، اصلاً از مردم نخبجوان

بوده و در ۶۰۳ در آن شهر ولادت یافته و در ۶۱۰ ترکان بلغار که بر آن شهر تاخته اند وی را با سارت برده اند و چندین سال اسیر بلغاریان بوده و بهمین جهت بلغاری معروف شده است. وی از بزرگان مشایخ تصوف زمان خود و از اصحاب ابوالنجیب سهروردی بوده و پس از آزادی از اسارت از آذربایجان بنواحی دیگر رفته و در ۶۷۲ وارد کرمان شده و مدتی در آنجا مانده است تا آنکه در جمادی الاولی از کرمان بتبریز رفته و در همان سال ۶۷۲ یا ۶۹۸ در تبریز در گذشته و در محله سرخاب مدفون شده است . نوشته اند که سی سال اسیر بلغاریان بوده و از آنجا بشهر بخارا گریخته و از آنجا بتبریز رفته و خرقه از دست شمس الدین تبریزی عارف مشهور که در خوی مدفون شده گرفته است. وی رساله قلب اله منقلب



سعدالدین حمویه را باخود بکرمان برده و در ۶۷۲ در آنجا آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند و خود اشعار صوفیانه می‌سروده است .

۴۵ - شمس‌الدین محمد بن ایل طغان بردسیری کرمانی ، برخی نام و نسب وی را محمد بن طغان ضبط کرده‌اند و نوشته‌اند که از عارفان قرن هفتم بوده و مثنوی مصباح‌الازواح را که از اوحدالدین کرمانی نیز دانسته‌اند بنام وی ضبط کرده‌اند .

۴۶ - عرب‌شاه یزدی ، که يك مثنوی بنام مونس‌العشاق در تصوف ازو مانده است .

۴۷ - حکیم‌اوحدالدین طبیب‌رازی، وی نیز از متصوفه این زمان و شاعر بوده و ذیلی بر سیرالعباد الی‌المعاد سنایی سروده است .

۴۸ - سعدالدین نطنزی ، نیز از شاعران قرن هفتم بوده که کویا از آثارش تاکنون چیزی بدست نیامده است .

۴۹ - جمال‌الدین زنجانی آذر بایجانی ، از اقران امامی و اثیرالدین اومانی و از سرایندگان درجه دوم قرن هفتم بوده و در ۶۸۷ در گذشته است .

۵۰ - زکی‌الدین عبدالله بن ابوتراب بن بهرام بن زکی بن عبدالله بنجیری شیرازی، از خاندان معروف آل بنجیر (بضم با و سکون نون) که خانواده‌ای نامور از سادات شیراز بوده‌اند . وی از دانشمندان نامی زمان خود بشمار میرفته و قاضی ناصرالدین بیضاوی و قطب‌الدین علامه شیرازی و ظهیرالدین عبدالرحمن بن بزغش از شاگردان وی بوده‌اند و مردی عارف مشرب بوده و کرامات در باره‌اش نوشته‌اند . گفته‌اند پس از مرگ زنده شد و فتوای علمای مصر را جواب نوشت و بهمین جهت باو ذوالموتین گفته‌اند . در ۶۷۷ در گذشته و شعر را استادانه می‌سروده است .

۵۱ - شیخ نورالدین ابوه‌محمد عبدالرحمن بن محمد بن محمد کسرقی اسفراینی ، از بزرگان مشایخ طریقه کبروی از مریدان شیخ جمال‌الدین احمد جوزقانی و او مرید شیخ رضی‌الدین علی لالاغزنوی بود . در کسرق از توابع

اسفراین در ماه شوال ۶۳۷ یا ۶۳۹ ولادت یافته و در پایان زندگی بیشتر در بغداد می‌زیسته و در آنجا در شب یکشنبه ۱۴ جمادی‌الاولی یا یکشنبه ۲۷ جمادی‌الاولی سال ۷۰۰ در گذشته و همان‌جا مدفون شده و شعر فارسی را استادانه می‌سروده است.

**۵۴ - شیخ رضی‌الدین علی بن سعید بن عبدالجلیل لالا غزنوی ،**  
وی نیز از بزرگان مشایخ طریقه کبروی و مرید نجم‌الدین کبری بوده است .  
برخی وی را پسرزاده سنائی غزنوی دانسته‌اند و نیز گفته‌اند مصاحبت احمدیسوی و خواجه یوسف همدانی و بسیاری از مشایخ دیگر را دریافته و نوشته‌اند از ۱۲۴ شیخ خرقه داشته و در علوم ظاهر و باطن مسلط بوده است . سفری به هندوستان کرده و بمصاحبت ابوالرضا رتن از مشایخ هند رسیده که در تبتده از توابع حصار فیروزه مدفون شده است و وی شایسته رسول را که محاسن خود را بدان شانه می‌کرده بوی بخشیده است . سرانجام در ۳ ربیع‌الاول ۶۴۲ در گذشته است ، ظاهراً در غزنی وفات یافته زیرا که قبر وی در آن شهر در میان روضه‌ای که محمود غزنوی را در آنجا بخاک سپرده‌اند معروف بوده و این که نوشته‌اند در اسفراین در گذشته است درست نیست .  
وی نیز در شعر فارسی استاد بوده است .

**۵۴ - شیخ نجیب‌الدین ابوسعید علی بن بزغش بن عبدالله شیرازی ،**  
از بزرگان مشایخ طریقه سهروردی بوده است . نوشته‌اند که پدراش از مردم شام بوده‌اند و وی در شیراز ولادت یافته و در آن شهر می‌زیست و از آغاز مصاحبت درویشان بود و از جامهای فاخر و خوراکیهای خوش‌گوار پدر روی برگردان بود و پشمینه می‌پوشید و مرید شیخ شهاب‌الدین سهروردی بوده و بدین گونه می‌بایست مدتی در بغداد زیسته باشد . سرانجام در روز آدینه از ماه شعبان ۶۷۸ در شیراز در گذشته و در آنجا مدفون شده و بازماندگان وی تا مدتی در آن شهر معروف بوده‌اند .  
وی رسایلی در تصوف نوشته و در شعر فارسی نیز توانا بوده است .

**۵۴ - ظهیرالدین عبدالرحمن بن علی شیرازی ،** پسر نجیب‌الدین علی  
ابن بزغش سابق‌الدکر و جانشین پدر و از بزرگان طریقه سهروردی بود و با

صفی‌الدین اردبیلی و سعدی مناسباتی داشته و در ۲۵ رمضان ۷۱۴ یا در ۷۱۶ در گذشته و وی نیز در شیراز مدفون شده و او هم در شعر دست داشته است.

**۵۵ - شیخ زین‌الدین نسوی**، نیز از عارفان مشهور این عصر و از مردم شهر نسا و از مشایخ سلسله کبروی بوده و در دشت خاوران مریدان بسیار داشته و شعر را استادانه می‌سروده است.

**۵۶ - سیف‌الدین ابوالمحمّد محمد فرغانی**، ظاهرآ در آسپای صغیر میزیسته و از آنجا مدایحی برای ایلخانان مغول بایران می‌فرستاده و از آن جمله مداح غازان خان بوده و مدایحی برای او بتبریز فرستاده و با سعدی نیزه شاعره داشته و سیف و سیف فرغانی تخلص می‌کرده و کلیات اشعار وی اینک در دست است.

**۵۷ - خواجه علی بادامیاری**، از مردم بادامیزار از نواحی دهخوارقان آذربایجان و ساکن آنجا و از مشایخ تصوف زمان خود و مرید خواجه یوسف دهخوارقایی بوده و در ۶۹۹ در زادگاه خود در گذشته و در همانجا مدفون شده و در شعر علی تخلص می‌کرده است.

**۵۸ - حکیم میسری**، که از بزرگان قرن هفتم بوده و به زبان ای در طب اذیه مانده است بنام دانشنامه که تقریباً ۴۴۰۰ بیت دارد و بزرگترین و بدشیرین نظامی امراض و معالجات را نظم کرده است. دیگرانه نسخه در ... منظومه در پاریس هست کاتب تاریخ آغاز نظم آنرا ۳۶۷ و پایان نظم را ۴۲۰ ... است اما پیدا است که کاتب از روی نسخه‌ای نقل کرده که نتوانسته است درست بخواند و در اصل ۶۶۷ و ۶۷۰ بوده است زیرا که زبان این اشعار بزبان قرن چهارم اندک شباهتی ندارد و بیشتر بزبان قرن هفتم است. وانگهی تخلص یا نسبت میسری در قرن چهارم بسیار بعید می‌نماید. خود در پایان نسخه می‌گوید که چهل و شش سال دارد و اگر تاریخ اتمام آن ۶۷۰ بوده باشد درین موقع ۴۶ سال داشته و در ۶۲۷ ولادت یافته است. این منظومه را برای ناصرالدین قاجار پیاپی رسانیده که وی را از شاهان ایران دانسته و پیدا است که یکی از امیران این دوره بوده است.

۵۹ - کریم الدین نیشابوری ، از شاعران این قرن و از مریدان اوحد الدین کرمانی بوده است و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

۶۰ - خواجه قطب الدین بختیار اوشی کاکی ، نسب کامل وی را چنین ضبط کرده اند : بختیار بن کمال الدین احمد بن موسی بن احمد بن کمال الدین محمد بن احمد بن اسحق بن حسن بن معروف بن احمد بن رضی الدین بن حسام الدین بن رشید الدین بن امام جعفر صادق . از بزرگان مشایخ هند از طریقه چشتی بود در اوش از توابع فرغانه در سرزمین اندجان ولادت یافت . نوشته اند که در دهلی همسایه زنی بود که برای گذران خود از ورامی گرفت و خوراک خود را میساخت . روزی که این زن او را سرزنش کرد غیرتش بر نداشت و دیگر چیزی از او نگرفت و پس از آن هنگام حاجت بطاقی که در حجره اش بود دست می برد و يك قرص نان كاك از آنجا می گرفت و برای این کرامت که از و سرمیزد او را کاکی لقب دادند و بهمین جهت تلمذتی مدید بر سر خاکش که در سه فرسنگی دهلیست از آن نان كاك می پختند و بزازان و مجاوران می دادند . اما چنان می نماید که این نسب بدان جهت بوده است که وی یایکی از پدراش كاك می پخته اند . وی نخست در زادگاه خود مرید شیخ ابو حفص اوشی بوده و در ۱۷ سالگی از مریدان معین الدین سکزی پیشوای معروف طریقه چشتی و سپس خلیفه او شده و بفرمان وی بدلهلی رفته و در آنجا مانده است . سفری نیز بملتان کرده و بابهاء الدین زکریا و نیز باحمید الدین ناگوری مشایخ معروف آن زمان دیدار کرده است . فرید الدین شکر گنج عارف مشهور از اصحاب وی و خلیفه او بوده و کتاب فواید السالکین را در مقامات و مناقب او نوشته است . در حال سماع که شعری از احمد جام ژنده پیل در خانقاه می خواندند حالش دگرگون شد و از هوش رفت و او را بخانه اش بردند و يك شبانه روز بهمان شعر سماع کرد و در آن حال در روز دوشنبه ۱۴ ربیع الاول ۶۳۳ یا ۶۳۴ در گذشت و ۵۲ سال داشت . وی نیز در شعر فارسی استاد بوده و مجموعه اشعارش باقیست و نیز کتابی بنام دلیل العارفین در مناقب و ملفوظات مرشد خود معین الدین سکزی

نوشته است .

۶۱- **خواجه شرف الدین مقبل کرمانی**، از دبیران و شاعران نامی زمان خود بوده و در ۶۵۰ سلطان قطب الدین محمد پادشاه کرمان ریاست دیوان انشاء را بوی داده است .

۶۲- **ملك افتخار الدین قزوینی**، از کار گزاران محتشم دستگاه شمس الدین صاحب دیوان جوینی و فرمان او حکمران قزوین و برخی از نواحی عراق بوده و در ۶۷۸ در گذشته و شعر را نیکو می سروده است .

۶۳- **علاء الدین علی بن محمد بن احمد بن خلف خیام خراسانی**، از شاعران نامی زمان خود بوده و در خراسان و آذربایجان شهرت داشته و دیوانی شامل اشعار بسیار داشته که گویا از میان رفته است .

۶۴- **صدر الدین علی بن خواجه نصیر الدین طوسی**، از پسران این دانشمند معروف و از نزدیکان خاندان شمس الدین صاحب دیوان و بردارش عظاملك جوینی بوده و تا ۶۸۱ می زیسته و شاعر بوده است .

۶۵- **ملك محمود تبریزی**، پسر ملك ظفر الدین از خاندان محتشم آذربایجان از مردم زَنُوز و پدرانش مالك آن روستا بوده اند و رشید الدین فضل الله زَنُوز را از و برادرانش خریده و وی شاعر بوده است .

۶۶- **محبی الدین محبی بن محمد نیشابوری**، پسر زاده امام محمد محبی نیشابوری دانشمند معروف که در فتنه غز شهید شد و خود نیز از دانشمندان نامی بوده و رباعی از و مانده است .

۶۷- **عبدالله بن ابو عبدالله منجی الثاني بن ابو حفص منجی الماضي بن عبدالله بن یقظان ایندجی خوزی**، از مشایخ تصوف ایران مباحث ابن العربی که مؤلف طراز الذهب در فضایل ائمه و شاعر بوده است .

۶۸- **رکن الدین کرجی**، نیز از شاعران این دوره بوده است که از احوالش

اطلاعی نیست .

**۶۹- تاج‌الدین محمود حداد اشنوی یا اشنه‌بی**، از مشایخ معروف زمان خود و مرید شمس‌الدین محمد بن عبدالملک دیلمی و از مشایخ سیف‌الدین باخرزی و ساکن هرات بوده و در آن شهر در گذشته و در زیر گنبد مجدالدین طالبه وی را بـِخاک سپرده اند و آثاری از او مانده از آن جمله کتاب غایة الامکان فی درایة المکان در مضاربات هرات و تاج نامه در تصوف و شعر نیز می‌سروده است.

**۷۰- مجدالدین طالبه**، نیز از متصوف هرات درین زمان بوده و مردی نکته‌دان بشمار می‌رفته و مزار وی در هرات از زیارتگاه‌های معروف بوده و غزل را استادانه سروده و در صحیفه ۷۱۰ این کتاب بخط نام وی جزو شاعران قرن دهم آمده است.

**۷۱- شمس‌الدین محمد بن حکیم کیشی**، از بزرگان دانشمندان قرن هفتم و در حکمت و ادب نام‌آور بوده است. از مردم جزیره کیش در خلیج فارس بوده اما سفرهایی کرده از آن جمله چندی در اصفهان بوده و از آنجا نامه‌ای به خواجه نصیر‌الدین طوسی نوشته و پرسشی چند در مسائل حکمت از او کرده است. سپس در ۶۵۵ به بغداد رفته و بعد از مدتی در مدرسه نظامیه شده و پس از آنکه زمانی باصفهان نزد بهاء‌الدین محمد بن زکی اندیدیم جوینی حکمران آن شهر باز گشته زیرا که با خاندان جوینی پیوستگی داشت و سرانجام در ۶۹۴ درگذشت. آثاری به جز نامه‌ای که به خواجه نصیر‌الدین نوشته و این پاسخ داده شرح فارسی دعای «قتلونی یا ثقاتی ان فی قتلنی حیوتی» از حسین بن منصور حلاج و روضة المناظره در شرح رساله نفس الامر خواجه نصیر‌الدین و شرح حدیث الناس ینام و در ضمن شاعر زبردستی بوده و اشعار شیوا از او مانده است.

**۷۲- ملک‌عزالدین بن جمال‌الدین کیشی**، وی نیز از حکما و از مردم جزیره کیش بوده و در کرمان می‌زیسته و در ۶۹۲ در گذشته و شعر فارسی می‌سروده است و برادرش ملک‌شمس‌الدین در ۷۳۴ یا ۷۳۵ در گذشته است.

**۷۳- جلال‌الدین درگانی**، از شاعران دربار سلجوقیان روم بوده و اشعاری از او در مدح پادشاهان این سلسله در دست است. وی از واعظان معروف زمان خود بوده و در فقه و تفسیر و حدیث دست داشته است.

**۷۲- شمس الدین محمد اصفهانی، وزیر غیاث الدین کیخسرو (۶۱۵-۶۱۰)**

و عزالدین کیکاوس (۶۱۵-۶۳۴) از سلجوقیان روم بوده و از ادیبان نامی زمان خود و مردی کافی بشمار می رفته و سرانجام بدستور رکن الدین قلج ارسلان چهارم ظاهراً در ۶۶۴ کشته شده و بزبان تازی و فارسی شعر را نیکومی سروده است.

**۷۵- ناصر الدین برکیارقشاه، گویا پسر قلج ارسلان سوم (۶۱۵-۶۱۰) از**

پادشاهان سلجوقی روم بوده و در شعر فارسی دست داشته و منظومه‌ای بعنوان قصه حورزاد و پریزاد ببحر هزج سروده است.

**۷۶- امیر حکیم عماد الدین یوسف فضلوی متخلص به عماد، از طایفه**

فضلویه از مردم لرستان و یکی از معروف ترین شاعران دربار سلجوقیان روم و بیشتر مداح ملک غیاث الدین مسعود بن کیکاوس (۶۸۳-۷۰۲) بوده است و به عماد لر نیز معروف بوده است.

**۷۷- دختر حسام الدین سالار، نام وی را جایی ضبط نکرده اند همین**

قدر پیدا است که پدرش حسام الدین سالار از کارگزاران محتشم دربار سلجوقیان روم و شاید از جانب ایشان حکمران موصل بوده است و وی از موصل قصیده‌ای در مدح عزالدین کیکاوس (۶۱۵-۶۳۴) پادشاه سلجوقی روم فرستاده است.

**۷۸- جلال الدین فیروزشاه خلجی، دوازدهمین پادشاه از سلسله پادشاهان**

دهلی از نژاد افغان و از طایفه خلیج یا غلج (غلزایی) بود. نخست در سلطنت غیاث الدین بلبن ترقی کرد و بدرجه بلند رسید و حکمران سامانه شد. هنگامی که معزالدین کیقباد بیمار شد وی را برای سرپرستی کارها بدلهلی خواندند ولی امیران ترک دربار با وی سازگار نبودند و چون بر ناتوانی کیقباد افزود پسر نابالغش شمس الدین کیومرث را پادشاهی برداشتند. وی این انتساب را پذیرفت اما دست ترکان را از کار کوتاه کرد و چون کیقباد را کشتند مقاومتی نکرد و بزودی در ۳ جمادی الاخره ۶۸۹ آن کودک را هم از میان برداشتند و وی پادشاهی رسید. چون وی از نژاد

افغانی بود مردم دهلی تن در نمی دادند و ملک چاجو برادرزاده غیاث الدین بلبن نیز سرکشی می کرد و مدعی تاج و تخت بود . وی چون مردی نیک نفس بود بخوشرویی و مهربانی دشواریها را از میان برد اما همین ملایمت وی سبب رنجش امیران دربارش شد . دسیسه ای که درباره اش کرده بودند کشف شد و وی سرکشان را عفو کرد اما درویشی که سیدی ملا نام داشت و در صدد برآمده بود فیروزشاه را بکشد بوضع فجیعی کشته شد . فیروزشاه علاءالدین برادرزاده و داماد خود را حکمرانی سرزمین کره داده بود و وی که مردی ماجری جوی بود چون از ثروت دوگیری در سرزمین دکن آگاه شد با آنجا لشکر کشید و غنیمت بسیار با خود بدهلی آورد اما بهبهانه این که از خشم اوهراسانست و بی اجازه وی این لشکرکشی را کرده است بدیدار عم خود نرفت . فیروزشاه که درین مورد نیز سستی آشکار کرد با آنکه وی را ازین کار بر حذر داشتند برای دیدن برادرزاده اش بکره رفت و در آنجا بدستور علاءالدین در ۱۶ شعبان ۶۹۵ او را بکار داشتند و علاءالدین بسلطنت نشست . فیروزشاه مردی خوش خوی و مهربان و ادب پرور بوده و آبادانی بسیار کرده و شعر فارسی را نیز خوب می سروده است .



### قرن هشتم

ص ۱۸۴ ش ۴ : هندوشاه ، باید افزود که از سال ۶۷۸ قطعه شعری از او مانده است .

ص ۱۸۴ ش ۵ : محمد بن هندوشاه ، در ۶۸۷ در نخب جوان ولادت یافته و صاحب الفرس را در ۷۲۸ و دستور الکاتب را در ۷۶۰ بپایان رسانیده است .

ص ۱۸۴ ش ۶ . معین الدین یزدی در جمادی الاخره ۷۵۴ امیر مبارز الدین محمد ابن مظفر در کرمان نزدیک قلعه مولانا صدرالدین خوافی در محله سرمیدان دارالسیاده ای ساخت و وی را هامور تدیس در آنجا کرد و در ۷۶۳ شاه شجاع او را برای مصالحه نزد محمود شاه برادرش فرستاد و وی ایشان را صلح داد .



ص ۱۸۲ ش ۱۶: شاه نعمه الله ولی، سلسله مشایخ وی را چنین ضبط کرده اند:  
 شیخ محمد بن عبدالله یافعی، شیخ صالح ترمذی، شیخ کمال الدین کوفی، ابوالفتح  
 سعیدی، ابومدین مغربی، ابوسعود اندلسی، ابوالبرکات بغدادی، ابوالفضل -  
 بنداری، ابوالفتوح احمد غزالی، ابوبکر نساج طوسی، ابوالقاسم گرگانی،  
 ابوعثمان مغربی، ابوعلی کاتب، ابوعلی رودباری، جنید بغدادی، سری سقطی،  
 معروف کرخی، داود طایی، حبیب عجمی، حسن بصری. در ۸۰۷ که در میان  
 پیر محمد بن عمر شیخ و برادرش اسکندر تیموری با امیر ایدکو جنگ در گرفت  
 ایدکو وی را بشفاعت فرستاد و ایشان با احترام وی صلح کردند و بشیر از باز گشتند.  
 رحلت وی در ماهان روی داده است.

ص ۱۹۰ ش ۱۸: سید شریف گرگانی، مؤلفات دیگر وی بفارسی: رساله  
 برای امیرزاده اسکندر حاکم شیراز تألیف در ۸۱۰، جواب سؤالات امیرزاده اسکندر  
 حاکم شیراز، رساله در علوم ثلاثه، رساله در بیان معنی ایمان اسلام، رساله برای  
 امیرزاده پیر محمد حاکم شیراز در اقوال فلاسفه و بتازی: رساله ترتیب اثر بر فعل،  
 رساله حرف، رساله فی مراتب الوجودات، رساله فی تفسیر السلطان ظل الله فی -  
 الارض، فتوح القدس در تفسیر سوره فاتحه، شریفیه در شرح سراجیه. پسرش امیر  
 شمس الدین محمد در ۸۳۸ در شیراز در گذشته است.

ص ۱۹۶ ش ۲۶: منصور بن محمد، تشریح البدن یا تشریح منصوری را در  
 ۷۹۸ نوشته است.

ص ۱۹۵ ش ۳۳: میر سید علی همدانی، از مشایخ طریقه کبروی و از اصحاب  
 محمود مزدقانی شافعی متمایل بشیعه بوده و بهمین جهت بعلی ثانی معروف بوده  
 است. رحلت وی در ۶ ذی حجه ۷۸۶ بوده است. مزار وی هم اکنون در گولابدر  
 تاجیکستان امروز و بروی رستاق شهر افغانستان و در ۱۵۰ متری گولابوزیار تگاهست  
 و بنای آن از تیمور گورکانست و سنگ یشم سیاهی مانند همان سنگی که بر قبر  
 تیمور در سمرقندست دارد. دیگر از مؤلفاتش شرح فصوص الحکم و ترجمه قواعد

عشره یا اصول العشرة نجم الدین کبری بنام ده قاعده است . در مقامات وی یکی کتاب خلاصة المناقب تالیف نورالدین جعفر بدخشیش است که در ۷۸۷ درختلان نوشته است ، دیگر کتابیست تالیف ابوبکر طوسی و دیگر منتقبت الجواهر معروف بمستورات از حیدر بدخشی از اصحاب سید عبدالله برزش آبادی ذهبی .

ص ۱۹۵ ش ۳۵ : قطب الدین عبدالکریم مؤلف انسان الكامل فی معرفة الاواخر والاوائل در ۷۶۱ ولادت یافته است .

ص ۱۹۵ ش ۳۶ . نصیر الدین چراغ دهلی ، نام و نسب و نصیر الدین محمود بن یحیی بن عبداللطیف ، نسبش بامام حسن بن علی می رسیده . جدش عبداللطیف یزدی از خراسان ب لاهور رفت و در آنجا ماند و پدرش از لاهور باوده رفت و بازرگان پشم بود . چون مرد وی کودک بود و مادرش او را تربیت کرده و در ۲۵ سالگی ترك دنیا کرد و ب جنگل رفت و هشت سال بادریشی در جنگل می گشت و ریاضت می کشید و سرانجام بدهلی رفت و مرید نظام الدین اولیاء شد و سپس نزد مادر باوده رفت و چون او مرد بدهلی باز گشت و نظام الدین او را خلیفه خود کرد و مانند مرشد خود بسماع بسیار می پرداخت . در ۷۵۴ قلندری تراب نام که با او دشمن بود او را در حجره ای تنها یافت و کارد زد و وی از آن جراحت مرد . حمید قلندر ملفوظات وی را بعنوان خیر المجالس و مولانا محب الله بنام مفتاح العاشقین گرد آورده اند .

ص ۱۹۶ ش ۳۷ : سید محمد گیسودراز ، نسبش بامام جعفر صادق می رسیده است . نوشته اند این که وی را گیسودراز لقب داده اند بدین سبب بوده است که روزی بامریدان پالکی مرشد خود را برداشت و کیسویش در پای پالکی ماند و از شدت استغراق در بند رهایی گیسوی خود نیفتاد و بهمان وضع پالکی را تا مسافت بسیار برد و از کرامات مرشدش گیسوی وی چنان دراز شد که آسیبی باو نرسید . پس از رحلت مرشد خود بد کن رفت و در آنجا در گذشت و مرقدش اینک در گلبرگه زیارتگاهست . ملفوظات وی را محمد نام یکی از اصحابش گرد آورده است .

بر صحیفه ۱۹۸ بر نویسندگان قرن هشتم این چندتن را باید افزود :

(۴۴) محمود طاهر غزالی معروف بن نظام ، مدرس مدرسه جلالی مؤلف رساله معرفة المذاهب .

(۴۵) حمیدالدین محمود بن عمر نجانی نیشابوری ، از دانشمندان وادیای نامی زمان خود بوده است و بتألی و پارسی آثاری از و مانده است از آن جمله بستان العلماء در شرح یمینی تألیف ابونضر غنوی تاریخ معروف غزنویان و رساله پیروزی و مقاله نوروزی در پاسخ غیاث الدین بن رشید الدین فضل الله همدانی و شرح قصیده بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار از جمال الدین مطرزی که در ۷۲۱ تألیف کرده است .

(۴۶) فرامر زبن خداداد بن عبدالله کاتب ارجانی ، مؤلف داستان سمک عیار از روایت صدقه بن ابوالقاسم شیرازی .

(۴۷) تاج الدین محمد بن صدر الدین احمد بن علاء الدین حسن دبیر عبدوسی معروف بملک اخیستان هندی ، مؤلف بساتین الانس بنام سلطان محمد بن تغلق شاه پادشاه دهلی که در ۵۷۲ پایان رسانیده و در ضمن بها عماد فقیه کرمانی شاعر معروف مکاتبه داشته و مکتوبی از و مانده است که می رساند منشی زبردستی بوده است .

(۴۸) قاضی صدر الدین اسمعیل ابر قوهی ، مؤلف تعبیر سلطانی که بنام شاه شجاع آل مظفر در ۷۶۳ پایان رسانده است .

(۴۹) مسعود بخارایی ، از مردم روستای بک از توابع بخارا ، مرد دانشمندی بوده و پس از سیاحت های بسیار بدلهی رفت و از مریدان نصیر الدین چراغ دهلی عارف مشهور شد و مدتی در خانقاه وی ریاضت کشید و نویسنده و شاعر بوده و سه کتاب در تصوف نوشته است : نور العیون و ام الصغایح و مرآة العارفین .

(۵۰) امیر حسن بن علاء سکزی ، مؤلف فواید الفواد در مقامات و ملفوظات نظام الدین اولیا عارف مشهور که پس از ۷۰۷ تألیف کرده است .

(۵۱) محمد بن محمد ، مؤلف فرسنامه ای که بنام مظفر الدین باکلی خوار در ۷۶۷ پایان رسانیده است .

(۵۲) **عبدالمحسن بن محمد حسینی**، مؤلف اخلاق معزی که بنام معزالسلطنه امیرانشاه تیموری در آذربایجان تألیف کرده و در روز آدینه ۱۲ ذی الحجه ۷۷۸ بپایان رسانیده است .

(۵۳) **فیروز بن رجب**، از درباریان محمد بن تغلق شاه مؤلف فتوحات فیروزشاهی در تاریخ فیروزشاه تغلق .

(۵۴) **معین الدین عباسه شهرستانی**، از منشیان دربار شاه شجاع آل مظفر بوده و نویسنده زبردستی به شمار می رفته و منشآت او در دستت و برخی وی را با معین الدین یزدی مؤلف مواهب الهیه اشتباه کرده اند .

(۵۵) **ابوالقاسم محمود**، مؤلف خلاصه الکلام در ادب که در ۷۵۵ تألیف کرده است .

(۵۶) **سید اشرف الدین جهانگیر سمنانی سامانی نوربخشی نوری چشتی**، از مشایخ متصوفه ساکن هند و ده وی را از بازماندگان پادشاهان سمنان دانسته اند و احتمال می رود مراد این باشد که از بازماندگان علاءالدوله سمنانی بوده است . در قریه پندره در بنگاله مرید علاءالدین از مشایخ آن سرزمین شد و سپس مقیم روح آباد کچهوچیه نزدیک لکنهو بود . سفرهای چند کرد از آن جمله بشیراز رفت و با حافظ شیرازی دیدار کرد . سفر اول را در ایران و عربستان و سفر دوم را در فلسطین و عربستان کرد و با نصیرالدین روشن چراغ یا چراغ دهلوی در گذشته در ۷۵۷ نیز دیدار کرده و سرانجام در ۸۰۸ در گذشت و در روستای کچهوچیه مدفون شد . وی مؤسس طریقه ای بوده است که بمناسبت نام وی بآن طریقه اشرفی گفته اند و هنوز در هندوستان رایجست . حاج شیخ نظام الدین غریب یمنی از اصحاب وی که در ۷۵۰ در یمن مرید وی شده و سی سال با او بوده کتابی در مقامات وی بنام لطائف اشرفی نوشته است مجموعه مکاتیب وی را نیز بعنوان مکتوبات اشرفی گرد آورده اند که مجلد اول آنرا همان حاج نظام الدین غریب یمنی در ۷۸۷ گرد آورده و مجلد دوم را مرید دیگرش که عبدالرزاق حسنی حسینی نام داشته در ۸۶۹ فراهم

کرده است .

(۵۷) **حاج بکتاش ولی بن سلطان ابراهیم بن موسی** ، که تاسیس فرقه بکتاشی آسیای صغیر و ترکیه و سوریه و مصر را با ونسبت می دهند و آنچه درباره وی گفته اند مشکوکست از آن جمله وی را از مردم نیشابور دانسته اند و از اصحاب احمد یسوی شمرده اند که در ۵۶۲ در گذشته و می گویند معاصر اورخان (۷۲۶-۷۶۱) مؤسس سلسله آل عثمان بوره و در ۶۴۶ ولادت یافته و در ۶۹۷ یا ۷۴۰ در گذشته و کتابی بنام مقالات بوی نسبت داده اند و کتابی بنام ولایت نامه در مناقب او نوشته اند . در هر صورت اگر نیشابوری بوده باشد می بایست نام ایرانی بجز بکتاش داشته بوده باشد . پیروان وی در خاک عثمانی بسیار بوده اند و بیشتر ازینی چریان لشکریان پادشاهان آل عثمان بکتاشی بودند و هنگامی که ایشان را بر انداختند بسیاری از بکتاشیان کشته شدند .

(۵۸) **ابوالوفا بن سعید بن محمد بن یوسف بن محمود** ، مؤلف لب الالباب در بیان عبارات و استعارات عرفا و مخصوصاً داود قیصری شارح قصص الحكم ابن العربی .

(۵۹) **نظام تبریزی** ، از دبیران و شاعران زمان خود بوده و در ۷۶۸ کتاب سلوان المطاع ابن ظفر را که در سلوك و ادب در ۵۵۴ تألیف شده است بنام ریاض الملوك فی ریاضات السلوك برای سلطان اويس جلایر ترجمه کرده است .

(۶۰) **عبدالعزیز کاشی** ، مؤلف روضة الناظر و فزحة الخاطر مجموعه اشعار تازی و پارسی که نسخه ای از آن بخط او هست که در ۷۷۷ نوشته است .

(۶۱) **امام ابو منصور مظفر بن اردشیر عبادی** ، از مشایخ نامی تصوف در زمان خود بود و دو کتاب در تصوف نوشته است یکی کتاب التصفیه فی احوال المتصوفه که در ۷۵۷ پایان رسانیده و دیگر مناقب الصوفیه که در ۷۸۸ تمام کرده است .

(۶۲) **فخرالدین محمد بن محمود پوشنگی متخلص بمسیحی** ، مؤلف عبرة الناظرین در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۸۰۷ رساند

(۶۳) محمد بن اسعد بخاری ، مؤلف مسالك العارفين در تصوف .

(۶۴) ابوسلیمان محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف آل بنجیر سادات علوی شیراز ، مؤلف اخبار الاخیار در احوال بزرگان خانواده اش که پسرش رکن الدین یحیی بنام مقاله الابرار در آغاز قرن نهم تلخیص و تہذیب کرده است .

(۶۵) حاج شیخ محمد بن احمد بن علی بن محمد طاهری بیغمی ، مؤلف داراب نامه .

(۶۶) احمد نخجوانی ، مؤلف مصباح الارواح در تصوف .

(۶۷) نصرالله بن عبدالمومن سمرقندی ، مؤلف کتاب منشات کہ بنام ناصرالدین عمر وزیر پایان رسانیده است .

(۶۸) کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ، از بزرگان مشایخ طریقه سهروردی و خلیفه نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی ووی از اصحاب شیخ نجیب الدین علی ابن بزغش شیرازی بوده و ظاہرا در شیراز می زیسته و در آجا در ۳ محرم ۷۳۶ در گذشته و در خانقاه زینی ماستری داخل شهر در جوار مسجد جامع اورا بنحاک سپرده اند . تاریخ رحلت وی را ۷۳۰ و ۷۳۵ نیز نوشته اند . وی از بزرگان مؤلفان صوفیه در زمان خود بوده و تألیفات مهم بزبان تازی و پارسی دارد از ان جمله شرح منازل السائرین عبدالله انصاری کہ در ۲۲ رجب ۷۳۱ پایان رسانیده و شرح فصوص الحکم کہ در ۷۲۰ تمام کرده و اصطلاحات الصوفیه و تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان در آیین فتوت کہ نخست بتازی نوشته و سپس خود بیارسی تحریر کرده و فوت نامه بزبان فارسی کہ پس از آن دو کتاب نوشته است .

(۶۹) مجد خوافی ، از واعظان دانشمند زمان خود بوده و در نظم و نثر فارسی دست داشته و سفرهای چند در خراسان و کرمان کرده و مؤلفات چند از و مانده است یکی دیوان اشعار ، دیگر ترجمه منظوم جواهر اللغه زمخشری ، دیگر کتاب کنز الحکمه و دیگر روضه خلد کہ تقلیدی از گلستان سعدیست و در بهار ۷۳۳ آنرا پایان رسانیده و سپس تکمیل کرده و روایت دیگری در ۷۳۷ انتشار داده است .

(۷۰) نظام الدین احمد بن محمد بن احمد ، معروف بشجاع الدین درودباشی

بیہقی مؤلف جامع الہدایہ فی علم الرمایہ در تیراندازی کہ در ۱۵ جمادی الآخرہ ۷۱۸ پس از کتاب نظام الملک حسن بن اسحق بیہقی نوشتہ است .

( ۷۱ ) محمود بن عثمان ، مؤلف فردوس المرشدیہ فی اسرار الصمدیہ در مناقب ابواسحق ابراہیم بن شہریار بن زادان فرخ بن فیروز کازرونی عارف شہیر کہ در ۷۲۸ تألیف کردہ است .

( ۷۲ ) تاج سلمانی ، مؤلف کتابی در تاریخ بنام شمس الحسن کہ در محرم ۷۶۵ پایان رساندہ است .

( ۷۳ ) سید محمد بن سید مبارک بن محمد علوی کرمانی معروف بامیر خرد ، از سادات علوی کرمان بود . جدش بہندرفت و از مریدان فریدالدین شکر گنج شد و بانظام الدین اولیا معاشرت داشت . پدرش سید مبارک نیز از متصوفہ بود خود در آغاز بر ریاضت پرداخت و دانش آموخت و سپس مرید نصیرالدین چراغ دہلی شد و در ۷۹۰ در گذشت . معاصر فیروز شاہ تغلقی در گذشتہ در ۷۱۱ و مؤلف سیر الاولیا فی محبۃ الحق جل و علا در احوال صوفیہ .

( ۷۴ ) فتح اللہ بن احمد بن محمود شہرستانی ، کہ اشتباہاً در صحیفہ ۲۷۲ نام وی در قرن نہم ضبط شدہ است ، مؤلف تحفۃ الائمۃ العلیہ فی الحکمۃ العملیہ و رسالہ در اصول وقواعد خط و اخلاق ظہیری یا اخلاق ظہیریہ کہ در حدود ۷۵۰ برای سلطان محمد بن تغلقشاہ بن غیاث الدین تغلق معروف بسطان محمود جونہ نوشتہ است .

( ۷۵ ) فیروز شاہ تغلقی ؛ از پادشاہان دہلی ، پسر ملک رجب و برادر غیاث الدین تغلق ، پسر عمش محمد بن تغلق در گذشتہ در ۲۱ محرم ۷۵۲ او را تربیت کرد و ترقی داد و پس از مرگ وی بتخت نشست و پریشانی ہایی را کہ در کار روی دادہ بود جبران کرد . در ۷۵۴ و ۷۶۱ دو بار ببنگالہ و در ۷۶۱ باوریسہ و در ۷۶۲ بنگر کوت و در ۷۶۳ بستہ لشکر کشید . پس از آن بیشتر از عمر خود را بساختمان و شکار و تفرج می گذراند و آبادانی بسیار کرد و شہرہا و کاخہا و مزارہا و کاریزہا و مساجد و مدارس بسیار ساخت و باندارہای نرم بود کہ باتبہ کاران نیز مدارامی کرد

ودوتن از پسرانش را در سلطنت شریک کرد و خراجهای بسیار را بخشید و بهمین جهت زیردستانش وی را بسیار دوست می داشتند و سرانجام پس از هشتاد سال عمر در ۲۹ شعبان ۷۹۰ در گذشت . وی مردی دانش دوست بوده و سید مظهر کره شاعر مداح وی بوده و شمس سراج عقیق و ضیاء الدین برنی دو کتاب بعنوان تاریخ فیروز شاهی در شرح سلطنت او نوشته اند . خود نیز در زبان فارسی دست داشته و شرحی از لشکر کشیهای خود نوشته که بفتوحات فیروز شاهی معروفست .



گذشته از کتابهای نشر که پیش ازین بدانها اشاره رفت در قرن هشتم چند کتاب دیگر بزبان فارسی نوشته شده که مؤلف آنها معلوم نیست . یکی رساله در اعتقادات مذاهب شامل معتقدات هفتاد و سه ملت ، دیگر مورخی که نام خود را نیاورده در ۷۳۷ در اصفهان برای محمود بن جمال الدین وزیر اصفهان نسخه ای از ترجمه تاریخ طبری ابوعلی بلعمی فراهم کرده و سپس تاریخ جهان گشای جوینی را گذاشته و در میان آنها مختصری در تاریخ صفاریان و سامانیان و غزنویان و ملوک غور و آل سلجوق در سه صحیفه بقطع رحلی نوشته است . دیگر کتابیست در جغرافیا که مؤلف آن معلوم نیست و بنام مبارزالدین محمد بن مظفر نوشته و در ۷۴۸ بپایان رسانیده و بنام صورالاقالیم یا مسالك ممالك معروفست و دیگر کنایی در اخلاق و سلوك بنام تحفه .



در باره شاعران قرن هشتم این مطالب را باید افزود :

ص ۱۹۹ ش ۱ : بهاء الدین سلطان ولد ، تولد وی در ۶۲۲ و وفاتش را در ۲۱ رجب ۷۱۲ هم ضبط کرده اند .

ص ۱۹۹ ش ۲ : اوحدی حتما از مردم اصفهان بوده و در آن شهر نشو و نما یافته و چون مدتی در مراغه بوده بمرأی معروف شده است .

ص ۱۹۹ ش ۳ : خواجو ، وفات وی را در ۷۵۰ نیز ضبط کرده اند و این درست نیست .



ص ۲۰۰ ش ۴: ابن یمن، وی فخرالدین لقب داشته و دیوانش در جنگ ملک معزالدین ابوالحسن محمد کرباخواجه و جیه الدین سربدار و شیخ حسن جویری در میان زاوه و خواب از میان رفته است.

ص ۲۰۲ ش ۶: عماد فقیه. خانقاهی در کرمان ساخته است که تاریخ بنای آنرا ۶۶۶ نوشته اند و پیدا است که درست نیست شاید در اصل ۶۹۶ بوده باشد. وی در زمان خویش شهرت بسیار داشته چنانکه تاج الدین محمد معروف بملک اخستان هندی سابق الذکر از هند با و نامه نوشته است.

ص ۲۰۵ ش ۱۴: حافظ: ممدوح وی حاجی قوام الدین حسن شیرازی که بصاحب عیار معروف بوده در ۷۵۲ نایب قلم امیر مبارزالدین محمد بن مظفر و در ۷۵۳ از جانب او حکمران کرمان شده و در گذشت وی را در جمعه ۶ جمادی الاخره ۷۵۴ نیز ضبط کرده اند. مدفن او را در شیراز در محله کت نوشته اند. برخی حافظ را از متصوفه دانسته اند چنانکه بعضی وی را از پیروان قوام الدین ابواسحق ابن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری در گذشته در ۷۶۴ و شمس الدین ابو محمد عبدالله بنجیری در گذشته در ۷۸۲ دانسته اند که ذکرشان پس ازین خواهد آمد و برخی وی را از مریدان شیخ محمود عطار شمرده اند که در باره اش اطلاعی نیست. نوشته اند که حافظ کتاب کشف کشف را نزد قوام الدین خوانده است. در تاریخ فرشته چنین آمده است که محمود شاه بن علاء الدین حسن کانکوی بهمنی از پادشاهان سلسله بهمنی دکن در هندوستان که ذکرش پس ازین خواهد آمد مرداد پرور بخشنده ای بود و چون آوازه وی بحافظ رسید وی نیز راغب سفر دکن شد اما بواسطه برخی از موانع نتوانست برود. این خبر بمیر فیض الله انجو که منصب صدارت وی را داشت رسید و وی اندک زاد و راهی برای حافظ بشیر از فرستاد که اگر بآنجارود مقدم وی را گرامی خواهند داشت و وی را بشیر از باز پس گردانند. حافظ بیش از پیش خواستار این سفر شد و از آنچه میر فیض الله فرستاده بود برخی بخواهر زادگان خود و زنان بی شوی بخشید و برخی را برای گزاردن و امپای خود بکار برد و سامان راه

کرد و از شیراز بیرون رفت و چون بلار رسید آنچه داشت یکی از آشنایان غارت زده بخشید و تهی دست شد. خواجه زین العابدین همدانی و خواجه محمد کازرونی که از ازبکستان مالدار بودند و آهنگ سفر هند داشتند بعهده گرفتند خرج راه وی را بدهند و حافظ را با خود بهر موزمردند اما در برخی از کارها کوتاهی کردند و وی را از خود رنجانیدند و با این همه حافظ بکشتی محمود شاه که از دکن آمده بودن نشست و از قضا هنوز کشتی براه نیفتاده بود که باد مخالف وزید و دریاشورید. حافظ یکسر از آن سفر شمر شد و بیاران خود گفت بابرخی از وستانم که در هر موزند و داع نکرده ام می روم ایشان را ببینم و در ساعت باز می گردم و بدین بهانه از کشتی بیرون رفت و غزلی را که مطلعش اینست :

دمی باغم بسر بردن جهان یکسر نمی آرد      بمی بفروش دل قما گزین بهتر نمی آرد  
سرود و بدست یکی از یاران نزد میر فیض الله انجو فرستاد و خود بشیراز رفت. چون این غزل بمیر فیض الله رسید روزی بتقریبی آن داستان را بمحمود شاه گفت. شاه گفت چون حافظ باندیشه رسیدن بما قدم در راه نهاده بود بر ما واجبست که او را محروم نکنیم. سپس بمالاقاسم مشهدی که از دانشمندان دربارش بود هزار سکه طالاداد که انواع کالای هند بخرد و برای حافظ بشیراز ببرد.  
ص ۲۰۸ ش ۱۸: امین الدین کازرونی، نام و نسب وی بدین گونه است: امین-الدین محمد بن علی بن ضیاء الدین مسعود، از مریدان شیخ اوحد الدین بن ضیاء الدین مسعود پسر عم خود بوده و در ۱۱ اذی قعد ۷۴۵ در کازرون در گذشته است.  
ص ۲۰۸ ش ۱۹: رکن الدین صاین، نسب وی بدین گونه است رکن الدین صاین بن شمس الدین محمود بن رکن الدین صاین هروی. وی لقب و نام جد خود را داشته که او نیز از مردان محتشم دربار ایلخانیان مغول بوده و در ۷۰۰ بفرمان غازان خان کشته شده است. وی در ۷۰۸ ولادت یافته و در ۷۴۸ وزیر فارس شده است.

ص ۲۰۹ ش ۲۴: شمس مغربی، نام و نسب وی بدین گونه است محمد

ابن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی ملقب به محمد شیرین متولد در ۷۴۹ .  
 درباره زادگاه وی اختلاف است برخی در روستای امند ، برخی در امند در بلوک  
 رودقات تبریز نوشته اند و برخی نام آنرا انبندات و ابندات ضبط کرده اند . تاریخ  
 در گذشت وی را ۸۰۷ و ۸۱۹ نیز نوشته اند اما ۸۰۹ درست ترست . برخی نوشته اند در  
 در حظیرة با بایزید در محله سرخاب مدفونست و اینک قبر وی در اصطهبانات معروفست .  
 آثار وی بجز دیوان اشعارش : نزهة السانیه (۱) ، مرآة العارفین در تفسیر سورة  
 فاتحة الكتاب ، در در الفرید فی معرفة التوحید ، جام جهان نمایا کلیات علم توحید  
 یا مراتب وجود ترجمه و تلخیص از مشارق الدراری الزهر فی کشف حقایق نظم-  
 الدر از سعد الدین سعید فرغانی که شرح خمیه ابن فارض است و جام جم شروح  
 متعدد دارد از آن جمله شرح وجیه الدین علوی و نعمة الله نام بنام مدام جان فزا  
 و شرح احمد بن موسی رشتی استادی شاگرد وی و سه شرح دیگر که مؤلف آنها  
 معلوم نیست .

ص ۲۱۰ ش ۲۵ : لطف الله نیشابوری ، در سال ۸۰۸ که در نیشابور زلزله آمده  
 وی در آنجا بوده و اشعاری درین زمینه سروده است .

ص ۲۱۰ ش ۲۶ : تاج الدین جلاوی ، نسبت او را حلوائی هم نوشته اند .  
 ص ۲۱۳ ش ۳۳ : شیخ کجج تبریزی ، نام و نسب او بدین گونه است : خواجه  
 شیخ غیاث الدین محمد متخلص بکجج پسر خواجه ابراهیم بن خواجه صدیق  
 کججانی از مردم کججان یا کجج در بلوک مهران رود تبریز . خواجه محمد  
 کججانی از مشاهیر زمان خود بوده و در زمان ملک اشرف و سلطان اویس و  
 سلطان حسین جلایر شیخ الاسلام بوده است . در ۷۶۰ که اخي جوق و علی پیل تن  
 قصد سلطان اویس را کردند وی خبر شد و او را آگاه کرد در نتیجه بد رفتاری  
 سلطان حسین از آذربایجان رفت و مدتی در بغداد و دمشق و مصر ساکن بود و در مصر  
 احترام بسیار بوی کردند و سرانجام در ۷۷۸ در گذشت . وی شعر بسیار گفته و  
 دیوانش نزدیک ده هزار بیت می شده و اقسام مختلف شعر سروده است . ظاهراً

پسری داشته است بنام شمس الدین کججی که در ۸۰۹ که سلطان احمد جلایر از بغداد بتبریز رفته بود وی را بریاست دیوان خود گماشت .

ص ۲۱۴ ش ۳۵ : فضل الله نعیمی استرآبادی ، اطلاعاتی که درباره او هست چندان روشن نیست ، برخی نام و نسبش را شاه فضل الله بن ابومحمد نعیمی تبریزی ، برخی شهاب الدین فضل الله بن بهاء الدین حسن بن محمد یمانی علی بن حسین بن محمد بن هاشم بن حسن بن علی بن هاشم بن محمد بن جعفر بن امام موسی کاظم و برخی ابوالفضل عبدالرحمن فضل الله و پدرش را ابومحمد تبریزی دانسته اند و نوشته اند که بسید فضل الله حلال خوار معروف بود زیرا که بسیار پرهیزگار بود و هرگز از خوراک هیچ کس نخورد و از طاقیه دوزی گذران می کرد و پدرش قاضی القضاة استرآباد بود و وی خردسال بود که او در گذشت . در سال ۷۴۰ یا ۷۴۲ ولادت یافته که دو سال پس از مرگ حاجی بککاش ولی باشد که طریقه بکناشی باو منسوبست و چون چندی در مشهد و مدتی در تبریز می زیسته بمشهدی و تبریزی نیز معروف شده است . سفرهای چند کرده از آن جمله در ۷۷۱ باصفهان و در ۷۷۵ بحج رفت و نیز بسمیرم فارس و خوارزم و آذربایجان و باکو و شروان و نخجوان رفته است . در ۷۸۸ طریقه حروفی را اعلان کرده بهمین جهت او را تکفیر کردند و تیموریان با او در افتادند و او را در باکو و شروان زندانی کردند و سرانجام میرانشاه پسر تیمور دستور داد وی را از شروان بنخجوان بردند و بفتوای فقها بیپناه کفرو الحاد در روز پنجشنبه یا جمعه ۶ ذی قعدة ۷۹۶ سن ۵۶ سالگی او را بدست خود کشت و پیکرش را ریسمان بستند و در شهر نخجوان گردانند و سپس در النجه یا النجق ویا النجاک در خاک نخجوان ب خاک سپردند . اما روز ششم ذی قعدة ۷۹۶ روز چهارشنبه بوده است . چنان می نماید که در ۸۰۴ پیکرش را بدستور تیمور از خاک برآورده و سوزانیده اند . وی مرد دانشمندی بوده و در علوم غریبه از جفر و علم حروف و اسماء و حکمت دست داشته و قصیده و غزل می سروده است و نعیمی تخلص می کرده . آثاری که از او مانده کتاب نوم نامه است که حوادث زندگی خود را از سال ۷۶۵ تا

۷۹۶ در آن نوشته است و آن ذیل جاودان نامه اوست ، دیگر جاودان کبیر که در ۷۹۶ در زندان شروان نوشته و دیگر کتاب جاودان صغیر ، رساله در اصول حروفیه ، ذیل جاودان نامه ، عرش نامه ، محبت نامه و نیز وصیت خود را در زندان با کون نوشته است . وی نه خلیفه انتخاب کرده بود که چهار تن محرم اسرارش بودند و پس از کشته شدنش چند تن از خلفایش مانند ابوالحسن علی الاعلی و سید عمادالدین نسیمی با آسیای صغیر گریختند و عقاید خود را در میان بکاشیان انتشار دادند و بسیاری ازیشان آن عقاید را پذیرفتند . دختر فضل الله و یکی از مریدانش یوسف نام در زمان جهان شاه دوباره در تبریز بنای دعوت را گذاشتند ولی ایشان و مریدانشان گرفتار شدند و نزدیک پانصد تن ازیشان را کشتند . این دختر شاعر بوده است . پیروان طریقه حروفی در ایران در خفا می زیسته اند تا آنکه در دوره صفویه برخی ازیشان طریقه نقطوی را پذیرفته اند .

ص ۲۱۴ ش ۳۶ : فریدون بن عکاشه ، رساله رباعیه را در ۷۳۷ نوشته است

ص ۲۱۵ ش ۴۵ : جنید شیرازی ، وی برادری داشته است بنام جمال الدین ابواسحق بن جلال الدین محدث کازرونی معروف بشیخ ابواسحق شیرازی که از خلفای ابواسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی بوده و در روز چهارشنبه ۱۳ ذیقعدة ۸۲۸ در هرات در گذشته و در گازر گاه مدفون شده است .

ص ۲۱۷ ش ۵۱ : ابن عماد ، نام و نسب وی را حافظ علاء الدین محمد بن حافظ عماد الدین هروی ضبط کرده اند و نوشته اند که مادرش دختر حاج قوام الدین صاحب عیار ممدوح معروف حافظ بوده و وی در شیراز ولادت یافته و سرانجام بهرات رفته و در آنجا در ۸۳۸ از بیماری وبا در گذشته و شعر تازی و پارسی می سروده و در فرائد استاد بوده و دیوان اشعار و خلاصة التزیل در قرائت از او مانده است . چنان می نماید ۸۳۸ تاریخ وفات او درست نباشد زیرا که ۷۰ سال پس از اتمام ده نامده ۴۴۴ سال پس از اتمام روضة المحبین اوست .

ص ۲۱۷ ش ۵۴ : محمود گلستانه ، نسب کامل او محمود بن محمود بن علی

گلستانه است .

ص ۲۱۸ ش ۵۷ : نظام‌الدین اولیا ، کتاب فواید الفوائد را که شامل ملفوظات اوست برخی تالیف علاء الدین فیلی قاری سجزی و برخی تالیف میرعلاء الدین حسن دانسته اند اما درست تر اینست که مؤلف آن امیر حسن بن علاء سکزی نام داشته و پس از ۷۰۷ تالیف کرده است . کتاب راحة القلوب را وی در چهارشنبه ۱۵ رجب ۶۵۵ پایان رسانیده است .

ص ۲۲۰ ش ۶۲ : بهاء‌الدین نقشبند ، از مؤلفات اوست : رساله اسبیه و رساله قدسیه که عبدالرحمن جامی شرحی بر آن نوشته است بعنوان الحاشیه القدسیه بر کلمات قدسیه بهاء‌الدین نقشبند . کتابهایی که در مناقب وی نوشته اند یکی رساله قدسیه از خلیفه او خواجه محمد پارساست و دیگر کتابی بنام جامع المقامات تالیف ابوالبقا ابن عالی که در محرم ۱۰۲۶ تمام کرده و معلوم نیست در مقامات او یا مقامات بهاء‌الدین دیگرست و خواجه محمد پارسا کتاب مفصل‌تری در مقامات وی نوشته است باسم انیس الطالبین وعدة السالکین .

ص ۲۲۰ ش ۶۳ : خواجه محمد پارسا ، شمس‌الدین لقب داشته‌است ، وی رادر قبرستان بقیع بخاک سپرده‌اند ، از مؤلفات اوست رساله عقاید و رساله فی طریق ذکر الخفی و انیس الطالبین سابق‌الذکر و عبدالرحمن جامی رساله‌ای دارد بعنوان سخنان خواجه پارسا .

ص ۲۲۱ ش ۶۴ : ابوبکر تایبادی ، از کرامات وی نوشته‌اند که در سال ۷۸۰ ملک غیاث‌الدین پیر علی کورت شهر بند نوهرات را می‌ساخت . وی پیغام داد که بدین دیوار بالای خدایانگاه تتوانی داشت مردم را زحمت مده او پاسخ داد که ائمه را با کار ملک چه کار ؟ وی خشمگین شد و ازهرات رفت و گفت ملک را عزل کردند و ملک وی را بترکی که درپایش عیبی هست دادند و بزودی تیمور سلطنت خاندانش را منقرض کرد . پادشاهان کورت و تیموری بوی بسیار احترام می‌کرده‌اند . رحلتش را بجای روز آدینه روز پنجشنبه هم ضبط کرده‌اند اما سلخ محرم ۷۹۱ روز آدینه بوده است .



بر صحیفه ۲۲۵ بر شاعران قرن هشتم این چند تن را باید افزود :

( ۹۸ ) **صاحب دیباکاری**؛ از شاعران دربار ملوک شبانکاره بوده و منظومه‌ای به بحر متقارب در تاریخ شاهان این سلسله بنام دفتر دلگشای سروده که در اردی بهشت ۷۲۰ پایان رسانیده و پیدا است که شاعر زبردستی بوده است و این منظومه در حدود یازده هزار شعر دارد و تا وقایع سلطنت شاه مظفر شبانکاره می‌رسد .

( ۹۹ ) **صدرالدین موسی**، پسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی در روز عید فطر سال ۷۰۴ ولادت یافت و پس از مرگ پدر جانشین او شد و حظیره پدر را در اردبیل ساخت و ده سال مشغول ساختمان آن بود و در ۵۹ سالگی در ۷۹۴ در گذشت و غزل می‌سرود .

( ۱۰۰ ) **خواجه علاءالدین محمد بن محمد بخاری**، معروف به علاءالدین عطار، در بخارا ولادت یافت و از کودکی در حلقه اصحاب بهاءالدین نقشبند درآمد و سپس از خلفای او شد و بیشتر در سرزمین چغانیان می‌زیست و در شب چهارشنبه ۴ رجب ۸۰۲ در گذشت . مزارش اکنون در خاک تاجیکستان در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر ده نوست که تا دوشنبه پای تخت تاجیکستان نزدیک ۳۰۰ کیلومتر فاصله دارد و زیارتگاه است . از وی اشعار خوبی مانده است . وی پسری دانتته است بنام کمال‌الدین حسن که در ۸۲۷ که از شیراز به بهمان سفر حج می‌رفته در راه در گذشته است .

( ۱۰۱ ) **شرف‌الدین یعقوب قاضی یزدی**؛ از معاریف شهر یزد بوده و شعر نازی و پارسی می‌گفته و شرف تخلص می‌کرده و پسری بنام مجدالدین فضل‌الله داشته است .

( ۱۰۲ ) **امیر شمس‌الدین محمد بن امیر جلال‌الدین خضر شاه بن امیر قطب‌الدین مسعود یزدی** ، از خاندانی معروف از اعیان یزد . پسرش قطب‌الدین خضر شاه و برادرزاده اش قطب‌الدین مسعود نیز از ارای یزد بوده‌اند و خود شاعر توانایی بشمار می‌رفته است .

( ۱۰۳ ) **معین‌الدین جمال‌الاسلام محتسب یزدی**، نیز از مشاهیر آن شهر و

شاعر بوده و تا سال ۷۱۹ می زیسته است

( ۱۰۴ ) **شرف الدین حضر یزدی** ؛ از مشایخ نامی یزد بود و پادشاهان آل مظفر وی را گرامی می داشتند و در ۷۵۵ خانقاهی در یزد ساخته و در ۷۶۰ در گذشته است . پسرش ظهیرالدین محمد نیز مردی دانشمند و زاهد بوده و شرح ینابیع را تا آداب قضا نوشته و او را نیز در کنار پدر در محله ین الدارین بخاک سپرده اند . شرف الدین شاعر زبردستی بوده است .

( ۱۰۵ ) **غیاث الدین همتی بلخی** ؛ از منشیان و شاعران زمان خود بوده است .  
( ۱۰۶ ) **محمد و دثاه بن علاء الدین حسن گانگوی بهمنی** ؛ از پادشاهان سلسله بهمنی دکن که از ۷۸۰ تا ۲۱ رجب ۷۹۹ پادشاهی کرده ، مرد بسیار مهربانی بوده چنانکه نوشتند در شادی و غم خود داری می کرده و در سراسر زندگی جز بایک زن معاشرت نداشته و در ضمن مردی دانشمند بود و قرآن را از برداشت و خط را خوب می نوشت و از علوم متداول آگاه بود و فارسی و عربی را خوب می دانست و بسیار شاعر نواز بود و در زمان وی شعرای عرب و ایران بدر بارش می رفتند و از بخشش او بر خوردار می شدند چنانکه حافظ را دعوت کرد و یک تن از شاعران ایران که بدکن رفته بود قصیده ای بتوسط میر فیض الله انجو که منصب صدارت وی را داشت فرستاد و وی در مجلس اول يك هزار تنگه طلا که عبارت از هزار توله پول آن روز هند باشد باوداد و او بایران باز گشت . وی غزل را استادانه می سروده است .

( ۱۰۷ ) **ملك ضياء الدین مشهدی** ، از امرای دربار سلطان فیروز شاه تغلقشاهی در هند و شاعر توانایی بوده و تا ۷۶۰ می زیسته است .

( ۱۰۸ ) **اعزال دین خالد خانی** ؛ نیز از شاعران آن روزگار بوده و کتابی در حکمت طبیعی و شگون و مقالات بنظم آورده که دلایل فیروزشاهی نام گذاشته است و شامل اقسام حکمت علمی و عملی بوده است .

( ۱۰۹ ) **سلطان محمد بن تغلقشاه** ، معروف بسلطان محمد جونه از پادشاهان نامی هند از سلسله تغلقی بوده و در ربیع الاول ۷۲۵ پادشاهی نشسته و در محرم ۷۵۲



در کنار رود سند نزدیک شهر تته در گذشته است. وی پادشاه داد گستر نیکو سیرتی و مردی دانشمند بوده و بذله گوی و سخن سرای بشمار می رفته و شعر فارسی را استادانه می سروده و شاعران نامی آن زمان از آن جمله خسرو دهلوی و بدرالدین چاچی در دربار وی بوده اند و از بخشش هایش بر خودار شده اند و ضیاءالدین برنی مورخ معروف هند نیز در دربار وی بوده است.

(۹۱۰) عارف اردبیلی، از شاعران نامی آذربایجان، نخست در دربار سلطان اویس جلایر بوده و سپس بدعوت شروانشاه کیکاوس بن کیقباد (۷۷۴-۷۷۵) بشروان رفته و آموزگار پسر وی شده و در آنجا مثنوی فرهاد نامه را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده و در آخر تابستان ۷۷۱ پایان رسانده است.

(۹۱۱) سید علاء الدین خراسانی، ساکن هندو از مریدان نظام الدین اولیا و شاعر بوده است.

(۹۱۲) شهابی، از شاعران قرن هشتم بوده و یک مثنوی در اخلاق بنام عروۃ الوثقی از و مانده که بوزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۵۹ شامل پنجهزار بیت پایان رسانیده و در هند می زیسته است.

(۹۱۳) حاج جلال لارندی، از شاعران قصیده سرای این دوره بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست.

(۹۱۴) شیخ ضیاء الدین آهریزی، از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در چرنداب مدفون بوده و از و رباعی مانده است.

(۹۱۵) ابو محمد شمس الدین عبدالله بن جیری؛ از خاندان معروف سادات آل بنجیر در شیراز و از مشایخ نامی زمان خود بوده است. چنانکه در احوال حافظ گذشت وی را از مریدان او دانسته اند و نیز قوام الدین ابواسحق که ذکرش پس ازین خواهد آمد و شیخ زین الدین علی کلاه را که نیز پس ازین مذکور خواهد شد از مریدان او شمرده اند و امیر مبارز الدین محمد بن مظفر نیز مرید او بوده و شعر عربی و فارسی را نیکومی سروده است.

(۱۱۹) قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری ، از همان خاندان آل بنجیر و از شاگردان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۶۴ در گذشته و مردی دانشمند بوده و حافظ کشف کشف را نزد او درس خوانده و شاعر نیز بوده و قوام تخلص می کرده است .

(۱۱۷) شیخ زین‌الدین علی کلاه‌شیرازی ؛ از دانشمندان نامی شیراز بوده و چون در شیراز رنگ سیاه را کلاه می گفته‌اند و وی دستار سیاه بر سر می گذاشته این لقب را باو داده بودند. وی از مریدان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۸۰ در گذشته و در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بوده و کارهای شگرف از وحاکایت کرده‌اند و در شعر نیز دست داشته است .

(۱۱۸) شهاب‌الدین مظفر بن ابی ذرقبزدانی خوافی معروف بمظفر خوافی ، از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و از شاعران نامی بشمار می رفته و در ربیع‌الثانی ۷۸۱ در گذشته و در دم مرگ اشعار خود را که شامل قصاید و رباعیات بوده شسته و از میان برده است.

(۱۱۹) جلال‌الدین محمود زنگی عجم قلندر کرمانی ، از دانشمندان و مشایخ محتشم زمان خود بوده و باو شیخ‌المشایخ می گفته‌اند و در نزد تیمور مقرب بوده و در یکی از سفرهای وی که با اردوی او همراه بوده در ۸۰۶ در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و دیوان اشعار خود را فراهم کرده بود و یک مثنوی در باره برخی از وقایع تاریخ تیمور سروده است .

(۱۲۰) پهلوان محمود قتالی خوارزمی معروف بیوربای ولی ؛ شهرت وی را بخطاپور یار نوشته و برخی بوریار ولی را نام پدرش دانسته‌اند اما پیدا است که این کلمه در اصل پوربای بوده و بای همان کلمه بیک در زبان ترکی تر کمانانست که سروسر کرده معنی می دهد . وی از عارفان معروف قرن هشتم بوده و ظاهراً در شهر خیوه می زیسته و در ضمن پهلوان نامداری بوده و هنوز ورزشکاران ایران نام او را بر زبان می رانند و ایشمارش را در زورخانه‌ها می خوانند و در ۷۲۲ در گذشته و قبرش در شهر خیوه یا خیوق هنوز زیارتگاه است . وی شاعر زبردستی بوده و در ۷۰۳ مثنوی

کنزالحقایق را پایان رسانیده است .

(۱۴۱) **خواجه معین الدین محمد معینی جوینی**؛ نسب خود را بسنجر می‌رسانیده و از دانشمندان صوفی مشرب بوده و در ۷۸۳ در گذشته و ظاهراً در شعر معینی تخلص می‌کرده است .

(۱۴۲) **ابوالحسن**؛ از شاعران پیرو طریقه حروفی بوده و در ۷۷۱ در نوزده سالگی در اصفهان بخدمت شاه فضل الله نعیمی حروفی رسیده و در ۸۰۲ جاودان نامه وی را بنظم آورده است .

(۱۴۳) **ابوالحسن محمد بن سعد بن محمد نخجوانی معروف بابن الساوجی**، خوشنویس و شاعر بوده و منظومه‌ای بنام درة المعانی سروده و نسخه‌ای از ترجمه فارسی مسائل و ممالك تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری در دست است که در ۷۲۶ نوشته و بهمین جهت بخطای وی را مترجم آن کتاب دانسته‌اند .

(۱۴۴) **معروف بغدادی**، از هنرمندان نامی زمان خود بوده و از خوشنویسان زیر دست بشمار می‌رفته و در ضمن در موسیقی استاد بوده و شعر را خوب می‌گفته است . نخست در بغداد می‌زیست . چون سلطان احمد بن اویس جلایر در ۷۸۴ بغداد را گرفت بخدمت او پیوست و وی که در موسیقی و خط و شعر دست داشت وی را بکتابت در دستگاه خود گماشت و چون مردی تند خوی بود معروف از بغداد باصفهان رفت و وارد دستگاه میرزا اسکندر گورکانی شد و کاتب او بود . نوشته‌اند که يك بار سه روز بکتابت پرداخت و چون متعهد شده بود که روزی پانصد بیت بنویسد و میرزا اسکندر از او بازخواست کرد پذیرفت که کار سه روزه را در يك روز بکند . میرزا اسکندر دستور داد که در میدان اصفهان سایبان و بارگاه برپا کردند و او نشست و يك تن از شاگردانش قلم می‌تراشید و او می‌نوشت و تا نماز دیگر هزار و پانصد بیت در منتهای خوبی نوشته بود . در سال ۸۱۷ که شاهرخ باصفهان آمد و حکمرانی آنجا را به میرزا ابوالقاسم داد هنگام بازگشت بهرات معروف را با خود برد و درین سفر شمس الدین هروی خوشنویس معروف که استاد بایسنقر بوده

نزد وی شاگردی کرده است . نوشته‌اند که مردی بسیار قانع و بلند همت بوده است چنانکه يك بار بایسنغر مقداری کاغذ نزد او فرستاد که وی نسخه‌ای از خمسة نظامی برایش بنویسد و وی پس از چندی آن کاغذها را نانوخته پس فرستاد . سرانجام در سال ۸۳۰ که احمد لر از پیروان فضل‌الله حروفی شاهرخ را کارد زد چون با چندتن از دانشمندان معاشرت داشته و ایشان گرفتار شده‌اند معروف را هم دستگیر کردند و در قلعه اختیارالدین هرات او را زندانی کردند و اندک زمانی پس از آن در زندان درگذشت . معروف در حوالی سالهای ۷۸۰ و ۷۹۰ دو مجموعه از اشعار فارسی بخط خود برای سلطان احمد جلایر نوشته که سپس آنرا بمیرزا اسکندر داده و اینک در کتابخانه سلطنتی در طهران است . مجموعه دوم را کنزاللالی نام گذاشته و این دو مجموعه شامل اشعار برگزیده بسیاری از شاعرانست از آن جمله چند تن از شاعران قرن هشتم اند و کسانی که نامشان در کتابهای رایج نیست بدین گونه‌اند : ابن بنا ، ابن منور ، ابن همگر (شاید مجد همگر بوده باشد) ، ابوالفراش ، ادیب کاشی ، امرء القیس ، بدیع الدین ، بدیع الزمان ، بهشتی آملی ، حسن شهرویه ، رفیع ابهری ، رفیع نسوی ، سحر آفرین ، سراج بلخی ، سعد بها ، شاه اسفرنکی ، شرف الدین مقبل ، صاحبی ، صدر بلخی ، صفی نیشابوری ، عبدالعزیز ، عزشروانی ، فتح مستوفی ، سلطان محمود بخاری .

( ۱۲۵ ) احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری ، از بزرگان متصوفه هندوستان ، نوشته‌اند که بشیرخان معروف بوده و از خویشاوندان فیروز شاه سلطان دهلی بوده و از جانب وی در بخارا حکمرانی داشته و بهمین جهت بخاری معروف شده است . پس از چندی انقلابی در نهاد وی رخ داده و دارایی خود را ترک کرده و از مریدان شیخ رکن الدین بن شهاب الدین امام از مشایخ زمان خود و وارد طریقه چشتی شده و بسیار مجذوب بوده و نوشته‌اند که سخنان مستانه می گفته است که برخی از آنها با شریعت سازگار نبوده است و بهمین جهت وی را در سال ۸۰۰ کشتند و در دهلی مدفون شد . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و در شعر

مسعود تخلص می کرده و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیاتش معروفست و بیشتر قصایدی در مدح مرشد خود دارد. دیگر از آثار وی در تصوف کتاب تمهیداتست که بتقلید از تمهیدات عین القضاة همدانی نوشته و دیگر کتاب مرآة العارفین که از مهم ترین کتابهای صوفیه هندست.

(۱۳۶) **سلطان احمد جلایر**، از پادشاهان نامی خاندان جلایر، پس از مرگ پدرش سلطان اويس بن شیخ حسن نویان در ۱۱ صفر ۷۸۴ برابرش سلطان سلطان حسین قیام کرد و بر و مسلط شد و آذربایجان را گرفت و در تبریز او را کشت و در آنجا بتخت نشست سپس بغداد را از کار گزاران شاه شجاع آل مظفر گرفت و آن شهر را پای تخت خود کرد و عراق و فارس نیز خراج گزار او شد و از ۷۸۴ تا ۷۸۸ برابر آذربایجان و بین النهرین و عراق استیلا داشت. در ۷۹۵ تیمور آذربایجان را ازو گرفت و او در برابر سپاهیان تیمور بمصر گریخت و تا سال ۸۰۷ در آنجا بود و پس از مرگ تیمور دوباره از مصر بعراق آمد و با تیموریان در افتاد و تا ۸۱۳ در آنجا مشغول تاخت و تاز بود تا آنکه در روز آدینه ۲۸ ربیع الثانی ۸۱۳ در دو فرسنگی تبریز در جنگ با قرا یوسف شکست خورد و در مجرای آب باغی پنهان شد و همان روز او را یافتند و کشتند. وی مرد بخشنده و شعر دوست و هنر پرور بوده و عبدالقادر گوینده موسیقی دان معروف و معروف بغدادی خوشنویس در دربار وی بوده اند و حافظ وی را مدح کرده و خود نیز شعر را نیکومی سروده است.

(۱۳۷) **سید محمد بن علی همدانی**، پسر میر سید علی همدانی عارف مشهور بود. ظاهرا پس از مرگ پدر و نوشته اند در ۲۲ سالگی باششصد تن در زمان سلطان سکندر بن قطب الدین بکشمیر رفته و این پادشاه مرید وی شده و بسنت نام وزیر و سپهسالارش بدست وی اسلام آورده و ۱۲ سال در آنجا مانده و در ۷۹۷ سلطان سکندر خانقاهی برای وی ساخته که در سال ۸۰۰ تمام شده و چند دهکده وقف بر آن کرده است. سپس بحج رفت و در بازگشت در گولاب در گذشت. وی نیز مانند پدر نویسنده و شاعر بوده و رساله ای در تصوف و شرح شمسیه از منطق ازو مانده است.

## قرن نهم

ص ۲۳۷ ش ۱۲ : حافظ ابرو، در گذشت وی در روز یکشنبه ۴ شوال ۸۳۸ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان در سرجم در خاک زنجان روی داده و پیکرش را در زنجان نزدیک مزار ابوالفرج زنجانى بجاگ سپرده اند . مجموعه تاریخی خود را مجمع التواریخ سلطانی نام گذاشته و قسم اول زبدة التواریخ را در ۶ محرم ۸۲۹ پایان رسانیده است .

ص ۲۳۸ ش ۱۵ : فصیح خوانی، نسب خود را چنین آورده است: فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد بن نصیر الدین یحیی بن علاء الدین محمد بن ظهیر الدین ابوالقاسم محمد بن جلال الدین محمد بن نصیر الدین ابوالقاسم بن ظهیر الدین محمد ابن ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن جلال الدین محمد بن احمد بن ابونصر علی بن محمد بن علاء الدین عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد ابن محمد بن قتیبة بن ابوامامه صدی عجلا بن وهب باهلی . از ۸۰۷ تا ۸۱۲ از کارگزاران دربار تیموریان بوده و چندی زندانی شده و سفرهای چند کرده است . روز پنجشنبه غرة جمادی الاولی ۷۷۷ در هرات ولادت یافته است .

ص ۲۴۲ ش ۲۳ : فیض الله صدر جهان، نسبت او را گاهی بنیانی و گاهی بنیانی نوشته اند ، شاید در اصل بلیانی بوده باشد که بدین گونه تحریف کرده اند . تاریخ خود را در زمان همان محمود شاه پادشاه گجرات که بمحمود شاه بیگاره معروف بوده نوشته است .

ص ۲۴۳ ش ۲۹ : اصیل الدین واعظ : در زمان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) از شیراز بهرات رفته است . تاریخ در گذشتش را در جمادی الاخره ۸۸۳ نیز نوشته اند و پس از مرگش پادشاه سیورغالهای وی را بفرزندانش بخشیده است . کتاب مقصد الاقبال را برای ابوسعید گورکان نوشته و کتاب دیگری در مزارات هرات دارد و دیگر ازه و لغات او شرح شقای قاضی عیاض را باید دانست .

ص ۲۴۴ ش ۲۹ : جمالی اردستانی ، مصباح الارواح را در ۲۰ صفر ۸۶۸ پایان

رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : مشکوة المحیین ، استقامت نامه ، نوراعلی نور ، ناظر و منظور .

ص ۲۴۵ ش ۳۵ : ملاحسین کاشفی ، در گذشت وی را در ۹۰۶ ضبط کرده اند و این درست نیست .

ص ۲۴۸ ش ۳۲ : شرف الدین علی یزدی ، نام و نسبش را شرف الدین علی ابن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند ، از خاندان معروفی بوده ، برادرش مجدالدین حسن در گذشته در ۷۸۷ و پسران او ضیاء الدین محمد و شمس الدین ابوبکر و از بازماندگان مجدالدین حسن شاه معز الدین محمد رضی و میرزا مجدالدین حسن که در قرن یازدهم می زیسته اند در تاریخ معروفند . وی در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و دیگر از مؤلفات وی بجزدیوان اشعارش کتاب موطن را باید دانست .

ص ۲۵۱ ش ۴۲ : فضل الله بن روز بهان ، شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی را در ۹۱۸ نوشته اند .

ص ۲۵۳ ش ۴۶ : جعفری یزدی ، نام و نسب او بدین گونه است : سید جلال الدین جعفر بن محمد بن حسن متخلص بجعفری از سادات حسینی یزدی ، تاریخ یزد را در حدود ۸۵۰ بنام ضیاء الدین مسعود وزیر شاهرخ تألیف کرده و در ۸۴۵ بتألیف تاریخ کبیر آغاز کرده و در ۸۵۰ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات او تاریخ واسط تا حوادث سال ۸۱۷ می رسد و وی شاعر هم بوده است .

ص ۲۶۳ ش ۵۱ : ادریس بدلیسی ، دیگر از مؤلفات او کتابیست بنام مرآة الجمال .

ص ۲۵۵ ش ۵۸ : عبدالغفور لاری ، لقب او را رضی الدین هم ضبط کرده اند و از بازماندگان سعد عباده از اصحاب رسول بوده است . در خاتمه حاشیه تفحات الانس شرح حال مفصل و دقیقی از جامی دارد .

ص ۲۵۶ ش ۶۱ : نجم الدین طارمی ، تذکره اوصاف خواجه محمد کججانی

تالیف محمدحسن پلاسی شیرازی را نیز بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۲۵۸ ش ۷۹ : شرف الدین منیری ، بلقب شرف جهان معروف بوده و در منیر (بکسر میم و سکون نون و فتح یا) از توابع دهلی ولادت یافته ، مکاتیب خود را بیشتر به حاج رکن الدین نام از مریدان خود نوشته و بهمین جهت آنرا فواید رکنی نام گذاشته و دیگر از تألیفات اوست ارشاد السالکین و شرح آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی .

ص ۲۵۹ ش ۸۰ : محمود قاوان ، نوشته اند در ۸۰۸ در روستای قاوان یا کاوان در گیلان ولادت یافته و بهمین جهت بمحمود قاوان معروف شده بود . پدرانش وزیران پادشاهان گیلان بوده اند و یکی ازیشان در رشت پادشاهی کرده و بدست شاه طهماسب سلطنت او منقرض شده است . چون مادرش از خاندان مشایخ گیلان بود و وی را در خطر می دید او را بسفر وادار کرد و درین میان در عراق و خراسان وزارت را بوی پیشنهاد کردند نپذیرفت . در ۴۳ سالگی بعزم بازرگانی سفر هندوستان کرد و از راه دریا وارد بندر دابل شد و از آنجا بدکن رفت و سپس برای دیدار شاه محب الله و مشایخ دیگر آن زمان و برای تجارت باحمدآباد بیدر رفت و خواست بدیدار مشایخ دهلی برود علاء الدین احمد بهمنی پادشاه دکن نگذاشت و همایون شاه باو لقب ملک التجار داد . سپس وزیر شمس الدین ابوالمظفر محمدشاه بهمنی ( ۸۶۷-۸۸۷ غرة صفر ) شد و مناصب دیگریافت و ده هزار سوار مغول خدمتگزار وی بودند . سلطان حسین بایقرا سید کاظم نام را از هرات و از راه قندهار و لاهور نزد او بدکن فرستاد و او را دعوت کرد . محمدشاه اجازه بازگشت پیران را باونداد و وی سید کاظم را با تحف و هدایای بسیار بخراسان برگرداند و نامه ای بسطان حسین نوشت و ازو عذر خواست . سید کاظم در بازگشت از راه دریا بفارس رفت و در شیراز ماند و در آنجا در گذشت و آن هدایا بمقصد نرسید . سرانجام در ۵ صفر ۸۸۶ در ۷۸ سالگی کشته شد . ملا عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمود شاهی که شاعر نیز بوده و از شاگردان و مریدانش بشمار می رفته کتابی در احوال او نوشته است .



مرد دانشمندی بوده و در علوم نقلی و عقلی مخصوصاً در ریاضی و طب و حساب و نظم و شرفارسی دست داشته و دیوان اشعار و کتاب روضة الافشای تألیف خود را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده و جامی با او مکاتبه داشته و قصیده‌ای در ستایش وی سروده است . در ضمن مرد نیکوکاری بوده و دردکن آبادی بسیار کرده از آن جمله در شهر احمدآباد پیدر دو سال پیش از کشته شدن خود مدرسه‌ای با مسجد و بازار بزرگ و چهارطاقی ساخته که تا اوایل قرن یازدهم باقی مانده است .  
ص ۲۵۹ ش ۸۱ : عبدالله مروارید ، تاریخ درگذشت وی را در ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۸ نیز نوشته‌اند و این درست نیست . کتابی هم در صنعت انشا نوشته است و منشآت او رساله شرفیه نام دارد .

ص ۲۶۱ ش ۹۳ : صاعد بن علی گرگانی ، کتاب مسالك ممالك يا عجایب البلدان او بیشتر متکیست بر کتاب مسالك والممالك ابن خرداذبه .

ص ۲۴۱ ش ۹۴ : عبدالقادر مراغی ، لقب وی راهم کمال الدین و هم نظام الدین و کنیه اش را ابوالفضایل نوشته‌اند . نام پدرش راهم غنی و هم عینی و هم غیبی ضبط کرده‌اند اما در نسخه‌ای از کتاب مقاصد الاحیان که بخط خود در ۱۲ رمضان ۸۲۱ نوشته و در کتابخانه آستان رضویست نام خود را عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی و نام پدرش را آنکارا غیبی نوشته است . در ۲۰ ذیقعدة ۷۵۴ متولد شده ، در ۴ سالگی بمکتب رفته و در ۸ سالگی حافظ قرآن شده و در ۱۰ سالگی از فرا گرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافته است . نخست در دربار شیخ اویس جالیز (۷۵۷-۷۷۶) بوده و سپس ملازم سلطان احمد شده و درین مدت در تبریز و بغداد می‌زیسته . در ۷۹۵ تیمور او را از بغداد بسمرقند برد و سپس در آن شهر در دستگاه میرانشاه و شاهرخ بوده و در ۸۳۷ در هرات از بیماری وبا درگذشته و این که برخی تاریخ درگذشتن را در ۸۳۸ نوشته‌اند درست نیست . جامع الاحیان را برای پسرش نورالدین عبدالرحمن نوشته و مقاصد الاحیان را در پنجشنبه ۱۲ رمضان ۸۲۱ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : لحنیه و کنز الاحیان و شعر فارسی و ترکی می‌گفته و

عبدالقادر تخلص می کرده است .

ص ۲۶۳ ش ۱۱۲ : عبیدالله احرار، نسب او عبیدالله بن محمود بن شهاب الدین بوده است . در رمضان ۸۰۶ در روستای باغستان از توابع تاشکند ولادت یافت . پدرش نیز از مشایخ تصوف بود. نخست در شهر شاش می زیست و سفرهایی ب سمرقند و بخارا کرد و مرید و خلیفه بهاءالدین نقشبند شد . در شب شنبه سلخ ربیع الاول ۸۹۵ در گذشت . وی را در خانقاهی که در شهر سمرقند داشت بخاک سپردند و بازماندگانش نیز در آنجا مدفونند و آخرین کس که از ایشان در آنجا بخاک رفته نیازخواجه در گذشته در ۱۲۲۹ است و ایشان فرزندان خواجه محمد یحیی پسروی بوده اند . گذشته از سلسله العارفین که محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در سیرت او نوشته عبدالحی بن ابوالفتح حسینی نیز که از مریدانش بوده رساله ای در مناقب او و اعتقایش تألیف کرده است . دیگر از مؤلفات وی انفاس نفیسه و فقرات الخطیره یا فقرات و مجموعه مکاتبات و افادات را باید دانست .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۷ : زین الدین خوافی، نام و نسب وی ابوبکر بن محمد بوده و در خواف در ۷۵۷ ولادت یافته و نیز از مریدان تاج الدین حسن شمشیری بوده است . در ۸۱۲ قطب الدین علی بن ملک محمود و شاه محمود پادشاهان سیستان وی را بشفاعت بدربار تیمور فرستادند و شفاعت او کارگر شد و در ۸۱۵ قطب الدین علی ابن ملک محمود بشفاعت او از سیستان بهرات رفت . در عید گاه هرات در گذشت . دیگر از مؤلفات اوست : وصایا القدسیه و تقریرات و رسایل و وصیه العارفین بزبان تازی .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۸ : یعقوب چرخ، نسب او را سروری هم نوشته اند . قبر وی اینک در کالخور لنین دره کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان در وادی چغانیان در جایستی که سابقاً شهر حصارشادمان در آنجا بوده و بعد بحصارات معروف شده وایک اثری از آن شهر نیست و تنها یک حمام و دو مزار از آن مانده است . قبر پسرش یوسف چرخ که جانشین پدر شده تقریباً در ۴۰ کیلو متری دوشنبه است

درجایی که اینک بنام چرتک معروفست و ساختمانى بسبك قبر نیمور دارد و در آنجا در کمر کوه خاتقاهی بسیار بزرگ کنده اند و اندرون آن چند حجره است .

ص ۲۶۵ ش ۱۱۹ : شهاب الدین زاوی ، دیگر از مؤلفات اوست حواشی بر تفسیر بیضاوی .

ص ۲۶۵ ش ۱۲۰ : جلال الدین دوانی ، شرح هیاکل النور او شواکل الحور نام دارد و آنرا در زاویه مظفریه تبریز هنگام عزیمت بدیار بکر در شب پنجشنبه ۱۱ شوال ۸۷۲ پایان رسانده است .

ص ۲۶۷ ش ۱۲۱ : میر حسین میبدی ، دیگر از مؤلفات اوست شرح صد کلمه علی بن ابی طالب . وی شعر فارسی نیز می سروده است .

ص ۲۶۸ ش ۱۲۲ : عبدالمؤمن بن صفی الدین ، لقب وی را ضیاء الدین و لقب جدش را بجای عزیز الدین عزالدین و نام کتابش را بهجة الروح نیز نوشته اند .  
ص ۲۶۱ ش ۱۲۳ : غیاث الدین جمشید ، دیگر از مؤلفات اوست رساله فی العمل باسهل آله من قبل النجوم .

ص ۲۷۲ ش ۱۴۴ : ابوالمحاسن گرگانی ، جلاء الازهان او بنام تفسیر گزر نیز معروفست .

ص ۲۷۴ ش ۱۶۰ : صاین الدین ترکه ، نام و نسب او بدین گونه است :  
صاین الدین ابومحمد علی بن افضل الدین محمد بن صدر الدین ابوحامد محمد ترکه ، رحلت وی را در دوشنبه ۴ ذیحجه یا ۱۴ ذیحجه ۸۳۵ نیز ضبط کرده اند .  
۴ ذیحجه آن سال شنبه و ۱۴ سه شنبه بوده و ممکنست شب پیش از ۱۴ در گذشته باشد .  
اسرار الصلوة را در پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۱ وضوء اللمعات را در ۸۱۵ بیان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : شرح قواعد التوحید جدش صدر الدین ابوحامد محمد بنام تمهید القواعد و کتابی در علم حروف و مناظره عقل و عشق که در ۸۰۸ نوشته و رساله در تحقیق انا نقطه التي تحت الباء و رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن و شرح گلشن راز و رساله در شق القمر و منشآت .

ص ۲۸۳ ش ۱۸۶ : محمد بن برهان‌الدین از ۸۸۵ تا ۱۲ سال مرید عبیدالله  
احرار بوده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفین خود را نوشته است .  
ص ۲۸۵ ش ۱۹۹ فخرالدین علی صفی ، از مریدان خواجه ناصر هروی  
بوده است .



برصحیفه ۲۸۵ از نویسندگان قرن نهم این چندتن را باید افزود :  
(۴۰۴) یارعلی شیرازی ، مؤلف شرحی برلمعات فخرالدین عراقی بنام  
اللمعات فی شرح اللمعات .

(۴۰۴) رکن‌الدین یحیی بن محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف  
آل بنجیر سادات علوی شیراز مؤلف مقاله الابرار در احوال بزرگان خاندان خود  
که تلخیصی از کتاب اخبار الاخیار تألیف ابوسلیمان محمد شیرازی مورخست .

(۴۰۵) رکن‌الدین محمد خوافی ، در گذشته در ۸۳۴ مؤلف تذکره الشعراء .  
(۴۰۶) علی بن طیفور بسطامی ، ظاهراً از متصوفه قرن نهم بوده و کتاب  
انوار التحقیق را فراهم کرد که تلخیص و مجموعه ای از رسایل مختلف عبدالله  
انصاریست .

(۴۰۷) سید خلیل‌الله بن سید محمود زیارتگاهی هروی ، مؤلف شرح  
جوهر الاسلام در عقاید از مولانا نظام‌الدین شریف هروی که در ۸۴۴ پایان  
رسانده است .

(۴۰۸) ملا داود بیدری ، از مورخان هند مؤلف تحفة السلاطین در تاریخ  
سلسله بهمنی دکن که بنام تاج‌الدین فیروزشاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۰) نوشته است .  
(۴۰۹) عبدالله بن محمد بن گیاره زندرانی ، که رساله فلکیه را در علم  
سیاق در حدود سال ۸۶۵ تألیف کرده است .

(۴۱۰) شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی ، بجز شرف‌الدین علی  
مورخ معروف و از دبیران زبردست زمان خود بوده و کتابی در فقه حنفی بنام شقایق

دقایق نعمانی نوشته و منشآت او نیز در دستت و برادرش قوام الدین محمد نیز شاعر بوده است .

(۲۱۱) امیر حسن بن منوچهر بن جمال الدین ابوظاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی ، مؤلف منشور مبارک یا رساله انسانیه در انساب پادشاهان طبرستان که برای مرشد الدین شاه عبدالله معروف بسید میرزا و پسر او محمد برکت علاءالدوله نوۀ دختری سلطان حسین بایقرا نوشته است .

(۲۱۲) عبدالله بن ابوالفتح حسینی ، از مریدان خواجه ناصر الدین عبیدالله احرار بوده و رساله ای در مناقب وی و خاندانش نوشته است و نیز کتاب سلسله عالیّه را در همین زمینه تالیف کرده است .

(۲۱۳) تاج الدین محمد بن ابراهیم کازرونی ، از مشایخ متصوف زمان خود بوده و در ۹۰۱ در گذشته و کتابی در تصوف بنام بحر السعاده نوشته است .

(۲۱۴) شیخ الاسلام زکریا بن محمد انصاری ، وی نیز از مشایخ تصوف بوده و در ۸۹۳ در گذشته و شرحی بر رساله قشیریه بنام احکام الدلاله نوشته است .

(۲۱۵) عبدالرؤف هروی ، مؤلف رساله صید که برای بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا فراهم کرده است .

(۲۱۶) قاسم علی قاینی ، از دانشمندان زمان خود بوده و رساله ای در اسطرب نوشته است .

(۲۱۷) قاضی شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر آجاد گانی طوسی ، مؤلف نسیم المقرین شرح منازل السائرین عبدالله انصاری که در ظهر پنجشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۸ پایان رسانیده است .

(۲۱۸) احمد مدون بن محمد نیشابوری ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و باجمی معاشرت داشته و مؤلف کتابیست بنام آیه الایات الفرقانی در کشف الایات که در ۸۸۵ بتالیف آن آغاز کرده و در ۸۹۱ در هرات پایان رسانیده است .

(۲۱۹) جلال الدین یوسف جامی ، از دانشمندان معاصر شاه رخ مؤلف فواید غیائی شامل مکاتب تاریخی از آغاز اسلام تا زمان مؤلف .

(۲۴۰) نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی ، پسر عبدالقادر مراغی موسیقی‌دان معروف که پدرش کتاب جامع الالحان را در ۸۱۶ برای او نوشته و او هم در موسیقی استاد بوده و در خاک عثمانی می‌زیسته و کتاب مقاصد الادوار را در موسیقی بنام بایزید آل عثمان (۸۸۶ - ۹۱۸) نوشته است .

(۲۴۱) مولانا عبدالرحیم مشهدی ، مؤلف کتابی در جغرافیا بنام مسائلک الممالك .

(۲۴۲) خواجه عبدالشهید خاوند محمود بن خواجه‌گی خضر بن عبیدالله احرار ، مانند پدران خود از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رساله‌ای در تصوف ازو مانده است .

(۲۴۳) میرعلی حسینی، وی بجز میرعلی حسینی خوشنویس معروف قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست در تصوف بنام ریاحین القلوب .

(۲۴۴) علی بن محمد معروف بن نظام شامی، وی نیز بجز نظام الدین عبدالواسع مورخ مشهور معروف بن نظام شامی و از متصوفه زمان خود بوده و مختصر منہاج العابدین در تصوف ازوست .

(۲۴۵) همام الدین محمد بن ابوطالب تبریزی معروف به همام طبیب ، در ۷۳۳ ولادت یافته و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در هیئت طب و ریاضیات دست داشته و مؤلفات چند ازو مانده است از آن جمله کتاب الارشاد فی معرفة الاعداد بفارسی که بنام شیخ ابراهیم بن سلطان محمد بن کیقباد نوشته و شرح تلخیص محمود ابن محمد چغمینی که در ۷ جمادی الاخره ۸۲۴ در ۹۱ سالگی پایان رسانیده است .

(۲۴۶) حکیم محمود بن محمد بن عبدالله ، مؤلف تحفه خانی در طب که در ۹۰۲ تمام کرده است .

(۲۴۷) برهان مسکین ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و مؤلفات چند ازو مانده است از آن جمله کتاب ارشاد المسلمین شرح عقاید اهل الاسلام نجم الدین نسفی که در هرات در ۹۱۴ پایان رسانده است و انیس الواعظین اربعین در احادیث رسول در دو دفتر یکی شرح احادیث و دیگر شرح آیات و روضه الاتقیاء فی ذکر

الاولیا و انیس العابدین در عبادات و سراج المتعلمین در نحو و اوراد الاوقات و کنوز الاعمال در ادعیه و اذکار و خلاصة الاوراد .

(۲۲۸) احمد بن محمد بن حسن معروف بخليفة نیشابوری ، مؤلف ترجمه ملخص تاریخ نیشابور تألیف امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد ابن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف بحاکم ابو عبدالله بن الیبیع مؤلف مستدرک و تاریخ نیشابور از اکابر علمای حدیث که در ۳۲۱ ولادت یافته در ۴۰۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و کتاب تاریخ خود را نخست در رمضان ۳۸۹ پایان رسانیده و سپس در ۴۰۲ آنرا تکمیل کرده است و درین ترجمه حوادث سال ۸۳۲ را ضبط کرده است .

(۲۲۹) ابوالمکارم بن علاءالملک ، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل که در ۸۴۰ کتابی در مقامات وی بنام خلاصة المقامات تألیف کرده است.

(۲۳۰) سیدی حبیب بن بهاء الدین شروانی ، در شهر شماخی ولادت یافت و پدرش مردی مالدار بود و در جوانی خوش صورت بود ، روزی که با جوانان گوی بازی می کرد پیرزاده پسر شیخ حاج عزالدین خلوتی از مریدان شیخ صدرالدین خلوتی و از پیشوایان خلوتیان برو گذشت و چون او را پسندید دعوتش کرد و وی پذیرفت و وارد طریقه خلوتی شد که یکی از فروع نقشبندیان بوده است . سپس از شماخی بها کورفت و در آنجا ماند و بارشاد مردم پرداخت و نوشته اند نزدیک ده - هزارتن برو گرد آمدند و مریدش شدند و خلفای خود را باطراف فرستاد و در ۸۶۸ در باکو در گذشت . وی از بزرگان طریقه خلوتی بوده و در باکو مسجد و مدرسه و خانقاه داشته و خلفای معروف او مولانا یوسف مخدوم و قاضی ضیای شروانی و وشه قباد شروانی و عبدالمجید شروانی بوده اند . از مؤلفات چند هم مانده است مانند اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الوحی و شرح گلشن راز .

(۲۳۱) ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی ، از بررگان متصوفه زمان خود بوده و در ۸۵۸ در گذشته و کتایبهای چند بفارسی و عربی در

تصوف نوشته است از آن جمله مناهج التوسل و شمس الافاق والادعیه و الفواتح المسکیه که در ۸۴۴ بپایان رسانده و ظاهراً شرح فتوحات المکیه ابن العربیست .  
**(۴۳۲) عبدالکریم همدانی** ، در دکن می زیسته و مرید و شاگرد خواجه محمد قawan دانشمند معروف این زمان بوده و کتابی در تاریخ دکن بنام تاریخ محمودی برای خواجه محمود نوشته و کتاب دیگری در احوال خواجه محمود پرداخته است .

**(۴۳۳) سعدالدین کاشغری** ، نخست جامه فروش بود، از بزرگان مشایخ نقشبندی در زمان خود و از مریدان نظام الدین خاموش در گذشته هنگام نماز آدینه چهارشنبه ۷ جمادی الآخره ۸۶۰ و مدفون در خیابان هرات بوده و بسیاری از متصوفه آن زمان از آن جمله عبدالرحمن جامی باو معتقد بوده اند و در هرات می زیسته است . در ۸۴۴ با گروهی از دانشمندان بحج رفته و هنگام نماز پیشین چهارشنبه ۷ جمادی الآخره ۸۷۰ در هرات در گذشته است، دودختر پسرش خواجه اکبر معروف بخواجه کلان یکی زن عبدالرحمن جامی و دیگری زن فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی بوده اند. اصحاب وی ملفوظات او را بنام تقریرات گرد آورده اند.

**(۴۳۴) محمود پسیخانی** ، از مردم پسیخان گیلان و نخست پیرو طریقه حروفی و از شاگران فضل الله حروفی بود و فضل الله او را طرد کرد و در سال ۸۰۰ طریقه نقطوی را اعلان کرد . درباره اش اطلاع کامل نیست و بهمین اندازه معلومست که طریقه وی تا پایان قرن دهم در برخی از نواحی ایران رایج بوده و متشرعین آنرا کفر می دانسته اند و بسیاری از پیروانش را بهمین جرم کشته اند. معارف پیروان وی تشبیهی کاشانی و غبیمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو و یوسف ملحد معروف بترکش درز بوده که در سال ۱۰۰۰ که اختر شناسان قران نحسین را پیش بینی کرده و خطری متوجه شاه عباس می دانستند وی را برای فریب ستارگان بتخت نشاندند و نام سلطنت باو دادند و پس از گذشتن قران وی را کشتند . این طریقه



در هندوستان نیز تا اندازه ای رواج یافته است . نوشته اند که محمود ۱۷ مجلد کتاب و هزارویک رساله در نقطه و اعداد و بیان طریقه خود تألیف کرده است .

(۲۲۵) **شیخ حسن بن ظاهر بهاری** ، پدرش نیز مرد دانشمندی بود و برای کسب دانش از ملتان به پارد رفت و وی در آنجا تولد یافت و برای دانش آموختن بجای پور رفت و سپس بدعوت سکندر شاه لودی با گره و از آنجا بدلهلی رفت و در ۹۰۹ در گذشت . وی از متصوفه دانشمند زمان خود بوده و مؤلفاتی در تصوف و سلوک و توحید دارد از آن جمله کتاب مفتاح الفیض .

(۲۳۶) **جلال الدین ابو محمد محمد بن نجم الدین محمد قاینی** ، جدش شهاب الدین عبیدالله بن حسام الدین بن عماد الدین عمر بن کمال الدین صمصام بن شمس الدین محمد بن نجم الدین نسفی از بازماندگان نجم الدین نسفی دانشمند معروف و خود از فقهای زمان خود بوده و در روز سه شنبه ۱۰ ذی قعدة ۸۳۸ در گذشته و کتابی بفارسی بنام تبیان الکبایر در گناهان کبیره ازومانده است .

(۲۳۷) **قوام** ، از ادیبان این قرن بوده و در حدود سال ۸۷۸ مجموعه ای از منشآت دیران معروف قرن هشتم و نهم تدوین کرده است .

(۲۳۸) **ابوالکریم بن علی اشکذری** ، مؤلف تحفه نصرتی شامل قواعد و دستورانشا و ترسل که برای نصرة الدین شاه یحیی آل مظفر (۷۸۹-۷۹۵) تألیف کرده است .

(۲۳۹) **نصرالله بن حسنعلی بن مجد الدین حسن نافجی** ، از اصحاب فضل الله حروفی بوده و کتابی بنام خواب نامه نوشته که جزییاتی از احوال فضل الله در آن هست .

(۲۴۰) **ابوالیقین غیاث الدین محمد بن حسین بن محمد حسین خراسانی** استرآبادی ، وی نیز از پیروان طریقه حروفی بوده و کتابی در عقاید حروفیان بنام استوانه پس از رمضان ۸۴۶ نوشته است .

درباره شاعران قرن نهم این مطالب را باید افزود :

ص ۲۹۱ ش ۵ : قاسم انوار، در ۲۳ ربیع الثانی ۸۲۹ که شاهرخ روز آدینه پس از نماز از جامع هرات بیرون می آمد احمدلر که از مریدان فضل الله استراپادی حروفی بود او را کارد زد و وی را در همان حال کشتند و در ضمن قاسم انوار را با وی همدست دانستند و از هرات بیرون کردند و با امیر مخدوم نیشابوری نیز همین معامله را کردند.

ص ۲۹۳ ش ۷ : آذری طوسی، در جوانی در مشهد جلب توجه الغ بیک گورکان را کرده و از انعام او بهره مند شده و سپس از اسفراین بسفر حجاز رفته و حج اکبر کرده و از آنجا بهند رفته و در ۸۳۲ ملازم دربار احمد شاه بهمنی (۸۲۰-۲۸ رجب ۸۳۸) شده و از وی بسیار متنعم گشته و منصب ملک الشعراء دربار را باو داده اند . پس از چندی آرزوی وطن کرده و اجازه بازگشت بایران را خواسته است . درین زمان بدستور احمد شاه بنظم بهمن نامه آغاز کرده بود و آنچه را که سروده بود برای او خواند . احمد شاه گفت از مرگ سید محمد گیسو دراز دلگیرم و نمی توانم دوری ترا نیز تحمل کنم . وی ناچار فرزندان خود را از خراسان بدکن خواست . اما باز اجازه بازگشت خواست و شاه او را نزد خود خواند و دستور داد چهل هزار تنگه سفید که هر تنگه يك توله نقره بوده است باو داده اند . چون آذری آن تنگه ها را دید گفت : « لا يحمل عطایا کم الامطایا کم » . شاه خندید و گفت بیست هزار تنگه هم خرج راه باو بدهند و در همان مجلس خلعت خاص باو داد و پنج غلام هندی باو بخشید و باو اجازه رفتن داد . وی دردم رفتن عهد کرد که تا زنده است از اتمام بهمن نامه غافل نباشد و تا زنده بود در خراسان اشعاری بر آن می افزود و هر سال هر چه گفته بود بدکن می فرستاد و با این همه ناتمام ماند و تا داستان سلطان همایون شاه بهمنی از آذریست و قسمت های بعد را نظیری و سامعی و شاعران دیگر تا پایان دولت بهمنی سروده اند و برخی ازیشان خطبه آن کتاب را تغییر داده و اشعار آذری را هم بنام خود کرده اند . آذری در زادگاه خود آبادی بسیار کرده و بقاع و رباط های چند ساخته است .

ص ۲۹۶ ش ۱۲ : خواجه عصمت‌الله بخاری ، دیوانش را خود در ۸۱۵ گردآورده است

ص ۲۹۹ ش ۲۰ : سیمی نیشابوری ، درباره هنرش در نویسندگی و شاعری آورده‌اند که روزی درمیدانی که جمع بسیاری گردآمده بودند دو هزار بیت بدیبه گفت و نوشت و درروز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۸۲۴ صد و بیست مکتوب بلیغ‌نوشت که هر يك ده سطر داشت. سپس روز چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۸۲۵ در حضور جمع از برآمدن تا فرورفتن آفتاب چهار حکایت در چهار ورق بزرگ در چهار بحر خمسة نظامی روی هم‌رفته دو هزار بیت در کمال سلاست سرود و بخط نسخ تعلیق خوب نوشت درحالی که سازندگان و خوانندگان و تقارده‌چیان معرکه را گرم کرده بودند و در ضمن نماز پیشین و پسین داهم بشرايط خواند. نیز نوشته‌اند که بسیار پر خوار بوده چنانکه روزی دو حریف با يك دیگر شرط بسته بودند که بیست من خرما را می‌توان خورد یا نه. بیست من خرما نزد او بردند و وی با آن که بیمار و بستری بود دست از زیر لحاف بیرون آورد و همه را خورد. سپس پرسید شما با هسته شرط بسته بودید یا بی‌هسته؟ گفتند خرما را کسی با هسته نمی‌خورد. گفت من با هسته خوردم که با يك دیگر نزاع نکنید .

ص ۳۰۲ ش ۲۹ : ابن حسام خوافی ، خاوران‌نامه شامل بیست و دو هزار بیت است .

ص ۳۰۹ ش ۱۵ : درویش اشرف ، کتابهای نظم او بترکی و فارسیست و خمسة او بزبان ترکیست و خسرو و شیرین او ریاض‌العاشقین نام دارد .

ص ۳۱۱ ش ۵۴ : شاه داعی شیرازی ، نسایم گلشن را که شرح گلشن‌راز باشد نسایم الاسحار نام گذاشته است؛ مثنوی چهار چشمه زندگانی بنام چشمه زندگانی نیز معروفست ، شرح مثنوی را بدرخواست یکی از مریدان خود سید ابوالوفا نوشته است . دیگر از آثار اوست : رسالة الشدد متعلقة بالعدد ، رسالة فی المحبة .

ص ۳۱۲ ش ۵۶ : فضل‌الله جمالی دهلوی ، رجوع کنید بآنچه در صحایف

۴۰۴ و ۴۰۵ آمده است و آنچه درباره شاعران قرن دهم در تکمله خواهد آمد.

ص ۳۱۳ ش ۵۹ : نظام الدین استرابادی ، دختری داشته که شعر را خوب می سروده و قطعه ای در مرثیه او گفته که بر سنک قبرش کنده اند .

ص ۳۱۷ ش ۶۸ : الف ابدال بلخی ، تازمان شاه طهماسب می زیسته است .

ص ۳۱۷ ش ۷۰ : حیدر کلیچه پز ، نامش را حیدر کلوج هم ضبط کرده اند .

ص ۳۱۸ ش ۷۱ : ضیایی اردوبادی ، برخی او را اردبیلی دانسته اند . در خراسان مداح غریب میرزا بوده است و پس از ضعف گورکایان با آذربایجان بازگشته و در ۹۰۲ قصیده ای در جلوس احمد بیک بن اغورلو محمد بن حسن پادشاه سروده و در تبریز در گذشته و در آنجا بختاک رفته است .

ص ۳۱۸ ش ۷۲ : حسامی قراکولی ، شست سال بقاعت روزگار گذرانده و درین مدت تنها دو کپنک داشته است . محمدخان شیبانی باو احترام بسیار کرده و هنگام لشکر کشی بخراسان بدینار وی رفته اما او بوی اعتنا نکرده و هم چنان مشغول وصله دوختن بکپنک خود بوده است .

ص ۳۱۸ ش ۷۴ : محیی لاری ، از شاعران دربار سلطان یعقوب بوده و تازمان شاه طهماسب می زیسته و بزیارت حرمین رفته و مثنوی فتوح الحرمین را درین سفر برون مخزن الاسرار نظامی بنام سلطان مظفر بن محمود شاه سروده و نیز شرحی بر قصیده نائیه ابن الفارض نوشته است .

ص ۳۱۸ ش ۷۷ : سید محمد نوربخش ، جدش از مردم احسا و پدرش از مردم قطیف بوده اند . در زمان شاهرخ گرفتار شد و برادرش را کشتند . دیگر از مؤلفات اوست : رساله الهدی بزبان تازی ، مکارم الاخلاق ، کتاب الاعتقاد بزبان تازی و معراجیه . معاش السالکین او بنام رساله المعاش نیز معروفست .

ص ۳۲۱ ش ۸۵ : ابوالوفا خوارزمی ، از مریدان شیخ ابوالفتح پسر بهاء الدین نقشبند و در ضمن از مشایخ سلسله کبروی بوده و از بس خوی خوش داشته و را فرشته روی زمین لقب داده بودند . کمال الدین حسین خوارزمی عارف مشهور شاگرد وی بوده و یکی از مؤلفات او رساله کنز الجواهرست .

ص ۳۲۲ ش ۸۹ : شیخ زاده لاهیجی ، پدرش میرشمس الدین محمد لاهیجی متخلص باسیری بوده است . در شیراز دانش آموخته و در لاهیجان می زیسته است .  
 رحلتش را بجای ۹۲۷ در جای دیگر ۹۲۷ ضبط کرده اند و این درست نیست زیرا که پدرش در ۹۱۲ در گذشته و اگر در ۹۷۷ رحلت کرده باشد ۶۵ سال پس از پدر زنده بوده است و این دشوار می نماید و اگر در ۹۲۷ در گذشته باشد ۱۵ سال پس از و رحلت کرده است . وی شرحی بر گلشن راز نوشته است .

ص ۳۳۰ ش ۱۳۳ : میراسلام غزالی ، نام وی را شیخ الاسلام برهان الدین میراسلام غزالی ضبط کرده اند و وی بجز غزالی مشهدی شاعر معروف قرن دهم بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست که تا ۸۴۴ زنده بوده است .

ص ۳۳۰ ش ۱۳۷ : سید کاظمی ، نام وی را سید کاظم هروی نیز ضبط کرده اند .  
 تحف و هدایایی که خواجه محمود قاوان بتوسط وی برای سلطان حسین بایقرا فرستاده بود چون وی در راه در گذشت بمقصد نرسید و وی شهر آشوبی سروده است .

ص ۳۳۴ ش ۱۵۱ : مقصود تیرگر هروی ، در پایان زندگی در بخارامی زیست و نزدیک مسجد جامع بیکم خانه محقری داشت و در ۹۰ سالگی در گذشت و در همان شهر مدفون شد .

ص ۳۳۵ ش ۱۵۶ : نرگسی ابهری ، ابوالمکارم نام داشته و بمبرک معروف بوده و بیشتر در هرات می زیسته است . در پایان زندگی بقندهار رفته و در ۹۲۸ در ۶۰ سالگی در آنجا در گذشته و در مزار ایوب انصاری وی را بخاک سپرده اند .  
 دیوان غزلیات از و مانده و یک مثنوی بتقلید مخزن الاسرار نظامی سروده که ناتمام مانده است .

ص ۳۳۵ ش ۱۵۸ : نسیمی شیرازی ، نام درست وی سید عمادالدین یانسیم الدین ابوسعید ، از مریدان نزدیک سید شاه فضل الله نعیمی حروفی بوده و در شیراز در خارج زرقان وی را بخاک سپرده اند و دیوانش روی هم رفته شامل سه هزار بیت است . برخی نوشته اند در ۸۲۱ در حلب او را کشته و پوستش را کنده اند .

ص ۳۳۲ ش ۱۶۲ : شهیدی قمی، درباره اش نوشته اند که پادشاه بوی اجازه داده بود بخزانه برود و هر چه زر می خواهد بردارد . وی ناتوانی خود را عند آورده بود و باین همه دوبار بخزانه رفت و هر بار همیانی که ۲۵ هزار من (۱) زر داشت گرفت و شاه که این داستان را شنید خندید و گفت حق داشته که خود را نانوان می دانسته است .

ص ۳۳۹ ش ۱۷۶ : عبدالله شبستری ، در اوایل سلطنت سلطان سلیمان آل عثمان در گذشته و دیگر ازمؤلفات اوست : دو حاشیه بر حواشی شرح تجرید سید شریف گرگانی و حاشیه شرح مطالع و حاشیه بر کافیه .

بر صحیفه ۳۴۲ و بر شاعران قرن نهم این چندتن را باید افزود :

۱۹۵) مغیث الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان ، از پسران شاهرخ و از معاریف شاهزادگان تیموری بوده ، در ۸۱۲ ولادت یافته و چون پدرش در ۸۱۷ فارس را گرفته پس از چندی وی را بحکمرانی آن سرزمین فرستاده و سپس حکمرانی لرستان و نواحی مرکزی ایران را هم بوی داده و سرانجام در جوانی در ۸۳۸ در گذشته است . وی شاهزاده ای با ذوق و هنرمند و دانش دوست و بسیار کریم و بزرگوار بوده و در قلمرو خود مخصوصاً در فارس آبادانی بسیار کرده و ساختمانهای مجللی از و باقی مانده و در برخی از آنها کتیبه هایی بخط نسخ بسیار زیبای او هست و در پرورش دانشمندان و شاعران و فراهم کردن نسخه های بسیار ممتاز از کتابهای ادب مخصوصاً دواوین شعرا کوشش بسیار کرده و عصمة بخاری شاعر مداح وی بوده و شرف الدین علی یزدی ظفر نامه را بدستور وی نوشته و خود شاعر و نویسنده توانایی بوده و منشآت او در دست است و کتابی در تاریخ تیمور داشته است .

۱۹۶) قوام الدین محمد بن ابوبکر بن علی یزدی ، برادر شرف الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی سابق الذکر بوده و او نیز دبیر و شاعری توانا بشمار می رفته و از اشعار و منشآت او چیزی مانده است .

۱۹۷) ابوالحسن علی الاعلی ، نخستین خلیفه فضل الله حروفی بوده و

برای تبلیغ طریقه وی بخاک و مهرفته و در آنجا ساکن شده و در بیان این طریقه چند مثنوی سروده است : یکی بشارت نامه ببحر رمل و وزن مثنوی مولانا جلال الدین که در حدود ۸۰۳ پایان رسانیده ، دیگر کرسی نامه بهمان وزن که در روز چهارشنبه ۱۰ جمادی اولالی ۸۱۰ تمام کرده است ، دیگر قیامت نامه ببحر هزج که در ۸۱۴ پایان رسانیده ، دیگر توحید نامه بوزن مثنوی و نیز کتابی بشر بنام محشر نامه ازومانده است .

(۱۹۸) سید اسحق استرآبادی ، وی نیز از اصحاب فضل الله حروفی بوده و مرشد خراسان لقب داشته است و در ۷۷۱ ولادت یافته و بنظم و نشر آثاری در بیان عقاید حروفیان نوشته است از آن جمله کتاب محرم نامه که در ۸۳۱ نوشته و کتاب قراب نامه که برخی بخط نام آن را شراب نامه ضبط کرده اند و سه مثنوی سروده است یکی بشارت نامه ، دیگری اشارت نامه که در ۸۰۷ پایان رسانیده و دیگری نامه نامی که آنرا نیز در ۸۰۷ تمام کرده است .

(۱۹۹) ملا احمد کشمیری ، از شاعران دربار سلطان زین العابدین ( ۸۲۳ - ۸۷۳ ) پادشاه کشمیر بوده و تاریخ کشمیر را از زبان کشمیری بفارسی ترجمه کرده است .

( ۴۰۰ ) سید ظاهر استرآبادی ، از شاعران دربار همایون شاه بهمنی در دکن بوده و در اواسط قرن نهم می زیسته و تا ۸۶۴ زنده بوده است .

( ۴۰۱ ) میر مخدوم بن سید محمد بن بهاء الدین نیشابوری ، نام وی را چنانکه در صحیفه ۳۲۵ آمده مختوم هم ضبط کرده اند اما کلمه مختوم در نامهای اشخاص سابقه ندارد . چنانکه گذشت از مشاهیر عرفای خراسان و جدش امیر سید بهاء الدین از سادات مدینه بزیارت بمشهد رفته و در بازگشت در نیشابور مانده و بازماند گانش در آن شهر بوده اند و وی نیز در آنجا بجهان آمده و بیشتر در آن می زیسته و سرانجام بهرات رفته است و در آن شهر با شاه قاسم انوار محشور بوده است . در ۱۳ ربیع الثانی ۸۲۹ که احمدلر از پیروان فضل الله حروفی شاهرخ را

هنگام بیرون آمدن از مسجد کارد زد کسانی را که با او محشور بودند گرفتار کردند و وی را نیز زندان بردند و تا ۸۳۳ زندانی بود و در آن سال او را از زندان بیرون آوردند و از شهر بیرون کردند و روغن گداخته بر فرقش ریختند و روشنی شمع را بکثرت روغن خاموش کردند و بدین وسیله کشتند. پس اینکه تاریخ در گذشتش را ۸۳۰ و ۸۶۲ نوشته اند درست نیست. وی از مشاهیر زمان خود بوده است و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان غزلیات او فراهم شده و مثنوی محبت نامه را برای امیر غیاث الدین علی ترخان سروده است.

**(۳۰۲) قبولی سیروزی**، از شاعران خاك عثمانی و مداح سلطان محمد آل عثمان معروف به سلطان محمد فاتح و پس از آن مداح بایزید دوم بوده است. در ۸۴۱ ولادت یافته و در ۸۸۳ در گذشته و پیرو طریقه مولوی بوده و با جامی روابط داشته و از پادشاهان عثمانی صلوات گران گرفته و چندی در اماسیه زیسته و ظاهراً از ایران بخاك عثمانی رفته است. دیوان اشعار خود را در ۳۹ سالگی تمام کرده و در ۸۸۰ جمع کرده است و شعر ترکی و فارسی می سروده و احتمال می رود همان قبولی یزدی بوده باشد.

**(۳۰۳) حامدی اصفهانی**، از شاعران متصوف پیرو طریقه مولوی بوده است. در جوانی در اصفهان دانش آموخته و در همان شهر بشاعری آغاز کرده و پس از مرگ برادرانش بجهانگردی پرداخته و سی سال سفر کرده و کسب دانش کرده تا آنکه بخاك عثمانی رسیده و بدربار سلطان محمد فاتح راه یافته و صلوات گران بها از آن جمله پنج تن غلام زر خرید باو داده اند و در ۸۸۱ در دربار وی بوده است. نخست سمت شیخی مزار خونکار را باو می دهند که مراد تربت مولانا جلال الدین درقونیه باشد. وی باصره را این کار را می پذیرد زیرا که می پنداشته است بدخواهان وسیله فراهم کرده اند او را از دربار برانند و در آنجا سی تن حافظ قرآن زیر دستش بوده اند و پس از چندی که بتهمت می خوارگی او را از مقام شیخی عزل کرده بودند با سلطان محمد بجهاد رفت و پس از آن سفر از استانبول بشهر برمه رهسپار شد و



زندگی گوشه نشینی را پیش گرفت . چون مشاهره اش را قطع کرده بودند تنگ . دست می شود و شیخی مزار میردامیرداش را باو می دهند . بجز دیوان اشعاری که ازومانده مؤلفات دیگر دارد و اشعاری در پاسخ معماهای جامی سروده و پسر می محمود نام داشته که در ۸۷۵ به جهان آمده و زایجه ای برای او بفارسی شامل ۳۲ سؤال وضع کرده و در پاسخ هر سؤال يك یا دو بیت فارسی سروده و آنرا جام سخن گوی نام گذاشته و نیز ۳۵۳ غزل حافظ را تضمین کرده و برخی از غزلیات او را استقبال کرده است . در ضمن خوشنویس بوده چنانکه مفردات ابن بیطار و دلائل الاعجاز را بخط خوش برای سلطان نوشته است .

**(۴۰۴) خواجه سلطان علی بن صدرالدین موسی، معروف بخواجه علی**  
سیاه پوش نواده صفی الدین اردبیلی و از مشایخ طریقه صفوی . پس از مرگ پدر جانشین او شد و ۳۸ سال پس از و مرشد این طریقه بود و در پایان زندگی بیت المقدس رفت و در آنجا در روز سه شنبه ۱۸ رجب ۸۳۰ در گذشت و قبرش در آنجا بمزار سید علی عجم معروف بوده است . دیوان غزلیات او از کتابهای معروف طریقه صفوی بوده و در شعر علی تخلص می کرده است .

**(۴۰۵) سلطان یعقوب آق قویونلو، ششمین پادشاه این سلسله پسر امیر حسن بيك علی بن قراء عثمان یا قرا یولغ معروف باوزون حسن پادشاه معروف بود که پندانش در زمان اغوزخان از ترکستان چین آمده ساکن دیار بکر شده بودند و سپس در دشت قبیچاق در ماوراء قفقاز می زیسته اند . وی نخست حاکم دیار بکر بود و پس از مرگ پدر و جلوس برادرش سلطان خلیل با ذریایجان آمد و با او در افتاد و وی را در روز چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۸۸۳ در حوالی خوی در جنگ کشت و بتخت نشست و سرانجام در ۸۹۶ در گذشت . وی پادشاه دانش دوست و هنر پروری بوده و ازین حیث بر همه فرمانداران عصر خود برتری داشته و عده کثیر از دانشمندان و سخن سرایان چنانکه در شرح حالشان آمده است از پادشاهای وی برخوردار شده اند و در بارش میعاد بزرگان عصر بوده و خود شعر فارسی را استادانه**

می سروده است .

۴۰۶ ) مظفرالدین جهان شاه قراقویونلو، سومین پادشاه این خاندان پسر قرايوسف مؤسس سلسله، پس از مرگ برادرش میرزا اسکندر و کشتن برادرزاده اش قباد در ۸۳۹ در آذربایجان به تخت نشست و شاهرخ وی را بدین سمت شناخت . در ۸۵۶ عراق را گرفت و در فارس و کرمان کشتار کرد و در ۸۶۲ بر خراسان استیلا یافت و هرات را پای تخت خود کرد . چون پسرش حسن که او را زندانی کرده بود در آذربایجان از زندان گریخته و قیام کرده بود و ابوسعید تیموری نیز با وی بجنگ برخاسته بود با او صلح کرد و خراسان را باو باز گذاشت و با شتاب بسیار که بسیاری از چهارپایان را تلف کرد بآذربایجان رسید و پسر را اسیر و تبعید کرد . پس دیگریش پیربداق که وی را از حکمرانی فارس بواسطه بدرفتاری عزل کرده و بغداد تبعید کرده بود در ۸۶۹ قیام کرد و يك سال در محاصره بود و سرانجام بحيله وی را گرفتار کرد و کشت و پس دیگری محمد میرزا را بجای او گماشت . در ۸۷۱ در اندیشه لشکر کشی بدیار بکر بود که زمستان مانع شد و در بازگشت ازین سفر در شکار گاه اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو او را بغفلت گرفت و هنگامی که فرامی کرد گرفتار شد و در ۱۲ ربیع الثانی ۸۷۲ در ۷۰ سالگی و ۳۲ سال پادشاهی در آذربایجان و عراقین و کرمان و سواحل دریای عمان کشته شد و پیکرش را در تبریز در عمارت مظفریه که در کنار مسجد معروف خود ساخته بود بخاک سپردند . وی در ضمن آنکه مردی جنگجو بوده بدانش و هنر و آبادانی توجه داشته و برخی از ادیبان و دانشمندان و هنرمندان زمانه از بخششهایش برخوردار شده اند و خود شعر فارسی را نیکومی سروده و نسخه ای از دیوان خود را برای جامی بهرات فرستاده است . از آثار مهم وی مسجد بزرگ و زیبای بیست که در تبریز در کنار کاخی که ساخته و آنرا بمناسبت لقب خود مظفریه نام گذاشته بود بنا کرده و چون ایوان باشکوهی پوشیده از کاشیهای کبود دارد بگوئید مسجد یام مسجد کبود معروف شده و در ربیع الاول ۸۷۰ بپایان رسید و سپس از زلزله خراب شده و اینک یکی از طاقهای باشکوه آن

باقیست و از بناهای جالب قرن نهم بشمار می رود . وی در شعر حقیقی تخلص می کرده است .

(۲۰۷) **خواجه عبدالرحیم بن شمس الدین محمد اقطاعی مشرقی خلوتی** تبریزی ، پدرش که در ۸۱۲ در گذشته از مشاهیر عرفی زمان خود بوده است . وی مردی دانشمند و هنرمند بشمار می رفته و در نوشتن شش خط سرآمد خوش نویسان زمان خود بوده و خطاطان آذربایجان شاگردان وی یا شاگردان شاگردانش بوده اند و در غره محرم ۸۵۹ در گذشته و در حظیره با بامزید وی را بخاک سپرده اند . گذشته از آنکه شاعری توانا بوده و خلوتی تخلص می کرده مؤلفات چند از و مانده است از آن جمله مفاتیح الغیب و حاشیه بر اصطلاحات صوفیه عبدالرزاق کاشانی و شرح رباعی حورائیه ابوسعید ابوالخیر و تعلیقات بر گلشن راز .

(۲۰۸) **قطب الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن احمد جام** ، نواده عارف مشهور و از مشایخ زمان خود بوده و در غزل سرایی دست داشته و گاهی ابن مطهر و گاهی قطب تخلص کرده است .

(۲۰۹) **تاج الدین فیروز شاه بن داود شاه بهمنی** ، هشتمین پادشاه از سلسله بهمنی دکن و بروز افزون شاه معروف بود و در گلبرگه پادشاهی می کرد . در سال ۸۰۰ به تخت نشست و در روز دوشنبه ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشت . وی پادشاهی دانشمند و دانش پرور بوده و چندین کتاب بنامش نوشته اند و مخصوصاً بادیات توجه خاص داشته و غزل را خوب می سروده و گاهی فیروزی و گاهی عروجی تخلص کرده است .

(۲۱۰) **لطیف شیرازی** ، مردی مجرد و از تربیت شدگان میرزا بایسنغر بوده و بیشتر بسياحت می پرداخته و در ایران و هند سفر بسیار کرده و در هند در گذشته و غزل سرای بوده است . وی بجز لطیف شیرازی بوده که در قرن دهم می زیسته است .

(۲۱۱) **سامعی** ، از شاعران دربار محمد شاه بهمنی در دکن و مداح و ندیم خواجه محمود قانوان وزیر معروف بوده و قسمتی از بهمن نامه را که آذری ناتمام

گذاشته بود وی سروده و تا ۸۸۲ زنده بوده است .

(۴۹۲) دده عمر روشنی بردعی ، از معاریف مشایخ صوفیه در قرن نهم و از خلفای سید یحیی شروانی و مؤسس طریقهٔ روشنی در تصوف بوده که پیروان آن هنوز در مصر و ترکیه هستند وی برادر علاءالدین خلوتی از مشایخ معروف طریقهٔ خلوتی بوده و مدت‌ها در گنجه و بردعه یا بردع و شروان بدعت و ارشاد می‌پرداخته و از آنجا باردبیل و سپس تبریز رفته و سلطان حیدر صفوی و اوزون حسن او را محترم شمرده اند و جمعی از مردم آذربایجان از آن جمله سلجوق خاتون مادر سلطان یعقوب آق قویونلو مرید او شده‌اند و خانقاهی در زاویهٔ مظفریه در تبریز برای او ترتیب داده‌اند و همان جادر ۸۹۲ در گذشته و در محلهٔ مقصودیه تبریز مدفون گشته و پسرش نعمه الله روشنی زاده قاضی مدینه جانشین او شده است . وی شعر عارفانه را نیکو می‌سروده است .

(۴۹۳) بابا علیه شاه ابدل عراقی هروی ، از مشایخ تصوف ساکن هرات بوده و با جامی ملاقات کرده و او نیز شعر عارفانه را خوب می‌گفته است .

(۴۹۴) هند و ترکستانی ، نوشته‌اند از شیخ زادگان ترکستان و از مریدان خواجه عبیدالله احرار و از شاعران صوفی مشرب بوده است .

(۴۹۵) بهاء الدین احمد جامی ، از بازماندگان احمد جام زنده پیل عارف مشهور بوده و در شیراز می‌زیسته و منظومه ای بر وزن لیلی و مجنون نظامی در مقامات جدش بنام ابوالفتح سلطان ابراهیم تیموری سروده است .

(۴۹۶) سید شرف الدین رضا ، از دانشمندان زمان خود و از کارگزاران خراسان در زمان شاهرخ بوده و پس از چندی از کار دیوان کناره گرفته و شاعر بوده است .

(۴۹۷) قاضی مسیح الدین عیسی ساوجی ، در آغاز کار مدتی در قزوین بوده و سپس وزیر سلطان یعقوب آق قویونلو شده و در دربار وی می‌زیسته و در ۸۰۶ در گذشته و شاعر بوده است .

(۳۱۸) **حافظ نصرالله**، از شاعران خراسان بوده و تا اواسط قرن نهم می زیسته و جزین دیگر درباره اش آگاهی نیست .

(۳۱۹) **شهاب الدین محمود شاه بهمنی**، چهاردهمین پادشاه از سلسله بهمنی دکن، پس از مرگ پدرش محمد شاه سوم در اول صفر ۸۸۷ در ۱۲ سالگی پادشاهی رسید و در مدت ۳۶ سال سلطنت همیشه قیم داشت مخصوصاً وزیرش قاسم برید - الممالک ترک از ۸۹۵ و پسرش امیر علی که در ۹۱۰ جانشین پدر شد و حکمرانان جنارو برار که دست نشانده اش بودند بروقیام کردند و مستقل شدند و چند جنگ در میان وی و ایشان در گرفت تا آنکه در ذیحجه ۹۲۴ در گذشت . وی پادشاهی سست رای و خوش گذران بوده و در ضمن شعر فارسی را خوب سروده است .

(۳۲۰) **غیاث الدین بایسنغر میرزا تیموری**، پسر شاهرخ و نوۀ تیمور از شاهزادگان معروف این خاندان، در ۸۰۱ تولد یافت و در ۸۲۰ در جوانی پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را باو داد و در صفر ۸۳۵ پس از مرگ قرا یوسف مأمور گرفتن آذربایجان شد و تبریز را گرفت. در صفر ۸۳۵ حکمران استرabad شد. درین موقع چون اختر شناسان پیش گویی کرده بودند که بیش از چهل سال نخواهد زیست وی بمی گساری و نوش خواری و عیاشی پرداخت و بهمین جهت سخت ناتوان و بیمار شد و در روز دوشنبه ۷ جمادی الاولی ۸۳۷ در هرات در گذشت و پیکرش را در مقبره گوهر شاد بخاک سپردند . وی شاهزاده باذوق هنرمند هنر - پروری بوده و یکی از مؤثرترین کسان در پرورش سخن سرايان و هنرمندان بشمار می رفته است . خود در نقاشی و تذهیب دست داشته و از خوشنویسان زبردست زمان خود بشمار می رفته و در خط شاگرد شمس الدین هروی خوش نویس معروف آن زمان بوده و هنوز اوراق بسیار جالب از قرآنهایی که بخط بسیار جلی نوشته در دست است. میرعلی خوشنویس معروف واضع خط نسخ تعلیق و عدة کثیر از خوشنویسان مشهور روزگار در کتابخانه وی کار می کرده و برای او کتاب می نوشته اند نسخه ای از شاهنامه بدستور وی فراهم کردند و مقدمه ای بر آن نوشتند که بدیباچه بایسنگری معروفست و نسخه اصل آنرا بهزاد نقاش نامی آن عصر مصور کرده است و شکی نیست

که در ترقی خط و نقاشی وجودش بسیار مؤثر بوده و در شعر فارسی نیز دست داشته و پس از مرگش عده کثیر از شاعران آن زمان که برخی از ایشان خوشنویس هم بوده‌اند برای وی مرثیه سروده‌اند از آن جمله کمال الدین جعفر تبریزی خوشنویس معروف، زاهدی، جلال کرمانی، جلال الدین یوسف امیری، لطفی، ولی، آصفی هروی، واحدی، منشی، زین الدین طبیب، محمد جرده. بسیاری از دانشمندان عصر هم کتابهایی بنام وی پرداخته‌اند. در پایان زندگی که بمی خواری و عیاشی مشغول بود بی رحم و مردم آزار شده بود و درین دوره کارهای ناشایسته کرده است.

(۲۲۱) **مولانا نظیری**، وی بجز نظیری نیشابوری شاعر معروف قرن دهم و ظاهراً از مردم مشهد بوده و در هندوستان در سرزمین دکن در دربار هما یون شاه بهمنی معروف بهمایون شاه ظالم (۸۶۲-۸۶۴) می زیسته و از تربیت شدگان خواجه محمود قانان وزیر معروف بوده و چندی زندانی بوده و تا ۸۶۵ می زیسته است و چون آدری شاعر معروف در گذشت و بهمن نامه او ناتمام ماند وی قسمتی از آنرا که شامل تاریخ پادشاهان بهمنیست سروده است.

(۲۲۲) **رزق الله دهلوی**، عم شیخ عبدالحق محدث دهلوی دانشمند معروف بوده و در ۸۹۷ در گذشته و بزبان هندی و فارسی شعر می گفته، در هندی رنجن و در فارسی مشتاقی تخلص می کرده است.

(۲۲۳) **عمرانی شیرازی**، از یهود ایران ساکن شیراز بوده و اشعاری بزبان فارسی سروده که مطابق معمول دانشمندان یهود در ایران آنها را بخط عبری نوشته‌اند.

(۲۲۴) **امینا**، وی نیز از یهود ایران بوده و اشعاری ازو بخط عبری مانده است.

(۲۲۵) **نورالدین شاه خلیل الله**، پسر شاه نعمه الله ولی عارف مشهور در کوبنان کرمان نیم ساعت از روز گذشته آدینه ۱۱ شعبان ۷۷۵ ولادت یافت. پس از مرگ پدر جانشین او شد و در ضمن بدعت شاهرخ از کرمان بهرات رفت و هدایای بسیار گران بها که بزرگان زمانه برای پدرش فرستاده بودند نزد او برد

و شاهرخ باو بسیار احترام کرد . در پایان زندگی به هندوستان نزد مریدان پدرش بدکن رفت و در آنجا در ۲۳ شوال ۸۵۳ که ۷۸ سال و دو ماه و دوازده روز از عمرش گذشته بود در گذشت و در آنجا وی را بخاک سپردند و مزارش بنام خلیفه از زیارتگاهها بوده است . وی نیز اشعار عارفانه سروده است .

( ۲۳۶ ) ناصرالدین کوسویی ، از مشایخ تصوف و از مردم کوسویه از توابع هرات و از اصحاب زین الدین ابوبکر تایبادی بوده و در ۸۲۸ در گذشته و او را در هرات در حظیره امام فخرالدین رازی بخاک سپرده اند و شعر عارفانه می سرده است .

( ۲۳۷ ) ابوالفتح محمد فاتح آل عثمان ، هفتمین پادشاه این سلسله ، در رجب ۸۳۲ ولادت یافت و در سلطنت پدرش سلطان مراد دوم حکمران مغنيسا بود و پس از مرگ برادرش علاء الدین در ۸۴۸ ولیعهد پدر شد . پیش از آنکه رسماً بتخت بنشیند دوبار دعوی سلطنت کرده و در آدرنه بتخت نشسته بود بدین معنی که پس از استعفای سلطان مراد در صفر ۸۴۸ که ده سال بود ترکان عثمانی با مجارستان صلح کرده بودند و با این همه با مجارستان و متحدین آن وارد جنگ شدند مراد از مغنيسا وارد میدان جنگ شد و در ۲۸ رجب ۸۴۸ در وارنا فتح کرد . سپس مراد بار دیگر استعفا کرد اما شورش ینی چریان خلیل پاشا و وزیر اعظم را ناگزیر کرد وی را دوباره بسلطنت بخواند و بار دیگر حکمرانی اناتولی را بسلطان محمد دادند و پس از مرگ پدرش در ۷ محرم ۸۵۵ وارد آدرنه شد و بتخت نشست . نخست چندی پادشاه صلح جویی بنظر می آمد و پدرش مراد نیز با کنستانتین پالئولوگ امپراتور قسطنطنیه مدارا کرد بود . اما وی در ۸۵۵ قلعه روملی حصار را ساخت و بنای محاصره شهر قسطنطنیه را گذاشت و توپخانه مهمی آماده کرد و آن شهر را در ۹ جمادی الاولی ۸۵۷ مطابق با ۲۹ مه ۱۴۵۳ گرفتند و این واقعه باندازه ای در تاریخ آن زمان اهمیت داشت که آنرا مبدأ تاریخ دانستند و وی را سلطان محمد فاتح لقب دادند . سال بعد در سرستان فتح کرد و آخرین امپراتور خانواده پالئولوگ از شکست

خورد . در ۸۶۰ باردیگر در سرستان جنگ کرد و در کنار دریای اژه شهر آینوس و جزیره لمنوس را گرفت . در همان سال شهر بلگراد را محاصره کرد و نتیجه نگرفت اما در ۸۶۳ و ۸۶۴ سر تاسر سرستان جزو قلمرو خاك عثمانی شد و در ۸۶۳ سمندره را گرفت و در آن سال و سال بعد بموده لشکر کشید و در ۸۶۴ با اسکندر بیک در آلبانی عهد نامه ای امضاء کرد . در ۸۶۵ آماسرا ( آماستریس ) را از کارگزاران جمهوری ژن گرفت و در مشرق شهر سینوپ را از آخرین بازمانده خاندان اسفندیار اغلو گرفت و سپس طرابوزن را گرفت و چون اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو با پادشاهان یونانی اناطولی خویشی داشت و با ایشان متحد بود در میان وی و سلطان محمد اختلاف در گرفت . در ۸۶۶ ولاد دراکول را که والاشی بنای جنگ را گذاشته بود شکست داد و در پایان آن سال فرمانروایی مردم ژن بر لسبوس پایان رسید . در ۸۶۷ و ۷۶۸ سر زمین بوسنه را گرفت و بنای جنگ با دولت ونیز را گذاشت که ۱۷ سال کشید و در دریای اژه هم جنگهای دریایی کرد . در ۸۶۸ ابراهیم قرمان اوغلو آخرین امیر این خاندان در گذشت و محمد سرزمین ایشان را هم گرفت و در همان سال در آلبانی هم فتح کرد . در ۸۷۵ جزیره نگرپون ( اوبه ) را گرفت و در همان سال با بازماندگان ابراهیم قرمان اوغلو که اوزون حسن از ایشان یاری می کرد جنگید و با ناوگان دول نصاری در دریای اژه جنگ کرد و چون اوزون حسن بحال تعرض در آمد و شهر توقات را گرفت تهیه بسیار دید و در ۸۷۸ ارزنجان را گرفتند . اما تا ۸۸۵ همه حواس وی متوجه اروپا بود چنانکه در ۸۷۵ قلعه سا با کس ( بوگوردلن ) نزدیک بلگراد را گرفتند و سپس لشکریانش بنای تاخت و تاز در مجارستان را گذاشتند و بمرزهای اتریش رسیدند . جنگ با جمهوری ونیز هم تا ۸۷۹ دوام داشت . در ۸۸۰ شهر کافارا را از مردم ژن گرفتند و خانهای قریم ( کریمه ) درین سال دست نشانده دولت عثمانی شدند . در ۸۸۱ باز در مولداوی فتح کرد اما در سالهای بعد در جنگ با دولت ونیز و آلبانی در جنوب مور چندان پیشرفتی نکرد و سرانجام در ۸۸۳ خود با آلبانی



در کنار رود سند نزدیک شهرتته در گذشته است. وی پادشاه داد گستر نیکو سیرتی و مردی دانشمند بوده و بذله گوی و سخن سرای بشمار می رفته و شعر فارسی را استادانه می سروده و شاعران نامی آن زمان از آن جمله خسرو دهلوی و بدرالدین چاچی در دربار وی بوده اند و از بخشش هایش بر خودار شده اند و ضیاءالدین برنی مورخ معروف هند نیز در دربار وی بوده است .

( ۱۱۰ ) عارف اردبیلی ، از شاعران نامی آذربایجان ، نخست در دربار سلطان اویس جلایر بوده و سپس بدعوت شروانشاه کیکاوس بن کیقباد ( ۷۴۵-۷۷۴ ) بشروان رفته و آموزگار پسر وی شده و در آنجا مثنوی فرهاد نامه را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده و در آخر تابستان ۷۷۱ پایان رسانده است .

( ۱۱۱ ) سید علاء الدین خراسانی ؛ ساکن هندو از مریدان نظام الدین اولیا و شاعر بوده است .

( ۱۱۲ ) شهابی ، از شاعران قرن هشتم بوده و یک مثنوی در اخلاق بنام عروۃ الوثقی ازומانده که بوزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۵۹ شامل پنجهزار بیت پایان رسانیده و در هند می زیسته است .

( ۱۱۳ ) حاج جلال لارندی ، از شاعران قصیده سرای این دوره بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

( ۱۱۴ ) شیخ ضیاء الدین تبریزی ، از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در چرنداب مدفون بوده و از و رباعی مانده است .

( ۱۱۵ ) ابو محمد شمس الدین عبد الله بن جیری ؛ از خاندان معروف سادات آل بنجیر در شیراز و از مشایخ نامی زمان خود بوده است . چنانکه در احوال حافظ گذشت وی را از مریدان او دانسته اند و نیز قوام الدین ابواسحق که ذکرش پس ازین خواهد آمد و شیخ زین الدین علی کلاه را که نیز پس ازین مذکور خواهد شد از مریدان او شهرده اند و امیر مبارز الدین محمد بن مظفر نیز مرید او بوده و شعر عربی و فارسی را نیکومی سروده است .

(۱۱۶) قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری ، از همان خاندان آل بنجیر و از شاگردان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۶۴ در گذشته و مردی دانشمند بوده و حافظ کشف‌کشاف را نزد او درس خوانده و شاعر نیز بوده و قوام تخلص می‌کرده است .

(۱۱۷) شیخ زین‌الدین علی کلاه‌شیرازی ؛ از دانشمندان نامی شیراز بوده و چون در شیراز رنگ سیاه را کلاه می‌گفته‌اند و وی دستار سیاه بر سر می‌گذاشته این لقب را باو داده بودند. وی از مریدان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۸۰ در گذشته و در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بوده و کارهای شگرف از وحاکایت کرده‌اند و در شعر نیز دست داشته است .

(۱۱۸) شهاب‌الدین مظفر بن ابی ذر قبزدانی خوافی معروف بمظفر خوافی ، از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و از شاعران نامی بشمار می‌رفته و در ربیع‌الثانی ۷۸۱ در گذشته و در دم مرگ اشعار خود را که شامل قصاید و رباعیات بوده شسته و از میان برده است.

(۱۱۹) جلال‌الدین محمود زنگی عجم قلندر کرمانی ، از دانشمندان و مشایخ محترم زمان خود بوده و باو شیخ‌المشایخ می‌گفته‌اند و در نزد تیمور مقرب بوده و در یکی از سفرهای وی که با اردوی او همراه بوده در ۸۰۶ در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و دیوان اشعار خود را فراهم کرده بود و یک مثنوی در باره برخی از وقایع تاریخ تیمور سروده است .

(۱۲۰) پهلوان محمود قتالی خوارزمی معروف ببوربایولی ؛ شهرت وی را بخط پوریار نوشته و برخی بوزیارولی را نام پدرش دانسته‌اند اما پیدا است که این کلمه در اصل پوربای بوده و بای همان کلمه بیک در زبان ترکی تر کمان است که سروسر کرده معنی می‌دهد . وی از عارفان معروف قرن هشتم بوده و ظاهراً در شهر خیوه می‌زیسته و در ضمن پهلوان نامداری بوده و هنوز ورزکاران ایران نام او را بر زبان می‌رانند و اشعارش را در زورخانها می‌خوانند و در ۷۲۲ در گذشته و قبرش در شهر خیوه یا خیوق هنوز زیارتگاه است . وی شاعر زبردستی بوده و در ۷۰۳ مثنوی

کنزالحقایق را پایان رسانیده است .

(۱۳۱) **خواجه معین الدین محمد معینی جوینی**؛ نسب خود را بسنجر بی‌رسانیده و از دانشمندان صوفی مشرب بوده و در ۷۸۳ در گذشته و ظاهراً در شعر معینی تخلص می‌کرده

(۱۳۲) **ابوالحسن**؛ از شاعران پیرو طریقه حروفی بوده و در ۷۷۱ در نوزده سالگی در اصفهان بخدمت شاه فضل‌الله نعیمی حروفی رسیده و در ۸۰۲ جاودان نامه‌وی را بنظم آورده است .

(۱۳۳) **ابوالحسن محمد بن محمد بن محمد نخجوانی معروف بابن الساجی**، خوشنویس و شاعر بوده و منظومه‌ای بنام درة المعانی سروده و نسخه‌ای از ترجمه فارسی مسالك و ممالك تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری در دست است که در ۷۲۶ نوشته و بهمین جهت بخطای وی را مترجم آن کتاب دانسته‌اند .

(۱۳۴) **معروف بغدادی**، از هنرمندان نامی زمان خود بوده و از خوشنویسان زیر دست بشمار می‌رفته و در ضمن در موسیقی استاد بوده و شعر را خوب می‌گفته است . نخست در بغداد می‌زیست . چون سلطان احمد بن اویس جلایر در ۷۸۴ بغداد را گرفت بخدمت او پیوست و وی که در موسیقی و خط و شعر دست داشت وی را بکتابت در دستگاه خود گماشت و چون مردی تند خوی بود معروف از بغداد باصفهان رفت و وارد دستگاه میرزا اسکندر گورکانی شد و کاتب او بود . نوشته‌اند که يك بار سه روز بکتابت پرداخت و چون متعهد شده بود که روزی پانصد بیت بنویسد و میرزا اسکندر از او بازخواست کرد پذیرفت که کار سه روزه را در يك روز بکند . میرزا اسکندر دستور داد که در میدان اصفهان سایبان و بارگاه برپا کردند و او نشست و يك تن از شاگردانش قلم می‌تراشید و او می‌نوشت و تا نماز دیگر هزار و پانصد بیت در مستهای خوبی نوشته بود . در سال ۸۱۷ که شاهرخ باصفهان آمد و حکمرانی آنجا را بمیرزا ابوالقاسم داد هنگام بازگشت بهرات معروف را با خود برد و درین سفر شمس الدین هروی خوشنویس معروف که استاد بایسنقر بوده

نزد وی شاگردی کرده است . نوشته‌اند که مردی بسیار قانع و بلند همت بوده است چنانکه يك بار بایسنغر مقداری کاغذ نزد او فرستاد که وی نسخه‌ای از خمسة نظامی برایش بنویسد و وی پس از چندی آن کاغذها را نانوشته پس فرستاد . سرانجام در سال ۸۳۰ که احمد لر از پروان فضل‌الله حروفی شاهرخ را کارد زد چون با چندتن از دانشمندان معاشرت داشته و ایشان گرفتار شده‌اند معروف را هم دستگیر کردند و در قلعه اختیارالدین هرات او را زندانی کردند و اندک زمانی پس از آن در زندان در گذشت . معروف در حوالی سالهای ۷۸۰ و ۷۹۰ دو مجموعه از اشعار فارسی بخط خود برای سلطان احمد جلایر نوشته که سپس آنرا بمیرزا اسکندر داده و اینک در کتابخانه سلطنتی در طهرانست . مجموعه دوم را کنزاللالی نام گذاشته و این دو مجموعه شامل اشعار برگزیده بسیاری از شاعرانست از آن جمله چند تن از شاعران قرن هشتم‌اند و کسانی که نامشان در کتابهای رایج نیست بدین گونه‌اند : ابن بنا ، ابن منور ، ابن همگر (شاید مجد همگر بوده باشد) ، ابوالفراش ، ادیب کاشی ، امرء القیس ، بدیع الدین ، بدیع الزمان ، بهشتی آملی ، حسن شهرویه ، رفیع ابهری ، رفیع نسوی ، سحر آفرین ، سراج بلخی ، سعد بها ، شاه اسفرننگی ، شرف الدین مقبل ، صاحبی ، صدر بلخی ، صفی نیشابوری ، عبدالعزیز ، عزشروانی ، فتح مستوفی ، سلطان محمود بخاری .

( ۱۲۵ ) احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری ، از بزرگان متصوفه هندوستان ، نوشته‌اند که بشیرخان معروف بوده و از خویشاوندان فیروز شاه سلطان دهلی بوده و از جانب وی در بخارا حکمرانی داشته و بهمین جهت بخاری معروف شده است . پس از چندی انقلابی در نهاد وی رخ داده و دارایی خود را ترک کرده و از مریدان شیخ رکن الدین بن شهاب الدین امام از مشایخ زمان خود و وارد طریقه چشتی شده و بسیار مجذوب بوده و نوشته‌اند که سخنان مستانه می گفته است که برخی از آنها با شریعت سازگار نبوده است و بهمین جهت وی را در سال ۸۰۰ کشتند و در دهلی مدفون شد . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و در شعر

مسعود تخلص می کرده و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیاتش معروفست و بیشتر قصایدی در مدح مرشد خود دارد . دیگر از آثار وی در تصوف کتاب تمهیداتست که بتقلید از تمهیدات عین القضاة همدانی نوشته و دیگر کتاب مرآة العارفین که از مهم ترین کتابهای صوفیه هندست .

( ۱۴۹ ) **سلطان احمد جلایر** ، از پادشاهان نامی خاندان جلایر ، پس از مرگ پدرش سلطان اویس بن شیخ حسن نویان در ۱۱ صفر ۷۸۴ برابر درش سلطان سلطان حسین قیام کرد و بر و مسلط شد و آذربایجان را گرفت و در تبریز او را کشت و در آنجا بتخت نشست سپس بغداد را از کار گزاران شاه شجاع آل مظفر گرفت و آن شهر را پای تخت خود کرد و عراق و فارس نیز خراج گزار او شد و از ۷۸۴ تا ۷۸۸ بر آذربایجان و بین النهرین و عراق استیلا داشت . در ۷۹۵ تیمور آذربایجان را ازو گرفت و او در برابر سپاهیان تیمور بمصر گریخت و تا سال ۸۰۷ در آنجا بود و پس از مرگ تیمور دوباره از مصر بعراق آمد و با تیموریان در افتاد و تا ۸۱۳ در آنجا مشغول تاخت و تاز بود تا آنکه در روز آدینه ۲۸ ربیع الثانی ۸۱۳ در دو فرسنگی تبریز در جنگ با قرا یوسف شکست خورد و در مجرای آب باغی پنهان شد و همان روز او را یافتند و کشتند . وی مرد بخشنده و شعر دوست و هنر پرور بوده و عبدالقادر گوینده موسیقی دان معروف و معروف بغدادی خوشنویس در دربار وی بوده اند و حافظ وی را مدح کرده و خود نیز شعر را نیکومی سروده است .

( ۱۴۷ ) **سید محمد بن علی همدانی** ، پسر میرسید علی همدانی عارف مشهور بود . ظاهرا پس از مرگ پدر و نوشته اند در ۲۲ سالگی باششصد تن در زمان سلطان سکندر بن قطب الدین بکشمیر رفته و این پادشاه مرید وی شده و بسنت نام وزیر و سپس سالارش بدست وی اسلام آورده و ۱۲ سال در آنجا مانده و در ۷۹۷ سلطان سکندر خاتقاهی برای وی ساخته که در سال ۸۰۰ تمام شده و چند دهکده وقف بر آن کرده است . سپس بحج رفت و در بازگشت در گولاب در گذشت . وی نیز مانند پدر نویسنده و شاعر بوده و رساله ای در تصوف و شرح شمسیه از منطبق از و مانده است .

## قرن نهم

ص ۲۳۷ ش ۱۲ : حافظ ابرو، در گذشت وی در روز یکشنبه ۴ شوال ۸۳۸ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان در سرجم در خاک زنجان روی داده و پیکرش را در زنجان نزدیک مزار ابوالفرج زنجانى بخاک سپرده‌اند . مجموعه تاریخی خود را مجمع التواریخ سلطانی نام گذاشته و قسم اول زبدة التواریخ را در ۶ محرم ۸۲۹ پایان رسانیده است .

ص ۲۳۸ ش ۱۵ : فصیح خوافی . نسب خود را چنین آورده است : فصیح‌الدین احمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین یحیی بن علاء‌الدین محمد بن ظهیرالدین ابوالقاسم محمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین ابوالقاسم بن ظهیرالدین محمد ابن ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن جلال‌الدین محمد بن احمد بن ابونصر علی بن محمد بن علاء‌الدین عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد ابن محمد بن قتیبة بن ابوامامه صدی عجلان بن وهب باهلی . از ۸۰۷ تا ۸۱۲ از کارگزاران دربار تیموریان بوده و چندی زندانی شده و سفرهای چند کرده است . روز پنجشنبه غرة جمادی الاولی ۷۷۷ در هرات ولادت یافته است .

ص ۲۴۲ ش ۲۳ : فیض‌الله صدر جهان ، نسبت او را گاهی بنبانی و گاهی بنیانی نوشته‌اند ، شاید در اصل بلیانی بوده باشد که بدین گونه تحریف کرده‌اند . تاریخ خود را در زمان همان محمود شاه پادشاه گجرات که بمحمود شاه بیگاره معروف بوده نوشته است .

ص ۲۴۳ ش ۲۹ : اصیل‌الدین واعظ : در زمان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) از شیراز بهرات رفته است . تاریخ در گذشتش را در جمادی الاخره ۸۸۳ نیز نوشته‌اند و پس از مرگش پادشاه سیورغال‌های وی را بفرزندانش بخشیده است . کتاب مقصد الاقبال را برای ابوسعید گورکان نوشته و کتاب دیگری در مزادات هرات دارد و دیگر از مؤلفات او شرح شفای قاضی عیاض را باید دانست .

ص ۲۴۴ ش ۲۹ : جمالی اردستانی ، مصباح الارواح را در ۲۰ صفر ۸۶۸ پایان

رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : مشکوة المحبین ، استقامت نامه ، نوراعلی نور ، ناظر و منظور .

ص ۲۴۵ ش ۳۵ : ملاحسین کاشفی ، در گذشت وی را در ۹۰۶ ضبط کرده اند و این درست نیست .

ص ۲۴۸ ش ۳۷ : شرف الدین علی یزدی ، نام و نسبش را شرف الدین علی ابن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند ، از خاندان معروفی بوده ، برادرش مجدالدین حسن در گذشته در ۷۸۷ و پسران او ضیاء الدین محمد و شمس الدین ابوبکر و از بازماندگان مجدالدین حسن شاه معز الدین محمد رضی و میرزا مجدالدین حسن که در قرن یازدهم می زیسته اند در تاریخ معروفند . وی در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و دیگر از مؤلفات وی بجز دیوان اشعارش کتاب موطن را باید دانست .

ص ۲۵۱ ش ۴۲ : فضل الله بن روز بهان ، شرح وصایای عبدالحالق غجدوانی را در ۹۱۸ نوشته اند .

ص ۲۵۳ ش ۴۶ : جعفری یزدی ، نام و نسب او بدین گونه است : سید جلال الدین جعفر بن محمد بن حسن متخلص بجعفری از سادات حسینی یزد ، تاریخ یزد را در حدود ۸۵۰ بنام ضیاء الدین مسعود وزیر شاهرخ تألیف کرده و در ۸۴۵ بتألیف تاریخ کبیر آغاز کرده و در ۸۵۰ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات او تاریخ واسط تا حوادث سال ۸۱۷ می رسد و وی شاعر هم بوده است .

ص ۲۶۳ ش ۵۱ : ادریس بدلیسی ، دیگر از مؤلفات او کتابیست بنام مرآة الجمال .

ص ۲۵۵ ش ۵۸ : عبدالغفور لاری ، لقب او را رضی الدین هم ضبط کرده اند و از بازماندگان سعد عباده از اصحاب رسول بوده است . در خاتمة حاشیة نفحات الانس شرح حال مفصل و دقیقی از جامی دارد .

ص ۲۵۶ ش ۶۱ : نجم الدین طارمی ، تذکرة اوصاف خواجه محمد کججانی

تالیف محمدحسن پلاسی شیرازی را نیز بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۲۵۸ ش ۷۹ : شرف الدین منیری ، بلقب شرف جهان معروف بوده و در منیر (بکسر میم و سکون نون و فتح یا) از توابع دهلی ولادت یافته ، مکاتیب خود را بیشتر بحاج رکن الدین نام از مریدان خود نوشته و بهمین جهت آنرا فواید رکنی نام گذاشته و دیگر از تألیفات اوست ارشاد السالکین و شرح آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی .

ص ۲۵۹ ش ۸۰ : محمود قاوان ، نوشته اند در ۸۰۸ در روستای قاوان یا کاوان در گیلان ولادت یافته و بهمین جهت بمحمود قاوان معروف شده بود . پدرانش وزیران پادشاهان گیلان بوده اند و یکی ازیشان در رشت پادشاهی کرده و بدست شاه طهماسب سلطنت او منقرض شده است . چون مادرش از خاندان مشایخ گیلان بود و وی را در خطر می دید او را بسفر و ادار کرد و درین میان در عراق و خراسان وزارت را بوی پیشنهاد کردند نپذیرفت . در ۴۳ سالگی بعزم بازرگانی سفر هندوستان کرد و از راه دریا وارد بندر دابل شد و از آنجا بدکن رفت و سپس برای دیدار شاه محب الله و مشایخ دیگر آن زمان و برای تجارت باحمدآباد بیدرفت و خواست بدیدار مشایخ دهلی برود علاء الدین احمد بهمنی پادشاه دکن نگذاشت و همایون شاه باو لقب ملک التجار داد . سپس وزیر شمس الدین ابوالمظفر محمدشاه بهمنی ( ۸۶۷-۸۸۷ صفر ) شد و مناصب دیگر یافت و ده هزار سوار مغول خدمتگزار وی بودند . سلطان حسین بایقرا سید کاظم نام را از هرات و از راه قندهار و لاهور نزد او بدکن فرستاد و او را دعوت کرد . محمدشاه اجازه بازگشت بایران را باو نداد و وی سید کاظم را باتحف و هدایای بسیار بخراسان برگرداند و نامه ای بسطان حسین نوشت و ازو عذر خواست . سید کاظم در بازگشت از راه دریا بفارس رفت و در شیراز ماند و در آنجا در گذشت و آن هدایا بمقصد نرسید . سرانجام در ۵ صفر ۸۸۶ در ۷۸ سالگی کشته شد . ملا عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمود شاهی که شاعر نیز بوده و از شاگردان و مریدانش بشمار می رفته کتابی در احوال او نوشته است .



مرد دانشمندی بوده و در علوم نقلی و عقلی مخصوصاً در ریاضی و طب و حساب و نظم و ثرفارسی دست داشته و دیوان اشعار و کتاب روضة الانشای تالیف خود را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده و جامی با او مکاتبه داشته و قصیده‌ای در ستایش وی سروده است . در ضمن مرد نیکوکاری بوده و درد کن آبادی بسیار کرده از آن جمله در شهر احمدآباد بیدر دو سال پیش از کشته شدن خود مدرسه‌ای بامسجد و بازار بزرگ و چهارطاقی ساخته که تا اوایل قرن یازدهم باقی مانده است .  
ص ۲۵۹ ش ۸۱ : عبدالله مروارید ، تاریخ درگذشت وی را در ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۸ نیز نوشته‌اند و این درست نیست . کتابی هم در صنعت انشا نوشته است و منشآت اورسالة شرفیه نام دارد .

ص ۲۶۱ ش ۹۳ : صاعد بن علی گرگانی ، کتاب مسالك ممالك يا عجایب البلدان او بیشتر متکیست بر کتاب مسالك والممالك ابن خرداذبه .

ص ۲۴۱ ش ۹۴ : عبدالقادر مراغی ، لقب وی راهم کمال الدین و هم نظام الدین و کنیه اش را ابوالاعضایل نوشته‌اند . نام پدرش راهم غنی و هم عینی و هم غیبی ضبط کرده‌اند اما در نسخه‌ای از کتاب مقاصد الالخان که بخط خود در ۱۲ رمضان ۸۲۱ نوشته و در کتابخانه آستان رضویست نام خود را عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی و نام پدرش را آسکارا غیبی نوشته است . در ۲۰ ذی قعدة ۷۵۴ متولد شده ، در ۴ سالگی بمکتب رفته و در ۸ سالگی حافظ قرآن شده و در ۱۰ سالگی از فرا گرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافته است . نخست در دربار شیخ اویس جالیز (۷۵۷-۷۷۶) بوده و سپس ملازم سلطان احمد شده و درین مدت در تبریز و بغداد می‌زیسته . در ۷۹۵ تیمور او را از بغداد بسمرقند برد و سپس در آن شهر در دستگاه میرانشاه و شاهرخ بوده و در ۸۳۷ در هرات از بیماری وبا درگذشته و این که برخی تاریخ درگذشتن را در ۸۳۸ نوشته‌اند درست نیست . جامع الالخان را برای پسرش نورالدین عبدالرحمن نوشته و مقاصد الالخان را در پنجشنبه ۱۲ رمضان ۸۲۱ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : لحنیه و کنز الالخان و شعر فارسی و ترکی می‌گفته و

عبدالقادر تخلص می کرده است .

ص ۲۶۳ ش ۱۱۲ : عبیدالله احرار، نسب او عبیدالله بن محمود بن شهاب الدین بوده است . در رمضان ۸۰۶ در روستای باغستان از توابع تاشکند ولادت یافت . پدرش نیز از مشایخ تصوف بود . نخست در شهر شاش می زیست و سفرهایی ب سمرقند و بخارا کرد و مرید و خلیفه بهاءالدین نقشبند شد . در شب شنبه سلخ ربیع الاول ۸۹۵ در گذشت . وی را در خاتقاهی که در شهر سمرقند داشت بخاک سپردند و بازماندگانش نیز در آنجا مدفونند و آخرین کس که از ایشان در آنجا بخاک رفته نیازخواجه در گذشته در ۱۲۲۹ است و ایشان فرزندان خواجه محمد یحیی پسروی بوده اند . گذشته از سلسله العارفین که محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در سیرت او نوشته عبدالحی بن ابوالفتح حسینی نیز که از مریدانش بوده رساله ای در مناقب او و اعتقایش تألیف کرده است . دیگر از مؤلفات وی انفاس نفیسه و فقرات الخطیره یا فقرات و مجموعه مکاتبات وافادات را باید دانست .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۷ : زین الدین خوافی، نام و نسب وی ابوبکر بن محمد بوده و در خواف در ۷۵۷ ولادت یافته و نیز از مریدان تاج الدین حسن شمشیری بوده است . در ۸۱۲ قطب الدین علی بن ملک محمود و شاه محمود پادشاهان سیستان وی را بشفاعت بدربار تیمور فرستادند و شفاعت او کارگر شد و در ۸۱۵ قطب الدین علی ابن ملک محمود بشفاعت او از سیستان بهرات رفت . در عید گاه هرات در گذشت . دیگر از مؤلفات اوست : وصایا القدسیه و تقریرات و رسایل و وصیه العارفین بزبان تازی .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۸ : یعقوب چرخي، نسب او را سروری هم نوشته اند . قبر وی اینک در کالخور لبین دره کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان در وادی چغانیان در جایبست که سابقاً شهر حصارشادمان در آنجا بوده و بعد بحصارات معروف شده و اینک اثری از آن شهر نیست و تنها يك حمام و دو مزار از آن مانده است . قبر سرس یوسف چرخي که جانشین پدر شده تقریباً در ۴۰ کیلومتری دوشنبه است

درجایی که اینک بنام چرتک معروفست و ساختمانى بسبك قبر تیمور دارد و در آنجا در کمر کوه خاتقاهی بسیار بزرگ کنده اند و اندرون آن چند حجره است .

ص ۲۶۵ ش ۱۱۹ : شهاب الدین زاوی ، دیگر از مؤلفات اوست حواشی بر تفسیر بیضاوی .

ص ۲۶۵ ش ۱۲۰ : جلال الدین دوانی ، شرح هیاکل النور او شواکل الحور نام دارد و آنرا در زاویه مظفریه تبریز هنگام عزیمت بدیار بکر در شب پنجشنبه ۱۱ شوال ۸۷۲ پایان رسانده است .

ص ۲۶۲ ش ۱۲۱ : میر حسین مبدی ، دیگر از مؤلفات اوست شرح صد کلمه علی بن ابی طالب . وی شعر فارسی نیز می سروده است .

ص ۲۶۸ ش ۱۲۲ : عبدالمؤمن بن صفی الدین ، لقب وی را ضیاء الدین و لقب جدش را بجای عزیز الدین عزالدین و نام کتابش را بهجة الروح نیز نوشته اند .  
ص ۲۶۱ ش ۱۲۳ : غیاث الدین جمشید ، دیگر از مؤلفات اوست رساله فی العمل باسهل آله من قبل النجوم .

ص ۲۷۲ ش ۱۴۴ : ابوالمحاسن گرگانی ، جلاء الازهان او بنام تفسیر گازر نیز معروفست .

ص ۲۷۴ ش ۱۶۰ : صاین الدین ترکه ، نام و نسب او بدین گونه است :  
صاین الدین ابومحمد علی بن افضل الدین محمد بن صدرالدین ابوحامد محمد ترکه ، رحلت وی را در دوشنبه ۴ ذیحجه یا ۱۴ ذیحجه ۸۳۵ نیز ضبط کرده اند .  
۴ ذیحجه آن سال شنبه و ۱۴ سهشنبه بوده و ممکنست شب پیش از ۱۴ در گذشته باشد .  
اسرار الصلوة را در پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۱ و ضوء اللمعات را در ۸۱۵ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : شرح قواعد التوحید جدش صدرالدین ابوحامد محمد بنام تمهید القواعد و کتابی در علم حروف و مناظره عقل و عشق که در ۸۰۸ نوشته و رساله در تحقیق اناقطة التي تحت الباء و رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن و شرح گلشن راز و رساله در شق القمر و منشآت .

ص ۲۸۳ ش ۱۸۶ : محمد بن برهان الدین از ۸۸۵ تا ۱۲ سال مرید عبیدالله  
احرار بوده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفین خود را نوشته است .  
ص ۲۸۵ ش ۱۹۹ فخرالدین علی صفی ، از مریدان خواجه ناصر هروی  
بوده است .



برصحیفه ۲۸۵ از نویسندگان قرن نهم این چندتن را باید افزود :  
(۴۰۳) یارعلی شیرازی ، مؤلف شرحی برلمعات فخر الدین عراقی بنام  
اللمحات فی شرح اللمعات .

(۴۰۴) رکن الدین یحیی بن محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف  
آل پنجیر سادات علوی شیراز مؤلف مقاله الابرار در احوال بزرگان خاندان خود  
که تلخیصی از کتاب اخبار الاخیار تألیف ابوسلیمان محمد شیرازی مورخست .  
(۴۰۵) رکن الدین محمد خوافی ، در گذشته در ۸۳۴ مؤلف تذکرة الشعراء .  
(۴۰۶) علی بن طیفور بسطامی ، ظاهراً از متصوفه قرن نهم بوده و کتاب  
انوار التحقیق را فراهم کرد که تلخیص و مجموعه ای از رسایل مختلف عبدالله

(۴۰۷) سید خلیل الله بن سید محمود زیارتگاهی هروی ، مؤلف شرح  
جواهر الاسلام در عقاید از مولانا نظام الدین شریف هروی که در ۸۴۴ پایان  
رسانده است .

(۴۰۸) ملا داود بیدری ، از مورخان هند مؤلف تحفة السلاطین در تاریخ  
سلسله بهمنی دکن که بنام تاج الدین فیروز شاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۰) نوشته است .  
(۴۰۹) عبدالله بن محمد بن کیا هازندرانی ، که رساله فلکیه را در علم  
سیاق در حدود سال ۸۶۵ تألیف کرده است .

(۴۱۰) شرف الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی ، بجز شرف الدین علی  
مورخ معروف و از دبیران زبردست زمان خود بوده و کتابی در فقه حنفی بنام شقایق

دقایق نعمانی نوشته و منشآت او نیز در دست است و برادرش قوام الدین محمد نیز شاعر بوده است .

(۴۱۱) **امیر حسن بن منوچهر بن جمال الدین ابوطاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی** ، مؤلف منشور مبارک یا رساله انسانیه در انساب پادشاهان طبرستان که برای مرشد الدین شاه عبدالله مهرورف پسید میرزا و پسر او محمد برکت علاءالدوله نوه دختری سلطان حسین بایقرا نوشته است .

(۴۱۲) **عبدالحی بن ابوالفتح حسینی** ، از مریدان خواجه ناصر الدین عبیدالله احرار بوده و رساله ای در مناقب وی و خاندانش نوشته است و نیز کتاب سلسله عالیه را در همین زمینه تالیف کرده است .

(۴۱۳) **ناج الدین محمد بن ابراهیم کازرونی** ، از مشایخ متصوف زمان خود بوده و در ۹۰۱ در گذشته و کتابی در تصوف بنام بحر السعاده نوشته است .

(۴۱۴) **شیخ الاسلام زکریا بن محمد انصاری** ، وی نیز از مشایخ تصوف بوده و در ۸۹۳ در گذشته و شرحی بر رساله قشیریہ بنام احکام الدلاله نوشته است .

(۴۱۵) **عبدالرؤف هروی** ، مؤلف رساله صید که برای بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا فراهم کرده است .

(۴۱۶) **قاسم علی قاینی** ، از دانشمندان زمان خود بوده و رساله ای در اسطرلاب نوشته است .

(۴۱۷) **قاضی شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر آچادکانی طوسی** ، مؤلف نسیم المقرین شرح منازل السائرین عبدالله انصاری که در ظهر پنجشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۸ پایان رسانیده است .

(۴۱۸) **احمد هدون بن محمد نیشابوری** ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و با جامی معاشرت داشته و مؤلف کتابیست بنام آیه الایات الفرقانی در کشف الایات که در ۸۸۵ بتالیف آن آغاز کرده و در ۸۹۱ در هرات پایان رسانیده است .

(۴۱۹) **جلال الدین یوسف جامی** ، از دانشمندان معاصر شاه رخ مؤلف قزاید غیائی شامل مکاتیب تاریخی از آغاز اسلام تا زمان مؤلف .

(۴۲۰) نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی ، پسر عبدالقادر مراغی موسیقی‌دان معروف که پدرش کتاب جامع‌الآلحان را در ۸۱۶ برای او نوشته و او هم در موسیقی استاد بوده و در خاک عثمانی می‌زیسته و کتاب مقاصد‌الادوار را در موسیقی بنام یازیدآل عثمان (۸۸۶ - ۹۱۸) نوشته است .

(۴۲۱) مولانا عبدالرحیم مشهدی ، مؤلف کتابی در جغرافیا بنام مسائل الممالك .

(۴۲۲) خواجه عبدالشهید خاوند محمود بن خواجگی خضر بن عبیدالله احرار ، مانند پدران خود از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رساله‌ای در تصوف ازو مانده است .

(۴۲۳) میرعلی حسینی ، وی بجز میرعلی حسینی خوشنویس معروف قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست در تصوف بنام ریاحین القلوب .

(۴۲۴) علی بن محمد معروف بن نظام شامی ، وی نیز بجز نظام الدین عبدالواسع مورخ مشهور معروف بن نظام شامی و از متصوفه زمان خود بوده و مختصر منہاج العابدین در تصوف ازوست .

(۴۲۵) امام الدین محمد بن ابوطالب تبریزی معروف به امام طبیب ، در ۷۲۳ ولادت یافتہ و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در هیئت وطب و ریاضیات دست داشته و مؤلفات چند ازو مانده است از آن جمله کتاب الارشاد فی معرفة الاعداد بفارسی که بنام شیخ ابراهیم بن سلطان محمد بن کیقباد نوشته و شرح تلخیص محمود ابن محمد چغمینی که در ۷ جمادی الاخره ۸۲۴ در ۹۱ سالگی پایان رسانیده است .

(۴۲۶) حکیم محمود بن محمد بن عبداللہ ، مؤلف تحفه خانی در طب که در ۹۰۲ تمام کرده است .

(۴۲۷) برهان مسکین ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و مؤلفات چند ازو مانده است از آن جمله کتاب ارشاد المسلمین شرح عقاید اهل الاسلام نجم الدین نسفی که در هرات در ۹۱۴ پایان رسانده است و انیس الواعظین اربعین در احادیث رسول در دو دفتر یکی شرح احادیث و دیگر شرح آیات و روضة الاتقیاء فی ذکر

الاولیا و انیس العابدین در عبادات و سراج المتعلمین در نحو و اوراد الاوقات و کنوز الاعمال در ادعیه و اذکار و خلاصة الاوراد .

(۲۲۸) احمد بن محمد بن حسن معروف بخلیفه نیشابوری ، مؤلف ترجمه ملخص تاریخ نیشابور تألیف امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد ابن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف بحاکم ابو عبدالله بن ابیج مؤلف مستدرک و تاریخ نیشابور از اکابر علمای حدیث که در ۳۲۱ ولادت یافته در ۴۰۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و کتاب تاریخ خود را نخست در رمضان ۳۸۹ پایان رسانیده و سپس در ۴۰۲ آنرا تکمیل کرده است و درین ترجمه حوادث سال ۸۳۳ را ضبط کرده است .

(۲۲۹) ابوالمکارم بن علاء الملك ، از بازماندگان احمد جزم ژنده پیل که در ۸۴۰ کتابی در مقامات وی بنام خلاصة المقامات تألیف کرده است .

(۲۳۰) سیدیحیی بن بهاء الدین شروانی ، در شهر شماخی ولادت یافت و پدرش مردی مالدار بود و در جوانی خوش صورت بود . روزی که با جوانان گوی بازی می کرد پیرزاده پسر شیخ حاج عزالدین خلوتی از مریدان شیخ صدرالدین خلوتی و از پیشوایان خلوتیان برو گذشت و چون او را پسندید دعوتش کرد و وی پذیرفت و وارد طریقه خلوتی شد که یکی از فروع نقشبندیان بوده است . سپس از شماخی ببا کورفت و در آنجا ماند و بارشاد مردم پرداخت و نوشته اند نزدیک ده هزار تن برو گرد آمدند و مریدش شدند و خلفای خود را باطراف فرستاد و در ۸۶۸ در باکو در گذشت . وی از بزرگان طریقه خلوتی بوده و در باکو مسجد و مدرسه و خانقاه داشته و خلفای معروف او مولانا یوسف مخدوم و قاضی ضیای شروانی و و شه قباد شروانی و عبدالمجید شروانی بوده اند . از مولفات چند هم مانده است مانند اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الوحی و شرح گلشن راز .

(۲۳۱) ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بهطامی ، از بزرگان متصوفه زمان خود بوده و در ۸۵۸ در گذشته و کتابهای چند بفارسی و عربی در

تصوف نوشته است از آن جمله مناهج التوسل و شمس الافاق والادعیه و الفواتح المسکیه که در ۸۴۴ بیان رسانده و ظاهراً شرح فتوحات المکیه ابن العربیست .  
**(۲۳۲) عبدالکریم همدانی** ، در دکن می زیسته و مرید و شاگرد خواجه محمد قانان دانشمند معروف این زمان بوده و کتابی در تاریخ دکن بنام تاریخ محمودی برای خواجه محمود نوشته و کتاب دیگری در احوال خواجه محمود پرداخته است .

**(۲۳۳) سعدالدین کاشغری** ، نخست جامه فروش بود، از بزرگان مشایخ نقشبندی در زمان خود و از مریدان نظام الدین خاموش در گذشته هنگام نماز آدینه چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ و مدفون در خیابان هرات بوده و بسیاری از متصوفه آن زمان از آن جمله عبدالرحمن جامی باو معتقد بوده اند و در هرات می زیسته است . در ۸۴۴ با گروهی از دانشمندان حج رفته و هنگام نماز پیشین چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۷۰ در هرات در گذشته است. دودختر پسرش خواجه اکبر معروف بخواجه کلان یکی زن عبدالرحمن جامی و دیگری زن فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی بوده اند. اصحاب وی ملفوظات او را بنام تقریرات گرد آورده اند.

**(۲۳۴) محمود پسیخانی** ، از مردم پسیخان گیلان و نخست پیرو طریقه حروفی و از شاگران فضل الله حروفی بود و فضل الله او را طرد کرد و در سال ۸۰۰ طریقه تقطوی را اعلان کرد . درباره اش اطلاع کامل نیست و بهمین اندازه معلومست که طریقه وی تا پایان قرن دهم در برخی از نواحی ایران رایج بوده و متشرعین آنرا کفر می دانسته اند و بسیاری از پیروانش را بهمین جرم کشته اند. معارف پیروان وی تشبیهی کاشانی و فهمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو و یوسف ملحد معروف بترکش دوز بوده که در سال ۱۰۰۰ که اختر شناسان قران نحسین را پیش بینی کرده و خطری متوجه شاه عباس می دانستند وی را برای فریب ستارگان بتخت نشانند و نام سلطنت باو دادند و پس از گذشتن قران وی را کشتند . این طریقه



ازبك (۹۹۱-۱۰۰۶) در ماوراءالنهر بار دیگر مجالس التقایس علیشیر نوای  
ازترکی جغتایی بفارسی ترجمه کرده است .

(۱۸۵) **عبدالصمد بن افضل محمد**، از صوفیه هند مؤلف اخبارالاصفیا در  
احوال مشایخ که در ۱۰۱۴ تألیف کرده است .

(۱۸۶) **عبدالوهاب بن جلال الدین محمد همدانی** ، نیز ازمتصوفه این  
زمان بوده و در ۹۷۴ مناقب العارفين افلاکی را بنام ثواقب تلخیص کرده است .

(۱۸۷) **محمد بن برهان الدین سمرقندی** ، معروف بمحمد قاضی ، از  
مریدان عبیدالله احرار پیشوای معروف نقشبندیان بوده و در ۹۲۱ در گذشته و  
تذکرة الاولیا وسلسلة العارفين دو کتاب دراحوال مشایخ نوشته است .

(۱۸۸) **ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی** ، مؤلف تاریخ سلسله نقشبندی  
که در ۹۴۷ نوشته است .

(۱۸۹) **معین الدین منیری** ، از مردم منیر ازتوابع دهلی و ازمتصوفه اواخر  
قرن دهم مؤلف ریاض الاولیا .

(۱۹۰) **محمد صالح بن امیر عبدالله قادر** ، معاصر عبدالؤمن خان ازبك  
بوده و تاریخ مزارات بلخ را در ۱۰۰۶ پایان رسانده است .

(۱۹۱) **عبیدالله نقشبندی** ، مؤلف سراج السالکین و لطایف العارفين در  
مقامات شیخ لطف الله چشتی در گذشته در ۹۷۹ و کتاب صوفیه نقشبندی که در ۹۸۱  
نوشته است .

(۱۹۲) **محمد امین حشری تبریزی** ، نویسنده و شاعر بوده و در ۱۰۱۱ کتابی  
بنام روضه اطهار در مزارات تبریز تمام کرده است .

(۱۹۳) **عبدالکریم بن محمود قاضی معروف بقاضی اختیار** . در ۱۰۰۹  
سفرهایی در ماوراءالنهر و خراسان کرده و سفرنامه خود را بنام عوالم الاسرار  
فی غرایب الاسفار نوشته است .

(۱۹۴) **مولانا شمعی**، از دانشمندان خاك عثمانی بوده و از احوالش اطلاعی

نیست و در حدود سال ۱۰۰۰ در گذشته و شرحی بر دیوان حافظ نوشته است .

(۱۹۵) **سودی بسنوی**، از مردم سرزمین بسنه یا بوسنه و یا بوسنی در بالکان بوده که در آن زمان جزو مستعمرات عثمانیان بشمار می رفته است و از جزئیات احوالش اطلاعی نیست جز آنکه در حدود ۱۰۰۶ در گذشته است، وی ترکی و تازی و پارسی را نیکو می دانسته و دو شرح مختصر و مفصل بر دیوان حافظ نوشته است .

بر صحیفه ۴۰۷ درباره کتابهای قرن نهم که نویسندگان آنها معلوم نیست این کتابها را هم باید افزود : شرح اشعار امام علی بن ابی طالب که مؤلف آن معلوم نیست و شاگرد نظام الدین عبدالحق بوده و پس از شرح میر حسین میبیدی این شرح خود را بنام امیر سید علی که در قاین و سیستان بوده تألیف کرده است . دیگر کتابی بنام قانون نامه چین و ختا در تاریخ اقوام ترک که در ۹۲۲ تألیف کرده اند.



در باره شعر قرن دهم نخست بر صحیفه ۴۰۸ این نکته را باید افزود : نام و نسب قطب الدین حیدر زاوی بدین گونه است : قطب الدین حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن سلطان شاه بن سلطان خان سالوری در گذشته در ۱۱۰ سالگی که تاریخ در گذشت وی را هم ۶۱۳ و هم ۶۱۸ نوشته اند. اما در باره حیدریان تردید دارم فرقه ای از صوفیه که در زمان صفویه با نعمتیان یعنی پیروان نعمه الله ولی در افتاده اند پیروان او بوده باشند زیرا که دشوار می نماید تا سیصد و چند سال پس از مرگش این همه پیروان در مرکز ایران داشته بوده باشد . بگمانم مراد از حیدریان پیروان طریقه صفوی و اتباع سلطان حیدر نواده صفی الدین اردبیلی یعنی حیدر بن جنید بن ابراهیم ابن علی بن صدر الدین موسی بن صفی الدین اردبیلی بوده باشند که پیش از شاه اسمعیل شافعی بوده اند و قهراً می بایست با صوفیه نعمه الهی که شیعه بوده اند اختلاف داشته باشند .

پس این مطالب را در باره شاعران قرن نهم باید افزود :

ص ۴۱۲ ش ۱۱ : سجایی استرآبادی ، تاریخ در گذشت وی را برخی ۱۰۱۶ و شماره رباعیاتش را هفتاد هزار نوشته اند و پیدا است که مبالغه است .

ص ۴۱۵ ش ۱۹ : قاسم کاهی ، نخست در ۱۵ سالگی بیدخشان بدر بار عسکری میرزا رفته است . در دربار اکبر سمت ملك الشعرايي یافته و يك بار هزار تنگه صله يك غزل باو داده است . وفاتش را در ۹۸۳ و ۹۸۴ نیز ضبط کرده اند و نوشته اند که صده و ده یا صد و بیست سال عمر کرده است و او را معتاد بیاده خواری دانسته اند . در فتح پور در گذشته و سپس پیکرش را با گره برده و در آنجا بخاک سپرده اند . در علم ادوار نیز دست داشته است .

ص ۴۱۶ ش ۲۰ : حسین مروزی ، در حج تفسیر و حدیث را از ابن حجر مکی فرا گرفته و فیضی باو معتقد بوده است . سال در گذشتش را برخی ۹۷۹ و برخی ۹۹۹ نوشته اند و این روایت دوم درست نمی نماید . وی غزل را نیز نیکو می سرده است .

ص ۴۱۶ ش ۲۱ : حسین ثنایی ، در دربار اکبر زیسته و تا ۹۷۸ زنده بوده است . ص ۴۱۷ ش ۲۲ : عرفی شیرازی ، دیگر از آثار وی رساله نفسیه را باید دانست . ص ۴۱۸ ش ۲۳ : شیری لاهوری ، نام وی یا پدرش شیخ عبدالحی بوده که مردی دانشمند و قاضی شرع بوده است و خود از مداحان اکبر بوده و در جنگ افغانان با راجه بیریر یا بیریل که همراه وی بوده در افغانستان در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است .

ص ۴۱۸ ش ۲۴ : قیدی شیرازی : تا ۹۸۴ زنده بوده است .

ص ۴۱۹ ش ۲۷ : رهایی خوافی ، نام وی ملا سعدالدین بوده و چون در هرات زیسته بهر وی نیز معروف بوده است . مثنوی منظوراً نظار را در برابر مخزن الاسرار بنام اکبر سروده است .

ص ۴۲۰ ش ۳۰ : میر حیدر معمای رفیعی ، نام وی میر رفیع الدین حیدر طباطبایی بوده و پسردیگری داشته است میر ابو طالب کاشانی که ذکرش بجای خود

آمده است .

ص ۴۲۱ ش ۳۲ : میلی هروی ، در مالوه در گذشته است .

ص ۴۲۲ ش ۳۷ : محوی همدانی ، اصل وی از اسدآباد همدان بوده و مدتی در نیشابور زیسته و بحج و از آنجا بهند رفته و نزد خان خاتان مقرب بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته است .

ص ۴۲۲ ش ۳۹ : روغنی ، باسترآبادی و هروی معروف بوده و پیدا است که از مردم استرآباد بوده و در هرات زیسته است . قلعه مالوگره که وی در روز آدینه ۲۳ جمادی الاولی ۹۸۰ در آن جا در گذشته از توابع سروین در گجرات است .

ص ۴۲۲ ش ۴۰ : نویدی نیشابوری ، با امیر قریش خویشاوندی داشته است .  
ص ۴۲۳ ش ۴۱ : شکیبی اصفهانی ، از مریدان خواجه علاءالدین عطار نقشبندی بوده و در نجوم و رمل دست داشته است .

ص ۴۲۳ ش ۴۲ : فارغی شیرازی ، در دربار جلال الدین محمد اکبر بوده و نام پدرش را میر مرتضی نیز نوشته اند .

ص ۴۲۳ ش ۴۳ : انیسی شاملو ، کتابدار علینقی خان بوده و پس از کشته شدن او بدست عبدالله خان ازبک بهند گریخته است . تاریخ در گذشته وی را نزدیک ظهر شنبه ۲۴ صفر ۱۰۱۶ نیز نوشته اند و گفته اند که در برها نپور مدفون شده است .

ص ۴۲۴ ش ۴۵ : جدایی تبریزی ، نخست از نقاشان کتابخانه شاه طهماسب بود ورنجشی پیدا کرد و از پای تخت بعراق و از آنجا بهند رفت و در آنجا باغزالی مشهدی در افتاد و يك دیگر را هجو کردند . در هندوستان منصب امارت یافت و نادر الملک لقب گرفت و سفری بزیارت حرمین رفت و بهند باز گشت .

ص ۴۲۵ ش ۴۸ : وقوعی نیشابوری ، از سادات اسحق آباد نیشابور بوده و در زمان اکبر بهندوستان رفته و خان خانان يك بار بصله يك رباعی سه هزار محمودی باو داده است . خط شکسته را خوب می نوشته و در لاهور در گذشته است .

ص ۴۲۵ ش ۴۹ : قراری گیلانی ، نام و نسب وی نورالدین محمد بس

عبدالرزاق معروف بصدر گیلان و خود نیز از کار گزاران مقرب خان احمد خان و از شاگردان افضل الدین محمد تر که بود . هنگامی که خان احمد خان باصفویه در افتاد وی بقزوین رفت و ظاهراً پس از آن با برادرش امیر همایون بهند رفته است . ص ۴۲۵ ش ۵۰ : غیرتی شیرازی ، از سادات شیراز بوده و دوبار بهند رفته ، یار اول بمصاحبت امیر نورالدین محمد قراری و امیر همایون پسران مولانا عبدالرزاق صدر گیلان رفته و قصیده و غزل می سروده است .

ص ۴۲۵ ش ۵۱ : حیاتی گیلانی ، نخست در گیلان می زیسته و در آنجا میلی شاعر شمشیری بدست راست و زرد و مجروحش کرد و وی عفو کرده و بکاشان و از آنجا بهند رفته است . در پایان زندگی نزد خان خانان بسیار مقرب شد و ثروت بسیار بهم زد و خان خانان يك بار او را بخزانة خود برد که هر اندازه اشرفی می خواهد بپردازد . سرانجام از ملازمان شاهزاده دانیال و سپس نورالدین جهانگیر شد و در ۱۰۱۵ هـ مرد . ص ۴۲۶ ش ۵۳ : فهمی طهرانی ، نامش طهماسب قلی و از درباریان شاه طهماسب بوده است .

ص ۴۲۶ ش ۵۴ : سهمی بخاری ، در دستگاه پیرم خان خان خانان نیز بوده است . ص ۴۲۶ ش ۵۸ : درویش بهرام سقا ، برخی او را از مردم بخارا و برخی از مردم بلخ دانسته اند ، مردی سالك و مجذوب بود . نخست طالب علم بود و سپس وارد حلقه تصوف شد و بستقایی گرد جهان می گشت تا بهندوستان رسید . نیت کرده بود پسرنندیب برود و در آنجا بماند . چون در تانده یکی از قصبات کور بصحبت شیخ بابویکی از بزرگان مشایخ هند رسید وی او را از رفتن بدانجا بازداشت و گفت باید در بردوان بمانی و در آنجا مدفون شوی . وی ببردوان رفت و جایی را که شیخ بابو با و نشان داده بود یافت و در آنجا ماند تا در ۹۸۲ هـ در آنجا در گذشت . درویش محمد نام از مریدانش که برخاکش مجاور بود گفته است از ما و راءالنهر با او آمدم و تازه بود با او بودم و بمن دستور داد بر سر قبرش باشم و می گفت سبب شعر گفتن من

این بود که شبی قاسم انوار را در خواب دیدم که بر لب حوض مزار قثم بن العباس در سمرقند نشسته است و چون مرادید گفت درش چیزی بخوان . من اشعاری خواندم . گفت: از خود بخوان . چون بیدار شدم در بدیبه غزلی سرودم و شاعر شدم و حال آنکه پدران من از اعیان بودند . مزارش در قصبه بردوان در ناحیه اوریسه بر سر راه بنگاله و سرندیپ در زیر درخت املی بزرگ یعنی تمر هندی و در نزدیکی تالابی زیارتگاه است . وی در شعر فارسی و ترکی دست داشته و روزی که در حال جذبه بوده دیوان فارسی و ترکی خود را در آب انداخته است . بیش از سی هزار بیت غزل عارفانه بسبك غزلیات مولانا جلال الدین و قاسم انوار سروده و سقا تخلص می کرده

ص ۴۲۷ ش ۵۹: حیدری تبریزی، نخست تاج دوزی می کرد و با آنکه در هند توانگر شده بود در بازگشت از هند از آن کشور بدمی گفت . وحشی با او در افتاده و يك دیگر را هجو کرده اند . سه بار بهند رفته است و اکبر در برابر يك قصیده ده هزار روپیه خلعت و اسب باوصله داده است . تا پایان قرن دهم می زیسته و پسری داشته که سامری تخلص می کرده است و دیوان او شامل شانزده هزار بیت بوده است .

ص ۴۲۸ ش ۶۵: شریف سرمندی اصفهانی، نام درست وی ملا شریف و از سادات و در هند از ملازمان راجه مان سنگه بوده و در ۱۰۱۵ در گذشته است .

ص ۴۲۸ ش ۶۷: تقی الدین محمد ششتی، اکبر او را مأمور کرده است داستانهای شاهنامه را بنشر بنویسد اما عمرش باین کار وفا نکرده است .

ص ۴۲۹ ش ۶۸: اسپری رازی، پسر قاضی مسعود سیفی حسینی بوده و در ۹۸۲ در گذشته است

ص ۴۲۹ ش ۶۹: نظیری نیشابوری، از خان خانان يك باريك لك روپیه صله گرفته است . استادانش شیخ محمد سندوی و ملا حسین جوهری بوده اند و دیوانش را شامل نه هزار بیت نیز دانسته اند .

ص ۴۳۰ ش ۷۴ : عزیزی قزوینی ، باپهری نیز معروف بوده و در ۹۸۸ در گذشته است .

ص ۴۳۱ ش ۷۷ : طالب اصفهانی ، در ۱۰۳۰ رحلت کرده است .

ص ۴۳۱ ش ۷۸ : میراشکی قمی ، برادر میر عزیر الله حضوری قمی بوده و دو دیوان داشته و یکی از آنها را بطریق طرد و عکس پایان رسانده است .

ص ۴۳۲ ش ۸۲ : صالحی هروی ، بمشهدی نیز معروف بوده و نخست از منشیان دربار سلطان محمد خدا بنده بشمار می رفته است .

ص ۴۳۳ ش ۸۵ : علاء الدوله کامی قزوینی ، از خاندان معروف سیفی سادات حسنی قزوین بوده که مدت های مدید دانشمندان نامی از آن برخاسته اند . پدرش میریحیی که در ۹۶۲ درگذشت و جدش میر عبداللطیف در طریقه تسنن تعصب بسیار داشته اند و بدین صفت معروف بوده اند . برادرش نیز میرزا عبداللطیف نام داشته است . پدرش میریحیی چون شاه اسمعیل بسلطنت رسید ماده تاریخ جلوس او را « مذهب ناحق » گفت و چون شاه از او بازخواست کرد گفت من « مذهبنا حق » گفته ام . پس از آن شاه طهماسب در صد آزار وی و خاندانش برآمد و يك قورچی از آذربایجان بقزوین فرستاد که میریحیی و پسرش میر عبداللطیف را که پیشوایان اهل سنت در قزوین بودند دستگیر کند و بآذربایجان بفرستد و خانواده شان را باصفهان بفرستد . میرعلاء الدوله که در آذربایجان بود بشتاب قاصدی نزد پدر و برادر فرستاد و ایشان را آگاه کرد . میریحیی را که یحیای معصوم می گفتند قورچیان گرفتند و يك سال و نیم در زندان اصفهان ماند و در ۷۷ سالگی در رجب ۹۶۲ در زندان مرد . میرعبداللطیف از زندان گریخت و چندی در کوه های گیلان سرگردان بود و از آنجا بجلال الدین اکبر متوسل شد و او اجازه داد بهند برود و با برادرش میرعلاء الدوله در ۹۶۳ بهند رسید و هر دو برادر در دربار اکبر احترام بسیار یافتند و اکبر دیوان حافظ و کتاب های دیگر را نزد میرعبداللطیف درس می خواند و در ۵ رجب ۹۸۱ در فتح پور درگذشت و در بالای قلعه اجمیر در کنار قبر میرسید

حسین خنک سوارپیکرش را بخاک سپردند . برادرش علاء الدوله ظاهراً در ۹۸۲ در گذشته و وی را نیز در همان جا دفن کرده‌اند و دیگر از مؤلفات او صحیفه الارقام در علم خط و رساله در صنایع شعر را باید دانست .

ص ۴۳۳ ش ۸۷ : ملک قمی ، ملک الشعرای دربار نظامشاه بوده و بیشتر در احمدنگری زیسته است . در ۱۰۰۳ که اکبر دکن را گرفت وی در حصار احمدنگر بود و پس از چند روز بیرون آمد و باشاه مراد پسر اکبر و عبدالرحیم خان خانان مربوط شد و دستایش ایشان قصایدی سرود و بار دیگر گرفتار شد و چون ایشان بسرزمین برار رفتند وی از زندان بیرون آمد و بشهر بیجاپور نزد عادلشاه رفت و ملک الشعرای دربار او شد . بسیار کم سخن می‌گفت و تاریخ را خوب می‌دانست و یک مثنوی در برابر مخزن الاسرار نظامی سروده است .

ص ۴۳۴ ش ۸۸ : نوعی خبوشانی ، نام و نسب وی محمد رضا بن محمود بوده است . در ۹۷۰ در خبوشان ولادت یافته و چون چندی در مشهد زیسته بمشهدی معروف شده و پس از ویرانی اورگنج و هرات از مشهد بباورد رفته و چندی در آنجا بوده و بهمین جهت برخی او را باوردی دانسته‌اند . در جوانی با پدر خود بکاشان رفت و در آنجا بشاعری آغاز کرد و محتشم او را گرامی می‌داشت . سپس برای دیدار خواجه ابوالقاسم سیری از خویشاوندان خود که مرد محتشمی بوده است با پدر بگجرات رفت . پس از چندی با پدر بمشهد برگشت و پدرش در آنجا درگذشت . وی در اندک زمانی میراث پدر را بخوش گذرانی تمام کرد و بار دیگر بهند رفت و در لاهور مصاحب میرزا یوسف خان رضوی از سادات مشهد و از اعرای چهار هزاری دربار اکبر شد و با وی بکشمیر رفت . در کمانداری بسیار ماهر بود چنانکه در یک روز پنج بار هدف را بتیر بود و بهمین جهت شاهزاده دانیال پسر خرد اکبر که در جوانی در ۱۰۱۳ درگذشت و شهرت او را شنیده بود وی را از میرزا یوسف خان خواست . دیوان وی شامل چهار هزار بیت و ساقی نامه اش شامل ۷۰۰ بیت است که خان خانان در برابر آن ده هزار روپیه صله داده است و سوزو گداز شامل ۵۰۰



بیت در بازه سنی شدن یعنی خود را سوزاندن زن هندو که دل داده شوهر خویش بود در لاهور یا اکبر آباد بخواهی شاهزاده دانیال سروده شده است .

ص ۴۳۴ ش ۸۹ : وحشی بافقی، نام وی کمال الدین محمد بوده است ، وی را برخی از شاگردان شرف الدین علی یزدی دانسته اند و از دوستان محترم بشمار می رفته و هنگام اقامت در کاشان با وی محشور بوده است . سبب مرگ وی را برخی حمای محرقه دانسته اند و برخی گفته اند که بدست معشوقش کشته شده است و این درست نیست . تاریخ رحلت وی را ۹۶۱ و ۹۹۲ و ۹۹۷ نوشته اند و حتماً در ۹۹۱ در گذشته است . دیوان وی شامل ۵۳۰۰ بیت ، خلدبرین شامل ۵۹۲ بیت ، ناظر و منظور شامل ۱۵۶۹ بیت و شیرین و فرهاد که ظاهراً در ۹۶۱ ناتمام مانده شامل ۱۰۲۰ بیت است . دنباله آنرا که وصال شیرازی سروده نیز ناتمام مانده و آقا مهدی صابر شیرازی در گذشته پس از ۱۲۸۰ آنرا تمام کرده است .

ص ۴۳۶ ش ۹۱ . لسانی شیرازی ، لقب وی را کمال الدین هم نوشته اند . نخست در خراسان ملازم سام میرزا صفوی بوده است . نوشته اند اشعارش باندازه ای بود که نمی توانست ضبط کند و بهر شاعری که نزد او می رفت از اشعار خود می بخشید تا بتخلص خود بخواند . روزی که دوستان را بطعام دعوت کرده بود پس از طعام ازیشان بخلی خواست و همان شب در صحبت ایشان در گذشت و در قبرستان سرخاب مدفون شد .

ص ۴۳۶ ش ۹۲ : فضولی بغدادی ، در گذشت وی را در ۹۷۶ نیز نوشته اند . در زبان تازی نیز دست داشته و رساله ای باین زبان بنام مطلع الاعتقاد نوشته است . ص ۴۳۸ ش ۹۴ : فخری هروی ، مدتی نیز در دربار شاه حسن ارغون حکمران سند و تنه ( ۹۳۰ - ۹۶۱ ) بوده و کتاب صنایع الحسن و روضة السلاطین را در تذکره پادشاهان شاعر بنام وی نوشته و نیز چند مثنوی سروده است .

ص ۴۳۹ ش ۹۶ : قاضی شرف جهان ، از خاندان معروف سیفی قزوین و در ضمن از شاگردان غیاث الدین منصور و از دوستان و خویشاوندان میر عماد خوشنویس

روف و مردی نیکوکار بوده و آبادی بسیار کرده از آن جمله نهری در کربلا خته و دیوانش نزدیک ده هزار بیت بوده است .

ص ۴۴۱ ش ۱۰۱ : ملا احمد ایبوردی، وی در سمرقند از شاگردان ملا احمد می دانشمند معروف آن زمان و در هرات از شاگردان جامی بوده و از پیروان طریقه نبندی بشمار می رفته است . کیسه زری که بازرگان نزد او برده محتوی ده هزار از بوده و گفته است که در سفر دریا نذر امام علی بن ابی طالب کرده بود . گذشت وی در ۹۵۰ سه روز پیش از رسیدن قورچی که از قزوین مأمور عقوبت او بود روی داده است . وی قصاید و غزلیات بسیار سروده است .

ص ۴۴۲ ش ۱۰۲ : ابوالحسن دانشمند ، کتاب مشارق را در هیئت نوشته و دیگر از مولفات او حاشیه بر هدایه اثیریه است .

ص ۴۴۵ ش ۱۰۶ : مانی شیرازی ، نقاش ماهری بوده است ، نوشته اند دلدادۀ اسماعیل بوده و بهمین جرم کشته شده و دوستانش شفاعت کردند و شاه ازو شت اما دیر شده بود و در تبریز کشته شده و در سرخاب او را بخاک سپرده اند .

ص ۴۴۵ ش ۱۰۷ : ظهوری ترشیزی ، در صله ساقی نامه ابراهیم عادل شاه فیل و مقداری نقد و جنس باو بخشیده است . ملک قمی داماد وی بوده و با عرفی به و مشاعره داشته و نیز نوشته اند در بیجاپور در گذشته است .

ص ۴۴۶ ش ۱۱۰ : ضمیری اصفهانی ، نامش کمال الدین حسین بوده است . ص ۴۴۷ ش ۱۱۳ : قاضی احمد سیستانی ، معما و تاریخ را خوب می گفت و ۹۰ در گذشت .

ص ۴۴۷ ش ۱۱۶ : خلیفه اسدالله ، ملولی تخلص می کرد و خلیفه سلطان او بود .

ص ۴۵۲ ش ۱۲۳ : القاص میرزا ، در ۹۳۲ شاه طهماسب حکمرانی شروان داد . در ۹۵۵ بالشکریان عثمانی بایران آمد . پس از اقامت در مشهد در ۲۲

ربیع الاول ۹۵۶ در الموت زندانی شد . نوشته اند پس از شش روز دو سه تن که پدرانشان را کشته بود بقصاص وی را از آن قلمه بزرانداختند و کشتند ، اما این روایت درست نمی نماید زیرا که وی ظاهراً در ۹۸۴ در مشهد در گذشته است .

ص ۴۵۳ ش ۱۲۷ : انسی قندهاری ، نامش محمد شاه بوده است .

ص ۴۵۴ ش ۱۳۳ : بهرام میرزا صفوی ، ظهیرالدین لقب داشته و در ۹۳۶ حکمران هرات شده است . در گذشت وی را در ۳۳ سالگی در شب سه شنبه ۱۹ رمضان ۹۶۵ نیز نوشته اند . شاهزاده ای دانشمند و خوشنویس و دانش پرور بوده و امیر یحیی بن عبداللطیف قزوینی لب التواریخ را بنام وی نوشته است .

ص ۴۵۵ ش ۱۳۵ : بهرام خان ، نام وی را یرم خان نیز نوشته اند .

ص ۴۵۷ ش ۱۳۸ : صادقی بیک افشار ، مثنوی قانون الصور او در قواعد نقاشی

و شامل ۲۱۰ بیت است .

ص ۴۵۸ ش ۱۳۹ : ولی دشت بیاضی ، چندی هم در قزوین زیسته است .

ص ۴۵۸ ش ۱۴۰ : طیفور انجدانی ، نوشته اند که يك بيت اورا بملك قمی

نسبت می دادند و بنام وی معروف شده بود چون ملك قمی بپند می رفت وی در پی او براه افتاد و در لار باو رسید و ازو سند گرفت که آن بیت ازو نیست .

ص ۴۵۹ ش ۱۴۳ : فهمی کاشانی ، بامحتشم مهاجده کرده است .

ص ۴۶۳ ش ۱۵۷ : فهمی خبیصی ، در ۹۷۸ که شاه عباس در زمان پدرش

از هرات بشیر از می رفت در راه در خبیص نزد او رفت و مورد توجه شاه عباس شد و باو وعده کرد که از پدرش شاه محمد خدا بنده بخواهد منصب صدارت خود را باو بدهد و بهمین جهت او را از شیراز پدر بارخواستند و منصب صدارت را باو دادند . مردی دانشمند و بسیار پارسا بود و در ریاضیات و نجوم و رمل دست داشت و نویسنده و شاعر زبردست بود و بسیار بخشنده بود چنانکه نوشته اند نزدیک صد هزار تومان پول نقد و بهای خاک فیروزه را که از درآمدهای اوقاف و نذر ها و خمس معادن فیروزه و جز آن در خزانه خود داشت در دوسه سال بسادات و علما و پرهیز گاران و تنگستان و طلاب

داد و مردی درویش مشرب بود و شعر خوب می گفت .

ص ۴۶۴ ش ۱۶۴ : شریف تبریزی ، شاگرد لسانی بوده و زندگی را بتنگ دستی گذرانیده و در پایان زندگی در اردبیل ملازم سام میرزا بوده است . وقتی قصیده‌ای در ستایش خواجه غیاث الدین علی معروف بکهره و کبود چشم مستوفی دیوان شاه طهماسب که چشمان کبود و موی و روی زرد داشته سروده بود و چون صله باونداده بود ترکیب بندی در هجو او ساخت و شاه بخشم آمد و دستور داد او را بکشند . وی اجازه خواست آن اشعار را برای شاه بخواند و سپس هر حکم که روا باشد بکند . شاه چون آن ترکیب بند را شنید پسندید و از کشتن او گذشت بشرط آنکه از خواجه غیاث الدین دلجویی بکند . وی نیز اشعاری در هجو شاه نعیم الدین نعمه الله ثانی نواده شاه نعمه الله ولی و داماد شاه طهماسب سروده است . دیوانش را شامل نه هزار بیت دانسته‌اند . نوشته‌اند در ۹۵۶ باردبیل رفته و در آنجا بوبادر گذشته و در آنجا مدفون شده است . در زمان خود بسیار مشهور بوده و اشعار سست لسانی را مخمس کرده و مجموعه آنها را سهو اللسان نام گذاشته و وحید تبریزی بنام لسان الغیب پاسخی بر آن نوشته است .

ص ۴۶۵ ش ۱۶۵ : حیرتی کاشانی ، منظومه بهجة المباحج او شامل ۲۱۶۰۰ بیت بوزن خسرو و شیرین نظامی در شرح غزوات رسول و معجزات اوست که بنام شاه طهماسب در ۹۴۴ پایان رسانیده و آنرا کتیب معجزات نیز نام گذاشته است .

ص ۴۶۶ ش ۱۷۲ : حالتی ترکمان ، چندی در تبریز زیسته و در سال ۱۰۰۰ در گذشته است .

ص ۴۶۶ ش ۱۷۳ : حیرتی تونی ، مورد توجه شاه عباس و می‌خواهره بوده است .

ص ۴۶۷ ش ۱۷۸ : رشکی همدانی ، پسر حسن بیك لنگ اردو آبادی و از بزرگ زادگان همدان و مردی لایق بوده و عسکری تبریز شده و او باش او را کشته‌اند .

ص ۴۶۲ ش ۱۸۲ : میرزا شاه حسینی اصفهانی ، پسر میرزا شاه بیك ، جدش امیر ذوالنون ارغون از جانب سلطان حسین بایقرا حکمرانی قندهار داشته و وی پس از کشته شدن نجم ثانی بوزارت رسیده است .

ص ۴۶۸ ش ۱۸۳ : شاهی مولوی ، تاریخ اتمام گلشن توحید را برخی در ۹۴۰ نوشته اند .

ص ۴۶۸ ش ۱۸۴ : شرف الدین علی بافقی ، ندیم سام میرزا صفوی بوده و بنام وی رساله ای در معما و رساله ای در حفظ الصحه و رساله ای در بحر آن نوشته است . برخی وفاتش را در ۹۷۴ ضبط کرده اند .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۱ : یعقوب صرفی کشمیری ، در ۹۶۴ با شیخ سلیم پیشوای چشتیان هندوستان حج رفته و درین سفر از ابن حجر مکی مفتی مکه اجازه روایت حدیث گرفته است . خمسة او بنام پنج گنج شامل مثنویهای مقامات پیرو و امق و عنذرا و لیلی و مجنون و مغازی النبی و مسالك الاخیار در برابر مخزن الاسرار است و دیوان اشعار خود را نیز فراهم کرده است .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۲ : عالمی دارا بگردی ، میرزا سهراب نام داشته است .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۶ : عشقی کاشانی ، عزالدین محمود نام داشته و از دوستان محتمش و عاشق پیشه بوده است .

ص ۴۷۱ ش ۱۹۹ : عبدی شیرازی ، نخست مفرد نویس دربار شاه طهماسب و در سیاق و ترسل معروف بوده است .

ص ۴۷۵ ش ۲۰۳ : نصیرالدین همایون ، تاریخ در گذشت وی را هفتم ربیع الاول نیز نوشته اند .

ص ۴۹۱ ش ۲۱۶ : سلطان ابراهیم میرزا ، ظهیرالدین ابوالفتح لقب داشته و تا ۹۷۹ حکمران خراسان بوده است . شمسال سلطان بدستور شاه اسماعیل دوم در روز شنبه ۵ ذیحجه آن سال وی را با یازده تن دیگر از شاهزادگان صفوی کشته است . وی شاهزاده ای بسیار دانشمند بود ، در قرائت و تجوید شاگرد شیخ

حسنعلی طبسی و پسرش شیخ فخرالدین بوده و در علوم ادبی و منطق و معانی بیان و حکمت و رجال و حدیث و تاریخ و ریاضیات دست داشته و در موسیقی استاد بوده و چند آهنگ ساخته است و شعر فارسی و ترکی را خوب می سروده و سه هزار بیت دیوان داشته و تذکره ای بنام فزهننگ ابراهیمی نوشته است و خواجه حسین ثنائی و انیسی شاملو و قاسم قانونی موسیقی دان معروف دست پروردگان او بوده اند .

ص ۴۹۸ ش ۲۳۱ : راستی تبریزی ، نخست تولیت نصریه را داشته است .  
ص ۵۰۰ ش ۲۴۰ : رجایی اصفهانی ، از بازماندگان کمال الدین اسمعیل شاعر معروف بوده و در حساب و هندسه دست داشته و در ۹۶۲ در مشهد بدست یکی از اشرار کشته شده است .

ص ۵۰۰ ش ۲۴۳ : طهماسب قلی بیگ عرشی ، از کردان یزد یا از امیر زادگان افشار کرمان و پسر دایه شاه اسماعیل دوم بود و از کار گزاران دربار شاه طهماسب بشمار می رفت . نخست عهده ی و سپس عرشی تخلص کرده و در ۹۸۹ کشته شده و در شعر شاگرد وحشی بافقی بوده و دوازده هزار بیت قصیده و اقسام دیگر شعر سروده است .

ص ۵۰۲ ش ۲۵۹ : محمد مؤمن استرآبادی ، پسر میرعلی حسینی استرآبادی ، ۲۵ سال وکیل شاه طهماسب بود و پس از مرگ سلطان حیدر بدکن رفت و محمد قلی قطب شاه پادشاه گلکنده وی را بسیار گرامی داشت و منصب صدارت را باو داد و در ۱۰۳۴ درگذشت . اشعارش را در ۱۰۰۷ بدستور محمد قلی قطب شاه جمع کرده و رساله ای در اوزان و مقادیر نوشته که بنام رساله مقداریه معروفست .

ص ۵۰۳ ش ۲۶۲ : میرمحمد کسکنی ، داماد میرشمس الدین علی ازمشاهیر سادات سبزوار بوده و از کار گزاران دربار شاه طهماسب بشمار می رفته و در پایان زندگی توبه کرده است .

ص ۵۰۳ ش ۲۶۶ : میرمنهی ، در زمان اکبر بهند رفت و ملازم شاهزاده محمد سلیم جهانگیر شد .

ص ۵۰۳ ش ۲۷۱ : صادق اردوبادی ، برادر زاده میرزا کافی از اهلیان دربار صفویه و چندی ساکن مشهد بوده و چون سادات آن شهر را هجو کرده او را از آنجا بیرون کرده‌اند و در ۹۷۰ بهند رفته و مرتضی نظام‌شاه دردکن منصب جاگیری باو داد و هنگام استیلای اکبربردکن درگذشت .

ص ۵۰۴ ش ۲۷۲ : معزالدین کاشانی ، از سادات کاشان بوده و در زمان اکبر بهند رفته و در موسیقی دست داشته و دلدادۀ نانوا پسری بوده است .

ص ۵۰۵ ش ۲۸۲ : میرابوالبقای ، تذکره‌ای از شاعران نوشته است .  
ص ۵۰۵ ش ۲۸۶ : مقیمی ، برخی شکر اوغلی را نام‌جایی نزدیک هازندران نوشته‌اند و این درست نیست و نام طایفه است . وی تا ۹۸۰ در قزوین بوده و در ۹۹۸ وارد هندوستان شده و عبدالرحیم خان خان‌خانان با او خویشاوند بوده و یوسف و زلیخایی سروده است .

ص ۵۰۷ ش ۲۹۵ : مشربی تکلو ، در زمان شاه محمد خدا بنده بامسیب خان بدر بار اکبر رفت و در هند درگذشت .

ص ۵۰۹ ش ۳۰۴ : شجاع کاشانی ، چون حکمران کاشان از هجوی که در باره اش سروده بود خشمگین شد وی از کاشان گریخت و در ۹۸۱ کسان حاکم وی را در اصفهان کشتند .

ص ۵۰۹ ش ۳۰۶ : طوفی تبریزی ، چندی در گیلان زیسته است و عجزی و صبوری و حکیم ابوطالب از شاعران زمانه شاگرد او بوده‌اند و دیوانش نزدیک بیست هزار بیت میشده

ص ۵۱۰ ش ۳۰۸ : فکاری سبزواری ، قاضی قزوین بوده و بهمین جهت بقزوینی معروف شده است و اینکه برخی وی را سبزواری دانسته‌اند ظاهراً درست نیست .  
مرد شیرین سخن حاضر جوابی بوده و تا ۹۸۴ در قزوین می‌زیسته و در پایان زندگی در مشهد معتکف شده و شاه محمد خدا بنده وظیفه برایش معین کرده است . درگذشت وی را در ۹۷۵ و ۹۸۹ نوشته‌اند و چون تا ۹۸۴ در قزوین بوده پیدا است که در ۹۸۹ باید

در گذشته باشد. برخی وی را باقازی احمدغفاری قزوینی مؤلف نگارستان و نسخ جهان آرا اشتباه کرده اند.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۴: سایر نهانندی، برخی بخط او را دهاونندی دانسته اند.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۶: نیکی اصفهانی، در نظیر ولادت یافته و در اصفهان نشو و نما کرده است. نخست حلاج بوده و سفر بسیار کرده و مدتی بامیرزا شرف جهان ولسانی معاشر بوده و در رمضان سال ۱۰۰۰ در صد سالگی در سجده نماز بفجائده در گذشته است. مثنوی زبده الاسرار را در برابر مخزن الاسرار سروده است.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۸: یحیی گیلانی، در هند منصب کتابداری را باو داده اند و در گذشت او ۹۵۲ نیز نوشته اند.

ص ۵۱۲ ش ۳۲۰: یمینی سمنانی، معاصر شاه طهماسب بوده و در ۹۸۱ در گذشته

ص ۵۱۲ ش ۳۲۲: عجزی تبریزی، دیوان فغانی شیرازی را جواب گفت و شاه عباس در پاداش این کار وظیفه در حقش برقرار کرد.

ص ۵۱۲ ش ۳۲۵: وقوعی تبریزی، دیوانش راده هزار بیت دانسته اند.

ص ۵۱۳ ش ۳۲۷: مظهری کشمیری، دیوان خود را ترتیب داده است.

ص ۵۱۳ ش ۳۳۰: هجری طهرانی، دو برادر سلامی و کلامی مداحان او بوده اند.

ص ۵۱۴ ش ۳۳۳: فسونی تبریزی، از سلسله خاکیه تبریز و نویسنده و مستوفی فرمانروایان فارس بوده است.

ص ۵۱۵ ش ۳۳۸: مالک دیلمی، تا ۹۶۹ که خطوطی از او باقی مانده زنده بوده است.

ص ۵۱۶ ش ۳۴۰: مقصود خرده فروش، برخی وی را از مردم قریه خرده در کاشان دانسته اند اما چنان می نماید که کلمه خرده فروش را بدین گونه تحریف کرده باشند. باغیث الدین منصور بحج رفته و در یزد شبی دزدان بطمع مال در ۹۸۷



اورا کشته‌اند و تاریخ درگذشت وی در ۹۸۳ درست نیست .

ص ۵۱۷ ش ۴۳۷ : وحشی جوشقانی ، رحلت وی را در ۱۰۱۲ هم نوشته‌اند .  
 ص ۵۳۰ ش ۴۳۸ : طالب گیلانی ، طبیب بوده و در ۹۶۷ از گیلان بفرات  
 بدربار شاه طهماسب رفته و از خود معالجه ناروا کرده و در همانجا درگذشته است .  
 ص ۵۳۶ ش ۴۸۳ : رضایی کاشانی ، با محتشم و ضمیری محشور بوده است .  
 ص ۵۳۷ ش ۴۶۸ : صوفی مازندرانی ، در آذربایجان و عراق و فارس هم سفر کرده و  
 چون بکفر متهم شده بود از ایران بهند رفت . در گذشتش را در ۱۰۳۲ هم نوشته‌اند .  
 ملا عبداللطیف عباسی گجراتی که تراجم شعر را بر تذکرهٔ بت‌خانه افزوده در ۱۰۲۱  
 این کار را کرده است .

ص ۵۴۰ ش ۴۹۹ : گدایی دهلوی ، نخست در بار ابراهیم لودی صدرالصدور  
 بود و سپس بدربار بابر رفت و با پیرام خان بسیار دوست شد و پس از کشته شدن او در  
 جیل میرساکن شد و در دهلی درگذشت .

ص ۵۴۱ ش ۵۰۶ : ابوالفتح گیلانی ، در ۹۸۳ با حکیم همام و نورالدین قراری  
 وارد هند شده و در ۲۷ رمضان ۹۹۷ در راه کابل در حسن ابدال درگذشته است .  
 ص ۵۴۲ ش ۵۰۷ : آتش قندهاری ، رحلتش را در ۹۷۶ هم نوشته‌اند .  
 ص ۵۴۲ ش ۵۰۹ : ابتری بدخشی ، بدهلوی نیز معروف شده و معاصر جلال‌الدین  
 محمد اکبر بوده است .

ص ۵۴۲ ش ۵۱۱ : بیاضی گرهی ، با کبرآبادی نیز معروف بوده و ظاهراً  
 بیاضی استرآبادی بوده است .

ص ۵۴۲ ش ۵۱۲ : نورالدین نوری ، نخست ندیم همایون بوده است .  
 ص ۵۴۳ ش ۵۱۴ : تردی بیکروده ، نام وی را مالاتردی روده سمرقندی نیز  
 ضبط کرده‌اند . تردی دانشمند بوده و در زمان اکبری چندی ملازم امرای گجرات  
 شده و چندی درد کن‌زیسته و سفری بحج رفته است . قصیده‌ای در مدح الدهم خان

اکبری از رجال دربار اکبر سروده بود و وی اورا مختار کرد هر قدر صله می خواهد بگوید وی يك لك تنگه خواست . الدہم خان گفت پست ہمتی کرد، اگر يك كرور می خواست می دادم . در گذشت وی را در ۹۷۷ هم ضبط کرده اند .

ص ۵۴۵ ش ۵۱۸ : جمیل کالی وال : ظاہرا نامش جمیل بوده است .

ص ۵۴۷ ش ۵۲۴ : خنجر بيك جغتایی ، در ہندسہ نیز استاد بوده است .

ص ۵۴۶ ش ۵۳۰ : سیاقی دہلوی ، مردی بسیار دانشمند و در عروض و معما و

قافیہ بی نظیر بوده و اقسام مختلف شعر سروده است .

ص ۵۴۸ ش ۵۳۹ : علی طارمی ، نخست ندیم ہمایون بوده و در گذشت وی

را در اکبر آباد در ۹۸۱ هم نوشتہ اند و از مولفات او شرح مشکوٰۃ المصابیح و شرح فقہ الاکبر را باید دانست .

ص ۵۴۸ ش ۵۴۲ : عارف کابلی ، برخی اورا ہروی دانستہ اند .

ص ۵۴۹ ش ۵۴۵ : عشقی خان ترك ، از بازماندگان اسمعیل تاش بوده و

مثنوی خود را بر وزن حدیقہ سروده و دہ دیوان داشتہ و در ۹۹۱ در گذشتہ است

ص ۵۵۲ ش ۵۶۳ : پیر زادہ لوایی ، رحلت وی را در ۹۷۶ و ۹۷۹ نیز ضبط

کرده اند .

ص ۵۵۳ ش ۵۶۹ : میر زادہ علی خان ، نامش را میر زاد نیز ضبط کردہ اند و ظاہرا

میر تخلص می کردہ است .

ص ۵۵۳ ش ۵۷۰ : معزی ہروی ، در گذشت وی را در ۹۸۰ هم نوشتہ اند .

ص ۵۵۳ ش ۵۷۱ : مرادی استر آبادی ، دارایی بسیار بہم زدہ و در سفر حج در

راہ در گذشتہ است .

ص ۵۴۴ ش ۵۷۹ : محمد یوسف کابلی ، نام درست وی محمد یوسف بيك پسر

شاہ بيك خان بود و در تاریخ رحلت اورا ۹۵۹ نیز نوشتہ اند .

ص ۵۵۵ ش ۵۸۷ : نشانی دهلوی ، از اعیان دربار اکبری و جهانگیر بوده و تاریخ درگذشت وی را باختلاف ۱۰۱۸ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۵ نوشته اند و گفته اند در مجلس سماع در حضور جهانگیر آهی کشید و جان سپرد .

ص ۵۵۶ ش ۵۹۲ : نیازی بخارایی ، نامش سید حسن و از سادات بخارا بوده و در دربار اکبر نیز می زیسته است .

ص ۵۵۶ ش ۵۹۴ : نظامی تبریزی ، نامش نظام الدین علی بوده و نوشته اند مردی ساده لوح بود و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته است .

ص ۵۵۷ ش ۹۰۶ : هاشم قندهاری ، برادرزاده محمد شاه انسی بوده و پیرام خان در برابر غزلی هشت هزار تنگه باو داده و چهل هزار دیگر بر آن افزوده است . برخی نوشته اند در ۹۶۹ در اکره و برخی دیگر در ۹۷۰ در لاهور و برخی گفته اند در ۹۶۹ در اکبر آباد در گذشته است . نخست بسملی و سپس وافی و سرانجام هاشم تخلص کرده است .

ص ۵۵۸ ش ۶۱۰ : حالسی سبزواری ، برخی در گذشت وی را در ۹۳۷

ص ۵۵۸ ش ۶۱۳ : میر معصوم زیارتگاهی ، در لاهور می زیسته و بهمین جهت بلاحوری معروف بوده است و در آن شهر در گذشته و قبرش در آنجا زیارتگاه بوده است .

ص ۵۶۰ ش ۶۲۱ : جانی بخارایی ، رحلت وی را در ۹۸۵ هم نوشته اند و گفته اند که غلامش وی را زهر داده است .

ص ۵۶۲ ش ۶۳۱ : آگهی خراسانی ، در پایان زندگی گرفتار فقر بوده است .

ص ۵۶۳ ش ۶۳۷ : واصلی مروزی ، در کابل می زیسته و بهمین جهت بکابلی معروف بوده است . در مرو با ملاحجانی معاصر خود در افتاده و جانی مدعی بوده که واصلی اشعارش را دزدیده است . حکمران مرو می خواسته است وی را سیاست

کند و وادار کند آب نمک بخورد اما ازو شفاعت کرده‌اند و در ۹۶۸ در گذشته

ص ۵۶۸ ش ۶۶۵: مشفق بخارایی . در گذشتش را در ۹۹۶ نیز نوشته اند و علم نجوم و رمل را خوب می‌دانسته است.

ص ۵۷۴ ش ۶۷۶: میرزا ابراهیم تیموری ، در ۹۴۱ ولادت یافته است.

ص ۵۸۰ ش ۷۰۵: قاسم ارسلان ، تا ۹۷۴ زنده بوده است .

ص ۵۸۰ ش ۷۱۳: صالح مشهدی ، نامش محمد میرک بوده است .

ص ۵۸۵ ش ۷۴۸: میربدیع هروی ، نامش میرمحمد بدیع بوده و خاندانش

از سادات عریضی بوده‌اند و قاضی هرات بود و مدتی در شهر کش در دارالسیاده تدریس کرده و تا ۹۶۷ زنده بوده است .

ص ۵۹۲ ش ۷۹۱: قاضی محنتی عیشی میانکالی ، بعیشی حصاری نیز معروف بوده است.

ص ۵۹۶ ش ۸۱۳: نجمی کشمیری ، مداح سلطان اسفندیار نیز بوده است .

ص ۶۱۶ ش ۹۱۷: شاه عادل لاری ، برخی تاریخ گشته شدنش را در ۹۹۲ ضبط کرده‌اند و درست نیست .

ص ۶۱۸ ش ۹۳۷: هاشمی بخارایی ، نزد عبدالله خان از يك مقرب بوده و در ۹۴۵ در گذشته است .

ص ۶۲۴ ش ۱۰۳۴: وفایی خوافی، ساکن اگره بوده و بهمین جهت با کبر آبادی معروف شده و در دربار بآبرو همایون می‌زیسته و در معما و تاریخ استاد بوده و تاریخ فتح هندوستان و نوادر آن زمان را نوشته و در اکبر آباد در کنار رود جمن مدرسه و مسجد عالی ساخته که هنوز هست و وی را در آنجا بخاک سپرده‌اند .

ص ۶۴۲ ش ۱۰۹۲: علاءالدین اودی ، ترکیب بندوی چون در مصرع اول عبارت «مما مقیمان» آغاز می‌شده بما مقیمان معروف شده است و از متون فارسیست که در مدارس هند درس می‌داده‌اند.

ص ۶۴۶ ش ۱۱۱۶ : عبدالغنی همدانی ، امیر عبدالغنی از سادات اسدآباد همدان در ۱۰۱۱ دزهند گشته شده است .

ص ۶۴۸ ش ۱۱۳۶ : موالی لاری ، بخراسان خان خراسانی معروف بوده است .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۶۲ : سلطانعلی مشهدی ، دوسطری را که درباره وی آمده است چنین تصحیح کنید : یکی از معروف ترین خوش نویسان پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم و شاگرد حافظ حاجی محمد کاتب و درهرات می زیسته .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۷۰ : سیری طهرانی ، عمزاده ملا فیهیمی بوده است .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۷۳ : شوقی یزدی ، مداح اعتمادالدوله حاتم بیك و در تاریخ گویی ماهر و صاحب دیوانی شامل شش هزار بیت از اقسام مختلف شعر بوده است .  
ص ۶۵۳ ش ۱۱۷۴ : شوقی تبریزی ، از بازماندگان خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر و استاد خط نسخ تعلیق بوده و در کابل در ۹۵۴ در گذشته و دیوانش شامل چهار هزار بیت می شده و دیوان علی بن ابی طالب را بنام سلطان یعقوب در ۸۸۵ بنظم فارسی ترجمه کرده است .

ص ۶۵۵ ش ۱۱۹۹ : احمد دهمدارفانی ، نام وی را بخط محمد بن محمود نوشته اند . رجوع شود بشرح حال ابو محمد محمود دهمدار در صحایف ۲۹۷ و ۶۵۵-۶۵۶ و ۷۴۲ دیگر از مولفات اوست حاشیه بر رشحات .

ص ۶۵۶ ش ۱۲۰۲ : فنایی مشهدی ، از سادات رضوی بوده است .

ص ۶۵۹ ش ۱۲۳۰ : میر حسین سهوی ، مولانا که ال الدین میر حسین در خط شاگرد مولانا محمد حسین خطاط بود . در ۲۰ سالگی به حج رفت . نخست در تبریز بود و در استیلای ترکمان عثمانی از آنجا رفت و در ۹۹۷ در کاشان بود و دوازده سال در آنجا می زیست . سپس بهند رفت و در آنجا در گذشت .

ص ۶۵۹ ش ۱۲۳۶ : مرتضی سمنانی ، نسبت او را برخی بخط سیوستانی ضبط کرده اند .

ص ۶۶۵ ش ۱۲۷۲ : وفایی هروی ، تخلص وی را برخی وقاضط کرده اند .  
برخی نوشته اند در زمان اکبر در اکبر آباد می زیسته و برخی گفته اند در زمان شاه جهان از راه دریا وارد بنگاله شده است .

ص ۶۷۰ ش ۱۲۹۵ : حسین الهی ادریلی ، کمال الدین لقب داشته است .  
ص ۶۷۰ ش ۱۲۹۹ : صدرالدین اسکویی ، پسر مهتر امیر ابوالقاسم اسکویی از سادات حسینی آذربایجان و از دانشمندان بوده است .

ص ۶۸۲ ش ۱۳۶۵ : شرف زردوز تبریزی ، چندی در شیراز و چندی در یزد زیسته است .

ص ۶۸۷ ش ۱۴۱۰ : احمد فنایی خلخالی ، از شاگردان غیاث الدین منصور و احمد ایبوردی و شمس الدین خفری و کمال الدین لاری در گذشته در ۹۸۵ بوده است .  
ص ۶۸۸ ش ۱۴۱۸ : قوسی تبریزی ، نخست کمانگر بوده و در تبریزی زیسته و سپس باصفهان رفته و در پایان زندگی شکسته شده بود و عاشق پیشه بشمار می رفت و شش هزار بیت دیوان ترکی و فارسی از او مانده است .

ص ۷۰۷ ش ۱۵۵۴ : وحیدی تبریزی ، رساله دیگری بنام جمع مختصر نوشته است .

ص ۷۱۰ ش ۱۵۷۸ : مجد الدین طالبه ، از مشایخ قرن هفتم بوده است ، رجوع شود بصحیفه ۷۵۰ .



بر صحیفه ۷۱۱ و بر شاعران قرن دهم این چندتن را باید افزود :  
(۱۶۰۰) سکندر لودی ، پسر بهلول شاه از نژاد افغان و دومین پادشاه این سلسله بود که پس از پدر در ۸۹۴ بتخت سلطنت نشست . سلطنت خاندان خود را قوام داد چنانکه از يك طرف تا پنجاب و اوده و جانیپور و بهار تا بنگاله و از طرف دیگر تا ناگور قدرت بسیار بهم زد و مردی بسیار کار آمد و مدبر و دانش دوست و هنر-

پرور بود و بسیاری از دانشمندان ازو برخوردار شدند . در ۹۲۳ در گذشت و زبان فارسی را بسیار دوست می داشت و آنرا رواج داد و در شعر فارسی استاد بود و مانند شعرای قدیم شعر استادانه فصیح می گفت و گلرخ تخلص می کرد .  
 (۱۶۰۱) **مجدالدین هابری** . از شاهران نیمه اول قرن دهم هندوستان بوده و از شعرا و اندکی مانده است .

(۱۶۰۲) **دونگرمل** ، هندو بوده و شعر فارسی می سروده و بیشتر غزل سرا بوده و از شعرا و نیز کم مانده است .

(۱۶۰۳) **بهادرشاه گجراتی** ، پسر دوم مظفرشاه دوم بود . پس از زردو خوردی با پدرش بدر بادا براهیم سلطان لودی آخرین پادشاه سلسله لودی رفت و در لشکر کشی بیانی پت همراه او بود . پس از مرگ پدرش و جلوس برادر همتش سکندر بگجرات بازگشت و در راه خبر کشته شدن برادرش باو رسید . در زیقعه ۹۲۲ در گجرات بسلطنت نشست و چنان در انتقام خون برادرش سختگیری کرده است که بابر در بر نامه وی را خون خوار و دیوانه دانسته است و در هر حال مردی سخت گیر و سریع العملی بود . در جنگ با همایون در ۹۴۰ شکست خورد و پرتغالیان را بیاری خود خواند و چون همایون از گجرات رفت و وی دوباره بسلطنت رسید از آن کار پشیمان شد و کوشید پرتغالیان را از سر خود باز کند . نایب السلطنه پرتغال ناوگان خود را ببندر دیو برد و بهانه بیماری حاضر نشد پیاده شود و باوی دیدار کند . وی دلیرانه تصمیم گرفت بکشتی برای دیدار نایب السلطنه برود . روز سوم رمضان بود و بهادر شاه شاید روزه دار بوده است و چون در می خوارگی افراد می کرد شاید در خمار می خوارگی شب پیش بوده باشد . چون دید بیماری نایب السلطنه بهانه بوده است خواست از کشتی برود اما پرتغالیان نگذاشتند و زردو خوردی در گرفت و در آن میان بهادرشاه و در ۹۴۳ کشته شد و پیکرش بندریا افتاد و پرتغالیان بندر دیو را که مردم از آنجا رفته بودند تصرف کردند و

تاریخ کشته شدن وی را «سلطان شهید البر لبحر» یافتند. وی با آنکه مرد سخت گیر خونخواری بوده است چون در پایان زندگی این دلاوری را به خرج داد مردم گجرات وی را محترم شمردند. وی زبان فارسی را خوب می دانسته و باین زبان شعر می گفته است.

(۱۶۰۳) نصیرمنشی همدانی، شاعر و خوشنویس خط نستعلیق بوده و از خطوطی که از زمانده برمی آید که تا ۹۴۸ زنده بوده است.

(۱۶۰۴) خواجه محمد یحیی، بیه واسطه نواده عبیدالله احرار پیشوای نقشبندیان و مردی دانشمند و طبیب معروف و خوشنویس بوده و شعر فارسی می گفته است.

(۱۶۰۶) درویش پاشا، پسر بایزید آقا از مردم شهر موستار در هرزک (هرز-گوین)، در کشور خود بنام درویش پاشا بایز اغیج یعنی پسر بایزید آقا معروف بوده است. در زمان سلطان سلیمان دوم که کشورش مستعمره آل عثمان بود با دسته ای که بنام عجم اغلان معروف بود بدر بار عثمانی رفت و نزد سودی شارح معروف دیوان حافظ و دانشمندان دیگر در سرای آت میدان درس خواند و ترکی و فارسی و عربی را آموخت باندازه ای که بفرمان سلطان مراد منظومه ای از فارسی بترکی ترجمه کرد و در ۹۹۵ بدین کار آغاز کرد. مدتی هم حکمرانی سرزمین بوسنه را داشت و از کار گزاران محتشم در بار آل عثمان بود و سرانجام در جنگ بامجارستان و مراصره بوداپست در ۱۰۱۲ دلیرانه کشته شد. وی شعر ترکی و فارسی را خوب می سروده است.

(۱۶۰۷) بهاء الدین ابن تاج گیلانی، شعر را بروش قدما بسیار خوب می گفته و ابن تاج و ابن تاج گیل تخلص می کرده و چند غزل از زمانده است.

(۱۶۰۸) قاضی صفی الدین عیسی قزوینی، پسر دوم میر یحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی حسینی مورخ معروف و برادر مهتر امیر علاءالدوله کامی شاعر بوده



و در ۹۷۶ وارد هند شده و مانند برادرش از بهر فتاریهای صفویه با اهل سنت گریخته و بهند پناه برده و در اگره در ربیع الاول ۹۸۰ در گذشته است پسرش غیاث الدین علی احمد ملقب بنقلیب خان داماد میر محمود محوی و از ندیمان مقرب جلال الدین محمد اکبر بوده است . قاضی صفی الدین شعر فارسی را استادانه می سروده است .

(۱۶۰۹) **میر شکرالله شگری** ، پسر قاضی صفی الدین عیسی سابق الذکر متولد در ۹۴۲ که بیش ازین از احوالش آگاهی نیست نیز شاعر بوده است .

(۱۶۱۰) **حکیم شمس الدین محمد محقق خفری** ، از مردم خفر فارس ساکن کاشان و از شاگردان صدر الدین شیرازی و فقیه و حکیم معروف زمان خود بوده و در علوم دیگر نیز دست داشته و تا ۹۴۹ زنده بوده است . از جمله مؤلفات اوست : رساله در اثبات واجب ، منتهی الادراک در هیئت ، رساله در علم رمل ، رساله الهیات و شعر نیز می سروده است .

(۱۶۱۱) **امیر سید عبدالله برزش آبادی** ، پسر سید محمد عبدالحی بن سید علی طوسی و مرید ابو عبدالله حسام الدین حسین بن حیدر اصفهانی و او مرید رکن الدین حبشی بوده است . از مشایخ معروف زمان خود بوده و در خاک ختلان می زیسته و شعر عارفانه را استادانه می گفته و جزین از احوالش آگاهی نیست .

(۱۶۱۲) **درویش محمد بن دوست محمد بخاری** ، از اصحاب خواجیه عبیدالله احرار در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ذیحجه ۹۰۹ منتخبی از مثنوی مولانا جلال الدین فراهم کرده است .

(۱۶۱۳) **غنائی** ، از شاعران ماوراءالنهر بوده و در ۹۶۰ ولادت یافته و جزین در باره اش آگاهی نیست و منظومه ای در تاریخ ماوراءالنهر از و مانده است .

(۱۶۱۴) **امیر سلطان محمد رشتی** ، از شاهزادگان گیلان بوده و در زمان شاه طهماسب و بدستور وی چندی فرمانروای رشت بوده و غزل را استادانه می سروده است .

دیگر از آثار منظوم قرن دهم که سراینده آن معلوم نیست مثنوی میرووزیر  
بروزن خسرو شیرین نظامی شامل ۵۵۰ بیت است که در ۹۵۱ پایان رسیده است .



بر صحیفه ۷۸۵ درباره نویسندگان قرن دهم این نکته را باید افزود :  
ابوبکر طهرانی از تاریخ نویسان این دوره تاریخ جهان آرا را بنام شاه طهماسب  
تا حوادث سال ۹۳۰ نوشته است .



## فہرست

صحیفہ	سطر	نادرست	درست
۲۴	۹	ابو لقاسم بن بشر	ابو لقاسم بشر
۵۵	۳	۴۲۷	۴۶۸
۵۶	۵	بخط	بخطا
۶۰	۳	ابو حفص	ابو حفص
۶۰	۱۰	ابو المظفر	ابو حاتم مظفر
۷۱	۷	ابو طاهر حسن	ابو طاهر محمد بن حسن
۷۶	۲۴	حالی	حالی و سپس بنایی
۹۴	۵	منکبرنی	منکبرلی
۹۹	۲	رض	رضی
۱۰۵	۲	۵۵۲	۵۵۹
۱۰۵	۱۲	نامہ را کہ	نامہ کہ
۱۱۱	۱۲	زبدۃ الحقائق معروف	زبدۃ الحقائق عربی و
		بتمہیدات	تمہیدات فارسی
۱۱۱	۲۰	البازل	البادل
۱۲۹	۲	ابو نصر	ابو نصر
۱۳۳	۱۸	منکبرنی	منکبرلی
۱۴۱	۱۴	نجیب الدین	ضیاء الدین ابو النجیب
۱۵۲	۱۵	۶۴۳	۵۴۳
۱۵۲	۱۵	۶۷۲	۵۴۹
۱۵۳	۱۸	قراختانی	قراختائی
۱۵۳	۲۵	جسہ	جشتی
۱۵۴	۲۳	صدرالہ	صدر
۱۶۹	۵	نزهۃ المجالس	طرب المجالس
۱۷۰	۱۶	۷۳۰	۷۵۲

صحیفه	سطر	تادریست	درست
۱۷۴	۲۲	مظفر	مظفر
۱۷۵	۶	ظاهر	ظاهر
۱۶۹	۹	پهین	یمین
۱۶۹	۲۱	سلجوقشاه	سلجوقشاه
۱۸۴	۱۰	نخجواذ	نخجوانی
۱۸۶	۲۲	اینجور	اینجو
۱۸۷	۴	اوله ماه	اولیاء
۱۹۲	۱۷	نظنری	نظنری
۱۹۶	۵	صایف	صحایف
۱۹۸	۲۴	یمقوب	یمقوب
۱۹۹	۲۱	وادر	وادر
۲۰۴	۱۶	دوسال	درسال
۲۰۵	۱۳	متوقی	متوقی
۲۰۹	۲۳	محمود	محمد
۲۱۰	۱۸	حن	حسن
۲۰۲	۱۶	پشر	پسر
۲۰۲	۲۰	بر سرخ	بر سر
۲۱۵	۱۰	ودر ۱۵	که در دوشنبه ۱۵
۲۱۷	۱۲	۷۹۷	۵۹۷
۲۲۰	۱۵	نیزاز	پیرو طریقہ
۲۲۱	۱۱	تایباد	تایبادی
۲۳۲	۲	۸۲۴	۸۴۲
۲۳۲	۱۶	۹۱۲ ید	۹۱۲ یا
۲۳۷	۵	مووسر نامه	بوسه نامه
۲۳۷	۷	اجمد	احمد
۲۳۹	۱۳	خاوندشامن	خاوندشاه بن
۲۴۰	۱۲	۹۲	۹۱۲
۲۴۰	۲۳	لاخبار	الاخبار
۲۴۲	۲۲	امادراء	ماوراء
۲۴۸	۹	شهور	شهور
۲۴۸	۱۶	حک	جنک
۲۴۸	۲۰	جماق	چقماق
۲۴۹	۲۱	۸۴۱	۸۴۱

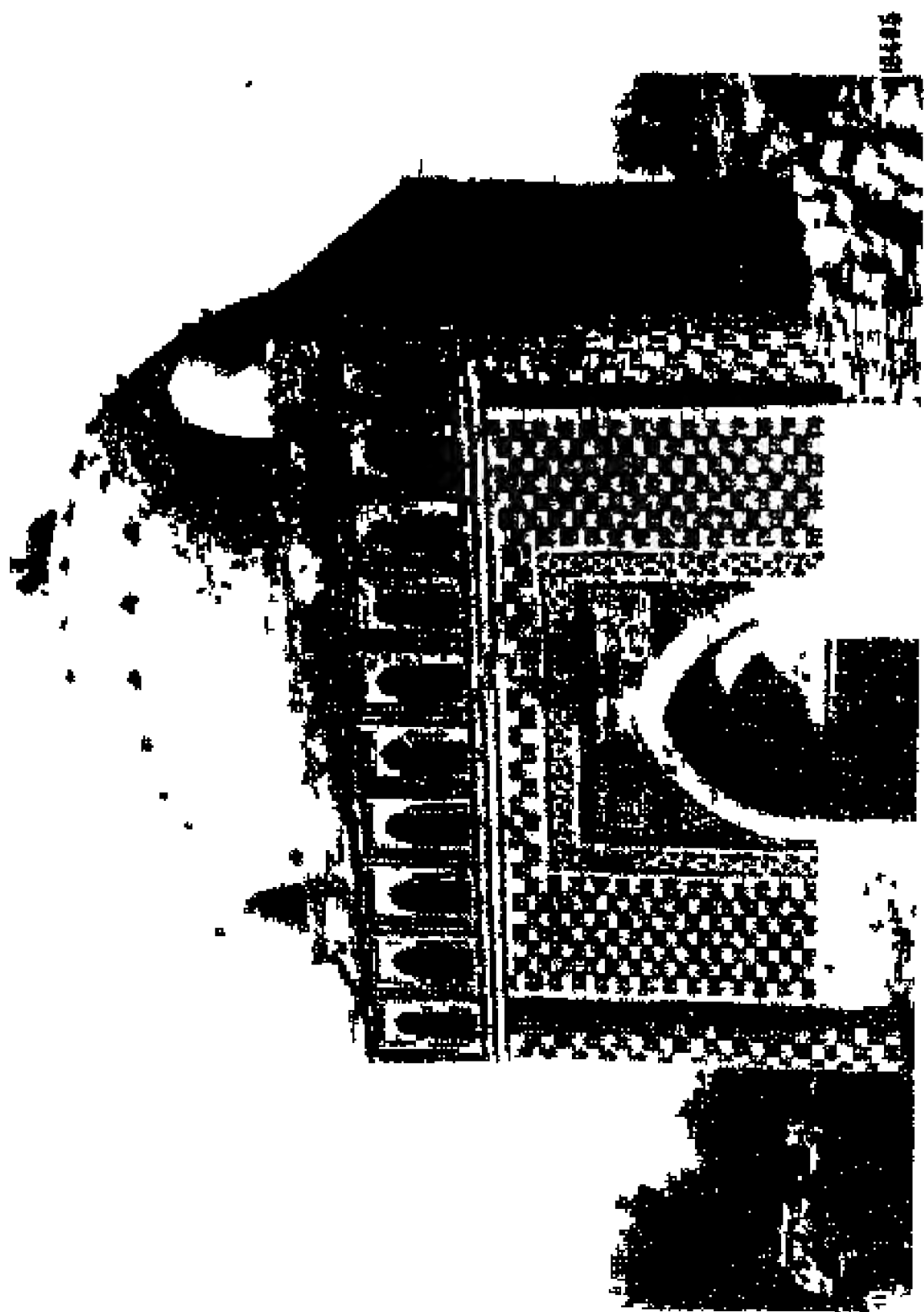
صحیفه	سطر	نادرست	درست
۲۵۱	۲۱	یقطان	یقطان
۲۵۲	۳	آغار	آغاز
۲۵۲	۱۱	داشت	داشته
۲۵۲	۱۳	مکاتلین	مکاتلیبر
۲۵۳	۸	۸۶۱	۸۲۶
۲۵۶	۱۴	دوباره	در باره
۲۶۱	۶	مجبی	محبی
۲۴۲	۲۴	ور	در
۲۴۳	۴	العربین	المقرین
۲۶۹	۱۹	۸۲۳	۸۴۲
۳۰۴	۲۱	رمصادره	ومصادره
۳۱۰	۲	یاسکندر	اسکندر
۳۱۵	۴	اسدی	امیدی
۳۱۹	۱۴	تور بخشید	نور بخشید
۳۴۶	۲۰	دیلمی	دیلمی
۳۵۸	۱۷	سکهر	پهکر
۳۸۱	۱۳	روز بهان	فضل اله بن روز بهان
۳۸۵	۸	پری جان	پری خان
۳۸۵	۱۱	درست	در دست
۳۹۹	۲۱	مظفر بن	مظفر بن
۴۰۳	۸	لقایی	بقایی
۴۲۲	۲۰	ابو گرعه	مالو گرعه
۴۳۲	۱۰	گجرات	گجرات
۴۳۹	۳	۹۱	۹۱۱
۴۴۳	۱۴	پری جان	پری خان
۴۵۳	۵	بابلی	کابلی
۴۵۶	۱۲	۹۸۶	۹۶۸
۴۶۳	۱۹	۹۳۳	۹۹۳
۴۶۸	۲۱	امرسد	امیرسید
۴۷۵	۱۷	۹۶۲	۹۵۳
۴۷۶	۳	دوم	چهارم
۴۷۶	۹	چیچک	هه چیچک
۴۹۱	۱	جک	جنگ

صحیفہ	سطر	نادرست	درست
۴۸۶	۱۲	سرا انجام	سرا انجام
۴۸۷	۲۴	سرا انجام	سرا انجام
۴۸۸	۱۰	درباریا پیش	درباریا پیش
۴۷۹	۲۰	سلسلہ	سلسلہ دا
۴۹۴	۱۱	انتظار	انتظار
۵۰۸	۲۲	غازی	قاضی
۵۱۰	۲	درباریاں	درباریاں
۵۱۰	۲	درضمن	درضمن
۵۱۰	۱۲	ناہیدہ	ناہیدہ
۶۱۸	۲۰	استراپای	استراپادی
۵۵۷	۱۴	ایقایی	ایقانی
۵۵۷	۱۶	ایقایی	ایقانی
۵۵۸	۹	حسن	حسین
۵۶۱	۱۸	قاسم	قاسم
۵۶۹	۱۲	جوانمرد	جوانمرد علی
۵۶۹	۱۲	ابوسید	ابوسعیدہ
۵۹۴	۲۲	لقایی	بقایی
۵۹۵	۲۴	امیری	امینی
۵۹۹	۶	۹۷۱د	در ۹۷۱
۶۰۳	۵	محمود	محمد
۶۰۴	۶	لقایی	بقایی
۹۰۶	۲۱	جو نپور پادشاہ	جو نپور پادشاہ
۶۰۸	۴	میرزا	میرزا
۶۱۳	۵	مونا	مولانا
۶۲۴	۱۴	مری	مردی
۶۲۷	۱	خسرو	حسرو
۶۴۱	۱۱	عبداللہ	عبدالوہاب
۵۴۵	۲۱	رفنہ	رفنہ
۶۵۹	۴	میر حسن	میر حسین
۶۶۰	۹	۱۰۴۰	۱۰۰۴
۶۶۳	۱۱	اللہ سلام	لہ سلام
۶۶۳	۱۱	امامت و شرح	امامت شرح

صحیفہ	سطر	نا درست	درست
۶۶۸	۱۳	متل	میل
۶۷۱	۱۶	میرا	میردا
۶۷۹	۲۱	فرماداد	فرمان سردار
۶۷۹	۲۳	سیبی	شلیک
۶۸۰	۲۰	قیچاق	قیچاق
۶۸۳	۲۰	سیلی	سیری
۶۷۴	۲۲	صفر قلی	صفی قلی
۶۰۳	۱۱	سرح	سرع
۷۰۸	۱۲	نعل	نقل
۷۰۹	۱۰	کالیسی	کالیبی
۷۰۳	۱۴	امیر طاهر	امیر محمد طاهر
۷۱۸	۲۱	سهران	ایران شاہ
۷۲۶	۱۰	سرور	سروار
۷۲۳	۶	حدا پندہ	حر بندہ
۷۳۳	۸	سلج	سلخ
۷۳۳	۹	حدا پندہ	حر پندہ
۷۳۳	۱۱	حدا پندہ	حر پندہ
۷۳۴	۱۶	ملخص	ملخص
۷۳۶	۷	حانہ	حان
۷۴۲	۱۷	بدس	بدین
۷۵۲	۲۳	تدریس	تدریس
۷۵۳	۱۷	ص ۱۹۶	ص ۱۹۳



۱۳۳۳ ۲۵



۱۳۳۳



۲- تصویر دودکی که گراسیموف دانشمند شوروی  
از روی چمچه اوساخته است

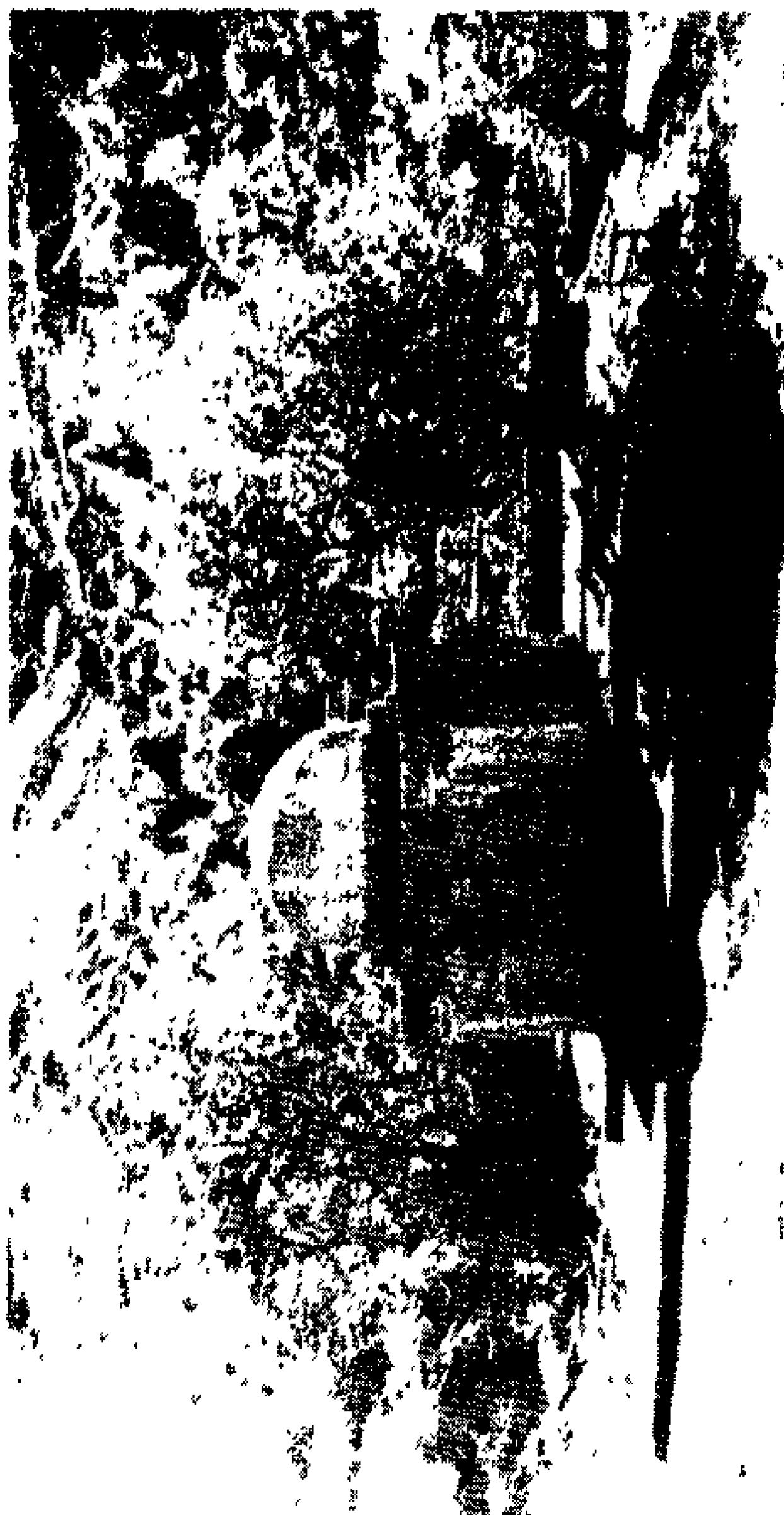


۲۔ تصویر رودکی کدہ کاری روی چوب کاری کی از هنرمندان تاجیک



۴- تصویر خیالی رودکی از آقای حسین بهزاد

۵- وضع کانونی قهر رود کی در پهن رودك نزدیک پنج کنت در تاجیکستان





- قسراپوسعيد ابدالخير در شهر مېنه در ترکمنستان

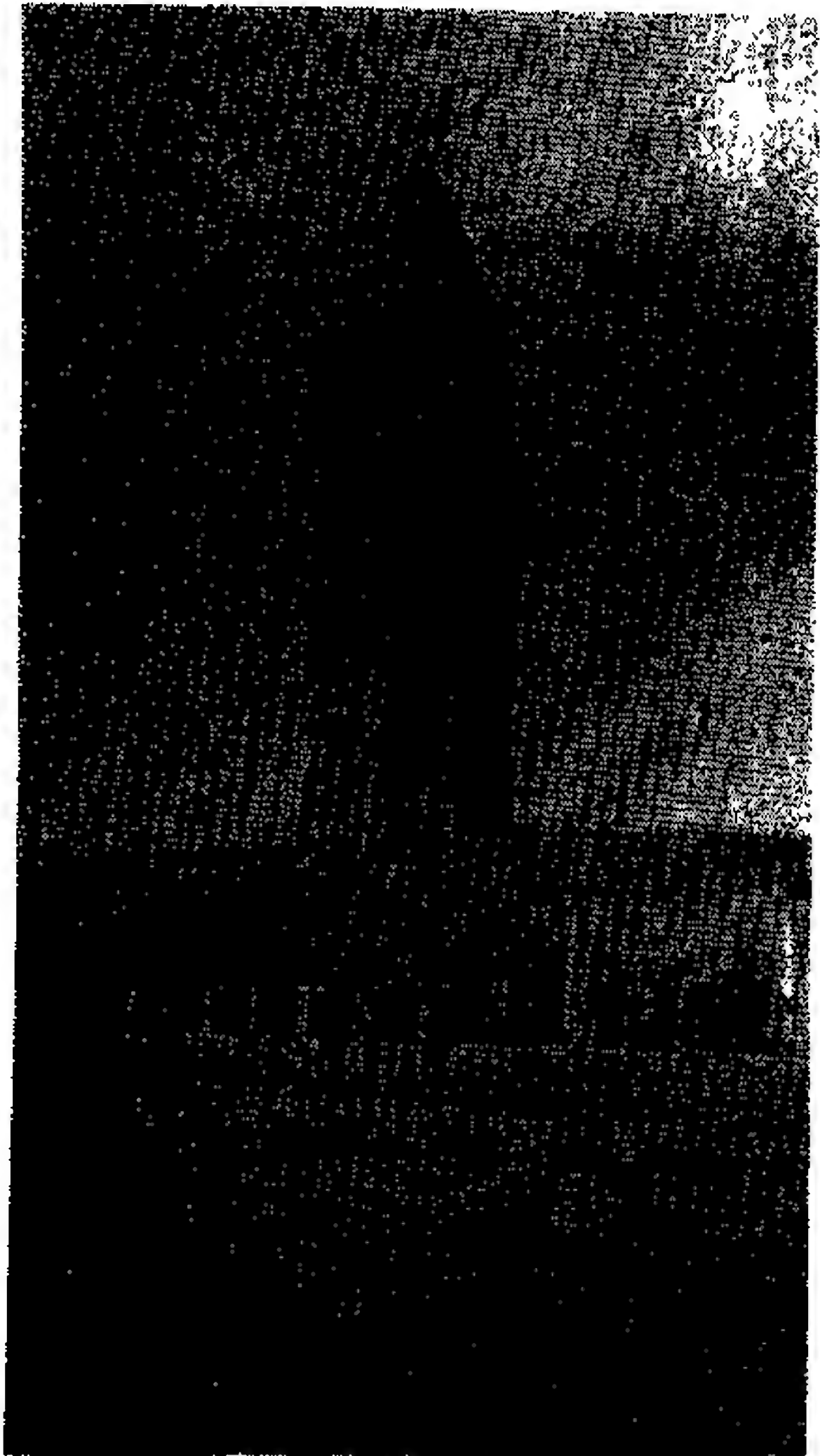
۷- قهر با با طاهر عریان در همدان عکس از آقای مرتضوی ستهی





۸- قبور ابوعلی دقاق در محل معروف بمقبره بیرون شهر نسا در ترکمنستان





۴- گنبد قابوس — قبر قابوس بن وشمگیر



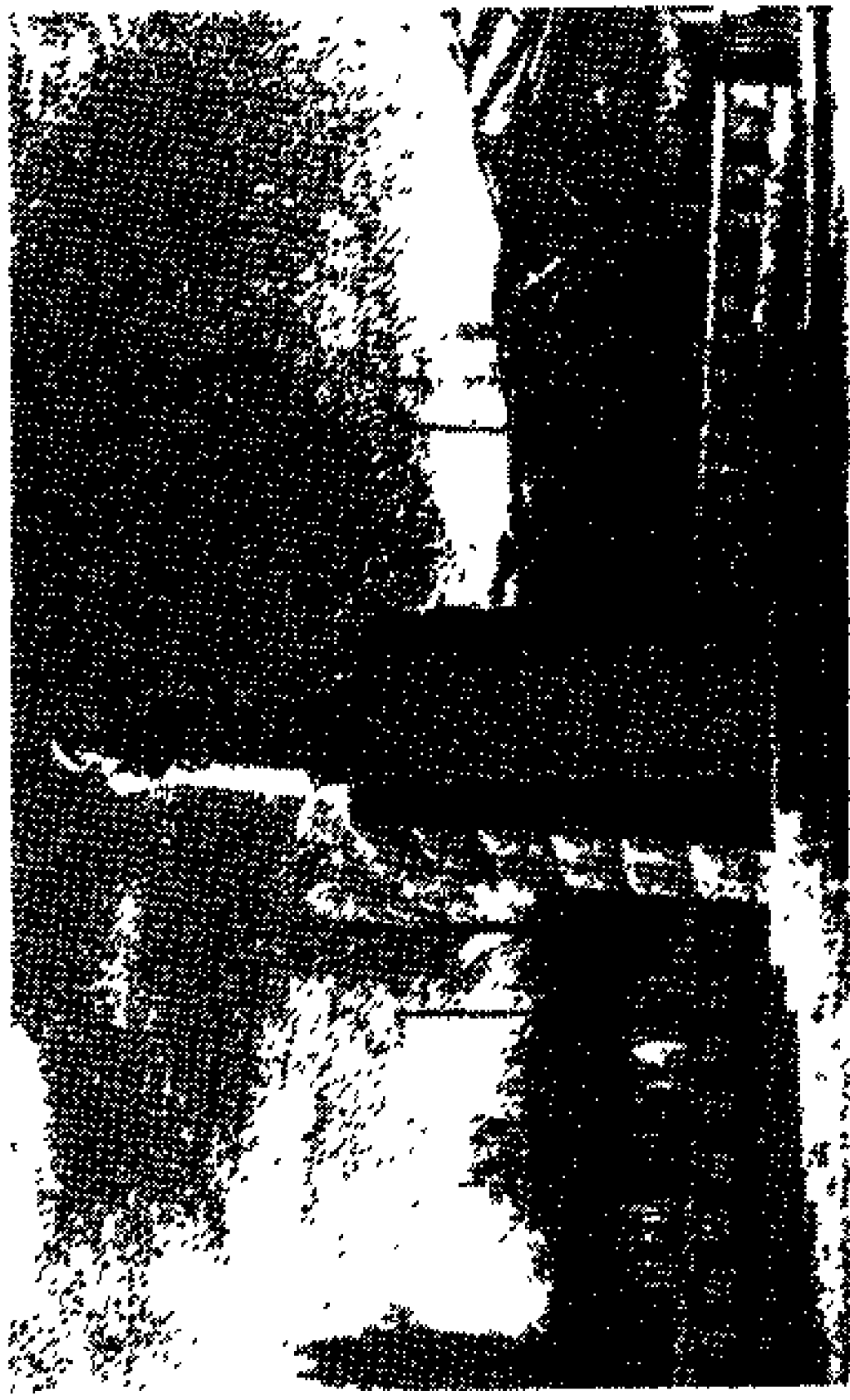
۱۰- چوچمه ابن سینا که در قبر وی در همدان پائنه اند



۱۱- تصویر ابن سینا که گراسیموف دانشمند شوروی  
از روی مجسمه اوساخته است



۱۲- تصویر خیالی ابن سینا از آقای ابوالحسن صدیقی



۱۳- میچونگه این سینا در همدان



۱۴- گنبد معروف به دژ ابن سينا در محله در دشت اصفهان









۱۷- وضع تکنیکی قسرا میسبا در همدان

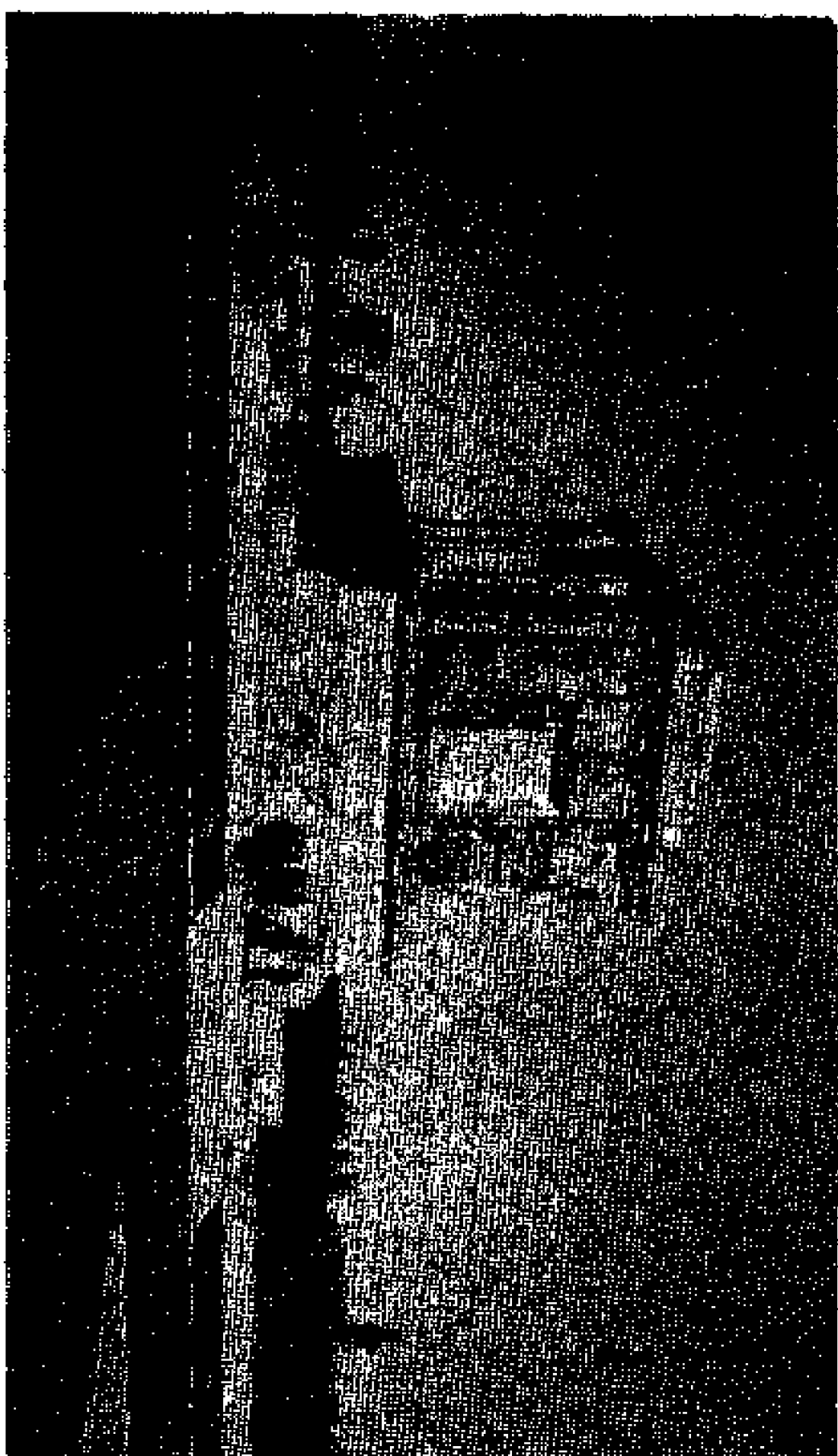


ترجمہ ۱۳۵۴ء

۱۸ - تصویر خیالی فردوسی از آقای جوادی پور



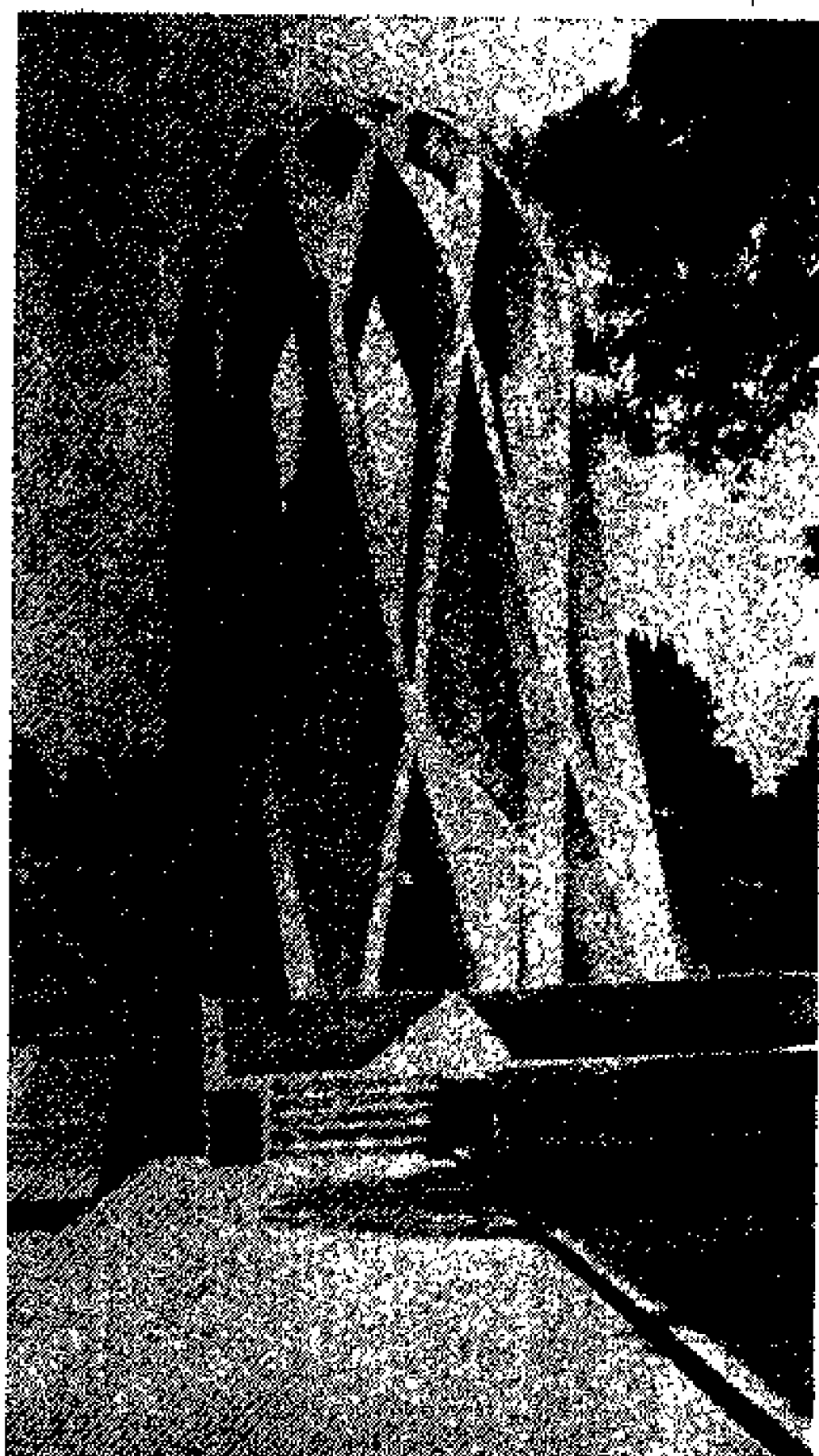
۱۹- مجسمه فردوسی کار آقای رسام، ارژنکی



۴۰- وضع کنونی قبر فی دوسی



۱-۲- بقعة مسرووف پها' ما' کوهی در بیرون شهر



۲۲- وضع کنونی قبر عمر خیام



۲۳- قبر نظام الملک : سلجوقیان در اصفهان



۲۴- سنگ قبر نظام الملک در اصفهان

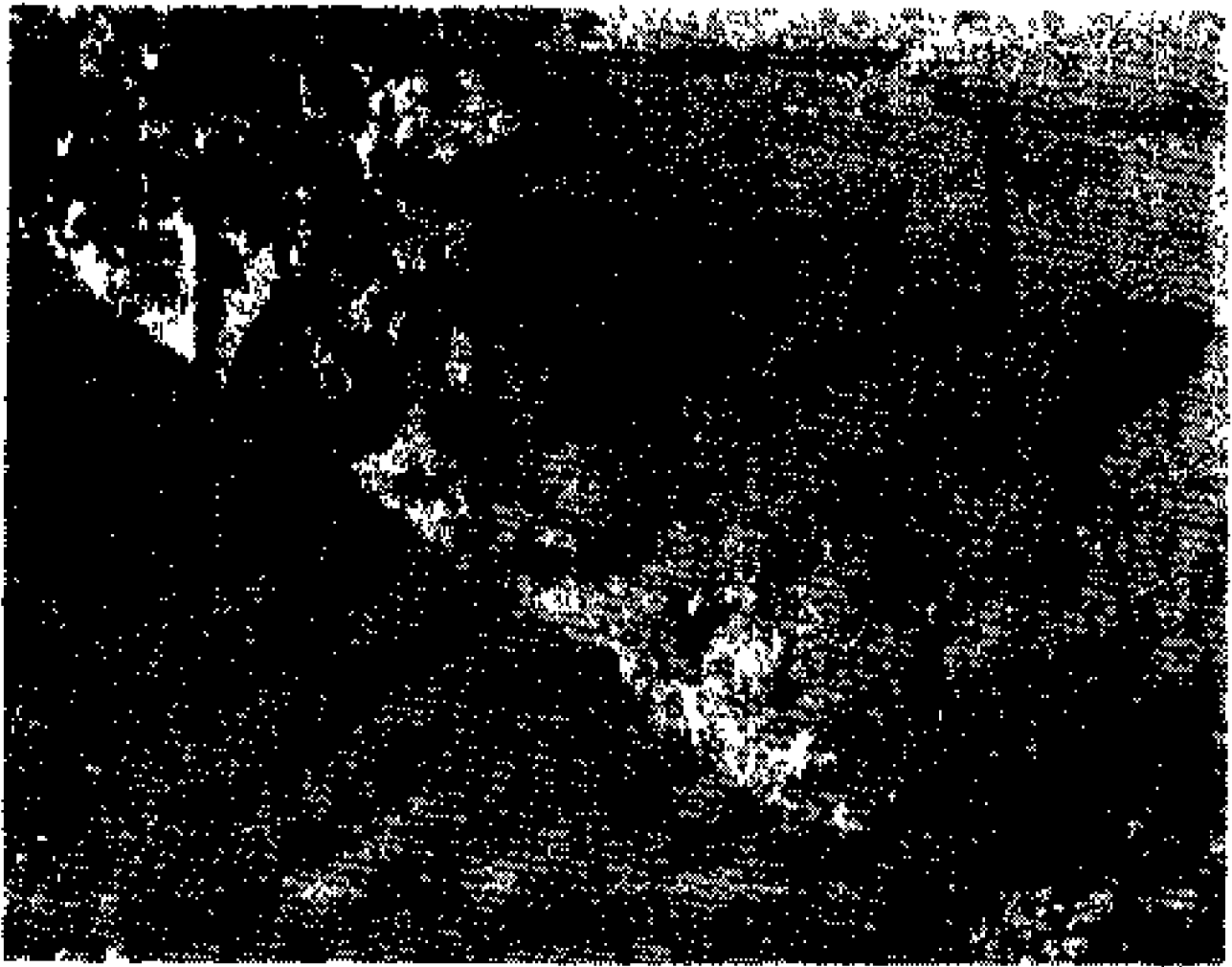




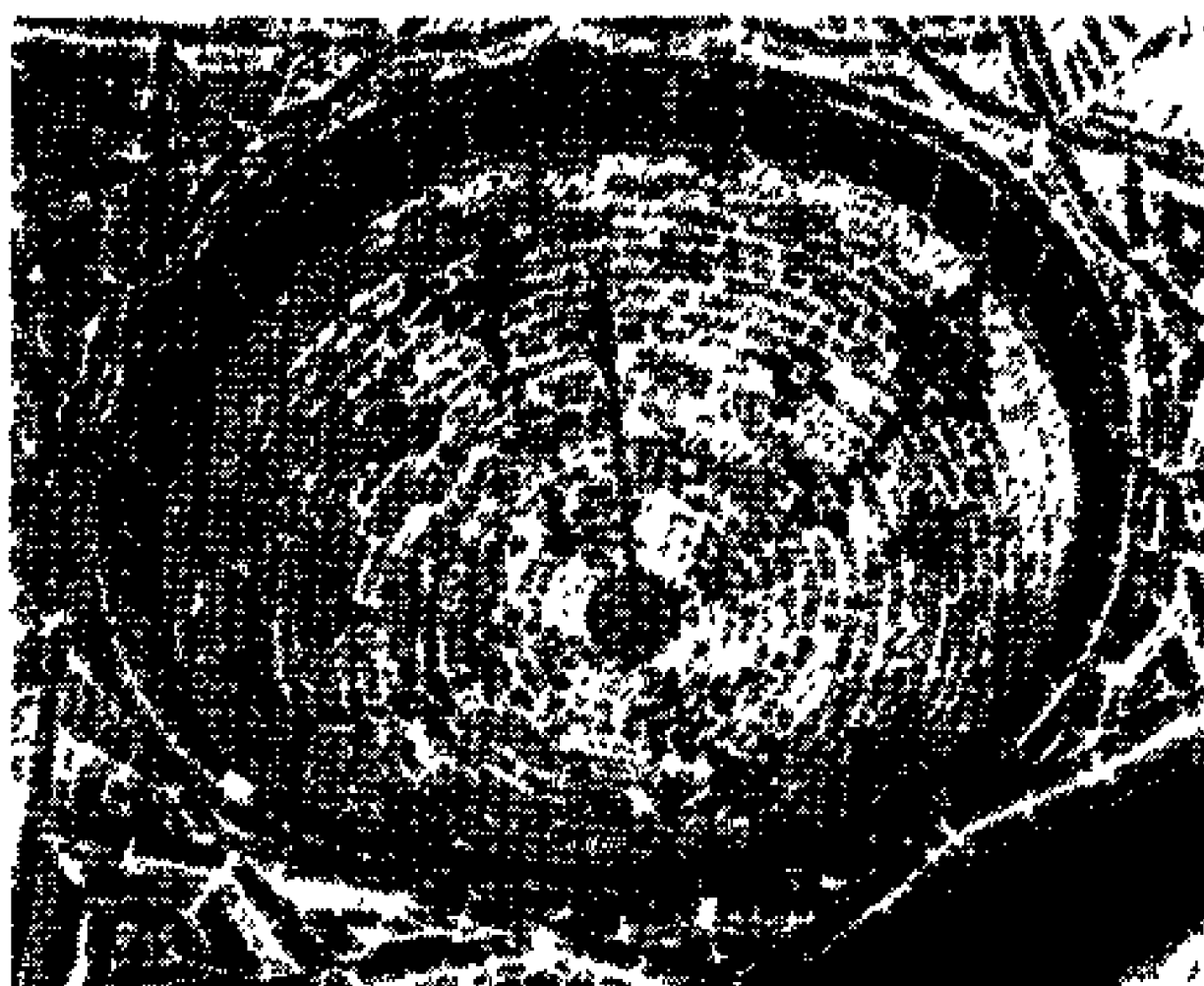
۲۵- تصویر خدای امام غزالی از جبران خلیل جبران شاعر معروف لبنانی



۲۶- ساختمانی از شهر طوس که احتمال می‌رود خاتقاه امام غزالی بوده باشد



۲۲- نمای قبر احمدغزالی ددقزوین عکس از آقای مرتضی رستمی



۲۸- اندرون گنبد قبر احمد غزالی در قزوین عکس از آقای مرتضی دستغیب



۲۹- گوشه‌ای از قبر احمدغزالی درقزوین عکس از آقای مرتضی رستمی



۳۰- قبر احمد غزالی در قزوین عکس از آقای مرتضی دستغیب



۳۱- قبرستانی در غزنین



۳۲- قبر طغرل در محل شهری

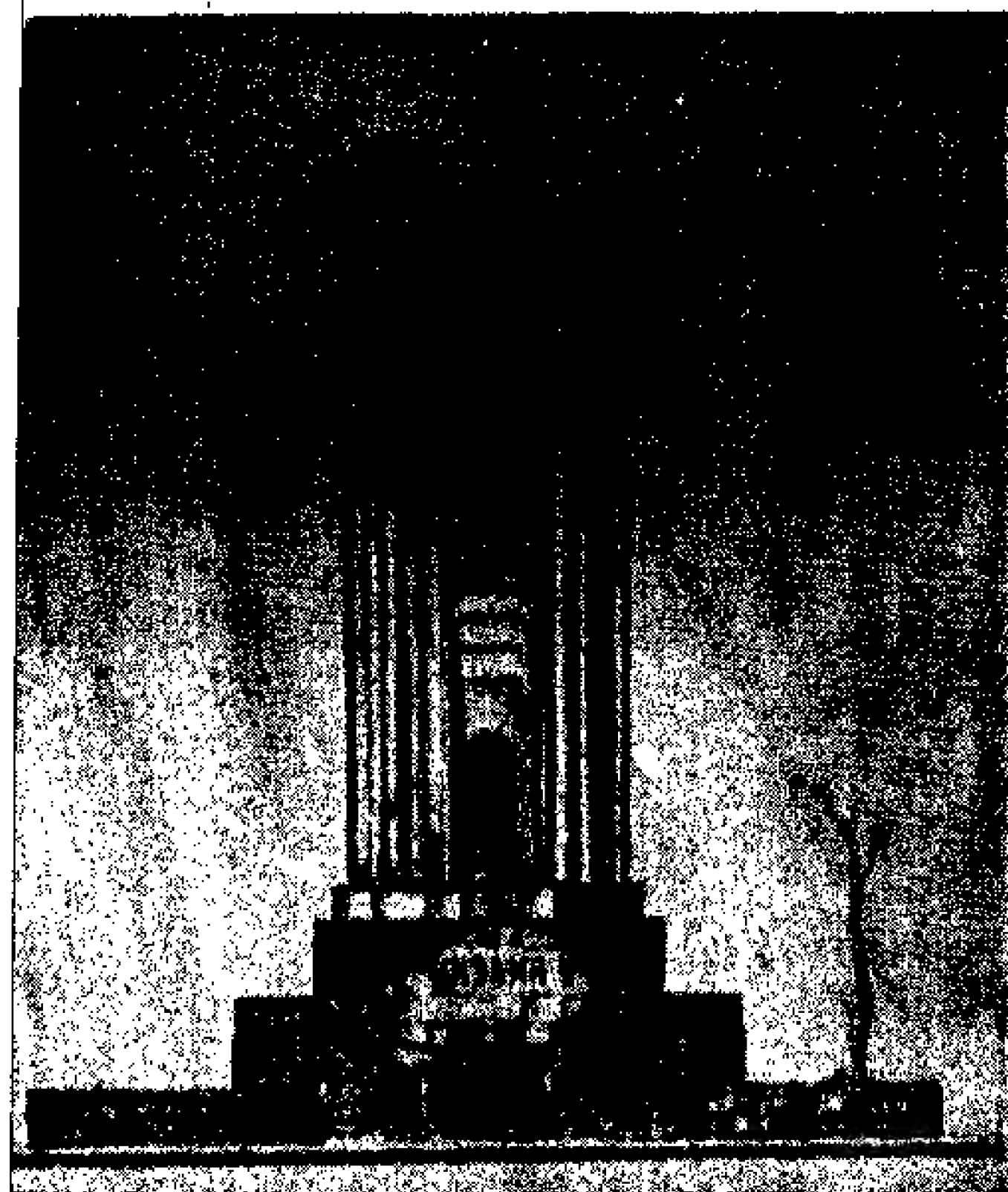




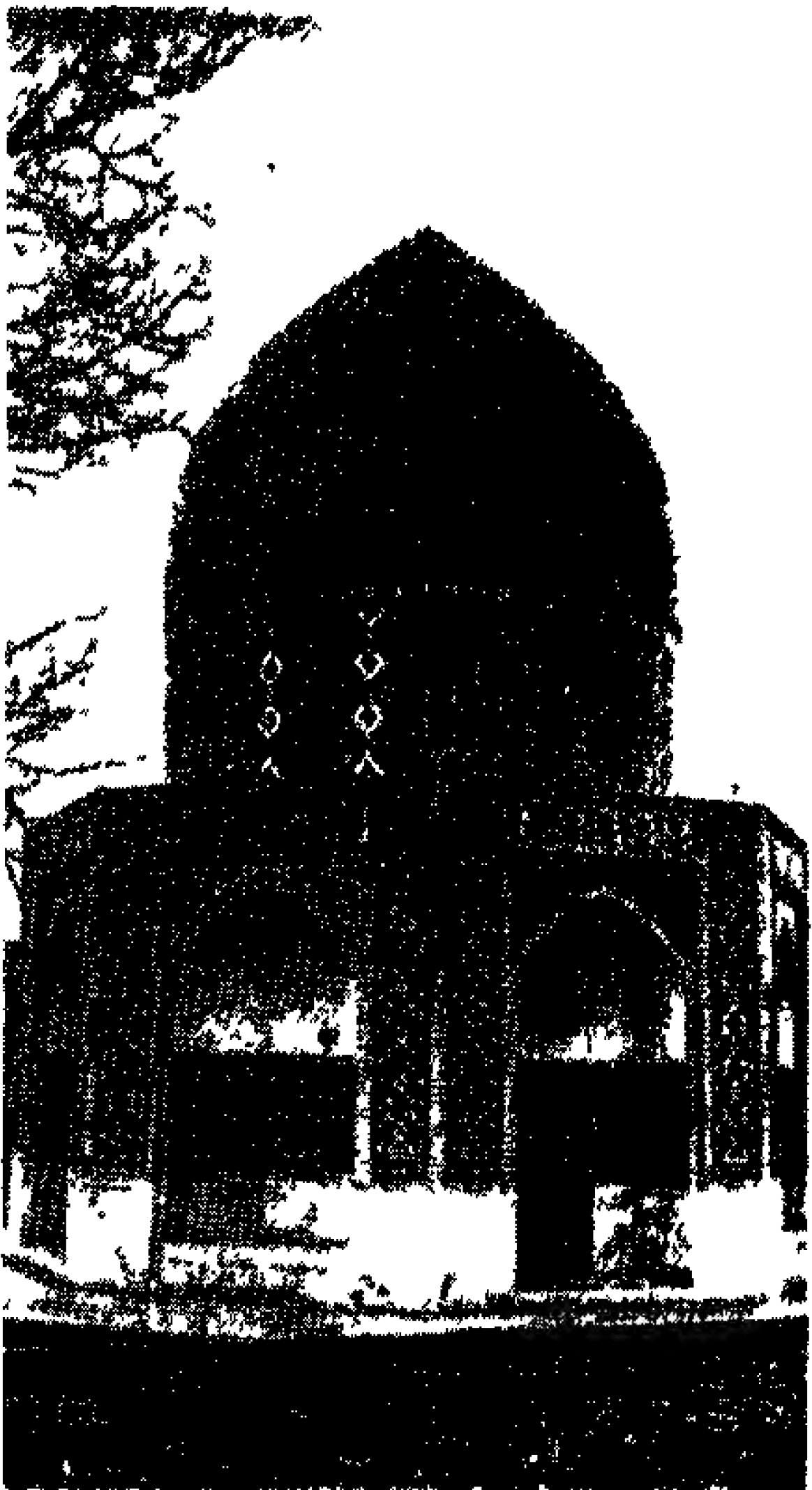
۳۳- تصویر خیالی نظامی درآموزه نظامی در شهر باکو



۳۴ - مجسمه نظامی در شهر پاکو



۳۵- ساختمان کنونی قبر نظامی در بیرون شهر گنجه



۳۴- ویسے کہ - لڑکھڑکھانے والا - عکس از آفتاب مرئی رہتی ہے



**NO. 2-12, 16, 20 JULY 1978**

●

►

34.

1

5







۳۸ - قبر عیسیٰ نقاد کیلانی و شہزادہ حسین سہروردی در بغداد  
عکس از آقای مرتضیٰ رستمی

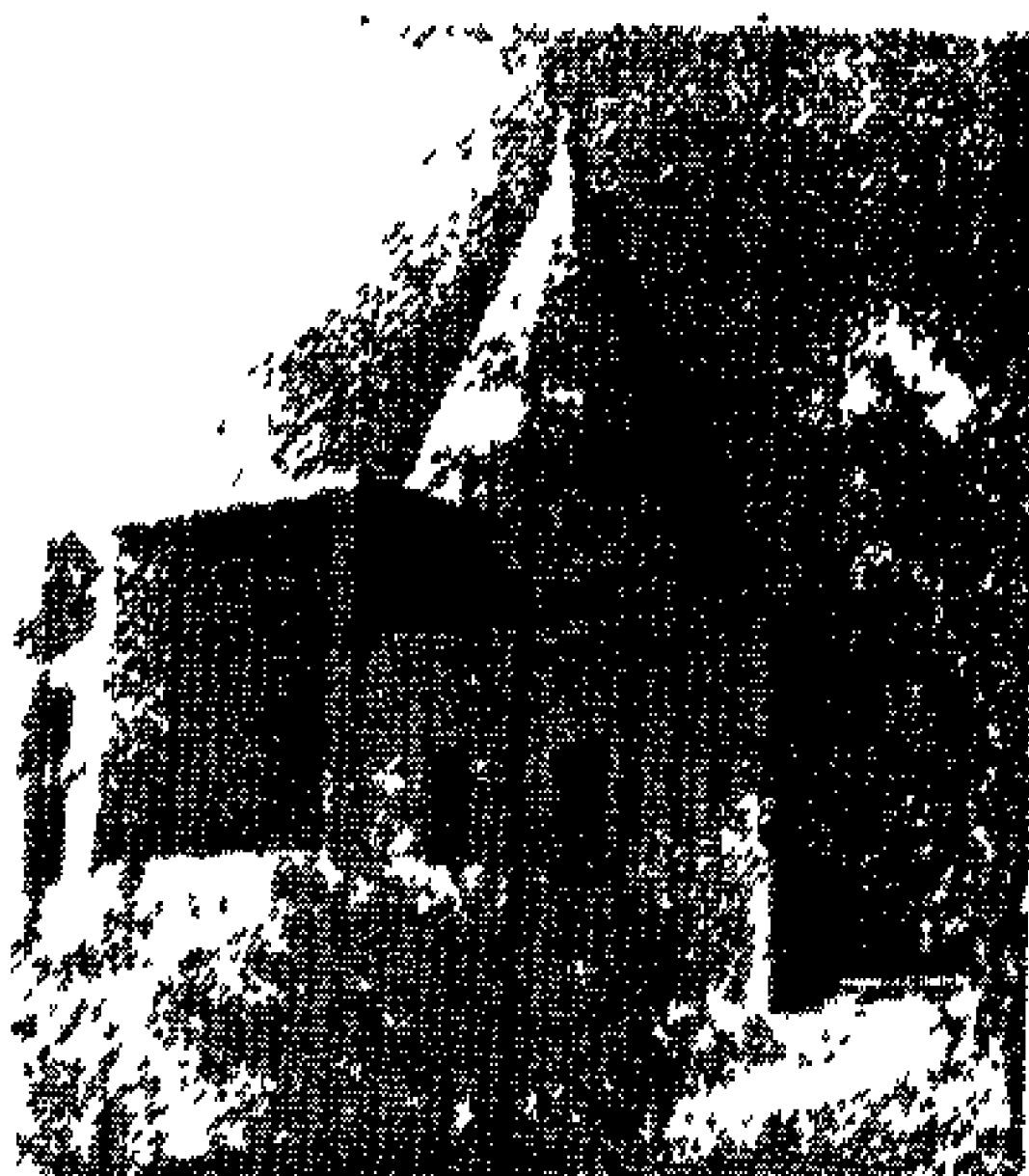


۳۹- تصویر خیالی خواجه نصیرالدین طوسی از آقای ابوالحسن صدیقی



۳۰- میرزا محمد آلاء مستوفی در وروین





۴۱- قسم‌الندین کاشانی درمرق کاشان



۴۲- تصویر خیالی مهدالدین ارموی از آقای حسین بهزاد



۴۳. خانقاه علاءالدوله سمنانی در صوم آ باد سمنان  
عکس از آقای مرتضی رستمی



۴۴- تصویر خیالی مولانا جلال الدین آرقای حسین بهزاد

۴۵- قبر مولانا جلال الدین در قونیه





۴۶- تصویر خیالی سدی کارمکی از نقاشان سابق



۴۷- تصویر خیالی سعدی از آفای جوادی پور



۳۸- وضع سابق قبر سمدی





۴۹- وضع کنونی قبر سعدی



۵۰- تصویر حای شاه نعمت‌الله‌ولی

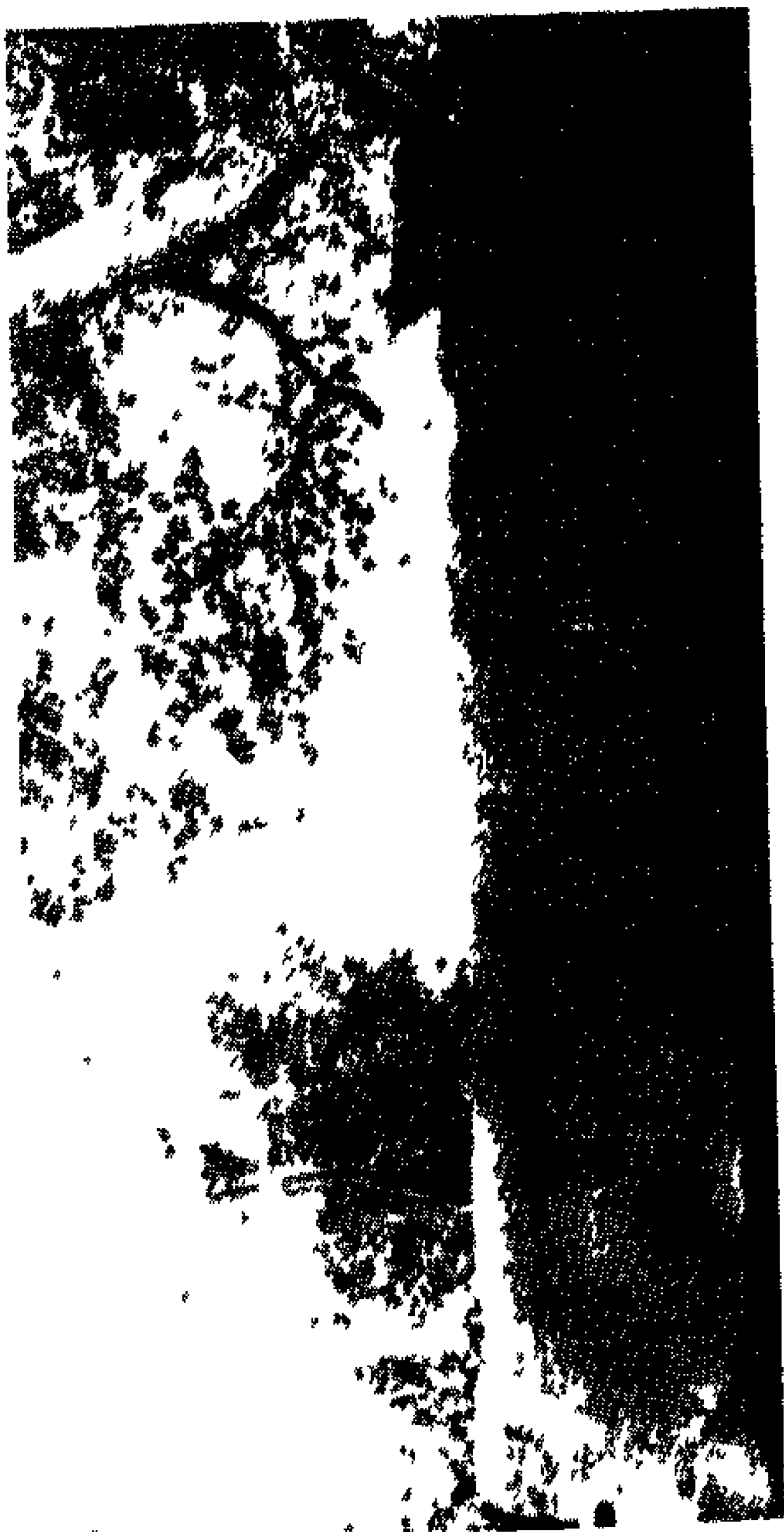


۱۔ قبرستانِ شہزادہ دہلی





۵۳- قبر حواجو در تملک الله اکبر شیراز



۵۳- - كك هـ جواحو در نيك الله اكبر شاد هكس ار آفاى هـ بهى رسته هـ

تداوین من شود و نام نورانی شود نورانی شود نورانی شود  
 یا سالی که کلام نخست درین کلام و در علم نیست برای هر خانه من نورانی در خانه بدو نورانی  
 یا سالی که کلام دوم نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 رابع العناج نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 صدی یون فیله عن غیاث الطایف نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 اینها و حکمت های عظیمه نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی

کتب التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی  
 و التفسیر فی تفسیر نورانی در علم نیست در خانه بدو نورانی در خانه بدو نورانی

سکه رطل  
 ۱۳۰۰

در کتابخانه





آوردی بخت بد  
تو ای دلجو خدای  
خدا را خاک ز من  
عذر بکنامه

برادانت در جاسک  
بوی کوی گشت  
نور کوید و مرزبان  
خاک گشت خاک مرزبان  
من و ملک و بستی  
نور و کی جلا از من

خوابی بخت بد  
پیش از تو حق  
نه مشهور و نه  
من از جنت  
نه در خود و نه  
جان کن نیست

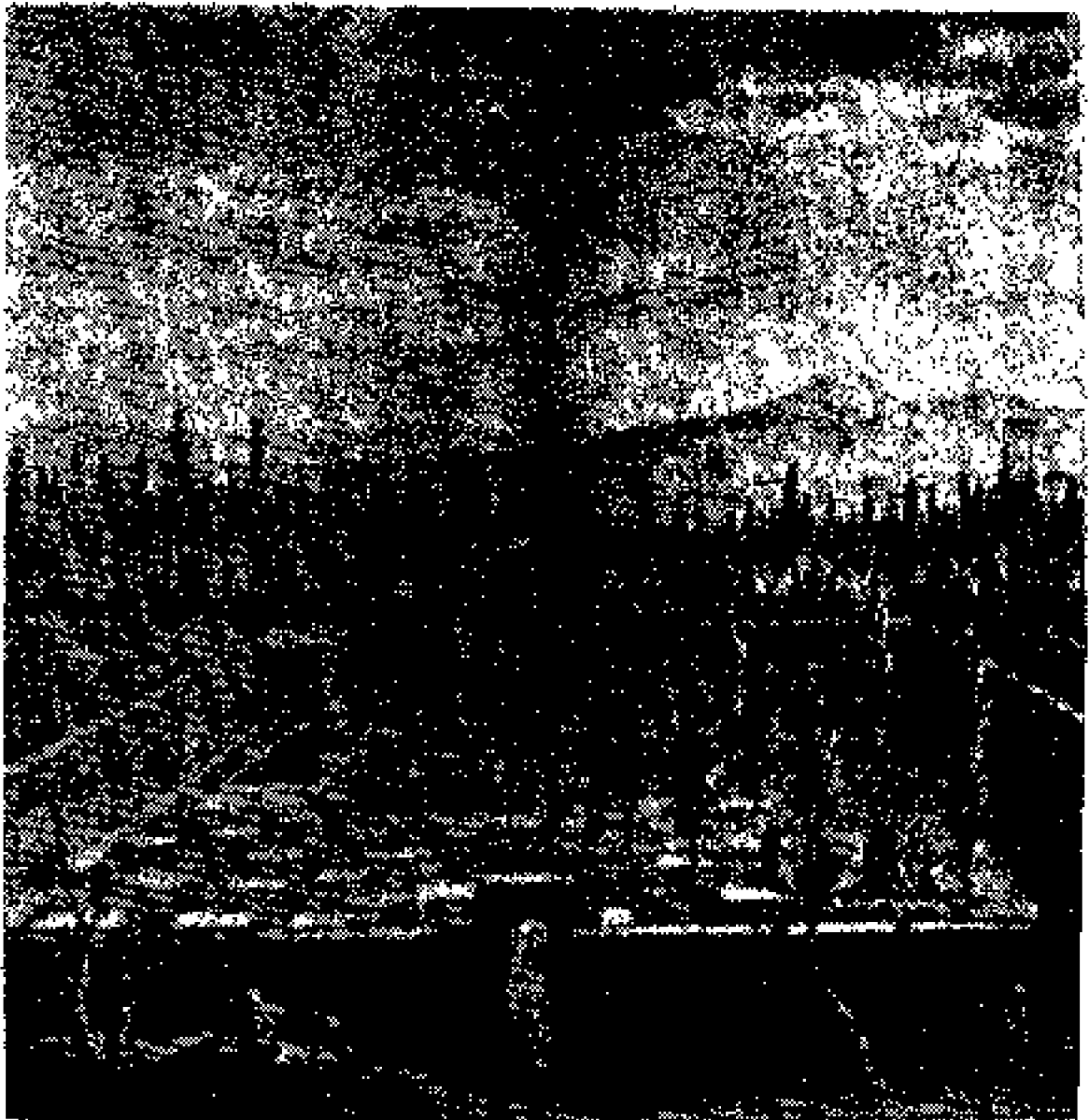
کشتی بخت بد  
که بخت بد  
یک کلام خوش  
خاکش بخت بد  
تو دانی بخت بد  
یک باشد بخت بد

چو بکشاید زاده  
چو بکشاید زاده  
کاشی بخت بد

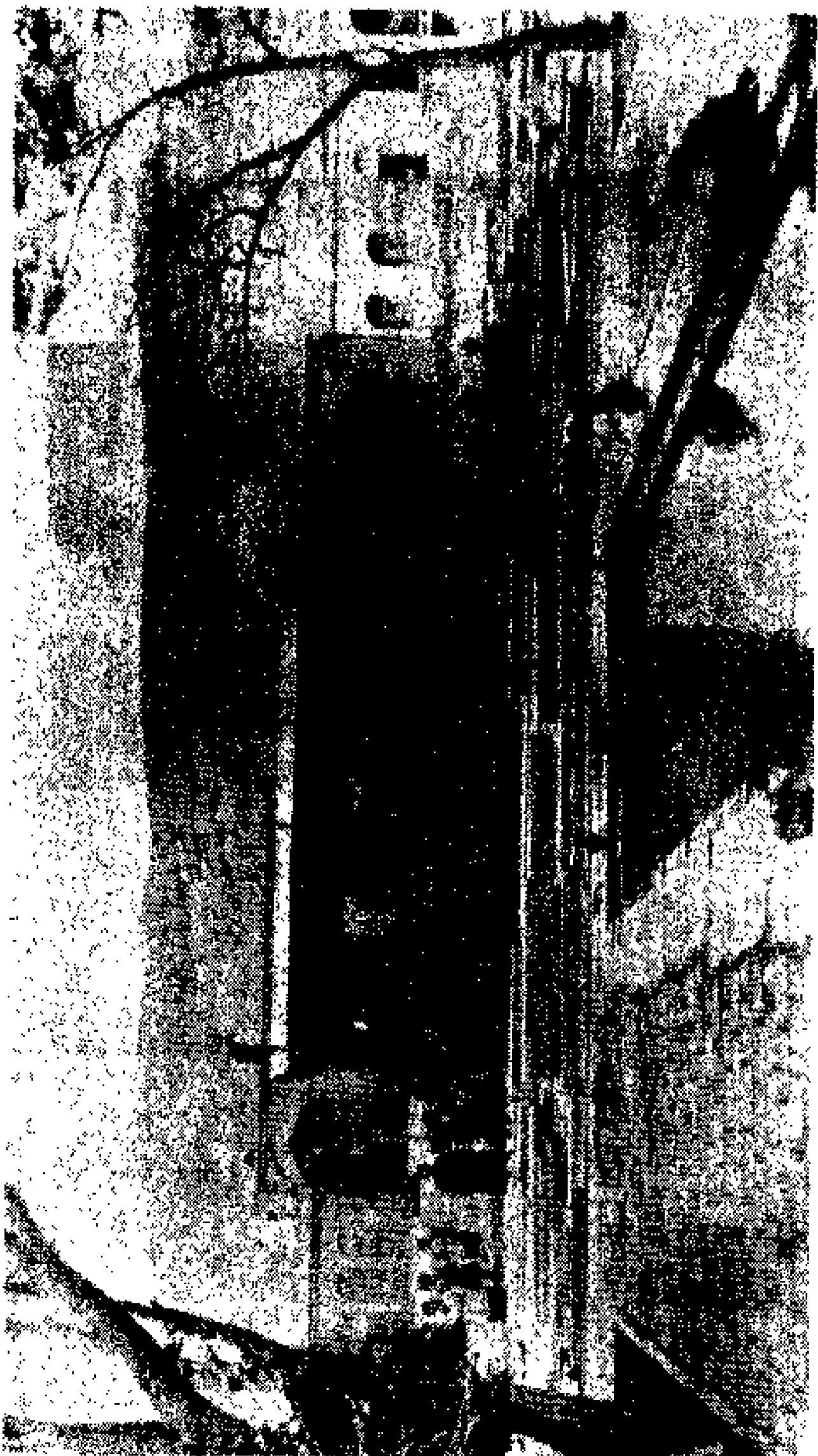
کتاب اینست  
فان لا اله الا الله  
ما یستجد  
تبیان

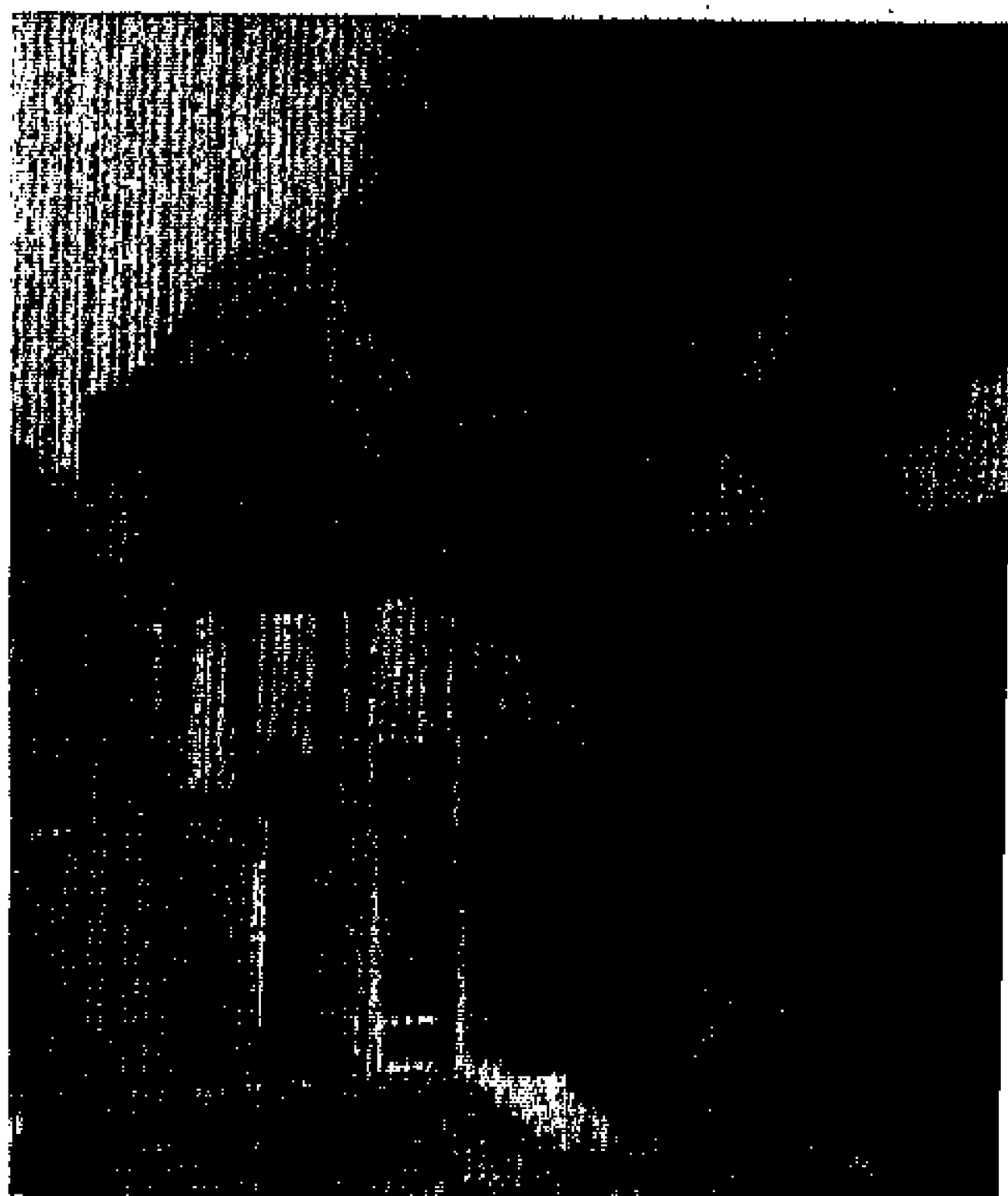
کتاب اینست  
فان لا اله الا الله  
ما یستجد

۴۴ ورق بر دست در اینجا



۵۸- وضع قبر حافظ در ۱۵۰ ساله



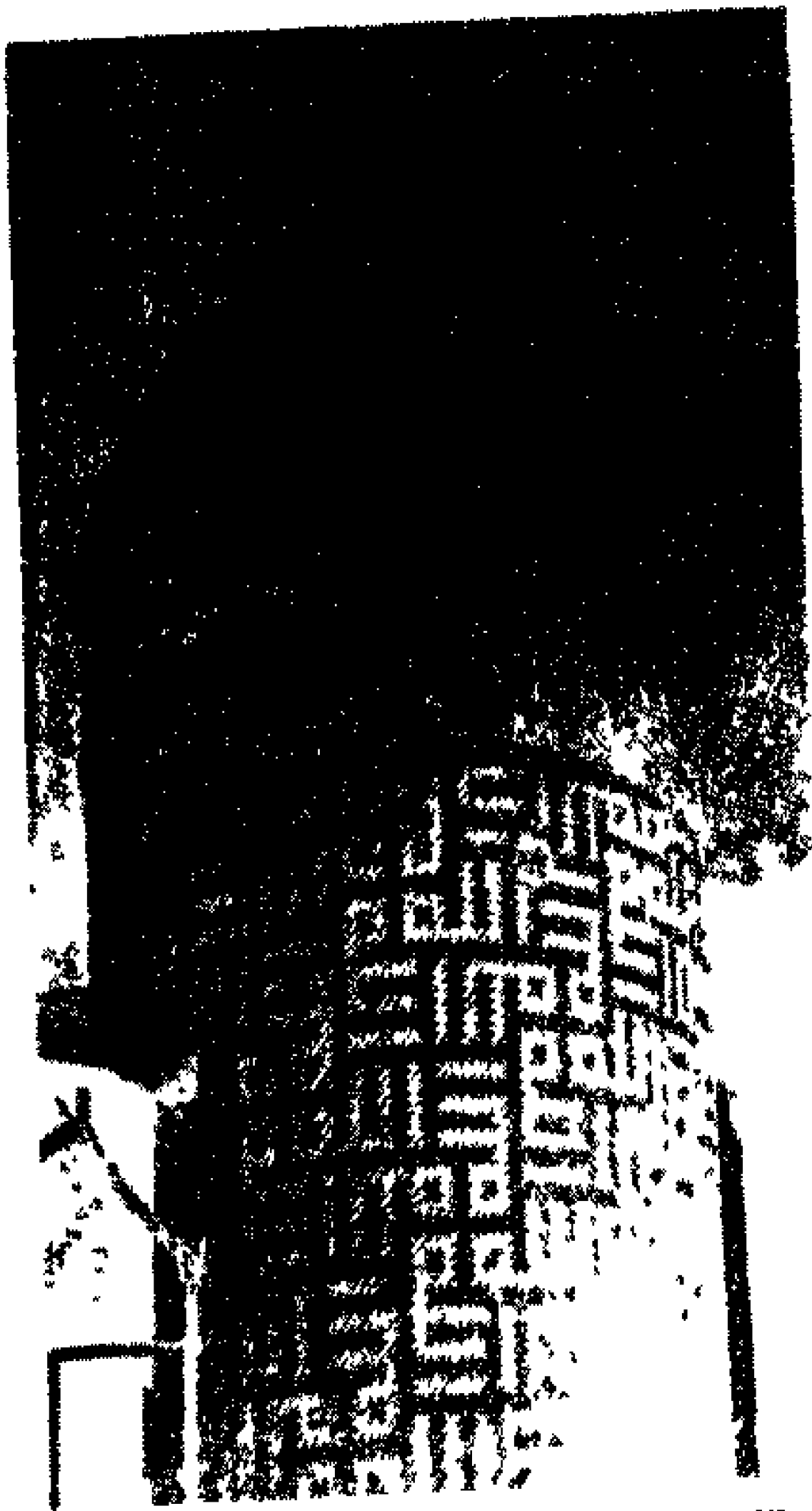


٩٠- وضع کنونی قبر حافظ

۴۱- خرقه شیخ صفی الدین اردبیلی درموزه چهل ستون اصفهان

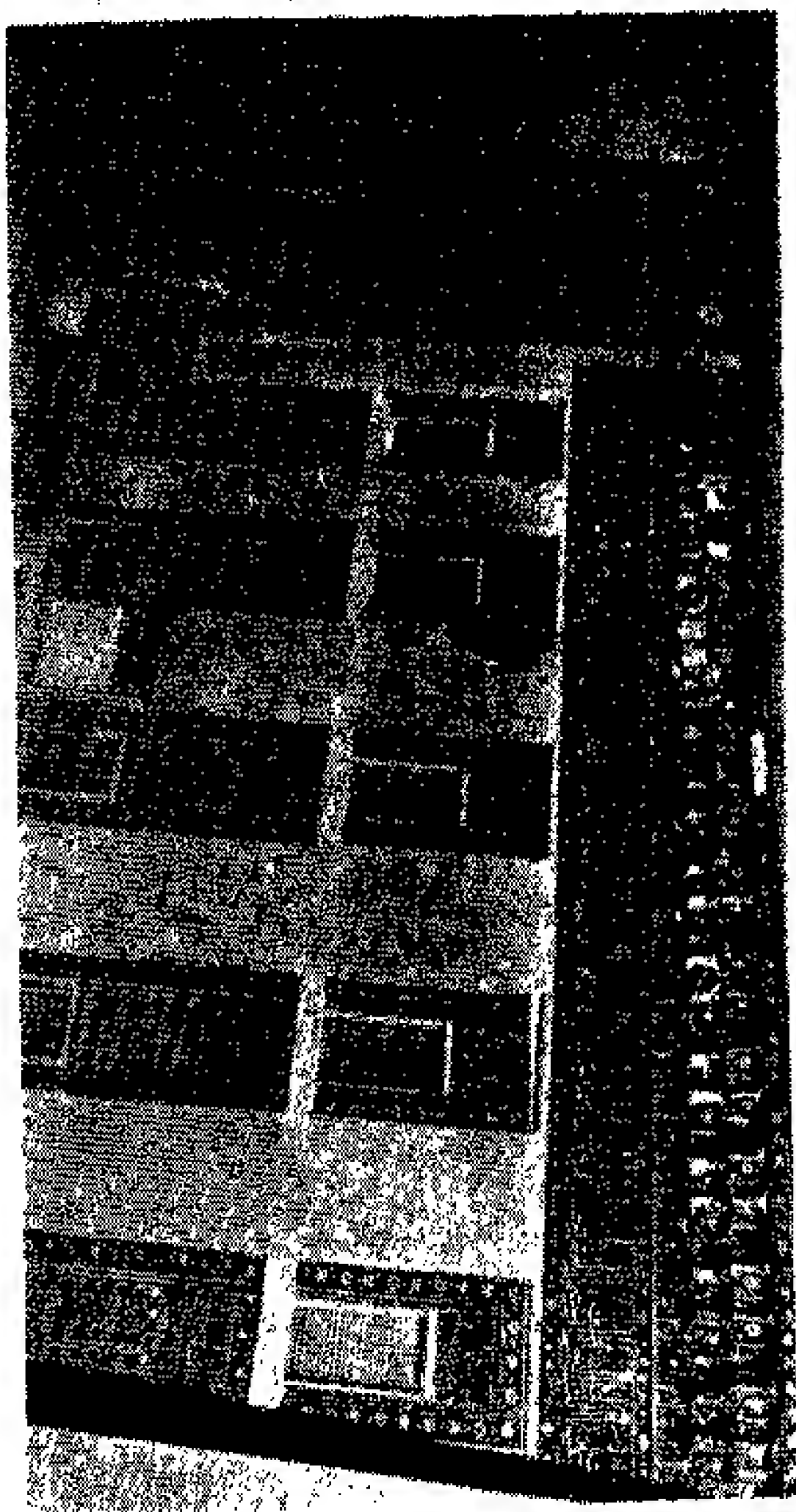


۳-۶-۸۵ ساری، کسب و کار شیخ صمدی الدین، در اردو بیل، عکس از آقایان نصی و رستمی

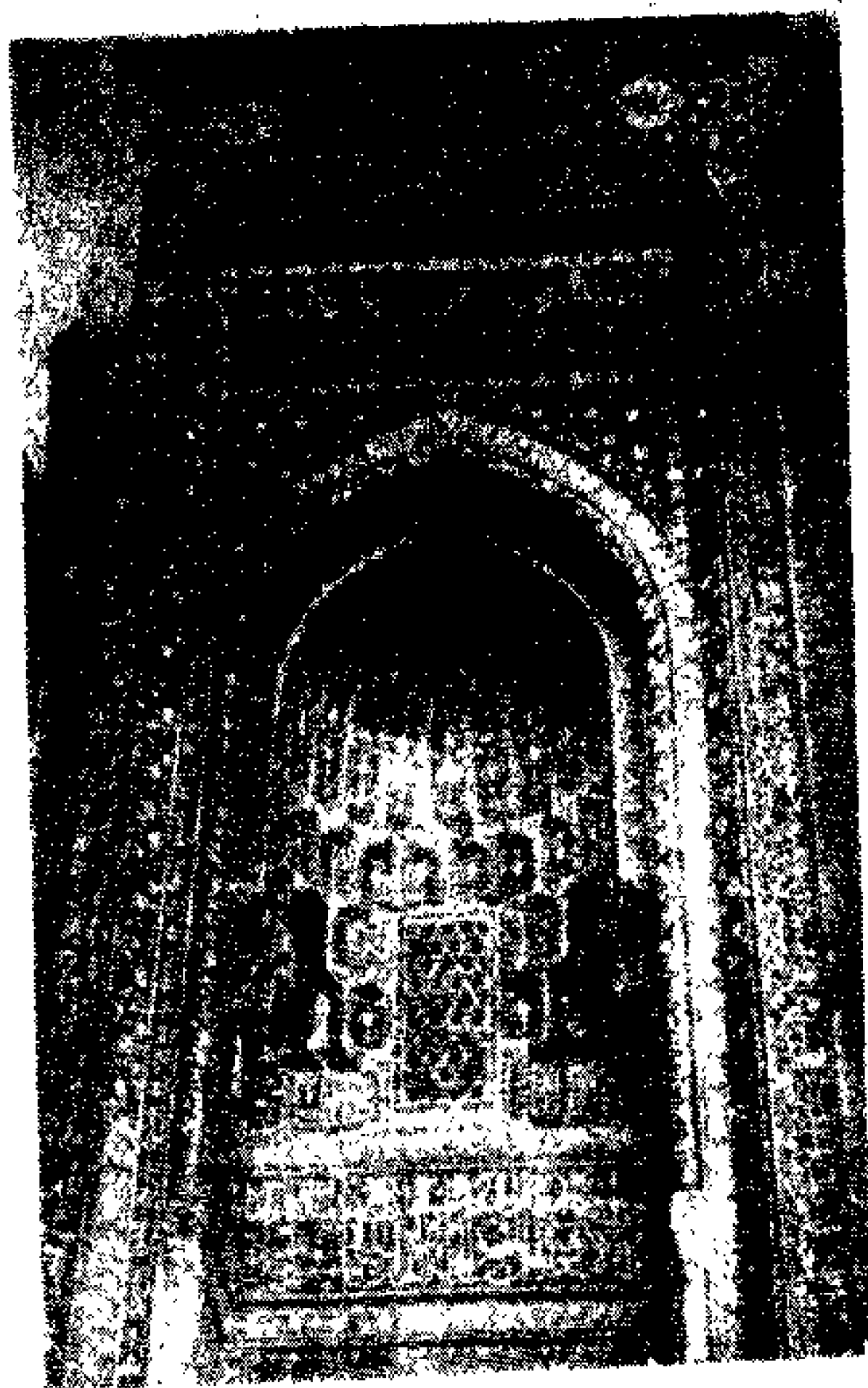


۶۳- کسبه فروش صوفی الدین در اردمیل عکس آوی مر قس رستمی

۶۳- نمای بیرونی قصر شیخ صفی‌الدین در اردبیل عکس از آقای من‌تقی رستمی

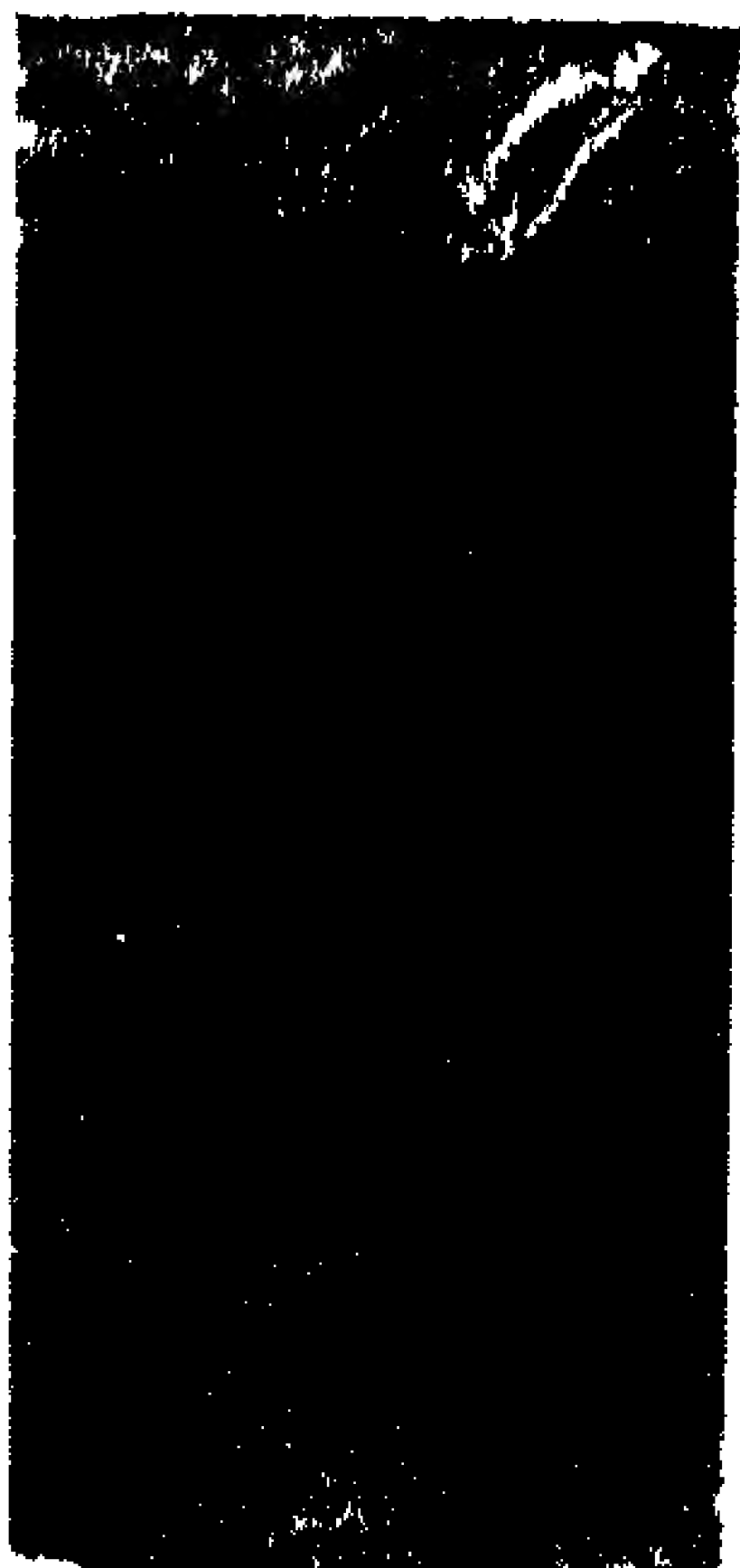






۶۵- محراب مقبره شیخ صفی الدین در اردبیل

۶۶  
 نام شخصی است در میان ملائکه  
 از اجرائی رسول القول بشواریست  
 او احادیث کرده و از حضرت خوانده  
 نموده که در حق سلطان کرده است  
 دارد و به حق سلطان داده است  
 بعضی حاکم رسید امری و امر  
 است که عمل است بر اینها  
 است که خالصا لوجه الله و استقامت  
 در راه حق و سلطان و رعایا سازد  
 از مسلمانان کوکب شود و از شریکی  
 شوند و از حق رسد و سعادت



۶۷- تصویر عبدالرحمن حامی کار یکی از نقاشان معاصرش



۶۸- قبر جامی در هرات

طر استنای با تو امرو در پیشگاه  
 بسندید پیش گرفت و ب نام یک  
 شمار خویش ساخت بسیار فرزندان  
 خیر از روزگار یادگار نه یکی از فرزندان  
 این ایستانت که نواده پستان جان  
 و دیگر دوستان تانت شرح منظوم

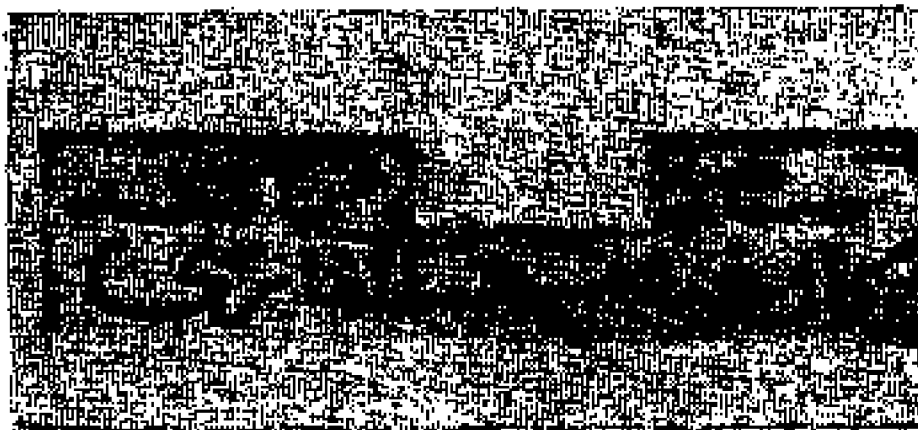
و نشر اقل آب و نبات فی

یشابوری و الحمد لله

سود پاکست

سود

۱۰۳۳



۷۰۔ خط کمال غیاث شیرازی



۷۱- سنگ قبر شاه داعی الی الله در شیراز



۷۲- قبر مکتبی در شیراز

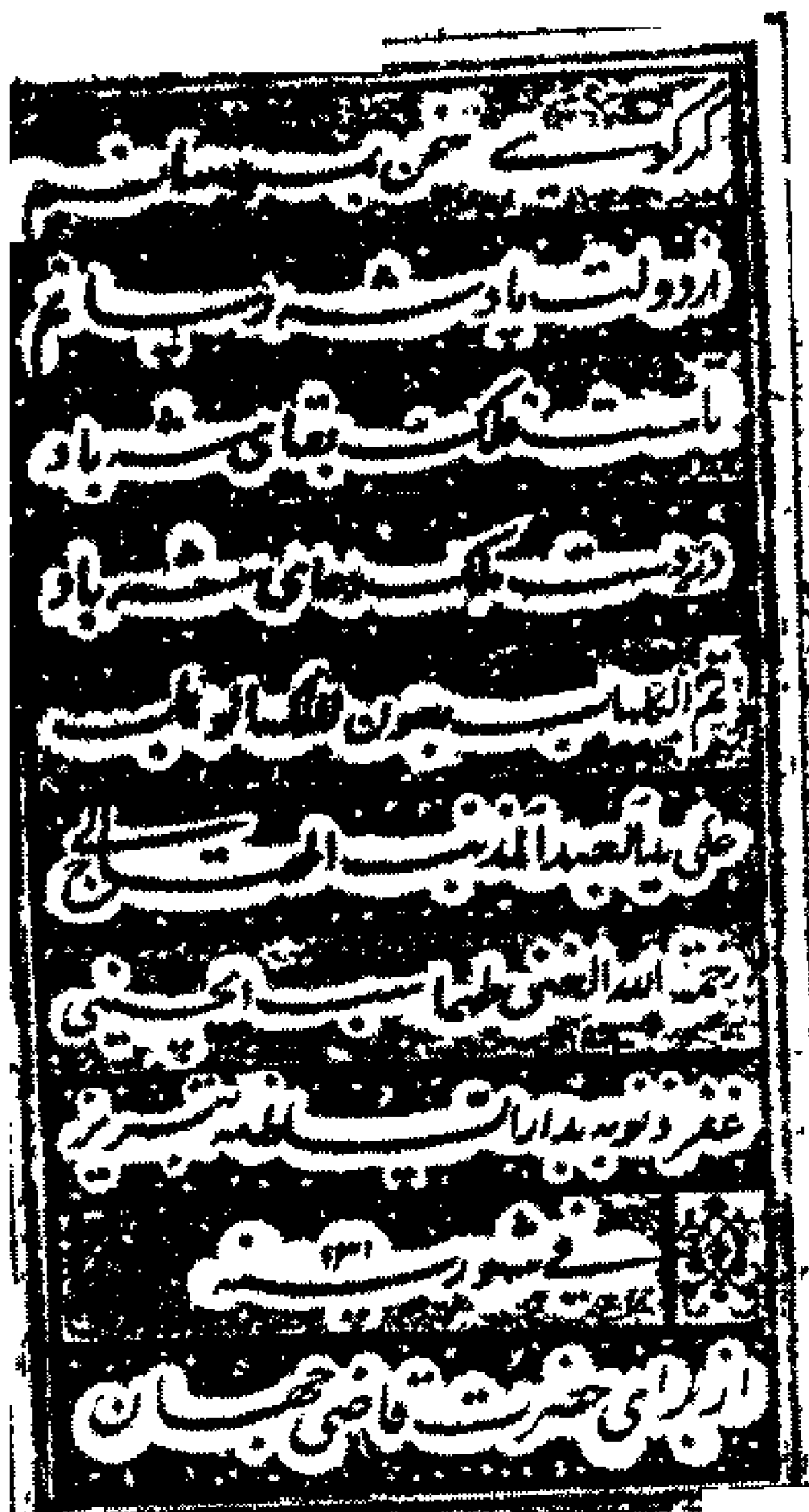




۷۳- تصویر آصف خان کازنادرا الزمان نقاش هندی در سوره چنگاه ملل  
آسیانایع فرهنگستان علوم شوروی در لنین گراد



۷۴- سنگ قمر اهلی در شیراز





۷۶ تصویر شاه اسمعیل صفوی از یک نقاش ایتالیایی

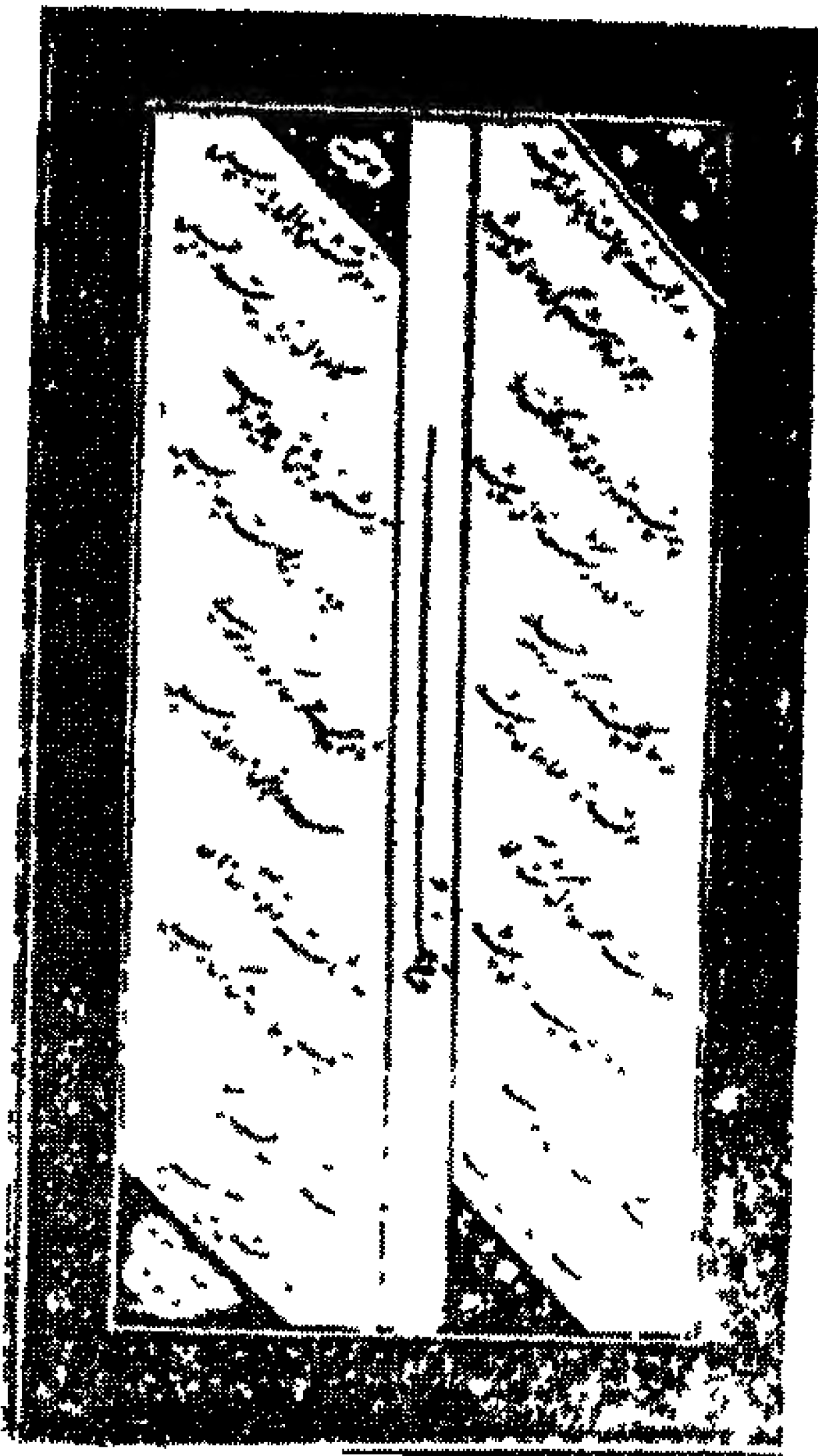
<p>مجلس علمیه</p>	
<p>اداره نشر</p>	<p>کتابخانه</p>
<p>استادان و محققان</p>	
<p>معاونین</p>	<p>معاونین</p>
<p>وزیر معین و استاذ</p>	
<p>پوهنه دیت</p>	
<p>از اسباب نفرو است و است</p>	
<p>از اسباب نفرو است</p>	<p>از اسباب نفرو است</p>
<p>از اسباب نفرو است</p>	



۷۸- جلال‌الدین احمی وارک تنار دره ریان نقاشی‌شده درموزه  
دکاه مرآت‌تایخ دره‌نگستان قلو، نیروی درلنیرگر اد



۷۹- خط شاه محمود نیشابوری در کتابخانه سالتیکوف  
شچدرین در لندن گراد



۸۰- خط شاه محمود بيشابوری در کتابخانه سالتیکوف

شعورین در لیس مراد





۸۱- قبر پهلوان محمود قتالی در حیوه





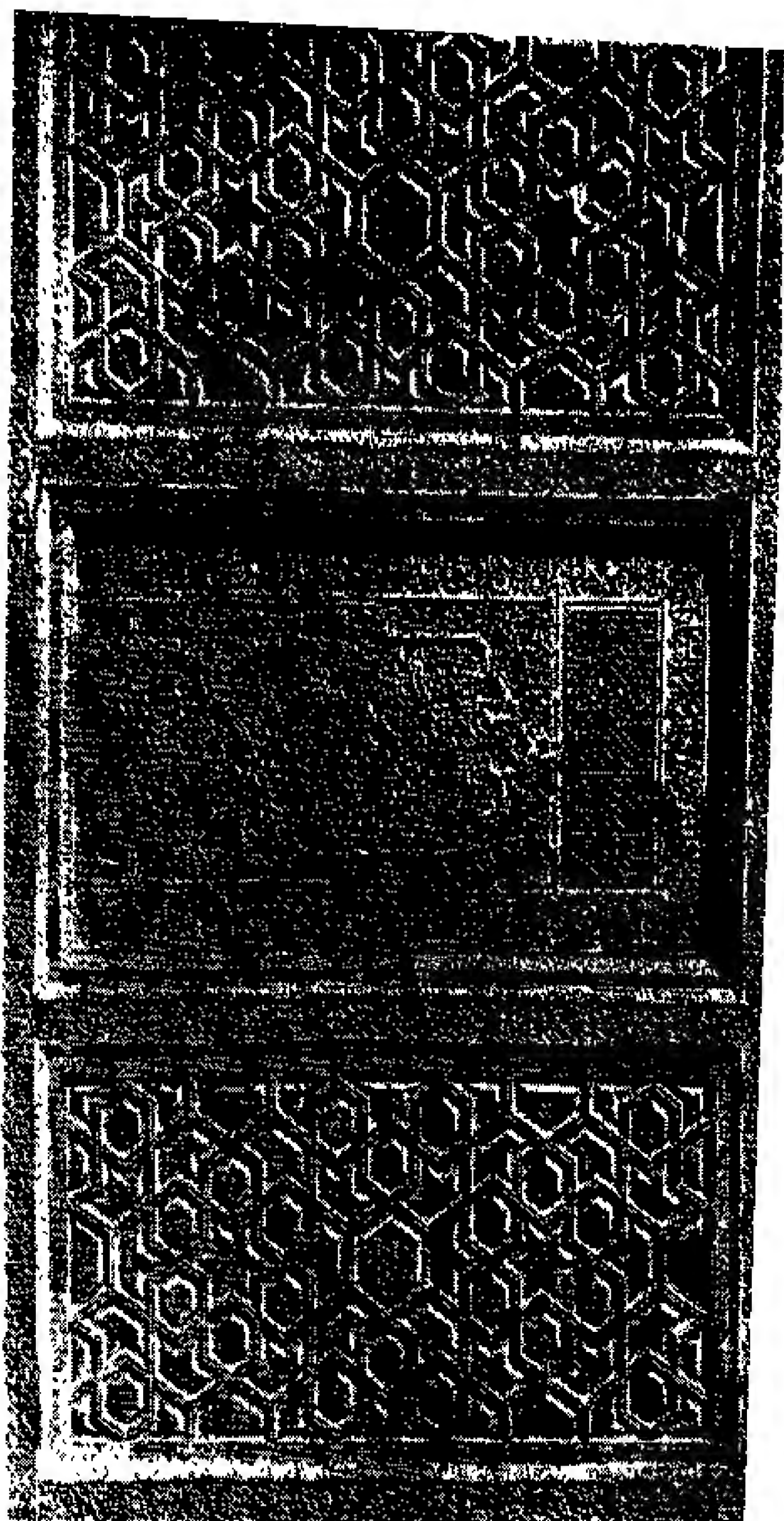
۸۳- اندرون مقبره پیلوان محمود قتالی در حیوه

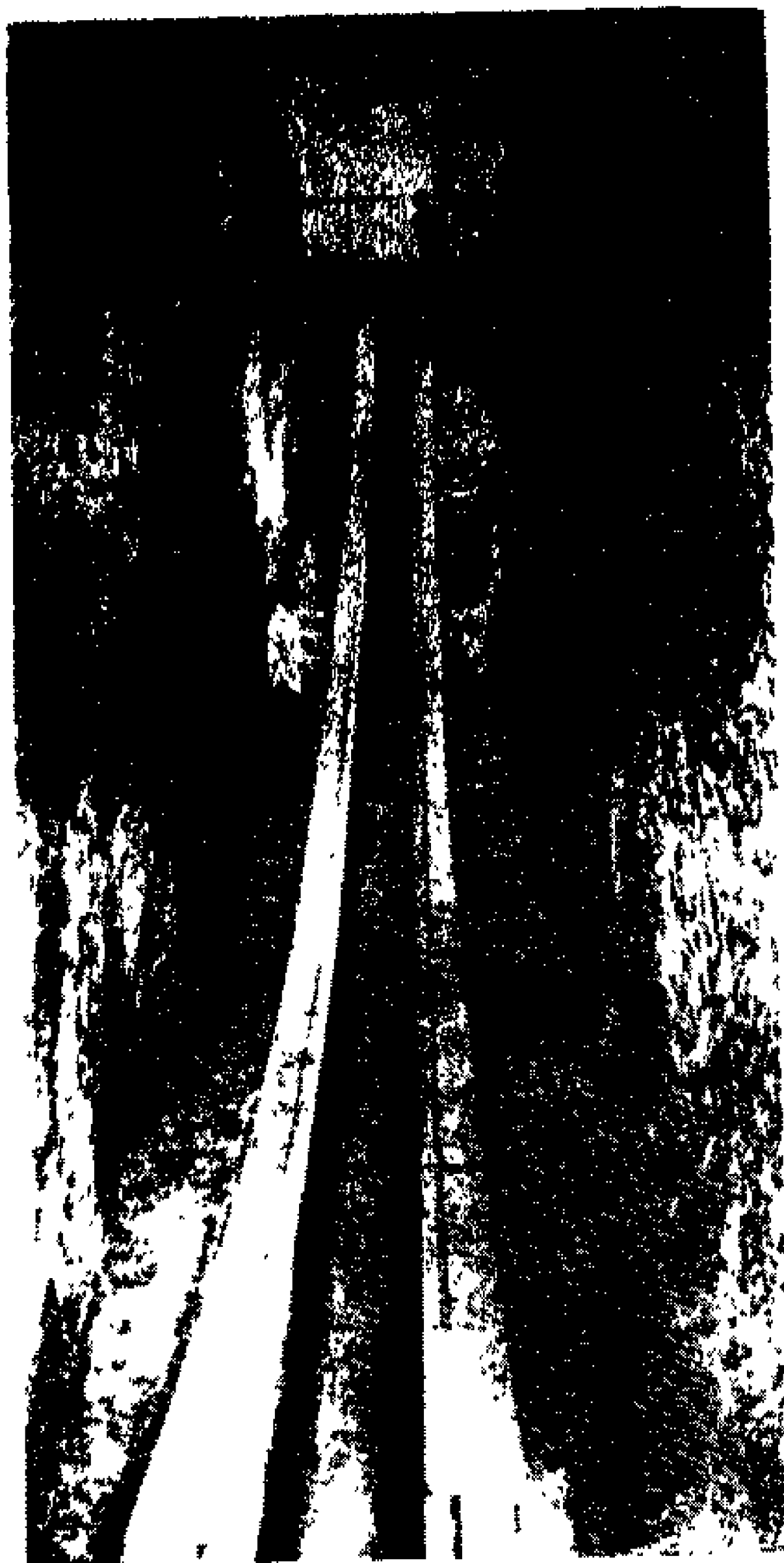


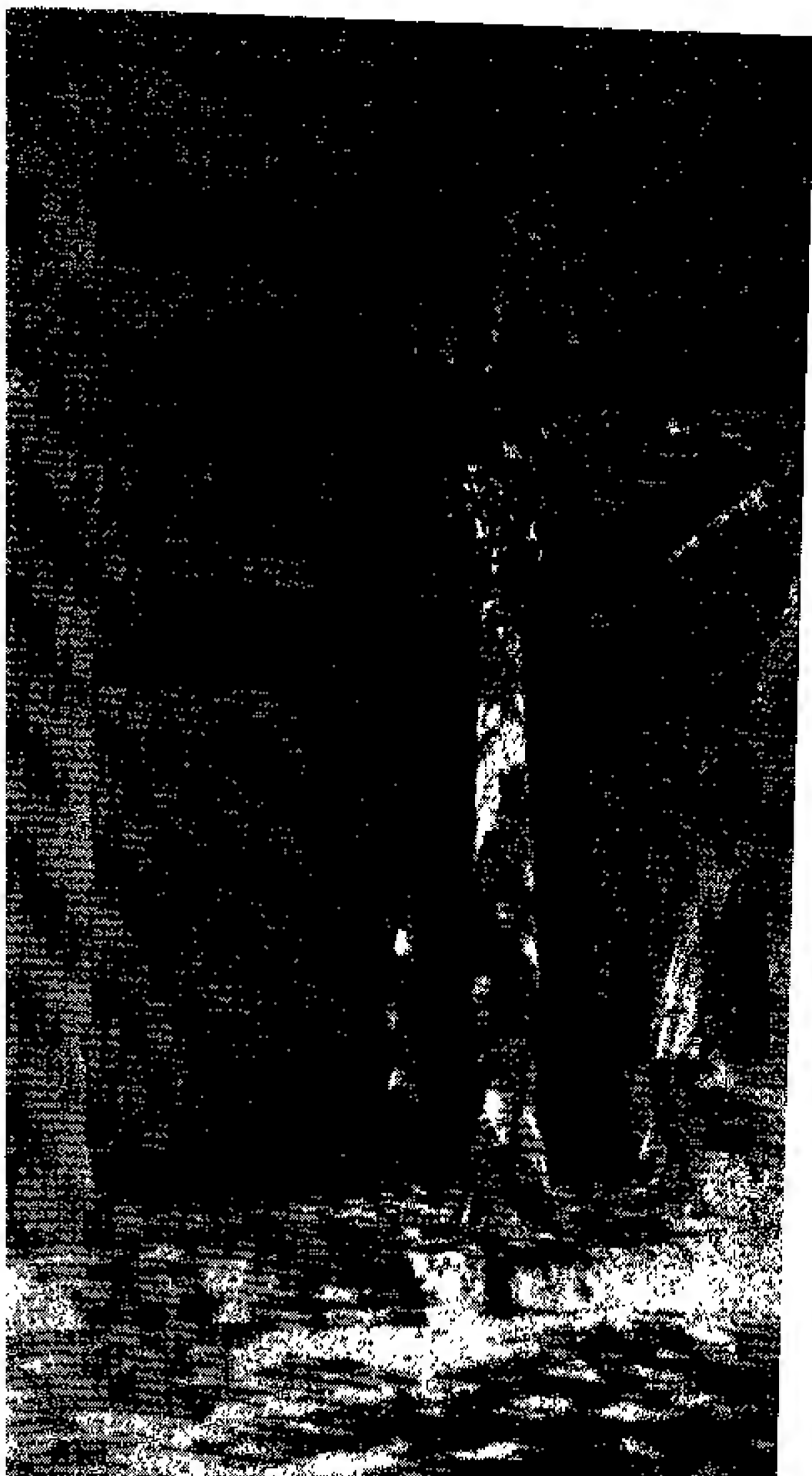
۸۴- سنگ قبر پهلوان محمود قتالی در حیوه



۸۵- قبر چهلایه اتمای در مرآت







۸۸- خانقاہ وقیم عبیداللہ احرار درسہ قند



## فهرست نامهای کسان و نسبت‌ها

آقارستم ۶۸۲	۱
آقازاده (محمد بن سلیمان بر سوی) ۲۷۲	سی سیرازی ۳۴۲
آقاسیف الملوك ۵۰۰	آش قندهاری ۸۳۳، ۵۴۲
آقاشاه بیکی فنا بی ۶۵۶	آتون هروی ۶۴۲
آقامیرك نقاش اصفهانی ۶۶۱	آتونی ۲۴۹
آقامیر همدانی ۵۲۴	آدمی (وگدایی) سمرقندی ۶۰۱، ۵۹۳
آق قویونلو ۴۹۹، ۲۳۴، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۶۵	آدینه قلی بیك تابعی ۶۴۹
۳۵۰-۳۵۱، ۴۸۲، ۴۹۴، ۷۹۸	آذربیدمار اسپند ۹
آق کوزی بیگم ۶۷۸	آذری طوسی بیهقی (جمال الدین علی -
آق ملک بن جمال الدین فیروز کوهی شاعی	حمزة بن ملک هاشمی) ۲۹۳، ۵۰۳ -
سمنواری ۱، ۲۳۵، ۸۰۳، ۵۲۳	۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۷۸۶
۶۲۲	۷۹۸، ۷۹۵
آگه ابن یمن شیرفانی (شیخ الشیوخ) ۵۸۷	آرامی ۱۰-۱۲
آگهی (جلال الدین محمد) ۳۳۱	آرزو سمرقندی (بی بی) ۳۴۹
آگهی تبریزی ۶۹۰	آزویی ۳۴۲
آگهی خراسانی ۸۳۵، ۵۶۲	آزادی استرابادی (خواجده علی) ۶۶۵
آگهی یزدی ۶۴۳	آسوری ۱۰
آل افراسیاب ۱-۲	آسوریان ۱۷
آل بارسلان ۴۹-۵۱، ۵۲، ۶۶، ۸۰، ۱۱۷	آصف آصفی هروی شیرازی ۳۰۸، ۶ -
آل باوند ۱۲۹	۳۰۹، ۴۳۱، ۵۲۸، ۵۵۹، ۶۰۹
آل برها ۵۵۱	۷۹۸
سیر ۷۶۹، ۷۵۸، ۷۴۵، ۷۷۰ -	آصف جاهی ۵۷۸
۸۱۳، ۷۸۰	آصف خان (میرزا قوام الدین محمد جعفر
آل بوید ۱۸، ۲۳، ۲۶، ۳۱، ۴۵ - ۷۰، ۴۶	بیك قزوینی مروستی) ۴۳۱، ۳۵۷
آل تیمور ۲۸	۴۶۵، ۶۴۲، ۶۵۰
آل خان ۲۰۷، ۷۲	آصف خان وزیر ۶۵۶
آل زیار ۲۲، ۱۸ - ۴۵، ۲۳ - ۴۶، ۶۵، ۲۶۸	آصفی هروی آصف، آ
آل سامان ۹۵	آغا ۲۲۶
آل طاهر ۱۸	آخاجی (ابو الحسن) ۲۲
آل عثمان ۱۳۴، ۱۹۸، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۶۲	آفاق ۳۴۹
۲۷۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۵۱، ۴۵۳	آفاق بیك جلایر ۳۴۲
۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۸ - ۴۸۳، ۴۷۹	آفتی قزوینی ۶۶۵
۴۹۰ - ۴۹۱، ۴۹۶ - ۴۹۸، ۶۲۸	آفتی مشهدی ۳۴۲
۷۵۲، ۸۰۱، ۸۱۱، ۸۴۰	آقا بادر کی جولیکی ۶۷۵
آل قاورد ۷۷	آقا بیگم ۳۴۹
	آقا جمال کرمانی ۴۶۲
	آقا خان محلاتی ۸۰۳



ابراهیم بن محمد اصطخری (ابواسحق) ۷۷۱، ۷۱  
 ابراهیم بن محمد بن حاج ابراهیم بن شهاب -  
 الدین گلشنی پردعی ۷۰۳، ۷۰۴ - ۷۰۴  
 ابراهیم بن مسعود غزنوی ۷۶  
 ابراهیم بن منصور بن خلف (ابواسحق) ۷۱۸  
 ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ۵۰۱  
 ابراهیم بن نصر (خضر خان بن طمغاج -  
 خان) ۹۷، ۹۶  
 ابراهیم بن نورالدین توفیق شیرازی  
 (رفیع الدین) ۸۰۵، ۳۶۸  
 ابراهیم بن ولی الله استرآبادی ۸۱۴  
 ابراهیم بیک شیرازی ۵۲۶  
 ابراهیم پاشا ۳۹۱، ۴۳۶، ۴۷۹، ۴۸۰ -  
 ابراهیم تبریزی ۶۹۰  
 ابراهیم جزایری ۴۳۲  
 ابراهیم حسین احدی بلوطی (خواجه) ۵۴۵  
 ابراهیم حسینی بلگرامی (عبدالواحد) ۷۴۲  
 ابراهیم خان بن محمد بیک بن امیر علاء -  
 الملك بن جهان شاه ۶۱۶، ۴۲۱  
 ابراهیم خان بن میرزا نورالدین هر خان بن  
 ابراهیم خان بن عادل ۶۱۶  
 ابراهیم خان ثانی ۶۱۶  
 ابراهیم خان ذوالقدر ۴۶۱  
 ابراهیم خان والی فارس ۴۶۹  
 ابراهیم خلیلی ۸۱۸  
 ابراهیم دردی (میر) ۵۰۴  
 ابراهیم زاهد گیلائی (شیخ) ۴۸۲، ۲۱۲  
 ابراهیم سامانی (ملك الدین) ۹۵  
 ابراهیم سرهندی (حاج) ۳۵۷  
 ابراهیم سلطان بن شاه رخ (منیث الدین  
 ابوالفتح) ۲۶۰، ۲۴۸، ۲۳۱، ۴۸  
 ۷۹۶، ۷۹۰، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۶  
 ابراهیم سلطان تیموری (ابوالفتح) ۴۸  
 ۳۰۰، ۲۹۶، ۲۶۰، ۲۴۸، ۲۳۱  
 ۷۹۶، ۷۹۰، ۳۲۰

ابراهیم سلماسی ۳۴۲  
 ابراهیم سیستانی ۳۴۲  
 ابراهیم شاه شرقی ۲۶۵  
 ابراهیم شروانشاه (شیخ) ۳۵۰  
 ابراهیم شیخ شاه ۴۰۸  
 ابراهیم شبروانی (کمال الدین) ۶۰۸، ۶۲۲  
 ابراهیم صدر (سلطان) ۳۴۲  
 ابراهیم عادل شاه ۲۶۸، ۴۲۰، ۴۳۳ -  
 ۸۲۶، ۸۰۵، ۴۴۵، ۴۳۴  
 ابراهیم غزنوی ۴۲ - ۶۴، ۴۴  
 ابراهیم فاروخی (قوام الدین) ۲۵۸  
 ابراهیم قاضی زاده همدانی (میر) ۵۰۴  
 ابراهیم قانونی ۳۴۲  
 ابراهیم قرمان اوغلو ۸۰۰  
 ابراهیم قطیفی ۳۸۰  
 ابراهیم کرمانی (میرزا) ۶۷۴  
 ابراهیم کرهینی (حافظ) ۶۳۱  
 ابراهیم گلشنی (شیخ) ۷۰۳، ۸ - ۷۰۴  
 ابراهیم لودی ۴۰۳، ۶۰۶، ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۳۳، ۸۳۹  
 ابراهیم میرزا بن بهرام میرزا ۴۵۴  
 ابراهیم میرزا بن میرزا سلیمان تیموری  
 بدخشی ۶۶۶، ۶۰۸  
 ابراهیم میرزا جاعی صفوی (ظهیر الدین  
 ابوالفتح سلطان) ۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰  
 ۸۲۹، ۶۵۵، ۵۲۷، ۵۱۲، ۴۹۱  
 ابراهیم همدانی ۴۱۴  
 ابقا خان ۱۳۴ - ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۶۳، ۱۸۰  
 ۲۲۳ - ۲۲۱  
 ابلیس ۶۶۳  
 ابن اثیر ۲۷۸، ۲۵۶  
 ابن اخیر المعزیز ۱۱۹  
 ابن اسفندیار (بها غالدین محمد بن حسن بن  
 اسفندیار کاتب) ۱۳۶، ۱۲۹  
 ابن عثم کوفی (ابو محمد احمد) ۱۳۲، ۱۵۷  
 ابن البلخی ۱۲۵  
 ابن الساجی (ابو المحاسن محمد بن سعد بن

ابن الشیخ شبستری ۳۹۰  
 ابن الطقطقی (سفی الدین محمد بن علی  
 علوی) ۱۸۴  
 ابن العربی (یحیی الدین) ۱۶۴، ۱۱۶  
 ۷۳۹، ۶۲۰، ۳۹۴، ۲۸۸، ۱۷۳  
 ۷۸۴، ۷۵۷  
 ابن العزیز (کمال) ۱۷۸  
 ابن العارض ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۷۵، ۲۸۹  
 ۷۸۸، ۷۶۳  
 ابن الغدیه (زین العابدین علی) ۱۸۰، ۲۲۶  
 ابن الملقن (سراج الدین عمر بن علی) ۱۳۲  
 ابن المؤید ۳۹۱  
 ابن المؤید (مولی) ۲۶۷، ۲۷۷  
 ابن بابویه (صدوق) ۳۷۴  
 ابن باکویه ۵۲، ۷۱۷  
 ابن براز ۱۸۶  
 ابن بطارن بغدادی ۷۳۸  
 ابن بنی ۷۲۲  
 ابن نبی (ناصر الدین حسین بن مجد الدین  
 محمد ترجمان جعفری زغدی) ۱۴۹  
 ابن بیطار ۷۹۳  
 ابن تاج گیلانی (بیاع الدین) ۸۴۰  
 ابن تاج گیل ۸۴۰  
 ابن جلال ۲۲۶  
 ابن چنگی هروی (درویش علی) ۶۰۱  
 ابن حاجب ۱۴۷، ۱۸۳، ۱۹۱، ۳۵۵  
 ۲۶۵-۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۸۸  
 ۳۵۶، ۳۷۶، ۳۸۹، ۳۹۳، ۷۹۰  
 ۸۰۲  
 ابن حجر ۳۷۲، ۳۹۴، ۵۵۲، ۶۶۳  
 ابن حجر شمس ازنی ۱۳۲، ۶۸۲  
 ابن حجر مفتی عربستان ۴۱۶، ۸۴۹  
 ابن حجر عسقلانی (مکی) ۳۸۱، ۳۹۴، ۸۱۹  
 ۸۲۹  
 ابن حسه شمس الدین ۳۴۲  
 ابن حسه خوانق ۱ محمد بن حسه الدین  
 ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۳۰۷، ۸۷  
 ابن حسه ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۳۰۷، ۸۷

ابن حسام هروی (جمال الدین محمد بن-  
 حسام) ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۷۵  
 ابن حسام هروی (نظام بن کمال بن جمال بن  
 حسام) ۲۷۵، ۹۰  
 ابن خرداذبه ۷۷۷  
 ابن خطیب (امیر احمد گنجوی) ۸۵، ۸۸  
 ۱۰۵، ۱۰۸، ۲۳۹  
 ابن خلکان ۲۵۴-۲۵۵، ۳۸۲  
 ابن خیام ۱۸۰  
 ابن رشید غزنوی (مجد الدین) ۷۹  
 ابن زنگی شیرازی ۱۸۰  
 ابن سینا ۲۱، ۲۶، ۵۴، ۷۰، ۱۲۴-۱۲۵  
 ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۸۳، ۷۳۵  
 ابن شرفشاه (منوچهر) ۱۸۰  
 ابن شهاب (حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج  
 الدین یزدی) ۲۳۹  
 ابن طلحه ۱۷۷  
 ابن ظفر ۷۵۷  
 ابن عارف رومی ۱۹۹  
 ابن عربشاه (شهاب الدین ابوالعباس یا  
 شمس الدین ابو محمد احمد بن محمد-  
 ابن عبداللّه بن ابراهیم بن عربشاه دمشق  
 حنفی عجمی) ۲۷۹  
 ابن عربشاه (محمد بن ابوزید بن عربشاه-  
 ابن ابوزید حسینی علوی ورامیتی)  
 ۲۴۵  
 ابن عطار شیرازی ۱۸۰  
 ابن عقبه ۶  
 ابن خال ۱۸۰  
 ابن علی هروی ۶۴۸  
 ابن علی واثقی یا واقعی هروی ۵۵۶، ۶۶۴  
 ابن عینی واقعی طوسی ۶۶۴  
 ابن علی واقعی یا واثقی هروی ۵۵۶، ۶۶۴  
 ابن عماد (علی بن عماد الدین استرآبادی)  
 ۲۶۱  
 ابن عماد شیرازی (حافظ عماد الدین محمد  
 ابن حافظ عماد الدین) ۲۱۷، ۲۴۲  
 ۵۴۲، ۷۶۵

ابو ابراهیم اسمعیل بن نوح منصور سامانی  
۲۲

ابو احمد عبدالملک بن عصام بن ابوبکر  
ابن محمد بن عبدالرحیم بن ابوبکر  
علی صاحب الهدایه سمرقندی ۲۱۴-  
۲۲۵، ۲۱۴

۳۱، ۳۴،

۴۵

ابو اسحق ابراهیم اصطخری ۷۷۱، ۷۷۱  
ابو اسحق ابراهیم بن شهریار بن زادن  
فرخ بن فیروز کازرونی ۷۳۵، ۷۵۹،  
۷۶۵

ابو اسحق ابراهیم بن محمد اصطخری  
فارسی معروف بکرخ ۷۷۱، ۷۷۱  
اسحق ابراهیم بن منصور بن خلف  
۷۱۸

ابو اسحق احمد حلاج شیرازی (جمال الدین)  
۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷، ۲۲۰  
ابو اسحق اینجو (شیخ) ۱۴۸-۱۴۹،  
۱۸۳-۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵،  
۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱-۲۰۵،  
۲۱۴، ۲۱۶، ۲۶۰، ۲۹۷

ابو اسحق بن ابوطاهر بن ابوالعالی  
بتجیری شیرازی (قوام الدین) ۷۶۱،  
۷۶۹-۷۷۰

ابو اسحق بن جلال الدین محدث کازرون  
(جمال الدین) ۷۶۵

ابو اسحق جویباری ۲۲

ابو اسحق جویباری (خواجه) ۵۷۷،  
۵۸۸

ابو اسحق حلاج شیرازی ۲۰۴، ۲۹۶-  
۲۲۰، ۲۹۷

ابو اسحق شیرازی ۲۶۵

ابو اسحق علی بن ابوعلی عثمان جلابی  
هجویری غزنوی ۶۵

ابو اسحق فخر و قاضی ۲۱۵

ابو اسحق قاضی شپاک ۲۶۲

ابو اسحق قیستانی ۱۶، ۱۷

ابو اسحق هیتوی ۳۴۲

ابن عنبه ۶

ابن عنبه ۶

ابن قیث (حسین بن قیث الدین محمد)  
۲۹۹

ابن قتیبه (زین الدین علی قتیبه) ۱۸۰،  
۲۲۶

ابن فندق (ظاهر الدین ابوالحسن علی بن  
ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین  
بیضی) ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۹، ۳۱۷،  
۷۲۷

ابن قتیبه ۷۱۴

ابن قیثم الجوزیه (ابو عبد الله محمد بن ابوبکر  
بن ایوب) ۷۱۸

ابن کمال پاشا (شمس الدین احمد بن سلیمان  
کمال پاشا زاده) ۳۹۵، ۸۱۰-۸۱۱

ابن لعلی شاه بدخشان ۳۳۲

ابن مسعود ۲۳۶

ابن مطهر ۷۹۵

ابن معین (خسرو بن عابد ابرقوهی) ۲۳۶،  
۲۷۲

ابن معین (فخر الدین یحیی بن معین شیرازی)  
۲۱۷، ۱۸۰

ابن مقفع ۱۳۹

ابن منور ۷۲۲

ابن موفق قمی ۱۸۰

ابن نصر بنی (مسعود) ۱۸۰

ابن نصوح شیرازی فارسی ۲۰۱

ابن همکر ۷۷۲

ابن زین شبرغانی (شیخ الشیوخ آگه)  
۵۸۸

ابن زین فیروزی (فخر الدین محمود بن  
یمین الدین) ۴۰۰، ۴۰۱-۴۲۶،  
۷۶۱

ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن بن محمد-  
ابن احمد حسینی گرجانی (سید زین-  
الدین) ۹۲۱، ۱۳۴، ۱۳۷

ابو بن عبد الله اسمعیل بن محمد بن عبد الله بن  
احمد بن مهمل بن ریح آهلی بخاراوی  
مستدرک در معری ۲۹، ۲۱۶

ابوالجناح احمد بن عمر بن محمد بن  
عبدالله خبوی خوارزمی (نجم الدین  
کبری) ۱۱۵-۱۱۶، ۱۳۰، ۱۶۵،  
۱۷۳، ۲۳۲، ۲۵۶، ۷۲۲-۷۲۴،  
۷۴۳، ۷۴۶، ۷۵۴

ابوالجوارج علی بن محمد نیشابوری ۷۱-  
۷۲

ابوالجوهر ۲۵  
ابوالحارث احمد بن سنجری ملک شاه  
(ناصر الدین) ۸۰

ابوالحر ۲۵  
ابوالحسن ۲۵

ابوالحسن ر. اوس  
ابوالحسن (میرزا) ۴۳۵

ابوالحسن آغاچی ۲۲  
ابوالحسن ابیوردی (دانشمند) ۳۹۱، ۴۴۲-  
۴۴۳

ابوالحسن احمد بن عمر بن علی نظامی  
سمرقندی عروسی (نظام الدین یا

نجم الدین) ۵۱، ۹۰، ۱۱۹، ۷۱۹  
ابوالحسن احمد بن محمد قدوری بغدادی  
۱۵۵

ابوالحسن اسحق کسائی مروزی (مجدد  
الدین) ۲۶، ۳۷

ابوالحسن اورمزدی ۲۳-۲۵  
ابوالحسن بستی ۵۵

ابوالحسن بن احمد ابیوردی (دانشمند)  
۳۹۱-۳۹۲، ۴۴۲-۴۴۳، ۸۲۶

ابوالحسن بن احمد باوردی ۴۲۹  
ابوالحسن بن احمد جام (فخر الدین)  
۷۲۰

ابوالحسن بن تغریبوردی ۲۷۹  
ابوالحسن بن محمد بن اسمعیل لامعی

گرگانی دهستانی ۴۵-۴۶-۵۰-۵۱  
ابوالحسن بن محمد یزدادی ۱۲۹

ابوالحسن بهرامی سرخسی ۳۵، ۸۸  
ابوالحسن بیهقی (ظهیر الدین علی بن  
ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین)

۲۶۵، ۲۷۷  
والثنا یا محمود بن ابوبکر ارموی

هروی ۵۲، ۵۷-۵۸، ۶۳، ۱۹۲  
۲۶۲، ۲۸۴، ۲۸۹، ۳۰۸، ۳۲۵  
۲۲۸، ۲۳۲، ۲۵۲، ۳۵۹، ۵۶۷  
۶۴۳، ۶۵۳، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۹  
۷۵۸، ۷۸۰، ۷۸۱

ابوالاشعث قسی ۱۹  
ابوالبرکت بغدادی ۱۲۳، ۷۵۳

والبرکت عبدالرحمن بن نظام الدین  
احمد بن شمس الدین محمد جامی

(عماد الدین یا نور الدین) ۵۸، ۱۵۵  
۱۶۳، ۱۶۹، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۵،

۲۸۵-۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲،  
۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۱-

۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۲، ۳۲۲، ۳۸۴،  
۳۹۰، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۱۵،

۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۶۶، ۴۶۶،  
۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۷، ۵۶۹-

۵۷۰، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۱۵-  
۶۱۸، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۴۵، ۶۴۷

۶۶۳، ۶۷۷، ۷۶۶، ۷۷۵، ۷۷۷  
۷۸۱، ۷۸۴، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶،

۸۲۶  
البرکت مجد الدین بیهقی ۸۸

ابوالبرکت نراقی ۳۴۲  
ابوالبرکت هروی ۶۸۷

ابوالبرکة ایوب فریقی شهرسبزی ۶۱۲  
ابوالبرکة سمرقندی ۳۴۲

ابوالبقا ۱۷۷  
ابوالبقا بقایی ۵۰۵، ۸۳۱

ابوالبقا بن خواجه جهاد الدین مخدوم اعظم  
۴۰۱

ابوالبقا بن سلطان حسین میرزا ۳۴۲  
ابوالبقا بن عالی ۱۹۲، ۷۶۶

ابوالبقا بن یزید ۱۷۸  
ابوالبقا محمد بن موسی بن عیسی بن علی

دمیری مصری شافعی (کمال الدین)  
۲۶۵، ۲۷۷

والثنا یا محمود بن ابوبکر ارموی

۷۲۷، ۳۱۷، ۱۳۹، ۱۳۰، ۱۲۳

ابوالحسن ترك (حاجی) ۳۴۲

ابوالحسن حروفی ۷۷۱

ابوالحسن حسینی ۳۹۴

ابوالحسن خرقانی ۵۷، ۲۴

ابوالحسن دانشمند ابوردی ۳۹۱-۳۹۲،

۸۲۶، ۴۴۲

ابوالحسن دیلمی ۲۸۳

ابوالحسن شهید بن حسین وراق بلخی ۲۱

ابوالحسن صاعد بن علی گرگانی ۲۶۱،

۷۷۷

ابوالحسن طبری ۲۴۸

ابوالحسن طلحه مروزی (شهاب الدین) ۸۸

ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر صوفی ۷۱

ابوالحسن عراقی ۵۵

ابوالحسن علی الاعلی ۷۶۵، ۷۹۰

ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن محمد

ابن حسین بیهقی ابن فندق (ظهیر الدین)

۷۲۷، ۳۱۷، ۱۳۹، ۱۳۰، ۱۲۳

ابوالحسن علی بن اسمعیل اصفهانی

(شرف الدین) ۷۳۸

ابوالحسن علی بن احمد نسوی (استاد

مختص) ۷۰، ۶۳

ابوالحسن علی بن جعفر خرقانی بسطامی

۵۷، ۲۴

ابوالحسن علی بن جولوغ فرخی سیستانی

۷۶، ۷۰، ۳۸-۳۶، ۳۲، ۲۶، ۲۲،

۸۴

ابوالحسن علی بن حسن بن علی بن ابوطالب

باخرزی (رئیس شهید) ۱۲۳، ۵۲،

۷۱۷

ابوالحسن علی بن عبدالحمید بن علی دایه

بینقی ۵۵

ابوالحسن علی بن محمد عمرانی سرخی

(رئیس مجدد الدین) ۸۱

ابوالحسن علی بن محمد مدایفی ۱۸۶

ابوالحسن علی بن محمد منجیات ترمذی

۷۶، ۳۷، ۲۶، ۲۲

ابوالحسن علی بن یوسف بن جریر لخمی

شافعی (نور الدین) ۱۳۲

ابوالحسن علی بهرامی سرخی ۸۸، ۳۵

ابوالحسن فراهی ۵۵

ابوالحسن کسائی مروزی (مجدالدین)

۳۷، ۲۶

ابوالحسن لوکری غزوانی ۲۲

ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی ۲۸۴

ابوالحسن محمد بن زین الدین حاجی بن

احمد انیسی اسفر غابادی (وحید الدین

میرجان) ۶۳۰-۶۲۹، ۳۷۳، ۲۶۲

ابوالحسن محمد بن علی بن ابوعلی احمد

ابن ابوالحسن محمد بن ابومنصور-

الزبارة علوی حسینی بیهقی ۵۵

ابوالحسن محمود بن حسن بشادی ۷۱۴

ابوالحسن محمود بن حسن وراق نیشابوری

۷۱۲، ۳۰-۷۱۴

ابوالحسن یزدانی ۵۵

ابوالحسن محمد کورت (معز الدین) ۷۶۱

ابوالحسن محمد مرادی بخارایی ۲۱

ابوالحسن قتیلی سمرقندی ۵۹۰

ابوالخطاب خسرو شاه بن بهرام شاه (ملك

نصرة الدین) ۱۷۲

ابوالخیر گوزگانی ۲۵

ابوالخیر (مولانا) ۵۷۴

ابوالخیر المالک ۷۳۱

ابوالخیر بلخی عاشق (کمال الدین) ۸

ابوالخیر خان ۴۸۶

ابوالخیر خان بن جوا نمر دعلی خان شیبانی

۵۷۲، ۵۶۸-۶۷۸، ۵۷۴

ابوالخیر خان بن دولت شیخ ۶۷۸، ۳۵۵

ابوالخیر زامی هروی ۵۸۳

ابوالخیر سلطان بزمی شیبانی ۵۷۲، ۵۹۱-

۵۹۹، ۵۹۲

ابوالخیر سمرقندی ۳۴۲

ابوالخیر مهر وردی ۶۲۹

ابوالخیر عاشق سمرقندی ۶۵۴

ابوالخیر عبداللہ بن صر بیضاوی (ناصر-

الدین یا نصیر الدین یوسعید) ۱۳۹،

۷۳۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵

حنجی اصفهانی شیرازی معروف  
بحواجه ملا یا خواجه مولانا اصفهانی  
(امین الدین) ۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹،  
۵۲۳، ۶۱۹، ۶۲۷، ۶۶۳، ۷۲۲،  
۷۷۵  
ابوالخیر لنگ ۵۸۹  
ابوالخیر محمد بن احمد مراد آبادی  
فاروقی نقشبندی مجددی ۷۳۱  
- ابوالخیر محمد بن محمد فارسی (تقی الدین)  
۳۸۶، ۴۴۶  
ابوالرشید عبدالجلیل بن ابوالحسین  
ابن ابوالفضل قزوینی رازی (نصیر-  
الدین) ۱۲۵  
الرضازن ۷۴۶  
ابوالریحان محمد بن احمد بیرونی  
خوارزمی ۳۰، ۳۱  
ابوالسوار حکمران قنجه ۳۶  
ابوالشجرى مستدلی غزنوی (مجدالدین)  
۹۵  
ابوالشرف محمد ۲۳۶  
ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی  
جرفادقانی ۱۲۸، ۱۲۵  
- ابوالصفا (امیر صفی الدین) ۶۳۳  
ابوالعباس آملی قصاد ۶۲، ۵۷  
ابوالعباس احمد بن ابوالخیر زرکوب  
معین (فخر الدین) ۱۸۶  
ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالکریه  
قصاب آملی ۲۴  
ابوالعباس احمد بن محمد بن عبداللہ بن  
ابراہیم بن عربشاه دمشقی حنفی  
عجمی بن عربشاه (شهاب الدین ی  
شمس الدین ابو محمد) ۲۷۹  
ابوالعباس احمد قسطنطنی ۱۳۲  
ابوالعباس امامی ۷۹، ۲۵  
ابوالعباس بخاراوی ۲۵  
ابوالعباس دہنجی بخاراوی ۲۱  
ابوالعباس بن فضل ۷۲  
ابوالعباس شهاب الدین ابن عربشاه ۲۷۹

ابوالعباس عنبر ۲۵  
ابوالعباس فضل بن محمد لوکری ۵۴  
۷۲۸، ۶۰  
ابوالعباس قصاب آملی ۲۴  
ابوالعباس قصاد آملی ۶۲، ۵۷  
ابوالعباس لوکری ۵۴، ۷۲۸، ۶۰  
ابوالعباس مامون خوارزمشاه ۷۱۲  
ابوالعباس مروزی ۷۱۲  
ابوالعبیر عنبر ۲۵  
ابوالعشایر ظفر بن محمد بن عبدالله کافی  
همدانی ۵۲  
ابوالعطا محمود بن علی بن محمود  
مسترشدی خواجو کرمانی (کمال-  
الدین) ۱۹۹، ۴-۲۰۰، ۲۰۸، ۲۶۰  
ابوالعلا حسینی ۲۲۶  
ابوالعلا ششتری ۲۲  
ابوالعلا صاعد بن محمد بن عبدالرحمن  
قاضی ۷۳۹  
- ابوالعلا صاعد بن مسعود (رکن الدین) ۱۰۱،  
۷۳۰  
ابوالعلا عید المؤمن جاروتی ۲۵۸  
ابوالعلا عطاء بن یعقوب کاتب رازی ناکوک  
عمید عطاء یعقوب ۴۳  
ابوالعلا گنجوی (نظام الدین) ۱۰۳، ۱۰۷  
- ابوالغازی سلطان ابوسعید بهادر خان بن  
منصور کوچ کانی ۲۹۸  
ابوالغازی سلطان حسین بایقرا در حسین  
بایقرا  
ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان  
ازبک ۳۵۵، ۴۸۷، ۵۸۶، ۶۰۴  
ابوالغازی شمس الدین بن کمال الدین  
محمد (مظفر الدین) ۲۵۶  
ابوالغازی عبدالعزیز بهادر خان عزیزی  
شیبانی ۴۰۰، ۵۷۹، ۶۰۵  
ابوالغازی عبدالله بهادر خان ازبک ۷-۸،  
۳۷۵، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۳۶-  
۵۲۷، ۵۶۰، ۵۶۸-۵۶۹، ۵۷۲-  
۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵-۵۹۷، ۶۰۱،  
۶۰۴-۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۵،



۹۰	۶۱۷، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۶۷، ۶۷۲
ابوالفتح بن صدرالدین محمد (دکن الدین)	۶۷۴، ۶۹۰، ۸۲۰، ۸۳۶
۷۴۱	ابوالغازی عیدالله خان ازبک ۶-۸، ۲۵۲
ابوالفتح بن محمد بن ابوسعید شریفی	۲۵۳، ۲۸۵، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۴۶
حسینی قاج سعیدی ۲۷۲	۳۸۴ - ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۰۶
ابوالفتح بیک بایندر ۲۶۶	۴۰۷، ۴۰۹، ۴۶۴، ۴۷۷، ۴۸۶
ابوالفتح بیک ترکمان ۵۰۵	۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۵
ابوالفتح تیریزی (حکیم) ۶۹۶	۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۵، ۷۰۵
ابوالفتح جنابدی ۶۶۶	ابوالفتح طاهر ۷۲۳
ابوالفتح حسینی ۱۸۶	ابوالفتح عبدالکریم بن احمد هروی ۵۵
ابوالفتح سعیدی ۷۵۳	ابوالفتح (امیر) ۵۰۸
ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا صفوی	ابوالفتح (حکیم مسیح الدین) ۴۱۷،
۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱، ۵۱۲	۴۲۵، ۴۴۹، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶
۵۲۷، ۶۵۵، ۸۲۹	۸۳۳
ابوالفتح شاه حسین غازی ۳۷۷	ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ
ابوالفتح طاهر بن فخرالملک مظفرین	(منیث الدین) ۲۳۱، ۲۳۸، ۲۶۰
نظام الملک (ناصرالدین) ۸۱، ۲	۲۹۶، ۳۰۰، ۳۲۰، ۷۹۰، ۷۹۶
ابوالفتح طاهر بن مظفر وزیر (ناصرالدین)	ابوالفتح ابراهیم سلطان تیموری ۴۸
۸۱، ۲	۲۳۱، ۲۶۰، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۲۰
ابوالفتح عبدالرحیم بن منصور محتشم	۷۹۰، ۷۹۶
قهستان (ملک ناصرالدین) ۱۳۷	ابوالفتح ابراهیم میرزا صفوی (ظهیر -
۱۳۹	الدین) ۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱
ابوالفتح عبدالکریم بن احمد حاتم هروی	۵۱۲، ۵۲۷، ۶۵۵، ۶۲۹
(امیر) ۴۱	ابوالفتح اسحق بن امین الدین جبرئیل
ابوالفتح علی بن محمد بستی ۴۵، ۴۹۵	موسوی اردبیلی (صفی الدین) ۱۸۶،
ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری	۲۱۱-۲۱۲، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۸
(نصرة الدین یا غیاث الدین ابو حفص)	۴۸۱، ۴۸۴، ۴۹۱، ۷۴۷، ۷۶۷
۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹	۸۱۸، ۷۹۳
۱۷۳، ۲۵۷، ۳۹۷، ۴۱۳	ابوالفتح بدیع الزمان میرزا بن حسین
ابوالفتح کیخسرو بن قلج ارسلان بن مسعود	یا قرا تیموری ۲۳۲، ۲۴۰، ۲۴۱
(غیاث الدین) ۱۱۹، ۱۴۵	۳۰۸، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۸، ۴۶۱
ابوالفتح کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان	۶۷۱-۶۷۲، ۶۸۰-۶۸۱، ۶۹۷
۱۴۱	۷۸۱
ابوالفتح گیلانی (حکیم) ۴۱۷، ۴۲۵	ابوالفتح بستی (علی بن محمد) ۴۵، ۳۹۵
۵۴۱، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶، ۸۳۳	ابوالفتح بن احمد جام (جمال الدین)
ابوالفتح مسارک شاه (میرالدین) ۲۳۶	۷۲۰
ابوالفتح محمد اکبر بابری تیموری (جلال الدین)	ابوالفتح بن برهان الدین احمد بن محمد
۶۶۷، ۶۶۸، اکبر و جلال الدین	سیواسی (برهان الدین) ۱۹۳
ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم	ابوالفتح بن سیف الدین (غیاث الدین)

ابن ابوبکر احمد دهرستانی شافعی  
اشری ۱۲۶، ۳۵۰  
ابوالفتح محمد بن اسحق ولی الله بن شمس  
الدین محمد قادری ملتانی (شمس-  
الدین) ۴۰۵  
ابوالفتح محمد بن شمس الدین ابوالعمالی  
مطهر بن احمد جام زنده پیل (قطب-  
الدین) ۷۹۵، ۷۳۷  
ابوالفتح محمد بن عبدالباقی شریفی  
شیرازی میرزا مخدوم (امیر سید)  
۳۵۰، ۷۲۳  
فتح محمد بن  
بخاری پارسا (شمس الدین یا جلال-  
الدین) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-  
۲۲۱، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
ابوالفتح محمد بن یوسف سیسی پ-  
دهلوی کیسودراز وخواجہ بندہ نواز  
(سید صدرالدین) ۱۹۶، ۴۰۶، ۷۲۲،  
۷۵۴، ۷۲۵  
ابوالفتح محمد شبانی بن شاء بوداق  
معروف شبانی خان ۵، ۴۸۳، ۶۷۸  
ابوالفتح محمد شبانی خان یا شیبک خان  
ازبک ۵، ۴۸۳، ۶۷۸  
ابوالفتح محمد فاتح آل عثمان ۲۳۹،  
۲۶۹-۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۶، ۲۸۷-  
۲۹۲، ۷۹۹، ۸۰۱  
ابوالفتح (مسیح الدین حکیم) ۴۱۷،  
۴۲۵، ۵۴۱، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶،  
۸۳۳  
ابوالفتح مظفر بن محمد نیشابوری (خواجہ  
عمید) ۵۲  
ابوالفتح نصر بن خلف (تاج الدین) ۸۲  
ابوالفتح یحیی بن حبش بن امیرک  
سهروردی شیخ اشراق (شهاب الدین)  
۱۱۰  
ابوالفتوح ۳  
ابوالفتوح احمد بن محمد غزالی ۶۹،  
۱۱۱، ۶۳۰، ۷۲۵، ۷۵۳  
ابوالفتوح بن بهاء الدین نقشبند ۷۸۸

ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد رازی  
(جلال الدین) ۱۲۶، ۱۳۰  
ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمد نیشابوری  
۱۲۵  
ابوالفرات ۷۷۲  
ابوالفرج احمد بن محمد کافی کرجی  
۲۲۴  
ابوالفرج اصفهانی ۷۱۴  
ابوالفرج بن مسعود رومی ۴۲، ۷۶، ۸۲،  
۸۸  
ابوالفرج زنجانی ۷۷۴  
ابوالفرج سگزی سیمجوری ۳۵  
ابوالفضایل عبدالقادر بن غیبی مراغی  
(کمال الدین یا نظام الدین) ۱۴۷،  
۲۶۱، ۷۷۳، ۷۷۷-۷۷۸، ۷۸۲،  
۸۱۴  
ابوالفضایل عبدالله بن محمد عین القضاة  
همدانی میانجی (ضیاء الدین) ۶۹،  
۱۱۱، ۱۳۹، ۱۹۶، ۷۱۵، ۷۲۲،  
۷۷۳  
ابوالفضل احمد بن محمد بن احمد بن  
مهریز دمبیدی یزدی (رشید الدین)  
۷۱۷، ۷۲۸  
ابوالفضل احمد بن ولی الدین پاشا ۳۳۸  
ابوالفضل اسمعیل بن جمال الدین ابو  
محمد عبداللہ بن عبدالرزاق اصفهانی  
(کمال الدین) ۷۴، ۱۰۰، ۱۴۱،  
۱۵۷-۱۵۸، ۲۳۹، ۲۹۸، ۷۳۹-  
۷۴۰، ۸۳۰  
ابوالفضل بن مبارک علامی ۳۶۳-۳۶۵،  
۴۲۴-۴۲۵، ۴۳۱، ۵۳۲، ۵۴۸،  
۶۰۰، ۶۰۲، ۶۶۹  
ابوالفضل بنداری ۷۵۳  
ابوالفضل بیہقی ۵۵  
ابوالفضل تبریزی ۱۷۷  
ابوالفضل تبریزی معروف بوجلی بیگ  
علامی (شیخ کمال الدین) ۵۲۰  
ابوالفضل حبیب بن ابراهیم متبیب تفلیسی  
(شرف الدین) ۱۲۸، ۷۲۷

ابوالفضل حسن بن فضل طبرسی (رضی-  
 الدین) ۳۷۱، ۳۷۳  
 ابوالفضل رشیدالدین میبندی ۷۱۷،  
 ۷۲۸  
 ابوالفضل طاهر بن محمد فارابی (ظہیر-  
 الدین) ۷۴، ۹۳، ۱۰۶-۱۰۷، ۷۲۰، ۸۰۳  
 ابوالفضل عبدالرحمن فضل اللہ ۷۶۴  
 ابوالفضل عبدالوہاب (شمس الدین یا  
 تاج الدین) ۲۸۰  
 ابوالفضل عثمان بن احمد مروی حاجی  
 ہریوہ ۸۸  
 ابوالفضل علامی ۳۶۳-۳۶۵، ۴۴۴-  
 ۴۲۵، ۴۳۱، ۵۳۲، ۵۴۸، ۶۰۰،  
 ۶۶۹، ۶۰۲  
 ابوالفضل فضل اللہ راجی حسینی (شرف-  
 الدین) ۱۴۴  
 ابوالفضل کازرونی ۳۶۴  
 ابوالفضل محمد بن حسن سرخی ۶۱-  
 ۶۲  
 ابوالفضل محمد بن حسین بیہقی ۳۰، ۶۴-  
 ۶۵، ۱۸۵، ۷۱۲  
 ابوالفضل محمد بن داود بناکتی (تاج-  
 الدین) ۷۳۱  
 ابوالفضل محمد بن عمر خالد قرشی  
 (جمال قرشی) ۱۴۶  
 ابوالفضل مسرور بن محمد طالقانی مسرور  
 خراسانی ۴۲  
 ابوالفضل منشی شیرازی ۳۹۸  
 ابوالفضل مہتہ (خواجہ) ۶۲۰  
 ابوالفوارس قناوزی ۲۹-۲۰، ۱۲۸،  
 ابوالفیض (خواجہ) ۵۶۹  
 ابوالفیض آنی کولی (قاضی) ۶۰۳  
 ابوالفیض بن مبارک ناگوری ۳۶۳  
 ابوالفیض فیضی ۳۶۳-۳۶۴، ۴۱۷،  
 ۴۲۸، ۴۲۲، ۴۳۴، ۴۶۶، ۵۳۰،  
 ۵۴۴، ۶۰۰، ۶۶۰، ۶۶۹، ۶۸۸،  
 ۸۱۹، ۸۰۳  
 ابوالقاسم (تاج الدین) ۱۸۰

ابوالقاسم (راوی) ۱۳۳ ۱  
 ابوالقاسم (میرزا) ۴۷۶، ۷۷۱  
 ابوالقاسم احمد بن حسن میبندی شہ  
 الکماۃ ۳۴-۳۵، ۴۵  
 ابوالقاسم اسحق بن محمد بن اسمعیل  
 ابراہیم بن زید سمرقندی (حکیم)  
 ۲۹، ۲۸۱، ۷۱۶  
 ابوالقاسم اسکویی (امیر) ۷۰۳  
 ابوالقاسم اصفہانی ۶۶۶  
 ابوالقاسم امری شیرازی ۵۳۹، ۷۰۹  
 ابوالقاسم پیر (ظہیر الدین) ۲۳۴، ۲۲۰،  
 ۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶-۲۹۵،  
 ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۸-۳۲۹،  
 ۳۲۳، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۶۱، ۳۶۳،  
 ۳۹۹، ۴۰۴-۴۰۵، ۴۱۱، ۴۲۵،  
 ۴۵۳، ۴۷۲، ۴۷۵-۴۷۶، ۵۴۲،  
 ۵۴۹، ۵۶۰، ۵۶۳، ۶۰۵-۶۰۹،  
 ۶۱۴-۶۱۵، ۶۴۱-۶۴۲، ۶۴۵،  
 ۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۷-۶۶۸، ۶۷۰،  
 ۶۷۷، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۳، ۷۰۸،  
 ۸۰۸-۸۰۹، ۸۲۳، ۸۲۵-۸۲۶،  
 ۸۳۹  
 ابوالقاسم بابر ی ۷۰۸  
 ابوالقاسم بشر بن محمد بن یاسین ۲۴،  
 ۷۱۵  
 ابوالقاسم بن ابو حامد بن نصر بلخانی انصاری  
 کازرونی ۸۱۳  
 ابوالقاسم بن ابوسعید راقی قزوینی  
 (امام الدین) ۱۸۰  
 ابوالقاسم بن عثمان ۱۱۷  
 ابوالقاسم بن کامران بابر ی (میرزا) ۷۰۸  
 ابوالقاسم بن محمد بن المسعود ۱۹۲  
 ابوالقاسم بیک تبریزی ۶۹۴  
 ابوالقاسم جنید بن محمود بن محمد بن  
 اسعد بن مظفر بن محمد بن مظفر بن  
 روز بہان بن طاهر واعظ عمری ربی  
 قرشی شیرازی (معین الدین) ۲۱۵،  
 ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۸۰، ۷۶۵  
 ابوالقاسم حسن بن احمد غنصری بلخی ۲۶،

۳۵۰۳۲-۳۸۰۳۶، ۸۳۰۷۶، ۹۷

۱۰۱، ۲۹۰

ابوالقاسم حکیم (مولانا) ۶۲۲

ابوالقاسم خوافی ۳۴۲

ابوالقاسم رفیعی ۹۱

ابوالقاسم سیری (خواجه) ۸۲۴

ابوالقاسم شوکتی دهلوی (میرزا) ۴۶۹

ابوالقاسم ضیائی (کمال الدین) ۶۱۵

ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد کاشانی

۷۳۳-۷۳۳، ۱۵۱

ابوالقاسم علی بن حسن بن محمد بن ابوال-

حنیفه ۱۳۵

ابوالقاسم علی بن حسن وزیر ۱۲۹

ابوالقاسم علی بن حسین (شریف علم الهدی)

۱۳۰

ابوالقاسم علی قتیب السادات ترمذی

(مجدالدین) ۱۲۶

ابوالقاسم عمر بیضاوی (عمادالدین)

۱۳۹

ابوالقاسم عیسی بن علی ۲۸

ابوالقاسم کازرونی (شیخ) ۵۳۷، ۶۶۶

ابوالقاسم کاشانی ۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱

ابوالقاسم کثیر ۲۴

ابوالقاسم گرگانی ۶۳۰، ۷۵۳

ابوالقاسم لینی ۲۶۳

ابوالقاسم محمد طایفی ۱۸۶

ابوالقاسم محمد میان کالی (نجم الدین)

۴۱۵

ابوالقاسم محمود ۷۵۶

ابوالقاسم محمود بن ابراهیم غزنوی

(سیف الدوله) ۴۳

ابوالقاسم محمود بن عبدالملک بن ابوتوبه

مروزی خوارزمی (نصیر الدین) ۸۸،

۱۳۰

ابوالقاسم محمود بن مشغری بن عبدالملک

ابن ابوتوبه مروزی خوارزمی (نصیر-

الدین) ۸۸، ۱۳۰

ابوالقاسم مقامی ۷۱۶

ابوالقاسم منصور بن حسن فردوسی طوسی

۵۴۰۴۷، ۴۱-۳۸۰۳۲، ۲۸۰۱۹، ۶

۷۱۸، ۷۱۶-۷۱۵، ۲۰۷، ۱۵۹، ۸۳

ابوالقاسم مؤدب ۲۵

ابوالقاسم مهرانی ۲۵

ابوالقاسم مهنوی ۲۴۲

ابوالقاسم مهنه (خواجه) ۶۲۰

ابوالقاسم میرزا بایری ۷۰۸

ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی طفرایی

(قوام الدین) ۸۳، ۱۱۱

ابوالقاسم هارون بن علی ظفر دندان

(ربیب الدین) ۱۴۰

ابوالکرم عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن

علی ۲۴۳

ابوالکریم بن علی اشکندی ۷۸۵

ابواللیث سمرقندی ۲۳۰

ابواللیثی (خواجه جلال الدین فضل الله)

۲۹۰، ۳۳۰

ابواللیثی (خواجه خواند) ۲۴۴

ابوالماجد (قاضی) ۱۷۷

ابوالمثل بخارایی ۲۰

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی (مجدالدین)

۴۴۵، ۱۶۰، ۷۷-۷۶، ۷۴، ۴۴

۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵-۷۴۶

ابوالمجد عبداللطیف بن حبه الله بن شفرو

(مجدالدین) ۱۰۲

ابوالمحسن ۱۸۰

ابوالمحسن تغریبردی ۸۱۱

ابوالمحسن جعفر بن اسمعیل ازرقی

هروی (شرف الزمان زین الدین)

۵۲، ۷۳

ابوالمحسن حسین بن حسن گرگانی

۷۷۹، ۲۷۲

ابوالمحسن سیدالروسا (مبین الملک) ۵۴

ابوالمحسن محمد بن سعد بن محمد نخجوانی

ابن الساوجی ۷۷۱

ابوالمحسن یوسف بن نصر کاتب (جمال-

الدین) ۷۸

ابوالمحامد اسکویی (امیر) ۷۰۳

ابوالمحامد محمد بن مسعود بن زکی غزنوی

(ظهیرالدین) ۱۲۵

ابوالمحمد محمد حموی یزدی (کاشف

الدین) ۳۲۵

ابوالمحمد محمد فرغانی (سیف الدین)

۷۴۷

ابوالمحمد محمود بن عمر جوهری زرگر

هروی ۳۶

ابوالمحسن محمد باقر بن محمد ۱۹۲

ابوالمحسن محمد باقر بن محمد علی ۸۱۷

ابوالمحسن میرزا بن حسین بایقر ۲۴۶-

۲۴۷

ابوالمظفر (باریک شاه) ۲۵۸

ابوالمظفر (سید) ۲۲۵

ابوالمظفر ابراهیم ۳۵

ابوالمظفر اتقیش ۲۲۵

ابوالمظفر احمد بن محمد چغانی (امیر)

۳۸

ابوالمظفر احمد حکمران سیستان ۳۷

ابوالمظفر اخستان بن منوچهر شروانشاه

(جلال الدین) ۱۰۵، ۱۰۳

ابوالمظفر بن کیارق (رکن الدین) ۴۹-

۱۲۷، ۸۰، ۷۰، ۵۰

ابوالمظفر بن ظهیر الدین محمد اسفرائینی

شاهفور (امام عماد الدین) ۱۱۷،

۷۲۶، ۲۷۳

ابوالمظفر بهادر شاه (سراج الدین) ۲۵۱-

۳۶۷، ۳۵۲

ابوالمظفر رستم بهادر خان شیباتی ۶۰۴-

۶۰۵

ابوالمظفر سلطان حمزه میرزا ۵۰۷، ۵۲۹،

۴۴۳، ۴۷۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۷،

۵۲۹، ۶۴۹، ۶۸۶، ۷۰۱

ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد

اسفرائینی ۷۲۶، ۷۲۳، ۱۱۷

ابوالمظفر شاهفوری شاهفور بن طاهر بن

محمد مظفر اسفرائینی ۲۷۳، ۱۱۷،

۷۲۶

ابوالمظفر طاهر بن فضل چغانی ۳۷، ۲۳

ابوالمظفر طاهر بن محمد اسفرائینی شاهفور

(عماد الدین) ۱۱۷، ۱۸۰، ۲۷۳،

۷۱۷، ۷۲۶، ۷۲۷

ابوالمظفر عبدالجبار بن حسن یا حسین

جمعی بیہقی ۵۵

ابوالمظفر گرای خان بن دولت گرای خان

۴۰۷

ابوالمظفر محمد شاه بهمنی (شمس الدین)

۷۷۶، ۲۵۹

ابوالمظفر محمود شاه ۳۹۸

ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی سبط ابن-

الحوزی (شمس الدین) ۱۶۷

ابوالمعالی (شاه) ۵۴۷

ابوالمعالی (شیخ) ۵۴۰

ابوالمعالی خوافی ۳۴۲

ابوالمعالی رازی (دخدا) ۸۶

ابوالمعالی زیارتگاہی (قاضی) ۵۵۴،

۵۵۸

ابوالمعالی سعید بن مطهر فامندی یا خریزی

(سیف الدین) ۳، ۷، ۱۱۵، ۱۷۴،

۷۲۴، ۷۴۳، ۷۵۰

ابوالمعالی شامغازی بن کیخسرو استنداد

ملک مازندران (فخر الدوله) ۱۸۷

ابوالمعالی شہیدی کاشغری (شاه) ۶۸۳

ابوالمعالی عبدالصمد (معین الدین) ۸۲

ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی بن

حسن میانجی ہمدانی عین القضاة

۶۹، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۲۲،

۷۷۳

ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف

جوینی امام الحرمین (ضیاء الدین)

۶۱، ۷۴۱

ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث (شمس-

الاعالی) ۶۲

ابوالمعالی غربتی لاہوری ۷۰۸

ابوالمعالی قومسی ۵۵

ابوالمعالی محمد بن عبید اللہ علوی غزنوی

۶۳، ۱۱۷

ابوالمعالی محمد بن معتز بن معنوش طاهر

(مجد الدین) ۲۷۴

ابوالنصر سلطان محمد دوم بهمنی ۶۴۶  
 ابوالنصر مهنوی ۳۴۲  
 ابوالنظام محمد فلکی شروانی (نجهالدين)  
 ۱۰۶  
 ابوالمؤيد بلخی ۲۸، ۲۳، ۲۰  
 ابوالمؤيد رونقی بخاراى ۲۰-۱۹  
 ابوالواجد (شيخ) ۳۴۲  
 ابوالواجد فارغى خوافى ۶۱۵، ۴۲۲  
 ابوالواجد فارغى شیرازى ۴۱۱  
 ابوالواجد فارغى هروى ۶۵۵، ۴۴۶  
 ابوالوفا (سيد) ۷۸۷  
 ابوالوفا بن سعيد بن محمد بن يوسف بن  
 محمود ۷۵۷  
 ابوالوفای خوارزمى ۷۸۸، ۳۲۱، ۲۴۲  
 ابوالوفای سمرقندى عتدى ۶۱۱  
 ابوالوفای قلندر کرمانى ۵۳۵  
 ابوالهادى (ميرزا) ۴۳۵  
 ابوالهادى تبريزى ۶۹۰  
 ابوالهادى قزوینى ۵۲۶  
 ابوالهيثم احمد بن حسن گرگانى ۵۳، ۲۲،  
 ۵۹  
 ابوالهيजा اردشير بن ديلمسپار نجمى قطبى  
 ۷۱۷، ۷۰، ۴۸  
 ابوالهيجا منوچهر بن فریدون شروانشاه  
 ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷  
 ابواليقين غياث الدين محمد بن حسين بن  
 محمد حسين خراسانى ۷۸۵  
 ابوايوب انصارى ۶۷۲  
 ابوبديل ابراهيم بن ابوالحسن على بن  
 عثمان خاقانى شروانى (افضل الدين)  
 ۱۰۳، ۹۲، ۷۴-۱۰۶، ۱۰۷-۱۰۷  
 ۱۷۴، ۲۸۹، ۲۹۶-۳۹۷، ۷۱۹-  
 ۷۲۰  
 ابوبدين احمد بن محمد سجاوندى (مجتب)  
 الدين ۸۸، ۷۹، ۴۹  
 ابوبکر ۷۲۵، ۶۳۸  
 ابوبکر (قاضى فخر الدين) ۷۲۹  
 ابوبکر ابهرى (فخر الدين) ۱۷۸  
 ابوبکر احمد جامجى (علاء الملك ضاء -

ابوالمعالي محمد مسلمى ۷۲۸  
 ابوالمعالي مشهدى (شاه) ۶۸۳  
 ابوالمعالي مطهر بلخى ۷۲۷  
 ابوالمعالي مؤيد بن محمد جاجرى (ملك  
 مؤيد الدين جاجرى) ۷۱۹  
 ابوالمعالي نجاس اصفهانى ۵۱  
 ابوالمعالي نصر الله بن محمد بن عبد الحميد  
 شیرازى (نصير الدين) ۷۸،  
 ۱۱۷  
 ابوالمفاخر رازى ۳۰۳، ۸۵  
 ابوالمفاخر عبد الله بن عبد الرحمن بن  
 عبد اللطيف حبيلى دشتكى شیرازى  
 شافعى هروى وأغظ (اصيل الدين)  
 ۷۷۴، ۲۳۵، ۲۴۴، ر.اصيل الدين  
 ابوالمفاخر عبد المؤمن بن يوسف بن فاخر  
 ارموى (صفى الدين) ۱۴۶-۱۴۷،  
 ۸۱۴، ۷۳۲، ۳۶۲  
 ابوالمفاخر منجيك فاخر رازى ۳۰۳، ۸۵  
 ابوالمفاخر ميرشاه محمد بن كمال الدين  
 اسمعيل بن غياث الدين منصور بن  
 نصير الدين عبدالحى حصبى بکرى  
 ۵۹۹-۶۰۳، ۶۰۸، ۶۴۸  
 ابوالمكارم احمد بن شرف الدين محمد بن  
 احمد بن محمد بيابانكى سمنانى  
 علاء الدوله (ركن الدين) ۱۴۸، ۴-۳  
 ۱۹۵، ۲۰۰، ۴۱۶، ۶۲۴، ۷۲۱،  
 ۷۸۳، ۷۵۶، ۷۲۳  
 ابوالمكارم بن علاء الملك ۱۰۹  
 ابوالمكارم حمزة بن زهره حلبى (سيد شريف  
 طاهر بن الدين) ۷۳۴  
 ابوالمكارم ميرك نرگسى ابهرى هروى  
 ۷۸۹، ۵۴۳، ۳۳۵  
 ابوالملك سهيل بلخى ۷۲  
 ابوالمنصور كوچ كاتجى خان ۳۹۸  
 ابوالنجه احمد بن عوض بن احمد منوچهرى  
 دامغانى ۲۰۹، ۸۸، ۷۶، ۴۵، ۴۲  
 ابوالنجيب عبد القاهر بن عبد الله سهروردى  
 (ضياء الدين) ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۹۶،  
 ۷۷۶، ۷۴۴، ۷۲۶، ۷۲۵

الدين) ۹۴-۹۵

ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المؤمنین  
(ببین الملك فخر الدين الخ بلكا اعظم  
همايون باریك) ۷۳۹

ابوبکر بن احمد جام (نجم الدين) ۷۲۰  
ابوبکر بن جوکی شاه (میرزا) ۳۴۲  
ابوبکر بن ساعد خسروی بخاراوی  
(جمال الدين) ۷۸

ابوبکر بن سعد بن زنگی (اتابیک) ۱۲۹،  
۱۳۹-۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۲،  
۱۶۶-۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۹

ابوبکر بن سلطان ابوسعید (میرزا) ۳۴۲  
ابوبکر بن مجد الدین حسن یزدی (شمس-  
الدين) ۷۷۵

ابوبکر بن محمد بن علی روحانی سمرقندی  
۷۸

ابوبکر بن محمد خوافی (زین الدین)  
۲۶۳، ۳۲۱، ۳۲۸، ۴۱۹، ۶۱۵،  
۶۲۹-۶۳۰، ۶۳۴، ۷۱۸، ۷۷۸،  
۸۰۹

ابوبکر بن محمد شروانشاه ۱۰۷  
ابوبکر بن محمد واعظی بلخی ۱۸۰، ۹۵  
ابوبکر بن نظام الملك (مؤید الملك) ۵۴،  
۸۹

ابوبکر پیشکین (نصرة الدين) ۱۰۵  
ابوبکر تایبادی ۲۲۱، ۲۳۱، ۷۹۹، ۷۶۶،  
ابوبکر تایبادی (ملا زین الدین) ۷  
ابوبکر ثقة الملك وزیر ۲۳۵

ابوبکر جعفر بن اسمعیل ازرقی هروی  
(ابوالمحسن شرف الزمان زین الدین)  
۷۴، ۵۳

ابوبکر حصیری ۳۴  
ابوبکر خال ترمذی (جمال الدين) ۸۸  
ابوبکر خطاط ترمذی (نجیب الدین) ۹۵  
ابوبکر خلیفه ۱۵۹

ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاراوی ۲۹  
ابوبکر سعد بن زنگی (اتابیک) ۱۰۱،  
۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۳

ابوبکر سلمه باف تریزی ۷۳۶  
ابوبکر صدیق ۹۳، ۱۲۱، ۱۵۹، ۵۹۹

۶۱۲، ۶۰۸، ۶۰۳

ابوبکر طوسی ۷۵۴  
ابوبکر طهرانی ۸۴۲، ۶  
ابوبکر طهرانی اصفهانی ۶  
ابوبکر عید الله بن محمد بن شاهر اسدی  
رازی (نجم الدين دایه) ۱۱۵، ۸۰،  
۷۳۰، ۱۴۰

ابوبکر عید الله بن نصر بکری بغدادی ۱۳۲  
ابوبکر عید الله (مؤید الملك) ۸۹، ۵۴  
ابوبکر عتیق بن محمد سور آبادی ۱۱۷  
ابوبکر علی تایبادی (زین الدین) ۲۲۱، ۷،  
۲۹۹، ۷۶۶، ۲۳۱

ابوبکر علی وزیر (ثقة الملك) ۲۲۵  
ابوبکر عمر بن محمود محمودی بلخی  
(قاضی حمید الدین) ۱۱۸، ۸۷  
ابوبکر قطبی اهری ۲۸۳

ابوبکر قهستانی ۲۴  
ابوبکر کرت (ملك شمس الدين) ۲۱۹  
ابوبکر محمد (اتابیک نصره الدين) ۱۰۵  
ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی ۲۹  
ابوبکر محمد بن ابواسحق محمد بن ابراهیم  
ابن یعقوب کلابادی بخاری ۲۹  
ابوبکر محمد بن جعفر نرشیخی ۱۲۰، ۷۰  
ابوبکر محمد بن عبدالکریم بن علی بن سعد  
۷۳۵

ابوبکر محمد بن عبدالملك معزی نیشابوری  
۵۰-۵۱، ۵۴، ۷۴، ۸۳

ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن  
احمد بن حسین بن حمه راوندی (نجم-  
الدين) ۸۸-۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵  
ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان سوزنی  
سمرقندی (شمس الدين) ۹۸

ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج چغانی  
۲۲

ابوبکر محمد بن مودود ظاهری (نجم-  
الدين زركوب) ۱۷۶-۱۷۷

ابوبکر میرزا تیموری ۲۳۲  
ابوبکر نساج طوسی ۷۵۳، ۶۳۰  
ابوبکر نصره الدين پیشکین ۱۰۵

۲۹۰-۲۹۱، ۳۲۰، ۳۴۵، ۷۲۳  
 ابو حامد محمد غزالی (زین الدین) ر.  
 زین الدین  
 ابو حفص اوشی ۷۴۸  
 ابو حفص خوزی ۵۶، ۷۴۹  
 ابو حفص حکیم بن احوص سقذی ۱۸، ۲۱،  
 ۴۸، ۲۷  
 ابو حفص عبدالله بن یقظان خوزی ۵۶،  
 ۷۴۹  
 ابو حفص عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری  
 (نصرة الدین یاغیان الدین ابوالفتح)  
 ۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۷۲، ۱۵۹،  
 ۳۱۳، ۳۹۷، ۴۵۷، ۱۷۳  
 ابو حفص عمر بن محمد بن عبدالله بکری  
 سهروردی (شهاب الدین) ۱۴۱، ۱۶۷،  
 ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲، ۴۲۹-۴۳۰،  
 ۶۲۹، ۷۲۲، ۷۴۴-۷۲۵، ۷۳۱،  
 ۷۳۷-۷۳۸، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶  
 ابو حفص عمر مفتی الثقلین (نجم الدین)  
 ۱۲۲  
 ابو حفص عمرو بن سلمه حدادی  
 ابو حنیفه ۱۹۶، ۳۹۴، ۴۸۰، ۷۲۷  
 ابو حنیفه اسکافی مروزی غزنوی (قاضی)  
 ۴۴  
 ابو حنیفه عبدالکریم بن ابوبکر ۷۲۷  
 ابو حنیفه کوفی ۳۷۲  
 ابو حیان علی بن محمد توحیدی بغدادی ۲  
 ابودلف کرکری ۴۸  
 ابوذکر ۲۵  
 ابوذکر بوزجانی ۵۶  
 ابوذکر سلمان بن احمد شریف فالی ۳۷۳  
 ابوذکر غفاری ۱۱۳  
 ابورای ۲۵  
 ابورجاء علی غزنوی (شهاب الدین شاه) ۷۸  
 ابورضا فضل الله بن محمد زوزنی (کمال-  
 الدوله) ۵۴  
 ابوروح لطف الله بن ابوسعید اسعد بن  
 ابوطاهر سعید بن ابوسعید ۶۲  
 ابوروح محمد بن منصور بن ابو عبدالله

ابوبکر نصره الدین محمد (اتابیک) ۱۰۵  
 ابوبکر واعظ سرخسی ۲۴  
 ابوتراب (سید) ۱۴۴  
 ابوتراب بیک فرقتی جوشقانی ۵۱۷، ۴۱۴  
 ابوتراب عریضی حسینی سلامی شیرازی (شاه)  
 ۳۶۶  
 ابوتراب علوی (میر) ۵۰۲-۵۰۳  
 ابوتراب علوی (میرزا) ۵۰۳-۵۰۴  
 ابوتراب فرقتی جوشقانی ۵۱۷، ۴۱۴  
 ابوتراب محروم رازی (میر) ۵۰۳  
 ابوتراب میرزا ۳۲۶  
 ابوتراب ولی (میر) ۳۶۶  
 ابوجعفر احمد بن علی بن ابوجعفر محمد  
 ابن صالح بیهقی ابوجعفر ک یا جعفر ک ۳  
 ابوجعفر علی بن حسین قدامه موسوی صدر  
 شرق رئیس خراسان (مجدالدین) ۸۴  
 ابوجعفر عمر بن اسحق واشی لاهوری ۷۹  
 ابوجعفر محمد بن احمد مختار زوزنی  
 (کمال الملک) ۵۴  
 ابوجعفر محمد بن ابوبکر حاسب طبری ۲  
 ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (خواجه-  
 نصیر الدین) ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۵۲،  
 ۱۵۸، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۶۷،  
 ۲۶۹-۲۷۱، ۳۰۵، ۳۷۵، ۳۸۴-  
 ۳۸۵، ۳۹۱، ۴۴۲، ۴۴۵،  
 ۶۹۱، ۷۰۳، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۵۰  
 ابوجعفر محمد بن دشمن زیاده (علاء الدوله  
 کاکویه) ۳۹  
 ابوجعفر محمد نیشابوری (رضی الدین)  
 ۱۲۵، ۹۹  
 ابوحاتم بلخی ۲۷  
 ابوحاتم مظفر امقزی ۵۵، ۶۰، ۷۰، ۱۲۷  
 ابوحامد احمد بن حامد کرمانی (فضل الدین)  
 ۸۹، ۱۱۷-۱۱۸  
 ابوحامد صدر الدین محمد ترکه (خواجه)  
 ۴۴۹، ۷۷۹  
 ابو حامد محمد بن ابوبکر بن مصطفی بن  
 شعبان عطار نیشابوری (فرید الدین)  
 ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰، ۲۱۹



گرگانی ۷۱۹

ابوریحان بیرونی ر. ابوالریحان

ابوزرعه معمری گرگانی ۲۲

ابوزکریا یحیی نووی (محبی الدین) ۴

۳۵۶

ابوزید (خطیر) ۱۷۷-۱۷۸

ابوسعبد محمد بن محمد فائمی هروی ۱۲۸

ابوسعبد ۳۵۶

ابوسعبد اندلسی ۷۵۳

ابوسعبد ۲۴۳

ابوسعبد (سلطان) ۱۸۲، ۱۸۳-۱۸۴

۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۵۱

۲۸۹، ۲۸۶، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۹

۳۹۸

ابوسعبد ابوالخیر ۱-۲، ۲۴، ۵۶-۵۷

۶۱-۶۲، ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۶۴، ۳۲۲

۳۳۵، ۳۴۲، ۶۱۹-۶۲۰، ۶۶۳

۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۹۵

ابوسعبد احمد بن محمد منشوری سمرقندی

۳۷

ابوسعبد بن شیخ صفی الدین اردبیلی ۲۱۲

ابوسعبد بن محمد بن میرانشاه ۲۳۲

ابوسعبد بهادرخان (سلطان ابوالغازی)

۱۸۲، ۱۸۳-۱۸۴، ۱۹۸، ۲۰۰

۲۸۹، ۲۸۶، ۲۵۱، ۲۲۴، ۲۱۱

۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۹۸

ابوسعبد بهادرخان بن منصور کوچگانی

۳۹۸

ابوسعبد تیموری (سلطان) ۲۵۱، ۲۷۰

۲۷۱، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۷۹۴

ابوسعبد خان بن سلطان محمد بن میرانشاه

۶

ابوسعبد خان بن کوچونجو (یا کوچکو)

نجی یا کوچکونجو) بن ابوالخیر

حان شیانی ۳۹۸، ۴۸۶، ۵۷۱

۵۷۴، ۵۷۲

ابوسعبد خان شیانی ۵۰۹

ابوسعبد خطیری ۲۵

ابوسعبد شرف بن مؤید بن ابوالفتح بن

غالب بغدادی خوارزمی (مجدالدین)

۸۵-۸۶، ۹۴، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۲۰

۷۲۳

ابوسعبد عبدالباقی بن علی بن عبدالحق

(فریدالدین) ۲۲۵

ابوسعبد عبدالحی بن ضحاک گردیزی ۲

ابوسعبد عبدالله بن عمر بیضاوی (قاضی-

ناصرالدین یا نصیرالدین ابوالخیر)

۱۳۹، ۳۹۵، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۵

ابوسعبد عبدالله بن جبرئیل بن عبدالله بن

بختیشوع طیب ۷۲۷

ابوسعبد علی بن بنفش بن عبدالله شیرازی

(نعمتالدین) ۱۸۰، ۲۱۱، ۲۱۲

۷۴۶، ۷۵۸

ابوسعبد فضل الله بن ابوالخیر محمد بن-

احمد میهنی ۱-۲، ۲۴، ۵۶-۵۷، ۶۱

۶۲، ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۶۴، ۳۲۲

۳۳۵، ۳۴۲، ۶۱۹-۶۲۰، ۶۶۳

۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۹۵

ابوسعبد کالبی ۷۰۹

ابوسعبد کرمانی (شهابالدین) ۱۴۹

ابوسعبد گرگانی ۷۹

ابوسعبد محمد بن فخرالدین عبدالعزیز

کوفی بخارایی (برهانالدین) ۹۵

ابوسعبد محمد بن محمد جندی (نظام-

الملك قوامالدین) ۱۷۲، ۲۲۳

ابوسعبد مهنوی ۳۴۲

ابوسعبد نسیمی حسینی شیرازی (عماد-

الدین یارکنالدین) ۳۲۱، ۳۳۵

۳۳۶، ۷۶۵، ۷۸۹

ابوسعبد نسیمی شیرازی (عمادالدین یا

نسیمالدین) ۳۲۱، ۳۳۵-۳۳۶

۷۶۵، ۷۸۹

ابوسلیک گرگانی ۱۹

ابوسلیمان داود بن ابوالفضل محمد بن اکثی

(فخرالدین) ۱۴۳، ۷۳۱

ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سگزی

۱۲۴

ابوسلیمان محمد حسینی شیرازی ۷۵۸

ابو سهل حمدوی ۳۴

ابو سهل زوزنی ۶۴

ابوشجاع سعد بن زنگی (انابیک) ۱۰۱،

۱۵۳، ۱۴۰، ۱۲۹

ابوشجاع محمد بن ملک شاه بن آلپ ارسلان

(غیاث الدین) ۸۰، ۶۹، ۵۱، ۴۹

ابوشرف ۱۷۷

ابوشریف ۲۵

ابو شریف احمد بن علی مخلصی گرگانی

۵۶، ۲۳

ابوشعیب هروی ۲۲

ابوشکور بلخی ۲۱

ابوصالح محمد معروف بشیخ محمد حسن

چشتی ۱۹۶

ابوطالب (حکیم) ۸۳۱

ابوطالب بدخشانی ۳۴۲

ابوطالب بن ابوالحسن محمد بن علی بن

ابوعلی احمد بن ابوالحسن محمد بن

منصور الزبارة علوی حسینی بیهقی ۵۵

ابوطالب بن نمعه ۸۱

ابوطالب تبریزی (حکیم) ۷۰۰

ابوطالب حسینی خراسانی ۲۳۲

ابوطالب سخی کاشانی ۶۷۷

ابوطالب طباطبایی کاشانی ۸۱۹، ۴۴۷

ابوطاهر بن ابوسعید ابوالخیر ۷۲۰

ابوطاهر بن علی بن حسن بن موسی طرسوسی

۲۵۶

ابوطاهر حسن بن علی بن موسی طوسی ۷۱

ابوطاهر خانونی (موفق الدین) ۸۷

ابوطاهر خسروانی ۲۲

ابوطاهر کرد ۷۲۰

ابوطاهر محمد بن علی (انابیک) ۷۳۱

ابوطاهر مینوی ۳۴۲

ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان توی

(شرف الدین) ۹۹

ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان توی

(شرف الدین) ۹۹

ابوطیب سرخی ۲۲

ابوطیب مصفی ۲۱

ابوعاصم ۲۵

ابوعبدالله رحمن سلمی ۶۲

ابوعبدالله احمد بن محمد بن نصر جیهانی

۲۸۵

ابوعبدالله ادیب ۲۵

ابوعبدالله بن البیع (حاکم) ۷۸۳

ابوعبدالله بن خفیف شیرازی ۲۱۶، ۵۷، ۲۴

۷۲۱، ۷۱۷، ۲۸۳

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی

۱۸-۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۲، ۳۲، ۳۷، ۴۸،

۱۲۸

ابوعبدالله جنیدی ۲۳

ابوعبدالله حسین بن ابراهیم بن احمد ادیب

نطنزی (بدیع الزمان) ۵۶

ابوعبدالله حسین بن احمد بن حسین زوزنی

۶۵

ابوعبدالله حسین بن حیدر اصفهانی (حسام)

الدین) ۸۴۱

ابوعبدالله حسین کتبی ۷۱۸

ابوعبدالله خفیف شیرازی ۵۷

ابوعبدالله روزبه بن عبدالله نکهتی ۳۲

ابوعبدالله علی بن محمد بن عبدالله بن عبیدالله

باکویه شیرازی ۲، ۵۷، ۷۱۷

ابوعبدالله عمر (تاح الشریعه) ۷۳۴

ابوعبدالله عمر بن حسین قرشی بکری

رازی (امام فخر الدین) ۱۱۲، ۹۹-

۱۱۳، ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳،

۴۰۳-۴۰۴، ۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱،

۷۹۹

ابوعبدالله فرالاوی ۲۱

ابوعبدالله فضل الله بن تاح الدین ابوسعید

حسین بن یوسف نوران پشتی (شهاب

الدین) ۱۵۳

ابوعبدالله قرشی ۵۵

ابوعبدالله محمد بخاری ۲۷۹

ابوعبدالله محمد بن ابوبکر بن ایوب ابن

قیم الجوزیه ۷۱۸

ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی ۲۴،

۲۱۶، ۵۷، ۲۸۳، ۷۱۷، ۷۲۱

ابوعبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی-

ابن حکمون مغربی قضاعی ۷۲۹  
 ابو عبد الله محمد بن سدیق کججانی ۲۸۴  
 ابو عبد الله محمد بن صفی الدین ابوالفرج  
 محمد بن نفیس الدین ابوالرجا کاتب  
 اصفهانی (عماد الدین) ابن اخی -  
 العزیز ۱۱۹، ۳۴۶

ابو عبد الله محمد بن عبد الرحمن مقاریضی ۲  
 ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن  
 حمدویه بن نعیم بن حکم منعی (حاکم  
 ابو عبد الله ابن الیبع) ۷۸۳  
 ابو عبد الله محمد بن عثمان امامی هروی  
 (رضی الدین) ۷۴، ۱۶۱، ۷۴۰،  
 ۷۴۵

ابو عبد الله محمد قضاعی ۱۲۷  
 ابو عبد الله محمد هاشم شاه کرمانی ۴۰۹  
 ابو عبد الله مسعود بن علی بن عمر الصراف  
 ۷۲۹

ابو عبد الله معروفی بلخی ۲۲  
 ابو عبد الله نواهیجی مروزی ۲۲  
 ابو عبید گوزگانی ۳۱  
 ابو عثمان حیری ۱  
 ابو عثمان مغربی ۷۵۳

ابو علی (حسام الدین) ۱۲۰  
 ابو علی (خواجہ مجد الدین) ۴۴۶  
 ابو علی المحسن بن علی بن محمد بن داود  
 تنوخی ۹۷

ابو علی الیاس ۲۵  
 ابو علی بندادی ۲۶۷  
 ابو علی یلمعی ۲۹، ۲۳۸، ۷۶۰  
 ابو علی بن احمد عثمانی ۱۲۵  
 ابو علی بن حسین مروزی ۹۵-۹۶  
 ابو علی بن صحیفی شیرازی ۵۱۷  
 ابو علی تنوخی ۹۷

ابو علی چاچی ۲۵  
 ابو علی حسام الدین ملک فور ۱۲۰  
 ابو علی حسن بن طاهر نظام (الملک) ۸۱،  
 ۹

ابو علی حسن بن علی بن احمد بن اسحق -

طوسی (قوام الدین نظام الملک) ۴۹-  
 ۵۰، ۵۴-۵۵، ۵۸، ۶۱، ۶۶-۶۷،  
 ۶۹-۷۱، ۷۲، ۱۲۷، ۱۶۳، ۴۲۲،  
 ۷۲۷

ابو علی حسن بن علی قطان مروزی ۱۲۷  
 ابو علی حسن بن محمد دقاق نیشابوری ۱،  
 ۲۴

ابو علی حسین بن ابراهیم بن ابوبکر  
 سلماسی ۷۳۸

ابو علی حسین بن حسن مراغی (درویش  
 اشرف) ۳۰۹، ۷۸۷

ابو علی حسین بن عبد الله بن حسن بن-  
 علی بن سینا (ابن سینا) ۷، ۳۱،  
 ۳۶، ۵۴، ۷۰، ۱۲۴-۱۲۵،  
 ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۸۳، ۷۳۵

ابو علی دقاق (اوحد الدین عبد الله بن  
 مسعود بن محمد بن علی بن احمد بن  
 عمر بن اسمعیل) ۳۷۹  
 ابو علی دقاق (حسن بن محمد نیشابوری)  
 ۲۴، ۱

ابو علی رودباری ۷۵۳  
 ابو علی سرخسی ۵۵  
 ابو علی سیمجوری ۲۲، ۳۵  
 ابو علی سینار، ابو علی حب  
 ابو علی فارمدی طوسی ۲  
 ابو علی قالی ۲۲۵

ابو علی فضیل بن عیاض فتدینی خراسانی ۱  
 ابو علی قلندر (شرف الدین) ۱۹۷، ۷۲۷  
 ر، شرف الدین ابو علی سالار  
 ابو علی کاتب ۶۳۰، ۷۵۳  
 ابو علی محمد بن احمد دققی بلخی ۲۳،  
 ۲۷، ۲۲

ابو علی محمد بن محمد بن عبید الله یلمعی  
 ۲۹، ۲۳۸، ۷۶۰

ابو علی مسکویه ۱۲۳  
 ابو علی وافر سگزی (زین الدین) ۹۵  
 ابو عمر ابهری (کمال الدین) ۱۷۸

ابو عمرو زجاجی نیشابوری ۲۲

ابو عمرو عثمان بن سراج الدین محمد بن  
منہاج الدین عثمان بن ابراهیم بن  
عبد الخالق جوزجانی (منہاج الدین)  
۷۱۳. ۷۱۴ - ۷۳۰

ابو فیض (خواجہ) ۶۲۷

ابو کالیجار (جمال الدین ابراهیم) ۲۴۴  
ابو کالیجار گن شاسب کاکویه (علاء الدوله)  
۸۱. ۶۳

ابو گوویج ۸۰۱

ابو محمد محمود بن عمر جوهری زرگر  
هری ۳۶

ابو محمد احمد بن اخم کوفی ۱۵۷. ۱۳۲  
ابو محمد احمد بن محمد بن عبد الله بن  
ابراہیم بن سریشاه دمشق حنبل  
حنبل (شهاب الدین ابوالعباس یسا  
مسجد الدین) ۲۷۹

ابو محمد بسطامی (بایزید بن عنایت الله)  
۳۹۵

ابو محمد نریزی ۷۶۴

ابو محمد حسن آذری ۷۱۹

ابو محمد حسین بن مسعود فراء فسوی  
(محبی السنه) ۳۹۳. ۱۳۶

ابو محمد روزبهان بن ابونصر بقلی فسوی  
ازی شطاح یا شطاح فارس ۱۰۹

۷۲۷. ۷۲۱. ۲۱۵

ابو محمد سیستانی ۱۹۵

ابو محمد سید الرحمن بن محمد بن محمد  
کسر قی اسفرایفی انور الدین ۱۱۵  
۷۴۵. ۷۳۳

ابو محمد عبد العزیز بن عثمان جری ۶۳  
ابو محمد عبد الله بن عبد الله بن  
ابو صالح

ابو محمد عبد الله بن عبد الله بن عبد الله بن  
(جمال الدین) ۷۴۵ - ۷۵۰. ۱۰۹. ۱۵۷  
۱۷۳ - ۱۷۴

ابو محمد عبد الله بن محمد بن عبد الله بن  
بروده ۴۵

ابو محمد عبد الله بن محمد رشیدی سمرقندی  
۹۷

ابو محمد عبد الله بن مشرف بن مصلح بن  
مشرف سعدی شیرازی (مصلح الدین)  
۱۴۱. ۸۰۳. ۱۴۷. ۱۵۹. ۱۶۱

۱۶۲. ۱۶۷. ۱۶۸. ۱۷۰. ۱۷۶  
۱۸۳. ۲۰۰. ۲۲۲. ۲۲۹. ۳۹۰  
۳۹۳. ۴۱۵. ۴۴۵. ۴۶۵. ۵۱۲  
۶۲۶. ۶۹۲. ۷۴۱. ۷۴۷. ۷۵۸  
۸۱۱

ابو محمد عبد المظلی بن ابوالخنا محمود  
ابن عبد المظلی لخمی اسکندری  
(سید الدین) ۷۱۸

ابو محمد علی بن افضل الدین محمد بن  
صدر الدین ابوحامد ترکه اصفهانی  
(صاحب الدین) ۱۶۴. ۲۷۴. ۲۹۸  
۳۳۹. ۳۵۱. ۷۴۲. ۷۷۹

ابو محمد محمد بن نجم الدین محمد قایتی  
(چال الدین) ۷۸۵

ابو محمد محمود بن محمد دهمدار عیانی  
سیراخر معین الدین ۲۹۷. ۶۵۶  
۷۰۹. ۷۴۲. ۸۰۷. ۸۳۷

ابو مدین منری ۷۵۳

ابو مسلم بشاری ۷۹

ابو مسلم خراسانی ۱۶

ابو مسلم عبد السلام بن احمد بن محمود  
کزرونی (ضیاء الدین) ۷۳۵

ابو معین ناصر خسرو قبادیانی مروزی  
(حمید الدین) ۲۸. ۳۷. ۵۴. ۴۸

۵۸. ۵۹. ۶۲. ۶۳. ۲۱۶. ۷۱۸

ابو منصور ۲۵

یا یوسف ۴۵

ابو منصور عبد الرشید بن ابویوسف  
احمد هروی ۴۵

ابو منصور عقی بن ابوطالب طبرسی ۳۷۱  
۳۷۳

ابو منصور حماد مروزی ۲۶

ابو منصور قسیم بن ابراهیم بزرگ میر

قائمی ۴۱

ابو منصور قطران بن منصور ۴۸، ۸۲، ۱۶۶، ۹۲

ابو منصور محمد بن عبدالرزاق طوسی ۲۸، ۳۰

ابو منصور مظفر بن اردشیر عبادی ۷۵۷

ابو منصور موفق بن علی هروی ۲۹

ابو منصور احمد بن ابراهیم طالقانی خراسانی ۵۵، ۵۰

ابو نصر احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد بن جریر بن عبدالله بن لیث بجلی نامقی جامی احمد جام زنده پیل ۱۰۸-۱۰۹، ۲۸۵، ۳۲۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸، ۶۶۸، ۷۲۰-۷۲۱، ۷۴۸، ۷۹۶، ۸۱۵

ابو نصر احمد بن عبدالصمد مشکان ۳۰، ۶۴-۶۵

ابو نصر احمد بن محمود بن علی نظامی (مجدالدین) ۷۴۳

ابو نصر احمد بن منصور اسدی طوسی ۲۶، ۲۹، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۷۰، ۷۱۷

ابو نصر احمد بن نصر قباوی ۷۰، ۱۲۰

ابو نصر بن عبدالله بخاری نسابه ۶

ابو نصر بن محمد یارسا (حافظ الدین) ۵، ۲۲۱، ۲۸۱، ۳۳۳

ابو نصر یارسا (حافظ الدین) ۵، ۲۲۱، ۲۸۱، ۳۳۳

ابو نصر ثانی (خواجه) ۶۲۳

ابو نصر جوسوری ۵۵

ابو نصر حسن بهادر (مظفر الدین) ۳۱۲

ابو نصر حسین بن ابوعلی فضل بن حسین طبرسی (رضی الدین) ۲۷۱، ۲۷۳

ابو نصر حسین بن علی قمی ۲۹

ابو نصر سراج ۶۱

ابو نصر سگزی (ظہیر الدین) ۴

ابو نصر طاهر بن محمد خاتقاهی مغربی سرخسی (خواجه فقیه شیخ الاسلام) ۱۴۶

ابو نصر عبدالرحمن بن عبدالجبار قامی هروی (ثقة الدین) ۱۹۷

ابو نصر عتبی ۱۲۹، ۱۳۵، ۷۵۵

ابو نصر علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ۲۶، ۲۹، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۷۰، ۷۱۷

ابو نصر فارابی ۲۳، ۸۱۳

ابو نصر فراہی ۲۷۵، ۹۰

ابو نصر محمد بن اسحق قاینی ۷۸

ابو نصر محمد بن اسد (شار) ۷۱۵

ابو نصر محمد بن محمد قاینی مناج ۶۲

ابو نصر محمد بن مسعود میلان ۴۸

ابو نصر محمد قطان غزنوی ۱۵۱

ابو نصر محمود بن ابوبکر بن حسین بن جعفر فراہی (بدرالدین) ۲۷۵، ۹۰

ابو نصر مرغزی ۲۵

ابو نصر مشکان (احمد بن عبدالصمد) ۳۰، ۶۴-۶۵

ابو نصر میلان ۴۸

ابو نصر منصور بن محمد کندری (عمید) الملک ۴۹-۵۰

ابو نصر مہنہ ۱۸۰

ابو نصر مہنوی (خواجه ناصر الدین) ۳۲۳، ۳۴۲

ابو نصر میرزا محمد ہندال ۵۵۸، ۶۰۷، ۶۶۸

ابو نصر ہبہ اللہ بن حسین بن احمد بن حسین الداریج بیہقی (امیر رئیس) ۵۵

ابو نصر ہبہ اللہ فارسی (قوام الملک) نظام الدین ۷۸

ابو نصر عتبی ۱۲۹، ۱۳۵، ۷۵۵

ابو نصر محمد بن عبدالجبار عتبی ۱۲۹، ۷۵۵، ۱۳۵

ابو یحیی زکریا بن محمد بن محمود قزوینی ۱۴۶، ۷۳۲

ابو یزید خلخالی ۶۸۷

ابو یزید زنگی بن طاهر فریومذی (ر) الدین ۱۹۴

ابو یزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی ۷۸۳

ابو یعقوب سگزی ۵۹

ابو یعقوب یوسف بن ایوب ہمدانی ۲، ۱۱۰

۷۴۶، ۷۲۲، ۷۱۸، ۱۱۱

ابو یعقوب یوسف بن سبکتگین (عبدالدوله)  
۳۷، ۳۳

ابهری ۲۵

ابهری اردبیل (کمال الدین حسین بن  
عبدالحق) ۲۹۳

ابی تمام ۱۲۴

ابی کالیجار (جمال الدین ابراهیم) ۲۴۴

اتا (سید) ۶۳۹، ۵۷۶

اتا (صدر) ۶۰۵

اتابیکان آذربایجان ۱۰۷، ۱۰۲، ۷۳، ۱۰۷، ۱۰۴

اتابیکان سلفری ۱۰۱، ۱۶۲

اتابیکان فارس ۱۶۶-۱۶۷، ۱۷۹

اتابیکان لرستان ۱۲۵، ۱۲۹، ۸۲، ۷۳، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۵۰، ۱۷۴-۱۷۵-۱۸۴

۴۹۱

اتابیکان لر کوچک ۴۹۱

اتابیکان موصل ۸۱

اتاترکی (خلیل) ۲۲۰

اتای (شیرخواجه) ۵۹۶

اتایی بلخی ۲۴۲

اتسز خوارزمشاه (علاءالدوله علاء الدین)  
۱۲۳، ۹۸، ۹۲-۹۱، ۸۲، ۸۱، ۷۸

۱۲۷

اتکه خان اعظم (امیر شمس الدین محمد

غزنوی) ۵۴۹، ۵۴۴-۵۴۳، ۴۱۸

اتلقمیش (ابوالمظفر) ۲۲۵

اثنی شری ۳۶۸

اثیر الدین اخسیکتی ۱۰۷، ۷۴

اثیر الدین عبدالله اومان ۷۴۵، ۱۵۸

اثیر الدین فتوحی مروزی ۸۷

اثیر الدین مفضل بن عم ابهری ۱۰۳

۷۴۳، ۳۹۳، ۳۵۶، ۱۷۳، ۱۳۹

اجر (سید) ۱۷۸

احل بخاری (سید) ۲۳۹

اجمیری (میرالدین حسن بن غیاث -

نابین سگری) ۱۵۳-۱۵۴، ۱۸۱، ۱۵۳

۷۳۸، ۵۴۱، ۵۳۷، ۴۰۵، ۳۰۷

۷۴۸

احمدی بلوطی (ابراهیم حسین) ۵۴۵

احمد (آل عثمان) ۴۷۷

احمد (ابوالمظفر حکمران سیستان)

۳۷

احمد (اتابیک نصرالدین) ۱۷۵، ۱۴۸

احمد (الخ قدرخان) ۷۱۹

احمد (خواجگی) ۴۰۰، ۳۵۷

احمد (خواجگی سلطان) ۴۰۰، ۳۵۷

احمد (خواجهمیر) ۸۰۶، ۴۴۳

احمد (خواجهمیرزا) ۴۴۳، ۴۸۲

احمد (علاءالدین) ۶۵۱

احمد (میرزا نظام الدین) ۴۲۲، ۳۵۷

۵۵۶، ۵۵۲، ۵۴۴، ۴۳۷، ۴۲۸

۸۰۸

احمد ابن خطیب گنجوی (امیر) ۸۸، ۸۵

۷۳۹، ۱۰۸، ۱۰۵

احمد ابیوردی ۴۴۱-۴۴۲، ۸۲۸، ۸۲۶

احمد اتون ۵۶۲

احمد اردستانی (جمال الدین فضل الله پیر

جمالی) ۸۰۹، ۷۷۴، ۲۴۴، ۲۳۵

۸۲۶

احمد استاد (صلاح الدین) ۷۲۳

احمد استراپادی ۶۶۶

احمد اسفر فادی ۶۲۹

احمد اسکوی (نظام الدین) ۷۰۳، ۶۷۰

احمد اطعمه حلاج شیرازی ۲۹۶، ۲۰۴-

۲۲۰، ۲۹۷

احمد افلاکی (شمس الدین) ۸۱۷، ۱۴۲

احمد القائم ۸۰۳

احمد امامی ۸۲۶

احمد بحری (ملک) ۴۸۹

احمد بخاری (حاجی) ۱۸۱

احمد بخاری (سید) ۳۸۹

احمد بحشی (خواججه نظام الدین) ۳۵۸

احمد بدیلی ۷۲۶

احمد بدیهی سجاوندی (مجدالدین) ۴۹

۸۸، ۷۹

احمد بر ملک (ملک) ۲۵

احمد بن ابراهیم طالقانی خراسانی

(ابونصر) ۵۵۰، ۵۵۱

احمد بن ابوالحسن بن احمد بن محمد بن

جریر بن عبداللہ بن لیث بجلی نامی

جامی ژندیل (ابونصر) ۱۰۸-۱۰۹

۲۸۵، ۲۳۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸

۷۶۸، ۷۲۱-۷۲۸، ۷۳۸، ۷۸۳

۸۱۵، ۷۹۶

احمد بن ابوالخیر زردکوب معین (فخر-

الدین ابوالعباس) ۱۸۶

احمد بن احمد بن احمد دھامینی سیواسی

۷۳۵

احمد بن اسحق (خواجہ پیر) ۳۰۲-۳۰۳

۳۰۵

احمد بن اسمعیل سامانی ۲۱

احمد بن اعثم کوفی (ابو محمد) ۱۳۲

۱۵۷

بن ایزدیار (شرف الدین قرید الزمان)

۸۹

احمد بن بایزید آل عثمان ۳۷۷

احمد بن قاج الدین حسن استرابادی (سیف-

الدین) ۲۳۵

احمد بن جلال الدین بن سید جمال الدین-

ابن برهان الدین خواجہ بن میر

دیوانہ بن برهان الدین قلیج بن کمال-

الدین بن جلال الدین بن شاه حسین

بن شاه حسن بن محمد بن احمد بن

محمد بن احمد بن عبداللہ الفضل بن

عبداللہ بن طالب بن امام علی بن موسی-

الرضا مخدوم اعظم ۷۷، ۳۵۷، ۳۵۸-۴۰۰

۴۰۱

احمد بن جلال الدین

یحیی بن علاء الدین محمد بن ظہیر-

الدین ابوالقاسم محمد بن جلال الدین

محمد بن نصیر الدین ابوالقاسم بن

ظہیر الدین محمد بن ابوالقاسم محمد

ابن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن

جلال الدین محمد بن احمد بن ابو

نصر بن علی بن محمد بن علاء الدین

عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم محمد

ابن محمد بن قتیبہ بن ابوامامہ صدی

عجلان بن وحب باہلی خوانی (فصیح-

الدین) ۲۳۸، ۲۷۳

احمد بن حامد کرمانی (ابو حامد) ۸۹

۱۱۷-۱۱۸

احمد بن حجر عسقلانی (شہاب الدین) ۱۳۲

۶۸۲

احمد بن حجر ہیثمی (شہاب الدین) ۳۸۱

۳۹۴، ۸۱۹، ۸۲۹

احمد بن حسن گرگانی (ابوالہیثم) ۲۴

۵۹، ۸۴

احمد بن حسن مہندی (شمس الکفاة-

ابوالقاسم) ۳۳-۳۵، ۳۵

، یزدی ۲۵۳

احمد بن حسین مستوفی کشانی (حمید-

الدین) ۹۵

احمد بن حیدر بن محمد شیرازی ۲۷۰

احمد بن خاوند شاه حسینی (سلطان)

۲۴۱

احمد بن رشید الدین فضل اللہ (شرف الدین)

۷۳۱

احمد بن روز بہان بقلی (فخر الدین)

۷۲۱

احمد بن سلیمان بن کمال یاشا کمال یاشا زادہ

یا ابن کمال یاشا (شمس الدین) ۳۹۵

۸۱۰-۸۱۱

احمد بن سنجربن ملکشاہ (ناصر الدین-

ابوالحارث) ۸۰

احمد بن شرف الدین محمد بن احمد بن

محمد بیا بانکی سمنانی (رکن الدین

ابوالمکارم علاء الدولہ) ۳-۴، ۱۴۸

۱۹۵، ۲۰۰، ۳۱۶، ۶۳۴، ۷۲۱

۷۳۲، ۷۵۶، ۷۸۳

احمد بن شیخ 'ورس جازیر' (سلطان معیت-

الدین) ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۶

۲۶۴، ۲۶۴، ۷۶۴، ۷۷۱-۷۷۲

احمد بن عبدالاحد سرہندی مسجود الف

ثانی ۳۷۰، ۸۱۲

احمد بن عبدالعزیز مشکان ('بونصر) ۳۰

احمد بن علی بن ابوجعفر محمد بن صالح  
بیہقی بوجعفر کینا جعفر ک (ابوجعفر)

۳

احمد بن علی بن احمد ۲۶۰

احمد بن علی بن مسعود ۸۱۲، ۲۹۳

احمد بن علی مخلصی گرگانی (ابو شریب)  
۵۶، ۲۳

احمد بن عمر بن ابوالحسن علی مکی  
نظامی عروضی سمرقندی ۹۰، ۵۱  
۷۱۹، ۱۱۹

احمد بن عمر بن محمد بن عبد الله خیوکی  
خوارزمی (نجم الدین ابوالجناح  
کبری) ۱۱۵-۱۱۶، ۱۳۰، ۱۶۵،  
۷۲۴، ۲۳۲، ۲۵۶، ۷۲۳-۷۲۴،  
۷۵۴، ۷۴۶، ۷۴۳

احمد بن عوض بن احمد بنو چیری دامغانی  
(ابوالنجم) ۴۲، ۴۵، ۷۶، ۸۸،  
۲۰۹

احمد بن فضل الله جمالی دهلوی ۸۰۹ -  
۸۱۰

احمد بن فهد حللی ۳۷۱  
احمد بن مبارک الدین (عماد الدین) ۱۹۸  
احمد بن محمد المیم زکوزی ۲۹  
احمد بن محمد بن احمد بن محمد کلامی  
اصفہانی (طیف الدین) ۲۶، ۲۰۴  
احمد بن محمد بن احمد بن میریزد میندی  
یزدی (رشید الدین ابوالفضل) ۷۱۷،  
۷۲۸

احمد بن محمد بن احمد بن حاج درود پاشی  
بیت (نظام الدین) ۷۵۸  
احمد بن محمد بن حسن خلیفه نیشابوری  
۷۸۳

احمد بن محمد بن شمس بن غفاری قزوینی  
۸۳۲، ۵۰۱، ۳۵۴، ۶

احمد بن محمد بن عبد الله کریم قصاب آمی  
ابوالعباس ۲۴

احمد بن محمد بن شمس بن ابراهیم بن  
شمس پاشا دمشقی حنفی عجمی (شمس -

الدین ابوالعباس یا شهاب الدین

ابوالفتح ۲۷۹

احمد بن محمد بن نصر جیهانی ۲۸۵

احمد بن محمد جفانی (ابوالمظفر) ۳۸

احمد بن محمد زمجی هاشمی مروزی ۲۹۳

احمد بن محمد سجاولندی (مجدالدین ابو -  
بدیل) ۸۸، ۷۹، ۴۹

احمد بن محمد غزالی (ابوالفتوح) ۶۹،  
۷۵۲، ۷۲۵، ۶۳۰، ۱۱۱

احمد بن محمد فراہی (شرف الدین) ۹۱  
احمد بن محمد فصیح خواہی (فصیح الدین)  
۷۷۴، ۲۳۸

احمد بن محمد قدوری بندادی (ابوالحسن)  
۱۵۵

احمد بن محمد کافی کرجی (ابوالفرج)  
۲۲۴

احمد بن محمد مقدس اردبیلی ۴۹۶  
احمد بن محمد مقیم هروی (نظام الدین)  
۸۰۲، ۴۷۱، ۴۶۶، ۳۵۹، ۳۵۷

احمد بن محمد منشوری سمرقندی (ابو -  
سید) ۲۷

احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری  
۷۷۳-۷۷۲

احمد بن محمود بن ابوبکر صابونی حنفی  
بخاری (نور الدین) ۷۲۹

احمد بن محمود بن علی نظامی (مجدد  
الدین ابونصر) ۷۴۳

احمد بن محمود قاضی زاده مفتی (شمس -  
الدین یابدر الدین) ۲۸۸

احمد بن محمود معین الفقرا ۲۳۷

احمد بن منصور اسدی طوسی (ابونصر) ۲۶،  
۷۱۷، ۷۰۰، ۴۷، ۴۴، ۳۸، ۲۹

احمد بن منصور حجتی ۶۳

احمد بن منوچهر شست کله ۸۸

احمد بن موسی ۷۴۲

احمد بن موسی خیالی بخارایی ۲۹۶،  
۳۰۰

احمد بن موسی رشتی استادی ۷۶۳  
احمد بن مؤید شہابی نسوی سمرقندی (شہاب -



الدین) ۹۹

احمد بن نصر الله ديبلى تنوى ۳۵۶

احمد بن نصر قباوى (ابو نصر) ۱۲۰، ۷۰

احمد بن ولى الدين ياشا (ابو الفضل) ۳۳۸

احمد بن يحيى منيرى (شرف الدين) ۲۵۸،

۷۲۶، ۷۲۵

احمد بن يوسف بن الياس طبيب خوافسى

(جلال الدين) ۲۱۳

احمد بن يوسف شاه بن البارغون بن نصر -

الدين بن هزار اسب (نصرة الدين)

۱۸۳، ۱۴۳

احمد بهمنى (علاء الدين) ۷۷۶، ۲۵۹

احمد بيك بن افورلوم محمد بن حسن پادشاه

۷۸۸

احمد بيك مشرق ۵۰۰

احمد پادشاه ۲۶۵-۲۶۶

احمد پادشاه (كاركيا) ۴۸۹

احمد پاشا ۳۸۲، ۴۸۰، ۸۰۶

احمد ترخستانى ۷۲۱

احمد تفتازانى (سياف الدين) ۸۰۹، ۸۰۶

احمد تگودار (سلطان) ۱۳۴، ۱۳۶،

۱۶۳

احمد تمبل (سلطان) ۶۸۰

احمد جام زنده پيل ۱۰۸-۱۰۹، ۲۸۵،

۳۳۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸، ۶۶۸،

۷۲۰-۷۲۱، ۷۲۸، ۷۸۳، ۷۹۶،

۸۱۵

احمد جامجى (علاء الملك ضياء الدين ابو -

بكر) ۹۴-۹۵

احمد جامى ۲۵

احمد جامى (امير) ۲۹۰

احمد جامى (بياء الدين) ۱۰۹، ۷۹۶،

احمد جامى (شيخ الاسلام) ۲۲۱، ۲۱۹

احمد جامى (قطب الدين) ۳۴۲

احمد جامى وفايى ۳۳۸

احمد جاليرى (سلطان) ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۵،

۲۶۳-۲۶۴، ۷۶۴، ۷۷۱-۷۷۲

۷۷۷، ۷۷۳

احمد جندى ۶۵۳

احمد جوزقانى (جمال الدين) ۲۳۵

احمد چوپان (خواجه امير) ۴۴۹

احمد حاجى بيك كاشغرى ۳۴۲-۳۴۳

احمد خجازى ۲۲۶

احمد حسيني حسنى موسى باب الايوبى

در بندي ۳۰۶

احمد حقيرى هروى (شهاب الدين) ۳۲۶،

۳۳۳

احمد حكمران سيستان (ابو المظفى) ۳۷

احمد حلاج شيرازى (جمال الدين ابو اسحق)

۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷، ۲۳۰

احمد حموى (خواجه) ۵۵

احمد خالدى (صدر الدين) ۲۲۴

احمد خان (خان) ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۸۲، ۳۸۶-

۳۸۷، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۱۰، ۵۱۸-

۵۱۹، ۵۲۱، ۵۳۰، ۷۰۲، ۸۲۱

احمد خان (سلطان) ۲۵۲

احمد خان (شهاب الدين) ۴۲۵، ۵۴۴

احمد خضرويه ۸۰۱، ۸۰۸، ۶۲۴، ۶۲۷،

احمد خطيبى (حافظ مير) ۶۲۱

احمد خنخالى (شيخ) ۵۲۶، ۷۰۲

احمد خلف ۷۹

احمد خوافى (غيث الدين) ۴۶۰، ۲۶۴

احمد دخلي اصفهانى (ملك) ۵۳۹

احمد دوم پادشاه بهمنى (علاء الدين) ۱۹۰،

۲۵۹، ۷۷۶

احمد دهمدار (احمد فاني شيرازى) ۳۹۷،

۶۵۵-۶۵۶، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۳۷

احمد دينورى ۶۲۹-۶۳۰

احمد درومى ۷۳۷

احمد زنده پيل جامى ۱۰۸-۱۰۹، ۲۸۵،

۳۳۶، ۵۵۳، ۵۵۷، ۶۲۸، ۶۶۸،

۷۲۰-۷۲۱، ۷۴۸، ۷۸۳، ۸۹۶،

۸۱۵

احمد سراج - جزو اري ۳۴۳

احمد سرخندى محمد دالفانى ۳۷۰، ۸۱۳

احمد سلطان بيك پسى ۴۹۴

احمد سلطان وند (بياء الدين) ۱۶۰، ۱۹۹،

۷۳۶، ۲۶۰

احمد سنانی ۶۳۴	احمد مدون بن محمد نیشابوری ۷۸۱
احمد سہیلی جنتاوی (نظام الدین) ۲۴۷	احمد مستوفی ۶
۳۰۷	احمد مستوفی (امین الدین) ۱۴۴
سیستانی (قاضی) ۴۶۵، ۴۵۳، ۴۴۷	احمد مشہدی (میر سید) ۴۶۴
۸۲۶	احمد مصری ۳۹۴
احمد شاہ بہمنی ۷۸۶، ۲۹۴، ۱۸۹	احمد منیری (شرف الدین) ۷۲۵، ۲۵۸
احمد شاہ دوم (علاء الدولہ) ۲۵۹، ۱۹۰	۷۷۶
۷۷۶	احمد موسوی ۲۲۶
احمد شیرین کار (نظام الدین) ۳۴۳	احمد میرزا ۶۷۹
احمد طبسی ۵۶۲	احمد میرزا (سید) ۳۴۳
احمد عبدالحق رودولوی ۴۰۴	احمد میرزا تیموری (سلطان) ۲۵۸، ۲۳۲
۱. عزیز (سعد الدین) ۱۸۱	۲۹۰
احمد علی (مولوی) ۳	احمد میرزا مشہدی ۷۱۱
غزالی (ابوالفتح احمد بن محمد)	احمد نخجوانی ۷۵۸
۷۵۳، ۷۲۵، ۶۳۰، ۱۱۱، ۶۹	احمد نیشابوری ۶۶۶
احمد غفاری قزوینی ۸۳۲، ۵۰۸، ۳۵۴	احمد وانگری ۵۵
احمد فانی خیرازی دہدار ۶۵۵، ۳۹۷ -	احمد ہروی (حافظ) ۳۴۳
۸۳۷، ۷۰۷، ۷۴۲، ۶۵۶	احمد ہروی (غیاث الدین سید) ۲۷۲
احمد فکاری سہرزاری قزوینی ۵۱۰	احمدی خراسانی ۶۱۴
۸۳۱	احمد یسوی ۶۰۵، ۴۰۶، ۶۲۹، ۶۳۲
احمد فزاری خلخالی ۸۳۸، ۶۸۷	۷۵۷، ۷۴۶
احمد قاضی طوسی (بیہا الدین) ۱۶۱	احمد بن قیس ۵۷
احمد قسطلانی (ابوالعباس) ۱۳۴	اختر (قاضی) ۶۸۷
احمد کاتب جامی (نظام الدین) ۹۵	اختر محمد خان رامپوری حنفی قادری
احمد کازرونی (رشید الدین) ۳۴۳	نقشبندی مجددی ۱۵۳
احمد کاشانی مخدوم اعظم امیر سید ۳۵۷	اختیار (عبدالکریم بن محمود قاضی)
۴۰۰ - ۴۰۱، ۵۳۰، ۷۸۴	۸۱۷
احمد کرمانی ۵۴۰	اختیار (قاضی حسن بن غیاث الدین) ۱۶
احمد کشمیری ۷۹۱	۵۸۵، ۲۷۸
احمد کہ احمد میر قاضی ۶۴۹	اختیار الدیر (میر) ۲۴۲
د. بحرانی (مفتی) ۶۸۱	اختیار الدین حسن سمرقندی ۲۲۶
د. کشنی زادہ خیر بدیع ۷۰۴	اختیار الدین علی بن ابونصر روز بہ شیبانی
احمد گجوی (ابن خطیب) ۸۰۵، ۸۸۰، ۸۰۵	۸۸
۷۳۹، ۱۰۸	خسٹان بن منوچہر شروانشاہ (ابوالمظفر)
احمد لغر سیستانی قاضی ۴۵۳، ۴۴۰	جلال الدین ۱۰۵، ۱۰۳
۸۲۶ ۴۶۵	خسٹان ہندی (قاجار الدین محمد بن صدر)
حرفہ (میر سید) ۳۳۳	الدین احمد بن علاء الدین حسن
حماد امیر ۵۱۱	دبیر عبدوسی ملک ۷۶۱، ۷۵۵
حماد بن ۷۹۱، ۶۰۵، ۷۰۳، ۵۰۷	خسیکتی (اثیر الدین) ۱۰۷، ۷۴
	حگر (میرزا قاسم علی بیگ حیدر آبادی)

اخگری اندجانی (نور محمد) ۶۰۱

اخوان الصفا ۳۹۰

اخى جوق ۲۶۳

اخى سليمان گلخورانى ۲۱۲

اخى شرف الدين ۷۳۳

ادايى اصفهانى ۶۷۲

ادايى بخارى ۳۴۳

ادايى سمرقندى ۶۴۹

ادايى شيرازى (بهاء الدين على) ۳۳۸

ادايى شيرازى (ملا محمد) ۲۳۹-۳۳۸

ادراكى بيگلر تنوى ۳۶۶

ادريس ۱۴۵

ادريس بن حسام الدين يداليسى ۲۵۳، ۱۶۹

۷۷۵، ۷۴۲

ادريس بن يوسف (درويش) ۸

ادهم خان ۸۳۳، ۵۴۴-۸۳۳

ادهم عزلى خلخالى ۷۰۱

ادهم كاشانى (ميرزا ابراهيم) ۴۶۷

ادهم منشى ۶۵۱، ۴۶۸

ادهمى ۵۸۹

اديب صابر ترمذى ۸۲، ۷۴-۸۲، ۸۴-۷۱۹

اديب طبرى ۲۳

اديب كاشى ۷۷۲

اديب نطنزى (بدیع الزمان ابو عبدالله

حسين بن ابراهيم بن احمد) ۵۶

ارجاسب ۲۳

ارجاسب اميدى رازى طهرانى ۳۸۰، ۳۱۵

۴۴۱، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۸۰، ۶۸۵

۶۸۹

اردشير (امير حسين) ۳۴۳

اردشير استرابادى پختيارى (عزيز -

الدين) ۱۹۳

اردشير بابكان ۱۲۹، ۹

اردشير بن حسن معاذى تبريزى ۳۴۱

اردشير بن حسن ملك مارندران (حسام -

الدين) ۱۷۲، ۱۹

اردشير بن ديلمسپار فجمى قضبى (ابو -

الهيچا) ۷۱۲، ۷۰، ۴۸

ارسلان (كرخان) ۳۵۵

اردو (زبان) ۷۲۸، ۲۰۵، ۱۵۳

ارسطو ۳۱

ارسلان (قاسم مشهدى) ۴۱۹، ۲، ۵۸۰، ۶۳۶

ارسلان بابا ۶۳۹

ارسلان بخاراىى (قاسم) ۵۸۰، ۶۳۶

۸۳۶

ارسلان بن طغرل سلجوقى ۱۰۱، ۹۹، ۸۷

۱۰۷، ۱۰۲

ارسلان بن مسعود غزنوى ۷۷

ارسلان جاذب ۴۱۹

ارسلان خان بن محمد بن سليمان ۷۷

۹۸

ارسلان شاه بن کرمانشا ۸۲، ۷۷

ارسلان مشهدى (قاسم) ۴۱۹، ۷، ۵۸۰

۶۳۶

ارشد شيرازى ۳۴۳

ارشاد كازرونى ۴۳۷، ۲۳۳

ارشميدس ۱۲۸، ۱۲۷

ارغون ۶۷۱، ۳۶۶، ۴۰۹

ارغون (امير ذوالنون) ۴۰۹، ۶۷۱

۸۲۹، ۶۸۱

ارغون (جيچك بيگم) ۳۷۶

ارغون (شاه حسن) ۸۲۵

ارغون (طايفه) ۳۶۶

ارغون خان ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۶۲ - ۱۶۳

۷۴۱، ۷۳۱، ۱۸۶، ۱۷۴

ارغون هردى ۳۴۳

ارقم فارسى (امير سنا الله دين) ۱۰۲

اروپايى ۲۸۹

ازبك ۴۰۷، ۴۱۳، ۴۸۶، ۴۸۸، ۵۵۹

۵۶۰، ۵۷۹، ۵۸۴، ۵۹۱، ۶۱۵

۸۰۸، ۶۴۱

ازبك (اتابيك مظفر الدين) ۱۵۸، ۱۴۰

۷۲۹

ازبك ۲۴۲، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵

۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹

۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴

۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸

۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲

۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶

اسحق بن منصور بن خلف نیشابوری ۶۴	۶۶۶-۶۶۷، ۶۷۱، ۶۷۸-۶۸۲،
اسحق ترک ۱۶	ازبگان ماوراءالنهر ۳۵۵
اسحق خروفي ۲۸۱، ۲۹۱	ازبك بن محمد بن ايلدگز (انابيك) ۱۴۰،
اسحق ختلانی ۳۱۹-۳۲۰	۱۵۸
اسحق قاری ۴۰۶	ازبك خان ۵۹۲
اسحق کسایي (مجدالدین ابوالحسن) ۲۶،	ازرقی هروی (شرف الزمان ابوالمحاسن
۳۷	زین الدین ابوبکر جعفر بن اسمعیل)
اسحق کشمیری ۸۱۳	۷۴، ۵۳
اسدالله (میر) ۳۴۲	ازهری هروی (جلال الدین محمد) ۹۵
اسدالله صدر (امیر) ۵۰۱	ازدها سلطان افشار ۵۰۲
اسدالله ملولسی اصفهانی (خلیفه) ۴۴۷،	امب نوبتی (جمعیت) ۱۶
۸۲۶	اسپندیار سلطان ۵۶۸، ۵۷۳
اسدالله علیشیر ۳۶۲	اسپهبد اسپهبدان شهر نوش ملک مازندران
اسدبیک اشک قزوینی ۶۶۷	۲
اسدجانی همدانی ۵۲۸	اسپهبد شاه نصره الدین کبود جامه ۱۸۰،
اسدخان ۶۹۶	۳۴۵
اسدی طوسی (ابونصر احمد بن منصور)	استاجلو ۴۷۲-۴۷۳، ۴۸۲، ۴۹۲-۴۹۵،
۷۱۷، ۷۰۰، ۴۷، ۴۴، ۳۸، ۲۹، ۲۶	۵۰۶
اسعد بن شهاب بخارایی (سعد الدین) ۱۰۰	ستاد مختص
اسعد زیاد (کمال) ۱۷۸	۷۰، ۶۳
اسعد گرگانی (فخر الدین) ۵۱، ۴۶،	استادی احمد بن موسی رشتی ۷۶۲
۱۰۵	استاوسین ۱۶
اسعد میهنی ۵۴	استراپادی ۶۷۷
اسفندیار اغلو ۸۰۰	اشرحون (امیر) ۶۷۸
اسفندیار بن سلطان خسرو بن سلطان یار	استغنائی نیشابوری ۲۲
محمد بن جانی بیک سلطان ۵۷۹	استحاقی (سلمه) ۴۸۹
اسفندیار سلطان ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۹۰،	استحاقی (عبدالله بن عبدالحی بن علی حسینی)
۵۹۳-۵۹۴، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۱،	۲۶۲
۸۳۶	اسحق استراپادی ۲۸۱، ۲۹۱
اسکافی (ابوحنیفه) ۴۴	اسحق بن ابراهیم بن ابوالرشید ۱۲۰
اسکندر (چالان الدین) ۱۸۱	اسحق بن امین الدین جبرئیل موسوی
اسکندر بن عمر شیخ تیموری (میرزا-)	اردبیلی اصفی الدین ابوالفتح ۱۸۶،
اسکندر) ۲۰۴، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۹۶،	۲۱۱-۲۱۲، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۸،
۷۷۱، ۷۵۲، ۴۵۰	۴۸۱، ۴۸۴، ۴۹۱، ۷۴۷، ۷۶۷،
اسکندر بن محمد ۳۸۳	۸۱۸، ۷۹۳
اسکندر بن یوسف قراقویونلو ۲۳۴، ۲۹۸،	سحق بن شای دھوی (د-الدین) ۱۵۶۱
۷۹۴	سحق بن محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن
اسکندر بیک ۸۰۰	ریب مصر قندی (ابو نقیسه) ۲۹،
اسکندر پاشا حکمران آمد ۳۵۶	۷۱۶، ۷۸۱

اسکندر یا شاروملی لوند ۴۹۶

اسکندر خان افشار ۴۵۷

اسکندر خان بکیشلو ۵۰۶

اسکندر خان بن جانی بیک بن خواجہ محمد

ابن ابوالخیر خان ۴۸۷-۴۸۸

اسکندر گورگانی (میرزا) ۲۰۴، ۲۳۲،

۷۷۲-۷۷۱، ۷۵۳، ۲۹۶، ۲۳۷

اسکندر لودی ۴۰۴-۴۰۵، ۴۰۸، ۴۶۵، ۷۸۵،

۸۰۹، ۸۱۲-۸۱۳، ۸۳۸

اسکندر هروی ۵۸۲

اسلام ۱۴-۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۷، ۶۶-۶۷،

۷۲، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۷،

۱۴۴، ۱۶۷، ۱۸۸، ۲۴۱، ۲۴۸،

۲۵۶

اسلام خزالی بلخی (برهان الدین) ۲۳۰،

۲۸۹، ۶۲۹

اسلام گرای ۴۹۰

اسلامی ۱۳، ۱۳۴، ۲۴۱، ۲۵۹، ۳۵۴،

۳۵۷

اسمعیل ابرقوی (صدر الدین) ۷۵۵

اسمعیل اقبال ۷۲

اسمعیل باخرزی (تاج الدین) ۸۸

اسمعیل بحشی قزوینی ۶۷۱

اسمعیل بخاری (ملک عماد الدین) ۲۲۳

اسمعیل بکری (کمال الدین) ۶۴۸، ۵۹۹

اسمعیل بن ابراهیم غزوی زدریس ۸۸

اسمعیل بن احمد جام (شهاب الدین) ۷۲۱

اسمعیل بن احمد سامانی ۷۱۶

اسمعیل بن جعفر الصادق ۳۶۷

اسمعیل بن جمال الدین ابومحمد عبدالله بن

عبدالرزاق اصفهانی (کمال الدین

ابوالفضل) ۷۴، ۱۰۰، ۱۴۱، ۱۵۷-

۱۵۸، ۲۳۹، ۲۹۸، ۷۳۹-۷۴۰،

۸۲۰

اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسینی،

مگرگانی (زین الدین ابوابراهیم) ۹۲

۷۲۷، ۱۲۴

ل بن صدر الدین محمد (عماد الدین)

۷۴

اسمعیل بن غیاث الدین منصور بن نصیر-

الدین عبداللہ بکری مکی (کمال-

الدین) ۵۹۹، ۶۴۸

اسمعیل بن لطف الله باخرزی ۸۱۴

اسمعیل بن محمد بن عبدالله بن احمد بن

سہل بن ارج آملی بخارا بن مستملی

مذکر مسری (ابوابراهیم) ۲۹، ۷۱۶،

اسمعیل بن محمد تبریزی ۱۵۰

اسمعیل بن ناصر الدین سبکتگین ۳۳

اسمعیل بن نوح منتصر (ابوابراهیم) ۲۲

اسمعیل ناشی ۸۳۴

اسمعیل حماری (شهاب الدین) ۳۲۹

اسمعیل دوم صفوی (شاه) ۲۵۶، ۳۷۹، ۳۸۲،

۳۸۷، ۴۴۸، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۰،

۴۶۲، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۴،

۴۹۱-۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۹-۵۰۲،

۵۲۹-۵۳۰

اسمعیل رشیدی ۲۵

اسمعیل سیسی سمنانی ۲۱۰

اسمعیل شام خازانی ۲۴۳

اسمعیل شامی قادری ۵۴۰

اسمعیل صفوی (شاه) ۶، ۲۳۴، ۲۴۱،

۲۵۱، ۲۵۳-۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۸،

۲۷۵، ۲۷۷، ۳۱۰، ۳۱۳-۳۱۵،

۳۱۷، ۳۲۱-۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۴،

۳۲۸، ۳۴۹-۳۵۱، ۳۵۴،

۳۵۸، ۳۷۲، ۳۷۵، ۳۷۷،

۴۱۰، ۴۳۶-۴۳۸، ۴۴۰،

۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۴-

۴۵۵، ۴۵۷-۴۵۸، ۴۶۴-۴۶۵،

۴۶۷، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۶،

۴۹۱-۵۰۷، ۵۰۸، ۵۲۵، ۵۳۴،

۵۶۲، ۵۸۳، ۶۰۶، ۶۴۷، ۶۵۱،

۶۶۶، ۶۷۰-۶۷۱، ۶۷۷-۶۷۸،

۶۸۱، ۶۸۶-۶۸۷، ۶۹۱، ۶۹۵،

۶۹۶، ۸۰۳-۸۰۴، ۸۱۴، ۸۱۸،

۸۲۳، ۸۲۶

اسمعیل عادلشاه وفاپی (سلطان) ۲۳۷،

۶۴۷

اسمعیل قزوینی (حاجی) ۶۴۹  
 اسمعیل گرگانی (سیدزین الدین ابوالبراهیم  
 اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد  
 حسینی) ۷۲۷، ۱۲۴، ۹۲  
 اسمعیل میرزا پسر شاه طهماسب ۳۷۸  
 اسمعیل وراق هروی ۸۴، ۵۳  
 اسمعیلی ۸۰۴، ۵۴۹  
 اسمعیلی (صدرالدین) ۸۰۵  
 اسمعیلیان الموت ۱۳۶-۱۳۷  
 اسمعیلیان قهستان ۱۷۰  
 اسمعیلیه ۷۴، ۶۶، ۵۹، ۵۴، ۳۷، ۲۸، ۲۶  
 ۸۰۵، ۷۲۹، ۳۶۸، ۱۳۹، ۱۲۷  
 ۸۱۶  
 اسمعیلیه ایران ۱۷۰  
 اسمی بخارایی (حاجی بابا) ۵۹۱  
 اسمی هروی ۳۴۳  
 اسیر ابدال اصفهانی ۶۶۵  
 اسیر ترك ذوالقدر ۶۶۷  
 اسیری ۳۴۱  
 اسیری (محمد قاسم) ۶۴۹  
 اسیری (میرغازی بن قاضی محمود سیفی  
 حسینی) ۸۲۲، ۵۰۳، ۴۲۹  
 اسیری تربتی ۵۲۶  
 اسیری راری (قاضی غازی) ۵۰۳، ۴۲۹  
 ۸۲۲  
 اسیری لاهیجی گیلانی نوربخشی (شمس-  
 الدین محمد بن یحیی بن علی) ۱۶۹  
 ۷۸۹، ۱۲۴۲-۷۴۱، ۳۲۲، ۳۱۹  
 اسیری هروی ۳۴۳  
 اشتر ۳۸۱  
 شعی حویدری ۲۵  
 شتهی اسفند ۲۰۴  
 شرف (درویش) ۷، ۳۰۵  
 شرف امدت ۷۶۳  
 شرف (میرزا محمد) ۴۶۹، ۴۴۱، ۳۵۰  
 ۸۱۵  
 شرف (شیراز) سگپرستان ۱۰۵  
 شرف (شیراز) شرف ۳۶  
 شرف (شیراز) شرف ۳۶  
 شرف (شیراز) شرف ۳۶

غزنوی ۷۱۹، ۸۰-۷۹، ۷۷، ۷۴  
 اشرف بن شرفی کوفه فاروقی ۲۸۵  
 اشرف بن محمد اشرف قباوی ۷۳۵  
 اشرف ثانی ۷۱۹  
 اشرف خان میرمنشی ۵۵۴، ۵۴۲  
 اشرف رموزی سمرقندی (میر) ۵۹۶  
 اشرف سمرقندی (معین الدین) ۷۱۹، ۸۷  
 اشرف شیرازی (معین الدین) ۴۶۹، ۴۴۸  
 اشرف گلستانی ۲۲۶  
 اشرف نوری سمرقندی ۵۹۶  
 اشرفی (سکه) ۸۲۱  
 اشرفی (طریقه) ۷۵۶  
 اشرفی سمرقندی ۹۵  
 اشرفی ۶۲  
 اشرفیان ۳۸۹  
 اشکانی ۱۱-۱۲  
 اشک قزوینی پیشرو خان (میرزا اسدالله  
 بیک) ۶۶۷  
 اشکی قمی ۸۲۳، ۴۳۱  
 اشکانی جویباری ۲۵  
 اشهری (جمال الدین) ۱۸۰  
 اشهری نیشابوری (شاهقور) ۱۸۰  
 اصدقا همدانی ۶۶۷  
 اصطخری (ابو اسحق ابراهیم) ۷۷۱، ۷۱  
 اصغر مشهدی ۳۴۳  
 اصفهانی ۵۳۷  
 اسمیل الدین ابوالمفاخر عبدالله بن عبد-  
 الرحمن بن عبداللطیف حسینی دشتکی  
 شیرازی شافعی هروی واعظ ۲۴۳،  
 ۷۷۴، ۲۴۵  
 اصیل الدین بن نصیر الدین طوسی ۷۳۰  
 اصیل الدین روحانی ۸۸  
 اصیل الدین زوزنی ۱۸۰  
 اصیل الدین محمود بن احمد جام (یا صفی-  
 ندین) ۷۲۰  
 صیرالدین حبیب سمرقندی ۹۵  
 اصل زوزنی واعظ ۷۷۴، ۲۴۵، ۲۴۳  
 صیری مشهدی ۳۴۳  
 صیرالدین هروی (سراج الدین) ۳۴۳

اطعمه (ابو اسحق احمد خلاج شرازی)

۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷، ۳۲۰

اظهر تبریزی ۳۲۷

اظهر خطاط ۳۴۳

اعتماد الدوله ۴۶۲

اعتماد الدوله (عبدالله خان) ۴۳۴

اعتماد الدوله جهانگیری ۵۱۳، ۲۸۲

اعتماد الدوله حاتم بیگ صافی اردوبادی

۶۴۹، ۶۸۴، ۶۹۳، ۶۹۹، ۷۰۵

۸۳۷

اعتماد الدوله صافی اردوبادی (خواجہ

حاتم بیگ) ۶۴۹، ۶۸۴، ۶۹۳، ۶۹۹

۷۰۵، ۸۳۷

اعتماد الدوله غیاث الدین ۵۱۳، ۳۸۲

۸۰۶

اعتماد الدوله غیاث بیگ دازی ۵۱۳، ۳۸۲

۸۰۶

اعتماد خان ۳۶۷

اعراب ۱۲-۱۵، ۱۷، ۱۵۱

اخرجی مراغی (قاضی) ۵۳۳

اعزالدین خالد خان ۷۶۸

اعظم (اعظم علی خان) ۶۴۹

اعظم خان (میرزا عزیز کوکه) ۳۸۳، ۴۲۶

۵۴۳، ۵۵۳، ۶۰۱، ۶۵۳

۶۶۹

اعظم شاملو (علیقلی خان) ۴۹۹، ۶۶۷

اعظم علی خان اعظم ۶۴۹

افروز خان ۷۹۳

افتخارالدین دامغانی ۱۸۰

افتخارالدین قزوینی (ملک) ۲۲۱، ۲۲۶

۷۴۹

افراسیاب ۸۰۱

افراسیاب (آل) ۲-۱

افسری کریمینی ۶۲۲

افسری هروی ۳۴۳

افشار ۴۸۲، ۵۰۷، ۸۳۰

افشین ۱۶

افضل (امیر) ۲۴۲

افضل اسفراینی ۱۷۷

افضل الدین ۷۲، ۳

افضل الدین ابوبدیل ابراهیم بن ابواسحق

علی بن عثمان خاقانی شروانی ۷۳،

۱۰۳، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۰۹۲

۱۷۴، ۲۸۹، ۳۹۶-۳۹۷، ۷۱۹-

۷۲۰

افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد

کرمانی ۱۱۷، ۱۱۸-

افضل الدین بن صدرالدین ترکه اصفهانی

۱۲۶، ۳۳۸، ۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹

۵۲۰، ۷۱۱

افضل الدین ترکه ۸۱۴

افضل الدین حسن بن احمد باغی ۸۸

افضل الدین صدر ترکه ۱۲۶، ۳۳۸، ۴۴۹

۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱

افضل الدین غیلانی ۵۵

افضل الدین کشانی (محمد بن حسن بن حسین

ابن محمد خوزمه مرقی بابا) ۱۳۵، ۶۹

۲۳۴، ۴۴۹، ۴۵۰، ۷۳۲

افضل الدین کرمانی ۸۸

افضل الدین محمد بن

محمد خوزمه مرقی کشانی (بابا) ۶۹،

۱۴۵، ۲۳۴، ۴۴۹، ۴۵۰، ۷۳۲

افضل الدین محمد ترکه ۱۲۶، ۳۳۸-

۴۴۹، ۴۶۰، ۱۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱، ۸۲۱

افضل الدین محمد ترکه دوم ۴۵۱-۴۵۲،

۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰، ۸۲۱

افضل الدین محمد کرمانی ۴۶۴

افضل الدین محمود بن ضیاء الدین محمد

کرمانی ۳۰۷-۳۰۸

افضل الله آبادی ۲۰۶

افضل بن سید نظام الدین سلطانعلی موسوی

هروی ۳۲۳

افضل بیگ لاهیجی ۶۶۷

افضل ترکه ۴۴۸، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰

افضل حان (شمس الدین محمد علی لاری)

۶۴۵-۶۴۶

افضل خان (صدر الدین محمد کلامی لاری)

۶۴۶

افضل حان کلاخی ۵۵۱، ۶۴۶

افضل شیرازی (عباس العزیز بن محمد) ۲۳۶

۸۷۹

اکبر آبادی ۸۳۶،۶۷۷	۲۸۰
اکبر آبادی (پدرالدین) ۲۰۶	افضل کشتانی (بابا) ۱۴۵،۶۹ ۴۴۹،۴۴۴
اکرم (عمادالدین) ۱۸۱	۷۳۲،۴۵۰
الاقا ۶۰۵	افضل کرمانی ۳۴۹
الاغ ۶۰۹	افضل نامی طهرانی ۶۸۹
الاله (سعدالدین) ۶۷۸	افضلی بخارایی (خواجه محمد حیدر)
الب تکین ۳۲	۶۰۸
التمش (شمس الدین) ۱۵۲،۹۷ ۱۷۰،	افغان ۸۳۸،۷۵۱،۶۰۶
۷۴۴،۷۱۹،۱۷۲	افغانان ۸۱۹،۶۰۸،۶۰۶،۵۱۸
الحاجی ۱۹۴،۱۸۳،۱۷۵،۱۵۱،۱۴۲	افغانها ۴۵۴
۷۳۳،۴۴۹،۲۲۲،۲۱۶،۲۰۱	افغانی ۷۵۱،۳۶۱
الح باریک آی به (جمال الدین) ۱۲۸	اولادون (عبداللطیف شروانی) ۴۰۳،۸۵۱
الح بیک اعظم همایون باریک ابوبکر بن ابو	افلاکی (شمس الدین احمد) ۸۱۷،۱۴۳
فصرونی امیر المؤمنین (بمین الملک	افلاکی تبریزی ۶۹۰
فخر الدین) ۷۳۹	اقبال سیستانی ۱۴۸
الح بیک (میرزا) ۶۱۷-۳۴۳	اقدسی مشهدی ۵۱۷
الح بیک بن شاهرخ (علاءالدوله) ۲۳۱،	اقلایی مشرقی (خواجه عبدالرحیم بی -
۲۳۶،۲۴۹،۲۵۳،۲۶۸،۲۷۱	شمس الدین محمد خلوتی تبریزی)
۲۸۶،۲۹۲،۲۹۶،۳۰۰،۳۲۸	۷۹۵،۷۴۲
۳۳۰،۳۴۳،۵۸۷-۵۸۸،۶۳۰	اقلی (قاضی شمس الدین) ۱۷۸
۷۸۶	اقلی الدین بیلغانی ۱۰۸
الح خان سلطان محمد جوین تخلق شاه	اقلینس ۶۶۳
(محمد بن تخلق شاه) ۲۰۳	اکلف (زکی) ۱۷۸
الح قدرخان احمد ۷۱۹	اکبر (جلال الدین ابوالفتح محمد) ۳۵۲،۷
الح میرزا ۵۴۳	۳۵۶-۳۶۱،۳۶۳-۳۶۶،۳۶۹
الح ابدال بلخی اصفهانی ۷۸۸،۳۱۷	۳۷۲،۳۷۵،۳۷۷،۳۸۱-۳۸۳
الحقی ۴۵۲	۴۵۲-۴۵۳،۴۵۵-۴۵۶،۴۶۵
الحقی (قلیخان) ۴۵۲	۴۶۷،۴۷۰،۴۷۵،۴۷۵،۵۰۵،۵۱۳
الحقی بدخشی ۶۷۰	۵۱۴،۵۲۰،۵۲۳،۵۲۷،۵۳۲
الحقی هراقی ۴۵۲	۵۳۶،۵۳۹،۵۴۵،۵۴۷-۵۵۳
الحقیزدی ۴۵۲	۵۵۵-۵۵۸،۵۶۶،۵۶۸-۵۶۹
الحقاص میرزا صفوی ۴۵۲،۳۷۵-۴۵۴	۵۷۵-۵۸۰،۵۸۴،۵۸۸،۵۹۲
۸۲۶،۶۷۱،۴۸۴،۴۸۰،۴۷۲	۵۹۴،۵۹۷،۶۰۰،۶۰۳،۶۳۵
الحوردی خان ۶۱۶	۶۴۱-۶۴۲،۶۴۴-۶۶۲،۶۶۴
الحج ۶۹۶	۶۶۵،۶۶۷،۶۶۹،۶۷۳-۶۷۷
الحوس اربعه جنگیزی ۲۵۰	۶۸۳-۶۹۰،۷۰۹،۷۱۰،۷۴۴
الحوس جغتای ۲۴۹،۳۰۷،۳۰۹،۵۶۷	۸۱۵،۸۱۹-۸۲۲،۸۲۰-۸۲۴
نهادین اسدالعلما علی شیر سرحندی ۳۶۲	۸۳۰-۸۳۳،۸۳۱-۸۳۸
۸۰۳،۳۶۶	کبر اخوان ۷۸۴،۳۸۴،۳۴۷



الهداد فيضي سرهندي ۳۶۲، ۳۶۶، ۸۰۳	امامی (عبدالله) ۴۲۳
الهي ۳۴۲	امامی (قاضي محمد) ۳۴۷
الهي (دين) ۳۶۳-۳۶۴	امامی اصفهانی (امام الدين محمد) ۶۷۰
الهي اردبيلي (كمال الدين حسين بن شرف الدين عبدالحق) ۱۶۹، ۲۵۵، ۳۴۳، ۳۹۳، ۶۷۰، ۶۹۰، ۷۴۲، ۸۳۸	امامی اصفهانی هروی (مير شريف) ۴۳۰
الهي ساري (عبدالله) ۸۱۴	امامی خلخالی ۶۹۱
الهي شرواني ۶۹۱	امامی هروی (رضي الدين ابو عبد الله محمد ابن عثمان) ۱۶۱، ۷۴، ۷۴۵، ۷۴۰
الهي قندهاري ۶۷۰	امان الله پانی پتی ۶۷۸
الياس (ابو علي) ۲۵	امان الله قهستانی ۲۴۳
الياس بن يوسف بن زكي بن مؤيد نظامي گنجوی در نظامي	امانی ۲۳، ۵۵۰، ۷۱۷
الياس گنجه ۱۷۷	امانی (محمد بيك) ۴۹۷
الياس ميداني (شمس الدين) ۱۷۸	امانی اصفهانی (عير شريف) ۴۵۳
امام الحرمين ابو المعالي عبد الملك جويني ۷۴۱، ۶۱	امانی خراسانی ۵۳، ۴۱
امام الدين ابو القاسم بن ابو قزوینی ۱۸۰	امانی شیرازی ۳۴۳
امام الدين خان اجمیری ۱۵۴	امانی کابلی معروف بمينچه ۴۵۳
امام الدين محمد امامی اصفهانی ۶۷۰	امانی حمدانی ۵۲۸
امام المشككين ۱۱۲	امير سيونيسم ۲۲۹، ۲۳۵، ۳۵۳
امام اول ۴۴۲، ۵۰۵، ۵۳۲	امير القيس ۷۷۲
امام چهارم ۱۹۵، ۶۳	امير شیرازی (ابو القاسم) ۷۰۹، ۵۳۹
امام حداد ۱	امنی تبریزی (محمد) ۵۲۹
امام رباني (جمال الدين محمد بن حسن نغندوی طوسی) ۷۲۳	امیدی رازی (ارجاسب یا مسعود) ۳۱۵، ۵۸۰، ۵۱۳، ۵۱۰، ۴۴۱، ۳۸۰
امامزاده حسين ۴۹۴	۶۸۹، ۶۸۵
امام فخر رازی ۱۱۲، ۹۹-۱۱۳، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳، ۴۰۳-۴۰۴	امیدی طهرانی رازی (ارجاسب) ۳۱۵، ۵۸۰، ۵۱۳، ۵۱۰، ۴۴۱، ۳۸۰
۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۹۹	۶۸۹، ۶۸۵
امام قلی بيك قسوتی ۵۰۶	امير (حضرت) ۶۶۳
امام قلی خان والی بخارا ۴۰۳، ۶۸۹	امير (میرزا) ۴۶۹
امام قلی رازة قایینی ۶۷۰	اميرالدين مسعود ميندس ننجواني ۱۰۸
امام قلی ميرزا صفوی ۴۹۵	اميرانشاه ميرزا بن تيمور (عزالسلطنة) ۲۱۰-۲۱۱، ۷۵۶
امام هشتم ۸۵، ۳۱۸، ۴۰۳، ۴۳۸، ۵۶۲	امير. ۱۱۱
۶۹۹	امير بيك امیری ۵۰۷
امامی ۵۵۹	امير بيك پیروی ساوچی ۴۳۱
امامی (ابو العباس) ۷۹، ۲۵	امير بيك كججی مسرور ۴۱۴، ۴۶۴
	۶۹۱، ۴۵۵
	امير يازاري ۳۴۰
	امير خان انسی ۳۴۳
	امير حسینی ۱۶۹، ۲۱۴، ۷۴۲، حسینی

اصفهانی ۵۲۳، ۴۴۹، ۳۸۱، ۲۵۱  
 ۷۲۲، ۶۶۳، ۶۳۷  
 امین الدین احمد مستوفی ۱۴۴  
 امین الدین تبریزی ۷۴۲، ۲۲۵  
 امین الدین چهارمی ۲۱۶  
 امین الدین حسن ۴۲۳  
 امین الدین خواجہ جهان ۵۲۳  
 امین الدین دادا (روح الامین) ۲۲۶  
 امین الدین کاکانوری ۲۲۶  
 امین الدین محمد بن علی بن ضیاء الدین  
 مسعود کازرونی ۷۶۲، ۲۰۸، ۲۰۰  
 امین الدین قزلبادی ۳۰۴  
 امین بن احمد ۸۰۶، ۳۸۲  
 امین تبریزی (میرزا محمد) ۶۹۲، ۵۳۰  
 امین سلطان ترکمان (محمد) ۵۰۱، ۴۹۵  
 امینی استرابادی ۵۰۴  
 امینی بلخی ۳۵  
 امینی تبریزی (محمد) ۶۹۲، ۵۳۰  
 امینی خونی (غنی) ۴۲۸  
 امینی زرگر تبریزی (میرزا احمد) ۵۳۰،  
 ۶۹۲  
 امینی هروی (امیر سلطان ابراهیم) ۴۶۴،  
 ۶۶۶  
 امینی هروی (صدر الدین) ۳۴۳، ۲۷۵  
 امینی یار کندی ۵۹۵  
 انجمی بخارایی (میرزا باقی) ۶۰۲، ۵۳۹  
 انس بن مالک ۱۴۶  
 انسی (امیر جان) ۳۴۳  
 انسی (قطب الدین میر حاج گنابادی) ۳۲۱، ۸  
 انسی (مولانا شاه محمد) ۴۲۷  
 انسی چنابادی (قطب الدین میر حاج) ۳۲۱، ۸  
 انسی قندهاری (محمد شاه) ۸۲۷، ۴۵۳،  
 ۸۳۵  
 سی کرمان ۵۶۴  
 نشیر (میرزا قاسم ساغرجی منشی) ۵۸۶  
 سه ای ۳۴۳  
 تقدیر ۵۵۷  
 انکس ۴۰۵  
 رکنی ۶۰۷، ۳۵۱، ۲۸۹، ۲۰۶، ۱۶۹

سادات  
 امیر خان ۶۳۲  
 امیر خان میک ۵۰۶  
 امیر خان ترکمان ۵۳۱، ۴۹۳  
 امیر خان حاکم خراسان ۳۳۰، ۳۲۱،  
 ۵۳۴  
 امیر خان کلاهی ۵۰۱  
 امیر خان مصلو ۴۵۷  
 امیر خرد (سید محمد بن سید مبارک بن  
 محمد علوی کرمانی) ۷۵۹  
 خواند شاه ۴۴۹  
 امیر دیباج مظفر سلطان ۴۸۹  
 امیر سلطان روحلو ۳۵۵  
 امیر صفادار ۲۲۵  
 امیر قاضی احمد کمانچه ۶۴۹  
 امیر قلی بابا کوکلتاش ۵۸۶  
 امیر کای قزوینی ۲۲۲  
 امیر کلان ۳  
 امیر کیا ملاطی حسنی ۳۸۶  
 امیر مالک دیلمی ۸۲۲، ۵۲۶، ۵۱۵  
 امیر معزی فیضابوزی ۵۰-۷۴، ۵۴، ۵۱،  
 ۸۳  
 امیر نجم فانی ۸۲۹، ۴۴۵، ۴۳۶، ۳۱۰  
 امیری ۳۴۳  
 امیری (امیر دینک) ۵۰۷  
 امیری (امیر محمد) ۴۳۷  
 امیری (جلال الدین یوسف) ۷۹۸، ۳۴۲  
 امیری بدخشانسی (ضیاء الدین یوسف)  
 ۳۰۴  
 امیری - روجی ۵۳۶  
 امین ۲۵۱، ۲۷۱، ۴۴۹، ۵۲۳، ۶۳۱،  
 ۷۲۲، ۶۶۳  
 امین (خواجہ) ۷۹۸، ۵۲۳  
 امین احمد رزی ۸۰۶، ۳۸۲  
 امین (امیر) (خواجہ) ۴۴۹، ۳۸۱، ۲۵۱  
 ۷۲۲، ۶۶۳، ۶۳۱، ۲۵۱

۷۲۴، ۷۲۲، ۲۹۲، ۱۹۹، ۱۷۳  
 ۷۳۸، ۷۳۵، ۷۳۳، ۷۳۶، ۷۳۱  
 اوحد الدین درگانی ۹۵  
 اوحد الدین طبیب رازی ۷۴۵  
 اوحد الدین عبداللہ بن ضیاء الدین بلیانی  
 کازرونی ۷۱۰، ۲۸۲، ۱۸۱  
 اوحد الدین عبداللہ بن مسعود بن محمد  
 ابن علی بن احمد بن عمر بن اسمعیل  
 ابوعلی دقاق ۳۷۹  
 اوحد الدین علی بن وحید الدین محمد  
 ابن اسحاق نوری ایبوردی ۸۰۲-۸۱،  
 ۳۹۶، ۱۱۸، ۹۶، ۸۷  
 اوحد الدین کرمانی ۴۹۲، ۱۹۹، ۱۷۳  
 ۷۳۳، ۷۳۶، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۲۲  
 ۷۳۸، ۷۳۵  
 اوحد الدین گرگانی ۹۵  
 اوحد طالقانی ۳  
 اوحد مستوفی سبزواری (فخر الدین)  
 ۳۰۳-۳۰۳  
 اوحدی اصفہانی مراغی ۲۲۳، ۱۹۹، ۱۷۳  
 ۷۶۰  
 اوحدی بلیانی اصفہانی (تقی الدین محمد)  
 ۶۶۰، ۶۵۸ - ۶۵۷، ۵۳۷، ۳۷۹  
 ۸۰۵، ۸۰۲  
 اوداسی ۴۸۵  
 اوراتیپ ۶۸۰  
 اورخان ۷۵۷  
 وزمردی (ابو الحسن) ۳۴-۳۵  
 اوزب ۵۷۴  
 اوزبک خان ۵۷۳  
 وزوج حسن ۲۸۶، ۲۷۰، ۲۶۷، ۲۶۲، ۶  
 ۳۴۹ - ۷۹۳، ۴۸۲، ۳۵۰ - ۷۹۴  
 ۸۰۰، ۸۹۶  
 وش ویشانی (بیاض الدین محمد) ۷۹  
 ۷۴۶  
 وش ویشانی حنفی امرأہ الدین حنفی بن  
 شمس ۳۹۵  
 ووس اربک ۵۸۳  
 ووس پیر ۵۸۷

انوار ہمدانی ۶۷۱  
 انوری (شمس) ۴  
 انوری ایبوردی (اوحد الدین علی) ۸۰، ۲-  
 ۳۹۶، ۱۱۸، ۹۶، ۸۷، ۸۱  
 انوری بخاری ۳۴۳  
 انوری بلخی ۳۴۳  
 انوری ہروی ۳۲۳  
 انوشکین خوازمشاہ (قطب الدین)  
 ۱۷۴  
 انوشیروان ۳۵، ۳۱  
 انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی  
 (شرف الدین) ۱۱۸-۱۱۹، ۷۲۷  
 انوشیروان بن محمد شاہ بن ہارون بن  
 علاء الملک بن جہان شاہ بن قطب الدین  
 ابن مبارز الدین کرگین شاہ علاء الملک  
 ابن سیف الدین بسا کالیجار بن  
 علاء الملک بن قطب الدین محمد بن  
 باکالیجار بن قطب الدین ملقب  
 بباغوی ۶۱۶  
 انیس ترمیزی (حیدر بک) ۷۷۱  
 انیس (شیخ وحید الدین ابوالحسن محمد)  
 ابن زین الدین حاجی احمد اسفر -  
 غابادی معروف بمیرجان ۲۶۲،  
 ۶۳۰-۶۲۹، ۳۷۳  
 انیس خوازمشہ ۳۴۳  
 انیس شاملو (حقیقی بیک) ۴۲۳  
 انیس شاملو (روانی بیک) ۴۲۳-۴۲۴،  
 ۸۳۰، ۸۲۰  
 انیس قندرہای ۶۴۲  
 انیس کتب ۳۴۳  
 انیس ہروی ۳۴۳  
 انیس ہمدانی ۵۲۹  
 اوجی دہ گرینی ۵۲۷  
 وجی کشمیری ۴۵۳  
 اوحد الدین بن حسین اوحدی اصفہانی مراغی  
 ۷۶۰، ۲۲۳، ۱۹۹، ۱۷۳  
 اوحد الدین بن ضیاء الدین مسعود کازرونی  
 ۷۶۲  
 اوحد الدین حامد بن ابوالفتح کرمی

ایرانی ۱۴۰۹-۱۸۰۲۷، ۲۹، ۳۱-۳۳، ۲۹  
 ۲۹-۳۰، ۳۷، ۴۱، ۷۴، ۸۰، ۹۶  
 ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۰، ۱۷۹  
 ۲۲۷-۲۷۹، ۲۸۱، ۳۸۹  
 ۳۹۵، ۵۴۵، ۵۵۲-۵۵۵، ۵۵۶  
 ۸۱۳، ۷۵۷، ۶۶۹، ۵۵۶  
 ایرانیان ۱۵، ۱۷-۱۹، ۲۱، ۱۳۴  
 ۴۳۲، ۴۰۷، ۳۴۹  
 ایرج ۶۱۶  
 ایرج قبریزی ۶۹۲  
 اینورخان ۶۷۸  
 ایقانی ۵۵۷  
 ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان محمود)  
 ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱  
 ایلچی نظامشاه ۳۵۵  
 ایلخانان مغول ۲۲۷، ۲۳۰، ۷۳۷، ۷۳۲  
 ۷۶۲، ۷۴۷، ۷۴۴، ۷۳۹  
 ایلدرم بایزیدخان ۱۹۹  
 ایلدگز (اٹا بیک محمد) ۷۳، ۱۰۴، ۱۰۶-  
 ۷۴۱، ۱۳۰، ۱۰۸  
 ایلگانی جلایر (پادشاهان) ۲۰۵  
 ایمنی خوانساری قبی ۵۲۲  
 ایمنه اثنی عشری ۴۳۶، ۴۶۵-۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۰  
 ۸۱۳، ۷۴۹، ۶۷۰، ۶۵۸، ۶۵۵  
 ایمنه شیعه ۳۶۸  
 اینانج بیک (سلیمان) ۷۲۶  
 اینجو (ابو اسحق) ۱۳۸-۱۴۹، ۱۸۳-  
 ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷-  
 ۱۹۸، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۴  
 ۲۱۶، ۲۶۰، ۳۹۷  
 ایوب (خواجه) ۴۱۲  
 ایوب انصاری ۷۸۹  
 ایوب بن خواجه ابوالبرکات (خواجه)  
 ۴۱۲  
 ایوب تاشکندی (محمد ایوب) ۶۰۴  
 ایوب سمرقندی (خواجه) ۳۴۳  
 ایوب عراقی (خواجه) ۴۱۲  
 ایوب فراقی هروی (خواجه) ۶۸۷  
 ایوب فریقی شهرسبزی (خواجه ابوالبرکات)  
 ۶۱۲

الوس ترکمان ۵۸۶، ۵۸۱  
 اولوس تولکی ۵۸۵  
 اولوس جغتای ۶۴۳  
 اولوس شیرین ۵۹۳  
 اولوس صابن خان ۶۴۰-۶۴۱  
 اولوس قوشچی ۵۸۴  
 اولوس مغول ۵۹۵  
 اولیاء الله آملی ۱۸۷  
 اومانی (ائیرالدین) ۷۴۵، ۱۵۸  
 اوپانچ زنجانی ۲۲۲  
 اوس بن بیستون ۳۵۳  
 اوس بن شیخ حسن نوید جلایر (سلطان  
 جمال الدین ابوالحسن) ۱۸۴، ۱۸۷،  
 ۱۹۸، ۲۰۰-۲۰۳، ۲۰۹، ۲۱۳،  
 ۲۱۵، ۷۵۲، ۷۶۳، ۷۶۹، ۷۷۳،  
 ۷۷۷  
 اوس بن غیاث الدین محمد رستم داری  
 ۲۶۴  
 اوس بهادرخان ایلخانسی (مزالدین)  
 ۱۸۴، ۱۸۷  
 اوس سلطان بیات (حاجی) ۴۹۴  
 اوس قرنی ۳۹۰  
 اوسی (طریقه) ۲۲۱  
 اویماق تکلوه ۴۹۵  
 اهلی ترشیزی خراسانی (یوسف بن محمد  
 ابن شهاب) ۳۱۶، ۴۴۰-۴۴۱، ۵۱۸،  
 ۵۵۹  
 اهلی شیرازی ۲۳۵، ۳۱۶، ۳۹۰، ۴۴۰-  
 ۴۴۱، ۷۰۱  
 اهلی هروی ترشیزی ۴۴۰  
 ایازی هروی ۳۴۳  
 ایپک (قطب الدین) ۱۵۲، ۷۲۶  
 ایدقمش (شمس الدوله قاضی بیک) ۱۳۵  
 ایدکو (امیر) ۷۵۳  
 ایرانچی ۶۷۸  
 ایرانشاه بن ابوالخیر ۲۲، ۴۵، ۶۳، ۷۱۷-  
 ۷۱۸  
 ایرانشاه بن علی نیشابوری ۷۳۸  
 ایرانشاه بن قاوردد ۵۳

ایوبی ۷۲۲

ایوبی کربلائی ۵۶۶

بابای صبری میانکالی (مولانا) ۵۹۲

بابای طبیب فرغانی (شیخ) ۵۹۰

بابای میرکتر کستانی ۵۸۸

بابر (میرزا سلطان) ۲۸۹

بابرین بایستقر (ابوالقاسم) ۵، ۲۳۲، ۳۶۱

بابر پادشاه ۶۰۵-۶۰۶ ر. بابر میرزا

بابر میرزا (ظهیرالدین ابوالقاسم) ۲۳۴،

۲۳۰، ۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶،

۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۸-

۳۲۹، ۳۲۳، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۶۱،

۳۶۳، ۳۹۹، ۴۰۴-۴۰۵، ۴۱۱،

۴۲۵، ۴۵۳، ۴۷۲، ۴۷۵-۴۷۶،

۴۴۲، ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۹۰، ۵۶۳-

۶۰۹، ۶۱۴-۶۱۵، ۶۴۱-۶۴۲،

۶۴۵، ۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۷-۶۶۸،

۶۷۰، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۳، ۷۰۸،

۸۰۸-۸۰۹، ۸۳۳، ۸۳۵-۸۳۶،

۸۳۹

بابری (پادشاهان) ۴۲۷، ۴۶۹، ۴۷۵،

۵۵۳، ۶۰۵-۶۰۶، ۶۶۷، ۶۷۰،

بابری (خط) ۵۴۹

بابریان ۳۴۰، ۴۳۰، ۴۷۶، ۵۴۱-۵۴۲،

۵۴۴، ۸۱۵،

بابک خرم دین ۱۶

بابکر (قاضی مجدالدین) ۱۷۹

بابو (شیخ) ۸۲۱

بابولال هندی ۱۵۴

بادوسیانی ۳۵۳

باخرزی (علی بن حسن) ۵۲، ۱۲۳، ۷۱۷،

بازلی سارجی ۵۳۶

بارانی ۲۵

باربد ۱۵

باریک ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المؤمنین

(یمین الملك فخرالدین الخ بلكا)

۷۳۹

باریک شاه (ابوالمظفر) ۴۵۸

بارع فضلو هروی ۵۵

باسوندوک بیک قورچی باشی افشار ۳۷۸

بابا اسمی بخارایی (حاجی) ۵۹۱

بابا افضل کاشانی ۶۹، ۱۴۵، ۲۴۴، ۴۴۹-

۴۵۰، ۷۳۲،

باباجان خواجه ۶۴۱

باباجان هروی ۳۴۳

باباحسن قوجین (امیر) ۳۰۵

باباخاکی ۴۰۶، ۴۰۴، ۶۸۱،

باباخان ۵۷۳

بابادآود خاکی کشمیری سهروردی ۳۰۶،

۵۴۰، ۶۸۱،

بابادرکی جولکی (آقا) ۶۷۵

باباسودایی ایوردی ۳۰۰

باباشیر قلندر ۳۵۸

باباطالب اصفهانی (ملا) ۳۳۱، ۸۲۳،

باباطاهر حریان همدانی ۲۴، ۷۱۵، ۷۲۲،

باباعلی خوشمردان سیزواری (درویش)

۳۲۳

باباعلیشاه ابدال عراقی هروی ۳۲۲-

۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۶، ۷۹۶،

باباعلیشاه هروی ۳۲۲-۳۲۳، ۳۲۸،

۳۴۶، ۷۹۶،

بابافرید شکر گنج ۱۵۶ ر. فریدالدین

شکر گنج

بابافغانی شیرازی ۲۳۵، ۳۱۵، ۴۳۷-

۴۳۸، ۵۰۸، ۵۱۲، ۶۴۷، ۸۳۲،

باباقزوینی (رضی الدین) ۱۷۳

باباکمال جندی ۱۱۵، ۷۴۶،

باباکو کلتاش (امیر) ۵۹۵

باباکوهی ۵۷، ۷۱۷،

بابانانک ۴۸۴، ۴۸۶،

بابانعمة الله بن محمود نخجوانی ۱۶۹،

۲۸۲، ۳۴۸، ۷۳۲،

بابانعمة الله علوان آق شهری ۲۸۲

بابای بدلا ۵۶۵

بابای بلخی (مولانا) ۶۳۹

بایزید آل عثمان ۲۶۷، ۳۹۱، ۴۷۲،  
 ۷۸۲، ۴۷۶  
 بایزید اول ۴۷۹  
 بایزید بسطامی ۱۹، ۱  
 بایزید بن سلطان محمد فاتح ۲۵۸، ۲۷۱،  
 ۲۷۶  
 بایزید بن عنایت الله بسطامی (ابو محمد)  
 ۳۹۵  
 بایزید بیات ۸۰۲، ۳۶۲  
 بایزید پورانی (شیخ) ۶۱۱  
 بایزیدخان (ایلدرم) ۱۹۹  
 بایزیدخان محمدخان (سلطان) ۳۸۸  
 بایزید خلخالی ۷۰۲  
 بایزید دوری هروی (میر سلطان) ۴۱۹،  
 ۵۴۵  
 بایزید دوم عثمانی ۲۵۳-۲۵۴، ۲۷۲،  
 ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۶، ۳۲۵، ۴۷۶،  
 ۷۹۲، ۶۸۱  
 بایسنقر بن شاهرخ ۲۳۱  
 بایسنقر بن یعقوب بن اوزون حسن ۲۳۳،  
 ۲۵۱  
 بایسنقر میرزا تیموری (غیاث الدین)  
 ۵-۲۸، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۸،  
 ۲۶۲-۲۹۲، ۲۹۳-۲۹۸، ۳۰۰-  
 ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۴۱-  
 ۳۴۲، ۶۶۱، ۶۷۹، ۷۷۱-۷۷۲،  
 ۷۹۷، ۷۹۵  
 بایقرا ر. حسین بایقرا  
 بایقرا میرزا تیموری ۲۳۲، ۲۹۷  
 بایندر ۳۸۷  
 بایندری ۲۳۳  
 ببری (سید محمد اکبر حسینی) ۱۹۷  
 بشکچی (طایفه) ۳۰۰  
 بحرری ۱۲۴  
 بحرری قزوینی (میرزا اسمعیل) ۶۷۱  
 بحرری (میر) ۵۵۵  
 بخاری ۷۷۲  
 بخاری (سید) ۱۷۸  
 بختی تبریزی ۶۹۲  
 بختیار (معین الدین) ۱۷۹

باطنی بلخی ۳۴۳  
 باغنوی (حبیب الله میرزا جان) ۳۸۹،  
 ۳۹۲، ۴۳۵، ۵۰۰، ۵۲۰، ۵۸۶  
 باقر (میر محمد باقر طوسی) ۵۲۶  
 باقر خرده فروش یا خرده بی کاشانی ۵۱۶  
 باقر یزدی ۳۸۵  
 باقی (میرزا) ۶۳۶  
 باقی (نعمه الله) ۵۰۰  
 باقی انجمنی بخارایی ۵۹۳، ۶۰۲  
 باقی بالله دهلوی (خواجه) ۶۷۱  
 باقی بخارایی ۵۹۲، ۵۹۶  
 باقی بن میر علی کاتب (میرزا) ۸  
 باقی نقوی (میرزا محمد) ۶۹۰  
 باقی درزی ۸  
 باقی شیرازی (امیر سید شریف) ۴۴۸، ۴۴۸،  
 ۴۶۹، ۴۹۲  
 باقی کاشانی (میر) ۶۳۸  
 باقی کره بخارایی ۵۶۶  
 باقی کولایی ۵۴۲  
 باقی گرامی سمرقندی (خواجه تولک)  
 ۵۹۷  
 باقی لاری ۵۹۶  
 باقی محمدخان ۸  
 باقی مشهدی ۶۰۱  
 باقی مشهدی (مولانا) ۵۸۱، ۶۰۱  
 باکلی خار (مظفر الدین) ۷۵۵  
 باکویه ۷۱۷  
 بالیت طبری (ابالیت طبرستانی گرگانی)  
 ۵۵، ۲۳  
 بالی (خوش طبع) ۵۰۷  
 باهشاد ۱۵  
 بانجیب عمر ۱۷۷  
 یانیدی (علی) ۱۰۰  
 باوردی ۸۲۴  
 باوند (آل) ۱۲۹  
 باهر سریلی (میر) ۵۹۵  
 باهری نسوی (مجدالدین) ۹۴  
 بایزید (سلطان) ۳۹۱، ۶۹۶، ۸۱۰  
 بایزید آقا ۸۳۰

بختيار بن ژنگی بیغوی سلجوقی (امیر  
 حسام الدین) ۴۹  
 بختيار شروانی ۱۷۷  
 بختيار کاکی اوشی (قطب الدین) ۱۱۳،  
 ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۷، ۷۳۵، ۷۳۸،  
 ۸۰۵، ۸۰۹  
 بختياری (صدر لى) ۱۷۸  
 بختياری (عزیز الدین اردشیر استرابادی)  
 ۱۹۳  
 بختياری اهوازی ۲۳، ۷۱۵  
 بخشى (خواجہ نظام الدین احمد) ۳۵۸  
 بخشى الملك شيخ فرید بخاری ۲۶۶  
 بدایىک استاجلو ۵۳۰، ۷۸۴  
 بدایى خان (شاه) ۶۷۸  
 بدایى بلخى (محمد بن محمود) ۳۵  
 بدخشى (سلطان محمد بدخشانى) ۲۰۶، ۵  
 بدخشى (میرزا علی) ۶۵۵  
 بدخشى تالقانى ۵۸۴  
 بدر ۳۴۳  
 بدر الدین احمد بن محمود قاضی زاده مفتی  
 (یاشمس الدین) ۳۸۸  
 بدر الدین اسحق بن علی دهلوی ۱۵۶  
 بدر الدین اکبر آبادی ۲۰۶  
 بدر الدین بن عبدالسلام بن ابراهیم حسین  
 کشمیری ۴۴۴  
 بدر الدین بن نور الدین هروی ۹۵  
 بدر الدین جاجرمی ۷۴، ۱۶۲، ۲۰۴  
 بدر الدین چاچی ۲۰۳، ۷۶۹  
 بدر الدین دامغانی ۱۸۰، ۲۲۵  
 بدر الدین شیرازی ۳۴۲  
 بدر الدین صاعد بن احمد جام ۷۲۱  
 بدر الدین فارسی ۱۰۲  
 بدر الدین کرمانی ۱۰۲  
 بدر الدین محمود بن ابوبکر حسین بن  
 جعفر قراهی (ابونصر) ۹۰، ۲۷۵  
 بدر الدین فخبشی رومی ۱۵۱  
 بدر تغلیسی ۱۷۷  
 بدرخان ۴۵۷، ۵۰۷  
 بدر شروانی ۲۹۷

بدر طبری ۲۷۱  
 بدر قوامی ۱۷۷  
 بدر مجرمی ۱۷۷  
 بدر محمد دهلوی (قاضی خان دهاروال)  
 ۱۹۴، ۲۵۷  
 بدر نیشابوری (نظام) ۳۴۸  
 بدری فزونی ۳۵  
 بدلا (بابای) ۵۶۵  
 بدیع ۲۲۶  
 بدیع اتابیک جوینی (مؤید الدوله منتجب-  
 الدین علی بن احمد کاتب) ۲، ۸۸  
 بدیع الجمال (عصمت الدین) ۱۹۳  
 بدیع الدین ۷۷۲  
 بدیع الدین ترکو سگزی ۸۸، ۹۴  
 بدیع الدین شیرازی ۱۸۰  
 بدیع الدین عبدالغفور لاری ۱۱۶، ۲۵۵،  
 ۶۱۳، ۷۷۵  
 بدیع الدین فارسی ۱۸۰  
 بدیع الزمان ۷۷۲  
 بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم  
 ابن احمد ادیب نطنزی ۵۶  
 بدیع الزمان ترکو بدیمی سگزی ۸۸، ۹۴  
 بدیع الزمان عبدالواسع بن عبدالجامع بن  
 عمر بن ربیع جبلی سلطانى عزجستانى  
 ۴۸، ۷۴، ۸۲، ۹۲، ۱۶۶  
 بدیع الزمان علی بن احمد سیفی نیشابوری  
 ۹۵  
 بدیع الزمان میرزا بن حسین بایق  
 (ابوالفتح) ۶، ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۴۱،  
 ۳۰۸، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۳۸، ۶۶۱  
 ۶۷۱-۶۷۲، ۶۸۰-۶۸۱، ۶۹۷  
 ۷۸۱  
 بدیع الزمان میرزا صفوی ۴۵۴، ۴۹۵  
 بدیع الزمان همدانی ۲۳، ۱۱۸  
 بدیع بلخى ۲۳  
 بدیع بن ورقا خضاعی ۱۲۶  
 بدیع بیلغانی ۱۷۷  
 بدیع تبریزی ۳۴۱  
 بدیع تبریزی (منوچهر) ۱۹۴  
 بدیع کاتب جوینی (اتابیک منتجب الدین)

برندقی بخاری (بهاالدین ندیمی) ۲۹۶-  
 ۲۹۷  
 برندقی قزاق ۶۷۹-۶۸۰  
 برهان (آل) ۹۹  
 برهان الاسلام ۳  
 برهان الدین (قاضی) ۱۹۳  
 برهان الدین ابراهیم بن جلال الدین  
 احمد بن محمد مدنی خجندی ۳۴۲  
 برهان الدین ابوالفتح بن سلطان برهان-  
 الدین احمد بن محمد سیواسی (قاضی)  
 ۱۹۳  
 برهان الدین ابوسید محمد بن فخر الدین  
 عبدالعزیز کوفی بخاری ۹۵  
 برهان الدین اردلانی ۹۵  
 برهان الدین اسلام غزالی بلخی ۶۳۹، ۳۳۰،  
 ۷۸۹  
 برهان الدین بزاز ۲۲۵  
 برهان الدین ترمذی (سید) ۷۳۶، ۱۵۹  
 برهان الدین حسین ۱۷۷  
 برهان الدین خاوندشاه ۲۳۹  
 برهان الدین سمرقندی ۳  
 برهان الدین شاه خلیل الله ۱۸۸  
 برهان الدین عبداللہ ختانی ۱۶۳، ۲۸۳،  
 ۷۴۱، ۳۳۹  
 برهان الدین عطاءالله رازی هروی ۳۲۳  
 برهان الدین عطاءالله نیشابوری ۳۲۳  
 برهان الدین کریمینی (مولانا قاضی) ۶۱۳  
 برهان الدین گنج ۱۷۷  
 برهان الدین محقق حسینی ترمذی (سید)  
 ۷۳۶، ۱۵۹  
 برهان الدین محمد صدر هروی ۶۱۵  
 برهان الدین میراسلام غزالی ۶۳۹، ۳۳۰،  
 ۷۸۹  
 برهان الدین نصر بن احمد جام ۷۲۰  
 برهان الدین هروی ۳۴۳  
 برهان الشریعہ ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۷،  
 ۷۳۴  
 برهان الشریعہ محمود ۳۸۸، ۳۹۹، ۴۰۲،  
 ۴۰۷، ۷۳۴  
 برهان الشریعہ محمود بن صدر الشریعہ

۸۸۰۲  
 بدیع هروی (قاضی محمد بدیع) ۵۸۵،  
 ۸۳۶  
 بدیع اندجانی (یوسف) ۳۲۳  
 بدیمی تبریزی (حکیم) ۵۲۵  
 بدیمی سکزی (بدیع الدین یا بدیع الزمان  
 ترکو) ۹۴، ۸۸  
 بدیمی طوسی ۱۸۰  
 بدیمی کرمانی ۱۸۰  
 بدیلی (احمد) ۷۲۶  
 بدیهی (احمد) ۴۹  
 بدیهی سجاوندی (مجدالدین احمد) ۴۹،  
 ۸۸، ۷۹  
 بذلی اصفهانی ۶۷۲  
 برادریمچی ۱۷۷  
 براف حاجب ۲  
 برجیس ۲۵  
 برخوردار بن محمود ترکمان فرامی ۳۶۲  
 برخوردار همدانی خان عالم ۵۵۷  
 بردری سیستانی (میرسراج الدین) ۲۲۶  
 بردعی زاده (شمس الدین حمدی ملازاده)  
 ۳۴۰  
 بردی بلخی (میرزا ثنکری) ۵۹۵  
 برسه نیشابوری (خواجہ محمود) ۳۰۶  
 برسوی (محمد بن سلیمان آقا زاده) ۲۷۲  
 برغش شیرازی (شیخ) ۶۲۹  
 برقمی ۲۵  
 برقی استرآبادی ۵۱۸  
 برکات شریف مکه ۴۷۸  
 برکباف (نجم الدین) ۳۴۸  
 برکلی (محمد بن پیر علی) ۸۱۲  
 برکه سلطان ۶۷۸  
 برکیارق (رکن الدین ابوالمظفر) ۴۹-  
 ۱۲۷، ۸۰، ۷۰، ۵۰  
 برکیارقشاه (ناصر الدین) ۷۵۱  
 برگی تبریزی ۶۹۳  
 برلاس (مظفر) ۶۲۷، ۶۱۷  
 برمکیان ۳۲۱  
 برندقی ۲۹۶-۲۹۷



عبدالله محبوبی حنفی ۳۸۸، ۳۹۵،	بسملی کله پز سبزواری ۶۷۲
۴۰۲، ۴۰۷، ۴۳۴	بسنٔ ۷۷۳
برهان الملك ۴۳۳	بشار مرغزی ۲۴
برهان جامی ۳۴۳	بشاره روی (فریدالدین محمود) ۹۵
برهان خان عبدالرحیم سلطان ۵۶۸	بشر بن محمد بن یاسین (ابوالقاسم) ۳۴،
برهان شاه ۴۳۳	۷۱۵
برهان عبدالمجید (خواجه) ۳۰۷	بصیری عجمی ۳۴۳
برهان مسکین ۷۸۲	بطالیموس ۱۳۹
برهان نظام شاه دکنی ۳۵۵، ۳۶۷، ۳۶۸،	بغدادی ۷۱۴
۳۷۳، ۴۸۹، ۴۵۶، ۴۰۴	بغراخان (خاقان کمال الدین محمود) ۱،
برهانی ۸۳، ۵۱	۸۱
برهانی فیثابوری (عبدالمکمل محمد) ۵۱،	بغراخان (ناصرالدین) ۱۷۱، ۶۳۹،
۸۳	بقایی (ملا) ۴۲۸
برهمن ۴۸۹	بقایی (میر ابوالبقا) ۵۰۵، ۸۳۱،
برهمنان ۶۶۹	بقایی اگرهی (محمد حسین) ۴۲۹
برید الممالک ترک (علی بن قاسم) ۷۹۷	بقایی خوارزمی ۳۴۳
بزرگ (شاهزاده) ۵۴۸	بقایی سمرقندی ۳۴۳
بزرگ مهر قاینی (ابومنصور قیس بن-)	بقایی کمانگر ۶۲۷
۴۱، ۵۱، ۴۱	بقایی مشغولی اندکانی (محمد عارف)
بزمی اردبیلی ۶۹۳	۴۰۳، ۴۲۸، ۵۹۴، ۶۰۴، ۸۰۸،
بزمی استرآبادی (غیاث الدین) ۵۱۸،	بقایی هروی ۳۴۳، ۳۴۹، ۶۲۷، ۶۴۲،
بزمی خراسانی ۳۴۳	بقراط حکیم ۱۲۴، ۷۳۸،
بزمی شیبانی (ابوالخیر سلطان) ۵۷۲،	بقراطیان ۱۰۶
۵۹۱-۵۹۹، ۵۹۲	بکتاش خان ۶۹۹
بزمی همدانی ۵۰۳	بکتاش قلی ابدال ۳۷۷، ۴۳۹،
بساخوانی ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴، ۷۸۵	بکتاش ولی بن سلطان ابراهیم بن موسی
بسجوانی و بسیخانی و محمود بسیخانی	(حاج) ۷۵۷، ۷۶۴،
بساطی سمرقندی (سراج الدین) ۲۱۴،	بکتاشی ۵۲۲، ۷۵۷، ۷۶۴،
۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶	بکتاشیان ۷۵۷، ۷۶۵،
بساطی شوشتری ۶۷۲	بکری (میرغیاث الدین منصور بن نصیر-
بسام کرد ۹	الدین عبدالهی) ۵۹۹، ۶۴۸،
بسحق اطعمه (جمال الدین ابواسحق احمد	بلالی بخاری ۳۴۳
حلاج شیرازی) ۲۰۴، ۲۹۶، ۲۹۷،	بلبن (غیاث الدین) ۷۵۱، ۷۵۳،
۳۲۰	بلعمی (ابوعلی محمد بن محمد بن عبیدالله)
بسجوانی (محمود) ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-	۲۹، ۲۳۸، ۷۶۰،
۷۸۵، بساجوانی و بسیخانی و	بلغار (ترکان) ۷۴۴،
بسیخانی	بلغاری ۷۴۴،
بسجوانیان ۴۲۵	بلغاریان ۷۴۴،
بسمجی هروی ۳۴۳	بلو (خواجه) ۴۱۷،
بسملی قندهاری (ملاهاشم) ۸۲۵	

بهاءالدوله حسن بن مير قوام الدين قاسم بن  
محمد نوربخش رازی (شاه) ۲۷۴،  
۳۰۰

بهاءالدوله دیلمی ۳۶  
بهاءالدین (امیر سید) ۷۹۱  
بهاءالدین (امیر) ۲۷۴  
بهاءالدین (خواجه) ۳۴۳  
بهاءالدین ابن تاج گیلانی ۸۳۰  
بهاءالدین احمد (سلطان ولد) ۱۶۰، ۱۹۹،  
۷۳۶، ۷۶۰

بهاءالدین احمد جامی ۱۰۹، ۷۹۶  
بهاءالدین احمد قاضی طوسی ۱۶۱  
بهاءالدین اوشی ۷۲۶، ۷۹  
بهاءالدین برندق بخاری ندیمی ۲۹۶-  
۲۹۷

بهاءالدین بلخی ۳  
بهاءالدین بن شمس الدین جونی ۱۵۳،  
۷۵۰، ۱۶۲

بهاءالدین جامی ۷۲۱  
بهاءالدین حاجی ۲۲۵  
بهاءالدین حسن بخاری نقیب (نقیب-  
الاشراف خواجه) ۴۰۳، ۵۷۶، ۶۲۰،  
۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶  
بهاءالدین حسن بن میر قوام الدین قاسم  
نوربخش رازی ۲۷۳، ۳۰۰

بهاءالدین خجندی ۱۸۰  
بهاءالدین زکریا بن محمد بن زکریا بن  
ابوبکر بن علی مولتانی ۱۵۶، ۱۶۳-  
۱۶۵، ۱۶۹، ۷۳۱، ۷۴۸

بهاءالدین زنجانی (خواجه) ۲۲۲  
بهاءالدین زنجانی (قاضی) ۱۸۰  
بهاءالدین ساوجی ۲۲۲  
بهاءالدین سلطان ولد ۱۶۰، ۱۹۹، ۷۳۶،  
۷۶۰

بهاءالدین عبدالکریم سمرقندی کریمی  
۹۱

بهاءالدین علی ادایی شیرازی ۳۳۸  
بهاءالدین علی بن ابوبکر احمد جامی  
۷۹

بلوطی (عبدالرحمن لاهوری) ۵۴۵  
بلیانی ۷۷۴

بنا (عبدالسلام معمار تبریزی) ۷۰۵  
بنانی ۳۵

بنایی هروی (شیر علی بن استاد محمد سبز)  
۷۶۰، ۳۱۰، ۳۴۳، ۳۴۵، ۵۵۹،  
۶۸۲

بنبانی ۷۷۴  
بنت النجاریه ۲۲۴

بشت کعب (راپنه فزرداری دختر کعبزین-  
الغریب) ۲۱-۲۲

بتجیر (آل) ۱، ۷۴۵، ۷۵۸، ۷۶۹، ۷۸۰،  
۸۱۳

بندار رازی ۷۱۵، ۲۳  
بنداری (ابوالفضل) ۷۵۳

بنده ۲۲۶  
بنده نواز (خواجه) ۱۹۶ ر. محمد گیسو دراز

بنو خورشید ۴۹۱  
بنی امیه ۳۷۳

بنیانی ۷۷۴  
بنی زهره ۷۱۴

بنی سالار ۴۶۶  
بنی شبیان ۴۴

بی شبیه ۴۴  
بنی عباس ۲۷، ۴۶، ۶۶، ۱۵۱

بنی مسافر ۴۶  
بنی هاشم (اولاد هاشم بن سراقه) ۴۶

بو جعفرک (ابو جعفر احمد بن علی بن  
ابو جعفر محمد بن صالح بیهقی جعفرک)

۳  
بوداق قزوینی (منشی) ۳۵۶

بورا (دولت گرای خان) ۳۹۰

بوریار ۷۷۰  
بوزمخور سلطان بن محمد سلطان شبیان

۵۷۳-۵۷۳  
بوعلی هروی ۳۴۳

بوگو یویچ ۸۰۱  
بهاء (تاج الدین ملک الشعراء) ۲۲۵

بهاء (مولانا) ۳۴۳

بهاءالدین علی بن عیسی اربلی ۳۷۱

بهاءالدین عمر ۳۲۹

بهاءالدین کازرونی ۲۴۶

بهاءالدین کهنو (شیخ) ۴۶۶

بهاءالدین محمد اوشی قرغانی ۷۲۶، ۷۹

بهاءالدین محمد بخاری، نقشبند ۱۹۱، ۴-

۱۹۲ در بهاءالدین نقشبند

بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار

کاتب ۱۳۶، ۱۲۹

بهاءالدین محمد بن علی بن

ظهیری کاتب سمرقندی ۱۰۰، ۲۹،

۱۲۸

بهاءالدین محمد بن علی جوینی ۹۵

بهاءالدین محمد بن شمس الدین صاحب دیوان

جوینی ۷۵۰، ۱۶۲، ۱۵۳

بهاءالدین محمد بن محمد بن سید جلال-

الدین بن سید برهان الدین بن سید-

عبدالله بن سیدزین العابدین بخاری

نقشبند ۱۹۱-۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱،

۲۶۴، ۲۸۰-۲۸۱، ۲۸۴-۲۸۶،

۴۰۵، ۵۷۶، ۶۰۵، ۶۱۹-۶۲۰،

۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۸، ۶۴۱، ۷۶۶-

۷۸۸، ۷۷۸، ۷۶۷

بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی ۸۶،

۱۲۰، ۱۱۵، ۹۴

بهاءالدین محمد جوینی ۷۴۱

بهاءالدین مرغینانی (امیر) ۱۷۳-۱۷۴

بهاءالدین نقشبند ۱۹۱، ۴-۱۹۲، ۲۲۰-

۲۲۱، ۲۶۴، ۲۸۰-۲۸۱، ۲۸۴-

۲۸۶، ۴۰۵، ۵۷۶، ۶۰۵، ۶۱۹-

۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۸، ۶۴۱،

۷۶۶-۷۸۸، ۷۷۸، ۷۶۷

بهاءالدین نقیب الاشراف حسن بخاری

۴۰۳، ۵۶۷، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۶،

۶۳۶، ۶۲۹

بهاءالدین ولد ۱۲۱، ۱۵۹، ۷۳۶-۷۳۷

بهاءالدین یزدی ۱۸۰

بهاء شروانی ۱۷۷

بهاء لاغری ۱۷۷

بهادر ر. ابوسعید و عبدالعزیز و عبدالله

بهادرخان ۵۴۵

بهادرخان (محمد سعید خان ازبک) ۴۵۳

بهادرشاه دوم (سراج الدین ابوالمظفر)

۳۵۱-۳۶۷، ۳۵۲

بهادرشاه گجراتی ۸۳۹، ۳۶۷

بهارلو ۴۵۵، ۴۸۲، ۵۰۵

بهاری اصفهانی ۶۷۲

بهاری کابلی ۵۴۹

بهارید ۱۶، ۲۲

بهای (سعدالدین) ۷۷۲، ۲۲۲

بهای عاملی ۵۰۹، ۶۶۳، ۸۰۶، ۸۱۰،

۸۱۲

بهرام بیک جرفادقانی ۶۷۲

بهرام سقا (درویش) ۴۲۶، ۵۷۱، ۸۲۱

بهرامشاه (فخرالدین) ۱۰۵

بهرامشاه بن تاج الدین حرب ۹۰

بهرامشاه بن مسعود غزنوی ۴۳، ۷۰، ۷۶-

۷۲۸، ۱۱۸، ۷۸

بهرام میرزا صفوی (ظهیرالدین)

۳۵۴، ۴۵۴، ۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۰،

۵۲۰، ۵۳۲، ۶۹۲، ۸۲۷

بهرامی سرخسی (ابوالحسن علی) ۳۵،

۸۸

بهرورخان حکمران جوناگره ۳۶۰

بهرورظبری ۲۵

بهزاد هروی (کمال الدین) ۳۲۸، ۴۵۸

۵۲۴-۵۲۵، ۷۹۷

بهشتی ۳۴۳

بهشتی آملی ۷۷۲

بهشتی حصاری ۳۴۳

بهشتی هروی ۳۴۳

بهلول شاه افغان ۸۲۸

بهمنی (سلسله) ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۵۹، ۲۹۴،

۶۴۶، ۷۶۱، ۷۶۸، ۷۸۰، ۷۹۵،

۷۹۷-۸۹۸

بهمنیار بن مرزبان اعجمی آذربایجانی

۵۴

بهوه هندو (میان) ۸۱۲-۸۱۳

بیات ۴۹۴ ۷۳۰، ۷۰۵، ۶۶۳، ۳۹۵، ۳۸۱

۷۷۹

بینم کاشانی (میر معصوم) ۶۷۲

بینمی (محمد بن احمد بن علی بن محمد

طاهری) ۷۵۸

بینمی ترمذی ۵۸۴

بینمی طنزی ۶۴۹

بیغوملک (حسام الدین حسن بن علی طغا-

خان) ۷۴۱، ۱۷۳، ۸۶، ۴۹

بی قیدی (مولانا) ۵۶۲

بی قیدی بدخشی ۶۷۲

بیکی ۵۵۶

بیکی سجاوندی ۴۵۷

بیکی شوشتی ۴۵۷

بیکی شیرازی ۵۳۶

بیگ قلی ۳۴۳

بیکم (سید) ۳۴۹

بیکی سلطان مشهدی ۳۴۹

بیلدار پهلوان تبریزی (میرزا علی) ۶۹۴

بی نشان ۳۳۰

بیہقی (ابوالحسن) ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۴۹

۷۲۷، ۳۱۷

بیہقی (ابوالفضل) ۶۴، ۳۰-۶۵، ۱۸۵

۷۱۲

بیہقی هندوستان ۱۸۵

پاپ لئون دهم ۴۸۳، ۴۷۸

پادشاه خاتون (صفوة الدین) ۱۴۹، ۱۸۰

۷۳۳

پادشاه خلجی هندوستان ۱۸۵

پادشاه خواجہ ۶۱۲، ۶۴۰-۶۴۲

پادشاه قلی جذبی ۴۲۴

پارسا ر. محمد پارسا

پارسا (خواجہ جان) ۵۸۵

پارسا (خواجہ نظام الدین) ۶۲۳

پارساها ۱۰

پارسی ۱۴۷، ۱۴۲، ۶۸، ۳۲۷، ۲۵۴

۳۸۸، ۳۸۴، ۳۸۱، ۳۶۲، ۳۴۰

بیات (بایزید) ۸۰۲، ۲۶۲

بیاضی استراپادی ۸۲۳، ۳۴۲

بیاضی اگرهی اکبر آبادی ۸۲۳، ۵۴۲

بیاضی بلخی (دیوانه) ۵۹۷

بیاضی جغتایی (میرزا) ۵۹۷

بیاضی حصار ۳۴۳

بیاضی سمرقندی ۵۹۷

بیان الحق محمود بن احمد نیشابوری

۷۲۸

بیانی تبریزی ۵۲۸

بیانی کرمانی (عبدالله مروارید) ۲۵۹-

۷۷۷، ۶۲۲، ۶۱۴، ۳۱۸، ۲۶۰

بی بصر (جمال الدین) ۱۸۰

بی بی آرزو سمرقندی ۳۴۹

بی بی حافظه جمال ۱۹۷

بی بی عصمتی ۳۴۹

بی بی فاطمه دختر شیخ زاهد گیلانی ۲۱۲

بی بی منجمه ۱۴۹

بیچہ منجمہ ۳۴۹

بیخودی بلخی ۶۳۸

بیخودی سمرقندی ۳۴۲

بیدلی ۳۴۹

بیدلی لنگ ۳۴۳

بیدلی همدانی ۵۲۹

بیرام خان خانان بهار لوی ۳۶۵، ۳۶۱

۴۵۵، ۳۷۲-۴۷۵، ۴۵۶

۵۵۴، ۵۵۱، ۵۴۶، ۵۴۳، ۵۴۱

۵۵۵، ۶۲۷، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۷-

۸۳۵، ۸۳۳، ۸۲۷، ۶۷۸، ۶۶۸

بیرام شاه (غیاث الدین) ۱۶۵

بیرام علی خان بهار لوی ۴۵۵

بیرم خان خانان ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۵۶

۸۲۷، ۸۲۱، ۵۴۰

بیرم محمد خان ر. بیرام خان

بیرونی ر. ابوالریحان

بیریر (راجه) ۸۱۹

بیریل (راجه) ۸۱۹

بیشاوی (قاضی) ۱۳۹، ۳۵۶، ۳۴۰

۷۷۶، ۷۸۴	۵۱۴، ۴۳۳، ۶۲۴، ۶۹۱، ۶۸۲
پناهی تبریزی ۶۹۳	۷۵۵، ۷۲۲، ۷۰۴، ۷۵۸، ۷۶۵
پناهی خراسانی ۳۴۳	۸۱۸، ۸۱۴-۸۱۳، ۸۱۱، ۷۶۷
پناهی قزوینی ۳۳۲	پارسیان ۶۶۹
پناهی همدانی ۵۲۹	پازواری (امیر) ۳۴۰
پنودوز اوغلی (کلبی تبریزی) ۷۰۳	پائولوگ (کنستانین) ۷۹۹
پورانی (شیخ) ۶۱۹	پانکوویچ ۸۰۱
پوربای ولی (پهلوان محمود قتالی خوارزمی)	پاینده بخارایی ۵۶۶
۷۷۰	پاینده حسن غزنوی ۳۶۱
پوربهای جامی ۷۴، ۱۶۰-۱۶۱	پاینده حسین غزنوی ۸۱۶
پورحسن (عزالدین اسفراینی) ۱۸۰	پاینده رامیتنی (قاضی) ۸
پورخطیب گنجه ۸۵، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۸	پاینده شتل کیفی بخارایی ۵۹۶
۷۳۹	پاینده ضامن (قاضی) ۸
پور فریدون ۲۲۴	پاییزی نسوی (مجدالدین محمد) ۱۰۰
پور کله ۲۳	پخته سمرقندی (خواجه کلان) ۵۹۰
پور یار ۷۷۰	پدو ۲۵
پهلوان بیک قمری ۴۹۶	پرتغالیان ۸۳۹
پهلوان ترینی (میرزا علی بیلدار)	پرتوی شیرازی ۴۶۵، ۳۴۳
۶۹۴	پرلاس (محمود) ۳۴۷
پهلوان کامب ۳۴۳	پروانه (معین الدین) ۱۶۴، ۷۴۱
پهلوان محمد ابوسید ۳۳۷	پروین پسر جهانگیر ۴۱۶، ۵۱۴
پهلوان محمود قتالی خوارزمی پوربای	پروین خاتون ۲۵
ولی ۷۷۰	پری خان خانم ۳۸۵، ۴۴۳، ۴۷۳-۴۷۴
پهلوی ۱۶-۱۸، ۱۲۸، ۱۷۳، ۵۲۹	۴۹۸-۴۹۷، ۴۸۴
پهلوی آذربایجان ۷۰۷	پراسفراینی ۱۰۰
پهلوی زنجان ۲۲۲	پسر افضل ۱۷۷
پهلوی شیراز ۲۲۴	
پهلوی فارس ۲۲۴	حافظ ۱۷۷
پهلوی قزوین ۲۲۱	پسر خطیب گنجه ۸۵، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۸
پهلوی کرخ ۲۲۴	۷۳۹
پهلوی همدان ۲۲۳	پسر خم خانه ۱۰۰
پیادو (ملک محمود) ۵۴۱	پسر درغوش ۱۰۰
پیامبر ۴۴، ۱۲۳	پسر رامی ۲۵
پیامی جبل عاملی ۵۳۸، ۶۷۲	پسر سلسله گنجه ۱۷۷
پیامی کرمانی جبل عاملی (شیخ عبدالسلام)	پسر قاضی دربند ۱۷۷
۶۷۲، ۵۳۸	پسر قاضی قزوین ۱۷۷
پیامی مروزی ۳۴۳	پسیخانی (محمود) ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-
پیامی هروی ۳۴۳	۷۸۵ ر. بساخوانی و بستخوانی
پیراحمد بن اسحق (خواجه) ۳۰۲-۳۰۴	پلاسی (قاجالدین حسن بن حمزه شیرازی)

پیری بیک دوکر ۵۰۶	۳۰۵
پیشدادیان ۱۵۱	پیر احمد خوافی (خواجہ غیاث الدین)
پیشرو بیک (میرزا) ۶۷۳	۲۶۴، ۲۶۰
پیشرو خان (میرزا اسد بیک اشک قزوینی)	پیراگرہ (شیخ) ۵۵۴
۶۶۷	پیر بدایغ ۳۱۶، ۳۰۵
پینو ملک (علاء الدین) ۷۰۹	پیر بدایق بن جہاں شاہ ۷۹۴، ۳۴۳
ت	پیر بدایق بن یوسف قرآقویو نلو ۲۳۴
تابعی (آدینہ قلی بیک) ۶۴۹	پیر بوداق ۳۱۶، ۳۰۵
تابعی دعاوندی ۵۳۲	پیر جمالی اردستانی (جمال الدین فضل اللہ)
تابعی هروی ۳۴۳	احمد (۲۳۵، ۲۴۴، ۷۷۴، ۸۰۹)
تاج الدین ابرقوھی ۷۲۳	۸۲۶
تاج الدین ابوالفتح نصر بن خلف ۸۲	پیر جمالیہ (طریقہ) ۲۴۴
تاج الدین ابوالفضل عبدالوہاب (یا	پیر خموش ۳۴۳
شہاب الدین) ۲۸۰	پیرزادہ پسر حاج شیخ عزالدین خلوتی
تاج الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن	۷۸۳
داود بناکشی ۷۳۱	پیرزادہ لوایی سزواری ۸۲۴، ۵۵۲
تاج الدین ابوالقاسم ۱۸۰	پیر سلطان بن رشید الدین فضل اللہ ۷۳۱
تاج الدین اسمعیل باخرزی ۸۸	پیر شاہ خوارزم شاہی (غیاث الدین) ۲
تاج الدین اشوی ۱۷۷	پیر علی (امیر علاء الدین) ۲۳۶
تاج الدین بخاری ۱۷۷، ۱۸۰	پیر علی کرت (ملک غیاث الدین) ۲۰۹
تاج الدین بہا (ملک الشعرا) ۲۲۵	۷۶۶
تاج الدین تاجی کاشانی ۶۷۳	پیر قلی بیک استاجلو ۵۰۷
تاج الدین تہرماشاہ ۹۰، ۷۹	پیر قلی پسر علی شکر ۴۵۵
تاج الدین جاجرمی ۹۵	پیرک (ارلوس) ۵۸۷
تاج الدین حاج محمد ابراہیم ہراسی	پیر محمد (مولانا) ۶۳۸
کازرونی ۷۸۱، ۲۳۶	پیر محمد بن علاء الدین علی فتاری (محبی)
تاج الدین حرب ۹۱	الدین) ۲۷۶
تاج الدین حسن ۳۲۹	بن عمر شیخ ۷۵۳
تاج الدین حسن استرابادی ستایی دامغانی	پیر محمد پسر شاہ رخ ۳۵۰
صدر الحفاط ۳۲۵	پیر محمد خان ۴۸۷-۴۸۸
تاج الدین حسن بن حمزہ شیرازی ہلاسی	پیر محمد خان بن جانی بیک سلطان ۳۹۸،
۷۷۶، ۲۸۴	۵۹۴، ۵۷۶، ۵۷۴، ۵۶۰
تاج الدین حسن بن علی سلیمی تونی سزواری	پیر محمد دوم پسر سلیمان ۴۸۸
۳۰۲-۳۰۱	پیر مراد مشفق ۲۰۶
تاج الدین حسن داعی (شاہ) ۳۲۶	پیروز (ملا) ۵۵۸
تاج الدین حسن شمشیری ۷۷۸	پیروزی ۲۵
تاج الدین حسن گورانی ۶۲۹	پیروی ساوجی (امیر بیک) ۴۳۱
تاج الدین حلوائی ۷۶۳	پیرہ محمد خان استاجلو ۴۹۴-۴۹۵
	پیری اصفہانی ۶۷۲

تاج الدين راوندی ۸۸  
 تاج الدين ریزه (ملك) ۷۴۴  
 تاج الدين زکی ۱۸۰  
 تاج الدين زیری فارسی ۷۹  
 تاج الدين سرخسی آبی ۸۸  
 تاج الدين سمرقندی ۹۵  
 تاج الدين علی بن ابوالعمالی کریم الشرق  
 ۲  
 تاج الدين علی بن محمد معروف بتاج حلاوی  
 ۷۶۳، ۲۱۰  
 تاج الدين علیشاه ۱۴۲، ۹۱  
 تاج الدين علیشاه بن علاء الدين تکتش  
 خوارزمشاه ۱۴۲، ۹۱  
 تاج الدين عمر بن مسعود بن احمد بن  
 عبدالعزیز بن مازہ بخارایی ۹۹  
 تاج الدين فیروز شاه بن داریوش بهمنی  
 ۷۹۵، ۷۸۰، ۲۳۴، ۲۱۵  
 تاج الدين کرمانی ۱۸۰  
 تاج الدين محمد بن داود بناکفی ۷۳۱  
 تاج الدين محمد بن صدر الدين احمد بن  
 علاء الدين حسن دیب هندوسی ملك  
 اخستان هندی ۷۶۱، ۷۵۵  
 تاج الدين محمد بن محمد بن ابراهیم  
 کازرونی حاج مرآسی ۷۸۱، ۲۳۶  
 تاج الدين محمود اشوی ۷۴۲، ۲۸۱  
 ۷۵۰-۷۴۹  
 تاج الدين محمود بوزجانی ۷۲۱  
 تاج الدين محمود خداداشنوی یا اشهی  
 ۷۵۰-۷۴۹، ۷۴۲، ۲۸۱  
 تاج الدين مسعود بن احمد بن عبدالعزیز بن  
 مازہ بخارایی ۹۹  
 تاج الدين یلدوز ۹۱  
 تاج الرؤسا ۶۷۳  
 تاج الشریعه ۱۵۴-۱۵۵  
 تاج الشریعه ابو عبد الله عمر ۷۳۴  
 تاج الفضلای نسوی ۹۵  
 تاج الملک ۶۰  
 تاج الملوک (نصره الدين ملك طبرستان)  
 ۸۶

تاج جیلانی ۱۷۷  
 تاج حلاوی (تاج الدين علی بن محمد) ۲۱۰،  
 ۷۶۳  
 تاج خلاطی ۱۷۷  
 تاج خواجه ۶۳۹  
 تاجری ۴۴۴  
 تاج زنگانی ۱۷۷  
 تاج سعیدی (میرا بوالفتح بن محمد بن  
 ابوسعید شریفی حسینی) ۲۷۲  
 تاج سلمانی ۲۵۹، ۲۳۶  
 تاج صالح ۱۷۷  
 تاج قراسی فزونی ۱۷۷  
 تاج کاشی ۱۷۷  
 تاجیکان ۵۹۰  
 تاجی کاشانی (تاج الدين) ۶۷۳  
 تاریخ الهی ۶۶۸  
 تازی ۱، ۳-۲، ۴، ۶، ۲۷، ۶۲، ۶۸، ۷۴، ۸۲، ۸۸،  
 ۱۱۶، ۹۴-۱۱۹، ۱۱۷-۱۲۰، ۱۲۲،  
 ۱۲۵-۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۵، ۲۱۳-  
 ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۳۰-۲۳۱،  
 ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۵-  
 ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰-۲۷۲، ۲۷۳-  
 ۲۷۵، ۲۸۰-۲۸۲، ۲۸۷، ۳۵۲-۳۵۳،  
 ۳۵۶، ۳۶۲-۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۹-  
 ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۸۱، ۳۸۴-  
 ۳۸۶، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۶-  
 ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۲-۴۳۳، ۴۳۷،  
 ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۸۲،  
 ۶۹۱، ۷۰۴، ۷۱۴-۷۱۷، ۷۲۲-  
 ۷۲۴، ۷۲۹، ۷۳۲، ۷۳۵، ۷۳۸-  
 ۷۳۹، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۵، ۷۵۷-  
 ۷۵۸، ۷۶۵، ۷۶۷، ۷۸۸، ۸۰۵  
 ۸۱۱، ۸۱۳-۸۱۴، ۸۱۸، ۸۲۵  
 تازیان ۱۶  
 تاشاه ۷۲  
 تاش نیک ۷۲  
 تانیس ازبک (حافظ) ۴۸۸  
 تانیس غلی و گرامی (حافظ) ۴۸۸، ۶  
 تایبادی (ایوبکسر) ۲۲۱، ۲۳۱، ۷۶۶

تبریزی ۷۶۴، ۶۹۵، ۲۱۰

تختامین خان ۱۹۳

نذروی ابهری ۵۴۳-۵۴۴

تنهیبی اصفهانی ۵۲۱

نواب قلندر ۷۵۴

نرایی ۷۸۴، ۵۲۰

نرایی حصاری ۵۶۵

نربتی ۶۹۵

نرخاند دهلوی (نورالدین) ۵۴۲

نرخان سفیدونی مختلصینوری (نورالدین

محمد) ۸۳۳، ۵۴۲

نرخانی آند خودی ۳۴۳

نردی بیک خان روده ۸۳۳، ۵۴۵، ۵۴۳

نردی روده سمرقندی (ملا) ۵۴۵، ۵۴۳

۸۳۳

نرمایان ۸۱۰

نرمایان نستوری ۱۰۳

نرک ۲۴۹، ۲۰۰، ۱۱۵، ۹۸، ۹۱-۹۰، ۴۹۴

۵۳۶، ۴۴۸، ۴۲۶، ۴۲۱، ۴۰۶

۶۳۲، ۶۲۰، ۶۱۷، ۵۹۲، ۵۴۹

۷۶۶، ۷۵۱، ۷۰۸، ۶۷۶، ۶۴۷

۸۱۸، ۷۹۷

نرکان ۴۷۶، ۴۶۹، ۴۶۳-۴۶۲، ۷۵-۷۴

۴۹۷، ۴۹۵، ۴۸۳-۴۷۹، ۴۷۷

۶۱۵، ۶۰۰، ۵۹۴، ۵۸۵، ۵۳۶

۸۰۱، ۷۵۱، ۷۰۰، ۶۹۸، ۶۲۰

نرکان استاجلو ۴۷۳

نرکان بایبورت ۴۹۷

نرکان بلغار ۷۴۴

نرکان جانی قربانی ۴۵۲

نرکان جغتای ۴۰۹

نرکان خاتون قراختایسی (قتلغ) ۱۵۳،

۷۴۳

نرکان ختا ۱۷۰

نرکان عثمانی ۴۷۲-۴۷۱، ۴۶۳، ۴۳۶

۴۷۸-۴۷۹، ۴۸۲، ۴۹۶، ۴۴۹

۸۳۷، ۷۹۹، ۷۰۴، ۷۰۰، ۶۵۹

نرکان غز ۱۲۷

نرکمان (اولوس) ۵۸۶

نرکمان ۵۸۶، ۵۸۱، ۵۶۶، ۵۰۵، ۵۰۱

نرکمانان ۴۲۴، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۶، ۵۳۲

۷۷۰، ۷۰۹، ۵۸۸

نرکمانان بهارلو ۳۶۱

نرکمانان موصلو ۳۷۱

نرکمپر (حسن) ۱۸۱

نرکو بدیعی سگری (بدیع الدین) ۸۸،

۹۴

نرکو بدیعی سگری (بدیع الزمان) ۸۸،

۹۴

نرکو سگری (بدیع الدین) ۹۴، ۸۸

نرکوسگری (بدیع الزمان) ۹۴، ۸۸

نرکه (خاندان) ۱۲۶، ۱۶۴، ۲۷۳، ۲۹۸،

۳۴۷، ۳۴۸ - ۴۵۱، ۴۶۰،

۴۹۸-۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱، ۷۴۲

۸۱۳، ۸۲۱

نرکه (افضل) ۴۴۸-۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹،

۵۲۰

نرکه (افضل الدین) ۸۱۳

نرکه (افضل الدین صدر) ۱۲۶، ۴۴۸ -

۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱

نرکه (افضل الدین محمد) ۸۲۱

نرکه (خواجه جمال الدین) ۴۵۰-۴۵۱

نرکه (خواجه حبیب الله) ۴۵۱-۴۹۸

۴۹۹

نرکه (خواجه رکن الدین مسعود) ۳۴۷

نرکه (خواجه ضیاء الدین) ۴۵۱-۴۵۲،

۴۹۹

نرکه (خواجه علامه الدین) ۴۵۱

نرکه (صدر الدین ابو حامد محمد) ۴۴۹،

۷۷۹

نرکه اصفهانی (افضل الدین بن صدر الدین)

۱۲۶، ۴۴۸-۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹

۷۱۱، ۵۲۰

نرکه اصفهانی (خواجه صابن الدین) ۱۶۳

۲۷۴، ۲۹۸، ۴۴۹-۴۵۱، ۷۴۲

۷۷۹

نرکی ۶-۷، ۱۴۶-۱۴۷، ۲۰۶، ۲۵۵-۲۵۶



۱۹۵، ۱۹۲ - ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۸۲  
 ، ۲۱۲ ، ۲۱۰ ، ۲۰۰ - ۱۹۹، ۱۹۷  
 - ۲۶۲ ، ۲۳۱، ۲۲۱ - ۲۲۰ ، ۲۱۸  
 - ۲۷۲ ، ۲۶۵ - ۲۶۱، ۲۵۹، ۲۴۳  
 ، ۲۸۶ ، ۲۸۴ ، ۲۸۲ - ۲۸۰ ، ۲۷۵  
 - ۳۱۹ ، ۳۱۱ ، ۲۹۸، ۲۹۵ - ۲۹۲  
 ، ۳۲۹ ، ۳۲۵ ، ۳۲۳ - ۳۲۲ ، ۳۲۰  
 ، ۳۶۰ - ۳۵۹، ۳۳۴، ۳۳۲ - ۳۳۱  
 ، ۳۸۹ ، ۳۷۱ - ۳۶۹، ۳۶۷، ۳۶۵  
 - ۴۰۷ ، ۴۰۴ ، ۴۰۲ - ۴۰۱، ۳۹۶  
 - ۵۲۹ ، ۴۵۱، ۴۱۵، ۴۱۰ ، ۴۰۸  
 ، ۵۷۶ ، ۵۶۴ - ۵۶۳، ۵۴۴، ۵۴۰  
 ، ۶۱۳ - ۶۱۲، ۶۰۸، ۶۰۵، ۵۸۷  
 ، ۶۳۹ - ۶۳۸، ۶۲۹، ۶۲۵، ۶۲۰  
 ، ۷۲۰ ، ۷۰۴ ، ۶۷۱، ۶۵۶، ۶۴۴  
 ، ۷۴۷ - ۷۴۴، ۸۳۷ - ۷۳۵، ۷۳۱  
 ، ۷۷۸ ، ۷۵۸ - ۷۵۷، ۷۵۰ - ۷۴۹  
 ، ۷۹۹ ، ۷۹۶ ، ۷۸۵، ۷۸۲ - ۷۸۱

۸۱۶ - ۸۱۵، ۸۱۲

تعلیمیان ۱۳۹

تغتمش خان ۲۱۱

تغلق (غیاث الدین) ۷۵۹، ۱۷۱

تغلق تیمور خان ۳۸۰

تغلقشاه (غیاث الدین) ۷۵۹، ۱۷۱

تغلقی ۷۶۸، ۲۲۳

تغلازانی ۳۷۴، ۳۵۶، ۲۸۶، ۲۱۹، ۱۹۱

۶۶۳، ۳۹۳ - ۳۹۲

تعلیمی (قاضی) ۱۷۸

تعلیمی شروانی ۱۷۷

تغتمش ۴۹۰

تقلیدیان ۴۲۴

تقی (امیر) ۴۲۳

تقی الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی

۴۴۶، ۳۸۶

تقی الدین علی دوستانی ۱۹۵

تقی الدین محمد (امیر) ۵۰۸

تقی الدین محمد بن شرف الدین علی حسینی

ذکری کاشانی ۳۷۹ ، ۴۴۴ ، ۵۰۸ -

۸۰۵، ۵۰۹

، ۲۷۷ ، ۲۷۴ - ۲۷۳، ۲۶۲، ۲۵۸  
 ، ۳۰۳ ، ۲۹۵ ، ۲۹۲ - ۲۹۱، ۲۷۹  
 - ۳۹۱، ۳۶۲، ۳۵۱، ۳۳۶ - ۳۳۵، ۳۰۷  
 ، ۴۷۶ - ۴۷۵ ، ۴۳۷ - ۴۳۶، ۳۹۳  
 - ۴۹۵ ، ۴۹۰ ، ۴۸۸، ۴۸۴، ۴۷۹  
 ، ۵۱۵ ، ۵۰۷ - ۵۰۶، ۵۰۱، ۴۹۷  
 ، ۵۲۶ ، ۵۲۳ - ۵۲۲، ۵۱۹، ۵۱۷  
 ، ۵۸۳ ، ۵۷۹ ، ۵۷۵ - ۵۷۲، ۵۲۳  
 ، ۶۱۰ ، ۶۰۷ ، ۶۰۵ - ۶۰۴، ۵۸۶  
 ، ۶۲۴ ، ۶۱۸ - ۶۱۷، ۶۱۴ - ۶۱۲  
 - ۶۴۰ ، ۶۳۴، ۶۳۱، ۶۲۷ - ۶۲۶  
 ، ۶۹۱ ، ۶۸۲ ، ۶۷۷، ۶۷۰ ، ۶۴۱  
 ، ۷۰۴ - ۷۰۳، ۷۰۱ - ۷۰۰، ۶۹۶  
 ، ۷۷۷ ، ۷۷۰ ، ۷۲۲، ۷۰۸ - ۷۰۷  
 ، ۸۱۸ ، ۸۱۱ ، ۸۰۲، ۷۹۲، ۷۸۷

۸۴۰، ۸۳۸، ۸۳۰، ۸۲۲

ترکی (قاضی عبدالرزاق) ۵۵

ترکی آذربایجانی ۴۳۶، ۴۸۴

ترکی ترکمانان ۷۷۰

ترکی چغتایی ۴۵۷، ۴۵۸، ۶۰۷، ۵۰۶

۸۱۷ - ۸۱۶، ۶۲۴

ترکی شرقی ۹۸

ترکی عثمانی ۴۴

ترکی غربی ۴۸۴

ترکی کشی ایلاقی ۲۲

ترمذی ۷۲۶، ۷۰۵

ترمذی (امام) ۳۵۶

ترزیتی اردبیلی ۶۹۴

تسلیمی هروی ۳۴۳

تسنس ۴۹۸ - ۴۹۷، ۳۶۸، ۳۳۴، ۱۸۳

۸۲۳، ۶۶۲، ۵۲۳

تشبیهی کاشانی ۴۲۴، ۷۸۴، ۵۳۰

تشیع ۴۶۵، ۴۴۳، ۳۳۰ - ۴۶۶ ، ۴۷۰

۶۷۵، ۶۶۲، ۵۱۷

تصوف ۵۸، ۷ - ۶۱، ۵۹ - ۶۶، ۶۲ ، ۶۹

۷۵، ۷۳ - ۱۱۶، ۱۰۸، ۷۶ - ۱۲۲

۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۷ ، ۱۴۱

۱۴۴ - ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۵۷ ، ۱۵۹

۱۶۴ - ۱۶۹، ۱۶۵ - ۱۷۰ ، ۱۷۳

تقی الدین محمد بن معین الدین بن سعد  
الدین محمد حسینی اوحدی دقانی  
بلیانی ۳۷۹، ۵۳۷، ۶۵۷ - ۶۵۸،  
۸۰۵، ۸۰۲، ۶۶۰

تقی الدین محمد حزن فی اصفهانی ۶۴۴  
تقی الدین محمد حسینی کاشانی ۳۷۹، ۴۴۴  
تقی الدین محمد شوشتری ۴۲۸، ۸۲۲  
تقی الدین، صدر روی ۶۷۲  
تقی د ۲۰۴

تقی ضمیر حلوانی ۶۵۴  
تقی نزاری اصفهانی ۶۶۱-۶۶۲  
تکلی خوارزمشاه (علاء الدین) ۹۰-۹۱،  
۹۳-۱۱۵، ۱۲۰، ۷۲۶  
تکلو ۳۸۲، ۴۹۳، ۴۹۵ - ۴۹۶، ۵۰۵  
۵۰۷، ۵۱۹، ۶۵۱  
تگودار (سلطان احمد) ۱۳۴، ۱۳۶،  
۱۶۳

تعل (سلطان احمد) ۶۸۰  
تغرائشاه (تاج الدین) ۷۹، ۹۰  
تورخان ۴۹۵

تسر مؤبدان مؤبد ۱۲۹  
تسکری بردی بلخی (میرزا) ۵۹۵  
تموخی (قاضی ابوعلی) ۹۷  
تنهای بیلیک ۵۰۷

توحید الهی ۳۶۳، ۳۶۴، ۶۶۹  
توسنی (محمد منوهر) ۵۴۳، ۶۶۰  
توسنی تریزی ۶۷۳  
توفعی خان ۶۱۵  
توکل (حاجی) ۶۰۹

توکل بن اسمعیل بن حاج توکل اردبیلی  
ابن یزاز (درویش) ۱۸۶، ۳۷۳  
تولک باقی گرامی سمرقندی (خواجه)  
۵۹۷

تولکی (اولوس) ۵۸۵  
تولوم (امیر) ۶۱۵  
تهانیسری جشتی (جلال الدین محمد بن  
مود) ۳۷۵  
سیمور (آل) ۲۸  
ناشر (کلی) ۵۷۵

تیمور خان ۴۹۵

تیمور خان استاجلو ۴۵۴

تیمور سلطان بن شیبک خان ۳۱۰

تیمور گورکان ۱۹۲، ۱۹۳ - ۲۱۰،  
۲۱۱، ۲۱۲-۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۱،  
۲۲۷، ۲۳۰-۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۷،  
۲۴۱، ۲۴۹-۲۵۰، ۲۶۲، ۲۶۵،  
۲۷۹، ۲۸۴، ۲۹۲، ۳۰۶، ۳۸۹،  
۴۵۰، ۴۵۵، ۴۸۸، ۵۶۰، ۶۰۵،  
۶۴۵، ۷۵۳، ۷۶۳، ۷۶۶، ۷۷۰،  
۷۷۳، ۷۷۷-۷۷۹، ۷۹۷

تیمور گورکن ۴۸۸  
تیموری ۲۲۷-۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۶،  
۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۹-۲۶۱، ۳۰۹،  
۳۲۲، ۳۲۶، ۳۵۱، ۳۸۰، ۳۸۹،  
۳۳۰، ۳۷۲، ۴۷۵، ۵۷۳، ۶۰۸،  
۶۷۹

تیموریان ۲۴۰، ۳۱۶، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۳۷-  
۳۳۸، ۳۰۸، ۴۴۱، ۶۲۱، ۶۸۰-  
۶۸۱، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۷۳-۷۷۴،  
۷۹۰

ثابت خان ۶۷۳  
ثابت هروی (علی اکبر) ۶۷۳  
ثانی خان ۶۵۱  
ثانی خان هروی (علی اکبر) ۵۴۳  
ثباتی اردو بادی ۶۹۳  
ثقه الدین عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی  
هروی (ابونصر) ۱۹۷  
ثقه الدین یوسف بن محمد دربندی ۷۸  
ثقه الملك ابوبکر علی ۲۲۵  
ثبابی مشهدی (خواجه حسین) ۴۱۶،  
۴۵۸، ۵۲۶، ۸۱۹، ۸۳۰

## ج

جابر بن عبدالله انصاری ۴۶۱  
جاسری (میرزا ضیاء الدین) ۷۱۱  
جاسری اصفهانی (میرزا سلمان) ۴۴۴

۷۰۹	۶۴۵،۵۰۱،۴۶۳-۴۶۱
جان علی بیك ۳۶۲	جاجرمی (بدرالدین) ۲۰۳،۱۶۲،۷۴
جان محمد جامی ثانی ۶۷۷	جاجی ۴۸۹
جانی (ملا) ۸۳۵	جاحظ ۷۲۹،۷۱۵
جانی اسفرائینی ۵۵۸	جادویی بلخی ۳۴۳
جانیان استراخان ۴۸۸،۴۸۶	جاربردی (میرسید) ۶۴۲
جانی بخارایی ۸۳۵،۵۶۰	جاروتی (ابوالعلاء عبدالؤمن) ۲۵۸
جانی بیك ۶۷۸،۴۸۷-۶۷۹	جامی (قطب الدین احمد) ۳۴۲
جانی بیك سلغمان بن خواجه عوام سلطان بن	جامی (نورالدین عبدالرحمن) ۵۸،۶
ابوالخیر خان ۶۰۴	۱۵۵،۱۶۳،۱۶۹،۲۴۶،۲۴۸
جانی ثوی ۶۹۰	۲۵۵،۲۸۵-۲۸۹،۲۹۱
جانی تیم بان ۵۸۳	۲۹۳،۲۹۵،۳۰۹،۳۱۲،۳۱۶
جانی جوزجانی ۲۴۲	۳۲۱-۳۲۲،۳۲۷،۳۷۲
جانی سبزواری ۵۵۸	۳۸۴،۳۹۰،۳۹۳،۴۰۵،۴۰۷
جانی قربانی ۴۵۲	۴۱۵،۴۲۷،۴۴۰،۴۴۵،۴۶۶
جانی گجراتی ۵۴۴	۵۴۶،۵۴۹،۵۵۶،۵۵۹،۵۶۷
جانی همدانی (اسد) ۵۲۸	۵۶۹-۵۷۰،۵۸۹،۶۰۵،۶۱۱
جامی بخارایی ۶۰۹،۴۱۱	۶۱۵،۶۱۸،۶۲۲،۶۳۴،۶۴۵
جامی صفوی (ابوالفتح سلطان ابراهیم	۶۴۷،۶۶۳،۶۷۷،۷۶۶،۷۷۵
میرزا) ۴۲۱،۳۷۸،۴۷۰،۴۹۱	۷۷۷،۷۸۱،۷۸۴،۷۹۲،۷۹۴
۸۲۹،۶۵۵،۵۲۷،۵۱۲	۸۲۶،۷۹۶ ر. عبدالرحمن
جاهلیت ۶۵	جامی ثانی (صرفی) ۶۲۷،۳۷۲
جابایی (حکیم) ۳	جامی ثانی (قدسی سنک زوری) ۵۷۰
جبریه ۶۳۲	جامی ثانی (میرجان محمد) ۶۲۷
جل عاملی ۵۳۸	جامی روم (لامعی پرسوی) ۳۸۹-۳۹۰
جبلیه (خانواده) ۲۵۶،۶۴۲	جامی ماوراء النهری ۶۲۹
جدایی (امیر سید علی مصور تبریزی)	جان (حبیب الله باغنوی میرزا) ۳۸۹
۸۲۰،۴۲۴	۳۹۳،۴۳۵،۵۰۰،۵۲۰،۵۸۶
جدایی نرمدی ۴۳۱	۶۶۶،۶۹۵،۷۰۹
جدیدی اصفهانی ۶۷۳،۳۴۳	جان آقا خانم ۶۶۷
جدیبی (پادشاه قلی) ۴۲۴	جانانسی (امیر) ۳۴۳
جدیبی اصفهانی ۶۷۳	جانبی تبریزی ۶۹۴
جردقانی ر. نجیب الدین و ابوالشرو	جان پارسا (خواجه) ۵۸۵
جرماغون نویان ۷۴۰	جان جهود سمرقندی (خواجه) ۵۷۵
جرمی بخارایی ۳۴۳	جان رومی شیرازی (میرزا) ۵۸۶
جریر بن عبدالله بجلي ۷۲۰	جان رهی نیشابوری (خواجه) ۵۳۹
جزایری (ابراهیم) ۴۳۲	جان سمرقندی (خواجه) ۵۷۵
جزری ۲۷۹	جان شیرازی (میرزا) ۳۸۹،۳۹۳،۴۳۵
جزمی تبریزی (میر) ۵۰۳	۵۰۰،۵۲۰،۵۸۶،۶۶۶،۶۹۵

جعفری (سید جلال الدین) ۱۸۰  
 جعفری (میر) ۵۰۴، ۶۹۴  
 جعفری تبریزی (میر جعفر) ۵۰۴، ۶۹۴  
 جعفری ساوجی (ذوالفقار خان) ۵۱۲  
 جعفری نسوی (ناصر) ۸۹، ۵۵  
 جعفری یزدی ۲۷۵، ۲۵۳  
 جلال اوغلی ۷۰۵  
 جنتای ۲۴۹، ۷، ۳۰۷، ۳۱۸، ۴۲۱، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۱، ۵۶۷، ۵۷۸، ۶۰۶  
 ۸۱۶، ۶۴۳-۸۱۷  
 جنتای (اولوس) ۶۴۳  
 جفته ۵۴۳، ۵۴۵  
 جفاکش ساوجی (ملاحسن علی سوزی) ۵۲۸-۵۲۹  
 جلاب بخاری ۲۵  
 جلابی هجویری غزنوی (ابو اسحق علی بن ابو علی عثمانی) ۶۵  
 جلال (شیخ) ۶۲۰، ۵۴۴، ۷  
 جلال (قاضی) ۴۴۷  
 جلال الدوله مسعود بن ابراهیم غزنوی ۷۷، ۶۳، ۴۲  
 جلال الدین ر. ابن حسام  
 جلال الدین (حسن) ۸۰۲  
 جلال الدین ابراهیم بن حسین قلیچ طمماج - خان ۹۹، ۹۶  
 جلال الدین ابوالفتح محمد - بن محمد بن محمود حافظی بخاری یارما (یا شمس الدین) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲  
 ۲۲۰-۲۲۱، ۲۸۰، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
 جلال الدین ابوالمظفر اخستان بن منوچهر شروانشاه ۱۰۳، ۱۰۵  
 جلال الدین ابومحمد محمد بن نجم الدین محمد قایمتی ۷۸۵  
 جلال الدین ابویزد زنگی بن طاهر فریو - مدی ۱۹۴  
 جلال الدین احمد بن یوسف بن الیاس طبیب خوافی شیرازی ۲۱۳

جزوی عراقی (بابا) ۳۴۳  
 جستانیان ۴۷  
 جسی همدانی ۵۳۵  
 جعفر (میر) ۵۱۸  
 جعفر بدخشی (نور الدین) ۷۵۴  
 جعفر بن ابی طالب ۲۹۶  
 جعفر بن اسمعیل ازرقی هروی (شرد - الزمان زین الدین ابوالمحاسن) ۷۴، ۵۳  
 جعفر بن حسین بن حسن جعفری یزدی ۲۵۳  
 جعفر بن محمد بن حسن جعفری یزدی (جلال الدین) ۷۷۵، ۲۵۳  
 جعفر بن محمد بن علی الطار ۱۹  
 محمد حسینی ۲۳۷  
 محمد رودکی سمرقندی (ابو - عبدالله) ۱۸-۲۱، ۲۳، ۲۷، ۲۲، ۳۷  
 ۱۲۸، ۴۸  
 جعفر بن فتائی اگرهی ۵۵۵  
 جعفر بیک تبریزی (میرزا) ۶۹۴  
 جعفر بیک قزوینی هروستی آصف خان (قوام الدین میرزا) ۴۳۱، ۴۵۷  
 ۶۵۰، ۶۴۲، ۴۶۵  
 جعفر پاشا ۷۰۰  
 جعفر سیریزی (کمال الدین) ۳۴۱، ۳۲۷  
 ۷۹۸، ۳۴۳  
 تبریزی (میر) ۶۹۴  
 جعفر خطاط تبریزی ۳۲۷، ۳۴۱، ۳۴۳  
 ۷۹۸  
 جعفر صادق (امام) ۱، ۵۹۹، ۶۴۸، ۷۵۴  
 جعفر طبرایی ۲۶۲، ۲۷۳  
 جعفر علی بابا ۶۵۴  
 جعفر قزوینی (میرزا) ۵۷۸  
 جعفرک (ابو جعفر احمد بن علی بن ابو جعفر محمد بن صالح بیعتی ابو جعفرک) ۳  
 جعفر محتسب الممالک (میر) ۴۹۸  
 جعفر نور بخش (صفی الدین) ۳۲۶، ۶۱۸  
 جعفر هروی ۵۴۴  
 جعفر همدانی ۵۵، ۴۹

(ابوالمظفر) ۱۰۵، ۱۰۳

جلال‌الدین اسطرلابی ۲۵۰

جلال‌الدین اسکندر ۱۸۱

جلال‌الدین اکبر (ابوالفتح محمد) ۷،

۳۵۶، ۳۵۲ - ۳۶۳، ۳۶۱ - ۳۶۶،

۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱ -

۳۸۳، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۵ - ۴۵۶،

۴۶۵ - ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۵، ۵۰۵،

۵۱۳ - ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۳، ۵۲۷،

۵۲۲ - ۵۲۶، ۵۲۹، ۵۴۵، ۵۴۷ -

۵۵۳، ۵۵۵ - ۵۵۸، ۵۶۶، ۵۶۸،

۵۶۹، ۵۷۵ - ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۸،

۵۹۲ - ۵۹۴، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۳،

۶۳۵ - ۶۴۱، ۶۴۲ - ۶۴۴، ۶۶۲،

۶۶۴ - ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۳ -

۶۷۷، ۶۸۳ - ۶۹۰، ۶۹۰ - ۷۰۹،

۷۱۰ - ۷۴۴، ۸۱۵، ۸۱۹ - ۸۲۰، ۸۲۲ -

۸۲۴، ۸۳۰ - ۸۳۳، ۸۳۱ - ۸۳۵،

۸۳۸

جلال‌الدین بلخی (مولانا) ۸۰، ۱۴۱،

۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۸ - ۱۶۰، ۱۹۹،

۲۱۴، ۳۹۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۷،

۴۶۸، ۵۲۲، ۶۶۴، ۷۰۴، ۷۰۶،

۷۳۵ - ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۹۲، ۸۰۳،

۸۲۲، ۸۴۱

جلال‌الدین بن حسام (ابن حسام سرخسی)

۲۰۶، ۱۸۰

جلال‌الدین بن حسام سرخسی ۲۰۶، ۱۸۰

جلال‌الدین بن سید عقیل بن دی ۲۰۳

جلال‌الدین جعفر بن محمد

بن دی ۲۵۳، ۷۷۵

جلال‌الدین جعفری (سید) ۱۸۰

جلال‌الدین حسن اصفهانی (امیر) ۷۱۰

جلال‌الدین حسین بن اویس جلایر (سلطان)

۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۳

جلال‌الدین حسین بن علی بن محمد رازی

(ابوالفتوح) ۱۲۶، ۱۳۰

جلال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجو

جلال‌الدین خوارزمشاه ۹۲۰، ۹۲۰ - ۹۲۴، ۱۱۲،

۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۶۵،

۷۴۱، ۷۴۵

جلال‌الدین خوارزمی (سید) ۱۸۸

جلال‌الدین درکافی ۷۵۰

جلال‌الدین دوانی کازرونی (محمد بن سعد -

الدین اسعد) ۲۶۵ - ۲۶۷، ۲۷۶ -

۲۷۷، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴،

۳۷۶، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۲۹،

۴۶۵، ۵۴۱، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۶۳،

۶۹۱، ۷۰۶، ۷۴۲، ۷۷۹

جلال‌الدین دهستانی ۱۸۰

جلال‌الدین رومی ر. جلال‌الدین بلخی

جلال‌الدین زنگی بن طاهر فریمندی (ابو -

یزید) ۱۹۴

جلال‌الدین شاه‌هروی ۱۸۰

جلال‌الدین شیرازی (شاه) ۴۰۳

جلال‌الدین صدر متخلص برضایی ۵۲۷

جلال‌الدین عارف ۱۴۳

جلال‌الدین عبدالجلیل بن عبدالجمیل

صافی ۸۱۵

جلال‌الدین عبدالجلیل بن محمد صافی ۸۱۵

جلال‌الدین عتیقی تسریزی ۲۱۷

جلال‌الدین فرغانی (امیر سلطان) ۵۵۹

جلال‌الدین فریدون بن عکاشه ۲۱۳، ۷۶۵،

جلال‌الدین فضل‌الله ابواللیثی ۲۹۰،

۳۳۰

جلال‌الدین فضل‌الله خوارزمی ۱۰۳

جلال‌الدین فیروز شاه خلجی ۱۷۱، ۱۸۶،

۷۳۹، ۷۵۱ - ۷۵۲

جلال‌الدین قاسم علوی ۶۳۱

جلال‌الدین قدر طغان خان ۹۸

جلال‌الدین قلیچ طمناج خان ابراهیم بن

صین ۹۹، ۹۶

جلال‌الدین کاشانی (خواجگی) ۵۱۳، ۷

جلال‌الدین کرمانی ۵۴۰

جلال‌الدین محمد آگهی ۲۲۱

جلال‌الدین محمد ازهری هروی ۹۵

جلال‌الدین محمد استرآبادی ۷۳۵

جلال‌الدین محمد اکبر (ابوالفتح) ۳۵۲،  
 ۲۵۶-۲۶۳، ۳۶۱-۳۶۹، ۳۶۶-۳۶۹،  
 ۳۷۲-۳۸۱، ۳۷۷-۳۸۳، ۳۷۵-۳۷۷،  
 ۴۵۲-۴۵۵، ۴۵۳-۴۵۵، ۴۵۶-۴۶۵،  
 ۴۶۷-۴۷۰، ۴۷۵-۵۰۵، ۵۱۳-۵۱۴،  
 ۵۲۰-۵۲۳، ۵۲۷-۵۳۲، ۵۳۶-۵۳۹،  
 ۵۴۵-۵۴۷، ۵۵۳-۵۵۵، ۵۵۸-۵۹۲،  
 ۵۹۴-۵۹۷، ۶۰۰-۶۰۳، ۶۳۵-۶۴۱،  
 ۶۴۲-۶۴۴، ۶۶۲-۶۶۴، ۶۶۵-۶۶۷،  
 ۶۶۹-۶۷۳، ۶۷۷-۶۸۳، ۶۹۰-۷۰۹،  
 ۷۱۰-۷۴۴، ۸۱۵-۸۱۹، ۸۲۰-۸۲۴،  
 ۸۲۰-۸۲۲، ۸۲۳-۸۲۸، ۸۲۵-۸۳۳،  
 جلال‌الدین محمد بلخی ر. جلال‌الدین  
 بلخی  
 جلال‌الدین محمد بن سعد الدین اسعد دوانی  
 کازرونی (علامه) ۲۶۵-۲۶۷، ۲۷۶-۲۷۷،  
 ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴، ۳۷۶-۳۸۹،  
 ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۳۹، ۴۶۵-۴۶۸، ۴۶۱-۴۶۳،  
 ۴۶۹-۴۷۰، ۴۷۲-۴۷۹، ۴۹۱-۴۹۳،  
 جلال‌الدین محمد بن سیف الدین باخوری  
 ۷۴۴  
 جلال‌الدین محمد بن محمد بن محمود  
 حافظی بخاری پارسا (یاشمس الدین)  
 ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۲۰-۲۲۱،  
 ۲۸۰-۲۸۳، ۲۸۶-۲۸۷، ۲۸۹-۲۹۰،  
 جلال‌الدین محمد بن محمود نهان‌سری  
 چشتی ۳۷۵  
 جلال‌الدین محمد بن نجم‌الدین محمد قایمی  
 (ابو محمد) ۷۸۵  
 جلال‌الدین محمد پارسا ر. جلال‌الدین  
 محمد بن محمود  
 جلال‌الدین محمد تبریزی (خواجه)  
 ۶۹۵  
 جلال‌الدین محمد دوانی کازرونی (علامه)  
 ۲۶۵-۲۶۷، ۲۷۶-۲۷۷، ۳۱۵، ۳۱۸-۳۱۹،  
 ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۹

۳۹۱، ۳۹۳، ۴۲۹، ۴۶۵، ۴۶۱،  
 ۴۶۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۹۱، ۷۰۶،  
 ۷۷۹، ۷۴۲  
 جلال‌الدین محمد صاعدی اصفهانی (خواجه)  
 ۶۸۳  
 جلال‌الدین محمد قاینی ۳۲۱  
 جلال‌الدین محمود (شیخ) ۳۷۳  
 جلال‌الدین محمود بن ابوبکر سمرقندی  
 گورمیری ۱۵۵  
 جلال‌الدین محمود بن یحیی عجم قلندر کرمانی  
 ۷۷۰  
 جلال‌الدین محمود شاه ۱۸۰  
 جلال‌الدین محمود شیرازی (خواجه) ۶۳۹  
 جلال‌الدین محمود مرشد میرجان اسفر-  
 غابادی ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۹،  
 جلال‌الدین مخدوم جهان‌یان ۸۱۲  
 جلال‌الدین مسعود شاه (اینبجو) ۲۱۴،  
 ۲۱۶  
 جلال‌الدین مشهدی ۳۴۳  
 جلال‌الدین ملک دینار ۱۱۸، ۲۸۲  
 جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی ۴۳، ۴۹-  
 ۵۵، ۶۶-۶۹، ۷۱، ۸۰، ۸۳،  
 ۸۷، ۱۲۸  
 جلال‌الدین مینکبری خوارزمشاه ۲، ۹۴،  
 ۱۲۳، ۷۳۵، ۷۴۱  
 جلال‌الدین مولوی ر. جلال‌الدین بلخی  
 جلال‌الدین منکبری ۲، ۹۴، ۱۳۳، ۷۳۵،  
 ۷۴۱  
 جلال‌الدین نعمان بن محمود بن اصیل  
 (خواجه) ۲۱۴  
 جلال‌الدین هاشمی بخارایی (خواجه)  
 ۶۱۸، ۶۹۰، ۸۳۶  
 جلال‌الدین هروی ۳۴۳  
 جلال‌الدین یوسف امیری ۳۴۲، ۷۹۸  
 جلال‌الدین یوسف جامی ۷۸۱  
 جلال‌الفتوح حسین بن علی بن محمد رازی  
 (ابوالفتوح) ۱۲۶، ۱۳۰  
 جلال‌بخاری (سید) ۸۱۲  
 جلال‌بخاری (شاه) ۸۱۲

جلال بن احمد سيستاني (قاضی) ۴۴۷، ۴۴۵  
جلال تبریزی ۱۸۰  
جلال خان متخلص بجلالی ۸۰۹  
جلال سيستاني (قاضی) ۴۴۵  
جلال عارف (شيخ) ۱۴۳، ۶۰۵  
جلال عقد ۲۰۳  
جلال قاسم (مولانا) ۸  
جلال کرماني ۷۹۸، ۳۴۱  
جلال لارندی (حاج) ۷۶۹  
جلال ماوراءالنهری ۸۸  
جلال هروی ۸۱۶  
جلالی ۴۰۵  
جلالی ۶۵۰  
جلالی (جلال خان) ۸۰۹  
جلایر (آفاق بيك) ۳۴۲  
جلایر (امیر حسن) ۳۴۹  
جلایر (خاندان) ۱۸۲، ۱۹۸، ۲۱۱  
۷۷۳، ۳۰۹  
جلایر (میر علی) ۳۴۹  
جلایری ۲۰۲  
جمال ۲۲۶  
جمال (بی بی حافظ) ۱۹۷  
جمال الاسلام محاسب یزدی (معین الدین) ۷۶۷  
جمال الدین ر. ابن حسام  
جمال الدین (شيخ) ۶۰۴  
جمال الدین (قاضی) ۱۷۷  
جمال الدین ابراهیم ابی کالیجار ۴۴۴  
جمال الدین ابواسحق احمد خلاج شیرازی  
(بسحق اطعمه) ۲۰۴، ۲۹۶-۲۹۷، ۳۲۰  
جمال الدین ابواسحق بن جلال الدین  
محدث کازرونی ۷۶۵  
جمال الدین ابوالحسن اویس بن شیخ  
حسن ر. اویس  
جمال الدین ابوالفتح بن احمد جام ۷۲۰  
جمال الدین ابوالفضل محمد بن عمر الخالد  
قرشی ۱۴۶  
جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن نصر  
کاتب ۷۸

جمال الدین ابوبکر بن ساعد خسروی  
بخاری ۷۸  
جمال الدین ابوبکر خال ترمذی ۸۸  
جمال الدین ابومحمد عبدالله بن عبدالرزاق  
اصفهان ۷۳-۷۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱  
۱۷۳، ۱۵۷  
جمال الدین ابهری قزوینی ۱۰۳  
جمال الدین احمد جوزقانی ۷۴۵  
جمال الدین استرابادی (امیر) ۴۴۱-  
۴۴۲  
جمال الدین اشهری ۱۸۰  
جمال الدین الغیار بيك آی ابه ۱۲۸  
جمال الدین بخاری ۸۱۳  
جمال الدین بن رشید الدین فضل الله ۷۳۱  
جمال الدین بی بصر ۱۸۰  
جمال الدین ترکه (خواجه) ۴۵۰-۴۵۱  
جمال الدین حاجی منشی ۲۱۵  
جمال الدین حسن اینجو ۳۹۷  
جمال الدین حسین (سلطان) ۲۷۲  
جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن  
اینجو (عقد الدوله) ۳۹۷  
جمال الدین حیدر استرابادی ۳۶۷  
جمال الدین حیدر هروی ۶۷۳  
جمال الدین خادمی هروی ۵۸۹  
جمال الدین خلیل شروانی ۱۷۶-۱۷۷  
جمال الدین دکنی ۷۹  
جمال الدین رستق القطنی ۲۲۲  
جمال الدین سلمان بن علاء الدین محمد  
ساوجی ۲۰۲، ۲۰۶، ۳۳۵، ۳۴۱،  
۴۱۰، ۵۱۷، ۶۲۹  
جمال الدین سمرقندی ۱۸۰  
جمال الدین سمرقندی عروضی ۳  
جمال الدین شافعی ۳  
جمال الدین عباسی ۹۵  
جمال الدین عبدالرزاق (ابومحمد عبدالله  
ابن عبدالرزاق اصفهانی) ۷۴-۷۵،  
۱۰۱، ۱۰۳، ۱۵۷، ۱۷۲-۱۷۳  
جمال الدین عیبری ۷۲۵  
جمال الدین عزیزان ۸

جمال الدين عطاء الله بن فضل الله (امير) ۶۹۱  
 جمال الدين عطاء الله بن محمود بن حسين  
 شهدي عطايي ۳۲۴، ۵  
 جمال الدين علوي كازروني ۱۰۲  
 جمال الدين علي بن حسين بن علي بن مهنا  
 اودي حمني كرماني ۶  
 جمال الدين علي بن حمزة بن ملك هاشمي  
 آذري طوسي بيهقي ۲۹۳، ۵، ۳-  
 ۷۸۶، ۳۰۷، ۳۰۱، ۲۹۹، ۲۹۴  
 ۷۹۸، ۷۹۵  
 جمال الدين فضل الله بن احمد جمالي اردستاني  
 (پير جمالي) ۲۳۵، ۲۳۴، ۷۷۴،  
 ۸۲۶، ۸۰۹  
 جمال الدين فنوني ۳  
 جمال الدين قرشي ۳  
 جمال الدين كاشاني (سيد) ۲۲۲  
 جمال الدين كاشاني (ملك الشعراء) ۲۲۶  
 جمال الدين كيلي ۱۱۵  
 جمال الدين محمد بن حسام هروي ۲۰۶،  
 ۲۷۵، ۲۱۳  
 جمال الدين محمد بن حسن هندري طوسي  
 (امام رباني) ۷۲۳  
 جمال الدين محمد بن علي سراجي خراساني  
 ۷۸  
 جمال الدين محمد بن عمر خالد قرشي  
 (ابوالفضل) ۱۴۶  
 جمال الدين محمد بن محمود شهرستاني  
 ۲۷۳  
 جمال الدين محمد بن  
 ۷۹  
 جمال الدين محمد بن نصر ۹۱  
 جمال الدين محمد ميرنگي (امير) ۴۴۶  
 جمال الدين محمد صدر (امير) ۵۰۸  
 جمال الدين محمد عرفي شيرازي ۴۱۷،  
 ۸۲۶، ۸۱۹، ۶۵۴  
 جمال الدين محمود ۳۸۹، ۳۴۷  
 جمال الدين محمود حندي ۱۰۲  
 جمال الدين مطري ۷۵۵

جمال الدين مطهر ياخرزي ۳۱۳  
 جمال الدين منشي ۱۸۱  
 جمال الدين ناصر بن شمس كافرگ غزنوي  
 ۴۳  
 جمال الدين هروي خادمي ۵۸۹  
 جمال الدين همداني ۱۸۱-۱۸۰  
 جمال الدين يوسف بن داود فارسي ۲۱۸  
 جمال الملك ۱۷۷  
 جمال بخاري ۱۷۷  
 جمال حاج ۱۷۷  
 جمال حاجي شرواني ۱۷۷  
 جمال خان مواتي ۳۶۱  
 جمال خان ناصحي بدواني (ميان) ۵۵۰  
 جمال خجندی ۱۷۷  
 جمال خويي ۱۷۷  
 جمال سرخسي ۱۷۷  
 ستا ۱۷۷  
 جمال صفوري ۱۷۷  
 جمال صمري ۱۷۷  
 جمال فزنوي ۱۷۷  
 جمال قرشي ۱۴۶  
 جمال كرماني (آق) ۴۶۲  
 جمال گنجيه ۱۷۷  
 جمال مجددي ۱۷۷  
 جمال محمد ۱۷۷  
 جمال محوي ۱۷۷  
 جمال ملكشاه ۱۷۷  
 جمال نقاش اصفهاني ۱۰۲  
 جمال هندي ۶۱۴  
 جمالي ۳۴۳، ۱۰۰  
 جمالي (شيخ) ۴۰۴  
 جمالي (ملا) ۴۰۵  
 جمالي اردستاني (جمال الدين فضل الله بن  
 احمد پير جمالي) ۲۳۵، ۲۴۴،  
 ۸۲۶، ۸۰۹، ۷۷۴  
 جمالي بن حسن شوشتری ۴۹۷  
 جمالي تبريزي (خانزاده خانم) ۶۹۵  
 جمالي دهلوي (احمد بن فضل الله) ۸۰۹-  
 ۸۱۰



جمالی دهلوی (شیخ فضل الله) ۳۶۵، ۳۱۲، ۵۴۰، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۱۰  
 جمالی سمرقندی ۱۸۰  
 جمالی کنبوه (حامد بن فضل الله) ۴۰۴ - ۸۱۰، ۸۰۸، ۸۰۷  
 جمالی مهره جردی ۵۱  
 جمشید بن مسعود بن طبیب کاشانی (علامه غیاث الدین) ۷۷۹، ۲۶۸، ۲۵  
 جمشید خان ۴۹۴  
 جمشید خان اسحق (شاه) ۵۲۰، ۴۸۹  
 جمشید خان ترکستانی ۴۸۹، ۲۲۶  
 جمشید زواری (غیاث الدین) ۳۷۱  
 جمشید کاشانی (غیاث الدین) ۲۶۸، ۲۵، ۷۷۹  
 جمشید معاینی ۳۳۳  
 جمشید منجم هروی ۳۴۳  
 جمشیدی (محمد شریف) ۶۵۰  
 جمیل حمیلی گالی وال ۸۲۴، ۵۴۴  
 جمیل گالی وال (جمیل) ۸۲۴، ۵۴۴  
 جنتی بیای نخشی ماوراءالنهری ۱۰۰  
 جنتی خراسانی ۳۴۳  
 جنونی (ملا) ۶۳۱  
 جنونی اندخودی ۳۰۳  
 جنونی بدخشی معاینی  
 جنونی حصار ۵۷۷  
 جنونی قندهاری ۶۹۴، ۵۱۷، ۴۶۶  
 جنونی قندهاری قالی پوش ۵۳۱  
 جنید (سلطان) ۴۰۸، ۳۴۹، ۲۸۰  
 اصولی ۲۸۶  
 بغدادی ۷۵۳، ۶۲۰، ۱۴۱  
 اسعد بن مظفر  
 ابن محمد بن مظفر بن روزبهان بن طاهر  
 واعظ عمری ربیع شیرازی (معین الدین) ۷۶۵، ۲۸۰، ۲۵۶، ۲۳۶، ۲۱۵  
 جنید گنج ۱۷۷  
 جوانمرد علی خان شیبانی دیری ۵۶۸ - ۵۷۲، ۵۶۹، ۵۷۳، ۵۸۵، ۵۸۶  
 ۵۹۴  
 جوجک (میرزا) ۵۸۷

جوسوری (ابونصر) ۵۵  
 جولانه ابهری ۲۲۲  
 جوهر مهر آفتابه چی ۳۶۶، ۳۶۲  
 جوهری ۱۰۰  
 جوهری (حسین) ۸۲۲، ۴۲۹  
 جوهری (محمد) ۲۲۵  
 جوهری (مؤلف صحاح اللغه) ۱۴۶  
 جوهری زرگری بخارایی ۸۶  
 جوهری زرگری هروی (ابوالمحمد محمود ابن عمر) ۳۶  
 جوهری سمرقندی ۳۴۳  
 جویباری (ابواسحق) ۲۲  
 جویباری (خواجه ابواسحق) ۵۸۸، ۵۷۷  
 جویباری (خواجه میرشاه) ۶۳۵  
 جویباری (طریقه) ۴۰۶  
 جونی (خاندان) ۱۳۵ - ۱۳۶، ۱۴۶  
 ۱۶۲ - ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۷۴، ۷۵۰  
 جهان (شاه) ۵۲۷، ۳۹۸، ۴۳۵، ۵۲۷، ۸۳۸، ۶۵۰  
 جهان آرا بیکم ۱۵۴  
 جهان پانی (صدر) ۵۴۱  
 جهان پهلوان (اتابیک نصره الدین مسعود بن ارسلان) ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲  
 جهان پهلوان (محمد) ۱۰۶  
 جیان تریزی (قاضی) ۵۸۰  
 جهانسوز (علاء الدین حسین) ۸۹، ۷۳  
 جهان شاه (امیر) ۳۰۵  
 جهان شاد بن یوسف قرآقویو نلو (مظفر الدین) ۲۳۴ - ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵  
 ۷۹۵ - ۷۹۴، ۷۰۰، ۵۰۵، ۳۴۴  
 جهان شیرازی (قاضی) ۴۹۷، ۴۹۲، ۴۳۹  
 جهان قزوینی (قاضی) ۶۹۵  
 جهان گشته ۱۷۷  
 جهانگیر (شاهزاده محمد سلیم) ۳۶۵، ۳۶۳  
 ۴۱۶ - ۴۱۷، ۸۳۰  
 جهانگیر (نور الدین) ۱۹۳، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۹، ۳۷۰  
 ۳۸۱ - ۳۸۳، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۷  
 ۴۲۲، ۴۲۴، ۵۱۳، ۵۲۱، ۶۴۲

چشتيه ۲۱۷، ۱۱۳-۲۱۸، ۲۵۸، ۲۶۴،  
۸۲۹، ۵۵۸  
چفته ۵۴۵  
چنر بيك سلجوقي ۵۸  
چغه يئي ۸۰۷، ۷۸۲، ۶۹۱، ۶۶۲  
چلبی (حسام الدين) ۱۶۰  
چلبی بيك تبریزی (علاءه) ۷۱۰  
چلبی بيك علاءه ۵۱۴  
چلبی بيك علامی (شيخ کمال الدين بو-  
الفضل تبریزی) ۵۲۰  
چلمه (مولانا) ۵۹۲  
چنبك مشهدي (غزالي) ۶۳۹، ۵۱۱  
چنگيز خان ۶۰۶، ۴۸۶، ۱۳۶، ۱۳۳  
چنگيز خان والی گجران ۳۶۶  
چوپان (امير) ۲۱۶  
چوپان (خواجہ امير احمد) ۴۴۹  
چوچك علمي سريلي (امير) ۵۹۵  
چوني دال (داود کرمانی) ۵۴۰  
چيچك بيكم ارغون ۴۷۶  
چين صوفي ۶۸۰  
چيني ۱۴۲  
حانم بيك اعتماد الدوله صافي اردوبادی  
۷۰۵، ۶۹۹، ۶۹۴، ۶۸۴، ۶۴۹  
۸۳۷  
حانم منبھلی (شيخ) ۳۵۹  
حانم طايی ۲۴۷  
حانم کاشانی ۵۰۳، ۴۵۹  
حانمی (مؤيدزاده) ۸۱۱  
حانمی هروی (امير ابوالفتح عبدالکریم بن  
احمد) ۴۱  
حاج (مير) ۸  
حاج انسی جنابدی (قطب الدين مير) ۸،  
۳۲۱  
حاج خليفه ۲۷۷  
حاج مولانا حیدری تبریزی ۴۲۷، ۵۳۸،  
۷۲۲  
حاج هراسی (محمد بن محمد بن ابراهيم

۸۴۱، ۸۰۸، ۶۹۰، ۶۸۴، ۶۶۲  
۸۳۵  
جھانگیر بن رستم ۴۹۱  
جھانگیر رستعداری (ملك) ۴۹۵  
جھانگیر سمنانی سامانی نوربخشی نوری  
چشتی (اشرف الدين) ۷۵۶  
جھانگیر هاشمی (شاه) ۴۰۹، ۳۴۸-  
۴۱۰  
جهان ملك (امير) ۳۰۶  
جهان ملك خاتون ۲۱۶  
جھريه (طريقه) ۶۰۲، ۷  
جھم بن صفوان ۱۶  
جھكتو (سيد خنجر) ۳۴۴  
مرکمان ۶۹۵  
جیلانی ۱۳۱  
جیلی ۱۳۱  
جیہانی (ابو عبد اللہ)  
۲۸۵

## چ

چاجو (ملك) ۷۵۲  
چاکری هروی ۳۴۳  
چاووش غوری ۸۸  
چپ نویس هروی (مجنون) ۶۷۳  
چچ بن سیلاج ۱۵۱  
چراغ دھلی (نصیر الدين محمود اودھی)  
۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴  
۷۵۹، ۷۵۶  
چرخي ۲۵  
چرخي (حیدر) ۵۱۹  
، نقشبندی (یعقوب بن عثمان)  
۷۷۸، ۲۶۴  
چرکسان ۴۹۱  
چرگر فراقی تبریزی (حافظ) ۶۹۵  
چشتی ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۶-۱۹۷، ۲۱۷-  
۲۱۸، ۳۷۲، ۳۷۵، ۴۰۴، ۴۲۶  
۸۱۶، ۷۴۸، ۷۳۸، ۷۲۴، ۶۰۸  
چشتی (شيخ حسين صوفي دهلوی) ۴۴۶،  
۵۵۸

د'مغانی صدرالحفاظ ۳۲۵  
حافظ تافیش ازبک نخلی و گرامی ۴۸۸،۶  
حافظ تربتی ۳۰۳  
حافظ جرگر فرافی تبریزی ۶۹۵  
حافظ حاجی بیک قزوینی ۵۲۳  
حافظ حاجی محمد کاتب ۸۳۷،۶۵۲  
حافظ حکاک کرمانی ۳۴۳  
حافظ حلوائی ۳۰۵  
حافظ رازی (خواجه) ۳۴۴،۳۰۵،۲۹۷  
حافظ سعد ۳۴۴،۲۲۶  
حافظ سعد کل ۳۴۴،۲۲۶  
حافظ شیرینی ۳۴۵  
حافظ شیرازی (خواجه شمس الدین محمد)  
۴-۱۵۹،۱۰۱،۱۷۲،۲۰۰،  
۲۰۲،۲۰۸،۲۰۵،۲۱۶،۲۵۶-  
۲۵۷،۲۶۷،۲۸۲،۳۳۳-  
۳۳۵،۳۹۳،۴۱۳،۴۲۳،۴۶۱،  
۴۶۶،۷۵۶،۷۶۱-۷۶۲،۷۶۵،  
۷۶۸-۷۷۰،۷۷۳،۷۹۳،۸۰۲،  
۸۱۸،۸۲۳،۸۴۰  
حافظ صابونی ۴۶۱  
حافظ صابونی قزوینی ۵۱۰  
حافظ طیب تربتی ۶۱۴  
حافظ عارف شیرازی ۳۲۰  
حافظ علی ۳۴۶،۲۳۴  
حافظ علی جامی ۳۴۶،۲۴۴  
حافظ علی غوریانی ۳۲۶  
حافظ قنکر ۶۳۶  
حافظ کر بلائی (درویش) ۸۱۰،۴۰۶  
حافظ کرمانی ۳۴۳  
حافظ کلان (خواجه) ۶۳۲،۲۹۶  
حافظ کلان قاری ۶۲۱  
حافظ مجلسی تبریزی ۶۹۶  
حافظ میراثی حفظی ۶۳۱،۶۱۳  
حافظ میر احمد خطیب ۶۲۱  
حافظ میر سینایی ۳۴۳  
حافظ میرک حالی ۶۲۲  
حافظ نصرالله ۷۹۷  
حافظه جمال (بی بی) ۱۹۷

کازرونی ۷۸۱،۲۳۶  
حاجی (شیخ حاج محمد خوبشانی) ۳۲۲،  
۴۳۴،۵۶۳،۵۶۵،۶۱۰-۶۱۱،  
۶۴۰،۶۲۸  
حاجی اردبیلی ۶۹۵  
حاجی اویس سلطان بیات ۴۹۴  
حاجی بچه بستی (شمس الدین) ۹۵  
حاجی بن نظام عقیلی (سیف الدین) ۶۵،  
۲۵۶  
حاجی بیک ۷۲  
حاجی بیک (ملا) ۵۳۳  
حاجی بیک قزوینی (حافظ) ۵۳۳  
حاجی تبریزی ۶۹۵،۲۲۶  
حاجی سعدی ۳۴۳  
حاجی شروانی (جمال) ۱۷۷  
حاجی کابلی (محمد) ۶۵۸  
حاجی مردمی کاشانی ۵۳۵  
حاجی مشهدی (مولانا) ۳۴۳  
حاجی منشی (جمال الدین) ۲۱۵  
حاجی هروی ۳۴۳  
حاجی هروی (ابوالفضل عثمان بن احمد  
هروی) ۸۸  
حادثی مروزی (علاء الدین) ۹۵  
حاسب طبری (ابوجعفر محمد بن ایوب)  
۲  
حاصلی تبریزی ۶۹۵  
حاصلی خیرآبادی (مولانا عبدالعلی)  
۵۶۶  
حاضری اشتر بخارایی ۵۹۵،۵۷۶  
حافظ ابراهیم ۴۰۱  
حافظ ابرو (شهاب الدین عبدالله بن زین-  
الدین لطف الله بن عبدالرشید بهادری  
خوافی هروی) ۲۳۷-۲۳۸،۲۳۴  
حافظ الدین ابونصر بن خواجه محمد پارسا  
۲۲۱،۲۸۱،۳۳۳  
حافظ الدین نسفی ۳۸۵،۲۸۳  
حافظ الدین هاشمی کبیر (خواجه) ۶۱۸  
حافظ اربهی ۴۰۳  
حافظ تاج الدین حسن استرآبادی سنایی

حافظ یاری ۳۴۸	الله باغنوی (میرزا جان شیرازی)
حافظی کرمانی ۳۴۳	۴۲۵، ۳۹۲، ۳۸۹، ۵۰۰، ۵۲۰
حاکم ابو عبدالله بن البیج ۷۸۲	۷۰۹، ۶۹۵، ۶۶۶، ۵۸۶
حاکمی ۳۴۹	عبیب الله بخاری (مولانا) ۶۳۳
حاکمی خوانی ۳۴۳	عبیب الله ترکه اصفهانی (خواجه) ۴۵۱
حالتی اگرهی (مولانا یادگار) ۴۱۸	۴۹۹-۴۹۸
۳۲۹	عبیب الله حسینی (نظام الدین) ۲۷۱
حالتی تبریزی ۶۷۴	عبیب الله سارچی (خواجه کریم الدین)
حالتی ترکمان (قاسم بیگ) ۴۶۶، ۶۵۰	۴۲۸، ۴۲۰، ۳۷۷، ۳۲۵، ۲۴۱
۸۲۸، ۶۷۴	۳۵۰
حالتی طرفانی ۵۸۲	عبیب الله قیزی ۳۳۳
حالتی گجراتی ۵۴۲	عبیب الله کاتب ۳۴۳
حالی ۲۲۶	عبیب شیرازی (شاء) ۵۶۶
حالی (حافظ میرک) ۶۳۲	عبیب عجمی ۲۵۳، ۶۳۰
حالی آذربایجانی ۶۹۶	عبیب کاتب ۳۴۳
حالی اسفراینی ۵۵۸	حبیبی (عبدالهی) ۷۱۳
حالی سبزواری (ملادوست محمد) ۵۵۸	حبیبی برکشادی ۶۹۶
۸۳۵	حبیبشین ابراهیم متطیب تفلیسی (شرف- الدین ابوالفضل) ۷۲۷، ۱۲۸
حالی گیلانی (میر) ۴۴۴	حجابی اردبیلی ۶۹۶
حالی هروی (شیرعلی بنایی) ۳۴۵، ۲۶	حجابی استرآبادی ۶۷۳
حامد بن ابوالفخر کرمانی (اوحدا الدین)	حداد (امام) ۱
۱۷۲، ۱۹۹، ۴۹۲، ۷۲۲، ۷۲۳	حدادی ۱۸۱
۷۳۱، ۷۳۶، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۸	حدادی تبریزی (مولانا) ۵۱۲
حامد بن فضل الله جمالی کنیودهلوی ۴۰۴-	حدیثی ۱۷۷
۸۰۹-۸۰۸، ۴۰۵	حرب (تاج الدین) ۹۱
حامد تاشکندی (خواجه) ۵۹۰	حربی (میرزا) ۶۳۶
حامدی (قرن ۵) ۵۵	حرفی اصفهانی ۶۴۳
حامدی (قرن ۱۰) ۴۴۴	حروفی (شمس الدین محمد) ۳۴۵
حامدی (فخر الدین) ۴	حروفی (عماد الدین) ۱۸۱
حامدی (مولانا) ۵۳۵	حروفی (طریقه) ۲۸۱، ۲۹۲، ۷۶۴، ۷۶۵
حامدی اصفهانی ۸۰۲، ۷۹۲	۷۷۱، ۷۸۴، ۷۸۵
حامدی قمی ۶۵۰	حروفیه ۲۸۱، ۲۹۲، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۱
حب الله (مولانا) ۸	حریری ۳۴۳
(عبدالملك) ۱۷۴	حریری (صاحب مقامات) ۱۱۸-۱۱۹
(میر) ۵۵۱	حریفی ساوجی (علی فراش) ۵۳۶
حبشی ۳۱۷	حریمی سمرقندی ۳۴۳
حب (مولانا) ۳۴۳	حریمی کرمانی هروی ۵۶۱
حب الله (امیر) ۳۴۳	حزنی استرآبادی (امیر حسن) ۶۷۳
حب الله (میرزا) ۲۲۶، ۲۷۸	

خزنی اصفهانی (نقی الدین محمد) ۶۴۴  
 خزنی اصفهانی (میر) ۴۲۶  
 خزنی گونا بادی ۵۸۱، ۵۲۶  
 خزنی هروی عراقی ۵۸۸  
 خزنی استرآبادی ۶۷۴، ۵۸۱، ۳۴۳  
 خزنی گونا بادی ۵۲۶  
 خزنی گیلانی ۵۸۱، ۵۳۲، ۵۳۰  
 خزنی ماوراءالنهری ۵۸۱  
 خزنی نیریزی ۵۸۱، ۵۰۳  
 حسابی تبریزی (میرزا) ۵۸۰  
 حسابی چنابادی ۳۴۳  
 حسابی طغوزی اصفهانی (میرزا سلیمان) ۴۶۰  
 حسام الاثمه شرق الدین محمد بن ابوبکر نسفی ۱۰۰  
 حسام الدین ابوعلی ۱۲۰  
 حسام الدین اردشیر بن حسن ۱۷۲، ۱۹  
 حسام الدین مختیار بن زنگی بینوی سلجوقی (امیر) ۴۹  
 حسام الدین چلبی ۱۶۰  
 حسام الدین حسن بن علی طغاکان بینو ملک ۷۴۱، ۱۷۴، ۸۶، ۴۹  
 حسام الدین حسین بن حیدر اصفهانی (ابو عبدالله) ۸۴۱  
 حسام الدین سالار ۷۵۱  
 حسام الدین عمر بن عبدالعزیز مازنه ۹۸  
 حسام الدین قتلغ بوغا ۷۳۲  
 حسام الدین نبیره ۳  
 حسام الدین یوسف بخاری (خواجه) ۱۹۲  
 حسام نسفی ۲  
 حسامی خبوقی (دیوانه) ۶۰۹-۶۱۰  
 حسامی قراکولی خوارزمی (درویش) ۵، ۷۸۸، ۳۱۸  
 حسامی قهستانی ۳۴۳  
 حسبی بکری سکی (شاه ابوالمفاخر محمد) ابن کمال الدین اسمعیل بن غیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحمی ۵۹۹-۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۸  
 حسرتی (مولانا مظفر الدین) ۴۴۴

حسرتی کاشانی ۵۰  
 حسن (تاج الدین) ۳۲۹  
 حسن (خواجه امین الدین) ۴۲۳  
 حسن (سید) ۴۸۵  
 حسن (شاه) ۴۷۶  
 حسن (عماد الدین) ۳۵۷  
 حسن (گوینده بحر الصنایع) ۲۱۰  
 حسن (میرزا) ۵۵۷  
 زاشاه ۴۰۹  
 حسن (نظام الملك) ۹۰، ۸۱  
 حسن آذری (ابو محمد) ۷۱۹  
 اخلاطی (سید) ۲۲۵  
 ارغون (شاه) ۸۲۵  
 استرآبادی (امیر) ۳۴۳  
 حسن استرآبادی (قاضی) ۸۴  
 حسن استرآبادی سنایی دامغانی صدر الحفاظ (حافظ تاج الدین) ۳۲۵  
 حسن اشرق غزنوی (سید) ۷۹، ۷۷، ۷۴-۷۹، ۸۰، ۷۱۹  
 حسن اشرف یا اشرفی (سید معین الدین) ۷۱۹، ۷۷، ۷۴-۷۹، ۸۰  
 ن اصفهانی (امیر جلال الدین) ۷۱۰  
 حسن المرتضی ۸۰۳  
 حسن ایلکان (امیر شیخ) ۲۰۲  
 حسن اینجو (جمال الدین) ۳۹۷  
 حسن بانکندی ۶۲۸  
 حسن بخاری (تقیب الاشراف خواجه بهاء الدین) ۶۲۴، ۶۲۰، ۵۷۶، ۴۰۳  
 ۶۳۶، ۶۲۹، ۶۲۶  
 بن بصری ۷۵۳، ۶۳۰  
 بن بلغاری فنجوانی (صلاح الدین) ۷۴۴، ۷۲۴  
 بن بن احمد باقی (افضل الدین) ۸۸۱  
 سزین احمد بن اسحق طوسی نظام الملك (قوام الدین ابوعلی) حسن بن علی بن احمد بن عرب شاه ۲۸۰  
 حسن بن احمد عنصری بلخی (ابوالقاسم) ۸۳، ۷۶، ۳۸، ۳۶-۳۵، ۳۲، ۲۶  
 ۳۹۰، ۱۰۱، ۹۷  
 حسن بن اسحق بیهقی (نظام الملك) ۷۵۹  
 حسن بن جلالی دهلوی ۸۰۹

بن جهان شاه فرا قویونلو ۷۹۴  
 بن حکیم ملای اصفهانی شفا بی (حکیم  
 شرف الزمان) ۵۱۴-۵۱۵، ۵۱۷  
 رازی پلاسی (تاج الدین)  
 ۷۷۶، ۲۸۴

زبان شیرازی ۴۰۴  
 بن شکر اوغلی مقیمی ۸۳۱، ۵۰۵  
 حسن بن شهاب الدین حسین بن تاج الدین  
 یزدی (ابن شهاب) ۲۲۹  
 حسن بن ضیا الدین حسین یزدی (مجدد  
 الدین) ۷۷۵  
 حسن بن طاهر (نظام الملک ابو علی) ۸۱،  
 ۹۰

حسن بن طاهر بهاری (شیخ) ۷۸۵  
 حسن بن علاء الدین عطار (کدال الدین)  
 ۷۶۷

حسن بن علاء سگز ۷۶۶، ۷۵۵  
 حسن بن علی (امام) ۷۵۴، ۵۸۰  
 حسن بن علی بن احمد بن اسحق طوسی  
 (ابو علی قوام الدین نظام الملک) ۴۹-  
 ۵۴، ۵۵-۵۸، ۶۱، ۶۶-۶۷،  
 ۶۹-۷۱، ۷۳، ۷۷، ۱۲۷، ۱۶۳، ۴۳۲،  
 ۷۲۷

حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی  
 ۲۵۷

حسن بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن  
 حسن طبری استرآبادی مازندرانی  
 آملی (عماد الدین) ۱۵۳، ۷۲۴

حسن بن علی بن موسی طرسوسی (ابوطاهر)  
 ۲۵۶

حسن بن علی بن موسی طوسی (ابوطاهر)  
 ۷۱

حسن بن علی سگز دهلوی (نجم الدین)  
 ۱۷۱

حسن بن علی سلیمی تونی سبز وادی (تاج-  
 الدین) ۳۰۱

حسن بن علی شهابی ۸۸

حسن بن علی طغاکان (بیقو ملک حسام الدین)  
 ۷۴۱، ۱۷۴، ۸۶، ۴۹  
 حسن بن علی قطان مروزی (ابو علی) ۱۲۷  
 حسن بن علی کاتب معروف بمعین الملک اسم  
 (معین الدین) ۱۶۵، ۸۹

حسن بن غیاث الدین حسن حسینی سگز  
 چشتی اجمیری (معین الدین) ۱۵۳-  
 ۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷،  
 ۷۴۸، ۷۳۸، ۵۶۱

حسن بن غیاث الدین حسینی تربتی (قاضی  
 اختیار الدین) ۵۸۵، ۲۷۸، ۶

حسن بن غیاث الدین حسینی قرشی (قاضی  
 اختیار) ۵۸۵، ۲۷۸

حسن بن فضل طبرسی (رضی الدین ابو-  
 الفضل) ۳۷۳، ۳۷۱  
 قطان مروزی ۵۵

ام الدین چلبی  
 ۱۶۰

حسن بن محمد بن حسن قمی ۲۵۷  
 حسن بن محمد بن فخر الدین علی لاری  
 (کمال الدین) ۳۵۶

حسن بن محمد بن ناصر حسینی غزنوی  
 (اشرف الدین) ۷۹، ۷۷، ۷۴-۸۰،  
 ۷۱۹

دقاق نیشابوری (ابو علی) ۱،

۲۳

سن بن محمد رامی تبریزی (شرف الدین)  
 ۱۸۷

سن بن محمد شاه فتاری (حسن چلبی)  
 ۲۷۶-۲۷۵

سن بن محمد ناصر حسینی غزنوی (سید-  
 اشرف الدین) ۷۹، ۷۷، ۷۴-۸۰،  
 ۷۱۹

سن بن محمد نیاززی بخارایی (سید) ۷،  
 ۸۳۵، ۶۳۶، ۵۵۶

سن بن محمد نیشابوری قمی معروف بن نظام  
 ۱۵۲

سن بن منوچهر بن جمال الدین ابوطاهر  
 ابن عمار بن عمران بن موسی بن امام

حسن دهلوی ۵۰۶، ۱۸۵، ۱۷۱  
 حسن دهلوی (نجم الدین حسن سگزئی)  
 ۱۷۱  
 حسن زامر ۷۳۲  
 حسن سگزئی (علاء الدین) ۷۶۶، ۱۵۴  
 سگزئی (نجم الدین) ۱۷۱  
 حسن سگزئی اجمیری (معین الدین) ۱۵۳-  
 ۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷  
 ۷۴۸، ۷۳۸، ۵۴۱  
 حسن سلطان ۵۰۱  
 حسن سمرقندی (امیر اختیار الدین)  
 ۲۲۶  
 حسن سهوی تبریزی (میر) ۶۵۹، ۷۰۳،  
 ۸۳۷  
 حسن شاملو (سلطان) ۶۵۸  
 شاه بقال ۲۶۵  
 شاه هروی (حسن شاه هزال) ۲۹۴  
 حسن شاه هزال (حسن شاه هروی) ۲۹۴  
 حسن شمشیری (تاح الدین) ۲۷۸  
 حسن شهرویه ۷۷۲  
 ازی (سراج الدین) ۱۸۱  
 ازی صاحب عیار (قوام الدین)  
 ۷۴۵، ۷۶۱، ۲۰۵، ۱۲۶  
 حسن صباح ۷۲۹-۷۳۰  
 حسن طالب ترمذی (میرزا) ۶۸۵  
 حسن طبسی ۳۴۳  
 حسن عزیزی حسینی ۷۲۵  
 ی (امام) ۳۷۱، ۲۲۰  
 حسنعلی جلایر ۳۴۳  
 حسنعلی روغنگر هروی ۳۲۶  
 حسنعلی سوزی ساوجی ۵۲۸-۵۲۹  
 حسنعلی طبسی ۸۲۹-۸۳۰  
 حسنعلی هروی ۳۴۳  
 حسن غزنوی (سید اشرف الدین حس-  
 محمد ناصر حسینی غزنوی) ۷۷۰، ۷۴  
 ۷۹-۸۰، ۷۱۹  
 حسن قاری ۳۴۳  
 بن قزوینی (قاضی) ۶۵۰  
 بن قوچین (امیر بابا) ۳۰۵

محمد تقی (امیر) ۷۸۱  
 حسن بن میر قوام الدین قا-  
 بخش رازی (شاه بهاء الدوله) ۲۷۴،  
 ۴۰۰  
 حسن بن یوسف بن مطهر حلی (علامه) ۳۷۴،  
 ۷۰۱، ۶۶۳  
 بهادرخان (اوزون حسن) ۲۶۲،  
 ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۸۶، ۳۱۲، ۳۴۹-  
 ۳۵۰، ۴۸۲، ۷۹۳-۷۹۴، ۷۹۶،  
 ۸۰۰  
 حسن بیک (نصرة الدین) ۲۶۷  
 حسن بیک بن محمد بیک خاکی شیرازی  
 ۳۵۷، ۶۵۰  
 حسن بیک روملو ۸۰۲، ۳۵۵  
 حسن بیک صلاهی اصفراینی ۶۸۵  
 حسن بیک عجزی تبریزی ۵۱۲، ۵۱۵،  
 ۸۳۱-۸۳۲  
 حسن بیک علی بن قرامشمان یاقرا بولغ ۷۹۳  
 حسن بیک لالی همدانی ۶۵۷  
 حسن بیک لنگ اردو بادی ۸۲۸  
 حسن بیک یوزباشی ۴۹۴  
 حسن پاشا ۴۵۵  
 (شیخ) ۷۰۴  
 حسن ترکمن ۱۸۱  
 حسن تونی (قاضی) ۵۲۸  
 حسن جلال الدین ۸۰۳  
 حسن جلایر (امیر) ۴۴۹  
 حسن (یا حسین) جمعی بیعتی (ابوالمظفر  
 عبدالجبار) ۵۵  
 حسن جویری (شیخ) ۷۶۱  
 حسن چشتی دهلوی ۵۵۸  
 حسن چلبی (حسن بن محمد شاه فناری)  
 ۲۷۵-۲۷۶  
 چلبی ظریفی ۸  
 استرا بادی (امیر) ۶۷۴  
 منی آملی (نظام الدین) ۲۱۵  
 خلخالی (علامه سید) ۳۹۳  
 حسن خالدار (خواجه) ۵۹۵  
 حسن خان شاملو ۶۴۹  
 حسن داعی (شاه تاج الدین) ۲۲۶  
 حسن دوم (سلطان) ۳۸۶

حسین کار کیا (سید) ۳۴۹  
 حسن کاشی ۳۰۲، ۳۱۲، ۶۴۴  
 حسن کرمانی (نجم الدین) ۹۵  
 حسن کوکبی بخارایی ۵۷۴، ۵۶۸، ۳۴۷، ۶۲۳  
 حسن گورانی (ناج الدین) ۶۲۹  
 حسن متکلم ۲۰۹  
 جشتی (ابوصالح محمد) ۱۹۶  
 حسن مخلص بنیسی ۵۳۱  
 حسن مذهب بزدادی (استاد) ۵۲۵  
 حسن میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۲ - ۴۹۳  
 حسن تزاری (بهاء الدین نقیب الاشراف بخاری) ۴۰۳، ۵۲۶، ۶۲۰، ۶۲۴  
 ۶۲۹، ۶۳۶  
 نجفی ۶۵۶  
 حسن نظامی نیشابوری ۱۵۲، ۱۷۱، ۳۳۶  
 نقشبندی (خواجه) ۶۳۸  
 ن فیازی بخارایی (سید) ۵۵۶، ۷  
 ۸۳۵، ۶۳۶  
 ن نیشابوری (سید) ۱۸۱  
 حسن نیشابوری (میر) ۳۹۰  
 حسن واعظ فیضی شروانی (سید) ۷۰۶  
 حسن واعظ کاشانی (ملا) ۶۶۱  
 حسنویه بن حسین ۲۴  
 حسن هروی (میرزا) ۵۹۹  
 حسن هروی علاقه بند (میرزا) ۵۹۹  
 حسین امیر کیا ملاطی ۳۸۶  
 حسنی اصفهانی ۵۲۵  
 (عبدالرزاق) ۷۵۶  
 حسین زدی (مجدالدین) ۷۷۵  
 سن ساول (کور) ۳۸۶  
 حسنی گلستانه (سید محمود بن علی) ۲۱۷، ۷۶۵  
 حسین (امیر ربیع الدین) ۳۳۱  
 حسین (برهان الدین) ۱۷۷  
 حسین (خواجه کمال الدین) ۳۱۴  
 حسین (سلطان جمال الدین) ۲۷۲  
 حسین (شاهزاده) ۴۳۹  
 بن (شجاع الدین امیر) ۴۰۲  
 (کمال الدین) ۳۴۳  
 حسین آق قویونلو (سلطان) ۲۶۹  
 حسین ابهری اردبیلی (علامه کمال الدین) ۱۶۹، ۲۵۵، ۳۴۳، ۳۹۳، ۶۷۰  
 ۸۳۸-۸۳۷، ۷۴۲، ۷۱۸، ۶۹۰  
 حسین ابیوردی (امیر کمال الدین) ۳۳۱  
 حسین اخلاطی (سلطان) ۷۷۵  
 حبیب اردستانی ۳۴۳  
 حسین اردشیر (امیر) ۳۴۳  
 حسین اردوبادی (شاه) ۶۹۸  
 حسین اصفهانی (میرزا) ۸۰۳-۸۰۴  
 حسین اصفهانی (میرزا شاه) ۳۴۳، ۳۶۷  
 ۴۴۶، ۴۶۷، ۵۰۱، ۶۹۵  
 حسین الداری (خواجه) ۵۶  
 حسین الهی اردبیلی (کمال الدین حسین - ابن شرف الدین عبدالحق) ۱۶۹، ۲۵۵، ۳۴۳، ۳۹۳، ۶۷۰، ۶۹۰، ۷۱۸  
 ۸۳۸-۸۳۷، ۷۴۲  
 حسین انجذانی (کمال الدین حسین بن شهاب الدین حسین بن برهان - الدین قلج) ۴۰۰  
 حسین ایلاقی ۵۶  
 حسین باوردی ۳۴۳  
 حسین بایقرا (ابوالغازی سلطان) ۵-۷، ۱۱۴، ۲۳۲-۲۳۴، ۲۳۹-۲۴۰  
 ۲۴۵-۲۴۷، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۵۵-۲۵۶  
 ۲۵۹، ۲۶۹-۲۷۱، ۲۷۸  
 ۲۸۴-۲۸۸، ۲۹۰-۲۹۳  
 ۲۹۵-۳۰۴، ۳۰۹-۳۱۳، ۳۱۴  
 ۳۱۶، ۳۲۱-۳۲۳، ۳۲۴-۳۲۶  
 ۳۳۵-۳۳۷، ۳۳۹-۳۴۹، ۴۰۸  
 ۴۰۹، ۴۴۰، ۴۴۶، ۴۵۵، ۴۶۴  
 ۴۶۶، ۴۷۵، ۵۱۵، ۵۲۴، ۵۵۸  
 ۵۶۲-۵۶۳، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۴۲  
 ۶۶۱، ۶۶۶، ۶۷۱، ۶۷۷، ۶۸۰  
 ۶۸۱، ۶۹۱، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۹  
 ۸۲۹  
 حسین بخارایی (مولانا میر) ۶۲۶

حسین کار کیا (سید) ۳۴۹  
 حسن کاشی ۳۰۲، ۳۱۲، ۶۴۴  
 حسن کرمانی (نجم الدین) ۹۵  
 حسن کوکبی بخارایی ۵۷۴، ۵۶۸، ۳۴۷، ۶۲۳  
 حسن گورانی (ناج الدین) ۶۲۹  
 حسن متکلم ۲۰۹  
 جشتی (ابوصالح محمد) ۱۹۶  
 حسن مخلص بنیسی ۵۳۱  
 حسن مذهب بزدادی (استاد) ۵۲۵  
 حسن میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۲ - ۴۹۳  
 حسن تزاری (بهاء الدین نقیب الاشراف بخاری) ۴۰۳، ۵۲۶، ۶۲۰، ۶۲۴  
 ۶۲۹، ۶۳۶  
 نجفی ۶۵۶  
 حسن نظامی نیشابوری ۱۵۲، ۱۷۱، ۳۳۶  
 نقشبندی (خواجه) ۶۳۸  
 ن فیازی بخارایی (سید) ۵۵۶، ۷  
 ۸۳۵، ۶۳۶  
 ن نیشابوری (سید) ۱۸۱  
 حسن نیشابوری (میر) ۳۹۰  
 حسن واعظ فیضی شروانی (سید) ۷۰۶  
 حسن واعظ کاشانی (ملا) ۶۶۱  
 حسنویه بن حسین ۲۴  
 حسن هروی (میرزا) ۵۹۹  
 حسن هروی علاقه بند (میرزا) ۵۹۹  
 حسین امیر کیا ملاطی ۳۸۶  
 حسنی اصفهانی ۵۲۵  
 (عبدالرزاق) ۷۵۶  
 حسین زدی (مجدالدین) ۷۷۵  
 سن ساول (کور) ۳۸۶  
 حسنی گلستانه (سید محمود بن علی) ۲۱۷، ۷۶۵  
 حسین (امیر ربیع الدین) ۳۳۱  
 حسین (برهان الدین) ۱۷۷  
 حسین (خواجه کمال الدین) ۳۱۴  
 حسین (سلطان جمال الدین) ۲۷۲  
 حسین (شاهزاده) ۴۳۹



بن بن ابراهیم بن ابوبکر سلما  
(ابوعلی) ۷۳۸

بن بن ابراهیم بن احمد ادیب نطنزی  
(بدیع الزمان ابو عبدالله) ۵۶

ابوبکر اشعری (صین الملک  
فخرالدین) ۱۵۱

بن بن ابوعلی فضل بن حسین طبرسی  
(رضی الدین ابونصر) ۳۷۱، ۳۷۳

مدین حسین زوزنی (ابو عبدالله)

۶۵

بن بن اسعد دهستانی الویری ۱۸۶

قاسمی حسینی ۲۶۲

حسین بن اویس جلایر (سلطان جلال الدین)

۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۳

حسین بن بایقرا (سلطان ابوالغازی) ر.

حسین بایقرا

حسین بن جمال الدین بن رشید الدین فضل الله

(کمال الدین) ۷۳۱

حسین بن حسن بن محمد

بکری آمدی شریف ۶

حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کبروی

(کمال الدین) ۲۴۲

ن گرگانی (ابوالمحسن)

۲۷۲، ۲۷۹

ن مراغی (درویش اشرف)

۳۰۹، ۷۸۷

حسین بن حیدر اصفهانی (ابو عبدالله)

حسام الدین) ۸۴۱

حسین بن خواجه ممین الدین احراری

(میرزا شرف الدین) ۵۶۶

حسین بن شرف الدین عبدالحق ابهری

الهی اردبیلی (کمال الدین) ۱۶۹،

۲۵۵، ۲۶۲، ۲۹۳، ۶۷۰، ۶۹۰،

۸۱۸، ۷۴۲، ۸۳۷-۸۳۸

حسین بن شهاب الدین اسمعیل طبسی گازر-

گاهی (امیر کمال الدین) ۲۵۵،

۴۸۴، ۳۳۱، ۷۱۸

حسین بن شهاب الدین حسین بن برهان-

الدین قلج انجذانی (کمال الدین)

۴۰۰ ر. حسین خوارزمی

حسین بن شیخ صابر سندی ۴۰۵

حسین بن صدورالدین علی ذوالفقار شروانی

(قوام الدین) ۱۷۴، ۳۱۰

حسین بن عالم بن ابوالحسن حسینی هروی

نقوری (امیر رکن الدین) ۱۶۹،

۴۱۴، ۴۴۲

حسین بن عبدالحق ابهری اردبیلی

(کمال الدین) ۳۹۳

حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا

(ابوعلی) ۷، ۳۱، ۳۶، ۵۴، ۷۰،

۱۲۴-۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۸۳،

۷۳۵

حسین بن علی (امام) ۳۹۶

حسین بن علی المشتهر بالشکافی ۴۰۱

حسین بن علی بن محمد رازی (ابوالفتوح

جلال الفتوح و جلال الدین) ۱۲۶،

۱۳۰

بن علی قمی (ابونصر) ۲۹

علی کاشفی بیهقی هروی واعظ

(معین الدین یا کمال الدین) ۲۴۵-

۲۴۶، ۲۸۵، ۳۰۷، ۴۰۳، ۴۰۴-

۴۲۲، ۶۸۴، ۷۷۵، ۷۸۴

حسین بن غیاث الدین محمد شیرازی فارسی

ابن غیاث (کمال الدین) ۲۹۹

حسین بن فخرالدین حسن اینجو (عضد-

الدوله جمال الدین) ۳۹۲

حسین بن فیروز شاه (امیر غیاث الدین)

۳۰۳

حسین بن مجد الدین محمد ترجمان جعفری

رغدی (امیر ناصر الدین ابن بی بی)

۱۴۹

حسین بن محمد بن عبد الرضا علوی حسینی

۱۹۴

حسین بن محمد حسینی نیشابوری شیرازی

۲۹۲-۲۹۳، ۳۷۳

۴۷۰

حسین بن مسعود فراء یعقوبی (محبی السنه

ابو محمد) ۱۲۶، ۳۹۴

نالدین حسینی قرمذی میبیدی  
منطقی (قاضی میر) ۲۶۷ - ۲۶۸،  
۸۱۸، ۷۷۹، ۷۴۲، ۷۰۶، ۶۶۳  
بن بن ملک غیاث الدین محمود سیستانی  
(شاه) ۸۱۲

بن بن منصور بن بایقرا بن عمر شیخ بن  
نیمور (کمال الدین ابوالنازی) ر.  
حسین بایقرا

بن بن منصور خلاج ۱۶، ۲۴۳، ۷۵۰  
بن بن مولا شهاب الدین اسمعیل طبری  
گازرگاهی هروی (کمال الدین)  
۷۱۸، ۳۳۱، ۲۸۴، ۲۵۵

بن بیک یوزباشی ۴۹۴  
سرخی ۴۰۶

بن بن میرزا شاه بیک حسینی اصفهانی  
(میرزا شاه) ۳۶۷، ۳۴۳، ۴۴۶،  
۸۲۹، ۵۰۱، ۴۶۷

هبه الله بن حسین خطیب (حاجی)  
ناصرالدین ناصر خطیب شفقوی  
۲۱۴

بن بن یوسف هروی (رفیع الدین) ۸۰۸  
سین بهادر (سلطان) ۵۶۶  
سین بیک ذوالقدر ۴۵۶  
سین بیک لذتی همدانی ۶۵۷  
سین ترکستانی ۶۳۰

سین ثنائی مشیدی (خواجه) ۴۱۶، ۴۵۸،  
۸۳۰، ۸۱۹، ۵۲۶

جلال بن (سلطان) ۷۷۳، ۷۶۳، ۳۰۹  
هری ۸۲۷، ۴۲۹

سین جهانسوز (علاء الدین) ۸۹، ۷۳  
سین حافظ قزوینی کربلایی ۴۰۶، ۳۸۳،  
۸۱

شزن نوی (کمال الدین)  
۹۵

بن خان جاگیردار پتیالی ۳۵۹  
بن خان شاملو (سلطان) ۶۶۷  
بن ختمی (سلطان) ۳۴۴

منجم ۲۷۱  
سوار (میرمید) ۸۲۴

حسین خوارزمی (کمال الدین حسین بن  
زین الدین حسن کاشانی خوارزمی کپروی)  
۴۷۰، ۴۳۱، ۴۰۷، ۳۷۲، ۲۴۲، ۵  
۵۸۴ - ۵۸۳، ۵۷۷، ۵۷۵، ۵۷۲  
۵۹۸ - ۵۹۹، ۶۴۰، ۶۸۸، ۶۸۹،  
۷۸۸

حسین خوانساری (آقا) ۶۸۸  
یوانه ۳۴۴

حسین سادات ر. حسین بن عالم  
حسین ساقی اصفهانی (میرزا شاه) ۶۷۷  
حسین مالک شیرازی (درویش) ۴۶۷  
حسین سقا (شیخ) ۱۷۷

حسین سهوی تبریزی (کمال الدین میر)  
۸۳۷، ۷۰۳، ۶۵۹

معمایی (امیر) ۳۴۵  
حسین شهودی ۵۲۷

حسین سیرازی (درویش) ۶۷۵  
حسین صوفی ۶۸۰

حسین صوفی دهلوی متخلص بچشتی ۴۲۶،  
۵۵۸

اسی (کمال الدین)  
۵۲۹، ۵۰۹، ۴۵۸، ۴۴۶، ۴۴۴  
۸۲۶، ۶۸۴، ۶۷۲، ۶۰۱، ۵۳۲  
۸۳۳

حسین طباطبایی (شرف الدین) ۶۷۷  
حسین طبیب (درویش) ۶۲۲  
حسین علامه الدین بخارایی ۶۱۰  
حسین غازی (شاه ابوالفتح) ۳۷۷  
حسین فانی خوارزمی (کمال الدین) ۶۸۸ -  
۶۸۹

حسین فنایی (کمال الدین) ۳۴۶  
حسین قدسی ابطحی کربلایی سبزواری  
(میر) ۵۵۶، ۵۳۸

حسین قزوینی (خواجه محمد) ۶۷۵  
حسین غلی بیک یساول قور شاملو ۳۸۶  
حسین قنوی (کمال الدین) ۸۰۶

حسین کاشفی (ملا) ۲۴۵ - ۲۴۶، ۲۸۵،  
۴۰۳، ۴۰۴ - ۴۰۷، ۴۳۷، ۶۸۴،  
۷۸۴، ۷۷۵

بن کامی اوبھی (کمال الدین شاہ) ۳۳۱، ۳۳۳

حسین کامی ہروی (شاہ) ۵۶۳، ۳۴۷

حسین کتبی (ابو عبد اللہ) ۷۱۸

سین کرہ لاری (امیر) ۶۸۶، ۵۱۰

حسین کرہ لاری قزوینی تبریزی ۳۸۳، ۸۱۰، ۴۰۶

حسین کفری تربتی ۶۵۷

ہروی (میر) ۵۹۱

حسین کیرنگی ۳۴۳

گازرگاہی (کمال الدین) ۲۵۵

۷۱۸، ۳۳۱، ۲۸۴

مروزی (خواجہ) ۴۱۶، ۵۵۶،

۸۱۹، ۶۲۳

حسین مشہدی (فتاویٰ) ۴۱۶، ۴۵۸، ۵۲۶،

۸۲۰، ۸۱۹

حسین معمای نیشابوری (حیدر) ۲۹۲، ۵-

۶۳۱، ۴۴۴، ۳۴۳، ۲۹۳

ن مؤمن یزدی (ملا) ۴۲۵، ۴۹۹- ۵۰

(قاضی میر)

الدین) ۲۶۷-۲۶۸، ۶۶۳، ۷۰۶،

۸۱۸، ۷۷۹، ۷۴۲

زامفوی (سلطان) ۴۶۱، ۳۵۴،

۵۳۲، ۵۰۷، ۴۹۱

ن صیبی نوربخشی یزدی (امیر سید)

۷۱۱، ۶۶۱، ۳۴۸، ۳۴۶

پن نظام شاہ ۴۸۹

نقشی دہلوی ۵۵۵

نیشابوری (امیر) ۴۰۰

حسین واعظ کاشفی ۲۴۵- ۲۴۶، ۲۸۵،

۶۸۴، ۴۳۷، ۴۰۳-۴۰۳، ۳۰۷

۷۸۴، ۷۷۵

حسین وفایی ۴۰۴

حسین ولی (شاہ) ۳۴۸

حسین ہروی (خواجہ) ۶۳۵

حسین ہروی (خواجہ کمال الدین) ۵۹۸-

۵۹۹

حسین ہروی (میرک) ۶۳۵، ۳۴۴

ہزار مرد ۱۷۷

حسینی (حسین بایقرا) ۲۵۵

حسینی (مسلک) ۴۸۲

حسینی (محمد اکبر) ۱۹۲

سپی (محمد علی) ۲۷۱

حسینی (ملا) ۴۴۴

حسینی (نظام الدین حبیب اللہ) ۲۷۱

حسینی اسحاقی (عبد اللہ بن عبدالحی بن

علی) ۲۶۲

صفہانی (میرزا شاہ حسین بن میرزا

شاہ بیگ) ۳۴۳، ۳۶۷، ۴۴۶-۴۶۷،

۸۲۹، ۵۰۱

ینی دلیانی (معین الدین دقاق) ۶۶۰

سینی ترمذی (سید برہان الدین محقق)

۷۳۶، ۱۵۹

سینی خلخالی (علامہ سید حسن) ۳۹۳

سینی خوارزمی (کمال الدین) ۳۷۲-۳۷۲

حسین خوارزمی

رازی (قاضی مسعود سیفی) ۸۲۲

سین یسزدی (مؤمن) ۴۲۵، ۴۹۹-

۵۰۰

سینی سادات ۱۶۹، ۲۱۴، ۲۷۴۲-

بن عالم

حسینی علوی (سید غیاث الدین) ۱۹۴

حسینی قزوینی (قاضی سیف الدین) ۴۳۹

حسینی قزوینی (کیا) ۵۶، ۲۵۱

حسینی کاشانی ۶۵۰

حشری تبریزی (محمد امین) ۸۱۷

حشمتی رشتی ۵۱۹

حشمتی گیلائی ۵۱۹

حصاری اکبر آبادی ۶۷۴

حصری ۲۵

(ابوبکر) ۳۴

حضور بنخاری ۸

حضور قمی (میر عزیز اللہ) ۴۳۲، ۸

۸۲۳، ۴۵۹

حفظی (حافظ میراثی) ۶۱۳، ۶۳۱

حفظی تبریزی (حاج محمود) ۶۹۶

حفوری ہروی ۳۵

حقایقی (خاقانی شروانی) ۱۰۲  
 حقایقی (محمد بن علی بن مالک بن ابومصر) ۷۰  
 حقوری هروی ۳۵  
 حقی (عبدالحق دهلوی) ۱۳۲، ۳۶۰  
 ۸۰۵، ۷۹۸، ۶۷۸، ۳۶۹  
 حقیری بخاری ۵۷۷  
 حقیری تبریزی ۵۳۱  
 حقیری هروی (شهاب الدین احمد) ۳۲۶، ۳۴۴  
 حقیری همدانی ۴۴۴  
 حقیقی ۵۵، ۴۹  
 حقیقی (جهان شاه فراغیونلو) ۲۳۴-  
 ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵، ۳۴۴  
 ۷۹۵-۷۹۴، ۷۰۰، ۵۰۵  
 حکاک کرمانی (حافظ) ۳۴۲  
 حکاک مرغزی ۲۵  
 حکمای یونانی ۷۳۸  
 حکیم اتا ۶۰۵، ۶۳۹  
 حکیم الملک ۴۲۹  
 حکیم بن احوص سندی سمرقندی (ابو حفص)  
 ۴۸، ۲۷، ۲۱، ۱۸  
 حکیم (یا حکیمی) ترمذی ۲۱۷، ۳۴۱  
 حکیم جبابی ۳  
 حکیم خباز ۶۸۵  
 حکیم سمرقندی ۲۹، ۲۸۱، ۷۱۶  
 حکیم سمرقندی (سید شمس الدین) ۲۷۲  
 حکیم غمناک ۲۵  
 حکیم کوچک ۶۹۶  
 حکیم ملا ۵۱۴  
 حکیم میرزا ۵۴۲  
 حکیم میسری ۷۱۵، ۷۴۷  
 حکیم نصیر ۵۱۴  
 حکیم همسام ۳۵۷، ۴۲۵، ۵۴۱، ۸۳۳  
 ۸۵۷  
 حکیمی (یا حکیم) ترمذی ۲۱۷، ۳۴۱  
 حکیمی سمرقندی ۳۴۴  
 حکیمی طبری (محبوب علی) ۳۲۱  
 حلاج شیرازی ر. ابواسحق احمد اطعمه

حلالخوار (سید فضل الله) ۷۶۴  
 حلمی اردبیلی ۶۹۷  
 حلمی بخارایی (علی بن عبدالله بن معاذ)  
 ۱۲۲  
 حلوائی (تاج الدین) ۷۶۳  
 حلوائی (حافظ) ۳۰۵  
 حلوائی (صادق) ۸، ۶۷۱  
 حلوائی سمرقندی ۲۴۴  
 حلوائی سمرقندی (صادق) ۵۴۷، ۶۷۱  
 حلوائی مشهدی (عبدالله) ۶۳۹  
 حلی (علامه) ۲۵۱، ۳۷۴، ۳۸۱  
 حلیمه ۳۴۹  
 حلیمه خاتون ۴۸۲  
 حلیمی ۲۵۸  
 حلیمی (قاضی لطف الله بن ابویوسف) ۲۵۸  
 حلیمی شروانی ۶۹۷  
 حمامی سمرقندی (درویش) ۶۱۴  
 حمد الله اردبیلی ۶۹۷  
 حمد الله بن ابوبکر بن ا-  
 قزوینی ۱۴۴، ۲۲۳، ۲۵۷  
 حمدی ۳۴۴  
 حمدی (شمس الدین بردعی ملازاده و بردعی  
 زاده) ۳۴۰  
 حمزه (امامزاده) ۱۲۷  
 حمزه (شیخ مخدوم) ۵۴۰، ۸۱۳  
 حمزه بن زهره حلبی (سید شریف طاهر  
 عزالدین ابوالمکارم) ۷۳۴  
 حمزه عروسی ۲۵  
 حمزه کشمیری ۴۰۶  
 حمزه میرزا صفوی (ابوالمظفر سلطان)  
 ۴۴۳، ۴۷۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۷  
 ۷۰۱، ۶۸۶، ۶۴۹، ۵۲۹  
 حموی (عبدالرحمن) ۱۸۱  
 حمید اردبیلی (مولوی حمید الله) ۶۵۰  
 حمید الدین ۳۲۸، ۴  
 حمید الدین ابوبکر عمر بن محمود محمودی  
 بلخی (قاضی) ۸۷، ۱۱۸  
 حمید الدین ابومعین ناصر خسرو قبادیانی  
 مروزی ۲۸، ۳۷، ۴۸، ۴۴، ۵۸، ۵۹

حقایقی (خاقانی شروانی) ۱۰۲  
 حقایقی (محمد بن علی بن مالک بن ابومصر) ۷۰  
 حقوری هروی ۳۵  
 حقی (عبدالحق دهلوی) ۱۳۲، ۳۶۰  
 ۸۰۵، ۷۹۸، ۶۷۸، ۳۶۹  
 حقیری بخاری ۵۷۷  
 حقیری تبریزی ۵۳۱  
 حقیری هروی (شهاب الدین احمد) ۳۲۶، ۳۴۴  
 حقیری همدانی ۴۴۴  
 حقیقی ۵۵، ۴۹  
 حقیقی (جهان شاه فراغیونلو) ۲۳۴-  
 ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵، ۳۴۴  
 ۷۹۵-۷۹۴، ۷۰۰، ۵۰۵  
 حکاک کرمانی (حافظ) ۳۴۲  
 حکاک مرغزی ۲۵  
 حکمای یونانی ۷۳۸  
 حکیم اتا ۶۰۵، ۶۳۹  
 حکیم الملک ۴۲۹  
 حکیم بن احوص سندی سمرقندی (ابو حفص)  
 ۴۸، ۲۷، ۲۱، ۱۸  
 حکیم (یا حکیمی) ترمذی ۲۱۷، ۳۴۱  
 حکیم جبابی ۳  
 حکیم خباز ۶۸۵  
 حکیم سمرقندی ۲۹، ۲۸۱، ۷۱۶  
 حکیم سمرقندی (سید شمس الدین) ۲۷۲  
 حکیم غمناک ۲۵  
 حکیم کوچک ۶۹۶  
 حکیم ملا ۵۱۴  
 حکیم میرزا ۵۴۲  
 حکیم میسری ۷۱۵، ۷۴۷  
 حکیم نصیر ۵۱۴  
 حکیم همسام ۳۵۷، ۴۲۵، ۵۴۱، ۸۳۳  
 ۸۵۷  
 حکیمی (یا حکیم) ترمذی ۲۱۷، ۳۴۱  
 حکیمی سمرقندی ۳۴۴  
 حکیمی طبری (محبوب علی) ۳۲۱  
 حلاج شیرازی ر. ابواسحق احمد اطعمه

۶۲-۶۳، ۷۱۸، ۷۱۶

حمیدالدین احمد بن حسین مستوفی کشانی  
۹۵

حمیدالدین بخارایی ۱۰۰

الدین تبادکافی ۳۴۴

حمیدالدین دهستانی ۹۵

حمیدالدین شاشی ۶۱۲

حمیدالدین عبدالله بن احمد جام ۷۲۱

حمیدالدین علی بن محمود محمودی ۷۹

حمیدالدین عمر بن محمود محمودی بلخی  
(قاضی ابوبکر) ۱۱۸، ۸۷

حمیدالدین قهندزی ۷۹

حمیدالدین کازرونی ۱۸۱، ۱۰۳

حمیدالدین محمد بن عطاءالله محمود ناگوری  
(قاضی) ۷۴۸، ۷۳۸

حمیدالدین محمود بن عمر نجاتی نیشابوری  
۷۵۵

حمیدالدین محمود جوهری مستوفی ۹۹

الدین مسعود بن سعد شالی کوب ۷۹

حمیدالدین ناگوری ۷۴۸، ۷۳۸

حمیدالله حمید اردبیلی (مولوی) ۶۵۰

حمید پسر رشید گنج ۱۷۷

حمید تبریزی ۱۷۷

حمید سیمکش ۴

حمید سیمگر (نجم الدین) ۱۷۹

حمید قلندر ۷۵۴

حمید کل ۳۴۴

حمید با نو بیکم ۶۶۸

هروی ۲۴۴

حمیدی اختاری ۹۵

حمیدی لاهوری ۷۹

حنایی ۱۰۰

حنبل ۵۸

حنجری همدانی ۶۷۴

حنظله بادغیسی ۱۹

حنفی ۷۳-۷۴، ۱۵۸، ۱۲۲، ۷۴، ۳۵۰، ۳۰۳، ۱۵۸، ۱۲۲، ۷۴، ۳۵۰، ۳۰۳

۳۹۴، ۳۷۲-۳۹۵، ۴۷۷، ۴۷۲، ۳۹۵

۷۸۰، ۴۸۶، ۴۸۳

حنفی اشعری ۴۰، ۲۳

حنفیان ۷۳۹، ۷۱۶-۱۰۱، ۹۸

حنفیان آذربایجان ۳۹۱

حنفیان بخارا ۱۵۴

حنفیان ماوراءالنهر ۷۲۴، ۱۵۵، ۹۹

حنفی تبریزی (محمد) ۷۰۴

حیات ۳۴۹

حیاتی دهلوی (عبدالحی بن جلالی) ۸۰۹-  
۸۱۰

حیاتی قزلباش (قاسم بیک) ۶۵۰

حیاتی کاشانی ۵۲۱-۵۲۲، ۵۲۳، ۷۸۴، ۵۲۰

حیاتی گجراتی ۵۴۴

حیاتی گیلانی ۸۲۱، ۵۲۲، ۴۲۵

حیدر ۲۲۶

حیدر (سلطان) ۸۳۰، ۴۰۸

حیدر استاجلو ۴۷۲

حیدر استرابادی (میر جمال الدین) ۲۶۷

حیدر اسمعیلی ۸۰۵

حیدر افضلی بخارایی (خواجه محمد)  
۶۰۸

حیدر بدخشی ۷۵۴

حیدر بقال ۵۵۰

حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن سلطان شاه  
این سلطان خان سالوری (قطب الدین)

۸۱۸، ۴۰۸

حیدر بن سلطان جنید (سلطان) ۳۴۹-

۸۱۸، ۷۹۶، ۶۹۱، ۴۸۲، ۳۵۰

حیدر بن شیخ جنید بن شیخ ابراهیم معروف

بشیخ شاه بن خواجه علی بن صدر الدین

موسی بن صفی الدین اسحق اردبیلی

(شیخ) ۳۴۹-۳۵۰، ۴۸۲، ۶۹۱،

۸۱۸، ۷۹۶

ازبک (سلطان) ۴۵۳-۴۵۴

حیدر بیک امین تبریزی ۶۷۱

حیدر تبریزی ۵۲۶

حیدر ترکمان (امیر) ۶۱۷

حیدر تلبه ۵۱۵

حیدر تونی ۴۱۱

حیدر تونیانی ۶۵۰، ۲۴۴

حیدر چرخ ۵۱۹

ای (میر) ۲۹۲ - ۲۹۳،

۶۳۱، ۴۴۴، ۳۴۳

حیدر دوقلت (میرزا) ۳۸۰

حیدر زوی (قطب الدین) ۸۱۸، ۴۰۸

حیدر سبزواری ۶۷۴

(میر) ۳۴۵

حیدر طهماسبی کاشانی ۶۷۴-۶۷۵

حیدر علی (مولانا) ۵۲۵، ۴۵۸

حیدر کاشانی ۶۷۵

حیدر کاشی (میر) ۶۷۵، ۵۰۳

حیدر کرهرودی (میر) ۵۰۲

حیدر کلوج ۷۸۸، ۳۱۷

حیدر کلیچه بزهرودی ۷۸۸، ۳۱۷

حیدر مجنوب (میر) ۳۴۴

حیدر محمد گابلی (میر) ۸

حیدر معیایی طباطبایی رفیمی کاشانی

(امیر رفیع الدین) ۴۲۰، ۴۴۷،

۸۱۹، ۶۷۲، ۶۵۰، ۵۱۸، ۵۱۶

حیدر میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۴، ۴۷۲،

۶۹۰، ۶۸۶، ۵۰۲، ۴۹۵

حیدر نجاتی تبریزی (مولانا) ۷۰۶

حیدر هروی (امیر جمال الدین) ۶۷۳

حیدری ۵۵۴

حیدریان ۸۱۸، ۴۰۸

حیدریان (سلطان) ۴۹۵

حیدری تبریزی (حاج مولانا) ۴۲۷،

۸۲۲، ۵۳۸

انی ۳۴۴، ۲۲۶

انی نیشابوری ۵۸۰

حیرانی همدانی ۵۱۰

حیرتی ۴۴۴

حیرتی (مولانا) ۷۰۷

حیرتی بخارایی ۶۷۵

حیرتی نسرینی ۶۹۷

حیرتی تونی ۸۲۸، ۵۶۷، ۴۶۶، ۳۴۴

حیرتی سمرقندی ۳۴۴

حیرتی کاشانی (مولانا ولی) ۸۲۸، ۴۶۵

حیرتی هروی ۵۰۳

حیفی ساوجی ۴۶۶

## ح

خاقمی (مبارک شاه) ۷۱۰

خاقمی تبریزی ۶۹۷

خاقمی هروی کوسوی ۴۶۶، ۳۴۴

خاتونی (موفق الدین ابوطاهر) ۸۷

خادم (شیخ) ۶۰۳

خادمی قزوینی ۵۲۷

خادمی هروی (میر جمال الدین) ۵۸۹

خازن ۱۸۱

خازنی (عبدالرحمن) ۶۳، ۶۰

خاصی هروی ۵۸۹، ۳۴۴

خاطری کاشانی ۷۰۷

خاقان منوچهر شروانشاه ۱۰۳، ۱۰۶ -

۱۰۷

خاقانی دوم (مظفر هروی) ۲۰۹

خاقانی شروانی (افضل الدین ابوبدیل

ابراهیم بن ابوالحسن علی بن عثمان)

۱۰۷-۱۰۶، ۱۰۴-۱۰۳، ۹۲، ۷۳

۷۱۹-۷۱۸، ۳۹۷-۳۹۶، ۲۸۹، ۱۷۴

۷۲۰

خاکی ۳۴۴

خاکی (بابا) ۶۸۱، ۵۰۴، ۴۰۶

خاکی بلخی ۵۸۷

خاکی شیرازی ۶۵۰، ۳۵۷

خاکی کشمیری مهروردی (بابا داود)

۶۸۱، ۵۴۰، ۴۰۶

خاکیه (سلسله) ۸۲۲

خالد (امام) ۱۸۱

خالد بن ربیع طولانی مکی هروی (فخر -

الدین) ۸۶

خالدی (صدر الدین احمد) ۲۲۴

خالدی (فخر الدین) ۴

خالدی (میر خرد) ۸

خالدی هروی ۳۴۴

خالصی تبریزی ۶۹۷

خاله (شمس الدین) ۸۵-۸۴، ۸۶

خاموش (میر) ۶۰۸

۵۵۷	خاموش (نظام الدین) ۷۸۴، ۷۷۸
خان عالم پسر همد کوه کوکلتاش ۴۶۶	خان احمد خان گیلانی ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۸۳
خان کلان ۵۵۱	۳۸۶-۳۸۷، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۱۰
خان کلان قزقوی (میر محمد) ۵۵۰	۵۱۸-۵۱۹، ۵۲۱، ۵۳۰، ۷۰۲
خان میرزا ۶۹۷، ۳۹۲	۸۲۱
خان میرزا بن سلطان محمود بن سلطان	خان اعظم ۴۱۸، ۴۲۶، ۶۸۸
ابوسعید گورکانی ۵۷۴	خان اعظم (آنکه خان) ۴۱۸-۵۴۴
خان میرزا بن معصوم بیک صفوی ۴۴۲	۵۴۹
۵۰۰	خان اعظم (خان خانان) ۴۵۶
خانهای قریم (کریمه) ۸۰۰	خان اعظم (میرزا عزیز کوه) ۴۲۶، ۳۸۳
خانیان (سلسله) ۷۷، ۷۵	۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۳، ۶۰۱
خانیس خانم ۴۸۴	۶۵۲، ۶۶۹
خانی (سلسله) ۱-۲	خان اعظم اکبری ۵۴۶، ۵۵۴، ۶۷۶
خانی گجراتی ۵۴۴	خان اعظم کوکلتاش ۵۴۶، ۵۵۴، ۶۷۶
خانیه (سلسله) ۸۱، ۹۶، ۹۸-۹۹، ۱۲۸	خان اعظم کوه اکبری ۵۴۶، ۵۵۴
۷۱۹، ۶۳۹	۶۷۶
خاوری ۲۸۴	خان خانان ۴۲۳-۴۲۴، ۴۲۹
خاوری سمرقندی ۶۲۶، ۴۴۴	۴۳۴، ۴۵۶، ۵۱۴، ۵۳۸، ۵۵۵-
خاوند (خاندان) ۲۳۹ ر. خواندیه	۵۵۸، ۶۵۷، ۸۰۸، ۸۱۵، ۸۲۰-
خاوند شاه (سید بهرمان الدین) ۲۳۹	۸۲۲، ۸۲۴
خاوند ظهور (شیخ) ۶۱۱	خان خانان (بیرام خان) ۴۵۵
خاوند محمود بن خواجگی خضر بن خواجه	خان خانان (بینم خان) ۵۴۴
عبیدالله احرار (خواجه) ۶۳۷	خان خانان (خان اعظم) ۴۵۶
۷۸۲	خان خانان (میرزا خان) ۴۲۸
خاوندیان (خاندان) ۸۰۳ ر. خواندیه	خان خانان عبدالرحیم خان ۳۶۱-۳۶۲
خباز قایمی ۲۵	۴۱۷، ۴۵۶، ۵۰۵، ۵۳۲-۵۳۳
خیازی نیشابوری ۲۱	۵۹۱، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۴۹، ۶۸۵
ختایی (خواجه یونس خطایی) ۵۷۴	۶۹۰، ۸۰۴، ۸۲۴، ۸۳۱
ختایی (صادق خطایی) ۶۱۰	خاندان خاوندیان ۸۰۳
ختایی (مولا یا یوسف خطایی) ۶۳۹	خاندان رسول ۷۰۱
ختری ۴۸۴	خانزاده بیکم ۶۷۹
ختمی (سلطان حسین) ۳۴۴	خانزاده تریجی ۳۴۹
خجسته سرخسی ۲۵	خانزاده خانم جمالی تبریزی ۶۹۵
خجندیان ۷۳، ۱۰۱-۱۰۲	خانزاده خانم زن معطر حسین میرزا ۶۸۱
خجندیان اصفهان ۱۷۲	خان زمان سیستانی (علینقی خان ازبک)
خدا بنده ر. محمد خدا بنده	۴۱۴، ۴۵۲-۴۵۴، ۴۵۵-۴۶۷
خدا بنده لو ۴۵۷	۵۴۹، ۵۵۱، ۶۴۹
خداداد (شیخ) ۸، ۶۲۰	خافش بیکم ۶۴۴
خدادوست سیاهی انجدانی ۵۴۷	خان شهید ۳
	خان عالم (میرزا برخوردار همدی)

۷۶۹، ۶۹۲، ۶۲۶، ۶۱۷، ۵۶۲  
 خسرو سلطان ۵۷۳، ۵۸۷، ۵۹۸-۵۹۹  
 خسرو سمرقندی ۳۴۳  
 خسرو شاه ۶۸۰  
 خسرو شاه (امیر) ۴۵۵  
 خسرو شاه بن بهرام شاه (ملك نصره الدين  
 ابوالخطاب) ۱۷۲  
 خسرو شاه هروی (امیر) ۱۸۱  
 خسرو ملك ۷۸، ۷۸، ۳۴، ۱۱۷، ۲۱۹  
 زَا تیموری ۲۹۳  
 خسروی (طاهر) ۲۵  
 خسروی بخارا یی (جمال الدين ابوبكر بن  
 ساعد) ۷۸  
 وی سرخسی  
 خسروی گنابادی ۴۲۵  
 خسروی هروی ۳۴۴  
 خصالی کاشانی ۶۵۰  
 خصالی هروی ۳۴۳  
 خضر ۴۲۶-۴۲۷، ۵۴۸، ۵۷۲، ۶۳۵  
 خضر بن مالی قرمانی مولوی (امیر) ۱۹۴  
 خضر خان بن طمغاچ خان (ابراهيم بن نصر)  
 ۹۶-۹۷  
 خضر خواجه جغتای ۳۶۳  
 خضر شاه استرآبادی ۳۴۴  
 خضر شاه یزدی (قطب الدين) ۷۶۷  
 خسرویه (احمد) ۸۱  
 خضری ۳۴۴  
 خضر یزدی (شرف الدين) ۱۸۱، ۷۶۸  
 خضری قزوینی ۵۳۶  
 خطابی متطبیب منجم (حسین) ۲۷۱  
 خطاط ترمذی (ابوبکر نجیب الدين)  
 ۹۵  
 خطاط هروی (فخر الدين) ۹۵  
 خطایی ۶۶۳  
 خطایی (خواجه یونس ختایی) ۵۷۴  
 خطایی (شاه اسمیل صفوی) ۱۵۱، ۴۳۶  
 ۴۸۴  
 خطایی (صادق ختایی) ۶۱۰  
 خطایی (علی اکبر) ۳۸۸

خداوندیان ۸۰۳  
 خداوندیه ۸۰۴-۸۰۴  
 خدای بخش ۸۰۵  
 خدای داد (امیر محمد) ۳۳۴، ۳۰۴  
 خدایداد خرسنگی ۶۰۴  
 خراسان خان خراسانی مولوی لاری ۶۴۸،  
 ۸۲۷  
 خراسانی ۵۳۳، ۵۳۷، ۶۸۵  
 خرامی تبریزی ۶۹۷  
 خربنده ر. محمد خربنده الجایتو  
 خرد (دانیال) ۴۳۴  
 خرد خالیدی (میر) ۸۰  
 خرد زر گرفتایی ۴۳۰  
 خرد سمرقندی (خواجه) ۶  
 خرد علی رای ۴۳۱  
 خرد کاشانی ۵۸۴، ۵۸۷  
 خرد میانگالی ۵۸۱  
 خرقانی (شیخ ابوالحسن) ۵۷۰، ۲۴۴  
 خرم (سلطان) ۳۵۷  
 حرم سلطان ۴۸۱  
 خرم شاه کرمانی ۱۸۱  
 خرمی هروی ۳۴۴  
 خزانی سمرقندی ۳۴۴  
 خزانی شیرازی ۷۱۰  
 خزانی هروی ۵۶۳  
 خزیمة بن ثابت ذوالشهادتین ۱۲۳  
 خسرو (امیر) ۳۴۴  
 خسرو (عبدالعزیز نامی خواجه) ۶۲۹  
 خسرو اصفهانی (ناصر الدين) ۲۱۶  
 نی (ابوطاهر) ۲۲  
 خسرو بن امیر سیب الدین محمود دهلوی  
 ۳-۴، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۶  
 ۲۸۸، ۲۹۶، ۵۲۱، ۵۳۵، ۵۵۲  
 ۷۶۹، ۶۹۲، ۶۲۶، ۶۱۷، ۵۶۲  
 خسرو بن هاید ابرقوهی (ابن معین)  
 ۲۷۲، ۲۳۶  
 خسرو درویش ۷۸۴، ۵۳۰  
 خسرو دهلوی ۳-۴، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۸۵  
 ۱۹۶، ۲۸۸، ۲۹۶، ۵۲۱، ۵۳۵، ۵۵۲



خطایی (مولانا یوسف ختایی) ۶۳۹  
خطیب (حافظ میر احمد) ۶۳۱  
خطیب تبریزی (ولی الدین محمد بن-  
عبدالله) ۳۹۳  
خطیب رستم مولوی ۲۵۸  
خطیب زاد ۸۱۱  
خطیب گنجه ۷۳۹، ۱۰۸  
خطیبی ابوزید ۱۷۷-۱۷۸  
خطیر الدین محمد بن عبدالملک گرگانی  
۷۹  
خطیر جرقادقانی ۱۷۸  
خطیری (ابوسعید) ۲۵  
خفاف ۷۹، ۲۵  
خلاصی کاشانی ۶۴۴  
خلاق المعانی ر. کمال الدین اسمعیل  
خلج ۷۵۱  
خلجی (سلسله) ۱۸۵  
خلخال (شاه قلی) ۵۸۱  
خلف (آل) ۲۰۷، ۷۲  
خلف (احمد) ۷۹  
خلعا اوغلی ۵۰۱  
خلفای اربعه ۳۷۳  
خلفای اسمعیلی ۳۶۷  
خلفای ثلثه ۶۷۵  
خلفای راشدین ۹۲، ۳۷۳، ۳۷۳، ۶۱۰  
خلفای فاطمی ۵۹  
خلف تبریزی ۶۹۷، ۳۴۴  
خلف فراش ۵۲۲  
خلفی (میر محمد یوسف) ۵۳۴  
خلفی بخاری ۳۴۴  
خلفی بلخی ۵۷۹  
خلفی تبریزی ۶۹۷  
خلفی قلندر بلخی ۵۷۹  
خلفی هروی ۳۴۴  
خلوتی ۲۳۴، ۷۴۲، ۷۸۳، ۷۹۵-۷۹۶  
خلوتی (شیخ صدرالدین) ۷۸۲  
خلوتی (عبدالرحیم) ۷۹۵، ۷۴۲  
خلوتی (عزالدین) ۷۸۳  
خلوتی (علاءالدین) ۷۹۶

خلوتیان ۷۸۳  
خلوتی تبریزی (خواجه عبدالرحیم بن  
شمس الدین محمد اقطاعی مشرقی)  
۷۹۵، ۷۴۲  
خلوتی شروانی (سیدی حبیب) ۷۴۲  
خلیفه (سعدالدین) ۱۸۱، ۹۵  
خلیفه (میر) ۵۹۳  
خلیفه اسدالله ملولسی اصفهانی ۴۴۷،  
۸۲۶  
خلیفه زمان ۵۵۶  
خلیفه سلطان ۸۲۶، ۵۰۲  
خلیفه صدرالدین ۵۹۵  
خلیفه نیشاوری (احمد بن محمد بن حسن)  
۷۸۳  
خلیل (سلطان) ۳۴۵، ۲۵۱  
خلیل (صوفی) ۵۱۶  
خلیل (میرزا) ۵۰۳  
خلیل اتاترکی ۲۲۰  
خلیل الله (برهان الدین شاه) ۱۸۸  
خلیل الله (نورالدین شاه) ۷۹۸  
خلیل الله بن سید محمود زیارتگاهی ۷۸۰  
خلیل الله ثانی (شاه) ۵۰۰  
خلیل الله منجم کاشانی ۴۶۴  
خلیل بن ابراهیم ۳۹۸  
خلیل بن امیرانشاه گورکان (سلطان نصیر-  
الدین) ۲۹۵-۲۹۶  
خلیل بن اوزون حسن ۷۳۳، ۷۹۳  
خلیل بن میرانشاه (سلطان) ۲۳۱، ۲۹۵-  
۲۹۶  
خلیل پاشا ۷۹۹  
خلیل تبریزی ۶۹۷  
خلیل تیموری (سلطان) ۳۳۹  
خلیل خان افشار ۴۷۴  
خلیل خراسانی ۱۷۸  
خلیل زرگر ۴۹۰  
خلیل زرگر رشتی ۵۲۰  
خلیل سلطان ۴۶۲  
خلیل شروانی (جمال الدین) ۱۷۶-۱۷۷  
خلیل شروانی (سلطان) ۵۶۳

ابن خواجه عبيد الله احرار ۶۳۷.

۷۸۲

خواجه خواند ابوالليثي ۳۴۴

خواجه خياباني (ملا) ۳۴۴

خواجه رباعي ۵۲۴

خواجه زاده رحيمي كابلې ۵۶۰، ۵۵۱

خواجه شاپور فريبي طهراني پسر خواجهگي

۵۱۳

خواجه عرب ۲۱۸

خواجه قباحت جراح ۵۲۴

خواجه قشم ۲۲۰

خواجه كلان ۲۴۷، ۳۸۴، ۷۸۴

خواجه كلان (مولانا محمد) ۵۷۷

خواجه كلان بيك ۵۴۷، ۶۱۲

خواجه كلان پخته سمرقندي ۵۹۰

خواجه كلان مجروحى ماوراءالنهرى

۵۶۴

خواجه كلان هروى ۳۴۴

خواجه معظم ۵۵۲

خواجه ملا ۲۵۱، ۶۱۹ ر. فضل الله بن روز-

بهان

خواجه ملاصفهاني ۶۱۹

خواجه مولانا بخاري ۶۳۴

خواجه مولانا خنجي ۲۵۱، ۶۱۹ ر. فضل الله

ابن روزبهان

خواجه مير شاه جويباري ۶۳۵

خواجه ميرك خوارزمي ۵۸۴

خواجه ميرك صديقي بلخي ۶۲۶

خواجه نظام الملك ۸۱ ر. نظام الملك

خوارزمشاهان ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۹۱، ۹۳-

۹۴، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۱-

۱۲۴، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۵۷، ۱۵۸-

۱۶۲، ۱۶۵، ۷۲۶

خوارزمي ۷۰۸

خواري تيزي ۵۱۶

خواص خان (مهتر) ۸۱۲

خوافي ۱۷۸

خواند ابوالليثي (خواجه) ۳۴۴

خواندگار روم ۶۴۱

خليل ميرازي ۱۸۱

خليل عطار كاشاني ۶۷۵

خليل نخجواني ۶۹۸

خليلي ۳۴۴

خمارتگين (ركن الدين) ۱۲۶

خنجر بيك جغتايي يا چغتاه ۵۴۵، ۵۴۹،

۸۲۴

۳۴۴ (c)

خندان (سلطان محمد) ۳۴۵

خلك سوار (حسين) ۸۲۴

خواجهگان (سلسله) ۲-۳، ۵۸۸، ۶۱۳،

۶۳۱

خواجهگي (جلال الدين كاشاني) ۷-۸،

۵۱۳

خواجهگي احمد ۵۳۷، ۴۰۰

خواجهگي بلخي ۶۳۱

خواجهگي سلطان احمد ۳۵۷، ۴۰۰

خواجهگي شرفشيرازي ۴۶۸

خواجهگي شيرازي (شريف) ۶۴۵

خواجهگي كاشاني (مولانا) ۵۷۷، ۵۸۴،

۵۸۸، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۴۰

خواجه زاده كابلې ۶۵۰

خواجه كرمانى (كمال الدين ابوالعطا

محمود بن علي بن

۱۹۹، ۲۰۰-۲۰۸، ۷۶۰

خواجه (يادشاه) ۶۱۲، ۶۴۰، ۶۴۲

خواجه آقامير همداني ۵۲۴

خواجه اكبر ۲۴۷، ۳۸۴، ۷۸۴

خواجه اوحد سيزواري ۳۰۳-۳۰۴

خواجه برهان عبدالحميد ۳۰۷

خواجه بنده نواز ۱۹۶ ر. محمد گيسودراز

خواجه بهاء الدين ۳۳۳

خواجه بيكم ۲۵۰

خواجه جان يارسان ۵۸۵

خواجه جان جهود سمرقندي ۵۷۵

خواجه جان رهي نيشاپوري ۵۳۹

خواجه جهان ر. عماد الدين محمود داران

خواجه جهان (امين الدين) ۵۲۳

خواجه خواند محمود بن خواجهگي خضر

داعی الی اللہ شیرازی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱، ۳۱۷  
 ۷۸۷، ۷۴۲  
 داعی اصفهانی (میرک) ۵۲۹  
 داعی انجدانی ۴۵۸-۴۵۹  
 داعی حسینی نسفی (شمس الدین) ۱۰۰  
 داعی دهلوی (شاه) ۶۷۶  
 داعی رازی (مرتضی) ۷۲، ۱۴۰  
 داعی سرخسی ۳۴۳-۴۵۱  
 داعی شیرازی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱، ۳۴۲، ۷۸۷  
 داعی مشهدی (محمد رضا) ۶۷۵  
 دامیردانش (میر) ۷۹۳  
 دانش (تقی) ۲۰۴  
 دانشمند (ابوالحسن ابیوردی) ۳۹۱ -  
 ۳۹۲، ۴۴۲-۴۴۳، ۴۴۶، ۸۲۶  
 دانش بخارایی ۵۶۹، ۵۶۵  
 دانہی نیشابوری ۵۴۵، ۵۵۹  
 دانیال (شاهزاده) ۳۶۳، ۳۹۷، ۴۳۴  
 ۵۷۸، ۵۹۱، ۸۲۱، ۸۲۴-۸۲۵  
 دانیال خرد ۴۳۴  
 داود (میان شیخ) ۵۴۰  
 داود بن ابوالفضل محمد بنکاتی (فخر -  
 الدین ابوسلیمان) ۱۳۳، ۷۳۱  
 داود بن علی شاه آبادی ۸۱  
 داود خاکی کشمیری سہروردی ۴۰۶،  
 ۵۴۰، ۶۸۱  
 داود خواقی (رکن الدین) ۲۷۴  
 داود طایی ۶۳۰، ۷۵۳  
 داود قیصری ۷۵۷  
 داود کرمانی چونی دال ۵۴۰  
 دبیران قزوینی (نجم الدین) ۱۳۸، ۱۴۷،  
 ۱۸۱، ۲۶۶، ۷۳۰  
 دختر انوری ۵۹۱  
 دختر حسام الدین سالار ۷۵۱  
 دختر حکیم کاو ۱۷۹  
 دختر خطیب گنجہ ۱۷۹  
 دختر سالار ۱۷۹  
 دخترستی ۱۷۹  
 ستایہ ۱۷۹

خواندہ میں (غیاث الدین بن ہمام الدین بن  
 جلال الدین بن برہان الدین محمد  
 ہروی) ۲۴۰، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۵،  
 ۳۳۸، ۳۵۸  
 خواندہ ۳۶۷ درخاوند و خاوندیان  
 خورشاہ بن قباد حسینی عراقی ۳۵۵  
 خورشیدی ۳۷، ۷۹  
 خوش طبع بالی ۵۰۷  
 خوش محمد عزیزان ۶۲۰  
 خوش مردان سبزواری (درویش بابا علی)  
 ۳۲۳  
 خوشی ناشکندی ۵۶۴  
 خوفی (علافتی امینی) ۴۲۸  
 خوفی ہمدانی ۵۳۵  
 خوندمیر (غیاث الدین بن ہمام الدین بن  
 جلال الدین بن برہان الدین محمد  
 ہروی) ۲۴۰، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۵،  
 ۳۳۸، ۳۵۸  
 خویشگی چشتی عبیدی (عبداللہ) ۲۰۶  
 خیابانی (ملا خواجہ) ۳۴۴  
 خیالی بخاری (احمد بن موسی) ۲۹۶، ۳۰۰  
 خیالی بردعی (شیخ احمد گلشنی زادہ)  
 ۷۰۴  
 خیام پور (دکتر عبدالرسول) ۴۵۸  
 خیام خراسانی (علاء الدین علی بن محمد  
 ابن احمد بن خلف) ۷۴۹  
 خیام نیشابوری (امام عمر) ۵۵، ۶۰، ۶۳،  
 ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۵۷،  
 ۳۹۷، ۴۱۲، ۴۱۷  
 خیر النساء بیکم ۴۷۴  
 حیری تمریزی ۶۹۸  
 دادا (روح الامین، امین الدین) ۲۶۶  
 دادبیک بن حبش بن آل عوناق ۵۱  
 داراشکوہ ۳۷۰  
 داریوش ۱۰  
 داعی (شاه تاج الدین حسن) ۳۲۶  
 داعی استرابادی ۳۴۴

درویش سرخسی ۳۴۴  
 درویش صفایی کرمانی ۶۲۱، ۲۲۶  
 درویش صوفی ۳۴۵  
 درویش عبدالله ترخان ۳۴۶  
 درویش علی ابن جنگی هروی ۶۰۱  
 درویش علی بن یوسف کوکهری ۱۶۴  
 درویش علی یوزجانی ۸۱۵، ۷۲۱  
 درویش علی شجاع ۲۴۵  
 درویش علی کتابدار (امیر) ۳۴۹  
 درویش فتح پوری (ملا) ۵۴۸  
 درویش فرهادی ۲۲۶  
 درویش قاسمی تونی ۳۰۴  
 درویش کمالی ۷۸۴، ۵۳۰  
 درویش محمد ۸۲۱  
 درویش محمد بن دوست محمد بخاری ۸۴۱  
 درویش محمد ترخان (امیر) ۲۹۰  
 درویش محمد خراسانی ۳۴۷  
 درویش محمد دهکی ۵۲۸، ۴۴۰، ۳۱۶، ۶۵۴  
 درویش محمد مرغینانی ۵۸۴  
 درویش مرشدی ۲۴۴  
 درویش مهدی (مولانا) ۳۴۴  
 درویش مفتی (مولانا) ۸  
 درویش منصور سبزواری ۳۳۴  
 دستغیب شیرازی (امیر نظام) ۴۴۶  
 دشتکی شیراز (خاندان) ۲۴۵، ۲۴۳  
 دعوی دارقمی (رکن الدین) ۲۲۵، ۱۷۲  
 دفایه ۲۵  
 دقاق نیشابوری (ابوعلی حسن بن محمد)  
 ۲۴  
 دقاق حسینی بلیانی (معین الدین) ۶۶۰  
 دقایقی مرورودی (شمس الدین محمد بن  
 علی بن محمد) ۱۰۰  
 دقیقی بلخی (ابوعلی محمد بن احمد) ۲۳  
 ۳۷، ۳۲  
 دلال (میر) ۳۴۸  
 دلاورخان (قدرخان) ۱۹۴  
 دلداری بیکم ۳۶۳  
 دلداری (امیر قاسم) ۳۴۴

دختر فضل الله نعیمی ۷۶۵  
 دختر کاشغری ۷۹  
 دختر نظام الدین استرآبادی ۷۸۸  
 دخلی اسفهانلی (ملک احمد) ۵۳۹  
 دخلی گیلانی ۶۰۰  
 دده عمر روشنی بردعی ۷۹۶، ۷۰۳  
 دراکول (ولاد) ۸۰۰  
 در درد استرآبادی (علی) ۲۹۷  
 دردی (میر ابراهیم) ۵۰۴  
 دردی افشار ۵۰۷  
 دردی سمرقندی ۴۱۱  
 در فیروز فخری ۴۹  
 در کی جولکی (آق بابا) ۶۷۵  
 درمش خان ۴۳۸، ۳۷۷، ۲۷۸ ر. دورمش  
 خان و دورمش خان  
 درود (شمس الدین) ۲۲۵  
 درود باشی بیهقی (نظام الدین احمد بن  
 محمد بن احمد شجاع الدین) ۷۵۸  
 درویشی (خواجهمحمد ارباب) ۶۰۲  
 درویش ادریس بن یوسف ۸  
 درویش اشرف ۷۸۷، ۳۰۹  
 درویش بابا علی خوشمردان سبزواری  
 ۳۴۳  
 درویش بیک ۳۴۴  
 درویش پاشا ۴۹۸  
 درویش پاشا بایز اغیج ۸۴۰  
 درویش پاشا بن بایزید آقا ۸۴۰  
 درویش توکلی بن اسمعیل بن حاجی توکلی  
 اردبیلی ابن یزاز ۳۷۲، ۱۸۶  
 درویش جمالی ۴۰۴  
 درویش حافظ کی بلایی ۸۱۰، ۴۰۶  
 درویش حسین سالک شیرازی ۴۶۷  
 درویش حسین شیرازی (ملا) ۶۷۶  
 درویش حمامی سمرقندی ۶۱۴  
 درویش خان ۵۹۲، ۵۷۳، ۵۶۸  
 درویش دهکی ۶۵۴، ۵۲۸، ۴۴۰، ۳۱۶  
 درویش دیوانه (ملا) ۸  
 درویش روغنکر ۳۴۴  
 درویش روغنگری ۶۳۶

دولت خاتون (زن امیر حسن ایلکان) ۲۰۲.  
 ۲۱۶  
 دلشاد شروانی (محمود بن محمد) ۲۷۳  
 دماوندی ۸۲۲  
 دمیری ۴۰۲  
 دوانی (علامه جلال الدین محمد بن اسعد)  
 ۲۶۵-۲۶۷، ۲۷۶-۲۷۷، ۳۱۵،  
 ۳۱۸، ۳۵۶، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۹،  
 ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۲۹، ۴۶۵، ۵۴۱،  
 ۶۳۸، ۶۶۱-۶۶۳، ۶۹۱، ۷۰۶.  
 ۷۷۹، ۷۴۲  
 دواپی ۲۴۴  
 دواپی سبز واری ۵۳۳  
 دواپی شیرازی (حکیم عین الملک) ۴۷۱،  
 ۶۴۶، ۵۴۱  
 دواپی گیلانی ۶۷۶  
 دورمش خان ۶۶۷، ۲۴۱ ر. درمش خان  
 دورمش خان شاملو ۴۵۷ ر. درمش خان  
 دوری (میر سلطان بایزید هروی) ۴۱۹،  
 ۵۴۵  
 دوری بلخی ۵۸۹  
 دوست (خواجہ میر) ۶۳۵  
 دوست (مولانا) ۴۰۱  
 دوست اسفزاری ۳۴۴  
 دوست حسین ۳۴۴  
 دوست طارمی چنتایی (میر) ۳۴۴  
 دوستم ۵۷۳  
 دوست محمد ۸۱۳  
 دوست محمد (مولانا) ۶۳۰  
 دوست محمد (میرزا) ۶۳۶  
 دوست محمد حاجی (امیر) ۶۳۲  
 دوست محمد حالی سزواری ۸۲۵، ۵۵۸  
 دوستوم قورچی ۵۶۸  
 دوست میرک سمرقندی (مولانا) ۸  
 دوست هروی ۳۴۴  
 ۵۸۰  
 دوستی سمرقندی ۵۹۶، ۸۱۶  
 دوستی مروزی ۸  
 دوغلات ۶۸۱

دوغلات (محمد حسین میرزا) ۶۸۱  
 دوغلات (محمود خان) ۶۸۱  
 دوغلت (میرزا حیدر) ۴۸۰  
 دولت خان لودی (نواب) ۴۸۵  
 دولت سمرقندی ۶۷۶  
 دولت شاه بن بختی شاه سمرقندی ۲۵۵،  
 ۶۶۲، ۳۴۴  
 دولت گرای خان اول ۴۹۰  
 دو تکرم ۸۳۹  
 دهاروال (قاضی بدر محمد دهلوی) ۱۹۴،  
 ۲۵۷  
 دهخدا ابوالمعالی رازی ۸۶  
 دهدار (قیث الدین) ۳۰۲  
 دهدار شیرازی (احمد فانی) ۶۵۵، ۳۹۷-  
 ۸۳۷، ۸۰۷، ۷۴۲، ۶۵۶  
 دهدار شیرازی (مبین الدین ابو محمد محمود  
 ابن محمد) ۶۵۶، ۳۹۷، ۶۵۶، ۷۰۹، ۷۴۲،  
 ۸۳۷، ۸۰۷  
 دهستانی الویری (حسین بن اسعد) ۱۸۶  
 دهقان خوزی ۵۶  
 دهقان عمید کاسی ۱۰۰  
 دهلوی ۶۷۱  
 دیباچ مظفر سلطان (امیر) ۴۸۹  
 دیباجی سمرقندی ۴۸  
 دیری (جوانمرد علی خان شیبانی) ۵۶۸-  
 ۵۶۹، ۵۷۲-۵۷۳، ۵۸۵-۵۸۶،  
 ۵۹۴  
 دیلمی ۵۶  
 دیلمیان ۴۷  
 دیلمی قزوینی ۲۳  
 اودموسس سلسله بقراطیان  
 ۱۰۶  
 دینار (جلال الدین ملک) ۲۸۲، ۱۱۸  
 دین الهی ۳۶۳-۳۶۴  
 دین شیعہ ۳۶۸  
 دینیک ازبک ۸۱۶-  
 ۸۱۷  
 دیوان صویة بھار ۳۵۷  
 دیوانہ (حسین) ۳۴۴

ذوقی کاشانی (امیر محمد امین) ۹۰  
 ذهبی (سلسله) ۳۲۳، ۳۲۰، ۶۱۰  
 ذهنی تبریزی ۶۹۸  
 ذهنی کابلی ۳۴۴  
 رابعه قزداري دختر کمزین العرب بنت  
 کعب ۲۱-۲۲  
 رائد ۷۱۳  
 راجیوت ۶۶۹  
 رادویانی (محمد بن عمر) ۳۸، ۷۰، ۹۲،  
 ۷۱۷  
 رازی اصفهانی ۶۵۱  
 رازی برهانی (برهان الدین عطاء الله)  
 ۳۲۳-۳۲۴  
 رازی بغدادی ۳۴۴  
 رازی شیرازی ۴۶۷  
 راستی تبریزی ۴۹۸، ۸۳۰  
 راشدی (حکیم) ۴۳  
 راصدزنگانی ۱۲۸  
 راضی (عبدالله) ۶۸۸  
 راعب تبریزی (کلیلی) ۵۱۹  
 رافضی ۵۵۱  
 رافعی اسفراینی (عزیز الدین) ۹۵  
 رافعی قزوینی (امام الدین ابوالقاسم بن  
 ابوسعید) ۱۸۰  
 رافعی نیشابوری ۴۵  
 راقمی (مولانا) ۵۵۶  
 رامتین ۱۵  
 رامی اردوبادی ۵۱۹  
 رامی تبریزی (شرف الدین حسن بن محمد)  
 ۱۸۷  
 رامی هروی (میرا بوالخیر) ۵۸۳  
 راوندی (محمد بن علی بن سلیمان) ۸۸-  
 ۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵  
 رایگانی (عبد الحمید) ۲۲۱  
 رای منوهر ۶۶۰  
 رباعی (خواجه) ۵۲۴  
 رباعی مشهدی (شیخ) ۵۲۷

دیوانه بلخی ۳۴۴  
 دیوانه بیاضی بلخی ۵۹۷  
 دیوانه حسامی خبوقی ۶۰۹-۶۱۰  
 دیوانه شهدی غولنگانی ۶۰۲  
 دیوانه قیامت عراقی ۶۰۲  
 دیوانه محنتی بخاری ۵۷۷، ۵۸۵  
 دیوانه نقاش تبریزی ۶۹۸  
 دیوانه نیشابوری ۶۱۴، ۲۴۴  
 دیوانه هروی (شیخ عبدالله) ۲۴۶، ۲۳۹  
 دیوسالاران ۴۹۲  
 دیوسلطان ۴۶۸، ۶۹۵  
 دیولی ۷۹

### د

ذاتی هروی ۳۴۴  
 ذکری (میر تقی الدین محمد بن شرف الدین  
 علی حسینی کاذانی) ۲۷۹، ۴۴۴،  
 ۵۰۸-۵۰۹، ۵۰۵  
 ذوالرمه ۱۶۳  
 ذوالفقار بخارایی ۵۸۸  
 ذوالفقار ترکمان موصولو ۴۷۱  
 ذوالفقارخان جمعی سارجی ۵۱۷  
 ذوالفقارخان چرکی ۶۸۴  
 ذوالفقار شروانی (قوام الدین حسین بن  
 صدر الدین علی) ۱۷۴، ۱۰۱  
 ذوالقدر ۴۸۲، ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۱۶، ۶۶۷،  
 ۸۰۱  
 ذوالقدر (حسین بیک) ۴۵۶  
 ذوالقدر (علیق بیک) ۶۵۵  
 ذوالقدر (قرا بیک) ۵۲۳  
 ذوالقدر (کلی) ۵۰۶  
 ذوالکمالین میر محمد باقر ۶۲۱  
 ذوالعوتین (زکی الدین بنجیری) ۷۴۵  
 ذوالنون ارفون (امیر) ۴۰۹، ۶۷۱،  
 ۶۸۱، ۸۲۹  
 ذوالنون خیارجی ۶۵۱  
 ذوالیمینین طاهر ۱۸  
 ذوقی ۵۶  
 ذوقی تونی ۶۷۶

ربيع بن بخاراي (ابوالمعالي) ۲۱  
 ربيع الدين ابو القاسم هارون بن علي ظفر  
 دندان (خواجه) ۱۴۰  
 ربيع بن احمد اخوين بخاراي (ابو بكر)  
 ۲۹  
 ربيعي ۵۶  
 ربيعي يوشنكي ۲۰۶-۲۰۷  
 ربيعي كابل ۵۴۹  
 رتن (ابو الرضا) ۷۴۶  
 رجاي (سيف الدين محمود اصفهاني)  
 ۸۳۰، ۵۰۰  
 رجب (ملك) ۷۵۹  
 رحمتي تبريزي ۶۹۸  
 رحمن قلي سلطان ۵۴۹  
 رحمتي خواجه زاده كابل ۶۵۱، ۵۶۰  
 رحمتي لاهيجي ۵۱۹  
 رحيم فراش دهلوي ۶۷۶  
 رحيمي ۳۴۴  
 رحيمي (خان خانان) ۴۵۶، ۳۶۲، ۳۶۰  
 رحيمي جهود ۵۹۷  
 رحيمي غزنوي ۶۷۶  
 رحيمي هروي ۵۹۷  
 رخنه (يار محمد) ۳۴۴  
 رزق الله بن سعد الله مشتاق دهلوي ۳۶۰،  
 ۷۹۸  
 رستم (آقا) ۶۸۲  
 رستم (كوسه) ۴۹۷  
 رستم (كيا) ۳۸۷  
 رستم بن اردشير باوندي (نصر الدوله شمس-  
 الملوك) ۱۲۹  
 رستم بن جهانگير ۴۹۱  
 رستم بن سالار بن محمد بن سالار ۲۶۲  
 رستم بن علي بن شيراز (شه نشاه فاري)  
 ۱۲۹  
 رستم بهادر خان شيباني (ابوالمظفر)  
 ۶۰۴-۶۰۵  
 رستم بيك كوسه ۴۴۷  
 رستم پاشا ۳۸۰  
 رستم خان ۶۴۱

رستم خورياني (خواجه) ۲۹۶-۲۹۷  
 رستم سمرقندي (مير) ۵۸۵  
 رستم علي (امير) ۳۴۴  
 رستم مولوي (خطيب) ۲۵۸  
 رستم ميرزا صفوي ۳۷۸  
 رسمي (سيد محمد حسين لاهيجي) ۴۱۴  
 رسمي (فتفور) ۴۱۴  
 رسول ۲۴۲، ۲۳۶-۲۳۶، ۳۳۳، ۳۵۷  
 ۲۷۲، ۲۷۳-۲۷۳، ۶۴۰، ۷۰۱  
 ۷۸۲، ۷۷۵، ۷۴۶، ۷۲۹، ۷۲۰-  
 ۸۱۲، ۸۱۴، ۸۲۸  
 رشدي كازروني ۳۴۴  
 رشكي همداني (محسن بيك بن حسن بيك  
 لتك اردو بادي) ۴۶۷، ۵۳۲، ۸۲۸  
 رشيد الدين ۴  
 رشيد الدين ابو الفضل احمد بن محمد بن  
 احمد بن مهر يزدميبيدي يزدي ۷۱۷،  
 ۷۲۸  
 رشيد الدين احمد كازروني ۳۴۳  
 رشيد الدين عبدالرشيد بن احمد جام  
 ۷۲۰  
 رشيد الدين عبدالملك ۳۱۴  
 رشيد الدين فضل الله بن ابو الخير عماد-  
 الدوله يا ابو الخير علي بن موفق الدوله  
 علي همداني (خواجه) ۱۴۲-۱۴۴،  
 ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲،  
 ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۲،  
 ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۶۰، ۴۴۹  
 ۶۵۳، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۴۹، ۸۳۷  
 رشيد الدين محمد بن محمد بن عبدالجليل  
 عمدي بلخي وطواط ۴۸، ۷۰، ۷۳، ۸۲،  
 ۹۲، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۶۶، ۱۸۷  
 رشيد الدين محمد بن محمود بن مسعود  
 اسفزاری ۱۰۰  
 رشيد الدين محمد بيدآوري ۳۲۰  
 رشيد الدين محمد فضل الله بن ابو الخير  
 عماد الدوله يا ابو الخير بن موفق-  
 الدوله علي همداني (خواجه) ۱۴۲-  
 ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۷

رضی اصفهانی (آقا) ۴۱۳  
 رضی الدین ابوالفضل حسن بن فضل طبرسی  
 ۳۷۳، ۳۷۱  
 رضی الدین ابو جعفر محمد نیشابوری ۹۹،  
 ۱۲۵  
 رضی الدین ابو عبد الله محمد بن عثمان امامی  
 هروی ۷۳، ۱۶۱، ۷۴۰، ۷۴۵  
 رضی الدین ابو نصر حسین بن ابو علی فضل  
 ابن حسین طبرسی ۳۷۱، ۳۷۳  
 رضی الدین استرآبادی ۱۹۱  
 رضی الدین بابا قزوینی ۱۷۴  
 رضی الدین بن طاهر ۸۰۳  
 رضی الدین بن محمد ۸۰۳  
 رضی الدین حسن بن فضل طبرسی (ابوالفضل)  
 ۳۷۳، ۳۷۱  
 رضی الدین خشاب ۱۰۲  
 رضی الدین عبدالغفور لاری ۱۱۶، ۲۵۵،  
 ۷۷۵، ۶۱۳  
 رضی الدین علی بن ابراهیم بن الیاس  
 تایبادی ۷۲۱  
 رضی الدین علی بن سعید بن عبدالجلیل  
 لالای هز نوی ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵-  
 ۷۴۶  
 رضی الدین علی بن طاووس حسینی ۳۷۱  
 رضی الدین قزوینی ۲۲۳  
 رضی الدین کیا (امیر سید) ۳۴۱  
 رضی الدین مؤید بن صالح ۲۲۶  
 رضی الدین نیشابوری ۹۹، ۱۲۵  
 رضی الکاتب (محمد بن احمد بن ابوبکر  
 مستوفی زاوی) ۱۳۲، ۱۵۷  
 رضی گنج ۱۷۸  
 رضی نیشابوری (شمس الدین) ۷۹  
 رضیة گنج ۱۷۹  
 رمعی اوراتیپای ۵۷۸، ۵۸۲، ۵۹۵  
 رخمی (قاسم بیک) ۵۰۶  
 رفعتی تیزی ۷۰۳  
 رفعتی قبادیانی (عوض محمد خان) ۶۰۱  
 رفقی ۳۴۴  
 رفیع ابهری ۱۸۱، ۷۷۲

۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۲،  
 ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۶۰، ۴۴۹،  
 ۶۵۳، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۹، ۸۳۷  
 رشید الدین میبدی (ابوالفضل) ۷۱۷،  
 ۷۲۸  
 رشید بروی ۱۷۸  
 رشید بیلقانی ۱۷۸  
 رشید خان ۶۳۷  
 رشید خان جغتایی ۲۲۶  
 رشید خواری ۱۷۸  
 رشیدشروانی ۱۷۸  
 رشید کازرونی ۳۴۴  
 رشید گنج ۱۷۷-۱۷۸  
 رشید وزیر (خواجہ) ۶۵۲  
 رشید و طواط ۴۸، ۷۰، ۷۴، ۸۳، ۹۲، ۹۶،  
 ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۶۶، ۱۸۷  
 رشیدی ۶۵۱  
 رشیدی (اسمعیل) ۲۵  
 رشیدی اصفهانی (محمد رشید) ۶۷۶  
 رشیدی تبریزی (یار احمد بن حسین) ۲۵۷،  
 ۳۹۷، ۸۰۷  
 رشیدی سمرقندی (ابو محمد عبدالله بن  
 محمد) ۹۷  
 رضا (امام) ۳۷۸  
 رضا (سید شرف الدین) ۷۹۶  
 رضا سنواری (امیر سید شرف الدین)  
 ۳۰۵  
 رضا شیرازی (حکیم شاه) ۷۰۹  
 رضا فارسی (حکیم شاه) ۶۷۶  
 رضاقلی خان هدایت ۲۴۰  
 رضا کیا (امیر سید) ۳۴۱  
 رضایی (میر سید جلال الدین صدر) ۵۳۷  
 رضایی سنواری ۳۴۴  
 رضایی کابلی ۵۸۲  
 رضایی کاشانی ۵۳۶، ۸۳۳  
 رضایی مشهدی (ملا محمد رضا) ۵۲۴  
 رضایی هروی (قاضی) ۶۱۸  
 رضایی مشهدی (میر محسن) ۵۵۲  
 رضی (امام) ۱۷۸



رکن الدین ابوالحکام احمد بن شرف -  
الدین محمد بن احمد بن محمد علاء -  
الدوله بیایا تکی سمنانی ۳ - ۴ ،  
۱۴۸، ۱۹۵، ۲۰۰، ۴۱۶، ۴۳۴،  
۷۲۱، ۷۳۳، ۷۵۶، ۷۸۳

رکن الدین ابهری ۲۲۵  
رکن الدین استرآبادی ۱۳۸  
رکن الدین اسمعیلی ۸۰۳  
رکن الدین بکرانی ۲۲۲  
رکن الدین بن شرف الدین  
آملی ۲۷۱

رکن الدین بن شهاب الدین امام ۷۷۲  
رکن الدین بن میر حسین اوحدی اصفهانی  
مراغی (یا اوحدا الدین) ۱۷۳، ۱۹۹،  
۲۲۳، ۷۶۰

رکن الدین بیضاوی ۲۱۲  
رکن الدین حبشی ۸۴۱  
رکن الدین حسین بن عالم بن ابوالحسن  
حسینی هروی ۱۶۹، ۲۱۴، ۷۴۲

رکن الدین خمارنگین ۱۲۶  
رکن الدین داود خوافی ۲۷۴  
رکن الدین دعوی دار قمی (قاضی) ۱۷۲،  
۲۲۵

رکن الدین رازی ۶۵۱  
رکن الدین زیارتگاهی ۵۵۸، ۵۵۴  
رکن الدین سجاسی ۱۷۳، ۷۳۶

رکن الدین شیرازی ۱۸۸  
رکن الدین صابین بن شمس الدین محمود بن  
رکن الدین صابین هروی ۲۰۸، ۲۶۲

رکن الدین طعنای خان ۲  
رکن الدین عبدالرحمن بن احمد شارستانی  
۲۲۷

رکن الدین غورسانجی ۱۶۵-۱۶۶  
رکن الدین فیروز بن شمس الدین الشمس  
۱۷۵، ۷۶۴

رکن الدین قیاهی ۱۸۱  
رکن الدین قلج ارسلان چهارم ۷۵۱  
رکن الدین قاج طمناج خان بن مسعود بن  
حسین ۱۳۸

رفیع الدین ابراهیم بن نورالدین توفیق  
شیرازی ۸۰۵، ۳۶۸

رفیع الدین ابهری ۱۸۱، ۷۷۲  
رفیع الدین بکرانی ۲۲۲

رفیع الدین حسین (امیر) ۳۳۱  
رفیع الدین حسین بن یوسف هروی ۸۰۸

رفیع الدین حیدر معمای طباطبایی رفیعی  
کاشانی ۴۲۰، ۴۴۷، ۵۱۶، ۵۱۸،  
۶۵۰، ۸۱۹

رفیع الدین لسانی ۱۶۵، ۷۴  
رفیع الدین محمد حلیفه ۵۰۲

رفیع الدین محمد محمد دهلوی ۱۹۶  
رفیع الدین مرزبان فارسی ۸۹

رفیع الدین مسعود لثمائی ۱۶۵، ۷۴  
رفیع الدین پشاوروی ۹۶

رفیع بخاری (مولانا) ۶۲۲  
رفیع مروزی ۸۸

رفیع نسوی ۷۷۲  
رفیعی (ابوالقاسم) ۹۱

رفیعی کاشانی (میرزا رفیع الدین حیدر  
معمای طباطبایی) ۴۲۰، ۴۴۷،  
۵۱۶، ۵۱۸، ۶۵۰، ۸۱۹

رفیعی ۱۸۱  
رفیعی آملی ۶۵۱

رفیعی تبریزی ۶۹۸  
رفیعی مشهدی (کمال الدین محمود) ۳۳۳،  
۸۱۶

رفیعی هروی (میر علی دوست) ۳۴۴  
رفیعی یزدی ۵۳۴

رکن الدوله میرزا عبداللطیف بن الخبیک  
۲۳۲، ۲۴۶، ۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۱،

۲۶۹  
رکن الدین (حاج) ۷۷۶

رکن الدوله الملا صاعد بن مسعود ۱۰۱،  
۷۴۰

رکن الدین ابوالفتح بن صدر الدین محمد  
۷۴۱

رکن الدین ابوالمظفر مرکیاری ۴۹-۵۰،  
۷۰، ۸۰، ۱۲۷

رکن الدین کرچی ۷۴۹	رستگ ۶۰۶
رکن الدین محمد خوافی ۷۸۰	رواس ۲۲۶
رکن الدین محمود بن رشید الدین فضل الله	روح الامین امین الدین دادا ۲۲۶
۷۳۱	روح الدین عطار ۲۰۳
رکن الدین محمود بن ملک نصیر الدین	روح الله قزوینی (قاضی) ۶۷۶
۱۵۷	روح الله میرک خوشنویس هروی ۶۶۱
رکن الدین محمود سنجانی خوافی (شاه)	روحانی ۲۲۶، ۳۴۴
۷۲۵-۷۲۴، ۶۸۸، ۲۱۷	روحانی (اصیل الدین) ۸۸
رکن الدین مسعود بن حسن قلیچ طمغاج خان	روحانی بخارایی ۷۴۴
۹۸	روحانی سمرقندی (ابوبکر بن محمد بن علی) ۷۸۱
رکن الدین مسعود بن صاعد بن مسعود	روحی ۸۰۹
۷۴۰	روحی (شمس الدین) ۶۱۳
رکن الدین مسعود بن محمد امامزاده	روحی (محمد) ۶۰۵
۱۰۰	روحی (مولانا) ۶۰۵
رکن الدین مسعود ترکه ۳۴۷	روحی امارجانی ۵۲۹
رکن الدین مسیح یامسیحای کشانی ۶۶۲	روحی بخاری ۳۴۴، ۶۲۷
رکن الدین میر آب ۱۶۶، ۱۸۱	روحی حکاک تبریزی ۵۲۹
رکن الدین مهته ۶۲۵	روحی سمرقندی ۱۰۰
رکن الدین نسیمی حسینی شیرازی ۲۲۱،	روحی شارتانی ۹۹
۳۳۵-۳۳۶، ۷۶۵، ۷۸۹	روحی طبیب بخارایی ۶۰۹
رکن الدین یحیی ۷۵۸	روحی ولوالجی ۸۶
رکن الدین یحیی بن روزبهان ۲۱۶	روحی هروی ۵۲۳
رکن الدین یحیی بن محمد	روحی یازری ۳۴۴
۷۸۰	رودکی (ابو عبد الله جعفر بن محمد سمرقندی)
رکن الدین یحیی بن	۱۸-۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۸
شیرازی ۲۸۳	۱۲۸
رکن السلطنه معصوم بیک صفوی ۲۹۲،	روده (ابو محمد عبد الله بن محمد بلخی)
۵۰۰، ۴۹۴	۴۵
رکن پس قاضی ۱۷۸	روده (نردی بیک خان) ۵۴۳، ۵۴۵، ۸۳۳
رکن جهان (رکن صاین) ۷۶۲، ۲۰۸	روزافزون شاه ۷۹۵
رکن خویی ۱۷۸	روزبه ۳۴۹
رکن صاین ۷۶۲، ۲۰۸	روزبهان بن ابونصر بقلی فسوی شیرازی
رکنی ۱۸۱	شطاح یا شطاح فارس ۱۰۹، ۷۲۱
رمال (نصیر الدین محمد بن ابراهیم بن عبد الله) ۱۵۱	۷۲۷
رمزی اصفهانی ۶۷۶	روزبهان صبری اردستانی ۴۶۰
رموزی سمرقندی (میر اشرف) ۵۹۶	روزبه بن عبد الله نکستی (ابو عبد الله) ۴۲
رنجن (رزق الله بن سعد الله مشتاقی دهلوی)	روزنامه چیان ۲۴۹
۷۹۸، ۳۶۰	روسها ۴۹۰

روسی ۲۰۶	ابن حسین قدامه موسوی صدر شرق)
روشنی (طریقه) ۷۹۶	۸۴
روشنی بردعی (دده عمر) ۷۹۶، ۷۰۳	رئیس شاختی ۳۴۴
روشنی زاده (نعمت الله) ۷۹۶	رئیس شهاب الدین معایب ۵۲۸، ۶۱۲، ۶۸۳
روشنی همدانی ۶۷۶	
روضه خوانی ۲۴۶	رئیس مجدالدین ابوالحسن علی بن محمد
روغنی استرآبادی هروی ۸۲۰، ۴۲۲	صمرانی سرخسی ۸۱
روملو (امیرسلطان) ۳۵۵	رئیس ۱۷۸
رومی (صفی الدین مصطفی) ۶۲۳	
رومی (صلاح الدین موسی قاضی زاده) ۲۴۹، ۲۸۱، ۲۷۳، ۸۰۷	زاری مشهدی (محمد قاسم) ۶۵۱
رومی (قاضی زاده) ۲۸۶	زاری هروی ۲۴۳
رومی (قوام الدین یوسف بن حسن قاضی زاده) ۲۸۱، ۲۷۳	زاکانیان قزوین ۲۰۱
رومی (محمود بن محمد قاضی زاده) ۲۸۱، ۳۸۸	زاهد ۱۷۸
رومی (موسی بن محمود قاضی زاده) ۲۳۹، ۸۰۷، ۲۶۹	زاهد (محمد) ۶۱۰
رومی شیرازی (مولانا میرزا حان) ۵۸۶	زاهد (محمد امین) ۵۶۴، ۵۷۰، ۵۷۱
روندیه ۱۶	زاهد گیلانی (ابراهیم) ۶۱۹، ۵۹۵، ۵۸۹، ۵۸۷
روغنی بخارایی (ابوالمؤید) ۱۹-۲۰	زاهد بابلک بن بندار کردی سنجانی) ۲۱۲، ۴۸۲
روغنی بدخشانی ۶۳۸	زاهدی ۷۹۸، ۳۴۴، ۳۴۱
رهای خوافی هروی (شیخ سعدالدین) ۸۱۹، ۴۱۹	زاهدی (عزیز الله) ۳۱۰
رهای سبزواری ۶۷۶	زایری تربتی ۵۸۰
رهای ماوراءالنهری ۲۳۴	زجاجی ۵۶
رهای هروی (مولانا) ۵۶۳	زجاجی نیشابوری (ابوعمر و) ۲۲
رهی مشهدی (شاه محمود) ۵۲۶	زجری ۶۵۲
رهی نیشابوری (خواجه حان) ۵۲۹	درات ۸۴۳
ریاضی تربتی ۵۵۹، ۳۳۹	زردشت ۱۷۳، ۹
ریاضی زاوی ۳۴۴، ۶	زردشتیان ۱۷۲، ۲۸، ۱۲
ریاضی ساروجی مهولانی تربتی ۳۱۳	زردشت ۷۴۳، ۷۱۶
ریاضی سمرقندی ۳۳۹	زردشتی ۱۶-۱۷
ریاضی سمرقندی (در گذشته در ۸۸۴)	زردشتیان ۶۶۹
۳۴۴	زررئیس (اسعیل بن ابراهیم غزنوی) ۸۸
ریاضی وصولی بدخشی ۵۹۳	زرکوب (نجم الدین ابوبکر محمد بن مودود) ۱۷۷-۱۷۶
رئالسم ۷۴	زرین قلم (شاه محمود نیشابوری) ۶۹۳
ریحانی طوسی ۸۸	زرین کتاب ۲۵
رئیس خراسان (مجدالدین ابوجعفر علی	زکریا بن محمد انصاری ۷۸۱

زکریا بن محمد بن زکریا بن ابوبکر بن  
 علی ملتانی (بهاء الدین) ۱۵۶،  
 ۱۶۴-۱۶۵، ۱۶۹، ۷۴۱، ۷۴۸  
 زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (ابو-  
 یحیی) ۷۳۲، ۱۴۶  
 زکریا بن محمود قزوینی مکتونی (عماد-  
 الدین) ۷۳۲، ۱۴۶  
 زکریا حسینی ۳۹۴  
 زکریا کجی ۳۴۴  
 زکریا سوی ۷۳۲  
 زکی (خواجہ) ۷۲  
 زکی اکاف ۱۷۸  
 زکی الدین عبداللہ بن ابوتراب بن بھرام بن  
 زکی بن عبداللہ بن جیری شیرازی ۷۴۵  
 زکی کاشغری (لطیف الدین) ۷۸، ۹۱  
 ۷۲۵، ۲۲۶  
 زکی مراغی ۷۲۵، ۲۲۶، ۱۷۸، ۹۱  
 زکی ہمدانی ۴۱۳  
 زلالی تبریزی ۶۹۸  
 زلالی خوارزمی ۶۴۴  
 زلالی کرمانی (درویش) ۳۲۶  
 زلالی گیلانی ۵۳۴  
 زلالی هروی ۶۴۴، ۳۴۴، ۳۲۶  
 زلفی بلخی ۵۸۹  
 زمان آملی ۳۳۸  
 زمانی آملی ۲۴۴  
 زمانی یزدی ۴۱۲  
 زمخشری ۱۹۷، ۱۹۱، ۱۴۷، ۱۰۲، ۹۲  
 ۷۵۸  
 زنگی (خواجہ) ۷۲  
 زنگی (عماد الدین) ۷۲۶  
 زنگی (مجد) ۱۷۹  
 زنگی (محمود) ۳۴۷  
 زنگی اتا ۶۰۵، ۶۳۹  
 زنگی بن طاهر فریومندی (جلال الدین  
 ابویزد) ۱۹۴  
 زنگی بن طاهر فریومندی (وجیہ الدین)

۱۶۱  
 زنگی شیرازی ۱۰۲  
 زنگی عجم قلندر کرمانی (جلال الدین)  
 محمود) ۷۲۰  
 زوزنی ۱۸۱  
 زوزنی (کمال الملک ابوجعفر محمد بن  
 احمد مختار) ۵۴  
 زوزنی (ملک عماد الدین) ۲۲۵  
 زهرہ (بنی) ۷۱۴  
 زهرہ بیکم ۶۷۹  
 زیار (آل) ۲۲، ۱۸-۲۲، ۲۳-۴۵، ۴۶-۶۵،  
 ۲۶۸  
 زیبایی هروی ۳۴۴  
 زیتون (استاد) ۵۳۱  
 زید بن علی بن حسین ۲۳۹  
 زیدری (نور الدین محمد بن احمد بن علی  
 ابن محمد خرنندزی نسوی متشی)  
 ۱۱۷، ۹۴  
 زیدپہ ۶۴۴  
 زیر کی تاشکندی ۵۶۰  
 زیر کی هروی ۳۴۴  
 زیری ۱۸۱  
 زیری فارسی (تاج الدین) ۷۹  
 زین (زین الدین خواجہ شیخ) ۳۲۱، ۲۶۴،  
 ۳۲۸، ۱۹، ۴۱۵، ۶۱۵، ۶۲۹-۶۳۰،  
 ۶۴۳، ۶۵۵، ۷۱۸، ۷۷۸، ۸۰۹  
 زین الدین (مولانا) ۳۴۲  
 زین الدین ابوابراہیم اسمعیل بن  
 محمد بن احمد حسینی گرگانی ۹۲،  
 ۷۲۷، ۱۴۴  
 زین الدین ابوبکر بن محمد خواجہ ۲۶۴،  
 ۳۲۱، ۳۲۸، ۴۱۹، ۶۱۵، ۶۲۹-  
 ۶۳۰، ۶۳۴، ۷۱۸، ۷۷۸، ۸۰۹  
 زین الدین ابوبکر تایبادی (ملا) ۷  
 زین الدین ابوبکر جعفر بن اسمعیل ازرقی  
 هروی (ابوالمحاسن شرف الزمان)  
 ۷۴، ۵۳  
 زین الدین ابوبکر علی تایبادی ۲۲۱، ۷  
 ۲۳۱، ۲۶۶، ۷۹۹

زین الدین ابو حامد محمد بن محمد غزالی  
طوسی (امام حجة الاسلام) ۵۰، ۶۶،  
۶۸-۶۹، ۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶، ۷۱۹،

۷۳۹

زین الدین ابو علی وافر سگزی ۹۵

زین الدین جامی ۲۲۹

زین الدین خوارزمی ۵

زین الدین خوافی ۲۶۴، ۳۲۱، ۳۲۸،

۴۱۹، ۶۱۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۳،

۶۵۵، ۷۱۸، ۷۷۸، ۸۰۹،

زین الدین خوافی معروف بشیخ زین ۶۱۵،

۶۳۴، ۶۵۵،

زین الدین راوندی ۸۸

زین الدین سعید طایبی ۸۸

زین الدین شیخ علی ۳۲۷، ۳۴۴،

زین الدین صادق ۳۲۳، ۴۴۶،

زین الدین صاعد ۳۴۴

زین الدین صاعد خوشانی ۹۵

زین الدین طبیب ۷۹۸

زین الدین عطار (حاج) ۱۹۳

زین الدین علی ۳۲۷، ۳۴۴،

زین الدین علی بن حسین انصاری ۱۹۳

زین الدین علی بن محمد قوشچی (یا

علاء الدین) ۲۵۶، ۲۶۶،

۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶، ۳۷۵،

۳۸۸، ۴۰۳،

زین الدین علی بیگ انجدانی ۵۱۷

زین الدین علی فقیه (ابن فقیه) ۱۸۰،

۲۲۶

زین الدین حای کلاه شیرازی ۳۴۴، ۷۶۹-

۷۷۰

زین الدین عربین سهالاسارچی ۱۲۰

زین الدین فاخته کشانی ۲۲۴

زین الدین قدسی ۴

زین الدین کلاه شیرازی ۳۴۴، ۷۶۹-

۷۷۰

زین الدین کیسه دوز ۳۴۴

زین الدین لبنانی ۱۸۱

زین الدین محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن

شهبان عطار همدانی ۲۱۸-۲۱۹،

۲۲۰

۱۴۴

زین الدین محمد بن محمد شاه فناری

۲۷۵

زین الدین محمد کاتب ۷

زین الدین محمود اصفهانی ۶۷۷

زین الدین محمود بن عبدالجلیل واصفی

تاشکندی هروی ۲۵۳، ۳۴۸، ۵۵۹، ۵۶۰،

۵۷۸

زین الدین محمود بن محمد هروی ۱۹۴

زین الدین محمود خوشه نویسن ۴۶۴

زین الدین مسعود نیکی اصفهانی ۵۱۱،

۵۲۲، ۶۴۴، ۶۵۹، ۸۳۲،

زین الدین نسوی ۷۴۷

زین الدین وفا فی خوافی اکبر آبادی ۳۶۱،

۴۱۱، ۶۳۴، ۸۳۶،

زین العابدین (سلطان) ۷۹۱

زین العابدین بن علی بن عبدالمؤمن عبیدی

۴۰۳

زین العابدین صادق ۴۴۶

زین العابدین عابد بیرمی لاری (شاه)

۱۸۰، ۷۰۸،

زین العابدین علی ۴۴۴

زین العابدین علی عبیدی و نویدی شیرازی

نیشابوری ۳۸۵، ۴۰۳، ۴۴۴، ۸۰۷،

زین العابدین علی فقیه ابن العقیه ۱۸۰،

۲۲۶

زین العابدین منشی اردوبادی ۷۰۵

زین العابدین میرزا صفوی ۶۹۸

زین العابدین همدانی (خواجه) ۷۶۲

زین العباد عابد بیرمی لاری (شاه) ۱۸۰،

۲۰۸

زینب خانم ۴۸۴

زینسی علوی محمودی خراسانی ۳۶

زینتی جداری ۶۲۷

زینتی بلیانی ۶۷۶

زینتی سمزواری ۶۷۷

زینتی علوی محمودی خراسانی ۳۶  
 زینتی مشهدی (محمد حسین) ۵۳۴  
 زین خان کوکه کوکلش ۴۳۰، ۴۵۲  
 ۶۷۷، ۵۵۲، ۵۴۵  
 زین خوافی وفایی ۴۱۱  
 زینل (خواجہ) ۵۹۱  
 زینی (سلسله) ۶۲۹  
 زینی (طریقه) ۶۳۰  
 زینی (مولانا) ۶۹۵  
 زینی بخارایی (مولانا) ۶۲۷  
 زینی سبزواری ۳۴۴

### س

سابق اصفهانی (حاج فریدون) ۶۷۷  
 ساحیان ۴۱۸  
 ساحری تونی (محمد قاسم) ۶۷۷  
 سادات آله پنجی ۷۶۹، ۷۸۰  
 سادات اردستان ۴۶۰، ۴۴۳  
 سادات اسحق آباد نیشابور ۸۲۰  
 سادات اسدآباد همدان ۸۳۷  
 سادات اصفهان ۵۳۹، ۶۵۷، ۶۶۱  
 سادات اندخود ۶۰۳  
 سادات بخارا ۵۷۷، ۶۸۹، ۸۳۵  
 سادات بدخشان ۵۷۵  
 سادات بلخ ۵۹۵  
 سادات بهمان ۶۵۸  
 سادات تمریز ۶۹۴  
 سادات تربت ۶۵۷  
 سادات ترمذ ۶۲۴، ۶۴۹، ۷۳۶  
 سادات حسنی قزوین ۸۲۳  
 سادات حسینی آذربایجان ۸۳۸  
 سیبی فارس ۱  
 سادات حسینی مشهد ۵۴۲  
 سادات حصار ۵۹۴  
 سادات خراسان ۵۸۱، ۵۸۲  
 سادات دتکی شیراز ۲۴۳، ۲۴۵  
 سادات دوغلساد ۵۴۹  
 سادات رضوی ۸۳۷  
 سادات ری ۶۱۸

سادات زاوه ۳۴۹  
 سادات زواره اردستان ۵۰۳  
 سادات سبزوار ۸۳۰  
 سادات سمرقند ۶۱۱، ۵۹۶  
 سادات سمنان ۶۵۹  
 سادات سیفی حسنی ۴۳۰، ۴۹۷، ۴۳۳  
 ۸۲۳  
 سادات شیراز ۶۸۶، ۷۴۵، ۸۱۲، ۸۲۱  
 سادات طباطبایی ۵۵۳، ۴۳۱  
 سادات طباطبایی حسینی ۴۹۸  
 سادات عبدالوهابیه ۴۹۸  
 سادات عریضی ۸۳۶  
 سادات علوی شیراز ۷۸۰  
 سادات علوی کرمان ۷۵۹  
 سادات علوی ماوراءالنهر ۶۳۱  
 سادات عو طبری ۶۲۴  
 سادات فرغانه ۵۵۹  
 سادات قزوین ۶۵۴، ۳۵۴  
 سادات کاسان ۶۴۶، ۶۵۰، ۸۳۱  
 سادات کاتان ماوراءالنهر ۶۳۸  
 سادات کالیبی ۶۴۵  
 سادات کرمان ۷۵۹، ۵۶۱  
 سادات کما فکر هرات ۶۶۱  
 سادات کیایی ۲۵۳  
 سادات گرگان ۳۴۹  
 سادات گرمسیر هندوستان ۵۶۷  
 سادات گورسرخ ۱۴۹  
 سادات ماوراءالنهر ۶۱۳، ۵۷۶  
 سادات مدینه ۷۹۱  
 سادات مشهد ۴۱۹، ۵۰۳، ۶۲۰، ۶۵۴  
 ۸۳۱  
 سادات معین ۵۹۴  
 سادات نور بخشی ۶۱۶، ۶۶۱  
 سادات نیشابور ۵۰۲  
 سادات هرات ۵۸۳، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۱۱  
 ۶۱۹، ۶۲۴  
 سادات یزد ۵۰۴، ۵۵۰  
 ساسانی ۱۱-۱۳، ۱۵  
 ساسانیان ۱۱-۱۳، ۳۰-۳۸، ۳۹

۶۵۶	۴۸۴،۲۳۳،۱۶۲،۱۲۸،۴۹
ساوی ۱۷۸	ساعدی خلجی ۵۶۸
سایل (ملا) ۶۲۵	ساغری هروی ۳۴۴
سایل نهاوندی (مولانا) ۸۳۲،۵۱۱	ساقی ۶۲۷
سایلی اسفراینی ۳۴۴	ساقی استرآبادی (ملا سلطان محمد) ۴۶۴
سایلی خراسانی ۳۴۴	ساقی اصفهانی (میرزا شاه حسین) ۶۷۷
سایلی عراقی ۳۴۴	ساقی جزایری ۴۳۲
سایلی قرنی ۳۴۴	ساقی قزوینی (نصیرالدین) ۶۴۴
سبزواری ۵۳۸	ساقی نخشی ۳۴۴
سبط ابن الجوزی ۱۶۷	ساقی هروی ۳۴۴
سبکتگین ۲۲-۳۴،۴۵،۵۶،۶۴	ساکنی بخارایی (مولانا قاسم) ۳۴۶، ۶۰۹
سبک خراسانی ۱۰۰	ساکنی سمرقندی ۳۴۴
سبک عراقی ۱۰۰-۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱-	سالار (حسام الدین) ۷۵۱
۱۶۲، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۷۲	سالار محمد ۴۶
سبک هندی ۹۹، ۲۳۵، ۲۵۳، ۲۵۷، ۴۱۲، ۴۲۹	سالار مرزبان ۴۷
سیاهی (فاضل بیک) ۶۴۴	سالاریان ۴۷
سیاهی (میر یغمورچی) ۳۴۴	سالك الدین محمد حموی یزدی ۳۲۵
سیاهی اندجانی (خدادوست) ۵۴۷	سالك شیرازی (درویش حسین) ۴۶۷
سیهری (برهان نظام شاه) ۴۸۹	سالم (محمود بیک) ۵۰۵
سیهری (شاه نظام) ۲۳۴	سالم بیک ترکمان ۵۸۸
سیهری (علی) ۱۰۰	سالمی عراقی ۳۴۴
سیهری اصفهانی ۶۷۷	سامان (آل) ۹۵
سیهری بخارایی ۲۰	سامان (امیر) ۳۸۶
سیهری زوارچی یا زواره ای (میرزا بیک)	سامانی ۲۲، ۲۷، ۳۳، ۴۹، ۷۴
۷۰۸، ۵۲۳	سامانیان ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۹۱، ۹۶، ۲۰۹، ۲۸۵، ۷۶۰
سیهری هروی ۵۸۱	سامانی بخاری ۳۴۴
سیهری هندوستانی ۳۴۴	سامانی نیشابوری (نظامی) ۱۰۰
سیهسالار (ویریدون بن احمد) ۷۳۸-	سامری بن خیدری تریزی ۵۳۸، ۸۲۲
۷۳۹	سامعی ۷۸۶، ۷۹۵
سیهسالار (محمد حسین میرزا) ۴۶۴	سام غوری (عزالدین) ۷۳۸
سپیدجامگان ۱۶	سام میرزا صفوی ۲۷۸، ۳۷۷-۳۷۸، ۳۸۴، ۴۳۸، ۴۶۹، ۴۸۴، ۵۰۸، ۶۵۱، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۸۶
سترباریک شیرازی (نجم الدین صاب)	۸۲۹-۸۲۸، ۸۲۵، ۸۱۶، ۶۹۴
الاسلام محمود بن صاب الدین الیاس	سامر دامغانی ۳۴۴
۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳	سامی صفوی (سام میرزا) ۳۷۷
سحاوندی ۵۴۶	سامی قزوینی (عزیزالدین) ۶۴۲، ۶۴۴
سحایی استرآبادی نجفی ۴۱۲، ۸۱۹	
سحبان دکنی ۸۰۴	
سحر آفرین ۷۷۲	
سخی کاشانی (میرزا ابوطالب) ۶۷۷	

سديدالدین ابو محمد عبدالمعطي بن ابوالفنا  
محمود بن عبدالمعطي لخمی اسکندری

۷۱۸

سديدالدین اهورکرماج ۱۸۱

سديدالدین بيهقي ۸۸

سديدالدین علی بن عمر معزی غزنوی ۷۸

سديدالدین محمد بن موسی بن یعقوب

غزنوی ۱۰۹، ۷۲۱

سديدالدین محمد بن یحیی بن طاه-ربن

عثمان ووفی بخارایی (یانورالدین)

۶۵، ۷۸، ۷۷، ۹۹، ۱۰۰، ۲۷۹

۸۱۶

سديدالدین نصرالله بن برهانالدین خلیل-

الله طاروسی ابرقوهی ۱۹۰

سديدرازی (میر) ۵۰۲

سديدطبيب قزوینی ۳۴۴

سديدطبيب گیلانی (قرن ۹) ۳۴۴

سديد طبيب گیلانی (قرن ۱۰) ۵۳۱

سراج (ابونصر) ۶۱

سراج اسدآبادی ۱۷۸

سراجالدین ۲۲۵

سراجالدین ابوالشایا محمود بن ابی بکر

ارموی (قاضی) ۱۵۰

سراجالدین ابوالمظفر بهادر شاه دوم

۳۵۱-۳۶۷، ۳۵۲

سراجالدین اصیلی هروی ۳۴۳

سراجالدین بردری سیستانی (میر) ۲۲۶

سراجالدین بساطی سمرقندی ۲۱۴،

۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶

سراجالدین حسن شیرازی ۱۸۱

سراجالدین سراجی سگزی ۱۷۲، ۲۲۲

سراجالدین سگزی (سید) ۱۷۲، ۲۲۲

سراجالدین سیستانی ۴

سراجالدین عاروک بخارایی ۹۴

سراجالدین عثمان بن محمد مختاری

غزنوی ۷۷، ۷۷، ۸۰، ۸۲

سراجالدین علاءالملخی ۹۵

سراجالدین علی بن عثمان اوشی ورفانی

حنفی ۳۹۵

سراجالدین عمر بن علی ابن الملتن ۱۳۲

سراجالدین قمری آملی ۹۵

سراجالدین محمد بن منهاجالدین عثمان بن

ابراهیم بن عبدالمخالق گوزگانی

لاهوری ۷۹

سراجالدین محمود بن خلیفه ۷۲۱

سراج منهاج ۷۹

سراجی اسفراینی ۹۴

سراجی بلخی ۷۷۲

سراجی بلخی (مبینالدین) ۸۹

سراجی تیریزی ۵۰۹

سراجی خراسانی (جمالالدین محمد بن

علی) ۷۸

سراجی سگزی ۱۷۲، ۲۲۲

سرباد ۷۲

سربداری ۲۰۱

سربداران ۲۹۳، ۳۰۵

سربداریان ۳۰۱

سرج (امیر) ۲۳۳

سرخ سر ۳۵۰

سرج علم ۱۶

سردوز ۱۸۱

سرکب ۱۵

سرکش ۱۵

سرمندی اصفهانی (شریف) ۴۲۸، ۵۳۹

۸۲۲

سرمندی اصفهانی فیضی (شریف) ۴۲۸

سرودی ۲۵

سرودی (مولانا) ۶۳۱

سرودی خوانساری قمی ۵۲۲

سروری (مصلحالدین مصطفی بن شعبان)

۲۰۶، ۳۹۲، ۸۰۷

سروری بخارایی ۶۳۵

سروری بیرجندی ۳۴۴

سروری خراسانی ۳۴۴

سروری کاشانی (محمد قاسم بن حاج محمد)

۳۹۷

سروشی بلخی ۵۸۷

سروی خوشتری (مالاعینی) ۶۲۲



سرهندی (حاج ابراهيم) ۳۵۷

سرياني ۱۷، ۱۴، ۱۲

سرى ترشيزى ۳۴۴

سرى سقطى ۷۵۳، ۶۳۰

سرى هروى ۳۴۴

سعادت بيك ۴۴۹

سعادت پسر مسعود سندسلمان ۷۲۶

سعادت خازن ۱۲۷

سعد (امير نور) ۴۵۵

سعد (حافظ) ۳۴۴، ۲۲۶

سعد (خواجده) ۴۰۶

سعد (مولانا) ۳۴۴

سعد الحق (امير سعد حسام نصيبى نور بخشى

يزدى) ۷۱۱، ۶۶۱، ۳۴۸، ۳۴۶

سعد الدين احمد عزيز ۱۸۱

سعد الدين اسعد بن شهاب بخاراىى ۱۰۰

سعد الدين الاله ۶۲۸

سعد الدين بخارى سمرقندى ۱۰۰

سعد الدين بن بهاء الدين ۲۲۳

سعد الدين بن تاج الدين على ساوجى ۴،

۱۸۱

سعد الدين بن حاجى عيان عياني ۳۲۹

سعد الدين بن سرف الدين (سعد شريف)

۲۲۶

سعد الدين بهايى ۷۷۲، ۲۲۲

سعد الدين حموى يا حمويه ۱۱۵، ۱۱۱ -

۱۷۶، ۱۱۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۳۱۱،

۷۲۳، ۳۲۵، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۷،

۷۴۵، ۷۴۳

سعد الدين خليفه ۱۸۱، ۹۵

سعد الدين رعايسى خوافى هروى ۴۱۹،

۸۱۹

سعد الدين ساوجى ۱۸۱، ۴

سعد الدين سعيد بن محمد بن احمد فرغانى

۷۶۳، ۱۵۳

سعد الدين سعيد هروى ۱۷۵

سعد الدين فرج ۳۲۹

سعد الدين كاشمى ۲۴۶، ۲۴۷، ۳۲۹،

۷۸۴، ۳۸۴

سعد الدين كافى بخاراىى ۸۸

سعد الدين محمد استرآبادى ۲۶۹

سعد الدين محمد بن مسعود بن محمد

كازرونى ۲۳۶

سعد الدين محمد بن معين الدين مؤيد بن

معين الدين ابو بكر عبد الله بن نجم

ابو الحسن على بن جمال السنه معين -

الدين محمد بن حمويه جوينى حموى

۱۱۵، ۱۱۱ - ۱۷۶، ۱۱۶، ۱۸۱،

۱۸۳، ۳۱۱، ۳۲۵، ۷۲۳ - ۷۲۴،

۷۳۷، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۴۵

سعد الدين محمد بن مؤيد بن حسن بن محمد

ابن حمويه حموى جوينى ر. سعد الدين

محمد بن معين الدين

سعد الدين محمود بن عبد الكريم شبرى

(يا نجم الدين) ۱۶۹، ۲۰۱ - ۲۰۲،

۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲،

۷۵۲، ۷۵۵ - ۷۷۳، ۷۷۳

سعد الدين مسعود دولتيار بخاراىى ۹۴

سعد الدين مسعود نوکى غزنوى ۷۹

سعد الدين معلم ۴۹۸

سعد الدين نزارى قهستانى ۱۷۰

سعد الدين نصير ۲۲۵

سعد الدين نطنزى ۱۸۱، ۷۴۵

سعد الدين وراق ۱۸۱

سعد الدين وراوينى ۱۴۰

سعد الله ۳۴۴

سعد الله (قاضى) ۷۰۱

سعد الله ترك دملوى بخارى ۶۷۸

سعد الملك فخر الدين مسعود بن اسعد بن

محمود ۹۸

سعد المي ۲۲۶

سعد بن ابو بكر بن سعد بن رنگى (تأبيك)

۱۲۹، ۱۳۹ - ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۶۰،

۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۷۹،

سعد بن رنگى (تأبيك ابو شعاع) ۱۰۱،

۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۳

سعد بها ۷۷۲، ۲۲۲

سعد رضى ۴

۷۵۰، ۷۴۳  
 سعید بن هبة الله راوندی (قطب الدین)  
 ۷۲۹  
 سعید بیک خوارزمی (نور) ۲۴۴  
 سعیدخان (سلطان) ۸-۷، ۳۸۰، ۵۶۸،  
 ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۵ - ۵۸۶،  
 ۵۹۰  
 سعیدخان چغتایی ۶۸۱  
 سعیدخان کوهکن شیبانی (سلطان) ۳۸۰،  
 ۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۵ -  
 ۵۸۶، ۵۹۰  
 سعیدخرازی (قاضی) ۶۳۸  
 سعیدطایی (زین الدین) ۸۸  
 سعیدشروانی ۱۷۸  
 سعید عباد بیعتی (شیخ) ۵۶  
 سعیدکاپلی ۳۴۴  
 سعید کامل خلخالی (ملک) ۶۴۶  
 سعیدگیلانی ۱۷۸  
 سعیدگیلانی (خواجه) ۵۰۶  
 سعیدنجاراوشی ۴  
 سعیدنیشابوری (سعد) ۱۸۱  
 سعیدهروی (سعد الدین) ۱۷۵  
 سعیدهروی (میر) ۳۴۴-۳۴۵  
 سعیدی (ابوالفتح) ۷۵۳  
 سعیدی بدخشی ۶۷۸  
 سعیدی ۱۰۰  
 سقا (دریش بهرام) ۴۲۶، ۵۷۱، ۸۲۱ -  
 ۸۲۲  
 سقایی کاشانی ۵۲۱  
 سکاکی ۱۹۱  
 سکاکی (قنانی شیرازی) ۳۳۷  
 سکاکی سمرقندی ۲۴۵  
 سکندر (سلطان) ۴۰۳  
 سکندر بن قطب الدین (سلطان) ۱۹۵،  
 ۲۵۸، ۷۷۳  
 سکندر سوری ۴۷۵، ۵۵۴  
 سکندر سوری لودی ۶۶۸  
 سکندر شاه بن قطب الدین بن علاء الدین  
 (سلطان) ۱۹۵، ۲۵۸، ۷۷۳

سعد رعد گنجه ۱۷۸  
 سعد سعید نیشابوری ۱۸۱  
 قندی ۱۷۸  
 سعد شرف (سعد بن شرف الدین) ۲۲۶  
 سعد شیرازی معروف یسعد کل ۴۶۷  
 سعد صفار ۱۷۸  
 سعد عباد ۷۷۵  
 سعد کل (حافظ) ۲۲۶، ۳۴۴  
 سعد کل (سعد شیرازی) ۴۶۷  
 سعد گنجه ۱۷۸  
 سعد وراقی ۲۲۶  
 سعدی (محمد صادق شهابی) ۷۲۸  
 سعدی اردبیلی ۳۴۴  
 سعدی شهرسبزی (قاضی) ۶۱۲  
 سعدی شیرازی (مصلح الدین ابو محمد  
 هبة الله بن مشرف بن مصلح بن مشرف)  
 ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱ -  
 ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶،  
 ۱۸۳، ۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۳۹۰،  
 ۳۹۳، ۴۱۵، ۴۴۵، ۴۶۵، ۵۱۲،  
 ۶۲۶، ۶۹۲، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸،  
 ۸۱۱  
 سعد شیرازی جهرمی (قطب الدین هبة الله  
 ابن محیی بن محمود انصاری خزرچی)  
 ۲۶۱، ۲۹۶  
 سعدی مشهدی ۳۴۴  
 سعدی هندوستان (خسرو دهلوی) ۱۷۰  
 سعید ۳۸۶  
 (مالا) ۸۱۵  
 سعید الدین متطبب سمرقندی ۴  
 سعید ایسکی باغی (قاضی) ۵۸۴  
 سعید بابی ۴  
 سعید بن محمد بن احمد فرغانی (سعد الدین)  
 ۱۵۳، ۷۶۳  
 سعید بن مطهر بن سعید بن علی باخرزی  
 (سید الدین) ۷۰۳، ۱۱۵، ۱۷۴،  
 ۷۲۳، ۷۴۳، ۷۵۰  
 سعید بن مظفر فامندی باخرزی (سید الدین  
 ابوالعمالی) ۷۰۳، ۱۱۵، ۱۷۴، ۷۲۳

سلطان (محمد حاشم) ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۹۷  
سلطان (ملك سلطان محمد قمي) ۵۲۸،  
۶۱۳

سلطان (نواب محمد ولی) ۴۳۵  
سلطان ابراهیم امینی هروی (امیر) ۴۶۳،  
۶۶۶

سلطان ابراهیم میرزا جاهی صفوی (ابو-  
الفتح) ۳۷۸، ۳۷۱، ۴۷۰، ۴۹۱،  
۵۱۲، ۵۲۷، ۶۵۵، ۸۲۹

سلطان احمد (خواجگی) ۳۵۷، ۳۰۰  
سلطان احمد تمبل ۶۸۰

سلطان المشایخ ر. نظام الدین اولیا  
سلطان بخت دختر دمشق خواجه ۲۱۶

سلطان تها نیری (حاجی) ۸۱۵  
سلطان جلال الدین قرغانی (امیر) ۵۵۹

سلطان حسن میرزا صفوی ۴۹۲-۴۹۳  
سلطان حسین بایقرا ۵۱۵ ر. حسین بایقرا

سلطان حسین میرزا صفوی ۳۵۴، ۴۶۱،  
۴۹۱، ۵۰۷، ۵۳۲

سلطان حمزه میرزا (ابوالعظفر) ۴۴۴،  
۴۷۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۲۹

۶۴۹، ۶۸۶، ۷۰۱  
سلطان حیدر بیک ازبک ۴۵۳-۴۵۴

سلطان حیدر میرزا صفوی ۴۷۲، ۴۹۴-  
۴۹۵، ۵۰۲، ۶۸۶، ۶۹۰

سلطان حیدریان ۴۹۵  
سلطان خلیل ۲۵۱، ۳۴۵

سلطان روملو (امیر) ۳۵۵  
سلطان سپلکی ۵۴۵-۵۴۶

سلطان سعید خان کوهکن شیبانی ۳۸۰،  
۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۸۵

۵۸۶، ۵۹۰  
سلطان سلیم (شاهزاده) ۵۴۲، ۶۵۵، ۶۶۸

سلطان سلیمان محبی ۴۸۱  
سلطان سلیمان میرزا صفوی ۴۹۴، ۸۱۴

سلطان سنجان ۷۲۵  
سلطان پیشانی (علیقلی خان خان زمان

ازبک) ۴۱۴، ۴۵۲-۴۵۴، ۴۵۴، ۵۴۵-  
۵۴۶، ۵۵۱، ۵۴۹، ۵۴۷

سکندر شاه لودی (سلطان) ۴۰۴-۴۰۵،  
۶۶۸، ۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۲-۸۱۳،  
۸۳۸

سکندر شاه گجراتی ۸۳۹  
سک لونند مشهدی ۵۸۸

سلاجقه روم ۲۵۳  
سلاجقه کرمان ۱۱۸

سلاطین قور (ملوک الجبال) ۷۲۳، ۷۵۰  
سلام الله بن علی مکری ۲۳۶

سلام الله کاشی ۳۴۵  
سلامت گرای ۴۹۰

سلام چشتی (شیخ) ۵۴۷  
سلامی اردبیلی ۵۳۰

سلامی اصفهانی ۵۱۳-۵۱۴، ۵۲۳، ۶۴۸،  
۸۳۲

سلامی خراسانی ۳۴۵  
سلامی شیرازی (شاه بوتراپ) ۳۶۶

سلامی هروی ۳۴۵  
سلجوق (آل) ۷۶۰

سلجوق خاتون ۷۹۶  
سلجوق شاه بن سلجوق ۱۷۹

سلجوقیان ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۴۹-۴۴، ۵۴،  
۶۶، ۷۵، ۷۷، ۸۰-۸۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷

۱۴۵، ۱۵۶، ۱۸۷  
سلجوقیان روم ۸۰، ۱۱۸-۱۱۹، ۱۲۸،

۱۲۴، ۱۴۱، ۱۵۰-۱۵۲، ۱۶۱  
۱۹۳، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۵۰-۷۵۱

سلجوقیان کرمان ۸۲، ۵۳  
سلسله اسماعیلی ۳۵۲

سلسله بهمنی دکن ۱۹۰  
سلسله خواجگان ۵۸۸

سلسله سوریها ۳۶۹  
سلسله شیبانیان ۴۸

سلسله لودیها ۳۶۹  
سلسله نعمت اللهی ۱۸۷

سلطان (علیقلی خان ازبک خسان زمان  
سیستانی) ۴۱۴، ۴۵۲-۴۵۴، ۴۵۴، ۵۴۵-  
۵۴۶، ۵۵۱، ۵۴۹، ۵۴۷

سلطان محمد هروی ۳۴۵  
 سلطان محمود بهکچی ۳۴۵  
 سلطان محمود خان ۵۰۱  
 سلطان محمود خان بن مظفر ۴۸۹  
 سلطان محمود طبیب ۶۲۳  
 سلطان محمود میرزا ۳۴۵  
 سلطانم دختر موسی سلطان موصاوی  
 ترکمان ۴۹۴  
 سلطان مراد (شاهزاده) ۵۵۲  
 سلطان مراد سوم ۳۸۲، ۴۹۰ - ۴۹۱، ۴۹۸  
 سلطان مصطفی میرزا صفوی ۴۹۳ - ۴۹۴  
 سلطان ولد ۱۶۰، ۱۹۹، ۷۳۶، ۷۶۰  
 سلطان ولی (امیر) ۳۴۵  
 سلطانن ۲۳۶  
 سلطانن (کافن) ۵۱۱  
 سلفرشاه بن نورانشاه (نصرة الدین) ۲۷۰  
 سلفرشاه بن سعدزنگی ۱۷۹  
 سلماسی (ابراهیم) ۳۴۲  
 سلمان ۲۵  
 سلمان بن احمد شریف قالی (ابوذر) ۳۷۳  
 سلمان بن علاء الدین محمد ساوجی (جمال الدین) ۴، ۲۰۲، ۲۰۶، ۳۳۵، ۳۴۱  
 ۴۱۰، ۵۱۷، ۶۳۹  
 سلمان ثانی (عارفی هروی) ۳۰۲  
 سلمان جابری اصفهانی (میرزا) ۴۴۴، ۴۶۱ - ۴۶۳، ۵۰۱، ۵۴۵  
 سلمان ساوجی ۴، ۲۰۲، ۲۰۶، ۳۳۵، ۳۴۱، ۵۱۷، ۶۳۹  
 سلمان ولسی ۹۸  
 سلمانی (تاج) ۷۵۹، ۳۳۶  
 سلمانی (فصیح) ۴۴۴  
 سلیم (جیهانگیر) ۳۶۳، ۳۶۵، ۴۱۶ - ۴۱۷، ۸۳۰  
 سلیم (سلطان) ۴۱۶  
 سلیم (شاهزاده سلطان) ۵۴۲، ۵۵۵، ۶۶۸  
 سلیم آل عثمان (سلطان) ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۰ - ۳۹۱، ۴۷۶ - ۴۷۷، ۴۸۳  
 ۵۱۸، ۶۲۸، ۷۰۴

۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۶۴۹  
 سلطان شاه بن ایل ارسلان ۹۱، ۹۳، ۷۲۶، ۷۳۱  
 سلطان شاه محمود ایل ارسلان خوارزمشاه  
 ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱  
 سلطان نعلی او بی ۳۴۵، ۶۲۱ - ۶۲۲  
 سلطان نعلی بن صدرالدین موسی (خواجه) ۷۹۳  
 سلطان نعلی بن محمد مشهدی ۶۵۲  
 سلطان نعلی تیموری ۶۷۹  
 سلطان نعلی قاینی ۳۴۵  
 سلطان نعلی گنابادی (ملا) ۷۱۵  
 سلطان نعلی مشهدی (مولانا) ۲۲۷، ۴۶۴، ۵۲۵، ۶۲۱ - ۶۲۲، ۸۳۷  
 سلطان نعلی هروی ۳۴۵  
 سلطان فقرای قزوینی ۴۶۱  
 سلطانم ۴۷۳، ۴۹۲ - ۴۹۴  
 سلطان محمد ۲۸۴  
 سلطان محمد (ملك) ۴۹۵  
 سلطان محمد (میرزا) ۲۴۸، ۲۹۴  
 سلطان محمد بدخشانی بدخشی ۳۰۶، ۵  
 سلطان محمد بن درویش محمد بلخی ۳۹۸، ۸۰۸  
 سلطان محمد خدا بنده ۴۹۲ ر. محمد خدا بنده  
 سلطان محمد خندان ۳۴۵  
 سلطان محمد درستم داری (ملك) ۴۹۵  
 سلطان محمد درشتی (امیر) ۸۴۱  
 سلطان محمد ساقی استرآبادی (ملا) ۴۶۴  
 سلطان محمد سلطان میلکی ۵۴۵ - ۵۴۶  
 سلطان محمد سوم آل عثمان ۴۹۰  
 سلطان محمد صدقی استرآبادی (مولانا) ۴۴۴، ۶۵۳  
 سلطان محمد عزمی تبریزی ۷۰۱  
 سلطان محمد فخری هروی ۲۵۱، ۲۷۷، ۳۷۶، ۴۳۸، ۸۲۵  
 سلطان محمد قمی متخلص سلطان (ملك) ۵۲۸، ۶۱۳  
 سلطان محمد وصالی تبریزی ۷۰۷

سلیمان اول (سلطان) ۸۱۱-۸۱۲  
 سلیمان اول آل عثمان ۲۵۲-۲۵۴، ۲۷۷، ۲۷۸  
 ۲۳۸-۳۴۰، ۳۵۱، ۳۶۰-۳۷۶، ۴۷۷، ۴۹۶  
 سلیمان بن سلیمان آل عثمان ۳۵۶، ۴۸۰-۴۸۱  
 سلیمان چشتی (شیخ) ۴۲۶، ۵۵۸، ۶۴۵، ۸۲۹  
 سلیمان شاه سوری ۸۱۰  
 سلیمان فتح پوری چشتی (شیخ) ۳۷۲  
 سلیمان نیشابوری ۶۹۴  
 سلیمان سلطان ۶۶۸  
 سلیمی (حسن بن علی تونی) ۳۰۱-۳۰۲  
 سلیمی (سلطان سلیم) ۴۷۹  
 سماکی استرآبادی (فخرالدین محمد بن حسین حسینی) ۳۷۴  
 سماوی ۱۷۸  
 سماری (عبدالله انبی) ۸۱۴  
 سماءالدین ۴۰۵  
 سماءالدین کتبو (شیخ) ۸۰۹  
 سماءالله دهلوی (شیخ) ۳۱۲  
 سمایی (بابا) ۳۴۵  
 سمایی (محمد هاشم) ۴۲۷  
 سمایی کحال ۶۵۲  
 سمبولیسم ۱۵۷، ۷۵، ۲۲۹، ۳۵۳  
 سمرقندی ۶۴۴، ۶۸۷  
 سمنگ عیار ۱۳۳  
 سموی تمریزی ۶۹۸  
 سناءالدین ارقم فارسی (امیر) ۱۰۴  
 سنایی دامغانی (تاج الدین حسن استرآبادی صدر الحفاظ) ۳۲۵  
 سنایی رواسی ۱۸۱  
 سنایی غزنوی (محمدالدین ابوالمعد) مجدود بن آدم ۴۴۱، ۷۴، ۷۶-۷۷، ۱۶۰، ۴۴۵، ۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵-۷۴۶  
 سنباد ۱۶۰  
 سنت ۵۶، ۷۴، ۱۲۲، ۱۲۵، ۳۳۳، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۸۱، ۴۷۳

سلیمان (میرزا) ۴۷۵، ۶۸۳  
 سلیمان آل عثمان ۲۶۸، ۳۸۸، ۳۹۸، ۴۳۶-۴۳۷، ۴۵۲، ۴۷۲، ۴۷۸-۴۸۱، ۶۷۱، ۷۰۴، ۷۰۸، ۷۹۰  
 ۸۱۱، ۸۱۴، ۸۳۰  
 سلیمان اینانچ بیگ ۷۲۶  
 سلیمان بلگرامی (شیخ) ۶۳۵  
 سلیمان بن بایزید ۴۷۹  
 سلیمان بن علی تلمسانی (عفی الدین) ۷۱۸  
 سلیمان بن قلش ۸۰  
 سلیمان بن محمد بن ملک شاه ۸۰  
 سلیمان بن محمد سلجوقی ۸۶  
 سلیمان بن مظفر حسینی منشی ۲۴۱  
 سلیمان پادشاه تیموری (میرزا) ۶۰۸، ۶۶۶  
 سلیمان پاشا ۸۱۰  
 سلیمان ترکمان ۲۴۵  
 سلیمان جابری (میرزا) ۴۴۴، ۴۴۵  
 سلیمان حایب نطنزی اصفهانی (میرزا) ۴۶۰  
 سلیمان خواجه ۶۲۹  
 سلیمان دوم عثمانی (سلطان) ۳۵۱، ۴۷۸-۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۴، ۸۴۰  
 سلیمان شاه ایده ۱۷۸  
 سلیمان شاه بن پرچم ابوی (شهاب الدین) ۱۵۸، ۱۸۰  
 سلیمان شاه بن تیمور ملک ۱۸۱  
 سلیمان شاه بن قلج ارسلان ۱۴۵  
 سلیمان شاه بن محمد ۱۰۱  
 سلیمان شاه میرزا بن یادگار ۲۳۲  
 سلیمان صفوی (شاه) ۳۵۳  
 سلیمان طبیب ساوجی ۵۲۰، ۷۸۴  
 سلیمان عثمانی (سلطان) ۲۷۷، ۴۷۲  
 سلیمان محبی (سلطان) ۴۸۱  
 سلیمان میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۴، ۸۱۴  
 سلیمانی (امرای) ۶۳۲  
 سلیمانی هروی ۲۴۵

سهروردی (طریقه) ۵۴۰، ۶۲۰، ۷۴۶، ۷۵۸	۶۹۳، ۴۹۷، ۵۸۶، ۶۷۵، ۶۸۱، ۸۴۱، ۸۲۳
سهروردی (شهاب الدین) ر. شهاب الدین	سنجانی (قاضی) ۶۸۸
سهروردی (ضیاء الدین ابوالنجیب) ۱۴۱، ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۷۶	سنجر بن ملکشاہ ۲۰، ۶۳، ۷۷، ۸۰ - ۸۷، ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۶-۱۲۷، ۱۳۰-۱۳۱، ۱۳۹، ۷۷۱، ۷۲۸، ۷۲۵، ۷۲۰
سهروردیه ۱۴۱	سنجر کاشانی (میر) ۶۷۲، ۴۲۰
سهمی بخاری (ملا) ۸۲۱، ۴۲۶	سنجر میرزا بن نعمت الله ۶۴۴
سهوی تبریزی (کمال الدین) ۸۳۷، ۷۰۳، ۶۵۹	سنجری خراسانی ۸۸
سهوی تبریزی (میر حسن) ۷۰۳، ۶۵۹، ۸۳۷	سنسکریت ۱۸۵، ۳۶۰، ۳۶۳ - ۳۶۵، ۸۱۳، ۴۱۸، ۳۶۹
سهیل بلخی (ابوالمک) ۷۲	سنقر بن مودود (اتابیک) ۱۰۱، ۷۲
سهیل خان ۶۰۳	سنگی (مولانا) ۶۱۸
سهیلی ۲۲۶، ۲۵	سی ۲۵۱، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۵۲، ۳۶۲، ۴۰۹، ۴۳۳، ۴۷۷، ۴۹۸، ۵۵۹
سهیلی حقتایی (نظام الدین احمد) ۲۴۷، ۳۰۷	سی ۶۱۶، ۶۳۱، ۶۸۲، ۷۰۳ - ۷۰۴، ۷۰۶
سیافی ۵۴۶	سنيان ۳۲۹، ۵۶۲
سیاقی (نظام الدین علی) ۳۵۸، ۷۱۰	سنی حنفی ۴۷۷
سیاقی دهلوی ۵۴۶، ۸۲۴	سوادى هروی ۳۴۵
سیاقی هروی (میرزا محمود) ۵۹۸ - ۵۹۹	سواشیواریه ۴۸۹
سیاوشانی شهابی (محمود بن اسحق) ۴۶۴، ۴۷۶	سواپی ساوجی ۵۲۹
سیخه ۴۸۴	سوداوی (میر) ۶۲۸
سیدا ۸	سودایی ۳۳۰
سیدان ۵۷۶، ۶۳۹	سودایی ابیوردی (بابا) ۳۰۰
سیدانای (شیرخواجه) ۵۹۶	سودایی احمد آبادی ۴۶۷
سیداجل ۱۷۸	سودی بسوی ۲۰۶، ۸۱۸، ۸۴۰
سید اخسیکتی ۴	سور آبادی (ابوبکر عتیق بن محمد) ۱۱۷
سیدالرؤسا (عمین الملك ابوالمحاسن) ۵۴	سوزنی سمرقندی (شمس الدین ابوبکر بن علی بن سلیمان) ۹۸
سیدالشعرا لبیبی خراسانی ۷۶، ۳۶	سوزی اصفهانی ۵۲۲
سید بخاری ۱۷۸	سوزی ساوجی (حسنعلی) ۵۲۸-۵۲۹
سید بن طاوس ۶۹۱	سوسنی هروی ۳۴۵
سید بیکم (شاه ملک) ۳۴۹	سولاغ ۴۹۶
سید چاربردی (میر سید) ۶۴۲	سونجاق ۷۳۰
سید جنابدی (امیر) ۵۰۸	سهای (عبد الوهاب) ۳۴۵
	سهراب عالمی دارایگردی (میرزا) ۴۷۰، ۸۲۹

فالدین احمد بن تاج الدین حسن استرا-  
 بادی ۲۴۵  
 فالدین احمد تفتازانی ۸۰۹۰۸۰۶  
 سیف الدین اسفرنگی ۷۴، ۹۳، ۲۲۵،  
 ۷۱۹  
 فالدین اعرج ۷۴، ۹۳، ۲۲۵، ۷۱۹  
 سیف الدین اعرج اسفرنگی معروف بسیف  
 اسفرنگ ۷۴، ۹۳، ۲۲۵، ۷۱۹  
 فالدین باخرزی ۷۰۳، ۱۱۵، ۱۷۴،  
 ۷۲۳، ۷۴۳، ۷۵۰  
 الدین بن دایملا شاه عباس اخیسکتندی  
 ۸۱۶  
 الدین بن شمس الدین محمد بن عمر بن  
 عبدالعزیز مازہ ۹۸  
 سیف الدین بن علاء الدین حسین جہان سوز  
 ۸۹، ۱۲۲  
 سیف الدین بن محمد بن یعقوب سیفی هروی  
 ۱۹۷  
 سیف الدین تبریزی ۶۹۸  
 سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی ۶۵،  
 ۲۵۶  
 سیف الدین حسینی قزوینی (قاضی) ۴۳۹  
 سیف الدین دبیر ۹۵  
 سیف الدین دهلوی (شیخ) ۶۷۸  
 سیف الدین سعید بن مطهر بن سعید بن علی  
 باخرزی ۱۱۵، ۱۷۴، ۷۲۳، ۷۴۳،  
 ۷۵۰  
 الدین سمرقندی ۱۸۱  
 سیف الدین صوفی ۱۷۴  
 الدین فرامرزی بن قهرالدوله رستم بن  
 حسام الدوله شهریار بن قارن (قطب-  
 الملوك عماد الدوله) ۸۲-۸۳  
 سیف الدین محمود اسمعانی رجایی ۵۰۰،  
 ۸۳۰  
 سیف الدین محمود بن سنجر نخجوانی ۱۸۴  
 سیف الدین محمود شمس (امیر) ۱۷۰  
 سیف الدین مظفر بتکچی ۴۴۶  
 فالدین هارون تفلیسی ۱۷۸  
 فالدین هروی ۱۸۱

سیدزاده منشی ۳۴۵  
 سیدسردان (برهان الدین محقق ترمذی)  
 ۷۲۶  
 سیدشاه کسبی ۶۱۷  
 سیدشاهی متخلص بسیدی ۵۴۷  
 سید شریف طاهر عزالدین ابوالمکارم  
 حمزه بن زهره حلبی ۷۳۴  
 سید شیرازی ۱۷۸  
 سید غزنوی ۱۷۸  
 سید قزوینی ۱۷۸  
 سید کابل (میر) ۳۴۵  
 سید میرزا (شرف الدین شاه عبدالله) ۲۴۶،  
 ۷۸۱  
 سیدهای دهلی ۲۲۶  
 سیدی (سیدشاهی) ۵۴۷  
 سیدی (ملا) ۷۵۲  
 سیرایی اکبر آبادی ۶۵۲  
 سیری (خواجه ابوالقاسم) ۸۲۴  
 سیری استرا بادی ۵۳۳  
 سیری سجاوندی غزنوی ۵۴۶  
 سیری طهرانی ۶۵۲، ۸۳۷  
 سیری هروی ۳۴۵  
 ثانی (ابراهیم) ۳۴۲  
 اسفرنگ ۷۴، ۹۳، ۲۲۵، ۷۱۸  
 الحکما ۵۴۱  
 یف الدوله ابوالقاسم محمود بن ابراهیم  
 غزنوی ۴۳  
 الدین (شاه) ۲۲۵  
 الدین ابوالمحامد محمد قرغانی  
 ۷۴۷  
 فالدین ابوالمعالی سعید بن مطهر بن  
 سعد بن علی فاندی باخرزی (شیخ-  
 العالم) ۷۰۳، ۱۱۵، ۱۷۴، ۷۲۳،  
 ۷۴۳، ۷۵۰  
 فالدین ابوالمعالی سعید بن مظفر  
 فامذی باخرزی ۷۰۳، ۱۱۵، ۱۷۴،  
 ۷۲۳، ۷۴۳، ۷۵۰  
 سیف الدین ابوالمفاخر سعید بن مظفر  
 فامذی باخرزی ۱۷۴

شادی آبادی (محمد بن داود بن محمد بن محمود) ۳۹۶  
 شادی بخارایی ۶۰۹  
 شار ابونصر محمد بن اسد ۷۱۵  
 شادستانی (خاندان) ۲۳۷  
 شارل پنجم ۴۸۳  
 شارل کن ۴۸۳-۴۸۴  
 شافعی ۶۶۰، ۶۶۱، ۷۳، ۶۹ - ۱۲۶، ۷۴، ۷۰۶، ۷۰۸، ۳۸۹، ۳۵۰، ۱۵۸  
 ۸۱۸، ۷۲۷  
 شافعیان ۱۰۱-۱۰۲، ۳۹۵، ۶۸۴، ۷۴۱  
 شافعی ایران ۱۵۳  
 شافعی نیشابوری ۱۴۹  
 شاکر بخاری ۲۵  
 شاملو ۴۵۹، ۴۸۲، ۵۱۵  
 شانه (شیخ) ۶۳۵  
 شانی تکلو (وجیه الدین نسف آقا) ۴۱۳، ۵۰۵-۵۰۶  
 شانی کاشانی ۳۴۵  
 شاه (شیخ) ۴۸۱، ۶۰۹  
 شاه ابوالمظفر (بارک) ۲۵۸  
 شاه ابوتراب عریضی حسینی سلامی  
 شیرازی ۳۶۶  
 شاه بورجا غزنوی (شهاب الدین علی) ۷۸  
 شاه اسفرتگی ۷۷۲  
 شاه بخت ۶۷۸  
 شاه بدای خان ۶۷۸  
 شاه بدخشان (علی) ۳۴۷  
 شاد بردی بیات ۳۶۲  
 شاه بیک خان ۵۶۵، ۵۸۷، ۵۹۱  
 شاه بیک لنگ حصار (میرزا) ۵۸۳  
 شاه بیک فزایی (آقا) ۶۵۶  
 شاه جمشید خان اسحاقی ۴۸۹، ۵۲۰  
 شاه جویماری (میر) ۶۳۵  
 شاه جهان ۳۵۷، ۳۹۸، ۶۵۰، ۸۳۸  
 شاه جهان (جهانگیر هاشمی) ۳۴۸، ۴۰۹-  
 ۴۱۰  
 شاه جهان شهاب الدین محمد ۲۵۷، ۳۹۸، ۴۲۵، ۵۳۷، ۶۵۰، ۸۳۸

سیف الدین هندو ۱۸۱  
 سیف الله قاتل هلالی جغتایی ۷  
 سیف الملوك دماوندی شجاعی ۵۴۱  
 سیف الملوك طهرانی (خواجه) ۵۰۰  
 سیف خان صوبه دار گجرات ۵۳۷  
 سیفعلی ۳۶۱  
 سیفعلی بیک ۳۶۱  
 فرغانی ۷۳۷  
 بایزدوی ۱۵۲  
 سیفی ۱۷۸  
 سیفی (یادگار بیک) ۳۰۶  
 سیفی حسینی قزوینی (میر عبداللطیف) ۴۰۶  
 (میر عبدالعظیم) ۴۹۲  
 سیفی حسینی رازی (قاضی مسعود) ۸۲۲  
 سیفی حسینی قزوینی (سادات) ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۹۷، ۸۲۳، ۸۲۵  
 سیفی خراسانی ۳۴۵  
 سیفی سنائی (مولانا) ۶۳۷  
 سیفی عروضی بخاری ۴۹۳، ۶۲۰  
 سیفی قزوینی (خاندان) ۴۹۷، ۸۲۳، ۸۲۵  
 سیفی نیشابوری (بدیع الزمان علی بن احمد) ۹۵  
 سیفی هروی (سیف الدین بن محمد بن یعقوب) ۱۹۷  
 سسبه محوری (ابوعلی) ۲۲، ۳۵  
 مسعودی (ابوالفرح سگری) ۳۵  
 سی نیشابوری ۲۹۸-۲۹۹، ۷۸۷  
 سیواسی (امیر اسم بن حسین قنوری) ۲۶۳  
 سیعور فتمش ۱۷۴  
 سیونج محمد سلطان ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۳۲  
 ش  
 شاپور (شاه محمود خان) ۴۱۱  
 شاپور اول ۱۳۰۹  
 شاپور ذوالاکتاف ۹  
 شاپور فریمی طهرانی پسر خواجگی (خواجه) ۵۱۳



شاهزاده حیدر العظیم ۱۲۷، ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۶۲، ۴۷۳  
 شاهزاده (زین العباد عابد بیرمی لاری)  
 ۷۰۸، ۱۸۰  
 شاهزین العباد عابد بیرمی لاری (زین العابدین)  
 ۷۰۸، ۱۸۰  
 شاهسار ۲۱۵، ۲۵  
 شاه سلیمان صفوی ۳۵۳  
 شاهسنان خواگی ۳۱۷، ۶۸۸، ۷۲۴-  
 ۷۲۵  
 شاه سیف الدین ۲۲۵  
 شاه شاد ۷۱۵  
 شاه شبلی ۳۴۵  
 شاه شجاع آل مظفر ۲۰۱-۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸-  
 ۷۵۶، ۷۵۵، ۷۵۲، ۲۱۵، ۲۰۸  
 ۷۷۳  
 شاه شجاع کرمانی ۵۹۹  
 شاه شرف الدین ابوعلی سالار فخر الدین  
 بانی پتی ۱۹۷، ۷۲۷ ر. شرف الدین  
 ابوعلی  
 شاه صدر دیلمی ۶۷۸  
 شاه ضیاء الدین کرمانی (ملا) ۶۸۵  
 شاه طاهر بن شاه رضى الدین اسمعیلی حسینی  
 دکتی ۳۶۷، ۳۶۸-۳۸۵، ۴۸۹، ۵۶۶-۸۰۳-۸۰۵  
 شاه طاهر دکتی ۳۶۷-۳۶۸، ۳۸۵، ۴۸۹-  
 ۵۶۶-۸۰۳-۸۰۵  
 شاه عادل لاری ۶۱۶، ۸۳۶  
 شاه عالم بخاری (مخدوم) ۵۴۱  
 شاه علی قلندر هندی ۷۰۹  
 شاه علی ابورحان غزنوی (شهاب الدین)  
 ۷۸  
 شاه علی بن سلیمان کمال ۳۴۵  
 شاه علی بن عبدالعلی ۲۹۱  
 شاه علی بن عبدالله ۸۱۶  
 شاه عنایت الله ۳۴۶  
 شاه عنایت الله دیلمی ۶۷۸  
 شاه غازی بن کیخسرو استندار ملک عازندران  
 (ابوالمعالی فخرالدوله) ۱۸۷

شاه جهانگیر هاشمی ۲۴۸، ۴۰۹، ۴۱۰-  
 شاه حبیب شیرازی ۵۶۶  
 شاه حسین اردوبادی ۶۹۸  
 شاه حسین اصفهانی (میرزا) ۳۳۳، ۳۶۷،  
 ۴۴۶، ۴۶۷، ۵۰۱، ۵۹۵  
 شاه حسین بیک بن میرزا شاه بیک اصفهانی  
 (میرزا) ۳۳۳، ۳۶۷، ۴۴۶، ۴۶۷،  
 ۸۲۹، ۵۱۰  
 شاه حسین شافعی اصفهانی (میرزا) ۶۷۷  
 شاه حسین کامی اویسی (کمال الدین) ۳۳۱،  
 ۳۳۳  
 شاه حسین کامی هروی ۳۳۷، ۵۶۳  
 شاه حسین ولی ۳۴۸  
 شاه خلیل الله (برهان الدین) ۱۸۸  
 شاه خلیل الله (نور الدین) ۷۹۸  
 شاه داعی الی الله شیرازی ۱۶۹، ۲۳۵،  
 ۳۱۱، ۷۴۲، ۷۸۷ ر. داعی شیرازی  
 شاه داعی دهلوی ۶۷۶  
 شاه داعی بلگرامی (میر عبدالواحد حسینی  
 واسطی) ۶۴۴  
 شاه داعی مولوی ۴۶۸، ۸۲۹  
 شاه رخ (میرزا) ۵۹۵، ۶۰۱، ۷۱۷، ۷۷۱-  
 ۷۷۴، ۷۷۲  
 شاه رخ بن ابراهیم میرزا (میرزا) ۵۸۵،  
 ۶۰۱، ۵۹۵  
 شاه رخ بن تیمور ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۳۸-  
 ۲۴۸-۲۵۰، ۲۵۳، ۲۶۱-۲۶۳،  
 ۲۷۴-۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۰۷-۳۱۶،  
 ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۸-۳۲۹،  
 ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۷۱-۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵،  
 ۳۷۷، ۷۸۱، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۰-۷۹۱  
 ۷۹۴، ۷۹۶-۷۹۹  
 شاه رخ خان مهر دار ۴۶۲  
 شاه رضا شیرازی (حکیم) ۷۰۹  
 شاه رضا فارسی (حکیم) ۶۷۶  
 شاهزاده بزرگ ۵۵۵، ۵۴۸  
 شاهزاده پرویز ۴۱۴، ۵۱۴  
 شاهزاده طیب هاشمی ۶۱۱

شاه محمد (ملا) ۳۴۵  
 شاه محمد حسینی مکاری (میر ابو -  
 الفاخر) ۵۹۹-۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۸  
 شاه محمد خان ۶۵۵  
 شاه محمد خدا بنده ر. محمد خدا بنده  
 شاه محمد خواجه ۶۴۲  
 شاه محمد شاه آبادی (ملا) ۳۶۹  
 شاه محمد طیب (حکیم) ۲۹۹  
 شاه محمد قزوینی (حکیم) ۳۳۷  
 شاه محمد قورچی ۳۴۵  
 شاه محمد هروی ۲۴۵  
 شاه محمود بن امیر مبارزالدین ۱۸۴،  
 ۲۰۸  
 شاه محمود جان ۳۴۵  
 شاه محمود رهی مشهدی ۵۲۶  
 شاه محمود طهرانی ۳۴۵  
 شاه محمود نیشابوری زرین قلم ۶۹۳  
 شاه مراد ۱۶۱، ۸۲۴  
 شاه مرتضی (میر) ۵۰۴  
 شاه قورچی ۵۷۴  
 شاه ملک (سید بیگم) ۳۴۹، ۶۴۵  
 شاه ملک (امیر) ۴۵۵  
 شاه ملک معروف بسید بیگم ۳۴۹  
 شاه منصور ۲۰۵  
 شاه میر (حبه الله حسینی) ۲۶۳  
 شاه میر وزیر ۵۰۵  
 شاه نظام سپهری ۲۳۳  
 شاه نعمه الله ولی ۶۴، ۱۸۷، ۱۹۰ -  
 ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۵۷، ۲۸۳، ۲۹۴  
 ۳۱۱، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۴۱  
 ۴۰۹، ۴۳۵، ۵۲۵ ر. نعمه الله  
 شاه نقشبندی (میرزا) ۶۴۰  
 شاه ولد بیگ ۳۴۵  
 شاه ولی ۶۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۱۷، ۲۲۶،  
 ۲۵۷، ۲۸۳، ۲۹۴، ۳۱۱، ۳۲۱  
 ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۱، ۴۰۹، ۴۳۵  
 ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۳۵، ۶۴۴، ۷۳۲  
 ۷۵۳، ۷۹۸، ۸۱۸، ۸۲۸ ر. نعمه الله  
 شاه ویردی چمدان اوغلی متخلص بنیوری

شاه غریب میرزا تیموری ۲۳۲، ۳۲۱،  
 ۶۴۳-۶۴۴، ۶۹۱، ۷۸۸  
 شاه غیاث ۵۵۶  
 شاه فتح الله ۳۵۷، ۴۳۲  
 شاه فنایی بدخشی ۵۷۷  
 شاهفور (عمادالدین ابوالمظفر بن ظهیر -  
 الدین محمد اسفراینی) ۱۱۷، ۲۷۳،  
 ۷۱۷-۷۲۷  
 شاهفور اسفراینی (ابوالمظفر) ۷۲۶  
 شاهفور اشهری نیشابوری ۱۸۰  
 شاهفور بن طاهر بن محمد مظفر اسفراینی  
 (ابوالمظفر) ۱۱۷، ۲۷۳، ۷۱۷،  
 ۷۲۶-۷۲۷  
 شاهفور بن طاهر بن مظفر اسفراینی (ابو -  
 المظفر) ۱۱۷، ۲۷۳، ۷۱۷، ۷۲۶ -  
 ۷۲۷  
 شاه قاسم نوربخشی (سید) ۲۷۴  
 شاه قاسم انوار ۲۹۱ ر. قاسم انوار  
 شاه قاسم بن منصور ۳۱۲  
 شاه قدرت الله ۸۰۳  
 شاه قطب الدین شکر الله ۳۶۶  
 شاهقلی ایغور ۲۴۵  
 شاهقلی بیگ ۶۷۷  
 شاهقلی خان بن حمزه سلطان استاجلو  
 ۳۹۹  
 شاهقلی خان قارنجه اوغلی استاجلو ۴۹۶  
 شاهقلی خان نارنجی ۴۲۴  
 شاهقلی حلخال ۵۸۱  
 شاهقلی روملو (کور) ۳۸۶  
 شاهقلی سلطان ۵۰۱  
 شاهقلی سلطان بدخشی ۵۵۲  
 شاهقلی میر آخور ۲۸۵  
 شاه قوام الدین نقیب ۴۵۰  
 شاه قیام الدین ۶۱۶  
 شاه کریم سمرقندی ۴  
 شاه کسبی (سید) ۶۱۷  
 شاهک هروی ۳۴۵  
 شاهکی اصفهانی (امیر) ۷۱۱  
 شاه محمد (حکیم) ۲۷۶-۲۷۷

شاه محمدان ۱۹۵ ر علی ثانی

شاهی بیک ۶۷۸

شاهی ثانی ۴۶۰

شاهی سزواری (امیر آقعلک بن جمال-

الدین فیروز کوهی) ۲۳۵، ۳۰۱،

۶۲۲، ۵۲۳، ۵۰۸

شاهی کالی ۶۴۵

شاهی متخلص بسیدی (سید) ۵۴۷

شاه تکاره ۷۶۷

شستر (محمود) ۱۶۹، ۲۰۱، ۲۰۲،

۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲،

۷۵۴، ۷۵۵-۷۷۳، محمود

شستر

شلی (شاه) ۳۴۵

شجاع (درویش علی) ۳۴۵

شجاع (آل مظفر شاه) ۲۰۱-۲۰۲، ۲۰۵،

۲۰۸، ۲۱۵، ۷۵۲، ۷۵۵-۷۵۶،

۷۷۳

شجاع الدین امیر حسین ۴۰۲

شجاع الدین درود باش (نظام الدین احمد-

ابن محمد بن احمد) ۷۵۸

شجاع الدین فضل بن قمری ۵۱۵

شجاع الدین کرمانی ۷۴۲

شجاع الدین محمود اصهبانی (میر) ۵۰۲

شجاع تبریزی ۵۸۱

شجاع شیرازی ۲۶۰

شجاع کاشانی ۵۰۹، ۵۲۳، ۸۳۱،

شجاع کرمانی (شاه) ۵۹۹، ۱

ع کورد ۵۰۹

شجاعی (علی بن محمد شیخ العالم) ۵۶

شجاعی دماوندی (سید الملوك) ۵۴۱

شجاعی نسوی ۴۹

شهادیان ۴۶

شراری استرآبادی ۳۴۵

شراری همدانی (عبدی بیک) ۵۲۲

شرامی ۲۷۹

شرینی (حافظ) ۳۴۵

شرینی هروی ۳۴۵

شرعی جامی (مولانا) ۵۴۳

شرف ۲۲۶

شرف (شرف الدین علی یزدی) ۲۴۹

شرف (شرف الدین یعقوب) ۷۶۷

شرف اهرج ۱۷۸

شرف الدین (اخى) ۷۳۳

شرف الدین (مختار سلطان) ۵۲۳

شرف الدین ابراهیم بن دوزبیهان ثانی

۷۲۱، ۷۳۷

شرف الدین ابوالحسن علی بن اسمعیل

شرف الدین ابوالفضل حبیب بن ابراهیم

متطلب نعلیسی ۱۲۸، ۷۲۷

شرف الدین ابوالفضل فضل الله را

۱۴۴

شرف الدین ابوطاهر یحیی بن طاهر بن

عثمان صوفی ۹۹

شرف الدین ابوعلی بن سالار فخر الدین بن

سالار حسن بن سالار عزیز بن ابوبکر

غازی بن فارس بن عبدالرحمن بن

عبدالرحیم بن محمد دایک بن ابوب-

حسیفه نعمان بن ثابت یانی پتی ۱۹۷،

۷۲۷

الدین احمد بن ایزدیار (هریدالزحان)

۸۹

شرف الدین احمد بن رشید الدین فضل الله

۷۳۱

، فراهی ۹۱

شرف الدین احمد بن یحیی منیری ۲۵۸،

۷۷۶، ۷۲۵

شرف الدین اتوشیروان بن خالد بن محمد

کاشانی ۱۱۸-۱۱۹، ۷۲۷،

شرف الدین بوصیری ۲۴۹، ۲۵۲،

شرف الدین یانی پتی قلندر (ابوعلی)

۱۹۷، ۷۲۷

شرف الدین یزجدهی ۹۴

شرف الدین تمریزی (ملک الشعراء) ۲۲۵

شرف الدین حاج محمد فراهی ۳۲۷

شرف الدین حسن بن محمدرامی تبریزی

شرف‌الدین حسین بن خواجه معین‌الدین  
احراری (میرزا) ۵۶۶  
شرف‌الدین حسین طباطبائی ۶۷۷  
شرف‌الدین خان بن شمس‌الدین بدلیسی  
(امیر) ۳۸۱  
شرف‌الدین ختلی ۴  
شرف‌الدین خضری‌زی‌دی ۷۶۸-۱۸۱  
شرف‌الدین رضا (سید) ۷۹۶  
شرف‌الدین رضا سبزواری (امیرسید)  
۳۰۵  
شرف‌الدین رواد (شیخ) ۷۲۳  
شرف‌الدین شاه‌عبدالله  
۷۸۱، ۶۴۶  
شرف‌الدین شفرو ۱۰۲، ۷۳  
شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی (خواجه)  
۶۹۰  
شرف‌الدین عبدالحق سمرقندی (یا شریف-  
الدین) ۳۲۹، ۵  
شرف‌الدین عبدالمؤمن محمد بن فضل‌الله بن  
هبة‌الله بن محمد بن هبة‌الله شفرو  
اصفهان ۱۰۲، ۷۳  
شرف‌الدین علی باقعی ۸۲۹، ۶۵۹، ۴۶۸  
شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی‌زیدی  
۷۹۰، ۷۸۰  
شرف‌الدین علی بن ضیاء‌الدین حسین بن  
شرف‌الدین علی بن شمس‌الدین رضی  
یزدی ۲۴۸-۲۳۹، ۳۱۹، ۴۶۸  
۸۲۵، ۷۹۰، ۷۸۰، ۷۷۵  
شرف‌الدین علی مخدوم ۳۴۶  
شرف‌الدین علی‌زیدی ۲۴۸، ۵-۲۴۹  
۷۹۰، ۷۸۰، ۷۷۵، ۴۶۸، ۳۱۹  
۸۲۵  
شرف‌الدین فضل‌الله حاجی حسینی (ابو-  
الفضل) ۱۸۱، ۱۴۴، ۱۰۲  
شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی ۱۰۲، ۱۴۴،  
۱۸۱  
شرف‌الدین قلندریان پتی (ابوعلی بن سالار  
فخرالدین) ۷۲۷، ۱۹۷

شرف‌الدین محمد بن ابوبکر تسفی (حسام-  
الائمه) ۱۰۰  
شرف‌الدین محمد بن عمر فرقدی خراسانی  
۹۱  
شرف‌الدین محمد بن مسعود بن محمد  
مسودی ۱۵۲  
د مسودی مروزی  
حنفی ۱۵۲، ۱۲۵، ۹۹  
شرف‌الدین محمد نقیب‌النقای ری ۸۴  
شرف‌الدین محمود بن عبدالله فرغانی ۱۹۵  
شرف‌الدین محمود بن عبدالله مرقی ۳  
شرف‌الدین مرتضی ۱۷۸  
شرف‌الدین مقبل کرمانی ۷۴۹، ۲۲۵  
۷۲۲  
شرف‌الدین ملکی ۱۸۱  
شرف‌الدین منیری ۷۷۶، ۷۲۵، ۲۵۸  
شرف‌الدین میرک (علاء‌الملک) ۸۸  
شرف‌الدین هارون بن صاحب‌دیوان جوینی  
۱۸۰، ۱۶۸، ۱۴۷  
شرف‌الدین یعقوب ۷۶۷  
شرف الزمان ابوالمحاسن زین‌الدین  
ابوبکر جعفر بن اسمعیل ازرقی هروی  
۷۴، ۵۳  
شرف الزمان حسن بن حکیم ملای اصفهانی  
متخلص بشقای (حکیم) ۵۱۴-۵۱۵  
۵۱۷  
شرف‌الملک ۶۶  
شرف‌الملک محمد شاه بن حاجی زوزنی  
خوافی (فخرالدین) ۷۳۳  
پرسوی ۱۲۵  
ن مؤید بن ابوالفتح بن غالب بغدادی  
خوارزمی (مجدالدین ابوسعید) ۸۵-  
۷۲۳، ۱۲۰، ۱۱۶-۱۱۵، ۹۳، ۸۶  
شرف بیلغانی ۱۷۸  
شرف تبریزی (میرزا) ۵۸۰  
شرف جریادقانی ۱۷۸  
شرف جهان‌سیفی قزوینی (میرزا) ۴۳۹،  
۸۲۵، ۷۰۲، ۶۷۶، ۶۵۴، ۵۰۹  
۸۳۲  
شرف جهان قزوینی (قاضی) ۴۳۹، ۵۰۹

۸۳۲، ۸۲۵، ۷۰۲، ۶۷۶، ۶۵۴

شرف جهان منیری ۷۷۶

شرف خیایانی ۳۴۵

شرف زردوز تبریزی ۸۳۸، ۶۸۲

شرف ساوی ۱۷۸

شرفشاه (شمس الدین) ۲۲۶

شرفشاه گیلانی (سید) ۲۲۴

شرفشاهی (آهنگ) ۲۲۵

شرفشاه شیرازی (خواجگی) ۴۶۸

شرف شیرازی (میرزا مخدوم) ۴۹۸

شرف صالح ۱۷۸

شرف محمد ۱۷۸

شرف مراغی ۱۷۸

شرف ممایی ۳۲۷

شرقی نیازی (مولانا محمد) ۶۳۶، ۵۰۰

شرمی قزوینی (مولانا) ۴۶۱

شروانشاه ۱۷۸

شروانشاه (ابوبکر بن محمد) ۱۰۷

شروانشاه (خاقان منوچهر) ۱۰۶، ۱۰۳-۱۰۷

شروانشاه (محمد بن اخستان) ۱۰۵

شروانشاهان ۱۰۷، ۷۲۵

شروانشاه علاء الدین فریر ۱۷۶

شروانشاه کیگوس بن کیقباد ۷۶۹

شروانشاه منوچهر بن فریدون (ابوالهیجا)

۱۰۶، ۱۰۳-۱۰۷

شروان گرای (مبارز الدین) ۴۰۷

شریف (حسین بن حسن بن محمد حسینی

حنفی دیاربکری آمدی) ۶

شریف (امیر سید) ۴۶۸، ۳۴۵

شریف (خواجه) ۳۸۲

شریف (قاضی محمد شریف) ۶۵۲

ریف (میر) ۴۲۳

ریف آملی ۴۲۸

شریف الدین بن شمس الدین شوشتری ۶۶۲

شریف الدین عبدالقهار سمرقندی (یا شرف)

الدین) ۳۲۹، ۵

شریف الدین علی بن محمد حسینی حنفی

گرگانی (میر سید) ۴، ۱۹۰، ۱۹۸

۳۴۰، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۶۶، ۲۶۰

۴۶۸، ۳۹۱، ۳۸۰، ۳۷۳، ۳۵۰

۷۵۳، ۶۸۲، ۵۵۲، ۴۹۷، ۴۷۳

۷۹۰

شریف الدین نورالله توره

شوشتری (قاضی) ۶۶۲

شریف امامی اصفهانی هروی ۴۲۰

شریف امامی اصفهانی ۴۵۳

شریف باقی شیرازی (میر سید) ۴۴۸

۴۶۸-۴۶۹، ۴۹۷

شریف تبریزی ۴۲۷، ۴۳۶، ۴۶۴، ۸۲۸

شریف ثانی (امیر سید) ۴۶۸، ۴۹۷

شریف خواجگی شیرازی ۶۴۵

شریف سمردی اصفهانی ۴۲۸، ۵۳۹

۸۲۲

شریف سمردی اصفهانی فیضی ۴۲۸

شریف شریفی سمرقندی (میرزا) ۵۹۱

شریف شیرازی ۳۲۷

شریف صدر اندجانی (محمد) ۶۲۹

شریف عبدالله یعنی (میر عرب) ۶۳۳

شریف علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسین

(مریخی) ۱۳۰

فارسی ۴۲۸

ش. ب. فالی (ابوذر سلمان بن احمد)

۳۷۳

شریف قزوینی ۴۵۹

شریف کاشانی ۵۷۸

شریف گرگانی (میر سید) ۴، ۱۹۰، ۱۹۸

۳۴۰، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۶۶، ۲۶۰

۴۶۸، ۳۹۱، ۳۸۰، ۳۷۳، ۳۵۰

۷۵۳، ۶۸۲، ۵۵۲، ۴۹۷، ۴۷۳

۷۹۰

شریف ممایی (سید) ۳۳۵

شریف مکه (برکت) ۴۷۸

شریف مهدی همدانی ۶۸۲

شریف هروی (نظام الدین) ۷۸۰

شریفی (میرزا مخدوم) ۳۵۰، ۴۴۸

۴۷۳-۴۹۸

شریفی (میر مرتضی) ۴۵۷، ۵۵۲، ۶۸۲

شکر الله شروانی ۳۴۵  
شکراوغلی ۵۰۵، ۵۳۲، ۸۳۱  
شکر گنج (فریدالدین) ۱۱۳، ۱۵۵-  
۱۵۶، ۲۱۸، ۲۲۳، ۷۲۵، ۷۴۸،  
۷۵۹

شکری (شکر الله بن صفی الدین عیسی)  
۸۴۱

شکری (مولانا) ۶۲۸  
شکری هرودی ۳۳۵، ۶۲۸  
شکسته (خط) ۲۲۸

شکیبی اصفهانی (ملا محمد رضا بن خواجه  
عبدالله) ۴۲۳، ۵۳۲، ۸۲۰

شکیبی تبریزی (مقصود دلی) ۵۰۶  
شمال بخاری (خواجه) ۲۲۵

شمالی دهستانی ۸۶  
شمخال سلطان ۸۲۹

شمس اسعد گنجه ۱۷۸  
شمس الاعالی علی بن اسد بن حادث (امیر)

ابوالمعالی) ۶۲  
شمس الائمة حلوائی ۶۵۳

شمس الدوله طغان شاه بن الیاس ارسلان ۴۹-  
۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵۰

شمس الدوله قاضی بیک ایدقمش ۱۲۵  
شمس الدین آذربایجانی ۷۲۹

شمس الدین ایراهیم ۱۹۲  
شمس الدین ابن حسام ۳۳۳

شمس الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن  
عبدالله بن ابراهیم بن عرشاه دمشق

حنفی عجمی (یا شهاب الدین ابو محمد)  
۲۷۹

شمس الدین ابوالفتح محمد بن اسحق ولی الله  
ابن شمس الدین محمد قادری ملتانی

۴۰۵  
شمس الدین ابوالفتح محمد بن محمد بن

محمود حافظی بخاری پارسا (یا جلال-  
الدین) ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-

۲۲۱، ۲۸۰، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
شمس الدین ابوالفضل عبدالوهاب (یا

تاج الدین) ۲۸۰

شریفی باقی شیرازی (امیر سید) ۴۴۸،  
۴۶۸-۴۶۹، ۴۹۷

شریفی بلخی (صاحب) ۳۰۴  
شریفی تبریزی (سید معین الدین محمد)

۶۹۹  
شریفی سمرقندی (میرزا شریف) ۵۹۱

سریهر سیراری ۳۴۵، ۵۴۷، ۵۵۲  
سریهی شهدی ۳۴۵

سست کله (احمد بن منوچهر) ۸۸  
شطاح (ابو محمد روزبهان بن ابو نصر بقلی)

۱۰۹  
شطرنجی سمرقندی (علی) ۹۹

شعوبیه ۱۶  
شعوری بخارایی (ملا) ۶۲۹

شعوری تبریزی ۶۹۹  
شعوری تربتی ۵۴۷

شعوری کاشانی (شاگرد محتشم) ۶۵۲، ۶۸۲  
شعوری کاشانی ۶۸۲

شعوری نیشابوری ۵۷۷  
شفای شهدی ۸

شفایی (محمد علی) ۳۴۵  
شفایی اصفهانی (شرب الزمان حسن بن

حکیم ملا) ۵۱۴-۵۱۵، ۵۱۷  
شفایی اصفهانی (مظفر بن محمد حسینی)

۳۹۹، ۵۱۷، ۸۰۲، ۸۰۸  
شعروه (شرب الدین) ۷۴، ۱۰۲

شعروه (عزیز) ۱۷۸  
شفیعی اردوبادی (ضیاء الدین) ۲۹۳

شفیعی معماهی (امیر حسین) ۳۴۵  
شقیق بلخی ۱۹

شکافی (حسین بن علی) ۴۰۱  
شکراوغلی ۵۰۵، ۵۳۲، ۸۳۱

شکر الله (شاه قطب الدین) ۳۶۶  
شکر الله احمد اوغلی ۱۴۷

شکر الله بن احمد (مولی) ۲۷۲  
شکر الله بن احمد اوغلی ۷۳۲

شکر الله بن امام شهاب الدین احمد بن امام  
زین الدین زکی رومی ۲۳۹

شکر الله بن صفی الدین عیسی شکری ۸۴۱

شمس‌الدین ابوالمظفر محمد شاه بهمتی  
 ۷۷۶، ۲۵۹  
 شمس‌الدین ابوالمظفر یوسف بن قز اوغلی  
 سبطا بن الجوزی ۱۶۷  
 شمس‌الدین ابوبکر بن مجدالدین حسن  
 یزدی ۷۷۵  
 شمس‌الدین ابوبکر کرت (ملک) ۲۱۹  
 شمس‌الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان  
 سوزنی سمرقندی ۹۸  
 شمس‌الدین ابو محمد احمد بن محمد بن  
 عبدالله بن ابراهیم بن عربشاه دمشق  
 ابن عربشاه (یا شهاب -  
 الدین ابوالعباس) ۲۷۹  
 شمس‌الدین ابومحمد عبدالله بنجیری  
 شیرازی ۷۶۹، ۷۷۰-۷۷۰  
 شمس‌الدین احمد افلاکی ۸۱۷، ۱۳۳  
 شمس‌الدین احمد بن سلیمان بن کمال یا شا  
 کمال یاشازاده یا ابن کمال یا شا  
 ۸۱۱-۸۱۰، ۳۹۵  
 شمس‌الدین احمد بن محمود قاضی زاده  
 مفتی (یا بدرالدین) ۳۸۸  
 شمس‌الدین اقطع (قاضی) ۱۷۸  
 شمس‌الدین التمش (سلطان) ۱۵۲، ۹۷  
 ۷۴۴، ۷۱۹، ۱۷۲، ۱۷۰  
 شمس‌الدین الیاس میدانی ۱۷۸  
 شمس‌الدین باقانی بلخی ۱۰۰  
 شمس‌الدین بردعی حمدی ملازاده و بردعی  
 زاده ۳۴۰  
 شمس‌الدین بن سراج‌الدین بن عقیف‌الدین  
 ۷۶۰، ۱۸۶  
 شمس‌الدین بن صفی‌الدین اردبیلی ۲۱۲  
 شمس‌الدین بن عزالدین کیشی (ملک)  
 ۷۵۰  
 شمس‌الدین بن کمال‌الدین محمد (مظفر -  
 الدین ابوالغازی) ۲۵۶  
 شمس‌الدین بن محمود بن علی جوهری ۲۸۳  
 شمس‌الدین بن ناصر‌الدین شیرازی ۲۲۴  
 شمس‌الدین تبریزی ۲۱۴، ۱۵۹  
 شمس‌الدین تبریزی معروف به شمسی‌صغیر

(ملا) ۶۹۹  
 الدین جزری ۴۹۵، ۲۳۶  
 الدین جوینی ۷۴۱  
 شمس‌الدین حاجی بچه پستی ۹۵  
 شمس‌الدین حکیم سمرقندی (سید) ۲۷۲  
 شمس‌الدین خاله ۸۵-۸۶، ۹۴  
 شمس‌الدین خبیبی فهمی (میر) ۴۶۲،  
 ۸۲۷  
 شمس‌الدین داعی حسینی نسفی ۱۰۰  
 شمس‌الدین درود ۲۲۵  
 شمس‌الدین رضی فیثا پوری ۷۹  
 شمس‌الدین روحی ۶۱۳  
 شمس‌الدین سمرقندی ۱۸۱  
 شمس‌الدین سهروردی ۷۳۲  
 شمس‌الدین سید حکیم سمرقندی ۲۷۲  
 شمس‌الدین شرفشاه ۲۲۶  
 شمس‌الدین ششتی ۷۱۸  
 شمس‌الدین شمس خلف ۶۰۴-۶۰۵  
 شمس‌الدین صاحب‌دیوان جوینی ۸۰۰، ۲  
 ۹۴-۱۳۵، ۹۵-۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳  
 ۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳  
 ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۷۳۰-  
 ۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰  
 شمس‌الدین صابین محمود قاضی ۲۲۶  
 شمس‌الدین طوسی ۹۳، ۷۴  
 شمس‌الدین عبدالکریم ابرقوهی ۱۸۱  
 شمس‌الدین عبدالله بنجیری (ابو محمد)  
 ۷۶۹، ۷۶۱  
 شمس‌الدین عبدالوهاب (یا تاج‌الدین  
 ابوالفضل) ۲۸۰  
 شمس‌الدین عجمی گرگانی ۶۸۶  
 شمس‌الدین علی‌امیر) ۸۳۰  
 شمس‌الدین عای بن حسن ۹۸  
 شمس‌الدین فضل‌الله بن صدرالدین  
 ۷۴۱  
 شمس‌الدین قناری ۲۷۵، ۲۸۰  
 شمس‌الدین قواس تبریزی ۶۹۹  
 شمس‌الدین کاشی ۲۲۶  
 شمس‌الدین کججی ۷۶۴

شمس الدین کرمانی (میر) ۶۷۴

شمس الدین کیومرث ۷۵۱

شمس الدین گلستانی ۲۲۶

شمس الدین انوری ۸۸

شمس الدین لاهیجی (قاضی) ۶۸۳

شمس الدین لطیفی ۳۴۷

شمس الدین ماوراءالنہری (مولانا) ۶۳۱

شمس الدین محمد ۲۴۷

شمس الدین محمد (میر) ۴۹۷

شمس الدین محمد انکه غزنوی (میر)

۵۴۹، ۴۴ - ۵۴۳، ۴۱۸

شمس الدین محمد اسد ۳۲۹

شمس الدین اصفہانی ۷۵۱

شمس الدین محمد اندجانی (میرسربرہنہ)

۳۲۷، ۵

شمس الدین محمد بشکچی ۴۴۶

شمس الدین محمد بخاری معماپی ۳۳۳، ۵

شمس الدین محمد بن ابوبکر کرت ۱۷۹

۲۰۶

شمس الدین محمد بن احمد خفزی ۳۶۷

۸۴۱، ۸۳۸، ۳۸۵

شمس الدین محمد بن اسحاق ولی اللہ بن

شمس الدین محمد قادری ملتانی

(ابوالفتح) ۴۰۵

شمس الدین محمد بن اشرف حسنی سمرقندی

۲۶۶

شمس الدین محمد بن ایل طغان بردسیری

کرمانی ۷۴۵، ۷۴۳، ۷۳۲، ۱۰۹

شمس الدین محمد بن دیاع الدین حافظ

شیرازی ۲۰۵، شمس الدین محمد

حافظ

شمس الدین محمد بن یحییٰ الدین محمد

جوینی صاحب دیوان ۲، ۸۰، ۹۴ -

۱۳۵، ۹۵ - ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳،

۱۶۱ - ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴،

۱۸۰، ۱۸۴، ۲۲۲ - ۲۲۳، ۲۴۰ -

۷۷۰، ۷۴۹، ۷۴۱

شمس الدین محمد بن خلیل الدین حضرت شاد

بن قطب الدین مسعود یزدی (امیر)

۷۶۷

شمس الدین محمد بن حکیم کیشی ۱۳۸،

۷۵۰

شمس الدین محمد بن حمزہ فناری ۲۷۵،

۲۸۰

شمس الدین محمد بن شریف حسین گرگانی

۷۵۳، ۳۲۷، ۲۷۳

شمس الدین محمد بن طاهر قاضی تبادکاتی

۷۱۸

شمس الدین محمد بن طغان کرمانی برد -

سیری ۱۰۹، ۷۲۲، ۷۴۳، ۷۴۵

شمس الدین محمد بن عبدالکریم طبسی

(قاضی) ۹۳، ۷۴

شمس الدین محمد بن عبداللہ کاتبی نیشابوری

ترشیزی (پهلوان) ۲۹۷ - ۲۹۹،

۵۵۹، ۵۳۳، ۵۱۶، ۳۰۴

شمس الدین محمد بن عبدالملک دیلمی

۷۵۰

شمس الدین محمد بن عزالدین عادل بن

یوسف محمد شیرین شمس ہنری تبریزی

۷۶۳ - ۷۶۲، ۲۳۵، ۲۰۹

شمس الدین محمد بن علاء الدین مسعود بن

محمد بن علی اندخودی ۹۵

شمس الدین محمد بن علی اسیری لاهیجی

۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۲، ۷۴۱ - ۷۴۲،

۷۸۹

شمس الدین محمد بن علی بن محمد دقایقی

مرورودی ۱۰۰

شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد

تبریزی ۱۵۹، ۸۰ - ۱۶۰، ۱۷۳،

۸۰۳، ۷۴۴، ۷۳۶ - ۷۳۵، ۲۱۴

شمس الدین محمد بن علی کاشانی ۱۰۰،

۲۱۶

شمس الدین محمد بن علی واکوی ۱۵۳

شمس الدین محمد بن عمر بن عیدان عزیز مارہ

۹۸

شمس الدین محمد بن فخر الدین ہندو شاہ

ابن سنجری بن عبداللہ صاحبی کیرانی

نہجوانی ۷۵۲، ۱۸۴، ۴



شمس‌الدین محمد بن قیس راری ۱۲۹.  
۱۴۰  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد حافظ  
شیرازی ۵-۴  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد طاهر  
تبادکانی طوسی (قاضی) ۷۸۱  
شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد -ود  
حافظی بخاری پارسا (یا جلال‌الدین  
ابوالفتح) ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰-  
۲۲۱، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶  
شمس‌الدین محمد بن محمود آملی ۱۸۴  
الدین محمد بن محمود زابی (قاضی)  
۹۵  
شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری  
۳۰۱  
شمس‌الدین محمد بن مؤید بغدادی شمس  
خاله ۸۵-۸۶، ۹۴  
شمس‌الدین محمد بن میر شریف گرگانی  
۲۷۳، ۳۲۷، ۷۵۳  
شمس‌الدین محمد بن نصیر سگزی ۹۱  
شمس‌الدین محمد بن هندو شاه منشی نندجوانی  
۴، ۱۸۴، ۷۵۲  
شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی اسیری  
نوربخشی لاهیجی ۱۶۹، ۳۱۹، ۳۲۲،  
۷۴۱-۷۸۹، ۷۴۲  
شمس‌الدین محمد تازیگوی ۷۴۰  
شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی ۲۶۳،  
۳۲۸  
شمس‌الدین محمد جوینی ۹۴  
الدین محمد حافظ شیرازی ۴-۵،  
۱۰۱، ۱۵۹، ۱۷۲، ۲۰۰، ۲۰۲،  
۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۵۶-۲۵۷،  
۲۶۷، ۲۸۲، ۳۳۲-۳۳۳، ۳۵۳،  
۳۹۳، ۴۱۳، ۴۲۳، ۴۴۶، ۴۶۱،  
۴۶۶، ۷۵۶، ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۵،  
۷۶۸-۷۷۰، ۷۷۳، ۷۹۳، ۸۰۲،  
۸۱۸، ۸۲۳، ۸۴۰  
الدین محمد حروفی ۳۴۵  
الدین محمد خان اتکه غزنوی ۴۱۸

۵۴۲-۵۴۴، ۵۴۹  
شمس‌الدین محمد خفزی ۳۶۷، ۳۸۵،  
۸۳۸، ۸۴۱  
شمس‌الدین محمد خوجانی ۱۸۱  
شمس‌الدین محمد شیرین مغربی ۲۰۹،  
شمس‌الدین بن عزالدین  
شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی ۸۰،  
۹۳-۹۵، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳،  
۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴،  
۱۸۰-۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۷۴۰-  
۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰  
شمس‌الدین محمد عجیبی گوزگانی ۹۱  
شمس‌الدین محمد عرب ۲۲۸  
الدین محمد عصار تبریزی ۲۰۳،  
۳۴۱  
مس‌الدین محمد علمی لاری افضل خان  
۶۴۵-۶۴۶  
مس‌الدین محمد غزنوی اتکه خان اعظم  
(میر) ۴۱۸، ۵۴۳-۵۴۴، ۵۴۹  
شمس‌الدین محمد قهستانی ۶۱۹  
شمس‌الدین محمد کاتب بلخی ۹۵  
شمس‌الدین محمد کرمانی (امیر) ۴۴۴  
الدین محمد کلانتر (میر) ۶۷۸  
الدین محمد کهین ۲۱۹  
الدین محمد کیشی ۱۳۸، ۷۵۰  
الدین محمد لطیفی ۳۴۷  
الدین محمد میارکشاه بن الاخر  
سگزی (سید) ۷۸  
الدین محمد محلی ۲۴۷  
شمس‌الدین محمد محقق خفزی ۲۶۷،  
۳۸۵، ۸۳۸، ۸۴۱  
شمس‌الدین محمد معمای بخاری ۲۳۳  
شمس‌الدین محمد منوکه نسفی ۹۵  
شمس‌الدین محمد هاشمی اصفهانی (امیر)  
۶۴۷  
شمس‌الدین محمود بلخی ۹۵  
شمس‌الدین محمود شیرین مغربی ۲۰۹  
شمس‌الدین مسعود ۱۷۸  
شمس‌الدین مطهر بن احمد حام ۷۲۱

شمس ۷۱۸-۷۱۷  
شمسی (امیر سیف الدین محمود) ۱۷۰  
شمسی اصفهانی ۲۲۶  
بدخشانفی ۳۴۵  
بغدادی ۵۳۴  
شمسی دهستانی ۹۵  
شمسی شروانی ۶۹۹  
شمسی ۲۵  
شمسی (شارح دیوان حافظ) ۲۰۶  
شمسی (مولانا) ۸۱۷  
شوخی کهشدوزن ۶۱۸  
شوریده هروی ۳۳۵  
شوقی (شیخ علی خواجه) ۶۴۰-۶۴۱  
شوقی اندخوی ۶۱۸  
شوقی بخارایی ۶۰۸  
شوقی تبریزی ۸۳۷، ۶۵۳  
شوقی جیجک تونی ۲۴۵  
شوقی داراجردی ۶۵۳  
شوقی هروی ۳۴۵  
شوقی یزدی ۸۲۷، ۶۵۲، ۴۶۹  
شوقی یزدی ۶۵۲  
شوکتی (میرزا قاسم) ۵۷۸  
شوکتی دهلوی (میرزا ابوالقاسم) ۴۶۹  
شهاب (مولانا) ۳۴۵  
شهاب اسفراینی ۱۷۸  
شهاب الدین ابن عرب شاه (ابوالعباس) ۲۷۹  
شهاب الدین ابوالحسن طلیحه مروزی ۸۸  
شهاب الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن  
عبدالله بن ابی اهم بن عرب شاه دمشق  
حنفی صحنی ابن عرب شاه (یا شمس الد-  
ین ابو محمد) ۲۷۹  
شهاب الدین ابوالفتح  
امیرك سهروردی شیخ اشراق ۱۱۰  
شهاب الدین ابوحفص عمر بن محمد بن عبدالله  
سعد بن  
نصر بن قاسم بن محمد بن عبدالله بن  
عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن  
ابوبکر بکری سهروردی ۱۴۱ ،  
۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲، ۴۲۹-

شمس الدین مکی (شیخ) ۱۸۸  
شمس الدین منصور بن محمد اوزجندی  
صدر الشریعه ۱۰۰  
شمس الدین موی دراز ۷۴۱  
شمس الدین ولوالجی ۱۰۰  
شمس الدین هروی ۱۷۸  
شمس الدین هروی خوشنویس ۷۹۷، ۷۷۱  
الکرجی (صدر علی) ۱۸۱  
شمس الکفات ابوالقاسم احمد بن حسن  
میعندی ۳۴-۴۵، ۴۵  
شمس المعالی قابوس بن وشمگیر ۲۶۸، ۲۳  
المعالی محمد کیا گران ۲۷۱  
شمس الملوك رستم بن اردشیر باوندی  
(نصیر الدوله) ۱۲۹  
شمس توری ۴  
شمس اوحدی ۱۸۱  
شمس اهری ۱۷۸  
شمسای صغیر (ملا شمس الدین تبریزی)  
۶۹۹  
شمس بخارایی ۹۴  
شمس پسر ناصر ۲۲۴  
شمس پسر ناصر ۲۲۴  
شمس تبریزی ۱۵۹، ۸۰-۱۶۰، ۱۷۳،  
۸۰۳، ۷۴۴، ۷۳۶-۷۳۵، ۲۱۴  
شمس حاسبی ۹۵  
شمس خاله ۸۵-۹۴، ۸۶  
شمس حلف (شمس الدین) ۶۰۴-۶۰۵  
شمس ساوجی ۲۲۶  
شمس سراج غنیف ۱۸۶، ۷۶۰  
شمس عمر گنجه ۱۷۸  
شمس فخری ۱۴۸  
کافی ۲۲۶  
مغربی (محمد بن عزالدین من عادل  
ابن یوسف تریزی محمد شیرین)  
۷۶۳-۷۶۲، ۲۳۵، ۲۰۹  
منشی (شمس الدین محمد بن هندو  
شاه) ۷۵۲، ۱۸۴، ۴  
من نجاشی ۱۷۸  
شمس وزیر ۲۶۲

۷۲۵ - ۷۲۴، ۷۲۲، ۶۲۹، ۴۳۰

۷۳۱، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۱، ۷۳۳

۷۴۶

شهاب‌الدین ابوجا علی غزنوی ۷۸

شهاب‌الدین ابوسعید کرمانی ۱۳۹

شهاب‌الدین ابوعبدالله فضل‌الله بن تاج -

الدین ابوسعید بن حسین بن یوسف

توران پستی ۱۵۳

شهاب‌الدین ابو محمد احمد بن محمد بن

عبدالله بن ایراهیم بن عرب‌شاه دمشق

حنفی عجمی ابن عرب‌شاه (یا شمس -

الدین ابوالعباس) ۲۷۹

شهاب‌الدین احمد بن حجر عسقلانی ۱۳۲

۶۸۲

شهاب‌الدین احمد بن حجر هیثمی ۳۸۱

۸۲۹، ۸۱۹، ۳۹۴

شهاب‌الدین احمد بن مؤید شهابی نسوی

سمرقندی ۹۹

شهاب‌الدین احمد حقیری هروی ۳۲۶

۳۴۴

شهاب‌الدین احمد خان ۵۴۴، ۴۲۵

شهاب‌الدین اسمعیل بن احمد جام ۷۲۱

شهاب‌الدین اسمعیل حصاری ۳۲۹

شهاب‌الدین اصفهانی (شیخ) ۶۶۶

شهاب‌الدین امیرسید عبدالله بن محمد بن

عبدالصمد بن علی طوسی برزنجی آبادی

۸۴۱، ۷۵۴، ۶۳۹، ۳۲۳، ۳۲۰

شهاب‌الدین بلیانی ۲۲۶

شهاب‌الدین بن جمال‌الدین بدایونی (شهاب

مهمه) ۱۷۵، ۲۲۶

شهاب‌الدین بن شمس‌الدین عمر دولت آبادی

راولی ۷۷۹، ۲۶۵، ۲۵۴، ۲۴۵

شهاب‌الدین بن جمال‌الدین سمنانی ۲۲۶

شهاب‌الدین خجندی ۱۸۱

شهاب‌الدین خیابانی ۲۹۵

شهاب‌الدین دولت آبادی ۲۴۵، ۲۵۴

۷۷۹، ۲۶۵

شهاب‌الدین روزبهان بن ابونصر بقلی

شرازی معروف بشطاح یا شطاح قاری

۷۲۷، ۷۲۱، ۲۱۵، ۱۰۹

شهاب‌الدین زاوی ۲۶۵، ۲۵۴، ۲۴۵

۷۷۹

شهاب‌الدین سلیمان شاه یرجم آیوایی ۱۵۸

۱۸۰

شهاب‌الدین سهروردی ۱۳۱، ۱۶۷، ۱۶۹

۱۸۵، ۱۹۲، ۳۲۹، ۴۳۰، ۶۲۹

۷۲۲، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۱، ۷۲۷

۷۳۸، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۶

شهاب‌الدین شاه علی ابوجا غزنوی ۷۸

شهاب‌الدین شهابی غزال خجندی ۹۹

۱۰۰

شهاب‌الدین صابر بن اسمعیل ترمذی ادیب

صابر ۷۱۹، ۸۴۰، ۸۳۰، ۷۴۳

شهاب‌الدین صاحب‌الشیفایی ۷۹

شهاب‌الدین صیرفی ۷۳۲

شهاب‌الدین عبدالله آشپز ۳۴۱

شهاب‌الدین عبدالله بن زین‌الدین لطف‌الله

بن عبدالرشید بهمدانی خوافی حافظ

ابرو ۷۳۷ - ۷۳۸، ۷۷۴

شهاب‌الدین عبدالله بن شمس‌الدین مروارید

کرمانی ۶، ۲۵۹ - ۲۶۰، ۳۱۸، ۶۱۴

۷۷۷، ۶۲۲

شهاب‌الدین عبدالله بن حسام‌الدین بن

عماد‌الدین عمر بن کمال‌الدین حمصام

ابن شمس‌الد

نسبی ۷۸۵

شهاب‌الدین علی قریشی خطوطی ۲۹۵

شهاب‌الدین عمر بن محمد بن عبدالله بکری

سهروردی ۱۴۱ ر شهاب‌الدین بو -

حفص و شهاب‌الدین سهروردی

شهاب‌الدین عمیق بخاری ۹۶ - ۹۷

شهاب‌الدین خوری ۱۵۶

شهاب‌الدین فضل‌الدین بهاء‌الدین حسن بن

محمد یمانی بن علی بن حسین بن

محمد بن هاشم بن حسن بن علی بن

هاشم بن محمد بن جعفر بن امام موسی

کاظم ۲۶۴

شهاب‌الدین کمال ۲۲۶

شهاب‌الدین محمد بن ابو رشد رشید بن  
 محتاج ربی ۷۹  
 شهاب‌الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد  
 منشی نسوی زیدری (یا مؤید الدین) ۲  
 شهاب‌الدین محمد بن الصائغ نسوی ۹۵  
 شهاب‌الدین محمد بن همام ۹۵  
 شهاب‌الدین محمد چاچرمی ۲۸۶  
 شهاب‌الدین محمد شاه جهان ۳۵۷، ۳۹۸  
 ۸۳۸، ۶۵۰، ۵۳۷، ۴۳۵  
 شهاب‌الدین محمد علی بن جمال الاسلام  
 (شهاب منشی) ۲۶۰  
 شهاب‌الدین محمد نفی ۱۰۰  
 شهاب‌الدین محمود شاه بهمنی ۷۹۷  
 شهاب‌الدین مسعود - پیر جانی ۱۹۷، ۷۳۵  
 شهاب‌الدین مظفر بن ابو ذر قیزدانی خوافی  
 مظفر خوافی ۷۷۰  
 شهاب‌الدین معمای قمی (رئیس) ۵۲۸،  
 ۶۸۳، ۶۱۲  
 شهاب‌الدین مقتول ۱۱۰  
 شهاب‌الدین ملک الحبال ۱۲۲۰، ۸۹  
 شهاب‌الدین مهره ۲۲۶، ۱۷۵  
 شهاب‌الدین هروی ۶۸۳  
 شهاب‌الدین یحیی بن حیش بن امیرك  
 سیروودی شیخ اشراق (ابوالفتح)  
 ۱۱۰  
 شهاب‌الله خان ۴۵۶  
 شهاب‌قرشیزی (علی) ۳۰۴، ۲۹۸  
 شهاب‌خواری ۱۷۸  
 شهاب دفتر خوان ۱۷۸  
 شهاب سرخسی ۱۷۸  
 شهاب کافندی ۱۷۸  
 شهاب کمال (شهاب‌الدین بن کمال‌الدین  
 سنائی) ۲۲۶  
 شهاب مدون ۳۴۵  
 شهاب مرندی (قاضی) ۶۹۹  
 شهاب معمای ۵۷۰، ۳۴۵، ۷  
 شهاب منشی ۲۶۰  
 شهاب مؤید ۱۷۸  
 شهاب مهره (شهاب‌الدین بن جمال‌الدین

بداونی) ۲۲۶، ۱۷۵  
 شهاب هروی ۳۴۵  
 شهاب ۷۶۹  
 شهابی (حسن بن علی) ۸۸  
 شهابی (محمود بن اسحق سیاوشانی) ۴۶۴،  
 ۴۷۶  
 شهابی سعدی (محمد صادق) ۷۲۸  
 شهابی غزال خجندی (شهاب‌الدین) ۹۹-  
 ۱۰۰  
 شهابی نسوی سمرقندی (شهاب‌الدین احمد  
 ابن مؤید) ۹۹  
 شهدی بدخشانی ۵۹۲  
 شهدی غولنگانی (دیوانه) ۶۰۲  
 شهرتی ورفزی تاشکندی ۵۷۷  
 شهرزوری (شمس‌الدین محمد بن محمود)  
 ۴۰۱  
 شهرستانی (ابوالفتح محمد بن عبدالکریم)  
 ۴۵۰، ۱۲۶  
 شهرستانی (جمال‌الدین محمد بن محمود)  
 ۲۷۳  
 شهر نوش‌ملک مازندران (اسپیداسپهبدان)  
 ۲  
 شهره آقایی ۲۵  
 شهریار بن بهمنیار فارسی ۳  
 شهریار زوزنی ۱۷۸  
 شهریاری خراسانی ۹۵  
 شهفور ۷۲۷  
 شهباد شروانی ۷۸۳  
 شهردان بن ابوالخیر رازی ۶۳، ۷۰، ۷۱۷  
 شهنشاه غازی رستم بن علی بن شهریار ۱۲۹  
 شهودی ۳۴۵  
 شهودی (میرحسین) ۵۳۷  
 شهودی یزدی (مولانا) ۵۶۲-۵۶۳  
 شهودی یزدی (میرزا محمد علی) ۶۸۳  
 شهیدان کربلا ۴۴۳  
 شهید بلخی ۳۱  
 شهید بن حسین وراق بلخی (ابوالحسن)  
 ۲۱  
 شهید ثالث (قاضی نورالله) ۳۸۱

شهید سوم (قاضی نورالله) ۳۸۰  
 شهیدی قس ۷۹۰، ۳۳۷  
 شهیدی کاشغری (شاه ابوالعمالی) ۶۸۳  
 شیبانی (سلسله) ۲۵۲، ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰  
 ۴۸۶، ۴۸۳ - ۵۷۲، ۴۸۷ - ۵۷۲، ۴۸۳  
 ۶۳۵، ۶۲۶، ۶۲۴، ۶۲۱، ۶۰۴  
 شیبانیان ۶۸۲، ۶۷۸، ۶۳۹، ۶۱۵، ۳۵۵  
 شیبانی خان ازبک (ابوالفتح محمد) ۵  
 ۲۵۲، ۳۱۰، ۴۸۳، ۵۵۹، ۶۰۶  
 ۶۰۹، ۶۱۷، ۶۲۶، ۶۲۳، ۶۷۸ - ۶۸۲  
 شیبک خان ۶۷۸، ۳۱۰  
 شیخ اشراق ۱۱۰  
 شیخ اطعمه (ابواسحق شیرازی) ۲۹۶  
 شیخ الاسلام فرغانه ۱۷۳  
 شیخ الجبال (ملک سید عزالدین عبدالعزیز) ۲۲۵  
 شیخ العالم (سیف الدین باخرزی) ۱۷۴، ۳  
 شیخ العالم (علی بن محمد شحاصی) ۵۶  
 شیخاوند ۵۲۲  
 شیخاوندکان ۳۷۸  
 شیخ بابای طبیب فرغانی ۵۹۰  
 شیخ پورانی (میر) ۶۱۹  
 شیخ پیراگره ۵۵۴  
 شیخ جمالی ۴۰۴  
 شیخ خاوند ظهور ۶۱۱  
 شیخ زاده (طاهر بخاری) ۳۰۵  
 شیخ زاده انصاری ۳۴۵  
 شیخ زاده پورانی ۳۴۵  
 شیخ زاده عاشق ۱۹۴  
 شیخ زاده فدایی لاهیجی ۳۲۲  
 زاده لاهیجی ۷۸۹، ۷۴۲، ۲۲۶  
 ۴۱۹، ۳۲۸، ۳۲۱، ۲۶۴  
 ۶۵۵، ۶۴۳، ۶۳۰ - ۶۲۹، ۶۱۵  
 ۸۰۹، ۷۷۸، ۷۱۸  
 شیخ سنجان ۷۲۵  
 شیخ شاه ۶۳۵  
 شیخ شاه ۶۰۹، ۴۸۱  
 شیخ مزبان ۶۰۴

شیخ فتح آباد (سیف الدین باخرزی) ۳  
 شیخ کرمانی ۱۷۸  
 شیخ بیک (احمد سهیلی) ۳۰۷، ۲۴۷  
 شیخ متقی (نورالدین علی بن حسام الدین) ۴۰۲  
 شیخ سهیلی (احمد سهیلی جغتایی) ۲۴۷، ۳۰۷  
 شیخی توپچی تبریزی (استاد) ۶۷۱  
 شیخی طبسی ۳۴۵  
 شیدا (کمال الدین ابوالفضل تبریزی) معروف بچلی بیک عالمی ۵۲۰  
 شیدای بلخی ۶۲۶، ۷  
 شیدای بلخی قدیم ۶۲۶  
 شیرازی ۶۸۹  
 شیرازی (سید) ۱۷۸  
 شیرازی (شاعر) ۷۴۳  
 شیرازی (لهجه) ۲۱۴  
 رخا ۷۷۲  
 شیرخواجه سیدانای ۵۹۶  
 شاه سوری ۶۷۲، ۵۴۴، ۴۷۵  
 شیرعلی بن استاد محمد سبز بنایی هروی (کمال الدین) ۳۱۰، ۷۶، ۶، ۳۴۳  
 ۶۸۲، ۵۵۹، ۳۴۵  
 شیرعلی هروی ۳۴۵، ۳۱۰، ۷۶  
 شیر قلندر (بابا) ۳۵۸  
 شیری ۳۴۵  
 شیری سیالکونی ۶۸۳  
 شیری لاهوری (عبدالحی) ۸۱۹، ۴۱۸  
 شیرین (اولوس) ۵۹۲  
 شیرین چهر ۶۸۰  
 شیرین کار (نظام الدین احمد) ۳۴۳  
 شیطان ۶۶۳  
 شعه ۴۰، ۴۲، ۴۲، ۸۴، ۸۷، ۱۲۵ - ۱۲۶، ۱۳۰  
 ۱۳۰، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۸۳، ۲۲۹ - ۲۳۰  
 ۲۳۰، ۲۵۱، ۲۵۲ - ۲۸۱، ۳۲۰  
 ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۵۰، ۳۵۲  
 ۳۶۱، ۳۷۳ - ۳۷۴، ۳۸۰، ۳۸۶  
 ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۰۸ - ۴۰۹، ۴۱۳  
 ۴۲۳، ۴۳۲، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۳

۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴:

۱۸۰، ۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۴۰-۲۴۱

۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰

صاحب شباتگاری ۷۶۷

صاحب شریعی بلخی ۳۰۴

صاحب عیار (حاج قوام الدین حسن شیرازی)

۱۲۶، ۲۰۵، ۲۶۱، ۷۶۵

صاحب غزنوی (کمال الدین حسین حسنی)

۹۵

صاحب کبودجابه ۱۸۰، ۳۵۰

صاحبی ۲۲۶، ۷۷۲

صادق (رین الدین) ۲۴۴، ۴۴۶

صادق (زین العابدین) ۴۴۶

صادق (علی خان میرزا) ۵۰۱

صادق (محمد صادق خان) ۶۵۳

صادق (مولانا) ۸

صادق (میرزا) ۶۶۵

صادق اردوبادی (میرزا) ۵۰۳، ۸۲۱

صادق بیک افشار صادقی تبریزی ۴۵۷-

۴۵۸، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰

۷۴۰-۷۴۱، ۸۲۷

صادق ترکمان (میرزا) ۵۶۶

صادق خلوایی (بابا) ۸، ۶۷۱

صادق خلوایی سمرقندی ۵۴۷

صادق ختایی (خطایی) ۶۱۰

صادق سمرقندی (مولانا) ۵۸۷

صادق سمرقندی (مولانا محمد صادق)

۶۵۳

صادق طارمی ۵۴۸

صادق بیک افشار کتابدار ۴۵۷-۴۵۸،

۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۹، ۵۳۰، ۷۴۰-

۸۲۷، ۷۴۱

صادق توزیوش ۳۴۵

صادق قایتی ۳۴۵

صادق قندهاری ۵۴۷

صادق کتابدار ۴۵۷-۴۵۸، ۵۲۳، ۵۲۵،

۵۲۹، ۵۳۰، ۷۴۰-۷۴۱، ۸۲۷

صاعد (آل) ۷۳

صاعد (زین الدین) ۳۴۴

صاعد بن احمد جام (بدر الدین) ۷۲۱

۳۷۰-۳۷۲، ۴۷۷، ۴۸۲-۴۸۳

۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۷-۴۹۸

۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۶، ۵۱۷-۵۲۳

۵۳۴، ۵۵۱، ۵۶۲، ۶۱۶، ۶۴۷

۶۴۹، ۶۶۲-۶۶۴، ۶۷۴-۶۷۵

۶۸۱-۶۸۲، ۷۲۹، ۷۲۴، ۷۵۳

۸۰۲، ۸۰۴، ۸۱۴، ۸۱۸

شیعه اثنی عشری ۸۰۴

شیعه تراش (قاضی نورالله) ۳۸۱

شیعی ۳۲۹

شیعیان ۳۷۷، ۵۶۲، ۶۶۴

شیونی قلندر ۳۴۵

صابر ۳۴۵

صابر اصفهانی ۶۴۵

صابر بن اسمعیل ترمذی (ادیب شهاب-

الدین) ۷۴-۸۳، ۸۴، ۷۱۹

صابر ترمذی (ادیب) ۷۴-۸۳، ۸۴، ۷۱۹

صابر شیرازی (آقامهدی) ۸۲۵

صابر عودنواز (استاد) ۶۸۳

صابری ۱۸۱، ۳۴۵

صابری ناسکندی ۵۹۲

صابونی (حافظ) ۶۶۱

صابونی (عبد الوهاب) ۲۹۳

صابونی قزوینی (حافظ) ۵۱۰

صاحب استرآبادی ۳۴۵

صاحب استیفایی (شهاب الدین) ۷۹

صاحب الزنج ۱۶

صاحب الهدایه (عماد الدین ابو احمد عبد-

الملک بن عصام بن ابوبکر بن محمد

ابن عبد الرحیم بن ابوبکر علی

سمرقندی) ۲۱۳-۲۱۴، ۲۳۵

صاحب بلخی ۳۴۵

صاحب بن عباد ۲۳

صاحب دارا استرآبادی (صیح الدین)

۳۳۰

صاحب دیوان جویی (شمس الدین) ۸۰،

۹۴-۹۵، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۳

صاعد بن علی گرگانی (ابو الحسن) ۲۶۱، ۷۷۷  
 صاعد بن محمد بن عبدالرحمن قاضی (ابو-  
 العلأ) ۲۹  
 صاعد بن مسعود (رکن الدین ابو العلأ)  
 ۷۴۰، ۱۰۱  
 صاعد خبوشانی (زین الدین) ۹۵  
 صاعدی اصفهانی (خواجہ جلال الدین محمد)  
 ۶۸۳  
 صاعديان ۷۳۹، ۶۸۴، ۱۵۸، ۱۰۱  
 صافی ۲۲۵  
 صافی (جلال الدین عبدالجلیل) ۸۱۵  
 صافی اردوبادی (خواجہ حاتم بیک اعتماد-  
 الدوله) ۶۳۹، ۶۸۴، ۶۹۴، ۶۹۹  
 ۸۳۷، ۷۰۵  
 صافی اصفهانی ۵۳۹  
 صافی بمی (امیر) ۴۶۹  
 صافی تبریزی ۶۹۹  
 صافی توزپوش ۳۴۵  
 صافی کوه صافی ۳۴۵  
 صالح (امیر) ۶۱۷  
 صالح (تاج) ۱۷۷  
 صالح (شرف) ۱۷۸  
 صالح بدخشی ۶۰۲  
 صالح بیلقانی ۱۷۸  
 صالح تبریزی (میرزا) ۶۹۹، ۷۰۱  
 صالح نرمدی (شیخ) ۷۵۲  
 صالح جغتایی کابلی (میر محمد صالح) ۶۴۵  
 صالح خراسانی ۳۴۵  
 صالح دیوانه ۵۴۷  
 صالح صالحی ماوراءالنهری ۶۱۳  
 صالح مخلص بدخشانی ۵۹۰  
 صالح مدرس حاتقاه فتح پور (علأ) ۵۴۸  
 صالح مشهدی (مولانا محمد میرک) ۵۸۰،  
 ۸۳۶  
 الح مفتی (مولانا) ۶۳۲  
 صالح ندایی بخارایی ۵۹۵  
 صالح واحد البین (مولانا) ۸  
 صالحی ماوراءالنهری (مولانا صالح)  
 ۶۱۳  
 صالحی هروی مشهدی (محمد میرک) ۴۳۲،

۸۲۳، ۷۱۱  
 صانع فضلی ۲۵  
 صانعی ۱۷۸  
 صانعی باخرزی (خواجہ علاء الدین علی)  
 ۳۴۵، ۳۲۴  
 صانعی بلخی ۲۰  
 صایب تبریزی ۶۴۴  
 صایغ رازی ۵۶  
 صاین (رکن) ۷۶۲، ۲۰۸  
 صاین الاسلام محمود بن صاین الدین الیاس  
 ابن سترباریک شیرازی (نجم الدین)  
 ۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳  
 صاین الدین ابو محمد علی بن افضل الدین  
 محمد بن صدر الدین ابو حامد محمد  
 ترکه اصفهانی ۱۶۴، ۲۷۴، ۲۹۸  
 ۷۷۹، ۷۴۲، ۴۵۱-۴۴۹  
 صاین الدین شیرازی ۲۲۵  
 صاین بن شمس الدین محمود بن رکن الدین  
 صاین هروی (رکن الدین) ۲۰۸،  
 ۷۶۲  
 صاین خان (اولوس) ۶۴۰-۶۴۱  
 صاین محمود (قاضی شمس الدین) ۲۲۶  
 صاین مراغی ۱۷۸  
 صاینی (قوم الدین علی) ۳۴۵  
 صاحبان ۴۲۵  
 صباحی هروی ۶۸۴  
 صباپی ۶۸۴  
 صبحی اوبوی ۳۴۵  
 صبحی سارچی ۵۳۰  
 صبری (قاسم کومبر) ۶۳۶، ۵۷۹  
 صبری اردستانی (میردور، همان) ۴۶۰  
 صبری اصفهانی ۶۸۴  
 صبری خوارزمی ۳۴۵  
 صبری میانکالی (مولانا بابای) ۵۹۲  
 زحی (میر حیدر) ۳۴۵  
 صوحی جغتایی ۶۵۳  
 صوحی شیرازی ۳۴۵  
 صوحی کابلی ۶۲۱  
 صوری ۸۳۱

صبوری تبریزی (محمدحسین) ۷۰۰

صبوری حمدانی ۵۴۷، ۵۱۲

صحابه ۱۲۶

صحابه رسول ۷۲۰

صحیفی شیرازی ۵۱۶

صدای کرمانی ۶۸۳

صدایی ۲۳۵

صدایی کرمانی ۶۸۳

صدر (عبدالحی) ۵۵۶

صدر ابهری ۳۳۵

صدرا تا ۶۰۵

صدرا الحفاظ حافظ تاج الدین حسن امیر آبادی

سنایی دامغانی ۲۲۵

صدرالدین (امیر) ۶۳۳

صدرالدین (خلیفه) ۵۹۵

صدرالدین (میر محمد) ۵۰۵، ۴۱۴

صدرالدین ابوالفتح محمد بن

جشتی دهلوی سید محمد گیسودراز

وخواجه بنده نواز ۱۹۶، ۴۰۶

۷۵۴، ۷۲۵، ۷۲۲

صدرالدین ابوحامد محمد ترکه (خواجه)

۷۷۹، ۴۴۹

صدرالدین ابهری ۱۸۱

صدرالدین احمد خالیدی ۲۲۴

صدرالدین اسمعیل ابرقوهی (قاضی) ۷۵۵

صدرالدین اسمعیلی ۸۰۵

صدرالدین امینی هروی ۲۷۵، ۳۴۳

صدرالدین بن ابوالقاسم اسکویی ۶۷۰

۸۳۸

صدرالدین امیر سیف الدین ۸

صدرالدین بن خطیب ربیعی پوشنگی ۲۰۶

صدرالدین حموی (شیخ) ۷۲۴

صدرالدین خان معصوم بیک ۵۳۰

صدرالدین حلوتی (شیخ) ۷۸۳

صدرالدین خوافی ۷۵۲

صدرالدین رواسی ۳۴۵

صدرالدین شیرازی ۸۴۱، ۲۶۷

صدرالدین صفوی (سید) ۳۸۶-۳۸۷

صدرالدین عبداللطیف بن محمد بن ثابت

خجندی ۱۰۳

صدرالدین علی بن نصیرالدین طوسی ۷۳۰

۷۴۹

صدرالدین علی فخری شوشتری ۲۲۶

صدرالدین علی کی ۲۲۵

صدرالدین علی یمنی ۲۹۲

صدرالدین عمر بن محمد خرم آبادی ۹۵

صدرالدین قونیوی ۱۱۶، ۱۴۱، ۱۴۷

۲۸۸، ۱۶۴، ۱۵۰

صدرالدین قیروانی ۲۲۵

صدرالدین محمد ۲۵۴، ۳۹۷

صدرالدین محمد (میر) ۵۰۵، ۴۱۴

صدرالدین محمد (نظام الملك) ۸۱، ۹۳

صدرالدین محمد اسکویی (میر) ۶۷۰

۷۰۳

صدرالدین محمد بن اسحق قونیوی ۱۱۶

۲۸۸، ۱۶۴، ۱۵۰، ۱۴۷، ۱۴۱

صدرالدین محمد بن بهاء الدین زکریا

۷۴۱

صدرالدین محمد دشتکی (امیر) ۳۸۵

صدرالدین محمد رواسی ۳۰۲

صدرالدین محمد شیرازی (میر) ۶۹۲

صدرالدین محمد صدرالعلماء ۳۷۶

صدرالدین محمد کلامی لاری ۶۴۵-۶۴۶

صدرالدین ملک السادات نیشابوری ۹۵

صدرالدین موسی ۱۸۶، ۲۱۲، ۲۹۲

۷۶۷، ۴۰۸

صدرالدین نظام الملك محمد ۸۱، ۹۳

صدرالدین هروی ۶۱۰

صدرالشریعه ۱۷۸، ۳۹۴، ۷۳۴

صدرالشریعه اصغر ۱۵۴-۱۵۵، ۷۳۴

صدرالشریعه بخاری ۷۳۴

صدرالشریعه بن صدرالشریعه عبیدالله بن

محمود بخاری ۷۳۴

صدرالشریعه ثانی ۴۰۳، ۴۰۷، ۷۳۴

صدرالشریعه شمس الدین منصور بن محمد

اوزجندی ۰۰

صدرالشریعه عبیدالله بن محمود ۱۵۴

۷۳۴



صدر الشریعہ عبید اللہ بن محمود محبوبی  
 بخاری ۷۳۴  
 صدر الشریعہ عبید اللہ بن  
 الشریعہ برهان الدین محمود بن  
 صدر الشریعہ احمد بن جمال الدین  
 ابوالمکارم عبید اللہ محبوبی بخارایی  
 حنفی ۱۵۴-۱۵۵، ۱۶۶، ۲۸۸،  
 ۷۳۴، ۳۸۴  
 صدرالعلماء (صدر الدین محمد) ۳۷۶  
 صدراوندجانی (محمد شریف) ۶۳۹  
 صدر بلخی ۷۷۲  
 صدر ترکه (افضل الدین) ۱۲۶، ۴۴۸ -  
 ۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰، ۷۱۱  
 صدر جهان (امیر شمس الدین محمد هاشمی  
 اصفهانی) ۶۴۷  
 صدر جهان (رکن الدین ابوالعلا صاعد بن  
 مسعود) ۱۱۰، ۲۴۰  
 صدر جهان (رکن الدین مسعود بن صاعد بن  
 مسعود) ۷۴۰  
 صدر جهان (فیض اللہ بن زین العابدین بن  
 حسام بلیانی) ۲۴۲، ۷۷۴  
 صدر جهان پیمانی ۵۴۱  
 صدر خجندی ۱۷۸  
 صدر خواجہ (شیخ) ۶۳۹  
 صدر خیابانی تبریزی ۷۰۰  
 صدر دیلمی (شاه) ۶۷۸  
 صدر دیوانہ (مولانا) ۳۴۵  
 صدر رنگانی ۱۷۸  
 صدر شرق (مجد الدین ابو جعفر علی بن  
 حسین قدامه موسوی رئیس خراسان)  
 ۸۴  
 صدر علی شمس الکرجی ۱۸۱  
 صدر کاتب هروی ۳۴۵  
 صدر کرمانی ۱۷۸  
 صدر گیلان (مولانا عبدالرزاق) ۴۲۵،  
 ۵۴۲، ۸۲۰-۸۲۱، ۸۲۳  
 صدر لریختاری ۱۷۸  
 صدر مذهب الدین ۱۷۸  
 صدر نظام ۱۸۱

صدر نظامی ۱۸۱  
 صدقہ بن ابوالقاسم شیرازی ۷۵۵، ۱۳۳  
 صدق استرابادی (سلطان محمد) ۶۵۳، ۳۴۴  
 صدق بدخشانی ۵۹۰  
 صدق هروی ۳۴۵  
 صدوق ابن بابویه ۳۷۴  
 صدیق صدیقی هدایت کشمی بدخشانی  
 (خواجہ) ۶۰۳-۶۰۴  
 صدیق بلخی (شیخ الاسلام خواجہ میرک)  
 ۶۲۶  
 صدیق کشمی بدخشانی (خواجہ) ۶۰۳ -  
 ۶۰۴  
 صدیق هاشمی (خواجہ هاشم) ۶۱۱، ۶۲۶،  
 ۶۲۹  
 صرفی (یعقوب بن حسن گنایی عاصمی  
 کشمیری) ۳۷۲، ۴۷۰، ۶۲۲، ۸۲۹  
 صرفی زولیده موی ۵۳۰  
 صرفی ساوجی (صلاح الدین) ۴۳۲، ۵۱۷،  
 ۵۳۰  
 صفا (میر سید) ۸۰۲  
 صفانی هروی ۳۴۵  
 صفادار (امیر) ۲۲۵  
 صفاری مرغزی ۲۵  
 صفاریان ۱۸-۷۱۲، ۲۰-۷۱۳، ۷۶۰  
 صفای سهریدی ۶۸۴  
 صفای تبریزی ۷۰۰  
 صفایی - اسانی ۳۴۵  
 صفایی سمرقندی ۲۳۵، ۳۲۲  
 صفایی سمرقندی (نوروز) ۵۸۸  
 صفایی (درویش) ۳۲۲، ۶۳۱  
 صفایی کرمانی (مولانا) ۶۳۱  
 صفوة الدین پادشاه خاتون ۱۴۹، ۱۸۰،  
 ۷۳۳  
 صفوتی بردعی (سید علی) ۷۰۴  
 صفوی ۲۱۱-۲۱۲، ۲۲۷-۲۲۸، ۲۳۰ -  
 ۲۳۱، ۲۵۰، ۲۵۲، ۳۸۷، ۴۰۷ -  
 ۴۰۸، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۵۲  
 ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۸۲-۴۸۳، ۴۸۶  
 ۴۹۱-۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۱

صفی الدین بن مسیح السدین فوشنگی  
۳۴۵  
صفی الدین جعفر نوربخش (شیخ) ۳۲۶،  
۶۱۸  
صفی الدین خراسانی ۶۸۴  
صفی الدین صفی نوربخش ۶۱۸  
صفی الدین عبدالهؤمن ارموی ۱۴۶ -  
۸۱۴، ۷۳۲، ۲۶۲، ۱۴۷  
صفی الدین عراقی ۱۰۰  
صفی الدین عیسی قزوینی (قاضی) ۸۴۰ -  
۸۴۱  
صفی الدین محمد اصفهانی ۷۲۵  
صفی الدین محمد بن علی علوی ابن الطقطقی  
۱۸۴  
صفی الدین محمود بن احمد جام (یا اصل-  
الدین) ۷۲۰  
صفی الدین مرتضی بن داعی بن قاسم حسینی  
رازی (سید) ۷۲، ۱۳۰  
صفی الدین مصطفی رومی ۶۲۳  
صفی الدین یزدی ۵۰  
صفی بیلقانی ۱۷۸  
صفی بیهقی ۲۴۵  
صفی جرباد قاسمی ۱۷۸  
صفی شروانی ۱۷۸  
صفی شیرازی (شیخ محمد) ۶۵۴  
صفی عالی ۴۲۶  
صفی قلی بیگ چرکس ۶۸۴  
صفی نوربخش (شیخ صفی الدین) ۶۱۸  
صفی نیشابوری ۷۷۲  
صلاح الدین احمد استاد (شیخ) ۷۲۳  
صلاح الدین حسن بلغاری ننجوانی ۷۲۴،  
۸۴۴  
صلاح الدین صفی ساوجی ۴۳۲، ۵۱۷،  
۵۳۰  
صلاح الدین موسی بن محمد بن محمود قاضی  
زاده رومی ۴۴۹، ۲۶۹، ۲۸۱، ۳۷۳،  
۸۰۷  
صلاح الدین یوسف بن ایوب پادشاه ایوبی  
(ملک ناصر) ۷۲۲

۵۰۹، ۵۱۸، ۵۸۶، ۶۹۷، ۷۹۳،  
۸۲۹، ۸۱۸، ۸۱۴  
صفویه ۲۱۷، ۲۹۲، ۲۵۳، ۳۵۵، ۳۵۸،  
۳۶۲، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۸۲، ۳۸۶ -  
۳۸۷، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۷، ۴۰۸،  
۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۵۱،  
۴۵۷، ۴۶۴، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۶،  
۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۱،  
۵۰۳، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۴، ۵۲۲،  
۵۲۴، ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۵۹، ۵۸۳،  
۵۸۵، ۵۹۴، ۶۱۶، ۶۰۹، ۶۲۱،  
۶۶۷، ۶۷۴، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۹ -  
۷۰۰، ۷۰۲، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۶۵،  
۸۱۳، ۸۱۸، ۸۲۱، ۸۳۱، ۸۴۱  
صفی (ابوالعلا عبدالهؤمن جاروتی) ۲۵۸  
صفی (شاه) ۴۲۵  
صفی (فخر الدین علی بن حسین واعظ  
کاشفی) ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۸۳، ۲۸۵،  
۳۸۳، ۳۸۴، ۶۸۴، ۷۸۰، ۷۸۴،  
۸۰۶  
صفی امیر) ۵۳۴  
صفیا اصفهانی ۶۸۴  
صفی الدین ابوالصفا (میر) ۶۳۳  
صفی الدین ابوالفتح اسحق بن امین الدین  
چمریل اردبیلی ر. صفی الدین  
اردبیلی  
صفی الدین ابوالمفاخر عبدالهؤمن بن  
یوسف بن فاخر ارموی ۱۴۶ - ۱۴۷،  
۲۶۲، ۷۳۲، ۸۱۴  
صفی الدین اردبیلی ۱۸۶، ۲۱۱ - ۲۱۲،  
۲۹۲، ۳۴۹، ۳۷۳، ۴۰۳، ۴۰۸،  
۴۸۱، ۴۸۴، ۶۹۱، ۷۳۷، ۷۶۷،  
۷۹۳، ۸۱۸  
صفی الدین ارموی ر. صفی الدین ابو -  
المفاخر  
صفی الدین اسحق اردبیلی ر. صفی الدین  
اردبیلی  
صفی الدین الجی ۲۶۵  
صفی الدین یسعی ۹۵

صلاح بن مبارک بخاری ۱۹۲، ۲۸۴  
صلای اسفراینی (حسن بیگ) ۶۸۵  
صندلی غزنوی (مجدالدین ابوالشجرى)  
۹۵

صندوی ۶۵۳

صنع الله نعمت اللهی ۱۹۰

شهدی ۵۳۳

صنعی تبریزی ۵۲۷-۵۲۸

صنعی نیشابوری (میر) ۵۰۲

صوفی ۲۲۶

صوفی (جن) ۶۸۰

صوفی (حسین) ۶۸۰

صوفی (درویش) ۳۴۵

صوفی (شیخ علی) ۸۰۹

صوفی (علی) ۹۱۱

صوفی اردستانی ۳۴۵

صوفی استرابادی ۳۴۵

صوفیان ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۲۶، ۴۴۱، ۴۵۱،

۴۶۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۳۵،

۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۹۸، ۷۹۶،

۸۱۵، ۸۰۹

صوفی بخارایی ۶۳۵

صوفی خلیل ۵۱۶

صوفی عوض ۵۹۸

صوفی مازندرانی (ملا محمد) ۵۳۷-۵۳۸،

۸۳۳

صوفیه ۱۶، ۲۶۳-۲۶۴، ۳۵۰، ۳۷۰،

۳۷۲-۳۷۳، ۳۹۶، ۴۰۱-۴۰۲،

۴۰۵، ۴۰۷، ۴۲۶، ۴۴۱، ۴۵۰،

۴۶۵-۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۱،

۴۹۶، ۵۰۰، ۵۱۷، ۵۲۲، ۵۳۵،

۵۴۵، ۵۴۴، ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۲،

۶۰۹، ۶۱۲، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۴۳،

۶۵۵، ۶۶۶، ۶۶۹، ۷۰۱-۷۰۲،

۷۰۸، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۷۱، ۷۷۳،

۸۱۸-۸۱۷، ۷۹۶

صیدلانی ۲۵

صیدی (میر) ۶۵۴

صیرفی (قرن ۸) ۲۴۵

صیرفی (قرن ۱۰) ۴۶۵

صیرفی (شهاب الدین) ۷۳۲

صیرفی تبریزی ۵۲۷

صیرفی کشمیری ۶۴۸

صیرفی کوردی ۵۲۷

صیرفی همدانی (قاسم) ۵۲۳

صیرفی هندی (قاضی) ۲۲۶

صیفی تبریزی ۵۸۰

سیقلی بروجردی ۵۲۷

ضمیفی ۳۴۹

ضمیفی لنگ ۳۴۵

ضمیر خلوایی (تقی) ۶۵۴

ضمیری ۳۵

ضمیری اصفهانی (کمال الدین حسین)

۴۴۴، ۴۴۶، ۴۵۸، ۵۰۹، ۵۲۹،

۵۳۲، ۶۰۱، ۶۷۲، ۶۸۴، ۸۲۶،

۸۳۳

ضمیری بلگرامی (شیخ نظام) ۶۴۵

ی صمرقندی ۳۴۵

ضمیری همدانی ۳۴۵، ۵۱۰

ضیاء الدین ۸۱، ۹۵

ضیاء الدین ابوالفضایل عبدالله بن محمد

میاجی همدانی عین القضاة ۶۹،

۱۱۱، ۱۲۹، ۱۹۶، ۷۱۵، ۷۲۲،

۷۷۳

ضیاء الدین ابوالعالی عبدالملک بن عبدالله

ابن یوسف جوینی امام الحرمین ۶۱،

۷۴۱

ضیاء الدین ابوالنحیب عبدالقاهر بن عبدالله

سهروردی ۱۴۱، ۱۶۵، ۱۹۶، ۷۲۵،

۷۳۶، ۷۴۴، ۷۷۶

ضیاء الدین ابوبکر احمد جامی (عبد -

الملك) ۹۴-۹۵

ضیاء الدین ابومسلم عبدالسلام بن

ابن محمود کازرونی ۷۳۵

ضیاء الدین اردوبادی شفیعی ۹۲۳

ضیاءالدین میرم کرمانی ضیائی ۴۶۴	ضیاءالدین برنی ۱۸۵۰، ۷۶۹، ۷۶۰
ضیاءالدین فخبشی ۱۸۵	ضیاءالدین یلغی ۹۴
ضیاءالدین یوسف امیری بدخشانی (خواجہ) ۳۰۳	ضیاءالدین مؤیدالملک رجب برنی ۱۸۵۰، ۷۶۹، ۷۶۰
ضیاءالدین یوسف بن احمد جام ۷۲۰	ضیاءالدین تبریزی ۷۶۹
ضیاءالدین یوسف جامی ۲۵۶، ۲۱۹	ضیاءالدین جابری (میرزا) ۷۱۱
۲۸۷-۲۸۸، ۶۱۱، ۶۱۹	ضیاءالدین خجندی فارسی ۷۴۱، ۱۶۵
ضیای تبریزی ۳۴۵	ضیاءالدین دوغ آبادی ۱۰۰
ضیای شروانی (قاضی) ۷۸۳	ضیاءالدین سگزی ۹۵
ضیای هروی ۳۴۵	ضیاءالدین شقیعی اردو بادی ۲۹۳
ضیایی (کمالالدین ابوالقاسم) ۶۱۵	ضیاءالدین عبدالرافع بن ابوالفتح هروی ۹۱
ضیایی اردبیلی اردو بادی ۷۸۸، ۳۱۸	ضیاءالدین عبداللطیف بن رشیدالدین فضل الله ۷۳۱
ضیایی اردو بادی اردبیلی ۷۸۸، ۳۱۸	ضیاءالدین عبدالؤمن بن صفی الدین بن عزالدین یا عزیزالدین بن محیی الدین نعمت ۷۷۹، ۷۶۸
ضیایی بخارایی (قاسم) ۵۶۱	ضیاءالدین علی بن محمد بن صدرالدین محمد ۴۵۰
ضیایی کرمانی (ضیاءالدین میرم) ۴۶۴	ضیاءالدین علی ترک ۴۵۱-۴۵۲، ۴۹۹
طارمی جغتایی (دوست) ۳۴۴	ضیاءالدین عمر بن محمد بسطامی ۹۵
طارمی محدث (ملا علی) ۸۳۴، ۵۶۸	ضیاءالدین فندرسکی (میر) ۵۱۸
طالب آملی ۶۹۰	ضیاءالدین کابلی ۱۹۹
طالب اصفهانی (ملایا با) ۸۲۳، ۴۳۱	ضیاءالدین کاشانی ۷۱۱
طالب ترمذی (میرزا حسن) ۶۸۵	ضیاءالدین کرمانی (ملاشاه) ۶۸۵
طالب جاجرمی ۳۰۱، ۵	ضیاءالدین محمد ۴۴۹-۴۵۰
طالب گیلانی (یحیی خان) ۸۳۳، ۵۳۰	ضیاءالدین محمد بن ابونصر بن ابوشهید عز نوری ۹۵
طالبه (مجدالدین) ۷۱۰، ۷۵۰، ۸۳۸	ضیاءالدین محمد بن زین المعالی ابوالحسن علی بن حسین بن مظفر بن حسن بیهقی ۵۶
طالبی (مولانا) ۶۱۸	ضیاءالدین محمد بن مجدالدین حسن یزدی ۷۷۵
طالبی زنجانی (عبدالله بن حسین بن صالح) بایزید بن عامر بن دینار ۷۰۷	ضیاءالدین محمد بن محمود بن ضیاءالدین کرمانی ۳۰۸
طالبی سمرقندی ۲۴۵	ضیاءالدین محمد بهادر (میرزا) ۱۹۳
طالع (مجد) ۱۷۹	ضیاءالدین محمود کابلی ۹۵
طالعی تیرگر ۶۱۴	ضیاءالدین مسعود ۷۷۵
طالعی سمرقندی ۳۴۵	ضیاءالدین مشهدی (ملک) ۷۶۸
طالعی مشهدی ۳۴۵	
طالعی یزدی ۵۴۸	
طالقانی ۵۶۷	
طامار ملکه گرجستان ۱۰۶	
طامه الکسری ۱۱۵	
طاهر (آل) ۱۸	

طاهر محمد (خواجه) ۳۴۵  
 طاهر موسوی مشهدی (میرزا) ۵۸۱  
 طاهری (سلسله) ۷۱۳  
 طاهری ابیوردی ۳۰۶  
 طاهری استرآبادی ۳۴۵  
 طاهریان ۷۱۲-۷۱۵  
 طاهری بیغمی (محمد بن احمد بن علی بن محمد) ۷۵۸  
 طاهری هروی ۳۴۵  
 طاهری استرآبادی ۳۴۵  
 طاهری زیارتگاه ۳۴۵  
 طباطبایی (سادات) ۵۵۳  
 طباطبایی حسینی (سادات) ۴۹۸  
 طباطبایی کاشانی (میرزا ابوطالب) ۴۴۷  
 ۷۱۹  
 طبخی قزوینی ۴۶۱  
 طبری (زبان) ۳۴۰  
 طبعی اصفهانی (حکیم عنایت الله) ۶۸۵  
 طبعی اصفهانی (میر محمد علی) ۶۸۶  
 طبعی سمرقندی (خواجه) ۵۸۱  
 طبیب فرغانی (شیخ بابا) ۵۹۰  
 طبیبی کاشانی (میر مظفر) ۶۸۵  
 طخاری ۲۱  
 طرزی ششتری ۷۰۰  
 طرزی یزدی ۶۰۲، ۵۸۹  
 طرطری ۷۹  
 طریقه جشتی ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۹۶، ۱۹۷  
 ۲۱۷-۲۱۸، ۳۷۲، ۳۷۵، ۴۰۴  
 ۴۲۶، ۶۰۸، ۷۲۴، ۷۳۸، ۷۴۸  
 ۸۱۶  
 طریقه سهروردی ۲۶۴  
 طریقه شاه نعمت الله ولی ۵۳۵  
 طریقه شطار ۱۵۴، ۲۵۶  
 طریقه قادری ۱۳۱-۱۳۲  
 طریقه مولوی ۱۴۳، ۱۵۹، ۱۹۹، ۲۵۸  
 ۴۶۸  
 طریقه نقشبندی ۱۹۱-۱۹۲، ۴۷۰  
 طریق ساوجی (محمد) ۵۳۶، ۴۲۱  
 طنرایبی (جعفر) ۲۶۲، ۲۷۳

طاهر (خواجه ابوالفتح) ۷۲۳  
 طاهر (شاه) ۳۸۵، ۵۶۶  
 طاهر ابیوردی ۲۹۶  
 طاهر استرآبادی (سید) ۷۹۱  
 طاهرالدین محمد بن شمس الدین ابراهیم  
 بمی ۲۸۳  
 طاهر انجذانی ۳۶۷، ۳۶۸-۳۸۵  
 ۴۸۹، ۵۶۶، ۸۰۳-۸۰۵  
 طاهر بخاری ۳۰۵  
 طاهر بن احمد ۳۷  
 طاهر بن رضی الدین ۸۰۳  
 طاهر بن رضی الدین دوم ۸۰۳  
 طاهر بن زنگی فریومندی (عزالدین) ۱۷۵،  
 ۱۸۶  
 طاهر بن شاه رضی الدین اسمعیلی حسینی  
 دکنی (شاه) ۳۶۷، ۳۶۸-۳۸۵  
 ۴۸۹، ۵۶۶، ۸۰۳-۸۰۵  
 طاهر بن نصر الملك مظفر بن نظام الملك  
 (ناصر الدین ابوالفتح) ۸۱۰۲  
 طاهر بن فضل چنانسی (ابوالمظفر) ۲۳،  
 ۳۷  
 طاهر بن محمد اسفراینی ملقب بشاهفور  
 (عماد الدین ابوالمظفر) ۱۱۷، ۱۸۰  
 ۲۷۳، ۷۱۷، ۷۲۶-۷۲۷  
 طاهر بن محمد خاتقاهی (خواجه فقیه ابو  
 نصر شیخ الاسلام) ۱۴۶  
 طاهر بن محمد قاریابی (طاهر الدین ابو-  
 الفضل) ۷۴، ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۰  
 ۸۰۲  
 طاهر بن مظفر وزیر (ابوالفتح) ۲، ۸۱  
 طاهر تفرشی ۶۸۵  
 طاهر خسروی ۲۵  
 طاهر ذوالیمینین ۱۸  
 طاهر رازی (خواجه محمد طاهر) ۶۸۵  
 طاهر سلطان ۵۷۳  
 طاهر عریان همدانی ۲۴، ۷۱۵، ۷۲۲  
 طاهر فریومندی (عزالدین) ۱۷۵، ۱۸۶  
 طاهر فضل ۲۵  
 طاهر قاضی (ملا) ۶۳۸

طغرل بن ارسلان ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲  
طغرل بيك سلجوقي ۵۱، ۴۹ - ۵۲، ۸۰، ۱۰۵، ۱۰۶

طغرل دوم ۸۲

طغرل باغي ۶۳

طغا تيمورخان ۲۰۸

طغا تيموريان ۲۰۱

طناخان (بينو ملك حسام الدين حسن بن علي) ۷۳۱، ۱۷۳، ۸۶، ۴۹

طناشاه بن اب ارسلان (شمس الدوله) ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۵

طفجاج خان (ركن الدين) ۲

طفلي فتح پوري ۵۴۸

طفيلي (امير حسين جلایر) ۷۶۳، ۳۰۹، ۷۷۳

طفيلي آذربايجاني ۷۰۰

طفيلي حصاري ۵۶۷، ۳۴۵

طلحه مروزي (شهاب الدين ابوالحسن) ۸۸

طنطرائي (معين) ۱۷۹

طويي بلخي (عرب) ۵۶۷

طوسي خراساني ۶۴۵

طوطي ترشيزي (شهاب الدين علي) ۲۹۵

طوفي تبريزي ۸۳۱، ۵۰۹

طهراني ۵۳۴

طهماسب صفوي (شاه) ۲۴۱، ۱۸۶، ۶

۲۷۸، ۲۵۲، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۷

۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۴

۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۱۰

۴۱۴، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۴، ۴۳۸

۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۱

۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۵

۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۱

۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۶، ۵۱۱، ۵۱۳

۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱

۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۶، ۵۴۶

۵۶۴، ۵۷۱، ۵۸۰، ۵۸۱، ۶۰۱

۶۱۶، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۶۲، ۶۶۴

۶۶۷، ۶۷۰، ۶۷۸، ۶۸۳، ۶۸۴

۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۵

۶۹۷، ۷۰۲، ۷۰۹، ۷۷۶، ۷۸۸

۸۰۷، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۲۰

۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۳۰

۸۳۳، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۴

طهماسب قلی بيك مرشي ۸۳۰، ۵۰۰

طهماسب قلی بيك عهدي ۸۳۰، ۵۰۰

طهماسب قلی فهمي طهراني رازي ۴۲۶، ۸۲۷، ۸۲۱

طهماسب قلی بيك موصلويوزباشي ۴۶۳

طهماسبی کاشانی (حيدر) ۶۷۴-۶۷۵

طيان بعي کرهاني ۲

طبان زازخاي ۲۵، ۲

طيان مرغزي ۲۵، ۲

طبيب تربتي (حافظ) ۶۱۴

طبيب حاشعي (شاهزاده) ۶۱۱

طيفور انجيداني (ملك) ۴۵۸ - ۴۵۹، ۸۲۷

## ظ

ظافر الدين بن ناصر الدين يزدي ۷۳۳

ظافر الدين ظهير الملك (خواجه) ۷۳۳

ظاهر اردبيلي (محمد كاظم) ۷۰۱

ظريفي ۲۲۶

ظريفي (حسن چلبي) ۸

ظريفي تبريزي ۷۰۱

ظريفي توتي ۳۴۵

ظريفي ساوجي (محمود بيك) ۵۳۶

ظريفي فارسي (محمد بيك) ۶۵۴

ظفر بن محمد بن عبدالله كافي همداني (ابو-)

المشايير) ۵۲

ظهور (شيخ خاوند) ۶۱۱

ظهوري (خواجه محمد علي) ۶۱۱

ظهوري تبريزي (ملانياز) ۵۲۵، ۶

ظهوري ترشيزي (نور الدين محمد) ۴۳۳، ۸۲۶، ۴۴۵

ظهوري شيرازي ۵۱۵

ظهير الدين ۱۲۸

ظهير الدين ابوالحسن علي بن ابوالقاسم

زید بن محمد بن حسین بیہقی ابن  
فندق ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۴۹، ۳۱۷،  
۷۲۷

ظہیر الدین ابوالفتح ابراہیم میرزا صفوی  
۳۷۸، ۴۲۱، ۴۷۰، ۴۹۱، ۵۱۲،  
۵۲۷، ۶۵۵، ۸۲۹

ظہیر الدین ابوالفضل طاہر بن محمد  
قاریابی ۷۳، ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۷-۱۲۰،  
۸۰۲

ظہیر الدین ابوالمحاسن محمد بن مسعود بن  
زکی غزنوی ۱۲۵

ظہیر الدین ابونصر سگزی ۳  
ظہیر الدین بابر (ابوالقاسم) ۲۳۴، ۲۴۰،  
۲۵۱، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۵،

۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۲۸-۳۲۹،  
۳۳۳، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۶۱، ۳۶۳،

۳۹۹، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۱۱، ۴۲۵،  
۴۵۳، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۲،

۵۴۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۵-۶۰۹،  
۶۱۴-۶۱۵، ۶۴۱-۶۴۲، ۶۴۵،

۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۷-۶۶۸، ۶۷۰،  
۶۷۷، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۴، ۷۰۸،

۸۰۸-۸۰۹، ۸۳۳، ۸۳۵-۸۳۶،  
۸۳۹

ظہیر الدین بن نصیر الدین مرعشی حنفی  
قوام الدین (سید) ۳۵۲

ظہیر الدین بہرام میرزا صفوی ۳۵۴، ۳۵۶،  
۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۲۰، ۵۳۲،

۶۹۲، ۸۲۷  
ظہیر الدین جدید ۲۵

ظہیر الدین راصد ۱۷۸  
ظہیر الدین عبدالرحمن بن علی بن بزغش  
شیرازی ۷۴۵-۷۴۶

ظہیر الدین عبداللہ شفر وہ ۱۰۲  
ظہیر الدین عیسیٰ بن احمد جام ۷۲۱، ۷۲۸،

ظہیر الدین کمیر بن اویس بن محمد لطیفی  
اردبیلی قاضی زادہ ۲۵۴، ۲۸۱،  
۳۸۲، ۸۰۶

ظہیر الدین محمد بابر پادشاہ ۳۳۳، ۳۰۵،

۶۰۷، ظہیر الدین بابر  
ظہیر الدین محمد بن شرف الدین  
یزدی ۷۶۸

ظہیر الدین نصیر سگزی ۷۹  
ظہیر الدین نیشاپوری ۸۸، ۱۱۹،

ظہیر الدین ولی تسوی ۱۰۰  
ظہیر الدین یحییٰ سرخسی (سید) ۹۰

ظہیر الملک (خواجہ ظافر الدین) ۷۳۳  
ظہیر خواجہ ۱۷۸

ظہیر سمرقندی ۶۰۴  
ظہیر طوسی ۱۷۸

ظہیری (قطب الدین) ۲۲۹  
ظہیری سمرقندی (بہا عالدین محمد) ۲۹،  
۱۰۰، ۱۲۸

حابد اصفہانی ۶۵۴  
حابد میرمی (شاہ زین العباد) ۱۸۰، ۷۰۸،

حابد ترک (شیخ) ۶۲۰  
حابد خیر آبادی (شیخ) ۵۶۴

حابد مروی (میر) ۶۲۴  
عادل (شاہ طہماسب صفوی) ۴۷۲

عادل (عادل بن علی) ۳۹۵  
عادل بن علی (عادل) ۳۹۵

عادل شاہ ۳۹۷، ۴۲۰، ۴۰۳، ۶۴۱، ۶۴۷،  
۸۲۴

عادل شاہ (ابراہیم) ۲۶۸، ۴۲۰، ۴۲۳-  
۴۳۴، ۴۴۵، ۸۰۵، ۸۲۶

عادل شاہ (سلطان یوسف) ۴۴۳، ۶۴۷،  
۶۷۵

عادل شاہ (علی) ۳۶۸، ۴۲۳، ۶۵۵-۶۵۶،

عادل شاہان (سلسلہ) ۳۶۸، ۶۴۷، ۶۷۵،  
عادل شاہ سلطان ۶۲۶

عادل شاہ وفاہی (سلطان اسمعیل) ۳۲۷،  
۶۴۷

عادل گری خان تاتار ۴۷۴، ۴۰۵،  
عادل لاری (شاہ) ۶۱۶، ۸۳۶

عادل (شاہ اسمعیل دوم) ۴۷۳  
عادل ختلاہی ۳۴۵

عارض (عبدالله) ۲۵	حایشه مقریة سمرقندی ۸۹
عارضی (عبدالله) ۲۵	عبادالله سلطان ۸
عارضی قمی ۵۲۶	عبادیهقی (شیخ سعید) ۵۶
عارف (جلال الدین) ۶۰۵، ۱۳۲	عباد دامنانی ۱۸۱
عارف (خواجہ عبدالوہاب) ۶۳۹-۶۴۱	عبادہ (سعد) ۷۷۵
عارف اردبیلی ۷۶۹	عیادی (امیر) ۸۴
عارف اصفهانی ۶۵۴	عباسی (قاتل الغریک) ۵
عارف ایچی ۴۳۹	عباس بن محمد رضا قمی ۹۰
عارف بلوچ ۳۴۵-۳۴۶	عباس بیگ ترکمان ۵۰۱
عارف ریوگری بخاری (خواجہ) ۷	عباس خان بن شیخ علی شروانی ۳۶۱
عارف شیرازی ۶۵۴	عباس سلطان افشار ۵۰۰
عارف فرکی ۳۳۶	عباس صفوی (شاه) ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۵۸
عارف کابلی هروی (عالم) ۵۴۸ - ۵۴۹، ۸۳۳	۳۵۹، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۷، ۳۹۶
عارف گیلانی ۷۱۱	۳۹۸-۳۹۹، ۴۱۳-۴۱۴، ۴۲۰
عارف هروی (محمود) ۳۰۲-۳۰۳	۴۴۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۲، ۴۷۳
عاشق (شیخزاده) ۱۹۴	۴۹۲، ۴۹۴-۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵
عاشق (کمال الدین ابوالخیر بلخی) ۸	۵۱۲-۵۱۷، ۵۲۳، ۵۳۰، ۵۳۳
عاشق بخارایی (مولانا کمال الدین) ۶۲۳	۵۷۸، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۳۳، ۶۴۸
عاشق سمرقندی (ابوالخیر) ۶۵۴	۶۳۹، ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۸۵، ۶۹۹
عاشقی تربتی ۶۸۵	۷۰۰، ۷۰۵، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۵
عاشقی هروی ۳۳۶	۸۲۷-۸۲۸، ۸۳۲
عاصم ۲۶۱	عباس مروزی ۱۸، ۷۱۲
عاصم (قاسم) ۳۴۶	عباسه شهرستانی (معین الدین) ۷۵۶
عاصمی کشمیری (یعقوب بن حسن گنایسی صرفی) ۸۲۹، ۶۲۷، ۴۷۰، ۳۷۲	عباسی (ابوالعباس) ۲۵
عاصمی هروی ۳۴۶	عباسی (جمال الدین) ۹۵
عاکفی ۳۴۶	عباسی (خلیفه) ۷۱۳، ۷۲۹
عالم بخاری (مخدوم شاه) ۵۴۱	عباسی (سکه) ۶۴۳
عالم سمرقندی (خواجہ) ۱۸۱	عباسی گجراتی (عبداللطیف بن عبدالله) ۸۳۳، ۵۳۸
عالم عارف کابلی هروی ۵۴۸-۵۴۹، ۸۳۴	عباسی لمعانی ۲۵، ۷۱۵
عالمگیر ۶۷۷	عباسی لمعانی ۷۱۵
عالم هروی ۳۴۶	عبدالاول بن علی الدین بن زید پوری (سید) ۳۷۲
عالمی دارا بگردی (مولانا میرزا سهراب) ۸۲۹، ۴۷۰	عبدالباقی (میر) ۴۹۷
عالمی (صفی) ۲۲۶	عبدالباقی (میرزا) ۴۳۹
عالمی خان ۶۷۳	عبدالباقی بن علی بن عبدالحق (فرید الدین ابوبکر) ۳۲۵
عامری (یوسف) ۵۶	عبدالباقی کرمانی (میر) ۳۳۶
عایشه سلطان ۴۷۹	عبدالباقی نهاوندی ۶۸۵



عبدالجبار بن حسن بن احسين جمعي بيهقي  
(ابوالمظفر) ۵۵  
عبدالجليل ۳۴۶  
عبدالجليل (امام) ۱۱۰  
عبدالجليل (موفق) ۱۷۹  
عبدالجليل بن ابوالحسين بن ابوالفضل  
قزويني رازي (نصير الدين ابوالرشيد)  
۱۲۵  
عبدالجليل بن عبدالجميل صافي (جلال-  
الدين) ۸۱۵  
عبدالجليل بن محمد صافي (جلال الدين)  
۸۱۵  
عبدالجليل بن نظام الدين يحيى بن عبد-  
الجليل بن محمد بن عبدالباقي يزدي  
۱۹۱  
عبدالجميل (امام) ۱۱۰  
عبدالاحسين منشي الممالك (ميرزا) ۷۰۵  
عبدالحق (نظام الدين) ۸۱۸  
عبدالحق اردبيلي (خواجه شرف الدين)  
۶۹۰  
عبدالحق استرآبادي ۲۴۶  
عبدالحق بن سيف الدين بن سعد الله ترك  
بخاري صوفي محدث دهلوي حقي  
۱۳۲، ۳۶۰، ۳۶۹، ۶۷۸، ۷۹۸،  
۸۰۵  
عبدالحق دهلوي ۱۳۲، ۳۶۰، ۳۶۹،  
۶۷۸، ۷۹۸، ۸۰۵  
عبدالحق محدث دهلوي ۱۳۲، ۳۶۰، ۳۶۹،  
۶۷۸، ۷۹۷، ۸۰۵  
عبدالحق هروي ۳۴۶  
عبدالاحکيم طييب بخاري ۶۳۳  
عبدالحميد (خواجه برهان) ۳۰۷  
عبدالحميد رايجاني ۲۲۰  
عبدالحي (نصير الدين) ۵۹۹  
عبدالحي بن ابوالفتح حسيني ۷۸۱  
عبدالحي بن ابوالفتوح حسيني ۷۷۸  
عبدالحي بن جلالی حیاتی دهلوی ۸۰۹-  
۸۱۰  
عبدالحي بن ضحاک گردیزی (ابوسعبد) ۲

عبدالحي حبيبي ۲۱۳  
عبدالحي خوشنويس (مولانا) ۲۹۹  
عبدالحي شيري لاهوري ۸۱۹، ۴۱۸  
عبدالحي صدر (مير) ۵۵۶  
عبدالحي مشهدي (مير) ۵۴۹  
عبدالحي منشي (خواجه) ۴۳۹  
عبدالخالق بن عبدالجميل غجدواني ۲،  
۱۱۰، ۲۲۰، ۲۵۲، ۲۷۲، ۷۷۵  
عبدالخالق فيروزشا ۶۷۹  
عبدالرافع بن ابوالفتح هروي (ضياء الدين)  
۹۱  
عبدالرحمن ۸۱۳  
عبدالرحمن (شاعر) ۱۷۸  
عبدالرحمن (ضياء الدين) ۱۸۴  
عبدالرحمن (مولانا) ۴۴۹  
عبدالرحمن (نور الدين) ۲۲۵  
عبدالرحمن اسفرايني (نور الدين) ۱۱۵،  
۷۳۳، ۷۴۵  
عبدالرحمن افضل خان (شيخ) ۳۶۴  
عبدالرحمن بن احمد شادستاني (رکن-  
الدين) ۲۳۷  
عبدالرحمن بن صوفي ۱۲۹  
عبدالرحمن بن عبدالجبار فامی هروي  
(ثقه الدين ابونصر) ۱۹۷  
عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغي (نور-  
الدين) ۷۷۷، ۷۸۲  
عبدالرحمن بن علي بن بزفش شيرازي  
(طهير الدين) ۷۴۵-۷۴۶  
عبدالرحمن بن عمر صوفي (ابوالحسن)  
۷۱  
عبدالرحمن بن محمد بن علي بسطامي (ابو-  
يزيد) ۷۸۳  
عبدالرحمن بن محمد كسركي اسفرايني  
(نور الدين ابومحمد) ۱۱۵، ۷۳۳،  
۷۴۵  
عبدالرحمن بن محمد نيرشا بوري (ابوالفتوح)  
۱۲۵  
عبدالرحمن بن نظام الدين احمد بن شمس-  
محمد جامي (عماد الدين يا

عبدالرحیم مشہدی ۷۸۲  
عبدالرزاق اصہبانی (جمال الدین) ۷۴-  
۱۷۴-۱۷۲، ۱۵۷، ۱۰۱، ۷۵  
عبدالرزاق بن جمال الدین اسحق سمرقندی  
(کمال الدین) ۳۲۹، ۲۵۰، ۵  
عبدالرزاق بن عبدالکریہ بن عبدالرزاق  
طبيب کرمانی ۱۹۰، ۲۵۷، ۲۷۳  
عبدالرزاق ترکی (قاضی) ۵۵  
عبدالرزاق حسنی حسینی ۷۵۶  
عبدالرزاق صدرگیلانی (مولانا) ۸۳۱  
عبدالرزاق عبدی وعیدی خراسانی (قاضی)  
۶۸۶  
عبدالرزاق کاشانی (کمال الدین) ۷۱۸،  
۷۹۵، ۷۵۸  
عبدالرزاق گیلانی (ملا) ۵۳۱  
عبدالرزاق هروی ۲۴۶  
عبدالرسول خیام پور (دکتر) ۴۵۸  
عبدالرشید بن ابویوسف احمد هروی ابو  
منصور بابوسف (ابومنصور) ۴۵  
عبدالرشید بن احمد جام (رشید الدین)  
۷۲۰  
عبدالرشید بن مسعود غزنوی ۲، ۶۴،  
۱۱۷  
عبدالرشید بن نوری باکویی ۷۳۲  
عبدالرؤف مناوی ۷۱۸  
عبدالرؤف هروی ۷۸۱  
عبدالستار بن قاسم ۳۸۳  
عبدالسلام (قاضی) ۶۷۱  
عبدالسلام بخاری (خواجہ) ۶۴۱، ۶۳۴  
عبدالسلام بن احمد بن محمود کازرونی  
(ضیاع الدین ابومسلم) ۷۳۵  
عبدالسلام بنا ومعمار قرینی ۷۰۵  
عبدالسلام بن علی بن حسین ابرقوہی ۲۲۶  
عبدالسلام بن محمد بن ابوالحسن علی  
(ابوالکرم) ۲۴۳  
عبدالسلام پامی کرمانی جبل عاملی (شیخ)  
۶۷۲، ۵۳۸  
عبدالسلام خواجہ ۶۳۳، ۶۴۱  
عبدالشہید (خواجہ) ۵۶۹-۵۷۰

نورالدین ابوالبرکات) ۵۸، ۶،  
۱۵۵، ۱۶۳، ۱۶۹، ۲۴۶، ۲۴۸،  
۲۵۵، ۲۸۵-۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱-  
۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۴،  
۳۲۱-۳۲۲، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۷۲،  
۳۸۴، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۰۵، ۴۰۷،  
۴۱۵، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۶۶،  
۴۴۶، ۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۷،  
۵۶۹-۵۷۰، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۱۱،  
۶۱۵، ۶۱۸، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۴۵،  
۶۴۷، ۶۶۳، ۶۷۷، ۷۶۶، ۷۷۵-  
۷۷۷، ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۹۲، ۷۹۴،  
۸۲۶، ۷۹۶

عبدالرحمن جامی و عبدالرحمن بن نظام -  
الدین

عبدالرحمن حموی ۱۸۱  
عبدالرحمن خازنی ۶۳، ۶۰  
عبدالرحمن عرانی (شیخ) ۶۲۹  
عبدالرحمن عیاضی سرخسی ۵۳  
عبدالرحمن فضل الله (ابوالفضل) ۷۶۴  
عبدالرحمن قریشی مصری (نورالدین)  
۲۶۴

عبدالرحمن لاهوری بلوطی ۵۴۵  
عبدالرحمن مشفق بخاری ۷، ۴۲۱،  
۵۶۸، ۵۷۱، ۵۷۵-۵۷۷، ۵۸۳،  
۵۸۶، ۵۸۹-۵۹۰، ۵۹۳-۵۹۷،  
۶۰۰، ۶۰۴، ۸۰۸، ۸۳۶

عبدالرحیم بن احمد جام (علاء الدین) ۷۲۰  
عبدالرحیم بن شمس الدین محمد اقطابی  
مشرقی خلوتی (خواجہ) ۷۹۵، ۷۴۲

عبدالرحیم بن محمد شیرازی ۷۳۷  
عبدالرحیم بن منصور محتشم قہستان (ملک)  
ناصر الدین ابوالفتح) ۱۳۷، ۱۳۹  
عبدالرحیم خان خانان ۳۶۱-۳۶۲،  
۴۱۷، ۴۵۶، ۵۰۵، ۵۳۲-۵۳۳،  
۵۹۱، ۶۰۳، ۶۰۷، ۶۴۹، ۶۸۵،  
۶۹۰، ۸۰۲، ۸۲۴، ۸۳۱

عبدالرحیم خلوتی ۷۴۲، ۷۹۵  
عبدالرحیم سلطان (برہان خان) ۵۶۸

عبدالشهید خاوند محمود بن خواجگی  
خضر بن عیدالله احرار ۷، ۶۳۷،  
۷۸۲

عبدالصمد (معین الدین ابوالمعالی) ۸۲  
عبدالصمد بدخشان، ۳۴۶  
عبدالصمد بن افضل بن محمد ۳۶۵، ۸۱۷،  
عبدالصمد بن علی اصفهانی (نورالدین)  
۷۵۸

عبدالصمد تربتی (حوالا) ۶۳۰

عبدالصمد خان مصور ۶۵۲  
عبدالصمد شیرین قلم (خواجہ) ۴۲۸  
عبدالصمد مشہدی ۳۲۸، ۳۲۶

عبدالصمد مصری ۶۲۹

عبدالصمد نحوی ۶۰۳

عبدالعزیز ۷۲

عبدالعزیز ۷۷۲

عبدالعزیز (نجم الدین) ۱۷۹

عبدالعزیز ابوری ۲۶۲

عبدالعزیز انصاری (محبی الدین) ۲۴۳

عبدالعزیز بن حسن جوئیوری (شیخ عزیر اللہ)  
۸۱۶

عبدالعزیز بن شیر ملک بن محمد واعظی ۱۹۰  
عبداله

۶۳

عبدالعزیز بن محمد افضل شیرازی (افضل -

الدین) ۲۳۶، ۲۸۰

عبدالعزیز بن منصور عسجدی مروزی ۳۶

عبدالعزیز بہادر خان (ابوالغازی) ۴۰۰،

۵۷۹، ۶۰۵ ر. عبدالعزیز خان

عبدالعزیز جامی ۸۰۹

عبدالعزیز جوئیوری ۶۸۶

عبدالعزیز حکیم (خواجہ) ۳۴۹

عبدالعزیز خان عزیزی شیبانی (ابوالغازی)

۴۰۰، ۵۷۹، ۶۰۵، ۶۲۵ - ۶۲۶،

۶۵۷، ۶۳۷

عبدالعزیز شیخ الجمال (ملک سید عز الدین)

۲۲۵

عبدالعزیز کاشی ۷۵۷

عبدالعزیز کولی (قاضی) ۶۰۳

عبدالعزیز گنجہ ۱۷۸

عبدالعزیز مراغی ۸۱۳

عبدالعزیز قاضی معروف بنخواجہ خسرو

(خواجہ) ۶۲۹

عبدالعزیز نقاش (خواجہ) ۵۲۴-۵۲۵

عبدالعظیم (امامزادہ و شاہزادہ) ۱۲۷،

۴۴۱، ۴۵۲، ۴۷۳، ۶۶۲

عبدالعظیم سیفی حسینی (میر) ۴۹۲

عبدالعلی (ملا) ۶۲۴

عبدالعلی بن محمد بن حسین پیرجندی

نظام الدین) ۳۸۳-۸۰۶، ۳۸۴

عبدالعلی پیرجندی (نظام الدین) ۳۸۳ -

۸۰۶، ۳۸۴

عبدالعلی حاصلی خیر آبادی ۵۶۶

عبدالعلی خوشنویس ۶۳۶

عبدالعلی وزیر (ملا) ۶

عبدالعزیز بن اسحق ۲۶۳

عبدالعزیز تاشکندی مولانا زادہ (مولانا)

۳۴۶، ۵۶۱، ۶۱۱

عبدالعزیز سلطان ۵۷۳

عبدالعزیز لاری (بدیع الدین داری الدین)

۱۱۶، ۲۵۵، ۶۱۳-۷۷۵

عبدالعزیز لاهیجی ۵۱۹

عبدالعزیز بیک حمدانی (میرزا) ۶۸۶ -

۶۸۷

عبدالعزیز تفرشی (امیر) ۷۱۱

عبدالعزیز حمدانی ۶۴۶، ۸۳۷

عبدالعزیز بدائی ۲۵۹، ۲۵۷ - ۲۶۰،

۳۶۹، ۴۳۳، ۶۴۶

عبدالعزیز بن ابوصالح عبداللہ جنکی دوست

ابن ابو عبداللہ بن یحیی الزاهد بن

داود بن موسی بن عبداللہ بن موسی -

الحسن بن عبداللہ المعصی بن حسن المثنی

س بن علی بن ابوطالب جلی

گیلاتی (محبی الدین ابو محمد) ۱۳۱

۱۴۱، ۱۹۵، ۳۶۹ - ۳۷۰، ۴۰۵،

۷۵۴، ۷۲۷

عبدالعزیز بن حسن رویانی لاهیجی (نظام

الدین) ۲۷۰

عبدالعزیز بن غیبی حافظ مراغی گویندہ

(کمال الدین و نظام الدین ابوالفضائل

۱۴۷، ۲۶۱، ۷۷۳، ۷۷۷ - ۷۷۸،

۸۱۴، ۷۸۲

عبدالقادر بن محیی الدین اربلی قادری  
۱۳۳

عبدالقادر بن ملوکشاه بن حامد بداولی  
قادری ۳۵۷، ۳۵۹ - ۳۶۰، ۳۶۹،

۴۳۳، ۴۴۶

عبدالقادر پسر نظامشاه ۳۶۸

عبدالقادر رهاوی ۵۸

عبدالقادر گوینده ر. عبدالمادر بن عیسی

عبدالقادر گیلانی ر. عبدالقادر بن ابوصالح

عبدالقادر نایینی یارسی ۱۸۱

عبدالقادر یمنی ۱۳۲

عبدالقاهر بن عبدالله سوروردی (ضیاء -

الدین ابوالنجیب) ۱۴۱، ۱۶۵،

۱۹۶، ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۷۶

عبدالقادر بن اسمعیل بن صفی الدین حنفی

کنگوهی (قطب العالم) ۳۷۵، ۴۰۴

عبدالقادر بن سلطان شیبانی ۶۳۴

عبدالقاهر سمرقندی (شریف الدین یاشرف

الدین) ۳۲۹، ۵

عبدالقاهر هروی ۳۴۶

عبدالقافی ۱۸۱

عبدالقافی بن ابوالسرکات ۷۲۹

عبدالکبیر بن اوئس قاضی زاده ۲۵۴،

۲۸۱، ۳۸۲، ۸۰۶

عبدالکریم (مولانا) ۲۶۳

عبدالکریم ابرقوهی (شمس الدین) ۱۸۱

عبدالکریم بن ابراهیم بن سبط عبدالقادر

گیلانی (قطب الدین) ۱۹۵، ۷۵۴

عبدالکریم بن ابوبکر (ابوحنیفه) ۷۳۷

عبدالکریم بن احمد حاتمی هروی (امیر

ابوالفتح) ۴۱

عبدالکریم بن احمد هروی (ابوالعاج)

۵۵

عبدالکریم بن سلیمان بن عبد الوهاب

کورانی ۳۹۳

عبدالکریم بن محمد نمیدهی ۲۴۱

عبدالکریم بن محمود قاضی احتیار

۸۱۷

عبدالکریم عطایی جونپوری ۶۸۶

عبدالکریم کاشانی (میرزا) ۵۱۸

عبدالکریم کریمی سمرقندی (بهاء الدین)

۹۱

عبدالکریم محمد بن فصیح الدین محمد بن

کریم الدین دشت بیاضی ۲۷۵، ۹۰

عبدالکریم منجم بلخی ۴۰۳

عبدالکریم نظامی (فصیح الدین) ۲۶۹

عبدالکریم نیشابوری (ملا) ۳۴۶

عبدالکریم حمدانی ۷۸۳

عبدالکریم حمدانی (ملا) ۷۷۶

عبداللطیف (غلام) ۶۹۰

عبداللطیف بن الغ بیگ (رکن الدوله میرزا)

۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۸، ۲۴۹ - ۲۵۱،

۲۶۹

عبداللطیف بن رشید الدین فضل الله

(ضیاء الدین) ۷۳۱

عبداللطیف بن عبدالله عباسی گجراتی ۵۳۸،

۸۳۲

عبداللطیف بن کوچکونجی خان بن ابو -

الخیر خان بن دولت شیخ بن ابراهیم

ابن یولادین منکو تیمور بن بداکول بن

جوجی بوغان بهادر بن شربان بن

جوجی بن چنگیز شیبانی ۳۵۵،

۴۸۷، ۵۸۶، ۶۰۳

عبداللطیف بن محمد بن ثابت خجندی

(صدر الدین) ۱۰۲

عبداللطیف بن هبة الله بن شغروه اصفهانی

(مجد الدین ابوالمجد) ۱۰۲

عبداللطیف بن میریحیی سیفی قزوینی

۸۳۳

عبداللطیف جامی (شیخ) ۶۲۸

عبداللطیف خان ازبک (ابوالغازی) ۳۵۵،

۴۸۷، ۵۸۶، ۶۰۴

عبداللطیف خوانی (شیخ) ۶۱۱

عبداللطیف سیفی حسنی قزوینی (مر)

۴۰۶

عبداللطیف شروانی افلاطون ۸۵، ۳۰۳

عبدالله الطیف سجایی اورانیہ ای ۵۷۸

عبدالله الطیف یزدی ۷۵۴

عبدالله (امیر) ۷۱۲

عبدالله (سید) ۳۲۸

عبدالله (قوام الدین) ۲۰۵

عبدالله (مرشد الدین) ۷۸۱، ۲۴۶

عبدالله (میرزا) ۴۶۳-۴۶۲

عبدالله آشپز (شهاب الدین) ۳۴۱

عبدالله الہی سماوی (شیخ) ۸۱۴

عبدالله اعامی (خواجہ) ۴۲۳

عبدالله انصاری ۵۷، ۵۲-۵۸، ۶۳، ۱۹۳،

۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۹، ۳۰۸، ۳۲۵،

۳۲۸، ۳۳۲، ۳۵۲، ۳۵۹، ۵۶۷،

۶۳۳، ۶۵۲، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۹،

۷۵۸-۷۸۰-۷۸۱

عبدالله ارومانی (ائیر الدین) ۷۴۵، ۱۵۸

عبدالله بخاری (خواجہ) ۵۷۶

عبدالله بخاری (سلطان) ۳۴۶

عبدالله بلیانی کازرونی (اوحد الدین)

۷۱۰، ۲۸۲، ۱۸۱

عبدالله بن ابراہیم سلطان ۳۰۱

عبدالله بن ابوتراب بن بہرام بن زکی بن

عبدالله بنجیری شیرازی (زکی الدین)

۷۴۵

عبدالله بن ابو عبدالله منجی الثانی بن ابو-

حفص منجی الماخی بن عبدالله بن

یقطان اینجی خوزی ۷۴۹، ۵۶

عبدالله بن احمد جام (حمید الدین) ۷۳۱

عبدالله بن الله داد عثمانی تلینی ۸۱۲، ۸۰۹

عبدالله بن جعفر طیار ۲۸۰

عبدالله بنجیری (ابو محمد شمس الدین)

۷۶۹، ۷۷۰

عبدالله بن بہادر خان (ابوالغازی) ۳۷۵

عبدالله بن حسین بن صالح بن بایزید بن

ہامر بن دینار طالبی زرقانی ۷۰۷

عبدالله بن خالد ۷۲

عبدالله بن خواجہ شمس الدین مروارید

کرمانی (شهاب الدین) ۶، ۳۵۹-

۲۶۰، ۳۱۸، ۶۹۴، ۶۲۲، ۷۷۷

عبدالله بن زین الدین لطف الله بن عبدالرشید

بہدادنی خوافی ہروی حافظ ابرو

(شہاب الدین) ۲۳۷-۲۳۸، ۷۷۳

عبدالله بن ضیاء الدین مسعود بلیانی کازرونی

(اوحد الدین) ۱۸۱، ۲۸۲، ۷۱۰

عبدالله بن عبدالحی بن علی حسینی اسحاقی

۴۶۲

عبدالله بن عبدالرحمن بن عبداللطیف

حسینی دشتکی شیرازی شافعی ہروی

واعظ (اصل الدین ابوالمفاخر)

۲۴۳، ۲۴۵، ۷۷۴

عبدالله بن عبدالرزاق اصفہانی (جمال-

الدین ابو محمد) ۷۴-۷۵، ۱۰۱،

۱۵۷، ۱۷۳-۱۷۴

عبدالله بن علی ۴

عبدالله بن علی بن محمد کاشانی (ابو الماسم)

۱۵۱، ۷۲۳-۷۲۴

عبدالله بن عمر بیضاوی (قاضی نصیر الد-

ناصر الدین ابوالخیر یا ابوسعید)

۱۳۹، ۳۹۵، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۵

عبدالله بن کرام ۱۶

عبدالله بن محمد انصاری ہروی (شیخ -

الاسلام ابواسمعیل) ر عبدالله انصاری

عبدالله بن محمد بلخی رودہ (ابو محمد)

۴۵

عبدالله بن محمد بلخی فرخاری ۳۵

عبدالله بن محمد بن شاوراسدی رازی دایہ

(نجم الدین ابوبکر) ۸۰، ۱۱۵،

۱۴۰، ۷۳۰

عبدالله بن محمد بن علی بن حسن بن علی

میانی ہمدانی عین القضاۃ (ضیاء -

الدین ابوالفضائل یا ابوالمعالی)

۶۹، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۹۶، ۶۰۹،

۷۱۵، ۷۲۲، ۷۷۳

عبدالله بن محمد بن کیا ہازندرائی ۷۸۰

عبدالله بن محمد رشیدی سمرقندی (ابو محمد)

۹۷

عبدالله بن محمد عبدالحی بن علی طوسی

برزش آبادی (میر شہاب الدین

۹۷۳

۸۴۱، ۷۵۶، ۶۳۹، ۳۲۳، ۳۲۰

عبدالله بن محیی بن محمود افشاری خزرچی  
سعدی شیرازی جهرمی (قطب الدین)  
۳۹۶، ۲۶۱

عبدالله بن مسعود بن محمد بن علی بن  
احمد بن عمر بن اسمعیل دقاق (ارجد-  
الدین ابوعلی) ۳۷۹

عبدالله بن مشرف بن مصلح بن مشرف سعدی  
شیرازی (مصلح الدین ابو محمد) ۳،  
۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲،  
۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۳،  
۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۹۰، ۲۹۳،  
۴۱۵، ۴۴۵، ۴۶۵، ۵۱۲، ۶۲۶،  
۶۹۲، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۸۱۱

عبدالله بن معین ۷۱۴

عبدالله بن متفیع ۱۲۹، ۱۱۸

عبدالله بن نصر بکری بغدادی (ایوب بکر)  
۱۳۲

عبدالله بن یقظان ایندجی خوزی ۱-۲

عبدالله بن یقظان خوزی (ابو حفص) ۱،  
۷۴۹، ۵۶

عبدالله ترخان (ددیش) ۲۴۶

عبدالله چشمه مالان ۳۴۶

عبدالله حسینی یلیائی کازرونی (اوحد الدین)  
۷۱۰، ۲۸۲، ۱۸۱

عبدالله حلوائی شهدی ۶۳۹

عبدالله خان (میر) ۴۹۲

عبدالله خان ازبک (ابوالغازی) ۲-۸،  
۳۷۵، ۳۹۸، ۴۰۶، ۴۸۷، ۴۸۸،  
۵۳۶، ۵۳۷، ۵۶۰، ۵۶۸، ۵۶۹،  
۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵، ۵۹۷،  
۶۰۱، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۰،  
۶۱۵، ۶۱۷، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۶۷،  
۶۷۲، ۶۷۴، ۶۹۰، ۸۲۰، ۸۳۶

عبدالله خان استاجلو (امیر) ۳۹۹

عبدالله خان اعتدال الدوله ۴۳۴

عبدالله خان بن اسکندر خان بن جانی بیک

سلطان شیبائی ر. عبدالله خان ازبک

عبدالله خان بن سکندر خان بن جانی بیک

سلطان ر. عبدالله خان ازبک

عبدالله خان شیبائی ر. عبدالله خان ازبک

عبدالله خان عوض غازی ۴۸۸

عبدالله ختلانی (برهان الدین) ۱۶۴،

۲۸۴، ۳۲۹، ۷۴۱

عبدالله خویی (قاضی) ۷۰۱

عبدالله دیوانه هروی ۳۴۴، ۳۴۹

عبدالله رازی (قاضی) ۴۹۹، ۶۸۸

عبدالله رازی (قاضی) ۶۸۸

عبدالله راضی ۶۸۸

عبدالله روزبه نکستی (ابو عبدالله) ۴۲

عبدالله سلطان ۵۶۸، ۵۷۳

عبدالله سلطان پوری (مخدوم الماک)

۶۴۶

عبدالله مندی ۳۹۴

عبدالله شبستری ۲۳۹، ۷۹۰

عبدالله شطاری ۲۴۶

عبدالله شفرو (ظهير الدین) ۱۰۲

عبدالله طوسی ۳۰۳-۳۰۵

عبدالله عارضی ۲۵

عبدالله عبدی اصمغانی (میر) ۶۸۶

عبدالله قاتونی (میر) ۵۴۹

عبدالله قرشی ۴۹

عبدالله قزوینی ۳۴۶

عبدالله قسری ۱۷۸

عبدالله قطب ۲۲۱، ۳۹۶

عبدالله قطب شاه ۴۳۵، ۵۳۲، ۵۵۷

عبدالله کاشغری ندایی (خواجه) ۲۸۱

عبدالله کامل شیرازی (قوام الدین) ۶۸۸

عبدالله گیلانی ۲۴۶

عبدالله لاهوری ۵۵۱

عبدالله لسانی شیرازی (کمال الدین یا

وجیه الدین) ۴۳۶، ۸۲۵، ۸۲۸،

۸۳۲

عبدالله مروارید کرمانی (خواجه شهاب-

الدین) ۲۵۹-۲۶۰، ۳۹۸، ۶۱۴،

۶۲۲، ۷۷۷

عبدالله معروف پسید میرزا (مرشد الدین

شاه) ۲۴۶، ۷۸۱

عبدالله المؤمن بن صفی الدین بن عزیز الدین  
 یاعزالدین بن محیی الدین نعمت  
 (ضیاء الدین) ۷۷۹، ۲۶۸  
 عبدالله المؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی  
 (صفی الدین ابوالمقارن) ۱۴۶ -  
 ۸۱۴، ۷۳۲، ۲۶۲، ۱۴۷  
 عبدالله المؤمن جارونی (ابوالعلا) ۲۵۸  
 عبدالله المؤمن خان ازبک ۷-۴، ۸۸۰، ۴۰۴، ۸۸۰، ۴۰۴  
 ۸۱۷، ۶۶۷، ۵۹۵، ۵۶۹  
 عبدالله المؤمن محمد بن فضل الله بن هبه الله بن  
 محمد شفروہ (شرف الدین) ۲۴، ۱۰۲  
 عبدالله المؤمن مؤمن هروی ۶۳۷  
 عبدالله بنی فخر الزمانی قزوینی ۵۲۷  
 عبدالواحد ابراهیم حسینی بلگرامی  
 ۷۴۲  
 عبدالواحد بلگرامی ۱۹۶، ۵۳۹، ۶۴۳  
 عبدالواحد حسینی واسطی شادی بلگرامی  
 (میر) ۶۴۳  
 عبدالواسع بن عبدالجامع بن عمر بن ربیع  
 سلطان جلی غرجستانی (سید مدیح)  
 الزمان) ۱۶۶، ۹۲، ۸۲، ۷۳، ۴۸  
 عبدالواسع شامی یاشنب قازانی معروف  
 بنظام شامی (نظام الدین) ۲۲۶، ۷۸۲، ۲۵۰  
 عبدالواسع نظامی باخرزی (حال الدین)  
 ۳۱۳  
 عبدالواسع نوری ۶۲۷  
 عبدالواسع هروی ۳۳۶  
 عبدالوهاب ۶۱۸  
 عبدالوهاب (تاج الدین یا شمس الدین  
 ابوالفضل) ۲۸۰  
 عبدالوهاب (عماد الدین) ۳  
 عبدالوهاب اسمراینی ۲۴۶  
 عبدالوهاب بن احمد بخاری (سید) ۸۱۲  
 عبدالوهاب بن حلال الدین محمد همدانی  
 ۸۱۷  
 عبدالوهاب بن علی حسینی استرآبادی (سید)  
 ۳۷۱

عبدالله مورخ ۳۶۹  
 عبدالله مهدوی باوردی ۱  
 عبدالله مهنه (خواجہ) ۶۲۰  
 عبدالله میرزا نیموری ۲۵۱  
 عبدالله وصفی (میر) ۵۵۶  
 عبدالله هاتفی جامی ۴۱۰، ۳۹۰، ۳۱۴  
 عبدالله یقینی لاهیجی (قاضی) ۵۱۱  
 عبدالله یمنی (شریف) ۶۳۳  
 عبدالله الہیہ علویہ علاء دولویہ کبرویہ  
 (طریقہ) ۳۰۶  
 عبدالمجید (خواجہ برهان) ۳۰۷  
 عبدالمجید (فخر) ۱۷۸  
 عبدالمجید تبریزی ۲۲۵  
 عبدالمجید شروانی ۷۸۳  
 عبدالمحسن بن محمد حسینی ۷۵۶  
 عبدالمطی بن ابوالشام محمود بن عبدالمطی  
 لخمی اسکندری (سید الدین ابو-  
 محمد) ۷۱۸  
 عبدالمقتدر ۲۵۰  
 عبدالملک (رشید الدین) ۳۱۴  
 عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی امام-  
 الحرمین (ضیاء الدین ابوالمعالی)  
 ۷۴۱، ۶۱  
 عبدالملک بن عصام بن ابومکر بن محمد بن  
 عبدالرحیم بن ابوبکر علی صاحب  
 الہدایہ سمرقندی (عماد الدین  
 ابواحمد) ۲۲۵، ۲۱۴-۲۱۳  
 عبدالملک بن نوح سامانی ۳۲  
 عبدالملک جوینی (امام الحرمین) ۶۱،  
 ۷۴۱  
 عبدالملک خواجہ ۶۳۹  
 عبدالملک سمرقندی (خواجہ) ۲۱۳-  
 ۲۱۴  
 عبدالملک محمد برہانی نیشابوری ۵۱،  
 ۸۳  
 عبدالله المؤمن (مولانا) ۳۴۶  
 عبدالله المؤمن ارموی (صفی الدین) ۱۴۶-  
 ۸۱۴، ۷۳۲، ۲۶۲، ۱۴۷  
 عبدالله المؤمن بن ابراہیم بن رشید الدین  
 فضل الله (عماد الدین) ۷۳۱

عبدالوهاب بن محمد حسینی حسنی معموری  
غنائی ۳۹۶  
عبدالوهاب سمرقندی ۳۴۶  
عبدالوهاب سهای ۳۴۵  
عبدالوهاب صایونی ۲۹۳  
عبدالوهاب عارفی (خواجہ) ۶۳۹-۶۴۱  
عبدالوهاب مشهدی (قاضی) ۳۲۹  
عبدالوهابیہ (سادات) ۴۹۸  
عبدالہادی ۷۲۷  
عبدالہادی پارسا (خواجہ نظام الدین)  
۶۲۳  
عبدمنان قمی ۶۸۵  
عبدہ (خواجہ) ۴  
عبدہ (شیخ) ۱۷۸  
عبدی (زین العابدین علی) ۴۰۳، ۳۸۵، ۸۰۲، ۴۴۴  
عبدی ابرقوھی ۴۷۰  
عبدی اصفہانی (میر عبداللہ) ۶۸۶  
عبدی بلخی ۶۲۶  
عبدی بیک شیرازی ہمدانی ۵۳۲  
عبدی بیک شیرازی ۸۲۹، ۴۷۱  
عبدی بیک نویدی اصفہانی (خواجہ) ۵۹۱  
عبدی تیزی (درویش) ۷۰۱  
عبدی جنابدی ۵۱۲  
عبدی حراسانی (قاضی عبدالرزاق) ۶۸۶  
عبدی زاری ۴۷۱  
عبدی زامینی (حکیم) ۶۸۶  
عبدی شروانی ۷۰۱  
عبدی شیرازی (زین العابدین علی) ۴۴۴  
عبدی قزوینی تیزی (محیی الدین محمد ابن عبدالاول) ۳۹۱  
عبدی گابدی ۴۷۰  
عبدی نیشابوری ۶۹۲، ۳۴۶  
عبری ۷۹۸  
عبوری گندم دانی ۶۰۲  
عبیری (جمال الدین) ۷۲۵  
عبداللہ (مؤید الملک ابوبکر) ۸۹، ۵۴  
عبداللہ احرار (ناصر الدین) ۵، ۷، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۶، ۴۰۵

۵۶۹، ۵۸۳، ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۲۳  
۶۳۳، ۶۳۷، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۸۱  
۷۹۶، ۸۰۶، ۸۱۷، ۸۴۰، ۸۴۱  
عبداللہ بن جبرئیل بن عبداللہ بن یحشیوع  
طیب (ابوسعید) ۷۳۷  
عبداللہ بن حسام الدین بن عماد الدین عمر بن  
کمال الدین صمصام بن شمس الدین  
محمد بن نجم الدین نسفی (شہاب الدین)  
۷۸۵  
عبداللہ بن محمود (صدر الشریعہ) ۱۵۴،  
۷۳۴  
عبداللہ بن محمود بن شہاب الدین احرار  
(ناصر الدین) ر. عبداللہ احرار  
عبداللہ بن محمود محبوبی بخاری ۷۲۳  
عبداللہ بن محمود بن تاج الشریعہ برہان-  
الدین محمود بن صدر الشریعہ احمد  
ابن جمال الدین ابوالمکارم عبداللہ  
محبوبی بخاری (صدر الشریعہ)  
۱۵۴-۱۵۵، ۱۶۶، ۲۸۸، ۳۸۴،  
۷۳۴  
عبداللہ بن مسعود حنمی (صدر الشریعہ)  
۱۵۴-۱۵۵، ۱۶۶، ۲۸۸، ۳۸۴،  
۷۳۴  
عبداللہ بن نظام الملک (مؤید الاماک  
ابوبکر) ۸۹، ۵۴  
عبداللہ بیک تاشکندی ۵۹۱  
عبداللہ خان ازبک (ابوالغازی) ۶-۸،  
۲۵۲-۲۵۳، ۲۸۵، ۳۳۳، ۳۳۸،  
۳۴۶، ۳۸۴-۳۸۵، ۴۰۰، ۴۰۶-  
۴۰۷، ۴۶۴، ۴۷۷، ۴۸۶،  
۶۱۳-۶۱۹، ۶۲۱-۶۲۳، ۶۲۵،  
۶۲۷-۶۳۱، ۶۳۲-۶۳۵، ۷۰۵  
عبداللہ خان شیبانی ر. عبداللہ خان ازبک  
عبداللہ خویشکی چشتی عبیدی ۲۰۶  
عبداللہ زاکانی (نظام الدین) ۲۰۶، ۲۰۱  
عبداللہ سمرقندی ر. عبداللہ احرار  
عبداللہ شاشی ۲۱۱  
عبداللہ نقشبندی (نصیر الدین) ۲۴۷،  
۸۱۷





عزالدين عبدالعزیز شیخ الجبال (ملك) - سید ۲۲۵	۶۲۳، ۶۱۰، ۴۹۶، ۴۰۲، ۳۹۱
عزالدين علوی ۱۸۱	۶۲۵، ۶۳۰، ۷۰۱، ۷۱۵، ۷۳۹
عزالدين علینقی بن شیخ ابوالعلا هاشم طغایی کمره‌ای فراهانی شیرازی اصفهان (ملا) ۳۷۹، ۵۰۹، ۶۹۹	۷۶۸-۷۶۹، ۷۸۳، ۸۱۴، ۸۴۰
عزالدين کرجی ۲۲۳	عربی قندزی ۵۸۹
عزالدين کسبی بخاری (قاضی) ۸	عرتامی ۲۵
عزالدين کیگاروس سلجوقی ۸۰، ۱۵۰	عرشی (طهماسب قلی بیگ عهدی) ۵۰۰
۱۶۱، ۷۵۱	۸۳۰
عزالدين محمود بن علی کاشانی نطنزی ۱۴۲، ۱۹۲	عرضی (محمد مؤمن) ۴۰۹
عزالدين محمود عشقی کاشانی ۴۴۴، ۴۷۰	عرضی بخارایی ۵۸۸
۸۲۹	عرفی شیرازی (سید جمال‌الدین محمد)
عزالدين مسعود ۱۰۵	۴۱۷، ۴۵۴، ۸۱۹، ۸۲۶
عزالدين مسعود بن روزبهان ثانی ۲۲۲	عرفی کمانگر تبریزی ۶۵۴
عزالدين مطهر بن عبدالله بن علی حسینی ۴۱۵	عروجی (ناج‌الدین فیروز شاه بن داود شاه بهمنی) ۲۱۵، ۲۳۴، ۷۸۰، ۷۹۵
عزالدين همدانی ۲۲۳	عروضی (یوسف) ۲۵، ۹۵
عزالدين یحیی (امیر) ۱۸۱	عروضی بخاری (سیفی) ۴۹۳، ۶۲۰
هزت (غیاث‌الدین) ۳۳۶	عریضی (سادات) ۳۰۵
هز شروانی ۷۷۲	عریضی (مؤیدالدین) ۲۳۰
هز لثی خلخالی (ملا ادهم) ۷۰۱	عزالدين ۱۷۸
هز می بخارایی ۶۳۶	عزالدين ابراهیم بن رشیدالدین فضل‌الله (خواجه) ۷۳۱
هز می تبریزی (سلطان محمد) ۷۰۱	عزالدين ابوالمکارم حمزه بن زهره حلبی ۷۴۴
هز می ماوراءالنهری ۶۲۹، ۶۳۶	عزالدين اسفرائینی یورحسن ۱۸۰
عزیز ابوالبقا ۱۷۸	عزالدين اصفهانی ۸۹
عزیزالدین ۱۸۱	عزالدين بابویه ۱۸۱
عزیزالدین اردشیر استرابادی بختیاری ۱۹۳	عزالدين بن جعفر بن شمس‌الدین آملی ۳۹۶
عزیزالدین رافعی اسفرائینی ۹۵	عزالدين بن جمال‌الدین کیشی (ملك) ۷۵۰
عزیزالدین سامی قزوینی ۶۴۲، ۶۴۴	عزالدين بن علی سرخسی ۸
۶۵۶	عزالدين خلوتی (شیخ حاج) ۷۸۳
عزیزالدین شروانی ۱۷۸	عزالدين شروانی ۱۰۸، ۱۷۸، ۲۷۲
عزیزالدین محمد نسفی ۱۱۱، ۷۲۲	عزالدين شفرو ۱۰۴
عزیزالله حضوری قمی ۴۳۲، ۴۵۹، ۸۲۳	عزالدين شهری ۱۷۸
عزیرالله زاهدی ۳۱۰	عزالدين طاهر بن زنگی فریومدی ۱۷۵
عزیزالله عبدالعزیز بن حسن جونیوری ۸۱۶	۱۸۶
	عزالدين طاهر فریومدی (خواجه) ۱۷۵
	۱۸۶

عزیز اللہ عزیز سیفی حسنی ابهری  
 قزوینی (میر) ۸۲۳، ۶۵۴، ۴۳۰  
 عزیزان (جمال الدین) ۸  
 عزیزان (شیخ) ۶۰۴  
 عزیزان (علی رامیشی خواجہ) ۲۲۰  
 عزیزان (مولانا خوش محمد) ۶۲۰  
 عزیزخان (میر) ۴۹۲  
 عزیز شاہ ۸۰۵  
 عزیز شہرود ۱۷۸  
 عزیز عزیز ابهری قزوینی (میر) ۴۳۰  
 ۸۲۳، ۶۵۴  
 عزیز عزیز قزوینی ۶۵۴  
 عزیز علی شروانی ۱۷۸  
 عزیز قلندر کاشانی ۶۸۶  
 عزیز کابلی ۳۴۶  
 عزیز کحال ۱۷۸  
 عزیز کمانچہ ای یا کمانچہ کش ۵۳۱  
 عزیز کو کلتانی (میرزا) ۴۱۸، ۵۴۹، ۶۵۳  
 عزیز کوکہ (خان اعظم میرزا) ۳۸۳، ۵۴۶، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۳، ۶۰۱، ۶۵۳، ۶۶۹  
 عزیز مستعلی ۲۴۵  
 عزیز مشکئی ۲۲۵  
 عزیز ابهری قزوینی (میر عزیز) ۴۳۰، ۸۲۳، ۶۵۴  
 عزیز حسینی (سید حسن) ۷۲۵  
 عزیز سیفی حسنی ابهری قزوینی (میر عزیز اللہ) ۸۲۳، ۶۵۴، ۴۳۰  
 عزیز شیبانی (ابوالغازی عبدالعزیز خان) ۶۰۵  
 عزیز قزوینی (عزیز) ۶۵۴  
 عزیز مستعلی ۲۲۵، ۹۶  
 عزیزی مشہدی کاشانی ۶۵۴  
 عسجدی مروزی (عبدالعزیز بن منصور) ۳۶  
 عسکری (میرزا محمد) ۴۳۰، ۴۷۶، ۶۰۷، ۸۱۹  
 عشرتی هروی ۳۴۶

عشرتی یزدی ۴۷۰  
 عشقی (شیخ محمد صادق بن ابوالحسن شیخ ابن) ۶۲۸ (قلی شیخ)  
 عشقی (میر) ۳۴۶  
 عشقی تبریزی ۷۰۱  
 عشقی خان ترک ۸۳۴، ۵۴۹  
 عشقی سوخی فرغانی ۶۰۲  
 عشقی کاشانی (مولانا عزالدین محمود) ۸۲۹، ۴۳۴، ۴۳۰ (سلسلہ) ۶۳۸  
 صبار تبریزی (خواجہ شمس الدین حاجی محمد) ۳۴۱، ۲۰۳  
 صہام الدین ابرہیم ابن عرب شاہ اسفراینی ۸۱۵، ۶۳۰، ۶۲۳، ۴۱۶، ۷  
 عصامی (فخر الملک) ۳۲۵  
 عصامی سمرقندی (عبدالملک بن عصام بن ابوبکر بن محمد بن عبدالرحیم بن ابوبکر صاحب الہدایہ) ۲۱۴-۲۱۳، ۲۲۵  
 صفوری (جمال) ۱۷۷  
 عصمت الدین بدیع الجمال ۱۹۲  
 عصمت اللہ بخاری (خواجہ) ۵۷۸  
 عصمت اللہ بن مسعود بخاری (خواجہ فخر الدین) ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶، ۷۹۰، ۷۸۷، ۵۷۸، ۳۰۰  
 عصمت اللہ بن محمود بن نعمہ اللہ سمرقندی (ملا) ۷  
 عصمت اللہ کوفی ۶۳۲  
 عصمت بخاری ۵، ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶، ۳۰۰، ۷۹۰، ۷۸۷، ۵۷۸  
 عصمتی (نویسی) ۳۴۹  
 عصمی (نظام الدین مودود بن احمد) ۸۱  
 عضد الدولہ (ابو یعقوب یوسف بن سبکتگین) ۳۷، ۳۴  
 عضد الدولہ جمال الدین حسین بن فخر الدین حسن اینچو ۳۹۷  
 عضد الدین ایچی (قاضی) ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۱، ۲۱۶، ۲۶۳، ۲۶۶-۲۶۷

۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۳، ۳۵۶، ۳۸۵،  
 ۲۹۱، ۳۹۳، ۷۰۵  
 عضدالدین عبدالرحمن ۱۸۴  
 عضدی ۱۷۸، ۶۶۳  
 عضدی مشکانی ۲  
 عطار (علاءالدین محمد بن محمد بخاری)  
 ۱۹۲، ۲۸۱، ۷۶۷، ۸۲۰  
 عطار (محمود) ۷۶۱  
 عطار تونی (فریدالدین محمد بن ابراهیم)  
 ۳۲۰  
 عطاردی خراسانی ۳۵  
 عطار نیشابوری (فریدالدین ابو حامد  
 محمد بن ابراهیم بن مصطفی بن شعبان)  
 ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰، ۳۱۹  
 ۲۹۰-۲۹۱، ۳۲۰، ۳۴۵، ۷۲۳  
 عطاردهندانی (زینالدین محمد بن ابراهیم  
 ابن مصطفی بن شعبان) ۲۱۸-۲۱۹،  
 ۳۲۰  
 عظامک جوینی (علاءالدین) ۲، ۹۴،  
 ۱۲۶-۱۶۲، ۱۶۷، ۷۳۰  
 ۷۳۹  
 عطاءالله (میرزا) ۴۶۲  
 عطاءالله بن حسام واعظ هروی ۳۹۶،  
 ۸۰۷  
 عطاءالله بن فضل الله (امیر) ۶۹۱  
 عطاءالله بن فضل الله حسینی دشتکی  
 شیرازی نیشابوری ۲۴۵  
 عطاءالله بن محمود بن حسین مشهدی عطایی  
 (جمالالدین) ۳۲۳، ۵  
 عطاءالله رازی (قاضی) ۴۷۱، ۴۹۹،  
 ۵۰۲  
 عطاءالله رازی هروی (برهان الدین)  
 ۳۲۳  
 عطاءالله نیشابوری (امیر برهان الدین)  
 ۳۲۴  
 عطاءالله ورامینی رازی (قاضی) ۴۷۱،  
 ۵۰۲، ۴۹۹  
 عطاء بن یعقوب کاتب رازی ناکوک (عمید  
 عطاء و عطاء یعقوب ابوالعلا) ۴۳

عطاء یعقوب ۴۳  
 عطایی ۲۲۶، ۳۴۶  
 عطایی جونپوری (شیخ عبدالکریم) ۶۸۶  
 عطایی مشهدی (عطاءالله بن محمود بن  
 بن) ۲۲۴  
 عفیفالدین بن نورالدین کاشانی ۳۷۳  
 عفیفالدین سلیمان بن علی تلمسانی ۷۱۸  
 عقیده ۶  
 عکاشه (جلالالدین فریدون) ۲۱۴، ۷۶۵  
 علاءشیرازی (حافظ) ۳۲۰  
 علامه حلی ۳۷۳، ۶۶۳، ۷۰۱  
 علامه دوانی (جلالالدین) ۲۶۵-۲۶۶،  
 ۲۷۶-۲۷۷، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۵۶،  
 ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳،  
 ۴۲۹، ۴۶۵، ۵۴۱، ۶۳۸، ۶۶۱  
 ۶۶۳، ۶۹۱، ۷۰۶، ۷۴۲، ۷۷۹  
 علامه شیرازی (قطب الدین) ۱۴۷، ۳۸۹،  
 ۷۳۲، ۷۴۵  
 علامه قوشچی ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸-  
 ۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶، ۳۷۵، ۳۸۸  
 ۴۰۳، ۶۰۸، ۶۶۳  
 علامی (ابوالفضل بن مبارک) ۳۶۳-  
 ۳۶۵، ۴۲۴-۴۲۵، ۴۳۱، ۵۳۲  
 ۵۴۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۶۹  
 علامی (شیخ کمال الدین ابوالفضل تبریزی  
 چلبی بیگ) ۵۲۰  
 علاءالدوله ابوکالیجار گرشاسب کاکویه  
 ۶۳  
 علاءالدوله اتسز خوارزمشاه ر اتسز  
 علاءالدوله احمد بن شرف الدین محمد بن  
 احمد بن محمد بیابانکی سمعانی (رکن  
 الدین) ۳-۴، ۱۳۸، ۱۹۵، ۲۰۰  
 ۳۱۶، ۶۳۴، ۷۲۱، ۷۳۳، ۷۵۶، ۷۸۳  
 علاءالدوله احمد شاه دوم ۱۹۰، ۲۵۹،  
 ۷۷۶  
 علاءالدوله اسفراینی ۲۵۵  
 علاءالدوله اوزجندی ۱۰۰  
 علاءالدوله بن یحیی بن عبداللطیف سیفی  
 کامی قزوینی (امیر) ۳۸۳، ۴۳۳

۸۰۶، ۸۲۳-۸۲۴، ۸۴۰

علاءالدوله خجوشانی ۶۲۵

علاءالدوله خوارزمی ۵۸۳

علاءالدوله سمنانی ۳۰۳، ۱۳۸، ۱۹۵

۲۰۰، ۴۱۶، ۶۳۴، ۷۵۶، ۷۳۳

علاءالدوله عربشاه (فخرالدین) ۱۰۷

علاءالدوله علی بن قرامرز (امیر) ۸۳

علاءالدوله کاکویه ابو جعفر محمد بن دشمن

زیار ۳۱

علاءالدوله گرشاسب بن قرامرز بن کاکویه

۸۱، ۶۳

علاءالدوله محمد بن کت ۷۸۱

علاءالدوله میرزا ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۰۷

۳۲۸

علاءالدین ۷۵۶

علاءالدین (خواجه) ۴۶۴

علاءالدین (ملک) ۱۷۸

علاءالدین آل عثمان ۷۹۹

علاءالدین احمد ۶۵۱

علاءالدین اتس خوارزمشاه ر. اتس

علاءالدین احمد بهمنی ۷۷۶

علاءالدین احمد دوم بهمنی ۱۹۰، ۲۵۹

۷۷۶

علاءالدین اودی ۵۳۹، ۶۴۲، ۸۳۶

علاءالدین اوزجندی ۱۰۰

علاءالدین بخاری (حسین) ۶۱۰

علاءالدین بن شیخ صفی الدین اردبیلی

۳۱۲

علاءالدین پیر علی (امیر) ۲۳۶

علاءالدین پیغم ملک ۷۱۹

علاءالدین تبریزی ۸۱۳

علاءالدین ترکه (خواجه) ۴۵۱

علاءالدین تکش خوارزمشاه ۹۰ - ۹۱

۹۳-۹۴، ۱۱۵، ۱۲۰، ۷۲۶

علاءالدین حارثی مروزی ۹۵

علاءالدین حسن سگزی ۱۵۴، ۷۶۶

علاءالدین حسین جهانسوز ۷۳، ۸۹

علاءالدین خراسانی (سید) ۲۶۹

علاءالدین خلجی ۱۷۱، ۱۷۶، ۷۵۲

علاءالدین خلوتی ۷۹۶

علاءالدین خوارزی ۱۰۴، ۱۷۸

علاءالدین زرگری ۴

علاءالدین شاه ۴

علاءالدین عبدالرحیم بن احمد جام ۷۲۰

علاءالدین عظامک جویسی ۹۳، ۱۳۶

۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۷، ۷۳۰، ۷۳۹

علاءالدین علاء اودی (سید) ۵۳۹، ۶۴۲

۸۲۶

علاءالدین علی باخرزی صانعی ۳۲۴

۳۴۵

علاءالدین علی بن خواجه کمال الدین

نعمت الله برزنی آبادی طوسی ۵۶۵

علاءالدین علی بن محمد بن احمد بن خلف

خیام خراسانی ۷۴۹

علاءالدین علی بن محمد قوشچی (یازین)

الدین) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۶۸

۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶، ۳۷۵، ۳۸۸

۴۰۳، ۶۰۸، ۶۶۳

علاءالدین علی بن یوسف قناری ۲۷۶

علاءالدین علی صانعی باخرزی ۳۲۴، ۳۴۵

علاءالدین عمادشاه ۴۸۹

علاءالدین فریبرز (شروانشاه) ۱۷۶

علاءالدین کبودجابه ۱۷۸

علاءالدین کرب ارسلان آقسنقری ۱۰۵

علاءالدین کورت ۱۷۹

علاءالدین کرمانی ۳۴۹

علاءالدین کیقباد سلجوقی ۱۴۱، ۱۵۹

۱۶۱

علاءالدین لاری ۵۴۶

علاءالدین محمد ۱۲۷

علاءالدین محمد اسماعیلی ۱۳۷

علاءالدین محمد بن تکش خوارزمشاه ۹۴

۱۱۲، ۱۴۰

علاءالدین محمد بن جلال الدین محمد بلخی

۵۴۳، ۷۳۶

علاءالدین محمد بن حافظ عماد الدین هروی

ابن عماد شیرازی (حافظ) ۲۱۷

۳۴۳-۳۴۴، ۵۴۵

علاءالدین محمد بن سلیمان ۹۸، ۱۲۲

علمی قلندر هندی (شاه) ۷۰۹  
 علمی لاری (افضل خان شمس الدین محمد)  
 ۶۴۵  
 علوان آق شهری (بابا نعمت الله) ۲۸۲  
 علوی ۷۵۹، ۶۳۱  
 علویان خراسان ۱۱۷  
 علویان شیراز ۳۹۷  
 علوی تبریزی (علاء) ۲۲۶  
 علوی نسوی ۴  
 علی ۶۵۴  
 علی (امیر سید علی) ۸۱۸  
 علی (حافظ) ۳۴۶، ۳۳۴  
 علی (حکیم) ۳۵۷  
 علی (زین الدین) ۳۴۴، ۳۲۷  
 علی (زین العابدین) ۴۴۴  
 علی (سلطان خواجه) ۴۰۸  
 علی (سلطان میرزا) ۳۳۷  
 علی (شاعر قرن ۸) ۲۲۶  
 علی (شیخ) ۶۰۵  
 علی (غیاث الدین) ۲۴۶  
 علی (غیاث الدین میرزا) ۴۳۱  
 علی (فخر الدین) ۶۸۴  
 علی (کارکیا میرزا) ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۰  
 ۴۸۲، ۳۵۰  
 علی (مظهر الدین) ۳۴۶  
 علی (مولانا سید) ۶۳۶  
 علی (مولانا میر) ۶۵۹، ۵۲۵  
 علی (میرزا غیاث الدین) ۴۳۱  
 علی (میر شمس الدین) ۸۳۰  
 علی آزادی استرابادی (خواجه) ۶۶۵  
 علی آصف خان (میرزا غیاث الدین) ۴۶۵  
 علی ابن چنگی هروی (درویش) ۶۰۱  
 علی احمد نشانی دهلوی ۸۳۵، ۵۵۵  
 علی احمد نقیب خان قزوینی (غیاث الدین)  
 ۸۴۱، ۶۶۲  
 علی ادایی شیرازی (بهاء الدین) ۳۳۸  
 علی اصغر چشتی ۱۵۶  
 علی اصغر سمرقندی (میر) ۳۴۶  
 علی اصغر فنایی مشهدی ۸۳۷، ۶۵۶

علاء الدین محمد بن محمد بخاری عطار  
 ۸۲۰، ۷۶۷، ۲۸۱، ۱۹۲  
 علاء الدین محمد بن محمد نور بخش ۲۷۴  
 ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۰۰  
 ۸۱۲، ۷۸۸  
 علاء الدین محمد خلجی (سلطان) ۱۷۱  
 ۷۵۳، ۱۷۶  
 علاء الدین محمد خوارزمشاه ۱۵۹  
 علاء الدین محمد ققیب (شاه) ۴۴۹  
 علاء الدین مسعود بن محمد بن علی اندخودی  
 ۹۵  
 علاء الدین منصور ۵۰۳  
 علاء الدین نور الله ۳۹۳  
 علاء الدین نبلی قاری سجزی دهلوی ۲۱۸،  
 ۷۶۶  
 علاء الدین هندو (خواجه) ۱۸۱  
 علاء الدینی بخارایی (حسین) ۶۱۰  
 علاء الملک سبزواری ۳۴۶  
 علاء الملک شرف الدین میرزا ۸۸  
 علاء الملک ضیاء الدین ابوبکر احمد  
 جامی ۹۴-۹۵  
 علاء اودی (میر سید علاء الدین) ۱۵۳۹  
 ۸۳۶، ۶۴۲  
 علاء بلخی (سراج الدین) ۹۵  
 علاء بیک مشکئی تبریزی ۷۰۵  
 علاء زیارت ۴  
 علاء شاشی ۳۲۹  
 علاء علوی تبریزی ۲۲۶  
 علاء کرمانی ۲۷۲  
 علایی (میر سید علی همدانی) ۴  
 علایی کرهرودی (فاضلی) ۶۸۷  
 علایی کرهرودی (قاضی) ۷۱۱  
 علم الهدی (سید مرتضی) ۱۳۰، ۱۳۴  
 علم الهدی ابوالقاسم علی بن حسین (شریف)  
 ۱۳۰، ۱۳۴  
 علمجن (میرزا) ۵۶۸  
 علمی (میر مرتضی) ۵۴۹  
 علمی خراسانی ۳۴۶  
 علمی سبلی (میر چوچک) ۵۹۵

۷۳۳، ۷۳۰ - ۷۲۹، ۵۹۴، ۴۱۲

۸۲۶، ۷۷۹

علی بن ابوطالب طبهرسی (ابو منصور) ۳۷۱،  
۳۷۳

علی بن ابوعلی عثمانی جلایی هجویری  
(ابو اسحق) ۶۵

علی بن ابونصر روزبه شیپانی (اختیارالدین)  
۸۸

علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ۲۶،  
۷۱۷، ۷۰۰، ۴۷، ۴۴، ۳۸، ۲۹

علی بن احمد سیفی نیشابوری (بدیع الزمان)  
۹۵

علی بن احمد قاضی شوشتری ۲۷۲

علی بن احمد کاتب بدیع تائبیک جویندی  
(مؤید الدوله منتهی الدین) ۸۸، ۲

علی بن احمد نسوی استاد مختص (ابو الحسن)  
۲۰، ۶۳

علی بن اسد بن حارث (امیر ابو المعالی  
شمس الاعالی) ۶۲

علی بن اسمعیل اصفهانی (شرف الدین  
ابو الحسن) ۷۳۸

علی بن افضل الدین محمد بن صدر الدین  
ابو حامد محمد ترکه (صاین الدین)

۴۵۱ - ۴۴۹، ۲۹۸، ۲۷۴، ۱۶۴

۷۷۹، ۷۴۲

علی بناکتی (نظام الدین) ۷۳۲، ۱۴۳

علی بن الحسین ۱۷۸

علی بن بزغش بن عبدالله شیرازی (تجیب  
الدین ابوسعید) ۱۸۰، ۲۱۱ - ۲۱۲،

۷۵۸، ۷۴۶

علی بن بهاء الدین محمد جویندی ۷۴۱

علی بن جعفر مرغانی بسطامی (ابو الحسن)  
۵۷، ۲۴

علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی  
(معین السدین) ۲۵۷، ۱۸۴، ۱۴۲

۷۵۶، ۷۵۲

علی بن جمال الاسلام یزدی (غیاث الدین)  
۲۵۰

علی بن جولوغ فرخی سیستانی (ابو الحسن)

علی اصغر منصور ۵۲۴ - ۵۲۵

علی اکبر بن حاج میرزا محمد جعفر  
لفوی یزدی ۹۰

علی اکبر ترمذی (امیر سید) ۲۰۴

علی اکبر ثابت هروی ۶۷۳

علی اکبر ثانی خان هروی ۵۴۲

علی اکبر خطایی ۳۸۸

علی اکبر مشهدی ۴۹۹

علی الاعلی (ابو الحسن) ۷۹۰، ۷۶۵

علی اوبهی (سلطان) ۶۲۱، ۲۴۵

علی بابا (جعفر) ۶۵۴

علی باخرزی (رئیس شهید ابو الحسن علی  
ابن حسن) ۷۱۷، ۱۲۳، ۵۲

علی باخرزی صانعی (خواجه علاء الدین)  
۳۲۴

علی بادامیاری (خواجه) ۷۴۷

علی بافقی (شرف الدین) ۴۶۸، ۴۵۹،  
۸۲۹

علی بانیدی ۱۰۰

علی بتکچی (غیاث الدین) ۴۴۶

علی بخاری (خواجه) ۳۴۶، ۲۱۸

علی بدخشی (میرزا) ۶۵۵

علی بردعی (سید) ۷۰۳

علی بن ابراهیم بن الیاس تایبادی (رضی -  
الدین) ۷۲۱

علی بن ابراهیم کرمانی ۶۳

علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بن حسین  
بیهقی ابن فندق (امام ظهیر الدین)

ابو الحسن) ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۴۹،

۷۲۷، ۳۱۷

علی بن ابو المعالی کریم الشرق (تاج الدین)  
۲

علی بن ابوبکر احمد جامعی (بهاء الدین)  
۷۹

علی بن ابوبکر بن علی یزدی (شرف -  
الدین) ۷۹۰، ۷۸۰

علی بن ابو حفص بن فقیه اصفهانی ۲

علی بن ابوسعید کهجی ۳۶۴

علی بن ابوطالب ۹۲، ۶۸، ۲۶۸، ۳۰۲،

۷۶، ۷۰، ۳۸-۳۶، ۳۲، ۲۶، ۲۲

۸۴

علی بن حسام الدین بن قاضی عبدالملک بن  
قاضی خان قرشی شیخ متقی (نورالدین)

۴۰۲

علی بن حسن بن علی بن ابوطیب باخرزی  
(رئیس شهید ابوالحسن) ۱۲۳، ۵۲

۷۱۷

علی بن حسن بن محمد بن ابوحنیفه (ابو-  
القاسم) ۱۳۵

علی بن حسن زواری (فخرالدین) ۳۷۱،  
۳۷۴

علی بن حسن وزیر (ابوالقاسم) ۱۲۹  
علی بن حسین (شریف علم الهدی ابوالقاسم)  
۱۳۰

علی بن حسین (شمس الدین) ۹۸  
علی بن حسین انصاری (زین الدین) ۱۹۳  
علی بن حسین بن امیران حسینی ۸۱۴  
علی بن حسین بن علی بن مهنا داودی حسینی  
کرمانی (جمال الدین) ۶

علی بن حسین قدامه موسوی صدر شرق  
رئیس خراسان (مجدالدین ابوجعفر)  
۸۴

علی بن حسین واعظ کاشفی هروی (فخرالدین  
صفی) ۲۴۷-۲۴۸، ۲۸۳، ۲۸۵،  
۳۸۳-۳۸۴، ۶۸۴، ۷۸۰، ۷۸۴  
۸۰۶

علی بن حکیم ترمذی ۲۱۷، ۲۴۱  
علی بن حمزة بن ملک هاشمی آذری طوسی  
بیهقی (جمال الدین) ۲۹۲-۲۹۴،  
۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۷۸۶، ۷۹۵  
۷۹۸

علی بن حیدر صفوی ۴۸۲  
علی بن خواجه کمال الدین نعمت الله برزنجی  
آبادی طوسی (خواجه علاء الدین)  
۵۶۵

علی بن رکن الدین (فخرالدین) ۱۲۹  
علی بن سعید بن عبدالجلیل لالاغز نوی  
(رضی الدین) ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵

۷۴۶

علی بن سلطان محمد قاری هروی (نور-  
الدین ابوالحسن) ۱۳۲، ۳۹۴-

۳۹۵

علی بن سلیمان کمال (شاه) ۳۴۵  
علی بن شمس الدین بن حاجی حسینی لاهیجی  
۳۸۳، ۳۵۲

علی بن شمس الدین علی یزدی (شرف الدین)  
۲۴۸-۲۴۹، ۳۱۹، ۳۶۸، ۷۷۵،  
۷۸۰، ۸۲۵، ۷۹۰

علی بن شهاب الدین بن میر سید محمد بن  
یوسف بن شریف بن

عبدالزاهد بن حسین الاصفهانی امام  
زین العابدین حسینی همدانی علی  
ثانی (امیر سید) ۴۰۱، ۱۹۵، ۳۱۸،  
۳۷۲، ۴۹۳، ۴۰۷، ۶۱۰، ۶۹۹

۷۲۴، ۷۵۳، ۷۷۳، ۸۱۵  
علی بن صدرالدین موسی (خواجہ سلطان)  
۷۹۳

علی بن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین  
علی بن شمس الدین رضی یزدی  
(شرف الدین) ۲۴۸-۲۴۹، ۳۱۹،  
۴۶۸، ۷۷۵، ۷۸۰، ۷۹۰، ۸۲۵

علی بن طاووس حسینی (رضی الدین) ۳۷۱  
علی بن طیفور بسطامی ۷۸۰  
علی بن عبدالحمید بن علی دایه بیهقی  
(ابوالحسن) ۵۵

علی بن عبدالسلام کاتب ۲۸۵  
علی بن عبدالعالی ۴۷۱  
علی بن عبدالعلی (شاه) ۲۹۱  
علی بن عبداللطیف بغدادی ۱۳۲  
علی بن عبداللہ ۷۲  
علی بن عبداللہ (شاه) ۸۱۶

علی بن عبداللہ بن معاذ حلیمی بخاری  
۱۲۲

علی بن عبداللہ سمهودی (نورالدین)  
۲۵۴

علی بن عثمان اوشی فرقانی حنفی (سراج-  
الدین) ۳۹۵

علی بن عثمان خاقانی شروانی ۷۴، ۹۲،



۱۰۳-۱۰۴، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۷۴.

۲۸۹، ۳۹۶-۴۹۷، ۷۱۹-۷۲۰.

علی بن عزیز الله طباطبای حسنی ۳۵۹  
علی بن عماد الدین استرابادی ابن عماد  
۲۶۱

علی بن عمر معزی غزنوی (سید الدین)  
۷۸

علی بن عیسی اربلی (بهاء الدین) ۳۷۱

علی بن عیسی بن داود الجراح ۲۸

علی بن عیسی کحال نصرانی ۷۱۹

علی بن فرامرز (امیر علاء الدوله) ۸۳

علی بن قاسم برید الممالک ترک (امیر)  
۷۹۷

علی بن قرا عثمان یا قرا یولخ (حسن بیک)  
۷۹۳

علی بن محمد بستی (ابوالفتح) ۳۹۵، ۴۵  
علی بن محمد توحیدی بغدادی (ابو حیان)  
۲

علی بن محمد بن احمد بن خلف خیام خراسانی  
(علاء الدین) ۷۴۹

علی بن محمد بن صدر الدین محمد (ضیاء -  
الدین) ۴۵۰

علی بن محمد بن عبید الله شیرازی باکویه  
(ابو عبدالله) ۷۱۷، ۵۷۲، ۲

علی بن محمد بن محمد ترکه (صاین الدین)  
۱۶۴، ۲۷۳، ۲۹۸، ۴۴۹-۴۵۱.

۷۴۲، ۷۷۹

علی بن محمد تاج خلای (تاج الدین) ۲۱۰،  
۷۶۳

علی بن محمد ترمذی ۷۹

علی بن محمد شجاعی (خواجه شیخ العالم)  
۵۶

علی بن محمد صوفی نسابه ۶

علی بن محمد عمرانی سرحسی (رئیس  
مجدالدین ابوالحسن) ۸۱

علی بن محمد فتیح غزنوی ترمذی (حکیم)  
۷۲۶

علی بن محمد قوشچی (زین الدین یا  
علاء الدین) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶.

۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶-۳۷۵.

۳۰۳، ۳۸۸

علی بن محمد مدائنی (ابوالحسن) ۱۸۶  
بک ترمذی (ابوالحسن)

۲۲، ۲۶، ۳۷، ۷۶.

علی بن محمد نظام شاهی ۷۸۲  
علی بن محمد نیشابوری (ابوالنوار)  
۷۱-۷۲

علی بن محمود ۸۱۳

علی بن محمود حسینی (سید) ۸۱۶  
علی بن محمود محمودی (حمید الدین)  
۷۹

علی بن ملک محمود (قطب الدین) ۷۷۸  
علی بن ملک نصیر الدین سیستانی (شاه)  
۲۰۷

علی بن ملوک عنشی ۵۸۱، ۲۵۳  
علی بن موسی الرضا ۷۳۸، ۲۷۲  
علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد  
طاوس حسینی ۳۷۱

علی بن نصیر الدین طوسی (صدر الدین)  
۷۳۰، ۷۴۹

علی بن نصیر الدین هارون بن ابوالقاسم  
حسینی تبریزی قاسم انوار (سید  
معین الدین) ۲۳۵، ۲۹۰-۲۹۲،  
۳۲۵، ۳۴۰، ۴۰۹، ۴۵۱، ۵۰۸،  
۷۸۶، ۷۹۱، ۸۲۲

علی بن وحید الدین محمد بن اسحق انوری  
ابوردی (اوحد الدین) ۸۰، ۸۱،  
۸۷، ۹۶، ۱۱۸، ۳۹۶

علی بن یوسف بن حریر لحمی شافعی (نور -  
الدین ابوالحسن) ۱۳۲

علی بن یوسف فناری (علاء الدین) ۲۷۶

علی بن یوسف کوکهری (درویش) ۲۸۴

علی بوزجانی (درویش) ۷۲۱، ۸۱۵  
علی بهرامی سرخسی (ابوالحسن) ۳۵،  
۸۸

علی بیک ۶۱۷

علی بیک (میرزا) ۵۲۰  
علی بیک انجدانی (خواجه زین الدین)

علی بیگ جلایر (امیر مبارزالدین) ۳۰۹  
علی بیگ طاشلیق ۸۱۱  
علی بیلدار یهلوان تبریزی (میرزا)  
۶۹۴

علی پاشا ۲۶۲، ۲۷۳

علی پیل تن ۷۶۳

علی تایبادی (زین الدین ابوبکر) ۲۲۱،  
۷۹۹، ۷۶۶، ۲۳۱

علی تبریزی (میر) ۳۲۷

علی ترخان (امیر) ۶۳۴

علی ترخان (غیاث الدین) ۷۹۲

علی ترشیزی ۳۴۶

علی ترشیزی طوطی (شهاب الدین) ۲۹۵

علی ترکه (ضیاء الدین) ۴۵۱ - ۴۵۲،  
۴۹۹

علی ترکه اصفهانی (صاین الدین) ۱۶۴،

۲۷۲، ۲۹۸، ۴۴۹ - ۴۵۱، ۷۳۲،

۷۷۹

علی ثانی، ۴۰۱، ۳۹۳، ۱۹۵، ۴۰۷، ۴۱۰،  
۶۹۹، ۷۵۳

علی جابری (میرزا) ۴۶۱

علی جامی (حافظ) ۳۴۶، ۳۳۴

علی جلایر (میر) ۳۴۹

علی جنگی (میرزا) ۶۰۱

علی حسن ۱۷۸

علی حسن (رئیس) ۵۲

علی حسینی (میر) ۷۸۲

علی حسینی خطاط هروی (میر) ۳۳۸، ۴۶۳،

۶۵۲، ۷۸۲، ۷۹۷

علی حلاج ۵۱۱

علی حمزه بن علی ملک هاشمی آذری طوسی

بیتهی اسفراینی مروزی (جمال -

الدین) ۲۹۳، ۵۰۳ - ۲۹۴، ۲۹۹،

۳۰۱، ۳۰۷، ۷۸۶، ۷۹۵، ۷۹۸

علی خان (میرزادیا میرزاده) ۵۵۳، ۸۳۴

علی خان اعظم (اعظم) ۶۳۹

علی خان بیگ ترکمان ۴۹۵

علی خان میرزا (قرن ۹) ۳۴۶

علی خان میرزا (قرن ۱۰) ۵۰۱

علی خراسانی (حاج) ۳۴۶

علی خراسانی چنابدی طبیب (سلطان) ۳۹۸

علی خطاط (فخرالدین) ۶۸۴

علی خلیج (میرزا) ۳۴۶

علی خواجه حکمران بخارا ۲۸۵

علی خواجه شوقی ۶۴۰ - ۶۴۱

علی خوشمردان سبزواری (درویش بابا)  
۳۲۳

علی خوشنویس (خواجه) ۳۴۶

علی دردزد استرابادی ۲۹۷

علی درویش بن عثمان تاشی ۲۶۱

علی دوانی (شیخ) ۲۶۶

علی دوستانی (نقی الدین) ۱۹۵

علی دوست رفیقی هروی (میر) ۳۴۴

علی رامیشنی خواجه عزیزان (خواجه)  
۲۲۰

علی رای (خرد) ۴۳۱

علی زواری (فخرالدین) ۲۷۱، ۳۷۴

علی سبزواری (سید) ۶۷۸

علی مپهری ۱۰۰

علی ستایی ۷۳۲

علی سربداری (ملک) ۲۲۱

علی سلطانی یا کاتب السلطانی (میر) ۳۳۸،  
۴۶۳

علی سمرقندی (خواجه) ۲۸۶

علی سیاقی (نظام الدین) ۷۱۰

علی سیاه پوش (خواجه) ۷۹۳

علی شاعر ۲۱۶

علی شاه ابدال عراقی هروی (بابا) ۳۲۲ -

۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۶، ۷۹۶

علی شاه بن علاء الدین نکس خوارزمشاه

(تاج الدین) ۹۱، ۱۴۲

علیشاه جامی ۶۲۳

علیشاه هروی (بابا) ۳۲۲ - ۳۲۳، ۳۲۸،

۳۴۶، ۷۹۶

علی شجاع (درویش) ۳۴۵

علی شروانی (عزیز) ۱۷۸

علی شطرنجی سمرقندی ۹۹

علیشکر بیک ۵۰۵،۴۵۵	علی فقیه (زین العابدین ابن فقیه) ۱۸۰
علیشکر ترکمان ۳۶۱	۲۲۶
علی شمس الکرجی (صدر) ۱۸۱	علی فناری (علاء الدین) ۲۷۶
علی شهاب ترشیزی (خواجه) ۳۰۴،۲۹۸	علی قاری (علا) ۱۲۱، ۳۹۴، ۲۹۵
علیشیر (اسد العلماء) ۳۶۲	علی قاینی (سلطان) ۳۴۵
علی شیرازی (خواجه غیاث الدین) ۶۹۲	علی قرط اندکانی ۲۵
علی شیرازی (شاه مظفر الدین) ۷۴۲	علیقلی (کوسه) ۴۹۳
علی شیرازی نیشابودی (زین العابدین)	علیقلی بیک انیسی شاملو ۴۲۲
۸۰۷، ۴۴۴، ۴۰۳، ۲۵۸	علیقلی بیک ذوالقدر ۶۵۵
علیشیر خراسانی ۱۷۸	علیقلی خان ازبک خان زمان سیستانی
علیشیر نوایی (میر نظام الدین علیشیر بن	۵۴۵
میر غیاث الدین گجکته) ۲۳۳، ۲۳۱-	علیقلی خان اعظم شاملو ۴۹۹، ۶۶۷
۲۳۹، ۲۳۴-۲۴۵، ۲۴۱	علیقلی خان بیکریکی ۵۰۶
۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۹	علیقلی خان سیستانی متخلص سلطان
۲۷۶، ۲۷۳-۲۸۶، ۲۸۹	(خان زمان خان) ۴۱۴، ۴۵۲، ۴۵۳
۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۴-۳۱۰	۵۴۵-۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۶۳۹
۳۱۳-۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۷	علیقلی واقف خلخالی ۷۰۶-۷۰۷
۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۵-۳۳۶	علی قوشچی (علا) ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۶۶
۳۴۹، ۳۷۷، ۴۰۹، ۴۲۸، ۴۴۰	۲۶۸-۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶، ۳۷۵
۴۴۶، ۶۱۷، ۶۲۲، ۶۲۷، ۶۷۰	۳۸۸، ۴۰۳، ۴۲۳
۸۱۷، ۶۹۸، ۶۹۱	علی کاتب هروی (میر) ۶۲۶، ۶۲۱، ۷
علی صانعی (علاء الدین) ۳۴۵، ۳۲۴	علی کارکیا (میرزا) ۲۶۰، ۲۷۰، ۴۵۲
علی صائنی (قوام الدین) ۲۴۵	۳۵۰، ۳۸۲
علی صفوتی بردعی (سید) ۷۰۴	علی کاشانی (حکیم نظام الدین) ۶۶۲
علی صوفی ۹۱	علی کتابدار (درویش) ۲۴۹
علی صوفی (شیخ) ۸۰۹، ۵	علی کرکی (شیخ) ۳۷۵-۳۷۶
علی صیرفی کشمیری ۶۴۸	علی کلاه شیرازی (زین العابدین) ۳۴۳
علی طارمی محدث ۸۳۴، ۵۴۸	۷۶۹-۷۷۰
علی طیب (درویش) ۶۲۲	علی کلوی شوری بخاری ۳۴۶
علی عادل شاه ۳۶۸، ۴۳۲، ۶۵۵-۶۵۶	علی کهره کبود چشم (خواجه غیاث الدین)
علی مهدی (زین العابدین) ۳۸۵، ۴۰۳	۸۲۸
۸۰۷، ۴۴۴	علی کی (صدر الدین) ۲۲۵
علی صجم (سید) ۷۹۳	علی کیا (سید) ۳۸۶
علی عرب کر بلایی (امیر) ۶۸۶	علی گلباری (سید) ۴۴۹
علی عمران بن غیاث الدین علی بن علی	علی لالای غزنوی (رضی الدین) ۱۱۵
امیران حسینی اصفهانی (غیاث الدین)	۱۸۰، ۷۴۵-۷۴۶
۸۱۵، ۲۶۱	علیم الله (شیخ) ۶۰۰
علی غزنوی (شهاب الدین ابورجا) ۷۸	علی مخدوم (شرف الدین) ۳۴۶
علی غوریانی (حافظ) ۳۲۶	علی مشهدی (نظام الدین) ۳۲۶
علی قنبری شوشتری (صدر الدین) ۲۲۶	علی مصور تبریزی جدایی (میر سید) ۴۲۲
علی فرات حریفی ساوجی ۵۳۶	۸۲۰

علی منجم سگری (فریدالدین) ۹۵  
 علی مؤبد (خواجہ) ۳۰۵، ۳۰۱  
 علی میرزا بن سلطان احمد میرزا بن سلطان  
 ابوسعید (سلطان) ۳۱۰  
 علی نظمی تبریزی (نظام الدین) ۵۵۶،  
 ۸۳۵  
 علی نقیب السادات ترمذ (مجدالدین  
 ابوالقاسم) ۱۲۶  
 علی نقی بن شیخ ابوالعلا حاشم طغایی  
 کمرہ ای گراہانی شیرازی اصفہانی  
 (حلا عزالدین) ۶۹۹، ۵۰۹، ۳۷۹  
 علی نقی خان ۸۲۰، ۴۲۴  
 علی نقی کمرہ ای (شیخ) ۶۹۹، ۵۰۹، ۳۷۹  
 علی نویدی شیرازی (زین العابدین) ۳۸۵،  
 ۸۰۷، ۴۴۴  
 علی واطق قابینی (سید) ۳۲۹  
 علی وزیر (قنہ الملک ابوبکر) ۲۲۵  
 علی هروی (سلطان) ۲۴۵  
 علی هروی (میر) ۶۹۹، ۳۴۶  
 علی هروی کثاتی متخلص بنقی ۵۸۰  
 علی ہمدانی (میرسید) ۳۱۸، ۱۹۵، ۴۰۱، ۴۰۷، ۲۹۳، ۳۷۲،  
 ۶۹۹، ۶۱۰، ۸۱۵، ۷۷۳، ۷۵۳، ۷۲۴  
 علی یزدی (شرف الدین) ۲۴۹-۲۳۸، ۵  
 ۷۹۰، ۷۸۰، ۷۷۵، ۴۶۸، ۳۱۹  
 ۸۲۵  
 علی یمنی (صدر الدین) ۲۹۳  
 علی یوزی تکین (امیر) ۵۰  
 عمادالدوله سبقت الدین فرامرزی فخر-  
 الدوله درستم بن حسام الدوله شهریار بن  
 قارن (نظیر الملوک) ۸۳-۸۲  
 عمادالدوله ہمدانی (مجدالدین) ۲۲۴  
 عمادالدین (سید) ۴  
 عمادالدین ابواحمد عبدالملک بن عصام بن  
 ابوبکر بن محمد بن عبدالرحیم بن  
 ابوبکر علی صاحب الہدایہ سمرقندی  
 ۲۲۵، ۳۱۴-۲۱۳  
 عمادالدین ابوالی کات عبدالرحمن جامی  
 (یانور الدین) ر. عبدالرحمن جامی

عمادالدین ابوالقاسم عمر بیضاوی ۱۳۹  
 عمادالدین ابوالمظفر بن ظہیر الدین محمد  
 اسفرائینی (امام) ۱۱۷، ۱۸۰،  
 ۷۲۷-۷۲۶، ۷۱۷، ۷۷۳  
 عمادالدین ابوالمظفر طاہر بن محمد  
 اسفرائینی شافعی ۷۱۷، ۷۷۳، ۱۱۷،  
 ۷۲۷-۷۲۶  
 عمادالدین ابوسعید نسیمی شیرازی (یا  
 نسیم الدین) ۳۳۵، ۳۲۱، ۵-۳۳۶،  
 ۷۸۹، ۷۶۵  
 عمادالدین ابوعبدالله محمد بن صفی الدین  
 ابوالفرج محمد بن تقی الدین  
 ابوالرجا کاتب اصفہانی ابن سی-  
 الزین ۳۴۶، ۱۱۹  
 عمادالدین احمد بن مبارز الدین ۱۹۸  
 عمادالدین اسمعیل بخاری (ملک) ۲۲۳  
 عمادالدین اسمعیل بن صدر الدین محمد  
 ۷۴۱  
 عمادالدین اکرم ۱۸۱  
 عمادالدین بغدادی ۳۸۵  
 عمادالدین بکرانی ۲۲۵  
 عمادالدین بن جمال الدین بخاری ۲۷۱  
 عمادالدین حروفی ۱۸۱  
 عمادالدین حسن (خواجہ) ۳۵۷  
 عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی بن  
 محمد بن حسن طہری ماژندرانی  
 آملی (ابواحمد) ۷۳۴، ۱۵۳  
 عمادالدین زنگی ۷۲۶  
 عمادالدین زوزنی (ملک) ۲۲۵  
 عمادالدین شیرازی (میر) ۶۸۶  
 عمادالدین عبدالرحمن جامی ر. عبدالرحمن  
 جامی  
 عمادالدین عبدالملک بن عصام بن ابوبکر بن  
 محمد بن عبدالرحیم بن ابوبکر  
 علی صاحب الہدایہ سمرقندی ۲۱۳-  
 ۲۳۵، ۲۱۴  
 عمادالدین عبدالصائم بن ابراہیم بن  
 رشید الدین فضل اللہ ۷۳۱  
 عمادالدین عبدالوہاب ۳

عمادالدین عراقی (سید) ۲۴۶  
 عمادالدین عمادی شهریار یا غزنوی  
 ۸۲-۸۴  
 عمادالدین فاریابی ۷۲۱  
 عمادالدین فضل الله بن علاءالدین علی  
 واله یزش آبادی ملوسی ۵۶۵، ۳۲۲  
 ۶۱۰  
 عمادالدین فضلویه معروف بهمدلر ۱۸۱،  
 ۷۵۱، ۲۲۳  
 عمادالدین فقیه کرمانی ۲۰۲، ۲۰۹،  
 ۷۶۱، ۷۵۵  
 عمادالدین محمود بن محمد گیلانی محمود  
 قانان یا غاروان و یا کاروان (خواجه)  
 ۷۸۹، ۷۸۳، ۷۷۶، ۳۳۰، ۲۵۹  
 ۷۹۸، ۷۹۵  
 عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی  
 ۳۹۹  
 عمادالدین مؤید بن احمد کاتب اسفراینی  
 ۹۵  
 عمادالدین نسیمی (سید) ۳۲۱، ۲۳۵-  
 ۷۸۹، ۷۶۵، ۲۳۶  
 عمادالدین یارک طبیب قزوینی (حکیم)  
 ۵۲۴  
 عمادالدین یوسف لرفضلوی ۱۸۱، ۲۲۳،  
 ۷۵۱  
 عمادالشرف ۱۷۸  
 عمادالملک ساوجی ۱۶۵  
 عمادپور ضی ۱۷۸  
 (میر) ۸۲۵  
 عماد دبیر ۱۷۸  
 عماد رازی ۳۴۶  
 عماد زوزنی رودباری ۵۲  
 عماد شاه (علاءالدین) ۴۸۹  
 عمادشاهیان ۴۸۹  
 عمادشروانی ۱۷۸  
 عماد فارسی ۱۷۸  
 عماد فقیه کرمانی ۲۰۲، ۲۰۹، ۷۵۵،  
 ۷۶۱  
 عماد کاتب ۱۱۹، ۳۴۶

عماد گنجه ۱۷۸  
 عماد لاری ۳۴۶  
 عماد (امیر حکیم عمادالدین یوسف فضلوی)  
 ۷۵۱، ۲۲۳، ۱۸۱  
 عماد محمود ۱۷۸  
 عماد موسوی مشهدی ۳۴۶  
 عماد یزدی ۳۴۶  
 عمادی شهریار یا غزنوی (عمادالدین)  
 ۸۲-۸۴  
 عماد مروری (ابو منصور) ۲۶  
 عمده الملک عمیدالدین لوبکی (یا فخر-  
 الملک خواجه حکیم) ۱۷۵، ۷۹  
 عمده الملک منتجب الدین یزدی (ناصر-  
 الدین) ۱۲۴، ۱۴۹، ۷۳۳  
 عمر (پانجیب) ۱۷۷  
 عمر (بهاءالدین) ۳۲۹  
 عمر (قاج الشریعه ابو عبدالله) ۷۳۴  
 عمر (جمال) ۱۷۷  
 عمر (قاضی) ۴۲۵  
 عمرانی شیرازی ۷۹۸  
 عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (نصره-  
 الدین یا غیاث الدین ابوالفتح یا  
 ابوحفص) ۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷،  
 ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۵۷، ۳۹۷، ۴۱۳  
 عمر بن اسحق واثی لاهوری (ابوجعفر)  
 ۷۹  
 عمر بن امیرانشاء بن تیمور ۲۹۷  
 عمر بن حسین قرشی بکری راری (امام  
 فخرالدین) ۹۹، ۱۱۲-۱۱۳، ۱۳۸،  
 ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۲، ۴۰۳-۴۰۴،  
 ۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۹۹  
 عمر بن خطاب ۹۲  
 عمر بن سلان ساوجی (زین الدین) ۱۳۰  
 عمر بن عبده العزیز مازره (حسام الدین) ۹۸  
 عمر بن عثمان (کافی الدین) ۱۰۳  
 عمر بن علی (سراج الدین ابن الملک)  
 ۱۲۲  
 عمر بن محمد بسطامی (ضیاء الدین) ۹۵  
 عمر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله

عمیدالملک حبش ۱۷۴	ابن سعد بن حسین بن قاسم بن نصر بن
عمیدالملک رکن الدین صاین بن شمس الدین	قاسم بن محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن
محمود بن رکن الدین صاین هروی	ابن قاسم بن محمد بن ابوبکر بکری
رکن جهان یار رکن صاین (خواجه)	سهروردی (شهاب الدین ابوحفص)
۷۶۲، ۲۰۸	۱۶۷، ۱۶۹، ۱۸۵، ۱۹۲
عمید عطا ۴۳	۴۲۹-۶۲۹، ۷۲۲، ۷۲۳
عمیدکاسی (دهقان) ۱۰۰	۷۲۵، ۷۳۱، ۷۳۷-۷۳۸، ۷۴۱
عمید کمال هروی (کمال الدین) ۸۵	۷۴۳، ۷۴۶
عنایت ۲۲۶	عمر بن محمد خرم آبادی (صدرالدین)
عنایت (مولانا) ۶۳۴	۹۵
عنایت الله (شاه) ۳۴۶	عمر بن محمود بلخی (حمید الدین ابوبکر)
عنایت الله دیلمی (شاه) ۶۷۸	۱۱۸، ۸۷
عنایت الله طبعی اصفهانی (حکیم) ۶۸۵	احمد بن عبد العزیز مازہ
عنایت الله کاتب شیرازی ۵۴۹	بخارایی (تاج الدین) ۹۹
عنایت تبریزی (میرزا) ۷۰۱	عمر بیضاوی (عماد الدین ابوالقاسم)
عنایت لاهیجی ۵۲۱	۱۳۹
(ابوالعباس) ۲۵	عمر خیام ر. عمر بن ابراهیم
عبر آتا ۶۳۹	عمر روشنی بردعی (دده) ۷۹۶، ۷۰۳
عنبره ۶	عمر شیخ بن تیمور ۲۳۱، ۲۸۹، ۵۵۹
عنبره ۶	۶۰۵
عندلیپ تبریزی (حافظ) ۷۰۲	گنجه (امیر) ۱۷۸
عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس	عمر گنجه (شمس) ۱۷۸
۷۳۸، ۶۵، ۴۵	عمر معدی کرب (سلطان) ۴۴۶
عنصری بلخی (ابوالقاسم حسن بن احمد)	عمر مفتی الثقلین (نجم الدین ابوحفص)
۲۶-۳۵، ۳۶-۳۸، ۷۶، ۸۳	۱۲۲
۳۹۰، ۱۰۱، ۹۷	عمر بن سلمه حداد (ابوحفص) ۱
عوض ۲۲۶	عمر بن لیث سفار ۱۹
عوض (صوفی) ۵۹۸	عمر وزیر (ناصر الدین) ۷۵۸
عوض قازی (عبدالله خان) ۴۸۸	عمری (مرشد الدین) ۳۴۶
عوض محمدخان رفعتی قبادیانی ۶۰۱	عمری سمرقندی ۶۰۷
عوطفری (سادات) ۶۳۴	عمیق بخارایی (شهاب الدین) ۹۶-۹۷
هوفی (سیدالدین یا نورالدین محمد بن	عمید ابوالفتح مظفر بن محمد تیشابوری
یحیی بن طاهر بن عثمان بخارایی)	(خواجه) ۵۲
۹۹، ۹۷، ۷۸، ۶۵-۱۰۰، ۲۷۹	عمید ابوالفوارس قناوزی (خواجه) ۲۹-
۸۱۶	۱۲۸، ۳۰
عهدی (طهماسب قلی بیگ عرشی) ۵۰۰	عمیدالدین لوبکی (عمدة الملك یا فخر-
۸۳۰	الملك) ۱۷۵، ۷۹
عهدی (ملانورالدین محمد) ۶۳۸	عمیدالملک ابونصر منصور بن محمد
عهدی باکویی ۷۰۲	کندری ۴۹-۵۰

عيسى قزوینی (قاضی صفی الدین) ۸۴۰-  
۸۴۱

عیشی شیرازی ۳۴۶  
عیشی شیرازی (کل) ۳۳۹  
عیشی محنتی میانکالی حصاری (قاضی)  
۸۳۶، ۶۰۱، ۵۹۲

عیلامی ۱۰  
عین القضاء همدانی (ابوالمعالی عبدالله بن  
محمد بن علی بن حسن بن علی میانجی)  
۶۹، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۹۶، ۶۰۹

۷۷۳، ۷۲۲، ۷۱۵  
عین الملك (بابا) ۶۱۲  
عین الملك (فخرالدین حسین بن ابوبکر  
مری) ۱۵۱

عین الملك (ناصرالدین) ۱۸۱  
عین الملك دواپی شیرازی (حکیم) ۴۷۱،  
۶۴۶، ۵۴۱

عینی سروی خوشتری ۶۲۲  
عیوقی ۷۲۶، ۷۱۷، ۴۴۰، ۲۵  
عیوقی (مجدالدین) ۹۵

غازان خان ۱۴۲ - ۱۴۳، ۱۵۲، ۱۷۵،  
۷۶۲، ۷۳۷، ۷۲۲، ۴۴۹، ۲۱۶

غازی (میرزا) ۴۲۰  
غازی اسیری رازی (قاضی) ۴۲۹، ۵۰۳،  
۸۲۲

غازی بن قاضی محمود سیفی اسیری رازی  
(قاضی) ۸۲۲، ۵۰۳، ۴۲۹

غازی بن کیخسرو (ابوالمعالی فخرالدوله  
شاه) ۱۸۷

غازی بیک وقاری نقوی (میرزا) ۳۶۶،  
۶۹۰

غازی ترخان (میرزا) ۵۳۸  
غازی خان ۸۱۵، ۴۶۴  
غازی خان تکلومهر دارا ۶۹۱  
غازی رازی (میر) ۴۲۹  
غازی قلندر ۵۸۵، ۵۱۳  
غازی قلندر هروی ۵۸۵

عهدی بدایونی (خواجه محمد رحیم) ۶۴۶  
عهدی بغدادی ۵۳۰

عهدی تبریزی ۷۰۲  
عهدی نورانی ۶۵۵

عهدی خراسانی (قاضی عبدالرزاق) ۶۸۶  
عهدی زامینی (حکیم) ۶۸۶

عهدی ساوجی ۵۲۶  
عهدی شیرازی ۴۷۱

عهدی قراکولی (نورالدین) ۵۷۶،  
۶۳۸

عهدی گنابادی ۴۷۰  
عیار ۵۱۶، ۱  
عیاض (قاضی) ۷۷۴

(عبدالرحمن) ۵۲  
عیانی (سعدالدین بن حاجی عیان) ۳۲۹

عیانی (معین الدین ابو محمد محمود بن  
محمد دهنار شیرازی) ۳۹۷، ۶۵۶،

۸۳۷، ۸۰۷، ۷۴۲، ۷۰۹  
عیانی استرآبادی ۳۴۶

عیانی دهنار خفزی شیرازی (معین -  
الدین ابو محمد محمود بن محمد)

۳۹۷، ۶۵۶، ۷۰۹، ۷۴۲، ۸۰۷،  
۸۳۷

عیانی شیرازی (میر) ۳۴۶  
عیانی کابلی ۶۰۳

عیانی گتجه ۱۲۸  
عیانی هروی ۵۱۹

عیسوی ۷۰۵  
عیسی (قاضی) ۳۴۶، ۳۱۱، ۲۲۶

عیسی (قاضی مسیح الدین) ۷۰۹  
عیسی بن احمد حجام (ظهیرالدین) ۷۲۱،

۷۲۸  
عیسی بن روزبهان ۲۱۵

عیسی بن علی (ابوالقاسم) ۳۸  
عیسی بن معین الدین ابوالقاسم جنید بن

محمود بن محمد شیرازی ۱۹۸، ۲۵۶،  
عیسی ترخان (میرزا) ۲۷۸، ۳۷۷، ۴۳۸،

۶۹۰  
عیسی ساوجی (مسیح الدین) ۳۴۲، ۷۹۶

غازی گرای خان دوم ۴۹۰

غالیان ۱۶

غانمی هروی (ابوسعبد محمد بن محمد)

۱۲۸

غباری اردستانی (قاسم خان) ۶۴۳

غباری اسفراینی ۳۴۶

غباری اگرهی (قاسم علی خان) ۵۵۰

۶۴۳

غباری گیلانی ۵۲۶

غباری موی ناب عراقی ۵۷۹

غباری نیشابوری ۵۷۹

غباری هروی ۳۴۶

غباری هروی (محمد امین) ۵۲۶

غباری یزدی ۵۳۴

غربشی حصاری بخاری ۴۳۱

غربتی لاهوری (ابوالعالی) ۷۰۸

غرقی ۳۴۶

غریب (خواجہ) ۵۶۹

غریب سبزواری ۳۴۶

غریب میرزا (شاه) ۶۴۳، ۲۲۱، ۲۳۲-۶۴۳

۷۸۸، ۶۹۱، ۶۴۳

غریب نواز (سید) ۱۹۶

غریب یمنی (نظام الدین) ۷۵۶

غریبی بلیانی کازرونی ۷۱۰

غریبی خراسانی ۶۵۵

غریبی کشانی ۵۱۸

غز ۷۴۹، ۸۹

غزال خجندی ۲۰۰

غزالی (نظام محمود طاهر) ۷۵۵

غزالی بلخی (برهان الدین میراسلام)

۷۸۹، ۶۲۹، ۳۳۰

غزالی تبریزی ۶۳۹، ۵۲۵

غزالی چنیک مشهدی ۶۳۹، ۵۱۱

غزالی سمرقندی ۶۳۹، ۵۶۱

غزالی طوسی (حجۃ الاسلام امام زین الدین

ابوحامد محمد بن محمد) ۵۰، ۶۶،

۶۸-۶۹، ۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶، ۷۱۹،

۷۳۹

غزالی طوسی (محبی الدین) ۲۹۴

غزالی ماوراءالنهری ۶۳۹

غزالی مروزی ۶۳۹، ۸۸

غزالی مشهدی ۴۱۴، ۳۶۳-۴۱۴، ۴۱۵-۵۱۱،

۵۲۶، ۵۴۲، ۵۶۷، ۶۲۹، ۶۸۲،

۸۲۰، ۷۸۹، ۶۹۲

غزنوی ۵۵۰، ۵۴۶

غزنوی (سید) ۱۷۸

غزنوی (میر محمد خان) ۶۵۱

غزنوی (میر محمد خان کلان) ۵۵۰

غزنویان ۳۰، ۳۲-۳۶، ۳۴-۳۶، ۳۷، ۴۱،

۴۵، ۴۳-۴۶، ۴۹، ۶۴-۶۵، ۶۵-۷۴،

۹۱، ۷۹، ۱۱۷، ۱۳۵، ۳۶۰،

۷۲۶، ۷۵۵، ۷۶۰

غضائری رازی (محمد بن علی) ۳۶۰، ۲۶

۴۵

غضنفر قعی (شجاع الدین) ۵۱۵

غضنفر کابلی ۶۲۸

غضنفر گله چاری یا گلچاری ۵۱۵، ۵۳۲

غضنفری ۳۴۶

غفاری (ابوذر) ۱۱۳

غلام (امیر مقصود) ۳۴۶

غلام عبداللطیف ۶۹۰

غلامی ۵۸۸

غلیج ۷۵۱

غلزایی ۷۵۱

غمزه (قاسم ساکن بخارایی) ۶۰۹، ۳۴۶

غمزه بخاری ۶۰۹، ۳۴۶

غمناک (حکیم) ۲۵

غنائی ۸۴۱

غنائی (عبدالوهاب بن محمد حسینی حسینی

معموری) ۳۹۶

غنی امینی خوفي ۴۲۸

غنی لاهیجی ۵۲۱

غنی همدانی (میرزا عبدالغنی بیک) ۶۸۶-

۶۸۷

غواص ۲۵

غواص گنبدی ۴

غواصی خراسانی یایزدی ۶۸۷

غوث اعظم ۱۳۱



غوثی (شیخ محمد سندوی) ۸۲۲، ۴۲۹

غوریان ۱۲۰-۱۲۱

غیاث (خواجہ) ۸۰۶

غیاث (شاه) ۵۵۶

غیاث استرآبادی ۵۲۴

غیاث الدین (خواجہ) ۳۸۲

غیاث الدین (مولانا) ۶۳۲

غیاث الدین (میر) ۶۸۷

غیاث الدین ابوالفتح بن سیف الدین ۹۰

غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلج

ارسلان مسعود ۱۱۹، ۱۳۵

غیاث الدین ابوحنفی یا ابوالفتح عمر بن

ابراہیم خیام نیشابوری ۵۵، ۶۰،

۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۵۷،

۳۱۳، ۲۹۷

غیاث الدین ابوشجاع محمد بن ملکشاہ بن

المبارسلان ۴۹، ۵۱، ۶۹، ۸۰

غیاث الدین احمد خواجی ۲۶۰، ۲۶۲

غیاث الدین احمد هروی ۲۷۲

غیاث الدین اعتماد الدولہ ۳۸۲، ۵۱۳

غیاث الدین بایسنغر میرزا تیموری ۲۸،

۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۸، ۲۶۲، ۲۹۲-

۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۰-۳۰۱، ۳۰۳،

۳۰۶، ۳۰۹، ۳۴۱-۳۴۲، ۳۶۱،

۶۷۹-۷۷۱، ۷۷۲، ۷۹۵، ۷۹۷

غیاث الدین بحر آبادی ۶۲۰

غیاث الدین بزمی استرآبادی ۵۱۸

غیاث الدین بلین ۳، ۲۵۱-۲۵۲

غیاث الدین بن محمد مطہب اصفہانی ۲۷۴

غیاث الدین بن ہمام الدین بن جلال الدین بن

برہان الدین محمد شیرازی خواند

میر یا خوندمیر هروی (خواجہ)

۲۴۰، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۵۵، ۳۵۸،

۴۳۸

غیاث الدین بیرام شاہ ۱۶۵

غیاث الدین پیر احمد خواجی (خواجہ)

۲۶۰، ۲۶۴

غیاث الدین پیرشاہ خوارزمی ۲

غیاث الدین پیر علی کورت (ملک) ۲۰۹،

۷۶۶

غیاث الدین تغلقشاہ ۱۷۱، ۷۵۹

غیاث الدین جمشید بن مسعود بن محمود

طیب کاشانی ۲۵۰، ۲۶۸، ۷۷۹

غیاث الدین جمشید زواری ۳۷۱

غیاث الدین حسین بن فیروزشاہ (امیر)

۳۰۳

غیاث الدین حسینی علوی (سید) ۱۹۴

غیاث الدین سہزادی ۲۸۱

غیاث الدین سید احمد هروی ۲۷۲

غیاث الدین شیرازی (امیر) ۶۹۱

غیاث الدین مہباغ ۳۴۶

غیاث الدین عزت ۳۳۶

غیاث الدین علی ۳۴۶

غیاث الدین علی (میرزا) ۴۳۱

غیاث الدین علی آصف خان میر بغشی

(میرزا) ۴۶۵

غیاث الدین علی احمد نقیب خان قزوینی

۴۶۲، ۸۴۱

غیاث الدین علی بیکچی ۴۴۶

غیاث الدین علی بن جمال الاسلام یزدی

۲۵۰

غیاث الدین علی ترخان ۷۹۲

غیاث الدین علی شیرازی (خواجہ) ۶۹۲

غیاث الدین علی عمران بن غیاث الدین

علی بن علی امیران حسینی اصفہانی

۲۶۱، ۸۱۵

غیاث الدین علی کھرہ کبودچشم (خواجہ)

۸۲۸

غیاث الدین کیخسرو بن قلج ارسلان بن

مسعود (ابوالفتح) ۱۱۹، ۱۲۵

غیاث الدین کیخسرو دوم ۱۵۲

غیاث الدین کیخسرو سلجوقی ۱۶۱، ۷۵۱

غیاث الدین محمد (میر) ۴۳۵، ۵۵۸

غیاث الدین محمد بزمی استرآبادی ۵۱۸

غیاث الدین محمد بن بایسنغر بن شاهرخ

۲۳۹، ۳۰۹

غیاث الدین ،

خراسانی (ابوالیقین) ۷۸۵

غیاث الدین محمد بن رشید الدین فضل الله  
(خواجہ) ۱۴۷-۱۴۹، ۱۸۲، ۱۸۳،  
۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۶،  
۷۵۵، ۷۳۷، ۷۳۱  
غیاث الدین محمد بن سام غوری ۸۱، ۷۹،  
۷۲۸، ۱۲۲، ۹۱  
غیاث الدین محمد بن عزیز الدین یوسف  
سیلانی حسینی رازی هروی ۳۳۰  
غیاث الدین محمد بن علاء الدین هبة الله  
سمزواری غیاث طبیب ۲۷۳  
غیاث الدین محمد بن فخر الدین ۱۷۰  
غیاث الدین محمد دھدار (خواجہ) ۳۰۷  
غیاث الدین محمد سمزواری ۲۰۳  
غیاث الدین محمد کجج تبریزی ۲۱۳،  
۷۷۵، ۷۶۲، ۶۵۵  
غیاث الدین محمد کججی ۲۱۳، ۶۵۵،  
۷۷۵، ۷۶۲  
غیاث الدین محمد کورت (ملک) ۱۷۹،  
۷۳۳، ۷۲۰، ۲۱۹  
غیاث الدین محمد نیشابوری ۳۴۶  
غیاث الدین محمد هروی ۳۴۶  
غیاث الدین مسعود بن کیکاوس (ملک)  
۷۵۱  
غیاث الدین شهدی ۳۴۶  
غیاث الدین معروف بغیاث یا غیاثای  
استرآبادی ۵۲۴  
غیاث الدین ملک الجبال (سلطان) ۸۹  
غیاث الدین منصور (میر) ۲۷۶، ۲۵۶،  
۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
۵۰۸، ۵۱۶، ۵۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
۸۳۸، ۸۳۲  
غیاث الدین منصور بن امیر صدر الدین  
دشتکی ۳۷۵-۳۷۶  
غیاث الدین منصور بن صدر الدین شیرازی  
۳۵۶، ۶۹۲، ۸۳۸  
غیاث الدین منصور بن محمد شیرازی  
۳۶۷  
غیاث الدین منصور بن نصیر الدین عبدالحی  
بکری مکی ۵۹۹، ۶۴۸

غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی ۲۷۶،  
۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴،  
۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۵۸۷، ۶۹۲،  
۸۳۸، ۸۳۲، ۸۲۵  
غیاث الدین نقشبند شیرازی (خواجہ)  
۵۱۲  
غیاث الدین همتی بلخی ۷۶۸  
غیاثای استرآبادی ۵۲۴  
غیاث بلخی ۳۴۶  
غیاث بیک اعتماد الدوله (میرزا) ۵۱۲،  
۸۰۶  
غیاث بیک بن محمد شریف (اعتماد الدوله)  
۵۱۲، ۸۰۶  
غیاث شیرازی ۵۱۲  
غیاث طبیب (غیاث الدین محمد بن علاء -  
الدین هبة الله سمزواری) ۲۷۳  
غیاث هروی (میرسید) ۶۱۹  
غیاثی ۲۵  
غیاثی (مجیر) ۲۵  
غیاثی استرآبادی ۵۲۴  
عیسی شیرازی ۲۲۵  
غیرتی شیرازی ۴۲۵، ۸۲۱  
غیری کرمانی ۷۰۸  
غیوری (شاهویردی جمدان اوغلی) ۴۹۵  
غیوری حصاری ۵۳۹، ۵۸۳  
غیوری کابلی (وردی جان بیک) ۶۵۵  
  
فاخته کاشانی (زیر الدین) ۲۲۴  
فاخر ۲۵  
فاخر رازی (ابوالعاهر منجیک) ۸۵،  
۴۰۳  
قارایی (ابونصر) ۲۳، ۸۱۴  
فارس اردستانی (میرروزیهان صبری)  
۴۶۰  
فارس اصفهانی ۶۸۴  
فارسی ۱-۶، ۷-۱۲، ۱۳-۱۸، ۱۶-۱۸-  
۲۶، ۲۳-۲۷، ۲۰۱، ۲۰۳-۲۰۵،  
۲۰۷-۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۷-۲۱۹

فارغی خوانی (ابوالواجد) ۶۱۵، ۶۲۳  
 فارغی شیرازی (شیخ ابوالواجد) ۶۱۱  
 فارغی هروی (شیخ ابوالواجد) ۶۳۶، ۶۵۵

فاضل (خواجه) ۶۳۲  
 فاضل اندجانی ۶۱۳  
 فاضل بیک سپاهی ۶۴۴  
 فاضل معنوی ۵۷۴  
 فاضل منشی کابلی ۵۹۷  
 فاضل هروی ۲۵۷  
 فاضله سمرقندی ۱۷۹۹  
 فاضلی بی (اعیر) ۴۶۹  
 فاضلی علایی کرهرودی ۶۸۷  
 فاطمه دختر شیخ زاهد گیلانی (بی بی) ۲۱۲

فاطمه همسر ارسلان بن طغرل ۱۰۷  
 فاطمی (خلعای) ۸۰۳  
 فامی هروی (ثقة الدین ابونصر عبدالر  
 ابن عبدالجبار) ۱۹۷  
 فانی د. علیشیر نوایی  
 فانی بخارایی ۵۹۵، ۵۶۹  
 فانی بخاری ۳۴۶  
 فانی تبریزی ۵۲۷-۵۲۸  
 فانی خوارزمی (کمال الدین حسین) ۶۸۸-۶۸۹

فانی رازی (محسن) ۶۵۸  
 فانی شیرازی دهدار (خواجه احمد) ۲۹۷، ۶۵۵-۶۵۶، ۷۳۲، ۸۰۷، ۸۳۷

فانی هروی ۳۴۶  
 فایقی ۴۲۳  
 فایقی تبریزی ۷۰۲  
 فایقی شیرازی ۴۲۳

فتاحی نیشابوری (محمد یحیی بن سبیک) ۲۳۵، ۲۹۹، ۳۳۵، ۳۹۰، ۳۹۳

فتح ۴۲۶  
 فتح ۲۲۶  
 فتح الله (شاه) ۳۳۲، ۳۵۷  
 فتح الله (معین الدین) ۳۴۶  
 فتح الله بن احمد بن محمود شهرستانی

۲۲۲، ۲۲۸-۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۵-۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۴-۲۵۵، ۲۶۵-۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳-۲۷۵، ۲۸۵-۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۲-۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۹، ۳۲۱-۳۲۸، ۳۲۶، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۴۵، ۳۴۹-۳۵۳، ۳۵۶، ۳۶۱-۳۶۸، ۳۶۵، ۳۶۳، ۳۷۱-۳۷۷، ۳۷۹-۳۸۱، ۳۸۲-۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۸-۳۹۲، ۳۹۵-۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۱-۴۰۹، ۴۱۸-۴۲۶، ۴۳۳-۴۴۴، ۴۵۶، ۴۵۸-۴۷۲، ۴۷۵-۴۷۶، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۴-۴۹۰، ۴۹۵-۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۶-۵۰۷، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۲-۵۲۳، ۵۲۶-۵۲۸، ۵۳۰-۵۴۱، ۵۴۵، ۵۷۲-۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۶-۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸-۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۷-۶۱۸، ۶۲۴-۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۴۰-۶۴۱، ۶۴۷، ۶۴۹، ۶۶۹-۶۷۰، ۶۹۱-۶۹۶، ۷۰۰-۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۵-۷۰۹، ۷۱۴، ۷۱۶-۷۱۸، ۷۱۹-۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۹، ۷۳۱-۷۳۲، ۷۳۵، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۵-۷۴۶، ۷۵۰-۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۰-۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۳-۷۸۵، ۷۸۷، ۷۹۱-۷۹۳، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲-۸۰۴، ۸۰۸، ۸۱۰-۸۱۳، ۸۱۶-۸۱۷، ۸۲۲، ۸۳۰-۸۳۶، ۸۴۰

فارسی (ابن نصوح شیرازی) ۲۱۱

فارسی (شریف) ۴۲۸

فارغ (کمال الدین ابوالفضل تبریزی معروف

بچلی بیگ علامی) ۵۲۰

فارغی (قوام الدین) ۲۵۸

فارغی (محمد صالح دیوانه کابلی) ۴۲۷

فارغی بن میر مرتضی شیرازی (میر) ۴۲۳، ۸۲۰

۷۵۹، ۲۷۲، ۹۶۲

فتح الله تبریزی ۲۸۶

فتح الله شیرازی (شاه) ۶۵۵، ۴۲۳، ۳۴۶-۶۵۶

فتح الله مجد رانی (خواجہ قاضی) ۶۲۷

فتح الله فتحی هروی ۵۷۱

فتح الله قزوینی (فخرالدین) ۲۲۲

فتح الله کاتب ۳۴۶

فتح الله کاشانی (ملا) ۳۷۱، ۳۷۴

فتح الله هروی ۳۴۶

فتح بلخی ۱۸۱

ستانی سبزواری

۷۵۹، ۲۷۲، ۲۶۲

فتح بن علی بن محمد بنداری (قوام الدین) ۱۱۹

فتح گرای ۴۹۰

فتح مستوفی ۷۷۲

فتحی اتدجانی ۳۴۶

فتحی بن سید ابراهیم اندکانی تاشکندی ۸

فتحی ترمذی (حکیم علی بن محمد) ۷۲۶

فتحی حسینی ۳۷۱

فتحی شروانی ۷۰۲

فتحی قزوینی ترمذی (حکیم علی بن محمد) ۷۲۶

فتحی هروی (مولانا فتح الله) ۵۷۱

فتنه غز ۸۹

فتوت ۷۵۸

فتوحی هروزی (امیرالدین) ۸۷

فخر (مولانا) ۳۴۶

فخرالدوله شاه خازی بن کیخسرو استندار

ملك سازندران (ابوالمعالی) ۱۸۷

فخرالدین (ملك) ۱۷۸

فخرالدین ابراهیم بن بزرگ مهر بن

عبد الغفار جو الیقی همدانی عراقی

۱۰۱، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۷۳، ۲۰۹

۲۶۲، ۲۸۴، ۲۸۷، ۳۲۹، ۴۵۱

۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۱

فخرالدین ابراهیم بن عمادالدین محمود

ابن شمس الدین محمد بن علی حنفی

۲۵۷

فخرالدین ابوالحسن بن احمد جام ۷۲۰

فخرالدین ابوالعباس احمد بن ابوالخیر

زرکوب ملقب بمعین ۱۸۶

فخرالدین ابوبکر (قاضی) ۷۳۹

فخرالدین ابوبکر ابهری ۱۷۸

فخرالدین ابوسلیمان داود بن ابوالفضل

محمد بن اکتی ۷۳۱، ۱۴۳

فخرالدین ابوعبدالله

بکسری رازی (امام) ۹۹، ۱۱۲-

۱۱۳، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳

۴۰۳-۴۰۴، ۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱

۷۹۹

فخرالدین ابوالعباس احمد بن ابوالخیر

زرکوب معین ۱۸۶

فخرالدین احمد بن روزبهان بقلی ۷۲۱

فخرالدین اسعد گرگانی ۴۶، ۵۱، ۱۰۵

فخرالدین الغ بلكا اعظم همایون باریك

ابوبکر بن ابونصر ولی امیر المؤمنین

(یسین الملك) ۷۳۹

فخرالدین اوحد مستوفی سبزواری (خواجہ)

۳۰۳-۳۰۴

فخرالدین بن حسنعلی طبسی ۸۳۰

فخرالدین بن رکن الدین بن شمس الدین

کرت ۲۰۷

فخرالدین بن عزالدین فرید مشرف معالک

خراسان ۹۵

فخرالدین بن معین ۱۸۰

فخرالدین بهرام شاه ۱۰۵

فخرالدین حامدی ۴

فخرالدین حسین بن ابوبکر اشعری (عین

الملك) ۱۵۱

فخرالدین خالد بن ربیع طولانی مکی هروی

۸۶

فخرالدین خالدی ۴

فخرالدین خطاط هروی ۹۵

فخرالدین خلاطی ۷۳۰

فخرالدین دمراچی (قاضی) ۱۰۲

فخرالدین رازی (امام) ۱۱۲،۹۹-۱۱۳،  
 ۱۳۸،۱۵۲،۱۶۵،۱۷۳،۴۰۳-  
 ۷۹۹،۷۴۱،۷۳۶،۷۲۳،۴۰۴  
 فخرالدین رئیس محمود ۲۲۶  
 فخرالدین سماکی ۵۰۲،۴۶۰  
 فخرالدین شرف‌الملک محمدشاه بن حاجی  
 روزنی خوافی ۷۳۳  
 فخرالدین عراقی ۱۰۱، ۱۶۳-۱۶۴،  
 ۱۷۳، ۲۰۹، ۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۷،  
 ۳۲۹، ۳۵۱، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۱  
 فخرالدین عصمت‌الله بن مسعود بخاری  
 ۲۳۵، ۲۹۵-۲۹۶، ۳۰۰، ۵۷۸،  
 ۷۸۷، ۷۹۰  
 فخرالدین علاءالدوله عربشاه (میرسید)  
 ۱۰۷  
 فخرالدین علی بن حسن زواری ۳۷۱  
 فخرالدین علی بن حسین واعظ هروی سفی  
 ۲۳۷-۲۳۸، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۳-  
 ۳۸۴، ۳۸۴، ۷۸۴، ۷۸۰، ۸۰۶  
 فخرالدین علی بن رکن‌الدین ۱۷۹  
 فخرالدین علی خطاط ۶۸۴  
 فخرالدین فتح‌الله قزوینی ۲۲۳  
 فخرالدین فخری اصفهانی ۱۴۸  
 فخرالدین فلانسی ۱۸۱  
 فخرالدین قوامی مطرزی گنجوی ۱۰۸  
 فخرالدین گیلانی ۱۸۱  
 فخرالدین مبارکشاه بن  
 ۸۹، ۱۲۱، ۷۲۷  
 فخرالدین مبارکشاه قوری ۷۳۵  
 فخرالدین مبارکشاه محمد بن حسن بن  
 مدین ابوالفرج  
 ابن خلیل بن احمد بن ابونصر بن خلف  
 ابن احمد بن شعیب بن طلحة بن عبدالله  
 ابن عبدالرحمن بن ابوبکر صدیق  
 هرودی ۸۹، ۱۲۱، ۷۲۷  
 شرابادی  
 ۳۷۴  
 فخرالدین محمد بن طلی ۸۱۴  
 فخرالدین محمد بن محمود بن احمد نیشابوری

۷۲۸، ۸۸  
 فخرالدین  
 ۷۵۷  
 فخرالدین محمدزاد خوافی سرخسی ۹۵  
 فخرالدین محمدشاه بن حاجی روزنی (شرف  
 الملك) ۷۳۳  
 فخرالدین محمود بن امیر یمن‌الدین  
 طغرای فریوعدی ابن یمن ۲۰۰، ۲۰۳-  
 ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۱  
 فخرالدین مراغی ۷۳۰  
 فخرالدین مستوفی ۱۷۸، ۲۲۳  
 فخرالدین مسعود بن اسمعیل محمود (سعد  
 الملك) ۹۸  
 فخرالدین مسعود بن بهمن کرمانی ۸۹  
 فخرالدین مسعودی مروزی ۸۹  
 فخرالدین وزیر (سید) ۲۰۲  
 فخرالدین هروی ۳۴۶  
 فخرالدین هندوشاه ۲۲۶  
 فخرالدین  
 ۱۸۰، ۲۱۷  
 فخرالملک بن مؤیدالملک ۶۰  
 فخرالملک بن نظام‌الملک ۷۰، ۱۲۷  
 فخرالملک عصامی ۲۲۵  
 فخرالملک حمیدالدین لوبکی (یا عمده-  
 الملك) ۷۹، ۱۷۵  
 فخرالنساء تسایی ۳۴۹، ۶۹۵  
 فخرینا کتی ۱۴۳، ۷۲۱  
 فخرخلخالی ۳۴۶  
 فخررازی (امام) ۱۱۲، ۹۹-۱۱۳، ۱۱۳،  
 ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۷۳، ۴۰۳-۴۰۴،  
 ۷۲۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۹۹  
 فخر عالم ۴  
 فخر عبدالعزیز ۱۷۸  
 فخر غوری ۱۷۸  
 قتلخ ۱۷۸  
 فخر گرگانی ۴۶، ۵۱، ۱۰۵  
 فخر گنج ۱۷۸  
 فخر مدبر ۸۹، ۱۲۱، ۷۲۷  
 فخر مراغه ۱۷۸

فرخی سیستانی (ابوالحسن علی بن جولوغ)  
۷۶، ۷۰، ۳۸-۳۶، ۳۲، ۲۶، ۲۲  
۸۴

فرخی سروانی ۷۲۵  
فرخی گرگانی ۴۹  
فردوس مطربہ ۲۲۴  
فردوسی طوسی (ابوالقاسم منصور بن  
حسن) ۱۹، ۶، ۲۲، ۲۸، ۳۸-۴۱،  
۴۲، ۵۴، ۸۴، ۱۵۹، ۲۰۷، ۲۱۵-  
۷۱۸، ۷۱۶

فردی اردبیلی ۷۰۲  
فردی تبریزی ۷۰۲  
فردی تربتی ۶۱۴  
فرزدق یمنی ۷۹  
فرشتہ روی زمیں ۷۸۸  
فرعون ۵۴۲، ۶۶۳، ۶۷۰  
فرقتی تولکی (محمد شیرخان) ۵۸۵  
فرقتی خوشقانی (ابوتراب بیک) ۴۱۳،  
۵۱۷

فرقدی خراسانی (شرف الدین محمد بن  
عمر) ۹۱  
فرقی هروی ۵۳۳  
فرقی بزدی ۶۰۲  
فرنگیس خانم ۴۸۴  
فروغی اندخودی ۶۰۳  
فروغی تبریزی ۴۶۲  
فروغی سمرقندی ۶۳۸  
فروغی عطار قزوینی ۴۶۱  
فروغی قزوینی ۵۲۰  
نیشابوری ۳۴۶

فرهاد (درویش) ۲۲۶  
فرهاد چہارم ۱۱  
فرہادی ماوراءالنہر ۳۴۶  
فرہرز (شروانشاہ علاء الدین) ۱۷۶  
فریبی سمنانی ۵۰۴  
فریبی طہرانی (خواجہ شاپور یسر  
خواجگی) ۵۱۳  
فریبی ماوراءالنہر ۶۲۹  
فریدالدہر ۲۵

فخر نقاش ۱۷۸  
فخرو قادار (ابواسحق) ۲۱۵  
فخر ہروی ۱۷۸  
فخری ۳۷۶-۳۷۷  
فخری (شمس) ۱۴۸  
فخری اصفہانی (فخر الدین) ۱۴۸  
فخری شوشتری (صدر الدین علی) ۲۲۶  
فخری خواص ۱۷۶  
فخری ہروی (سلطان محمد) ۲۷۷، ۲۵۱  
۸۲۵، ۴۳۸، ۳۷۶

فدایی بلخی ۵۹۴  
فدایی تبریزی ۷۰۲، ۲۴۶  
فدایی لاهیجی (شیخ زادہ) ۲۲۲  
فراقی تبریزی (حافظ چرگر) ۶۹۵  
فراقی جوینی ۳۴۶  
فراقی طالقانی ۵۳۷  
فراقی ہروی (خواجہ ایوب) ۶۸۷  
فراگونہ ۶۷۰  
فرا لوی (ابوعبداللہ) ۲۱  
فرامر زین خداداد بن عبداللہ کاتب ارجانی  
۷۵۵، ۱۳۳

فرامر زین فخرالدولہ رستمین حسام -  
الدولہ شہسریار بن قارن (قطب -  
الملوک عماد الدولہ سیف الدین) ۸۲-  
۸۳

فرانسہ (زبان) ۶۰۶، ۲۸۹، ۲۰۶  
فراہی (ابونصر) ۲۷۵، ۹۰  
فرج اللہ ۶۵۶  
فرج اللہ بن شمس الدیر  
۷۴۱

فرجی تبریزی (بابا) ۸۱۰  
فرخ (سعد الدین) ۳۲۹  
فرخاری ۵۶  
فرخزاد بن مسعود بن محمود غزنوی ۳۶،  
۶۴

فرخزاد بیک ترکمان ۵۰۱  
فرحشاہ کابل ۱۲  
فرخشاہ منشی ہروی ۵۹۹  
فرحی (مولانا) ۳۴۰

فریدالدین ابوسعید عبداللہ بن عبدالحق  
۳۲۵  
فریدالدین احوں اصفہانی ۱۶۶، ۷۴  
فریدالدین جاجرمی ۱۰۰  
فریدالدین شکر گنج ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۵۶،  
۷۵۹، ۷۴۸، ۷۳۵، ۷۲۳، ۲۱۸  
فریدالدین عطار تونی ۳۲۰  
فریدالدین عطار نیشابوری ۱۱۳-۱۱۵،  
۱۲۱، ۱۶۰، ۲۱۹، ۲۹۰، ۲۹۱،  
۷۲۳، ۴۴۵، ۳۲۰  
فریدالدین عطار ہمدانی ۲۱۸-۲۱۹،  
۳۲۰  
فریدالدین علی منجم سگزی ۹۵  
فریدالدین کاتب نسوی خرا-انی ۸۴  
فریدالدین شکر گنج ۱۱۳، ۱۵۵-۱۵۶،  
۷۵۹، ۷۴۸، ۷۳۵، ۷۲۳، ۲۱۸  
فریدالدین محمد بن ابراہیم ۳۲۰  
فریدالدین محمود بن بشار ہروی ۹۵  
فریدالدین مسعود بن جمال الدین سلیمان  
ابن شعیب بن محمود بن یوسف بن  
شہاب الدین فرخشاہ کابلی ابن فخر-  
الدین محمود بن سلیمان بن مسعود بن  
عبدالله واعظ الاصغر بن ابوالفتح  
واعظ الاکبر بن اسحق بن ناصر بن  
عبدالله بن عمر بن خطاب شکر گنج  
یا گنج شکر دہلوی ۱۱۳، ۱۵۵-  
۱۵۶، ۷۵۹، ۷۴۸، ۷۳۵، ۷۲۳، ۲۱۸،  
۷۴۸، ۷۳۵، ۷۲۳، ۲۱۸،  
۷۵۹  
فرید الزمان احمد بن ایزدیار (شرف الدین)  
۸۹  
فرید بخاری (بخشی الملک شیخ) ۳۶۶  
فرید حواری ۱۷۸  
فرید دبیر ۱۷۸  
فرید کافی (شرف الدین فرید الزمان احمد  
ابن ایزدیار) ۸۹  
فریدون بن احمد سیہ سالار ۷۳۸-۷۳۹  
فرون بن عکاشہ (جلال الدین) ۲۱۴، ۷۶۵  
فریدون خان دہلوی ۶۸۷  
فریدون سابق اصفہانی (حاج) ۶۷۷

فریدون حسین میرزا تیموری ۴۴۰،  
۶۶۵  
فریدون کرمانی (امیر) ۵۶۱  
فریدون محمد ۵۵۹  
فریدون میرزا تیموری ۲۳۲، ۳۱۶  
فرینویان ۷۱۵  
فریقی شہر سبزی (خواجہ ابوالبرکات ایوب)  
۶۱۲  
فسونی ۳۴۶، ۵۳۲  
فسونی (امام قلی بیگ) ۵-۶  
فسونی تبریزی (محمود بیگ بن عبداللہ)  
۵۱۴، ۵۳۲، ۸۳۲  
فسونی یزدی ۵۵۰  
فشاری ۳۴۶  
فصیح الدین ۱۸۱، ۳۴۶  
فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد بن  
نصیر الدین یحییٰ بن علاء الدین محمد  
ابن ظہیر الدین ابوالقاسم محمد بن  
جلال الدین محمد بن نصیر الدین  
ابوالقاسم بن ظہیر الدین محمد بن  
ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن  
ابوالقاسم بن جلال الدین محمد بن  
احمد بن ابونصر علی بن محمد بن  
علاء الدین عیسیٰ بن ابوبکر بن ابوالقاسم  
احمد بن محمد بن قتیبہ بن ابوامامہ  
صدی بن عجلان بن وھب باھلی خوافی  
۲۳۸، ۷۷۴  
فصیح الدین بن عبدالکریم نظامی ۴، ۲۶۹  
فصیح الدین صاحب دارا استرآبادی ۳۳۰  
فصیح سلمان ۴۴۴  
فصیحی ۳۴۶  
فصیحی تدریزی ۲۰۲  
فصیحی رونی ۳۴۶  
فصیحی شیرازی ۵۶۴  
فصیحی گرگانی ۴۶، ۳۴۶  
فصیحی ہروی ۶۶۵  
فصیحی یزدی ۵۲۶  
فضای ہمدانی ۵۲۳  
فضل (ابوالعباس) ۷۲  
فضل (طاهر) ۲۵

فضل الله (ابوالفضل عبدالرحمن) ۷۶۴  
 فضل الله ابواللیثی (خواجہ جلال الدین)  
 ۲۳۰، ۲۹۰  
 فضل الله احمد جمالی اردستانی (جمال الدین)  
 ۸۲۶، ۸۰۹، ۷۷۴، ۲۳۴، ۲۳۵  
 فضل الله بن ابوالخیر عماد الدولہ یا ابوالخیر عالی بن موفق الدولہ علی ہمدانی وزیر (خواجہ رشید الدین) ۱۴۲-  
 ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۶۰، ۳۶۹، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۹، ۸۳۷  
 فضل الله بن ابوالخیر محمد بن احمد میہنی (ابوسعید) ۱-۲، ۲۴، ۵۶، ۵۷-۶۱، ۶۲، ۱۲۱، ۱۸۹، ۲۶۳، ۳۲۲، ۳۳۵، ۳۳۶، ۶۱۹-۶۲۰، ۶۶۳، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۹۵  
 فضل الله بن ابومحمد نعیمی تبریزی ۷۶۴  
 فضل الله بن بہا الدین حسن بن محمد یمانی علی بن حسین بن ہاشم بن حسن بن علی بن ہاشم بن محمد بن جعفر بن امام موسیٰ کاظم (شہاب الدین) ۷۶۴  
 فضل الله بن تاج الدین ابوسعید بن حسین بن یوسف توران پشی (شہاب الدین ابو عبد الله) ۱۵۳  
 فضل الله بن روز بہان بن فضل الله ختجی اصفہانی شیرازی (امین الدین ابو الخیر) ۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹، ۵۲۳، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۶۳، ۷۲۲، ۷۷۵  
 فضل الله بن شرف الدین یعقوب (مجد الدین) ۷۶۷  
 فضل الله بن صدر الدین محمد (شمس الدین) ۷۴۱  
 فضل الله بن علاء الدین علی برزق آبادی طوسی (عماد الدین) ۳۲۲، ۵۶۵، ۶۱۰  
 فضل الله بن محمد روزنی (کمال الدولہ ابوالرضا) ۵۴

فضل الله جلال الدین ابواللیثی ۲۹۰، ۳۳۰  
 فضل الله جمال الدین احمد جمالی اردستانی ۸۲۶، ۸۰۹، ۷۷۴، ۲۳۴، ۲۳۵  
 فضل الله جمالی دہلوی ۳۱۲، ۴۶۵، ۵۳۰، ۷۸۷، ۸۰۸-۸۱۰  
 فضل الله جلال خوار (سید) ۷۶۴  
 فضل الله خوازی (جلال الدین) ۱۰۳  
 فضل الله راجی حسینی (شرف الدین ابو الفضل) ۱۰۲، ۱۳۴، ۱۸۱  
 فضل الله شیرازی ۳۳۶  
 فضل الله فضلی قزوینی ۵۵۳  
 فضل الله قزوینی (شرف الدین) ۱۰۲، ۱۴۴، ۱۸۱  
 فضل الله کرمانی ۳۳۶  
 فضل الله نعیمی استرآبادی تبریزی حروفی (سیدشاہ) ۲۱۴، ۳۳۸، ۳۴۴-۳۶۵، ۷۷۱-۷۷۲، ۷۸۳-۷۸۶، ۷۸۹  
 ۷۹۰  
 فضل الله والہی برزق آبادی طوسی (عماد الدین) ۳۲۲، ۵۶۵، ۶۱۰  
 فضل بن محمد لوگری (ابوالعباس) ۵۴، ۷۲۸، ۶۰  
 فضل خلخالی ۷۰۲  
 فضل مولیٰ خان لکنہوی ۶۸۷  
 فضلون (امیر) ۴۸  
 فضلو (صانع) ۲۵  
 فضلو ہروی (بارع) ۵۵  
 فضلوہ ۷۵۱  
 فضلوہ عماد لہر (عماد الدین) ۱۸۱، ۲۲۳، ۷۵۱  
 فضلوہی (عماد الدین یوسف لہر) ۱۸۱، ۲۲۳، ۷۵۱  
 فضلی بخاراوی ۷۸  
 فضلی یمی (امیر) ۴۶۹  
 فضلی قزوینی (ملا فضل الله) ۵۵۳  
 فضلی نوشادی ۵۷۵  
 فضلی ہروی ۲۴۶، ۵۵۹  
 فضولی (محمد بن سلیمان بغدادی) ۲۳۶



فنایي مشهدی (ملا علی اصغر) ۸۲۷، ۶۵۶  
 فنوس ۷۲  
 فنونی (جمال الدین) ۳  
 قوطه سمرقندی (حاج محمد) ۳۴۷  
 فهمی (شاه محمد خدا پنده) ۴۷۵  
 فهمی (میر شمس الدین خبیصی) ۴۶۳، ۸۲۷  
 فهمی استرآبادی ۵۵۱  
 فهمی بخارایی ۶۳۲  
 فهمی بدخشی ۵۷۵  
 فهمی سمرقندی ۵۵۰  
 فهمی طهرانی رازی (مسلم صاحب قلی) ۸۳۷، ۸۲۱، ۴۲۶  
 فهمی قزوینی (شاه قاسم) ۶۵۶  
 فهمی کاشانی ۸۲۷، ۵۴۹  
 فهمی هرموزی ۳۵۹  
 فهمی بخارایی (مجدالدین) ۹۵  
 فهمی کاشانی ۷۸۴، ۵۳۰  
 فیاضی ۳۶۳  
 فیروز آبادی ۲۹۴، ۳۶۹، ۱۳۲  
 فیروز آبادی (مجدالدین) ۳۷۲  
 فیروز بن رجب ۷۵۶  
 فیروز بن شمس الدین التمش (رکن الدین) ۷۴۴، ۱۷۵  
 فیروز بیک ۲۵۵  
 فیروز شاه ۱۷۵  
 فیروز شاه (عبد الخالق) ۶۷۹  
 فیروز شاه بن التمش (رکن الدین) ۱۷۵، ۷۴۴  
 فیروز شاه بن داود شاه بهمنی (تاج الدین) ۷۹۵، ۷۸۰، ۲۳۴، ۲۱۵  
 فیروز شاه بن ملک رجب ۲۲۳  
 فیروز شاه تغلی ۷۶۸، ۷۵۹، ۷۵۶  
 فیروز شاه خلجی (جلال الدین) ۱۷۱، ۷۵۲، ۷۵۱، ۷۲۹، ۱۸۶  
 فیروز شاه سلطان دهلی ۷۷۲  
 فیروز مشرقی ۱۹  
 فیروزه کابل ۵۵۱  
 فیروزی (تاج الدین فیروز شاه بن داود شاه

۸۲۵  
 فضیل (شیخ) ۵۴۴  
 فضیل بن عیاض فندی خراسانی (ابو علی) ۱  
 فضیل عیاض ۱  
 فطرتی کشمیری ۶۴۶  
 فغانی ۳۱۸  
 فغانی شیرازی ۴۲۷، ۳۱۵، ۲۲۵، ۶ - ۸۳۲، ۶۳۷، ۵۱۲، ۵۰۸، ۴۲۸  
 فغانی قراکولی ۵۶۴  
 فغفور (سید محمد حسین لاهیجی) ۴۱۴  
 فقیر سلطان ۵۹۴  
 فقیری بخارایی ۵۸۳  
 فقیری تبریزی ۵۳۱  
 فقیری هروی ۳۴۶  
 فقیهی مروزی ۸۸  
 فقیه یوسف ۱۷۹  
 فکری ۶۴۸  
 فکری (سید محمد جامه باف) ۴۱۹  
 فکری (محمد رضا) ۸۰۲  
 فکری اردو بادی ۵۱۰  
 فکری تاشکندی (مولا ازاده) ۵۶۱  
 فکری محلاتی ۶۹۳  
 فکاری (مراد خان) ۵۰۱، ۴۹۵  
 فکاری سبزواری قزوینی (قاضی احمد) ۸۳۱، ۵۱۰  
 فکاری سمرقندی ۵۷۵  
 فلغزی (محمد) ۶۲۰  
 فلك الدین ابراهیم سامانی ۹۵  
 فلك المعالی منوچهر بن قابوس ۴۲  
 فلکی ۱۷۴  
 فلکی شروانی ۱۰۶  
 فنایي ۴۲۰  
 فنایي (آقا شاه بیکی) ۶۵۶  
 فنایي (امیر کمال الدین حسین) ۳۴۶  
 فنایي (خرد زرگر) ۴۳۰  
 فنایي بدخشی (شاه) ۵۷۷  
 فنایي جغتایی ۴۳۰  
 فنایي خلخالی (شیخ احمد) ۸۳۸، ۶۸۷

بیمنی (۲۱۵، ۲۳۴، ۷۸۰، ۷۹۵)  
 فیضالاهوری ۶۸۷  
 فیضالله انجو (میر) ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۸  
 فیضالله بن زین العابدین بن حصام بلیانی  
 صدر جهان (ملك الفضاة) ۷۴۲، ۷۷۴  
 فیضالله صدر جهان ۷۷۴، ۷۷۴  
 فیض بخش (شاه قاسم) ۲۷۴، ۳۱۹  
 فیضی ۳۶۳  
 فیضی (الهداد بن اسد العلماء لیشیر سرهندي)  
 ۸۰۳، ۳۶۶، ۳۶۲  
 فیضی (خواجہ) ۵۶۹  
 فیضی (شریف سرمدی اصفهانی) ۴۲۸  
 فیضی (شیخ ابوالفیض) ۳۶۳-۳۶۴، ۴۱۷، ۴۲۸  
 ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۶۶، ۵۳۰، ۵۴۴  
 ۶۰۰، ۶۶۰، ۶۶۹، ۶۸۸  
 ۸۱۹، ۸۰۳  
 فیضی اصفهانی (میر معزالدين محمد) ۴۲۸، ۶۸۷  
 فیضی بلخی ۶۰۲  
 فیضی تربتی ۳۴۶، ۶۵۶  
 فیضی خیابانی (مولانا کمال الدین) ۶۱۳  
 فیضی دکنی ۳۶۲-۳۶۴، ۴۱۷، ۴۲۸  
 ۴۲۲-۴۳۳، ۴۶۶، ۵۳۰، ۵۴۴  
 ۶۰۰، ۶۶۰، ۶۶۹، ۶۸۸، ۸۰۳  
 ۸۱۹  
 فیضی شروانی (سید حسن واعظ) ۷۰۶  
 فیضی کلردگر ۳۴۶  
 فیضی مروی ۲۴۶

## ق

قابلی نریشی ۳۴۶  
 قابوس بن وشمگیر (شمس المعالی) ۲۳، ۲۶۸  
 قاتل (میرزا) ۶۱۵  
 قاجار ۴۸۲  
 قادر قالو ۴۹۶  
 قادری ۷۹  
 قادری (صوفی) ۴۰۵، ۵۴۰

قادری (عبدالقادر بن ملوکشاه) ۳۵۹  
 قادری بخارایی ۵۶۵  
 قادورقایی (مهدی قلی خان قادرقالو)  
 ۴۹۶  
 قاری ۱۸۱  
 قاری (حافظ کلان) ۶۲۱  
 قاری (ملا علی) ۱۳۱، ۳۹۴-۳۹۵  
 قاسم (ملك) ۶۴۷  
 قاسم (مولانا جلال) ۸  
 قاسم ارسلان بخارایی ۵۸۰، ۶۳۶، ۸۳۶  
 قاسم ارسلان مشهدی ۴۱۹، ۷، ۶۳۶، ۵۸۰  
 قاسم انوار (شاه) ۵، ۲۳۵، ۲۹۰-۲۹۲، ۳۲۵  
 ۴۰۹، ۴۵۱، ۵۰۸  
 ۸۲۲، ۷۹۱، ۷۸۶  
 قاسم بخارایی ۶۳۶  
 قاسم بریدالملک نیک ۷۹۷  
 قاسم بن محمد صفایی کاتب ۴۰۱  
 قاسم بن منصور (شاه) ۳۱۲  
 قاسم بیگ ۴۰۴، ۶۸۰  
 قاسم بیگ پیر ناک ۲۶۵  
 قاسم بیگ خالقی ترکمان ۴۶۶، ۶۵۰  
 ۸۲۸، ۶۷۴  
 قاسم بیگ حیاتی قزلباش ۶۵۰  
 قاسم بیگ رخمی ۵۰۶  
 قاسم بیگ قسمی ۵۰۰  
 قاسم بیگ هجری ۵۰۲  
 قاسم پاشا ۳۹۲  
 قاسم تونی ۷۱۱  
 قاسم چنابدی ۳۴۶، ۴۲۵، ۵۰۷  
 قاسم خان ۶۷۸  
 قاسم خان بن امیر سید قاسم بیکلر (امیر)  
 ۳۶۶  
 قاسم خان غاری اردستانی ۶۴۳  
 قاسم خان موجی بدخشی ۵۵۲  
 قاسم خان میر بحر ۵۴۰، ۵۵۳، ۵۵۵  
 قاسم دلداری (امیر) ۳۴۴  
 قاسم دیوان بیگی (میرزا) ۸  
 قاسم رازی (مولانا) ۶۵۱  
 قاسم رازی (میر محمد قاسم) ۶۵۶

قاسم ساغرچی متخلص بمنشی و افشایی  
 ۵۸۶  
 قاسم ساکنی بخارایی ۶۰۹، ۳۴۶  
 قاسم شاه ۸۰۳  
 قاسم شوکتی (میرزا) ۵۷۸  
 قاسم شیخ ۵۶۹  
 قاسم صیرفی همدانی ۵۸۷  
 قاسم ضیایی (کمال الدین) ۶۱۵  
 قاسم ضیایی بخارایی ۵۶۱  
 قاسم عاصم ۳۴۶  
 قاسم علوی (جلال الدین) ۶۳۱  
 قاسم علی بیگ حیدرآبادی اخگر ۱۹۶  
 قاسم علی خان غباری اگرهی ۶۴۳، ۵۵۰  
 قاسم علی قاینی ۷۸۱  
 قاسم فهمی قزوینی (شاه) ۶۵۶  
 قاسم فیض بخش (شاه) ۳۱۹، ۲۷۴  
 قاسم قاسمی اردستانی ۶۴۳  
 قاسم قاسمی هازندرانی ۵۳۹  
 قاسم قانونی ۴۹۲، ۸۳۰  
 قاسم کابلی ۶۳۷  
 قاسم کانی (مولانا) ۸  
 قاسم کاهی ۴۱۵، ۵۴۲، ۵۵۸، ۵۶۷، ۵۹۴  
 ۸۱۹، ۵۹۶  
 قاسم کوه بر صبری ۵۷۹، ۶۳۶  
 قاسم گنابادی (میرزا) ۳۴۶، ۴۲۵، ۵۰۷  
 قاسم مذاقی (خواجه) ۸  
 قاسم مرجان سمرقندی ۵۹۱  
 قاسم مشهدی (ارسلان) ۴۱۹، ۵۸۰  
 ۶۳۶  
 قاسم مشهدی (ملا) ۷۶۲  
 قاسم مفتی ۶۳۱  
 قاسم مودودی (خواجه) ۶۲۴  
 قاسم میان کالی کابلی ۴۱۵  
 قاسم میربحری ۵۴۰، ۵۵۲، ۵۵۵  
 قاسم نوربخشی (سیدشاء) ۲۷۴  
 قاسم ولدی (میرزا) ۳۴۶  
 قاسم هروی (میرزا) ۳۴۶  
 سم هندی ۴۷۷  
 قاسمی اردستانی (قاسم) ۶۴۳

قاسمی اصفهانی ۲۴۶  
 قاسمی قونی (درویش) ۳۰۴  
 قاسمی حسینی (حسین بن اسمعیل) ۲۶۲  
 قاسمی خوانی ۶۵۶  
 قاسمی گنابادی (میرزا محمد قاسم بن عبدالله)  
 ۵۰۸-۵۰۷، ۴۲۵، ۴۱۰  
 قاسمی هازندرانی (قاسم) ۵۳۹  
 قاسمی ۸۰۳  
 قاشقال ۶۷۶  
 قاصری ۶۳۴  
 قاضی (مولانا) ۷  
 قاضی اختیار (حسن بن غیاث الدین) ۲۷۸،  
 ۵۸۵  
 قاضی اختیار (عبدالکریم بن محمود)  
 ۸۱۷  
 قاضی اسیری رازی (میر) ۴۲۹، ۵۰۳،  
 ۸۲۲  
 قاضی پیک ۶۴۹  
 قاضی آیدقش (شمس الدوله) ۱۳۵  
 قاضی تفلیزی ۱۷۸  
 قاضی جهان تبریزی ۵۸۰  
 قاضی جهان شیرازی ۴۳۹، ۴۹۲، ۴۹۷  
 قاضی خان ۸۱۵، ۵۴۸  
 قاضی حان بدخشی ۵۵۱  
 قاضی خان ظفرآبادی (شیخ) ۸۱۶  
 قاضی زاده ۳۴۶  
 قاضی زاده (ظهیرالدین کبیر بن اویس بن  
 محمد لطیفی اردبیلی) ۲۵۴، ۲۸۱،  
 ۸۰۶، ۳۸۲  
 قاضی زاده (عبدالکبیر بن اویس) ۲۵۴،  
 ۸۰۶، ۳۸۲، ۲۸۱  
 قاضی زاده رومی ۲۸۶  
 قاضی زاده رومی (صلاح الدین موسی)  
 ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۸۱، ۳۷۳، ۸۰۷  
 قاضی زاده رومی (قوام الدین یوسف بن  
 سیمی) ۲۷۳، ۲۸۱  
 قاضی زاده رومی (محمود بن محمد مریم  
 چلبی) ۲۸۱، ۲۸۸  
 قاضی زاده رومی (موسی بن محمود) ۲۴۹،

۸۰۲، ۲۶۹

قاضی زاده مفتی (شمس الدین یا بدر الدین  
احمد بن محمود) ۳۸۸

قاضی سنجانی ۶۸۸

قاضی صیرفی هندی ۲۲۶

قاضی غازی اسیری رازی ۴۲۹، ۵۰۳،  
۸۲۲

قاضی لنگه ۵۳۲

قاضی مراغه ۱۷۸

قاضی نور اصفهانی ۳۵۹-۳۶۰

قاضی نورالله شوشتری ۳۸۰-۳۸۱

قالی (میرزا) ۶۲۸

قامتی گیلانی ۵۲۱

قاصوه خوری ۶

قاسمی طوسی (ملك الشعراء بهاء الدین  
احمد) ۱۶۱

قاسمی کابل ۸

قانونی (قاسم) ۴۹۲، ۸۳۰

قانونی (میر عبدالله) ۵۳۹

قانونی (سلطان سلیمان) ۴۷۹

قارود (آل) ۷۷

قایل ۲۵

قایم بامرالله ۷۱۹

قایمی ۳۴۶

قایمی وراق ۷۸

قباجه (ناصرالدین) ۹۷، ۷۸، ۱۵۱

قباحت جراح (خواجه) ۵۲۳

قیادشروانی (شه) ۷۸۳

قیاد قراقویونلو ۷۹۴

قبطیان ۱۷

قبلة الكتاب (سلطانعلی مشهدی) ۳۲۷

۸۲۷، ۶۲۲-۶۲۱، ۵۲۵، ۴۶۴

قبولی بخارایی ۶۰۹

قبولی ترشیزی ۳۴۶

قبولی رستمدراری ۳۳۶

قبولی سیروزی ۷۹۲

قبولی قندزی ۳۴۷

قبولی گرمینی ۶۳۶

قبولی هروی ۳۴۷

قبولی یزدی ۷۹۲

قتالی خوارزمی پوربای ولی ( پهلوان  
محمود) ۷۷۰

قتلغ بوغا (حسام الدین) ۷۳۲

قتلغ ترکان خاتون قراختایی ۱۵۳،  
۷۳۳

قتلغ نگار ۶۰۵

قتلوبغا ۱۸۱

قتیلی بخارایی ۶۵۷

قتیلی سمرقندی (مولانا ابوالحی) ۵۹۰

قنم بن العباس ۸۲۲

قدرت الله (شاه) ۸۰۴

قدرتی یزدی ۶۸۸

قدرخان دلورخان ۱۹۴

قدرطفان خان (جلال الدین) ۹۸

قدری سبزواری ۵۸۲

قدری شیرازی ۴۲۳

قدری ماوراهالنهری ۵۶۷

قدسی (زین الدین) ۴

قدسی ابطلحی کربلایی سبزواری (میر  
حسین) ۵۵۶، ۵۲۸

قدسی بخارایی ۵۸۰، ۵۹۴، ۶۱۰

قدسی تفرشی ۵۰۵

قدسی سنگه زوری ۵۷۰

قدسی مرغانگی ۶۳۸

قدسی گیلانی (حکیم) ۶۸۸

قدسی هروی ۳۴۷

قدیمی هروی ۳۴۷

قرا بک ۷۰۰

قرا بوقه طوسی (خواجه منصور) ۳۰۴

قرا بیک ذوالقدر ۵۲۳

قراجه سلطان تکلو ۴۹۶

قراجه ۱۷۸

قراچین بیک (امیر) ۶۷۸

قراختایان کرمان ۱۴۹، ۱۷۹

قراری ۵۵۸

قراری گیلانی (نورالدین محمد بن عید-  
الرزاق صدر گیلان) ۴۲۵، ۵۴۲

۸۲۰-۸۲۱، ۸۳۳

قرا سلطان شاملو ۳۷۷

قرا سی قزوینی (تاج) ۱۷۷

قراضه شیرازی (سید) ۳۲۷

قراقویونلو ۴۳۴، ۴۶۵، ۴۵۵

قرا یوسف ۷۷۳

قرا یوسف قراقویونلو ۷۹۴، ۷۹۷

قرببی (میر) ۵۰۳

قربب لاهیجانی (میر) ۵۰۴

قرداش تبریزی ۷۰۳

قرشی سمرقندی ۳۴۷

قرطاندکانی (علی) ۲۵

قرقیز ۵۹۷

قرقیزان ۶۸۱

قرمطیان ۱۶

قریجی ۲۵

قریش ۵۵۰

قریش (امیر) ۸۲۰

قریش خان ۵۷۸

قریج الدهر ۲۵

قریج القرس ۲۵

قزاقان ۶۷۸-۶۸۱

قزل ارسلان ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸

قزلباش ۲۱۲، ۳۵۰، ۳۷۷، ۴۳۸، ۴۵۴

۴۶۲-۴۶۳، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۷۳

۴۷۴، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۶-۴۹۷

۶۶۷، ۵۲۴

قزلباشان ۴۹۶

قزوینی ۶۶۳، ۶۷۲

قزوینی (سید) ۱۷۸

قزوینی (لهجه) ۵۱۰

قطلانی ۸۱۱

قسطلانی (ابوالعباس احمد) ۱۳۲

قسی، سترابادی (ملا محمد علی) ۵۱۸

قسمى (قاسم بیک) ۵۰۰

قسیم بن ابی اہیم بزرگ مهر قاینی (ابو

منصور) ۴۱

قشم (خواجه) ۲۲۰

قشیری ۱۲۵، ۶۱، ۵۸

عبدالکریم) ۲۴

قصار آملی (ابوالعباس) ۶۲، ۵۷

قصار آملی ۴۱، ۲۵

قضاعی (ابو عبدالله محمد) ۱۲۷

قضایی روی ۶۲۷

قطان غزنوی (ابونصر محمد) ۱۵۱

قطان مروزی (ابوعلی حسن بن علی)

۱۲۷

قطب (عبدالله) ۲۶۱، ۳۹۶

قطب الدین ۴۱۷

قطب الدین ابوالفتح محمد بن شمس المعالی

مطهر بن احمد جام زنده پیل ۷۳۷،

۷۹۵

قطب الدین احمد جامی ۳۴۲

قطب الدین اصفهانی ۳۴۷

قطب الدین انوشکین خوارزمشاه ۱۷۴

قطب الدین ایبک ۱۵۲، ۷۲۶

قطب الدین بختیار بن کمال الدین احمد بن

موسی بن احمد بن کمال الدین محمد

ابن احمد بن اسحق بن معروف بن

احمد بن رضی الدین بن حسام الدین

ابن رشید الدین بن امام جعفر صادق

کاکاکی ارشی ۱۱۳، ۱۵۴، ۱۵۶،

۱۹۷، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۴۸، ۸۰۵،

۸۰۹

قطب الدین بن علاء الدین (سلطان) ۱۹۵

قطب الدین حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن

سلطان شاه بن سلطان خان سالوری

۸۱۸، ۴۰۸

قطب الدین حیدر زاوی ۴۰۸، ۸۱۸

قطب الدین خضر شاه یزدی ۷۶۷

قطب الدین سرخسی ۱۰۰

قطب الدین سرخسی (خواجه) ۶۴۹

قطب الدین سعید بن هبه الله راوندی ۷۲۹

قطب الدین شده بافی یزدی ۶۹۶

قطب الدین شکر الله (شاه) ۳۶۶

قطب الدین شیرازی (علامه) ۱۴۷، ۳۸۹،

۷۳۲، ۷۴۵

قطب الدین ظهیری ۳۲۹

قصاب آملی (ابوالعباس احمد بن محمد بن

قطب‌الدین عبدالکریم بن ابراهیم بن  
 سبط‌عبدالقادر گیلانی ۷۵۳، ۱۹۵  
 قطب‌الدین عبداللہ بن محیی بن محمود  
 انصاری خزرچی سعدی شیرازی  
 چهرمی معروف بقطب‌محیی و عبداللہ  
 قطب ۳۹۶، ۲۶۱  
 قطب‌الدین عتیقی تبریزی ۲۱۷، ۱۸۱  
 قطب‌الدین علی بن ملک محمود ۷۷۸  
 قطب‌الدین قندهاری ۲۰۶  
 قطب‌الدین کاشانی (قاضی) ۶۰۳  
 قطب‌الدین محمد بن احمد جام ۷۲۰  
 قطب‌الدین محمد بن نکش خوارزمشاه ۷۳،  
 ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۱۲، ۹۳، ۹۲، ۷۸  
 ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹  
 ۷۴۱، ۷۲۸، ۱۶۵  
 قطب‌الدین محمد بن شمس‌الدین مطہر بن  
 احمد جام ۷۹۵، ۷۳۷  
 قطب‌الدین محمد بن عزالدین حسین ملک  
 الحبال ۹۰  
 قطب‌الدین محمد خوارزمشاه ۷۳، ۷۸،  
 ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۱۲، ۹۳، ۹۲  
 ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۹، ۱۶۵  
 ۷۴۱، ۷۲۸  
 قطب‌الدین محمد قراختایی ۷۳۲، ۳۸۹  
 ۷۴۹  
 قطب‌الدین محمود بن شمس‌الدین شاه‌علی  
 ابن‌شاهزادہ ۱۹۵  
 قطب‌الدین محمود بن ضیا‌الدین مسعود بن  
 مصلح کازرونی شیرازی (علامہ)  
 ۷۴۵، ۷۳۲، ۳۸۹، ۱۴۷  
 قطب‌الدین مسعود یزدی ۷۶۷  
 قطب‌الدین مکی (علامہ) ۳۹۴  
 قطب‌الدین مودودشاه بن زنکی بن آق‌سنقر  
 ۸۱  
 قطب‌الدین موسی (امام) ۱۳۲  
 قطب‌الدین مؤید ۶۱۶  
 قطب‌الدین میرحاج گنابندی انسی ۳۲۱  
 قطب‌الدین یزدی ۶۹۴  
 قطب‌الزمان محمد بن ابو‌خاھر طوسی

مروزی ۵۴  
 قطب‌المالم عبدالقدوس بن اسمعیل صفی-  
 الدین گنکوھی ۳۰۳، ۳۷۵  
 قطب‌الملوک عمادالدولہ سیف‌الدین  
 فرامرز بن فخرالدولہ رستم بن حسام  
 الدولہ شہریار بن قارن ۸۲-۸۳  
 قطب‌اھری ۱۷۸  
 قطب‌جامی ۷۹۵  
 قطب سمرقندی ۳۴۷  
 قطب‌سمنگانی ۵۶۳  
 قطب‌شاه (محمدقلی) ۸۳۰، ۳۵۹  
 قطب‌شاه دکتی (عبداللہ) ۳۹۶، ۲۶۱  
 ۵۵۷، ۵۳۲، ۴۳۵  
 قطب‌شاهیان (سلسلہ) ۳۵۹  
 قطب‌محیی ۳۹۶، ۲۶۱  
 قطبی ۱۸۱  
 قطبی اھری (ایوب‌بکی) ۲۸۳  
 قطبی نجمی (ابوالہیجا اردشیر بن دیلم  
 سپار) ۷۱۷، ۷۰، ۴۸  
 قطبی‌ھروی ۳۴۷  
 قطران ارموی تبریزی (ابو منصور  
 قطران بن منصور) ۴۸، ۸۲، ۹۲  
 ۱۶۶  
 قطیفی (ابراھیم) ۳۸۰  
 قلاشی‌ھروی ۳۴۷  
 قل بابا کوکلتاش (امیر) ۵۹۶  
 قلج ارسلان ۷۳۷  
 قلج ارسلان بن مسعود ۱۲۸  
 قلج ارسلان چھارم (رکن‌الدین) ۷۵۱  
 قلج ارسلان سوم ۷۵۱  
 قلج‌خان الفتی ۴۵۲  
 قلج‌طمناج خان (رکن‌الدین مسعود بن  
 سن) ۹۸  
 قلج‌طمناج خان ابراھیم بن حسین (جلال-  
 الدین) ۹۹، ۹۶  
 قلج‌طمناج خان بن مسعود بن حسین (رکن  
 الدین) ۱۲۸  
 قلج‌محمد خان بلخی ۵۷۸  
 قل محمد شیرغانی ۳۴۷

قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابو-  
المعالی بنجیری شیرازی ۷۶۱،  
۷۶۹-۷۷۰

قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن علی در-  
گزینی طغرائی ۱۱۱۰۸۳

قوام‌الدین ابوعلی حسن بن احمد بن اسحق  
نظام‌الملک طوسی ۵۴۰، ۵۴۵-  
۵۵۵، ۵۸۵، ۶۱۰، ۶۶۰-۶۷۰، ۶۹۰-۷۱۰،  
۷۲۷، ۷۳۰، ۱۶۳، ۱۲۷، ۷۳

قوام‌الدین بلخی ۶۲۶  
قوام‌الدین بن شاه شمس‌الدین بن شاه قاسم  
نوربخشی (شاه) ۳۴۱، ۳۱۵  
قوام‌الدین جعفر بیک آصف‌خان قزوینی  
(میرزا) ۳۵۷، ۳۳۱، ۴۶۵، ۴۴۲،  
۶۵۰

قوام‌الدین حسن شیرازی صاحب عیار  
(حاج) ۱۲۶، ۲۰۵، ۷۶۱، ۷۶۵

قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی ذوالفقار  
شروانی (سید) ۴۱۰، ۱۷۴

قوام‌الدین عبدالله ۲۰۵  
قوام‌الدین عبدالله شیرازی ۶۸۸

قوام‌الدین علی صائینی ۳۴۵  
قوام‌الدین فارغی ۲۵۸

قوام‌الدین فتح‌بن علی بن محمد بنداری  
۱۱۹

قوام‌الدین قوامی اصفهانی ۶۵۷

قوام‌الدین قوامی شیرازی ۶۵۷

قوام‌الدین محمد (امیر) ۳۷۱

قوام‌الدین محمد بن ابوبکر بن علی یزدی  
۷۹۰، ۷۸۱

قوام‌الدین محمد جعفر بیک مروستی قزوینی  
آصف‌خان (میرزا) ۳۵۷، ۴۳۱،  
۴۶۵، ۶۴۲، ۶۵۰

قوام‌الدین محمد یزدی ۷۹۰، ۷۸۱

قوام‌الدین مذهب بغدادی ۵۲۵

قوام‌الدین مؤید‌الملک ۱۷۵، ۱۳۲

قوام‌الدین نصرالله قوامی خوافی ۹۵،  
۳۲۲

قوام‌الدین نظام‌الملک خوافی ۲۵۲،

قلندر ۵۶۲-۵۶۳، ۵۷۹، ۵۶۰، ۶۰۹، ۷۵۴  
قلندر (ابوعلی) ۱۹۷، ۲۲۷

قلندر (غازی) ۵۱۳، ۵۸۵  
قلندر (میر) ۲۴۷

قلندران ۳۴۷، ۶۶۶

قلندر کاشانی (سید عزین) ۶۸۶  
قلندر کرمانی (ابوالوفا) ۵۳۵

قلندر کرمانی (جلال‌الدین محمود زنگی  
عجم) ۷۷۰

قلندر هروی (غازی) ۵۱۳، ۵۸۵

قلندر هندی (شاه علمی) ۷۰۹

قلندری ۳۵۷

قلی (میرزا) ۲۲۱

قلی بابا کوکلتاش (امیر) ۵۸۶

قلی بیک قورچی باشی ۴۶۲

قلیج‌خان ۴۳۲، ۶۶۷

قلیج‌خان ناظم کابل ۶۴۵

قلی جذبی ۴۲۴

قلیج محمدخان ۵۴۷

قلی‌خان بن حمزه سلطان استاجلو (شاه)  
۳۹۹

قلی‌خان نارنجی (شاه) ۴۲۴

قلی‌میلی هروی (میرزا) ۴۲۱، ۴۵۸،  
۸۲۰

قمر (نظام‌الدین اصفهانی) ۱۷۲

قمر‌الدین محمود اسکویی ۷۰۳

قمری (پهلوان بیک) ۴۹۶

قمری (طایفه) ۴۹۶

قمری آملی (سراج‌الدین) ۹۵

قمری اصفهانی (نظام‌الدین محمود) ۱۷۲

قمری گرگانی ۲۳

قمری ۱۸۱

قنادی ۲۲۴

قنبری نیشابوری ۳۰۵، ۶۸۸

قندی ۵۵۱

قنکر (حافظ) ۶۳۶

قواس تبریزی (شمس‌الدین) ۶۹۹

قوام ۷۸۵

قوام‌الدین ابراهیم فاروقی ۲۵۸

کابلی (مولانا قاسم) ۶۳۷  
 کابلی (میر سید) ۳۴۵  
 کاتب (نجم الدین) ۱۳۸ ، ۱۴۷ ، ۱۸۱ ،  
 ۷۳۰ ، ۴۶۶  
 کاتب السلطان ۴۶۴  
 کاتب الملك (میر سلطان بایزید دوری  
 هروی) ۴۱۹ ، ۵۴۵  
 کاتب انقروی (محمد بن ولی بن رضی -  
 الدین) ۳۳۹  
 کاتب یزدی ۶۵۷  
 کاتبی (مولانا قاسم) ۸  
 کاتبی (نجم الدین) ۱۳۸ ، ۱۴۷ ، ۱۸۱ ،  
 ۷۳۰ ، ۴۶۶  
 کاتبی شیرازی ۲۳۵  
 کاتبی نیشابوری ترشیزی (یهلوان شمس -  
 الدین محمد بن عبداللہ) ۲۹۷ -  
 ۵۵۹ ، ۵۲۳ ، ۵۱۶ ، ۳۰۴ ، ۲۹۹  
 کاتبی یزدی ۶۵۷  
 کاتولیک ۶۶۹  
 کارکیا (سید حسن) ۳۴۹  
 کارکیا (میرزا علی) ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، ۲۷۰ ،  
 ۳۸۲ ، ۳۵۰  
 کارکیا احمد پادشاه ۴۸۹  
 کشانی ۶۸۵ ، ۵۸۰  
 کاشغری ۵۷۸  
 کاشف الدین ابوالمحاسن محمد حموی  
 یزدی ۳۲۵  
 کاشفی ۳۳۸  
 کاشفی (ملاحسین واعظ) ۲۴۵ - ۲۴۶ ،  
 ۲۸۵ ، ۳۰۷ ، ۴۰۳ - ۴۰۴ ، ۴۳۷ ،  
 ۷۸۴ ، ۷۷۵ ، ۶۸۴  
 کاظم کاظمی هروی (سید) ۳۳۰ ، ۷۷۶ ،  
 ۷۸۹  
 کاظمی هروی (سید کاظم) ۳۳۰ ، ۷۷۶ ،  
 ۷۸۹  
 کاغذی (شهاب) ۱۷۸

قوام الدین نظام الملك محمد بن محمد  
 جنیدی ۱۷۲ ، ۲۲۳  
 قوام الدین تقیب (شاه) ۴۵۰  
 قوام الدین نوربخش (شاه) ۳۴۱ ، ۳۱۵  
 قوام الدین یوسف بن حسن حسینی قاضی  
 زاده رومی ۲۷۳ ، ۲۸۱  
 قوام الملك ۶۴۷  
 قوام الملك خراسانی ۹۵  
 قوام الملك نظام الدین ابونصر هبه الله  
 فارسی ۷۸  
 قوامی ۱۰۰  
 قوامی اصفهانی (میر قوام الدین) ۶۵۷  
 قوام الدین خوافی ۹۵  
 قوامی خوافی (میر قوام الدین نصر الله)  
 ۳۲۲  
 قوامی رازی (امیر شرف الشعراء) ۸۴ ،  
 ۱۰۸  
 قوامی شیرازی (میر قوام الدین) ۶۵۷  
 قوامی مطرزی گنجوی (فخر الدین) ۱۰۸  
 قوج خلیفه مهرداد ۴۹۳  
 قورچین (امیر بابا حسن) ۳۰۵  
 قورچی باشی ۴۶۳  
 قوسی ۵۵۱  
 قوسی اسفراینی ۳۴۷  
 قوسی تبریزی ۶۸۸ ، ۷۰۵ - ۷۰۶ ، ۸۳۸  
 قوسی هروی ۳۴۷  
 قوشچی (اولوس) ۵۸۴  
 قوشچی (علامه محمد بن علی) ۲۵۰ ،  
 ۲۵۶ ، ۲۶۲ ، ۲۶۸ - ۲۷۰ ، ۲۸۶ ،  
 ۳۵۶ ، ۳۷۵ ، ۳۸۸ ، ۴۰۳ ، ۶۰۸ ،  
 ۶۶۳  
 قهرمان (میرزا عبدالرحیم خان خانان)  
 ۳۶۱  
 قهقهه وزیر ۳۶۲  
 قیام الدین (شاه) ۶۱۶  
 قیامت عراقی (دیوانه) ۶۰۲  
 قیدی شیرازی ۴۱۸ ، ۸۱۹  
 قیری بعدادی ۷۰۸



کافرك (کافی خراسانی) ۵۰  
کافرك غزنوی (جمال الدین فاء  
۴۳

کافی (شمس) ۲۲۶

کافی (میرزا) ۸۳۱، ۷۰۳

کافی اردو بادی (میرزا) ۶۹۹، ۶۵۷

کافی الدین عمر بن عثمان ۱۰۲

کافی بخارایی (سعد الدین) ۸۸

کافی بن ابوالفرج رونی ۸۸

کافی خراسانی معروف بکافرك ۵۰

کافی ظفر همدانی ۵۲

کاکانوری (امین الدین) ۲۲۶

کاکای قزوینی ۴۶۱

کاکلتاش (میرمیران) ۵۰۰

کاکویه ابوجعفر محمد بن دشمن زیاده

(علاءالدوله) ۳۱

کامران (شیخ محمود میرزا) ۴۶۹

کامران (میرزا) ۳۶۳، ۳۸۰، ۴۶۶

۴۶۹، ۳۷۵، ۵۵۳، ۵۷۸، ۶۰۷

۶۰۸، ۶۱۲، ۶۱۷، ۶۶۵، ۷۰۸

کامران پادشاه ۶۱۲

کامران کوهنسی (میرزا) ۴۹۴

کامل خلخالی (ملک سعید) ۶۴۶

کامل شیرازی (قوام الدین عبيدالله)

۶۸۸

کامل کاشانی ۶۵۷

کامله بیگم ۶۸۸

کامی (امیر علاءالدوله بن یحیی بن عبد-

اللطیف سیفی قزوینی) ۳۸۳

۴۳۳، ۸۰۶، ۸۲۳-۸۲۴، ۸۴۰

کامیار (کمال) ۱۷۸

کامی اوجی (کمال الدین شاه حسین)

۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۷، ۵۶۳

کامی سیزواری ۴۳۳، ۵۲۲

کامی قمی ۵۵۱

کامی لاهیجانی ۴۹۹

کامی هروی (شاه حسین) ۳۳۱، ۳۳۳

۳۴۷، ۵۶۳

کاهی ۳۴۷

کاهی کابلی (ملاقاسم) ۴۱۵، ۵۴۲، ۵۵۸

۵۶۷، ۵۹۴، ۵۹۶، ۸۱۹

کبروی (طریقه) ۵۹۸، ۶۲۸، ۷۳۵-

۷۳۷، ۷۵۳، ۷۸۸

کبرویان ۶۱۰

کبرویه (طریقه) ۶۳۵

کیودجامه (اسپهبد شاه نصره الدین) ۱۸۰،

۳۴۵

کیودجامه (صاحب) ۱۸۰، ۳۴۵

کیودجامه (علاء الدین) ۱۷۸

کبیر الدین ۱۶۵

کبیر بن اویس بن محمد لطیفی اردبیلی

(ظهیر الدین قاضی زاده) ۲۵۴، ۲۸۱

۳۸۲، ۸۰۶

کپک (مولانا) ۸

کپک میرزا ۶۴۰

کتبی (محمود) ۱۸۵، ۲۵۷

کتیر (خواجه ابوالقاسم) ۳۴

کتیری بخارایی ۶۱۰

کجج تبریزی (شیخ غیاث الدین محمد)

۲۱۳، ۶۵۵، ۷۶۳، ۷۷۵

کججی (خواجه امیر بیگ) ۴۱۴، ۴۶۴

۶۵۵، ۶۹۱

کچک بیگ ۵۵۵

کچوم خان ۳۹۸

کرامیه ۱۶

کرامیه هرات ۱۱۲

کربارسلان آقسنقری (علاء الدین) ۱۰۵

کربلایی ۵۲۸

کرت ۷۶۶

کرت (آل) ۱۶۱، ۱۷۹، ۱۹۸، ۲۰۱

۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۹

کرجی (خاندان) ۲۲۲

کرجی قزوینی (مجد الدین) ۲۲۶

کرخی (ابواسحق ابراهیم اصطخری) ۷۱

۷۷۱

کرد ۱۵۸، ۱۸۰، ۲۵۴، ۳۸۱-۳۸۲

۴۳۶، ۴۹۱، ۷۲۰

کردان ۳۵۵، ۴۱۰، ۴۲۴، ۸۳۰

کلامی جفتاییں ۵۵۱  
 کلامی لاری (صدرالدین محمد) ۶۴۵-  
 ۶۴۶  
 کلان (حافظ) ۶۳۲، ۲۹۶  
 کلان (خان) ۵۵۱  
 کلان (خواجہ) ۷۸۴، ۳۸۴، ۲۴۷  
 کلان (محمد خواجہ) ۵۷۷  
 کلان (میر) ۶۳۷  
 کلان پیک اندجانی (خواجہ) ۶۱۲، ۵۴۷  
 کلان پختہ سمرقندی (خواجہ) ۵۹۰، ۷  
 کلان غزنوی (میر محمد خان) ۵۵۴، ۵۵۰،  
 ۶۵۱  
 کلان قاری (حافظ) ۶۲۱  
 کلان مجروحی ماوراءالنہری (خواجہ)  
 ۵۶۳  
 کلان معیایی ۳۴۷  
 کلان مروی (خواجہ) ۲۴۴  
 کلامی (افضل خان) ۶۴۶، ۵۵۱  
 کلایی ۶۴۶  
 کلعلی تبریزی ۵۲۰  
 کلعلی راغب تبریزی ۵۱۹  
 کللی ذوالقدر ۵۰۶  
 کل تیمورتاش ۵۷۵  
 کلدانی ۱۰  
 کلدانیان ۱۷  
 کل عیسیٰ ۳۳۹  
 کلنگ (نویدی بلخی) ۵۷۶، ۵۷۴، ۵۷۰  
 ۵۹۴، ۵۸۷  
 کلوج وحید (ملا) ۶۴۷  
 کلہر ۴۷۱  
 کلیمی تبریزی پنبہ دوز اوغلی ۷۰۳  
 کمال (شہاب الدین) ۲۲۶  
 کمال (قاضی) ۱۷۸  
 کمال ابن المزیز ۱۷۸  
 کمال اسعدزیاد ۱۷۸  
 کمال الاسلام خجندی ۱۷۸  
 کمال الدولہ ابورضا فضل اللہ بن محمد  
 زوزنی ۵۴  
 کمال الدین (خواجہ) ۶۲۸  
 کمال الدین ابراہیم شیروانی ۶۰۸

کردان اردلان ۳۵۵  
 کردان فارسی ۲۱۴  
 کردان مکر کومی حکار ۴۱۰  
 کردان یزد ۸۳۰  
 کرکس (نجم الدین) ۲۲۴  
 کرمانی ۵۳۸  
 کروریان ۴۳۰  
 کرۃ بخارایی (باقی) ۵۶۶  
 کریم ۲۲۶  
 کریم الدین خواجہ حبیب اللہ ساوجی ۲۴۱،  
 ۶۵۰، ۴۳۸، ۴۲۰، ۳۷۷، ۳۳۵  
 کریم الدین سیستانی (قاضی) ۲۲۶  
 کریم الدین نیشابوری ۷۳۸  
 کریم سمرقندی (شاہ) ۳  
 کریم طوسی ۱۷۸  
 کریم نیشابوری ۱۷۸  
 کریمی سمرقندی (بہاء الدین عبدالکریم)  
 ۹۱  
 کسائی مروزی (مجدالدین ابوالحسن)  
 ۳۷، ۲۶  
 کسبی بخاری (قاضی فخرالدین) ۸  
 کسبی قزوینی ۲۵۷  
 کستن قرای ازبک ۸  
 کسری کاشانی (محمد قاسم) ۵۱۸  
 کسری گرہ ۵۱۸  
 کشفی ۲۵  
 کشمیری ۷۹۱  
 کفایی گنجہای ۲۳  
 کفری تربتی (میر حسین) ۶۵۷  
 کفری مروی (میر حسین) ۵۹۱  
 کلابادی (ابوبکر محمد بن ابراہیم) ۲۹  
 کلال (امیر) ۳  
 کلال (میر سید) ۲۳۰  
 کلامی اصفہانی ۵۱۳-۵۱۴، ۵۲۳، ۶۴۸،  
 ۸۳۲  
 کلامی اصفہانی (لطیف الدین احمد بن  
 محمد بن احمد بن محمد) ۱۷۶،  
 ۲۰۴  
 کلامی بخارایی ۶۲۸

کمال الدین ابوقوهی ۱۸۱

کمال الدین ابوالخیر بلخی عاشق ۸

کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی

ابن محمود مستر شدی خواجو

کرمانی ۴۱۹۹ - ۲۰۰ ، ۲۰۸ ،

۷۶۰

کمال الدین ابوالفضایل عبدالقادر بن

غیبی مراغی ۱۴۷ ، ۲۶۱ ، ۷۷۳ ،

۷۷۷-۷۷۸ ، ۷۸۲ ، ۸۱۴

کمال الدین ابوالفضل اسمعیل بن جمال

الدین ابومحمد عبداللہ بن عبدالرزاق

اصفہانی (خلاق العمانی) ۷۳ ، ۱۰۰ ،

۱۳۱ ، ۱۵۷ - ۱۵۸ ، ۲۳۹ ، ۲۹۸ ،

۷۳۹ - ۷۴۰ ، ۸۳۰

کمال الدین ابوالفضل تبریزی چلبی بیک

علامی ۵۲۰

کمال الدین ابوالقاسم ضیائی ۶۱۵

کمال الدین ابوعمر ابهری ۱۷۸

کمال الدین اسمعیل اصفہانی ر. کمال الدین

ابوالفضل

کمال الدین اسمعیل بکوی ۵۹۹ ، ۶۴۸

کمال الدین اسمعیل بن غیاث الدین منصور

ابن نصیر الدین عبدالحمی بکری مکی

۵۹۹ ، ۶۴۸

کمال الدین بهزاد هروی ۳۳۸ ، ۴۵۸ ،

۵۲۴ - ۵۲۵ ، ۷۹۲

کمال الدین ناشکندی ۶۲۵

کمال الدین جعفر تهریزی ۳۲۷ ، ۳۴۱ ،

۳۴۳ ، ۷۹۸

کمال الدین جعفر خطاط تبریزی ۳۲۷ ،

۳۴۱ ، ۳۴۳ ، ۷۹۸

کمال الدین حسن بن علاء الدین عطار

۷۶۷

کمال الدین حسن بن محمد بن فخر الدین

علی لاری ۳۵۶

کمال الدین حسین ۳۴۳

کمال الدین حسین (خواجہ) ۳۱۴

کمال الدین حسین ابهری اردبیلی ۱۶۹ ،

۲۵۵ ، ۳۴۳ ، ۳۹۳ ، ۶۷۰ ، ۱۶۹۰

۷۱۸ ، ۷۴۲ ، ۸۳۷ - ۸۳۸

کمال الدین حسین ابیوردی ۳۳۱

کمال الدین حسین اردبیلی الہی ۱۶۹ ،

۲۵۵ ، ۳۴۳ ، ۳۹۳ ، ۶۷۰ ، ۶۹۰ ،

۷۱۸ ، ۷۴۲ ، ۸۳۸

کمال الدین حسین الہی اردبیلی ۱۶۹ ،

۲۵۵ ، ۳۴۳ ، ۳۹۳ ، ۶۷۰ ، ۶۹۰ ،

۷۱۸ ، ۷۴۲ ، ۸۳۸

کمال الدین حسین بن جمال الدین بن رشید

الدین فضل اللہ ۷۳۱

کمال الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی

کبری ۲۴۲ ، ۲۷۲ ، ۴۰۷ ، ۴۳۱ ،

۴۷۰ ، ۵۷۲ ، ۵۷۵ ، ۵۷۷ ، ۵۸۲ -

۵۸۳ ، ۵۹۸ - ۵۹۹ ، ۶۴۰ ، ۶۸۸ -

۶۸۹ ، ۷۸۸

کمال الدین حسین بن شرف الدین عبد

الحق ابهری الہی اردبیلی ۱۶۹ ،

۲۵۵ ، ۳۴۳ ، ۳۹۳ ، ۶۷۰ ، ۶۹۰ ،

۷۱۸ ، ۷۴۲ ، ۸۳۸

کمال الدین حسین بن شهاب الدین اسمعیل

طیسی گازر گاهی هروی ۲۵۵ ، ۲۸۴ ،

۳۳۱ ، ۷۱۸

کمال الدین حسین بن شهاب الدین حسین

ابن برهان الدین قلیچ انجذانی ۴۰۰

کمال الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی هروی

واعظ (یا معین الدین) ۲۴۵ - ۲۴۶ ،

۲۸۵ ، ۳۰۷ ، ۳۰۳ - ۴۰۴ ، ۴۳۷ ،

۶۸۴ ، ۷۷۵ ، ۷۸۴

کمال الدین حسین بن عبدالحق ابهری

اردبیلی ۳۹۳

کمال الدین حسین بن غیاث الدین محمد

شیرازی فارسی ابن غیاث یا کمال غیاث

۲۹۹

کمال الدین حسین حسنی حاجب غزنوی

۹۵

کمال الدین حسین بن زین الدین خوارزمی

۲۴۲ ، ۲۷۲ ، ۴۰۷ ، ۴۳۱ ، ۴۷۰ ،

۵۷۲ ، ۵۷۵ ، ۵۷۷ ، ۵۸۴ - ۵۸۵

کمال الدین دومی ۲۵۲

کمال الدین کوتاه پای نرمدی ۲۲۵، ۹۵

کمال الدین لاری ۸۳۸

کمال الدین محتشم کاشانی ر.

کمال الدین محمد ۳۴۷

کمال الدین محمد بن جمال الدین ابوالروح

لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر

سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر

میمنه ۱۲۱

کمال الدین محمد بن موسی بن عیسی بن علی

دمیری شافعی مصری (ابوالبقا) ۲۷۷،

۳۶۵

کمال الدین محمد وحشی بافقی ۴۳۴ -

۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵،

۵۱۹، ۵۲۳، ۵۸۵، ۶۴۹، ۶۵۹،

۶۸۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۸، ۸۲۲،

۸۲۵، ۸۳۰

کمال الدین محمود بغراخان (خاقان)

۸۱

کمال الدین محمود بن علی بن عماد الدین

غجدوانی ۴۰۰

کمال الدین محمود رفیقی مشهدی ۳۳۳،

۸۱۶

کمال الدین مراغی ۱۰۸

کمال الدین مزدقانی ۸۸

کمال الدین مسعود خجندی ۶، ۱۰۱، ۱۹۴،

۲۱۰-۲۱۱، ۲۹۶، ۳۴۱، ۳۵۳،

کمال الدین مسعود شروانی ۲۶۶، ۳۳۲،

۸۰۶

کمال الدین میر حسین سهوی تبریزی

۶۵۹، ۷۰۳، ۸۳۷

کمال الدین میر محمود نبغی ۶۲۴

کمال الدین نصر الله بن خلیل الله ابرقوی

۳۳۱

کمال الدین هلاکی همدانی ۴۶۰، ۵۳۱ -

۵۳۲، ۵۳۵

کمال العلف والدین (شیخ) ۱۸۹

کمال الملك ابو جعفر محمد بن احمد مختار

روزنی ۵۴

۵۶۸-۵۶۹، ۲۳۰، ۲۸۸-۲۸۹،

۷۸۸

کمال الدین حسین ضمیری اصفهانی ۴۴۴،

۴۴۶، ۴۵۸، ۵۰۹، ۵۲۹، ۵۳۲،

۶۰۱، ۶۷۲، ۶۸۴، ۸۲۶، ۸۳۳

کمال الدین حسین فانی خوارزمی ۶۸۸ -

۶۸۹

کمال الدین حسین فانی ۳۴۶

کمال الدین حسین قنوی ۸۰۶

کمال الدین حسین گازر گاهی ۲۵۵، ۲۸۴،

۲۳۱، ۷۱۸

کمال الدین حسین هروی (خواجہ) ۵۹۸ -

۵۹۹

کمال الدین حسینی خوارزمی ۳۷۲

کمال الدین خجندی ۵، ۱۰۱، ۱۹۴،

۲۱۰-۲۱۱، ۲۹۶، ۳۴۱، ۳۵۳

کمال الدین خوارزمی ۴۰۷

کمال الدین زنجان آذربایجانی ۱۸۱،

۲۲۴، ۷۴۵

کمال الدین زیاد اصفهانی ۱۰۲

کمال الدین سمنانی ۱۴۹

کمال الدین شاه حسین کامی اویهی ۳۳۱،

۳۳۳

کمال الدین شیر علی بیانی هروی ۷۶،

۳۱۰، ۳۴۳، ۵۵۹، ۶۸۲

کمال الدین عاشق بخارایی ۶۲۴

کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی ۵،

۲۵۰، ۳۲۹

کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ۷۱۸،

۷۵۸، ۷۹۵

کمال الدین عبدالله لسانی شیرازی (یا

وجه الدین) ۴۳۶، ۸۲۵، ۸۲۸،

۸۳۲

کمال الدین عبدالواسع نظامی باخرزی

۳۱۳

کمال الدین عمید کمال کمالی هروی ۸۵

کمال الدین فیضی خیابانی ۶۱۳

کمال الدین قاسم ضیایی ۶۱۵

کمال الدین کاشی ۲۲۵

بہادر بن ۶۰۴	جمال پاشا زادہ / شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا (۸۱۰-۸۱۱)
کوچو نجو بن ابوالخیر (ابوسمید) ۴۸۶	کمال تربتی (حافظ) ۶۱۴
کوراک ازبک ۵۷۴	کمال تربتی (شیخ) ۳۴۷، ۳۳۲
کور حسن یساول ۳۸۶	کمال قفلیسی ۱۷۸
کور شاہ قلی روملو ۳۸۶	کمال جندی (بابا) ۷۳۶، ۱۱۵
کور لطیف ۳۴۷	کمال جندی ۱۰۱، ۱۹۴، ۲۱۰، ۲۱۱
کوسہ رستم ۴۹۷	۳۵۳، ۳۴۱، ۲۹۶
کوسہ علی قلی ۴۹۳	کمال صبی ۲۵
کوسہ قالی ۲۳	کمال غیاث ۲۹۹
کوشک کی قانی ۸۹	کمال کامیار ۱۷۸
کوکبی (نجم الدین) ۶۱۷	کمال کجکولی ۳۳۲
کوکبی بخاری (ملاحسن) ۳۴۷، ۵۶۸	کمال کمال ۱۷۹
۶۲۳، ۵۷۴	کمال کنمانی ۱۷۹
کوکبی مروزی ۳۵	کمال کوه صافی ۳۴۷
کوکبی مشہدی ۳۴۷	کمال مجردی (خواجہ) ۶۲۲
کوکلش (امیر بابا) ۵۹۵	کمال مراغہ (قاضی) ۱۷۹
کوکلش (خان اعظم) ۵۴۶، ۵۵۴	کمالی (درویش) ۷۸۴، ۵۳۰
۶۷۶	کمالی افصح ۵۱۲
کوکلش (مراد ہمد) ۴۶۶، ۶۶۵	کمالی زیمانی ۷۱۰
کوکلش (یوسف علی) ۴۴۶	کمالی سبزواری ۵۱۲
کوکلہ اکبری (خان اعظم) ۵۴۶، ۵۵۴	کمالی سیف منجم بایزدوی (محمد بن ابو عبداللہ سنجر) ۱۵۲
۶۷۶	کمالی شرفاتی ۶۰۰
کوهساری طبری ۸۸	کمالی ہروی (کمال الدین حمید کمال) ۸۵
کوهکن شبانی (سلطان سید خان) ۵۷۱-	کمری شیرازی ۵۲۹
۵۷۲	کنستانین پالو لوگ ۷۹۹
کوهی (بابا) ۵۷۰، ۷۱۷	کنگریان ۴۷
کیا (امیر سید رضا) ۳۴۱	کوثری اردبیلی ۵۳۰
کیا (امیر سید رضی الدین) ۳۴۱	کوثری بخاری ۳۴۷
کیا (سید علی) ۳۸۶	کوثری ہروی ۳۴۷
کیا (نظام الدین سلطان یحیی) ۲۷۰	کوچکانچی خان (ابوالمنصور) ۳۹۸
کیا حسینی قزوینی ۵۶، ۲۵	کوچک (حکیم) ۶۹۶
کیارستم ۳۸۷	کوچک بیک ۳۴۷
کیاشاہ ۸۰۳	کوچک علی بلخی ۱
کیاغضایری ۴۵، ۲۶، ۲۶	کوچکونجی خان بن ابوالخیر خان بن دولت شیخ بن ابراہیم بن ہولاد بن منکو تیمور بن بدآکول بن جوجی بوغان
کیا گرگانی (شمس المعالی) ۲۷۱	
کیا ملاطی حسینی (امیر) ۳۸۶	
کیایی (سلسلہ) ۳۸۶	

گرزالدین ۳۱۷  
 گرزالدین بیک ۶۹۶  
 گرشاسب ۲۰  
 گرشاسب بن فراسرزین کاکویه (علاءالدوله)  
 ۸۱، ۶۳  
 گرشاسب کاکویه (علاءالدوله ابو کالیجار)  
 ۸۱، ۶۳  
 گرگین میلاد ۶۱۶  
 گرمی پروجودی ۵۳۴  
 گسیل خراط ۱۸۱  
 گشتاسب ۲۳  
 گشتاسب شاه ۱۲۹  
 گلابی ۱۰۰  
 گلپاری (سید علی) ۴۴۹  
 گلبدن بیکم ۶۶۸، ۴۷۶، ۳۶۳  
 گلچهره بیستم  
 گلخنی قبی یا تفرشی ۳۳۷  
 گلرخ (سکندر شاه لودی) ۸۳۹  
 گلرخ بیکم ۶۵۷، ۴۷۶  
 گلستانه (شاه نظام) ۴۵۰  
 گلستانه (محمود بن علی حسنی) ۲۱۷،  
 ۷۶۵  
 گلستانه (محمود بن محمود بن علی) ۲۱۷،  
 ۷۶۵  
 گلشاه بن هلال ۴۴  
 گلشنی ۳۴۷  
 گلشنی (طریقه) ۷۰۳-۷۰۴  
 گلشنی بردعی (شیخ ابراهیم بن محمود بن  
 حاج ابراهیم بن شهاب الدین) ۷۰۲-  
 ۷۰۴  
 گلشنی شبستری ۷۰۴  
 گلشنی کلشانی ۶۴۶  
 گنجشکر (فریدالدین) ۱۱۳، ۱۵۵ -  
 ۱۵۶، ۲۱۸، ۷۲۳، ۷۳۵، ۷۴۸  
 ۷۵۹  
 گورکانیان ۷۸۸  
 گورکن اوغلی ۵۲۷  
 گورموخی (خط) ۴۸۶  
 گورمیری (جلال الدین محمود بن ابو بکر

کیا بیان گیلان ۴۸۲  
 کیا بی گیلان (سلسله) ۳۸۳  
 کیبک ترکستانی ۶۳۰  
 کیجیک میرزا ۲۳۱، ۲۳۱، ۳۳۴  
 کیجیک بی ۶۸۰  
 کیخسرو بن قلج ارسلان مسعود (غیاث-  
 الدین) ابو الفتح ۱۴۵، ۱۱۹  
 کیخسرو دوم (غیاث الدین) ۱۵۲  
 کیخسرو سلجوقی (غیاث الدین) ۱۶۱،  
 ۷۵۱  
 کیفی بخارایی (قاضی یابنده شتل) ۵۹۶  
 کیقباد (معز الدین) ۱۷۰-۱۷۱، ۷۵۱  
 کیقباد بن کیخسرو بن قلج ارسلان (ابو الفتح  
 ۱۴۱  
 کیقباد سلجوقی (علاء الدین) ۱۴۱، ۱۵۹،  
 ۱۶۱  
 کیگوس بن اسکندر بن قابوس (عنصر  
 المالی) ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۳۸  
 کیگوس بن کیقباد (شروانشاه) ۷۶۹  
 کیگوس پسر کیخسرو پسر دارا ۷۱۶،  
 ۷۴۳  
 کیگوس سلجوقی (عزالدین) ۸۰، ۱۵۰،  
 ۱۶۱، ۷۵۱  
 کیوک خان ۱۳۶  
 کیومرث (شمس الدین) ۷۵۱

# گ

گدایی دهلوی، کتب ۵۴۰، ۸۰۸، ۸۳۳  
 گدایی سمرقندی (آدمی) ۵۹۳، ۶۰۱  
 گدایی هروی ۳۴۷  
 گرامی (حافظ تائیش) ۶  
 گرامی تبریزی ۷۰۳  
 گرامی سمرقندی (خواجه تولاک باقی)  
 ۵۹۷  
 گرایان (سلسله) ۴۹۰  
 گرای خان بن دولت گرای خان (ابو المظفر)  
 ۴۰۷  
 گرجی ۴۹۳  
 گرجیان ۱۰۶

سمرقندی (۱۵۵)

گورو نانک ۴۸۴

گوشه کنار (محبی الدین) ۲۶۵

گوهر شاد آغا ۲۹۷، ۲۳۸

گوهر شاد بیگم ۳۵۰، ۳۴۹

گیب (اوقاف) ۷۱۴

گیتی (محمود) ۲۵۷، ۱۸۵

گیتی شاه ۱۸۱

گیسو (میر) ۶۱۳

گیسودراز (سید محمد) ۷۲۲، ۴۰۶، ۱۹۶

۷۶۸، ۷۵۴، ۷۲۵

گیلان ۳۸۲، ۳۸۳

گیلان شاه ۶۵

گیلک ۲۹۲، ۲۲۵

## ل

لاچین ۱۷۰

لاغر (قاضی احمد سیستانی) ۴۵۳، ۴۴۷

۸۲۶، ۴۶۵

لاغری (شمس الدین) ۸۸

لااغز نوی (رضی الدین علی بن سعید بن

عبدالجلیل) ۱۱۵، ۱۸۰، ۷۴۵ -

۷۴۶

لاله (امیر سید احمد) ۳۲۳

لاله خاتون ۳۴۹

لالی همدانی (حسن بیگ) ۶۵۷

لامعی برسوی (محمود بن عثمان) ۳۸۹ -

۳۹۰

لامعی گرگانی (ابوالحسن بن محمد بن

اسمعیل دهستانی) ۴۵ - ۴۶، ۵۰ -

۵۱

لاهوری ۶۴۸

لبیبی خراسانی ۷۶، ۳۶

لدنی همدانی (حسین بیگ) ۶۵۷

۴۹۱

لسانی ۵۲۹، ۵۱۸، ۵۱۶، ۴۲۷، ۳۳۰

اسانی شیرازی (وجه الدین یا کمال الدین

عبدالله) ۴۳۶، ۴۳۵، ۸۲۸، ۸۲۵

۸۳۳

لطف الله بن ابوسعید اسمعید ابو طا

سعید بن ابوسعید ابوالخیر (ابوروح) ۶۲

لطف الله بن ابو یوسف حلیمی (قاضی)

۲۵۸

لطف الله جوینی ۵۸۴، ۵۷۷

لطف الله چشتی ۸۱۷

لطف الله سمرقندی ۷۳۲

لطف الله نیشابوری ۷۶۳، ۲۱۰، ۵

لطفی (مولانا) ۷۹۸، ۳۴۲

لطفی (میرزا) ۶۹۹

لطفی بلخی ۵۶۷

لطفی تاشکندی ۳۴۷

لطفی شیرازی (قرن ۹) ۲۹۵

لطفی شیرازی (قرن ۱۰) ۷۹۵، ۷۱۱

لطفی طوقاتی ۸۱۰

لطفی مشهدی ۳۴۷

لطفی منجم ۵۵۲

لطفی هروی ۲۹۵

لطیف ۲۳۷

لطیف (کور) ۳۴۷

لطیف الدین احمد بن محمد بن احمد بن

محمد کلامی اصفهانی ۲۰۴، ۱۷۶

لطیف الدین زکی کاشغری ۲۲۶، ۱۷۸، ۹۱

۷۲۵

لطیف تغلیسی ۱۷۹

لطیفی ۲۵۴

لطیفی (شمس الدین محمد) ۳۴۷

لطیفی اردبیلی (ظہیر الدین کبیر بن اویس

ابن محمد لطیفی اردبیلی قاضی زاده)

۸۰۶، ۳۸۲، ۲۸۱، ۲۵۴

لطیفی هروی ۳۴۷

لعل بیگ لعلی بدخشی (میرزا) ۵۵۲

لعلی بدخشی (میرزا لعل بیگ) ۵۵۲

لعلی شاه بدخشان ۳۴۷

لقایی استرامادی ۵۵۱

لقایی خراسانی ۳۴۷

لقایی سمرقندی ۳۴۷

لعمانی عباسی ۷۱۵، ۲۵

لعمانی عباسی ۷۱۵

لوایی سبز واری (پیرزاده) ۸۳۴،۵۵۲  
 لودی (سلسله) ۸۳۹  
 لوکری (ابوالعباس) ۷۲۸،۶۰۰،۵۳  
 لوکری غزوانی (ابوالحسن) ۲۲  
 لؤلؤ سمرقندی ۱۷۹  
 لؤلوی ۱۰۰  
 لولی هندوستانی ۷۰۸  
 لوند مشهدی (سگ) ۵۸۸  
 لون کرن ۵۴۳  
 لوی پادشاه مجارستان ۴۷۹  
 لهستانی ۲۰۶  
 لیلی ۱۱۵  
 لئون دهم (پاپ) ۴۸۳، ۴۷۸

ماتمی میانکالی ۵۶۷  
 مادها ۱۱-۱  
 مازہ (آل) ۹۹-۹۸  
 مازیار ۱۶

ماکان بن کاکی ۲۲

ماکسیمیلیان ۴۸۳

مالک بن انس ۱۱۰

مالک دیلمی (امیر) ۸۳۲، ۵۲۶، ۵۱۵

مالرکز وینی ۱۷۹

مامون خوارزمشاه (ابوالعباس) ۷۱۲

مامون عباسی ۷۳۸، ۷۱۲، ۱۸

مان پانی پتی (شیخ) ۸۱۶

مان سنگه (راجه) ۸۲۲

مانوی ۱۳

مانی تربیتی ۳۴۷

مانی شیرازی ۸۲۶، ۴۴۵، ۳۱۷

مانی کاسه گر مازندرانی مشهدی ۳۱۲

ماه چیچک بیکم ارغون ۴۷۶

ماهر اردبیلی (محمدقلی) ۷۰۴

ماهر کشمیری ۶۴۸

ماهری کشمیری ۶۴۸

ماه فرودین ۲۷

ماهیم ۵۴۴، ۴۳۹، ۴۲۸

ماهیم بیکم ۵۴۴، ۴۷۵

ماهی خانم تبریزی ۶۵۷

مایلی اردبیلی ۵۲۲

مایلی سراج بخارایی ۶۱۰

مبارزالدین ۲۲۶

مبارزالدین شروان گرای ۴۰۷

مبارزالدین علی بیک جلایر (امیر)

۳۰۹

مبارزالدین محمد بن مظفر ۱۸۴-۱۸۵

۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۸، ۳۰۸

۷۶۹، ۷۶۱-۷۶۰، ۷۵۲

مبارک (شیخ) ۶۰۰، ۳۶۳، ۳۵۹

مبارک خان نوخالی ۴۵۶

مبارکشاه (میرالدین ابوالفتح) ۲۳۶

مبارکشاه بن حسین مرورودی (فخرالدین)

۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹

مبارکشاه خاتمی ۷۱۰

مبارکشاه خلیج ۱۸۵

مبارکشاه غوری (فخرالدین) ۷۳۵

مبارکشاه

ابن سعید بن ابوالفرج بن خلیل بن

احمد بن ابونصر بن خلف بن احمد

ابن شعیب بن طلحة بن عبد الله بن

عبد الرحمن بن ابوبکر صدیق مروی

رودی (فخرالدین) ۸۹، ۱۲۱،

۷۲۷

مبارک کرمانی (سید) ۷۵۹

مبارک ناگوری (شیخ) ۶۰۰، ۳۶۳، ۳۵۹

۶۶۹

مبارک

مبارک ۷۱۵

متاخصاری ۵۷

متشهی (نظام) ۲۷۴

متصوفه ۱-۲، ۸، ۲۷۳، ۳۶۹، ۴۰۰، ۴۰۴،

۴۰۶، ۴۱۰، ۴۲۶، ۴۴۱، ۵۱۶، ۵۹۸،

۶۲۵، ۶۷۰، ۶۷۶، ۷۰۷، ۷۰۹،

۷۲۰، ۷۲۶، ۷۳۶، ۷۴۵، ۷۵۶،

۷۵۹، ۷۶۱، ۷۷۲، ۷۸۱-۷۸۵،

۸۱۷، ۷۹۲

متینی تبریزی ۷۰۴



مثالی (مولانا) ۳۴۲	۸۵-۸۴، ۹۴، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۲۰، ۷۲۳
مثالی بدخشی (مولانا نیازی) ۵۹۳، ۶۳۶	مجدالدین بن عطاء ملک جوینی ۷۳۰
مجاهدالدین خوانساری ۴۴۴	مجدالدین بیهقی (ابوالبرکات) ۸۸
مجدالدین ابن رشید غزنوی ۷۹	مجدالدین ترمذی ۱۸۰
مجدالدین ابوالبرکات بیهقی ۸۸	مجدالدین حسن بن ضیاء الدین حسین بن دی ۷۷۵
مجدالدین ابوالحسن علی بن محمد عمرانی سرخسی (رئیس) ۸۱	مجدالدین حسن بن دی ۷۷۵
مجدالدین ابوالحسن اسحاق کسائی مروزی ۳۷، ۴۶	مجدالدین خوافی ۳۸۳
مجدالدین ابوالشجرى صندلسی غزنوی ۹۵	مجدالدین طالبه ۷۱۰، ۷۵۰، ۸۳۸
مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات ترمذی ۱۲۶	مجدالدین طبیب کاشی ۱۸۱
مجدالدین ابوالمجد عبداللطیف بن هبة الله ابن شفروه اصفهانی ۱۰۲	مجدالدین علی نقیب السادات ترمذی ۱۲۶
مجدالدین ابوالمجد محدود بن آدم سنایی غزنوی ۷۶، ۷۳، ۴۴، ۷۷، ۱۶۰، ۴۴۵، ۵۱۵، ۷۲۰، ۷۴۵-۷۴۶	مجدالدین عماد الدوله همدانی ۲۲۴
مجدالدین ابوالمعالی محمد بن معتز بن معتوش ظاهر ۲۷۴	مجدالدین عیوقی ۹۵
مجدالدین ابوبدریل احمد بن محمد سجاولند ۸۸، ۲۹، ۴۹	مجدالدین فضل الله بن شرف الدین یعقوب ۷۶۷
مجدالدین ابوجعفر علی بن حسین قندهار موسوی صدر شرق رئیس خراسان ۸۴	مجدالدین فہیمی بخارایی ۹۵
مجدالدین ابوعلی (خواجہ) ۴۴۶	مجدالدین فیروز آبادی ۳۷۲
مجدالدین ابونصر احمد بن محمود بن علی نظامی ۷۴۳	مجدالدین کاشی ۳۴۷
مجدالدین ابهری ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۴۳	مجدالدین کرچی قزوینی ۲۲۶
مجدالدین احمد بدیہی سجاولندی ۴۹، ۸۸، ۷۹	مجدالدین گیلانی ۲۱۲
مجدالدین اسحاق کسائی مروزی (ابوالحسن) ۳۷، ۲۶	مجدالدین مابری ۸۳۹
مجدالدین ایگی ۲۲۵	مجدالدین محمد (خواجہ) ۳۰۷، ۳۱۴
مجدالدین بابکر (قاضی) ۱۷۹	مجدالدین محمد بن عدنان سرخکشی ۱۰۰، ۲۵۶
مجدالدین باهری نسوی ۹۴	مجدالدین محمد پاییزی نسوی ۱۰۰
مجدالدین بغدادی (ابو سعید شرف بن مؤید بن ابوالفتح بن غالب خوارزمی)	مجدالدین نسوی ۹۵



حسن همدانی ۶۵۸  
حفوظ جعفر فادقانی ۱۷۹  
ترمذی (سید برهان الدین)  
۷۳۶، ۱۵۹  
محقق کرکی ۳۷۱  
محکم حصاری ۵۹۴  
محمد (ابوالشرف) ۲۳۶  
محمد (ابوصالح شیخ محمد حسن چشتی)  
۱۹۶  
محمد (اتابیک نصرة الدین ابوبکر) ۱۰۵  
محمد (از صاحب سید محمد گیسو دراز)  
۷۵۴  
محمد (امیر) ۴۳۸  
محمد (امیر تقی الدین) ۵۰۸  
محمد (امیر صدر الدین) ۳۹۷، ۲۵۴  
محمد (امیر قوم الدین) ۲۷۱  
محمد (امیر معز الدین) ۴۳۵  
محمد (ترتیب دهند سیاست نامه) ۶۶  
محمد (جمال) ۱۷۷  
محمد (حکیم شاه) ۲۷۶-۲۷۷  
محمد (خواجه) ۶۵۸، ۶۳۷  
محمد (خواجه مجد الدین) ۳۱۴، ۳۰۷  
محمد (درویش) ۸۲۱  
محمد (سالار) ۴۶  
محمد (سلطان) ۳۸۴  
محمد (شرف) ۱۷۸  
محمد (شمس الدین) ۲۴۷  
محمد (صدر الدین) ۳۹۷، ۲۵۴  
محمد (صدر الدین نظام الملک) ۸۱  
محمد (ضیاء الدین) ۴۴۹-۴۵۰  
محمد (طاهر) ۳۴۵  
محمد (علاء الدین) ۱۳۷  
محمد (غیاث الدین) ۵۵۸، ۴۳۵  
محمد (فریدون) ۵۵۹  
محمد (قاضی) ۴۷۱  
محمد (قوام الدین) ۳۷۱  
محمد (کمال الدین) ۳۴۷  
محمد (مرتضی الدین حنفی) ۱۳۱  
محمد (معز الدین) ۴۳۵

محمد (ملا) ۳۷۲  
محمد (ملا شاه) ۳۴۵  
محمد (ملک سلطان) ۴۹۵  
محمد (مولانا میر) ۶۲۸  
محمد (میرزا سلطان) ۲۹۴، ۲۴۸  
محمد (میر رفیع الدین) ۵۰۲  
محمد (میر شمس الدین) ۴۹۷  
محمد (میر صدر الدین) ۵۰۵، ۴۱۴  
محمد (میر غیاث الدین) ۵۵۸، ۴۳۵  
محمد (نظام الدین) ۲۴۲  
محمد آگهی (مولانا جلال الدین) ۳۲۱  
محمد آل عثمان (ملطان) ۲۶۵  
محمد آملی (مولانا) ۳۴۷، ۳۳۸  
محمد امیر ابراهیم بن محمد علی شریعتمداری  
سینواری خراسانی (حاج) ۱۶۹  
محمد ابوسعید (پهلوان) ۳۴۷  
محمد پیوردی ۴۴۷، ۱۷۹  
محمد آتکه غزنوی (میر شمس الدین) ۴۱۸،  
۵۴۳-۵۴۴، ۵۴۹  
محمد ادایی شیرازی ۳۳۸  
محمد ارباب درویشی (مولانا خواجه)  
۶۰۲  
محمد اردبیلی ۱۷۹  
محمد ازهری هروی (جلال الدین) ۹۵  
محمد استرا بادی (امیر جلال الدین) ۳۷۵  
محمد استرا بادی (سعد الدین) ۲۶۹  
محمد اسد (شمس الدین) ۳۲۹  
محمد اسکویی (امیر صدر الدین) ۶۷۰،  
۷۰۳  
محمد اسلام جویباری (خواجه) ۴۰۶  
محمد اسمعیلی (علاء الدین) ۱۳۷  
محمد اصفهانی (شمس الدین) ۷۵۱  
محمد اصفهانی (صفی الدین) ۷۲۵  
محمد اکبر (جلال الدین) ۳۵۲، ۳۵۶-  
۳۶۱، ۳۶۲-۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۲،  
۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱-۳۸۳، ۴۵۲-  
۴۵۳، ۴۵۵-۴۵۶، ۴۶۵-۴۶۷،  
۴۷۰، ۴۷۵، ۵۰۵، ۵۱۳-۵۱۴،  
۵۲۰، ۵۲۳، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۳۶

محمد انسی (مولانا شاه) ۳۲۷  
 محمد اوشی فرغانی (بهاء الدین) ۷۹  
 ۷۲۶  
 محمد ایلدگن ۱۰۳، ۷۲، ۱۰۶ - ۱۰۸  
 ۷۴۱، ۱۳۰  
 محمد ایواغلی ۵۰۷  
 محمد ایوب ایوب تاشکندی ۶۰۴  
 محمد بابر (ظهیر الدین) ۳۳۳، ۶۰۵  
 ۶۰۷ ر. بابر  
 محمد باخرزی ۶۹۴  
 محمد باقر (ذوالکمالین میر) ۶۲۱  
 محمد باقر بن عماد الدین محمود شیرازی  
 ۳۹۹  
 محمد باقر بن محمد (ابوالحسن) ۱۹۳  
 محمد باقر بن محمد علی (ابوالحسن) ۲۸۴  
 محمد باقر بن محمد علی (ابوالحسن)  
 ۸۱۷  
 محمد باقر داماد (میرزا) ۵۱۵  
 محمد باقر طوسی متخلص بباقر (میر)  
 ۶۲۵  
 محمد باقر یمینی (سید) ۶۳۳  
 محمد باقری تتوی (میرزا) ۶۹۰  
 محمد بایسنقر ۳۰۶، ۲۹۴  
 محمد بشکچی (خواجہ شمس الدین) ۴۴۶  
 محمد بخاری (ابو عبدالله) ۲۷۹  
 محمد بخاری معمای (شمس الدین) ۵  
 ۳۳۳  
 محمد بدخشان بدخشی (سلطان) ۳۰۶، ۵  
 محمد بدخشی ۵۵۹، ۳۳۳، ۳۳۱  
 محمد بدیع بدیع هروی ۵۸۵، ۸۲۶  
 محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی  
 (ملیح) ۵۷۶، ۴۰۳  
 محمد بردعی ۳۴۰  
 محمد برکت علاء الدوله ۷۸۱  
 محمد برهانی نیشابوری (امیر عبدالملک)  
 ۸۲، ۵۱  
 محمد یزعی استرابادی (خواجہ عباس)  
 الدین ۵۱۸  
 محمد بن ابراهیم ۱۱۸

۵۵۵، ۵۵۳ - ۵۴۷، ۵۴۵ - ۵۳۹  
 ۵۷۵، ۵۶۹ - ۵۶۸، ۵۶۶، ۵۵۸  
 ۵۹۴ - ۵۹۲، ۵۸۸، ۵۸۴، ۵۸۰  
 ۶۴۱، ۶۳۵، ۶۰۲، ۶۰۰، ۵۹۷  
 ۶۴۴، ۶۴۲ - ۶۶۴، ۶۶۵  
 ۶۸۳، ۶۷۷ - ۶۷۳، ۶۶۹، ۶۶۷  
 ۸۱۵، ۷۴۴، ۷۱۰ - ۷۰۹، ۶۹۰  
 ۸۱۹ - ۸۲۲، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۰  
 ۸۳۸، ۸۳۵ - ۸۳۳، ۸۳۱  
 محمد اکبر حسینی (سید پیری) ۱۹۷  
 محمد الامین تونسلی ۱۳۲  
 محمد الیاق ۸۰۵  
 محمد الکیا ۸۰۳  
 محمد امامی (قاضی) ۳۴۷  
 مد امامی اصفهانی (قاضی امام الدین)  
 ۶۲۰  
 محمد امکنکی (خواجہ) ۶۷۱  
 محمد امنی تبریزی (میرزا) ۵۲۹  
 محمد امیری (امیر) ۴۳۷  
 محمد امین (میرزا) ۵۳۴  
 محمد امین ازبک (میرزا) ۵۸۴  
 محمد امین بلخی ۳۴۲  
 محمد امین بن جمشید ۳۵۳  
 محمد امین بن حاج خلیل قونیوی ۲۵۳  
 محمد امین تبریزی (میرزا) ۵۳۰، ۶۹۲  
 محمد امین حشری تبریزی ۸۱۷  
 محمد امین ذوقی کاشانی ۷۰۹  
 محمد امین زاهد ۵۶۴، ۵۷۰ - ۵۷۱  
 ۶۱۹، ۵۹۵، ۵۸۹، ۵۸۷  
 محمد امین سلطان ترکمان ۴۹۵، ۵۰۱  
 محمد امین غباری هروی ۵۲۶  
 محمد امین مستغنی کشمیری ۶۴۸  
 محمد  
 محمد امین مفتی (ملا) ۶۳۳، ۷  
 محمد امین منشی (میر) ۸  
 محمد امینی تبریزی ۵۳۰، ۶۹۲  
 محمد امینی زرگری تبریزی ۵۳۰، ۶۹۲  
 محمد اندجانی میر سر برهنه (سید شمس)  
 الدین ۳۲۷، ۵

محمد بن ابراهيم (فریدالدین) ۳۳۰  
 محمد بن ابراهيم بن عبد الله سجستانی  
 سیواسی رمال (نصیرالدین) ۱۵۱  
 محمد بن ابراهيم بن مصطفى بن شعبان  
 عطار همدانی (زین الدین) ۲۱۸ - ۳۲۰، ۲۱۹  
 محمد بن ابراهيم کلابادی (ابوبکر) ۲۹  
 محمد بن ابواسحق محمد بن ابراهيم بن  
 یعقوب کلابادی بخاری (ابوبکر) ۲۹  
 محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر  
 احمد شهرستانی شافعی اشعری (ابو -  
 الفتیح) ۱۲۶، ۴۵۰  
 محمد بن ابوبکر ابراهيم بن مصطفى بن  
 شعبان عطار نیشابوری (فریدالدین  
 ابوحامد) ۱۱۳-۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۰، ۲۱۹  
 ۲۹۰-۲۹۱، ۳۲۰، ۳۴۵، ۷۲۳  
 محمد بن ابوبکر بن ایوب بن قیم الجوزیه  
 (ابوعبدالله) ۷۱۸  
 محمد بن ابوبکر بن علی بن دین (قوام الدین)  
 ۷۸۱، ۷۹۰  
 محمد بن ابوبکر کرت (شمس الدین) ۱۷۹، ۲۰۶  
 محمد بن ابوبکر مستوفی قزوینی (زین -  
 الدین) ۱۴۴  
 محمد بن ابوبکر نسفی حسام الائمہ (شرف -  
 الدین) ۱۰۰  
 محمد بن ابورشاد رشید بن محتاج رئیس  
 (شهاب الدین) ۷۹  
 محمد بن ابوزید بن عربشاه بن ابوزید  
 مینی علوی ورامینی ابن عربشاه ۲۴۵  
 محمد بن ابو طالب تیریزی همام طبیب  
 (همام الدین) ۷۸۲  
 محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (قطب -  
 الزمان) ۵۴  
 محمد بن ابوعبدالله منجم کمالی سیف منجم

بایزدوی ۱۵۲  
 محمد بن ابو نصر بن ابو شهید خزنوی  
 (ضیاء الدین) ۹۵  
 محمد بن احمد بن ابوبکر بن احمد مستوفی  
 زاوی رضی الکاتب ۱۳۲، ۱۵۷  
 محمد بن احمد بن ابوبکر مایبژن آبادی  
 ۱۳۳، ۱۵۳  
 محمد بن احمد بن علی بن محمد زیدری  
 خرندزی نسوی (نور الدین) ۲، ۹۴، ۱۱۷  
 محمد بن احمد بن علی بن محمد طاهری  
 بیغمی ۷۵۸  
 محمد بن احمد بن علی بن محمد منشی نسوی  
 زیدری (شهاب الدین یا مؤید الدین) ۲  
 محمد بن احمد بن محمد ۷۲۳، ۷۲۷  
 محمد بن احمد بن محمد جامی ۲۸۹  
 محمد بن احمد بن محمد صوفی سمرقندی  
 ۱۹۷  
 محمد بن احمد بیرونی خوارزمی (ابو -  
 الریحان) ۳۰۱  
 محمد بن احمد جام (قطب الدین) ۷۲۰  
 محمد بن احمد خفزی (شمس الدین) ۳۶۷، ۸۴۱، ۸۳۸، ۳۸۵  
 محمد بن احمد دقیقی بلخی (ابو علی) ۲۳، ۳۷، ۳۲  
 محمد بن احمد مختار روزنی (کمال الملک  
 ابو جعفر) ۵۴  
 محمد بن احمد مراد آبادی فاروقی نقشبندی  
 مجددی (ابوالخیر) ۷۳۱  
 محمد بن احمد نیشابوری ۳۴۷  
 محمد بن اخستان شروانشاه ۱۰۵  
 محمد بن اسحق قاینی (ابونصر) ۷۸  
 محمد بن اسحق قونیوی (صدر الدین)  
 ۱۱۶، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۶۳، ۲۸۸  
 محمد بن اسحق ولی الله بن شمس الدین محمد  
 قادری ملتان (شمس الدین ابو الفتیح) ۴۰۵

محمد بن اسد (شار ابونصر) ۷۱۵  
 محمد بن اسعد بخاری ۷۵۸  
 محمد بن اسماعیل وزیر ۴۸  
 محمد بن اشرق حسنی سمرقندی (شمس-  
 الدین) ۲۶۶  
 محمد بن العائغ غزنوی (شهاب الدین)  
 ۹۵  
 محمد بن امیر برهان الدین خاوندشاه بن  
 کمال الدین محمود بلخی میرخواند  
 ر. میرخواند  
 محمد بن امیر جلال الدین خضرشاه بن امیر  
 قطب الدین مسعود یزدی (امیر شمس-  
 الدین) ۷۶۷  
 محمد بن امیر مبارز (امیر) ۷۵۴  
 محمد بن امین الدین ابوالمکارم ایوب بن  
 ابراهیم دنیسی ۱۵۲  
 محمد بن ایلدگن ۱۰۳، ۷۳، ۱۰۶، ۱۰۸-  
 ۷۳۱، ۱۴۰  
 محمد بن ایل طغان کرمانی بردسیری  
 (شمس الدین) ۱۰۹، ۷۲۲، ۷۴۳،  
 ۷۴۵  
 محمد بن ایوب حاسب طبری (ابوجعفر)  
 ۲  
 محمد بن بایزید (سلطان) ۳۷۹  
 محمد بن بایسنقر بن شاهرخ (غیاث الدین  
 ابوالمظفر) ۳۰۹، ۲۳۹  
 محمد بن بدر جاجرمی ۱۷۶، ۲۰۴  
 محمد بن بدیع نسوی ۹۵  
 محمد بن برکات شریف مکه ۳۷۸  
 محمد بن برهان ۳۸۳  
 محمد بن برهان الدین ۲۸۲، ۷۷۸، ۷۸۰  
 محمد بن برهان الدین سمرقندی (محمد  
 قاضی) ۴۰۷، ۸۱۷  
 محمد بن بزرگ امید اسمعیلی ۷۲۹  
 محمد بن بعیت بن جلیس ۱۹  
 محمد بن بهاء الدین حافظ شیرازی (شمس-  
 الدین) ۲۰۵  
 محمد بن بهاء الدین زکریا (صدر الدین)  
 ۷۴۱

محمد بن بهاء الدین محمد جوینی صاحب-  
 یوان (شمس الدین) ۹۲، ۸۰ - ۹۵،  
 ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۶۱-  
 ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۸۰،  
 ۱۸۴، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۴۰-۲۴۱،  
 ۷۴۹، ۷۷۰  
 محمد بن بلبن (سلطان نصیر الدین) ۱۷۱،  
 ۱۷۵  
 محمد بن پیر علی برکلی ۸۱۲  
 محمد بن تاج الدین مسعود بخاری (نظام-  
 الدین) ۱۰۰  
 محمد بن تغلقشاه بن غیاث الدین تغلق ۱۷۰-  
 ۱۷۱، ۱۸۵، ۲۰۳، ۷۵۵-۷۵۶،  
 ۷۵۹، ۷۶۸  
 محمد بن تقی بن عقد علوی بنجیری شیرازی  
 ۸۱۳  
 محمد بن تکش خوارزمشاه (علاء الدین)  
 ۱۱۲، ۹۴، ۱۴۰  
 محمد بن تکش خوارزمشاه (قطب الدین)  
 ۷۳، ۷۸، ۹۲، ۹۴، ۱۱۲، ۱۱۵،  
 ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۴۰-۱۴۱،  
 ۱۵۹، ۱۶۵، ۷۲۸، ۷۴۱  
 محمد بن جریر طبری ۲۸  
 محمد بن جعفر نرشنی (ابوبکر) ۷۰،  
 ۱۲۰  
 محمد بن جلال الدین خضرشاه بن قطب الدین  
 مسعود یزدی (شمس الدین) ۷۶۷  
 محمد بن جلال الدین محمد بلخی (علاء-  
 الدین) ۵۴۳، ۷۳۶  
 محمد بن جلال بن سلیمان ۸۱۰  
 محمد بن جلال بن سلیمان قهستانی ۲۷۵  
 محمد بن جمال الدین ابوالروح  
 لطف الله بن ابوسعید اسعد بن ابوطاهر  
 سعید بن ابوسعید فضل الله بن ابوالخیر  
 میهنی ۱۲۱  
 محمد بن جهانگیر (ملک) ۳۵۳  
 محمد بن حاج کامران استرآبادی ۲۵۶  
 محمد بن حاج مبارکشاه بن مبارک محمد  
 قزوینی ۲۷۶، ۲۹۱

محمد بن حاج محمد سمرقندی ۳۱۹  
محمد بن حافظ عماد الدین هروی ابن عماد  
سیرازی (حافظ علاء الدین) ۲۱۷،  
۷۶۵، ۵۴۳، ۳۴۲

محمد بن حجة الاسلام عیانی هروی ۸۱۴  
محمد بن حسام الدین خوافی قهستانی ابن  
حسام ۷۸۷، ۳۰۲، ۲۷۵، ۴۰۶  
محمد بن حسام هروی ابن حسام (جمال الدین)  
۲۷۵، ۲۱۳، ۲۰۶

محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب ابن اسفندیار  
(بهاء الدین) ۱۳۶، ۱۲۹  
محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن خوزة  
مرقی کاشانی (افضل الدین) ۶۹،  
۷۳۲، ۴۵۰، ۴۴۹، ۲۴۴، ۱۴۵

نور منصور بن سعید بن  
ابوالفرج بن خلیل بن احمد بن ابو  
نصر بن خلف بن شعیب بن طلحة بن  
عبدالله بن عبدالرحمن بن ابوبکر  
صدیق مسرورودی (فخر الدین  
مبارک شاه) ۷۲۷، ۱۲۱، ۸۹،  
(ابوالفضل) ۶۱-

۶۲

محمد بن حسن طوسی (خواجه نصیر الدین  
ابوجعفر) ۱۵۸، ۱۵۲، ۱۳۷، ۱۳۵،  
۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۶۷، ۲۶۹-  
۳۸۵، ۳۷۵، ۳۰۵، ۲۷۱-  
۳۸۹، ۳۹۱، ۴۴۲، ۶۴۵، ۶۹۱،  
۷۵۰، ۷۳۲، ۷۳۰، ۷۰۳

محمد بن حسن نغندری طوسی امام ربانی  
(شیخ جمال الدین) ۷۲۳

محمد بن حسین بن عبدالله بن پیر حسین بن  
شمس الدین قزوینی (نور الدین) ۳۸۰  
۴۰۶

محمد بن حسین بن لطف الله ۲۴۱  
محمد بن حسین بن محمد حسین خراسانی  
(ابوالیقین غیاث الدین) ۷۸۵  
محمد بن حسین بیهقی (ابوالفضل) ۳۰،  
۶۴۵، ۱۸۵، ۷۱۲

محمد بن حسین حسینی سماکی استرآبادی

(میر فخر الدین) ۳۷۴

محمد بن حسین هروی ۱۱۷  
(شمس الدین) ۱۳۸،  
۷۵۰

محمد بن حمزه فناری (شمس الدین) ۲۷۵،  
۲۸۰

محمد بن خفیف شیرازی (ابو عبدالله) ۲۴،  
۷۲۱، ۷۱۷، ۲۸۳، ۲۱۶، ۵۷  
محمد بن داود بناکتی (تاج الدین ابوالفضل)  
۷۳۱

محمد بن داود بن محمد بن محمود شادی  
آبادی ۳۹۶  
محمد بن درویش محمد مفتی بلخی (سلطان)  
۸۰۸، ۳۹۸

محمد بن دشمن زیار (علاءالدوله کاکویه  
ابوجعفر) ۳۱  
محمد بن دوست محمد چخاری (درویش)  
۸۴۱

محمد بن رشید الدین فضل الله (امیر فیاث  
الدین) ۱۴۷-۱۴۹، ۱۴۹، ۱۸۲، ۱۸۴،  
۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۶، ۷۳۱،  
۷۵۵، ۷۳۷

محمد بن رمضان فقیه زاهد (معین الدین)  
۷۲۵

محمد بن زفر بن عمر ۷۰، ۱۲۰  
محمد بن زکریا رازی ۲۱۰، ۲۳، ۷۱۶  
محمد بن زین الدین حاجی بن احمد میرجان  
انیسی اسفرغابادی (شیخ وجیه الدین  
ابوالحسن) ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹-  
۶۳۰

محمد بن زین المعالی ابوالحسن علی بن  
حسین بن مظفر بن حسین بیهقی  
(ضیاء الدین) ۵۶

محمد بن سام (غیاث الدین) ۸۱، ۷۹، ۹۱،  
۷۲۸، ۱۲۲

محمد بن سام هروی (معین الدین) ۱۵۱،  
۷۲۵، ۲۳۶

محمد بن سرخ نیشابوری ۵۳  
محمد بن سعد الدین اسعد دوانی کارونی

{علامه جلال الدین} ۲۶۵ - ۲۶۷.

۳۷۶-۳۷۷، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۵۶،

۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۹، ۳۹۱، ۳۹۳،

۴۴۵، ۵۴۱، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۶۳،

۶۹۱، ۷۰۶، ۷۴۲، ۷۷۹

محمد بن سعد بن محمد نخبجویانی ابن السارچی

{ابوالمحسن} ۷۷۱

محمد بن سعید بیهقی ۱۹

محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون

معمر بن قناعی {ابو عبدالله} ۷۲۹

محمد بن سلطان حسینی {ملک} ۳۹۶،

۴۰۳

محمد بن سلیمان {علامه الدین} ۱۲۲، ۹۸

محمد بن سلیمان بسروی {آقا زاده}

۲۷۲

محمد بن سلیمان فضولی بغدادی ۴۳۶،

۸۲۵

محمد بن سید مبارک بن محمد علوی کرمانی

امیر خرد ۲۵۹

محمد بن سیف الدین باخرزی {جلال الدین}

۷۴۴

محمد بن شداد ۴۶۴

محمد بن سرف الدین خضری زدی {ظهیر-}

الدین} ۷۶۸

محمد بن شرف الدین علی حسینی کاشانی

ذکری {تقی الدین} ۳۷۹، ۴۴۴،

۵۰۸-۵۰۹، ۵۰۵، ۸۰۵

محمد بن شریف حسینی گرگانی {بیر}

شمس الدین} ۲۷۲، ۳۲۷، ۷۵۳

محمد بن شمس الدین ابراهیم بمی {طاهر-}

الدین} ۲۸۳

محمد بن شمس الدین ابوالمعالی مطهر بن

احمد جام ژنده پیل {قطب الدین}

۷۲۷، ۷۹۵

محمد بن شمس الدین صاحب دیوان حویتی

{بهاء الدین} ۱۵۳، ۱۶۲، ۷۵۰

محمد بن شمس الدین مطهر بن شهاب الدین

اسمه میل بن قطب الدین

الدین مطهر بن معین الدین ابونصر

احمد جامی {خواجه معین الدین}

۲۱۹

محمد بن شیخ هروی ۲۸۲

محمد بن صائغ غزنوی {شهاب الدین} ۹۵

محمد بن صدر الدین احمد بن علا الدین

حسن دبیر عیدوسی ملک اخستان

هندی {تاج الدین} ۷۵۵، ۷۶۱

محمد بن صدیق بن محمد کججانی {ابو عبدالله}

۲۸۴

محمد بن صلاح بن جلال بن کمال بن محمد

انصاری سعدی عبادی شافعی لاری

{مصلح الدین} ۳۵۵-۳۵۶

محمد بن صفی الدین ابوالفرج محمد بن

معین الدین ابوالرجا کاتب اصفهانی

ابن اخی العزیز {عماد الدین ابو-}

عبدالله} ۱۱۹، ۳۴۶

محمد بن طاهر ۷۱۲، ۷۱۴

محمد بن طاهر بن بهرام سگزی {ابو سلیمان}

۱۲۴

محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر ۷۱۳-

۷۱۴

محمد بن طاهر حافظ ۷۱۸

محمد بن طاهر قاضی تیمادکانی {شمس الدین}

۷۱۸

محمد بن طغان کرمانی بردسیری {شمس-}

الدین} ۱۰۹، ۷۲۲، ۷۴۳، ۷۴۵

محمد بن طلی {فخر الدین} ۸۱۴

محمد بن عارف بن احمد عبدالحق رود-

ولوی {شیخ} ۴۰۴

محمد بن عبد الاول عبدی قزوینی تبریزی

{محیی الدین} ۳۹۱

محمد بن عبد الباقي شریف شیرازی میرزا

مختوم {امیر سید ابوالفتح} ۳۵۰،

۴۴۸، ۴۷۳، ۴۹۷، ۴۹۸

محمد بن عبد الجبار عتبی {ابونض} ۱۲۹،

۱۳۵، ۷۵۵

محمد بن عبد الخالق بن معروف ۲۶۰

محمد بن عبد الخالق میهنی {معین الدین}

۷۲۸



محمد بن عبد الرحمن مقاریضی (ابو عبد الله) ۲

محمد بن عبد الرزاق دخیلی ۸۱-۸۲  
محمد بن عبد الرزاق طوسی (ابو منصور) ۴۰، ۲۸

محمد بن عبد الرزاق صدر گیلانی قراری  
گیلانی (نورالدین) ۴۳۵، ۵۴۲، ۸۲۰-۸۲۱، ۸۲۳

محمد بن عبد الغفار وصالی قزوینی ۶  
محمد بن عبد الکریم انصاری (نصیرالدین) ۳۷۳

محمد بن عبد الکریم بن علی بن سعد (ابو-  
بکر) ۷۳۵

محمد بن عبد الکریم شهرستانی (ابو الفتح) ۴۵۰، ۱۲۶

محمد بن عبد الکریم طبسی (قاضی شمس-  
الدین) ۹۳، ۷۴

محمد بن عبد الله بن پیر حسین بن شمس  
الدین قزوینی (نورالدین) ۳۸۰، ۴۰۶

محمد بن عبد الله بن محمد ایچی حسینی  
صفوی (سید محسن الدین) ۲۷۲

محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن  
نعم بن حکمی ضبی حاکم ابو عبد الله  
بن البیج (ابو عبد الله) ۷۸۲

محمد بن عبد الله خطیب تبریزی (ولی الدین) ۳۹۴

محمد بن عبد الله کاتبی نیشابوری (پهلوان  
شمس الدین) ۲۹۷-۲۹۹، ۴۰۴، ۵۵۹، ۵۲۳، ۵۱۶

محمد بن عبد الله یافعی ۷۵۳  
محمد بن عبد الملك دیلمی (شمس الدین) ۷۵۰

محمد بن عبد الملك گرگانی (خطیر الدین) ۷۹

محمد بن عبد الملك معزی نیشابوری  
(ابو بکر) ۵۰-۵۱، ۵۴، ۷۴، ۸۲

دالله علوی غزنوی (ابو المعالی) ۱۱۷، ۶۳

محمد بن عثمان ۲۵

محمد بن عثمان امامی هروی (رضی الدین  
ابو عبد الله) ۷۳، ۱۶۱، ۷۴۰، ۷۴۵

محمد بن عثمان عتبی کاتب ۷۸، ۳۵  
محمد بن عثمان سرخکشی (محمد الدین) ۲۵۶، ۱۰۰

محمد بن عزالدین بن عادل بن یوسف  
تبریزی محمد شیرین (شمس مغربی) ۷۶۳-۷۶۲، ۲۳۵، ۲۰۹

محمد بن عزالدین حسین ملک الجبال  
(قطب الدین) ۹۰

محمد بن عزیز الدین یوسف سیلانی حسینی  
رازی هروی (سید امیر قیث الدین) ۳۳۰

محمد بن عطاء الله محمود ناگوری (قاضی  
حمید الدین) ۷۴۸، ۷۳۸

محمد بن علاء الدین مسعود بن محمد بن  
علی اندخودی (شمس الدین) ۹۵  
محمد بن علام الدین هبة الله سبزواری  
(قیث الدین) ۲۷۴

محمد بن علی (ابا بیک ابوطاهر) ۲۳  
محمد بن علی آل امیران (نظام الدین) ۹۸

محمد بن علی امیری لاهیجی (شمس الدین) ۷۴۲-۷۴۱، ۳۴۲، ۳۱۹، ۱۶۹، ۷۸۹

محمد بن علی الثاموس خواری ۱۹۴  
محمد بن علی بن ابوزید ورامینی ۳۷۱

محمد بن علی بن ابوبکر کوفی ۱۵۱  
محمد بن علی بن ابو علی احمد بن ابو الحسن  
محمد بن ابو منصور الزبارة علوی  
حسینی بیهقی ۵۵

محمد بن علی بن دانیال دهلوی نظام الدین  
اولیا و نظام الدین اولیا

محمد بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد  
ابن حسین بن همت راوندی (نجم الدین) ۸۸-۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵

محمد بن علی بن سلیمان سوزنی سمرقندی  
(شمس الدین ابوبکر) ۹۸

محمد بن عمر فرقدی خراسانی (شرف الدین)  
۹۱

محمد بن غازی ملطیوی ۱۱۸

محمد بن غیاث الدین بلین (سلطان نصیر -  
الدین) ۱۷۵، ۱۷۱

محمد بن فخر الدین (غیاث الدین) ۱۷۰  
محمد بن فخر الدین عبدالعزیز کوفی  
بخارایی (برهان الدین ابو سعید)  
۹۵

محمد بن فخر الدین هندو شاه بن سنجر بن  
عبدالله صاحبی کیرانی نخبجوانی ۴،  
۷۵۲، ۱۸۴

محمد بن فصیح الدین محمد بن محمد کریم  
الدین دشت بیاضی (قاضی عبدالکریم)  
۲۷۵، ۹۰

محمد بن فضل الله موسوی خراسانی ۲۳۵،  
۲۳۸

محمد بن قاسم ثقفی ۱۵۱  
محمد بن قاضی مسافر (قاضی) ۶۷۱  
محمد بن قلج نظامی ۷۲  
محمد بن قوام الدین عبدالله هروی (ناصر -  
الدین) ۶۵  
محمد بن قیس رازی (شمس الدین) ۱۲۹،  
۱۴۰

محمد بن کمال الدین اسمعیل بن غیاث -  
الدین منصور بن نصیر الدین عبدالجی  
حسبی بکری مکی (میرا بوالمفاخر  
شاه) ۵۹۹ - ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۴۸

محمد بن مبارز (مظفر الدین) ۱۷۹  
محمد بن مجد الدین حسن یزدی (ضیاء الدین)  
۷۷۵

محمد بن محمد ۷۵۵  
محمد بن محمد بن ابراهیم کازرونی حاج  
هراسی (تاج الدین) ۲۳۶، ۷۸۱  
محمد بن محمد امیری فخری هروی (سلطان)  
۸۲۵، ۴۳۸، ۳۷۶، ۲۷۷، ۲۵۱  
محمد بن محمد بخاری (خواججه یحیی الدین)  
۲۲۰ ر. بهاء الدین نقشبند

محمد بن علی بن ضیاء الدین مسعود کازرونی  
(امین الدین) ۲۰۰، ۸۰، ۲۰۸، ۷۶۲  
محمد بن علی بن مالک بن ابونصر حقایقی  
۷۰

محمد بن علی بن محمد بن عمر ظهیری کاتب  
سمرقندی (بهاء الدین) ۲۹، ۱۰۰،  
۱۲۸

محمد بن علی بن محمد دقایقی مرو رودی  
(شمس الدین) ۱۰۰  
محمد بن علی بن محمد شبانکاره ای ۱۸۲ -  
۱۸۳

محمد بن علی بن ملک داد تبریزی (شمس -  
الدین) ۸۰، ۱۵۹ - ۱۶۰، ۱۷۳،  
۲۱۴، ۷۳۶، ۷۴۴، ۸۰۳

محمد بن علی جوینی (بهاء الدین) ۹۵  
محمد بن علی رامیشنی ۲۲۰  
محمد بن علی راوندی ۸۸ - ۸۹، ۱۱۹،  
۱۴۵

محمد بن علی سراجی خراسانی (جمال -  
الدین) ۷۸  
محمد بن علی علوی ابن الطقطقی (صفی -  
الدین) ۱۸۴  
محمد بن علی فزای - ری رازی ۲۶، ۳۶،  
۴۵

محمد بن علی فناری (محبی الدین) ۲۷۶  
محمد بن علی قوشچی (حافظ) ۲۵۰، ۲۵۶،  
۲۶۶، ۲۶۸ - ۲۷۰، ۲۸۶، ۳۵۶،  
۳۷۵، ۳۸۸، ۴۰۳، ۴۰۸، ۶۶۲  
محمد بن علی کشانی (شمس الدین) ۱۰۰،  
۲۱۶

محمد بن علی نوانداکی ۴۵۰  
محمد بن علی واپکنوی (شمس الدین)  
۱۵۳

محمد بن علی همدانی (سید) ۱۹۵، ۷۷۳  
محمد بن عمر الخالد قرشی (جمال الدین  
ابوالفضل) ۱۴۶

محمد بن عمر بن عبدالعزیز ماز - (شمس -  
الدین) ۹۸  
محمد بن عمر رادویانی ۳۸، ۷۰، ۹۲،

محمد بن محمد بخاری عطار (علاء الدین)  
 ۸۲۰، ۷۶۷، ۲۸۱، ۱۹۲  
 محمد بن محمد بن داود بناکتی (تاج الدین  
 ابوالفضل) ۷۳۱  
 محمد بن محمد بن سید جلال الدین بن  
 سید برهان الدین بن سید عبد الله بن سید  
 زین العابدین بخاری (خواجہ بہاء -  
 الدین) ۲۲۰ ر. بہاء الدین نقشبند  
 محمد بن محمد بن عبد الجلیل عمری بلخی  
 وطواط (رشید الدین) ۴۸، ۷۴، ۷۰،  
 ۹۳، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۶۶،  
 ۱۸۷  
 محمد بن محمد بن عبد الله بن نظام حسینی  
 یزدی ۱۸۷  
 محمد بن محمد بن عبد الله موسوی پیر کیا  
 ۳۱۸ ر. محمد نور بخش  
 الله یلعی ۲۳۸، ۲۹  
 ۷۶۰  
 محمد بن محمد بن محمد بن زنگی بخاری  
 ۱۲۰  
 محمد بن محمد بن محمد بن طاهر تبادکانی  
 طوسی (قاضی شمس الدین) ۷۸۱  
 محمد بن محمد بن محمود حافظی بخاری  
 پارسا (خواجہ جلال الدین یاشمس -  
 الدین ابوالفتح) ۵، ۱۰۲، ۱۰۵،  
 ۱۹۲، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۸۰، ۶۲۳،  
 ۷۶۶، ۷۱۶  
 محمد بن محمد بن نصر وانکتی (قاضی)  
 ۱۲۲  
 محمد بن محمد جنیدی (نظام الملک قوام -  
 الدین) ۱۷۲، ۲۲۳  
 محمد بن محمد شاه فناری (زین الدین)  
 ۲۷۵  
 محمد بن محمد غانمی هروی (ابو سعید)  
 ۱۲۸  
 محمد بن محمد غزالی طوسی (زین الدین  
 ابوحامد) ۵۰، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۳۲۹،  
 ۳۷۰، ۳۷۶، ۷۱۹، ۷۳۹  
 محمد بن محمد فارسی (تقی الدین ابوالخیر)

۳۸۶، ۴۴۶  
 محمد بن محمد قاینی (ابو نصر مناج) ۶۳  
 محمد بن محمد نور بخش (علاء الدین) ۲۷۴،  
 ۳۱۸-۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۶، ۴۰۰  
 ۸۱۲، ۷۸۸  
 دآحلی (شمس الدین) ۱۸۳  
 محمد بن محمود ایچی (نجیب الدین) ۲۴۵  
 محمد بن محمود بنایعی بلخی ۳۵  
 محمد بن محمود بن احمد نیشابوری (فخر -  
 الدین) ۷۲۸، ۸۸  
 محمد بن محمود بن ضیاء الدین کرمانی  
 (ضیاء الدین) ۳۰۸  
 محمد بن محمود بن علی سبط ناصر الدین  
 سمرقندی ۲۶۱  
 محمد بن محمود بن مسعود اسقیناری  
 (رشید الدین) ۱۰۰  
 محمد بن محمود یوشنگی مسیحی (فخر -  
 الدین) ۷۵۷  
 محمد بن محمود تہا نیری چشتی (جلال -  
 الدین) ۳۷۵  
 محمد بن محمود زابی (شمس الدین) ۹۵  
 محمد بن محمود شہر زوری (شمس الدین)  
 ۴۰۱  
 محمد بن محمود شہرستانی (جمال الدین)  
 ۲۷۳  
 ازری دھار قانی (مین  
 الدین ابو محمد) ۳۹۷، ۶۵۶، ۷۰۹،  
 ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۳۷  
 محمد بن محمود غزنوی (امیر ابو احمد)  
 ۳۴، ۴۱، ۴۵  
 محمد بن مخلد سگزی ۱۹  
 محمد بن مراد بن محمد آل عثمان (سلطان)  
 ۳۳۹، ۳۹۸  
 محمد بن مسافر ۴۷  
 محمد بن مسعود بخارایی (نظام الدین)  
 ۱۰۰  
 غزنوی (ظہیر الدین  
 ابوالحامد) ۱۲۵  
 محمد بن مسعود بن محمد آذرونی (سعد -

مصری شافعی (کمال الدین ابوالبقا)

۳۶۵، ۲۷۷

محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی (سدید

الدین) ۷۲۱، ۱۰۹

محمد بن مؤید بغدادی (بهاء الدین) ۸۶،

۱۲۰، ۱۱۵، ۹۴

محمد بن مؤید بغدادی شمس خاله (شمس-

الدین) ۹۴، ۸۶-۸۵

محمد بن مؤمن ۸۰۳

محمد بن مؤید بن ابوبکر بن ابوالحسن بن

محمد بن حمویہ حموی (سعد الدین)

۱۱۱، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۷۶، ۱۸۱

۱۸۳، ۳۱۱، ۳۲۵، ۷۲۳-۷۲۴

۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۵

محمد بن میرزا علی ۲۶۱

محمد بن میر شریف گرگانی (شمس الدین)

۲۷۳، ۳۲۷، ۷۵۳

محمد بن میر علی برکلی هروی ۳۹۵

(جمال الدین)

۷۹

محمد بن نجم الدین محمد قاضی (جلال الدین

ابو محمد) ۷۸۵

محمد بن نجیب بکران ۷۲۸

محمد بن نصیر (جلال الدین) ۹۱

محمد بن نصیر الدین جعفر حسینی مکی

(سید) ۲۴۳، ۲۶۴

محمد بن نصیر مگزی (شمس الدین) ۹۱

محمد بن همام (شهاب الدین) ۹۵

محمد بن هندو شاه منشی نخبجوی شمس

منشی (شمس الدین) ۴، ۱۸۴، ۷۵۲

محمد بن وصیف سگزی ۱۹

محمد بن ولی بن رضی الدین کاتب انقروی

۳۳۹

محمد بن یحیی (امام) ۱۳۹، ۷۴۹

محمد بن یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری

۲۳۵، ۲۹۹، ۳۳۵، ۳۹۰، ۳۹۳

۴۲۶

محمد بن یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی

الدین) ۲۳۶

محمد بن مسعود بن محمد مسعودی/ شریف

الدین) ۱۵۲

محمد بن مسعود مسعودی مروزی بخاری

حنفی (شرف الدین) ۹۹، ۱۲۵

۱۵۲

محمد بن مسعود عملان (ابونصر) ۴۸

محمد بن مظفر (امیر مبارز الدین) ۱۸۴-

۱۸۵، ۲۰۰، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۸

۳۰۸، ۷۵۲، ۷۶۰، ۷۶۱-۷۶۹

محمد بن مظفر بن محتاج چغانی (ابوبکر)

۲۲

متز بن معوش طاهر (محب الدین

ابو المعالی) ۲۷۳

محمد بن معین الدین بن سعد الدین

سیسی اوحیدی دقاقی بلیانی

(تقی الدین) ۳۷۹، ۵۳۷، ۶۵۷-

۶۵۸، ۸۰۲، ۸۰۵

الدین مؤید بن معین الدین

ابوبکر عبدالرحمن بن نجم الدین

علی بن جمال السنه معین الدین محمد

ابن حمویہ جوینی (سعد الدین) ۱۱۱،

۱۱۵-۱۱۶، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳

۳۱۱، ۳۲۵، ۷۲۳-۷۲۴، ۷۳۱

۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۵

محمد بن ملک شاه بن البارسلان (غیاث-

الدین ابوشجاع) ۴۹، ۵۱، ۶۹، ۸۰

۸۲، ۸۵-۸۷، ۱۲۶

محمد بن منصور ۱۵۲

محمد بن منصور بن ابو عبدالله گرگانی

(ابوروح) ۷۱۹

بن ابوسعید بن ابوطاهر بن

ابوسعید بن ابوالخیر ۶۲، ۱۲۱

محمد بن متاج الدین عثمان بن ابراهیم بن

عبدالحالق گوزگانی لاهوری (سراج

الدین) ۷۹

محمد بن مودود زرکوب ظاهری تبریزی

(نجم الدین) ۱۷۶-۱۷۷

محمد بن موسی بن عیسی بن علی دمیری

بخارایی (سدید الدین یا نورالدین)  
۷۸، ۶۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۲۷۹، ۸۱۶

محمد بن یحیی بن علی اسیری لاهیجانی  
گیلانی نوربخشی (شمس الدین) ۱۶۹  
۳۱۹، ۳۲۲، ۷۴۱-۷۴۲، ۷۸۹  
محمد بن یحیی بن یوسف دریمی تادفی حلبی  
حنبل ۴۰۵، ۱۳۲  
محمد بن یحیی تادفی حلبی ۴۰۵، ۱۳۲  
محمد بن یحیی نیشابوری (محبی الدین)  
۸۹

محمد بن یغمور ۳  
محمد بن یوسف (سلطان) ۳۵۰  
محمد بن یوسف ابلاقی ۷۲۸  
محمد بن یوسف حسینی دهلوی سید محمد  
گیسودراز و خواجه بنده نواز (سید  
صدرالدین ابوالفتح) ۱۹۶، ۴۰۶،  
۷۲۲، ۷۲۵، ۷۵۴

محمد بن یوسف طبیب هروی ۲۸۲  
محمد بهادر (میرزا ضیاءالدین) ۱۹۳  
محمد بهادر خان (سلطان) ۲۳۷  
محمد بهامد خانی ۲۳۸  
محمد بیدآوازی (رشیدالدین) ۳۲۰  
محمد بیرام خان (نواب) ۴۵۵  
محمد بیک امانی ۴۹۷  
محمد بیک خلیفه الخلفایی ۵۰۲  
محمد بیک ظریفی فارسی ۶۵۴  
محمد بیک کرد ۴۹۱

محمد بیک مذاقی یا نداقی ۴۹۶  
محمد یارسا (خواجه جلال الدین یا شمس-  
الدین محمد بن محمود حافظی بخاری)  
۱۰۳، ۱۰۵، ۱۹۲، ۲۲۰، ۲۲۱،  
۲۸۰، ۶۲۳، ۷۱۶، ۷۶۶

محمد پاشا ۴۹۶  
محمد پاشای وزیر ۳۵۶  
محمد پاییزی نسوی (مجدالدین) ۱۰۰  
خواجه قداحت جراح (میرزا)  
۵۲۴  
محمد تازبگوی (شمس الدین) ۷۴۰

محمد ثبادکانی طوسی (شمس الدین) ۲۶۳،  
۳۴۸

محمد تبریزی (حاج) ۶۹۵  
محمد تبریزی (خواجه جلال الدین)  
۶۹۴  
محمد تبریزی (شیخ) ۳۴۷  
محمد ترخان (امیر درویش) ۲۹۰  
محمد ترخان سفیدونی نوری (ملا تورا الدین)  
۵۴۲

محمد ترکه (خواجه افضل الدین) ۱۲۶،  
۳۴۸-۳۴۹، ۴۴۹، ۴۶۰، ۴۹۹، ۵۲۰،  
۷۱۱، ۸۲۱

محمد ترکه (خواجه صدرالدین ابوحامد)  
۴۴۹، ۷۷۹  
محمد ترکه دوم (افضل الدین) ۴۵۱ -  
۴۵۲، ۴۹۹، ۵۲۰، ۸۲۱  
محمد تستری (خواجه) ۱۷۴  
محمد تغلق شاه هروی ۱۹۸

محمد تقی حسینی ۳۸۱  
محمد تقی خراسانی (امیر) ۵۸۲  
محمد تیمور ۶۷۹، ۶۸۱  
محمد جاجرمی (شهاب الدین) ۲۸۶  
محمد جامه باف (سید) ۴۱۹  
محمد جامی (مولانا) ۶۱۵  
محمد جرده (مولانا) ۳۴۲، ۷۹۸  
محمد جعفر اکبر آبادی ۶۶۴  
محمد جعفر بیک مروستی آصف خان (قوام-  
الدین) ۳۵۷، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۴۲،  
۶۵۰

محمد جعفر کوکلتاش ۳۴۷  
محمد جنیدی (نظام الملک نظام الدین ابو  
سعید) ۱۷۲، ۲۲۳  
محمد جوکی میرزا ۲۹۹  
محمد جونا بن تغلق شاه ۲۰۳، ۷۵۹، ۷۶۸  
محمد جونه (سلطان) ۲۰۳، ۷۵۹،  
۷۶۸

محمد جوهری ۲۲۵  
محمد جویشی (بهاء الدین) ۷۴۱  
محمد جوینی (شمس الدین) ۹۴

محمد جهان پهلوان ۱۰۶

محمد جهانگیر (نورالدین) ۵۱۳ ر.

جهانگیر

محمد چرخگر هروی ۲۲۶

محمد حاجی بن محمد بن شیخ محمد جامی

۲۶۳

محمد حاجی کابلی ۶۵۸

محمد حافظ شیرازی ۷۶۸ ر. حافظ شیرازی

محمد حروفی (شمس الدین) ۳۴۵

محمد حزن اصفهانی (ملا تقی الدین) ۶۴۴

بکری مکی (میر ابوالفناخر

شاه) ۵۹۹-۶۰۰، ۶۰۳، ۶۴۸

محمد حسن پلاسی شیرازی ۷۷۶، ۲۸۳

محمد حسن حسینی (ابوصالح محمد) ۱۹۶

محمد حسن میرزا ۳۱۳

(میرزا) ۵۶۶

محمد حسین بقایی اگرهی ۲۲۹

محمد حسین بن احمد شامی ۴۰۲

محمد حسین بن محمد رضا طالقانی ۹۰

و نیوری ۸۱۶

خان ۵۵۴

محمد حسین خطاط ۸۲۷

زینتی مهدی ۵۲۴

میوری تبریزی ۷۰۰

محمد حسین قزوینی (خواجه) ۶۷۵

محمد حسین کرمانی (میرزا) ۶۷۴

محمد حسین گورکان ۳۸۰

محمد حسین لاهیجی (سید) ۴۱۴

محمد حسین میرزا دوغلات ۶۸۱

محمد حسین میرزا سپهسالار ۳۶۴

محمد حسین نظیری نیشابوری (حاج)

۷۹۸، ۷۸۶، ۵۳۷، ۴۴۹، ۳۴۸

۸۲۲

محمد حسینی شیرازی (ابوسلیمان) ۷۵۸

۷۸۰

محمد حسینی کاشانی (تقی الدین) ۲۷۹

۴۴۴

محمد حکیم میرزا ۸۱۶، ۴۱۶، ۴۵۷، ۵۴۷

۵۵۱، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۹۵، ۵۹۷

۶۸۳، ۶۵۵، ۶۵۳

محمد حموی یزدی (سالك الدین) ۲۲۵

محمد حموی یزدی (کشف الدین ابوالمحمّد)

۳۲۵

تبریزی ۷۰۳

محمد حیدر افطلی بخارا یسی (خواجه)

۶۰۸

محمد حیدر بن محمد حسین گورکان ۳۸۰

محمد خاموش (شاه نظام الدین) ۲۷۸

۷۸۴

محمد خان (بیرم) ر. بیرام خان

محمد خان (شاه) ۶۵۵

محمد خان آنکه غزنوی ۴۱۸، ۵۴۳، ۵۴۴

۵۴۹

محمد خان قی کمان ۴۶۲

محمد خان حکمران هرات ۵۳۸

محمد خان شاپور (شاه) ۴۱۱

محمد خان شبانی ۲۷۸، ۳۱۰، ۳۲۲

۷۸۸، ۳۳۴، ۳۳۱

محمد خان غزنوی (میر) ۶۵۱

محمد خان کلان (میر) ۵۵۴

محمد خان کلان غزنوی (میر) ۵۵۰

محمد خبوشانی (شیخ حاجی) ۳۲۲، ۳۳۴

۵۶۳، ۵۶۵، ۶۱۰-۶۱۱، ۶۲۵

۶۲۸، ۶۴۰

محمد خدا بنده (سلطان) ۲۷۹، ۳۲۱

۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۶۲-۴۶۳

۴۶۹، ۴۷۳، ۴۷۵-۴۹۲، ۴۹۴

۵۰۱، ۵۲۲، ۵۲۴-۵۲۵، ۵۲۹

۵۳۳، ۵۴۵، ۵۴۸، ۶۸۵، ۷۰۱

۸۲۳، ۸۲۷، ۸۳۱

محمد خدا یاد (امیر) ۳۰۴، ۳۳۴

محمد خراسانی ۳۴۷

محمد خراسانی (مولانا درویش) ۳۴۷

محمد خربنده الجایتو (سلطان) ۱۴۲

۱۵۱، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۴، ۲۰۱

۲۱۶، ۲۲۲، ۴۴۹، ۷۳۳

محمد خفزی (شمس الدین) ۳۶۷، ۳۸۵

۸۳۸، ۸۴۱

محمد خلیجی (علاء الدین) ۱۷۱  
 محمد خلیفه (میر رفیع الدین) ۵۰۲  
 محمد خلیل ۱۰۸  
 محمد خندان (سلطان) ۳۴۵  
 محمد خواجہ (شاه) ۶۴۲  
 محمد خواجہ کلان (مولانا) ۵۷۷  
 محمد خوارزمشاه (سلطان علاء الدین)  
 ۱۵۹  
 محمد خوارزمشاه (سلطان قطب الدین)  
 ۷۳، ۷۸، ۹۲، ۹۴، ۱۱۲، ۱۱۵،  
 ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۰ - ۱۴۱،  
 ۱۵۹، ۱۶۵، ۷۲۸، ۷۴۱  
 محمد خوافی (رکن الدین) ۷۸۰  
 محمد خوافی (نور الدین) ۶۱۱  
 محمد خوجانی (شمس الدین) ۱۸۱  
 محمد خوشنویس (میر معز الدین) ۴۴۴  
 محمد دشتکی (امیر صدر الدین) ۳۸۵  
 محمد دوم بهمنی (ابوالنصر سلطان)  
 ۶۴۶  
 محمد دوم عثمانی ۲۵۳، ۲۷۶  
 محمد دھدار (خواجہ غیاث الدین) ۳۰۷  
 محمد دهلوی (شیخ) ۵۵۵  
 محمد دھکی (درویش) ۳۱۶، ۴۴۰، ۵۲۸،  
 ۶۵۴  
 محمد رازی (قاضی) ۴۷۱، ۴۹۹، ۵۰۲،  
 ۶۸۸  
 محمد رحیم سلطان ۳۴۹  
 مهدی بدایونی (خواجہ) ۶۴۶  
 محمد رستم داری ۶۵۸  
 محمد رشتی (امیر سلطان) ۸۴۱  
 محمد رشید خان ۵۷۲  
 محمد رشید رشیدی اصفہانی ۶۷۶  
 محمد رضا ۵۵۸  
 محمد رضا بن خواجہ عبداللہ شکیبی اصفہانی  
 ۴۲۲، ۵۳۲، ۸۲۰  
 محمد رضا بن محمود نوعی خوشامی ۴۳۴،  
 ۵۹۱، ۸۲۴  
 محمد رضا داعی مشهدی ۶۷۵  
 محمد رضا رضایی مشهدی ۵۳۴  
 محمد رضا فکری ۸۰۲

محمد رضی یزدی (معز الدین) ۷۷۵  
 محمد رفیع الدین محدث دهلوی ۱۹۶  
 محمد رواسی (صدر الدین) ۳۰۲  
 محمد روحی ۶۰۵  
 محمد زاهد ۶۱۰، ۶  
 محمد زمان سلطان ۶۶۷  
 محمد زمان میرزا ۶۷۲  
 محمد زمجی اسفزاری هروی (میر الدین)  
 ۲۵۲  
 محمد زند خوانی سرخسی (فخر الدین)  
 ۹۵  
 محمد سبب معمار (استاد) ۶  
 محمد سنواری (غیاث الدین) ۳۰۳  
 محمد سعید خان ازبک بہادر خان ۴۵۳  
 محمد - عید میر حمیلہ (امیر) ۴۳۵  
 محمد سلطان (سیوچ) ۵۸۶، ۵۹۸، ۶۳۲  
 محمد سلطان بن ابوسعید خان شیبانی ۵۷۴  
 محمد سلیم جہانگیر (شاهزادہ) ۸۳۰  
 محمد سماسی (خواجہ بابا) ۲۲۰  
 محمد سندوی غوثی ۴۲۹، ۸۲۲  
 محمد سوم آل عثمان (سلطان) ۴۹۰  
 محمد سیونج خان ۶۳۲  
 محمد شاطبی (امام) ۶۲۱  
 محمد شاہ آبادی (علاشاہ) ۳۶۹  
 محمد شاہ انسی قندھاری ۴۵۳، ۸۲۷،  
 ۸۳۵  
 محمد شاہ بن تغلق ۲۲۵  
 محمد شاہ بن حاجی روزنی خوافی (وہجہ -  
 الدین شرف الملک) ۷۳۳  
 محمد شاہ بن شمس الدین فناری ۲۷۵  
 محمد شاہ بہمنی (شمس الدین ابوالمظفر)  
 ۲۵۹، ۷۷۶، ۷۹۵  
 محمد شاہ یادشاہ دکن ۴۴۳  
 محمد شاہ چہان (شہاب الدین) ۳۵۲،  
 ۳۹۸، ۴۳۵، ۵۳۷، ۶۵۰، ۸۳۸  
 محمد شاہ سوم بہمنی ۷۹۷  
 محمد شرقاوی ۸۰۴  
 محمد شرفی نیازی ۵۰۰، ۶۳۶  
 محمد شروانی (آقا) ۶۹۲

۱. ابن شیخ بن محمد بن شیخ بن خدای قلی

شیخ عشقی ۶۲۸

محمد صادق خان صادق ۶۵۳

محمد صادق شهابی سعدی قادری ۷۲۸

محمد صادق صادق سمرقندی ۶۵۳

محمد صادق قادری شهابی صدری ۱۳۱

محمد صادق اصفهانی (خواجہ جلال الدین)

۶۸۳

محمد صالح ۳۴۵

محمد صالح (میر) ۶۰۹

محمد صالح بن امیر عبداللہ بن امیر عبد

الرحمن بن شیخ خلیل اللہ اورسنجی

بدخشی ۴۰۳

محمد صالح بن امیر عبداللہ قادری ۸۱۷

محمد صالح بن بدرالدین بن محمد جزروانی

۴۰۲

محمد صالح بیک ۵۰۲

محمد صالح جغتایی (امیر) ۴۵۵

محمد صالح دیوانہ کابلی فارغی ۴۲۷

محمد صالح ساغرجی (خواجہ) ۵۸۶

محمد صالح صالح جغتایی کابلی ۶۴۵

محمد صالحی هروی شہدی (میرک) ۴۳۲

۸۲۳، ۷۱۱

محمد صدر (امیر جمال الدین) ۵۰۸

محمد صدرالعلما (صدرالدین) ۳۷۶

محمد صدر هروی (قاضی برهان الدین)

۶۱۵

محمد صفی (میرزا) ۴۳۵

محمد صفی شیرازی (شیخ محمد) ۶۵۴

محمد صقلی پاشا ۳۳۸

محمد صوفی مازندرانی (ملا) ۵۳۷-۵۳۸

۸۲۳

محمد طالب ۳۴۵

محمد طالب هروی ۳۳۳

محمد طاهر (شیخ) ۶۲۳

محمد طاهر انصاری (خواجہ) ۶۳۳

محمد طاهر بن سید حسن نیسانی تنوی (سید)

۳۶۶

محمد طاهر ترکستانی ۶۳۰

محمد شریف اندجانی ۵۸۴

محمد شریف جم شہدی ۶۵۰

محمد شریف رازی (خواجہ) ۸۰۶

محمد شریف شریف (قاضی) ۶۵۲

محمد شریف صدر اندجانی ۶۳۹

محمد شریف نوایی کر بلایی ۵۵۶

محمد شریف وقوعی تبریزی ۵۱۲، ۸۳۲

محمد شریف وقوعی حسینی نیشابوری ۳۵۷

۸۲۰، ۴۲۵

محمد شریف هجری (میرزا) ۵۱۳-

۸۳۲، ۶۵۱، ۵۱۴

محمد شریفی تبریزی (سید معین الدین)

۶۹۹

محمد شفیع هروی ۵۸۵

محمد شمال ۴

محمد سمس الدین ۸۰۳

محمد شوشتری (نقی الدین) ۴۲۸، ۸۲۲

محمد شبانی (امام) ۲۸۵

محمد شبانی بن شاه بوداق شبانی خان یا

شبهک خان (ابوالفتح) ۵، ۲۵۲،

۳۱۰، ۴۸۳، ۵۵۹، ۶۰۶، ۶۰۹،

۶۱۷، ۶۲۶، ۶۳۳، ۶۷۸-۶۸۲

محمد شیخ حسن محمد چشتی (ابو صالح)

۱۹۶

محمد شیخ هروی ۲۵۶

محمد شیرازی (میرزا) ۶۵۹

محمد شیرازی (میر صدرالدین) ۶۹۲

محمد شیرخان عرفقی تولکی ۵۸۵

محمد شیرنگی (امیر جمال الدین) ۴۴۶

محمد شیرین مغربی (شمس الدین محمد بن

عزالدین عادل بن یوسف تبریزی)

۲۰۹، ۲۲۵، ۷۶۲-۷۶۳

محمد صاحب دیوان جوینی (شمس الدین)

۸۰، ۹۴، ۹۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۷،

۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹،

۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۴، ۳۲۲-۲۲۳،

۷۴۰-۷۴۱، ۷۴۹، ۷۷۰

محمد صادق مفتی (مولانا) ۸

محمد صادق بن ابوالحسن بن شیخ بن الیاس



محمد طاهر سبزواری ۳۵۷	محمد علی طبعی اصفهانی (میر) ۶۸۶
محمد طاهر طاهر رازی (خواجه) ۶۸۵	محمد علی ظهوری (خواجه) ۶۱۱
محمد طاهر عبدالله ۷۱۳-۷۱۴	محمد علی قسطنی استرآبادی ۵۱۸
محمد طایفی (ابوالقاسم) ۱۸۶	محمد علی کاشانی ۶۱۲
محمد طبیب (حکیم شاه) ۲۹۹	محمد علی ناصح ۹۴
محمد طبیب (میرزا) ۸۱۴	محمد علی هروی ۳۳۷
محمد طبیب اردبیلی ۱۷۹	محمد علی یمنی ۱۳۲
محمد طرافای (السخ یاک بن شاهرخ) ۲۴۹	محمد عمر خلخالی ۷۰۶
محمد طریقی ساوجی ۵۳۶، ۴۲۱	محمد عوض بخاری ۸۱۲
محمد ظهوری ترشیزی (نورالدین) ۴۲۳، ۸۲۶، ۴۴۵	محمد هوقی (سدیدالدین یا نورالدین) ۶۵، ۷۸، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۲۷۹، ۸۱۶
محمد ظهیرالدین بابر ۶۷۷، ۶۷۸	محمد عهدی (ملانورالدین) ۶۳۸
محمد عارف بقایی مشغولی اندکائی ۴۰۳، ۴۲۸، ۵۹۴، ۶۰۳، ۸۰۸	محمد غدی ۱۸۵
محمد عارف قندهاری ۲۶۵-۲۶۶	محمد غزالی (زین الدین ابوحامد) ۵۰، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶
محمد عالم سمرقندی ۳۲۸	۷۱۹، ۷۳۹
محمد عبده کاتب ۲۵۰، ۲۵۱	محمد غن نوی تکه (میر شمس الدین) ۴۱۸، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۹
محمد عتایی نجفی (سید) ۴۳۲	محمد غوث (شیخ) ۵۴۴
محمد عجیبی گوزگانی (شمس الدین) ۹۱	محمد غوث الدین شافعی مدراسی ۱۳۲
محمد عرب (شمس الدین) ۳۲۸	محمد غوریانی (نورالدین) ۳۲۶
محمد عرفی شیرازی (سید جمال الدین) ۴۱۷، ۴۵۴، ۶۵۹، ۸۱۹، ۸۲۶	محمد فانی آل عثمان (سلطان ابوالفتح) ۲۳۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۹، ۸۰۱
محمد غزنی تبریزی (سلطان) ۷۰۱	محمد فخری بن امیر امیری هروی (سلطان) ۲۵۱، ۲۷۷، ۲۷۶، ۴۳۸، ۸۲۵
محمد عسکری (میرزا) ۴۳۰، ۴۷۶، ۶۰۷، ۸۱۹	محمد فراهی (شرف الدین حاج) ۲۲۷
محمد عصار تبریزی (حاج شمس الدین) ۲۰۳، ۳۴۱	محمد فرغانی (سیف الدین ابوالمحمّد) ۷۴۷
محمد علاء الدین ۸۰۳	محمد فضل الله، رشید الدین محمد فضل الله
محمد علمی لاری افضل خان (شمس الدین) ۶۴۵	محمد قلنزی ۶۲۰
محمد علی بن جمال الاسلام شهاب منشی ۲۶۰ (شیاب الدین)	محمد فلکی شروانی (نجم الدین ابوالنظام) ۱۰۶
محمد علی تبریزی ۳۴۷	محمد فوطه سمرقندی (حاجی) ۳۴۷
محمد علی جلایر نثاری ۳۴۸	محمد فیضی اصفهانی (میر معزالدین) ۴۲۸، ۶۸۷
محمد علی حسینی ۲۷۱	محمد قاسم اسپری ۶۴۹
محمد علی شقایب ۳۴۵	محمد قاسم بن حاج محمد سروری کاشانی
محمد علی شهودی یزدی (میرزا) ۶۸۳	
محمد علی شیرازی (میرزا) ۴۹۷	

محمد قاسم بن عبد الله قاسمی (میرزا) ۴۱۰، ۵۰۸-۵۰۷، ۴۲۵	محمد قہستانی (مولانا شمس الدین) ۶۱۹
محمد قاسم بن مظفر گنابادی (ملا مظفر) ۸۰۷، ۳۸۵	محمد کاتب (زین الدین) ۷
محمد قاسم خان میربحر ۵۴۰، ۵۵۳، ۵۵۵	محمد کاتب بلخی (شمس الدین) ۹۵
محمد قاسم زاری شہدی ۶۵۱	محمد کازرونی (خواجہ) ۷۶۲
محمد قاسم ساحری تونی ۶۷۷	محمد کازرونی صوفی (حاج نور الدین) ۳۳۶
محمد قاسم رازی (میر) ۶۵۶	محمد کاشانی (قاضی) ۵۱۰
محمد قاسم کسری کاشانی ۵۱۸	محمد کاشغری ۲۸۶
محمد قاسم مستوفی ۴۲۰	محمد کاظم ظاہر اردبیلی ۷۰۱
محمد قاسم وقاری بدخشان (خواجہ) ۶۰۳-۶۶۵، ۶۰۴	محمد کامپوری (میرسید) ۱۹۶
محمد قاضی (محمد بن برہان الدین - مر- قندی) ۸۱۷، ۴۰۷	محمد کتفاندجانی (خواجہ) ۳۴۷
محمد قاضی (مولانا) ۴۰۷، ۳۸۳، ۵۸۴، ۷۷۸	محمد کجج تبریزی (غیاث الدین) ۲۱۳، ۷۷۵، ۷۶۳، ۶۵۵
محمد قاضی (میر نظام الدین) ۸	محمد کججی (غیاث الدین) ۲۱۳، ۶۵۵، ۷۷۵، ۷۶۳
محمد قاینی (مولانا جلال الدین) ۳۲۱	محمد کرت (میرالدین ابوالحسین) ۷۶۱
محمد قباپی ۲۲۶	محمد کرت (ملک غیاث الدین) ۱۷۹، ۲۱۹، ۷۳۳، ۷۲۰
محمد قرآختایی (قطب الدین) ۷۳۳، ۲۸۹، ۷۴۹	محمد کرمانی (افضل الدین) ۴۶۴
محمد قزوی ۷	محمد کرمانی (امیر شمس الدین) ۴۴۴
محمد قزوینی (حکیم شام) ۳۳۷	محمد کسکنی (میر) ۵۰۳، ۸۲۰
محمد قضاعی (ابو عبد الله) ۱۲۷	محمد کلامی لاری (صدر الدین) ۶۴۵-۶۴۶
محمد قطان غزنوی (ابونصر) ۱۵۱	محمد کلانتری (میر شمس الدین) ۶۷۸
محمد قلی تکلومیلی هروی (میرزا) ۴۲۱، ۸۲۰، ۴۵۸	محمد کنبو (شیخ) ۵۴۳
محمد قلی قطب شام ۸۳۰، ۳۵۹	محمد کھین (ملک شمس الدین) ۲۱۹
محمد قلی ماهر اردبیلی ۷۰۳	محمد کیا بن ناصر کیا ۲۶۰
محمد قلی منول حصاری ۳۶۱	محمد کیا گرنی (شمس المال) ۲۷۱
محمد قعی (ملا) ۶۵۲	محمد کیای دوم (سلطان) ۲۵۲
محمد قعی متخلص سلطان (سلطان) ۵۲۸، ۶۱۳	محمد کیشی (شمس الدین) ۱۳۸، ۷۵۰
محمد قباد (خواجہ) ۶۲۲	محمد گرای ۴۹۰
محمد قندھاری ۶	محمد گرنی سمرقندی (سید) ۲۷۹
محمد قوجانی (شیخ حاج) ۵۶۵، ۵۶۳	محمد گلندام ۲۰۵
محمد قورچی (شام) ۳۴۵	محمد گیسودراز (سید صدر الدین ابوالفتح)

محمد بن یوسف حسینی چشتی دہلوی (۱۹۶، ۴۰۶، ۷۲۲، ۷۲۵، ۷۵۴، ۷۶۸)

محمد گیلانی (نور الدین) ۶۶۲

محمد طاهر سبزواری ۳۵۷  
 محمد طاهر طاهر رازی (خواجہ) ۶۸۵  
 محمد طاهر عبداللہ ۷۱۳-۷۱۴  
 محمد طایفی (ابوالقاسم) ۱۸۶  
 (حکیم شاہ) ۲۹۹  
 محمد طیب (میرزا) ۸۱۴  
 محمد طیب اردبیلی ۱۷۹  
 محمد طرافعی (الغ یك بن شاهرخ)  
 ۲۴۹  
 محمد طریقی ساوچی ۵۲۶، ۴۲۱  
 محمد ظہوری تریزنی (نورالدین) ۴۳۳،  
 ۸۲۶، ۴۴۵  
 محمد ظہیرالدین بابر ۶۷۷ ر. بابر  
 محمد عارف بقایں مشغولی اندکانی ۴۰۳،  
 ۸۰۸، ۶۰۴، ۵۹۴، ۴۲۸  
 محمد عارف قندھاری ۳۶۶-۳۶۵  
 محمد عالم سمرقندی ۳۲۸  
 محمد عبدہ کاتب ۲۵، ۱  
 محمد عتابی نجفی (سید) ۴۳۲  
 محمد عجیبی گوزگانی (شمس الدین) ۹۱  
 محمد عرب (شمس الدین) ۳۲۸  
 محمد عرفی شیرازی (سید جمال الدین)  
 ۸۲۶، ۸۱۹، ۶۵۴، ۴۱۲  
 محمد عزمی تبریزی (سلطان) ۷۰۱  
 محمد عسکری (میرزا) ۶۰۷، ۴۷۶، ۴۳۰،  
 ۸۱۹  
 محمد عصار تریزنی (حاج شمس الدین)  
 ۳۴۱، ۲۰۳  
 محمد علاء الدین ۸۰۳  
 محمد علمی لاری افضل خان (شمس الدین)  
 ۶۴۵  
 محمد علی بن جمال الاسلام شہاب منشی  
 (شہاب الدین) ۲۶۰  
 محمد علی تبریزی ۲۴۷  
 محمد علی جلاین نزاری ۳۳۸  
 محمد علی حسینی ۲۷۱  
 محمد علی شقایب ۲۴۵  
 محمد علی شہودی یزدی (میرزا) ۶۸۳  
 محمد علی شیرازی (میرزا) ۴۹۷

محمد علی طبعی اصفہانی (میر) ۶۸۶  
 محمد علی غہوری (خواجہ) ۶۱۱  
 محمد علی قسمتی استرا بادی ۵۱۸  
 محمد علی کاشانی ۶۱۲  
 محمد علی ناصح ۹۴  
 محمد علی ہروی ۳۴۷  
 محمد علی یمنی ۱۳۲  
 محمد عمر خلخالی ۷۰۶  
 محمد عوض بخاری ۸۱۲  
 محمد عوفی (سید الدین یا نور الدین)  
 ۶۵، ۷۸، ۹۷، ۹۹-۱۰۰، ۲۷۹،  
 ۸۱۶  
 محمد عہدی (ملا نور الدین) ۶۳۸  
 محمد غدیری ۱۸۵  
 محمد غزالی (زین الدین ابو حامد) ۵۰،  
 ۶۸، ۶۹-۳۲۹، ۳۷۰، ۳۷۶،  
 ۷۱۹، ۷۲۹  
 محمد غزنوی اتکہ (میر شمس الدین) ۴۱۸،  
 ۵۴۳-۵۴۹، ۵۴۴  
 محمد غوث (شیخ) ۵۴۴  
 محمد غوث الدین شافعی مدراسی ۱۳۳  
 محمد غوریانی (نور الدین) ۳۲۶  
 محمد فاتح آل عثمان (سلطان ابوالفتح)  
 ۲۲۹، ۲۶۹-۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۶-  
 ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۹-۸۰۱  
 محمد فخری بن امیر امیری ہروی (سلطان)  
 ۲۵۱، ۲۷۷، ۳۷۶، ۴۳۸، ۸۲۵  
 محمد فراہی (شرف الدین حاج) ۳۲۷  
 محمد فرہانی (سیف الدین ابوالمحامد)  
 ۷۴۷  
 محمد فضل اللہ ر. رشید الدین محمد فضل اللہ  
 محمد فلغزی ۶۲۰  
 محمد فلکی سروانی (نجم الدین ابوالنظام)  
 ۱۰۶  
 محمد فوطہ سمرقندی (حاجی) ۳۳۷  
 محمد فیضی اصفہانی (میر معز الدین) ۴۲۸،  
 ۶۸۷  
 محمد قاسم اسیری ۶۴۹  
 محمد قاسم بن حاج محمد سروری کاشانی

محمد قاسم بن عبد الله قاسمی (میرزا) ۴۱۰، ۵۰۸-۵۰۷، ۴۲۵	محمد قاسم بن مظفر گنابادی (ملا مظفر) ۸۰۷، ۳۸۵
محمد قاسم خان میربحسّر ۵۳۰، ۵۵۳، ۵۵۵	محمد قاسم زاری مشهدی ۶۵۱
محمد قاسم ساحری تونی ۶۷۲	محمد قاسم قاسم رازی (میر) ۶۵۶
محمد قاسم کسری کاشانی ۵۱۸	محمد قاسم مستوفی ۴۶۰
محمد قاسم قاری بدخشانی (خواجه) ۶۰۳- ۶۶۵، ۶۰۴	محمد قاسمی (محمد بن برهان الدین سمر- قندی) ۸۱۷، ۴۰۷
محمد قاسمی (مولانا) ۴۰۷، ۳۸۳، ۵۸۴، ۷۷۸	محمد قاسمی (میر نظام الدین) ۸
محمد قاسمی (مولانا جلال الدین) ۲۲۱	محمد قاسمی (میر شمس الدین) ۴۴۴
محمد قاسمی (قطب الدین) ۷۳۳، ۳۸۹، ۷۴۹	محمد کسکینی (میر) ۵۰۳، ۸۲۰
محمد قزوینی ۷	محمد کلامی لاری (صدر الدین) ۶۳۵- ۶۴۶
محمد قزوینی (حکیم شاه) ۳۳۷	محمد کلانقر (میر شمس الدین) ۶۷۸
محمد قضاعی (ابو عبدالله) ۱۲۷	محمد کندیو (شیخ) ۵۴۲
محمد قطان غزنوی (ابو نصر) ۱۵۱	محمد کهن (ملک شمس الدین) ۲۱۹
محمد قلی تکلومیلی هروی (میرزا) ۴۲۱، ۸۲۰، ۴۵۸	محمد کیا بن ناصر کیا ۲۶۰
محمد قلی قطب شاه ۳۵۹، ۸۳۰	محمد کیا گرگانی (شمس المعالی) ۲۷۱
محمد قلی ماهر اردبیلی ۷۰۳	محمد کیای دوم (سلطان) ۲۵۲
محمد قلی منول حصاری ۳۶۱	محمد کیشی (شمس الدین) ۱۳۸، ۷۵۰
محمد قمی (ملا) ۶۵۲	محمد گرای ۳۹۰
محمد قمی متخلص سلطان (سلطان) ۵۲۸، ۶۱۳	محمد گرگانی سمرقندی (سید) ۲۷۹
محمد قناد (خواجه) ۶۲۲	محمد گلندام ۲۰۵
محمد قندهاری ۶	محمد گیسودراز (سید صدر الدین ابو الفتح)
محمد قوجانی (شیخ حاج) ۵۶۵، ۵۶۳	محمد بن یوسف حسینی جشتی دهلوی ۷۵۴، ۷۲۵، ۷۲۲، ۴۰۶، ۱۹۶
محمد قورچی (شاه) ۳۳۵	۷۶۸
	محمد گیلائی (نور الدین) ۶۶۲

محمد لاهیجی (شیخ) ۳۲۲  
 محمد لطیفی (شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد مبارکشاه بن الاعز مگزی (سید شمس الدین) ۷۸  
 محمد مجلد خراسانی ۳۴۷  
 محمد مجلسی (میر شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد محروق ۶۰  
 محمد محقق خفاری (شمس الدین) ۳۶۷، ۸۴۱، ۸۳۸، ۳۸۵  
 محمد مخدوم قادری ۵۴۰  
 محمد مذهب کرمانی ۳۴۷  
 محمد مرادی بخارایی (ابوالحسین) ۲۱۸  
 محمد مرشدی زواره‌ای ۷۰۸  
 محمد مرختانی (درویش) ۵۸۴  
 محمد مسلمی (ابوالمعالی) ۷۲۸  
 محمد مزید طبیب ۶۲۲، ۶۲۰  
 محمد مشرف ۸۰۵  
 محمد مشک فروش شیرازی ۴۳۶  
 محمد معروف بنخواجه کلان ۵۷۷  
 محمد معروف بشیخ محمد حسن چشتی ۱۹۶  
 محمد معصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی بکری نامی ۸۰۲، ۳۵۸  
 محمد معصوم نامی (سید نظام الدین) ۳۵۸، ۸۰۲  
 محمد معمای (شمس الدین محمد بخاری) ۳۳۳، ۵  
 محمد معین (سلطان) ۱۷۹  
 محمد معینی جوینی (خواجه معین الدین) ۷۷۱  
 محمد مغربی (شیخ) ۲۰۹، ۲۸۱، ۴۳۵، ۷۶۲-۷۶۳  
 محمد مفید مستوفی یزدی ۱۹۰  
 محمد مقیم مقیمی سبزواری ۵۵۳  
 محمد مکی ۳۹۴  
 محمد ملک السادات نیشابوری (صدر الدین) ۹۵  
 محمد منشی (میر) ۶۳۱  
 محمد منشی اردوبادی (میرزا) ۳۹۹

محمد منصور سرخسی (اعام) ۷۲۰  
 محمد متوکه نسفی (شمس الدین) ۹۵  
 محمد متوهر تومنی ۵۴۳، ۶۶۰  
 محمد موسی ده بیدی نقشبندی (خواجه) ۳۶۳، ۲۷۲  
 محمد مولاکا خکی ۲۱۹  
 محمد مولوی بیستانی (حاجی) ۶۶۰  
 محمد مؤمن بن میر علی حسینی استرابادی (میر) ۵۰۲، ۸۳۰  
 محمد مؤمن بیک ۵۰۱  
 محمد مؤمن عرشی (میر) ۳۰۹  
 محمد مؤمن لنگه ۵۵۷  
 محمد مؤمن میرزا تیموری ۲۳۲، ۲۹۲، ۳۴۷، ۳۷۷  
 محمد مهدی بن قاضی محمود حسینی (امیر) ۶۲۸  
 محمد میان کالی (نجم الدین ابوالقاسم) ۴۱۵  
 محمد میرزا (سلطان) ۳۳۳  
 محمد میرزا بن جهان شاه قراقویونلو ۷۹۴  
 محمد میرزا پسر شاه رخ گورکان (سلطان) ۴۴۹  
 محمد میرک (نور الدین) ۶۱۵  
 محمد میرک صالح مشهدی ۵۸۰، ۸۳۶  
 محمد میرک صالحی هروی مشهدی ۴۲۲، ۷۱۱، ۸۲۳  
 محمد میر یوسف (میر) ۳۴۷  
 محمد ناصر میرزا ناصری تیموری ۶۶۱  
 محمد نایینی ۳۴۷  
 محمد نجفی (سید) ۵۵۷  
 محمد نسفی ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسفی (شهاب الدین) ۱۰۰  
 محمد نسفی (عزیز الدین) ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسوی ۷۲۶  
 محمد نصیری اردوبادی (قاضی) ۷۰۶  
 محمد نعمت آبادی ۳۴۷  
 محمد نقیب (شاه علاء الدین) ۳۴۹  
 محمد نقیب النقبای ری (شرف الدین) ۸۳  
 محمد نمکین هروی ۵۸۲

محمد نور بخشی (سید) ۲۷۴-۳۱۸-۳۱۹،  
۳۲۲، ۳۲۶، ۴۰۰، ۷۸۸، ۸۱۲

محمد نویدا کی ۶۳۱

محمد نیشا بوری (رضی الدین ابو جعفر) ۹۹  
۱۲۵

محمد نیشا بوری (غیاث الدین) ۳۳۶

محمد وحشی بافقی (کمال الدین) ۴۳۴-

۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵،

۵۱۹، ۵۳۳، ۵۸۵، ۶۳۹، ۶۵۹،

۶۸۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۸، ۸۲۲،

۸۳۰، ۸۲۵

محمد ورامینی (قاضی) ۴۴۱

محمد وزیر آذربایجان (میرزا) ۵۳۱

محمد وزیر خراسانی (خواجه) ۶۲۸

محمد وصالی تبریزی (سلطان) ۷۰۷

محمد وصالی رازی (قاضی) ۶۶۵

محمد ولی دشت بیاضی ولی ۴۵۸، ۵۰۸،

۵۸۰، ۵۸۸، ۶۵۶، ۶۶۰، ۸۲۷،

محمد ولی سلطان (نواب) ۴۲۵

محمد هادی هادی پروجر دی (میر) ۶۶۵

محمد هاشم (خواجه) ۵۶۹

محمد هاشم (مولانا) ۴۲۷

محمد هاشم سلطان ۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۷،

محمد هاشم سمایی ۴۲۷

محمد هاشم شاه کرمانی (امیر ابو عبدالله

هاشمی) ۴۰۹

محمد هاشم محترم سمرقندی ۶۵۸

محمد هاشم مردمی (میر) ۴۹۹

محمد هاشم وافی ۴۲۷

محمد هاشمی اصفهانی (امیر شمس الدین)

۶۴۷

محمد هروی (سلطان) ۳۴۵

محمد هروی (شاه) ۳۴۵

محمد هروی (غیاث الدین) ۳۴۶

محمد هروی (ملاحاج) ۳۴۷

محمد هروی (میر تقی الدین) ۶۷۳

محمد همام ۳۴۷

محمد هما یون (نصیر الدین) ۱۹۵-۱۹۶،

۲۲۲، ۲۳۲، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲،

۲۵۹، ۲۸۲، ۳۱۲، ۳۱۶، ۴۵۳،

۴۵۵، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۲،

۴۷۵، ۴۷۶، ۴۴۴، ۵۴۹-۵۵۰،

۵۵۲-۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۰،

۵۶۴-۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۱، ۶۰۷-

۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۳۵،

۶۲۷، ۶۳۲، ۶۵۰-۶۵۱، ۶۵۳،

۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷-

۶۶۸، ۶۷۲، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۸۹،

۷۰۸، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۷۶، ۸۰۲،

۸۰۵-۸۰۸، ۸۰۹، ۸۲۹، ۸۳۳-

۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۹

محمد هندال (میرزا ابو نصر) ۵۵۸، ۶۰۷،

۶۶۸

محمدی (خواجه) ۷۲

محمد یار سلطان ۶۳۱، ۸

محمدی بیک (خواجه) ۷۰۳

محمد یحیی (امام) ۱۴۹، ۷۴۹،

محمد یحیی (خواجه) ۵۶۹، ۸۴۰،

محمد یحیی بن سیدک فتاحی نیشا بوری ۲۳۵،

۲۹۹، ۳۳۵، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۲۶،

محمد یحیی بن عیدالله احرار ۷۷۸

محمدی خان کرد ۴۹۱

محمدیزدی (قوام الدین) ۷۸۱

محمد یوسف (امیر) ۳۲۶، ۳۴۷، ۵۵۸،

محمد یوسف (میرزا) ۳۴۷

محمد یوسف بیک بن شاه بیک خان کابلی

۵۵۴، ۸۳۴

محمد یوسف خان ۵۴۴

محمد یوسف خلقی (میر) ۵۳۴

محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی ۲۰۵

محمد یوسف کابلی ۵۵۴، ۸۳۴

محمد یوسف گدا ۲۱۶

محمد یوسف نیازی ۳۴۸

محمود (ابوالقاسم) ۷۵۶

محمود (برهان الشریعه) ۳۸۸، ۳۹۹،

۴۰۲، ۴۰۷، ۷۳۴

محمود (جمال الدین) ۳۴۷، ۳۸۹،

محمود (سلطان) ۲۶۶

محمد منور سرخسی (امام) ۷۲۰  
 محمد منوکه نسفی (شمس الدین) ۹۵  
 محمد منوهر توسنی ۵۴۳، ۶۶۰  
 محمد موسی ده بیدی نقشبندی (خواجہ)  
 ۲۶۳، ۲۷۲  
 محمد مولا کاخکی ۲۱۹  
 محمد مولوی سیستانی (حاجی) ۶۶۰  
 محمد مؤمن بن میر علی حسینی استرآبادی  
 (میر) ۵۰۲، ۸۳۰  
 محمد مؤمن بیک ۵۰۱  
 محمد مؤمن عرشی (میر) ۴۰۹  
 محمد مؤمن لنگ ۵۵۷  
 محمد مؤمن میرزا تیموری ۲۲۲، ۲۹۳  
 ۳۴۷، ۳۷۷  
 محمد مهدی بن قاضی محمود حسینی (امیر)  
 ۶۲۸  
 محمد میان کالی (نجم الدین ابوالقاسم)  
 ۴۱۵  
 محمد میرزا (سلطان) ۳۲۳  
 محمد میرزا بن جهان شاه قراقرق و نولو ۷۹۴  
 محمد میرزا پسر شاهرخ گورکان (سلطان)  
 ۴۴۹  
 محمد میرک (نور الدین) ۶۱۵  
 محمد میرک صالح مشهدی ۵۸۰، ۸۳۶  
 محمد میرک صالحی هروی مشهدی ۴۴۲،  
 ۷۱۱، ۸۲۳  
 محمد میر یوسف (میر) ۳۴۷  
 محمد ناصر میرزا ناصری تیموری ۶۶۱  
 محمد نایینی ۳۴۷  
 محمد نجفی (سید) ۵۵۷  
 محمد نسفی ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسفی (شهاب الدین) ۱۰۰  
 محمد نسفی (عزیز الدین) ۱۱۱، ۷۲۲  
 محمد نسوی ۷۲۶  
 محمد نصیری اردوبادی (قاضی) ۷۰۶  
 محمد نعمت آبادی ۳۴۷  
 محمد نقیب (شاه علاء الدین) ۴۴۹  
 محمد نقیب النقبای ری (شرف الدین) ۸۴  
 محمد نمکین هروی ۵۸۲

محمد لاهیجی (شیخ) ۳۲۲  
 محمد لطیفی (شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد مبارک شاه بن الاعز سگزی (سید شمس-  
 الدین) ۷۸  
 محمد مجلد خراسانی ۳۴۷  
 محمد مجلسی (میر شمس الدین) ۳۴۷  
 محمد محروق ۶۰  
 محمد محقق خفزی (شمس الدین) ۳۶۷،  
 ۴۸۵، ۴۸۸، ۸۴۱  
 محمد مددوم قادری ۵۴۰  
 محمد مذهب کرمانی ۳۴۷  
 محمد مرادی بخارایی (ابوالحسن) ۲۱۸  
 محمد مرشدی زواره ای ۷۰۸  
 محمد مرغینانی (درویش) ۵۸۴  
 محمد مسلمی (ابوالصالی) ۷۲۸  
 ۶۲۰، ۶۲۲  
 مسرف ۸۰۵  
 محمد مشک فروش شیرازی ۴۳۶  
 محمد مسروف بخواجه کلان ۵۷۷  
 محمد معروف بشیخ محمد حسن چشتی  
 ۱۹۶  
 محمد معصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی  
 بکری نامی ۳۵۸، ۸۰۲  
 محمد معصوم نامی (سید نظام الدین) ۳۵۸،  
 ۸۰۳  
 محمد معیاری (شمس الدین محمد بخاری)  
 ۳۳۳، ۵  
 محمد معین (سلطان) ۱۷۹  
 محمد معینی جوینی (خواجہ معین الدین)  
 ۷۷۱  
 محمد مغربی (شیخ) ۲۰۹، ۲۸۱، ۲۳۵،  
 ۷۶۲-۷۶۳  
 محمد مفید مستوفی یزدی ۱۹۰  
 محمد مقیم مقیمی سبزواری ۵۵۴  
 محمد مکی ۳۹۴  
 محمد ملک السادات نیشابوری (صدر الدین)  
 ۹۵  
 محمد منشی (میر) ۶۳۱  
 محمد منشی اردوبادی (میرزا) ۴۹۹

محمد نوربخش (سید) ۲۷۴، ۲۱۸-۳۱۹، ۲۲۲، ۲۲۶، ۴۰۰، ۷۸۸، ۸۱۲  
 محمد نویدا کی ۶۳۱  
 محمد نیشابوری (رضی الدین ابو جعفر) ۹۹  
 ۱۲۵  
 محمد نیشابوری (غیاث الدین) ۳۴۶  
 محمد وحشی بافقی (جمال الدین) ۴۳۳-  
 ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵  
 ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۸۵، ۶۳۹، ۶۵۹  
 ۶۸۲، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۸، ۸۲۲  
 ۸۲۵، ۸۳۰  
 محمد ورامینی (قاضی) ۴۴۱  
 محمد وزیر آذربایجان (میرزا) ۵۳۱  
 محمد وزیر خراسانی (خواجه) ۶۲۸  
 محمد وصالی تبریزی (سلطان) ۷۰۷  
 محمد وصالی رازی (قاضی) ۶۶۵  
 محمد ولی دشت میاضی ولی ۴۵۸، ۵۰۸،  
 ۵۸۰، ۵۸۸، ۶۵۶، ۶۶۰، ۸۲۷  
 محمد ولی سلطان (نواب) ۴۳۵  
 محمد هادی هادی بر و جردی (میر) ۶۶۵  
 محمد هاشم (خواجه) ۵۶۹  
 محمد هاشم (مولانا) ۴۲۷  
 محمد هاشم سلطان ۵۷۷، ۵۸۳، ۵۹۷  
 محمد هاشم سمایی ۴۲۷  
 محمد هاشم شاه کرمانی (امیر ابو عبدالله  
 هاشمی) ۴۰۹  
 محمد هاشم محترم سمرقندی ۶۵۸  
 محمد هاشم مردمی (میر) ۴۹۹  
 محمد هاشم وافی ۴۲۷  
 محمد هاشمی اصفهانی (امیر شمس الدین)  
 ۶۴۷  
 محمد هروی (سلطان) ۳۲۵  
 محمد هروی (شاه) ۳۳۵  
 محمد هروی (غیاث الدین) ۳۴۶  
 محمد هروی (ملاحاج) ۳۴۷  
 محمد هروی (میر تقی الدین) ۶۷۳  
 محمد هیام ۳۴۷  
 محمد هما یون (نصیر الدین) ۱۹۵-۱۹۶،  
 ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۴۱-۲۴۳

۲۵۹، ۲۸۲، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۵۲-  
 ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۶۹-۴۷۰، ۴۷۲  
 ۴۷۵-۴۷۶، ۴۴۴، ۵۴۹-۵۵۰  
 ۵۵۲-۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷-۵۶۰  
 ۵۶۳، ۵۶۶-۵۶۷، ۵۷۱-۶۰۷  
 ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۳۵  
 ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۵۰-۶۵۱، ۶۵۳  
 ۶۵۵، ۶۵۷-۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷  
 ۶۶۸، ۶۷۳، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۸۹  
 ۷۰۸، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۷۶، ۸۰۲  
 ۸۰۵-۸۰۸، ۸۰۹، ۸۲۹، ۸۳۳  
 ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۹  
 محمد هندال (میرزا ابو نصر) ۵۵۸، ۶۰۷،  
 ۶۶۸  
 محمدی (خواجه) ۷۲  
 محمد یار سلطان ۸، ۶۳۱  
 محمدی بیک (خواجه) ۷۰۳  
 محمد یحیی (امام) ۱۴۹، ۷۴۹  
 محمد یحیی (خواجه) ۵۶۹، ۸۴۰  
 محمد یحیی بن سیدک فتاحی نیشابوری ۲۳۵،  
 ۲۹۹، ۳۳۵، ۳۹۰، ۳۹۳، ۴۲۶  
 محمد یحیی بن عبیدالله احرار ۷۷۸  
 محمدی خان کرد ۴۹۱  
 محمدیزدی (قوام الدین) ۷۸۱  
 محمد یوسف (امیر) ۳۲۶، ۳۴۷، ۵۵۸  
 محمد یوسف (میرزا) ۳۴۷  
 محمد یوسف بیک بن شاه بیک خان کابلی  
 ۵۵۴، ۸۳۴  
 محمد یوسف خان ۵۴۳  
 محمد یوسف خلّی (میر) ۵۳۴  
 محمد یوسف علی شاه چشتی نظامی ۲۰۵  
 محمد یوسف کابلی ۵۵۴، ۸۳۴  
 محمد یوسف گدا ۲۱۶  
 محمد یوسف نیازی ۳۴۸  
 محمود (ابو القاسم) ۷۵۶  
 محمود (برهان الشریعه) ۳۸۸، ۳۹۹  
 ۴۰۲، ۴۰۷، ۷۳۴  
 محمود (جمال الدین) ۳۴۷، ۳۸۹  
 محمود (سلطان) ۲۶۶



محمود (سید) ۱۲۹	الدین) ۷۲۰
محمود (شیخ جلال الدین) ۳۷۳	محمود بن احمد نیشابوری (امام بیان الحق)
محمود (عماد) ۱۷۸	۷۲۸
محمود (فخر الدین رئیس) ۲۲۶	محمود بن اسحق سیاهستانی شهابی ۴۶۴
محمود (قاضی) ۶۲۲	۴۷۶
محمود (ملک سلطان) ۴۶۵، ۴۶۷	محمود بن الحسن بغدادی (ابوالحسن)
محمود (مولانا شیخ) ۳۴۱	۷۱۴
محمود (نجم الدین) ۲۱۳	محمود بن الیاس شیرازی (نجم الدین) ۱۹۰
محمود ازبک ۶۷۹	۴۰۰، ۱۹۳
محمود اسکویی (امیر قمر الدین) ۷۰۳	محمود بن امیر احمد قاری یزدی (نظام -
محمود اشنوی یا اشنهی (تاج الدین) ۲۸۱،	الدین) ۳۳۰
۷۴۳، ۷۴۹	محمود بن امیر خوند میر (میر) ۲۴۱،
محمود اصفهانی (زین الدین) ۶۷۷	۳۵۸
محمود اصفهانی (شیخ) ۶۲۹	محمود بن امیر مبارز الدین (شاه) ۱۸۴،
محمود اصفهانی (میر شجاع الدین) ۵۰۲	۲۰۸
محمود اصفهانی رجایی (سیف الدین) ۵۰۰،	محمود بن امیر یمین الدین طفرای فریومدی
۸۳۰	ابن یمین (فخر الدین) ۲۰۰-۲۰۱،
محمود الوراق ۷۱۴	۲۲۶، ۷۶۱
محمود اودهی (نصیر الدین چراغ دهلی)	محمود بن بشار هروی (فرید الدین) ۹۵
۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴-	محمود بن پیر کرد بن امیر شروانی ۳۳۷
۷۵۹، ۷۵۶	محمود بن جمال الدین وزیر اصفهانی
محمود ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان شاه)	۷۶۰
۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱	محمود بن حامدی ۷۹۲
محمود بتکچی (سلطان) ۳۴۵	محمود بن حسن بغدادی (ابوالحسن)
محمود بخاری (سلطان) ۷۷۲	۷۱۴
محمود برسه نیشابوری (خواجه) ۳۰۶	محمود بن حسن بن محمد فرکوی قادری
محمود بساخوانی ۳۲۴، ۵۲۰، ۷۸۴-	۷۱۸
۷۸۵ ر. محمود سیستانی	محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی شاه
محمود بنراخان (خاقان کمال الدین) ۸۱	داعی (نظام السدین) ۱۶۹، ۲۳۵،
محمود بلخی (شمس الدین) ۹۵	۷۸۲، ۷۴۲، ۳۱۱
محمود بن ابراهیم غزنوی (سیف الدوله	محمود بن حسن وراق ۷۱۲، ۳۰-۷۱۴
ابوالقاسم) ۴۳	محمود بن حسن وراق نمشاپوری (ابوالحسن)
محمود بن ابوبکر ارموی (سراج الدین	۷۱۴
ابوالشایا) ۱۵۰	محمود بن خلیفه (سراج الدین) ۷۲۱
محمود بن ابوبکر حسین بن جعفر فراهی	محمود بن خواجگی خضر بن عبیدالله احرار
(ابونصر) ۲۷۵، ۹۰	(خواجه عبدالشهید خاوند) ۶۳۷،
محمود بن ابوبکر سمرقندی گورمیری	۷۸۲
(جلال الدین) ۱۵۵	محمود بن خوند (میر) ۳۵۸، ۲۴۱
محمود بن احمد جام (صفی الدین یا امیل-	محمود بن رشید الدین فضل الله (رکن -

محبجوانی (امیر سیف الدین)

۱۸۴

محمود بن شمس الدین التتمش (ناصر الدین)

۷۳۰

محمود بن شمس الدین شاه علی بن شاهزاده

(قطب الدین) ۱۹۵

محمود بن شیخ محمد گیلانی (خواجه

عماد الدین غاوان یا قاوان یا کاوان)

۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹،

۷۹۸، ۷۹۵

محمود بن صاین الدین الیاس بن ستر باریک

شیرازی (نجم الدین صاین الاسلام)

۱۵۳، ۳۰۷-۳۰۸

محمود بن صاین الدین الیاس طیب شیرازی

(نجم الدین) ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰

محمود بن صدر الشریعه عبیدالله محمودی

حنفی ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۷،

۷۳۴

محمود بن ضیاء الدین محمد ۲۵۸

محمود بن ضیاء الدین محمد کرمانی

(خواجه افضل الدین) ۳۰۷-۳۰۸

محمود بن ضیاء الدین مسعود بن مصلح

کازرونی شیرازی (علامه قطب الدین)

۱۴۷، ۴۸۹، ۷۳۲، ۷۴۵

محمود بن عبدالجلیل و اصفی تاشکندی

هروی (زین الدین) ۲۵۳، ۳۴۸،

۵۵۹-۵۷۸، ۵۶۰

محمود بن عبدالکریم شستری (سعد الدین

یا نجم الدین) ۱۶۹، ۳۴۱، ۷۴۲

محمود بن عبدالله فرغانی (شرف الدین)

۱۹۵

محمود بن عبدالله مرقسی (شرف الدین)

۴

محمود بن عبدالملک بن ابوتوبه مروزی

خوارزمی (نصیر الدین ابوالقاسم)

۸۸، ۱۳۰

محمود بن عثمان ۷۵۹

محمود بن عثمان لامی برسوی ۳۸۹-

محمود بن علی بن عماد الدین فجدوانی

(کمال الدین) ۴۰۰

محمود بن علی بن محمود مسترشدی خواجو

کرمانی (کمال الدین ابوالعطا) ۴،

۱۹۹-۲۰۰، ۲۰۸، ۲۶۰

محمود بن علی جهرمی (شمس الدین) ۲۸۳

محمود بن علی حسنی گلستانه (سید) ۲۱۷،

۷۶۵

محمود بن علی کاشانی نطنزی (عزالدین)

۱۴۲، ۱۹۲

محمود بن عمر بن محمود بن منصور مگزی

ربتیجی (قاضی) ۴

محمود بن عمر جوهری زرگر هروی (ابو-

المحامد) ۳۶

محمود بن عمر تجاتی نیشابوری (حمید-

الدین) ۷۵۵

محمود بن قوام قاضی رالشتانی ۲۷۲

محمود بن محمد بن عبداللہ (حکیم) ۷۸۲

محمود بن محمد بن قوام اردستانی ۲۷۱

محمود بن محمد بن ملک شاه ۹۶، ۷۱۷،

۷۲۶-۷۲۷

محمود بن محمد جنید ۲۱۵

محمود بن محمد چغینی ۶۶۳، ۶۹۱،

۷۸۲، ۸۰۷

محمود بن محمد حیدر گورکن ۳۸۰

محمود بن محمد دلشاد شروانی ۲۷۳

محمود بن محمد دهن دار عیانی شیرازی

(معین الدین ابومحمد) ۲۹۷، ۶۵۶،

۷۰۹، ۸۰۷، ۸۳۷

محمود بن محمد قاضی زاده رومسی مریم

جلبی ۲۸۱، ۳۸۸

محمود بن محمد گیلانی غاوان یا قاوان یا

کاوان (خواجه عماد الدین) ۲۵۹،

۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹، ۷۹۵،

۷۹۸

محمود بن محمد میر ۲۷۱

محمود بن محمد هروی (زین الدین) ۱۹۴

محمود بن محمود بن علی گلستانه ۲۱۷،

محمود (سید) ۱۷۹  
 محمود (شیخ جلال الدین) ۳۷۳  
 محمود (عماد) ۱۷۸  
 محمود (فخر الدین رئیس) ۲۲۶  
 محمود (قاضی) ۶۲۲  
 محمود (ملک سلطان) ۴۶۵، ۴۴۷  
 محمود (مولانا شیخ) ۳۴۱  
 محمود (نجم الدین) ۲۱۳  
 محمود ازبک ۶۷۹  
 محمود اسکویی (امیر قمر الدین) ۷۰۳  
 محمود اشنوی یا اشنهوی (تاج الدین) ۲۸۱، ۷۴۳، ۷۴۹  
 محمود اصفهانی (زین الدین) ۶۷۷  
 محمود اصفهانی (شیخ) ۶۲۹  
 محمود اصفهانی (میر شجاع الدین) ۵۰۲  
 محمود اصفهانی رجایی (سیف الدین) ۵۰۰، ۸۳۰  
 محمود الوراق ۷۱۴  
 محمود اودهی (نصیر الدین چراغ دهلی) ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴-۷۵۶، ۷۵۹  
 محمود ایل ارسلان خوارزمشاه (سلطان شاه) ۷۳۱، ۷۲۶، ۹۳، ۹۱  
 محمود بتکچی (سلطان) ۳۴۵  
 محمود بخاری (سلطان) ۷۷۲  
 محمود برسه نیشابوری (خواجه) ۳۰۶  
 محمود بساخوانی ۳۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴-۷۸۵ ر. محمود پسیخانی  
 محمود بشارخان (خاقان کمال الدین) ۸۱  
 محمود بلخی (شمس الدین) ۹۵  
 محمود بن ابراهیم غزنوی (سیف الدوله ابوالقاسم) ۴۳  
 محمود بن ابوبکر ارموی (سراج الدین ابوالثنا یا) ۱۵۰  
 محمود بن ابوبکر حسین بن جعفر فراهی (ابونصر) ۲۷۵، ۹۰  
 محمود بن ابوبکر سمرقندی گورمیری (جلال الدین) ۱۵۵  
 محمود بن احمد جام (صفی الدین یا اصل-

الدین) ۷۲۰  
 محمود بن احمد نیشابوری (اعام بیان الحق) ۷۲۸  
 محمود بن اسحق سیارستانی شهابی ۴۶۴، ۴۷۶  
 محمود بن الحسن بغدادی (ابوالحسن) ۷۱۴  
 محمود بن الیاس شیرازی (نجم الدین) ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰  
 محمود بن امیر احمد قاری یزدی (نظام-الدین) ۳۲۰  
 محمود بن امیر خوند میر (میر) ۲۴۱، ۳۵۸  
 محمود بن امیر مبارزالدین (شاه) ۱۸۴، ۲۰۸  
 محمود بن امیر بعین الدین طغرائی فریومدی ابن یمین (فخر الدین) ۲۰۰-۲۰۱، ۲۲۶، ۷۶۱  
 محمود بن بشارهروی (فرید الدین) ۹۵  
 محمود بن پیر کرد بن امیر شروانی ۳۳۷  
 محمود بن جمال الدین وزیر اصفهانی ۷۶۰  
 محمود بن حامدی ۷۹۲  
 محمود بن حسن بغدادی (ابوالحسن) ۷۱۴  
 محمود بن حسن بن محمد فرکوی قادری ۷۱۸  
 محمود بن حسن حسینی واعظ شیرازی شاه داعی (نظام السدین) ۱۶۹، ۲۳۵، ۲۸۲، ۷۴۲، ۳۱۱  
 محمود بن حسن ذراق ۳۰، ۷۱۲-۷۱۴  
 محمود بن حسن ذراق نمشاپوری (ابوالحسن) ۷۱۴  
 محمود بن خلیفه (سراج الدین) ۷۲۱  
 محمود بن خواجگی خضر بن عبیدالله احرار (خواجه عبدالشہید خاوند) ۶۳۷، ۷۸۲  
 محمود بن خوند (میر) ۲۴۱، ۳۵۸  
 محمود بن رشید الدین فضل الله (رکن-

محمود بن علی بن عماد الدین غجدوانی

(کمال الدین) ۴۰۰

محمود بن شمس الدین التتمش (ناصر الدین)

۱۸۴

محمود بن علی بن محمود مسترشدی خواجو کرمانی (کمال الدین ابوالطاهر) ۴، ۱۹۹-۲۰۸، ۲۰۰، ۷۶۰

محمود بن شمس الدین شام علی بن شاهزاده (قطب الدین) ۱۹۵

۷۳۰

محمود بن علی جهرمی (شمس الدین) ۲۸۳

محمود بن شیخ محمد گیلانی (خواجه عماد الدین فاوان یا قاوان یا کاوان) ۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹، ۷۹۸، ۷۹۵

محمود بن علی حسنی گلستانه (سید) ۲۱۷، ۷۶۵

محمود بن صابن الدین الیاس بن سترباریک شیرازی (نجم الدین صابن الاسلام) ۳۰۸-۳۰۷، ۱۵۳

محمود بن علی کاشانی نطنزی (مزال دین)

محمود بن صابن الدین الیاس طیب شیرازی (نجم الدین) ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰

۱۹۲، ۱۴۲

محمود بن صدر الشریعه عبیدالله محوی حنفی ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۷، ۷۳۴

رسگری ربیعتی (قاضی) ۴

محمود بن ضیاء الدین محمد ۲۵۸

محمود بن عمر جوهری زرگر هروی (ابو-المحامد) ۳۶

محمود بن ضیاء الدین محمد کرمانی (خواجه افضل الدین) ۳۰۸-۳۰۷

محمود بن عمر نجاشی نیشاپوری (حمید الدین) ۷۵۵

محمود بن ضیاء الدین مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی (علامه قطب الدین) ۱۴۷، ۳۸۹، ۷۳۲، ۷۴۵

محمود بن قوام قاضی رانستان ۲۷۲

محمود بن عبدالجلیل واصفی تاشکندی هروی (زین الدین) ۲۵۳، ۳۴۸، ۵۵۹-۵۷۸

محمود بن محمد بن عبداللہ (حکیم) ۷۸۲

محمود بن عبدالکریم شستری (سعد الدین یا نجم الدین) ۱۶۹، ۳۴۱، ۷۴۲

محمود بن محمد بن قرام اردستانی ۲۷۱

محمود بن عبدالله فرغانی (شرف الدین) ۱۹۵

محمود بن محمد بن ملک شاه ۹۶، ۷۱۷، ۷۲۶-۷۲۷

محمود بن عبدالله مرقسی (شرف الدین) ۴

محمود بن محمد چنبد ۲۱۵

محمود بن عبدالملک بن ابوتوبه مروزی خوارزمی (نصیر الدین ابوالقاسم) ۸۸، ۱۳۰

محمود بن محمد چنبدی ۶۶۳، ۶۹۱، ۸۰۷، ۷۸۲

محمود بن محمد دلشاد شروانی ۲۷۳

محمود بن محمد حیدر گورکن ۳۸۰

محمود بن محمد دهن دار عیانی شیرازی (معین الدین ابومحمد) ۳۹۷، ۶۵۶، ۸۳۷، ۸۰۷، ۷۰۹

محمود بن محمد قاضی زاده رومی مریم چلبی ۲۸۸، ۲۸۱

محمود بن محمد گیلانی فاوان یا قاوان یا کاوان (خواجه عماد الدین) ۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹، ۷۹۵، ۷۹۸

محمود بن محمد میر ۲۷۱

محمود بن محمد هروی (زین الدین) ۱۹۴

محمود بن محمد علی گلستانه ۲۱۷

محمود بن عثمان ۲۵۹

محمود بن عثمان لامی برسوی ۲۸۹-

۱۰۳۸

محمود بن مسعود شیرازی (عمادالدین)  
۳۹۹  
محمود بن مظفر بن ابوتوبه (نصیرالدین  
ابوالقاسم) ۱۳۰، ۸۸  
محمود بن مظفر بن عبدالملک بن ابوتوبه  
مروزی خوارزمی (نصیرالدین  
ابوالقاسم) ۱۳۰، ۸۸  
محمود بن ملک‌شاه (ناصرالدین) ۸۰  
محمود بن ملک‌نصیرالدین (رکن‌الدین)  
۱۵۷  
محمود بن هدایت‌الله افوشه‌ای نطنزی  
۳۵۸  
محمود بن یحیی بن عبداللطیف اوده‌ی  
چراغ‌دهلی (نصیرالدین) ۱۹۵ -  
۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۲، ۷۵۳ - ۷۵۶،  
۷۵۹  
محمود بن یمین‌الدین فریومندی ابن یمین  
(فخرالدین) ۲۰۰، ۴ - ۲۰۱، ۲۲۶،  
۷۶۱  
محمود بوزجانی (تاج‌الدین) ۷۲۱  
محمود بیک بن عبدالله فونی تبریزی ۵۱۴،  
۵۳۲، ۸۳۲  
محمود بیک سالم ۵۰۵  
محمود بیک ظریفی ساوجی ۵۳۶  
محمود پادشاه سمرقند (سلطان) ۲۴۰  
محمود پاشا عدنی ۸۰۱ - ۸۰۳  
محمود پیرلاس ۳۴۷  
محمود پیسخانی ۴۲۴، ۵۲۰، ۷۸۴ - ۷۸۵  
ر. محمود بساخوانی  
محمود بیارو گجراتی (ملک) ۵۴۱  
محمود تبریزی (ملک) ۲۲۴، ۷۴۹  
محمود تربتی ۳۴۷  
محمود تربتی (سلطان) ۶۹۴  
محمود جان (شاه) ۳۴۵  
محمود جوهری مستوفی (حمیدالدین)  
۹۹  
محمود چلبی ۸۱۱  
محمود حداد اشنوی یا اشنه‌ی (تاج‌الدین)

محمود حفظی تبریزی (حاج) ۶۹۶  
محمود حیدر ۴۵۰  
محمود خان ۷۱۹  
محمود خان (سلطان) ۵۰۱  
محمود خان بن خان احمد خان ۳۸۷  
محمود خان بن مظفر (سلطان) ۶۸۹  
محمود خان دوفلات ۶۸۱  
محمود خان والی دیاربکر (سلطان) ۴۱۰  
محمود خجندی (جمال‌الدین) ۱۰۲  
محمود خردی ۵۱۶  
محمود خطاط ۱۸۱  
محمود خطاط (خواجه) ۶۵۹  
محمود خوشنویس (زین‌الدین) ۴۶۴  
محمود دوم بهمنی (سلطان) ۲۴۱  
محمود دهدار شیرازی (معین‌الدین ابو-  
محمد محمود بن محمد هیانی) ۳۹۷،  
۶۵۶، ۷۰۹، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۳۷  
محمود رفیقی مشهدی (کمال‌الدین) ۳۳۳،  
۸۱۶  
محمود رهی مشهدی (شاه) ۵۲۶  
محمود زنکی ۳۴۷  
محمود زنکی عجم قلندر کرمانی (چارل-  
الدین) ۷۷۰  
محمود سبزواری ۳۴۷  
محمود سر بنداری امیر ۴  
محمود سلاجوقی ۱۱۹  
محمود سلطان ۳۱۰  
محمود سلطان بن جانی بیک ۶۷۹ - ۶۸۰  
محمود سلطان بن شاه بوداق سلطان بن  
ابوالخیر خان بن دولت شیخ‌اغلق بن  
ابراهیم بن یولاد بن منگو تیمور بن  
بداکول بن جوجی بنا بهادر بن شیبان  
ابن جوجی بن چنگیز ۴۸۶  
محمود سنجانی خوافی (شاه رکن‌الدین)  
۲۱۷، ۷۲۴  
محمود سیاقی هروی (میرزا) ۵۹۸ - ۵۹۹  
محمود سیستانی (شاه) ۷۷۸  
محمود شاه ۸۰۵

محمود شاه (ابوالمظفر) ۳۹۸	۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود شاه (جلال الدین) ۱۸۰	۷۹۸، ۷۹۵
محمود شاه (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۷۵	محمود قتالی خوارزمی پوربای ولی (یهلوان) ۷۷۰
۲۲۲	محمود قمری نظام اصفهانی (نظام الدین) ۱۷۲
محمود شاه آل مظفر ۷۵۲	محمود کابلی (ضیاء الدین) ۹۵
محمود شاه اول بایقرا ۲۵۴	محمود کاتب هروی ۳۴۷
محمود شاه بن احمد شاه بن مظفر شاه ۲۳۲	محمود کاخکی قهستانی ۳۴۷
محمود شاه بن علاء الدین حسن کانکوی بهمنی ۷۶۸، ۷۶۲-۷۶۱	محمود کاوان یا قاوران یا قاوران (عماد الدین) ۲۵۹، ۳۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود شاه بهمنی (سلطان) ۶۴۶	۷۹۸، ۷۹۵
محمود شاه بهمنی (شهاب الدین) ۷۹۸	محمود کتبی یا گیتی ۱۸۵، ۲۵۷
محمود شاه بیگار ۷۷۴	محمود کرمانی (حاج) ۲۲۵
محمود شاه دوم (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۷۵	محمود کوتوال ۲۲۳
۲۲۲	محمود گلستانه ۲۱۷، ۲۶۵
محمود شاه گجراتی ۷۷۴، ۲۴۲	محمود گیتی یا کتبی ۱۸۵، ۲۵۷
محمود شبستری ۱۶۹، ۲۰۱-۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸	محمود گیلانی ۶۵۹
۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲، ۷۵۲	محمود لنگرودی ۳۴۷
۷۷۳، ۷۵۶-۷۵۵	محمود محوی منشی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱
محمود شمس (امیر سیف الدین) ۱۷۰	محمود محوی هندوستانی (میر) ۶۸۹
محمود شیرازی (خواجہ جلال الدین) ۴۳۹	محمود مخلص نیشابوری (شاه) ۶۵۹
محمود شیرین مغربی (شمس الدین) ۲۰۹	محمود مذهب (نجم الدین) ۲۱۵
محمود طاهر غزالی (نظام) ۷۵۵	محمود مرشد میر جان اسفرغابادی (جلال الدین) ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹
محمود طبیب (سلطان) ۶۳۳	محمود مرشدی ۶۵۹
محمود طهرانی (شاه) ۳۴۵	محمود مزدقانی ۷۵۳
محمود عارفی هروی ۳۰۲-۳۰۳	محمود مشکی تبریزی ۳۴۷، ۷۰۵
محمود عشقی کاشانی (عزالدین) ۴۴۳، ۴۷۰	محمود مظفرین عبدالملک بن ابوتوبه ۸۲۹
۷۶۱	محمود عطار ۷۶۱
محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۴۱-۴۴	محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۲، ۴۱-۴۴
۴۵، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۷۲، ۷۵، ۱۲۹	۴۵، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۷۲، ۷۵، ۱۲۹
۱۳۵، ۱۵۶، ۳۵۱، ۴۱۹، ۷۱۵	۱۳۵، ۱۵۶، ۳۵۱، ۴۱۹، ۷۱۵
۷۴۶، ۷۲۶	۷۴۶، ۷۲۶
محمود خوان یا قاوران یا کاوان (عماد الدین) ۷۸۹، ۷۸۴، ۷۷۶، ۳۳۰، ۲۵۹	محمود خوان یا قاوران یا کاوان (عماد الدین) ۷۸۹، ۷۸۴، ۷۷۶، ۳۳۰، ۲۵۹
۷۹۸-۷۹۵	۷۹۸-۷۹۵
محمود قاضی (شمس الدین صابن) ۲۲۶	محمود قاضی (شمس الدین صابن) ۲۲۶
محمود قاوران یا قاوران یا کاوان (عماد الدین) ۶۳۴	محمود قاضی (شمس الدین صابن) ۲۲۶

محمود بن مسعود شیرازی (عمادالدین)

۳۹۹

محمود بن مظفر بن ابوتوبه (نصیرالدین)

ابوالقاسم (۱۳۰، ۸۸)

محمود بن مظفر بن عبدالملک بن ابوتوبه

مروزی خوارزمی (نصیرالدین)

ابوالقاسم (۱۳۰، ۸۸)

محمود بن ملکشاہ (ناصرالدین) ۸۰

محمود بن ملک نصیرالدین (رکنالدین)

۱۵۷

محمود بن هدایه الله افوشه ای نطنزی

۳۵۸

محمود بن یحیی بن عبداللطیف اودهی

جراغدهلی (نصیرالدین) ۱۹۵ -

۱۹۶، ۲۲۳، ۲۴۳، ۷۵۴ - ۷۵۶،

۷۵۹

محمود بن یمین الدین فریومدی ابن یمین

(فخرالدین) ۲۰۰، ۲۰۱ - ۲۲۶،

۷۶۱

محمود بوزجانی (تاجالدین) ۷۲۱

محمود بیک بن عبدالله فسونی تبریزی ۵۱۴،

۵۳۲، ۸۳۲

محمود بیک سالم ۵۰۵

محمود بیک ظریفی سارجی ۵۳۶

محمود پادشاه سمرقند (سلطان) ۲۴۰

محمود پاشا عدنی ۸۰۱ - ۸۰۲

محمود پیرلاس ۳۴۷

محمود پیخان ۴۲۴، ۵۳۰، ۷۸۴ - ۷۸۵

ر. محمود بساخوانی

محمود بیارو گجراتی (ملک) ۵۴۱

محمود تبریزی (ملک) ۲۲۴، ۷۴۹

محمود تربتی ۳۴۷

محمود تربتی (سلطان) ۶۹۴

محمود جان (شاه) ۳۴۵

محمود جوهری مستوفی (حمیدالدین)

۹۹

محمود چلبی ۸۱۱

محمود حداد اشنوی یا اشنهی (تاجالدین)

محمود حنفی تبریزی (حاج) ۶۹۶

محمود حیدر ۳۵۰

محمود خان ۷۱۹

محمود خان (سلطان) ۵۰۱

محمود خان بن خان احمد خان ۳۸۷

محمود خان بن مظفر (سلطان) ۶۸۹

محمود خان دوغلات ۶۸۱

محمود خان والی دیاربکر (سلطان) ۴۱۰

محمود خجندی (جمالالدین) ۱۰۲

محمود خرده بی ۵۱۶

محمود خطاط ۱۸۱

محمود خطاط (خواجه) ۶۵۹

محمود خوشنویس (زینالدین) ۴۶۴

محمود دوم بهمنی (سلطان) ۲۴۱

محمود دهنار شیرازی (عینالدین ابو -

محمد محمود بن محمد عیانی) ۳۹۷،

۶۵۶، ۷۰۹، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۲۷،

محمود رفیقی مشهدی (کمالالدین) ۳۳۳،

۸۱۶

محمود رهی مشهدی (شاه) ۵۲۶

محمود زنگی ۲۴۷

محمود زنگی عجم قلندر کرمانی (چارل -

الدین) ۷۷۰

محمود سبزواری ۳۴۷

محمود سربداری (امیر) ۴

محمود سلجوقی ۱۱۹

محمود سلطان ۳۱۰

محمود سلطان بن جانی بیک ۶۷۹ - ۶۸۰

محمود سلطان بن شاه بوداق سلطان بن

ابوالخیر خان بن دولت شیخ اغلقی بن

ابراهیم بن پولاد بن منگو تیمور بن

بداکول بن جوجی بنا بهادر بن شیبان

ابن جوجی بن چنگیز ۴۸۶

محمود سنجانی خوافی (شاه رکنالدین)

۲۱۷، ۷۲۳

محمود سیاقی هروی (میرزا) ۵۹۸ - ۵۹۹

محمود سیستانی (شاه) ۷۷۸

محمود شاه ۸۰۵

محمود شاه (ابوالمظفر) ۳۹۸	۲۵۹، ۲۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود شاه (جلال الدین) ۱۸۰	۷۹۸، ۷۹۵
محمود شاه (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۷۵	محمود قتالی خوارزمی پوربای ولی (چهلوان) ۷۷۰
۲۲۲	محمود قمری نظام اصفهانی (نظام الدین) ۱۷۲
محمود شاه آل مظفر ۷۵۲	محمود کابلی (ضیاعا لدین) ۹۵
محمود شاه اول بایقرا ۲۵۴	محمود کاتب هروی ۳۳۷
محمود شاه بن احمد شاه بن مظفر شاه ۲۴۲	محمود کاخکی قهستانی ۳۳۷
محمود شاه بن علاء الدین حسن کافکوی بهمنی ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۸	محمود کاروان یا قاروان یا غوان (عماد الدین) ۲۵۹، ۲۳۰، ۷۷۶، ۷۸۴، ۷۸۹
محمود شاه بهمنی (سلطان) ۶۴۶	۷۹۸، ۷۹۵
محمود شاه بهمنی (شهاب الدین) ۷۹۸	محمود کتبی یا گیتی ۱۸۵، ۲۵۷
محمود شاه بیگار ۷۷۳	محمود کرمانی (حاج) ۲۲۵
محمود شاه دوم (ناصر الدین) ۱۲۵، ۱۷۵	محمود کوتوال ۲۲۳
۲۲۲	محمود گلستانه ۲۱۷، ۲۶۵
محمود شاه گجراتی ۷۷۲، ۲۴۲	محمود گیتی یا کتبی ۱۸۵، ۲۵۷
۲۰۱، ۲۰۲-۲۰۵	محمود گیلانی ۶۵۹
۲۰۸، ۲۱۵، ۲۳۱، ۷۴۲، ۷۵۲	محمود لنگرودی ۲۴۷
۷۵۵-۷۷۲	محمود محوی منشی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱
محمود شمسی (امیر سیف الدین) ۱۷۰	محمود محوی هندوستانی (میر) ۶۸۹
محمود شیرازی (خواجہ جلال الدین) ۴۳۹	محمود مخلص تیشا پوری (شاه) ۶۵۹
مغربی (شمس الدین) ۲۰۹	محمود مذهب (نجم الدین) ۲۱۵
محمود طاهر غزالی (نظام) ۷۵۵	محمود مرشد میر جان اسفرقا بادی (جلال الدین) ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹
محمود طبیب (سلطان) ۶۳۳	محمود مرشدی ۶۵۹
محمود طهرانی (شاه) ۳۴۵	محمود مزدقانی ۷۵۳
محمود عارفی هروی ۳۰۳-۳۰۷	محمود مشککی تبریزی ۳۴۷، ۷۰۵
محمود عشقی کاشانی (عز الدین) ۴۴۴، ۴۷۰	محمود مظفر بن عبدالملک بن ابونوبه ۸۲۹
۸۲۹	محمود عطار ۷۶۱
محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۲-۴۱، ۴۴	محمود (نصیر الدین ابوالقاسم) ۸۸، ۱۳۰
۴۵، ۴۲، ۵۶، ۶۴، ۷۲، ۷۵، ۱۲۹	محمود مفتی ۶۶۱
۱۳۵، ۱۵۶، ۲۵۱، ۴۱۹، ۷۱۵	محمود ملقب بمیرزا کامران (شیخ) ۴۶۹
۷۲۶، ۷۴۶	محمود منشی محوی (میر) ۴۲۲، ۸۴۱
محمود غوان یا قاروان یا کاروان (عماد الدین) ۷۹۵-۷۹۸	محمود متور ۱۸۱
۷۹۵-۷۹۸	محمود میرزا (سلطان) ۳۴۵، ۴۵۵
محمود قاضی (شمس الدین صابین) ۲۲۶	محمود میرزا تیموری (سلطان) ۲۳۲
محمود قاروان یا غوان یا کاروان (عماد الدین) ۷۹۵-۷۹۸	محمود میرزا کامران (شیخ) ۴۶۹
	محمود نجفی (مولانا کمال الدین میر) ۶۲۴



محمود نقشبندی (خواجہ) ۶۳۳

محمود نیشاپوری (امام بیان الحق) ۷۲۸

محمود نیشاپوری زرین قلم (شاء) ۶۹۳

محمود و اصفی تاشکندی هروی (زین الدین)

۵۷۸، ۵۶۰ - ۵۵۹، ۳۴۸، ۲۵۳

محمود و راق ۷۱۳ - ۷۱۲، ۳۰

محمود و راق مورخ ۷۱۲، ۳۰

محمود و راق هروی ۷۱۲

محمود و هروی هیوی ۲۷۲

محمودی ۵۶، ۲۵

محمودی (سکۃ) ۸۲۰

محتفی اردبیلی ۷۰۵

محتفی بخاری (امیر دیوانہ) ۵۷۷،

۵۸۵

محتفی حصاری ۶۸۹، ۵۵۳

یا نکالی حصاری (قاضی) ۵۹۲،

۸۲۶

محتفی هروی ۳۴۷

محدوی ۵۵۵

محدوی (جمال) ۱۷۷

محدوی (میر محمود منشی) ۸۴۱، ۴۲۲

محدوی اسدآبادی همدانی (منیث) ۴۲۲،

۸۲۰

محدوی اصفهانی ۶۵۹

محدوی بخارایی ۵۸۵

محدوی بسطامی ۳۱۸

محدوی خراسانی ۳۴۷

محدوی عطار هروی ۳۴۷، ۷

محدوی هروی ۳۴۷، ۷

محدوی هندوستانی (میر محمود) ۶۸۹

محدوی (قطب) ۳۹۶، ۲۶۱

محدوی الدین (مولانا) ۳۴۷

محدوی الدین ابن العربی ۱۱۶، ۱۶۴

۷۴۹، ۶۷۰، ۳۹۴، ۲۸۸، ۱۷۳

۷۸۴، ۷۵۷

محدوی الدین ابوزکریا یحیی نووی ۴،

۳۵۶

محدوی الدین بن بدر الدین اناری ۸

محدوی الدین بن شیخ صفی الدین اردبیلی

۲۱۲

محدوی الدین سرقلج ارسلان ۷۳۷

محدوی الدین پیر محمد بن علاء الدین علی

فنائی ۲۷۶

محدوی الدین عباسی ۱۳۸

محدوی الدین عبدالعزیز انصاری ۲۴۳

محدوی الدین عبدالقادر گیلانی ر. عبدالقادر

محدوی الدین غزالی طوسی (شیخ) ۲۹۴

محدوی الدین گوشه کنار (مولانا) ۲۶۵

محدوی الدین محمد بن عبدالاول عیدی

قزوینی تبریزی ۳۹۱

محدوی الدین محمد بن علی فنائی ۲۷۶

محدوی الدین محمد بن یحیی نیشاپوری ۸۹

محدوی الدین یحیی بن محمد نیشاپوری

۷۴۹

ودفرا:

بنوی ۲۹۴، ۱۲۶

محدوی انصاری (محدوی الدین عبدالعزیز)

۲۴۳

محدوی خوشنویس ۳۴۷

محدوی: هستانی ۴

محدوی شروانی ۳۴۷

محدوی لاری ۷۸۸، ۲۱۸

محدوی نیشاپوری ۳۴۷

مختار بن ابوعبیده ثقفی ۳۹۶

مختار سلطان شرق الدین ۵۳۳

مختاری غزنوی (سراج الدین عثمان بن

محمد) ۸۲، ۸۰، ۷۷، ۷۳

مختصر گنجہ ۱۷۹

مختوم (محمد بن عبدالباقی شربی) ۳۵۰،

۳۹۸ - ۳۹۷، ۴۷۳، ۴۴۸

مختوم نیشاپوری مدنی (میر) ۳۲۵،

۲۹۱

مخدوم (شرف الدین علی) ۳۴۶

مخدوم (امیر معین اشرف میرزا) ۳۵۰،

۸۱۵، ۴۶۹، ۴۴۸

مخدوم (معین الدین بن اشرف میرزا)

۸۱۵، ۴۶۹، ۴۴۸، ۳۵۰

مخدوم (میر) ۵۷۵

مراد آق قویونلو (سلطان) ۲۵۱	مخدوم (میرزا) ۳۵۰، ۴۴۸، ۴۶۹
مراد آل عثمان (سلطان) ۲۷۴	۸۱۵
مراد بن سلیم آل عثمان (سلطان) ۴۰۷	مخدوم (یوسف) ۷۸۳
مراد بن یعقوب بن اوزون حسن (سلطان) ۲۳۴	مخدوم اشرف (میرزا) ۳۵۰، ۴۴۸، ۴۶۹
مراد بیک ۵۰۱	۸۱۵
مراد بیک بایندر ترکمان ۶۶۷	مخدوم اعظم ۳۵۷، ۴۰۰، ۴۰۱
مراد پسر اکبر ۳۶۳	مخدوم الملك ملا عبدالله سلطان پوری ۶۴۶
مراد خان فکاری ۴۹۵، ۵۰۱	مخدوم امیر سید ابوالفتح محمد بن عبد-
مراد دوم (سلطان) ۲۳۸-۲۳۹، ۷۹۹	الباقی شریفی شیرازی (میرزا)
مراد سوم آل عثمان (سلطان) ۲۸۲، ۴۹۰-۴۹۸، ۴۹۱	۳۵۰، ۴۴۸، ۴۷۳، ۴۹۷-۴۹۸
مراد عثمانی (سلطان) ۲۷۹، ۸۴۰	مخدوم بن سید محمد بن بهاء الدین نیشابوری ۲۹۱، ۳۲۵
مراد قزوینی (ملا) ۶۴۳	مخدوم جهان بیان (سید جلال الدین) ۸۱۲
مراد همد، کوکه (میرزا) ۴۶۶، ۶۶۵	مخدوم حمزه (شیخ) ۵۴۰، ۸۱۳
مرادی استراپادی ۵۵۳، ۸۲۴	مخدوم شاه عالم بخاری ۵۴۱
مرادی بافتی ۶۵۹	مخدوم شرف شیرازی (میرزا) ۴۹۸
مرادی بخارایی (ابوالحسین محمد) ۲۱	مخدوم شریفی (میرزا) ۳۵۰، ۴۴۸، ۴۷۳، ۴۹۷-۴۹۸
مراغه (قاضی) ۱۷۸	مخدوم قادری (محمد) ۵۴۰
مراغی ۷۶۰	مخدوم نیشابوری (امیر) ۷۸۶، ۷۹۱
مرتاض هروی (حیر) ۲۳۴	مخدومی گرگانی (ابو شریف احمد بن علی) ۵۶، ۲۳
مرتضی (سید) ۱۷۹	مخلص نیشابوری (شاه محمود) ۶۵۹
مرتضی اشرف الدین ۱۷۸	مخلص بدخشانی (مولانا) ۶۰۱
مرتضی (میر شاه) ۵۰۴	مخلص بدخشانی (مولانا صالح) ۵۹۰
مرتضی بن داعی بن قاسم حسینی رازی (سید صفی الدین) ۷۲، ۱۳۰	مخلص بینسی (حسن) ۵۳۱
مرتضی داعی رازی (سید) ۷۲، ۱۳۰	مخلص سبزواری ۵۱۹
مرتضی سمنانی سیوستانی ۶۵۹، ۸۳۷	مدامی بدخشی ۵۵۳
مرتضی شریفی شیرازی ۴۵۷، ۵۵۲، ۶۸۲	مدامی همدانی حیدری ۵۵۴
مرتضی علم الهدی (سید) ۷۲، ۱۳۰، ۱۴۴	مدون (شهاب) ۳۴۵
مرتضی علمی (میر) ۵۴۹	مدون بن محمد نیشابوری ۷۸۱
مرتضی قلی بیک مجرم شاملو ۶۵۸	مدیحی ۳۴۷
مرتضی نظام شاه بحری ۴۴۳، ۸۳۱	مذاقی (خواجه قاسم) ۸
مرتضی نظام شاه دیوانه ۴۳۳	مذاقی (محمد بیک) ۴۹۶
مرتضی منظمی زاده بغدادی ۲۷۹	مذاقی اصفهانی ۶۴۸
مرجان سمرقندی (میرزا قاسم) ۵۹۱	مذاهب اربعه ۱۲۷
مردمی (میر محمد هاشم) ۴۹۹	مراد (شاه) ۴۱۶، ۸۲۴
مردمی کاشانی (مولانا حاج) ۵۲۵	د (شاهزاده سلطان) ۵۵۲

مسعود (قاضی) ۳۱۵  
 مسعود بن ابن نصرتی ۱۸۰  
 مسعود اصقهای ۶۵۹  
 مسعود امید رازی ۲۱۵  
 مسعود بخارایی ۷۵۵  
 مسعود بخاری (خواجه) ۲۹۶  
 مسعود بن ابراهیم غزنوی (جلال الدوله)  
 ۷۷، ۶۳، ۴۲  
 مسعود بن احمد بن عبدالعزیز بن سازه  
 بخارایی (تاج الدین) ۹۹  
 مسعود بن ارسلان (جهان پهلوان نصرت)  
 الدین) ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲  
 مسعود بن اسعد بن محمود (اسعد المالك)  
 فخر الدین) ۹۸  
 مسعود بن بهمن کرمانی (فخر الدین)  
 ۸۹  
 مسعود بن جمال الدین سلیمان بن شعیب  
 ابن محمود بن یوسف بن شهاب الدین  
 فرخشاء کابلی بن فخر الدین محمود بن  
 سلیمان بن مسعود بن عبدالله واعظ  
 الاصفهین ابوالفتح واعظ الاکبر بن  
 اسحق بن ناصر بن عبدالله بن عمر بن  
 خطاب (فرید الدین شکر گنج با گنج  
 شکر دهلوی) ۱۱۳، ۱۵۵، ۱۵۶  
 ۷۵۹، ۷۴۸، ۷۳۵، ۷۲۳، ۲۱۸  
 مسعود بن حسن قلی طمناج خان (رکن الدین)  
 ۹۸  
 مسعود بن خواجه حسن بیک برجرودی  
 (خواجه) ۵۲۲  
 مسعود بن روز بهان ثانی (عز الدین)  
 ۷۲۲  
 مسعود بن سعد بن سلمان ۴۲-۴۴، ۷۶  
 ۷۲۶، ۱۰۱، ۹۷  
 مسعود بن سعد شالی کوب (حمید الدین) ۷۹  
 مسعود بن شمس الدین محمد صاحب دیوان  
 ۷۴۱  
 مسعود بن صاعد بن مسعود (رکن الدین)  
 ۷۳۰  
 مسعود بن عثمان کوهستانی ۳۵۵

مرزبان (سالار) ۴۷  
 مرزبان بن جستان ۴۷  
 مرزبان بن رستم بن شروین باوندی ۱۴۰  
 مرزبان فارسی (رفیع الدین) ۸۹  
 مرشد الدین شاه عبدالله معروف بسید میرزا  
 ۷۸۱، ۲۴۶  
 مرشد الدین عبدالله ۷۸۱، ۲۴۶  
 مرشد الدین عمری ۳۴۶  
 مرشد الدین قاضی ۱۸۱  
 مرشد برجرودی ۶۹۰  
 مرشد خراسان ۷۹۱  
 مرشد درویش یسوی ۴۰۶  
 مرشد قلی خان استاجلو ۶۶۷، ۴۹۶  
 مرشدی (محمود) ۶۵۹  
 مرشدی (مولانا درویش) ۳۳۴  
 مرشدی زواره ای (ملا محمد) ۷۰۸  
 مرصع ۲۵  
 مرواریدی ۲۵  
 مروزی (زبان) ۳۴  
 مروی ۳۴۷  
 مروی (ابن علی) ۶۴۸  
 مریم چلبی (محمود بن محمد قاضی زاده  
 رومی) ۳۸۸، ۲۸۱  
 مزدوقی (نظام الدین) ۲۲۵  
 مزید ترخان ۶۷۹  
 مزید طبیب (مولانا محمد) ۶۲۲، ۶۲۰  
 مسترشد بالله عباسی ۱۱۹  
 مستعصم عباسی ۷۳۲، ۱۴۶  
 مستغنی کشمیری (ملا محمد امین) ۶۴۸  
 مستنصر بالله فاطمی ۵۱  
 مستوفیان سبزوار (خاندان) ۳۰۳  
 مسرور بن محمد طالقانی (ابوالفضل)  
 ۴۱  
 مسرور خراسانی (ابوالفضل مسرور بن  
 محمد طالقانی) ۴۱  
 مسعود (خواجه) ۳۴۷  
 مسعود (شمس الدین) ۱۲۸  
 مسعود (ضیاء الدین) ۷۷۵  
 مسعود (عز الدین) ۱۰۵

مسعود بن علی بن عمر الصراف (ابو عبدالله)  
۷۲۹  
مسعود بن کیکاوس (ملک فیث الدین) ۷۵۱  
مسعود بن محمد امامزاده (رکن الدین)  
۱۰۰  
مسعود بن محمد بن علی اندخودی (علاء -  
الدین) ۹۵  
مسعود بن محمد بن ملک شاه سلجوقی ۷۷  
۸۶، ۸۴ - ۷۲۷، ۱۱۹، ۱۰۳، ۸۷  
مسعود بن محمود بن یوسف سمرقندی  
۱۵۵  
مسعود بن محمود غزنوی ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۳۶  
۴۱ - ۴۲، ۴۹، ۶۴، ۶۵  
مسعود بن نصرتی (ابن نصرتی) ۱۸۰  
مسعود بیک بخاری (احمد بن محمد نخشی)  
۷۷۲ - ۷۷۳  
مسعود ترکمان ۳۴۷  
مسعود ترکه (خواجه رکن الدین) ۳۴۷  
مسعود خجندی (کمال الدین) ۱۰۱، ۱۹۴  
۲۱۰ - ۲۱۱، ۲۹۶، ۲۴۱، ۳۵۳  
مسعود دولتیار بخارایی (سعد الدین)  
۹۴  
مسعود رازی (امام) ۴۲  
مسعود رازی (قاضی) ۶۸۸  
مسعود سعد سلمان ۴۲ - ۴۴، ۷۶، ۷۹، ۹۷  
۱۰۱، ۷۲۶  
مسعود سیرجانی (شهاب الدین) ۱۹۷  
۷۳۵  
مسعود سیفی حسینی رازی (قاضی) ۸۲۲  
مسعود شاه اینجو (جلال الدین) ۲۱۴  
۲۱۶  
مسعود شروانی (کمال الدین) ۲۶۶، ۴۳۲  
۸۰۶  
مسعود قعی (خواجه) ۳۱۶  
مسعود ثنیانی (رفیع الدین) ۱۶۵، ۷۳  
مسعود مهندس نخجوانی (امیر الدین)  
۱۰۸  
مسعود میرزا تیموری (سلطان) ۲۳۲  
مسعود نوکی غزنوی (سعد الدین) ۷۹

مسعود نیکی اصفهانی (زین الدین) ۵۱۱  
۵۲۲، ۶۳۴، ۶۵۹، ۸۳۲  
مسعود وراق ۴  
مسعود هروی (ملائیم الدین) ۶۵۹  
مسعودی ۳۴۰  
مسعود یاقوتی چولاهه ۱۰۰  
مسعود یزدی (قطب الدین) ۷۶۷  
مسعودی مروزی ۱۹  
مسعودی مروزی (فخر الدین) ۸۹  
مسعودی هروی ۳۴۷  
مسکویه (ابوعلی) ۱۲۳  
مسلمانان ۱۶، ۱۰۳، ۱۵۲، ۳۸۸  
مسلمانی ۳۶۳  
مسلمی (ابوالمعالی محمد) ۷۲۸  
مسلمی اسفراینی ۳۴۷  
مسیب خان بن محمد خان شرف الدین اخلو  
تکلو ۴۹۴  
مسیب خان بن محمد خان تکلو ۴۶۰  
مسیب خان تکلو ۴۹۴  
مسیب خان شرف الدین اخلو تکو ۴۹۳  
۴۹۶، ۸۳۱  
مسیب هروی ۳۴۷  
مسیح الدین حکیم ابوالفتح ۴۱۷، ۴۲۵  
۵۴۱، ۵۴۹، ۶۶۲، ۶۸۶، ۸۳۳  
مسیح الدین عیسی (قاضی) ۷۰۹  
مسیح الدین عیسی ساوجی (قاضی) ۲۴۶  
۷۹۶  
مسیحایی ۵۹۰  
مسیحی (فخر الدین محمد بن محمود پوشنگی)  
۷۵۷  
مسیحی یا مسیحای کاشانی (حکیم رکن الدین)  
۶۶۲  
مسیحی بلخی ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۸۹  
مسیحی تبریزی ۷۰۵  
مسیحی فوشبخی ۳۴۷  
مشتاق (شیخ رزق الله بن سعد الله دهلوی)  
۳۶۰، ۷۹۸  
مشتی استرابادی ۳۴۷  
تکلو ۵۰۷، ۸۳۱

مشرقی قمی ۵۲۲

مشرقی مشهدی ۳۴۷

مشرق ۱۷۹

مشرق ممالك خراسان (فخرالدین بن

عزالدین فرید) ۹۵

مشرقی ۳۴۷

مشرقی (خواجہ عبدالرحیم بن شمس الدین

محمد اقطابی خلوتی تبریزی) ۷۴۲

۷۹۵

مشرقی (میرزا ملک) ۶۹۹

مشرقی مشهدی ۳۴۷

مشرقی هروی ۳۴۷

مشغولی (محمد عارف بقایی) ۴۲۸، ۴۰۳

۸۰۸، ۶۰۴، ۵۹۴

مشغولی (ملا بقایی) ۴۰۳، ۴۲۸، ۵۹۴

۸۰۸، ۶۰۴

مشقی (پیر مراد) ۲۰۶

مشقی بخاری (ملا عبدالرحمن) ۴۲۱، ۷

۵۸۳، ۵۷۷، ۵۷۵، ۵۷۱، ۵۶۸

۵۸۹، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۹۳، ۵۹۷

۸۳۶، ۸۰۸، ۶۰۴، ۶۰۰

مشقی بلخی ۲۵

مشقی سنبلی (شیخ مکین) ۶۵۹

مشقی کاشانی کرباس فروش ۶۸۹

مشکان (ابونصر احمد بن عبدالصمد) ۳۰

۶۵-۶۴

مشکور ۲۵

مشکی اصفهانی ۵۲۱

مشکی تبریزی (علابیک) ۷۰۵

مشکی تبریزی (میر محمود) ۴۳۷، ۷۰۵

مشهدی ۸۲۴، ۷۶۴، ۶۸۳، ۵۳۴، ۲۴۷

مشهدی (میرزا) ۶۳۴

مصری ۵۷۰

مصریان ۴۷۸

مصطفی بن سلطان سلیم (سلطان) ۳۹۲ -

۳۹۳

مصطفی بن سلیمان (سلطان) ۴۸۰، ۳۳۸

مصطفی بن شعبان سروری (مصلح الدین)

۸۰۷، ۳۹۲، ۲۰۶

مصطفی رومی (ملا) ۶۲۳، ۸

مصطفی رومی (مولانا صفی الدین) ۸،

۶۲۳

مصطفی میرزا صفوی (سلطان) ۴۹۳ -

۴۹۴

مصعبی (ابوطیب) ۴۱

مصلح الدین ابو محمد عبدالله بن مشرق بن

مصلح بن مشرف سعدی شیرازی ۸، ۷

۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲

۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۳

۲۰۰، ۲۲۲، ۲۲۹، ۳۹۰، ۳۹۳

۴۱۵، ۴۲۵، ۴۶۵، ۵۱۲، ۶۲۶

۶۹۲، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۸۱۱

مصلح الدین لاری ۳۵۵-۳۵۶

مصلح الدین محمد بن صلاح بن جلال بن

کمال بن محمد انصاری سعدی عبادی

شافعی لاری ۳۵۵-۳۵۶

مصلح الدین مصطفی بن شعبان سروری

۲۰۶، ۳۹۲، ۸۰۷

مطرزی (جمال الدین) ۷۵۵

مطلعی ۱۸۱

مطلعی بدخشانی ۵۸۹-۵۹۰

مطهر (سید) ۳۴۷

مطهر باخرزی (جمال الدین) ۳۱۳

مطهر بلخی (ابوالمعالی) ۷۳۷

مطهر بن احمد جام (شمس الدین) ۷۲۱

مطهر بن عبدالله بن علی حسینی (سید -

عزالدین) ۲۱۵

مطهر کره (سید) ۲۲۳، ۷۶۰

مطهری کشمیری ۴۲۶

مطیع بلخی (العبادال) ۳۱۷، ۷۸۸

مظفر (آل) ۱۳۴، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵

۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸

۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۳

۷۶۸

مظفر اسفزاری (ابوحاتم) ۵۵، ۶۰، ۷۰

۱۲۷

مظفر الدین (ملک) ۲۲۴، ۷۴۹

مظفر الدین ابوالعازی شمس الدین بن

کمال الدین محمد ۲۵۶

مظفرالدین ابونصر سلطان حسن بهادر  
۳۱۲  
مظفرالدین ازبک (انابیک) ۱۱۳۰، ۱۱۵۸،  
۷۲۹  
مظفرالدین باکلی خاوار ۷۵۵  
مظفرالدین جهانشاه بن یوسف قراقریونلو  
۲۲۴-۲۲۵، ۲۵۳، ۲۶۱، ۳۰۵،  
۳۴۴، ۵۰۵، ۷۰۰، ۷۹۴-۷۹۵  
مظفرالدین حسرتی ۴۴۴  
مظفرالدین شیرازی ۱۶۹  
مظفرالدین علی شیرازی (شاه) ۷۴۲  
مظفرالدین محمد بن مبارز ۱۷۹  
مظفریتکچی (سیفالدین) ۴۴۶  
مظفر برلاس ۶۱۷، ۶۲۷  
مظفر بن ابوزر قیزدانی خوافی مظفر  
خوافی (شهابالدین) ۷۷۰  
مظفر بن اردتیر عبادی (ابومنصور) ۷۵۷  
مظفر بن محمد حسینی شقایب اصفهانی  
۳۹۹، ۵۱۷، ۸۰۲، ۸۰۸  
مظفر بن محمد نیشابوری (خواجه عمید  
ابوالفتح) ۵۲  
مظفر بن محمود شاه (سلطان) ۷۸۸  
مظفر بیک رنگ رزگرمانی ۵۳۵  
مظفر پنجه‌دهی ۳۵  
مظفر تبریزی ۱۷۹  
مظفر ترک ۶۲۵  
مظفر جمعی گنا بادی ۸۸  
مظفر حسین میرزا تیموری ۳۰۸، ۴۴۶،  
۶۷۰-۶۷۱، ۶۸۰-۶۸۱  
مظفر خان بن جوامرد علی خان ۵۶۸،  
۵۷۲  
مظفر خوافی ۷۷۰  
مظفر سلطان ۳۸۶  
مظفر سلطان (امیر دیباج) ۳۸۹  
مظفر سلطان شیبانی ۵۷۳-۵۷۴  
مظفر شاه اول ۳۸۳  
مظفر شاه دوم ۳۸۳، ۸۳۹  
مظفر شاه سوم ۳۶۷  
مظفر شانکاره (شاه) ۷۶۷

مظفر طیبی کاشانی ۶۸۵  
مظفر علی پسر مولانا حیدر علی ۴۵۸  
مظفر علی نقاش تربتی ۵۲۵  
مظفر گنا بادی (ملا محمد قائم بن مظفر)  
۳۸۵، ۸۰۷  
مظفر گونا بادی ۶۶۰  
مظفر معمار (خواجه) ۳۴۷  
مظفر هروی خاقانی دوم ۲۰۸-۲۰۹  
مظفری (قرن پنجم) ۲  
مظفری (قرن چهارم) ۲۵  
مظفرالدین علی ۳۴۶  
مظفر گجراتی ۱۸۰  
مظفر هندی ۱۸۰  
مظفری ۳۴۷  
مظفری کشمیری ۵۱۳، ۸۳۲  
معاذ بن جبل ۳۴۱  
معاذی تبریزی (اردشیر بن حسن) ۳۴۱  
معاشری ۲۵  
معتمد عباسی ۲۳۸  
معروف بندهادی ۷۷۱-۷۷۲  
معروف تبریزی ۵۲۷-۵۲۸  
معروف زاده ۸۱۱  
معروف کرخی ۶۳۰، ۷۵۳  
معروفی بلخی (ابوعبدالله) ۲۲  
معزالدین ۸۰  
معزالدین ابوالحسین محمد کرت ۷۶۱  
معزالدین ابوالفتح مبارکشاه ۲۳۶  
معزالدین اویس بهادر خان ایلخانی (سلطان)  
۱۸۴، ۱۸۷  
معزالدین خوافی ۲۴۷  
معزالدین سام غوری ۷۳۸  
معزالدین کاشانی ۵۰۴، ۸۳۱  
معزالدین کرت ۲۰۸-۲۰۹  
معزالدین کیقباد ۱۷۰-۱۷۱، ۷۵۱  
معزالدین محمد (امیر) ۴۳۵  
معزالدین محمد بن سام غوری ۱۵۱، ۲۲۶،  
۷۲۵  
معزالدین محمد خوشنویس ۴۴۴  
معزالدین محمد رضی یزدی ۷۷۵

معزالدين محمد فيضى اصفهانى ۴۲۸، ۶۸۷  
 معزالدين محمد كوث (ابوالحسين) ۷۶۱  
 معزالدين يوسف (امير) ۵۳۴  
 معزالسلطنه امير انشاء بن تيمور ۲۱۰- ۷۵۶، ۲۱۱  
 معزى ۳۴۷  
 معزى غزنوى (سديدالدين على بن عمر) ۷۸  
 معزى لنگ ۳۴۷  
 معزى نيشابورى (امير ابوبكر محمد بن عبدالملك) ۵۰- ۵۱، ۵۴، ۷۴، ۸۳  
 معزى هروى ۵۵۳، ۸۳۴  
 معصوم بن خواجه معين خان ۵۵۸  
 معصوم بن غم كاشانى ۶۷۲  
 معصوم بيك ۳۹۲، ۴۴۲، ۴۹۴، ۵۰۰  
 معصوم بيك (صدرالدين خان) ۵۳۰  
 معصوم بيك صفوى (ركن السلطنه) ۳۹۲، ۵۰۰، ۴۹۴  
 معصوم بيك وكيل مطلق ۵۱۸  
 معصوم خواجه (سيد) ۶۲۸  
 معصوم زيارتگاهى لاهورى ۵۵۵، ۵۵۸، ۸۳۵  
 معصوم كابلى ۵۴۲  
 معصوم ميرزا ۶۹۷  
 معصوم نامى ۳۵۸، ۸۰۲  
 معظم (خواجه) ۵۵۳  
 معمار تيريزى (عبدالسلام بنا) ۷۰۵  
 معمايى (امير حسين شفيقى) ۳۴۵  
 معمايى (جمشيد) ۳۴۳  
 معمايى (حسين حيدر نيشابورى) ۵، ۲۹۲- ۲۹۳، ۳۴۳، ۴۴۴، ۶۳۱  
 معمايى (سيد شريف) ۳۲۵  
 معمايى (شرف) ۳۲۷  
 معمايى (شمس الدين محمد بخارى) ۵، ۳۳۳  
 معمايى (شهاب) ۳۴۵، ۵۷۰  
 معمايى (كلان) ۳۴۷

معمايى (نظام الدين) ۳۱۳  
 معمايى طباطبايى رفيعى كاشانى (امير رفيع الدين حيدر) ۴۲۰، ۴۴۷، ۵۱۶، ۵۱۸، ۶۷۲، ۸۱۹  
 معمايى قمى (رئيس شهاب الدين) ۵۲۸، ۶۱۳، ۶۸۳  
 معمري گرگانى (ابوزرعه) ۲۲  
 معمورى غنايى (عبدالوهاب بن محمد حسيني) ۳۹۶  
 معموى بخاراىى ۳۵  
 معموى جونيورى ۶۸۶  
 معين (سلطان محمد) ۱۷۹  
 معين اصم ۱۶۵  
 معين الدين (خواجه) ۶۲۷  
 معين الدين آوى جوينى ۱۸۳  
 معين الدين ابوالقاسم جنيد بن محمود بن محمد بن اسعد بن مظفر بن روزبهان ابن طاهر واعظ عمري ربعى قرشى شيرازى ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۸۰، ۷۶۵  
 معين الدين ابوالمعالي عبدالصمد ۸۲  
 عياني دهدار شيرازى ۳۹۷، ۶۵۶، ۷۰۹، ۷۴۲، ۸۰۷، ۸۲۷  
 معين الدين استرايادى معينى ۵۱۸  
 معين الدين اسمعيلى ۸۰۵  
 معين الدين اشرف سمرقندى ۸۷، ۷۱۹  
 معين الدين اشرف شيرازى ۴۴۸، ۴۶۹  
 معين الدين بختيار ۱۷۹  
 معين الدين بن اشرف ميرزا مخدوم ۸۱۵  
 معين الدين بن شرف الدين حاج محمد قراهى هروى ۵۳، ۱۵۴، ۲۴۲  
 معين الدين پروانه ۱۶۴، ۷۴۱  
 معين الدين جمال الاسلام محتسب يزدى ۲۶۷  
 معين الدين حسن اشرفيا اشرفى سمرقندى (سيد) ۸۷، ۷۱۹  
 معين الدين حسن بن على كاتب معين اصم ۱۶۵

معین الدین حسن بن غیاث الدین حسن  
حسینی سگری چشتی اجمیری ۱۵۳-  
۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷،  
۷۴۸، ۷۳۸، ۵۴۱  
معین الدین حسن سگری چشتی (خواجہ)  
۱۵۳-۱۵۴، ۱۸۱، ۳۰۷، ۴۰۵،  
۷۴۸، ۷۳۸، ۵۴۱، ۵۳۷  
معین الدین حسین بن علی کاشفی بیهقی  
هروی (یا کمال الدین) ۲۴۵-۲۴۶،  
۲۸۵، ۳۰۷، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۳۷،  
۷۸۳، ۷۷۵، ۶۸۴  
معین الدین دقاق حسینی بلیانی ۶۶۰  
معین الدین سراجی بلخی ۸۹  
بین الدین سگری ۱۵۳-۱۵۴، ۱۸۱،  
۳۰۷، ۴۰۵، ۵۳۷، ۵۴۱، ۷۳۸،  
۷۴۸  
معین الدین عباسه شهرستانی ۷۵۶  
معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم  
یزدی ۱۴۲، ۱۸۴، ۲۵۷، ۷۵۲،  
۷۵۶  
معین الدین علی بن تصیر الدین هرون بن  
ابوالقاسم حسینی تبریزی قاسم انوار  
(سید) ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۳۵، ۵،  
۳۲۵، ۳۴۰، ۴۰۹، ۴۵۱، ۵۰۸،  
۷۸۶، ۷۹۱، ۸۲۲، ر. قاسم انوار  
معین الدین فتح الله ۳۴۶  
معین الدین فراهی ۳۲۷  
معین الدین کاشانی ۲۵۰  
معین الدین محمد بن رمضان فقیه زاهد  
۷۲۵  
معین الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن  
شهاب الدین اسمعیل بن قطب الدین  
محمد بن شمس الدین مطهر بن معین-  
الدین ابونصر احمد جامی ۲۱۹  
معین الدین محمد بن عبدالخالق میهنی  
۷۲۸  
معین الدین محمد بن عبداللہ بن محمد ایچی  
حسینی حسینی صفوی ۲۷۲  
ملک الدین محمد بن محمود دندار فانی

شیرازی ۳۹۷، ۶۵۵-۶۵۶، ۷۴۲،  
۸۳۷، ۸۰۷  
معین الدین محمد زمجی اسفزاری هروی  
۲۵۲  
معین الدین محمد شریفی تبریزی ۶۹۹  
معین الدین محمد معینی جوینی ۷۷۱  
معین الدین معلم یزدی ۱۴۲، ۱۸۴،  
۲۵۶، ۷۵۲، ۲۵۷  
معین الدین متیری ۸۱۷  
معین الدین ناصر بن خسرو بن حارث بن  
علی بن حسین بن علی-  
علی بن موسی الرضا (سید) ۷۱۸، ر.  
ناصر خسرو  
نالدین نطنزی ۲۸۴  
معین الدین هروی ۱۵۴، ۲۴۲  
معین الدین یزدی ۱۴۲، ۱۸۴، ۳۵۷،  
۷۵۶، ۷۵۲  
معین الفقرا (احمد بن محمود) ۳۳۷  
معین الملك ابوالمحاسن سید الرؤسا ۵۴  
معین الملك اصم ۸۹، ۱۶۵  
معین الملك حسن بن علی کاتب ۱۶۵،  
۵۵۸، ۵۵۸ (خواجہ)  
معین شیرازی ۳۴۷  
معین طنطرائی ۱۷۹  
معین مسکین (معین الدین هروی) ۱۵۴،  
۲۴۲  
معین هروی ۱۵۴، ۲۴۲  
معینی ۱۵۳  
معینی استرآبادی ۴۵۸  
معینی استرآبادی (معین الدین) ۵۱۸  
معین جوینی (معین الدین محمد) ۷۷۱  
معینی شیرازی ۳۴۷  
مع ۶۸۸  
مغربی تبریزی ۲۰۹، ۲۸۱، ۲۳۵، ۷۶۲-  
۷۶۳  
مغول ۷۳-۷۴، ۸۰، ۸۷، ۹۴، ۹۷، ۱۱۱،  
۱۱۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰-  
۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۷-  
۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۷،



مقصود ابرقوهی ۵۰۳	۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۵-۱۷۶، ۱۸۲،
مقصود بناتبریزی ۷۰۵	۱۹۸-۱۹۹، ۲۰۲، ۲۱۶، ۲۲۷،
مقصود بیک ناظر بیوتات ۵۱۷	۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۵۰، ۲۸۴،
مقصود بیک وزیر ۵۰۲	۳۶۱، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۴۳، ۷۴۴،
مقصود تیرگر هروی ۷۸۹، ۳۲۳	۷۶۲، ۷۷۶، ۸۰۳،
مقصود خرده فروش کاشانی ۸۳۲، ۵۱۶	مغول (اولوس) ۵۹۵
مقصود علی اصفهانی (ملک) ۵۳۹	مغول حصاری (محمد قلی) ۳۶۱
مقصود علی شکیبی ۵۰۶	مغول خاتم ۳۴۹
مقصود علی هروی تبریزی ۸۰۸، ۴۰۱	مغولی ۱۱۳۲، ۱۱۶۱، ۲۳۳، ۲۷۹،
مقصود غلام (امیر) ۳۴۶	مغیث الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن
مقصود قزوینی ۵۵۳	شاهرخ ۳۸، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۶۰،
مقصود کازرونی ۳۴۷	۲۹۶، ۳۰۰، ۳۲۰، ۷۹۰، ۶۹۶،
مقصود هروی ۳۴۱	مغیث الدین احمد بن شیخ اویس جلایر
مقنع ۱۶	(سلطان) ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۱۶،
مقیم (میرزا) ۵۵۱	۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۶، ۷۷۱، ۷۷۲،
مقیم سبزواری ۵۵۴	مغیث محوی اسدآبادی همدانی ۴۲۲،
مقیم کازرونی ۳۴۷	۸۲۰
مقیم کیخسروی (میرزا) ۳۴۷	مغیثی گنجوی ۱۰۸
مقیم بخاری ۳۴۷	مفتی الشقایین (نجم الدین ابو حفص عمر)
مقیم تبریزی (حسن بن شکر اوغلی)	۱۲۲
۸۳۱، ۵۰۵	مفتی بخاری (مولانا میر) ۶۳۴
مقیم ترشیزی ۳۴۷-۳۴۸	مفتی بلخی (سلطان محمد بن درویش محمد)
مقیم سزواری ۵۵۴	۸۰۸، ۳۹۸
مقیم هروی ۳۴۸	مفخر السادات ۵۷۶
مکتبی خراسانی ۲۲۱	مفضل بن سعد بن حسین مافروخی ۱۹۴
مکتبی شیرازی ۲۲۱، ۲۳۵، ۳۱۲،	مفضل بن عمر ابهری (اثیر الدین) ۱۰۳،
مکهن مشفق سنبهلی (شیخ) ۶۵۹	۱۳۹، ۱۷۳، ۳۵۶، ۳۹۳، ۷۴۳،
مکی پنجهپیری ۵۶	مفضل مهذه ۶۲۴
مکین (محمد) ۳۹۴	مفلسی مشهدی ۳۴۷
ملا (حکیم) ۵۱۴	مقبل الدین ۱۰۰
ملا اصفهانی (خواجه) ۶۱۹	مقبل کرمانی (شرف الدین) ۲۲۵، ۷۴۹،
ملا حده ۶۲	۷۷۲
ملازاده (احمد بن محمود مدین العقرا)	مقبول قمی ۳۷۰
۲۳۷	مقتدر عباسی ۲۳۸، ۲۸
ملازاده (شمس الدین بردعی حمدی بردعی)	موت بالله ۷۲۹
زاده ۳۴۰	مقدس اردبیلی (احمد بن محمد) ۳۹۶
ملازاده لاهیجانی ۶۱۷	مقدونیان ۱۱
ملاطی حسنی (امیر کیا) ۳۸۶	مقرب باکو ۱۷۹
ملا کلویچ وحید ۶۴۷	مقصودی سارچی ۵۲۶

ملکي (شرف الدين) ۱۸۱	ملا متيه ۱، ۳۳۲
ملکي بيک سرکانی ۵۱۰، ۶۶۰	ملايا مولاناى اصفهانى (امين الدين ابو-
ملکي تويسرکانی ۶۶۰	الخير فضل الله بن روزبهان بن فضل الله
ملکي همدانی ۵۳۹	خنجی اصفهانى شیرازی خواجه)
ملوک الجبال غور ۸۹-۹۱	۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹، ۵۲۳، ۶۱۹،
ملولی اصفهانى (خلیفه میراسدالله) ۴۴۷،	۶۳۷، ۶۶۳، ۷۲۲، ۷۷۵
۸۲۶	ملای روم ۱۵۸ ر. جلال الدين بلخی
ملیح سرپلی بخارا یی ۱۰۰	ملای کتابدار ۴۲۷
ملیح سمرقندى (محمد بدیع بن محمد شریف)	ملقا پادى ۹۵
۵۷۶، ۴۰۳	ملك (شاه) ۳۴۹، ۴۵۵، ۶۴۵
ملیح باقى ۶۶۰	ملکا (سید بیگم شاه ملك) ۳۴۹
معاليك ۶	ملك احمد دخلى اصفهانى ۵۳۹
مدروج (شیخ) ۷۲۸	ملك الجبال (شهاب الدين) ۸۹، ۱۲۲
مملان (ابونصر محمد بن مسعود) ۴۸	ملك الجبال (غیاث الدين) ۸۹
مناج (ابونصر محمد بن محمد قایمى) ۶۳	ملك الجبال (قطب الدين محمد بن عزالدین
من الله بن علی الله محمد حسینی ۴۰۶	سین، ۹
منیری ۱۸۱	ملك السادات قیساپوری (صدرالدين)
منتجب الدين بدیع كاتب جوینى (اتابيك)	۹۵
۸۸، ۲	ملك الكلام (ملك قمی) ۴۳۴
منجب الدين علی بن احمد كاتب بدیع	ملك باخوزی ۳۴۸
اتابيك جوینى (مؤید الدين) ۸۸، ۲	ملك پیارو ۵۴۱
منتجب الدين عمدة الملك منشی یزدی	ملك جهانگیر رستم دارى ۴۹۵
۷۳۳، ۱۴۹، ۱۲۴	ملك دینار (جلال الدين) ۱۱۸، ۲۸۲
منتصر (اسمعیل بن توح سامانی) ۳۲	ملك سلطان محمد رستم دارى ۴۹۵
منجهه (بی بی) ۱۴۹	ملكشاه (جمال) ۱۷۷
منجهه (بیجه) ۳۴۹	ملكشاه بن محمد سلجوقی ۷۱۹
منتجهوا کبر ۳۸۳	ملكشاه بن محمود ۱۰۱
منجيك ترمذی (ابوالحسن علی بن محمد)	ملكشاه سلجوقی (سلطان جلال الدين)، ۲،
۷۶، ۲۷، ۲۶، ۳۳	۴۹، ۴۳-۵۵، ۶۶-۶۷، ۶۹، ۷۱،
منجيك فاخر رازی (ابوالغافر) ۸۵،	۸۰، ۸۳، ۸۷، ۱۲۸
۴۰۳	ملكشاهى ۶۰
منجهه کابلی (میر) ۴۵۳	ملك طیفور انجداى ملك ۴۵۸-۴۵۹،
منشوری سمرقندى (ابوسعید احمد بن	۸۲۷
محمد) ۳۷	ملك قمی (ملا) ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۴۵،
منشی ۷۹۸	۸۲۴، ۸۲۶، ۸۲۷
منی (اشرف خان میر) ۵۵۴، ۵۴۲	ملك محمود پیارو گجراتى ۵۴۱
منسی (مولانا) ۳۴۲	ملك مشرقی (میرزا) ۶۹۹
منشی (میرزا قاسم ساغرجی انشایی) ۵۸۶	ملك مقصود علی اصفهانى ۵۳۹
منشی اردو پادى (میرزا زین العابدین)	ملك ناصر صلاح الدين يوسف بن ایوب ایوبی
۷۰۵	۷۲۲

۴۱۴، ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷،  
 ۸۲۵، ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور بن محمد کندری (عمیدالملک ابو  
 نصر) ۴۹-۵۰  
 منصور بن ملامعین کاشانی ۸۰۶  
 منصور بن نصیرالدین عبدالحی بکری  
 مکی (غیاثالدین) ۵۹۹، ۶۴۸  
 منصور تبریزی ۶۳۵  
 منصور جرجانی ۳۴۸  
 (غیاثالدین) ۲۶۷، ۳۵۶،  
 ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
 ۵۰۸، ۵۱۶، ۵۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
 ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور سبزواری (درویش) ۳۳۴  
 منصور شیرازی (میرغیاثالدین) ۲۶۷،  
 ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴،  
 ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲،  
 ۸۲۵، ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور قرا بوقه طوسی (خواجه) ۳۰۴  
 منصور گرمینی (امام) ۴  
 منصور مشهدی (خواجه) ۳۳۴  
 منصور ناصری مهنه (خواجه) ۶۱۹  
 منطقی (حسین بن معینالدین حسینی  
 ترمذی میبیدی) ۲۶۷-۲۶۸، ۶۶۳،  
 ۷۰۶، ۷۴۲، ۷۷۹، ۸۱۸  
 منطقی رازی ۲۳  
 منطری سمرقندی ۵۵۴  
 معصم خان ۵۷۵  
 مع خان خان ۵۴۴  
 منکبرلی (جلالالدین خوارزمشاه) ۹۲-  
 ۹۴، ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۴۰،  
 ۱۴۹، ۱۶۵، ۷۳۵، ۷۴۱  
 منکلی گرای خان ۴۷۷، ۴۷۹  
 منکه ۲۷  
 منکلی بیگ ۹۴  
 منکن بداونی (میان) ۵۵۰  
 منگیتها ۶۷۹  
 منوچهر ۲۲۶  
 منوچهر بدیع تبریزی ۱۹۴

سی لممالک (میرزا عبدالحسین) ۷۰۵  
 سی بوداق قزوینی ۳۵۶  
 مسی جرفادقانی ۱۳۵  
 می شیرازی (ابوالفضل) ۳۹۸  
 مست، کابلی (فاضل) ۵۹۷  
 مہروی (فرخشاہ) ۵۹۹  
 منصور ۶۶۰  
 منصور (امیر) ۴۲۴  
 منصور (شاه) ۲۰۵  
 منصور (علاءالدین) ۵۰۳  
 منصور (میرغیاثالدین) ۲۶۷، ۳۵۶،  
 ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶،  
 ۵۰۸، ۵۱۶، ۵۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵،  
 ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور انا ۶۳۹  
 منصور بتکچی (خواجه) ۳۳۴  
 منصور بخشی (شاه) ۶۸۱  
 منصور بن امیر صدرالدین محمد شیرازی  
 دشتکی (امیر غیاثالدین) ۲۶۷،  
 ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶، ۴۱۴،  
 ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶، ۶۸۷، ۶۹۲،  
 ۸۲۵، ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور بن حسن فردوسی طوسی (ابوالقاسم)  
 ۶، ۱۹، ۲۸، ۳۲، ۳۸، ۴۱-۴۷،  
 ۵۴، ۸۴، ۱۵۹، ۲۰۷، ۷۱۵، ۷۱۶،  
 ۷۱۸  
 منصور بن صدرالدین شیرازی (میرغیاث-  
 الدین) ۲۶۷، ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶،  
 ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۴۶، ۵۰۸، ۵۱۶،  
 ۶۸۷، ۶۹۲، ۸۲۵، ۸۳۲، ۸۳۸  
 منصور بن عظاملک جوینی ۷۳۰  
 منصور بن علی اسفزاری (مہذبالدین)  
 ۹۵  
 منصور بن محمد اوزجندی (شمسالدین  
 صدرالشریعہ) ۱۰۰  
 منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن  
 الیاس ۱۹۳، ۴۰۰، ۷۵۳  
 منصور بن محمد شیرازی (امیرغیاثالدین)  
 ۲۶۷، ۳۵۶، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۶،

منوچهر بن شرفشاه ۱۸۰  
 منوچهر بن فریدون (ابوالهیجاشروانشاه)  
 ۱۰۶، ۱۰۷-۱۰۳  
 منوچهر بن قایوس (فلک المعالی) ۴۲  
 منوچهر شروانشاه (خاقان) ۱۰۶، ۱۰۳-۱۰۷  
 منوچهری دامغانی (ابوالنجم احمد بن  
 عوض بن احمد) ۴۲، ۴۵، ۷۶، ۸۸،  
 ۲۰۹  
 منور (شیخ نورالدین) ۷۲۳  
 منور (محمود) ۱۸۱  
 منوهر (رای) ۶۶۰  
 منوهر توسنی (محمد) ۵۴۳، ۶۶۰  
 منهاج الدین ابوعمر و عثمان بن سراج-  
 الدین محمد بن منهاج الدین عثمان  
 ابن ابراهیم بن صد الخالق جوزجانی  
 لاهوری منهاج سراج ۱۳۵، ۷۱۳-  
 ۷۳۰، ۷۱۴  
 منهی (میر) ۵۰۳، ۸۳۰  
 لاهوری ۶۸۷  
 منیر مرغینانی ۵۵۹  
 منیری (شرف الدین) ۲۵۸، ۷۲۵، ۷۷۶  
 منیری (شرف جهان) ۷۲۶  
 منیری (معین الدین) ۸۱۷  
 موالی ۳۳۸  
 موالی لاری خراسان خان خراسانی ۶۴۸،  
 ۸۳۷  
 موجی بدخشی (قاسم خان) ۵۵۲  
 مودب (ابوالقاسم) ۲۵  
 مودود بن احمد عصی (نظام الدین) ۸۱  
 مودود بن مسعود غزنوی ۴۲  
 مودود جشتی (شیخ) ۲۱۷، ۶۰۴، ۶۲۴،  
 ۷۲۰، ۷۲۴  
 مودود بن شاه بن زنگی بن آق سنقر (قطب-  
 الدین) ۸۱  
 مودودی (خواجه قاسم) ۶۲۴  
 موزون اگرهی ۵۵۴  
 موسوی مشهدی ۵۵۳، ۵۸۱  
 موسوی مشهدی (عماد) ۲۴۶

موسوی مشهدی (میرزا طاهر) ۵۸۱  
 موسی (صدرالدین) ۱۸۶، ۲۱۲، ۲۹۲،  
 ۴۰۸، ۷۶۷  
 موسی (قطب الدین) ۱۳۲  
 موسی بن حامد حسنی قادری صوفی (شیخ)  
 ۳۶۹  
 موسی بن عمران ۲۴۲  
 موسی بن کاظم ۲۱۱، ۳۱۹، ۳۵۰، ۴۸۱  
 موسی بن محمد بن محمود قاضی زاده رومی  
 (صلاح الدین) ۲۴۹، ۲۶۹، ۲۸۱،  
 ۳۷۳، ۸۰۷  
 موسی بن محمود قاضی زاده رومی ۲۴۹،  
 ۲۶۹، ۸۰۷  
 موسی خان ۶۷۸  
 موسی سلطان موصلوی ترکمان ۴۷۳،  
 ۴۹۴  
 موسی کاظم ۲۱۱، ۳۱۹، ۳۵۰، ۴۸۱  
 موسی کشمیری (قاضی) ۵۴۰  
 موسی هروی (خواجه) ۳۴۸  
 موصلوی ترکمان ۴۷۳، ۴۹۴  
 موفق الدین ابوطاهر خانونی ۸۷  
 موفق الدین سراج ۱۷۸-۱۷۹  
 موفق الدین یحیی ۱۸۱  
 موفق السراج ۱۷۸-۱۷۹  
 موفق بن علی هروی (ابو منصور) ۲۹  
 موفق عبدالجلیل ۱۷۹  
 موقری ۵۶  
 مولانا بخاری (خواجه) ۶۳۴  
 مولانا زاده عبدالغفار تاشکندی ۳۴۶،  
 ۵۶۱، ۶۱۱  
 مولانا زاده فکری تاشکندی ۵۶۱  
 مولانای اصفهانی (امین الدین ابوالخیر  
 فضل الله بن روز بهان بن فضل الله  
 خنجر اصفهانی معروف بخواجه  
 ملایا خواجه) ۲۵۱، ۳۸۱، ۴۴۹،  
 ۵۲۳، ۶۱۹، ۶۳۷، ۶۶۳، ۷۲۲،  
 ۷۷۵  
 مولوی (خضر بن مانی فرمانی) ۱۹۴  
 مولوی (جلال الدین محمد بلخی) ۸۰

۱۶۰، ۱۵۸، ۱۴۷، ۱۴۳، ۱۴۱،  
۴۰۵، ۴۰۳، ۳۹۲، ۲۱۴، ۱۹۹،  
۷۰۴، ۶۶۴، ۵۳۲، ۴۶۸، ۴۰۷،  
۷۹۲، ۷۴۰، ۷۳۸-۷۳۵، ۷۰۶،  
۸۴۱، ۸۲۲، ۸۰۳

مولوی سیستانی (محمد) ۶۶۰  
مولوی (طریقہ) ۲۷۶، ۷۹۲  
مولوی اختر محمد خان رامپوری حنفی  
قادری نقشبندی مجددی ۱۵۳  
مولوی سیستانی (حاج محمد) ۶۶۰  
مؤمن (ملاحسین یزدی) ۴۳۵، ۴۹۹-  
۵۰۰  
مؤمن استرابادی (میر محمد) ۵۰۲،  
۸۳۰  
مؤمن بیگ (محمد) ۵۰۱  
یزدی (ملا) ۴۳۵، ۴۹۹-  
۵۰

مؤمن ساغرجی (میرزا) ۵۸۶  
مؤمن سبزواری ۶۶۰  
مؤمن سمرقندی ۳۴۸  
مؤمن شاہ ۸۰۳  
مؤمن لنگ (محمد) ۵۵۷  
مومن مستی ۸  
مؤمن هروری (عبدالؤمن) ۶۴۷  
مؤمنیہ ۸۰۵، ۸۰۳  
مونس ۶۶۰

مؤید (خواجہ علی) ۳۰۵، ۳۰۱  
مؤید (شہاب) ۱۷۸  
مؤید (قطب الدین) ۶۱۶  
مؤیدالدولہ منتجب الدین علی بن احمد  
کاتب بدیع انا بیگ جوینی ۸۸۰۲  
مؤید الدین جاجرمی (ابوالعالی مؤید بن  
محمد جاجرمی ملک) ۷۱۹

مؤید الدین عربی ۷۳۰  
مؤید الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد  
منشی نسوی زیدری (یاشہاب الدین)  
۲

مؤید الدین نسفی ۱۰۰  
مؤید الملک ابوبکر عبید اللہ بن نظام الملک

۸۵، ۵۴

مؤید الملک قوام الدین ۱۵۷، ۱۳۲  
مؤید بن احمد کاتب اسفرائینی (عماد الدین)  
۹۵

مؤید بن صالح (رضی الدین) ۲۲۶  
مؤید بن محمد جاجرمی معروف بملک  
مؤید الدین جاجرمی (ابوالعالی)  
۷۱۹

مؤید دیوانہ (خواجہ) ۳۳۵  
مؤیدزادہ حاتم ۸۱۱  
مؤید مہنوی (خواجہ) ۳۲۲-۳۲۳  
مؤید مہنہ (خواجہ) ۱۸۱، ۶۱۹  
مؤید مہنہ (شیخ) ۶۱۹  
مہتر جوہر آفتابہ چی ۳۶۶، ۳۶۲  
مہتر خواص خان ۸۱۲  
مہجوری سمرقندی ۵۸۴  
مہد علیا ۴۷۴  
مہدی استرابادی ۳۱۸  
مہدی باوردی (عبداللہ) ۱۰  
مہدی صابری شیرازی (آقا) ۸۲۵  
مہدی قلی خان قادورقایی معروف بقادر  
قالو ۴۹۶

مہدی محمدانی (شریف) ۶۸۲  
مہذب الدین (صدر) ۱۷۸  
مہذب الدین منصور بن علی اسفزاری  
۹۵

مہذب شروانی ۱۷۹  
مہذب کرخی ۱۷۹  
مہذب نیشابوری ۱۷۹  
مہرابی (ابوالقاسم) ۲۵  
مہری ۳۳۹  
مہر میرزا ۶۳۷  
مہشتی گنجوی ۸۵، ۸۸-۸۹، ۱۰۵،  
۷۳۹

مہمرہ (شہاب الدین) ۱۷۵، ۲۲۶  
مہملک خاتون ۹۶  
مہنا ۶

مہین یانو سلطانم ۴۸۴  
میان بہوہ ہندو ۸۱۲-۸۱۳

میان جمال خان ناصحی بداونی ۵۵۰  
 میان شیخ داود ۵۴۰  
 میان منگتن بداونی ۵۵۰  
 میبدی (قاضی حسین بن حسین الدین حسینی  
 ترمذی) ۲۶۷-۲۶۸، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۰۶،  
 ۸۱۸، ۷۷۹، ۷۴۲  
 میخچه گر (مولانا) ۸  
 میر (میرزاده علی خان) ۸۳۴، ۵۵۳  
 میرائی حفلی (حافظ) ۶۳۱، ۶۱۳  
 میراسلام فزالی بلخی (پسران الدین)  
 ۷۸۹، ۶۳۹، ۲۳۰  
 میرانشاه بن تیمور گورکان (میرزا) ۲۱۹،  
 ۲۵۶، ۲۶۲، ۳۴۱، ۶۰۵، ۷۶۴  
 ۷۷۷  
 میربحر (محمد قاسم خان) ۵۴۰، ۵۵۳،  
 ۵۵۵  
 میربحری ۵۵۵، ۵۵۳، ۵۴۰  
 میربدخشان ۶۲۹  
 میرجان ۳۷۳  
 میرجان (شیخ) ۶۲۹  
 میرجان اسقرغابادی (وحید الدین ابوالحسن  
 محمد بن زین الدین حاجی بن احمد  
 انیس) ۶۲۲، ۲۷۳، ۶۲۹-۶۳۰  
 میرحاج ۸  
 میرحاج انسی چنابدی (قلب السدین)  
 ۳۲۱  
 میرحملة (محمد سعید) ۴۳۵  
 میرخرد میانکالی ۵۸۱  
 میرخواب بین ۲۲۳  
 میرخواند ۲۳۹-۲۴۱  
 میرخواند ۲۳۹-۲۴۱  
 میردلال ۲۴۸  
 میردوست (خواجه) ۶۳۵  
 میردهلوی (میرزاد علی خان) ۵۵۳،  
 ۸۳۴  
 میردیوانه محنتی بخاری ۵۸۵، ۵۷۷  
 میررباعی (فکری) ۴۱۹  
 میرزا (حکیم) ۵۴۲  
 میرزاییک ۳۴۸

میرزا بیک سپهری زوارچی یا ژواره ای  
 ۷۰۸، ۵۲۳  
 میرزا بیک فندرسکی ۵۱۸  
 میرزا بیک هروی ۵۷۹  
 میرزاجان ۳۹۳، ۵۰۰، ۵۲۰  
 میرزاجان (حبیب الله باغنوی) ۳۸۹، ۳۹۳،  
 ۴۳۵، ۵۰۰، ۵۲۰، ۵۸۶  
 میرزاجان رومی شیرازی ۵۸۶  
 میرزاجان شیرازی ۴۳۵، ۵۰۰  
 میرزاجانی ۴۲۰  
 میرزاخان خانان ۴۵۶، ۴۲۲  
 میرزادعلی خان ۵۵۳، ۸۳۴  
 میرزاده علی خان ۵۵۳، ۸۳۴  
 میرزاشاه بیک لنگه حصار ۵۸۳  
 میرزاشاه نقشبندی ۶۴۰  
 میرزاعلی کار کیا ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۷۰، ۳۵۰،  
 ۴۸۲  
 میرزا کامران کوهدی ۴۹۴  
 میرزا مشهدی ۶۳۴  
 میرسزواری ۳۴۸  
 میرسرور هنه (شمس الدین محمد اندجانی)  
 ۳۲۷، ۵  
 میرسرخ ۳۳۳  
 میرسید ۴۱۰  
 (نادر الملک) ۶۴۲  
 میرسید شریف ۲۷۶، شریف الدین علی  
 میرسینایی (حافظ) ۳۴۳  
 میرشاه جویباری (خواجه) ۶۳۵  
 میرشیخ پورانی ۶۱۹  
 میرعبدالله خان ۴۹۲  
 ، عدل ۸۱۳  
 میرعرب (شریف عبدالله یمنی) ۶۳۳  
 میرعزیز خان ۴۹۲  
 میرقاضی اسیری ۴۲۹  
 میرك (علاء الملک شرف الدین) ۸۸  
 میرك (پورالدین محمد) ۶۱۵  
 میرکای بخاری ۶۳۲  
 میرك بخاری ۳۸۹  
 میرك تیریزی ۳۴۸

میرک ترکستانی (بابای) ۵۸۸  
 میرک حالی (حافظ) ۶۲۲  
 میرک حسین هروی ۶۳۵، ۳۴۴  
 میرک خوارزمی (خواجه) ۵۸۴  
 میرک خوشنویس هروی (امیر روح الله) ۶۶۱  
 میرک داعی اصفهانی ۵۲۹  
 میرک دیو ۳۹۲  
 میرک کرمانی ۲۰۹  
 میرک شیرازی ۳۴۸  
 میرک صالح مشهدی (محمد) ۵۸۰، ۸۳۶  
 میرک صالحی هروی مشهدی (محمد) ۴۳۳، ۸۲۳، ۷۱۱  
 میرک صدیقی بلخی شیخ الاسلام (خواجه) ۶۲۶  
 میرک نرگسی ابهری (ابوالکلام) ۳۳۵، ۷۸۹، ۵۴۳  
 میرک نرگسی هروی (مولانا ابوالکلام) ۷۸۹، ۵۴۳، ۳۳۵  
 میرک نقاش اصفهانی (آقا) ۶۶۱  
 میرک وصالی بلخی ۵۹۴  
 میرک هروی (خواجه) ۳۴۸  
 میرک هروی (میرزا) ۶۶۱  
 میرم (مولانا محمود بن محمد) ۲۷۱  
 میرم بیگ همدانی (خواجه) ۵۲۹  
 میرم خواجه ۶۴۱  
 میرم سیاه ۶۱۵، ۳۴۷  
 میرم سیاه هروی ۳۵۹، ۳۱۸  
 میرمفتی بخاری (مولانا) ۶۲۳  
 میرمنشی (اشرف خان) ۵۵۴  
 میرمفتی بخاری ۶۳۴  
 میرم کرمانی ضیایی (ضیاء الدین) ۴۶۴  
 میرمیران ۴۳۵  
 میرمیران کاگلش ۵۰۰  
 میرمیران یزدی ۶۴۳  
 میرهمدانی (خواجه آقا) ۵۲۴  
 میرزا ارشمیدس ۱۲۷  
 میرزانی بخاری ۲۵

(حکیم) ۷۴۷، ۷۱۵، ۲۳

میلی ۸۲۱  
 میلی تبریزی ۷۰۵  
 میلی حصاری ۴۴۸  
 میلی هروی (میرزا محمدقلی تکلو) ۴۲۱، ۸۲۰، ۴۵۸  
 میمون بن نجیب واسطی ۶۰، ۵۵  
 میمون شعرا ۵۲۵

## ن

نورالایسم ۲۲۹، ۲۲۳، ۹۳  
 ناتورالایسم ایران ۱۰۶، ۱۰۱  
 ناتورالایسم عراقی ۲۲۳  
 ناجی ۸۰۳  
 ناجی اردوبادی ۵۱۶  
 ناجی کاشانی ۶۶۱  
 ناجی کرمانی ۶۱۴  
 نادرالملک (امیر سید جابر دی) ۶۴۲  
 نادرالملک (میر سیدعلی مصور جدایی) ۸۲۰، ۴۲۴  
 نادری بخاری ۳۴۸  
 نادری بیگ هروی سمرقندی ۵۴۱  
 نادری ترشیزی ۵۳۹  
 نادری سمرقندی ۵۵۰  
 نادری مروزی ۳۴۸  
 نازنهی (شاهقلی خان) ۴۲۴  
 نازکی تبریزی ۷۰۵  
 نازکی خراسانی ۳۴۸  
 نازکی نهاوندی ۵۳۵  
 نازنینی سبزواری ۳۴۸  
 ناصح (محمدعلی) ۹۴  
 ناصح بن خلف بن سعد منشی جسرادقانی (ابوالشرف) ۱۳۵، ۱۲۸  
 ناصحی ۱۸۱  
 ناصحی بدائی (میان جمال خان) ۵۵۰  
 ناصر ۱۷۹، ۱۷۷، ۳  
 ناصرالدین ۷۴۷  
 ناصرالدین ابوالحارث احمد بن سنجری ۸۰  
 ملکشاه ۸۰

ناصرالدين ابوالخير يا ابوسعید عبدالله بن  
عمر بیضاوی (یا نصیرالدين) ۱۳۹،  
۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۵  
ناصرالدين ابوالفتح طاهر بن فخرالملک  
مظفر بن نظام الملک ۸۱، ۲  
ناصرالدين ابوالفتح طاهر بن مظفر ۲،  
۸۱  
ناصرالدين ابوالفتح عبدالرحیم بن منصور  
م قهستان ۱۳۷، ۱۳۹  
ناصرالدين ابوسعید يا ابوالخير عبدالله  
ابن عمر بیضاوی (یا نصیرالدين)  
۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۵، ۱۳۹  
ناصرالدين ابونصر مهنوی ۳۲۳، ۳۴۲  
ناصرالدين احمد بن منجر بن ملکشاہ  
(ابوالحارث) ۸۰  
ناصرالدين بچہ ای ۱۷۶  
ناصرالدين بن کبار قشاہ ۷۵۱  
ناصرالدين بخرآخان ۱۷۱، ۶۳۹  
ناصرالدين بن عمدة الملک منتجبالدين  
منشی یزدی ۱۲۴، ۱۴۹، ۷۳۳  
ناصرالدين ترمذی (خواجہ) ۶۴۹  
ناصرالدين حسين بن مجدالدين محمد  
ترجمان جعفری رغدی ابن بوی  
(امیر) ۱۴۹  
ناصرالدين حسين بن هبة الله بن حسين  
خطیب ناصر خطیب شعموی ۲۱۴  
ناصرالدين خسرو اصفهانی ۲۱۶  
ناصرالدين سمرقندی ۳۴۸  
ناصر بن طاهر بن مظفر وزیر (ابوالفتح)  
۸۱، ۲  
ناصرالدين عبدالرحمن بن منصور محتشم  
قهستان ۱۳۷، ۱۳۹  
ناصرالدين عبيدالله احرار ر. عبيدالله  
احرار  
ناصرالدين عثمان بن حرب سگزی ۹۱  
ناصرالدين عمدة الملک منتجبالدين  
یزدی منشی ۱۲۴، ۱۴۹، ۷۳۳  
ناصرالدين عمرو وزير ۷۵۸  
ناصرالدين عين الملک ۱۸۱

ناصر ابن قباچه ۷۸، ۹۷، ۱۵۱  
ناصرالدين محمد بن قوامالدين عبدالله  
هروی ۶۰۵  
ناصرالدين محمود بن شمسالدين التتہش  
۷۳۰  
ناصرالدين محمود بن ملکشاہ ۸۰  
ناصرالدين محمودشاہ ۱۳۵، ۱۷۵، ۲۲۲  
ناصرالدين محمودشاہ دوم ۱۳۵، ۱۷۵،  
۲۲۲  
ناصر بخاری ۲۰۹  
ناصر بنوی ۴۱  
ناصر بن خسرو بن حارث بن علی بن - سین  
ابن علی بن محمد بن علی بن موسی -  
الرضا (سید معینالدين) ۷۱۸  
ناصر بن شمس غزنوی کافرک (جمالالدين)  
۴۳  
ناصر بن شمس کافرک غزنوی (جمالالدين)  
۴۳  
ناصر بن علی درگزن پتی طنرای (قوام -  
الدين ابوالقاسم) ۸۴، ۱۱۱  
ناصر ترمذی (خواجہ شاہ سید ناصرالدين)  
۶۴۹  
ناصر جعفری نسوی ۸۹، ۵۵  
ناصر خسرو قبادیانی مروزی (حمیدالدين  
ابومعین) ۲۸، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۵۸ -  
۶۲، ۶۳، ۲۱۶، ۷۱۸  
ناصر خطیب شعموی ۲۱۴  
ناصر شیرازی ۱۷۶ - ۱۷۷  
ناصر صلاحالدين يوسف بن ايوب ايوبی  
(ملک) ۷۲۲  
ناصر کاشانی ۱۸۱  
ناصرالدين الله عباسی ۱۴۱، ۷۳۱  
ناصر لغوی ۴۱  
ناصر مرانشاهی ۶۸۱  
ناصر میرزا بن عمر شیخ (یادگار) ۲۲۲،  
۶۰۸، ۶۶۱  
ناصر هرزندی ماییز نابادی ۳۴  
ناصر هرزی (خواجہ) ۶۸۴، ۷۸۰  
ناصری تیموری (محمد ناصر مرزا)



ناصری سیواسی ۳  
 ناصری مهنه (خواجه منصور) ۶۱۹  
 ناطق دهلوی ۶۶۱  
 ناطقی (امیر) ۶۱۳  
 ناطقی مازندرانی (مولانا) ۵۶۷  
 ناظری (مولانا) ۶۳۸  
 ناظری بخارایی ۵۸۹-۶۳۸، ۵۹۰  
 ناظری مشهدی ۶۳۸، ۳۴۸  
 ناظمی تربتی ۵۷۹  
 ناکام بخارایی ۶۸۹  
 ناکوک (ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب رازی) ۴۲  
 نالی سمرقندی ۵۷۹  
 نامی (سید نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی بکری) ۳۵۸، ۸۰۲  
 نامی اردوبادی ۵۱۶  
 نامی بهکری ۳۵۸، ۸۰۲  
 نامی تبریزی ۷۰۵  
 نامی تبریزی هروی ۷۰۵، ۵۶۱  
 نامی سیزواری ۳۴۸  
 نامی طهرانی (ملا فضل) ۶۸۹  
 نامی معروف بخواجه خسرو (خواجه عبدالعزیز) ۶۲۹  
 نانک ۴۸۴، ۴۸۶  
 نباطی تبریزی ۷۰۶  
 نابلی ۱۰  
 نبوی ۲۱۹  
 نزاری (محمد علی جلایر) ۳۴۸  
 نزاری (نقیب الاشراف خواجه بهاء الدین سید حسن بخاری) ۵۲۶، ۴۰۳، ۵۲۰  
 ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶  
 نزاری اصفهانی (تقی) ۶۶۱-۶۶۲  
 نزاری تبریزی ۵۰۸، ۶۵۷  
 نزاری تونی ۶۸۹  
 نثری گیلانی ۵۳۳  
 نجائی ۳۴۸  
 نجائی تاشکندی ۶۲۵

نجائی تبریزی (مولانا حیدر) ۷۰۶  
 نجائی گیلانی ۵۵۶  
 نجائی نیشابوری (حمید الدین محمود بن عمر) ۷۵۵  
 نجادوی ۵۶  
 نجار ۲۵  
 نجار ساقرچی ۱۰۰  
 نجدی (میر) ۵۰۴  
 نجف قلی خان ۶۹۴  
 نجم (قاضی) ۱۷۹  
 نجم الدین ۲۲۵  
 نجم الدین ابوالجناح احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله خیوقی خوارزمی  
 نجم الدین کبری ۱۱۵-۱۱۶، ۱۳۰، ۱۶۵، ۱۷۳، ۲۴۲، ۲۵۶، ۷۲۳-۷۲۴، ۷۴۳، ۷۴۶، ۷۵۴  
 نجم الدین ابوالقاسم محمد میان کالی (سید) ۴۱۵  
 نجم الدین ابوالنظام محمد فلکی شروانی ۱۰۶  
 نجم الدین ابوبکر بن احمد جام ۷۲۰  
 نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهر اسدی دایه رازی ۱۱۵، ۸۰، ۷۳۰، ۱۴۰  
 نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان ابن محمد بن احمد بن حسین بن همت راوندی ۸۸-۸۹، ۱۱۹، ۱۴۵  
 نجم الدین ابوبکر محمد بن مودود طاهری زرکوب تبریزی ۱۷۶-۱۷۷  
 نجم الدین ابو حفص عمر مفتی الثقلین ۱۲۲  
 نجم الدین احمد بن عمر بن علی نظامی عروسی سمرقندی (یا نظام الدین) ۵۱، ۹۰، ۱۱۹، ۷۱۹  
 نجم الدین اسکویی ۳۴۸  
 نجم الدین برکیاف ۳۴۸  
 نجم الدین حسن بن علی سجزی دهلوی (خواجه) ۱۷۱  
 نجم الدین حسن کرمانی ۹۵

نجم الدين حميد سيمگر ۱۷۹  
 نجم الدين دايه ۸۰، ۱۱۵، ۱۴۰، ۷۳۰  
 نجم الدين دبيران قزوینی ۱۳۸، ۱۴۷،  
 ۱۸۱، ۲۶۶، ۷۳۰  
 نجم الدين رازی ۸۰، ۱۱۵، ۱۴۰، ۷۳۰  
 نجم الدين زرکوب ۱۷۶-۱۷۷  
 نجم الدين زرگر (امير) ۳۱۷، ۴۴۵  
 نجم الدين ساوجی ۳۴۸  
 نجم الدين صابن الاسلام محمود بن صابن -  
 الدين الياس بن سترباريك شیرازی  
 ۱۵۳، ۳۰۷-۳۰۷  
 نجم الدين طارمی ۲۵۶، ۲۷۸، ۲۸۴  
 نجم الدين عبدالعزيز ۱۷۹  
 نجم الدين کاتب یا کاتبی ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۸۱،  
 ۲۶۶، ۷۳۰  
 نجم الدين کبری ۱۱۵ - ۱۱۶، ۱۴۰،  
 ۱۶۵، ۱۷۴، ۲۴۲، ۲۵۶، ۷۲۳-  
 ۷۲۴، ۷۴۳، ۷۴۶، ۷۵۴  
 نجم الدين کرکس ۲۲۴  
 نجم الدين کوکبی ۶۱۷  
 نجم الدين محمد بن مودود زرکوب  
 طاهري تبریزی (ابوبکر) ۱۷۶-  
 ۱۷۷  
 نجم الدين محمد میان کالی (ابوالقاسم)  
 ۴۱۵  
 نجم الدين محمود ۲۱۳  
 نجم الدين محمود بن الياس شیرازی ۱۹۰،  
 ۱۹۳، ۴۰۰  
 نجم الدين محمود بن صابن الدين الياس  
 سترباريك شیرازی ۱۵۳، ۳۰۷-  
 ۳۰۸  
 نجم الدين محمود بن صابن الدين الياس  
 طبيب شیرازی ۱۹۰، ۱۹۳، ۴۰۰  
 نجم الدين محمود بن عبدالکریم شيشتری  
 (ياسعد الدين) ۱۶۹، ۲۰۱-۲۰۲،  
 ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۵، ۳۴۱، ۷۴۲،  
 ۷۵۲، ۷۵۵-۷۷۳  
 نجم الدين محمود مذهب ۲۱۵  
 نجم الدين مسعود هروی ۶۵۹

نجم الدين منجم ۱۸۱  
 نجم الدين نسفی ۷۸۲، ۷۸۵  
 نجم الدين يعقوبی ساوجی ۳۴۸، ۷۰۹  
 نجم الکاتبی ۱۳۸، ۱۸۱  
 نجم بن محمد دهستانی (مجير الدين) ۹۹  
 نجم ثانی ۳۱۰، ۳۲۶، ۴۴۵، ۸۲۹  
 نجم طرفی ۱۷۹  
 نجم گنجه ۱۷۹  
 نجم يعقوبی ۳۴۸، ۷۰۹  
 نجمی ۲۲۵  
 نجمی (ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار  
 قطبی) ۴۸، ۷۰، ۷۱۷  
 نجمی (خواجه) ۳۴۸  
 نجمی شروانی ۳۴۸، ۷۰۶  
 نجمی کشمیری ۵۹۶، ۸۳۶  
 نجمی مشهدی ۳۴۸  
 نجومی هندی ۳۴۸  
 نجم الدين ابوبکر خطاط ترمذی ۹۵  
 نجيب الدين ابوسعید علی بن یزغش بن عبدالله  
 شیرازی ۱۸۰، ۲۱۱-۲۱۲، ۷۴۶،  
 ۷۵۸  
 نجيب الدين جرفادقانی ۷۴، ۱۶۵-  
 ۱۶۶  
 نجيب الدين علی بن یزغش بن عبدالله  
 شیرازی (ابوسعید) ۱۸۰، ۲۱۱-  
 ۲۱۲، ۲۱۲، ۷۴۶، ۷۵۸  
 نجيب الدين محمد بن محمود ایجی ۲۴۵  
 نجيب ترمذی ۱۷۹  
 سمرقندی (اصیل الدين) ۹۵  
 نجیبی فرغانی ۱۰۰  
 نجیشی ۱۸۰  
 نحاس اصفهانی (ابوالمعالی) ۵۱  
 نحوی (عبدالصمد) ۶۰۳  
 (بدر الدين) ۱۵۱  
 نخلی ۶۳۵  
 نخلی (حافظ تانیس) ۶  
 نداقی (محمد بيك) ۴۹۶  
 ندایی بخاری (مولانا صالح) ۵۹۵  
 ندایی کاشغری (عبدالله) ۲۸۱

ابرقوهی (سیدالدین) ۱۹۰  
 نصرالله بن حسنعلی بن مجدالدین حسن  
 نافجی ۷۸۵  
 نصرالله بن خلیل الله ابرقوهی (کمالالدین)  
 ۳۳۱  
 نصرالله بن عبدالؤمن سمرقندی ۷۵۸  
 نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی  
 شیرازی (ابوالعالی نصیرالدین)  
 ۱۱۷، ۷۸  
 نصرالله غزنوی ۴  
 نصرالله قوامی خوافی (قوامالدین) ۹۵،  
 ۳۲۲  
 نصرالله واقف خلیجی ۷۰۶  
 نصر بن احمد جام (برهانالدین) ۷۲۰  
 نصر بن احمد سامانی ۲۲-۴۰  
 نصر بن خلف (تاجالدین ابوالفتح) ۸۲  
 نصرهالدین (تاجالملوک) ۸۶  
 نصرهالدین ابوالخطاب  
 بهرامشاه ۱۷۲  
 نصرهالدین ابوبکر پیشکین ۱۰۵  
 نصرهالدین ابوبکر محمد ۱۰۵  
 نصرهالدین احمد (اتابیک) ۱۷۵، ۱۴۸  
 نصرهالدین احمد بن یوسف شاه بن شمس-  
 الدین اب ارغون بن نصرالدین  
 هزاراسب ۱۴۴، ۱۸۴  
 نصرهالدین بن ملک نصیرالدین ۱۵۷  
 نصرهالدین تاجالملوک ۸۶  
 نصرهالدین جهان پهلوان مسعود بن ارسلان  
 ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲  
 نصرهالدین حسن بیک ۲۶۷  
 نصرهالدین خسرو شاه بن بهرامشاه  
 (ابوالخطاب) ۱۷۲  
 نصرهالدین سلفرشاه بن تورانشاه ۲۷۰  
 نصرهالدین شاه یحیی آل مظفر ۷۸۵  
 نصرهالدین عثمان بن ابراهیم بن حسین  
 قلیج ارسلان خاقان ۹۶-۹۷، ۹۹  
 نصرهالدین عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری  
 (ابوالفتح یا ابوحفص غیاثالدین زب)  
 ۵۵، ۶۰، ۶۳، ۷۰، ۱۲۷، ۱۵۹

ندایی نیشابوری ۳۴۸  
 ندیمی (بهاءالدین برندق بخاری) ۲۹۶-  
 ۲۹۷  
 نذری کاشانی ۵۱۵  
 نرشنی (ابوبکر محمد بن جعفر) ۷۰،  
 ۱۲۰  
 نرگسی ابهری (ابوالمکارم عیرک) ۲۳۵،  
 ۷۸۹، ۵۴۳  
 نرگسی مراغی ۷۲۵  
 نرگسی مروزی ۳۴۸  
 نرگسی هروی ۷۸۹، ۳۴۸، ۳۳۵  
 نزار بن مستنصر اسمعیلی ۱۷۰، ۸۰۳  
 نزاری قهستانی (سعدالدین) ۱۷۰  
 نزاریه مؤمنیه اسمعیلیه ۸۰۵  
 ندایی (فخرالنساء) ۶۹۵، ۳۴۹  
 مشهدی ۵۱۳  
 نسف آقاشانی تکلو (وجههالدین) ۴۱۳،  
 ۵۰۶-۵۰۵  
 نسوی (ابوالحسن علی بن احمد) ۶۳،  
 ۷۰  
 نسیمالدین ابوسعید نسیمی شیرازی (یا  
 عمادالدین) ۳۳۵، ۳۲۱، ۳۳۶-  
 ۷۸۹، ۷۶۵  
 نسیمی حسینی شیرازی ۵، ۳۲۱، ۳۳۵-  
 ۷۸۹، ۷۶۵، ۳۳۶  
 نسیمی فرخاری ۳۴۸  
 نسیمی گرگانی ۴۸  
 نسیمی نیشابوری ۲۱۳، ۲۲۵  
 نسیمی هروی ۳۴۸  
 نشاطی ۱۰۰  
 نشاطی دهلوی ۶۶۱  
 نشانی دهلوی (مولانا علی احمد) ۵۵۵،  
 ۸۳۵  
 شناس ۲۵  
 نصاری ۱۷، ۸۰۰  
 نصرالله (حافظ) ۷۹۷  
 نصرالله بن احمد جام (برهانالدین)  
 ۷۲۰  
 نصرالله بن برهانالدین خلیل الله طالوسی

۴۱۳، ۳۹۷، ۳۵۷، ۱۷۴

نصرة الدين كيودجامه (شاه) ۳۴۵، ۱۸۰  
نصرة الدين مسعود بن ارسلان (جهان  
پهلوان) ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۰۲

نصير خان قزوینی ۶۶۲

(امير) ۷۱۱

اندجانی ۷۱۱، ۶۱۳

نصير گيلانی (بابا) ۷۱۱، ۶۴۷، ۳۴۸  
نصير بن نوربخشي يزدي (مير سيد حسين)

۷۱۱، ۶۶۱، ۳۴۸، ۳۴۶

(حکيم) ۵۱۴

نير (سعد الدين) ۲۲۵

نير اديب (خواجه) ۱۸۱

الدوله شمس الملوك رستم بن اردشير

باوندي ۱۲۹

نصير الدين (ملك) ۱۵۶-۱۵۷

نصير الدين ابوالخير يا ابوسعيد عبدالله بن  
عمر بيضاوي (يا ناصر الدين) ۱۳۹،

۷۳۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵

نصير الدين ابوالرشيد عبدالجليل بن  
ابوالحسين بن ابوالفضل قزوینی

رازی ۱۲۵

نصير الدين ابوالقاسم محمود بن عبدالملك  
بن ابوتوبه مروزی خوارزمی ۸۸،

۱۳۰

نصير الدين ابوالقاسم محمود بن مظفر بن

عبدالملك بن ابوتوبه مروزی خوارزمی

۱۳۰، ۸۸

نصير الدين ابوجعفر محمد بن حسن طوسی

ر. نصير الدين طوسی

نصير الدين اديب ۴

نصير الدين بن محيى بن عبداللطيف اودهی

ر. نصير الدين چراغ دهلی

نصير الدين چراغ دهلی ۱۹۵ - ۱۹۶،

۷۵۹، ۷۵۶ - ۷۵۴، ۲۴۳، ۲۲۳

نصير الدين خلجي (سلطان) ۳۹۶

نصير الدين خليل بن امير انشاء گورکان

۲۹۶ - ۲۹۵، ۲۳۱

نصير الدين ساقی قزوینی ۶۴۴

نصير الدين طوسی ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۵۲،

۱۵۸، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۶۷،

۲۶۹ - ۲۷۱، ۳۰۵، ۳۷۵، ۳۸۴ -

۳۸۵، ۳۸۹، ۲۹۱، ۴۴۲، ۶۶۵،

۷۵۰، ۷۳۲، ۷۳۰، ۷۰۳، ۶۹۱

نصير الدين عبدالحي ۵۹۹

نصير الدين عبدالله بن عمر بيضاوي (ابو -

سعيد يا ابوالخير ناصر الدين)

۷۳۵، ۷۳۲، ۷۳۰، ۳۹۵، ۱۳۹

نصير الدين عبيدالله نقشبندی ۲۴۷،

۸۱۷

نصير الدين محمد بن ابراهيم بن عبدالله

سجستاني سيواسي رمال ۱۵۱

نصير الدين محمد بن بلبن (سلطان) ۱۷۱،

۱۷۵

نصير الدين محمد بن عبدالکريم انصاری

۳۷۳

نصير الدين محمد بن غياث الدين بلبن ۱۷۱،

۱۷۵

نصير الدين محمد همايون ر. نصير الدين

همايون

نصير الدين معروف بن نصيراي همدانی

(خواجه) ۵۳۲

نصير الدين نصرالله بن محمد بن عبدالحميد

متشی شیرازی (ابوالمعالي) ۷۸،

۱۱۷

نصير الدين همايون ۱۹۵ - ۱۹۶، ۲۲۳،

۲۳۲، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۹،

۲۸۲، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۵۳ - ۴۵۴،

۴۶۶، ۴۶۹ - ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۵ -

۴۷۶، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۹ - ۵۵۰، ۵۵۲ -

۵۵۳، ۵۵۶ - ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۴،

۵۶۶ - ۵۶۷، ۵۷۱، ۶۰۷ - ۶۰۸،

۶۱۱، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۳۵، ۶۳۷،

۶۴۲، ۶۵۰ - ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵،

۶۵۷ - ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷ - ۶۶۸،

۶۷۳، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۸،

۷۵۳ - ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۷۶، ۸۰۲،

۸۰۵، ۸۰۸ - ۸۰۹، ۸۲۹، ۸۳۳ -

نظام الدین احمد بن عمر بن علی نظامی  
عروضی سمرقندی (یسا نیم الدین)  
۷۱۹، ۱۱۹۰، ۹۰، ۵۱

نظام الدین احمد بن محمد بن احمد شجاع-  
الدین درود باش بیہقی ۷۵۸  
نظام الدین احمد بن محمد سقیم ہروی دہلوی  
۸۰۲، ۴۷۱، ۴۶۶، ۳۵۹، ۳۵۷  
نظام الدین احمد سہیلی جغتایی ۲۴۷،  
۳۰۷

نظام الدین احمد شیرین کار ۳۴۳  
نظام الدین احمد کاتب جامی ۹۵  
نظام الدین اردبیلی ۳۴۸  
نظام الدین استرا بادی ۳۱۳، ۳۱۸، ۴۴۶،  
۷۸۸

نظام الدین الیاس بن یوسف بن زکی بن  
مؤید گنجوی نظامی ر. نظامی  
گنجوی

نظام الدین اولیا (دہلوی) ۱۱۳، ۱۵۴،  
۱۵۶، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۶-  
۱۹۷، ۲۱۸، ۲۴۰، ۵۴۴، ۷۳۵،  
۷۵۴-۷۵۵، ۷۵۹، ۷۶۶، ۷۶۹

نظام الدین پارسا (خواجہ) ۶۲۳  
نظام الدین جندی ۴

نظام الدین حبیب اللہ حسینی ۲۷۱  
نظام الدین حسن حسینی آملی ۲۱۵

نظام الدین خاموش ۲۷۸، ۷۸۴  
نظام الدین خراسانی ۳۴۸

نظام الدین دربندی ۴  
نظام الدین سلطان یحیی کیا ۲۷۰

نظام الدین شریف ہروی ۷۸۰  
نظام الدین عبد الحق ۸۱۸

نظام الدین عبدالملی بن محمد حس-  
بیر جندی ۳۸۳-۳۸۴، ۸۰۶

نظام الدین عبد القادر بن حسن رویان-  
لاہیجی ۲۷۰

نظام الدین عبد الواسع شامی یاشنپ غازانی  
نظام شامی ۲۳۶، ۲۵۰، ۷۸۲

نظام الدین عبد الهادی پارسا (خواجہ)  
۶۲۳

۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۹

نصیر الدین یوسف بن ظافر الدین یزدی  
۷۳۳

نصیر الملک ۳۶۸  
الملک بن مؤید الملک بن نظام الملک  
۸۸

نصیرای ہمدانی (خواجہ نصیر الدین)  
۵۳۲

نصیر سگری (ظہیر الدین) ۷۹  
نصیر سیستانی ۴۴۷، ۴۵۳

نصیر گنجہ ۱۷۹  
نصیر لنگ نیشاپوری ۳۶۸

نصیر منشی ہمدانی ۸۶۰  
نصیری اردوبادی (قاضی محمد) ۷۰۶

نظام ۵۵۰  
نظام (حسن بن محمد نیشاپوری قبی)  
۱۵۲

نظام (شاہ) ۲۳۴  
نظام (صدر) ۱۸۱

نظام (مترجم بوداسف و بلوہی) ۲۶۴  
نظام (محمود طاهر غزالی) ۷۵۵

نظام (میرزا) ۴۶۲-۴۶۳  
نظام استرا بادی ۲۱۳

نظام اصفہانی ۱۷۲  
نظام الدین ۱۸۱

نظام الدین ابوالعلاء گنجوی ۱۰۳، ۱۰۷  
نظام الدین ابوالفضائل عبد القادر بن

غیبی مراغی ۱۴۷، ۲۶۱، ۷۷۳،  
۷۷۷، ۷۸۲، ۸۱۴

نظام الدین ابوسعید محمد جنیدی (نظام-  
الملک) ۱۷۲، ۲۲۳

نظام الدین ابونصر عبد اللہ فارسی (قوام-  
الملک) ۷۸

نظام الدین احمد (میرزا) ۳۵۷، ۴۲۲،  
۴۲۸، ۴۳۲، ۵۴۴، ۵۵۲، ۵۵۶

۸۰۸  
نظام الدین احمد اسکوی (میر) ۶۷۰،

۷۰۳  
نظام الدین احمد نخشبی (خواجہ) ۳۵۸

نظام الدین عبید زاکانی قزوینی ۲۰۱، ۲۰۶  
 نظام الدین علی بناکشی ۷۳۲، ۱۴۳  
 نظام الدین علی سیاقی ۷۱۰  
 نظام الدین علیشیر بن غیاث الدین گچکنه ۲۸۹ ر. علیشیر نوایی  
 نظام الدین علی کاشانی (حکیم) ۶۶۲  
 نظام الدین علی مشهدی ۳۲۶  
 نظام الدین علی نظمی تبریزی ۵۵۶، ۸۳۵  
 نظام الدین غریب یمنی ۷۵۶  
 نظام الدین کاتب ۳  
 نظام الدین محمد ۲۴۲  
 نظام الدین محمد بن تاج الدین مسعود بخاری ۱۰۰  
 نظام الدین محمد بن علی آل میران ۹۸  
 نظام الدین محمد بن علی بن ذاتیالدهلوی ۱۱۳ ر. نظام الدین اولیا  
 نظام الدین محمد بن مسعود بخارا بی ۱۰۰  
 نظام الدین محمد خاموش ۷۸۴، ۲۷۸  
 نظام الدین محمد معصوم بن سید صفایی حسینی ترمذی بهکری نامی ۳۵۸، ۸۰۲  
 نظام الدین محمود بن امیر احمد قاری یزدی ۲۲۰  
 نظام الدین محمود بن حسن حسینی شیرازی واعظ شاه داعی ۱۶۹، ۲۳۵، ۳۱۱، ۷۸۲، ۷۴۲  
 نظام الدین محمود قمری اصفهانی قاضی نظام ۱۷۲  
 نظام الدین مرزوقی ۲۲۵  
 نظام الدین معنایی ۳۱۳  
 نظام الدین مودود بن محمد معصمی ۸۱  
 نظام الدین هاشمی (خواجه) ۶۲۹  
 نظام الدین هاشمی کاشانی (میر) ۶۴۸  
 نظام الدین هروی ۲۲۱  
 نظام الدین وزیر ۱۶۶

نظام الدین یحیی ۱۸۱  
 نظام الدین یحیی بن ملک عزالدین علی ۲۵۴  
 نظام الدین یحیی کیا (سلطان) ۲۷۰  
 نظام الملک (صدر الدین محمد) ۹۳، ۸۱  
 نظام الملک (میرزا) ۵۰۱  
 نظام الملک ابو علی حسن بن طاهر ۸۱، ۹۰  
 نظام الملک بحری ۴۸۹  
 نظام الملک حسن ۹۰، ۸۱  
 نظام الملک حسن بن اسحق بیهقی ۷۵۹  
 نظام الملک خوافی (قوام الدین) ۲۵۲، ۲۵۶، ۳۱۴، ۳۰۸، ۲۰۸  
 نظام الملک سمرقندی (خواجه) ۵۸۵  
 نظام الملک صدر الدین محمد ۹۳، ۸۱  
 نظام الملک طوسی (قوام الدین ادوعلی حسن بن علی بن اسحق) ۴۹ - ۵۰، ۵۴ - ۵۵، ۵۸، ۶۱، ۶۶، ۶۷ - ۶۹، ۷۱ - ۷۳، ۷۷، ۱۲۷، ۱۶۳، ۳۳۲، ۷۲۷  
 نظام الملک قوام الدین حسن ر. نظام الملک طوسی  
 نظام الملک قوام الدین خوافی ۲۵۲، ۲۵۶، ۳۱۴، ۳۰۸، ۲۰۸  
 نظام الملک قوام الدین محمد بن محمد جنیدی ۲۲۳، ۱۷۲  
 نظام الملک محمد (صدر الدین) ۹۳، ۸۱  
 نظام الملک محمد بن محمد جنیدی (قوام الدین) ۲۲۳، ۱۷۲  
 نظام بدخشی (قاضی) ۸۱۵  
 نظام بدر نیشابوری ۳۴۸  
 نظام بن رضی نقاشی ۳۳۶  
 نظام بن کمال بن جمال بن حسام هروی ۹۰، ۲۷۵  
 نظام تبریزی ۷۵۷  
 نظام دست غیب شیرازی ۴۴۶  
 نظام سیاقی ۷۱۰، ۳۵۸  
 نظام شامی (عبدالواسع) ۲۳۶، ۲۵۰، ۷۸۲  
 نظام شامی (علی بن محمد) ۷۸۲

نظام شاه (حسین) ۳۸۹	نظر شهر سبزی ۶۰۰
نظام شاه بحری (مرتضی) ۸۳۱، ۴۴۳	نظری ۵۷۱
نظام شاه بهمنی ۶۵۶، ۶۴۶، ۴۱۲، ۲۵۹	نظمی تبریزی (نظام الدین علی) ۵۵۶، ۸۲۵
۸۴۳، ۸۰۳، ۶۷۲	نظمی خراسانی ۳۴۸
نظام شاه دکنی (برهان الدین) ۳۶۷، ۳۵۵	نظمی زاده بغدادی (مرتضی) ۲۷۹
۸۰۳، ۶۵۶، ۳۸۹، ۳۷۳، ۲۶۸	نظیر ۴۲۹
نظام شاه دیوانه (مرتضی) ۴۳۳	نظیر الدین هروی ۴۴۸
نظام شاهی ۵۳۸، ۲۳۴	نظیری نطنزی ۶۴۹
نظام شاهیان ۳۸۹	نظیری نیشابوری (حاج محمد حسین) ۳۴۸، ۸۲۲، ۷۹۸، ۷۸۶، ۵۳۷، ۴۲۹
نظام ضمیری بلگرامی ۶۴۵	نعمان بن محمود بن امیل (خواجه جلاله الدین) ۲۱۴
نظام فاضل (مولانا) ۶۳۱	نعمه الله ۷۶۳
نظام گلستانه (شاه) ۴۵۰	نعمه الله (بابا) ۳۴۸
نظام متشهی ۲۷۳	نعمه الله باقی (شاه) ۵۰۰
نظام محمود طاهر غزالی ۷۵۵	نعمه الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن کمال الدین یحیی کوه پتانی کرمانی (سید نور الدین) ر. نعمه الله ولی
نظام هروی ۳۴۸	نعمه الله بن علاء الدین قهستانی هروی (خواجه نعیم الدین) ۳۰۹
نظامی (صدر) ۱۸۱	نعمه الله بن محمود تنجوانی (شیخ بابا) ۷۴۲، ۳۴۸، ۲۸۲، ۱۶۹
نظامی (ضیاح الدین بن عبدالکریم) ۴، ۲۶۹	نعمه الله ثانی (نعیم الدین) ۸۲۸، ۱۹۰
نظامی (مجدالدین ابونصر احمد بن محمود ابن علی) ۷۴۴	نعمه الله روشی زاده ۷۹۶
نظامی (محمد بن قلج) ۷۲	نعمت الله علوان آقشهری (بابا) ۲۸۲
نظامی اثمیری ۸۹	نعمه الله ولی (شاه) ۱۸۷، ۶۴، ۴، ۱۹۰، ۲۹۴، ۲۸۳، ۲۵۷، ۲۲۶، ۲۱۷
نظامی باخرزی (کمال الدین عبدالواسع) ۳۱۳	۳۳۱، ۳۲۶، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۴۱
نظامی بخاری ۱۷۹	۵۳۵، ۵۰۴، ۵۰۰، ۴۳۵، ۶۰۹
نظامی سامانی نیشابوری ۱۰۰	۸۲۸، ۸۱۸، ۷۹۸، ۷۵۳، ۷۴۲، ۶۴۴
نظامی عروض سمرقندی ۱۱۹، ۹۰، ۵۱	نعمه الله یزدی (شاه) ۶۴۴، ۵۰۰
۷۱۹	نعمه اللهی ۸۱۸، ۳۲۱
نظامی گنجوی ۱۰۶-۱۰۴، ۷۴، ۵۲، ۴۴	نعمت طبیب گیانی ۵۳۱
۳۱۲، ۲۲۹، ۲۰۰، ۱۷۱، ۱۰۸	نعمتی ۴۴۳
۵۱۹، ۴۴۵، ۴۳۵، ۴۱۳، ۴۱۰	نعمتیان ۸۱۸، ۴۰۸
۷۰۸، ۶۴۳، ۶۴۱، ۶۱۷، ۵۶۹	نعمیم الدین نعمه الله بن علاء الدین قهستانی هروی (خواجه) ۳۰۹
۷۸۷، ۷۷۲، ۷۶۹، ۷۴۷، ۷۳۴	۸۲۸، ۱۹۰
۷۸۹، ۷۹۶، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۲۴	
۸۴۲، ۸۲۸	
نظامی منیری ۸۹	
نظامی نیشابوری (حسن) ۱۷۱، ۱۵۲	
۳۳۶	
نظر سلطان استاجلو ۴۹۳-۴۹۴	

نعمی اشترابادی تبریزی (سید شاه  
فضل الله) ۲۱۴، ۳۴۸، ۷۶۳-۷۶۵،  
۷۷۱، ۷۷۲، ۷۸۳-۷۸۶، ۷۸۹،  
۷۹۰

نعمی تبریزی (فضل الله بن ابو محمد)  
۷۶۳

شروانی ۱۷۹

نقدی حصارى ۵۹۳

نقشبند ر. بهاء الدین محمد

نقشبند شیرازی (خواجہ غیاث الدین)  
۵۱۲

نقشبندی ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۰،  
۳۸۰، ۳۸۳، ۳۹۰، ۴۰۵، ۶۷۱،

۷۸۲، ۷۸۴، ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۲۶

نقشبندیان ۳۸۴، ۳۹۲، ۴۲۳، ۷۱۶،  
۷۸۳، ۸۱۴، ۸۱۷، ۸۴۰

نقشبندیه ۱۱۰، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۳۶،  
۲۴۸، ۲۶۳-۲۶۴، ۲۸۱، ۲۸۵

نقش دهلوی (مولانا حسین) ۵۵۵

نقط (اهل) ۴۲۵، ۵۴۲

نقط (علم) ۴۵۰

نقطوی ۵۲۱، ۵۲۰، ۵۴۳، ۷۰۹، ۷۶۵،  
۷۸۴

نقطویان ۵۲۱، ۵۳۰

نقی (علی هروی کاشانی) ۵۸۰

نقیب (شاه قوام الدین) ۴۵۰

نقیب الاشراف خواجہ سید بهاء الدین حسین  
نقاری بخاری ۳۰۳، ۵۷۶، ۶۲۰،

۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۶

نقیب خان ۳۵۷، ۴۲۲، ۵۵۳، ۶۸۹،  
۸۱۵

نقیب خان قزوینی (غیاث الدین علی احمد)  
۸۴۱، ۹۶۲

نقیبی هروی ۳۴۸

نقی نیازى اصفهانی ۶۶۲

نکویی بخاری ۵۹۰، ۵۶۹

نکبستی (روزبه بن عبدالله) ۴۲

نکبسا ۱۵

نکاهی کابلی ۵۹۰

۱۰۶۴

نمدی (میرزا) ۶۱۵

نمکین هروی (محمد) ۵۸۲

نواب دولت خان لودی ۴۸۵

نواب عبدالدوله جمال الدین حسین بن

فخر الدین حسن اینجو ۳۹۷

نواهی مروزی (ابو عبدالله) ۲۲

نواهی ر. علیشیر

نواهی خراسانی ۳۳۸، ۵۵۹

نواهی کر بلاهی (میر محمد شریف) ۵۵۶

نوح بن منصور سامانی ۲۰، ۲۹، ۴۵، ۴۸،

۱۲۰، ۷۱۶

نوح بن نصر سامانی ۲۸، ۷۰، ۱۲۸

نور اصفهانی (قاضی) ۴۵۹-۴۶۰

نور الدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن

احمد بن شمس الدین محمد جامی ر.

جامی

نور الدین ابوالحسن علی بن سلطان محمد

قاری ۱۳۲، ۳۹۴-۳۹۵

نور الدین ابوالحسن علی بن یوسف بن

جریر لحمی شافعی ۱۳۲

نور الدین ابو محمد عبدالرحمن بن محمد

ابن محمد کسرقی اسفراینی ۱۱۵،

۷۳۳، ۷۴۵

نور الدین احمد بن محمود بن ابوبکر

صابونی بخاری نجفی ۷۲۹

نور الدین اسفراینی ۱۱۵، ۷۳۳، ۷۴۵

نور الدین اندمانی اصفهانی (قاضی)

۷۱۱

نور الدین بسطامی ۱۸۱

نور الدین دورانی هروی ۶۱۹

نور الدین ترخان دهلوی ۵۴۲

نور الدین جمفر بدخشی ۷۵۴

نور الدین جهانگیر ۱۹۳، ۳۵۲، ۳۵۷،

۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۹-۳۷۰،

۳۸۱-۳۸۳، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۷،

۴۲۳، ۴۳۴، ۵۱۳، ۵۲۱، ۶۴۲،

۶۶۲، ۶۸۴، ۶۹۰، ۸۰۸، ۸۲۱،

۸۳۵

نور الدین شاه خلیل الله ۷۹۸



نورالدین محمد غوریانی ۳۲۶	نورالدین عبدالرحمن ۲۲۵
نورالدین محمد کازرونی صوفی ۳۲۶	نورالدین عبدالرحمن اسفرائینی ۱۱۵
نورالدین محمد گیلانی ۴۶۲	۷۳۵، ۷۳۳
نورالدین محمد میرزا ۶۱۵	نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی
نورالدین محمد نوری اصفهانی (قاضی)	۲۸۲، ۲۷۷
۳۵۹-۳۶۰	نورالدین عبدالرحمن قزوینی مصری
نورالدین مراغی ۳۳۸	۳۶۴
نورالدین منشی ۲	نورالدین عبدالرحمن جامی رجامی
نورالدین منور ۷۲۳	نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی
نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن	۷۵۸
عبدالله بن جمال الدین یحیی کوه بنانی	نورالدین علی بن حسام الدین بن قاضی عمده
ر. نعمت الله ولی	الملك قاضی خان قرشی شیخ منقی
نورالدین نورالله نوری حسینی مرعشی	۴۰۲
(قاضی) ۶۶۲-۶۶۳	نورالدین علی بن عبدالله مهبودی ۲۵۴
نورالله (علاء الدین) ۳۹۳	نورالدین عهدی قرا دولی ۶۳۸، ۵۷۶
نورالله بن سید شریف الدین بن جمال الدین بن	نورالدین محمد بن احمد بن علی بن محمد
نورالله بن شمس الدین محمد شاه حسینی	زیدری یا خردندی نسوی ۲، ۹۴،
مرعشی شوشتری قاضی نورالله (۲۵)	۱۱۷
۳۸۰-۳۸۱، ۳۶۲-۳۶۳، ۶۸۶	نورالدین محمد بن حسین بن عبدالله بن
نورالله خراسانی ۳۴۸	میر- الدین قزوینی ۳۸۰،
نورالله دازی (میر) ۶۶۲	۴۰۶
نورالله ساجی ۳۴۸	نورالدین محمد بن عبدالرزاق صمد گیلان
نورالله شوشتری ر. نورالله بن سید شریف-	قراری گیلانی ۳۲۵، ۵۳۲، ۸۲۰-
الدین	۸۳۳، ۸۲۱
نورالله شوشتری (امیر) ۵۰۱	والدیه
نورالله نوری ر. نورالله بن سید شریف الدین	ابن شمس الدین قزوینی ۳۸۰، ۴۰۶
نوربخش (سید محمد) ۲۷۴، ۳۱۸، ۳۱۹	نورالدین محمد بن یحیی بن طاهر بن عثمان
۳۲۲، ۳۲۶، ۴۰۰، ۴۸۸، ۸۱۲	عوفی بخارایی (یا سید الدین) ۶۵،
نوربخش (شاه قوام الدین) ۳۱۵، ۴۴۱	۷۸، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰-۱۰۱، ۲۷۹، ۸۱۶
نوربخش (سادات) ۶۱۶، ۶۶۱	نورالدین محمد ترخان صفیدونی نوری
نوربخش (سید شاه قاسم) ۲۷۳	۸۳۳، ۵۴۲
نوربخش (طریقه) ۳۳۲، ۴۴۱، ۵۱۱	نورالدین محمد جهانگیر ر. نورالدین
۶۱۰، ۶۱۶، ۶۱۸	جهانگیر
نوربخشیان فارس ۳۱۹	نورالدین محمد خوافی ۶۱۱
نوربخشیه (طریقه) ۲۷۴، ۳۱۹، ۴۰۰	نورالدین محمد نخله نوری ترشیزی ۴۳۳
۵۱۱	۸۲۶، ۴۴۵
نوربیدوئی ۱۷۹	نورالدین محمد عوفی ر. نورالدین محمد
نورجهان بیگم ۳۸۲، ۵۱۳، ۸۰۶	بن یحیی
نورسعد (امیر) ۴۵۵	نورالدین محمد عهدی ۶۳۸

۸۰۷، ۴۴۴  
 نویدی طهرانی رازی ۶۶۴  
 نویدی کلنگ بلخی ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷  
 نویدی کیلانی ۶۶۴  
 نویدی نیشابوری ۸۲۰، ۵۸۱، ۳۲۲  
 نویری ۷۱۴  
 نهانی ۳۴۹  
 نهانی اکبر آبادی ۶۶۴  
 نهانی اگرهی ۵۵۵  
 نهانی شیرازی ۳۴۹  
 نهانی ماوراءالنهری ۶۳۸  
 نیازخواجه ۷۷۸  
 نیازظهوری تبریزی (ملا) ۶  
 نیازی ۶۳۶، ۵۵۱  
 نیازی (محمد یوسف) ۳۴۸  
 نیازی (ملا) ۶۳۶  
 نیازی (مولانا محمد شرقی) ۶۳۶، ۵۰۰  
 نیازی اصفهانی (نقی) ۶۶۲  
 نیازی بخارایی (سید حسن بن محمد) ۷، ۸۳۵، ۶۳۶، ۵۵۶  
 نیازی سمرقندی ۶۳۶، ۵۵۸  
 نیازی کرمانی ۷۰۹  
 نیازی مثالی بدخشی ۶۳۶، ۵۹۳  
 نیسانی (سید محمد طاهر بن سید حسن تقوی) ۳۶۶  
 نیشابوری ۷۵۷  
 نیکی اصفهانی (ملا زین الدین مسعود) ۶۵۹، ۶۴۴، ۵۲۲، ۵۱۱، ۳۴۸  
 ۸۳۲  
 نیکی کابلی ۵۸۳  
 نیلی قاری سجزی دهلوی (علاء الدین) ۷۶۶، ۲۱۸  
 وانگر (احمد) ۵۵  
 وانقی نیشابوری ۶۶۴  
 وانقی هروی (ابن علی) ۶۶۴، ۵۵۶  
 واحدی ۷۹۸، ۶۶۴

نور سعید بیک خوارزمی ۳۴۴  
 نور محمد اخگری اندجانی ۶۰۱  
 نور محمد بن سیف الدین بن داملا شاه عباس  
 اخسیکتدی ۸۱۶  
 نورنگ خان ۵۵۸، ۴۲۱  
 نوروز احمد خان بن منجوق بن ابوالخیر  
 خان ۵۷۲، ۵۶۴، ۴۸۷  
 نوروز صفایی سمرقندی ۵۸۸  
 نور هروی ۳۴۸  
 نوری (امین الدین کاکا) ۲۲۶  
 نوری (عبدالواحد) ۶۲۷  
 نوری اصفهانی (قاضی نور) ۴۵۹-۳۶۰  
 نوری بیک خان نوری لاهوری ۶۶۴  
 نوری تبریزی ۷۰۶  
 نوری حسینی مرعشی شوشتری (قاضی نورالله) ۳۸۰، ۳۸۱-۳۸۲، ۶۶۲-۶۸۶، ۶۶۳  
 نوری آندانی هروی ۳۴۸  
 نوری سفیدونی (نورالدین محمد ترخان) ۸۳۳، ۵۴۲  
 نوری سمرقندی (اشرف) ۵۹۶  
 نوری لاهوری (نوری بیک خان) ۶۶۴  
 نوری مشهدی ۳۴۸  
 نوری هروی ۳۴۸  
 نوری هروی (قاضی) ۵۸۲  
 نوعی اصفهانی ۶۴۷  
 نوعی خبوشانی (شیخ محمد رضا بن محمود) ۸۲۴، ۵۹۱، ۴۳۴  
 نوکی غزنوی (سعدالدین مسعود) ۷۹  
 نووی (محبی الدین ابوزکریا حبیبی) ۴، ۳۵۶  
 نویدی (ملا) ۵۵۶  
 نویدی اصفهانی (خواجه عسدی بیک) ۵۹۱  
 نویدی بلخی کلنگ ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷  
 نویدی تربتی ۵۵۵  
 نویدی تونی ۶۱۴  
 نویدی شیرازی (زین العابدین علی) ۳۸۵

وجیه الدین (شیخ) ۶۵۵  
 وجیه الدین بن نصرالله (شاه) ۸  
 وجیه الدین زنگی بن طاهر فسرپومدی  
 ۱۶۱  
 وجیه الدین سربدار (خواجه) ۷۶۱  
 وجیه الدین عبدالله لسانی شیسرازی (با  
 کمال الدین) ۴۳۶، ۸۲۵، ۸۲۸  
 ۸۳۲  
 وجیه الدین علوی گجراتی ۷۶۳، ۶۰۰  
 وجیه الدین نسف آقاشانسی تکلوسی ۴۱۳،  
 ۵۰۵-۵۰۶  
 وجیه الدین یوسف بن نصیر الدین طوسی  
 (خواجه) ۱۹۹، ۷۳۰  
 وحدتی هروی ۳۴۸  
 وحشی باقی (کمال الدین محمد) ۴۳۴-  
 ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۵۸، ۵۰۰، ۵۱۵،  
 ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۸۵، ۶۳۹، ۶۵۹،  
 ۶۸۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۸، ۸۲۲،  
 ۸۲۵، ۸۳۰  
 وحشی جوشقانی ۵۱۷، ۸۳۳  
 وحید (ملا کلوج) ۶۴۷  
 وحید الدین ابوالحسن محمد بن زین-  
 الدین حاجی بن احمد انیسی اسفر-  
 غا بادی میرجان ۲۶۲، ۳۷۳، ۶۲۹-  
 ۶۳۰  
 وحید المعصر ممتاز الزمن ۶۸۷  
 وحید تبریزی ۸۲۸  
 وحیدی تبریزی ۷۰۷، ۸۳۷  
 وحیدی قمی ۳۴۸، ۴۶۶، ۵۶۷، ۷۰۷  
 عی بلخی ۸  
 وداعی حصاری ۵۹۲  
 وداعی هروی ۵۵۶  
 ورتیحی ۴  
 وردی جان بیک غیوری کابل ۶۵۵  
 ورقه بنت گلشاه ۴۴  
 وصال الحضرة ۱۴۳  
 وصال شیرازی ۴۳۵، ۸۲۵  
 وصال بدخشی ۵۹۳  
 وصال بلخی (میرک) ۵۹۴

واحدی (مولانا) ۳۴۲، ۶۶۴  
 واحدی هروی ۳۴۸، ۶۶۴  
 وارثی اردبیلی ۷۰۶  
 واصفی تاشکندی هروی (زین الدین  
 محمود بن عبدالجلیل) ۲۵۲، ۳۴۸،  
 ۵۵۹-۵۷۸، ۵۶۰  
 واصلی ۳۴۸  
 واصلی تبریزی ۷۰۶  
 واصلی مروزی کابل ۵۶۳، ۵۷۶-۵۷۷،  
 ۸۳۵، ۵۷۹  
 واعظ وقوعی هروی ۵۵۷  
 واعظی بلخی (حکیم ابوبکر بن محمد)  
 ۱۸۰، ۹۵  
 وافر سگری (زین الدین ابوعلی) ۹۵  
 وافی ۵۵۸  
 واقعی (محمد هاشم) ۴۲۷  
 واقعی تبریزی (قاضی) ۵۳۵  
 واقعی قندهاری (ملا هاشم) ۸۳۵  
 وافی هروی ۳۴۸  
 واقعی طوسی (ابن علی) ۶۶۴  
 واقعی مروزی (مولانا) ۵۸۲، ۶۱۸  
 واقعی هروی (ابن علی) ۵۵۶، ۶۶۴  
 واقف خلخالی (ملا علیقلی) ۲۰۶-۷۰۷  
 واقف خلخالی (ملا نصرالله) ۷۰۶  
 والهی اگرهی ۴۱۸، ۵۴۴  
 والهی بخاراوی ۶۰۹  
 والهی برزش آبادی (عماد الدین فضل الله)  
 ۳۲۲، ۵۶۵، ۶۱۰  
 والهی دانی ۵۷۶  
 والهی دانهی ۵۵۹  
 والهی سمرقندی ۳۴۸  
 والهی قمی ۴۵۹  
 والهی نیشابوری ۵۴۵  
 والهی هروی ۳۴۸  
 والی بیک ینمورچی ۸  
 واهبی، جاوندی ۵۸۴، ۶۰۲  
 وجهی اصفهانی ۵۳۵  
 وجهی، متجاری ۵۲۲  
 وجهی هروی تفرشی ۶۶۴

همایون گیلانی (امیر) ۸۲۱  
همایون میرزا بابری ۳۵۵، ۳۴۸-۳۵۶،  
۳۶۱-۳۶۳، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۰

۴۱۱

همایون میرزا تیموری ۲۳۲  
همایمی سمرقندی ۳۴۸  
همایمی عراقی ۳۴۸  
همتی اصفهانی ۵۲۲  
همتی بلخی (غیاث الدین) ۷۶۸  
همدم بیگ ۵۵۷  
همدم کوکه کوکلتاش (میرزا مراد) ۴۶۶،  
۶۶۵

همدمی (میرزا برخورداد) ۵۵۷  
همدمی جهرمی ۷۱۱  
همدمی مشهدی ۳۴۸  
همگریزدی شیرازی (مجدالدین) ۷۳،  
۱۶۲، ۷۷۲

هندال (ابونصر میرزا محمد) ۶۰۷، ۵۵۸،  
۶۶۸

هندو ۴۳۴، ۴۸۹، ۶۴۷، ۸۲۹  
هندو (سیف الدین) ۱۸۱  
هندو (علاء الدین) ۱۸۱  
هندو (میرزا) ۶۱۵  
هندوان ۱۷، ۱۵۴، ۲۳۴، ۳۵۲، ۴۸۵،  
۵۵۴، ۵۹۱، ۶۶۹، ۸۱۵، ۸۲۵

هندو ترکستانی ۷۹۶  
هندوشاه (فخر الدین) ۲۲۶  
هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی کیرانی  
نخجوانی ۱۸۴، ۷۵۲

هندی ۵۶۶، ۶۱۱، ۶۲۵، ۶۷۷، ۷۲۵،  
۸۱۳، ۷۸۶

هندی (زبان) ۱۴-۱۵، ۲۷، ۳۳، ۱۷۱،  
۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۴۸۶، ۵۴۲-  
۵۴۳، ۵۴۵، ۵۶۵، ۷۹۸

هوایی مشهدی ۳۴۸  
هوشنگ بن کاوس بن کیقباد (امیر) ۳۴۱  
هوشی خراسانی ۳۴۸  
هوشی سنغری دینوری ۵۲۳  
هولا کوخان ۱۳۴-۱۳۷، ۱۶۲-۱۶۳

۶۷۴، ۶۲۵-۶۲۴، ۵۶۷

هلالی ماوراءالنهری ۶۲۵  
خلیله ۳۵

همام (حکیم) ۲۲۵، ۲۵۷، ۵۴۱، ۸۳۳،  
۸۵۷

همام (محمد) ۳۴۷  
همام الدین تبریزی ۱۶۸، ۷۴۱  
همام الدین گلباری ۳۴۸، ۲۶۵  
همام الدین محمد بن ابوطالب تبریزی همام  
طیب ۷۸۲

همام تبریزی ۱۶۸، ۷۴۱  
همام طیب (همام الدین محمد بن ابوطالب  
تبریزی) ۷۸۲  
همایون (امیر) ۶۲۵  
همایون (میر) ۴۴۸

همایون (نصیر الدین) ۱۹۵، ۱۹۶-  
۲۲۲، ۲۳۲، ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۳،  
۲۵۹، ۲۸۲، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۵۳-  
۴۵۵، ۴۶۶، ۴۶۹-۴۷۰، ۴۷۲،  
۴۷۵-۴۷۶، ۵۴۴، ۵۴۹-۵۵۰،  
۵۵۲-۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۰،  
۵۶۴-۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۱، ۶۰۷-  
۶۰۸، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۳۵،  
۶۳۷، ۶۴۲، ۶۵۰-۶۵۱، ۶۵۳،  
۶۵۵-۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۵، ۶۶۷-  
۶۶۸، ۶۷۳، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۸۹،  
۷۰۸، ۷۵۴-۷۵۶، ۷۵۹، ۷۷۶،  
۸۰۲، ۸۰۵، ۸۰۸، ۸۰۹-۸۰۹، ۸۲۹،  
۸۲۳-۸۲۴، ۸۳۶، ۸۳۹

همایون اسغرائینی ۳۱۱، ۳۳۵-۳۱۲،  
۴۶۱، ۶۱۳، ۶۲۵

همایون باریک (ابوبکر بن ابونصر ولی  
امیر المؤمنین یمن الملک فخر الدین  
الغیاث اکاظم) ۷۳۹

همایون شاه بهمنی ۷۸۶، ۷۹۱، ۷۹۸  
همایون شاه ظالم ۷۸۶، ۷۹۱، ۸۹۸  
همایون ظهیر الدین بابر ۲۳۲، ۲۴۰-  
۲۴۱، ۲۵۹

همایون عراقی ۶۲۵، ۶۱۲

۸۰۲، ۷۳۲

هیبتی بردعی ۷۰۳

هیثمی (شهاب الدین احمد بن حجر) ۳۸۱،

۸۲۹، ۸۱۹، ۳۹۴

یادگار (امیر) ۹۶۵، ۳۴۹

یادگار بیک ۵۰۱

یادگار بیک ترکمان ۵۸۶

یادگار بیک سیفی (امیر) ۳۰۶

یادگار خالقی اگرهی ۴۲۹، ۴۱۸

یادگار خان مشهدی ۶۸۶

یادگار محمد میرزا ۳۰۹

یادگار ناصر میرزا بن عمر شیخ بن ابوسعید

ابن الخ بیک ۶۶۱، ۶۰۸، ۲۳۲

یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی ۲۵۷،

۸۰۷، ۳۹۷

یار بیک ۴۵۵

یار علی بن عبدالله تبریزی ۳۹۷

یار علی شیرازی ۷۸۰، ۲۶۳، ۱۶۴

یارک طیب قزوینی (حکیم عماد الدین)

۵۲۴

یار محمد رخنه ۳۴۴

یار محمد سلطان بن رستم سلطان ۵۹۷

یاری (حافظ) ۳۴۸

یاری استرآبادی ۶۳۷، ۳۴۸

یاری تبریزی ۷۰۷

یاری خراسانی ۶۳۷

یاری شیرازی ۶۳۷، ۳۴۸

یاری هروی ۶۳۷، ۳۴۸

یاری یزدی ۶۹۴

یاقعی (محمد بن عبدالله) ۷۵۳

یاقع شافعی ۱۰۲

یاقوت حموی ۳۶۰

یاقوت شاه ۳۶۲

یاقوتی جولاهه (مسعود) ۱۰۰

یاور ۳۶۶

یتیمان (جاهی بخارایی) ۶۰۹، ۴۱۱

سیم سلطان ازبک ۵۰۸، ۴۵۸

یتیمی تبریزی ۵۸۳

می هروی ۵۸۳، ۵۲۴

یحیی ۶۷۱

یحیی (امیر عزالدین) ۱۸۱

یحیی (خواجه) ۶۳۹

یحیی (رکن الدین) ۷۵۸

یحیی (ملا) ۴۱۸

(موفق الدین) ۱۸۱

یحیی (نظام الدین) ۱۸۱

یحیی آل مظفر (نصرة الدین شاه) ۷۸۵

یحیی آملی ۷۱۱

یحییای معصوم ۸۲۳

مکی ۲۷

یحیی بن احمد بن عبدالله سهرندی ۲۳۶

یحیی بن بهاء الدین شروانی (سید) ۷۸۳

یحیی بن حبش بن امیرک سهروردی شیخ

اشراق (شهاب الدین) ۱۱۰

یحیی بن روزبهان (رکن الدین) ۲۱۶

یحیی بن سبک فتاحی نیشابوری ۲۳۵،

۴۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰، ۳۳۵، ۲۹۹

یحیی بن طاهر بن عثمان هوفی (شرو-

الدین ابوطاهر) ۹۹

یحیی بن عبداللطیف حسینی سیفی قزوینی

۸۲۷، ۸۲۲، ۸۰۲، ۳۸۳، ۳۵۴

۸۴۰

یحیی بن محمد حسینی شیرازی (رکن الدین)

۷۸۰

یحیی بن محمد نیشابوری (یحیی الدین)

۷۴۹

یحیی بن معین الدین چنید شیرازی (رکن

الدین) ۲۸۳

یحیی بن معین شیرازی ابن معین (قحر-

الدین) ۲۱۷، ۱۸۰

یحیی بن ملک عزالدین علی (نظام الدین)

۲۵۴

یحیی تبریزی ۱۷۹

یحیی حکمران سمرقند (خواجه) ۶۷۹

یحیی حاکم طاب گیلانی ۸۳۳، ۵۳۰

خلوتی شروانی ۷۴۲

۷۷۸  
 یعقوب خان چک ۳۷۲  
 یعقوب صر فی کشمیری ۳۷۲، ۴۷۰، ۴۲۷،  
 ۸۲۹  
 یعقوب لیث صفار ۱۹  
 یعقوبی خیاط (میر) ۵۰۴  
 یعقوبی ساوجی (شیخ نجم الدین) ۳۴۸،  
 ۷۰۹  
 یقینی جویباری ۶۳۵  
 یقینی شروانی ۷۰۷  
 یقینی لاهیجانی (قاضی عبدالله) ۵۱۱  
 یقینی هرری ۳۴۸  
 یلدوز (تاج الدین) ۹۱  
 یمنی (سید محمد باقر) ۶۳۳  
 یمنی سمنانی ۵۱۲  
 یمین الدین طغرای فریومدی (امیر) ۲۰۰،  
 ۲۲۶  
 یمین الملك فخر الدین الخ بلكا اعظم  
 همایون باریك ایوب کریم ابونصر  
 ولی امیر المؤمنین ۷۳۹  
 یمین سبط اصفهانی ۱۷۹  
 یمینی سمنانی ۵۱۲، ۸۳۲  
 یمینی غزنوی ۷۸  
 یمینی گرجی ۶۶۵  
 ینکی چریان ۴۷۸، ۴۸۰، ۷۵۷، ۷۹۹  
 ینی چریان ۴۷۸، ۴۸۰، ۷۵۷، ۷۹۹  
 یوزی تگین (امیر علی) ۵۰  
 یوسف ۷۱۸  
 یوسف (امیر معز الدین) ۵۳۴  
 یوسف (فقیه) ۱۷۹  
 یوسف اصفهانی ۵۲۸  
 یوسف امیری (جلال الدین) ۳۴۲، ۷۹۸  
 یوسف امیری بدخشان (مولانا ضیاء الدین)  
 ۳۰۳  
 یوسف بخاری (حسام الدین) ۱۹۲  
 یوسف بدیعی اندجانی ۳۲۳  
 یوسف برهان حاجی (خواجه) ۳۳۶  
 یوسف بن احمد بن محمد بن عثمان ۲۵۴  
 یوسف بن احمد جام (ضیاء الدین) ۷۲۰

یحیی سرحدی (طهیر الدین) ۹۰  
 یحیی سبک فتاحی نیشابوری ۲۳۵، ۲۹۹،  
 ۳۲۵، ۳۹۳، ۴۲۶  
 یحیی سیستانی ۳۴۸  
 یحیی شروانی (سید) ۷۹۶، ۷۰۳  
 یحیی فیروز آبادی ۱۸۱  
 قزوینی (امیر) ۴۳۳  
 یحیی قزوینی (قاضی) ۵۵۳  
 یحیی کیا (نظام الدین سلطان) ۲۷۰  
 یحیی گیلانی (قاضی) ۵۱۱، ۵۸۲، ۸۳۲  
 یحیی گیلانی (مولانا) ۵۱۱، ۵۸۲، ۸۳۲  
 یحیی لاهیجانی (قاضی) ۵۱۱، ۵۸۲،  
 ۸۳۲  
 یحیی نوری (یحیی الدین ابوزکریا) ۴،  
 ۳۵۶  
 یزدانی (ابوالحسن) ۵۵  
 یزدجردی ۶۶۵  
 یزدی ۱۸۱  
 یزید بن مزید شیبانی ۴۶  
 یسوی (احمد) ۴۰۶، ۴۰۵، ۶۲۲، ۶۲۹،  
 ۷۵۷، ۷۴۶  
 یسوی (طریقه) ۴۰۶-۴۰۷  
 یعقوب (شرف الدین) ۷۶۷  
 یعقوب آق قویونلو (سلطان) ۲۳۴، ۲۵۱،  
 ۲۵۳، ۲۸۶، ۳۰۷-۳۰۸، ۳۳۱،  
 ۳۳۶-۳۳۷، ۳۳۷، ۴۴۰، ۴۸۲،  
 ۵۱۰، ۵۲۵، ۶۴۷، ۶۹۶، ۶۹۸،  
 ۷۰۹، ۷۸۸، ۷۹۳، ۷۹۶، ۸۳۷  
 یعقوب اردبیلی ۷۰۷  
 یعقوب بن اوزون حسن ر. یعقوب آق  
 قویونلو  
 یعقوب بن حسن گنای غاصمی صر فی کشمیری  
 ۳۷۲، ۴۷۰، ۶۳۷، ۸۲۹  
 یعقوب بن عثمان بن محمود بن محمد صر نوی  
 چرخ ۲۶۳، ۷۲۸  
 یعقوب بن محمد بن طاوس ۲۶۹  
 یعقوب بیک (سلطان) ر. یعقوب آق قویونلو  
 یعقوب پسر یوسف خان کشمیری ۵۵۳  
 یعقوب چرخ سروری نقشبندی ۲۶۴

یوسف بن ایوب ابوبی (ملك ناصر صلاح الدین)  
۷۲۲  
یوسف بن ایوب عمدانی (خواجہ ابویعقوب)  
۱۱۰، ۱۱۱، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۳۶  
یوسف بن جہان شاہ ۲۶۵  
یوسف بن حسن حسینی رومی قاضی زادہ  
(قوام الدین) ۲۸۱، ۲۷۳  
یوسف بن داردفارسی (جمال الدین) ۷۱۸  
یوسف بن سبکتگین (عضدالدولہ) ۳۳، ۳۷  
یوسف بن ظافر الدین بزدی (نصیر الدین)  
۷۳۳  
یوسف بن عبداللہ کورانی ۷۱۸  
یوسف بن قزاق علی سبط ابن الجوزی (شمس-  
الدین ابوالمظفر) ۱۶۷  
یوسف بن محمد بن شہاب اہلی ترشیزی  
۳۱۶، ۳۳۰، ۴۴۱، ۵۱۸، ۵۵۹  
یوسف بن محمد بن یوسف طبیب ہروی ۲۸۳،  
۸۰۸، ۳۹۸  
یوسف بن محمد دربندی (امیر ثقہ الدین)  
۷۸  
یوسف بن نصر کاتب (جمال الدین ابو  
المحسن) ۷۸  
یوسف بن نصیر الدین طوسی (وجیہ الدین)  
۷۳۰، ۱۹۹  
یوسف بن بعبوب چرخ ۷۷۸  
یوسف بیگ استاجلو ۵۰۷  
یوسف ہسر سبکتگین (امیر-ی ابویعقوب  
عضدالدولہ) ۳۷، ۳۴  
یوسف تبیینی ۷۰۹  
یوسف ترکمنی دوز (درویش) ۵۳۰،  
۷۸۴  
یوسف جامی (جلال الدین) ۷۸۱  
یوسف جامی (خواجہ ضیاء الدین) ۲۱۹،  
۲۵۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۶۱۱، ۶۱۹  
یوسف خان ۶۸۵، ۴۶۲  
یوسف خان (میرزا) ۴۵۲

یوسف خان افشار ۵۲۲  
یوسف خان رضوی (میرزا) ۸۲۴  
یوسف خان کشمیری ۵۵۳  
یوسف خان مشہدی ۶۸۶  
یوسف خان یوسف دہلوی (میرزا) ۶۶۵  
یوسف ختایی (خطابی) ۶۳۹  
یوسف دہخوار قانی (خواجہ) ۷۳۷  
یوسف دہلوی (میرزا یوسف خان) ۶۶۵  
یوسف شاہ (اتابیک) ۸۲، ۱۵۰، ۱۷۴  
یوسف شاہ کاتب ۳۳۸  
یوسف عادل شاہ ۴۴۳، ۴۴۷، ۶۷۵  
یوسف حامی ۵۶  
یوسف مررضی ۹۵، ۲۵  
یوسف علی بیگ بن یار بیگ بن یس قلی بیگ بن  
علیشکر بہارلو ۴۵۵  
یوسف علی کوکلتاش (امیر) ۴۴۶  
یوسف فضلوی عماد لہ (حکیم امیر عماد الدین)  
۱۸۱، ۲۲۳، ۷۵۱  
یوسف لہ فضلوی (عماد الدین) ۱۸۱،  
۷۵۱، ۲۲۳  
یوسف محمد خان ۵۴۳-۵۴۴  
یوسف مخدوم ۷۸۳  
یوسف مروزی ۲۴۸  
یوسف ملحدی کثر دوز ۷۸۴، ۵۳۰  
یوسفی (یوسف بن محمد بن یوسف طبیب  
ہروی) ۲۸۲، ۳۹۸، ۸۰۸  
یوسفی خراسانی ۳۴۸  
یولقی بیگ انیسی شاملو ۴۲۳-۴۲۴،  
۸۲۰، ۸۳۰  
یونانی ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۳۸، ۷۳۸، ۸۰۰،  
۸۱۳، ۸۲۰، ۸۳۰  
یونانیان ۱۱، ۱۷، ۲۷۵  
یونس خان ۶۷۸  
یونس خان منول ۲۴۸  
یونس ختایی (خواجہ) ۵۷۳  
یہود ۱۷، ۱۳۲، ۲۹۸  
ییسو ۱۷۴  
یینمورچی سپاہی (میر) ۳۴۴





## فهرست نامهای جاها

آستان امام هشتم ۵۶۲	آ
آستان حضرت رضا ۴۴۷	
آستان رضوی ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۶، ۴۹۹	آب شیرین ۶۰۲
۵۰۸، ۵۴۶، ۵۶۵، ۶۸۱، ۶۹۲	آب نهر خیابان شهید ۲۹۰
آستانه ۵۹۴	آت میدان (سرای) ۸۴۰
آستانه امامزاده اسمعیل ۵۱۰	آدرته ۲۷۶، ۲۷۹، ۴۷۷، ۴۷۸، ۷۹۹
آستانه رضوی ۴۶۳، ۵۲۴	۸۰۱، ۸۱۰، ۸۱۱
آستانه شاهی ۲۳۱	آذربایجان ۱۵۰، ۱۹۰، ۴۶ - ۴۸، ۷۸
آستانه علی بن ابی طالب ۵۹۴	۸۲، ۹۲، ۱۰۰، ۱۰۲ - ۱۰۳
آسیا ۱۷۷، ۴۷۹ - ۴۷۷	۱۰۵ - ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۴۰
آسیای صغیر ۳، ۱۴، ۱۷، ۵۹، ۸۰، ۱۱۶	۱۵۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۶۹
۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۵۰	۱۷۴ - ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۲
۲۵۲، ۳۰۶، ۴۹۷، ۷۳۵ - ۷۳۶	۱۹۳، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵
۷۴۷، ۷۵۷، ۷۶۵	۲۱۹، ۲۲۴، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۹۷
آسیای غربی ۱۵، ۶۷	۲۹۸، ۳۰۵، ۳۰۷ - ۳۰۹، ۳۱۱
آسیای مرکزی ۱۵	۳۱۵ - ۳۱۸، ۳۳۱، ۳۳۷، ۳۴۱
آسیر ۶۹۰، ۸۱۵	۳۵۰ - ۳۵۱، ۳۸۲، ۳۹۰ - ۳۹۱
آفرین کنت ۴۸۷	۴۰۵، ۴۲۷، ۴۴۰، ۴۵۳، ۴۵۷
آفسرا ۱۵۲	۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۲، ۴۸۰
آق شهر ۲۸۲	۴۸۲ - ۴۸۳، ۴۹۵ - ۴۹۶، ۴۹۹
آلبانی ۸۰۰	۵۰۷ - ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۹
آلمان ۳۸۳	۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۱ - ۵۳۲، ۵۳۵
آماستریس ۸۰۰	۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۲۵، ۶۵۹
آمد ۲۵۶	۶۷۰ - ۶۷۱، ۶۹۱ - ۶۹۲، ۶۹۵
آمسارا ۸۰۰	۶۹۶، ۶۹۸ - ۷۰۰، ۷۰۳ - ۷۰۵
آمل (جیحون) ۶۲	۷۲۵، ۷۲۹ - ۷۳۰، ۷۳۶، ۷۴۴
آمل (مازندران) ۱۲۹، ۴۱۳، ۲۹۷	۷۳۷، ۷۴۹، ۷۵۶، ۷۶۳ - ۷۶۴
۵۳۷، ۷۲۴	۷۶۹، ۷۷۳ - ۷۷۴، ۷۸۸، ۷۹۳
آناطولی، آناطولی ۲۳۹، ۴۷۸، ۴۹۸	۷۹۷، ۸۰۳، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۳۸
۷۹۹، ۸۱۱	آذربایجان شوروی ۱۰۴، ۱۰۷

آنیوس ۸۰۰	ارپل ۱۷۳-۱۷۴، ۴۸۰
آ ۵۱۱	ارقیمان ۵۰۴
آهنگران ۵۷۷	ارجیش ۴۸۴
	ارداک ۶۲۴
۱	اردبیل ۱۴۱، ۱۹۳، ۲۱۱-۲۱۲، ۳۵۰
ایخاز ۵۲	۳۷۸-۳۷۹، ۳۹۲، ۴۴۲، ۴۸۲
ابراهیم (کوه) ۷۲۲	۵۱۳، ۶۹۱، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۶۷
ابرقوه ۱۱۱، ۱۹۲، ۴۵۷، ۴۷۰، ۴۸۴	۸۲۸، ۷۹۶
۷۲۳، ۵۲۳، ۵۰۳	اردستان ۵۰۳، ۶۴۳
ابندات ۷۶۳	اردو باد ۴۹۹
ابوگره (قلعه) ۴۲۲	ارزروم ۴۸۰
ابهر ۲۳۵، ۲۲۲	ارزنجان ۱۰۵، ۴۷۷، ۸۰۰
ابیورد ۱، ۸۱، ۳۰۰، ۳۱۵، ۳۳۱، ۴۲۷	ارزوبه (کوچه) ۵۶
اتنری ۲۶۵	ارس ۴۸۰، ۴۷۸
انوار ۶۷۹	ارسیار ۵۰۷
انریش ۴۷۸-۴۸۱، ۴۸۲	ارغیان ۳۰۲
اتک ۵۴۳	ارگ قندهار ۶۷۰
اجمیر ۱۵۴، ۵۲۲، ۵۲۷، ۵۴۱، ۸۲۳	ارمنستان ۵۹، ۴۸۲
اجودهن ۱۵۶، ۲۱۸	ارهنک و سردر ۳۰۳
اجین ۴۲۲	ارویا ۳۲۸، ۴۷۸-۴۷۹، ۴۸۲-۴۸۳
اچ ۵۴۰	۸۰۰
احمد آباد ۲۳۴، ۳۶۴، ۳۶۹، ۴۱۲، ۴۱۵	ارومیه ۴۷۷، ۴۸۲، ۶۹۹
۴۲۹، ۴۶۷، ۴۶۷، ۵۲۷-۵۲۸، ۵۴۱	اریسا ۶۸۸
۸۰۶، ۷۷۶، ۶۵۸	ازبکستان ۴۰۱، ۲۹۰، ۳۵۱
احمد آباد بیدر ۷۷۶-۷۷۷	ازمیر ۶۲۸
احمدنکر ۲۳۴، ۳۵۵، ۳۶۷-۳۶۸	ازهر (جامع) ۳۹۴
۴۲۳-۴۲۴، ۴۸۹، ۵۲۱، ۵۲۸	ازه (دریای) ۸۰۰
۸۲۴، ۸۰۴، ۶۵۶	اسپانیا ۴۷۹، ۴۸۲
اختیارالدین (قلعه) ۶۸۱	استاد ۷۲۰
اخیکت ۱۰۷	استانبول ۱۹۴، ۲۲۹، ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۷۵
اخی ۶۸۰	۲۷۷، ۱۹۱، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۵۶
اخلاصیه (مدرسه) ۲۹۴	۳۸۸، ۳۹۱-۳۹۲، ۴۰۷، ۴۷۸
اخلاط ۴۸۴	۴۸۱، ۴۹۰، ۴۹۸، ۵۱۸، ۶۷۱
ادره ۲۷۶، ۲۷۹، ۴۷۶-۴۷۷، ۷۹۹	۸۱۱، ۸۰۱، ۷۹۲، ۶۷۶
۸۱۱-۸۱۰	استخر ۴۶۹، ۴۸۲، ۴۹۲
ادریس کوشکو ۲۵۴	استراپاد ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۹۰، ۲۹۸
اراک ۱۶۴	۲۰۱، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۳۰، ۴۰۹
اران ۴۶-۴۸، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۳۶	۴۱۲، ۴۵۷، ۴۸۴، ۵۰۷، ۵۱۸
۱۷۷، ۲۱۱، ۳۴۱، ۴۸۲	۵۲۴، ۵۳۳، ۵۵۳، ۷۰۶، ۷۶۴

اعلم ۱۶۳	۸۲۰، ۷۹۷
افریقا ۶۷، ۱۲۱، ۳۷۸	استرا یا در ستاق ۵۰۳
افغانستان ۱۲۱، ۷۵، ۳۵۴، ۳۷۶، ۳۸۵،	استراخان ۳۸۸، ۳۸۶
۸۱۹، ۷۵۳، ۷۱۵، ۵۴۸، ۵۴۲	اسحق آباد ۸۲۰
اکبر آباد ۹۵۱، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۷۷، ۶۸۸،	اسد آباد ۶۸۶، ۸۲۰، ۸۳۷
۸۲۵، ۸۳۴-۸۳۸، ۸۳۶	اسفراین ۹۷، ۱۶۶، ۲۹۳-۲۹۴، ۷۴۶،
اگره ۲۴۰، ۲۵۷، ۲۵۹، ۳۶۱، ۳۶۳،	۷۸۶
۳۹۷، ۳۱۱، ۴۱۵، ۴۱۶-۴۱۹،	اسفرنگه ۹۲
۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۱، ۴۵۶،	اسفیریس ۲۷۸
۳۶۵، ۳۶۷، ۳۷۰، ۵۲۲، ۵۴۳،	اسفزار ۹۷
۵۴۸-۵۵۵، ۵۹۴، ۶۰۶، ۶۲۴،	اسکندار ۸۰۱
۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۸-۶۶۹، ۶۹۸،	اسکندریه ۱۷، ۶۶
۷۸۵، ۸۰۵-۸۰۶، ۸۰۸، ۸۱۹،	اسکو ۶۷۰
۸۳۵-۸۳۶، ۸۴۰	اسکوب ۸۱۱
الجزیر ۱۵۹	اسلام آباد ۵۴۰
الشعر ۴۵۵	اسلامی (کشورهای) ۲۸۳
الخطاغ (دشت) ۳۸۷	اشکور ۳۸۷
الله آباد ۳۶۵، ۳۱۴، ۴۳۲، ۴۵۴، ۵۱۴،	اصطخر ۴۶۹، ۴۸۲، ۴۹۲
المر ۱۶۲	اصطهبانات ۲۱۰، ۷۶۳
الموت ۱۳۶-۱۳۷، ۱۳۷، ۶۷۱، ۶۹۲، ۸۰۳-	اصفهان ۳۶، ۳۲، ۵۴، ۵۶، ۶۰، ۶۶، ۷۲،
۸۰۴، ۸۲۷	۸۳، ۸۷، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹-
النجق ۶۹۷، ۷۶۴	۱۰۷، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۷،
النجل ۷۶۴	۱۶۱-۱۶۳، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۷۲-
النجده ۷۶۳	۱۷۳، ۱۷۵-۱۷۶، ۱۸۵، ۱۹۴،
الیشتر ۴۵۵	۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۴۷،
اماسیه ۲۹۳، ۴۷۸، ۴۸۰، ۷۹۲،	۲۵۱، ۲۷۴-۲۷۵، ۲۹۸، ۳۱۷،
امامزاده اسمعیل (آستانه) ۵۱۰	۳۲۵، ۳۵۴، ۳۶۲، ۳۷۱، ۳۸۲،
امامزاده عبدالعظیم ۴۴۱، ۴۵۲،	۲۹۷، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۱۳، ۴۱۴،
امرتسر ۳۸۶	۴۲۳، ۴۳۱، ۴۴۴-۴۴۵، ۴۴۷-
اممند ۷۶۳	۴۴۹، ۴۵۷، ۴۶۰-۴۶۱، ۴۶۷،
امند ۷۶۳	۴۷۲، ۴۹۸-۴۹۹، ۵۰۰-۵۰۹، ۵۱۳-
امینی (رباط) ۷۳۵	۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۸-۵۲۹، ۵۴۱،
انبندان ۷۶۳	۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۳، ۶۴۸، ۶۵۱-
انجده ۵۱۷، ۵۴۷	۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۵،
اندامان ۳۶۰	۶۷۶، ۶۸۴-۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۷،
اندجان ۵۷۸، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۱،	۷۰۶، ۷۱۰-۷۱۱، ۷۲۳، ۷۳۸-
۶۱۲، ۷۴۸	۷۴۱، ۷۵۰، ۷۶۰، ۷۶۴، ۷۷۱،
اندخود ۳۰۳، ۳۰۳، ۶۸۱،	۷۹۲، ۸۰۵-۸۰۶، ۸۰۸، ۸۲۳،
اندکان ۷، ۳۰۳، ۵۶۳	۸۳۱-۸۳۲، ۸۳۸

۳۷۹، ۳۷۶ - ۳۷۵، ۳۶۷، ۳۵۹  
 ۳۹۴ - ۳۹۳، ۳۹۰ - ۳۸۹، ۳۸۷  
 - ۴۱۴، ۴۱۲، ۴۰۸ - ۴۰۷، ۳۹۶  
 - ۴۲۸، ۴۲۶ - ۴۲۴، ۴۲۰، ۴۱۸  
 ، ۴۴۳، ۴۴۱، ۴۳۹، ۴۳۷، ۴۳۴  
 ، ۴۵۹، ۴۵۶ - ۴۵۲، ۴۴۸، ۴۴۵  
 - ۴۷۹، ۴۷۷ - ۴۷۴، ۴۷۲ - ۴۷۱  
 ، ۴۹۱ - ۴۹۰، ۴۸۹ - ۴۸۳، ۴۸۰  
 ، ۵۳۳ - ۵۳۰، ۵۲۰، ۵۱۳، ۵۰۴  
 ، ۵۴۹ - ۵۴۷، ۵۴۳، ۵۴۱، ۵۳۸  
 ، ۵۷۸، ۵۶۴، ۵۵۷ - ۵۵۴، ۵۵۱  
 ، ۶۰۲ - ۶۰۱، ۵۸۸، ۵۸۶، ۵۸۱  
 ، ۶۴۷، ۶۴۴، ۶۲۸، ۶۰۷ - ۶۰۶  
 ، ۶۶۶ - ۶۶۴، ۶۵۶، ۶۵۴، ۶۴۹  
 ، ۶۷۷، ۶۷۵، ۶۷۲ - ۶۷۱، ۶۶۸  
 ، ۷۳۴، ۶۹۷، ۶۸۵، ۶۸۳، ۶۸۱  
 ، ۷۶۸، ۷۵۶، ۷۴۹، ۷۴۷، ۷۳۹  
 ، ۷۹۰، ۷۸۶، ۷۸۴، ۷۷۶، ۷۷۰  
 ، ۸۰۴ - ۸۰۱، ۷۹۸، ۷۹۵، ۷۹۲  
 ۸۳۳، ۸۲۶، ۸۱۸

ایروان ۶۹۴، ۴۸۰، ۳۹۹

ایسکی باغ ۵۸۴

ایگه ۴۳۹

ایلوغ ۵۶۳

ایواغلی ۵۰۷

ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی  
 ۲۹۰

ایواغلی ۰۷

ایوب (محلہ) ۲۵۴

بابا کوہی (خانقاہ) ۵۷

بابا مزید (خطیرہ) ۷۹۵، ۷۶۳

بابا مزید (خطیرہ) ۷۹۵، ۷۶۳

باخرز ۷۲۰، ۳۲۴

بادامیار ۷۴۷

بادغیس ۱۶

باران ۶۰۰

باری ۵۵۵

اندیمان ۷۱۱

اندیجان ۶۸۰، ۶۰۶

انکر ۵۶۶

انگدان ۵۱۷

انگلستان ۴۷۸

اوبہ (ادویا) ۸۰۰

اوبہ (هرات) ۸۰۶، ۶۲۱، ۵۶۳، ۳۳۱

اودہ ۸۳۸، ۷۵۴، ۶۴۲

اورانیہ ۵۷۸

اورگنج ۱، ۵۷۲، ۵۶۰، ۶۷۹ - ۶۸۰

۸۲۴

اورنگ آباد ۸۰۵

اورمیہ ۱۴۶، ۴۸

اوریسہ ۸۲۲، ۸۰۸، ۷۵۹

اورئینتل کالج میگزین ۳

اوش ۷۴۸، ۵۹۸

اوغرجہ ۶۴۰

اومان ۱۵۸

اومر کوت ۶۶۷

اھر ۱۶۳

ایتالیا ۸۰۱

ایج ۴۳۹، ۲۷۲

ایران ۱، ۱۴ - ۲۲، ۳۰، ۲۸ - ۳۲، ۳۴ - ۳۷

۳۹، ۳۲، ۴۴، ۴۷ - ۵۱، ۵۳، ۵۶

۶۴، ۶۶، ۷۳ - ۷۷، ۸۰، ۸۳ - ۸۴

۸۷، ۹۱ - ۹۲، ۹۶ - ۹۸، ۱۰۱

۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۸ - ۱۱۶، ۱۱۸ -

۱۱۹، ۱۲۴ - ۱۲۸، ۱۳۷ - ۱۴۰

۱۴۸، ۱۵۰ - ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۷ -

۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶ - ۱۷۰

۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۷ - ۱۹۰

۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۴ - ۲۰۵، ۲۰۹

۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۶ - ۲۲۷

۲۲۹ - ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۹ - ۲۴۱

۲۴۸ - ۲۵۵، ۲۵۶ - ۲۵۹

۲۶۴ - ۲۶۸، ۲۷۰ - ۲۷۷

۲۷۹، ۲۸۲ - ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷

۲۸۹ - ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۴ - ۳۰۱

۳۱۲، ۳۱۹، ۳۲۶ - ۳۴۹ - ۳۵۴

۷۲۳، ۷۱۶، ۷۰۵، ۶۸۹، ۶۷۹	پاز ۳۹
۷۴۴ - ۷۳۳، ۷۳۸، ۷۳۵ - ۷۳۴	باغ امید ۳۱۵
۷۸۹، ۷۷۸، ۷۷۲، ۷۶۷، ۷۵۵	باغ جهان آرای ۵۴۹، ۳۰۸
۸۲۵، ۸۲۱، ۸۰۸، ۸۰۳	باصیحه سرای ۴۹۰
۵۴۹، ۵۴۶، ۲۱۸، ۱۸۵، ۱۷۵	باغ زانان ۶۶۷، ۳۰۶
۶۳۷	باغستان ۷۷۸
۳۰۶، ۳۰۴ - ۳۰۳، ۲۶۱، ۵۹	باغ سفید ۵
۴۵۵، ۴۱۰، ۴۰۳، ۳۸۰، ۳۶۱	باغ فندھاری ۶۶۳
۵۵۷، ۵۵۳ - ۵۵۲، ۵۴۲، ۴۸۷	باغ نو (محلّه) ۳۸۹، ۱۹۰
۵۸۳، ۵۸۰، ۵۷۷، ۵۷۵ - ۵۷۴	باقق ۴۶۸، ۴۳۴
۵۹۵، ۵۹۳، ۵۹۰ - ۵۸۹، ۵۸۵	بافر ۱
۶۶۶، ۶۵۵، ۶۰۸، ۶۰۳، ۶۰۱	باکو ۷۸۳، ۷۶۵ - ۷۶۴، ۷۰۲، ۴۸۴
۸۱۹، ۸۱۵ - ۸۱۴، ۷۱۸	باگھولی ۱۹۷
بدلیس ۳۸۲	بالج ۷۲۵
برار ۷۹۷، ۶۵۶، ۵۹۶، ۵۹۱، ۴۸۹	بالکان ۸۱۸
۸۲۴	بالین ۲۶۴
براهان ۴۶۰	بالین گما ۴۴۷۰
بردع ۷۹۶، ۷۰۳	باورد ۸۲۴، ۶، ۱
برده ۷۹۶، ۷۰۳	بایمورت ۴۹۷
بردوان ۸۲۲ - ۸۲۱	بتخانه بیجانگر ۵۴۶
برسه ۷۹۲	بتلیس ۴۸۴، ۴۷۹
برکشاد ۶۹۶	بجای پور ۶۴۷
بروجرد ۵۳۴، ۵۳۲، ۵۲۷	بجوه ۱۷۶
بروسه ۳۹۰ - ۳۸۹، ۲۷۶	بحر آباد ۷۲۴، ۱۱۶
برهان پور ۴۲۴، ۴۲۴ - ۴۲۳، ۴۰۲، ۳۵۷	بحر خزر ۴۷
۸۲۰، ۸۱۵، ۶۹۰	بحرین ۳۵۲، ۲۳۰، ۱۶ - ۱۵
بسطام ۷۲۰، ۲۹۷، ۵۷	بخارا ۲ - ۱۱۰، ۹۹ - ۹۷، ۹۳، ۷۸، ۸
بسنه ۸۱۸	۱۱۲، ۱۲۰، ۱۳۳ - ۱۳۴، ۱۵۳ -
بشتینگان ۶۱	۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۹۲، ۲۲۰ -
بصره ۶۸۷، ۵۱۷، ۵۷	۲۲۱، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۵۲ - ۲۵۳،
بنداد ۱۲۱، ۷۶، ۶۱ - ۶۰، ۴۵، ۱۷، ۴	۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۳، ۲۹۶ - ۲۹۷،
۱۳۷ - ۱۳۶، ۱۳۱، ۱۲۹، ۱۲۶	۳۱۸، ۳۲۸، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۳ -
۱۵۸، ۱۴۷ - ۱۴۶، ۱۴۱، ۱۳۹	۴۱۲، ۴۲۱، ۴۴۱، ۴۶۴، ۴۸۶ -
۱۷۳، ۱۶۶، ۱۶۳ - ۱۶۲، ۱۵۹	۴۸۷، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۸ - ۵۶۹،
۲۰۲ - ۲۰۱، ۱۹۳، ۱۸۲، ۱۸۰	۵۷۱، ۵۷۶ - ۵۷۷، ۵۷۹ - ۵۸۱،
۲۷۲، ۲۶۲، ۲۵۲، ۲۵۰، ۲۲۵	۵۸۵ - ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۹۱ - ۵۹۲،
۴۳۶، ۴۲۴، ۳۸۷، ۲۸۶، ۲۷۳	۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۵ - ۶۰۶، ۶۰۸ -
۴۷۹، ۴۷۲ - ۴۷۱، ۴۵۷، ۴۴۸	۶۰۹، ۶۱۷، ۶۲۳ - ۶۲۶، ۶۳۸ -
۵۲۲، ۴۹۸، ۴۸۵ - ۴۸۳، ۴۸۰	۶۴۵، ۶۵۷، ۶۶۷، ۶۷۵، ۶۷۸ -

۳۶۹،۲۴۲	۷۲۵ - ۷۲۴،۷۱۴،۶۹۱،۵۳۴
۳۰۵	۷۲۸،۷۳۶،۷۳۳-۷۳۰،۷۲۷
بنارس ۶۵۸	۷۶۴ - ۷۶۳،۷۵۰،۷۴۶،۷۴۱
بناکت ۱۴۳	۷۹۴،۷۷۷،۷۷۳،۷۷۱
بنجیر ۱	بقدادك ۸۵-۸۶،۹۴،۱۱۵
بنك ۵۴۵	بنرا بگرد (نپه) ۶۱۸
بنكاله ۱۷، ۲۴۰، ۲۵۸، ۳۷۷، ۴۲۵	بنشور ۱۲۶، ۴۱
۶۰۶، ۵۷۹، ۴۷۵، ۴۳۲، ۴۲۸	بقعه امامزاده حسين ۴۹۴
۸۰۸، ۷۵۹، ۷۵۶، ۶۶۸، ۶۶۰	بقعه بكر ۳۵۸
۸۳۸، ۸۲۲	بقعه شاه عبدالعظيم ۴۷۳، ۶۶۲
بود ۸۱۱، ۴۷۹	بقعه شاه نعمت الله ولي ۵۰۴
بودا يست ۸۴۰	بقعه شيخ صفى الدين ۲۱۲، ۳۷۸، ۴۰۳
بوزجان ۷۲۰	۶۹۱، ۴۸۴
بوته ۳۷۹، ۸۰۰، ۸۱۸، ۸۴۰	بقعه مزار ۴۴۷
بوسنى ۸۱۸	بقعه معين الدين سكرى چشتى ۵۴۱
بوشهر ۴۸۵	بقعه نظام الدين اوليا ۱۷۰
بوگوردلن ۸۰۰	بقيع ۷۶۶
بوله كنار ۵۰۲	بك ۷۵۵
بهار ۳۵۷، ۳۶۶، ۳۹۷، ۴۵۴، ۶۶۸	بكر ۵۵۱، ۶۰۷، ۸۱۵
۸۳۸، ۷۸۵	بكر آباد ۵۰
بهاه الدين (بخش) ۴	بلاساغون ۱۴۶
بهبهان ۶۵۸، ۷۶۷	بلخ ۷-۸، ۵۸، ۶۱-۶۲، ۷۲، ۸۱، ۹۲
بهروج ۵۴۳	۱۱۷، ۹۹ - ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۴
بهشتى درواز ۱۵۶	۱۵۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۸۸
بهكر ۴۰۹، ۴۴۵، ۸۰۲	۲۳۴، ۲۷۱، ۲۳۹، ۲۸۱، ۲۹۲
بيا بانك ۳۳۲، ۷۳۳	۲۹۷، ۳۱۷، ۳۲۰ - ۳۳۳
بيروت ۴۷۸	۴۸۴، ۴۵۵، ۴۰۴، ۳۹۸، ۳۴۹
بست الانشا ۶۸۴	۴۸۶ - ۴۸۸، ۵۶۰، ۵۶۳ -
بيت المقدس ۶۷، ۲۰۰، ۷۹۳	۵۶۴، ۵۷۰، ۵۷۱-۵۷۳، ۵۷۶
بيجا پور ۳۶۷-۳۶۸، ۴۲۰، ۴۳۳، ۴۸۹	۵۷۸، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۹
۸۲۶، ۸۲۴، ۸۰۵-۸۰۴، ۶۷۵	۵۹۴-۵۹۵، ۶۰۰-۶۰۴، ۶۰۷
بيجانكر ۲۵۱، ۵۴۶	۶۱۰-۶۱۱، ۶۱۸، ۶۲۳ - ۶۲۸
بيدر ۷۷۶-۷۷۷	۶۲۹، ۶۸۰، ۷۳۹-۷۴۰، ۸۱۷
بيرام على ۲	۸۲۱
بيرجند ۱۷۰	بلغار ۷۴۴
بيس ۷۰۸	بلغارستان ۸۱۱
بيرون ۱	بلكراد ۴۷۹، ۸۰۰
۷۲۰	بلكرام ۵۳۹، ۶۴۵
	بلوط ۵۴۵

بيلقان ۱۰۷،۲

بيلقان ميل لى ۱۰۷

بیمارستان انا بكي ۱۹۰

بیمارستان خوارزم ۱۲۳

بیمارستان دروازە قسلىم شيراز ۱۹۰

بين الدارين (محلە) ۷۶۸

بين الطاقين ۵۷۰

بين النهرين ۷۷۲، ۴۸۳، ۴۷۲، ۲۶۵

بينيس ۵۳۱

بيە پىس ۳۸۶

بىبە يىش ۴۹۳

بىيىقى ۱۹، ۶۴، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۴۵، ۲۰۴

پاترى ۵۹۶

پارىس ۷۳۷، ۷۱۵

پاطرى ۴۸۹

پاكستان ۱۳۱

پالى ۱۹۷، ۶۰۶، ۸۳۹

پايسى پا (بقعة امام رضا) ۴۴۸

پىئە ۵۵۱، ۳۵۸

پىئالە ۴۸۶

پىالى ۵۵۴

پىر تىغال ۸۳۹

پىر شاور ۴۵۷

پىر نە سكرى ۵۶۵

پىر نە ۳۶۷

پىيىخان ۷۸۴

پىشاور ۵۵۴

پىشتە ئىس خاب ۶۱۸

پاك پىتن ۱۵۶

پكى ۳۸۸

پىل آبكىنە ۲۶۶

پىنجاب ۳۳، ۱۱۳، ۳۶۲، ۴۱۸، ۴۷۶

۸۳۸، ۶۶۸، ۵۴۳، ۴۸۶

پىنج رود ۲۱

پىندرە ۷۵۶

پوشنگە ۲۰۶

پىئانى ۵۴۱

ت

تا ۱۰۴

تاج پورە ۴۲۹

تاجىكىستان ۷۷۸، ۷۶۷، ۷۵۳

تاشكەند ۱۴۳، ۲۵۳، ۲۸۶، ۴۸۰

۳۸۷-۴۸۸، ۵۵۹-۵۶۱، ۵۶۴

۵۶۸-۵۷۲، ۵۷۳-۵۷۷، ۵۷۸

۵۸۹-۵۹۲، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۱۲

۶۳۰، ۶۸۰، ۷۷۸

تالقان ۵۸۴

تاندە ۸۲۱

تا پاد ۱۲۲، ۲۲۱

تبادكان ۶۳۴

تيت ۳۸۰، ۴۳۱، ۵۹۴

تېئە ۷۴۶

تېرىز ۴۸، ۷۲، ۱۰۴، ۱۰۶-۱۰۷

۱۳۹، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۸-۱۶۹

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۶-۱۷۷، ۱۸۳

۱۹۳، ۲۰۲، ۲۱۰-۲۱۱، ۲۱۳

۲۱۹، ۲۵۰، ۲۶۹-۲۷۰، ۲۸۴

۲۸۶، ۲۹۱-۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۷

۳۱۱، ۳۱۶-۳۱۷، ۳۳۱، ۳۴۹

۳۵۰-۳۸۲، ۳۸۳، ۳۹۱، ۳۹۹

۴۰۶، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۳۶-۴۳۷

۴۴۱، ۴۴۷، ۴۵۷-۴۵۸، ۴۶۳

۴۶۷، ۴۷۲، ۴۷۷-۴۸۰، ۴۸۳

۵۰۲، ۵۰۴-۵۰۶، ۵۰۹-۵۱۰

۵۱۲، ۵۱۴-۵۱۶، ۵۱۹-۵۲۰

۵۲۵، ۵۲۷-۵۲۹، ۵۳۱، ۵۶۱

۵۶۷، ۵۸۲-۵۸۳، ۶۱۶، ۶۱۸

۶۳۷، ۶۴۴، ۶۶۴، ۶۷۱، ۶۹۱

۶۹۷، ۶۹۹-۷۰۵، ۷۰۷، ۷۱۹

۷۲۴-۷۲۵، ۷۳۰، ۷۳۱-۷۴۱

۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۶۳-۷۶۴

۷۷۳، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸۸، ۷۹۴

۷۹۶-۷۹۷، ۸۰۲، ۸۰۹-۸۱۰

۸۱۳-۸۱۴، ۸۱۷، ۸۲۶، ۸۲۸

۸۳۳-۸۳۷، ۸۳۸

نهایس ۸۱۵،۲۷۵

نبیین ۷۰۹

نیه یغرا بگرد ۶۱۸

نقه ۲۵۶، ۲۶۶، ۴۱۰، ۴۲۰، ۵۵۰

۸۲۵، ۷۶۹، ۷۵۹، ۶۹۰، ۵۵۶

جاجرم ۳۰۱

جام ۸۰۸، ۱۰۱، ۱۶۱، ۲۱۹، ۲۸۵ - ۲۸۶

۴۹۲، ۳۳۶، ۴۵۳، ۵۹۳، ۶۱۳

۶۵۰، ۷۲۰

جامع الازهر ۲۹۳

جامع ساوه ۸۷

جامع متیق شیراز ۱۰۹، ۲۱۵، ۳۲۰

جامع علیشیر ۲۳۶

جامع هرات ۷۸۶

جامع یزد ۳۸۵

جانیور ۴۵۴، ۷۸۵، ۸۲۸

جبل عامل ۲۲۰، ۳۵۲، ۵۳۸

جبل قاسیون ۱۱۶

جرون ۲۶۵ - ۲۶۷، ۳۱۱

جزیره العرب ۵۹

جزیره ۵۲۲

جلدوان ۸۰۳

جماعت خانه حیدر چرخ ۵۱۹

جمن ۸۳۶

جنا باد ۷۰۷، ۶۸۹

جنا بد ۵۰۷ - ۵۱۲، ۵۰۸

جنار ۷۹۷

جنگلهای ایران ۳۸۷

جنید ۳۸۶

جوز جافان ۵۸

جوسا ۵۴۴

جولك ۶۷۵

جون ۵۴۲

جوناگره ۳۶۱

جونپور ۲۶۵، ۳۷۲، ۴۱۹، ۴۵۲ - ۴۵۴

۵۵۱، ۶۰۶، ۸۱۶

جونهم ۳۱۱

جوبیار ۶۰۹

جوین ۱۱۶، ۲۰۰، ۷۲۴

جهان آرا (باغ) ۵۴۹

نخت مزار ۲۸۷

ترانسیلوانی ۴۸۰

تریت ۱۰۹، ۲۷۸، ۳۳۲، ۴۱۹، ۵۲۵

۶۸۵، ۶۵۷، ۵۹۱

تریت حیدری ۲، ۳۱۳، ۷۲۵

تریت شیخ جام ۴۷۱

تریت نجم الدین کیری ۱۱۵

قرشیز ۲۹۸، ۳۱۶

ترکستان ۷۲، ۷۴، ۱۱۴، ۲۰۳، ۳۲۷

۴۴۸، ۵۶۸، ۵۷۲ - ۵۷۴، ۷۱۹

۷۹۶، ۷۹۳، ۷۳۵

ترکستان (شهر) ۶۷۹، ۶۲۲

ترکستان چین ۷۹۳

ترکستان شرقی ۳۸۸

ترکمنستان ۱ - ۸۱، ۲

ترکیه ۱۳۱، ۱۶۹، ۲۸۲، ۳۳۸، ۴۱۷

۴۹۸، ۷۰۴، ۷۵۷، ۷۹۶

ترمذ ۱۶، ۳۷، ۷۲، ۱۲۶، ۱۳۴، ۳۰۴

۳۵۸، ۶۳۴، ۶۴۹، ۷۳۶ - ۷۳۷

تفت ۲۴۸

تفرش ۱۰۴، ۱۶۷، ۳۳۷، ۵۰۵، ۶۶۴

تفلیس ۳۶، ۴

تکاب هندوان ۵۹۸

تکفور چایری ۸۰۱

تکیه چهل تنان ۲۹۶

تلبینه ۸۱۲

تلوندی ۴۸۴

تنگک الله اکبر ۲۰۰

نوده ۳۵۹

توران ۴۷۰، ۶۵۵

توران پشت ۱۵۳

توقات ۱۶۳، ۸۰۰

نون ۳۰۲، ۳۰۴، ۴۲۰، ۴۶۶

نوی ۵۲۸، ۵۳۴

نویسرکان ۵۰۳، ۵۱۰، ۵۲۸، ۵۳۴



جهان وارغيان ۴۰۲  
چيخون ۱۱۴، ۱۲۸۰، ۴۸۷، ۶۸۱  
نولمير ۸۳۳

ج

چا ۲۰۳  
چا کردبزه ۷۱۶  
چالدران ۳۷۷، ۳۸۳  
چالندر ۳۲  
چتور ۵۹۱، ۶۰۳  
چته ۳۸۰  
چرباز ۶۰۸  
چرتك ۷۷۹  
چرخ ۲۶۴  
چرنداب ۱۴۷، ۷۶۹  
چشت ۲۱۷، ۷۲۵  
چشمه مالان ۳۳۶  
جفانيان ۲۲-۲۳، ۲۵، ۲۷-۲۸، ۷۶۷، ۷۷۸  
چنهار ۴۱۱  
چهارباغ ۵۶۸  
هارباغ مشهد ۶۹۳  
چهارسوق هرات ۴۰۹  
چهارسوی هرات ۳۲۴  
چهارگنبد ۶۲۸  
هل تنان (نكيه) ۲۹۶  
چهل دختران ۵۶۵  
چيتور ۶۰۶  
چين ۱۴، ۱۴۲، ۲۷۰، ۲۸۸، ۷۹۳  
چيون ۳۲۳

حاجي آباد ۱۳  
حاجي ترخان ۲۷۹  
حافظه ۴۴۶  
حج ۱-۲، ۷-۸، ۶۱، ۵۸، ۷۷، ۹۹، ۱۰۳-  
۱۰۴، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۱۰، ۲۱۲-  
۲۱۳، ۲۱۹-۲۲۱، ۲۷۶، ۲۷۹،  
۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۴، ۳۰۲، ۳۰۷-

۳۰۸، ۳۹۱، ۳۳۱-۳۳۲، ۳۲۲، ۳۵۴  
۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۶۷، ۳۶۹،  
۳۷۲، ۳۷۷، ۳۹۸، ۴۰۳، ۴۱۲،  
۴۱۸-۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲-۴۲۹،  
۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۴۸، ۴۵۰،  
۴۵۷، ۴۶۶، ۴۷۶، ۵۰۱، ۵۱۸،  
۵۲۲، ۵۲۶، ۵۳۶-۵۳۷، ۵۴۷، ۵۴۹،  
۵۵۲، ۵۵۵-۵۵۶، ۵۶۴، ۵۷۰-  
۵۷۱، ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۵، ۵۹۰،  
۵۹۵-۵۹۶، ۶۰۰-۶۰۱، ۶۰۷،  
۶۰۹، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۳،  
۶۳۶، ۶۴۲، ۶۵۳، ۶۵۹، ۶۸۷،  
۶۹۳، ۷۲۰، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۳،  
۷۳۸، ۷۴۳، ۷۶۴، ۷۷۳، ۷۸۴،  
۷۸۶-۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۴،  
۸۲۰، ۸۲۹، ۸۳۲-۸۳۳، ۸۳۷،  
۸۴۰، ۸۶۶، ۱۰۴، ۲۰۰، ۲۱۹، ۲۸۶،  
۲۹۳، ۳۴۹، ۴۲۲، ۴۲۵، ۴۵۰،  
۴۶۶، ۵۶۴، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۹۲-  
۵۹۳، ۷۲۴، ۷۸۶، ۵۹۳  
حرمين ۴۲۳، ۵۷۷، ۶۲۳، ۶۳۶، ۶۴۵،  
۶۵۱، ۶۷۳، ۷۸۸، ۸۲۰  
حسن ابدال ۸۳۲  
حصار ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۹۲، ۵۹۴، ۵۹۷،  
۶۰۹  
حصارات ۷۷۸  
حصار شادمان ۲۶۵، ۴۵۵، ۵۶۷، ۵۷۰،  
۷۷۸  
حصار فيروزه ۷۴۶  
حضر موت ۶۳۳  
حظيرة الشعراء ۷۲۰  
حظيرة القضاة ۷۲۰  
حظيرة امام فخر الدين رازی ۷۹۹  
حظيرة بابا مزید ۷۹۵، ۷۶۳  
حظيرة بابا يزید ۷۹۵، ۷۶۳  
حظيرة سلطان احمد ميرزا ۲۴۶  
حلب ۵۹، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۸۷، ۲۵۰،  
۲۷۹، ۲۸۶، ۲۹۴، ۳۹۱، ۴۰۵،  
۴۵۷، ۴۸۰، ۷۰۶، ۷۲۲، ۷۸۹

حله ۷۳۰، ۱۴۶، ۵۱  
حلیہ گران ۲۱۲  
حوض شمسی ۷۰۵  
حومان (محلہ) ۵۶  
حیدرآباد ۳۳۵، ۴۱۷

خالک خواجہ عبدالوحید احمد ۲۴۶  
خان بلی ۲۱۲  
خاندیش ۵۹۳  
خان شکر ریزان ۷۳۶  
خانقاہ افضل الدین کرمانی ۳۰۸  
خانقاہ اور گنج ۵۷۳  
خانقاہ بہاء الدین نقشبند ۴  
خانقاہ خلاصیہ ۲۳۹  
خانقاہ خواجہ عبدالشہید ۵۶۹  
خانقاہ مزینی ماسری ۷۵۸  
خانقاہ سعدی ۱۶۷  
خانقاہ سلطانی ۱۰۹  
خانقاہ سید محمد نور بخش ۳۱۹  
خانقاہ شہر رخ ۲۵۱  
خانقاہ شرف الدین خضر یزدی ۷۶۸  
خانقاہ شمس الدین تبادکانی ۳۲۸  
خانقاہ شیخ حاج محمد قوجانی خبوشانی  
۶۴۰، ۵۶۵  
خانقاہ شیخ حسین خوارزمی ۵۹۹-۵۹۸  
خانقاہ شیخ کجج تبریزی ۲۱۲  
خانقاہ صلاحیہ ۲۷۹  
خانقاہ عبید اللہ احرار ۷۷۸  
خانقاہ عراقی ۱۶۴  
خانقاہ علاء الدولہ سمنانی ۳  
خانقاہ عماد فقیہ ۷۶۱، ۲۰۲  
خانقاہ فتح پور ۵۴۸  
خانقاہ قطب الدین بختیار ۷۴۸  
خانقاہ کمال خجندی ۲۱۱  
خانقاہ گلشنی مصر ۷۰۴  
خانقاہ محمد امین زاہد ۵۷۰  
خانقاہ محمود چلبی ۸۱۱  
خانقاہ مولانا جلال الدین ۱۵۹

خانقاہ میر سید علی ہمدانی ۱۹۵  
خانقاہ میر حلشیر ۳۲۳  
خانقاہ نجم الدین کبری ۷۲۴  
خانقاہ نصیر الدین چراغ دہلی ۷۵۵  
خانقاہ نقشبندیان استانبول ۳۹۲  
خانقاہ نوریہ ۳۱۹  
خاوران ۳۰۰  
خاوران (دشت) ۷۴۷، ۸۱، ۶۱  
خبوشان ۸۲۴، ۴۳۴  
خبیص ۸۲۷، ۴۶۳  
ختا ۲۱۰، ۵۷۴، ۲۷۹، ۲۷۰، ۱۱۴  
ختلان ۸۴۱، ۷۵۴، ۳۱۹، ۱۹۵  
خجند ۴۴۸، ۲۱۰، ۱۶۵  
حراب (محلہ) ۸۱۰  
خرار ۵۸۴  
خراسان ۶، ۴، ۱-۱۸، ۱۶، ۷-۲۷، ۲۰-۳۲-۳۴، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۹-۵۱، ۵۳-۵۸، ۵۴، ۶۱، ۶۷، ۷۱-۷۲، ۷۶-۸۱، ۸۲-۸۷، ۸۴، ۹۲-۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۱-۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶-۱۱۸، ۱۲۰-۱۲۵، ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۰-۱۳۲-۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵-۱۶۶، ۲۰۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۶۲-۲۶۳، ۲۷۷-۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۸۹-۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۱۱، ۳۱۳-۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۱، ۳۶۱، ۳۷۳-۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۲۷-۴۲۸، ۴۴۰-۴۴۱، ۴۵۱، ۴۵۶، ۴۵۸-۴۶۹-۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۱، ۴۹۶، ۵۰۷-۵۰۸، ۵۱۲-۵۱۳، ۵۱۶، ۵۳۱، ۵۳۴-۵۳۶، ۵۵۸-۵۵۹، ۵۶۵، ۵۸۰، ۵۸۸، ۵۹۴

خوردده ۸۳۲	۶۱۷، ۶۱۵، ۶۱۱، ۶۰۶، ۵۹۶
خوریان ۲۹۷	۶۲۹، ۶۲۳، ۶۶۲، ۶۵۱، ۶۴۲
خوزستان ۱۶، ۱۳، ۷۳۸، ۳۵۱	۷۲۰، ۷۰۶، ۶۹۸، ۶۹۲، ۶۸۶
خوسف ۳۰۲	۷۳۶، ۷۲۹-۷۲۸، ۷۲۶، ۷۲۳
خوشتری ۶۲۲	۷۷۶، ۷۵۸، ۷۵۴، ۷۴۹، ۷۳۷
خوقند ۲۲۸، ۶۰۶	۷۹۴، ۷۹۱، ۷۸۸، ۷۸۶، ۷۷۲
خوند ۸۰۳	۷۹۶-۷۹۷، ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۲
خونگار چایبری ۸۰۱	۸۲۹، ۸۲۵
خوی ۵۰۷، ۱، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۴، ۷۹۳	خر جرد ۲۰۸، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۱۴
خیابان بخارا ۶۱۹	خرده ۵۱۶
خیابان تبریز ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۶	خرقان ۵۷
خیابان هرات ۲۴۳، ۶۰۵، ۶۱۳	خرگرد ۲۰۸، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۱۴
خیابان ۶۵۱	خرم آباد ۳۹۱
خیب آباد ۵۶۴، ۵۷۹	خرندیز ۲
خیسار (قلعه) ۲۰۷	خرواستان ۸۰۱
خیوق ۷۷۰	خضروان ۲۰۸
خیوه ۵، ۱۱۵، ۴۸۳، ۶۰۹، ۶۷۹، ۷۷۰	خضر ۸۰۷، ۸۴۱
	خلاصیه (خاتناه) ۲۳۹
	خلاط ۴۸۳
ا بل ۷۷۶	خلج ۵۶۸
داراب ۲۵۶	خلخال ۱۰۷
دارا بجر ۴۳۹، ۴۶۹	خلیج فارس ۱۰، ۲۳۰، ۷۵۰
دارا بگرد ۴۳۹، ۴۶۹	خلیلیه ۷۹۹
دارالایتام ۲۶۵	خندان ۵۸۹
دارالحدیت ادرنه ۸۱۱	خواجه روشنایی ۵۷۵
دارالسلام ۸۰۸	خواجه یوسف ۲
دارالسیاده سلطانی ۲۴۶	خوار ۴۸۳
دارالسیاده کش ۸۳۶	خوارزم ۱، ۷۲، ۷۵، ۸۴-۸۵، ۹۲، ۹۴
دارالسیاده مبارزالدین محمد مظفر ۷۵۲	۹۷، ۱۱۲، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۲۱
دارالسیاده قمیید ۱۸۴	۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۶۵
دارالفتح قیصریه ۷۳۷	۱۷۵، ۲۲۰، ۲۴۲-۲۴۳، ۲۷۹
دارد ۴۶۷	۳۱۸، ۳۲۱، ۴۰۰، ۴۸۳، ۴۸۷
داردافل (قصر) ۸۰۱	۴۸۸، ۵۶۶، ۶۱۰، ۶۱۸، ۶۲۵
داغستان ۷	۶۳۹، ۶۷۹-۶۸۰، ۶۸۹، ۷۱۲
دالماسی ۴۷۹	۷۶۴
دامغان ۳۲، ۱۳۴	خواف ۲۰۶، ۲۰۸، ۳۱۲، ۳۴۹، ۷۲۴
دامن کوه ۵۴۳	۸۰۸، ۷۷۸، ۷۶۱
دانشگاه تبریز ۴۵۸	خواند ۸۰۳
دانه ۵۴۵، ۵۵۹	خوجان ۴۳۴

۷۸۶، ۷۸۴، ۷۸۰، ۷۷۷-۷۷۶  
 ۸۰۸، ۷۹۹-۷۹۷، ۷۹۵، ۷۹۱  
 ۸۲۳، ۸۲۱-۸۲۰، ۸۲۴  
 دمامین ۷۳۵  
 دماوند ۵۱۱  
 دمدم ۶۹۹  
 دمشق ۱۶۴، ۱۴۹، ۱۳۶، ۱۱۶، ۱۷  
 ۳۸۳، ۳۵۲، ۲۸۶، ۲۷۹، ۱۷۳  
 ۷۶۳، ۷۳۲، ۷۲۴، ۴۰۶، ۳۹۱  
 ۸۱۴، ۸۱۰  
 میرقاو ۴۶  
 دنداقان ۶۴  
 دران ۲۶۶-۲۶۵  
 دیونیتزا ۸۱۱  
 دوشنبه ۷۷۸، ۷۶۷  
 دوخاباد ۵۴۹  
 دوگیری ۷۴۲  
 دولت آباد ۲۶۵، ۱۷۱  
 دهخوارقان ۷۴۷  
 دهستان ۲۹۷  
 دهشیخ ۵۷۸  
 دهک ۴۳۰، ۳۱۶، ۴۳  
 دهلی ۱۷۰، ۱۵۴، ۱۵۲، ۱۱۳، ۹۷  
 ۲۲۳، ۲۱۸، ۲۰۳، ۱۹۶، ۱۷۵  
 ۲۶۵، ۲۵۸، ۲۴۰، ۲۳۶، ۲۲۵  
 ۳۶۸، ۳۶۴، ۳۶۱-۳۶۰، ۳۱۲  
 ۴۰۹، ۴۰۵-۴۰۴، ۳۷۲، ۲۶۹  
 ۴۷۱، ۴۶۶-۴۶۵، ۴۵۶، ۴۲۳  
 ۵۴۳، ۵۴۰، ۵۳۷، ۵۱۱، ۴۷۵  
 ۶۴۵، ۶۰۶، ۵۹۹، ۵۵۳، ۵۵۱  
 ۶۷۱، ۶۶۸، ۶۶۲، ۶۵۹، ۶۴۶  
 ۷۲۸، ۷۲۰، ۷۱۹، ۶۸۹، ۶۸۷  
 ۷۵۴، ۷۵۲-۷۵۱، ۷۳۸، ۷۴۴  
 ۷۸۵، ۷۷۶، ۷۷۲، ۷۵۹، ۷۵۵  
 ۸۲۳، ۸۱۷، ۸۱۲، ۸۱۰-۸۰۹  
 دمنو ۷۶۷، ۵۹۷  
 دیاربکر ۴۸۴-۴۸۳، ۴۸۰، ۴۱۰  
 ۷۹۴-۷۹۳، ۷۷۹، ۷۲۴، ۴۹۸  
 دیبالپور ۱۵۶

دامول کو ۳۶۷  
 ۶۷۹  
 درب آستان ۴۵۰  
 درباروالا جامی مدراس ۱۰۴  
 درب قبر قنبر ۷۲۷  
 دربند ۲۱۱، ۱۹۳، ۴۶، ۷  
 دردشت ۱۷۶  
 درس ۴۳۹  
 درشت ۶۱۶، ۲۷۴  
 درگاه مسجد جامع اصفهان ۵۲۰  
 درگزین ۵۲۷  
 درو بست ۶۰۲  
 درویش آباد ۲۶۴  
 دریاچه وان ۴۸۲  
 دریای اژه ۸۰۰  
 دریای دروم ۴۹  
 دریای عمان ۷۹۴  
 دریای یونان ۸۰۱  
 دزک ۵۷۳  
 دزفول ۴۸۴، ۳۵۵  
 دشت ۲۷۹  
 دشت الخ طاغ ۴۸۷  
 دشت بیاض ۵۰۸، ۴۵۸  
 دشت خاوران ۷۴۷، ۸۱، ۶۱  
 دشت قبیحاق ۵۷۳، ۲۱۱-۵۷۳، ۵۷۴، ۶۷۹  
 ۷۹۳، ۶۸۰  
 دکن ۲۹۴، ۲۶۵، ۲۵۹، ۲۴۲، ۱۹۰  
 ۳۶۷، ۳۶۴-۳۶۲، ۳۵۹-۳۵۸  
 ۴۱۲، ۳۹۷، ۳۷۳-۳۷۲، ۳۶۸  
 ۴۲۴-۴۲۳، ۴۱۸-۴۱۷، ۴۱۴  
 ۴۴۵، ۴۴۳، ۴۳۴-۴۳۲، ۴۲۸  
 ۵۰۵-۵۰۴، ۴۶۹-۴۶۸، ۴۶۶  
 ۵۲۲، ۵۳۰، ۵۲۱، ۵۱۸-۵۱۷  
 ۵۵۷، ۵۵۲-۵۵۱، ۵۴۶، ۵۳۸  
 ۶۴۲، ۵۹۶، ۵۹۳، ۵۹۱، ۵۶۶  
 ۶۵۵-۶۵۴، ۶۵۱، ۶۳۹-۶۴۵  
 ۶۷۵، ۶۷۲، ۶۶۸، ۶۶۰، ۶۵۸  
 ۷۶۸، ۷۶۲-۷۶۱، ۷۵۴، ۷۵۲

رودبار ۸۰۳	دیز آباد (رباط) ۲۹۰
رودس ۸۰۱، ۴۷۹-۳۷۸، ۳۹۰	دیلستان ۴۷
رودشتین ۳۴۹	دیمون ۶۱۰
رودقات ۷۶۳	دینور ۵۲۳، ۴۵۵
رود گنگه ۳۳، ۷۴۰، ۷۴۴	دیو ۸۳۹
رودولی ۳۰۴	دیوان انشا ۷۲۶، ۷۴۹
روسیه ۳۷۷	دیوان چهره ۵۸۹-۵۹۰
روضة امیر المؤمنین علی ۲۶۷	دیوان صدارت ۷۰۱
روضة محمودی ۷۳۶	دیوان عدالت ۶۶۷
روم ۱۰۳، ۷۲، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹-۱۶۴	دیوان وزارت ۸۱۳
۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴-۱۶۱، ۱۵۸، ۱۵۲	
۱۷۳، ۱۹۴، ۴۰۵، ۴۱۳، ۶۴۱	
۷۳۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۰-۷۹۱، ۷۵۱	
روملی ۴۹۸	راجپوت ۶۰۶
روملی حصار ۷۹۹	رامجرد ۱۷۶
رون ۴۲	رامیثن ۲۲۰
ری ۴۲، ۳۶، ۸۲، ۸۴-۸۶، ۱۰۱	راوند ۱۴۵
۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۲۵-۱۲۶	راوی (رود) ۴۸۵
۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۶۶، ۲۷۳	رای تنبور ۶۰۰
۳۱۵، ۳۱۹، ۳۳۰، ۳۵۳، ۳۸۲	رایجوردو آب ۴۸۹
۴۰۰، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۹، ۴۵۲	رایگان ۲۲۱
۴۶۹، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۹، ۵۰۵	رباط امینی ۷۳۵
۵۱۹، ۵۳۴، ۶۱۸، ۶۴۵، ۶۶۲	رباط خواجه ۵۷۳
۶۶۵، ۷۱۶، ۷۴۳	رباط دین آباد ۲۹۰
	رباط سنگه بست ۲۹۰
	ربع رشیدی ۱۴۲، ۱۸۳
	رخ ۲
	رستاق ۷۵۳
زاخان ۳۰۶	رستق القطن ۲۲۲
زامین ۶۸۶	رستم دار ۲۵۶، ۴۹۵، ۶۵۸
زاوه ۶، ۲۷۸، ۲۶۱	رشت ۳۸۷، ۴۸۲، ۴۹۰، ۵۱۹-۵۲۰
زاوه مهولات ۳۳۹، ۳۱۳	۸۴۱، ۷۷۶
زاویه مطفریة تبریز ۷۷۹، ۷۹۴، ۷۹۶	رشیدیہ ۷۳۱
زرافشان (رود) ۳۸۷	رصدخانه سمرقند ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۶۸-
زرقان ۷۸۹	۳۸۸، ۲۶۹
زک (دز) ۵۷۳	رصدخانه مراغه ۱۳۷، ۱۴۷، ۳۷۵
زنجان ۱۱۰، ۱۳۴، ۱۴۱، ۲۱۸، ۲۲۲	۷۳۰، ۳۸۸
۴۳۹، ۵۹۹، ۶۴۸، ۷۷۴	رنتهن پور ۸۰۹
زنوز ۷۴۹	روح ۶۱۳
زواره ۵۰۳، ۵۲۳	روح آباد ۷۵۶

سرنديپ ۴۲۶، ۸۰۹، ۸۲۱-۸۲۲	زور آباد ۷۲۰
سرونج ۴۲۳	زيارتگاھ ۶۲۲، ۷
سروين ۸۲۰	زيدپور ۳۷۲
سرحند ۵۴۲، ۵۵۳، ۵۹۲	زيددر ۲
سري چندد ۴۸۵	ژن ۸۰۰
سرينگر ۸۱۳	
سرخد ۶۰۴	س
سفرزان ۶۴۰	ساباکس ۸۰۰
سفيدون ۶۴۵، ۵۴۲	ساجمون ۵۷۷
سکاکيه ۳	ساري ۴۲، ۲۹۷
سکر اول ۴۵۴	ساغرچ ۵۸۶
سکري (پرکنه) ۵۶۵	سامانه ۵۷۱
سکهر قدیم ۳۵۸-۳۵۹	سانبهر ۵۴۳
سلاونی ۴۷۹	ساوچيلاغ ۴۹۳
سلطان پور ۴۸۵	ساوه ۸۷، ۱۳۰، ۱۳۷، ۲۰۲، ۳۱۳، ۴۴۹
سلطانیه ۲۱۳، ۲۲۴، ۲۴۹، ۲۷۲، ۷۳۱	۴۵۰، ۵۲۶، ۵۲۸، ۶۳۷
۷۳۳	سيران ۶۷۸-۶۷۹
سليمان ۲۰۱	سيزوار ۶۴، ۱۲۳، ۱۵۴، ۲۴۵-۲۴۶
سليمان شاه (ميدان) ۷۳۱	۳۰۱-۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۶۶
سمرقند ۷، ۸-۲۱، ۲۹، ۸۷، ۹۶-۹۸	۳۷۴، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۱۷، ۵۳۷-
۱۲۲، ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۹۱، ۲۱۳-	۵۳۸، ۵۷۸، ۶۷۰، ۷۲۶، ۸۰۹
۲۱۴، ۲۱۸، ۲۳۲، ۲۳۸-۲۵۳	سيلک ۵۴۵
۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۹، ۲۸۶	سيلک ۵۴۵
۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷	سجاولند ۴۵۷، ۴۴۶، ۵۸۴
۳۰۰، ۳۱۰، ۳۲۳، ۳۲۸-۳۳۰	سخنويه (محلہ) ۴۱۷
۳۳۹، ۳۷۲، ۳۹۸، ۴۵۰، ۴۸۶-	سراب ۲۹۱
۴۸۸، ۵۶۲، ۵۶۸، ۵۷۵، ۵۸۴-	سرای ۵۱۱، ۲۷۹
۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۴، ۵۹۶-۶۰۰	سرای آت میدان ۸۴۰
۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۲۱	سرستان ۷۹۹-۸۰۱
۶۲۳، ۶۲۶، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۴	سريل ۵۹۰، ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۷۹
۶۵۳، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۱۶	سرجم ۷۷۴
۷۱۹، ۷۵۳، ۷۷۲-۷۷۸، ۸۰۳	سرخاب (محلہ) ۵-۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۷۴
۸۲۲، ۸۲۶	۲۱۰، ۵۰۷، ۶۱۸، ۷۱۹، ۷۲۵
سمي ۶۲۲	۷۳۳، ۷۴۴، ۷۶۳، ۸۲۵-۸۲۶
سمنان ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۴۴، ۵۱۲-	سرخس ۱، ۱۶، ۸۱، ۶۷۳، ۷۲۰
۵۱۳، ۶۴۸، ۶۵۹، ۷۳۳، ۷۵۶	سرخيا بان ۵۸۶، ۵۹۲
سمندر ۸۰۰-۸۰۱	سرکن ۵۰۴
سمنگان ۵۶۳	سرگنج ۳۲۷، ۴۱۵
سميران ۴۸	سر میدان (محلہ) ۲۵۲

۱۹۵، ۱۷۹، ۱۷۲، ۱۵۶، ۱۵۴  
۴۶۵، ۴۵۸، ۴۵۴، ۴۴۷، ۲۵۴  
۸۱۸، ۸۱۳، ۷۷۸، ۶۵۶، ۴۹۵

سینوب ۸۰۰، ۴۹۰  
سیواس ۶۷۷، ۱۴۷، ۱۴۱  
سیوی ۶۵۰

## ش

شادمان (حصار) ۵۷۰، ۵۶۷، ۴۵۵، ۲۶۵  
شادوار ۵۹۰  
شاش ۷۷۸  
شام ۲۰۰، ۱۶۳، ۱۴۷، ۶۶، ۵۹، ۴۴  
۵۷۷، ۴۹۸، ۴۵۷، ۴۵۰، ۲۳۰  
۷۴۶، ۷۲۴، ۷۰۸، ۶۳۷، ۶۰۷  
۸۰۶

شام غازان ۲۵۰  
شاه آباد ۵۹۹، ۴۰۴  
شاه پر ۶۰۳  
شاه جهان آباد (دهلی) ۴۶۵  
شاهر خیه ۶۸۰، ۵۷۳، ۵۶۸  
شاهزاده (بقعه) ۵۲۶-۵۲۵، ۴۳۹  
شاهزاده عبدالعظیم (بقعه) ۱۲۷، ۴۴۱  
۶۶۲، ۴۷۳، ۴۵۳  
شاهکار ۲۸۴، ۲۶۷، ۱۸۷، ۱۸۲، ۱۷۹  
میرغان ۵۸۷، ۶۰۰  
شبهتر ۱۶۹  
شخونی ۵۴۲

شروان ۱۰۷-۱۰۶، ۱۰۴-۱۰۳، ۴۶  
۳۹۹، ۳۸۲، ۳۳۲، ۲۹۸-۲۹۷  
۵۶۸-۵۶۷، ۵۶۳، ۴۸۴، ۴۸۳  
۷۹۶، ۷۶۹، ۷۶۵-۷۶۴، ۷۱۰  
۸۲۶

شرواز ۴۸۴  
شکر آب ۵۳۴، ۳۳۰  
شکراو علی ۸۳۱  
شکر ریزان (خان) ۷۳۶  
شلاپور ۴۸۹  
شماخی ۷۸۳، ۶۹۴، ۵۲۲، ۲۹۸، ۱۰۶  
غازان ۲۵۰

سمیرم ۷۶۴  
سنا باد ۴۴۷  
سنام ۶۳۷، ۱۷۵  
سنبل ۵۵۰

سنبل ۵۵۰، ۴۵۲، ۴۳۰، ۳۵۹، ۲۱۸  
۶۵۹  
سنجار ۵۲۲  
سنجان ۷۲۴

سند ۳۶۶، ۳۵۹، ۲۷۸، ۹۷، ۷۸، ۳۳، ۸  
۴۵۵، ۴۳۸، ۴۲۳، ۴۰۹، ۳۷۷  
۶۵۰، ۶۱۱، ۶۰۶، ۵۵۱، ۴۷۶  
۷۶۹، ۷۱۵، ۶۹۰، ۶۷۱، ۶۶۸  
۸۲۵

سنگر ۵۲۳  
سنگان ۳۰۰  
سنگه زور ۵۷۰  
سبوب ۴۹  
سو (قلعه) ۴۳  
سوالک ۷۴۴  
سوح ۶۰۲  
سودان ۵۹  
سور (بغداد) ۷۲۷  
سوراب ۴۳۲

سورت ۶۵۶، ۵۹۵، ۵۹۳، ۵۵۴، ۴۲۳  
سوریه ۳۵۲، ۲۲۰، ۱۲۹، ۱۱۵، ۵۹  
۴۰۵-۴۰۶، ۶۹۷، ۷۵۷، ۸۰۳  
۸۰۵

سوفیا ۸۱۱  
سولمان ۳۱۹  
سومات ۳۶  
سه تمان مسجد جامع اصفهان ۵۱۶  
سهرند ۶۸۹، ۶۶۸، ۶۴۶، ۴۵۵

سهر نکه (نهر) ۴۵۶  
سهرورد ۱۴۱، ۱۱۰  
سه گنبدان ۷۳۱

سیالکوت ۴۱۸  
سیحون ۶۸۷، ۱۱۴  
سیرام ۵۷۴، ۵۶۸

سیستان ۳۸-۳۷، ۲۶، ۳۰-۱۹، ۱۶  
۴۲-۴۳، ۷۵، ۷۲، ۸۲، ۹۰-۹۱

شوشی ۱۰۷

شهداد ۴۶۳

شهر سبز ۴۸۷، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۵،

۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۱-۵۹۶، ۵۹۸-

۶۰۰

شهرستان ۱۲۶

شهر وزیر ۶۱۰

شهر یار ۸۲-۳۱۹، ۸۳

شیخ العالم ۳

شیر ۶۷۹

شیراز ۲، ۵۷، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۳۹، ۱۴۷،

۱۵۲-۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۶-۱۶۷،

۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۱، ۱۹۳،

۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۰۴-

۲۰۵، ۲۱۲-۲۱۷، ۲۳۶، ۲۴۳،

۲۴۵، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۶۴-۲۶۶،

۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۰،

۲۹۶، ۳۰۰-۳۰۱، ۳۰۵-۳۰۶،

۳۰۹، ۳۱۱-۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۹-

۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۰،

۳۳۳، ۳۳۵، ۳۵۵-۳۵۸، ۳۶۱،

۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۸۵-

۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۷-

۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۳-۴۲۵، ۴۲۷،

۴۴۰، ۴۴۴، ۴۴۶-۴۵۰، ۴۶۱،

۴۶۷-۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۹۲،

۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۰-۵۲۱،

۵۳۶، ۵۳۷-۵۵۲، ۵۴۶، ۵۵۰،

۵۶۰-۵۶۱، ۵۸۶، ۵۸۹، ۵۹۱-

۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۷-۵۹۸، ۶۰۷،

۷۰۹-۷۱۱، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۳،

۷۳۵، ۷۳۷-۷۴۷، ۷۵۳، ۷۵۶،

۷۵۸، ۷۶۱-۷۶۲، ۷۶۵، ۷۶۷،

۷۶۹-۷۷۰، ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۸۰،

۷۸۹، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۰۱، ۸۰۸-

۸۰۹، ۸۱۲-۸۱۳، ۸۲۱، ۸۲۲،

۸۳۸

صالحیه ۱۶۴

صاین قلعه ۴۹۶

صخره (قبه) ۷۴۲

صرح (محلّه) ۷۴۲

صلاحيه ۲۷۹

صوبه بهار ۳۵۷

صوفي آباد ۱۴۸، ۳

ضامن ۸

طاببران ۶۷، ۳۹

طارم ۴۸، ۴۸، ۴۶

طاق اعلاى مدرسه الخ بياك ۵۸۷-۵۸۸

طاقو ۱۹۰

طالش ۳۸۱

طالقان (خراسان) ۵۰

طالقان (ماوراءالنهر) ۵۶۷

طبرستان ۱۵-۱۶، ۴۲، ۸۶، ۱۱۲، ۱۲۹،

۱۴۰، ۲۹۸، ۷۲۴، ۷۸۱،

طبري ۹۳، ۲۲۱، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۷۷،

طنخارستان ۷۱

طرا بلس ۵۹

طرا بلس شام ۴۹۸

طراپوزان ۴۷۷، ۸۰۰

طريشت ۲۷۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۳۵،

طرفان ۵۸۲

طرق ۲۹۸، ۲۹۰

طغاي، بوغده ۵۹۴

طوس ۲۷، ۳۹-۴۰، ۶۶-۶۷، ۶۹، ۱۳۳،

۱۳۷، ۲۹۳، ۴۱۹

طهران ۸۳، ۲۷۴، ۳۰۵، ۳۱۵، ۴۴۱،

۴۶۶، ۴۷۳، ۴۹۲-۴۹۳، ۴۴۵،

۷۷۲

طبيات ۲۲۱

عبادان ۱۴۱



عتبات ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۳، ۵۱۳، ۵۲۰.

۸۰۵، ۵۴۶

عثمانی (کشور) ۱۳۴، ۱۹۸، ۲۳۹، ۲۵۳-

۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰ - ۲۶۱،

۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۳۳۸-

۳۵۱، ۳۵۸، ۳۷۸، ۳۸۲، ۳۸۷-

۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۴۸، ۴۷۳،

۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۹۰ - ۴۹۱،

۴۹۸، ۵۴۳، ۶۱۵، ۶۹۳، ۷۰۰،

۷۰۳ - ۷۰۴، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۷،

۷۸۲، ۷۹۲، ۸۰۰ - ۸۰۱، ۸۱۰-

۸۱۱، ۸۱۴، ۸۱۷، ۸۴۰

عراق ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۹، ۷۳-۷۵،

۸۱ - ۸۲، ۸۷، ۹۳، ۱۰۰ - ۱۰۱،

۱۰۳، ۱۰۶ - ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۹،

۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۵-

۱۴۶، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۹۸، ۲۳۶،

۲۳۹، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۸،

۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶ - ۲۷۹،

۲۹۷، ۳۰۵، ۳۰۷ - ۳۰۸، ۴۴۹-

۴۵۴، ۴۵۵ - ۴۵۷، ۴۶۶، ۴۵۰

۴۶۸، ۴۷۱، ۴۸۰، ۵۱۱، ۵۱۲،

۵۲۳، ۵۳۵، ۵۵۶، ۶۷۱، ۶۹۱،

۶۹۳، ۷۰۶، ۷۲۴، ۷۳۹، ۷۷۳،

۷۷۶ - ۷۷۷، ۸۸۴، ۸۰۳، ۸۰۵،

۸۱۳، ۸۲۰، ۸۳۳

عراق محم ۴۸۲، ۵۹۹، ۶۴۸

عراق عرب ۷۲، ۱۵۴، ۱۸۲، ۳۸۷، ۴۸۴

عراق فن ۷۹۴

عمان ۱۷۲، ۲۳۳، ۳۱۲، ۳۲۶، ۳۵۱-

۴۱۶، ۴۷۶، ۵۳۸، ۷۵۶

عربی ۶۲۰

عشق آباد

علاء الدین پوره ۱۹۵

علم ۲۶۶

عایشکر ۴۵۵

عمان (دریای) ۶۹۴

عمد گاه هرات ۲۶۴، ۲۹۰، ۷۷۸

فجدوان ۱۱۰، ۴۰۰، ۴۰۶، ۶۲۱، ۶۲۷،

۶۴۱

فرجستان ۲۴۰، ۳۸۴

غزال ۶۶

غزنی ۷۴۶

غزنین ۳۶، ۳۲، ۴۰، ۴۲، ۴۳ - ۷۶ - ۷۸،

۹۷، ۱۱۷، ۱۴۳، ۱۵۲، ۲۶۳،

۴۵۷، ۴۴۶، ۵۵۰، ۵۸۴، ۶۱۲،

۷۲۸

خزینو ۱۶۹

غور ۸۹ - ۹۱، ۷۶۰

غوریان ۴۶۲، ۵۹۶

غولنگان ۶۰۳

غلات پور (محلّه) ۲۱۸

قاراب ۲۸۶

قارس ۱۰۱، ۱۰۲ - ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۵ - ۱۲۶،

۱۲۹ - ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۹،

۱۶۶، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۲، ۲۰۰،

۲۰۸، ۲۱۰ - ۲۱۱، ۲۱۳ - ۲۱۷،

۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۶ - ۲۳۷، ۲۶۰،

۲۶۵ - ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۸۳، ۲۹۹،

۳۰۱، ۳۱۲، ۳۱۹، ۳۳۵، ۳۴۰،

۳۵۱، ۳۷۸، ۳۹۶ - ۳۹۷، ۴۱۱،

۴۳۹، ۴۴۵، ۴۵۰، ۴۶۱، ۴۶۷،

۴۸۲، ۶۱۶، ۶۴۸، ۶۵۳، ۷۰۸،

۷۱۰، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۷۳، ۷۷۶،

۷۹۰، ۷۹۴، ۸۱۴، ۸۲۲ - ۸۳۳،

۸۴۱

قاریاب ۱۰۶

فتح آباد ۳۴۴، ۴۶۴، ۶۲۱

فتح پور ۴۱۷، ۴۵۴، ۵۴۱ - ۵۴۳، ۵۴۸،

۵۶۸، ۸۱۹، ۸۲۳

فتح پور سیکری ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۳۲

فرانسه ۴۷۸

فراه ۹۷، ۳۶۲، ۵۶۶

قنلگا ۸۰۶، ۴۷۸	فرجه اعلا ۶۲۳
قدسوس ۸۰۵	فرغانه ۱۷۳، ۱-۱۷۳، ۴۸۷، ۵۵۹
قرا باغ ۴۷۸، ۴۸۰	۵۸۴، ۵۹۰، ۵۹۳، ۵۹۷، ۵۹۹
قراجه داغ ۳۷۸	۶۰۲، ۶۰۶، ۶۱۲، ۶۱۸، ۶۳۸
قراکول ۵، ۳۱۸، ۵۶۴، ۵۷۶، ۶۱۰	۷۴۸، ۶۸۰
۶۷۹	قرید کوت ۴۸۶
قرا نغوظاق ۵۷۲	قریومند ۴۰۰، ۴۰۰
قرشی ۴۸۷، ۵۷۲، ۵۹۶	قسا ۱۰۹، ۷۲۱
قرم ۴۹۰	فلسطین ۵۹، ۶۶، ۴۰۵، ۷۵۶
قریم ۲۷۹، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۹، ۸۰۰	فلن ۵۹۰
قریه مزداخان ۱۱۲	فتار ۲۷۵
قزاقستان ۶۳۲	فیروزپور ۴۸۶
قزین ۵۱، ۶۹، ۸۲، ۱۰۲، ۱۳۴، ۱۴۴	فیروز کو ۱۶۶، ۴۸۴، ۶۸۱
۱۴۶، ۲۰۱، ۲۰۱، ۲۲۱-۲۲۲، ۲۲۴	فیروزه (حصار) ۷۴۶
۳۱۶، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۵۳-۳۵۶	
۳۷۸، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۱۳	
۴۱۸، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۹-۴۴۰	قارص ۴۷۸
۴۴۸، ۴۵۲، ۴۵۷، ۴۶۱-۴۶۵	قاسان ۶۸۹
۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۳-۴۷۴	قاسمپاشا (محله) ۳۹۲
۴۹۱-۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۷-۴۹۸	قاسیون (جبل) ۱۱۶
۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۷، ۵۲۰	قاون ۷۷۶
۵۲۱، ۵۲۴-۵۲۷، ۵۳۰-۵۳۱	قاهره ۸، ۶۶، ۱۴۶، ۱۹۰، ۱۹۳
۵۳۵، ۵۶۴، ۵۶۷، ۵۷۱، ۶۴۲	۲۵۴، ۲۷۹، ۲۰۳، ۷۱۴
۶۴۴، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۶۰	قاین ۱۲۰، ۳۰۲، ۳۱۹، ۴۲۵، ۴۵۸
۶۷۲، ۶۹۴، ۷۰۰، ۷۰۲-۷۰۳	۸۱۸، ۵۰۸
۷۱۱، ۷۳۹، ۷۹۶، ۸۰۲-۸۰۳	قبادیان ۶۱، ۵۸
۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۵	قبادیان حصار ۵۷۳
۸۲۷، ۸۳۱	قبة المصطفی ۷۰۳
قسا ۶۸۹	قبحاق (دشت) ۲۱۱، ۵۷۲-۵۷۳، ۶۷۹-
قسطنطنیه ۷۹۹، ۸۰۱	۶۸۰، ۷۹۳
قصر داردانل ۸۰۱	قبر تیمور ۷۵۳
قصر زر ۴۸۴	قبر جامی ۲۵۵
قصر عارفان ۲۲۰، ۴	قبرستان ابویوب انصاری ۶۷۲
قصر مسافر ۴۰۰	قبرستان شاهزاده حسین ۵۲۵
قطب منار ۳۱۲، ۴۰۵	قبرستان قنلگا مشهد ۸۰۶
قطیف ۷۸۸	قبر عباس ۲۲۱
قفقاز ۳۸۲، ۴۹۶	قبر قنبر (درب) ۷۲۷
قلعه اختیارالدین ۶۸۱، ۷۷۲	قمر مر سنده سین خنک سواد ۸۲۳-۸۲۴
قلعه مولانا صدرالدین خوافی ۷۵۲	قبة صخره ۷۲۴

کازرون ۲۶۵-۲۶۶، ۴۴۷، ۴۸۴، ۵۳۷،  
 ۵۴۷-۵۴۹، ۷۱۰، ۷۶۲  
 کاشان ۳۹، ۱۱۹، ۱۴۵، ۱۸۴، ۲۱۳،  
 ۳۴۲-۲۵۰، ۲۵۲، ۲۶۷، ۳۱۱،  
 ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۷۴، ۳۹۹، ۴۲۳-  
 ۴۲۵، ۴۳۴، ۴۴۱-۴۴۲، ۴۴۸،  
 ۴۵۸-۴۵۹، ۴۶۵-۴۶۶، ۴۷۰،  
 ۴۸۴، ۵۰۰، ۵۰۸، ۵۱۱-۵۱۵،  
 ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۱، ۵۳۳، ۵۷۸،  
 ۶۳۶، ۶۵۰، ۶۵۳-۶۵۴،  
 ۶۵۹، ۶۶۲، ۶۶۵-۶۶۶، ۶۷۴،  
 ۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۲، ۷۰۷،  
 ۷۰۹، ۷۱۱، ۸۰۴-۸۰۵، ۸۰۸،  
 ۸۱۳، ۸۲۱، ۸۲۴-۸۲۵، ۸۳۱-  
 ۸۳۲، ۸۳۷، ۸۴۱

کاشان (غرفخانه) ۴۰۰، ۶۱۲، ۷۱۹  
 کاشان (ماوراءالنهر) ۷، ۶۳۸، ۶۸۹  
 ۷۱۹  
 کاشغر ۱۴۶، ۳۸۰، ۴۸۸، ۵۷۲، ۵۷۸،  
 ۵۹۳-۵۹۶، ۶۳۰، ۶۳۷، ۷۲۵

کاطمین ۱۳۷

کافا ۸۰۰

کاکان ۴

کالیی ۵۴۷، ۶۳۵

کالخور شیخ العالم ۳

کالخور نین ۷۷۸

کامرد ۵۸۵

کوان ۷۷۶

کبک ویزه ۳۹۱

کیود جامه ۳۳۰

کیورتاله ۴۸۵

کت (محلّه) ۷۴۱، ۷۶۱

کتابخانه آستان-ضوی ۷۷۷

کتابخانه ابوطاهر حاتونی ۸۷

کتابخانه افوشیروان بن خالد ۱۱۹

کتابخانه وایسنغر ۳۴۱-۳۴۲، ۷۹۷

کتابخانه جلال الدین اکبر ۵۴۹

کتابخانه حسن قطن ۱۲۷

قم ۱۰۴، ۱۳۴، ۱۴۹، ۱۶۷، ۱۷۲،  
 ۲۴۸، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۵۵، ۳۸۱،  
 ۴۳۳، ۴۴۹، ۴۵۹، ۴۹۳، ۵۰۴،  
 ۵۱۰، ۵۱۷، ۵۷۶، ۶۸۷، ۷۰۷،  
 ۷۲۹، ۷۱۱

قنات سنا باد ۴۴۷

قندز ۵۸۹، ۶۰۱، ۶۸۰

قندهار ۱۹۵، ۲۴۰، ۲۹۹، ۳۳۴، ۳۵۸،  
 ۳۶۳، ۳۷۷، ۳۸۱، ۴۵۳-۴۵۵،  
 ۴۶۶، ۴۷۶، ۴۸۴، ۴۹۱، ۵۰۷،  
 ۵۲۰، ۵۳۱، ۵۳۸، ۵۴۵، ۵۴۷،  
 ۶۰۳، ۶۰۶-۶۰۷، ۶۱۳، ۶۲۲،  
 ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۸۱، ۶۸۴، ۶۹۰،  
 ۷۷۶، ۷۸۹، ۸۲۹

قنوج ۵۳۹، ۵۴۱

قوچان ۴۳۴

قونیه ۸۰، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۴۱، ۱۴۷،  
 ۱۴۹-۱۵۱، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۹۹،  
 ۲۵۸، ۴۷۷، ۴۷۶، ۷۳۶-۷۳۷، ۷۹۲،  
 قهستان ۴، ۱۰۷، ۱۳۷، ۲۰۷، ۳۰۲،  
 ۸۱۶

قهقهه (بخش) ۱

قهقهه (قلعه) ۱، ۳۷۸، ۳۸۷، ۴۷۳، ۴۹۰،  
 ۶۹۲

قهندز هرات ۵۷

فیروان ۵۹

فیصریه ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۹۳، ۴۷۷، ۷۳۷

ک

کامادی ۷۶۴

کابل ۸، ۱۵۶، ۳۶۱، ۳۶۳، ۴۱۱-۴۱۲،  
 ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۵۲-  
 ۴۵۲، ۴۵۷، ۴۷۵، ۴۸۵، ۵۵۴،  
 ۵۶۰-۵۶۱، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۹۲،  
 ۵۹۴-۵۹۵، ۶۰۶-۶۰۷، ۶۱۲،  
 ۶۳۸، ۶۴۵-۶۴۶، ۶۵۳، ۶۵۵،  
 ۶۶۸، ۶۷۱، ۶۸۱، ۶۸۳، ۷۰۲،  
 ۸۳۳، ۸۳۵، ۸۳۷

کارا خستان ۶۳۲

کتابخانه رشیدالدین فضل الله ۱۴۲  
 کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا ۴۹۲  
 کتابخانه سلطان حسین بایقرا ۳۳۰  
 ۳۳۸  
 کتابخانه سلطنتی ۷۷۲  
 کتابخانه شاه اسمعیل ۳۳۸  
 کتابخانه شاه طهماسب ۶۷۱ ۶۹۳  
 کتابخانه شاه محمد خدابنده ۵۲۴  
 کتابخانه شاهي ۶۹۳  
 کتابخانه صدیقی شیرازی ۵۱۶  
 کتابخانه صفویه ۳۵۷  
 کتابخانه عمر بن سهلان ساوجی ۱۳۰  
 کتابخانه فخرالدین مبارکشاه ۷۲۷  
 کتابخانه فرهنگستان علوم جمهوری  
 ازبکستان ۴  
 کتابخانه مدرسۀ شهنشاه غازی ۱۲۹  
 کتابخانه مراغه ۱۳۷  
 کتابخانه ملی پاریس ۷۱۵  
 کدج ۲۸۴، ۶۹۱، ۷۶۳  
 کججان ۲۸۴، ۶۹۱، ۷۶۳  
 کجور ۲۵۳، ۴۹۵  
 کجیل ۲۶۳، ۷۲۵  
 کچوچه ۷۶۵  
 کدکن ۱۱۳، ۲  
 کربال ۱، ۸۱۵  
 کربلا ۲۴۶، ۲۸۶، ۲۵۲، ۳۵۴، ۴۴۳،  
 ۴۸۰، ۵۱۷، ۵۳۸، ۶۶۰، ۶۸۷  
 ۸۰۴، ۸۱۰، ۸۲۶  
 کرتارپور ۴۸۵  
 ک.ج ۲۲۴  
 کرج (ساوچ بلاغ) ۴۹۳  
 کرد ۸۰۴  
 کردستان ۲۴، ۱۳۲، ۲۵۴، ۳۸۶، ۴۵۵،  
 ۴۷۸  
 کرمان ۶، ۲۰، ۲۳، ۵۳، ۷۷، ۸۲، ۱۱۸،  
 ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۹،  
 ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۲،  
 ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۵۷، ۲۶۹-  
 ۲۷۰، ۲۸۳، ۳۰۷، ۳۲۵

۳۵۱، ۳۸۷، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۲۴-  
 ۴۳۵، ۴۶۳، ۴۶۸، ۴۶۹، ۵۰۰-  
 ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۳۵، ۵۳۸،  
 ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۲، ۶۹۲، ۶۹۹،  
 ۷۰۸، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۴،  
 ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲،  
 ۷۵۸-۷۵۹، ۷۶۱، ۷۹۳، ۷۹۸،  
 ۸۰۵، ۸۳۰  
 کر مینه ۸، ۴۸۷، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۱،  
 ۶۳۶  
 کر نال ۵۴۲  
 کرواسی ۸۰۱  
 کروشانس ۸۰۱  
 کره ۲۲۳، ۷۵۲  
 کرهرود ۳۸۱، ۶۸۷، ۷۱۱  
 کریم ۴۹۰، ۸۰۰  
 کسبی ۶۱۷  
 کسرق ۷۴۵  
 کتی ۵۷۲، ۶۲۸، ۸۳۶  
 کشتی گاه (میدان) ۵۲۷  
 کتم ۶۰۳  
 کشمیر ۱۹۵، ۲۶۹، ۲۷۲، ۳۸۰، ۴۲۶،  
 ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۵۲، ۴۷۰، ۵۱۳،  
 ۵۴۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۹۶، ۶۶۰،  
 ۶۶۴، ۶۶۸، ۶۸۷، ۷۷۳، ۷۹۱،  
 ۸۱۳، ۸۲۴  
 کعبه ۲۹۴  
 ککویز ۳۹۱  
 کلاش ۹۸  
 کلا نور ۶۶۸  
 کلبر که ۶۴۶  
 کلخوران ۲۱۹  
 کلکته ۳، ۶۸۷  
 کلپولی ۳۹۲  
 کما گران ۲۶۳  
 کمان گران ۵۹۰  
 کمجان ۱۶۳  
 کمیجان ۱۶۳  
 کنار ۲۹۵

گذرد و آبه ۵۸۹  
 گرجستان ۶۰۴۰۱۰۶۱۶۲۰۱۰۳۵۵۰۳۸۰  
 ۸۰۷۰۳۸۲  
 گردیز ۲۲  
 گرجگان ۲۰۳۳۰۳۵۰۳۲۰۳۵۰۴۵۰۵۱۰۵۱  
 ۶۳۰۱۷۹۰۳۳۴۰۳۳۹۰۳۶۸  
 گرجگانج ۱۱۶  
 گره (قلعه) ۳۶۴  
 گزیو ۱۶۹  
 گسگر ۳۸۶۰۳۹۳  
 گل افشان (دوشک) ۳۰۱  
 گلبرگه ۲۹۴۰۲۳۰۰۳۳۴۰۳۵۹۰۳۶۷  
 ۶۴۶۰۷۵۴۰۷۹۵  
 گل بهار ۵۴۹  
 گلکنده ۳۵۵۰۳۵۹۰۳۵۷۰۵۱۷۰۸۳  
 گله چاره ۵۱۵  
 گناباد ۴۱۰۴۷۰۰۷۰۵۰۶۸۹  
 گناباد ۴۷۰  
 گنبد مجیدالدین طایفه ۷۵۰  
 گنجه ۴۶۰۴۰۰۱۰۶۰۱۰۸۰۱۰۷۳۹  
 ۷۹۶  
 گندم دان ۶۰۲  
 گنکره ۴۰۴  
 گنگ ۳۳۰۰۲۴۰۰۵۴۳  
 گوالیار ۴۳۲۰۴۹۹۰۵۵۷۰۸۰۶۰۶۸۷  
 ۷۴۳

گوالیر ۳۶۵، ۵۵۷  
 گوراب ۷۵۳  
 گورستان سرحاب ۵۰۶-۵۰۷  
 گورستان شاهزاده حسین ۵۲۶  
 گوزلو ۴۹۰  
 گولاب ۷۷۳  
 گوک مسجد ۷۹۴  
 گون آباد ۴۷۰۰۷۰۵۰  
 گوی چای ۶۹۶  
 گیلان ۱۵۰۰۴۷۰۰۱۳۱۰۰۱۵۴۰۰۲۱۱  
 ۲۱۲۰۲۵۱۰۲۵۳۰۲۵۹۰۲۶۰  
 ۲۶۵-۲۶۶۰۲۷۰۰۲۹۲۰۲۹۲  
 ۲۹۷-۲۹۸۰۳۳۷۰۳۴۱۰۳۵۰

کنبا بت ۶۸۶  
 کند بادام ۵۹۰  
 کوالیار ۴۶۹  
 کوب آباد ۶۵۵  
 کوبنان ۱۸۷-۱۸۸-۷۹۸  
 کور ۸۲۱  
 کورفو ۴۸۰  
 کوسویه ۷۹۹  
 دوشک گل افشان ۳۰۱  
 کوفه ۱۱۴، ۴۸۰  
 کوه میدان ۵۷۷  
 کووال ۴۱۸  
 دول ۶۰۳  
 کوماگران ۲۶۳  
 کوه ابراهیم ۷۲۳  
 کوه اشک ۷۹  
 کوه بنان ۱۸۷-۱۸۸-۷۹۸  
 کوهستان یوسف زئی ۴۱۸  
 کوه کیلویه ۷۱۰  
 کهتر بوال ۱۱۳  
 کهووال ۱۵۶  
 کیج ۱۸۷۰۰۴۱۰۰۴۲۰  
 ری آباد ۱۰۴  
 ۷۵۰

گ

گازرگاه مرات ۸۰۳۰۴۶۲۰۷۱۷۰۷۶۵  
 گاوکا ۱  
 گبز ۸۰۱  
 گجرات ۲۲۳۰۰۲۵۵۰۰۳۳۷۰۰۳۵۷  
 ۳۵۹۰۳۶۱۰۳۶۲۰۳۶۶۰۳۶۷  
 ۳۶۹۰۳۸۲۰۴۱۵۰۴۲۰۰۴۲۲  
 ۴۲۳۰۴۲۸۰۴۲۹۰۴۳۲۰۴۵۵  
 ۴۵۶۰۴۶۶۰۴۶۷۰۴۷۵  
 ۵۳۰۰۵۲۷۰۵۴۱۰۵۴۴۰۵۴۹  
 ۵۵۲۰۵۵۴۰۵۶۶۰۵۹۳۰۶۰۱  
 ۶۱۲۰۶۵۰۰۶۵۸۰۶۸۷۰۸۰۵  
 ۸۰۶۰۸۰۸۰۸۰۹۰۸۲۰۰۸۲۴  
 ۸۳۳۰۸۳۹۰۸۴۰

لکامہ ۵۵۱ - ۳۸۶، ۳۸۳ - ۳۸۲، ۳۷۷، ۳۵۳  
 لنین (کالخور) ۷۷۸، ۴۸۹، ۴۸۷، ۴۵۷، ۴۰۵، ۳۸۷  
 لویک ۱۷۵، ۵۰۱، ۴۹۹، ۴۹۴، ۴۹۳  
 لودیاتہ ۴۸۶، ۶۰۰، ۵۸۲، ۵۳۰، ۵۲۱-۵۱۸  
 لوگر ۵۷، ۵۴، ۷۷۶، ۸۰۹، ۷۰۷، ۷۰۲، ۶۴۴  
 ۸۳۱، ۸۲۳، ۸۲۱، ۸۰۳، ۷۸۴  
 ۸۴۱، ۸۳۲

ماجواریہ ۴۵۵ | ل  
 مازندران ۲، ۱۰۱، ۱۸۶-۱۸۷، ۲۵۶، ۳۹۲، ۴۰۵، ۳۵۳، ۳۴۰، ۳۱۲، ۷۶۲، ۷۰۸، ۶۴۵، ۶۱۶، ۴۲۱، ۲۶۶، ۲۶۴، ۸۴۷  
 ماسور آباد ۳۵۵ لار (جزیرہ) ۶۱۶  
 ماکو ۴۵۶ لارستان ۶۱۶  
 مالوا ۴۲۳ لارندہ ۱۹۹، ۱۲۱  
 مالوکرہ ۸۲۰ لاهور ۳۲، ۳۲۰-۳۵۷، ۱۵۴، ۹۷، ۶۵، ۴۳، ۴۲، ۳۵۸  
 مالوہ ۴۲۲، ۵۸۵، ۵۹۴، ۸۲۰، ۴۱۷، ۳۹۸، ۳۸۱-۳۸۰، ۳۵۸  
 مانبل ۶۰۳، ۴۳۰، ۴۲۸-۴۲۷، ۴۲۰-۴۱۹  
 مانہ ۱، ۵۲۰، ۴۸۴، ۴۷۱، ۴۵۶، ۴۵۳  
 مانہ بابا، ۵۵۲، ۵۴۴، ۵۴۲-۵۴۱، ۵۲۰  
 ماوراءالنہر ۲، ۷-۱۵، ۸-۱۶-۲۰، ۳۲-۳۳، ۹۹، ۹۶، ۹۳، ۷۷، ۷۵-۴۹، ۲۴، ۶۰۶، ۶۰۳، ۶۰۰، ۵۶۸، ۵۵۵  
 ۱۱۰-۱۱۲، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۲۲، ۶۶۲، ۶۵۷، ۶۵۳، ۶۴۷، ۶۴۴  
 ۱۲۵، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۴۰، ۱۵۵، ۸۰۵، ۷۷۶، ۷۵۴، ۶۸۳، ۶۶۸  
 ۱۷۵، ۱۸۸، ۱۹۴، ۲۱۸، ۲۲۹، ۸۳۵، ۸۲۵-۸۲۴، ۸۲۰  
 ۲۴۲، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۶۱، ۲۸۵، لاجپان ۲۱۲، ۲۷۰، ۲۴۱، ۲۸۶-۲۸۷، ۴۵۷، ۴۸۲، ۴۹۵، ۵۱۱، ۵۱۹  
 ۲۸۹-۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۰، ۷۸۹، ۶۱۷، ۵۲۱  
 ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۵۱، لکھا ۷۸۸، ۳۵۲، ۲۳۰  
 ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۷۵، ۳۸۹، ۳۹۸، لارستان ۷۳، ۸۲، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۴  
 ۴۰۰-۴۰۱، ۴۰۲-۴۰۴، ۴۰۶، ۱۳۸-۱۵۰، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۸۴  
 ۴۱۱، ۴۱۹، ۴۳۱، ۴۶۶، ۴۸۳، ۴۹۱، ۴۸۴، ۴۴۹، ۲۸۴، ۲۳۱  
 ۴۸۶-۴۸۸، ۵۴۱-۵۴۳، ۵۴۵، ۷۹۰، ۷۵۱، ۵۲۷  
 ۵۴۷-۵۵۰، ۵۵۱-۵۵۳، ۵۵۶، لار کوچک ۴۹۱  
 ۵۵۹-۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۲، لسوس ۸۰۰  
 ۵۷۴-۵۸۱، ۵۸۳-۵۹۰، ۵۹۲، لقمان پرندہ (مزار شیخ) ۳۲۷  
 ۵۹۴-۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۲، لکنھو ۷۵۶  
 ۶۰۵-۶۰۸، ۶۱۳-۶۱۵، ۶۱۷، لہمان ۷۱۵  
 ۶۱۸-۶۲۱، ۶۲۶-۶۲۸، ۶۳۹، لمنوس ۸۰۰  
 ۶۴۹-۶۷۲، ۶۷۶-۶۸۰، ۶۸۲، لنیان ۱۶۵  
 ۶۸۶-۷۰۲، ۷۰۴، ۷۱۹، لنجان ۱۶۱

مدرسه عصرونه ۷۰۶	۷۲۳، ۷۳۴، ۸۰۸، ۸۱۷، ۸۲۱
مدرسه علی بیگ طاشلیق ۸۱۱	۸۴۱
مدرسه غیاثیه ۳۳۲	ماوراء سیحون ۱۶۴
مدرسه قاسم پاشا ۳۹۲	ماوراء قفقاز ۷۹۳
مدرسه قنمگاه ۶۹۳	ماهان ۷۵۳، ۱۸۸
مدرسه گوهرشاد آغا ۲۴۳-۲۴۴، ۲۹۴، ۳۳۲	مجارستان ۳۷۷، ۴۷۹-۴۸۰، ۴۹۰، ۷۹۹-۸۰۰، ۸۱۱، ۸۴۰
مدرسه گوهرشاد بیگم ۲۳۲، ۲۹۴	محدد آباد ۲۴۲
مدرسه گوهرشاد مشهد ۲۳۸	محلات ۶۹۳
مدرسه گوهرشاد هرات ۲۴۳-۲۴۴	محلّه ایوب ۲۵۴
مدرسه مستنصریه ۱۴۶	محلّه خراب ۸۱۰
مدرسه مصطفی پاشا ۳۹۱	محلّه سرمه‌دان ۷۵۲
مدرسه مغنیا ۳۹۱	مدراس ۸۰۵، ۱۰۴
مدرسه مولانا ۷۲۶	مدرسه اخلاسیه هرات ۴۹۲-۴۹۴، ۵۲۴، ۵۲۵
مدرسه مولانا حسن شاه بقال ۲۶۵	۳۳۴، ۳۳۷
مدرسه مولانا محیی الدین گوشه کنار ۲۶۵	مدرسه ازنیق ۲۷۶
مدرسه میرزا ۴۶۲، ۵۲۴، ۶۲۲	مدرسه افضل الدین مره
مدرسه میرزا سلطان ابوسعید ۳۲۳	مدرسه الخ بیگ ۵۸۷، ۵۸۸-۶۳۰
مدرسه میر عرب ۶۳۰	مدرسه بایزید ۸۱۱
مدرسه نصریه ۶۹۲	مدر ۲۶۵
مدرسه نظامیه ۶۷، ۱۶۷، ۷۵۰	مدرسه جلالی ۷۵۵
مدرسه نظامیه هرات ۲۸۶	مدرسه حافظ دیوان ۶۳۰
مدینه ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۲۲۱	مدرسه حلبیه ۲۷۶، ۸۱۱
۲۸۰، ۲۸۶، ۳۲۵، ۳۶۹، ۴۰۶	مدرسه خان ۵۸۶
۴۷۸، ۶۲۵، ۷۲۴، ۷۳۸، ۷۴۱	مدرسه حسرو پاشا ۳۵۶
۷۹۱، ۷۹۶، ۸۰۹	مدرسه خواجه کمال الدین ۶۲۸
مراد آباد ۶۵۹	مدرسه دهل ۵۵۳
مرعه ۳۸، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۸۷	مدرسه زین الدین خوافی ۴۱۱
۱۹۹، ۳۷۵، ۳۸۸، ۴۸۰، ۵۲۳	مدرسه سلطان ۶۲۰
۷۳۰-۷۳۱، ۷۶۰	مدرسه سلطانی ۳۳۴، ۳۳۶
مراکش ۷۲	مدرسه سلطانیه هرات ۱۸۳، ۲۴۵-۲۴۶
مرزبانیه ۱۷۳	۳۳۴
مرغاب ۶۸۱	مدرسه شاه ۲۷۰
مرغیان ۴۹، ۵۵۹، ۵۸۳، ۵۹۷، ۶۰۲	مدرسه شاه بیگ خان ۵۸۷، ۵۹۱
۶۰۶	مدرسه شرفیه ۲۴۸
مرودپیامبر ۵۳۷	مدرسه شیانی خان ۶۸۲
مریج (حصار) ۴۳	۴۲۱
مرود ۲۲، ۲۴، ۵۴، ۶۱، ۷۲، ۸۱، ۹۷، ۱۲۶	مدرسه عباسیه ۲۹۴
	مدرسه عبدالله خان ۵۹۲

مسجد جامع افضل الدین کرمانی ۳۰۸  
 مسجد جامع بخارا ۵۸۸  
 مسجد جامع بیکم ۷۸۹  
 مسجد جامع شیراز ۷۵۸  
 مسجد جامع عتیق اصفهان ۷۴۰  
 مسجد جامع محله میرچقماق ۲۴۸  
 مسجد جامع هرات ۴۵۱، ۲۹۰  
 مسجد چهار سوق ۶۱۹  
 مسجد حیدریه ۴۹۸  
 مسجد خلف تبریزی ۶۹۷  
 مسجد زین الدین خوافی ۳۱۱  
 مسجد زینب خاتون ۲۵۴  
 مسجد سلیمانیه ۴۸۱  
 مسجد فاتح ۸۰۱  
 مسجد کبود ۷۹۳  
 مسجد مصلح الدین سروری ۳۹۲  
 مسکو ۴۹۰  
 مشرقیه سادات ۷۴۲  
 مشهد ۱۱۴، ۲۲۸، ۲۴۶، ۲۸۹، ۲۹۹،  
 ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۲، ۳۱۵،  
 ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵،  
 ۳۲۷، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۷۲،  
 ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۱۳، ۴۱۶،  
 ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۳۳، ۴۳۷،  
 ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۶۱،  
 ۴۶۳، ۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۱۱،  
 ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۱،  
 ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۴۶، ۵۵۳، ۵۶۵،  
 ۶۰۲، ۶۱۷، ۶۲۴، ۶۴۴، ۶۵۲،  
 ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۷،  
 ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۳،  
 ۷۶۴، ۷۸۶، ۷۹۱، ۷۹۸، ۸۰۶،  
 ۸۱۴، ۸۲۶، ۸۳۰، ۸۳۱  
 مصر ۶، ۵۲، ۵۹، ۷۲، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۸۸،  
 ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۱۳، ۲۵۴، ۲۷۶،  
 ۲۷۷، ۳۸۲، ۴۹۴، ۴۰۶، ۴۵۰،  
 ۴۷۸، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۲۴، ۷۴۵،  
 ۷۵۷، ۷۶۳، ۷۷۳، ۷۹۶، ۸۰۱،  
 ۸۰۳، ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱

۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۰، ۲۸۶،  
 ۲۸۹، ۳۰۷، ۳۳۵، ۳۶۲، ۴۲۱،  
 ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۶۸، ۶۲۸، ۶۲۹،  
 ۶۸۱، ۷۰۲، ۷۲۶، ۸۳۵  
 مروالرو ۴۱  
 مزارات، از ۲۵۶  
 مزار احمد خضرویه ۶۲۴، ۸  
 مزار ایوب انصاری ۷۸۹  
 مزار پیر سید ساله ۳۳۲  
 مزار ترک ۶۲۷  
 مزار جامی ۶۴۷  
 مزار حافظ ۴۴۰، ۳۰۱  
 مزار خواجه ابو حفص ۶۲۷  
 مزار خواجه بهاء الدین نقشبند ۵۷۶،  
 ۶۲۲  
 مزار خوفکار ۷۹۲  
 مزار سید علی عجم ۷۹۳  
 مزار فالدین باخرزی ۷  
 مزار شاهزاده حسین ۴۳۹  
 مزار شریف ۵۹۴  
 مزار شیخ جلال ۷  
 مزار شیخ حسین خوارزمی ۵۷۷  
 مزار شیخ سری ۱۴۱  
 مزار شیخ علی صوفی ۵  
 مزار شیخ فرید الدین عطار ۲۹۰  
 مزار شیخ لقمان یرنده ۳۳۷  
 مزار عباس ۳۸۰  
 مزار عبدالله انصاری ۲۲۲، ۵۶۷  
 مزار عبیدالله احرار ۶۲۳  
 مزار قثم بن العباس ۸۲۲  
 مرار میرداماد ۷۹۳  
 مزار خان (قریه) ۱۱۲  
 مسجدای ۵۷۸  
 مسجد ارگ بخارا ۶۳۵  
 مسجد اقصی ۷۲۴  
 مسجد ایوب ۸۰۱  
 مسجد بردی ۳۱۲  
 مسجد بزرگ هرات ۲۴۲  
 مسجد جامع اصفهان ۴۶۰، ۵۱۴، ۵۱۶،  
 ۵۲۱



مؤیدیه ۷۰۳	مصطفی آباد ۳۶۷
مهرانرود ۷۶۳، ۶۹۱، ۲۸۴	مصلی ۳۰۱
مهمانخانه خیرالدین مبارکشاه ۷۲۷	مصیاف ۸۰۵
مهنه ۷۱۵، ۶۱۹، ۵۶۵، ۲۳۰، ۱	مظفریه تبریز (زاویه) ۷۹۶، ۷۹۳، ۷۷۹
مهنه (خراسان) ۱	معد آباد ۷۲۰
مهورات ۳۳۹، ۳۱۳	محلات ۳۹۳
میانج ۱۱۱	منشیسا ۷۹۹، ۳۷۹، ۳۳۹
میان کال ۶۰۱، ۵۹۷، ۵۹۲، ۵۸۱، ۵۶۷	منولستان ۶۷۹-۶۷۸، ۲۷۹، ۱۴۲
میان کل ۴۸۷	مقان ۷۰۳
میانه ۱۱۱	مقبره بابا شیر قلندر ۳۵۸
میبد ۲۶۸، ۱۸۴	مقبره خواجه احمد خضرویه ۶۲۷
میتن کلان ۵۹۹	مقبره گوهر شاد ۷۹۷
میدان اصفهان ۶۵۲	مقصودیه تبریز (محله) ۷۹۶
میدان سلیمان شاه ۷۳۱	مکران ۴۲۰، ۳۱۰، ۱۸۷
میدان کشتی گاه ۵۲۷	مکه ۱، ۱۵۹، ۱۴۱، ۱۱۴، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۱، ۱۵۹
میرچنماق (محله) ۲۴۸	۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۸، ۲۲۱، ۲۷۶-۲۷۶
میر - سادات (محله) ۱۶۹	۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۵۶
میمنه ۳۸۷	۳۶۹، ۳۹۳، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۶
میوات ۶۰۸	۴۷۸، ۴۸۵، ۴۹۸، ۵۳۷، ۵۴۹
میمنه ۶۱۰، ۶۲-۶۲۲، ۳۲۲، ۶۲۵-۶۲۵	۵۷۱، ۵۸۱، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۲۳
	۶۲۸، ۶۴۸، ۶۹۳، ۶۹۸، ۷۲۴
	۸۲۹، ۸۱۴، ۸۰۹، ۷۴۱
ناگور ۸۲۸	ملاطیه ۱۵۹، ۱۲۱، ۱۱۰
نامق ۷۲۰، ۱۰۸	ملتان ۱۵۶، ۳۶۲، ۴۰۶، ۷۴۸، ۵۴۰، ۱
نامده ۱۰۸	۸۱۲، ۸۰۹، ۷۸۵
نانکانه ۴۸۴	ملطیه ۱۴۷، ۱۴۱، ۱۱۸
ناهیه ۴۸۴	مسجد ۳۷
نای ۴۳	مندمکره ۵۹۱
نایین ۸۰۹، ۲۰۹	مندو ۷۴۳
نجد ۳۱۲	هنیر ۸۱۷، ۷۷۶
نجف ۴۱۷، ۴۱۲، ۳۹۶، ۳۸۷، ۲۸۶	موره ۸۰۰
۴۸۰، ۴۶۰-۴۵۹، ۴۳۵، ۴۲۲	موره ۸۰۰
۶۶۴، ۵۷۱، ۵۱۷	موسمار ۸۴۰
نجفی ۶۲۳	موصل ۵۲۲، ۳۸۳، ۱۷۴، ۱۰۵، ۸۱
نخجوان ۷۳۴، ۶۹۸، ۴۸۰، ۳۹۹، ۴۶۶	۷۵۱
۷۶۴، ۷۵۲	مولتان ۳۶۲، ۱۶۴، ۱۱۳، ۷۸
نحسب ۷۲۲، ۶۲۴، ۱۲۲	مولداوی ۸۰۰، ۳۸۰
نراق ۴۴۳	موقان ۴۸۲، ۲۱۱
نرمده ۵۹۳	مؤمن آباد ۸۱۶

واله (نهر) ۴۵۶	نزل آباد ۲۰۴
وان ۴۸۲، ۴۸۰، ۴۷۲	نسا ۱-۲، ۵۱، ۱۲۶، ۴۳۷، ۶۱۷، ۶۴۰
وان (دریاچه) ۴۸۲	۷۴۷
وجیرستان ۴۳	نسف ۱۲۲، ۱۲۱، ۲۲۱، ۶۰۵، ۶۲۴، ۷۲۲
ورامین ۴۹۶	نصریه ۸۳+
ورجو (محلّه) ۴۵۷	نطنز ۵۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۸۳۲
وردیه (محلّه) ۱۴۱	نظامیه بغداد ۶۷، ۱۶۷، ۷۵۰
ورغز ۵۷۷	نظامیه نیشابور ۶۱
وزیر (شهر) ۶۱۰	نگرپون ۸۰۰
وئاق ۱۶۵-۱۶۶	نگرکوت ۷۵۹
ونجر ۴۷۷، ۴۸۰، ۸۰۰-۱	نمازگاه بحار ۶۲۲
وحنبا نگر ۴۸۹	نوبه ۵۹
ویجویه (محلّه) ۴۵۷	نور ۳۵۳
ویرکوپا ۵۳۹	نور (بخارا) ۶۲۷
وین ۴۷۹، ۴۴۳	نوریه (خانقاه) ۳۱۹

ه

هارون ۱۵۴	نیاوند ۵۷، ۶۶، ۵۱۱، ۶۷۵
هارون ولایت ۴۶۷	نهر جیل ۲۳۹
هرات ۵-۸، ۱۶، ۴۱، ۴۵، ۴۹، ۵۳	نه گوران (بقعه) ۲۹۸
۵۷-۵۸، ۷۲، ۹۳، ۹۷، ۱۰۹	نیشابور ۱-۲، ۵۱، ۶۰، ۶۲، ۷۱
۱۱۱، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۶۱	۸۴، ۹۷، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۳-۱۱۴
۱۶۵، ۱۶۹، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸-۲۲۱	۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۹
۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۰-۲۴۲	۲۰۷، ۲۱۰، ۲۴۶، ۲۹۰، ۲۹۲
۲۴۵-۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۷۰	۲۹۸-۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۶
۲۷۱، ۲۷۴-۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۲	۳۲۰، ۳۲۴-۳۲۵، ۳۳۱، ۳۴۰
۲۸۵-۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۵-۲۹۸، ۳۰۱	۴۲۹، ۴۴۴، ۵۰۲، ۵۴۵، ۵۷۱-۷۱۳
۳۰۳، ۳۰۵-۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۱	۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۴۰، ۷۵۷
۳۳۲، ۳۳۶، ۳۴۷-۳۴۹، ۳۵۸	۷۶۳، ۷۹۱، ۸۲۰
۳۶۲، ۳۷۲، ۳۷۶-۳۷۸، ۳۸۴	نیفا ۱۳۱
۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۲-۴۰۳، ۴۰۵	نیماروت ۴۴۹
۴۰۸-۴۰۹، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۲۳	نیمارود ۴۴۹
۴۳۰، ۴۳۷-۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۹	نیمان ۶۲۷
۴۵۱-۴۵۲، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۶۴	
۴۶۶، ۴۷۱، ۴۸۳، ۴۹۲، ۴۹۴	
۴۹۹، ۵۰۶، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۴	وابکنه ۱۵۳
۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۷، ۵۵۶-۵۵۹	وارنا ۷۹۹
۵۶۱-۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۱، ۵۷۹	واسط ۱۴۶
۵۸۰، ۵۸۲-۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۹	والاشی ۸۰۰

،۷۲۶-۷۲۵،۷۲۰،۷۱۰-۷۰۹  
 ،۷۴۴،۷۴۱،۷۳۹-۷۳۸،۷۳۱  
 ،۷۶۲-۷۶۱،۷۵۹،۷۵۶،۷۴۶  
 ،۷۸۶،۷۸۰،۷۷۳،۷۶۹-۷۶۸  
 ،۸۰۸،۸۰۵-۸۰۴،۸۰۶،۷۹۵  
 ،۸۲۴-۸۲۰،۸۱۷-۸۱۵،۸۱۲  
 -۸۳۶،۸۲۳،۸۲۱-۸۲۰،۸۲۷  
 ۸۴۱،۸۳۷

#### هندوان-۵۹۹

هندوستان-۳۰،۳۴-۳۶،۳۸،۴۲  
 -۷۸،۷۵،۷۲،۶۵،۵۳،۴۹،۴۳  
 -۱۰۴،۱۰۰،۹۷،۹۰،۸۱،۷۹  
 ،۱۳۲-۱۳۱،۱۲۸،۱۱۴،۱۰۶  
 ،۱۵۶،۱۵۴،۱۵۲-۱۵۱،۱۳۴  
 ،۱۷۲-۱۷۰،۱۶۶،۱۶۴-۱۶۳  
 -۱۹۴،۱۹۰،۱۸۵،۱۷۶-۱۷۵  
 ،۲۲۳،۲۱۸،۲۱۵،۲۰۳،۱۹۸  
 ،۲۳۶،۲۳۴-۲۳۳،۲۳۱،۲۲۵  
 -۲۵۰،۲۴۵،۲۴۳-۲۴۰،۲۳۸  
 ،۲۶۵،۲۵۹-۲۵۷،۲۵۴،۲۵۱  
 ،۳۳۰،۳۱۸،۳۱۲،۲۹۴،۲۸۴  
 -۳۷۵،۳۷۳-۳۵۱،۳۳۷-۳۳۶  
 -۳۹۸،۳۹۶،۳۸۳-۳۸۱،۳۷۹  
 ،۴۲۹-۴۲۸،۴۲۵-۴۰۱،۳۹۹  
 ،۴۵۷،۴۵۵،۴۵۲،۴۴۵،۴۴۳  
 -۴۷۵،۴۷۲-۴۶۵،۴۶۱،۴۵۹  
 ،۵۱۱،۵۰۵-۵۰۴،۴۸۹،۴۷۶  
 ،۵۲۰،۵۱۸-۵۱۷،۵۱۴-۵۱۳  
 -۵۳۷،۵۳۲،۵۲۰،۵۱۶-۵۱۳  
 ،۵۴۸-۵۴۵،۵۴۳-۵۴۲،۵۴۰  
 ،۵۶۹،۵۶۶-۵۶۵،۵۵۹-۵۵۰  
 -۶۰۳،۵۹۶،۵۸۴،۵۷۸،۵۷۵  
 ،۶۱۸،۶۱۵،۶۱۲،۶۰۸،۶۰۶  
 ،۶۳۵-۶۳۲،۶۲۷،۶۲۲،۶۲۹  
 ،۶۵۸،۶۵۵،۶۵۳،۶۵۰،۶۴۸  
 -۶۷۶،۶۷۲،۶۶۹،۶۶۳،۶۶۱  
 -۷۰۷،۶۸۷-۶۸۵،۶۸۳،۶۷۸  
 ،۷۵۶،۷۴۶،۷۴۴،۷۳۵،۷۰۹  
 -۷۹۸،۷۸۵،۷۷۶،۷۷۲،۷۶۱

-۶۱۱،۶۰۵،۵۹۹-۵۹۷،۵۹۱  
 ،۶۴۱،۶۳۳-۶۳۱،۶۲۷،۶۲۴  
 -۶۵۵،۶۵۳-۶۵۲،۶۴۷،۶۴۴  
 ،۶۶۷-۶۶۶،۶۶۴،۶۶۱،۶۵۶  
 ،۶۷۷،۶۷۴-۶۷۳،۶۷۱-۶۷۰  
 ،۶۹۲-۶۹۱،۶۸۸،۶۸۱-۶۸۰  
 ،۷۴۳،۷۲۰،۷۱۷،۷۱۵  
 ،۷۷۲-۷۶۶-۷۶۵،۷۵۰  
 ،۷۸۲-۷۸۱،۷۷۸-۷۷۷،۷۷۴  
 -۷۹۶،۷۹۴،۷۹۱،۷۸۶،۷۸۴  
 ،۸۱۵،۸۰۹-۸۰۸،۸۰۶،۷۹۹  
 ،۸۲۷-۸۲۶،۸۲۴،۸۲۰-۸۱۹  
 ۸۳۷-۸۳۶

هرزگه-۸۴۰

هرزکون-۸۴۰

هرمن-۲۸۴،۲۷۰،۴۵۹

هرموز-۴۵۹،۷۶۲

هزاراسب-۶۳۵

هزارجریب-۴۹۷

همدان-۱۳۳،۱۱۹،۱۱۱،۱۰۷،۵۲،۴۳  
 ،۱۵۸،۱۴۵،۱۴۲-۱۴۱،۱۳۴  
 ،۳۶۱،۲۸۶،۲۳۷،۱۹۵،۱۶۴  
 ،۴۸۴،۴۸۰،۴۵۷،۴۵۵-۴۵۴  
 ،۵۱۱-۵۱۰،۵۰۵-۵۰۴،۵۰۲  
 ،۵۲۲،۵۱۹-۵۱۷،۵۱۴-۵۱۳  
 ،۵۵۲-۵۴۷،۵۴۵،۵۳۶-۵۳۴  
 ،۷۲۲،۷۱۱،۶۸۶،۶۷۵،۵۵۴  
 ۸۳۷،۸۲۸،۸۲۰،۷۳۱

هند-۳،۲-۴۸۹،۴۸۵-۴۸۴،۴۸۰  
 ،۵۲۷،۵۲۱-۵۲۰،۵۱۷-۵۱۶  
 ،۵۴۴-۵۳۹،۵۳۷،۵۳۲،۵۳۰  
 ،۵۷۱،۵۶۹-۵۶۶،۵۶۴،۵۵۳  
 ،۵۸۸،۵۸۵-۵۸۴،۵۸۱-۵۷۸  
 -۶۰۷،۶۰۳-۵۹۹،۵۹۷-۵۹۱  
 ،۶۲۵،۶۱۴-۶۱۳،۶۱۱،۶۰۸  
 ،۶۵۸-۶۴۴،۶۴۲،۶۳۷،۶۳۳  
 ،۶۶۸-۶۶۷،۶۶۵-۶۶۴،۶۶۲  
 -۶۸۲،۶۷۷-۶۷۵،۶۷۳-۶۷۲  
 ،۷۰۷،۷۰۳،۶۹۸،۶۹۳،۶۸۹

.۲۷۴ .۲۶۸ .۲۵۲.۲۴۸.۲۰۸  
 .۳۸۲ .۲۵۶ .۳۲۵.۲۸۹.۲۸۴  
 .۴۵۲-۴۵۱ .۴۳۵-۴۳۴.۴۲۱  
 .۵۰۰ .۴۹۷ .۴۷۰.۴۶۸.۴۵۷  
 .۵۵۰ .۵۱۳ .۵۱۲.۵۰۶.۵۰۴  
 .۷۳۱ .۶۹۶ .۶۹۴.۶۶۱.۶۰۲  
 .۸۳۰ .۸۰۶ .۷۶۸-۷۶۷.۷۴۰

.۸۷۱ .۸۲۰ .۸۱۲.۸۰۵.۷۹۹  
 ۸۳۹.۸۲۱.۸۲۹  
 هندو کتس ۶۰۷-۶۰۶.۹  
 هندیه ۵۴۱  
 هویزه ۴۸۴  
 نیپور ۳۶۲  
 هیمود ۴۵۴

۸۳۲

یمکان ۵۹

یمن ۷۵۶.۴۹۶.۴۰۵.۴۴

ینکی شهر ۴۷۷

یوسف زئی ۴۱۸

یون ۵۸۹

یونان ۸۰۱.۱۱۰.۵۹.۱۵.۱۱

یونان (دریای) ۸۰۱

یار کند ۵۹۶.۵۸۲.۵۷۸.۵۷۲.۴۸۸

یاسی ۶۷۹.۶۳۲

یافت ۳۸۷

یسی ۶۳۲

یزد ۱۸۲ .۱۶۲.۱۵۳.۱۴۹.۸۳.۸۱

.۲۰۳ .۱۹۴ .۱۹۲.۱۹۰.۱۸۴

## فهرست نامهای کتابها و رساله‌ها

آ	آ
آفات اللسان ۶۷	آثار ابن سینا ۳۱
آفاق نامه ۵۹	آثار احمدی ۲۴۵
آفاق و انفس ۱۸۹	آثار البلاد و اخبار العباد ۱۳۶، ۷۳۲
آفرین نامه ۲۱	آثار الملوك والانبیاء ۲۴۱
آمال الایمان ۳۷۶	آثار الوزراء ۶۵، ۲۵۶
آوازی جبرئیل ۱۱۰	آثار علوی ۱۲۵
آیات الصنعه ۱۴۵، ۷۳۲	آثار علوی یا کائنات جو ۷۰، ۱۲۰
آیه الایات الفرقانی ۷۸۱	آداب البحث خواجه نصیر ۱۳۸
آیه الكرسي ۳۶۴	آداب البحث عضالدين ایچی ۱۹۱، ۷۰۵
آیین اسکندری ۷۰۸	آداب البحث سعودی ۳۴۰
آیین اکبری ۳۶۵، ۶۶۹	آداب الحرب والشجاعه ۹۰، ۱۲۲
آیین نامه ۲۳۳	آداب الساکین ۴۰۱
آیینة سکندری ۱۷۱	آداب السفر ۱۲۳
آیینة سکندری (در حساب) ۲۴۷	آداب الصالحین ۳۷۰
آیینة وطوطی ۵۸۷	آداب الصدیقین ۴۰۱
ا	آداب الصوفیه ۶۷
ایطال الباطل ۲۵۱، ۲۸۱، ۶۶۳	آداب اللباس ۳۷۰
ابطال نهج الباطل و احوال کشف المعامل	آداب المتعلمین ۱۳۸
۲۵۱	آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی
ابعاد و اجرام ۳۸۴	۷۷۶، ۷۲۵، ۱۹۶
ابعاد و اجرام سماوی ۲۶۹	آداب المریدین نجم الدین کبری ۱۱۶، ۷۲۴
ابکار الافکار فی الرسائل والاشعار ۹۳	آداب المطالع و المناظره ۳۷۰
ابنیه عن حقایق الادویه ۴۷، ۴۹	آداب المناظره ۸۰۶
اترأب القصاید فی امنی المقاصد ۲۹۴	آداب حلوت ۱۸۸
اثبات العقل ۱۳۸	آداب سفره ۱۹۵
اثبات العقل النعمان ۱۳۸	آداب سلطنت ۲۶۳
اثبات الفرقه الناجیه ۱۳۸	آدم و هری ۶۸۶
اثبات الروح المحفوظه ۱۳۸	
اثبات النظر ۶۷	

احكام المحبين ٢٤٢  
 احكام دوازده خانه رمل ١٣٩  
 احكام قرانات ٢٣٨  
 احوال ابو عبدالله محمد بن صديق كنجي ٢٨٤  
 احوال ائمه اثني عشر ٣٦٩  
 احوال خطوط منحيه ١٣٨  
 احوال محمود قاروان ٧٧٦  
 احوال معاد ٣٦٨  
 احوال همایون پادشاه ٣٦٣، ٣٧٦  
 احوال نيم اى دوست يكي دو بينم (رساله در شرح رباعى...) ٤٠١  
 احياء الملوك ٢٥٤، ٨١٣  
 احياء علوم الدين ٦٧-٦٨، ٣٧٠، ٧١٩  
 احياء فى حل المعما ١٩٤  
 احياء والاخبار ١٤٣  
 اخبار الاخيار ٧٥٨، ٧٨٠  
 اخبار الاخيار فى احوال الابرار من اهل هذه الديار ٣٧٠، ٨٠٥  
 اخبار الاصفيا ٨١٧  
 اخبار العالمين ٧١٧  
 اخبار بركيان ١٨٦  
 اختصار اصول اقليدس ١٢٧، ٧٠  
 اختصار صور الكواكب ٧١  
 اختلاجات ١٦٢  
 اختلاف ابى بكر بن عباس وحفص ٢٦١  
 اختلاف الاراد والنجاه من الاشرار ٦٧  
 اختلاف بين ائمة سنت ١٢٢  
 اختيارات العلانية فى احكام السماويه ١١٣  
 اختيارات بديعى ١٩٢  
 اختيارات سماويه ١١٢  
 اختيارات مسير القمر ١٣٨  
 اختيارات نجوم ٢٤٧  
 اخلاص (سورة) ٢٦٦  
 اخلاق ١١٣  
 اخلاق الابرار ٦٧  
 اخلاق الاشرار ٢٠١  
 اخلاق الانوار ٦٢  
 اخلاق المحسنين ٢٣٧

اثبات الواجب جديد ٢٦٦  
 اثبات الواجب حسيني خلدالى ٣٩٢  
 اثبات الواجب دوانى ٦٦٣، ٦٩١، ٦٠٦  
 اثبات الواجب قديم ٢٦٦  
 اثبات تكلم خدا ٢٦٦  
 اثبات جوهر مفارق ١٣٨  
 اثبات واجب احمد ابيوردى ٤٤٣  
 اثبات الواجب الوجود ١٣٨  
 اثبات واجب خفى ٣٨٥  
 اثبات واجب دشتكي ٣٧٦  
 اثبات واجب عربى دانشمند ٣٩٢  
 اثبات واجب فارسى دانشمند ٣٩٢  
 اثبات الجنيه فى اسماء الحنفية ٣٩٤  
 اثبات المفاهيم فى مناقب عبدالقادر ١٣٢  
 اثر واردا ٣٦٠  
 اجر الثقيل فى سلوك المعمل ٤٠٢  
 اجوبة الاثني عشرية فى توجيه الصلاة على سيد البشر ٣٨٠  
 اجوبة الغزاليه فى المسائل الاخرويه ٦٧  
 اجوبة المسكنه على الاسئلة المبيحه ٦٧  
 احتجاج على اهل اللجاج ٣٧١، ٣٧٤  
 احديه ١٨٩  
 احسن التواريخ حسن بيك حاكي ٣٧٨  
 سن التواريخ حسن درملو ٢٠٣، ٨٠٢  
 السير ٣٦٢  
 حسن القصص ٧١٨  
 سن القصص جوينى ١٨٣  
 احسن القصص معن الدين وراهى ٢٤٢  
 احسن الكبار فى معرفه ائمه الاطهار ٢٤٥  
 احسن الكبار فى مناقب ائمه الاطهار ٣٧١  
 احقاق الحق ١، ٣٨٠، ٦٦٣  
 احقاق الحقايق ٢٥١  
 احكام ٨١٠  
 احكام الاحكام ١١٣  
 احكام الدول ٧٨١  
 احكام السلاطين ٢٧٣  
 احكام اللائيه فى اعلام السماويه ١١٣  
 احكام القرانات ١٢٣  
 احكام الكتف ١٣٨

ارشاد السالكين ٧٧٦	اخلاق جلالی ٢٦٧
ارشاد المسلمین ٧٨٢	اخلاق شمسیه ٣٠٣
ارشاد ذقان و دست بیعت ایشان ٤٠٢	اخلاق ظهیری ٧٥٩
ارشادیه ٢٨٧	اخلاق ظهیریہ ٧٥٩
ارکان الحج ٢٨٨	اخلاق محتشمی ٧٣٠
ازھیر الریاض المریعہ و تفسیر الفاظ المجاورة والشریہ ١٢٣	اخلاق محسنی ٣٠٣، ٢٤٧
ازھار اشجار الاشعار ١٢٣	اخلاق معزی ٧٥٦
اسئلة القرآن مع الاجوبہ ١٢٣	اخلاق منصورى ٣٧٦
اسئلة النصیرہ ١٣٨	اخلاق ناصری ١٣٧-١٣٨
اساس الاقتباس خواجہ نصیر ١٣٩	اخلاق حمایون ٢٧٨
اساس الاقتباس قاضی اختیار ٢٧٨	اخوان الصفا ١١٥
اساس التقدیس ٦٧	ادات الفضلا ١٩٤، ٢٥٧
اساس القیاس ١١٣	ادب البحث ٨٠٦
اسالیب فی الخلاف القیابی ٦١	ادب النصیر ١٣٩
اسامی الادویہ و خواصھا و منافعھا ١٢٣	ادب الوجیز ١٣٩
اسامی و ضاعی الحدیث و احوالھم ٦٦٣	ادوار صفی الدین ارموی ٢٦٢
استخراج ٢	ادوار عبد القادر مراغی ١٤٧
استخراجات ٢	اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خلیفة (رسالہ در شرح) ٤٠١
استخراج یک درجہ ٢٦٩	اذکار ٣٧٣
استخراج ضمیر ٧١	اذکار چشتیہ ١٩٦
استقامت الشریعہ بطریق الحقیقہ ١٩٦	اراحہ عن شدائد المساحہ ١٢٤
استقامت نامہ ٧٧٥	اربعین بیابی ١٥٣
استوانامہ ٧٨٥	اربعمین جامی ٢٨٧
اسرار اتباع السنہ ٦٧	اربعمین عبد اللہ انصاری ٥٨
اسرار الاذکار ١٢٣	اربعمین علی ہمدانی ١٩٥
اسرار الاولیا ١٥٦	اربعمین فی ابواب علوم الدین ٣٧٠
اسرار التنزیل ١١٣	اربعمین فی اصول الدین ١١٣
اسرار التوحید فی مقامات ابی السعید ٦٢	اربعمین منتظوم علی شیر ٢٩١
٧٢٣، ١٢١	ارتقای ویرافنامہ ١٣
اسرار الحج ٦٧-٦٨	اردای ویرافنامہ ١٢٣
اسرار الحکم ١٢٣	ارسال المکاتیب و القضايل الى ارباب الکمال و الفضایل ٣٧٠
اسرار الحکمہ ٥٥	ارسال الید فی الصلوٰۃ ٣٩٤
اسرار الشہود ٣١٩	ارشاد امام الحرمین ٦١
اسرار الصلوٰۃ صابن الدین ترکہ ٢٧٥،	ارشاد روزبہان ٧٢١
٧٧٩، ٣٥١	ارشاد شرح کافیہ ٢٦٥
اسرار الصلوٰۃ عبد الحق دہلوی ٣٧٠	ارشاد الاذھان ٣٩٦
اسرار العارفین و سیر الطالبین ٧٣١	ارشاد الزراعہ ٣٥٧
اسرار الطالبین ٧٨٣	

اشارات ١٢٤، ١٢٤، ٨٢، ٥٢٠، ٧٣٥	اسرار لمبادء ١٢٤
اشارات بحسب الحروف ١٨٩	اسرار المكنونه ٦٩
اشارات بمكان وزمان آخرت ١٣٩	اسرار النقطه ٤
اشارات وتنبيهات ٧٣٥	اسرار النكاح مخدوم اعظم ١٠٠
اشاره الثقال ٣١١	اسرار النكاح نجم الدين ١٩٠
اشارت نامه ٧٩١	اسرار الوحي ٧٨٣
اشباع در شرح قضية منلاوس ٧١	اسرار انوار الالهيه ٦٧
اشتر نامه عطار تونى ٣٢٠	اسرار علم الدين ٦٧
اشتر نامه عطار توتش بورى ١١٤	اسرار قاسمى ٢٣٧-٢٣٨، ٢٨٥، ٢٨٦
اشراط قيامت ١٨٩	اسرار معاملات الدين ٦٧
اشراف فى مسائل الخلاف ٦٧	اسرار نامه عطار ١١٤-١١٥
اشراف النيرين ٣٩٧	اسرار نامه فتاحى ٢٩٩
اشراف الاسماء ١٨٩	اسرار وحي ٣، ١
اشراف التواريخ ٢١٦	اسرارى وخمارى ٢٩٩
اشعة اللمعات ١٦٣، ٢٨٧	اسس المواهب السنيه فى مناقب الصفويه
اشكال التأسيس ٢٧٢، ٦٩١	١٨٦
اشكال العالم ٢٨٥	اسطرلاب تقى الدين فارسى ٣٨٦
اصح لتواريخ ٢٣٥، ٢٣٨	اسطرلاب شرف الدين على بن دى ٢٣٩
اصطلاحات شاه داسى ٣١١	اسطرلاب قميح الدين عبد الكريم ٢٦٩
اصطلاحات شاه ولى ١٨٨	اسطونه ١٣٨
اصطلاحات الصوفيه ٧٥٨	اسكندر نامه ١٣
اصطلاحات درر البحار فى معنى بيت العطار	اسكندر نامه (قصه ذوالقرنين) ٢٢٥
٣١١	اسكندر نامه ابوطاهر طوسى ٧١
اصطلاحات صوفيه شاه ولى ١٨٩	اسكندر نامه بحرى ١٠٥
اصطلاحات صوفيه عبدالرزاق كاشانى	اسكندر نامه برى ١٠٥
٧٩٥	اسكندر نامه خاكي وسروشى بلخى ٥٨٢
اصطلاحات صوفيه ميرسيد علي همدانى	اسكندر نامه خسرو دهلوى ٢
١٩٥	اسكندر نامه عبدالكافى ٧٢٩
اصم معما (رساله) ٢٨٩	اسكندر نامه نظامى ١٠٥، ١٧١، ٢٩١
اصلاح الوقايه فى الفروع ٣٩٥، ٨١٢	٣١٥، ٣٦٤، ٦٢٣
اصول الدين ١٣٨	اسكندر نامه يافى فر نامه درويز اشرف
اصول العشر ١١٦، ٧٥٣	٣١٠
اصول العقايد ١٣٨	اسلاميه ١٨٩
اصول الفقه ١٢٣	اسماء الاساتذه ٣٦٩
اصول الملاحم ١٢٨	اسماء الرجال والرواۃ المذكور فى شرح-
اصول المنطقيه ١٩١	المشكوه ٢٦٩
اصول دين ١٩١	اسماء كوفى ١٨٩
اصول عشر ٧٢٤	اسماعيل نامه ٣١٥
اصول وفروع ١١٢	سوة السكوه ٣١١



اقتصاديات ٢٧٨	اضطرابيه ٣٥٨
اقتصاديات مختار الامرار ٥٨٥	اطباق الذهب في المواعظ والخطب ١٠٢
اقتصاد في الاعتقاد ٦٧	اطعمة المرضى ١٢٣
اقرب الطريق الى الله ١١٦	اطوار ثلاثة ٢٢٥
اقسام الحديث ٣٧٠	اطوار صوفيه ٢٧٥
اقسام الحكمه ١٣٨	اطواق الذهب في المواعظ والخطب ٢٠٢
اقطاب ٦٨	اظهار الاسرار ٣٩٥
اقطار في الاصول ١٢٦	اهانه ٧٢١
اكبر نامه (تحفة فتحه) ٣٦٥، ٣٦١، ٣٦٣	اعتبار بالاقبال والادبار ١٢٣
اكبر نامه الهداد ٣٦٦	اعتراضات عشره ٢٦٧
اكبر نامه علامي ٣٦٤	اعتقادات احمد بن محمد بيل ١٠٩
اكسير اعظم ٥٩	اعتقادات صدوق ٣٧١، ٣٧٤
البسه ٢٩٩	اعتقادات اهل سنت وجماعت ١٢٢
الجامع الموعود على علم الكلام ٦٧	اعتقاد الحكماء ١١٠
الف الانسانيه ٣٩٧	اعتقاد نامه احمد حجازي ٧٢٠
الف ليلة وليله ١٤، ٥٣	اعتقاد نامه جامي ٢٨٧
الفه الشريف ٣٢٥	اعتماديه ميرسيد علي همداني ٤
الفه وشفقيه ٥٢	اعتقاديه نصير الدين طوسي ١٣٨
الواح العماديه ١١٠	اعتماد الكبير ٤٤٩
الوان يا هو ان الالوان ١٢٨	اعجاز البيان في تفسير ام القرآن يا في كشف
الموسار بمة چنگيزي ٢٥٠	بعض اسرار القرآن ١٥٠
المهمات ١٨٩	اعجاز القرآن ١٢٣
الهيات السنه العاليه على ابيات الشاطبيه	اعجاز خسروي ١٧١
٣٩٤	اعراض السياسه في اغراض الرياسه ١٠٠
الهي نامه عبدالله انصاري ٥٨	اعلام التقى ١٤٢
الهي نامه عطار ١١٤-١١٥	اعلام الهدى ١٤٢
ام الصفايح ٧٥٥	الاغذيه والاشربه ١٩٠
امالي ٦٧	اغراض السياسه في اغراض الرياسه ١٢٨
امالي الاشتياق في ليالي الفراق ١١١	اغراض الطبيه ومباحث العلائيه ١٣٤
اماميه ٢٩٣	افاده في اثبات الحشرو الاعاده ١٢٣
امانات في شرح الاشارات ١٢٤	افاده في كلمه الشهاده ١٢٣
امان الاختيار ٣٧١	افصل الفوائد ١٧١
امانه ٢٩٢	افعال العباد ٢٦٧
امتحان الاذكياء ٣٩٥	افعال الله سبحانه وتعالى ٢٦٧
امثله الاعمال النجوميه ٢٣	افكار الشريف ٣٢٥
امر العصمه ٦٦٣	افكار الصافيه في ترجمه كتاب الكافيه
املاء على مشكل الاحياء ٦٧	٣٧٠
امير حمزه ٢٢٤	افيوئيه ٣٩٩
امينيه ٧	اقبال نامه ١٠٥
انا نقطه التي تحت الباء ٥١١	

انوار فی کشف الاسرار ۱۰۹  
 التائبین ۱۰۹  
 انیس الطالبین بہاء الدین نقشبند ۱۹۲  
 انیس الطالبین قاسم صفایی ۴۰۱  
 انیس الطالبین وعدۃ السالکین خواجہ احرار  
 ۱۹۲، ۲۲۱  
 انیس الطالبین وعدۃ السالکین خواجہ  
 محمد یار سا ۷۶۶  
 انیس الطالبین وعدۃ السالکین صلاح بن  
 مبارک ۲۸۳  
 انیس العابدین ۷۸۳  
 انیس العارفين بدیع تبریزی ۱۹۴  
 انیس العارفين جعفر طغرائی ۲۶۲  
 انیس العارفين شکر اللہ زکی ۲۳۹  
 انیس العارفين قاسمی اردستانی ۶۴۳  
 انیس العاشقین ۲۹۲  
 انیس العشاق ۱۸۲  
 انیس المذنبین ۱۰۹  
 انیس الناس فی الاخلاق ۲۶  
 انیس الواعظین ۷۸۲  
 انیس الوحیدہ و جلیس الخلوۃ ۲۱۷  
 انیس فی الوحیدہ ۶۷  
 اوامر العلانیہ فی امور العلانیہ ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ادایل شمسہ ۳۷۶  
 اوراد ۳۱۱  
 اوراد الاوقات ۷۸۳  
 اوراد تاج نامہ ۳۱۱  
 اوراد وادعیہ ۲۴۷  
 اوراد یہ ۱۹۵  
 اوستا ۱۰۰، ۱۳  
 اوسط ۱۱۷  
 اوصاف الاشرف ۱۳۸-۱۲۹  
 اوقات الصلوۃ الخمس ۳۹۵  
 اوقاف گیب ۷۱۴  
 اہر او ستودن ۲  
 اہلیت ۲۸۸  
 ایام والیالی ۱۳۷  
 ایجاز مفاتیح الاعجاز ۳۹۷

انبان ملاقطب ۱۴۸  
 انتخاب التواریخ ۳۳۹  
 انتخاب جامع رشیدی ۳۶۰  
 انتخاب کعبہ عرفان ۳۷۹  
 انصار من الاشرار ۱۲۳  
 انساب نامہ ۱۴۴  
 انسان الکامل ۷۲۳  
 انسان الکامل فی معرفۃ الا و اخر والاوائل  
 ۱۹۵، ۷۵۴  
 انس الہقان من کلام عثمان بن عفان ۹۲  
 انس الوحید فی تفسیر آیۃ العدل والتوحید  
 ۶۶۳  
 انس فی روح القدس ۷۲۲  
 انسہ ۱۶۵  
 انشاء المعنویہ ۲۹۹  
 انشای ابو الفضل ۳۶۵  
 انشای شاہ طاہر دکنی ۳۶۸  
 انشای معین الدین اسفزاری ۲۵۲  
 انعام ۱۸۹  
 انعطاف الشاع و انعکاسہ ۱۳۸  
 انفس نفیسہ ۷۷۸  
 انفعالیہ ۶۶۳  
 اتقاذا لہا لکین ۳۹۵  
 انموذج العلوم (موضوعات العلوم) ۲۶۶  
 انموذج العلوم امام فخر رازی ۱۱۳  
 انموذج العلوم شاہ طاہر دکنی ۳۶۸  
 انموذج العلوم قاضی نور اللہ ۶۶۳  
 انموذج الفنون ۳۸۹  
 انموذج دوائی ۶۶۳  
 انوار ۳۱۹  
 انوار التحقیق ۵۸، ۷۸۰  
 انوار التنزیل و اسرار التاویل ۲۸۲  
 انوار الجلیہ فی احوال المشایخ الشاذلیہ  
 ۳۷۰  
 انوار المیون فی اسرار المکنون ۴۰۴  
 انوار المفایر ۱۳۲  
 انوار الناظر ۱۳۲  
 انوار تجلی ۸۰۷  
 انوار سہلی ۲۴۷، ۳۲۷

ايساخوجي ١٧٣، ١٩١  
ايقاظ النائمين ٣٩٥  
ايمان فرعون ٢٦٧  
ايهام الشريف ٣٢٥

ب

باب آدم ١٠٤  
باب حادي عشر ٧٠١  
بابر نامه ٢٣٤، ٢٣٦، ٣٠٧، ٦٠٣، ٦٣٤، ٨١٦  
٨٢٩  
بابر نامه (ترجمة) ٣٦١ - ٣٦٢، ٣٠٧، ٩٠٧  
٨١٦  
بارع ٢٩  
بارع في التقويم ١٢٨  
بارقات الالهيه ١١٠  
بار نامه ٧١  
بار نامه (جولت نامه) ٧٣٩  
بار نامه علي بن حسين حسيني ٥١٨  
باغ ارم ٧٦، ١٣٠  
باقيات الصالحات ٣٠٩  
باقيات الصالحات فيما يغني عن البنين و  
يغني عن البنات ٢٠٢  
باء ١٩٠  
بايسته نري ٢٨  
بائية ذوالرمه ١٦٢  
بت خانه ٥٣٨، ٨٣٣  
بحار الحقيقه ١٠٩، ٧٢٠  
بحر الاسمار ٣٦٠  
بحر الانساب ابن عنبه ٩  
بحر الانساب امام فخر ١١٣  
بحر الانساب سيد محمد مكي ٢٣٣  
بحر الاوزان ٢٢٥  
بحر الحقايق والمعاني ١٤١  
بحر الدرر ٢٣٢  
بحر السعاده ٢٣٦، ٧٨١  
بحر الصنايع ٢١٠  
بحر النرايب ٢٥٨  
بحر الغرير في تقدير الماء الكثير ٦٦٣  
بحر الفراسد للافظ في شرح ديوان حافظ ٢٠٦  
بحر الفتاوى ٧٢٩

بحر المصارف ٣٩٣  
بحر المعاني ٢٤٣، ٢٦٤  
بحر المعاني وصفوا الاغانى ١٢٢  
بحر مسجور ٢٢٢  
بحر مواج ٢٦٥  
بختيار نامه ١٣

بدايت ٨١٠  
بداية المصبه ٢٢٣  
بداية الهدايه ٦٧  
بداية الوقايع ٢٥٣  
بدايت حال الحسين بن منصور العلاج ونهايته  
٧١٧  
بدايع ٦٣  
بدايع سعدى ١٦٨  
بدايع الازمان في وقايع كرممان ١١٨  
بدايع الاسجار في صنايع الاشعار ٧٥٥  
بدايع الافكار في صنايع الاشعار كاشفي  
٢٢٧  
بدايع الافكار في صنايع الاشعار شكافي  
٢٠١  
بدايع الانشاء ٨٠٨  
بدايع البحر في صنايع الشعر ٣٩٨  
بدايع الصنايع ٢٢٤، ٢٢٨  
بدايع الوسط ٢٩١  
بدايع الوقايع ٢٥٣، ٥٥٩، ٥٦٠  
بدر الشروح ٢٠٦  
بديع الزمان في قصة حي بن يقظان ٢٥١  
بديع الميزان ٨١٢  
برازخ ١٨٩  
براهين الهائله ٧٢٢  
برائه القلم ٣٥٨  
برده (قصيده) ٢٢٢  
برزخ ١٨٨  
برز و نامه ١٣  
بروج ١١٠  
برهان الاقوى في شرف التقوى ٢٠٢  
برهان الحلي في معرفه الولي ٢٠٢  
برهان العاشقيس ١٩٦  
برهان في اصول الفقه ٦١

برهان في قرائة القرآن ١١٣

برهان مآثور ٣٥٩

بزم آرای ٨١٦

بزم و رزم ١٩٣

بساتین الانس ٧٥٥

بساتین الانس و اساتین الحدس فی پراہین-

الانس ١٢٤

بستان العقل ٥٩

بستان القول ٥٩

بستان العلماء ٧٥٥

بستان القلوب و روانی ٢٦٦

بستان القلوب سهروردی ١١٠

بسیط ٦٧

بشارات فی شرح الاشارات ٨٢

بشارت نامه ابوالحسن علی الاعلی ٧٩١

بشارت نامه سیداحق ٧٩١

بشارت نامه شاه ولی ١٨٩

بشرو هند ١٦٦

بصائر النصیریہ ١٣٠

بصائر فی التفسیر ٧٢٨

بصائر یحیی ٧٢٨

بعیرہ ١١٠

بطیخیہ ٧

بعض فضایح الروافض ١٢٥

بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح -

الروافض ١٢٥

بعضی از مسائل جبر و مقابله ٦٠

بقیة البیان فی تفسیر القرآن ١٤٢

بقاع النفس بعد فناء الجسد ١٣٨

بقائیه ٧

بقیة نقیہ ١٧٠

بکائیہ ٤٠١

بلاغہ التخفیہ ١٢٣

بلبل نامه عطاردی ٣٣٠

بلبل نامه عطارد نیشابوری ١١٣

بلقیس و سلیمان ٣١٣

بلوغات ١٨٩

بم نامه ٢٨٣

بناء المرفوع فی ترصیع مباحث الموضوع

٣٧٠

بنگ و باد ٤٣٧

بوداسف و بلوهر ٢٦٤، ١٤

بودن حقیقت انسان منظر الہی ١٨٨

بوستان ٣، ١٦٨، ٢٩٨، ٣١٣، ٤١٥،

٧١٧، ٣٥٨، ٣٤٥

بوستان جنان ٣٨٥، ٣٤٤

بوستان خیال میدی ٣٨٥

بوستان خیال فخری مروی ٢٧٨، ٣٧٧،

٣٣٩، ٣٨٥

بوسه ناعہ ٢٣٧

بوتہ شش ١٣

بهارستان ٢٨٧، ٦١١

بہایہ ١٩٢

بہجۃ الارواح ٢٦٨

بہجۃ الاسرار ٣٦٩

بہجۃ الاسرار فی مناقب الخوئیہ ١٣٢

بہجۃ الاسرار و معدن الانوار ١٣٢

بہجۃ المباحج ٨٢٨، ٣٤٥

بہجۃ التواریت ٢٣٩

بہجۃ الروح ٧٧٩

بہرام دستان ٣٨٠

بہرام شاہیہ ٤

بہرام نامہ ١٠٥، ١٤

بہرام و گلندام ٢٩٨

بہرام و ناہید ٥٦

بہر و زہر بہرام ٧٦

بہمن نامہ آذری ٢٩٤، ٧٨٦، ٧٩٥،

٧٩٨

بہمن نامہ ایران شاہ بن ابوالخیر ١٤، ٤٥،

٦٣، ٧١٧-٧١٨

بہمن نامہ جمالی مہر جردی ٥١

بیان ١٨٩

بیان احوال حضرت مولانا محمد قاضی

٣٠٧

بیان احوال علما و امرا ٣٠١

بیان اسرار کلمہ وصلوۃ و حج و غیرہ ١٨٩

بیان اقطار ١٨٩

بیان الادیان ١١٧، ٦٣

بیان التصریف ١٢٨

بیان التذیل ۷۲۳  
 بیان الحقایق جمالی و دهلوی ۸۹  
 بیان الحقایق رشیدالدین فضل الله ۱۴۳  
 بیان الحقایق فسی احوال سید المرسلین ۲۴۴  
 بیان الحق ۷۲۸  
 بیان الحق بضمان الصدق ۵۵  
 بیان الصناعات ۱۲۸  
 بیان الطب ۱۲۸  
 بیان القوانین ۶۷  
 بیان النفوس هل هي متحد فی الماهیه و الحقیقه ۱۱۲  
 بیان النجوم ۱۲۸  
 بیان الواقع ۳۲۷  
 بیان انواع الحکم ۶۶۳  
 بیان تجلی ۱۸۹  
 بیان چهار کلمه ۴۰۱  
 بیان حاجت الی الطب و آداب الاطباء و صایاهم ۱۴۷  
 بیان حروف ۱۸۹  
 بیان حقایق احوال سید المرسلین ۴۰۵  
 بیان حقیقت انه الاول و الآخر ۱۸۹  
 بیان حقیقت مثال و خیال مقصوده و کیفیت سبب و مقامات رؤیا و درجات خلق در ادراک علوم و معانی ۱۸۸  
 بیان حقیقت و طریقت مجاز ۲۸۸  
 بیان خوش ۱۸۹  
 بیان روح ۲۴۳  
 بیان سجدهات قرآن ۱۸۹  
 بیان سلسله ۷  
 بیان سلسله خواجگان ۴۰۱  
 بیان شرف و فضیلت انسان ۳۹۷  
 بیان صبیح کاذب ۱۳۹  
 بیان طریقہ النقشبندیہ ۲۷۲  
 بیان عدد و حروف ۱۸۹  
 بیان علم توحید ۱۸۹  
 بیان عیان فی الحقایق ۳۱۱  
 بیان قلوب انسان ۱۸۹  
 بیان کلمه طیبہ ۱۸۹

بیان مذاہب در خلق افعال ۱۸۹  
 بیان معنی قابلیت ۲۵۱  
 بیان نفس ۱۸۸  
 بیان و البرهان ۱۱۳  
 بیخ چینی ۳۹۹  
 بید پای ۳۶۵  
 بیست باب اسطرلاب ۱۳۹  
 بیست باب خواجه نصیر ۲۶۹، ۲۷۱ - ۲۷۲، ۳۸۴، ۶۹۱، ۶۹۶، ۸۰۶  
 بیست باب نظام الدین بیرجندی ۲۸۳، ۳۸۳، ۸۰۷  
 بیست نامه عطار تونی ۳۲۰  
 بیست نامه عطار نیشابوری ۱۱۴  
 بیگلر نامه ۳۶۶  
 یازده ۱۰  
 یازده مکتوب عبدالقادر گیلانی ۴۰۲  
 یس نامه ۱۱۵  
 پنجاه باب سلطانی ۲۷۱  
 پنج رقعہ ۴۴۶  
 پنج گنج حسینی هر وی ۷۴۲  
 پنج گنج صرفی کشمیری ۸۲۹  
 پنج گنج نظامی گنجوی ۱۰۵  
 پنج نکات ۲۴۳  
 پند نامه عطار ۱۱۴  
 پند نامه عنصر الممالی کیکاوس ۷۳۸  
 پند نامه غزالی ۶۹  
 پیشرو (آهنگ) ۶۰۱  
 پیل پای ۳۶۵  
 تاج التراجیم فی تفسیر القرآن لاسلامی  
 ۷۲۷، ۲۷۳  
 تاج القصص ۷۱۸  
 تاج المائت ۱۵۲، ۱۷۱، ۳۳۶  
 تاج المصادر ۲۷، ۳  
 تاج المناقب ۶۷۰  
 تاج المناقب فی فضائل الائمة ۶۹۱

تاج نامه ۲۸۱، ۷۵۰  
 تاریخ آل چنگیز و تاریخ ختای ۲۵۶  
 تاریخ آل کرت ۱۹۸  
 تاریخ آل کرت حافظ ابرو ۲۳۸  
 تاریخ آل مظفر ۲۳۸  
 تاریخ ابوالخیر خانی ۳۵۵  
 تاریخ اکبری الهداد فیضی ۳۶۲  
 تاریخ اکبری محمد عارف قندهاری ۳۶۶  
 تاریخ الجانیو سلطان محمد خدا بنده ۱۵۱، ۷۳۳-۷۳۳  
 تاریخ الحکما شهرزوری ۳۰۶  
 تاریخ الحکما شهرستانی ۱۲۶  
 تاریخ الفی ۲۵۷، ۳۵۹، ۳۶۶، ۶۴۲  
 تاریخ الهی ۶۶۸  
 تاریخ امیر اغوز شاه ۲۳۸  
 تاریخ امیر ولی بن شاه علی هندو ۲۳۸  
 تاریخ انبیا ۲۹۱  
 تاریخ ایلچی نظام شاه ۳۵۵  
 تاریخ بخارا ۷۰، ۱۲۰  
 تاریخ بدوئی ۳۶۰، ۳۶۹  
 تاریخ برامکه ۱۱۷  
 تاریخ برمکیان ۱۱۷  
 تاریخ بلعمی ۲۸-۲۹  
 تاریخ بیهقی ۴۴، ۶۵، ۲۳۸  
 تاریخ ترکستان ۱۰۰  
 تاریخ تغریبندی ۸۱۱  
 تاریخ تیمور ۷۹۰  
 تاریخ جدید یزد ۲۵۳  
 تاریخ جهان آرا ۸۴۲  
 تاریخ جهانگشای جوینی ۱۳۶، ۷۶۰  
 تاریخ جهانگیریه ۲۴۹  
 تاریخ حقی ۳۷۱  
 تاریخ خانی ۲۵۲، ۳۸۲  
 تاریخ خیرات ۲۳۸  
 تاریخ رسول وائمه ۸۱۳  
 تاریخ رشیدی ۲۸۰  
 تاریخ رویان ۱۸۷

تاریخ سر بداران ۱۲۸  
 تاریخ سکندری ۳۸۳  
 تاریخ سلاجقه کرمان ۱۱۸  
 تاریخ سلاطین غور ۱۲۲  
 تاریخ سلجوقیان ۲۳۹  
 تاریخ سلسله نقشبندی ۸۱۷  
 تاریخ سلطان سلیم ۸۰۶  
 تاریخ سلیم شاه سوری ۸۱۰  
 تاریخ سیستان ۱۵۶، ۱۹۵  
 تاریخ شاه رخ ۲۳۸  
 تاریخ شاهنشاهی ۶  
 تاریخ شاهی ابوسعید کرمانی ۱۴۹  
 تاریخ شاهی عبداللهمروارید ۲۶۰  
 تاریخ شیخ اویس ۲۸۳  
 تاریخ شیرشاهی ۳۶۱  
 تاریخ صدر جهان ۲۴۲  
 تاریخ صفاریان و سامانیان و غزنویان و ملوک غورو آل سلجوق ۷۶۰  
 تاریخ صوقیان و تحقیق مذهب ایشان ۲۸۷  
 تاریخ طاهری ۳۶۶  
 تاریخ طبرستان ۱۲۹، ۱۳۶  
 تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۲۵۲  
 تاریخ طبری ۲۸-۲۹، ۷۶۰  
 تاریخ طغلا تیمور ۲۳۸  
 تاریخ عثمانی ۸۱۱  
 تاریخ علایی ۱۷۱  
 تاریخ خازان خان ۲۱۶  
 تاریخ فتح هندوستان و نوادر آن زمان ۸۳۶  
 تاریخ فخرالدین مبارکشاه ۸۹، ۱۲۲  
 تاریخ فرشته ۷۶۱  
 تاریخ فیروزشاهی شمس سراج عقیف ۱۸۶، ۷۶۰  
 تاریخ فیروزشاهی ضیاء برنی ۳، ۱۸۵-  
 ۷۶۰، ۱۸۶  
 تاریخ قاضی برهان الدین مسعود سبواسی ۱۹۲  
 تاریخ قاهره ۱۴۶

تأليه ٢٨٩  
تأليه ابن الفارض ٢٥١  
تبر المسبوك في نصايح الملوك ٦٨  
تبصرة الاصطلاحات الصوفيه ١٩٧  
تبصرة العارفين ٣٨٠  
ة العوام ١٣٠، ١٣٣  
تبصرة العوام في تفضيل مذاهب العلين  
١٣٠  
تبصرة العوام في معرفة مقامات ١٣٠  
تبصرة المبتدى ١٥٠  
تبصرة ١٣٠  
تبصيرات الخوارق ٤٠٦  
تبصيرات الحوارقات ٣٠٦  
تبصير في الدين ١١٧  
تبيان الكبار ٧٨٥  
تبيينات ١١١  
تبيينات الرافه فيمالله من ضيافه ٣٠٢  
تتمه المواهب الشريفه جامع اصحاب ابى  
حنيفه ٧٧٧  
تتمه صوان الحكمة ١٢٣، ١٣٠، ١٣٩  
تجارب الامم ١٢٣  
تجارب السلف ١٨٤  
تجارب شهر يارى ٢  
تجديد ٥٤٨  
تجربه او افي الوجه الصافي ٤٠٢  
تجريد العقائد ١٣٨، ٦٨٩  
تجريد الكلام ٣٠٠، ٣٨٩  
تجريد في اصول الهندسه ٧١  
تجريد في الهندسه ١٣٨  
تجريد منطق ١٣٨  
تجليات ١٨٩  
تجزيه الامصار وتجزيه الامصار ١٤٣  
تجنيسات ٢٩٨  
تجنيس اللغات ٢٨٧  
تجنيس خط ٢٨٧  
تحذير عن الوقوع في الهلكه والبليه لمن  
شرع في علم الحقائق بلا اهليه ٣٠٢  
تحرير اقليدس ١٣٧، ٦٦٣، ٦٩١  
تحرير المعاييد ١٩١

تاريخ قم ٢٥٧  
تاريخ كبير ٢٥٢، ٧٧٥  
تاريخ كشمير ٧٩١  
تاريخ كمبه ٢٩٣  
تاريخ گجرات ٣٦٧  
تاريخ گزیده احمد مستوفى ٦  
تاريخ گزیده حمد الله مستوفى ١٣٤،  
١٥٢  
تاريخ گیلان و دیلمستان ٢٥٢  
تاريخ ماوراء النهر ٨٤١  
تاريخ مبار كشاهى ٢٣٦  
تاريخ محمد عارف قندهارى ٣٦٦  
تاريخ محمدى ٢٣٨  
تاريخ محمود شاهى ٧٧٦  
تاريخ محمود گيشى ٢٥٧  
تاريخ محمود وراق ٧١٢، ٣٠  
تاريخ محمودى ٧٨٤  
تاريخ مدينه ٢٥٤  
تاريخ مزارات بلخ ٨١٧  
تاريخ معجم ١٠٢  
تاريخ مصومى ٣٥٩  
تاريخ ملوك عجم ٢٩١  
تاريخ موسى ٢٤٢  
تاريخ ناصرى باطبقات ناصرى ٦٤  
تاريخ نامه هرات ١٩٨  
تاريخ نيشابور ٧٨٢  
تاريخ هرات ١٩٧  
تاريخ هرات جامى ٢٨٧  
تاريخ همايون ٨٠٢، ٣٦٣  
تاريخ همايون يا تذكرة الوقعات ٣٦٢  
تاريخ همايون شاهى ٣٦٢، ٣٦٦  
تاريخ واسط ٧٧٥  
تاريخ وصاف ١٤٣  
تاريخ يزد ٢٥٢، ٧٧٥  
تاريخ يمينى ١٢٥، ١٣٥  
تازيانة سلوك ٦٩، ١١١  
تاليف الطاهر في شيم ملك الطاهر ابى سعيد  
٢٧٩  
تاويل السورة المباركة الفاتحه ١٥٠

تحرير الكرة المتحررة ١٣٧  
 تحرير الكره لما نالوا ١٣٧  
 تحرير الوجود المطلق ٣١١  
 تحرير طلوع وغروب ١٣٧  
 تحرير في التذكير ١٢٣  
 تحرير كتاب الاكروا وذيوسوس ١٣٧  
 تحرير كتاب الليل والنهار ١٣٧  
 تحرير كتاب الماخوذات ١٣٧  
 تحرير كتاب المساكن ١٣٧-١٣٨  
 تحرير كتاب المعطيات ١٣٧  
 تحرير كتاب المفروضات ١٣٧  
 تحرير كتاب المناظر ١٣٧  
 تحرير كتاب ايساغوجي ١٩١  
 تحرير كتاب جبري النيرين وبعديها ١٣٧  
 تحرير كتاب ظاهرات الغلث ١٣٧  
 تحرير كره واستوائه ١٣٧  
 تحرير مجسطي ١٣٧  
 تحرير معرفة مساحة اشكال البسيط والكرويه ١٣٧  
 تحرير مطالع ١٣٧  
 تحرير حشيشه ٤٠٢  
 تحرير صلوة الجبهه ٣٨١  
 تحسين المظنون ٤٨  
 تحصيل التعرف في معرفته الفقه والتصوف ٣٧٠  
 تحصيل الحق في الكلام ١١٣  
 تحصيل في علم النجوم ١٣٨  
 تحسين الادله ٤٧  
 تحفه ١٣٤، ٧٤٠  
 تحفه الاحبا في مناقب آل عبا ٢٤٥  
 تحفه الاحباب حافظ اوبهي ٣٠٤  
 تحفه الاحباب منشي يزدي ٣٩٨  
 تحفه الاحرار ع. ي. ه. ا. ا. ا. ا. ٢٤٤  
 تحفه الاحوان في خبايا الغيبان ٧٥٨  
 تحفه الانه العاليه في الحكمة العاليه ٢٤٢، ٧٥٩، ٢٧٢  
 تحفه البرره ٧٢٣  
 تحفه الجاليله في اسباب الظالميه ٤  
 تحفه الحاتميه ٨ + ٧

تحفه الحبيب ٢٨٧، ٢٧٧، ٢٣٨  
 تحفه الحساب ٢٧١  
 تحفه الحكماء ١٩٠، ٣٠٠  
 تحفه الخواطر وزبدة الضمائر ١٠٣  
 تحفه الدهوات ٣٧١  
 تحفه الساد ١٢٣  
 تحفه السعاده ٢٥٨  
 تحفه السعديه ١٣٧  
 تحفه السلاطين ٧٨٠  
 تحفه السلاميه في الجواهر الاسلاميه ٢٣٦  
 تحفه السلطان في مناقب النعمان ٣١٧  
 تحفه الشاهيه ١٣٧  
 تحفه الشريف ٣٢٥  
 تحفه الصديق الى الصديق من الامام ابن بحر صديق ٩٢  
 تحفه الصلوة ٢٤٧  
 تحفه المراقبين ١٠٤  
 تحفه العرفان ٧٢١، ٧٣٧  
 تحفه العشاق ٣٤٣  
 تحفه المقول ٤٤٣  
 تحفه العليه ٢٢٧  
 تحفه الفقير وهدية الحقير ٢٣٩  
 تحفه القادريه ٧٢٨  
 تحفه القادريه في مناقب حصرت عونه محبوبيه ٧٢٧-٧٢٨  
 تحفه المحبين ٧٢٢  
 تحفه المرضيه للحضرة الرذوي ٣٩٥  
 تحفه المشفق ٣١١  
 تحفه الملوك ٧٢، ٢  
 تحفه الملوك عليشير ٢٩١  
 تحفه النصايح ٢١٤  
 تحفه ٧٤٠  
 تحفه ابو نصر خا تقاهي ١٣٤  
 تحفه الارار و... ١٥٣  
 تحفه ... ١٧٠  
 تحفه ... ٣٤١  
 تحفه ... ٧٨٢  
 تحفه در معرفت نفس ١٣٩  
 تحفه سامي ٣٧٩



تذكرة الملوك ٨٠٥، ٣٦٨	تحفة سلغري ١٥٣
تذكرة المنتهى ١٥٠	تحفة شاهي ١٤٨
تذكرة الواقات ٣٦٢	تحفة فتحية ٣٤٥
تذكرة الهيئه ٣٨٥	تحفة مرادي ٢٧٢
تذكرة ٢٥٨، ١٩٠	تحفة مظري ١٥٣
تذكرة آغاز وانجام ١٣٩	تحفة نصرتي ٧٨٥
تذكرة اوصاف خواجه محمد كجيجاني ٧٧٥	تحفة نظاميه ٢٧٠
تذكرة خضري ٣٨٥	تحقيقات أبو نصر يار سا ٥
تذكرة خوشنويسان ٨١٣	تحقيقات شاه نعمه الله ولي ١٨٩
تذكرة دولتشاهي ٢٥٥	تحقيق آية الغار ١، ٣٨١، ٦٦٣
تذكرة شاه طهماسب ٤٧٢	تحقيق الاشاره الى تميم البشاره ٣٧٠
تذكرة طوفي تبريزي ٥٠٩	تحقيق الايمان ١٨٩
تذكرة ميخانه ٥٢٧	تحقيق الكلبيات ١٩١
تذكرة مير ابوالبقا بقايي ٨٣١	تحقيق المراتب الهيه
تذكرة نصيره ١٣٨-١٣٩، ٣٨٤	تحقيق الوجود ٢٨٨
تذكرة هفت اقليم ٣٨٢	تحقيق قوس وقزح ١٢٩
تذكرة همايون واكبر ٨٠٢	تحقيق ما ثبت بالسنه من الآمال من ايام السنه ٣٧٠
تذكيرات ١٠٩، ٧٢٠	تحقيق مذهب صوفي ومتكلم وحكيم ٢٨٨
تذهيب الاحكام ٢٨١، ٦٦٣	تحقيق تقيض الوجود ١٣٠
رباب نامه ٧٩١	تدبير يوم وليله ٧٢٧
ربيع الدارين ١٣٨٥	تدليس ابليس ٦٧-٦٨
ترجمان البلاغه ٣٩، ٧٠، ٩٢، ٧١٧	تذكارا للنعم والعطايا في الصبر والشكر
ترجمان المترجم بعنتهى الارب في لغة الترك والمعجم والعرب ٢٧٩	الفقر والعطايا ٣٠٢
ترجمان في لغة القرآن ١٩١	تذكرة الاحباب ٨٠٧
ترجمة الاحاديث ٢١٩، ٣٢٠	تذكرة الاشرفيه في الصناعات الطبيه ٧٢٧
ترجمة الاحاديث الاربعين في نصيحه الملوك والسلطين ٣٧٠	تذكرة الاوليا عطار ١١٣، ٣٢٠
ترجمة الاخبار العلويه ٣١١	تذكرة الاوليا محرابي كرماني ٢٥٧
ترجمة الخواص ٣٧١	تذكرة الاوليا محمد بن برهان الدين ٨١٧
ترجمة الصواعق ٦٦٣	تذكرة الحكماء ٣٨٣
ترجمة المناقب ٣٧١	تذكرة الخوانين ٨١٦
ترجمة احياء العلوم ٧١٩، ٧٣٩	تذكرة الشعراء دولتشاه ٢٥٥، ٦٦٢
ترجمة ادب الصغير ١٣٩	تذكرة الشعراء ركن الدين خوافي ٧٨٠
ترجمة اربعين حديث ٢٨٧	تذكرة الشعراء صافي ٤٥٨
ترجمة اشارات وتنبيهات ٧٢٥	تذكرة العاشقين ٣٨٠
صول العشره ٧٢٤، ٧٥٤	تذكرة الكعالمين ٧١٩
مرآة باهر نامه ٣٦١-٣٦٢، ٧٠، ٦٣٤، ١٦٣٤	تذكرة المشايخ ٢٦٣

ترجمة بوذا فسوف بلوهر ۲۶۴، ۲۵۰  
ترجمة تاريخ تغريبدي ۸۱۱  
ترجمة تاريخ طبري ۲۳۸، ۲۶۰  
ترجمة تاريخ كشمير ۷۹۱  
ترجمة تاريخ نيشابور ۷۸۳  
ترجمة تاريخ يعيني ۱۳۵  
ترجمة تازي مرزبان نامه ۲۸۰  
ترجمة تذكرة الكمالين ۷۱۹  
۲۸۰

ترجمة تركي تفسير ابوالثيث سم هند  
۲۸۰  
ترجمة تركي جوامع الحكايات ۲۷۹  
ترجمة تركي شاهنامه ۶  
ترجمة تركي منظوم تعبير قادري ۲۸۰  
ترجمة تقويم البلدان ۸۰۷  
ترجمة تقويم الصحة ۷۳۸  
ترجمة چهل حديث ۲۸۷  
ترجمة حسنيه ۸۱۳  
ترجمة دياتارون ۷۳۹  
ترجمة ديوان علي بن ابي طالب اميني هروي  
۶۶۶  
ترجمة ديوان علي بن ابي طالب شوقي تبريزي  
۸۳۷

ترجمة رسالة الادوار في حل الاوتار ۷۳۲  
ترجمة رسالة الايقاع ۷۳۲  
ترجمة رسالة الذهبية ۷۳۸  
ترجمة رسالة السياسة ۷۳۸  
ترجمة رسالة محبي الدين ۳۱۱  
ترجمة رشف التصايع الايمانية في كشف  
الفضايع اليونانية ۱۸۵  
ترجمة زبدة الآثار المنتخب من بهجة الاسرار  
۳۷۰

ترجمة زبدة الحقايق ۱۳۹  
ترجمة شافيه ۸۰۷

ترجمة صد كلمة علي بن ابي طالب ۳۹۹  
ترجمة صد معاني مير حسين نيشابوري  
۳۹۰

ترجمة صور الكواكب ۱۳۹

ترجمة طالبيين وايضاح سالكين ۸۱۲  
ترجمة طبري ۲۸-۲۹  
ترجمة قير روسي ۷۲۸  
ترجمة فارسي مختصر القديري ۱۵۵  
ترجمة فضائل بلخ ۷۳۹  
ترجمة قرآن ۳۷۴  
ترجمة قواعد عشر ۷۲۴، ۷۵۳  
ترجمة كافيه ۸۰۷  
ترجمة كتاب اخلاق ناصر الدين محتشم  
۱۳۹

ترجمة مجالس النفايس ۲۷۷  
ترجمة مختصر كورميري ۱۵۵  
ترجمة مسائل الكومالك ۱۳۹، ۲۶۱، ۷۷۱  
ترجمة مكارم الاخلاق فخر الدين علي زواري  
۳۷۱  
ترجمة مكارم الاخلاق نصير الدين انصاري  
۳۷۳  
ترجمة منافع الحيوان ۷۳۷  
ترجمة منظوم جواهر اللغة مخصري ۷۵۸  
ترجمة منظوم صد كلمة علي بن ابي طالب  
۳۰۹

ترجمة مها بهارت ۸۱۵  
ترجمة نزهة الارواح ۸۰۸، ۴۰۱  
ترجمة نيك بنخيه ۲۶۱

ترجمة وتلخيص مشارق الدراري ۷۶۳  
ترجمة يميني ۲۳۸

ترجمة بند شمس الدين تبريزي ۲۱۴  
ترجمة بند علاء الدين اودي ۶۴۲

ترجمة بند نعيم تبريزي ۲۱۴  
ترجمة بند نویدی تربتی ۵۵۵

ترسل الى المتوسل ۱۵۱

ترسل عبدالله هرواريد ۲۶۰

ترسل كمال الدين عبدالواسع ۲۱۴

ترسل نور الدين منشي ۲

ترسل يوسف برهان جامي ۳۳۶

ترغيب اهل السعادات علي تكثير الصلاة علي

سيد الكاينات ۳۷۰

ترقي روح انساني ۱۱۲

تركيب بند شريف تبريزي ۸۲۸

ترکیب بند علامہ الدین اودی ۸۳۶	نامہ ۲۹۹
ترکیب بند مسدس قاسم بیگ ہجری ۵۰۲	تعجیز الفلاسفہ ۱۱۳
ترکیب بند مسدس ٹپکی اصفہانی ۱۱۵	تعذیل العلوم ۱۵۵
ترکیب معجزات ۸۲۸	تعذیل المیار فی نقد تنزیل الافکار ۱۳۸
تزوک بابری ۶۰۷، ۳۶۲	تعذیل المیزان ۲۷۶
تزوک تیموری ۲۳۳	تعرف لہجہ بالتصوف ۲۹
تزویر الوزیر الخزیر ۸۸	تعریف ۲۳۶
تسطیح الکمر والمطالع ۱۳۸	تعریفات ۲۰۱
تسلسل ومسببات ۳۱	تعریفات شاہ ولی ۱۸۸
تسلی القلوب ۴۰۷	تعریفات میر سید شریف ۱۹۱
تسلية الاخوان ۱۳۶	تعریفات العلوم و تجدیدات الرسوم ۱۹۱
تسلية المصاب لتیل الاجر والثواب فی الصبر	تعریفات مالادوپیازہ ۲۰۱
۳۷۰	تعریف العلم ۲۶۶
تسلیم ۳۹۵	تعریف عشق ۴۰۱
المزمین فی شرح منازل السائرین	تعریف کلام مواقف ۲۶۷
۲۶۳	تعریف کلمہ صوفی ۴۰۱
تسهيل التقاریم ۴۰۳	تعلیقات بر خراجیہ ۲۹۶
تسهيل قمر ۲۷۱	تعلیقات بر شرح مختصر العنبدی ۳۸۹
تشبیہات الواقعہ فی دعاء الصلوۃ ۲۶۷	تعلیقات بر شرح مختصر عنبدی ۲۹۶
تشبیہ اقوال اہل الخلاف بالشیہات المشہورہ	تعلیقات بر گلشن راز ۷۹۵
عن ابلیس ۶۶۳	تعلیقات بر مواقف ۲۵۶
تشریح ۱۹۰	تعلیقات فضول بقراط ۱۲۴
تشریح (در پرگار) ۳۸۶	تعلیقہ علی الانوار لعمل الابرار ۲۶۶
تشریح الاعضاء ۳۱	تعلیقہ ۶۷
تشریح الافلاک ۶۶۳	تعلیقہ بر اصلاح الوقایہ ۳۹۵
تشریح البدن کمال غیات ۳۰۰	تعلیقہ بر حاشیہ سید شریف بر منتهی السؤل
تشریح البدن منصور بن محمد ۱۹۳،	والاھل ۳۹۳
۷۵۳	تعلیقہ بر رسالۃ الوضع ۲۷۰
تشریح منصورى ۱۹۴، ۴۰۰، ۷۵۳	مبیین مقدار طلالہ ۶۰
تشریحیہ ۱۹۰	تعلق نامہ ۱۷۱، ۵۲۱
تصحیفات ۹۳	تفسیر التفتیح فی الاصول ۸۱۲
تصنیع اسطرلاب ۲۷۲	تفاحہ ارسطو ۱۴۵
تصورات ۱۳۹	تفاسیر ۴۸
تصور و تصدیق شمسیہ ۱۹۱	تفاسیر المعاقیر ۱۲۴
تصوف ۳۹۷	تقال دیوان حافظ ۲۵۶
تصوف فی آداب الخلۃ ۱۴۸	تفرقہ بین الاسلام والزندقہ ۶۷
تصوف و اھل و تحقیق مذہبہم ۲۸۸	تفریح الخاطر فی مناقب عبد القادر ۱۳۱
صمیم غزل حافظ ۷۹۳	تفسیر آیہ الرؤیا ۶۶۳
رسلطانی ۷۵۵	آید الکرسی سماکی ۳۵۷

تفسیر آیه الکرسی علامی ۳۶۵  
 تفسیر آیه انما المشرکون نجس ۶۶۳  
 تفسیر آیه سبع بقرات سمان ۶۶۳  
 تفسیر آیه فمن براد الله ان یهدیه یشرح صدره  
 لاسلام ۶۶۳  
 تفسیر آیه یا بنی آدم خذوا زینتکم عنه  
 ۲۶۶  
 تفسیر ادریس بن حسام الدین علی بدیمی  
 ۲۵۴  
 تفسیر اسماء الله الحسنی ۲۶۶  
 تفسیر القرآن ۶۷  
 تفسیر الله نور السماوات ۱۸۹  
 تفسیر امام بیان الحق نیشاپوری ۷۲۸  
 تفسیر امام حسن عسکری ۳۷۱  
 تفسیر بیضاوی ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۸۱، ۶۶۳،  
 ۷۷۹، ۷۰۵  
 تفسیر حسینی ۲۴۶  
 تفسیر حقایق القرآن ۱۱۱  
 تفسیر زواری ۳۷۱  
 تفسیر سورة اخلاص ۱۸۹  
 تفسیر سورة التوحید والاخلاص ۲۶۶  
 تفسیر سورة الفتح ۳۶۵  
 تفسیر سورة الملک ۸۱۲  
 تفسیر سورة النحل تا آخر قرآن ۲۷۷  
 تفسیر سورة بقره ۶۹۱  
 تفسیر سورة فاتحه جامی ۲۸۸  
 تفسیر سورة فاتحه سید محمد گیسو دراز  
 ۱۹۶  
 تفسیر سورة فاتحه معین الدین مروی ۲۴۲  
 تفسیر سورة قل یا ایها الکافرون ۲۶۶  
 تفسیر سورة والطین ۳۷۵  
 تفسیر سورة هل اتی ۳۷۶  
 تفسیر سورة یوسف ۶۲۳  
 تفسیر سید عبدالوهاب بن احمد بخاری  
 ۸۱۲  
 تفسیر شاهفور اسفرائینی ۷۲۷، ۱۱۷  
 تفسیر شاهی ۳۷۴  
 تفسیر شیخ فیضی ۵۴۴  
 تفسیر شیخ یعقوب چرخچی ۲۶۵، ۴۷۰

تفسیر طاهری ۷۲۷  
 تفسیر طبری ۲۸  
 تفسیر عبدالله انصاری ۵۸، ۷۱۷  
 تفسیر عراقی ۹۰۹، ۷۲۱  
 تفسیر عربی و فارسی کمال الدین حسین  
 اردبیلی ۶۹۱  
 تفسیر فاتحه ۱۱۳  
 تفسیر فارسی خواجه عبدالله ۵۸، ۷۱۷  
 تفسیر فارسی خواجه محمد پارسی ۲۸۱  
 تفسیر فارسی کمال الدین حسین اردبیلی  
 ۶۹۱  
 تفسیر قرآن کمال پاشا زاد ۸۱۲  
 تفسیر قرآن ناصر خسرو ۵۹  
 تفسیر قلاقل ۲۶۶  
 تفسیر کبیر ۲۸  
 تفسیر کتاب الماخوذات فی اصول الهندسه  
 ۸۱  
 تفسیر گازر ۷۷۹  
 تفسیر ناتمام جامی ۲۸۸  
 تفسیر نجم الدین کبری ۱۱۶  
 تفسیر یعقوب چرخچی ۲۶۵، ۴۷۰  
 تفسیر (اویل سور ۱۸۹  
 تفهیم فی صناعه التلخیص ۳۰  
 تقریرات زین الدین خوافی ۷۷۸  
 تقریرات سید الدین کاشغری ۷۸۴  
 تقسیم العلوم ۱۹۱  
 تقویم ۳۸۴  
 تقویم البلدان ۸۰۷  
 تقویم الصحه ۷۳۸  
 تقویم العلائی ۱۳۸  
 تقویم جلالی ۵۴، ۶۰، ۱۲۷  
 تقویم و حیات افلاک ۱۳۹  
 تکمله الاخبار ۳۸۵  
 تکمله الصنائع ۳۲۴  
 تکمله اللطایف ۶۳  
 تکمله فی شرح تذکره ۳۸۵  
 تکمیل الایمان و تنوید الایقان ۳۷۰  
 تکمیل الصنائع ۳۲۴  
 تهلیلیه جامی ۲۸۸

تهليلية دواني ٢٦٧  
 تلهيس ابليس ٦٧-٦٨  
 تلخيص اقسام المذاهب الانام في علم الكلام ١٢٦  
 تلخيص الآثار وعجايب الملك القهار ٧٣٢  
 تلخيص المحصل ١١٢-١١٣  
 تلخيص المفتاح ٢٦٩  
 تلخيص محمود بن محمد جنميني ٢٨٢  
 تلوييح ٢٧٦  
 تلويحات ١٠٩  
 تلويحات الحرميه ٣١١  
 تمر نامہ ٣١٣  
 تمهيدات عين القضاة ١١٧، ٧٢٢، ٧٧٣  
 تمهيدات مسعود بيك ٢٧٣  
 تمهيد القواعد ٣٤٩، ٣٥١، ٣٥٩، ٧٧٩  
 تميز فرقه الناجيه عن الفرق المالكين ١١٧  
 تنازع الفعلان ٥٩٥  
 تنبيه الاحبه في علامات لهجه ٣٠٢  
 تنبيه العارف بما وقع في الموارد ٣٦٩  
 تنبيه العارفين ٨١٠  
 تنبيه العلماء ٣٠١  
 تلى تمويه المشتبهين ١٢٣  
 تنبيه الغافلين امام غزالي ٦٧  
 تنبيه الغافلين بين جمالي ٢٢٢  
 تنبيه الغافلين احمد بن جلال الدين ٧  
 تنبيه الغافلين وبستان العارفين ٣٣٠  
 تنبيه الغافلين وتذكرة العارفين ٣٧٣  
 تنزيل ٧٢٣  
 تنزيل الافكار في تعديل الاسرار ٧٤٣  
 تنزيل القرآن عن المطاعن ٦٧  
 تنسوق نامه ايلخاني ١٣٩  
 تنقيحات ١١٠  
 تقييدات الاداء والال في ترجمه ١٠٠ الى ال  
 والاحل ٤٥٠  
 دوار بين آل برمك ١٩١  
 ترجمه ٢٩٢  
 توجيهات التشبيه الواقع في الصاغة الى السر ٣٧٠

توحيد ٣٩٧  
 توحيد خواص ١٩٦  
 توحيد نامه ٢٩١  
 توسل الرب التوسل ٨٦، ٩٣، ١٢٠  
 توسل في اليقين والتوكل ٣٠٢  
 توصيل المرشد الى المراد بين احكام الاحزاب والاوراد ٣٧٠  
 توضيحات ١٤٣  
 توطئه ١٣١  
 توقيع نظم و نشر - تفسير شيخ فيضي ٥٢٢  
 توكل ١٨٩  
 توكل على الرزاق المختار في ترك التدبير والاختيار ٣٠٢  
 تولد وبعضى تحقيقات ١٨٨  
 تولد تبرا بمشرب تعليميان ١٣٩  
 تصافات الاسف ٦٧  
 تهذيب ٣٩٢، ٣٤٢  
 تهذيب الاحكام ٣٨١، ٦٦٣  
 تهذيب الاصول ٦٦٣، ٦٩١  
 تهذيب الدلائل ١١٣  
 تهذيب المنطق ٣٥٦، ٦٦٣  
 تهذيب معصل افكار المتقنين والمتأخرين ٦٧  
 يمور نامه ابن معين ٢٣٧  
 يه ورنه شرف الدين - تلى يزدى ٢٢٩

## ت

تائية ابن الفارس ١٥٣، ١٩٢  
 ثلاثيات بحارى ٣٩٤  
 تلجيه ١٩٠  
 ثمرات ٢٩٤  
 ثمرة الحبيب ٣١١  
 تهره تاهيرين ١٣٩  
 تواقف ٨١٧

## ج

جاده الماده ٣٠٠  
 جام جم اوحدى ١٩٩

جام جم عیدی بیک نویدی ۶۸۹	جاودان نامه افضل الدین ۱۴۵
جام جمشیدی ۸۰۷	جاودان نامه فضل الله نعیمی ۷۷۱، ۷۶۵
جام جهان نما شمس مغربی ۷۶۳	جاودان نامه منظوم ۷۷۱
جام جهان نما منصور دشتکی ۳۷۶	جبر و اختیار خواجه نصیر ۱۲۹
جام جهان نما نصیر الدین طوسی ۱۳۹	جبر و اختیار دوانی ۲۶۷
جام سخن گوی ۷۹۳	جبر و مقابله خیام ۶۰
جامع اصحاب الشافعی ۷۷۷	جرب القلوب الی دیار المحبوب ۳۶۹
جامع الاصول ۱۵۰	جراثقال ۳۱
جامع الالحن ۷۸۲، ۷۷۷، ۲۶۲	جرایح فی معجزات الائمة الاطهار ۷۲۹
جامع الامثال ۲۵۶	جرثقیل ۳۱
جامع البرکات فی منتخب شرح المشکاة ۳۶۹	جزئیات و کلیات ۱۸۵
جامع البیان فی تفسیر القرآن ۲۷۲	جفر ارحم ۳۸۰
جامع الصانف ۱۴۲	جلالیه (رساله) ۷۳۵
جامع التواریخ ابوالقاسم کاشانی ۷۳۴	جلالیه داود خاکی ۴۰۶
جامع التواریخ بیهقی ۶۴	جلالیه محتشم ۴۴۴
جامع التواریخ حسنی ۲۳۹	جلالیه محمد خواری ۱۹۴
جامع التواریخ رشیدی ۱۴۲-۱۴۳، ۱۵۱، ۷۳۴، ۲۶۰، ۲۳۸	جلاء الازهان ۷۷۹، ۷۷۲
جامع الحساب بالبحث والثراب ۱۳۸	جلاء الغاطر ۱۳۱
جامع الحقایق ۶۷	جلاء الروح ۲۸۹
جامع الحکمتین ۵۴، ۵۹، ۶۲	جلاء القلوب ۳۹۵
جامع الستین ۲۴۶	جلاء صداء الشک فی الاصول ۱۲۳
جامع الصغیر ۷۸، ۹۰	جلوة الامداح الجمالیه فی حلتی المروض-
جامع العلوم ۱۱۳	العربیہ ۲۸۰
جامع الفوائد محمود دهن دار ۸۰۷	جمالی ۱۱۱
جامع القوائد یوسف بن محمد ۲۸۲، ۳۹۹، ۸۰۸	جمشید نامه ۴۹۰، ۵۲۰
جامع القرانات ۸	جمشید و خورشید ۲۰۲
جامع الکلم ۷۲۲	جمع مختصر ۸۳۸
جامع اللطایف ۱۸۹	جناینه ۱۸۹
جامع المقامات ۱۹۲، ۴۰۱، ۷۶۶	جنته الاثمار ۸۰۷
جامع الهدایه فی علم الرمایه ۷۵۹	جنگ نامه ۴۵۸
جامع فی تاریخ آل مبکتکین ۶۴	جنون المجانین ۳۲۲
جامع مفیدی ۱۹۰	جواب اسئلة اثیر الدین الابهری ۱۳۹
جام گیشی نما خواجه نصیر ۱۳۹	جواب اسئلة سید رکن الدین استرآبادی ۱۳۸
جام گیشی نما میبدی ۲۶۸	جواب اسئلة شمس الدین محمد کیشی ۱۳۸
جاودان صغیر ۷۶۵	جواب اسئلة محیی الدین عباسی ۱۳۸
جاودان کبیر ۷۶۵	جواب اسئلة نجم الدین دبیران ۱۳۸
	جواب اسؤوله و ردت فی الروم ۱۳۸
	جواب سؤالات امیرزاده اسکندر ۷۵۳

جواب سؤال از اسم اعظم و غیره ۱۸۹  
جواب سه سؤالی که از خیام کرده اند ۶۰  
جواب شبهات ایلین ۶۶۳  
جواب شیخ محمد مکی ۳۹۴  
جواب مرآة الصفا ۷۰۹  
جواب مکتوب امیر رضا ۲۷۵

جهان دانش ۱۵۲، ۱۲۵  
جهان گشا ۱۳۶، ۷۶۰  
جهان نگین نامه ۱۴  
جهان نامه ۲۲۸  
جهان نما ۲۸۱

### ج

جواب نامه ۱۱۵  
جوامع الاحکام ۱۲۳  
جوامع الحکایات و لوامع الروایات ۶۵، ۲۷۹، ۹۷  
جوامع الکلم ۱۹۲  
جوامع اللغات و لوامع المصطلحات ۷۳۹  
جواهر الاخبار ۳۵۶  
جواهر الاسرار آذری ۲۹۴  
جواهر الاسرار محمود دهن دار ۸۰۷  
جواهر الاسرار وزواهر الانوار ۲۴۳  
جواهر الاسلام ۷۸۰  
جواهر الاسماء ۳۲۳  
جواهر الانوار ۳  
جواهر التفسیر لتحفة الامیر ۲۴۶  
جواهر الثمینه ۴۰۲  
جواهر الذات ۱۱۴، ۳۲۰  
جواهر المجایب ۷۷۷، ۴۳۸، ۲۷۸  
جواهر العرایس و اطایب النعایس ۷۳۴  
جواهر العشاق ۱۹۶  
جواهر القرآن ۶۷  
جواهر القلاید و زواهر الفراید ۹۳  
جواهر الکنوز ۳۱۱  
جواهر اللغة زمخشری ۷۵۸  
جواهر الله محمد بن یوسف ۲۸۲  
جواهر الله یوسف بن محمد ۳۹۹  
جواهر زواهر ۳۸۰  
جواهر فریدی ۱۵۶  
جواهر نامه عطار ۱۱۴  
جواهر نامه محمد بن منصور ۱۵۲  
جودیه ۳۱  
جوهر فرد ۸۰۷، ۳۸۵  
جهان آرا ۸۴۲، ۶  
جهان افروز ۴۱۸

جیح نامه ۱۵۱  
شمه زندگانی ۷۸۷  
چهارارکان ۷۲۴  
چهار انجیل ۷۳۹  
چهار برادر ۱۹۶  
چهار چشمه زندگانی ۷۸۷، ۳۱۱  
چهار چمن ۳۱۱  
چهار رساله در فواصل کواکب ۳۸۴  
چهار عنوان ۱۴۵، ۶۹  
چهار کلمه ۷  
چهار مطلب ۳۱۱  
چهار مقاله ۸۹، ۱۲۰، ۷۱۹  
چهل حدیث و جواهر عقود و ایمان ۴  
چهل صباح ۳۱۱  
چهل مقام ۱۹۵  
چوب چین ۳۹۳

### ح

حاتمیه ۱۴۷  
حاشیه الفوائد الضیائیة و اتباع الهوی  
الصبائیة ۳۷۰  
حاشیه القدسیه ۲۸۷، ۷۶۶  
حاشیه اجدت تجرید الکلام ۲۶۶  
حاشیه اعراف ۶۶۳  
حاشیه الهیات ۶۶۳  
حاشیه امامت شرح تحریر قدوسی ۶۶۳  
حاشیه نمودج العلوم ۶۶۳  
حاشیه نوار شافیه ۲۶۶  
حاشیه بخاری ۳۸۱  
حاشیه بر آداب الحشمتین شریف ۱۹۱  
حاشیه بر آداب البحث محمد حنفی ۷۰۵  
حاشیه بر اثبات الواجب ۳۸۹

۳۷۶  
 حاشیه بر شرح حکمة العین میرک بخاری  
 ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح شمسیه ۷  
 حاشیه بر شرح طوالع ۳۲۲  
 حاشیه بر شرح عضدالدین ایجی ۲۶۶  
 حاشیه بر شرح عضدالدین ایجی بر منتهی  
 السؤال والامل ۳۹۳  
 حاشیه بر شرح عقاید ۸۱۵  
 حاشیه بر شرح عقاید از عذاب نا قبر ۸  
 حاشیه بر شرح قدیم تجرید ۲۷۳  
 حاشیه بر شرح کافی جامی ۶  
 حاشیه بر شرح مختصر الحضی ۳۸۱  
 حاشیه بر شرح مطالع باغذوی ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مطالع میرزا جان ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مطالع میر سید شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر شرح ملات باحث فعل ۸  
 حاشیه بر شرح منتهی السؤال والامل ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مواقف باغذوی ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح مواقف فناری ۲۷۶  
 حاشیه بر شرح مواقف مسعود شروانی  
 ۳۳۲  
 حاشیه بر شرح میبیدی بر هدایه الحکمه  
 ۳۵۶  
 حاشیه بر شرح هندی بر کافی ۳۷۶  
 حاشیه بر شرح وقایع الروایه ۳۸۸  
 حاشیه بر شمسیه ابیوردی ۴۴۳، ۳۹۲  
 حاشیه بر شمسیه رکن الدین داود حواف  
 ۲۷۴  
 حاشیه بر طوالع ۳۶۸  
 حاشیه بر فرائض سجاوندی ۳۹۱  
 حاشیه بر کافی ۷۹۰  
 حاشیه بر کشاف میر سید شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر کشاف عن حقایق التنزیل ۱۴۷  
 حاشیه بر محاکمات ۳۸۹  
 حاشیه بر مطالع ۷۰۵  
 حاشیه بر مطالع الانوار ۳۸۹  
 حاشیه بر مطول باغذوی ۳۸۹  
 حاشیه بر مطول حسن چلبی ۲۷۶

حاشیه بر اشارات دوانی ۲۶۶  
 حاشیه بر اشارات منصور دشتکی ۳۷۶  
 حاشیه بر اصطلاحات صوفیه ۲۹۵  
 حاشیه بر الهیات شرح تجرید ۳۸۵  
 حاشیه بر الهیات شفا ۳۶۸  
 حاشیه بر انوار التنزیل ۲۸۲  
 حاشیه بر اوایل شرح تجرید ۳۸۵  
 حاشیه بر ایسا عوجی ۳۴۰  
 حاشیه بر تجرید ۳۷۶  
 حاشیه بر تجرید الکلام ۳۹۳  
 حاشیه بر تفسیر بیضاوی شاه ظاهر ۳۶۸  
 حاشیه بر تفسیر بیضاوی عصام الدین ۷  
 حاشیه بر تلویح ۲۸۶  
 حاشیه بر تنبیح الاصول ۲۷۶  
 حاشیه بر توضیح و تلویح ۳۷۳  
 حاشیه بر تهذیب ۴۴۳  
 حاشیه بر تهذیب المنطق و الکلام ۳۹۳  
 حاشیه بر تهذیب منطق ۲۶۶  
 حاشیه بر حاشیه شرح مطالع ۳۸۹  
 حاشیه بر حاشیه عصام بر تفسیر بیضاوی  
 ۳۹۳  
 حاشیه بر حکمت العین میر سید شریف ۱۹۱  
 حاشیه بر حکمت العین نجم الدین دبیران  
 ۱۴۷  
 حاشیه بر حواشی شرح تجرید میر سید شریف  
 ۷۹۰  
 حاشیه بر رساله زوراء ۳۷۶  
 حاشیه بر رشحات ۸۳۷  
 حاشیه بر شرح اشارات خواجه نصیر  
 ۳۸۹  
 حاشیه بر شرح العقاید نسفی ۲۷۷  
 حاشیه بر شرح الملخص چغمینی ۸۰۷  
 حاشیه بر شرح تحریر ۱۹۱، ۲۶۶  
 حاشیه بر شرح تجرید ملا علی قوشچی ۲۶۶  
 حاشیه بر شرح تهذیب المنطق و الکلام ۳۷۴  
 حاشیه بر شرح جامی ۷  
 حاشیه بر شرح حکمة العین مسعود شروانی  
 ۳۳۲  
 حاشیه بر شرح حکمة العین منصور دشتکی



حاشية بر مطول ملا عالم مارق كابلى ٥٢٨  
حاشية بر منتهى السؤال والامل ٢٦٦  
حاشية بر لفحات الانس ٧٧٥، ٢٥٦  
حاشية بر هداية اثيريه ٨٢٦  
حاشية تحرير ٥٢٠  
حاشية تحرير اقليدس ٦٦٣  
حاشية تفسير بيضاوى ٦٦٣  
حاشية تهذيب الاصول علامه حلى ٦٦٣  
حاشية تهذيب المنطق دوانى ٦٦٣  
حاشية تذييل المنطق والكلام دانشمند ٣٩٢  
حاشية جديد تحرير الكلام ٢٦٦  
حاشية جواهر شرح تحرير قوشچى ٦٦٣  
حاشية حاشية مطول خطايى ٦٦٣  
حاشية خلاصة الاقوال علامه حلى ٦٦٣  
حاشية شرح تحرير ٦٨٩  
حاشية شرح جامى ٦٦٣  
حاشية شرح چنمينى ٦٦٣  
حاشية شرح خطبة مواقف ٦٦٣  
حاشية شرح شمسيه ٦٦٣  
حاشية شرح مطالع ٧٩٠  
حاشية شرح هداية ميبدي ٦٦٣  
حاشية شهسبدي بيران ٢٦٦  
حاشية شمسيه ميبدي ٢٦٨  
حاشية عقايد عضد الدين ايجى ٢٩٣  
حاشية قديم تحرير الكلام ٢٦٦  
حاشية قواعد علاه ٦٦٣  
حاشية مختصر عضدى ٦٦٣  
حاشية مطالع ٢٦٦  
حاشية مطول مختار دوانى ٦٦٣  
حاشية معاد شرح تحرير ٦٦٣  
حاشية ميرسيد شريف جرحانى ٢٦٦  
حاشية وتعليقات بر رساله اثبات الواجب  
دوانى ٧٠٦  
حاصل النجاة ٢٥٨  
حالات پهلوان محمد ابوسعيد ٢٩١  
حالات سيد حسن اردشير ٢٩١  
حالات وسخندان شيخ ابوسعيد ١٢١، ٦٢  
حاوى فى علم الداوى ١٩٠

جلسه ٩٦  
حبيب السير فى اخبار افراد البشر ٢٢١  
٢٣٨، ٣٥٨، ٢٩١  
حببيه ١٨٩  
حجة الابرار ٣٠٧  
حجة البيضاوى رد اهل الطغى ١٣١  
حجة الحق ٦٧  
حجة الكلام ٢٧٦  
حجيه ٣٩٦  
حدايق الانس ١٩٦  
حدايق الانوار فى حقايق الاسرار ١١٣  
حدايق الحقايق شرف الدين تبريزى ١٨٧  
حدايق الحقايق ميرجان ٣٧٣  
حدايق الحقايق فى كشف اسرار الدقايق ٢٣٢  
حدايق الدقايق ٢٦٢  
حدايق السحر فى دقايق الشعر ٩٢، ٧٠  
١٨٧  
حدايق الحجم ١٢٠، ١٤٠  
حدود العالم ٣٠  
حديثه الحقيقه ابوالفتح محمد جامى ٧٣٧  
حديثه الحقيقه ابوالمعالي مطهر بلخى  
٧٣٧  
حديثه الحقيقه سنابى ٧٦، ١٦٤، ٢١٥،  
٤٤٥، ٥١٥، ٥٨١، ٦٢٧، ٦٨٣  
٨٣٤  
حديثه السعداء ٣٣٧  
حديثه الشيعه ٣٩٦  
حرز الامان ٣٩٨  
حرز الامان من فتن الزمان ٢٤٨، ٢٨٥  
٣٨٢  
حرز اليمين ملخص الحصين ٣٩٥  
حروف اصليه ١٨٩  
حروف مقطعات قرآنيه ١٨٨  
حروف وروح ١٨٩  
حزب بشائر الخيرات ١٣١  
حساب ابن فندق ١٢٣  
حساب خواجه نصير ١٣٩  
حساب شرف الدين على يزدى ٢٤٩  
حساب عمر بن سهلان ١٣١  
حساب مريم چلبى ٣٨٨  
حساب ملاعلى قوشچى ٢٧٠

حکمة العين ۱۶۷، ۱۹۱، ۲۹۵، ۳۳۲  
 حکمة العين درانی ۲۶۶  
 حکمة العين ميرزا بخاری ۳۸۹  
 حکمة العنیه ۴۴۹  
 حکمة الموت ۳۱  
 حکمة فی مخلوقات الله ۶۸  
 حکم نامه ۱۹۷  
 حلاج نامه ۳۲۰  
 حل اشکال القمر ۲۷۰  
 حل التقویم ۳۸۶  
 حل المقال ۳۸۱، ۶۶۳  
 حل المشكلات ۳۱  
 حل لا ینحل ۳۹۱  
 حل مطرز ۳۴۹  
 حل مایه حل ابوالحسن ابیوردی ۴۴۳  
 حل مایه حل خفري ۳۸۵  
 حل مایه حل عبداللطیف شروانی ۸۵،  
 ۴۰۳  
 حل مشکل ۴  
 حل مشکلات الاشارات ۱۳۸  
 حل مشکلات رساله معینیه وزبدة الالهیه  
 ۱۳۹  
 حل مشکلات معینیه ۳۱  
 حلیة الحل ۲۸۷  
 حلیة العارفين ۴۰۶، ۸۱۳  
 حوادث طبیعیه ۲۶۳  
 حواشی بر اقلیدس ۲۷۱  
 حواشی بر امور عامه مواقب عضدالدین ایچی  
 ۳۹۱  
 حواشی بر اوایل شرح حکمة العين ۳۸۵  
 حواشی بر تهافت خواجه زاده ۲۷۷  
 حواشی بر حاشیه تجرید ۳۹۰  
 حواشی بر حاشیه شرح معانی ۳۹۱  
 حواشی بر شرح آداب شمس الدین محمد بن  
 اشرف سمرقندی ۲۶۶  
 حواشی بر شرح العقاید المضدیه ۲۷۷  
 حواشی بر شرح بجزید العقاید ۳۷۴  
 حواشی بر شرح تهذیب المنطق والکلام  
 ۳۷۴

حساب وجیر ومقابله ۱۳۸  
 حسنا ۳۹۲، ۴۴۳  
 حسن الاشعار فی جمیع الاشعار ۳۷۰  
 حسن زنان ۲۷۴  
 حسن و جان ۳۲۶  
 حسن و دل فتاحی ۳۹۰  
 حسن و دل مشفق ۷  
 حسن و عشق ۲۹۸  
 حسن و گل ۲۹۸  
 حسن یوسف ۵۴۳-۵۴۴  
 حسنیه ۸۱۴  
 حسنیة ابوالفتوح رازی ۱۲۷  
 (مقام) ۵۲۶  
 حصص الاتقیاء فی قصص الانبیاء ۷۲۹  
 حصن الحصین من کلام سید المرسلین ۳۹۵  
 حصن حصین ۷۰۵  
 حظ الاوفر بالحج الاکبر ۳۹۳  
 حظایر القمص ۱۹۶  
 حظیات ۴۵۸  
 حفظ صحت ۳۹۹  
 حقایق ۱۸۹  
 حقایق احوال مصطفی ۲۴۴  
 حقایق الاخبار ۲۲۱  
 حقایق التهلیل ۲۴۹  
 حقایق المعلوم لاهل المفهوم ۶۷  
 حقایق القرآن ۱۱۱  
 حقایق وجود ۳۱  
 حق الیقین شبستری ۱۷۰  
 حق الیقین میر سید علی همدانی ۴  
 حقیقة الروح ۶۷  
 حقیقة القوانين ۶۷  
 حقیقة المحمدیه ۸  
 حقیقت ایمان ۴  
 حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل  
 اسباب مسببات ۳۱  
 حقیه ۲۸۱  
 حکمت اشراف ۱۱۰  
 حکمت الاشراف قطب الدین شیرازی ۲۶۳  
 حکمة الرشیدیه ۴۴۹

حواشی بر شرح هداية الحكمه ۳۷۴  
 حواشی بر فصل الخطاب ۶۵۶  
 حواشی بر كشف ۸۱۲  
 حواشی بر مطالع ۷۰۵  
 حواشی بر نفحات الانس ۶۵۶  
 حواشی تفسیر بیضاوی ۷۷۹  
 حواشی علی کلیات القانون ۱۲۸  
 حواشی و تعلیقات بر شروح مواقف ۶۹۱  
 حواشی و تعلیقات بر شروح هدايه ۶۹۱  
 حواشی الزوراء ۲۶۷  
 حورائیه ۲۶۳  
 حورائیه ابوسعید ابوالخیر ۱۸۹  
 حورائیه شاه ولی ۱۸۹  
 حورائیه شاه ولی (رساله دیگر) ۱۸۹  
 حی بن یقظان ۷۱۶  
 حیدر تلبه ۵۱۵  
 حیدر نامه ۱۱۳  
 حیدری نامه ۱۱۳  
 حیوة الأبرار ۲۹۰  
 حیوة الانسان ۲۷۷  
 حیوة الحيوان ۲۷۷، ۳۶۵، ۴۰۲  
 حیوة النفس ۱۵۰

## ح

خاتمة الحیوة ۲۸۷  
 خاتمة روضة الصفا ۲۳۰  
 خاورستان ۳۸۳  
 خاوران نامه ۲۰۳، ۷۸۷  
 خاور نامه ۳۰۲  
 خدای نامه ۱۳، ۳۹۰  
 خجسته ناصری ۳۵  
 خجسته نامه ۳۵  
 خراجیه ۳۹۶  
 خردنامه اسکندری ۲۸۷  
 خزائن الفتوح ۱۷۱  
 خزائن الملوك ۸۰۷  
 خزائن ملكوت ۳۸۵، ۴۴۴  
 خسرو نامه ۱۱۴-۱۱۵

خسرو شیرین اشرف سراغی ۷۸۷  
 و دهلوی ۴  
 بن عبداللہی وارید ۶  
 بن قاسم کوه بر صبری ۵۷۹  
 ۵۰

زاجعفر قزوینی ۵۷۸  
 زاقاسم ساغری ۵۸۶  
 خسرو شیرین ندایی بخارا ۵۹۵  
 خسرو شیرین نظامی ۱۴، ۴۴، ۱۰۵، ۱۷۱،  
 ۲۰۲، ۳۶۳، ۴۱۷، ۴۳۵، ۴۳۰،  
 ۴۴۵، ۴۵۲-۴۵۸، ۵۰۵، ۵۱۵،  
 ۵۴۲، ۵۸۹، ۷۴۷، ۷۶۹، ۸۰۷،  
 ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۴۲

خسرو شیرین نویدی نیشابوری ۵۸۱  
 خسرو گل ۱۱۳-۱۱۵  
 خصوصیات ملکات انسانی ۳۹۷  
 خضر خان و دولرانی ۱۷۱  
 خطاب الذهاب الناقب وجواب الشهاب الناقب  
 ۲۸۰

خطای نامه ۳۸۸  
 خطبة البیان ۶۵۶  
 خطبة الفراء ۱۲۵  
 خفیه الملایه ۱۲۵  
 خفی علانی ۱۲۵  
 خلاص ۵۶

خلاصة الاخبار فی احوال الاخبار ۲۴۰  
 خلاصة الادوار فی مطالب الاحرار ۲۶۲  
 خلاصة الاشعار وزبدة الافکار ۳۷۹، ۵۰۹،  
 ۸۰۵

خلاصة الاقوال ۶۶۳  
 خلاصة الاوراد ۷۸۳  
 خلاصة الاوراد الامرید والمراد ۴۰۲  
 خلاصة التجارب ۲۷۴، ۴۰۰  
 خلاصة التصانیف ۶۸  
 خلاصة التنزیل ۷۶۵  
 خلاصة الحقایق ۷۲۱  
 خلاصة الحکایات ۲۴۲  
 خلاصة الزیج ۱۲۳  
 خلاصة السلوك ۱۴۶

خوان حلیل ۴۴۶	خلاصة الكلام ۷۵۶
خوانای نامک ۱۳	خلاصة المقامات ۷۸۳، ۷۲۱
خیاط ثامه عطار نونی ۳۲۰	خلاصة المناقب ابوالمکارم بن علاءالملک
خیاط ثامه عطار نیشابوری ۱۴۳	۱۰۹
خیرات حسان ۶۶۳	خلاصة المناقب نورالدین جعفر بدخشی
حیر الامور ۳۰۹	۷۵۴
الهیان ۸۱۳	خلاصة المنهج ۳۷۴
حیر الزاد ۳۱۱	خلاصة الوفا فی احیاء دار المصطفی ۲۵۴
خیر المجالس ۷۵۴	خلاصة در صرف و نحو ۲۵۸
	خلاصة شفا بی ۸۰۸
	خلافت نامه ۱۳۹
داستان دینیک ۱۳	خلد مرین ۸۲۵، ۴۳۵
داستان ریدک و خسرو گوانان ۱۳	خلق اعمال ۱۳۹
داراب ثامه ابوطاهر طوسی ۲۵۶، ۷۱	خلق البعث ۱۱۳
داراب ثامه ابوطاهر طوسی ۲۵۶، ۷۱	خلوت ۱۸۹
داراب ثامه بینمی ۷۵۸	خلوه
داستان امیر احمد و مهستی ۱۸۵، ۱۰۵	حلیفه ۱۸۹
۷۳۹	سم خانه ۴۲۰
داستان حاتم طایی ۲۸۴	خمریات ۲۹۹
داستان ملک عیار ۷۵۵، ۱۳۳	حمیه ابر فارخ ۷۶۲
داستان قران حبشی ۷۱	خمسة المتحیرین ۲۹۰
داستان معصوم شاه معروف بگلریز ۱۸۵	حمیه اشرف مراغی ۷۸۷
دافعه الشقاق ۶۶۳	خمسة امیر حیدر ترکمان ۶۱۷
داشنامه ۷۴۷، ۲۳	دعلوی ۳۳۸، ۴
داشنامه جهان ۸۱۵، ۲۶۱	خمسة بی معنی خواجہ هدایت اللہ رازی ۶۴۳
داشنامه علایی ۳۱	خمسة عیانی هروی ۵۱۹
داشنامه قورخان ۲۸۵	خمسة شیخ یعقوب صری ۸۲۹، ۴۷۰
داودیه ۴	خمسة متحیره ۵۵۹
در الفاجر ۱۳۲	خمسة نظامی ۱۰۵، ۲۹۰، ۴۹۸، ۳۱۴
در العریذ فی بیان قواعد التجرید ۳۷۰	۳۲۸، ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۱۷
المظیم فی خواص قرآن المظیم ۸۰۶	۱۴۹، ۴۷۱، ۵۱۹، ۶۱۷، ۶۸۹
۸۰۷	۷۸۷، ۷۷۲
در دنا نامه ۷	حمیدین فی اصول الدین ۱۱۳
دره الاخبار و لمعه الانوار ۱۴۹، ۱۲۴	حواب نامه ۷۸۵
دره البهیة فی اختصار الرسالة الشمسیه	حوایم ۱۶۸
۳۷۰	حوارقات ۴۰۶
دره التاج نصره الدیاج ۱۴۷	حواس القرآن ۶۸
دره الثمینه ۹۰	حواس و طبایع و منافع چوب چینی ۳۹۹
دره العاخره در تحقیق مذهب صوفیه و حکما	خوان الاحوان ۵۹
و متکلمین ۲۸۸	

درة الماخرة في كشف علوم الآخرة ٦٨٠	دفتر هفتم مثنوی ١٩٩، ١٦٠
درة المعانی ٧٧١	رفع القدر ٦٦٣
درة الوشاح ١٢٣	دقایق الأدهام ١٢٦
درة البشعة في ثمرات درة الشیخه ٩٠	دقایق الحقایق احمدی ٧٣٧
درج ٦٨	دقایق الحقایق صیانی ٣٩٧
درج المدرود درج الفرر فی بیان میلاد سید	دقایق الحقایق کمال پاشا رده ٨١١
البشر ٢٤٤	دقایق الحقایق نصیر الدین هیکلی ١٥٢
درج اللکالی ٢٠٩	دقایق الشعر ٢١٠
درخت آسوریک ١٣	دلایل الاعجاز ٧٩٣
درر الجواهر ١٣٢	دلایل البون ٢٩٩
درر اسحاب و درر السحاب فی الرمایل ١٢٣	دلایل النبض ٣٩٩
در درر الفرید فی معرفة التوحید ٧٦٣	دلایل فیروزشاهی ٧٦٨
درر ضرر ٣٨٠	دلای ٢٩٨
در ویشیه ٤	دلگشا ٢٠١
دره ٢٧٣	دلوجان چشتی ٤٢٦
دریای ابرار ٥٦٢، ٦١٧، ٦٢٦، ٦٢٧	دلوجان عبد الله نصاری ٥٨
دریتیم ٣٩٧	دلیل العارفین ١٥٤، ٧٤٨
دستور اعظم ٥٩	دلیل الهدی ٣٧٦
دسته الزایرین ٢٣٦، ٢٨٠	دعیه القصر و عسرة اهل العصر ١٢٣، ٥٢
دستور السالکین ٤٠٦، ٥٠٤	دنیا مزرعة الآخرة ٤٠١
دستور السلطنة ٣٩٨	دوست نامه ٧٢٨
دستور العلاج ٣٩٨	دولت نامه ٧٣٩
دستور العمل شرح زیج الخ بیک ٢٨١	ده مات ٢٩٨
دستور العمل فی تصحیح الحدول ٢٧١	ده باب تحنیسات ٢٩٨
دستور العمل و تصحیح الحدول ٣٨٨	ده دیوان ٢٣٧
دستور الکاتب فی تعیین المراتب ٢، ١٨٢، ٧٥٢	ده فصل ٢٠١
دستور اللغة ٥٦	ده قاعده ١١٦، ٧٢٤، ٧٥٤
دستور المنجمین ٢٧٠	ده نامه ابن عماد ٢١٧، ٥٤٢، ٧٦٥
دستور الوزراء خوند میر ٢٤٠	ده نامه ابن تصوح ٢١١
دستور الوزراء منشی شیرازی ٣٩٨	ده نامه اوحدی ١٩٩
دستور دبیری ٧٢٨	ده نامه تدروی ٥٤٣
دستور عشاق ٢٩٩	ده نامه عارفی ٣٠٣
دستور نامه ١٢٠	ده نامه عراقی ١٦٣
دعاء توحید ١٥٠	ده نامه عماد فیه ٢٠٢
دعوات ٧٢٩	ده نامه کانی ٢٩٨
دعوات الکواکب ١١٠	ده نامه محمود دبیر ٣٠٧
دفتر درر ٨٠٧، ٣٨٥	دوحه ١٢٧
دفتر دلگشای ٧٦٧	دیاسارون ٧٣٩
	دیاریگریه ٦

دیباچه ابو منصور ۲۸  
 دیباچه باسنغری ۷۹۷، ۲۸  
 دیباچه جمال و کمال ۳۱۱  
 دیباچه کلیات سعدی ۱۶۸  
 دیده بیدار ۵۱۵  
 دینکرت ۱۳  
 دیوان آدمیت ۳۸۰  
 دیوان آذری طوسی ۲۹۴  
 دیوان آصفی ۳۰۹  
 دیوان آگهی قاینی ۳۲۱  
 دیوان آگهی یزدی ۶۴۳  
 دیوان آیتی هروی ۳۳۵  
 دیوان ابن حسام قهستانی ۳۰۲، ۲۰۶  
 دیوان ابن عماد ۷۶۵  
 دیوان ابن یمین ۲۰۱  
 دیوان ابواسحق اطعمه ۲۰۴، ۲۹۷  
 دیوان ابو الفتح بستی ۴۵  
 دیوان ابو الفرج رونی ۴۲  
 دیوان ابوعلی قلندر ۱۹۷  
 دیوان اثیرالدین اخسیکتی ۱۰۷  
 دیوان اثیرالدین اومانی ۱۵۸  
 دیوان احمد جام زنده پیل ۱۰۹، ۷۲۱  
 دیوان احمدقانی شیرازی دهدار ۶۵۶  
 دیوان ادایی شیرازی ۳۳۹  
 دیوان ازرقی ۵۳  
 دیوان اسیری لاهیجانی ۳۱۹  
 دیوان اشرف سمرقندی ۸۷  
 دیوان اشرف مراغی ۳۰۹  
 دیوان اشکی قمی ۴۳۱، ۸۲۳  
 دیوان اصطلاحات اهل صنایع و حرف ۲۹۳  
 دیوان اطعمه ۲۰۴، ۲۹۷  
 دیوان البسه ۳۲۰  
 دیوان المعارف ۷۲۲  
 دیوان الهی اردبیلی ۶۹۱  
 دیوان امام علی بن ابی طالب ۲۶۸، ۶۶۶،  
 ۸۳۷  
 دیوان امامی ۱۶۱  
 دیوان اعانی کابلی ۴۵۳  
 دیوان امنی تبریزی ۵۲۹

دیوان امید آباد ۳۸۰  
 دیوان اسیدی ۳۱۵، ۴۴۱  
 دیوان انوری ۸۲، ۳۹۶  
 دیوان اوحدی ۱۹۹  
 دیوان اهلی ترخیزی ۳۱۷  
 دیوان اهلی شیرازی ۴۴۰  
 دیوان بابین ۶۰۷  
 دیوان بحر المعاد فی ارشاد العباد ۷۰۸  
 دیوان بدخشی ۳۰۰  
 دیوان بدرالدین کشمیری ۴۴۵  
 دیوان بدرچاچی ۱۶۲  
 دیوان بدرچاچی ۲۰۴  
 دیوان بدیمی تبریزی ۵۲۶  
 دیوان برگگی نیریزی ۶۹۳  
 دیوان بنایی هروی ۳۱۰  
 دیوان بیس ام خان ۴۵۶  
 دیوان بی نشان ۳۴۰  
 دیوان پوربهای جامی ۱۶۱  
 دیوان پیرقلی بیگ استاجلو ۵۰۷  
 دیوان ترکیبات و ترجیعات ۳۸۰  
 دیوان تقی الدین اوحدی ۳۸۰، ۸۰۶  
 دیوان ثنائی مشهدی ۴۱۶  
 دیوان جامی ۶۴۶  
 دیوان جسمی همدانی ۵۳۵  
 دیوان جلال طبیب ۲۱۳  
 دیوان جلال ضد ۲۰۳  
 دیوان جمال الدین اصفهانی ۱۰۲  
 دیوان جمالی اردستانی ۲۴۴  
 دیوان جمالی دهلوی ۴۰۵  
 دیوان جنید شیرازی ۲۱۶  
 دیوان جواهر و زواهر ۳۸۰  
 دیوان جهان شاه قراقویونلو ۷۹۴  
 دیوان جهان ملک خاتون ۲۱۶  
 دیوان حافظ ۲۰۵ - ۲۰۶، ۲۴۹، ۲۵۶،  
 ۲۸۲، ۳۱۰، ۴۶۱، ۶۴۸، ۸۱۸،  
 ۸۲۳، ۸۴۰  
 دیوان حالتی تسریزی ۶۷۴  
 دیوان حالتی ترکمان ۴۶۶  
 دیوان حامدی ۷۹۳

دیوان حسن دهلوی ۱۷۲  
 دیوان حسین بایقرا ۲۵۵، ۲۳۲  
 دیوان حسین بن حسن کاشانی ۲۴۳  
 دیوان حسین بن منصور خلج ۲۴۳  
 دیوان حسین خوارزمی ۲۴۳  
 دیوان حسینی هروی ۷۴۲  
 دیوان حضور قمی ۴۶۰  
 دیوان حفیری تبریزی ۵۳۱  
 دیوان حکیم سوری ۲۰۴  
 دیوان حلیمی شروانی ۶۹۷  
 دیوان حیدر کلیچه یزی ۳۱۸  
 دیوان حیدری تبریزی ۸۲۲، ۴۲۷  
 دیوان خاقانی ۳۹۶، ۱۰۴  
 دیوان خاکی و مروشی بلخی ۵۸۷  
 دیوان خلاصی کاشانی ۶۴۴  
 دیوان خنجر بیک ۵۳۵  
 دیوان خواجو ۲۰۰  
 دیوان خواجه محمد شریف هجری ۵۱۴  
 دیوان خیالی بخاری ۳۰۰  
 دیوان خیام خراسانی ۷۴۹  
 دیوان در اصطلاحات اهل صنایع و حرف  
 ۲۹۵  
 دیوان در فر ۳۸۰  
 دیوان درویش بهرام سقا ۸۲۲  
 دیوان ذوالفقار شروانی ۱۷۴  
 دیوان رحمتی تبریزی ۶۹۸  
 دیوان رحیمی بهارلو ۳۶۲  
 دیوان رسایل جامی ۲۸۸  
 دیوان رستم خوریانی ۲۹۷  
 دیوان رشیدالدین بیدآوازی ۳۲۰  
 دیوان رشید و طواط ۹۲  
 دیوان رضی الدین نیشابوری ۹۹  
 دیوان رفیع الدین لنبانی ۱۶۵  
 دیوان رکن صاین ۲۰۸  
 دیوان رموزی سمرقندی ۵۹۶  
 دیوان روح الدین عطار ۲۰۳  
 دیوان روزبهان ۲۱۶  
 دیوان روغنی ۴۲۲  
 دیوان ریاضی تربتی ۳۳۹

دیوان ساقی استرآبادی ۴۶۴  
 ا دیوان سیهری زوارجی یا زواره ای ۵۲۳  
 دیوان سحابی استرآبادی ۴۱۲  
 دیوان سراج الدین سکزی ۲۲۳، ۱۷۲  
 دیوان سراج الدین قمری قزوینی ۲۰۶  
 دیوان سلطان ابراهیم میرزا ۸۳۰  
 دیوان سلطان حسین بایقرا ۲۵۵، ۲۳۲  
 دیوان سلطان سلیم ۴۷۹  
 دیوان سلطان علی ۷۹۳  
 دیوان سلطان ولد ۱۹۹  
 دیوان صنایی ۷۶  
 دیوان سنجر کاشانی ۴۲۰  
 دیوان سوزنی ۹۹  
 دیوان سهیلی ۳۰۷  
 دیوان سید حسن عزیزی حسینی ۷۲۵  
 دیوان سید حسن قزوینی ۷۷  
 دیوان سید محمد گیسو دراز ۱۹۶-۱۹۷  
 دیوان سید مطهر ۲۱۵  
 دیوان سیف الدین اسفرنگی ۹۳  
 دیوان سیفی بخاری ۲۹۳  
 دیوان شاپور فریبی طهرانی ۵۱۳  
 دیوان شاه اسماعیل ۴۸۴  
 دیوان شامولی ۱۸۸  
 دیوان شاهی ۳۰۱  
 ا دیوان شجاع تبریزی ۵۸۱  
 دیوان شراری همدانی ۵۳۳  
 دیوان شرف الدین شفرو ۱۰۲  
 دیوان شرف الدین علی یزدی ۷۷۵، ۲۴۹  
 دیوان شرف جهان ۸۲۶  
 دیوان شریف تبریزی ۸۲۸، ۴۶۵  
 دیوان شمس الدین طبسی ۹۳  
 دیوان شمس الدین کاشانی ۲۱۶  
 دیوان شمس منری ۷۶۳  
 دیوان شوقی تبریزی ۸۳۷  
 دیوان شوقی یزدی ۸۳۷  
 دیوان شهیدی قمی ۴۳۷  
 دیوان شیخ ابوالقاسم کازرونی ۶۶۶  
 دیوان صابر قزوینی ۸۴  
 دیوان صادق سمرقندی ۵۸۷

دیوان صادق افشار ۴۵۸  
 دیوان صبری اردستانی ۴۶۰  
 دیوان صبری میانکالی ۵۹۲  
 دیوان صرفی کشمیری ۸۲۹، ۲۷۲  
 دیوان صفی الدین صفی نور بخش ۶۱۸  
 دیوان ضمیری بلگرامی ۶۴۵  
 دیوان ضیاء شجندی ۱۶۵  
 دیوان طالب حاجرمی ۲۰۱  
 دیوان طالب گیلائی ۵۳۰  
 دیوان طوسی خراسانی ۶۴۵، ۳۰۵  
 دیوان طوقی تبریزی ۸۳۱، ۵۰۹  
 دیوان ظهیری ترشیزی ۴۴۵  
 دیوان ظهیر فاریابی ۱۰۷  
 دیوان عارفی ۳۰۳  
 دیوان عالم سمرقندی ۳۲۸  
 دیوان عبدالحق دهلوی ۸۰۵  
 دیوان عبدالقادر گیلانی ۱۳۱  
 دیوان عبدالله برزخ آبادی ۳۲۰  
 دیوان عبدالواسع جبلی ۸۲  
 دیوان عبدی بیک شیرازی همدانی ۵۳۳  
 دیوان عبدی بیک شیرازی ۴۷۱  
 دیوان هبیدزاکانی ۲۰۱  
 دیوان عدنی ۸۰۲  
 دیوان عراقی ۱۶۴  
 دیوان صرفی ۴۱۷  
 دیوان عزیزی قزوینی ۴۳۰  
 دیوان عشقی خان ۸۳۴  
 دیوان عشقی خان ترک ۵۴۹  
 دیوان عصار تبریزی ۲۰۳  
 دیوان عصمت بخاری ۷۸۷، ۲۹۶  
 دیوان عطار ۱۱۴-۱۱۵  
 دیوان علاءالدین خیام خراسانی ۷۴۹  
 دیوان علی اکبر خان ثانی هروی ۵۴۴  
 دیوان علی بن ابی طالب ۲۶۸، ۶۶۶، ۸۳۷  
 دیوان علیشیر نوایی ۲۹۱  
 دیوان علیقلی خان اعظم شاملو ۶۶۷  
 دیوان علی نقی کمره ای ۵۰۹  
 دیوان عمادی شهریار ۸۳

دیوان عمیق بخاری ۹۷  
 دیوان عنصری ۳۸  
 دیوان عیسی میانکالی ۵۹۲  
 دیوان عین الحیات ۲۸۰  
 دیوان غریبی بلیانی کازرونی ۷۱۰  
 دیوان غزلیات تقی الدین اوحدی ۳۸۰  
 دیوان غزلیات سعدی ۳  
 دیوان غزلیات فارسی و ترکی صادق ۴۵۸  
 دیوان غزلیات و قصاید اسیری ۳۱۹  
 دیوان غضنیری رازی ۳۶، ۲۶  
 دیوان فارسی باخرزی ۵۲  
 دیوان فارسی علیشیر ۲۹۱  
 دیوان فارسی و ترکی پادشاه خواجه ۶۴۱  
 دیوان فتاحی ۲۹۹  
 دیوان فخرالدین صفی ۲۸۵  
 دیوان فخرالدین محمد نیشابوری ۷۲۸  
 دیوان فخری هروی ۴۳۹، ۲۷۸  
 دیوان فدایی لاهیجی ۳۲۲  
 دیوان فرخی ۳۹  
 دیوان فرقتی جوشقانی ۵۱۸  
 دیوان فریبی طهرانی ۵۱۳  
 دیوان فریدالدین احوال ۱۶۶  
 دیوان فصیحی تبریزی ۵۰۹  
 دیوان فضولی ۴۳۷  
 دیوان فغانی ۳۱۶، ۴۳۷، ۴۳۸  
 دیوان فلکی شروانی ۱۰۶  
 دیوان فهمی بدخشی ۵۷۵  
 دیوان فیضی ۳۶۴  
 دیوان فیضی بلخی ۶۰۲  
 دیوان قاسم انوار ۲۹۲  
 دیوان قاسم بیک حالتی ۴۶۶  
 دیوان قاسم قاسمی اردستانی ۶۴۳  
 دیوان قاسم کاهی ۴۱۵  
 دیوان قاضی ایسکی باغی ۵۸۴  
 دیوان قاضی نور ۴۶۰  
 دیوان قبولی ۲۹۲  
 دیوان قصاید اوحدی بلیانی ۳۸۰



دیوان قصاید تقی الدین اوحدی ۳۸۰	دیوان مسعود بیک ۷۷۳
دیوان قصاید و غزلیات اوحدی بلیانی ۳۸۰	دیوان مسعود سعد سلمان ۴۴
دیوان قصاید و غزلیات سیفی عروضی ۲۹۳	دیوان عشقی بخارایی ۵۶۹
دیوان قطران ۴۸	دیوان مطهر بن عبدالله حسینی ۲۱۵
دیوان قندمکرر ۳۸۰	دیوان مطهری کر ۲۲۳
دیوان قوامی رازی ۸۴	دیوان مظالم ۲۶۶
دیوان قوسی تبریزی ۸۳۸	دیوان مظهر کشمیری ۸۳۲
دیوان کاتبی ۲۹۸	دیوان معاذی تبریزی ۳۴۱
دیوان کجج تبریزی ۷۶۳	دیوان معزی ۸۲
دیوان کسایی مروزی ۳۷	دیوان معین الدین سکنی ۱۵۴
دیوان کمال الدین اسمعیل ۱۵۸، ۳۳۸	دیوان مقطعات و مطایبات و احاجی ۳۸۰
دیوان کمال پاشا زاده ۸۱۱	دیوان معقیمی ۵۰۵
دیوان کمال خجندی ۲۱۱	دیوان ملا کلویج وحید ۶۴۷
دیوان کوهی ۵۷	دیوان ملا نصر الله واقف خلیفائی ۷۰۶
دیوان گلشنی پردعی ۷۰۴	دیوان ملک قمی ۴۳۴
دیوان لامعی برسوی ۳۹۰	دیوان منصور تبریزی ۶۳۷
دیوان لامعی گرگانی ۵۰	دیوان منوچهری ۴۲
دیوان لسانی ۴۳۶	دیوان مهری ۳۴۹
دیوان لطف الله نیشابوری ۲۱۰	دیوان میر دستم سمرقندی ۵۸۵
دیوان مانی شهدی ۳۱۳	دیوان میرزا پر خوردار همدی ۵۵۷
دیوان ماهر اردبیلی ۷۰۴	دیوان میرزا بیک سپهری زوارچی یازواره ای ۵۲۳
دیوان مجدد خوانی ۷۵۸	دیوان میرزا قاسم ساغرچی منشی وانشایی ۵۸۶
دیوان مجده مکر ۱۶۲	دیوان میر کرمانی ۲۰۹
دیوان مجرم شاملو ۶۵۸	دیوان میر محمدخان غزنوی ۶۵۱
دیوان مجیب الدین بیلقانی ۱۰۷	دیوان میر مخدوم نیشابوری ۷۹۲
دیوان محتشم ۸۰۵	دیوان ناصر خسرو ۵۹
دیوان محمد معصوم نامی تتوی ۲۵۹	دیوان نانک ۴۸۶
دیوان محمد یوسف گدائی ۲۱۶	دیوان نزاری تبریزی ۵۰۸
دیوان محمود افروشه ای ۳۵۸	دیوان نجیب جرفادقانی ۱۶۶
دیوان محمود بیک سالم ۵۰۵	دیوان نرگسی ۷۸۹
دیوان محمود دزنکی عجم ۷۷۰	دیوان نزاری ۱۷۰
دیوان محمود قازان ۷۷۷	دیوان نسیمی ۷۸۹، ۳۳۶
دیوان محنتی بخارایی ۵۷۷	دیوان نصیر الدین طوسی ۳۰۵
دیوان محنتی میانکال ۵۹۲	دیوان نظام الدین استرا جادی ۴۴۶
دیوان مختاری ۷۷	دیوان نظام الدین قمر ۱۷۲
دیوان مخدوم نیشابوری ۳۲۵	دیوان نظامی گنجوی ۱۰۶
	دیوان نظامی تبریزی ۵۵۶

دیوان نظیری نیشابوری ۸۲۲، ۴۲۹  
 دیوان نورالدین شوشتری ۶۶۴  
 دیوان نوری اصفهانی ۴۶۰  
 دیوان نوری سفیدونی ۵۴۳  
 دیوان نوعی اصفهانی ۶۴۷  
 دیوان نوعی خبوشانی ۴۳۴، ۸۲۴  
 دیوان نویدی تربتی ۵۵۵  
 دیوان نیککی اصفهانی ۵۱۱  
 دیوان والهی بلخی ۵۷۶  
 دیوان والهی قمی ۴۵۹  
 دیوان وحشی بافقی ۲۸۰، ۴۳۵، ۸۲۵  
 دیوان وحیدی تبریزی ۷۰۷  
 دیوان یوقوعی تبریزی ۸۳۲  
 دیوان ولی دشت بیاضی ۵۰۸، ۴۵۸  
 دیوان هاتفی ۳۱۴  
 دیوان هجری ۵۵۸، ۵۱۴  
 دیوان هجری جامی ۵۵۷  
 دیوان همام تبریزی ۱۶۸  
 دیوان همایون اسفرائینی ۴۱۲، ۴۶۱  
 دیوان یاری خراسانی ۶۳۷  
 دیوان یحیی خان طالب گیلانی ۵۳۰

ذخایر الحکم ۱۲۳  
 ذخیره المعقبی فی ذم الدنیا ۸۱۵  
 ذخیره الملوك ۱۹۵، ۳۹۳  
 ذخیره خوارزمشاهی ۱۲۴، ۹۲  
 ذررة الاولیاء فی سیرة المصطفی ۲۳۶  
 ذره و آفتاب ۵۸۷  
 ذره و خورشید ۴۲۵  
 ذریعه الی مکارم الشریعه ۶۸  
 ذکر ۴۰۱  
 ذکرائیات المبدء والمعاد ۳۱  
 ذکرائیات المعاد ۳۱  
 ذکرائیات الحدیث فی القدییم والحديث ۳۶۹  
 ذکر الملوك فی اخبار سلاطین الهند ۳۷۰  
 ذکر خفی المستجب لاجرا لوفی ۱۴۸  
 ذکر طریقه صوفیان بطریق خواجگان

۲۸۸  
 ذکریه ۱۹۵  
 ذهاب الصواب ۱۳۱  
 ذوق (دور ساله) ۱۸۸  
 ذوقیات ۱۸۸  
 ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی ۳۹۷  
 ذیل تاریخ طبری ۲۳۸  
 ذیل جامع التواریخ رشیدی ۲۳۸  
 ذیل سیرالعباد الی المعاد ۷۴۵  
 ذیل ظفر نامه شامی ۲۳۸  
 راجه تارانگی ۳۶۹  
 راجه تارانگینی ۳۶۹  
 راجه ترنگینی ۳۶۰  
 راحة الصدور و آية السرور ۸۰، ۸۸-۸۹  
 ۱۴۵، ۱۱۹  
 راحة القلوب حمیدالدین ناگوری ۷۳۸  
 راحة القلوب فریدالدین شکر گنج ۱۱۳  
 راحة القلوب نظام الدین اولجا ۱۵۶، ۲۱۸  
 ۷۳۵، ۷۶۶  
 راحة المحبین ۲۱۸  
 راز و ترنگ ۳۶۹  
 راسته (رساله) ۷  
 رامایانا ۳۶۵  
 راماین ۳۶۵  
 رامانجام نامه ۱۴۵  
 راهنمای عقده گشای ۸۱۶  
 رای آرای ۷۲۸  
 رای جهان آرای ۷۲۸  
 رباب نامه ۱۹۷  
 رباعیات ابوعلی قلندر ۱۹۷  
 رباعیات اوصافیه و اصنافیه ۸۰۶  
 رباعیات خیام ۶۰  
 رباعیات سعایی ۴۱۲-۴۱۳  
 رباعیات سید محمد فکری ۴۱۹  
 رباعیات شیخ یعقوب صر فی ۴۷۰  
 ربطا لحادث بالقدیم ۱۳۸  
 ربطا السور و الآیات ۲۷۷

رسالة الشدد متعلقة بالعدد ٧٨٧  
رسالة الشرفيه فى تقاسيم العلوم اليقينية  
٧٣٨  
رسالة الشريفة فى النسب التأليفه ٧٣٣  
رسالة الفقر ٧٢٣  
رسالة القدس ٧٢٢  
رسالة المعاش ٧٨٨  
رسالة الملكيه ٣  
رسالة النداهه الى زاد القيامه ٧١٨.٦٠  
رسالة الهدى ٧٨٨  
رسالة فى الخضاب ٨١١  
رسالة فى العمل باسهل آلة من قبل النجوم  
٧٧٩  
رسالة فى المحبه ٧٨٧  
رسالة فى تحقيق الالفاظ الفارسيه ٨١٢  
رسالة فى تحقيق لفظ الزنديق ٨١٢  
رساله فى تعريف السلطان ظل الله فى الارض  
٧٥٣  
رسالة فى جواب شيخ محمد مكي ٣٩٤  
رسالة فى طبقات المجتهدين ٨١١  
رسالة فى طريق ذكر الخفى ٧٦٦  
رسالة فى لغة الفرس ٨١٢  
رسالة فى مدارج الوجود ومعارج الحدود  
٧٣٢  
رسالة فى مراتب الموجودات ٧٥٣  
رسالة ابعاد واجرام ٨٠٢  
رسالة استخراج ٢  
رسالة استخراجات ٢  
رسالة اسطرلاب قاسم على قايسى ٧٨١  
رسالة اعتقاده ٣  
رسالة الهيات خفى ٨٣١  
رسالة انسانيه ٧٨١  
رسالة انسيه بهاء الدين نقشبندي ٧٦٦  
رساله برائى اميرزاده اسكندر ٧٥٣  
رساله برائى اميرزاده پير محمد ٧٥٣  
رساله بقائيه ٧  
رساله بهرام شاهيه ٤  
رساله پيردزى ومقاله نوروزى ٧٥٥  
رساله تربيت اثر بد فعل ٧٥٣  
رساله جلاليه ٧٣٥  
رساله حرف ٧٥٣

ربيع المجيب ٣٨٨  
ربيع المعنطرات ٣٨٨  
ربيع الثبرار ومختار الاخيار ١٩٧  
ربيع المعارفين ١٢٣  
ربيعه ٢١٣  
رتبة الفخره فى سلطنة الدنيا والآخره  
٣٠٢  
رجوع الشيخ الى صباه فى قوة الجاه ٨١٢  
رحل الرسول ٥٨  
رحيق التحقيق ٧٣٥  
رحيق المختوم لذوى العقول والفهوم  
١٣٢  
رحيقه ٢١٣  
رد الشيطان ٦٦٣  
رد النبوه ٥٢٠  
رد بر رساله در تحقيق عليه بودن حرف  
٢٦٧  
رد بر فصوص الحكيم ابن العربى ٣٩٤  
رد بر فلاسفه ٧٢٧  
رد بر مصادره اقليدس ١٢٨  
رد تصحيح ايمان فرعون ٦٦٣  
رد عصمة الانبياء ٦٦٣  
رد على بعض الاقوال شيخ احمد بن عبد الاحد  
سرهندي ٣٧٠  
رد على من طغى يارد على من طعن ٦٨  
رد مقدمات ترجمه الصواعق ٦٦٣  
رزم نامه حاج سلطان تها نيسرى ٨١٥  
رزم نامه عبدالقادر ريدانى ٢٦٠  
رسالات بهائى ١٢٠  
رسالة ابى نجم الكاتبى فى اثبات واجب الوجود  
١٣٨  
رساله الادوار فى حل الاوتار ٧٣٢  
رساله الانس فى روح القدس ٧٢٢  
رساله الايقاع ٧٣٢  
رساله التنبيه على غلط الجاهل والنبيه  
٨١٢  
رساله الذكر ٤٠١  
رساله التنبيه ٧٣٨  
رساله الساتر ٧٢٣  
رساله السياسه ٧٣٨

- رساله محسنیه ۸  
رساله الحق الیقین ۴  
رساله حقیقت ایمان ۴  
رساله حل مشکل ۴  
رساله خجسته ۳۵  
رساله داویدیه ۴  
رساله دایره ۷۱۰  
رساله در اثبات بزرگی شیخ احمد جام  
۷۲۱  
رساله در اثبات واجب خفیه ۸۴۱  
رساله در اصطلاحات صوفیه ۵۴۰  
رساله در اصول حروفیه ۷۶۵  
رساله در اصول وقواعد خط ۷۵۹  
رساله در اعتقادات مذاهب ۷۶۰  
رساله در امامت ۶۹۱  
رساله در باب علمای دین ۴  
رساله در بحران ۸۲۹، ۶۵۱  
رساله در بیان طریق شطار ۱۱۶  
رساله در بیان معنی ایمان اسلام ۷۵۳  
رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن  
۷۷۹  
رساله در تحقیق آیه نور ۶۶۴  
رساله در تحقیق انا نقطه النی تحت الباء  
۷۷۹  
رساله در تحقیق سلسله جبریه ۸  
رساله در تصوف ۷۸۲، ۵۴۴  
رساله در تولد و تبار ۷۳۰  
رساله در حرمت نماز جمعه در ایام غیبت  
۶۶۴  
رساله در حفظ الصحه ۸۲۹  
رساله در حفظ صحت ۶۵۱  
رساله در شق القمر ۷۷۹  
رساله در صنایع شعر ۸۲۴  
رساله در عروض و قافیه و صنعت شعر  
۸  
رساله در عقاید و رسوم مردم تبریز ۵۲۹  
رساله در علم حساب ۵۱۴  
رساله در علم رمل خفیه ۸۴۱  
رساله در علم قافیه ۶۹۱  
رساله در علوم ثلاثه ۷۵۳  
رساله در فن قافیه ۲۸۸  
رساله در قواعد خط ۸۱۶، ۷۳۷  
رساله در قواعد معما ۶۳۱  
رساله در معما ۸۲۹، ۶۵۱  
رساله در مناقب عبیدالله احرار ۷۷۸  
رساله در واجبات ترکی ۷۰۱  
رساله در ویشیه ۴  
رساله ذکر و فکر ۷۰۹  
رساله در راسته ۷  
رساله در پیغمه ۷۶۵  
رساله در روحی آثار جانی ۵۲۹  
رساله در فیه ۷۷۷  
رساله شیبیه ۷  
رساله صاحبیه ۷۲۲، ۱۱۱، ۲  
رساله صفت الفقراء ۴  
رساله صید ۷۸۱  
رساله طریق شطار ۱۱۶  
رساله عالیه ۵۴۰  
رساله عروضی بابر ۶۰۷  
رساله عشق ۳  
رساله عقاید ۷۶۶  
رساله علائیه ۷۳۳  
رساله عینیه ۸۱۶  
رساله غیریه ۸۱۶  
رساله فریدون بن احمد سیهسالار ۷۳۹  
رساله فلکیه ۷۸۰  
رساله فنائیه ۷  
رساله قدسیه بهاءالدین نقشبند ۱۹۲،  
۷۶۶  
رساله قدسیه خواجه محمد یار ۱۹۲،  
۷۶۶، ۲۸۱، ۲۲۱  
رساله قشیریه ۷۸۱  
رساله لذات معینی استراپادی ۴۵۸،  
۵۱۸  
رساله لذت ۵۱۸  
رساله مبین ۶۰۷  
رساله مشبیه ۴

رسالة مصافحه ٦٢١	رموزات ١٨٩
رسالة معما ٣٠٠	رندوزاهه ٣٣٧
رسالة معماي شهاب معماي ٧	روايح شرع ٣٧٣
رسالة معماي محمد قندهاري ٩	روايح ٢٦٥
رسالة معماي مير حسين ٩٣١	روح ١٨٩
رسالة معماي ميرزا جوجك ٥٨٧	روح الارواح ١٦٩
رسالة مقداريه ٨٣٠	روح القدس بيرجمالي ٨١٠، ٢٣٣
رسالة ملازاده ٢٣٧	روح القدس جمالي دهلوي ٨١٠
رسالة مناهيه ٣	روح القدس (از شرح الكنوز وكشف الرموز)
رسالة اموجليكه ٣	٢٣٣
رسالة موسيقى نجم الدين كوكبي ٩١٧	روح نامه ٣
رسالة نفسيه عرفي ٨١٩	روزنامه غزوات هندوستان ٢٥٠
رسالة وجوديه ٧٢٣	روشنايي نامه ٥٩
رسالة همدانيه ٣	روضات الجنات في اوصاف مدينه الهر،
رسالة يوحنا ١٢٧	٢٥٢
رسائل الاصحار ١٧١	روضات الجنان و جنات الجنان ٣٨٣،
رسائل المتفرقه ابن فندق ١٢٣	٣٠٦
رسائل زين الدين خوافي ٧٧٨	روض البساتين في اخبار مولانا السيد
رسائل عربي رشيد و طواط ٩٣	عبدالقادر ١٣٢
رستم نامه ١٣	روض الجنان و روح الجنان ١٢٧
رسل نامه ٣٣٥	روض الظاهر في مناقب عبدالقادر ١٣٢
رشرات عين الحيوه ٢٤٨، ٢٨٥، ٣٨٣،	روضه الابرار ٣٧١
٨٣٧	روضه الاتقيا في ذكر الاوليا ٧٨٢-٧٨٣
رشد نامه ٣٠٣	روضه الاحباب في سيرة النبي وآل
رشديه ٣٠٣	والاصحاب ١٣١، ٢٤٠، ٢٤٥
رشيديه ١٩٠	روضه الازهار ٨٠٧
رشف النصايح الايمانيه في كشف فضايح	روضه الاصحاب ٢٦٢، ٣٧٣
اليونانيه ١٣٢، ١٨٥،	روضه الانشا ٧٧٧
رضائيه ٣١١	روضه الانوار ٢٠٠
رضي نامه ٢٢٣	روضه الاوليا ٣٠٧
رفع شبهه مما س شدن زحل مكره بومات	روضه التسليم ١٣٩
٢٧١	روضه الجمال ٣٣٥
رقيات التشبيهات على خفايا المختلطات	روضه الجنان ٣٩٢
بالجد اول ١٢٤	روضه السلاطين ٣٧٦، ٨٢٥
ركنيه السجدين ٦٦٣	روضه الشهاد ٢٣٦، ٣٣٧
رمز الوحي ١١٠	روضه الصفا ٨٠٧
رمل (رساله) ١٣٩	روضه الصفا في سيرة الانبياء والملوك والخلفا
رمل (كتاب) ١١٢-١١٣	٢٣٩
رمل (منظومه) ٣٣٠	روضه الصفاي ناصري ٢٣٠

روضة الطالبين وعمدة السالكين ٦٨

روضة الطاهرين ٣٥٧

روضة العقول ١١٨

روضة القلوب ١٣٩

روضة المجاهدين ٨٠٧، ٣٩٦

روضة المحبين ٧٦٥، ٣١٧

روضة المذنبين ١٠٩

روضة المناظر ٧٥٠

روضة المنجمين ٦٣

روضة الناظر ١٣٣

روضة الناظر ونزهة الخاطر ٧٥٧

روضة الواعظين ٢٣٢

روضة أولى الالباب في التواريخ والانساب

١٣٣

روضة اطهار ٨١٧

روضة بستان ٢٩٩

روضة خلد ٧٥٨، ٣٨٣

رياضا لعقول ١٢٤

رياضا لعقول ٧٨٢

رياضا الادوية ٣٩٩، ٢٨٢

رياضا الافكار ٣٩٧

رياضا الانشاء ٢٥٩

رياضا الاوليا ٨١٧

رياضا السير ٢٤٥

رياضا الصالحين ٢٦٣

رياضا الطالبين ٢٨٣

رياضا العاشقين ٧٨٧

رياضا الملوك في رياضات السلوك ٧٥٧

رياضة النفس ٦٨

رياضا رضوان ٣٧٦

زاد الآخرة زواري ٣٧٢

زاد الآخرة غزالي ٦٨

زاد السالكين ٧٦

زاد المتقين في سلوك اليقين ٨٠٥، ٣٧٠

زاد المسافرين حسيني ١٦٩

زاد المسافرين ناصر خسرو ٥٩

زاد المشتاقين ٨١٣

زاد العقويين ١٢٣

زايحة حامدي ٧٩٣

زبدة الآثار ٣٦٩

زبدة الادراك في هيئة الافلاك ١٣٨

زبدة الادوار ٢٦٢

زبدة الاسرار ٨٢٢

زبدة الالواح ٢٩٧

زبدة البيان في شرح آيات واحكام القرآن

٣٩٦

زبدة التواريخ ابوالقاسم كاشاني ١٥١،

٧٣٣

زبدة التواريخ بايسغري ٢٣٨

زبدة التواريخ حافظا برو ٧٧٣، ٢٣٨

زبدة التواريخ في ترجمة اشرف التواريخ

٢١٦

زبدة الحقايق عزيز نسفي ١١٢

زبدة الحقايق عيسن القضاء ١١١، ١٣٩،

٧٢٢، ١٩٣

زبدة السالكين ٤٠١

زبدة الطب ٧٢٧

زبدة الطريق ٢٨٢

زبدة الكلام ٣٥٧

زبدة النصر ونخبة العصر ١١٩

زبدة قوانين العلاج ٢٧٤

زجر النفس ١٣٥

زراشت نامه ١٧٣، ٧٢٣

زهد ١٠

زهدا لفاتح ٦٨

زهديات ١٠٩

زهرة وخورشيد ٢٢٥

زوراء ٢٦٧

زيح اشرفي ١٥٢

زيح الفاخر ٧١

زيح ايلخاني ١٣٩، ١٥٢، ٢٧١

زيح الغبيك ٥، ٢٥٠، ٢٦٨، ٢٧١، ٢٨٨

زيح جامع سعيدي ٢٧١

زيح خاقاني ٢٦٩

زيح سلطاني محمود كازروني ١٤٨

زيح سلطاني نجم الدين سترباريك ١٥٣

سحاب المطر ۶۶۳  
 سحر حلال ۴۴۰  
 سحریات ۵۹  
 سخنان خواجہ یار سا ۷۶۶، ۲۸۸  
 سد سکندری ۲۹۱  
 سراج العوارین ۲۴۱  
 سراج السالکین و لطایف العارفین ۸۱۷  
 سراج المسایرین ۷۲۰، ۱۰۹  
 سراج العالین ۴۴۵  
 سراج القلوب ۱۵۱  
 سراج المتعلمین ۷۸۲  
 سراج المسلمین ۲۹۱  
 سراجیہ ۷۵۳  
 سر سماء غیر متناہی و حروف متناہی  
 ۱۸۹  
 سر الاسرار ۳  
 سر البال فی اطوار سلوک اهل الحال ۱۳۸  
 سر البدایع ۷۲۸  
 سر المصون ۶۸  
 سر المکتوم فی اسرار النجوم ۶۸  
 سر لمکتوم فی مخاطبہ النجوم ۱۱۲  
 سرخ بت و خنک بت ۳۸  
 سر گذشت ناصر خسرو ۵۹  
 سرمد سلیمانی ۳۸۰  
 سر نامہ ۲۲۷  
 سرو و تذرو ۶۸۹  
 سربہ الاثر فی انجاس المقاصد و کشف  
 الملحات ۱۳۸  
 سعادتنامہ (در انشا) ۴  
 سعادتنامہ (شیختری) ۱۷۰  
 سعد و سعید ۴۵۸  
 سعدیہ ۴۰۶  
 سعی، لصفاء ۲۹۴  
 سفر ۱۱۵  
 سفر السعاده سید عبدالاول ۳۷۲  
 السعاده محمد بن حجه الاسلام عیانی  
 ۸۱۳  
 سفر نامہ جمالی دہلوی ۴۰۵، ۳۱۲  
 سفر نامہ روح ۴۴۷

زیج سنجر ۶۳  
 زیج فیات الدین جمشید ۲۶۹  
 زیج قطبی ۱۵۳  
 زیج ملخص میرزایی ۲۷۰  
 زیج ملکشاهی ۶۰  
 زیج بمینی ۷۰  
 زین الاخبار ۲  
 زینۃ الاوراق ۸۰۷  
 زینت نامہ ۹۷

## س

ساختن اسطرلاب ۲۶۹  
 ساز و پیرایہ شاهان ہرماہ ۱۴۵  
 ساقی نامہ اقدس ۵۱۷  
 ساقی نامہ امید دہرازی ۴۴۱  
 ساقی نامہ یرتوی ۴۶۵  
 ساقی نامہ ثنائی ۴۱۷  
 ساقی نامہ شکبہ ۴۲۳  
 ساقی نامہ صوفی مازندرانی ۵۳۸  
 ساقی نامہ ظہوری ترشیزی ۴۴۵، ۸۲۶  
 ساقی نامہ عرفی ۴۱۷  
 ساقی نامہ غریبی بلیانی کازرونی ۷۱۰  
 ساقی نامہ ملا احمد استرآبادی ۶۶۶  
 ساقی نامہ نوعی ۸۲۴  
 سام نامہ ۱۴  
 سام نامہ خواجو ۲۰۰  
 سائر ۷۲۴  
 سیحۃ الابرار ۴۴۵، ۲۸۷  
 سیحۃ فی النصائح والحکم ۲۸۸  
 سیمزیری ۷۲۱  
 سبعۃ جامی ۲۸۷  
 سبعۃ سیارۃ علی شیر ۲۹۱  
 سبعۃ سیارۃ قاضی نور اللہ ۶۶۳  
 سبعۃ نویدی و عہدی شیرازی ۴۴۴  
 ستہ ضروریہ ۲۹۱  
 ستہ ضروریہ طبیہ ۳۹۹  
 شینی ۱۱۳  
 سجنجل ۸۰۷  
 سجنجل الارواح ۱۱۶

سفرنامه ناصر خسرو ۶۹

سفرنامه نزاری ۱۷۰

سفینه السکینه ۳۸۰

سفینه مراد ۶۷۳

سکینه السالکین ۱۱۶

سلاح نامه علایی ۷۱

سلامان و ایساں ۱۴

سلامان و ایساں جامی ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۹۰

سلب اوصاف ۱۸۸

سلجوقنامه ۱۵۰

سلجوقنامه ظہیر الدین لیشابوری ۸۸،

۱۱۹، ۲۳۸

سلجوقنامه قانعی ۱۶۱

سلسلۃ الذهب ۲۸۷، ۵۴۹

سلسلۃ الصدیقین ۴۰۱

سلسلۃ العارفین ۳۸۳، ۷۷۸، ۷۸۰، ۸۱۷

سلسلۃ العارفین و تذکرۃ الصدیقین ۲۶۴،

۲۸۳

سلسلۃ النقشبندیہ ۲۸۸

سلسلۃ نامۃ خواجگان نقشبند ۳۸۰،

۴۰۶

سلسلۃ عالیہ ۷۸۱

سلطان نامہ ۷۲۸

سلطانیہ ۱۴۳

سلم السلوک ۱۸۵

سلم السماوات ۸۱۳

سلم السماء ۲۶۹-۲۷۰

سلوان المطاع ۷۵۷

سلوۃ الطالبین ۳۰۳

سلوۃ العاشقین ۷۲۲

سلوۃ العاشقین و سکنۃ المشتاقین ۱۴۸

سلوۃ القلوب روزبہان ۷۲۲

سلوۃ القلوب شاہ داعی ۳۱۱

سلوک سہروردی ۱۴۲

سلوک شاہ ولی ۱۸۹

سلوک نجم الدین کبری ۱۱۶

سلوک نور بخش ۳۱۹

سلوک الرجال ۴۰۲

سلوک الطريق اذا فقد الرفیق ۴۰۲

سلوک النزاہۃ ۴۰۲

سلوک الملوک ۲۵۲

سلیمان و بلقیس ۳۶۴

سلیمانیہ ۸۱۴

سلیم نامۃ ادایی ۳۳۹

سلیم نامۃ ادريس بدلیسی ۲۵۴

سماعیہ ۴۰۱

سمرقندیہ ۱۰۹

سمط العلی للحضرة العلیا ۱۴۹

سمع الظہیر فی جمع الظہیر ۱۰۰، ۱۲۸

سمک عیار ۱۳۳، ۷۵۵

سموم ابن فندق ۱۲۳

سموم عماد الدین محمود شیرازی ۳۹۹

سنابل ۵۴۰

سنجریہ فی الکائنات النصریہ ۱۳۱

سندیاد نامہ ۱۱، ۲۱، ۲۹-۳۰، ۵۳، ۱۲۸

سندیاد نامۃ ظہیری سمرقندی ۱۰۰

سند خرقہ و سؤال و جواب سلطان سکندر

۱۸۹

سواد الاعظم ۷۱۶

سواد العین خفزی ۳۸۵

سواد العین دوانی ۲۶۷

سواطع الالہام ۳۶۴

سواطع المریخ ۲۴۷

سؤال صاحب دیوان ۱۶۸

سؤال وجواب ۱۸۹

سؤال وجواب امام علی حکیم ترمذی

۱۸۹

سؤال وجواب بابا افضل ۱۴۵

سؤال وجواب قاسم انوار ۲۹۲

سؤال وجواب ملا عصمہ اللہ ۷

سؤال وجواب ہندوستان ۳۸۸

سوانح الایام فی مشاہدات العوام ۱۹۰

سوانح فی معانی العشق ۱۱۱، ۶۹

سورة آل عمران ۲۴۶

سورة اخلاص ۴۲۸

سورة يوسف ۱۸۳، ۲۴۴

سوز و گداز احمد جام ۱۰۹

سوز و گداز نوعی خوبشانی ۴۳۴، ۸۲۴





- شرح اثبات الواجب دوانی ۶۹۱  
 شرح اربعین نووی فسیح الدین بن عبد  
 الکریم نظامی ۴  
 شرح اربعین نووی مصلح الدین لاری  
 ۳۵۶  
 شرح ارشاد الهادی تفتازانی ۲۷۳  
 شرح ارشاد فی الفروع الشافعیة وتعلیقه  
 ۳۵۶  
 شرح اسماء الله الحسنی شاه ولی ۱۸۹  
 شرح اسماء الله الحسنی صدر الدین قونیوی  
 ۱۵۰  
 شرح اسماء الله الحسنی فخر رازی ۱۱۲  
 شرح اسماء الله میر سید علی همدانی ۴  
 شرح اشارات شیخ اشراق ۱۱۰  
 شرح اشارات فخر رازی ۱۱۲  
 شرح اشعار امام علی بن ابی طالب ۸۱۸  
 شرح اشکال التامیس سمرقندی ۶۹۱  
 شرح اصطلاحات وسیط شیخ کمال المله والدین  
 بطریق الجدید ۱۸۹  
 شرح اصول بزدوی ۲۶۵  
 شرح اصول کافی ۱۳۸  
 شرح الاحادیث الاربعینیة ۱۵  
 شرح التعرف لذهب التصوف ۲۹  
 شرح التفتیز ۸۱۲  
 شرح التهافت ۱۳۸  
 شرح الحجب والامتار فی مقامات اهل الانوار  
 ۷۲۱  
 شرح الحماسة ۱۲۴  
 شرح الشفا العوض لبيان شرف المصطفى  
 ۳۹۴  
 شرح الشمسية ۳۷۰  
 شرح الصدور بتفسیر آية النور ۳۷۰  
 شرح الفصول البقراط ۱۹۰  
 شرح القلب ۱۱۴  
 شرح الكنوز وکشف الرموز ۲۴۴  
 شرح الملخص جفیننی ۸۰۷  
 شرح الموجز المعجز ۱۹۳  
 شرح الموجز فی الطب ۲۷۲  
 شرح الواصلین پیر جمالی ۲۴۴، ۳۱۲  
 شرح الواصلین جمالی دهلوی ۴۰۵  
 شرح الوقایه ۳۹۵  
 شرح الوقایه صدر الشریعة بخارایی ۱۵۵  
 شرح الولد سراجیه ۴۰۱  
 شرح الهیات تجرید ۳۹۶  
 شرح ایساخوجی حکیم شاه محمد ۲۷۷  
 شرح ایساخوجی سروری ۳۹۳  
 شرح باب حادی عشر ۳۶۸  
 شرح برزوراء ۲۶۷  
 شرح بهشتی ۳۹۵  
 شرح بوستان ۳۹۳  
 شرح بیت حضرت امیر خسرو دهلوی  
 ۱۹۶  
 شرح بیت قران السعدین خسرو دهلوی  
 ۲۸۸  
 شرح بیتی از حافظ ۲۶۷  
 شرح بیتی از گلشن راز ۲۶۷  
 شرح بیتین از مثنوی مولوی ۲۸۸  
 شرح بیست باب اسطرلاب ۳۸۴  
 شرح بیست باب خواجه نصیر از عبدالکریم  
 نظامی ۲۶۹  
 شرح بیست باب خواجه نصیر از کمال الدین  
 حسین اردبیلی ۶۹۱  
 شرح بیست باب خواجه نصیر از محمد برسی  
 ۲۷۲  
 شرح بیست باب خواجه نصیر از نظام الدین  
 حسینی ۲۷۱  
 شرح بیست باب عبدالعلی بیرجندی ۸۰۶  
 شرح تجرید احمد ابیوردی ۳۹۲، ۴۴۲  
 شرح تجرید الفوائد ۳۷۵  
 شرح تجرید القواعد خواجه نصیر ۱۹۱  
 شرح تجرید خواجه نصیر ۲۶۹-۲۷۰،  
 ۵۴۸  
 شرح تجرید قوشچی ۲۶۶، ۶۶۳  
 شرح تجرید کمال پاشا زاد ۸۱۱  
 شرح تجرید ملا علی قوشچی ۲۶۶، ۶۶۳  
 شرح تجرید منصور دشتکی ۲۷۶  
 شرح تجرید میر سید شریف ۷۹۰  
 شرح تجرید پراقلیدس ۶۹۱

شرح تحریر مجسطی ۳۸۴

شرح تحفة العراقین مولوی حسن ۱۰۴

شرح تحفة العراقین مولوی عبدالبادی  
۱۰۴

شرح تحفة العراقین مولوی کریم الدین  
۱۰۴

شرح تحفة العراقین میر محمد اسماعیل خان  
ابجدی ۱۰۴

شرح تذکرة النصیر یہ ۲۸۳، ۶۹۱

شرح تشریح الافلاک ۶۶۳

شرح تصریف عزی ۱۹۱

شرح تصور و تصدیق شمسیہ ۱۹۱

شرح تلخیص ، محمد

۷۸۲

شرح تمہیدات ۱۹۶، ۷۲۲

شرح تہافت کمال پاشا زادہ ۸۱۲

شرح تہذیب اصول ۳۶۸

شرح تہذیب الاصول علامہ ۶۹۱

شرح تہذیب المنطق والكلام تفتازا  
۲۶۷

شرح ثلاثیات بخاری ۳۹۴

شرح ثمرۃ یطیلموس ۱۳۹

شرح جام جهان نماى احمد بن موہ  
۷۶۳

شرح جام جهان نماى نعمت اللہ ۷۶۳

شرح جام جهان نماى وجیہ الدین علوی  
۷۶۳

۷۶۳

شرح جامی ۶۶۳

شرح جواهر الاسلام ۷۸۰

شرح چنمنی ۶۶۳، ۶۹۱

شرح حال عرفا ۲۸۸

شرح حدیث ۱۵۰

شرح حدیث ابی ذر العقیلی ۲۸۸

شرح حدیث اربعین ۲۸۸

شرح حدیث الناس یتام ۷۵۰

شرح حکمت الاشراف ۱۴۷، ۲۶۳

شرح حکمة العین ۲۶۸، ۳۳۲

شرح خطبة البیان ۶۵۶

شرح خطبة العبدی ۶۶۳

شرح خطبة مواقف ۶۶۳

شرح داود بن علی شاد یا بادی ۸۱

شرح دایرة علی بن ابی طالب ۶۸

شرح درالنظیم فی خواص قرآن العظیم ۸۰۶-  
۸۰۷

شرح دعاء الصباح والمساء ۶۶۳

شرح دیباچہ طوالح الانوار بیضاوی ۲۶۷

شرح دیباچہ گلستان سعدی ۳۹۰

شرح دیوان حافظ بقرکی ۳۹۳

شرح دیوان حافظ سودی بسنوی ۲۰۶،  
۸۱۸

شرح دیوان حافظ شععی ۸۱۸

شرح دیوان حافظ مصطفی سروری ۲۰۶

شرح دیوان حضرت امیر ۲۶۸

شرح دیوان علی بن ابی طالب ۲۶۸

شرح رباعی ابوسمید ابوالخیر ۶۶۳،  
۷۹۵

شرح رباعیات جامی ۲۸۸

شرح رباعیات دوانی ۲۶۷

شرح رباعیات یعقوب چرخ ۲۶۵

شرح رباعیات یعقوب صرفی ۴۷۰

شرح رباعی حورائیه ۷۹۵

شرح رساله الادوار شهاب الدین صیرفی  
۷۳۲

شرح رساله الادوار فی حل الاوتار ۷۳۲

شرح رساله الادوار لطف اللہ صرقتدی  
۷۳۲

شرح رساله الطیر ابن سینا ۳۱

شرح رساله الطیر ابن فندق ۱۲۴

شرح رساله الطیر زین الدین ساوجی ۱۳۰

شرح رساله العلم ۱۳۸

شرح رساله الوضع عضد الدین ایچی ۲۸۸

شرح رساله فی جواهر المفارق ۲۶۷

شرح رساله اثبات واجب دوانی ۳۹۳

شرح رساله جعفریہ ۳۶۸

شرح رساله در بیان طریق شطار ۱۱۶

شرح رساله ذوالاعتبار ۳

شرح رساله زوراء ۳۵۶

شرح رساله طریق شطار ۱۱۶

- شرح رسالة علاءة قوشچی در تفصیل قوس-  
 الليل وقوس النهار ۶۰۸  
 شرح رسالة قشیریه ۷۸۱، ۱۹۶  
 شرح رسالة معمای جامی ۳۹۳  
 شرح رسالة معمای علی کر ۳۹۳  
 شرح رسالة میر حسین معمای ۶۳۱، ۳۹۳  
 شرح رسالة نجم الدین کبری ۲۵۶  
 شرح رسالة نفس الامر ۷۵۰  
 شرح رسالة هیئت علاء علی قوشچی ۴۵۶  
 شرح زیج الخ بیک ۳۸۴  
 شرح سراجیه ۷۵۳  
 شرح سقط الزند ۱۱۳  
 شرح سؤال کمیل از حقیقت ۱۸۸  
 شرح سورة یوسف ۱۲۶۰  
 شرح سی فصل بدرد طبری ۲۷۱  
 شرح سی فصل علامه دوانی ۲۶۷  
 شرح شاقیه ابن حاجب ۲۷۰  
 شرح شبستان خیال ۳۹۳  
 شرح شش دفتر مثنوی ۶۶۴  
 شرح شعر البحتری و ابی تمام ۱۲۴  
 شرح شفای قاضی عیاض ۷۷۴  
 شرح شمایل ۳۹۴  
 شرح شمسیه ۶۹۱، ۶۶۳  
 شرح شمسیه در حساب ۸۰۷  
 شرح شمسیه سید محمد همدانی ۷۷۳  
 شرح شمعی ۲۰۶  
 شرح شواهد مطول ۶۸۹  
 شرح شواهد مفتی اللیب ۶۸۹  
 شرح شهاب الاخبار ابن فندق ۱۲۴  
 شرح شهاب الاخبار حسین بن علی رازی  
 ۱۲۷  
 شرح شهاب الاخبار قطب الدین راوندی  
 ۷۲۹  
 شرح صد کلمه علی بن ابی طالب رشید و طواط  
 ۹۲  
 شرح صد کلمه علی بن ابی طالب قطب الدین  
 راوندی ۷۲۹  
 شرح صد کلمه علی بن ابی طالب  
 مبدی ۷۷۹
- شرح صراط المستقیم ۳۶۹  
 شرح طوالع ۳۳۲، ۲۶۵  
 شرح طوالع الانوار ۳۷۶  
 شرح عضدی ۳۷۶  
 شرح عقاید العضدیه ۸۱۵، ۲۷۷، ۲۶۷  
 شرح عقاید اهل الاسلام ۷۸۲  
 شرح غزلی از حافظ ۲۶۷  
 شرح غنیه الطالبین ۳۷۱  
 شرح فارسی دعای اقلونی یا ثقاتی ان فی  
 قتلی حیونی ۷۵۰  
 شرح فارسی رسالة فی الموضع ۲۶۳  
 شرح فرایض دانشمند ۳۹۲  
 شرح فرایض سراجیه ۱۹۱  
 شرح فصوص الحکم بابا افضل ۱۴۵  
 شرح فصوص الحکم جامی ۲۸۸  
 شرح فصوص الحکم صابن الدین علی سرکه  
 ۴۵۱، ۲۷۵  
 شرح فصوص الحکم کمال الدین عبدالرزاق  
 ۷۵۸  
 شرح فصوص الحکم میر سید علی همدانی  
 ۷۵۳  
 شرح فصوص شاه ولی ۱۸۹  
 شرح فقه الاکبر ابو حنیفه ۱۹۶، ۳۹۴،  
 ۸۳۴  
 شرح فواید البهائیه ۳۸۵، ۲۸۳  
 شرح فواید النیائیه ۲۷۳  
 شرح قانون ۱۸۳  
 شرح قصیده القائیه فی احوال النفس ۲۶۷  
 شرح قصیده ابن الفارض ۲۷۵  
 شرح قصیده بدایع الاسرار فی صنایع الاشعار  
 ۷۵۵  
 شرح قصیده برده جامی ۲۸۸  
 شرح قصیده برده شرف الدین علی یزدی  
 ۲۴۹  
 شرح قصیده برده فضل الله بن روزبهان  
 ۲۵۲  
 شرح قصیده برده محمد بن جلال بن سلیمان  
 ۸۱۰  
 شرح قصیده قائیه ابن الفارض ۲۸۸

- شرح قصیده عطار ۲۸۸  
 شرح قواعد التوحید ۷۷۹  
 شرح کافیہ جامی ۶  
 شرح کافیہ حکیم شام محمد ۲۷۷  
 شرح کافیہ رضی الدین استرآبادی ۱۹۱  
 شرح کافیہ ملا علی قوشچی ۲۷۰  
 شرح کافیہ میر سید شریف ۱۹۱  
 شرح کتاب النفس ارسطو ۳۱  
 شرح کلمات قصار طاهر عریان ۷۱۵، ۷۲۲  
 شرح کلمات قصار علی بن ابی طالب ۷۲۹  
 شرح کلمتی الشہادہ ۲۶۷  
 شرح کلمۃ توحید ۳۹۸  
 شرح گلشن راز احمد بن موسی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز احمد فانی شیرازی دہدار ۶۵۶  
 شرح گلشن راز ادریس بن حسام الدین بدلیسی ۷۴۲، ۴۵۴، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز اسیری ۷۴۲، ۳۴۱  
 شرح گلشن راز امین الدین تبریزی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز جلال الدین دوانی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز حاج محمد ابراهیم سبزواری ۱۶۹  
 شرح گلشن راز حسین بن اسمعیل قاسمی ۲۶۲  
 شرح گلشن راز سید یحیی خلوتی ۷۸۳  
 شرح گلشن راز شاه جلال بخاری ۸۱۲  
 شرح گلشن راز شاه داعی شیرازی ۷۴۲، ۷۸۲  
 شرح گلشن راز شاه نعمت اللہ ولی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز شجاع الدین کربالی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز شمس الدین اسیری لاهیجی ۷۴۲، ۳۴۱  
 شرح گلشن راز شیخ بابا نعمت اللہ نخجوانی ۷۴۲، ۲۸۲، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز شیخ زاده لاهیجی ۷۴۲، ۷۸۹  
 شرح گلشن راز صابن الدین علی ترک ۴۵۱  
 ۷۷۹، ۷۴۲  
 شرح گلشن راز عبدالرحیم خلوتی ۷۴۲  
 شرح گلشن راز قاضی حسین میبدی ۲۶۸، ۷۴۳  
 شرح گلشن راز کمال الدین حسین اردبیلی ۶۹۱، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز محمد بن یحیی بن علی لاهیجی ۱۶۹  
 شرح گلشن راز مظفر الدین علی شیرازی ۷۴۲، ۱۶۹  
 شرح گلشن راز معین الدین محمد دہدار ۷۴۲  
 شرح گلشن راز منسوب بہ عبدالرحمن جامی ۱۶۹  
 شرح لمعات برهان الدین ختلانی ۱۶۴، ۷۴۱، ۲۸۴  
 شرح لمعات خاوری ۱۶۴  
 شرح لمعات درویش علی بن یوسف ۱۶۴  
 شرح لمعات شاه ولی ۱۶۴، ۱۸۹  
 شرح مائتہ عامل ۲۸۸  
 حدوث العالم نمودج دوانی ۶۶۳  
 شرح مثنوی جامی ۲۸۸  
 شرح مثنوی حسین کاشفی ۲۴۷  
 شرح مثنوی سروری ۳۹۳  
 شرح مثنوی شاه داعی ۷۸۷، ۳۱۱  
 شرح محمد بن عبدالرزاق دنبلی ۸۱  
 شرح مختصر الاصول ۱۸۳  
 شرح مختصر الاصول ابن حاجب ۱۴۷  
 شرح مختصر الاصول عضدی ۱۹۱  
 شرح مختصر دیوان حافظ ۸۱۸  
 شرح مختصر عضدی ۶۶۳  
 شرح مخزن الاسرار ۲۸۸  
 شرح سراج الارواح سروری ۳۹۳  
 شرح سراج الارواح کمال یاسازاده ۸۱۲  
 شرح رموز الحکمہ ۱۳۸  
 شرح مشکلات المقامات الحریریہ ۱۲۳  
 شرح مشکلات چغمینی ۳۸۵  
 شرح مشکلات گلستان سعدی ۸  
 شرح مشکلات دیوان حافظ ۲۰۶

محمد فرکاوئی قادری ۷۱۸  
 شرح منازل السائرین میر کمال الدین حسین  
 ابن شهاب الدین اسمعیل طیبی گازی  
 گاهی هروی ۷۱۸، ۲۸۴  
 شرح منازل السائرین یوسف بن عبداللہ  
 کورانی ۷۱۸  
 شرح مواقف عضد الدین ایجی ۱۹۱، ۳۳۲،  
 ۵۶۱، ۶۹۱  
 شرح نزہۃ الارواح ۵۴۰، ۷۴۲  
 شرح نصاب الصبیان ابن حسام ۹۰  
 شرح نصاب الصبیان عبدالکریم دشت بیاضی  
 ۲۷۵  
 شرح نصاب الصبیان محمد بن فصیح دشت  
 بیاضی ۹۰  
 شرح نصاب الصبیان محمد حسین طالقانی  
 ۹۰  
 شرح نصاب الصبیان محمد قہستانی ۲۷۵  
 شرح نصاب الصبیان میر سید شریف ۹۰  
 شرح نصاب الصبیان نظام بن کمال هروی  
 ۲۷۵  
 شرح نقایہ ۳۸۴  
 شرح نقایہ مختصر الوقایہ ۲۸۸  
 شرح نہج البلاغۃ ابوالحسن بیہقی ۲۴۷  
 شرح نہج البلاغۃ الہی اردبیلی ۶۹۱  
 شرح نہج البلاغۃ عزالدین آملی ۳۹۶  
 شرح نہج البلاغۃ فتح اللہ کاشانی ۳۷۴  
 شرح نہج البلاغۃ فخر الدین زواری ۳۷۱  
 شرح نہج البلاغۃ قطب الدین راوندی  
 ۷۲۹  
 شرح نہج الدعوات ۶۹۱  
 شرح ورد المریدین ۵۴۰  
 شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی ۲۵۲،  
 ۷۲۲، ۷۷۵  
 شرح وقایہ محمد صالح جرزوئی ۴۰۲  
 شرح وقایہ ملا صالح ۱۵۵  
 شرح ہدایہ اثیریہ ۲۷۳، ۳۴۰، ۶۹۱  
 شرح ہدایہ کمال پاشا زادہ ۸۱۱  
 شرح ہدایہ مہدی ۶۶۳، ۷۰۶  
 شرح ہیاکل النور دوانی ۴۶۷، ۷۷۹  
 شرح ہیاکل النور منصور دشتکی ۳۷۶  
 شرح یمینی ۷۵۵

شرح مشکوٰۃ المصابیح ۸۳۴  
 شرح مصابیح ۷۳۱  
 شرح مطالع ۶۹۱، ۷۹۰  
 شرح مطالع باغزوی ۳۸۹  
 شرح مطالع ساقی استرابادی ۴۶۴  
 شرح مطالع کمال الدین حسین خوازمی  
 ۶۸۹  
 شرح مطالع میر سید شریف ۱۹۱  
 شرح مطول ۱۹۱  
 شرح معنیات میر حسین معمایسی ۲۸۸،  
 ۲۹۳  
 شرح معینہ ۲۸۸، ۲۹۳  
 شرح معنی ۶۳۳  
 شرح معانی الغیب ۲۸۸  
 شرح مفتاح ۳۸۶  
 شرح مفتاح العلوم سکاکی ۱۹۱  
 شرح مفصل دیوان حافظ ۸۱۸  
 شرح مقاصد ۵۴۸  
 شرح ملا صالح ۴۰۳  
 شرح منار الانوار ۲۸۳، ۳۸۵  
 شرح منازل السائرین ابراہیم حنبلی  
 ۷۱۸  
 شرح منازل السائرین ابو یعقوب یوسف  
 ہمدانی ۷۱۸، ۲  
 شرح منازل السائرین زین الدین خوافی  
 ۷۱۸  
 شرح منازل السائرین سدید الدین ابو محمد  
 عبدالمعطی بن ابوالثنا محمود بن  
 عبدالمعطی لخمی اسکندری ۷۱۸  
 شرح منازل السائرین شمس الدین شبستری  
 ۷۱۸  
 شرح منازل السائرین شمس الدین محمد  
 تبادکانی ۷۸۱  
 شرح منازل السائرین عبدالرؤف مناوی  
 ۷۱۸  
 شرح منازل السائرین عقیب الدین سلیمان  
 ابن علی تلمسانی ۸۱۸  
 شرح منازل السائرین کمال الدین عبدالرزاق  
 کاشانی ۷۱۸، ۷۵۸  
 شرح منازل السائرین محمود بن حسن بن

شمع و پروانه اهلی شیرازی ۳۹۰، ۴۴۰	شرحینا بیع ۷۶۸
شمع و پروانه خاکی و سروشی بلخی ۵۸۷	شرح یوسفی ۲۰۵
شمع و پروانه عبدالله شبستری ۳۴۰	شرف الانسان ۳۹۰
شمع و پروانه کمال الدین تاشکندی ۶۲۵	شرف الباهر ۱۳۲
شیر نامه ۳۶۶	شرف نامه احمد منیری ۲۵۸
شوا کل الحور ۷۷۹	شرف نامه شاهی ۴۸۸
شواهد النبوه ۳۹۰	شرف نامه شرف الدین بدلیسی ۳۸۲
شواهد النبوه لتقویه یقین اهل المشوه	شرف نامه نظامی ۱۰۵
۲۸۸	شرفیه صفی الدین ارموی ۱۴۷
شهاب الاخبار ۱۲۴، ۱۲۷، ۷۲۹	شرفیه منشی شیرازی ۳۹۸
شهر آشوب العثی عراقی ۴۵۲	شروط ۱۵۵
شهر آشوب سید کاظم کاظمی هروی ۷۸۹	شریفة النوریه ۱۸۹
شهر آشوب شقایب اصفهانی ۵۱۵	شریفیه در معما ۳۲۵
شهر آشوب عزیز سیاهی حسنی ۴۳۰	شریفیه میر سید شریف ۷۵۳
شهر آشوب لسانی شیرازی ۴۳۶	شش فصل ۲
شهر آشوب وحیدی قمی ۵۶۷	شطریات ۱۰۹
شهرانگیز برای مردم تبریز ۷۰۷	ب الامام ۱۵۰
شهریار نامه ۱۴	شعب الایمان ۴۷۲
شهریار نامه مختاری ۷۷	شفا ۱۳۰، ۵۲۰
شه نشاء نامه قاسمی ۵۰۸	شفاء الاسرار ۷۸۳
شیبانی نامه ۳۱۰	شفاء الاسقام ۲۷۳
شیبیه جلال الدین کاشانی ۷	شفاء السالك فی ارسال مالک ۳۹۴
شیبیه محتشم ۴۴۴	شفا علی الغلیل فی بیان مسائله التعلیل ۶۸
شیخ مستعان (قصه) ۲۹۱	شفای قاضی عیاض ۷۷۴
شیراز نامه ۱۸۶	شق القمر ۴۵۱
شیرین و خسرو خسرو دهلوی ۷۱	شقایق دقایق نعمانی ۷۸۱-۷۸۰
درویش اشرف ۳۰۹	شکار نامه ۱۹۶
رین و خسرو محسن فانی رازی ۶۵۸	شکار نامه خسروی ۷۱-۷۲
شیرین و خسرو هاتمی ۳۱۵	شکایت نامه ۴۳۷
شیرین و فرهاد ۱۴	شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان
شیرین و فرهاد وحشی ۱۷۷، ۴۳۵، ۷۰۸	۱۱۱
۸۲۵	شمار نامه ۲
ص	شمایل النبی ۴۵۷، ۲۵۶
صاحبه ۱، ۱۱۱، ۷۲۲	شمایل ترمذی ۷۰۵
صاحبه سعدی ۱۶۸	شمس الآفاق ۷۸۴
صائیه ۴۴۴	الحسن ۷۵۹
صاحح المعجم ۱۸۴	شمسه و قهقهه ۳۶۲
صاحح الفرس ۷۵۲	شمع دل افروز ۴۴۵
	امین الدین نزل آبادی ۳۰۴

صفوة الأخبار ٢٤١  
 صفوة الصفا ٣٧٣  
 صفوة اهل التحقيق ٢٢٢  
 صفوة مشارب المشق ٧٢٢، ١٠٩  
 صفيير سيمرغ ١١٠  
 صلصلة الجرس ٥٤٩  
 صلوة مسعودي ١٥٥  
 صنايع الحسن ٨٢٥  
 صنايع شمس ٢٠٩  
 صندوق العمل ١١٠  
 صنعت تطبيع اسطرلاب ٣٢٦  
 صوارم المهرقه ٦٦٣، ٣٨١  
 صواعق المحرقه ٦٦٣، ٣٨١  
 صوان الحكمه ١٢٤  
 صوت (آهنگ) ٦٠١  
 صور الاقالييم والمسالك والممالك اصطخرى  
 ١٣٩، ٧١  
 صور الكواكب ١٣٩  
 صورت ومعنى ٤٢١  
 صوفية نقشبندي ٨١٧  
 صولة البازل الامون على ابن اللبون ١١١  
 صيحه وصدا ٢٦٦  
 صيقل الارواح ١٦٠

### ض

ضرويات ٣٤٣  
 ضوابط طب ٢٣٧  
 ضوء ١٦٣  
 ضوعا المعاني ٧٧٩، ٤٥١، ٢٧٥  
 ضياء الشهاب في شرح الشهاب ٧٢٩  
 ضياء العقل ٦٠  
 ضياء القلوب ٣٩٨

### ط

طاعون وجواز فرار عنه ٢٥٤  
 طالع مسائل ٣٨٦  
 طالع نامه ٣٨٦  
 طب الملوكي ٧٢٧  
 طب سكندري ٨١٣

صباح اللغة ١٣٦  
 صباح عجميه ٣٩٥  
 صحايف السلوك ١٩٦  
 صحبت نامه عمادقيه ٢٠٢  
 صحبت نامه همام نيريزي ١٦٨  
 صحت ومرض ٢٢٧  
 صحيح السنن ٣  
 صحيح بخاري ٢٧٢، ٢٧٢، ٤٥١  
 صحيفة الاخلاص ٨٠٧  
 صحيفة الارقام ٨٢٣  
 صحيفة العشاق ٣٣٠  
 صحيفة الموده ارجوزة في المكاتبات الى اعز  
 واحبا به ٣٧٠  
 صحيفة النور في الحكمه ٣٨٦  
 صحيفة لاويب ٤٣٣  
 صحيفة شاهي ٢٤٧  
 صدي باب در معرفت اسطرلاب واثبات واجب  
 ١٣٩  
 صديند عبيدزادگاني ٢٠١  
 صدينده طار ١١٥  
 صد كلمة على من ابى طالب ٩٢، ٢٨٨، ٣٠٩  
 ٧٧٩، ٧٢٩  
 صديمدان ٧١٧  
 صدور خلق از حضرت حق ١٣٨  
 صراح من الصحاح ١٤٦  
 صراط المستقيم حسييني هروي ١٦٩  
 صراط المستقيم محمد بن حجة الاسلام عياني  
 ٨١٣  
 صرف ٣٨٨  
 صرف على اكبر ثابته هروي ٦٧٣  
 صرف مير ١٩١  
 صرف هوايي ٥٩٥  
 صريح الملك ٣٠٣  
 صغرى ١٩١، ٢٧٣  
 صفات اشما نيه ٢٥٤  
 صفات العاشقين ٣٠٩  
 صفات نامه ٢٠٢  
 صفت الفقراء ٣  
 صفوة المشارب في المشق ٧٢٢، ١٠٩



طب منصورى ۷۱۵، ۲۳

طب منظوم ۲۳۷

طب نامى ۳۵۹

طب يوسفى ۲۸۲

طبقات اكبر شاهى ۳۵۹، ۳۵۷

طبقات اكبرى ۲۵۹، ۴۶۶، ۵۳۴، ۵۵۷

طبقات الجلاليه ۲۶۷

طبقات الشعراء فى مدح الخلفاء والوزراء ۷۱۴

طبقات الصوفيه ۷۱۷، ۳۲۸، ۵۸

طبقات الفقهاء ۸۱۲

طبقات المشايخ ۷۱۷

طبقات محمود شاهى ۲۴۱

طبقات محمودى ۶۴

طبقات مسعودى ۶۴-۶۵

طبقات ناصرى ۷۱۳، ۱۳۵

طبيعيات ۶۰

طراز الاياله ۳۱۱

طراز الذهب ۷۴۹

طراوة الطرايف فى ترجمه كتاب الطرايف ۳۷۱

طرايف فى معرفه مذهب الطوايف ۳۷۱

طرايق الوسائل الى حدائق الرسائل ۱۲۳

طربخانه باخرى ۵۳

طربخانه رشيدى تبرى ۸۰۷، ۳۹۷

طربخانه يار احمد تبرى ۸۰۷، ۲۵۷

طرب نامه ۳۸۵

طربى ۱۱۶

طريق الافاده فى شرح سفر السعاده ۳۶۹

طريق التحقيق ۷۶

طريق الفويم ۳۶۹

طريقى ۱۱۱

طريقه النقشبنديه ۲۶۳

طريقى ۲۰۲

طريق خوردن چوب چينسى و فوايد آن ۳۹۹

طغراى همايون ۲۹۴

طليعه العلوم ۴۴۷، ۳۸۶

طوارق الانوار ۱۱۰

طوالع ۷۳۰، ۳۳۲، ۲۶۵

طوالع الانوار ۳۵۶

طوالع التنوير ۱۱۶

طوالع خموس ۷۳۸

طوطى نامه ۱۸۵

طهارة النحر ۳۹۶

طبيبات ۱۶۸

طبر ابن مينا ۱۲۴

طير غزالى ۶۸

## ظ

ظفر الامانى فى مختصر الجرجانى ۱۹۱

ظفر نامه ابن سينا ۳۱

ظفر نامه احمد آبار ۳۶۴

ظفر نامه احمد حاونى شاه ۲۴۱

ظفر نامه حمد الله مستوفى ۱۴۳

ظفر نامه شامى ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۵۰

ظفر نامه شرف الدين على بن دى ۲۴۸، ۲۴۱

ظفر نامه على بن ملوك منشى ۲۵۳

عادات السادات وصادات العادات ۴۴

عارف الآثار ۸۰۸

عالم آراى امينى ۲۵۱

عبارة الفصيحه فى الوعظ والنصيحه ۴۰۲

عباس نامه منظوم ۵۱۲

عبد الله نامه ۴۸۸

عبد الله نامه حادى هروى ۵۸۹

عبرت الناظرين ۷۵۷

عبرت نما ۳۹۰

عبيد الماشقين ۷۲۳

عنه الكتبه ۲

عجالة الناسك فى انتخاب المناسك ۴۰۲

عجايب البلدان ۲۶۱

عجايب البلدان صاعد بن على گرگانى ۷۷۷

عجايب البلدان عبد العلى بيرجندى ۸۰۷

عجايب الرايب ۲۹۴

عجايب المخلوقات ٢٩٣  
عجايب المخلوقات و غرايب الموجودات ١٤٦  
عجايب المقدور في نوايب آل تيمور ٢٧٩  
عجايب بلدان ٢٨٠٢٠  
عجايب صنع الله ٦٨  
محلة سماويه ٢٦٢  
مدعى الداعى ٣٧١  
عبدل شاهی ٣١  
عدم جواز اخذ الاجرة للقرائة ٣٩٥  
عدم نامه ٦٨٣  
عدن و حور ٥٨٥  
عراضه في الحكايات السلجوقيه ١٨٧  
عرايس ١٠٩، ٧٢١  
عرايس البيان في حقايق القرآن ٧٢١  
عرايس النفايس ١٢٣  
عرش نامه ٧٦٥  
عرض ٢٦٦  
عرض نامه با افضل ١٤٥  
عرض نامه دواني ٢٦٦  
عرفات العاشقين ٣٧٩، ٦٦٠  
عرقان في خلق الانسان ٧٢١-٧٢٢  
عروة ٢٨٨  
عروة الوثقى شهابي ٧٦٩  
عروة الوثقى صلاح الدولة سماني ١٤٨  
عروة لاهل خلوة و جلوة ١٤٨، ٧٣٣  
عروص (رسالة) ٢٨٨  
عروص (رساله در) ٥٩٣  
عروص (كتاب) ١٢٣  
عروص فارسي ١٢٧  
عروضيه ٢٩١  
عشاق نامه عبيدزادگاني ٢٠١  
عشاق نامه عراقی ١٦٤  
عشر التحاليليه ٢٦٧  
عشرة الكامله ٣٨١، ٦٦٣  
عشرت نامه ٣٣٩، ٣٤٦  
عشرة كامله ٦٦٤  
عشرة مبشره ١٨٥

عشره ٢٦٧  
عشق ١١٠، ٣  
عشق حقيقي ١٩٦  
عشق نامه حسيني هروي ٧٣٢  
عشق نامه حميد الدين فاگوري ٧٣٨  
عشق نامه سنائي ٧٦  
عشق نامه شاه داعي ٣١١  
عشق و عقل ١٣١  
عشقيه ١٧١  
عشقيه (رساله) ١٩٦  
عصمة الانبياء ٧٢٩  
عطاره في مدح بني الز ناره ١٢٤  
عقايد (رساله) ٣٩٨  
عقايد (كتاب) ٢٩، ٢٨١، ٢٨٦، ٧١٦  
عقايد روز بهان ٧٢١  
عقايد سيد محمد كبر حسيني ١٩٧  
عقايد الاماميه ٣٨١، ٦٦٣  
عقايد اهل الاسلام ٧٨٢  
عقايد شافعي ٢٩  
عقبات ١٩٥  
عقد الانامل ٣٧٠  
عقد الاعلى في موقف الاعلى ٨٩، ١١٨، ١٤٦  
عقد العريد ٧١٥  
عقد القرين في علم التوحيد ٢٨٠  
عقد انامل ٢٣٩  
عقل نامه ٧٦  
عقل و عشق ١٦٨، ٣٠٤  
عقليه ١٩٥  
عقود الحواهر و نجوم الزواهر ١٢٣  
عقود اللثالي ١٢٣  
عقود اللثالي و سمود اللثالي ٩٣  
عقيدة المصباح ٦٨  
عقيدة اهل سنت ٦٨  
علاج الامراض ٢٨٢، ٣٩٩، ٨٠٨  
علاجيه ٣٩٨  
علامات مهدي موعود ٢٠٢  
علائيه ٧٢٢  
علم و المعلومات ١٣٨  
علم اعداد ٢٤٧

علم النفس ٢٦٧	غرايب الاخبار ونوادير الآثار ٢١٥
علم پيشين وپرين ٣١	غرايب الانشاء ٢٩٨
علم حروف ٣٥١	غرايب الدنيا وعجايب الاعلاص ٢٩٣
علم رعل ٣٨٥	غرايب الصغرى ٢٩١
علم قياسه ١٩٥	غرايب الكلم فى رعايب العلم ٩٣
علم مثلث ١٣٨	غرايب وعجايب هندوستان ٢٨٣
علم واجب الوجود ١٢٦	غربة الغريبه ١١٠
علم يونان ٥٩	غرر الاقوال ودرر الامثال ٩٣
ملويه ٢٣٧	غرر الاقيسه ١٢٣
عليه فى احاديث النبوه ٢٤٧	غرر الامثال ودرر الاقوال ١٢٣
عمدة الطالب فى انساب آل ابي طالب ٦	غرر وسير ٧٢٨
عمدة المحض ٢٤٢	غرفة المحض ٢٣٢
عمل (آهنگه) ٦٠١	غرة ٢٧٣
عنقود الزواهر فى نظم الجواهر ٢٧٠	غرة السير فى دوله الترك وائلتتر ٢٨٠
عنقود المختصر ٦٨	غرة الكمال ١٧٠
عنقود النصيحة ٢٨٠	غزائمه روم ٣٣٨
عنوان الحكم ٣٩٥	غزليات قديم ١٦٨
عنوان الشباب ٣٠٩	غزليات ميرسيدعلى همدانى ٤
عتوان فى سلوك النساء ٣٠٢	غزوات سلطان سليم ٢٥٤
عوارف المعارف ١٩٢، ٢٢٢	غسل الجمعه ٦٦٣
عوالم الاسرار فى غرايب الاسعار ٨١٧	غسله ٤٠٦
عوامل ١٩١	غلطات السالكين ٧٢٢
عياردانش ٣٦٥	غنة الطالبين ٧٢٨
عين الحيوة ٣٨٠	غنية النزوع الى علمى الاصول والفروع
عين الشفا ٢٦٢	٧٢٢
عينيه ١٨٨، ٣٨٠	غنيه اطالب طريق الحق ١٣١
هيون ١٨٩	غوث اعظم ١٩٦
عيون والامهار ١٢٦	غور الدور ٦٨
<b>ع</b>	
غايه الامكان فى درايه المكان ٢٨١، ٢٥٠	غيات الامم فى اثبات الطلم ٦١
غايه البحث عن معنى البعث فى النبوه وما	غيات المخلق فى اتباع الحق ٦١
يتعلق بها ١١١	غياثه محمود بن الياس ٤٠٠
غايه العروضين ٢٥	غياثه محمود بن احمد اردستانى ٢٧١-
غايه الفور فى مسائل الدور ٦٨	٢٧٢
غايه القصوى ٦٨	غياثه نجم الدين شيرازى ١٥٣، ١٩٠
غايه الكمال فى بيان افضل الاعمال ٣٠٢	غيبه الناظر ١٣٢
غايه المحاز ٣٥٨	<b>ف</b>
غايه المرام فى علم الكلام ١٢٦	فاتحه الشباب ٢٨٧
	فاتحه المعلوم ٦٨

فتوحات شاهي هاتفي ٣١٥	فاتحة الكتاب ٧٦٣
فتوحات فيروز شاهي ضياء الدين پري	فاتحه (سورة) ٧٥٣
١٨٦	فارسانامه ١٢٦
فتوحات فيروز شاهي فيروز بن رجب ٧٥٦	فارسي هست ٢٧٠
٧٦٠	فاكهة الخلفا ومفاكهة الظرفا ٢٧٩
فتوحات همايون ٣٥٨	فال السير ١٩١
فتوح الحرمين ٧٨٨	فالنامه ٢٧٢
فتوح الروح ١٠٩	فالنامه عبيدزادگان ٢٠١
فتوح السلاطين ٢٢٥	فايدة الاخلاص ٢٠٢
فتوح المعجم ٤٩٧	فتاوى ٦٨
فتوح الغيب ١٣١-١٣٢، ٣٧٠، ٧٢٨	فتح الابواب جمالي اردستاني ٢٢٤
فتوح القدس ٧٥٣	فتح الابواب جمالي دهلوي ٨١٠
فتوح القلب ٧٢٠	فتح الابواب وحقيقة الآداب ٢٢٥
فتوح المشاهدين لترويح قلوب المجاهدين	فتح الرباني ١٣١
٣٩٠	فتح الرحمن بفضائل الشهبان ٣٩٤
فخري ١٨٤	فتح العنايه شرح كتاب النقايه ٢٩٤
فخري نامه ٧٦	فتح المبين لاهل اليقين ١٣٨
فراسه ١١٣، ٤٠٣	فتح المنان في تأييد مذهب النعمان ٣٧٠
فراقنامه ٢٠٢	فتح المنان في تفسير القرآن ١٤٧
فراموز نامه ١٤	فتح يثد اد ١٣٩
فرايد السلوك ٧٢٩	فتح نامه ١٥١، ٣٦٨
فرايد السلوك في فضائل الملوك ١٢٠	فتح نامه عباس نامدار ٤٥٧
فرايد في نقل العقايد ٣١١	فتح وفتوح ٣٠٢
فرايض بالجدول ١٢٣	فتحيه ٢٧٠
فرايض سجاوندي ٢٥٦، ٣٩١	فتوة ١٤٨
فرايض سراجيه ١٩١	فتوت ١٩٥
فرايض منظوم ٦١٢	فتوت (كتاب) ١٧٧
فرايض وشرح آن ٣٩٥	فتوت نامه علاء الدولة سمناي ١٤٨
فرج بمدا الشده حسين بن اسعد ١٨٦	فتوت نامه كمال الدين عبدالرزاق ٧٥٨
فرج بمدا الشده محمد عوفي ٩٧	فتوت نامه سلطاني ٢٢٧
فرجه العالمين وفرجه الكاملين ١٤٨	فتوت نامه ناصري ١٧٧، ٣
فردوس التواريخ ٢٣٧، ٢٧٢	فتوح ١٢٢، ١٥٧
فردوس العارفين ٨٠٧	فتوحات المكيه ٥٢٢، ٦٧٠، ٧٨٤
فردوس المرشديه في اسرار الصمديه ٧٥٩	فتوحات اميني هروي ٢٧٥
فردوس خيال ٨٠٦	فتوحات باپري ٣٦٢، ٦٠٧
فرستامه ابن معين ٢٣٧	فتوحات شاه اسمعيل ٦
فرستامه شاه قلي ٢٨٥	فتوحات شاهي امير سلطان ابراهيم هروي
فرستامه محمد بن محمد ٧٥٥	٦٦٦
	فتوحات شاهي نظام الدين علي سياقي

فرست نامه ۲۴۴، ۸۰۹	وقه الاکبر ۱۹۶، ۳۹۴
فرق بین الصالح و غیر الصالح ۶۸	فکره والمیره ۶۸
فرهاد نامه عارفی اردبیلی ۷۶۹	فلاح ۱۳۸
فرهاد نامه لامعی برسوی ۳۹۰	فلاح شرح المراح ۸۱۲
فرهاد و شیرین عرفی ۳۱۷	فن اصول الحدیث ۱۹۱
فرهاد و شیرین علی شیر ۳۹۱	فن المعام و اصوله و تصاریفه ۱۹۱
فرهنگ ابراهیمی ابراهیم فاروقی ۲۵۸	فنایه ۷
فرهنگ ابراهیمی سلطان ابراهیم میرزا ۸۲۰	فن غریب معما ۲۶۸
فرهنگ اسدی ۷۱۲	فواتح ۳۶۸
فرهنگ اسکندری ۲۵۸	فواتح الالهیه و مفاتیح الغیبیه الموضحة للمکلم القرآنی و الحکم الفرقانیه ۲۸۲
فرهنگ جهانگیری ۳۹۷	فواتح السور ۶۸
فرهنگ حلیمی ۲۵۸	فواتح المسکيه ۷۸۳
فرهنگ سروری ۳۹۸	فواتح الولایه ۵۴۸
فرهنگ نامه حسین وفايي ۴۰۴	فوام الصوام للقیام بالصیام ۳۹۴
فرهنگ نامه فخری خواص ۱۷۶	فواهیج الجمال و فواتح الجلال ۱۱۶
فصل الخطاب ۵، ۲۲۱، ۳۶۹، ۶۵۶	فواید ۱۳۸
فصل الخطاب فی کلام عمر بن الخطاب ۹۲	فواید الاخیار ۲۸۲، ۸۰۸
فصوص الحکم ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۹، ۲۷۵،	فواید البهائیه ۳۸۵
۲۸۸، ۳۹۴، ۴۵۱، ۵۴۲، ۶۲۰،	فواید السالکین ۱۵۶، ۷۳۸
۷۵۲، ۷۵۷، ۷۵۸	فواید الضیائیه ۲۸۸، ۶۱۱
فصول ۷۲۸	فواید المعایید ۱۴۸
فصول الاصول ۱۴۸	فواید العلائیه ۹۳
فصول الخطب لنیل اعلی الرتب ۳۶۹	فواید الفؤاد حسن بن علاء سگری ۷۵۵،
فصول الستة ۲۸۱	۷۶۶
فصول الذریه فی اصول البریه ۶	فواید الفؤاد علاء الدین نیلی ۱۵۴، ۲۱۸،
فصول بقراط ۱۲۴	۷۶۶
فصول فی الاصول ۱۴۸	فواید المؤمنین الدین چشتی ۱۵۴
فصول نصیری ۱۳۹	فواید الفؤاد میر علاء الدین حسن ۷۶۶
فضایح الاباحیه ۶۸	فواید المعواید ۱۵۴
فضایح الباطنیه ۶۸	نالکبر ۲۹۱
و غایله الامام فی مکاتیب حجة الاسلام ۶۹	فواید ثمانیه ۱۳۸
فضایل القرآن ۶۸	فواید جمالی ۲۷۲
فضایل بلخ ۷۳۹	فواید رکنی ۷۷۶
صیله العقل ۸۱۰	فواید عشر ۳۶۲
ققرات الخطیر ۷۷۸	فواید قیائی ۷۸۱
ققرات عبد الله کاشغری ۲۸۱	فیصل التفرقه بین الاسلام و الزندقه ۶۸
ققرات عبید الله احرار ۷۷۸	فیض النوال فی بیان الزوال ۲۴۷
ققر سواد الوجه فی الدارین ۴۰۱	

فیض باری ۳۷۲

فیوضات ۱۸۸

فیوضات الربانیة فی اوراد القادر به ۱۳۱  
فیہ ما فیہ ۱۹۹، ۱۶۰

### ق

قاپوس نامہ ۶۵، ۴۶، ۲۶۰، ۷۳۸

قاسمیہ ۲۵۸

قاصد و مہ قصود ۵۸۷

قاموس اللغہ ۳۹۴

قانون ۱۸۳

قانون اعظم ۵۹

قانون الادب ۱۲۸

قانون الرسول ۶۸

قانون الصور ۴۵۷، ۸۲۷

قانون الکلی ۶۸

قانون نامہ ۴۸۱، ۸۰۱

قانون نامہ چین و ختا ۲۷۰، ۸۱۸

قانون ہمایون ۲۴۱

قدرت نامہ ۲۴۴

قدس (رسالہ) ۲۲۱، ۲۸۱

قدسیہ بہار الدین نقشبند ۱۹۲، ۷۶۶

قدسیہ روز بہان ۷۲۲

قدسیہ شطاح ۱۰۹

قدسیہ غزالی ۶۸

قدسیہ محمد یار سا ۱۹۲، ۲۲۱، ۲۸۱

۷۶۶

قدوری فارسی ۱۵۵

قرآن ۷، ۱۷، ۷۶، ۸۸، ۱۱۱، ۱۱۷، ۲۰۵

۲۴۲، ۲۴۸، ۲۷۷، ۲۸۵، ۳۶۴

۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۸۴، ۳۹۴

۴۱۲، ۴۸۱، ۴۹۳، ۵۳۷، ۵۴۹

۵۶۷، ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۸، ۶۲۱

۶۲۸، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۷، ۶۹۱

۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۲، ۷۶۸

۷۷۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۲

۲۹۹

قرا بادین ۲۹۹

قرا بادین شہابی ۵۱۵

قراضہ فی الطببیات ۳۱

قراضہ طببیات محمد فانی ہر وی ۱۲۸

قراضہ طببیات محمد قاینی ۶۳

قرآن السعدین ۱۷۱

قرآن حبشی (داستان) ۷۱

قرائت عاصم ۲۶۱

قراین آیات القرآن ۱۲۳

قربۃ الی اللہ ۶۸

قرۃ المیون ۳۰۳

قرعہ نامہ ۲۷۲

قری الماشی الی معرفۃ الموران والاعاشی

۱۱۱

قسطناس المستقیم ۶۸

قشیری (رسالہ) ۱۲۵

قشیریہ ۱۹۶

قصاید سیدی ۱۶۸

قصہ عارفان ۳

قصص الانبیاء ابواسحق ابراہیم بن منصور

۷۱۸

قصص الانبیاء ابوالحسن احمد کسائی ۶۴

قصص الانبیاء احمد بن منصور تخریج

۶۳

قصص الانبیاء اسحق نیشادوری ۶۴

قصص التنزیل ۲۳۲

قصۃ چہار برادر ۱۹۴

قصۃ حور زاد و پریر زاد ۷۵۱

قصۃ ذوالقرنین ۴۴۵

قصۃ شیخ صنعان ۲۹۱

قصۃ موسیٰ والخضر ۱۲۶

قصۃ یوسف ۷۱۸

قصیدۃ ابن الفارض ۲۷۵

قصیدۃ نرسدہ ۳۲۸، ۸۱۰

قصیدۃ ثانیۃ ابن الفارض ۷۸۸

قصیدۃ جلالیہ ۵۴۰

قصیدہ در حفظ الصحۃ ۲۸۲

قصیدۃ مصنوع پادشاہ خواجہ ۶۴۱

قصیدۃ مصنوع سلمان سارحی ۶۳۹

قضا والقدر ۱۱۳

قطع الانوار ۲۶۹

قطع الید ۳۹۱

كارنامه ربيعي بوشنگي ۲۰۷  
 كارنامه قاسمي ۵۰۸  
 كاشف الاسرار ومطلع الانوار  
 كافرون (سورة) ۲۶۶  
 كافي في العروصين والقوافي ۱۳۰، ۱۴۰  
 كافيّة ابن حاجب ۱۹۱، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۸۸  
 ۸۰۷، ۷۹۰، ۳۵۶  
 كافيّة اتفقيه ۳۸۰  
 كامل ابن ابي ۲۷۸  
 كامل التعبير ۱۲۸  
 كامل التواريخ ۲۵۶  
 كامل الصناعة ۳۲۴  
 كامل بهايي ۱۵۳  
 كامل حالتي ۸۱۴  
 كامل مبرد ۷۱۵  
 كامله ۱۱۳  
 كاينات جو ۱۲۷  
 كبري ۱۹۱، ۲۷۳  
 كبريت الاحمر في الكيمياء الكبري لمن يقن  
 بالقضاء والتقدير ۴۰۲  
 كتاب ابوالحسن در مناقب بهاء الدين نقشبندي  
 ۱۹۲  
 كتاب ادوار ۱۴۷  
 كتاب اشعار ابن فندق ۱۲۳  
 كتاب الاحاديث ۳۶۰  
 كتاب الادعية ۷۸۴  
 كتاب الارشاد ۷۲۱  
 كتاب الارشاد في معرفه الاعداد ۷۸۲  
 كتاب الاشراف ۳  
 كتاب الاعانه ۷۲۱  
 كتاب الاعتقاد ۷۸۸  
 كتاب الاغانى ۷۱۴  
 كتاب التصفيه في احوال المتصوفه ۷۵۷  
 كتاب التنزيل ۷۲۳  
 كتاب الجرائح في معجزات الائمة الاطهار  
 ۷۲۹  
 كتاب الدعوات ۷۲۹  
 كتاب الشمر والشراء ۷۱۴  
 كتاب العرفان في خلق الانسان ۷۲۱-

قلاقل ۲۶۶  
 قلايد الجواهر ۱۳۳، ۴۰۵  
 قلب الاليف ۳۶۹  
 قلب المنقلب ۷۲۴، ۷۴۴  
 قلب وروح ۳۱۱  
 قلم قدرت ۳۸۰  
 قلميه ۲۶۷  
 قلندرنامه حسين هروي ۷۴۲  
 قلندرنامه عبدالله انصاري ۵۸  
 قلها نيه ۳۱۱  
 قل هو الله احد ۱۸۸  
 قند من علماء سمرقند ۱۲۲  
 قندمكر ۳۸۰  
 قواطع السواطع ۳  
 قواعد الاحكام ۳۷۴  
 قواعد الانشاء ۲۵۹  
 قواعد البحث ۱۹۱  
 قواعد التوحيد ۴۴۹، ۷۷۹  
 قواعد المشرع ۶۸، ۷۲۴  
 قواعد المقاييد ۱۲۸  
 قواعد العمل ۲۷۱  
 قواعد عشره ۷۲۴، ۷۵۳  
 قواعد علامه ۶۶۳  
 قوافي (رساله) ۲۸۸  
 قوافي (كتاب) ۱۲۸  
 قوافي نامه ۸  
 قوانين الملاح ۲۷۴  
 قوس ۱۵۸  
 قول الجميل في الرد على من غير انجيل  
 ۶۸  
 قول السديد في خلف الوعيد ۳۹۴  
 قهرمان نامه ۷۱  
 قسامت نامه ۷۹۱  
 ك  
 كاسيه ۳۳۹  
 كارنامه ۹۱  
 كارنامه ارتخشير باكان ۱۳  
 كارنامه بلخ ۷۶

كشف الاسرار ومكاشفات الانوار ٧٢١  
 كشف المحاب ٢٨٤، ٢٢٩  
 كشف الحقائق ١١٢، ١٥٢  
 كشف الحقيقة في بيان عوالم الكثرة والوحدة ٣١٩  
 كشف السروق كوك في مستندات حكم النصوص ١٥٠  
 كشف الصراط ٧٢٣  
 كشف العوار ٢٨١، ٦٦٣  
 كشف الغم ٣٧١  
 كشف النواميس في احوال الانبياء ٧٢٩  
 كشف القناع عن اسرار شكل القطاع ١٣٨  
 كشف المحجوب - كزى ٢٨، ٥٩  
 كشف المحجوب - محويرى ٩٥  
 كشف السرائر ٣١١  
 كشف علوم الآخرة ٩٨  
 كشف كشاف ٧٦١، ٧٧٠  
 كشف والتبيين في ضرور الخلق اجمعين ٩٨  
 كشكول ٣٨١  
 كشكول قاضي نور الله ٦٦٣  
 كعبة الحرمين ٢٨٠  
 كعبة ديدار ٢٨٠  
 كعبة عرفان ٣٧٩، ٨٠٦  
 كفاية التعليم في صناعة الفنجيم ١٢٥  
 كفايت الطب ١٢٨  
 كفايت المستدى ٣٩٥  
 كفايه اهل البقيين في طريق المتوالمين ٢٠٢  
 كفايه في علم الهيئ ١٢٥، ١٥٢  
 كفاية في فروع الشافيه ١٢٦  
 كفايت مجاهديه ١٩٤، ٢٠٠  
 كفاية منصورى ١٩٤، ٢٧٦، ٢٠٠  
 كلام الحق للخلق والفرق بين الالهام والوحى  
 والحديث القدس ١٨٨  
 كلمات باقيه ٣١١  
 كلمات عليّة غرا ٢٢١  
 كلمات قدسيه ٢٨٧  
 كلمات قصار رسول اكرم ٧٢٩  
 كلمات قصار طاهر عريان ٧١٥، ٧٢٢

٧٢٢  
 كتاب العقاييد ٧٢١  
 كتاب اللواحق ٧٢٨  
 كتاب المحامات ٨  
 كتاب المناهج ٧٢١  
 كتاب المنبه ٧٢٧  
 كتاب المنشور من الحكايات والسؤالات ٢١٨  
 كتاب الموشح في المذاهب الاربعه ٧٢١  
 كتاب الميسور ٧٣١  
 كتاب النواقض في الرد على الروافض ٣٩٨  
 كتاب حساب ١٣١  
 كتاب درملم حروف ٧٧٩  
 كتاب - ديدن السدين در مناقب شاه ولي ١٩٠  
 كتاب شافى ٢٧  
 كتاب عبد العزيز بن شيرملك در مناقب شاه ولي ١٩٠  
 كتاب عقايد ٢٩، ٢٨١، ٧١٦  
 كتاب في التحليل ٧٢٧  
 كتاب في الحساب ١٢٣  
 كتاب في الرمل ١١٢-١١٣  
 كتاب في القياس ٧٢٧  
 كتاب في طبعة الافيون ٨١٢  
 كتاب معين الاولياء ١٥٢  
 كبحالى ٣٩٩  
 كراة ارشميدس ١٣٨  
 كرت نامه ٢٠٧  
 كرمى نامه ٢٩١  
 كرىما ٢، ١٦٨  
 كسر الديموتين ٩٨  
 كشاف عن حقايق التنزيل ١٣٧-١٩١  
 ٢٧٦، ٨١٢  
 كشف استار جواهر الحكم المستعرجه  
 الموروثه من حوامع الكلم ١٥٠  
 كشف الاحتجاج ٣٧١، ٣٧٢  
 كشف الارواح ٢٣٤، ٨١٠  
 كشف الاسرار ١٨٩  
 كشف الاسرار وهدى الابوار ٧١٧، ٧٢٩



کلمات قصار علی بن ابی طالب ۷۲۹  
 کلم التامیحه والحکم الصالحه ۹۳  
 کلمه سبحان الله ۱۸۹  
 کلمتی الشهاده ۲۸۸  
 کل مولود یولد علی الفطره ۳۰۱  
 کلیات ابن یسین ۲۰۱  
 کلیات خسرو دهلوی ۱۷۰  
 کلیات خواجو ۲۰۰  
 کلیات داهی شیرازی ۳۱۱  
 کلیات سعدی ۱۶۸  
 کلیات سلمان ساوجی ۲۰۳  
 کلیات سیف فرغانی ۸۴۷  
 کلیات شقایق اصفهانی ۵۱۵  
 کلیات شمس تبریزی ۱۶۰  
 کلیات شمس مغربی ۲۱۰  
 کلیات عبیدالله احرار ۲۶۴  
 کلیات علم توحید ۷۶۳  
 کلیات عماد فقیه ۲۰۲  
 کلیات ناصر بخاری ۲۰۹  
 کلیات وجود ۶۰  
 کلیله و دمنه ۱۳، ۲۱، ۳۰، ۷۸، ۱۱۷-  
 ۱۱۸، ۱۶۱، ۲۴۷، ۲۷۹، ۳۶۵،  
 ۷۲۹  
 کمالان الالهیه ۳۷۶  
 کمال نامه خواجو ۲۰۰  
 کمال نامه محمود دلشادشروانی ۲۷۴  
 کمالیه ۳۲۰  
 کمیلیه ۱۸۹، ۲۱۱  
 کنت کنزاً مخفیاً فاحیت اب اعرف ۴۰۱  
 کنز الاسرار عطار تیشابوری ۱۱۵  
 کنز الاسرار عطار همدانی ۲۱۹  
 کنز الاشتها ۲۰۵  
 کنز الانحان ۲۶۲، ۷۷۷  
 کنز التعف ۱۹۴  
 کنز الحواهر ۷۸۸  
 کنز الحقایق جمالی ۸۱۰  
 کنز الحقایق عطار قونی ۳۲۰  
 کنز الحقایق عطار همدانی ۲۱۹  
 کنز الحقایق قتالی خوارزمی ۷۷۱

کنز الحقایق ناصر خسرو ۵۹  
 کنز الحکمه ۷۵۸  
 کنز الدقایق و میزان الحقایق ۲۴۳  
 کنز الرموز ۱۶۹، ۳۹۷، ۷۴۲  
 کنز السالکین ۵۸  
 کنز العده ۶۸  
 کنز القافیه ۳۵  
 کنز الله لی ۷۷۲  
 کنز اللطایف ۲۶۰  
 کنز اللغات ۲۶۰  
 کنز الله ۲۶۰  
 کنز المراد ۵۸  
 کنز الاعمال ۷۸۳  
 کنز الحقایق فی رموز الدقایق ۲۴۳  
 کنز الحکمه ۱۰۹  
 کنز القلوب و رموز الغیوب ۲  
 کنز المعزمین ۳۱  
 که المراد فی علم و قوافی الاعداد ۲۴۹، ۲۶۹  
 کواکب الباهره من نجوم الزاهره ۸۱۱  
 کواکب التواقف ۳۹۷  
 کوش نامه ۴۸  
 کون و تکلیف ۶۰  
 کیفیت المعاد ۱۱۲  
 کیفیت حدوث الحروف ۱۱۲  
 کیمیاء السعاده ۶۸  
 کیمیاء القلوب ۳۳۷  
 کیمیای سعادت ۶۸

## گ

گرشاسب نامه ابوالمؤید بلخی ۲۸  
 گرشاسب نامه اسدی ۱۴، ۲۶، ۴۷۰، ۴۰  
 گشایش نامه ۷۳۰  
 گشایش و درهایش ۵۹  
 گل افشان ۳۱۵  
 گلریز ۱۸۵  
 گلزار ابرار ۴۲۹  
 گلزار ابراعیم ۴۴۶  
 گلزار نامه ۲۶۳

گلستان ۱۶۸۰، ۱۸۳، ۲۸۲، ۳۸۳،

۸۱۱، ۷۵۸، ۶۲۶، ۳۹۳، ۳۹۰

گلستان آدم ۵۶۹

گلشن ابرار ۲۹۸

گلشن اشعار ۸۰۸

گلشن توحید ۴۶۸، ۸۲۹

گلشن راز ۱۶۹، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۸۲،

۳۱۱، ۳۱۹، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۹۷،

۴۰۳، ۴۵۱، ۴۵۴، ۶۵۶، ۶۹۱،

۸۱۲، ۷۹۵

گل و بلبل خاک و سروش بلخی ۵۸۷

گل و بلبل عطار ۱۱۴

گل و خسرو ۱۱۴

گل و سنبل ۶۶۳

گل و مل ۴۰۳

گل و نوروز احمد بن یوسف ۲۱۳

گل و نوروز جامی ۲۸۸

گل و نوروز خواجو ۲۰۰

گل و نوروز مخدوم اعظم ۴۰۱

گل و هرمز ۳۲۰

گنج اسرار ۲۷۴

گنج روان ۳۱۱

گنجنامه عبدالقاسم ۵۸

گنجنامه مخدوم اعظم ۴۰۱

گنجینه راز ۲۶۴

گوهر شاهوار ۶۶۳

گوهر نامه ۲۰۰

گوی و چوگان طالب جاجرمی ۳۰۱

گوی و چوگان عارفی ۲۰۳

گوی و چوگان عرمی کمانگر تبریزی

۶۵۴

گوی و چوگان لامعی برسوی ۳۹۰

گهر نامه ۲۰۰

گیهان شناخت ۱۳۷

## ل

لا اله الا الله ۲۸۸

لابد منه ۱۴۸

لباب ۶۸

لباب الاشارات ۱۱۳

لباب الالباب ۷۸، ۹۷، ۸۱۶

لباب معنوی فی انتخاب معنوی ۲۴۷

لباب الالباب ۷۵۷

لباب الالباب فی علم الاعراب ۳۹۵

لباب التواریخ ۳۵۴، ۴۳۲، ۸۲۷

لبس الحریر ۶۶۳

لب لباب معنوی ۲۴۷

لحظه ۷۷۷

لذات ۴۵۸

لذات النساء ۱۸۵

لسان الطیر ۲۹۱

لسان الغیب حیدری تبریزی ۴۲۷

لسان الغیب عطار تونی ۳۲۰

لسان الغیب عطار نیشابوری ۱۱۴

لسان الغیب وحید تبریزی ۸۲۸

لطایف اشرفی ۷۵۶

لطایف الاعلام فی اشارات اهل الالهام ۱۵۰

لطایف البیان ۱۰۹

لطایف التصوف ۱۸۸

لطایف الحقایق ۱۴۳

لطایف الحکمه ۱۵۱

لطایف الشیدیه ۱۹۰

لطایف لطوایف ۲۴۸، ۲۸۵، ۳۸۴

لطایف المعارفین ۸۱۷

لطایف المعارف ۴۳۷

لطایف راه روشن ۳۱۱

لطایف غیاثی ۱۱۳

لطایف فی الاصولین ۳۳۸

لطایف قدوسی ۴۰۴

لطایف نامه ۲۷۸، ۲۹۱، ۳۷۷، ۴۳۸

لطایف نامه یا مجموعه اللطایف ۳۹۰

لطیفه المرفان ۷۶

لمعات ترکی بفارسی ۲۹۱

لمعت حلیمی ۲۵۸

لمعت فرس اسدی ۴۸، ۷۰

لمعات ۱۱۰

لمعات فی شرح اللغات ۱۶۴، ۲۶۴، ۷۸۰

لمعات ۱۶۴، ۱۸۹، ۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۷

۷۸۰۰۷۴۱، ۴۵۱، ۳۲۹  
 لمعات التنقيح في شرح مشكلات المصاحح  
 ۳۶۹  
 لمعه ۳۱۱  
 لمعه در نکاح دایم و متعه ۳۹۶  
 لمعه في صلوة الجمعة ۶۶۳  
 لوازم الامكنه ۶۰  
 لوازم الدين ۷۰۱  
 لوازم ۲۸۸  
 لوازم الاشراف في الحكمة العملية والمنزلية  
 والمدنية في مكارم الاخلاق ۲۶۷  
 لوازم الانوار ۱۱۰  
 لوازم الانوار الى معرفة النعمة الاطهار  
 ۳۷۱  
 لوازم البينات ۱۱۳  
 لوازم التوحيد ۷۲۱  
 لوازم الشمس ۲۴۷  
 لوازم در هيئت ۳۷۶  
 لوازم جامي ۳۲۹، ۲۸۹  
 لوازم شاه ولي ۱۸۹  
 لوازم عين القضاة ۱۱۱، ۷۲۲  
 لوازم القمر ۲۳۷  
 لوح محفوظ ۳۸۰  
 لوح مسطور ۴۴۴  
 لومة اللائم ۱۱۶  
 لياوتی ۳۶۴  
 ليلة البراءة ۳۷۰  
 ليلي ومجنون بدر الدين كشميري ۴۴۵  
 ليلي ومجنون جامي ۲۸۷  
 ليلي ومجنون خسرو ۱۷۱  
 لياي ومجنون درویش اشرف ۳۱۰  
 ليلي ومجنون زمانی یزدی ۴۱۳  
 ليلي ومجنون صوفي كشميري ۸۲۹  
 ليلي ومجنون عطار نیشابوري ۱۱۵  
 ليلي ومجنون عليشير ۲۹۱  
 ليلي ومجنون فصولي ۴۳۷  
 ليلي ومجنون قاسمي ۵۰۸، ۴۱۰  
 ليلي ومجنون محمود بيك سالم ۵۰۵  
 ليلي ومجنون مكشي ۳۱۲

ليلي ومجنون موجي بدخشي ۵۵۲  
 ليلي ومجنون نظامي ۳۶۴، ۱۰۵، ۳۷۲،  
 ۴۹۳، ۴۳۷، ۷۰۱، ۷۰۸، ۷۹۶  
 ۸۰۷  
 ليلي ومجنون هاتفي ۳۱۵  
 ليلي ومجنون هلالی ۴۰۹  
 م  
 ما اناقلت من عبارات مطول ۲۷۰  
 ماتم سراي ۴۴۵  
 مآثر الملوك ۲۴۱  
 ماخذ ۶۸  
 مادج و ممدوح ۵۸  
 مالابد مذهب امام ابوحنيفه ۳۰۳  
 مالابد منه في المذهب ۲۴۷  
 ماه قيمان ۸۳۶  
 ماهيت نفس ۳۱  
 مباحث المعاديه في مطالب المعاديه ۱۱۲  
 مباحث المشرقيه ۱۱۳  
 مباحث والشكوك ۱۲۵  
 مبادئ موجودات ۱۴۵  
 مبادئ والنايات ۶۸  
 مبحث الوجود ۳۷۰  
 مبدأ الاول وصفاته ۳۹۳  
 مبدأ ومعاد ابن سينا ۲۱  
 مبدأ ومعاد شيخ اشراق ۱۱۰  
 مبدأ ومعاد عزيز الدين نسفي ۱۱۲  
 مبین ۶۰۷  
 مبین المعین في شرح الاربعين ۳۹۵  
 متقدم من التصريف ۱۱۱  
 مثلثات ثلث ۵۲۶  
 مثنی هشت در هشت وجهار در چهار  
 ۵۲۶  
 مثنوی بحر عمل فضایی عمدانی ۵۲۳  
 مثنوی حیدر تلمبه ۵۱۵  
 مـكـ ۵۴۹  
 مثنوی طریقه سلسله خواجگان ۵۸۸  
 مـثنوی عشقی خان ترك ۵۴۹  
 مثنوی فیضی بلخی ۶۰۲



مختصر الخيمص ٢٨٦  
 مختصر در طبقات ملوك در اخبار ملوك عجم  
 وخلفا ٧١٩  
 مختصر عجائب المخلوقات ٣٩٣  
 مختصر عقدي ٦٦٣  
 مختصر كراة ارشميدس ١٣٨  
 مختصر من الفرائض ١٢٣  
 مختصر منهاج العابدین ٧٨٢  
 مختصر وحيدى ٧٠٧  
 مخروطات ١٣٨  
 مخزن الاسرار ١٠٥ - ١٠٦، ١٢١، ٢٩٠،  
 ٢٩٨، ٣٠٩، ٣٦٣، ٤١٠، ٤١٧،  
 ٤٣٥، ٤٥٥، ٤٥٨، ٥٠٥، ٥١٥،  
 ٦٤١، ٦٨٨، ٧٠٩، ٧٨٨ - ٧٨٩،  
 ٨٠٧، ٨٠٩، ٨٢٣، ٨٢٩، ٨٣٢  
 مخزن الانشاء ٢٢٧  
 مخزن السجور ومجمع الصانع ١٤٩  
 مخ المعاني ١٥٤  
 محسن (آهنگ) ٦٠١  
 مدار الخطوط ٣٦٢  
 مدار الافاضل ٣٦٦  
 مدارج السالكين بين منازل اياك نعبدواياك  
 نستعين ٧١٨  
 مدارج الكمال عربى ٧٣٢  
 مدارج الكمال فارسى ١٣٥، ٧٣٢  
 مدارج المعارج ١٣٨  
 مدارج المعارج فى الوارد الطارد ومشبهه  
 المارد ١٣٨  
 مدارج النبوه ومراتب الفتوه ٣٦٩  
 مدارج النوحود ومعارج الحدود ٧٣٢  
 مدارحان ٧٦٣  
 مدح الفقراء ٢٢٥  
 مدخل السلوك الى منازل الملوك ٦٨  
 مدخل الى العربيه ورياضت علومها الادبيه  
 ١١١  
 مدخل الى علم المنطق ٧٠  
 مدخل نجوم ١٣٩  
 مذكر احباب ٤٠٣، ٥٧٦  
 مذكر الاحباب ٤٠٣، ٥٧٦

بالصادقين ٨٠٩  
 محبوب الصديقين ٢٢٤  
 محبوب العارفين ٢٢٠  
 محبوب القلوب بر خوردار تر كمان ٣٦٢  
 محبوب القلوب عيشين ٢٩١  
 محبوب المحبين ١١٦  
 محبوب الواصلين ١١٦  
 محبوبيه ٢٢١  
 محبوب محبوب ٢٩٨  
 محرم نامه ٢٨١، ٢٩١  
 محشر نامه ٢٩١  
 محصل افكار المتقدمين والمتأخرين ١١٣  
 محصل فى اصول الفقه ١١٣  
 محصول ١١٢، ١٦٥  
 محصول فى علم الاصول ١١٣  
 محفل آراء ٣٦٢  
 محك النظر ٦٨  
 محمديه فى الحساب ٢٢٠  
 محمود و اياز انيسى ٢٢٢  
 محمود و اياز عطار يشامورى ١١٥  
 محمود و اياز فخر الدين صفى ٢٣٨، ٢٨٥،  
 ٣٨٤  
 محيط الله ٨١٢  
 محازن القادره ٢٠٥  
 مختار الاختيار ٢٧٨  
 مختار نامه ابوذر قالى ٣٧٣  
 مختار نامه عطار ١١٣ - ١١٥  
 مختار نامه عطاء الله هروى ٣٩٦، ٨٠٧  
 مختصر ١٩٠  
 مختصر از منتخبات امثال واشعار ٧٣٨  
 مختصر الاربعه ١٥٥  
 مختصر الاصول ابن جاح ١٨٣  
 مختصر الاصول عضدى ١٩١  
 مختصر التواريخ ٢٥٤، ٣٢٢  
 مختصر الجواهر ٢٢٦  
 مختصر الروايه فى مسائل الهدايه ١٥٥  
 مختصر القدورى ١٥٥  
 مختصر الكافيه ٣٩٥  
 مختصر الوقايه ٢٨٤، ٣٩٤، ٤٠٧

مذكر الاصحاب ٣٠٣، ٥٧٦

مرآة ٨١٠

مرآة الادب في المعاني والبيان ٢٨٠

مرآة الادوار في مرقاة الاخبار ٢٥٦

مرآة الافراد ٢٣٣

مرآة الافلاك ٣٩٢، ٤٣٣

مرآة الانسان ٤٠٣

مرآة الايمان ٣٧٩

مرآة التائبين ١٩٥

مرآة الجمال ٧٧٥

مرآة الحبيب ٢٣٣

مرآة الحق ٣٢٧

مرآة الحقائق ٣٧٦

مرآة الرجال ٣٩٨

مرآة الصحة ٢٧٢

مرآة الصفا فخر الدين زواري ٢٧١

مرآة الصفا مخدوم اعظم ٣٠١

مرآة الصفا في صفات المصطفى ٢٣٧

مرآة العارفين شمس مقربي ٧٦٣

مرآة العارفين مسعود بن خاراين ٧٥٥

مرآة العارفين مسعود بيك ٧٧٣

مرآة العارفين مسعود سیرجانی ١٩٧،

٧٢٥

مرآة العلوية ٢١١

مرآة الفقر ٨١٠

مرآة المحققين ١٧٠

مرآة المعاني ٣١٢، ٣٠٥

مرآة الناظرين ٧١٨

مرآة الوجود ٣١١

مراتب ١٨٨-١٨٩

مراتب (رسالة) ١٨٩

مراتب التقوى ١٥٠

مراتب الموجودات ١٩١

مراتب رنديه ١٨٩

مراتب فقر ١٨٩

مراتب وجود شاه ولي ١٨٨

مراتب وجود شمس مقربي ٧٦٣

مرآت مسکندری ٣٨٢

مرآئي ١٦٨

مراج الارواح ٣٩٣

مرآة الرموز ٢١١

مراقبه ١٩٦

مرئوى ٧١

مرج البحرين الجمع بين الطريقين ٣٧٠

مرزبان نامه ١١٨، ١٣٠، ٢٧٩-٢٨٠

مرشد الامين الى موعظة اليقين ٦٨

مرشد السالكين ٣٠١

مرشديه في احكام صفات الالهيه ١٥٠

مرصاد العباد من العبد الى المبدأ ١٣١

مرصد الانسى في استخراج اسماء الله الحسنى

٢٤٧

مرض معروف بآتشك ٣٩٩

مرض الراضى ٢٦٨

مراقبة ٥٦٦

مراقاة العفات يبع لمشكوة المصائب ٣٩٣

مرغوب القلوب ٢١٣

مرکبات الشاهيه ٣٩٩

مرکز ادوار ٣٦٣

مروج الاوراق ٣٣٤

مرهمها ومعاجين ٢٩٩

مزارات ٢٤٣

مزارات شيرازي ٢٤٤

مزارات هرات ٧٧٣

مزيه اللسان الفارسي على سائر الالسنه ما خله

العربي ٨١٢

مساطير ١٣٨

مسألة خلق الاعمال ٢٦٧

مسالك الاخيار ٨٢٩

مسالك التوحيد ٧٢١

مسالك العارفين ٧٥٨

مسالك الممالك جيها نى ٢٨٥

مسالك الممالك عبد الرحيم مشهدى ٧٨٢

مسالك ممالك ٧٦٠، ٧٧٧

مسالك والممالك ابن خرداذبه ٧٧٧

مسالك وممالك (صور الاقام) ١٣٩

مسالك وممالك اصطخرى ٧٧١، ٧٧١

مسالك وممالك عبدالمعلى بيرجندى ٢٨٣،

٣٨٥

مسائله وما لك يا عجائب البلدان ٢٦١  
مسألة رؤيت باري تعالى عن اسمه وكراماته  
اوليا ١٩٥  
مسامرة في اخبار خوارزم ٣٠  
مسائل الشمسون ١١٣  
مسائل الفنون ٢٦٧  
مسائل سبعة ١٣٥  
مستدرك ٧٨٣  
مستصفى ٦٨  
مستظهرى ٦٨  
مستقى ٢٢٣  
مستورات ٧٥٢  
مستوى ٥٩  
مسح على الرجلين وغسلها ٦٦٣  
مسرة القلوب في دفع الكروب ٢٧٠  
مسلك المتقين ٧٢٢  
مسلك المارفين ٢٨١  
مسلم السلاطين ٦٨  
مستأخر بيه ٧  
مشارب الاذواق ١٩٥  
مشارب التجارب وغوارب الفرايب ١٢٣  
مشارق ٣٩٢، ٤٤٣، ٨٢٦  
مشارق الدراوى الزهر في كشف حقائق نظم  
الدرر ٧٦٣  
مشاهد ٣١١  
مشتهر في نفوس المتبر ١٢٣  
مشرب الارواح ١٠٩  
مشكلات اقليدس ٦٠  
مشكوة ٤٥٧  
مشكوة الانوار ٦٨  
مشكوة المحبين ٧٧٥  
مشكوة المصاييح ٣٩٤  
مشكوة جمالى دهلوى ٨١٠  
مشهوريه في التصور والمتصور ١٨٩  
مشيبيه ٤  
مصاييح ٢٩٤، ٦٢٣، ٧٣١  
مصاييح الجنان ١٣٨  
مصاييح الستة ١٥٢، ٢٦٢  
مصادر ٦٥

مصادر اقليدس ١١٢  
مصادرة اقليدس ١٣٨  
مصارح المصارح ١٣٨  
مصارعه ١٢٦  
مصاب النواصب ٦٦٣  
مصايب النواصب ٣٨١  
مصباح الارواح احمد نخجوانى ٧٥٨  
مصباح الارواح اوجدا الدين كرماني ١٧٣،  
٧٢٢، ٧٢٣، ٧٢٥  
مصباح الارواح بيضاوى ٧٣٠  
مصباح الارواح بيرجمالى ٢٤٤، ٣١٢،  
٣٠٥، ٧٧٤  
مصباح الارواح شمس الدين محمد بن ايل  
طغان ٧٢٢، ٧٢٣، ٧٢٥  
مصباح الشريعة ١  
مصباح الضمير من مصباح التفسير تيسير  
٧٣١-٧٣٢  
مصباح القلوب نزل ابادى ٣٠٤  
مصباح الهداية ومفتاح الكفايه ١٢٢،  
١٩٢  
مصباح كفعمى ٢٦١  
مصطلحات اهل الاثر على شرح نخبه الفكر  
٣٩٤  
تنامه ١١٤-١١٥  
مضاف الى بدايع الازمان في وقايع كرماني  
١١٨  
مضحكات ١٦٨  
مطارحات ١١٠  
مطالب العاليه ١١٣، ٢٧٦  
مطالب الهية سبعة ٧٣٢  
مطالع ٧٠٥  
مطالع الانوار سراج الدين ارموى ١٥١،  
٣٨٩  
مطالع الانوار عفيف الدين كاشاني ٣٧٣  
مطالع الفجر ٤٤٥  
مطلب الاعلى في شرح اسماء الله الحسنى و  
صفاته العلى ٣٧٠  
مطلع الاعتقاد ٨٢٥  
مطلع الانوار ١٧١

مطلع الانوار الربيه في الحلية الجلييلة النبويه	مراجع النبوه ٢٢٢
٣٦٩	مراجنامه ابن سينا ٣١
مطلع السعدين ٣٢٩، ٢٥١	مراجنامه عطار تونى ٣٢٠
مطلوب المؤمنين ١٣٩	مراجنامه عطار نيشابورى ١١٤
مطلوب كل طالب من كلمات على بن ابي طالب	مراجيه ٧٨٨
٩٢	مرب في معايير اشعار العرب ١٣٠
مطول ١٩١، ٢٨٦، ٣٥٦، ٦٢٥، ٦٦٣	مرفت ١٨٩
٦٨٩	معرفة المذاهب ٧٥٥
مظهر اسرار ٨٠٧	معرفة النفس ٣١١
مظهر الاثار ٤١٠	معرفة اهل الدنيا ٤٠٢
مظهر العجايب عطار تونى ٣٢٠	مرفت تفويم ١٣٩
مظهر العجايب عطار نيشابورى ١١٣	معرفة ذات الحلق والكرو والاسطرلاب
مظنون به على اعله ٦٨	١٢٤
معاد ٣١	مرفت روح ١٨٩
معارج ١١٠	مملقات سبع ٦٥
معارج القدس ٦٨	معلومات ٨١٠
معارج النبوه في مدارج الفتوه ٢٣٢	معلومات اسرار القلوب ومفهومات انوار
معارج نهج البلاغه ١٢٣	القلوب ٢٣٥
معارف يرهان الدين ترمذى ٧٣٧	معما ٤٠٠
معارف بها عالدين ولد ١٢١	معماي سيفى عروضى ٢٩٣
معارف سلطان ولد ١٩٩	معماي شاه طاهر دكنى ٣٦٨
معارف العقليه والحكمة الالهيه ٦٨	معماي صغير ٢٨٨
معاش السالكين اسيرى ٣١٩	معماي كبير ٢٨٨
معاش السالكين نور بخش ٧٨٨، ٣١٩	معماي متوسط ٢٨٨
معالجات الاعتباريه ١٢٣	معماي ثودونه بنام حضرت رسالت ٢٩١
معالم التنزيل ١٢٦	معماهاى جامى ٧٩٣
معالم فى الاصول ١١٣	معميات جامى ٢٨٩
معالم فى الكلام ١١٣	معمايات فارسى عيشير ٢٩١
معتبر ١٢٣	معمايات فى اسماء الله الحسنى ٢٩١
معتقد الاماميه ٧٣٤	معمايات قاضى ميبندى ٢٦٨
معتقد فى المعتقد ١٥٣	معمايات محتشم ٤٤٤
معجم البلدان ٣٦٠	معماي اسماء الله الحسنى ٣٩٠
معجم فى آثار ملوك المعجم ١٤٣	معنى الفقر فخرى وكادا الفقران يكون لغرا
معجم فى معايير اشعار المعجم ١٣٠، ١٣٠	١٨٩
معدن الشفا ٨١٣	منى عدالت ٢٦٦
مراجع الاعمال ٢٤٣	معنى قوله انا نقطة تحت الباء ٢٦٧
مراجع السالكين ٦٨	معنى هشى ١٨٨
مراجع المشققين ٤٠١	معوذتين (سوره) ٢٦٦
مراجع الكاملين ٤٣٥	معيار الاشعار ١٣٩



مفتاح الكنوز ٢٨٣	معاريف الأفكار ٣٢٦
مفتاح الكنوز على حافظ الرموز ٢٠٦	معاريف المقول ٣١
مفتاح المعاني ٥١٤	معاريف العلم ٦٨
مفتاح المبادئ ٣٩٧	معاريف جمالي ١٢٩
مفتاح المفتاح ١٣٧	معاريف نصرتي ١٣٨
مفتاح النجاة ١٠٩، ٧٢٠	معين الأولياء ١٥٣
مفتاح النجاة في خواص السور والآيات ٣٩٠	معينه ١٣٩
مفتاح النجاة ٣٧١	منازل النبي ٨٢٩، ٣٧٣
مفتاح بيست باب اسطرلاب ٢٧١	منها للبيب ٦٨٩
مفتاح كنوز ارباب قلم ٣٩٨	مفاتيح الاسرار ٢٩٣
مفتاح مفاتيح ٣٨٠	مفاتيح الاسرار ومصابيح الابرار ١٢٦
مفردات ابن بيطار ٧٩٣	مفاتيح الإعجاز ٧٢٢، ٣١٩
مفردات در فن معما ٢٩١	مفاتيح العجم ٢٣٨
مفردات معصومي ٣٥٩	مفاتيح الغيب مشرق ٧٩٥
مفصحه عن منتهى الافكار وسبب اختلاف الامم ١٥٠	مفاتيح الغيب معروف بتفسير ١١١
مفصل الخلاف ٦٨	مفاتيح القلوب ومصابيح القلوب ٢٠٠
مفيد للمستفيد ١٣٥	مفاتيح الكلام في مبادئ الكرام ١٧٤
مقاصد الادوار ٧٨٢	مفاتيح الكلم ومصابيح الظلم ٩٣
مقاصد الالهام ٧٧٢، ٢٦٢	مفاتيح الكنوز ٢٣٧
مقاصد السالكين ٧٣٧، ٧٣٤	مفاتيح النجوم ومصابيح العلوم ١٢٥
مقاصد الفلاسفه ٦٨	مفاحص ٢٧٥، ٢٥١
مقالات حاج بكتاش ولي ٧٥٧	مفاوضات ١٣٨
مقالات شمس الدين تيريزي ٧٣٦	مفتاح ابواسحق ١٤٩
مقالات علاء الدولة سماني ١٣٨	مفتاح الايواب ١٨٩
مقالات وحكايات ٣٥٨	مفتاح الاستخراج ٣٩٢
مقالة الابرار ٧٥٨، ٢٨٠	مفتاح البدايع ٢٠٧
مقالة في عمل دايرة نسبتها الى دايرة الموصوف ٧١	مفتاح التفاسير ١٤٣
مقالة في ضايل امير المؤمنين على ٧٣٠	مفتاح التوحيد ٢٦١
مقاليد العلوم في الحدود والرسوم ١٩١	مفتاح الحساب ٢٦٩
مقامات ٢٢١	مفتاح الطالبين ٤٠٠
مقامات (يا مقولات) ٥٨	مفتاح الغيب جامي ٢٨٩
مقامات ابونصر مشكان ٦٥	مفتاح النيب صدر الدين قونيوي ١٥٠
مقامات احمد ترخستان ٧٢١	مفتاح الفتوح خسرو دهلوي ١٧١
مقامات احمد حجازي ٧٢١	مفتاح الفتوح عطار نيشابوري ١١٥
مقامات الظاهرين باليد ١٤١	مفتاح الفتوح عطار همداني ٢١٩
مقامات امير كلال ٣	مفتاح الفتوح لفتح ابواب النصوص ٣٦٩
	مفتاح الفيض ٢٨٥

مکاتیب سید محمد گیسو دراز ۱۹۶  
 مکاتیب عبداللہ قطب ۲۶۱  
 مکاتیب عبدالقادر گیلانی ۱۳۱  
 مکاتیب عین القضاۃ ۱۱۱  
 مکاتیب قاسم انوار ۲۹۲  
 مکاتیب مولوی ۱۶۰  
 مکاتیب و تقریرات بابا افضل ۱۴۵  
 مکارم الاخلاق خواند میر ۱۹۱، ۲۴۱  
 مکارم الاخلاق رضی الدین ابونصر حسن  
 طبرسی ۳۷۱، ۳۷۳  
 مکارم الاخلاق رضی الدین نیشابوری ۹۹  
 مکارم الاخلاق منسوب بنصیر الدین طوسی  
 ۱۳۹  
 مکارم الاخلاق نور بخش ۲۸۸  
 مکارم الکرام ۳۷۱  
 مکاشفات ۱۴۸  
 مکاشفات شامولی ۱۸۸  
 مکاشفۃ القلوب ۶۸  
 مکاشفہ ۱۸۹  
 مکتوبات اشرفی ۷۵۶  
 مکتوبات عبدالقدوس ۴۰۴  
 مکتوبات عین القضاۃ ۱۱۱  
 مکتوبات قدوسیہ ۴۰۴  
 مکتوبات میر سید علی ہمدانی ۴  
 مکنون ۶۸  
 مکنون الحدیث ۷۲۱  
 ملخص الاحیاء ۲۱۵، ۲۵۶  
 ملج البلاغہ ۱۲۳  
 ملحقات صراح ۱۴۶  
 ملحمۃ دانیال ۱۲۸  
 ملخص فی الحکمہ ۱۱۳  
 ملفوظات تیمور ۲۳۳  
 ملفوظات سید محمد گیسو دراز ۷۵۴  
 ملفوظات صاحبقران ۲۳۳  
 ملل والنحل ۱۲۶، ۴۵۰  
 ملمعات ۱۶۸  
 مناجات عبداللہ انصاری ۵۸  
 مناجات عبداللہ کاشغری ۲۸۱  
 مناجات نامہ علی شیر ۲۹۱

مقامات بدیع الزمان ۱۱۸  
 مقامات بونصر مشکان ۳۰  
 مقامات پیر ۸۲۹  
 مقامات تاج الدین بوزجانی ۷۲۱  
 مقامات حریری ۱۱۸-۱۱۹  
 مقامات حسینی ۲۷۸  
 مقامات حضرت مخدوم اعظم ۴۰۱  
 مقامات حمیدی ۱۱۸، ۸۷  
 مقامات درویش علی بوزجانی ۷۲۱،  
 ۸۱۵  
 مقامات رضی الدین تایبادی ۷۲۱  
 مقامات ژندہ پیل ۷۲۱  
 مقامات شام زین العباد عابد بیرمی ۷۰۸  
 مقاومات ۱۱۰  
 مقایس السماع ۷۲۲  
 مقبل نامہ ۱۰۵  
 مقتل حضرت امام حسین ۳۹۰  
 مقدمۃ الصلوۃ ۶۸۹  
 مقدمہ بردیوان حافظ ۲۴۹  
 مقدمۃ ظفر نامہ ۲۴۹  
 مقصد اطوار ۶۴۱  
 مقصد اقصی ۱۱۲  
 مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی شیخ متقی  
 ۴۰۲  
 مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی غزالی  
 ۶۸  
 مقصد الاقبال السلطانیہ و مرصدا لعمال  
 الخاقانیہ ۷۷۴، ۲۴۴  
 مقصد الاقصی فی ترجمۃ المستقصی ۲۴۳  
 مقنعۃ ۱۳۸  
 مقنع فی الحساب الہندی ۷۱  
 مقولات ۵۸  
 مقولات عشر ۱۳۸  
 مکاتبات ابوالفضل ۳۶۵  
 مکاتبات رشیدی ۱۴۳  
 مکاتبات علامی ۳۶۵  
 مکاتیب احمد منیری ۲۵۹، ۷۷۶  
 مکاتیب پیر جمالی ۲۴۵  
 مکاتیب حسن صباح ۷۳۰

- منارات السائرين الى حضرة الله ١٤١  
 منار الانوار ٣٨٥  
 منازل السائرين عبد الله انصاري ٥٨، ٢٦٢،  
 ٣٣٨، ٣٣٢، ٢١٨، ٧٥٨، ٧٨١  
 منازل السائرين عزيز نسفي ١١٢  
 منازل العارفين ٦٨  
 مناصك حج ٢٨٩  
 مناظرات امام فخر رازی ١١٢  
 مناظر الانشاء ٢٥٩  
 مناظر المحاضر للمناظر الحاضر ٧٣٣  
 مناظرة آسمان وزمین ٥١٠  
 مناظرة اطعمه ٢٠٥  
 مناظرة بهار وشتا ٣٩٠  
 مناظرة سيخ و مرغ ٥١٠  
 مناظرة شمس و قمر و قیغ و قلم ٣١٦  
 مناظرة شمع و پروانه ٥١٠  
 مناظرة عقل و عشق ٥١، ٧٧٩  
 مناظرة نفس و روح ٣٩٠  
 منافع الحيوان ٧٣٧  
 مناقب ١٨٩  
 مناقب الامام شافعي ١١٣  
 مناقب السادات ٢٢٥  
 مناقب الشعراء ٨٧٤  
 مناقب الشيخ عبدالقادر ١٢٢  
 مناقب الصوفیه ٧٥٧  
 مناقب الطاهرین ١٥٣  
 مناقب العارفين ١٤٣، ٨١٧  
 مناقب اوحدا الدين کرمانی ٧٤٣  
 مناقب اویس قرنی ٣٩٠  
 مناقب جلال الدين مولوی ٢٨٩  
 مناقب شاه ولی سديد الدين ١٩٠  
 مناقب شاه عبدالعزیز ١٩٠  
 مناقب شيخ الاسلام عبد الله انصاري ٢٨٩  
 مناقب عبد الله انصاري ٧١٨  
 مناقب عبيد الله احرار ٧٨١  
 مناميه ٢  
 مناهج ٧٢١  
 مناهج الدرجات في شرح كتاب النجاة ١٢٤  
 مناهج الزهره ٢٤٧
- مناهج والآيات ١٢٦  
 مناهج والبيان ١٢٦  
 مناهج عطار ٢٣٧  
 منتحل ٦٨  
 منتخبات امثال و اشعار نازی ٧٣٨  
 منتخب التواريخ حسن بيك شیرازی ٣٥٨  
 منتقى بالتواريخ عبدالقادر بدایونی ٣٥٧،  
 ٣٦٠، ٣٣٣  
 منتقى بالتواريخ معینی ٢٨٣  
 بالمناعه ٢٢٣  
 الفرس ٢٣  
 منتخبة في معالم حقيقة النفس وما يتصل بذلك  
 ١٣٨  
 منتخب حل التقويم ٣٨٦  
 منتخب سفر السعادة ٣٧٢  
 منتخب كتاب الحيل ٧٠  
 منتخب مشنوی معنوی ٣٧٠، ٨٤١  
 منتهی الادراك في مدارك الافلاك ٣٨٥،  
 ٨٣١  
 منتهی السؤال والامل ٣٨٩، ٣٩٣  
 منحول ٦٨  
 ابراهيم سلطان ٧٩٠  
 منشآت ادريس بدلیسی ٢٥٢  
 منشآت ترکی ٢٩١  
 منشآت جامی ٢٨٩  
 منشآت خان احمد خان ٣٨٨  
 منشآت خواجہ جهان ٢٥٩  
 منشآت شاه ولی ١٨٩  
 منشآت شاه طاهر دکنی ٣٦٨  
 منشآت شرف علی بن ابوبکر یزدی ٧٨١  
 منشآت شرف الدين علی یزدی ٢٤٩  
 منشآت صاين الدين تركه ٧٧٩  
 منشآت عبد الله مروارید ٢٦٠، ٧٧٧  
 منشآت فارسی و ترکی صادق ٢٥٨  
 منشآت قاضی میبدی ٢٦٨  
 منشآت قاضی نور الله ٦٦٣  
 منشآت قوام الدين ابوبکر یزدی ٧٩٠  
 منشآت لامعی برسوی ٣٩٠  
 منشآت نصر الله سمرقندی ٧٥٨

منهاج الرشاد ۲۳۹	منشآت نصیر ای صمدانی ۵۳۱
منهاج العابدین ۷۸۲	منشور شاهی ۴۴۴
منهاج العابدین الی جنة رب العالمین ۶۸	منشور مبارک ۷۸۱
منهاج العارفین ۶۸	منصوری ۷۱۵، ۲۳
منهاج المبین ۱۳۵	منطق جامی ۲۸۸
منهاج المسالك ۱۵۱	منطق شهرستانی ۲۷۳
منهاج المسترشدين ۶۸	منطق عمر بن سهلان ۱۳۱
منهاج المشكاة ۲۶۳	منطق میر سید شریف ۱۹۴
منهاج الولاية ۲۳۷	منطق الاسرار ۱۰۹
منهج الابرار ۳۰۹	منطق الطیر ۱۱۴-۱۱۵، ۲۹۱، ۴۴۵
منهج الاعلی ۶۸	منطق الکلبیر ۱۱۳
منهج الحیسوب فی عمل حساب الهندسی ۱۱۱	منطق شفا ۲۷۶
منهج الرشاد ۲۷۳	منطق فارسی ۳۱
منهج السالکین ۷۲۲	منظر الابصار ۶۸۸
منهج الصادقین فی الزام المخالفین ۳۷۴	منظر الانسان فی ترجمة و فیسات الاعیان ۲۵۵
منهج الفصاحة فی شرح نوح البلاغه ۶۹۱	منظور انظار ۸۱۹
منهج المحققین ۳۹۸	منظومات صابیه ۲۷۵
منهج در عبادات ۱۵۳	منظومه اثر انگیز بروسه ۳۹۰
منية الفضلا فی تاریخ الخلفاء والوزراء ۱۸۳	منظومه اختیارات مسیر القمر ۱۳۹
منية المتکلمین وغنیة المتعلمین ۹۳	منظومه بحر مقارن ۳۹۹
مؤاخذات ۱۳۸	منظومه جامی ۲۸۸
موارد الشوارد ۱۴۸	منظومه جلالیه در تفسیر نوروزیه ۹۱
موارد الکلم ۳۶۵	منظومه خضر خان ودولرانی ۱۷۱
مواطن ۷۷۵	منظومه خواجه عید الله کاشغری ۲۸۱
مواقف ۱۹۱، ۳۳۲، ۳۶۵، ۶۶۳	منظومه درباره آمدن جنال اوغلی ۷۰۵
موامرات الاعمال النجومیه ۱۲۴	منظومه در تاریخ ماوراءالنهر ۸۴۱
مواهب الرحمنیه فی مراتب الاخلاق السنیة	منظومه در تجرید ۲۶۱
والمقامات المرفانیة ۱۳۱	منظومه در خط ۶۵۲
مواهب الزحل ۲۴۷	منظومه در مخارج حروف ۲۶۱
مواهب الشریفه فی مناقب ابی حنیفه ۳۱۷	منظومه فراید ۳۹۹
مواهب الهیه ۱۸۳، ۲۵۷، ۷۵۶	منظومه مثلثات ثلث ۵۲۶
مواهب علیه ۲۴۶	منظومه مدخل ۱۳۹
مواهب الباطنیة ۶۸	منظومه مولود زردشت ۷۴۲، ۷۱۶
موايد الانعام ۶۶۳	منقبت الجواهر ۷۵۴
موجودات واقسام آن ۱۳۹	منقبت اویس قرنی ۳۹۰
موجکيه ۴	منقذ من الضلال ۶۸
	متکوک و سجلات نیم دور ۲۲۳
	منهاج ۷۲۰

موسيقى ٢٨٨	ميزان ١٦٨
موسى والخضر (قصة) ١٢٦	ميزان الادب ٧٠٥
موشح في المذهب الاربعه ٧٢١	ميزان الاوزان ٢٩١
موش و كره ٢٠١	ميزان الحقايق ٨١٠
موضوعات العلوم ٢٦٦	ميزان الحكمة ٧٠
موضوعات العلوم (رساله) ٢٧٠	ميزان العمل ٦٨
مولود زردشت (منظومه) ٧٢٣، ٧١٦	ميه ابن الفارض ١٩٥، ٢٨٩
مولود نامه ٣٣٦	ن
مونس الابرار ٢٠٢	ناز و نياز ٦٢٧
مونس الاحباب ٢٦٠	ناظر و منظور جمالى اردستانى ٧٢٥
مونس الاحرار فى دقايق الاشعار كلامى ١٧٦	ناظر و منظور وحشى ٨٢٥، ٣٣٥
مونس الاحرار فى دقايق الاشعار محمد بن بدر جاجرمى ٢٠٣	ناموس ٣٩٣
مونس الارواح ١٥٤	ناموس اعظم ١٩٥
مونس العابدین ٢٦١	نامه تنسر ١٢٩
مونس العشاق ٧٢٥	نامه خرد افزا ٣٦٠
مونس العوارف ١٥٢	نامه نامى خوندنمير ٢٢١
مها بهار ته ٣٦٠، ٣٦٤ - ٣٦٥، ٣١٨	نامه نامى سيد اسحق ٧٩١
٨١٥، ٦٥٨	نايه ٢٨٨
مهیج الدعوات ٦٩١	نبضه ابن سینا ٣٢
مذهب الاسماء ٤	نبوت ١١٣
مهر افروز ٨١٠	نبوت ابن سینا ٣١
مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز ٢٦٢	نثار الملك ٢٥٨
مهر القلوب ٨٠٩	نثر اللثالى ٧٢٩
مهر قلوب ٢٣٢	نثر اللثالى فى كلام اسير المؤمنين على ٩٢
مهر و ما ٢٠٥	نجات الارواح ٨١٢
مهر و محبت ٥١٥	نجات الرشید ٣٦٠
مهر و مشتری ٢٠٣	نجات الطالبین ٨١٢
مهر و مکتوب ٦٦٦	نجات القمرى ٧
مهر و وفا ٥٠٥	نجاسه الخمس ٦٦٣
مهمان نامه بخارا ٢٥٢	نجاسة ماء القليل بالعلاقات ٣٨١
مهيه العلم و العالم و المعلوم ١٣٨	نجم القرآن فى تأويلات القرآن ١٤٨
مهيج الاشواق ٢٢٢	نجم الهدى ٣١٩
ميامن الاكتساب فى قواعد الاحتساب ٢٢٧	نخبة السماء ٦٨٥
ميامن المشتري ٢٢٧	نخبة الفكر فى مصطلح اهل الاثر ٢٩٢
مى خانه ٥٣٧	ندامه الى زاد القيامه ٧١٨، ٦٠
مير و وزير ٨٢٢	ندامت نامه ٧١٨

نزهة الأرواح ۱۶۹، ۵۳۰، ۷۴۲  
نزهة الأرواح وروضة الأفراح في تواريخ  
الحكماء المتقدمين والمتأخرين

۸۰۸، ۴۰۱

نزهة الحقائق في تقويم كواكب ۲۶۹  
نزهة الخاطر في ترجمة سيدى الشريف  
عبد القادر ۱۲۲، ۳۹۴

نزهة السامع ۷۶۳

نزهة العاشقين على بن محمود ۸۱۳

نزهة العاشقين محمد بن محمد زنگی ۱۲۱

نزهة العشاق ونزهة المشتاق ۱۱۱

نزهة القلوب ۱۴۴

نزهة المجالس ۱۶۹

نزهة المجالس في الرباعيات ۱۷۶-۱۷۷

نزهة الناظر ۱۳۳

نزهت نامه علای ۶۳

نسایم الأسحار ۷۸۷

نسایم الأسحار من لطایم الأخبار ۱۴۹، ۷۳۳، ۷۴۲

نسایم التوثیه ۱۳۱

نسایم القادریه ۱۳۱

نسایم المحبه ۲۹۱

نسایم گلشن ۱۶۹، ۳۱۱، ۷۸۷

نسبت خرقه احمد شاه بهمنی ۱۸۹

نسبت خرقه خود ومعنی اعیان ۱۸۸

نسبت میان افراد ۳۹۷

نسب جهان آرا ۳۵۴، ۸۳۲

نسخة عثمان خان ۲۰۴

نسیم المقربین ۷۱۸، ۷۸۱

نشأته بی خمار ۳۸۰

نشر الامان في الامصار والاطمان ۳۷۱

نصایح الاولاد ۲۲۴

نصایح الصبيان ۲۷۵، ۹۰

نصایح الملوك ۶۸

نصایح خطاب بنظام الملك ۵۸

نصح الوافي للقلب الشافي ۴۰۲

نصرة الفترة وعصرة الفطر ۱۱۹

نصرة نامه ۲۴۴، ۸۱۰

نصوص في بحر التحقيق وجواهر الفصوص

نصوص في تحقيق الطور المخصوص ۱۵۰  
نصيحة ۳۰۱

نصيحة التامد للخاصة والعامه ۴۰۲

نصيحة الخواص ۲۲۴

نصيحة السالكين ۷

نصيحة الملوك ۶۸

نصيحت خليفه عصر ۱۸۸

نصيحت سيد يرهان الدين خليل الله ۱۸۸

نصيحت سيد نور الدين شاه خليل الله ۱۸۸

نصيحت ملوك ۱۶۸

نصيحت نامه خواجه نصير ۱۳۹

نصيحت نامه شاه ولي (دور ساله) ۱۸۹

عنصر المعالي ۶۵

نصيحت نامه غزالي ۶۹

نصيريه اسمعيل بن محمد شيرازي ۱۵۰

نصيريه خواجه نصير ۱۳۸

نظام القواريع ۱۴۰

نظام وسر انجام ۳۱۱

نظر السليم ۶۶۳

نظم الجواهر ۲۹۱

نظم الدرر ۲۸۹

نعت ومنقبت ۸۱۰

نعم المعيار والمقياس بمعرفه مراتب الناس

۴۰۲

نعمتها وخوشيتها ولذتها ۱۳۹

نغمات السماويه ۱۱۰

نفايس الارقام ۳۹۷

نفايس العرايس ۶۴

نفايس الفنون في عرايس العيون ۱۸۳

نفايس المآثر ۳۸۲، ۴۳۳

نفثة المصنوع زیدری ۹۴، ۲

نفثة المصنوع صاين الدين تركه ۴۵۱

نفثة المصنوع ونحفه المشكور ۱۵۰

نفثة المصنوع وفنن و زمان المصنوع ومصنوع

زمان الفتور ۱۱۸

نفحات الالهيه القدسيه ۱۵۰

نفحات الانس من حضرات القدس ۵۸، ۲۵۶، ۲۵۶

نفحات الانس من حضرات القدس ۵۸، ۲۵۶، ۲۵۶

نفحات الانس من حضرات القدس ۵۸، ۲۵۶، ۲۵۶

نفحات الانس من حضرات القدس ۵۸، ۲۵۶، ۲۵۶

نفحات الانس من حضرات القدس ۵۸، ۲۵۶، ۲۵۶

نفحات الانس من حضرات القدس ۵۸، ۲۵۶، ۲۵۶

نوادر الشباب ٢٩١  
 نوادر المعارف ٢٧٢، ٢٦٣  
 نواقض في الرد على الروافض ٣٩٨  
 نور على نور ٨١٠، ٧٧٥  
 نور الانوار ٦٦٣  
 نور الحقائق ٧٢١  
 نور الشمع ٦٨  
 نور العلوم ٥٧  
 نور العين ٦٦٣  
 نور العينون ابو روح كز كافي ٧١٩  
 نور العينون مسمود بخاراين ٧٥٥  
 نور الهدى ٣٠٣  
 نور بنخشيد ٣١٩  
 نورس ٣٣٣  
 نور و زئامه ٦٠  
 نور و مراسب آن ١٨٨  
 نورية السلطانية في بيان قواعد السلطنة و  
 احكامها و اركانها و اسبابها و آلائها  
 ٣٧٠  
 نوريه ١٨٩  
 نوم نامه ٧٦٣  
 نونيه ٣٩٥  
 نهايت ٨١٠  
 نهايت اعجاز ٣٣٣  
 نهاية الادب ٧١٣  
 نهاية الادراك ١٣٨  
 نهاية الادراك في درايه الافلاك خواجه نصير  
 ١٣٨  
 نهايه الادراك في درايه الافلاك محمود  
 كازروني ١٣٧  
 نهايت الاقدام ١٢٦، ٦٦٣  
 نهاية الايجاز ١١٣  
 نهايت الحكمه ٢٣٣  
 نهايه العقول ١١٣  
 نهايه الكمال ١٧٠  
 نهايه المسؤل في درايه الرسول ٢٣٦  
 نهايه المطلب في درايه المذهب ٦١  
 نهج البلاغه ٣٣٧، ٣٧١، ٢٧٣، ٣٩٦،  
 ٧٢٩، ٦٩١

٧٧٥  
 نفحات الربانيه ١٥٠  
 نفحات الرحمانيه و ثمرات التجليات الـ  
 خصاصيه ١٥٠  
 نفحات السالكين ٣٠١  
 نفحات في الاصول الكلية ١١٠  
 نفخ روح آدمي ١٨٩  
 نفس ١١٣  
 نفس ارسطو ١٣٥  
 نفس و نكات ١٨٨  
 نفسيه ١٨٩  
 نفس و اثبات ١٣٩  
 نقاوة الآثار في ذكر الاخبار ٣٥٨  
 نقاوة الادوار ٨١٣  
 نقدا المعصل ١٣٨  
 نقدا النصوص في شرح نقش الفصوص ٢٨٩  
 نقش باس (آهنگ) ٦٠١  
 نقش بديع ٤١٥  
 نقض ١٢٥  
 نقض معالم ١٥٣  
 نقطه ٢٧٥  
 نقطه القدسيه ١٣٨  
 نقل عشاق ٣٣٣  
 نقود الزواهر و عقود الجواهر ٩٣  
 نقیض مطلقه ١٣٠  
 نكات (چهار رساله از شاه ولي) ١٨٨ -  
 ١٨٩  
 نكات الحق الحقيقه من باب معارف الطريقه  
 ٢٧٠  
 نكات المشق و المحبه في تطبيب قلوب الاحبه  
 ٣٧٠  
 نكات عشر ١٨٩  
 نگارستان جويني ١٨٣  
 نگارستان قاضي احمد غفاري ٨٣٢، ٣٥٣  
 نگارستان كمال پاشا زاده ٨١١  
 نل و دمن ٣٦٣  
 نمكدان حقيقت ٥١٥  
 نوادر الاخبار ٦٨  
 نوادر التبادر ١٥٢

نهج الحق و كشف الصدق ۳۸۱، ۲۵۱  
 نهج الرشاد ۲۶۴  
 نهج الرشاد فی الاصول ۱۲۳  
 نهر وعین ۳۸  
 نهمپهر ۱۷۱  
 نی نامه ۲۸۸

واردات شاه ولی ۱۸۹  
 واردات عبدالله انصاری ۵۸  
 واردات نوربخش ۳۱۹  
 واردات غیبیه ۱۹۵  
 واسطه العقد ۲۸۷  
 وافی فی تعداد القوافی ۲۰۳  
 واقعات باهری ۶۰۷، ۳۶۲  
 واقعات تیمور ۲۳۳  
 واقعات مشتاقی ۳۶۰  
 واقعة الحقایق ۴۰۱  
 والذیه ۲۶۴  
 وامق و عذرا ۳۷۳، ۴۸، ۴۶، ۳۸، ۱۴  
 وامق و عذرا ی اسیری تربتی ۵۲۳  
 وامق و عذرا ی صر فی کشمیری ۸۲۹، ۳۷۳  
 وامق و عذرا ی منصری ۳۹۰، ۳۸  
 وامق و عذرا ی فصیحی ۳۴۶، ۴۶  
 وامق و عذرا ی قسنتی استرا بادی ۵۱۹  
 وامق و عذرا ی قطران ۴۸  
 وامق و عذرا ی لامعی برسوی ۳۹۰  
 وامق و عذرا ی نوعی خبوشانی ۴۳۴  
 وحدت وجود ۲۸۸  
 وجود بابا نعمت الله ۲۸۲  
 وجود جامی ۲۸۸  
 وجود خیام ۶۰  
 وجود شاه ولی ۱۸۸  
 وجود قاسم انوار ۲۹۲  
 وجود محدود اعظم ۴۰۱  
 وجود میر سید علی ۱۹۵  
 وجود العاشقین ۱۹۶  
 وجود مطلق ۴۴۹

وجود موجود ۲۸۸  
 وجودیه ۷۲۳  
 وجود الغر لمعانی نظم الدر ۱۹۲  
 وجود قرآن ۷۲۷  
 وجه المناعه ۴۳۰  
 وجه دین ۵۹  
 وجیز ۶۸  
 وجیزه آداب البحث ۷۰۵  
 ودا (اثر و) ۳۶۰  
 وردا المریدین ۵۴۰، ۴۰۶  
 ورقات فی اصول الفقه ۶۱  
 ورقة و گلشاه ۷۲۶، ۷۱۷، ۴۴  
 وسایل الرسایل و دلائل الفضایل ۲  
 وسط الحیوة ۱۷۰  
 وسیط ۶۸  
 وسیلة الشفاعات ۸۱۵  
 وسیلة المقاصد ۲۵۸  
 وسیلة النجاة ۳۷۱  
 وشاح ۱۵۵  
 وشاح دمية القصر ۱۲۳  
 وصایا القدسیه ۷۷۸  
 وصایای بفراط حکیم و حکمای یونانی ۷۳۸  
 وصایای عبدالحق دهلوی ۳۷۱  
 وصایای عبدالخالق غجدوانی ۷۲۲، ۲۵۲، ۷۷۵  
 وصایای نظام الملک ۶۶  
 وصلت نامه عطار تونی ۳۲۰  
 وصلت نامه عطار نیشابوری ۱۱۴  
 وصول الی الله ۱۱۶  
 وصیت العارفین ۷۷۸  
 وصیت نامه اسمعیل گرگانی ۷۲۷  
 وصیت نامه عطار ۱۱۴  
 وضع ۲۶۳  
 وظایف ۳۷۰  
 وعلیه ۶۸  
 وفيات الاعیان ۲۵۴-۳۸۲، ۲۵۵  
 وقایف الروایه فی مسایل الهدایه ۴۰۲، ۴۰۷  
 وقایع شاه معین الدین چشتی ۱۵۴



هفت اورنگ صدر ویش اشرف ۳۱۰	وقایه ۶۳۲
هفت باب ابواسحق ۸۱۶	وقتیوالا بعداء ۶۸۵
هفت باب سیدنا ۳۹۱، ۷۲۹	وقیحه فی منکر التریبه ۱۷۳
هفت بند حسن کاشی ۶۳۳، ۲۱۲	ولایت نامه ۷۵۷
هفت پیکر ترجمه هفت منظر هاتفی ۳۹۰	ولایه ۳۱۱
هفت پیکر نظامی ۱۰۵، ۱۷۱، ۳۱۵، ۳۶۴	ولد نامه ۱۹۷
هفت حصار ۵۸	ولی نامه ۳۲۰
هفت دفتر ۸۰۷	ویس و رامین ۱۴، ۵۱، ۵۱۰، ۱۰۵، ۳۹۰
هفت کشور ۳۶۴	
هفت گنبد ۱۰۵، ۲۹۱، ۸۰۷	هادی ۱۴۶
هفت منظر ۳۱۵، ۳۹۰	هادی الاسرار ۲۳۷
هفت وادی ۱۱۶	هادی فی المروغ ۱۲۵
هما و همایون ۲۰۰	هادیه ۱۵۰
همایون نامه شهاب متشی ۲۶۰	هاء ۱۸۸
همایون نامه یا احوال همایون پادشاه ۳۶۳، ۴۷۶	هایم ۱۱۶
همایون نامه یا قانون همایون ۲۴۱	هدایت ۱۸۹، ۸۱۰
همدانیه ۴	هدایه الاخوان ۲۸۲
هوان الالوان ۱۲۸	هدایه الحکمه ۱۷۳، ۳۵۶
هندسه ۱۱۲	هدایه الخیر ۴۰۰
هیا کل النور ۱۱۰	هدایه العلم بن ۱۱۶
هیا کل فارسیه ۱۱۰	هدایه المعلمین ۲۹، ۷۱۶
هیلاج نامه ۱۱۴	هدایه المرید فی شرایط العبید ۶۸
هیئت خواجه نصیر ۱۳۹	هدایه المعرفه ۲۴۴
هیئت منصور دشتکی ۳۷۶	هدایه ربی ۲۰۲
هیئت نظام الدین بیرجندی ۳۸۴	هدایت نامه ۲۰۹
	هدایه ۶۳۳
	هدایه اذین ۲۶۸، ۸۲۶
یا تکار زریران ۱۳	هدایه میندی ۶۶۳، ۷۰۶
یادگار ۷۲۷	هزار اسانه ۱۴
یادگار زریران ۱۳	هزار هزار ۱۹۸، ۲۱۵، ۲۵۶
یاسا ۲۳۳	هزایاب سعدی ۳
یا قوت التاویل فی تفسیر التزویل ۶۸	هشت بهشت ادیس بدایس ۲۵۴
یزدان شناخت ۱۱۱، ۷۲۲	هشت بهشت خسرو دهاوی ۱۷۱، ۲
یعقوب و یوسف ۲۸۰	هشت در هشت رعایت اورانیه ای ۵۷۸
یمینی ۷۵۵	هشت در هشت سمعت بخارا ۵۷۸
ینابیع ۷۶۸	هفت اختر ۳۸۵
ینبوع الاسرار فی نصاب الاررار ۲۴۳	هفت اهلیم ۳۸۲
ینبوع الحیان ۱۴۵	هفت اورنگ جامی ۲۸۷

یواقیت‌الحکم ۱۳۱

یوحنا (رساله) ۱۳۷

یوسف وزلیخای ابوالمؤید بلخی ۷۱۵، ۲۰

یوسف وزلیخای امانی ۷۱۷، ۵۳، ۴۱، ۲۳

یوسف وزلیخای بختیاری اهوازی ۲۳،

۷۱۵

یوسف وزلیخای جامی ۲۸۲

یوسف وزلیخای جمالی اردستانی ۲۴۴

یوسف وزلیخای شمس ۷۱۷-۷۱۸

یوسف وزلیخای عمیق بخارایی ۹۷

یوسف وزلیخای کمال پاشا زاده ۸۱۱

یوسف وزلیخای محمود بیگ سال ۵۰۵

یوسف وزلیخای مسعود قمی ۳۱۶

یوسف وزلیخای معین الدین آوی جوینی

۱۸۳

یوسف وزلیخای معین الدین فراهی ۲۴۲

یوسف وزلیخای مقیمی ۸۳۹

یوسف وزلیخای منسوب بفردوسی ۴۱،

۷۱۸، ۷۱۶-۷۱۵، ۵۴

یوسف وزلیخای موجی بدخشی ۵۵۲